

اعلام اصفهان

تألیف: سید مصلح الدین مهدوی

تصحیح، تحقیق و اضافات: غلامرضا نصراللهی

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلام اصفهان

نویسنده:

مصلح الدین مهدوی

ناشر چاپی:

سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اعلام اصفهان

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۲۹۴-۱۳۷۴.

عنوان و نام پدیدآور : اعلام اصفهان / مصلح الدین مهدوی ؛ تصحیح ، تحقیق و اضافات غلام رضا نصراللهی؛ [برای] سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل ، ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام.

مشخصات نشر : اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریال : ج .۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۸-۴۸-۰ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۴۷-۴۷-۸ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲۰-۲۷-۹ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۱۳۰-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۳ (چاپ اول : ۱۳۸۹) (فیپا).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ - الف.- ج. ۲. ب - ذ.- ج .۳. ر - ظ.- ج.۴.ع

موضوع : مشاهیر -- ایران -- اصفهان-- سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان --سرگذشتنامه

شناسه افزوده : نصرالهی، غلامرضا

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

شناسه افزوده : ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام

رده بندی کنگره : DSR۲۰۰۱ /ص۷۲۵ م۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۲۹۶۴

ص: ۱

جلد ۱ - «آ - الف»

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلام اصفهان

جلد اوّل

دانشمند محقّق، زنده یاد

سیّدمصلح الدّین مهدوی

(۱۲۹۴ ۱۳۷۴ش)

تصحیح، تحقیق و اضافات

غلام رضا نصراللّهی

ص: ۴

اعلام اصفهان «جلد اوّل» (آ الف)

مؤلف: سیّدمصلح الدّین مهدوی

تصحیح، تحقیق و اضافات: غلام رضا نصراللّهی

پیش گفتار: دکتر محمدعلی چلونگر

ویراستار: محمّدرضا زادهوش

ناشر: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

مدیر تولید: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

چاپ نخست: اصفهان، ۱۳۸۶

قطع: وزیری/ ۶۵۵ صفحه / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پویا/ چاپ: اصفهان / صحافی: بابک

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۰-۴۸-۲۵۸۸-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش: ۹-۶۲۸۸۳۸۷ ۰۳۱۱

تصویر مؤلّف، علاّمه سیّدمصلح الدّین مهدوی

پیش گفتار

اصفهان از دیرباز مهد علم و ادب و فرهنگ و هنر بوده و به همت دانشمندان و عالمانش توانسته است نام خود را در میان شهرهای فرهنگی جهان مطرح کند. این شهر نقش محوری و جایگاه تعیین کننده ای در فرایند گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشته و خدمات ارزنده ای به جهان اسلام تقدیم کرده است؛ از این رو، در سال ۲۰۰۶ میلادی به افتخار عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام دست یافت.

اصفهان به گواهی آثار شگرف باستانی، کتاب های ارزشمند علمی و آثار هنری گوناگون، که زینت بخش موزه ها و کتابخانه های بزرگ و معروف دنیا است، و با عرضه نوابغ علمی، ادبا و شعرا و هنرمندان طراز اول جهانی جایگاه ویژه و ممتازی را به خود اختصاص داده است. در زمینه فقه، اصول، فلسفه، منطق، ریاضیات، نجوم و دیگر شاخه های علوم دانشمندانی از این شهر برخاستند که نام آنان قرین نام افراد صاحب نام این علوم گردیده است. در شاخه های گوناگون هنر هم چون معماری، نقاشی، خوشنویسی، موسیقی و پارچه دوزی نیز افرادی در این شهر ظهور کردند که نام آنان تداعی کننده این هنرها است.

شخصیت های برجسته و نامدار حوزه فرهنگی اصفهان بسیارند. از علمای بلند مرتبه قرآن و از قراء هفتگانه مشهور نافع بن عبدالرحمن اصفهانی (م۱۶۹ه ق) بود که در این شهر زاده شد. از مفسران نامور اصفهان نیز می توان به ابومسلم اصفهانی (قرن سوم هجری) نام برد که آثاری هم چون جامع التأویل و الحکم التنزیل، جامع الرسائل و الناسخ و المنسوخ داشته است و در کتب ترجمه مفسران، او را ستوده اند. در زمینه ادبیات هم می توان به افرادی مانند صاحب بن عباد، ابوالفرج اصفهانی و ده ها تن دیگر اشاره کرد که در گسترش شعر و ادب، به خصوص شعر و ادب عرب، نقش والایی داشته اند. گفتنی است زبان و ادبیات

عرب با ظهور ادبا وشعرای عربی دان در سده چهارم هجری در اقلیم اصفهان گسترش یافت و در سده های پنجم و ششم هجری به اوج خود رسید تا آن جا که به این شهر لقب «بغداد ثانی» داده شد.

شخصیت های نامی اصفهان به مردان منحصر نمی شوند. در مراجعه به کتب، نام زنان دانشمند و صاحب کمال نیز به چشم می خورد که حق آنان در تاریخ کم تر ادا شده است. در برخی از منابع تاریخی آمده است نخستین زن ایرانی که به دین مبین اسلام گروید، بانویی اصفهانی به نام ام الفارسیه بوده و حتی گفته شده که او نخستین مسلمان ایرانی بوده است؛ چرا که پیش از سلمان فارسی اسلام آورده است: «چون بر عزیمت به یثرب مصمم شدم وقصد پای بوسی خواجه کائنات پیامبر گرامی اسلام (ص) نمودم، در آن جا زنی اصفهانی دیدم که در وصول به یثرب و دولت دریافت سعادت اسلام بر من سبقت گرفته بود و او مرا به سوی آن حضرت راهنمایی کرد». (ریاحی، مقالات اصفهان شناسی، ۱۳۸۵، ص۴)

در دورانی که اصفهان پایتخت ایران بود، بسیاری از رجال علمی و سیاسی در این شهر حضور یافتند و بر شهرت آن بیش از پیش افزودند. مردان برجسته سیاسی، که اندوخته علم فرا راه آنان بود، ایران را با حکمت و سیاست اداره می کردند. از دو شخصیت برجسته آن دوران می توان از صاحب بن عباد در دوره آل بویه و شیخ بهائی در دوره صفویه نام برد. آنان در گسترش و غنی سازی اصفهان نقش بسزایی ایفا کردند. البته آوازه و خدمات ایشان به این شهر و حتی ایران منحصر نماند.

معرفی رجال نقش آفرین اصفهان در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام مطلبی است که در این گفتار کوتاه نمی گنجد و شرح حال هر یک از آنان نیازمند کتاب و حتی کتاب های خاص و جداگانه ای است. اثر حاضر نمونه ای از این دست و تلاشی است در راستای معرفی چهره های بارز تاریخ اصفهان که محقق فرزانه مروم مصلح الدین مهدوی آن را نگاشته است و چاپ و نشر آن خدمتی ارزنده به بزرگان عرصه فرهنگ و اندیشه تواند بود. مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل به پاس خدمات ارزنده این دانش پژوه گرامی، نخستین

جلد از مجلدات کتاب اعلام اصفهان را انتشار می دهد. این اثر به همت جناب آقای غلامرضا نصراللهی، که سالیانی از محضر مؤلف فقید کسب فیض نموده بود، تصحیح شده است.

مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل امید دارد با تصحیح مجلدات بعدی این مجموعه زمینه انتشار کامل آن، که برآیند یک عمر تلاش و تحقیق مؤلف است، فراهم شود. در پایان از همکاران عزیز که در انتشار این اثر یاری و همدلی داشتند به خصوص آقایان محمدحسین ریاحی، مسؤول پژوهشی، وعلیرضا مساح، مسؤول اجرایی مرکز، تشکر و تقدیر می گردد.

دکتر محمّدعلی چلونگر

مدیر مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

مقدّمه تحقیق

اشاره

شهری که اکنون در آن زندگی می کنیم، تاریخ، فرهنگ و تمدّنی با بیش از دو هزار سال پشت آن ایستاده است.

درخشش و شکوه اصفهان در تاریخ، بیشتر مدیون ورود اسلام به ایران، و درنتیجه این سرزمین است. مردمان این سرزمین، با پذیرفتن اسلام، دنیای پهناوری را رو در روی خویش دیدند که در آن میدان، می توانستند استعدادها و خلّاقیت خود را به عینیّت تبدیل کنند؛ پس آنان، با حفظ اصالت فرهنگ و هویّت خود، از آموزه های اسلامی نیز برای ساختن دنیایی بهتر یاری گرفتند.

اصفهان امروز، امّا اندکی از آن همه عظمت و شکوه از تاریخ و فرهنگ و تمدّن گذشته را تا امروز به یادگار نگاه داشته است.

اصفهان در این راهِ بس طولانی و دشوار و جان فرسا، بس سخت جانی ها کرده، و بس رنج ها بر تن خود خریده است. بس طوفان ها را ایستادگی کرده، و بس خیزاب ها را از سر گذرانده است. قحطی و سیل و گرسنگی، جنگ و قتل و غارت، ناامنی و هرج و مرج و نزول بلایای ارضی و سماوی، اصفهان را آبدیده کرده است؛ لذا هیچ قوم بیگانه و لشکر مهاجم، نتوانسته در این شهر دوام بیاورد، و فرهنگ و زبان و حاکمیّت خود را برای همیشه بر این شهر حاکم سازد.

پس شایسته است که اصفهان، پایتخت فرهنگی جهان اسلام باشد، و بایسته است که آثار تاریخی و هنری، هنرمندان، دانشمندان، بزرگان عرفان و مذهب و ادبیّات این شهر،

بیشتر به جهانیان شناسانده شوند، و انتشار کتاب اعلام اصفهان، گامی است برای معرّفی مشاهیر و بزرگان این شهر تاریخ ساز، فرهنگ آفرین و هنرپرور.

درست است که گاه گاه تعصّبات تندِ مذهبی و نابردباری ها، کار را بر اقلّیت های قومی و مذهبی سخت می ساخت؛ امّا همین حضور دیرپا و بسیار طولانی مسیحیّت، یهود و زرتشتی در اصفهان تا امروز، و به دنبال آن، حضور چهارصد ساله ارامنه در اصفهان، تا حدودی نشان می دهد که مردم اصفهان، با مدارا و تسامح با آیین ها و اقلیّت ها رفتار می کرده اند، و در اغلب برهه های تاریخی این شهر، هم زیستی مسالمت آمیز با آنان داشته اند.

در چنین فضایی، آثار شکوهمند و شگفتِ معماری آفریده می شود. چهره های بزرگ تفکّر و اندیشه ظهور می کنند، و نظریّه های تازه ارائه می دهند. زیباترین جلوه های هنر از پنجه های اعجازگر هنرمند اصفهانی خلق می شود، و عارفان و معرفت جویان، اصفهان را جایی مناسب برای سیر و سلوک و خلوت گزینی و عبادت می یابند.

ابعاد گوناگون علوم مذهبی نیز به رشد و تعالی می رسد، و راه های تازه ای در مسیر تفسیر، تشریح و تدوین آموزه های مذهبی گشوده می شود.

اسلام، حدود سال های ۱۹ تا ۲۳ هجری وارد اصفهان شد، و به فاصله یکی دو قرن، اصفهان به یکی از مهم ترین شهرهای جهان اسلام تبدیل شد. هزاران محدّث، عالم، ادیب و دانشمند از این شهر برخاستند، و تمدّن اسلامی را بارور ساختند.

اصفهان در مرکز فلات ایران، به منزله چهارراهی برای تجارت و عبور کاروانیان و مسافران، و نقطه ثقل ارتباطات فرهنگی و چهارراه داد و ستد تمدّن اسلامی بود. این موقعیّت ممتاز، باعث شد اصفهان خاستگاه مذاهب، سبک های هنری و ادبی و جریان های متنوّع فلسفه و عرفان باشد.

طبیعت زیبا و اعتدال هوا در اصفهان نیز جاذبه ای دیگر بود که می توانست جمعیت بسیار را جذب خود کند، و اندک اندک گسترش یابد، و در ردیف شهرهای بزرگ دنیای کهن قرار گیرد.

منابع اصفهان شناسی در قرن سوم تا نهم هجری

احتمالاً اوّلین تلاش ها برای نگارش تاریخ، و گردآوری اسامی بزرگان اصفهان، در قرن

سوم هجری صورت گرفته است. گویا کتاب از دست رفته و یافت نشده حمزه اصفهانی، مورّخ و ادیب نامی در قرن سوم هجری، اوّلین اثر در باب اصفهان شناسی باشد. پس از آن، تنی چند از خاندان ابن منده دست به کار تدوین تاریخ اصفهان شدند که متأسّفانه از آنان نیز اثری به جای نمانده است.

ناگفته نماند که گردآوری تاریخ اصفهان و سرگذشت رجال آن بیشتر بهانه ای بوده است برای گردآوری احادیثی که در این شهر نقل می شد تا به این ترتیب، هم احادیث با اسناد و سلسله راویانِ مشخّص گردآوری شوند، و هم افتخاری باشد بر پیش تازی شهرها در حفظ، گردآوری و نقل حدیث. اکنون تألیفاتی که از آغاز تا اوایل قرن چهاردهم هجری درباره اصفهان وجود دارد را معرّفی می کنیم:(۱)

۱. طبقات المحدّثین باصبهان و الواردین علیها، تألیف ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن جعفر بن حیّان اصفهانی معروف به حافظ ابوالشّیخ (م۳۶۹ق)، کتابی است مفصّل در باب احوال محدّثین و اسناد حدیثی آنان از قرن دوم تا چهارم هجری. این کتاب در سال ۱۴۰۷ق در چهار جلد در بیروت چاپ شده است.

۲. اصفهان و اخبارها، تألیف حمزه اصفهانی (م۳۶۰ق)، در برخی کتاب ها از آن نام برده، و مطالبی را نقل کرده اند؛ ولی متأسّفانه نسخه ای از آن باقی نمانده است.

۳. شعراء اصفهان، تألیف حمزه اصفهانی که از آن هم نسخه ای به جای نمانده است.

۴. قلائد الشّرف فی مفاخر اصفهان و اهلها، تألیف ابوالحسن علیّ بن حمزه بن عماره اصفهانی (م۳۲۲ق)، از این اثر نیز تا کنون نسخه ای شناخته نشده است. مافرّوخی در کتاب محاسن اصفهان از این کتاب، استفاده بسیار کرده است.

۵. تاریخ اصفهان، تألیف ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی (م۴۱۰ق)، این کتاب را نیز باید جزو کتاب های از دست رفته تلقّی کرد. سمعانی در کتاب الانساب خود مطالبی از آن نقل کرده است.

۱- در تهیّه این فهرست: از کتاب تاریخ تشیّع اصفهان، صص۴۰۹ ۴۲۲ و مقدّمه کتاب رجال اصفهان یا تذکره القبور استفاده شده است.

۶. ذکر اخبار اصـفهان، تألیف حافظ ابونعیم احمد بن عبداللّه اصفهانی (م۴۳۰ق)، معروف ترین کتـابی است که در قرون اوّلیه اسـلامی برای اصـفهان نوشـته شده است. در مقدّمه کتاب، تاریخ شهر اصفهان به اجمال آمده است، و به بسیاری از محلّه ها و ابنیه تاریخی آن اشاره شده است. در متن کتاب نیز شـرح حال حدود دو هزار نفر از محدّثین و دانشمندان اصفهانی، یا کسانی که از شـهرهای دیگر به اصـفهان آمـده انـد، ذکر شده، و اسـناد روایت حدیث آنان آمده است. در خلال مطالب این بخش از کتـاب، اسـامی بسـیاری از محلّه ها، روسـتاها و آثار تاریخی و مشاغل مردم اصـفهان در قرون دوم تا پنجم هجری به دست می آید. این کتاب، ابتدا در لیدن هلند در دو جلد به چاپ رسیده، و سپس در تهران چاپ افست شده است. شادروان دکتر نوراللّه کسایی نویسنده و استاد دانشگاه، این کتاب را به فارسی ترجمه کرده و به چاپ رسانده است.

۶. تاریخ اصفهان تألیف عمر بن سهلان ساوجی، از این کتاب، اطّلاعی در دست نیست.

۷. تاریـخ اصـفهان تألیف ابوالقاسم عبدالرّحمان بن محمّد بن اسـحاق معروف به ابن منده، حمداللّه مسـتوفی آن را دیده، و در نزهه القلوب، مطالبی از آن نقل کرده است.

۸. محاسن اصـفهان تألیف مفضّل بن سعد بن حسین مافروّخی اصفهانی (زنده تا سال ۴۵۸ق)، یکی از مهم ترین منابع تاریخ و فرهنگ اصفهان به شمار می آید، و خوش بختانه اکنون موجود است. مافروّخی در این کتاب، علاوه بر پرداختن به تاریخ شهر اصـفهان، به آثـار و ابنیه تـاریخی، آداب و رسوم و فرهنـگ مردم، جغرافیـای شـهر و ادبیّات و هنر مردمان آن می پردازد. هم چنین فهرستی از اسـامی محـدّثین، فقها، ادباء، شـعراء، فلاسـفه و ریاضـی دانان اصـفهان از قرن دوم تا پنجم هجری را ارائه می کند. محاسن اصفهان در سال ۱۳۱۲ق به همّت مرحوم آقای سیّدجلال الدّین تهرانی در تهران به چاپ رسیده است.

۹. ترجمه محاسن اصـفهان، تألیف حسین بن محمّد بن ابی الرّضا علوی آوی (متوفّی حدود سال ۷۳۰ق)، این ترجمه که تقریبا دو قرن پس از تـألیف کتـاب صورت گرفته، علاـوه بر دارا بودن اطّلاعـات متن اصـلی کتـاب، حـاوی افزوده هـایی از مترجم، درباره اصفهان در عصر مترجم نیز شده است. نثر روان و متعادل مترجم، بر جذّابیت کتاب

می افزاید، و از خلال مطالب کتاب، می توان اطّلاعات فراوانی درباره اصفهان در قرون پنجم تا هفتم هجری به دست آورد. استاد عبّاس اقبال آشتیانی این کتاب را در سال ۱۳۲۸ش با فهرست های مورد نیاز به چاپ رساند، و اکنون نیز به همّت مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل تجدید چاپ شده است.

۱۰. نزهه الاذهان فی تاریخ اصبهان، تألیف مجدالدّین ابوطاهر محمّد بن یعقوب فیروزآبادی (م۸۱۷ق) که متأسّفانه نسخه ای از این اثر به جای نمانده است.

این ها مهم ترین تألیفاتی است که تا قرن نهم هجری درباره اصفهان به نگارش درآمده است. مورّخان از کتاب های دیگری نیز درباره اصفهان نام برده اند که چون نسخه ای از آن ها در دسترس نیست، از ذکر آن ها صرف نظر شد.

در ضمنِ بسیاری از کتاب هایی که درباره سرگذشت محدّثین، شعراء، ادباء، قاریان، مفسّران و حکمای اسلام نگاشته اند، مطالب فراوانی درباره اصفهان به دست می آید، ازجمله الانساب سمعانی، معجم البلدان و معجم الادباء تألیف یاقوت حموی، نزهه القلوب و تاریخ گزیده تألیف حمداللّه مستوفی، خریده القصر تألیف عمّادالدین محمّد اصفهانی، لباب الالباب تألیف سدیدالدّین محمّد عوفی، تذکره الشعراء تألیف دولتشاه سمرقندی، و غیره.

منابع اصفهان شناسی از قرن ۱۳ هجری تا امروز

در اواسط دوره قاجار، پس از اعزام عدّه ای از محصّلین به اروپا، تأسیس مدرسه دارالفنون توسّط امیرکبیر و تأسیس چند روزنامه فارسی زبان در ایران، هند، مصر و لندن، و ورود افکار روشن فکرانه به ایران، و به ویژه واقعه بسیار مهمّ و تأثیرگذار انقلاب

مشروطیّت ایران، تحوّلات مهمّی در عرصه فرهنگ و ادب ایران به وجود آمد. در این سال ها به تاریخ و جغرافیای محلّی نیز توجّه شد، و تعدادی از دانشمندان و مورّخان، درباره مناطق و شهرهای مختلف ایران، آثاری را پدید آوردند.

از اوایل دوره پهلوی، به تدریج، تألیف کتاب های مختلف جهت معرّفی اصفهان و آثار

تـاریخی، ادبیّات، فرهنگ و رجال این شـهر، رونق فراوان یافت، و صـدها اثر قابل توجّه تـدوین و منتشـر شـد. در این مجال به معرفی مهمترین این آثار می پردازیم:

۱. نصف جهـان فی تعریف الاصـفهان، تـألیف محمّدمهـدی اربـاب اصـفهانی، در فصول مختلف کتـاب، جغرافیـا، محصولات کشاورزی، تاریخ، آثار تاریخی و مختصری از آداب و رسوم مردم اصـفهان معرّفی می شود. این کتاب، تاکنون چندین بار به چاپ رسیده است.

۲. جغرافیای اصـفهان، تألیف میرزا حسـین تحویلدار اصفهانی، کتابی منحصر به فرد و مفید در مردم شناسی و تاریخ و فرهنگ اصـفهان به شـمار می آیـد، و اطّلاعـات ارزنـده ای دربـاره آثـار تـاریخی، و اصـناف و مشاغل مردم و شـرح حال اجمالی و یا فهرست اسامی شـعراء، حکماء، فقهاء، هنرمندان، کارگزاران و ارباب قلم دستگاه حکومتی اصفهان به دست می دهد. از جمله بـدایع و نوادر کتاب، اشاره به ده ها شـغل و پیشه قـدیمی در اصـفهان است که بسـیاری از آن ها در یک صد ساله اخیر از بین رفته اند، و یا در حال انقراض اند. این کتاب، در تهران به چاپ رسیده است.

۳. تـذکره القبور، تألیف ملّاعبـدالکریم گزی، اثری ارزنـده است در باب معرّفی مقابر و گورسـتان های اصـفهان و شـرح حال دانشـمندان، شـعراء و حکمای مدفون در آن. این کتاب، یک بار در زمان حیات مؤلّف به چاپ رسیده، و پس از وفات ایشان، بارها تجدید چاپ شده است.

۴. تاریخ اصفهان، تألیف سیّدمحمّدعلی مبارکه ای متخلّص به «صفایی» (م۱۳۶۵ق)، این کتاب به چاپ نرسیده؛ ولی مطالبی از آن در سال نامه فرهنگ لنجان نقل شده است.

۵. تاریخ اصفهان، تألیف میرزا حسن خان جابری انصاری، در این کتاب، طیّ فصول

مختلف، به معرّفی جغرافیا، تاریخ و ابنیه تاریخی پرداخته شده است. کتاب، ابتدا در سه جلد انتشار یافت. سپس به اهتمام استاد جمشید مظاهری، دانشمند فرهیخته، تصحیح شد، و با اضافات و توضیحات سودمند فراوان، در یک جلد مفصّل به چاپ رسید.

مرحوم جابری انصاری تألیفات دیگری درباره اصـفهان داشـته، که به چاپ رسـیده است؛ ازجمله آگهی شـهان از کار جهان و تاریخ اصفهان و ری، این دو اثر اخیر، حاوی

سال شماری از وقایع تاریخی اصفهان هستند.

۶. اصفهان، تألیف حسین نور صادقی. این کتاب در سال ۱۳۱۶ش به چاپ رسیده، و شاید اوّلین کتابی باشد که به شیوه امروزی به تدوین و چاپ تاریخ اصفهان پرداخته است. در این کتاب، آثار تاریخی اصفهان و جاذبه های طبیعی آن معرّفی می شوند. به شرح حال مهم ترین شخصیّت های علمی و ادبی اصفهان اشاره می شود، و گزارشی از صنایع و جلوه های تمدّن جدید در اصفهان ارائه می گردد.

۷. آثار ملی اصفهان، تألیف ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی. کتابی است که می توان آن را به دو بخش تقسیم کرد: بخش اوّل شامل معرّفی محلّه ها، مساجد، مدارس، حمّام ها و سایر ابنیه تاریخی اصفهان که حاوی مطالب مفید و ارزنده ای است. در پاورقی این بخش، شرح حال بسیاری از بزرگان اصفهان آمده است. بخش دوم، معرّفی آثار تاریخی مهمّ اصفهان و ذکر الواح و کتیبه ها و مشخّصات معماری آن ها است. این بخش، اغلب از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان استخراج شده است. این کتاب به چاپ رسیده است.

۸. تاریخچه مختصر ابنیه تاریخی اصفهان، تألیف کریم نیک زاد امیر حسینی، کتابی کوچک و مختصر است درباره آثار تاریخی اصفهان.

۹. الاصفهان، تألیف میرسیّدعلی جناب، کتابی است مفصّل در چندین جلد. جلد نخست آن به معرّفی تاریخ و جغرافیای اصفهان می پردازد.

ضمیمه این کتاب، ترجمه قسمتی از سفرنامه شاردن درباره اصفهان است. جلد دوم، آداب و رسوم و زبان مردم اصفهان مورد بررسی قرار می گیرد، و در جلد سوم،

دانشمندان، شعراء، عرفا و بزرگان اصفهان معرّفی می شوند. جلد اوّل تاکنون بارها در قطع های گوناگون به چاپ رسیده است. جلد دوم و سوم نیز در سال جاری (۱۳۸۵ش) به چاپ خواهد رسید.

۱۰. تاریخ اصفهان، تألیف جلال الدّین همایی، کتابی است مفصّل در چندین جلد درباره اصفهان. استاد همایی با داشتن تبحّر در علوم مختلف، توانسته است اثری جامع و قابل توجّه درباره اصفهان پدید آورد. از این کتاب تاکنون سه جلد، شامل مجلّد هنر و هنرمندان، مجلّد تکایا و مقابر، و مجلّد ابنیه و عمارات به چاپ رسیده است، و مجلّدات

بعدی، شامل آداب و رسوم، شرح حال فقهاء، حکماء و شعراء و جغرافیای اصفهان هنوز به چاپ نرسیده است.

۱۱. رجال اصفهان یا تذکره القبور، استاد سیّدمصلح الدّین مهدوی، حواشی بسیاری را بر مطالب این کتاب افزوده، و از مطالب تکمیلی سایر دانشمندان، همچون آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی، میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی، استاد جلال الدّین همایی، سیّدعبدالحجّت بلاغی و حاج ملّاحسینعلی صدّیقین بهره گرفته است. کتاب حاضر در سال ۱۳۲۸ شمسی به چاپ رسیده است.(۱)

۱۲. جغرافیای تاریخی اصفهان و جلفا، تألیف علی جواهر کلام که در سال ۱۳۴۸ش به چاپ رسیده است.

۱۳. راهنمای اصفهان، تألیف حاج حسین عمادزاده که هنوز به چاپ نرسیده است.

۱۴. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تألیف دکتر لطف اللّه هنرفر، کتابی مفصّل درباره اصفهان است. در این کتاب، در یک سیر تاریخی، از قبل از اسلام تا امروز، در ضمن مرور تاریخ اصفهان، به معرّفی ابنیه تاریخی هر دوره با شناسایی دقیق بنا و خصوصیّات معماری آن، نقل کامل کتیبه ها و مشخّصات تزیینات بنا همچون گچ بُری، کاشی کاری و آجرکاری می پردازد.

این کتاب در سال ۱۳۴۴ و بار دیگر در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسیده، و به عنوان کتاب نمونه سال انتخاب شده است.

۱۵. اصفهان شهر تاریخ، تألیف دکتر لطف اللّه هنرفر، کتابی مفصّل در حدود ده جلد درباره جغرافیای طبیعی، انسانی، تاریخ مفصّل اصفهان، معرّفی محلّه ها و ساختمان های تاریخی، آثار هنری و زندگی مشاهیر اصفهان است که در نوع خود، می تواند دائره المعارفی کامل درباره اصفهان به شمار آید. این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است.

۱۶. کتاب شناسی اصفهان، تألیف استاد مرتضی تیموری، کتابی مفصّل در معرّفی منابع

۱- درباره سایر تألیفات استاد مهدوی که منابع ارزنده ای برای اصفهان شناسی به شمار می آیند، در زندگی نامه ایشان سخن خواهیم گفت.

تحقیق دربـاره اصـفهان است. نویسـنده، کتـاب هـای مربوط به اصـفهان، مقالاـت، پایان نامه ها، رساله های تحقیقی فارسـی و کتـاب هـا و مقالاـت انگلیسـی را که مطـالبی دربـاره اصـفهان دارنـد را با ذکر مشـّخصات معرفی می کنـد. این کتاب به چاپ نرسیده است.

۱۷. خوشنویسـی در کتیبه هـای اصـفهان، شـرح حال و معرّفی آثار خوشـنویسانی است که کتیبه های آثار تاریخی اصـفهان را نوشته اند. این کتاب در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است.

۱۸. تاریخ فرهنگ اصـفهان، تألیف مجتبی ایمانیّه. جزو اوّلین آثاری است که آموزش و پرورش به شـیوه جدید در اصـفهان را بررسی می کند. معرّفی مدارس قدیم حوزه علمیّه اصفهان و آموزشگاه های جدید، شیوه تعلیماتی و زندگی نامه بنیان گذاران و چهره های تأثیرگذار آموزش و پرورش اصفهان از موضوعات کتاب است.

۱۹. فرهنگ جامع دیه ها و آبادی های اسـتان اصفهان، تألیف استاد محمّد مهریار، این کتاب در نوع خود منحصر به فرد است. نویسـنده می کوشد ریشه های اسامی اماکن اسـتان اصـفهان (شـهرها روسـتاها محلّه ها) را در زبان های باستانی پیش از اسلام جست وجو کند. بسـیاری از اماکن ایران، و ازجمله اصـفهان از زبان های پیش از اسلام به جای مانده اند، و نویسنده، به معنا و مفهوم این اسامی می پردازد. این کتاب در سال۱۳۸۲ش به چاپ رسیده است.

۲۰. جغرافیای اصفهان، تألیف دکتر سیروس شفقی، کتابی است مفصّل و تحقیقی درباره

جغرافیـای طبیعی، تـاریخی و انسـانی اصـفهان. این کتـاب تـاکنون دو بـار به چاپ رسـیده است. چاپ اخیر کتاب با اضافات و تغییرات فراوان منتشر شده است.

۲۱. تذکره شعرای استان اصفهان، تألیف مصطفی هادوی متخلّص به «شهیر»، کتابی مفصّل در شرح حال شعرای استان اصفهان و معرّفی انجمن های ادبی این شـهر است. این کتاب را باید مفصّل ترین تذکره شـعرای معاصر اصـفهان شـمرد. حجم زندگی نامه های معاصـرین، بسـیار بیشتر از شـعرای متقدّم است. این کتاب، دوبار به چاپ رسیده است، در ویرایش جدید که در سال ۱۳۸۴ش منتشر شده، شرح

حال تعداد زیادی از معاصرین به کتاب افزوده شده است. صدها عکس از شخصیّت ها و انجمن های ادبی در انتهای کتاب آمده است.

۲۲. تاریخ جلفای اصفهان، تألیف هارتون در هوهانیان، ترجمه و تحریر لئون میناسیان و محمّدعلی فریدنی، کتابی ارزنده و منحصر به فرد در سرگذشت ارامنه، به خصوص ارمنیان جلفای اصفهان از عصر صفویّه تا قاجاریّه است. در خلال این کتاب، مطالب جدید و بدیع فراوانی از تاریخ اصفهان به دست می آید. کتاب، منبع اصلی مطالعه زندگی، آداب و رسوم و تاریخ ارامنه جلفای اصفهان است. این کتاب، در سال ۱۳۷۹ش به چاپ رسیده است.

۲۳. تاریخ تشیّع اصفهان، تألیف فاضل و محقّق ارجمند، عالم عالی قدر، شیخ مهدی فقیه ایمانی که درباره روند شیعه شدن مردم اصفهان، و معرّفی اصفهانیان دانشمند شیعه از قرن اوّل هجری تا آغاز دوره صفویّه است. این کتاب در سال ۱۳۷۴ش چاپ شده است. تحقیق عمیق تر و تکمیلی این بحث را آقای رسول جعفریان انجام داده است.

غیر از آنچه آورده شد، کتاب های بسیاری درباره ی اصفهان و شهرستان های استان در هشتاد ساله ی اخیر تألیف شده که پرداختن به آن ها نیاز به چاپ کتابی مستقل با عنوان کتاب شناسی اصفهان دارد.

جایگاه استاد مهدوی در اصفهان شناسی

شاید بتوان استاد مهدوی را نسل سوم اصفهان پژوهان دو قرن اخیر به شمار آورد:

نسل اوّل: محمّدمهدی ارباب، میرزا حسین تحویلدار اصفهانی.

نسل دوم: میرزا حسن جابری انصاری، میرسیّدعلی جناب و... .

نسل سوم: استاد همایی، استاد مهدوی، دکتر هنرفر و... .

اگرچه استاد مهدوی در موضوعات مختلفی تحقیق کرده؛ امّا عمده توجّه و همّت ایشان؛ زندگی نامه نویسی بوده است. او از کودکی؛ عشق و اشتیاق فوق العاده ای به کتاب های حاوی شرح حال بزرگان داشته است، و در مقدّمه کتاب دانشمندان و بزرگان

اصفهان می نویسد:

«کتاب های نام برده [قصص العلماء و...] را هرچه بیشتر می خواندم به قرائت آن حریص تر می شدم. خود را چون بیمار مستسقی می یافتم که به آب رسیده باشد، هرقدر بیشتر می نوشیدم، تشنه تر می شدم... سال ها از آن تاریخ می گذرد. هنوز هم مانند روزهای اوّلیه، آن قدر که از مطالعه کتب تراجم رجال و تاریخ بزرگان لذّت می برم، و به خواندن آن ها مایلم، به مطالعه دیگر کتب، شوقی ندارم».

خوش بختی و بخت یاری استاد مهدوی آن جا بود که او در عصری می زیست که

دانشمندان و محقّقان ژرف نگری بودند که می توانست از علم آنان برخوردار شود، و از همکاری آنان بهره گیرد. مرحوم معلّم حبیب آبادی، مرحوم جابری انصاری، استاد همایی و دیگران با استاد مهدوی، مراوده علمی داشتند، و او را به ادامه کار خود تشویق می کردند.

استاد مهدوی در طیّ حدود شصت سال تحقیق و پژوهش درباره چهره های علم و ادب و هنر اصفهان، چندین هزار مدخل جدید را گشود، و شرح حال بسیاری از معاصرین را فراهم کرد، و از این رهگذر، ذخایری ارزشمند و غنی برای پژوهندگان پس از خود گرد آورد، و چه بسا اگر همّت بلند او نبود، از سرگذشت و آثار بسیاری از مفاخر این شهر اطّلاعی نداشتیم.

استفاده از منابع نامکتوب و نامدوّن، مانند خاطرات، شرح احوال اشخاص از زبان خود آنان (اتوبیوگرافی)، و ثبت و ضبط اطّلاعات کتیبه های آثار تاریخی و الواح قبور، باعث شد آثار ایشان از حدّ نقل قولِ صرف از کتاب ها خارج شود، و جنبه عینی به خود بگیرد.

حجم عظیم کتاب ها، فیش ها و یادداشت های ایشان نشان می دهد که او کاری را انجام داد که امروزه ده ها تن محقّق با یک دستگاه عریض و طویل اداری، و صرف میلیون ها و شاید میلیاردها تومان هزینه به پایان می رسانند. حال این که ایشان برای تألیفات خود، از هیچ جائی مأمور نشد، و حقوق دریافت نکرد، و شاید مانند سایر نویسندگان، تنها مختصری حقّ التّألیف از بابت چاپ آثار خود دریافت داشت. به این معنی که تمامی هزینه های سنگین تحقیق و پژوهش را از جیب خویش می پرداخت، و منتظر نبود تا

بودجه ای تصویب شود، مؤسّسه ای پدید آید، و هزینه تحقیق او را بپردازد.

این قناعت و نداشتن چشم داشتِ مادّی، و سخاوت در صرف هزینه از بودجه شخصی در راه پژوهش و تحقیق باعث شد تا ایشان بتواند فارغ از موانع و مشکلات سیستم اداری و دل بستن به این مقام و آن مؤسّسه، با شور و اشتیاق، کار خود را دنبال کند، و تا آخرین روزهای زندگی، در بستر بیماری همچنان بنویسد و تحقیق کند، و مانند استاد مهدوی کم نبوده اند که با این همّت، قناعت و سخاوت، گذشتن از رفاه خود و خانواده و صرف کردن هزینه برای علم، آثاری ارزشمند پدید آوردند، حال آن که مؤسّسات فرهنگی و تحقیقاتی

که قاعدتا باید بودجه خود را صرف تحقیق و چاپ آثار ارجمند فرهنگی می کردند، به راهی دیگر رفتند، و بودجه آنان در بوروکراسی اداری به هرز رفت، و یا در بده بستان ها و زد و بندهای سیاسی، حمایت از محقّقان فراموش شد، و مؤسّسات و نهادهای پژوهشی فقط ویترینی برای به نمایش گذاشتن توجّه مقامات به مقوله پژوهش بود و بس.

باری، استاد مهدوی با فروتنی و گزیدن گوشه انزوا بدون این که در محافل و جلسات عمومی بخواهد خودنمایی کند، به خود ببالد، و یا کنار گود تحقیق بایستد، و به کار محقّقان دیگر ایراد بگیرد، آستین همّت بالا زد، و به کار خویش پرداخت.

زندگی نامه نویسنده کتاب

خاندان مهدوی

خاندان مهدوی، از خاندان های علمی قدیم اصفهان هستند، و از دوره صفویّه تا امروز، علماء، ادباء و دانشمندان بسیاری از میان این خانواده برخاسته اند، و در این کتاب شرح حال و آثار آنان را مطالعه خواهید فرمود.

پدر و مادر

حاج سیّدشهاب الدّین محمّدتقی نحوی پدر عالی قدر استاد مهدوی از علمای معروف اصفهان در اواخر دوره قاجاریّه، و دانشمندی محقّق و اهل مطالعه بود. مادر استاد مهدوی، زنی مؤمنه و صالحه، و دختر عالم ربّانی و فقیه صمدانی، آخوند ملّاحسین کرمانی بود.

نام و شهرت

نام اصلی استاد مهدوی، محمّدحسین و لقب وی مصلح الدّین است؛ امّا ایشان به «مصلح الدّین» معروف بود، و نام کوچکش متروک مانده بود. نام خانوادگی ایشان و برادرانشان مهدوی بود؛ ولی پدر و عموهای او به نحوی معروف بودند.

تولّد و کودکی

تولّد ایشان در ۱۵ محرّم ۱۳۳۴ق در اصفهان روی داد. پدرش از کودکی نسبت به تربیت او اهتمام نمود؛ امّا هنوز مصلح الدّین ۶ ساله نشده بود که پدر از دنیا رفت، و مادر و

برادران بزرگ ترِ او، سرپرستی اش را برعهده گرفتند.

تحصیل در مدارس جدید

در هفت سالگی برای تحصیل به مدرسه «اقدسیّه» به مدیریّت شیخ محمّدحسین مشکات زفره ای و نظامت نورعلی باستی رفت. سپس به مدرسه گلبهار وارد شد. این مدرسه زیر نظر سیّدهاشم عدنانی اداره می شد. مقطع متوسّـطه را در دبیرستان سعدی به مـدیریّت محمّـدتقی خـان صـدری طی نمود. دبیران آن موقع دبیرسـتان، از چهره هـای فاضل و دانشـمند اصـفهان شـمرده می شدند؛ ازجمله سیّدعلی خان نوربخش آزاد و ملاّمحمّد همامی که کلاس درس آنان بسیار پربار بود.

تحصیلات حوزوی

استاد مهـدوی هنگـام تحصـیل در دبیرسـتان، به تحصـیل علوم حوزوی پرداخت، و تا سال های بعـد، آن را ادامه داد. اسـتادان ایشان در این زمان عبارت بودند از:

۱. ملاّمحمّـد همامی ۲. حـاج میرزا محمّـدباقر امامی ۳. آقـا کمال الـدّین خوانساری ۴. شـیخ عبدالوهاب زاهدی ۵. سیّدحسن مدرّس هاشمی ۶. میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی ۷. آقا شیخ حسن داورپناه (قاضی عسکر) ۸. آقا سیّدصدرالدّین کوپایی.

تحصیلات دانشگاهی

وی در سال ۱۳۱۵ش به تهران رفت، و در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت. استادان او در این دوره، محمّدحسین فاضل تونی، سیّد محمّـدکاظم عصّار، دکتر رضا زاده شـفق و دیگران بودنـد. او در سال ۱۳۱۷ به خدمت سربازی اعزام شد.

سفر به عتبات

او در سال ۱۳۲۳ش به عتبات عالیات سفر، و با عدّه ای از علمای آن دیار دیدار کرد. او

در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی نزد همشهری خود شیخ ابوالفضل معزّی رفت، و آن دو، خدمت شیخ آقابزرگ تهرانی رسیدند، و از ایشان اجازه روایت دریافت کردند.

تدریس

وی چندین سال در تهران به تحقیق و مطالعه پرداخت. در سال ۱۳۳۱ به استخدام آموزش و پرورش درآمد، و مدّتی در دبیرستان پهلوی سابق به تدریس پرداخت. سپس به اصفهان منتقل شد، و در دبیرستان های ادب، گلبهار و سعدی به تدریسِ تاریخ، جغرافیا منطق و تعلیمات دینی پرداخت.

او برای تدریس در دبیرستان ها در زمان حکومت پهلوی، و دریافت حقوق از دولت از آیت اللّه العظمی بروجردی قدّس سرّه کسب اجازه کرد.

استاد مهدوی مقیّد بود همیشه با وضو به کلاس درس برود؛ چون علم و کلاس و تدریس را مقدّس می دانست؛ هم چنین در تدریس خود، همواره دانش آموزان را نصیحت و ارشاد می کرد، و معارف دینی را به آنان می آموخت. او الگویی شایسته در گفتار و رفتار برای دانش آموزان و همکاران بود.

در عرصه پژوهش

مرحوم مهدوی از همان کودکی به مطالعه و تحقیق، اشتیاق فراوان داشت. هنگامی که ده سال بیشتر نداشت، در کتابخانه پدر به مطالعه می پرداخت، و گاه به مناسبت، در کلاس درس، آن ها را برای معلّمان خود در مدرسه گلبهار بیان می کرد، و باعث شگفتی و خوشحالی آنان می شد. آنان نیز که معلّمانی فاضل و اهل مطالعه بودند، این دانش آموز علاقه مند و با استعداد را تشویق می کردند.

اوّلین فعّالیتِ تحقیقی ایشان، تکمیل کتاب تذکره القبور بود. او پس از آن که یادداشت های فراوان برای کتاب آماده کرد، کتاب را به رجال اصفهان یا تذکره القبور موسوم ساخت، و آن را در سال ۱۳۲۸ به چاپ رساند. پس از آن، درباره شعرای اصفهان به گردآوری مطلب و شرح حال پرداخت، و در سال ۱۳۳۵ کتاب تذکره شعرای معاصر

اصفهان را منتشر کرد.

پس از آن، چون خود و اجدادش از محلّه خواجو بودند، کتابی مختصر در تاریخ محلّه خواجو نوشت؛ هم چنین پس از وفات آیت اللّه العظمی بروجردی کتابی در شرح حال ایشان منتشر ساخت.

در کنار این فعّالیت ها به گردآوری احادیث و شرح حال چهارده معصوم علیهم السلام علاقه زیاد داشت؛ لذا کتابی با عنوان عطیّه الجواد و کتاب تاریخ سامرّا و زندگانی عسکریین علیهماالسلام را به چاپ رسانید.

هم چنین جهت تدوین کتاب درسی تعلیمات دینی برای دبیرستان ها با تعدادی از دبیران دبیرستان های اصفهان همکاری داشت.

زنده یاد مهدوی، اغلب اوقات فراغت خود را صرف یادداشت برداری از کتاب ها، جست وجو در آثار و ابنیه تاریخی و مقابر اصفهان، خصوصا تخت فولاد می نمود، و هر روز که می گذشت، بر دامنه تحقیقات و بررسی های خود می افزود.

او پژوهشگری امانت دار بود. همیشه در نوشتن منبع مطالب خود اصرار داشت، و سعی می کرد مطلبی را بدون مأخذ نقل نکند، او علاوه بر کتاب ها، از افراد مطّلع نیز در تهیّه مطالب مورد نظر خود استفاده می کرد، و از نسخه های خطّی، کتیبه های ابنیه تاریخی و اسناد بهره می برد. او مطالب نقل شده از کتاب ها را مورد بررسی و نقد قرار می داد، و تلاش می کرد اشتباهات آن ها را رفع کند، و مطالب را مستند و دقیق به چاپ برساند.

او همواره چهره ای متبسّم داشت، و با گشاده رویی با دیگران برخورد می کرد، و معلومات و اطّلاعات خود را که حاصل سال ها زحمت و مرارت بود، بدون هیچ گونه چشم داشتی در اختیار محقّقان قرار می داد، و از راهنمایی و کمک به علاقه مندان فرهنگ و تاریخ دریغ نمی کرد، و در این کار حوصله ای عجیب داشت.

مصاحبان و دوستان

زنده یاد مهدوی با اغلب محقّقان، ادباء و فرهیختگان اصفهان، دوستی، رفاقت و مصاحبت داشت؛ ازجمله مرحومین میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی، استاد همایی،

استاد بدرالدّین کتابی، استاد جعفر نوا، عبّاس بهشتیان و... .

و هم چنین فضلاء و استادان بزرگواری که در قید حیات هستند؛ علّامه محقّق آیت اللّه حاج سیّدمحمّدعلی روضاتی، دکتر لطف اللّه هنرفر، دکتر سیّدمحمّدباقر کتابی، دکتر ابوالقاسم سرّی و... .

استاد مهدوی در آثار خود، حقّ رفاقت را درباره آنان به جا آورده، و به نیکی از آنان یاد کرده است.

مراسم تقدیر از استاد

خوش بختانه در زمانی که استاد مهدوی در قید حیات بودند؛ یعنی در آذرماه ۱۳۷۳ش مراسم تجلیل و تقدیر از مقام شامخ ایشان برگزار شد.

این مراسم در سالن اداره برق اصفهان برگزار شد، و میهمانان و سخنرانان مراسم، آقایان دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، دکتر مهدی محقّق، دکتر محمّدباقر کتابی، دکتر قادریان، استاد منوچهر قدسی و استاد تیموری درباره خدمات و فعّالیت های استاد در عرصه تعلیم و تربیت و پژوهش و نگارش سخن گفتند، و استاد اکبر جمشیدی و آقای خسرو احتشامی در وصف ایشان اشعاری را که سروده بودند، قرائت کردند. سپس هدایایی از طرف صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شهرداری اصفهان و شرکت برق منطقه ای اصفهان به ایشان اهداء شد.

کتابخانه استاد مهدوی

استاد مهدوی کتابخانه ای شخصی با چندین هزار جلد کتاب چاپی و خطّی داشت که اغلب نسخه های خطّی آن از پدر بزرگوارش به او ارث رسیده بود. کتاب های چاپی کتابخانه نیز از کتب رجال، حدیث، ادبیّات و تاریخ بود، و اغلب کتاب های نایاب و کم یاب در آن یافت می شد.

بنا به وصیّت ایشان، پس از وفات، بخشی از نسخه های خطّی به کتابخانه ابن مسکویه اصفهان اهدا شد، و بخشی از کتاب ها به قم انتقال یافت که اینک زینت بخش کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به مدیریّت نسخه شناس ارجمند جناب حجّت الاسلام و المسلمین

آقای سیّداحمد حسینی اشکوری مدّظلّه است.

برخی از نسخه های خطّی کتابخانه استاد مهدوی در فهرست نسخه های خطّی مرکز احیاء میراث اسلامی معرّفی شده است.

مشایخ اجازات

شادروان مهـدوی از تعدادی از علمای عالی قدر و آیات عظام، موفّق به دریافت اجازه شد که اغلب آن ها اجازه روایتی است؛ از حضرات آیات عظام:

۱. حاج شیخ آقابزرگ تهرانی ۲. سیّدشهاب الدّین مرعشی نجفی ۳. حاج میرسیّدعلی علاّمه فانی ۴. حاج سیّدمصطفی صفایی خوانساری ۵. حاج شیـخ محمّدعلی اراکی ۶. آقا سیّد ضیاءالدّین علاّمه ۷. شیـخ محمّدباقر کمره ای ۸. سیّدمحمد شیرازی ۹. حاج سیّداسماعیل هاشمی ۱۰. حاج سیّدمحمّدعلی موحّد ابطحی ۱۱. حاج سیّدمحمّدعلی روضاتی.

وفات

استاد سیّدمصلح الدّین مهدوی پس از عمری پربرکت، تألیف ده ها کتاب ارزنده، پرورشِ صدها شاگرد در آموزش و پرورش و خدمت به اسلام و مسلمین، سرانجام در روز یک شنبه ۴ تیر ماه ۱۳۷۴ش برابر با ۶ محرّم ۱۴۱۶ق پس از تحمّل یک بیماری طولانی، چشم از جهان فروبست، و به دیار باقی شـتافت. به دنبال انتشار خبر درگذشت اسـتاد، بسیاری از شاگردان، دوستان و علاقه مندان ایشان و استادان علم و ادب، این ضایعه را به خانواده ایشان تسلیت گفتند، و در مراسم تشییع، تدفین، ترحیم، هفته و چهلم و سالگرد ایشان حضور یافته، و ارادت و علاقه خود را به اسـتاد، ابراز نمودند. پیکر مطهّر اسـتاد در آرامگاه خانوادگی مهدوی واقع در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

در وصف استاد

چه در زمان حیات، و چه در هنگام درگذشت زنده یاد مهدوی، بسیاری از شعراء در مدح ایشان اشعاری سروده اند.

ازجمله دکتر ابوالقاسم سرّی پس از دیداری که با ایشان داشتند، مثنوی زیبایی در وصف ایشان سروده اند:

غمگین ز منافقیّ ایّام پیری است بزرگ مهدوی نام

آزاده نهاد مصلح الدّین فارغ ز سرشت زشت و از کین

سر خیل همه نسب شناسان از دیو نژادگان هراسان

پاکیزه نهاد نغز گفتار یک تن به شمار لیک بسیار

کاوشگرِ رفتگانِ این راه تن خسته ولیک جان آگاه

گوژ آمده از سپهر بد یوز در کار سخنوری شب و روز

این مرد چو چشم اصفهان است این شهر که نیمی از جهان است

از اهل خرد به او درود است تارش فضل است و علم پود است

محفوظ ز سرخط امانی بسیارش باد زندگانی

در گوشه خانه ای نشسته دل از همه جز خدا گسسته

لب بسته ز گفت وگوی اوهام دربسته به روی مردم خام

خم گشته قد نحیف و بازو بگشاده رخ و شکفته ابرو

پیچیده به خود عبای خود را بنموده عیان صفای خود را

بی هیچ ریا و هیچ گفتار پیوسته به راه علم در کار

کوشیده بسی شبان و روزان از آتش عشق و فضل سوزان

کاویده بسی کتاب ها را پیموده ره صواب ها را

در مجتمع ادب شناسان سرخیل همه نسب شناسان

خالیست سرایش از غریبان دل بسته به الفت حبیبان

پیریش به تن فکنده چنبر از تنش توان ربوده دیگر

یک چشم تمام گشته تاری پیوسته به یاد لطف باری

گر مهدویاش پدر لقب داد درس ادب و خط ادب داد

دور از سرطان خود نمایی در گوشه شهر آشنایی

شمشیر قلم به دست دارد جز دانه مردمی نکارد

۳۰ آبان ۱۳۷۲ خورشیدی

تألیفات و آثار

الف) کتاب های چاپ شده

۱. رجال اصفهان یا تذکره القبور.

۲. مختصری از تاریخچه محلّه خواجو و وقف نامه حمّام شریف.

۳. تذکره شعرای معاصر اصفهان.

۴. زندگی نامه آیت اللّه العظمی بروجردی.

۵. تاریخ سامرّا و زندگی عسکریین علیهماالسلام .

۶. تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان.

۷. تعلیمات دینی، دوره پنج جلدی، با همکاری سایر دبیران اصفهان.

۸. ارمغان اصفهان یا شرح حال و شاگردان

آیت اللّه میرسیّدعلی بهبهانی.

۹. عطیّه الجواد علیه السلام .

۱۰. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر یا بیان سبل الهدایه فی ذکر اعقاب صاحب الهدایه، سه جلد.

۱۱. بیان المفاخر، در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و مآثر حاج سیّدمحمّد باقر حجّت الاسلام شفتی، دو جلد.

۱۲. خاندان شیخ الاسلام اصفهان.

۱۳. یادنامه فقیه اهل بیت سیّد بحرالعلوم میردامادی.

۱۴. زندگی نامه علاّمه مجلسی، دو جلد.

۱۵. سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان (لسان الارض).

۱۶. ابطال الصّفا فی ذکر اسماء الشّهدا

(یاران باوفای امام حسین علیه السلام .

۱۷. تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون.

۱۸. مزارات اصفهان.

ب) آثار چاپ شده در ضمن کتاب های نویسندگان دیگر

۱. «شرح حال ابراهیم سرّی پوده ای»، در مقدّمه دیوان سرّی.

۲. «شرح حال حاج میرزا ابوالحسن آل رسول موسوی شمس آبادی (شهید اصفهانی) و خاندان او»، در مؤخّره کتاب تحفه الابرار.

۳. «شرح حال سه نفر از خاندان عالم زاهد جلیل حاج محمّدابراهیم کلباسی» در مقدّمه کتاب حقوق زن در اسلام و ارث.

۴. مقاله ای درباره «نقش اصفهان در جنبش تحریم تنباکو»، چاپ شده در کتاب سده تحریم تنباکو.

۵. «غایه الآمال و الامانی (شرح حال سیّدهاشم بحرانی)» در مقدّمه کتاب اللّوامع النّورانیّه.

۶. «اصفهان یا دارالعلم شرق (فهرست اجمالی مدارس دینی اصفهان)» در کتاب محیط ادب.

۷. «شرح حال آقاباقر خوراسکانی»، در کتاب خورشید جی.

ج) مقالات چاپ شده در مطبوعات

۱. «همدم مردم (یادی از علاّمه مجلسی)»، روزنامه رسالت.

۲. «شرح حال حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی»، مجلّه نور علم.

۳. «شرح حال آقا شیخ محمّدرضا نجفی

اصفهانی»، مجلّه نور علم.

۴. «شرح حال حاج آقا حسین عمادزاده، هفته نامه نوید اصفهان.

۵. «شرح حال حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی»، هفته نامه نوید اصفهان.

۶. «شرح حال سیّدکریم نیکزاد امیر حسینی»، هفته نامه نوید اصفهان.

۷. «شرح حال آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی، هفته نامه نوید اصفهان.

۸. «به یاد تخت فولاد»، هفته نامه نوید اصفهان.

۹. «مسجد سیّد اصفهان پایگاه مشروطیّت و انقلاب اسلامی»، هفته نامه نوید اصفهان.

د) مصاحبه ها

۱. مصاحبه با مجلّه رشد معلم.

۲. مصاحبه با فصل نامه تاریخ و فرهنگ معاصر.

۳. مصاحبه با گاه نامه آیین فرزانگی.

۴. مصاحبه با رادیو سراسری جمهوری اسلامی ایران، پخش شده در برنامه سیمای فرزانگان (هر جمعه ساعت ۵/۷ صبح).

ه .) آثار چاپ نشده

۱. تذکره شعرای اصفهان (متقدّمین).

۲. گوهر گران بها در مادّه تاریخ وفیات علما و شعرا.

۳. تحفه السّفر.

۴. شجره طیّبه یا سادات اصفهان.

۵. انیس الفارغین، جنگ اشعار و متفرّقات.

۶. کتاب شناسی قرآن مجید.

۷. امام زادگان اصفهان و توابع.

۸. اربعین در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام .

۹. فدک و سیر تاریخی آن.

۱۰. اربعین، در ذکر چهل حدیث درباره علماء.

۱۱. کلمات المعصومین علیهم السلام ، به ترتیب موضوعی.

۱۲. قرآن در احادیث، مجموعه احادیث با موضوع قرآن.

۱۳. صحیفه جوادیّه.

۱۴. الحائریّون، مدفونین در کربلا.

۱۵. به یاد کربلا.

۱۶. الحجّه البالغه، احادیث در فضائل علی و اهل بیت علیهم السلام از کتب اهل سنّت.

۱۷. شرح حال و کلمات قصار چهارده معصوم علیهم السلام ، چهارده جلد.

۱۸. تاریخ کاظمین.

۱۹. اعراب کلمات مشکله قرآن مجید.

۲۰. منطق و فلسفه.

۲۱. خاندان شفروه اصفهان

۲۲. خاندان خجندیان (آل خجند) و محدّثین شافعی اصفهان.

۲۳. خاندان ترکه اصفهان (آل ترکه).

۲۴. اشعری های قم و اصفهان.

۲۵. مستبصرین، در شرح حال کسانی که شیعه شده اند.

۲۶. گنجینه.

۲۷. بهشت و جهنّم.

۲۸. جغرافیای اصفهان، مأخوذ از کتاب ذکر اخبار اصفهان.

۲۹. خاندان میرداماد.

۳۰. شرح حال سادات بهشتی اصفهان.

۳۱. خوانین بختیاری.

۳۲. خاندان نصیری طوسی اصفهان.

۳۳. روزنامه های اصفهان.

۳۴. تاریخ تشیّع اصفهان و زندگانی حافظ ابونعیم محدّث اصفهانی.

۳۵. معاریف اصفهان.

۳۶. مردان نامی اصفهان که اکنون در اختیار شما است، و با نام اعلام اصفهان منتشر می شود، در چندین مجلّد.

۳۷. دارالعلم شرق، تاریخ مدارس دینی اصفهان.

۳۸. وفیات الاعوام، نام بزرگان علم و حکمت بر حسب سنواتِ وفات آن ها.

۳۹. مجموعه موضوعی آیات قرآن، هفتاد موضوع.

۴۰. شرح حال آقا سیّدابوالقاسم دهکردی.

۴۱. شرح حال میرسیّدعلی نجف آبادی.

۴۲. شرح حال حاجیه خانم امین (بانوی ایرانی).

۴۳. شرح حال ملّا محمّدحسین فشارکی.

۴۴. شرح حال سیّدابوالحسن مرتضوی کرونی.

۴۵. شرح حال سیّدمحمّد نجف آبادی.

۴۶. شرح حال میرسیّدحسن روضاتی.

۴۷. شرح حال جهانگیرخان قشقایی.

۴۸. شرح حال حاج میرزا یحیی مستوفی بیدآبادی.

۴۹. شرح حال میرزا علی آقا شیرازی.

۵۰. شرح حال آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای.

۵۱. شرح حال سیّداسماعیل صدر.

۵۲. شرح حال ملّامحسن فیض.

۵۳. شرح حال شیخ مفید.

۵۴. شرح حال ثقه الاسلام کلینی.

۵۵. ارشاد النّاس یا شرح حال شیخ عبّاس مصباح دستگردی.

۵۶. شرح حال خواجه نصیرالدّین طوسی.

۵۷. شرح حال دانشمندان قمیشه اصفهان، ناتمام.

۵۸. کتاب هایی که خوانده ام.

آشنایی نگارنده با مؤلّف این کتاب

سـال هـای آخر دبیرسـتان بودم، و به خاطر علاقه ای که به تاریـخ و ادبیّات داشـتم، یادداشت هایی فراهم کرده بودم. وقتی که کتاب هایی از مرحوم استاد مهـدوی مثل تـذکره القبور (رجال اصـفهان) و دانشـمندان و بزرگان اصـفهان را از کتابخانه ها به امانت گرفتم و خوانـدم، بسیار مشـتاق شـدم که ایشان را ببینم. خوش بختانه ایشان مقاله ای در اعتراض به بی توجّهی به تخت فولاد و تخریب و انهدام آن، در هفته نامه نوید اصفهان نوشته بودند. از مدیر هفته نامه، آقای دکتر فضل اللّه صلواتی آدرس و تلفن ایشـان را گرفتم، و موفّق به دیـدار اسـتاد مهـدوی شـدم. اگرچه من در آن زمـان یک محصّل دبیرسـتانی کم تجربه بیش نبودم؛ امّا ایشان با مهربانی و ملاطفت و تواضع، مرا به حضور پذیرفت، یادداشت ها و نوشـته هایم را با حوصـله مطالعه کرد، و به خطّ خود، برخی اشتباهات آن ها را اصلاح، و یا توضیحاتی به آن ها اضافه کرد.

این، آغاز یک رابطه دوستانه و علمی بود که حدود هفت سال؛ یعنی تا آخر عمر استاد به طول انجامید. هر هفته، پنج شنبه و یا جمعه و یـا هر دو هفته یـک بـار به زیـارت اسـتاد نائـل می شـدم، و از خرمن دانش و معلومات و تجربیّات ایشان بهره منـد می شدم. علاوه بر آن، مهیمان نوازی ایشان و خانواده محترم، همیشه موجب شرمندگی این حقیر می شد.

ایشان مهم ترین مشوّق این جانب در ادامه کارهای تحقیقی و مطالعاتی بود. تحقیقات تازه بنده را می دید، و درباره آن ها نظر می داد. کتـاب هـا و منـابع را معرّفی می کرد، و گـاه کتـاب هـایی را به امـانت می داد. افسوس که این روزهـا مثـل برق و باد گذشت، گویی لحظه ای بیش نبود.

سرانجـام، تقـدیر آن بـود که این عزیز، از میـان مـا کـوچ کنـد، و به جـوار رحمت بی منتهـای الهی مقیم شـود. این مفـارقت و جـدایی، برای این مریـد و شـاگرد شـیفته، سـخت دشوار بود؛ امّـا یاد و خاطره ایّام مصاحبت و راهنمایی ها و رهنمودهای او تا حدودی تحمّل این جدایی را بر من آسان می کرد.

آن چه بیشتر مرا نگران و ناراحت می کرد، این بود که ایشان نتوانست همه آثار خود را تـدوین و تنظیم کنـد، و چاپ و انتشار آن ها را به چشم خود ببیند.

اکنون اگرچه خود را لایق و شایسته گردآوری و تدوین آثار استاد، جهت چاپ نمی دانم؛ امّا خوشحالم که بالاخره زمینه ای فراهم شد تا بتوانم دِین خود را به ایشان ادا کنم. امیدوارم انتشار این اثر، باعث شادی روح ایشان و باقیات الصّالحات او در سرای باقی باشد.

درباره نام کتاب

مرحوم مهدوی نام مشخّصی بر روی این کتاب ننهاده بود، در برخی از اوقات، آن را مردان نامی اصفهان و گاهی رجال اصفهان می نامید.

بنا به پیشنهاد حقیر، و پذیرش وصیّ محترم مؤلّف، جناب آیت اللّه آقای حاج شیخ هادی نجفی، کتاب، اعلام اصفهان نامیده شد.

استفاده از کلمه «اعلام» به معنی شخصیّت های برجسته، بزرگان علم و ادب و مشاهیر فرهنگ و تاریخ، مسبوق به سابقه است، کتاب الاعلام تألیف زرکلی و طبقات اعلام الشّیعه تألیف شیخ آقابزرگ تهرانی نمونه هایی از کاربرد لغت «اعلام» است.

روش تدوین، تنظیم و تصحیح کتاب

با همکاری خانواده محترم مرحوم استاد مهدوی و وصیّ محترم ایشان عالم

جلیل القدر آیت اللّه حاج شیخ هادی نجفی یادداشت ها و آثار ایشان در اختیار نگارنده قرار گرفت.

اثری که اکنون پیش روی شما است، مجموعه ای است برگرفته از فیش های تحقیقی و شرح حال های مدوّن و نامدوّن که بالغ بر چندین هزار فیش می شود.

هم چنین مرحوم مهدوی در چندین دفتر به صورت الفبایی، شرح حال بزرگان اصفهان را گردآوری و تدوین کرده، و آن را رجال اصفهان نامیده بود؛ ولی تألیف آن به اتمام نرسیده، و برخی از صفحات، نانوشته و سفید باقی مانده است.

این دفترها به قطع وزیری و دوازده دفتر است:

۱. جلد اوّل (آ الف) تا شرح حال ابراهیم آذینوه.

۲. جلد دوم (باب ابو ابی) تا شرح حال اثرم.

۳. جلد سوم (باب الاحامد = احمدین) تا شرح حال احمد بختیاری.

۴. جلد چهارم (از اختر تا آخر حرف الف) تا شرح حال ایزدگشسب.

۵ و ۶. جلد پنجم (باب الباء، باب التّاء) تا شرح حال «تنها»، در دو دفتر، یک دفتر (باب الباء) و دفتر دوم (باب التّاء).

۷. جلد ششم (باب الثّاء باب الجیم) تا شرح حال حاج شیخ جمال الدّین خوانساری.

۸. جلد هفتم (باب الحاء) تا شرح حال حیرت.

۹. جلد هشتم (باب الخاء) تا شرح حال خال بختیاری.

۱۰. جلد هشتم (باب الرّاء) تا شرح حال رجالی.

۱۱. جلد هشتم (باب الصّاد باب الضّاد تا باب الطّاء) تا شرح حال طوطی.

۱۲. جلد هشتم (باب المیم) تا شرح حال حاج مطهّرعلی شاه.

و آخرین منبع تدوین کتاب، استفاده از تألیفات چاپ شده زنده یاد مهدوی بود.

امّا مراحل انجام کار:

ابتـدا فیش های اسامی «آ» و «الف» به ترتیب نام کوچک و نام پـدر مرتّب شد. پس از اتمام کار، نگارش و تدوین کتاب آغاز شد. شرح حال هایی که استاد مهدوی به طور مستقل نوشته بود، پاک نویس شد، و ضمن تطبیق با تألیفات چاپ شده ایشان، با منابع دیگر نیز تطبیق داده، و مطالب جدید در متن گنجانده شد.

بسیاری از شـرح حال ها نیز مـدوّن نبود؛ لـذا فیش های متعدّد راجع به یک شخصیّت، مثلاً تألیفات، زندگی نامه، شاگردان و غیره، در نگارش شرح حال مدوّن هر شخص، مورد استفاده قرار گرفت، و با سایر منابع، تطبیق داده شد.

در این مرحله، از دفاتر رجال اصفهان و نیز کتاب های چاپ شده استاد نیز استفاده شد، و شرح حال ها تکمیل گردید.

بنا به پیشنهاد وصیّ محترم مؤلّف، جناب آیت اللّه حاج شیخ هادی نجفی شرح حال معاصرین و

نیز شخصیت هایی که در کتاب های رجالی دیگر آمده است، و مرحوم مهدوی موفّق به نوشتن شرح حال آنان نشده اند نیز به کتاب افزوده شد.

افزوده های مصحّح کتاب، به دو صورت از متن اصلی کتاب متمایز شده است:

۱. در صورتی که کلّ شرح حال یا مدخل در آثار چاپ شده و یا چاپ نشده مرحوم مهدوی موجود نباشد، در کنار عنوان، با ستاره (*) مشخّص می شود.

۲. در صورتی که مطالبی برای تکمیل شرح حال به متن کتاب افزوده شود، با علامت کروشه [ ] از متن اصلی متمایز می گردد.

در نگارش و رسم الخط، سعی شده است حتّی الامکان شیوه نگارش و انشای مؤلّف، حفظ شود تا در آینده، پژوهشگران بتوانند در باب انشاء و نثر این کتاب، اظهار نظر کنند. به این خاطر، تا حدّی که به شیوایی جملات، آسیبی نرسد، از تغییر نثر مؤلّف به شیوه نثرامروزی خودداری شد تا اصالت اثر حفظ شود؛ چراکه هر نثر، به یک مقطع زمانی خاص تعلّق دارد.

در همین جا لازم است یادآوری شود که محقّق، تمام تلاش خود را برای تهیّه کتابی پاکیزه، خواندنی، بدون غلط و جامع به کار بسته است؛ امّا فرصت اندک تدوین و تحقیق، عدم دسترسی به برخی منابع و شرح حال ها، حجم عظیم فیش ها و عجله ای که برای آماده کردن کتاب وجود داشت، خواهی نخواهی، باعث پیدایش اشتباهات، نقایص و مشکلاتی در این اثر گردیده است. این جانب مسؤولیّت این اشتباهات و نقایص را بر عهده می گیردم، و بنابراین، ساحت مؤلّف محترم از این اشتباهات مبرّا است.

امید است که خوانندگان ارجمند و محقّقان باریک اندیش و نویسندگان نکته سنج، این اشتباهات و قصورها را بر این حقیر ببخشایند، و امیدواریم از نظرات و انتقادهای محقّقان در مجلّدات بعدی استفاده کنیم. هم چنین با عرض پوزش از محضر علماء، نویسندگان، هنرمندان، نویسندگان و بزرگانی که نام و شرح حال آنان از قلم افتاده است، امیدواریم که در آخرین مجلّد کتاب، تحت عنوان «استدراک»، جبران مافات کنیم، و شرح حال آنان را زینت افزای کتاب قرار دهیم.

در تنظیم کتاب، با توجّه به آثار و تألیفات مرحوم مهدوی، و روش تراجم نویسان و

دانشمندان رجال، باب خاندان ها کنیه ها و نساء، به طور جداگانه، و با رعایت ترتیب حروف الفبا در کتاب گنجانده شد.

سپاس و قدردانی

خدای را سپاس می گویم که کار جمع آوری، تدوین، تصحیح و تکمیل این اثر ارزنده را نصیب این حقیر گردانید. امید که چاپ این کتاب، موجب شادی روح مؤلّف باشد، و این کتاب به عنوان مرجعی جامع، موثّق و قابل اعتماد برای محقّقین و علاقه مندان مورد استفاده قرار گیرد. برای مؤلّف محترم، آمرزش و غفران و علوّ درجات را از پیشگاه خداوند متعال خواهانم.

در پایان، بر خود واجب می دانم از همه عزیزانی که این جانب را در تصحیح و تکمیل این کتاب یاری رساندند، و یا مورد تشویق و عنایت خود قرار داده اند، قدردانی و تشکّر کنم:

از دانشمند محترم آیت اللّه آقای حاج شیخ هادی نجفی مدّ ظلّه وصیّ محترم مؤلّف که رهنمودها و حمایت های ایشان موجب به ثمر رسیدن فعّالیت ها و چاپ و نشر این اثر گردید.

از خانواده های محترم مرحوم مهدوی، خصوصا همسر مکرّمه ایشان که سال ها در کنار آن فقید سعید، زمینه آرامش ایشان را برای تحقیق و تألیف فراهم ساختند، و نیز جناب آقای حاج حمیدرضا فروغی داماد محترم مرحوم مهدوی که فیش ها و یادداشت های نویسنده فقید را در اختیار این جانب قرار دادند.

هم چنین از خانواده محترم آن مرحوم، به واسطه این که هزینه تحقیق را برعهده گرفته اند.

از عالم فاضل محقّق، جناب حجّت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد سمامی حائری دامت برکاته و داماد ایشان، جناب حجّت الاسلام آقای سیّدمحمّدحسین روحانی حفظه اللّه تعالی که مدّتی وقت را صرف تحقیق حروف «آ» و «الف» این اثر کردند.

از دوست گرامی و محقّق پرتلاش آقای رحیم قاسمی حفظه اللّه تعالی که در فراهم آوردن این اثر، سهم عمده ای داشتند، و در تکمیل و تصحیح کتاب، و تهیّه شرح حال بسیاری از علمای معاصر اصفهان، و ارائه ده ها شرح حال جدید از علمای معاصر، و تأمین کتاب ها و منابع

مورد نیاز، به پیش برد کار، کمک کردنـد پس از تکمیل حروفچینی کتاب نیز مطالب تکمیلی ارزشـمندی به آن اضافه کردند که درون پرانتز جای داده شده است. و نیز طلبه فاضل، آقای سیّدجواد مهاجر که در فیش برداری مطالب به ما یاری رساندند.

از جناب آقای محمّدرضا زادهوش که در مراحل فنّی، و ویرایش کتاب تلاش فراوان داشتند.

و سرانجام از شهردار محترم اصفهان آقای دکتر سقّاییان نژاد و رییس مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل آقای دکتر چلونگر که چـاپ و نشـر این کتاب، مرهون فرهنگ دوستی و بـذل عنایت آنان است، و نشان از علاقه ایشان به تاریـخ و فرهنگ اصـفهان دارد.

و از کلّیه عوامـل چـاپ و نشـر در چـاپ خـانه و لیتوگرافی که تمـام سـعی خود را در چـاپ کتـابی آبرومنـد به کار برده انـد، صمیمانه تشکّر و قدردانی می کنم، و سلامتی و بهروزی آنان را از محضر حضرت باری تعالی خواهانم.

وآخر دعوانا أن الحمدللّه ربّ العالمین

غلام رضا نصراللّهی

اوّل شوّال المکرّم ۱۴۲۷ق

عید سعید فطر

۱۳۸۵ / ۸ / ۲

ص: ۴۰

اجازات مؤلّف

اجازه شیخ آقابزرگ طهرانی

به مؤلّف در پایان کتاب الاسناد المصطفی الی آل المصطفی از مجیز

اجازه آیت اللّه سیّدمصطفی صفایی خوانساری قدس سره به مؤلّف

اجازه آیت اللّه سیّدمصطفی صفایی خوانساری قدس سره به مؤلّف

اجازه آیت الله العظمی آقای سیّدعلی علّامه فانی قدس سره

ص: ۴۴

اجازه مرحوم سیّدضیاءالدین علّامه قدس سره

اجازه آیت اللّه العظمی شیخ محمّدعلی اراکی قدس سره

اجازه آیت اللّه شیخ محمّدباقر کمره ای قدس سره

اجازه آیت اللّه سیّدمحمّدعلی موحّد ابطحی قدس سره

اجازه آیت اللّه سیّدمحمّد شیرازی قدس سره

ص: ۴۹

فهرست عناوین

اشاره

اعلام اصفهان

آ الف

آدم مدینی

ابوبشر آدم بن بشر بن آدم بن سعید مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی منسوب به مدینه است که امروزه به آن جا «شهرستان» می گویند، او از محمّد بن بُکیر بن محمّد حضرتی روایت می نماید، و احمد بن محمّد بن نُصیر از او نقل حدیث می کند. (۱)

آدم بن سعید مدینی

از محدّثین قرن دوم هجری است. در اوائل زمان هارون الرّشید به مکّه مشرف گردیده است، و نقل می نماید که در حال طواف، بر وکیع بن جرّاح وارد شدم، و چهارصد مسأله از او پرسیدم، و جواب های آن ها را حفظ کردم. رسته و قاسم بن محمّد بن موسی فقیه معروف به «کاسولا» از او روایت می کنند.(۲)

آذرپژوه

آذر پژوه، از اهالی اصفهان و معاصر خسرو پادشاه ساسانی بوده، و خود از شاگردان بزرگمهر، حکیم معروف و وزیر انوشیروان بوده، و به دستور شاه ساسانی، کتابی از زرتشت به نام زوره که به زبان پهلوی بوده است، و جهت پادشاه هند فرستاده، و شاه هند آن را به خسرو رسانیده است را تفسیر کرده، و به شاه تقدیم نموده، و مورد پسند و قبول او واقع گردیده است. پادشاه دستور داد که نامه دهقان خداپرست را نیز مختصر کند. وی نیز آن را انجام داد، و به شاه تقدیم نمود.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۹۷؛ فهرست کتابخانه ملّی، ج ۹، ص ۶۲۵.

آذر شاپور

آذر شاپور فرزند آذرمانان، از مردم قریه هرستان ماربین اصفهان در کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء می نویسد که:

فیروز فرزند یزدجرد در یک صد و هفتاد سال قبل از اسلام به او دستور داد که باروی جی را که نیمه تمام و مخروبه بود، تجدید عمارت کند.(۱)

این بارو نیز در طول تاریخ خراب گشته، و اثری از آن باقی نیست.

آذر نیوق

جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری در ضمن وقایع سال ۹۱ هجری فتح اندلس (اسپانیا) را به دست طارق بن زیاد مولی موسی بن نصیر می نویسد: و آن زمان اندلس به دست آذرنیوق مردی از اهل اسپهان بود که نیاکانش شاهان عجم اندلس بودند، و آذرنیوق با تاج و جامه پادشاهی به میدان آمده، و طارق با همه لشکر، با او روبرو شده، و آذرنیوق کشته شده، آن ملک بزرگ در ۹۲ کشته شد.(۲)

آزاد اصفهانی

آزاد شاه اصفهانی، از شعرای عهد نادرشاه افشار بوده، و در همان سال ها وفات یافته است.

از او است:

ای خوش آن دیده که یابد نظر از منظر دوست وی خوش آن جبهه که شود دست به خاک در دوست(۳)

۱- سنی ملوک الارض و الانبیاء، ص۳۸؛ آثار ملّی اصفهان، ص۳.

۲- تاریخ اصفهان و ری، ص۴۲.

۳- تذکره روز روشن، ص۶.

آشوبی نطنزی

آشوبی نطنزی از شعرای قرن دهم هجری است. وی شعر می سروده، و خطّ نستعلیق را خوش می نوشته است.(۱)

میر آصف قزوینی

میر آصف قزوینی، عالم فاضل زاهد، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری، در قزوین و اصفهان تحصیل نموده، و به مراتبِ عالی علم و کمال دست یافته است. پس از اتمام تحصیلات، چندی در قزوین و تفلیس و سایر شهرها سفر کرده، و به تربیت شاگردان دانشمند مشغول بود. بالاخره به اصفهان آمد، و مدّتی پس از محاصره اصفهان به دست افغان ها در سال ۱۱۳۶ق وفات یافت. وی را شرحی است بر خطبه همام از خطب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام .(۲)

میرزا آقا بابا ثابت اصفهانی*

میرزا آقا بابا ثابت اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و در سرودن انواع شعر و فنّ مادّه تاریخ سرایی مهارت داشته است. این مادّه تاریخ در رثای شخصی به نام حاج علی اصفهانی از او است:

با دل زار از پی تاریخ او ثابت نوشت: «بزم جنّت مسکن حاجی علی شد زین جهان»(۳)

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۱.

۲- تتمیم امل الآمل، صص۴۸ ۴۹؛ نجوم السّماء، صص۲۷۳ ۲۷۴؛ فوائد الرّضویه، ج۱، ص۵۳؛ ریحانه الادب، ج۲، صص۴۴۷ ۴۴۸؛ الذّریعه، ج۷، ص۱۱۳؛ الکواکب المنتشره، ص۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۴۳ ۴۴؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۸.

۳- تراجم الرّجال، ج۱، صص۱۱۱ ۱۱۲؛ تذکره شعرای فارسی سرا، صص۵۹ ۶۰؛ فهرست مرعشی، ج۱۸۹۱۸.

آقا بابا خرّم اصفهانی

آقابابا متخلّص به «خرّم»، شاعر اصفهانی مقیم قزوین، در آن شهر به دستور علی قلی میرزا کتاب جلاء العیون را در جنگ ها و شهادت یاران حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به نظم آورده است. از اشعار او است:

گر بر سرم نهد شه دُلدُل سوار پای بر فرق فرقدان نهم از افتخار پای

بنهاد پا به دوش شهی کز شرف نهاد با موزه بس فراتر از این نه حصار پای

باعث اگر نبود وجودت نمی نهاد هرگز برون ز کتم عدم روزگار پای

* * *

به چه کار آیدم اگر نکنم نقد جان را فدای سیمبری

اثری نیست ناله را خرّم ور نه می کرد در دلش اثری(۱)

آقا بابا عارض اصفهانی

آقابابا اصفهانی متخلّص به «عارض» شاعر ادیب، در اصفهان می زیسته، و از راه پاره دوزی امرار معاش می کرده، در سال۱۲۲۸ وفات یافته، و این بیت از او است:

دلبرم در بر و پرسم ز کسان یار کجاست تاکه اغیار ندانند که دلدار کجاست(۲)

سیّدآقا خلیفه سلطانی

سیّدآقا خلیفه سلطانی فرزند میرزا اسماعیل، عالم فاضل از تألیفات او است: ۱. شرح بر کتاب سرمایه ایمان تألیف ملّاعبدالرزّاق لاهیجی؛ ۲. شرح خلاصه الحساب شیخ بهایی(۳)

۱- تذکره سفینه المحمود، ص۴۹۵.

۲- تذکره شبستان ص ۲۱۳ مجمع الفصحاء ج ۳ص ۱۱۴۴، تذکره دلگشا ص ۴۸۹، سفینه المحمود ص ۴۰۹، تذکره اختر ص ۱۴۵، مجمع الفصحاء ج ۵ ص ۷۳۰و ۷۳۱

۳- اعیان الشّیعه، ج ۱۰، ص ۵۱۱.

آقاجونی معمار

آقاجونی، معمار اصفهانی، از معماران هنرمند قرن سیزدهم هجری است. وی بسیاری از مساجد، امام زاده ها و اماکن متبرّکه را ساخته، و یا مرمّت نموده است. ازجمله آثار او مسجد رحیم خان در اصفهان است که در سال ۱۳۰۴ق آن را ساخته است.(۱)

ملاّآقاجان زفره ای

ملاّآقاجان بن حاج محمّد علیّ بن عبداللّه زفره ای، عالم فاضل، در سال ۱۲۵۷ق متولّد [شده]، و در ۱۳۳۴ق وفات یافته است، از بزرگان قریه «زفره» کوهپایه است(۲).

آقاجان کاشی پز*

آقاجان کاشی پز، فرزند آقامؤمن، از هنرمندان دوره قاجاریّه است. در هنر کاشی سازی از اساتید بزرگ روزگار خود بود، و آثار ارزنده ای از خود به جای گذاشت. کاشی های مسجد سیّد اصفهان که سال نصب آن ها ۱۳۲۵ق است از آثار ارزشمند او است. آقاجان کاشی پز در سال ۱۳۳۶ق در اصفهان وفات یافت، و در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی واقع در تخت فولاد مدفون گردید(۳).

میرزا آقاخان محاسب الدّوله

میرزا آقاخان محاسب الدّوله معروف به مصفّی فرزند حسینقلی خان [بن میرزا محمّد خان بن بیگلر خان اصفهانی] فاضل ادیب عارف، از دانشمندان مشهور و عرفا و ریاضی دانان معروف اصفهان بود. وی در سال ۱۲۷۴ق در تهران متولّد شد، [و در مدرسه دارالفنون به تحصیل پرداخت]، نزد میرزا عبدالغفّارخان نجم الدّوله اصفهانی ریاضیات را

۱- دائره المعارف تشیّع، ج۲، ص۱۲۴.

۲- منتخب اشعار رجاء زفره ای، ج۲، ص۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۹.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص۶۷۳ ۶۷۴؛ تخت فولاد سرزمین جاویدان، نسخه تایپی؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۰۵؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۱۲۴.

تکمیل نمود، و از سال ۱۳۱۲ به اصفهان آمد، و در بانك شاهی مشغول خدمت گردید. وی به دستیاری مردم حاج شیخ علی اکبر شیخ الاسلام و میرزا مسیح خان حافظ الصّحه و میرزا علی اکبرخان سرتیپ، مدرسه ایتام را تأسیس نمود که در آن، عدّه ای قریب پنجاه نفر از ایتام را سرپرستی نموده، و درس دادند، از سال ۱۳۲۳ نام آن به مدرسه علیّه و ایتام تبدیل گردید، و در این اواخر نام ایتام از آن حذف شد، و اکنون در محلّ اوّلیه، باقی و به مدرسه علیّه معروف است.

محاسب الدّوله از آزادی خواهان معروف و عضو انجمن ولایتی اصفهان بود، و از مشروطه خواهان به شمار می رفت.

وی از عرفای اصفهان است که از طرف ظهیرالدّوله جانشین صفی علی شاه اجازه دستگیری و ارشاد داشت، و جزو صوفیّه نعمت اللّهیّه صفی علی شاهی بود، و در اواخر، ارادت به آقامیرزاعبّاس پاقلعه ای صابرعلی شاه پیدا کرد، و به جرگه صوفیّه مریدان ذوالرّیاستین پیوست.

مشارٌالیه در غرّه جمادی الاوّل سال ۱۲۵۶ق در اصفهان وفات یافت، و در ایوان بقعه مرحوم آقاسیّدحسن مدرّس مدفون گردید. کتب زیر از آثار قلمی او است:

۱. تاریخچه مدرسه دارالفنون ۲. تاریخ عمومی سلاطین اروپا ۳. تاریخ مصر ۴. اصول جبر و مقابله، مطبوع ۵. اصول جغرافیایی کره زمین(۱).

آقا کوچک قمشه ای

آقا کوچك قمشه ای، عالم و عارف و از اهالی قمیشه است. در اصفهان ساکن [بود، و] در سال ۱۲۹۷ قمری وفات یافت، و در صحن تکیه مادر شاه زاده، جنب قبر حاج صادق تخت فولادی، در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفاتش را [میرزا حسن قمشه ای متخلّص به] «مفتون» گوید:

بهر تاریخ وفاتش کلك «مفتون» زد رقم: «زبده آل سلوك اندر جنان شد رستگار»(۲)

۱- اعیان الشّیعه، ج۶، ص ۱۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۶؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۶۳؛ دایره المعارف دانش بشر، ص ۱۱۹۱؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج ۱، ص۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص۴۷ ۴۸؛ مزارات اصفهان، صص۱۶۸ ۱۶۹.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص۴۹ ۵۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۳؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص ۱۲۱.

آقا گلی اصفهانی*

آقا گلی اصفهانی، از صنعتگران هنرمند اصفهان در اواخر قاجاریّه است. وی در اصفهان به ساختن تار و سنتور می پرداخته است(۱).

آقایی اصفهانی

آقایی فرزند رجب علی شریف اصفهانی، از فضلا و نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب نخبه، رساله عملیّه حاجی کلباسی که آن را در سال ۱۲۴۰ق به خطّ نسخ، کتابت نموده است که به شماره ۱۰۵۴ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

آل ترکه

آل ترکه یکی از خاندان های معروف شیعه در اصفهان هستند که چندین قرن به علم و ریاست شهرت داشته اند.

جدّ اعلای آنان از خجند به اصفهان آمده، و در این شهر سکونت نموده است، و چون ایشان از نژاد ترکان ترکستان می باشند، به «ترکه» شهرت یافته اند. این خاندان علمی و ادبی تا قرن یازدهم هجری در اصفهان حضور داشته اند، و مقابر آنان جنب مسجد لنبان بوده، و از بین رفته است، و اثری از آن باقی نیست. اکنون به شرح حال عدّه ای از حکماء، عرفاء، علماء و شعرای این خاندان می پردازیم.

آل ترکه ابوالهادی*

ابوالهادی ترکه اصفهانی، از فضلای اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده، و مجاز از مولی محمّدتقی مجلسی علیه الرّحمه است. تاریخ اجازه، ۱۴ صفر المظفّر سال ۱۰۵۸ق

۱- سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، ص ۱۷۰؛ تاریخ موسیقی ایران، ج۲، ص۶۹۹.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۹۱.

می باشد.(۱)

آل ترکه خواجه حبیب اللّه

خواجه حبیب اللّه ترکه، از دانشمندان قرن دهم هجری بوده، و منصب قضاوت را در این شهر بر عهده داشته است. شعر نیز می سروده، و رباعیّاتی از او دردست می باشد.(۲)

آل ترکه

ضیاءالدّین علی ترکه اصفهانی فرزند خواجه حبیب اللّه، عالم و شاعر ادیب، برادرِ خواجه افضل الدّین محمّد ترکه است(۳). در کتاب کشکول شیخ بهایی این رباعی را از او نقل می کند:

بی خوابی شب جان مرا گرچه بکاست در خواب شدن از ره انصاف خطاست

ترسم که خیال او قدم رنجه کند عذر قدمش به سال ها نتوان خواست(۴)

آل ترکه صائن الدّین علی

ابومحمّد صائن الدّین علی بن صدرالدّین محمّد بن ابوحامد افضل الدّین محمّد بن حبیب الله ترکه اصفهانی از معروف ترین افراد آل ترکه، و از دانشمندان قرن نهم هجری است. وی عالمی فاضل و حکیمی عارف و ادیبی ماهر بود، در اصفهان متولّد شد. ابتدا نزد برادرش به تحصیل پرداخت، سپس به مسافرت به شهرهای مختلف رفت، و از محضر علمای آن شهرها بهره برد، و در علوم زمان خود به استادی رسید.

[وی در دستگاه امیرزادگان تیموری، صاحب شهرت و احترام بود، در زمان حکومت شاهرخ به قضاوت شهر یزد منصوب شد؛ امّا پس از مدّتی به فساد عقیده متّهم شد، و به دستور شاهرخ به هرات رفت، و با نوشتن کتاب نفثه المصدور به دفاع از خود پرداخت. در

۱- فهرست مرعشی، ج ۳۲، ص ۶۲۴.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۸؛ مزارات اصفهان، ص ۶۱؛ تاریخ نظم و نثر، ج ۱، صص ۴۵۱ و ۴۹۸.
۳- تاریخ نظم و نثر، ج ۱، ص ۴۵۲.
۴- کشکول، ج ۱، ص ۱۶۲.

سال ۸۳۰ق پس از آن که احمد لر که از پیروان فضل اللّه استرآبادی پیشوای حروفیّه بود، در مسجد هرات، شاهرخ را کارد زد، صائن الدّین نیز به همکاری با توطئه گران متّهم، و مدّتی محبوس، و اموالش مصادره شد. عاقبت با خانواده اش آواره شهرها گردید. پس از مدّت ها دربه دری به بایسنغر فرزند شاهرخ توسّل جست، و از او امان یافت، و مدّتی به قضاوت نیشابور مشغول شد].

وی در ۱۴ ذی حجّه ۸۳۵ق در هرات وفات یافت. شیخ آقابزرگ او را از اعلام شیعه شمرده است.

وی تألیفات فراوانی دارد که برخی از آن ها به طبع رسیده است، این آثار عبارت اند از:

۱. اسرارالصّلاه ۲. التّمهید فی شرح قواعد التّوحید، مطبوع ۳. شرح فصوص الحکم ۴. شرح قصیده برده به فارسی که به مغیث الدّین ابوالفتح سلطان ابراهیم تقدیم شده (نسخه شماره ۳۴۶۴ کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم) ۵. شرح گلشن راز ۶. شرح قصیده تاییه ابن فارض ۷. شرح نهج البلاغه ۸. شقّ القمر در عرفان، به فارسی ۹. رساله بائیّه در علم اعداد و حروف ۱۰. رساله المحمدیّه ۱۱. مبدأ و معاد ۱۲. مخزن الغرائب ۱۳. مدارج الافهام الافواج ۱۴. المعتقده ۱۵. المفاحص در علم عدد ۱۶. مناظرات خمس یا عقل و عشق ۱۷. رساله در تحقیق أَنَا نُقْطَه الَّتی تَحْت الْباء ۱۸. ضوء اللّمعات ۱۹. رساله در معنی قابلیّت و تصوّر و تحقیق آن ۲۰. تجلّی ذاتی، ترجمه رساله ابن هود مغربی ۲۱. مناهج ۲۲. نفثه المصدور ۲۳. سلم دارالسّلام، در بیان حکم ارکان الاسلام در عرفان به فارسی ۲۴. اطوار الصّوفیه یا اطوار ثلاثه ۲۵. منظومات صائنیّه ۲۶. جواب مکتوب امیرضا ۲۷. شرح حدیث عما ۲۸. اعتقادیّه ۲۹. شرح ابیاتی از ابن عربی ۳۰. مقبول الملوک یا خواصّ الحروف ۳۱. نفثه المصدور ثانی ۳۲. مناظره بزم و رزم و غیره.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۹؛ تاریخ نظم و نثر، صص۲۷۴ ۲۷۵؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۴۳؛ الذّریعه، ج۱۱، صص۱۳۶ و ۶۸؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۳۳۲ و ۳۳۵؛ رجال حبیب السّیر، ص۱۲۳؛ تمهید القواعد، مقدّمه؛ عقل و عشق یا مناظرات خمس، مقدّمه؛ ریاض العلماء، ج۴، ص۲۴۰؛ طرائق الحقایق، ج۳، صص۶۸ ۶۹؛ حروفیّه در تاریخ، صص ۸۰ ۸۱.

آل ترکه علی

علی یزدی، از دانشمندان قرن دهم هجری بوده، و در ریاض العلماء آمده که سبط صائن الدّین علی ترکه اصفهانی است.(۱)

آل ترکه خواجه قاسم علی

خواجه قاسم علی ترکه، بنا به نوشته اسکندربیک منشی، از صاحب منصبان عهد صفویّه بوده، مدّتی وزیر حسن بیک استاجلو یوزباشی شد، و سپس وزارت آذربایجان یافت، و امّا آن جا نرفت.

اصلاً از تبریز بود؛ امّا پدرانش اصفهانی بودند. او برادر خواجه عنایت ترکه سابق الذّکر است.(۲)

آل ترکه خواجه عنایت ترکه

اسکندر بیک منشی درباره او می نویسد: «وزیر حسن بیک فرزند حسین بیک از وزرای معتبر، مرد خلیق و آدمی پسندیده سلوک بود».(۳)

آل ترکه خواجه افضل الدّین محمّد ترکه

عالم فاضل، فقیه محدّث، از دانشمندان قرن دهم هجری است. در اصفهان متولّد شد، و نزد علمای اصفهان به تحصیل پرداخت، و سپس به کاشان رفت، و نزد ابوالحسن ابیوردی معروف به «دانشمند» به تلمّذ پرداخت. آن گاه در اصفهان منصب قضاوت یافت. سرانجام شاه تهماسب او را به قزوین آورد، و منصب قضاوت لشکر را بالاشتراک به وی و میرعلاءالملک مرعشی داد.

صاحب عنوان، سال ها در قزوین به تدریس مشغول بود، و شاگردان بسیار داشت، و در

۱- ریاض العلماء، ج۲، ص ۲۴۰؛ مزارات اصفهان، ص ۶۱.

۲- تاریخ عالم آرای عباسی، ج۱، ص۱۶۵؛ مزارات اصفهان، ص ۶۲.

۳- تاریخ عالم آرای عباسی، ج۱، ص۱۶۵؛ مزارات اصفهان، ص ۶۲.

زمان شاه تهماسب و شاه اسماعیل دوم، همواره مورد احترام حکومت صفویّه بود. سفری به هند رفت، و مراجعت نمود.

آخرالامر مدّتی در مشهد مقدّس به تدریس پرداخت، و در سفری که به همراه حمزه میرزا داشت، در سال ۹۹۱ در شهر ری وفات یافت. قاضی نورالدّین محمّد اصفهانی و علاّمه چلبی از شاگردان او به شمار می روند. طبع شعر نیز داشته، و «افضل» تخلّص می کرده [است].

این رباعی را شیخ بهایی در کشکول از او نقل می کند:

در دوزخ هجران، لب کس کی خندد یا خاطر او به خرّمی پیوندد

گر آن دوزخ چو دوزخ هجران است حاشا که خدا به کافری بپسندد

صاحب عنوان، دارای تألیفاتی است از آن جمله: ۱. انموذج العلوم ۲. دیوان اشعار ۳. رساله در اعتراض به قول استاد خود جناب مقدّس اردبیلی در موضوع «امر بشی ء نهی عن ضدّه الخاص» ۴. رساله در معقولات ثانیه(۱).

آل ترکه جلال الدّین محمّد

جلال الدّین محمّد ترکه، از معاصران شاه عبّاس کبیر صفوی و بزرگان آل ترکه بوده است.(۲)

آل ترکه، خواجه افضل الدّین محمّد

خواجه افضل الدّین محمّد صدر بن حبیب اللّه ترکه اصفهانی، از معاریف سلسله آل ترکه است که در ۱۳ رمضان المبارک سال ۸۵۰ به دستور شاهرخ در ساوه مقتول گردید(۳).

۱- تاریخ عالم آرای عبّاسی، ج۱، ص۲۴۶؛ تتمیم امل الآمل، ص۷۱؛ ریاض العلماء، ج۳، ص۳۱۴؛ الذّریعه، ج۲، ص۴۰۴، ج۹، ص۸۵؛ فهرست مجلس، ج۸، ص۱۴؛ احیاء الدّاثر، صص ۲۱۰ ۲۱۱؛ معجم مؤلّفی الشّیعه، ص۱۰۱؛ کشکول، ج۱، ص۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۶۰؛ مزارات اصفهان، ص۶۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۶۰ ۶۱؛ مزارات اصفهان، ص۶۱؛ اصفهان (کتاب جوانان)، ص۲۱۶.

دولتشاه سمرقندی در تذکره الشّعراء گوید: «شاهرخ، شاه علاءالدّین را در شهر ساوه حکم کشتن کرد... . گویند دو نوبت، ریسمان خواجه افضل ترکه پاره شد، و او فریاد می زد که با شاهرخ بگویید که این عقوبت بر ما لحظه ای بیش نیست؛ امّا پنجاه ساله نام نیک خود را ضایع مساز»(۱).

صاحب عنوان را تألیفات و مصنّفاتی است که از آن جمله است ترجمه کتاب ملل و نحل شهرستانی به فارسی که به طبع رسیده است، و مؤلّف آن را «تنقیح الادلّه و العلل» نام نهاده، و در یک شنبه ۱۳ رجب ۸۴۳ در اصفهان به پایان برده است(۲). مدفن او در اصفهان به «درب آستان» معروف بوده است.(۳)

آل ترکه صدرالدّین محمّد

خواجه رشیدالدّین فضل اللّه مکاتباتی با او داشته که در منشآت رشیدالدّین مضبوط است، و بر مقام علمی و نفوذ و اعتبار صاحب عنوان دلالت می کند.

خواجه رشیدالدّین فضل اللّه، وزیر سلطان غازان خان مؤلّف تاریخ غازانی یا تاریخ رشیدی هم چنین در آن کتاب می نویسد: «در کتابخانه اش دو هزار جلد قرآن دارد که چهارصد جلد آن مذهّب و به خطّ یاقوت مستعصمی است، و شش قرآن به خطّ احمد سهروردی، و بیست قرآن به خطّ ابن مقله، و شصت هزار جلد کتاب دیگر که از ایران و روم و توران و مصر و شام و عدن جمع آوری نموده است، و تمام این کتب، وقف بر رشیدیّه است».

کتب زیر از او است:

۱. الاعتماد الکبیر ۲. حکمت الرّشیدیّه، به نام خواجه رشیدالدّین فضل اللّه ۲. حکمت

۱- تذکره الشّعراء، ص۲۵۶.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج۵، ص۹۸۹؛ فهرست رضوی، ج۴، ص۵۵.

۳- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۴۴۸.

المنیعه ۳. قواعد التّوحید ۴. رساله در وجود مطلق.(۱)

آل ترکه محمّد

محمّد بن علیّ بن محمّد ترکه، از علماء و فضلای قرن نهم هجری است.

سالک الدّین محمّد سعدی حموی متولّد به سال ۸۴۷ق از او اجازه روایت و ریاست داشته است.(۲)

آل ترکه مظفّر

میرزا مظفّر ترکه، شاعر و ادیب واعظ، او نبیره افضل الدّین محمّد ترکه است، و مانند اجدادش تولیّت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ دادایی یزد را بر عهده داشته، و علاوه بر آن، در دولت صفویّه به منشی گری مشغول بوده است. دیوان اشعاری داشته که اکنون در دست نیست، و طبعش به هزل و هجو مایل بوده است. وی تا سال ۱۰۷۶ که سال تألیف قصص الخاقانی است در قید حیات بوده است. این دو بیت در وصف شاه صفی از او است:

فانوس شمع قدسی و پاتاسر آینه رؤیت صباح عید و تو را پیکر آینه

نقّاش صنع لم یزل از سایه توست بر پرده های دیده هفت اختر آینه(۳)

آل ترکه نظام الدّین

نظام الدّین بن تاج الدّین جلال الدّین بن عبداللّه بن حسین حسینی معروف به نظام الدّین ترکه، از علمای قرن نهم بوده، و زین الدّین علیّ بن حسن بن محمّد استرآبادی در سال ۸۲۷ق از او اجازه دریافت نموده است.(۴)

۱- دانشمندان و سخن سرایان همدان، ج۱، ص۲۰۷؛ الذّریعه، ج۲۵، صص۳۸ و ۱۰۸؛ مجلّه مهر، سال ۸، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۳۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۱.

۲- الضّیاء الّلامع، ص۱۱۹؛ مزارات اصفهان، ص۶۳.

۳- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۸۰ ۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۲؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۵۴۸. ۲. الضّوء اللامع، ص۱۴۶؛ مزارات اصفهان، ص۶۳.

۴- الضّوء اللامع، ص۱۴۶؛ مزارات اصفهان، ص ۶۳.

آل خجند

آل خجند، یکی از خاندان های علمی اصفهان است. افراد این خاندان، پیرو مذهب شافعی می باشند، و سال ها ریاست علمی اصفهان را بر عهده داشته، و ده ها عالم، محدّث، شاعر و واعظ از این خاندان برخاسته اند. خجندیان از اهالی خجند در ماوراءالنّهر بوده اند. خواجه نظام الملک جدّ اعلای آنان محمّد بن ثابت خجندی را به اصفهان آورده است، و فرزندان و احفادش در این شهر زندگی کرده اند. اینک به نام برخی از مشاهیر این خاندان اشاره می کنیم:

آل خجند ابراهیم

ابراهیم بن عبداللّه بن عبداللطیف خجندی، از دانشمندان اصفهان است. کتاب الاربعین موسوم به الماء المعین از تألیفات او است.(۱)

آل خجند کمال الدّین احمد

کمال الدّین ابوسعد احمد بن محمّد بن ثابت بن حسن خجندی، از رؤسای شافعیان و از دانشمندان آل خجند بوده است(۲). در سال ۴۴۳ق اصفهان متولّد شد، و در مدرسه نظامیّه اصفهان تحصیل کرد، سپس به بغداد رفت، و در مدرسه نظامیه بغداد به تدریس پرداخت. او پس از وفات پدرش به اصفهان بازگشت(۳)، و در غرّه شعبان ۵۳۱ق وفات یافت.(۴)

آل خجند ثابت*

عمادالاسلام عضدالدّین ابومحمّد ثابت بن عبدالصّمد بن محمّد بن عبداللّطیف خجندی از بزرگان خاندان خجندی است(۵). گویا برادر صدرالدّین عمر بوده، و در زمان

۱- کشف الظّنون، ج۱، ص۵۵.

۲- مدارس نظامیّه، صص۱۴۶ ۱۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۳.

۳- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۵؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، ش۱۶.

۴- لباب الالباب، ص۲۹۸، تعلیقات.

۵- تلخیص مجمع الاداب، ج۴، قسمت اوّل، ص۴۳۹.

خود، بر شافعیان اصـفهان ریاست داشت. کمال الـدّین اسـماعیل در قصاید خود به مدح او پرداخته اسـت(۱)، خود عضدالدّین خجندی شعر نیز می گفته است.

آل خجند علاءالدّین ثابت*

ابوسعد علاءالدّین ثابت بن محمّد بن احمد بن ثابت خجندی، از محدّثان و خطبای خاندان خجندی اصفهان است.(۲) در سال ۵۴۸ق در اصـفهان متولّـد شده حدیث را از محمّد بن محمّد بن ابی بکر شـحام فراگرفت. او سال ها در اصـفهان ساکن بود، تا این که در سال ۶۳۳ق مغولان به اصـفهان حمله کردنـد، و او به شـیراز گریخت، [و در] آن جا ساکن شد، و همان جا در سال ۶۳۷ق وفات یافت، و در مقبره مصلّی دفن شد(۳).

آل خجند شهاب الدّین*

شهـاب الـدّین خجنـدی، از علمـاء و فقهـای آل خجنـد بـوده، و ریـاست شافعیـان اصـفهان به او منتهی شـده است. در زمـان او درگیری شافعیان و حنفیان اصفهان بالا گرفت، و این زمان مقارن بوده است با حمله مغولان به ایران. شافعیان به ریاست شهاب الدّین خجندی مغولان را به اصفهان راه دادند تا حنفیان را قتل عام کنند؛ امّا مغولان پس از ورود به شهر، شافعیان و حنفیان، و سپس همه مردم را قتـل عـام کردنـد، و شـهاب الـدّین هم در این قتل عام در سال ۶۳۳ق مقتول شد. کمال الدّین اسـماعیل در قصاید خود او را مدح گفته است.(۴)

آل خجند صدرالدّین عبداللطیف

[صدرالـدّین عبـداللطیف بن محمّـد بن ثـابت خجنـدی، از رؤسای شافعیان اصـفهان در قرن شـشم هجری در اصـفهان منصب قضاوت یافته، و از محدّثان و فقهای معروف بوده،

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۷؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸.

۲- تخلیص مجمع الآداب، ج۴ قسمت دوم، ص۱۰۱۱.

۳- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۷.

۴- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۷؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸.

بسیاری از او حدیث شنیده اند، از آن جمله است: یوسف بن عبدالرّحمان معروف به «ابن رکابی»[(۱)]. وی از دشمنان سرسخت اسماعیلیّه به شمار می رفته، و به تحریک او که سعدالملک آبی را به طرفداری از باطنیان متّهم کرده بود، سعدالملک را کشتند(۲) عاقبت خود او در سال ۵۳۲ق به دست یکی از فداییان اسماعیلی در اصفهان به قتل رسید.(۳)

آل خجند علاءالدّین عبدالقادر

علاءالدّین عبدالقادر بن عبداللّه خجندی، از ادبا و شعرای اصفهان است، در سرودن شعر به عربی دستی توانا داشت. قصیده ای در مدح سعدالدّین محمّد بن علی ساوی سروده است(۴).

آل خجند صدرالدّین عبداللطیف*

صدرالدّین ابوالقاسم عبداللّطیف بن محمّد بن عبداللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از مشهورترین بزرگان آل خجند است. در فقه و حدیث و شعر و ادب مهارت بسیار داشت. در رجب ۵۳۵ق در اصفهان متولّد شد، و در این شهر تحصیل نمود، سرانجام به ریاست شافعیان اصفهان برگزیده شد، و به تدریس پرداخت، و وعظ و خطابه ایراد نمود. وی سفری به بغداد رفته، از خلیفه خلعت گرفت، سپس به ایران بازگشت. در جمادی الاوّل ۵۸۰ در همدان به مرگ ناگهانی، عمرش به پایان رسید.

او مردی سخاوتمند و با همّت بود، و شعراء از عطایای او بهره مند، و مدّاح مناقب او بودند که از آن جمله اند: جمال الدّین عبدالرزّاق، کمال الدّین اسماعیل، خاقانی شروانی و مجیرالدّین بیلقانی. هم چنین اثیرالدّین اخسیکتی مرثیّه ای در وفات او سروده است.

۱- تاریخ نظم و نثر، ج ۱، ص ۱۰۲، آگهی شهان از کار جهان، ج ۱، ص ۲۴۳؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۶۹۵.

۲- مجلّه یادگار، سال سوم، شماره ۱، شهریور ۱۳۲۵، ص ۱۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴- تلخیص مجمع الآداب، ج ۴، قسمت دوم، ص ۱۰۲۹.

صدرالدّین خجندی به عربی و فارسی اشعاری سروده که در تذکره ها نقل شده است.(۱)

آل خجند عبیداللّه*

ابوابراهیم عبیداللّه بن محمّد بن عبداللطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از دانشمندان و فقهای خاندان خجندی اصفهان است. از محدّثان مشهور عهد خود بود. سه بار به بغداد و مکّه معظّمه سفر کرد، و حج گذارد. وفاتش در سال ۵۸۴ق در اصفهان اتّفاق افتاد.(۲)

آل خجند صدرالدّین عمر*

صدرالدّین عمر خجندی، از فقهاء و علمای اصفهان در قرن هفتم و رییس شافعیان اصفهان بوده، و کمال الدّین اسماعیل و رفیع الدّین لنبانی(۳)بارها او را مدح نموده اند. در زمان او شافعیان و حنفیان اصفهان به خصومت پرداختند که عاقبت با آشتی صدرالدّین عمر خجندی پیشوای شافعیان و رکن الدّین مسعود صاعد پیشوای حنفیان این اختلاف پایان گرفت. وفات صدرالدّین عمر قبل از سال ۶۳۵ق (سال فوت کمال الدّین اسماعیل) رخ داد.(۴)

ابوبکر محمّد بن ثابت بن حسن خجندی

از علماء و فقهای مشهور شافعیان اصفهان است. او نخستین شخص از خاندان خجندی است که به اصفهان آمد.

۱- طبقات الشّافعیّه الکبری، سبکی، ج۴، ص۲۶۱؛ نزهه المجالس، ص۸۱، مقدّمه؛ لباب الالباب، تعلیقات، صص۷۹۹ و ۶۱۴؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۹۷۵؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۶؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، صص۱۷ ۱۸؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره ۱، شهریور ۱۳۲۵، صص۲۱ ۲۷.

۲- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۶؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸.

۳- دیوان رفیع الدّین لنبانی، صص۲۲ و ۸۷.

۴- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۷؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۸.

[وی ابتدا در مرو به سر می برد، و در آن جا تدریس و موعظه می کرد. خواجه نظام الملک طوسی او را به اصفهان دعوت کرد تا در مدرسه نظامیّه که آن را صدریّه نامیده بود، تدریس کند. پس از مدّتی خجندی، ریاست شافعیان اصفهان را هم بر عهده گرفت.(۱) او شاگردان بسیاری داشت که از آن جمله است ابوعلی حسن بن سلیمان اصفهانی و ابوعبداللّه بن سعد(۲)] و قاضی امام ابوالعبّاس احمد بن سلامه بن عبیداللّه، معروف به ابی الرّطبی(۳) ابوبکر خجندی در سال ۴۸۳ق وفات یافت. از تألیفات او می توان به روضه المناظر و زواهر الدّرر اشاره کرد(۴).

آل خجند محمّد

ابوالمظفّر محمّد بن ثابت بن حسین بن علی خجندی، از فقهای شافعی اصفهان در قرن پنجم هجری است. ریاست شافعیان اصفهان به عهده او بود، و علاوه بر آن به تدریس و وعظ و صدور فتوا مشغول بود. عاقبت از اصفهان به ری رفت، در هنگام وعظ در آن جا به دست ابوالفتح سنجری که از علویان ری بود در سال ۴۹۶ق کشته شد، و در مسجد جامع ری مدفون گردید.(۵)

آل خجند صدرالدّین محمّد

صدرالدّین ابوشجاع ابوبکر محمّد بن عبداللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، یکی از مهم ترین بزرگان آل خجند است، و در قرن ششم هجری می زیسته است. [او مردی فقیه خطیب، ادیب و شاعر بوده، نزد سلاطین و خلفاء منزلت بالا داشت].

۱- مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، صص ۱۴ ۱۵.

۲- مدارس نظامیّه، ص ۲۲۶.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۶۴.

۴- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۶۹۴؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص ۱۷.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۶۳؛ لباب الالباب، ص ۶۱۴ (تعلیقات)؛ زبده التّواریخ، ص ۱۷۰؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۶۹۴؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص ۱۷؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، ص ۱۶.

در اصـفهان دانش آموخته، و سـپس در نظامیّه بغـداد تدریس نمود، آن گاه به اصـفهان آمد، و ریاست شافعیان اصـفهان را بر عهـده گرفت. هنگامی که سـلطان مسـعود سـلجوقی دریافت که صدرالدّین و برادرش جمال الدّین محمود با امیر بوزابه حاکم فارس رابطه دارند، قصد جان آن ها را کرد؛ امّا دو برادر به موصل گریخته، و به خدمت جمال الدّین جواد اصفهانی درآمدند. پس از مـدّتی سـلطان او را بخشـید، و صدرالـدّین خجنـدی بـا کمال احترام به اصـفهان بازگشت، و به همراه برادرش ریاسـت شافعیان را بر عهده گرفت. او سـرانجام در یکی از سـفرهایش که از بغداد به اصـفهان بازمی گشت، در یکی از روستاهای بین همـدان و کرج شب را در سـلامت خفت، و صـبح روز بعـد او را در بسـترش مرده یافتنـد. این واقعه در ۲۲ شوّال ۵۵۲ق اتّفاق افتاد، و باعث آشوب در اصـفهان شـد که عـدّه بسیاری در آن کشـته شدند. وی در قبرسـتان سـنبلان اصـفهان مدفون شد.(۱)
صدرالدّین خجندی، شاعر و ادیب توانایی بود که به عربی و فارسی شعر می سرود سعدی در بوستان درباره او سروده است:

یکی خار پای یتیمی بکند به خواب اندرش دید صدر خجند(۲)

از اشعار او است:

زلف سیهت که مشک با او کم زد مشّاطه فطرتش خم اندر خم زد

یک ره به منش سپار تا یک باری بر هم زنمش که عالمی بر هم زد(۳)

درباره اصفهان نیز سروده است:

اصفهانا در آروزی توام گشته انده فزای و شادی کم

عکس شکلت به خواب می جویم زنده رودت در آب می جویم

ای چو سیم مذاب زرّین رود اصفهان پر شده ز تو رود(۴)

۱- لباب الالباب (تعلیقات)، صص۷۹۸ و ۶۱۴؛ مدارس نظامیّه، ص۱۴۸؛ ثقات العیون، ص۲۶۸؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۵؛ دانشـنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۵؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، صص۱۷ ۱۸.
۲- بوستان سعدی.
۳- تاریخ اصفهان، جابری، چاپ اوّل، ص۱۳۵.
۴- ترجمه محاسن اصفهان، ص۱۰۴.

آل خجند جمال الدّین محمّد

جمال الـدّین محمّـد بن صدرالـدّین ابوالقاسم عبـداللّطیف بن محمّـد خجندی(۱) [از رؤسـای شافعیـان اصـفهان در قرن ششـم هجری بوده، و شعرای معاصر او همچون رفیع الـدّین لبنانی، جمال الدّین عبدالرزّاق، خاقانی و اثیرالدّین اخسیکتی او را مدح گفته اند. جمال خجندی خود شاعری ادیب بوده، و به عربی و فارسـی شـعر می سروده که در برخی جنگ ها و تذکره ها، آن ها را آورده اند.](۲)

از او است:

چو گل به تخت درآمد که خسرو چمنم خدایگان ریاحین و شاخ انجمنم

مرا خود از لب خود آرزوی بوسه کند کدام بلبل من مست عشق خویشتنم

منم منم که جهان رنگ و بوی من دارد منم که باغ و عروس هر چمنم

ولیکن این همه هست و چو باد برخیزد حدیث من ورقی بازکن که من نه منم(۳)

آل خجند صدرالدّین محمّد

صدرالـدّین محمّـد بن عبداللّطیف بن محمّد بن عبداللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از بزرگان آل خجند و رییس شافعیان اصـفهان در قرن شـشم هجری بود، [سـفری به بغـداد رفت، و خلیفه به او احترام فراوان نمود. او در بغـداد، ناظر اوقاف مدرسـه نظامیّه شد، و سـرانجام به اصـفهان بازگشت، و ریاست شافعیان و ریاست شهر را به دست آورد. پس از آن که لشکریان خلیفه (ناصـر) برای شـکست دادن خوارزمشاهیان به اصـفهان حمله کردند]، وی شهر اصفهان را تسلیم نیروهای خلیفه نمود. سرانجام در سال ۵۹۲ق فلک الدّین سنقر طویل که از طرف خلیفه، شحنه اصفهان شده بود، او را به قتل رساند. کمال الدّین اسماعیل

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۵.

۲- لباب الالباب، ج۱، صص۲۶۶ ۲۶۸؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸؛ فرهنگ سخنوران، ص۱۳۵.

۳- آگهی شهان از کار جهان، ج۱، ص۲۴۵؛ مجلّه یادگار، شماره اوّل، سال سوم، شهریور ۱۳۲۵، ص۲۷.

در چکامه ای او را ستوده است(۱).

آل خجند جمال الدّین محمود

جمال الـدّین محمود بن عبـداللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی [از بزرگان و فضـلای آل خجند است. پس از آن که سـلطان مسـعود سلجوقی در پی آزار او برآمـد، او و برادرش صدرالـدّین محمّـد به موصل گریختند، و چندی در خدمت جمال الدّین جواد اصفهانی در موصل به سر بردند(۲)].

او بعـد از آن، راهی حجاز شد، و در سال ۵۴۳ق بغداد رفت. آخرالامر به اصـفهان بازگشت، و ریاست شافعیان اصفهان به وی واگذار شد، و او پس از آن در اصفهان وفات یافت(۳). جمال الدّین عبدالرزّاق و اثیرالدّین اخسیکتی او را مدح گفته اند(۴).

آل خجند مسعود*

ابوالقاسم مسعود بن محمّـد بن ثابت خجندی، از رؤسای شافعیان اصـفهان، و از فقها و بزرگان آل خجند، و تا سال ۴۹۴ق در قید حیات بوده اسـت(۵). او از دشـمنان سرسـخت اسـماعیلیّه بوده، و دسـتور داده بود گودال هـایی حفر کرده، و در آن آتش بیفروزند، و اسماعیلیان را دسته دسته در آتش بیندازند(۶).

آل خجند مسعود

مسعود بن محمود بن عبداللطیف خجندی، از دانشمندان شافعی آل خجند اصفهان

۱- دائره المعـارف بزرگ اسـلامی، ج ۱، ص۲۹۷، لبـاب الالبـاب، ص۶۱۴ (تعلیقـات) مجلّه یادگـار، سـال سوم، شـماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، صص ۲۰ ۲۱؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۶۵.

۲- لباب الالباب، ص۶۱۴، تعلیقات.

۳- دایره المعارف بزرگ اسـلامی، ج ۱، ص۶۹۵؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۶۵؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شـماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، ص ۱۹.

۴- دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۷.

۵- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۶۹۵.

۶- مجلّه یادگار، سال سوم، شهریور ۱۳۲۵ش، شماره اوّل، ص ۱۶.

است.(۱)

آل صاعد

آل صاعـد یـا صاعـدیان، یکی از خانـدان هـای علمی و روحانی حنفی مـذهب در اصـفهان می باشـند که از قرن پنجم تا دهم هجری، قدرت و ریاست فوق العاده ای در شـهر داشته اند، و سال ها در رقابت با خاندان آل خجند در اصفهان بوده اند، و این مسأله، باعث کشمکش ها و جنگ ها و خونریزی های بسیار بین این دو خاندان شده است.

خجنـدیان در حـدود محلّه جویبـاره و میـدان میر سـکونت داشـته انـد، و مقـبره آنـان ظـاهراً در قبرسـتان شـاه میرحمزه بوده، و صاعـدیان در محلّه دردشت (محلّه دریه، یا محلّه در، که همین محلّه طوقچی فعلی می باشـد) ساکن، و مقبره آنان در قبرسـتان طوقچی بوده است.

صاعدیان اصلاً از نیشابور بوده اند، و شرح احوال چند تن از مشاهیر این خاندان به شرح زیر است:

آل صاعد احمد

ابونصـر احمـد بن محمّـد بن صاعـد صاعـدی از فقهـاء و علمـای خانـدان صاعـدی اصـفهان است. از سال ۴۳۰ وانـدی، رییس اصـفهان بوده، و از سـال ۴۴۰ق قاضـی القضات اصـفهان شـده، و سـرانجام در سال ۴۸۲ق وفـات یافته است. تولّـدش در سال ۴۱۰ق بوده است.

ابوالغر خلیل بن تمیم بن علی خطیب واعظ معلّم، و هم چنین ابوالعلاء زیـد بن علیّ منصور راونـدی از او اسـتماع حدیث کرده اند.(۲)

آل صاعد نظام الدّین احمد*

قاضـی نظام الدّین احمد صاعدی، از بزرگان و دانشـمندان خاندان صاعدی اصـفهان است. وی در قرن هشتم و نهم هجری می زیسته، و منصب قضاوت اصفهان را برعهده داشته

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۵.

۲- التّحبیر، ج۱، صص۱۳۲ و ۲۶۰ و ۲۹۰.

است.

وی ابتدا با میرزا رستم و میرزا اسکندر، از امیرزادگان تیموری متّحد شد؛ امّا آنان در جنگ با میرمحمّد جهانگیر تیموری شکست خوردند.

عاقبت قاضی احمد در ۱۰ ذی حجّه (عید قربان) ۸۱۵ق به دستور میرزا رستم تیموری در اصفهان به قتل رسید(۱). گویا علّت این امر، هواداری قاضی احمد از معتصم بن زین العابدین آل مظفّر(۲) و قرایوسف ترکمان بوده است.

جلال الاسلام صاعدی

جلال الاسلام صاعدی اصفهانی، از علماو فضلای قرن یازدهم هجری است، در هند ساکن بوده، و کتاب ریاض المحبّین درباره مناقب حضرت علی علیه السلام را در دوازده روضه به نام شاه، در سال ۱۰۴۸ق در جهان گیرنگر تألیف نموده است(۳).

آل صاعد تاج الدّین حسین

تاج الدّین حسین بن شمس الدّین محمّد صاعدی طوسی، از دانشمندان و فضلای شیعه در قرن دهم هجری است.

وی نزد شیخ منصور راستگو به تحصیل پرداخته،(۴) سپس سال ها در اصفهان به تدریس مشغول شده است.] میرداماد، فیلسوف و عالم مشهور از شاگردان او است که استاد را با القاب فراوان ستوده است.(۵)] از تاریخ وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ امّا تا سال ۹۹۳ق در قید حیات بوده(۶)، و تألیفاتی از خود به جای گذاشته که از آن جمله است: حاشیه بر حاشیه بر شرح مختصر المنتهی که در ۹۷۷ق آن را تألیف کرده، و در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود(۷).

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۴۵.

۲- تاریخ جهان آرا، ص۲۲۴.

۳- عامری نامه، ص۲۶۲.

۴- احیاء الدّاثر، ص۲۵۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

۵- حکیم استرآباد میردادماد، ص۴۹؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ص۵۸۳.

۶- فهرست مرعشی، ج۲۶، ص۲۷۸.

۷- فهرست رضوی، ج۱۶، صص۱۲۵ و ۱۳۶.

آل صاعد شرف الدّین

شرف الدّین شهید، از بزرگان خاندان صاعدی اصفهان.(۱)

آل صاعد قاضی صاعد*

قاضی صاعد، از بزرگان آل صاعد در قرن هشتم هجری است، در اصفهان منصب قضاوت را بر عهده داشت. زین العابدین فرزند شاه شجاع که در اصفهان حکومت می کرد، قاضی صاعد را در سال ۷۸۹ برای اظهار بندگی و فرمانبری، نزد امیرتیمور گورکانی فرستاد(۲).

آل صاعد ابوالعلاء صاعد

قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمّد بن عبدالرّحمان بخاری اصفهانی معروف به راسمندی از فقهاء و بزرگان آل صاعد است، در قرن پنجم، قاضی اصفهان بود. در سال ۴۴۸ق متولّد شد، و نزد علیّ بن عبداللّه خطیبی تحصیل کرد. وی سرانجام در سال ۵۰۲ق در مسجد جامع عتیق اصفهان به دست یکی از فداییان اسماعیلی کشته شد(۳).

آل صاعد جمال الدّین صاعد

جمال الدّین[قوام الدّین] صاعد بن مسعود، از بزرگان و افراد با نفوذ خاندان صاعدی اصفهان است.(۴)

آل صاعد رکن الدّین صاعد

رکن الدّین ابوالعلاء صاعد بن مسعود، از دانشمندان و فقهای قرن ششم هجری است.(۵)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

۲- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۵.

۳- تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۷۴۰؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۱۷۱؛ طبقات الحنفیّه، ص۸۳.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۷.

[او پیشوای حنفیان و قاضی اصفهان بود. در زمان او حنفیان و شافعیان اصفهان بارها با یکدیگر به درگیری پرداختند.

در یکی از این زدوخوردها، شافعیان خانه رکن الدّین را به آتش کشیدند؛ ولی او از آن فتنه، جان سالم به در برد. وی سرانجام در سال ۶۰۰ هجری با اصابت تیر یکی از مخالفینش کشته شد. جمال الدّین عبدالرزّاق و کمال الدّین اسماعیل در قصاید خود، بارها او را مدح کرده اند(۱)].

آل صاعد صدرالدّین

صدرالدّین بن قوام الدّین صاعدی، از بزرگان و افراد متنفّذ خاندان صاعدی در اصفهان(۲).

آل صاعد ظفرالاسلام*

ظفرالاسلام صاعدی، از سخنوران و شعرای اصفهان است، این قطعه، سروده او است:

منعم ز گریه مکن که کار ز غمخواری رفت به که خون گریه کنم کار من از زاری رفت

شب هجران است که تا روز قیامت باقی است روز وصل است که ناآمده پنداری رفت(۳)

آل صاعد عضد الاسلام

قاضی عضدالاسلام بن رکن الدّین مسعود صاعدی، از بزرگان آل صاعد است.(۴)] در قرن هفتم می زیسته، و در اصفهان به قضاوت مشغول بوده است].

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۴.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.
۳- هفت اقلیم، ج۲، ص۴۱۳.
۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

آل صاعد جلال الاسلام محمّد*

جلال الاسـلام عضدالدّین ابوالفضل محمّد بن اسـماعیل بن صاعد بن مسـعود از بزرگان و فقهای آل صاعد، و قاضـی اصفهان در قرن هشتم هجری است.(۱) تاج الدّین عیسی طرقی و برخی از شعراء به مدح او پرداخته اند(۲)، و خواجه رشیدالدّین فضل اللّه در کتاب خود التّوضیحات الرّشیدیّه از او یاد کرده است.(۳)

آل صاعد خواجه جلال الدّین محمّد*

خواجه جلال الدّین محمّد صاعدی، از شعرا و سخنوران قرن دهم هجری، و از بزرگان آل صاعد بوده، و در سال ۹۴۳ق وفات یافته است.

این بیت از او است:

صبری که بود اندر دلم، رفت از غمت یکبارگی اکنون من و کنج غمت، خو کرده با بی چارگی(۴)

آل صاعد، رکن الدّین مسعود

قاضـی رکن الـدّین مسـعود بن صاعد بن مسـعود، از دانشـمندان و مشاهیر خاندان صاعدی اصـفهان است. [وی ریاست حنفیان اصـفهان و منصب قضاوت اصفهان را بر عهده داشت. وی پس از آن که با محمّد بن آی آبه قزوینی علیه خوارزمشاهیان متّحد شـد مورد غضب غور سانچی پسـر سـلطان محمّـد خوارزمشاه قرار گرفت. غور سانچی به اصـفهان آمـد، و به یاری صدرالدّین خجنـدی به محلّه جوبـاره که محلّ سـکونت حنفیان بود حمله برد، و به قتل و غارت مردم آن جا پرداخت. قاضـی رکن الـدّین هم به شیراز گریخت، و به اتابک سعد زنگی پناه برد. پس از شورش مردم اصفهان علیه سپاه غور سانچی، او با سپاهش به ری

۱- تاریخ دیارالبکریّه، ص۴۴۸.

۲- تلخیص مجمع الآداب، ج۴ قسمت دوم، ص۴۵۲.

۳- یادگارنامه حبیب یغمایی، ص۳۵۷ ۳۵۹.

۴- تذکره روز روشن، ص۴۶۱؛ تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۶۸۳.

بازگشت(۱).

قاضی رکن الدّین پس از بازگشت به اصفهان از دشمنی با خوارزمشاهیان دست برداشت، و حتّی هنگامی که سپاهیان خوارزمشاهی از مغولان شکست خوردند، و به لرستان گریختند، از دست اندازی مردم اصفهان به خانواده سلطان خوارزمشاه جلوگیری کرد.(۲) عاقبت، قاضی رکن الدّین پس آن که دانست مغولان قصد حمله به اصفهان را دارند از اصفهان گریخت، و به یکی از قلعه های فیروزکوه پناه برد؛ امّا مغولان بر او دست یافته، و او را کشتند، این واقعه در سال های پس از ۶۲۵ق روی داد].(۳)

شاعران معاصرش همچون جمال الدّین عبدالرزّاق اصفهانی(۴) [و رفیع الدّین لنبانی] او را ستوده، و در قصایدی به مدح او پرداخته اند(۵).

آوانس

آوانس فرزند استاد ابراهیم زرگرباشی، از ارامنه اصفهان است. از آثار او: ترجمه فارسی سفرنامه سیاحت به ترکستان نوشته وامبری است که آن را در سال ۱۳۰۲ق ترجمه نموده است.

آیت اصفهانی*

آیت اللّه دشتچی اصفهانی فرزند احمد، شاعر ادیب متخلّص به «آیت»، در حدود سال ۱۳۵۴ق در اصفهان متولّد شد، پس از تحصیلات ابتدایی در کارخانه ریسندگی به کار پرداخت، و با شرکت در کلاس های متوسّطه شبانه، دیپلم گرفت؛ سپس به استخدام اداره برق منطقه ای اصفهان درآمد. اکنون بازنشسته شده است، و در اغلب انجمن های ادبی اصفهان شرکت می کند. این شعر از او است:

۱- سیرت جلال الدّین منکبرنی (سیرت جلالی)، ص۶۸.

۲- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۴.

۳- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۵.

۴- ترجمه محاسن اصفهان، ص۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

۵- دیوان رفیع الدّین لبنانی، صص ۱۲۰ ۱۲۱؛ الذّریعه، ج۹، ص۳۷۹.

افکنده ای چو اشک اگر از نظر مرا افسرده تر مخواه از این بیشتر مرا

مرغ شکسته بال، جهان باشدش قفس دیگر امید نیست از این بال و پر مرا(۱)

ابان

ابواحمد ابان بن ابی خصیب شهاب از پسران حنیفه بن نجیم بوده است. از حسین بن حفص، یحیی بن عبداللّه بن بکیر، عیسی بن جعفر، عبدالرّحمان مقری، احمد بن یزید حرّانی، احمد بن یونس و سلیم بن منصور بن عمّار روایت می کند. وی در سال ۲۵۸ق وفات یافت.(۲)

ابان بزّاز

ابوالحسن ابان بن مخلّد بن ابان بزّاز، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن ابان بلخی، ابوغسّان محمّد بن عمرو زینج، عبداللّه بن عمران و محمّد بن مهران روایت نموده، و ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم و ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن عمر از او نقل حدیث کرده اند. وی در حدود سال ۲۹۹ق وفات یافته است.(۳)

ابدال اصفهانی

ابدال اصفهانی از شعرای قرن دهم هجری، ابتدا دکان عطّاری داشت، و به واسطه عشق، دیوانه شد. سه سال در اصفهان قلندر و سروپای برهنه می گشت، پس از آن به تبریز رفت، و پنج سال با ارامنه معاشرت داشت، و در میکده به سر می برد. عاقبت توبه کرد، به عبادت و طاعت روی آورد، و دوازده سال سجّاده نشین شد.

این بیت از او است:

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۱۳۰ ۱۳۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان ص ۵۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۹؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۲۷۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۲۳۰؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۳۷.

ای شمع بزم دوست چرا می گریستی پروانه عاشق است تو سرگرم کیستی؟(۱)

ابدال قلندر

درویش ابدال قلندر، از دراویش عصر صفویّه است، در علوم غریبه مهارت داشته، و چندی نیز میرآخور جلودار سرکار خاصه (دربار شاه صفویّه) بوده است. از آثار او کتابی در کف بینی است که آن را در سال ۱۱۰۰ق به فارسی در اصفهان تألیف نموده است، نسخه به شماره ۶۶۸۰۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود.(۲)

ابدال بیگ نقّاشباشی*

ابدال بیگ نقّاش باشی فرزند علی قلی بیگ جبادار، هنرمند و نقّاش توانای قرن دوازدهم هجری است. پدرش مسیحی بود، و در نقّاشی مهارت داشت؛ امّا سرانجام مسلمان شد، و در دربار صفوی، ارج و اعتبار فراوانی یافت. ابدال بیگ از نقّاشان معروف عهد شاه سلطان حسین صفوی بود، و از کسانی است که شیوه اروپایی را در نقّاشی ایرانی رواج داده است.(۳)

ابراهیم

الکیا ابواسحاق ابراهیم، از محدّثین اصفهان و معاصر با مافرّوخی، مؤلّف محاسن اصفهان است.(۴)

آقا میرزا محمّدابراهیم

آقا میرزا محمّدابراهیم، از عرفاء اصفهان در قرن سیزدهم که شرح حالش دردست

۱- تذکره تحفه سامی، صص۲۱۶ ۲۱۲؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابدال»، ص۲۵۱؛ تذکره الشّعرا، غنی، ص۳؛ آتشکده آذر، بخش سوم، نیمه نخست، ص۹۲۲.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۸۲.

۳- هنر قلمدان، صص۲۸ و ۹۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۳۰.

۴- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

نیست. در سال ۱۳۱۲ قمری وفات یافته، و در تکیه مادر شاه زاده مدفون شده است.(۱)

ابراهیم آقاباشی*

ابراهیم آقاباشی، از هنرمندان عصر قاجاریّه در اصفهان است. او ریاست خواجگان دستگاه ظلّ السّلطان را بر عهده داشته، و به «آقاباشی» معروف بوده است.

در نواختن نی و خوانندگی از اساتید مسلّم دوران خود بوده، و شاگردان هنرمندی چون نایب اسداللّه، عیسی آقاباشی و سیّدرحیم موسیقی دان را تربیت کرده است. او عمری دراز یافته، و در یک صد سالگی درگذشته است.(۲)

سیّدابراهیم احمدی*

سیّدابراهیم احمدی، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۸ش در سده ماربین (خمینی شهر) به دنیا آمد.

او پس از تحصیلات مقدّماتی به حوزه علمیّه اصفهان آمد، و نزد ملّاهاشم جنّتی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج شیخ عبّاس علی ادیب، سیّدمحمّدرضا خراسانی، حاج آقا سیّدحسین خادمی، حاج سیّدمحمّدعلی صادقی به تحصیل مشغول شد. ایشان مورد توجّه مراجع بود، و از اکثر آنان اجازه در امور حسبیّه داشت. ایشان سرانجام در شب عاشورای سال ۱۳۸۲ش دارفانی را وداع گفت.(۳)

سیّدابراهیم اردوبادی

سیّدابراهیم اردوبادی، از سادات ادوباد آذربایجان است. داماد ملّامحمّدباقر یزدی بوده است. به هندوستان رفته، معلّم اولاد جعفرخان شد، و ثروتی زیاد اندوخته، به شوق عرفان، همه اموال خود را صرف کرد، و در لباس فقر به اصفهان بازگشت، و در آن جا فوت شد. از اشعار او است:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۵.

۲- سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، صص۲۹۲ و ۳۶۹؛ تاریخ موسیقی ایران، صص۶۱۷ و ۶۷۵.

۳- یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

هر زنده دلی که او ز اهل درد است دانسته ز اسباب تعلّق فرد است

هر پیرزنی مرگ طبیعی دارد مردی که به اختیار می میرد مرد است(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصـفهانی از محـدّثین اصـفهان است. در میزان الاعتـدال در ضـمن شـرح حـال ابوداوود عبـداللّه بن سـلیمان بن اشعث سجستانی، به نام او اشاره کرده است. ابوبکر اصفهانی از او روایت می کند.(۲)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصـفهانی، از محـدّثین است. از ابوبکر باغندی حدیث روایت می کند، و قاسم بن موسـی بن اشـیب از او روایت نموده است.(۳)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصفهانی، در تاریخ ماه صفر سال ۱۰۶۹ نسـخه ای از قبسات را به خطّ نسخ نوشته است، و به شماره ۷۴۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است. ظاهرا کاتب، شاگرد میرداماد بوده است.(۴)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصـفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او ابوبکر عبداللّه بن سلیمان بن اشعث سجستانی را کذّاب می داند.(۵)

گویند سجستانی به شیوه ناصبیان، حدیثی در اصفهان نقل کرد که باعث شورش علما و

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۸۱؛ دانشـمندان آذربایجان، ص۹۱؛ سـرایندگان شـعر فارسی در قفقاز، صص۳۶ ۳۷؛ کاروان هند، ج۱، صص۸ ۹؛ ریاض العارفین، ص۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۶.

۲- میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۳.

۳- میزان الاعتدال، ج۳، ص ۱۳۰.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۷۷.

۵- میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۳.

سادات اصفهان بر او شد، و حاکم اصفهان حکم به قتل او داد؛ ولی با وساطت محمّد بن عبداللّه بن حسن بن حفص همدانی از مرگ نجات یافت.

ابراهیم اصفهانی

در اوایل قرن ۱۴ هجری ابراهیم اصفهانی مجموعه ای شامل: چندین کتاب و رساله را به خطّ نسخ مرقوم داشته، و کتاب به شماره ۶۹۸۴ در کتابخانه آیت اللّهمرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

میرزا ابراهیم اصفهانی

میرزا ابراهیم اصفهانی از نویسندگان کتب قرن یازدهم هجری بوده است. از آثار او:

۱. کتابت نسخه ای از قانون ابن سینا می باشد که آن را در تاریخ ۱۰۶۱ق و جمادی الاوّل ۱۰۶۲ به خطّ نسخ مرقوم داشته، و کتاب به شماره ۴۴۹۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران [موجود است].(۲)

۲. کتابت نسخه ای از کتاب اساس الاقتباس تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی که در تاریخ ربیع الثّانی سال ۱۰۶۵ کتابت آن به خطّ نسخ پایان یافته است. کتاب به شماره ۴۹۳۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

میرزا ابراهیم اصفهانی

میرزا ابراهیم اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری است. از آثارش کتابت رساله عملیّه حاج سیّدکاظم رشتی است که آن را در سال ۱۲۴۲ به خطّ نستعلیق نوشته، و نسخه به شماره ۱۹۳۶ در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم موجود است.

رساله نام برده، ترجمه و منتخب رساله حیدریّه شیخ احمد احسایی، استادِ سیّدکاظم

۱- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۱۵۸.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص ۱۷۱.

۳- همان، ج۱۴، ص۱۶۸.

رشتی می باشد.(۱)

ابراهیم مدینی

ابراهیم بن آبان مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و از ابراهیم بن محمّد بن حارث، ابی مسلم کشی، احمد بن یحیی بن خالد برقی، محمّد بن عثمان بن ابی شیبه، محمّد بن مغیره الصّائغ و یوسف قاضی روایت می کند، و ابراهیم بن سهل و ابوبکر بن مردویه از وی نقل حدیث می نمایند. وی در سال ۳۳۹ق وفات یافته است.(۲)

ابراهیم منجانی

ابواسحاق ابراهیم بن ابجه بن اَعصُر منجانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از ابراهیم بن محمّد بن مصعب و محمّد بن عاصم روایت حدیث می کند، و ابواسحاق ابراهیم سریجانی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

[مَنجان از روستاهای جی و در حومه شهر اصفهان بوده است. در حال حاضر در داخل شهر قرار گرفته، و خیابان ۲۲ بهمن از وسط اراضی منجان کشیده شده، و صحرا منجان تبدیل به مناطق مسکونی شده است].

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن ابی بکر بن علی اصفهانی، از دانشمندان قرن هفتم و از خواص شاگردان امام فخر رازی. فخر رازی در روز یک شنبه ۲۰ محرّم سال ۶۰۶ در مرض مرگ خود در خوارزم، وصیّت نامه خود را به این شاگرد املاء نموده، و در شوّال همان سال در هرات مرده است. نسخه وصیت نامه، ضمن مجموعه شماره ۶۶۸۳۱ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود

۱- فهرست فیضیّه، استادی، ج۲، ص۶۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۳.

است.(۱)

سیّدابراهیم کابلی

سیّدابراهیم کابلی فرزند سیّدابوالحسن موسوی، عالم فاضل از بنی اعمام حاج سیّدباقر حجّت الاسلام شفتی و مورد توجّه و عنایت مخصوص آن مرحوم، و از طرف ایشان سرپرست و ناظر قسمتی از بنّایی مسجد سیّد اصفهان بوده است.

علّت شهرت وی به کابلی چنان که آقامحمّد (محمّدباقر) عماد الاسلام بن سیّدجعفر بن سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام در کتاب خود هدایه السّالکین نوشته، این است که سیّدحجّت الاسلام در پی یافتن کتاب مدینه العلم شیخ صدوق، سیّدابراهیم را به کابل فرستادند؛ ولی او در این کار موفّق نگردید.

سیّدابراهیم از شاگردان سیّدحجّت الاسلام بوده، و دیباچه ای بر کتاب سؤال و جواب استاد خود نگاشته، و فهرست کتاب را در آن آورده است. این نسخه به شماره ۷۴۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. صاحب عنوان پس از وفات در مقبره خاندان سیّدحجّت الاسلام در مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.(۲)

محمّدابراهیم خوراسکانی

محمّدابراهیم بن حاج ابوالحسن زرکش خوراسکانی اصفهانی، خطّاط و نویسنده قرن سیزدهم هجری این دو اثر به خطّ او موجود است: ۱. زبده المعارف تألیف ملاّعلی اکبراژه ای، به خطّ نسخ در غرّه ذی حجّه الحرام سال ۱۲۲۶ق که به دستور مؤلّف، جهت حاج محمّدعلیّ بن حاج غفور به خطّ نسخ کتابت نموده. نسخه به شماره ۲۹۸۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۳) ۲. روضه الصّفا، به خطّ نستعلیق در ربیع الاوّل سال ۱۲۲۸ق که به شماره ۳۰۰۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود

۱- فهرست دانشگاه، ج۱۶، ص۱۰۵؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۲۵۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۰۲ ۱۰۳؛ بیان المفاخر، ج۱، صص۱۶۸ ۱۶۹؛ ج۲، صص۲۴۸ ۲۴۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۴.

۳- فهرست مرعشی، ج۸، ص ۱۶۰.

است.(۱)

فایده: حاج غفور سر دودمان خاندان معروف از تجّار اصفهان بوده، و اولاد و اعقابش تاکنون در مسلک تجّار و به نام «حاج غفوری ها» و «غفوری» شهرت دارند، و عموما مردمانی مسلمان و متدیّن می باشند.

ابراهیم سرّی

سیّدابراهیم پوده ای متخلّص به «سرّی» فرزند حاج سیّدابوالقاسم موسوی شاعر ادیب عارف در سال ۱۳۱۱ قمری (۱۳۱۰ بنا به نقل فرزندش) در قریه پوده از دهات سمیرم سفلی متولّد شد(۲). در مولد خود و اصفهان نزد عدّه ای از فضلا و دانشمندان ازجمله حاج ابوالقاسم زفره ای (حاج آخوند) و میرزا یحیی مدرّس بیدآبادی تحصیل نمود، و مراتب شعر و شاعری را از میرزا یحیی فراگرفته، به افتخار دامادی او نائل شد. سپس به تصوّف و عرفان روی آورده، در شیراز از امام جمعه اصطهباناتی مراسم ذکر و ریاضت آموخته، عارفی وارسته و صاحب نفس گردید.(۳)

سرّی شاعری قادر و نویسنده ای و توانا بود؛ ولی کم تر در انجمن های ادبی شرکت می کرد، و فقط گاه گاه در انجمن مرحوم شیدا شرکت می نمود. در مسابقه ادبی رادیو لندن در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در بین ۲۷۳ نفر از شرکت کنندگان، جزو دو نفر ممتاز شناخته شد. مشارٌالیه در اواخر عمر، دچار بیماری سرطان شد، و در یکی از بیمارستان های تهران بستری شد، و در همان جا در روز ۱۴ رمضان سال ۱۳۶۹ قمری در ضمن عمل جرّاحی وفات یافت، و در قبرستان قم که به قبرستان قدیم شهرت دارد، مدفون گردید.(۴) کتاب های زیر از آثار او است: ۱. مکاشفات ۲. دیوان اشعار [مطبوع] ۳. مرغابیّه [مطبوع [۴. آخرین قانون و غیره ۵. مجموعه اشعار برخی از شعراء [مطبوع].

[این بیت از او است:

۱- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ج ۱۰، بخش یکم، ص۴۵۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴۲.

۳- دیوان اشعار سیّدابراهیم سری، مقدّمه

۴- دیوان سرّی، مقدّمه و دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص۵۵۴ ۵۵۵.

درد غم عشق تو چه دردی است که او را هر چند دوا بیش کنی درد فزون شد]

ابراهیم اشعری

ابراهیم فرزند ابوموسی اشعری، به «ابن ابوموسی» نیز مشهور است. وی در جنگ مسلمانان با اصفهانیان در ناحیه «قهجاورستان» حاضر بوده، و تیری از سوی اصفهانیان به او پرتاب شده، ابراهیم در حال سجده شهید شد، و همان جا مدفون گردید.

برخی نام او را موسی بن ابن موسی ذکر کرده اند. محلّ دفن به قبرستان شهداء معروف است.(۱) شعبی و عماره بن عمیر از ابن أبی موسی روایت کرده اند(۲). مادرش امّ کلثوم دختر فضل بن عبّاس بن عبدالمطلّب بوده است.

ابراهیم اصفهانی

ابواحمد ابراهیم بن احمد بن فضل اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. سلیمان بن احمد از او روایت کرده، و خودش از ابراهیم بن عون بن راشد نقل حدیث می نماید.(۳)

ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن معدان، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از هارون بن سلیمان روایت می کند، و احمد بن حمد بن سَنده خبّاز از او نقل حدیث می نماید(۴).

ابراهیم نخعی

ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن منخّل نَخَعی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۳؛ مزارات اصفهان، ص۲۷۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۷.

است. از رفقاء محمّد بن یوسف (بنا) بوده، و از بکر بن بکار، سعید بن یحیی طویل و محمّد بن بکیر حضرمی روایت می کند. ابوالحسن مظالمی، احمد بن محمّد بن نصیر و محمّد بن احمد بن یحیی از او نقل حدیث نموده اند.(۱)

ابراهیم مؤدّب

ابراهیم بن احمد بن نوح مؤدّب، از راویان حدیث و دانشمندان قرائت و تجوید در قرن سوم هجری است.

وی کتاب جامع در قرائات را از ابی عبداللّه مقری روایت می کند. وی از سلمه بن شعیب و محمّد بن عیسی مقری روایت می کند، و محمّد بن عبدالرّحمان بن فضل و احمد بن عبیداللّه بن محمود از او نقل حدیث می نمایند(۲).

ابراهیم باب کوشکی

ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن یوسف جلّاب باب کوشکی، از محدّثین اصفهان است. ظاهرا در قرن سوم هجری می زیسته، و از اهالی محلّه «باب کوشک» در یهودیّه بوده، از ابن صاعد و محدّثین هم طبقه او حدیث شنیده است.(۳)

ابراهیم خَطّابی

ابراهیم بن احمد خَطّابی، فقیه و محدّث در قرن سوم هجری، از اولاد و احفاد زید بن خطّاب بوده، به خطّابی شهرت داشته، و در اصفهان متصدّی امر قضاوت بود[ه است]. از ابی ولید و عمرو بن مرزوق حدیث شنید(۴). تاریخ فوتش به دست نیامد؛ امّا تا سال ۲۵۸ که بر پیکر شیخ ابومسعود احمد بن فرات رازی نماز خوانده، در قید حیات بوده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۳.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷.

ابراهیم نقّاش

ابواسحاق ابراهیم بن احمد نقّاش مقری، از محدّثین قرن سوم هجری است. از ابی الولید و حوضی و محدّثین هم طبقه آنان روایت می کند، و نزد ابی عبداللّه محمّد بن عیسی تلمّذ کرده است. او در سال ۲۸۱ق وفات یافته است.(۱)

ابراهیم حنظلی جزی

ابراهیم بن ادریس بن منذر جزی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم و از اهالی قریه گز [گز و برخوار] و برادر ابوحاتم محمّد رازی است.

از محمّد بن کثیر و محدّثین هم طبقه او روایت می کند، و محمّد بن قارن رازی از او نقل حدیث می کند.(۲)

ابراهیم عقیلی

ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابراهیم بن صالح بن زیاد بن اسحاق عقیلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ولید بن مسلم روایت می کند، و ابومسعود و اسید بن عاصم از او روایت می کنند. وفات صاحب عنوان در سال ۲۴۸ق روی داده است(۳).

[خاندان عقیلی در قرن سوم و چهارم هجری در قریه «فابزان» (محلّه خوابجوان فعلی) اصفهان سکونت داشته اند].

ابراهیم صفّار

ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق بن موسی صفّار تاجر از محدّثین اصفهان است. از محمّد بن اسحاق بن خزیمه و محمّد بن اسحاق سرّاج روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از وی روایت می کند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۱،مزارات اصفهان، ص۸۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۲.

سیّدمحمّدابراهیم بهشتی

سیّدمحمّدابراهیم بن سیّداسداللّه حسینی بهشتی، عالم فقیه کامل، (دارای اجازه اجتهاد از آخوند ملاحسینعلی تویسرکانی) متوفّی ۲۸ صفر ۱۳۱۰، مدفون در تکیه سادات بهشتی واقع در تخت فولاد(۱) (بر سنگ مزارش با این القاب از او یاد شده: سیّد المحققین و زبده المدققین، ظهیر الاسلام و المسلمین، عمده الفقهاء و المجتهدین، السخی الکریم و العلیم الحلیم). مادّه تاریخ وفاتش این بیت است:

تاریخ وی از خرد شدم جویا گفت: «فردوس بدان مقام ابراهیمست»]

شیخ میرزا ابراهیم اصفهانی

شیخ میرزا ابراهیم بن شیخ اسماعیل اصفهانی، عالم فاضل در سال ۱۲۹۰ق در اصفهان متولّد شده، و سپس به مشهد مقدّس مهاجرت کرده، و در آن جا نزد سیّدعلی حائری یزدی و شیخ اسماعیل ترشیزی تلمّذ نموده است. در سال ۱۳۱۸ق نیز به سامرّا رفته، و دو سال در درس میرزا محمّدتقی شیرازی حاضر شده، و در شوّال ۱۳۳۴ به کرمانشاه سفر کرده، و سرانجام در سال ۱۳۳۹ق در مشهد مقدّس وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات او است: ۱. احکام النّجاسات ۲. رساله در شکّ رکعات نماز ۳. منجزات مریض ۴. المواقیت و غیره. پدرش نیز از صلحاء و اخیار بوده، و در سال ۱۳۳۰ق در کاظمین وفات یافته است.(۲)

محمّدابراهیم اصفهانی

محمّدابراهیم بن اسماعیل اصفهانی، فاضل خطّاط، از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب استقصاء النّظر تألیف سیّدصدرالدّین محمّد بن محمّد رضوی قمی که به خطّ نسخ نوشته، و در ذی قعده ۱۲۴۹ به پایان رسانیده است. در حاشیه تصحیح شده است. در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۲- نقباءالبشر ج۱، صص۸ ۹؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۰۳.

ضمن، مقدّمه جنگ، فهرست موضوعات کتاب است که یکی از شاگردان مؤلّف تنظیم کرده است. نسخه به شماره ۲۷۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّدابراهیم اصفهانی

محمّدابراهیم بن آقا اسماعیل اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم بوده است، از آثار او: ۱. کتابت نسخه ای است از کتاب: من لا یحضره الفقیه که آن را در قرن یازدهم به خطّ نسخ نوشته، با حواشی به نشانه «سلطان» و «م. ن» نسخه در کتابخانه مدرسه سلیمان خان مشهد مقدّس وجود دارد(۲). ۲. کتابت نسخه ای از من لایحضره الفقیه که آن را نیز به خطّ نسخ در ۱۸ ذی القعده ۱۰۸۳ نوشته، و آن را نزد استادانش شیخ محمّدحسین بن محمّدخلیل شیرازی و آقا هادی بن مولی صالح مازندرانی خوانده است. تاریخ قرائت، اواخر شوّال ۱۱۰۱ و مرحوم آقا هادی مترجم، جهت او، انهایی مرقوم داشته است. نسخه به شماره ۴۱۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد(۳). در این نسخه او را محمّدابراهیم بن امیر اسماعیل سورکی از قرای کدیان معرّفی می کند، و قرائت او در نزد دو نفر دانشمند بزرگوار، نشانه آن است که خود نیز از فضلاء و اجلّاء بوده، و احتمال تعدّد، درباره صاحب عنوان و ایشان می رود، و العلم عنداللّه تبارك و تعالی.

محمّدابراهیم خراسانی

محمّدابراهیم بن محمّداسماعیل بن محمّدجعفر خراسانی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری، در پنج شنبه ۲۱ محرّم ۱۲۵۳ در اصفهان نسخه ای از کتاب: کواشف الحجب عن مشکلات الکتب تألیف: ملّامحمّدصالح بن ملّامحسن مازندرانی اصفهانی را به خطّ نسخ کتابت نموده است که به شماره ۴۵۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم

۱- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۷۴.

۲- فهرست چهار کتابخانه مشهد، ص۲۲.

۳- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۸، ص۳۹۵؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۵۷۵.

موجود است(۱).

استاد محمّدابراهیم بنّای اصفهانی*

استاد محمّدابراهیم بن استاد اسماعیل بنّای اصفهانی، از معماران زبردست عهد صفویّه است. وی در سال ۱۱۰۳ق مدرسه کاسه گران را ساخته است. آثار دیگر وی تعمیرات صفّه صاحب در مسجد جامع اصفهان، و تعمیر گنبد خانقاه شیخ عبدالصّمد در نطنز بوده است.(۲)

میرزا محمّدابراهیم ساغر

میرزا محمّدابراهیم متخلّص به «ساغر» فرزند محمّد اسماعیل سدهی اصفهانی شاعر ادیب و خطّاط. در اصفهان به تحصیل علم وادب پرداخت، چندی نزد آقا غلام علی خطّاط مشق نمود تا در خطّ نسخ، استاد شد. وی سرانجام در سال ۱۳۰۲ق وفات یافت، و در تکیه خرابه، واقع در تخت فولاد مدفون شد. مانی اصفهانی در مادّه تاریخ او سروده است:

وقت رحلت گفت با ساقی عشق: از پی تاریخ «یک ساغر بده»

این کتب از او است: ۱. پارسی نامه، رساله مختصری است در دستور زبان فارسی ۲. تحفه الحسینیّه ۳. توحیدنامه ۴. دیوان قصائد و غزلیّات ۵. المصائب ۶. مثنوی سبعه ابحر [و یا سبع المثانی و یا مظفّرنامه] که نظم کتاب جلاء العیون علاّمه مجلسی است[۷. ماتم سرا] ۸. مزخرف نامه و آن رساله ای در حکایات و امثال این ها است. این شعر در مدح امام رضا علیه السلام از او است:

افلاک تو را چاکر و هرکس که در آن است آفاق تو را خادم و هرکس که در این است

یک حاجب درگاهت، گردون رفیع است یک واقف بنگاهت، جبریل امین است(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۸۶.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص۹۴ و ۶۵۳ و ۸۸۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۴.

۳- دیوان غمگین؛ مقدّمه رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۰؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، ص۲۹۱؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۵۸۸؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۵۷ و ج۱۸، ص۱۶۶ و ج۲۱، ص۱۶۵، حدیقه الشّعرا، ج۱، صص۷۱۹ ۷۲۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ساغر»، ص۱۴۲؛ تذکره مدایح معتمدیه، (خطّی)، ص۳۳؛ فهرست مرعشی، ج۳۲، صص۵۳۵ ۵۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۹۸ ۹۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۱.

ابراهیم فَرسانی

ابواسحاق ابراهیم بن ایّوب عنبری فرسانی اصفهانی از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است. عارف و زاهد بوده، و چهل سال بدون همسر و مجرّد زیسته است. از ثوری، ابی هانی، اسود بن رزین، مبارک بن فضاله و اعمش روایت نموده است. زیاد بن برّاد، عبدالرزّاق بن بکر اصفهانی، عبداللّه بن داوود، نصر بن هشام و هذیل از او نقل حدیث کرده اند. فرسان (به ضم فاء) از قراء نزدیک اصفهان است(۱).

میرزا ابراهیم نوّاب

حاج میرزا ابراهیم نوّاب بن میرزا محمّدباقر بن محمّد بن محمّدباقر نوّاب لاهیجی اصفهانی عالم فاضل، نزد آقا میرزا احمد مدرّس، آخوند گزی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، آقا شیخ محمّدرضا نجفی و دیگران تحصیل کرد، از ائمّه جماعات مسجد ذوالفقار بود. وی در اوّل صفر ۱۳۶۶ق وفات یافت، و در تکیه لسان الارض، جنب مرقد یوشع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

میرزا محمّدابراهیم جوهری

میرزا محمّدابراهیم متخلّص به «جوهری» فرزند محمّدباقر از سلسله بیرام علی خان قاجار مروزی، از شعراء، ادباء و مرثیه سرایان قرن سیزدهم هجری است. در اوایل قرن سیزدهم هجری متولّد شده، و در هرات به تحصیل پرداخته است. فنون علم و ادب را در

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۲؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۴۹ میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۲؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۲۶۳؛ اللّباب، ج۲، ص ۴۲۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۳۶۵ ۳۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۸۴.

هرات از میرزا عبداللّه خان شهاب ترشیزی آموخت.(۱)

سال ها در هرات و خراسان به مدح حکّام و شاه زادگان قاجار پرداخت سرانجام به قزوین آمد، و پس از چند سال در اصفهان اقامت گزید. وی از ارادتمندان حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی بوده، و در مدح او قصایدی سروده است.(۲)

وی در سال ۱۲۵۳ق وفات یافت، و در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون گردید. در سال ۱۲۹۰ بانویی نیکوکار به مرمّت آرامگاه او پرداخت.(۳) [در اوایل حکومت سلسله پهلوی، با احداث خیابان چهارباغ پایین و فلکه شهدا] قبرستان آب بخشان تسطیح و به خانه و مغازه و بهداری و مدرسه تبدیل شد.

تاجر نیکوکار، میرزا ابوالقاسم تبریزی در آن قبرستان، دبستان تبریزی را احداث نمود، و قبر جواهری در داخل مدرسه قرار گرفت. تبریزی در گوشه دبستان، آرامگاهی برای جوهری ساخت که هنوز باقی است.(۴)

روی مزار او سنگ قبری تمام قد است، و بر روی آن قصیده ای از میرزا محمّدباقر بهاء خواجویی [از احفاد ملّااسماعیل خواجویی] منقور است، و مادّه تاریخ وفات جوهری در آن آمده است:

کلک سحرانگیز او بنوشت این مصرع تمام: «همره سلطان دین آید بمحشر جوهری»(۵)

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. کتابی در امامت ۲. طوفان البکاء، معروف به کتاب جوهری، در مصائب خاندان حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام و خاندان عصمت و طهارت، که بارها به چاپ رسیده، و مقبول اهل منبر و ذاکران اهلبیت علیهم السلام واقع شده است [۳. احسن صور ۴. راز و نیاز ۵. دیوان قصاید و غزلیّات ۶. معراج نامه(۶)]. اولاد و اعقاب او در اصفهان ساکن و تا این اواخر از اهل منبر و

۱- تذکره مآثرالباقیه، نسخه خطّی، صص ۱۶۹ ۱۷۲.

۲- بیان المفاخر، ج ۲، ص ۱۱۴ و ج ۱، ص ۲۱۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۱۰۴ ۱۰۵.

۴- مزارات اصفهان، صص ۲۵ ۲۶.

۵- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۳.

۶- تذکره مآثرالباقریه (نسخه خطّی)، ص ۱۷۲، [سایر منابع]: روضات الجنّات، ج ۲، ص ۴۹؛ الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۶۳۱؛ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۴۳۸؛ مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۴۳۸؛ خلد برین، ج ۱، صص ۸۴ و ۸۸؛ الکرام البرره، ج ۱، ص ۶۱۱.

ذاکرین مصائب بودند (از جمله شیخ احمد جوهری و فرزندش شیخ عبدالکریم جوهری).

ابراهیم کامی

میرزا ابراهیم موسوی اصفهانی متخلّص به «کامی» فرزند میرزا باقر شاعر ادیب و طبیب لبیب، از سادات حکیم سلمانی بوده، و در شیراز به طبابت مشغول بوده [است]، در سال ۱۲۳۹ متولّد [شد]، و در سال ۱۲۹۵ق در شیراز وفات یافت.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن بسطام اصفهانی، زعفرانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ابی داوود و عبیداللّه حنفی روایت می کند، و عبّاس بن حمدان از او نقل حدیث نموده است.

وی با برادرش احمد در بصره ساکن شده، و همان جا وفات یافته است.(۲)

ابراهیم قطّان

ابراهیم بن بُندار بن عبده قطّان اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از محمّد بن یحیی بن ابی عمرو روایت می کند، و سلیمان بن احمد و قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم از او نقل حدیث می کند.(۳) قطّان، بر وزن شدّاد، به معنی پنبه فروش است.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن جریر بن یزید اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از داوود بن سلیمان

۱- حدیقه الشعراء، ج ۲، صص ۱۴۴۹ ۱۴۵۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۸.

روایت حدیث می کند.

برادرزاده اش احمد بن سعید بن جریر از او نقل حدیث می نماید.(۱)

میرزا محمّدابراهیم همدانی

میرزا محمّدابراهیم همدانی فرزند میرزا محمّدجعفر فرزند میرزا علاّمه میرزا ابراهیم همدانی، شاعر ادیب. وی در اصفهان و همدان تحصیل نموده، و سرانجام در اصفهان ساکن شد. او متولّی امام زاده سهل بن علی در همدان بود. در شعر و خطّ و انشاء و معمّا مهارت بسزایی داشت.

[از سال وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ ولی ظاهرا تا سال ۱۱۰۷ق زنده بوده است]. این شعر از او است:

روزگاری شد که با دردت هم آغوشیم ما همچو سیل از هستی خود خانه بر دوشیم ما

چون سپند دور از آتش در شب هجران یار ناله ها در دل گره داریم و خاموشیم ما(۲)

ابراهیم اشعری

ابواسحاق ابراهیم بن جعفر بن محمّد بن سعید اشعری از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از ابوعتبه حمّصی و حمید بن مسعده روایت می کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه و ابومحمّد بن حیّان و قاضی ابواحمد از وی روایت می کنند. در سال ۳۹۴ق در راه مکّه وفات یافت(۳).

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن آقا جعفر شیشه فروش اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن ۱۳

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۴۰ ۱۴۱، قصص الخاقانی، ج۲، صص۹۹ ۱۰۰؛ تذکره المعاصرین، حزین، ص ۱۵۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۲.

هجری. از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب دانشکده تألیف اسحاق بیک عذری اصفهانی است که در تاریخ یک شنبه ۲۸ شعبان سال ۱۲۲۲ هجری از کتابت آن به خطّ نستعلیق فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۳۶۶۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن حامد بن شبیب اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. احمد بن فضل بن خزیمه ساکن بغداد از او روایت می کند، و او از احمد بن محمّد، ماجرای تزویج حضرت رضا علیه السلام با دختر مأمون را نقل می کند.(۲)

ابراهیم ابهری

ابواسحاق ابراهیم بن حجّاج ابهری اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از ابوداوود روایت می کند، و قبل از سال ۲۵۰ق وفات یافته است، وی را تألیفاتی است.(۳) ابهر از قرای بلوک جی اصفهان بوده، و اکنون جزو شهر قرار گرفته، و به آن «ابر» می گویند.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن حُرّه اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از اسماعیل بن یزید قطّان روایت کرده است(۴).

ابراهیم

ابراهیم بن حسن بن یزداد، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از اُسید بن

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۲، ص ۲۶۷۷.

۲- احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۳۸۶؛ تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۶۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص ۲۸۶ و ۳۷۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۷؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۳؛ الانساب، ج ۱، ص ۱۰۵؛ طبقات المحدّثین، ج ۲، صص ۳۱۴ و ۳۷۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۲.

عاصم روایت کرده است(۱).

حاج محمّدابراهیم کلباسی

حاج محمّدابراهیم کلباسی فرزند حاج محمّدحسن کرباسی هروی خراسانی اصفهانی، از مشاهیر فقهاء و مجتهدین و اکابر علماء و محقّقین است. عالم زاهد عابد ورعِ تقی، بلکه ازهد و اعبد و اورع و اتقای علمای زمان بوده، در روز ۱۹ ربیع الثّانی سال ۱۱۸۰ق در اصفهان متولّد شده، در ۱۰ سالگی پدرش وفات یافته، و بنا به سفارش پدر، تحت تربیت و مراقبت عارف و حکیم فرزانه آقامحمّد بیدآبادی قرار گرفته، و نیز به درس میرزا محمّد علیّ بن میرزا مظفّر، شیخ محمّد خاتون آبادی، ملّامحراب گیلانی و ملّاعلی نوری حاضر شد. سپس به سفر حج مشرّف شده، پس از بازگشت، چندی در عتبات عالیات متوطّن شده، و از علمای اعلام همچون شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء)، سیّدعلی طباطبایی حائری صاحب ریاض، سیّدمحمّدمهدی بحرالعلوم، آقاسیّدمحسن اعرجی کاظمینی و سیّدمحمّد باقر وحید بهبهانی کسب فیض نموده، به ایران بازگشت، و در قم و کاشان نزد میرزا ابوالقاسم قمی و ملّااحمد نراقی تلمّذ نموده، به درجات عالی علم و اجتهاد نائل آمده، در اصفهان ساکن شد، و به تدریس و افتاء و اقامه جماعت و ارشاد خلق مشغول گردید. عدّه ای کثیر از علماء در خدمت او درس خوانده اند.

مرحوم حاجی کلباسی در امر فتوی بی نهایت احتیاط می فرموده، و بر دقایق آداب شریعت، مواظبت کامل داشته، به طوری که کم تر مستحبّی از مستحبّات او فوت شده، و با این حال، در نهایت تواضع و سلامت نفس بوده، و حکایات زیادی از دقّت و احتیاط او در فتوی و عدم توجّه ایشان به مردم دنیا و زهد و قناعت و اعراض ایشان از دنیا نقل شده که همگی، دلالت بر عظمت مقام و جلالت قدر ایشان است. ایشان در مسجد حکیم اقامه جماعت می نموده که پس از وفات، فرزندان و نوادگان او در آن مسجد به اقامه جماعت پرداخته اند.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۹.

صاحب عنوان در شب پنج شنبه ۸ جمادی الاوّل سال ۱۲۶۱ق در اصفهان وفات یافت، و در مقبره ای مخصوص، مقابل در شرقی مسجد حکیم مدفون گردید که مقبره خانوادگی آن ها گردیده است. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. اجوبه المسائل ۲. احکام نماز ۳. اشارات الاصول، در دو مجلّد، جلد اوّل چاپ سنگی شده است ۴. ارشاد المسترشدین، به فارسی، رساله عملیّه ایشان است ۵. ایقاظات، در اصول ۶. رساله در تنقیح مسأله صحیح و اعم ۷. شوارع الهدایه، شرح بخش طهارت و صلاه کفایه محقّق سبزواری ۸. عدم جواز تقلید میّت ۹. مراد از کلمه «لا ـ بأس» ۱۰. رساله در مفطر بودن قلیان ۱۱. مناسک حج ۱۲. منهاج الهدایه، در فقه، سه مجلّد، چاپ سنگی شده است ۱۳. نخبه، رساله عملیّه به فارسی، منتخب از ارشاد المسترشدین، چاپ سنگی شده است. (۱)

شیخ ابراهیم امینی*

شیخ ابراهیم حاج امینی نجف آبادی معروف به امینی فرزند حسین، از علماء و فضلاء و مدرّسین معاصر، در سال ۱۳۰۴ق در نجف آباد متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان آغاز کرد، و نزد اساتیدی چون شیخ رمضان علی املایی، شیخ هاشم جنّتی، سیّدمحمّد هاشمی قهدریجانی، حاج میرزا محمودمعین نجف آبادی، میرزا یحیی فقیه ایمانی، شیخ هبه اللّه هرندی، سیّدمحمّدجواد غروی، آشیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ ابوالقاسم محمّدی، شیخ محمّدجواد اصولی، سیّدمحمّدباقر ابطحی

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، صص۲۸۳ ۲۸۴؛ مزارات اصفهان، صص۶۷ ۶۸؛ هدیه الاحباب، صص۲۴۶ ۲۴۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۱۵۵؛ فواید الرّضویه، ج۱، ص۱۰؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۱۰۹؛ روضات الجنّات، ج۱، ص۴۴؛ شرح روضات الجنّات، ج۱، صص۸۳ ۸۹؛ تذکره العلماء، صص۲۱۶ ۲۱۷؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۶۴۳ ۱۶۴۶؛ الکرام البرره، ج۱، صص۱۴ ۱۵، لباب الالقاب، صص۹۹ و ۱۳۴؛ شرح حال رجال ایران، ج۵، صص۲۱۲ ۲۱۳؛ تکمله نجوم السّماء، ج۱، ص۶۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۸۵۹؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۶۵ ۲۶۸؛ وفیات العلماء، صص۱۷۴ ۱۷۵؛ الاعلام، ج۶، ص۱۹۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابراهیم»، ص۲۶۴؛ معجم المؤلّفین، ج۱، ص۹۱؛ الذّریعه، ج۱، ص۵۲۱ و ج۱۴، ص۲۳۷ و ج۲۵، ص۱۹۱؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۴۲؛ حاجی کرباسی و اولاد و احفادش (نسخه خّطی)، صص۱۳ ۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۰۷ ۱۰۹؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۱۱۲ ۱۱۸.

سدهی، شیخ قنبرعلی کوشکی و شیخ غلام حسین منصور نجف آبادی تحصیل نمود.

معالم الاصول و اکثر کتب شرح لمعه را از حاج شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و قسمت منطق منظومه را نزد حاج آقا صدرالدّین هاطلی کوپایی، بعضی از کتاب های شرح لمعه را نزدآقا شیخ علی قدیری و آقا شیخ محمّدجواد اصولی آموخت. مکاسب محرّمه را نزد حاج شیخ محمّدرضا جرقویه ای، کتاب بیع مکاسب را نزد آقای شیخ مرتضی اردکانی و حاج آقا رحیم ارباب، رسائل رانزد آقا سیّدعبّاس دهکردی و حیدرعلی برومند و قوانین الاصول را نزد سیّدعلی اصغر مدرّس برزانی خواند.

پس از شش سال تحصیل به قم رفت، و بقیّه مکاسب و رسائل را نزد آقای سلطانی و حاج آقا رضا بهاءالدّینی و آقای مجاهدی به اتمام رساند. جلد اوّل کفایه را نزد آیت اللّه مرعشی نجفی و جلد دوم را نزد آیت اللّه گلپایگانی و منظومه حکمت سبزواری را نزد علاّمه طباطبایی فراگرفت.

در جلسات خصوصی، نزد علاّمه طباطبایی نیز معاد کتاب اسفار، تمهید القواعد، چند جلد کتاب از بحارالانوار، منطق شفا و مقداری از مطالب مهمّ اسفار را آموخت. پس از اتمام کفایه در درس خارج فقه و اصول آیت اللّه بروجردی، سپس امام خمینی شرکت کرد، و پس از مدّتی آن را نزد آیت اللّه گلپایگانی ادامه داد.

ایشان هم زمان با تحصیل، به تدریس نیز پرداخت، و منظومه حاجی سبزواری، اشارات و چند جلد از اسفار و کتب ادبیّات و شرح لمعه را تدریس نمود.

در مبارزات علیه رژیم پهلوی نیز فعّال بود، و مورد تعقیب قرار گرفت. پس از انقلاب از اعضای مؤثّر جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم بود، و سه دوره به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. اکنون نیز به عنوان امام جمعه موقّت قم، به انجام وظیفه مشغول است. تألیفات ایشان عبارت اند از:

۱. آموزش دین، برای کودکان، چهار جلد ۲. آیین تربیت ۳. آیین همسرداری ۴. الگوهای فضیلت ۵. انتخاب همسر ۶. بانوی نمونه اسلام ۷. بررسی مسائل کلّی امامت ۸. اسلام و تعلیم و تربیت ۹. ثقافه الاسلامیّه ۱۰. خودسازی ۱۱. دادگستر جهان ۱۲. آشنایی

با مسائل کلّی اسلام ۱۳. وحی در ادیان آسمانی ۱۴. همه باید بدانند.(۱)

آقا محمّدابراهیم نعمت اللّهی*

آقامحمّدابراهیم نعمت اللّهی (نقّاش باشی) فرزند آقامحمّدحسین بن محمّدابراهیم، نقّاش هنرمند اواخر دوره قاجاریّه. وی نزد آقا عبّاس به نقّاشی مشغول شد. سپس به روسیه رفت، و با نقّاشی اروپایی آشنا شد، و به اصفهان بازگشت. او سال ها در سرای محمّدصادق خان نزدیک دروازه اشرف در بازار اصفهان ساکن بود، و به نقّاشی می پرداخت.

او مردی عارف مسلك و از مریدان حاج سیّدمحمّدهادی و آقا میرزا عبّاس پاقلعه ای بود. سرانجام در حدود ۵۵ سالگی در سال ۱۳۳۳ق وفات یافت، و در تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ ابراهیم تنکابنی

شیخ ابراهیم بن حسین بن ابراهیم تنکابنی گیلانی، عالم فاضل، معاصر میرزا عبداللّه افندی است، و هم درس او بوده(۳)، و ظاهرا قبل از سال ۱۱۳۱ق در اصفهان وفات یافته است.(۴) چون یکی از اساتید میرزا عبداللّه، علاّمه مجلسی است، به احتمال قوی، شیخ ابراهیم تنکابنی نیز از شاگردان علاّمه مجلسی بوده است.(۵)

محمّدابراهیم فیض

(محمّدابراهیم بن آقا محمد خلیل مشهور به فیض، عالم عامل کامل محقق، از زندگی او اطلاعی نداریم جز اینکه خود و پدرش از علما بوده اند. وی در سال ۱۳۷۹ ق برابر با ۳

۱- سیمای دانشوران، صص۴۸ ۵۰، دیباچه دیار نون، صص۱۳۸ ۱۳۹؛ آیینه اهل قلم، صص۲۸ ۲۹، خبرگان ملّت، صص۱۶۱ ۱۷۴.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص۳۳۳ ۳۳۴.

۳- ریاض العلماء، ج۲، ص۳۴.

۴- الکواکب المنتشره، ص۵.

۵- زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۱۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۰۹ ۱۱۰؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۲۹.

فروردین ۱۳۲۷ ش وفات نموده و در تکیه سیدالعراقین مدفون گردید. میرزا حسن خان جابری در وفاتش اشعاری سروده، ماده تاریخش این است: فیض از حق ببرد او بجنان)(۱).

میرزا ابراهیم خلیفه سلطانی

نوّاب سیّدابراهیم بن سیّدعلاءالدّین حسین خلیفه سلطانی عالم فاضل، فقیه محدّث. مادرش دختر شاه عبّاس صفوی است. در سال ۱۰۳۸ق متولّد، و در سنّ سه سالگی به دستور شاه صفی کور شد. با وجود این، تحصیل علم و دانش نموده، و در جمیع علوم و فضایل بر امثال و اقران خویش فائق گردیده است. در مقتبس الاثر گوید: به «ابن الخلیفه» مشهور است. وی در سال ۱۰۹۸ وفات یافت، و در قبرستان امام زاده ستّی فاطمه اصفهان مدفون شد. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. حاشیه بر کتاب روضه تا مبحث تیمّم ۲. حاشیه بر شرح لمعه تا آخر طهارت ۳. حاشیه بر مدارک الاحکام.(۲)

استاد ابراهیم معصوم زاده*

استاد ابراهیم معصوم زاده فرزند استاد حسین کاشی ساز، از هنرمندان ماهر در هنر کاشی سازی بود، در سال ۱۳۴۶ق وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون شد(۳).

ابراهیم فُرسانی

ابراهیم بن حیّان بن حکیم بن حنظله بن سُوید بن علقمه بن سعد بن معاذ اشهلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او در محلّه فُرسان اصفهان ساکن بود. از پدرانش و از شریک بن عبداللّه روایت می کند. نضر بن هشام بن راشد از او نقل حدیث می کند.(۴)

۱- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۲- تتمیم امل الآمل، صص ۵۰ ۵۱؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۱۵۹؛ مصفّی المقال، ص۶؛ مقتبس الاثر، ج۲، ص۲۹۹؛ الذّریعه، ج۶، صص ۹۰ و ۱۹۶؛ مزارات اصفهان، ص ۱۱۰؛ فوایدالرّضویّه، ص۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۱۰ ۱۱۱.

۳- تخت فولاد، شفیق، ص۴۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۳.

ابراهیم مؤذّن

ابواسحاق ابراهیم بن خلید (مصغّرِ خالد) قوّاس، مؤذّن مسجد حفص بن سعدان بن ابوسلیمان، از محدّثین ثقه اصفهان در قرن سوم هجری است. از نعمان بن عبدالسّلام روایت می کند. ابوعمر حفص بن معدان بن حفص بن معدان بن ابی سلیمان، از او نقل حدیث می نماید. وی مدت شصت سال مؤذّن مسجد حفص بوده، و مردی مورد اعتماد، نیکوکار و مسلمان بوده است.(۱)

محمّدابراهیم اصفهانی

آقا محمّدابراهیم بن آقا رضا رییس التجّار اصفهانی مشهدی، عالم فاضل، مؤلّف کتاب الاحتراز در رد بر رساله حسن الایجاز در ابطال اعجاز که یکی از مبلّغین آمریکایی نوشته، و خود را در آن جا به نام نصیرالدّین می نامد. مؤلّف، این کتاب را به مرحوم شیخ محمّد خالصی (م۱۳۸۳ق) هدیه نموده، و کتاب در سال ۱۳۴۲ق در تهران به طبع رسیده است.(۲)

ابراهیم خان ضرغام السّلطنه

حاج ابراهیم خان ضرغام السّلطنه فرزند رضاقلی خان ایل بیگی بختیاری، از سیاستمداران و عرفای عهد قاجاریّه است. در سال ۱۲۷۲ق متولّد شده است. از سران نهضت مشروطه خواهی در ایل بختیاری به دعوت علماء و مردم اصفهان با عدّه ای از قوای بختیاری به اصفهان آمده، در نهم ذی حجّه ۱۳۲۶ اصفهان را فتح نموده، و سپس صمصام السّلطنه و دیگران وارد شده، و حکومت اقبال الدّوله حاکم اصفهان را شکست دادند.

وی سرانجام در سال ۱۳۳۷ق در تهران وفات یافت.

از دراویش سلسله خاکساریّه و در طریقت به لقب «حبّ علی شاه» معروف بود.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۱؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۴؛ الذّریعه، ج۱، ص۲۸۴.

۳- شرح حال رجال ایران، ج۶، صص۶ ۷؛ القاب رجال دوره قاجاریّه، ص۱۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۲۱.

میرزا محمّدابراهیم نصیری طوسی

میرزا محمّدابراهیم نصیری طوسی اصفهانی (متخلّص به منیر) بن زین العابدین بن عبدالحسین، عالم محدّث، ادیب منشی، در اصفهان [در سال ۱۰۵۱ق] متولّد، و در این شهر نزد علمای عالی قدری چون علاّمه مجلسی تحصیل کرده، و سپس به مشاغل اداری روی آورده است. [ابتدا وزیر استرآباد بوده، سپس تولیت آستان شاه صفی، وزارت آذربایجان و استیفای ممالک را بر عهده داشته؛ ولی در اثر سعایت حاسدان از کار کنار گذاشته شده تا این که به منصب مجلس نویسی شاه سلطان حسین صفوی منصوب شده است.]

خطّ نستعلیق را خوش می نوشته، و در خطّ نسخ نیز مهارت داشته است، و کتاب های تلخیص الشّافی، تفسیر الائمّه، کشف الآیات را کتابت نموده است. وی تا حدود سال ۱۱۲۶ق در قید حیات بوده است. آثار و تألیفات وی عبارت اند از: ۱. دستور شهریاران، در حوادث زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی که به چاپ رسیده است ۲. جنگ، با مطالب تاریخی، ادبی منشآت و غیره. از او است:

ساقی توفیق کردست چون بزم آرای من باده لعلی دهد از چشم خون پالای من

مطرب آه و فغان در نغمه ریزد زیر و بم تا نوای غم زدایی سازد از آوای من

زهره چنگی می فرستد در زمین گردون پیر تا کند کسب نشاطی از دل برنای من(۱)

ابراهیم نعمت اللّهی

ابراهیم بن زین العابدین نعمت اللّهی از فضلاء و صوفیّه و از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری در اصفهان بوده است. از آثارش چهار رساله است که آن را در سال ۱۲۹۰ق به خطّ نستعلیق تحریری کتابت نموده، و این مجموعه به شماره ۳۰۴۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۲)

۱- دستور شهریاران، مقدّمه؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۱۱۰؛ اجازات الحدیث، صص۱۴۹ ۱۵۰؛ الکواکب المنتشره، ص۲۴؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۵۷؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۵۷۶، نسخه های خطّی، دفتر هفتم، ص۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۶.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، جزء ۱، ص۴۸۷.

ابراهیم کاتب مدینی

ابوسعید ابراهیم بن سعدان بن ابراهیم کاتب مدینی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از بکر بن بکار و هُریم بن عبدالاعلی روایت می کند، و محمّد بن اسحاق بن ایّوب، عبداللّه بن محمّد بن جعفر و احمد بن اسحاق از وی نقل حدیث نموده اند. وی ثقه و صاحب تألیف است، در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال ۳۸۴ق فوت کرده است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم فرزند سعید (معروف به سعدویه) بن سعید بن یحیی بن طویل اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از پدرش حجّاج بن منهال حَوضی، عمرو بن مرزوق و عبیداللّه بن موسی روایت می کند، و رُسته، محمّد بن یحیی بن منده و احمد بن حسین از او نقل حدیث می نمایند.(۲)

سیّدابراهیم

سیّدابراهیم بن سیّدسلمان، عالم فاضل، در دوم شوّال ۱۱۵۶ق وفات یافت، و در بقعه آقاحسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد(۳). [در سنگ قبر با اوصاف زیر از او یاد شده است: السیّد الجلیل النّبیل العالم الفاضل الکامل...].

ابراهیم طهرانی

ابوبکر ابراهیم بن سفیان (سلیمان) طهرانی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از محدّثین عراق و اصفهان ازجمله ابراهیم بن نصر و اسماعیل بن اسحاق استماع

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۸.

حـدیث نموده، و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث می کنند.(۱) وی به قریه طهران در حومه اصفهان منسوب است، و در زمان ما به تیران آهنگران معروف شده، و جزو محلّه های شهر شده است.

ابراهیم اصفهانی

حافظ ابراهیم بن سلیمان اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از حافظ ابوبکر احمد بن مردویه روایت می کند. اخطب خوارزم از وی حدیث شنیده، و در سال ۴۸۸ق اجازه دریافت نموده است.(۲)

۱۶۵

ابراهیم

ابواسـحاق ابراهیم بن سندی بن علیّ بن بهرام، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری. وی از محمّد بن ابی عبدالرّحمان مقری و محمّد بن زیاد زیادی روایت می کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه، سـلیمان بن احمد، عبداللّه بن محمّد بن جعفر و محمّد بن جعفر بن یوسف از او نقل حدیث می کنند.

او موهای خود را به رنگ سرخ خضاب می نموده، و در سال ۳۱۳ق وفات یافته است.(۳)

میرزا ابراهیم اصفهانی

میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسـین اصفهانی، شاعر ادیب و خطّاط فاضل، وی در اصفهان به تحصیل پرداخت، و پس از قتل پدر به قزوین رفته، مورد توجّه بزرگـان و دانشـمندان و شـاعران قرار گرفت، و از اعیان و اشـراف، هـدایا و صـله های فراوان یافت. مردی سخن سنج و قلندر روش و درویش منش بود. در نوشتن خطوط، مهارتی بسزا

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۳؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۵۲ طبقات المحدّثین، ج ۴، ص ۳۸۲؛ الانساب، ج ۴، ص ۸۵.

۲- احقاق الحق، ج ۷، ص ۳۲۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۳.

داشت، و سرانجام در سال ۹۸۹ق وفات یافت.

علاوه بر دیوان اشعار، فرهنگ میرزاابراهیم نیز از آثار او است که در لغت فارسی به رشته تحریر درآورده است.(۱)

ابراهیم لفتوانی

ابوعبداللّه ابراهیم بن ابی نصر شجاع بن ابوبکر محمّد بن ابراهیم لفتوانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در حدود سال ۴۸۰ق متولّد شده، و از برادرش حافظ ابوبکر محمّد بن ابی نصر شجاع لفتوانی و نیز از رییس ابی عبداللّه ثقفی و ابی محمّد عبدالرّحمان بن احمد بن محمّد سمسار روایت می کند. ابوسعد و ابوالقاسم از او استماع حدیث نموده اند.(۲)

[لفتوان از قریه های حومه اصفهان بوده است، و اکنون از محلّات شهر به شمار می آید، و در زبان عوام، «لفتون» خوانده می شود].

ابراهیم مدینی

ابواسحاق ابراهیم بن شذره مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی از پدرش شذره روایت می کند، و احمد بن محمّد بن ابراهیم از او روایت می نماید.(۳)

ابراهیم عبّاسی*

ابراهیم فرزند شفیع عبّاسی، از نقّاشان هنرمند عهد صفویّه است. وی نوه رضا عبّاسی بزرگ ترین نقّاش عهد شاه عبّاس اوّل بوده، و گفته می شود برخی از نقّاشی های کاخ

۱- خلد برین، صص۴۶۲ ۴۶۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص۱۷۱ ۱۷۲؛ الذّریعه، ج۱۸، ص۳۳۲ و ج۹، ص۱۵؛ احوال و آثارخوشنویسان، ج۱، صص۱۵ ۱۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۳۹۸؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ج۱، ص۳۶۱؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۰۹.

۲- معجم البلدان، ج۵، ص۲۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۶.

چهل ستون اصفهان از آثار او است(۱).

ابراهیم بن شیبه

ابراهیم بن شیبه اصفهانی، گویند اصلش از کاشان بوده، و از محدّثان شیعه و از صحابه حضرت امام هادی علیه السلام است، و از حضرت ایشان حدیث نقل می نموده است.

علیّ بن مهزیار اهوازی گوید: «نامه حضرت ابی جعفر [امام هادی] علیه السلام رانزد ابی شیبه اصفهانی دیدم». احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی، از محدّثان مورد وثوق شیعه از او روایت می نماید.(۲)

سیّدمحمّدابراهیم خواجویی

سیّدمحمّـدابراهیم بن محمّـدصادق بن ابوالقـاسم بن محمّـدباقر بن محمّـدصادق بن ابوالقاسم بن محمّـدباقر موسوی خواجویی (عموی جـدّ پدر نگارنده) مؤلّف جنگی است که به نام آقا محمّدحسـین در ربیع الاوّل سال ۱۱۹۹ق جمع آوری نموده است. نسخه به شماره ۴۴۲۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

میرزا محمّدابراهیم چهارسوقی

میرزا محمّـدابراهیم بن میرزا محمّـدصادق چهارسوقی بن میرزا زین العابدین موسوی خوانساری اصـفهانی، عالم فاضل و واعظ کامـل، در شب پنـج شـنبه ۱۵ رمضـان ۱۲۶۹ق در اصـفهان متولّد شـد(۴)، و در جــوانی نزد دو عمــوی بزرگـوار خـود میرزا محمّدباقر چهارسوقی

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۸۹.

۲- مجمـع الرّجـال، ج۱، ص۴۹؛ اعیـان الشّـیعه، ج۶، ص ۶۰؛ رجـال برقی، ص۵۶؛ لســان المیزان، ج۱، ص۶۸؛ معجـم رجـال الحدیث، ج۱، صص۲۳۵ ۲۳۶؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۱۹۱ ۱۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۴؛ نقد الرّجال، ص۹.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۳، ص۳۳۸۶؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۷۳۳.پ

۴- مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۲۵.

صاحب روضات و میرزا محمّدهاشم چهارسوقی به تحصیل پرداخت، سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد، و نزد شیخ زین العابدین مازندرانی و سیّدحسین کوه کمری تحصیلات خود را تکمیل نمود(۱)، و به اجتهاد نائل آمد، آن گاه در اصفهان به اقامه جماعت در مسجدی در محلّه خلجا پرداخت، و مردم را از مواعظ شافیه خود مستفیض نمود، مردم اصفهان، شیفته منابر او بودند.

با علماء مسیحی در منزل خود مباحثات و مناظراتی در اثبات نبّوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته، و چون آن ها زیر بار منطق و استدلال نمی رفتند، ایشان را به مباهله دعوت نموده، و دعوت نامه به چاپ رسانید، و در اصفهان و اطراف منتشر کرد، مع هذا کشیشان مسیحی به مباهله حاضر نشدند، و بدین طریق، بطلان گفتار آنان ثابت گردید.(۲) این عالم جلیل القدر در شب یک شنبه ۲۱ ربیع الثّانی ۱۳۳۱ق بر اثر سکته وفات یافته(۳)، در جوار مرقد عموی بزرگوارش صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.(۴) از آثار ایشان رساله عملیّه و تعلیقات علمی بر کتاب های فقهی و اصولی است.

شیخ ابوالحسن ابراهیم

حاج شیخ ابوالحسن ابراهیم بن حاج شیخ صالح، عالم فاضل، متوفّی در ماه ربیع الاوّل سال ۱۲۳۷ق مدفون در تکیه فیض. (۵).

ابراهیم انجذانی

ابراهیم بن صالح انجذانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. محدّث ثقه در سال ۲۸۶ق وفات یافته است. از محمّد بن منصور کرمانی روایت می کند، و عبداللّه بن

۱- نقباءالبشر، ج ۱، صص ۱۵ ۱۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۱۱۳.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۶.

۴- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام ج ۱، صص۹۶ ۹۷.

۵- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۱۱۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۶.

ابی عبداللّه از او نقل حدیث نموده است(۱).

[انجدان از روستاهای کاشان است، و جمعی از دانشمندان و سخنوران ازجمله میرزا ابوتراب بیک فرقتی انجدانی به آن جا منسوب هستند].

ابراهیم فُرسانی

ابواسحاق ابراهیم بن عاصم فُرسانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

وی از خلّاد بن یحیی حدیث نقل کرده است.(۲)[فُرسان از قریه های حومه اصفهان بوده است].

ابراهیم اشعری

ابواسحاق ابراهیم بن عامر بن ابراهیم بن واقد بن عبداللّه اشعری مؤذّن، از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری است. مردی فاضل و نیکوکار بوده، و در سال ۲۶۰ق وفات یافته است. برادرش محمّد بر جنازه وی نماز گزارده، و در اصفهان دفن شده است. از پدرش و حسین بن حفص و جمعی دیگر روایت می کند، و محمّد بن یحیی بن منده از او نقل حدیث می نماید.(۳)

ابراهیم راه نجات

ابراهیم راه نجات فرزند حاج عبّاس مورچه خورتی، روزنامه نگار آزاده اصفهان، در سال ۱۲۶۸ش در اصفهان متولّد شد. وی در سال ۱۲۹۴ش روزنامه راه نجات را تأسیس نمود. وی افکار آزادی خواهانه ای داشت، و تحت تأثیر دایی خود میرزا نصراللّه بهشتی (ملک المتکلّمین) بود.

وی به خاطر انتقادهایی که به حکومت رضاشاه پهلوی داشت، بارها به حبس افتاد، و

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۷؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۳۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۴؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص ۲۶۰.

روزنامه اش به محاق توقیف فرورفت. ابراهیم راه نجات پس از تحمّل سال ها رنج و زجر و حبس در ۲۹ فروردین ۱۳۲۶ وفات یافت، و جنب تکیه بابا رکن الدّین، در تخت فولاد مدفون شد(۱).

شیخ محمّدابراهیم کلباسی

حاج شیخ محمّدابراهیم کلباسی فرزند میرزا عبدالرّحیم بن حاج شیخ محمّدرضا بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل محقّق، در ۱۱ شوّال ۱۳۰۲ق در نجف اشرف متولّد شد، سپس به اصفهان آمده، از درس حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، شیخ محمّدتقی نجفی، شیخ محمّدحسین فشارکی و آخوند ملّامحمّد کاشانی مستفیض شد، و در قم نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تحصیل نمود. وی در تهران ساکن بود، و در مسجد محمودیّه اقامه جماعت می نمود، و سرانجام در شب شنبه ۲۰ ربیع الآخر ۱۳۶۲ق در تهران وفات یافت، و در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر ری مدفون شد.

کتب زیر از او است:

۱. افاضات عظیمیّه در آداب شرعیّه ۲. التّذکره العظیمیّه، مطبوع ۳. تذکره الواعظین ۴. تقریرات اصولی درس آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای ۵. خصائص العبّاسیّه در شرح احوال حضرت ابوالفضل العبّاس علیه السلام ، مطبوع ۶. رساله در اجاره ۷. رساله در بیع ۸. رساله در اصول دین ۹. رساله در تعبیر خواب ۱۰. رساله در وصیت ۱۱. شرح انموذج زمخشری در نحو ۱۲. الفوائد السنّیه، شامل شش رساله، مطبوع ۱۳. نجات البشر فی ابواب اثنی عشر، مطبوع.(۲)

۱- تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۲، صص۳۱۳ ۳۱۷؛ تخت فولاد سرزمین جاویدان، نسخه تایپی؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۶۲۵ ۶۲۶؛ الذّریعه، ج۲۴، ص۵۷؛ احوال حاجی کرباسی و اولادش، صص۹۱ ۹۲؛ خاندان کلباسی، صص۲۲۴ ۲۲۶.

ابراهیم حبّال

ابواسحاق ابراهیم بن عبدالعزیز بن ضحّاک بن عمر بن قیس بن زبیر معروف به «شاذه بن عبد کویه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بود، و از ابی علیه، ابی داوود و یزید بن هارون روایت می کند، و یونس بن حبیب از او استماع حدیث نموده است.

گویند در مجلس املای حدیث در فضائل ابوبکر و عمر سخن گفت، سپس به اصحاب خود گفت: «از عثمان و علی، فضائل کدام یک را ذکر کنم؟».

شاگردان گفتند: «آیا درباره او شک داری؟ به خدا قسم این مرد رافضی است».(۱)

ابراهیم جرواءانی

ابواسحاق ابراهیم بن عبدالعزیز (معروف به بوبه) بن کوفی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است، و شاید اوایل قرن چهارم را نیز درک کرده باشد. وی ثقه و مأمون بوده، و در محلّه جرواءان اصفهان ساکن بوده است.

از عبدالوهاب بن عطاء، ابی نصر، ابی احمد زبیری و شجاع روایت می کند، و محمّدعلیّ بن جارود و محمّد بن عمربن حفص از او نقل حدیث می کنند.(۲)

ابراهیم انواری

دکتر ابراهیم انواری فرزند مرحوم حاج ملّاعبدالکریم سودایی دستگردی، طبیب حاذق و ادیب شاعر در جمادی الاوّل ۱۳۰۹ق در قریه دستگرد برخوار متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان نزد اساتید آن زمان چون حاج میرزا محمّدباقر حکیم باشی، صدرالاطبّاء، میرزا محمّد حافظ الصّحه و آقا شیخ اسداللّه حکیم قمیشه ای و غیره انجام داد.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۹.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۷۰.

مشارٌالیه از اطبّاء مورد احترام قاطبه اهالی اصفهان و به حذاقت و استادی معروف بود. در اواخر عمر، همّت به طبع و نشر آثار پدر نمود، و گلزار را به چاپ رسانید. خود نیز کتب چندی به نظم و نثر تألیف کرده است؛ از آن جمله:

۱. منظومه حفظ الصّحه ۲. هفت دام مالک ۳. دیوان اشعار، و سرانجام او در شب پنج شنبه ۹ رجب سال ۱۳۷۷ وفات یافت، و در جنب پدر در قریه دستگرد مدفون گردید(۱). حاج سیّدعلی نوربخش متخلّص به «آزاد» مادّه تاریخ او را چنین گفته است:

یکی شد از جنان بیرون و گفتا بهر تاریخش: «چنان آمد محل دکتر ابراهیم انواری»(۲)

ابراهیم

ابراهیم بن عبداللّه (و یا ابراهیم بن محمّد) از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است، از ولید بن مسلم روایت می کند، شیخ ابومسعود رازی از او حدیث نوشته، و محمّد بن ابراهیم بن شبیب از وی روایت کرده است(۳).

۱۸۳

ابراهیم شاهین

قاضی ابواسحاق ابراهیم شاهین بن عبداللّه، از محدّثین اصفهان است. وی به اصفهان آمده است.

احمد بن محمّد بن ابراهیم از او روایت می کند، و خود از یحیی بن معین نقل حدیث می نماید.(۴)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن عبداللّه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن ازهر سجزی روایت می کند، و اسماعیل بن محمّد بن عصام از او نقل حدیث می کند.(۵)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۵.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۱۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۱۸۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۵.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۸.

سجزی از قرای رویدشت است، و در زمان حاضر آن جا را سگزی می گویند.

[ابوالعبّاس احمد سجزی منسوب به سجستان یا سیستان است، و ربطی به قریه سجزی اصفهان ندارد. به شرح حال احمد بن محمّد بن از هرسجستانی رجوع شود].

ابراهیم قصّار

ابواسحاق ابراهیم قصار بن عبداللّه بن اسحاق بن جعفر بن زکریّا بن یحیی بن شهمردان معدّل اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. در سال ۲۷۰ق متولّد شده، و برای اخذ حدیث به شهرهای مختلف ازجمله بغداد، شام و نیشابور سفر کرده است. وی از حسن بن محمّد دارکی، ولید بن ابان، ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی در اصفهان، و از ابی بکر بن خزیمه و ابی العبّاس سرّاج در نیشابور، و صالح بن ابی الاصبغ در جزیره سامره و محدّثین هم طبقه او اخذ حدیث نموده است. وی در سنّ ۱۰۳ سالگی در سال ۳۷۳ق در نیشابور وفات یافت.(۱)

ابراهیم بادرانی

ابواسحاق ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بادرانی اصفهانی از علماء و محدّثین اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است. وی در ذی الحجّه ۵۱۶ق وفات یافت.

در معجم البلدان گوید: بادران از قرای اصفهان و به قولی از نایین است(۲)، به نظر حقیر، بادران همین قریه باغ بهادران لنجان علیا می باشد.

ابراهیم تاجر

ابواسحاق ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خُرشید قوله تاجر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. مشارٌالیه دایی عبداللّه و محمود پسران احمد بن

۱- تاریخ بغداد، ج۶، ص۱۲۷؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۱؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۲۸۶ و ۳۷۳.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۳۱۶؛ اللباب، ج۱، ص۱۰۴.

محمود می باشـد. از ابن عقـده، ابن مَخلـد، ابوعبـداللّه حسـین بن اسـماعیل محاملی، ابوسـعید احمـد بن محمّـد بن زیاد اعرابی روایت می کند، و ابواسحاق قفّال، ابوالحسن عبیداللّه بن محمّد بن اسحاق و ابومنصور بن شکرویه از او نقل حدیث نموده اند. وی در صفر ۴۰۰ق وفات یافت.(۱)

ابراهیم مدینی

ابواسحاق ابراهیم بن عبداللّه بن معدان مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن حمید و محدّثین ری و مصر نقل حدیث می کند. ابراهیم مدینی در سال ۲۹۴ق وفات یافت(۲).

سیّدابراهیم حسینی خوراسکانی*

سیّدابراهیم بن سیّد عبداللّه حسینی خوراسکانی اصفهانی از فضلای قرن یازدهم هجری است. وی در سال ۱۰۸۹ق نسخه ای از کتاب النّهایه فی غریب الحـدیث تألیف ابن اثیر را به خطّ نسـخ بسـیار زیبا کتابت نموده، و در دارالکتب المصـریّه موجود بوده است.(۳)

سیّدمحمّدابراهیم شمس آبادی

آقا سـیّدمحمّدابراهیم بن سیّدعبداللّه موسوی شمس آبادی، عالم فاضل و فقیه کامل، در سال ۱۲۹۴ق در اصفهان متولّد [شد]، و در اصـفهان نزد ملّامحمّـدباقر فشارکی، شـیخ محمّـدتقی آقا نجفی، جهانگیرخان قشـقایی، میرزا محمّـدحسن نجفی، آخوند ملّامحمّد کاشی، میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و پدر دانشمندش سیّدعبداللّه شمس آبادی تحصیل نمود.

سپس به نجـف اشـرف مهـاجرت نمـود، و از محضـر مرحـوم آیت اللّه سـیّدمحمّدکاظم یزدی بهره هـای علمی برد، و در فقه و اصول و فلسفه و حکمت، صاحب نظر گردید، و از استاد خود اجازه اجتهاد و روایت اخذ نمود، سپس به اصفهان

۱- ذکر اخبـار اصـفهان، ج۱، ص۲۰۴؛ احقـاق الحق، ج۱۵، ص۳۳۹؛ تـبیین کـذب المفتری، ص۴۲۹؛ التّحـبیر، ج۲، ص۲۸۹؛ تاریخ بغداد، ج۱۰، ص۱۴۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۰.

۳- خورشید جی، ص۲۹۲.

بازگشت، و به تدریس و ارشاد و اقامه جماعت مشغول شد. او سرانجام در سال ۱۳۵۷ق به عارضه سکته وفات یافت، و در تکیه ملک در تخت فولاد مدفون [شد]، و در سال ۱۳۶۳ به نجف اشرف نقل شد، و در وادی السّلام، جنب پدر و جدّ خود مدفون گردید. ایشان عالمی غیور و در امر به معروف و نهی از منکر، متعصّب و کوشا بود. میرزا حسن خان جابری جهت تاریخ وفات صاحب عنوان چنین سروده است:

لقد جاء خمس ثم قالوا: «من الاحد سلامٌ علی ابراهیم طاب ثراه»

(۱)(۱۳۵۲ + ۵ = ۱۳۵۷)

ابراهیم قاسانی

ابراهیم بن عبداللّه قاسانی، از محدّثین اصفهان است. از ابومصعب روایت می کند، و ابواحمد محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث می نماید.(۲)

ابراهیم اشعری مدینی

ابراهیم بن عبدالواحد اشعری مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. یوسف بن محمّد مؤذّن از او روایت می کند، و خود اشعری از ابی داوود روایت حدیث می نماید.(۳)

ابراهیم ابهری

ابراهیم بن عثمان بن عمیر ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابوسلمه موسی بن اسماعیل تبوذکی روایت می کند. محمّد بن محمّد بن یونس ابهری از او نقل حدیث می نماید.(۴)

۱- تحفه الابرار، ج۲، صص ۵۲۰ ۵۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۸۴۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص۱۹۴ ۱۹۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۱۸۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۷؛ الانساب، ج۱، ص۱۰۵؛ معجم البلدان، ج۱، ص۸۳.

سیّدمحمدابراهیم میرشفیعیان

(سیّدمحمدابراهیم شفیعیان موسوی سدهی، عالم زاهد پارسا، امام جماعت و مدرس مدرسه شفیعیه اصفهان. در اصفهان از درس آخوند ملا محمد حسین فشارکی، میرزا علی آقا شیرازی و دیگران استفاده کرد. عمر خود را به زهد و تقوا و بندگی حق گذراند و در سال ۱۳۷۰ق وفات نمود و در تکیه آقا باقر دردشتی مدفون گردید)(۱)

شیخ محمّدابراهیم کلباسی

شیخ محمّدابراهیم کلباسی نجفی بن شیخ علیّ بن شیخ میرزا حسین بن آقا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، از علماء و فضلای عالی قدر معاصر است. در سال ۱۳۲۲ق در نجف اشرف متولّد شد، و از سنّ دوازده سالگی به تحصیل علوم دینی پرداخت. سطح را نزد علمای عالی قدر مشکینی و ایروانی، حکمت را نزد آقا شیخ احمد آشتیانی و خارج را در خدمت حاج میرزا حسین نایینی، آقا سیّدابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدّین عراقی طی نمود.

وی سال ها امام جماعت مسجد حاج آقا رضا همدانی در نجف بود. ایشان صاحب چندین تألیف ارجمند است که از آن جمله است: ۱. تقریرات درس میرزای نایینی در سه جلد ۲. حاشیه بر کفایه الاصول ۳. درّه المقال، تقریرات درس آقا سیّدابوتراب خوانساری ۴. الصّلاه الیومیّه، مطبوع ۵. مناسک حج، مطبوع ۶. منهاج الاصول، مطبوع در پنج جلد ۷. منهاج التّقوی، شرح بر عروه الوثقی ۸. منهاج المتّقین، مطبوع که رساله عملیّه ایشان است ۹. نخبه الاحادیث فی الوصایا و المواریث، مطبوع ۱۰. هدایه المسترشدین، تقریرات درس فقه آقا ضیاءالدّین عراقی.

این عالم گران مایه در سال ۱۴۰۷ق در نجف اشرف وفات نمود(۲).

۱- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۲- نقباءالبشر، ج۱، ص۱۸، ماضی النّجف، ج۳، ص۲۳۲؛ مصفّی المقال، ص۱۰؛ معجم المؤلفین العراقیین، ج۱، ص۵۳؛ مستدرکات اعیان الشیعه، ج۱۰، ص۱۲؛ معجم رجال الفکر، ج۳، ص۱۰۶۸؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۶۹؛ الذّریعه، ج۸، ص۱۳۵ و ج۴، ص۳۶۸ و ج۶، ص۱۸۶ و ج۲۳، ص۱۵۶؛ خاندان کلباسی، صص۱۶۴ ۱۶۵.

ابراهیم مقری

ابراهیـم بـن علیّ بن عـاصم بن راذان مقری، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهـارم هجری است. وی از محمّـد بن عمر بن رسته روایت می کند، و فرزندش ابوبکر محمّد بن ابراهیم مقری از او نقل حدیث می نماید(۱).

ابراهیم اصفهانی

ابواسـحاق ابراهیم بن علیّ بن عیسـی اصـفهانی، از محدّثین اصفهان و ثقه بوده، در اصفهان، عراق و مکّه استماع حدیث نموده است.(۲)

شیخ ابراهیم خوانساری

شیخ برهان الدّین ابواسـحاق ابراهیم بن زین الدّین ابوالحسن علیّ بن یوسف بن علی خوانساری اصـفهانی از فضـلای قرن دهم هجری، و از شاگردان و مجازین از شیخ علیّ بن عبدالعالی کرکی (محقّق کرکی) است.

ملاّـ عبـداللّه افنـدی نسـخه ای از کتـاب کشف الغمّه اربلی را دیـده است که در پشت کتـاب، اجـازه کرکی به ابراهیم به سـال ۹۲۴ق نوشته شده بود، و محقّق کرکی، شاگرد خویش را بسیار مدح و تجلیل نموده بود.(۱)

دکتر سیّدابراهیم نعمت اللّهی

دکتر سیّدابراهیم نعمت اللّهی فرزند حاج میرزا علی اکبر پاقلعه ای (موافق علی شاه) بن میر محمّداسماعیل (صابر علی دوم) بن حاج میرزا محمّد بن میرزا ابوالقاسم مدرّس

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۴.

۲- تاریخ نیشابور، ص۱۶۲.

خاتون آبادی، از دانشمندان معاصر، و استاد دانشکده پزشکی در سال ۱۲۸۳ش مطابق با ۱۳۲۱ق در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیل دوره ابتدایی و متوسّطه به تهران رفت، و در دانشکده پزشکی تحصیل نمود، سپس در سال ۱۳۰۷ش جزو اوّلین دانشجویان ایرانی در رشته پزشکی به فرانسه رفت، و به تحصیل پرداخت، و به اخذ درجه دکترا نائل آمد. دو سال در فرانسه و یک سال در ایتالیا به خدمت پرداخت، سپس به ایران بازگشت، و به تدریس پزشکی در رشته فیزیولوژی پرداخت. استادی رشته فیزیولوژی و ریاست آزمایشگاه آن، بازرس آموزشگاه های بهداری شهرستان ها و سرپرستی دانشکده های پزشکی، جزو سمت های دولتی او به شمار می رفت. وی سرانجام در ۴ رجب ۱۴۰۱ق در تهران وفات یافت، و جنازه اش به اصفهان منتقل و در بقعه تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون گردید. کتب زیر از او است:

۱. اصول تغذیه و ویتامین ها و آویتامینوزها و فواید ورزش ۲. فیزیولوژی عمومی و اختصاصی اعصاب ۳. فیزیولوژی، دو جلد ۴. فیزیولوژی ترشّحات داخلی و خارجی ۵. فیزیولوژی غدّه های مترشّحه داخلی.(۱)

ملّامحمّدابراهیم دهکردی

ملّامحمّدابراهیم بن علی اکبر بن علی جان دهکردی اصفهانی وی سال ها در اصفهان به درس حاج سیّدمحمّدباقر شفتی (حجّت الاسلام) و دیگران حاضر شد. تا به درجه رفیع اجتهاد نائل گردید.

در مسجد محلّه نو اصفهان امامت می نمود. پس از مراجعه خوانین و مردم چالشتر به سیّدحجّت الاسلام، و درخواست جهت اعزام عالمی شایسته، مرحوم سیّد، طیّ نامه ای به تاریخ ۲۱ ذی الحجّه ۱۲۴۶ق مشارٌالیه را به آن ناحیه می فرستد. صاحب عنوان، جدّ خاندان آل ابراهیم دهکردی می باشد.(۲)

۱- راهنمای دانشگاه، ج۲، ص۵۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۶۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۵۲ ۵۳.

۲- تاریخ و جغرافیای چهارمحال، ج۱، ص۵۹۳؛ بیان المفاخر، ج۱، ص ۲۵۰.

ملاّمحمّدابراهیم زفره ای

ملاّمحمّـدابراهیم [بن علی بهلول] زفره ای کوهپایه ای اصـفهانی(۱) عـالم فاضل خوشـنویس، [مرجع امور شـرعی در قریه زفره بود، و خطّ نسخ را خوش می نوشت.

از آثار او کتابت قرآن مجید و زاد المعاد به خطّ نسخ زیبا است(۲)]، وی در سال ۱۲۵۷ق وفات یافته است(۳).

میرزا ابراهیم امین الواعظین

میرزا ابراهیم امین الواعظین فرزند حاج محمّدعلی تاجر اصـفهانی، عالم فاضل و واعظ کامل، در سال ۱۲۵۷ق متولّد شده(۴) و در این شهر تحصیل نموده است، ازجمله نزد حاج میرزا بدیع درب امامی، حاج سیّدمهدی نحوی و آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای تلمّذ کرد، و چندی نیز در اعتاب مقدّسه، نزد اعاظم فقهای آن دیار خصوصا میرزای شـیرازی حاضر شد، و در حدود ۱۳۲۵ به ایران مراجعت نمود. مدّتی در اصفهان و گاهی در یزد ساکن بود. در اواخر عمر، در سده ماربین و روستاهای حوالی آن جا به وعظ و خطابه مشـغول بود(۵)، و سـرانجام در ۲۱ ربیع الثّانی ۱۳۵۹ق در محلّه فروشان سـده وفات یافت، و در قبرسـتان خوزان سده مدفون گردید.(۶) وی تألیفاتی داشته که از آن جمله است: ۱. امان الخائفین، در امامت ۲. براهین الباهر، در مذمّت دنیا و مدح آخرت ۳. تحفه المعاد للعباد ۴. روح العالمین، در توحیـد ۵. شـهاب الثّاقب در مدح امام غائب (عج) ۶. طریقه الحق، در نبوّت ۷. کهف العـارفین، در اخلاق و غیره از نظم و نثر ۸. قصـیده ای در مرثیّه استادش میرزای شیرازی گفته، و نام عدّه ای از علماء را مذکور داشته است.(۷)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۹.

۲- مجلّه کتابداری، دفتر ۳۲ و ۳۳، ص۷.

۳- مزارات اصفهان، ص۴۲۴.

۴- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج۱، ص۱۰۲.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۱۴ ۱۱۵.

۶- مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۹۲.

۷- نقباءالبشر، ج۱، صص۱۹ ۲۰؛ الذّریعه، ج۲، ص۳۴۴؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۳۷۶.

میرابراهیم قزوینی*

میرابراهیم فرزند میرعماد حسنی قزوینی، خوشنویس خطّ نستعلیق، نزد پدر خود مشق خط کرده، پس از شهادت پدر به خراسان رفت، و عاقبت در قزوین ساکن شد، و همان جا وفات یافت.(۱)

ابراهیم

ابراهیم بن عمّار بن زید، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

او از سلمه بن شبیب حدیث نقل می کند، و ابوعلیّ بن عاصم از وی حدیث روایت می نماید.(۲)

۲۰۵

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن عمر بن ابراهیم اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در بلخ ساکن بوده، و از ابوالقاسم محمود بن محمّد بن خلف سهاوری اسفرائنی از او اخذ حدیث کرده است.(۳)

ابراهیم جرواءانی

حاج ابراهیم بن عمر بن حفض بن معدن جرواءانی اصفهانی از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از بکر بن بکار، سلیمان بن حرب، علیّ بن عبدالحمید، محمّد بن اَبان و حسین بن حفص روایت می کند، و هارون بن سلیمان و محمّد بن یحیی بن منده و محمّد بن احمد بن یزید از او نقل حدیث می کنند. وی در سال ۲۵۱ق وفات یافت.(۴)

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۲۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۷.

۳- معجم البلدان، ج۷، ص۳۴۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۱؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۰۲.

ابراهیم سعدی مدینی

ابواسحاق ابراهیم بن عون بن راشد سعدی مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. ابوعبداللّه محمّد بن احمد ابهری و محمّد بن احمد بن یزید از او روایت کرده اند. خودش از مسلم بن سلیم ضبی، حجّاج بن نصیر، وکیع، عبیداللّه بن موسی، قبیصه و ابن عُیَینَه نقل حدیث نموده است.

صاحب عنوان در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال ۲۴۴ق وفات یافته است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن حاج میرزا عیسی اصفهانی ادیب، از دانایان به علوم تجوید بوده، و از آثار او: ۱. شجره التّجوید ۲. وجیزه التّجوید، در سال ۱۳۳۰ق به چاپ رسیده است.(۲)

ابراهیم زاهد

ابواسحاق ابراهیم بن عیسی زاهد اصفهانی، از عرفاء و متصوّفه قرن سوم هجری است. از مصاحبان معروف کرخی است، و کراماتی از او نقل شده است. وی در سال ۲۴۷ق وفات یافت.

از ابی داوود و شبابه بن سوار و مروان بن محمّد مقری روایت حدیث نموده، و احمدمحمّد مدینی بزاز و نصر بن هشام از او روایت می کنند.(۳)

ابراهیم معدّل

ابواسحاق ابراهیم بن فرقد اصفهانی معدّل، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۳.

۲- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۴.

۳- لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۲۶۳؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۰؛ هفت اقلیم، تصحیح جواد فاضل، ج۲، ص۳۴۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۲۸۶ و ۳۷۳.

است. از روح بن مسافر روایت می کند، و عامر بن ابراهیم از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

ابراهیم نایینی

ابواسحاق ابراهیم بن فسان شاه بن ززا نایینی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوحامد بن محمّد بن یحیی بن بلال نیشابوری روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

ابراهیم ابار

حافظ ابونصر ابراهیم بن فضل بن ابراهیم ابار اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است.

او در بازار اصفهان می ایستاده، و از حفظ حدیث می گفته است؛ امّا او را کذّاب و وضّاع الحدیث نوشته اند. از عبدالرّحمان بن منده استماع حدیث کرده است. وفات او در سال ۵۳۰ق اتّفاق افتاد.(۳)

ابراهیم باطرقانی

ابراهیم بن قاسم بن یونس بن عبدالملک باطرقانی شیبانی ورّاق، از محدّثین قرن سوم هجری است.

وی از شیخ ابومسعود احمد بن فرات رازی حدیث روایت می کند.(۴)

میرزا ابراهیم قاجار

میرزا ابراهیم فرزند قبا بیک قاجار، از فضلاء و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳- تاریخ نیشابور، ص ۱۶۶؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۵؛ مرآه الجنان، ج ۳، ص ۲۵۷؛ مقتبس الاثر، ج ۲، ص ۲۴۶؛ اللباب، ج ۱، ص ۱۰۶؛ الوافی بالوفیات، ج ۵، ص ۶۸؛ معجم المؤلّفین، ج ۱، ص ۷۴.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۶.

در مدرسه والده شاه صفی در اصفهان ساکن بوده، و از راه کتابت، امرار معاش می کرده است. مردی بوده در نهایت صلاح و در کمال فلاح. در حدود سال ۱۰۸۳ق تدریس در مشهد مقدّس به او تفویض شد، و او به آن جا رفت.

وی نخستین جزء کتاب مبسوط شیخ طوسی را در ۲۵ رجب ۱۰۵۴ق کتابت نموده که به شماره ۱۸۸۷ در کتابخانه ملّی ملک در تهران وجود دارد. هم چنین در بین سال های ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۶ق چند برگ از یک جنگ را با مطالب متنوّع ازجمله حدیث تزویج حضرت زهرا سلام اللّه علیها را کتابت نموده است. این مجموعه به شماره ۱۴۵۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن قتیبه اصفهانی، از راویان و محدّثان شیعه در قرن سوم هجری است. شیخ طوسی و نجاشی در کتاب خود از او نام برده اند، و ابن شهر آشوب در معالم العلماء نوشته است: وی کتابی دارد. احمد بن محمّد بن خالد برقی از او حدیث نقل می کند.(۲)

ابراهیم اسدی کاشانی

ابراهیم بن قرّه اسدی قاسانی (کاشانی) معروف به «اصم» از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است. از مصاحبان ثوری بوده، و از گفتار او کتابی تصنیف نموده (جامع)، و نزد او قرائت نموده است.

ابراهیم بن ایّوب

محمّد بن حمید و ابوحجر عمرو بن رافع از او روایت می کنند. وی در سال ۲۱۰ق

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۶۲؛ فهرست ملک، ص۶۳۱؛ فهرست مرعشی، ج۴، ص۲۳۹.

۲- اعیان الشّیعه، ج۵، ص۳۲۱؛ منهج المقال، ص۲۵؛ الذّریعه، ج۶، ص۳۰۵، معالم العلماء، ص۵؛ مجمع الرّجال، ج۱، ص۶۲؛ فهرست، شیخ طوسی، صص۱۵ ۱۶؛ نقد الرّجال، ص۱۲؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۱۹۷ ۱۹۸؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۲۷۷؛ تهذیب المقال، ج۱، ص۳۲۵.

وفات یافت. فرزندش اسحاق نیز محدّث بوده، و در مصر ساکن شده است.(۱)

سیّدابراهیم میرباقری دهاقانی*

سیّدابراهیم میرباقری بن حاج میرزا کریم دهاقانی اصفهانی، عالم فاضل، در دهاقان متولّد شده، و در اصفهان نزد جمعی از علماء ازجمله جهانگیرخان قشقایی تحصیل نمود وی مدّت دوازده سال در آبادان معاون دادگستری بود، سپس در سال ۱۳۶۰ق به زادگاه خود بازگشت، حوزه درسی و علمی در آن جا تشکیل داد، و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. مدّتی نیز امام جمعه دهاقان بود، در اواخر عمر به کامفیروز فارس رفت، و در آن جا وفات یافت، و همان جا دفن شد.(۲)

ابراهیم حبال

ابراهیم بن کوفی حبال اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از حسن بن موسی و عبدالوهاب خفاف روایت می کند. ابوعبدالرّحمان مقری و ابوبکر محمّدجعفر بن محمّد بن سعید از او نقل حدیث می کنند.(۳)

شیخ ابراهیم جیلانی

شیخ ابراهیم بن محراب بن ابراهیم بن خلیل لاهیجانی گیلانی عالم فاضل محقّق. در اصفهان ساکن بود.

این کتاب ها از او است:

۱. حواشی بر کتب اربعه ۲. شرح خطبه شقشقیّه امیرالمؤمنین علیه السلام ۳. شرح بر صحیفه سجّادیّه ۴. شرح بر نهج البلاغه در هشت مجلّد. وی از شاگردان علّامه مجلسی و مجاز از او در سال ۱۰۹۰ق است. قبرش در تخت فولاد اصفهان است.(۴)

[صاحب اعیان الشیعه قبر صاحب عنوان را در تخت فولاد دانسته، ولی مأخذ خود را بیان نکرده است].

میرزا محمّدابراهیم مشیرالاسلام

میرزا محمّدابراهیم مشیرالاسلام فرزند ملّامحمّدمحسن بن ملّامحمّد شفیع خویی، از فضلای اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۲؛ طبقات المحدّثین، ج ۲، ص ۱۷۸؛ الانساب، ج ۴، ص ۴۲۷.

۲- سیمای دهاقان، صص ۲۹۰ ۲۹۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴- اعیان الشّیعه، ج ۱۰، ص ۵۱۱؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص ۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۹۷؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۳۷.

وی در مهرماه ۱۳۲۸ش وفات یافت، و در آرامگاه خانوادگی خود در تخت فولاد جنب تکیه خوانساری ها مدفون شد.(۱)

محمّدابراهیم قزوینی

آقا محمّدابراهیم بن حاج آقا محمّدابراهیم قزوینی اصفهانی عالم فاضل، در اصفهان متولّد شد، و در این شهر تحصیل نموده، و به افتخار دامادی آقا سیّداسداللّه بیدآبادی فرزند حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی نائل آمده است.

سال وفات او معلوم نیست، و احتمالاً مدفن او در قبرستان آب بخشان اصفهان بوده است.(۲)

ابراهیم نائله

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حارث بن میمون مدینی اصفهانی معروف به «ابراهیم بن نائله» از محدّثین قرن سوم هجری است. نائله نام مادر او است. وی از بسیاری از محدّثان، حدیث نقل کرده است که از آن جمله است: احمد بن حاتم، جعفر بن محمّد بن یزید، سلیمان بن داوود، علیّ بن بشر، عمّار بن هارون و محمّد بن مغیره.

جمعی نیز از ابراهیم بن نائله روایت می کنند ازجمله: ابوبکر بردعی، احمد بن بندار، احمد بن اسحاق، احمد بن محمّد بن کوفی، اسماعیل بن عمرو بجلی، جعفر بن محمّد، محمّداسحاق بن عمران. صاحب عنوان در سال ۲۹۱ق وفات یافت.(۳)

ابراهیم قرابه

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد معروف به «قرابه بن شریک» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است، از سعید بن سلام روایت می کند. اسید بن عاصم و محمّد بن ابان مدینی

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۵۰.

۲- بیان المفاخر، ج ۲، صص ۱۶۷ ۱۶۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، صص ۸۵ و ۱۵۸ و ۲۴۲.

از او نقل حدیث می کنند.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد حافظ اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از احمد بن حسن بن آذینوه اصفهانی حدیث روایت می نموده است.(۲)

سیدابراهیم بیرجندی*

سیّدابراهیم بن محمّد حسینی بیرجندی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است در اصفهان سکونت داشته، و در سال ۱۱۸۵ق نسخه ای از حاشیه شرح مختصر تألیف شریف جرجانی را کتابت نموده است.(۳)

شیخ ابراهیم ریاضی نجف آبادی*

حاج شیخ ابراهیم ریاضی نجف آبادی فرزند آقامحمّد، عالم فاضل فقیه محقّق، زاهد متّقی، در سال ۱۳۲۳ق در نجف آباد متولّد شد، و تا هیجده سالگی به زراعت پرداخت. در این هنگام به اصفهان رفت، و نزد شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، میرزا محمّدصادق خاتون آبادی، میرسیّدعلی نجف آبادی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، شیخ محمّد حکیم خراسانی و شیخ محمود مفید تحصیل نمود. سپس به قم مهاجرت نموده، و نزد آیات عظام و علمای اعلام، حائری یزدی، شاه آبادی، شیخ محمّدعلی قمی، سیّدمحمّد حجّت و میرزای همدانی و دیگران تحصیل نموده، به اجتهاد نائل آمد. سرانجام پس از مدّتی تدریس سطوح عالیه، به دعوت شیخ احمد حججی، از قم به نجف آباد بازگشت، و به تدریس در حوزه علمیّه نجف آباد پرداخت.

وی علاوه بر تدریس، در ارشاد مردم و رفع خصومات و رفع گرفتاری نیازمندان اهتمام

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۷.

۲- مقتبس الاثر، ج۲، ص۲۰۶.

۳- فهرست مجلس، ج۱، بخش سوم، ص۱۱۳۷.

فراوان داشت. او در فقه، اصول، حکمت، ریاضیات و کلام، صاحب مهارت فراوان بود.

از اقدامات ارزنده او تأسیس مدرسه علمیّه معروف به «مدرسه الحجّه»، احداث حسینیه اعظم و مسجد صفا در نجف آباد و تربیت ده ها شاگرد فاضل است. سرانجام این عالم ربّانی در ۱۵ صفر ۱۳۷۴ق بر اثر سکته قلبی در سنّ ۵۶ سالگی وفات یافت، و در حسینیّه اعظم نجف آباد مدفون شد. تألیفات ایشان: ۱. رساله در اخلاق ۲. مختصری در عقاید.(۱)

میرزا محمّدابراهیم قاضی

میرزا محمّدابراهیم بن غیاث الدّین محمّد خوزانی اصفهانی عالم فاضل و فقیه جلیل القدر، از بزرگان و محدّثان برجسته قرن دوازهم هجری. میرزا عبدالنّبی قزوینی از معاصران او گوید: «متمهدا فی الفقه و اصوله و حاذق فی الحکمه و فصوله، دقیق الذّهن، جیّد الفهم، عمیق الفکر، کامل العلم، صاحب التّقریر الفائق و التّحریر الرّائق». در اصفهان به تحصیل پرداخته، و از جمعی از بزرگان فقهاء و محدّثین، مفتخر به اخذ اجازه گردیده است که از آن جمله اند: میرمحمّدحسین خاتون آبادی، میرمحمّدباقر خلیفه سلطانی، شیخ حسین ماحوزی، میرزا محمّدرحیم سبزواری، ملّامحمّدقاسم هزارجریبی و ملّامحمّدطاهر بن مقصودعلی اصفهانی.

[اساتید ایشان نیز عبارت اند از ملّاعلی نقی بن محمّدتقی کمره ای، ملّامحمّد نصیر گلپایگانی و محمّدحسن خواهرزاده او، نظام الدّین حسین بن محمّد اسماعیل خادم، ابی البرکات بن محمّداسماعیل، جمال الدّین محمّد بن نظام الدّین حسن، ملّاکمال الدّین محمّد فسوی و ملّاابوالحسن فتونی عاملی].

در اصفهان به تدریس مشغول بود، سپس قاضی اصفهان شد، و سرانجام قاضی عسکر نادرشاه گردید، و در سال ۱۱۶۰ق به دستور نادرشاه او را شهید نمودند، گویند مدفن او در قبرستان آب بخشان اصفهان است. کتب ورساله های زیر از آثار او است:

۱. تفسیر آیه «وَ إِذا قرِی ءِ الْقُرْآن» ۲. تفسیر قرآن ۳. حواشی بر کتب اربعه ۴. رساله در تحریم غنا ۵. رساله در این که درهم و دینار مانند هم است یا قیمت در آن ها معتبر می باشد. ۶. رساله در مشروعیّت تلقین میّت جهت اطفال و غیره.(۲)

۱- گنجینه دانشمندان، ج۷، صص ۳۰۰ ۳۰۱؛ دیباچه دیار نون، صص۱۷۶ ۱۷۷؛ سیمای دانشوران در شرح حال علماء، صص۹۵ ۹۹ آیینه اهل قلم، صص۵۳ ۵۴.

۲- تتمیم امل الآمل ص۵۷؛ نجوم السّماء، صص۲۶۴ و ۲۳۱؛ فهرست رضوی، ج۵، ص۴۲۸؛ میراث اسلامی ایران، ج۷، صص۱۵۵ ۱۵۸؛ فوایدالرّضویّه، ج۱، ص۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۴؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۲۵۹؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۳۳۹؛ روضات الجنّات، ج۷، ص۱۲۴؛ الکواکب المنتشره، ص ۶۹۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۵ ۱۱۶؛ مزارات اصفهان، ص۲۶.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از سلیمان شاذکونی روایت می نماید، و احمد بن اسحاق از خود او نقل حدیث می کند.(۱)

ابراهیم دواتی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم بن احمد دواتی اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری. از ابومظفّر منصور سمعانی، قاضی ابومنصور بن شکرویه، ابوعبداللّه قاسم بن فضل ثقفی و ابومحمّد رزق اللّه تمیمی روایت می کند. ابوعلی حسن بن بشیر بن عبداللّه نقّاش مهاد ملنجی، از او حدیث شنیده است. وی ساکن محلّه خوز (خوزیان) اصفهان بوده، و در سال ۵۴۸ق وفات یافته است(۲).

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم اصفهانی بلخی از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است.

در بلخ ساکن بوده [است]، و ابوالمکارم محمّد بن عمر بن امیرجه بن ابوالقاسم بن ابوسهل بن ابوسعد عبداللّه بن عبیداللّه بن عبدالرّحمان اشبهی بلخی، ابوالمحاسن مسعود بن محمّد بن غانم هراتی و ابوالقاسم محمود بن خلف لاهوری ساکن اسفراین، از وی استماع حدیث کرده اند.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۷۴.

۳- التّحبیر، ج۲، صص۱۷۰ و ۳۰۱ و ۲۸۱.

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم اصفهانی تاجر، از محدّثین قرن ششم هجری است.

ابوالفتح محمّد بن محمّد بن عبداللّه بن محمّد بسطامی خورنقی از او روایت می کند، و خورنق از قرای بلخ است.(۱)

ابراهیم رفاعی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم رفاعی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از محمّد بن سلیمان بن حارث باغندی کبیر روایت می کند، حافظ ابونُعیم اصفهانی می گوید: وی را درک کردم ولی موفّق به شنیدن روایت از او نشدم.(۲)

ابراهیم طیّان

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم قفّال طیّان اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است.

از ابراهیم بن خورشید روایت می کند، و ابوالوفا اسماعیل طرقی از او روایت می کند. در ماه صفر ۴۸۰ق وفات یافته است.(۳)

ابراهیم اسلمی

ابراهیم بن محمّد بن ابی یحیی اسلمی، از محدّثان اصفهان در قرن دوم هجری است. وی از عبداللّه بن دینار، علاء بن عبدالرّحمان و ابی عمرو ابن محمّد حدیث روایت می کند، و ابن جریح، محمّد بن ادریس شافعی و حسین بن حفص از او نقل حدیث

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۴۰۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۳.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۹۸.

می نماید. وی در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال ۱۸۴ق وفات یافته است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن اصفهانی، از محدّثین اصفهان و امام مسجد جامع اصفهان است، از عابدان و زاهدان عصر خود بوده، و در حفظ و نقل حدیث، اهتمام بسیار داشته، و در سال ۳۰۲ق وفات یافته است.(۲)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد بن بزرج (بزرگ) اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. محدّث ثقه صاحب اصول بوده، و از عمرو بن علی، محمّد بن سلیمان لوین، موسی بن عبدالرّحمان و نصر بن علی روایت می کند. عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او استماع حدیث نموده است.(۳)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از احمد بن ولید بن برد انطاکی نقل حدیث نموده است. سلیمان بن احمد طبرانی نیز از ابراهیم اصفهانی روایت می کند.(۴)

ابراهیم ثقفی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی ثقفی معروف به «طیّان» از علماء و محدّثین شیعه در قرن سوم هجری است. از حسین بن قاسم زاهد اصفهانی روایت حدیث

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۱.

۲- مرآه الجنان، ج۲، ص۲۴۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۱؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۹۳.

۴- احقاق الحق، ج۱۰، ص۶۷۰.

می کند. وی در سال ۲۶۶ق وفات یافته است. کتاب اخبار حسن بن علیّ بن ابی طالب علیهم السلام از او است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

حافظ ابواسحاق ابراهیم اصفهانی فرزند محمّد بن حمزه بن عماره بن حمزه بن سیّار بن عبدالرّحمان بن حفص (برادرزاده ابومسلم خراسانی) از محدّثین اصفهانی در قرن چهارم هجری. از حضرمی مطیّن، محمّد بن عثمان بن ابی شیبه، محمّد بن نصر صائغ، احمد بن یحیی حلوانی، ابوشعیب حرّانی و یوسف بن قاضی روایت کرده، و از محدّثین عراقین، جزیره و حجاز روایت نموده است.

وفات او در ۷ رمضان ۳۵۳ق اتّفاق افتاد. وی «شیوخ» را جمع آوری و مسند را تألیف نموده است(۲).

[صاحب عنوان، برادرزاده علیّ بن حمزه بن عمّاره مؤلّف کتاب قلائد الشّرف است].

ابراهیم کرمانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن خلید کرمانی، از محدّثین است. در سال ۲۹۰ق به اصفهان آمده، و در منزل خصیب بن سلم وارد شده است. راویان اصفهان از قول او احادیثی نقل کرده اند.(۳)

ابراهیم ثقفی

ابواسحاق ابراهیم ثقفی کوفی بن محمّد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود ثقفی، از مشاهیر محدّثان و دانشمندان شیعه در قرن سوم هجری. در اوّل، زیدی مذهب بوده، و سپس امامی شده، و برای تبلیغ مذهب شیعه به اصفهان آمده است. در

۱- هدیه العارفین، ج ۱، ص۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص۲۹.

۲- مرآه الجنان، ج۲، صص۳، ۵۰؛ ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۹۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۹۴.

فضیلت او همین بس که ابونُعیم اصفهانی در حقّ او گفته است: «کان غالیا فی الرّفض». در اغلب کتب رجال و حدیث شیعه از گذشته تا امروز از او یاد شده، و او را ثقه دانسته اند. محمّد بن زید رطاب، عبّاس بن سرّی و عبدالرّحمان بن ابراهیم مستملی از او روایت می کنند. جماعتی از شیعیان قم از او درخواست کردند که از اصفهان که اغلب مردم آن اهل سنّت بوده اند به قم که جایگاه شیعیان بود بیاید؛ امّا او نپذیرفت، و تا آخر عمر در اصفهان بود تا آن که در سال ۲۸۰ (و یا سال ۲۸۳ق) وفات یافت.

از کتب او است:

۱. اخبار زید بن علی ۲. اخبار کشته شدگان از اولاد ابی طالب علیه السلام ۲. قیام حسین بن علی علیه السلام ۴. مقتل الحسین علیه السلام ۵. مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام ۶. الجمل ۷. فدك ۸. صفّین ۹. حکمین ۱۰. نهروان ۱۱. ما نزل القرآن فی امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۲. المودّه فی ذوی القربی ۱۳. کشته شدگان از آل محمّد علیهم السلام ۱۴. الغارات، مطبوع و غیره(۱).

ابراهیم مؤدّب

ابوالقاسم ابراهیم بن محمّد بن سلیمان مؤدّب اصفهانی از محدّثین عامه اصفهان است.(۲)

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن عبیداللّه بن عمر اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از اسید بن عاصم و طبقه او روایت حدیث می کند، و سلیمان بن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۷؛ مفاخر اسلام، ج۱، ص۲۴۱ ۲۵۰؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۵۴؛ روضات الجنّات، ج۱، ص۵۱؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۱۳۱ و ۱۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۲۱ ۱۲۲؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۳۶۲؛ الفهرست (شیخ طوسی)، صص۱۶ ۱۸؛ الفهرست (ابن ندیم)، ص۲۷۹؛ الانساب، ج۳، ص۱۳۷؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۰۱ ۲۰۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۶.

۲- تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۶.

احمد از او روایت می کند.(۱)

شیخ ابراهیم حرفوشی عاملی

شیخ ابراهیم بن محمّد بن علی حرفوشی عاملی کرکی، عالم فاضل و فقیه محدّث، در قرن یازدهم هجری در اصفهان می زیسته، و سرانجام در سال ۱۰۸۰ق در مشهد مقدّس وفات یافته، و همان جا مدفون گردیده است.

شیخ حرّ عاملی می نویسد: «من به تشییع جنازه او حاضر شدم»(۲). ظاهرا از شاگردان پدرش و شیخ علیّ بن محمّد بن حسن عاملی نوه شهید ثانی بوده، و از ملاّتاج الدّین حسن اصفهانی [پدر بهاءالدّین محمّد اصفهانی = فاضل هندی]حدیث روایت نموده است.(۳) از آثار او کتاب اجازات است که در مجلّدات اجازات بحارالانوار ضبط شده، و به طبع رسیده است(۴).

صاحب عنوان، نسخه ای از حاشیه بر حاشیه خلیفه سلطان بر روضه البهیّه نوشته شیخ علیّ بن محمّد بن حسن عاملی را در ۳ جمادی الآخر ۱۰۷۷کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۵)

هم چنین نسخه ای از المقنع فی الغیبه را در دوشنبه ۸ شعبان ۱۰۷۰ق کتابت نموده است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد.(۶)

ابراهیم کسایی

ابونصر ابراهیم بن محمّد بن علی کسایی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. ابوبکر عبدالغفّار بن محمّد شیروی جنابدی و ابونجم بدر بن خلف بن یوسف فرکی حاجی اصفهانی از او حدیث نقل می کنند.(۷)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲- امل الآمل، ج ۱، ص ۳۰؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۸.

۳- الرّوضه النّضره، صص ۴ ۵؛ مصفّی المقال، ص ۸.

۴- الذّریعه، ج ۱، ص ۱۲۳.

۵- فهرست مرعشی، ج ۹، ص ۶۰.

۶- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۷، ص ۹۵.

۷- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۶۶؛ اللباب، ج ۲، ص ۴۲۴؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۵۵.

ابراهیم سُریجانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن فاخر بن محمّد بن یحیی فقیه سریجانی مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از منیعی، ابن ابی داوود، محمّد بن هارون بن حُمید مجدّر و محدّثین بغداد و کوفه و بصره روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او روایت می نماید. او در ربیع الآخر سال ۳۵۸ق وفات یافت.(۱)

ابراهیم شجری

ابراهیم شجری فرزند محمّد بطحایی بن قاسم بن ابومحمّدحسن امیر مدینه بن زید بن امام حسن علیه السلام ، از سادات و امام زادگان عالی قدر اصفهان است که مطابق نوشته منتقله الطّالبیّه در اصفهان ساکن بوده، و قبر او در محلّه جیلان (چملان یا سنبلان) در باب مسجد سعید بن جبیر واقع بوده است.(۲)] محلّ دفن امام زاده فوق، به درب امام معروف است].

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن محمود اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابواحمد عبداللّه بن جعفر بن احمد بن فارس روایت می کند، و ابوبکر بن منجویه اصفهانی و ابوبکر فارسی از او نقل حدیث می نمایند.(۳)

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن موسی

وکیل معروف به باقلّانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. متصدّی جمع آوری درآمد موقوفات مسجد جامع اصفهان بود. پس از سال ۳۶۰ق وفات یافته

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲- منتقله الطالبیه، ص ۲۵؛ مزارات اصفهان، صص ۲۰۲ ۲۰۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۳۸۶ ۳۸۷.

۳- احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۵۳۶ و ج ۱۷، ص ۵۷۸ و ج ۵، ص ۵۷۸.

است. از حسن بن علی طوسی و علیّ بن سعید عسکری روایت می کند.(۱)

میرزا ابراهیم آرتیمانی «ادهم»

میرزا ابراهیم متخلّص به «ادهم» فرزند میرزا رضی الدّین محمّد آرتیمانی شاعر ادیب، در سال ۱۰۲۰ق در اصفهان متولّد شد، و نزد علماء و فضلای این شهر به خصوص میرداماد تحصیل کرد، سپس به هند رفت.(۲) در آن جا مدّتی مقرّب درگاه تقرّب خان از صاحب منصبان پادشاه هند بود؛ امّا به واسطه رفتار ناپسند به حبس افتاد(۳) به سال ۱۰۶۰ق در سنّ چهل سالگی وفات یافت. از آثاراو ساقی نامه است.

این بیت از او است:

ای که آرام دل خود به جهان می خواهی بعد درویش اگر هیچ نباشی شاهی(۴)

حاج محمّدابراهیم ملک التجّار

حاج محمّدابراهیم ملک التجّار فرزند حاج آقا محمّد، از تجّار نیکوکار و صاحب خیرات و مبرّات بسیار بوده، و در اصفهان شهرت بسیار داشته است.

از آثار خیریّه او: ۱. تکیه ملک در تخت فولاد که آن را جهت مرحوم آخوند کاشی بنا کرد، و متأسّفانه در تغییر و تحوّل سال های اخیر به کلّی تخریب و نابود شد ۲. مسجد ملک در محلّه پاقلعه ۳. تیمچه ملک در بازار ۴. انگورستان ملک که منزل مسکونی او بوده است. ۴. اتمام ساختمان طارمی صحن مطهّر کاظمین علیهماالسلام ۶. تعمیر اساسی بسیاری از مساجد اصفهان من جمله مسجد نور و رضوان ۷. تعمیر کاروان سرای تخت فولاد. وی سرانجام در سال ۱۳۴۱ق وفات یافته، و در منزل مسکونی خود در محلّه پاقلعه اصفهان مدفون [شده] است. مادّه تاریخ وفات او را میرزا حسن خان جابری انصاری چنین گفته است:

سر برون کرد ملک گفت که این ابراهیم ملکی بوده، و فردوس برین جایش بود(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲- کاروان هند، ج ۱، ص ۳۳.

۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۵۰۹.

۴- تذکره حسینی، ص ۳۱.

۵- رجال اصفهان، ص ۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۱۲۲ ۱۲۳؛ مزارات اصفهان، صص ۷۲ ۷۳؛ تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۸۷.

شیخ ابراهیم اصفهانی صنعانی

شیخ ابراهیم بن محمّد اصفهانی صنعانی، عالم فاضل و واعظ کامل، در بسیاری از علوم چون فقه، اصول، کلام، حدیث و ادبیّات صاحب نظر و متبحّر بوده، و در اصفهان مردم را موعظه می فرموده است. ازاصفهان به عین مهاجرت کرده، و در سال ۱۱۵۰ در عین ساکن شده، و همان جا وفات یافته است. مردم صنعا علاقه بسیار به او داشته، و در تشییع جنازه او عزاداری بسیار نمودند. قبرش در جنوب شهر صنعا زیارتگاه است. احمد بن حسین رکیعی مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

هذا ضریح المواعظ المتّقی علاّمه العصر فصیح اللّسان

ناداه رضوان بتاریخه: «یا خلد ابراهیم اسنی الجنان»(۱)

ابراهیم نجف آبادی

ابراهیم بن محمّد نجف آبادی اصفهانی، فاضل خطّاط نسخ نویس قرن سیزدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای از الدّرر النّجفیّه که آن را در روز ۲۰ ذی حجّه سال ۱۲۴۶ق به پایان رسانیده است. نسخه در کتابخانه دانشکده حقوق تهران موجود است.(۲)

ابراهیم دبیر قهفرّخی

ابراهیم فرهنگ قهفرخی متخلّص به «دبیر» فرزند میرزا محمّد، شاعرادیب در قهفرّخ زندگی می کرد. ابتدا به «فرهنگ» تخلّص می کرد، و سپس آن را به «دبیر» تغییر داد. او به زادگاه خود به زراعت مشغول بود.(۳)] در مطایبه و هزل، اشعاری سروده است، او در ۱۹ آبان ۱۳۶۰ش در اصفهان وفات یافت، و در تکیه شهدا واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد].(۴)

۱- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، صص۱۰۳ ۱۰۵؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۴۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۱.

۲- فهرست حقوق، ص۳۳۷.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۹۴.

۴- تخت فولاد سرزمین جاویدان، نسخه تایپی.

ابراهیم جوزدانی

ابواسحاق ابراهیم بن مَعمَر بن شریس جوزدانی، از محدّثین اصفهان است. از عمرو بن حفص بن عمرو و ابوایّوب برادرزاده زریق حمصی و سلیمان بن عبدالرّحمان روایت می کند، و جعفر بن محمّد بن یعقوب و محمّد بن احمد بن یزید از او روایت حدیث می نمایند.(۱) [جوزدان نام محلّه ای در اصفهان و روستایی در نجف آباد است، و ظاهرا صاحب عنوان منسوب به جوزدان اصفهان است].

ابراهیم متوکّلی

ابواسحاق ابراهیم بن ممشاد متوکّلی اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن سوم هجری است. از مردم جی اصفهان است. در کتابت و بلاغت، از نوادر عصر خویش بوده، و به عربی شعر می سروده است. دبیر و ندیم متوکّل خلیفه عبّاسی بود، و پس از مرگ او از فرزندان خلیفه کناره گرفت، و به یعقوب لیث صفّاری پیوست. او را در شمار شاعران شعوبی آورده اند که به تحقیر نژاد عرب و تفاخر به ایرانی بودن خود نموده اند.(۲)

ابراهیم کرانی

ابوالقاسم ابراهیم بن منصور بن ابراهیم سلمی کرانی اصفهانی معروف به «سبط بحرویه» از محدّثین اصفهان در قرن پنچم هجری است. در سال ۳۶۲ق متولّد شده، و در سال ۴۵۵ق وفات یافته است. ابوسهل محمّدابراهیم بن محمّد بن احمد بن ابراهیم بن علیّ بن سعدویه امین ترکی اصفهانی از او روایت می کند.(۳)

دکتر ابراهیم چهرازی

دکتر ابراهیم چهرازی فرزند سیّدمرتضی موسوی لنجانی پزشک دانشمند و استاد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲- نهضت شعوبیّه، صص ۲۴۶ ۲۴۷؛ معجم الادباء، ج ۲، ص ۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۲.

۳- التّحبیر، ج ۲، ص ۵۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج ۱۸، ص ۷۳؛ الانساب، ج ۱، ص ۳۲.

دانشکده پزشکی در سال ۱۲۸۷ش در قریه «چهراز» لنجان متولّد شد. در اصفهان به تحصیل در مقطع ابتدایی و متوسّطه پرداخت، و در تهران به تحصیل در مدرسه دارالفنون مشغول شد، و پس از شرکت در کلاس های مدرسه طب در تهران به فرانسه رفت، و به تحصیل در رشته اعصاب و روان پرداخت، و به درجه دکترا نائل شد. وی پس ازبازگشت به ایران به تدریس در دانشکده پزشکی تهران و طبابت و خدمت در بیمارستان رازی، مرکز پزشکی قانونی، بیمارستان روزبه و سایر مراکز پزشکی پرداخت.

او از مؤسّسین و دبیر انجمن مبارزه با تریاک و الکل بوده است. پزشکی نیکوکار و خیرخواه بوده، و در رفع مشکلات هم نوعان خود از هیچ اقدامی فروگذار ننموده است. علاوه بر آن، دانشمندی محقّق و پرکار بود، و ده ها تألیف و مقاله را به رشته تحریر درآورد. برخی از تألیفات ایشان عبارت اند از:

۱. اهلیّت تربیت فکری و روحی ۲. سردرد و علل و طرق معالجه آن، چاپ شده ۳. طبیب در جامعه، چاپ شده ۴. امراض اعصاب محیطی و نخاع، چاپ شده ۵. بیماری های مغز و پی جلد اوّل و دوم، چاپ شده ۶. شاه نامه آخرش خوش است، و غیره.(۱)

ملّامحمّدابراهیم مقدّس

ملّا محمّدابراهیم مقدّس بن محمّدمهدی، عالم عارف، در جمادی الآخر ۱۲۸۹ق وفات یافت، و در بقعه فیض مدفون شد.(۲)

ابراهیم اسدی

ابواسحاق ابراهیم بن میمون اسدی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از محمّد بن سلیمان معروف به «لوین» روایت می کند، و محمّد بن احمد بن ابراهیم از

۱- زندگی نامه پزشکان نام آور معاصر ایران، ج۲، صص۷۳ ۷۷،مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۴۷.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸.

وی نقل حدیث می نماید.(۱)

ابراهیم صائغ

ابراهیم بن میمون بن صائغ، از طبقه محدّثین اصفهان است که به خراسان انتقال یافته، و در آن جا در سال ۱۳۱ به دستور ابومسلم خراسانی کشته شده است.

وی از عطا روایت می کند، و ابوحمزه داوود بن ابی الفرات از وی نقل حدیث می نماید.(۲)

ابراهیم اصفهانی

ابو بشر ابراهیم بن ناصح ملقّب به فورویه بن معلی بن حماد اصفهانی صاحب مناکیر و متروک الحدیث. ازمحدّثین اصفهان است. از سفیان بن عُیَینه، نصر بن شمیل و پدرش ناصح روایت می کند، و احمد بن جعفر بن سعید، محمّد بن احمد بن یزید و یوسف بن یحیی از او نقل حدیث کرده اند.(۳)

ابراهیم نوید*

ابراهیم شریفی متخلّص به «نوید» فرزند نظام علی، از شعرای معاصر است. در سال ۱۳۴۶ خورشیدی در کرمانشاه متولّد گردید، و همان جا تحصیل کرد. نسبش به یکی از عرفای کُرد به نام شیخ بابای سنقری می رسد. پس از آن که طبع او در سرودن شعر عیان گشت، در انجمن ادبی کرمانشاه حضور یافت، و مورد تشویق شعراء قرار گرفت. در سال ۱۳۶۳ به اصفهان آمد، و تا امروز در این شهر ساکن است، و در انجمن های این شهر حضور می یابد.

تألیفات و آثاری نیز دارد که به طبع نرسیده است. این دو بیت در وصف مولای متّقیان

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۸؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۳۳.

علی علیه السلام از او است:

ای علی! ای اسوه صبر خدا! چشم تو ریزان ترین ابر خدا

ای به تو شطّ تجلی متّصل یک نفس من را به حال خود مهل(۱)

ابراهیم مدینی

ابراهیم بن یحیی بن آدم مـدینی، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابی صالح جلّاب، محمّد بن عمر بن حفص و عبداللّه بن ابراهیم بن صباح نقل حدیث می نماید.(۲)

ابراهیم حَزَّوَری

ابراهیـم بـن یحیی بـن حکـم بن حزّور اصـفهانی، از محـدّثین اصـفهان در قرن سـوم هجری است. از ابی داوود و بکر بن بکـار روایت کرده است. فرزندش محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث نموده است.(۳)

ابراهیم اَفرَجه

ابراهیم مُکتِب معروف به «افرجه» فرزنـد ابی یحیی یزیـد بن عبـداللّه بـاهلی، از محـدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. در مدینه (شهرسـتان) اصـفهان ساکن بوده، و از پدرش یزید بن عبداللّه، یحیی بن قطان، ابوعمر ضـریر و یعقوب حضـرمی استماع حـدیث کرد، و اسـید بن ابی عـاصم، فرزنـد احمـدابراهیم و عبـداللّه بن اسـحاق پـدر حافـظ ابونُعیم اصـفهانی از او روایت می کنند.(۴)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۷۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۶؛ الانساب، ج۱، صص۱۰۵ ۱۰۶؛ معجم البلدان، ج۱، ص۹۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۵.

ابراهیم فقیه

ابراهیم بن یوسف فقیه اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی در سال ۲۶۷ق وفات یافته است.(۱)

محمّدابراهیم بصیر اصفهانی

محمّـدابراهیم اصـفهانی، شـاعر ادیب، بهـار وی را در کتاب مدایـح المعتمـدیّه نام برده، در قصـیده ای که از او درج نموده، و گوید که جوان است.(۲)] قصـیده در مدح منوچهر خان معتمدالدّوله حاکم اصـفهان سـروده شده، و از آن جا این دو بیت در وصف اصفهان نقل می شود:

صد شکر کز عنایت خلّاق انس و جان یک باره رشک باغ ارم گشت اصفهان

گشت از خوشی چو کاخ خورنق ریاض او آمد ز خرّمی به جهان غیرت جنان(۳)]

ملّامحمّدابراهیم جدلی گلپایگانی

ملّامحمّـدابراهیم گلپایگانی معروف به «جـدلی»، [«العالم الفاضل العادل الکامل الحبر المحقّق و النّحریر المدقّق، حاوی الاصول و الفروع، جامع المعقول و المنقول، زبده المجتهدین و قدوه الفقهاء المتشرّعین(۴)، جامع علوم خفیّ و جلی... مشهور به دانایی و طلاقت لسان(۵)، العلّامه الفهّامه(۶)].

از اکـابر فقهـاء و افاضـل علمـای قرن دوازدهم هجری است. [با همه اهمّیت وی، متأسّـفانه از تولّـد و اساتیـد، کیفیت زنـدگی، شاگردان و خانـدان او اطّلاعاتی در دست نیست. در برخی از کتاب ها او را شـیخ ابراهیم گلپایگانی جدّی نوشـته اند، و برخی گمان کرده انـد که او ساکن مـدرسه جدّه و به جدّه ای معروف بوده است؛ ولی ظاهرا «جدلی» به «جدّه ای» و «جدّی» تحریف شده است].(۷)

در سال ۱۱۹۹ق وفات یافت، و در تخت فولاد جنب قبر ملّااسـماعیل خواجویی مـدفون شـد. قبر او بر روی سـکّویی واقع شده است. رفیق اصفهانی شاعر معاصر او، مرثیه ای درباره او گفته، و مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

شد ز جهان و رفیق، از پی تاریخ گفت: «رفت ببزم جنان، زبده ارباب علم»

هم چنین مشهور، شاعر اصفهانی در مرثیه و تاریخ او گوید:

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲- الذّریعه، ج ۹، ص ۱۳۸.

۳- تذکره مدایح معتمدیّه، نسخه خطّی کتابخانه مجلس.

۴- نقل از سنگ لوح قبر صاحب عنوان.

۵- تجربه الاحرار، ص ۱۶۰.

۶- وصف کتاب اصول دین از ایشان.

۷- الکرام البرره، ج ۱، ص۷؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج ۲، ص ۱۸۰.

شد دریغا ز لوح هستی محو نام ملّامحمّدابراهیم

حیف از آن فاضل عظیم الشّأن آه از آن عالم خبیر علیم

گر شد اجزای او چو گل اوراق گر شد اعضای او چو عظم رمیم

گفت مشهور بهر تاریخش: شد بجنّت مقام ابراهیم(۱)

وی رساله ای در اصول دین تألیف نموده که از کتاب حقّ الیقین علّامه مجلسی استخراج شده است، و ضمن مجموعه ای در کتابخانه سیّدآقا تستری موجود بوده است.(۲)

ابراهیم جی اصفهانی*

ابراهیم جی اصفهانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. وی در سال ۱۱۸۹ق در اردکان کتاب کشف الآیات را نوشته است. نسخه آن در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی به شماره ۴۹۸۳ محفوظ است.(۳)

استاد محمّدابراهیم حجّار اصفهانی*

استاد محمّدابراهیم حجّار اصفهانی، از سنگ تراشان زبردست دوره قاجاریّه بوده، در حجّاری از عجایب روزگار بوده، و در ریزه کاری و ظرافت های فنّ حجّاری نظیر نداشته است. از آثار او حجّاری تخت مرمر در کاخ گلستان معروف به «تخت سلیمانی» است.(۴)

ابراهیم خاتون آبادی

آقاابراهیم خاتون آبادی، از علماء مشهد مقدّس رضوی در قرن دوازدهم هجری، و از معاصرین با سیّد عبداللّه بن نورالدّین موسوی جزایری است. از تألیفات او رسائل حکمیّه

۱- تذکره القبور یا رجال اصفهان، ص۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۹۵ ۹۶.

۲- الذّریعه، ج۲، صص ۱۸۱ ۱۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۱۷۸.

۴- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۶۱.

است.(۱)

شیخ محمّدابراهیم درّی

شیخ محمّدابراهیم درّی، عالم فاضل در قریه دُر از قرای لنجان متولّد گردید، و در اصفهان نزد علما و دانشمندان تلمّذ نمود، و به مقامات عالیه علم و عمل رسید، و به موطن خود مراجعت کرد، مصدر امور شرعی آن جا گردید، و به امامت و وعظ و رسیدگی به دعاوی و غیره پرداخت. وی به فکر کیمیا افتاد، سرمایه مادّی و معنوی خود را در راه کیمیاگری خرج کرد، به طوری که مرحوم عبّاس درّی فرزند مرحوم حاج ملاّفرج اللّه دری نقل می نمود: فی الجمله موفّقیتی حاصل کرده بود. در قصبه دُر وفات یافت، و در قبرستان محل دفن گردید.(۲)

محمّدابراهیم رهی اصفهانی

محمّدابراهیم اصفهانی متخلّص به «رهی»، شاعر ادیب. در عهد خود از شعرای معروف، و به شغل قصّابی مشغول بود. طبعش همگی به هجوگویی مایل بود، سرانجام در سال ۱۲۲۶ق وفات یافت. از او است:

بهر سفر گذاشتم زین چو به پشت بادپا آمد و دامنم گرفت آن صنم از ره وفا

مرغ دلش شکسته پر، برگ گلش ز گریه تر فندق آن به پسته در، لؤلؤ و عقیق سا

نرگس دلنواز او کرده به گریه آشتی غنچه عشوه ساز او گشته به لابه آشنا(۳)

ابراهیم طوبی

میرزا ابراهیم طوبی، شاعر و ادیب بوده، در سال ۱۱۷۴ هجری در اصفهان وفات یافته،

۱- تتمیم امل الآمل، ص۵۵؛ اعیان الشّیعه، ج۳، ص۲۲؛ الکواکب المنتشره، ج۱۲، ص۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۸ و اطّلاعات خارجی.

۳- ریحانه الادب، ج۲، ص۳۴۶؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۳۲۲؛ الذّریعه، ج۹، ص۳۲۴؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۲۹؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «رهی»، ص۲۴۰؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۴۵۳.

و در رواق امام زاده اسماعیل مدفون شده است.(۱) در ریحانه الادب به نقل از اعیان الشّیعه گوید: حکیم مورّخ ادیب، علاوه بر فضایل دیگرش در علم هیأت نیز عارف بوده است.(۲)

میرزا ابراهیم عارف تبریزی

میرزا ابراهیم تبریزی متخلّص به «عارف» شاعر ادیب، برادر میرزا محمّد امین خازن معروف به «آقاسی» است. در محلّه عبّاس آباد اصفهان ساکن بود، و سرانجام در هند ساکن شد، این شعراز او است.

از طپیدن های دل در کلبه ویرانه ام سقف همچون رنگ برخیزد ز روی خانه ام(۳)

ابراهیم عاصی فریدنی

حاج ملاّابراهیم فریدنی معروف به «ملاّابراهیم غسّال» متخلّص به «عاصی» شاعر ادیب، در بین همکاران خویش به دانستن مسائل و آشنایی به احکام، معروف بود. گاهی شعر می گفت. در محرّم الحرام ۱۳۶۵ قمری در حدود فریدن به سنّ قریب به هشتاد سالگی وفات یافت، و هم در آن جا مدفون شد.(۴)

محمد ابراهیم جواهری

محمد ابراهیم جواهری فرزند محمد اسماعیل کوهپایه ای در سال ۱۳۴۲ ق (۱۳۰۲ش) متولد شد، ابتدا در مدرسه قدسیه و دبیرستان سعدی تحصیل کرد و سپس وارد حوزه علمیه اصفهان شد و از درس اساتیدی چون شیخ محمد علی عالم حبیب آبادی، شیخ محمد حسن علام نجف آبادی، شیخ علی محمد فقیه حبیب آبادی، شیخ عباسعلی ادیب، سید عبدالحسین طیب، حاج آقا صدر کوپائی، شیخ محمود مفید، سید محمدحسین ادیب

۱- رجال اصفهان، ص۱۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۰۳.

۲- ریحانه الادب، ج۴، ص۶۲؛ الذّریعه، ج۹، ص ۶۵۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۱۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۶۲۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۷.

۴- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۷.

بجنوردی، شیخ محمد باقر زند کرمانی و دیگران بهره برد و سپس در مدارس دولتی به تدریس پرداخت. وی از فضلای بسیار پر تلاش و باذوق معاصر است و با همتی بلند شرح حال بسیاری از رجال عملی و دینی معاصر اصفهان و ایران را تدوین نموده. کتاب علوم و عقاید از او به چاپ رسیده، دو جلد اسفار را ترجمه کرده و در شعر گوهر تخلص می کند)

محمّدابراهیم شوکتی اصفهانی

محمّدابراهیم اصفهانی متخلّص به «شوکتی» از شعرای قرن یازدهم هجری است، در اصفهان ساکن بود. دو بار به هند رفت، و در دفعه دوم به دست پسر چوپان به قتل رسید. از او است:

از زلف علاج دل سودایی من کن این سلسله را گرم به رسوایی من کن

شمع و گل و پروانه و بلبل همه جمعند بی رحم بیا رحم به تنهایی من کن(۱)

محمّدابراهیم فارغ فروشانی

محمّدابراهیم فروشانی اصفهانی متخلّص به «فارغ»، شاعر ادیب از اهالی محلّه «فروشان» سده ماربین اصفهان بود، و مانند برادر خود عشرتی، شعر می سرود. سرانجام به هند رفت، و از ملازمان طوفان شد، سپس به لاهور رفت، و در آن جا وفات نمود، و مهستی خانم، همشیره طالب آملی او را با احترام دفن کرد؛ از او است:

فکرم به وصف آن قد رعنا نمی رسد کس را کمند فکر به آن جا نمی رسد

نتوان به وصف قامت او گفت مصرعی تا معنیی ز عالم بالا نمی رسد(۲)

حاج محمّدابراهیم قزوینی

حاج محمّدابراهیم قزوینی، از علماء و فقهاء و مجتهدین بزرگوار قرن سیزدهم هجری است. در

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۷۸؛ کاروان هند، ج۱، ص۶۵۸؛ تذکره حسینی، ص۱۶۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۸۱؛ کاروان هند، ج۲، صص ۹۷۱ ۹۷۲.

قزوین متولّد گردیده، و در آن جا و اصفهان تحصیل نموده، و از درس حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی بهره گرفته، و سیّد، جهت او در سال ۱۲۴۶ اجازه مفصّلی مرقوم فرموده، و در آن از وی ستایش بسیار نموده، و تصریح کرده است که مدّت ها خدمت او رفت و آمد می نموده، و به درس او حاضر می شده تا به درجه اجتهاد نائل شده است(۱). صاحب عنوان در شمار نزدیکان و مخصوصین سیّد حجّت الاسلام بوده، و حاج محمّدجعفر آباده ای با آن جلالت قدر، آرزوی مقام او را می نموده، و به حال او غبطه می خورده است.(۲) میرزا محمّدابراهیم قزوینی در مسجد آقانور در محلّه دردشت اقامه جماعت می نموده، و از آثار باقیه اش شبستان و مهتابی و هشتی و سردر و حوض خانه مسجد مزبور است. وی کتابخانه ای مفصّل و آبرومند داشته که پس از وفات ایشان پراکنده شد، و قسمتی از آن را به کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف اهدا شد.(۳)

قزوینی سرانجام در چهارشنبه ۲۹ محرّم ۱۲۶۱ق وفات یافت، و جنازه به نجف اشرف نقل، و در آن جا مدفون شد.(۴) شرح حدیث غمّامه را به این میرزا محمّدابراهیم قزوینی نسبت داده اند.(۵) [امّا این شخص باید عالم دیگری باشد؛ زیرا کاتب نسخه، محمّدحسین بن محمّدابراهیم که این کتاب را در سال ۱۲۶۳ کتابت نموده، و تعلیقات آن را در حاشیه آورده، در پایان حواشی نوشته است: «من الوالد سلّمه اللّه»؛ یعنی پدرش تا سال ۱۲۶۳ زنده بوده، حال آن که میرزا محمّدابراهیم قزوینی در سال ۱۲۶۱ق وفات یافته است].(۶)

محمّدابراهیم قمی

محمّدابراهیم قمی، خطّاط نسخ نویس معروف در قرن یازدهم هجری از اساتید بزرگ خط، و معاصر احمد نیریزی بوده، و در اصفهان مقیم بوده است. از آثارش کتابت نسخه ای است از قرآن مجید مورّخ به سال ۱۱۱۷ق که آن را در اصفهان جهت نوّاب حاجیه زینب بیگم (ظاهراً بانی حمّام زینب بیگم) نوشته است. قرآن نام برده به شماره ۱۵۱۲ در آستانه مقدّسه رضویّه موجود می باشد. هم چنین قرآن دیگری به شماره ۱۱۰ق مورّخ ۲۵ ربیع الاوّل سال ۱۰۷۸ق(۷).

ابراهیم معتمدی*

ابراهیم معتمدی، از شعرای معاصر اصفهان است. از او است:

۱- الذّریعه، ج۱، ص۱۵۶.

۲- تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۴.

۳- بیان المفاخر، ج۱، صص۲۴۵ ۲۴۸.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۰۰ ۱۰۱.

۵- الکرم البرره، ج۱، صص۳ ۴.

۶- مکارم الآثار، ج۵، صص۱۶۳۷ ۱۶۴۰.

۷- راه نمای گنجینه قرآن، ص۲۶۴.

خارم و با گلشنم همسایگی است آن چه رنجم می دهد بی مایگی است

دور از این دنیای پرنقش و نگار با نگار دیگری دارم قرار(۱)

محمّدابراهیم مقتول اصفهانی

ابراهیم بیک اصفهانی متخلّص به «مقتول» شاعر ادیب، اصلاً از اصفهان بوده؛ ولی در جهان آباد هند متولّد شده است، و فنون شعر و ادب را از غلام همدانی مصحفی آموخته است.(۲)

سیّدابراهیم مقدّس

سیّدابراهیم حسینی سبزواری ساوجی معروف به «مقدّس»، عالم زاهد متّقی، از اهالی ساوه بود، و پدرانش از سادات مختاری سبزوار به ساوه مهاجرت کرده بودند، و آقا سیّدابراهیم از ساوه با اصفهان آمد. مرحوم سیّد حجّت الاسلام او را با احترام پذیرفت، و در جنب منزل خود برای او خانه ای تهیّه نمود. مشارٌالیه خواهر آقا میرسیّد محمّد شهشهانی را به زوجیّت اختیار نمود، و بعد از سال ۱۲۵۰ق وفات یافت، و در قبرستان قبله دعا مدفون گردید.(۳)

میرزا ابراهیم نواب احمدآبادی

میرزا ابراهیم نوّاب احمدآبادی اصفهانی، هنرمند نقّاش، از معاصرین عنقا است که در نقّاشی گل و بوته و تصویر حیوانات و درختان و تجسّم حالات آنان تخصّص داشته است. وی از سلسله نوّاب های صفوی است، [و در اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان وفات یافته است].(۴)

۱- هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۲۹۸، بیست و هشتم اردیبهشت ۱۳۷۳، ص۸.

۲- گلشن بی خار، ص۱۸۶.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۹۸؛ مزارات اصفهان، ص۳۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۹۰۹ ۹۱۰.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۰۱۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص۳۱۸ ۳۱۹.

ابراهیم بیک یوزباشی

ابراهیم بیک یوزباشی از بزرگان و امرای عهد شاه سلطان حسین صفوی است. از آثارش تعمیرات امام زاده اسماعیل علیه السلام است که آن را در سال ۱۱۱۱ق به پایان رسانیده است. کتیبه منظوم دور رواق بقعه در لوحه های کوچک به خطّ نستعلیق بر زمینه لاجوردی به خطّ محمّدصالح اصفهانی قصیده ای است به شرح زیر:

از حکم دارای زمان سلطان حسین کامران معمار ارکان جهان شاهنشه فرمانروا

این منزل چون کعبه نو، از سعی ابراهیم شد سلطان داور کرد نو، مأوای اسماعیل را

این کعبه آیین صفا، از سعی ابراهیم شد الطاف سلطان نو نمود این حجر اسماعیل را(۱)

ابراهیم شاه طبیب اصفهانی

ابراهیم شاه طبیب، ساکن تبریز و از اهالی اصفهان. وی در قرن دهم هجری می زیسته، و اعتقاد تامّی به مجذوبان و درویشان داشته، و در عین طبابت، خوشنویس زبردستی بوده است.(۲)

ابن ابی حاتم عبدالرّحمان

حافظ ابومحمّد عبدالرّحمان بن محمّد بن ادریس بن منذر بن داوود بن مهران اصفهانی معروف به ابن ا بی حاتم تمیمی نظامی از محدّثین، فقها و مفسّرین شافعی بوده، پدرش از اهالی قریه گز از بلوك برخوار بوده، و به ری رفته، و در آن جا ساکن شده است. تألیفات بسیاری داشته از آن جمله است: ۱. تفسیر قرآن ۲. الردّ علی الجهمیّه ۳. الزّهد ۴. العلل (برحسب کتب فقهی تقسیم شده است) ۵. فوائد الزّائرین ۶. الفوائد الکبری ۷. الکنی ۸. المسائل ۹. مسند در حدیث، در دو هزار جزء ۱۰. مقدّمه جرح و تعدیل، در چندین مجلّد ۱۱. مناقب شافعی. صاحب عنوان در سال ۲۴۰ق در ری متولّد [شده]، و در سال

۱- آثار ملی اصفهان، ص۷۵۵؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۲۱.

۲- روضات الجنان، ص۴۹۳.

۳۲۷ق وفات یافته است.(۱)

ابن ابی دُلَف دلف

دلف بن عبدالعزیز بن ابی دلف عجلی، معروف به «ابن ابی دُلَف» یکی از مشاهیر والیان عهد بنی عبّاس است.

وی والی اصفهان بوده، سرانجام با قاسم بن مهاه جنگیده، و در سال ۲۶۵ق به قتل رسیده است.(۲)

ابن ابی رزمه

ابن ابی رمزه، از محدّثین اصفهان است.(۳)

ابن ابی عاصم احمد

ابوبکر احمد بن عمرو بن عاصم ضحاک بن مخلد شیبانی معروف به «ابن النّبیل» و «ابن ابی عاصم» از محدّثین و فقهاء بوده، حافظه ای قوی داشته، در فتنه زنج، کتاب هایش در بصره از بین رفت، و او از حفظ، پنجاه هزار حدیث نوشت. تولّدش در سال ۲۰۶ق بود، و از سال ۲۶۹ تا ۲۸۲ در اصفهان منصب قضاوت داشت، در سال ۲۸۷ق وفات یافت. قریب به سی صد جلد کتاب تألیف کرده که ازجمله آن ها است کتاب های: ۱. الاوائل ۲. الآحاد و المثانی ۳. الدّیات، مطبوع ۴. السنه ۵. المسند الکبیر(۴).

ابن ابی علی اصفهانی محمّد

محمّد بن حسن بن احمد بن محمّد بن موسی اهوازی معروف به «ابن ابی علی اصفهانی»، از محدّثین عامّه است، متّهم به کذب است، و او را «جرّاب الکذب» لقب

۱- هدیه العارفین، ج۲، ص۵۱۳.

۲- الاعلام، ج۳، ص۲۱؛ الکامل، ج۷، ص۱۰۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۵.

۴- الاعلام، ج۱، ص۱۸۱؛ تذکره الحفّاظ، ج۲، ص۱۹۳؛ لسان المیزان، ج۴، ص۱۶۴.

داده اند.(۱)

ابن ابی فاطمه

ابن ابی فاطمه ورّاق، از نویسندگان قرآن بوده، و در نیمه اوّل قرن چهارم می زیسته است. (۲)

ابن ابی نواس عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن خالد معروف به «ابن ابی نواس» از محدّثین اصفهان است، وی از محمّد بن سهل بن صباح و ابی اسید روایت می کند. (۳)

ابن اخباری محمّد

حافظ ابوالعبّاس محمّد بن اسحاق بن ابراهیم طبری، از محدّثین است، به اصفهان آمده، و از همام و تمتام و محدّثین مصر حدیث روایت می نمود. (۴)

ابن اخوه بغدادی عبدالرّحیم

جمال الدّین ابوالفضل عبدالرّحیم بن احمد بن محمّد بن ابراهیم بن خالد بغدادی معروف به «ابن اخوه» از محدّثین عالی قدر شیعه در قرن ششم هجری است، در بغداد متولّد شد، و جت اخذ حدیث، به کاشان، خراسان، ری و طبرستان سفر کرد. او چهل سال در اصفهان بود، و سرانجام به شیراز رفت، در ۱۳ شعبان ۵۴۸ق در آن جا وفات یافت.

وی از ابوالسّعادات هبه اللّه بن شجری، ابوشجاع صابر بن حسین بن فضل بن مالک، شیخ ابوغانم عصمی هروی، شیخ ابوالفضل محمّد بن یحیی ناتلی، ابوعبداللّه حسین بن طلحه نعالی و ابوالخطّاب نصر بن احمد بن بطر و ابوالفوارس طراد زینبی عبّاسی اجازه نقل حدیث داشته، و از دختر شریف مرتضی اجازه روایت کتاب نهج البلاغه را دریافت

۱- میزان الاعتدال، ج۳، ص۵۱۶؛ الانساب، ج۱، ص۲۳۲.

۲- لغت نامه دهخدا، ذیل «ابن ابی فاطمه»، ص۲۸۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۵۷؛ طبقات المحدّثین باصفهان، ج۴، ص۳۰۴.

نمود. سدیدالـدّین محمّـد طوسـی، عمادالدّین علیّ بن قطب راوندی، قطب الدّین سـعید راوندی و ضـیاءالدّین فضل اللّه علوی حسنی راوندی شاگردان او هستند.(۱)

ابن اسود احمد

احمـد بن علویه کرانی (یـا کرمـانی) اصـفهانی معروف به «ابن اسود کـاتب»، از بزرگان، نویسـندگان و دانشـمندان شـیعه و از مجاهرین شـعرای اهل بیت علیهم السـلام است. ابوحـاتم سجسـتانی که خود از بزرگان شـعر و ادب است، خطاب به اهل بصـره می گویـد: قسم به خدا این شاعر اصـفهانی در محکم بودن اشـعار و کثرت فوائد آن بر همه شـما تفوّق یافته است. اشاره او به قصیده نونیّه موسوم به قصیده الفیّه در مدح حضرت علی علیه السلام با این مطلع است:

ما بال عینک ثره الانسان عبری اللحاظ سقیمه الافجان

وی از ابراهیم بن محمّـد ثقفی همه مؤلّفات او را روایت می کنـد، و محمّـد بن حسن بن ولید (م۴۲۳ق) و ابوعبداللّه حسین بن محمّد بن عامر بن عمران بن ابی بکر اشـعری و محمّداحمد بن محمّد بن بشر، احمد بن محمّد بن بشیر، جلال بن بشیر رحال و ابوجعفر بن بابویه از او روایت می کننـد. در عموم کتب رجال و حـدیث و ادب، نام او به عظمت و بزرگی یاد شده است. وی از اصـحاب ابوعلی لُغَـذه بوده، و مـدّت ها در خـدمت احمـد بن عبـدالعزیز و دلف بن ابی دلف عجلی بوده، و از نـدمای آنان محسوب می شـده است. تولّـدش در سال ۲۱۲ق، و وفاتش در حـدود سال ۳۱۲ق یا یا ۳۲۱ق اتّفـاق افتاده است. کتب زیر او است:

۱. الاعتقاد، یا دعاء الاعتقاد ۲. الفیّه، قصـیده ای در هزار بیت، در مدح حضرت علی علیه السلام ۳. الرّسائل المختاره، در ادعیه ۴. الشّیب و الخضاب.

از اشعار او است:

حکم الغناء تسمع و مدام ما للغناء مع الحدیث نظام

۱- ثقات العیون، صـص۱۵۸ ۱۵۹؛ الـذّریعه، ج۱، ص۲۰۱؛ تاریخ تشـیّع اصـفهان، صص۲۸۱ ۲۸۲؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، صص۳۰۰ ۳۰۱؛ امل الآمل، ص۴۸۰.

لو انّنی فاضٍ قضیتُ قضیه انّ الحدیث مع الغناء الحرام(۱)

ابن اُسَید اسحاق

ابوالحسن اسحاق بن محمّد بن ابراهیم بن حکیم ابن اُسید اصفهانی از محدّثین اصفهان است. حافظ ابونُعیم درباره او می گوید: «شیخ ثبت صدوق، عارف بالحدیث ادیب و لا یحدث الاّ من کتابه». از حسن بن عثمان، محمّد بن عاصم و ابوامیّه روایت کرده است، و احمد بن عبیداللّه بن محمود، محمّد بن جعفر و محمّد بن عبیداللّه بن مرزبان از او حدیث نقل می کنند. کتاب الشّیوخ از تألیفات او است. وفاتش در رمضان ۳۱۲ق بوده است.(۲)

ابن اَشته*

«ابن اشته» شهرت چندین تن از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. نسب این خاندان به شخصی به نام «اَشته» (به فتح اوّل و سکون دوم) منتهی می شود.

ابن اشته احمد

ابوالعبّاس احمد بن عبدالغفّار بن علیّ بن اشته حافظ اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است.

وی در ۴۱۰ق متولّد و در سال ۴۹۲ق وفات یافته است. از سعید بن محمّد نقّاش و ابوالحسن علیّ بن ابی حامد خرجانی روایت می کند، و ابونصر اسماعیل بن محمّد بن

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۲۳ ۱۲۴؛ مزارات اصفهان، ص۱۸۵؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۰۷ ۲۱۰؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۳۸۳؛ الکنی و الالقاب، ج۱، صص۲۱۲ ۲۱۳؛ رجال نجاشی، ص۶۴؛ رجال ابن داوود، ص۳۴؛ مجمع الرّجال، ج۱، صص۱۲۵ ۱۲۶؛ بغیه الوعاه، ص۱۴۶؛ نوابغ الرّواه، ص۳۶؛ فهرست، شیخ طوسی، ص۳۲؛ یتیمه الدّهر، ج۳، ص۲۶۷؛ معجم الادباء، ج۴، صص۷۲ ۷۷؛ معجم رجال الحدیث، ج۲، صص۱۵۱ ۱۵۲؛ الذّریعه، ج۲، صص۲۲۳ ۲۲۴؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۲۲۲؛ معجم المؤلّفین، ج۱، ص۳۱۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۴۶؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۵۷، معالم العلماء، ص۱۹؛ نقد الرّجال، ص۲۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۹؛ الاعلام، ج۱، ص۲۸۷.

احمد رنانی، ابوالفضل ثابت بن محمّد بن فضل صفّار اصفهانی، ابومحمّد (ابوبکر) جابر بن منصور بن محمّد بن صالح ویذآبادی، ابومحمّدحسن بن احمد مدینی، ابواحمد عبدالجبّار بن عصمت و ابوغانم محمّد بن حسین بن حسن از او نقل حدیث می نماید. ابوبکر مدین بن علیّ بن احمد تمیمی، ابونصر نورج بن محمّد دیلمی و ابوطاهر واضح بن محمّد مدینی از مجازین و شاگردان او به شمار می روند.(۱)

ابن اشته احمد

احمد بن محمّد بن اشته مدینی، از محدّثین اصفهان است. در مدینه (شهرستان) ساکن بوده، از عمرو بن محمّد ناقد و محمّد بن خالد واسطی روایت می کند، و ابوعلی صحّاف و احمد بن محمّد بن ابراهیم از وی روایت می کند.(۲)

ابن اشته خرّزاد

ابومنصر خرّزاد بن اشته، از محدّثین اصفهان است. وی از محمّد بن عبّاس اخرم روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از وی نقل حدیث کرده است.(۳)

ابن اشته عبدالرّحمان

ابومسلم عبدالرّحمان بن بشیر بن غیر بن اشته مؤدّب، از محدّثین اصفهان است. حافظ ابونُعیم درباره او گوید: «شیخ ثقه صاحب اصول» وی از اسحاق بن ابراهیم بن اسماعیل بُستی حدیث روایت می کند، و قتیبه بن سعید از او روایت می نماید. در خراسان و سجستان (سیستان) از محدّثین، حدیث فراگرفته است.(۴)

۱- مرآه الجنان، ج۳، صص۱۱۷ و ۱۵۴؛ التّحبیر، ج۱، ص۴۲۲ و ج۲، صص۱۱۷، ۳۳۰، ۳۵۰، ۳۵۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۹۵، ۱۰۳ و ۱۲۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۳۹۰ ۳۹۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۹.

ابن اشته محمّد

ابوبکر محمّـد بن عبـداللّه بن محمّـد بن اشـته بوذری مقری اصـفهانی، از دانشـمندان علوم ادب و عربیت بوده، در سـال ۳۶۰ق وفات یافته، تألیفاتی داشته از آن جمله است:

۱. اختلاف المصاحف [۲. المفید ۳. المحبر ۴. شواذّ القرائات(۱)].

ابن اشته محمّد

محمّد بن اشـته، از محدّثین اصـفهان بوده، و از نعمان بن عبدالسّلام روایت نموده است، مسلم بن سعید از او نقل حدیث نموده است.(۲)

ابن اصفهانی یحیی

ابوزکریّا یحیی بن عبدالرّحمان بن عبدالمنعم بن عبداللّه صـقلی دمشـقی شافعی معروف به «ابن اصفهانی» متوفّی به سال ۶۰۸ق در غرناطه از شهرهای اندلس (اسپانیا) مؤلّف:

۱. الخلافیّات بین شافعی و ابی حنیفه ۲. الرّوضه الانتیقه، در حدیث(۳).

ابن افرجه احمد

ابـوجعفر احمـد بن ابراهیم بن یوسف بن یزیـد بن بُنـدار تیمی اصـفهانی ضـریر معروف به «ابن افرجه» و «ابوجعفر بن افرجه» از محـدّثین اصـفهان در قرن چهـارم هجری. وی از عمران بـن عبـدالرّحیم، سـهل بن عبـداللّه، ابراهیم بن مهـد، یحیی بن مطرّف، یعقوب بن ابی یعقوب، ابراهیم بن حربی و عبداللّه روایت نموده است. او در سال ۳۵۳ق وفات یافت.(۴)

۱- هدیه العارفین، ج۲، ص۴۷؛ الاعلام، ج۶، ص۲۲۴؛ بغیه الوعاه، ص۵۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۸۹.

۳- هدیه العارفین، ج۲، ص۵۲۲.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱؛ مقتبس الاثر، ج۵، ص ۲۳۰.

ابن افرجه محمّد

حافظ ابوعلی محمّد بن ابراهیم بن یوسف بن یزید بن بُندار تیمی اصفهانی معروف به «ابن افرجه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری بوده، و در سال ۳۰۷ق وفات یافته است.(۱)

ابن امّ هشام عقیل

عقیل بن ابراهیم معروف به «ابن امّ هشام» از محدّثین اصفهان است. برادر علیّ بن اصفهانی مدینی بوده، از محمّد بن بکیر و دیگران روایت می کند. علیّ بن صباح اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

ابن اورمه ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن اُورمه بن سیاوش بن فَروُّخ حافظ اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری بود، در حفظ و شناخت حدیث، سرآمد معاصران عصر خود بود، و اغلب محدّثان عراق و خارج از آن از او حدیث شنیده، و ضبط نموده اند. گویند در سال ۲۴۱ق در بغداد وفات یافته است، و به قولی وفاتش بعد از سال ۲۷۰ق روی داد. از عاصم بن نضر و محمّد بن بکار و عبّاس بن عبدالعظیم و نصر بن علی حدیث نقل کرده است؛ امّا از او زیاد حدیث روایت نشده است، چون کتاب هایش در فتنه بصره آسیب دید.(۳)

ابن بابویه

ابا محمّد بن بابویه اصفهانی، از دانشمندان قرن چهارم هجری است. وی استاد ابومحمّد عبداللّه بن یوسف جوینی پدر ابوالمعالی جوینی بوده است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۶۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۴.

۴- معجم الادباء، ج۶، ص۱۹۳.

ابن بادشاله

ابن بادشاله اصفهانی، شیخ صدوق در اِکمال الدّین به اسناد خود اسامی جماعتی را یاد می کند که در زمان غیبت صغری موفّق به زیارت و رؤیت حضرت مهدی عجّل اللّه فرجه و معجزات ایشان شده اند که از آن جمله است ابن بادشاله از اصفهان.(۱)

ابن باغبان زکریّا

ابوالفتوح زکریّا بن علیّ بن محمّد بن عمر بقّال اصفهانی معروف به «ابن باغبان» از محدّثین قرن ششم هجری است. وی از ابوعبداللّه قاسم ثقفی استماع حدیث نموده، و در سال ۵۳۲ جهت ابوسعد سمعانی اجازه برای جمیع مرویّات و مسموعات خود به وسیله ابوالقاسم علیّ بن حسن نوشته است. (۲)

ابن باغبان محمّد

ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن عمر بن محمّد بن عمر بن قاسم بن عبداللّه بن اسحاق بن سندار بن اممی بن معدان بن خوشمردان صوفی اصفهانی معروف به «ابن باغبان» از محدّثین اصفهان است.(۳)

ابن البغدادی حسن

ابوعلی حسن بن علیّ بن احمد بن سلیمان معروف به «ابن البغدادی» از محدّثین است، راویان اصفهان و همدان از وی روایت می کنند. (۴)

ابن بامدویه علی

ابوالحسن علیّ بن احمد بن محمّد مقری خیّاط معروف به «ابن بامدویه» از محدّثین

۱- اعیان الشّیعه، ج۶، ص۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۱۹۶.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۹۱.

۳- التّحبیر، ج۲، ص۷۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۷۴.

اصـفهان در قرن چهارم هجری بوده، و از ابن نصـیر، اسـحاق بن ابراهیم بن جمیل و سلم بن عصام بن اسلم نقل حدیث نموده، حافظ ابونُعیم اصفهانی از وی روایت می نماید. مشارٌالیه در سال ۳۵۷ در اصفهان وفات یافته است.(۱)

ابن بُندار اسعد

ابوذر اسعد بن حسین بن سعد یزدی معروف به «ابن بندار» از اساتید قرائت و تجوید در قرن ششم هجری بوده، و در اصفهان به تـدریس مشـغول، و مؤذّن مسـجد جـامع عتیق نیز بوده، و تألیفـاتی داشـته که از آن جمله است: غایه المنتهی و نهایه المبتـدی، المنتقی(۲).

ابن تلمیذ یحیی

معتمدالملک ابی الفرج یحیی بن صاعد بن یحیی، معروف به «ابن التّلمیذ»، حکیم طبیب نصرانی نسطوری، در عصر عبّاسیان به خلافت و مهارت در طب شـهرت داشـته، و در اصفهان می زیسته، و در ۵۵۶ وفات یافته است.(۳) او غیر از ابـوالحسن هبه اللّه بن صاعد بن ابراهیم بن علی اصفهانی معروف به ابن تلمیذ است.

ابن بوته حسن

ابوعلی حسن بن محمّـد بن حسـین بن یزیـد (زیـد) بن هزاری اشـعری، از محـدّثین قرن سوم و چهارم هجری. وی از احمـد بن بُدیل، موسی بن عبدالرّحمان و اسماعیل بن یزید روایت نموده است. او در سال ۳۱۲ق وفات یافت.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۳، ص ۲۰.

۲- الاعلام، ج ۱، ص۲۹۳؛ معجم المؤلّفین، ج ۲، ص۲۴۶؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج ۱، ص ۶۴.

۳- ادباء الاطبّاء، ج ۲، ص ۱۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۱۰۲۹.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۲۶۸؛ طبقات المحدّثین، ج ۴، ص ۱۵۳.

ابن الجارود

ابوبکر بن جارود، از محدّثین اصفهان است. از عمرو بن سعید بن علی و عمرو بن سلیمان بن محمّد نقل احادیث نموده، و عبداللّه بن محمّد و ابومحمّد بن حیّان از وی روایت می کنند.

ابن جارود احمد

حافظ ابوجعفر احمد بن علیّ بن محمّد بن جارود، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. حافظ ابونُعیم اصفهانی درباره او گوید: «علاّمه بالحدیث، مُتّقی صحیح الکتابه». وی در سال ۲۹۹ق فوت شده، و کتاب شیوخ و مسند از تألیفات او است.(۱)

ابن حریش عبدالواحد

ابوالقاسم عبدالواحد بن محمّد بن علیّ بن حریش اصفهانی، از شعراء و نویسندگان قرن پنجم هجری است، در اصفهان متولّد گردیده، در ری سکونت کرده، و در غزنه مشهور گردیده، و در سال ۴۲۴ در نیشابور وفات یافته است. ثعالبی وی را دیدار کرده، و او را به عنوان استاد یاد نموده، و نمونه ای از اشعارش را نقل کرده است.(۲)

ابن حسنویه محمّد

ابوعبداللّه بن حسن بن زیاد مقری خیّاط معروف به «ابن حسنویه» از محدّثین اصفهان است. از عبداللّه بن عبدالواحد خوارزمی و محمّد بن عیسی زجاج روایت می نموده است، و ابواسحاق بن حمزه از او نقل حدیث می نماید.(۳)

ابن حمزه اصفهانی

ابن حمزه اصفهانی، دیوان ابی تمام حبیب بن اوس طایی را در هفت نوع گردآوری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۷؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، ص۵۶۴؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۱۹؛ تذکره الحفّاظ، ج۲، ص۷۵۱.

۲- الاعلام، ج۴، ص۳۲۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۴۶.

کرده، و در سال ۱۲۹۲ق در قاهره و در سال ۱۸۸۹م در بیروت چاپ شده است.(۱)

ابن خاتون امامی

ابن خاتون امامی اصفهانی، صاحب تفسیر قرآن، جلد اوّل آن در کتابخانه مجلس شورا موجود است. مؤلّفِ الذّریعه احتمال می دهد مؤلّف، همان محمّدرضا خاتون آبادی باشد.(۲)

ابن خبّاز محمّد

ابومنصور محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم ورّاق معروف به «ابن خبّاز»، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از دارکی، ابن جارود، فضل بن خصیب و محدّثین هم طبقه او روایت کرده است. حافظ ابونُعیم از او روایت می کند. وی در سال ۳۶۰ق وفات نمود.(۳)

ابن خصیب عبداللّه

ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن حسین بن خصیب بن صفّار اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است، در سال ۲۷۲ق در اصفهان متولّد شد. از فقهای شافعی به شمار می رفت. عاقبت به مصر رفت، و در سال ۳۳۹ قضاوت آن جا را بر عهده گرفت، و در همین منصب باقی ماند تا در سال ۳۴۸ یا به قولی ۳۴۷ وفات یافت. تألیفاتی داشته از آن جمله است کتاب المجالسه در فقه شافعی.(۴)

ابن خوام بغدادی عبداللّه

عمادالدّین عبداللّه بن محمّد بن عبدالرّزّاق بغدادی حاسب معروف به «ابن الخوام» از دانشمندان ریاضی و طب در قرن هفتم و هشتم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و

۱- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه تهران، ج۳، ص ۲۷۱.

۲- الذّریعه، ج۴، ص۲۴۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۹۹.

۴- الاعلام، ج۴، ص۲۶۴ هدیه العارفین، ج۲، ص۴۴۶.

کتاب الفوائد البهاییّه فی القواعد اکسابیه را در دهه دوم شعبان ۶۷۵ق در اصفهان به نام خواجه بهاءالدّین محمّد بن شمس الدّین محمّد صاحب دیوان جوینی (حاکم اصفهان) تألیف نموده است. تألیف دیگر وی مقدّمه فی الطّب است.

کمال الدّین حسن فارسی از شاگردان او است، و کتاب الفوائد البهاییّه او را شرح کرده، و اساس القواعد نامیده است.(۱)

ابن خیّاط بغدادی عبداللّه

ابوعلی (یا ابوصالح) حسین بن فَرَج بغدادی معروف به «ابن خیّاط» از محدّثین قرن سوم هجری است.

به اصفهان آمد، و از واقدی از کتاب مبتداء و المغازی حدیث گفت. از ابن عُیینه، اَنس بن عِیاض، مَعن، جماد بن خالد، معمّر بن سلیمان رقّی، ولید بن مسلم، ابن عدی و وکیع حدیث نقل نمود. حافظ ابونُعیم از او روایت می کند.(۲)

ابن داوود محمّد

ابوبکر محمّد بن داوود بن علیّ بن خلف اصفهانی معروف به «ابن داوود»، فقیه، محدّث، ادیب، شاعر قرن سوم هجری و امام مذهب ظاهری. در بغداد مجلس درس داشته، و جمعی از ادبا و محدّثین از محضر او بهره برده اند. وی سرانجام در دوشنبه ۹ رمضان ۲۹۷ در سنّ ۴۲ سالگی وفات یافته است. کتب زیر از او است: ۱. الاغدار ۲. الانتصار ۳. الانذار ۴. اختلاف مسائل الصّحابه ۵. الزّهره، در ادبیّات، در بیروت به طبع رسیده است ۶. الوصول إلی المعرفه الاصول.(۳)

۱- الاعلام، ج۴، ص۱۲۶؛ الذّریعه، ج۱۶، صص۳۲۶ ۳۲۷؛ فهرست رضوی، ج۸، ص۲۵۱؛ کشف الظّنون، ج۲، ص۱۲۹۶؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۳۰۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۷۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲ ص۲۳۴.

۳- الاعلام، ج۶، ص۱۲۰؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۲۰۱۴؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۷۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابن داوود»، ص۳۰۸؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۴، صص۵۵۷ ۵۵۹؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۴۷۸؛ الوافی بالوفیات، ج۳، ص۵۸؛ النّجوم الزّاهره، ج۳، ص۱۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۹۷ ۵۹۸.

ابن دق احمد

احمد بن محمّد بن ابراهیم مؤدّب معروف به «ابن دق» مردی ادیب فاضل و محدّث در سال ۳۵۴ق در راه مکّه وفات یافته است.(۱)

ابن دکّه احمد

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن حسن بن محمّد بن دکه، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۷۵ق وفات یافت.(۲)

ابن دکّه حسن

ابوعلی حسن بن محمّد بن دکّه معدّل، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری است. وی از حُمید بن مسعده، محمّد بن سلیمان لوین، ابومسعود و عمرو بن علی روایت می کند. حافظ ابونُعیم او را «ثقه و صدوق» دانسته است. در ماه شعبان سال ۳۱۴ق وفات یافت.(۳)

ابن دکّه محمّد

ابوجعفر محمّد بن حسن بن محمّد بن دکّه معدّل، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن عبداللّه بن حسن و ابوالعبّاس هروی روایت نموده است.

ابن دَلّویه مدینی حسین

ابوسهل حسین بن ابراهیم بن دَلّویه مدینی، از محدّثین اصفهان است. ابوبکر جوهری از او حدیث نقل می کند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۹؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۵۳ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۴، ص۴۵۶.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۲۸۰.

ابن راهویه اسحاق

اسحاق بن راهویه، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. حسن بن مهران از وی نقل حدیث نموده است. کتاب مسند نیز از تألیفات ابن راهویه است که نزد جعفر بن محمّد بن موسی بن تمیم بن عبده بوده، و از آن جا نقل حدیث نموده است.(۱)

ابن رُسته*

«ابن رُسته» نام خاندانی معروف و معتبر در اصفهان در قرون سوم تا ششم هجری است. اغلب افراد این خاندان در فقه و حدیث نام آور شده اند، معروف ترین شخص این خاندان احمد بن عمر بن رسته صاحب کتاب الاعلاق النّفیسه است.

ابن رسته ابراهیم

ابراهیم بن حسن بن یزید بن مهران، از محدّثین خاندان ابن رسته در اصفهان است. وی در محلّه جُرواآن اصفهان ساکن بوده است.(۲)

ابن رسته ابراهیم

ابراهیم بن ابان بن رسته مدینی، از محدّثین اصفهان است. از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و در سال ۳۳۹ق وفات یافته است. از ابومسلم کشی و محمّد بن عثمان بن ابی شیبه و محمّد بن مغیره صائغ و دیگران روایت می نموده است.(۳)

ابن رسته احمد

احمد بن رسته بن عمر، از محدّثین اصفهان و دختر زاده محمّد مغیره است. از ابراهیم هروی و شاذکونی روایت می نموده، و در سال ۲۹۳ق وفات یافته است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۲۴۷ و ۲۶۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۵؛ طبقات المحدّثین، حافظ ابی الشّیخ، ج۴، ص۳۲۷؛ فرهنگ نامه پارسی، ص۵۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۴.

ابن رسته احمد

ابوعلی احمد بن عمر بن رسته، از دانشمندان قرن سوم هجری است. تا سال ۳۱۰ق زنده بوده، و در این سال پس از مسافرت به حجاز، کتاب الاعلاق النّفیسه را تألیف نموده است. این کتاب، دائره المعارفی شامل علوم مختلف به خصوص در جغرافیا بوده، و از هفت جلد آن فقط جلد هفتم آن باقی مانده، و متن آن در اروپا و ترجمه فارسی آن در ایران، طبع گردیده است.((۱)

ابن رسته احمد

احمد بن عبداللّه بن عمر بن یزید زُهری اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری بوده، و از عموی خود عبدالرّحمان بن عمر رسته روایت می کند، و کسی از او روایت نکرده است.(۲)

ابن رسته احمد

ابوحامد بن محمّد بن علیّ بن رسته متوفّی قبل از سال ۳۶۰ق از مشایخ صوفیّه، و از محدّثین به شمار می رود، و به جمال صوفی معروف است.(۳)

ابن رسته ازهر

ابومحمّد ازهر بن رسته بن عبداللّه مُکتب، از محدّثین اصفهان و متوفّی به سال ۲۸۶ق است. وی از ابوالحسین محمّد بن بکیر حضرمی و سهل بن عثمان و سعدویه روایت می کند، و عبدالرّحمان بن محمّد بن سیاه و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او روایت می کنند.(۴)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۳۱۲؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۹۲۵؛ دائره المعارف فارسی، ج۱، ص۱۹؛ معجم المطبوعات، ج۱، ص۱۰۷؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۴، صص۵۷۴ ۵۷۵؛ اثرآفرینان، ج۱، ص۱۱۳؛ تاریخ ادبیّات عرب، بهروز؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۳۸۶، آداب اللّغه العربیه، ج۲، ص۵۱۳؛ تاریخ علوم اسلامی، ص۱۲۹؛ تاریخ ادبیّات عرب، عبد الجلیل، ص۱۶۵؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۳، ص۵۵۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۴؛ اللّباب، ج۲، ص۲۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵؛ فرهنگ نامه پارسی، ص۵۳۸؛ طبقات المحدّثین، ابوالشّیخ، ج۳، ص۱۳۱.

ابن رسته جبله

جبله بن رسته، گوید مردی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم اصفهان فرائض و سنن می آموخت.(۱)

ابن رسته حسن

ابوسعید حسن بن عبدالرّحمان بن عمر بن یزید زهری، از محدّثین اصفهان است، پدرش به ابن رسته شهرت داشت، خود او در سال ۲۶۳ق وفات یافت.

از ابوعلقمه فروی، حاتم بن عبیداللّه، عثمان بن هیثم، علاء بن عبدالجبّار و علیّ بن مدینی روایت نموده، و عبداللّه بن جعفر، محمّد بن احمد بن یزید و محمّد بن عمر بن حفص از او روایت می کنند.(۲)

ابن رسته رسته

رسته بن ابی الابیض ضریر اصفهانی، از شعراء و بلغای اصفهان در قرن دوم هجری بوده، و به قول حمزه اصفهانی شعرهایش شبیه ترین به اشعار بشار بن برد بوده است. وفاتش در سال ۱۷۵ق روی داد.

از اشعار او است:

قد مات کلّ نبیل و مات کلّ نبیه

و مات کلّ ادیب و فاضل و فقیه

لا یوحشنک طریق کلّ الخلایق فیه(۳)

ابن رسته سعید

سعید بن اشکیب بن کوفی بن رسته [از محدّثین قرن سوم هجری بوده] و از ابوالولید،

۱- ذکر اخبار اصفهان، ص۷۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۷.

۳- معجم الادباء، ج۱، ص ۱۴۱.

سعید بن یحیی، سلیمان شاذکونی و مقری روایت می کند، و محمّد بن عمر بن حفص از او روایت می نماید.(۱)

ابن رسته عبدالرّحمان

ابوالحسن عبدالرّحمان بن عمر بن رسته اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است، وفاتش در سال ۲۴۶ و یا ۲۵۰ق واقع شده است. از یحیی قطان، عبدالرّحمان بن مهدی و سفیان بن عیینه روایت می کند.

جمعی از محدّثان نیز از او روایت می کنند ازجمله: ابن واره، ابوحاتم رازی، ابوزرعه، اسماعیل بن عبداللّه، عبداللّه بن احمد بن اُسید، علیّ بن خلف کاشانی و برادرزاده اش احمد بن عبداللّه بن عمر.(۲)

ابن رسته عبدالرّحمان

عبدالرّحمان بن محمّد بن خصیب بن رسته ضبّی جُرواآنی، متوفّی به سال ۳۸۶ یا ۳۸۷ از محدّثین اصفهان است. وی از زبیبی، دارکی و ابی عمرو بن عقبه روایت نموده است.(۳)

ابن رسته عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن عمر بن یزید بن کثیر زهری، برادر رسته، و خود از محدّثین اصفهان است. مصنّفات بسیاری داشته است. در سال ۱۸۷ق متولّد، و در سال ۲۵۲ق در کرج وفات یافته، و در اواخر عمر قاضی کرج بوده است.

وی از حماد بن مسعده، معاذ بن معاذ، محمّد بن بکر، حسن بن حبیب بن ندبه، عبداللّه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۹؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۱۳؛ محاسن اصفهان، ص۲۱؛ اللّباب، ج۲۵۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۳؛ معجم البلدان، ج۲، ص۱۳۰؛ اللّباب، ج۱، ص۲۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵.

بن عصام و عبید بن واقد روایت می کند، و ابوعبداللّه محمّد بن یعقوب غزال و احمد بن علیّ بن جارود از او روایت کرده اند.(۱)

ابن رسته عبداللّه

عبداللّه بن محمّد بن عمر بن یزید زهری، برادرزاده رسته است، و از پدر و عمویش حدیث نقل نموده است.(۲)

ابن رسته عبیداللّه

ابوعمرو عبیداللّه بن عمر بن یزید قطّان، برادر رسته است، و از محدّثین بود، و در سال ۲۳۶ق وفات یافت. اینان چهار برادر بودند، و عبیداللّه از همه بزرگ تر بود. از جریر، وکیع، یحیی قطّان، ابن عدی و عبدالوهاب روایت می کرد.(۳)

ابن رسته علی

ابوالحسن علیّ بن جبله بن رسته بن جبله تمیمی، از محدّثان اصفهان است، وی در سال ۲۹۱ق فوت شده است. او از اسماعیل بن ابی اویس و محمّد بن بکیر روایت می نماید، و سلیمان بن احمد و محمّد بن احمد بن عبدالوهاب از او روایت می کنند.(۴)

ابن رسته عمر

عمر بن یزید زهری، از محدّثین اصفهان است. از ابوداوود و نعمان بن عبدالسّلام حدیث شنید، [فرزندانش محمّد، عبداللّه، عبیداللّه، و عبدالرّحمان از محدّثین به شمار می رفتند].

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۶۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۸.

ابن رسته محمّد

محمّد بن ابراهیم بن حسن بن رسته اصفهانی معروف به محمّد ممویه از محدّثین اصفهان بود، و از اصمعی روایت می کرد.(۱)

ابن رسته محمّد

محمّد بن احمد بن حسین، از علماء اواخر قرن ششم از خاندان رسته است، و از مشایخ ابن صیقل به شمار می رود.(۲)

ابن رسته محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن اسحاق بن ماهان مسوحی، از محدّثین بوده، و داماد رُسته است. در دینَوَر ساکن بوده، و همان جا فوت شده است.(۳)

ابن رسته محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن عبداللّه بن رسته بن حسن بن عمر بن زید جنبی مدینی از محدّثان قرن سوم هجری است. وی در طلب حدیث به عراق و ری سفر کرد.

وفاتش در سال ۳۰۱ق واقع شده. ابواسحاق بن حمزه و ابومحمّد از او حدیث نقل می کنند.(۴)

ابن رسته محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن عمر بن یزید زهری، برادر رسته، از محدّثین اصفهان است. وی در

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۰۷؛ طبقات المحدّثین، ابی الشّیخ، ج۳، ص۱۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵.

۲- منتخب المختار، ص۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۰۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵.

واقعه وبای سال ۲۶۳ در ۹۲ سالگی وفات یافت. از حسین بن حفص، بکر بن بکار و دیگران حدیث شنیده است.(۱)

ابن ریذوس، علی

ابوالحسن علیّ بن صباح بن علی اصفهانی معروف به «ابن ریذوس» از محدّثین و حافظان حدیث بوده، از جُبِّر روایت می نموده است. محمّد بن جعفر بن یوسف، و ابراهیم بن عامر بن ابراهیم از او نقل حدیث می کنند.(۲)

ابن ریذه، محمّد

ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه اصفهانی معروف به «ابن ریذه» از محدّثین اصفهان بوده، و مافرّوخی در کتاب خود، او را در شمار دانشمندان حدیث و کلام که متقدّم بر مافرّوخی بوده اند آورده است.(۳) ابوالفتح مسعود بن احمد اسفینقانی نیشابوری(۴)، فاطمه جوزدانیّه و اسعد بن سعید از او حدیث روایت کرده اند: تولّدش در سال ۴۴۰ق بوده، و سال وفاتش به دست نیامد.(۵)

ابن زر، احمد

احمد بن محمّد بن زر اصفهانی واعظ، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم و پنجم هجری است.

ابن حجر عسقلانی او را معتزلی دانسته، و شیخ آقابزرگ گوید: اعتزال، سپر تشیّع او بوده، و به خاطر تقیّه، رویّه معتزله را پیشه ساخته است. وی در سال ۴۲۲ق وفات یافت.(۶)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۸۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، صص ۱۰ و ۱۳.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۹

۴- معجم البلدان، ج۲، ص ۱۸۰.

۵- جعفر بن ابیطالب، ص۲۵.

۶- لسان المیزان، ج۱، ص ۳۳۰؛ النّابس، ص۲۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص ۲۶۱.

ابن زراه، اسماعیل

اسماعیل بن زیاد بن عبید خزاعی معروف به «ابن زیاه» ازجمله حفّاظ و نویسندگان حدیث بود که جهت اخذ آن، مسافرت ها نمود، و سرانجام در سال ۲۷۳ق در جوانی وفات یافت.

ابوعبدالرّحمان مُقری و ابوعلیّ بن ابراهیم از او روایت می کنند. ابن زراه خود، از عبید بن محمّد بن هارون فریانی و حمید بن موسی رازی نقل حدیث می کند.(۱)

ابن زرقویه ابواللطیف

شیخ الاسلام منیرالدّین ابواللّطیف بن احمد بن احمد بن ابواللّطیف زرقویه اصفهانی، از محدّثین و فقهای اصفهان در قرن پنجم هجری، در خوارزم ساکن بوده، جمعی از فضلاء و بزرگان شیعه همچون شیخ منتخب الدّین از شاگردان اویند، شیخ منتخب الدّین از او به عنوان «مناظرٌ فقیهٌ دینٌ» یاد کرده است. صاحب عنوان از قاضی ابوالمعالی احمد بن علیّ بن قدامه نحوی و ابن قدامه از سیّدمرتضی علم الهدی کلّیه تصنیفات علم الهدی را روایت می کند.(۲)

ابن زکریّا عبدالوهاب

ابوسعید عبدالوهاب بن زکریّا بن ابوزکریّا معدّل از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از حسین بن حفص، ابوداوود، ازهر، عبداللّه بن بکر سهمی و قَعْنَبِی روایت می کرد. مطیّن از او نقل حدیث نموده است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص ۸۰.

۲- الفهرست، منتخب الدّین، ص۹۹؛ ریاض العلماء، ج۵، ص۵۰۸؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص۱۰۹، ثقاه العیون۸؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۸۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۲۸۹.

ابن زکریّا عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن زکریّا بن یحیی بن ابوزکریّا، از محدّثین ثقه و صاحب تصنیفات بوده، و در سال ۲۸۶ وفات یافته است. از سهل بن بکار، ابوالولید طیالسی، محمّد بن بکیر، اسماعیل بن عمرو بجلی و ابوخالد رملی روایت می کرده، و محمّد بن یحیی بن منده، احمد بن اسحاق، احمد بن ابراهیم بن یوسف و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او روایت می کنند.(۱)

ابن زنجویه احمد

ابوبکر احمد بن محمّد بن زنجویه اصفهانی معروف به ابن زنجویه، از محدّثین اصفهان است. ابومنصور شهردار بن شیرویه دیلمی از او حدیث شنیده است.(۲)

ابن زنجویه عبدالرّحمان

ابومنصور عبدالرّحمان بن محمّد بن موسی بن زنجویه ابهری ادیب معروف به «ابن زنجویه» از محدّثین اصفهان است، اصلاً از قریه «ابهر» جی اصفهان است، از ابی الشیخ عبداللّه بن محمّد بن جعفر حدیث شنیده، و محمّد بن احمد بن خالد خبّاز و محمّد بن ابراهیم عطّار از او روایت می نمایند.(۳)

ابن زیله حسین

ابومنصور حسین بن محمّد بن عمر بن زیله [یا حسین بن طاهر بن زیله] در فنون حکمت و موسیقی و ریاضی توانا بوده، و از شاگردان و مصاحبان شیخ الرّییس ابوعلی سینا در اصفهان به شمار می رفته، و در سال ۴۴۰ (و یا ۴۴۳ق) در سال های جوانی در اصفهان فوت شده است. گویند او مجوسی بوده، [حال آن که نام پدر و جدّش خلاف آن را ثابت می کند]، کتب زیر را از تألیفات وی ذکر می کنند: ۱. [الاختصار من طبیعیّات الشّفا] ۲.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۶۱؛ الاعلام، ج۴، ص ۲۶۱؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۴۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۲۹؛ تذکره الحفّاظ، ج۴، ص۱۲۹۹؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۶، ص۴۱۴.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

تفسیر حیّ بن یقظان تألیف ابن سینا، [که قدیمی ترین نسخه آن در کتابخانه احمد ثالث استانبول موجود است]، و نسخه ای از آن هم در کتاب های اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران، و نسخه ای دیگر در کتابخانه مجلس موجود است، و یک بار هم در سال ۱۹۵۵م در مجلّه المجمع اسلامی العربی بدمشق به چاپ رسیده است ۳. الکافی فی الموسیقی [که قدیمی ترین نسخه آن در کتابخانه رضا رامپور هند موجود است، و نسخه ای کهن از آن در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می شود. این کتاب در سال ۱۹۶۴ در قاهره به چاپ رسیده است] [۴. المجموع فی الالهیّات که نسخه ای از آن در دارالکتب قاهره موجود است ۵. کتاب فی النّفس].(۱)

ابن سابق محمّد

محمّد بن سعید، معروف به «ابن سابق» از محدّثین اصفهان است.(۲)

ابن سالم مؤذّن

ابن سالم مؤذّن مسجد جامع اصفهان، از محدّثین بوده، و نام او مشخّص نیست. برخی گفته اند نامش عبداللّه بوده است.(۳)

ابن ساوجی محمّد

ابوالمحاسن محمّد بن سعد بن محمّد نخجوانی معروف به «ابن ساوجی» شاعر، ادیب، خطّاط و دانشمندان قرن هشتم هجری.] اصلاً از اهالی نخجوان است. ظاهرا مدّتی

۱- نـام آوران فرهنگ ایران، ص ۵۰؛ فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه، ج۳، صص ۱۰۵ و ۲۰۹؛ فهرست کتابخانه مجلس، ج۱۲، ص۲۲۶؛ ج۳، صص ۳۷۹ و ۲۵۷؛ درّه الاخبار، ص۵۹؛ تاریخ موسیقی نظامی ایران، ص ۸۰؛ اثر آفرینان، ج۱، ص۱۱۴؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۴، صص ۶۱۸ ۶۱۹؛ کشف الظّنون، ص۸۶۲؛ سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران، ج۱، ص۱۶۴؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۱۵۲؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، «ابن زیله»، ج۳، صص ۶۴۹ ۶۵۰؛ نزهه الارواح، ص۳۸۶؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۱۵۸۶؛ الاعلام، ج۲، ص۲۷۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۸۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۵۰.

در ساوه بوده، سپس در سلطانیه اقامت گزیده، و سرانجام به اصفهان آمده است. در نوشتن خطّ نسخ مهارت داشته، و آثاری را کتابت نموده است].

کتب زیر از آثار او است: ۱. ترجمه المسالک و الممالک اصطخری، مطبوع ۲. ترجمه حلّ المشکلات حکیم طمطام هندی، از هندی به فارسی، که در سال ۱۳۱۲ق در بمبئی چاپ سنگی شده است. ۳. درّه المعانی فی ترجمه نثر اللّئالی، که ترجمه ای منظوم است، و در سال ۷۳۲ق به نظم کشیده است، و در سال ۱۳۱۵ق در استامبول به چاپ رسیده است. فرزندش ابوطاهر محمّد نیز از ادباء و فضلاء بوده است.

سال وفات او به دست نیامد؛ ولی تا سال ۷۳۲ق در قید حیات بوده است.(۱)

ابن سلم رازی عبدالرّحمان

ابو یحیی عبدالرّحمان محمّد بن سلم رازی معروف به «ابن سلم» از محدّثین مقبول القول و مورد وثوق و چندی امام جامع اصفهان بوده، در سال ۲۹۱ق وفات یافته است. از او کتاب تفسیر و کتاب مسند باقی مانده است. از محمّد بن عبید محاربی و سهل بن عثمان روایت کرده، و جمعی همچون سلیمان بن احمد و عبدالرّحمان بن محمّد بن سیاه از او روایت می کنند.(۲)

ابن سمویه احمد

ابوبکر احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن سمویّه، از طبقه محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وفاتش بعد از سال ۳۷۱ روی داده است. وی از دارکی، فضل بن نصیب و برادرزاده ابی زرعه روایت می کند.(۳)

۱- الذّریعه، ج۷، ص۷۴؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ج۲، ص۱۴۱؛ دانشمندان آذربایجان، ص۲۱؛ مجموعه کمینه، صص۳۰۵ ۳۰۶؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۲۵۰؛ تاریخ نظم و نثر، ص۷۷۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۷۰؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۵۳.
۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۲؛ الاعلام، ج۴، ص۹۹؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، ص۹۳۸؛ تهذیب التّهذیب، ج۱۱، ص۸۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۱، ص۱۴۴.
۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۳.

ابن سینا حسین*

شرف الملك شیخ الرّییس ابوعلی حسین بن عبداللّه بن سینا معروف به «ابن سینا» و «ابوعلی سینا». شرح حال او مطابق آن چه خود املاء فرموده، و شاگرد مخصوص او شیخ عبدالواحد بن عبید جوزجانی تحریر و تکمیل نموده، به طور اجمال به قرار زیر است:

پدرش از اهالی بلخ بوده، و در زمان امیر نوح سامانی عامل دهکده خرمیثن از دهات بخارا شد، و با دختری به نام ستاره، اهل روستای «افشنه» در حوالی خرمیثن ازدواج کرد، و ابن سینا در سال ۳۷۰ق در آن روستا متولّد گردید، و در پنج سالگی با خانواده به بخارا آمد.

او در همان کودکی، نبوغ، حافظه قوی و استعداد شگرف خود را به نمایش گذاشت، و تا سنّ ده سالگی در فنون ادب، لغت، قرآن، اصول دین و احکام فقه تحصیل نمود. حساب و هندسه را نزد مردی سبزی فروش، و فقه را نزد اسماعیل زاهد فراگرفت. در این هنگام بود که دانشمندی عالی قدر به نام ابوعبداللّه ناتلی طبرستانی به بخارا آمد، و پدر ابن سینا فرزند را نزد او فرستاد تا منطق و هندسه را نزد او تکمیل کند. پس از رفتن ناتلی از بخارا، او حکمت طبیعی و طب را نزد ابوسهل مسیحی جرجانی (و یا به قولی ابومنصور حسن بن نوح قمری) فرا گرفت.

او در هفده سالگی از فرا گرفتن علوم، مستغنی شد، و خود دانشمندی جامع و علّامه به شمار می رفت، و به خصوص در طب، صاحب مهارت، و در علاج امراض صعب العلاج در اطراف و اکناف، شهرت بسیار به دست آورد. بوعلی پس از آن به مطالعه مابعدالطّبیعه ارسطو پرداخت؛ امّا آن را سخت غامض و دشوار یافت. امّا تصادفا در بازار صحّافان، کتاب اغراض مابعدالطّبیعه ابونصر فارابی را یافت، و جمله مشکلات علمی او حل شد.

در حدود سال ۳۸۷ق امیر نوح سامانی سخت بیمار شد، و ابن سینا او را درمان کرد، و به این خاطر، اجازه یافت تا از کتابخانه دربار سامانی استفاده کند. او از سنّ ۲۱ سالگی دست به تحقیق و تألیف زد.

پس از آن که کار امیران سامانی به ضعف گرایید و ترکان غزنوی به بخارا دست یافتند، روزگار را ناموافق طبع آزاده کیش خود دیده، روانه گرگانج (جرجانیه) شد، و به خدمت

علیّ بن مأمون خوارزمشاه درآمد، و مورد احترام فراوان شاه و وزیر او قرار گرفت. پس از آن در سال ۴۰۳ق به جرجان (گرگان) رفت تا به حضور شمس المعالی قابوس وشمگیر، از امیران زیاری برسد؛ امّا او کشته شده بود. در جرجان، ابوعبید جوزجانی به او پیوست، و پس از آن، همواره در کنار استاد بود. در حدود ۴۰۶ق از جرجان به ری رفت، و به خدمت سیّده همسره فخرالدّوله دیلمی و پسرش مجدالدّوله حاضر شد. چندی بعد به همدان رفت، و شمس الدّوله دیلمی را که بیمار بود، درمان کرد، و به وزارت دست یافت؛ امّا مخالفان شمس الدّوله و شیخ الرّییس، همواره آنان را تهدید می کردند، و شیخ در بیم و ترس به سر می برد.

پس از مرگ شمس الدّوله، پسرش سماءالدّوله به جای او نشست، در این هنگام، بوعلی با علاءالدّوله کاکویه حکمران اصفهان و رقیب سماءالدّوله مکاتبه می کرد؛ لذا او را گرفته، و در قلعه فرجان دربند کردند. پس از چهار سال، علاءالدّوله به همدان تاخت، و شیخ از حبس آزاد شد. عاقبت او در لباس درویشان از همدان گریخت، و به اصفهان آمد، و حدود پانزده سال در این شهر به تحقیق، تألیف و تدریس پرداخت. شاگردان زبده ای چون ابوعبداللّه معصومی و ابن زیله نزد او تربیت شدند.

ابن سینا از طرف علاءالدّوله مأمور شد که رصد و تهیّه تقویم را به عهده بگیرد. او این کار را به شاگردش ابوعبید سپرد، امّا سرانجامی نیافت. او تعدادی از آثارش را همچون تعلیقات، رساله آلات رصدی شفا (قسمت مجسطی، هندسه، هیأت، ارثماطیقی، موسیقی و سایر فنون، ریاضی) مبدأ و معاد و غیره را در اصفهان تألیف نمود.

در سال ۴۲۱ق سلطان مسعود غزنوی به دستور پدرش سلطان محمود به اصفهان تاخت، و علاءالدّوله را از اصفهان راند، و آن جا را غارت نمود، و مردم آن را قتل عام کرد. در این فتنه شوم، منزل و کتابخانه شیخ غارت شد، و بار دیگر به دستور سلطان مسعود که پس از مرگ پدر به جای او نشسته بود، بوسهل حمدی و تاش فراش در سال ۴۲۵ق به اصفهان تاخت، و قتل و غارت در این شهر را تجدید کرد، و کتاب های کتابخانه علاءالدّوله که مصنّفات شیخ الرّییس در آن موجود بود، به یغما برد، و به غزنه فرستاد که متأسّفانه چند سال بعد طعمه کینه توزی علاءالدّین غوری گردید، و به آتش کشیده شد.

سرانجام ابن سینا در سفری که به همدان می رفت، به بیماری قولنج مبتلا شد، و هرچه معالجه کرد، فایده ای نبخشید، و او در شنبه ۶ شعبان یا جمعه اوائل رمضان ۴۲۸ق در بین راه وفات یافت. پیکرش را به همدان بردند، و در آن جا دفن کردند، و چندی بعد جسد او را به اصفهان نقل کرده، و در دروازه کون گنبد (یا تخت گنبد) مدفون ساختند.

در قرن اخیر، پیرامون آرامگاه ابن سینا بحث ها و مناقشات فراوان درگرفته، و جمعی معتقد به وجود قبر او در همدان، و جمعی معتقد به وجود آرامگاه او در اصفهان بودند. در اصفهان، دو موضع از قدیم الایّام ما بین مردم اصفهان به نام قبر ابوعلی سینا شهرت داشته است: اوّل: مدرس ابن سینا، که گنبدی آجری بر روی اتاقی چهارگوش بوده، و گویند محل تدریس او بوده، و محلّ قبر او را در آن جا نشان می دهند، و مطابق نقل اهالی محل، سنگ نوشته ای بر روی قبر بوده که مالک آن بنا، سنگ نوشته را ناپدید ساخته است.

دوم: در پشت مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان، در جایی که تیمچه حیدر خوانده می شود، و در قدیم، جزو محلّه تخت گنبد و در حوالی حمّام و مسجد دوشنبه دین و باغ خلفا و کوچه باقالی فروشان قرار داشته، گفته می شود مدرسه خواجه ملک وجود داشت، و قبر ابن سینا با سنگ لوح دیده می شد که سنگ نوشته آن را به جایی نامعلوم بردند.

محقّقین و مورّخین اصفهان، همچون استاد همایی و محمّد صدر هاشمی برای اثبات وجود قبر ابن سینا در اصفهان و احداث آرامگاهی شکوهمند بر مزار او تلاش بسیار کردند؛ امّا عاقبت، حکومت آن زمان، ضمن برپایی مراسم هزارمین سال تولّد ابن سینا، در همدان آرامگاهی بر سر قبر منسوب به او برپا ساخت.

فایده: در مجموعه شماره ۱۰۱ کتابخانه آیت اللّه مرعشی، رساله شماره ۲: ترجمه حال ابن سینا، از نویسنده ای نامعلوم، که حیدر بن علیّ بن اسماعیل بن عبدالعالی هاشمی کرکی در سه شنبه ۲ ذی قعده ۱۰۷۲ق کتابت نموده، بیوگرافی او را به طور مختصر می نویسد، و پس از ذکر مؤلّفات او در آخر می گوید: ابن سینا در همدان مرده، و در آن جا دفن شده، و پس از آن، جنازه اش را به اصفهان نقل کردند.

در باب مذهب ابن سینا می توان گفت به لحاظ رواج فراوان مذهب اسماعیلی در بخارا و به خصوص در دربار سامانی، رفت و آمد پدر ابن سینا در محافل اسماعیلیان، و شواهد و

قرائن دیگر، ابن سینا شیعه بوده است. این رباعی از او است:

از قعر گل سیاه تا اوج زحل کردم همه مشکلات گیتی را حل

بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل هر بند گشاده شد مگر بند اجل(۱)

ابن شاذویه احمد

ابوبکر احمد بن ابراهیم بن عبداللّه بن کیسان ثقفی اصفهانی معروف به «ابن شاذویه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او نابینا بوده، و از اسماعیل بن عمرو بجلی نقل حدیث نموده است. وفات او در سال ۲۹۱ق واقع شد.(۲)

ابن شاذویه حسن

ابوبشر حسن بن عطاء بن یزید بن شاذویه و او را شاذان و شاذه نیز گفته اند. از اهالی محلّه «جُرواآن» اصفهان و از طبقه محدّثین بوده، از ابی داوود، بکر بن بکار، حسین بن حفص، خلف بن ولید، عامر بن ابراهیم و محمّد بن صبیح روایت می کند، و احمد بن حسین انصاری و محمّد بن احمد بن یزید از وی روایت می کنند. صاحب عنوان، از شیعیان و موالیان خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده، ابونصیب درباره او گوید: «کان یتشیّع»(۳).

ابن شاذویه فضل

فضل بن محمّد بن شاذویه از محدّثین اصفهان بوده [است]، ابوعبداللّه کرابیسی از او روایت می کند، و خود از ابوحفص عمر بن راشد بن عمر بن راشد ساکن در کوی

۱- مقالات ادبی، استاد همایی، صص۴۴ ۱۰۹؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴ ذیل «ابن سینا»؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۳۲۹،فهرست مرعشی، ج۱، ص۱۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۲۵ ۱۲۶؛ مزارات اصفهان، صص۷۵ ۷۷؛ تاریخ الحکماء، قفطی، ص۵۷۰؛ پور سینا، کلیّه صفحات؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابن سینا»، ص۶۴۱؛ ریحانه الادب، ج۷۶، ص۵۸۲؛ روضات الجنّات، ج۳، ص۱۷۰؛ تاریخ ادبیّات در ایران، ج۱، ص۳۰۳؛ دانشنامه ایران و اسلام، ص۶۴۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۱۸ و ۷۲ ۷۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۷؛ مقتبس الاثر، ج۳، ص۱۲۵ طبقات المحدّثین باصفهان، ج۳، ص۱۳۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۶.

«جارود» روایت می نماید.(۱)

ابن شاذه اسحاق

ابویعقوب اسحاق بن شاذه عطّار، از محدّثین اصفهان است. از احمد بن ابراهیم بن اسحاق مولی ضَبّه روایت می کند، و ابن شاذره از احمد بن رسته نقل حدیث می نماید.(۲)

ابن شساه محمّد

محمّد بن عمر بن یحیی قرمطی معروف به «ابن شساه» از محدّثین اصفهان است. از اسماعیل بن عمرو بجلی روایت می کند، و فرزندش ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد، استاد حافظ ابونُعیم از او استماع حدیث کرده است. ذکر اخبار اصفهان شهرت او را «ششاه» و «شساه» می نویسد.(۳)

ابن شفروه

«ابن شفروه» شهرت تعدادی از شعراء، ادباء، محدّثین و فضلای اصفهان است که به «آل شفروه» نیز معروف بوده اند. «شفروه» را به صورت های مختلف همچون «سفروه»، «سفرویه»، «سقرویه»، «شبروه»، «شقروه» و «شوروه» ضبط نموده اند. برخی از نویسندگان نیز «شفروه» را منسوب به دیهی به نام «شقروه» می دانند، و گویند که آن دیه همان است که در زمان حاضر «پزوه» [در خوراسکان] گفته می شود؛ امّا نمونه خطّ یکی از افراد این خاندان که در قرن هشتم می زیسته، موجود است که به صراحت، نسب خود را «شفروه» می نویسد؛ لذا «شفروه» نام شخص است، و نه نام مکان؛ لذا تمام توجیهات قبلی، بی مورد است. در مذهب افراد این خاندان نیز اختلاف است، و عموما آنان را حنفی می نویسند؛ لکن یک نفر از آنان مسلّما شیعه امامی و از بزرگان مفاخر تشیّع بوده، و دو نفر از آن ها نیز مظنون

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۰۹؛ تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۳۷۸؛ مقتبس الاثر، ج ۴، ص ۲۲۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۴.

به تشیّع می باشند.

این خاندان در اصـفهان و ساکن این شـهر بوده اند؛ لکن یک نفر در شیراز، و چند نفر نیز در قزوین ساکن بوده اند. از این رو آن ها را گاه اصفهانی، و زمانی قزوینی گفته اند.

ابی شفروه اسعد

شیخ ابی السّعادات اسعد بن عبدالقاهر بن سعد شفروه اصفهانی، از اجلّه فقهاء و علماء شیعه در قرن هفتم هجری.

صـاحب عنوان از مشایـخ جنـاب سیّدرضـی الـدّین علیّ بن طـاووس است، و جنـاب خواجه نصـیرالدّین طوسـی و میثم بن علی بحرانی از او روایت کرده اند. در اعیان الشّـیعه وی را شاگرد طوسی و بحرانی معرّفی می کند، و در روضات الجنّات از مشایخ آن دو می نویسـد، و ظاهرا قول صـاحب روضات، معتبر می باشـد. فوت وی را در ماه صـفر ۶۳۵ق نوشـته اند؛ [امّا این تاریخ، زمان دریافت اجازه شیخ ابوالسّعادات از سیّد بن طاووس در جانب شرقی بغداد است]، در هدیه العارفین فوت او را حدود ۶۴۰ می نویسد. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. اکسـیر السّعادتین ۲. توجیه السّؤالات در نقل اشـکالات ۳. جـامع الـدلائل و مجمع الفضائل در امامت، و آن را منبع الـدّلائل نوشته اند ۴. رشح الولاء (یا رشح الوفاء)، در شـرح دعای صـنمی قریش، منسوب به حضرت علی علیه السلام و آن را مترجمی ناشـناس، به نام شاه سـلطان حسـین صـفوی ترجمه کرده است ۵. الفـائق علی الاـربعین در منـاقب امیر المؤمنین علیه السـلام ۶. مجمـع البحریـن و آن مجمـوعه ای اسـت از مواعـظ و حکـم منقـول از حضـرت رسـول اکرم صـلی الله علیـه و آلـه و حضـرت امیرالمؤمنین علیه السلام .(۱)

۱- تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۳۰۰ ۳۰۱؛ فتح الابواب، سیّد بن طاووس، ص ۱۳۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسعد»، ص ۲۳۰۶؛ امل الآمل، ج ۲، صص ۳۲ ۳۳؛ ریاض العلماء، ج ۱، صص ۸۱ ۸۲؛ معجم المؤلّفین، ج ۲، ص ۲۴۷؛ الانوار السّاطعه، ص ۱۷؛ فوائد الرّضویه، ج ۱، صص ۴۳ ۴۴؛ ریحـانه الادب، ج ۷، ص ۱۲۴؛ الـذّریعه، مواضع مختلفه؛ اعیـان الشّـیعه، ج ۱۱، ص ۱۴۳؛ روضات الجنّات، ج ۱، ص ۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۶۲ ۲۶۳؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۲۰۵؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدّین طوسی، صص ۱۶۹ ۱۷۰.

ابن شفروه اسماعیل

اسماعیل بن محمّد بن عبداللّه شفروه اصفهانی، از دانشمندان قرن هشتم هجری است. وی در دوشنبه ۱۴ ربیع الثّانی سال ۷۵۲ق از کتابت نسخه ای از شرح مختصر الاصول قاضی عضدالدّین ایجی، به خطّ نسخ فراغت یافت، کتاب به شماره ۱۰۶۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ابو شفروه حسین

حسین بن عبیداللّه بن هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه اصفهانی قزوینی معروف به «ابن شفروه»(۲)، از فضلاء و دانشمندان اواخر قرن ششم هجری بوده، و ابن النجّار از قول او اشعار پدرش عبیداللّه را در تاریخ بغداد نقل کرده است.(۳)

ابن شفروه رزق اللّه

ابوالبرکات رزق اللّه بن هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه اصفهانی قزوینی معروف به «ابن شفروه» یا «ابن سفرویه»، از فقهاء و بزرگان حنفی اصفهان در قرن ششم هجری. تولّدش در سال ۵۳۶ در اصفهان بود، و در اصفهان و بغداد به تدریس و نقل احادیث می پرداخت، و سرانجام در سال ۶۱۵ق در اصفهان وفات یافت، و در مدرسه محلّه جوهان مدفون شد.(۴)

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۵۳.

۲- لباب الالباب، تعلیقات علاّمه قزوینی، ص۶۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۷.

۳- مجلّه یادگار، شماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، به نقل از کتاب جواهر المضیئه، ج۱، ص۲۱۲.

۴- لباب الالباب، تعلیقات علاّمه قزوینی، ص۶۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۸؛ مجلّه یادگار، شماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، ص۱۱۵.

ابن شفروه سلیمان

فخرالدّین ابواحمد سلیمان بن شمس الدّین بن شفروه اصفهانی، از ادباء و شعراء بوده، و به عربی شعر می سروده است.(۱)

ابن شفروه سلیمان

سلیمان بن احمد بن جلال الدّین محمّد بن قاسم بن هبه اللّه بن محمّد بن اسعد بن قاهر اصفهانی معروف به «ابن شفروه» از فضلای خاندن شفروه است، نشانه تملّک او بر کتاب البیان تألیف شهید اوّل دیده شده است.(۲)

ابن شفروه عبداللّطیف

مجدالدّین ابوالمجد عبداللّطیف بن هبه اللّه بن شفروه اصفهانی، از شعرای اصفهان در قرن ششم هجری است.(۳)

ابن شفروه ظهیرالدّین عبداللّه

ظهیرالدّین عبداللّه بن شرف الدّین عمر شفروه اصفهانی، از شعراء و ادبای اصفهان در قرن ششم هجری است. عوفی او را پسرعموی شرف الدّین شفروه نوشته(۴) و آذر بیگدلی او را برادر شرف الدّین دانسته است.(۵) وی علاوه بر شعر و ادب، در حدیث و تفسیر و فقه زبردست بوده، و در مدح سلاجقه عراق؛ یعنی ارسلان شاه و طغرل سوم، قصایدی ساخته است.

رضاقلی خان هدایت او را به عنوان یک عارف سالک ستوده است.(۶) در نزهه المجالس

۱- تلخیص مجمع الآداب، ج۳، الجزء الرّابع، ص ۱۸۰.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۳۵.

۳- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۱۰۲.

۴- لباب الالباب، صص۲۲۵ ۲۲۶؛ مجلّه یادگار، شماره ۶ و ۷، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، صص۱۱۶ ۱۱۷.

۵- آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص۹۶۶ ۹۶۷.

۶- ریاض العارفین، ص ۱۶۱.

برخی از رباعیّات او آمده است.(۱) دیوان اشعار ظهیر شفروه هنوز به طبع نرسیده، و تنها نسخه خطّی آن در کتابخانه دیوان هند در لندن موجود است.(۲)

این رباعی از او است:

ای تازه نسیم زلف عنبر بارش چون بر گذری بر طرف گلزارش

آهسته گذر که نرگس بیمارش خفتست به سایه گل رخسارش

ابن شفروه شرف الدّین عبدالمؤمن

شرف الدّین عبدالمؤمن مغربی اصفهانی معروف به «شرف الدّین شفروه»، فرزند هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه(۳) واعظ، شاعر و ادیب دانشمند قرن ششم هجری. برخی نوشته اند: نامش محمّد(۴) یا فضل اللّه بوده(۵)، ظاهرا در اواخر قرن پنجم متولّد [شد]، و در جوانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او به مدح اتابک شیرگیر اهتمام داشت، و از طرف او به لقب ملك الشّعرایی ملقّب شد.

وی در سال ۵۶۹ در دمشق به وعظ و تذکار مشغول بوده، سپس به مصر رفته، به خدمت صلاح الدّین ایّوبی رسیده، آن گاه به دمشق بازگشته، و ظاهرا در سال ۵۷۰ق در آن جا فوت شده است.(۶)

وی ارسلان بن طغرل و طغرال بن ارسلان را نیز مدح گفته است.(۷) از آثار او کتاب اطباق الذّهب در مواعظ و خطب که آن را در مقابل کتب اطواق الذّهب زمخشری، در صد مقاله به درخواست ظهیرالدّین احمد خویی تألیف کرده، و بارها در بولاق، لاهور و مصر به چاپ رسیده [است(۸)]، و عدّه ای از فضلاء بر آن شرح نوشته اند. دیوان اشعار او به گفته

۱- نزهه المجالس، ص۸۲.

۲- الذّریعه، ج۹، صص۶۵۸ ۶۵۹.

۳- مجلّه یادگار، شماره ۶ و ۷، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، ص ۱۱۰ به نقل از جواهر المضیئه، ج۱، ص۳۲۲.

۴- لباب الالباب، ص۲۲۱.

۵- آتشکده آذر، قسمت سوم از نیمه نخست، ص۹۴۸؛ ریاض العارفین، ص۳۵۶.

۶- مجلّه یادگار، شماره ۶ و ۷، ص ۱۱۰ به نقل از الوافی بالوفیات.

۷- تذکره دولتشاه، ص۱۱۷.

۸- لباب الالباب، تعلیقات سعید نفیسی، ص۶۴۶؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان ج۱، ص۱۲۷؛ الذّریعه، ج۲، ص۲۱۶؛ فهرست مشکاه، ج۳، ص۲۶۷۹.

رضاقلی خان هـدایت، صـد و هشت هزار بیت بوده(۱)، که نسـخه ای از آن شامل ۷۰۰ بیت، ضـمن مجموعه شماره ۲۵۸۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود داشته است(۲)؛ نسخه دیگری نیز در موزه بریتانیا موجود است.(۳)

از اشعار او است:

گر توانی ای صبا بگذر شبی در کوی او ور دلت خواهد ببر پیغامی از من سوی او

گر همی خواهی که بر سرو بلند او رسی نردبان عنبرین ساز از شکنج موی او

این دل گمگشته من باز جواز زلف او ور نیابی رو بیفشان دامن گیسوی او

ابن شفروه عبیداللّه

ابوالوفا عبیداللّه بن هبه اللّه بن حمزه معروف به «ابن شـفروه» واعظ، ادیب و شاعر دانشمند قرن ششم هجری بوده، و در وعظ و خطابه، ملاحت و فصاحت داشـته، و در نظم و نثر، نیکوسـخن و بلیغ بوده، چنـد بار در راه حج به بغداد وارد شده، و یک سال نیز در مـدرسه نـاجیه بغـداد وعـظ نموده، و ازجمله، ابیـاتی فی البـداهه در مـدح علیّ بن ابی طـالب علیه السـلام در وعظ خود سروده است.

تولّدش در ۵۳۴ واقع شده، و در سال ۵۸۵ در شیراز وفات یافت.(۴)

۱- مجمع الفصحاء، ج۲، ص۸۰۰.

۲- فهرست دانشگاه، ج۹، ص۱۳۹۳.

۳- تاریخ ادبیّات، هرمان اته، ص۱۲۲.

۴- لباب الالباب، تعلیقات علاّمه قزوینی، صـص ۶۴۰ ۶۴۱؛ مجلّه یادگار، شـماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، صص۱۱۴ ۱۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۷.

ابن شفروه عزّالدّین

عزالدّین یا عزیزالدّین شـفروه اصـفهانی معروف به «عز شـفروه» از شعرای اصفهان است. برخی از رباعی های او در کتاب نزهه المجالس نقل شده است(۱).

این رباعی از او است:

شمعی که چو پروانه برو شاید سوخت ما را نه چنان که در گمان آید سوخت

زین سوز اگر آب نبودی در چشم با شمع بگفتمی که چون باید سوخت

ابن شفروه فضل اللّه

فضل اللّه بن هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه اصـفهانی معروف به «ابن شفروه» از فضلاء و بزرگان اصفهان در قرن ششم هجری وی تا سال ۵۵۶ق در قید حیات بوده است.(۲)

ابن شفروه هبه اللّه

هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه اصـفهانی، از فقهاء و بزرگان خاندان شـفروه در اصـفهان بوده، و در این شـهر بر اساس مذهب ابی حنیفه برای حنفیان اصفهان قضاوت می کرده است.(۳)

ابن شیرویه اصفهانی

ابن شـیرویه اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان قرن هفتم هجری، سیّدرضی الدّین علیّ بن موسی بن جعفر بن محمّد حلّی معروف به سیّد بن طاووس از او روایت می کند.(۴)

۱- لبـاب الالباب، تعلیقات سـعید نفیسـی، صـص۶۴۳ و ۷۷۲؛ نزهـه المجـالس، ص۸۵؛ دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، ص۱۲۷.

۲- لباب الالباب، تعلیقات سعید نفیسی، صص ۶۴۰ و ۶۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۷.

۳- لباب الالباب، تعلیقات علّامه قزوینی، صص۶۳۹ و ۶۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۷.

۴- الانوار السّاطعه، ص۱۱۷؛ مصفّی المقال، ص۳۰۲.

ابن شیره علی*

ابوالحسن علیّ بن محمّد بن شیره کاشانی اصفهانی از محدّثین اصفهان در نیمه اول قرن سوم هجری است. از صحابه حضرت امام محمّد تقی علیه السلام است. کتاب های التّأدیب، شامل احادیث مربوط به نماز، و الجامع فی الفقه از تألیفات او است.(۱)

ابن صاعد یحیی

یحیی بن محمّد بن صاعد معروف به «ابن صاعد» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابونصر احمد بن نصر بن دینار و جرّاح بن فحله روایت می کند، و حافظ ابونُعیم، ابوالفرج احمد بن محمّد بن علاء صوفی شیرازی و ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن یوسف جلّاب باب کوشکی از او حدیث شنیده اند.(۲)

ابن طباطبا احمد

احمد بن حسن بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علیّ بن ابی طالب علیه السلام از محدّثین شیعه است. در اصفهان سکونت داشته، و از پدرش حسن نقل حدیث می نموده است. محمّد بن احمد بن هُشَیم از او روایت می کند.(۳)

ابن طباطبا محمّد

ابوالحسن محمّد بن احمد بن محمّد بن احمد بن ابراهیم طباطبا بن اسماعیل، بن ابراهیم بن حسن مُثنّی معروف به «ابن طباطبا» از علماء و ادباء و شعرای معروف اصفهان است که در قرن سوم هجری، مقارن با غیبت صغری در اصفهان می زیسته، و ابن شهرآشوب او را از شعراء اهل بیت شمرده است. پدرش اوّلین شخص از خاندان طباطبا بوده که از کوفه به اصفهان آمده است. ابن طباطبا در سال ۳۲۲ق وفات یافته، و ظاهرا در

۱- الذّریعه، ج۳، ص ۲۱۰؛ مجمع الرّجال، ج۴، صص۲۱۸ و ۲۲۳؛ منهج المقال، ص۲۳۷؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۱۸۸ و ۱۱۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۱۶۱ و ۱۶۷ و ۲۰۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۶.

کوی غازیان جوباره اصفهان [که آن را سر بازار غاز می گویند] مدفون شد. کتب زیر از او است:

[۱. اختیار دیوان اشعار] ۲. تهذیب الطّبع ۳. دیوان اشعار [۴. سنام المعالی] ۵. الشّعر و الشّعرا [۶. العروض] ۷. عیار الشعر (معاییر الشّعر) [۸. فرائد الدّرر] ۹. فی تقریض الدّفاتر ۱۰. المدخل فی معرفه المعمّی من الشّعر ۱۱. نقدالشّعر.(۱)

ابن عبده احمد

احمد بن ابراهیم بن عبده، از محدّثین اصفهان است.(۲)

ابن عجمی محمّد

محمّد بن احمد بن جامع اصفهانی معروف به «ابن العجمی» متولّی امر خطابت د «زبید» بوده، و در سال ۷۲۷ق وفات یافته است. در قلائد النّحر گفته شده است که وی تألیفاتی در «رائق» داشته است.(۳)

ابن عدی هارون

ابوالحسن هارون بن سلیمان بن داوود بن بهرام بن قطبه بن حریث بن جویره سلمی خرّاز، معروف به «ابن عبدی» از محدّثین قرن سوم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و از علیّ بن حسن بن یعمر شامی، ابی عامر عقدی، ابی عاصم، حماد بن مسعده، عبدالرّحمان بن مهدی، معاذ بن هشام و یحیی قطان روایت می نموده است.

عبداللّه بن جعفر بن احمد و محمّد بن احمد بن یزید هم از وی روایت می کنند.

۱- ریحانه الادب، ج۸، صص ۸۱ ۸۲؛ الذّریعه، ج۹، ص ۹۸۱ و ج۴، ص ۵۱۱ و ج۱۵، ص۳۶۳؛ الاعلام، ج۶، ص۱۹۹؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۳۲۵؛ نوابغ الرّواه، ص۲۴۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۱۲ ۲۱۴؛ معجم الادباء، ج۱۷، ص۱۴۳؛ اعیان الشّیعه، ج۴۳، ص۲۴۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۲۷ ۱۲۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۱۰۱.

۳- هدیه العارفین، ج۲، ص۱۴۶.

وفاتش در سال ۲۶۳ یا ۲۶۵ق واقع شده است.(۱)

ابن عطّار

ابن العطّار الشّروطی الاصفهانی، یاقوت حموی در شرح حال ابواحمد حسن بن عبداللّه عسکری لغوی، صاحب عنوان را از متأخّرین اصحاب ابواحمد که از او روایت کرده اند، می شمارد.(۲)

ابن عطاش

ابوبکر احمد بن عبداللّه بن ایّوب بن عطاش اصفهانی از محدّثان قرن چهارم هجری در اصفهان است. از ابی عاصم بزیل و ابی عمر ضریر روایت می نماید، و عبداللّه بن اسماعیل بن عبداللّه وکیل از وی نقل حدیث می کند.(۳)

ابن عطاش احمد

احمد بن عبدالملک عطاش، از ادباء و بزرگان قرن پنجم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و به تشیّع شهرت داشته، و مردم سنّی اصفهان، قصد جان او را کردند. وی به ری رفته، و به حسن صبّاح پیوست، و در آیین باطنی، استوار گردید. سپس به اصفهان بازگشت، و مخفیانه به تبلیغ مرام اسماعیلی مشغول شد، و پس از مدّتی قلعه شاهدژ را تصرّف کرده، آن را مقرّ فعالیت های خویش نمود. تبلیغات ابن عطاش، سلاطین سلجوقی را به وحشت انداخت، سبب شد تا احمد عطاش را اسیر نمودند، و در سال ۵۰۴ در اصفهان با خواری بسیار او را کشتند. علاوه بر اطّلاعات مذهبی و فنون ادب، در خوشنویسی و حسن خط نیز شهرت داشت، و کتاب هایی را کتابت نموده بود.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۳۶؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۲۱.

۲- معجم الادباء، ج۸، ص۲۳۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۴.

۴- راحه الصّدور، ص۱۵۶؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۲۱۷؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۵، ص۷۲۶؛ الکامل، ج۸، ص۲۴۲.

ابن عطاش احمد

ابوبکر احمد بن محمّد بن عطاش تاجر، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصفهان است. وی پس از سال ۳۵۰ق وفات یافته است. حافظ ابونُعیم اصفهانی از او حدیث شنیده است.(۱)

ابن علی محمّد

محمّد بن حسن بن احمد بن محمّد بن موسی اهوازی معروف به «ابن علی اصفهانی» از محدّثین اصفهان است امّا او متّهم به کذب بوده، و او را «جرّاب الکذب» لقب داده بودند.(۲)

ابن فادشاه، ابوالحسن

ابوالحسین بن ابی عبداللّه بن ابی منصور بن فادشاه.(۳)

ابن فادشاه احمد

ابوالحسین احمد بن محمّد بن حسن [حسین] اصفهانی معروف به «ابن فادشاه رییس» از محدّثین و ادبای اصفهان است.

گویند به شیعه و معتزله تمایل داشته است. ابوالقاسم طبرانی از او روایت می کند، و خود ابن فادشاه از اسماعیل بن محمّد صوفی و محمود بن اسماعیل نقل حدیث نموده است.(۴)

ابن فادشاه علی

عفیف الدّین ابوطاهر علیّ بن سعید بن علیّ بن فادشاه اصفهانی از محدّثین و ادبای قرن ششم هجری است. وی همه مسند شافعی را از شیخ کمال الدّین ابی عبداللّه بن محمّد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۲.

۲- میزان الاعتدال، ج۳، ص۴۳.

۳- محاسن اصفهان، صص ۳۱ و ۶۹.

۴- النّابس، صص ۲۲ ۲۳.

بن محمّد بن سرایا بلدی با اسنادش شنیده است. وی به عربی شعر نیز می سروده است.(۱)

ابن فادشاه ابوعبداللّه

ابوعبـداللّه فادشـاه بن ابی منصـور بن ابی طـاهر بن اصـفهانی، از ادبـای قرن شـشم هجری، وی از اصـفهان به قصـد تجـارت به خراسان رفته، و ابوسعد سمعانی وی را در سمرقند دیده، و مقدار اندکی از شعر در سال ۵۵۰ هجری از وی فراگرفته است.(۲)

ابن فادشاه، محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن قاسم بن فادشاه بن احمد بن فادشاه (پادشاه) اصـفهانی معروف به «نتیف» از محدّثان اصـفهان در قرن چهارم هجری. در ذکر اخبار اصفهان درباره او گوید: «ستکلّم علی مذهب اهل السنّه ینحل مذهب ابی الحسن الاشعری» در بصره ساکن بوده، و در سـال ۳۵۳ق به اصـفهان معـاودت نموده، و در ربیع الاوّل سال ۳۸۱ وفـات یافته است. از ۱. لؤلؤ ۲. مادرانی ۳. محمّد بن سلیمان مالکی روایت می کند.

کتاب های زیر از مؤلّفات او است: ۱. الاحکام ۲. الاصول ۳. الفقه.(۳)

ابن فتی نهروانی*

«ابن فتی نهروانی»، نام یکی از خاندان های علمی اصـفهان است. آنان اصـلاً از اهالی نهروان در نزدیکی بغداد هستند؛ ولی در اصـفهان ساکن بوده انـد. این خانـدان در قرن پنجم و شـشم هجری از بیوت معتبر علمی شـمرده می شـده، و از مـذهب شافعی پیروی می کرده اند.

ابن فتی حسن

ابوعلی حسن بن سلمان [یا سلیمان] بن عبداللّه بن محمّد فتی نهروانی اصفهانی از

۱- تلخیص مجمع الآداب، جزء ۴، متمّم اوّل، ص۴۹۹.

۲- التّحبیر، ج۲، ص۳۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۰۰؛ الاعلام، ج۷، ص۲۲۷.

فقهاء و محدّثین شافعی قرن ششم هجری است. وی به «ابن فتی» شهرت داشته، و در نظامیّه اصفهان تحصیل کرده، فقه را از ابوبکر بن ثابت خجندی آموخت. مدّتی منصب قضاوت خوزستان را داشت، و سپس تدریس در مدرسه نظامیّه به او واگذار شد. وی در شنبه ۵ شوّال ۵۲۵ق در بغداد وفات یافت.(۱)

ابن فتی سلمان

ابوعبداللّه سلمان [سلیمان] بن ابوطالب عبداللّه بن محمّد فتی نهروانی، از محدّثین و فقهای شافعی در قرن پنجم هجری است.

در نهروان متولّد شده، و در ری نشو و نما یافته، و در بغداد به تحصیل پرداخته، و سرانجام در اصفهان مقیم شده است. نحو را از ثمانینی و لغت را از حسن بن دهان فراگرفته، و از قاضی ابوالطیّب طبری حدیث را شنید.

وی در علوم ادبی، خصوصا لغت و نحو استاد بوده، و شعر نیز می سرود. سرانجام او در ۱۲ صفر ۴۹۳ق (یا ۴۹۴) در اصفهان وفات یافت.

وی را تألیفاتی است از آن جمله:

۱. التّفسیر، در قرآآت ۲. شرح الایضاح، تألیف ابوعلی فارسی، در نحو ۳. شرح دیوان المتنبّی ۴. شرح الامالی ۵. علل القرآآت ۶. القانون، در لغت، در ده مجلّد.(۲)

ابن فتی هبه اللّه*

هبه اللّه بن سلمان (سلیمان) بن عبداللّه بن محمّد فتی نهروانی، از فقهاء و محدّثین شافعی اصفهان در قرن ششم هجری. وی از ابن ماجه ابهری حدیث شنیده است.(۳)

۱- تبیین کذب المفتری، ص۳۱۹؛ طبقات الشّافعیه، سبکی، ج۱، ص۱۰۴؛ مدارس نظامیّه، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۸؛ علماء النّظامیّات، ص۶۷؛ غزالی نامه، ص۱۳۴.

۲- معجم الادباء، ج۱۱، ص ۲۵۱ ۲۵۳؛ الاعلام، ج۳، ص۱۶۹؛ ریحانه الادب، ج۸، صص۱۳۷ ۱۳۸؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴، ص۳۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۸.

۳- المشتبه، ج۲، ص۴۹۷.

ابن فقیه حسن

ابومحمّـدحسن بن علیّ بن موسی بن یزید بن عبداللّه، داماد ابن رسته است. از محدّثین بوده، و از حسین بن حفص روایت نموده است، ابوعمر احمد بن حسن بن اسماعیل شروطی از او روایت می کند.(۱)

ابن فنجویه

ابوبکر [یا ابوعبداللّه] بن فنجویه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

از ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن محمود اصفهانی، ابن حبیش (حبش)، ابن حیّان، ابن شیبه و ابوبکر بن مالک قطیعی روایت می کند، و حاکم حسکانی و علاّمه نیشابوری از او روایت می کنند.(۲)

ابن فزار عبدالعظیم

عمیدالدّین ابوالمکارم عبدالعظیم بن ابی البرکات عبداللّطیف بن ابی نصر محمّـد بن سهل سرابی اصفهانی معروف به «ابن فزّار». از محدّثین و دانشمندان قرن ششم و هفتم هجری در اصفهان است. از پدرش و حسن بن عبّاس رستمی حدیث شنیده، سپس به بغداد رفت. ابن الدّبیثی از او روایت می کند. تولّدش در سال ۵۵۰، و وفاتش در ذی حجّه ۶۱۷ق در بغداد واقع شد.(۳)

ابن فورک

«ابن فورک» شهرت چندین نفر از محدّثین و فقهای قرن سوم تا ششم هجری است که اغلب در اصفهان و برخی از آنان و نیشابور ساکن بوده اند. «فورک» (بر وزن دوزخ) نام جدّ آنان بوده، و از مذهب شافعی پیروی می کرده اند.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۵.

۲- احقاق الحق، ج۱۴، صص۲۲۱ و ۶۲۶ و ۶۷۱ و ج۹، ص۲۷.

۳- تلخیص مجمع الآداب، جزء ۴، ج۲، ص۹۲۲.

ابن فورک احمد

ابوبکر احمد بن محمّد بن حسن بن محمّد بن ابراهیم بن فورک، برادرزاده ابن فورک اصفهانی است. از محدّثین و فقهای شافعی در قرن پنجم هجری است. در خراسان می زیسته و به خراسانی مشهور است. وی در مدرسه نظامیّه بغداد به وعظ مشغول بوده است. تولّدش در ۴۰۸ق و وفاتش در ۴۷۸ق روی داده است.(۱)

ابن فورک احمد

ابوالحسین احمد بن ابی یعقوب یوسف بن فورک مستملی، از محدّثین اصفهان است در مسجد جامع شهرستان (مدینه) اصفهان به تدریس علم و ادب مشغول بوده است. از ابراهیم بن مَتویه و ابوبکر بن راشد و دیگران روایت نموده است.(۲)

ابن فورک اسماعیل

ابوعثمان اسماعیل بن سهل (ابی سهل) بن محمّد بن عبدالعزیز فورکی، سبط ابوبکر محمّد بن حسین بن فورک اصفهانی نیشابوری از قاریان و اساتید قرائت و تجوید بوده، و حدیث نیز روایت می نموده است. از اباسعد کنجروی استماع حدیث کرده، و در سال ۵۰۰ جهت اباسعد سمعانی اجازه نوشته است. وفاتش در عصر روز جمعه ۵ ربیع الاوّل سال ۵۱۹ق روی داد.(۳)

ابن فورک بشران

بشران بن فورک (یحیی) از محدّثان اصفهان است. از سلیمان شاذکونی و محمّد بن بکیر استماع حدیث نموده است.(۴)

۱- فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۱۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۹۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۴.

ابن فورک عبداللّه

عبداللّه بن حسن بن فورك، از محدّثين اصفهان است، و از عبّاد بن وليد حديث نقل كرده است.(۱)

ابن فورک عبداللّه

ابوبكر عبـداللّه بن محمّـد بن محمّد بن فورك بن عطاء بن عبداللّه بن مهيار معروف به «قباب مقرى» از محدّثان فقهاء و قاريان قرآن در قرن چهارم هجرى است. در اصـفهان ساكن بوده، و از عبـداللّه بن محمّـد بن سـلام، عبداللّه بن محمّد بن نعمان، علىّ بن محمّـد ثقفى و ابن ابى عاصم روايت نموده است. ابوبكر محمّـد بن ادريس جرجرايى از او اسـتماع حديث كرده است. وى در نيمه ذى قعده ۳۷۰ق وفات يافت.(۲)

ابن فورک عبداللّه

عبداللّه بن محمّد بن مهران بن فورك بن عطاء بن عبداللّه بن مهيار از محدّثين اصفهان است.(۳)

ابن فورک عبيد اللّه

عبيداللّه بن فورك بن عطاء بن شهره قبّاب، از محدّثين اصفهان و عموى ابوعبداللّه محمّد بن محمّد فورك است. از عبدالرّحيم بن مُعافا بن عمران نقل حديث نموده، و برادرزاده اش ابوعبداللّه بن فورك از او روايت مى كند.(۴)

ابن فورک علی

ابوالحسن علىّ بن فورك بن يزيد، از محدّثين اصفهانى است. از حاتم بن عبيداللّه،

۱- ذكر اخبار اصفهان، ج۲، ص۸۴.

۲- ذكر اخبار اصفهان، ج۲، صص ۹۰ ۹۱؛ اللّباب، ج۳، ص ۱۰؛ المشتبه، ج۲، ص۵۱۹.

۳- ذكر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۹۰.

۴- ذكر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۱۰۰.

محمّد کثیر، قَعنَبی و محدّثین بصره حدیث شنیده است.(۱)

ابن فورک قاسم

ابوبکر قاسم بن احمد بن منصور صفّار، از محدّثین اصفهان و از احفاد ابن فورک است.(۲)

ابن فورک قاسم

ابومحمّد قاسم بن فورک بن سلیمان کَنبِرکی اصفهانی از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری بوده، و از محدّثان عراق و شام روایت می کرده است. وی در سال ۳۰۱ق فوت شده است.(۳) «کَنبِرک» یکی از روستاهای متّصل به شهر در شمال اصفهان بوده، و اکنون جزو محلّه های اصفهان محسوب می شود.

ابن فورک محمّد*

ابوعیسی محمّد بن اسماعیل بن محمّد بن فورک بن اشعث عنبری، از قاریان و اساتید قرائت و تجوید است. قرائت را از پدرش و علیّ بن عامر روایت کرده، و جمعی کثیر از قاریان ازجمله زید بن علیّ بن ابی هلال از او قرائت را روایت نموده اند.(۴)

ابن فورک محمّد

ابوبکر محمّد بن حسن بن فورک اصفهانی، مشهورترین فرد خاندان ابن فورک و خود از فقها و محدّثان بزرگ شافعی در قرن چهارم هجری است. در حدود سال ۳۳۰ق متولّد شده، و در بصره و بغداد تحصیل کرد. علم کلام را به آیین اشعریان از ابوالحسن باهلی(۵) و حدیث را از عبداللّه بن جعفر اصفهانی، ابومحمّد بن فارس و ابن فرزاد اهوازی

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹.

۲- رساله قشیریّه، ترجمه فارسی، ص۵۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۱۶۱.

۴- غایه النّهایه، ج۲، ص ۱۰۱.

۵- دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، صص۷۶۸ ۷۶۹، تبیین کذب المفتری، ص ۲۳۲.

آموخت.(۱) ابن فورک در ادب، کلام و نحو و خطابه، مهارت بسزایی داشت. چندی در بصره و بغداد و شیراز به تدریس مشغول بود. سپس به ری رفت، و چون در مذهب اشعری سخت متعصّب بود، مخالفین اشعری به مخالفت او برخاسته، و او را آزار کردند؛ لذا او به نیشابور رفته، ابوالحسن محمّد بن ابراهیم سیمجور (م ۳۷۷ق) حاکم خراسان برای او مدرسه ای ساخت.(۲)

وی چندی در نیشابور به تدریس پرداخت، و سپس به دعوت سلطان محمود غزنوی برای مناظره با بزرگان فرقه کرامیّه به غزنه رفت، و بر کرامیّه پیروز شد؛ امّا در بازگشت به نیشابور، وفات یافت، و گفته شد که کرامیّه، او را مسموم ساخته اند.(۳)پس از وفات او در سال ۴۰۶ق پیکرش را به نیشابور برده، در محلّه حیره دفن کردند.(۴) ابوبکر بیهقی، ابوالقاسم قشیری و ابوبکر احمد بن علیّ بن خلف از شاگردان او هستند.(۵) تعداد تألیفاتش را در اصول دین و فقه و معانی قرآن، حدود یک صد جلد نوشته اند که از آن جمله است: ۱. اسماء الرّجال ۲. الاملاء فی الایضاح، نسخه خطّی آن در واتیکان موجود است ۴. حلّ الآیات المتشابهات، در کتابخانه عاطف در استانبول وجود دارد. ۵. رساله فی علم التّوحید ۶. الحدود، در اصول ۷. غریب القرآن، در کتابخانه سلیم آغا اسکیدار در استانبول موجود است(۶) ۸. مشکل الحدیث و غریبه، که در حیدرآباد هند به طبع رسیده است(۷) ۹. طبقات المتکلّمین(۸).

ابن فورک، هیثم

هیثم بن فورک جرواآنی، از محدّثین اصفهان است. گروهی از محدّثین از وی روایت

۱- فرهنگ نامه پارسی، ج۱، صص۶۱۵ ۶۱۶.

۲- رساله قشیریّه، ترجمه فارسی، ص۲۶.

۳- دانشنامه ایران و اسلام، همان جا.

۴- ریحانه الادب، ج۸، صص۱۴۲ ۱۴۳.

۵- تاریخ نیسابور، ص۷.

۶- الاعلام، ج۶، ص۸۳.

۷- دانشنامه ایران و اسلام، همان جا.

۸- مرآه الجنان، ج۲، ص۳۰۴؛ و نیز: الکنی و الالقاب، ج۱، ص۳۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۲۸ ۱۲۹.

می کنند که از آن جمله است: یوسف بن محمّد مؤذّن و خود ابن فورک از قعنبی روایت می نماید. ابوسعید عمران بن عبدالرّحیم بن عبدالملک باهلی (م۲۸۱ق) برادر مادری او است.(۱)

ابن فورک، یوسف

ابویعقوب یوسف بن فورک بن موسی مستملی، از محدّثین اصفهان است. از ابوطالب بن سواده، ابومسعود، اسید، حجّاج بن یوسف بن قتیبه، عبداللّه بن عمر بن رسته و محمّد بن حارث صیداوی اسدی روایت می کند، و از او: حسین بن محمّد، سلیمان بن احمد و ابوبکر محمّد بن جعفر ورّاق بغدادی روایت می کنند.(۲)

ابن فولاد

ابن فولاد، یکی از ولاه آل بویه بوده که در سال ۴۰۶ بر آل بویه طغیان کرد، و حکومت قزوین را تقاضا نمود، و در نواحی ری به غارت و راهزنی پرداخت، و از فلک المعالی منوچهر بن قابوس برای جنگ با مجدالدّوله دیلمی مدد حوالت داد. با مجدالدّوله و مادرش چند بار به محاربه پرداخت، و ری را محاصره کرد، سرانجام مجدالدّوله در ۴۰۷ق حکمرانی اصفهان را بدو داد، و غائله او رفع شد.

جابری انصاری معتقد است تخت فولاد منسوب است به فولاد (پدر صاحب عنوان) که از فرماندهان قشون فخرالدّوله دیلمی و دلیری رشید بوده، و تخته سنگی ساخته، و روی آن می نشسته [است]، و تا زمان پدر مؤلّف (جابری) آن سنگ باقی بود، و کشتی گیران در آن نقطه کشتی می گرفتند، و بالاخره اتباع ظلّ السّلطان آن را از بین بردند.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۲۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، صص۳۴۸ و ۲۱۲ و ۵۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۶۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۳۳۷؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۹۳.

ابی قوسین

ابی قوسین، از اطبّاء اصفهان است، یهودی بود، و بعدا مسلمان شد. کتابش مقالهٌ فی ردّ علی الیهود نام دارد.(۱)

ابن قولویه

ابوالفتح بن قولویه، از ادباء و شعرای پارسی گوی اصفهان [در قرون نخستین هجری] است، و مافرّوخی نام او را در عداد متقدّمین آورده است.(۲)

ابن قولویه، اسحاق

ابویعقوب اسحاق بن احمد بن علیّ بن ابراهیم بن قولویه تاجر اصفهانی از محدّثین قرن چهارم هجری است. از ابراهیم بن یوسف بن خالد و عبدالرّحمان بن محمّد بن حمّاد و محدّثین ری روایت می کند. حافظ ابونُعیم از او حدیث شنیده است. وفاتش در پنجم ربیع الاوّل ۳۶۸ق روی داد.(۳)

ابن کرسیّه، محمّد

ابوبکر محمّد بن علیّ بن احمد بن محمّد بن عمران خلقانی معروف به «ابن کرسیّه» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. در مکّه و عراق، احادیث زیادی استماع نموده، و بعد از سال ۳۸۰ق وفات یافته است. وی را اصلی است در حدیث که از آن روایت می نموده است. او از حسین بن اسماعیل محاملی روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از او نقل حدیث نموده است.(۴)

۱- لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۲۱؛ طبقات المحدّثین، ج ۱، ص ۸۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۳۰۲.

ابن کیغلغ، احمد

ابوالعبّاس احمـد بن ابراهیم بن کیغلغ، از ادباء و شـعراء است. از ترکان دربار خلیفه عبّاسـی در بغداد بوده است. تولّدش حدود سال ۲۵۸ق روی داده، و در سال ۳۱۹ق شـحنه اصفهان بوده، و چندی در این شهر به سر برده است. ثعالبی در یتیمه الدّهر وی را جزو شعراء و ادباء آورده، و نمونه ای از اشعار او را نقل نموده است. فوتش بعد از سال ۳۲۲ق اتّفاق افتاد.(۱)

ابن اللّباد، علی

ابوالحسن علیّ بن احمد بن محمّد اللباد اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان است. شیخ منتخب الدّین بن بابویه، در کتاب اربعین از او حدیثی روایت می کند.(۲)

ابن اللّبان، احمد

ابوالمکارم احمد بن محمّد بن اللبان اصفهانی، از محدّثان شافعی اصفهان.(۳)

ابن اللّبان، عبداللّه

ابومحمّـد عبـداللّه بن محمّـد بن عبدالرّحمان بکری وائلی اصـفهانی معروف به «ابن اللبان» از مشاهیر فقهای شافعیه در اصـفهان بوده، در پنج سالگی قرآن را حفظ نموده، در اصفهان و بغداد و مکّه از اکابر دانشمندان استماع حدیث نموده، ازجمله: ابوبکر بن مقری، ابراهیم بن عبـداللّه بن خوشـید قوله، علیّ بن محمّد بن احمد بن میله، ابوطاهر مخلص در بغداد، احمد بن ابراهیم بن فـارس در بغـداد و ابوبکر اشـعری، و نیز ابـایعلی بن فراء و ابامحمّـد تمیمی از او روایت می کننـد. علاـوه بر فقه و حـدیث، در قرائت و فنون تجوید نیز از دانشمندان به شمار می رفته، مدّتی منصب قاضی ایذج بر عهده او بوده، و چندی هم در

۱- یتیمه الدّهر، ج ۱، ص ۶۵؛ محاسن اصفهان، ص ۳۹؛ الاعلام، ج ۱، ص ۸۱ و ج ۶، ص ۹۹.

۲- تعلیقات النّقض، ج ۲، ص ۱۲۳۰، بحارالانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۹۸ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۵۴.

۳- منتخب المختار، صص ۱۱۹ و ۱۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۹.

بغداد ساکن بوده، عاقبت در سال ۴۴۶ق در اصفهان وفات یافت.

تألیفاتی داشته از آن جمله است: ۱. درر الغوّاص فی علوم الخواص ۲. تهذیب ادب القضاء ۳. الرّوضه(۱).

ابن لره، بندار

ابوعمرو بندار بن عبدالحمید [کَرْخی] اصفهانی معروف به «ابن لره» از بزرگان علم لغت و ادب است. وی از معاصرین متوکّل عبّاسی (۲۳۲ ۲۴۷ق) بوده، گویند هفت صد قصیده که اوّل آن «بأنت سعاد» بود، در حفظ داشته، و در نحو نیز جامع آرای مصریان و کوفیان بود.(۲)

ابن لره شاگرد ابو عبید قاسم بن سلام بود. ابن کیسان شاگرد صاحب عنوان است، و بارها در آثارش از او یاد کرده است.(۳) کتب زیر از تألیفات او است:

۱. جامع اللّغه ۲. شرح معانی الباهلی ۳. معانی الشّعر [۴. الوحوش(۴)]. سال وفاتش معلوم نیست.

ابن لره، محمّد

محمّد بن لره اصفهانی، مردی فاضل و دانشمند بوده، و به دانستن علم حساب در زمان خود مشهور بوده، کتاب الجامع از تألیفات او است.(۵)

۱- تبیین کذب المفتری، ص۲۶۱؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۴۵۱؛ طبقات الشّافعیه، سبکی، ج۳، ص۲۰۷؛ الاعلام، ج۴، ص۲۶۶؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۶۳؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۱۷۸؛ اللّباب، ج۳، صص۱۲۶ ۱۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۹.

۲- الکنی و الالقاب، ج۱، ص۳۵۸.

۳- دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، صص۸۱۳ ۸۱۴.

۴- ریحانه الادب، ج۸، ص۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهانج۱، ص۱۲۹؛ الفهرست، ابن ندیم، ترجمه فارسی، ص۱۳۹.

۵- اخبار الحکماء قفطی، ص۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۰.

ابن لیلاف، عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد مقری اصـفهانی معروف به «ابن لیلاف» از دانشـمندان قرائت در قرن چهارم هجری بوده، چهل سال در ماه رمضان بر مردم نماز می گزارده، و در نقطه گذاری مصاحف شریف، و روایت قراآت مختلفه کلام اللّه مجید از اساتید دوران بوده، سرانجام در غرّه جمادی الآخر ۳۸۰ق در اصفهان وفات یافت.(۱)

ابن ماما، احمد

حافظ ابوحامـد احمـد بن محمّـد بن اُجیه (اُحیـد) بن عبداللّه بن ماما اصـفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی در سال ۴۳۶ق وفـات یـافته است. از تألیفات او ذیل تاریـخ بخاری است. تاریـخ بخاری از تألیفات حافظ ابوعبـداللّه محمّـد بن ابی بکر احمد بخاری غنجاری است.(۲)

ابن ماشاذه*

«ابن ماشاذه» شـهرت عدّه ای از بزرگان اصفهان در قرون سوم تا هفتم هجری است. این خاندان، نسب خویش را به شخصی به نام «ماشاذه» می رسانند. آنان پیرو مذهب شافعی بوده، و اغلب، منصب تدریس و وعظ و افتاء را در اصفهان برعهده داشته اند. در قریه رنان (محلّه رهنان کنونی) در غرب شهر اصفهان، مکانی به نام «صحرا ماشاذه» تاکنون شهرت داشته است.

ابن ماشاذه

ابوعبداللّه ماشاذه، از فضلای اصفهان قبل از قرن پنجم هجری است. مافرّوخی او را جزو متقدمین آورده است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۸.

۲- الانساب، ج۵، ص ۱۸۱؛ الاعلام، ج۱، ص۲۱۳؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، ص۱۱۷ سیر اعلام البنلاء، ج۳۸۳۱۷.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۳۰.

ابن ماشاذه، احمد

ابوالحسین احمد بن محمّد بن حسین بن ماشاذه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوالقاسم طبرانی روایت می نموده، و ابوالحسن علیّ بن حسین بن عبداللّه کردی و دیگران از او روایت نموده اند.(۱)

ابن ماشاذه احمد*

فخرالدّین ابوبکر احمد بن محمّد بن محمود بن عبدالمنعم بن ماشاذه اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری بوده، و از ابومسعود سلیمان بن ابراهیم بن محمّد اصفهانی، سالار ابی الحسن مکّی بن منصور علان گرجی و دیگران نقل ویژه نموده، و غیاث الدّین ابومفید احمد بن اسعد بن غیاث عقیلی، ابوغانم مهذّب بن حسین بن محمّدحسین بن زینه و دیگران از او روایت می نمایند. فخرالدّین سرانجام در ۵۷۲ق وفات یافت.(۲)

ابن ماشاذه، احمد

اسماعیل بن عبدالمؤمن ابی منصور ماشاذه، از محدّثین اصفهان در قرن هفتم هجری است ترجمه کتاب عوارف المعارف تالیف ابوحفص عمر بن محمّد سهروردی از آثار او است که آن را در سال ۶۶۵ به دستور عبدالسّلام سیخی کامویی به فارسی برگردانده است.(۳)

ابن ماشاذه، داوود

داوود بن ماشاذه، از محدّثین اصفهان است. وی از مشایخ روایت ابن صیقل بغدادی بوده است.(۴)

۱- معجم البلدان.

۲- تلخیص مجمع الآداب جزء ۴، ج۳، ص۱۰۵.

۳- النّصائح الایمانیه، ص۲۰.

۴- منتخب المختار، ص۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۰.

ابن ماشاذه، عبداللّه

عبد اللّه بن علیّ بن ماشاذه، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را از متقدّمین فضلای اصفهان می نویسد.(۱)

ابن ماشاذه، علی

ابوالحسن علیّ بن محمّد (معروف به ماشاذه) بن احمد بن میله بن حرّه اصفهانی معروف به «ابن ماشاذه»، از فقهاء و متصوّفه اواخر قرن چهارم هجری است. از محمّد بن محمّد بن یونس ابهری، ابی عمرو بن حکیم، مصاحبی و اُسواری روایت نموده است. وی در روز عید فطر چهارشنبه، سال ۴۱۴ق در اصفهان وفات یافت. مافرّوخی در کتاب خود به نام او علیّ بن ماشاذه اشاره کرده است.(۲)

ابن ماشاذه، عمر

ابومحمّد عمر ماشاذه عبّاسی هاشمی اصفهانی بن محمّد بن اسماعیل بن عبدالمؤمن ابی منصور ماشاذه از ادباء و عرفای قرن هشتم هجری است. او در خانقاه حسینیّه اشرف یزد ساکن بوده، و در ۲۸ ذی حجّه ۷۴۰ق از کتابت غرایب القرآن فراغت یافته است. این نسخه در کتابخانه مجلس سنای سابق موجود بوده است.(۳)

ابن ماشاذه، کمال

تقی الدّین کمال بن قطب الدّین اصفهانی ماشاذه عبّاسی، از فضلاء و دانشمندان قرن نهم هجری بوده است.

وی در شنبه ۴ رمضان ۸۴۲ در شهر «شویم» کرمان، نسخه ای از کتاب شرح الموجز در طب را به خطّ نسخ کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۳۳۳۴ در کتابخانه آیت اللّه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۳۰.

۲- محاسن اصفهان، ص۲۹؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۳۰.

۳- فهرست مجلس سنا، ج۲۱، ص۲۵۶.

مرعشی در قم موجود است.(۱)

ابن ماشاذه، محمّد

محمّد بن احمد بن میله معروف به ماشاذه اصفهانی از محدّثین اصفهان است.(۲)

ابن ماشاذه، محمّد

ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن علیّ بن ماشاذه، از دانشمندان اصفهان قبل از قرن پنجم هجری بوده، و مافرّوخی نام او را در رده دانشمندان کلام و حدیث مقدّم بر عصر خود آورده است.(۳)

ابن ماشاذه، محمود

ابومنصور محمود بن احمد بن عبدالمنعم بن احمد معروف به ابن ماشاذه اصفهانی، از محدّثین، وعاظ و فقهای اصفهان است. در عهد خویش، مرجع مسائل شرعی مردم آن عهد در اصفهان بوده است. فقه را از ابوبکر خجندی آموخته، و از ابی المظفّر سمعانی و عایشه ورکانیه نقل حدیث نموده است. عدّه ای همچون ابوموسی مدینی و ابن سمعانی از او حدیث نقل کرده اند. صاحب عنوان در سال ۴۵۸ق متولّد [شده]، و در ۱۱ ربیع الآخر سال ۵۳۶ق در اصفهان وفات یافته است. وی با آن که از پیشوایان اهل سنّت در آن روزگار بوده؛ ولی در روز عاشورا در هر سال، به تعزیت شهدای کربلای پرداخته، و آشوب و نوحه و غریو داشته است.(۴)

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص۱۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۰.

۴- تبیین کذب المفتری، ص۳۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱ طبقات المفسّرین، ج۲، صص۳۰۸ ۳۰۹؛ تاریخ تشیّع در ایران، ص۳۱۷.

ابن ماشاذه، مسعود

ابوعبداللّه مسعود بن محمود بن احمد بن عبدالمنعم بن ماشاذه اصفهانی از محدّثین و فقهای اصفهان در قرن ششم هجری است. در فقه، تفسیر، حدیث و وعظ مهارت بسیار داشته، و از غانم بن محمّد برجی، ابی علی حدّاد و محمّد صیرفی نقل می کند. وی پس از برگشتن از حج در سال ۵۷۶ق وفات یافت.(۱)

ابن ماهویه، ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن مالک قطان معروف به «ابن ماهویه» از محدّثان قرن سوم هجری. وی کتاب فقیه را نوشته، و از حسین بن مهدی، اسماعیل بن یزید، محمّد بن عمرو بن عبّاس، ابوالرّبیع السّمتی، محمّد بن سلمان لوین و دیگران نقل حدیث می نماید. هم چنین عبداللّه بن محمّد بن جعفر، قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم و محمّد بن جعفر بن یوسف از او روایت می کنند. ابن ماهویه در سال ۳۰۴ق وفات یافت.(۲)

ابن متویه*

«ابن متویه» شهرت عدّه ای از محدّثین و فقهای عامّه اصفهان در قرون سوم و چهارم هجری است. امامت در مسجد جامع اصفهان و تدریس، متعلّق به این خاندان بوده است. نسب این خاندان به شخصی به نام «متویه» منتهی می شود.

ابن متویه، ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حسن بن ابی الحسن اصفهانی معروف به «ابن متویه» از محدّثین و دانشمندان قرن چهارم هجری. عابد زاهد و دائم الصّوم بوده، از جمعی از محدّثان روایت می کند، از آن جمله است: محمّد بن ابی عمر عدنی، عبدالجبّار بن علاء، سعید محزومی، ابن ابی شوارب، بشر بن معاذ بن عقدی، و محدّثان مصر و شام و عراق.

۱- طبقات المفسّرین، ج۲، ص۳۲۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۱.

ابومحمّـد قاسم بن محمّـد دیمرتی، احمـد بن اسـحاق، طبرانی، قاضـی محمّد بن احمد بن ابراهیم، ابومحمّد بن حیّان، ابواحمد عال، ابن مقری و دیگران از او روایت کرده انـد. صاحب عنوان در عداد حفّاظ مشـهور و ملقّب به امام بوده، در جمادی الآخر سال ۳۰۲ق وفات یافت.(۱)

ابن متویه، احمد

احمد بن حسین بن محمّد معروف به «ابن متویه»، صـحف ادریسـیّه را از زبان سوری به عربی نقل کرده، و علاّمه مجلسی (ره) تمام آن را در کتاب دعا، از مجلّدات بحارالانوار نقل فرموده است.(۲)

ابن متویه، حسن

حسن بن متویه بن سندی قرشی، از محدّثین، و از مشایخ روایت محمّد بن حسن بن ولید (م۳۴۳ق) است.

در ریاض العلماء گوید: در برخی از نسـخه ها نامش حسین بن متویه نوشته شده، و این دو (حسن و حسین) یک نفر می باشند که نامشان تصحیف شده است.(۳)

ابن متویه حسن

حسن بن ابی الحسن نصـر بن عثمان بن زیـد بن مزیـد بصـری اصـفهانی از محدّثان اصـفهان است. از موالی انصار بوده، و جدّ ابراهیم بن متویّه است. در اصفهان متولّد شده، از حفص بن غیاث روایت می کند، و ابوالفضل حسین بن عبداللّه واضحی از او نقل حدیث می نماید.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۹؛ تذکره الحفّاظ، ج۲، ص ۷۴۰؛ اللباب، ج۳، ص۱۶۳.

۲- نوابع الرّواه، ص۲۷، بحارالانوار، ج۹۲، ص۴۵۲.

۳- نوابع الرّواه، ص۹۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۲۵۰.

ابن متویه حسین

حسین بن محمّد بن متویه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی به قصد انجام حج به کوفه رفت، و در آن جا حدیث گفت. از مسلمه بن شبیب روایت نموده، و احمد بن محمّد بن سرّی کوفی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

ابن متویه محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی معروف به «ابن متویّه» از محدّثان قرن چهارم هجری بوده، و به عدالت و گفتار نیکو، شهرت داشته، و امام مسجد جامع اصفهان بوده است. از ابن نعمان هروی و محدّثان هم طبقه او روایت نموده است. وی در سال ۳۴۰ق وفات نمود.

ابن متویه محمّد

محمّد بن حسن بن ابی الحسن معروف به «متویّه» از محدّثین اصفهان است. مادرش دختر ضحّاک بن مزید بن عجلان است. صاحب عنوان از محمّد بن بکیر، عبداللّه بن عمران و سعدویه حدیث شنیده است.(۲)

ابن مردانبه اسماعیل

ابواحمد اسماعیل بن حریث بن مردانبه قطّان اصفهانی، از محدّثان قرن سوم هجری. وی به زهد و عبادت و کثرت حدیث معروف بوده است. از تألیفات او: ۱. تفسیر ۲. مسند در حدیث را ذکر کرده اند.

وی از انس بن عیاض، بشر بن مسری، ابی داوود و ابی جابر و جمعی دیگر روایت می کند، و محمّد بن حمید رازی و احمد بن حسین انصاری از او روایت می کنند. صاحب

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۹۴.

عنوان در سال ۲۶۰ق یا کمی بعد از آن وفات یافته است.(۱)

ابن مردویه

«ابن مردویه» شهرت چندین نفر از فقها و محدّثین قرن سوم تا پنجم هجری در اصفهان است. نسب افراد این خاندان به مردویه بر وزن منگوله منتهی می شود، و ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه معروف ترین شخص این خانواده محسوب می شود.

ابن مردویه، احمد

حافظ ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، از مشهورترین محدّثان و حافظان حدیث در میان راویان اهل سنّت بوده است. برخی نام او را بکر بن احمد نوشته اند که نادرست است. تولّدش در سال ۳۲۳ق، و وفاتش شش روز مانده از ماه رمضان سال ۴۱۰ (۲۴ رمضان) روی داده است. برخی تاریخ وفاتش را ۴۱۶ق و ۳۵۲ نوشته اند که صحیح نیست. در سده ماربین اصفهان مقبره ای معروف به نام بابا دو مَرده وجود دارد که آن را متعلّق به ابن مردویه دانسته اند.

وی علاوه بر حدیث، در تفسیر، تاریخ و طب نیز مهارت داشته است. او از ابوسهل بن زیاد قطان... بن اسحاق خراسانی، محمّد بن عبداللّه بن علم صفّار، اسحاق بن محمّد بن علی کوفی، محمّد بن احمد بن علی اُسواری، احمد بن محمّد بن عاصم کرانی و دیگران حدیث شنیده، و ابوالقاسم عبدالرّحمان بن منده و برادرش عبدالرّحمان، و ابوالخیر محمّد بن احمد بن ررا، ابومنصور محمّد بن سکرویه، محمّد بن عبدالواحد مصری و دیگران از او روایت می کنند.

کتب زیر از تألیفات او است:

۱. تاریخ اصفهان ۲. تفسیر قرآن ۳. کتابی در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام ۴. مستخرج

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۹.

صحیح بخاری ۵. جامع مختصر در طب(۱).

ابن مردویه محمّد

ابوبکر محمّد بن احمد بن موسی بن مردویه، از محدّثین و دانشمندان اصفهان است که قبل از روزگار مافرّوخی در اصفهان زندگی می کرده است.(۲)

ابن مردویه، محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن موسی بن مردویه بن فورک اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. در فقه و حدیث و کلام از دانشمندان روزگار خود بوده، و در اصفهان و عراق از راویان آن شهرها حدیث شنیده است که از آن جمله است: ابوالحسن احمد بن محمّد بن عمر لنبانی و ابی عمرو بن حکیم. جماعتی از علماء از او فقه آموختند. وی سال ها در اصفهان صاحب فتوا و حوزه تدریس بوده، و در سال ۳۷۸ق وفات یافته است.(۳)

ابن مردویه موسی

ابوعمران موسی بن مردویه بن فورک بن موسی بن جعفر اصفهانی فقیه و محدّث قرن چهارم هجری. از مصاحبان ابراهیم بن متویّه بوده، و از او حدیث شنیده است. فرزندش حافظ ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه از او روایت می کند. صاحب عنوان در سال ۳۵۶ق وفات نمود.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، صص۱۰۵۰ ۱۰۵۱؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۴۳۹؛ الاعلام، ج۱، ص۲۴۶؛ هدیه الاحباب، ص۸۷ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۰۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۱؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۳۹۳؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۴۴.

۲- محاسن اصفهان، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۰۷؛ اللّباب، ج۲، ص۴۴۵؛ محاسن اصفهان، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۱۴؛ اللّباب، ج۲، ص۴۴۵.

ابن مرده احمد

احمـد بن محمّد بن یوسف بن مَرده اصـفهانی، ادیب، کاتب، شاعر، لغوی، مؤلّف کتاب های ۱. ادب الکتّاب ۲. طبقات البلغاء ۳. طبقات الخطباء. در کتاب تبیین کـذب المفتری، خوابی از او نقل می کنـد، طالبین مراجعه نمایند. حافظ ابوالحسن محمّد بن احمد بن یحیی غسّانی صیدلانی از وی روایت می کند. وفاتش در حدود سال ۴۲۰ق اتّفاق افتاده است.(۱)

ابن مَرده محمّد

محمّد بن مرده بن رسـتم معروف به «ابن مرده» از محدّثین قرن سوم هجری در اصفهان است. وی از محمّد بن بکیر روایت می کند، و ابوعلیّ بن ابراهیم از وی نقل حدیث می نماید.(۲)

ابن مرزبان سهل

ابونصـر سـهل بن مرزبان اصـفهانی، از ادباء و دانشـمندان اصـفهان به شـمار می آیـد. در قاین متولّـد شده، و در نیشابور ساکن گردیـد. او ازجمله معاصـرین ثعـالبی مؤلّف یـتیمه الـدّهر بوده، و بین آن دو، مکاتبـات برقرار بوده است. شـعر، نیکو می گفته است. از آثار او: ۱. اخبار ابی العینا ۲. اخبار ابن الرّومی ۳. اخبار جحظه برمکی ۴. الآداب در طعام و شراب. وی در حدود سال ۴۲۰ق فوت شده است.(۳)

ابن مسکویه احمد

ابوعلی احمد بن محمّد بن یعقوب بن مسـکویه رازی، حکیم و فیلسوف و مورّخ و ادیب و طبیب. سال تولّد او معلوم نیست. در اوایل زندگانی، معاشر و مصاحب وزیر مهلبی

۱- معجم الادباء، ج۴، ص۱۳۵، تبیین کذب المفتری، ص۳۹۱ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۵۲ ۲۵۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۱۸.

۳- الاعلام، ج۳، ص ۲۱۰؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۲۱۹.

بوده، و مدّتی کتابداری ابن عمید به عهده وی بوده، و بدین سبب به خازن شهرت یافته، و محرم اسرار و ندیم عضدالدّوله بوده، و جدّش نیز در ری، متصدّی بیت المال بوده، و به خازن شهرت داشته است، و پدر یعقوب، زرتشتی بوده، و فرزند، مسلمان شده، و از خاندان های معروف شیعه می باشد. ابوحیّان توحیدی درباره او عقیده خوبی ندارد، و وی را به بخل زیاد و حرص شدید در جمع مال و طلب کیمیا سخت نکوهش می کند. برخی مورّخین نوشته اند که سلطان محمود غزنوی، خواجه ابوالفضل حسین بن علی میکال را نزد مأموران خوارزم شاه گسیل داشت، و این دانشمندان که در دربار او بودند را طلب کرد. شیخ الرّییس ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، ابوسهل مسیحی، ابوعلی مسکویه، ابن خمار و ابونصر عراق. سه نفر از اینان نزد سلطان محمود رفتند، و سه نفر دیگر یعنی ابن سینا، ابن مسکویه و ابوسهل خدمت سلطان محمود را نپذیرفتند، و به سمت گرگان حرکت کردند، و ابوسهل در راه از تشنگی بمرد (سال ۴۰۱ق)، و آن دو به سختی جان به در بردند، و ابن مسکویه در ۹ صفر ۴۲۱ق در اصفهان وفات یافت، و در این شهر مدفون شد. صاحب روضات در کتاب خود، مدفن ابن مسکویه را در محلّه خواجوی اصفهان می نویسد، و می گوید: قبر او در زمان ما معروف است. ظاهرا محل قبر او در باغ مقابل امام زاده باقر در محلّه خواجو بوده است، و اکنون آثار آن از بین رفته است.

محمّد صدرهاشمی در مقاله خود در مجلّه یادگار مدّعی است که امام زاده باقر همان قبر ابن مسکویه بوده که در زمان ناصرالدّین شاه آن را به عنوان امام زاده باقر شهرت دادند.امام زاده قبل از ناصرالدّین شاه وجود داشته، و سنگ لوح آن مورّخ به سال ۱۲۷۰ق می باشد. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. آداب العرب و الفرس و الهند، در اخلاق ۲. احوال الحکماء و المتقدّمین و صفات الانبیاء السّافلین و احوالهم ۳. ادب الدنیا والدّین ۴. الاشربه و ما یتعلّق بها ۵. الادویه المفرده ۶. اقسام الحکمه و الرّیاضی ۷. انیس الخواطر، مانند کشکول، در متفرّقات ۹. تجارب الامم و تعاقب الهمم، مطبوع، در تاریخ جهان از آغاز تا ۳۶۹ق ۱۰. ترتیب السّعادات، در اخلاق ۱۱. تفصیل النّشأتین و تحصیل السّعادتین در اخلاق ۱۲. التّعلیق فی المنطق ۱۳. جاویدان خرد، به فارسی در حکمت و اندرز ۱۴. حقایق النّفوس ۱۵. السّیاسه للملک ۱۶. طهاره الاعراق فی التّحصیل الاخلاق، در اخلاق که

خواجه نصیرالدّین طوسی آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده، و مبحث سیاست مُدُن و تدبیر منزل را بدان افزوده، و به نام اخلاق ناصری نامیده که به طبع رسیده است. ۱۷. الشّوامل فی ردّ «الهوامل»، تألیف ابوحیّان توحیدی ۱۸. الفوز الاصغر در فلسفه، مطبوع ۱۹. الفوز الاکبر ۲۰. فوز السعاده ۲۱. فوز النّجاه، در اخلاق ۲۲. رساله فی دفع الغمّ من الموت لماذا اخاف الموت ۲۳. الکنز الکبیر [۲۴. رسالهٌ فی اللذّه و الآلام] ۲۵. لغز قابس ۲۶. مختار الاشعار یا مستوفی ۲۷. مقاله فی علاج الحزن [۲۸. ندیم الفرید]. [کتاب نزهت نامه علایی از تألیفات شهمردان بن ابی الخیر رازی است، و به طبع رسیده؛ ولی به اشتباه آن را به ابن مسکویه نسبت داده اند].(۱)

ابن مطلب هبه اللّه

ابوالمعالی هبه اللّه بن محمّد بن علی ملقّب به «ولی الدّوله» و معروف به «ابن مطّلب» وزیر خلیفه المستظهر باللّه بوده، و در بغداد اقامت داشته، سرانجام به جرم شیعه بودن، مورد سوء ظنّ سلطان محمّد بن ملکشاه سلجوقی واقع شد، و در اثر مکاتبات او با خلیفه، از ترس جان خود، از بغداد گریخت، و در اصفهان وفات یافت.(۲)

ابن مظاهر

ابن مظاهر، از حافظه ای قوی برخوردار بوده، و احادیث بسیاری را از بر داشته است. حافظ ابونُعیم در کتاب خود، ذیل شرح حال ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه بن عماره، درباره وی می نویسد: «لَم یَرَ بعد ابن مظاهر مثله فی الحفظ»(۳).

ابن مظفّر

ابن مظفّر بن شبیب، از فقهاء و محدّثین اصفهان است. وی امام مسجد جامع اصفهان بوده است. یاقوت حموی در ذیل شرح حال احمد بن فضل باطرقانی گوید: «پس از

۱- معجم الادباء، ج۵، صص۵ ۱۸؛ الاعلام ج۱، صص۲۰۴ ۲۰۵ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۱۹۶ ۱۹۷؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۷۳؛ النّابس، ص۲۸؛ شمس التّواریخ، ص۲۴؛ نزهه الارواح، ص۴۰۶؛ الکنی و الالقاب، ج۱، صص۴۰۸ ۴۰۹ روضات الجنّات، ج۱، صص۲۶۴ ۲۶۶؛ تاریخ گزیده ص۶۸۹؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، صص۸۵۲ ۸۵۳؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۶، ص۵۶؛ مزارات اصفهان، صص۱۴۵ ۱۴۶؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، صص۲۶۵ ۲۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۳۲ ۱۳۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۰ ۳۰۱ و ۳۸۲ ۳۸۴؛ تاریخ الحکماء، قفطی، ص۲۱۷؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۳؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۱۶۸؛ الذّریعه، ج۱، ص۲۵ و ج۳، ص۳۴۷، ج۲، ص۱۶۸؛ الذّریعه، ج۱، ص۲۵ و ج۳، ص۳۴۷، ج۴، ص۶۶ و ج۵، ص۷۸ و ج۱۶، صص۳۶۸ ۳۶۹؛ تاریخ تشیّع اصفهان صص۲۵۰ ۲۵۵؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۰۷ ۲۰۸؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، ص۱۲۳؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۰۶؛ هدیه الاحباب، صص۹۹ ۱۰۰؛ مجلّه یادگار، شماره ۴ و ۵، آذرودی، ۱۳۲۷، صص۱۳۰ ۱۳۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۲؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۸۴؛ نسائم الاسحار، ص۳۱؛ آثار الوزراء، ص۱۴۳؛

دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۳۶۸؛ آثار الشّیعه، ج۴، ص۳۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۹.

ابن مظفّر، امامت مسجد جامع اصفهان یافت»(۱).

ابن معدان محمّد

محمّد بن احمد بن راشد بن معدان بن عبدالرّحیم معروف به «ابن معدان» از محدّثین اصفهان است. از عبداللّه بن ابی رومان اسکندر انی، عیسی بن شادان بصری، محمّد بن خالد بن خداش و ابوالسّائب مسلم بن جناده روایت می کند، و ابن باغندی، عبداللّه بن محمّد بن جعفر، محمّد بن احمد بن عبدالوهّاب، محمّد بن جعفر بن یوسف و محمّد بن عبداللّه بن مرزبان واعظ از او نقل حدیث نموده اند.(۲)

ابن مقری احمد

احمد بن اسماعیل بن عبداللّه بن محمّد اصفهانی بغدادی مشهور به ابن مقری مالکی، از ادبای اصفهان است. او دیوانی در مدح رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد.(۳)

ابن مقری محمّد

ابوبکر محمّد بن ابراهیم بن علیّ بن عاصم بن زاذان اصفهانی معروف به «ابن مقری»، از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۲۸۵ق در اصفهان متولّد شده، و جهت اخذ حدیث به بسیاری از شهرها سفر کرده، [و از محدّثین همدان، خوزستان، عراق، جزیره، شام حجاز، یمن و مصر استماع حدیث نموده است. برخی از مشایخ او عبارت اند از: ابویعلی موصلی، ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بغوی، ابوبکر محمّد بن محمّد بن سلیمان بن باغندی، عبداللّه بن احمد جوالیقی، ابن عروه حرّانی، احمد بن حسن بن عبدالجبّار صوفی، علیّ بن عبّاس بن مقانعی، محمّد بن محمّد بن اشعث و ابوجعفر طحاوی. هم چنین حمزه بن یوسف سهی، ابونُعیم اصفهانی، ابوبکر بن مردویه، ابویعلی خلیلی قزوینی، ابوسعد

۱- معجم الادباء، ج ۱، ص۳۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۱۳۴؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۸۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص۲۴۳.

۳- مقتبس الاثر، ج۳، ص۱۴۵.

مالینی، ابوالحسن هارونی (از امامان زیدیّه)، احمد بن محمّد عتیقی و ابوالشّیخ اصفهانی از او روایت کرده اند. وی در علم قرائت نیز تبحّر داشته، و ابوعمرو دانی او را در این زمینه متصدّر (پیشرو) خوانده است. ابن مقری از دوستان و معاشران صاحب بن عبّاد و چندی خازن کتب او بوده است.] وی در شوّال ۳۸۱ق در سن ۹۶ سالگی وفات یافته است. [کتب زیر از تألیفات او است: ۱. الاربعون، موجود در کتابخانه ظاهریّه مصر ۳. فوائد، در همان کتابخانه ۴. مسند ابی حنیفه، موجود در کتابخانه فیض اللّه در ترکیه ۵. مسند نافع بن ابی رویم قاری، موجود در کتابخانه ظاهریّه و دارالکتب مصر ۶. معجم الشّیوخ، موجود در کتابخانه دارالکتب مصر ۷. المنتخب من غرائب الحدیث مالك بن انس الاصبحی، موجود در کتابخانه ظاهریّه(۱)].

ابن مکرم، محمّد

محمّد بن حسین بن مکرم، از محدّثین اصفهان است. از محمّد بن حسن بن سعید اصفهانی باب کوشکی حدیث شنیده، و ابوعمر عثمان بن محمّد عثمانی از او روایت می کند.(۲)

ابن مکّه، اسماعیل

اسماعیل بن محمّد واعظ اصفهانی معروف به «ابن مکّه» از محدّثان اصفهان است. وی در سال ۵۰۹ق وفات یافته است، و المجالس از تألیفات او است.(۳)

ابن ممجه، عمر

ابوبکر عمر بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن سهل تمیمی معروف به «ابن ممجه» از

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴، صص۶۵۸ ۶۶۰؛ الانساب، ج۶، ص۲۲۷؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۹۷؛ غایه النّهایه، ج۲، ص۴۹؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ص۴۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج۱۴، صص۷۶۶ ۷۶۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۳۰.

۳- مرآه الجنان، ج۳، ص۱۹۸.

محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از جدّش احمد بن محمّد بن سهل روایت می نموده است. حافظ ابونُعیم اصفهانی از او حدیث نقل می کند. ابن ممجه در جمعه ۲۱ ربیع الاوّل ۳۷۷ق وفات یافته است.(۱)

ابن ممشاد، عبداللّه

ابوسعید عبداللّه بن احمد بن ممشاد اصفهانی معروف به «ابن ممشاد» از محدّثین اصفهان است، وی دایی ابواحمد عسّال است، و خود از عبدان بن احمد و راویان اصفهان روایت می کند.(۲)

ابن ممک، اسحاق

اسحاق بن ممک، از محدّثین اصفهان است، ابومحمّد بن حیّان از او روایت می کند، و خود از احمد بن محمّد بن ابی سلم حدیث شنیده است.(۳)

ابن مملک، احمد

ابوعمرو احمد بن محمّد بن ابراهیم بن حکیم مدینی حکیمی معروف به «ابن مملک» از از محدّثین مدینه (محلّه شهرستان فعلی) اصفهان بوده، جهت اخذ حدیث، مسافرت بسیار کرده، و در شام و عراق و ری استماع حدیث نموده، و روایات شیوخ را کتابت کرده که از آن جمله است: ابوعلی طرابلسی، ابوامیّه طرطوسی، ابوحاتم رازی و غیره ابوبکر اسماعیلی، ابواحمد عسال و محمّد بن اسحاق بن منده از او استماع حدیث نموده اند. در جمادی الآخر سال ۳۳۳ق وفات یافته است.(۴)

مملک، در اصل محمّدک (محمّد کوچک): مَمَل: در اصفهان و شاید برخی دیگر از شهرها محمّد را «مَمَل» گویند، و کاف، علامت تصغیر است.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۹۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۴۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱؛ الانساب، ج ۴، ص ۲۹؛ اللّباب، ج ۱، ص ۳۷۹.

ابن مملک، محمّد

ابوعبدالله محمّد بن عبدالله بن مملک جرجانی اصفهانی معروف به «ابن مملک» از متکلّمین و محدّثین شیعه در قرن سوم و چهارم هجری است. در ابتدا سنّی معتزلی بوده، و به وسیله عبدالرّحمان بن احمد بن جیرویه (خیرویه) شیعه شده، و با شیخ معتزلیان بغداد ابوعلی محمّد بن عبدالوهاب جبایی مناظرات و مجادلاتی در مباحث کلامی داشته است. عموم محدّثین و رجال شناسان شیعه، همچون نجاشی، طوسی، علّامه و منتجب الدّین وی را به جلالت قدر و عظمت شأن ستوده اند. کتب زیر از او است:

۱. الجامع فی سایر ابواب الکلام ۲. المسائل و الجوابات فی الائمّه ۳. کتاب موالید الائمّه ۴. نقض الامامه علی الجبایی، شامل مناظره و گفت وگوی او با ابوعلی جبایی(۱).

ابن مملک، محمّد

محمّد بن مملک معروف به «ابن مملک اصفهانی»، از محدّثین اصفهان است. او از احمد بن عصام روایت کرده است.(۲)

ابن منجویه، احمد

ابوبکر احمد بن علیّ بن محمّد بن منجویه اصفهانی یزدی، از محدّثین مشهور قرن چهارم و پنجم هجری. در اصفهان در حدودسال ۳۴۷ق متولّد شده، و سال ها به تحصیل پرداخته، سپس در نیشابور ساکن شد، و در ۴۲۸ق در آن جا وفات یافت. از ابوبکر بن مقری، ابوبکر اسماعیلی و ابوعبدالله بن منده نقل احادیث نموده [است]، و خطیب بغدادی، ابوصالح مؤذّن و عبدالرّحمان بن منده از او روایت می کنند. رجال صحیح مسلم،

۱- فهرست طوسی، چاپ نجف، ص۱۹۳؛ الذّریعه، ج ۲۰، ص۳۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۱۳۴؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۱۰۳؛ جامع الرّواه، ص۴۳۶؛ رجال ابن داوود، ص۴۰۵؛ رجال نجاشی، صص۲۶۹ ۲۷۰؛ مجمع الرّجال، ج۵، ص۲۴۹؛ نوابغ الرّواه، ص۲۸۲؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۲۲ ۲۲۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۶۷.

مهم ترین تألیف او است که در بیروت به طبع رسیده است.(۱)] در هدیه العارفین نام جدّ او به اشتباه «فنجویه» آمده است].

ابن منجویه حسین

ابوعلی حسین بن ابومحمّد ابوعبداللّه بن محمّد بن مرزبان بن منجویه اصفهانی از محدّثین قرن پنجم هجری است. ابوعلی حسن بن احمد حدّاد اصفهانی و ابومحمّد حمزه بن عبّاس بن علی معروف به «برطله» از او روایت می کنند.(۲)

ابن منجویه عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن مرزبان بن منجویه اصفهانی، از محدّثین و دانشمندان قرن چهارم هجری بوده، و به زهد و پارسایی و عبادت بسیار، شهرت داشته، و با اغلب عرفای اصفهان و نیشابور مصاحبت می کرده است.

از ابی احمد عسّال و ابی اسحاق بن حمزه و سلیمان طبرانی حدیث شنیده است. صاحب عنوان در غرّه ربیع الاوّل ۴۱۳ق وفات یافت.(۳)

ابن مندویه

«ابن مندویه» شهرت جماعتی از محدّثین، علماء، شعراء و ادبای اصفهان در قرن سوم تا پنجم هجری است. نسب این خاندان به مندویه (بر وزن زنگوله) به مندویه بن حجّاج بن مهاجر شروطی منتهی می شود.

۱- شذرات الذهب، ج۲، ص۲۳۳؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۸۸؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، ص۲۸۲؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، صص۱۰۸۵ ۱۰۸۷؛ الایرانیّون و الادب العربی (رجال علم حدیث)، ج۲، ص۵۰۱؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۶۶؛ اللّباب، ج۳، ص۲۶۱؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی ج۴، ص۶۹۶ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۵۷؛ الاعلام، ج۱، ص۱۲۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۴.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۵۴؛ محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۸.

ابن مندویه، احمد

ابوعلی احمد بن عبدالرّحمان بن مندویه اصفهانی، طبیب، ادیب، شاعر، در سال ۳۳۸ق متولّد شد، و به تحصیل پرداخت تا این که در ردیف اطبّاء درجه اوّل عهد خود محسوب شده، و از طرف عضدالدّوله دیلمی به بغداد دعوت شد. وی ازجمله ۲۴ نفر طبیبی است که در بیمارستان عضدی بغداد مشغول به خدمت گردیده، و مستمری دریافت داشته است. وفاتش در سال ۳۷۲ق واقع شده، و قریب به پنجاه جلد کتاب و رساله در علوم پزشکی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱. اطعمه و اشربه ۲. تدارک انواع الخطاء فی تدبیر الطبّی ۳. الجامع الصّغیر ۴. الجامع الکبیر ۵. رساله در تدبیر جسد ۶. رساله در نفس و روح ۷. الطّبیخ ۸. کافی یا کافیه در طب ۹. المدخل ۱۰. المغیث ۱۱. نقض الجاحظ ۱۲. نهایه الاختصار. رساله شماره ۲ و شماره ۵ ضمن مجموعه شماره ۲۱۱۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

۴۹۵

ابن مندویه، اعین

ابو سعید اعین بن محمّد جروانی بن مندویه بن حماد بن زهیر بن سعید بن عطیّه، از محدّثین اصفهان است. جدّ او حمّاد از کوفه به اصفهان آمده است. صاحب عنوان از ابی حذیفه، ابوالولید طیاسی و موسی بن مسعود روایت می کند، و عبداللّه بن جعفر از او حدیث شنیده است. وفاتش در سال ۲۷۰ق واقع شد.(۲)

ابن مندویه، حمد

ابوالقاسم حمد بن محمّد بن احمد بن عبدالرّحمان (محمّد) بن مندویه اصفهانی، قاضی معدّل. سمعانی درباره او نوشته: «فقیه، نقل من اهل العلم والدّین». تولّدش حدود سال ۴۳۰، و فوتش در روز دوشنبه ۱۴ شعبان سال ۵۱۴ق روی داده است. او جهت

۱- اخبار الحکماء، ص۲۶۸؛ ادباء الاطبّاء، ج۱، ص۳۹؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۳؛ فهرست نسخه های خطّی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص ۷۵۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۸.

ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۱)

ابن مندویه عبدالرّحمان

عبدالرّحمان بن مندویه اصفهانی معروف به «ابن مندویه» از ادباء و شعرای قرن چهارم هجری، و مؤلّف کتاب الشّعر و الشّعراء است.(۲)

ابن مندویه عبدالصّمد

ابوالقاسم عبدالصّمد بن ابومنصور محمّد بن عبداللّه بن عبدالواحد بن مندویه شروطی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری.

تولّدش قبل از سال ۴۷۰ق واقع شده، و از ابومنصور محمّد (پدرش)، ابوطاهر احمد بن محمّد بن عمر نقّاش، ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن ماجه ابهری، ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و ابوالحسن علیّ بن محمّد بن احمد حسن آبادی حدیث شنیده، و ابوسعد سمعانی در اصفهان از او استماع حدیث کرده است.

صاحب عنوان تا سال ۵۴۵ زنده بوده است.(۳)

ابن مندویه عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن مندویه بن حجّاج بن مهاجر شروطی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری.

از محدّثین ری حدیث نقل می کرده است. از ابراهیم بن محمّد بن حسن، عبداللّه بن محمّد بن عمران، محمّد بن ابراهیم بن یحیی خراسانی، عبداللّه بن حسن بن حفص و محمّد بن احمد بن اسباط روایت نموده، و حافظ ابونُعیم اصفهانی هم از او حدیث شنیده است. وی در شوّال ۳۷۴ق وفات یافت.(۴)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲- اخبار الحکماء قفطی، ص ۲۸۵؛ فرهنگ نامه پارسی، ص ۶۵۷؛ لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۵۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۶۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۳۸ و ۹۵.

ابن مندویه، فضل

فضل بن عبداللّه بن مندویه اصـفهانی، از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری است، و از ابوسعید عبدالواحد بن ابی القاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، روایت می کند.(۱)

ابن مندویه محمّد

محمّد بن عبدالرّحمان بن مندویه طبیب، در محاسن اصفهان وی را از متقدّمین فضلاء اصفهان می شمرد.(۲)

ابن مندویه محمّد

محمّد بن مندویه غزال، از محدّثین اصفهان است، و از یحیی بن حاتم عسکری نقل احادیث می کند.(۳)

ابن مندویه محمّد

ابومنصور محمّد بن عبداللّه بن مندویه اصـفهانی، از محدّثین است. ابوسعید محمود بن ابوعلیّ بن ابوالفضل بن احمد بن حباب مدینی اصفهانی از مشایخ ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده است.(۴)

ابن مندویه، محمّد

ابوعبـداللّه محمّـد بن منـدویه بن حجّاج بن مهاجر شروطی، از محـدّثین اصـفهان. وی از ابوطالب حـدیث روایت می کنـد، و فرزندش ابومحمّد عبداللّه بن مندویه از او روایت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۳۸ و ۹۵.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴- التّحبیر، ج ۲، ص ۲۹۱.

می نماید.(۱)

ابن مندویه محمّد

محمّد بن مندویه طویل، از محدّثین اصفهان بوده، و قبل از سال ۳۰۰ق وفات یافته است.(۲)

ابن منده

«ابن منده» شهرت جماعتی کثیر از محدّثین و مشایخ روایت و علمای اخبار در قرن سوم تا ششم هجری می باشد که به بنی منده معروف اند.

نسب این خاندان به ابراهیم (منده) بن ولید بن سند بن بُطّه بن اُستندار فیروزان بن چهاربخت منتهی می شود. [چهار بخت، یکی از صاحب منصبان دولت ساسانی بوده، و در جریان ورود مسلمانان به ایران مسلمان شده است. ابراهیم معروف به «مَنده» در زمان معتصم خلیفه عبّاسی می زیسته است.]

سلسله بنی منده به نام یحیی آغاز شده (یحیی بن ابراهیم بن ولید) و به یحیی نیز خاتمه یافته است (یحیی بن عبدالوهاب). [مذهب این خاندان، حنبلی بوده است].

ابن منده، ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن یحیی بن منده اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصفهان است.

از احمد بن خشنام و ابی بکر بن نعمان و ثقفی روایت می نماید، از آثار او کتاب شیوخ را می توان نام برد. در ماه رمضان المبارک سال ۳۲۰ق وفات یافته است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۹۷ ۱۹۸؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، ص۱۵؛ معجم المؤلّفین، ج۱، ص۱۱۰.

ابن منده، ابوالطیّب

ابوالطیّب بن منـده، از ادباء و فضـلای اصـفهان است. در علم نحو، مهارت بسـزایی داشـته، و مافرّوخی او را از متقدّمین نام می برد. ظاهرا نام برده در قرن سوم یا چهارم هجری می زیسته است.(۱)

ابن منده، احمد

ابوسـعد احمد بن ابراهیم بن منده، از محدّثین اصـفهان است. از اهل فضل و جود و سـخا بود، و به نیازمندان و غرباء، خصوصا محدّثین و راویانی که به اصـفهان می آمدند، انفاق می کرد. از محمّد بن عمر بن حفص و عبداللّه بن جعفر نقل حدیث نموده است. وی در سال ۳۵۱ق وفات یافت.(۲)

ابن منده، احمد

ابوعمرو احمد بن حسن بن منده اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی در نیشابور ساکن بوده است.(۳)

ابن منده، اسحاق

ابویعقوب اسـحاق بن محمّـد بن یحیی بن منـده، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری است. از خانـدان حدیث و روایت است، حافظ ابونُعیم اصفهانی او را دیده؛ ولی از او حدیث نشنیده است.

از عبـداللّه بن محمّـد بن نعمان و ابن ابی عاصم و بزّاز حـدیث نقل کرده است، و محمّدعبدالرّحمان بن مخلد از او نقل حدیث می کند. وفات او در ماه رمضان سال ۳۴۱ق

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۵ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

۳- تاریخ نیشابور، ص۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

واقع شد. (۱)

ابن منده، اسحاق

اسحاق بن یحیی بن ابراهیم بن منده، از محدّثین اصفهان است، سال تولّد و وفات و مشایخ و روایت کنندگان از او به دست نیامد.(۲)

ابن منده، بندار

ابواحمد بُندار بن علیّ بن احمد بن منده معروف به ابواحمد فقیه از محدّثین و فقهای قرن چهارم هجری است. از احمد بن موسی بن اسحاق خطمی انصاری قاضی اصفهان روایت می کند. وی رجب المرجّب ۳۸۳ق وفات یافته است.(۳)

ابن منده، سفیان

ابوسعید سفیان بن محمّد بن یحیی بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. او از احمد بن یونس روایت می کند، و ابومحمّد بن حیّان از او نقل حدیث می نماید. در سال ۳۱۹ق وفات یافته است.(۴)

ابن منده، عبدالرّحمان

ابوالقاسم عبدالرّحمان بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن یحیی بن ابراهیم بن منده بن ولید بن منده بن استندار فیروزان بن چهاربخت، از مشاهیر محدّثین و فقهاء حنبلی اصفهان در قرن پنجم هجری است. در سال ۳۸۱ (یا به روایتی ۳۸۳ یا ۳۸۸ق) متولّد شد. وی برای اخذ حدیث به سفر رفت، و از محدّثان بغداد، واسط، مکّه، نیشابور، شیراز، همدان و دینور حدیث نقل نمود.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۱؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۵، ص۴۴۱؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، ص۸۷۸؛ لغت نامه دهخدا ذیل «اسحاق»، ص۲۲۴۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۶.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۱.

برخی از کسانی که وی از آن ها حدیث شنیده است، عبارت اند: از زاهر بن احمد سرخسی، محمّد بن اسحاق (پدرش)، ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خورشید قوله تاجر، ابوجعفر بن مرزبان ابهری، ابن مردویه، ابن خزیمه واسطی، محمّد بن ابراهیم جرجانی. تعدادی کثیر نیز از او حدیث شنیده اند که از آن جمله است: سیّدابومحمّدحسن بن محمّد بن رضا علوی کرانی، ابوالحسن ظریف بن محمّد نیشابوری، ابوزکریّا یحیی بن عبدالوهاب (برادرزاده اش)، ابوعبداللّه فارسی، ابوسعید احمد بن محمّد بغدادی، ابوعبداللّه دقاق، محمّد بن غانم بن محمّد حدّاد، و نیز پیروان و طرفدارانی داشته که به «عبدالرّحمانیه» معروف بوده اند.

در حسن خط نیز شهرت داشته، و حدیث بسیار نیز نقل نموده است. ابن منده سرانجام در ۱۶ شوّال ۴۷۰ق وفات یافته است.

تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است:

۱. الآیات و العلامات من الآفات و الشّبهات ۲. تاریخ اصفهان ۳. التّاریخ المستخرج من کتب النّاس للتّذکره و المستطرف من اقوال الرّجال لمعرفه، که نسخه خطّی آن در کتابخانه «کوپرلوی» استانبول ترکیه وجود دارد ۴. تاریخ مکّه ۵. جزء من اکل الطّین ۶. حرمه الدّین ۷. الردّ علی الجهمیّه ۸. صیام یوم الشّک ۹. ما اعدّ اللّه لأمّه محمّد صلی الله علیه و آله ۱۰. المسند ۱۱. الوفیات ۱۲. المیزان الممیّز بین الانسان و اعوان الشّیطان(۱).

ابن منده، عبدالرّحمان

ابومحمّد عبدالرّحمان بن یحیی بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری

۱- التّحبیر، ج۱، ص۲۰۸؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۹۹؛ تاریخ نیشابور، ص۴۸۰؛ الاعلام، ج۴، ص۱۰۳؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۵۱۷؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۱۹۰؛ الکنی و الالقاب، ج۱؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۴؛ طبقات الحنابله، ج۲، ص۲۰۲؛ النّجوم الزّاهره، ج۵، ص۱۰۵؛ البدایه و النّهایه، ج۱۲، ص۱۱۸؛ کشف الظّنون، ج۲، ص۱۶۷۱؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، ص۱۱۶۵؛ المنتظم ابن جوزی، ج۸، ص۳۱۵؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۶۱؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، ص۸۷۹؛ الایرانیّون و الادب العربی، ج۶، ص۳۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

است. وی از یحیی بن حاتم عسکری روایت می کند. عبداللّه بن محمّد بن جعفر بن حیّان [حافظ ابوالشّیخ] نیز از او نقل حدیث می نماید. ابن منده در سال ۳۲۰ق وفات یافته است.(۱)

ابن منده، عبداللّه

ابوالحسن عبداللّه بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن یحیی اصفهانی از محدّثین خاندان ابن منده اصفهان است. از پدرش و از ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خورشید قوله تاجر و ابوجعفر بن مرزبان و حسن بن یوه حدیث نقل نموده است، و حسین بن عبدالملک خلال از او روایت می کند. وی در ۱۰ ربیع الاوّل ۴۶۲ق در جیرفت وفات یافت.(۲)

ابن منده، عبیداللّه

عبیداللّه بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن عاصم مدینی روایت نموده، و ابواسحاق سریجانی از او حدیث نقل می نماید.(۳)

ابن منده، عبدالوهاب

ابوعمرو عبدالوهاب بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن منده تاجر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. وی در سال ۳۸۶ق متولّد شد، و برای طلب حدیث به نیشابور، شیراز، همدان، مکّه و ری سفر کرد، و از ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خرشید قوله تاجر، ابوبکر بن مردویه، ابن عبدالوهاب سُلمی و سعید صیرفی حدیث شنید، فرزندش یحیی بن عبدالوهاب، حسن رستمی، ابوالخیر باغبان، مسعود ثقفی، مؤتمن ساجی و دیگران از او روایت می کنند. در اصفهان، محبوب القلوب بین خاص و عام

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۷؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۵، ص۱۳؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، ص۸۷۸.

۲- سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۳۵۵؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، ص۸۷۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۶؛ فرهنگ نامه پارسی، ص۶۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

بود، و در گردآوری حدیث، فرزند را به همکاری خویش خوانده بود. وی سرانجام در شب ۲۹ جمادی الثّانی ۴۷۵ق وفات یافت. کتاب المعرفه الصّحابه از تألیفات او است که حافظ مؤتمن بن احمد ساجی آن را تمام کرده است.(۱)

ابن منده، علی

ابوالحسن علیّ بن حسن بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از حسین بن یعقوب بزّاز در سال ۳۷۰ق روایت نموده است. ابوالفتح محمّد بن علیّ بن عثمان کراجکی در سال ۴۳۶ق از او نقل حدیث نموده است.(۲)

ابن منده، قاسم

قاسم بن منده بن کوشید ضریر، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در محلّه «کلکه» اصفهان ساکن بوده است. از سعید بن یحیی بن سعید (سعدویه)، سلیمان بن داوود منقری شاذکونی و سهل بن عثمان روایت می کند. عبداللّه بن احمد بن اسحاق (پدر حافظ ابونُعیم) و محمّد بن جعفر بن یوسف مؤدّب از او نقل حدیث کرده اند.(۳)

ابن منده، محمّد*

ابوعبداللّه محمّد بن عبداللّه بن محمّد بن ابراهیم بن منده اصفهانی، از دانشمندان قرائت و تجوید است. قرائات را از ابوعلی اهوازی روایت نموده است، و ابوبکر محمّد بن علیّ بن محمّد اصفهانی قرائات را از او روایت می کند.(۴)

۱- تاریخ نیشابور، ص۵۳۹؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، ص۸۷۹؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۴۴۰؛ الکامل، ج۸، ص۱۳۲؛ معجم المؤلّفین، ج۶، ص۲۲۸.

۲- النّابس، ص۱۱۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۶۲؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

۴- غایه النّهایه، ج۲، ص۱۸۴.

ابن منده، محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن اسحاق بن یحیی بن منده حافظ اصفهانی، از مشاهیر محدّثین و رؤسای حنبلیان اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۹۵ق در اصفهان متولّد شده، و در طلب حدیث به بغداد، بخارا، بلخ، دمشق، مرو، مکّه و نیشابور سفر کرد، و در مدت ۴۰ سال از قریب ۱۷۰۰ نفر از محدّثین، اخذ حدیث کرد که از آن جمله است: ابراهیم بن سنان قنطری، ابن ابی حاتم، ابن اخی ابی زرعه، ابن جارود، ابوجعفرالبحتری، ابوحامد بن بلال، ابوسعید بن الاعرابی، ابوطاهر مدینی، ابوالعبّاس اصم ابی اسید، احمد بن بهزاد فارسی، اسماعیل صفّار، ابوعلی حسین بن علیّ بن یزید حافظ نیشابوری، خثیمه بن سلیمان، عبداللّه بن محمّد بن حنبل، عبداللّه بن یعقوب بن اسحاق کرمانی، محمّد بن احمد بن محبوب، علیّ بن احمد بستی، محمّد بن حسین بن قطان، محمّد بن عبداللّه عمانی، محمّد بن یعقوب و عدّه ای نیز از ابن منده روایت کرده اند ازجمله: ابوسعید ادریسی، ابوعبداللّه قنجار، ابومنصور شجاع بن علی صقلی، ابوعبداللّه حاکم، ابونعیم اصفهانی، بندار رازی، تمام رازی. وی پس از برگشت از مسافرت به اصفهان، قریب چهل بار کتاب و جزوه همراه داشت.

ابن منده در سلخ ذی القعده ۳۹۵ق وفات یافته است. این کتاب ها از او است: ۱. تاریخ اصفهان ۲. التّوحید و المعرفه اسماء اللّه و اثبات صفاته در هفت مجلّد ۳. الرّدّ الجهمیّه ۴. طبقات الصّحابه و التّابعین ۵. فتح الباب فی الکنی و الالقاب ۶. الکفایه ۷. المسند ابی حنیفه ۸. مسند احادیث ابراهیم بن ادهم ۹. معرفه الصّحابه ۱۰. النّاسخ و المنسوخ(۱).

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ص۳۰۶؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۱۱۰؛ هدیه العارفین، ج، ص۵۷؛ کشف الظنون، ج۲، ص۱۱۰۴؛ میزان الاعتدال، ج۳، ص۲۶؛ الاعلام، ج۶، ص۲۵۳؛ معجم المؤلّفین، ج۹، صص۴۲ ۴۳؛ الکامل، ج۷، ص۲۳۰؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج۱۷، صص۲۸ ۴۳؛ الوافی بالوفیات، ج۲، صص۹۰ ۹۱؛ النجوم الزّاهره، ج۴، ص۲۱۳؛ لسان المیزان، ج۵، ص۷۰؛ طبقات الحنابله، ج۲، ص۱۶۷؛ المنتظم ابن جوزی، ج۷، ص۲۳۲؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۴۸۷؛ البدایه و النهایه، ج۱۱، ص۳۳۶؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، صص۸۷۸ ۸۸۰؛ الایرانیّون و الادب العربی، ج۶، صص۳۴۴ ۳۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

ابن منده، محمّد

ابوجعفر محمّد بن منده بن ابی الهثیم منصور اصفهانی از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری است. از حسین بن حفص و بکر بن بکار روایت می کنـد، و ابوبکر محمّد بن حسن بن حسـین بن فرات از او نقل حدیث می نماید. وی چندی در ری و سپس در بغداد ساکن بوده است. جزء الحدیث از تألیفات او است.(۱)

ابن منده، محمّد

محمّـد بن منـده بن مهریزد، از محـدّثین اصـفهان است. او در بغـداد بوده است. جعفر بن محمّـد بن مزیـد نقل می کنـد که در بغـداد بودم، و محمّد بن منده بن مهریزد به من گفت: «مایل هستی به ملاقات علیّ بن الرّضا (امام جواد علیه السـلام) برویم؟». گفتم: «آری». پس نزد او رفتیم، و ایشان حدیثی را از پیامبر درباره حضرت فاطمه سلام اللّه علیها نقل کرد.(۲)

ابن منده، محمّد

ابوعبـداللّه محمّـد بن یحیی بن ابراهیم (منده) بن ولید بن منده بن بطّه بن اسـتندر (فیروزان) بن چهار بخت عبدی اصـفهانی، از محـدّثان و بزرگان مشـهور خانـدان ابن منـده در قرن سوم هجری. وی در حدود ۲۲۰ق متولّد شد، و به اصـفهان و عراق سـفر کرد، و از محدّثان آن جا حدیث نقل نمود و عدّه ای از محدّثین نیز از او نقل حدیث نموده اند.

وی در سال ۳۰۱ق وفات یافت. کتاب تاریخ اصفهان از تألیفات او است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۹۳؛ میزان الاعتدال، ج۳، ص۱۳۹؛ تاریخ بغداد، ج۳، ص۳۰۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.
۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۲؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۵۹.
۳- ذکر اخبار اصـفهان، ج۲، ص۲۲۲؛ سـیر اعلام النّبلاء، ج۱۴، صص۱۸۸ ۱۹۳؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۱۱۱؛ الاعلام، ج۸، ص۳؛ طبقـات المحــدّثین؛ وفیـات الاعیـان، ج۳، ص۴۱۶؛ تـذکره الحفّـاظ، ج۲، ص۷۴۱؛ الاـیرانیّون و الاـدب العربی، ج۶، صص۳۱۵ ۳۱۶؛ الوافی بالوفیـات، ج۵، ص۱۸۹؛ دانشـنامه ایران و اسـلام، ج۶، ص۸۷۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۱۳۷؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴، ص۶۹۸.

ابن منده، محمود

ابوالوفا محمود بن ابراهیم بن سفیان بن منده (ابراهیم) بن عبدالوهاب بن منده اصفهانی، از محدّثین حنبلی اصفهان در قرن ششم هجری. در حدود سال ۵۵۰ یا ۵۵۲ق در اصفهان متولّد شد، و از مسعود ثقفی، ابوعبداللّه رستمی، ابوالخیر باغبان مسعود ثقفی و عبدالمنعم سعدویه روایت می کند.

ابن نجّار، شیخ عبدالصّمد بن احمد بن ابی الجیش و ضیاء از او حدیث شنیده اند. وی در سال ۶۳۲ هنگامی که مغولان به اصفهان حمله کردند، به دست آنان کشته شد. کتاب الایمان از او است.(۱)

ابن منده یحیی

ابوزکریّا یحیی بن عبداللّه اصفهانی، از محدّثین خاندان ابن منده اصفهان است. وفاتش در سال ۴۴۵ق روی داده، و کتاب تاریخ اصفهان از تألیفات او است.(۲)

ابن منده، یحیی

ابو زکریّا یحیی بن عبدالوهاب بن ابی عبداللّه محمّد بن اسحاق بن یحیی بن منده اصفهانی از محدّثان حنبلی اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری، آخرین فرد معروف خاندان ابن منده در اصفهان است. او را «محدّث بن محدّث بن محدّث بن محدّث بن محدّث» خوانده اند (شش طبقه). ابوسعد سمعانی از قول محمّد بن ابونصر لفتوانی نقل می کند که او گفت: «خاندان منده از یحیی شروع شده، و به یحیی ختم گردیده است». در ۱۹ شوّال ۴۳۴ق در اصفهان متولّد گردیده، در طلب حدیث به شهرهای مختلف همچون نیشابور، همدان، بصره و بغداد سفر کرده، و در بغداد، در جامع منصور، املاء حدیث کرده است.

۱- النّجوم الزّاهره، ج۶، ص۲۹۲؛ شذرات الذّهب، ج۵، ص۱۵۵ سیر اعلام النّبلاء، ج۲۲، صص۳۸۲ ۳۸۳؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، ص ۸۸۰؛ الایرانیون و الادب العربی، ج۶، ص ۵۰۰.

۲- هفت اقلیم، ج۲، ص۳۴۸؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

مشایخ روایت او بسیارند و بسیاری از محدّثان از او نقل حدیث می نمایند.

وی سرانجام در ۱۰ ذی حجّه (عید قربان) سال ۵۱۲ق وفات یافت، و در قبرستان باب دریه (محلّه طوقچی فعلی) اصفهان مدفون گردید.

کتب زیر از او است:

۱. تاریخ اصفهان ۲. التّنبیه علی احوال الجهّال و المنافقین ۳. کتاب علی الصّحیحین ۴. مناقب الامام (احمد بن حنبل) ۵. مناقب العبّاس ۶. من عاش مائه و العشرین سنه من الصّحابه ۷. معرفه الاسماء ارداف النّبی ۸. احوال طبرانی(۱).

ابن نابتی، احمد

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم بن یعیش نابتی، از محدّثین اصفهان است.(۲)

ابن نابتی اسحاق

ابوالعبّاس اسحاق بن ابراهیم بن قاضی همدان بن احمد بن عبداللّه بن یعیش ازدی همدانی معروف به «ابن النّابتی» از محدّثین اصفهان است. از حسین بن حُریث و محمّد بن غیلان روایت می کند، و احمد بن اسحاق و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او روایت می کنند.(۳)

ابن نجوکه، احمد

ابوالعبّاس احمد بن حسن بن احمد خوزی اصفهانی معروف به «ابن نجوکه» از

۱- وفیات الاعیان، ج۲، ص۲۲۵؛ معجم المؤلّفین، ج۱۳، صص ۲۱۰ ۲۱۱؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۴۲۷؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۲۰۲؛ الاعلام، ج۹، ص۱۹۴؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۹، صص۳۹۵ ۳۹۶؛ هدیه العارفین، ج۲، ص ۵۲۰؛ التّحبیر، ج۲، ص۳۸۲؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص ۶۶۱؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۴؛ الکامل، ج۸، ص۲۸۵؛ تذکره الحفّاظ، ج۴، ص ۱۲۵۰؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۲۸۲ و ج۲، ص۱۴۶۴؛ المنتظم، ج۹، ص۲۰۴؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، صص۷۷۹ ۷۸۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، مقدّمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۳۷ ۱۳۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۷؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص ۲۸۲.

محدّثین اصفهان است. [و او منسوب به کوی خوز در شهر اصفهان بوده است]. وی از حافظ ابونُعیم اصفهانی اخذ حدیث نموده، و آخرین کسی است که سمعانی از وی اخذ حدیث کرده است. در سال ۵۱۷ یا ۵۱۸ق وفات یافته است.(۱)

ابن النّعمان عبداللّه

ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن نعمان، از محدّثان قرن سوم هجری است از محدّثان کوفه و از ابونُعیم، محمّد بن صلت، عمرو بن طلحه قنّاد، محمّد بن سعید بن سابق و ابوغسان مالك بن اسماعیل نَهدی روایت کرده است. ابومسلم محمّد بن قاسم صحّاف، ابوبکر محمّد بن قاسم بن محمّد بن سیاه و ابو عمر محمّد بن احمد بن حسن هیسانی از او نقل حدیث نموده اند. ابن نعمان در سال ۲۸۱ق وفات یافته است.(۲)

ابن نوله علی

ابوالحسن علیّ بن محمّد بن اسحاق مدینی معروف به «ابن نوله شعرانی» از محدّثین اصفهان است. از محدّثین بصره و محدّثین اصفهان ازجمله زکریّا ساوجی روایت نموده است.(۳)

ابن واضح اصفهانی، احمد

احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عبّاسی معروف به «یعقوبی» و «ابن یعقوبی» و «ابن واضح» از مشاهیر مورّخین و جغرافی دانان شیعه است. در بغداد متولّد شده، و به سفر در شهرهای مختلف دنیای اسلام پرداخته است. در سال ۲۶۰ق به ارمنستان، هند، مصر، شمال آفریقا و دیگر شهرها سفر کرد، و در این سفرها به تألیف سفرنامه و کتب تاریخی و جغرافیایی پرداخت.

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۴۰۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۸۵ ۲۸۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۷.

وفات او در سال ۲۸۴ق (و به قولی ۲۷۸ق یا ۲۹۲ق) اتّفاق افتاد. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. اخبار الامم السّالفه ۲. اسماء البلدان، مطبوع ۳. التّاریخ، معروف به تاریخ یعقوبی که در دو مجلّد به طبع رسیده است ۴. المسالک و الممالک ۵. مشاکله النّاس لزمانهم و غیره.(۱)

ابن ورواجه

ابن ورواجه، از علماء نجوم در اصفهان است. او تا سال ۳۴۹ق در اصفهان حیات داشته است، و عبدالرّحمان صوفی مؤلّف صور الکوکب او را دیده است، و می نویسد که از علم هیأت و نجوم، چیزی جز اسم نمی دانست؟!(۲)

ابن هاجر، محمّد

ابوطاهر محمّد بن ابراهیم بن مکّی بن علی طرازی اصفهانی معروف به «ابن هاجر»، از محدّثین قرن ششم هجری. وی از اهالی محلّه «طراز» اصفهان بوده است. در سال ۴۶۰ق متولّد شده، و از ابوزید احمد و ابومنصور شجاع فرزندان ابوالحسن علیّ بن شجاع مصقلی، ابوبکر محمّد بن احمد بن اسید مدینی، ابوالمظفّر محمود بن جعفر تمیمی و ابوبکر احمد بن علیّ بن ثابت خطیب اجازه داشته، و ابوسعد سمعانی کتاب های چندی از او شنیده است.

سمعانی از او به عنوان «کان شیخا صالحا سدیدا راغبا فی الرّوایه و الحدیث» یاد کرده، و می نویسد: بیشتر اوقات در مسجد جامع نشسته بود، و آماده که نزد او حدیث بخوانند. از این رو وی را محمّد فارغ می گفتند. وی در جمادی الاوّل سال ۵۴۹ق وفات یافت.(۳)

۱- ریحانه الادب، ج۶، ص۳۹۸؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۲۹۶؛ الذّریعه، ج۳، صص۱۴۴ و ۲۹۶؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۱۲۶؛ معجم المؤلّفین، ج۱، ص۱۶۱؛ الاعلام، ج۱، ص۹۰؛ مقتبس الاثر، ج۳، ص۱۳۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۳۸ ۱۳۹.

۲- گاه نامه سال ۱۳۱۱ش، ص۱۴۲.

۳- التّحبیر، ج۲، ص۵۲.

ابن هامیه، زیاد

ابوالقاسم زیاد بن محمّد بن ابراهیم معروف به «ابن هامیه مقری اصفهانی»، از قاریان و دانشمندان قرائت و تجوید است. سمعانی از او چنین یاد نموده است: «شیخ مقری صالح مستور من اهل القرآن و الخیر» صاحب عنوان از ابوبکر محمّداحمد بن ماجه ابهری حدیث شنیده، و ابوسعد سمعانی جزی احادیث لوین را از او استماع کرده است.(۱)

ابن یمین

در گورستان معروف به آب بخشان که در این اواخر آن جا را تسطیح کرده، و خیابان و فلکه ساختند، و اطراف آن را خانه و مدرسه و مغازه کردند، در جنب کوچه ای که به مقبره شیخ ابومسعود رازی می رفت، بقعه ای خشتی قرار داشت. مدفون در آن جا را «ابن یمین» می گفتند. اکنون نیز خاندانی از اهل علم و منبر نیز به این نام و شهرت معروف اند، از آن جمله: حاج میرزا ابراهیم ابن یمین فرزند میرزا محمّدعلی واعظ بن ملّاابراهیم مدفون در این مقبره، یقینا ابن یمین شاعر معروف، فخرالدّین محمّد بن یمین الدّین محمّد طغرایی شاعر معروف، متولّد یکی از سال های ۶۶۳ یا ۶۶۵ یا ۶۶۹ و متوفّی ۷۶۹ صاحب دیوان اشعار مطبوع نمی باشد. مرحوم انصاری مدفون در این بقعه را ابن یمین معروف می نویسد.

دهخدا می نویسد: دیوانی از ابن یمین در کتابخانه مجلس موجود است که من آن را تصحیح کرده ام، و اشعار ابن یمین فریومدی با شاعری دیگر موسوم به ابن یمین که مردی عامی و بی سواد بوده، یک جا نوشته شده، و من در حاشیه، اصل و الحاقی را تذکّر داده ام.

ممکن است ابن یمین مدفون در این مزار، همین ابن یمین باشد که مرحوم دهخدا نام می برد. موضوع، قابل بررسی است.(۲)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۴؛ تاریخ اصفهان و ری، ص ۱۵۵ لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۹؛ مزارات اصفهان، ص ۲۶.

ابوالآداب یزدی

ابوالآداب فرزند محمّد امین دقّاق یزدی، از ادباء و شعرای قرن ۱۱ هجری است. در فنّ شعر و انشاء و معمّا انگشت نما بود، و در روزگار جوانی به سال ۱۰۷۷ق در اصفهان بدورد زندگی گفت.(۱)

ابواحمد عسال

ابواحمد محمّد بن ابراهیم بن سلیمان عسال اصفهانی، عالم محدّث قرن چهارم هجری. متصدّی قضاوت اصفهان بوده است. مقبول القول در بین مردم و از بزرگان در معرفت و اتقان و حفظ حدیث بوده، و در شیوخ، تاریخ، تفسیر و مسند تألیفاتی نموده است. وی در سال ۲۶۹ق متولّد شده، و جهت اخذ حدیث به شهرهای زیادی مسافرت نموده، و سرانجام در رمضان ۳۴۹ق وفات یافته است.(۲)

ابواسحاق

در نزدیکی مسجد جامع اصفهان، محلّی است به نام «ابواسحاقیّه» که عوام در اصفهان به آن «بسّاقیه» می گویند. مدفون در این محل، ظاهرا ابواسحاق نامی از عرفاء و بزرگان اهل سنّت بوده، و قبر در زمان صفویّه از بین رفته است.

اخیرا یکی از نویسندگان او را منتسب به ابواسحاق اسفراینی می داند که نسبت، خالی از اعتبار است.(۳) مرحوم جابری انصاری، ابواسحاقیّه را به ابواسحاق اینجو از پادشاهان آل اینجو نسبت می دهد و می نویسد: «پس از قتل مسعود شاه اینجو برادرش شیخ ابواسحاق به اصفهان و فارس شتافت، و مقرّ حکومتش در اصفهان اطراف مسجد جامع

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۸۴، آیینه دانشوران، ص۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۸۳؛ الاعلام، ج۶، ص۲۰۱؛ طبقات المفسّرین، ج۲، صص۵۱ ۵۳؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، ص۸۸۶؛ النّجوم الزّاهره، ج۳، ص۳۲۵؛ محاسن اصفهان، ص۲۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۶۲ ۲۶۳.

دردشت و نزدیک منازل میرمیران بود، و عمارات دولتی او به ابواسحاقیه معروف شده»(۱).

ابواسحاق اصفهانی

ابواسحاق بن بحیر اصفهانی (بحیر مصغّر بحر) در ریاض العلماء درباره او گوید: «کان من مشایخ اصحابنا رضوان اللّه علیهم». به طوری که از رساله یکی از شاگردان شیخ کرکی که در ذکر اسامی مشایخ نوشته ظاهر می شود، کتاب تأویل الآیات از تألیفات او است. در الذّریعه وی را به عنوان ابواسحاق بن مجیر (میم و جیم) ذکر نموده است.(۲)

ابواسحاق قفّال

ابواسحاق قفّال (غفّال) اصفهانی، از راویان است. یکی از روایت کنندگان از او شیرویه بن شهریار دیلمی است، و یکی از مشایخش ابواسحاق بن خورشید می باشد.(۳)

ابواسحاق مطرّز

ابواسحاق مطرّز از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی از او را در ردیف فلاسفه، ریاضی دانان، اطبّاء و منجّمین متقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۴)

شیخ ابوالبرکات واعظ

شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی، عالم فاضل محدّث، واعظ صالح معمّر. در مسجد جامع اصفهان، منصب وعظ و خطابت داشته، و قریب یک صد سال عمر نمود. از شیخ علی محقّق کرکی (م۹۴۰ق) روایت احادیث می کند. جمعی از دانشمندان از او اخذ حدیث نموده اند، و از ایشان روایت می کنند که از آن جمله است: ملّامحمّدتقی مجلسی و شیخ

۱- تاریخ اصفهان و ری، ص۲۱۲؛ مزارات اصفهان، ص۷۹.

۲- ریاض العلماء، ج۵، ص۴۱۲؛ الذّریعه، ج۳، ص۳۰۲؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۰.

۳- مناقب خوارزمی، ص۸۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۴.

عبداللّه واعظ فرزندش.(۱)

ابوبشر عبدی

حافظ ابوبشر اسماعیل بن عبداللّه عبدی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۲۶۷ق وفات یافته است.(۲)

میرزا ابوالبقاء ابرقویی

میرزا ابوالبقاء فرزند شاه ابوالولی بن شاه ابوالفتح موسوی ابرقویی، شاعر ادیب فاضل خطّاط، از اصفهان به هندوستان سفر کرده، و مورد احترام حکیم داوود (تقرّب خان) قرار گرفت سپس به اصفهان بازگشت، و در مسجد تقرّب خان (مسجد حکیم) به تحصیل مشغول شد.

علاوه بر شعر و ادب، خطّ نستعلیق را خوش می نوشته، قطعات خوشنویسی متعدّد به خطّ زیبای او در کتابخانه ها وجود دارد، این بیت از او است:

کجای تاب عشقت دل به مرغ نامه بربندد به جای نامه مدّ آه بر بال اثر بندد(۳)

میرزا ابوالبقاء قهپایه ای

میرزا ابوالبقاء فرزند میرمحمود طباطبایی قهپایه ای، شاعر ادیب فاضل در اصفهان ساکن و از معاشران میرزا محمّدطاهر نصرآبادی بوده، عاقبت به هند رفته، و در کشمیر فوت شد. این بیت از او است:

به فریادم غم از دل برنخیزد که رنگ گل به باد از گل نریزد(۴)

۱- اعیان الشّیعه، ج۸، ص ۲۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۲۴ ۴۲۵.

۲- مرآه الجنان، ج۲، ص ۱۸۲.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۶۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، صص ۲۲ ۲۳؛ الذّریعه، ج۹، ص ۳۷.

۴- ۲. تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۴۸؛ الذّریعه، ج۹، ص ۳۷.

ابوبکر ضحّاک شیبانی

حافظ ابوبکر احمد بن محمّد بن عمرو بن عاصم ضحّاک شیبانی بصری، از محدّثین قرن سوم هجری و صاحب مصنّفات بوده است. در اصفهان ساکن، و متصدّی قضای اصفهان بوده، و در سال ۲۸۷ق وفات یافته است. وی از پیروان ظاهریّه بوده، و کتاب الدّیات را تألیف نموده که در مصر به طبع رسیده است.(۱)

ابوبکر اشنانی

ابوبکر اشنانی، از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی در محاسن اصفهان او را جزو دانشمندان حدیث و کلام متقدّم بر عصر خویش آورده است.(۲)

ابوبکر اصفهانی

ابوبکر اصفهانی، از عرفای قرن چهارم هجری است، و خادم شیخ ابوبکر شبلی بوده است.(۳)

ابوبکر خلّاد

ابوبکر بن خلّاد، از راویان ساکن اصفهان، و از مشایخ حافظ ابونُعیم اصفهانی است.(۴)

ابوبکر مقری

ابوبکر بن عبدالوهاب مقری، از محدّثین اصفهان است. او از احمد بن محمّد بن مهران روایت می کند.(۵)

ابوبکر سجستانی

ابوبکر عبداللّه بن سلیمان بن اشعث سجستانی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری.

۱- مرآه الجنان، ج۲، ص۲۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۶.

۲- محاسن اصفهان، ص۲۹.

۳- مرآه الجنان، ج۲، ص۴۳۲.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۰۸.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

وی اغلب سال های عمر را در اصفهان بوده، و سرانجام در سال ۳۱۶ق در بغداد وفات یافته است. وی از احمد بن عصام و دیگران روایت نموده است. ظاهرا او شیعه بوده است.(۱)

ابوبکر اُسواری

ابوبکر علیّ بن محمّد بن علی واعظ اُسواری، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف محدّثین و متکلّمین مقدّم بر عهد خود ذکر کرده است.(۲)

ابوبکر قصار

ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن جعفر اصفهانی، از دانشمندان قرن چهارم هجری است، در حدیث و فقه تبحّر داشته، و صاحب مَسندِ حُکم و فتوا در اصفهان بوده، و بر اساس فقه شافعی فتوا صادر می نموده، و در سال ۳۹۹ق وفات یافته است. از ابی علیّ بن عاصم، عبداللّه بن خالد رارانی و عبداللّه بن فارس و دیگران روایت می نموده است.(۳)

ابوبکر بن ابی الحرث

ابوبکر بن ابی الحرث، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم آورده است.(۴)

ابوبکر بن ابوعلی

ابوبکر بن ابوعلی، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را به عنوان یکی از دانشمندان کلام و حدیث متقدّم بر عصر خویش برشمرده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۶۶؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۰.

۳- المشتبه، ج۲، ص۴۶۳؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۹؛ محاسن اصفهان، ص۲۹.

۴- محاسن اصفهان، ص۲۹.

۵- محاسن اصفهان، ص۲۹.

ابوبکر قاضی

ابـوبکر بـن ابوالقـاسم بـن جعفر معروف به قاضـی، از محـدّثین اصـفهان و متقـدّم بر عصـر مـافرّوخی مؤلّـف محـاسن اصـفهان است.(۱)

ابوبکر بن حدّاد

ابوبکر بن حـدّاد، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری بود، و حافظ ابونُعیم اصـفهانی و ابوبکر محمّـد بن علیّ بن احمد اُشنانی از او روایت می کنند.(۲)

ابوبکر ثقفی

ابوبکر بن عبداللّه ثقفی اصـفهانی، از محدّثین اصفهان بوده، و از محمّد بن مالک روایت نموده است. مطلّب بن زیاد از او نقل حدیث می کند.(۳)

ابوبکر اصفهانی

ابوبکر بن عطّار محمّد بن ابراهیم اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است، و در سال ۴۶۶ق وفات یافته است.(۴)

ابوبکر طادی

ابوبکر بن عمر بن ابی بکر بن احمـد معروف به «ززا»، از محـدّثین اصـفهان است. حافظ اسـماعیل در سال ۵۲۸ق از او استماع حدیث نموده است. طاد از بلوک لنجان اصفهان است، و صاحب عنوان، از اهالی طاذ (طاد) بوده است.(۵)

۱- محاسن اصفهان، ص۲۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۰۸.

۳- میزان الاعتدال، ج۳، ص ۳۵۰.

۴- مرآه الجنان، ج۳، ص۹۴

۵- معجم البلدان، ج۴، ص۴.

ابوبکر جشمجی

ابوبکر معروف به جشمجی، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم دانسته است.(۱)

ابوبکر طهرانی

ابـوبکر طهرانی اصـفهانی، از دانشـمندان و مورّخین قرن نهم هجری است. او از اهـالی قریه طهران [تیران و آهنگران] اصـفهان است. از منشیان دربـار شاهرخ گورکانی بوده، و پس از فوت او در سال ۸۵۰ق به سلطان محمّد بن بایسنغر پیوسته، و پس از فتح اصـفهان به دست جهانشاه قره قویونلو در سال ۸۵۶ق نزد پسـرش محمّـدی میرزا رفته، و همراه او به دامغان رفت، و در آن جا عقدنامه صـلح جهانشاه با ابوسعید پادشاه ترکستان را انشاء نمود. ابوبکر طهرانی در سال ۸۷۳ به دعوت اوزون حسن پادشاه آق قویونلو به تبریز رفته، و به خـدمت او درآمـد، و به دسـتور او تـدریس در مدرسه غیاثیّه را بر عهده گرفت. پس از مدّتی از تـدریس در آن مـدرسه معاف، و مأمور به تألیف کتابی در باب وقایع عصـر گردید، و کتاب تاریخ دیار بکریّه را تألیف نمود. نسخه اصل این کتاب در بصره نزد وکیل محمّد امین موجود بوده، و به چاپ نیز رسیده است. ابوبکر طهرانی تا سال ۸۸۲ق در قیـد حیـات بوده، و نواده اش مولانـا شـاه محمود بن شـمس الـدّین بن ابوبکر طهرانی در سال ۹۰۴ق وزیر محمّـدی میرزا بوده است.(۲)

ابوبکر عبّاب اصفهانی

ابوبکر عبّاب اصـفهانی، از محـدّثین بوده، و عـدّه زیادی از او نقل حـدیث کرده اند. او آخرین کسـی است که از بکر بن بکار روایت نموده است.(۳)

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۲- احسن التّواریخ، تعلیقات، ج ۲، ص ۷۶۱.

۳- معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۹۸.

ابوبکر کوکبی

ابوبکر کوکبی، از دانشـمندان اصـفهان بوده، و مافرّوخی نام او را در ردیف دانشـمندان صـرف و نحو و لغت و انشاء مقـدّم بر عصر خویش آورده است.(۱)

ابوبکر محاربی اصفهانی

حافظ ابوبکر محاربی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و ابوالحسین عبداللّه بن محمّد بن عبدالغفّار فارسی بدیل سمرقند، از او روایت می کند.(۲)

ابوبکر مطرّز

از دانشـمندان اصفهان است، و مافرّوخی وی را از دانشمندان متقدّم بر عهد خویش و در ردیف فلاسفه، ریاضی دانان، اطبّاء و منجّمین آورده است.(۳)

ابوبکر وَعَلی

ابوبکر وعلی از فقهای اصفهان است، و اصلاً اهل قریه «وَعَل» از قرای اصفهان بوده است.(۴)

حاج ابوتراب اصفهانی

حاج ملّاابوتراب اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محدّث، از صلحای دهر و از مصاحبان علّامه ملّامحمّدباقر مجلسی بوده، و به افاده فقه و حدیث مشـغول بود، و اقوالش در شرعیّات، مورد اعتماد مردم بود.(۵) نزد علّامه مجلسی و میر سیّدعلی شولستانی نجفی به تحصـیل پرداخته، و از علّامه مجلسـی اجازه دریافت نموده است. صورت اجازه در نسـخه شماره ۶۸۳۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که بر روی یکی از کتاب ها نوشته شده و

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- احقاق الحق، ج۱۴، ص۱۵۲.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۴- لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۳۸۲.

۵- تاریخ حزین، ص۱۷؛ نجوم السّماء، ص۱۶۷.

موجود است(۱)تألیفاتی نیز داشته است که میرزا کمال الدّین محمّد نسوی بدان اشاره نموده است.(۲) شیخ محمّدعلی حزین در کودکی او را ملاقات کرده، و نوشته است در سال فوت علاّمه مجلسی (سال ۱۱۱۰ق) حاج ابوتراب نیز وفات یافته است(۳). قبر او محتمل است در مزار مسجد جامع در بقعه علاّمه مجلسی و یا اطراف آن جا باشد.

میرزا ابوتراب اصفهانی

میرزا ابوتراب اصفهانی، معروف به «رییس الخطّاطین» و متخلّص به «ترابا»، شاعر و خطّاط ادیب. ابتدا نزد ملاّفایضی به مشق پرداخته، و بعدا در عداد شاگردان مبرّز میرعماد قرار گرفته است. او خود دارالمشق داشته، و شاه عبّاس گاهی به دارالمشق او می رفته، و او را مورد تفقّد قرار می داده است. ابوتراب اوّلین کسی است که پس از کشته شدن میرعماد، خود را بر سر نعش او رسانیده، و جهت او نوحه سرایی کرده، و جنازه استاد را با کمال احترام دفن نموده است، و جهت استاد، مرثیه ای سروده که اوّل آن این است:

دهر پرفتنه و پرمشغله و پرغوغاست شرح این ماتم و این سوگ کِرا خود یار است

وی در سال ۱۰۷۲ق در سنّ ۸۲ سالگی وفات یافت، و جنب مسجد لبنان اصفهان، در جوار مزار خواجه صائن الدّین ترکه مدفون گردید. [میرزا نورالدّین و محمّدصالح پسران او نیز از خوشنویسان معروف عصر صفویّه به شمار می روند].(۴)

۱- فهرست دانشگاه، ج۵، ص۱۴۷۴؛ الکواکب المنتشره، صص۱۱۲ ۱۱۳.

۲- تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۱۱.

۳- زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص۷ ۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۰.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۴۰ ۱۴۱؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۹۸؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۶۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، صص۲۴ ۲۶ اصفهان، نور صادقی، ص۲۵۳.

میرزا ابوتراب ثقه الاسلام نایینی

میرزا ابوتراب ثقه الاسلام نایینی بن میرزا ابوطالب بن میرزا محمّد معروف به باغچه ای ابن میرزا علی رضا نایینی، مردی فاضل و دانشمند بوده، در اوائل مشروطیت ایران، طبق نظریّه و دستور مرحوم ثقه الاسلام حاج آقا نوراللّه مسجدشاهی در عدلیه وارد شده، و کلیه اهالی اصفهان در حسن عمل او و سلیقه اش در فیصله دادن به مرافعات، راضی بودند، در سال ۱۳۰۶ش / ح ۱۳۴۶ق به سنّ شصت و اندی در اصفهان وفات یافت.(۱)

شیخ ابوتراب کلباسی

حاج شیخ ابوتراب بن شیخ محمّدجعفر بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل در دوشنبه ۱۷ جمادی الاوّل ۱۲۷۹ق در اصفهان متولّد شد. پس از اتمام مقدّمات و سطح برای ادامه تحصیل به همراه برادرش موسی به نجف اشرف رفت، و نزد حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی تلّمذ نمود، و از حاج میرزا حسین خلیلی اجازه اجتهاد دریافت نمود، و به زادگاه خویش بازگشت، و به تدریس و انجام وظایف شرعی پرداخت. در ۷ ذی القعده ۱۳۳۷ق وفات یافت، و در قبرستان وادی السّلام نجف مدفون شد. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. حواشی بر کفایه ۲. رسائلی در فقه ۳. السّعه و الرّزق که مجموعه احادیثی در این باب است.(۲)

سیّدابوتراب ملکی اصفهانی

سیّدابوتراب بن حسن بن مرتضی بن علیّ بن حسین حسینی ملکی اصفهانی، عالم فاضل در قرن سیزدهم.

در تاریخ سه شنبه ربیع الثّانی ۱۲۱۹ کتابت نسخه ای از کتاب تحفه السنیه از تألیفات مرحوم سیّدعبداللّه بن نورالدّین بن سیّدنعمت اللّه جزائری را به پایان رسانیده است.

۱- تاریخ نایین، ج۴، ص۵۵.

۲- نقباءالبشر، ج۱، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۲۲؛ ماضی النّجف، ج۳، ص۲۳۳؛ خاندان کلباسی، صص۱۹۸ ۲۰۰.

نسخه به شماره ۵۱۸۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

میرزا ابوتراب بروجردی

میرزا ابوتراب بروجردی، عـالم فاضـل، فقیه زاهـد، در محلّه شـمس آبـاد اصـفهان سـاکن بوده، و در مسـجد آن جا امامت می نموده، در شب یک شنبه ۱۵ شوّال ۱۳۲۸ق وفات یافته، و در تخت فولاد بیرون بقعه مادر شاه زاده مدفون شده است.(۲)

ملّاابوتراب زفره ای

ملّاابوتراب زفره ای فرزند ملّا علی عرب، عالم فاضل در اصفهان نزد شیخ مرتضی ریزی آقاشیخ محمّدتقی آقانجفی، آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و دیگران تحصیل کرد، و در قریه بَرزان در حومه اصـفهان سـاکن شـد، و سـرانجام در سال ۱۳۳۴ق وفات یافت، و در تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

ابوتراب اصفهانی

میرزا ابوتراب اصـفهانی فرزنـد میرزا محمّدعلی (یا میرزا محمّدطاهر) (میرزا محمّدعلی و میرزا محمّدطاهر برادر می باشـند)، از شعرای قرن دوازدهم هجری. در اوائـل «غبـار» تخلّص می نمود، بعـدا تخلّص خویش را تراب قرار داد. در زمان صـفویّه به هند مسافرت نمود، و در سال ۱۱۳۴ در آن جا کشته شد. پدرانش در دفترخانه سلاطین صفویّه، منشی بوده اند.

از اشعار او است:

طفل بد خوی سرشک من نمی گیرد قرار خواب و آسایش مگر در دامن محشر کند(۴)

۱- فهرست کتابخانه مجلس، ج۱۶، ص۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۳ نقباءالبشر، ج۱۴۷۰۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۴.

۴- خزانه عامره، ص۱۷۲؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۶۹.

شیخ ابوتراب زاهدی

شیخ ابوتراب بن شیخ علی محمّد زاهدی، عالم فاضل، از سلسله مشایخ بیدآباد بود، در ۲۹ ذی القعده ۱۳۶۳ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

دکتر ابوتراب نفیسی

دکتر ابوتراب بن عبدالمهدی نفیسی طبیب حاذق و استاد ماهر متدیّن: در سال ۱۲۹۳ خورشیدی (۱۳۳۳ قمری) در پوده از دهات سمیرم اصفهان متولّد گردیده، و در مولد خود و اصفهان و تهران، تحصیلات دوره ابتدایی و متوسّطه و دانشکده پزشکی را به پایان رسانید، سپس به خدمت دولت وارد گردید، مراحل مختلف را پیمود، از دانشیاری و استادی و ریاست بیمارستان و ریاست پزشکی و غیره.

سفری به آمریکا نمود، و در آن جا یک دوره بیماری های قلب را مطالعه کرد، و در آن تخصّص یافت. فعلاً از پزشکان معروف اصفهان و به حسن معالجه و حذاقت مشهور و ضمنا طبّ قدیم را نیز خوانده، و در آن فن نیز استاد است.

کتاب های زیر از او است: ۱. ترجمه من لایحضره الطّبیب تألیف محمّد بن زکریّای رازی ۲. ترجمه برء السّاعه تألیف محمّد بن زکریّای رازی ۳. درسی از قرآن ۴. نشانه شناسی اعصاب ۵. نشانه شناسی دستگاه تنفّس و گردش خون، دو جلد ۶. نشانه شناسی سینه و تعبیر علائم آن، چهار جلد.(۲)

سیّدابوتراب موسوی

سیّدابوتراب بن محمّد موسوی اصفهانی، از فضلای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب الاصول الاربع مائه را در جواب پرسش شیخ محسن بن محمّد رفیع رشتی اصفهانی تألیف نموده که در مجموعه های ۲۰۶۵ و ۲۰۶۸ در کتابخانه آیت اللّه العظمی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۵؛ بیان المفاخر، ج۲۳۳۲.

۲- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۱۲۶؛ نبض حیات؛ اطّلاعات نویسنده.

مرعشی نجفی موجود است.(۱)

ابوتراب خلیفه سلطانی

سیّدابوتراب بن سیّدمرتضی بن سیّدعلیّ بن سیّدمرتضی بن سیّدعلیّ بن سیّدعلاءالدّین حسین خلیفه سلطان، از بزرگان سلسله خلیفه سلطانی در قرن دوازدهم هجری است. بعد از کشته شدن نادرشاه، کریم خان زند و ابوالفتح خان بختیاری و علی مرادخان که هریک داعیه سلطنت داشته، و بدان امید می گذرانیدند، قرار بر آن دادند که یکی از فرزندزادگان صفوی را به نام سلطان انتخاب کرده، و خود در امور دخالت کنند. قرعه این فال به نام میرزا ابوتراب زده شد، و او را به نام شاه اسماعیل سوم نامیدند. پس از آن که کریم خان زند فی الجمله قدرتی یافت، و بر حریفان خود غالب گردید، شاه اسماعیل سوم را چندین سال در قلعه آباده مقیّد و محبوس ساخته، مقارن فوت خود (یعنی سال ۱۱۹۳ق) او را به اصفهان فرستاده، و او را درخانه های پدری خود ساکن گردانید، و در همان چند روز به عالم جاودانی شناخت. ظاهرا صاحب عنوان، در مزار ستّی فاطمه اصفهان که مزار خانوادگی سادات خلیفه سلطانی است، مدفون شده است.(۲)

سیّدابوتراب درچه ای

حاج سیّدابوتراب مرتضوی فرزند آقاسیّدمهدی درچه ای عالم فاضل در روز عاشورا (۱۰ محرّم الحرام) سال ۱۳۳۲ق متولّد شد. تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار خود آغاز نموده، و در اصفهان از درس حاج آخوند زفره ای، شیخ محمّد حکیم خراسانی، میرسیّدعلی مجتهد نجف آبادی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، شیخ محمّدرضا نجفی، حاج آقا رحیم ارباب، آقاسیّدمحمّدرضا خراسانی و حاج میرسیّدعلی بهبهانی بهره گرفت. وی در کنار تحصیل به تدریس مشغول بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او به همکاری با

۱- فهرست مرعشی، ج۶، ص۷۶ و ۸۱.

۲- مجمع التّواریخ، صص۱۴۴ و ۱۴۹؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۵؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۱۶۲.

دستگاه قضایی پرداخت، و چندی در اصفهان حاکم شرع بود. او سال ها نماز جماعت را در مسجد حاج محمّدجعفر آباده ای اقامه می نمود. ایشان سرانجام در ظهر روز جمعه ۷ شعبان ۱۴۱۱ق وفات یافت، و در امام زاده درب امام اصفهان مدفون شد.(۱)

میرزا ابوتراب حجاب اصفهانی

میرزا ابوتراب اصفهانی متخلّص به «حجاب»، شاعر ادیب فاضل، ساکن محلّه عبّاس آباد اصفهان بوده با لطف علی بیک آذر مؤلّف آتشکده، دیدار کرده، و در زمان نادرشاه افشار وفات یافته است. از او است:

زین پیش گردون در شیر من خون می کرد، و اکنون در باده ام آب(۲)

ابوتراب خادم اصفهانی*

ابوتراب اصفهانی، شاعر ادیب متخلّص به «خادم»، این بیت از او است:

ز درد انتظار صبح رویش در شب هجران به جای شمع بر بالین چشمم خواب می سوزد(۳)

ابوتراب فرقتی جوشقانی

ابوتراب بیگ جوشقانی کاشانی متخلّص به «فرقتی» فرزند خواجه علی بیگ انجدانی، شاعر ادیب، در کاشان نشو و نما یافت، و در دربار شاه عبّاس اوّل در اصفهان احترام و اعتبار فراوان پیدا کرد، سرانجام در سال ۱۰۲۶ در کاشان وفات یافت، و در قبرستان دشت افروز کاشان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش این بیت است:

۱- مزارات اصفهان، صص۲۰۶ ۲۰۷.

۲- تذکره روز روشن، ص۱۹۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حجاب اصفهانی»، ص۲۹۱؛ سفینه المحمود، ص۲۴۹؛ الذّریعه، ج۹، ص۲۳۲؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۲۸۸؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۱۲.

۳- تذکره روز روشن، ص۲۳۳.

«گفت علمی به سال تاریخش: «قدوه شاعران ایران کو»

دیوان اشعار او بالغ بر دو هزار بیت بوده است.(۱)

ابوتراب هدایی بختیاری

حاج میرزا ابوتراب همدانی شاعر ادیب، اصلاً از اهالی بختیاری و از ایل معروف به قائد است. در سال ۱۳۱۳ قمری در شهرستان اراک متولّد گردید، و تحصیلات قدیمه خویش را در نزد اساتید آن سامان به پایان رسانید. اغلب اشعار و مقالات دینی و اجتماعی او در روزنامه آیین اسلام و نشریّه های انجمن تبلیغات اسلامی چاپ می شد. جزوه ای از اشعارش به نام بهاریه به طبع رسیده است.(۲)

میرزا ابوتراب هرندی

میرزا ابوتراب هرندی، از سلسله نحوی های هرند، عالم فاضل، در اصفهان ساکن و در شعبان ۱۳۲۱ق وفات یافت، و در ضمن تکیه سر قبر آقا در اصفهان مدفون شد.(۳)

سیّدابوجعفر خادم الشّریعه

آقا سیّدابوجعفر خادم الشّریعه فرزند علّامه رجالی سیّدصدرالدّین محمّد موسوی عاملی، عالم فاضل متّقی. مادرش دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء بوده است. در حدود سال ۱۲۴۵ق متولّد شد، و نزد علمای اصفهان و نجف ازجمله پدر بزرگوار خود و حاج سیّداسداللّه بیدآبادی تلمّذ نمود، و به دامادی مرحوم بیدآبادی مفتخر گردید، برخی از رسائل فقهی و اصولی خود را به نظر ایشان رسانید، و سیّد بیدآبادی پشت آن تقریظ نگاشت، و از فضل و علم و بزرگواری مؤلّف آن، مدح و ثنا گفته است.

ایشان از علماء معروف اصفهان و ساکن محلّه چهارسوق درب شیخ از متفرّعات محلّه بیدآباد بوده است. سرانجام در ۱۴

۱- تذکره میخانه، ص۴۱۳؛ تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۱۵؛ الذّریعه، ج۹، ص۳۷، مشاهیر کاشان، ص۱۱۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۳۲.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۲.

صفر ۱۳۳۴ق در این شـهر وفات یافت، و در تخت فولاد مـدفون گردیـد، و بعدا فرزندش حاج آقا مجلس برای او تکیه و بقعه ای بنا نهاد، و در داخل بقعه و صـحن و اتاق ها عدّه ای از علماء و حکماء و اطبّاء اصـفهان مدفون شدند. مادّه تاریخ بنای بقعه این است: «قل ان الجنّه للمتّقین». تاریخ وفاتش این بیت است:

یکی آمد برون ز الهام غیب آورد تاریخش: «شده طیّار سوی کوی حق روح ابوجعفر»(۱)

شیخ ابوجعفر مازندرانی

شیـخ ابوجعفر مازنـدرانی اصـفهانی، از علماء قرن دوازدهم و مجاز از شـیخ محمّد مکّی از اعقاب شـهید اوّل بود، تاریخ اجازه ۱۱۸۳، و هم چنین مجاز از سـیّدعبداللّه تستری است، و در آن جا وی را به «الفاضل الجامع المحقّق القاضـی باصـفهان» وصف می کند، تاریخ اجازه ۱۱۶۸ می باشد.(۲)

ابوحاتم رازی

ابوحـاتم احمـد بن حسن بن هارون بن احمـد رازی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۴۵ق در اصفهان ساکن بوده، و حدیث می گفته است. ابن مقری از او حدیث نقل می کند.(۳)

ابوحاتم رازی

ابوحاتم محمّـد بن ادریس بن منـذر بن داوود بن مهران رازی [حنظلی] جزی، از محـدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری. وی از اهـالی قریه جز [گز بُرخوار] بوده است. در سال ۲۴۰ق متولّد شده، و جهت اخذ حدیث به شام، مصـر و عراق سفر کرده است. ابو عمرو بن

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۳؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۳۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۲۶۷؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد۵۵.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۵۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۳؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۲۶۶؛ الذّریعه، ج۱۱، ص۲۷.
۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۷.

حکیم و عبداللّه بن محمّد بن یعقوب از وی روایت می کنند. او در سال ۳۲۷ق وفات یافته است.

کتب زیر از او است: ۱. الخراج و التّعدیل، در چندین مجلّد، مطبوع ۲. کتاب در ردّ قول به رجعت ۳. زینه، در تفسیر الفاظ متداوله میان ارباب علوم.(۱)

ابی حامد اصفهانی

امام ابی حامد اصفهانی، از دانشمندان اصفهان و مؤلّف کتاب البصائر فی الوجوه و النّظائر است.(۲)

ابوحرب دیلمی

ابوحرب نوشروان بن شیرزاد بن ابوالفوارس متصوّف دیلمی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوبکر بن ریذه ضبّی و ابوالقاسم علیّ بن احمد بن مهران مدینی استماع حدیث کرده، و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۳)

ابوالحسن آتشکده گزی

ابوالحسن هادیان گزی متخلّص به «آتشکده» شاعر معاصر در قریه گز از بلوک برخوار اصفهان متولّد شد، و تحصیلات خویش را در اصفهان تا ششم ادبی به پایان رسانید. گاهی شعر می سرود، و دیوان اشعاری دارد. از او است:

بهار عمر من نرگس خمار تو جانا ز تندباد حوادث بدین قرار نماند

نسیم صبح خزان چون وزد معلوم که روزگار جوانی چو نوبهار نماند(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۰۱؛ مرآه الجنان، ج۱، ص۳۰۶؛ الانساب، ج۳، ص۲۵۷؛ اللّباب، ج۱، ص۲۷۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۵ ۶.

۲- کشف الظّنون، ج۱، ص۲۴۶.

۳- التّحبیر، ج۲، ص۳۵۱.

۴- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۸.

ابوالحسن اصفهانی

از اصحاب حضرت امام صادق علیه السلام است. در کتب رجال، ذکری از او نشده است. ثقه الاسلام کلینی در کافی (ج۲، کتاب الایمان و الکفر، باب الکتمان، ۹۸، حدیث ۱۲) به روایت یونس از ابوالحسن اصفهانی از امام صادق علیه السلام و (ج۲، باب النّمیمه، ۱۵۹، حدیث ۳) نیز به شرح فوق، و (ج۶، کتاب الاطعمه، باب الألبان، ۸۴، حدیث ۷) به روایت قاسم بن محمّد جوهری از ابوالحسن اصفهانی از امام صادق علیه السلام این چنین وی را از راویان امام صادق علیه السلام معرّفی نموده است.(۱)

ابوالحسن اصفهانی

ابوالحسن اصفهانی شاعر و ادیب در قرن هشتم و نهم هجری. از شاعران پیرو طریقه حروفیّه بوده، در سال ۷۷۱ق در سنّ نوزده سالگی در اصفهان خدمت فضل اللّه نعیمی استرآبادی مؤسّس فرقه حروفیّه رسیده، و در سال ۸۰۲ جاودان نامه را به نظم درآورده است؛ بنابراین، تولّد او حدود سال ۷۵۲ بوده، و سال فوت او معلوم نیست.(۲)

ابوالحسن اصفهانی*

ابوالحسن اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. خطّ ثلث را با مهارت و استادی می نوشت. از آثار او کتیبه سردر جنوب شرقی مسجد جامع اصفهان به خطّ ثلث خوش در سال ۱۲۱۸ق وجود دارد.(۳)

میرزا ابوالحسن شمس آبادی

حاج میرزا سیّدابوالحسن آل رسول (شمس آبادی) فرزند آقا سیّدمحمّدابراهیم بن عبداللّه

۱- تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۱۸۱ ۱۸۲؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۳.

۲- تاریخ نظم و نثر فارسی، ج۲، ص۷۷۱.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۴۶؛ آثار ملّی اصفهان، ص۵۶۶؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص۸۱؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۳۹۷.

بن میرمحمّد علیّ بن میر سیّدمحمّد موسوی شاهاندشتی مازندرانی اصفهانی، عالم فاضل فقیه زاهد، از علمای مشهور اصفهان در عصر حاضر در سال ۱۳۱۹ق در اصفهان متولّد گردید، و نزد ملاّمحمّدابراهیم مقدّمات را فرا گرفت. سپس نزد حاج ابوالقاسم زفره ای، آقا شیخ احمد حسین آبادی، آقا میرزا احمد مدرّس، آخوند ملاّمحمّدحسین فشارکی، میرسیّدعلی نجف آبادی، سیّدعلی اصغر برزانی، شیخ محمّدعلی فتحی دزفولی، ملاّمحمّد همامی و آقا سیّدمحمّد نجف آبادی به تحصیل پرداخت.

ایشان در سال ۱۳۵۵ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و از درس علمای اعلام و مراجع عظام آقا سیّدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، حاج میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا سیّدعبدالهادی شیرازی، میرزا محمّدحسین نایینی و شیخ محمّدکاظم شیرازی بهره گرفت، و در تحصیل معلومات خود کوشید تا به درجه اجتهاد نائل آمد، و از اساتید خویش اجازه دریافت نمود، و پس از ۱۲ سال تحصیل به اصفهان بازگشت، و به حلّ مشکلات شرعی مردم، اقامه جماعت، و تدریس پرداخت.

در ابتدا وکیل تامّ الاختیار آیت اللّه العظمی بروجردی و سپس آیت اللّه العظمی خویی در اصفهان بود.ایشان در تأسیس و اداره بسیاری از مؤسّسات خیریّه و مذهبی اصفهان نقش مؤثّری داشت که از آن جمله است مؤسّسه خیریّه ابابصیر و مؤسّسه خیریّه مهدیّه. هم چنین در یاری نیازمندان و هدایت گمراهان تلاش بسیار نمود، و ازجمله جهت مقابله با فرقه ضالّه بهاییّت، فداکاری ها نمود. ایشان سرانجام در ۷ ربیع الثّانی ۱۳۹۶ق توسّط افراد منحرف از ولایت، در هنگام طلوع فجر از نزدیکی مسجدی که در آن نماز می خواند ربوده شد، و در نزدیک درچه پیاز شهید گردید. مردم اصفهان، پیکر او را با شکوه فراوان تشییع، و به تخت پولاد برده، نزدیک لسان الارض مدفون نمودند، و ایشان به شهید اصفهانی معروف، و بقعه ای بر مزار ایشان بنا شد. ایشان اوّلین شهید تکیه شهدا [گلستان شهدا] در تخت فولاد اصفهان به شمار می روند، و پس از ایشان، هزاران نفر از شهیدان انقلاب و جنگ با عراق، در این تکیه مدفون گردیدند. ادیب فرزانه، استاد فضل اللّه اعتمادی (برنا) در تاریخ شهادت ایشان گوید:

نوشت بیت فصیحی بدون تعمیه برنا قلم چو خواست سال شهادتش بنگارد:

«ابوالحسن بِرَهِ بندگی واحد دانا بود شهید و بمینو نماز صبح گزارد»

از او است: ۱. اشعاری در فضایل و مناقب و مراثی و مصائب حضرات معصومین علیهم السلام ۲. تقریرات اصولی و فقهی اساتید خود (غیر مرتّب و نامنظّم) ۳. رساله در اصول دین، مختصر ۴. شرح صحیفه سجّادیّه ۵. موعظه ابراهیم(۱).

سیّدابوالحسن شهشهانی

سیّدابوالحسن بن سیّدمحمّدابراهیم شهشهانی عالم فاضل [ظاهرا از شاگردان آقامحمّد شهشهانی بوده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز احتمال داده است که سیّدابوالحسن از شاگردان حاج محمّدابراهیم قزوینی باشد].(۲) این تألیفات از او است: ۱. سدره المنتهی فی شرح جنّه المأوی، در فقه، به عربی، متن از آقا سیّدمحمّد شهشهانی است، و شرح مذکور در محرّم ۱۲۶۹ تا ربیع الاوّل ۱۲۷۱ق نوشته شده است، این نسخه به شماره ۱۴۷۳ و نسخه ناقص دیگری به شماره ۱۷۵۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.(۳)] ۲. الغرّه الحنفیّه فی شرح درّه النّجفیّه، به عربی در فقه، موجود در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم(۴)].

سیّدابوالحسن موسوی

سیّدابوالحسن بن سیّدمحمّدابراهیم موسوی، عالم فاضل، از بنی اعمام حاج سیّدمحمّد باقر حجّت الاسلام شفتی بوده، در اصفهان سکونت داشته، و عمده تحصیلاتش نزد سیّد حجّت الاسلام بوده است. پس از فوت، در مقبره کوچک واقع در دالان مسجد سیّد اصفهان مدفون شد. سال فوتش به دست نیامد. اولاد و اعقابش به موسوی و کابلی شهرت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۱۰۳۷ ۱۰۳۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۱؛ تحفه الابرار، ج۲، صص۵۲۱ ۵۲۶؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۹۹؛ شهدای روحانیّت شیعه، ص۲۵۴ ۲۵۷؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، صص۱۰۳ ۱۰۴؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص۳۵۶ ۳۵۸؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۰.

۲- الکرام البرره، ج۱، صص۳۱ ۳۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۴، ص۲۶۵ و ج۵، ص۱۴۰.

۴- فهرست گلپایگانی، ص۵۳۹.

دارند.(۱)

ابوالحسن میرزا حسینی اصفهانی

ابوالحسن میرزا فرزند ابوالحسین میرزا حسینی اصفهانی عالم فاضل، ادیب شاعر. در علم فقه و حدیث مهارت داشته، و درویش مشرب، پاک طینت و درست عقیده بوده، و گاهی به اقتضای حال، اشعاری می سروده است.(۲)

میرزا ابوالحسن قهی اصفهانی*

حاج میرزا ابوالحسن قهی قهپایه ای اصفهانی بن محمّد اسماعیل بن حاج ابوالحسن آقا علی اکبر بن آقاعبّاس، عالم فاضل، در روستای قهی قهپایه اصفهان متولّد شده، در اصفهان نزد آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقایی و میرزا ابوالمعالی کلباسی کسب فیض نمود، و از شیخ محمّدعلی نجفی مسجد شاهی، شیخ محمّدتقی آقانجفی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی اجازه دریافت نمود. وی در ۱۵ شعبان ۱۳۶۳ق در زادگاه خود وفات نمود، و همان جا دفن شد.(۳)

میرزا ابوالحسن گلستانه

میرزا ابوالحسن بن محمّد امین بن میرکمال الدّین بن علاءالدّین محمّد گلستانه، مورّخ و ادیب قرن دوازدهم هجری.] وی سال ها در خدمت عمویش میرزا محمّدتقی حاکم کرمانشاه بوده، و چندی نیز وزارت او را داشته است. سرانجام به زیارت عتبات عالیات رفته، و پس از قتل عمویش به هندوستان مهاجرت نموده]، و در آن جا به نوشتن تاریخ ایران پس از عصر نادر تا سال ۱۲۰۳ق پرداخته است، و کتاب را مجمع التّواریخ نامیده است.(۴)

۱- بیان المفاخر، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳- مجلّه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۶۳.

۴- زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ الذّریعه، ج ۲۰، ص ۴۹؛ مجمع التّواریخ، ص شانزده سی و یک (مقدّمه).

سیّدابوالحسن درچه ای زاده*

آقا سیّدابوالحسن درچه ای زاده فرزند آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، عالم فاضل معاصر. وی در اصفهان نزد حاج آقا رحیم ارباب، سیّد ابوالحسن شمس آبادی، سیّد عبدالحسین طیّب و دیگران بهره برد، سپس به تدریس ادبیّات پرداخت، و پنجاه سال به این امر مشغول بود. ایشان عالمی زاهد و عابد، و اهل تهجّد و ذکر بوده، و گاه گاهی نیز به منبر می رفت، و مردم را وعظ و ارشاد می نمود.

سرانجام در تاسوعای حسینی (۹ محرّم) ۱۴۱۴ق وفات یافت، و در امام زاده درچه مدفون گردید.(۱)

ابوالحسن کهپایه ای

ابوالحسن بن محمّدجعفر کهپایه ای، فاضل نویسنده، از فضلای قرن ۱۲ در اصفهان. از آثار او نسخه ای از کتاب معارج الاصول تألیف محقّق حلّی است که آن را در ذی حجّه سال ۱۱۲۵ به خطّ نسخ نوشته است. نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است.(۲)

سیّدابوالحسن کتابی*

سیّدابوالحسن کتابی بن حاج سیّدمحمّدجواد بن حاج سیّدمحمّدصادق کتابفروش، دانشمند فرزانه در حدود سال ۱۳۱۱ یا ۱۳۱۲ق در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیل در محضر علمای عالی قدر اصفهان به نجف اشرف عزیمت نمود، و نزد علمای آن دیار خصوصا آخوند خراسانی، آقا سیّدمحمّدکاظم طباطبایی یزدی و شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی به تحصیل پرداخت سپس به اصفهان بازگشت. پس از قضایای متّحدالشّکل شدن لباس، ایشان عمامه را به کلاه تبدیل کرد، و به حرفه وکالت

۱- یادداشت آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۲- فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد، ص۳۹۹.

روی آورد. سرانجام همه آن اشتغالات را رها کرد، و در منزل انزوا اختیار نمود، ترک معاشرت با خلق را برگزید، و به مطالعه و عبادت مشغول شد، و جز مباحثه و گفت وگوی علمی با معدودی از اهل کمال، پیِ کار دیگری نرفت تا این که سرانجام در سال ۱۳۹۸ق وفات یافت، و در تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. آن مرحوم، کتابخانه ای قابل توجّه و آبرومند داشت که دارای نسخه های نفیس خطّی و چاپ سنگی بود، و بسیاری از آن ها را به کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم اهداء نمود، و یا به آن کتابخانه فروخت، و مابقی آن ها پس از وفات، به تملّک دیگران درآمد. او اگرچه اهل تألیف و تصنیف نبود؛ امّا تعدادی از نسخه های کتابخانه خود را کتابت نموده بود، و خطّ نسخ را زیبا می نوشت. حاج سیّدابوالحسن کتابی مردی فاضل و دانشمند بود؛ امّا طبع او ریاست دنیوی و اشتغالات روزمرّه را نمی پسندید، و خصوصا در نیمه دوم عمر خویش به مطالعه و عبادت پروردگار، رغبت بسیار نشان می داد، و در میان مردم به تقوا و قداست مشهور بود.(۱)

ابوالحسن فروغی

میرزا ابوالحسن فروغی فرزند میرزا محمّدحسین ذکاء الملک بن آقا محمّدمهدی ارباب اصفهانی بن محمّدرضا، شاعر و ادیب دانشمند. وی در سال ۱۳۰۱ق در تهران متولّد گردیده، و تحصیلات قدیم و جدید خود را در تهران به پایان رسانیده است. مدّتی در دارالمعلّمین عالی به تدریس تاریخ و جغرافیا مشغول بود. زمانی هم نمایندگی دولت ایران در سوییس و جامعه ملل را داشته، و در کنگره مستشرقین و خارکف نیز شرکت نموده است. وی عضو فرهنگستان ایران بوده، و مجلّه فروغ تربیت را انتشار داده، و یک سال نیز سرپرستی مجلّه تعلیم و تربیت را بر عهده داشته است. او سرانجام در شب ۱۲ شعبان سال ۱۳۷۹ق در تهران وفات یافت. کتب زیر از او است: ۱. اوراق مشوّش ۲. تاریخ ادبیّات ایران، به اتّفاق برادرش محمّدعلی فروغی ۳. سرمایه سعادت ۴. شرح حال آقاشیخ هادی نجم آبادی که در مقدّمه تحریر العقلا به چاپ رسیده است ۵. شیدوس و ناهید ۶. کتابی به فرانسه در موضوع عقاید فلسفی [۷. تاریخ عالم]. این شعر از او است:

من از این متاع دنیا به جوی نظر ندارم درِ سروری نکوبم، سر درد سر ندارم

تو و کوشش زیادت، من و عزلت و قناعت که تو دردسر پسندی و من این هنر ندارم(۲)

۱- به نقل از محقّق و دانشمند گران مایه، جناب آقای دکتر محمّدباقر کتابی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۵۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۴۹ ۱۵۰؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۵۸۲؛ سخنوران معاصر، ج۲، ص۲۱۷.

ملّاابوالحسن فتونی عاملی

ملّاابوالحسن فتونی عاملی فرزند محمّد طاهر بن عبدالحمید بن موسی بن علیّ بن محمّد بن معتوق بن عبدالحمید فتونی نباطی نجفی، عالم فاضل محقّق مفسّر، از اجداد مادری صاحب جواهر است. چون مادرش خواهر امیر محمّدصالح خاتون آبادی بوده، وی را «شریف» گویند، و به مناسبت سکونتش در محلّه درب امام اصفهان به امامی معروف شده است.(۱) وی در حدود سال ۱۰۷۰ق در اصفهان متولّد شده، و در این شهر به تحصیل پرداخته، و ازجمله از درس علاّمه ملاّمحمّدباقر مجلسی بهره برده، و سپس به نجف اشرف عزیمت کرده، و در سال ۱۱۳۸ق در آن جا وفات یافته است.(۲) جمع کثیری از علماء، همچون فرزندش ابوطالب و شیخ احمد بن اسماعیل جزایری، سیّدنصراللّه مدرّس حائری و شیخ عبداللّه بن کرم اللّه حویزی از او اجازه دریافت نموده اند.(۳) کتب زیر از تألیفات او است:

۱. الانساب ۲. تنزیه القمّیین ۳. حدائق الالباب ۴. حقیقه مذهب الامامیّه ۵. شرح صحیفه سجّادیه ۶. شرح عهدنامه مالك اشتر ۷. الرّساله الرّضاعیه ۸. الشّریعه الشّیعه و دلائل الشّریعه، شرح بر مفاتیح فیض کاشانی ۹. شرح کفایه محقّق سبزواری ۱۰. ضیاء العالمین، در امامت ۱۱. طریق الرّوایه عن ابن ابی الدّنیا ۱۲. فوائد غرویّه ۱۳. فوائد المکّیه ۱۴. کشکول ۱۵. مرآه الانوار یا مشکاه الانوار در تفسیر، که در تهران به عنوان مقدّمه تفسیر برهان تألیف شیخ عبداللّطیف کازرونی در سال ۱۲۹۵ طبع شده، حال آن که از میرزا ابوالحسن فتونی است ۱۶. معراج الکمال ۱۷. نصائح الملوك(۴) و غیره.

۱- الکواکب المنتشره، صص۱۷۴ ۱۷۵؛ هدیه الاحباب، ص۱۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۱؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص۹ ۱۰.

۳- تلامذه العلامه المجلسی، ص۱۲ و ۱۳.

۴- الذّریعه (مجلّدات مختلف)؛ الکواکب المنتشره، صص۱۷۴ ۱۷۵؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۵۵؛ مصفّی المقال، ستون ۲۸؛ فهرست سپهسالار، ج۲، صص۳۳ ۳۴.

میرزا ابوالحسن عمادالشّریعه

میرزا ابوالحسن عمادالشّریعه فرزند سیّدعبّاس بن حاج سیّدمحمّدعلیّ بن حاج میرزا رحیم دوم سدهی، عالم فاضل. در حدود سال ۱۲۹۰ق در محلّه خوزان سِدِه [خمینی شهر] متولّد شد، و در اصفهان در خدمت آخوند ملاّعبدالکریم گزی، میرزا احمد اصفهانی، آخوند ملاّمحمّد کاشانی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای و آقا سیّدحسن مشکان طبسی درس خواند. وی سرانجام به سنّ متجاوز از هفتاد سال در سال ۱۳۶۱ق در زادگاه خود خوزان وفات یافت، و در جوار امام زاده سیّدمحمّد سده مدفون شد. مشارٌالیه پدر آقایان دکتر سیادت می باشد، و خود، مردی بسیار هوشیار و با استعداد [بود [که نسبت به تحصیل فرزندان خود کمال علاقه را به خرج داد، و حتّی از فروش املاک نیز خودداری ننمود.(۱)

میرزا ابوالحسن تویسرکانی

میرزا ابوالحسن بن میرزا عبدالغفّار بن سیّدمحمّدحسین حسینی تویسرکانی، عالم فاضل فقیه جامع، در سال ۱۲۹۵ق در اصفهان متولّد [شد]، و در این شهر تحصیل نمود. سال ها در مسجد حاج محمّدجعفر آباده ای اقامه جماعت می نمود، و از علماء متنفّذ اصفهان به شمار می رفت. سرانجام در صبح سه شنبه ۱۸ محرّم ۱۳۸۳ق وفات یافت، و در داخل بقعه تویسرکانی جنب مزار پدر و برادر بزرگوارش مدفون گردید.(۲)

میرزا ابوالحسن بروجردی

حاج میرزا ابوالحسن بروجردی بن حاج میر سیّدعلی طباطبایی بن عبدالکریم بن علیّ بن میر سیّدمحمّد، عالم فاضل زاهد، از علماء و مجتهدین بزرگ و مدرّسین اصفهان است. در اصفهان نزد حاج سیّدمهدی نحوی و آقا میرزا محمّدباقر صاحب روضات و میرزا محمّدحسن نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی تلمّذ نموده، و سپس به نجف اشرف

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۲۳۶ ۲۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۵۱ ۱۵۲؛ لطائف غیبیّه، ص بیست و هشت؛ خمینی شهر، ص۳۳۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۷.

مهاجرت نموده، و تحصیلات خود را تکمیل نموده، و پس از نائل شدن به اجتهاد، به اصفهان معاودت کرده، و به انجام وظایف شرعی مبادرت ورزیده است. سال ها امام جماعت مسجد درکوشک بوده، و در بین خاص و عام، محبوبیّت داشت. در اوائل مشروطه که در انجمن ولایتی، علمای بزرگ، امثال آقانجفی و دیگران گردآمده بودند، منطوقات ایشان، الحق مورد تحسین همگان می شد. مشارٌالیه در صبح جمعه ۱۸ ذی قعده ۱۳۴۸ق یک هفته پس از فوت عالم بزرگوار میرزا احمد مدرّس وفات نمود، و در تکیه ای مخصوص در تخت فولاد مدفون گردید، و بقعه ای بر مزار او بنا شد.

میرزا حسن خان جابری در باب سال وفات او و میرزا احمد سروده است:

از مقام قاب قوسینی یکی آمد بگفت: «بود در معراج احمد بوالحسن یار و رفیق»(۱)

ابوالحسن ریزی لنجانی

ابوالحسن بن علی ریزی لنجانی، از نویسندگان کتب و خطّاطان در قرن سیزدهم بود، از آثار او است: کتاب حدوث العالم تألیف محمّدنعیم طالقانی، که آن را به خطّ نسخ در آخر ماه رجب ۱۳۶۳ق نوشته، نسخه به شماره ۲۰۲۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) هم چنین صاحب عنوان در هفتم رجب ۱۲۶۲ مجموعه ای از چهار رساله در فلسفه و کلام را به خطّ نسخ نوشته که به شماره ۱۹۹۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

سیّدابوالحسن موسوی بیدآبادی

سیّدابوالحسن موسوی بن حاج سیّدمحمّدعلیّ بن حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی بیدآبادی، عالم فاضل محقّق، در سال ۱۳۲۰ق وفات یافت، و در مقبره جدّ

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۸۱ ۸۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص ۲۹۰؛ تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۲۷؛ نقباءالبشر، ص ۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۸۵؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج ۱، ص ۳۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۸۱.

۲- فهرست مرعشی، ج ۶، ص ۲۷.

۳- فهرست مرعشی، ج ۵، ص ۳۷۱.

بزرگوارش در مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.

فرزنـدش آقـا سیّدمحمّدحسین شـفتی، در تهران ساکن، و از علمای آن جا بوده، و فرزنـد دیگر آقا فرج اللّه بوده که در اواخر عمر، در قم ساکن شده است.(۱)

ملّاابوالحسن صفای جاجرمی

ملّا ابوالحسن جاجرمی خراسانی متخلّص به «صفا» فرزند ملّامحمّدکاظم متخلّص به «اداء»، عالم فاضل کامل، شاعر ادیب بارع، از دانشـمندان و ادبای قرن سیزدهم هجری. وی پس از تحصیل معقول و منقول، در تهران، معلّم محمّدتقی میرزا قاجار بوده، و سپس به اصـفهان آمـده، و در آن جـا سـاکن شـده است. در سـرودن شـعر فارسـی، عربی و ترکی اسـتاد، و در علـوم مختلف، مهارت داشته، و عمر را به تحقیق و تألیف سپری نموده است.(۲) سال وفاتش معلوم نیست.

ایـن کتـب و رسـاله هـا از آثـار او اسـت: ۱. اخلاـق الاولیـاء، منظـومه فارسـی خطـاب به فرزنـدش نصـراللّه که در سـال ۱۲۳۹ سروده(۳)، و نسـخه آن در کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهران به شماره ۲۶۰۶ موجود است.(۴) ۲. اخلاق، به فارسی. ۳. برکات القـائم لایقاظ النّائم، در اخلاق، که در سال ۱۲۳۰ق تألیف شده، و به شماره ۲۷۷۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۵) ۴. تحفه الاـمیر، که در آن به قـدر ثلث قرآن را تفسـیر نموده است. ۵. جهـادیّه، رسـاله ای است در وجوب جهاد، به فارسـی که در جریان جنگ های ایران و روسیه نوشته، و در جمعه ۲۶ جمادی الاوّل ۱۲۳۸ق از تـألیف آن فراغت یافته است. نسـخه آن در کتابخانه حاج شـیخ عبّاس قمی در مشـهد مقـدّس بوده است.(۶) ۶. رسـاله در جبر و اختیـار، که آن را در سـال ۱۲۲۹ق برای میرزا محمّـدتقی میرزا قاجـار تـألیف نموده است. ۷. دیوان صـفای جاجرمی ۸. رایات الاجتهاد، که در اصـفهان تألیف شده. ۹. سؤال و جواب، در عصمت و سؤالاتی است که جاجرمی از حکیم ملّاعلی نوری پرسیده است. ۱۰. هدیه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۷۶؛ بیان المفاخر، ج ۲، ص ۱۷۱؛ مزارات اصفهان، ص ۱۶۴.

۲- مشاهیر جاجرم، ج ۱، ص ۱۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳- الکرام البرره، ج ۱، ص ۳۶.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۹، ص ۱۴۶۱.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۱۰، ص ۱۶۲۸.

۶- الذّریعه، ج ۵، ص ۱۹۶.

المکیه، که آن را در هنگام تشرّف به حجّ در سال ۱۲۴۵ق به نظم کشیده است.(۱) ۱۱. ینابیع الحکمه، در مواعظ و اخلاق به فارسی، که در شعبان ۱۲۴۰ق تألیف شده، و در سال ۱۳۰۴ق به طبع رسیده است.(۲)

سیّدابوالحسن مرتضوی

حاج سیّدابوالحسن بن حاج سیّدمحمّدکاظم مرتضوی کرونی اصفهانی عالم فاضل متّقی، در حدود سال ۱۳۲۰ق در کرون متولّد شد، و تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوارش آغاز نمود، سپس به اصفهان آمد، و نزد شیخ احمد بیدآبادی، شیخ محمّدعلی فتحی دزفولی، حاج میرمحمّدصادق مدرّس خاتون آبادی، شیخ علی مدرّس یزدی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، حاج میرزا ابوالهدی کلباسی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی، آقا سیّدعلی نجف آبادی به تحصیل پرداخت، و از برخی از علماء اصفهان، همچون آخوند ملّامحمّدحسین فشارکی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی و آقا سیّدمحمّد نجف آبادی اجازه دریافت نمود، و این اجازات را علماء قم و نجف، همچون آقا سیّدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مورد تأیید قرار دادند. از دیگر اساتید ایشان میرزا طاهر تنکابنی در تهران و سیّدمحسن حکیم را در نجف اشرف می توان نام برد. ایشان عالمی وارسته و زاهد و عابد بوده، و به ارشاد مردم، و حلّ مشکلات شرعیّه آنان می پرداخته است. در جفر و اعداد و علوم غریبه نیز استاد بود. وی در صبح جمعه ۲۸ ذی قعده ۱۴۰۲ق در تهران وفات یافت، و در یکی از اتاق های مزار علیّ بن جعفر علیه السلام در قم مدفون گردید.

ابوالحسن فیضی

ابوالحسن بن محمّدمحسن فیضی، از فضلاء و نویسندگان قرن ۱۳ در اصفهان است. ظاهرا از شاگردان مرحوم آقا سیّدمحمّد مجاهد کربلایی اصفهانی بود. از آثار او کتابت نسخه ای از کتاب وسائل النّجاه مرحوم آقا سیّد است که در سال ۱۲۱۹ به خطّ نستعلیق در اصفهان نوشته شده است. نسخه به

۱- همان، ج۲۵، ص۲۸۸.

۲- همان، ج۲۵، ص۲۸۸.

شماره ۴۶۱ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است.(۱)

ابوالحسن ابرقوهی

ابوالحسن بن محمّد ابرقوهی اصفهانی، فقیه و دانشمند نیکوسیرت بوده، به اصفهان مهاجرت نموده، و در این شهر سکونت اختیار کرده، و تا سال ۵۸۶ق در این شهر زنده بوده است.(۲)

میرزا ابوالحسن جلوه

میرزا ابوالحسن جلوه فرزند سیّدمحمّد متخلّص به «مظهر» بن میرمحمّدصادق بن میرمحمّدحسین اوّل بن رفیع الدّین محمّد بن مهدی بن ابوالحسن بهاءالدّین محمّد بن میرزا رفیعا نایینی(۳). حکیم دانشمند و شاعر ادیب، در ذی قعده ۱۲۳۸ق در احمدآباد هند متولّد شد، و به همراه پدر به اصفهان آمد، در مدرسه کاسه گران ساکن شد(۴)، و نزد علمای این شهر، به خصوص میرزا حسن نوری و میرزا حسن چینی، فنون حکمت و فلسفه را آموخت(۵). در سال ۱۲۷۳ق به تهران رفت، و در مدرسه دارالشّفا که به خاطر احداث خیابان بوذرجمهری خراب شده است ساکن شد، و سال ها به تدریس کتب حکمت پرداخت. جلوه، عمر را مجرّد و بدون زن و فرزند به سر آورد، و مازاد معاش یومیّه را به فقراء، انفاق می کرد، اکثر اعیان و بزرگان زمان به صحبت او اشتیاق داشتند، و ناصرالدّین شاه مکرّر به حجره او می رفته است.(۶) از نوجوانی شعر می گفته، و «جلوه» تخلّص می نموده، دیوان اشعارش را آقای علی رسولی جمع آوری نموده، و در سال ۱۳۴۸ با مقدّمه آقای سهیلی خوانساری به چاپ رسیده است. وی سرانجام در شب جمعه ۶ ذی قعده ۱۳۱۴ق در تهران وفات یافت، و در ابن بابویه مدفون گردید(۷)، و نیّرالدّوله قاجار و میرزا احمد خان

۱- فهرست کتابخانه مسجد گوهرشاد، ص۳۴۲.

۲- فرهنگ نامه پارسی، ص۴۱۷.

۳- آتشکده اردستان، ج۱، ص ۱۹۱.

۴- همان، ج۲، صص۳۲۵ ۳۲۶.

۵- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص۶۰۸.

۶- ادبیّات معاصر، صص۳۸ ۴۰.

۷- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۶۰.

نصیرالدّوله شیرازی بقعه ای بر مزار او بنا کردند.(۱) میرزا ابوالقاسم در مادّه تاریخ او گوید:

طرب از حزن پی سال وفاتش بنوشت: «بولحسن جلوه کنان شد سوی فردوس برین»(۲)

کتابخانه ای مفصّل داشته که پس از فوت، به خواهرزاده اش حاج میرزا محمّد بن حاج میرزا تقی رسیده، و او، آن ها را به کتابخانه مجلس فروخته است.(۳) وی را تألیفاتی است از آن جمله: ۱. اثبات حرکت جوهریّه، مطبوع ۲. رساله ای در ترکیب و احکام آن ۳. تصحیح مثنوی مولوی، مطبوع ۴. حاشیه بر اسفار ۵. حواشی بر فصوص الحکم ۶. حواشی بر مبدأ و معاد ملّاصدرا، مطبوع ۷. ربط الحادث بالقدیم، مطبوع، در حاشیه شرح هدایه الاثیریّه ملّاصدرا ۸. رساله در وجود و اقسام آن ۹. دیوان اشعار، مطبوع ۱۰. شرح حال مجمر، مطبوع در دیوان خودش ۱۱. شرح حال خودش، مطبوع در نامه دانشوران.(۴)

این شعر از او است:

چون شد که در این غمکده یک هم نفسی نیست از هم نفسان بگذر و از اصل کسی نیست

بازار جهان جمله جزابین و مکافات عاقل به چه سان گفت که آن جا عسسی نیست

جز رفتن از این مرحله با مژده رحمت داناست خدا، در دل «جلوه» هوسی نیست(۵)

۱- طرائق الحقائق، ج۳، صص۵۰۷ ۵۰۸.

۲- ادبیّات معاصر، ص۳۹.

۳- آتشکده اردستان، ج۲، ص۳۳۴.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۰؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۴۲؛ الذّریعه، ج۲۵، ص۳۹.

۵- ریحانه الادب، ج۱، ص۴۱۹ ۴۲۰ و بنگرید به: جغرافیای اصفهان، ص۶۹؛ شمس التّواریخ، ص۳۳؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۴۳۱؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۴۷؛ تاریخ نایین، ج۱، ص۱۶۷ ۱۷۲؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفا، صص۴۶۷ ۴۹۱.

آقا سیّدابوالحسن اصفهانی

آقا سیّدابوالحسن اصفهانی بن سیّدمحمّد موسوی مدیسه ای لنجانی بن سیّدعبدالحمید بن سیّدمحمّد موسوی، از اکابر فقهای امامیّه و از مراجع تقلید جهان تشیّع، عالم فاضل کامل فقیه اصولی و متکلّم محدّث جامع در سال ۱۲۸۴ق در قریه «مدیسه» از توابع بلوک لنجان اصفهان متولّد، و برای تحصیلات خود راهی اصفهان شد، و در درس سیّدمهدی نحوی، آخوند کاشی، میرزا یحیی مدرّس و میرمحمّدصادق کتاب فروش و میرزاابوالمعالی کلباسی حاضر شد. سپس برای تکمیل آن به نجف اشرف عزیمت نمود. دو سال در درس میرزای شیرازی در سامرا شرکت نمود، و پس از وفات استاد، نزد آخوند خراسانی ادامه تحصیل داد، و پس از وفات وی، در درس میرزا محمّدتقی شیرازی حضور یافت، و سرانجام به اجتهاد نائل آمد، و از آخوند خراسانی، حاج میرزا محمّدتقی شیرازی، شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی و آقا سیّدحسن صدر اجازه روایت دریافت نمود. موقعیّت ایشان روز به روز تحکیم یافت، و شهرت ایشان از مرزهای عراق فراتر رفت، تا این که در سال ۱۳۴۴ق ریاست معنوی جهان تشیّع و مرجعیّت شیعیان در عراق، ایران، لبنان، افغانستان، پاکستان و هند به او اختصاص یافت.

پس از شکست عثمانی ها در جنگ جهانی اوّل و اشغال عراق به دست نیروهای انگلیسی و قیمومیّت انگلستان بر عراق، آقا سیّدابوالحسن اصفهانی برای مبارزه با اشغالگران، با همکاری میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی، میرزا حسین نایینی، سیّدمصطفی کاشانی و میرزا علی شهرستانی مردم را به قیام علیه کفّار تشویق نمودند؛ امّا با فوت سیّدمصطفی کاشانی و شریعت اصفهانی، این قیام سرکوب شد. بار دیگر علمای عراق همچون اصفهانی، شهرستانی و نایینی به حمایت از قیام عشایر جنوب عراق برخاستند، و فرمانروای انگلیسی عراق، آنان را به ایران تبعید کرد. ولی پس از هشت ماه، آنان به عراق بازگشتند.

او علاوه بر مرجعیّت و صدور فتوا، صدها شاگرد دانشمند تربیت نمود، و از لحاظ بزرگ منشی، درایت، زهد، و اهتمام به امور مسلمانان، الگویی کم نظیر به شمار می رفت. در شب ۱۶ صفر ۱۳۴۹ق طلبه ای جاهل به نام شیخ علی اردهالی کاشانی با کارد به سیّد محمّدحسن فرزند جلیل القدر او حمله

کرد، و در صف نماز، او را شهید نمود. آیت اللّه اصفهانی از او گذشت نمود، و با صبوری و توکّل بر خدا، تحمّل این مصیبت را بر خود هموار نمود. او در هنگام غروب آفتاب دوشنبه ۹ ذی الحجّه ۱۳۶۵ق در کاظمین وفات کرد، و پیکرش در یکی از حجرات صحن حضرت علی علیه السلام در نجف مدفون شد. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. انیس المقلّدین، که سیّدابوالقاسم صفوی اصفهانی آن را جمع آوری و تدوین نموده است ۲. حاشیه بر تبصره علاّمه ۳. حاشیه عروه الوثقی ۴. حاشیه نجاه العباد (تألیف صاحب جواهر) ۵. ذخیره الصّالحین ۶. ذخیره العباد، مطبوع ۷. شرح کفایه الاصول ۸. منتخب الرّسائل ۹. مناسک حج ۱۰. وسیله النّجاه، یک دوره فقه در دو مجلّد که شاگردش سیّدابوالقاسم صفوی آن را ترجمه نموده، و صراط النّجاه نامیده است ۱۱. وسیله النّجاه صغری (۱).

سیّدابوالحسن عاملی

سیّدابوالحسن عاملی اصفهانی فرزند سیّدصدرالدّین محمّد موسوی عاملی بن صالح، عالم فاضل زاهد، در اصفهان ساکن بود، و عمر را به عبادت گذرانده، و متولّی امام زاده شاه زاده ابراهیم در محلّه مستهلک اصفهان بود. وی پس از سال ۱۳۰۰ق وفات یافت.(۲)

ملاّ ابوالحسن قهجاورستانی

ملاّابوالحسن بن معزّالدّین محمّد قهجاورستانی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. قجاورستان (قه جاورستان) از دهات معتبر و بسیار قدیمی بلوک جی

۱- احسن الودیعه، ج۲، ص۱۰۹؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۱۴۳، ج۱، ص۴۲ ۴۳؛ آثار الحجّه، ج۱، ص۱۳۴؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۱۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۹۱ ۹۴؛ الذّریعه، ج۲۵، ص۸۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص۲۵۸۵ ۲۶۱۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص ۲۸۰ ۲۸۱؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۷، صص۹۴۳ ۹۴۴؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص۱۲۷ .۱۳۲

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۱، ص۲۶۸ ۲۶۹.

اصـفهان بوده، جمعی از شـهدای صدر اسلام و فاتحان اصفهان در آن قریه مدفون اند.(۱) صاحب عنوان، ساکن مسـجد جامع قدیم اصـفهان بوده، و شاگرد و مجاز از علاّمه مولی محمّدتقی مجلسـی علیه الرّحمه می باشد. وی در شب چهارشـنبه ۶ رجب سال ۱۰۶۶ کتـابت نسـخه ای از من لاـ یحضـره الفقیه را به پایـان رسانیـده، و آن را نزد علاّمه مجلسـی اوّل قرائت کرده، و آن مرحوم، به خـطّ مبـارک خویش، گواهی تصـحیح و قرائت آن را در آخر جزء چهارم کتاب، مرقوم فرموده است. کلیشه اجازه علاّمه مجلسی اوّل در فهرست کتابخانه آستان قدس موجود است.(۲)

میرزا ابوالحسن سلطان الاطبّاء

میرزا ابوالحسن سلطان الاطبّاء فرزند میرزا محمّد ملک الاطبّاء، از اطبّاء معروف اصفهان است.

در اصفهان ساکن و به مداوای بیماران اشتغال داشته است. در پنج شنبه ۵ رجب ۱۲۶۹ق وفات یافت، و در تکیه مادر شاه زاده در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

ابوالحسن نجفی اصفهانی

ابوالحسن بن حاج محمّد قاری نجفی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. احتمالاً شاگرد شرف الدّین علیّ بن حجّت اللّه شولستانی حسنی حسینی نجفی است. در تاریخ ۱۰۷۱ در نجف بوده، و مالک نسخه ای از کتاب من لا یحضره الفقیه بوده است که فعلاً به شماره ۳۱۶۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

۱- مزارات اصفهان، ص۲۷۷.

۲- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج۵، صص۱۹۱ و ۱۹۴.

۳- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۷۵؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۵۸ ۱۵۹؛ سـیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۳.

۴- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۸، ص۳۹۶.

سیّدابوالحسن صدر

سیّدابوالحسن بن سیّدمهدی بن حاج سیّداسماعیل بن سیّدصدرالدّین عاملی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، در سال ۱۳۲۰ق در کاظمین متولّد گردید، و در آن جا و کربلا تحصیل کرد، و در اواخر عمر به اصفهان مهاجرت نمود، و در مسجد علی قلی آقا اقامه جماعت می نمود. سرانجام در شب دوشنبه ۲۲ شوّال ۱۳۹۸ در اصفهان وفات یافت، جنازه به عتبات عالیات، حمل و به خاک سپرده شد.(۱)

میرزا ابوالحسن نوری

میرزا ابوالحسن نوری فرزند میزا محمّدمهدی نوری مازندرانی عالم فاضل محقّق در ۱۳۱۹ قمری در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد، جنب فاضلان مدفون گردید.(۲)

ابوالحسن همام

ابوالحسن بن مهدی، ادیب شاعر فارسی زبان معروف به «همام» است که ظاهرا در قرن پنجم هجری در اصفهان ساکن بوده است.(۳)

میرزا ابوالحسن صدر نصیری

میرزا ابوالحسن نظام الشّریعه معروف به «صدر نصیری»، فرزند میزا نصیر ملّاباشی (صدرالاسلام)، عالم فاضل. وی کتابی در ادعیه به نام مفتاح السّعادات تألیف نمود، و به چاپ رسانید، و پس از فوت، در تکیه مادر شاه زاده در تخت فولاد مدفون، و سپس به اعتاب مقدّسه نقل گردید.(۴)

۱- معارف الرّجال، ج۱، ص۱۱۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۱، ص۲۷۹.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۸۴.

میر ابوالحسن تاج حسینی

میر ابوالحسن تاج حسینی وزیر قبانات اصفهان در قرن دوازدهم هجری. ظاهرا مشارٌ الیه شاعر و ادیب بوده، و تخلّصِ «تاج» داشته است. وی صاحب جنگی است که به شماره ۳۰۱۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. وی در سال ۱۱۳۳ق وفات یافته است. تاریخ فوت او را شاعر اصفهانی خادم گوید:

چون میر ابوالحسن از این غم آباد جهان شد عازم باغ خلد با خاطر شاد

گفت از پی تاریخ وفاتش خادم: «از تارک ارباب سخن تاج افتاد»

ابوالحسن ثابت اصفهانی*

[ابوالحسن اصفهانی متخلّص به «ثابت»، شاعر ادیب، در قرن سیزدهم هجری می زیسته، و به شغل خیّاطی امرار معاش می کرده است، شعاع الملک شیرازی در تذکره خود به زندگی او پرداخته است].(۱)

ابوالحسن جوزدانی

ابوالحسن جوزدانی، فاضل و خطّاط در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری در اصفهان. از آثار او کتابت نسخه ای از منظومه «جنگ نامه حضرت خامس آل عبا علیه السلام » که ناظم و سراینده او نامشخّص است.

کتاب نام برده، به خطّ نسخ خوش نوشته شده، و نسخه به شماره ۲۳۴۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی تهران موجود است.(۲) جوزدان از محلّات قدیمی اصفهان، فعلاً از محلّات متّصل به چهارسوق شیرازی ها می باشد.

سیّدابوالحسن حسنی حسینی

سیّدابوالحسن حسنی حسینی از محدّثین و فضلای قرن یازدهم هجری بوده، و نزد

۱- فرهنگ سخنوران، ص ۱۲۰.

۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ج۸، ص۵۵.

علّامه ملّامحمّدباقر مجلسی علم حدیث را فرا گرفته است.

علّامه مجلسی در پایان کتاب الصّلاه از من لا یحضره الفقیه اجازه ای در سال ۱۰۶۷ق برای او نوشته است.(۱)

میرزا ابوالحسن خاتون آبادی

(میرزا ابوالحسن خاتون آبادی، علام فاضل کامل، امام مسجد پاقلعه، در سال ۱۳۳۱ق در کربلاـ وفات یافت، و در آن جا مدفون گردید. شرح دعای صباح از آثار اوست. وی برادر میرزا اسدالله خاتون آبادای مدفون در تکیه خاتون آبادی است)(۲)

ملّاابوالحسن خواجویی

ملّاابوالحسن خواجویی اصفهانی، از دانشمندان و مطّلعین از علوم قرآنی بوده، رساله ای در تجوید به فارسی در سال ۱۲۲۵ق نگاشته که ضمن مجموعه ای در کتابخانه سیّدمحمّد جزایری در نجف نگهداری می شده است.(۳)

سیّدابوالحسن خوشمزّه اصفهانی

آقا سیّدابوالحسن اصفهانی معروف به «خوشمزّه»، عالم فاضل، در حکمت و ادب و فقه و کلام، صاحب نظر و عالمی نیک محضر و بذله گو، و به «خوشمزّه» معروف بود. در کاظمین سکونت داشته، از مصاحبین و معاشرین شیخ اسداللّه کاظمینی و سیّدعبداللّه شبّر بوده، و تا سال ۱۲۲۲ق زنده بوده است.

مرحوم آقا سیّدحسن صدر می نویسد که آقا صدرالدّین محمّد عاملی با دختر سیّدابوالحسن خوشمزّه ازدواج نموده است.

کتب زیر از تألیفات او است:

۱. السّروریّه، و آن کتاب کوچکی است که در آن بعضی از مطالب که سبب شادی و

۱- زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۱۰؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۲.

۲- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۳- الذّریعه، ج۱۱، ص۱۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۷؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۲.

سرور مؤمن بشود را ذکر فرموده است. ۲. واجبات الصّلاه، آن را در زمان حیات مرحوم آقا میرسیّدعلی صاحب ریاض المسائل و از فتاوای آن مرحوم جمع آوری فرموده است. به ظنّ قوی، وی شاگرد میرسیّدعلی طباطبایی و شیخ جعفر کاشف الغطاء بوده است.(۱)

ملّاابوالحسن زنوزی

آخوند ملّاابوالحسن زنوزی سمیرمی اصفهانی، از فضلاء قرن ۱۳ هجری در اصفهان است. ادیب و فاضل بوده، در سال ۱۲۷۲ق شرح سبعه معلّقه را تصحیح نموده، و به چاپ رسیده است.(۲)

استاد ابوالحسن سنمار*

استاد ابوالحسن سنمار، هنرمند توانا از اساتید معماری اصفهان به شمار می رود. وی نزد پدر شاگردی پرداخت، و به استادی رسید، سپس سال ها به همکاری با اداره باستان شناسی اصفهان (و سازمان میراث فرهنگی اصفهان) پرداخت، و بسیاری از آثار تاریخی شهر اصفهان، و شهرهای دیگر ایران را مرمّت کرد. وی سرانجام در دی ماه ۱۳۷۶ شمسی در اصفهان وفات یافت، و قبرستان باغ رضوان مدفون شد. از آثار او تعمیر و بازسازی مسجد حاج محمّدجعفر اصفهان است که در بمباران هوایی، توسّط هواپیماهای رژیم عراق، آسیب های فراوانی دیده بود.(۳)

سید ابوالحسن بدری

(سید ابوالحسن بدری در سال ۱۳۰۲ش در اصفهان در خانوده ای روجانی متولد شد. دروس مقدمات و سطح را اساتیدی چون سید محمد باقر ابطحی و حاج آقا صدر کوپایی فراگرفت و سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در سال ۱۳۵۴ به خاطر مخالفت با رژیم طاغوت از کار برکنار شد. وی در ضمن تدریس و وعظ، مؤسسه احمدیه را اداره می کرد و درسال ۱۳۶۳ مدرسه النفسیه را جهت خواهران طلبه تأسیس نمود)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۱، ص۲۶۵ ۲۶۶؛ الذّریعه، ج۱۲، ص۱۷۸ و ج۲۵، ص۱؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۰.

۲- فهرست کتاب های چاپی عربی، ص۵۵۰.

۳- روزنامه خبر، مورّخ ۲۲ دی ۱۳۷۶، ص۳.

سیّدابوالحسن طبیب

سیّدابوالحسن حسینی طبیب اصفهانی، از پزشکان معروف اصفهان، و ساکن محلّه بیدآباد بوده، و در اواخر قرن سیزدهم هجری می زیست. فرزندانش به نام بصیر در تهران و خارج از ایران مشهورند.(۱)

ابوالحسن کازرونی

ابوالیقظان ابوالحسن کازرونی، از دانشمندان اصفهان است. تألیفات زیر از او است:

۱. اربعین ۲. شرف النّبی صلی الله علیه و آله (۲).

سیّدابوالحسن فاطمی

سیّدابوالحسن فاطمی حسن آبادی، از علمای روستای حسن آباد جرقویه بوده، و در حدود ۱۲۸۰ق وفات یافته است.(۳)

ابوالحسن کفرانی

ابوالحسن کفرانی، فاضل و نویسنده در قرن دهم هجری. اصلاً از اهالی قریه «کفران» رویدشت اصفهان بود، از آثارش کتابت دعایی است منقول از حضرت علی علیه السلام با ترجمه فارسی، به خطّ نستعلیق که آن را در ۱۵ رجب ۹۸۷ هجری نوشته، و در مجموعه شماره ۲۱۴۴ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.(۴)

ابوالحسن محزون اصفهانی*

ابوالحسن سپه کار متخلّص به «محزون»، شاعر معاصر در سال ۱۳۲۷ شمسی در اصفهان متولّد شد، و در این شهر در مقاطع ابتدایی و متوسّطه تحصیل کرد، سپس به

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۶.

۲- احقاق الحق، ج۵، ص۶۱۹ و ج۹، ص ۱۸۱.

۳- گرکویه، ص۳۲۲.

۴- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۸۰۹.

دانشـگاه رفت، و موفّق به اخـذ لیسانس گردیـد. از اعضای فعّال انجمن ادبی حافظ و انجمن ادبی خانه هنرمنـدان به شـمار می رود. از او است:

یک شب به سرزمین دعاهای من بیا پنهان ز دیده ها به تماشای من بیا(۱)

میرزا ابوالحسن موالی اصفهانی*

میرزا ابوالحسن اصفهانی، شاعر ادیب، به «موالی» تخلّص می کرده، و در هندوستان ساکن بوده است.

چندی منصب «بیگلربیگی» حیدرآباد را داشته، از آن منصب عزل شده، سرانجام در لکهنوی هند وفات یافت.

از او است:

نشئه ای از میخانه طبع متین تا برده ام چون نصیری عشق مولی شد «موالی» کار من(۲)

استاد ابوالحسن نقّاش اصفهانی*

استاد ابوالحسن نقّاش اصفهانی، از هنرمندان اواسط قرن سیزدهم هجری است. در شبیه سازی آبرنگ قوی دست بوده، صورت برخی از دولتمردان و شاه زادگان و علمای عصر خود را با مهارت ساخته، و تا سال ۱۲۶۶ق در قید حیات بوده است.(۳)

ابوالحسن ضرّاب اصفهانی

ابوالحسن یعقوب بن یوسف ضـرّابی غسـانی اصـفهانی، از راویـان شـیعه است. محـدّث قمی در مفاتیـح الجنان، در ذکر اعمال عصـر روز جمعه گوید که این صـلاه، از طرف مولای ما حضـرت صاحب الزّمان عجّل اللّه تعالی فرجه صادر شده است، و آن را ابوالحسن

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۶۳۸.

۲- گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۴۵۴.

۳- هنر قلمدان، ص۱۱۵.

ضرّاب در مکّه از آن حضرت روایت می نماید. محدّث قمی، سند خود را ارائه ننموده است. در کتاب منتقم حقیقی یا مهدی القائم از تألیفات حاج آقا حسین عمادزاده، در زمره کسانی که خدمت امام علیه السلام در زمان غیبت مشرّف شده اند، از او یاد می کند، در منتهی المقال علاّمه مامقانی در ذکر اسامی یعقوبین نامی از او نبرده است.(۱)

ابوالحسین

قاضی ابوالحسین، از علماء و فضلاء اصفهان است. وی در زمان صاحب بن عبّاد منصب قضاوت در اصفهان را داشته است.(۲)

ابوالحسین اصفهانی

حافظ ابوالحسین اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوکریب حدیث نقل نموده، و ابوعبداللّه محمّد بن موسی بن نعمان از او روایت می کند.(۳)

ابوالحسین اصفهانی

ابوالحسین معروف به «بلفرج» از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف فلاسفه، ریاضی دانان، اطبّاء و منجّمین متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.(۴)

ابوالحسین خلیفه سلطانی

شریف ابوالحسین میرزا خلیفه سلطانی جرقویه ای بن میرزا فتح اللّه بن میرزا رفیع الدّین محمّد بن سیّدعلاءالدّین حسین مرعشی اصفهانی (خلیفه سلطان)، عالم فاضل، به قریه «محمّدآباد» جرقویه، از دهات اصفهان مهاجرت کرد، و در آن جا به تألیف و تصنیف اشتغال جست، و تا آخر عمر در آن جا بود، و همان جا وفات یافت، و مدفون گردید، و از

۱- منتقم حقیقی، ص۱۸۱؛ مفاتیح الجنان.

۲- رساله الارشاد، ص۲۴.

۳- احقاق الحق، ج۱۰، ص۶۳۹.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۴.

قبرش کراماتی ظاهر شده است. خود، از شاگردان پدرش می باشد.(۱)

ابوالحسین صوفی

ابوالحسین (یا ابوالحسن) صوفی، از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان فلسفه، نجوم، طب و ریاضی ذکر کرده، و او را متقدّم بر عهد خویش دانسته است.(۲)

ابوحفص بن ابی علی

ابوحفص بن ابی علی، از ادباء و فضلای اصفهان است. مافرّوخی در کتاب خود، او را از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، و مقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۳)

ابوحفص جاری

شیخ ابوحفص جاری، از ادباء و شعرای اصفهان در قرن پنجم هجری است. به عربی شعر می سروده، و معاصر مافرّوخی بوده است.(۴)

[جار = گار، از روستاهای شرق اصفهان است].

ابودردا

در قریه زهران [محلّه زهران فعلی در غرب شهر اصفهان] قبری است به نام «ابودردا» که [هویّت و سرگذشت او بر ما مجهول است]. برخی او را از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته اند؛ امّا او هیچ گاه به اصفهان نیامده است. احتمال می رود مدفون در این قبر، یکی از محدّثین اصفهان مکنّی به «ابودردا» باشد. [مؤلّف فقید، بحثی تحقیقی و عالمانه در این موضوع انجام داده اند که در مزارات اصفهان به چاپ رسیده است(۵)].

۱- اعیان الشّیعه، ج۷، ص۳۴۴ و ج ۱۰، ص۵۱۴.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۱.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۵- تاریخ نایین، ص۲۹۴؛ مزارات اصفهان، صص۲۲۷ ۲۳۱.

ابودلف عجلی

امیر ابودلـف بـن ادریس بن عیسـی بن معقـل عجلی در زمره کُتّـاب و نویسـندگان بـود، گوینـد در مکتب، هم درس ابومسـلم عبداللّه بن مسـلم خراسانی بوده، در زمان مأمون الرّشـید در اصـفهان، صاحب منصب و جاه بود، خلیفه بر وی غضب کرد، و او را به شام تبعید نمود. ازجمله اشعار او است:

اقول و اکناف الجزیره بیننا و سهبٌ تردّی آلها بملائها

سقی اللّه غیثا اصفهان و اهلها عزالی آلت لا تضنّ بمائها

احبّ الصّباتینی هوای الی الصّبی الآن اسمها ضاحی اسمها فی بنائها

در کتاب محاسن اصفهان از دو قصیده دیگر او درباره اصفهان، جمعا سیزده بیت نقل کرده است.(۱)

ابوالرّبیع زهرانی

ابوالرّبیع محمّـد (معروف به محوله) بن معروف بن یزیـد بن عبدالرّحمان بن معروف قرشـی عطّار اصـفهانی معروف به ابوالرّبیع زهرانی، از محدّثین قرن سـوم هجری است. پـدرش از مردم بصـره بوده، و محمّـد به اصـفهان مهـاجرت کرده، و در این شـهر ساکن شـده است. وی سال ها امام جماعت در جامع اصـفهان بوده، و در زهـد و ورع مقامی بلنـد داشـته است. صاحب عنوان، ممکن است ابوالرّبیع محوله بن عبداللّه نحوی ساکن دمشق، متوفّی ۲۳۰ق مؤلّف کتاب الجماهر در نحو باشد.

وی از ابواسـحاق اسـماعیل بن عمرو بجلی کوفی، حاتم بن میمون و سـلام بن طویل حدیث شـنید، و محمّد بن حسن بن حماد بن سلمان، حافظ ابوبکر محمّـد بن هارون رویانی و ابومسـلم سـلم بن حمزه مقری نقّاش اصـفهانی از ابوالربیع زهرانی حـدیث نقل می کنند. زهران از قریه های غرب شهر اصفهان است.(۲)

۱- محاسن اصفهان، ص۱۲، نسائم الاسحار، ص۱۳.

۲- ذکر اخبـار اصــفهان، ج۲، ص۱۸۹؛ لغت نـامه دهخـدا، ذیـل «ابوالرّبیـع»، ص۴۵۸؛ هـدیه العـارفین، ج۱، ص۴۷۲؛ مزارات اصفهان، صص۲۲۵ ۲۲۷.

ابوریّان اصفهانی*

ابوریّان اصفهانی، احمد بن محمّد، از کارگزاران دولت آل بویه است. در بغداد نایب مطهّر بن عبداللّه و نصر بن هارون مسیحی وزیران آل بویه بود. پس از فوت عضدالدّوله در سال ۳۷۵ق مدّتی به بند کشیده شد. سپس به وزارت صمصام الدّوله جانشین عضدالدّوله منصوب شد؛ امّا چند ماه بعد، در اواخر سال ۳۷۵ با فتنه گری مادر پادشاه، بار دیگر به زندان افتاد، و در آن جا او را کشتند. کمی بعد، شرف الدّوله به جانشینی صممام الدّوله رسید، و دستور نبش قبر او را داد، و ابوریّان را با احترام و تجلیل به خاک سپردند.(۱)

ابوزید

ابوزید بن ابی القاسم بن ابی طالب، از شعرای اصفهان است. وی به عربی شعر می سروده، و معاصر با مافرّوخی بوده است.(۲)

ابوزید

ابوزید بن سعد از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری بوده، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان فلسفه، ریاضیّات، طبّ و نجوم آورده است.(۳)

ابوزید

ابوزید بن علیّ بن قاسم، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم صرف و نحو و لغت و انشاء دانسته است.(۴)

ابوزید تیجابادی

استاد ابوزید تیجابادی از ادبا و فضلای اصفهان است. مافرّوخی وی را در ردیف

۱- دانشنامه ایران و اسلام، ج۸، ص ۱۰۴۱.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

دانشمندان صرف و نحو لغت و انشاء که مقدّم بر عصر خود بوده، ذکر کرده است.(۱)

[ظاهرا تیجاباد از روستاهای اصفهان است].

ابوسعد

ابوسعد بن عبدالوهاب، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم بر عصر خویش برشمرده است.(۲)

ابوسعد جوهری

ابوسعد جوهری از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان کلام و حدیثِ متقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۳)

ابوسعد

ابوسعد فرزاد از ادبای اصفهان بوده، و مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء که مقدّم بر عصر وی بوده اند، ذکر کرده است.(۴)

ابوسعد زین الملک

ابوسعد زین الملک، برادر سعدالملک آوی است. سعدالملک در اصفهان وزارت سلطان محمّد سلجوقی را برعهده داشته است، و سرانجام به هم دستی با ملاحده (فداییان اسماعیلی) و توطئه بر علیه شاه، متّهم شد، و او را به همراه برادرش زین الملک در شوّال ۵۰۰ق در بازار اصفهان به دار کشیدند.(۵)

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۹.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۵- تعلیقات النّقض، ج۲، ص۷۳۱.

ابوسعد قمی

ابوسعد قمی، از ادباء و دانشمندان است. در اصفهان ساکن بوده، و مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاءِ مقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۱)

ابوسعد مطرّز

ابوسعد معروف به مطرّز، از دانشمندان کلام و حدیث در اصفهان بوده، و مافرّوخی او را مقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۲)[ممکن است وی همان ابوسعید مطرّز متوفّی ۵۰۳ق باشد].

ابوسعد مطرّز

ابوسعد محمّد بن محمّد بن محمّد اصفهانی معروف به مطرّز، از محدّثان قرن پنجم و ششم هجری است. علاوه به فقه و حدیث در علم قرائت نیز صاحب نظر بوده، و آن را نزد ابوبکر محمّدابراهیم بن احمد نقار آموخته است. ابوطاهر سلفی و حافظ ابوموسی مدینی و دیگران از شاگردان او هستند. وی در سال ۵۰۳ق به سنّ نود و دو سالگی وفات یافته است.(۳)

ابوسعد نختکینی

ابوسعد نختکینی، از ادبای اصفهان بوده، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.(۴)

ابوسعید امامی*

ابوسعید امامی، خوشنویس هنرمند عهد صفویّه است. در عهد شاه تهماسب صفوی

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۱.

۳- غایه النّهایه، ج۲، صص۲۵۳ ۲۵۴؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۱۷۳.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

می زیست، و خطّ ثلث را با استادی می نوشت، و اوّلین خوشنویس بزرگ خاندان امامی اصفهان است.

کتیبه های ثلث مسجد پیر پینه دوز در جوباره به سال ۹۶۲ و سردر مسجد قطبیّه به سال ۹۵۰ق به خطّ زیبای او است.(۱)

ابوسعید رارانی

ابوسعید رارانی، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.(۲) راران از روستاهای جی اصفهان است.

میرزا ابوسعید مشکی

میرزا ابوسعید مشکی، عالم فاضل حکیم، از خاندان مشکی اصفهان است. میرزا معزّالدّین بن میرزا حسن تبریزی متوفّی ۱۱۸۳ق در علوم معقول و منقول نزد او در اصفهان به تلمّذ پرداخته است.(۳) خاندان معروف به «مشکی» از خانواده های معروف اصفهان، و عموما از بازرگانان و فضلاء این شهر می باشند، و قریب سی صد سال در این شهر به نیکی و خوش نامی شهرت دارند.

ابوسعید نقّاش

ابوسعید محمّد بن علیّ بن عمرو بن مهدی نقّاش اصفهانی حنبلی از حفّاظ حدیث، در طلب حدیث به بغداد، کوفه، مرو، جرجان، هرات، دینور، حجاز، همدان و نهاوند سفر کرده، و مدّتی طولانی در نیشابور اقامت گزیده است. وی از هجیمی و شافعی و طبقه آنان حدیث نوشته، و عمر را به املاء و قرائت حدیث و تألیف گذرانده، و در ۸ رمضان ۴۱۴ق وفات

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۸۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۱۷؛ آثار ایران، ج۴، ص۲۵۷.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۰.

۳- الذّریعه، ج۹، ص۱۰۶۸، خزانه عامره، ص۴۲۹؛ الکواکب المنتشره، ص۳۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۴۴.

یافته است. این کتاب ها از او است: ۱. طبقات الصّوفیه ۲. القضاء والشّهود.(۱)

ابوسهل کحّال

ابوسهل کحّال، از اطبّاء اصفهان بوده، و در حکمت نیز دستی داشته، مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.(۲)

ابوشجاع اصفهانی

ابوشجاع اصفهانی، از مردمان نیکوکار قرن پنجم هجری بوده، و در سال ۴۴۶ق برج چهل دختران در دامغان را بنا نموده که تاکنون به صورت اوّلیه خود باقی است.(۳)

ابوشجاع اصفهانی

شهاب الدّین ابوشجاع احمد بن حسین بن احمد اصفهانی، از فقهاء و محدّثین شافعی در قرن پنجم هجری است، در سال ۵۳۳ق متولّد شد، و در آن جا به تحصیل پرداخت. [وی بیش از چهل سال به تدریس فقه پرداخت]. وفات او در سال ۵۹۳ق اتّفاق افتاده است. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. غایه الاختصار، در فقه شافعی [که در«لیدن» هلند به چاپ رسیده است، و بسیاری از دانشمندان شافعی بر آن کتاب، حواشی و شرح نوشته اند] ۲. شرح اقناع ماوردی.(۴)[حاجی خلیفه نامش را حسین بن احمد و وفاتش را سال ۴۸۸ق در ذیل عنوان غایه الاختصار آورده که یقینا اشتباه است].(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۷، ص۳۰۷؛ تذکره الحفاظ، ج۳، ص۲۴۶؛ الاعلام، ج۷، صص۱۶۰ ۱۶۱؛ محاسن اصفهان، ص۲۹؛ میزان الاعتدال، ج۳، ص۲۰۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۳- جغرافیای تاریخی دامغان، ص۱۹.

۴- معجم المطبوعات، ج۱، ص۳۹۸؛ دانشنامه ایران واسلام، ج۸، ص۱۰۵۷؛ مشاهیر دانشمندان اسلام، ج۱، ص۱۹۶.

۵- کشف الظّنون، ج۲، ص۱۱۸۹.

ابوشجاع اصفهانی

ابوشجاع زاهر بن رستم بن ابی الرّجاء اصفهانی، از محدّثین سده ششم هجری بوده، مدّتی در مکّه معظّمه، مجاورت اختیار نموده، سپس به بغداد رفته، و در آن جا به سال ۶۰۷ق وفات یافته است. کتاب نزهه النّاظر از تألیفات او است.(۱)

ابوالشّرف اصفهانی

قاضی ابوالشّرف اصفهانی، عالم فاضل و محدّث فقیه، از دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده، از ملّادرویش محمّد بن حسن عاملی روایت می کند. ملّامحمّدتقی مجلسی نیز از ابوالشّرف روایت نموده است. محدّث نوری به نقل از امل الآمل نام وی را «ابواشرف» ضبط نموده، و او را از شاگردان علّامه ملّامحمّدباقر مجلسی دانسته است. ظاهرا در نسخه ای از امل که به نظر مرحوم محدّث نوری رسیده، اغلاطی راه یافته است.(۲)

ابوالشکر حرّانی

ابوالشّکر حمد بن ابوالفتح بن ابوبکر حرّانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری بوده، و از ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن حسین خیّاط، ابوالقاسم عبدالرّحمان بن ابی عبداللّه بن منده و ابوالمظفّر محمود بن جعفر الکوسج حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی در اصفهان احادیث او را نوشته، و روایت نموده است. ابوالشّکر در رجب ۵۴۳ق وفات یافت.(۳)

ابوالشّیخ ابهری

ابوجعفر محمّد بن حسین بن ابراهیم بن زیاد بن عجلان ابهری اصفهانی معروف به «ابوالشّیخ» از محدّثین قرن سوم هجری.

۱- هدیه العارفین، ج۱، ص۳۷۲.

۲- ریاض العلماء، ج۲، ص۴۶۳؛ نجوم السّماء، ص۲۱۶؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۴۱ ۱۴۲؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۸.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۲۳۶.

در بغداد ساکن بوده، و همان جا در سال ۲۸۶ق وفات یافته است. از حسن بن محمّد بن اسید ابهری، محمّد بن موسی حروثی، ابوبکر اثرم و حسن بن محمّد زعفرانی روایت می نمود، و ابوبکرمحمّد بن عبداللّه شافعی از او استماع حدیث نموده است.(۱)

حافظ ابوالشّیخ اصفهانی

حافظ ابوالشّیخ اصفهانی، ابومحمّد بن عبداللّه بن محمّد بن جعفر بن حیّان، از بزرگان محدّثین اصفهان است. در حدود سال ۲۷۳ق متولّد شد، و از ابراهیم بن سعدان، ابن ابی عاصم، ابوالعبّاس هروی، عبداللّه بن محمّد بن زکریّا، عمر بن احمد بن اسحاق اهوازی و محمّد بن اسید روایت نموده است.ابوبکر بن حارث، حافظ ابونُعیم اصفهانی، محمّد بن احمد بن شاکر مؤذّن و ابواحمد بن علی مؤدّب مکفوف از او استماع حدیث نموده اند. صاحب عنوان، حدود شصت سال در اصفهان حدیث گفته، و سرانجام در سال ۳۶۹ق در سن ۹۶ سالگی وفات یافته است. کتب زیر از او است: ۱. الثّواب الاعمال الزّکیه ۲. السّنن المعظّمه و الاخلاق النّبویّه ۳. طبقات المحدّثین باصفهان ۴. طبقات اهله ۵. العظمه.(۲)

ابوصالح اصفهانی

حافظ ابوصالح عبدالرّحمان بن سعید اصفهانی بغدادی، از بزرگان محدّثین به شمار می رود، و از عبدالرّحمان بن رسته اصفهانی و ابومسعود رازی اخذ حدیث نموده، در جمادی الآخر سال ۳۳۴ق در بغداد از دنیا رفته است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۲۸؛ الانساب، ج۱، ص۱۰۶؛ معجم البلدان، ج۱، ص۸۴؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۱۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۰؛ کشف الظّنون، ج۱، صص۴۳۷ و ۴۴۱؛ ریحانه الادب، ج۷، صص۱۵۵ ۱۵۶؛ اللّباب، ج۱، صص۴۰۴ ۴۰۵؛ طبقات المفسّرین، ج۱، صص۲۴۰ ۲۴۱؛ الاعلام، ج۴، ص۲۶۴؛ معجم المؤلّفین، ج۶، ص۱۱۴؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «عبداللّه»، ص۷۵ قابوس نامه، ص۲۸۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص۴۱۰ ۴۱۱.

میر ابوصالح اعرجی اصفهانی

میر ابوصالح بن امیر عبدالرزّاق اعرجی حسینی سبزواری اصفهانی، از اجلّه سادات عظام و بزرگان علماء اعلام، و از علمای معتبر زمان خود بوده، و حاج محمّدابراهیم کلباسی در طفولیّت، در خدمت پدر خود، حضور او را درک نموده است؛ بنابراین، صاحب عنوان از اعلام قرن دوازدهم هجری می باشد.(۱)

شیخ ابوصالح اصفهانی

شیخ ابوصالح بن ابوتراب اصفهانی، عالم فاضل، فقیه متبحّر از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. پدرش از شاگردان علّامه ملّامحمّدباقر مجلسی است، و شاید خود او هم از شاگردان علّامه مجلسی باشد. وی در سال ۱۱۱۵ق وفات یافته است.(۲)

حاج ابوطالب

حاج ابوطالب، از نیکوکاران اصفهان است. وی بانی مسجد معروف به «مسجد حاج طالب» واقع در محلّه دروازه نو سنبلستان است. این مسجد از مساجد درجه دوم اصفهان است، هیچ گونه اثر تاریخی ندارد، و احتمالاً از مساجد عهد قاجاریّه است، و یا در این عهد، تعمیر شده است.(۳)

میرزا ابوطالب اصفهانی

میرزا ابوطالب اصفهانی، عالم فاضل ادیب، در اصفهان ساکن، و به تدریس ادبیّات عرب مشغول، و ظاهرا ساکن محلّه خواجوی اصفهان بوده است. او تحصیلات خود را در عتبات عالیات، نزد سیّدعلی طباطبایی صاحب ریاض انجام داده است. اثر مشهور او حاشیه بر بهجه المرضیّه در شرح الفیّه است که در سلخ جمادی الثّانی ۱۲۲۳ق ازتألیف آن

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۶.

۲- اعیان الشّیعه، ج۶، ص۲۸۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۴۲؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۱۰ ۱۱.

۳- آثار ملّی اصفهان، صص۷۳ و ۷۳۳.

فراغت یافته است. نسخه ای ارزشمند از این کتاب به خطّ سیّدمحمّد حسن بن سیّدمحمّدتقی موسوی اصفهانی به سال ۱۲۳۹ق موجود است که کـاتب نوشـته است: مؤلّف کتاب در دو سال قبل (یعنی سال ۱۲۳۷ق) در راه مکّه وفـات یافته است. از کتاب شرح بهجه المرضیّه نسـخه هـای خطّی متعـدّدی موجود است. هم چنین بارهـا چاپ شـده است، و ازجمله یک بار نیز در سال ۱۲۹۷ق به طبع رسیده است.(۱)

میرزا ابوطالب اصفهانی

میرزا ابوطـالب اصـفهانی، برادرزاده صاعـدای اصـفهانی، از فضـلاء اصـفهان در قرن دوازدهـم هجری بـوده اسـت. از آثـار او مجموعه ای است حـاوی ۹ کتاب به تاریـخ ۱۱۷۱ بـا یادداشت میرزا ابوطالب که به شـماره ۲۶۶۹ در کتابخـانه مجلس شورای ملّی تهران موجود است.(۲)

میرزا ابوطالب اصفهانی

میرزا ابوطـالب اصـفهانی، ادیب فاضـل، مؤلّفِ رسـاله ای در صـرف به فارسـی، نسـخه در کتابخـانه جامع گوهرشاد به شـماره ۱/۶۰۰ موجود است.(۳)] شاید او همان مؤلّف حاشیه بر بهجه المرضیّه باشد که شرح حال او در این کتاب آمده است].

میرسیّدابوطالب امامی

میرسیّدابوطالب امامی اصـفهانی، از علمای معتبر اصـفهان در عهـد شاه تهماسب صـفوی بود، و تولیّت امام زاده زین العابـدین معروف به درب امام را بر عهده داشت(۴)، و در معقولات و

۱- محیـط ادب، مقـاله اسـتاد حاج سـیّدمحمّدعلی روضاتی، صـص۲۳۹ ۲۴۷؛ الـذّریعه، ج۶، ص۲۹؛ الکنی و الالقـاب، ج۳، ص۱۸۳؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص۴۴۸؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۹؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۰۶۱؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، صص۳۰۴ ۳۰۵؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۳۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۲.

۲- فهرست مجلس، ج۸، ص۴۲۵.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۱۴۷.

۴- اعیان الشّیعه، ج۶، ص۲۹۲؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۸؛ وقایع السّـنین و الاعوام، ص۴۸۹، ریاض العلماء، ج۵، ص۴۶۷.

حکمیّات، خود را از معاصرین، برتر می شمرده است.(۱) وی جدّ سادات امامی اصفهان است.

سیّدابوطالب دهکردی*

سیّدابوطالب دهکردی بن آقابزرگ اصفهانی دهکردی، عالم فاضل خوشنویس هنرمند، در اصفهان نزد جمعی از علماء ازجمله حاج سیّدمحمّد نجف آبادی، حاج محمّدصادق مدرّس خاتون آبادی و آخوند گزی کسب فیض نمود، سپس به قم مهاجرت، و از درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره گرفت. در نوشتن خطّ نسخ و نستعلیق نیز مهارت داشت.(۲)

حاج ابوطالب اصفهانی

حاج ابوطالب بن ابوتراب اصفهانی، عالم فاضل محدّث ماهر، از دانشمندان اواخر عهد صفویّه است. وی از شاگردان علاّمه ملاّمحمّدباقر مجلسی است، و نسخه های متعدّدی را به خطّ خود کتابت کرده که از آن جمله است: ۱. استبصار، جلد سوم، که حواشی ملاّمحمّدتقی مجلسی، علاّمه مجلسی، میرزا رفیعا نایینی و دیگران را در آن آورده است، و نسخه را خود مقابله و تصحیح نموده، و در ۲۶ ذی قعده ۱۱۱۳ق از این کار فراغت یافته است. ۲. القواعد علاّمه حلّی که در ۱۶ شعبان ۱۱۱۸ق از کتابت آن فارغ شده است. ۳. تفسیر کشّاف، جلد سوم، که در سال ۱۱۰۰ کتابت آن را به پایان برده است. ۴. تمهید القواعد که در سال ۱۱۱۸ق آن را کتابت نموده است. حاج ابوطالب تا سال ۱۱۱۸ق در قید حیات بوده، و وفاتش بعد از این سال است.(۳)

شیخ ابوطالب مصطفایی*

شیخ ابوطالب مصطفایی نجف آبادی فرزند حاج ابراهیم عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۳ش درنجف آباد متولّد شد. پس از تحصیل در نجف آباد به اصفهان آمده، و نزد علمای

۱- تاریخ عالم آرای عباسی، ج۱، ص۲۳۹.

۲- آیینه دانشوران، ص۳۳۹.

۳- الکواکب المنتشره، ص۳۸۹؛ نجوم السّماء، ص۱۶۷؛ تاریخ حزین ص۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۰؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۸.

این شـهر همچون شـیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، شـیخ محمود مفیـد، میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی، میرزا علی آقا شیرازی، آقا صدرالدّین کوپایی، حاج آقا سیّدحسـین خادمی، ملّاهاشم جنّتی، سیّدعبدالحسـین طیّب، شـیخ مرتضـی اردکانی، شیخ عبّاس ایزدی، شـیخ ابراهیم امینی و آقا باقر تدیّن به فراگیری علوم حوزوی پرداخت. ایشان سـپس به قم رفت، و در درس آیـات عظام بروجردی، امام خمینی، علّامه طباطبایی، منتظری و هم چنین نورالهی حضور یافت. وی عاقبت به نجف آباد آمـد، و به تبلیغ و ترویج دین و اقامه نماز جماعت و حلّ مشکلات شرعی مردم پرداخت. فرزند برومند او شیخ محمّدجواد مصطفایی در فروردین ۱۳۶۰ش در جبهه های جنگ ایران و عراق به شهادت رسید.(۱)

میرابوطالب طباطبایی

میرابوطالب بن میرابوالمعالی کبیر حسنی حسینی طباطبایی اصفهانی، عالم فاضل، در اصفهان نزد بزرگان و علمای شهر مشغول تحصـیل بوده، و ازجمله از علّامه مجلسـی اسـتفاده علمی نموده، و علّامه، دو اجازه برای او نوشـته، و او را بسـیار سـتوده است. مشارٌالیه برادر ابوالمعالی صـغیر، جـدّ صاحب ریاض المسائل است، و مادرش دختر آمنه بیگم (دختر ملّامحمّدتقی مجلسـی) و ملّامحمّدصالح مازندرانی است.(۲)

میرزا ابوطالب معین الشّریعه*

میرزا ابوطالب معین الشّـریعه بن شـیخ محمّد شریف دزفولی عالم فاضل، ساکن اصفهان، متوفّی در حدود سال ۱۳۷۲ق برابر با ۱۵ مهر ۱۳۳۲ش، مدفون در تکیه مادرشاه زاده.

۱- سیمای دانشوران (نجف آباد)، صص۱۹۷ ۱۹۸.

۲- الکواکب المنتشره، ص۳۹۴؛ زنـدگی نامه علّامه مجلسـی، ج۲، ص۱۱؛ تلامـذه العلّامه المجلسـی، ص۱۴؛ الـذّریعه ج۱۱، ص۱۴؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص۳۳۶ ۳۳۷؛ مرآت الاحوال، صص۱۴۰ ۱۴۱.

ابوطالب دارجانی

ابوطـالب بن عبـدالعظیم دارجانی اصـفهانی، از نویسـندگان کتب در قرن سـیزدهم هجری است. «دارجان» که آن را «دارگون» گوینـد از دهات لنجان می باشد. صاحب عنوان در ۱۲۲۵ کتاب شـرح تحشـیه قطب رازی موسوم به تحریر القواعد المنطقیّه را کتابت نموده، و این نسخه به شماره ۷۲۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

شیخ ابوطالب زاهدی لاهیجی

شیـخ ابوطـالب زاهـدی فرزنـد ملّاعبـداللّه بن علیّ بن عطـاء اللّه لاـهیجی گیلاـنی، عـالم فاضل محقّق، نسب وی به شـیخ زاهد گیلانی عارف مشـهور می پیونـدد. در سال ۱۰۵۸ق در لاهیجان متولّـد شد، و نزد ملّاحسن شـیخ الاسـلام لاهیجی به تحصـیل پرداخت. در بیست سالگی به اصـفهان آمـد، و از محضـر آقاحسـین خوانساری و ملّامحمّـدرفیع یزدی مسـتفیض شـد. او از راه شام، سـفری به مکّه معظّمه نمود، به حج مشرّف شد، و در بازگشت در عتبات عالیات، مدّتی ساکن شد، و سرانجام به اصفهان آمـد، و بـا دختر حـاجی عنایت اللّه اصـفهانی ازدواج کرد. در زهـد و پارسایی، اعراض از دنیا و ترک مکروهات و سیّئات، از نوادر عصر خویش به شمار می رفته، و با وجود مقام والای علم و فضل، از تفاخر و خودنمایی پرهیز می نموده است.

وی در سـال ۱۱۲۷ق در اصـفهان وفـات یـافت، و جنب مزار عـارف ربّـانی ملّاحسـین گیلاـنی (لبنانی) [تکیه صاحب روضات کنونی در تخت فولاد] مدفون گردید.

مشـارٌالیه خـطّ خوشـی داشت، و بیش از هفتـاد نسـخه از کتابخـانه خویش را خود کتـابت نموده بود. کتابخانه اش بیش از پنج هزار عنوان کتاب داشـته که اکثر آن ها را حاشیه زده، و تعلیقه نوشته بود. این کتاب ها از او است: ۱. تفسیر آیه «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبّی» ۲. رساله در علم و تحقیق درباره آن ۳. رساله فی عمل المسبع و المتسع و الدّائره، که فرزندش شیخ محمّدعلی حزین شرح نموده است. ۴. شرح قول ارسطو «لِمَ صارَ ماء الْمَطَر حَفیفا» به

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۲۴.

فارسی که آن را نیز فرزندش شرح نموده است ۵. شرح حدیث «عرفت اللّه بفسخ العزائم» که آن را فرزندش به فارسی ترجمه کرده است ۶. رساله در حرکت که آن را نیز فرزندش شرح نموده است.(۱)

ابوطالب شیروانی

میرزا ابوطالب شیروانی بنان السّلطنه فرزند میرزا عبداللّه خان روزنامه نگار و نویسنده اصفهانی در شوّال ۱۳۰۹ق در اصفهان متولّد شد، و در این شهر به تحصیل پرداخت، و مقطع متوسّطه را در مدرسه انگلیسی ها به پایان رساند. وی مدرسه رشدیّه را در اصفهان تأسیس نمود، و به عضویّت انجمن ولایتی اصفهان برگزیده شد. در ماجراهای مشروطه طلبان و مستبدّین خانه اش غارت شد، و خود به عتبات عالیات مهاجرت کرد. پس از بازگشت به اصفهان به انجام خدمات دولتی مشغول شده، و سرانجام در سال ۱۳۳۷ق روزنامه میهن را منتشر کرد. در دوره پنجم و ششم به عنوان نماینده شهرضا به مجلس شورای ملّی راه یافت.

میرزا ابوطالب طبیب اصفهانی

میرزا ابوطالب بن میرزا علی رضا بن میرزا محمّد علیّ بن میرزا کوچک بن حکیم داوود اصفهانی هندی، طبیب حاذق و دانشمند فاضل، پدرانش همه از اطبّاء معروف اصفهان بوده اند. در اصفهان ساکن بود؛ ولی به خاطر خوابی که دید در مدرسه جنب حرم

۱- تذکره المعاصرین، حزین، صص ۴۲ ۴۴ (مقدّمه)؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۱۴۸ ۱۵۱؛ ریحانه الادب، ج ۷، ص ۱۶۶؛ تاریخ علماء گیلان، ص ۴۲؛ اعیان الشّیعه، ج ۶، ص ۲۹۷؛ مشاهیر گیلان، ج ۱، صص ۸۱ ۸۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۹۳ ۳۹۴؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۱۲ ۱۱۴؛ الذّریعه، مجلّدات مختلف؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۷۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۹۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۷۹.

مطهّر حضرت رضا علیه السلام در مشهد مقدّس ساکن گردید، و به طبابت پرداخت، و در ضمن آن، جزو خدمه آستان قدس رضوی گردید، و بالاخره به تولیّت آستان قدس رضوی مفتخر شد، و حدود ۳۷ سال در این منصب شریف، به خدمت به آن آستان مبارک مشغول بود. وی عارفی سالک، و حکیمی قابل بود. سرانجام در سال ۱۲۱۶ق وفات یافت، و در حرم مطهّر مدفون گردید. اولاد و احفادش نیز راه پدر را ادامه دادند.(۱)

ابوطالب اصفهانی

ابوطالب بن محمّدعلی اصفهانی، از خطّاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. وی نسخه ای از قرآن مجید (سوره انعام) را به خطّ نسخ در ۱۲۴۹ق کتابت نموده که به شماره ۹۹۶ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است.(۲)

هم چنین نسخه ای از سفینه النّجاه تألیف ملاّعلی اصغر قزوینی را به خطّ نسخ زیبا در رجب ۱۲۴۸ و شعبان ۱۲۵۰ کتابت نموده، نسخه به شماره ۴۵۷۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

ابوطالب غوّاص قهفرخی

ابوطالب برجیس فرزند میرزا محسن متخلّص به «غوّاص»، شاعر ادیب فاضل کامل در سال ۱۲۵۰ خورشیدی [ج ۱۲۸۸ قمری] در قهفرخ متولّد شده، و در مولد خود، و سپس در اصفهان تحصیلات خود را به پایان رسانید تا به درجه اجتهاد نائل گردیده، و در علوم تربیت و ادب به درجه کمال رسید، و پس از تکمیل تحصیلات، به محلّ خود معاودت نمود.

او در قهفرخ، انجمن ادبی تأسیس کرد، و مدرسه ای به نام سعادت به همّت او تأسیس شد. بسیاری از شعرا و فضلای قهفرخ و چهارمحال از شاگردان او می باشند، و او بالاخره در سال ۱۳۶۳ قمری در قهفرخ وفات یافت، و همان جا مدفون شد.

[از او است:

۱- مطرح الانظار، ج ۱، صص ۱۲۵ ۱۲۶؛ مطلع الشّمس، ج ۲، ص ۷۰۴؛ الکرام البرره، ج ۱، ص ۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۷۹ ۸۰؛ مکارم الآثار، ج ۲، ص ۵۷۳.

۲- فهرست مدرسه مروی، ص ۵۹.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۲، ص ۱۴۵.

از سرگذرد هرکه به کوی تو نهد پا ما بی سر و پا روی به صحرای تو داریم[(۱)]

ابوطالب تبریزی اصفهانی

میرزا ابوطالب بن حاج محمّد تبریزی اصفهانی معروف به «ابوطالب لندنی» ازجمله ادباء و شعرا و نویسندگان ساکن هندوستان. در شهرهای مختلف و ممالک خارجی همچون فرانسه، انگلیس، هلند و ممالک عثمانی در سال های ۱۲۱۲ و ۱۲۱۸ گردش نموده، چندین کتاب تألیف نموده است؛ از آن جمله: ۱. خلاصه الافکار، در تذکره شعرای فارسی، در یک مجلّد بزرگ که در بین سال های ۱۲۰۵ ۱۲۰۷ق تألیف گردیده است. ۲. رساله در علم اخلاق به فارسی ۳. فنون خمسه طب ۴. کافی در علم عروض و قوافی ۵. لبّ السّیر و جهان نما، در تاریخ، به فارسی ۶. مصطلحات موسیقی ۷. مسیر طالبی فی البلاد الافرنجی در سفرنامه مشارٌالیه به ممالک اروپا ۸. منتخب مسیر طالبی. کتاب مسیر طالبی را فرزندش میرزا حسنعلی سرپرستی کرده، و به چاپ رسانیده، و در سال های اخیر نیز در تهران تجدید چاپ شده است. در زمان ناصرالدّین شاه، دانشمندی به دستور سیف الملوک میرزا کتاب مسیر طالبی را مختصر نموده، و این نسخه (مختصر) به شماره ۴۲۷۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میرزا ابوطالب فندرسکی

میرزا ابوطالب بن میرزا بیک فندرسکی اصفهانی، شاعرادیب منجّم محقّق مدقق فقیه محدّث حکیم. در اعیان الشّیعه(۳) گوید: شاگرد آقاحسین خوانساری و محقّق سبزواری بوده است، و در ریحانه الادب به نقل از صاحب ریاض العلماء گوید: از تلامذه علاّمه مجلسی است، و با میرزا عبداللّه افندی معاصر و شریک درس بوده است.(۴) صاحب اعیان الشّیعه او را نواده پسری میرفندرسکی نوشته؛ لکن علاّمه تهرانی می نویسد: امیرابوطالب بن میرزا بیک سبط امیرابوالقاسم فندرسکی و به گمان من، مادرش دختر امیرابوالفتح مشهور به میرِ

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۸۰.

۲- تاریخ ادبیّات، هرمان اته، ص ۱۱؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۲۴۳؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج ۱، ص ۵۷۳؛ فهرست آستان قدس رضوی، ج ۷، ص ۱۷۳؛ الذّریعه، ج ۲۲، ص ۴۳۴.

۳- اعیان الشّیعه، ج ۶، ص ۲۹۴.

۴- ریاض العلماء، ج ۵، صص ۵۰۰ ۵۰۱؛ ریحانه الادب؛ تلامذه العلامه المجلسی، صص ۱۴ ۱۵.

میران فرزند میرابوالقاسم فندرسکی می باشد.(۱)

سال وفات او معلوم نیست؛ امّا تا سال ۱۱۰۰ق در قید حیات بوده است(۲)، تألیفات بسیار دارد، و از آن جمله است: ۱. بیان بدیع در صناعات بدیعیّه، مطبوع ۲. ترجمه شرح لمعه به فارسی ۳. توضیح المطالب شرح بر خلاصه الحساب ۴. تکمله حمله حیدری (سروده باذل مشهدی) ۵. حاشیه بر اصول کافی ۶. حاشیه بر تفسیر بیضاوی ۷. حاشیه بر شرح لمعه ۸. حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات شفا ۹. حاشیه بر معالم ۱۰. حاشیه یا شرح بر شافیه ابن حاجب ۱۱. دیوان اشعار ۱۲. ساقی نامه ۱۳. غزوات حیدری [شاید همان تکمله حمله حیدری باشد [۱۴. المنتهی، در نجوم ۱۵. مجمع البحرین، به فارسی ۱۶. نگارخانه چین (مثنوی)

میرزا ابوطالب «حیات» اصفهانی

میرزا ابوطالب اصفهانی متخلّص به «حیات» فرزند میرزا نصیر، شاعر ادیب خطّاط منشی، در اصفهان در منصب استیفا به خدمات دیوانی اشتغال داشت، و خطّ شکسته را خوش می نوشت، و در فنّ انشاء، مهارت کامل داشت(۳). سرانجام در سال ۱۱۳۵ق در اصفهان وفات یافت، و مدفون شد.(۴)

[برخی از نویسندگان، تخلّص وی را «جناب» ذکر کرده اند که احتمالاً تصحیف شده «حیات»است؛ واللّه اعلم]. دیوان اشعارش بالغ بر دو سه هزار بیت بوده، این بیت از او است:

لب خواهش نگشودیم و از آن خشنودیم که مرادِ دو جهان قابل اظهار نبود

حاج ابوطالب تصنیف اصفهانی

حاج ابوطالب اصفهانی متخلّص به «تصنیف» شاعر ادیب، تجارت می نمود، و در زمره

۱- الذّریعه، ج۴، ص۱۰۵.

۲- الذّریعه، ج۴، ص۱۰۵.

۳- احوال و آثارخوشنویسان، ج۴، ص۱۲۴۱.

۴- تذکره المعاصرین، حزین، ص۱۹۴ و نیز ر. ک: الذّریعه، ج۹، ص۲۰۵؛ تذکره غنی، ص۳۸؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۴۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۶۷ و ۴۵۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «جناب»، ص۱۰۸.

شعرای شـعرای شاه سـلیمان صـفوی بود، به هندوسـتان مهاجرت کرد، مؤلّف الـذّریعه فرماید: به گمان من، وی همان تصـنیف خوانساری می باشد.(۱)

ابوطالب «زهره» بروجنی

ابوطـالب زهره، از اخلاف دفتری بروجنی است. در سال ۱۲۹۸ خورشـیدی در بروجن متولّد، و سپس در شهررامهرمز به کسب و کار مشغول شد. گاهی برحسب اقتضای حال، اشعاری می سرود، از او است:

[قصد قتلم گر کنی خنجر مخواه کار صد خنجر کند ابروی تو(۲)]

ملّاابوطالب فخرالواعظین چهارسوقی

حاج ملّاابوطالب چهارسوقی ملقّب به «فخرالواعظین»، واعظ کامل و فاضل جامع، از فضلای اهل منبر اصفهان بود.

در سال ۱۳۳۹ وفات یافت، و در یکی از حجرات تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

ملّاابوطالب قزوینی

ملّاابوطالب قزوینی اصفهانی، عالم فاضل از دانشمندان ماهر در علوم غریبه در قرن سیزدهم هجری بوده است. از آثار او است:

۱. رساله ای در نسبت بین حروف ۲. فرائـد الـدّرر فی علم اللّوح و القدر، در جفر [که نسـخه های متعدّدی از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است].(۴)

۱- الذّریعه، ج۹، ص۱۷۲؛ تذکره غنی، ص۳۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۸.

۳- رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۱۹۷؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۲؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۴۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۲.

۴- الکرام البرره، ج۱، ص۴۰؛ الذّریعه، ج۱۶، ص۱۳۴ و ج۲۴، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۳؛ فهرست آستان قدس، ج۱۰، صص۲۶۳ ۲۶۴ و ج۱۵، صص ۴۳۰ ۴۳۱؛ فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۳۱۴.

ملّاابوطالب لواسانی

ملّاابوطـالب لواسانی، عالم فاضل. در علوم مختلف، خصوصا ریاضـیات و جفر و اعـداد اسـتاد بود. سال ها در مـدرسه نیماورد ساکن بوده، و در حدود سال ۱۲۶۰ق وفات یافته است.(۱)

ابوطالب مذهّب اصفهانی*

ابوطـالب مـذهّب اصـفهانی، از هنرمنـدان قرن سـیزدهم هجری است. در تـذهیب، و ازجمله تزیینـات گـل و بوته و زرافشـان و تشعیر، استادی کامل بوده، و در عهد فتحعلی شاه قاجار می زیسته است. سال فوتش به دست نیامد.

وی پدر شاعر هنرمند و نقّاش تذهیب کار، میرزامحمّدعلی مذهّب، متخلّص به «بهار» و «فرهنگ» می باشد.(۲)

حکیم ابوطاهر

حکیم ابوطـاهر از دانشـمندان اصـفهان در قرن پنجم هجری، و معاصـر بـا مـافرّوخی است. مافرّوخی وی را در ردیف فلاسـفه، ریاضی دانان، اطبّاء و منجّمین عصر خویش می آورد.(۳)

ابوطاهر اصفهانی

ابوطاهر سعید بن محمّد بن ابی طاهر بن عبدالواحد صفّار اصفهانی تیمی، از محدّثین اصفهان است.(۴)

ابوطاهر اصفهانی

ابوطاهر سـهل بن محمّـد بن ازهر اصـفهانی، از فقهاء و محدّثین قرن سوم هجری است. در اصـفهان ساکن بوده، و از یونس بن حبیب حـدیث شـنیده؛ امّـا از او حـدیثی نقـل نشـده است. وی در سال ۲۸۶ق وفـات یافت. فرزنـدش علیّ بن سـهل از صوفیان معروف اصفهان در آن

۱- جغرافیای اصفهان، ص۸۳؛ الکرام البرره، ج۱، ص۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۳.

۲- هنر قلمدان، ص۱۱۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۴- ذیل کشف الظّنون، ص۴۰.

روزگار بوده است.(۱)

ابوطاهر بن ثابت

ابراهیم بن ثابت از دانشمندان قرن پنجم هجری است.

وی معاصر مافرّوخی است، و مافرّوخی او را جزو دانشمندان فلاسفه، ریاضی، طبّ و نجوم آورده است.(۲)

ابوطاهر ثقفی

ابوطاهر بن محمود بن احمد بن محمود ثقفی از محدّثین اصفهان است. وی از ابوالعبّاس احمد بن عبدالرّحمان بن یوسف اسدی اعرج و ابوبکر بن مقری روایت می کند.

ابوالفضل جعفر بن عبدالواحد بن محمّد بن محمود نوه برادرش از او روایت نموده است.(۳)

ابوطاهر خیّاط

ابوطاهر خیّاط، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاءِ متقدّم بر عصر خود می آورد.(۴)

ابوطاهر فرقدی

ابوطاهر فرقدی از محدّثین اصفهان است.

مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان حدیث و کلامِ متقدّم بر عصر خود آورده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۵.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۶۲.

۴- محاسن اصفهان، ص ۳۱.

۵- محاسن اصفهان، ص ۳۱.

ابوطاهر قمی

ابوطاهر کمج قمی، از شعرای قرن پنجم هجری است. وی معاصر مافرّوخی بوده، و به عربی شعر می سروده است.(۱)

ابوعامر جرواءانی

ابوعـامر جرواءانی اصـفهانی، ادیب شـاعر، از اهـالی محلّه جرواءان اصـفهان بـوده، و به عربی شـعر می سـروده، و در قرن سـوم هجری می زیسته است. حمزه اصفهانی این شعر را از او نقل نموده است:

سقی اللّه جیّا انّ جیّا لذیذه من الغیب ما یسری لها ثمّ یبکر

فلابقه فی اللّیل یؤذیک لسعها لنوم و لابرغوثه حین تسهر

و ماء کایاها زلال کأنّه إذا ما جری فی الخلق ثملجٌ و سکر(۲)

ابوالعبّاس خوزانی

ابوالعبّاس خوزانی از ادبای اصفهان به شمار می رود. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاءِ مقدّم بر عصر خود ذکر می کند.(۳)

ابوالعبّاس ضبّی

ابوالعبّاس احمـد بن ابراهیم ضـبّی، ملقّب به «کـافی الاوحـد»، شـاعر، ادیب و دانشـمند قرن چهـارم هجری. [وی از صاحبـان و پرورش یافتگـان صاحب بن عبّاد بود، و صاحب به او اعتقاد تامّ و تمام داشت، و پس از فوت صاحب، این ابوالعبّاس بود که بر جنازه استاد، نماز گزارد.

در سال ۳۸۵ق پس از فوت صاحب بن عبّاد به شراکت ابوعلی خطیر اصفهانی وزارت

۱- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۵.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

ص: ۲۹۴

فخرالـدّوله دیلمی را برعهـده گرفت. پس از مرگ فخرالـدّوله وزارت مجدالدّوله پسـر او را نیز عهده دار بود تا این که سیّده، مـادر مجدالـدّوله او را به مسـموم کردن برادر متّهم ساخت، و دویست هزار دینار برای مراسم تعزیت و سوگواری مطالبه نمود. ابوالعبّـاس به ناچـار به بدرالـدّین حسـنویه امیر جبـال پناه برد، و در سال ۳۹۲ در بروجرود وفـات یافت. پسـرش سـعد بن احمد جنازه پدر را به کربلا داد، و با مساعی شریف ابواحمد (پدر شریف رضی) در آن آستان متبرّک در خاک آرمید.

ابوالعبّـاس ضبّی مردی نیکوکـار و فرهنـگ دوست بود، و آثـار خیریّه بسـیار از خود به جای نهاد. مافرّوخی اشاره می کنـد که ابوالعبّـاس ضبّی کتابخـانه ای ارزشـمند در مسـجد عتیق اصـفهان بنا کرد که حاوی هزاران نسـخه نفیس ادبی، فقهی، حـدیثی، فلسـفی، ریاضـی، هیأت، منطق، تاریـخ و علوم طبیعی بود، و آن را وقف فضـلاء و دانشـمندان نموده بود. فهرستی که از کتاب های کتابخانه فراهم شده بود، بالغ بر سه جلد ضـخیم می شد. متأسّفانه در سال ۵۱۵ق فداییان اسماعیلی، مسجد جامع اصفهان را به آتش کشیدند، و آن کتابخانه بزرگ، با هزاران کتاب نفیس موجود در] مخزن آن را در آتش کینه خود سوختند.

وی در سرودن اشعار عربی از اساتید ارجمند عهد خود بوده، و در غزل و قصیده، اشعاری شیوا می سروده است. او اشعاری در مدح ائمّه شیعه دارد، و در کتاب الغدیر نمونه ای از غدیریّه او را آورده است].

ابوعبداللّه ابرقویی

ابوعبداللّه ابرقویی(۱) از ادباء و دانشمندان ساکن اصفهان است.

مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاءِ مقدّم بر عصر خود آورده است.(۲)

ص: ۲۹۵

ابوعبداللّه اصفهانی

ابوعبداللّه اصفهانی معروف به «شافعی» از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۸۱ق وفات یافت.(۳)

ابوعبداللّه اصفهانی

ابوعبداللّه اصـفهانی، از دانشـمندان قرن پنجم هجری است، در شام ساکن بوده، و در علم و ادب، شاگرد ابوالعلاء معرّی است. معرّی بر حسب خواهش او بعضـی از ابیات مشـکل کتاب سـقط الزّند را شرح کرده، و آن را ضوء السّقط نامیده است. معروف شـده که ضوء السِّـقط را ابوزکریّا بن خطیب تبریزی (۴۲۱ ۵۰۲ق) تـألیف نموده، حـال آن که این کتـاب، از تألیفات ابوالعلاء معرّی است، و خطیب تبریزی ضوء السّقط را شرح و تکمیل نموده است.(۴)

ابوعبداللّه اصفهانی

ابوعبـداللّه بن یوسف اصـفهانی، از محدّثین به شـمار می رود. از ابوبکر عمر بن محمّد صاحب کتّانی روایت می کند، و حافظ ابوبکر احمد بن حسین از او استماع حدیث نموده است.(۵)

ابوعبداللّه انداآنی

ابوعبـداللّه انـدآآنی، از ادبای اصـفهان است. مافرّوخی او را از دانشـمندان صـرف و نحو و لغت و انشاء، و مقدّم بر عصـر خود دانسته است.(۶)

[انداآن از قریه های ماربین بوده است، و اکنون یکی از محلّه های سده (خمینی شهر) به شمار می رود].

۱- یتیمه الـدّهر، ج۳، صص۱۱۸ ۱۲۷؛ ترجمه محاسن اصـفهان، ص۶۳؛ الذّریعه، ج۹، ص۶۲۵؛ الغدیر، ج۴، صص۱۰۱ ۱۱۰؛ معجم الادباء، ج۱، ص۶۵؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۴۱۹؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۴۵؛ تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۳۴.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۳- تبیین کذب المتفری، ص۱۹۷.

۴- نشریّه دانشکده ادبیّات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۱۱ و ۱۲، ص۱۸۰.

۵- تبیین کذب المفتری، ص۴۲۴.

۶- محاسن اصفهان، ص۳۲.

ابوعبداللّه بادی

ابوعبداللّه بادی، از ادبای اصـفهان است. مافرّوخی وی را از دانشـمندان صرف و نحو و لغت و انشاء دانسته، و او را از متقدّمین بر عصر خود بر شمرده است.(۱) [باد از قرای نطنز، و اکنون به نام بادرود معروف است].

ابوعبداللّه برقی

ابوعبـداللّه برقی، از بزرگـان قرن سـوم هجری، و خـواهرزاده احمـد بـن محمّـد بـن خالـد برقی محـدّث معروف است. از قم به اصفهان آمده، و در این شهر ساکن گردیده است.(۲)

ابوعبداللّه خطیب

ابوعبداللّه خطیب اصـفهانی معروف به اسـکافی، ادیب، لغوی، نحوی، از ادبای قرن چهارم و پنجم هجری است. وی شعر عربی را فصیح و بلیغ می سـروده است. در ری از مصاحبان صاحب بن عبّاد بوده، و در آن شـهر، منصب خطابت را بر عهـده داشـته است. تألیفـاتی دارد که از آن جمله است: ۱. دره التّنزیل، در آیات متشابهه، مطبوع در مصـر ۲. شواهد سیبویه ۳. الغرّه ۴. غلط کتـاب العین جاحظ ۵. لطف التّـدبیر ۶. مبـادی اللّغه العربیّه، مطبـوع در مصـر، ۷. نقـد الشّـعر. وی در سـال ۴۲۷ق وفـات یافته است.(۳)

ابوعبداللّه طبری

حافظ ابوعبداللّه طبری، از اکابر فقهاء و محدّثین عامّه است. در سال ۴۹۵ق در اصفهان وفات یافته است.(۴)

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۲.

۲- معجم البلدان.

۳- محاسن اصفهان، ص ۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۵۱.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۴۷.

ابوعبداللّه فقیه

ابوعبداللّه فقیه، از دانشـمندان اصفهان در اوایل قرن پنجم هجری است. وی متصدّی امور رصدی که بر امر علاءالدّوله کاکویه فرمانروای اصفهان، و به وسیله شیخ الرّییس ابوعلی سینا در اصفهان قرار بود انجام گیرد، بوده است.(۱)

ابوعبداللّه قاینی

ابوعبـداللّه قاینی، ادیب اصـفهانی، از ادبای ساکن اصـفهان است. او را اصـمعی کوچک می گفته اند، و در حسن قضا مشـهور بوده است.(۲)

ابوعبداللّه معصومی

ابوعبـداللّه محمّد بن احمد معصومی، حکیم، فیلسوف و طبیب دانشـمند قرن پنجم هجری. از اهالی اصـفهان و از شاگردان ابن سینا بوده، و اسـتاد، درباره او گفته است: «ابوعبـداللّه منّی بمنزله ارسـطاطالیس من افلاطون». ابوعبداللّه از فاضل ترین شاگردان ابن سـینا است، و از طرف او، پاسـخ ایرادهـای ابوریحـان بیرونی را داده است. او سال ها پس از وفات ابن سـینا در اصـفهان به تـدریس حکمت و طب مشـغول بوده، و سـرانجام در سـال ۴۵۰ق وفات یافته است. برخی نوشـته انـد که او به دسـتور سـلطان محمود غزنوی کشـته شده است که صحیح نیست؛ چراکه سلطان محمود در سال ۴۲۱ق مُرده، و عبداللّه معصومی، حدود سی سال پس از مرگ محمود از دنیا رفته است.

کتب زیر از تألیفـات او است: ۱. جواب هیجـده مسأله که ابوریحان از ابن سـینا کرده، و اسـتاد، جواب آن را بـدو حواله نموده است. ۲. رساله ای در حفظ الصحّه ۳. شرح کلمات المتقدّمین از حکماء ۴. مفارقات عقلیّه ۵. رساله در منطق و غیره.(۳)

۱- درّه الاخبار، ص۳۹.

۲- بهارستان (آیتی)، ص۱۸۳.

۳- ترجمه نزهه الاـرواح، ص۳۸۷، مطرح الانظـار، ج۱، صص۱۲۸ ۱۲۹؛ ریحـانه الادب، ج۵، صص۳۴۴ ۳۴۵؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۹۹۹؛ تاریخ ادبیّات، صـفا، ج۱، ص۳۱۹؛ الاعلام، ج۷، ص۱۰۳؛ لغت نامه دهخـدا، ذیل «ابوعبداللّه»، ص۶۱۴؛ ادباء الاطبّاء، ج۱، ص۲۶؛ درّه الاخبار، ص۶۰؛ فرهنگ بزرگان اسـلام و ایران، ص۴۵۸، نامه دانشوران، ج۲، ص۵۶۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۶۷ ۱۶۸.

ابوعبداللّه ملنجی

ابوعبـداللّه محمّـد بن ابراهیم بن سالم بن عبداللّه قرشـی ملنجی، از محدّثین اصـفهان معروف به «ابن شاوال» وی در قرن چهارم هجری می زیسـته، و از اهالی روسـتای «ملنجه» اصفهان بوده است. از حسن بن عرفه و علیّ بن داوود قنطاری و دیگران روایت نموده است.(۱)

ابوعبداللّه وَعِلی

ابوعبـداللّه وَعِلی از دانشـمندان اصـفهان و از اهـالی قریه وعـل (به فتـح واو، و کسـر عین) است. از آثار او قصـیده ای است در موضـوع باطـل بودن حیله در طلاـق و ربـا، و آن را طـاهر بن یحیی یمنی رد کرده است به کتـاب الاحتجـاج الشّـافی، بردّ علی المعاند فی طلاق التّنافی(۲). [شرح حال ابوبکر وَعِلی را در صفحات قبل آورده ایم].

ابو عبید جوزجانی

شیـخ ابوعبید عبدالواحد جوزجانی، از اهالی جوزجان خراسان، و از شاگردان مخصوص شـیخ الرّییس ابوعلی سـینا است.] وی در سال ۴۰۳ق در گرگان به خدمت اسـتاد رسیده، و از محضر او بهره علمی برده، و تا آخر عمر استاد (سال ۴۲۸ق) در سفر و حضـر، در خدمت او بوده، و پس از وفات او، شـرح حال خودنوشتِ استاد را تکمیل نموده است]. در مدّت شانزده سال اقامت ابن سـینا در اصفهان (۴۱۲ ۴۲۸) او نیز در اصـفهان بود، و پس از آن که علاءالـدّوله کـاکویه، شـیخ الرّییس را مأمور تأسـیس رصدخانه نمود، شیخ نیز شاگردش ابوعبید را مأمور تهیّه آلات رصدی و استخدام اهل فن گردانید، و او هشت سال

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۶۲؛ محاسن اصفهان، ص۲۹.

۲- کشف الظنون، ج۱، ص۱۵.

صرف این امر نمود.(۱)

ابوعبید ضراب

ابوعبید معروف به ضرّاب، از ادبای اصفهان است.

مافرّوخی وی را در عداد دانشمندان صرف و نحو انشاء ذکر کرده، و او را مقدّم بر عصر خویش دانسته است.(۲)

ابوالعزّ اصفهانی

ابوالعزّ اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است، و شاید قرن پنجم را نیز درک نموده باشد. حسین بن محمّد بن بزری صیرفی (متوفّی ۴۲۳ق در مصر) از او روایت می کند.(۳)

ابوالعلاء اصفهانی

ابوالعلاء احمد بن محمّد بن فضل حافظ اصفهانی، از دانشمندان اصفهان است. یاقوت در ضمن شرح حال سیّدمرتضی علم الهدی (متوفّی ۴۳۶ق) ذکری از او می نماید، و گوید: شیخ ابوالفضل محمّد بن طاهر مقدسی گفت: شنیدم از کیا ابی الحسین عیسی بن حسین علوی زیدی در موقعی که شاعری نزد او آمده، و اشعاری در مدحش گفته بود، و نزد مردم به من و سیّد مرتضی به یک گونه نظر می کنند، و توقّع دارند، و حال آن که عوائد املاک سیّد، بیست و چهار هزار دینار در سال است، و من از عوائد املاکی که متعلّق به خواهرم می باشد، زندگی می نمایم، و مرا غیر از این، راهِ معیشتی نیست.

۱- مقالات ادبی، استاد همایی، صص ۴۶ و ۷۹؛ درّه الاخبار، ص۳۹؛ غزالی نامه، ص۳۱۸؛ الکامل، ج۸، ص۲۴۵.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۳- میزان الاعتدال، ج۱، ص۲۵۶.

ابوالعلاء سروی

ابوالعلاء سروی، از بزرگان اصفهان در قرن چهارم هجری بوده، و صاحب بن عبّاد اشعاری جهت او سروده است که هفت بیت آن را مافرّوخی در کتاب خود نقل نموده است؛ ازجمله این بیت:

ابا العلاء الا بشر بمقدمنا فقد وردنا علی المهریّه القود(۱)

ابوالعلاء فرسانی

ابوالعلاء فرسانی از محدّثین اصفهان است. سلفی از او روایت می کند.(۲)

ابوالعلاء نیشابوری

قاضی ابوالعلاء نیشابوری، از فقهای عامّه بوده، و در اصفهان به قضاوت می پرداخته است. وی به دست اسماعیلیان در سال ۴۹۹ق در اصفهان کشته شد.(۳)

ابوعلی اردستانی

ابوعلی اردستانی، از ادبای اصفهان است.

مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو، و لغت و انشاء که مقدّم بر عصر خود می زیسته اند یاد کرده است.(۴)

میرزا ابوعلی «هاتف» اصفهانی*

میرزا ابوعلی اصفهانی متخلّص به «هاتف» شاعر ادیب، در کودکی در معیّت پدر به هندوستان رفت، در فنون ادب نزد میرمحمّد افضل ثابت و میرشمس الدّین فقیر دهلوی تحصیل کرد، سپس مورد توجّه بزرگان و امیران هندوستان واقع [شد]، و مورد اقدام و اعزاز

۱- محاسن اصفهان، ص۱۴.

۲- میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۳.

۳- تاریخ تشیّع در ایران، ص۳۳۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

آنان قرار گرفت، در اواخر قرن دوازدهم هجری در آن سرزمین وفات یافت. از او است:

فارغ ز بد و نیک جهانم که خیالش یک دم نگذارد که به فکر دگر افتم(۱)

ابوعلی بادی

ابوعلی بادی، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم که در علوم صرف و نحو و لغت و انشاء، مهارت داشته اند دانسته است.(۲)

ابوعلی بغدادی

ابوعلی بغدادی، ساکن اصفهان بوده، و در کلام و حدیث مهارت داشته است. مافرّوخی او را از دانشمندان مقدّم بر عصر خویش دانسته است.(۳)

ابو علیّ بن دیزویه

ابوعلیّ بن دیزویه، از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان فلسفه، ریاضی، طبّ و نجوم که معاصر بوده اند آورده است.(۴)

ابوعلیّ بن سهلویه

ابوعلیّ بن سهلویه، از ادبای اصفهان بوده، و مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین آورده، و او را از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء دانسته است.(۵)

ابوعلی حدّاد

شیخ ابوعلی حسن بن احمد بن حسن بن احمد بن محمّد بن مهره اصفهانی معروف به «ابوعلی حدّاد» از مشایخ علم قرائت و تجوید در اصفهان بوده، در سال ۴۱۹ متولّد

۱- گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۷۲؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۲۸۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۳- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۵- محاسن اصفهان، ص۳۲.

[شده]، و ۲۵ ذی الحجّه ۵۱۵ق وفات یافته است.(۱)

[تألیفاتی داشته است از آن جمله است: ۱. تاریخ اصفهان ۲. معرفه الصّحابه ۳. علوم الحدیث ۴. کتاب الخلفاء الرّاشدین ۵. الجوامع الکلم ۶. الفرائض ۷. الثّقلاء ۸. کتاب المحبّین مع المحبوبین(۲)].

برخی از شاگردان و راویان از ابوعلی حدّاد عبارت اند از: ابوالمحاسن سعد بن محمّد بن حسین هراسی، ابومنصور شهردار بن شیرویه بن شهردار بن شیرویه بن فناخسرو دیلمی همدانی، ابوالخیر عبدالهادی بن علی، ابوروح عباد بن احمد، ابوالمجد فخرآور بن شهفور رازی، ابومحمّد کامل (محمود) بن ختلع لتوری اصفهانی، ابوغالب لیث بن هبه اللّه صالحانی، سیّدابوالقاسم منصور بن محمّد بن محمّد هراتی(۳) و ابوجعفر محمّد بن احمد صیدلانی.

ابوعلی رستمی

ابوعلی احمد بن محمّد بن رستم بن طیّار قرشی طهرانی مدینی اصفهانی معروف به ابوعلی رستمی یا ابوعلی کاتب از ادباء و دانشمندان و دولتمندان قرن سوم و چهارم هجری.

وی حکمران اصفهان، و دارای ثروت و املاک فراوان در اصفهان و اطراف بوده است، ازجمله قصر معروفی که ابن حوقل به آن اشاره کرده، و حمّامی که در سال ۳۲۳ مرداویج در آن به قتل رسید، و باغ معروف به «باغ رستم». وی با شاعر توانمند زبان عربی ابوالحسن محمّد بن احمد بن طباطبا مؤلّف عیار الشّعر، معاشر و مصاحب بوده، و مناظره ها داشته که در کتاب المحاضرات از آن ها یاد شده است.

وی دختری به نام فاطمه داشته که آن را به ازدواج ابی الحسین علی الشّهاب فرزند ابوالحسن محمّد، که از او یاد کردیم در آورده، وقف نامه ای تنظیم، و اموال و املاک خود را

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۸۳؛ التّحبیر، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲- الاعلام، ج ۲، ص ۱۵۹.

۳- التّحبیر، ج ۱ و ۲ صفحات مختلف.

طیّ این وقف نامه در سال ۳۱۶ق به داماد و نوادگان خود سپرده است.

ابوعلی در زمان خود به تعمیر مسجد جامع عتیق اصفهان پرداخته، و آن را وسعت داده است. وی سرانجام در سال ۳۲۱ق وفات یافت. حافظ ابونُعیم در کتاب خود می نویسد: از اسحاق بن جمیل و طبقه او استماع حدیث نمود؛ ولی تا زنده بود، حدیثی روایت نکرد.(۱)

ابوعلی خطیر اصفهانی

ابوعلی خطیر اصفهانی، از دولتمردان قرن چهارم هجری است. پس از وفات صاحب بن عبّاد در سال ۳۸۵ق فخرالدّوله وزارت را به ده هزار دینار به او فروخت، و دست او را در امر ملک بازگذاشت.

آورده اند که روزی عضدالدّوله از ابوعلی خطیر آزرده شد، و رسولی را به نزدیک او فرستاد، و شمشیر برهنه بدو داد، و گفت: «این را ببر، و در پیش او بند، و هیچ نگوی». آن رسول بیامد، و چنان کرد. چون تیغ نهاد، و چیزی نگفت، وزیر، قلمی سوی وی انداخت، و گفت: «جواب تو این است»، و بعد از آن، روی به کار عضدالدّوله آورد، و سپاه را بر وی بیرون آورد تا وی را دربند کردند، و پسر را به جای او نشاندند.(۲)

ابوعلی سبط الوزراء

ابوعلی سبط الوزراء از ادبای اصفهان است.

مافرّوخی از او به عنوان یکی از دانشمندان متقدّم در صرف و نحو و لغت و انشاء یاد کرده است.(۳)

ابوعلی صحّاف

ابوعلی صحّاف، از محدّثین اصفهان است، و احمد بن محمّد بن اشته مدینی از او

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳؛ محاسن اصفهان، ص۱۱ شرح روضات الجنّات، ج۱، صص ۳۰ ۳۱؛ تاریخ ا صفهان، جابری، صص ۱۱۰ و ۱۹۳ ۱۹۴؛ آتشکده اردستان، ج۱، صص ۱۷۰ ۱۷۳.

۲- آثار الوزراء، ص۲۰۲.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

روایت نموده است.(۱)

ابوعلی قزوینی

ابـوعلی معروف به قزوینی از دانشـمندان معاصـر مـافرّوخی مؤلّف محـاسن اصـفهان است. مـافرّوخی او را در طبقه دانشـمندان فلسفه، ریاضی، طبّ و نجوم آورده است.(۲)

ابوعلی قمی

ابوعلی بن بنان قمی، از شـعرای اصـفهان در قرن پنجم و معاصـر مافرّوخی بوده، و در سرودن اشعار عربی، دستی توانا داشته، و در اصفهان می زیسته است.(۳)

ابو عمرو بن قدامه

ابوعمرو بن قدامه، از دانشـمندان متقدّم بر عصـر مافرّوخی بوده، و مافرّوخی او را در ردیف فلاسـفه، ریاضـی دانان، منجّمین و اطبّاء آورده است.(۴)

ابوعیسی مافرّوخی

ابوعیسـی محمّـد بن عبـداللّه بن عبّاس مافروّخی ثانی، از علماء و فقهاء اصـفهان. مفضّل بن سـعد مافرّوخی، از دانشـمندان قرن پنجم هجری او را در ردیف علمای کلام و حـدیث متقـدّم بر روزگار خویش برشـمرده است. ابوعیسـی مافرّوخی از احمـد بن یونس صبی و ابوالعیناء محمّد بن قاسم نقل حدیث نموده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۵- محاسن اصـفهان، ص۲۹؛ ذکر اخبـار اصـفهان، ج۲، ص۲۷۲؛ اللّبـاب، ج۳، ص ۱۵۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۸۸۲.

ابوغالب

ابوغـالب بن هـارون، از ادبـاء و فضـلای قرن پنجم هجری است. وی از شـاگردان احمـد بن محمّـد بن احمـد بن شـهردار معلّم اصفهانی (متوفّی ۴۴۶ق) بوده است.(۱)

ابوغالب رویدشتی

ابو غالب سعد رویدشتی اصفهانی، از اهالی رستاق رویدشت بوده، و از محدّثین اصفهان است. حمزه اصفهانی از او یاد کرده است.(۲)

ابوالفتح اردستانی

ابوالفتـح عبدالجبّار بن عبداللّه بن برره اردسـتانی اصـفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی در ربیع الاوّل ۳۷۸ق متولّد شده، و برای اخذ حدیث به عراق و شام سـفر کرده، و از ابوالحسن علیّ بن عمر قصار در ری، ابوعبدالرّحمان محمّد بن حسین سلمی در نیشابور، و ابوالقاسم علیّ بن محمّد علوی در عراق استماع حدیث نموده است.

جمعی از راویان، ازجمله ابومنصور محمّـد بن احمـد بن ماشاذه در اصـفهان و ابوسـعد احمـد بن محمّـد بن احمـد بغـدادی در اصفهان [از او] روایت نموده اند. اردستانی در محرّم ۴۶۸ق در اصفهان وفات یافت.(۳)

ابوالفتح اصفهانی

میرزا ابوالفتح فرزند میرزا ابوطالب نجم ثانی اصفهانی از مشاهیر فضلای عهد شاه سلطان حسین صفوی در اصفهان است.

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۱۰۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۲۷۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۲.

۳- الانساب، ج۱، ص ۱۶۰؛ اللّباب، ج۱، ص۱۳۸؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص۲۶۲ ۲۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۷۰.

ابوالفتح اردستانی

فخرالملک ابوالفتح عبدالحمید اردستانی، در بلاغت و فصاحت و کیاست و کفایت و بزرگی، صاحب کمال بوده، مدّتی وزارت سلطان سنجر بن ملکشاه را داشته، و به سعایت خواجه فخرالملک از کار بر کنار، و محبوس شد.

سپس به رسالت سلطان بهرام شاه [رفته]، و منصب ندیمی او را یافته، و تا هنگام مرگ در این شغل بوده است.(۱)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح خالد بن عمربن محمّد بن عبداللّه بن محمّد بن علیّ بن اسحاق غازی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری، شیخ صالح ثقه بوده، و به اقامه نماز جمعه و جماعت مواظبت داشته است، تولّدش در سال ۴۵۰ و اندی بوده است.(۲)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح محمّد بن احمد بن سمکویه اصفهانی حافظ مفید، در سال ۴۰۷ق در اصفهان متولّد گردیده، جهت اخذ حدیث به هرات و ماوراءالنّهر و عراق مهاجرت کرده، در سال ۴۸۲ در نیشابور وفات یافته، و در مقبره شهنبر مدفون گردیده است. ابو سعد (ابوسعید) محمّد بن جامع بن ابونصر بن ابراهیم صیرفی ضرّاب نیشابوری از او اخذ حدیث کرده است.(۳)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح محمّد بن قاسم بن فضل اصفهانی، از دانشمندان قرن پنجم و ششم هجری. در علم ریاضیّات، از بزرگان و اساتید عهد خویش بوده، و مورد توجّه و عنایت ابوکالیجار

۱- آثار الوزراء، ص۲۳۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۶۱.

۳- التّحبیر، ج۲، ص۱۰۳.

گرشاسف بن علیّ بن فرامرز پنجمین پادشاه کاکویه اصفهان و همدان بوده است. از اساتید و شاگردان و تولّد و وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ ولی تا سال ۵۱۳ق در قید حیات بوده است. تألیفاتی از خود به جای گذاشته که از آن جمله است:

۱. تلخیص مخروطات اپولونیوس، مقاله اوّل تا چهارم مخروطات توسّط هلال بن ابی هلال حمصی و مقاله پنجم تا هفتم توسّط ثابت بن قرّه حرّانی به عربی ترجمه شده، و ابوالفتح اصفهانی تحریر تازه ای از این هفت مقاله فراهم آورده است.(۱)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح محمود بن حسین بن محمّد بن حسین اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و ابوعبداللّه قاسم بن فضل ثقفی روایت می کند. ابوسعد سمعانی از وی نقل حدیث نموده است. تولّد او در حدود سال ۴۸۰ق، و فوت او در شوّال ۵۵۲ در اصفهان روی داده است.(۲)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح منصور بن حسن بن علی اصفهانی، از دانشمندان قرن پنجم و از معتزله بوده، و در سال ۴۴۲ق وفات یافته است.(۳)

ابوالفتح انصاری

ابوالفتح انصاری از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان

۱- دائره المعارف فارسی، ج۱، ص۲۶؛ تاریخ ادبیّات در ایران، ج۱، صص۳۳۴ ۳۳۵؛ زندگی نامه ریاضی دانان دوره اسلامی، ص۹۲ ۹۸؛ کارنامه ایرانیان در زمینه نوآوری های ریاضیّات، نجوم، گاه شماری، ص۱۱۲؛ گاه نامه، سیّدجلال الدّین تهرانی، ص۸۲؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۸۹.

۲- التّحبیر، ج۲، ص۲۷۸.

۳- هزاره شیخ طوسی، ج۱، ص۱۳۹؛ محاسن اصفهان، ص۳۰.

حدیث و کلامِ متقدّم بر عصر خود آورده است.(۱)

ابوالفتح اوژن بختیاری

سرهنگ ابوالفتح اوژن فرزند هادی خان فرزند رضاقلی خان ایل بیگی بختیاری، شاعر و نویسنده ادیب در سال ۱۳۲۴ قمری در چهارمحال بختیاری متولّد شد. تحصیلات خویش را در مولد خود و اصفهان و تهران به پایان رسانید. از سال ۱۳۱۲ شمسی وارد دانشکده افسری گردید. سال ها به انجام وظیفه در ارتش پرداخت. شعر نیز می سرود. ابتدا «محزون» تخلّص داشت، و بعدا آن را به «اوژن» تبدیل نمود. تألیفات ایشان عبارت اند از:

۱. قصّه زمستانی ۲. طوفان ۳. دو جوان ۴. همان که دلت می خواهد (از افسانه های شکسپیر)، مطبوع ۵. خاطرات گذشته ۶. داستان ماهرخ و ماهیار ۷. شعرای دو قرن اخیر چهارمحال و بختیاری، مطبوع.

از اشعار او است:

هرکه آمد در جهان یک چند روزی بود و رفت آن هم آخر از تحسّر دست بر هم سود و رفت(۲)

[سرهنگ اوژن در ۱۸ بهمن ۱۳۶۰ش در تهران وفات یافت].(۳)

ابوالفتح حدّاد

ابوالفتح احمد بن محمّد بن احمد حدّاد تاجر اصفهانی، از محدّثین مشهور اصفهان در قرن پنجم هجری است. در سال ۴۰۸ق متولّد شد، در نظامیّه نیشابور تحصیل کرد، و در آن جا با امام محمّد غزالی در درس امام الحرمین جوینی حاضر شد. از ابوعبداللّه کازرونی نیز استفاده علمی برده است.

استاد همایی معتقد است وی در نظامیّه بغداد تدریس نموده است. ابوطاهر سلفی، علیّ

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۷۲ ۷۳.

۳- کتاب انزان، کتاب اوّل، ص ۱۸۲.

بن احمـد یزدی، طامـذی و ابومحمّدحسـین بن حسن مرورودی از او اسـتماع حـدیث کرده انـد. ابوالفتح حدّاد نوه دختری ابی عبـداللّه بن منـده است، و سال ها مجاور مکّه معظّمه بوده است. علاوه بر حـدیث، در قرائت نیز از اساتید و دانشـمندان آن علم بوده، و بسیاری از قاریان آن عهد از او روایت قرائت دارند.

وی در ذی قعده سال ۵۰۰ق وفات یافته است.(۱)

ابوالفتح دانشور بختیاری

میرزا ابوالفتـح بختیـاری متخلّص به «دانشور»، شاعر معاصـر در حـدود سال ۱۳۰۰ قمری متولّـد شـد، و در مکاتب قـدیم، کمی درس خواند، سپس در زادگاه خویش قهفرخ به امور زراعتی مشغول گردید. گاهی شعر می سرود.

[از او است:

بر یار دلستانم باد صبا خدا را برگو شکستی آخر قلب درست ما را(۲)]

ابوالفتح بن ابی العیاض

ابوالفتـح بن ابی العیاض، از ادبای اصـفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشـمندان متقدّم در رشـته صـرف و نحو و لغت و انشاء، ذکر نموده است.(۳)

ابوالفتح بنجری

ابوالفتح بنجری، از دانشمندان کلام و حدیث است، و مافرّوخی او را از دانشمندان مقدّم بر عصر خویش دانسته است.(۴)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۲۲۹؛ مدارس نظامیه، صص۱۰۲ و ۱۴۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۹۳.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۲۹.

ابوالفتح دهقان سامانی

ابوالفتح سامانی متخلّص به «دهقان» فرزند باباخان، شاعر و ادیب مشهور چهارمحالی در سال ۱۲۶۱ق (و یا به قولی ۱۲۴۰ق) در قریه «سامان» متولّد شد. از نوجوانی طبع شعر داشت، به اصفهان آمد، و در انجمن ادبی ابوالفقراء شرکت کرد، و با شعرای اصفهان مأنوس و رفیق شد(۱) و ضمن آن، در مدرسه جدّه ساکن شد، و به تحصیل مشغول گردید، و از اساتید عالی قدری همچون آخوند کاشی و شیخ حسن شیرازی بهره گرفت. در بهار و تابستان در زادگاه خود به زراعت و فعّالیت مشغول بوده، و در زمستان به اصفهان می آمده، و در محافل شعراء و فضلاء شرکت می نموده است. انواع شعر را با مهارت می گفته، خصوصا در غزل، طبعی توانا داشته، و با آتش اصفهانی رقابت داشت. اشعار و آثارش را مدوّن ساخت؛ از آن جمله است:

۱. شکرستان، مطبوع ۲. مثنوی سلیمان و بلقیس شامل هفت صد بیت ۳. مثنوی داوود و طالوت و جالوت شامل شش صد و پنجاه بیت ۴. هزار و یک شب (که نظم الف لیل و لیله می باشد، در حدود هفتاد هزار بیت که شاهکار ادبی است، مطبوع ۵. باستان نامه، شامل اشعار تاریخی و افسانه های تاریخی «دهقان». سرانجام در سال ۱۳۲۶ق در قریه سامان وفات یافت، و همان جا مدفون گردید. میرزا ابوالقاسم ذوقی در تاریخ وفات او گوید:

مرغ طبع ذوقی خواند مصرعی به تاریخش: «در حدیقه ها بارم لاله کار شد دهقان»

و آتش اصفهانی هم در قطعه ای مادّه تاریخ فوت دهقان را چنین یافته:

زد خامه آتش رقم سال وفاتش: «از داس اجل گشت درو حاصل دهقان»

و این اشعار از او است:

ماه من آفتاب تابد صبح تو به وقت غروب آمده ای

فرد مانند استخاره بیا تا بدانم که خوب آمده ای

* * *

۱- اصفهان (کتاب جوانان)، ص۲۴۸.

ای دل آشفته چو زلفش شده کار من و تو بی رخش فتنه ز کف صبر و قرار من و تو

کوه بگداخته از ناله آه تو و من ابر بگریسته بر حالت زار من و تو

میر ابوالفتح فندرسکی

میر ابوالفتح حسینی فندرسکی استرآبادی معروف به «میر میران» فرزند میرابوالقاسم فندرسکی، عالم فاضل، در اصفهان ساکن بوده، و در فقه و حدیث تحصیل کرده، پس از وفات، در جنب مقبره پدر در تکیه میر در تخت فولاد مدفون شد[ه است].(۱) نام برده از نویسندگان کتب بوده؛ از آثار او: کتابت نسخه ای از تهذیب الاحکام شیخ طوسی، به خطّ نسخ در اصفهان، که به شماره ۳۰۳ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، در تهران موجود است.(۲)

هم چنین نسخه ای از حاشیه علی القواعد تألیف شیخ علیّ بن عبدالعالی کرکی را به خطّ نسخ در سال ۱۰۶۵ کتابت نموده است(۳)، و نیز نسخه ای از شرح تذکره خواجه نصیرالدّین طوسی (التّکمله فی شرح التّذکره) از شمس الدّین محمّد خفری که آن را در شنبه ۲۷ رجب ۱۰۴۳ق در اصفهان به خطّ نستعلیق کتابت نموده، به شماره ۸۱۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴)

ابوالفتح کجوری

ابوالفتح بن پاشا فریدون کجوری، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری بوده، از آثار او: کتابت نسخه ای از حاشیه شرح تجرید جدید دوانی را به خطّ نستعلیق در رجب ۱۰۹۳ در دارالسّلطنه اصفهان است، نسخه به شماره ۸۵ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۵)

سیّدابوالفتح خوراسکانی

سیّدابوالفتح بن محمّد حسینی خوراسکانی، عالم فاضل ادیب، اصلاً از اهالی خوراسکان جی اصفهان بوده، در اصفهان نزد عدّه ای علماء همچون ملّامحمّدتقی مجلسی

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۱۰.

۲- فهرست سپهسالار، ج ۱، ص ۲۳۷.

۳- الکواکب المنتشره، ص ۳۹۱.

۴- فهرست کتب اهدایی مشکاه، ج ۴، ص ۹۱۰.

۵- فهرست مرعشی، ج ۱، ص ۱۰۵.

تحصیل کرده، و اجازه از ایشان دریافت داشته است.(۱) وی در حین تحصیل، چندین جلد کتاب حدیثی را همچون کافی، استبصار، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و خصال را کتابت کرد، نسخه های آن در کتابخانه ها موجود است.(۲) صاحب عنوان تا سال ۱۰۹۱ در قید حیات بود(۳)، و ملاّمحمّدصالح مازندرانی احتمالاً یکی از اساتید ایشان است.(۴)

ابوالفتح وَرزَرده

ابوالفتح معروف به «ورزرده» از دانشمندان اصفهان است، مافرّوخی از او به عنوان یکی از دانشمندان متقدّم، و در ردیف فلاسفه، اطبّاء، منجّمین و ریاضی دانان یاد کرده است.(۵)

ابوالفتوح اصفهانی

ابوالفتوح بن محمّدتقی اصفهانی، از نویسندگان و خطّاطان قرن دوازدهم هجری است. از آثار او نسخه ای از تفسیر صافی تألیف مولی محسن فیض کاشانی است از سوره مائده تا سوره اسری (بنی اسراییل) که آن را به خطّ نسخ در سال ۱۱۷۴ کتابت نموده است. نسخه کتاب در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم به شماره ۱۵۷۲ موجود است.(۶)

ابوالفتوح اصفهانی

ابوالفتوح اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و کتاب نکت الفصول از تألیفات او است.(۷)

ابوالفتوح اصفهانی

ابوالفتوح [بن] محمّدصالح اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری است. وی در سال ۱۱۱۹ جزء اوّل و دوم کتاب من لا یحضره الفقیه را نوشته، کتاب

۱- الرّوضه النّضره، ص۴۲۹.

۲- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۱۶۰؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۴۲؛ فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۴۴.

۳- فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص۵۰۶.

۴- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۱۵۲.

۵- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۶- فهرست مدرسه فیضیّه، ج۱، ص۱۷۵۴.

۷- احقاق الحق، ج۱۵، ص۹.

به شماره ۴۱۸ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۱)

ابوالفتوح عجلی

ابوالفتوح منتجب الدّین اسعد بن ابی الفضایل محمود بن خلف بن احمد بن محمّد عجلی اصفهانی، فقیه، واعظ و محدّث شافعی در قرن ششم هجری است.

در سال ۵۱۵ق در اصفهان متولّد شده، و جهت کسب علم به شهرهای مختلف سفر کرده، و نزد اساتید زیادی تحصیل نموده است. او از دسترنج خویش، و با شغل ورّاقی و صحّافی اعاشه می نموده، و در فقه شافعی از اجلّه فقهاء و علمای عهد خویش بوده، سرانجام در روز ۲۰ صفر ۶۰۰ق در اصفهان وفات یافت، و در قبرستان طوقچی در بقعه امام زاده ابراهیم مدفون گردید. مقدّس اردبیلی در حدیقه الشّیعه به تقبیح مردم اصفهان پرداخته که آن ها به گمان وجود قبر ابوالفتوح رازی مفسّر شیعی، به زیارت قبر ابوالفتح عجلی شافعی سنّی می روند.

[شاردن سیّاح فرانسوی که مدّتی در اصفهان بوده، نقل می کند که قبر ابوالفتوح عجلی در قبرستان چملان (سنبلستان) بود، و مردم به زیارت آن می رفتند تا این که یک عالم و واعظ معروف به نام میرلوحی عنوان نمود که این قبر، متعلّق به عالمی سنّی است، و به تحریک او مردم، قبر و مزار ابوالفتوح عجلی را خراب کردند].

کتب زیر از او است:

۱. آفات الواعظ ۲. تتمّه التّتمّه، در فقه شافعی (تتمّه الابانه تألیف عبدالرّحمان بن امول شافعی متوفّای ۴۸۷ق، این کتاب، تتمیم کتاب ابانه تألیف شیخ ابوالقاسم فورانی متوفّای سال ۴۶۱ق است) ۳. شرح مشکلات الوجیز خزالی در فروع ۴. شرح مشکلات الوجیز (غیر از کتاب قبل) ۵. شرح مهذّب تألیف ابی اسحاق شیرازی، در فروع ۶. الایضاح، که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۵۴۶۲ نگهداری می شود ۷. الموجز فی فضل

۱- فهرست سپهسالار، ج ۱، ص ۳۳۰.

الخلفاء الاربعه(۱).

ابوالفتوح قمشه ای

ابوالفتوح قمیشه ای، عالم و فاضل و حکیم بوده، و در قرن دوازدهم می زیسته است، و حواشی به شرح اصول کافی نگاشته که آن را فرزندش محمّدمهدی قمیشه ای در نسخه ای از کتاب مرقوم که در تاریخ ۲۶ شعبان ۱۱۳۳ق از کتابت آن فراغت یافته، نقل نموده است.(۲)

ابوالفتوح گلستانه*

ابوالفتوح گلستانه، خوشنویس خطّ نستعلیق بوده، و در اواخر حکومت صفویّه می زیسته، از آثار او کتیبه ای گچ بری در مدرسه نیماورد اصفهان است.(۳)

ابوالفرج اصفهانی

ابوالفرج اصفهانی، علیّ بن حسین بن محمّد بن احمد بن هیثم بن عبدالرّحمان بن مروان بن عبداللّه بن مروان حمار، ادیب نحوی، لغوی، مورّخ، کاتب و شاعر قرن چهارم هجری.

در سال ۲۸۴ق در اصفهان متولّد [شد]، و در بغداد نشو و نما یافته، و تحصیل نموده، و باقی عمر را تحت حمایت آل بویه به خصوص مهلّبی وزیر گذرانیده، سرانجام در ۱۴ ذی حجّه ۳۵۶ق وفات یافته [است]. معروف است که وی شیعه زیدی بوده، و این که او از

۱- الاعلام، ج۱، ص۲۹۴؛ ذیل کشف الظّنون، صص۴۹ و ۹۱؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۰۴؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۲۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۷۳ ۱۷۴؛ طبقات الشّافعیه، اسنوی، ج۲، صص۱۹۶ ۱۹۷؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۴۹۸؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۲۹۳ و ۳۷۶؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۲۴۸؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۶؛ الکنی و الالقاب؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسد»، ص۲۳۰۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام ایران، ص۹۲؛ سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، ص۱۱۷؛ احقاق الحق، ج۲، ص۴۴۹؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۱؛ مزارات اصفهان، صص۷۳ ۷۴.

۲- الذّریعه، ج۱۳، ص۹۸؛ الکواکب المنتشره، ص۵۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۸۴.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۸۲؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۸۱.

نسل امویان است، و شیعه نیز هست، از نوادر و عجایب شمرده می شود؛ امّا آن چه به نظر می رسد، او، شیعه بودن را بهانه ای برای بیان مطاعن بنی عبّاس قرار داده، و آن جا که به مطاعن بنی امیّه می رسد به دیده اغماض نگریسته، و به طور اجمال برگزار می کند.

و دیگر آن که در وصف خاندان خویش (امویان) کتاب ها نوشته، و به اندلس (اسپانیا) نزد خلفای اموی فرستاده، و هدایا دریافت نموده است.

این کتاب ها از او است:

۱. آداب الغرباء ۲. اعماد الشواعر ۳. اغانی الکبیر، در باب انواع آوازها و الحان، مغنّیان و خوانندگان و شرح حال آنان که در قاهره و بولاق مصر و نیز لیدن به طبع رسیده است ۴. ایّام العرب ۵. التّعدیل و الانصاف ۶. جمهره النّسب ۷. الدّیارات ۸. کلام فاطمه علیها السّلام فی الفدک ۹. ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین و اهل بیته علیهم السلام ۱۰. مقاتل الطّالبین، در باب احوال شهدای خاندان ابوطالب که آن را در سال ۳۱۳ق تألیف نموده، و از معروف ترین تألیفات او است. بارها به طبع رسیده، و به فارسی نیز ترجمه گردیده است.

درباره زندگی او محمّد احمد خلف اللّه کتابی به نام صاحب الاغانی تألیف نموده که به چاپ رسیده است.(۱)

ابوالفرج بن واوا

از شعراء و ادبای اصفهان است. وی به عربی شعر می سروده، و این بیت در وصف اصفهان از او است:

۱- نوابغ الرّواه، ص۱۸۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۲۵ ۲۲۶؛ احقاق الحق، ج۱۲، ص۲۴۳؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص۳۷۹؛ رجال ابن داوود، ج۱، ص۲۶؛ جامع الرّواه، ج۲، ص۴۰۹؛ الاعلام، ج۵، ص۸۸؛ دائره المعارف العشرین، فرید وجدی، ج۱، ص۳۸۵؛ هدیه الاحباب، ص۴۲؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۱۳۸؛ روضات الجنّات، ج۵، ص۲۱۱؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۳۵۹؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۷۴؛ تاریخ ادبیّات، صفا، ج۱، ص۶۴۲؛ الذّریعه، ج۲، صص۲۴۹ ۲۵۰ و ج۲۱، ص۳۷۶؛ دائره المعارف فارسی، ج۱، ص۲۶، اصفهان (کتاب جوانان)، ص۲۰۶؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۱، صص۹۷۷ ۹۷۸؛ امل الآمل، ج۲، ص۱۰۸؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۳۶؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابوالفرج»، ص۷۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۷۴ ۱۷۵.

الوانها شتّی الفنون و انّ غذیت بماءٍ واحدٍ فی منهل(۱)

ابوالفرج بن یوحنّا

حکیم ابوالفرج بن یوحنّا، از حکماء و فلاسفه قرن پنجم هجری، و معاصر مافرّوخی است.(۲)

ابوالفرج بن یونس

ابوالفرج بن یونس، از ادباء و دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم صرف و نحو و لغت و انشاء آورده است.(۳)

ابوالفرج صیرفی اصفهانی

شیخ ابوالفرج سعید بن ابی الرّجاء صیرفی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری. در سال ۴۴۴ق متولّد شده، و قطب الدّین راوندی در کتاب الخرائج و الجرائح برخی اخبار را از او روایت کرده است.

صاحب عنوان، ظاهرا از علمای شیعه است.(۴)

ابوالفضل

الاستاد الأعزّ ابوالفضل، از ادبای اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، ذکر کرده است.(۵)

۱- محاسن اصفهان، ص۴۹.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۴- ریاض العلماء، ج۱، ص۴۱۸؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۷۷؛ اعیان الشّیعه، ج۳۴، ص ۲۳۰؛ الخرایج و الجرایح، ج۲، ص۵۷۷ ۵۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۶۹.

۵- محاسن اصفهان، ص۳۲.

ابوالفضل اصفهانی

ابوالفضل اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از احمد بن عبداللّه روایت می کند، و ابی الفتح بن البطی از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

میرزا ابوالفضل اعلامی

میرزا ابوالفضل اعلامی نایینی اصفهانی فرزند میرزا ابوتراب ثقه الاسلام نایینی اصفهانی و از فارغ التّحصیل های دانشسرای عالی می باشد که کتب چندی در ریاضیّات تألیف نمود، آن ها را به طبع رسانید، و در این اواخر وفات یافت.(۲)

شیخ ابوالفضل خوانساری

شیخ ابوالفضل خوانساری بن ملّااحمد بن شیخ محمّدحسین خوانساری، عالم فاضل، فقیه متبحّر در ذی حجّه ۱۳۳۴ق در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد شد. وی در اصفهان نزد سیّد احمد مقدّس، شیخ هبه اللّه هرندی، میرزا علی آقا شیرازی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و شیخ احمد فیّاض به تحصیل پرداخت. سپس به نجف اشرف عزیمت، و سطوح عالی را نزد آیت اللّه العظمی خویی و میرزا محمّدباقر زنجانی طی نمود. آن گاه در درس خارج آیات عظام، سیّدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، سیّدابوالقاسم خویی، شیخ محمّدحسین کمپانی، سیّدجمال الدّین گلپایگانی، سیّدعبدالهادی شیرازی، سیّدمحسن حکیم، سیّدمحمود شاهرودی، شیخ موسی خوانساری و شیخ محمّد کاظمینی حاضر شد. شرح منظومه و شوارق را نزد شیخ صدرا بادکوبه ای فراگرفت، و از محضر عارف کامل میرزا علی آقا قاضی تبریزی نیز بهره برد.

او در ۲۵ سالگی از آیات عظام، اصفهانی و عراقی اجازه اجتهاد، و از شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت دریافت نمود. وی در اثر ابتلاء به عارضه ریوی، مجبور به مهاجرت به ایران و اقامت در قم گردید، و در آن جا ضمن استفاده از محضر درس آیت اللّه العظمی

۱- احقاق الحق، ج۸، ص۲۵۲.

۲- تاریخ نایین، ج۴، ص۵۵.

بروجردی، به تدریس سطوح عالی، خارج فقه و شرح منظومه پرداخت. وی از طرفداران رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی بود، و به فرمان ایشان به امامت جمعه شهر اراک منصوب شد.

ایشان در او اخر عمر، در قم ساکن شد، و به تدریس پرداخت تا آن که در یک شنبه ۲۶ رجب ۱۴۲۲ق وفات یافت، و در مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام اللّه علیها مدفون گردید.

آثار و تألیفات ایشان عبارت اند از: ۱. یک دوره کوتاه «اصول» ۲. رساله توضیح المسائل، مطبوع ۳. الجوهر النّضید فی شرح فروع التّقلید ۴. حاشیه عروه الوثقی ۵. حاشیه کفایه الاصول ۶. حاشیه مکاسب ۷. الحکم الظّاهری و الواقعی ۸. رساله در «طهارت و صلاه» ۹. قاعده الفراغ و التّجاوز ۱۰. کتابی در جمع احادیث مربوط به مواعظ و فضل و مصائب اهلبیت علیهم السلام .(۱)

ابوالفضل همایی «شادمان»

میرزا ابوالفضل همایی متخلّص به «شادمان» شاعر و نویسنده ادیب، فرزند مرحوم میرزا ابوالقاسم طرب است. در سال ۱۳۲۴ قمری در اصفهان متولّد شد، و از همان اوان کودکی به کسب فضل کمال پرداخت، پس از تکمیل دوره دبیرستان، در خارج از مدرسه به کسب علوم قدیمه و زبان فرانسه و انگلیسی پرداخت، بعدا نیز وارد دانشسرای عالی، و از آن جا فارغ التّحصیل شد، و از سال ۱۳۰۵ خورشیدی، وارد خدمت فرهنگ گشت. علاوه بر تبحّر در شعر، در خط نیز از اساتید محسوب می شد.

تألیفات ایشان عبارت اند از: ۱. سیر و تحوّل نثر فارسی در ادوار مختلف ۲. رهبر ایمان یا ترجمه قرآن ۳. دیوان اشعار(۲).

شیخ ابوالفضل معزّی*

حاج شیخ ابوالفضل معزّی فرزند ملّامحمّداسماعیل معزّی عالم فاضل و خطیب توانا.

۱- معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۵؛ گنجینه دانشمندان، ج۲، صص۷۴ ۷۵؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۲۶۰.

در سال ۱۳۰۴ش در اصفهان متولّد شدند. تحصیلات خود را در حوزه علمیّه اصفهان آغاز نمود. پس از وفات پدر، به نجف اشرف هجرت نمود، و نزد علمای اعلام و فضلای کرام آن دیار به تحصیل پرداخت، سپس به اصفهان بازگشت، و به تبلیغ و ترویج دین و وعظ و خطابه پرداخت.

وی خطیبی توانا، عالمی خوش خلق و خوش بیان و نیک محضر بود. در جریان مبارزات ملّی شدن صنعت نفت از طرفداران آیت اللّه کاشانی بود، و در اصفهان از ارادتمندان حاج شیخ محمّدباقر زند کرمانی به شمار می رفت. ایشان در سال ۱۳۷۹ش وفات نمود، و در صحن مقبره علاّمه مجلسی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفات ایشان را شاعر دانشمند و فرزانه آقای فضل اللّه اعتمادی خویی (برنا) چنین سروده اند:

به سوی گلزار جاویدان نهاد از دار فانی رو خطیب خوش بیانِ خَیّرِ خوش محضرِ خوش خو

نوشت از بهر تاریخ وفاتش خامه «برنا»: «ابوالفضل معزّی ناطق علاّم زاهد کو»(۱)

سیّدابوالفضل صفوی*

حاج سیّدابوالفضل موسوی صفوی فرزند حاج سیّدجلال، عالم فاضل و خطیب توانا، در حدود سال ۱۳۴۷ق در قصبه ریز [زرّین شهر کنونی] متولّد [شد]، و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود طی کرد. سپس به همراه والد خود به اصفهان آمده، نزد علمای گران قدری چون مصطفایی نجف آبادی، حاج شیخ عبّاسعلی ادیب، حاج شیخ محمّدعلی حبیب آبادی، ملاّهاشم جنّتی، حاج شیخ محمّدحسن نجف آبادی، حاج شیخ محمود مفید، سیّدمهدی حجازی سدهی، حاج شیخ مرتضی اردکانی، آیت اللّه بهبهانی، حاج آقا رحیم ارباب، علاّمه فانی، حاج سیّدمحمّدرضا خراسانی، حاج شیخ حسن صافی و زند کرمانی به تحصیل پرداخت. از فعّالیت های ارزنده ایشان، تبلیغ دین و مقابله با انحرافات ضدّ دینی بوده است، ازجمله ایشان مدّتی در چهارمحال و بختیاری به مبارزه با فرقه ضالّه بهاییّت پرداخت. هم چنین هفده سال در

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، تألیف آقای رحیم قاسمی، نسخه خطّی.

شهرهای مختلف خوزستان به ارشاد و راهنمایی مردم، و ترویج شریعت مشغول بود. از دیگر فعّالیت های ایشان منبرها و خطابه های ارزشمند ایشان است. وی سال ها به تدریس ادبیّات عرب مشغول بود، و شاگردان بافضیلت از محضر او مستفیض می شدند.[(۱)] وی در سال ۱۳۸۲ش وفات یافت. مادّه تاریخ وفات ایشان را شاعر و ادیب معاصر آقای احمد خلیلیان متخلّص به «خلیل» چنین سروده است:

خواست تاریخ وفاتش را «خلیل» از طبع خویش تا به نظم آرد ز اَبجد سال تاریخ ورا

زاهدی سر کرد در جمع «خلیل» و خوش سرود: «سیّد ما رفت نزد جدّ پاکش مصطفی»(۲)]

شیخ ابوالفضل کلباسی*

حاج شیخ ابوالفضل کلباسی فرزند شیخ محمّدحسن بن حاج شیخ محمّدجعفر بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل. در اصفهان ساکن بود، و به زهد و تقوا و صلاح شهرت داشت.

سرانجام در سال ۱۳۴۵ق وفات یافت، و در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

سیّدابوالفضل مشکاه الواعظین

حاج سیّدابوالفضل امامی عریضی (درب امامی) ملقّب به «مشکاه الواعظین» فرزند حاج میرزا محمّدحسین، از وعّاظ و منبریان مشهور اصفهان بوده، و در سال ۱۳۹۲ق به سنّ متجاوز از هشتاد سال وفات یافت، و [در تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد مدفون شد. مؤلّف فقید، به اشتباه، محلّ دفن صاحب عنوان را در تکیه شهشهانی نوشته اند].(۴)

میرزا ابوالفضل خاتون آبادی

حاج میرزا ابوالفضل خاتون آبادی بن حاج میرزا حسین نایب الصّدر و برادر حاج میرمحمّدصادق مدرّس خاتون آبادی، عالم زاهد و فقیه جامع. در اصفهان متولّد و نزد علمای

۱- نقل از یادداشت های محقّق ارجمند جناب آقای حاج شیخ محمّد زاهد نجفی.

۲- نقل از یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر)، نسخه خطّی.

۳- خاندان کلباسی، صص۱۹۳ ۱۹۴.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵.

شهر تحصیل کرد، و سپس به انجام وظایف شرعی پرداخت. در مسجد ساروتقی و مدرسه ملّاعبداللّه اقامه نماز جماعت می نموده، و در مدرسه ملّاعبداللّه تدریس می کرده است. وی در شب دوشنبه ۱۱ رمضان المبارك ۱۳۸۸ در تهران وفات یافت، جنازه به قم حمل شد، و در آن ارض مقدّس مدفون گردید.(۱)

میرزا ابوالفضل بیدآبادی

آقا میرزا ابوالفضل بن آقامیرزا زین العابدین موسوی بن سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی اصفهانی، عالم فاضل، معروف به «آقاجان». وی در موقع شورش مردم اصفهان علیه حاکم ستمگر شهر در سال ۱۲۶۵ق و بست نشستن مردم در مسجد سیّد، از مأموران دولت، اهانت ها دید و متحمّل رنج های فراوان شد. وفاتش بعد از سال ۱۲۶۵ق روی داد، و در مقبره جدّ بزرگوارش در مسجد سیّد اصفهان مدفون شد.(۲)

شیخ ابوالفضل ریزی

حاج شیخ ابوالفضل بن آقا شیخ عبدالوهاب ریزی لنجانی اصفهانی عالم فاضل، مجتهد، فقیه و اصولی، در قصبه ریز [زرّین شهر فعلی] در لنجان متولّد شد، و در اصفهان نزد جمعی از علماء ازجمله جهانگیرخان قشقایی(۳) تحصیل نمود، سپس جهت تکمیل آن به نجف اشرف رفت، و نزد اساتید آن جا تلمّذ نمود، و از اساتید خود به دریافت اجازه روایت و اجتهاد مفتخر گردید که عبارت است از اجازه از حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و آقا سیّدمحمّدکاظم طباطبایی یزدی و آخوند خراسانی. آن گاه به اصفهان مراجعت کرد(۴)، [و در زادگاه خود مرجع امور شرعی بود، لکن به علّت سکونت در آن جا شهرت و مرجعیّتی نیافته است. وی در سال ۱۳۳۰ق در زادگاه خود وفات یافت].

جنازه به اصفهان منتقل، و در تخت فولاد، در تکیه برادرش شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.(۵)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۰.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۶؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۱۴۸ و ۱۵۸ و ۱۷۱؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۴.

۳- نقباءالبشر، ج۱، ص۵۴.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۷۵ ۱۷۶.

۵- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۴.

شیخ ابوالفضل نجفی

حاج شیخ ابوالفضل نجفی بن حاج شیخ محمّدعلی ثقه الاسلام بن حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجد شاهی اصفهانی، عالم فاضل، در سال ۱۳۰۹ق در اصفهان متولّد شد، و در این شهر و نجف اشرف به تحصیل پرداخت. ازجمله اساتید ایشان آقا ضیاءالدّین عراقی است، هم چنین حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی جهت ایشان اجازه نوشته است.

وی در علم تاریخ و اغلب علوم اسلامی مهارتی بسزا داشته است، و سرانجام در ظهر جمعه ۲۵ ربیع الاوّل ۱۳۹۱ق در اصفهان وفات یافت، و پیکرش به قم حمل، و آن جا به خاک سپرده شد.(۱)

شیخ ابوالفضل واعظ

شیخ ابوالفضل بن آخوند ملّامحمّدعلی واعظ نیماوردی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، در سال ۱۳۰۰ق متولّد گردیده، و در نجف نزد آخوند خراسانی و میرزا محمّدحسین نایینی تحصیل نموده است. در معجم رجال الفکر و الادب درباره او می نویسد: «عالم فاضل ورع مجتهد تقی».

در سال ۱۳۳۲ق در جوانی وفات یافته است. وی تقریرات اساتید خود را در مباحث فقهی و اصولی نوشته، و در سال ۱۳۵۷ هجری رساله مباحث شروط از آثار او در ۵۸ صفحه به چاپ رسیده است.(۲)

شیخ ابوالفضل قدسی نجفی*

شیخ ابوالفضل قدسی نجفی فرزند عبدالحسین انتظام قدسی در سال ۱۳۲۲ق متولد شد. پس از تحصیل در دبیرستان گلبهار به حوزه علمیه رفت و از درس اساتیدی چون شیخ علی مدرس یزدی، میرزا ابوالهدی کلباسی و حاج آقا رحیم ارباب بهره برد. در سال ۴۸ق به نجف اشرف مهاجرت نمود و از درس سید جمال الدین گلپایگانی، سید محسن حکیم و سید محمود شاهرودی استفاده کرد و پس از ۲۵ سال به ایران بازگشت و در تهران

۱- مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۷۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، صص۲۴ ۲۶.

۲- معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۴؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۵۲.

ساکن شد. در تهران مسجد یاسین را تأسیس کرد و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. وی در سال ۱۴۰۲ق وفات یافت و در قم مدفون شد. کتاب قرآن و عترت از او به چاپ رسیده.

ابوالفضل حدّاد

ابوالفضل حدّاد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از محدّثین بغداد و اصفهان نقل حدیث نموده، کتاب حلیه او را در بغداد روایت کرده، و در سال ۴۸۶ق وفات یافته است.(۱)

سیّدابوالفضل کاظمی*

سیّدابوالفضل کاظمی، عالم فاضل جلیل. وی در روستای «شیخ شبان» از توابع اصفهان متولّد شد. سپس در اصفهان به تحصیل پرداخت، و دروس مقدّماتی را فرا گرفت، آن گاه به قم رفت، و سطح را نزد آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی فرا گرفت، و پس از آن، در درس خارج آیات عظام و علمای اعلام، بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی و سیّدمحمّد محقّق داماد شرکت نمود.

ایشان پس از فراغت از تحصیل، در شهر ری ساکن شد، و در مسجد امیرالمؤمنین در خیابان ۲۴ متری شهر ری به اقامه جماعت پرداخت. از خدمات ایشان تأسیس قرض الحسنه و رفع نیازهای شرعی مردم بود. سرانجام در ۲۹ دی ماه ۱۳۶۲ش بر اثر ابتلاء به سرطان حنجره وفات یافت، و در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهر ری مدفون گردید.(۲)

ابوالفضل کوکبی

ابوالفضل کوکبی از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین، و از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده است.(۳)

۱- مرآه الجنان، ج۳، ص۱۴۲.

۲- اختران فروزان ری و تهران، ص۹۸؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

شیخ ابوالقاسم اشراقی

شیخ ابوالقاسم اشراقی قمشه ای، عالم فاضل، واعظ کامل در زادگاه خود قمشه، و سپس در اصفهان نزد علماء بزرگواری چون شیخ محمّد حکیم خراسانی و شیخ محمود مفید تلمّذ کرد، و به وعظ و ارشاد پرداخت. مدّتی به تدریس منظومه در حکمت مشغول بود، و بعدا به تدریس در دبیرستان های اصفهان پرداخت. سرانجام در جمعه ۸ ذی القعده الحرام ۱۳۸۹ [در سنگ مزار او ۲۴ شوّال ۱۳۸۹ آمده است]، در سنّ هفتاد و اندی وفات یافت، و در تکیه امام جمعه در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی ادیب فاضل، خطّاط قرن دهم هجری. از آثار او کتابت نسخه ای است از کتاب قواعد تألیف شهید علیه الرّحمه که آن را در سال ۹۶۹ نوشته است، نسخه در کتابخانه فاضلیّه مشهد مقدّس بوده است.(۲)

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی از خطّاطان قرن سیزدهم هجری، و احتمالاً شاگرد ملّا حسینعلی تویسرکانی بوده است.

در سال ۱۲۶۷ نسخه ای از کتاب کشف الاسرار مرحوم تویسرکانی را به خطّ نسخ کتابت نموده، نسخه به شماره ۷۳۹۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن سیزدهم هجری. خطّ نسخ را با مهارت و استادی می نوشت، و به کتابت قرآن مجید و ادعیه روزگار می گذرانید، عاقبت در سال ۱۲۲۰ق در اصفهان وفات یافت. یک نسخه قرآن مجید مورّخ ۱۲۲۰ق به خطّ زیبای او در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.(۴) در مرقّع شماره ۳۵۳ کتابخانه دانشکده ادبیّات

۱- علوم و عقاید، ص ۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۶۸.

۲- فهرست کتابخانه فاضلیّه مشهد، ص ۱۲۰.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۹، ص ۱۹۲.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۱۳۱.

دانشگاه فردوسی مشهد، نمونه ای از خطّ او وجود دارد.(۱)

میرزا ابوالقاسم اصفهانی

حاج میرزا ابوالقاسم اصفهانی، عالم فاضل، اجازه او جهت مرحوم حاج شیخ محمّدنبی تویسرکانی در پشت نسخه فصل الخطاب تألیف حاج ملاّحسینعلی تویسرکانی اصفهانی نقل شده است. نسخه به شماره ۱۴۹۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

ابوالقاسم اصفهانی*

[ابوالقاسم اصفهانی از فضلای اصفهان بوده، و در فنون ادب و انشاء و خط استاد بوده، چندی در تهران به سر برده، و سپس منشی عبّاس میرزا ولی عهد فتحعلیشاه قاجار شده، و در رکاب او در جنگ های ایران با روسیّه شرکت کرده، و مدّتی هم اداره حکومت آذربایجان با او بوده است.

شعر هم می سروده، از آن جمله است:

نوبهار است بیا تا طرف از سر گیریم سال نو باز غم کهنه ز دل برگیریم

سبحه گر باید از آن زلف مسلسل سازیم مصحف ار شاید از آن زلف معنبر گیریم(۳)]

ابوالقاسم اعلامی

ابوالقاسم اعلامی، شاعر ادیب، در سال ۱۳۰۱ شمسی در اصفهان متولّد گردیده تحصیلات خود را در این شهر انجام داده، و در شعر و ادب از محضر میرزا عبّاس خان شیدا بهره مند گردیده، و به سرودن شعر پرداخته [است].

از آثار او: ۱. محراب شعر که در سال ۱۳۳۹ شمسی در تهران در ۱۸۶ صفحه به چاپ

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۱۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۰۱.

۳- تذکره روز روشن، صص۲۴ ۲۵.

رسیده است.(۱)

سیّدابوالقاسم امامی*

سیّدابوالقاسم امامی حسینی امامی اصفهانی، از نقّاشان هنرمند اواخر دوره قاجاریّه است. وی در نقّاشی گل و بوته و پرنده، مهارت خاصّی داشته، و در نقّاشی قلمدان، آثار ارزشمندی به وجود آورده است.(۲)

ابوالقاسم باب الدشتی

ابوالقاسم شریف بالفروشی [باب الدّشتی] اصفهانی فاضل نویسنده در قرن سیزدهم هجری است از آثارش:

۱. بحارالانوار علاّمه مجلسی جلد یازدهم، کتابت در سال ۱۲۶۲ق، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ۲. نقد النّصوص درشرح نقش الخصوص جامی، کتابت ربیع الاوّل ۱۲۷۳، موجود در کتابخانه گوهرشاد مشهد ۳. فتوح الشّام، کتابت در رجب ۱۲۸۲ق، موجود در کتابخانه ملک تهران ۴. مفتاح الکرامه، کتابت در سال ۱۲۸۳ق به امر حاج شیخ محمّد تهرانی، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جزو کتب مرحوم امام جمعه خوی. کتابت این کتاب ها همگی به خطّ نسخ می باشد.(۳)

ابوالقاسم ورنوسفادرانی

ابوالقاسم بن ملاّآقا ورنوسفادرانی سدهی اصفهانی، عالم فاضل، در مولد خود و اصفهان تحصیل کرده، و تا سال ۱۲۶۵ق در قید حیات بوده، در سال ۱۲۳۳ق مالک نسخه ای از شرح لمعه بوده، نسخه، جزو کتب مرحوم صدر هاشمی در کتابخانه دانشکده

۱- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۲۲۸.

۲- هنر قلمندان، ص۱۶۳.

۳- فهرست مجلس، ج۱۰، جزء۲، ص۹۶۲؛ فهرست گوهرشاد، ص۱۹۴؛ فهرست ملک، ص۵۴۰؛ فهرست مجلس، ج۷، ص۳۶۵.

ادبیّات اصفهان موجود است.(۱)

سیّدابوالقاسم چهارسوقی

سیّدابوالقاسم بن میرزا محمّدابراهیم بن سیّدمحمّدصادق چهارسوقی بن سیّد زین العابدین موسوی خوانساری، عالم فاضل، در اصفهان تحصیل کرده، و پس از فوت پدر در مسجد مریم بیگم، اقامه جماعت نموده است، تولّدش در سال ۱۳۱۱، و وفاتش در ۱۴ رمضان ۱۳۸۱ق واقع شد.(۲)

سیّدابوالقاسم صفوی

سیّدابوالقاسم صفوی فرزند ابراهیم بن عبدالحسین بن هادی بن ابراهیم صفوی موسوی اصفهانی، عالم فاضل محقّق، در عید غدیر (۱۸ ذی حجّه) ۱۲۸۳ق در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف اشرف تحصیل کرده، و از خواصّ اصحاب و شاگردان آقا سیّدمحمّد کاظم طباطبایی یزدی و محرّر ایشان بوده، و به این خاطر به «سیّدابوالقاسم محرّر» شهرت داشته است. وی از آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی و دیگران اجازه داشت، و سیّدمهدی غریفی بحرینی از او روایت می کند. سیّدابوالقاسم صفوی در ۶ ربیع الثّانی سال ۱۳۷۰ق در نجف اشرف وفات یافت، در حجره متّصل به باب طوسی، طرف راست داخل شونده به صحن، مدفون گردید. کتب زیر از او است:

۱. ابواب الجنان، در اعمال شب و روز، مطبوع ۲. انیس المقلّدین ۳. ترجمه جلد پنجم مجالس السنّیه تألیف علاّمه سیّدمحسن امین ۴. جامع الرّسائل العملیّه، مجموعه ای از فتاوای مرحوم آقا سیّدمحمّدکاظم یزدی و جمعی از بزرگان ۵. رساله ای در کُر ۶. صراط النّجاه، ترجمه وسیله النّجاه مرحوم آیت اللّه آقا سیّدابوالحسن اصفهانی، که چندین مرتبه چاپ شده است ۷. ترجمه عروه الوثقی به نام الغایه القصوی، مطبوع.

۱- نشریّه دانشکده ادبیّات اصفهان، سال دوم، شماره ۲ و ۳، ص۱۳۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱.

میرزا ابوالقاسم رشتی

میرزا ابوالقاسم بن محمّدابراهیم رشتی اصفهانی، از افاضل ادبای عهد ناصرالدّین شاه قاجار بوده، و در مدرسه نیماورد، تدریس مطوّل و مغنی می فرموده، و طبع شعر داشته است. کتاب تحفه النّاصریه را در فنون ادب و منتخبات اشعار عرب تألیف فرموده که در سال ۱۲۷۸ق به طبع رسیده است. قبرش مطابق گفته احفاد برادرش، در مقبره هارون ولایت بوده است.

از او است:

لبن از بهر علاج آمده افعی زده را افعی زلف تو عالم زد و خود در لبن است(۱)

سیّدابوالقاسم سیّدالاسلام

آقا سیّدابوالقاسم سیّدالاسلام بن سیّدابراهیم بن سیّدعبدالصّمد حسینی شهشهانی، عالم فاضل، پیش نماز مسجد صفا در محلّه شهشهان اصفهان بوده، سرانجام در ۲۵ محرّم ۱۳۵۷ق وفات یافت، و در بقعه آقا سیّدمحمّد شهشهانی عمّ امجد خود مدفون گردید. در مادّه تاریخ فوت او گفته اند:

خواست چه تاریخ فوت بانوی محزونه گفت: «شد سوی جنّت روان سیّد اسلامیان»(۲)

ابوالقاسم انصاری

حکیم ابوالقاسم بن ابی حامد بن نصرالبیان بن نورالبیان انصاری کازرونی، از دانشمندان قرن دهم هجری در اصفهان است. وی از شاگردان خواجه افضل الدّین محمّد بن حبیب اللّه ترکه و ملّاوحیدالدّین سلیمان قاری فارسی بوده است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. سلّم السّماوات فی تراجم جماعه من الحکماء و اشعار الاصحاب المقالات ۲.

۱- نقباءالبشر، ج۱، ص۵۹؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۱۶۵؛ الذّریعه، ج۱، ص۷۴ و ج۱۷، ص۲۸۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، صص۲۸۸ ۲۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۹۴ ۹۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص۲۵۱۸ ۲۵۲۰.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵.

النّجوم الزّاهره، فی تراجم المنجّمین(۱).

شیخ ابوالقاسم نجفی*

شیخ ابوالقاسم نجفی بن شـیخ ابوالحسن بن شـیخ محمّد شریف، عالم فاضل و فقیه ماهر، ساکن اصفهان، متوفّی ۲۷ ربیع الثّانی ۱۳۶۴ق، مدفون در تکیه مادر شاه زاده.

ابوالقاسم بن ابوالعلاء

ابوالقـاسم غانم بن محمّـد بن ابوالعلاء اصـفهانی، شاعر ادیب و دانشـمند قرن چهارم هجری است. وی معاصـر صاحب بن عبّاد بوده است، خود می گویـد: پس از مرگ صـاحب، در عـالم رؤیـا دیـدم که گوینـده ای مرا مخاطب و معاتب ساخته که: «چرا برای صـاحب، مرثیه ای نگفتی؟». گفتم: «وی آن قـدر محـاسن دارد که نـدانم کـدام یـک را بگویم، و می ترسم که درباره او کوتاهی کنم». گوینده گفت: «مصرع اوّل را من می گویم، مصرع دوم را تو بگو»:

گفت: ثوی الجود و الکافی معا فی حفیرهٍ گفتم: لیأنس کُلٌّ منهما باخیه

گفت: اصطحبا حیین ثم تعانقا گفتم: ضجیعین فی لحداً بباب درّیه

گفت: اذ ارتحل الثّاوون عن مستقرّهم گفتم: اقاما إلی یوم القیامه فیه

در وصف زر نرود (زاینده رود) نیز سروده است:

تجّر علی الامصار ذیل یجبّر و اعجاب معتزّ علیهنّ معتد(۲)

سیّدابوالقاسم کزازی

سیّدابوالقاسم بن احمد حسـینی کزازی الاصل، اصـفهانی المسـکن از فضـلاء قرن سیزدهم، از آثارش کتابت نسخه ای است از شوارق تـألیف مولی عبـدالرزّاق لاهیجی که آن را در روز چهارشـنبه نهم ربیع الثّانی سال ۱۲۴۳ به خطّ نسـخ به پایان رسانیده است، نسخه به شماره ۵ در کتابخانه

۱- احیاء الدّاثر، ص۱۸۶؛ الذّریعه، ج۱۲، ص۲۲۱؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۳۵۲ ۳۵۳.

۲- تتمّه الیـتیمه، ج۱، صص۲ و ۱۹؛ محاسن اصـفهان، صص۵، ۳۱، ۵۴، ۱۰۸، ۱۱۰ ۱۱۱؛ معجم الادبـاء، ج۶، ص۲۷۶؛ رساله الارشاد، ص۴۵؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۴۲۴؛ تاریخ اصفهان، صص۱۶ و ۹۸.

رضوی قم موجود است.(۱)

میرزا ابوالقاسم مدرّس

میرزا ابوالقاسم مدرّس فرزند میرمحمّد اسماعیل بن میرمحمّدباقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل کامل، حکیم و فیلسوف و متکلّم. در اصفهان متولّد [شد]، و نزد علمای این شهر همچون آقامحمّد بیدآبادی و ملّااسماعیل خواجویی تحصیل نمود. حاج سیّدمهدی بحرالعلوم نیز از اساتید ایشان است. در معقول و منقول، استاد مسلّم زمان خود بوده، خصوصا در تدریس شرح دروس آقاحسین خوانساری مهارت به سزایی داشته، و بدین جهت به مدرّس معروف بوده است. سال ها در مدرسه چهارباغ اصفهان به تدریس علوم عقلی و نقلی مشغول بوده، و سرانجام در اواخر ذی حجّه ۱۲۰۲ق وفات یافته، و جسدش به نجف اشرف حمل، و در ایوان علماء دفن شده [است]. شاگردان بسیاری از محضر او مستفیض شدند که ازجمله آن ها است: سیّدابوالقاسم جعفر بن حسین موسوی خوانساری. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. تعلیقات بر کتاب کافی ۲. تعلیقات بر کتاب من لا یحضره الفقیه ۳. تعلیقات بر تهذیب ۴. تعلیقات بر استبصار ۵. تفسیر قرآن مجید ۶. حاشیه بر تفسیر کاشی ۷. شرح نهج البلاغه(۲).

سیّدابوالقاسم آسیاب پری

سیّدابوالقاسم آسیاب پری فرزند سیّدمحمّدباقر موسوی، عالم فاضل متّقی، ساکن محلّه چارسو درب شیخ کوچه آسیاب (معروف به آسیاب پری) امام جماعت مسجد آب بخشان. وی در جمعه ۲۵ محرّم سال ۱۳۶۹ق در اصفهان وفات یافت، و در یکی از اتاق های تکیه کازرونی مدفون گردید.(۳)] مرحوم استاد مهدوی در کتاب تخت فولاد خود، وی را فرزند سیّدمهدی نوشته اند؛ امّا در یادداشت های خود، آن را اصلاح کرده اند].

سیّدابوالقاسم دهکردی

آقا سیّدابوالقاسم دهکردی بن سیّدمحمّدباقر بن سیّدابراهیم بن میر محمّد هادی بن میر شمس الدّین، عالم فاضل فقیه مجتهد اصولی عابد زاهد کامل، از اعاظم فقهاء و مدرّسین اصفهان، در شنبه غرّه ماه رجب المرجّب ۱۲۷۲ق در دهکرد [شهرکرد فعلی [متولّد شد. نسب گرامی اش به ج

۱- آشنایی با چند نسخه خطّی، ج۱، ص۲۸.

۲- ریاض الجنّه، قسم اوّل از روضه اربعه، صص۵۲۴ ۵۲۵؛ آشنای حق، صص۳۳ ۳۴؛ تجربه الاحرار، صص۱۶۰ ۱۶۱؛ اعیان الشّیعه، ج۸، ص۱۱۱ و ج۹، ص۵۰۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص۵۰ ۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۴؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۲۷؛ مکارم الآثار، ج۱، صص۶۶ و ۱۳۱ ۱۳۲؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۶۶.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۱.

نـاب ابوالحسن محمّـد پرهیزگـار بن عبـداللّه بن امـام زین العابـدین علیه السـلام منتهی می گردد. پـدرش از علمای عالی قـدر دهکرد بوده، و مادرش دختر آخوند ملّامحمّد ابراهیم دهکردی، از فضلای آن دیار است.

ایشان در یازده سالگی جهت تحصـیل به اصـفهان آمـد، و در مـدرسه صدر نزد برادر بزرگوار خود سـیّدمحمّدجواد دهکردی تلمّذ نمود، و سپس در درس حاج سـیّدمحمّدباقر نجفی، میرزا ابوالمعالی کلباسـی، حاج ملّااسماعیل حکیم درکوشکی، میرزا محمّدحسن نجفی و ملّامحمّدباقر فشارکی حاضر شد. در سال ۱۳۰۱ق ازدواج نمود، و جهت تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات مشـرّف، و در سامرّا و نجف، از محضـر درس آیات عظام میرزا محمّـدحسن شـیرازی، ملّافتحعلی سـلطان آبادی، حاج میرزا حسـین نوری، شـیخ زین العابدین مازندرانی، میرزا حبیب اللّه رشتی و آخوند ملّامحمّدکاظم خراسانی بهره کافی و وافی برد، و به مراتب عالی علم نائل آمد.

مشایـخ اجازه روایت و اجتهاد ایشان نیز عبارت انـد از: آمیرزا هاشم چهارسوقی، میرزا محمّدحسن نجفی، ملّامحمّدباقر نجفی، آخوند خراسانی، میرزا حسین نوری، و زین العابدین مازندرانی.

ایشـان در سال ۱۳۰۹ق به اصـفهان مراجعت نمود، و به تـدریس درس خـارج در مـدرسه صـدر و تربیت شاگردان پرداخت، و مرجعیّت امور شـرعی مردم را بر عهده گرفت، و جمعی در اصفهان و چهارمحال از مقلّدین ایشان بودند. هم چنین وی سال ها نماز جماعت را در مسـجد شـیخ الاسـلام و مسـجد سرخی اقامه می کرد، و پس از نماز، به منبر می رفت، و مردم را ارشاد می نمود.

وفات این عالم عالی قدر در یک شنبه ۶ شوّال ۱۳۵۳ق اتّفاق افتاد، و پیکر ایشان به امام زاده زینبیّه اصفهان منتقل، و در آن جا به خاک سپرده شده، و بعد از ساختن صحن امام زاده، قبر، در یکی از حجرات غربی قرار گرفت.

کتب زیر از تألیفـات او است: ۱. بشارات السّالکین یا واردات غیبیّه در شـرح حال و مکاشـفات خود ۲. جنّه المأوی، در اخلاق ۳. حاشـیه بر جامع عبّاسی، چاپ شده ۴. حاشـیه بر نخبه حاجی کلباسی، مطبوع ۵. حاشیه بر تفسیر صافی ۶. حاشیه بر وافی ۷. ذخیره در ادعیـه ۸. رسـاله در مبحث الفاظ ۹. رسـاله در طهارت، مطبوع ۱۰. رسـاله در قبض ۱۱. شـرح بر شرایع، دو جلد ۱۲. شرح بر من لایحضـره الفقیه و آن را در تکمیـل شـرح فارسی علاّمه مولی محمّـدتقی مجلسـی بر آن کتاب مرقوم فرموده ۱۳. الفوائد در متفرّقات ۱۴. لمعات در شرح دعای سمات ۱۵. منبرالوسـیله که آن را وسیله یا وسیله المنابر گفته اند، دو جلد است، و جلد یکم چاپ شده است ۱۶. هدایه الانام که رساله عملیّه ایشان است ۱۷. ینابیع الحکمه، در

تفسیر ۱۸. المتاجر، تقریر درس میرزا حبیب اللّه رشتی ۱۹. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری ۲۰. تنقیح الاصول، تقریرات درس میرزا حبیب اللّه رشتی، با نظریّات مؤلّف در بحث الفاظ ۲۱. حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۲۲. شرح بر اصول کافی ۲۳. شرح حدیث حقیقت کمیل بن زیاد ۲۴. السّوانح و اللّوائح(۱)].

سیّدابوالقاسم بیدآبادی

سیّدابوالقاسم بیدآبادی بن حاج سیّد محمّدباقر حجّت الاسلام شفتی عالم فاضل، [نزد پدر بزرگوار و احتمالاً ـ حاج محمّدابراهیم کلباسی تحصیل کرده]، و پس از وفات پدر، مرجع امور در اصفهان بوده، و سال ها قبل از فوت برادرش حاج سیّداسداللّه (متوفّی ۱۲۹۰ق) وفات یافته است. معلّم حبیب آبادی به نقل از حاشیه هدایه الانام و حاج شیخ علی نمازی در مستدرک سفینه البحار وفات او را در ۲۸ صفر ۱۲۶۳ق ذکر کرده اند. وی در مقبره پدر بزرگوارش در مسجد سیّد اصفهان مدفون شد.(۲)

سیّدابوالقاسم خواجویی

سیّدابوالقاسم خواجویی فرزند سیّدمحمّدباقر بن محمّدصادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل زاهد، در اصفهان ساکن بود، و در علوم مختلف همچون فقه، حدیث، ادبیّات، تاریخ و انساب مهارت داشت وی در شب سه شنبه ۸ رجب ۱۱۹۱ق وفات یافت(۳)، و در اوّل اراضی تخت فولاد، نرسیده به تکیه جویباره ای ها (تکیه فاضل سراب) مدفون شد. مع الاسف در سال های اخیر، تکیه و مقبره او را خراب کردند(۴)، وی کتابی به نام حدائق العارف تألیف نموده است. صاحب عنوان، جدّ خاندان

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص۲۰۰۷ ۲۰۱۰؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۱؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۶۱؛ دیوان طرب، صص۱۲۲ ۱۲۳؛ تاریخچه ارزنان و مقبره علیاجناب زینب خاتون، صص۴۱ ۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۹۳ ۱۹۴؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۳؛ الذّریعه، ج۱۸، ص۴۶ و ج۲۵، ص۸۴؛ مزارات اصفهان، صص۲۳۴ ۲۳۵؛ آفتاب علم، صص۱۷ به بعد؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص۱۹۱ ۱۹۸؛ اعیان الشّیعه، ج۹، ص۵۱۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۶؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۵۴؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۴.

۳- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۷۳.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۷.

نحوی و مهدوی در اصفهان(۱) و موسوی زاده در یزد، و از اجداد حقیر (سیّدمصلح الدّین مهدوی) است.

میرزا ابوالقاسم زنجانی

حاج میرزا ابوالقاسم بن سیّدمحمّدباقر بن سیّدعلی نقی موسوی زنجانی عالم فاضل، محقّق و مجتهد، فقیه اصولی، در اصفهان متولّد شده، و نزد آقا میرزا هاشم چهارسوقی و حاج میرزا بدیع درب امامی تلمّذ نمود، سپس در نجف اشرف از درس حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و ملاّلطف اللّه مازندرانی بهره گرفت، و از آن دو، و نیز شیخ الشّریعه اصفهانی و محمّد ایروانی اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان، به تدریس و اقامه جماعت و ترویج دین قیام نموده، در قضایای بابی کشی در سال ۱۳۲۱ق در اصفهان به حکم فتوای ایشان بوده، و در امر به معروف و نهی از منکر، ساعی و کوشا و در عموم پیش آمدهای اصفهان در دوره ریاست آقایان مسجد شاه با آنان یار و مددکار بوده است، در نهضت مشروطه نیز از طرفداران حاج آقا نوراللّه نجفی اصفهانی بود، سرانجام در رجب ۱۳۳۶ق در اصفهان وفات یافت، و در تکیه ای مخصوص در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

ابوالقاسم «نیّر»

حاج میرزا ابوالقاسم علاقبند متخلّص به «نَیّر» [معروف به «یراقی» فرزند حاج میرزا تقی، شاعر ادیب [از شعرای قدیمی و محترم اصفهان بوده، و در اغلب انجمن های ادبی اصفهان شرکت داشت(۳)، [و بالاخره در جمعه اوّل جمادی الاوّل سال ۱۳۹۴ قمر وفات یافته، در تکیه آقامحمّد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون گردید.

از اشعار او است:

ای گل جفا به بلبل شیدا روا مدار کاو هر صباح، نغمه به سوی تو می کشد]

۱- مکارم الآثار، ج۵، ص۱۷۳۱.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۹۶ ۱۹۷؛ نقباءالبشر، ج۱، صص۶۱ ۶۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۹.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۲۳.

میرزا ابوالقاسم انصاری*

میرزا ابوالقاسم انصاری فرزند شیخ محمّدجعفر بن مرتضی بن محمّدحسن بن منصور (برادر شیخ مرتضی انصاری مرجع عالی قدر شیعه) از علماء و فضلای محقّق و عالی قدر معاصر در سال ۱۳۵۰ق متولّد شد. پس از فراغت از تحصیلات ابتدایی، نزد پدر دانشمندش مشغول تحصیل شد. پس از وفات پدر، نزد عمویش شیخ علی انصاری و برادرانش شیخ مرتضی انصاری (مؤلّف کتاب زندگانی و شخصیّت شیخ انصاری) و میرزا ابوالحسن، سطوح را به اتمام رساند. دروس عالی را نیز نزد پسرعموی پدرش شیخ منصور سبط الشّیخ و پسرعمّه اش سیّداسداللّه نبوی آغاز کرد.

در سال ۱۳۸۱ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و از درس آیات عظام، شیخ حسین حلّی، سیّدعلی طباطبایی تبریزی و سیّدمحمود شاهرودی بهره گرفت. پس از فراغت از تحصیل در اصفهان سکونت نمود، و به اقامه جماعت، تدریس و تألیف پرداخت.

ایشان از این افراد، اجازه روایت یا اجتهاد و یا هر دو را دارد: سیّداسداللّه نبوی، سیّد احمد خوانساری، شیخ آقابزرگ تهرانی، سیّدعلی طباطبایی تبریزی، شیخ منصور سبط الشّیخ انصاری، سیّدمحمود شاهرودی.

وی تألیفات متعدّدی رابه رشته تحریر درآورده است که از آن جمله است: ۱. تلخیص رساله تعارض صاحب عروه ۲. شرح تبصره علاّمه ۳. کواشف الجلیّه عن مطالب شرح اللمعه الدّمشقیّه ۴. وسیله الرّحال من احوال الرّجال(۱).

میرزا ابوالقاسم سلطان الحکماء

میرزا ابوالقاسم ملقّب به «سلطان الحکماء» فرزند میرزا محمّدجعفر نایینی اصفهانی، طبیب حاذق و دانشمند فاضل. از طرف پدر، نسبش به سلطان محمّد خدابنده ایلخانی و از طرف مادر، نسبش به علاّمه مجلسی منتهی می شود. در سال ۱۲۴۵ق در نایین متولّد شد، و در مدرسه نیماورد اصفهان به تحصیل پرداخت، از درس آخوند ملاّمحمّدحسن نایینی

۱- کتاب الدّرایه فی شرح الکفایه، مقدّمه، صص۶۴ ۶۸؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

بهره برد سپس به یزد رفت، و نزد میرزا زین العابـدین، آقا محمّد حکیمی و حاجی میرزا عبدالوهاب یزدی در حکمت، منطق، هیأت، طب، ادبیّات، فقه و تفسیر تحصیل نمود. وی در ۲۵ سالگی به تهران رفت، و به تدریس طب در مدرسه صدر پرداخت، و سـرانجام به تـدریس در مـدرسه دارالفنون مشـغول شد. هم چنین شـهرت و حذاقت وی باعث شد ناصـرالدّین شاه به او لقب «سـلطان الحکماء» دهد، و او را رییس اطبّای دربار خویش نماید. عاقبت، سـلطان الحکماء در سال ۱۳۲۲ق در قریه کلاک در نزدیکی کرج در اثر ابتلاء به وبـا وفـات یـافته، در صـحن امـام زاده آن قریه مـدفون شـد. وی را در طب تألیفاتی است؛ از آن جمله: ۱. ناصرالملوک به فارسی، مطبوع ۲. تحفه ناصری، به عربی ۳. اقسام حمیّات، در انواع تب.(۱)

سیّدابوالقاسم بختیاری

سیّدابوالقاسم بن سیّدمحمّدحسن حسینی بختیاری اصفهانی عالم فاضل، در سال ۱۲۷۲ق وفات یافته است، شرح نهج البلاغه از تألیفات او است.(۲)

سیّدابوالقاسم بهشتی

سیّدابوالقاسم بن سـیّدحسن حسینی بهشتی، عالم جلیل القدر، امام مسجد سه پله اصفهان، متوفّی جمادی الثّانی ۱۳۳۷ق مدفون در تکیه سادات بهشتی، در شمال مصلّای تخت فولاد.(۳)

سیّدابوالقاسم بهشتی

سیّدابوالقاسم بن سیّدحسن حسینی بهشتی، از فضلاء و ائمّه جماعات اصفهان، متوفّی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۷؛ مکارم الآثار، ج۴، صص۱۲۴۲؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۶، ص ۱۸۰؛ فهرست مرعشی، ج۵، ص ۶۰؛ تاریخ نایین، ج۱، صص۸۶ ۸۷؛ الذّریعه، ج۲۴، ص۱۶؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریـخ ایران)، ج۳، صص۲۱۲۹ ۲۱۳۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۵۸.

۲- الکرام الـبرره، ج۱، صص۵۱ ۵۲؛ الذّریعه، ج۱۳، ص۱۱۴؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۱۷۷؛ کتـاب نامه نهج البلاغه، ص ۴۰.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۱۶ رمضان ۱۳۸۴ق مدفون در تکیه سادات بهشتی، واقع در شمال مصلّای تخت فولاد(۱).

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم بن محمّدحسین اصفهانی فاضل خطّاط قرن سیزدهم. از آثارش مجموعه ای است از چندین سوره از قرآن مجید که آن را به خطّ نسخ، جهت صدر اعظم در سال ۱۲۷۲ نوشته است. ظاهرا جامع آن مجموعه نیز خود او می باشد. نسخه به شماره ۵۷ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۲)

شیخ ابوالقاسم حججی نجف آبادی*

شیخ ابوالقاسم حججی نجف آبادی فرزند ملّاحسین بن ملّااحمد در حدود سال ۱۳۳۱ق در نجف آباد متولّد [شد]، و مقدّمات را در زادگاه خود و اصفهان خواند، و سپس در قم نزد برادرش شیخ احمد حججی و آیات عظام بروجردی، صدر و حجّت تحصیل نمود، و در قم و اصفهان به تدریس سطوح عالیه پرداخت. سپس به دعوت برادرش شیخ احمد به نجف آباد آمد، و به تدریس و اقامه جماعت در مسجد حکیم پرداخت، و سرانجام در سال ۱۴۱۳ق وفات یافت، و در جنّت الشّهدای نجف آباد مدفون شد. مشارٌ الیه از طرف امام خمینی و آیت اللّه حجّت و آیت اللّه صدر دارای اجازه است.(۳)

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی*

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی فرزند ملّامحمّدحسین ظهیری مهر آبادی اردستانی، نویسنده و مورّخ دانشمند در حدود سال ۱۳۲۳ق در مهرآباد اردستان متولّد [شد]، و دروس مقدّماتی را نزد پدر آموخت. سپس در کاشان و اصفهان به تحصیل علوم عربیّت، ریاضیّات قدیم، منطق، فلسفه، کلام، فقه و اصول پرداخت. سپس در مدرسه دارالفنون تهران به تحصیلات جدید مشغول شد. وی دوره عالی وزارت دادگستری را طی [کرد]، و به خدمات قضایی و اداری پرداخت، و پس از ۳۲ سال خدمت، بازنشسته گردید، و فعّالیت در سازمان لغت نامه دهخدا مشغول شد. وی در مهر ماه

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۲- فهرست کتابخانه ملّی ملک، ص۲۹۹.

۳- سیمای دانشوران (نجف آباد)، صص۷۶ ۷۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۷، ص۲۹۷.

۱۳۶۶ش در تهران وفات یافت. شعر نیز می سرود، و «نزهت» تخلّص می کرد. این کتاب ها از او است: ۱. آتشکده اردستان، سه جلد، مطبوع ۲. آثار ملّی اصفهان، مطبوع ۳. تاریخ خطّ و خطّاطان، مطبوع ۴. تذکره هجوسرایان ۵. تصحیح دیوان وفا ۶. توضیح الکفایه، به عربی ۷. دانشمندان اسلام ۸. ره آورد طوس ۹. زبان ها و لهجه های اصفهان ۱۰. فرهنگ اصفهان ۱۱. لهجه های اردستانی(۱).

ملّاابوالقاسم گلپایگانی

ملّاابوالقاسم بن محمّدربیع گلپایگانی، عالم فاضل، در اصفهان نزد علمای این شهر به خصوص ملّامحمّدتقی مجلسی به تحصیل پرداخته، و سپس به تدریس در مدرسه شیخ لطف اللّه مشغول شد.(۲)

ابوالقاسم پاینده نجف آبادی*

ابوالقاسم پاینده نجف آبادی فرزند محمّدرضا، نویسنده، روزنامه نگار و مترجم توانا در سال ۱۲۸۷ش در نجف آباد متولّد شد. پس از طیّ تحصیلات مقدّماتی به تشویق شیخ احمد حججی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت، و نزد شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، شیخ نصراللّه قضایی، شیخ محمود مفید و شیخ محمّد حکیم خراسانی تحصیل کرد، چندی بعد تحصیل را رها کرد، و به تهران رفت، و به کارهای دولتی پرداخت، و مدیریت کلّ تبلیغات را بر عهده گرفت، در دوره دوم مجلس مؤسّسان و در دوره های ۲۱ و ۲۲ مجلس شورای ملّی به نمایندگی انتخاب شد.

وی با روزنامه عرفان اصفهان و روزنامه های شفق سرخ، ایران و اطّلاعات در تهران همکاری داشت. مدّتی نیز مدیر مجلّه تعلیم و تربیت بود، و خود، نشریّه هفتگی صبا را در تهران منتشر ساخت. او قلمی شیوا و نثری روان داشت که در داستان ها، ترجمه ها و تألیفات او مشهود است. وی سرانجام در ۱۸ مرداد ۱۳۶۳ش در تهران درگذشت، و در گورستان ابن

۱- مجلّه آینده، سال چهاردهم، شماره ۱ ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۷، صص۷۸ ۷۹؛ پشت جلد کتاب خطّ و خطّاطان و آتشکده اردستان؛ نادره کاران، صص ۶۴۰ ۶۴۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۵؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۳۸۸.

بابویه در شهر ری به خاک سپرده شد. برخی از ترجمه ها و نوشته های او عبارت اند از: ۱. ترجمه در جست وجوی خوشبختی نوشته جان لاباک آویبوری ۲. ترجمه زندگانی محمّد صلی الله علیه و آله ، در دو جلد، نوشته محمّدحسنین هیکل ۳. ترجمه مروج الذّهب ۴. ترجمه التّنبیه و الاشراف ۵. نهج الفصاحه ۶. تمدّن اسلام ۷. ترجمه تاریخ طبری ۸. ترجمه قرآن مجید ۹. املاء یا دستور نوشتن ۱۰. علی علیه السلام ابر مرد تاریخ ۱۱. عشق مخفی ۱۲. دخترک دهقان ۱۳. سیر تکامل عقل نوین و غیره(۱).

میرزا ابوالقاسم امام جمعه

حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج میرزا زین العابدین بن حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه (خاتون آبادی اصفهانی تهرانی)، عالم فاضل پدر و جدّش امام جمعه تهران بوده اند. در دوشنبه ۲۲ ذی قعده ۱۲۸۲ق در تهران متولّد شد، و پس از تحصیلات مقدّماتی راهی نجف اشرف گردید، و از محضر علمای اعلام آن دیار، خصوصا میرزا حبیب اللّه رشتی و میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی مستفیض شد، و به تهران مراجعت نمود. وی پس از وفات پدر، امام جمعه تهران گردید، و در قضایای مشروطه، از طرفداران پادشاه و مستبدّین به شمار می رفت. سرانجام در ۲۶ جمادی الثّانی ۱۳۴۶ق در تهران وفات یافت. وی را تألیفاتی است ازجمله: ۱. رساله در تسامح ادلّه سنن ۲. رساله در قاعده ضرر ۳. رساله در منجزات مریض(۲)؛ هر سه اثر به چاپ رسیده است.

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم بن سلطان محمّد بن محمّد بن حاج محمّد اصفهانی، فاضل خطّاط در قرن دهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب بیان تألیف شهید اوّل علیه الرّحمه که آن را در چاشت روز جمعه دهم شوّال سال ۹۵۶ق به پایان رسانیده، و نسخه، مقابله شده است. کتاب به شماره ۷۹ در کتابخانه رضوی قم موجود است.(۳)

۱- دیباچه دیار نون، صص۱۵۴ ۱۵۵؛ سیمای دانشوران در شرح حال علماء و نویسندگان نجف آباد، صص۶۴ ۷۱؛ آیینه اهل قلم، صص۱۰۸ ۱۱۰؛ نادره کاران، صص۵۴۸ ۵۴۹.

۲- اعیان الشّیعه، ج۸، ص۱۰۱؛ نقباءالبشر، ج۱، صص۶۸ ۶۹؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۲۲۹؛ مکارم الآثار ج۷، صص۲۴۴۸ ۲۴۵۰.

۳- آشنایی با چند نسخه خطّی، ج۱، ص۱۳.

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی پسر شیخ شهاب الدّین، از غزل سرایان زمان شاه تهماسب صفوی.(۱)

شیخ ابوالقاسم اصفهانی

شیخ ابوالقاسم بن عبدالرزاق اصفهانی. عالم فاضل کامل. در سال ۱۳۰۴ متولد شد. در اصفهان از درس میرزا ابوالقاسم زفره ای، شیخ علی یزدی آخوند ملا عبدالکریم گزی، میرمحمدصادق خاتون آبادی، آخوند کاشی و سید محمد باقر و سید مهدی درچه ای و در نجف اشرف نیز از درس آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ ابراهیم اردبیلی و شیخ احمد شانه ساز بهره برد. در سال ۱۳۳۶ق به اصفهان مراجعت کرد و در ۱۳۴۱ق به قم رفت و ضمن استفاده از درس حاج شیخ عبدالکریم حائری به تدریس پرداخت. وی در شوال ۱۳۸۴ق وفات یافت و در قبرستان شیخان قم مدفون شد.(۲)

شیخ ابوالقاسم نورایی

در حدود سال ۱۲۳۰ق در قریه ورنوسفادران متولّد گردیده، و نزد علمای سده و اصفهان ازجمله حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی و آقا میرسیّدحسن مدرّس میرمحمّدصادقی تحصیل و تلمّذ نموده است. وی در مولد خود، مسجد و محراب، و ریاست علمی و روحانی داشت، و سرانجام در سال ۱۳۰۵ق در سِدِه وفات یافت، و همان جا مدفون گردید. صاحب عنوان، تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته تحریر درآورده، و تألیفاتی داشته که از آن جمله است: ۱. رساله در اجتهاد و تقلید ۲. کشف الاصول در شش مجلّد بزرگ ۳. کشف الفقه، در شش مجلّد بزرگ(۳).

۱- تاریخ نظم و نثر فارسی، ج۲، ص۶۶۶.

۲- آثار الحجه ج ۱ ص ۳۸، آینه دانشوران ص ۲۰۷، تربت پاکان قم ج ۱ ص ۲۵۶.

۳- الذّریعه، ج۱۸، صص ۲۰ و ۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۹۸۶ ۹۸۷؛ بیان المفاخر، ج۱، صص۲۵۴ ۲۵۵.

شیخ ابوالقاسم دولت آبادی

حاج شیخ ابوالقاسم دولت آبادی فرزند عبّاس، عالم فاضل زاهد. در سال ۱۲۹۸ق در دولت آباد اصفهان متولّد [شد]، و در اصفهان نزد آقا سیّدابوالقاسم دهکردی، آقا میرزا احمد مدرّس، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، حاج میرمحمّدصادق خاتون آبادی و آخوند ملاّعبدالکریم گزی تلمّذ نمود، آن گاه به نجف اشرف مهاجرت کرد، و نزد آقا میرزا محمّدحسین نایینی، حاج میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی و آخوند ملاّمحمّدکاظم خراسانی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت، و از اساتید خویش و نیز آقا سیّدابوالحسن اصفهانی مدیسه ای اجازه روایت و اجتهاد دریافت نمود. آن گاه به اصفهان بازگشت، و در مدرسه نیماورد به تدریس پرداخت. گاهی در اصفهان و گاهی در دولت آباد بود، و سرانجام در ۲۶ ذی حجّه الحرام ۱۳۶۶ق به سنّ متجاوز از هفتاد سال وفات یافت، و در امام زاده شاه زاده محمود دولت آباد مدفون گردید. رسائلی در فقه و اصول نوشته، و حاشیه ای بر ذخیره المعاد آیت اللّه اصفهانی نوشته که به چاپ رسیده است.(۱)

سیّدابوالفضل میرلوحی*

سیّدابوالفضل میرلوحی فرزند سیّدعبدالحسین، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۱ش در یزدآباد فلاورجان متولّد شد.

وی در اصفهان به تحصیلات حوزوی پرداخت، و ادبیّات عرب و بخشی از سطوح را آموخت. مصاحبت با عالم زاهد، میرزامحمّد درچه ای که دارای مشی اخباری بود، او را از ادامه تحصیل مرسوم حوزوی بازداشت، و تنها به مطالعه در اخبار، اکتفا نمود. وی با عارف سالک، سیّدزین العابدین طباطبایی ابرقویی و عالم فرزانه، حاج آقا رحیم ارباب مأنوس بود.

وی سال ها در یزدآباد به اقامه نماز جمعه می پرداخت. بسیار اهل عبادت و تهجّد و ادای نوافل بود. او از راه کشاورزی امرار معاش می نمود، و از دریافت وجوهات شرعی خودداری می کرد. ایشان سرانجام در ۲۰ خرداد ۱۳۸۰ش وفات یافت، و در یزدآباد، جنب قبر پدر و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۰۶ ۲۰۷؛ مزارات اصفهان، صص۲۶۸ ۲۶۹.

برادرش مدفون شد. کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. خورشید درخشان ۲. دو گواه بزرگ بر صدق نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۳. مقام زن در اسلام ۴. اسراف های گوناگون(۱).

میرزا ابوالقاسم کوپایی

حاج میرزا ابوالقاسم کوپایی فرزند حاج عبدالحسین بن محمّدحسن، از مردمان نیکوکار و تجّار محترم و مورد اعتماد مراجع بزرگوار تقلید. وی در حدود سال ۱۳۲۱ق متولّد شده، و در زمان خود، نماینده تامّ الاختیار آیت اللّه العظمی اصفهانی و آیت اللّه العظمی بروجردی و عموم مراجع بعد از ایشان بوده، و در مدّت عمر خود، مصدر خدماتی گردیده که از آن جمله است:

ساختمان حسینیّه و حمّام و زوّارخانه در سامرّاء، تعمیرات مدارس دینی اصفهان، تعمیرات و ساختمان امام زاده زینبیّه اصفهان، تعمیرات بقعه علاّمه مجلسی و بنای کتابخانه ای به نام آن علاّمه عالی قدر، بانی ساخت ضریح حضرت ابوالفضل علیه السلام به امر آیت اللّه العظمی حکیم، و ساختن در، جهت مرقد مطهّر کاظمین علیهماالسلام .

سرانجام این شخص خدوم و نیکوکار در شب سه شنبه ۲۸ جمادی الثّانی ۱۴۱۱ق وفات یافت، و در ایوان غربی رواق پشت سر مقبره علاّمه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون گردید.(۲)

میرزا ابوالقاسم قاضی

میرزا ابوالقاسم قاضی بن شیخ عبدالرّحیم، عالم فاضل، از احفاد ملاّمحمّدباقر محقّق سبزواری است. مشارٌ الیه قاضی اصفهان بوده، و ساختمان شبستان بزرگ مسجد علی قلی آقا به همّت او در سال ۱۲۹۷ق بنا شده است. وی سال ها در مسجد علی قلی آقا اقامه جماعت می نموده، و سرانجام در سال ۱۳۱۷ق وفات یافته است، حاج آقا مجلس

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۲- مزارات اصفهان، صص ۳۲ ۳۳.

فرزند آقاابوجعفر بن صدرالدّین عاملی داماد او است.(۱)

ملّاابوالقاسم ریزی لنجانی

آخوند ملّا ابوالقاسم بن ملّا علی ریزی لنجانی، فاضل ادیب، از نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری.

از آثارش: ۱. در تاریخ ۱۲۵۲ جلد یازدهم بحارالانوار علّامه مجلسی را به خطّ نسخ کتابت نموده است. کتاب به شماره ۲۷۱۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. ۲. در تاریخ ۱۲۸۲ کتاب مجمل اللّغه تألیف ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریّا را به خطّ نسخ کتابت نموده است. کتاب به شماره ۳۹۸۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است. ۳. در تاریخ ۱۲۹۱ جلد پانزدهم بحارالانوار تألیف علّامه مجلسی را به خطّ نسخ، کتابت نموده است. کتاب به شماره ۲۷۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

میرزا ابوالقاسم زفره ای

حاج میرزا ابوالقاسم زفره ای معروف به «حاج آخوند» فرزند ملّاعلی [عرب] عالم فاضل، از محدّثین و مدرّسین اصفهان است، و اغلب علمای اصفهان از شاگردان او بودند. در تدریس ادبیّات عرب مهارت بسیاری داشته، در علوم غریبه، جفر، اعداد و طلسمات نیز زحمات فراوانی کشیده بود، و تسخیر اجنّه و غرائب دیگر را بدو نسبت می دادند. [سال ها در مدرسه میرزا مهدی بیدآباد تدریس می کرد]. سرانجام در دوشنبه ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۵۲ق به سنّ قریب نود سال وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد. کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله است: ۱. رساله در اصول دین ۲. کتابی در علوم غریبه ۳. کتاب در قاعده دایره هندی ۴. رساله در مکروهات، [رساله اصول دین به ضمیمه رساله در مکروهات در سال ۱۳۱۶ق در اصفهان چاپ سنگی شده است](۳).

۱- نقباءالبشر، ج۱، ص۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۸.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، ص۲۱۴۱؛ فهرست مرعشی، ج۷، صص ۲۸۰ و ۲۸۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۰۸ ۲۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص۸۵؛ دیوان اشعار سیّدابراهیم سرّی، مقدّمه، یاداشت های آقای محمّدحسن رجایی زفره ای.

ابوالقاسم نژند اصفهانی

ابوالقـاسم عریضـی متخلّص به «نژنـد» فرزنـد سیّدعلی اصـغر، شـاعر ادیب، در سال ۱۳۰۳ خورشـیدی در اصـفهان متولّـد شد، تحصـیلات ابتدایی و متوسّـطه را در اصـفهان انجام داد، و در تهران، دانشـکده حقوق را در رشـته قضایی به پایان رسانید. بعدا وارد فرهنگ شد، از شـعرای باذوق و خوش قریحه اصفهان بود، و اشعار و مقالاتش در روزنامه های اصفهان به طبع می رسید. کتب چنـدی تـألیف نمود؛ از آن جمله است: ۱. اسـرار الماس مفقود شده ۲. در تیرگی هـای اجتماع ۳. در گرداب زندگی ۴. منتخبی از اشعار شعرای معاصر و غیره.

[از او است:

گذاری بعد مرگم گر قدم بر تربتم بینی که بوی عشق برخیزد ز مغز استخوان من(۱)]

میرزا ابوالقاسم راجی بیدآبادی

میرزا ابوالقـاسم بن علی اکبر بیـدآبادی شاعر ادیب فاضل، متخلّص به «راجی» متوفّی ۱۳۰۱ق کتب زیر از تألیفـات او است: ۱. حقـایق النّبویه، یـا حقایق ناصـری، منظوم، به فارسـی، مطبوع ۲. دیوان اشـعار ۳. علاـج الاـمراض بالادویه و الادعیه ۴. همیان، مثنوی مانند موش و گربه، در نقد اجتماعی به صورت فکاهی. علاّمه تهرانی در نقباء البشـر می فرماید: کلّیه آثار او نزد مرحوم آقاابوالقـاسم اصـفهانی نجفی موجود است. برادرش نیز به نام میرزا نصـراللّه در سال ۱۳۱۳ وفـات [یافته]، و فاضل بوده، و عمر معقولی کرده است.(۲)

سیّدابوالقاسم سدهی

آقا سیّدابوالقاسم بن سیّدمحمّدعلی حسینی سدهی، عالم فاضل واعظ کامل، در تهران ساکن بود، و به وعظ و خطابه، مردم را ارشاد می نمود، سرانجام در مکّه معظّمه پس از

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۰۷.

۲- اعیان الشّیعه، ج۷، ص۷۵؛ الذّریعه، ج۷، ص۳۶ و ج۱۵، ص ۳۱۰ و ج۲۵، ص۲۴۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص۷۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۲.

انجام فریضه حج در سال ۱۳۳۹ق وفات یافت. وی برادر عالم جلیل سیّدمحمّدباقر ابطحی مدرّس حوزه علمیّه اصفهان است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. بدایع الاخبار، در اخلاق ۲. بشاره الابرار در احوال شیعه الکرار فی دار القرار، در چهل هزار بیت ۳. برهان الرّساله در اثبات نبوت خاصّه ۴. حسام الشّیعه، در اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام ۵. خصایص الایّام در وقایع الایّام ۶. دلائل الرّبوبیه، مطبوع ۷. لمعات الانوار، مطبوع ۸. نفایس الاخبار، مطبوع و غیره. صاحب عنوان در سال ۱۳۱۷ کتاب کشف الغطاء تألیف شیخ جعفر نجفی را به کمک دایی خود مرحوم میرزا عبدالرّحیم معروف به حاج آقا تصحیح [کرده]، و در مطبعه سیّدمرتضی به چاپ رسانیده است.(۱)

شیخ ابوالقاسم صدرالعلماء دهاقانی*

حاج شیخ ابوالقاسم دهاقانی ملقّب به «صدرالعلماء» فرزند ملّامحمّدعلی دهاقانی، عالم فاضل مجتهد، در سال ۱۲۶۳ق در دهاقان تولّد یافت، و در اصفهان نزد جمعی از علماء، ازجمله شیخ محمّدباقر مسجدشاهی، آقا سیّدمحمّدهاشم چهارسوقی و دیگران تحصیل نمود، سپس برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات مشرّف شد، و از محضر علمای آن جا خصوصا میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) بهره مند شد، و به اجتهاد نائل آمد. وی در سال ۱۳۰۵ق به مولد خود بازگشت، و به تبلیغ و ترویج دین پرداخت، سپس به مشهد مقدّس مشرّف شد، و هشت سال در آن سرزمین مقدّس مجاور گردید. سرانجام به دهاقان بازگشت، و باقی عمر را به عبادت و تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت گذرانید تا این که در سال ۱۳۵۴ق وفات یافت. پیکرش به نجف اشرف حمل، و در قبرستان وادی السّلام مدفون شد.(۲)

میرزا ابوالقاسم قدسی

آقامیرزا ابوالقاسم خوشنویس فرزند میرزا محمّدعلی قاری، خوشنویس فاضل.

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۷۲؛ الذّریعه، ج۷، ص۱۲ و ج۱۸، ص۳۴۴ و ج۲۴، ص۲۴۹؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۲.

۲- سیمای دهاقان، ص۲۶۱؛ اسره المجدّد الشّیرازی، ص۱۰۷.

پدرش و برادرانش به ویژه میرزا عبدالحسین قدسی، از خوشنویسان معروف اصفهان بودند. خود او خطّ نسخ را با استادی می نوشت، و قرآن را با خطّ زیبای خود کتابت کرده که به طبع رسیده است. سال ها در مدرسه و دبیرستان قدسیّه به تدریس مشغول بود، تولّدش در ۲۴ صفر سال ۱۲۹۶ و وفاتش در جمادی الثّانی ۱۳۷۵ روی داد. در تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم نیّر گوید:

سال تاریخ وفات خال خود نیّر نگاشت: «شد بقدسی مسکن بوالقاسم قرآننویس»(۱)

سیّدابوالقاسم بدری

آقا سیّدابوالقاسم بدری بن آقا سیّدمحمّدعلی حسینی سینی برخواری فاضل ارجمند، در مدرسه گلبهار از مدارس جدید اصفهان تدریس می کرد، و بنده [سیّدمصلح الدّین مهدوی، مؤلّف کتاب] از محضر او در ایّام تحصیل استفاده کرده ام. در سال ۱۳۹۸ق وفات یافت، و در قسمت شرقی تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

سیّدابوالقاسم بیدآبادی

آقا سیّدابوالقاسم بیدآبادی فرزند حاج سیّدمحمّدعلی بن حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی، عالم فاضل. ظاهرا در خدمت پدر بزرگوار و عمّ عالی مقدار خود حاج سیّداسداللّه بیدآبادی و دیگر بزرگان اصفهان تلمّذ نموده، و احتمالاً پس از وفات، در بقعه سیّد حجّت الاسلام مدفون گردیده است. مشارٌالیه داماد مرحوم حاج میرزا ابوالفضل بن حاج میرزا زین العابدین بن سیّد حجّت الاسلام بوده است.(۳)

ابوالقاسم خوزانی

ابوالقاسم بن محمّدعلی خوزانی سِدِهی اصفهانی، فاضل خطّاط در قرن سیزدهم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ۷۶۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۲۳.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۰.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۴؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۴.

هجری، از آثار او کتابت نسخه ای از الفطره السّلیمه تألیف حاج محمّدکریم خان کرمانی در هشتم ربیع الثّانی ۱۲۸۲ق به خطّ نسخ است که به شماره ۱۰۵۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت

میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت معروف به گوگردی فرزند میرزا محمّدعلیّ بن حاج محمّد یزدی، عالم فاضل، حکیم جامع، عابد زاهد و طبیب حاذق، از اطبّاء مشهور و مدرّسین طبّ قدیم در اصفهان. جدّش حاج محمّد از یزد به اصفهان آمده، و در محلّه احمدآباد ساکن گردید، و ظاهرا حمّام احمدآباد از آثار خیریّه او است. در حدود ۱۲۷۸ق در اصفهان متولّد شد، و نزد میرزا ابوالحسن پاقلعه ای، میرزا ابوالقاسم مدرّس رشتی، حاج میرزا محمّدباقر حکیم باشی، جهانگیرخان قشقایی، میرزا عبدالعلی مرندی و آخوند کاشی و جمعی دیگر به تحصیل پرداخت. ایشان از اطبّاء مشهور و صاحبان نفس قدسی بود. سال ها در مدرسه حاج حسن جنب مسجد علی مقابل هارون ولایت به تدریس و نیز مداوای بیماران اشتغال داشت، و کتاب قانون را تدریس می نمود. ایشان سرانجام در دوشنبه ۲ ربیع الثّانی ۱۳۷۱ق به سنّ ۹۰ سالگی وفات یافته، بیرون بقعه مادرشاه زاده در تخت فولاد مدفون شد. رساله افیونیّه به فارسی از تألیفات او است.(۲)

میرزا ابوالقاسم امام جمعه

سیّدابوالقاسم امام جمعه ابن میر محمّد محسن بن سیّدمرتضی بن سیّدمحمّدمهدی بن میرمحمّدحسین بن میر محمّدصالح بن میر زین العابدین بن میر محمّدصالح حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل فقیه مجتهد، در ۶ ذی قعده ۱۲۱۵ق در اصفهان متولّد شد. وی از اصفهان به تهران مهاجرت کرد، و از درس ملّامحمّدتقی استرآبادی و ملّاعبداللّه زنوزی بهره گرفت. سپس به عتبات عالیات عزیمت نمود، در درس شیخ حسن آل کاشف الغطاء و

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۴۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۳؛ هشت بهشت، مقدّمه.

دیگران حاضر شد، و علوم خویش را تکمیل نمود، و آن گاه به تهران مراجعت کرد. وی از سال ۱۲۶۲ پس از وفات میرمحمّدمهدی امام جمعه عموی خود به منصب امام جمعگی تهران منصوب شد، و علاوه بر این سمت، به تدریس و حلّ مشکلات مردم، و تألیف و تصنیف پرداخت، و ریاست دینی پایتخت را برعهده گرفت. او سرانجام در دوشنبه ۱۵ ربیع الاوّل ۱۲۷۲ق در تهران وفات یافت، و در بیرون دروازه قدیم تهران مدفون گردید، و بر سر قبر او گنبد و بارگاه عالی ساختند، و به سر قبرِ آقا معروف شد. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. البلدان المفتوح العنوه ۲. رساله عملیّه فارسی، مطبوع ۳. کتابی در تحقیق بعضی مسائل اصولی ۴. منتخب الفقه.(۱)

ابوالقاسم ریاحی چهارمحالی

ابوالقاسم ریاحی بنی فرزند محمّد، شاعر ادیب، در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در قریه بن (به کسر باء) از بلوک چهارمحال اصفهان متولّد گردید، دوره دبیرستان را در اصفهان در رشته ادبی به پایان رسانید، و در آن جا ساکن شد. در انجمن ادبی کمال شرکت می کرد. [از او است:

بهار آمد جهان اکنون به مانند جنان باشد درختان را به تن زان رو قبا از پرنیان باشد(۲)]

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم بن حاج محمّد اصفهانی، فاضل خطّاط در قرن سیزدهم هجری ظاهرا در یزد ساکن بوده [است]. از آثار او نسخه ای از قرآن مجید است که آن را در محرّم ۱۲۳۳ به خطّ نستعلیق نوشته، و نسخه نام برده به شماره ۱۶۵۱ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۳)

۱- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، صص ۱۹۱ ۱۹۲؛ مکارم الآثار، ج۲، صص ۵۴۷ ۵۴۹؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۶۲ ۶۴؛ الذّریعه، ج۳، صص ۱۴۵ ۱۴۶ و ج۱۱، ص۲۱۲؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۳؛ اعیان الشّیعه، ج۸، ص۱۵۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۵.

۳- فهرست کتابخانه وزیری یزد، ج۳، ص۱۰۱۴.

سیّدابوالقاسم حسینی اصفهانی

سیّدابوالقاسم بن سیّدمحمّد حسینی اصفهانی، فاضل خطّاط قرن سیزدهم از آثارش کتابت نسخه ای است از وجیزه در درایه تألیف جناب شیخ بهایی که آن را در سال ۱۲۴۵ نوشته، و نسخه، پیوست کتاب من لا یحضره الفقیه به شماره ۴۱۸ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۱) هم چنین در تاریخ ربیع الثّانی سال ۱۲۳۰ کتابت نسخه ای از کتاب سرور الشّیعه تألیف ملاّعبداللّه بن علیّ بن مهدی بروجردی را به خطّ نسخ به پایان رسانیده، کتاب به شماره ۷۰۴۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)اثر دیگر از او جلاء العیون تألیف علاّمه مجلسی که در رجب ۱۲۳۶ به خطّ ثلث و نسخ کتابت آن را به پایان رسانیده، نسخه به شماره ۴۹۷۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳) اثر دیگر، عین الحیاه تألیف علاّمه مجلسی است که به خطّ نسخ در سال ۱۲۳۰ق کتابت نموده، و به شماره ۱۳۱ در کتابخانه مسجد گوهرشاد در مشهد موجود است.(۴)

ملاّابوالقاسم گلپایگانی

ملاّابوالقاسم بن محمّد گلپایگانی، عالم فاضل، از دانشمندان نیمه اوّل قرن یازدهم هجری است. وی در اصفهان به تدریس و تحقیق مشغول بوده، و میرمحمّدقاسم طباطبایی قهپایی از او اجازه روایت دارد. هم چنین ملاّعلی گلپایگانی از او اجازه دریافت نموده که در بخش اجازات کتاب بحارالانوار ضبط شده است.(۵) ملاّابوالقاسم گلپایگانی تألیفاتی دارد ازجمله: ۱. رساله در فقه، موجود در کتابخانه حاج سیّدمهدی لاجوردی قمی.(۶) ۲. منهاج العلیّه.(۷)

سیّدابوالقاسم نایب الصّدر اصفهانی

ابوالقاسم نایب الصّدر بن سیّدمهدی موسوی اصفهانی عالم فاضل ادیب در قرن

۱- فهرست مدرسه عالی سپهسالار، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۱۸، ص۲۱۷.

۳- فهرست کتابخانه مجلس، ج۱۴، ص ۲۷۰.

۴- فهرست گوهرشاد، ج ۱، ص۱۵۳.

۵- علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص۸۸ و ۱۷۷.

۶- آشنایی با چند نسخه خطّی، ج ۱، ص۱۰۷.

۷- الذّریعه، ج۲۲، ص۳۲۸.

سیزدهم هجری. از آثارش کتابت: ۱. کتاب تجوید، تألیف محمّدزمان تبریزی است که آن را در سال ۱۲۶۴ به خطّ نسخ نوشته، و به شماره ۱/۱۷۱۰ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد مقدّس موجود است. ۲. کتاب تصریف زنجانی را در سال ۱۲۶۴ق در شیراز به خطّ شکسته نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۲/۱۷۱۰ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد مقدّس وجود دارد.(۱)

میرزا ابوالقاسم کلباسی «شیخ العراقین»

حاج میرزا ابوالقاسم معروف به «شیخ العراقین» فرزند آقا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل محقّق، مادرش دختر حاج سیّدمحمّدباقر بیدآبادی است. در اصفهان متولّد شد، و نزد پدر به تحصیل پرداخت. سپس در نجف اشرف در محضر درس شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمّدحسین کاظمینی حاضر، و سپس به انجام وظایف دینی خود مشغول شد. وی سرانجام در سال ۱۳۰۸ق (سال وفات استادش کاظمینی) وفات نمود، و در صحن مطهّر حضرت علی علیه السلام در نجف مدفون گردید. کتب زیر از او است: ۱. شرح کتاب اصول پدرش ۲. کتابی در اصول در دو مجلّد ۳. کتابی در صلاه. این کتاب ها نزد عالم جلیل سیّدمحمّد حجّت (کوه کمری) موجود بوده است.(۲)

سیّدابوالقاسم فریدنی

آقا سیّدابوالقاسم موسوی شاهکرمی فریدنی بن حاج سیّدمحمّدهاشم، عالم فاضل، در اصفهان نزد آقا سیّدابوالقاسم دهکردی، حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، آخوند ملّامحمّدحسین فشارکی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، حاج شیخ مهدی نجفی و حاج میرمحمّدصادق مدرّس خاتون آبادی تحصیل کرده، و سپس به تدریس پرداخته است. وی در مسجد درکوشك اقامه جماعت می نمود، و ربیع الاوّل ۱۳۸۴ق وفات یافت، و در تکیه مقدّس

۱- فهرست گوهرشاد، صص ۷۹ و ۲۴۸.

۲- نقباء البشر، ج ۱، صص ۷۶ ۷۷؛ الذّریعه، ج ۱۵، ص ۵۴؛ ماضی النّجف، ج ۳، ص ۲۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۹۵۵؛ بیان المفاخر، ج ۲، صص ۱۷۲ ۱۷۳؛ معجم رجال الفکر و الادب، ج ۳، ص ۱۰۶۶؛ خاندان کلباسی، صص ۱۵۳ ۱۵۴.

مدفون شد.(۱)

میر ابوالقاسم فندرسکی

میر سیّدابوالقاسم بن میرزا بیک بن میرصدرالدّین حسینی موسوی فندرسکی استرآبادی معروف به «میرفندرسکی» حکیم فیلسوف، عارف مرتاض و شاعر ادیب. از اکابر حکماء و اجلّه فلاسفه و عرفاء است، و همگان به عظمت، بزرگی، جامعیّت، زهد و تقوای او اذعان دارند. در سال ۹۷۰ق در قریه «فندرسک» از توابع استرآباد [گرگان فعلی] متولّد شده، و نزد علمای بزرگ روزگار خود همچون کمال الدّین چلبی بیک تبریزی، خواجه افضل الدّین محمّد ترکه اصفهانی، میرمحمّدباقر استرآبادی (میرداماد) و میر برهان الدّین اشراق استرآبادی تحصیل نموده است. وی به هند سفر کرده، و خدمت عرفاء و بزرگان آن دیار رسیده، و تجربه ها اندوخته، و در ضمن، جهت ترویج دین اقدام نموده است. وی پس از چندین سفر در اصفهان اقامت گزیده، و به تدریس و تحقیق پرداخته است. شاه صفی او را احترام بسیار می نمود؛ امّا میر به او اعتنایی نداشت. از محضر درس او ده ها شاگرد دانشمند برخاسته اند. سرانجام در سال ۱۰۵۰ق وفات یافت، و در تکیه ای مخصوص که به نام او تکیه میر نامیده می شود، در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفات او این است:

تاریخ وفاتش ز خرد جستم گفت: «صد حیف ز آفتاب اوج دانش»

مشارٌالیه طبع شعر داشته، و گاهی اشعاری می سروده، معروف ترین سروده او قصیده حکمی و عرفانی او است با این مطلع:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد آن چه در بالاستی

که آن را به پیروی از ناصرخسرو قبادیانی سروده است. قصیده یاییّه میرفندرسکی مورد توجّه عرفاء و شعرا بوده، و بر آن شرح نوشته اند؛ ازجمله شرح محمّدصالح بن سعید خلخالی، شرح حکیم عبّاس شریف دارابی موسوم به تحفه المراد، و شرح محسن بن

۱- تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۲۰۰ و اطّلاعات شخصی نویسنده.

محمّد گیلانی، و دو شرح اوّل به طبع رسیده است. هم چنین این قصیده را امیرمحمّدعلی هندی تخمیس نموده که ابتدای آن این است:

ای که ذاتت در دو گیتی مظهر اسماستی جوهری دهر را چون لؤلو لالاستی

بشنو از انجام خود حرفی که از مبداستی چرخ با این اختران نغز و خوش زیباستی

صورتی در زیر دارد آن چه در بالاستی

کتب زیر از تألیفات ایشان است: ۱. اجازه به ملّاحسنعلی تستری، مطبوع ضمن اجازات بحارالانوار ۲. برهان الابصار ۳. تاریخ الصّفویه ۴. تحقیق المزلّه ۵. تخمیریّه ۶. ترجمه شذور الذّهب ۷. تفسیر قرآن ۸. جواب سؤالات ملّامظفّر حسین کاشانی، مطبوع در کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران ۹. حاشیه جوک باشست ۱۰. رساله حرکت، مطبوع در کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران ۱۳. رساله صناعیّه، مطبوع ۱۴. رسالهٌ فی ارتباط الحادث بالقدیم ۱۵. رسالهٌ فی حقیقه الوجود ۱۶. رسالهٌ فی معقولات العشر ۱۷. زیبق، مطبوع در کتاب مجموعه رسائل خطّی فارسی ۱۸. قصیده یائیّه، مطبوع ۱۹. کشف اللّغات «جوک باشست» ۲۰. منتخب «جوک باشست» ۲۱. منظومه فی الکیمیا. میرفندرسکی کتابخانه ای ارزشمند با کتاب های نفیس داشته که پس از وفات، کتاب های آن را به کتابخانه شاه صفی انتقال داده اند. این شعر از او است:

شرب مدام شد چو میسّر مدام به چون می حرام گشت، به ماه حرام به

یک بوسه از رُخت ده و یک بوسه از لبت تا هر دو را چشیده بگویم کدام به(۱)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص۲۲۱ ۲۲۳؛ وقایع السّنین و الاعوام، صص۵۱۴ ۵۱۵؛ طرائق الحقایق، ج۳، صص۱۵۸ ۱۵۹؛ ریاض العلماء، ج۵، صص۴۹۹ ۵۰۲؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۱۸ و ج۴، صص۳۵۷ ۳۶۰، شرح حال میرداماد و میرفندرسکی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۶، صص۱۶۹ ۱۷۳؛ الرّوضه النّضره، صص ۴۵۰ ۴۵۱؛ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۱، صص۸۵ ۸۸؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۲۸۹ ۲۹۲؛ تاریخ فلسفه در اسلام، صص۴۴۷ ۴۶۰؛ روضات الجنّات، ج۱، صص۲۴۲ ۲۴۶ و ج۵، ص ۳۸۰؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۳۵؛ الذّریعه، ج۳، ص۴۸۵ و ج۶، ص۳۹۵ و ج۱۸، صص۵۷ و ۴۸۹؛ قصص العلماء، صص۲۳۶ ۲۳۷؛ تذکره روز روشن، صص۲۵ ۲۶؛ مجمع الفصحاء، ج۴، صص۹ ۱۰؛ فرهنگ معین، ج۶، صص۱۳۷۹ ۱۳۸۰؛ از آستارا تا استرآباد، ج۵، صص۳۳۸ ۳۴۰؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص۵۴۳ ۵۴۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۲ و ۱۰۸؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۲، صص۳۷۸ ۳۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۷ ۲۰۰؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۶۸؛ راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص۶۴ ۶۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۲۰۸ ۲۱۰؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۱۷ ۲۱۸.

سیّدابوالقاسم تابش محمودیان*

حاج سیّدابوالقاسم تابش محمودیان، عالم فاضل، در اصفهان متولّد شد، و سپس به نجف اشرف مهاجرت نمود، نزد علمای اعلام به تحصیل پرداخت، و فقیهی جامع، و دانشمندی فاضل گردید. بیش از هفتاد سال در نجف اشرف اقامت داشت، و در سال ۱۳۷۰ق در آن دیار مقدّس وفات یافت. خطّ شکسته را خوش می نوشت.(۱)

ابوالقاسم تمیمی اصفهانی

ابوالقاسم تمیمی اصفهانی نسّابه، سیّدعزّالدّین اسماعیل بن حسین مروزی مؤلّف الفخری، از ورقانی در اثبات نسب جناب اسماعیل بن ابراهیم بن امام موسی الکاظم علیه السلام به قول او و جمعی دیگر از علماء نسب، استشهاد نموده است.(۲)

ابوالقاسم جاوید اصفهانی

میرزا ابوالقاسم مستوفی متخلّص به «جاوید» شاعر ادیب، از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود، و اشعارش در روزنامه های قدیم اصفهان همچون سحاب و غیره به طبع می رسید.

[از او است:

نیست حاجت رنجه کردن پنجه های نازنین کز نگاهی صد چومن آماج پیکان کرده ای(۳)]

۱- تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۲.

۲- الفخری، ص۱۴.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۸.

ابوالقاسم جلا*

ابوالقاسم خان جلا، از پیش گامان عکّاسی در اصفهان در سال ۱۲۹۴ق در اصفهان به دنیا آمد. وی نزد برادرش محمّد خان دیاری (دکتر صحّت) عکّاسی را فراگرفت، و نزد او در عکّاسی مرکزی در چهارباغ اصفهان به کار پرداخت، و سرانجام در سال ۱۳۱۳ش در خیابان چهارباغ، عکّاسی شرق را تأسیس کرد. وی از اوّلین عکّاسان خبری اصفهان بود، و با مطبوعات و مراکز مختلف، همکاری می کرد. وی سرانجام در سال ۱۳۵۸ش در اصفهان درگذشت.(۱)

شیخ ابوالقاسم حکّاک*

شیخ ابوالقاسم حکّاک اصفهانی، از هنرمندان اوایل قرن چهاردهم هجری بوده، و علاوه بر مهارت در هنر حکّاکی، در قلم زنی و تذهیب و خوشنویسی نیز توانا بوده، امّا به علّت کسادی بازار هنر، در فقر و فاقه به سر برده، تا آن که فوت شده است.(۲)

میرابوالقاسم خلیفه

میرابوالقاسم خلیفه اصفهانی از متولّیان آستانه مقدّسه رضویّه در زمان شاه تهماسب صفوی بوده، و تولیّت موقوفات واجبی را داشته است. توضیح: تولیّت آستانه مقدّسه دو قسمت بوده؛ تولیّت سنّتی ها: موقوفات مجهول المصرف؛ تولیّت واجبی ها: موقوفات معلوم المصرف.(۳)

استاد ابوالقاسم خواجویی

استاد ابوالقاسم خواجویی، از هنرمندان نقّاش قرن سیزدهم هجری بوده، در نقّاشی گل و بته و صورت سازی و منظره مهارت داشته، و آثاری در اصفهان پدید آورده است ازجمله

۱- چهره نگاران اصفهان، صص۱۳۸ ۱۳۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۳۰ ۳۱.

۳- مکارم الآثار، ج۳، ص ۷۱۰.

نقّاشی و تزیینات خانه استاد همایی در محلّه پاقلعه به تاریخ ۱۲۸۸ق از آثار هنرمندانه او است.(۱)

ابوالقاسم خواجویی*

ابوالقاسم خواجویی، عالم فاضل ادیب شاعر، در اوایل قرن سیزدهم هجری می زیسته، و در سال ۱۲۲۲ق کتاب تحفه المرید را در موضوع علوم طبیعی تألیف نموده که به شماره ۸۸۱۲ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲) شعر نیز می سروده است. این شعر از او است:

ستایش سزاوار ذاتی که هست بر قدرتش آسمان چیز پست

خداوند خلّاق انسان و جان که افلاک و انجم همه صنع آن

خداوند صنعتگر آب و خاک روان بخش اجسام اجرام پاک

خداوند انوار و عقل اثیر خداوند کیوان و بهرام و تیر

خداوند خورشید و ناهید و ماه خداوند گردون این ناوگاه(۳)

میرزا ابوالقاسم زیانی

میرزا ابوالقاسم اصفهانی متخلّص به «زیانی» شاعر ادیب، برادرش میرزا عنایت اللّه اصفهانی در دفترخانه سلطنتی دولت نادری، لشکرنویس بوده، و خود او نیز از طرف نادرشاه به وزارت دارالامان کرمان منصوب شده است. این رباعی از او است:

مجنون دل آزرده بی صبر و قرار می گشت به کوه و دشت با ناله و زار

خار و خس دشت را به مژگان می رُفت تا ناقه لیلی کند آسوده گذار(۴)

۱- دیوان طرب، ص۱۷۹؛ تاریخ اصفهان (مجلّد هنر و هنرمندان)، ص۳۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۲۳، صص۹ ۱۰.

۳- تذکره شاعران فارسی سرا، ص۸۷.

۴- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۵۱۹؛ الذّریعه، ج۹، ص۴۰۸؛ تذکره روز روشن، ص ۳۳۰؛ سفینه المحمود، ص۲۳۲.

میرزا ابوالقاسم شمس آبادی*

میرزا ابوالقاسم شمس آبادی، خطّاط هنرمند، در قرن سیزدهم هجری می زیست، و در خطّ شکسته استاد، و در دستگاه حکومت اصفهان، منشی باشی بود.(۱)

سیّدابوالقاسم سرّی

سیّد ابوالقاسم فرزند سید ابراهیم سری از شعرا و ادبای معاصر در سال ۱۳۱۳ ش متولد شد. از آثار او ترجمه کتاب اشرف افغان بر تختگاه اصفهان است.

سیّدابوالقاسم قاری

ابوالقاسم قاری، از فضلاء و دانایان قرائت و تجوید در اصفهان بود، طبع شعر نیز داشت، و در عهد شاه عبّاس دوم صفوی می زیست، در سال ۱۰۶۱ق منظومه ای در تجوید به نام لؤلویّه سروده که بیت اوّلش این بیت است:

ای کلام از انتظام نام ذاتت در نظام وی ز شهد شکّرین شکرت زبان شیرین به کام(۲)

شیخ ابوالقاسم قاری

شیخ ابوالقاسم قاری اصفهانی، از علمای بزرگ و از دانایان به علوم قرآن بود، و از معاصرین حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام و از شاگردان او است. در قرآن و تجوید شاگرد ملّاابوالحسن خواجویی اصفهانی است از دیگر اساتید او میرزای قمی است. آقا محمّدمهدی کلباسی نیز از ارادتمندان صاحب عنوان بوده، و ظاهرا قرائت را نزد او تحصیل نموده است.(۳) وی در سلخ رمضان ۱۲۶۷ق کتابت حبل المتین فی معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام تألیف شمس الدّین محمّد بن محمّد بدیع مشهدی را در نجف اشرف به

۱- جغرافیای اصفهان، ص۷۹؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۳۹.

۲- الذّریعه، ج۱۸، ص۳۷۷.

۳- الکرام البرره، ج۱، صص۴۳ ۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۶؛ بیان المفاخر، ج۱، صص۲۵۳ ۲۵۴.

پایان رسانیده است، کتاب به شماره ۱۷۷ در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

میرزا ابوالقاسم لاهیجی

میرزا ابوالقاسم لاهیجی، معروف به «جغد العرفاء» از عرفای ساکن اصفهان در عهد قاجاریّه است. در طرایق الحقایق ذکری از او شده است.(۲)

سیّدابوالقاسم مذهب باشی*

ابوالقاسم حسینی اصفهانی ملقّب به «مذهب باشی» از هنرمندان دوره فتحعلی شاه قاجار است. از تذهیب کاران درجه اوّل آن عهد بوده، و در نقّاشی قلمدان و فنون زرافشان و نقّاشی گل و بوته، هنرنمایی ها کرده است. وی تا سال ۱۲۲۲ق در قید حیات بوده است.(۳)

از آثار او تذهیب قرآنی است که جهت تقدیم به فتحعلی شاه قاجار نویسنده معروف زین العابدین بن عبدالنّبی قزوینی در سال ۱۳۲۲ نگاشته است، و این قرآن در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است.(۴)

ابوالقاسم معبّر اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی فاضل محترم مدّت چهل سال در اصفهان تعبیر خواب می نموده است. وی مؤلّف کتابی است به نام نخبه الاشیاء فی تعبیر الرّؤیا در یک مقدّمه و چند باب بر حسب حروف تهجّی و یک خاتمه. کتاب به شماره ۴۶۱۳ بدون تاریخ تألیف و یا کتابت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. نویسنده محترم فهرست، اظهار نظر می کند که نام کتاب باید نخبه الرّؤیا باشد.(۵)

۱- فهرست الهیّات مشهد، ج ۱، ص ۹۴.

۲- تاریخ تهران، بلاغی، ج ۲، ص ۴۲.

۳- هنر قلمدان، ص ۱۴۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۱۸.

۴- گنجینه قرآن، ص ۸۲.

۵- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۱۴، ص ۳۵۴۴.

سیّدابوالقاسم ملایری

سیّدابوالقاسم موسوی ملایری اصفهانی، عالم فاضل بارع. از آثارش، تقریظی است بر کتاب توحید تألیف ناصرالاسلام موحّد مکّی اصفهانی که آن را در صفحه ۴۶ کتاب نام برده مرقوم داشته است. نسخه کتاب توحید به شماره ۱۶۳ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

میرزا ابوالقاسم نشاط

میرزا ابوالقاسم نشاط، از فضلاء و شکسته نویسان قرن ۱۳ هجری در اصفهان بوده، از آثارش کتابت کتاب گنجینه به خطّ شکسته نستعلیق مورّخ شعبان ۱۲۶۶ق است، نسخه به شماره ۱۴۴۲ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس وجود دارد.(۲)

شیخ ابوالقاسم نصرآبادی

شیخ ابوالقاسم نصرآبادی، ظاهرا از عرفاء و متصوّفه قرن هفتم یا هشتم هجری بوده، و در نصرآباد ماربین اصفهان ساکن بوده، و خانقاه داشته، و همان جا مدفون شده است(۳). سردر و بنای خانقاه توسّط خواجه صدرالدّین علی طبیب نصرآبادی در سال ۸۵۴ق بنا شده که قسمتی از کتیبه سردر آن هنوز باقی است.(۴)

فایده: این شیخ ابوالقاسم نصرآبادی، عارفی است غیر از شیخ ابوالقاسم بن محمّد بن محمویه نصرآبادی نیشابوری، مجاور مکّه معظّمه و متوفّی به سال ۳۷۲ق.(۵)

سیّدابوالقاسم هرندی*

ابوالقاسم هرندی عالم فاضل معاصر در سال ۱۳۳۸ق در هرند متولّد شد. در اصفهان نزد شیخ هبه اللّه هرندی، حاج شیخ محمّدباقر ابطحی سدهی و حاج شیخ احمد فیّاض به تحصیل

۱- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۵۲.

۲- فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد، ص۱۶۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۸.

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۲۹.

۵- تذکره الاولیاء، ج۲، ص۲۶۱؛ طرایق الحقایق، ج۲، ص۲۱۰.

پرداخت. پس از آن به قم رفت، و از درس مدرّسین عالی قدری چون آیات عظام امام خمینی، مرعشی نجفی و گلپایگانی بهره مند شد. آن گاه به عتبات عالیات عزیمت نمود، و از درس آقا سیّدمحمّد و آقا سیّدنصراللّه اصفهانی مستفیض گردید. او برای تکمیل تحصیلات خود در نجف اشرف اقامت کرد، و در جلسه درس آیات عظام سیّدعبدالهادی شیرازی، خویی، حکیم، اصطهباناتی و شیخ موسی خوانساری حاضر شد. وی سال ها در نجف اشرف به تدریس سطوح مشغول بود. عاقبت به ایران مراجعت نموده، و در اصفهان به اقامه جماعت و سایر وظایف دینی پرداخت، و سرانجام در ۳۰ دی ۱۳۷۰ش (مصادف با سالروز شهادت امام محمّدباقر علیه السلام در قم وفات یافت، و در مزار علیّ بن جعفر در قم مدفون شد). فرزند برومند ایشان سیّدمحمّدعلی حسینی هرندی اوّلین روحانی شهید اصفهان در دوران دفاع مقدّس است. او در مهرماه ۱۳۵۹ در کوی ذوالفقاری آبادان در نبرد با متجاوزین عراقی به شهادت رسید.(۱)

ابومحمّد

ابومحمّد، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده، و از او با عنوان «الاستاد الاوحد ابومحمّد» یاد کرده است.(۲)

ابومحمّد اصفهانی

ابومحمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوعبداللّه جعفر بن محمّد بن حسین خزاز و عبدالرّحمان بن محمّد بن حماد روایت نموده، و حافظ حکایی و ابوبکر قرآنی از او حدیث روایت می نمایند.(۳)

ابومحمّد اصفهانی

ابومحمّد بن باموبه اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. ابوسهل عبدالملک

۱- یاداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۳- احقاق الحق، ج۱۷، صص ۸۱ و ۴۷۱.

بن عبداللّه بن محمّد دشتی (۴۸۲ ۵۸۲ق) از وی حدیث شنیده است.(۱)

ابومحمّد بن یحیی

ابومحمّد بن یحیی بن زکریّا، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف معاصرین ذکر کرده است.(۲)

ابومحمّد خونجانی اصفهانی

ابومحمّد بن ابی نصر بن حسن بن ابراهیم خونجانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان، و از اهالی قریه «خونجان» است، از ابوالقاسم بن محمّد بن فضل طلحی اصفهانی و دیگران حدیث شنیده است.(۳)

ابومحمّد طیرانی

ابومحمّد طیرانی مقری، از دانشمندان اصفهان، و احتمالاً از قریه «طیران» اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و از دانشمندان کلام و حدیث ذکر نموده است.(۴)

ابومحمّد ورّاق

ابومحمّد ورّاق، از محدّثین اصفهان است. احمد بن محمّد بن فراد تمیمی از او روایت می کند، و ابومحمّد از عبداللّه بن محمّد بن زکریّا حدیث نقل می کند.(۵)

[ظاهرا در قرن سوم می زیسته، و او همان ابومحمّد داوود بن عبدالرّحمان بن عطاش ورّاق است که از احمد بن موسی بن اسحاق انصاری روایت نموده است.(۶)]

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۴۵.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۱.

۳- اللّباب، ج ۱، ص ۴۷۱؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۰۷.

۴- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۵- احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۳۰۳.

۶- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۱۳.

ابوالمرجا

ابوالمرجا سبط عبدوس، از شعرای پارسی گوی اصفهان است. مافرّوخی در کتاب خود از او یاد کرده است.(۱)

ابومسعود رازی

شیخ ابومسعود بن فرّات رازی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او در ری متولّد گردید، و جهت اخذ حدیث به مصر، دمشق، کوفه، بغداد، جزیره، شام، یمن و اصفهان سفر کرد. او معاصر احمد بن حنبل بوده، و نزد او احترام بسیار داشته است. وی سرانجام در اصفهان ساکن شده، و به تربیت شاگردان و نقل حدیث پرداخت، و سرانجام در شعبان سال ۲۵۸ق وفات یافت، و قاضی ابراهیم بن احمد خطّابی بر او نماز گزارد، و محمّد بن عاصم وی را غسل داد، و در مقبره مردبان مدفون گردید.

برخی او را شیعه می دانند، و از او تجلیل می کنند، و برخی او را سنّی و صوفی می دانند. [ظاهرا بقعه ای بر سر مزار او بوده، و تا قرن ها مردم اصفهان آن جا را زیارت می کرده اند]، در سال ۸۹۵ق محمّد بن جلال الدّین عربشاه سردر بقعه شیخ ابومسعود را تجدید بنا کرد، و کاشی کاری نمود که هنوز باقی است، و در شمار آثار باستانی اصفهان به ثبت رسیده است. در اواسط دوره قاجاریّه، آقا سیّدصدرالدّین محمّد عاملی پس از تحقیق درباره احوال و مذهب شیخ ابومسعود، او را سنّی دانست، و مردم را تحریک نمود، و آنان قبر شیخ ابومسعود را تخریب کردند. در کتاب مزارات اصفهان اسامی تعداد کثیری از مشایخ و اساتید و راویان و شاگردان شیخ ابومسعود مذکور است، و کتاب مسند از او است.(۲)

۱- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۲؛ تهذیب التّهذیب، ج۱، صص۶۶ ۶۷؛ الاعلام، ج۱، ص۱۸۶؛ میزان الاعتدال، ج۱، صص۴۹ و ۶۰؛ خلد برین، صص۱۸۷ ۱۹۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۴؛ فوائد الرّضویه، ج۲، ص ۴۶۰؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۱۶۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۱۵ ۲۱۶؛ مزارات اصفهان، صص۷۹ ۸۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۵۳؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۴۹؛ الذّریعه، ج۲۱، ص۴۰۵.

ابومسلم اصفهانی

ابومسلم محمّد بن بحر اصفهانی، ادیب، لغوی، نحوی، شاعر، کاتب، مفسّر، از دانشمندان قرن سوم و چهارم هجری. وی منصب کتابت داعی صغیر محمّد بن زید حسینی (م۲۸۷ق) را داشته است. در سال ۲۵۴ق متولّد شده، و از دانشمندان زمان خود بهره گرفته، و در ادبیّات، حدیث، تفسیر و سایر علوم عصر خود، مهارت یافته است. وی پیرو مذهب معتزله بوده، و چندی از طرف مقتدر عبّاسی حاکم قم، و سپس اصفهان بوده، و سرانجام در سال ۳۲۲ق وفات یافته است. کتب زیر از او است:

۱. جامع التّأویل در تفسیر قرآن، در چهارده جلد بر حسب رأی معتزله ۲. کتاب همزه ۳. النّاسخ و المنسوخ ۴. کتابی در نحو و غیره.(۱)

ابومسلم اصفهانی

ابومسلم محمّد بن علیّ بن محمّد بن حسین بن مهریزد اصفهانی، ادیب، مفسّر و محدّث معتزلی، و دانشمندان قرن پنجم هجری. وی در سال ۳۲۲ق متولّد شده، [ابوبکر بن مقری روایت نموده است که سعید بن ابی الرّجاء صیرفی، حسین خلّال و محمّد بن احمد کبریتی از وی روایت کرده اند.

برخی از مورّخان و تراجم نگاران او را شیعه دانسته، و ابراز عقیده کرده اند که از اعتزال، به عنوان پوششی برای تشیّع خود استفاده کرده است]. ابومسلم اصفهانی در سال ۴۵۷ یا ۴۵۹ق در اصفهان وفات یافت. کتب زیر از او است: ۱. جامع التّأویل لمحکم التّنزیل، در تفسیر قرآن، در بیست جلد ۲. جامع الرّسائل ۳. ناسخ الحدیث و منسوخه.(۲)

۱- تاریخ قم، صص۲۱۷ ۲۱۸؛ الاعلام، ج۶، ص۲۷۳؛ لسان المیزان، ج۵، ص۸۹؛ معجم المؤلّفین، ج۹، ص۹۷؛ معجم الادباء، ج۱۸، صص۳۵ ۳۶؛ بغیه الوعاه، ج۲، ص۲۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۱۴ ۲۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۹۸.

۲- اعیان الشّیعه، ج۴۶، ص۱۴۸؛ الذّریعه، ج۴، ص۲۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۱۷؛ شذرات الذّهب، ج۵، ص۲۵۴؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۱۴۶؛ محاسن اصفهان، ص۳۲؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۸۳؛ هدیه العارفین، ج۲، ص۷۱؛ میزان الاعتدال، ج۳، ص۱۰۶؛ الاعلام، ج۷، ص۱۴۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۶۳.

ابومضر بن ابی طالب

ابومضر بن ابی طالب بن غیاث، از ادباء و شعرای قرن پنجم هجری است، و به عربی شعر می سروده است.(۱)

۹۰۳

ابومضر بن جریر

ابومضر بن جریر، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است، و مافرّوخی او را در ردیف معاصرین آورده است.(۲)

ابومضر بن ابی عدنان

ابومضر بن ابی عدنان بن ابی الفوارس، از ادباء و دانشمندان اصفهان بوده، و مافرّوخی وی را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده است.(۳)

ابوالمطهّر مجلّدی

ابوالمطهّر مجلّدی، از ادباء و دانشمندان اصفهان است، در صرف و نحو و لغت و انشاء مهارت داشته، و مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین ذکر نموده است.(۴)

ابوالمظفّر بن ناحیه

ابوالمظفّر بن ناحیه

از ادباء و فضلای اصفهان و معاصر با مافرّوخی است، مافرّوخی او را در شمار دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء آورده است.(۵)

ابوالمظفّر حسن آبادی

ابوالمظفّر حسن آبادی اصفهانی، از ادباء و شعرای پارسی گوی اصفهان است. وی از

۱- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۵- محاسن اصفهان، ص۳۲.

شعرای متقدّم بر عصر مافروّخی (قرن پنجم هجری) بوده است.(۱)

میرزا ابوالمعالی کلباسی

میرزا محمّد مکنّی به ابوالمعالی کلباسی (نام ایشان مهجور افتاده، و در همه جا به کنیه شهرت یافته اند)، فرزند حاج محمّدابراهیم کلباسی خراسانی، عالم فاضل محقّق، مجتهد جامع، فقیه اصولی، جامع معقول و منقول، از اکابر علما و مجتهدین، محقّق مدقّق و دقیق الفکر، کثیر التتبع، در غایت زهد و تقوی. درباره زهد و ورع و احتیاط های شرعی ایشان بین الخواص و العوام، حکایاتی منقول است که همگی، دلالت بر مقام او می کند. در شب چهارشنبه ۷ شعبان ۱۲۴۷ق در اصفهان متولّد شد، [مقدّمات را نزد آقا سیّدمحمّد باقر دهکردی و] درس خارج را نزد آقا میرسیّد حسن مدرّس و آقا سیّدمحمّد شهشهانی طی نمود، و به اجتهاد نائل آمد.

در تذکره القبور درباره او فرماید: «مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریّن و عیسی علیه السلام بود که عرض کردند: مَن نُجالس؟ فرمود: مَن يُذَكِركم اللّه رؤيته و يزيدكم في العلم منطقه، و يرغّبكم في الآخره عمله».

جمعی کثیر از بزرگان علماء و مجتهدین از شاگردان ایشان هستند که معروف تر از همه، مرحوم آیت اللّه العظمی حاج آقا حسین بروجردی رحمه اللّه علیه می باشد. ایشان در شب چهارشنبه ۲۷ ماه صفر المظفّر سال ۱۳۱۵ وفات یافت، و در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص مدفون گردید. بانی ساختمان تکیه، حاج میرزا احمد ملّاباشی داماد آن مرحوم می باشد. در داخل و خارج بقعه، و هم چنین در اتاق ها عدّه زیادی از علماء و فضلاء و ادبای اصفهان مدفون می باشند. میرزا ابوالمعالی دختر آقامیرزا زین العابدین فرزند حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی را به زوجیّت داشت، و از او، صاحب دو پسر (حاج میرزا جمال الدّین، و حاج میرزا کمال الدّین معروف به ابوالهدی) و یک دختر (که به زوجیّت حاج میرزا احمد ملّاباشی درآمد) می باشد. مجموع کتب و رسائل تألیفی ایشان، متجاوز از هشتاد مجلّد می شود که از آن جمله است: ۱. رساله در استخارات، مطبوع در مقدّمه قرآن در سال

۱- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۱۳۱۶ق ۲. رساله در استشفاء به تربت حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام مطبوع در سال ۱۲۵۸ق ۳. الاستجاریّه ۴. رساله در کیفیّت زیارت عاشورا ۵. رساله در ابن غضائری ۶. رساله در احوال انسان، به فارسی ۷. رساله در احوال آقا حسین خوانساری ۸. رساله در احوال شیخ بهایی ۹. بشارات در اصول، سه مجلّد ۱۰. مجموعه ای از اشعار عربی ۱۱. مجموعه ای در تفسیر ۱۲. تعارض استصحاب و اصاله الصحّه ۱۳. جبر و تفویض ۱۴. حجّت مظنّه ۱۵. رساله در تزکیه اهل رجال ۱۶. رساله در نیّت ۱۷. رساله در مفطر بودن قلیان ۱۸. سند صحیفه کامله ۱۹. شرح خطبه شقشقیّه [مطبوع] ۲۰. شرح کفایه سبزواری، در فقه ۲۱. شرح زیارت جامعه ۲۲. رساله در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام (۱).

میرابوالمعالی طباطبایی

میرابوالمعالی کبیر فرزند سیّدمراد بن شاه اسداللّه طباطبایی اصفهانی، از مشاهیر علماء و سادات ساکن اصفهان است. زوجه اش دختر مولی محمّدصالح مازندرانی از آمنه خاتون دختر ملّامحمّدتقی مجلسی بوده، و از همسر خود صاحب چهار پسر و دو دختر شده که یکی از پسران میر ابوالمعالی صغیر جدّ مجتهد عالی قدر سیّدعلی طباطبایی صاحب ریاض المسائل است. ظاهرا میر ابوالمعالی کبیر در اصفهان وفات یافته است.(۲)

ابوالمعالی نقیب حسینی*

ابوالمعالی نقیب حسینی، از خوشنویسان اصفهان در اواخر عهد صفویّه بوده، خطّ ثلث را با استادی و مهارت می نوشت، و تا سال ۱۱۲۴ق در قید حیات بود. از آثار او کتیبه ایوان

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۱۶ ۲۱۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۰۲؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۵۹؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۱۷۳ ۱۷۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۵۸ ۵۹؛ نقباء البشر، ج۱، صص۷۹ ۸۰؛ مکارم الآثار، ج۴، صص۱۳۰۱ ۱۳۰۲؛ تاریخ و جغرافیای گناباد، ص۱۹۵؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۶۹؛ البدر التّمام؛ هدیه الاحباب؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، ص۲۳۱؛ مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص۳۳ ۹۷؛ خاندان کلباسی، صص۲۳۲ ۲۴۴؛ الذّریعه، مواضع مختلف؛ علمای بزرگ شیعه، ص۳۱۵؛ میراث حقوق زن، مقدّمه، صص۷ ۱۲؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۱۵۲ ۱۵۵.

۲- مرآت الاحوال، صص۱۴۰ ۱۴۲؛ اعیان الشّیعه، ج۱۰، ص۵۳۰؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۸.

شاگرد در مسجد جامع اصفهان به سال ۱۱۱۲ و نسخه ای از کتاب نثر اللّئالی به خطّ نستعلیق در سال ۱۱۲۴ هنوز موجود است.(۱)

ابوالمفاخر رضوی

ابوالمفاخر رضوی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در پنج شنبه ۲۷ صفر سال ۱۰۷۸ق نسخه ای از وافی فیض کاشانی در اصفهان به خطّ نسخ کتابت نموده است، نسخه به شماره ۱۸۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) هم چنین در سال ۱۰۵۳ق نسخه ای از کافی شیخ کلینی را به خطّ نسخ کتابت نموده است.(۳)

ابوالمکارم اصفهانی

قاضی ابوالمکارم اصفهانی، از فقهاء و محدّثین اصفهان است. از حسن بن احمد مقری (حدّاد) روایت کرده، و علیّ بن احمد از او نقل حدیث نموده است.(۴)

شیخ ابومنصور اصفهانی

شیخ ابومنصور معمّر بن احمد بن محمّد بن زیاد اصفهانی، صوفی و محدّث حنبلی، از بزرگان تصوّف و حدیث قرن چهارم و پنجم هجری. [وی از ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه، حافظ ابوالشّیخ اصفهانی، طبرانی، ابوالحسن بن مثنی، ابن مقری، علیّ بن عمر بن عبدالعزیز و ابوعبداللّه محمّد بن منده حدیث شنیده، و یا نزد آنان تلمّذ نموده است. از مشایخ او در تصوّف، اطّلاعات چندانی در دست نیست؛ ظاهرا یکی از آنان احمد بن جعفر بن هانی است. ابراهیم بن هبه اللّه جربادقانی، احمد بن محمّد قرشی، قاسم بن مفضل ثقفی و ابومطیع از او حدیث استماع کرده اند. از شیخ ابومنصور تألیفاتی مختلفی به جا مانده که از آن جمله است: ۱. الاختیارات، چاپ شده در مجلّه معارف ۲. ادب الملوک،

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۳۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۱۵ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۱۵؛ آثار ملّی اصفهان، ص۵۴۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۲۴۹.

۳- فهرست الفبایی آستان قدس، ص۴۵۵.

۴- احقاق الحق، ج۱۷، ص۴۲۵.

قسمت سماع آن در مجلّه معارف چاپ شده است ۳. حقائق الآداب، در آداب صوفیّه، که در مجلّه معارف چاپ شده است ۴. ذکر معانی التّصوف که در مجلّه معارف چاپ شده است ۵. شرح ابیات ابی عبداللّه مرشدی، مخطوط ۶. شرح الاذکار، مخطوط ۷. شرح اربعین حدیثا فی التصوّف، چاپ شده در مجلّه مقالات و بررسی ها ۸. المسائل المحدّثه الواقعه فی عصرنا، چاپ شده در مجلّه معارف ۹ و ۱۰. المناهج بشاهد السنّه و نهج المتصوّفه، دو تألیف جداگانه، چاپ شده در مجلّه معارف ۱۱. نهج الخاص، چاپ شده در مجلّه تحقیقات اسلامی. شیخ احمد کوفانی او را دیده، و عبارت «الفقیر عزیز» را از او شنیده، و آن را نیکو یافته است]. شیخ ابومنصور اصفهانی در رمضان ۴۱۹ق (و یا ۴۱۸) وفات یافته است.(۱)

ابومنصور بن اسماعیل

ابومنصور بن اسماعیل، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف محدّثین متقدّم بر عصر خود ذکر می کند.(۲)

ابومنصور بن حسن

ابومنصور بن حسن بن زرینزاد، از ادباء و دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء یاد کرده است.(۳)

ابومنصور خیّاط

ابومنصور خیّاط فقیه، از محدّثین و فقهای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف محدّثین مقدم بر عصر خود ذکر می کند.(۴)

۱- تاریخ تصوّف، ص۵۳۴؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۳۳؛ تذکره الحفاظ، ج۳، ص۹۴۶؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۶، صص۲۷۶ ۲۷۸؛ العبر، ج۲، ص۲۳۶؛ مجلّه معارف، شماره ۱ و ۲، سال ۱۳۶۸ش، مقاله شیخ ابومنصور اصفهانی؛ نفحات الانس، ص۲۸۳؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۶، صص ۲۸۰ ۲۸۵.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسماعیل»، ص۲۵۳۶.

۳- محاسن اصفهان، ص ۳۲.

۴- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

ابوالمظفّر بن سهل

ابوالمظفر بن سهل، از محدّثين اصفهان و معاصر با مافرّوخی بوده است.(۱)

ابونعیم اصفهانی

حافظ ابونُعیم احمـد بن عبداللّه بن اسـحاق بن موسـی بن مهران اصـفهانی، از محدّثین معروف اصـفهان در قرن چهارم و پنجم هجری است. نسب او از طرف مادر به شـیخ محمّـد بن یوسف بن معـدان اصـفهانی از مشاهیر صوفیّه آن عهـد می رسد. حافظ ابونُعیم در سال ۳۳۴ یا ۳۳۶ق متولّد شده، و در اصـفهان و سایر شـهرها به تحصیل پرداخته است. در کتب رجال از او به حافظ اصفهان و گاهی حافظ دنیا تعبیر می کنند. برخی او را سنّی و صوفی، و عدّه ای شیعه می دانند. وی در طلب حدیث، به ایذج، عسکر مکرم، شوشتر، اهواز، بصره، واسط، کوفه، بغداد، مکّه، ایله و نیشابور سفر کرد. از بسیاری از محدّثان روایت می کند، و تعداد کثیری از محدّثین نیز از او نقل حدیث می کنند. [اسامی مشایخ حافظ ابونُعیم در کتاب مزارات اصفهان آمده است].

از شیخ ابوعبداللّه محمّد بن محمّد اصـفهانی نقل شده است که چون سـلطان محمود غزنوی بر اصـفهان استیلا یافت، از طرف خود کسـی را بر این شـهر والی گردانید. مردم بر او بشوریدند، و او را کشـتند. سلطان محمود مجدّدا به شهر مراجعت نمود، و مردم را تأمین داد و از تقصیر آنان گذشت. چون روز جمعه شد، و مردم جهت نماز جمعه در مسجد حاضر شدند، جمعی کثیر از مردم رابکشت، و چون مردم شـهر، قبلاً- حافـظ ابونُعیم را از ورود به مسـجد منع کرده بودنـد، از این مهلکه جان به سـلامت برد، و این موضوع را از کرامات حافظ دانستند.

وی سـرانجام در یک شـنبه ۲۱ محرّم سـال ۴۳۰ق در اصـفهان وفـات یـافت، و در قبرسـتان آب بخشـان [که در آن روزگار به گورسـتان مردبان شـهرت داشـته است] مـدفون شد. [برخی نوشـته اند که حافظ ابونُعیم اصـفهانی از اجداد علاّمه ملاّمحمّدباقر مجلسی است.] نقل شده

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

است که میرلوحی سبزواری، از علماء و فضلای ساکن اصفهان ازجمله کسانی بوده که با مجلسی عداوت داشته است، و از همین جهت، به بهانه سنّی بودن ابونُعیم، مردم را تحریک نمود که قبر او را خراب کنند.

[ظاهرا مقبره او بعدا مرمّت و احیاء شده است، و مقبره او تا قبل از تسطیح و تخریب قبرستان آب بخشان باقی بود]، و پس از احداث فلکه و خیابان، قبرستان آب بخشان تسطیح [شد]، و مقبره او از بین رفت. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. اربعون حدیثا فی المهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) ۲. اطراف الصّحیحین ۳. حرمه المساجد ۴. حلیه الاولیاء و بهجه الاصفیاء، مطبوع در ده جلد، در مصر ۵. دلائل النّبوّه، مطبوع در حیدرآباد هند ۶. ذکر اخبار اصفهان، مطبوع در دو جلد در لیدن هلند ۷. الرّیاضه و الابدان ۸. طبّ النّبی صلی الله علیه و آله ۹. الفتن ۱۰. فضائل الخلفاء ۱۱. فضل العالم العفیف ۱۲. الفوائد ۱۳. مانزل من القرآن فی امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۱۴. مختصر استیعاب ۱۵. الجامع بین الصّحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم) ۱۶. معجم الشّیوخ ۱۷. معرفه الصّحابه، مطبوع در ریاض عربستان ۱۸. منقبه المطهّرین ۱۹. الرّد علی الرّافضه، مطبوع در بیروت(۱).

ابوالولید کنانی

ابوالولید عبداللّه بن محمّد کنانی، از محدّثین شیعه است. حدیث بسیار روایت کرده، و به طلب دانش و نویسندگی شهرت داشته، و بر ترویج تشیّع اصرار می ورزیده [است]، بدین

۱- طبقات الشّافعیه، حسینی، صص ۱۴۱ ۱۴۲؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۷، ص۴۵۳؛ طبقات الفقهاء، ص۲۲۷؛ طبقات الشّافعیه، اسنوی، ج۲، صص۴۷۴ ۴۷۵؛ تاریخ نیشابور، ص۱۱۰؛ النّجوم الزّاهره، ج۵، ص۳۰؛ تبیین کذب المفتری، ص۲۴۶؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۷۵؛ العبر، ج۳، ص۱۷۰؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۱۱ و ۵۲؛ المنتظم، ج۸، ص۱۰۰؛ تذکره الحفاظ، ج۳، ص۲۷۵؛ روضات الجنّات، ج۱، ص۲۶۵؛ النّابس، ص۱۷؛ اعیان الشّیعه، ج۹، ص۴؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۸۵؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۲۶۵؛ هدیه الاحباب، ص۴۹؛ معجم المطبوعات، ج۱، ص۳۵۰؛ الاعلام، ج۱، ص۱۵۰؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۸، صص۱۱۱۸ ۱۱۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۲۴ ۲۲۶؛ مزارات اصفهان، صص۸۸ ۹۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۲ ۳۰۳ و ۳۸۶؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۰۸ ۲۰۹.

علّت، والی اصـفهان منـاظره ای ترتیب داد، و ابوالولیـد بـا ابومسـعود رازی، محمّـد بن بکار، محمّـد بن فرج و زین بن خرشه و دیگران مناظره کرد، و آن ها موفّق به مجاب کردن ابوالولیـد نشدند؛ لذا والی اصـفهان او را شـلّاق زد، و سـنّیان اصـفهان او را طرد کردند.(۱)

حاج میرزا ابوالهدی کلباسی

حاج میرزا کمال الـدّین ابوالهـدی کلباسـی فرزنـد میرزا ابوالمعالی بن حاج محمّـدابراهیم، عالم فقیه زاهـد، مجتهد اصولی، در زهد و تقوی مانند پدر بزرگوار و برادر عالی مقدار خود [میرزا جمال الدّین] بی مثل و مانند بود، و در مکارم اخلاق و صفات و حالات روحانی کم نظیر در ۲۲ شعبان ۱۲۷۸ در اصـفهان متولّد شده، و نزد پدر دانشمند خود به تحصیل پرداخت، و پس از وفات ایشان در درس حاج شـیخ محمّدباقر نجفی مسـجدشاهی حاضر شد، سپس به همراه برادرش به عتبات عالیات رفت، و از محضر درس آخوند خراسانی و آقا سیّدمحمّدکاظم یزدی مستفیض گردید.

ایشـان از علمـای عـالی قـدری چون حـاج میرزا هاشم چهارسوقی آقا سـیّد حسن صـدر کاظمینی و حاج ملّاعلی محمّـد نجف آبـادی اجـازه دریـافت نمود. وی پس از بازگشت به اصـفهان به تـدریس پرداخته، و نماز جماعت را در مسـجد جوجه، جنب مسـجد حکیم، اقـامه می فرمود. وی در اغلب علوم همچون فقه، اصول، حـدیث، منطق، هیـأت و خصوصا رجال مهارت داشـته است. سرانجام در شب سه شنبه ۲۷ ربیع الثّانی ۱۳۵۶ق در اصـفهان وفات یافت، و در کنار پدر، در بقعه تکیه میرزا ابوالمعالی واقع در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفات ایشان را میرزا حسن خان جابرانصاری ضمن قطعه ای چنین یافته است:

جاء البشیر مُهنَیا و مورّخا: «اتل السّلام علی مَن اتّبع الهُدی»

این کتب و رسـاله ها از تألیفات او است: ۱. البـدر التّمام، در احوال پدر و جدّ والامقام خود، مطبوع ۲. التّحفه الی سلاله النّبوّه، و آن اجـازه ای است که جهت آیت اللّه العظمی مرعشـی نجفی مرقوم فرموده انـد، مطبوع در کتـاب المسلسـلات ۳. حاشیه بر کفایه الاصول ۴. الدّر الثّمین فی جمله من المصنّفات

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۴۹.

و المصنّفین ۵. درّه البیضاء، در اجازه حدیث ۶. زلّات الاقدام، در اشاره به اشتباهات رجالی برخی از اعلام ۷. سماء المقال فی تحقیق علم الرّجال که در دو جلد به سعی فرزند فاضل ایشان آقامحمّد کلباسی در قم به طبع رسیده است ۸. الصّراط المستقیم فی التّمییز بین الصّحیح و السّقیم ۹. الفوائد الرّجالیّه، حاوی سی فایده و غیره.(۱)

ابویعقوب حذّاء

ابویعقوب ابن ابواسحاق اسماعیل بن ابراهیم بن صُبیح ثقفی، از محدّثین اصفهان است. او در سنین جوانی در راه مکّه وفات یافته است.

بسیاری از احادیث را نوشته، و آخرین کسی که از او استماع حدیث کرد، ابوعثمان اسحاق بن ابراهیم بن یزید بود.(۲)

ابی الخیر

ابی الخیر بن احمد بن محمّد بن بُرد واعظ اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.(۳)

اثرم فابجانی

اثرم فابجانی اصفهانی، از شعراء و ادبای اصفهان است. وی به عربی شعر می سروده، و از علمای لغت به شمار می رفته است. او شهرهای عراق را سیاحت نموده، و لغت و شعر را از علمای آن شهرها فراگرفته است.(۴)

۱- احوال حاجی کرباسی و اولادش، صص ۱۰۱ ۱۰۷؛ ریحانه الادب، ج۸، صص ۲۹۸ ۳۰۰؛ میراث و حقوق زن، مقدّمه؛ سماء المقال، مقدّمه؛ نقباء البشر، ج۱، ص۸۱؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۴؛ ماضی النّجف، ج۳، ص۲۳۵؛ بدر التّمام، ص۴۵؛ الاجازه الکبیره، ص۲۱؛ المسلسلات، ج۲، صص۵۳ ۵۵؛ خاندان کلباسی، صص۲۴۷ ۲۵۲؛ مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، صص۱۱۵ ۱۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۱۷ ۲۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۴.

۳- میزان الاعتدال، ج۱، ص۷۳.

۴- معجم الادباء، ج۲، ص۱۰۴.

ص: ۳۷۱

احسان اللّه ساطعی نجف آبادی

احسان اللّه گلشنی نجف آبادی از شعرای معاصر در سال ۱۳۵۱ق در نجف آباد متولّد شد. دوره ابتدایی را در نجف آباد و متوسّطه را در ساوه طی نمود، و در همان دوران به سرودن شعر پرداخت. ابتدا «بیدل» تخلّص داشت، و سپس «ساطعی» تخلّص نمود.(۱) از او است:

روزگار خرّمی باری گذشت وه چه بی حاصل گذشت، آری گذشت

تا ز مستی کوس شیدایی زنم صحبت از شور و شرّ و زاری گذشت

دل به عشق دلبری در خون نشست از سر مهر و وفاداری گذشت

سیّداحمد آزاد اصفهانی

احمد شهشهانی متخلّص به «آزاد»، شاعر ادیب، [در حدود سال ۱۲۸۴ شمسی در اصفهان متولّد شد]. وی در فنّ شعر و ادب از شاگردان مرحوم میرزا عبدالوهاب گلشن ایران پور و در موسیقی، شاگرد سیّدرحیم موسیقی دان بود(۲).] به کفّاشی اشتغال داشت، و زمانی رییس اتّحادیّه صنف کفّاشان شد. در انجمن های ادبی ازجمله انجمن کمال و انجمن سعدی شرکت می کرد، در سال ۱۳۶۸ شمسی وفات یافت، و در گورستان باغ رضوان مدفون گردید.] از او است:

به یاد ناله مجنون، ز عشق طرّه لیلی در این صحرای بی پایان جرس دایم فغان دارد

دکتر احمد آژیر

دکتر احمد آژیر اصفهانی شمس آبادی، از پزشکان حاذق معاصر در تهران ساکن بوده، و در دانشکده پزشکی تهران تدریس می نموده، مدیریّت مجلّه بیوشیمی نیز با او بوده است.(۳)

ص: ۳۷۲

احمد ابهری

ابوجعفر احمد ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۳۹۳ق وفات یافت.(۴)

شیخ احمد احرام باف

آقا شیخ احمد احرام باف بیدآبادی از فضلاء گمنام اصفهان در قرن سیزدهم، ساکن محلّه قبله دعا و از معاصرین مرحوم سیّد حجّت الاسلام شفتی و فرزندش سیّد حجّت الاسلام ثانی حاج سیّداسداللّه بوده، و در نزد آنان، محترم و مقبول القول و معتمد

علیه. جلسه درس مختصری در منزل داشته، و عـدّه ای در محضـر او حاضـر می شده اند که از آن جمله است مرحوم آقامیرزا یحیی مـدرّس کاشـی پز اصـفهانی بیـدآبادی. پس از وفات که ظاهراً در حـدود سال ۱۲۹۵ بوده ، در قبرسـتان آب بخشـان در مقبره مرحوم ملّاحسین تفلیسی مدفون گردیده است. پس از خرابی و تسطیح قبرستان آب بخشان، اعقابش استخوان های او را به تکیه آقامیرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) در تخت فولاد نقل کردند.

احمد اخوّت*

استاد احمـد اخوّت، نویسـنده و مترجم توانای معاصـر، در اصـفهان ساکن است، و در زمینه های ترجمه، نقـد ادبی و شـناخت ادبیّات غرب، مهارتی بسزا دارد. آثار ایشان:

۱. ترجمه اطلس نوشـته خـورخه لـوییس پورخس، چـاپ ۱۳۷۹ش ۲. ترجمه واژه نگارهای چینی، رساله شـعر، نوشـته ارنسـت فنولوزا چـاپ ۱۳۷۸ش ۳. ترجمه قصـیده کـافه غم، نوشـته کـارسون مک لولرز ۴. کتاب مقـدّمات و مقالاتی در چنـد نشـریّه ازجمله فصل نامه زنده رود.

احمد اصفهانی

احمـد اصـفهانی، ازجمله دانشـمندانی است که وقف نـامه مـدرسه نوریّه اصـفهان را مهر و امضاء کرده است. سـجع مهر او: «و مبشّرا برسول یأتی من بعدی اسمه احمد»(۵).

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۱۰۴ و ۴۰۵؛ دیباچه دیار نون، ص۲۱۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۱۱ ۱۲.

۳- دائره المعارف دانش بشر.

۴- هزاره شیخ طوسی، ج۱، ص۱۴۸.

۵- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۱۰۶.

احمد اصفهانی

احمد اصفهانی شاعر، از فضلاء و ادباء اوایل قرن چهاردهم هجری است. وی دیوان شعر کوچکی داشته که در سال ۱۳۱۲ق به چاپ رسیده است.(۱)

میرزااحمد اصفهانی

میرزا احمد اصفهانی، در عصر حکومت ناصرالدّین شاه (۱۲۶۴ ۱۳۱۴ق) می زیست، و در تهران ساکن بود. اعتمادالسّلطنه درباره وی گوید: «در شغل مرثیه خوانی و روضه خوانی به مقامی سامی رسیده، و صیّت شهرش از تهران به همه جای ایران کشیده».(۲)

(به نوشته بیان الواعظین وی فرزند میرزا علی محمد شیرازی است و پس از سال ها اقامت در تهران، به اصفهان معاودت نموده و تا آخر عمر در کمال شهرت و عظمت به منبر می رفت و پس از وفات به عتبات حمل شد و در وادی السلام مدفون گردید)(۳)

آقا احمد نقّاش اصفهانی*

آقا احمد فرزند آقانجف نقّاش، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. وی در نقّاشی، شاگرد پدر، و در نقّاشی صحنه های جنگ و مجالس بزم، استادی مسلّم بوده است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن ابان اصفهانی، از محدّثین اوایل قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن ابان عنبری روایت می کند، و علیّ بن حسن بن سلم از وی نقل حدیث می نماید.(۵)

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۸۲.

۲- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، ص۲۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۲۳۰.

۳- خلد برین ص ۱۸۵، جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۴- هنر قلمدان، ص۷۹.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۸.

احمد اصفهانی

ابوالحسن احمد بن ابراهیم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از حافظ سلیمان بن احمد طبرانی روایت نموده [است]، و اسماعیل بن زاهر بونانی از او نقل حدیث می کند.(۱)

احمد شیبانی

احمد بن ابراهیم بن ابی الخصیب شیبانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابی سفیان و محمّد بن مغیره روایت می کند، و احمد بن حسین از وی نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد کرانی

ابوبکر احمد بن ابراهیم بن احمد بن روزبه کرانی از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از دارکی و ابن اخی ابی زرعه روایت می کند.(۳) کران از محلّه های شهر اصفهان است.

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن ابراهیم بن احمد بن محمود اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. او از حسن (یا محمّد) بن احمد بن محمّد بن حبش اصفهانی روایت می کند، و احمد بن حسین از او نقل حدیث می نماید.(۴)

احمد

احمد بن ابراهیم بن اسحاق، مولای ضبه، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری

۱- احقاق الحق، ج۹، ص۲۷۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۴.

۴- احقاق الحق، ج۸، ص۲۸۷؛ مناقب خوارزمی، ص۶۸.

است. از عمرو بن حمید قاضی دینَوَر روایت می کند، و اسحاق بن شاذه از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد باب کوشکی

احمد بن ابراهیم باب کوشکی، عالم محدّث قرن سوم هجری از اهالی محلّه «باب کوشک» یهودیّه اصفهان بوده، از حسین بن حفص نقل حدیث نموده، در سال ۲۷۸ق وفات یافته است.(۲)

احمد دقّاق

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم بن ایّوب دقّاق، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از عبداللّه بن محمّد بن نعمان روایت می کند، و حسین بن علیّ بن احمد بن بکر از وی نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد زعفرانی

ابوبکر احمد بن ابراهیم بن حسن زعفرانی، از محدّثین اصفهان است. از محدّثین اصفهان و بصره استماع حدیث کرده است که از آن جمله است: محمّد بن احمد اثرم بصری.

فایده لغوی: زعفرانی منسوب است به «زعفرانیّه» از قرای بغداد. زعفرانی منسوب است به «زعفران» از قرای همدان. زعفرانی کسی را گویند که زعفران فروشد.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۹۸؛ الانساب، ج ۲، ص ۷؛ اللّباب، ج ۱، ص ۱۰۱؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۰۹؛ بیان المفاخر، ج ۲، ص ۳۷۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۹.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۵؛ راهنمای دانشوران، ج ۱، ص ۴۳۶.

احمد غسال

ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن سلیمان بن غسال، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از سهل بن عثمان و اسماعیل بن عمرو بجلی روایت می کند، و فرزندش قاضی ابواحمد بن محمّد از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد

احمد بن ابراهیم بن شاذان، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از جعفر بن احمد قارنی روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث کرده است.(۲)

احمد

ابوالحسن احمد بن ابراهیم بن صالح بن منذر، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از عبیداللّه بن عبدالرّحمان بن واقد روایت می کند، و عبداللّه بن محمّد بن مندویّه از او نقل حدیث می کند.(۳)

شیخ احمد کلباسی*

حاج شیخ احمد کلباسی فرزند حاج شیخ محمّدابراهیم بن حاج میرزا عبدالرّحیم بن حاج شیخ محمّدرضا بن حاج محمّدابراهیم کلباسی عالم فاضل محقّق در حدود سال ۱۳۴۲ق متولّد شده، و در قم نزد آیات عظام حجّت کوه کمری و صدرالدّین صدر و در تهران نزد حضرات آیات سیّداحمد خوانساری و میرزا محمّدباقر آشتیانی تلمّذ نمود. تحصیلات جدید را در اصفهان انجام داد، و دیپلم گرفت. سپس در دانشگاه تهران در رشته حقوق قضایی تحصیل نموده، و لیسانس دریافت کرد، و سرانجام در رشته فلسفه در دانشگاه تهران تحصیل کرد، و دکترا دریافت نمود.

در مسجد امام حسن عسکری در تهران اقامه جماعت می نمود، و در دانشگاه تهران

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۶، ص۹۳؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۱۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

در رشته فلسفه به تدریس می پرداخت. ایشان در اواخر عمر به بیماری سختی دچار شد، و برای معالجه به آمریکا رفت، معالجات سودی نبخشید، و در ۱۰ ذی قعده ۱۴۱۴ق (۱۳۷۳ش) دارفانی را وداع گفت، و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید. این کتاب ها از تألیفات او است: ۱. اخلاق از نظر قرآن کریم ۲. فلسفه نوین یا نجات بشر ۳. مفتاح السّعاده یا کلید خوشبختی (ترجمه فصل پنجم از مقدّمه ابن خلدون)(۱).

احمد انواری*

احمد انواری فرزند دکتر ابراهیم انواری بن شیخ عبدالکریم ادیب الشّریعه سودایی دستگردی اصفهانی، روزنامه نگار ادیب، در حدود سال ۱۳۴۳ق در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و تهران تحصیلات خود را به پایان رسانده، و در رشته های ادبیّات، حقوق و ارتباطات، لیسانس دریافت نموده است. از سال ۱۳۶۲ق فعّالیت مطبوعاتی خود را آغاز نموده، و خود، روزنامه های خرد و پرخاش را منتشر ساخته است. از خدمات فرهنگی ماندگار او تأسیس مدرسه عالی کورش در اصفهان است. وی سرانجام در اواخر اسفندماه ۱۳۷۵ شمسی در تهران وفات یافته است.(۲)

احمد هفشوری

ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن عبداللّه مؤدّب، ساکن قریه هفشور، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی از محمّد بن مثنی، سلمه بن شبیب و مقری روایت می کند، و عبداللّه پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی از وی روایت می نماید.(۳)

[ظاهرا «هفشور» همان هفشویه، از قراء بلوک قهاب جی اصفهان است].

۱- خاندان کلباسی، ص۲۲۷؛ تربت پاکان قم، ج۱، ص۳۸۳؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی

۲- چهره مطبوعات معاصر، ص۱۸۴؛ روزنامه اطّلاعات، مورّخ ۳۰ بهمن ۱۳۷۵ش.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۷.

احمد اصفهانی

ابـوجعفر احمـد بن ابراهیم بن فیض، از محـدّثان اصـفهان در قرن چهـارم هجری است. او از احمـد بن عثمـان اَودی، حسن بن صبّاح و هارون بن موسی روایت می کند، و ابومحمّد بن حیّان از او حدیث نقل کرده است.(۱)

احمد فریز هندی

ابوالعبّاس احمـد بن ابراهیم بن محمّد بن ابان فریز هندی میمه ای اصـفهانی از محدّثین اصـفهان است. اصـلاً از قریه «فریز هند» میمه بوده است. از ابی بکر محمّـد بن سـلمان بن حسن معـدانی اسـتماع حـدیث نموده، ابن منـده در تاریخ اصـفهان او را ذکر نموده است.(۲)

احمد خبزی اصفهانی

ابومسعود احمد بن ابراهیم بن محمّد بن احمد بن ابراهیم بن موسی بن عبداللّه خبزی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، شیخ صالح و عابد بوده، و پدرانش عموما از محدّثین اصفهان بوده اند. پدرش وی را به محضر ابی عمرو بن مندویه اصفهانی جهت استماع حدیث برد.(۳)

احمد سنّی

احمـد بـن ابراهیـم بن یزیـد معروف به سـنّی، از محـدّثین قرن سـوم هجری است. وی از ابوسـفیان صالـح بن مهران روایت می کند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲- معجم البلدان، ج ۱۵، ص ۲۵۹.

۳- معجم البلدان.

۴- میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۷.

احمد مدینی

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم بن ابی یحیی یزید بن عبداللّه باهلی مُکتِب مدینی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از نصر بن علی جهضمی، عبداللّه بن محمّد زهری، و محمّد بن یحیی بن فیّاض روایت می کند. پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی، محمّد بن جعفر و محمّد بن احمد بن ابراهیم قاضی از او نقل حدیث می کند. مدینی از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و در ربیع الاوّل ۳۰۴ق وفات یافته است.(۱)

احمد حنفی

ابوجعفر احمد بن ابراهیم حنفی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم است. از حمید بن مسعده روایت می کند، و قاضی ابواحمد از او نقل حدیث می نماید.(۲)

دکتر احمد رئیسی*

دکتر احمد رئیسی فرزند ابراهیم، استاد دانشگاه و از دانشمندان معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۱۹ش در اصفهان متولّد شده، و پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسّطه وارد دانشگاه اصفهان شده، و سرانجام، دکترای داروسازی دریافت نموده است. وی در انگلستان به تحصیل ادامه داده، و فوق دکترای داروشناسی دریافت نموده است. ایشان سال ها در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول بوده، و مناصب مختلف اداری، ازجمله رییس دانشکده داروسازی را برعهده داشته است.

احمد سمیرمی

ابوبکر احمد بن ابراهیم سمیرمی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. در طرابلس از اباعبداللّه بن ابی حامد اخذ و استماع حدیث کرد، و ابوعلی حسن بن محمّد بن حسن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۴.

ساوی از او روایت می کند.(۱)

احمد قصّار

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم قصّار معروف به «فاتنی» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن محمّد بن یونس ابهری، ابی عمرو بن حکیم و صحّاف روایت نموده است. او از مصاحبان حافظ ابونُعیم اصفهانی بوده، و با او رفت و آمد داشته، و در اواخر قرن چهارم هجری وفات یافته است.(۲)

۹۵۸

سیّداحمد مقدّس

آقا سیّداحمد مقدّس فرزند ابراهیم حسینی عالم فاضل ادیب ماهر، از دانشمندان معاصر اصفهان است. در حدود سال ۱۳۲۰ق در محلّه بیدآباد متولّد شد، و در خدمت اساتید این شهر همچون حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، حاج میرسیّدعلی نجف آبادی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، آقا سیّدمهدی درچه ای، آقا سیّدابوالقاسم دهکردی و حاج آخوند زفره ای به تحصیل پرداخت، به مراتب عالی علم و کمال نائل آمد. ایشان در علوم زمانه، خصوصا ادبیّات عرب از صرف و نحو، معانی و بیان و نیز منطق و کلام، زحمت ها کشیده، و رنج ها برده بود. او از مدرّسین معروف در مقدّمات و سطح بود، و سرانجام در ۳ ربیع الاوّل ۱۳۹۷ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

شیخ احمد قاضی

شیخ احمد بن ابوتراب بن شیخ محمّدحسن بن شیخ عبداللّه گیلانی عالم فاضل، از سلسله مشایخ بیدآباد اصفهان است. در قرن سیزدهم هجری می زیست، و پس از وفات،

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۲۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۹.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶ و اطّلاعات متفرّقه.

در قبرستان آب بخشان مدفون شد.(۱)

از آثار ایشان مجمع الانوار فی ترجمه عیون اخبار الرّضا علیه السلام است که آن را به خواهش میرزا صادق بن میرزا علی اکبر اشتهاردی ساکن محلّه چهارسوق علی قلی آقا ترجمه نموده است.(۲)

سیّداحمد تنکابنی

احمد بن ابی الحسن تنکابنی، ساکن اصفهان ادیب فاضل ریاضی دان، نویسنده حواشی بر هیأت فارسی قوشچی. وی در دیباچه این رساله می نویسد: «روزهای پنج شنبه و جمعه نزد آخوند ملّاحسین بن ملّا ولیّ اللّه مازندرانی ساکن محلّه شهشهان اصفهان هیأت می خواندم، و مجموعه بیانات ایشان را به صورت این حاشیه درآوردم». نسخه به خطّ نستعلیق در ۳۷۷ برگ، ضمن مجموعه ۱۷۹۱ در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم موجود است(۳). [ایشان در اواخر عمر، به زادگاهش تنکابن رفت، و در آن جا وفات یافت. از کتب او است:

۱. رساله در معاد ۲. رساله در شرح بعضی از ادعیه و احادیث و متفرّقات عرفانی ۳. حاشیه بر شرح چغمینی ۴. حاشیه بر هیأت فارسی قوشچی(۴)].

احمد غزّاء اصفهانی

احمد بن ابی السرّی غزّاء اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، او از ابوهمّام و یوسف بن بحر روایت نموده است.(۵)

احمد مدینی

ابوبکر احمد بن ابی سعید بن اسحاق بن ابراهیم مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۹؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۷.

۲- فهرست مسجد اعظم قم، ص۳۴۷.

۳- فهرست فیضیّه، استادی، ج۳، ص۱۳۴.

۴- بزرگان تنکابن.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱.

سوم هجری است. وی از اسحاق بن اسماعیل و محمّد بن عاصم روایت می کند، و قاضی ابواحمد از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد حُرانی

ابوالشّکر احمد بن ابوالفتح بن ابوبکر حُرانی اصفهانی از محدّثین قرن ششم هجری است. وی از ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن حسین خیّاط، ابوالقاسم عبدالرّحمان بن عبداللّه بن منده و محمود بن جعفر کوهج و دیگران روایت نمود، و سمعانی از او نقل حدیث کرده است. ابوالشّکر در رجب ۵۴۳ق وفات یافت.(۲)

احمد شریف حائری

احمد بن ابی الفتح بن ابی جعفر شریف حائری اصفهانی از ادباء و خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. وی مدّتی در تهران و مدّتی در کرمانشاه بوده، و کتاب احسن القصص و دافع الغصص را تألیف نموده است. قسمت عمده کتاب از کتاب تاریخ الفی نوشته احمد تتوی سندی (مقتول در سال ۱۰۱۰ق) گرفته شده، و وقایع پس از آن به خامه خود احمد شریف حائری است. نسخه های مختلفی از این کتاب در کتابخانه های آستان قدس رضوی در مشهد، مرکزی دانشگاه تهران، مدرسه عالی سپهسالار، ملّی ایران، ملّی ملک موجود است. در کتابخانه های آستان قدس و عمومی اصفهان نسخه هایی از تاریخ الفی موجود است که همین احمد بن ابوالفتح اصفهانی آن را کتابت کرده است. وی تا سال ۱۲۵۹ق در قید حیات بوده است.(۳)

احمد اصفهانی

شیخ ابوالفضل احمد بن احمد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از حافظ ابونُعیم

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۷؛ محاسن اصفهان، ص۳۰.

۲- لغت نامه دهخدا، ذیل «حرانی»، ص۴۲۸.

۳- تاریخ الفی، مقدّمه، صص۳۳ ۳۴ و ۴۴ ۴۷؛ فهرست ملک، ج۲، ص۱۰؛ نسخه های خطّی، ج۵، ص۷۲۱؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۵۶۳؛ اعیان الشّیعه، ج۸، ص۲۹۷.

اصفهانی روایت می کند، و ابوالفتح محمّد بن عبدالباقی بن احمد بن سلمان معروف به «ابن البسطی» از او روایت می کند.(۱)

احمد ثقفی

ابوالعبّاس احمد بن اسحاق بن ابراهیم جوهری معروف به «حمویه ثقفی» از محدّثین قرن سوم هجری است.

وی در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال ۳۰۰ق وفات یافته است. از ابی مروان عثمانی، اسماعیل بن زراره، ابن ابی رزمه، محمّد بن سلیمان لوین، عبداللّه بن عمران عابدی و ابن المقری روایت می کند. قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث می نمایند.(۲)

سیّداحمد حائری بروجنی

احمد حائری بروجنی فرزند سیّدابوالقاسم بن سیّدحسن حسینی بختیاری، عالم فاضل محقّق، وی در عتبات عالیات به تحصیل پرداخته، و نزد فاضل اردکانی، شیخ زین العابدین مازندرانی و دیگران تلمّذ نموده است. او سال ها از علمای برجسته، و ائمّه جماعات کربلا ـ محسوب می شده، و به انجام وظایف شرعیّه مشغول بوده است. عاقبت به اصفهان آمده، و به اقامه نماز جماعت در مدرسه چهارباغ و ارشاد مردم پرداخت، و سرانجام در سال ۱۳۳۹ق وفات یافت. ایشان تقریرات اساتید خود را در علوم فقهی و اصولی به رشته تحریر درآورده است.(۳)

احمد ابهری

ابوطاهر احمد بن احمد بن ابی بکر ابهری مقری، از اهالی ابهر اصفهان، و از دانایان علم قرائت و از محدّثین اصفهان است.(۴)

۱- احقاق الحق، ج۷، ص۶۲۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۶.

۳- نقباء البشر، ج۱، ص۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۱؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۳۰۵.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص۹۱.

احمد نیازی اصفهانی

احمد میرزا متخلّص به «نیازی» فرزند اسحاق بن ابوتراب خلیفه سلطانی مرعشی، عالم فاضل محدّث فقیه مرتاض. [برخی از تذکره ها نام پدر او را سیّدمرتضی آورده اند(۱)]. مادرش دختر شاه سلطان حسین صفوی و خود، داماد شاه تهماسب ثانی بوده دیوان اشعاری دارد، در ۱۲۱۶ وفات یافته است. [با توجّه به فوت نیازی در زمان حیات آذر بیگدلی و مادّه تاریخی که او برای نیازی سروده، سال ۱۲۱۶ غلط، و سال ۱۱۸۸ق صحیح است]. پدرانش عموما اهل فضل و کمال بودند، و فرزندش میرزا سیّدعلی نوّاب نیز از علماء و دانشمندان است. [آذر در این بیت، مادّه تاریخ فوت او را آورده است:

چون شمار سال تاریخش ز آذر خواستم زد رقم: «مونس بود با احمد احمد در بهشت(۲)]

[دیوان اشعار او در کتابخانه آستانه حضرت معصومه (س) در قم وجود دارد(۳)].

از اشعار او است:

به یک کرشمه زلیخاوش دل ما را چنان ربود که یوسف دل ما را

احمد اصفهانی

احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی، از محدّثین اصفهان در اوایل قرن چهارم هجری است. از محمّد بن یوسف بنّا روایت نموده، و نواده اش حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند.(۴)

۱- مجمع الفصحاء، ج۶، صص۱۰۳۵ ۱۰۳۶.

۲- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۷۹ ۶۸۱.

۳- فهرست آستانه حضرت معصومه (س)، ج۲، ص۳۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۳۱ ۲۳۲؛ تذکره انجمن خاقان، صص۶۶۳ ۶۶۴ و نیز رجوع کنید به: الذّریعه، ج۹، ص۱۲۴۰؛ مکارم الآثار، ج۱۶۲۱ ۱۶۲۳؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۲۷۶؛ ریحانه الادب، ج۶، صص۲۷۴ ۲۷۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۲۱.

ص: ۳۸۵

دکتر احمد فشارکی

دکتر احمـد فشارکی فرزنـد حاج میرزا اسـداللّه، از طرف مادر، نواده ملّاعلی اکبر فشارکی فرزنـد ملّامحمّدجعفر می باشد. در سال ۱۳۳۷ قمری متولّد شـد. تحصـیلات خویش را در رشته پزشکی در دانشـکده پزشـکی تهران به پایـان رسانیـد، و از اوّل تأسیس آموزشگاه عالی پزشکی و دانشکده پزشکی به عنوان دانشیار، و اخیرا استاد مشغول انجام وظیفه است. طبیبی است حاذق، و در فنّ طبابت ماهر. مردی خلیق و مهربان و متدیّن و پاک روان است.

برخی از تألیفات و آثار او در رشته پزشکی به طبع رسیده است. [وی پس از تأسیس دانشکده پزشکی اصـفهان، ریاست آزمایشگاه فیزیولوژی آن را برعهـده داشته، و در این دانشکده به تـدریس پرداخته، و به مقـام اسـتادی نائل آمـده است. وی مدّتی معاونت دانشکده پزشکی و سپس ریاست اداره کلّ دبیرخانه دانشگاه اصفهان را برعهده داشته است.

این کتاب ها از تألیفات و ترجمه های ایشان است: ۱. فیزیولوژی سلسله اعصاب ۲. فیزیولوژی تیرویید ۳. فیزیولوژی هیپوفیز ۴. مطالعه دربـاره تغییرات همودینامیک و الکتریـک در مـوارد کولاـلبوس بیمـاران قلـبی (به زبـان فرانسه) ۵. فیزیولوژی سلسله اعصاب.(۱)]

احمد انصاری

احمد بن اسماعیل بن مثلم انصاری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابی هانی اسماعیل بن خلیفه قاضی مصاحب ثوری روایت می کند، و محمّد بن یحیی بن منده از او نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد عابد

احمـد بن اسـماعیل بن یوسف عابد اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. وی از شـیخ ابومسـعود احمد بن فرات رازی روایت می کند، و سلیمان بن احمد و حسن بن محمّد بن دکه از او نقل حدیث می کنند.(۳)

ص: ۳۸۶

احمد اصفهانی

ابوبکر احمـد بن اشـکیب بن محمّد اصـفهانی، از محدّثین چهارم هجری است. او از عبید بن حسن و اباطالب بن سواده روایت نموده است. احمد در محرّم سال ۳۳۲ق در بازگشت از نیشابور وفات یافته است.(۴)

احمد خان بیگ کامل اصفهانی*

احمـد خان بیگ اصـفهانی متخلّص به «کامل» فرزنـد افضل، شاعر ادیب، به همراه پـدر به هندوسـتان رفته، به ملازمت اورنگ

زیب عالمگیر پادشاه هند درآمده، منصب امیری یافته، سرانجام در سال ۱۰۸۲ در شهر «تهانیسر» هند وفات یافته است.

از او است:

غم زِ هَر دل سفری شد سوی من می آید چون غریبی که ز غربت به وطن می آید(۵)

دکتر سیّداحمد ابطحی

دکتر حاج سیّداحمد ابطحی سدهی فرزند حاج میرمحمّدباقر از پزشکان حاذق و متدیّن معاصر، در سال ۱۳۴۰ق متولّد شد، و در اصفهان و تهران تحصیلات خود را انجام داد، و به اخذ درجه دکترا نائل شد، سپس به اصفهان بازگشت، و به معالجه بیماران و رسیدگی به حال ضعفاء و مستمندان پرداخت.

وی در عصر روز چهارشنبه ۱۹ رمضان المبارک ۱۴۰۹ق در اثر ابتلاء به سکته، وفات یافت، و در قبرستان باغ رضوان مدفون گردید.(۶)

میرزا احمد خان مشیر فاطمی

حاج میرزا احمد خان مشیر فاطمی فرزند میرزا محمّدباقر خان مشیرالملک بن میرزا

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۵۸؛ اطّلاعات شخصی مؤلّف.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۲۶ و ۸۷؛ احقاق الحق، ج۱۶، ص۵۶۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۹.

۵- کاروان هند، ج۲، ص۱۱۲۹.

۶- مزارات اصفهان، ص۱۱۷.

علی محمّدخان طباطبایی نایینی، عالم فاضل از مشایخ و بزرگان شیخیّه اصفهان بود، تولّدش در سال ۱۳۱۵ق، و وفاتش در ۱۳ رمضان ۱۳۸۳ق اتّفاق افتاد.(۱)

سیّداحمد روضاتی

حاج سیّداحمد بن سیّدمحمّدباقر بن سیّدجلال الدّین بن میرزا مسیح بن میرزا محمّدباقر موسوی چهارسوقی «صاحب روضات». عالم فاضل فقیه محقّق، در ۷ رجب ۱۳۴۷ق در اصفهان متولّد [شد]، و تحصیلات مقدّماتی خود را در اصفهان نزد شیخ محمّدحسین مشکینی، سیّدمحمّدباقر ابطحی، میرزا علی آقا شیرازی، میرزا علی هسته ای، حاج آقا رحیم ارباب و سیّدمصطفی بهشتی نژاد انجام داد.

[سپس] به قم عزیمت نمود، و نزد آیات عظام: سیّدمحمّدتقی خوانساری، سیّدمحمّد حجّت، صدرالدّین صدر، سیّداحمد خوانساری، شیخ مرتضی حائری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی به کسب علم پرداخت، و به درجه اجتهاد نائل گردید، و از اساتید خود و بسیاری از علمای عالی قدر شیعه، موفّق به اخذ اجازه روایت و اجتهاد گردید. سپس به اصفهان آمد، و به تدریس و تألیف و ارشاد مردم، و اقامه نماز در مسجد شیخ بهایی و مسجد الیادران پرداخت. پس از مدّتی در تهران ساکن شد، و به وظایف شرعی اقدام نمود.

ایشان سرانجام در سال ۱۴۲۲ق (۱۳۸۰ش) وفات یافت، و در قبرستان باغ رضوان مدفون گردید.

ایشان تألیفات بسیاری از خود به جا نهاد، ازجمله کتاب های چاپ شده:

۱. المستدرکات علی روضات الجنّات ۲. ماجرای ریش و سبیل، ردّ بر دکتر صفوی ۳. گروه گمراهان بابی و بهایی ۴. میزان الانساب ۵. النّهریه شامل چهار رساله فقهی ۶. حواشی زواهر الجواهر در اخلاق ۷. گفت و گوی یک دانشمند شیعی با یک عالم سنّی ۸. فوائد منطقی یا شرح کبری ۹. شرح مبسوط بر رسائل مرحوم شیخ انصاری که به ضمیمه رسائل، چاپ سنگی شده ۱۰. مقدّمه بر حاشیه شیخ جواد طارمی بر قوانین الاصول، چاپ

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۶۳.

سنگی شده ۱۱. مقدّمه مبسوط بر کتاب سفینه البحار، چاپ افست در تهران ۱۲. فلسفه روزه یا بهترین روش تهذیب اخلاق در اسلام ۱۳. مقدّمه کتاب مناهج المعارف ۱۴. نداء الشّیعه فی حیاه الزّهراء ۱۵. تحقیق نفحات الرّوضات ۱۶. طبقات الاجازات ۱۷. علماء الاسره.

تألیفات چاپ نشده:

۱۸. تقریرات درس فقه آیت اللّه بروجردی ۱۹. السّبیل المسلوک فی اللّباس المشکوک ۲۰. مغانم الاصول فی شرح معالم الاصول ۲۱. سیر علم الاصول فی مختلف العصور ۲۲. موقط الاعلام فی تراجم الاسره و الاقوام، در سه جلد ۲۳. محاسن الاجازات فی سلسله الرّوایات ۲۴. سیره صاحب الرّوضات و حیاته العلمی ۲۵. حواشی بر کتب درسی متفرّق ۲۶. حواشی بر کتب رجالیّه ۲۷. مناظرات مذهبی، رد بر سنّیان، ج۲ و ۳ مخطوط ۲۸. صوفی بازی، در دو جلد ۲۹. پاسخ پرسش ها، سه جلد ۳۰. فرهنگ منظوم یا شرح نصاب ۳۱. الفوائد الثّمینه.(۱)

میرزا احمد چهارسوقی

آقامیرزا احمد چهارسوقی فرزند آقامیرزا محمّدباقر صاحب روضات، عالم فاضل زاهد، در ۲۱ ربیع الثّانی ۱۲۶۳ق در اصفهان متولّد شد، و نزد علمای اصفهان، ازجمله پدر بزرگوار خود و عموی دانشمندش آقامیرزا محمّدهاشم چهارسوقی تحصیل نمود، و دخترعموی خود را به زوجیّت خویش برگزید، و به نجف اشرف مهاجرت نمود.

وی در آن جا به تکمیل تحصیلات خود کوشید تا فقیهی جامع گردید، و باقی عمر را به عبادت و ریاضت گذراند تا این که در چهارشنبه ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۴۱ق وفات یافت، و در وادی السّلام نجف در جوار مرقد عمّ بزرگوار خود مدفون گردید. صاحب عنوان، آثار و تألیفاتی داشته که از آن جمله است:

۱. حاشیه بر شرایع ۲. حاشیه بر شرح لمعه ۳. کتابی در ادعیه.

ایشان خطّ خوشی داشته، و کتب خود را به خطّ زیبای خویش کتابت نموده، و یک جلد

۱- الذّریعه، ج۱۶، ص۳۲۹ و ج ۲۰، ص۱۲۳؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج ۱، صص۳۹۷ ۳۹۸؛ مستدرک فهرس التّراث، صص۲۳۶ ۲۳۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۴، ص ۴۷۱؛ فلسفه روزه، صفحه پشت جلد؛ مصفّی المقال، ص۶۴؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

قرآن مجید نیز با خطّی نیکو نوشته است.(۱)

دکتر سیّداحمد تویسرکانی*

دکتر حاج سیّداحمد تویسرکانی فرزند عالم فاضل جلیل، حاج سیّدمحمّدباقر تویسرکانی در سال ۱۳۱۴ش در اصفهان متولّد شد، و تحصیلات حوزوی را نزد پدر خود آغاز نمود. سپس نزد مدرّسین عالی قدر حوزه علمیّه اصفهان، همچون سید احمد مقدّس، شیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ حیدر علی صلواتی، شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب آبادی، ملّاهاشم جنّتی، شیخ علی قدیری، حاج میرزا رضا کلباسی، شیخ محمود مفید، شیخ مرتضی اردکانی، حاج شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج شیخ احمد فیّاض و حاج میرسیّدعلی علّامه فانی به تحصیل پرداخت، و در تهران نیز نزد استاد جواد مصلح که استاد دانشگاه نیز بود، به فراگیری علوم اسلامی مشغول شد.

ایشان از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۱ در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران به تحصیل مشغول شد. ابتدا در رشته معقول و منقول، لیسانس و سپس دکترا دریافت نمود.

ایشان سال ها در دانشگاه های اصفهان، آزاد خوراسگان، آزاد نجف آباد و دانشگاه صنعتی اصفهان به تدریس فلسفه، کلام، فقه، اصول و ادبیّات جهت دانشجویان مشغول بوده است.

دکتر تویسرکانی از دانشمندان عالی قدر معاصر است، و تلاش ارزنده ای جهت تصحیح و احیای متون و انتشار آن ها انجام داده است. برخی از آثار ایشان عبارت است از:

۱. الرّسائل المختاره، شامل چند رساله از ملّاجلال الدّین دوانی که به همراه رساله امانت الهیّه میرداماد توسّط ایشان تصحیح شده، و به چاپ رسیده است ۲. سبع رسائل، شامل معرّفی حواشی و شروح بر تجریدالاعتقاد خواجه نصیرالدّین طوسی و شرح ابطال الزّمان الموهوم تألیف ملّااسماعیل خواجویی، به همراه پنج رساله از تألیفات ملّاجلال الدّین دوانی: اثبات الواجب القدیم، اثبات واجب الجدید، الزّوراء و دو شرح مختصر و مفصّل از خود دوانی که تصحیح شده، و به چاپ رسیده است. ۳. تصحیح رساله غنا تألیف میرزا عبدالغفّار تویسرکانی که ضمن کتاب الرّسائل فی الغناء در قم به چاپ رسیده است. ۴. ثلاث رسائل که شامل سه رساله از ملّا جلال دوانی: تفسیر سوره کافرون، شرح هیاکل النّور سهروردی و شرح بر انموذج العلوم که تصحیح و به چاپ رسیده است ۵. رساله وقف تألیف حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی

۱- احسن الودیعه، ج ۱، ص ۴۰؛ نقباء البشر، ج ۱، صص ۹۱ ۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۳۴ ۲۳۵؛ مکارم الآثار، ج ۵، صص ۱۷۰۵ ۱۷۰۶؛ اعیان الشّیعه، ج ۹، ص ۲۱۱.

از او مقالات متعدّدی نیز در نشریات علمی به چاپ رسیده است.(۱)

سیّداحمد نوربخش دهکردی

حاج سیّداحمد نوربخش دهکردی ملقّب به «رحمت علی شاه حقّانی» فرزنـد سیّد محمّدباقر، عارف سالک و ادیب شاعر، در حدود سال ۱۲۸۵ق در دهکرد [شهرکرد فعلی[متولّد [شد]، و جهت تحصیل به اصفهان آمد، و خدمت آخوند ملاّمحمّدحسین دهکردی دایی خود و آقاسیّدابوالقاسم دهکردی برادر خود، و آقامیرزا محمّدحسن نجفی و آخوند ملاّمحمّد کاشانی تحصیل نمود، سپس به نجف اشرف رفت، و از درس علمای اعلام آن جا به خصوص آخوند خراسانی بهره گرفت.

وی پس از بـازگشت به ایران به تصوّف میـل پیـدا کرد، و در سـلک فقرای خاکساریّه درآمـد، و خرقه پوشـید، و اذنِ هـدایت یـافت، و در محلّه درکوشـک اصـفهان خانقـاهی ساخت، و در آن ساکن شـد، و به ارشاد و دسـتگیری مریـدان خود پرداخت. بسیاری از اهالی اصفهان و چهارمحال از مریدان او بودند.

وی در سال ۱۳۲۵ق روزنامه نامه حقیقت را در اصـفهان منتشر ساخت، و بالاخره در ۱۲ جمادی الاوّل ۱۳۳۹ق وفات یافت، و در خانقاه خود مـدفون شد، و قبل از وفات، خواهرزاده خود حاج آقا رحیم دهکردی منوّرعلی شاه را به جانشـینی خود انتخاب کرد.

این کتاب ها از او است:

۱. آغاز حقیقت [۲. برهـان نامه حقیقت، که در سال ۱۳۳۶ق در اصفهان چاپ سنگی شده [۳. رشحات رحمت ۴. منطق الطّیر در شرح هفت وادی ۵. مثنوی در شرح سؤال کمیل از حضرت امیر علیه السلام در معنی حقیقت ۶. مثنوی در شرح آیه نور.

در شعر، «حقیقت» تخلّص داشت، و این شعر از او است:

۱- فصل نامه وقف میراث جاویدان، پاییز و زمسـتان ۱۳۷۶، ص۴۸، مصاحبه با دکتر تویسرکانی توسّط غلام رضا نصراللّهی در مهرماه ۱۳۸۵.

به ملک فقر چرا کوس سلطنت نزنم؟ که آفتاب فلک گوشه کلاه من است

خطت دمیده و «حقیقت» به سوز دل می گفت: سیاهی رخ دلبر، ز سوز آه من است(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن بسطام، از محدّثین اصفهان است. وی به همراه برادرش ابراهیم در بصره ساکن شده است.(۲)

احمد اصفهانی

احمد بن بِشر بن فاخر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از مسعود روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم بن علی از او نقل حدیث نموده است.(۳)

احمد

احمد بن بشرویه، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی در کتاب محاسن اصفهان از او نام برده است.(۴)

احمد شعّار

ابوعبداللّه احمد بن بُندار بن اسحاق اصفهانی معروف به شعّار، از محدّثین قرن چهارم هجری. حافظ ابونُعیم درباره او گوید: «ثقةٌ ظاهریّ المذهب» و در مرآه الجنان گوید: مسند اصفهان معروف به سفار [ظاهرا سفار، تحریف شده شعار است]. وی از ابن

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۱۷۶ ۱۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۳۲ ۲۳۳؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۴، صص۲۶۸ ۲۷۱؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۴۸۹؛ دیوان طرب، ص۲۴۵؛ مقالات الحنفاء، ص۱۱۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۷.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۱.

ابی عاصم ظاهری مذهب، حسن بن ادریس عسکری، خزاعی، عبید عزّال، عمر بن مرداس، محمّد بن ایّوب رازی، محمّد بن زکریّا و محمّد بن یوسف جدّ مادری حافظ ابونُعیم اصفهانی روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد حبّال

ابوالعبّاس احمد بن بندار حبّال، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از مسعود، سلمه، عبداللّه بن محمّد بن یحیی بن ابی بکیر و محمّد بن عاصم روایت حدیث می کند، و احمد بن اسحاق و ابوبکر محمّد بن احمد بن یعقوب شیبانی از او روایت می کنند.(۲)

فایده لغوی: «حبّال» بر وزن حمّال، به ریسمان باف و ریسمان فروش می گویند. «بندار» صفت فاعلی مرکّب و مرخّم (بن + دارنده) به معنی ریشه دار است. بندار به معنی مال دار و سرمایه دار و صاحب باغ می باشد.(۳)

سیّداحمد تربتی

سیّداحمد بن سیّدمحمّدتقی بن حسن تربتی اصفهانی، عالم فاضل محقّق. در سال ۱۳۵۷ق متولّد شده، و در نجف اشرف، خدمت اساتید، تلمّذ نموده است.

این کتب از او است: ۱. تقریرات اصول و فقه از اساتید خود ۲. ردّ بر بابیان ۳. علی علیه السلام در علوم(۴).

احمد اصفهانی

ابوصالح احمد بن توبه، از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۳۲۱ق وفات یافته است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۱؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۳۷۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۳.

۴- معجم رجال الفکر و الادب، ص۴۳۸.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۰.

احمد طرقی اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن ثابت بن محمّد طرقی اصـفهانی، از محدّثین است، و در نقل احادیث مورد وثوق همگان بوده، در اصـفهان از اباالفضل مطهّر بن عبدالواحد و ابوالقاسم بن الیسری و ابا علی تستری و غیره، نقل اخبار نموده است.(۱)

احمد مؤدّب ابهری

ابوالعبّاس احمـد بن جعفر بن احمـد مؤدّب ابهری، از محـدّثین اصـفهان بوده [است]، و از محمّد بن حسن بن مهلب و فضل بن خصیب نقل احادیث می کند.

احمد بن جعفر فقیه یزدی از او روایت می نماید. ابهر یکی از روستاهای بلوک جی اصفهان است.(۲)

احمد فُرسانی

احمد بن جعفر بن سـلم فُرسانی، از محدّثین قرن سوم هجری است از اهالی قریه «فُرسان» در حومه اصـفهان است. از محمّد بن یحیی بن منده و جعفر بن احمد بن فارس روایت می کند. محمّد بن عبدالرّحمان بن مخلد و محمّد بن عبدالرّحمان بن سهل از او نقل حدیث نموده اند.(۳)

احمد اشعری مُلحَمی

ابوحامـد احمـد بن جعفر بن محمّـد بن سـعید اشـعری ملحمی، از محـدّثین قرن سوم و چهارم هجری. بیش از ده سـفر به عراق کرده، و آخرین سفر او در سال ۲۹۷ق بوده است. از برخی از محدّثان اصـفهان حدیث نقل می کند. حافظ ابوالشّیخ اصفهانی او را از ضعفاء

۱- معجم البلدان، ج۴، ص ۳۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۴؛ معجم البلدان، ج۱، ص۸۴؛ خورشید جی، ص۴۲۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۴۲ و ۱۵۳.

دانسته است. وی در ماه رجب ۳۱۳ق وفات یافت.(۱)

احمد مدینی دشتکی

ابی جعفر احمد بن جعفر بن محمّد مدنی [مدینی] اصفهانی معروف به دشتکی، از محدّثین اصفهان بوده، از محمّد بن عبداللّه عسکری روایت می نموده، و ابوبکر بن مردویه از او روایت کرده است. دشتک از قرای اصفهان است، و برخی انکار کرده اند، در هر صورت، صاحب عنوان، اصفهانی است.(۲)

احمد صیرفی بغدادی

ابوالحسن احمد بن جعفر بن محمّد صیرفی بغدادی، از محدّثین قرن چهارم هجری است.

او بعد از سال ۳۶۰ق به اصفهان آمده است. محاملی و ابن عقده از او روایت می کنند.(۳)

احمد سمسار

ابوجعفر احمد بن جعفر بن معبد سمسار، از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از احمد بن عصام، احمد بن مهدی، ابی بکر بن نعمان، عبید غزال و یعقوب بن یعقوب روایت می کند، و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.

احمد سمسار در ۳۴۶ق وفات یافته است.(۴)

احمد اصفهانی

ابوحامد احمد بن جعفر بن سعدان، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از ابی بکر بن نعمان روایت می کند، و قبل از سال ۲۵۰ق وفات یافته است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۸؛ تاریخ بغداد، ج۴، ص۶۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۳؛ معجم البلدان.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۴.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۹.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۲.

احمد مؤدّب

احمد بن جعفر بن ممیّه مؤدّب، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ابراهیم بن نائله روایت می کند، و سریجانی از او نقل حدیث می کند.(۱)

احمد صوفی

احمد بن جعفر بن هانی صوفی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن یوسف روایت می کند، و عبداللّه بن احمد (پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی) از او نقل حدیث می کند.(۲)

احمد جنّت اصفهانی

احمد غفراللّهی متخلّص به «جنّت» فرزند حاج محمّدجعفر روغنی شاعر و عارف ادیب در حدود سال ۱۲۷۰ خورشیدی در اصفهان متولّد شد، و در این شهر علم و ادب آموخت. در شعر، از شاگردان سینا کرونی، ثمر اصفهانی و غمگین اصفهانی بود، و در انجمن های ادبی شیدا، دبیرستان تبریزی، خاکیا، کمال الدّین اسماعیل و پروانه شرکت داشت. در جوانی مرید میرزا عبّاس پاقلعه ای و میرزا زین العابدین پاقلعه ای از عرفای نعمت اللّهی اصفهان شد. سپس به مسافرت پرداخت، و بالاخره به استخدام وزارت فرهنگ درآمد، و آموزگار شد. وی صاحب قدرت طبع و لطف بیان در شعر بود. این شاعر توانا در ۲۷ جمادی الثّانی ۱۳۷۸ق در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد جنب مزار ملّااسماعیل خواجویی مدفون شد.

دیوان اشعار او به همّت برادرزاده اش عبدالحسین روغنی (ضیمران) در سال ۱۳۷۲ش به طبع رسیده است. مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانا استاد فضل اللّه اعتمادی (برنا) سروده است:

گفت «برنا» به شمسی اش تاریخ: «جنّت ما شدی سوی جنّت»

۱۳۳۷ش

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۲.

از او است:

ز برقی خرمن افلاک گردد تلّ خاکستر ز سوز سینه عاشق اگر فریاد برخیزد

فلک را عاقبت ترسم به دل این آرزوماند که از کوی نکورویان یکی دلشاد برخیزد

به هر شاخی که بنشیند گل معنی به بار آرد غبار تربت «جنّت» اگر از باد برخیزد(۱)

احمد قطّان

احمد بن جعفر حافی صوفی قطّان، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از احمد بن عصام روایت می نماید، و ابوبکر محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث نموده است.(۲) فایده لغوی: قطّان بر وزن عطّار، به معنی پنبه فروش است.

احمد خشّاب

ابوالعبّاس احمد بن جعفر خشّاب، از محدّثین اصفهان است. او از محمّد بن عاصم روایت می کند، و سُریجانی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد فقیه

احمد بن جعفر فقیه، از محدّثین اصفهان است. مافروّخی او را در شمار دانشمندان متقدّم بر عصر خویش آورده است.(۴)

۱- دیوان جنّت اصفهانی، صص۱ ۵؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۳۵ ۲۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

۴- محاسن اصفهان، ص۲۹.

احمد یزدی

ابوبکر احمد بن جعفر یزدی از محدّثین قرن پنجم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و از احمد بن محمّد بن موسی ملحمی روایت کرده است، خطیب بغدادی مؤلّف تاریخ بغداد از او روایت می کند.(۱)

۱۰۰۴

حافظ احمد اصفهانی

احمد بن جمال الدّین حافظ اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن دهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای است از لباب الاخبار فی احادیث النّبویه تألیف محمّد بن محمود که آن را در یکم جمادی الاوّل سال ۹۱۰ق به خطّ نسخ نوشته است.

نسخه، ضمن مجموعه شماره ۲۳۹۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

شیخ احمد بیدآبادی

آقا شیخ احمد بیدآبادی فرزند حاج محمّدجواد حسین آبادی، عالم عامل فقیه زاهد. در حدود سال ۱۲۷۸ق (و یا ۱۲۷۹) در اصفهان متولّد شد، و در کودکی به تحصیل مشغول گشت، و از محضر درس علمای اصفهان بهره گرفت، و قبل از رسیدن به بلوغ، به اجتهاد نائل آمد، و از شش تن از اساتید خود، از جمله آقامیرزا محمّدباقر صاحب روضات و برادرش میرزا محمّدهاشم چهارسوقی کسب اجازه نمود. او قریب به پنجاه سال در محلّه بیدآباد اصفهان به اقامه جماعت، و هدایت و ارشاد مردم پرداخت، و در مدرسه میرزا مهدی تدریس نمود و با مواعظ شافیه خود مردم را مستفیض می نمود. حاج شیخ احمد در چند خصلت در بین معاصرین خود ممتاز بود:

اوّل: در حافظه و ذکاء، اعجوبه دهر بود، و ادعیه مطولّه را در قنوت نوافل، قرائت می نمود. دوم: در فروغ فقیهیّه، به طور کامل مسلّط بود. سوم: در اخلاص و اردات به خانوده عصمت و طهارت،اهتمام بسیار داشت. چهارم: در فتوّت و جوان مدری و فرزانگی، آیت

۱- احقاق الحق، ج۵، ص۱۸۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۹۹۹.

روزگار خود بود. این عالم جلیل القدر در چهارشنبه قبل از ظهر ۲۱ جمادی الاوّل ۱۳۵۷ق وفات یافته، در بقعه تکیه بروجردی مدفون شد. میرزا عبدالجواد خطیب در رثای او شعری سروده که مادّه تاریخ آن چنین است:

«خطیب» آه از دل بر آورد و گفت: «بمعراج قرب احد رفت احمد»(۱)

احمد مستوفی اصفهانی*

عزیزالدّین احمد بن حامد بن محمّد اصفهانی معروف به عزیزالدّین مستوفی، ادیب دانشمند، از کارگزاران دولت سلجوقی. وی از دولتمردان متنفّذ دولت سلجوقی بود، و به همراه ابوالقاسم درگزینی، علیه شمس الملک فرزند خواجه نظام الملک نزد پادشاه سعایت کرد، و موجبات قتل او را در سال ۵۱۷ق فراهم ساخت. وی ابتدا مستوفی سلطان محمود سلجوقی بوده، و سپس خزانه دار و وزیر فرزندان سلطان شد. سلطان، درگزینی را عزل [کرد]، و انوشیروان کاشانی به وزارت برداشت. درگزینی پس از مدّتی با پرداخت وجهی کلان، وزارت را از سلطان محمود خرید، و پس از رسیدن به وزارت، شاه را به برکناری و حبس عزیزالدّین وادار ساخت. عزیزالدّین ابتدا در بغداد، و سپس در قلعه تکریت محبوس شد، درگزینی سرانجام فرمان قتل او را گرفت، و مجاهدالدّین بهروز شحنه بغداد، فرمان قتل او را اجراء کرد، در سال ۵۲۷ق عزیزالدّین در قلعه تکریت کشته شد. وی طبع شعر نیز داشته، این رباعی از او است:

امروز دگرباره چنان آمده ای گویی ز بهشت جاودان آمده ای

رخشنده چو ماه آسمان آمده ای از خلد مگر در این زمان آمده ای(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۸۲-۸۳؛ خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج۱ ، صص ۱۳۵- ۱۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۳۷- ۲۳۸؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۹۲-۹۳؛ استاد زاده، صص ۲۵-۳۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۲- وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، ص۲۶۹؛ لغت نامه دهخدا ذیل «احمد»، ص۱۱۴۸؛ مجمع الفصحاء، ج۲، ص۸۶۸؛ نزهه المجالس، صص۸۴ و ۲۵۸.

احمد اصفهانی

شیخ احمد بن حسن اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن دهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب سی فصل تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی که آن را در سال ۹۱۸ در شماخی به خطّ نستعلیق نوشته است.

وی در همان سال و همان محل (یعنی سال ۹۱۸ در شماخی) شرح سی فصل را نیز نوشته است. این دو اثر به شماره های ۱/۱۰۸۲ و ۱/۱۰۸۳ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس وجود دارد.(۱)

احمد انصاری

میرزا احمد خان نصرالسّلطان فرزند حاج میرزا حسن خان جابری انصاری فرزند حاج میرزا علی، متوفّی ۱۵ شهر رجب ۱۳۸۶ق مدفون در تکیه بابارکن الدّین در تخت فولاد اصفهان.(۲)

احمد آذینی

احمد بن حسن بن آذینویه (آذینوه) اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. وی در نصیبین ساکن بوده، و از احمد بن عیسی بن زید لخمی خشاب تنیسی و اسحاق بن سیّار روایت می کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد سُسّویه

ابوالعبّاس احمد بن حسن بن ابی عبداللّه بن سُسّویه، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

۱- فهرست گوهرشاد صص۱۳۸ ۱۳۹.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۷۳ ۷۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۰؛ الانساب، ج۱، صص۷۳ ۷۴؛ اللّباب، ج۱، ص۱۹، مقتبس الاثر، ج۲، ص۲۰۶؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۱، ص۷۰؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۹۸.

وی از محمّد بن اسماعیل صائغ روایت می کند، و احمد بن عبدالرّحمان بن محمّد حفصی ذکوانی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد ماندکانی اصفهانی

ابو نصر احمد بن حسن بن احمد بن عبدالرّحمان ماندکانی اصفهانی معروف به «قاضی اللّیل» از محدّثین اصفهان بوده، و در شعبان ۴۷۵ق وفات یافته است.

ماندکان یکی از روستاهای اصفهان است.(۲)

احمد نقّاش

ابوالحسن احمد نقّاش بن حسن بن ایّوب بن هارون، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. حافظ ابونُعیم اصفهانی گوید: ثقه، صاحب اصول و کثیرالحدیث است. در روز جمعه در مسجد جامع به مدرس او حاضر شدم که در حظیره ابی بکر بن عبدالوهاب بوده؛ ولی چیزی از او استماع ننمودم. احمد نقّاش از عمران بن عبدالرّحیم، عبداللّه بن محمّد بن سلام و محمّد بن احمد بن برده روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم بن علی از وی نقل حدیث نموده است. فوتش در ذی حجّه سال ۳۴۵ق اتّفاق افتاده است.(۳)

احمد تیمی واذاری

ابومسعود احمد بن حسن تیمی واذاری بن جهم بن حبله بن مصقله از محدّثین اصفهان در اوایل قرن چهارم هجری است. در کوفه حدیث می گفته است. از پدرش و اُسید بن عاصم روایت می کند.(۴)[پدرش از اهالی قریه واذار در حومه شهر اصفهان بوده است].

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲- معجم البلدان.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۵؛ الانساب، ج ۵، ص ۵۵۹.

احمد ابهری

ابوشکر احمد بن حسن بن فادار ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. اصلاً از «ابهر» جی اصفهان بوده، و از احمد بن محمّد بن مرزبان ابهری حدیث نقل کرده، و در شعبان ۴۵۵ق وفات یافته است.(۱)

احمد قاری

ابوالعبّاس احمد بن حسن بن محمّد بن حسن قاری، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. ابوالمعالی هبه اللّه بن علیّ بن ابراهیم شیرازی در اصفهان از وی حدیث شنیده است.(۲)

احمد دارکی

ابوبکر احمد بن حسن بن محمّد بن حسن بن زیاد دارکی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابوحاتم و محدّثان عراق و ری روایت می کند، و محمّد بن احمد بن محمّد بن جشنس از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد هیسانی

ابوبکر احمد بن ابوعلی حسن بن محمّد بن همزه هیسانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی از اُسید بن عاصم، احمد بن مهدی و عبداللّه بن محمّد بن سنان روایت می کند، و ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه، حسن بن اسحاق بن ابراهیم و علیّ بن محمود از وی نقل حدیث می کنند.(۴)

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۸۴.

۲- التّحبیر، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۶.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۴.

سیّداحمدبهشتی

حاج سیّداحمد بهشتی فرزند سیّدحسن، علام فاضل پارسا، مرد وارسته و زاهدی بود. گاهی منبر می رفت، و مردم را موعظه می فرمود. نماز جماعت را در مسجد سر جوی شاه اقامه می نمود. در ۲۹ جمادی الاوّل ۱۳۶۲ق وفات یافت، و در تخت فولاد، نزدیک مصلّی مدفون شد پس از آن، تکیه ای ساخته شد که به تکیه زرگرها معروف شد.

ملّااحمد بیان الواعظین

حاج ملّااحمد بیان الواعظین فرزند حاج ملّاحسن ادهم واعظ اصفهانی بن آقا محمّدجواد بن آقا محمّدهادی بن احمد بن ملّاادهم بن آقا محمّدرضی قزوینی، عالم فاضل، واعظ کامل، در سوم صفر ۱۳۱۴ق در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد گردیده(۱)، و نزد علمای این شهر، همچون حاج ابوالقاسم زفره ای معروف به «حاج آخوند»، شیخ محمّدتقی آقانجفی و آقا شیخ احمد حسین آبادی به تحصیل پرداخته است. سپس او به مطالعه و تحقیق و تألیف کتاب روی آورد، و جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، و با مواعظ خود شنوندگان را مستفیض می نمود. الحق، واعظی شیرین بیان و طلیق اللّسان بود. وی سرانجام در شب یک شنبه ۲۱ ربیع الاوّل ۱۳۷۱ق وفات یافت، و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۲) کتب زیر از تألیفات او است: ۱. اصل الکلام، در کلام ۲. جوهر مقصود در اثبات رجعت موعود ۳. خلد برین، در احوال خطباء و واعظین، در ده مجلّد که جلد اوّل آن به طبع رسیده است ۴. دیوان اشعار ۵. ران ملخ، دو جلد، در تاریخ احوال خمسه طیّبه علیهم السلام ۶. ضیاء النّحو، در امّهات مسائل نحویّه (تقریرات درس مرحوم زفره ای) ۷. النّوادر و المتفرقات و غیره.(۳)

۱- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج۱، ص ۲۳۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۴۱ ۲۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۳- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۶۹؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۴۶۰ ۴۶۱؛ الذّریعه، ج۱۰، ص۱۹۴.

میرزا احمد ملّاباشی

حاج میرزا احمد ملّاباشی بن میرزا محمّدحسن منجّم باشی بن میرزا محمّدعلیّ بن حاج میرزا عبداللّه حسینی تفرشی اصفهانی، عالم فاضل ادیب فقیه و منجّم، در اصفهان، مصدر امور شرعیّه و عرفیّه بوده، و در نزد جمعی از بزرگان از فحول علماء، همچون آقامیرزا ابوالمعالی کلباسی و پدرش میرزا محمّدحسن تلمّذ نموده، و به افتخار مصاهرت میرزا ابوالمعالی نائل آمده [است]. وی سرانجام در روز پنج شنبه ۱۱ ربیع الثّانی ۱۳۳۱ق در اصفهان وفات یافت، و در داخل بقعه مرحوم آقامیرزا ابوالمعالی در تخت فولاد مدفون گردید، سپس به اعتاب مقدّسه حمل گردید. از آثار او دفتر تقویم است. هم چنین ساختمان بقعه تکیه آقامیرزا ابوالمعالی در تخت فولاد نیز به همّت ایشان صورت گرفته است.(۱)

میرزا احمد محیی

میرزا احمد خان محیی فرزند میرزا حسن جرّاح، طبیب ماهر. وی در دارالفنون تحصیل کرد، و سال ها در بیمارستان انگلیسی ها مشغول خدمت بود، سپس خود در محلّه نو چهارسوق شیرازی ها بیمارستان تأسیس نمود که به بیمارستان احمدیّه شهرت یافت. وی طبیبی حاذق و خلیق بود. طبّ قدیم را نیز نزد پدر آموخته بود، و به گرمی و ملاطفت و مهربانی از بیماران دلجویی می کرد. او بیش از چهل سال در اصفهان به طبابت مشغول بود، و سرانجام در ماه صفر سال ۱۳۷۱ق وفات یافت، و در اتاق تکیه سادات میرمحمّدصادقیها در تخت فولاد مدفون گردید. اتاق مزبور و تکیه و حیاط تکیه اختصاصی مرحوم دکتر محیی را در سال های اخیر خراب کردند، و جزو تکیه شهداء نمودند.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۱۸ ۲۱۹؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۱۷۴ ۱۷۵؛ چهل سال تاریخ ایران یا الماثر و الآثار، ج۱، ص۲۸۴؛ خاندان کلباسی، ص۱۶۳؛ الذّریعه، ج۸، ص۲۱۶.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۴ و اطّلاعات شخصی نویسنده.

احمد ضیاءالملک

خواجه ضیاءالملک ابونصر احمد بن خواجه نظام الملک حسن طوسی اصفهانی، از سیاستمداران و کارگزاران عصر سلجوقی است. در بلخ متولّد شد، در اصفهان تربیت یافت، و در همدان سکنی گزید.

پس از سعدالملک آبی به وزارت سلطان محمّد سلجوقی رسید. مردی سلیم القلب، نیک نفس، صادق اللّهجه و پسندیده سیرت بود؛ امّا در حلّ و عقد امور و سیاست جمهور، استقلال و قدرت و قوّت نفس نداشت. ازجمله القاب او قوام الدّین صدرالاسلام نظام الملک بود. مدّت چهار سال وزارت کرد، و پس از او خطیرالملک میبدی وزارت یافت.(۱)

احمد اسدی

ابوالعلاء احمد بن حسین اسدی بغدادی، ادیب شاعر. وی به اصفهان آمده، و در این شهر ساکن شده، و در این شهر وفات یافته است.(۲)

احمد اصفهانی

احمد بن حسین اصفهانی، از محدّثین شیعه در قرن یازدهم هجری است. وی در ۱۸ ربیع الاوّل ۱۰۴۰ق از حسین بن حیدر بن قمر کرکی عاملی اجازه روایت دریافت داشته است. این اجازه، بر روی برگی از کتاب من لا یحضره الفقیه که در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام نجف محفوظ است، نوشته شده است.(۳)

۱۰۲۵

احمد

ابوعمر احمد بن حسین بن احمد بن ابراهیم از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری

۱- راحه الصّدور، ص۱۸؛ نسائم الاسحار، ص۵۳؛ دایره المعارف دانش بشر، ص ۵۸۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۷.

۳- الرّوضه النّضره، صص۱۵ ۱۶؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص ۶۰.

است. وی برادر قاضی ابی احمد محمّد عسال است، و از عبدان روایت می نماید.(۱)

احمد کرّانی

ابوحامد احمد بن حسین بن علی سمسار، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی ساکن محلّه ماجشون در کرّان اصفهان، و در صنف فرش فروشان (انماط) بوده است. وی از احمد بن محمّد بن سکن بغدادی روایت می کند، و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

فایده لغوی: «انماط» جمع نمط به معنی فرش و بساط، و انماطی به معنی فرش فروش است.

شیخ احمد حججی نجف آبادی*

حاج شیخ احمد حججی فرزند ملاّ- حسین بن ملاّمحمّد نجف آبادی عالم فاضل فقیه مجتهد، از علمای عالی قدر قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۳۰۳ق در نجف آباد متولّد شد، و پس از طی نمودن تحصیلات مقدّماتی به نجف اشرف عزیمت نموده، و از درس علمای اعلام و آیات عظام، آخوند خراسانی و آقاسیّدمحمّدکاظم یزدی و دیگران بهره گرفت. در سال ۱۳۳۰ق به دنبال واقعه فوت پدر، به نجف آباد بازگشت، و سرپرستی خانواده را برعهده گرفت، و به ارشاد مردم و ترویج دین پرداخت. هم چنین در اصفهان از درس آخوند فشارکی و میرزا محمّدصادق مدرّس خاتون آبادی استفاده نمود. ایشان به پرورش طلاّب و تشویق جوانان به پوشیدن لباس روحانیّت، اهتمام فراوان داشت. بسیاری از فضلای نجف آباد، شاگرد و دست پرورده او هستند. وی با قناعت و ساده زیستی روزگار را سپری می ساخت. ایشان سرانجام در ۱۵ صفر ۱۳۶۵ق در سنّ ۶۳ سالگی در نجف آباد بر اثر بیماری دیابت وفات یافت، و در قبرستان شش جوبه نجف آباد مدفون گردید. از آثار ماندگار ایشان، تصحیح قبله نجف آباد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۳.

و ساختن مسجد معروف به مسجد شیخ احمد در چهارراه بازار نجف آباد را می توان نام برد.(۱)

احمد خُرجانی

ابوبکر احمد بن ابوعلی حسین بن محمود بزّاز خُرجانی واعظ، از محدّثین اصفهان است. وی از برادرزاده ابی زرعه و ابی الاسود و دیگران روایت می کند.(۲)

[خُرجان یکی از روستاهای قدیمی حومه اصفهان بوده است].

احمد دلیجانی

ابوالعبّاس احمد بن حسین بن مطهّر دلیجانی مشهور به خطیب از محدّثین اصفهان است. دخترانش امّ ولید و لامعه و ضوء الصّباح از او حدیث شنیده، و روایت کرده اند.

دلیجان (که اکنون آن را دلیگان و دیلیگون می خوانند)، از دهات بلوک برخوار اصفهان است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن حسین بن مهران اصفهانی، از محدّثین و دانشمندان قرائت و تجوید در قرن چهارم هجری است.

وی در سال ۲۹۵ق متولّد شده، و سال ها در نیشابور ساکن بوده است. وفات او در سال ۳۸۱ق اتّفاق افتاده است. کتب زیر از او است: ۱. آیات القرآن ۲. الغایه ۳. غرائب القرآن ۴. وقوف القرآن ۵. الشّامل فی القرائات(۴).

۱- گنجینه دانشمندان، ج۷، صص ۲۹۷ ۲۹۹؛ دیباچه دیار نون، صص ۱۶۶ ۱۶۷؛ سیمای دانشوران، صص ۷۳ ۷۶، آیینه اهل قلم، صص ۴۰ ۴۱؛ حکایت پارسایی، اغلب صفحات.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۶۸.

۳- معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۶۱.

۴- مرآه الجنان، ج ۲، صص ۴۱۰ و ۳۰۸؛ النّشر فی قرائات العشر، ص۸۹؛ الاعلام، ج ۱، ص ۱۱۲؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۷.

احمد حلّی

جمال الدّین احمد بن حسین حلّی، از علماء و فضلاء قرن دوازدهم هجری، و از شاگردان فاضل هندی در اصفهان بوده است. مشارٌالیه در ماه رمضان ۱۱۲۴ق نسخه ای از کتاب کافی را کتابت کرده، و حواشی فاضل هندی را در قسمت اوّل کتاب، نقل نموده، و مرحوم فاضل هندی در روی برگ اوّل کتاب، اجازه ای جهت کاتب نسخه نوشته است. این نسخه به شماره ۹۸۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ احمد خوانساری

شیخ احمد بن شیخ محمّدحسین خوانساری، عالم فاضل، واعظ کامل از علمای عالی قدر اهل منبر اصفهان. در تاریخ اسلام و اخبار روایات، مهارت بسزایی داشته، و با ارشادات و مواعظ شافیه خود، مردم را راهنمایی می فرموده است. در خوانسار متولّد شده، و در اصفهان تحصیل نموده بود.

در روز ۱۹ جمادی الاوّل سال ۱۳۴۵ق در خوانسار وفات یافت. کتاب لسان الصّدق از تألیفات او به چاپ رسیده است.(۲)

۱۰۳۳

میرزا احمد عمادالواعظین

حاج میرزا احمد عمادالواعظین کربکندی فرزند مرحوم ملّاحسین عمادالواعظین. فاضل ادیب محترم از افاضل اهل منبر اصفهان در حدود سال ۱۳۰۰ در اصفهان متولّد گردیده، و در خدمت جمعی از بزرگان همچون آخوند ملّامحمّدحسین کرمانی، مولی عبدالکریم گزی، سیّدمحمّد مغنی، حاج آقا منیرالدّین بروجردی و جمعی دیگر تلمّذ نموده، در خدمت پدر دانشمند خود حدیث و تفسیر آموخته، و رموز وعظ و خطابه و منبر فراگرفته، و

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۱۷۵؛ روضات الجنّات، ج۷، ص۱۱۳؛ احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، صص۲۲ ۲۳.

۲- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، صص۱۴۶ ۱۴۷؛ الذّریعه، ج۱۸، ص۳۰۶؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۳.

عمر عزیز خود را به ارشاد و هدایت و ذکر مناقب و مصائب خانـدان عصـمت و طهارت گذرانیـده [است]. سـرانجام در صـبح روز جمعه، سوم جمادی الثّانیه سال ۱۳۸۴ پس از فرود آمدن از منبر موعظه، در مجلس عزاداری جهت حضرت صدّیقه طاهره سلام اللّه علیها به مرض سـکته وفات یافت، و در تخت فولاد، در تکیه مرحوم آباده ای در جنب پدر مدفون گردید. نویسنده، سال ها از نزدیک ایشان را می شناختم، واعظی نیک نهاد و فاضلی خوش اعتقاد بود.(۱)

سیّداحمد مرندی

حاج سیّداحمد بن میر سیّدحسین مرندی اصفهانی، از علماء و فضلای قرن سیزدهم هجری. در حدود سال ۱۲۲۵ق در شهر مرند متولّد گردیده، و مقدّمات علوم را در آن جا فراگرفت. سپس جهت تکمیل تحصیلات خویش به اصفهان مهاجرت نمود، و در خدمت حاجی کلباسی و سیّد حجت الاسلام و جمعی دیگر از علماء، سال ها تلمّذ نمود تا عالمی جامع و فقیهی بارع گردید.

سرانجام در شوّال سال ۱۲۹۸ در اصفهان وفات یافت، و در تکیه حاجی آباده ای مدفون گردید. این سه سطر شعر، بر روی سنگ قبر او منقور است:

حاج سیّداحمد از شهر مرند آمد و در اصفهان مأوا گرفت

دانش این آیت اللّهِ بزرگ در میان عالمان والا گرفت

در هزار و دو صد و نود و هشت در جوار رحمت حق جا گرفت(۲)

سیّداحمد میردامادی

حاج سیّداحمد میردامادی (فرزند سیّدمحمّدحسین مقدّس)، از اکابر علمای عصر، و از شاگردان مرحوم آقامیرزامحمّدهاشم چهارسوقی و حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی مسجدشاهی اصفهانی و داری اجازه از هر دو نفر بوده، و در سال ۱۳۰۵ق وفات نموده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۴۹.

۲- بیان المفاخر، ج۱، صص۲۵۸ ۲۵۹.

۳- لطائف غیبیّه، مقدّمه، صص سی و یک سی و دو.

احمد گرجی

احمد بن حسین علی گرجی فریدنی آخره علیا، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. وی نسخه ای از کتاب عین الحیاه علاّمه مجلسی را کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

آخره از دهات فریدن اصفهان است.

احمد ابهری

ابوطاهر احمد بن حمد بن ابی بکر ابهری مقری، از محدّثین و قاریان قرآن مجید است. اصلاً از اهالی قصبه «ابهر» جی اصفهان بوده است، و از ابوبکر لفتوانی حدیث نقل می کند.(۲)

احمد حبّال

ابوالعبّاس احمد بن حمدان بن محمّد بن عبدك حبّال اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از محمّد بن احمد بن تمیم [شمیکانی [روایت حدیث می کند.(۳)

احمد مدینی

ابوالعبّاس احمد بن خشنام بن عبدالواحد مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از بکر بن بکار و حسین بن حفص روایت نموده است. علیّ بن صبّاح از او نقل حدیث می کند.(۴)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۳۲.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۲.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۸.

دکتر میرزا احمد احتشام زوّاره ای

دکتر میرزا احمد احتشام الحکماء فرزند میرزا محمّدخلیل بن میرزا احمد طباطبایی زوّاره ای. از اطبّاء حاذق بوده، و در اصفهان سکنی داشته است. او در دوره های پنجم، هشتم، نهم و دهم به نمایندگی مردم اصفهان در مجلس شورای ملّی برگزیده شد.(۱)

احمد ثقفی مدینی

احمد بن راشد بن معدان بن عبدالرّحیم بن راشد ثقفی مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از حیّان بن بشر و پدرش راشد بن معدان روایت می کند، و فرزندش محمّد بن احمد از او نقل حدیث می کند.(۲)

احمد فریدنی

احمد بن رجبعلی فریدنی اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای است از اختیارات و تعبیر خواب تألیف ابراهیم بن عبداللّه کرمانی که آن را در جمعه ۱۷ شعبان ۱۲۵۸ق و نسخه اسماء الحسنی را به سال ۱۲۰۸ (ظاهراً ۱۲۵۸ق) به خطّ نسخ زیبا نوشته است. این دو نسخه، ضمن مجموعه شماره ۴۰۴۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳)

احمد اصفهانی

احمد بن رحیم اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن ۱۳ هجری است. از آثارش مجموعه ای است شامل سه کتاب به شرح زیر: ۱. الوازین الدّویه، از عبدالوهاب شعرانی ۲. رساله در وحدت وجود، از محی الدّین عربی ۳. التّدبیرات الالهیّه، از محی الدّین عربی. مجموعه به شماره ۳۷۶۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است، و کاتب، آن

۱- آتشکده اردستان، ج۲، ص۲۰۲ و ج۳، ص ۶۱۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۲.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۴۵.

را در سال ۱۲۱۴ق به خطّ نسخ کتابت نموده است.(۱)

میرزا احمد خوانساری

حاج میرزا احمـد خوانساری معروف به «میرزا منظور» فرزند ملاّمحمّدرضا، عالم فاضل و واعظ کثیرالتّألیف. وی در حدود سال ۱۳۲۳ق وفات یافت، و در تکیه مادر شاه زاده مدفون گردید، کتب زیادی در احادیث و اخبار و مصائب تألیف نموده، و برخی از آن ها را به طبع رسانـده است که از آن جمله است: ۱. بشری للزّائرین ۲. تبصره النّاظرین ۳. تذکره المتّقین ۴. تبصره الرّایین، مجموعه قصایـد و غزلیّات ۵. خلاـصه المقاصـد فی تاریـخ الاماجـد ۶. ذکری للـذّاکرین ۷. زبـده النّوائب المصـائب ۸. زبده المصائب، مطبوع ۹. عمده المصائب، مطبوع ۱۰. عنوان الرّزیه فی بیان القضیّه من ذریّه النّبویّه ۱۱. فلاح الامامه فی تاریخ ثامن الائمّه ۱۲. فصلین یـا بهار و خزان ۱۳. کتـابی در اسامی اولاد حضـرت زهرا سـلام اللّه علیها ۱۴. کتـابی در مواعظ ۱۵. مصباح الامّه فی تاریـخ امّ الائمّه ۱۶. مخزن الاسـرار و مجمع الاشعار ۱۷. منظور الائـمّه در ترجمه مجلّـد دهم بحارالانوار در چهار جلد (که عبـارت از شـماره های ۱۱، ۱۳، ۱۵ و ۱۸ می باشـد) ۱۸. مفتاح الغمّه در تاریـخ الائمّه ۱۹. یومیّه که وقـایع الایّام است، و غیره. این شعر از او است:

منکر حسن خدا تو گویی کور است زان که از پرتو روی تو جهان پرنور است

چشم خفّاش گرت فاش نبیند چه کند؟ که وی از ظلمت چشم و دل خود مستور است

هستی دوست، خودش شاهد بر هستی اوست مهر و امهر دلیل و مثلی مشهور است(۲)

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، جزء چهارم، ص ۱۷۵۱.

۲- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، صـص ۷۷ ۷۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۴۲ ۲۴۳؛ سـیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۹۳؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۱۷۷ ۱۷۵؛ دانشمندان خوانسار، صص ۲۳۳ ۲۳۱.

احمد صدیق السّلطان

احمد (زمان خان) فرزند حاج میرزا رضا صدیق السّلطان تهرانی، خزانه دار ناصرالدّین شاه و مظفّرالدّین شاه.

وی در ۱۵ رجب ۱۳۲۸ق در اصـفهان متولّـد شده، و در این شـهر تحصـیل کرده است. از فقرای سلسـله نعمت اللّهی گنابادی است، گاهی شعر می سراید.(۱)

احمد صدیق السّلطان

احمد (زمان خان) فرزند حاج میرزا رضا صدیق السّلطان تهرانی، خزانه دار ناصر الدّین شاه و مظفّر الدّین شاه.

وی در ۱۵ رجب ۱۳۲۸ق در اصـقهان متولّـد شده، و در این شـهر تحصـیل کرده است. از فقرای سلسـله نعمت اللهی گنابادی است، گاهی شعر می سراید.(۲)

احمد هنرمند*

استاد احمد هنرمند فرزند محمّدرضا، از موسیقی دانان اصفهان در عصر حاضر است.

در سال ۱۳۱۳ش در اصـفهان متولّد شد. او زیر نظر استاد جلال تاج، استاد حسین یاوری و دیگران پرورش یافت. ایشان با اکثر گوشه ها و ردیف های آوازی به خوبی آشـنا است، و علاوه بر نوازنـدگی نی، به آواز نیز علاقه منـد است. در حال حاضـر، با گروه ارکستر هنرسـتان موسـیقی اصـفهان همکـاری دارد. علاـوه بر موسـیقی، در رشـته های ورزشـی ماننـد فوتبال، هنـدبال و بسکتبال فعّالیت داشته، و مدّتی نیز مربّی بوده است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوعبداللّه احمد بن رطبه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و از محمّد بن عمرو بن واقدی روایت می کند.(۴)

احمد مدینی

احمد بن زبیر بن هارون مدینی، از محدّثین اصـفهان، و از اهالی مدینه (شهرسـتان) اصفهان در قرن سوم هجری است، از همام بن محمّد بن نعمان روایت می کند، و محمّد بن عبدالرّحمان بن مَخلد از وی نقل حدیث می نماید.(۵)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ج۲۵.

۳- چهره افروختگان خطّه زنده رود، ص۱۴۸.

۴- احقاق الحق، ج۸، بخش ۱، ص۴۵۱؛ مناقب خوارزمی، ص۱۲۳.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۸.

احمد زیرک زاده

مهندس احمد زیرک زاده فرزند حاج میرزا زیرک دهکردی اصفهانی، از سیاستمداران معاصر در سال ۱۲۸۶ش متولّد شد، و در اصفهان و تهران به تحصیل پرداخت. او جزء اوّلین دوره دانشجویان ایرانی اعزام شده به اروپا بود. او پس از فارغ التّحصیلی از یکی از دانشگاه های فرانسه به ایران آمد، و پس از تأسیس دانشگاه تهران، به تدریس در آن جا پرداخت. در جریان مبارزات ملّی شدن صنعت نفت، شرکت فعّال داشت، و از طرفداران دکتر مصدّق به شمار می رفت. او ازجمله مؤسّسین حزب ایران بود.

سیّداحمد علوی عاملی

نظام الدّین احمد بن سیّدزین العابدین میرعبدالله بن میرمحمّد بن میرصالح علوی عاملی. عالم فاضل، فقیه متکلّم، حکیم و فیلسوف محقّق. در اواخر قرن دهم هجری متولّد شده، و در اصفهان نزد میرداماد و شیخ بهایی به تحصیل پرداخته، و مفتخر به دریافت اجازه از آنان گردیده است. وی دختر میرداماد را به همسری اختیار کرده، و در شرح و تبیین افکار فلسفی استاد کوشیده تا جایی که در بین مردم و فضلای آن عصر که میانه ای با فلسفه نداشته اند، منزوی بوده است. سال دقیق وفات او معلوم نیست؛ ولی در بین سال های ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۰ق وفات او اتّفاق افتاده است. جای دفن او را در تخت فولاد، تکیه آقا سیّدرضی الدّین شیرازی دانسته اند.

وی بیش از پنجاه جلد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است: ۱. اظهارالحق و معیارالصّدق، به فارسی، در بیان احوال ابومسلم خراسانی ۲. رساله الاغالیظ ۳. رساله در بیان اقوال درباره دابّه الارض که از آیات است ۴. بیان الحق و تبیان الصّدق ۵. تعلیقات جواهر و اعراض تجرید ۶. ثقوب الشّهاب ۷. حاشیه من لایحضره الفقیه ۸. جواب سؤالات خواجه نصیرالدّین طوسی ۹. حظیره القدس، مختصر کتاب ریاض القدس ۱۰. حواشی بر کافی ۱۱. روضه المتّقین، حاشیه بر مقصد ۵ و ۶ تجریدالعقاید خواجه طوسی در بحث امامت و معاد ۱۲. ریاض القدس (= تعلیقه القدسیّه = مصابیح القدس و قنادیل الانس)،

شرح حاشیه بر تجرید قوشچی و حاشیه محقّق خفری ۱۳. رساله در ردّ ملّامحمّدامین استرآبادی در باب طهارت خمر، به فارسی ۱۴. سیاده الاشراف ۱۵. شرح اثنی عشریّه شیخ بهایی ۱۶. شرح اشعار اوّل کتاب جذوات میرداماد ۱۷. شرح قبسات، چاپ شده است ۱۸. صواعق الرّحمان در ردّ مذهب یهودان، به فارسی ۱۹. کحل الابصار، در شرح اشارات ابن سینا ۲۰. کشف الحقایق، در شرح تقویم الایمان میرداماد، چاپ شده ۲۱. کلام و فلسفه ۲۲. لطائف غیبیّه، به فارسی، چاپ شده ۲۳. لوامع ربّانی (= اللّوامع الالهیّه) در ردّ شبهات نصرانی، چاپ شده ۲۴. مصقل صفا در ردّ شبهات نصرانی، چاپ شده ۲۵. مصائب النّواصب ۲۶. معارف الالهیّه، در شرح حدیث مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّه ۲۷. معراج العارفین، در شرح منهاج السّالکین ۲۸. مفتاح الشّفا و العروه الوثقی، حاشیه بر الهیّات شفا ۲۹. مناهج الاخبار، در شرح استبصار، چاپ شده ۳۰. المنهاج الصّفوی در باب فضائل سادات ۳۱. رساله در بیان نسب معاویه ۳۲. النّفحات اللاهوتیّه فی العثرات البهاییّه ۳۳. رساله در نماز زیارت(۱).

[صاحب عنوان، جدّ خاندان میردامادی اصفهان، سِدِه، تهران، نجف آباد و مشهد مقدّس است].

احمد کاتب

ابوالحسن (ابوالحسین) احمد بن سعد کاتب اصفهانی، از ادبای قرن چهارم هجری است. از طرف خلیفه قاهر، مأمور ضبط خراج اصفهان بود. در سال ۳۲۴ معزول گردید، و در سال ۳۵۰ق وفات یافت. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. الاختیار من الرّسائل ۲. العلی و

۱- فهرست کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص۱۷۷ ۱۶۹؛ لطائف غیبیّه، مقدّمه، صص شش هفده؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۴؛ حکیم استرآباد میرداماد، صص۵۴ و ۱۱۵؛ تتمیم امل الآمل، صص۶۲ ۶۳؛ یادنامه بحرالعلوم میردامادی، صص۲۸ ۲۹؛ ریاض العلماء، ج۱، ص۳۲؛ جلوه قرآن در خاک تابان، صص۸ ۶؛ امل الآمل، ج۱، ص۳۳؛ الذّریعه، ج۳، ص۱۷۹ و ج۷، صص۲۶ و ۹۶ و ج۱، صص۱۵۹ ۱۶۰ و ج۱۱، صص۹۱ و ۲۱، صص۱۳۰ و ۳۳۳ و ج۲۲، ص۲۴۳، ج۱۸، صص۲۹ و ۳۶۶؛ ادبیّات فارسی بر مبنای استوری، ج۱، صص۱۸۰ ۱۸۱؛ مکارم الآثار، ج۴، صص۱۱۹۴ ۱۱۹۵؛ فواید الرّضویه، ص۱۷؛ خمینی شهر، صص۲۴۱ ۲۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۴۳ ۲۴۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۸.

الثیاب ۳. فقر البلغاء ۴. کتاب المنطق ۵. کتاب الهجاء(۱).

احمد اصفهانی

احمد بن سعید اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و از ابراهیم بن زید روایت می کند.(۲)

احمد سنبلانی

احمد بن سعید (بن جریر) بن یزید اصفهانی سنبلانی از محدّثین اصفهان در اواخر قرن دوم هجری است. وی از جریر بن عبدالحمید، عبدالرّحمان بن معراء دوسی، ابن حمزه، انس بن عبّاس، ابی البحتری، وهب بن وهب، عبداللّه بن مبارک و عیسی بن خالد و عموی خود ابراهیم بن جریر روایت می کند. محمّد بن احمد بن یزید و عبداللّه بن محمّد بن زکریّا از او نقل حدیث می کنند.(۳)

احمد صفّار

ابوسعید احمد بن سعید بن عروه صفّار، از ثقات محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از اسحاق بن موسی خطمی انصاری، احمد بن عبده و عبدالواحد بن غیاث روایت نموده [است]. سلیمان بن احمد، عبداللّه بن محمّد بن جعفر و عبدالرّحمان بن محمّد بن احمد از او نقل حدیث می کنند. وی در سال ۳۹۵ق وفات یافته است.(۴)

احمد عبدی

احمد بن سفیان بن معاویه عبدی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از

۱- معجم الادباء، ج ۱، ص ۱۲۹؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۳؛ لغت نامه دهخدا، شماره ۵۸، ص ۲۷۲۳ و ج ۱، ص ۴۲۱.

۲- میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، صص ۷۸ و ۱۷۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۱.

ابوالحسن هارون بن سلیمان خزّاز و احمد بن یونس روایت نموده است.(۱)

میرزا احمد کفرانی

میرزا احمد بن سلطان محمّد کفرانی رویدشتی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان. از آثار او کتابت نسخه ای از تفسیری است که جهت میرزا رفیع الدّین نامی کتابت نموده است؛ امّا نام مفسّر و نام کتاب، معلوم نیست. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

احمد حکیم باشی

میرزا احمد حکیم باشی فرزند حکیم سلمان موسوی جهرمی اصفهانی از اطبّاء و حکماء ماهر قرن یازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته، و پس از فوت پدر، لقب «حکیم باشی» را از طرف پادشاه صفویّه دریافت نموده است.(۳)

احمد

احمد بن سلمه، از محدّثین اصفهان است، و حافظ ابونُعیم اصفهانی او را «شیخ صالح» دانسته است. از صالح بن مهران روایت می کند. جعفر بن احمد بن فارس از وی نقل حدیث می نماید.(۴)

احمد عقیلی فابزانی

ابوجعفر احمد بن سلیمان بن یوسف بن صالح بن زیاد بن عبداللّه عقیلی فابزانی، از محدّثین اصفهان است. از اهالی قریه «فابزان» اصفهان بوده که امروزه به آن «خوابجون» می گویند، و محلّه ای در اصفهان است. در سال ۳۰۱ق وفات یافته است.

از پدرش سلیمان بن یوسف روایت می کند، و احمد بن یعقوب اصفهانی از او حدیث

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۰۵.

۳- دیوان طبیب اصفهانی، ص۲۲۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۶.

نقل نموده است.(۱)

احمد نهرآبادی

شیخ ابوسعد احمد بن سهل بن ابراهیم نهرآبادی اصفهانی، از دانشمندان قرن هفتم هجری است.

در شدّالآزار گوید: وی عالمی متّقی و فقیهی جامع بود، در اواخر عمر به شیراز مسافرت نمود، و در آن جا در شعبان سال ۶۴۱ق وفات یافت، و در حظیره شیخ علی کوبانی مدفون گردید.(۲)

احمد بُرجی اصفهانی

احمد بن سهل بن محمّد بن عبدالعزیزبن سهل برجی اصفهانی از محدّثان اصفهان و از اهالی قریه «برج» است. از ابی منصور عبدالرّحمان بن عبدالعزیز بن عبداللّه صحّاف اخذ حدیث کرد، و از او روایت می کند.(۳)

احمد بن سیاه

احمد بن سیاه دشتی اصفهانی، از مردان نیکوکار اصفهان در قرن سوم هجری است. در محلّه دردشت زندگی می کرد، و از نوادگان او ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد بن دشتی، از محدّثین است. در اصفهان باغی را آباد کرده که تا سال ها به نام باغ احمدسیاه معروف بوده بوده است. در مجمل فصیحی از احمد بن سیاه عامل خراج اصفهان یاد شده که در سال ۳۰۴ق به دست غلامی کشته شده، و ظاهراً همین صاحب عنوان است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۳؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۲۴.

۲- تذکره هزار مزار، ص۵۲۰.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۹؛ معجم البلدان، ج۱، ص۵۰۲.

احمد اصفهانی

ابوجعفر احمد بن شاهین بن سَیِبُخت، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری و کثیرالحدیث بوده، و در سال ۲۸۶ق فوت شده است.

وی از سلمه، لوین، ابومسعود و ابان بن خصیب روایت می کند، و احمد بن اسحاق از او نقل حدیث می نماید.(۱)

ملّااحمد اصفهانی

ملّااحمد بن محمّدشفیع اصفهانی، عالم فاضل، مؤلّف رساله در انکار و عنف پس از اعتراف به فارسی. نسخه ضمن مجموعه شماره ۲۴۵ در کتابخانه آیت للّه گلپایگانی در قم موجود است. رساله نام برده به خطّ علّامه ادیب فقیه، حاج شیخ عبدالحسین محلّاتی اصفهانی (۱۲۷۰ ۱۳۲۳) می باشد. در کتابخانه ملّی تبریز، جُنگی خطّی به شماره ۳۵۵۹ موجود است که آن را مرحوم حاج آقا نخجوانی به کتابخانه اهداء نموده [است]، جنگ مزبور به عربی و فارسی، مشتمل بر رسالاتی در علم کلام و احادیث می باشد، بدون تاریخ و مؤلّف آن، مولی احمد بن محمّدشفیع اصفهانی کرمانی معرّفی شده است. ممکن است که صاحب عنوان، مؤلّف جنگ نام برده باشد. والعلم عند اللّه.(۲)

میرزا احمد اصفهانی

میرزا احمد بن محمّدشفیع اصفهانی، ساکن محلّات، عالم فاضل، مؤلّف احسن الودیعه در ضمن تألیفات سیّدحیدر کاظمی گوید: التّحفه القدسیّه در جواب سؤالات میرزا احمد بن محمّد شفیع اصفهانی ساکن محلّات، کتاب در سال ۱۲۶۲ق تألیف شده است.(۳)

[ظاهراً صاحب عنوان، مؤلّف رساله در انکار و عنف پس از اعتراف است که شرح حال او ذکر شد].

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۹۹.
۲- فهرست گلپایگانی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ فهرست ملّی تبریز، ج ۱، ص ۳۸۴.
۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۴۷.

ملّااحمد بروجنی

آخوند ملّااحمد بن محمّد شفیع بروجنی اصفهانی، عالم فاضل از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر نجفی و از معتمدین ایشان بوده، و برحسب خواهش مردم حبیب آباد بُرخوار اصفهان، و دستور استاد، بدان جا مهاجرت نموده، و به امر ارشاد و هدایت و اقامه جماعت و منبر روزگار می گذرانیده. سرانجام، روز سه شنبه ۹ شوّال سال ۱۳۲۱ق در بروجن مولد خود وفات یافت، و همان جا مدفون شد.(۱)

احمد مدینی

احمد بن شَهدَل مدینی، از محدّثین مدینه (شهرستان) اصفهان است. وی از ابی داوود روایت نموده است.(۲)

احمد حنظلی خوراسکانی

ابوجعفر احمد بن شهدل بن مفضّل حنظلی خوراسکانی، از محدّثین اصفهان، و از اهالی قریه «خوراسکان» بوده، کتاب الصّلاهِ هُشیم را از حَیّان بن بشر روایت کرده است؛ هم چنین او از ابوایّوب شاذکونی حدیث نقل می کند. ابومحمّد بن حیّان از او روایت می کند.(۳)

فایده: در خوراسکان [واقع در ناحیه جی، در حومه شرق اصفهان] در زمان حاضر کوچه ای به نام «شادلی» معروف است، احتمالاً کلمه شادلی تصحیف شهدلی باشد، و موضوع، قابل تحقیق و بررسی است.

احمد

احمد بن شیبان بن زید بن ابی زیاد، از محدّثین اصفهان است. وی از ابی سفیان مهران

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۱۸ ۱۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶.

بن ابی عمر روایت می کند، و احمد بن حسین از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد مازندرانی

احمد بن محمّدصالح مازندرانی، در قرن یازدهم هجری می زیسته است.

در پشت برگ اوّلِ نسخه شماره ۳۳۵۳ کتابخانه مجلس شورا (ترجمه شرح اربعین ابن خاتون عاملی) یادداشت تملّك ملاّمحمّدصالح مازندرانی و احمد بن ملاّصالح مشهود است. وی فرزند ملاّمحمّدصالح، و احتمالاً از مادری غیر از آمنه خاتون مجلسی می باشد.(۲)

سیّداحمد قمشه ای

احمد بن محمّدطاهر قمشه ای اصفهانی عالم فاضل ادیب، خطّاط قرن یازدهم هجری. وی از شاگردان سیّدمحمّدسعید بن سیّدمحمّدقاسم طباطبایی قهپایی و مجاز از علاّمه مجلسی می باشد.

از آثارش جلد دوم کتاب من لایحضره الفقیه است که آن را در شب جمعه بیستم ربیع الاوّل سال ۱۰۷۰ شروع کرده، و در جمعه ۱۰۷۷ق به پایان رسانیده [است]، تاریخ کتابت حواشی، ۱۰۷۹ و کتابت اسانید، ۱۰۸۱ می باشد. در انتهای جلد دوم، صورت قرائت سیّداحمد قومشه ای اصفهانی (کاتب) در ذی القعده ۱۰۷۹ بر سیّدمحمّدسعید طباطبایی دیده می شود. در پشت صفحه اوّل، اجازه ای به خطّ علاّمه مجلسی است. نسخه به شماره ۹۲۳ در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۳)

احمد ورنوسفادرانی

احمد بن طیّب بن حسین کلوا ورنوسفادرانی، از نویسندگان و فضلاء قرن دهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب کفایه التّعلیم تألیف محمّد بن مسعود غزنوی است که آن را در ۲۶ ربیع الثّانی سال ۹۵۹ به خطّ نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۳۱۷۲ در کتابخانه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۷۹.

۲- زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۵۶؛ فهرست مجلس، ج۱۰، بخش سوم، ص۱۱۷.

۳- فهرست الهیّات مشهد، ج۲، ص۷۹.

مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

شیخ احمد ترشیزی

شیخ احمد ترشیزی معروف به «حاج مجتهد» فرزند عبّاس اصفهانی، عالم بزرگ و زاهد متّقی، درس شیخ مرتضی انصاری را درک کرده، و عمده تحصیل او نزد میرزا محمّدحسن شیرازی و آقا سیّدحسین کوه کمری بوده، و در ۱۳۲۳ در ترشیز (کاشمر) وفات یافته است.(۲)

احمد همدانی*

احمد بن عبّاس بن محمّدزمان همدانی اردستانی، عالم فاضل زاهد، از شاگردان آقا محمّدباقر وحید بهبهانی و آقامحمّد بیدآبادی بوده است، چندی در اصفهان بوده، سپس مردم اردستان به واسطه میرزا عبدالباقی امام جمعه، او را برای حلّ و فصل امور شرعیّه به اردستان دعوت کردند، و او به اردستان رفته، سال ها به ارشاد مردم و ترویج دین، و اقامه جماعت مشغول بوده، و در همان جا وفات یافته است.(۳)

احمد زعفرانی

ابوالعبّاس احمد بن عبدان بن سِنان زعفرانی، از محدّثین اصفهان است. شیخ ثقه بوده، و از عبداللّه بن عامر بن یزید روایت نموده است. عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث کرده است. احمد زعفرانی در سال ۲۹۶ق وفات یافت.(۴)

احمدخان صدر اصفهانی

احمدخان صدر اصفهانی فرزند عبدالحسین خان بن حاج محمّدحسین خان

۱- فهرست دانشگاه، ج ۱۱، ص ۲۱۳۶.

۲- نقباء البشر، ج ۱، ص ۱۰۵، میرزای شیرازی، ص ۱۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۴۷ ۲۴۸.

۳- میراث اسلامی ایران، ج ۶، صص ۲۷۳ ۲۲۷؛ آشنای حق، ص ۳۵؛ تذکره السّالکین، ص ۱۴.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۱۱.

صدراعظم اصفهانی، خطّاط و شاعر ادیب، در خانواده ای اهل ادب و هنر تربیت شد، و در فنون ادب و خوشنویسی استاد شد. شعر می سرود، و خطّ نستعلیق را خوش می نوشت. یک نسخه دیوان حافظ به خطّ زیبای او به تاریخ ۱۲۷۷ق در کتابخانه سلطنتی سابق وجود دارد.(۱)

احمد سعدی کوفی

احمد بن عبدالرّحمان بن بحر بن یزید بن زیاد بن جاریه بن قدّامه سعدی کوفی جزار، از محدّثین شیعه است. وی جهت طلب حدیث به اصفهان وارد شد. او از مسلم بن ابراهیم و عبیداللّه بن موسی روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم بن سعید وشاء اصفهانی از او روایت نموده است.(۲)

احمد سرّاج

ابوبکر احمد بن عبدالرّحمان بن عبداللّه بن صباح سرّاج اصفهانی از محدّثین اصفهان است. در شام و جزیره از محدّثین آن جا استماع حدیث کرده، و آن ها را نوشته است. وی از محمّد بن حسن بن خالد آلوسی روایت می کند.(۳)

احمد ذکوانی

ابوالحسین احمد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن احمد ذکوانی همدانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. ابوبکر محمّد بن شجاع بن ابوبکر لفتوانی اصفهانی از او حدیث شنیده است.(۴)

۱- تذکره خوشنویسان، ص۱۰۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۳۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۹۵ و ۸۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۵.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۱۰۷.

احمد یزدی

احمد بن عبدالرّحمان یزدی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی در اصفهان ساکن بوده، و از پدرش و عبداللّه بن جعفر بن فارس، علیّ بن فضل بن شهریار، محمّد بن اسحاق بن ایّوب، ابوبکر جعابی، طبرانی، اسماعیل بن نجید و فاروق خطابی روایت نمود.

عبدالرّحمان بن منده، علیّ بن شجاع، خصیب بن قتاده، محمّد بن محمّد بن عبدالوهاب مدینی از او نقل حدیث می کنند. وی محدّثی ثقه، مقبول القول و خردمند بود. ذهبی او را قاضی و صاحب اصول خوانده است.(۱)

احمد اصفهانی

ابوغسان احمد بن عبدالرّحیم بن رجاء بن صهیب اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی در قزوین ساکن بوده است. از ابوزرعه روایت نموده، و احمد بن عبیداللّه بن محمّد از وی نقل حدیث می کند.(۲)

احمد عرفان

احمد بن عبدالصّمد بن عبداللّه مراغی اصفهانی معروف به احمد عرفان نویسنده، ادیب و روزنامه نگار فاضل. پدرش از مراغه به اصفهان آمد، و خود او در پنج شنبه ۱۵ شعبان ۱۳۱۱ق متولّد گردید. در مدارس اصفهان تحصیل نمود، و پس از اتمام تحصیلات خود،مجلّه عرفان را از سال ۱۳۰۱ش در اصفهان منتشر ساخت، و از سال ۱۳۰۶ش آن را به روزنامه تبدیل کرد، و تا آخرین روز حیات، به انتشار آن ادامه داد. وی سرانجام در شب ۵ شنبه ۲۲ صفر ۱۳۷۱ق بر اثر سکته وفات یافت، و در تکیه جهانگیرخان در تخت فولاد مدفون گردید. او علاوه بر انتشار روزنامه، به تدریس ادبیّات در دبیرستان های اصفهان می پرداخت. شاعر دانشمند، سیّدعلی بدیع زاده «هور» مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

نوشت «هور» از برای تاریخش: «بسوی قرب کند رو، روان احمد عرفان»(۳)

۱- سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، ص۱۹۳؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۸۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۸۰۳ ۸۰۴؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۱، صص۱۲ ۱۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۳.

احمد مازندرانی

احمد بن عبدالصّمد مازندرانی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن چهاردهم هجری است. در تاریخ جمعه ۲۳ ربیع الاوّل سال ۱۳۰۵ نسخه ای از کتاب تریاق فاروق تألیف میرزا محمّدحسین شهرستانی را به خطّ نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۱۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ احمد میسی عاملی

شیخ احمد بن عبدالعالی عاملی میسی، عالم فاضل صالح، از فضلای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و همان جا وفات یافته است.(۲) وی از شاگردان شیخ علیّ بن محمّد بن حسن عاملی نوه شهید ثانی بوده، و کتاب الدّر المنثور استاد را نزد او خوانده است. تاریخ قرائت کتاب، صفر ۱۰۷۳ق است، و این کتاب در کتابخانه صدر در نجف نگهداری می شود.(۳)

شیخ احمد، جزو شهود وقف نامه مدرسه نوریّه اصفهان بوده، و این وقف نامه را گواهی نموده است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن عبداللّه فقیه اصفهانی، از فقهاء و محدّثین قرن چهارم هجری است. پدرش اهل اصفهان بوده، و خود در نیشابور متولّد شده، و در آن جا ساکن بوده است.(۵)

احمد اصفهانی

احمد بن عبداللّه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از عبدالرّحمان بن ابی حاتم روایت می کند، و سیّدابوطالب از او نقل حدیث نموده است.(۶)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۱۲.

۲- امل الامل، ج۱، ص۳۳؛ ریاض العلماء، ج۱، ص۴۲.

۳- الرّوضه النّضره، ص۳۸.

۴- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۱۰۱.

۵- تاریخ نیشابور، ص۷۶.

۶- احقاق الحق، ج۱۲، ص۲۳۶.

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه اصفهانی، یکی از وزرای خلیفه عبّاسی المتّقی باللّه است که در ۳۲۹ق به خلافت رسید.

احمد اصفهانی

احمد بن عبداللّه اصفهانی، از مردان سیاستمدار قرن چهارم هجری است. او در سال ۳۳۱ق به وزارت ناصرالدّوله حمدانی رسیده است.(۱)

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه اصفهانی، از محدّثین قرن هفتم هجری است. در دمشق ساکن بوده، و از ابوسعید عبداللّه بن محمّد بن عبدالوهاب روایت نموده است. وی در ۲۹ ذی القعده سال ۲۰۶ق در مسجد الحرام، مقابل کعبه معظّمه، نزد درب «خروره» جهت شیخ ابوالهدی صواب بن عبداللّه حبشی خادم ضریح مطهّر نبوی، حدیثی در فضیلت حضرت علی علیه السلام به روایت جابر بن عبداللّه انصاری نقل می کند.(۲)

احمد تاجر

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه بن احمد بن آدم تاجر، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از محمّد بن یحیی بن منده و اخرم روایت می کند، و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد حداد

ابوعلی احمد بن عبداللّه بن احمد بن احمد بن بشر حدّاد اصفهانی، از محدّثین

۱- تاریخ اصفهان و ری، ص۷۹.

۲- احقاق الحق، ج۴، ص۱۱۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۳.

اصـفهان در قرن چهارم هجری. وی از محمّد بن زکریّا و عبدالرّحمان بن محمّد بن سلم رازی روایت می کند، و ابوبکر محمّد بن عبدالرّحمان جوهری و محمّد بن ابراهیم بن علی از وی نقل حدیث می نمایند.(۱)

احمد تیمی

ابوالحسین احمد بن عبداللّه بن احمد بن دُلیل معدل تیمی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. او به «تیم الرّباب» منسوب است. مادرش لُبابه، دختر محمّد بن عبداللّه بن حسن بوده است.

در سنّ نوزده سالگی شهادتش را پذیرفتند. وی شصت سال از شهود پرسش می نموده، و سال ها متصدّی قضای اصفهان بوده است. از احمـد بن یونس و ابراهیم بن فهد روایت نموده، و قاضـی احمد محمّد بن احمد بن یونس و حسـین بن علیّ بن احمد بن بکر از او نقل حدیث کرده اند. او در سال ۳۳۷ یا ۳۳۸ق وفات یافته است.(۲)

احمد سودرجانی

ابوالفتـح احمـد بن عبـداللّه بن احمد بن علی سودرجانی اصـفهانی از محدّثین قرن پنجم هجری و اهل قریه «سودرجان» بلوک لنجان اصـفهان است. از علیّ بن ماشاذه فضل بن عبداللّه بن شـهریار، ابی بکر بن ابی علی، ابی سـهل صـفّار و ابی نعیم حدیث شنیـده، و ابوبکر محمّـد بن طـاهر بن ابوالفتـح کوّار و ابوالوفـا محمود بن ابوالقـاسم بن محمّـد مقری تـاجر اصـفهانی از او نقل حدیث کرده اند.

سال ها به تدریس ادب، و تعلیم اطفال مشغول بوده، و در سال ۴۹۶ق وفات یافته است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۳؛ التّحبیر، ج۱، ص۱۰۲.

۳- معجم البلدان، ج۳، ص۲۷۸؛ التّحبیر، ج۲، صص۱۳۷ و ۱۹۱.

احمد قناطری

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه بن اسحاق قناطری خُلقانی، از محدّثان اصفهان است. از قاضی احمد بن موسی انصاری و ابی علی اسماعیل بن محمّد بن اسماعیل صفّار روایت می کند. «قناطر» محلّه یا قریه ای از اصفهان بوده است.(۱)

سیّداحمد میردامادی

احمد بن سیّدعبداللّه بن میرزا محمّدرحیم بن میرمرتضی بن میرمحمّداشرف بن میر عبدالحسیب محمّد بن میرسیّداحمد عاملی اصفهانی معروف به میردامادی از اکابر علماء و دانشمندان دوره فتحعلی شاه قاجار بوده است.

در سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد شد، و در اصفهان نزد حاج محمّدابراهیم کلباسی و حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی تحصیل نمود. سپس از طرف پدر، امامت جمعه و جماعت را برعهده گرفت، و سرانجام در ۲۲ محرّم الحرام ۱۲۴۳ق در سِدِه وفات یافت، در مقبره معروف به مقبره عبداللّه در خوزان مدفون گردید. کتاب زبده الاسرار در اوراد و اذکار از او است.(۲)

سیّداحمد بحرانی

احمد بن سیّدعبداللّه بکاء بن سیّدحسین بحرانی نجفی، عالم فاضل، پدرانش اصلاً از بحرین و ساکن اصفهان بوده اند.

خود او در کوفه سکونت داشت، و از ائمّه جماعات آن جا بود. سرانجام در روز سه شنبه ۳۰ ربیع الاوّل ۱۳۸۳ق وفات یافته، جنازه به نجف منتقل شد، و در آن جا مدفون گردید.(۳)

احمد نقّاط

ابوجعفر احمد بن عبداللّه بن عبّاس بن ولید بن شجاع نقّاط، از زهّاد و عُبّاد و محدّثین

۱- معجم البلدان، ج۴، ص ۴۰۰.

۲- لطایف غیبیّه، مقدّمه، ص سی و دو؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۶۰ ۲۶۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۷؛ الذّریعه، ج۱۲، ص۱۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۴.

اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از ابی اسید و جدّش عبّاس بن ولید و دیگران روایت می کند. احمد نقّاط پس از سال ۳۶۰ق وفات یافته است.(۱)

احمد یوانی

ابوجعفر احمد بن عبداللّه بن محمّد بن حکم یوانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از یحیی بن ابی طالب حدیث شنیده [است]، و احمد بن عبداللّه از او نقل حدیث می نماید.

احمد یوانی در سال ۳۲۲ق وفات یافته است.(۲)[یوان از روستاهای حومه اصفهان در قرون اوّلیه اسلامی بوده است.]

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه بن محمّد بن نعمان، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از محمّد بن عامر اشعری روایت می کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه، عبداللّه بن محمّد و محمّد بن محمّد بن سیبویه از او نقل حدیث می کنند.(۳)

احمد برقی

احمد بن عبداللّه برقی، از راویان و فضلای شعر و ادب می باشد. در قم سکونت داشته، سپس با ابا عبداللّه برقی خواهرزاده اش به اصفهان آمده، و در این شهر سکونت نموده است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۹۰ و ج ۲، ص ۱۳۵.

احمد بنداری

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه بنداری، شاعر فارسی گوی، معاصر با مافرّوخی مؤلّف کتاب محاسن اصفهان است.(۱)

احمد رویدشتی

ابوالعبّاس (یا ابوبکر) احمد بن عبداللّه رویدشتی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۴۵۹ق از سعد بن علی زنجانی (ساکن مکّه) و ابی سعد علیّ بن عثمان بن جنّی (ساکن صور) استماع حدیث نموده، وفاتش پس از این تاریخ روی داده است. ابوالحسن بن قیس و ابوالبرکات عبدالمنعم بن محمّد حافظ از او روایت می کنند.(۲)

احمد طبیب

احمد طبیب فرزند عبدالقادر، از فضلاء و دانایان به علم ریاضی و پزشکی در قرن ۱۲ق است.

از آثارش مقاله ای است در یک صفحه راجع به تعیین افق اصفهان به فارسی که به خطّ صاحب عنوان، در ضمن مجموعه ۶۶۴ در کتابخانه دانشکده الهیّات مشهد موجود است. تاریخ های جمعه ۲۳ ذی قعده ۱۱۵۰ق و پنج شنبه ۱۴ ربیع الثّانی ۱۰۱۸ (که باید ۱۱۱۸ باشد) در این نسخه دیده می شود.(۳)

احمد مهابادی

احمد بن عبداللّه مهابادی نحوی، از ادباء و فضلای اصفهان است. در نحو، شاگرد عبدالقاهر جرجانی (متوفّی حدود ۵۰۰ق) بوده، و تألیفاتی دارد؛ ازجمله:

۱. شرح اللّمع (تألیف استادش جرجانی) ۲. التّبیان.

۱- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۲- معجم البلدان، ج۳، ص۱۰۵.

۳- فهرست الهیّات مشهد، ج۱، ص۴۵۹.

مهاباد از توابع اردستان اصفهان است.(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن عبدالوهاب اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن سیزده هجری، از آثارش کتابت نسخه ای از شرح هدایه میبدی که آن را در سال ۱۲۸۳ به خطّ نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۲۲۸۷ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۲)

احمد اردستانی

احمد بن عبدالهادی بن احمد بن حسن اردستانی، از محدّثین است، و در نایین ساکن بوده، و از عبد بن حمید استماع حدیث نموده است.(۳)

احمد بن عبید

احمد بن عبید، از محدّثان ساکن اصفهان بوده، و از اسماعیل بن عمرو بجلی و غیر او روایت می کند.(۴)

احمد خزاعی

احمد بن عبیداللّه (عبداللّه) بن احجم خزاعی، وی به «مروی» معروف بود، و چندی در مرو ساکن بود. از طرف منصور دوانیقی به مدّت هفت سال حکومت اصفهان را برعهده داشت.(۵)

۱- معجم البلدان، ج۵، ص۲۹۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۸۱.

۲- فهرست کتابخانه ملّی ملک، ص۴۶۰.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۲۵۵؛ آتشکده اردستان، ج۲، ص ۲۷۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۱.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۷۷ ۷۸.

احمد قصّار

ابوالحسن احمد بن عبیداللّه بن احمد بن سعید قصّار، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از احمد بن محمّد بن مصقله، دارکی، محمّد بن حمزه و محمّد بن عبدالرّحمان ارزنانی روایت نموده است. حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

فایده: قصّار به معنی گازُر و رخت شوی است.

احمد خَرطبه

ابوالعبّاس احمد بن عبیداللّه بن محمود بن شاپور فقیه مقری معروف به «خَرطبه» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از عبداللّه بن وهب دینوری و محمّد بن ابراهیم بن زیاد روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است. وی بعد از سال ۳۶۰ق وفات یافته است.(۲)

احمد حلاوی

ابوالمحاسن احمد بن عبیداللّه حلاوی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. از ابوعمرو بن منده حدیث شنید، و ابوسعد سمعانی از او روایت می کند.(۳)

احمد ابهری

ابوعلی احمد بن عثمان بن احمد ابهری خصیب، از اولاد ابی الشّعثاء جابر بن یزید و معروف به جابری، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. صاحب بیان و تصانیف بوده [است]، ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه حافظ اصفهانی از او روایت می کند، و خود او از ابراهیم بن اسباط بن سکن نقل حدیث نموده است. احمد ابهری در ذی قعده

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۶۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۵۸.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص۲۸۳؛ الانساب، ج ۴، ص ۳۲۰.

۳۳۸ق وفات یافت.(۱)

احمد بُرّی

احمد بن عثمان بُرّی قاضی، از محدّثین اصفهان است.(۲)

احمد انصاری

ابویحیی احمد بن عصام بن عبدالحمید بن کثیر بن ابی عمره انصاری، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. مادرش هند، دختر یوسف بن ابی سلیمان سغدی و خواهر محمّد بن یوسف بن معدان عروس الزّهاد است.

وی از معاذ بن هشام، مؤمل بن اسماعیل، ابی احمد زبیری، ابی عامر، ابی داوود، ابی عاصم، ابی بکر حنفی، روح بن عباده و معلی بن فضل روایت می کند. احمد بن جعفر بن معبد، عبداللّه بن جعفر بن احمد و ابن ابی داوود از او نقل حدیث کرده اند. احمد انصاری در رمضان ۲۷۲ق فوت شده است.(۳)

سیّداحمد فقیه امامی

حاج سیّداحمد فقیه امامی فرزند سیّدعطاءاللّه درب امامی اصفهانی، عالم فاضل فقیه محقّق، در ۱۷ ربیع الاوّل ۱۳۵۲ق متولّد شد.

وی نزد پدر، و نیز حاج شیخ احمد فیّاض، حاج شیخ نورالدّین اشنی، حاج شیخ علی مشکاه سدهی، میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی و حاج شیخ محمود مفید به تحصیل پرداخت. سپس به قم عزیمت کرد، و نزد آیات عظام و علمای اعلام، همچون حاج آقا حسین بروجردی، امام خمینی، علاّمه طباطبایی، سیّدمحمّد محقّق داماد، حاج سیّدمحمّدباقر سلطانی و حاج میرزا محمّد مجاهدی تبریزی تلمّذ نمود. سپس به اصفهان بازگشت، و به تدریس فقه، اصول، حدیث و حکمت پرداخت.

از اقدامات ایشان، تجدید بنای مسجد بابامحمّدعلی سقّا است که به نام «مسجد الزّهرا» نام گذاری شده، و کتابخانه ای در آن تأسیس گردیده است. وی در اقدامات خیریّه، همواره پیش گام، و معین ضعفا و نیازمندان بوده است. ایشان در صبح پنج شنبه ۱۰ جمادی الثّانی ۱۴۱۴ق

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۱؛ الانساب، ج ۱، ص ۱۰۶؛ خورشید جی، ص ۴۲۶؛ الاعلام، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۸۷.

وفات یافت، و پس از تشییع در اصفهان، در حرم امام امزاده ابوالعبّاس خوراسکان دفن گردید.

از او قریب به هشتاد جلد کتاب و رساله باقی مانده که از آن جمله است: ۱. اخلاق در قرآن ۲. اجتهاد و تقلید ۳. انقلاب در پرتو وحی ۴. چرا جمهوری اسلامی؟، مطبوع ۵. روش رهبران انقلابی ما، مطبوع ۶. شرح خطبه فدکیّه ۷. شرح دعای عرفه ۸. قیامت ۹. ولایت و امامت از دیدگاه قرآن و غیره. هم چنین تفسیر چند سوره از قرآن کریم و تقریرات فقه و اصول درس های آیات عظام بروجردی و امام خمینی.(۱)

احمد

ابوبکر احمد بن عقبه بن مضرس، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از شیبان، هدبه و عبداللّه بن معاذ روایت کرده است، و محمّد بن عبداللّه دبیلی در رمله از او نقل حدیث می نماید.

او در سال ۲۸۲ق وفات یافته است.(۲)

احمد ورّاق

احمد بن ابوالعبّاس علاء بن شاه صعدی ورّاق از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی به اصفهان آمده، و در این شهر ساکن گردیده، و هم در این شهر وفات یافته است.

وی از محمّد بن بکر عبدالرّزاق تمّار و ابوالحسن احمد بن محمّد بن عیسی انصاری رازی و محدّثان بصره و ری روایت نموده، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.(۳)

احمد اردستانی

سیّداحمد بن سیّدعلی حسینی اردستانی، عالم فاضل، از دانشمندان دولت

۱- یادنامه آیت اللّه فقیه امامی، صص۹ و ۲۶ و ۲۷ و ۴۴ و ۵۰، ۹۸ ۱۰۶ و ۱۲۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۱۶۴؛ گنجینه دانشمندان، ج۹، ص۲۶۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۵.

قطب شاهیان هندوستان است. از تألیفات او کتاب معالجه الامراض است که به نام سلطان محمّدعلی قطبشاه تألیف نموده، و نسخه ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

احمد اُزواری اصفهانی

ابونصر احمد بن علی اُزواری اصفهانی، شیخ جلیل القدر از محدّثین اصفهان است. ریاست و افتاء و تدریس در شهر برعهده او بود. در سال ۵۳۱ق در خدمت علیّ بن سعید صیرفی استماع حدیث نموده، و بیشتر در اصفهان سکونت داشته است.(۲)

وی به اُزوار منسوب است که همان «زوّاره» باشد.

احمد اُسواری

احمد بن علی اُسواری اصفهانی، از محدّثین اصفهان و ساکن قریه «اُسواریه» بوده، حافظ ابوموسی اصفهانی از او روایت می کند.(۳)

احمد اصفهانی

حافظ ابوبکر احمد بن علی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوعمرو بن حمدان روایت کرده است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن علی اصفهانی، از محدّثین شیعه در قرن سوم هجری است، و شاید قرن چهارم هجری را نیز درک نموده باشد. در برخی از کتب روایی شیعه، احادیثی از او نقل شده است. وی از محمّد بن اسلم طوسی، ابومحمّدحسن بن علیّ بن عبدالکریم زعفرانی، ابراهیم

۱- اعیان الشّیعه، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

۲- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۱.

۴- احقاق الحق، ج ۸، ص ۶۳۴.

بن محمّد ثقفی روایت می کند. عبداللّه بن حسن بن مؤدّب و احمد بن یعقوب اصفهانی از او روایت نموده اند.(۱)

شیخ احمد روحانی*

شیخ احمد روحانی معروف به «شیخ الاسلام» فرزند شیخ علی شیخ الاسلام کهیازی اردستانی، عالم فاضل معاصر. وی در سال ۱۳۱۲ش در اصفهان متولّد شد. در هشت سالگی پدرش از دنیا رفت. ایشان در حوزه علمیّه اصفهان به تحصیل پرداخت، و نزد اساتید و مدرّسین بسیاری تلمّذ نمود؛ ازجمله: ملاّمحمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ یحیی فاضل هرندی، ملاّ فرج اللّه درّی، شیخ محمّدجواد فریدنی، شیخ هبه اللّه هرندی، سیّدمحمّدباقر ابطحی سدهی، شیخ علی قدیری، حاج آقا سیّدعبدالحسین طیّب، میرزا محمّدحسین مدرّس کهنگی، شیخ محمّد رضا جرقویه ای، شیخ محمود مفید، شیخ عبّاسعلی ادیب، مجدالعلماء نجفی، شیخ محمّدحسین مقدّس مشکینی، شیخ احمد مدرّس صدری زنجانی، سیّدعبّاس صفی دهکردی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج آقا رحیم ارباب و سیّد علی اصغر برزانی.

هم چنین ایشان در ایّام اقامت در تهران نزد علاّمه میرزا ابوالحسن شعرانی و ادیب بجنوردی به تحصیل پرداخت، و بهره علمی گرفت. وی در تهران در دانشکده معقول و منقول در رشته های معقول و منقول و علوم تربیتی به تحصیل پرداخته، و در هر دو رشته، لیسانس دریافت نموده است. مدّتی نیز در نراق کاشان به تبلیغ دین و ترویج احکام شریعت مشغول بوده، و عاقبت به زادگاه خود بازگشته، به تدریس و تبلیغ پرداخته است. ایشان اکنون به تدریس برخی از کتب فلسفه و عرفان به علاقه مندان و فضلای این شهر، در منزل خویش مشغول است. ایشان عالمی است وارسته و متواضع که در جامعیّت و استواری در دانش، در میان اقران و معاصرین کم نظیر است.(۲)

۱- طبقات المفسّرین، ج۱، ص۱۹؛ ثقات العیون، ص۱۵۳؛ نوابغ الرّواه، ص۱۵۳؛ فضائل الشّیعه، ص۲۲؛ الغارات، ج۲، ص۶۶۹؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص ۷۴۰.

۲- نقل از یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

احمد اصفهانی

احمد بن علی اصفهانی، از فقهاء و علمای اصفهان است از آثار او: ترجمه و شرح الفیّه شهید اوّل، در فقه است که به فارسی تألیف نموده، و به شماره ۲۳۴۱ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۱)

احمد انصاری

ابوعلی احمد بن علی انصاری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در اصفهان متولّد شده، و در نیشابور ساکن شده است. وی از ابوصلت عبدالسّلام بن صالح هروی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت می کند، و ابواسحاق ابراهیم بن عبداللّه بن اسحاق معدل اصفهانی و ابوالعبّاس محمّد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی از مشایخ صدوق از او روایت می کند.(۲)

احمد بغدادی

ابوالحسین احمد بن علیّ بن بسّام بغدادی معروف به سُبْک دیناری، از محدّثین قرن چهارم هجری بوده، در سال ۳۴۰ق به اصفهان وارد شده است. در عراق و خراسان حدیث آموخته، و نوشته است، و از عبداللّه بن اسحاق مدائنی و محدّثین هم طبقه او روایت می کند.(۳)

احمد اموی

احمد بن علیّ بن بُشر بن عبدالملک بن عبیداللّه بن عبداللّه بن ابی مریم اموی، از محدّثین است. از پدرش بعل بن بُشر و محمّد بن بکیر روایت نموده، و عبداللّه، پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی از وی روایت می کند. صاحب عنوان در سال ۲۷۴ق وفات یافت.(۴)

۱- فهرست مسجد اعظم قم، ص۸۳

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۸؛ نوابع الرّواه، ص۳۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۹۳ و ۹۷.

احمد مصقلی

احمد بن علیّ بن شجاع مصقلی صوفی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. «کثیر السّماع و واسع الرّوایه» بوده، و عدّه زیادی از او روایت کرده اند. وی در محرّم سال ۴۶۶ق وفات یافته است. «مصقلی» منسوب به «مصقله بن هبیره» یکی از اجداد صاحب عنوان است.(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن علیّ بن عبدالرّشید اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن نهم هجری است. از آثارش کتابت ۱. شمایل النّبی یا الشّمائل النبویّه و الخصائل المصطفویّه تألیف ابوعیسی محمّد بن عیسی ترمذی، که در ۸۳۸ق به خطّ نستعلیق کتابت نموده است ۲. تاریخ الجرزی در سرگذشت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، که در سال ۸۴۳ق کتابت شده است. این دو نسخه، ضمن مجموعه شماره ۴۵۸۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران در تهران موجود است.(۲)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن علیّ بن محمّد بن ابراهیم اصفهانی، از محدّثین است در کتاب معجم البلدان از قول او گوید که عبدالعزیز بن عبید بن محمّد بن عبید بن ابی عبید الدّراوردی معروف به «ابن منجویه» می باشد.(۳)

احمد

احمد بن علیّ بن محمّدباقر علیه السلام ، از امام زادگان عالی قدر بوده، و قبر او در بازار حسن آباد اصفهان قرار دارد. بقعه تاریخی و مجلّل این امام زاده، از آثار دوره صفویّه است. سنگ نوشته ای به تاریخ ۱۵ ربیع الاوّل ۵۳۶ق در امام زاده وجود دارد که قدمت امام زاده را

۱- التّحبیر، ج۱، ص۳۵۶؛ الانساب، ج۴، ص۵۶.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۲۸۱.

۳- معجم البلدان.

نشان می دهـد. نسب سادات طالقان و نسب امام زاده سیّدنصـیرالدّین واقع در خیابان جلیل آباد تهران در محلّه پاچنار به جناب امام زاده احمد منتهی می شود.(۱)

احمد خلیل اصفهانی*

حاج احمد خلیلیان متخلّص به «خلیل» فرزند حاج میرزا علی خلیلیان متخلّص به «رجاء» از شـعرای معاصـر اصـفهان است. او در سال ۱۳۰۹ش در اصـفهان متولّد شد. پس از تحصـیل به خدمت نظام وظیفه رفت، و پس از آن به حج مشـرّف شد. او در سـنّ ۲۶ سالگی داروخانه مولوی را در اصـفهان تأسیس نمود، و به فعّالیت پرداخت. وی به تشویق پدر گرامی خود و استاد گلزار به پشـتوانه ذوق و اسـتعداد خـدادادی، بـه سـرودن شـعر پرداخـت، و در انجمـن هـای ادبی حضـور یـافت. فرزنـد برومنـد ایشـان محمّدرضا خلیلیان در جبهه های نبرد ایران و عراق به شـهادت رسید. وی درباره شهادت فرزندش شعری سروده که دو بیت از آن نقل می شود:

در آسمان خاطرم مهر صبح خیز سالی است ماه روی تو پیدا نمی شود

[...]

چشمی بسان دیده شب زنده دار من از موج اشک، غیرت دریا نمی شود(۲)

احمد رشتی اصفهانی

احمد بن علی رشتی اصـفهانی فاضل نویسـنده کتب در قرن سـیزدهم هجری است، از آثارش کتابت نسـخه ای از کتاب گوهر یگـانه تألیف صدرالـدّین محمّـد شـیرازی است که آن را در سال ۱۲۱۸ق در مدرسه نیماورد اصـفهان نوشـته است. نسـخه در کتابخانه مجلس شورای ملّی تهران و به شماره ۵۰۴۱ میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

۱- تاریـخ اصـفهان و ری، ص۳۳۲؛ تاریخ اصـفهان، جابری، صـص۱۲۴ ۱۲۵ و ۲۱۳ ۲۱۴؛ گنجینه آثـار تـاریخی اصـفهان، ص۶۶۸؛ آثار ایران، ج۴، ص۲۱۶؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۱۷۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۵۱۰ ۵۲۰.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، صص ۲۴۱ ۲۴۲.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۱۷۳.

احمد سامانی اصفهانی

ابوالعبّاس احمـد بن علی سامانی صـحّاف، از محـدّثین اصـفهان است، اصـلاً از اهالی قریه «سامان» چهارمحال است که قرن ها جزء اصفهان بوده، از حافظ ابوالشّیخ اصفهانی و دیگران روایت حدیث کرده است.(۱)

احمد غزال

ابوجعفر احمد بن علی غزال، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

وی از سلمه روایت می کند، و علیّ بن محمّد بن ابراهیم بن شاذویه بیّع از او نقل حدیث کرده است.(۲)

احمد کاتب

ابی العبّاس احمـد بن علی کـاتبی اصـفهانی، از دانشـمندان اصـفهان و مقـدّم بر خواجه نصـیرالدّین طوسی بوده است. خواجه طوسی در شـرح ثمره بطلمیوس فرماید: دو شـرح بر ثمره دیدم: اوّل شرح احمد بن یوسف مقری؛ دوم شرح ابی العبّاس احمد بن علی اصفهانی.(۳)

۱۱۳۹

احمد مافرّوخی

ابوالفتـح احمـد بن علی مـافروّخی اصـفهانی، از ادبـاء و فضـلای اصـفهان است. مـافرّوخی او را در ردیـف متقـدّمین و از طبقه دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء برشمرده است.

کلمه «مافرّوخ» ظاهرا مرکّب است از دو کلمه ماه و فرّخ به معنی «ماه مبارک» و این، نسبتِ جمعی از فضـلاء اصـفهان در قرن پنجم هجری است، و آنـان منسوب انـد به مـافرّوخ بن بختیـار اصـفهانی، که نسـبش به آذرشاپوران بن آذرمانان اصـفهانی می پیوندد.(۴)

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۱۷۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

۳- الذّریعه، ج۱۳، ص۱۷۲؛ فهرست مجلس، ج۱۲، ص۲۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۸.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲.

احمد مهابادی

احمد بن علی ماه آبادی (مهابادی) اصفهانی از محدّثین و دانشمندان عالی قدر شیعه در قرن پنجم هجری است. فرزندش علی، از او روایت نموده است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. البیان در نحو ۲. التّبیان در تصریف ۳. شرح اللّمع ۴. المسائل النّادره فی الاعراب. وی جدّ فاضل علّامه افضل الدّین حسن بن علیّ بن احمد مهابادی می باشد. مهاباد از قرای اردستان است.(۱)

دکتر احمد مجتهدی تبریزی*

دکتر احمد مجتهدی تبریزی فرزند علی، در سال ۱۳۱۴ش در تبریز متولّد شده، و پس از طیّ تحصیلات ابتدایی و متوسّطه وارد دانشگاه تبریز شد، و در سال ۱۳۳۸ در رشته تاریخ و جغرافیا لیسانس دریافت نمود. سپس در دانشگاه تهران در رشته جغرافیای انسانی و اقتصادی، فوق لیسانس دریافت نمود، و برای تکمیل تحصیلات خود به ترکیه رفته، و موفّق به اخذ درجه دکترا در رشته جغرافیای انسانی از یکی از دانشگاه های ترکیه گردید. ایشان سال ها در دانشگاه اصفهان به تدریس جغرافیا پرداخت، و مدّتی رییس گروه جغرافیا و سپس رییس دانشکده ادبیّات و علوم انسانی بود، و سرانجام در تاریخ پنج شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۷۹ش در اصفهان بدرود حیات گفت، و در قبرستان عمومی باغ رضوان در شرق اصفهان به خاک سپرده شد. آثار ایشان علاوه بر مقالاتی که در مجلّات داخلی و خارجی به چاپ رسیده اند، عبارت است از: ۱. بررسی ارزش و اهمیّت محصولات کشاورزی سواحل دریای خزر و تأثیر آن در اقتصاد ایران (رساله دکترا) ۲. شهرها و مسائل آن ۳. کلّیات جغرافیای انسانی ۴. توسعه کشت برنج در شمال ایران ۵. مقدّمه ای بر جغرافیای پرندگان ایران و محیط زیست.

سیّداحمد میرعلایی*

سیّداحمد میرعلایی فرزند دکتر سیّدعلی میرعلایی مترجم، نویسنده و ادیب دانشمند. در سال ۱۳۲۱ش در اصفهان متولّد شد، و پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسّطه، وارد دانشگاه اصفهان شد، و لیسانس زبان و ادبیّات انگلیسی دریافت نمود. وی در انگلستان و فرانسه ادامه تحصیل داد، و از دانشگاه سوربن فرانسه فوق لیسانس ادبیّات انگلیسی دریافت نمود.

۱- النّابس، ص ۲۱؛ الفهرست، منتخب الدّین، ص ۳۵؛ اعیان الشّیعه، ج ۱۰، ص ۱۷۶.

او سال ها به تدریس در دانشگاه اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه های آزاد نجف آباد، شهرکرد، و خوراسکان مشغول بوده است. ایشان از مترجمان زبردست و توانای معاصر است، و بسیاری از نویسندگان و دانشمندان معاصر جهان را از طریق ترجمه به ایرانیان معرّفی نموده اند. وی سرانجام در اوّل آبان ۱۳۷۴ش درگذشت، و در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد. این کتاب ها از ترجمه های ایشان است که همگی به طبع رسیده اند: ۱. از چشم غربی ۲. باغ گذرگاه های هزار پیچ ۳. خدای غرب ۴. درباره ادبیّات ۵. ژان پل سارتر ۶. سنگ آفتاب ۷. شیاطین ۸. طوق طلا ۹. عامل انسانی ۱۰.عرفان مولوی ۱۱. کنسول افتخاری ۱۲. کودکان، آب و گل ۱۳. ویرانه های مدوّر ۱۴. هزارتوهای بورخس ۱۵. هند، تمدّن مجروح.

سیّداحمد علم الهدی شیرازی

حاج سیّداحمد علم الهدی شیرازی معروف به «ابطحی»، فرزند حاج سیّدعلی اکبر طباطبایی یزدی، عالم جلیل فقیه، محدّث و فاضل کامل ادیب شاعر، در ۱۳ رجب ۱۲۹۷ق در شیراز متولّد شده، و از درس علمای آن دیار همچون حاج سیّدمحمّدعلی کازرونی و شیخ عبدالجبّار و میرزا ابراهیم محلاّتی بهره گرفت. از سال ۱۳۴۶ق در اصفهان ساکن شد، و متصدّی محضر شرعی گردید. خانه اش مجمع افاضل و محفل فضلاء و شعراء بود، خود او نیز در حفظ اشعار عربی و فارسی حافظه ای قوی داشت، و شعر فارسی و عربی را نیکو می سرود، و در اخلاق و ملکات نفسانی کم نظیر بود. وی سرانجام در پنج شنبه ۱۷ جمادی الثّانی ۱۳۸۲ق وفات یافت. جنازه به شیراز منتقل، و در شاهچراغ مدفون گردید.(۱)

دکتر احمد کیاست پور*

دکتر احمد کیاست پور فرزند علی رضا، از اساتید دانشگاه و محققان دانشمند معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۲ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در

۱- دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، ص۶۵۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۲۱؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۶۸۳ ۶۸۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۲، ص۱۹۱؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۶۴، ج۲، صص۶۸۳ ۶۸۴.

اصـفهان به انجام رساند، در تهران ادامه تحصـیل داد، و از دانشـگاه تهران لیسانس فیزیک دریافت نمود. وی در کشور آمریکا موفّق به اخذ دکترای سـتاره شناسـی و اخذ فوق دکترا در آن رشـته گردیده، پس از بازگشت به ایران، در دانشـگاه اصفهان به تدریس پرداخته است. از آثار ایشان ترجمه مقدّمه ای بر نورشناسی نوین تألیف گرانت فالز است که با همکاری دکتر جمشید احبسیان انجام پذیرفته، و به طبع رسیده است.

احمد اصفهانی

احمد بن محمّدعلی اصـفهانی از فضـلاء و نویسندگان قرن ۱۳ هجری است. از آثـارش کتابت نسـخه ای از کتاب لبّ التّواریخ اسـت کـه آن را در شب دهم جمـادی الثّـانیه سـال ۱۲۸۴ به خطّ نسـخ زیبـا به پایان رسانیـده است. نسـخه به شـماره ۷۲۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا احمد طبیب

حاج میرزا احمـد طبیب (لقمانی) فرزند حاج میرزا محمّدعلی حکیم، از اطبّاء حاذق، باتقوی و با دریافت بوده، و در اوایل قرن چهاردهم هجری می زیسته، و در سِدِه ماربین ساکن بوده است. نسب ایشان به میرسیّداحمد علوی عاملی منتهی می شود.(۲)

شیخ احمد واعظ

شیـخ احمـد بن محمّـدعلی واعـظ اصـفهانی، فاضـل جلیـل خطّاط، از شاگردان حاج شـیخ محمّـدباقر نجفی است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. سراج الانام، در کلام ۲. فرائض الاعمال که مجموعه فتاوای اسـتادش حاج شیخ محمّدباقر نجفی است که آن را به صورت رساله، جهت عمل مقلّدین جمع آوری نموده، و به نظر استاد رسانیده است ۳. مشکاه الانام،

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۱۸.

۲- لطایف غیبیّه، ص بیست و هفت؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۴۰.

در مسائل حلال و حرام که از روی فتاوای مرجع عالی قـدر شیعه، میرزای شیرازی تنظیم نموده، و در حاشیه آن، فتاوای حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی، شیخ زین العابدین مازندرانی و حاج شیخ محمّدعلی ثقه الاسلام نجفی را آورده است، این کتاب در سال ۱۳۰۷ق ضمن مجموعه ای به چاپ رسیده است. احمد واعظ، هم چنین چندین کتاب از تألیفات آقانجفی را به خطّ نسخ کتابت نموده است، و تاریخ کتابت برخی از آن ها سال ۱۲۹۷ق است.(۱)

احمد طهرانی

ابوالعبّاس احمد بن عمر بن قاسم طهرانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. ابوابراهیم عبداللّه بن ابراهیم بن محمّد بن عبداللّه بن حماد طهرانی [رازی] از مشایخ ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث نموده است.(۲)

احمد غازی

حافظ ابونصر احمد بن عمر بن محمّد بن عبداللّه بن محمّد بن علیّ بن اسحاق غازی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری. وی از مشایخ سمعانی است، در سال ۴۴۸ق متولّد شده، و در ۳ رمضان ۵۳۲ق وفات یافته است. سمعانی از او به عنوان «ثقه، دَیّن، حافظ، واسع الرّوایه» یاد کرده است. او از ابوالحسین بن نقور، عبدالرّحمان بن منده، ابوعمرو بن منده، ابوالقاسم بن بسری، فضل بن محبّ نیشابوری، شیخ الاسلام هروی، ابوعامر ازدی، ابوعلی تستری و دیگران حدیث استماع نموده است.(۳)

احمد ضحّاک شیبانی

ابوبکر احمد بن عمرو بن ابی عاصم ضحّاک بن مخلد بن سلم بن رافع بن رفیع بن

۱- مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۷۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۱، صص۳۶۵، ۳۷۵ و ۳۸۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۶۱.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۶۱.

ذُهل بن شیبان شیبانی، محدّث و فقیه ظاهری مذهب اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از جدّ مادری خود ابوسلمه موسی بن اسماعیل تبوذکی و ابوالولید طیالسی، عمرو بن مرزون، حوضی و محمّد بن کثیر روایت می کند. احمد بن جعفر بن معبد، محمّد بن اسحاق بن یعقوب، قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم، عبدالرّحمان بن محمّد بن سیاه، عقبه بن مکرم، نصر بن علی، ابوالجهم ارزق بن علی، زکریّا بن یحیی و هدبه از او نقل حدیث کرده اند. وی در ۲۰۶ق در بصره متولّد شده، و در سال های ۲۶۹ تا ۲۸۲ق در اصفهان قضاوت می کرده، و سرانجام در سال ۲۸۷ق وفات یافته، و در مقبره روشاباد اصفهان مدفون شده است. وی حدود ۳۰۰ تصنیف داشته که در فتنه صاحب الزّنج که در بصره رخ داد به یغما رفته، و نابود شده است. این کتاب ها از او است: ۱. الآحاد المثانی، شامل بیست هزار حدیث ۲. الدّیان، در فقه ظاهریّه که در قاهره به طبع رسیده است ۳. المسند الکبیر، شامل حدود ۵۰ هزار حدیث(۱).

احمد

ابوطاهر احمد بن عیسی بن زید بن علیّ بن حسین علیه السلام از سادات عالی قدر و امام زادگان جلیل است. در زمان هارون الرّشید به اصفهان آمد، و در این شهر وفات یافت، و در محلّه «واذار» اصفهان مدفون شد. وی از علیّ بن عبیداللّه بن محمّد بن عمر بن علی روایت نموده، جعفر بن مروان از او نقل حدیث نموده است.(۲)[برخی احتمال داده اند امام زاده احمد مدفون در محلّه باغات اصفهان، که اکنون در بازارچه حسن آباد اصفهان واقع شده است، همین احمد بن عیسی باشد].

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۱۰۰ ۱۰۱؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۲۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۶؛ مزارات اصفهان، ص۳۴۹؛ الاعلام، ج۱، ص۱۸۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، صص۵۴ ۵۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۸۰ ۸۱؛ مزارات اصفهان، ص۹۴.

احمد قرشی

ابومحمّد احمد بن عیسی بن عبدالعزیز قرشی، از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است. وی از نعمان بن عبدالسّلام روایت نموده، و ابوحامد اشعری از او نقل حدیث کرده است.(۱)

احمد خفاف

ابوحامد احمد بن [عیسی بن] عمر عمرکی حقّاف، از محدّثین اصفهان است. وی از احمد بن یونس و سمویه روایت می کند، و محمّد بن علیّ بن ابراهیم از او حدیث نقل می نماید.(۲)

احمد بیگ اختر گرجی*

احمد بیگ گرجی متخلّص به «اختر» شاعر ادیب، فرزند فرامرز بیک در اصفهان متولّد شد. چندی نزد شاه زادگان زندیّه، ازجمله لطفعلی خان زند به سر برد. پس از به حکومت رسیدن آقامحمّدخان به خراسان رفت. در زمان پادشاهی فتحعلی شاه به سلیمان خان قاجار متخلّص به «عزّت» پیوست، و از مجازات، رهایی یافت. مدّتی بعد، او را به سوء اخلاق متّهم کردند، و زبانش را بریدند. او هم به اصفهان بازگشت، و به تدوین تذکره ای موسوم به انجمن آرا پرداخت؛ امّا موفّق به اتمام آن نشد، و وفات یافت. پس از فوت او در سال ۱۲۳۲ق، برادرش محمّدباقر متخلّص به «نشاطی» دست به تکمیل این تذکره زد؛ امّا موفّق به این کار نشد، و در این اثنا وفات کرد. بالاخره فاضل خان گروسی تذکره احمد بیگ را تکمیل کرد، آن را انجمن خاقان نامید، و از دو برادر به بدی یاد کرد، و حقّ آنان را ضایع نمود. تذکره اختر توسّط مرحوم عبدالرّسول خیّام پور تصحیح شده، و به طبع رسیده است. اختر، خطّ شکسته را خوش می نوشت.

از او است:

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۵.

من در سماع از این که حدیث تو می رود ناصح در این که گوشم به پند اوست(۱)

احمد قصری

ابوالعبّاس احمد بن فضل بن احمد بن عبداللّه بن محمّد قصری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی حدیث شنیده است. [وی منسوب به «قصر» از محلّه های اصفهان است، و شاید محلّه «باب القصر» یا «درکوشک» همین محلّه «قصر» باشد.]

احمد باطرقانی

ابوبکر احمد بن فضل بن محمّد باطرقانی اصفهانی، از محدّثین و قاریان اصفهان و از اهالی قریه «باطرقان» اصفهان است. در عصر خویش «شیخ القرّاء» بوده است. در سال ۳۷۲ق متولّد [شده]، و در سال ۴۶۰ق وفات یافته است. او پس از ابوالمظفّر عبداللّه بن شبیب ضبّی اصفهانی امام جامع اصفهان گردید.

[ابوبکر باطرقانی از ابوعبداللّه محمّد بن اسحاق بن منده، ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خورشید قوله، ابوعبداللّه محمّد بن ابراهیم بن جعفر یزدی، ابوبکر محمّد بن اسماعیل طاهری، ابومسلم بن شهدل مدینی، ابومحمّد عبداللّه بن جعفر بن احمد بن فارس اصفهانی، ابوالفضل محمّد بن جعفر بن عبدالکریم جرجانی خزایی] روایت نموده، و علم قرائات را نزد عبدالعزیز محمّد بن عبدالعزیز تمیمی کسایی آموخته است. هم چنین ابوعلی حسن بن احمد بن حسن حدّاد، ابوالفرج سعید بن الرّجاء صیرفی سمسار، امام ابوعبداللّه حسین بن عبدالملک اصفهانی خلّال، شبیب بن عبدالرّحمان ماربانانی، عبدالسّلام بن محمّد حسن آبادی، ابوالوفاء علیّ بن زید بن شهریار اصفهانی و دیگران از او نقل حدیث کرده اند].

این کتاب ها از او است: ۱. الشّواذ ۲. طبقات القرّاء ۳. المدخل إلی معرفه اساتید القرائات و مجموع الرّوایات.(۲)

۱- تذکره دلگشا، صص ۴۳۰ ۴۳۳؛ تذکره میکده، صص۲۹۷ ۳۰۵؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۹۵۰ ۹۵۱؛ سفینه المحمود، ج۱، صص۱۵۹ ۱۶۱؛ حدیقه الشّعراء، ج۱، صص ۹۰ ۹۱؛ سرایندگان شعر فارسی در قفقاز، صص۳۴۴ ۳۵۱؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۷، ص۱۶۳؛ تذکره انجمن خاقان، صص۴۶۴ ۴۶۸؛ تذکره شبستان، ص۴۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص ۱۶۰؛ الاعلام، ج۱، ص۱۸۶؛ غایه النّهایه، ج۱، صص ۹۶ ۹۷؛ دانشنامه جهان اسلام، حرف «ب»، ج۴، صص۵۴۶ ۵۴۷؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۱۸۲؛ الانساب، ج۲، صص ۴۲ ۳۹؛ ایضاح المکنون، ج۲، ص۷۹؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۳؛ محاسن اصفهان، ص ۳۰؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۸۷.

احمد عنبری اصفهانی

ابوالفوارس احمد بن فضل عنبری اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان است. از خواص اصحاب شیخ ابوالقاسم عبدالرّحمان بن منده و ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی بوده، و ابومحمّد نخشبی از او استماع حدیث کرده است.(۱)

احمد نجم ثانی

نجم الـدّین احمـد (احمـد بیـک خـان) خوزانی معروف به امیر نجم ثـانی، فرزنـد فضـل اللّه، مؤلّف طراز الاخبار در تاریخ، به فارسی.(۲)

احمد اصفهانی

احمـد بن فضـلی اصـفهانی از فضـلاء و نویسـندگان در قرن یـازدهم هجری است. از آثارش کتابت نسـخه ای از دیوان خواجه ثنـایی است که آن را در ۲۵ رجب سال ۱۰۴۲ق در شـهر آگره هندوسـتان به خطّ شکسـته نستعلیق کتابت نموده است. نسخه میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

احمد دیمرتی

احمد بن قاسم بن علیّ بن رسـتم دیمرتی اصفهانی، ادیب و شاعر، از شعراء و فضلای اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در وصف بهار گوید:

ضحک الرّبیع بمبسم الأنوار و بکی بعینٍ سحّهٍ مدرار

فبد معه اکتسب البسطه بنتها و بضحک ذری الأشجار

و إذا الرّیاح امالها لکانّه ثملٌ یمین لنعمه الاقمار (الاوثار)

والنّرجس الغضّ الجنّی کأنّما تدویره بشظینی مدوار

۱- التّحبیر، ج ۲، ص ۳۸۱.

۲- فهرست دانشگاه پنجاب، ص ۴۰۹.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص ۸۹.

حدقت به فوق الزّبرجد فضه تبکی شعاع کواکب الأسحار(۱)

احمد اصفهانی

احمـد بن کوفی بن ایّوب اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. وی در نیشابور ساکن بوده است. از محمّد بن عبداللّه بن حسن بن حفص روایت می کند، و ابوالقاسم عبداللّه بن حسین بوبالویه از او نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد مدینی

ابوجعفر احمـد بن مجاهد بن محمّد بن عبداللّه مدینی از محدّثین قرن سوم هجری است. وی اصـلاً از اهالی مدینه (شهرسـتان) اصـفهان بود، سـپس در محلّه کوشک ساکن شـد، و سـرانجام به قریه «خرجان» رفت، و در سال ۲۹۰ق در آن جـا وفات نمود. وی از ابوبکر بن ابوشـیبه، عثمـان بن ابوشـیبه، عبـداللّه بن عمر بن ابـان روایت نموده است. طـبرانی در معجم الصّـغیر از او نقل حدیث کرده است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمـد بن محمّـد اصـفهانی، عـالم فاضل ادیب، مؤلّف کتابی در ملل و نحل است، و در حـدود سال ۴۵۱ هجری وفات یافته است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد اصـفهانی، از فضلاء و حکماء اصفهان است. از آثار او: بندی در پنج سطر با عنوان «قال من زعم أنّ الحرکه لا وزن له...» از وی نقل شده است، این مطلب در

۱- محاسن اصفهان، ص۶۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۹.

۳- احقاق الحق، ج۹، ص۳۸ و ج۱۸، ص۳۶۶؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص ۱۲۰.

۴- الذّریعه، ج۱، ص۳۴.

مجموعه شماره ۳۴۸۰ میکروفیلم های دنشگاه تهران وجود دارد.(۱)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و از عبداللّه بن محمّد بن حافظ روایت می کند.(۲)

احمد اصفهانی

ابوالحسین احمد بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. طبرانی در کتاب معجم الکبیر از او روایت می کند. قاضی احمد بن حسین دینوری و ابن سنّی هم از او نقل حدیث می نمایند. فوت او در سال ۴۳۳ق روی داده است.(۳)

احمد اصفهانی

ملّااحمد بن آقامحمّد اصفهانی، در سال ۱۲۴۷ق مالک نسخه ای از شافیه ابن حاجب بوده است.

نسخه، جزو کتب صدر هاشمی در کتابخانه دانشکده ادبیّات اصفهان محفوظ است.(۴) [ظاهراً صاحب عنوان از فضلاء و ادبای اصفهان است].

احمد افریقی

ابوالحسن احمد بن محمّد افریقی، ساکن اصفهان معروف به «متیم»، از ادباء و شعرای قرن چهارم و پنجم هجری. وی در سال ۴۱۵ق وفات نموده است، و کتب زیر از او است:

۱. الانتصار المبنی عن فضل المتنبّی ۲. دیوان شعر بزرگ ۳. الشّعراء و النّدماء(۵).

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ج۲، ص۱۵۱.

۲- احقاق الحق، ج۱۴، ص۳۰۱.

۳- مرآه الجنان، ج۳، ص۵۴.

۴- نشریّه دانشکده ادبیّات اصفهان، سال دوم شماره ۲ و ۳، ص۱۳۷.

۵- هدیه العارفین، ج۱، ص۷۲.

احمد صحّاف

ابوعلیّ بن محمّد بن ابراهیم صحّاف، از محدّثین اصفهان است. محمّد بن اسحاق از وی روایت می کند، و او از ابوجعفر زید بن ابوموسی اصفهانی حدیث نقل می کند.(۱)

احمد طیفورآبادی اصفهانی

ابوالفتح احمد بن محمّد بن ابراهیم طیفورآبادی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از قریه «طیفورآباد» اصفهانی بوده، و از محمّد بن ابراهیم مقری استماع حدیث نموده، و از او حدیث نوشته [است].(۲)

احمد اصفهانی

ابوجعفر احمد بن محمّد بن ابی خالد اصفهانی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری است. وی در نیشابور ساکن بوده، و در جمادی الآخر سال ۳۰۳ق وفات یافته، و در مقبره باب معمر نیشابور دفن شده است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوسعید احمد بن محمّد بن ابی سعد بغدادی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی از عبداللّه بن یوسف اصفهانی روایت کرده است. ابوسعید الاعرابی و ابوالمظفّر محمّد بن احمد بن جعفر کوسج از او نقل حدیث نموده اند.(۴)

احمد ویری اصفهانی

احمد بن محمّد بن ابی عمرو بن ابی بکر ویری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. [ساکن قریه «ویر» بود که اکنون به شهر کوهپایه معروف است]. حافظ بن بخار گوید که در

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲- معجم البلدان.

۳- تاریخ نیشابور، ص ۴۳.

۴- احقاق الحق، ج ۴، صص ۳۲۸ و ۲۰۴.

منزل او در قریه «ویر» از او استماع حدیث کردم که از حافظ ابوموسی محمّد بن عمرو روایت می نمود.(۱)

احمد خوزی اصفهانی

ابونصر احمد بن محمّد بن ابوالقاسم بن فلیزه امین خوزی اصفهانی از محدّثین اصفهان است.

ساکن کوی خوزیان اصفهان بوده، و از ابوالعلاء سلیمان بن عبدالرّحیم حسن آبادی و ابوعمرو بن منده استماع حدیث کرده، و در چهارشنبه ۱۳ شوّال ۵۳۱ق وفات یافته است.(۲)

احمد جلکی اصفهانی

ابوسعد احمد بن محمّد بن ابی نصر ضریر ارجانی جلکی اصفهانی از محدّثین قرن ششم هجری، در اصفهان ساکن بوده، از فاطمه جوزدانی حدیث شنیده، و در ربیع الاوّل ۶۰۶ق وفات یافته است.(۳)

احمد بغدادی

ابوسعد احمد بن محمّد بن احمد بغدادی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. یافعی درباره او گوید: «کان ثقه خیراً یحفظ صحیح مسلم». در سال ۵۴۰ق وفات یافته است. وی از ابوعمرو عبدالوهاب بن محمّد بن اسحاق عبدی، ابومنصور محمّد بن احمد بن علی سینی و ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم طیان روایت می کند.(۴)

۱- معجم البلدان، ج۵، ص۳۸۶.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص۴۰۴.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۱۴۴.

۴- مرآه الجنان، ج۳، ص۲۷۳؛ تبیین کذب المفتری، ص۴۲۹.

احمد قصّار

ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن جعفر قصّار شافعی تمیمی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابی علیّ بن عاصم، عبداللّه بن خال دارانی، عبداللّه بن جعفر محمّد بن اسحاق بن عباد بصری از او روایت می کنند. وی در سال ۳۹۹ وفات یافته است.(۱)

احمد یزدی

ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن جعفر اصفهانی معروف به یزدی، فاضل محقّق، ادیب لغوی نحوی. در اصفهان ساکن بوده، و در قرن چهارم هجری می زیسته است. از احمد بن محمّد بن موسی ملحمی و حسن بن محمّد زعفرانی روایت می کند. احمد بن علی شافعی از او نقل حدیث کرده است.(۲)

احمد تمیمی

ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن حارث تمیمی اصفهانی مقری ادیب، از محدّثین قرن چهارم و پنجم هجری است. در سال ۳۴۹ق در اصفهان متولّد شد، و در ربیع الاوّل سال ۴۳۰ به نیشابور رفت، و در آن شهر وفات یافت، و در مقبره «شاهنبر» پهلوی ابواسحاق اُرموی مدفون گردید. ابوعلی جامع بن حسن بن علی بیهقی از او حدیث شنیده است.(۳)

احمد فیج

ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن حسین بن محمّد اصفهانی معروف به «فیج» از محدّثین اصفهان است، در همدان ساکن بوده، و از ابوبکر احمد بن عبدان بن محمّد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۹؛ احقاق الحق، ج۱۵، ص ۳۳۰.

۲- معجم الادباء، ج۸، ص۲۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۲۵۰؛ احقاق الحق، ج۴، ص۲۷۳ و ج۱۶، ص۵۶۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۱۵۶.

شیرازی ساکن اهواز روایت می کرده است. خطیب بغدادی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد طرقی اصفهانی

حافظ ابونصر احمد بن محمّد بن احمد بن حسین بن احمد بن قاسم بن طیب تمیمی طرقی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. از قریه «طَرق» بوده که اکنون از قراء نطنز است، در علم حدیث و طرق روایت استادی مسلّم بوده، و خطّ خوشی داشته، از بسیاری حدیث شنیده از آن جمله است: ابوسعد محمّد بن ابی عبداللّه مطرّز، ابوالعلا محمّد بن عبدالجبّار فرسانی، ابوالقاسم غانم بن محمّد برجی و ابوعلی حدّاد. ظاهراً در قرن ششم هجری می زیسته [است]، سال وفاتش به دست نیامد.(۲)

احمد گیلانی (کلاتی)

لطیف الدّین احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد گیلانی اصفهانی دردشتی کلامی (یا کلاتی) شاعر ادیب. از تألیفات او: مونس الاحرار و دقایق الاشعار، در ۳۰ باب است. که آن را در پنج شنبه ربیع الثّانی ۷۰۲ق تألیف نموده است، و در آن به حدائق السّحر رشید وطواط نظر داشته است. نسخه ای از آن در کتابخانه حبیب گنج در حیدرآباد دکن و میکروفیلم نسخه، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. ظاهراً محمّد بن بدر جاجرمی که کتاب دقایق الاشعار خود را در سال ۷۴۱ق تألیف نموده، مطالب خودرا از این کتاب اقتباس نموده است.(۳)

احمد سلفی اصفهانی

حافظ ابوطاهر صدرالدّین احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم سلفه (به کسر سین و فتح لام) از مشاهیر حفّاظ و محدّثین و فقهاء شافعی، معروف به سلفی، منسوب

۱- احقاق الحق، ج۶، ص۵۱۷.

۲- معجم البلدان، ج۴، ص۳۱؛ راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۱۱.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج۱، ص۸۰۱ و ج۲، ص۲۴۲.

به جدّش ابراهیم است که به اصطلاح مردم اصفهان، لب شکری بوده، و از این رو وی را سه لبی می گفتند. بعداً این کلمه تعریب شده، و سلفی خوانده اند). وی در سال ۴۷۸ در اصفهان متولّد گردیده، در بغداد از خطیب تبریزی، ابوحامد اسفراینی و کیاهراسی علم آموخته، مسافرت های بسیار رفته، و با بسیاری از مشایخ و فضلاء دیدار کرده، سرانجام در مصر ساکن شده، و به تدریس مشغول شده، و در صبح جمعه ۵ ربیع الثّانی وفات یافته است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. اربعین البلدانیّه در حدیث ۲. سداسیات در حدیث ۳. سلفیّات در حدیث ۴. سلماسیّات، معروف به مجالس خمسه ۵. شرط القراء علی الشّیوخ ۶. شرح بر مختصر مزنی ۷. الفضائل الباهره ۸. معجم السّفر ۹. المعجم لمشیخه اصبهان ۱۰. المعجم لمشیخه بغداد ۱۱. رساله درباره ابی العلاء معرّی و غیره.(۱)

احمد خاتونی عاملی

احمد بن محمّد خاتون بن احمد بن نعمت اللّه عاملی، از فضلاء و محدّثین اصفهان در قرن یازدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب مشرق الشّمسین و اکسیر السّعادتین تألیف مرحوم شیخ بهایی است که آن را در ۱۴ ربیع الاوّل سال ۱۰۲۹ق به پایان رسانیده، و در حاشیه تصحیح شده [است]، و علامت بلاغ دارد. اجازه شیخ بهایی برای کاتب در سه صفحه در پشت کتاب به تاریخ ربیع الاوّل سال ۱۰۲۹ به خطّ مرحوم شیخ می باشد.(۲) صاحب عنوان، سال ها در اصفهان ساکن بوده، و در محضر شیخ بهایی تلمّذ نموده است.

۱- روضات الجنّات، ج۱، ص۲۶۶؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۲۷۹؛ احقاق الحق، ج۵، ص۱۴۶ و ج۷، ص۱۲۶؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۷۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۴۵۹ و ۲۵۰؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۶۴؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۸۷؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۸۸؛ الاعلام، ج۱، ص۲۰۹؛ اللّباب، ج۲، ص۱۲۶؛ ثقات العیون، ص۳؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۷۳؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۵۴؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۸۷؛ مدارس نظامیّه، ص۱۹۱؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۴۰۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۱، ص۲۴۹.

احمد رنانی

احمد بن محمّد بن احمد رنانی اصفهانی از محدّثین اصفهان است، و ابوسعد سمعانی از او اجازه دریافت نموده است.(۱)

احمد خشینانی

احمد بن محمّد بن اسحاق بن مزید بن عجلان اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی در محلّه خشینان ساکن بوده، و از ابراهیم بن فراء، اصمعی، روح بن عصام جبّر، مکّی بن ابراهیم و هشام بن عبیداللّه سبتی استماع حدیث نموده، و احمد بن حسین انصاری، عبدالرّحمان بن فیض و محمّد بن احمد بن یزید از او روایت می کنند.(۲)

احمد واعظ اصفهانی

احمد بن محمّد بن برد اصفهانی واعظ، از محدّثین اصفهان است. از طبرانی روایت می کند. ذهبی در میزان الاعتدال گوید: «معتزلیّ غال، و او پدر ابی الخیر است».(۳)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن بطه بن اسحاق بن ابراهیم مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. ابوالحسن محمّد بن احمد بن عبیداللّه بن عیسی بن احمد منصوری و ابومحمّد فخام از وی روایت می کنند. او در روز جمعه از ماه شوّال ۳۱۳ق وفات یافت.(۴) به ظنّ نویسنده، احمد نام برده در دو کتاب، یک نفر است.

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۷۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۲؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۶۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۹.

۳- میزان الاعتدال.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۳؛ نوابع الرّواه، ص۴۲.

احمد کلامی

لطیف الدّین احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد کلامی اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن هفتم هجری است. وی از مدّاحان پادشاهان و بزرگان دربار مغول بوده، و کتاب مونس الاحرار فی دقایق الاشعار را در پنج شنبه اوّل ربیع الآخر سال ۷۰۲ق نوشته است، و آن، مشتمل بر منتخب اشعار شاعران فارسی گو است، و به فارسی نوشته شده است. این کتاب را محمّد بن بدر جاجرمی به نام خود کرده، و اشعار کلامی را از آن حذف، و برخی از اشعار خود را در آن درج کرده است.(۱)

احمد ازدی

ابوبکر احمد بن محمّد بن جعفر ازدی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوبکر خطیب روایت می کند، و احمد بن محمّد بن موسی لخمی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد راشتینانی

ابوبکر احمد بن محمّد بن جعفر بن احمد بن اسحاق بن حماد راشتینانی اصفهانی، از محدّثین است، و از قریه «راشتینان» اصفهان بوده، و در شوشتر از ابوالقاسم حسن بن موسی طبری استماع حدیث نموده، و کتابی نیز به نام امالی نوشته است.(۳)

راشتینان از روستاهای اصفهان است.

احمد وذنکابادی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن جعفر بن عیسی ضریر وذنکابادی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از احمد بن محمّد بن مصقله و دیگران روایت

۱- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۱۷۶؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۸۰۱.

۲- احقاق الحق، ج۱۵، ص ۶۰.

۳- معجم البلدان، ج۳، ص۱۵.

کرده است.(۱)

احمد مدینی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن جعفر خشّاب مدینی، جدّ مادری زید بن ابی مسلم بن شهدل و از محدّثین قرن چهارم هجری است.

از علیّ بن سعید عسکری و ابن سَکَن روایت نموده، و قبل از سال ۳۵۰ق فوت شده است.(۲)

احمد خفّاف

ابوبکر احمد بن محمّد بن جعفر خفّاف، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از محمّد بن عیسی مقری روایت نموده، و ابواسحاق سریجانی مدینی از او نقل حدیث کرده است.(۳)

احمد اصفهانی تیمی

ابوبکر احمد بن محمّد بن حارث اصفهانی تیمی، از محدّثان اصفهان در قرن پنجم هجری است. ابوالمعالی امام الحرمین جوینی (متوفّی ۴۷۸ق) از وی استماع حدیث نموده است.(۴)

احمد مذکّر

ابوالحسین احمد بن محمّد بن حارث مذکّر، از محدّثین اصفهان است. وی از ابن داوود سجستانی و عبداللّه بن محمّد بغوی روایت می کند، و حافظ ابونعیم از او نقل حدیث می نماید.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۷.

۴- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۳.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۰.

احمد معدّل

ابوجعفر احمد بن محمّد بن حجّاج بن یوسف معدّل از محدّثین قرن سوم هجری است. فقیه ثقه بوده، و از احمد بن مهدی، عبداللّه بن محمّد بن نعمان، ابومسلم کشی و محدّثین بغداد روایت نموده است.(۱)

احمد ملنجی اصفهان

ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن حسن بن برد ملنجی اصفهانی مقری، از محدّثین و قاریان قرن چهارم و پنجم هجری و اهل محلّه «ملنجه» اصفهان بوده، از حافظ ابوالشّیخ و ابوبکر عبداللّه بن محمّد قیار روایت نموده [است]. جماعتی کثیر از او روایت نموده اند که از آن جمله است ابوبکر خطیب. وی در سال ۴۳۷ق وفات یافته است.(۲)

احمد اصفهانی

ابوسعید احمد بن ابوالفضل محمّد بن حسن بن علیّ بن احمد بن سلیمان اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری. در مجمل فصیحی گوید: «روی الحدیث الکثیر و کان علی سیره السّلف کثیر الاتباع للسنّه». مشارٌالیه در سال ۴۶۳ متولّد [شده]، و در سال ۵۴۰ق وفات یافته است.(۳)

احمد مرزوقی اصفهانی

ابوعلی احمد بن محمّد بن حسن اصفهانی معروف به امام مرزوقی شاعر و ادیب دانشمند. یاقوت حموی در حقّ او گوید: در نهایت ذکاء و فطنت و حسن التّألیف است. صاحب بن عبّاد نیز گفته: در علم و ادب، سه اصفهانی به مقامی عالی رسیدند ۱. اسکاف (ابوعبداللّه خطیب) ۲. حائک (مرزوقی صاحب عنوان) ۳. حلّاج (ابومنصور بن ماشاذه).

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۳.

۲- معجم البلدان، ج۵، ص۱۹۵؛ اللّباب، ج۳، صص۲۵۴ ۲۵۵.

۳- مجمل فصیحی، ج۲، صص۱۸۶ و ۲۴۰.

از شاگردان ابوعلی فارسی و دیگران بوده، علاوه بر ادبیّات، در فقه و حدیث نیز مهارت داشته، گویند آل بویه وی را به عنوان معلّم فرزندان خود انتخاب نموده اند؛ لذا صاحب عنوان، شیعه بوده است. در ذی حجّه ۴۲۱ق وفات یافت. وی را کتب و تألیفاتی است که از آن جمله است: ۱. الازمنه و الامکنه (نسخه شماره ۴۱۷۰ کتابخانه آستان قدس رضوی) ۲. شرح اشعار هذیل ۳. شرح حماسه ابی تمام (نسخه شماره ۲۵۱۰۷ کتابخانه مجلس) ۴. شرح مفضلیّات ۵. شرح الفصیح (تألیف ثعلب) ۶. شرح الموجز در نحو ۷. شرح النّحو.(۱)

احمد جورجیری

احمد بن محمّد بن حسن جورجیری مجمل، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. وی از عبداللّه بن احمد بن یزید شیبایی روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم بن علی از وی نقل حدیث می نماید.(۲)] جورجیر از محلّه های قدیمی اصفهان است، و حکیم داوود هندی بر بقایای ویرانه های مسجد جورجیر، متعلّق به عصر دیالمه، مسجد حکیم را بنا کرده است].

احمد صحّاف

ابوبکر احمد بن محمّد بن حسنویه صحّاف، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از علیّ بن عبداللّه بن مبشر واسطی و دیگران روایت می کند. وفات او قبل از سال ۲۷۰ق روی داده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۴۹ ۲۵۰؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۸۴؛ روضات الجنّات، ج۱، ص۲۵۴؛ اعیان الشّیعه، ج۹، ص۲۳۱؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۳؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۴۸؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۱۴۴؛ بغیه الوعاه، ص۱۵۹؛ فهرست رضوی، ج۱، ص۷۱۹؛ فهرست مجلس، ج۱۵، ص۲؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۹۱؛ لغت نامه دهخدا «احمد»، ص۱۲۹۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۷؛ الانساب، ج۲، ص۱۱۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۳.

احمد ارجانی تستری

ناصح الدّین ابوبکر احمد بن محمّد بن حسین ارجانی شیرازی، فقیه، محدّث، ادیب و شاعر قرن ششم هجری. در سال ۴۶۰ق متولّد شد، و در اوائل عمر، در مدرسه نظامیّه اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس متصدّی قضای تستر [شوشتر] و عسکر مکرم شد، و سرانجام در سال ۵۴۴ق در تستر وفات یافت. وی در اصفهان از ابوبکر محمّد بن احمد بن حسین بن ماجد ابهری حدیث شنیده، و از او اجازه دریافت داشته است. به عربی شعر می سروده، و اشعارش در غایت حسن و طراوت و ملاحت بوده است. گویند سال های متمادی هر روز هشت بیت می سرود. او دیوان اشعار بزرگی داشته، و آن چه از آن باقی مانده است، حتّی یک دهم آن دیوان نیست. دیوان اشعارش در سال ۱۳۰۷ق در بیروت طبع گردیده است، و تصحیح و تحشیه و توضیح آن از احمد بن باس ازهری بوده است. در باب مذهب او نیز نوشته اند که پیرو فقه شافعی بوده است. این شعر از او است:

أنا أشعر الفقهاء غیر مدافع فی العصر او أنّه افقه الشّعراء

شعری إذا ما قلت دونه الوری بالطبع لابتکلّف الالقاء(۱)

احمد خرجانی

ابوحامد احمد بن محمّد بن حسین بن ابراهیم خُرجانی اصفهانی از محدّثان اصفهان و اهل محلّه «خُرجان» بود، و از عبدان و ابن زهیر و دیگران روایت نمود، بعد از سال ۳۷۰ق وفات یافت.(۲)

۱- مرآه الجنان، ج۳، ص۲۸۱؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۱۳۴؛ النّجوم الزّاهره، ج۵، ص۲۸۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۲۰، ص۲۱۰؛ لسان المیزان، ج۵، صص۵، ۳۶۷؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۲۱۶؛ معجم المطبوعات، ج۱، ص۴۲۴؛ معجم البلدان، ج۱، ص۸۶ و ج۴، ص۴۹۰؛ طبقات الشّافعیه، اسنوی، ج۱، صص ۱۱۰ ۱۱۱؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۷۷؛ هدیه العارفین و النّهایه، ج۱۱، صص۲۲۶ ۲۲۷؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۱۹؛ الاعلام، ج۶، ص۲۰۹؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۷۲؛ روضات الجنّات، ج۸، ص۲۱؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۱، ص۱۱۹، مقتبس الاثر، ج۳، ص۲۳۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۹.

احمد احموله

ابوجعفر احمد بن محمّد بن حسین بن حفص معروف به «اُحمولَه»، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی مردی نیکوکار، خیّر و بخشنده بوده، و برای اطعام گرسنگان و دادن صدقه به نیازمندان، اهتمام داشته، و در ربیع الاوّل سال ۲۶۴ق فوت شده است. وی از ابونُعیم، خلاد بن یحیی، قعنبی و جدّ خود (حسین بن حفص) روایت می کند، و ابن عاصم، اخرم، ابوبکر عبداللّه بن ابی داوود سجستانی، احمد بن حسین انصاری و محمّد بن احمد بن یزید زُهَری نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد معدّل

ابوجعفر احمد بن محمّد بن حسین معدّل، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. رییسی محتشم و بزرگوار بوده، و سفره او گسترده بوده است. از محمّد بن عبداللّه حضرمی، ابی شعیب، اَبان بن مَخلَد و عمر بن ابی حسان روایت نموده [است]، و محمّد بن ابراهیم بن علی و ابوالحسن علیّ بن محمّد بن حسین مؤدّب ورّاق از او نقل حدیث می کنند.(۲)

میرناصرالدّین احمد مختاری

امیر ناصرالدّین احمد بن محمّد بن امیر روح الامین بن شمس الدّین محمّد بن امیر سیّدرضا حسینی مختاری سبزواری، عالم فاضل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. وی از شاگردان بهاءالدّین محمّد اصفهانی (فاضل هندی) بوده، و در سال ۱۱۳۰ق از استاد خود اجازه دریافت نموده است. در اصفهان اقامت داشته [است]، و از مشایخ میرزا محمّدابراهیم خوزانی اصفهانی به شمار می رود.(۳) ظاهراً در مقبره امام زاده شاه زید اصفهان مدفون است.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۳؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۵۱.

۳- الکواکب المنتشره، صص۴۵ ۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۸۹۷؛ الذّریعه، ج۳، ص۳۰۳.

احمد زحاف

احمد بن محمّد بن زحّاف بن زحاف، از محدّثین اصفهان است.(۱)

احمد بغدادی قرشی

ابوالحسن احمد بن محمّد بن سَکَن بن عُمیر بن سیّار بغدادی قرشی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری. وی در سال ۳۰۴ق به اصفهان آمد، و در این شهر به نقل حدیث پرداخت. از اسحاق خَطمی، ابن سهم انطاکی و محدّثین بصره روایت می کرد.(۲)

احمد فافا

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن سریج معروف به «فافا» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی به نیشابور رفته، و از محدّثین آن جا روایت نموده، و در سال ۳۰۱ق وفات یافته است. از محمّد بن رافع، احمد بن منصور، اسحاق کوسج، محمّد بن یحیی نیشابوری و حسن بن عیسی بن ماسَرجِس روایت می کند، و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث می کند.(۳)

احمد مُعَیَّنی

ابوسعید احمد بن محمّد بن سعید بن مهران معیّنی محدّث ثقه، از راویان اصفهان در قرن سوم هجری. در اصفهان و مکّه و مدینه از مشایخ و محدثّین استماع حدیث کرده، و به کرمان مهاجرت نموده، و در آن جا به سال ۲۹۵ق فوت شده است. از احمد بن عبده، زید بن حرثین و سهل بن عثمان روایت می کرد، و سلیمان بن احمد، عبداللّه بن محمّد بن جعفر و قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم از وی روایت می کنند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۹۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۹؛ طبقات المحدّثین، ج ۴، صص ۳۰۳-۳۰۴؛ تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۷؛ طبقات المحدّثین، ج ۴، ص ۲۵۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۰۸.

احمد اصفهانی

ابوالطیّب احمد بن محمّد بن سلیمان بن هارون اصفهانی نیشابوری، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۳۷ق در نیشابور وفات یافته است.(۱)

احمد خبّاز

ابوبکر احمد بن محمّد بن سنده بن ابراهیم خبّاز، از محدّثین اصفهان است.(۲)

احمد جیرانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن سهل بن مبارک بزّاز جیرانی فُرسانی معدّل معروف به «ممجه»، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. از محدّثین ثقه است. ساکن «فرسان»، و اصلاً از اهالی «جیران» است، و در سال ۳۰۶ق وفات یافته است. از محمّد بن سلیمان لوین، حُمید بن مَسعده، عمرو بن علی، محمّد بن عیسی مقری و ابومسعود روایت می کند، و عبداللّه بن محمّد بن حجّاج شروطی و محمّد بن احمد بن ابراهیم اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند(۳).[جِیران و فُرسان دو روستای حومه اصفهان در قرون اولیّه و میانه هجری بوده اند، و اکنون به شهر پیوسته اند، و از محلّه های اصفهان به شمار می آیند].

احمد سیّاری

ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن سیّار اصفهانی، از نویسندگان آل طاهر در زمان حضرت عسکری علیه السلام بوده است. عموم نویسندگان کتب رجال شیعه، وی را به صفات ضعیف الحدیث، فاسدالمذهب، معفوّالرّوایه، کثیر المراسیل، غال و محرّف، وصف کرده اند. وی را تألیفاتی است از آن جمله: ۱. ثواب القرآن ۲. کتاب الطّب ۳. کتاب الغارات ۴. کتاب

۱- طبقات الشّافعیه، ص۲۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۷؛ معجم البلدان، ج۲، ص۱۹۸؛ الانساب، ج۳، ص۴۵۵؛ اللّباب، ج۱، ص۳۳۱؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۶۳.

القرائات ۵. کتاب النّوادر(۱). برخی او را بصری نوشته اند.

احمد صفار

ابومسلم احمد بن محمّد بن شامّه صفّار ورّاق، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از فضل بن خضیب روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از او نقل حدیث می نماید. در سال ۳۶۷ یا ۳۶۸ق فوت شده است.(۲)

احمد معلّم

احمد بن محمّد بن احمد بن شهردار معلّم اصفهانی، از ادباء و کاتبان قرن پنجم هجری است. بسیاری از فضلاء و ادبای اصفهان، ازجمله ابوغالب بن هارون از شاگردان او بوده اند. وی در شوّال ۴۴۶ق وفات یافت.(۳)

احمد

ابوالفضل احمد بن محمّد شهمردان، ادیب نحوی لغوی، از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف ادبای متقدّم بر عصر خویش یاد کرده است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن عاصم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابی عمر دوری روایت می کند، و محمّد بن احمد بن ابراهیم از وی نقل حدیث می نماید. [ممکن است صاحب عنوان و احمد بن محمّد بن عاصم کرانی یک نفر باشند، و حافظ ابونُعیم آن ها را در دو عنوان آورده باشد.]

۱- معجم رجال الحدیث، ج۲، ص۲۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۲.

۳- معجم الادباء، ج۲، ص۱۰۷؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان)، ص۱۷۸؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۱۵۵۸؛ لغت نامه دهخدا ذیل «احمد»، ص۱۲۷۹.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

احمد کرانی

ابوعلی احمد بن محمّد بن عاصم کرانی، از محدّثین اصفهان در قرون چهارم هجری است.

وی از محمّد بن ابراهیم بن ابان جیرانی روایت می کند، و ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه از وی نقل حدیث می نماید. در روز جمعه از سال ۳۳۹ق وفات یافته است.(۱)

احمد تاجر

ابوسهل احمد بن محمّد بن عبّاس بن حسنویه بن علیّ بن بطه بن خواشید بن یزدان آفرید تاجر دلّال از محدّثین قرن چهارم هجری است. فاضل ثقه بوده، در سال ۳۲۸ق متولّد شده، و کتاب فضل البنات علی النّبین از او است.(۲)

میرزا احمد خیال اصفهانی

میرزا غیاث الدّین احمد متخلّص به «خیال» فرزند صدرالدّین محمّد بن میرزا عبدالحسیب علوی عاملی، عالم فاضل ادیب شاعر، در اصفهان نزد عدّه ای از علمای اعلام ازجمله آقا جمال الدّین محمّد خوانساری تحصیل نمود، و به افتخار دامادی ایشان نائل آمد. در حسن اخلاق، یگانه آفاق بود. وی هفت بندی سروده که ظهیرالدّین علی تفرشی بر آن تقریظ نگاشته بود. وی سرانجام در سال ۱۱۳۴ق (یک سال پس از وفات عموی دانشمندش میرمحمّداشرف) در اصفهان وفات یافت. رضاقلی خان هدایت در تألیفات خود، به اشتباه، نام او را غیاث الدّین محمّد نوشته، حال آن که احمد صحیح است. این شعر از او است:

شمع می داند به شب ها لخت پروانه را قدر عاشق را کسی داند که داغش بر دل است(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۷.

۲- تاریخ نیشابور، ص۹۶.

۳- تذکره المعاصرین، صص۱۵۲ و ۲۸۲؛ الذّریعه، ج۹، صص۳۰۸ ۳۰۹؛ ریاض العارفین، ص۳۱۹؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۲، ص۷۱۲؛ یادنامه بحرالعلوم میردامادی، ص۲۳؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۶۴؛ تذکره غنی، ص۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۶؛ دانشمندان خوانسار، صص۲۳۳ ۲۳۴.

احمد کاتب

ابوعلی احمد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن سهلان معروف به ابوعلی کاتب، از محدّثین اصفهان است. وی کاتب و نویسنده علیّ بن تمّه بوده، و در همسایگی حافظ ابونُعیم ساکن بوده است. او از ابی مسعود عسکری روایت نموده، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن عبدالرّحیم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. در عراق، حدیث می گفته است. از محمّد بن یحیی بن منده روایت می کند، و محمّد بن مظفّر از او نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد عبّاسی

ابوجعفر احمد بن محمّد بن عبدالعزیز عبّاسی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. او نقیب هاشمیّین بوده، و یافعی او را با این عبارت ستوده است: «کان صالحاً متواضعاً فاضلاً مسنداً». در بغداد و اصفهان حدیث روایت نموده، و در سال ۵۵۴ق وفات یافته است.(۳)

سیّداحمد موسوی اصفهانی

احمد بن محمّد بن عبدالکریم موسوی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن ۱۳ هجری است، از آثارش کتابت نسخه ای از ترجمه قصیده میمیّه فرزدق است که آن را

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۴؛ تاریخ بغداد، ج۵، ص۵۸.

۳- مرآه الجنان، ج۳، ص۳۰۷.

حاجی به شعر ترجمه کرده است. این کتاب، در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

احمد رارانی

ابوالحسین احمد بن محمّد بن عبداللّه رارانی اصفهانی از محدّثین اصفهان است، اصلاً از قریه «راران» جی اصفهان بوده، از عبداللّه بن جعفر و ابی القاسم طبرانی نقل حدیث می نماید. سعید بن محمّد بن عبدان از او روایت می کند. [وی در ربیع الاوّل ۴۲۲ وفات یافته است(۱)].

احمد ویذآبادی

ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن عبداللّه بن اسحاق بن ماجه ویذآبادی مؤدّب، عالم محدّث قرن پنجم هجری، از اهالی محلّه «ویذآباد» [بیدآباد] اصفهان بوده، از قاضی ابواحمد محمّد بن احمد عسّال و ابوالقاسم طبرانی نقل حدیث کرده، در جمادی الآخر سال ۴۲۲ق وفات یافت.(۲)

احمد ثقفی ابهری

ابوعلی احمد بن محمّد بن عبداللّه بن اسید ثقفی ابهری اصفهانی کتبی، از محدّثین اصفهان است.

از ابن متویه، دارکی و ابن مخلد روایت می کند. ابوالحسین عبدالوهاب بن یوسف قزّار از او نقل حدیث می نماید. موطن او قریه «ابهر» جی اصفهان است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن عبداللّه بن بشرویه اصفهانی از محدّثین قرن ششم

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۱۲؛ خورشید جی، ص۴۱۳.

۲- اللّباب، ج۳، صص۳۷۸ ۳۷۹؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۲؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۳.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

هجری است. ابوبکر محمّد بن طاهر بن ابی الفتح کوّاز اصفهانی از وی حدیث شنیده است.(۱)

احمد معدّل

قاضی ابوالمکارم احد بن محمّد بن عبداللّه معدّل اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوعلی حسن بن احمد بن حسن حدّاد روایت می کند، و حافظ ابوطاهر اسماعیل بن ظفر بن احمد نابلسی دمشقی از او حدیث نقل می نماید.(۲)

احمد مدینی

احمد بن محمّد بن عصام مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در ربیع الآخر سال ۳۳۹ق فوت شده است. او از عبداللّه بن معمر، تعدیه بن خالد، عبدالرّحمان مبارک و هلال بن فیّاض روایت می کند. عبداللّه بن سلمان بن اشعث، ابوبکر بن حُمید، محمّد بن احمد بن یحیی، محمّد بن احمد زهری و محمّد بن احمد یزید از او نقل حدیث نموده اند.(۳)

احمد ابهری مدینی

ابوزید احمد بن محمّد بن علیّ بن عبداللّه بن محمّد بن احمد بن عمرو ابهری مدینی اصفهانی، از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابوبکر محمّد بن ابراهیم مقری و ابی سهل مرزبان بن محمّد بن مرزبان ابهری نقل احادیث نموده [است]. محمّد بن اسحاق بن منده و ابوبکر محمّد بن احمد بن حسن بن فادار ابهری از او روایت می کنند.(۴)

۱- التّحبیر، ج۲، ص۱۳۷.

۲- احقاق الحق، ج۱۳، ص۲۴۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۹۶ و ۱۴۳.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

احمد اصفهانی

شیخ ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن علی اصفهانی عارف صوفی، از مشایخ صوفیّه اصفهان در قرن نهم هجری. وی مرید شیخ عبداللّه، و او مجاز از شیخ رضی الدّین ابراهیم بن ابی محمّد طبری و او مجاز از شیخ عبداللّه یافعی بوده است.(۱)

احمد طیرایی اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن علیّ بن مته طیرایی اصفهانی از محدّثان اصفهان و از قریه «طیراء» اصفهان است. جهت اخذ حدیث، مسافرت نموده، کثیرالحدیث است؛ لکن کم روایت نموده است. از اباعبیده عبداللّه بن محمّد بن حسن بن زیاد جهرمی استماع حدیث نموده [است]، ابوبکر بن مردویه از او روایت می کند.(۲)

احمد جاری مدینی

احمد بن محمّد بن علیّ بن مهران معروف به جاری مدینی از محدّثین اصفهانی است. [ظاهراً از اهالی روستای گار در شرق اصفهان بوده]، سپس در مدینه اصفهان (شهرستان) ساکن شده، از محمّد بن عبداللّه بن ابی بکر بن زید و محدّثان هم طبقه او استماع حدیث کرده [است]، و جمعی از اهل اصفهان از او روایت کرده اند.

برادرش علی نیز از محدّثان بوده است.(۳)

احمد ربضی اصفهانی

ابوبکر احمد بن محمّد بن علی ربضی اصفهانی، از محدّثین، و به «ربضِ» اصفهان منسوب است.

از محدّثین این شهر استماع حدیث نموده [است]، ابومسعود سلیمان بن ابراهیم حافظ

۱- زندگانی شاه نعمت اللّه ولی.

۲- معجم البلدان؛ اللّباب، ج۲، ص۲۹۴؛ الانساب، ج۹، ص۱۲۲.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۹۳.

اصفهانی از او روایت می کند.(۱)

احمد مافرّوخی

ابوالعبّاس احمـد بن ابی جعفر محمّد بن علی مافرّوخی اصـفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصـفهان است. از عمرو بن علی و حسن بن عرفه روایت نموده [است]. حافظ ابوالشّیخ اصفهانی و ابوبکر قباب از او نقل حدیث نموده اند.(۲)

احمد عبدی لنبانی

ابوالحسن احمـد بن محمّد بن عمربن ابان عبدی لنبانی، از محدّثان اصـفهان است. اهل محلّه لُنبان (لُ ن ب ا ن) اصـفهان بوده، از محدّثان عراق روایت می کرده، از ابی بکر بن الدّنیا تصانیف او، و از عبداللّه فرزند احمد بن حنبل، مسـند احمد بن حنبل را استماع نموده [است].

حافظ ابراهیم بن محمّـد بن حمزه و عبداللّه بن احمد بن اسـحاق پدر حافظ ابونُعیم اصـفهانی از وی اسـتماع حدیث نموده اند. ابوالحسن لنبانی در یک شنبه ۱۰ ربیع الآخر ۳۳۲ فوت کرده است.(۳)

احمد مروزی

ابوبشـر احمـد بن محمّد بن عمرو بن مصـعب فقیه مروزی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۱۳ق در راه سفر حج به اصـفهان آمد. وی از محمود بن آدم، محمّد بن عبداللّه قُهزادی و خلف بن عبدالعزیز شاذان روایت می کند، و سـلیمان بن احمد

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۲۵؛ اللّباب، ج۲، ص۱۵.

۲- اللّباب، ج۳، ص ۱۵۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۸۸۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۷؛ معجم البلدان، ج۵، ص۳۳؛ مزارات اصفهان، صص۵۷ ۵۸؛ اللّباب، ج۳، صص۱۳۳ ۱۳۴؛ التّحبیر، ج۱، ص۲۵۴؛ ج۲، ص۱۸؛ محاسن اصفهان، ص ۳۰.

از او نقل حدیث می کند.(۱)

احمد

ابوالعلاء احمد بن محمّد بن فضل محدّث از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. در جامع اصفهان حدیث می گفته، و از ابوحاتم رازی نقل حدیث نموده است. ابوالفضل محمّد بن طاهر مقدسی از او روایت می کند.(۲)

احمد

احمد بن محمّد بن فضل بن خصیب، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.(۳)

احمد جبان

ابوعلی احمد بن محمّد بن فیروزان جَبّان، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از عبداللّه بن محمّد بن یحیی بن ابی بُکیر روایت می کند، و ابوبکر محمّد بن ابراهیم بن علی ازدی نقل حدیث می نماید.(۴)

احمد کوفی

ابوبکر احمد بن محمّد بن کوفی بن نَمراذ، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابراهیم بن نائله، محمّد بن ابراهیم بن شبیب و دیگران روایت نموده است. وفات او قبل از سال ۳۵۰ق اتّفاق افتاده است.(۵)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن محمّد اصفهانی، واعظ معتزلی متوفّی به سال ۴۲۲ق.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- لغت نامه دهخدا.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۹.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۸؛ الانساب، ج ۵، ص ۱۰۹.

احمد اصفهانی

شیخ شهاب الدّین احمد بن شمس الدّین محمّد بن محمود بن علی، عالم و مفتی، برادر شیخِ خانقاهِ علیّ بن سهل، شیخ قطب الدّین حسین بوده، و در قرن هفتم هجری زندگی می کرده است.(۱)

احمد ابهری

احمد بن محمّد بن مرزبان ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و از اهالی «ابهرِ» جیِ اصفهان است، ابوسکر احمد بن حسن بن فادار ابهری از او روایت می کند، و خود او از ابوجعفر محمّد بن ابراهیم خروری نقل حدیث می نماید. [علاوه بر حدیث، در ادب نیز مهارتی بسزا داشته، و در سال ۳۹۳ق وفات یافته است(۲)].

احمد واذاری

ابوعلی احمد بن محّمد بن مَسقَله بن سلم بن عبداللّه بن مستورد تیمی، از تیم رباب.

از محدّثین قرن چهارم هجری است.

از احمد بن یحیی بن مالك سوسی و محدّثین عراق و حجاز روایت می کند، و عبداللّه پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند. ابوعلی واذاری در سال ۳۰۶ق وفات یافته است.(۳) [مرحوم استاد مهدوی «واذار» را همان «باغات» می داند که حوالی محلّه خواجوی امروزی است؛ ولی از معمّرین و کشاورزان قدیمی حوالی خیابان بزرگمهر اصفهان شنیدم که اراضی ابتدای خیابان ۲۲ بهمن، واقع در ضلع شرقی خیابان بزرگمهر، در قدیم به صحرا «واذار» معروف بوده است].

۱- مقالات الحنفاء، ص۱۵.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۶، ص۵۵۵؛ خورشید جی، ص۴۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۸.

احمد کرانی

ابوالحسن احمد بن محمّد بن موسی بن بحر کرانی معروف به «ادیب» از محدّثین اصفهان است. در محلّه «کران» اصفهان ساکن بوده [است]، و از عبداللّه بن محمّد بن عبّاس سهمی روایت می کند.(۱)

احمد خزاعی اسپید دشتی

ابوحامد احمد بن محمّد بن موسی بن صبّاح خزاعی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. اهل «اسبید بشت» [اسفید دشت] اصفهان بوده، از عبداللّه بن هاشم طوسی ابن ابی بَزَّه، احمد بن مدبل و ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم حدیث شنیده [است]. در سال ۲۹۷ق وفات یافت.(۲)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن موسی بن یحیی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.(۳)

احمد زُزی اصفهانی

ابوالفتح احمد بن محمّد بن موسی زُزی اصفهانی واعظ، واعظی خوش بیان و از اهالی اصفهان است، و از معاصرین ابوسعد سمعانی مؤلّف التّحبیر می باشد.(۴)

احمد سمسار

ابوبکر احمد بن محمّد بن موسی سمسار، از محدّثین اصفهان در اواخر قرن سوم هجری است. وی از عمر بن ابراهیم و محمّد بن عبّاس بن ایّوب روایت می کند، و حسین

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۹؛ معجم البلدان، ج۱، ص ۱۸۰؛ اللّباب، ج۱، ص۵۶.

۳- میزان الاعتدال، ج۱، ص۷۴.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص ۱۴۰.

بن علیّ بن احمد اُسواری از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد

احمد بن محمّد بن مهران، از محدّثین اصفهان است. ابوبکر بن عبدالوهاب مقری از او روایت می کند.(۲)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن نصر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از زید بن بندار بن زید نُخانی اصفهانی روایت می کند.(۳)

احمد مدینی

ابوالحسن احمد بن محمّد بن نصیر بن عبداللّه بن ابان مدینی جُشنَسی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۲۵۶ق متولّد شده، و از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان است. از احمد بن عصام، اسید بن عاصم و احمد بن مهدی روایت می کند. محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث کرده است. وی سرانجام در سال ۳۴۴ق در سنّ ۸۸ سالگی وفات یافت.(۴)

احمد رنانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن هاله رُنانی اصفهانی، از محدّثین و مقریان قرن پنجم هجری، اصلاً از قریه «رُنان = رِهنان» ماربین اصفهان است. قرآن را نزد ابی علی حدّاد و العزّ واسطی آموخته، و جمعی کثیر در خدمتش قرآن آموخته اند. او حدیث را از حافظ اسماعیل بن محمّد بن فضل اصفهانی فراگرفته، و در بازگشت از مکّه در حلّه مزیدیّه به

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان ، ج۱ ، ص۱۴۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص۲۷۵.

سال ۵۳۵ وفات یافته است.(۱)

احمد تمیمی

ابوبکر احمد بن محمّد بن یحیی بن خالد تمیمی، از محدّثین اصفهان است. وی از احمد بن عمرو زنبقی روایت می نماید. حافظ ابونُعیم اصفهانی از او روایت می کند.(۲)

احمد قصار

ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن یحیی قصار، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از صالح بن احمد بن حنبل، اُسید بن عاصم، احمد بن مهدی، ابن ابی عاصم و اخرم روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از وی روایت می نماید. او در سال ۲۵۲ق متولّد [شده]، و در سال ۳۴۹ وفات یافته است.(۳)

احمد خزاز

ابوبکر احمد بن محمّد بن یعقوب بن مهران بن انس، از محدّثین قرن سوم هجری است. از محمّد بن ولید بشری و جز او روایت می کند. سلیمان بن احمد و محمّد بن جعفر بن یوسف از او روایت می نمایند.

وی در سال ۳۰۴ق وفات یافته است.(۴)] پدرش محمّد بن یعقوب ساکن محلّه باب دشت بوده، و ظاهراً احمد هم در این محل زندگی می کرده است].

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن یوسف اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و ابوجعفر محمّد بن

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۷۳؛ اللّباب، ج۲، ص۳۸؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۴۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۷۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۱؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۱۹.

محمّد بن احمد مقری خواهرزاده او است.(۱)

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن یوسف بن فروه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوالفرج عمران بن حسن بن یوسف ختلی (متوفّی ۴۰۰ق) روایت نموده است.(۲)

احمد فزاری

احمد بن محمّد بن یوسف [یا یونس] بن مَسعَده اصفهانی فزاری، از محدّثین اصفهان است. وی از محمّد بن ایّوب رازی روایت می کند، و محمّد بن عبداللّه بن حسین دقاق از او نقل حدیث می نماید. فزاری در بغداد ساکن بوده است.(۳)

احمد مذکّر

ابوبکر احمد بن محمّد بن یوسف بن معدان بناء مذکّر از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی در سال ۲۷۱ق وارد عراق گردید، و از محدّثین حجاز و عراق حدیث روایت نموده است. او از یوسف بن یعقوب نجاحی، ابن ابی مَسَّره، صائغ، علیّ بن داوود قنطری، ابی قلابه عبدالملک بن محمّد، حسن بن مکرم، احمد بن یونس، احمد بن عصام، احمد بن یحیی مُکتِب، منذر بن محمّد و ابن اشکیب روایت می کند، و خواهرزاده اش عبداللّه بن احمد (پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی) از او نقل حدیث می نماید.(۴)

احمد ثوری

ابومسلم احمد بن محمّد معروف به «ثوری»، ادیب فقیه، از محدّثین قرن چهارم هجری. وی از ابوبکر بن ابی عاصم روایت می کند، و پدر حافظ ابونُعیم (عبداللّه) از او نقل

۱- تبیین کذب المفتری، ص۳۹۱.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۴۰۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۶؛ احقاق الحق، ج۱۵، ص۵۱۴.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۳.

حدیث می نماید.(۱)

سیّداحمد قهپایی

ابوالقاسم احمد بن محمّد حسنی حسینی قهپایی اصفهانی عالم فاضل محقّق، در اصفهان نزد حاج محمّدابراهیم کلباسی و حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی تحصیل نموده، و تا سال ۱۲۵۹ق در قید حیات بوده است. این کتاب ها از او است: ۱. الارشاد فی احوال الصّاحب الکافی اسماعیل بن عبّاد، به عربی، که در سال ۱۳۱۲ خورشیدی به همّت سیّدجلال الدّین تهرانی همراه با محاسن اصفهان به طبع رسیده است(۲)، و نسخه های خطّی آن نیز موجود است، ازجمله نسخه ای در کتابخانه آقامیرزا محمّدرضا الهی شهرکی ۲. تحف العقول فی توضیح قوانین الاصول که نسخه آن در کتابخانه علاّمه مفضال، حاج سیّدمحمّدعلی روضاتی در اصفهان می باشد. (۳) ۳. فهرس ابواب الکتب الاربعه که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم [و نسخه دیگر در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم] موجود است.(۴)

میرزا احمد مدرّس

آقامیرزا احمد مدّرس فرزند سیّدمحمّدحسینی خراسانی عالم فاضل، محقّق مدقّق، جامع معقول و منقول، از اجلّه فقهاء و مدرّسین اصفهان است. وی در ۲۹ ذی قعده سال ۱۲۸۱ق متولّد شد. تحصیلات خویش را در اصفهان در خدمت مرحوم آقامیرزا ابوالمعالی کلباسی، حاج سیّدمهدی نحوی، آقامیرزا محمّدحسن نجفی، حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی و دیگران به پایان رسانید، و پس از نیل به اجتهاد، به نجف اشرف مهاجرت فرمود، و دوسالی آن جا بود. مجدّداً به اصفهان آمد، و در مدرسه نیماورد ساکن شد، و به تدریس فقه و اصول اشتغال جست، و در مسجد مجاور آن، امامت نمود. جمعی کثیر از فضلاء، در محضر او حاضر می شدند، و استفاده علمی می کردند.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۶؛ بیان المفاخر، ج ۲، صص ۲۶۳ ۲۶۴.

۳- الکرام البرره، ج ۱، ص ۱۰۹.

۴- فهرست مرعشی، ج ۸، ص ۲۸۰؛ فهرست احیاء، ج ۶، صص ۳۵ ۳۶.

سرانجام در شنبه ۱۲ ذی القعده الحرام ۱۳۴۸ق وفات یافت، و در منزل خود مدفون شد. سپس به نجف اشرف نقل گردید، و

در آن ارض اقدس مدفون شد. میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ وفات او گفته است:

بنوشت جابری پی فوتش که «جدّ او معراج احمدیش برد از براق علم»

۱۳۴۸ق(۱)

احمد خوانساری اصفهانی

احمد بن حاج ملّامحمّد خوانساری اصفهانی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای است از تذکره محمّدشاهی تألیف بهمن میرزا فرزند عبّاس میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار است که آن را در سال ۱۲۵۸ به خطّ نستعلیق خوش نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

احمد خوزانی

احمد بن محمّد خوزانی، شاعر ادیب دانشمند، از قریه «خوزان» ماربین اصفهان بوده. در حدیث و ادبیّات مهارت داشته، و به عربی شعر می سروده، ابورجاء هبه اللّه بن محمّد بن علی شیرازی از او حدیث نقل می کند. این شعر از او است:

خُذ فِی الشّبابِ مِنش الهوی بنصیب إِنَّ المشیب إِلَیْهِ غیْر حَبیب

وَدَع اَغترارَکَ بِالْخضاب وَ عاره فالشّیب احْسَن مِنْ سَواد خضیب(۳)

احمد کلّایی

احمد بن محمّد کلّایی، از محدّثین اصفهان است.(۴)

شیخ احمد لاهیجانی

شیخ جمال الدّین احمد بن محمّد لاهیجانی اصفهانی، عالم فاضل، در قرن یازدهم هجری می زیسته، و از شاگردان شیخ بهایی است. وی کتاب الفرائد الشّمسیه فی شرح فوائد الصّمدیه را تألیف نموده که شرح کتاب استادش شیخ بهایی است، و این کتاب را به نام پسرش شمس الدّین محمّد در ۱۶ ربیع الاوّل ۱۰۴۵ق نامیده است. نسخه آن در کتابخانه علّامه دهخدا در تهران موجود بوده است.(۵)

میرزا احمد نیریزی*

میرزا احمد بن شمس الدّین محمّد نیریزی، از اعاظم خوشنویسان ایران است. وی در نسخ و ثلث، استاد مسلّم بود. از زادگاه

خود به اصفهان آمد، و به کتابت مشغول شد. نزد شاه سلطان حسین صفوی احترام و اعتبار داشت، و بسیاری از نُسخ قرآن و ادعیه را برای وی نوشت.

استادش در خطّ نسخ، آقا ابراهیم قمی بود؛ ولی خود، سبک تازه ای در خطّ نسخ به وجود آورد. میرزا احمد، عمر خود را به تحریر قرآن و ادعیه و صحایف، صرف نموده، به زیارت مکّه و مشهد و عتبات عالیات نیز رفته است. مردی قانع و سنجیده طبع و پسندیده خصال بوده، و تا سال ۱۱۷۷ در قید حیات بوده، و محلّ دفن او معلوم نیست.(۶)

سیّداحمد هاشمی خوانساری

سیّداحمد هاشمی خوانساری فرزند سیّدمحمّد خیّاط، فاضل ارجمند متوفّی به سال ۱۳۴۸ق، مدفون در تکیه آقا سیّدمحمّد ترک در تخت فولاد اصفهان. افسر خونساری در رثاء و مادّه تاریخ او اشعاری گفته که بر سنگ قبرش نوشته اند:

هر که اندر سایه شرح محمّد جاگرفت جایگاهی بر فراز عالم بالا گرفت

سال فوتش افسر خوانسار پرسید از خرد از سماء معرفت این پاسخ زیبا گرفت:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۳۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۴۸ .۲۴۹

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۵۴.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۴۰۴؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۲۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۱۶ ۱۱۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۳.

۵- نسخه های خطّی، ج۳، ص۴۰۱؛ الذّریعه، ج۱۶، ص۱۳۸.

۶- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص۱۰۲۹ و ۱۰۴۱؛ کارنامه بزرگان ایران، صص۲۶۸ ۲۶۹؛ پیدایش خطّ و خطّاطان، صص۹۰ ۹۲؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص۱۷۳ ۱۷۶.

هاتفی از غیب گفتا همزه ها کم کن بگو: «احمد اندر مأمن الطاف ما مأوا گرفت»

احمد

ابوالفضل احمد بن محمّد بن شهمردان، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی در محاسن اصفهان او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، و متقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۱)

احمد وذنکابادی

ابوالعبّاس احمد بن محمود بن صُبیح بن سهل بن ابراهیم مدینی ثقفی وذنکابادی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری است. وی از عبداللّه بن عمر، ابی مسعود، احمد بن سعید بن جریر و حجّاج بن یوسف بن قتیبه همدانی روایت می کند، و ابوبکر محمّد بن جعفر بن یوسف و سلیمان بن احمد از او نقل حدیث کرده اند. وی محدّثی صاحب اصول و ثقه بوده، و در «وذنکاباد» در حومه مدینه (شهرستان) اصفهان سکونت داشت. وفات او در سال ۳۱۰ق اتّفاق افتاد.(۲)

احمد

ابوالفضل احمد بن محمود بن ونکروذه، از ادبای و شعرای اصفهان است. وی به فارسی شعر می سروده، و مافرّوخی او را در ردیف شعرای پارسی گوی متقدّم، ذکر نموده است.(۳)

احمد ثقفی

ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی اصفهانی مؤدّب، از محدّثین قرن پنجم هجری است.

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۹؛ احقاق الحق، ج۱۵، ص۲۶.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۳.

ابوبکر عبدالغفّار بن محمّد شیروی جنابذی (۴۱۴ ۵۱۰ق) در اصفهان از وی حدیث شنیده است. هم چنین نوه دختری او ابوالمطهّر عبدالمنعم بن ابی احمد نصر حرّانی اصفهانی از او نقل حدیث کرده است. وی در سال ۴۵۵ق وفات یافت.(۱)

احمد قصّار

احمد بن مخلد بن یحیی قصّار، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی ساکن محلّه یهودیّه اصفهان بوده، و از محمّد بن بکیر حضرمی روایت نموده است. قاسم بن عبداللّه بن محمّد ورّاق مدینی از او نقل حدیث می کند.(۲)

سیّداحمد حسینی شیرازی

احمد بن سیّدمرتضی حسینی شیرازی، عالم فاضل، متوفّی به سال ۱۱۲۶ و مدفون در تکیه آقا رضی در تخت فولاد.(۳)

احمد بلخی

احمد بن مسرور بلخی، در سال ۳۰۴ق پس از علیّ بن وهسودان دیلمی متقلّد ولایت اصفهان گردید.(۴)

نظام الدّین احمد «شرمی» قزوینی*

نظام الدّین احمد قزوینی متخلّص به «شرمی» فرزند مولانا مشقی شاعر ادیب، در قزوین به خیّاطی مشغول بوده، سپس به سیاحت پرداخته، آخرالامر در اصفهان ساکن شده تا سال ۱۰۳۸ که برای جلوس شاه صفی، مادّه تاریخ گفته، در قید حیات بوده است. سال ها

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۶۶؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۷۷؛ معجم البلدان، ج۲، ص۲۳۶؛ اللّباب، ج۱، ص۳۵۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۰۳ و ۱۱۵.

۳- رجال اصفهان، ص۱۹۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۸.

۴- مجمل فصیحی، ج۲، ص۲۲.

نزد شاه عبّاس، اعتبار و احترام داشته، و این شاه را مدح کرده است. علاوه بر دیوان اشعار، ساقی نامه ای نیز از او باقی است. این بیت از او است:

تازه می سازم به ناخن باز داغ خویش را آب و رنگی می دهم گل های باغ خویش را(۱)

شیخ احمد فیّاض

حاج شیخ احمد فیّاض فروشانی سدهی فرزند ملّامصطفی بن ملّامحسن، از علماء و مدرّسین عالی قدر اصفهان در ۱۷ ذی قعده ۱۳۲۴ق در سِدِه [همایون شهر = خمینی شهر فعلی [متولّد شد. مقدّمات علوم را نزد پدر و آقا سیّدمصطفی سدهی آموخت؛ سپس در اصفهان نزد حاج میرزا ابوالهدی کلباسی، آقامیرزا احمد مدرّس، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، حاج میرزا جمال الدّین کلباسی، حاج ملّاحسن دولت آبادی، آقا شیخ محمّدرضا مسجدشاهی، حاج میرمحمّدصادق مدرّس خاتون آبادی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، آقا شیخ علی مدرّس یزدی، حاج میرسیّدعلی مجتهد نجف آبادی، ملّامحمّدعلی عالم حبیب آبادی، آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی و آقا سیّدمهدی درچه ای تحصیل نمود، و از برخی از آنان موفّق به اخذ اجازه روایت و یا اجتهاد گردید. سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و در محضر شریف آیات عظام و علمای اعلام، آقا سیّد جمال الدّین گلپایگانی، آقا سیّدعبدالهادی شیرازی، حاج سیّدعلی بهبهانی، آقا شیخ محمّدکاظم شیرازی و حاج سیّدمحسن حکیم به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، و از آقا سیّدجمال الدّین گلپایگانی، آقا سیّدعبدالهادی شیرازی، حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، حاج میرزا احمد آشتیانی، آقا سیّداحمد جزائری معروف به سیّدآقا و آقا سیّدابوالحسن اصفهانی اجازه روایت و یا اجتهاد دریافت نمود. ایشان پس از بازگشت به اصفهان، به تدریس در مدرسه صدر بازار و اقامه نماز جماعت در مدرسه صدر خواجو پرداخت. ایشان عالمی متین و منظّم و موقّر و مؤدّب به آداب و اخلاق اسلامی بود. عموم طبقات بالاخص علماء و

۱- تذکره میخانه، صص۸۹۲ ۸۹۴؛ آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص۱۱۸۷ ۱۱۸۹؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۷۱.

طلّاب و مقدّسین به او ارادت داشته، و خدمتش را مغتنم می شمردند. ایشان اوّل ذی قعده سال ۱۴۰۷ق در منزل مسکونی خود در محلّه خواجوی اصفهان وفات یافت، و جنازه در مراسمی آبرومند، تشییع [شد]، و در جوار مسجد ملّاحیدرعلی در سده [خمینی شهر] مدفون گردید. مرحوم فیّاض، تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را مرقوم فرموده؛ امّا مرتّب نشده، و غیر مدوّن است. رساله شروط ضمن العقد از تقریرات آقاسیّدمحمّد نجف آبادی مدوّن و تنظیم گردیده است. گاهی شعری می سروده، و این شعر از او است:

خوبان سزد که دور تو گردند جملگی پروانه وار زان که تو شمع میانه ای(۱)

احمد عنبری

ابوجعفر احمد بن معاویه بن هذیل عنبری از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابراهیم بن ایّوب فرسانی، محمّد بن زیاد و حسین بن حفص روایت می کند، و علیّ بن رستم اصفهانی، محمّد بن یحیی بن معاویه و حسین بن عُضیر از او نقل حدیث می کنند. وی برادر ابومعاویه هذیل بن معاویه بن هذیل است. برادرش در سال ۲۶۰ق وفات یافته، و احمد پس از او مرده است.(۲)

احمد مؤدّب خوراسکانی

ابوجعفر احمد بن مفضّل مؤدّب خوراسکانی اصفهانی، از محدّثین اوایل قرن سوم هجری است. اهل «خوراسکان» جی اصفهان بوده [است]. از حبّان بن بشر روایت می کند. ابوبکر محمّد بن ابراهیم مقری اصفهانی از او حدیث، روایت کرده است.(۳)

۱- گنجینه دانشمندان، ج۸، ص۲۲۸؛ علوم و عقاید، ص۶۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص۲۸۵ ۲۸۷؛ مجلّه حوزه، شماره ۱۸، دی ماه ۱۳۶۵؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص۱۷۶ ۱۷۹ و ۳۵۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۴؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۶.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۳۵۴؛ اللّباب، ج۱، ص۴۳۹؛ خورشید جی، ص۲۹۳.

احمد ویذآبادی

ابوالعبّاس احمـد بن منصور بن محمّـد بن صالـح ویـذآبادی اصـفهانی از محدّثین محلّه ویذآباد (محلّه بیدآباد امروز) اصـفهان بوده، و همچون برادرش جابر از دانشمندان علم حدیث است.(۱)

احمد خطمی انصاری

احمد بن موسی بن اسحاق خطمی انصاری، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۱۸ق به اصفهان آمده، و چندی متصدّی امر قضاء در این شهر بوده است. وی از موسی بن اسحاق قوّاس، عبّاس دوری و احمد بن محمّد بن الاصفر روایت می کند.(۲)

دکتر سیّداحمد احمدی*

دکتر سیّداحمد احمدی فرزند سیّدموسـی احمدی علون آبادی، اسـتاد دانشگاه و محقّق ارجمند، در سال ۱۳۲۲ش در اصفهان متولّد شد، و به تحصـیل در حوزه علمیّه اصـفهان نزد حاج آقا حسن امامی، شیخ احمد فیّاض، حاج سیّدمصطفی بهشتی و حاج سیّدمحمّـدجواد غروی به تحصـیل پرداخت. سـپس به تحصـیل در مدارس جدید روی آورد، و به دانشـگاه تهران رفت، و فوق لیسانس روانشناسـی دریافت کرد. ایشان در کشور آمریکا دکترای روان شناسـی دریافت نمود، و سال ها است که در دانشگاه اصـفهان به تـدریس مشـغول است. از تألیفات و آثار ایشان: ۱. دسـتور زبان عربی ۲. مقـدّمه ای بر مشـاوره و روان درمانی ۳. اصول و روش های تربیت در اسلام ۴. روان شناسی نوجوانان و جوانان به چاپ رسیده است.

احمد رقام

احمـد بن موسـی تمیمی معروف به رقام، از محـدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. از محـدّثان مورد وثوق بوده است. از بکر بن بکار و محمّد بن عاصم روایت می کند. ابوبکر

۱- معجم البلدان، ج۱، ص۳۸۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۱۳۰.

بن الجارود و عبداللّه بن محمّد بن اسحاق از او نقل حدیث نموده اند.(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن مهدی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از ثابت بن محمّد شیبانی کوفی (متوفّی به سال ۱۱۵ق) روایت می کند.(۲)

احمد مدینی

حافظ ابوجعفر احمد بن مهدی بن رستم مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او دانشمندی ثروتمند و صاحب ضیاع و عِقار فراوان بوده، و در عهد خویش کسی چون او موثّق در نقل حدیث نبود. گویند چهل سال رخت خواب نگسترد. وی در شوّال (یا دهم رمضان) سال ۲۷۲ق وفات یافت. کتاب المسند فی الحدیث از تألیفات او است. وی از ابی نعیم، ابی الیمان حکم بن نافع، حجّاج بن ابی منیع، سعد بن ابی مریم، عبداللّه بن صالح، قبیصه و نعیم بن حماد روایت می کند. ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن یوسف، ابوجعفر احمد بن جعفر بن معد و عبداللّه بن محمّد بن عیسی از او نقل حدیث می کنند.(۳)

احمد اصفهانی

میرزا احمد بن محمّدمهدی اصفهانی از فضلاء قرن ۱۳ هجری است. در سال ۱۲۵۷ کتابت نسخه ای از زادالمعاد علاّمه مجلسی را به خطّ نسخ به پایان رسانیده، نسخه به شماره ۳۴۷۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۸.

۲- میزان الاعتدال، ج۱، ص ۱۷۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۶؛ هدیه العارفین، ج۱، ص ۵۰؛ اللباب، ج۳، ص۱۸۵.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۴۷۹.

ملّااحمد شریف خاتون آبادی*

آخوند ملّااحمد بن محمّدمهدی شریف خاتون آبادی اصفهانی عالم فاضل منجّم ادیب، در اصفهان به تحصیل پرداخت، و در انواع علوم به ویژه نجوم مهارت یافت، سپس به شوشتر رفت، و به تدریس پرداخت(۱)، آن گاه عازم عتبات عالیات شد، و چندی در کربلا به سر بُرد. وی تا سال ۱۱۵۵ق در قید حیات بود(۲). او کتابی موسوم به معرفه التّقویم را به عربی و مفصّل تألیف نموده، و یک بار آن را به عربی در ده فصل، و بار دیگر به فارسی در هشت فصل مختصر نموده، و تدوین کرده است.(۳)

شیخ احمد زاهد نجفی*

حاج شیخ احمد زاهد نجفی فرزند مهدی بن عبدالحمید بن ملّامحسن بن ملّااسماعیل، عالم فاضل. از روحانیون عالی قدر معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۰۴ش (سلخ شعبان ۱۳۴۲ق) در اصفهان متولّد شد. تحصیلات حوزوی را در اصفهان نزد سیّدنوراللّه قاضی عسکر و شیخ محمّدتقی قمشه ای آغاز کرد. سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و در درس علمای اعلام و فضلای کرام، شیخ محمّدعلی مدرّس افغانی، میرزا علی آقا فلسفی، سیّداسداللّه مدنی و شیخ محمّدتقی آل راضی حضور یافت، و کسب فیض کرد. آن گاه در درس خارج آیات عظام، خویی، حکیم، شاهرودی، امام خمینی، و درس خارج فقه حسین حمامی حاضر شد. در این سال ها ایشان در کنار تحصیل، به تدریس شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایتین برای طلّاب و فضلای نجف مشغول بود. در سال ۱۳۹۵ق پس از تیره شدن روابط دولت های عراق و ایران، از سوی دولت عراق، به همراه سایر ایرانیان مقیم عراق، از آن کشور مهاجرت کرد، و به زادگاه خود اصفهان بازگشت. او در این شهر به تدریس، اقامه نماز جماعت در مساجد، پاسخ گویی به سؤالات شرعی مردم، و ارشاد آنان اهتمام ورزید. در مبارزات مردم اصفهان در جریان انقلاب اسلامی، نظیر تظاهرات و تحصّن و امضای اعلامیّه های اعتراض آمیز شرکت داشت، و پس از پیروزی انقلاب، و در جریان جنگ ایران و عراق، در جبهه حضور یافت، و فرزند ۱۹ ساله اش هادی در جبهه های نبرد، به شهادت رسید.(۴)

۱- تذکره شوشتر، ص۱۳۹.

۲- الذّریعه، ج۲۵، ص۱۴۵.

۳- الذّریعه، ج۲۱، ص۲۵۰.

۴- نقل از یادداشت های فرزند صاحب عنوان، فاضل ارجمند جناب آقای حاج شیخ محمّد زاهد نجفی.

احمد اصفهانی

ابوجعفر احمد بن مهران بن خالد اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان است. از اسماعیل بن عمرو بجلی و خالد بن مخلد و حسن بن قتیبه حدیث نقل کرد، و سـعید بن یعقوب از او روایت می کند. وی فقط جهت نماز از منزل بیرون می آمده، و در سال ۲۸۴ق در یزد وفات یافته است.(۱)

سیّداحمد دیباجی*

حاج سـیّداحمد بن سیّدنصـراللّه بن سیّداحمد دیباجی سدهی، عالم فاضل، در سال ۱۳۵۳ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد [شد]، و در قم و نجف اشـرف تحصـیلات خویش را به پایان رسانید، و در تهران به اقامه جماعت پرداخت. سـرانجام در سال ۱۳۹۹ق (فروردین ۱۳۵۸ش) در تهران به دست مخالفین، ترور و شهید گردید.

ایشـان از شـاگردان آیـات عظـام، حکیم، شاهرودی و خویی بوده، و از جمعی از اساتیـد خود، اجازه روایت اخـذ نموده است. کتـب زیر از او اسـت: ۱. تقریرات در اصــول ۲. تقریرات در فقــه ۳. مختصـر المنطق ۴. تفسـیر القرآن ۵. کشـکول ۶. تبویب الذّریعه.(۲)

احمد مدینی

ابوالنّعمان احمد بن نضـر بن هشام مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از پدرش نضر روایت می کند، و ابوبکر محمّد بن عبدالرّحمان بن فضل مدینی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد نور شرق

احمد نور شرق فرزند شیخ نور اللّه، از آثار او است: ترجمه جنگ و صلح نوشته لئو

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۹۵؛ معجم البلدان، ج ۱.

۲- خمینی شهر، صص ۱۶۲ ۱۶۳؛ گنجینه دانشمندان، ج ۴، ص ۴۵۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۱.

تولستوی.

احمد قاضی

ابوعلی احمد بن وزیر بن بسّام قاضی، از محدّثین قرن سوم هجری است. او اوّلین شخصی است که در زمان متوکّل به منصب قضاوت اصفهان رسید، به این خاطر که ابن دؤاد، تمام قاضیان شهرها را مدّت ده و اند سال از قضاوت عزل کرد، و اصحاب مظالم را بر مردم مسلّط گردانید. ابوعلی قاضی از جعفر بن عون، ابی عامر، ابی دؤاد و ابی عاصم روایت می کند. یعقوب بن اسماعیل بن شبید از او حدیث نقل نموده است. وی در سال ۲۷۸ق وفات یافت.(۱)

میرزا احمد دولت آبادی

آقامیرزا احمد بن حاج میرزا هادی حسینی دولت آبادی از رؤسای علماء اصفهان. در قبل از طلوع آفتاب روز چهارشنبه ۱۱ ذی قعده ۱۲۷۷ متولّد [شد]، و در سال ۱۳۴۷ق وفات یافت، و در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.

مشارٌالیه در حسن معاشرت و اخلاق، ممتاز بود. در اواخر عمر، به مرض جنون مبتلا شد، و در حال مرض فوت کرد.(۲)

سیّداحمد خاتون آبادی

سیّداحمد بن میرمحمّدهادی خاتون آبادی اصفهانی، از علماء و فضلاء قرن دوازدهم هجری. از آثار او کتابت نسخه ای است از کتاب کافی که آن را در شب سه شنبه ۶ ذی القعده سال ۱۱۲۰ق به خطّ نسخ به پایان رسانیده است. نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

شیخ احمد جوهری

(حاج شیخ احمد جوهری، واعظ شهیر و خطیب فصیح، از اعقاب میرزا محمد ابراهیم جوهری صاحب طوفان البکاء. بیش از صد سال زندگانی نمود و افتخار روضه خوانی داشت. وی در غره شعبان ۱۳۶۳ق وفات نمود و در تکیه سیدالعراقین مدفون گردید. سغیر اصفهانی برایش مرثیه ای سروده که بر سنگ مزارش حک شده است)(۴)

شیخ احمد جنّتی

حاج شیخ احمد جنّتی، فرزند حاج ملّاهاشم، در ۳ اسفند ۱۳۰۵ش در محلّه لادان اصفهان متولّد شد. وی در اصفهان نزد پدر بزرگوارش و سیّدابوالقاسم هرندی، سیّدمحمّد هاشمی، حاج میرزا محمود معین، حاج شیخ علی مشکاتی، شیخ حیدرعلی صلواتی، حاج آقا روح اللّه امامی، حاج سیّدمحمّدباقر ابطحی و حاج شیخ احمد فیّاض به تحصیل پرداخت. سپس برای تکمیل آن، راهی قم شد، و در آن جا نزد شهید شیخ محمّد صدوقی، حاج میرزا عبدالکریم تهرانی، حاج سیّدرضا بهاء الدّینی، حاج سیّدمحمّدباقر سلطانی، حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، حاج شیخ حسینعلی منتظری، حاج سیّدزین العابدین کاشانی و حاج آقا

روح اللّه کمالونـد تحصـیل را در مرحله سـطح ادامه داد؛ سـپس در درس خـارج آیات عظام، بروجردی، امام خمینی، حجّت و گلپایگانی حضور یافت، و به اجتهاد نائل آمد.

او حـدود چهارده سال در مـدرسه حقّانی به تـدریس مشـغول بود. وی از طرفـداران نهضت امام خمینی بود، و به این خاطر، از سـوی رژیـم پهلـوی بارهـا دسـتگیر، زنـدانی و تبعیـد گردیـد. پس از پیروزی انقلاـب اسـلامی، مـدّتی به تصـدّی امر قضـا در خوزسـتان، اراک، اصـفهان و تهران پرداخت. سـپس از سوی امام خمینی به عنوان عضو شورای نگهبان منصوب شـد. از دیگر پست هـای ایشـان، امـامت جمعه در کرمانشـاه و اهواز، و امـام جمعه موقّت تهران و قم، ریاست سازمان تبلیغات اسـلامی، دبیر شورای هماهنگی تبلیغات اسـلامی، نمایندگی در سه دوره مجلس خبرگان، عضویّت در مجمع تشـخیص مصلحت نظام و غیره را می توان نام

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۲؛ الکامل، ج۷، ص۱۳۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۰، مقدّمه دیوان طرب، ص۲۰۷.

۳- فهرست رضوی، ج۵، ص۱۴۷.

۴- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

برد. از آثار ایشان: ۱. ترجمه اثبات الهُداه ۲. ترجمه ایقاظ الهجعه ۳. ترجمه تحف العقول(۱).

میرزا احمد شوری اصفهانی

میرزا احمد متخلّص به شوری، فرزند آقامحمّدهاشم زرگر اصفهانی، شاعر و ادیب خوشنویس، در اوایل قرن سیزدهم هجری، وی به همراه پدر به یزد مهاجرت کرد، و نزد پدر مشق خط نمود، و در خطّ نسخ مهارت یافت. چندی به وزارت امام قلی میرزا فرزند محمّد ولی میرزا قاجار مشغول بوده است. از آثار او کتابت قرآن مجید در سال ۱۲۳۰ق است که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. او تا سال ۱۲۵۵ق در قید حیات بوده است. این شعر از او است:

به من از این که سر خشم و کین دارد یقین که مهر و وفای مرا یقین دارد

همه به مرگ رقیب ار بود نمی خواهم زمانه خاطر شاد تو را غمین دارد(۲)

ملّااحمد مشکاه زفره ای

حاج ملّااحمد مشکاه زفره ای فرزند ملّاهاشم، واعظ معمّر صالح، در اصفهان ساکن بود، و سرانجام در یک شنبه ۶ ذی القعده ۱۴۰۲ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

احمد ضرّاب

ابونصر احمد بن هیذام ضرّاب، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از مسلم بن سعید اشعری و دیگران روایت نموده، و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.(۴)چ

۱- خبرگان ملّت، ج۱، صص۱۴۹ ۱۵۹.

۲- مجمع الفصحاء، ج۵، ص۵۳۷؛ حدیقه الشّعرا، ج۲، صص۸۷۳ ۸۷۴؛ راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۹۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۲۲.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۸۴ و ۸۶.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۳.

احمد جرواءانی

احمد بن یحیی بن حجّاج جرواءانی، از محدّثین اصفهان، قبل از قرن پنجم هجری است. وی از شاذکونی، سهل بن عثمان و عمرو بن علی نقل حدیث می کند، و حافظ ابونعیم با یک واسطه از او روایت می نماید.(۱)

احمد ثقفی

احمد بن یحیی بن حمزه بن زکریّا بن موسی بن مغیره ثقفی معروف به «بوشجه» یا «خشجه» از محدّثین اصفهان است. از حسین بن حفص و محمّد بن ابان عنبری روایت می کند. ابوعبداللّه احمد بن احمد بن حسن ثقفی مقری کسایی از او روایت می نماید. در سال ۳۸۱ یا ۳۸۲ وفات یافته است.(۲)

احمد شَلمابَق

احمد بن یحیی بن منذر بن ابراهیم بن عثمان بن مرّه سعدی ملقّب به «شَلمابق مکتب»، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. از ابوداوود، مسلم بن ابراهیم، عبداللّه بن رجاء، حسین بن حفص و راویان بصره روایت نموده است. او در سال ۲۷۳ق فوت شده است.(۳)

احمد عسّال

ابوجعفر احمد بن یحیی بن نصر عسّال، از محدّثین قرن سوم هجری است. شیخ ثقه و جامع احادیث فراوان بوده، و از محدّثان عراق و ری نقل حدیث نموده است. او در ذی حجّه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۱۷؛ آثار ملّی اصفهان، ص ۲۰۲؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۵۴؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۷۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۹۷؛ طبقات المحدّثین، ج ۳، ص ۲۶۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۸۷.

۲۸۶ق وفات نموده است.(۱)

احمد سنبلانی

ابوبکر احمد بن یحیی سُنبُلانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی به دمشق رفته، و از ابی عبدالرّحمان هارون بن سعید راعی و ابراهیم بن عیسی اصفهانی روایت نموده است. ابراهیم بن عبدالرّحمان بن عبدالملک بن مروان از او روایت می کند.(۲) سنبلان از محلّه های اصفهان است که اکنون آن را «سنبلستان» می خوانند.

احمد قطان

ابوجعفر احمد بن یزید قطّان، از محدّثین قرن سوم هجری است. کثیر الرّوایه بوده، و از ابی داوود، قتیبه بن مهران و حسن بن واصل (ابن مهیار) روایت نموده، و اسماعیل بن عبداللّه سمویه و جعفر بن احمد بن فارس از او نقل حدیث کرده اند.(۳)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن یعقوب بن ناصح اصفهانی، ادیب نحوی، در اصفهان خدمت ابن منده محمّد بن یحیی بن منده و دیگران تلمّذ نموده، پس از آن به نیشابور رفته، در آن جا ساکن گردیده، در بین سال های ۳۴۰ ۳۵۰ق وفات یافته است. حاکم نیشابوری در نیشابور از محضر او بهره گرفته است.(۴)

احمد برزویه

ابوجعفر احمد بن یعقوب بن یوسف نحوی اصفهانی معروف به «بَرزَویه» و «غلام نقطویه» از ادباء و محدّثین قرن چهارم هجری است. نحو را از فضل بن جناب و محمّد بن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۶۳.

۲- معجم البلدان، ج۳، ص۲۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۴.

۴- معجم الادباء، ج۵، ص۱۵۳؛ تاریخ نیشابور، ص۸۲.

عبّاس یزیـدی فراگرفت، وی از عمر بن ایّوب سـقطی روایت نموده، و ابوالحسن بن شاذان از او نقل حـدیث می نمایـد. برزویه در سال ۳۵۴ق وفات یافت. غلام در اصطلاح علمای رجال و درایه به معنی شاگرد تربیت شده است(۱).

[به احتمال زیاد، او همان احمد بن یعقوب اصفهانی از مشایخ روایت حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان است].

احمد اصفهانی

ابوجعفر احمد بن یعقوب اصفهانی، از محدّثین شیعه اصفهان است. وی در نیمه اوّل قرن چهارم هجری می زیست. از احمد بن علی اصـفهانی و ابوجعفر احمد بن علویّه اصـفهانی روایت می کند. حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان و احمد بن ابراهیم بن ابی رافع از او روایت می کنند.(۲)

شیخ احمد کرمانی

شیـخ احمـد بن محمّـد یوسف کرمـانی اصـفهانی، از فضـلاء و علمـاء و خـدمت گزاران به علم و روحـانیّت در قرن چهاردهم هجری. وی متصـدّی و بانی چاپ و انتشار چندین کتاب دینی ازجمله حاشـیه آخوند ملّامحمّدکاظم و شـرح نهج البلاغه میرزا محمّدباقر نوّاب لاهیجی، در سال ۱۳۱۷ق بوده است.

احمد اصفهانی

احمد بن یونس بن خُشنام اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

۱- راهنمای دانشوران، ج۱، ص۵۴؛ معجم الادباء، ج۵، ص۱۵۲؛ الوافی بالوفیات، ج۸، ص۲۷۵؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۲۴۶؛ روضـات الجنّات، ج۱، ص۲۱۲؛ نوابع الرّواه، ص۶۰؛ الکنی و الالقـاب، ج۲، ص۷۷؛ اعیان الشّـیعه، ج۶، ص۷۱۵؛ لغت نـامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۳۸۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران،، ص۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۰۷.

۲- نوابغ الرّواه، ص۶۰؛ معجم رجال الحدیث، ج۱۰، ص ۲۳۰ و ج۲، ص۱۵۱؛ احقاق الحق، ج۱۸، ص۱۱۲.

در بغـداد ساکن بوده، و از احمد بن یونس ضبّی روایت نموده است. عمر بن محمّد بن سـری بن سـهل از او نقل حدیث کرده است.(۱)

احمد ضبّی

ابوالعبّاس احمـد بن یونس ضبّی اصـفهانی، از محـدّثین قرن سوم هجری است. از اهالی کوفه بود، به اصـفهان آمـد، و در سال ۲۶۸ق در این شهر وفات یافت.

از یعلی بن عبید، محمّد بن عبید، یعقوب زهری، ابوالجوّاب و محمّد بن عبدالصّمد بن جابر روایت نموده است.(۲)

شیخ احمد اهتمام

شیـخ احمـد اهتمـام رهنـانی، عـالم فاضل، ادیب محقّق در قریه رهنانِ ماربین اصـفهان [که اکنون محلّه ای از محلّات اصـفهان است] متولّـد شـد، [و در اصـفهان نزد جمعی از علمـاء بزرگـوار، همچون آقاسـیّدمحمّد نجف آبـادی، سـیّدعلی مجتهـد نجف آبادی، حاج میرزا رضا کلباسـی تحصـیل نمود. در کنار آن، در مدارس جدید نیز تحصیل نمود. وی گاهی شعر نیز می سرود. تألیفاتی نیز داشت که از آن جمله است: ۱. حاشیه بر اصول آیت اللّه نجفی ۲. رساله در قاعده لاضرر ۳. دوره فقه استدلالی در بیست و شش جلد ۴. رساله در منجزات مریض ۵. فلسفه احکام]. صاحب عنوان در ذی حجّه الحرام ۱۳۸۷ق وفات یافت، و در تکیه زرگرها واقع در تخت فولاد مدفون شد. این بیت از او است:

مژده ای دل که شب هجر سر آمد به وصال یار بی پرده به کف ساغر می مالامال(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۳؛ تاریخ بغداد، ج۵، صص۲۲۴ و ۴۴.

۲- میزان الاعتدال، ج۳، ص۹۴؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۲۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۸؛ خمینی شهر، صص۱۵۵ ۱۵۷.

سیّداحمد بحرانی

احمد بحرانی، از فضلاء و دانشمندان اصفهان در قرن یازدهم هجری و معاصر صاحب ریاض العلماء است.

صاحب ریاض می نویسد: مجموعه ای از کتاب های کهن در اصفهان دیده ام؛ ازجمله کتاب های سیّداحمد بحرانی، معاصر، که همگی به خطّ شیخ علیّ بن یونس بیاضی بود.(۱)

دکتر احمد برجیان

دکتر احمد برجیان، از اساتید دانشکده پزشکی در حدود سال ۱۳۴۳ق متولّد شد، و پس از طیّ تحصیلات ابتدایی و متوسّطه، به تحصیل در دانشکده پزشکی تهران پرداخت، و موفّق به اخذ دکترا گردید. وی پس از فعّالیت در بیمارستان های سینا در تهران و ثریّا در اصفهان، سرانجام به تدریس در دانشکده پزشکی اصفهان پرداخت.

دکتر احمد تفضّلی*

دکتر احمد تفضّلی، استاد دانشگاه و محقّق دانشمند در ۱۶ آذر ۱۳۱۶ش در اصفهان متولّد شد، تحصیلات ابتدایی و متوسّطه خود را در تهران به پایان رسانید، و در رشته ادبیّات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. ابتدا لیسانس و سپس دکترای خود را دریافت نمود. علاوه بر آن، در دانشگاه لندن و دانشگاه پاریس نیز تحصیل نمود، و به اخذ دکتری در رشته فرهنگ و زبان های باستانی نائل آمد. وی سپس در بنیاد فرهنگ ایران به کار تحقیقاتی پرداخت، و در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. از سال ۱۳۷۰ش عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده، و سرانجام در ۲۴ دی ۱۳۷۵ش وفات یافت. این کتاب ها از تألیفات ایشان است(۲): ۱. اسطوره زندگی زرتشت ۲. یکی قطره باران ۳. تاریخ ادبیّات ایران پیش از اسلام ۴. زبان پهلوی: ادبیّات و دستور آن ۵. واژه نامه مینوی خرد، ۶. شهرهای ایران و هم چنین ترجمه آثاری همچون: ۱. شناخت اساطیر ایران ۲. مینوی خرد

۱- ریاض العلماء، ج۴، ص۲۵۶؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶.

۲- به نقل از یادداشت های محمّدرضا زادهوش.

۳. نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایرانیان.

احمد جلّودی

احمد معروف به «جلّودی» از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف متقدّمین و از دانشمندان حدیث و کلام ذکر کرده است.(۱)

احمد حامدی اصفهانی

احمد اصفهانی متخلّص به «حامدی» از فضلاء و ادبای اصفهان. وی رساله در معرفت تقویم را در چهار فصل و یک مقدّمه تألیف نموده، و ضمن مجموعه شماره ۷۳۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

احمد حسینی

احمد حسینی، از خوشنویسان زمان حکومت شاه سلطان حسین صفوی بوده، خطّ ثلث را در کمال استادی می نوشته، از آثار او کتیبه ایوان امام زاده احمد اصفهان به تاریخ ۱۱۱۵ق است.(۳)

میرزا احمد حکیم باشی

میرزا احمد حکیم باشی، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. ظاهرا در تهران ساکن بوده، و علاوه بر طب، از ریاضیّات و هیأت و نجوم مطلع بوده است. وی به همراه فرهاد میرزا معتمدالدّوله و میرزا علی محمّد محلّه نویی اصفهانی در سال ۱۲۷۶ق به مراغه رفته، و به بررسی بقایای رصدخانه مراغه پرداخته است.(۴)

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۱.

۲- فهرست مرعشی، ج ۲، ص ۳۳۳.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۷۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۱۶۹؛ آثار ملّی اصفهان، ص ۷۴۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، ص ۵۱۷.

۴- احوال و آثار خواجه نصیرالدّین طوسی، ص ۳۲.

سیّداحمد خاتون آبادی

سیّداحمد اصفهانی خاتون آبادی، فاضل جلیل و عالم نبیل در اصفهان نزد میرمحمّدباقر خاتون آبادی و میرمحمّدصالح خاتون آبادی تحصیل نمود، و در مشهد مقدّس ساکن گردید، و به تدریس مشغول شد. با وجود تبحّر در فقه، و رسوخ ملکه اجتهاد، در افتاء، احتیاط می کرد. وی در سال ۱۱۴۱ق در مشهد مقدّس وفات یافت. از آثار او جواب اعتراضات بر حقّ الیقین علاّمه مجلسی است که در پاسخ به اعتراضات عدّه ای در هند، آن را نوشته است.(۱)

استاد احمد رائض*

استاد احمد رائض، استاد مینیاتور و تذهیب و از هنرمندان معاصر اصفهان، در سال ۱۳۴۷ قمری در اصفهان متولّد شد، و در این شهر نزد اساتید نقّاشی تحصیل کرد. وی سال ها در اداره باستان شناسی اصفهان و سپس سازمان میراث فرهنگی اصفهان به فعّالیت پرداخت. وی موضوع مینیاتورهای خود را از خمسه نظامی انتخاب می کرد. وی سرانجام در ۲۰ مرداد ۱۳۷۲ هجری شمسی وفات کرد.(۲)

احمد ریاحی چالشتری

احمد خان سالار مفخم ریاحی، در ۱۳۱۳ق متولّد شد، و مقدّمات را در چالشتر طی نمود، سپس به تهران رفت، و در کالج آمریکایی تحصیل کرد. وی عاقبت به چالشتر باز گشت، و به زراعت پرداخت. این بیت از او است:

نظر به جمع گرفتارهای بندت کن ببین پریش تر از گیسوی تو، حالت ماست(۳)

ملاّاحمد سبزواری

ملاّاحمد سبزواری اصفهانی، از علماء و فضلای قرن سیزدهم هجری است، در اصفهان ساکن بوده، و نزد میرسیّدحسن

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۶۰ ۶۱؛ نجوم السّماء، ص۲۶۶؛ مرآت الکتب، ج۱، ص۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۲۹.

۲- روزنامه سلام، مورّخ ۲۱ مرداد ۱۳۷۲، ص۱۵.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴.

مدرّس اصـفهانی تحصیل نموده است. شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی (شیخ الشّریعه) نزد سبزواری تلمّذ نموده، و از استاد خود مدح و ثنای بلیغ فرموده است.(۱)

میرزا احمد خان سرتیپ

میرزا احمد خان سـرتیپ، نویسـنده و مترجم دوره قاجاریّه. وی به زبان انگلیسـی آشنا بوده، و به امر ظلّ السّلطان چندین کتاب ترجمه کرده که نسـخه هـای آن در کتابخـانه عمومی اصـفهان موجود است: ۱. ترجمه تاریخ آسـیای وسـطی تألیف، فرنسیس هنری اسـکرین، سه فصل از جلد اوّل، و تمام جلد دوم ۲. ترجمه مقدّمه لواحق تاریخ رشـیدی تألیف میرزا محمّد حیدر بن رو غلات گورگـان فرزنـد محمّدحسـین میرزا، از زبـان انگلیسـی. مشـارٌالیه در تکیـه حـاج فاتـح الملک در تخت فولاـد مـدفون است.(۲)

احمد شریف اصفهانی

احمد شریف اصفهانی از فضلاء قرن ۱۳ هجری است. از آثارش کتابت جلد چهارم کتاب انوار البصائر تألیف حسن بن محمّد اسـت که آن را در ۱۲ ذی حجّه سـال ۱۲۲۷ به خطّ نسـخ به پایان رسانیـده است. کتاب به شـماره ۲۴۲۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

سیّداحمد طباطبایی اصفهانی

سیّداحمد طباطبایی، عالم فاضل، فقیه کامل، در اصـفهان ساکن بوده، و شـیخ عبدالنّبی قزوینی او را چنین سـتوده: «کان فاضـلًا مکرمـا و عالمـا مبجلاًـ و فقیهـا معظّمـا» و نوشـته که نزد اهـل علم، مقبول بود، و آنـان به فضل او اذعان داشـتند. در اواخر عهد صفویّه می زیست، و

۱- الکرام البرره، ج ۱، ص ۷۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۱؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۲۹.

۳- فهرست دانشگاه، ج ۱۶، ص ۴۱۱.

سال فوت او معلوم نیست(۱).

سیّداحمد طباطبایی

سیّداحمـد طباطبـایی، از اطبّـاء اصـفهان، مؤلّف کتاب نقرس و معالجات آن می باشـد. مؤلّف آن را جهت ظلّ السّـلطان تألیف نموده است. وی از پزشکان معروف اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان بوده است.(۲)

احمد عاصی اصفهانی*

احمد شـیران متخلّص به «عاصی» از شعرای معاصر است. در سال ۱۳۱۰ شمسی در اصفهان متولّد شد. وی کمی تحصیل کرد؛ امّا به علّت ناملایمات روزگار، از ادامه تحصیل بازماند، این بیت از او است:

گردد غزل سرا به سر کوی عشق دوست رندانه عاشقی که سحر قامتش خم است(۳)

میرزا احمد عاصی اصفهانی

میرزا احمد نقّاش اصـفهانی متخلّص به «عاصـی»، شاعر و ادیب بوده، و در قرن سیزدهم هجری می زیسته [است]. کتابی منظوم در مصائب معصومین علیهم السلام دارد، و آن را مصائب الائمّه نامیده است.(۴)

میرزا احمد خان فاتح الملک

حاج میرزا احمد خان فاتح الملك، از رجال دسـتگاه ظلّ السّلطان بوده است. در عهد مشروطیّت، به آزادی خواهان پیوست، و از اعضای انجمن ولایتی اصفهان شد. وی نماینده

۱- تتمیم امل الآمل، ص ۶۰؛ نجوم السّماء، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۲۲۸؛ اعیان الشّیعه، ج۸، ص۳۳۴.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص ۱۵۱.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۵۳۵.

۴- فهرست نسخه های خطّی مدرسه آخوند همدان، ص۴۵.

اصفهان در دور دوم مجلس شورای ملّی بود. او پس از فوت، در جنوب تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

احمد فنایی هفشجانی

میرزا احمـد مهـدوی متخلّص به «فنایی» از علماء طراز اوّل چهارمحال بود. در سال ۱۳۱۶ قمری در قریه هفشـجان از قراء ناحیه لار متولّد شد. در مدارس قدیمه اصفهان تحصیلات خویش را انجام داد. پس از اتمام تحصیلات، و نیل به مقامات عالیه علم و فضل و کمال، به مولد خویش مراجعت کرد، و مشغول انجام امور شرعیّه آن حدود گشت. مردی خلیق و مهربان بود، و گاهی اشعاری می سرود؛ از آن جمله است:

نهال آدمی آن گه سعادت در ثمر آرد که در وی آشیان گیرد همای شاهباز دل(۲)

احمد قاسمی

میرزا احمد خان قاسـمی از فضـلاء معاصر اصفهان است. در حدود سال ۱۳۲۰ق در اصـفهان متولّد گردید، و مدّتی تحصیلات قـدیمه، مخصوصـا مقـدّمات نمود، بعـدا به مـدارس جدیـد وارد شـد، در دبیرسـتان دارالفنون تهران تحصـیل نمود. آن گـاه به خـدمت اداره فرهنگ وارد [شـد]، و در ضـمن آن، دانشسـرای عالی را به پایان رسانید. مدّت ها در شـهرهای ایران به ریاسـت اداره فرهنگ و سایر مناصب مهم اشـتغال داشت. وی از مریـدان آقامیرزا عبّاس پاقلعه ای و پس از فوت ایشان، مرید میرزا زین العابدین نعمت اللّهی پاقلعه ای بوده است.

میرزا احمد قمشه ای

میرزا احمـد خـان قمشه ای، از شـعرای قرن یـازدهم هجری است. جوان قابلی بود؛ امّا به علّت تنـدخویی، پیوسـته در آزار بود. گویا مدّتی متصدّی وزارت هرات بوده، سپس وزیر

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۰؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص ۲۵۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۶۹ ۳۷۰.

مشهد مقدّس، و سرانجام، وزیر تنکابن شد. او مدّتی در عالی قاپی متحصّن شد، و در آن اوقات وفات یافت. از او است:

در حقیقت تندیِ خو پاسبان راحت است خار باشد بهتر از گل بر سر دیوار ما

نرمی ظاهر، نشان از خبث طینت می دهد گل به دامان می برد گلچین ز زخم خار ما(۱)

شیخ احمد قمی نژاد*

شیخ احمد قمی نژاد، عالم فاضل و معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شد. وی با وجود فقر و مشکلات اقتصادی، به تحصیل علوم دینی پرداخت، و پس از طیّ دروس مقدّمات در درس علمای اعلام اصفهان سیّدمحمّدرضا خراسانی، حاج سیّدعبدالحسین طیّب، سیّدمرتضی اردکانی، شیخ محمود مفید و حاج آقا رحیم ارباب حاضر شد. مدّتی نیز در تهران نزد شیخ حسینعلی راشد و رفیعی قزوینی کسب فیض نمود. وی چنان چه خود می گفت ، بیست سال ملازم حاج آقا رحیم ارباب بوده است. او واعظی باسواد، با مطالعه و حق گو بود، و به جرم حق گویی و پرخاش به ظلم و ستم و فساد دستگاه پهلوی، تحت تعقیب و شکنجه قرار گرفت، و تا نزدیکی اعدام پیش رفت.

قمی نژاد، شاعری پرشور بود، و اشعاری با تخلّص «قاموس» سرود. گزیده مختصری از غزلیّات و قصاید او، پس از وفات، به خطّ استاد غلام رضا توکّلی به چاپ رسید. ایشان در ۱۵ رمضان ۱۴۲۰ق (۳ آذر ۱۳۷۸ش) وفات یافت، و در صحن امام زاده ابوالعبّاس خوراسکان مدفون گردید. این شعرها از او است:

از عشق روی جانان، هم مست و هم خمارم بر آن نگار زیبا، معشوق و هم نگارم

عالم چو بزم و محفل، من در میان شمعم گرچه ز رَخش دولت، افتاده ام سوارم

* * *

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص۱۰۷ ۱۰۸.

ای اولوا الالباب بر «قاموس» مهر آرید و لطف خوب گوییدش اگرچه او بدی ها کرده بود(۱)

ملّااحمد کرمانی

ملّااحمد واعظ کرمانی قمیشه ای (شهرضایی) از فضلاء و اهل منبر و واعظ دانشمند و متّقی بوده، و سال ها در شهرضا به ارشاد و هدایت خلق می کوشیده، و پس از سال ۱۳۵۴ قمری، در آن جا وفات یافته است.

میرزا احمد قمشه ای

(میرزا احمد فرزند عالم ربانی ملا عبدالله قمشه ای، عالم فاضل، در ذی قعده ۱۲۵۹ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در حوار پدر خود دفن گردید.)(۲)

احمد «مجدی» اصفهانی

احمد شکری متخلّص به «مجدی» شاعر ادیب، در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در اصفهان متولّد شد، تحصیلات ابتدایی خویش را در این شهر به پایان رسانید، از اعضاء انجمن ادبی کمال بود، و غزل را نیکو می سرود. از اشعار او است:

[گردید عمر من همه صرف غمِ نگار آیا نگار هیچ ز من یاد می کند

وصل نگار خواهم و آن سنگ دل نگر با من به روزگار چه بیداد می کند(۳)]

شیخ احمد مدرّس زنجانی

آقا شیخ احمد مدرّس زنجانی، عالم فاضل متکلم ادیب. در ابهر زنجان متولّد شد، و در زنجان، قزوین و نجف اشرف به تحصیل پرداخت، سپس به کرمان رفت، و بیش از چهل سال به ارشاد مردم و تدریس و تحقیق مشغول شد. او در اواخر عمر به اصفهان منتقل شد،

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۲- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۱ ۴۱۲.

و در محلّه دروازه حسن آباد ساکن گردید. او صبح ها در مسجد شاه امامت می فرمود، و در مدرسه ناصریّه تدریس می کرد. وی در ۹ ربیع الثّانی ۱۳۶۹ق در سنّ حدود نود سالگی وفات یافت، و در تخت فولاد مقابل تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون گردید. وی به عربی و فارسی شعر می سروده، و «خادم» یا «خادم صدری» تخلّص می نموده است. ایشان کتاب ها و رساله های مختلفی تألیف نموده است که از آن جمله است: ۱. وجیزه در فرق بین سحر و معجزه ۲. هدایه الانام در منظومه کلام که هر دو به طبع رسیده است. این شعر از او است:

شمس و قمر را رسید گاه تقابل پر شده صحن چمن ز نغمه بلبل

ای که دو چشمان توست فتنه بابل خیز نگارا بیار یک قدح از مل

بس کن از این ناز و غمز و غنج و تدلل(۱)

احمد مردیها

احمد مردیها، از شعرای اصفهان است. پس از تحصیلات ابتدایی به دانشسرای پسران رفت، به تحصیل پرداخت. گاهی شعر می سرود.(۲)

شیخ احمد سالک*

(شیخ احمد سالک فرزند عالم ربانی شیخ محمود سالک کاشانی، در سال ۱۳۲۵ش در اصفهان متولد شد. پس از اخذ دیپلم ریاضی به تحصیل دروس حوزوی نزد پدر خود و شیخ محمد رضا مقدس خواجویی و اساتید دیگر پرداخت. وی از دوران نوجوانی وارد مبارزه با رژیم طاغوت شد و سختی های فراوانی را به جان خرید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ادوار اول و سوم و چهارم مجلس شورای اسلامی نماینده مردم اصفهان شد و تا کنون نیز در حدمت نظام اسلامی ایران قرار دارد)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۴۳۴ ۴۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۲۸ ۲۲۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۰۴؛ الفهرست لمشاهیر و علماء زنجان، ص۱۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴.

دکتر احمد میرحسینی

دکتر احمد میرحسینی، طبیب حاذق، استاد دانشکده پزشکی در حدود سال ۱۳۳۲ق در کرمان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در کرمان و متوسّـطه را در اصفهان طی نمود، و پس از آن در دانشکده پزشکی تهران تحصیل نمود، و پس از اتمام تحصیلات، در اصفهان با سمت جرّاح به فعّالیت پزشکی مشغول شد. پس از افتتاح آموزشگاه عالی بهداری در اصفهان به سمت دانشیار بافت شناسی و آمیب شناسی آلی آموزشگاه منصوب شد. پس از مدّتی به آمریکا رفت، و در دوره تخصّصی بیماری های «میزراه» شرکت نمود. سپس به اصفهان بازگشت، و در دانشکده پزشکی به تدریس پرداخت. وی مدّتی معادل دانشکده پزشکی، ریاست دبیرخانه دانشگاه و معاونت دانشگاه اصفهان بوده است. از تألیفات ایشان، کتاب بیماری های میزراه است. وی سرانجام در سال ۱۳۹۵ق وفات یافت، و در تکیه آقا سیّدمحمّدلطیف خواجویی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

احمد بیک نورکمال*

احمد بیک نورکمال اصفهانی، از کارگزاران و رجال اداری و سیاسی اوایل عهد صفویّه است. در هرات ساکن بوده، و از ملازمان درویش خان شاملو، لَله سام میرزا بوده است. او در سال ۹۳۹ق وزارت دیوان اعلی در حکومت شاه تهماسب را برعهده گرفت. در سال ۹۴۱ به جرم همدستی با حسین خان شاملو که قصد مسموم کردن شاه تهماسب را داشت، به همراه برادرانش در قلعه النجق محبوس شد، و ظاهرا در آن جا وفات نمود. وی عمارات مجلّل و زیبایی در اصفهان بنا کرده بود، و جمعی از معماران، نقّاشان و خطّاطان، ساختن و آراستن آن را انجام دادند که ازجمله آن ها ادهم یزدی است که کتیبه های این عمارت را نوشته است.(۲)

۱۳۵۱

سیّداحمد هاتف اصفهانی

احمد حسینی اردوبادی اصفهانی متخلّص به «هاتف» حکیم شاعر و ادیب ماهر از شعرای نامدار و اطبّاء معروف اصفهان است.(۳) پدرانش که از اطبّاء معروف زمان خود بوده اند از اردوباد آذربایجان به اصفهان

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۴ و اطّلاعات شخصی نویسنده.

۲- تاریخ شاه اسماعیل و شاه تهماسب، ص۱۱۹؛ احسن التّواریخ، ص۳۲۰؛ تکلمه الاخبار، ص۸۰؛ احوال و آثار خوشنویسان، صص۵۷ ۵۸.

۳- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۸۴.

منتقل شدند، و او در این شـهر متولّد گردید، و هم در این شـهر و ظاهرا نجف اشرف تحصیل نمود، و در فنون ادب و حکمت و ریاضـی و منطق، استاد مسلّم زمان خود بود، و از زمره شعرایی است که در انجمن ادبی مشتاق شرکت داشت، و در برگشت سبک ادبی، حقّی مسلم دارد.(۱) وی در زبان عربی و فارسـی، در نهایت اسـتادی شـعر می گفت، و ترجیـح بند عرفانی او] با مطلع:

ای فدای تو هم دل و هم جان وی نثار رهت هم این و هم آن

از شاهکارهای شعر فارسی است، دیوانش مکرّر به طبع رسیده.(۲) در اواخر عمر، در کاشان ساکن شد، و در بین شـعرا با آذر بیگدلی و صباحی کاشانی مأنوس و محشور بود، و این سه شاعر، عمری را به خوشی در کنار هم گذرانیدند. یک سال هر سه در اصـفهان خدمت آذر، و سالی در کاشان، منزل صباحی و سومین سال در قم در منزل هاتف بوده اند. سرانجام، آذر در سال ۱۱۹۵ در اصـفهان، و صـاحب عنوان در ۱۱۹۸ در قم، و صـباحی در ۱۲۰۷ در کاشـان وفات یافت.(۳) هاتف را دختری اسـت بیگم نـام که رشـحه تخلّص دارد، و پسری به نـام سـیّدمحمّد ملقّب به مجتهدالشّـعراء و متخلّص به سـحاب، شاعر ادیب. [مادّه تاریخ وفات هاتف را صباحی چنین سروده است:

به آیین وفا گفتا صباحی بهر تاریخش: «که یارب منزل هاتف بگلزار جنان بادا»

۱۱۹۸(۴)]

سیّداحمد یزدی

آقاسید احمد یزدی، عالم عامل و عارف کامل، در سال ۱۲۲۸ق متولّد و در اصفهان ساکن بود، و در ۲ جمادی الاوّل ۱۳۲۳ق وفات یافت، و در تکیه آقامحمّد بیدآبادی مدفون شد(۵).

احمدرضا طلایی

احمدرضا غفورزاده ورنوسفادرانی متخلّص به «طلایی» فرزند عبّاس، شاعر و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۹۹۳ ۹۹۴.

۲- الذّریعه، ج۹، ص۱۲۸۳.

۳- ریحانه الادب، ج۶، صص۳۴۴ ۳۴۵؛ اصفهان (کتاب جوانان)، ص۲۴۴.

۴- طرائق الحقائق، ج۳، ص ۲۲۰ و نیز رجوع کنید به: تاریخ ادبیّات ایران، شـفق، صص۵۷۹ ۵۸۰؛ مجمع الفصحاء، صص۱۱۷۵ ۱۱۸۴؛ نگارستان دارا، ج۱، صص۲۷۷ ۲۷۸؛ تذکره انجمن خاقان، صص۶۴۴ ۶۶۱.

۵- آیینـه دانشـوران، ج۱، ص۳۵؛ نقباء البشـر، ج۱، ص۸۷؛ رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۱۹۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۲۹؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۴۴؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۷۶.

نویسنده معاصر، در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در محلّه زاغ آباد ورنوسفادران سده متولّد شد. تحصیلات ابتدایی خویش را در سِدِه [خمینی شهر کنونی] به پایان رساند، و سپس در کارخانه های اصفهان به کار مشغول شد(۱)، و سرانجام به استخدام شهرداری اصفهان درآمد. وی از همان نوجوانی به سرودن شعر پرداخت، و در انجمن های ادبی، همچون کمال، صائب و حافظ شرکت کرد، و در منزل خود نیز انجمن ادبی و هنری سعدی را برپا داشت(۲). اشعارش در بسیاری از مطبوعات اصفهان به چاپ می رسید.] طلایی سرانجام در جمعه ۲۳ فروردین ۱۳۸۱ شمسی وفات نمود، و در قبرستان امام زاده سیّدمحمّد مدفون شد. از او تألیفاتی به جای ماند، از آن جمله است]: ۱. زندگی و جشن های ایرانیان ۲. گل های زاینده رود ۳. تجارب طلایی ۴. دیوان اشعار. این بیت از او است:

خواستم نقّاش را نقشی کشد از زندگی با قلم نقش حبابی بر سر دریا کشید]

ملّااحمدعلی اصفهانی

ملّااحمدعلی اصفهانی، عالم فاضل در اصفهان ساکن بود، و از شاگردان حاج سیّدمحمّد باقر حجّت الاسلام شفتی به شمار می رفت. مرحوم سیّد، او را در سال ۱۲۵۲ق جهت ارشاد مردم به رشت فرستاده، و سفارش نامه ای خطاب به مردم آن جا نسبت به رجوع مردم در مسائل شرعی به ملّااحمد علی نوشته، و او را به عنوان «العلاّمه الفهّام و المجتهد العادل» ستوده است.(۳)

دکتر احمدعلی فروغی*

دکتر احمدعلی فروغی ابری، از چهره های علمی و اجتماعی معاصر، پس از اخذ دیپلم و گذراندن دوره تربیت معلّم، به خدمت آموزش و پرورش اراک درآمد. سپس ادامه تحصیل داد، و به تدریس در دانشسرای عالی پرداخت. سرانجام پس از تحصیل در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۴.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۴۹۱.

۳- الکرام البرره، ج۱، ص۱۲۰؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۶۴ ۲۶۵.

دانشـگاه کانزاس در ایالات متّحده آمریکا موفّق به اخذ دکترای برنامه ریزی آموزشـی گردید. وی ابتدا در دانشـگاه کرمان، و سپس در دانشگاه اصفهان تدریس نمود، و در سال ۱۳۶۶ش دانشـگاه آزاد اسلامی خوراسگان را تأسیس نمود، و ریاست آن را برعهده گرفت. ایشان علاوه بر ریاست دانشـگاه آزاد، عضو هیأت مدیره شبکه فنّاوری استان اصفهان، و چند سازمان دولتی و غیر دولتی دیگر است.(۱)

احنف عِبادانی

ابـوبحر (یـا ابومحمّـد) احنـف بن ابوالا ـحنف حکیم بن عمران، از محـدّثین قرن سـوم هجری است. در عبـادان سـاکن بـوده، و سرانجـام به اصـفهان رفته، و در آن جا وفات یافته است. وی از حماد بن سـلمه، عبـداللّه بن مبارک، جریر بن حازم و ابی ثعلبه عابـد روایـت می نمایـد. یـونس بن حـبیب از او نقـل حـدیث می کنـد.(۲) [نـام «عبـادان» را در اوایـل قرن چهـاردهم هجری خورشیدی به «آبادان» تغییر دادند].

احنف سعدی

ابوبحر احنف بن قیس بن معاویه سعدی تمیمی وی فاتح تیمره و جَرم کاشان بوده است.(۳)

اختیار افتخاری

خواجه اختیار افتخاری، از اعیان اصفهان در قرن نهم هجری.(۴)

ادایی اصفهانی

ادایی، از شعرای اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده، نامش معلوم نیست. شعر بسیار

۱- خورشید جی، ص۴۳۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۴.

۴- تاریخ دیار بکریه، ص۳۳۲.

گفته، امّا قافیه غلط در اشعارش بسیار است. از او است:

کشیده ای ز میان تیغ آبدار به کینم مرا ز تیغ مترسان که من هلاک همینم(۱)

ادریس کرجی

ابوشجاع ادریس بن عبّاس کرجی، از محدّثین قرن سوم هجری بوده [است]. به اصفهان آمد، و از محدّثین اصفهان حدیث شنید.

حافظ ابونُعیم اصفهانی و جعفر بن احمد بن فارس از او روایت می کنند. حافظ ابونعیم در باب او گوید: از حفظ، حدیث نقل می کرد. ادریس کرجی در محلّه خشینان اصفهان ساکن بوده است.(۲)

ادریس اصفهانی

ادریس بن عبداللّه اصفهانی، در قرن دوم هجری می زیسته، و شیخ طوسی او را در عداد اصحاب حضرت صادق علیه السلام شمرده است.(۳)

۱۳۶۲

اردشیر میرزا مسعود

اردشیر میرزا مسعود فرزند مسعود میرزا ظلّ السّلطان حاکم اصفهان، فرزند ناصرالدّین شاه قاجار، از فضلاء خاندان قاجار، مؤلّفِ ۱. جغرافیای تاریخی سیاسی جهان، تاریخ تألیف، ۱۵ صفر ۱۳۳۱ق، کتاب حاضر در ۱۵۱ صفحه در اصفهان به چاپ رسیده است. ۲. مخزن المراثی که در سال ۱۳۰۰ق در ۴۶ صفحه در تهران به چاپ رسیده است.

۱- تذکره تحفه سامی، صص ۲۳۹ ۲۴۰؛ الذّریعه، ج ۹، ص ۶۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳- رجال، شیخ طوسی، ص ۱۵۴؛ جامع الرّواه، ص ۷۸؛ نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۸۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۳، صص ۱۱ و ۱۷۳؛ اعیان الشّیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۶؛ منهج المقال، ص ۵۰؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص ۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۵۲.

دکتر سیّدارسطو علاج

دکتر سیّدارسطو علاج فرزند میرزا رشید ناظم الاطبّاء بن سیّدمحمّدحسین بن حاجی سیّدمحمّد بن میرزا محمّداسماعیل بن میرمحمّدسعید بن میرمحمّدحسین بن میریحیی بن میرآقابیک طباطبایی اردستانی از اطبّاء حاذق اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در اصفهان می زیسته، و تولیّت موقوفات مدرسه کاسه گران اصفهان را برعهده داشته است. یکی از اجداد او میرمحمّدسعید، داماد حکیم الملک اردستانی، بانی مدرسه کاسه گران بوده است. دکتر علاج در سال ۱۲۷۱ق متولّد [شد]، و در سال ۱۳۰۹ق وفات یافت.(۱)

دکتر ارسطو میرعلایی

دکتر ارسطو میرعلایی خورزوقی اصفهانی، از اطبّاء حاذق اصفهان و مؤلّف عظم طحال در کلینیک.

ازدیار فارسی

ابومحمّد ازدیار بن سلیمان بن داوود فارسی صوفی، از محدّثین قرن سوم هجری است، وی فقه را به مذهب اهل حجاز آموخته است. از خالد بن عبداللّه هروی روایت نموده است. در سال ۳۶۷ق به اصفهان آمده، و حافظ ابونعیم اصفهانی از وی نقل حدیث نموده است.(۲)

اژر زوره

اژر زوره اصفهانی، شاگرد بزرگمهر، حکیم معروف، مؤلّف: ۱. شرح نامه دهگان خداپرست، که به انوشیروان نوشته، و او آن را به صاحب عنوان داد که مرتّب کند. ۲. نامه زردشت که به زبان پهلوی بوده، و به نام «زوه» شهرت داشته، انوشیروان آن رابه صاحب

۱- آتشکده اردستان، ج۱، صص۶۶ ۶۷؛ آثار ملّی اصفهان، ص۴۹۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۱.

عنوان داده که به فارسی برگرداند، و شرح نماید. در آن جا اژر زروه گوید: «از اصفهانم و از نژاد کیومرث و از ساسانیان و از اردشیر نیکوکار و شاگرد بزرگمهر». نسخه خطّی این آثار به شماره ۲۵۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

اسباط مدینی

اسباط بن ابراهیم معدل مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. اصلاً از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و از احمد بن خشنام و ابراهیم بن معدان و ابن عاصم روایت نموده است. وی در سال ۳۴۰ق وفات یافت.(۲)

اسباط اصفهانی

اسباط بن عبداللّه، از محدّثین اصفهان است. از ابی داوود روایت نموده، و اسماعیل بن عبداللّه سمویّه از او نقل حدیث نموده است.(۳)

اسحاق بیگ عذری بیگدلی

اسحاق بیگ بیگدلی شاملو متخلّص به «عذری» فرزند آقاخان، شاعر ادیب، برادر کوچک تر لطفعلی بیگ آذر است. در غزل سرایی، طبعی روان داشت، و اغلب در اصفهان ساکن بود تا این که در سال ۱۱۸۵ق وفات یافته، و در ایوان شمالی امام زاده درب امام اصفهان مدفون گردید. صباحی کاشانی مادّه تاریخ وفاتش را در این بیت آورده است:

از صباحی خواستم تاریخ سال رحلتش گفت: «بادا در بهشت جاودان اسحق بیگ»

از آثار و تألیفات او است: ۱. دیوان اشعار ۲. تذکره اسحاق بیگ که منتخبی از اشعار تذکره آتشکده است، و نسخه های آن در کتابخانه ملّی تبریز و کتابخانه دانشکده ادبیّات

۱- فهرست دانشگاه، ج۳، صص ۵۵۰ و ۴۸۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۴.

اصفهان وجود دارد. این دو بیت از او است:

افسوس که شد باد خزان باز وزان شد فصل بهار و آمد ایّام خزان

آنان که بُدند روز و شب گِرد رَزان انگشت زنان شدند انگشت گزان(۱)

اسحاق مکتب

ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم بن داوود مکتب، از محدّثین اصفهان است. از حمید بن مسعده روایت حدیث می کند، و ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم از وی نقل حدیث می نماید.(۲)

اسحاق معدّل

ابوعثمان اسحاق بن ابراهیم بن زید بن سلمه بن الرّبیع بن جابر تمیمی، از محدّثین اصفهان است. در باب او گفته اند: «ثقةٌ مأمون». از جمعی از محدّثین عراق اخذ حدیث کرد، و ابوالحسن علیّ بن احمد فقیه از او نقل حدیث می کند. صاحب عنوان در سال ۳۴۰ق وفات یافته است.(۳)

اسحاق عُقیلی

ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم بن صالح بن زیاد عُقیلی (به صیغه مجهول)، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. با احمد بن حنبل دوستی و برادری داشت. از عبدالرّحمان بن محمّد دمشقی و جمعی دیگر روایت حدیث می کند، و ابومسعود و احمد بن ابراهیم دورقی از وی روایت کرده اند. وی در طرطوس ساکن بوده، و در سال ۲۴۰ق

۱- تذکره اختر، ص۱۴۵؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۲۳؛ الذّریعه، ج۳، ص۷۰۹؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۱، صص۱۸۲ ۱۸۳؛ مجمع الفصحاء، ج۵، ص۷۳۱؛ نشریّه دانشکده ادبیّات اصفهان، شماره دوم و سوم، سال دوم، ص۱۲۸؛ رجال اصفهان، ص۱۸۷؛ مزارات اصفهان، ص۲۰۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۰.

وفات یافته است(۱). [خانـدان عُقیلی در قرن سوم و چهـارم هجری در قریه «فابزان» اصـفهان ساکن بوده انـد. مورّخان معاصـر اصفهان، این روستا را با «خوابجون» در حومه اصفهان تطبیق داده اند].

اسحاق مؤدّب

اسـحاق بن ابراهیم بن قُرّان مؤدّب، از محـدّثین اصـفهان است. احمـد بن اسـحاق از او روایت می کنـد، و او از ابراهیم بن فَهد بصری و اسماعیل بن عمر بَجَلی نقل حدیث می نماید.(۲)

اسحاق قاسانی

اسـحاق بن ابراهیم بن قره قاسـانی، از محـدّثین اصـفهان است که به مصـر رفت، و در آن جا حـدیث گفت. از عمرو بن علی و دیگران روایت حدیث می کند.(۳)

اسحاق جمیلی

ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم بن محمّد بن جمیل، معروف به جمیلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. از سالخوردگـان بود، و بیش از یـک قرن عمر کرد. از ابوکرنیب و احمـد بن منیع ابوهـاشم رفاعی و محـدّثان کوفه روایت نمود. محمّد بن جعفر بن یوسف از او نقل حدیث نموده است. صاحب عنوان در سنّ ۱۱۷ سالگی در سال ۳۱۰ق وفات یافت.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۵؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۴۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۲۱۸ و ۲۰۶؛ الانساب، ج۴، ص۲۲۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۶، ص۵۳۵؛ تذکره الحفّاظ، ج۲، ص۷۵۹.

اسحاق راشتینانی

ابوطاهر اسحاق بن ابی بکر احمد بن محمّد بن جعفر راشتینانی از محدّثین اصفهان است. در جرقویه «راشتینان» اصفهان سکونت داشته است. حافظ ابوموسی اصفهانی از او روایت می کند.(۱)

اسحاق فلفلانی

ابویعقوب اسحاق بن اسماعیل بن سُکین فلفلانی، از محدّثین اصفهان است. از اسحاق بن سلیمان رازی روایت حدیث می کند، وی پس از سال ۲۶۰ هجری وفات یافته است. [فلفلان قریه ای در حومه اصفهان به شمار می رفت، و اکنون محلّه ای در اصفهان، جنب محلّه طوقچی است که به فلفلچی شهرت دارد].(۲)

اسحاق رملی

ابویعقوب اسحاق بن اسماعیل بن عبداللّه بن زکریّا مذحجی رملی، از محدّثین عامّه است. در سال ۲۸۸ به اصفهان آمده، و خضاب سرخ به کار می برده، و در کوی قصارین نزول کرده، و خود، پیشه مسگری داشته، و از آدم بن ابی ایاس و محمّد بن رمح روایت حدیث می نموده است، و چون احادیث را از حفظ بیان می کرده، از این رو به خطا افتاده است.(۳)

اسحاق جلکی

ابویعقوب اسحاق بن اسماعیل بن موسی بن مهران جلکی تاجر، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۱۵؛ ج۹، ص۱۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۲۱، ص۱۵۳؛ طبقات المحدّثین، ج۱، صص۱۲۷ ۱۲۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۶؛ معجم البلدان، ج۴، ص۴۷۵؛ اللّباب، ج۲، صص۴۳۸ ۴۳۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۷؛ الانساب، ج۵، ص ۲۴۱، مقتبس الاثر، ج۴، ص۲۲۹.

از مشایـخ موثّق حـدیث به شـمار می رفته، و از جمعی از راویان بصـره و ابی الولیـد، سـهل بن بکار، معاذ بن اسـد، ابی الرّبیع، اسماعیل بن اویس و سعید بن منصور نقل حدیث نموده است. صاحب عنوان در سال ۲۷۹ق وفات یافت.(۱)

شیخ محمّداسحاق اصفهانی

شیخ محمّداسـحاق بن محمّدجعفر اصفهانی، ادیب لغوی خطّاط در سال ۱۱۱۲ نسـخه از نهج البلاغه را به خطّ نوشته است. در دو برگ نخست نسخه، این یادداشت مشهود است:

«چون جناب حمیده اخلاق عمده فضـلاء الآفاق شـیخ ابواسحاق در علم لغات، مشهور و معروف دهر و در حسن خط، افضل از خوشـنویسان این عصر بودند؛ لهذا... به مبلغ هشت تومان ابتیاع نمودم؛ سنه ۱۱۱۲». نسخه به شماره ۶۱۰ در کتابخانه فیضیّه قم موجود است.(۲)

اسحاق قطر بلی

اسحاق بن سعد قطر بلی، عامل اصفهان و معاصر با ابراهیم بن ممشاد است.(۳)

اسحاق زعفرانی

اسحاق بن عبداللّه شیبانی زعفرانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. محمّد بن ابراهیم کتانی از او روایت نموده است(۴).

اسحاق اصفهانی

اسـحاق بن فیض بن محمّد بن سـلیمان، از محدّثین اصفهان و مولی عقاب بن اسید بن العیص بوده است. از عدّه ای از محدّثین ازجمله عبدالمجید بن عبدالعزیز روایت کرده

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۷.

۲- فهرست فیضیّه، استادی، ج ۱.

۳- اعیان الشّیعه، ج ۱۱، ص ۶۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱۱، صص ۲۱۷ ۲۱۹.

است، و محمّد بن یحیی بن منده، اسحاق بن جمیل و محمّد بن جعفر اشعری از او روایت می کنند. وی پس از سال ۲۵۰ق وفات یافت(۱).

اسحاق اصفهانی

اسحاق بن محمّد اصفهانی از محدّثین اصفهان و مولی عبداللّه بن جعفر هاشمی یعنی عبداللّه بن معاویه بن عبداللّه بن جعفر بوده، و از محمّد بن اسحاق صاغانی روایت می کرده است. سلیمان بن احمد از او روایت می کند.(۲)

اسحاق اصفهانی

ابوالحسن اسحاق بن محمّد بن ابراهیم بن حکیم بن اسید، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. حافظ ابونعیم اصفهانی درباره او گوید: «شیخ ثبت، صدوق عارف بالحدیث، ادیب، لایحدث الّا من کتابه». احمد بن عبیداللّه بن محمود و محمّد بن جعفر و محمّد بن عبداللّه بن مرزبان از او روایت می کنند، و او از محمّد بن عاصم، حسن بن عثمان، ابوامیّه و جمعی دیگر از محدّثین شام و حجاز و عراق نقل حدیث می کند. وی در رمضان سال ۳۱۲ق فوت شده است(۳).

اسحاق زجّاج

اسحاق بن محمّد بن اسحاق زجّاج، از عابدان روزگار خود بود، و در قرن سوم هجری در اصفهان می زیست. از محمّد بن فرج و محدّثین هم طبقه او روایت حدیث نموده، و پدر حافظ ابونُعیم از او روایت می نماید.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۲۲.

اسحاق مدینی

ابویعقوب اسحاق بن محمّد بن علیّ بن سعید مدینی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری. از موالی انصار بوده، و از حمید بن مسعده و عمرو بن علی روایت نموده، و کتاب العلل تألیف یحیی بن معین را از عبّاس دوری شنیده است. وی در روز آخر ماه رمضان ۳۱۱ق درگذشته است.(۱)

اسحاق

ابویعقوب اسحاق بن مهران (یا ابراهیم) بن عبدالرّحمان مولای قریش، از محدّثین اصفهان است. از ابن مهدی، یحیی قطان غندر و عبدالوهاب ثقفی روایت نموده، و ابومسعود، سمویه و پسرش یعقوب بن اسحاق از او نقل حدیث کرده اند.(۲)

اسحاق خرجانی

اسحاق بن یوسف خرجانی دیلمانی، از محدّثین در قرن سوم هجری است. وی از حفص بن عمر عدنی روایت می کند، و فرزندش ابومحمّد عبداللّه از او نقل حدیث می نماید.(۳)

[خرجان از دهات معروف قرون اوّلیه پس از اسلام بوده، و در حومه شهر اصفهان قرار داشته است، و دیلمان از محلّه های آن بوده است، و مردم آن روزگار، آن را خورجان می گفته اند].

نظام الدّین اسحاق مزهد اصفهانی

نظام الدّین اسحاق مزهد، واعظ اصفهانی در قرن هفتم و هشتم هجری است، تاج الدّین

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۸؛ طبقات المحدّثین، ج ۴، ص ۳۷۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۵؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۶؛ طبقات المحدّثین، ج ۲، ص ۲۹۹؛ الانساب، ج ۲، ص ۵۲۷؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۶.

عبداللّه مسمار بغدادی هنگامی که به اصفهان آمد، در باب امامت با صاحب عنوان وارد بحث شد. نظام الدّین چندین سؤال از او نمود. وی به عربی جواب آن ها را نوشت، و به نزدش فرستاد، و به مسافرت خود ادامه داد. هبه اللّه بن اصیل این سؤالات را به فارسی ترجمه کرده، و به نام مسمار العقیده نامیده است، و آن را به نام غیاث الدّین چنگیزی در اصفهان، در میانه سال ۷۰۷ق نام گذاری نموده است. تاج الدّین عبداللّه را کتابی دیگر است به نام الکشکول فی ما جری علی آل الرّسول که در ۷۳۵ تألیف شده، و به نام سیّدحیدر عاملی شهرت یافته است. نسخه مسمار در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود.(۱)

۱۳۹۱

محمّداسحاق «شوکت» بخارایی

شاعر ادیب، پدرش صرّاف بوده، و خود او یک چند به این شغل مشغول بوده، رنجیده از بخارا به خراسان و سپس اصفهان آمده، در زاویه علیّ بن سهل مقیم شده، به عبادت و ریاضت و انزوا و قناعت گذرانیده، مدّت ۳۴ سال به یک لباس قناعت کرده، در ۱۱۰۷ق فوت شده، و همان جا مدفون گردیده [است]. از او است:

دل عاشق وجود از هرچه یابد زان فنا گردد از آن آبی که گندم سبز گردد آسیا گردد(۲)

اسد

سلطان اسد بن جنید، ظاهرا از عرفاء بوده، و قبرش در جنب مزار صاحب بن عبّاد است. حاجی یار بیک صبّاغ در سال ۱۰۴۴ق یک باب دکان بر آن وقف نموده، و وقف نامه در تالار اشرف موجود است.(۳)

۱- عامری نامه، ص ۲۶۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۶۴۳؛ تذکره المعاصرین، صص ۱۶۲ ۱۶۵؛ الذّریعه، ج ۹، ص ۵۵۰؛ رجال اصفهان، ص ۲۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۰۴.

۳- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۳۵۱.

اسد اصفهانی

اسد بن حکیم اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری بوده، و از ابی عاصم، مقری و حسین بن حفص روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم کنانی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

سیّداسداللّه اصفهانی

حاج سیّداسداللّه اصفهانی، از آزادی خواهان مشروطه خواه اصفهان بوده، و در دوره اوّل مجلس شورای ملّی به عنوان وکیل فارس، شرکت داشته است. در عهد استبداد صغیر و سرکوب مشروطه خواهان به دست محمّدعلی شاه مورد تعقیب قشون استبداد واقع شد، به عتبات عالیت گریخت، و از آن جا با کسب دستور از آخوند خراسانی به خلیج فارس بازگشت، و به مبارزه با استبداد پرداخت.(۲)

اسداللّه اصفهانی

اسداللّه اصفهانی، از خطّاطان قرن سیزدهم هجری و کاتبان کلام اللّه مجید بوده، از آثار او قرآن مجید به خطّ نسخ زیبا است که کتابت آن در پنج شنبه ۴ شوّال ۱۲۸۶ به پایان رسیده، و به شماره ۵۱۰۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

اسداللّه مصفّی

اسداللّه مصفّی فرزند میرزا آقا خان محاسب الدّوله از فضلاء و دانشمندان اصفهان است. وی از بنیان گذاران فرهنگ جدید در اصفهان است. مدّتی رییس اداره فرهنگ اصفهان بود، و در سال ۱۳۸۰ق در تهران وفات یافت، و در مقبره ظهیرالدّوله مدفون گردید.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۱.

۲- تاریخ جراید و مجلّات، ج۴، صص۲۴۸ ۲۴۹.

۳- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ج۱۵، ص۶۵.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸.

سیّداسداللّه بهشتی

آقاسیّداسداللّه بن حاج سیّدمحمّدابراهیم حسینی بهشتی عالم فاضل صالح زاهد، امام جماعت مسجد کوچه سرتیپ، متوفّی در شب ۱۸ ربیع الاوّل ۱۳۱۰ق مدفون در تکیه سادات بهشتی در شمال مصلّای تخت فولاد(۱). [مادّه تاریخ وفات او این بیت است:

بهر تاریخ او سرود خرد: «اسداللّه فاز بالرّضوان»

۱۳۱۰ق]

سیّداسداللّه بیدآبادی

حاج سیّداسداللّه بیدآبادی فرزند حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی، عالم فاضل، زاهد متّقی، ادیب محقّق و مجتهد مدقّق، در سال ۱۲۲۷ق در اصفهان متولّد شده، و نزد پدر بزرگوار خود، و سپس در نجف اشرف، نزد آقاسیّدابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، آقا شیخ محمّدحسین نجفی صاحب جواهر، شیخ مرتضی انصاری، شیخ نوح جعفری نجفی به تحصیل پرداخته، و از آنان اجازه روایت و اجتهاد دریافت نموده است. ازمشایخ روایت ایشان ملّااحمد تربتی خراسانی است.

ایشان از نوجوانی تا سال ۱۲۶۰ق در عتبات عالیات به تحصیل پرداخته، و در این سال به ایران بازگشته، و به جای پدر به تدریس و مرجعیّت امور شرعی پرداخته [است]. وی اوقات خود را صرف تحقیق و تألیف و مطالعه کتب می نمود. ایشان خدمات اجتماعی ارزنده ای داشته، و آثار باقیه بسیار به جای نهاده که از آن جمله است: تأمین آب آشامیدنی نجف اشرف، بنای غسّال خانه در نجف اشرف، تعمیر مسجد سهله در کوفه، تعمیر مدرسه درکوشک و تکمیل بنای مسجد سیّد در اصفهان. از وقایع زمان ایشان، شورش اصفهان در سال های ۱۲۶۵ و ۱۲۶۶ در ابتدای سلطنت ناصرالدّین شاه است. پس از زدوخورد بسیار بین طرفین، و کشتار و خرابی بسیار در اصفهان، جمعی از علمای اصفهان، ازجمله حاج سیّداسداللّه بیدآبادی، ملّاحسن نوری و میرزا محمّد نوّاب لاهیجی برای وساطت نزد شاه، و پایان

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

دادن به غائله، راهی تهران شدند که در منطقه مورچه خورت، قوای دولتی تحت اختیار حاکم اصفهان غلام حسین خان سپهدار و به فرماندهی کیکاووس میرزا قاجار بر سر مهاجرین تاخته، به ضرب و شتم آنان پرداخته، و آنان را به زنجیر کشیده، به اصفهان آوردند. پس از این قضایا حاج سیّداسداللّه به عتبات عالیات مهاجرت کرد، و حدود سه سال در نجف اشرف مقیم شد، و سپس به اصفهان آمد. عموم مؤلّفین که شرح حال وی را متذکّر شده اند، مقام زهد و عبادت و تقوای او را ستوده اند. میرزا محمّد تنکابنی در قصص العلماء می نویسد: «در ابکاء و خوف حضرت قهّار، مانندی برای او نیست». حاج سیّداسداللّه علاوه بر محاسن و مناقب علمی و اخلاقی، از حُسن خط نیز برخوردار بوده، و آثاری به یادگار گذاشته که از آن جمله است: خطوط کتیبه داخلی بقعه پدر بزرگوار خود در مسجد سیّدکه گچ بری شده است. قطعه ای از خطّ نستعلیق ایشان نیز در اختیار مرحوم مهدی بیانی بوده است. ایشان در سال ۱۲۹۰ق به قصد زیارت اعتاب مقدّسه، از اصفهان حرکت نموده، در مسیر راه، در شب یک شنبه سلخ جمادی الثّانیه این سال در منزل کرند از توابع کرمانشاه وفات یافت. جنازه به نجف اشرف منتقل، و در اتاق سمت راست وارد شونده به صحن مطهّر حضرت علی علیه السلام از درب قبله، مقابل قبر حاج شیخ مرتضی انصاری مدفون گردید. مادّه تاریخ ایشان را سیّدجعفر حلّی در ضمن قصیده ای گوید:

«اسداللّه بمثوی اسداللّه توسّد»: ۱۲۹۰

کتب زیر از تألیفات او است، و نویسنده در کتاب بیان المفاخر، مفصّل به شرح موضوع و نسخه های آن پرداخته ام: ۱. الاجازه الامامه لصلاه الجمعه ۲. رساله در امامت ۳. رساله در احکام وضعیّه ۴. رساله در ارث زوجه ۵. رساله در تجوید ۶. رساله در تقدیر ۷. رساله در تقلید ۸. حاشیه بر سیوطی ۹. رساله در حبوه ۱۰. حواشی بر تحفه الابرار ۱۱. حواشی بر نخبه حاجی کلباسی ۱۲. کتابی در رجال ۱۳. رساله ای در رخصت و عزیمت ۱۴. رساله در سبب و مانع ۱۵. رساله در شبهه محصوره و غیر محصوره ۱۶. شرح زیارت عاشورا ۱۷. شرح شرایع الاسلام ۱۸. رساله عصیریّه ۱۹. رساله عملیّه ۲۰. کتاب الغیبه فی حکم الاغتیاب ۲۱. کتاب الفقه الاستدلالی ۲۲. مستخرجات الطّرائف ۲۳. رساله در معرفه

التّکالیف ۲۴. مناسک حج ۲۵. مناقب الائمّه علیهم السلام ۲۶. رساله در میراث.(۱)

سیّداسداللّه قزوینی

حاج سیّداسداللّه قزوینی اصفهانی فرزند سیّدمحمّدباقر موسوی از احفاد سیّدعبداللّه مدفون در حوالی قزوین، عالم فاضل زاهد در حدود سال ۱۲۴۵ق در اصفهان متولّد، و برای تحصیل، عازم عتبات عالیات شد، و در خدمت میرزا محمّدحسن شیرازی،محمّد فشارکی و سیّداسماعیل صدر به تحصیل پرداخت. بارها به سفر حج رفت، و سرانجام به دستور استادش سیّداسماعیل صدر برای تبلیغ دین و نشر احکام به هند رفت، و در حیدرآباد، مشغول به انجام وظایف شرعی خود شد تا آن که در سال ۱۳۲۷ق وفات یافت، و در همان جا مدفون گردید. وی کتب خود را به دستور استاد اخلاقی خود ملّافتحعلی عراقی به آب انداخته، و از بین برده است. آن چه باقی مانده، تقریرات فقهیّه او است.

فرزندش سیّدحسن نیز از علماء ازکیاء بوده، و در ذی قعده ۱۳۶۵ق در حیدرآباد وفات یافت، و جنب پدر مدفون گردید.(۲)

شیخ اسداللّه فاضل بیدآبادی

حاج شیخ اسداللّه بیدآبادی معروف به «حاج فاضل» بن حاج ملّامحمّدباقر بن ملّامحمّدرضا، عالم فاضل زاهد، از

۱- احوال و آثار خوشنویسان، صص۹ ۱۰؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۴۴ ۳۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۵۳ ۲۵۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۸؛ زندگانی و شخصیّت شیخ انصاری، ص۱۹۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۱۱۵؛ الکرام البرره، ج۱، ص۱۲۴؛ فواید الرّضویه، ج۱، ص۴۲؛ لباب الالقاب، ص۷۱؛ ماضی النّجف، ج۳، ص۱۳؛ معارف الرّجال، ج۱، ص۹۴؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۳۶؛ هدیه الاحباب، ص۱۴۰؛ تاریخ اصفهان و ری، صص۲۶۲ ۲۷۹؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۲؛ احسن الودیعه، ج۱، ص۷۸؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۵ ۳۰۶؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۶؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسداللّه»، ص۲۲۶۴؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۲۴۲؛ اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۱۰۹؛ الکنی والالقاب، ج۲، ص۱۷۴؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۵؛ الذّریعه، ج۱۳، ص۳۰۷ و ج۱۱، ص۲۱۲ و ج۱۶، ص۷۵ و ج۱۰، ص۹۵ و ج۲۲، ص۳۲۰.

۲- نقباء البشر، ج۱، صص۱۳۵ ۱۳۶؛ میرزای شیرازی، صص۱۰۸ ۱۰۹؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۳۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۵۴ ۲۵۵؛ اسره المجدّد الشّیرازی، ص۱۱۱.

شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی، آقا سیّدمحمّد باقر درچه ای، آقانجفی و دیگران بوده.(۱) از مخصوصین حاج میرزا عبدالحسین مسجدشاهی بود، و پس از فوت ایشان به آخوند فشارکی پیوست، و در خدمت آن دو، به امور شرعی و رسیدگی به اختلافات مردم می پرداخت، و نیز در مدرسه میرزا مهدی در محلّه بیدآباد امامت می فرمود.(۲) در چهارشنبه ۲۱ ذی القعده سال ۱۳۶۳ وفات یافت، و در خارج از بقعه تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید.(۳)

سیّداسداللّه دادخواه

سیّداسداللّه دادخواه فرزند سیّدمحمّدجعفر حسینی بهشتی، عالم فاضل فقیه مجتهد، در اصفهان متولّد شد، و نزد جمعی از علماء ازجمله آقامیرزامحمّدهاشم چهارسوقی تحصیل کرد، و از آخوند ملاّمحمّدحسین فشارکی اجازه دریافت نمود. سال ها نماز جماعت را در مسجد سرجوی شاه اصفهان اقامه می نمود. در دوره سوم مجلس شورای ملّی به عنوان نماینده اصفهان در آن دوره شرکت نمود. وی محضر شرعی، جهت رفع خصومات و مرافعات و ثبت عقود داشت که پس از تأسیس دفاتر رسمیِ ثبت اسناد و طلاق و ازدواج، از آن کار کناره گرفت. مشارٌالیه در ۲۰ شوّال ۱۳۶۳ق در سنّ قریب به هشتاد سالگی وفات یافت، و در تخت فولاد در بقعه تکیه زرگرها مدفون شد. سیّدعلی بدیع زاده متخلّص به هور، در رثای او شعری سروده که دو بیت آخر آن که شامل مادّه تاریخ وفات او است:

می جست خرد سال وفات اسداللّه آن حجّت والاگهر نیک دل آگاه

هورش یکی از جمع برون کرد و چنین گفت: «پیش اسداللّهِ علی رفت اسداللّه»(۴)

شیخ اسداللّه حکیم قمشه ای

شیخ اسداللّه حکیم قمشه ای فرزند مشهدی جعفر، از اجله حکماء و مرتاضین در حدود سال

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۳؛ اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۱۰۹.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۸؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۳۳؛ تحفه الاحباب، صص ۲۰ ۲۱.

۱۲۹۷ق در شهرضا متولّد [شد]، و در مولد خود نزد حاج میرزا نصراللّه حکیم قمشه ای به تحصیل پرداخت، و ادبیّات، فقه، کلام، منطق و حکمت را فراگرفت؛ سپس به اصفهان آمد، و در مدرسه صدر، به تدریس حکمت و ریاضیّات قدیم و جدید پرداخت.

انواع خطوط، خصوصا شکسته را خوب می نوشت، و زبان فرانسه را بدون استاد آموخته بود. استاد شیخ محمّدباقر الفت درباره وی گوید: «وی در علوّ طبع، حدّت ذهن، قوّه حافظه و جمیع فضایل، اخلاقش به درجه ای بود که چنین گوهری گران مایه، کم تر زیب عالم انسانیّت گشته است». سرانجام در ۱۸ ذی قعده ۱۳۳۴ق در عنفوان جوانی در ۳۶ سالگی وفات یافت، و در تکیه ملک در تخت فولاد، نزدیک قبر آخوند کاشی مدفون گردید. از تألیفات او کتاب علم الاشیاء است که جهت محصلّین مدارس جدید تألیف نموده، و به چاپ رسیده است. شعر نیز می سروده و «دیوانه» تخلّص می نموده، قسمتی از اشعارش در کتاب دانشنامه به طبع رسیده است. از اشعار او است:

خوش تر ز روزگار جنون روزگار نیست نیکوتر از دیار محبّت دیار نیست

عاقل اگر چه عاقبت از جوی بگذرد امّا مسلّم است که دیوانه وار نیست(۱)

اسداللّه اصفهانی

اسداللّه بن حبیب اللّه اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری بوده، از آثارش، کتابت نسخه ای از شرح تجرید قوشچی که آن را در ربیع الثّانی سال ۱۰۷۲ به پایان رسانیده است. نسخه آن در کتابخانه مسجد گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است(۲).

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۲؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۳۰ ۲۳۱؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۴۰۶ ۴۱۱؛ دانشنامه، صص۱ ۲ و ۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۰؛ الذّریعه، ج۹، ص۳۳۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۵۶ ۲۵۷؛ کارنامه همایی، صص۵۶ ۵۷؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۶ ۳۰۷؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، ص۸۱؛ تاریخ شهرضا.

۲- فهرست کتابخانه گوهرشاد، ص۳۱۷.

سیّداسداللّه اصفهانی

سیّداسداللّه بن حسن اصفهانی حیدرآبادی معروف به «میرنوّاب»، از فضلاء و ادباء هندوستان در قرن ۱۳ هجری، مؤلّفِ مختار الاخبار فی احوال الاخیار، در تاریخ سلاطین بهمنیّه هندوستان در سال ۱۲۹۶ق در دکن هندوستان چاپ سنگی شده است.(۱)

سیّداسداللّه ثقه الواعظین

سیّداسداللّه ثقه الواعظین بن سیّدمحمّدحسن سلطان الواعظین کاشانی، معروف به سیّدحسن کاشی، واعظ کامل و ادیب شاعر، از محدّثین اهل منبر در اصفهان بود. در شب شنبه ۲۶ ذی حجّه الحرام ۱۳۸۰ق وفات یافت، و در یکی از اتاق های تکیه میرزا ابوالمعالی در تخت فولاد مدفون شد. کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. آثار باقریّه ۲. بغیه الامجاد فی لغات الاضداد ۳. ترجمه و شرح حدیث کساء، مطبوع ۴. درر ثمین ۵. دیوان السّادات ۶. سرورالعباد فی صدق المعاد ۷. سلطان المقاتل ۸. کرامه الائمّه فی معرفه الائمّه ۹. لئالی الصّدف و خیرالتّحف ۱۰. مجمع الاخوان ۱۱. معاجز القرآن ۱۲. المعراجیّه ۱۳. منتخب اللّغه و غیره.(۲)

اسداللّه اصفهانی*

اسداللّه اصفهانی معروف به «نایب اسداللّه» فرزند نایب حسین خان از هنرمندان اصفهان در اواخر دوره قاجاریّه است. در نواختن نی، استادی چیره دست و بی مانند بوده، و به الحان و گوشه های موسیقی ایرانی مسلّط بوده است. وی پس از وفات، در تخت فولاد، روبه روی بقعه فیض (واقع در خیابان فیض کنونی) به خاک سپرده شد. عبدالخالق اصفهانی و مهدی نوایی، از شاگردان برجسته نایب اسداللّه به شمار می روند.(۳)

۱- فهرست کتب چاپی فارسی، ج۴، ص۴۶۳۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

۳- سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، صص۲۹۰ ۲۹۳؛ تاریخ تحوّل ضبط موسیقی در ایران، ص۱۴۰؛ تاریخ موسیقی ایران، صص۶۱۷ ۶۱۹؛ چهره افروختگان خطّه زنده رود، صص۱۱۸ ۱۲۰.

سیّداسداللّه صدر هاشمی*

حاج سیّداسداللّه صدر هاشمی فرزند سیّدحسین حسینی حائری اصفهانی از علماء و مدرّسین بزرگ کربلا در عصر حاضر. در سال ۱۳۱۵ق در اصفهان متولّد شد. ابتدا نزد آقا سیّدابوالقاسم دهکردی و آقامحمّدباقر درچه ای تحصیل نمود؛ سپس به عتبات عالیات عزیمت کرد، و نزد آیات عظام و علمای اعلام، شیخ علی شاهرودی، سیّدمیرزا هادی خراسانی، سیّدحسین قمی، سیّدمحمّدحسن قزوینی، سیّد حسن اشکذری، شیخ عبدالهادی مازندرانی و سیّدمحمّدابراهیم قزوینی به تحصیل پرداخت، و به اجتهاد نائل آمد. وی در مدرسه هندی کربلا ساکن بوده، و سال ها به تدریس اشتغال داشت، و از مراجع تقلید به شمار می رفت. در سال ۱۳۳۹ش به دعوت مردم آبادان به آن جا رفت، و به ارشاد و راهنمایی مردم و حلّ مشکلات آنان پرداخت. در اواخر عمر به زادگاه خود بازگشت، و در ۱۱ ذی قعده ۱۳۹۹ق وفات یافت، و در تکیه شهداء، واقع در تخت فولاد اصفهان جنب مزار شهید اصفهانی سیّدابوالحسن شمس آبادی مدفون گردید. کتب زیر از تألیفات ایشان است: ۱. الاصول (یک دوره در علم اصول) ۲. حاشیهٌ علی العروه ۳. رساله عملیّه، مطبوع ۴. الفقه ۵. مناسک حج، مطبوع. ایشان اجازه اجتهاد از آقا سیّدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی و سیّدمیرزا اصطهباناتی داشته اند. مادّه تاریخ وفات ایشان این شعر است:

حجّت الاسلام ما چون ارجعی از حق شنید مرغ روحش با ملك از جان دل لبّیک گفت

سال فوتش را چنین گفتم که چون آمد ندا: «سیّداسداللّه صدر هاشمی لبّیک گفت»(۱)

میرزا اسداللّه پاقلعه ای

میرزا اسداللّه پاقلعه ای فرزند میرزا زین العابدین خاتون آبادی از دانشمندان قرن چهاردهم هجری است. از علمای گوشه نشین و منزوی بوده، و در ریاضیّات، نجوم و هیأت، مهارت بسزایی داشته است. مادرش از نوادگان خطّاط مشهور، میرزا احمد نیریزی است.

۱- مستدرک فهرس التّراث، ص۱۴۷؛ میراث اسلامی ایران، ج ۱۰، صص۱۳۵ ۱۳۶؛ یادداشت های محقّق ارجمند آقای رحیم قاسمی دستگردی؛ مقتبس الاثر، ج۴، ص۲۴۵.

وی در سال ۱۳۶۰ق وفات یافت، و در اتاق غربی تکیه خاتون آبادی مدفون گردید.

شیخ محمّدرضا حسام الواعظین در مرثیّه و مادّه تاریخ وفاتش گوید:

آن که بد زنده روانش ز تولّای علی وان که شد سرخوش و سرمست ز صهبای علی

حاج سیّداسداللّه که در مدّت عمر همچو عمّار بُد او واله و شیدای علی

بود هم عالم و هم زاهد و هم روشن دل دل او طور و منوّر ز تجلّای علی

بهر تاریخ وفاتش ز وفا گفت حسام: «شد بهشتی اسداللّه ز اِعطای علی»(۱)

سیّداسداللّه صدرالاسلام

آقاسیّداسداللّه صدرالاسلام میردامادی فرزند سیّدمحمّدصالح بن سیّداحمد بن محمّدحسین بن میرسیّداشرف بن میرمحمّدحفیظ بن میرمحمّداشرف علوی عاملی عالم فاضل متّقی، در سِدِه متولّد [شده]، و در اصفهان نزد حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای، آخوند گزی و آقاسیّدمهدی درچه ای تحصیل نموده، و در مولد خود به نشر احکام و تبلیغ اوامر و نواحی و اقامه جماعت پرداخته است. مادر وی، دختر عالم جلیل، آقا سیّدمحمّد خلیل امام جمعه سده بوده است.(۲)

محمّداسد قهپایی

محمّداسد بن حاجی صالح قهپایی، مالک نسخه ای از شرح مختصر الاصول تألیف قاضی عضد ایجی بوده است. نسخه به شماره ۱۰۶۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد ص۱۱۲؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۳۲.

۲- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص۳۴.

موجود است.(۱)

[ظاهرا صاحب عنوان، از فضلاء و ادبای قرن یازدهم هجری است.]

سیّداسداللّه بهشتی

سیّداسـداللّه بن سیّدعبدالباقی حسـینی بهشتی، عـالم جلیل، متوفّی در سال ۱۲۸۸ق و مـدفون در مقبره سـادات بهشتی واقع در شمال مصلّای تخت فولاد.(۲)

میرزا اسداللّه رجالی

میرزا اسداللّه رجالی فرزند عبدالجواد بن ملّامحمّد رجالی اصفهانی، خطّاط هنرمند، [در حدود سال ۱۲۸۲ق یا کمی قبل از آن در اصـفهان متولّد شده، در جوانی نزد افسر و جلالی مشق خط کرد، و در خطّ نسـتعلیق و نسخ، مهارت بسیار کسب کرد(۳)]. وی سال ها در مدارس جدید و خارج از آن به تعلیم خط می پرداخت. از آثارش خطوط کتیبه ایوان مقبره مسـجد سیّد به سال ۱۳۱۸ق می باشـد.(۴) مشــارٌالیه در ۵ ذی حجّـه الحرام ۱۳۷۲ بـه سنّ قریب نـود سـالگی وفـات یـافت(۵)، [و در تکیــه آقا سیّدمحمّدلطیف خواجویی در تخت فولاد مدفون شد].

سیّداسداللّه سبزواری

سیّداسـداللّه بن سیّدعبدالکریم بن سـیّدعبداللّه بن سـیّدعلی حسـینی سبزواری، عـالم فاضل، در دولت آباد برخوار ساکن، و به تبلیغ و ارشاد مشـغول بود. سرانجام در سال ۱۳۰۳ق در کاظمین وفات یافت، و مدفون شد. فرزندش سیّداسـماعیل نیز از فضـلا است که در سال ۱۳۳۲ق در کربلا وفات یافته، و مدفون شده است.(۶)

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۵۳.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۳- دیوان طرب، ص۸۰.

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۷۷۰ ۷۷۶.

۵- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۸ و بنگریـد به: آثار ملّی اصـفهان، ص۶۵۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۰۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۰۹.

۶- نقباء البشر، ج۱، ص۱۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۹.

ملّااسداللّه فرادنبه ای

ملّااسـداللّه فرادنبه ای بن ملّاعبداللّه، از علماء قرن ۱۳ هجری و از اهالی قریه «فرادنبه» چهارمحال و بختیاری است. در اصـفهان ساکن بوده، و امامت مسجد قطبیّه برعهده او بوده، پس از فوت، در بقعه آقاحسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّداسداللّه خلیفه سلطانی

سیّداسداللّه خلیفه سلطانی معروف به صدر، فرزند میرزا علی نوّاب بن میر سیّدعلاءالدّین حسین مرعشی (خلیفه سلطان) عالم فاضل فقیه محقّق، در اصـفهان نزد پـدر و دیگران تحصیل نمود، و به مقـام صـدارت در دستگاه صـفویّه رسید. وی در سال ۱۱۱۴ق وفات یافت، و در قبرستان ستّی فاطمه اصفهان مدفون شد.(۲)

سیّداسداللّه حسینی

سیّداسـداللّه بن سیّدعلی رضـا حسـینی اصـفهانی، عالم فاضل، حکیم متکلّم، در اصـفهان ساکن بوده، و نزد جمعی از علماء و فضلاء، ازجمله محمّدخلیل بن محمّداشرف قائنی اصفهانی به تحصیل پرداخته است.

وی را تألیفـاتی است از آن جمله: رسـاله در وجود (تقریرات اسـتادش قـائنی، دربـاره اشتراک وجود)، که نسـخه خطّی آن در مجموعه شماره ۳۹۷۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

هم چنین سیّداسداللّه، نسـخه ای از کتـاب نور البصـر محـلّ مسأله الجبر و القـدر تـألیف محمّـدخلیل قـائنی را در چـاشت روز چهارشنبه ۱۲ رجب ۱۱۳۴ق به خطّ شکسـته نسـتعلیق، به پایان رسانیده است، و در مجموعه شماره ۳۹۷۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۸.

۲- اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۱۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۹؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۷.

۳- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص ۲۹۷۰.

ملّااسداللّه گورتانی

ملّااسداللّه بن ملّاعلی محمّد واعظ گورتانی، عالم فاضل، واعظ کامل از اهالی قریه «گورتان» از بلوک ماربین اصفهان بوده، و در سال ۱۳۲۳ق وفات یافته، و در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد. وی مؤلّف کتابی است به نام جواهر الایمان در اصول دین و اخلاق در پنج مجلّد(۱).

اسداللّه خان نظام العلماء

حاج سیّداسداللّه خان نظام العلماء فرزند میرزا علی محمّد نظام الدّوله بن میرزا عبداللّه خان امین الدّوله بن میرزا محمّدحسین خان صدر اصفهانی از فضلاء خاندان صدر اصفهانی است در نجف اشرف ساکن بود، و در ۱۳۲۴ق در آن ارض اقدس وفات یافت، و در مدرسه صدر مدفون شد. تاریخ وفاتش را سیّدمحمّد نجف آبادی شاعر ادیب چنین گفته است:

اسد ثاو باعتاب حمی اسداللّه و خیر الاوصیاء

فباعتاب علی ارخوا: «فازو اللّه نظام العلماء»(۲)

اسداللّه اشتری

اسداللّه اشتری فرزند آقا شیخ محمّدعلی اشتری، شاعر ادیب و نویسنده توانا، در سال ۱۳۲۶ قمری در اصفهان متولّد گردید. پس از تحصیل علم و ادب، در انجمن ادبی ادیب فرهمند شرکت کرد، و برای روزنامه های اصفهان، مقالاتی نوشت. در سال ۱۳۱۲ خورشیدی به تهران رفت، و در خدمت وزارت دارایی وارد شد، و در ادارات مختلف آن وزارت خانه به خدمت پرداخت.

در این مدّت، مقالاتی ادبی و اجتماعی و اخلاقی از ایشان در جراید مهمّ پایتخت انتشار

۱- الذّریعه، ج۵، ص۲۶۴؛ دانشمندان وبزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۶ و ج۱، ص۲۵۹.

۲- ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۴۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۱.

می یافت. سبک نگارش ایشان، بسیار متین و دلچسب بود. بالاخره به اصفهان منتقل، و در اداره دارایی اصفهان مشغول شد. وی کتب چندی ترجمه و تألیف نموده که از آن جمله است: ۱. تاریخ عشق ۲. طوفان روح ۳. نامه های اسیران جنگ.

وی در یک شنبه ۱۹ رمضان سال ۱۳۹۷ق وفات یافت، و در تکیه آباده ای در تخت فولاد مدفون شد. از اشعار او است:

یک بار نام عشق، مرا بر زبان گذشت دیگر زبان نماند که گویم زبان بسوخت...

از بعد مرگ، لاله صفت سوزدم کفن جایی که عشق زنده مرا استخوان بسوخت(۱)

شیخ اسداللّه جوادی*

حاج شیخ اسداللّه جوادی فرزند میرزا غلام حسین بن حاج محمّدجواد بن آخوند علی محمّد بن ملّا علی محمّد گورتانی اصفهانی دانشمند فاضل و عالم کامل معاصر. وی در سال ۱۳۰۵ق در محلّه گورتان اصفهان متولّد شد. در دوازده سالگی پدر خود را از دست داد. از هفده سالگی به تحصیل در حوزه علمیّه اصفهان پرداخت تا این که پس از طی نمودن دروس خارج، به درجه اجتهاد نائل آمد. اساتید او عبارت اند از: ملّاهاشم جنّتی، شیخ حیدرعلی صلواتی، شیخ محمّدجواد اصولی، شیخ علی مشکاه، حاج شیخ عبّاسعلی ادیب، شیخ محمّدحسین شریعت هرندی، شیخ احمد فیّاض، سیّدعلی اصغر برزانی، حیدرعلی خان برومند، حاج آقا صدر کوپایی، حاج آقا سیّدابوالحسن شمس آبادی، حاج آقا رحیم ارباب، میرزا علی آقا شیرازی، حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، حاج میرسیّدعلی بهبهانی، سیّدمحمّدرضا خراسانی. ایشان هم چنین یک سال در درس خارج علمای قم، خصوصا آیت اللّه العظمی گلپایگانی حضور یافت، و سپس به اصفهان مراجعت نمود، و به اقامه نماز جماعت در مسجد جامع گورتان و تبلیغ و ارشاد مردم و حلّ مشکلات شرعی آنان پرداخت. ازجمله فعّالیت های او تدریس در دانشگاه صنعتی اصفهان بوده است. از اقدامات خیریّه او، احداث مدرسه ای در فسا، احداث چندین مسجد، و سرپرستی امور دینی مرکز خیریّه ابابصیر است. او سفرهای تبلیغی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص۴۹.

بسیاری به مناطق مختلف کشور داشته اند. یکی از فرزندان او در جبهه های نبرد به شهادت رسیده است.(۱)

میرزا اسداللّه خان وزیر

میرزا اسداللّه خان وزیر فرزند میرزا فتح اللّه خان بن محمّدعلیّ بن رضا قلی بن محب علیّ بن فتحعلی خان اعتمادالدّوله، از مستوفیان و کارگزاران عهد ناصری است. نسب او به فتحعلی خان اعتمادالدّوله، وزیر شاه سلطان حسین صفوی می رسد. میرزا اسداللّه خان در حدود سال ۱۲۶۳ق در اصفهان متولّد [شد]، و در این شهر به تحصیل پرداخت، و به مستوفی گری و وزارت ظلّ السّلطان حاکم اصفهان نائل شد. وی از مردان باکفایت و امین در شغل خود، و حاذق و ماهر بوده، و به حسن خلق و سیرت پسندیده شهرت داشت. در سال ۱۳۳۶ق وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

اسداللّه ایروانی جرقویه ای

اسداللّه ایروانی فرزند غلام حسین محمّدآبادی جرقویه ای، شاعر و نویسنده معاصر. وی دارای دیوان اشعار است که به چاپ نرسیده است. نمونه اشعارش:

دوش که خورشید از این زبرجد الوان رخ پس کهسار بر نهفت ز کیهان

ظلمت شب روشنی نهفت به پهلو همچو بتی در کنار زنگی قطران

هر دو بصر تار شد از آن شب تاریک دل به بدن شد به آه و غصّه و افغان(۳)

اسداللّه باطنی

اسداللّه باطنی، فرزند قاسم متخلّص به «باطنی» شاعر ادیب در سال ۱۲۸۴ خورشیدی در اصفهان متولّد گردید. به شغل لباس فروشی، روزگار می گذراند، و کم شعر می گوید؛ از آن

۱- نقل از یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- تاریخ نایین، ج۴، ص۳۵؛ شرح حال رجال ایران، ج۶، ص۳۶؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۲۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۷.

۳- گرکویه، ص۳۸۸.

جمله است:

بشنو این نکته اگر گوش دلت سوی من است که جهان جمله غم و محنت و رنج و محن است

از جهان هیچ مسرّت مطلب زآن که جهان بهر مردان خدا یکسره بیت الحزَن است

اسداللّه معظّمی

اسداللّه معظّمی فرزند محمّدخان معظم السّلطان گلپایگانی (مدفون در تکیه مادر شاه زاده، در تخت فولاد اصفهان) تولّدش در سال ۱۲۷۴ش، و در دوره بیستم مجلس شورای ملّی نماینده اصفهان بوده است.

شیخ اسداللّه فهامی

شیخ اسداللّه فهامی [بن آقامحمّد دردشتی]، از وعّاظ اصفهان و از مخصوصین آخوند ملّامحمّدحسین فشارکی بود. سال ها مراسم احیای شب های رمضان و جمعه را در تکیه آقا حسین خوانساری برگزار می نمود، و بسیاری از مؤمنین، در این مراسم حضور می یافتند. [وفاتش در جمادی الاوّل ۱۳۷۲ق روی داد]. پس از فوت، مابین قبر آقاجمال خوانساری و آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

اسداللّه ایزدگشسب

اسداللّه ایزدگشسب، معروف به درویش ناصرعلی و متخلّص به «شمس»، فرزند محمود بن اسداللّه بن عبداللّه گلپایگانی اصفهانی، عالم فاضل و حکیم جامع، ادیب مدقّق و عارف فرزانه، از مشایخ سلسله گنابادی.

در حدود سال ۱۳۰۳ق در گلپایگان متولّد شده، و در اصفهان و تهران و خراسان و

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۲۱۹.

نجف تحصیل علوم فقه و اصول و حکمت نموده، در بیدخت گناباد، خدمت حاج ملاّمحمّد سلطان علی شاه رسیده، و دست ارادت به او داده، و در فقر و تصوّف، ریاضت ها کشیده [است]. از سال ۱۳۵۰، اجازه دستگیری فقرا را یافت. وی عاقبت به استخدام اداره فرهنگ درآمد، و هفت سال مدیر مدرسه حکمت بود. مدّتی نیز در دبیرستان گلبهار تدریس می نمود، و نگارنده، افتخار شاگردی او را داشت.

ایشان از سال ۱۳۰۵ش مجلّه عنقا را منتشر ساخت، و سرانجام در ۵ جمادی الاوّل ۱۳۶۶ق وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون گردید، و جهت او تکیه ای مخصوص بنا شد. وی را تألیفات بسیاری است که از آن جمله است:

۱. اسرار العشق در تفسیر سوره یوسف، مطبوع ۲. بدایع الآثار ۳. بساط العشق و المحبّه ۴. تحفه السّفر ۵. ترجمه کتاب خطّ و خطّاطان به عربی ۶. جنّه النّفوس در احکام روزه ۷. حیاه الانسان و تسبیح اعیان ۸. جذبات الهیّه (منتخب دیوان شمس تبریزی، مطبوع) ۹. دیوان اشعار ۱۰. دیوان النّبویه در اسرار سلوکیّه ۱۱. ردّ بر دکتر فندر آلمانی ۱۲. رشحات الاسرار ۱۳. سعادات النّجفیه در شرح دعاء عدلیّه ۱۴. شرح صلاه محی الدّین عربی ۱۵. شمس التّواریخ، مطبوع ۱۶. طرائف الحکم در حکمت الهی ۱۷. قبسات الانوار ۱۸. گلزار اسرار ۱۹. لوامع الانوار ۲۰. مختصر معراج السّعاده نراقی ۲۱. مصابیح الاصول ۲۲. مظاهر الانوار ۲۳. معرفه الرّوح، مطبوع ۲۴. نامه سخنوران در تذکره شعراء، مطبوع ۲۵. نور الابصار در احوالات نورعلی شاه اصفهانی ۲۶. هدایه الامم در نبوّت خاصّه و غیره.

از اشعار او است:

ز میخانه یکی دیوانه برخاست از آن دیوانه صد فرزانه برخاست

دل از لعل لبش یک نکته بشنید از آن نکته هزار افسانه برخاست

پریشان روزگاری های عاشق همه زان نظره جانانه برخاست

چو شمس آن دلبر جانانه را دید هزارش نعره مستانه برخاست(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۷۱ ۷۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۲۷۹ ۲۸۲، شمس التّواریخ، صص۸۴ ۸۶ و ۹۱ ۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۹ ۲۶۱؛ نابغه علم و عرفان، صص۴۱۳ ۴۱۴؛ تذکره العارفین فسایی، ص۸۴؛ مقالات الحنفا، ص۱۴۱؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۴۷؛ سخنوران نامی معاصر، ج۲، صص۲۰۰۵ ۲۰۰۹؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۴، صص۵۲ ۵۴؛ زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۳۲۰ ۳۲۱؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، صص۵۳۹ ۵۴۰.

شیخ اسدالله الهی

(شیه اسدالله الهی حسین آبادی عالم وارسته. در سال ۱۳۰۸ش متولد شد. در اصفهان از درس اساتیدی چون شیخ عباسعلی ادیب، شریعت هرندی و سید ابوالحسن شمس آبادی و در قم به مدت پانزده سال از محصر آیه الله العظمی مرعشی نجفی استفاده نمود و سپس در طالخونچه ساکن گردید و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. وی عالمی فروتن و پارسا و اهل تهجد بود و از خصایص اخلاقی ممتازی برخوردار بود. او در شهریور ۱۳۷۹ ش وفات یافت و در طالخونچه مدفون شد. کتاب متاع السفینه از او چاپ شده است)

شیخ اسداللّه اسماعیلیان*

حاج شیخ اسداللّه اسماعیلیان دهاقانی، فرزند نعمت اللّه، عالم فاضل ادیب شاعر، در حدود سال ۱۳۵۴ق در دهاقان متولّد شد. مدّتی در قم به تحصیل مشغول بود، و سرانجام به نجف اشرف عزیمت نمود، و نزد علمای آن دیار به تحصیل پرداخت. سپس به قم بازگشت، و به خدمت به اسلام و مسلمین مشغول شد. ایشان با تأسیس انتشارات اسماعیلیان و نشر کتب مفید مذهبی، به نشر فرهنگ اسلامی اهتمام ورزید. ایشان در ۸ آبان ۱۳۷۵ بر اثر ابتلاء به سرطان وفات نمود، و در گورستان بهشت معصومه سلام اللّه علیها در قم مدفون شد. این آثار از او است: ۱. ابوذر غفاری ۲. تحقیق درباره کتاب فروق اللّغه تألیف سیّدنورالدّین جزائری(۱).

۱- سیمای دهاقان، صص۲۹۴ ۲۹۵؛ الذّریعه، ج۱۵، ص۲۸۵؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۴۷۹؛ تربت پاکان قم، ج۱، ص۴۰۰.

اسداللّه ملّاباشی

میرزا اسداللّه فرزند میرزا نصیر ملّاباشی، فاضل محترم، داماد مرحوم آقامیرزا محمّدهاشم چهارسوقی و زوجه اش فاطمه بیگم نام داشته است.(۱)

اسداللّه رشتیان*

حاج سیّداسداللّه رشتیان فرزند سیّدهاشم، هنرمند و نقّاش معاصر است. وی در ۳۰ شوّال ۱۳۹۲ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد. بر روی سنگ مزارش از او به عنوان «نقّاش مخصوص صحن مطهّر حضرت سیّدالشّهدا علیه السلام و آثار باستانی ایران» یاد شده است.

سیّداسداللّه روضاتی

سیّداسداللّه روضاتی فرزند میرزا هدایت اللّه چهارسوقی در سال ۱۳۱۸ق در اصفهان متولّد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدّماتی از محضر بزرگانی چون سیّدابوالقاسم دهکردی، سیّدمحمّد نجف آبادی و میرمحمّدصادق خاتون آبادی بهره برد، و چندسالی نیز در قم نزد آیت اللّه حائری یزدی تحصیل کرد و سپس در اصفهان به اقامه جماعت و خدمات اجتماعی پرداخت، او در سال ۱۴۱۰ ق وفات یافت و در باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۲)

اسداللّه باغبادرانی

اسداللّه باغبادرانی، از روزنامه نگاران و نویسندگان معاصر است. وی در سال ۱۳۴۱ق روزنامه نهضت اسلام را منتشر نمود. او در اواخر عمر، در اداره آمار اصفهان خدمت می کرد، و سرانجام در حدود سال ۱۳۶۸ق در اصفهان وفات نمود، و در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- احسن الودیعه، ج۱، ص۱۵۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص ۲۸۰.

۲- یادداشت آقای رحیم قاسمی.

۳- تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۴، صص ۳۲۱ ۳۲۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۵.

دکتر اسداللّه بیژن

دکتر اسـداللّه بیژن، اسـتاد دانشـگاه تهران و از اساتید علوم تربیتی و روان شناسـی می باشد. تحصـیلات مقدّماتی خویش را در اصـفهان، مولـد خویش به پایان رسانیـده، و تحصـیلات عالیه خویش را در ممالک اروپا و آمریکا خوانده، کتب چندی تألیف نموده است؛ از آن جمله است: ۱. تاریخ جندی شاپور: چشم انداز تربیت در ایران پیش از اسـلام که در سال ۱۳۱۵ش به چاپ رسیده است ۲. سیر تمدّن و تربیت در ایران باستان ۳. طبّ و حفظ الصّحه.

میراسداللّه تبریزی*

میراسداللّه تبریزی عبّاس آبادی، شاعر ادیب، از تبریزی های ساکن محلّه عبّاس آباد اصـفهان و جوان قابل و بااسـتعدادی بوده، چنان که مصاحبِ نصیرای همدانی شده [است]. سرانجام به هند رفت، و در آن جا فوت شد. از او است:

طُرفه حالیست که آن آتش سوزنده من دورتر می رود و بیشتر می سوزد(۱)

[این بیت رابه خلیفه اسداللّه مرعشی متخلّص به ملولی نیز نسبت داده اند].

۱۴۳۵

میراسداللّه تبریزی*

میر اسدالله تبریزی عبّاس آبادی، شاعر ادیب، از تبریزی های ساکن محلّه عبّاس آباد اصفهان و جوان قابل و با استعدادی بوده ، چنان که مصاحبِ نصیرای همدانی شده [است]. سرانجام به هند رفت، و در آن جا فوت شد. از او است:

طُرفه حالیست که آن آتش سوزنده من دورتر می رود و بیشتر می سوزد(۲)

شیخ اسداللّه دستجردی

شیخ اسداللّه دستجردی، عالم فاضل، از بزرگان قریه دستگرد خیار در حومه اصفهان است. در اصفهان به تحصیل پرداخت، و در ۱۲ ربیع الاوّل سال ۱۳۶۷ وفات یافت، و در صحن تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

[این بیت را به خلیفه اسدالله مرعشی متخلّص به ملولی نیز نسبت داده اند].

میرزا اسداللّه زاهدی

میرزا اسداللّه زاهدی، طبیب حاذق مجرّب، از پزشکان اوایل قرن چهاردهم هجری

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۴۰؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۴؛ دانشمندان آذربایجان، ص۴۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۴۰؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۴؛ دانشمندان آذربایجان، ص۴۰.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۱۴.

او از سلسله مشایخ بیدآباد است که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی منتهی می شود. در فنون طبّ قدیم استاد بوده، و پس از وفات، در تکیه آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرزا اسداللّه شریعتی*

میرزا اسداللّه شریعتی کمال آبادی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. وی در ناحیه جرقویه به تبلیغ امور دینی مشغول بوده، و پس از وفات، در مسجد جامع روستای کمال آباد جرقویه اصفهان مدفون شده است.(۲)

شیخ اسداللّه اصفهانی

شیخ اسداللّه صفر نوراللّهی نجف آبادی، معروف به شیخ اسداللّه اصفهانی عالم فاضل محقّق، در سال ۱۳۴۰ق (یا ۱۳۳۷ق) در نجف آباد متولّد شد، و در مولد خود نزد شیخ احمد حججی، شیخ ابراهیم ریاضی و سیّدجعفر طباطبایی به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان از درس شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج آقا رحیم ارباب و میرزا علی آقا شیرازی بهره گرفت. پس از آن راهی قم شد، و در درس آیات عظام، بروجردی، امام خمینی، محقّق داماد، حجّت و خوانساری و دیگران شرکت کرد؛ سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و از درس آیت اللّه العظمی خویی بهره گرفت؛ امّا پس از مدّتی به علّت پاره ای از مشکلات به قم بازگشت، و به تدریس پرداخت. وی یکی از مدرسین مشهور حوزه علیمه قم بود و مدّتی نیز در تهران ساکن بود. او در اواخر عمر، به زادگاه خود بازگشت، و به تدریس و ارشاد و اقامه جماعت پرداخت. سرانجام در سال ۱۴۲۳ق وفات یافت، و در جنّت الشّهدای نجف آباد مدفون شد.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۵؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴.

۲- گرکویه، ص۳۲۳.

۳- آیینه اهل قلم، صص۶۴ ۶۵؛ سیمای دانشوران، صص۱۱۳ ۱۱۵؛ حکایت پارسایی، صص۴۴ ۴۶؛ گنجینه دانشمندان، ج۸، ص۸۸.

میرزا اسد «عریان»*

میرزا اسد متخلّص به «عریان» شاعر ادیب، مقبول دل ها و دلنشین خاطره ها بوده، در شعر تتبع بسیار نموده است. مدّتی در هند بوده، و از صحبت فضلاء و شعراء برخوردار شده، سپس مجاور نجف اشرف شده، عاقبت به اصفهان بازگشته، و وفاتش پس از سال ۱۰۸۳ق واقع شده است.

نه هر حرفی که بر گوش آیا از لب دلنشین افتد که از صد قطره نیسان یکی دُرّ ثمین افتد(۱)

قاضی اسداللّه قهپایی کاشانی

قاضی اسداللّه قهپایه ای، عارف سالک و ادیب شاعر، در قهپایه متولّد شد، و در اصفهان تحصیل کرد؛ سپس به تصوّف روی آورد، و به شیخ مؤمن مشهدی و شیخ کمال سبزواری دست ارادت داد، و عاقبت الامر در کاشان ساکن شد، و سالیان دراز به عبادت و ریاضت پرداخت، و مریدان بسیار گرد او جمع شدند.(۲) وی در سال ۱۰۴۸ق وفات یافت(۳)، و در مقبره شاه شمس در بیدگل کاشان مدفون شد(۴). دیوان اشعار او حدود ۳۵۰۰ بیت دارد که در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود.(۵) از اشعار او است:

ای آن که تویی محرم راز همه کس شرمنده راز تو نیاز همه کس

چون دشمن و دوست مظهر ذات تواَند از بهر تو می کشم ناز همه کس

اسداللّه مطربی جرقویی*

اسداللّه مطربی پیکانی، از موسیقی دانان اواخر دوره قاجاریّه است. وی در قریه پیکانِ جرقویه اصفهان ساکن، و در نواختن تار و سنتور، استاد بوده است. او به دستگاه های

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۱۹۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۳۰۰؛ الذّریعه، ج۹، ص ۷۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۲.

۴- فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۲، ص۱۵۷.

۵- فهرست مرعشی، ج۱۵، ص ۲۲۰.

موسیقی ایرانی آشنا بوده، و سفری به ترکمنستان رفته، و در عشق آباد به اجرای برنامه پرداخته است.(۱)

سیداسداللّه مرعشی

خلیفه سیّداسداللّه مرعشی اصفهانی متخلّص به «ملولی» عالم فاضل ادیب شاعر. از افاضل سادات عالی قدر مرعشی در اصفهان بوده، و تولیّت آستان قدس رضوی را برعهده داشته، و سرانجام در سال ۹۶۹ق وفات یافته است. صاحب اعیان الشّیعه مقبره او را در قبرستان ستّی فاطمه می نویسد. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. حواشی بر شرح تجرید ۲. حواشی بر شرح چغمینی ۳. حواشی بر شرایع ۴. حواشی بر قواعد علاّمه ۵. حواشی بر کافی ۶. دیوان اشعار. این بیت از او است:

طُرفه حالیست که آن آتش سوزان ز برم دورتر آن چه رود، بیشترم می سوزد(۲)

اسداللّه منجّم اصفهانی

اسداللّه منجّم اصفهانی، از فضلاء و ریاضی دانان قرن سیزدهم هجری می باشد. در هندوستان ساکن بوده، و تاریخ فرس قدیم و تاریخ یزدگردی با ذکر چند فتوی در این باره را در سال ۱۲۴۴ق تألیف نموده است. میکروفیلم این نسخه، ضمن مجموعه شماره ۹۹۹ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود، و اصل آن در کتابخانه بادلیان محفوظ است.(۳)

اسداللّه خان وثیق

اسداللّه خان وثیق الدّوله انصاری اصفهانی، از نویسندگان و ادبای معاصر. از آثار او

۱- گرکویه، صص۳۲۹ ۳۳۰.

۲- اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۱۰۴؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۰۱؛ آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص۱۰۰۸ ۱۰۰۹؛ تذکره هفت اقلیم، ج۲، ص۴۰۵؛ مزارات اصفهان، صص۲۴۶ ۲۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۵۲ ۲۵۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۵۸.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۵۵۲.

عجز بشر، در سال ۱۳۲۵ قمری در تهران به چاپ رسیده است.] صاحب عنوان فرزند میرزا حبیب اللّه مشیرالملک بوده است.

او اوّلین رییس بلدیّه اصفهان بوده، و سپس به عضویّت انجمن ایالتی اصفهان درآمده است].

سیّداسداللّه هدایی*

حاج سیّداسداللّه هدایی، عالم فاضل، متوفّی در ماه ذی حجّه الحرام ۱۳۶۹ق مدفون در تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان.

اسعد اصفهانی

ابوالفخر اسعد بن سعید بن محمود اصفهانی از محدّثین قرن هفتم هجری است. وی در سال ۶۰۷ق متولّد شده، و مقدسی در اصفهان از او حدیث شنیده است.(۱)

اسفندیار معتمدی*

اسفدیار معتمدی، نویسنده و پژوهشگر معاصر، در ۲۸ بهمن ۱۳۱۷ش در روستای سِدِه لنجان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در اصفهان طی نمود، و از سال ۱۳۳۶ به تحصیل در دانشسرای عالی در تهران پرداخت، و به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) درآمد، و در دبیرستان های شهرضا و اصفهان به تدریس پرداخت. از سال ۱۳۵۳ش جهت ادامه تحصیل در رشته مدیریّت دولتی به تهران نقل مکان نمود، و سال ها در سازمان کتاب های درسی به تدوین و تألیف کتاب های مورد نیاز مدارس آموزش و پرورش پرداخت تا این که در سال ۱۳۶۰ش به درخواست خود بازنشسته شد. برخی از تألیفات و آثار علمی چاپ شده ایشان عبارت اند از:

۱. ابوریحان و ریحانه ۲. بنوموسی ۳. پرسش های ابوریحان و پاسخ های ابن سینا.

۱- جعفر بن ابی طالب (ع)، ص۲۵.

اسفندیار بیگ «انیس»

اسفندیار بیگ متخلّص «انیس» از امرای شاه عبّاس اوّل صفوی است. شعر نیز می سروده، از آثار او مدرسه اسفندیار بیک است که آن را در محلّه چرخاب اصفهان ساخته است. وی در سال ۱۰۲۳ وفات یافته است.(۱)

اسفندیار مشرف شهرکردی

اسفندیار مشرف الملک شهرکردی متخلّص به «مشرف» فرزند مشرف الملک دهکردی شاعر ادیب، در سال ۱۳۱۲ش در شهرکرد متولّد شد، و تحصیلات ابتدایی و متوسّطه خود را در اصفهان انجام داد. سپس در تهران به تحصیلات عالیه مشغول شد. در شعر و ادب، دارای ذوقی سرشار بوده، و در سال ۱۳۳۰ش در اصفهان کتاب گل های نوشکفته از آثار او به چاپ رسیده که شامل مقداری از اشعار او است، این ابیات از او است:

هم زبانی به از کتاب مجو راز دل را به جز کتاب مگو

بی تکبّر رفاقتش با تو به تو آموزد آن چه پرسی از او

هست یک رنگ و یک زبان دائم نیست یاری چو وی عزیز و نکو

به حقایق تو را بود رهبر عقل و هوشت همی دهد نیرو(۲)

اسکندر زاهد

ابوالمحاسن اسکندر بن حاجی بن احمد بن علیّ بن احمد خیارجی زاهد، از محدّثین و دانشمندان قرن پنجم هجری. او به ورع، زهد و صلابت در دین و نیک خُلقی معروف بود. یحیی بن عبدالوهاب بن منده در کتاب طبقات اهل اصفهان گوید: به اصفهان آمد، و از هبه اللّه بن زاذان روایت می کرد، و بزرگان شهر، از او استماع حدیث کردند.

سرانجام، فداییان اسماعیلی در ۲۴ شعبان ۴۹۵ق او را کشتند. قبر او در «سهره هیزه»

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۳۰۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۴۴۹ ۴۵۰.

می باشد.(۱)

اسکندر میرزا اصفهانی

اسکندر میرزا فرزند محمّدولی میرزا، از تحصیل کرده های دارالفنون بوده، و پس از فراغت از تحصیل، به اصفهان آمده، و به طبابت اشتغال جسته است. طبیبی ماهر و حاذق، و چندی نزد ظلّ السّلطان به طبابت مشغول بود.

وفاتش پس از سال ۱۳۳۰ق روی داده است، و قبر او در مقبره آخوند ملاّمحمّدحسین کرمانی است. ظاهراً وی مؤلّف طبّ جدید است که اکنون در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد نگهداری می شود.(۲)

اسکندر بیک منشی*

اسکندر بیك منشی ترکمان فراهی، مورّخ، منشی، ادیب و شاعر نامدار عصر صفویّه. وی در سال ۹۴۸ق متولّد شده، و در جوانی به تحصیل پرداخته، و در انواع علوم ادبی و ریاضی، خصوصاً انشاء و سیاق، مهارت یافته است تا حدّی که شاه عبّاس صفوی او را به خدمت خویش خواند، و منشی مخصوص خویش گردانید. وی در سال ۱۰۴۳ق وفات یافت. تاریخ عالم آرای عبّاسی اثر مشهور او است که در سال ۱۰۲۵ق آن را در تاریخ وقایع عصر صفویّه تألیف نموده، و بارها به چاپ رسیده است. وی طبع شعر داشته، و در مادّه تاریخ گویی مهارت داشته است.(۳)

امام زاده اسماعیل

جناب امام زاده اسماعیل علیه السلام ، [از امام زادگان واجب التّعظیم اصفهان، مدفون در محلّه

۱- تعلیقات نقض، ج۲، ص۱۰۶۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۳؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۰؛ فهرست گوهرشاد، ص۱۵۰.

۳- فهرست کتابخانه استانبول، صص۲۸۷ ۲۸۸؛ تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۰۲؛ تاریخ عالم آرای عبّاسی، مقدّمه.

گلبهار است، و بر سر مزار او بقعه ای شکوهمند در عصر صفویّه بنا نهاده اند که از آثار تاریخی اصفهان به شمار می رود]. در کتیبه سردر امام زاده، از ایشان به عنوان «اسماعیل جالب الحجاره بن حسن بن زید بن الامام حسن السّبط الشّهید» یاد شده است. در برخی کتب، مدفون در این امام زاده را اسماعیل دیباج اکبر فرزند ابراهیم فرزند حسن مُثّنی فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام دانسته اند، و برحسب آن چه معروف است، آن جناب، جدّ سادات طباطبایی است.

برخی هم او را اسماعیل بن زید بن حسن مُثنی ذکر کرده اند.(۱)

اسماعیل اصفهانی

قاضی اسماعیل اصفهانی گجراتی، از علمای هند و معاصر سلطان محمود(۲).

ملّااسماعیل اصفهانی

ملّااسماعیل اصفهانی، فاضل خطّاط قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری در اصفهان، از آثارش کتابت نسخه ای از مفتاح الفلاح تألیف آخوند ملّااسماعیل خواجویی است که آن را به خطّ نسخ کتابت نموده، نسخه در کتابخانه مسجد گوهرشاد در مشهد مقدّس [موجود است].(۳)

محمّداسماعیل اصفهانی

از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. یک نسخه ادعیه به خطّ نسخ زیبای او در مجموعه مرتضی عبدالرّسولی وجود داشته است. تاریخ کتابت این نسخه ۱۲۴۶ق است]. وی در سال ۱۲۴۹ قرآنی به خطّ نسخ، جهت فتحعلی شاه قاجار نوشته که به شماره ۱۴۸۶

۱- مزارات اصفهان، صص۱۰۲ ۱۰۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۷؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۳۸۴ ۳۸.

۲- تذکره علمای هند، ص ۲۶۱.

۳- فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد، ص۳۹۷.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

قرآن یاد شده شامل سوره های «یآس»، «الرّحمان»، «جمعه» و «نبأ» می باشد.

شیخ اسماعیل اصفهانی کاظمینی

شیخ اسماعیل اصفهانی کاظمینی، از فضلاء و صلحاء بوده، و در ۱۳۳۰ق در کاظمین وفات یافت.(۲)

اسماعیل

اسماعیل بن حاج ابراهیم، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. ظاهراً از شاگردان ملّامحمّدباقر سبزواری بوده، و در اصفهان اقامت داشته است. وی نسخه ای از ذخیره المعاد را در سال ۱۱۲۸ق کتابت نموده است.(۳)

میرزا اسماعیل خان مصلح السّلطنه

میرزا اسماعیل خان مصلح السّلطنه صدری متخلّص به «مصلح» فرزند محمّدابراهیم خان بن حاج محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی شاعر ادیب، مادرش خدیجه خانم ملقّب به عصمت الدّوله دختر فتحعلی شاه بوده، و خود او در سال ۱۲۶۰ق در اصفهان متولّد شده، و علم و ادب آموخته است. وی تفنگ چی باشی ظلّ السّلطان حاکم اصفهان بوده، و در سال ۱۳۴۶ق در سنّ ۸۶ سالگی وفات یافته، و در تخت فولاد، تکیه ملک مدفون شده [است]. از آثار او: ۱. نخجیرنامه، در آداب شکار زدن، مطبوع ۲. دیوان اشعار. این شعر از او است:

زلفت چو سنبل است، و خم اندر خم اوفتد رویت چو ماه روشن و این مه کم اوفتد

رویت عرق کند به خجالت به نزد دوست آن سان که صبح بر گل تر، شبنم اوفتد

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۴۰؛ فهرست دانشگاه، ج۸، ص۱۳۷.

۲- نقباء البشر، ج۱، ص۹.

۳- فهرست رضوی، ج۵، ص۴۲۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۳.

دل از کفم ربودی و سخنش را نگاه دار زیرا در این زمانه، چنین دل کم اوفتد(۱)

اسماعیل ثقفی

ابواسحاق اسماعیل بن ابراهیم بن صُبیح ثقفی، از محدّثین اصفهان است از سعدویه، سهل بن عثمان و شاذکونی حدیث روایت می کند.(۲)

میرزا اسماعیل اصفهانی «دُردی»

میرزا اسماعیل متخلّص به «دُردی» فرزند میرزا محمّدابراهیم ساغر اصفهانی شاعر ادیب، نویسنده و خطّاط، در قرن ۱۴ هجری می زیسته، از اصفهان به هندوستان مهاجرت نموده، و در اسکندرآباد ساکن شده، از کتب او است:

۱. امراض مسلمانان و ادویه آن ها ۲. تجارب من و آراء خود من ۳. تعویض جان و روح ایمان ۴. محبوب الاخلاق، منظوم ۵. هم دردی ۶. رساله در تغییر رسم الخط ۷. تاریخ جهان(۳).

اسماعیل ابوی

اسماعیل بن ابی زید الابوی، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف متقدّمین، و در شمار دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء آورده است.(۴)

میرمحمّداسماعیل اعرجی

میرمحمّداسماعیل بن میرابوصالح بن امیر عبدالرزّاق حسینی اعرجی سبزواری

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۹؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۶۳۲؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۱۵۰ ۱۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۹؛ مؤلّفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج۱، ص۵۸۸؛ فهرست مرعشی، ج۷، ص۳۶.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

اصفهانی، عالم فاضل، واعظ کامل در این شهر سکونت داشته، و تحصیل نموده است. امام جماعت مسجد جامع جدید عبّاسی [مسجد امام فعلی] بوده، و در آن جا وعظ و ارشاد می نموده است. وفات او ظاهراً در اواخر قرن دوازدهم یا اوایل قرن سیزدهم بوده، و ایشان را سه پسر است به نام های میرمحمّدرفیع، میرمحمّدتقی، شیخ الاسلام ماربین و میرمحمّدباقر.

صاحب عنوان، تألیفاتی داشته که از آن جمله است: ۱. رساله ای در اصول دین ۲. رساله ای در تجوید ۳. کتابی در ادعیه.(۱)

سیّداسماعیل طباطبایی

اسماعیل طباطبایی اصفهانی بن میرابوطالب، از فضلاء قرن سیزدهم هجری قمری و ظاهراً از شاگردان مرحوم سیّد حجّت الاسلام بیدآبادی است. از آثارش کتابت نسخه ای است از رجال مرحوم حجّت الاسلام شفتی بیدآبادی در ترجمه اسحاق بن عمّار که آن را در چهارشنبه اوّل محرّم سال ۱۲۴۶ق به خطّ نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۲۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. میرزا زین العابدین شهشهانی فرزند محمّدعلی سبزواری از شاگردان او است که در مجموعه ۱۵۴۰ کتابخانه آیت اللّه مرعشی ذکری از او شده است.(۲)

اسماعیل عطّار

ابوشکر اسماعیل بن ابی الفضل بن علی عطّار اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. او سبط ظفر بن عبدالرّحیم اصفهانی است. قبل از سال ۴۶۰ق متولّد شده است. سمعانی از او چنین یاد می کند؛ «شیخ صالح سدید، من اهل الخیر. له ثروه و نعمه». او از ابوعبداللّه قاسم ثقفی استماع حدیث نموده [است]. ابوسعد سمعانی از او روایت حدیث می کند.(۳)

۱- ارشاد المسلمین، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص۵۲؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۶۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۱۱۶.

میرزا اسماعیل کلباسی

میرزا اسماعیل بن میرزا ابوالقاسم شیخ العراقین بن آقا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، از علماء و فضلای نجف اشرف بوده است.] در سال ۱۳۴۲ق وفات یافت، و جنب قبر پدرش واقع در مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری، در صحن مطهّر مرقد حضرت علی علیه السلام مدفون شد(۱)].

میرمحمّداسماعیل خاتون آبادی

میرمحمّداسماعیل بن میر ابوالمحسن بن میرمحمّد اسماعیل حسینی خاتون آبادی از فضلای قرن سیزدهم هجری است. وی در سال ۱۲۶۳ق وفات یافت، و در تکیه خاتون آبادی در تخت فولاد مدفون شد. مسجد میرابوالمحسن در محلّه پاقلعه اصفهان منسوب به پدر او است.(۲)

اسماعیل ثقفی

ابواسحاق اسماعیل بن احمد بن اُسید ثقفی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از محدّثین مکّه، کوفه و بصره روایت نموده است. وفات او در ربیع الآخر ۲۸۲ق روی داد. از اسماعیل بن موسی روایت می کند، و عبداللّه بن حسن بن بندار در کتابش از او نقل حدیث نموده است. از تألیفات او: المسند و التّفسیر می باشد.(۳)

محمّداسماعیل خوانساری

محمّداسماعیل بن احمد خوانساری، از خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۵۶؛ خاندان کلباسی، ص۱۵۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۲؛ الاعلام، ج۱، ص۳۰۳؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسماعیل»، ص۲۵۰۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۳۱۶.

است. از آثار او کتابت کتابی در امامت، تألیف حاج سیّداسداللّه بیدآبادی است که در کتابخانه فاضل ارجمند، آقای شفتی نگهداری می شود. کتاب در سال ۱۲۹۳ق کتابت شده، و عبدالعظیم اصفهانی در شهر رجب ۱۲۹۳ آن را تصحیح و مقابله نموده است.(۱)

آقامحمّداسماعیل خوراسکانی

آقا محمّد اسماعیل فرزند آخوند ملاّاحمد خوراسکانی، عالم فاضل، از زندگانی او اطّلاعی در دست نیست. در ۲۴ ذی حجّه ۱۲۸۴ق وفات یافت، و در تخت فولاد نزدیک بقعه فیض مدفون گردید.(۲)

سیّداسماعیل سبزواری

سیّداسماعیل حسینی اصفهانی سبزواری فرزند سیّداسداللّه عالم فقیه، در نجف اشرف خدمت حاج میرزا حبیب اللّه رشتی تلمّذ نموده، و در سال ۱۳۲۲ در کربلا وفات یافته است.(۳)

میرمحمّداسماعیل خاتون آبادی

میرمحمّداسماعیل حسینی خاتون آبادی فرزند سیّدمحمّدباقر بن میرمحمّدباقر شاهمراد عالم فاضل، عابد زاهد، فقیه و حکیم مفسّر، در دوشنبه ۱۶ ربیع الثّانی سال ۱۰۳۱ق متولّد شد. از شاگردان ملاّمحمّدتقی مجلسی، میرزا رفیعا نایینی، ملاّرجبعلی تبریزی بوده، و از ملاّمحمّدتقی مجلسی و سیّدشرف الدّین علی موسوی جزایری اجازه دریافت نموده است. سال ها امام جماعت و مدرّس جامع جدید عبّاسی [مسجد امام فعلی] بود، و شاگردان بسیاری تربیت نمود. در اواخر عمر، در تخت فولاد مدرسه ای بنا نمود، و به تدریس و تألیف و عبادت در آن مدرسه مشغول شد. وی سرانجام در سال ۱۱۱۶ق وفات یافت، و در مدرسه خود در

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص ۲۷۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۹؛ خورشید جی، صص۲۹۳ ۲۹۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۷.

تخت فولاد، نزدیک تکیه آخوند ملاّمحمّد زکی مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات او است:

۱. اعتقادیّه، به فارسی، موجود در کتابخانه مجلس ۲. انموذج العلوم، به عربی، موجود در کتابخانه مجلس ۳. التّحفه الرّضویه در شرح حدیث عمران صابی، جزو کتب اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران ۴. تفسیر قرآن، چهارده جلد که سوره جمعه تا تحریم، در کتابخانه مجلس موجود است ۵. تقویم الایمان و تحقیق المقال به فارسی، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی ۶. تنقیح العقائد یا تنقیح المقاصد، به عربی، موجود در کتابخانه مجلس ۷. جامع الاخبار و الفتاوی ۸. الجبر و الاختیار، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی ۹. حاشیه بر الهیّات شفا، موجود در کتابخانه دانشکده الهیّات دانشگاه تهران ۱۰. حاشیه بر شرح اشارات ۱۱. زادالمسافرین و تحفه السّالکین، به فارسی، موجود در کتابخانه مجلس ۱۲. شرح اصول کافی ۱۳. شرح عقاید ملاّجلال دوانی بر عقاید عضدالدّین ایجی، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۱۴. شرح عقاید شیخ صدوق، موجود در کتابخانه دانشکده الهیّات دانشگاه تهران ۱۵. صلاه الجمعه، موجود در کتابخانه مجلس ۱۶. معالم الدّین، در اصول دین، به عربی موجود در کتابخانه مجلس ۱۷. منهاج الیقین در اصول دین، موجود در کتابخانه مجلس ۱۸. نوروزیّه.(۱)

شیخ محمّداسماعیل نجفی

حاج شیخ محمّداسماعیل نجفی فرزند حاج شیخ محمّدباقر مسجدشاهی نجفی عالم فاضل فقیه مجتهد، در نیمه شب ۲۷ رمضان المبارک سال ۱۲۸۸ق در اصفهان متولّد شد، و

۱- رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۴۹ ۵۰؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۱۷۶ و ۳۰۷؛ وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۰۵؛ تتمیم امل الآمل، ص۶۹؛ مصفّی المقال، صص۷۸ ۷۹؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۳۲۰؛ اعیان الشّیعه، ج۴۳، ص۲۹۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۸۶ ۱۸۷ و ۲۶۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۱۱۲ و ۱۱۴؛ الذّریعه، ج۲۴، ص۳۸۱؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۱، صص۳۲۳ ۳۲۴؛ فهرست مجلس، ج۷، ص۱۶، ج۱۰، صص۱۲۲۸ و ۱۳۳۲ و ۱۳۲۹ ۱۳۳۰ و ج۱۲، ص۱۷؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۹۷۵؛ فهرست اهدایی مشکاه، ج۵، ص۱۱۹۹؛ فهرست الهیّات تهران، صص۵۳۱ و ۵۶۹.

پس از تحصیلات مقدّمات علوم به عتبات عالیات مهاجرت نمود، و نزد مراجع عالی قدر و مجتهدین و مدرّسین آن دیار، همچون حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، آخوند خراسانی، شیخ عبدالهدی شلیله، تحصیل کرد، و از آقاابوالحسن اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری اجازه دریافت نمود. سپس به تدریس پرداخت، و پس از چندی به اصفهان بازگشت، و عزلت و انزوا برگزید، و تنها به اقامه نماز جماعت در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] در ظهرها قناعت نمود. سرانجام، صاحب عنوان در شب ۸ ذی الحجّه الحرام سال ۱۳۷۰ق در اصفهان وفات یافت، و جنازه به عتبات عالیات منتقل، و در یکی از حجرات صحن حضرت ابوالفضل العبّاس علیه السلام مدفون گردید.

یداللّه برخوردار، متخلّص به تائب، تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

به تاریخ وفاتش تائب بی دل چنین گفتا: «شد اسماعیل وارد در جنان از مهر یزدانی»

کتب و رسائل زیر از تألیفات حاج شیخ اسماعیل نجفی است، و هیچ کدام به طبع نرسیده است: ۱. رساله در استصحاب ۲. رساله در اصول، تا پایان بحث عموم و خصوص ۳. رساله در تعادل و تراجیح ۴. رساله در اصل برائت ۵. رساله در عدالت، مختصر ۶. حواشی بر رجال علّامه (خلاصه علّامه)، غیر مدوّن ۷. حواشی بر کفایه الاصول، مختصر ۸. مجموعه ای کشکول مانند، حاوی مطالب متفرّقه.(۱)

میرمحمّداسماعیل ثالث خاتون آبادی

میرمحمّداسماعیل خاتون آبادی معروف به میرمحمّداسماعیل ثالث فرزند میرمحمّدباقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل، فقیه محقّق، در اصفهان تحصیل کرد، و سپس در مسجد جامع جدید عبّاسی (مسجد امام) اقامه جماعت می نمود، و در مدرسه چهارباغ تدریس می کرد. سرانجام در سال ۱۱۶۰ق وفات یافت، و در تکیه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۲۶۸؛ نقباء البشر، ج ۱، ص۱۵۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص۲۷ ۳۸؛ مکارم الآثار، ج۸، صص۲۸۸۸ ۲۸۸۹.

خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرمحمّداسماعیل بن میرمحمّدباقر بن علاءالدّین محمّد گلستانه، عالم فاضل، در اصفهان نزد جمعی از فضلاء، ازجمله ملاّمحمّداسماعیل مازندرانی خواجویی به تحصیل پرداخته است. وی نسخه ای از کتاب بشارت الشّیعه تألیف استادش خواجویی را در ۹ ذی قعده سال ۱۱۵۶ق کتابت نموده است. وی هم چنین دعای علقمه را به خطّ زیبای خود نوشته است.(۲)

اسماعیل ذهبی

ابوالفتوح اسماعیل بن بختمیر بن فتکین ذهبی اصفهانی از محدّثین قرن پنجم هجری است. سمعانی درباره او گوید: «کان شیخاً صالحاً مستوراً». تولّدش بعد از سال ۴۶۰ق بوده است. سمعانی از او یک حدیث نقل کرده است.(۳)

میرزا محمّداسماعیل منجّم

میرزا محمّداسماعیل بن میرزا بدیع الزّمان منجّم حسینی گنابادی از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. او همچون پدر به تحصیل نجوم و ریاضی پرداخت، و در آن علوم، مهارت کامل یافت. تصنیفات و تألیفات متعدّد از او باقی ماند. وی در سال ۱۲۳۰ق در اصفهان وفات نمود، و جنازه در عتبات عالیات مدفون شد.(۴)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۷؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۲۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

۲- الکواکب المنتشره، صص۶۵ ۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۶؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۲۱؛ الذّریعه، ج۳، ص۱۱۲.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۸۶؛ تاریخ مدینه دمشق، ج۳۴، ص۲۴۳.

۴- مکارم الآثار، ج۸، ص۲۹۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۴؛ چهل سال تاریخ ایران (الماثر و الآثار)، ج۱، ص۲۵۵.

ملاّمحمّداسماعیل واحدالعین

آخوند ملاّمحمّداسماعیل واحدالعین، فرزند محمّدسمیع، عالم فاضل، حکیم فیلسوف و عارف کامل، از فلاسفه و مدرّسین حکمت در اصفهان است. از افاضل شاگردان حکیم ملاّعلی نوری، و خود، در تدریس، خوش بیان و خوش تقریر بوده [است]. بسیاری از فضلاء و حکماء، از دست پروردگان او به شمار می روند؛ ازجمله حاج ملاهادی سبزواری که استاد را ذوالعیون می خوانده، و سال ها از محضر او مستفیض شده است. [در تبیین و تدریسِ حکمت متعالیه ملاّصدرا استادی کم نظیر بوده، و به ایرادات مخالفان ملاّصدرا همچون شیخ احمد احسایی پاسخ هایی درخور داده است.

صاحب عنوان، در روزهای آخر عمر به تهران عزیمت کرد، و در رکاب فتحعلی شاه به سلطانیّه رفت. در آن جا بیمار، و راهی گیلان شد، و در محرّم ۱۲۴۲ق در آن جا وفات یافت]. آثار و تألیفات ایشان عبارت اند از: ۱. حاشیه بر اسفار ۲. حاشیه بر شوارق الالهام ۳. شرح الحکمه العرشیّه، که در آن، به ایرادهای شیخ احمد احسایی به ملاّصدرا پاسخ داده، و در حواشی کتاب عرشیّه، در سال ۱۳۱۰ق چاپ سنگی شده است ۴. حاشیه بر مشاعر که در حواشی کتاب مشاعر در سال ۱۳۱۵ق در تهران چاپ سنگی شده است.(۱)

محمّداسماعیل خواجویی ثانی

آقا محمّداسماعیل خواجویی ثانی، فرزند آقا محمّدجعفر بن ملاّمحمّداسماعیل خواجویی، از علماء و فضلاء اصفهان، و (احتمالاً) از شاگردان پدر خود و آخوند ملاّعلی نوری و دیگران بوده است.

در ۲۵ ربیع الاوّل سال ۱۲۸۲ وفات یافت، و در تخت فولاد، در جنب قبر جدّ خویش

۱- الذّریعه، ج۱۳، ص۳۶۸ و ج۶، صص۱۴۴ و ۲۰۰؛ الکرام البرره، ج۱، ص۱۴۰؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۸۵؛ تحریر ثانیِ تاریخ حکما و عرفاء؛ شرح احوال و آراء فلسفی ملاصدرا، ص۲۱۴؛ مکارم الآثار، ج۶، صص۲۱۵۲ ۲۱۵۳؛ آشنای حق، ص۲۸؛ مقالات ادبی، صص۴۲۹ ۴۳۲؛ قصص العلماء، ص۱۵۱؛ الشّواهد الرّبوبیّه، مقدّمه، ص صد و شانزده؛ فهرست مجلس، ج۳۵، ص۴۰۶؛ فهرست کتاب های چاپی عربی، ص۲۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۷۳ ۲۷۴.

مدفون گردید.

کفّاش شاعر اصفهانی در مرثیّه و مادّه تاریخ وفات او گوید:

زین جهان چون که به فرمان خداوند جلیل کرد منزل به گلستان بقا اسمعیل

حال کفّاش به تاریخ وفاتش تو بگو: «شد ز دنیا سوی بستانِ جنان اسمعیل»(۱)

[وی یکی از کسانی است که در ماه رجب سنه ۱۲۵۶ تصدیق بر صحّت نسَب میرجهانی جوشقانی نوشته، و صورت آن در کتاب سبیکه البیضاء تألیف حاج میرمحمّدحسن میرجهانی محمّدآبادی جرقویی ص۷۹ درج شده است. سیّداحمد دیوان بیگی در شرح حال محمّدحسین متخلّص به ضیاء، فرزند صاحب عنوان گوید: «پدر در پدر از فضلاء و علمای اخیار».

ملّامحمّداسماعیل درکوشکی

حاج ملّامحمّداسماعیل درکوشکی فرزند محمّدجعفر، حکیم فیلسوف، از اجلّه حکماء و مدرّسین اصفهان از شاگردان ملّااسماعیل واحدالعین، میرزا حسن نوری، میرزا رضی لاریجانی، ملّاعبدالجواد خراسانی و دیگران بود، و شاگردان بسیاری از محضر او مستفیض شدند؛ ازجمله آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقایی، آقا سیّدابوالقاسم دهکردی که در شرح حال خود نوشته است: «علم حکمت را غالباً نزد حکیم متألّه، حاجی ملّااسماعیل حکیم، ساکن در محلّه درب کوشک، خصوص اسفارِ آخوند ملّاصدرا در مدّت چهار سال نزد آن حکیم ماهر، قرائت کردی».

وفاتش در روز جمعه ۱۵ شوّال ۱۳۰۴ق روی داده است. مدفن ایشان در تخت فولاد، در جوار مرقد ملّااسماعیل خواجویی است. در سنگ مزار او با این القاب از او یاد شده: «مرحوم مغفور مبرور، العالم الفاضل الکامل، زبده الحکماء المتألّهین، طایف بیت اللّه الحاج محمّداسماعیل غفرله»(۲).

[چندین جلد کتاب در کتابخانه های مختلف، تألیف محمّداسماعیل بن محمّدجعفر

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص۷۴ ۷۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۸؛ دانشمندان بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۶۹ ۲۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۹؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص۱۹۱ ۱۹۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۶.

اصفهانی است که به احتمال قوی، همین ملاّمحمّداسماعیل درکوشکی است]. این کتاب ها عبارت اند از: ۱. جلوات ناصریّه، در توحید، به فارسی(۱)، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران جزو کتب اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه(۲) و نسخه دیگر، موجود در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی مشهد(۳)، و نسخه دیگر موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی(۴) ۲. شرح حدیث رأس الجالوت(۵) ۴. رساله در اثبات سکون زمین، موجود در کتابخانه آیت اللّه العظمی گلپایگانی(۶) ۵. ترجمه رساله الادوار، تألیف صفی الدّین عبدالمؤمن ارموی، میکروفیلم آن موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران(۷) ۶. ترجمه رساله الشّرفیه، در موسیقی، تألیف صفی الدّین عبدالمؤمن ارموی، موجود کتابخانه در مدرسه عالی سپهسالار تهران(۸).

میرزا اسماعیل قائنی

میرزا اسماعیل قائنی بیرجندی اصفهانی فرزند محمّدجعفر، عالم فاضل ادیب عارفِ نیمه اوّل قرن سیزدهم هجری. از خراسان به اصفهان آمده، و در آن جا به تحصیل پرداخته، و در ادبیّات عرب، علوم غریبه، حکمت و عرفان مهارت داشته، و تألیفاتی از خود به جای نهاده است(۹) که از آن جمله است: ۱. ارجوزه فی الاصول(۱۰) ۲. ثمره الارواح، در رمل موجود در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی(۱۱) ۳. نظم اللّئالی در اصول فقه، ظاهراً همان ارجوزه است، موجود در کتابخانه بروجردی در نجف(۱۲).

سیّداسماعیل هاشمی

حاج سیّداسماعیل هاشمی بن آقاسیّدمحمّدحسن بن سیّدابراهیم موسوی طالخونچه ای اصفهانی، عالم فاضل فقیه ماهر. در حدود سال ۱۳۳۰ق در قریه «طالخونچه» از بلوک سمیرم متولّد شد. مقدّمات علوم را نزد پدر و برادر بزرگ خود سیّدعلی اکبر فراگرفت، و سپس در اصفهان نزد آقا شیخ محمّدرضا نجفی، حاج شیخ مهدی نجفی، سیّدزین العابدین طباطبایی ابرقویی، حاج محمّدجواد بیدآبادی و استاد همایی تحصیل نمود. آن گاه برای

۱- الذّریعه، ج۵، ص۱۲۷.

۲- فهرست اهدایی مشکاه، ج۳، ص۲۲۳؛ الذّریعه.

۳- فهرست الهیّات مشهد، ج۱، ص۳۹۷.

۴- فهرست مجلس، ج۶، صص ۸۰ ۸۲.

۵- مکارم الآثار، ج۷، ص۲۷۳۹.

۶- فهرست گلپایگانی، ج۲، صص ۸۱ و ۸۴.

۷- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۹.

۸- احوال و آثار خواجه نصیرالدّین طوسی، ص۱۵۴.

۹- مقالات ادبی، همایی، ص ۴۴۰.

۱۰- تراجم الرّجال، ج۱، ص۱۰۸.

۱۱- فهرست مرعشی، ج۱۴، صص۲۱۷ ۲۱۸.

۱۲- الذّریعه، ج۱، ص۴۵۷ و ج۲۴، ص۲۴.

تکمیل تحصیلات خود به قم رفت، و نزد علمای اعلام و آیات عظام، سیّدمحمّدرضا گلپایگانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، شیخ محمّدرضا جرقویه ای، سیّدمحمّد حجّت، سیّدمحمّدتقی خوانساری، سیّدصدرالدّین صدر و فاضل لنکرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس به اصفهان بازگشت، و در قریه «قمبوان» ساکن شد. پس از سال ها به اصفهان آمد، و به تدریس، ارشاد و هدایت مردم و اقامه جماعت پرداخت. ایشان در ۲۸ جمادی الاوّل ۱۴۲۰ق وفات یافت، و در بقعه علّامه مجلسی مدفون گردید. کتب زیر از او است:

۱. اربعین به نام ملتقات ۲. دیوان اشعار به عربی و فارسی ۳. ذریعه الزّائر یا رهبر زوّار، مطبوع ۴. درّه البیضاء فی فضایل سیّدالنّساء ۵. شهاده الشّهداء، در شرح و ترجمه لوح حضرت زهرا سلام اللّه علیها ، مطبوع ۶. ضیاء البشر در رد شیخیّه کریم خانیّه ۷. لؤلؤ درخشان در صفات بهترین زنان ۸. مجموعه ای در ردّ صوفیّه ۹. هدایه الاخوان، درباره حقوق برادران.

ایشان در اواخر عمر خود، نماینده استان اصفهان در مجلس خبرگان رهبری بود، و در چنیدن مؤسّسه خیریّه عضویت داشت.(۱)

سیّداسماعیل سدهی

سیّداسماعیل سدهی اصفهانی بن سیّدحسن بن سیّداسماعیل بن سیّدرضا بن هاشم موسوی، عالم فاضل، در سال ۱۳۰۶ق در محلّه درب سیّدِ محلّه فروشان بیده متولّد شد. مقدّمات را نزد دایی خود میرزا عبدالرّحیم و برخی از علمای اصفهان خواند، و سپس راهی نجف اشرف گردید، و از درس آخوند خراسانی، شیخ علی گنابادی، شیخ اسماعیل محلّاتی، میرزا حسین نایینی، آقا ضیاءالدّین عراقی و سیّدابوتراب بهره گرفت، و در علوم عقلی نیز در درس شیخ عبدالحسین رشتی و سیّدمحمّدحسین بادکوبی حاضر شد. وی از علمای معتبر نجف به شمار می رفت، و در شب دوشنبه ۵ شوّال ۱۳۷۳ق وفات یافت، در صحن شریف مجاور مقبره معین التجّار اصفهانی مدفون گردید. از وی تقریرات فقه و اصول و رساله های مستقل به صورت ناقص، نزد فرزند مؤلّف، سیّدمحمّد

۱- یادنامه آیت اللّه حاج سیّداسماعیل هاشمی؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص۲۸۷ ۲۸۹؛ مزارات اصفهان، ص۴۴؛ مدرّس مجاهدی شکست ناپذیر، صص ۲۲۰ ۲۲۱؛ سیمای دهاقان، صص۲۹۶ ۲۹۸.

باقی مانده است.(۱)

شیخ اسماعیل تاج الواعظین

(شیخ اسماعیل تاج الواعظین واعظ با اخلاص و وارسته. دارای صدایی دلنشین و آوازی گیرا بود و از این رو شهرت و محبوبیت زیادی در بین مردم داشت. وی در ۳۱ مرداد ۱۳۲۶ش وفات یافت و در تکیه سید العراقین مدفون شد.

(صغیر اصفهانی ماده تاریخ وفاتش را چنین گفته: قربانی دوست کرد جان اسماعیل)(۲)

ملاّ محمّداسماعیل خواجویی

ملاّمحمّداسماعیل بن محمّدحسین بن محمّدرضا بن علاء الدّین محمّدمازندرانی معروف به ملاّاسماعیل خواجویی. عالم فاضل و حکیم کامل محقّق مدقّق، از اکابر فقهاء مجتهدین، و از اعاظم حکماء و مدرّسین. اصلاً از اهالی مازندران است؛ امّا به مناسبت سکونت در محلّه خواجوی اصفهان، به خواجویی شهرت یافته است. از اساتید او اطّلاعی نداریم، خود او نیز در تألیفاتش به نام اساتید خود اشاره نکرده است؛ امّا از برخی منابع برمی آید که از شیخ حسین ماحوزی روایت دارد، و احتمال دارد از شاگردان محضر آخوند ملاّمحمّدجعفر کرباسی صاحب کتاب طباشیر، و هم چنین فاضل هندی، فاضل سراب و ملاّمحمّدصادق اردستانی باشد.

[زندگانی او با فتنه افغان مصادف بوده، و در جریان محاصره اصفهان و تسلّط افغان ها، گرانی و قطحی و بیماری ها و قتل عام مردم اصفهان، رنج ها دیده، و آزارها کشیده است. پس از ظهور نادر، و رفع فتنه افاغنه، کمر به احیای حوزه علمیّه اصفهان بسته، و فضلاء و اهل علم را گردآورده، و مجالس و محافل تدریس و بحث را رونق داده، و به اشاعه فقه و کلام و حکمت، اهتمام ورزیده است.

۱- نقباء البشر، ج ۱، ص۱۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

او در انواع علوم زمان خود ماهر بوده، و خصوصاً در تدریس شفا مهارتی بسزا داشته است. از حافظه ای قوی برخوردار بوده، و خطّ نستعلیق را خوش می نوشته است. این عالم عالی قدر، در دنیا به قلیلی از خوراک و پوشاک اکتفا کرده، و نظر خود را از ماسوی اللّه قطع نموده بود؛ لاجرم، مستجاب الدّعوه بود، و کراماتی از ایشان به ظهور رسید. در مقابل سخن حق، تسلیم و صاحب هیبتی عظیم بود. بزرگ و کوچک و شاه و گدا او را احترام می کردند و صاحبان جلالت و سلطنت، در تفخیم او دقیقه ای فروگذار نمی کردند. تا جایی که نادرشاه افشار با آن همه سطوت و صولتی که داشت، و به فضلاء و اعاظم علمای عصر خود اعتنایی نمی کرد، وی را مورد عنایت خاصّه قرار داده بود، و فرمان او را امتثال می کرد، در حالی که آن بزرگمرد، به مقام و عظمت نادر، بی اعتنا بود].

بسیاری از علماء و فضلاء، از محضر درس او مستفیض شده اند که از آن جمله اند: آقامحمّد بیدآبادی، میرزا ابوالقاسم مدرّس، ملّامهدی نراقی و ملّامحراب گیلانی.

صاحب عنوان در ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ق در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد، نزدیک مزار فاضل هندی مدفون گردید. [میرزا عبدالنّبی قزوینی در تتمیم امل الآمل سال وفات او را ۱۱۷۷ق ذکر نموده است، و احتمال این که اشتباه، از کاتب نسخه باشد زیاد است. شیخ عبّاس قمی در فوائد الرّضویه و جمعی پنداشته اند که ما دو نفر ملّااسماعیل خواجویی در یک زمان داشته ایم، یک نفر فقیه، متوفّی به سال ۱۱۷۳، و یک نفر حکیم و فیلسوف، متوفّی به سال ۱۱۷۷ که این ادّعا ناشی از اشتباه راه یافته به کتاب تتمیم امل الآمل، و به کلّی مردود است]. در تاریخ وفات او [به حساب ابجد] گفته اند:

«نورّ اللّه الجلیل مقبرته» «رفع اللّه فی الجنان منزلته»

دبیر، شاعر اصفهانی در مرثیه ای [که در حاشیه سنگ لوح مزار خواجویی نقر گردیده]، مادّه تاریخ وفات ایشان را چنین می گوید:

بهر تاریخ او دبیر نوشت: «خانه علم منهدم گردید»

[تا این اواخر، قبر او به صورت سکویی در وسط قبرستان باقی بود، تا این که شهرداری اصفهان، بقعه ای بر سر قبر او احداث کرد].

تألیفات ایشان را اعمّ از کتاب و رساله، بیش از یک صد و پنجاه کتاب نوشته اند که اغلب به

چاپ رسیده است، و از آن جمله است:

۱. ابطال زمان الموهوم، [چاپ شده در کتاب سبع رسائل] ۲. الاربعون حدیثا، [چاپ شده] ۲. بشارات الشّیعه، [چاپ شده] ۳. تجسّم اعمال، [چاپ شده در جلد اوّل کتاب میراث حوزه اصفهان] ۴. ترجمه مناظره مأمونیّه، [به چاپ رسیده است [۵. تعلیقه بر اربعین حدیث شیخ بهایی [چاپ شده] ۶. تعلیقه بر اثنی عشریّه صومیّه شیخ بهایی، [چاپ شده [۸. تعلیقه بر مفتاح الفلاح شیخ بهایی [چاپ شده] ۹. ردّ بر وحدت وجود، به فارسی، [چاپ شده در جلد اوّل میراث حوزه اصفهان] ۱۰. جامع الشّتات [چاپ شده [۱۱. رسائل در اجل محتوم، [چاپ شده در جلد اوّل میراث حوزه اصفهان [۱۲. سهو النّبی، [چاپ شده [۱۳. الفوائد الرّجالیّه، [چاپ شده [۱۴. مفتاح الفلاح فی شرح دعاء الصّباح، [چاپ شده [۱۵. هدایه الفؤاد، [چاپ شده [۱۶. حاشیه بر مدارک، [مخطوط] ۱۷. حاشیه بر تفسیر صافی، [مخطوط] ۱۸. حاشیه بر زبده البیان، [مخطوط(۱)].

اسماعیل مبارکه ای لنجانی

اسماعیل بن حسین مبارکه ای لنجانی اصفهانی، از خطّاطان قرن سیزدهم هجری. از آثار او نسخه ای از حیاه القلوب تألیف علاّمه مجلسی است که در ۲۶ محرّم ۱۲۴۵ به خطّ نستعلیق، از کتابت آن فراغت یافته است. نسخه آن به شماره ۳۱۰۷ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۱۱۵ ۱۱۶؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۷ و ۱۷۵ و ۲۶۰؛ آشنای حق، صص۲۸ ۳۱؛ مقالات ادبی، ج۱، ص۳۲۸، شرح روضات الجنّات، ج۱، صص۲۹۶ ۳۰۷؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۳۱۶ ۳۱۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۵۳ ۵۵؛ تتمیم امل الآمل، صص۶۷ ۶۹؛ تجربه الاحرار، ص۱۵۰؛ الذّریعه، ج۱، ص۴۱۰ و ۷۰، ج۲، ص۳۲۱، ج۶، صص۱۳ و ۱۹۶، ج۵، ص۵۴۱، ج۱۳، صص۱۱۶ و ۳۱۱، ج۱۴، صص۶۲ و ۲۵۲، ج۱۶، صص۶۰ و ۳۳۷، ج۲۱، ص۳۳۰ و ج۲۵، صص۱۸۶ و ۵۴؛ روضات الجنّات، ج۱، ص۱۱۴؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۱۰۵؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۰۰؛ فواید الرّضویه، ج۱، صص۵۲ ۵۳؛ خدمت متقابل اسلام و ایران، ص۹۵۲؛ نجوم السّماء، ص۲۶۸؛ اعیان الشّیعه، ج۴۳، ص۲۹۳؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص۷۴ ۷۵؛ گلشن مراد، ص۳۹۱؛ مکارم الآثار، ج۷، صص۲۴۲۱ ۲۴۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۷۲ ۲۷۳.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۹۲.

اسماعیل نایینی*

اسماعیل بن حسین نایینی، از فضلای قرن دهم هجری است. وی ظاهراً به تحصیل طب در اصفهان مشغول، و در مدرسه دیلمیّه اصفهان ساکن بوده است. وی در این مدرسه، کتاب های مختصر در طب، اثر چغمینی و فصول الایلاقیّه یا معالجات که از چغمینی است را در سال ۹۸۰ق کتابت نموده، و نسخه، در کتابخانه مجلس سنای سابق موجود بوده است.(۱)

اسماعیل اشعری

اسماعیل بن حماد بن ابی سلیمان مسلم، فقیه اشعری، از محدّثین اصفهان است. جدّش مسلم از اهالی رستاق بُرخوار اصفهان بوده، و محمّد بن یحیی بن منده از او نام برده است. اسماعیل اشعری از ابی اسحاق سبیعی و سلیمان اعمش روایت می کند. مُعتَمِر بن سلیمان و خالد بن عبداللّه از او نقل حدیث می کنند.(۲)

اسماعیل کاشف اصفهانی

آقااسماعیل اصفهانی متخلّص به «کاشف» فرزند استاد حیدرعلی معمار اصفهانی و نواده استاد محمّدعلی معمار اصفهانی، شاعر ادیب هنرمند، در اصفهان ساکن، و در فنّ آجرتراشی، استاد بود، عاقبت آن شغل را ترک کرد.(۳)

در سرودن شعر، طبع روانی داشت. از تألیفات او [است]: ۱. مثنوی تحفه العالم(۴) ۲. مثنوی ساقی نامه(۵) ۳. دیوان اشعار و بنابر آن چه از دیوان او مستفاد می شود، در سال ۹۹۹ متولّد [شده]، و تا سال ۱۰۸۰ق در قید حیات بوده، و پس از این تاریخ، وفات یافته است.(۶)

۱- فهرست مجلس، ج۲، ص۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۶؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۵۴.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۱۰ ۵۱۱.

۴- الذّریعه، ج۱۹، ص۱۳۶.

۵- الذّریعه، ج۱۹، ص۱۹۹.

۶- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص۱۷۹۶.

از او است:

هر جلوه که آن قدّ دلآرا دارد در صفحه سینه چون الف جا دارد

آویخته زلف مشکبو از چپ و راست این مصرع رنگین چه طرف ها دارد

اسماعیل خان اصفهانی

اسماعیل خان اصفهانی، از اهل ذوق ادب بوده، و به خواهش او شاه محمّد بن محمّد شیرازی دارابی کتاب ریاض العارفین را در سال ۱۰۹۹ق تألیف نموده است.(۱)

اسماعیل کوفی

ابوهانی اسماعیل بن خلیفه انصاری کوفی، از محدّثین قرن دوم هجری است. از موالی سعد بن عُباده بود، و منصور، خلیفه عبّاسی، او را به منصب قضای اصفهان برگزید. وی در زمان خلافت مهدی عبّاسی وفات نمود.

از اسماعیل بن ابی خالد، مُجالد، ثوری و مبارک بن فضاله روایت نموده، و حسین بن حفص، عامر بن ابراهیم، ابراهیم بن ایّوب، ابوسفیان و پسرش سعید بن اسماعیل از او نقل حدیث کرده اند.(۲)

اسماعیل بزّاز

اسماعیل بن داوود بزّاز، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوطالب عبداللّه بن صلت روایت نموده، و احمد بن حسن تمیمی از او نقل حدیث نموده است.(۳)

اسماعیل خوانساری

اسماعیل بن محمّدخلیل خوانساری، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص ۲۴۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۲۰۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۲؛ مقتبس الاثر، ج۴، ص ۳۱۰.

هجری است. وی در سال ۱۲۲۶ق تفسیر صافی را کتابت نموده، و در سال ۱۲۲۸ق، این نسخه توسّط صادق بن حاج مسیح خوانساری مقابله و تصحیح شده است. این نسخه در کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان موجود بوده است.(۱)

شیخ اسماعیل کلباسی

حاج شیخ اسماعیل کلباسی فرزند حاج میرزا محمّدرضا بن حاج عبدالرّحیم بن حاج محمّدرضا بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل و واعظ کامل، در ۱۰ ذی حجّه ۱۳۲۲ق متولّد شد(۲)، و نزد پدر بزرگوار خود، و بسیاری از علمای اصفهان و تهران و نجف اشرف بهره برد که از آن جمله است: آقاشیخ محمّدرضا نجفی، ملّامحمّدحسین فشارکی، آقا سیّدمحمّد مدرّس نجف آبادی، میرسیّدعلی مجتهد نجف آبادی، میرزا محمّدحسن داورپناه (قاضی عسکر)، میرزا یحیی بیدآبادی، شیخ علی یزدی، آقا سیّدمهدی درچه ای، حاج آقا صدرالدّین هاطلی کوپایی، شیخ محمود مفید، فاضل بسطامی، میرزا محمّدمهدی آشتیانی، میرزا آقا شیرازی، سیّدمحمود شاهرودی، شیخ محمّدحسن آل کاشف الغطاء و محمّدطاهر تنکابنی(۳)، و از برخی از آنان اجازه دریافت نمود.

ایشان سال ها در اصفهان به وعظ و خطابه و ارشاد مردم مشغول بوده، و باقی اوقات خود را صرف عبادت و مطالعه و تحقیق و تألیف می نموده است. مشارٌالیه در ۲۶ رمضان ۱۳۹۷ق در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد، در مقبره مسجد رکن الملك مدفون شد.(۴) کتب زیر از تألیفات ایشان است: ۱. ترجمه و شرح نفس المهموم شیخ عبّاس قمی ۲. حواشی بر انیس اللّیل فی شرح دعاء کمیل پدر بزرگوارشان ۳. زیارتگاه اهواز (در شرح حال جناب علیّ بن مهزیار اهوازی، مطبوع(۵) ۴. شرح کتاب مدارس حاجی سبزواری، در اسرار احکام.

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۰۷.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۸۹؛ خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج۲، صص۲۵۳ ۲۵۴.

۳- احوال حاجی کرباسی و اولادش، صص۷۱ ۷۳؛ خاندان کلباسی، ص ۲۲۰.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۳.

۵- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۶۰۹.

شیخ اسماعیل دیهوکی طبسی

شیخ اسماعیل بن محمّد رفیع دیهوکی طبسی، عالم فاضل، از اهالی قریه «دیهوک» طبس و برادر ملّاعبدالحی دیهوکی طبسی است. همچون برادر در اصفهان به تحصیل علم مشغول بوده، و از علمای اصفهان به ویژه ملّامحمّدباقر مجلسی بهره علمی برده است. وی نسخه ای از رساله الاوزان و المقادیر، تألیف علاّمه مجلسی را در ۲۰ رجب ۱۱۰۶ق کتابت نموده است. وفات او حدود سال ۱۱۴۰ق اتّفاق افتاده است.(۱)

محمّداسماعیل کفرانی

ملّامحمّداسماعیل بن زین العابدین کفرانی رویدشتی اصفهانی فاضل جلیل خطّاط، از نویسنگان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. از آثارش کتابت دو نسخه از شرح زیارت جامعه از تألیفات شیخ احمد احسایی، هر دو مورّخ به سال ۱۲۶۶ یکی در کتابخانه دانشگاه تهران، و دیگری در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم به شماره ۲۴۵ موجود است. اثر دیگر وی، کتابت وجیزه البحار فی مناقب الائمّه الاطهار تألیف محمّد بن علی اصغر قائنی می باشد که در سال ۱۲۵۸ق آن را به خطّ نسخ نوشته است، و به شماره ۲۰۲۸ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملّااسماعیل اصفهانی

ملّااسماعیل بن محمّدصادق نجّار اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. از آثار او کتابت نسخه ای از شمسیّه است که آن را در سال ۱۲۳۵ به خطّ نسخ نوشته است.(۳)

۱- زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۱۳؛ تلامذه العلامه المجلسی، ص۱۳۳؛ الذّریعه، ج۲۳، ص۳۱.

۲- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه، ص۱۴۱؛ فهرست کتابخانه مدرسه فیضیّه قم، استادی، ج۱، ص۱۴۸؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۳۵.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۲۳.

اسماعیل طالقانی (صاحب بن عبّاد)

ابوالقاسم اسماعیل بن ابوالحسن عبّاد بن عبّاس بن عبّاد بن احمد بن ادریس طالقانی اصفهانی ملقّب به «صاحب» و «کافی الکفاه»، عالم محدّث و ادیب شاعر و وزیر با کفایت، در ۴ ذی قعده سال ۳۲۴ (و یا بنا بر مشهور ۳۲۶ق) متولّد شده است. برخی مولد او را در اصطخر فارس، و برخی طالقان قزوین نوشته اند؛ امّا ثعالبی در یتیمه الدّهر او را اهل طالقان اصفهان دانسته است که ظاهرا قریه «طالخونچه» (طالقان چه) در اطراف اصفهان است. وی ابتدا نزد پدر به تحصیل پرداخت، سپس تحت تربیت ابوالفضل بن عمید قرار گرفت، و دبیرِ او شد. فنون ادبی، از قبیل صرف و نحو و لغت را از ابن فارس در ری کسب نمود، و از محدّثان عراق، ری و اصفهان حدیث شنید؛ ازجمله ابوعمرو صبّاغ، قاضی ابوبکر احمد بن کامل بن شجره، احمد بن محمّد بن حسین رازی، ابوعلی حسن بن احمد فسایی، ابوسعد حسن بن عبداللّه سیرافی، ابوالفضل عبّاس بن محمّد نحوی (عرام)، ابوبکر محمّد بن حسن بن مقسم عطّار.

دانشمندان بسیاری نیز از شاگردان او به شمار می روند که از آن جمله اند: حافظ ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، ابومحمّدجعفر بن احمد بن علی ایلاقی قمی، شیخ عبدالقاهر بن عبدالرّحمان جرجانی، ابوالحسن محمّد بن جعفر بن محمّد کوفی (ابن نجار) و ابوالعلاء محمّد بن علیّ بن حسن همدانی رازی. در باب مذهب او گرچه عدّه ای او را زیدی یا معتزلی دانسته اند؛ امّا اکثر نویسندگان، به تشیّع او اقرار دارند، و قرائن و شواهد بسیاری همچون اشعاری که در مدح ائمّه شیعه اثنیعشر، به ویژه علیّ بن ابی طالب علیه السلام سروده، و قول بسیاری از علمای اهل سنّت در مورد شیعه بودن او، ازجمله ابن حجر عسقلانی، مؤیّد شیعه بودن او است.

علّت شهرت او به صاحب، به خاطر مصاحبت وی با مؤیّدالدّوله بوده، و عدّه ای گفته اند وی مصاحب ابوالفضل بن عمید بوده، و لقب صاحب را یافته است. وی نوزده سال در اصفهان و هفت سال در ری و گرگان وزیر مؤیّدالدّوله امیر آل بویه بود، و پس از وفات او، به پیشنهاد خود، فخرالدّوله را به امیری آل بویه برگزیدند، و دوازده سال نیز وزارت او را نمود. وی در ایّام وزارت خود، با وجود کثرت اشتغال و گرفتاری ها، و رفع حوائج

مراجعین، و رسیدگی به دعاوی مظلومین و رتق و فتق امور دیوانی، دائما با ادباء و علماء، مجالست و مؤانست داشته، و آثار خیریّه ای همچون بنای مسجد جامع جورجیر، و صفّه صاحب در مسجد جامع اصفهان را از خود به جای نهاده است. بسیاری از شعرای معاصر صاحب در مدح او شعر سروده اند. مقام علمی و شخصیّت صاحب به گونه ای بوده که در آن عهد، بسیاری از فضلاء، آثار خود را به نام صاحب نامیده بودند؛ ازجمله احمد بن فارس در کتاب المجمل الصّاحبی، ابومنصور ثعالبی در کتاب لطائف المعارف، حسن بن محمّد قمی در کتاب تاریخ قم و شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرّضا علیه السلام . او کتابخانه ای با چندین هزار جلد کتاب داشته که برای حمل آن به چهارصد شتر نیاز بوده است، و کتابدار آن ابومحمّد عبداللّه بن احمد خازن از شعرا و فضلای اصفهان است. کتابخانه در ری بوده، و پس از آن که سلطان محمود غزنوی ری را تصرّف کرد، بسیاری از کتاب های آن را سوزانید. صاحب در ماه صفر ۳۸۵ق در ری بیمار شد، و در جمعه ۲۴ صفر وفات یافت. با مرگ او، هنگامه ای در ری برپا شد، و عموم مردم و بزرگان و امرا و اشراف حکومت به همراه فخرالدّوله در تشییع او حاضر شدند. ابوالعباس ضبّی بر او نماز گزارد، و سپس جنازه به اصفهان نقل شد، و در منزل او در محلّه باب دریّه (که امروزه به محلّه طوقچی معروف است) مدفون گردید.

در دوره قاجاریّه، حاج محمّدابراهیم کلباسی در تعمیر و احیاء مقبره او اقدام نمود، و در عصر حاضر، به همّت حاج شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب آبادی بقعه ای آبرومند و شایسته بر سر مزار او بنا گردید. صاحب بن عبّاد تألیفات بسیاری داشته که بسیاری از آن ها از بین رفته [است]، و برخی موجود می باشد. نگارنده [سیّدمصلح الدّین مهدوی [در کتاب مزارات اصفهان در ضمن شرح حال مفصّل وی، اسامی ۳۸ کتاب و رساله از تألیفات وی را ذکر نموده ام که برخی از آن ها به قرار زیر است: ۱. الابانه عن مذهب اهل العدل ۲. التّعلیل ۳. تفضیل علیّ بن ابی طالب علیه السلام ۴. التّذکره ۵. جوهره الجمهره ۶. الرّسائل الصّاحبیّه که در مصر به طبع رسیده ۷. ترجمه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام ۸. الزّیدیّه ۹. شرح اسماء الحسنی ۱۰. شواهد ۱۱. العروض، در نحو ۱۲. مختصر نهج السّبیل ۱۳. المحیط، در لغت، در هفت مجلّد ۱۴. نهج السّبیل و غیره.

از صاحب بن عبّاد تنها دختری باقی ماند. صاحب او را به عقد یکی از سادات، به نام ابوالحسن علی اطروش همدانی بن ابوعبداللّه حسین بن ابوالحسین علی الرّییس بن ابا عبداللّه حسین (معروف به مسمعی) بن حسن بصری بن قاسم فقیه بن محمّد بطحایی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام درآورد.

نوادگان دختری صاحب، دو نفرند: اوّل عبّاد، و دوم ابوالفضل حسین ملقّب به «الرّضی»، و یکی از نوادگانش شرفشاه بن عبّاد بن ابوالفتح محمّد بن حسین الرّاضی، جدّ سادات گلستانه اصفهان است.(۱)

اسماعیل کاتب

ابوالقاسم اسماعیل بن عبّاد محمّد بن وزیران کاتب اصفهانی نحوی، از ادباء و دانشمندان اصفهان است.(۲)

اسماعیل شهرستانی

اسماعیل بن عبّاس بن احمد [معلّم شهرستانی] اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن دهم هجری، از آثار او: ۱. کتابت مسالک الافهام تألیف شهید ثانی که در صفر سال ۹۷۷، به خطّ نسخ آن را به پایان رسانده، نسخه به شماره ۴۹۹ در کتابخانه مدرسه فیضیّه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۷۴ ۲۷۷؛ مزارات اصفهان، صص۲۸۴ ۳۱۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۱۳۴ ۱۳۷؛ نوابغ الرّواه، ص۶۲؛ معجم الادباء، ج۶، صص۱۶۸ ۳۱۷؛ بغیه الوعاه، ص۱۳۶؛ دستور الوزراء، صص۱۱۸ ۱۲۱؛ الاعلام، ج۱، صص۳۱۲ ۳۱۳؛ آثار الشّیعه، ج۴، صص۸۴ ۸۸؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۵، صص۶۸۲ ۶۸۶؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۹۹؛ اعیان الشّیعه، ج۱۱، صص۳۹۹ و ۳۵۸ ۳۵۹؛ امل الآمل، ج۲، صص۳۴ ۳۵؛ ریاض العلماء، ج۱، صص۸۴ ۹۱؛ الکنی و الالقاب، ج۲، صص۴۰۳ ۴۰۹؛ الذّریعه، ج۱، ص۵۶ و ج۹، ص۵۷۷؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۸۹ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۲۷۴؛ هدیه العباد در شرح حال صاحب بن عباد؛ الارشاد فی احوال الصّاحب بن عبّاد (ضمیمه کتاب محاسن اصفهان)؛ صاحب بن عبّاد شرح احوال و آثار؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۳۰ ۲۴۴؛ فواید الرّضویه، صص۴۵ ۵۱؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۰۹ ۲۱۰؛ از دیروز تا امروز، صص۳۱۵ ۳۱۸؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۴؛ الصّاحب بن عبّاد حیاته و ادبه؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ص۲۶۴؛ وفیات العلماء، صص۱۳ ۱۷.

۲- مقتبس الاثر، ج۴، ص۳۱۵.

قم موجود است.(۱) ۲. کتابت مختلف الشّیعه تألیف علاّمه حلّی، که در غرّه محرّم سال ۹۸۷ق به خطّ نسخ، آن را به پایان رسانیده، نسخه به شماره ۲۹۹۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

اسماعیل سُدّی

ابومحمّد الاعور اسماعیل بن عبدالرّحمان مکنّی به ابا خزیمه فرزند ابودویب (یا ابن کریمه کوفی) معروف به سدّی، از راویان مشهور قرن دوم هجری. پدرش ابوخزیمه از بزرگان اصفهان بوده، و در سال ۱۲۷ق در زمان ولایت مروان، وفات یافته است. او اصلاً از حجاز و ساکن کوفه بوده است. اسماعیل، دارای ریشی پهن و بلند بوده، به طوری که در موقع نشستن، سینه او را می پوشانید، و چون در سُدّه ساکن شده، به سُدّی شهرت یافته است. سُدّه به معنی رواق و درگاه است؛ چون صاحب عنوان، در رواق مسجد کوفه، و یا درگاه مسجد می نشسته، و تفسیر قرآن می گفته، و یا در درگاه مسجد، مقنعه می فروخته است.

او با عدّه ای از صحابه دیدار کرده، و از برخی از آنان روایت نموده است، از آن جمله: ابن عبّاس، ابوسعید خدری، ابوهریره، انس بن مالک، حسن بن علی علیهماالسلام ، سعد بن وقّاص، عبداللّه بن عمر، عمرو بن حریث و محمّد بن عبّاس. ابوعوانه، ثَوری، حسن بن صالح، زائده، شریک، شعبه، عیسی بن عمر، محمّد بن ابان و معلّی از او حدیث نقل کرده اند. در میزان الاعتدال گوید: «رمی السُدّی بالتشیّع». حسین بن واقد مروزی گوید: نزد او بودم، و از او قرآن و حدیث می شنیدم، تا هنگامی که شنیدم (شب جمعه) دو نفر اوّل را بد می گوید، و لعن می کرد، دیگر نزد او نرفتم. وی تفسیری تألیف نموده که سیوطی آن را ستوده، و نوشته است که تفسیر او، از بهترین تفاسیر است. سُدّی کبیر، لقب او است و سدّی صغیر، لقب نواده او محمّد بن مروان بن عبداللّه بن اسماعیل بن عبدالرّحمان کوفی.(۳)

۱- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۸، ص۱۶۹.

۲- فهرست کتابخانه فیضیّه، ج۱، ص۲۴۴.

۳- احقاق الحق، ج۲، ص۲۲۰؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۹۶؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۲۷۵؛ کشف الظّنون، ص۴۴۸؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۴؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۰۹؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۴۷۴؛ تاریخ نجف، ص۱۴۷؛ طبقات المحدّثین باصفهان، ج۱، ص۳۳۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۰۶؛ الاعلام، ج۱، ص۳۱۴؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۱۹۸؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسماعیل»، ص۲۵۱۶.

اسماعیل طرقی

ابوالوفاء اسماعیل بن عبدالرّزّاق بن عبدالعزیز بن محمّد بن عمر تاجر طرقی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری. سمعانی درباره او نوشته است: «کان شیخا فقیها عالما متمیّزا فاضلاً و کان احد الشّهود العدین صالحا حسن المنظر (المعروف بالقاضی الارشد). وی از اهالی طرق، از قرای نطنز است. در سال ۴۷۰ق متولّد شد. طرقی از ابوالفتح عبدالرّزاق بن عبدالکریم حسن آبادی، ابوسعد عبدالجلیل بن حسن ساوی ساکن بغداد، محمّد رزق اللّه تمیمی بغدادی، ابواسحاق ابراهیم بن محمّد طیّان و دیگران استماع حدیث کرده، و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی استماع حدیث نموده است. او در نیمه دوم شوّال سال ۵۳۲ق در اصفهان وفات یافت.(۱)

کمال الدّین اسماعیل

کمال الدّین اسماعیل بن جمال الدّین عبدالرّزاق اصفهانی ملقّب و مشهور به خلّاق المعانی، از شعراء و قصیده سرایان معروف ایران در قرن هفتم هجری است. او نزد پدر شاعر و دانشمند خود و سایر بزرگان آن عصر تربیت شده، و از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته، و کم کم آوازه او همه جا را فراگرفته است.

او از مریدان شیخ شهاب الدّین عمر سهروردی عارف مشهور آن عصر به شمار می رفته، و اشعاری در مدح او سروده است.

از دیگر ممدوحان او حسام الدّین اردشیر، از پادشاهان آل باوند مازندران، اتابک سعد بن زنگی از حکّام فارس، رکن الدّین صاعد بن مسعود، از رؤسای مذهبی اصفهان و جلال الدّین منکبرنی، پادشاه خوارزمشاهی بوده اند. او در اصفهان، شاهد درگیری های طولانی و کشتارهای فراوان بین شافعیان و حنفیان بوده، و از این درگیری ها که در دو محلّه

۱- التّحبیر، ج۱، ص۹۷.

اصفهان، جویباره و دردشت صورت می گرفته، آزرده خاطر شده، و آنان را نفرین کرده، و سروده است:

تا که دردشت هست و جوباره نیست از کوشش و کشش چاره

ای خداوند هفت سیّاره پادشاهی فرست خون خواره

تا که دردشت را چو دشت کند جوی خون آورد ز جوباره

عدد کشتگان بیفزاید هر یکی را کند دو صد پاره

عاقبت، مغولان به اصفهان حمله، و در سال ۶۳۳ق آن جا را تصرّف، و مردم شهر را قتل عام کردند. کمال الدّین هم در دوم جمادی الاوّل ۶۳۵ق به دست مغولان کشته شد. قبر او در محلّه جوباره اصفهان واقع شده است، و متّصل به کنیسه یهودیان است. سال های طولانی قرار بود که آرامگاهی برای او بنا شود. هم چنین مدّتی در جوار سی و سه پل، آرامگاهی برای او ساختند، و قرار بود استخوان های کمال در آن جا دفن شود، و خیابان مجاور آن را کمال اسماعیل نامیدند؛ امّا این کار انجام نشد. [سرانجام در سال های اخیر، بنای یادبودی بر روی قبر او بنا کردند].

[شعرای معاصر اصفهان به کمال الدّین اسماعیل و شعر او علاقه فراوان داشتند، و مدّتی انجمن ادبی خود را که در کتابخانه عمومی فرهنگ در مدرسه چهارباغ برگزار می شد، به نام انجمن کمال نامیده بودند].

او آثاری به نظم و نثر دارد که از آن جمله است ۱. دیوان اشعار که به چاپ رسیده است ۲. رساله فی وصف القرین، به عربی که میکروفیلم آن در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است ۳. رساله فی العشق المجازی و الحقیقی، به فارسی و بیشتر به نظم که میکروفیلم آن در دانشگاه تهران موجود است ۴. رساله القوس یا رساله قوسیّه به عربی ۵. سوگندنامه ۶. فراق نامه ۷. نامه ای به شهاب الدّین عمر سهروردی به عربی که میکروفیلم آن در دانشگاه تهران موجود است ۸. نامه در پاسخ امیری که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

این شعر از او است:

جان را چو نیست وصل تو حاصل کجا برم؟ دل را که شد ز درد تو غافل کجا برم؟

گفتند برگرفته فلان دل ز مهر تو من داوری مردم نادان کجا برم؟

گر برکند دل از تو و بردارم از تو مهر آن مهر بر که افکنم این دل کجا برم(۱)

شیخ اسماعیل اژیه ای

شیخ اسماعیل بن عبدالرّسول اژیه ای (اجیه یی) از فضلای قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب فهرس الکتب و الرّسائل و لمن هی من العلماء و الحدود و الافاضل را تألیف نموده، و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

میرزا اسماعیل

میرزا اسماعیل فرزند سیّدعبدالکریم، عالم فاضل عارف شاعر، در اصفهان خدمت جمعی از فضلاء و علمای عظام، همچون آقاحسین خوانساری تحصیل کرد. در اواخر عمر، میل به تصوّف پیدا کرد، دست ارادت به میرزا ملك صوفی تویسرکانی داد، و سرانجام در سال ۱۰۷۵ق وفات یافت. در فنون ادب و شعر، به ویژه معمّا مهارت بسزایی داشت.(۳)

اسماعیل سَمّویه

ابوبشر اسماعیل بن عبداللّه بن مسعود بن جبیر بن عبداللّه بن کیسان عبدی اصفهانی معروف به «سَمّویه» از حافظان حدیث و فقیهان اهل سنت است. از اسماعیل بن ابان، حسین بن حفص، بکر بن بکار، فضل بن دکین، علیّ بن عیاض حمصی، قتیبه بن مهران

۱- ریحانه الادب، ج۵، ص۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۷۹ ۲۸۰؛ تذکره الشّعراء دولتشاه، صص۱۱۳ ۱۱۶؛ مجمع الفصحاء، ج۳، صص۱۱۴۴ و ۱۱۵۲؛ تاریخ ادبیّات در ایران، ج۲، صص۸۷۱ ۸۷۴؛ تذکره مجاس النّفایس، ص۳۴۸؛ تذکره غنی، ص۱۱۴؛ تذکره حسینی، ص۲۸۱، شمس التّواریخ، ص۷۲؛ آتشکده آذر، بخش سوم، نیمه نخست، صص۹۸۰ ۹۸۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۱۹۹ ۲۰۰؛ تذکره ریاض العارفین، ص۳۸۶؛ فرهنگ معین، ج۵، صص۱۵۹۸ ۱۵۹۹؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۱۲؛ الذّریعه، ج۹، ص۹۱۶؛ مقدّمه دیوان کمال الدّین اسماعیل؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، ج۱، ص۱۵۷ و ج۲، ص۷۳۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۹۶.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۳۶۲.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۶۰.

آزادانی و موسی بن اسماعیل روایت نموده است. عبداللّه بن جعفر بن احمد بن فارس، عبدالرّحمان بن ابی حاتم، ابونعیم، ابومسهر، ابوالیمان و سعید بن ابی مریم از او حدیث نقل کرده اند. ازجمله احادیثی که اسماعیل سمّویه نقل نموده است، حدیث أَلَسْتُ اولی بِالْمُؤْمِنین مِنْ أَنْفُسِهِمْ و مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ می باشد. سمّویه در سال ۲۷۷ق وفات یافت.(۱)

اسماعیل نیشابوری اصفهانی

ابوالقاسم اسماعیل بن علیّ بن حسین نیشابوری اصفهانی صوفی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. وی حدود یک صد سال عمر کرده، و در سال ۵۵۱ق وفات یافته است. مسند اصفهان از آثار او است.(۲)

قاضی اسماعیل خطیبی

قاضی اسماعیل بن علیّ بن عبداللّه خطیبی اصفهانی، قاضی اصفهان در قرن پنجم هجری، پس از وفاتش، منصب قضاوت را ابوالعلاء صاعد بن محمّد اصفهانی برعهده گرفت.(۳)

احمد زینبی

ابوالفتح اسماعیل بن علیّ بن محمّد بن حمزه بن محمّد بن عبداللّه طوسی جعفری زینبی، از صوفیان قرن پنجم و ششم هجری است.

در اصفهان ساکن بوده، و به زهد و تقوی مشهور بوده، و از مشاهیر صوفیّه شهر به شمار می رفته است. وی در سال ۵۱۱ق در اصفهان برای ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۰؛ اللّباب، ج۲، ص۱۴۲؛ الاعلام، ج۱، ص۳۱۴؛ احقاق الحق، ج۶، ص۲۶۳؛ الانساب، ج۳، ص۳۰۸؛ طبقات المحدّثین باصبهان، ج۳، ص۱۳؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۱۸۱.

۲- مرآه الجنان، ج۳، ص۲۹۸.

۳- فوائد البهیّه، ص۸۳؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، ص۱۱۵۷.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۱۰۰.

شیخ اسماعیل معزّی

شیخ اسماعیل معزّی عالم زاهد و فقیه وارسته، در سال ۱۲۸۸ق متولد شد. (در اصفهان از درس آخوند کاشی، میرزا محمد علی کاشانی، میرزا بدیع درب امامی، شیخ مرتضی ریزی،سید مهدی و سید محمد باقر درچه ای و در نجف اشرف به مدت ۱۲ سال از محضر آخوند خراسانی، سید محمدکاظم یزدی، شریعت اصفهانی و شیخ محمد حسین فشارکی به فصل خصومات اشتغال داشت و به امامت مسجد سلام و تدریس در مدرسه نوریه پرداخت. از او دوره اصول فقه، شرح کفایه و تقریرات درس آخوند خراسانی و سید یزدی بر جای مانده است. او در شب جمعه ۲۳ ذی قعده ۱۳۶۳ق وفات یافت و در تکیه کازرونی مدفون شد.(۱)

دکتر اسماعیل آزرم

دکتر اسماعیل آزرم، فرزند حاج محمّدعلی، استاد بیولوژی حیاتی دانشکده دام پزشکی و معاون دانشکده. در سال ۱۲۸۶ شمسی در اصفهان متولّد [شد]، و در اصفهان و تهران و فرانسه تحصیل کرد، و در دانشگاه تهران تدریس می نمود. کتب زیر از تألیفات ایشان به چاپ رسیده است: ۱. بیولوژی ۲. بحث در پیدایش و تکامل موجود زنده ۳. بیوفیزیک ۴. پروتوپلاسم ۵. P.H و اهمّیت آن از نظر بیولوژی ۶. تئوری های اساسی ژنتیک ۷. تولید مثل و تزوجین در مهره داران ۸. جانورشناسی سیستماتیک ۹. حالت کلوییدی مادّه ۱۰. خلاصه چند کنفرانس درباره ژنتیک و توارث بعضی بیماری ها در انسان ۱۱. ژنتیک و توارث بعضی از بیماری ها در انسان ۱۲. ساختمان فیزیکی و ترکیب شیمیایی پروتوپلاسم ۱۳. کلّیاتی راجع به موجود زنده.(۲)

اسماعیل ایجی اصفهانی

اسماعیل بن محمّدعلی ایجی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. ظاهرا از اهالی قریه «اژیه» اصفهان است، و «ایجی»، تصحیف «اژیه ای» است. نام برده در سال ۱۲۴۰ کتاب ریاض الشّهاده تألیف ملاّمحمّدحسن قزوینی را به خطّ نسخ، کتابت نموده است. نسخه به شماره ۴۵۶۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۱ ص ۲۷۰، المسلسلات ج ۱ ص ۳۰۲.

۲- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۵۶۹.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۲۸.

حاج اسماعیل فروشانی

حاج اسماعیل عارف فرزند عین علی فروشانی از معاصرین نصرآبادی، مؤلّف تذکره الشّعرا در ضمن شرح حال برادرش عشرتی، ذکری از او نموده است. در آن جا وی را به «قطب العارفین» ستوده است. فروشان از قراء ثلاثه ماربین اصفهان است، و در تذکره نصرآبادی گوید: از محلّات ورنوسفادران می باشد.(۱)

اسماعیل بَجَلی

ابواسحاق اسماعیل بن عمرو بن مجیح بجلی کوفی، از محدّثان قرن سوم هجری است. به اصفهان آمده، و در مدینه (شهرستان) ساکن گردیده، و در آن جا به نشر احادیث اشتغال داشته است. عموم نویسندگان کتب تراجم و رجال، وی را ستوده اند؛ لکن برخی از آنان، وی را ضعیف، و عموما ثقه خوانده اند، و درباره او گفته اند که: «اسحاق بن عمرو در اصفهان ضایع و گم نام شد، و حقّ او در علم حدیث، شناخته نشد». ذهبی به سیره غیر مرضیّه خود، جایی که او را ذکر می کند، گوید: «حدیث باطلی نقل نمود»، و سپس سند آن را ذکر می کند که به حضرت باقر علیه السلام می رسد، از پدران بزرگوارش. وی در سال ۲۲۷ مرده است.(۲)

اسماعیل سراج

ابوالفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن اخشید سراج از قاریان و محدّثان اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. وی در سال ۴۳۶ یا ۴۳۷ق در اصفهان متولّد شد، و از ابوالطیّب عبدالجبّار بن فضل، ابوطاهر محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم، ابوالفتح علیّ بن محمّد بن عبدالصّمد دُلَیلی، ابومحمّد عبداللّه بن ابوجعفر، ابوالفضل عبد الرّحمان بن احمد رازی و طاهر احمد بن محمود روایت نمود. قاضی ابوبکر بن حسن، ابومحمّد بن ابی نصر خونجانی، ابی جعفر بن حسن، سمعانی و ابوعامر عبدوی از وی حدیث نقل می کنند. او در قرائت نیز از اساتید بزرگ بوده، و قرآن رابه روایت شیوخ متقدّم، قرائت می نموده است. وفات او در شعبان ۵۲۴ق در اصفهان اتّفاق افتاد.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۸۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۲۰۸؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۱۱؛ سیر اعلام النّبلاء، ج ۱۰، ص۴۳۵؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۶۲.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۰۱؛ مرآه الجنان، ج ۳، ص ۲۳۲.

اسماعیل اصفهانی

اسماعیل بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او در بغداد ساکن بوده است. از یونس بن حبیب حدیث روایت کرد. محمّد بن مظفّر از او روایت می نماید.(۱)

اسماعیل اصفهانی

ابوعثمان اسماعیل بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. شیخ عبدالقادر بن موسی گیلانی عارف مشهور، از وی اخذ حدیث نموده است.(۲)

میر محمّداسماعیل صابرعلی شاه

میرمحمّداسماعیل حسینی خاتون آبادی پاقلعه ای ملقّب به «صابرعلی شاه» فرزند حاج محمّد بن میرزا ابوالقاسم مدرّس خاتون آبادی، عالم عارف، از مشایخ سلسله نعمت اللّهیّه. در اصفهان متولّد شد، و به تحصیل علم پرداخت. سپس به شیراز رفت، و دست ارادت به حاج میرزا علی آقا ذوالرّیاستین داد، و از او مجاز و مأذون در ارشاد و دستگیری از فقرای نعمت اللّهی اصفهان گردید، و پس از فوت برادرش میرمحمّدهادی، شیخ فقرای نعمت اللّهی بود. سرانجام در شب جمعه ۳ محرّم الحرام سال ۱۳۲۳ق وفات یافت، و در تکیه ای که میرزا سلیمان آغاباشی در تخت فولاد، جنب تکیه خاتون آبادی بنا کرده بود، مدفون گردید. طرب اصفهانی در تاریخ وفات او گوید:

شیخ طریق اهل حق، میر جلیل در کعبه وصل زد قدم همچو خلیل

تاریخ وفات او طرب گفت به شور: «قربانی دوست کرد جان اسماعیل»(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۳؛ تاریخ بغداد، ج۶، ص۳۰۲.

۲- مرآه الجنان، ج۳، ص۳۵۳.

۳- مقالات الحنفاء، ص۱۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳؛ گلستان جاوید، ص۱۰۹.

اسماعیل رنانی

ابونصر اسماعیل بن محمّد بن احمد بن ابی الحسن رنانی صوفی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. از ابوالعلاء احمد بن عبدالجبّار فُرسانی، ابوالعبّاس احمد بن عبدالغفّار بن اشته، ابومطیع محمّد بن عبدالواحد و ابوالعلاء محمّد بن نصر حافظ همدانی حدیث شنید. وی به شهرهای مختلف سفر کرد، و مجموعه هایی در حدیث فراهم نمود. این کتب از آثار او بیان من کذب من مال المزامیر و الملاهی الجاهل بحقایق الاوامر و المناهی است که ابوسعد سمعانی نزد او در حالت مرض موت، خوانده است. وی در سال ۵۳۱ق وفات یافته است.

در معجم البلدان، رنان را به ضمّ راء می نویسد. در زمان ما به کسر راء خوانده، و رهنان تلفّظ می شود.(۱)

اسماعیل سلمانی

ابوعثمان اسماعیل بن ابوسعید محمّد بن احمد بن جعفر سلمانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان. وی حدیث صحیفه الرّضا علیه السلام را از خطیب ابومنصور عبدالرّزّاق بن احمد غزال روایت می کند. ابومحمّدطاهر بن احمد بن محمّد بن اسماعیل بن حسن قصری از صاحب عنوان روایت می نماید.(۲)

اسماعیل طرطوسی

ابوالفتح اسماعیل بن محمّد بن احمد بن علیّ بن حسن بن حسین بن جعفر طرطوسی سلمی، از محدّثین قرن ششم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و در ربیع الثّانی سال ۵۴۰ق وفات یافته است. سمعانی درباره او گوید: «کان شیخا متمیّزا من اهل العلم حسن الخط». وی از ابوعبده سلم بن فضل ثقفی و ابومطیع محمّد بن عبدالواحد و دیگران

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۸۲۴؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۴۰۳؛ التّحبیر، ج۱، ص۱۰۹.

۲- صحیفه الامام الرّضا، چاپ مدرسه المهدی، ص۲۵؛ احقاق الحق، ج۵، ص۷۵.

روایت می کند.(۱)

اسماعیل امین

اسماعیل بن محمّد بن احمد بن نصرویه اصفهانی معروف به امین، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است.

وی چندین سفر به نیشابور رفته است. او در سال چهارصد و هفتاد و اندی برای آخرین بار به نیشابور سفر کرده است.(۲)

اسماعیل ضبّی

ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن احمد بن محمّد بن سعید بن ضرار بن مساور بن موسی بن مساور ضبّی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است.

سمعانی از او حدیث شنیده، و او را چنین توصیف کرده است: «کان شیخا جلیل القدر متمیّزا ملیح الخطّ حسن الاخلاق». تولّدش در حدود سال ۴۶۰ق روی داده است. او از ابوبکر محمّد بن احمد بن اسید مدینی، سیّدابوطالب علیّ بن حسین علوی حسنی و اباعمرو عبدالوهاب بن منده حدیث شنیده است.(۳)

اسماعیل وثابی

ابوطاهر اسماعیل بن محمّد بن احمد وثابی اصفهانی، از ادباء و دانشمندان اصفهان است.

سمعانی می نویسد: در اصفهان در صنعت شعر و ترسّل، فاضل تر از وی ندیدم. من در اصفهان به خانه وی رفتم، و در بداهتِ نظم و نثر، سریع تر از او ندیدم. رساله ای بر وی اقتراح کردم. مرا گفت: قلم بگیر و بنویس، و فی الحال، بی آن که بیندیشد، به نیکوترین وجه

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲- تاریخ نیشابور، ص ۲۰۷.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۸۸.

بر من املاء کرد. وثابی در اواخر عمر، به فقر و تنگدستی افتاد، و نابینا شد تا این که در سال ۵۳۳ق وفات یافت.(۱) در محاسن اصفهان از ابوعلی اسماعیل وثابی در ردیف دانشمندان صرف و نحو ولغت و انشاء که متقدّم بر عصر مافرّوخی بوده اند، یاد شده است.(۲)

این شعر از وثابی است:

اشاعوا و قالوا وقفه الوداع و زمّت مطایا للرّحیل شراع

فقلت فراق لا اطیق احتماله کغانی من البنین المشت سماع

و لا علیک الکتمان قلب ملکته و عند النّوی سرّ المکتوم یذاح

سیّداسماعیل صدر

حاج سیّداسماعیل صدر فرزند آقا سیّدصدرالدّین محمّد عاملی اصفهانی، عالم فاضل فقیه مجتهد در سال ۱۲۵۵ (و یا به قولی ۱۲۵۸ق) در اصفهان متولّد شد. در کودکی پدرش در نجف اشرف فوت شد، و خود، زیر نظر برادر دانشمند خود آقا سیّدمحمّدعلی عاملی (آقا مجتهد) تربیت شد، و از درس علمای اصفهان، به خصوص حاج محمّدباقر نجفی مسجدشاهی و ملّاعبدالجواد حکیم خراسانی و عدّه ای دیگر از علماء بهره گرفت؛ سپس به عتبات عالیات هجرت نمود، و در نجف، به درس اساتید معروف، شیخ راضی نجفی، شیخ مهدی کاشف الغطاء، میرزای شیرازی، حاج شیخ زین العابدین مازندرانی و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی حاضر شد، و به درجه اجتهاد نائل، و موفّق به اخذ اجازه از اساتید خود گردید.

پس از وفات میرزای شیرازی، به همراه میرزا محمّدتقی شیرازی زعامت و مرجعیّت را برعهده گرفت.

در سال ۱۳۱۴ق به کربلا مهاجرت کرد، و به تدریس و اقامه جماعت و وعظ و رسیدگی به امور طلّاب و فقرا و تقسیم وجوهات بین مستحقّین پرداخت، و در اواخر عمر، از کربلا به کاظمین مهاجرت نمود، و در آن شهر مقدّس مجاور گردید، و سرانجام در دوشنبه ۱۸ (یا ۱۲) جمادی الاوّل سال ۱۳۳۸ق

۱- معجم الادباء، ج۲، ص۳۵۵؛ لغت نامه دهخدا، ج۷، ذیل «اسماعیل»، ص۲۵۲۷؛ راهنمای دانشوران، ج۳، ۳۲۰.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

در کاظمین وفات یافت، و در رواق مطهّر (قسمت شرقی) برابر حجره ای که ابن قولویه قمی مدفون است، دفن شد. میرزا حسن خان جابری انصاری این مصرع را مادّه تاریخ او یافته است:

«صدر جنّت مقام علوی صدر»

فرزند صاحب عنوان، سیّدصدرالدّین صدر، این عبارت را مادّه تاریخِ وفات یافته است:

«مِنَ الْخُلدِ اسْماعیل طال لَهُ صَدر».

آثار و تألیفات ایشان عبارت اند از: ۱. انیس المقلّدین، رساله عملیّه، مطبوع در سال ۱۳۲۹ق ۲. حاشیه بر کتاب احکام الایمان، رساله عملیّه مرحوم آقامیرزا محمّدهاشم چهارسوقی ۳. حاشیه بر جامع عبّاسی تألیف شیخ بهایی ۴. حاشیه بر متأجر، تألیف وحید بهبهانی ۵. حاشیه بر نجات العباد، تألیف شیخ محمّدحسن اصفهانی، چاپ ۱۲۹۷ق ۶. حاشیه بر نخبه حاجی کلباسی ۷. دیوان اشعار (بنابر نقل مرحوم انصاری) ۸. راه راست، ترجمه صراط المستقیم، رساله عملیّه ۹. صراط المستقیم ۱۰. مفتاح الهدایه، رساله عملیّه، در بمبئی به چاپ رسیده است.(۱)

اسماعیل کاغذی مدینی

ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن عبدالرّحمان بن عبدالوهاب کاغذی مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. سمعانی درباره او گوید: «کان من الشّیوخ المسندین المعمّرین الصّالحین من بیت الصّلاح و الحدیث». از ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه ضبّی و ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن ابراهیم بن یحیی کرونی روایت نموده، و ابوسعد سمعانی از او اجازه داشته است. وی از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و در تشهّد نماز ظهر روز پنج شنبه ۲۹ ذی القعده سال ۵۱۴ق وفات یافته

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۱۶۰؛ تکمله امل الآمل، ص۱۰۴؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۵۶۵ ۱۵۶۶؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۳۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «صدر»، ص۱۶۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۳۰۸؛ الذّریعه، ج۱۰، صص۶۳؛ ج۲، ص۴۶۶؛ ج۲۱، ص۳۵۷ و ج۵، ص۱۳۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۲۷۰ ۲۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۸۳ ۲۸۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۰۰.

است.(۱)

اسماعیل اصفهانی

ابومحمّداسماعیل بن محمّد بن عبدالواحد بن محمّد هراس اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. وی قبل از سال ۴۷۰ق متولّد شده، و از ابوعمرو بن منده روایت نموده است. ابوسعد سمعانی از او نقل حدیث می کند.(۲)

اسماعیل همدانی جَبّری

ابومالک اسماعیل بن محمّد بن عصام جَبَّر بن یزید بن عجلان هَمْدانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. جدّش عصام، سیزده سال مصاحب سفیان ثوری بوده است. اسماعیل، احادیث غریب ثوری را از پدرش محمّد و عمویش روح بن عصام و جدّش عصام روایت می کند. محمّد بن علیّ بن جارود از او نقل حدیث می نماید.(۳)

اسماعیل شلمکی

ابوالفتوح اسماعیل بن محمّد بن فضل بن احمد بن قاسم شلمکی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. وی از ابوعیسی عبدالرّحمان بن محمّد بن زیاد ثانی و ابوبکر محمّد بن احمد بن ماجه ابهری و دیگران حدیث شنیده است. تولّد او در حدود سال ۴۹۰ق در اصفهان بوده است.(۴)

اسماعیل طلحی

حافظ ناصرالدّین ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن فضل بن علیّ بن احمد بن طاهر قرشی طلحی تیمی اصفهانی، از مفسّرین و محدّثین بزرگ عامّه است. علاّمه

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۱۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۰.

۴- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۰۸.

ملاّمحمّدصالح حائری سمنانی او را شیعه دانسته است. صاحب عنوان به قوام السّنه ملقّب بوده، و به «جوزی» (چوری) شهرت داشته است که در زبان اصفهانی به معنای جوجه است. در سال ۴۵۷ق در اصفهان متولّد شد، و نزد بسیاری از محدّثین و دانشمندان تحصیل، و یا از آنان روایت کرد که از آن جمله اند: ابی عمرو بن منده، ابوالطّیب عبدالجبّار بن فضل کرانی، ابونصر زینبی، ابوبکر بن خلف شیرازی، عایشه ورکانیّه، مالک بانیامی. جمعی کثیر نیز از او روایت می کنند که از آن جمله اند: سمعانی مؤلّف الانساب،محمّد بن ابی جعفر بن حسن خونجانی اصفهانی، قاضی ابوبکر محمّد بن حسن بن محمّد بوانی اصفهانی، ابوالقاسم بن عساکر، ابوموسی مدینی و دیگران.

وی سرانجام در عید اضحی (۱۰ ذی حجّه) سال ۵۳۵ق در اصفهان وفات یافت. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. احادیث المسلسلات ۲. اعراب القرآن ۳. الایضاح، در تفسیر، چهار جلد ۴. امالی، در حدیث ۵. التّذکره در نحو، در سی جزء ۶. التّرغیب و التّرهیب ۷. التّفسیر، به زبان اصفهانی ۸. الجامع الکبیر فی معالم التّفسیر ۹. الحجّه فی المحجّه ۱۰. دلائل النّبوّه، در شرح جامع صحیح بخاری ۱۱. السنّه ۱۲. سیر السّلف، در احوال صحابه و تابعین ۱۳. شرح جامع صحیح مسلم ۱۴. المعتمد، در تفسیر، ده جلد ۱۵. الموضح، در تفسیر، سه جلد ۱۶. المغازی.(۱)

اسماعیل کاغذی مدینی

ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن عبدالوهاب کاغذی مدینی، از محدّثین و اهل صلاح و از خاندان محدّثین بوده، و در قرن پنجم و ششم هجری زندگی می کرده است. عدّه ای از او استماع حدیث کرده اند، و ابوسعد سمعانی از او اجازه

۱- الاعلام، ج۱، صص۳۲۲ ۳۲۳؛ تاریخ معارف امامیّه، ص۲۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۷؛ طبقات الشّافعیّه، اسنوی، ج۱، صص۲۵۹ ۲۶۱؛ طبقات المفسّرین، ج۲، صص۱۱۲ ۱۱۴؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، صص۲۸۸ و ۲۰۵؛ فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۵۴؛ کشف الظّنون، ج۲، صص۱۷۳۲ و ۱۹۰۴؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسماعیل»، ص۲۵۲۹؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۲۳۲؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۲۶۳.

داشته است. او در تشهّد نماز ظهر روز پنج شنبه ۱۹ ذی القعده ۵۱۴ق وفات یافته است.

اسماعیل محتسب

حافظ ابوعثمان اسماعیل بن محمّد بن مله محتسب اصفهانی واعظ، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. ذهبی در میزان الاعتدال درباره او گوید: «وضع حدیثا و املاه و کان یخلط».

او از ابن ربذه روایت می کند، و ابومحمّد مکّی بن هبه اللّه بن عبدالصّمد آشنایی خراسانی از او نقل حدیث می نماید. از آثار او کتاب المجالس در مواعظ است. وی سرانجام در سال ۵۰۹ق وفات یافت.(۱)

اسماعیل جرباذقانی

استاد ابوالفضل اسماعیل بن محمّد جرباذقانی اصفهانی از شعراء و ادبای معاصر مافرّوخی است. از او اشعاری نغز و دلپذیر به عربی باقی مانده است.(۲)

[اصل او از گلپایگان، و در دربار امیران دیلمی در اصفهان، صاحب نفوذ و دارای احترام بوده است].

ملّااسماعیل نقنه ای

ملّااسماعیل بن ملّامحمّد نقنه ای، عالم فاضل مجتهد از اهالی قریه «نقنه» (بین راه دهاقان و بروجن) بود، و با پدر خود در اصفهان، نزد علمای این شهر، به ویژه حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی تحصیل نمود سپس در محضر علمای مسجد شاه، به رتق و فتق امور پرداخت، و سرانجام در سال ۱۳۵۰ق در سنّ حدود هشتاد سالگی وفات یافت، و در داخل بقعه تکیه حاج محمّدجعفر آباده ای در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۱۸؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۱۰؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۱۹۸؛ معجم البلدان، ج۱، ص۲۲۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۶۱.

۳- رجال اصفهان، ص۲۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۱.

سیّداسماعیل حسینی نجفی

اسماعیل بن سیّدمحمّد حسینی نجفی، سبط ملاّمحمّدطاهر شیرازی قمی، ساکن اصفهان(۱).

میرزا اسماعیل نصرآبادی

میرزا اسماعیل نصرآبادی فرزند میرزا محمّد، شاعر ادیب خطّاط، عمّه زاده میرزا محمّدطاهر نصرآبادی صاحب تذکره الشّعرا بود. خطّ شکسته را خوش می نوشت، و شعر می گفت.

در جوانی به هند رفت، و ملازم مهابت خان شد، و شاه جهان، پادشاه هند را مدح گفت، و همان جا وفات یافت. از او است:

صبح دلم چون ز قید خواب بر آمد طلعت یارم چو آفتاب بر آمد(۲)

اسماعیل ورنوسفادرانی

اسماعیل بن محمّد ورنوسفادرانی سِدِهی اصفهانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است، و به احتمال قوی، از شاگردان محضر درس مرحوم سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی علیه الرّحمه بوده است.

از آثار او کتابت جلد دوم مطالع الانوار، تألیف سیّد حجّت الاسلام به خطّ نسخ است که در سه شنبه ۱۵ رمضان ۱۲۴۳ق آن را به پایان رسانده است. نسخه به شماره ۱۱۴۵ در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم موجود است.(۳)

۱- الذّریعه، ج۵، ص۲۷۴.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۶۶۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۲۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۹.

۳- فهرست کتابخانه مدرسه فیضیّه، ج۱، ص۲۵۵؛ بیان المفاخر، ج۱، ص ۲۷۰.

اسماعیل ادیب خوانساری*

اسماعیل ادیب خوانساری فرزند میرزا محمود، هنرمند و موسیقی دان معاصر در سال ۱۲۸۰ش در خوانسار متولّد شد، و در آن جا نزد عندلیب گلپایگانی (تولّایی) به فراگیری موسیقی پرداخت، سپس در اصفهان نزد سیّدرحیم اصفهانی و نایب اسداللّه و در تهران نزد حسین اسماعیل زاده و سیّدحسین طاهرزاده به تکمیل معلومات خود پرداخت. وی از خواننده های ماهر موسیقی سنّتی ایران بود، و در نواختن سه تار، و تا حدودی پیانو مهارت داشت. او از سال ۱۳۱۹ به همکاری با رادیو پرداخت، و برنامه های بسیاری را اجراء کرد. هم چنین در کنسرت های انجمن موسیقی، به رهبری روح اللّه خالقی شرکت می نمود، و با اغلب هنرمندان موسیقی، خصوصا مرتضی محجوبی معاشرت و دوستی داشت. ادیب خوانساری در ۶ فروردین ۱۳۶۱ش در تهران درگذشت، و در قطعه ۹۱ قبرستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.(۱)

اسماعیل حیرانی اصفهانی

شیخ اسماعیل حیرانی اصفهانی فرزند آقا شیخ محمود بن حاج ملّااسماعیل شهرضایی، عالم فاضل، شاعر ادیب در سال ۱۳۲۱ق متولّد شده، و تحصیلات خود را در اصفهان انجام داد، و برای تبلیغ به غرب کشور رفت، و مدّتی در ایلام، و سپس به مدّت چهل سال به تبلیغ دین و ترویج شریعت در اسلام آباد غرب پرداخت، در اواخر عمر به مناسبت وقوع جنگ ایران و عراق و بمباران شدن اسلام آباد، به اصفهان بازگشت، [و در اوّل ربیع الاوّل ۱۴۰۳ق در این شهر وفات یافت، و جنب تکیه کرمانی در تخت فولاد، مدفون گردید. آثار او: ۱. اشعار انقلابی حیرانی، مطبوع ۲. هشت بهشت(۲)].

۱- تاریخ تحوّل ضبط موسیقی، صص۳۰۵ ۳۰۶؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص۵۵ ۵۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۲۱ و اطّلاعات متفرّقه.

شیخ اسماعیل بروجردی

حاج شیخ اسماعیل فرزند حاج آقا منیرالدّین بروجردی، عالم فاضل، در اصفهان نزد پدر خود و جمعی از فضلای اصفهان تحصیل کرد، و سرانجام در روز چهارشنبه ۳ شعبان سال ۱۳۵۲ در سال های جوانی، وفات یافت، و در تکیه ملک در تخت فولاد، جنب مزار پدر دانشمند خود مدفون گردید.(۱)

اسماعیل فزاری

ابومحمّداسماعیل بن موسی بن فزاری معروف به «ابن بنت سُدی»، از محدّثین اصفهان است. وی از مالک بن انس و شریک روایت می کند، و عیسی بن عمر قاری و جعفر بن محمّد بن عبّاس از او نقل حدیث می نمایند. در حدود سال ۲۲۵ق وفات یافته است. عقیلی در کتاب اصفهان از او یاد کرده است(۲)

سیّداسماعیل بهشتی

اسماعیل معروف به آقا حاجی بن حاجی سیّدمهدی بهشتی، عالم فاضل، از ائمّه جماعات قریه سیچان اصفهان، که در ۱۴ جمادی الاوّل ۱۳۳۸ق وفات یافت، و در تخت فولاد تکیه سادات بهشتی جنب مصلّا مدفون شد.(۳)

محمّداسماعیل جوشقانی

محمّداسماعیل بن محمّدمهدی جوشقانی، در ربیع الثّانی ۱۲۷۰ق کتاب شرح صمدیّه، تألیف سیّدمحمّدحسین بن علی حسینی کاشانی را رونویس نموده. نسخه آن در کتابخانه حقیر [سیّدمصلح الدّین مهدوی] موجود است، و بر روی یکی از برگه ها مهر چهارگوش با

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۹؛ الانساب، ج۳، ص۲۳۹؛ تذکره الحفاظ، ج۲، ص۵۴۱؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۱، ص۱۷۷.

۳- تحفه الاحباب، صص۲۳ ۲۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹.

سجع «عبده الرّاجی محمّداسماعیل بن محمّدمهدی» دیده می شود.

میرزا اسماعیل خان، ثاقب اصفهانی

میرزا اسماعیل خان متخلّص به «ثاقب» و ملقّب به «تاج الشّعراء» فرزند میرزا نصراللّه لاوی سمیرمی متخلّص به «شهاب» و ملقّب به «تاج الشّعراء» بن ملاّمحمّد بن ملک احمد، شاعر و ادیب دانشمند، در سال ۱۲۸۵ق متولّد [شد]، در اصفهان علم و ادب آموخت. در عموم انجمن های ادبی، حاضر می شد، و در اواخر عمر، از اساتید پیش کسوت انجمن ادبی شیدا در اصفهان به شمار می رفت. وی قسمتی از مراثی و مجالس تعزیه دیوان پدرش را در سال ۱۳۱۹ق طبع نموده؛ امّا دیوان اشعار خودش هنوز طبع نگردیده است. ثاقب در ۲۹ محرّم وفات یافت، و در یکی از اتاق های تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد. [اخیرا اتاق های این تکیه را خراب کرده اند]. از شعر او است:

با جلوه بالای تو سرو چمنی را سر از پی دعوی دگر افراختنی نیست(۱)

اسماعیل سَمّویه

اسماعیل بن یوسف بن محمّد زاهد، معروف به «سَمّویه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. با عبدالرّحمان بن یوسف معدانی، دوست و معاشر بوده، و ابومحمّد بن حیّان، او را درک نموده است. از عبدالرّحمان بن مهدی، نائل بن جیح و یحیی بن قطّان روایت نمود. محمّد بن ابراهیم بن شبیب از او نقل حدیث می کند.(۲)

اسماعیل افلاکی سامانی

اسماعیل سامانی متخلّص به «افلاکی» شاعر ادیب، در سال ۱۳۰۶ قمری در قریه «سامان» از توابع چهارمحال متولّد شد. تحصیلات خود را در همان جا انجام داد. از اوان جوانی، به گفتن اشعار اشتغال ورزید. اشعارش عموما دارای مضامین عالی است. وی به شغل زراعت روزگار می گذرانید. در سال ۱۳۲۵ خورشیدی وفات یافت. از او است:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۰.

ترک چشمت چو به شمشیر برد دست نخست دل اگر شیر بود دست ز جان باید شست

کی گمان بود در آغوش وصالت گیرم تو بدین سخت دلی ما به چنین طالع سست(۱)

میرزا اسماعیل ایمای اصفهانی

میرزا اسـماعیل علاقه بند اصـفهانی متخلّص به «ایما»، شاعر ادیب در قرن دوازدهم هجری، متوفّی به سال ۱۱۳۲ق. وی با شفیعا و نجات، دو شاعر اصفهانی، محاجاتی داشته است. صاحب عنوان، دارای دیوان اشعار است. از او است:

بی وعده آمد امشب آن مرهم دل ریش همچون گلی که آید در غیر موسم خویش(۲)

میرزا اسماعیل بدیع اصفهانی*

میرزا اسماعیل اصفهانی متخلّص به «بدیع»، شاعر ادیب، این بیت از او است:

ز جسم ناتوانم آتش سودا چه می خواهد اگر ما را نمی خواهی، غمت از ما چه می خواهد؟(۳)

حاج اسماعیل خان تبریزی

حاج اسـماعیل خان تبریزی عبّاس آبادی، شاعر ادیب، در محلّه عبّاس آباد اصـفهان ساکن و به تجارت مشغول بود. چند بار به هند رفته بود. در گفتن رباعیات عارفانه، شور و حرارتی خاص داشت. این رباعی از او است:

بیرون ز جهان زین خم نه طاق پسند در صیدگه قدس بینداز کمند

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۰.

۲- الذّریعه، ج۹، ص۷۳ و ۱۱۴؛ تذکره غنی، ص۲۳؛ تذکره حزین، ص ۱۰۱.

۳- تذکره روز روشن، ص۱۰۳.

فیض هرکس فراخور همّت اوست فوّاره شود به قدر فوّاره بلند[(۱)]

حاج اسماعیل حجّاریان*

استاد حاج اسماعیل حجّاریان، از هنرمندان قرن چهاردهم هجری و از حجّاران زبردست اصفهان است. ظاهرا از اهالی محلّه چهارسوق اصفهان، و تا سال ۱۳۷۶ق زنده بوده است. از آثار او حجّاری سنگ قبر استاد محمّدباقر حجّاریان متوفّی به سال ۱۳۷۶ق و استاد عبّاسعلی حجّاریان متوفّیِ ۱۳۶۵ق است. هر دو سنگ قبر، در تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان موجود است.

حاج اسماعیل خاتون آبادی

حاج اسماعیل اصفهانی خاتون آبادی فرزند حاج محمّدامین، از اعاظم علماء و اکابر فقهاء، محقّق مدقق، در علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. قسمت موسیقی شفا را در مسجد جامع جدید عبّاسی [مسجد امام] اصفهان تدریس می کرد. مردی قانع، زاهد و اهل ورع و تقوی بود، و با وجود مکنت، ترک لذّات نموده، لباس خشن می پوشید، و اموال خود را به نیازمندان می بخشید، و نسبت به سلاطین و بزرگان دولت، بی اعتنا بود. گویند اشرف افغان به دیدارش رفت؛ ولی وی بدو اعتنایی ننمود، و برایش برنخاست. شیخ محمّد بن محمّدزمان کاشانی از شاگردان او است، و از استاد خویش چنین یاد کرده است: «مولانا المحقّق الموفّق، العلّامه الزّاهد العابد الاعورعی الحاج محمّداسماعیل بن الحاج محمّدامین الخاتون آبادی»[(۲)].

میرزا محمّداسماعیل خلیفه سلطانی

میرزا محمّداسماعیل خلیفه سلطانی، عالم فاضل عارف کامل در سال ۱۳۳۴ق وفات یافت، و در تکیه میرزا

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص۱۹۷؛ کاروان هند، ج ۱، ص۵۳.

۲- تتمیم امل الآمل، ص۶۶؛ اعیان الشّیعه، ج ۱۱، ص۱۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۲۶۳، میراث اسلامی ایران، ج۷، ص۱۸۴.

ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

محمّداسماعیل خوراسکانی*

محمّداسماعیل خوراسکانی از شعرای اصفهان است. ظاهرا در قرن سیزدهم هجری می زیسته است.

در جُنگ جامع المناقب که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۶۷۹ نگهداری می شود، اشعاری در مناقب اهل بیت علیهم السلام از او موجود است. این دو بیت، منتخب از یکی از قصاید او است:

ای شرح دلآرام من ای یار دل آزار تا چند بَرَد جان ز تو تیمار دل آزار

گیرم من شایسته آزار توام لیک کی از تو بود این همه آزار سزاوار(۲)

سیّداسماعیل ریزی

اسماعیل ریزی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل، از اهالی قصبه ریز لنجان [زرّین شهر کنونی] بوده، پس از تحصیل مقدّمات، به نجف اشرف مهاجرت نمود. در درس میرزا حسن شیرازی و آقا سیّدمحمّدکاظم طباطبایی یزدی حاضر شد، و سال ها در نجف اشرف اقامت داشت.

جهت زیارت حضرت ثامن الحجج علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام به ایران بازگشت، و در این سفر، در ماه صفر ۱۳۳۸ق وفات یافت، و در تخت فولاد در تکیه حاج آقا مجلس مدفون شد.(۳)

ملّااسماعیل صوفی

ملّااسماعیل صوفی، از عرفاء و متصوّفه در قرن یازدهم هجری، و ساکن هند بوده است.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۳؛ نقباء البشر، ج۱، صص۱۴۳ ۱۴۴.

۲- خورشید جی، صص۲۹۴ ۲۹۶؛ فهرست مجلس، ج۱۷، ص۱۳۵.

۳- نقباء البشر، ج۱، ص۱۴۷؛ میرزای شیرازی، ص۱۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

مؤلّف دبستان المذاهب وی را در سال ۱۰۴۱ق در هند دیدار کرده است.(۱)

محمّداسماعیل ضعیف اصفهانی

محمّداسماعیل متخلّص به «ضعیف»، شاعر ادیب در سال ۱۳۲۵ق در اصفهان متولّد شد.

از اعضاء قدیمی انجمن ادبی شیدا است. روزگار به کفّاشی می گذرانید، از اشعار او است:

[کار ما مشکل از آن زلف گره در گره است زلف بگشا و گره باز کن از مشکل ما(۲)]

سیّداسماعیل طباطبایی

اسماعیل طباطبایی اصفهانی، عالم فاضل، از دانشمندان علوم عقلی در اوایل قرن سیزدهم هجری است.(۳)

سیّداسماعیل طباطبایی زوّاره ای

آقاسیّداسماعیل طباطبایی زوّاره ای اصفهانی، از اساتید فنّ قرائت و تجوید در اصفهان بوده، و میرزا زین العابدین بن محمّدعلی سبزواری معروف به شهشهانی، امام مسجد صفا، نزد او این علم را آموخته است. در مجموعه شماره ۱۵۴۰ کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی ذکری از او شده است.(۴)

ملّااسماعیل طبسی

ملّااسماعیل طبسی خراسانی اصفهانی، فاضل جلیل واعظ متّقی، از فضلاء اهل منبر در قرن سیزدهم هجری در اصفهان بوده است. در طبس خراسان متولّد گردید، و در اصفهان فی

۱- الذّریعه، ج۸، ص۴۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۱.

۳- الکرام البرره، ج۱، ص۱۳۲.

۴- فهرست مرعشی، ج۴، ص ۳۴۰.

الجمله تحصیل نمود، و روزگار، به ذکر مصائب و فضائل معصومین علیهم السلام می گذرانید، و در نزد علماء وقت، همچون سیّد حجّت الاسلام و دیگران تحصیل کرد، و معزّز می زیست، سرانجام قبل از سال ۱۲۶۰ وفات یافت، در صحن امام زاده هارون ولایت علیه السلام مدفون گردید. مشارٌالیه پدر مولی محمّدحسین عارفچه و جدّ میرزا محمّدعلی عارفچه شاعر ادیب و واعظ می باشد.(۱)

محمّداسماعیل طبیب

محمّداسماعیل طبیب اصفهانی، از اطبّاء معروف در قرن سیزدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای است از قرابادین تألیف حکیم مظفّر بن محمّد شفایی کاشانی که آن را در سال ۱۲۳۰ق به خطّ نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۰۶۹ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد موجود است.(۲)

حکیم اسماعیل طبیب*

حکیم اسماعیل طبیب، از اطبّاء حاذق عهد صفویّه است. وی ساکن اصفهان، و ظاهرا تا سال ۱۰۸۳ق در قید حیات بوده است. نصرآبادی در ضمن شرح حال زمانای نقّاش گوید: «زمانای نقّاش اصفهانی، گویا والد حکمت پناه، حکیم اسماعیل طبیب است»(۳).

اسماعیل فرهنگ چالشتری

اسماعیل فرهنگ، از بزرگ زادگان قریه چالشتر است. سال ۱۳۲۰ قمری متولّد شد. زمانی در ارتش بود، بعدا استعفا نمود، و در دوائر کشوری مشغول شد، از آن هم مستعفی، و در مولد خویش به کار زراعتی مشغول شد. از او است:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۵۳۵ ۵۳۶؛ بیان المفاخر، ج ۱، صص ۲۶۵ ۲۶۶.

۲- فهرست گوهرشاد، ص ۱۶۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۲۰.

[گل حسرت که بروید به مزار تو و من ز آرزوهاست که خاک است به خاک من و تو(۱)]

شیخ اسماعیل قصری

شیخ اسماعیل قصری اصفهانی، از عرفاء و متصوّفه قرن هفتم هجری است. در سلسله الاولیاء در باب او نوشته شده است: «کان عالما بعلوم الظّاهر، متبحرا فیها عارفا بحقایق الباطن محقّقا فی دقایقها و فی المجاهده و المشاهده و المکاشفه له شأن عظم و مرتبه کبر». وی از مشایخ شیخ نجم الدّین کبری بوده، و شیخ نجم الدّین از او خرقه پوشیده است. صاحب عنوان سرانجام در دزفول اقامت گزیده، و همان جا وفات یافته است.(۲)

سیّداسماعیل قوام الواعظین

سیّداسماعیل قوام الواعظین فریزهندی اصفهانی، عالم فاضل واعظ کامل، از اهالی قریه «فریز هند» از قرای اصفهان، و از معاصرین است. در تهران ساکن است. کتاب ذخیره المعاد در مواعظ و نصایح و ذکر مصائب، از تألیفات او است که در دو مجلّد به طبع رسیده است.(۳)

استاد اسماعیل کاشی پز*

استاد اسماعیل کاشی پز، هنرمند کاشی ساز، پدر میرزا یحیی مدرّس بیدآبادی عالم و شاعر معروف است. در هنر کاشی سازی، از اساتید زمان خود بوده، قسمتی از تزیینات کاشی کاری مسجد سیّد اصفهان در سال ۱۲۹۴ق از آثار هنرمندانه او است.(۴)

محمّداسماعیل کامی دولت آبادی

محمّداسماعیل دولت آبادی متخلّص به «کامی»، شاعر ادیب قرن سیزدهم هجری

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۵۳.

۲- روضات الجنان، صص ۳۸۰ و ۵۷۵.

۳- الذّریعه، ج ۱۰، ص۱۹.

۴- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۶.

است، در «دولت آباد» برخوار متولّد، و پس از تحصیل به تجارت مشغول شد. سفری هم به همدان داشت، و بالاخره در سال ۱۲۱۹ق در عنفوان جوانی در اصفهان وفات یافت. این رباعی از او است:

گریان نبود سحاب هنگام بهار نالان نبود به گلستان بلبل زار

چون دیده اشک ریز من از غم دوست چون سینه ناله خیز من از غم یار(۱)

ملّااسماعیل کرمانی

مولی اسماعیل کرمانی اصفهانی فاضل خطّاط، ساکن مدرسه نیماورد اصفهان، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. از آثار او مجموعه ای به شماره ۱۰۱۶ در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی در مشهد مقدّس، حاوی رساله های الفوائد الحائریّه و الفوائد الاصولیّه، هر دو از تألیفات وحید بهبهانی و ایضاح الاشتباه تألیف علّامه حلّی است که به خطّ نسخ در مدرسه نیماورد کتابت شده است.(۲)

پیراسماعیل مالواجردی*

پیراسماعیل مالواجردی جرقویه ای اصفهانی، از عرفای سرزمین جرقویه است. ظاهرا در قرن هشتم هجری می زیسته، و مقبره اش در قریه مالواجرد بوده، و به «پیر مالواجرد» معروف بوده است.(۳)

میرزا اسماعیل موسوی

میرزا اسماعیل موسوی، عالم فاضل، از دانشمندان علم ریاضی در اصفهان است. از بنی اعمام مرحوم حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی بوده است. نسخه ای از کتاب تحریر اقلیدس از کتاب های سیّد حجّت الاسلام نزد او امانت بوده، و مشارٌالیه در پشت

۱- سفینه المحمود، ص۲۷۴؛ تذکره اختر، ص۱۶۵؛ حدیقه الشّعراء، ج۲، ص ۱۴۵۰.

۲- فهرست کتابخانه الهیّات مشهد، ج۲، ص۱۷۴.

۳- گرکویه، ص۱۷۷.

صفحه اوّل کتاب یادداشت نموده که: «امانت از عموزاده سیّدمحمّدباقر رشتی». این کتاب در کتابخانه نویسنده سطور [سیّدمصلح الدّین مهدوی] می باشد.(۱)

محمّداسماعیل نجف آبادی*

محمّداسماعیل نجف آبادی در سال ۱۲۲۸ق نسخه ای از کتاب حلیه المتّقین علّامه مجلسی را کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه مسجد الزّهراء اصفهان موجود است.

اسود

اسود بن رزین، از محدّثین اصفهان در اوایل قرن سوم هجری است. از حسن بن سالم و وقاء اسدی روایت می کند، و ابراهیم بن ایّوب از او نقل حدیث می نماید.(۲)

اسید ثقفی

ابوالحسین اسید بن عاصم بن عبداللّه، از موالی ثقیف و از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از سعید بن عامر، بُشر بن عمر، عبدالصّمد بن وارث، حسین بن حفص و بکر بن بکار روایت نموده است. وی در سال ۲۷۰ق وفات یافت، و اسماعیل بن احمد بر او نماز خواند، و در اصفهان مدفون شد. کتاب مسند از تألیفات او است.(۳)

اسید مدینی

اُسید بن عبداللّه بن احمد بن اُسید معدَّل مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی قبل از سال ۳۵۰ق وفات یافت. از محمّد بن نصیر و هم طبقه های او نقل حدیث می کند.(۴)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۷۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ص۲۳۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۳۰۶؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۲، ص۳۷۸؛ الوافی بالوفیات، ج۹، ص۲۶۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۷.

اسید

اُسید بن مُتشمِّس بن معاویه از محدّثین قرن اوّل هجری است. با ابوموسی اشعری برای فتح اصفهان به این شهر آمد. او پسرعموی اخنف بن قیس بود. او از ابوموسی اشعری روایت نموده است.(۱)

محمّد اشرف ورنوسفادرانی

محمّداشرف بن حیدرعلی ورنوسفادرانی سدهی بن ملّاکلب علی بن محمّد بن نورا بن محمّد بن نورالدّین علیّ بن عبدالعالی میسی عاملی عالم فاضل جلیل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است که به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران آمد، و در اصفهان بر حسب خواهش علماء و بزرگان ساکن شد، و در فتنه افغان به سِدِه مهاجرت نمود، و در سال ۱۱۳۵ وفات یافت، و در قریه ورنوسفادران مدفون گردید. [اولاد و احفادش در سِدِه ساکن و به نورایی، معرفت، جبل عاملی و اشرفی شهرت دارند]. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. سفینه العارفین فی معرفه اصول الدّین، در کلام، به فارسی در ۱۲۹ صفحه به روش استدلالی، تاریخ ختم تألیف، سه شنبه شوّال ۱۱۳۴ در اصفهان، نسخه، ضمن مجموعه ۲۲۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. ۲. عروه المتّقین، در تفسیر آیه الکرسی به فارسی که در اصفهان در سال ۱۳۶۸ق به چاپ رسیده است.(۲)

محمّداشرف اصفهانی

محمّداشرف بن زین الدّین اصفهانی، از کاتبان قرن ۱۱ هجری و از نویسندگان خطّ نسخ. از آثار او است: ۱. نسخه ای از کتاب جامع المقاصد فی تکلمه شرح القواعد تألیف عبداللّه شوشتری اصفهانی، که به خطّ نسخ کتابت نموده، و به شماره ۸۳۹۳ در کتابخانه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۲۶؛ طبقات المحدّثین، ج ۱، ص ۸۵.

۲- الذّریعه، ج ۱۵، ص ۲۴۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۰۰ و ۲۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۹؛ فهرست کتابخانه گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج ۱، ص ۳۵۱؛ خمینی شهر، ص ۱۴۱.

آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱) ۲. نسخه ای از کتاب مناقب ابن شهر آشوب که در سال ۱۰۹۵ق به خطّ نسخ کتابت کرد، و در مدرسه سلیمان خان در مشهد مقدّس موجود است. در پشت نسخه، وقف نامه ای است به خطّ علاّمه مجلسی که از بابت نما و سود گرمابه نقش جهان اصفهان، وقفی شاه سلطان حسین صفوی خریداری و وقف شده است.

میرمحمّداشرف علوی عاملی

میرمحمّداشرف بن سیّدعبدالحسیب محمّد بن سیّداحمد علوی حسینی عاملی اصفهانی، عالم فاضل ادیب شاعر محقّق مدقق، در اواخر قرن یازدهم هجری در اصفهان متولّد شده، و نزد پدر دانشمند خود، و ملاّمحمّدصالح مازندرانی و علاّمه ملاّمحمّدباقر مجلسی تلمّذ نموده، و علاّمه او را با القاب و صفات عالی، در اجازه ای که به او داده، ستوده است. هم چنین میرمحمّداشرف از ملاّمحمّد تنکابنی (فاضل سراب) اجازه روایت دارد.(۲) در هنگام حمله افغان ها و محاصره اصفهان به سده مهاجرت نمود، و در سال ۱۱۴۵ق وفات یافت(۳). (شیخ محمّدعلی حزین سال وفاتش را ۱۱۳۳ق می نویسد)(۴)، و در محلّه ورنوسفادران سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] مدفون شد، و بقعه ای بر سر مزار او بنا شد، و بعدا جمعی از اولاد و اعقابش در آن جا دفن شدند.(۵) وی را تألیفاتی است؛ از آن جمله: ۱. اشرف المناقب، شروع تألیف، ۱۱۰۲ق به نام شاه سلیمان صفوی ۲. ترجمه الفیّه ابن مالک به نظم فارسی ۳. حاشیه بر قبسات جدّش میرداماد ۴. حاشیه بر شرح مختصر عضدی ۵. شرح مشیخه تهذیب الحدیث معروف به رجال محمّداشرف ۶. فضائل السّادات، که همان کتاب اشرف المناقب او است که مطالبی به آن افزوده، و آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی نامیده است. این کتاب در مقدّمه لؤلؤ الصّدف تألیف آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی چاپ شده است. ۸. ترجمه فارسی مصائب النّواصب، به خواهش احمدبیک یوزباشی در سال

۱- فهرست مرعشی، ج۲۱، ص۳۶۱.

۲- تلامذه العلاّمه المجلسی، صص۷۷ ۷۸.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۹۵ و ۲۷۳؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۱۹۶.

۴- تذکره المعاصرین.

۵- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص۳۰ ۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۹۰.

۱۰۷۰ق ۹. علاقه التّجرید، شرح فارسی بر تجرید العقائد خواجه نصیرالدّین طوسی، مطبوع.(۱) میرمحمّداشرف، گاهی شعر می گفته، و این ابیات از او است:

آن ماه دو هفته دلبر جانی من آن یار عزیز، یوسف ثانی من

یک روز نکرد فکر شب های غمم یک بار نگفت پیر کنعانی من(۲)

آقا اشرف طبیب

محمّداشرف فرزند حکیم شمس الدّین محمّد (حکیم شمسا) اصفهانی. مرحوم خاتون آبادی درباره او گوید: «مرد فاضلی بود، و به همه مراتب علوم، ربط معقولی داشت، و اکثر اوقات، مسائل و عبادات مشکله طرح می نمود و می نوشت، و بسیار با ادب و خوش اخلاق بود. در کمال شکستگی و تواضع، و لاسیّما با طالب علمان، صحبت دوست بود با علماء، و طالب علمان او را طبیب حرم نمودند، و منع کردند او را از تردّدها، رحمه اللّه». فوت او بعد از فوت آقاحسین، پیش از ماه مبارک رمضان [در سال ۱۰۹۸ق] به چند روز بوده است.(۳) [از تألیفات او تقویم الابدان در طب است که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود(۴)].

محمّداشرف خنجی اصفهانی

محمّداشرف بن معزّالدّین خنجی اصفهانی، از فضلاء و علماء اصفهان در قرن یازدهم هجری است. در زمره علماء و مشارٌ بالبنان، و تا سال ۱۰۸۹ق زنده بوده است. از آثار او کتابت نسخه ای است از کتاب غرر الفرائد و درر الفرائد تألیف سیّدمرتضی علم الهدی معروف به امالی که آن را در ۲۱ صفر سال ۱۰۸۹ق به دستور حسینعلی خان یکی از بزرگان اصفهان تصحیح نموده است. نسخه به شماره ۵۶۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم

۱- الذّریعه (مجلّدات مختلف)؛ مصفّی المقال، ستون ۸۲؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص۱۴ ۱۶؛ اعیان الشّیعه، ج۴۳، ص۲۹۶.

۲- تذکره المعاصرین.

۳- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۴۲.

۴- فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص۱۴۳.

موجود است.(۱)

هم چنین وی در زمره علمایی است که وقف نامه مسجد شاه [مسجد امام کنونی] اصفهان را امضاء کرده است. سجع مهر او: «یثق باللّه الصّمد محمّداشرف بن معزّاللّه بن محمّد»(۲).

محمّداشرف ساوجی

محمّداشرف بن محمّد مقیم بن عبدالغفور ساوجی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده است. از آثارش کتابت مقاله شانزدهم از کتاب النّبض الکبیره تألیف محمّد بن زکریّای رازی است که آن را در شب چهارشنبه ۱۹ رجب سال ۱۰۷۳ در اصفهان به پایان رسانیده است. کتاب، به شماره ۲۸۰۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳)

اشرف جعفری

اشرف جعفری از محدّثین و دانشمندان اصفهان است. [مافرّوخی در کتاب خود از او نام برده است. وی ظاهرا در قرن سوم و یا چهارم هجری می زیسته است(۴)].

اشعث اصفهانی

اشعث بن اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و ابن منده در کتاب خود از او نام برده است. از خارجه بن مصعب روایت می کند، و حسین بن عاصم رازی از او نقل حدیث می نماید.(۵)

ملّااصغر قمی

مولی اصغر بن محمّدقاسم بن جمال قمی اصفهانی، از خطّاطین و نویسندگان فاضل در

۱- فهرست مرعشی، ج ۲، ص ۱۶۸.

۲- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۹۵.

۳- فهرست مجلس، ج ۱۰، جزء یکم، ص ۹۱.

۴- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۳۱.

قرن ۱۲ هجری است که در سال ۱۱۱۵ در اصفهان، کتاب ریاض السّالکین در شرح صحیفه سیّدالسّاجدین تألیف سیّدعلی خان مدنی شیرازی را کتابت نموده است. نسخه آن در کتابخانه شیخ مشکور در نجف اشرف موجود بوده است.(۱)

استاد اصغر طاهرزاده

(استاد اصغر طاهرزاده از فضلاء و محققین پر تلاش معاصر است. در سال ۱۳۳۰ش متولّد شد. تحصیلات دانشگاهی را تا لیسانس زمین شناسی ادامه داد و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در کنار تدریس به تحصیل در حوزه علمیه قم پرداخت و در رشته فلسفه و کلام و تفسیر تبحر پیدا کرد. وی سال ها به تدریس معارف اسلامی برای اقشار مختلف مردم اشتغال دارد و به موفقیت چشم گیری در ترویج معارف الهی پیدا کرده است. آثار ارزشمند زیر از او به چاپ رسیده است:

معرفت النفس و الحشر(ترجمه و تنقیح جلد ۸ و ۹ اسفار)، از برهان تا عرفان، مبانی معرفتی مهدویت، کربلا مبارزه با پوچی ها، علل تزلزل تمدن غرب، آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین، شرح نامه ۲۱ نهج البلاغه، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، ده نکته از معرفت نفس و مقام لیله القدری حضرت فاطمه (س)

استاد اصغر صانعی*

استاد اصغر صانعی فرزند آقامحمّد، از نقّاشان معاصر اصفهان بوده، و در حدود سال ۱۳۴۰ق در اصفهان متولّد شده است. وی در هنرستان هنرهای زیبا در تهران تحصیل کرد، و در خارج از هنرستان نیز نزد استادانی چون استاد حاج حسین مصوّرالملکی در اصفهان و استاد حسین بهزاد در تهران شاگردی نمود، و استادی ماهر گردید. وی در نقّاشی مینیاتور تبحّر خاصّی داشت.(۲)

۱- الذّریعه، ج ۱۱، ص ۳۲۶.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۱۶.

اصغر «درویش متین اصفهانی»*

اصغر معروف به «درویش متین» فرزند ملك محمّد، عارف صافی ضمیر، و از دراویش باایمان است. در اصفهان به کسوت درویشی در شهر می گشت، و شعر مولوی می گفت. مردی بی آلایش و بریده از علایق دنیوی بود. استاد جلال الدّین همایی به وی محبّت بسیار داشت. در ۹ ذی حجّه ۱۳۸۴ قمری وفات یافت، و پای دیوار جنوبی خارج از تکیه سیّدالعراقین در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

دکتر اصغر فروغی*

دکتر اصغر فروغی اَبَری، در سال ۱۳۴۰ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات ابتدایی و متوسّطه به جبهه های نبرد بین ایران و عراق شتافت، و در سال ۱۳۶۲ش بر اثر انفجار مین نابینا گردید. وی پس از آن به تحصیل در رشته تاریخ پرداخت، و سرانجام موفّق به اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه تهران گردید، و از آن به بعد به تدریس در دانشگاه اصفهان پرداخت. این کتاب ها از او است: ۱. تاریخ غوریان، که در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است. ۲. یك مشت خاك، یك دشت خون، که در سال ۱۳۸۳ چاپ شده است.(۲)

اصمعی

اصمعی، از ادبای اصفهان و معاصر مافرّوخی مؤلّف محاسن اصفهان بوده، و در لغت و صرف و نحو، تبحرّ داشته است.(۳)

اصیل الدّین

نظام الدّین اصیل، شیخ و مقتدای اصفهان در قرن هشتم بوده است. در موقع تسخیر اصفهان، شاه ابواسحاق اینجو مدّتی در منزل او مخفی بود، تا سپس گرفتار و در شیراز مقتول شد. صاحب عنوان، شیخ الاسلام اصفهان، و تا سال ۷۵۹ق در قید حیات بوده است.(۴)

۱- دولت دیدار، ص۲۸۱.

۲- خورشید جی، ص۴۳۴.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۴- مجمل فصیحی، ج۱، ص۸۸؛ روضه الصّفا، ج۴، ص۴۹۸.

اظهری اصفهانی

اظهری، از شعرای اصفهان در عصر صفویّه است. وی تا سال ۱۰۶۱ق در قید حیات بوده است.

در همین زمان، شاعری به نام «اظهری شیرازی» که نامش بوداق بوده، از این که با اظهری اصفهانی هم تخلّص شده، شکایت نموده است.(۱)

اظهری قهپایه ای

اظهری قهپایه ای، شاعر ادیب خوشنویس. در اوایل، گیوه کش بوده، سپس نویسنده عسس اصفهان شده، در اواخر عمر، به جنون مبتلا گردیده، در آخر با گلاب، غسل کرده و خوابیده، و وفات یافته است. از او است:

سرخی آن کف پا را به حنا نسبت کرد خون صد دل فسرده می خواست که از پا ببرد(۲)

اغملش

اغملش، نایب خلیفه عبّاسی در اصفهان بوده است. او در سال ۶۱۳ق به دست فداییان اسماعیلیّه کشته شده است.

افراسیاب خان

افراسیاب خان، از ادباء و شعرای عصر صفویّه است. وی برادر رستم خان ایلچی حاکم جام بود. به سخن شناسی و لطافت طبع، شهرت داشت، و به حسن سلیقه و کمالات صوریّه، موصوف بود. در اصفهان ساکن بود، و همان جا درگذشت. این بیت از او است:

خورم صد زخم اگر بر دل تمنّای دگر دارم ز تیغ غمزه اش امید جوهر بیشتر دارم(۳)

۱- فهرست مدرسه سپهسالار، ج۲، ص۵۶۱؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۱، ص۲۸۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۱؛ الذّریعه، ج۹، ص۸۱؛ تذکره روز روشن، ص۵۹. ۲. تذکره المعاصرین، حزین، ص۱۸۳.

۳- تذکره المعاصرین، حزین، ص۱۸۳.

افریدون اصفهانی

افریـدون بن محمّد بن محمّد بن علی اصـفهانی تاجر، از مردان نیکوکار در قرن هشـتم هجری است. از آثارش بنای مدرسه ای است در دمشق که آن را به سال ۷۴۴ق بنا نموده، و خود در رجب سال ۷۴۹ وفات یافته است.(۱)

میرافضل طباطبایی اردستانی*

میرافضل فرزند عبدالکریم طباطبایی اردسـتانی، شاعر ادیب فاضل از نوادگان میربلند، از سادات عالی قدر اردستان بوده که در قریه «اویخ» اردسـتان مدفون است، و خود او در اصـفهان به تحصـیل مشغول بوده، و گاهی شعر می سروده، از آن جمله است. این بیت:

فضای سینه ام از بس که بر نفس تنگ است میانه دل و جان از برای جا جنگ است(۲)

میرافضل تونی*

میرافضل حسـینی تونی معروف به «افضل الحسـینی» از نقّاشان معروف عهد صـفویّه است. نقّاشـی های او به سبک رضا عبّاسی [است]. شاید او از شاگردان رضا عبّاسی باشد.(۳)

اکبرخان تارزن*

اکبرخان تارزن، هنرمنـد موسـیقی دان اصـفهانی، در حـدود سال ۱۳۲۲ق در اصـفهان متولّـد شـد. وی در نواختن تـار، مهارت بسزایی داشت، و در فنّ خود خوش سلیقه بود.

نواهای چنان چالاک می زد که مرغ از شور، پر بر خاک می زد

وی قبل از سال ۱۳۷۴ق بدرود حیات گفت.(۴)

۱- الدّرر الکامنه، ج ۱، ص ۴۱۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۲۷۹؛ تذکره روز روشن، ص ۶۴.

۳- دائره المعارف هنر، ص ۳۳.

۴- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۲۵۵.

اکبر ترابیان

اکبر ترابیان از شعرای اصفهان است. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در اصفهان طی کرد. از همان نوجوانی شعر می گفت.(۱)

شیخ اکبر جوادی*

شیخ اکبر جوادی، عالم فاضل معاصر در سال ۱۳۳۶ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات مقدّماتی به قم رفت، و نزد اساتید حوزه، همچون مشکینی، سبحانی، جوادی آملی، نوری همدانی، شیخ یوسف صانعی، حسن زاده آملی، منتظری و فاضل لنکرانی به تلمّذ مشغول شد. در سال ۱۳۷۰ق به امامت جمعه فولادشهر منصوب شد، و در حوزه و دانشگاه به تدریس پرداخت. وی در ترویج دین و جذب مردم به شعائر مذهبی، نقش مؤثّری ایفا نمود، و سرانجام در ۲۱ بهمن ۱۳۷۴ش (۲۰ رمضان) در اثر سانحه تصادف، دار فانی را وداع گفت، و پیکرش در تکیه شهدای اصفهان مدفون گردید.(۲)

دکتر اکبر بردبار

دکتر اکبر بردبار، از دانشمندان طب و متخصّص بی هوشی در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شد. پس از طیّ تحصیلات ابتدایی و متوسّطه در اصفهان، به تحصیل در رشته پزشکی در دانشکده پزشکی پرداخت، و پس از اتمام آن، به مدّت سه سال دوره تخصّصی بی هوشی را در بیمارستان سینا گذراند، و از سال ۱۳۳۸ش به سمت ریاست درمانگاه بی هوشی دانشکده پزشکی اصفهان منصوب شد. سپس به مدّت سیزده سال در انگلستان به مطالعه و تکمیل تحصیلات خود در رشته بی هوشی پرداخت، و موفّق به اخذ دیپلم بی هوشی با درجه «د . آ . سی . پی . آر . سی . اس DACPRCS» از کالج جرّاحان و پزشکان انگلستان گردید. از تألیفات و آثار ایشان، چندین مقاله و کتاب، جهت تدریس

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۲.

۲- یادداشت آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

در دانشگاه، با عناوین روش بی هوشی ساده، درمان مصونیّت با تریاک، توقّف قلب با ایجاد عوارض مغزی، هیپوترمی و غیره است.

میرزا محمّداکبر دولت آبادی «اکبر»

میرزا محمّداکبر فرزند آقامیرزا دولت آبادی، شاعر ادیب، پدرش در زمان شاه عبّاس کبیر، مستوفی الممالک بوده [است(۱)]، مشارٌالیه، جامع کمالات بوده، از آثار او است: ۱. مثنوی زاهدنامه ۲. مثنوی در بحر خسرو و شیرین(۲) ۳. مثنوی در وصف اصفهان(۳). این رباعی از او است:

تا مرد ز نقش خویشتن ساده نشد از بهر جلای عشق آماده نشد

تا آب روان نهفته در تاك نرفت گلرنگ نشد صاف نشد باده نشد

محمّداکبر اصفهانی

محمّداکبر اصفهانی متخلّص به «اکبر» شاعر ادیب، به هندوستان مسافرت نمود؛ و سپس به توران رفت، و محمّدخان (متوفّی ۱۰۵۶ق) را مدح گفت. دیوانش شامل ۷۲۰۰ بیت در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است. این بیت از او است:

شرابِ خانه پرورد عراق است این زلال فیض مجو از شیشه شیراز یا جام خراسانش(۴)

اکبر بروجنی

اکبر بروجنی، از شعرای معاصر است. در اصفهان سکونت داشت. قسمتی از اشعارش به نام رفیق خیانت کار به طبع رسیده است.(۵)

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، صص ۱۵۸ ۱۵۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۹۳.

۳- فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۱، ص ۱۷۰؛ فهرست دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۱۱۹.

۴- کاروان هند، ج ۱، صص ۸۱ ۸۲؛ فهرست مجلس، ج ۳، ص ۲۲۱؛ الذّریعه، ج ۹، ص ۸۷.

۵- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۰.

محمّداکمل اصفهانی

ملّامحمّـداکمل بن محمّدصالح اصـفهانی، عالم فاضل محدّث، پدر جناب آقا محمّدباقر وحید بهبهانی. در اوایل قرن دوازدهم هجری می زیست. نزد جمعی از علماء، ازجملـه علاّمه مجلسی، ملاّمیرزا شیروانی، شیخ جعفر قاضی، مولی محمّدشفیع استرآبادی تحصیل نمود، و از آنان روایت کرد. فرزندش وحید بهبهانی در اجازت خود او را چنین ستوده است: «العالم الکامل الفاضل الامین المحقّق المدقّق الباذل الاعلم الافضل الاکمل، استاد الاساتید و الفضلاء، و شیخ المشایخ العظماء العلماء الفقهاء، مولانا محمّداکمل».

ملّامحمّد اکمل با دختر ملّانورالدّین محمّد بن ملّامحمّدصالح مازندرانی ساروی ازدواج کرده، و صاحب فرزندانی شده است که از آن جمله است جناب وحید بهبهانی.(۱)

الفتی ساوجی

الفتی ساوجی فرزند حسین ساوجی است. مدّت ها در هند بوده، رساله ای در عروض و قافیه به نام عبداللّه قطبشاه تألیف کرده، در اواخر عمر به اصفهان آمده، در قهوه خانه جنب دارالشّفاء ساکن شده، در کمال شوخی و نمک بوده، و اشعار هموار می گفته؛ لکن خود، خویشتن را از انوری بالاتر می دانسته [است]، و در زمان تألیف تذکره نصرآبادی فوت شده بوده است. از او است:

بود هر خُم می که خشتیش هست حکیمی ز حکمت کتابی به دست

می کهنه و نو سخنگو به هم یکی از حدوث و یکی از قدم(۲)

اللّه کرم رئوفی بروجنی «سالک»

اللّه کرم رئوفی متخلّص به «سالک»، شاعر ادیب در سال ۱۳۲۲ قمری در قصبه بروجن متولّد شد. در مکاتب قدیم، مشغول به تحصیل شد، و به مناسبت فوت پدر، ترک تحصیل

۱- تذکره العلماء، ص۲۶۱؛ الفیض القدسی، ص۸۹ (ترجمه فارسی فیض قدسی، ص۲۱۴)؛ مرآه الاحوال، صص۱۳۱ و ۲۷۰؛ هدیه الاحباب، ص۱۱۴؛ نجوم السّماء، ص۲۳۰؛ وحید بهبهانی، ص۱۰۷؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۱۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۶۴.

کرد، و برای امرار معاش خانواده به شغل بزّازی پرداخت، و چون به علم و ادب، علاقه داشت، در ضمن کار روزانه، تحصیلات خود را ادامه داد. گاهی برحسب اقتضای حال، اشعاری می سرود. دیوان اشعاری دارد که هنوز طبع نشده است. از او است:

در ره عشق به پای سر و جان باید رفت سوی معشوق به ترک دو جهان باید رفت(۱)

اللّه وردی خان*

اللّه وردی خان، از سرداران و امرای بزرگ عهد شاه عبّاس صفوی است. اصلاً از خاندان اصیل «اوندیلادزه» گرجستان بود، و در زمان لشکرکشی شاه تهماسب به گرجستان به ایران آورده شد. وی کم کم از خود لیاقت و کاردانی بروز داد، و پلّه های ترقّی را در دستگاه صفویّه طی کرد. ابتدا حاکم گلپایگان شد، و سپس در سال ۱۰۰۵ق حکومت فارس را برعهده گرفت، و پس از سرکوب شورشیان کوه گیلویه، حکومت آن جا را نیز ضمیمه حکومت خود ساخت.

در سال ۱۰۰۶ق به سپهسالاری ایران رسید. او در جنگ های شاه عبّاس با ازبک ها در شرق ایران، و عثمانی ها در غرب کشور، فرماندهی نیروها را برعهده داشت، و باعث پیروزی دولت صفویّه بر رقیبان خود شد. او هم چنین بحرین و لار را از دست پرتغالی ها که جنوب ایران را اشغال کرده بودند، خارج ساخت. اللّه وردی خان از مردان نیکوکار زمان بود، و آثار متعدّدی از خود به جای نهاد؛ ازجمله: بنای پل اللّه وردی خان (سی و سه پل) در اصفهان، بنای قیصریّه لار، بنای گنبد و رواق اللّه وردی خان در مشهد مقدّس، و احداث مدرسه خان در شیراز و چندین مسجد، کاروان سرا و آب انبار و غیره در شهرهای مختلف.

وی سرانجام در سال ۱۰۲۲ق درگذشت. شاه عبّاس از مرگ او متأسّف شده، دستور تشییع جنازه او را در مراسمی باشکوه صادر کرد، و به فرمان شاه، جنازه اللّه وردی خان به مشهد مقدّس حمل، و در جوار حرم امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. شاه عبّاس هم چنین

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۲.

به خاطر قدردانی از خدمات اللّه وردی خان، تمام مناصب او را به فرزندش امام قلی خان تفویض نمود.(۱)

خواجه امام الدّین واعظ

خواجه امام الدّین واعظ، از دانشمندان قرن هفتم هجری در اصفهان است.(۲)

امام الدّین اصفهانی

امام الدّین اصفهانی از دانشمندان اصفهان است. برادرش شمس الدّین، استاد او بوده، و شمس الدّین، رساله شمسیّه در منطق را نزد برادر خوانده است.(۳)

امام قلی خان*

امام قلی خان فرزند اللّه وردی خان، از خاندان «اوندیلادزه» گرجی، در سال ۱۰۲۲ق پس از وفات پدرش به فرمانروایی فارس و کوه گیلویه منصوب شد، و پس از آن، حکومت لار، هرمز، بحرین، گلپایگان، تویسرکان، محلّات، هویزه، و دورق به قلمرو او اضافه شد. شاه عبّاس به او احترام فراوان می گذاشت.

امام قلی خان در جنگ با اشغالگران پرتغالی در خلیج فارس پیروز شد، و بندر گمبرون (بندرعبّاس) و جزیره های هرمز و قشم را از دست آنان خارج ساخت، و به سیطره آنان به جنوب ایران و خلیج فارس پایان داد. وی در استان فارس، آثار خیریّه فراوانی از خود به جای نهاد؛ ازجمله پلی عظیم در جهرم، چندین کاروان سرا، احداث پل خان بر روی رود کر، ساخت دو شبستان بزرگ در جنوب مسجد عتیق شیراز. او هم چنین قصرهایی مجلّل و شکوهمند در شیراز و اصفهان بنا کرد.

۱- تاریخ عالم آرای عبّاسی، صفحات مختلف؛ مجلّه وقف میراث جاویدان، تابستان ۱۳۷۵، صص ۲۷ ۲۸؛ محافل المؤمنین، ص۱۴۶؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ، صص ۲۴۴ ۲۶۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۷۹.

۳- مرآه الجنان، ج۴، ص۳۳۲.

امام قلی خان به شعرا و دانشمندان احترام می گذاشت، و بسیاری از آنان از سخاوت و اکرام او بهره مند شدند. پس از مرگ شاه عبّاس در ۱۰۳۸ق، امام قلی خان همچنان حکومت فارس و متعلّقات آن را به عهده داشت؛ امّا شاه صفی پادشاه قصیّ القلب و کینه توز صفویّه، در سال ۱۰۴۲ق دستور قتل امام قلی خان و اولاد ذکور او را صادر کرد، و به این ترتیب، امام قلی خان و فرزندانش کشته شدند.(۱)

استاد امان اللّه طریقی*

استاد امان اللّه طریقی، عکّاس و نقّاش معاصر، در سال ۱۳۰۲ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات ابتدایی، به هنرستان هنرهای زیبا رفت، و در رشته نقّاشی به تحصیل پرداخت. پس از آن به عکّاسی پرداخت، و در کنار آن به نقّاشی مشغول شد. وی در نقّاشیِ پُرتره و آثار تاریخی، تبحّر خاصی داشت، و نمایشگاه هایی از آثار او برپا گردید. این هنرمند توانا در ۲۴ شهریور ۱۳۸۰ درگذشت، و در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون گردید.(۲)

امام قلی بیک چنگی «وارسته»

امام قلی بیک چگنی معروف به «ملّاوارسته» ادیب فاضل شاعر از معاصرین نصرآبادی است، و با مل مظفّر ترکه مناظرات و منازعاتی داشت. در سال ۱۰۷۵ وفات یافت(۳)،] و در امام زاده اسماعیل اصفهان مدفون شد(۴)].

از او است:

چشمی که افتد از گل رویت به روی گل پای برهنه ای است که بر خار می رود

۱- فصل نامه وقف میراث جاویدان، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۵، صص۲۸ ۲۹؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ، صص ۲۶۱ ۲۷۷.

۲- فصل نامه فرهنگ اصفهان، بهار ۱۳۷۹، ص۱۶۲ و اطّلاعات شخصی.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۷۶؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۸۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۹۹۱ ۹۹۲.

۴- قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۱۴.

امام قلی کمره ای

امام قلی بن ابوالقاسم بن شاه قلی کمره ای، از فضلاء و علمای قرن یازدهم هجری است. اصلاً از اهالی کمره که امروزه به «خمین» معروف است بوده، جهت تحصیل به اصفهان آمد، و در مدرسه شیخ لطف اللّه ساکن شد، از آثار او: کتابت الفوائد الضیاییّه تألیف عبدالرّحمان جامی است که آن را به خطّ نسخ، در سال ۱۰۴۷ق در مدرسه شیخ لطف اللّه به پایان برده است. نسخه به شماره ۷۰۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

امام قلی حشمت

امام قلی متخلّص به «حشمت» برادر میرزا جعفر راهب از سادات طباطبایی و از نوادگان میرزا رفیعا نایینی اصفهانی است. به هند رفت، و به خدمت محمّد شاه رسید. لقب عمادالدّین خان یافت، و داماد حکیم الملک معصوم علی خان شد. از اشعار او است:

ما جورکشان نام نگیریم وفا را پرورده دردیم نخواهیم دوا را(۲)

امام قلی وحشت بختیاری

میرزا امام قلی بختیاری متخلّص به «وحشت»، از شعرای عصر صفویّه است. او برادر خلیل خان بختیاری، از خوانین ایل بختیاری است. وی تا حدود سال ۱۰۹۰ق در قید حیات بوده است. این رباعی از او است:

این چرخ نگون که واژگون می گردد ای بی خبر آگهی که چون می گردد؟

صد خوشه ز هر دانه امید تو سبز تو خفته و آسیابه خون می گردد(۳)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۳۹.

۲- خزانه عامره، ص۲۴۷؛ تذکره غنی، ص۴۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۴.

شیخ امان اللّه گینکانی

شیخ امان اللّه گینکانی فرزند ملّاابدال کوجانی اصفهانی عالم فاضل. در اصفهان نزد آخوند ملّاحسین فشارکی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای و آقا شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی تحصیل نموده، و از خواصّ اصحاب آقا شیخ محمّدرضا و مورد وثوق ایشان بوده است.

سال ها در مدرسه عربان به تدریس مقدّمات علوم و سطوح فقه و اصول مشغول بود، در علوم عربیّت، مهارتی بسزا داشت، و عدّه ای از محضرش بهره مند می شدند. در بلوک بُرخوار نیز مصدر امور شرعی و مقبول القول بود. سرانجام در شب ۲۳ رمضان ۱۳۸۳ق وفات یافت، و در صحن تکیه آقا سیّدمحمّدلطیف خواجویی در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۱)

امان اللّه بیگ «نظیر» زنگنه*

امان اللّه بیگ زنگنه متخلّص به «نظیر» شاعر ادیب، اصلاً از ایل زنگنه ساکن کرمانشاهان بوده، امّا در اصفهان زندگی می کرد، و شعر می سرود. علاوه بر آن از خطّاطان زبردست نیز بوده، و به واسطه کتابت امرار معاش می کرده، در سال ۱۲۰۶ق در اصفهان وفات یافت. این بیت از او است:

برون نمی رود ار حرفی از میانه ما چنان که غیر نداند، بیا به خانه ما(۲)

امیر اصفهانی

امیر اصفهانی از اعلام قرن هفتم هجری است. در تراجم رجال القرنین ضمن وقایع سال ۶۶۰ می نویسد: «و فی الخامس من ذی القعده مات الأمیر المعروف بالأصفهانی مخموراً».(۳)

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص ۸۲ ۸۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۸۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۱.

۲- سفینه المحمود، ج۱، ص۳۲۵؛ تذکره منظوم رشحه، ص۷۱؛ حدیقه الشّعراء، ج۳، ص ۱۰۹۱؛ تذکره نگارستان دارا، ص۲۶۹؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۱۶؛ تذکره دلگشا، صص۴۷۶ ۴۷۷؛ مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۰۸۹؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۲۱۶؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۲۱۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۰۵.

۳- تراجم رجال القرنین، ص ۲۲۰.

امیربیگ اصفهانی

امیربیگ اصفهانی، شاعرادیب، نزد حکیم شفایی، فنون شعر و ادب را آموخته، و به کسب قصّابی اشتغال داشته، حدود هفتاد سال عمر کرده، در زمان شاه عبّاس ثانی وفات یافته است. از اشعار او است:

روزی به شب کنم به صد اندوه سینه سوز شب را سحر کنم به امید کدام روز(۱)

امیر اصفهانی

امیر بن حسین اصفهانی، فاضل ادیب ریاضی دان، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. وی مؤلّف نوزده باب در نجوم است که آن را جهت استفاده اطفال تألیف نموده است. نسخه به شماره ۲/۳۴۵۱ ضمن مجموعه شماره ۱۱۵۶ در کتابخانه ملّی ملک در تهران نگهداری می شود.(۲)

حاج امیر آقا فلاورجانی

[شیخ محمّدحسن کیانی] معروف به «حاج امیرآقا فلاورجانی» فاضل معاصر، [در ۷ دی ۱۲۶۷ش در فلاورجان اصفهان متولّد شد.]

در اصفهان نزد بسیاری از علمای این شهر ازجمله سیّدعلی مجتهد نجف آبادی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، شیخ محمّدرضا نجفی و [امیرمحمّدصادق خاتون آبادی تحصیل نمود. سپس در نجف اشرف از درس سیّدابوالحسن اصفهانی و دیگران بهره برد.

پس از انجام تحصیلات به اصفهان بازگشت، و در مدرسه جدّه بزرگ ساکن شد. او روزهای پنج شنبه و جمعه را در فلاورجان به اقامه جماعت و ترویج و تبلیغ احکام و وعظ و خطابه می پرداخت.

وی عالمی فاضل، خوش محضر، نکته دان و مورد علاقه مردم و شخص اوّل روحانی در آن ناحیه بود. او در حجره مدرسه جدّه ساکن بود. اهل علم و فضلاء دیدار با او را مغتنم می

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۶۰۰؛ الذّریعه، ج۹، ص۹۹؛ تذکره روز روشن، ص۶۵۹؛ تذکره آتشکده، بخش سوم، ص۹۲۶.
۲- الذّریعه، ج۲۴، ص ۳۹۰.

شمردنـد و از خرمن علم او بهره منـد می شدند. او تا آخر عمر مجرّد زیست، و در اواخر زندگی، تمام دارایی خود را به دولت واگـذار نمود تـا صـرف مـدرسه سازی و بهـداشت و درمان مردم شود.] وفات او در سال ۱۴۰۳ق در سـنّ قریب به ۷۵ سالگی اتّفاق افتاد، و پیکرش در قبرستان عمومی فلاورجان به خاک سپرده شد.(۱)

امیر بیک قهبایجی

امیر بیـک بن ملک محمّـد قهبـایجی [کوهپـایه ای] خطّـاط نسـتعلیق نویس. از آثـارش مجموعه ای است شامـل دو کتـاب: ۱. مصابیح القلوب، تألیف ابوسـعید حسن شـیعی بیهقی سبزواری ۲. داسـتان دقیانوس و قسـمتی از تاریخ قوم حضرت موسی علیه السلام که در ۱۰۵۴ق کتابت شده است. نسخه به شماره ۱۷۵۸ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)

امیر کوکبی گرجی*

امیرخان کوکبی گرجی، از هنرمندان قرن دوازدهم هجری است. او از موسـیقی دانان دربار شاه سـلطان حسـین صفوی بوده، و به نام او رساله ای در موسیقی به نظم و نثر تألیف نموده، و در سال ۱۱۰۸ق آن را به پایان رسانده است.

شعر نیز می سـروده، و کوکبی تخلّص می کرده است. او در فنّ موسـیقی، خصوصـاً گوشه ها و الحان و تصانیف، اساتیـد بوده است. وی کتاب خود را در سنّ ۷۸ سالگی تألیف نموده است؛ بنابراین، سال تولّد او ۱۰۳۰ق خواهد بود.(۳)

امیراحمد کامخواه

امیراحمد کامخواه، شاعر ادیب در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در اصفهان متولّد گردید،

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسـمی (وفیات علمای معاصـر اصـفهان)، نسـخه خطی؛ تاریـخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۲، ص ۲۹۰.

۲- فهرست وزیری، ج۲، ص۶۱۴.

۳- مداومت در اصول موسیقی ایران، صص ۱۷۰ ۱۷۵؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص۴۵۹ ۴۶۲؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ و فرهنگ و تمدّن ایران، ص۳۰۸.

پس از اتمام دوره دبیرستان در این شهر، به دانشکده شهربانی وارد، و سرانجام در اداره شهربانی اصفهان به انجام وظیفه مشغول شد. از دوران تحصیل، به شعر و ادب، علاقه فراوان داشته، و از بیست سالگی، لب به گفتن اشعار گشوده است.

از او است:

[مرا دیوانه کرد آخر جفای ماجراجویی که اندر دل نبودش گویی از مهر و وفا بویی(۱)]

امیرحسین ظفر

امیرحسین خان ایلخان ظفر بختیاری فرزند حسین خان فرزند خسروخان سردار ظفر، از نویسندگان و مترجمان معاصر، در حدود سال ۱۲۷۱ق متولّد شده، و چندین دوره از طرف ایل بختیاری، و یک دوره از طرف مردم نجف آباد در مجلس شورای ملّی نماینده بوده، و چندین کتاب ترجمه نموده است؛ ازجمله: ۱. سفری به سرزمین دلاوران، نوشته کوپرسی که در تهران چاپ شده است ۲. سقراط، زندگانی و افکار، نوشته کوراماسیون ۳. شاه زاده خانم بعلبک نوشته رابدار هاکارد.(۲)

امیرقلی اشراقی بروجنی

امیرقلی اشراقی بروجنی، شاعر ادیب و از خدمتگزاران صدّیق فرهنگ در سال ۱۲۹۷ خورشیدی در قصبه بروجن چهارمحال متولّد شده، ادبیّات فارسی و عربی را در مدرسه بختیاری نزد میرسیّد حسن مجدالادباء اصفهانی و شیخ محمّدرفیع نطنزی خواند، و در همان مدرسه، ناظم و معلّم شد. پس از تعطیلی مدرسه، خود مستقلاً مدرسه ای تأسیس کرد، و پس از تأسیس دبستان دولتی، مدرسه خود را به اداره فرهنگ واگذار کرد، و خود، کارمند رسمی دولتی شد. او سال ها نماینده فرهنگ بروجن بوده، و به همّت او چندین باب دبیرستان و دبستان در آن محل ساخته شده است. از سال ۱۳۳۱ به مناسبت اختلافات

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۸۶.

۲- دائره المعارف دانش بشر و اطّلاعات شخصی نویسنده.

محلّی به اصفهان آمد، و در دانشسرای پسران مشغول به کار شد. او شاعری است توانا و علاوه بر فضل و سخنوری، خطّ نستعلیق را نیز خوب می نویسد. از اشعار او است:

پرتو دوست چو در آینه دل افتاد روزگار من و دل، آه چه مشکل افتاد

هرکجا کرد گذر موکبت ای مایه ناز به قفای تو صد قافله دل افتاد(۱)

امیرقلی امینی

امیرقلی امینی فرزند ابراهیم خان امین الدّوله صدری، نویسنده، روزنامه نگار و محقّق توانا، در ماه ذی القعده ۱۳۱۴ق در اصفهان متولّد شد. مادرش از خاندان نمازی شیراز و مادر پدرش از ایل بختیاری بود. در سنّ دوازده سالگی به درد مفاصل مبتلا شد، و در سال ۱۳۳۴ که خبر قتل برادرش را شنید، از هر دو پا فلج شد؛ امّا این مشکل، مانع از تحصیلات و فعّالیت او نشده، و در اثر جدّیت و پشتکار، موفّق به خدمات زیاد، و تألیف آثار ارجمند شده است. وی سال ها روزنامه اخگر به صاحب امتیازی میرزا فتح اللّه خان وزیرزاده را اداره می کرد. سپس در سال ۱۳۶۹ق روزنامه اصفهان را منتشر ساخت. مدّتی هم مدیریّت روزنامه باختر به صاحب امتیازی سیف پور فاطمی را به عهده داشت.

ایشان در عمر خود، کارهای عامّ المنفعه زیادی انجام داد که از آن جمله است:

۱. تأسیس پرورشگاه ایتام ۲. ساختمان دو عمارت مجزّا در پرورشگاه، جهت پسران و دختران ۳. تربیت صدها کودک بی سرپرست، و تکفّل امور تربیتی و تحصیلی آنان ۴. احداث قنوات و غرس درختان بی شمار و آب رسانی به اراضی بایر، جهت تأمین درآمد برای روستاییان. امیرقلی امینی مدّتی رییس انجمن شهر، و مدّتی هم رییس جمعیّت شیر و خورشید سرخ در اصفهان [جمعیّت هلال احمر کنونی] بود. ایشان سرانجام در ۲۱ رجب ۱۳۹۸ق وفات یافت، و بنابر وصیّت خودش، در منزل مسکونی خود، واقع در خیابان کاشانی فعلی، جنب بیمارستان کاشانی مدفون گردید. در سال های اخیر، منزل او به مرکز فرهنگی و کتابخانه عمومی تبدیل شده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷.

تألیفات و آثار علمی مشارٌالیه عبارت است از: ۱. ابطال الباطل در ردّ قرارداد ۱۳۳۱ قمری ۲. تداوی روحی، مطبوع در روزنامه اخگر ۳. داستان های امثال، در دو جلد ۴. سی افسانه از افسانه های محلّی اصفهان ۵. چگونه بچّه خود را پرورش می دهم؟ ۶. خوار و یک سخن در امثال و حکم فارسی ۷. گزیده آثار، مجموعه مقالات ۸. فرهنگ عوام یا شرح امثال و اصطلاحات زبان فارسی، چاپ دانشگاه اصفهان ۹. ترجمه کتاب عبدالرّحمان ناصر، نوشته جرجی زیدان ۱۰. ترجمه عروس فرغانه اثر جرجی زیدان ۱۱. ترجمه غلبه بر ترس و خستگی اثر اسپنسر، از ترجمه عربی امیر بقطر ۱۲. ترجمه کودک، نوشته ویکتور پوشه ۱۳. ترجمه داستان های کوچک از اسپرانتو ۱۴. ترجمه داستان های تاریخی اثر ابراهیم مصری.(۱)

امیر شاهکی

امیر شاهکی اصفهانی، از اعیان اصفهان بوده، و غزل را نیکو می سروده است.(۲)

امیر قالبی

امیرقالبی، اصلش از اصفهان است. در قرن دهم هجری می زیست، و شعر می سرود. در اصفهان قالب زنی می نمود. مدّتی در شیراز بود. عاقبت به خراسان رفت، و به مناسبت هرزه گویی، به دست امیر عبدالغنی از اقوام امیر نجم ثانی کشته شد. در قحطی شیراز گفته است:

شهر شیراز پر از مردم آدم خوار است می روم آخر از این شهر که آدم خوار است(۳)

۱- تاریخ جراید و مجلّات، ج۱، صص ۷۱ ۷۴ و ۱۷۷ ۱۸۲؛ زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص۱۹۴ ۱۹۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۶۷۹ ۶۸۱؛ چهره مطبوعات معاصر، ص۱۸۳؛ سپیدار پایدار، یادنامه بزرگداشت زنده نام امیرقلی امینی؛ مزارات اصفهان، صص۱۰۶ ۱۰۸؛ نادره کاران، ص۳۹۵.

۲- تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۷۲۱.

۳- تذکره تحفه سامی، ص۴۳.

امین اصفهانی

امین اصفهانی معروف به «امنیای زعفران فروش»، شاعر ادیب بوده، این شعر از او است:

رنجیده ای از من بت نامهربان من حرفی شنیده ای تو مگر از زبان من؟

خونم حلال باد به دشمن اگر کند یک حرف در حضور تو خاطرنشان من(۱)

محمّدامین مازندرانی

آقامحمّدامین بن محمّدسعید متخلّص به اشرف بن ملّامحمّدصالح مازندرانی ساروی، عالم فاضل محقّق، تا سال ۱۱۵۲ق زنده بوده، و تألیفاتی داشته است که از آن جمله است: ۱. الامامه، به فارسی، که نزد میرزا حیدرعلی مجلسی بوده است ۲. شرح بر تهذیب الکلام تفتازانی، شرحی مبسوط است که به شماره ۳۹۵۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، و مؤلّف در آن، از شرح کافی ملّاصالح مازندرانی، و از شرح عمّ خود و از شرح ملّامحمّدعلی استرآبادی بر کافی یاد می کند.(۲)

محمّدامین فایق اصفهانی*

آقامحمّدامین اصفهانی متخلّص به «فایق»، فرزند آقاشاه ولی، شاعر ادیب، در حدود سال ۱۰۳۶ق در اصفهان متولّد شد(۳). از کسب پوستین دوزی امرار معاش می کرد. مردی خلیق و مردم دار بود، و با قناعت زندگی می کرد(۴)، اشعارش متجاوز از هشت هزار بیت است. از او است:

شکست قیمت شکّر که طوطیان را دل چو مغز پسته خندان در آن دهن پیداست

۱- تذکره روز روشن، ص۸۲؛ تذکره المعاصرین، حزین، ص ۲۲۰.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش چهارم، ص۲۰۹۶؛ نجوم السّماء، ج۱، ص۲۶۴؛ الذّریعه، ج۱۳، ص۱۵۹ و ج۲، ص۳۲۱؛ الکواکب المنتشره، صص۷۶ و ۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۷۰؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۵۳.

۳- قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۵۵.

۴- تذکره نصرآبادی، ص۳۴۹.

محمّدامین ازل اصفهانی

میرزا محمّدامین متخلّص به «ازل» فرزند میرزا شفیع حسینی، مستوفی موقوفات، شاعر ادیب فاضل، جودت طبع و استقامت سلیقه اش به کمال و در شاعری، قدوه امثال بود. از فرط علوّ همّت و تقوی هرگز به مشاغل دنیا آلوده نشد، و به وضع گوشه نشینان، معاش می نمود. وی در سال ۱۱۳۵ق وفات یافت. از او است:

غمش با هرکه می گویم ز دل بیگانه می گردد سر مهر از پُر زور این پیمانه می گردد

ازل الفت به دنیا از برای آخرت دارم که مفلس ز آرزوی گنج در ویرانه می گردد(۱)

میرزا محمّدامین خازن تبریزی

میرزا محمّدامین تبریزی معروف به «آقاسی» و متخلّص به «خازن»، شاعر ادیب، فرزند ضیاءالدّین. در محلّه عبّاس آباد اصفهان ساکن بوده، مدّتی تحصیل کرد، و سرانجام به شیراز رفت، و در آن جا وفات یافت. از اشعار او است:

گلشن فردوس اگر خواهی مرنجان خلق را سدّ راهی چون غبار خاطر احباب نیست(۲)

محمّدامین کفرانی

محمّدامین بن محمّدطاهر بن هدایت اللّه کفرانی، فاضل نویسنده. از آثارش کتابت: ۱. تحفه عبّاسی، تألیف محمّدطاهر کاشی (م۱۰۹۸ق). ۲. ترجمه الصّلاه، تألیف محسن فیض کاشانی که در سال ۱۰۷۶ق به خطّ نسخ کتابت نموده، و به شماره ۳۰۳۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳)

فایده: کفران بر وزن خندان، از دهات رویدشت اصفهان است.

۱- تذکره المعاصرین، حزین، ص۱۴۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص۲۹۴ ۲۹۵؛ الذّریعه، ج۹، ص۲۷۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص۹.

۳- فهرست مجلس، ج۱۰، جزو دوم، ص۵۷۹.

میرزا امین اصفهانی

میرزا امین فرزند میرزا عبداللّه بن خواجه علی شاه بن میرزا شاه حسین اصفهانی، شاعر ادیب، پس از فوت برادرش شرف جهان، وزیر شیروان شد. پس از شش سال اوراجه نویس آذربایجان شد، و در آن منصب وفات یافت.(۱)

محمّدامین

شیخ محمّدامین از عرفا و زهاد و صالحین، مدفون در بیرون تکیه میر ابوالقاسم فندرسکی. شرح حال او در دست نیست. سنگ نوشته مزارش یکی از مفصل ترین سنگ نوشته های تخت فولاد است.

متاسفانه قسمت هایی از آن از بین رفته و تاریخ وفاتش خوانده نمی شود. بخش از عبارات آن چنین است:

«هذا مرقد افتخار العلماء و خیار الفضلاء محبّ الفقراء محبوب الاغنیاء المباشر بانواع الریاضات و المرتکب باصناف المجاهدات المتجرد عن العلائق الجسمانیه و المتفرد عن العوائق النفسانیه، المشفق بالصالحین و المنفق بالمساکین،المعتکف فی المواقف الکریمه ... کاسب الحلال و صادق المقال و الراقب فی کل حال، تارک الشهوات و قامع اللذات و سارع فی الخیرات، متفرد بالخضوع و الانکسار متمسک بالفقر و الافتقار متصف بالبذل و الایثار، متفکر فی الآلاء حامد بالنعماء شاکر فی الشده و الرخاء، قلیل الضحک کثیر البکاء...»(۲)

محمّدامین واصل لاهیجی

ملّامحمّدامین لاهیجی گیلانی فرزند درویش محمّد، عالم فاضل شاعر ادیب، فرزند درویش محمّد، از گیلان به تبریز و مشهد مقدّس رفت، عاقبت الامر در اصفهان ساکن، و در مدرسه حاج محمّدباقر مهابادی به تحصیل مشغول شد، و در همین شهر وفات یافت. در

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۰۹؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۰۳.

۲- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

شعر نیز طبعی روان داشته، «واصل» تخلّص می کرده، علاوه بر دیوان اشعار، مثنوی ای به نام خلوت زار سروده است. از اشعار او است:

زِ یاد غیر می گردد به دل یاد خدا کم تر چو پر شد خانه می گردد به صاحب خانه جا کم تر(۱)

حاج امین آقا صدری

حاج امین آقا بن علی محمّد نظام الدّوله بن عبداللّه امین الدّوله بن حاج محمّدحسین خان صدر اعظم اصفهانی، عالم فاضل، در نجف اشرف ساکن بوده است. تولّدش در ۱۲۶۹ و وفاتش در سال ۱۳۳۰ق روی داده، و در صحن مطهّر مرقد حضرت علی علیه السلام مدفون شده است.(۲)

امین الدّین اصفهانی

امین الدّین بن جمال الدّین محمّد بن مولانا علی اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن ۱۱ هجری است، از آثارش کتابت نسخه ای از وقوف القرآن است که آن را به خطّ نسخ در ذی قعده سال ۱۰۱۶ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۵۰ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۳)

حاج امین اصفهانی*

حاج امین فرزند حاج معز شیشه گر اصفهانی، شاعر ادیب، در زمان گردآوری تذکره الشّعرا توسّط میرزا محمّدطاهر نصرآبادی جوانی بوده صالح و آرام خوی. این بیت از او است:

تا شده شمع قدت نامزد آغوشم از حریر پر پروانه مرصّع پوشم(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ص۳۵۲؛ تذکره المعاصرین، ص۲۰۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۲.

۳- فهرست کتابخانه ملّی ملک، ص۷۹۹.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۸۹.

استاد محمّدامین بنّای اصفهانی*

استاد محمّدامین بن محمّدمؤمن اصفهانی، از هنرمندان دوره صفویّه است. وی در سال ۱۱۱۲ق تعمیرات صفّه غربی مسجد جامع اصفهان را به پایان رسانده است.(۱)

ملّامحمّدامین تویسرکانی*

ملّامحمّدامین بن نوروزعلی تویسرکانی، عالم فاضل، برادر کهتر ملّاحسینعلی تویسرکانی است. در اصفهان ساکن بود، و در شعبان ۱۳۱۷ق وفات یافت، خارج از تکیه مادر شاه زاده در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

۱۶۵۴

میرزا امین تبریزی

میرزا امین تبریزی عبّاس آبادی فرزند میرزا نوری بیک خازن، شاعر ادیب خطّاط، از تبریزیان محلّه عبّاس آباد اصفهان است. علاوه بر فضیلت شعر، در حسن خط نیز مشهور بود، و خطّ نسخ را خوش می نوشت، در اواخر عمر، مستوفی شیراز شد، و سپس وفات یافت. از او است:

با تهی دستی هنر بی قدر باشد زان چنار جوهر خود را چو رگ پنهان کند در زیر پوست(۳)

محمّدامین فطرت لرستانی*

محمّدامین بیک لرستانی متخلّص به «فطرت» از شعراء و سخنوران اوایل قرن سیزدهم هجری است. سال ها در اصفهان ساکن بوده است. سفری به هند رفته، و دوباره به اصفهان بازگشته است. این بیت از او است:

خیال دانه و خال تو طوطی هند شکنج سنبل زلف تو دام و آهوی چین(۴)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۶۰.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، نسخه خطّی.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۲۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۷۹؛ گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۳۹۴.

۴- تذکره انجمن خاقان، صص۵۹۹ ۶۰۰.

محمّدامین نصرآبادی

محمّدامین بن محمّدهاشم نصرآبادی، از خطّاطان قرن ۱۱ هجری است. در سال ۱۰۷۲ق نسخه ای از شرح سی فصل خواجه نصیرالدّین طوسی را به خطّ نستعلیق کتابت نموده که ضمن مجموعه شماره ۳۱۸۶ در کتابخانه مجلس شورا موجود است. در پشت نسخه، یادداشت تملّک روح الامین حسین بن سیّدمحمّد بن روح الامین بن شمس الدّین محمّد حسینی مختاری مشهود است.(۱)] به احتمال قوی، صاحب عنوان، همان محمّدامین نصرآبادی، دایی میرزاطاهر نصرآبادی است که شرح حالش را در این کتاب می خوانید].

میرزا محمّدامین «روح الامین» شهرستانی

میرزا محمّدامین شهرستانی معروف به «روح الامین» مشهور به «میرجمله»، فاضل ادیب شاعر، در سال ۹۷۱ق متولّد شده، در اوایل جوانی به هندوستان مسافرت نموده، و آن جا به خدمت جهانگیر پادشاه رسیده، عزّت و اعتبار یافته، و به منصب «میرجملگی» مفتخر شده است. در زمان شاه عبّاس اوّل به ایران مراجعت نموده، و مجددا به هند رفته، و در ۱۰۴۷ق وفات یافته [است]. وی عموزاده میرزا رضی شهرستانی صدر شاه عبّاس صفوی است، و در زمان حیات، اموال و اسباب زیاد به اصفهان فرستاده، و موقوفاتی در این شهر ترتیب داده که هنوز قسمتی از آن باقی است. دیوانش حدود بیست هزار بیت است، و شامل این منظومه ها است: ۱. آسمان هشتم یا بهرام نامه ۲. خسرو و شیرین ۳. جواهرنامه ۴. گلستان ناز ۵. لیلی و مجنون ۶. مطمع الانظار و غیره(۲)، از او است:

هرچه گویم عشق از آن برتر بود عشق امیرالمؤمنین حیدر بود

میرزا محمّدامین طائر*

حاج میرزا محمّدامین صفوی خلیفه سلطانی متخلّص به «طائر» شاعر ادیب و فاضل.

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص ۷۶۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۱۰۰۵؛ الذّریعه، ج ۷، ص ۲۶۰؛ تذکره روز روشن، ص ۳۱۵؛ تذکره نصرآبادی، ج ۱، صص ۷۹ ۸۰؛ کاروان هند، ج ۱، صص ۴۷۱ ۴۸۱.

در اواخر قرن سیزدهم هجری در روستای محمّدآباد جرقویه متولّد شد، و در اصفهان، فقه و اصول، صرف و نحو و علوم غریبه را آموخت. در نوشتن خطّ نسخ نیز مهارت داشت. از سال وفات او اطّلاعی در دست نیست. از او است:

به جان خود چه بلایی که دیدم و نخریدم کدام بار جفا از تو آمد و نکشیدم

به یاد عارض گلگون و یاد آن قد موزون به بوستان نرسیدم که پیرهن ندریدم(۱)

محمّدامین حسینی مرعشی

محمّدامین حسینی، از اعقاب میربزرگ مرعشی، و از طرف مادر، از سادات دستغیب شیراز. نیاکانش در مازندران بوده اند، و خود او در شیراز متولّد گردیده، و در اصفهان ساکن شده است. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب مصائب النّواصب تألیف قاضی نوراللّه شوشتری که آن را به خطّ نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۶۵۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

میرزا امین نصرآبادی

میرزا امین نصرآبادی، شاعر ادیب خطّاط، نواده دایيِ میرزا محمّدطاهر نصرآبادی بوده، در حساب و نجوم مهارت داشته، و خطّ نسخ و نستعلیق را خوش می نوشته، و مادّه تاریخ را نیکو می گفته [است]. از اشعار او است:

کی نصیحت در دل سنگین دلان دارد اثر در زمین نرم تخم افزون دواند ریشه را

تا حیاتی هست، ما را روزی ما می رسد آب تا جاری بود این آسیا در گردش است(۳)

۱۶۶۱

دکتر امین اللّه جلوه

دکتر امین اللّه جلوه اردستانی، از اطبّاء حاذق و متدیّن معاصر است. در اصفهان ساکن

۱- گرکویه، صص ۳۷۶ ۳۷۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۳، ص ۶۲۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۶۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۹؛ تذکره آتشکده، بخش سوم، ص۹۲۶؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۰۵.

بود، و پس از وفات، در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۱)

انور اصفهانی*

انور اصفهانی، شاعر ادیب، در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری می زیسته، و در اصفهان ساکن بوده، و با محمّدعلی مسکین اصفهانی معاصر بوده [است]، این بیت از او است:

گفته بودی که از این بعد به خوابم بینی بی تو در دیده محال است که خوابی برود(۲)

انوشیروان مجوسی

انوشیروان مبروص مجوسی اصفهانی، از خواص خوارزمشاه بوده، و پادشاه، وی را به عنوان سفارت و نمایندگی، نزد سلطان سنجر فرستاد. چون مبتلا به مرض برَص بود، از حضور نزد سنجر وحشت داشت، متوسّل به حضرت رضا علیه السلام شد، و از این بیماری نجات یافت، و بدین سبب، مسلمان و شیعه شد، و صندوقی از نقره، جهت مرقد مطهّر تهیّه کرد، و بر قبر مبارک نهاد. عمادالدّین ابی جعفر محمّد بن علیّ بن حمزه مشهدی طوسی وی را دیده، و در کتاب ثاقب المناقب که در ۵۶۰ق آن را تألیف نموده، این واقعه را نقل نموده است.(۳)

اُنیس مدنی اسلمی

ابویونس اُنیس بن ابی یحیی سمعان مدنی اسلمی، از محدّثان اصفهان در قرن دوم هجری است. وی از پدرش سمعان روایت نموده، و یحیی بن قطان و سعد بن صلت از او نقل حدیث کرده اند.(۴)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۵.

۲- تذکره حدیقه الشّعراء، ج۱، ص۱۹۳.

۳- الذّریعه، ج۵، ص۵؛ الثّقات العیون، ص۲۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۹.

ایّوب

ایّوب بن حماد، از فقهاء اصفهان است. ابومحمّد بن حیّان گوید: حدیث زیاد نقل نموده، ولکن چیزی از آن به ما نرسیده است.(۱)

ایّوب بن زیاد

ایّوب بن زیاد، عامل اصفهان در عهد ابوجعفر منصور دوانیقی دومین خلیفه اصفهانی است. وی ساکن محلّه خُشینان بود، و در آن محلّه، کوشک و مسجدی بنا کرد، و هم چنین میدانی جهت خرید و فروش، و در زمان او محلّه خُشینان به یهودیّه متصّل شده، و به صورت شهر درآمده است.(۲)

ایّوب اصفهانی

ایّوب بن عمران بن ایّوب بن عمران بن ابی سلیمان، از محدّثان اصفهان است. عبداللّه بن محمّد بن عمران معدل، برادرزاده اش از او نقل حدیث می نماید.(۳)

ایّوب اصفهانی

حافظ ایّوب بن مَعمَر بن شریس اصفهانی، از محدّثین و حفّاظ قبیله تیم اصفهان بوده، و در کودکی از اصفهان خارج شده است. حافظ ابونُعیم اصفهانی درباره او گوید: «کان حافظا جلیل القدر صاحب غرائب». وی از مخلد شعیری روایت می کند، و محمّد بن قاسم بن عبداللّه حلبی رقّی و محمّد بن منصور از وی روایت می کنند.(۴)

ایّوب قرشی مُکتِب

ایّوب بن موسی بن زکریّا قرشی مُکتِب، از محدّثین اصفهان است. وی از ابومحمّد بن بکیر روایت کرده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۳؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۵۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۲.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ص۲۲۳.

جلد دوّم – «ب – ذ»

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۲۹۴-۱۳۷۴.

عنوان و نام پدیدآور : اعلام اصفهان / مصلح الدین مهدوی ؛ تصحیح ، تحقیق و اضافات غلام رضا نصراللهی؛ [برای] سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل ، ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام.

مشخصات نشر : اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریال : ج .۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۸-۴۸-۰ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۴۷-۴۷-۸ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲۰-۲۷-۹ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۱۳۰-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۳ (چاپ اول : ۱۳۸۹) (فیپا).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ - الف.- ج. ۲. ب - ذ.- ج .۳. ر - ظ.- ج.۴.ع

موضوع : مشاهیر -- ایران -- اصفهان-- سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان --سرگذشتنامه

شناسه افزوده : نصرالهی، غلامرضا

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

شناسه افزوده : ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام

رده بندی کنگره : DSR۲۰۰۱ /ص۷۲۵ م۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۲۹۶۴

ص: ۱

اشاره

اعلام اصفهان

جلد دوّم

«ب ذ»

دانشمند محقّق، زنده یاد

سیّدمصلح الدّین مهدوی

(۱۲۹۴ ۱۳۷۴ش)

تصحیح، تحقیق و اضافات

غلامرضا نصراللّهی

۱۳۸۷

اعلام اصفهان جلد دوّم»ب - ذ«

تألیف: سیّدمصلح الدّین مهدوی

تصحیح، تحقیق و اضافات: غلامرضا نصراللّهی

پیش گفتار: دکتر محمّد علی چلونگر

ناشر: سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان

مدیر تولید: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

چاپ نخست: ۱۳۸۷

قطع: وزیری / ۹۲۸ صفحه / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ متن: اصفهان / چاپ جلد: معنوی / صحافی: بابک

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۹۴۷ - ۴۷ - ۸

مرکز پخش: ۰۳۱۱ - ۲۳۳۷۸۶۱- ۲۲۰۸۱۸۰

پیش گفتار

با ورود اسلام به ایران و روآوردن ایرانیان به دین مبین اسلام و به دنبال آن برخورد اندیشه ها و تلفیق فرهنگ های ملل گوناگون و رخدادهای اجتماعی و فرهنگی که در عرصه تاریخ ایران و سایر سرزمین های تحت سلطه اسلام روی داد، حرکت های علمی آغاز گردید و در پی آن نیاز به آگاهی در زمینه های خاص دانش آن روز و تهیه کتاب های چند موضوعی یا تک موضوعی به صورت فرهنگ نامه و دانشنامه ضروری شد؛ از این رو، دانشمندان و متخصصان دست به تألیفاتی زدند که امروزه این آثار از ذخایر علمی و فرهنگی به شمار می روند. برخی از این کتاب ها به معرفی علوم و آثار و نوشته های مربوط به آن پرداخته اند و برخی دیگر به معرفی رجال و دانشمندان آن علوم پرداخته اند.

از نوع اول می توان به کتاب هایی همچون رسائل اخوان الصفا، کامل الصناعه الطبیعه، الفهرست ابن ندیم و مفاتیح العلوم خوارزمی اشاره کرد. رسائل اخوان الصفا (قرن چهارم) شامل ۵۴ رساله است که مجموعه این رسائل دانشنامه ای در باب معارف و علوم مختلفی چون ریاضی، طبیعی، الهی و اقسام منطق و حکمت عملی است. کامل الصناعه الطبیعه از علی بن عباس مجوسی (متوفی ۳۸۴ ه ق) دانشنامه ای طبی همراه با معرفی دانشمندان این علم است. الفهرست ابن ندیم (متوفی ۳۸۵ ه ق) در زمینه کتابشناسی و انواع خطوطی است که پیش از اسلام در ایران رواج داشت و نیز درباره برخی ادیان مثل زردشت، مزدک و مانی است. مفاتیح العلوم نیز از محمد بن احمد خوارزمی (متوفی ۳۸۷ ه ق) در فقه، کلام، نحو، کتابت، شعر، اخبار، فلسفه، منطق،

عروض، ریاضیات، کیمیا، موسیقی، نجوم و غیره است.

از کتاب های نوع دوم (کتاب های رجال) الفهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی را می توان نام برد. این دو اثر در شرح حال رجال شیعه و آثار آنهاست که در نوع خود از نخستین کتاب های این فن محسوب می شود. در حوزه تاریخ محلی هم آثار دانشنامه گونه و شرح رجال از قرن چهارم به بعد مورد توجه واقع شد و آثار برجسته ای در این زمینه تألیف شد که از جمله به تاریخ بغداد خطیب بغدادی و تاریخ دمشق ابن عساکر می توان اشاره کرد. تاریخ بغداد به شرح حال رجالی پرداخته است که به نحوی با بغداد در ارتباط بوده اند و عمدتاً نیز به رجال فرهنگی توجه داشته است.

جوامع بشری همواره زیر نفوذ دانشمندان و مفاخر خویش قرار داشته اند. آنان در هر حوزه ای اعم از علمی، سیاسی و فرهنگی که فعالیت می کردند در تحولات اجتماعی عصر خویش نقش داشته و از این رو، در اعتلا یا انحطاط تمدن های تاریخی کاملاً سهیم بوده اند. رجال و نخبگان علمی و ارباب دانش و معرفت همواره به مثابه عامل محرک تاریخ عمل کرده و زمینه تکامل اجتماعی انسان در حیات تاریخی اش را فراهم آورده اند. براساس متون دینی ما، صلاح و فساد عموم در گرو صلاح و فساد علما، فقها و بزرگان است. از دید این متون مردم همواره تابع سه گروه بوده و از آنها الگو و سرمشق گرفته اند و در نتیجه با صلاح آنان درستکار و با فساد و عناد آنان زشتکار شده اند:

۱. امرا، حکّام، تاجران و ثروتمندان و به طور کلی، صاحبان زر و زور

۲. علما، فقها و صاحبان منزلت و حیثیت (عالمان شیعه، ج ۱، ص ۱۳)

در زمینه رجال اصفهان از قرن چهارم آثار ارزشمندی به رشته تحریر درآمد. در سده های چهارم و پنجم دو اثر رجالی گرانقدر نوشته شد که به حق آنها را می توان دانشنامه های رجال دینی اصفهان به شمار آورد.

اولین اثر از ابومحمد عبداللّه بن محمد بن جعفر بن حبان مشهور به ابوالشیخ اصفهانی است که طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها نام دارد. وی در این اثر شرح حال محدثین اصفهان را از ابتدا تا قرن چهارم آورده؛ چنانکه در طبقات دهم و

یازدهم کتاب، شرح حال بسیاری از مشایخ خود را که مقیم این شهر بوده اند برشمرده است. از مشایخ وی ابن ابی داوود سجستانی، ابن ابی حاتم رازی، ابوبکر جعفر بن محمد فریابی، ابوبکر بزاز و محمد بن یحیی ابن منده را می توان نام برد. در میان شاگردان و راویان ابوالشیخ نیز افراد مشهوری به چشم می خورند؛ از جمله: ابونعیم اصفهانی، محمد بن اسحاق ابن منده، ابن مردویه و نیز نواده اش محمد بن عبدالرزاق بن ابی الشیخ که عمده رجال شناسان بزرگ چون ابونعیم اصفهانی و سمعانی وی را ثقه دانسته اند.

ابوالشیخ در این کتاب نخست به فضائل و خصایص اصفهان پرداخته و روایاتی در این باره آورده است. وی سپس در بنای اصفهان و مساجد و مساحت آن مطالبی نقل کرده و بانی این شهر را اسکندر مقدونی دانسته است. پس از آن از چگونگی فتح اصفهان به دست مسلمانان سخن گفته است. بخش مهم کتاب، تراجم افراد و احادیث آنها اختصاص دارد. وی ابتدا از صحابه پیامبر(ص) آغاز کرده و هجده نفر از آنان را که وارد اصفهان شده اند نام برده و شرح کوتاهی از آنها را بیان کرده است که نخستین آنها امام حسن مجتبی(ع) بوده است. وی در مجموع ۶۰۹ نفر را در کتابش نام برده است.

دومین اثر مهم در مورد رجال اصفهان که در واقع فرهنگ نامه دینی محلی محسوب می شود ذکر اخبار اصفهان از احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران معروف به ابونعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۰ ه ق) است. این کتاب شامل اسامی محدثان و عالمانی است که اهل اصفهان بوده یا سفری به آن داشته اند. اطلاعاتی که ابونعیم درباره چگونگی بنای اصفهان، فتح این شهر و نیز نخستین فرمانروایان و حکام مسلمان آن به دست می دهد بسیار شایان توجه است. وی سپس ویژگی های جغرافیایی و محلی اصفهان را ذکر می کند و اطلاعات بسیار دقیق و قابل توجهی از محله ها و روستاهای اطراف آن ارائه می دهد. ابونعیم در بخش اصلی کتاب پس از ذکر نام هر یک از مترجمان به صورت خلاصه به ذکر احوال آنان می پردازد. طبقات المحدثین باصبهان ابوالشیخ و ذکر اخبار اصبهان ابونعیم اصفهانی مراجع و منابع آثار رجالی اصفهان در قرون بعد از خود تا به امروز شدند.

پس از این دو اثر، آثاری که صرفاً به معرفی رجال اصفهان پرداخته باشند کمتر دیده می شود. در تاریخ معاصر، برخی از رجال نویسان و محققان به تحقیق درباره رجال اصفهان اهتمامی جدی داشته اند که از جمله به مرحوم آخوند ملا عبدالکریم جزی در تذکره القبور و تاریخ مقابر اصفهان، مرحوم جلال الدین همایی در تاریخ اصفهان و مرحوم سید مصلح الدین مهدوی در آثار گوناگونش می توان اشاره کرد.

از بین معاصران به حق می توان گفت مرحوم مهدوی بیشترین تلاش را در معرفی رجال و مشاهیر و مفاخر اصفهان داشته است. آثار او از نظر کیفیت و کمیت در این موضوع مثال زدنی است. عظیم ترین تلاش او در این زمینه کتاب اعلام اصفهان است که در واقع، محصول یک عمر تلاش وی در باب رجال و مشاهیر اصفهان است. مجلد حاضر، که اعلام اصفهان را از حرف «ب» تا حرف «ذ» دربر می گیرد، دومین مجلد از این مجموعه است. این اثر به همّت محقق کوشا جناب آقای غلامرضا نصراللّهی انجام گرفته است. این مرکز امید دارد در آینده مجلدات باقی مانده را پس از تصحیح در اختیار علاقه مندان و محققان قرار دهد.

دکتر محمدعلی چلونگر

رئیس مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

مقدّمه تحقیق

خداونـد توانا را سپاس می گوییم که به ما توفیق داد دو جلـد از کتاب «اعلام اصـفهان» را تنظیم و تحقیق نموده و چاپ کنیم. این جلد شامل مدخل های حروف (ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ) است.

پس از چاپ جلـد اوّل کتاب، بسیاری از محقّقان و اساتیـد فرهنگ و ادب و علاقمنـدان مرحوم اسـتاد مهدوی این ضـعیف را مورد لطف قرار داده و تشویق نمودنـد که از همه آنها تشـکر می کنم. در کنار این تشویق ها، انتقادهایی هم از سوی برخی از اساتیـد و محقّقان به این کتاب و روش تنظیم آن وارد شـد. از جمله اسـتاد ایرج افشار، محقق سـخت کوش و خسـتگی ناپـذیر عرصه فرهنگ و تاریـخ ایران، نسبت به تنظیم مـدخل های کتاب به شـکل کنونی انتقاد داشـتند و طی نامه ای مشـفقانه به این مسأله اشـاره کردنـد که در تمـاس تلفنی به ایشـان توضـیح داده شـد: ترتیب مطـالب کتـاب براسـاس نـام کوچـک و نـام ژدر شخصـیت هـا (مـدخل ها) بوده و توسّط مؤلّف فقیـد صورت گرفته است و ما نمی توانستیم سـلیقه و خواسـته مؤلّف را نادیـده گرفته و به صورت دیگری آن را تنظیم کنیم. ولی تلاـش کردیم بـا تهیّه فهرستی در آخر کتـاب، دسترسـی به مطالب کتاب را آسـان تر کنیم و همـانطور که در مقـدمه جلـد اوّل نوشتیم، پس از چـاپ کامـل متن کتـاب، در آخرین جلـد «اعلام اصـفهان» فهرست های فنی متنوع و جامعی چاپ خواهد شد که مراجعان کتاب به سهولت و سرعت بتوانند از کتاب استفاده کنند.

* * *

هم زمان با انتشار جلد اوّل «اعلام اصفهان» و کمی بعد از آن آثار دیگری از مرحوم

استاد مهدوی به چاپ رسید:

۱. «اصفهان، دارالعلم شرق» مصحح: آقای محمّدرضا نیلفروشان

در مقایسه ای که بین نسخه چاپی و نسخه دست نویس مؤلف صورت گرفت مشاهده شد که مصحح کتاب برخی از مطالب کتاب از جمله اسامی مدرسین و طلاب مدارس را حذف و مطالبی را از برخی کتابها به اصل کتابت افزوده است! و البته این تصحیح و نشر خدمت وصی محترم آن مرحوم عرضه نشده و مورد تأیید ایشان نیز واقع نگردیده است. امیدواریم متن کتاب در عرضه جدید به طور مصحح و با رعایت امانت به چاپ برسد.

۲. «فهرست نسخه های خطی سیّد مصلح الدّین مهدوی، اهدائی به گنجینه نسخ خطی اصفهان»، نگارش: آقای محمّدعلی هدایت، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷ش این کتابها توسط خانواده مرحوم مهدوی به کتابخانه عمومی ابن مسکویه اصفهان اهداء شده است.

همچنین در کتاب «ناگفته های عارفان» تألیف: حجهالاسلام آقای محمّدجواد نورمحمّدی که در سال ۱۳۸۶ش به چاپ رسید. حکایاتی از علمای اصفهان به نقل از یادداشت های مرحوم مهدوی به چاپ رسیده است.

امسال (۱۳۸۷) نیز کتابی به نام «مجتهد نجف آبادی» به چاپ رسیده که شامل رساله هایی مستقل در شرح حال مرحوم آیت اللّه حاج میر سیّد علی نجف آبادی، از مرحوم زنده یاد استاد مهدوی، مرحوم آیت اللّه میر سیّد علی فانی، حجهالاسلام آقای حاج شیخ احمد عابدینی است و حجهالاسلام آقای نورمحمّدی جمع آوری و تصحیح این کتاب را بر عهده داشته اند.

در تیرماه ۱۳۸۶ همزمان با چاپ جلد اوّل کتاب «اعلام اصفهان» و مصادف با دوازدهمین سالگرد وفات استاد مهدوی، همایش یک روزه ای با عنوان «آیینه فرهنگ اصفهان» (بزرگداشت مرحوم استاد سیّدمصلح الدّین مهدوی) به همت مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل و مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد و با حضور جمع

زیادی از محققان، اساتید حوزه و دانشگاه و شاگردان علاقمندان مرحوم مهدوی برگزار شد.

در نیمه نخست این مراسم که صبح در سالن اجتماعات کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان برگزار شد، جناب آقای دکتر چلونگر رئیس مرکز اصفهان شناسی، به حاضرین جلسه خیر مقدم گفته و اهداف همایش را بیان کرد، سپس پیام آیت اللّٰه مظاهری(دام ظله) رئیس حوزه علمیه اصفهان توسط فرزند ایشان آقای حاج حسن آقا مظاهری قرائت شد.

پس از آن آیت اللّٰه آقای حاج شیخ رضا استادی از مدرسین حوزه علمیه قم، و آقای دکتر مهدی محقّق، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، و آقای جویا جهانبخش از محقّقان برجسته علوم اسلامی و غلامرضا نصرالهی مصحح و محقق کتاب حاضر (اعلام اصفهان) درباره وضعیت علم و تحقیق در کشور، بررسی و نقد آراء استاد مهدوی و نگاهی به شیوه تحقیق و ابعاد فعالیت های علمی و اجتماعی وی به ایراد سخن پرداختند. همچنین استاد بصیری نیز ابیاتی را در مورد ایشان قرائت کرد.

مراسم در بعدازظهر به میزبانی مجموعه فرهنگی مذهبی و تاریخی تخت فولاد ادامه یافت. ابتدا آقای مهندس حسین حمیدی اصفهانی مدیر مجموعه به حضار خوش آمد گفت. سپس محقق پرکار حوزه و دانشگاه حجت الاسلام و المسلمین آقای رسول جعفریان سخنرانی نمود. آنگاه استاد فضل اللّٰه خان اعتمادی خوئی (برنا) اشعاری قرائت کرد. در ادامه مراسم آقایان استاد مرتضی تیموری و دکتر اصغر منتظرالقائم مدیر دانشنامه تخت فولاد در باب دو کتاب تاریخ علمی و اجتماعی در دو قرن اخیر و مزارات اصفهان هر دو از تألیفات مرحوم مهدوی سخن گفتند.

در پایان آیت اللّٰه آقای حاج شیخ هادی نجفی ضمن ایراد سخنانی در مورد خصوصیات فردی و اعتقادی مرحوم مهدوی به ویژگی های تألیفات وی پرداخت و ختم جلسه را اعلام کرد و حاضرین در مراسم به زیارت مزار مرحوم استاد مهدوی رفتند.

مـدیر علمی و مجری این دو مراسم (همـایش) در صـبح و بعـدازظهر اسـتاد و محقق ارجمنـد آقای محمّدحسـین ریاحی معاون پژوهشـی مرکز اصـفهان شناسـی و خـانه ملـل بود. در حاشـیه این همـایش نمایشـگاهی از کتابهای چاپ شـده زنـده یاد اسـتاد مهدوی برگزار شد.

* * *

در پایان این گفتار بار دیگر از خانواده مرحوم مهـدوی خصوصاً داماد محترم ایشان آقای حاج حمیدرضا فروغی و همچنین از آیت اللّه نجفی(مـدظله) وصـی محترم مؤلف فقیـد، و نیز از محقق پرتلاش و کوشا آقای رحیم قاسـمی که در این کتاب نیز از راهنمایی ها و حمایت های خالصانه آنان بهره مند بودیم کمال امتنان را داریم.

همچنین از آقایـان اسـتاد فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا)، مجتبی ایمانیه، حمیـد خلیلیان، سیّداحمد عقیلی و سایر عزیزانی که نگارنده را در ادامه راه تشویق نموده اند و یا نکاتی را یادآور شده اند قدردانی می شود.

شایسته است از شـهردار محترم اصـفهان آقای دکتر سقائیان نژاد، رئیس مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل آقای دکتر چلونگر، معاون محترم و مسؤول پژوهشـی مرکز اصـفهان شناسـی آقای محمّدحسـین ریاحی، مسؤول امور مالی آن مرکز آقای مسّاح و سایر کارکنان مرکز اصفهان شناسی و آقای مرتضی جنتیان مدیریت محترم انتشارات کانون پژوهش که در چاپ و نشر این اثر نقش به سزایی داشتند صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم.

امیدوارم مطابق نظر مؤلف کار تدوین و نشر کتاب به انجام برسد و روح مؤلف فقید از نشر این اثر خشنود و راضی باشد.

و ما توفیقی الاّ باللّه

غلام رضا نصراللّهی

۱۷ ربیع الاوّل ۱۴۲۹ ه . ق

۶ / ۱ / ۱۳۷۸

(تصویر)

ص: ۱۴

(تصویر)

ص: ۱۵

(تصویر)

(تصویر)

(تصویر)

(تصویر)

ص: ۱۹

(تصویر)

ص: ۲۰

(تصویر)

ص: ۲۱

(تصویر)

ص: ۲۲

(تصویر)

(تصویر)

(تصویر)

(تصویر)

ص: ۲۶

(تصویر)

«ب»

اشاره

بابا

کلمه بابا در زبان فارسی اسم است و در معانی: پدر، پیران کامل، رئیس بزرگ، سرکرده، ریش سفید طایفه، قلندر، هم شهری و آن کس که در کاری بزرگ باشد و پدربزرگ و جدّ هم استعمال شده است.

این کلمه لقب و شـهرت عدّه زیادی از عرفاء و صوفیه به خصوص در قرن هفتم و هشـتم هجری بوده است. ذیلاً به نام عده ای از آنان که در اصفهان بوده اند اشاره می کنیم و شرح حال بیشتر اینان غیرمعلوم [است] و عموماً از عرفاء بوده اند.

بابا الهی

بابا الهی، مزارش در نزدیک مقبره صاحب بن عَبّاد در محلّه طوقچی [بوده و اکنون آثار قبر از بین رفته است.]

بابا باب اللّه

بابا باب اللّه، قبرش در محلّه جهانباره (جوباره) نزدیک مقبره سارو تقی بوده است.

بابا امیر

بابا امیر، که یکی از باغات چهارباغ اصفهان بدو منسوب بوده است.

بابا بُدِلا

بابا بُدلاء، در محلّه دروازه حسن آباد مدفون است و بقعه ای بر سر قبر اوست.

بابا بیات

بابا بیات، ظاهراً از عرفای قرن هشتم هجری است. گویند او مراد و استاد طریقت بابا رکن الدّین بوده و پس از وفات در تخت فولاد مدفون شده است.(۱) [مزار بابا بیات در عصر صفویه دارای موقوفات بوده و از جمله میر معزّ صوفی در زمان شاه سلیمان صفوی متولّی موقوفات مزار بابا بیات بوده است.(۲)]

قبر بابا بیات در اواخر تخت فولاد(۳) [حدود تکیه بابا رکن الدّین و تکیه آقا محمّد بیدآبادی بوده و اینک از بین رفته است.]

بابا توتا

بابا توتا، قبر او در جوباره واقع شده [و اطاقی بر سر قبر او بوده که در محوطه شهرداری در خیابان کمال قرار گرفت و خراب شد. مزار او را مرمت کرده و سنگ لوحی نصب نمودند.]و به بابا تون تاب نیز معروف است.

بابا جوزا

بابا جوزا، مقبره اش در انتهای جوباره و مقابل باغ گارلند و نزدیک شاه میر حمزه قرار داشته است [در جریان احداث خیابان سروش خراب شد و از بین رفت.]

بابا حاجی

بابا حاجی، مزارش در قریه «بزم» از توابع رویدشت اصفهان است.

۱- ریحانه الادب، ج۲، ص۲۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۹۹؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۳۹ و ۴۶۰.
۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۰۱ و ۳۰۲.
۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۹.

بابا حسن

بابا حسن، قبرش کوچه شُلِه رنگک کُن ها در محلّه بیدآباد وجود داشته و یک جوی نیز در آنجا به نام جوی بابا حسن معروف بوده و اهالی آنجا به سَرِجوئی شهرت داشته اند.

بابا حمزه

بابا حمزه، از عرفاء و ادبای اصفهان است. وی برای تبلیغ اسلام و اشاعه آن به سرزمین چین سفر کرده و در قصبه ای دور افتاده در «شیائونان» واقع در شمال چین بدرود حیات گفته و در آنجا به خاک رفته است. در آرامگاه او تعدادی کتابهای فارسی وجود داشته است.(۱)

بابا حیدر

بابا حیدر، از دهات استان چهارمحال و بختیاری است [و احتمالاً در آن روستا مزار یکی از اولیاء اللّه به نام «بابا حیدر» وجود داشته است.]

بابا حیدر

بابا حیدر، در زمان صفویّه می زیسته و پس از فوت بابا سلطان قلندر قمی منصب بابایی تکیه حیدر در چهارباغ اصفهان را به او دادند.

بابا خدادوست

بابا خدادوست، مزار او در قریه «مارچی» از دهات رویدشت اصفهان است.

۱- مجله کتابداری، شماره ۴۶، سال ۱۳۷۴، ص ۹۱.

بابا دنبه

بابا دنبه، در حوالی باغ نو در آخر خیابان صارمیّه [خیابان جهاد کنونی] قبرش باقی بود.

بابا رضی

بابا رضـی، از دراویش معاصر شاه سلیمان صفوی بوده و پس از فوت برادرش بابا صفی، منصب بابایی تکیه حیدر در چهارباغ اصفهان را به او دادند.

بابا رکن الدّین بیضاوی شیرازی

بابا رکن الدّین مسعود بن عبداللّه بیضاوی شیرازی، عارف سالک و عابد زاهد، از عرفای بزرگ قرن هشتم هجری.

[اصـلاً از اهالی «بیضای» فارس بوده و نزد شـیخ کمال الدّین عبدالرزّاق کاشانی، شیخ داود قیصری و نعمان خوارزمی به کسب علم و معرفت و طیّ طریق سلوک و عرفان پرداخته است. گویند درا صفهان نیز از مریدان بابا بیات بوده است.(۱)

اغلب سالهای زندگی را در اصـفهان سپری ساخته و در بین حکّام و اعیان و بزرگان اصفهان صاحب احترام و نفوذ کلمه بسیار بوده است. میر عبدالحسـین خـاتون آبادی می نویسـد: هنگامی که هلاکو پادشاه مغول قصـد تصـرف اصـفهان و قتل عام مردم آنجا را داشـته، خواجه نصـیرالدّین طوسـی او را نزد بابا رکن الـدّین برد و به خواهش بابا رکن الدّین قتل عام اصـفهان برطرف شد یا در آن تخفیف ایجاد شد.(۲)

بابا رکن الدّین در عرفان نظری دستی توانا داشته و در شرح و ترویج اندیشه های محی الدّین عربی قادر بوده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- نصوص الخصوص: مقدمه، ص دَه.

۲- وقایع السنین و الاعوام، ص۳۶۴.

۱. «قلندریه» که شیخ آذری در «جواهر الاسرار» یاد کرده است. ۲. «کشف الضرّ فی شرح نظم الدُّر» در شرح تائیّه ابن فارض ۳. «نصوص الخصوص» در شرح فصوص الحکم، که با مقدمه استاد همایی و با همت دکتر رجبعلی مظلومی در سال ۱۳۵۹ش به چاپ رسیده است.(۱)]

بابا رکن الدّین در یکشنبه ۲۶ ربیع الاوّل ۷۶۹ق وفات یافته و (۲) [در جنوب اصفهان و در مسیر جاده قدیم شیراز که بعدها به مزار بابا رکن الدّین و تخت فولاد مشهور شد به خاک سپرده شد. پس از آن بقعه ای هرمی شکل بر روی قاعده ای پنج ضلعی با دوازده ترک بر سر مزار او بنا شد. در سال ۱۰۳۹ق این بنا به دستور شاه عباس صفوی مرمّت شده و موقوفاتی برای آن قرار داده شد.(۳) در زمان شاه سلیمان، میر معزّ صوفی متولّی موقوفات تکیه بابا رکن الدّین بود(۴) و پل ساخته شده بر روی زاینده رود که تخت فولاد را به اصفهان مربوط می کند به پل بابا رکن الدّین معروف بوده و بعدها به پُل خواجو شهرت یافت. در سال ۱۲۰۰ق یکی از عرفاء به نام میرزا محمّد نصیر بایزیدی تکیه را مرمّت کرد و در زمان ریاست مرحوم جواد مجدزاده صهبا بر اداره باستان شناسی اصفهان تکیه بار دیگر مرمّت شد. در سالهای اخیر شهرداری اصفهان آن تکیه را مرمّت و زیباسازی و نورپردازی کرده است.

برخی از علمای بزرگ شیعه همچون شیخ بهائی و حاج محمّد ابراهیم کلباسی و ملّا محمّد تقی مجلسی به زیارت او می رفته و به او اعتقاد داشته اند. تکیه بابا رکن الدّین از هنگام تأسیس تا امروز محل عبادت و ریاضت و چلّه نشینی عرفاء و اهل دل بوده و بسیاری از علماء و فضلاء در جوار مزار بابا رکن الدّین به خاک سپرده شده اند. از جمله ملّا حسن آرندی نائینی، ملّا محمّد علی نوری مازندرانی و جمعی از وابستگان او و میرزا

۱- نصوص الخصوص، مقدمه، ص نوزده.

۲- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۳۷.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۵۰۰-۴۹۳.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۰۲.

حسن خان جابری انصاری و دیگران.

در هنگام تعمیرات اخیر تکیه تعدادی آجر نوشته به خط کوفی متعلّق به قرن چهارم هجری و سنگ نوشته قبور از قرن دهم تا دوازدهم هجری کشف گردیده و بر سنگ های بدنه سرداب پای دیوار شرقی بقعه نیز یادگاری هایی از قرن نهم و دهم هجری وجود دارد.[(۱)]

بابا سرخ

بابا سرخ، مقبره او در دنبال نهر جوی شاه اصفهان (نزدیک محلّه لُنبان) وجود داشته است.

بابا سعید

بابا سعید، مزارش در اطراف اصفهان بوده است.

بابا سلطان قلندر قمی

بابا سلطان قلندر قمی متخلّص به «لوائی» از عرفای قرن یازدهم هجری در درویشی مقامی سامی داشته و در قواعد فقر و اصطلاحات آن فرقه بابای عالم بوده است. شاه عباس اوّل بابائی تکیه حیدر واقع در چهارباغ را به او مفوّض داشته و او قبل از تألیف تذکره نصرآبادی فوت شده جایش را به بابا حیدر دادند. او نیز فوت شده پسرش بابا صفی به جای پدر نشسته، او نیز فوت شده، برادرش بابا رضی بابای تکیه مزبور شده

۱- تخت فولاد، یادگار تاریخ: خطی؛ و نیز بنگرید به: بزرگان نامی پارس، ج۱، صص ۴۱۱-۴۰۷؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۱۱۹۵؛ مولوی نامه، ص۲۲۰؛ نامه مینوی، صص ۵۸۰-۴۱۰؛ مجله یادگار: سال ۱۳۲۴ش، شماره ۴، صص ۴۶-۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۱؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۲۱۳؛ دانشنامه جهان اسلام، ذیل «بابا رکن الدّین»، صص ۴۳ و ۴۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

است.

در هر حال «بابا سلطان» به تَتَبُّع شعراء قدیم شعر می گفته است.

از اوست:

«لوائی» نیست شاد از وصل امروز

چو هجران خواهدش آزرد فردا

چه باشد حال بیماری که امروز

یقین داند که خواهد مرد فردا(۱)

بابا سنگکی

بابا سنگکی، قبرش در پشت مسجد جامع اصفهان بوده است. [در کوچه ای که به گنبد سلطان بخت آغاز و مسجد دوقاضی منتهی می شود، جنب امامزاده شورا به نام طاق بابا سنگکی معروف بوده ولی آثار قبر از بین رفته است.

بابا شاه اصفهانی

باباشاه اصفهانی، متخلّص به «حالی» شاعر و خوشنویس مشهور عصر صفویه بوده، اصلاً از کوهپایه است اما به اصفهانی شهرت یافته،(۲) خط را نزد سیّد احمد مشهدی مشق کرده و این که نوشته اند شاگرد میرعلی هروی بوده بنا به دلایلی صحیح نیست.(۳)

عموم خطشناسان و خوشنویسان متفق القولند که تا زمان بابا شاه خط نستعلیق را کسی به شیرینی و شیوایی او ننوشته است.(۴)

باباشاه مردی عارف و درویش مسلک بوده و عموماً گوشه نشینی اختیار می نموده و به کتابت گذران معیشت می کرده است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۱؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۳۷.

۲- تذکره روز روشن، ص ۹۵ و ۹۶.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۸۶.

۴- کارنامه بزرگان ایران، ص۱۶۸؛ مناقب هنروران، ص۷۹؛ تذکره خلاصه الاشعار (بخش اصفهان)، ص۳۲۱ و ۳۲۲.

تاریخ وفاتش را برخی سال ۹۹۶ در بغداد(۱) و برخی دیگر سال ۱۰۱۲ه در مشهد مقدس نوشته اند(۲) و تاریخ دوم صحیح تر به نظر می رسد.(۳)

رساله آداب المشق هم از تألیفات اوست که به اشتباه آن را به میرعماد نسبت داده اند.

از او قطعات خوشنویسی و چند کتاب به خط نستعلیق خوش در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی موجود است.(۴)

این رباعی از بابا شاه اصفهانی است.

دوشینه به بزم آن بت باده پرست

بودم که شد از باده عشرت سرمست

او رفت به خواب مستی و من از شوق

بر پاش نهادم سر و رفتم از دست

بابا شهاب

شیخ شـهاب الدّین آزادانی معروف به «بابا شـهاب» از عرفاء و دانشمندان عهد خود بوده و در قریه آزادان در نزدیکی اصفهان [و اکنون محلّه ای در غرب اصفهان] به خاک رفته است.

بابا شیخ احمد

بابا شیخ احمد مزارش در «سُهر فیروزان» از بلوک لنجان قرار دارد.

بابا شیخ حسین

بابا شیخ حسین که در قریه «پُوده» سمیرم مدفون شده است.

۱- گلستان هنر، ص۱۱۹.

۲- پیدایش خط و خطاطان، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۵۴.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص ۹۰ و ۹۱.

بابا شیخ علی

بابا شیخ علی، قبر او در قریه «اشکهران» از دهات رویدشت اصفهان است.

بابا شیخ علی

بابا شیخ علی، قبر او در قریه «گیشی» (جیشی) از توابع رویدشت اصفهان است.

بابا شیخ علی رودباری

بابا شیخ علی رودباری از عرفای اصفهان است. سال فوت او معلوم نیست. مزار او در روستایی به نام خود او بابا شیخ علی در لنجان اصفهان موجود است. و در زمان صفویه بقعه او تعمیر شده است و در بیرون بقعه، بر روی دیوار لوحه ای سنگی نصب شده بود که عبارات آن چنین است:

«توفیق یافت در عمارت این بقعه متبرّکه عارف معارف ربّانی بابا شیخ علی رودباری رحمهاللّٰه علیه عزت و رفعت پناه شهسوار بیگ ابن مرحوم مهترعلی کوچك فی ۱۰۴۴» (۱)

بابا شیر

بابا شیر، قبر او در بازارچه حسن آباد بوده است.

بابا صفی

بابا صفی فرزند بابا حیدر، از دراویش و متصوفه عهد صفوی بوده و پس از فوت پدر بابائی تکیه حیدر در چهارباغ را به او دادند.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۹.

بابا صلت

بابا صلت، قبرش نزدیک مزار صاحب بن عباد در محلّه طوقچی بوده و در سالهای اخیر از بین رفته است.

بابا عبداللَّه

بابا عبداللَّه، قبر او در کوچه جماله، نزدیک مسجد جامع اصفهان موجود است.

بابا عبداللَّه

بابا عبداللَّه، قبرش در محلّه خوزان سِدِه بوده است.

بابا عبداللَّه

بابا عبداللَّه، قبر او در لنجان اصفهان است.

بابا عریان

بابا عریان، قبر او در حوالی مقبره صاحب بن عباد بوده و در سالهای اخیر آن را از بین بردند.

بابا علمدار

بابا علمدار، در محلّه الیادران در غرب اصفهان مدفون است و قبر درازی دارد. گویند قد بلندی داشته است. در اطراف قبر او قبرستان اختصاصی محلّه الیادران بوده که در اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی قسمتی در خیابان صارمیّه قرار گرفته و خراب شد و باقی را تصرّف نموده به خانه و مغازه و مدرسه تبدیل کردند.

بابا علی

«بابا علی» معروف است که طیّ الارض داشته و قبرش در قریه «شاه طور» رویدشت اصفهان واقع شده است.

بابا علی خان گورتانی

درویش بابا علی خان قورتانی رویدشتی، عارف سالک در قرن یازدهم هجری. در قریه «قورتان» (گورتان) رویدشت اصفهان ساکن بوده و به عبادت و ریاضت روزگار می گذرانیده و سرانجام در سال ۱۰۶۸ق وفات یافته و در قبرستان بلال واقع در آن قریه جنب مزار بابا ابوالمعالی مدفون شد.(۱)

بابا فولاد

بابا فولاد، از عرفای اصفهان در قرن دهم هجری است. به گورستان متبرّکه و قدیمی اصفهان در جنوب رودخانه زاینده رود و در مسیر جاده شیراز، تا قرن یازدهم هجری «مزار بابا رکن الدّین» می گفته اند. اما کم کم این گورستان به «تخت گاه بابا فولاد» و سپس «تخت فولاد» معروف شده است. [سایر وجه تسمیه هایی که برای تخت فولاد ذکر می کنند چندان سندیتی ندارد و تخت فولاد منسوب به همین «بابا فولاد» است.]

نامش «استاد فولاد حلوائی بن استاد شجاع الدّین» بوده و پس از سال ۹۵۹ق وفات یافته و نزدیک غسالخانه تخت فولاد مقابل تکیه خاتون آبادی مدفون شد [قبر او پس از آنکه در معرض تخریب قرار گرفت و قبور اطراف آن از بین رفت، به مساعی عدّه ای از علاقمندان مواریث تاریخی و فرهنگی، به شرحی که آقای جمشید مظاهری در تعلیقات تاریخ اصفهان مرحوم جابری انصاری نوشته، از نابودی نجات یافته و مرمّت شد و اکنون در صحن شرکت مخابرات موجود است.(۲)]

۱- قصص الخاقانی، ج۲، ص۲۰۰.

۲- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۴۱۰ و ۴۱۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۸؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

بابا قادر

بابا قادر، از عرفاء بوده و نزدیک بقعه صاحب بن عبّاد در محلّه طوقچی مدفون است. [بر سر قبر او اطاقی با طاقی گنبدی شکل در کوچه صاحب بن عبّاد و کمی بالاتر از مزار صاحب (روبروی حسینیه امام خمینی فعلی) وجود داشت و سنگ قبری مرمرین بـا طرح هـای گـل و بته زیبـا و ادعیه به خط ثلث خوش و حجاری روی قبر او مشاهـده می شـد. در چنـد سال اخیر آن اطاق و مقبره را خراب کرده و به یکی از تأسیسات انتقال و تقویت برق تبـدیل کردنـد. ظاهراً نامش «عبـدالقادر» بوده و در بین اهالی محلّه طوقچی دارای احترام فراوان بوده و به «بابـا قادر» شـهرت داشـته و مع الاسف در عصـر حاضـر و نسل امروز نه آن حرمت باقی ماند و نه آن معنویّت.]

باباقاسم

ابوالقاسم محمّـد، از عرفاء قرن هفتم و اوائل قرن هشـتم اصـفهان است که شـرح حال او ماننـد سایر باباها مجهول می باشد. در سال ۷۴۰ق وفات یافته و یکی از مریدانش به نام سلیمان بن ابی الحسین بن طالوت دامغانی در سال ۷۴۱ق بقعه ای بر سر مزار او بنا نموده که هرمی شکل و دارای ۸ضلع می باشد و در سال ۱۰۴۴ق به وسـیله شخصی به نام آقا زمان فرزند آقا جمال میوه فروش تعمیر شده است.

در نزدیکی مقبره بابا قاسم مدرسه ای موسوم به «مدرسه بابا قاسم» وجود دارد که در منابع عصر صفویه آن را «مدرسه صفویه» نیز آمـده است و نگارنـده در کتاب دیگر خود اصـفهان دارالعلم شـرق یا تاریـخ مدارس دینی اصـفهان به شـرح ساختمان این مدرسه و علماء و فضلاء ساکن در آن در قرون گذشته تا حال پرداخته ام.

بابا قاسم از صوفیان اهل سنّت بوده و اسامی خلفای سه گانه در مقبره و مدرسه بر روی کاشیکاری ها مشهود است.

بابا قارداش

بابـا قـارداش، در «آبچویه» از مزارع قریه «جِشوقـان» کوهپـایه مقبره او وجود دارد و عوام آنجـا او را دلاّـک حضـرت رضـاعلیه السلام می دانند.

بابا قزوینی

بابا قزوینی، از عرفای اصفهان.

بابا لکات

بابا لکات، از عرفاء و متصوّفه بوده و در تخت فولاد مدفون است. به نوشـته شاردن، سیّاح فرانسوی که در عصر صفویه به ایران آمـده بود بقعه بابـا لکات دارای موقوفات فراوان بوده و بسـیاری از درویشان در آنجا اطعام می شـده انـد.(۱) در مرآه البلدان ناصری محل قبر او را محلّه خواجو نوشته [که صحیح نیست. ظاهراً قبر بابا لکات در حوالی بقعه بابا رکن الدّین بوده است.(۲)]

بابا لخته*

بابا لخته، از عرفاء بوده و در محلّه «اَرداجی» در خوراسکان در شرق اصفهان مدفون است.

بابا لنگر

بابا لنگر، قبر او در نزدیکی «الور» از بلوک کَروَن وجود داشته است.

۱- سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، ص۱۵۶.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰۰.

بابا متکا

بابا متکا، از عرفاء اصفهان بوده و در این شهر به خاک رفته است.

بابا محمّد علی اصفهانی

بابـا محمّـد علی اصـفهانی، از شعراء و عرفـای قرن یـازدهم هجری است. نصرآبادی در تـذکره خـود می نویسـد: در کمـال دردمنـدی بود. صحبت حکیم شفائی را دریافته و در فن مثنوی طبعش خالی از لطف نبود. چنـد سال قبل از این (یعنی قبل از سال ۱۰۸۳ق سال تألیف تذکره) فوت شد.

این شعر در تعریف پل حسن آباد (پل خواجو) از اوست:

ندانم چون کنم تعریف آن پل

کزو ایجاد شد راه توکّل

شکوه بحر اگر آن جا کشد سر

جهد مانند میمونی ز چنبر(۱)

بابا محمود

بابـا محمود، ظاهراً از عرفـاء نـاحیه لنجـان بوده و پـل بابـا محمود در نزدیکی بـاغ محمود از دهات گرکن لنجان به او منسوب است.

بابا ملّا

بابا ملّا، از عرفای ناحیه «ازیران» رویدشت بوده و دارای بقعه و بارگاه است.

بابا نوش

بابـا نـوش، از عرفـاء بـوده و قـبرش در محلّه تـل عاشـقان و نزدیـک سنبلسـتان در کـوچه ای معروف به «بابـا نوش» بوده است [متأسـفانه در سالهای اخیر آن را نیز خراب کرده و آثار قبر را از بین بردند. اهالی محل به زیارت او عقیده داشـته و کراماتی را به او

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۶۱۱؛ مزارات اصفهان، ص ۱۱۱.

نسبت می دادند.]

بابا وحدی

بابا وحدی، یا بابا اوحدی، مدفون در لنجان.

بابا یحیی

بابـا یحیی، از عرفای قرن دوازدهم هجری است و در سال ۱۱۵۳ق وفات یافته و در تکیه بابا رکن الـدّین در تخت فولاد مدفون است.(۱)

باباخان شکوهی بختیاری

باباخان شـکوهی فرزنـد محمّد کریم بن پرویزخان بابادی بختیاری، شاعر ادیب از محترمین و خان زادگان ایل بابادی بوده، در حدود سال ۱۳۱۰ق متولّـد گردیده و در سال ۱۳۶۶ قمری در اصـفهان وفـات یافت. گاهی برحسب اقتضای حال اشـعاری می سرود از آن جمله است:

[دل شد اسیر دام و ندانست عاقبت

از حلقه های زلف تو راه فرار نیست(۲)]

میرزا باقر

میرزا بـاقر، از فضـلاء و معـاریف اصـفهان بوده، از آثـارش حمـام و مسـجد و بازارچه ای است در محلّه بیـدآباد. وی ظاهراً در اواخر زمان صفویه زندگی می کرده است.

حمام میرزا باقر در سالهای اخیر گرفتار بیماری تغییر نام گردید و اخیراً به نام حمام گلستان خوانده می شود.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۱؛ مزارات اصفهان، ص۱۱۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۷۴.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۱.

محمّد باقر آتشی شیرازی

محمّد باقر شریف آتشی شیرازی، از خطاطین مشهور اصفهان در قرن سیزدهم هجری است که در برخی از مساجد این شهر من جمله مسجد قریه گز، مسجد شاه و مسجد سیّد، از سال ۱۲۵۱ تا ۱۲۶۱ کتیبه هایی به خط ثلث زیبا از او باقی است و سنگ برخی از قبور تخت فولاد نیز به خط مشارالیه می باشد. کتیبه مسجد رکن الملک در تخت فولاد و کتیبه مسجد رحیم خان از کتیبه مسجد سیّد گرده برداری شده است که سال آن ۱۳۰۴ و ۱۳۱۱ می باشد که سال بنا و نصب کاشی می باشد. چنان که در برخی از کتیبه های مسجد سیّد نیز دو تاریخ دارد. یکی تاریخ نوشتن کتیبه و دیگری تاریخ نصب کاشی. سال فوت و مدفن و دیگر گزارش زندگی او فعلاً بر نگارنده مجهول است.(۱)

شیخ محمّد باقر ارونقی*

شیخ محمّد باقر ارونقی تبریزی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. در مدرسه سلطانی (چهارباغ) اصفهان مقیم بوده و به تحصیل علم مشغول بوده است. وی کتاب «بیست باب در معرفت اسطرلاب» تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی را از سال ۱۱۹۲ تا ۱۱۹۴ه.ق تصحیح و مقابله کرده است.(۲)

شیخ محمّد باقر استرآبادی

شیخ محمّد باقر استرآبادی، از علمای اواسط قرن سیزدهم هجری است. اصلش از «ناه کوه» است. وی نزد علمای اصفهان تحصیل نموده و در این شهر برخی از کتب را کتابت نموده است از جمله: حاشیه معالم تألیف ملّا میرزا محمّد شیروانی و غیره.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۱۸ و ۶۴۰؛ آثار ملّی اصفهان، ص۶۳۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۰۱ و ۳۷۲.

۲- نسخه های خطی، دفتر هفتم، ص۵۳۲.

۳- الکرام البرره، ج۱، ص ۱۶۰.

در کتابخانه مجلس شورای ملّی مجموعه ای است به شماره ۳۰۹۹ حاوی چندنامه و رقعه، که در شماره ۱۲ آن را بدین گونه معرفی می کند: «نامه محمّد باقر استرآبادی مدرس اصفهان»(۱)

همچنین در بیاض امام قلی میرزا فرزند نادرشاه نامه ای از صاحب عنوان به علماء بغداد موجود است.(۲)

استاد باقر اصفهانی*

استاد باقر اصفهانی، از معماران چیره دست عصر زندیه است. وی در سال ۱۱۹۴ق مسجد جامع کاشان را که در اثر زلزله آسیب دیده بود را تعمیر کرده است.(۳)

ملّا محمّد باقر اصفهانی

ملّا محمّد باقر اصفهانی، عالم فاضل، متأخّر از علّامه مجلسی است. مشارالیه مؤلّف کتابی است به نام «درج الدّررفی مناقب الائمه الاثنی عشر» به فارسی، که کتاب بزرگی است در حدود سی هزار بیت و به دو قسمت تقسیم می شود:

قسمت اوّل شرح قصیده طویله فارسی مشتمل بر دویست آیه از آیات قرآن مجید و پانصد حدیث همگی در شأن حضرت امیرعلیه السلام و قسمت دوّم کتاب در مناقب سایر ائمه هدیعلیهم السلام می باشد.(۴)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی، در سال ۱۲۶۴ق حاشیه بر معالم، تألیف: شیخ محمّد تقی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۶۸۴ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰ ۴۸۱.

۲- الذریعه، ج۳، ص۱۶۹.

۳- دانش نامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۱۰۷.

۴- الذریعه، ج۸، ص۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰۵.

موجود است.(۱)

و در سال ۱۲۷۰ق «رساله عملیه» (از طهارت تا صیام) را برای حاج محمّد ابراهیم کتابت نموده است. نسخه به شماره ۱۴۲۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی خطاط نسخ نویس. در سال ۱۲۰۱ق نسخه ای از «زاد المعاد» را به خط نسخ نوشته است که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

همچنین «مفتاح الفلاح» شیخ بهائی را کتابت نموده و ترجمه دعاها را با شنجرف نوشته است. ظاهراً ترجمه از خود او باشد. نسخه به شماره ۳۳۳۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۴)

[محمّد باقر اصفهانی نسخه ای از قرآن مجید را به خط نسخ خوش در ماه محرّم ۱۱۸۵ق کتابت نموده که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.(۵)]

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی [از ادباء و فضلای قرن یازدهم هجری در هندوستان است]. جُنگ بیاضی در سال ۱۰۵۶ق در هند نوشته است. در برگ های ۴۸ تا ۵۰ این جُنگ رساله «تحدّی وصاف با کلیله دمنه یا مقایسه قرینه سازی های وصّاف با ابوالمعالی» قرار گرفته است و شاید مؤلف آن محمّد باقر اصفهانی باشد. این جنگ به شماره ۱۰۳۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۶)

۱- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۵۷۲.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۸۶.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص۲۴۳.

۴- فهرست رضوی، ج۶، ص۲۲۲.

۵- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۴۹.

۶- فهرست اهدایی مشکاة، ج۲، ص۶۹۴.

او در سال ۱۰۵۶ مجموعه ای ترتیب داده و از جمله «اثبات واجب» تألیف خفری را در اکبرآباد و رساله دیگری را در سال ۱۰۵۶ق در حیدرآباد هند نوشته است. این مجموعه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی، نسخه ای از «احکام اتّصالات [...]» [لا یقراء] تألیف: محمّد اختیار را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۶۶۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. تاریخ دیگر کتابهای این مجموعه ۱۲۲۳ق می باشد. بنابراین احتمالاً وی نیز در این عصر می زیسته است.(۲)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی، از خطاطین خط نسخ و کتاب نویسان قرن سیزدهم است. از آثارش کتاب «اسفار» است که در سال ۱۲۷۷ق میرزا شمس الدّین نوشته و نسخه به شماره ۲۲۷۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

همچنین کتاب «کبری» را در روز دوشنبه ۲۹ شوّال ۱۲۶۸ق در سیچان اصفهان نوشته است. نسخه در کتابخانه دانشکده حقوق تهران موجود است.(۴)

شیخ محمّد باقر اصفهانی

شیخ محمّد باقر اصفهانی، از علماء و مدرسین طهران در قرن چهاردهم هجری بوده و از جمله شاگردانش حاج اسماعیل بن شیخ محمّد رضا بهاری همدانی می باشد.(۵)

۱- فهرست اهدایی مشکاه، ج۳، ص۱۲۸.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۲۳۹.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص ۹۲۰.

۴- فهرست حقوق، ص ۱۷۰.

۵- گنجینه دانشمندان، ج۴، ص۳۹۹.

سیّد محمّد باقر امامی*

سیّد محمّد باقر حسینی امامی اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است، او از اساتید هنر قلمدان سازی و نقاشی به شمار می رفته و در گل و بته سازی مهارت بسیاری داشته است و تا سال ۱۲۷۲ق در قید حیات بوده است.(۱)

دکتر باقر آل ابراهیم

دکتر باقر آل ابراهیم بن ملّا محمّد ابراهیم دهکردی، شاعر و ادیب دانشـمند. در سال ۱۳۲۳ق در دهکرد (شهرکرد فعلی) متولّد گردیـده و در مولـد خود تحصـیلات مقدماتی را شـروع نموده، سـپس به اصـفهان آمده و نزد علمای عالیقدری چون حاج آقا رحیم ارباب و شـیخ محمّد حکیم خراسانی به تحصـیل پرداخت و در ضمن آن در مدارس جدید نیز تحصیل نمود و سپس در طهران به دانشسـرای عـالی وارد شـد و لیسـانس ادبیات را اخـذ نمود. سـپس به دانشـگاه طهران رفت و دکترای ادبیات گرفت. سالها در دبیرستانهای طهران به تدریس مشغول بوده و چندین کتاب تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «تاریـخ و تطّور ادبیـات ایران» ۲. «شـرح حال خواجه عبـداللّه انصاری»، وی طبع شـعر داشـته و در شـعر «مهجور» تخلّص می کرده است. این شعر از اوست:

دادم به ره عشق تو از جان و دل خویش

سرمایه یک عمر که اندوخته بودم

سودای مرا بین که خریدم ز تو آن را

کز روز ازل من به تو بفروخته بودم

در وادی سینای دل از نور تَجَلّی

من دوش شهاب قبس افروخته بودم(۲)

۱- هنر قلمدان، ص۱۳۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۷۸؛ شناخت سرزمین چهارمحال، صص ۶۲۸ و ۶۲۹.

محمّد باقر نجف آبادی

محمّد باقر بن ملّا ابراهیم نجف آبادی، از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری بوده و این کتابها به خط او موجود است:

۱. «شرح کبیر یا ریاض المسائل»، از میراث تا آخر کتاب دیات، که به خط نسخ خوب در سال ۱۲۶۳ق نوشته و به شماره ۲۵۰۵ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۱)

[«الوافی فی شرح الواقیه»، که به خط نسخ آن را نوشته و در دوشنبه ۵ شعبان ۱۲۶۳ق از کتابت آن فراغت یافته است. این نسخه به شماره ۷۷۱۸ در کتابخانه مجلس شورا موجود است.(۲)]

۳. «شرح زبده الاصول»، که به خط نسخ در سال ۱۲۶۶ق کتابت نموده و در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۳)

شیخ محمّد باقر کلباسی*

حاج شیخ محمّد باقر کلباسی بن شیخ ابوتراب بن شیخ محمّد جعفر بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل در یکشنبه ۲۷صفر ۱۳۰۸ق در نجف اشرف متولّد شد. مقدمات را در نجف اشرف خواند و در سال ۱۳۳۰ق به اصفهان بازگشت.

در اصفهان نزد آخوند فشارکی، آخوند گزی و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای به تحصیل پرداخت. پس از آن به اقامه نماز جماعت در مسجد حکیم و حل و فصل مشکلات مردم پرداخت. وی سرانجام در ۲ شعبان ۱۳۹۵ق وفات یافته و در تکیه میرزا ابوالمعالی در تخت فولاد مدفون شد.(۴)

۱- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۴۷۳.

۲- فهرست مجلس، ج۲۶، ص۲۰۷.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۰۷.

۴- مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص ۱۸۲-۱۸۰.

شیخ محمّد باقر اصفهانی

حاج شیخ محمّد باقر بن ابی جعفر اصفهانی، واعظ و عالم محقّق، مؤلّف کتاب «خیرالکلام» در عقائد شیعه. ظاهراً وی ساکن هند بوده و کتابش در هندوستان به طبع رسیده است.(۱)

میرزا محمّد باقر مجدالاطباء

میرزا محمّد باقر مجدالاطبّاء بن شیخ ابوطالب بن شیخ محمّد جعفر بن محمّد باقر بن میرزا عبداللّٰه شیخ الاسلام بن میرزا محمّد رحیم بن میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب شیخ الاسلام، از اطباء قرن چهاردهم هجری. در مدرسه دارالفنون طهران به تحصیل طب پرداخته و در اصفهان طبابت نمود. در اصفهان نیز طب قدیم را نزد حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی آموخته بود.(۲) [مرحوم مهدوی قبر او را در تکیه ریزی نوشته است ولی قبر او نزدیک تکیه میر محمّد صادقی و ملک در تخت فولاد مشاهده شد. تاریخ فوت او ۱۴ ذیقعده ۱۳۵۳ق بوده است.(۳)]

میر محمّد باقر حسینی اصفهانی*

میر محمّد باقر بن ابوطالب حسینی اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. وی کتیبه حاشیه جعبه ترازوی چوبی موجود در موزه بِرن سوئیس را به خط ثلث خوش نوشته است.(۴)

میرزا محمّد باقر حسینی نطنزی

میرزا محمّد باقر حسینی نطنزی بن ابوعلی، شاعر ادیب و دانشمند از فضلاء و سخنوران قرن یازدهم هجری است. در اوایل قرن یازدهم هجری متولّد شده و در

۱- الذریعه، ج۷، ص۲۸۴.

۲- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

۴- جلدها و قلمدان های ایرانی، ج۱، ص۱۴۹.

اصفهان به تحصیل پرداخت. در شعر و ادب استاد بود و خطوط مختلف را خوش می نوشت و از حکمت، نجوم، هیئت، ادبیات عرب، منطق و فقه و حدیث با بهره بود. شاه عباس ثانی او را اکرام و احترام می کرد و میرزا محمّد باقر سالها در امور دیوانی به خدمت مشغول بود و پس از فوت برادرش میرزا محمّد شفیع، وزیر سرکار قورچیان شد. [او صاحب مال و مکنت فراوان بود و آثار خیریه همچون تکایا، حمام، مساجد و مساکن بسیاری را احیا کرد و مزرعه ای به نام خویش به نام «باقرآباد» احداث نمود. خوشبختانه وقف نامه آثار موقوفه میرزا باقر به تاریخ ۱۷ جمادی الثّانی ۱۰۸۵ق موجود است. هرچند آثار موقوفه اغلب از بین رفته و یا به مرور زمان به تصرف غاصبین موقوفات درآمده است.

او در سوارکاری و تیراندازی و جنگاوری بسیار چابک و ماهر بود. سرانجام در قزوین وفات یافته و پیکرش به مزرعه «باقرآباد» از توابع «بُرز رود» نطنز منتقل و به خاک سپرده شد و مدتی بعد استخوان های او را به نجف اشرف برده و به خاک سپردند.

باقر نطنزی، مانند اغلب شعرای آن زمان پیرو سبک هندی بوده و با شاعران عهد خویش صائب تبریزی، میرزا طاهر وحید قزوینی، میرزا محمّد سعید حکیم و دیگران مراوده و مشاعره داشته است. دیوان اشعار او با عنوان «دیوان میرزا محمّد باقر حسینی» در سال ۱۳۶۹ش با ویرایش دکتر میرجلال الدّین کزّازی به چاپ رسیده است.]

این شعر از اوست:

پیش من خیره نظر بر رخ جانان کردن

تیشه بر صورت شیرین زدن فرهادست(۱)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۹۸؛ نتایج الافکار، ص۱۱۸؛ تذکره حسینی، ص۷۲؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۲۵؛ تذکره آتشکده (بخش سوم از نیمه نخست)، ص۹۲۶؛ تذکره غنی، ص۲۴؛ دیوان میرزا محمّد باقر حسینی، صص۱۸-۸؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، ص ۱۲۵-۱۲۲.

میر محمّد باقر شهرستانی

میر محمّد باقر بن ابوالفتوح موسوی شهرستانی، عالم فاضل و خوشنویس ماهر، اصلاً از اهالی محلّه «شهرستان» اصفهان است. [در اصفهان نزد دانشمندان این شهر به تحصیل پرداخت. خطوط نسخ و رقاع را خوش می نوشت. وی کتاب «درّ ثمین» که ترجمه کتاب «کشف الیقین» علّامه حلّی است را نوشته که به شماره ۱۲۰۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)]

وی نسخه ای از نهج البلاغه را به خط نسخ و رقاع خوش در جمعه ۲۸ رمضان ۱۰۹۰ق کتابت نموده که در کتابخانه معتمد موجود بوده است.(۲) همچنین نسخه دیگری از «نهج البلاغه» را در پنج شنبه ۱۱ شعبان ۱۰۸۶ق به خط نسخ و رقاع خوش کتابت نموده که در کتابخانه مجلس سنای سابق (کتابخانه شماره۲ مجلس شورا) موجود است.(۳)

وی نسخه ای از «صحیفه سجادیه» را به خط نسخ و رقاع خوش در ۱۱ شعبان المعظّم ۱۰۸۶ق کتابت نموده که در مجموعه آقای سهیلی وجود داشته است.(۴)

سیّد محمّد باقر آسیاب پری

سیّد محمّد باقر موسوی آسیاب پری ابن آقا سید ابوالقاسم (بن سیّد محمّد باقر) بن آقا سیّد مهدی، عالم فاضل. در حدود سال ۱۲۹۶ه در اصفهان متولّد و نزد علماء و بزرگان شهر همچون حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای و آقا شیخ احمد بیدآبادی و دیگران تحصیل نموده، در مسجد آب بخشان پس از فوت پدر اقامه جماعت می نمود و سرانجام در ۱۸ صفر سال ۱۴۰۷ه.ق وفات یافت و درایوان شرقی صحن امامزاده زینبیه مدفون

۱- فهرست مرعشی، ج ۳۰، صص ۴۶۴ و ۴۶۵.

۲- نسخه های خطی: دفتر سوم، ص ۲۵۱.

۳- فهرست سنا، ج ۱، ص ۹۵.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۴، ص ۱۱۵۰؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.

گردید.(۱)

میرزا محمّد باقر امامی

حاج میرزا محمّد باقر امامی بن سیّد احمد، از سادات امامی اصفهان، عالم حکیم ادیب فاضل زاهد از شاگردان جهانگیرخان قشقائی و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آخوند کاشی و دیگران بوده و کتابی در حکمت و کلام تألیف فرموده، در سن قریب ۹۰ سالگی در ماه صفر ۱۳۶۴ه.ق وفات یافته. در یکی از اطاق های تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد. نگارنده مدتی افتخار شاگردی ایشان را داشت.(۲)

میرزا محمّد باقر شهیدی علوی

حاج میرزا محمّد باقر شهیدی علوی ابن آقا میرزا احمد مدرس خراسانی بن سیّد محمّد حسینی خراسانی، عالم فاضل زاهد، از ائمه جماعت اصفهان. [حدود سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد شده] و نزد پدر خود و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا سیّد مهدی درچه ای، میرزا حسین همدانی و آخوند کاشی تحصیل نمود. وی پس از وفات پدر، در مسجد مقابل مدرسه نیم آورد اقامه جماعت می نمود و در شب ۲۵ محرّم سال ۱۳۸۵ق به سن متجاوز از ۷۵ سالگی وفات یافته و در تخت فولاد جنب مزار فاضل هندی مدفون شد.(۳)

محمّد باقر حسینی مازندرانی

محمّد باقر بن احمد حسینی مازندرانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] در ربیع الاوّل سال ۱۱۲۹ق کتابت نسخه ای از «شرح مختصر السؤل و الامل فی علمی

۱- تاریخچه ارزنان، ص۴۲؛ مزارات اصفهان، ص۲۳۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۷۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۹.

الاصول و الجدل» را به خط نسخ در مدرسه جدید سلطانی (مدرسه چهارباغ) در دارالسّلطنه اصفهان به پایان رسانیده است.

متن کتاب در بالای صفحه و شرح آن در پایین صفحه نوشته شده است. نسخه به شماره ترتیب (۲۱۷۱۲) ۱۴۳۴ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر ثانی بیدآبادی

حاج سیّد محمّد باقر معروف به «حاج آقا» بن حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی، عالم فاضل فقیه کامل و ادیب شاعر. مادرش دختر ملّا علی بن حاج میرزا خلیل طهرانی است. صاحب عنوان پس از وفات پدر (در سال ۱۲۹۰ق) به نجف اشرف مهاجرت نموده و نزد آقا شیخ محمّد حرزالدّین و سایر فضلاء تلمّذ نموده، در فقه، اصول و کلام صاحب نظر گردید. منزل او محفل علماء وادباء و شعراء بوده است.

او پس از فوت عموی خود حاج سیّد جعفر بیدآبادی در سال ۱۳۲۰ق به اصفهان مهاجرت نموده، مرجع مسائل شرعی مردم گردید و به تعمیر و تکمیل مسجد جدّ خود (مسجد سیّد) پرداخته و به نصب ضریح و نصب ساعت اقدام نمود. پس از وقوع استبداد صغیر و آشفتگی اوضاع مملکت، بار دیگر به نجف اشرف مهاجرت کرد، امّا به علّت درخواست های مکرّر مردم اصفهان، به موطن خود مراجعت نموده و به فاصله شش ماه پس از آن در روز سوم رمضان سال ۱۳۳۳ق بر اثر ابتلا به سکته وفات یافته و در مقبره مسجد سیّد مدفون گردید.

وی در نجف اشرف کتابخانه ای با چندین هزار کتاب نفیس داشت که پس از فوت ایشان فروخته شد و در بین فضلای نجف پراکنده گردید. وی در مراتب فضل و ادب

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۵۸۲.

خصوصاً شعر نیز مهارت داشته و صاحب قریحه ای وقّاد و طبعی روان بوده است. این شعر از اوست:

یابن عمّ النّبیّ ایّ معالٍ

لک فی ارفع المدائح تذکر(۱)

میر محمّد باقر خاتون آبادی

میر محمّد باقر بن میر محمّد اسماعیل بن میر محمد باقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل فقیه محقق و ادیب مدقّق، از علمای قرن دوازدهم هجری.

در سال ۱۰۷۰ق در اصفهان متولّد شده [و نزد جمعی از علمای اصفهان از جمله ملّا محمّد باقر محقق سبزواری و پدر دانشمند خود و آقا حسین خوانساری به تحصیل پرداخت و خود عالمی جامع و فقیهی کامل گردید تا جائی که مورد توجّه و عنایت شاه سلطان حسین صفوی قرار گرفته و به دستور او برخی از کتابها را از عربی به فارسی ترجمه کرد و پس از احداث مدرسه چهارباغ او را مأمور تدریس در آن مدرسه نمود. در سال ۱۱۲۴ق نیز او را به سمت «رئیس العلماء» و منصب «ملّاباشی» منصوب نمود.

در سال ۱۱۲۷ق ناگهان بهای گندم و آرد در اصفهان بالا رفت و عدّه ای از فتنه جویان آن را به میر محمّد باقر خاتون آبادی نسبت دادند و عوام النّاس را تحریک کردند و خانه او را به آتش کشیدند. جمعی از جزائریه نیز که مأمور حفاظت خانه او بودند به خانه او ریخته و به ضرب و شتم ساکنان منزل و غارت اثاثیه آن پرداختند، در حالی که شاه سلطان حسین به این بی احترامی اعتنائی نکرد و مورد پیگیری قرار نداد. در این هنگام خاتون آبادی که به بیماری ذات الرّیه مبتلا بود، بر اثر این حوادث بیماریش شدت گرفت] و در سه شنبه ۶ ربیع الاوّل ۱۱۲۷ق وفات یافته و در تخت فولاد در مدرسه ای که پدرش میر محمّد اسماعیل ساخته بود [و اکنون به تکیه خاتون آبادی ها

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۱۹۵؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۵؛ معارف الرّجال، ج۱، ص۱۳۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ اعیان الشیعه، ج۱۳، ص۳۳۳.

معروف است]مدفون گردید.(۱)

[برخی می نویسند که او را زهر داده و شهید کردند و این مادّه تاریخ برای این واقعه سروده شده است:

«آمد «جگر» از «شهید ثالث» بیرون ۱۳۵۰-۲۲۳=۱۱۲۷] (۲)

وی شاگردان بسیاری تربیت نموده است از جمله: سیّد نورالدّین بن سیّد نعمت اللَّه جزائری و فرزندش سیّد محمّد.(۳)

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «آثار علوی» یا «کائنات جوّ»، که نسخه ای از آن در کتابخانه دانشگاه لُس آنجِلِس آمریکا وجود دارد.] (۴)

۲ . «آداب دعا» به فارسی، که نسخه های آن در کتابخانه های دانشگاه تهران، ملک و دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است. (۵)

۳. «رساله در آب نیسان و قمر در عقرب» [که نسخه ای از آن به شماره ۱۲۶۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه ای دیگر در مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) موجود است.] (۶)

۴ . «ترجمه بلدالامین» موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.(۷)

۵ . «ترجمه اناجیل اربعه»

۶. «ترجمه عهدنامه مالک اشتر» که نسخه هایی از آن در کتابخانه های مرکزی دانشگاه تهران، ملّی ملک و ملّی ایران موجود است.(۸)

۱- وقایع السّنین و الاعوام، صص ۵۶۹-۵۵۲.

۲- منتهی الآمال، ص۶۷۷؛ شهیدان راه فضیلت، صص ۳۶۲ و ۳۶۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۴- نسخه های خطی، ج ۱۱ و ۱۲، ص۱؛ فهرست دانشگاه تهران، ج۶، ص۲۷۱۶.

۵- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۶؛ فهرست الهیات دانشگاه تهران، ص۱.

۶- الذریعه، ج۱۹، ص۱۳؛ فهرست سپهسالار، ج۱، ص۱۸۴۴.

۷- الذریعه، ج۲۶، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص۱۶۶۳.

۸- فهرست ملک، ج۲، ص۱۳؛ فهرست ملّی ایران، ج۶، ص۱۳۹؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۷ ص۲۷۱۶.

۷. «ترجمه عیون الحساب» تألیف ملّا محمّد باقر یزدی، [موجود به شماره ۲۱۳۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی] (۱)

۸ .«ترجمه فقه الرضاعلیه السلام» موجود در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم. (۲)

۹ .«ترجمه مشکول» تألیف حاج بابا بن محمّد صالح قزوینی، موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی (۳)

۱۰.«ترجمه و شرح مجمع البیان»

۱۱. «سوره هایی که در فرایض خوانده می شود» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی (۴)

۱۱.«تعقیبات نماز» که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۵)

۱۲.«صیغ عقود نکاح»، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه ملّی ملک.(۶)

۱۳. «لیلیّه» ترجمه از کتاب شیخ صفی الدّین اردبیلی که در کتابخانه نگارنده موجود است.(۷)

۱۴.«ترجمه مکارم الاخلاق» موجود در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی در تهران(۸)

۱۵.«نوروزیّه» به فارسی، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه شخصی سیّد ناصر میبدی کرمانشاهی در مشهد مقدّس و کتابخانه خاندان میبدی در کرمانشاه(۹) [به منابع مندرج پاورقی نیز رجوع شود.(۱۰)]

۱- فهرست مجلس، ج۶، ص۱۰۷.

۲- فهرست فیضیّه (استادی)، ج۲، ص۲۵.

۳- ترجمه اناجیل اربعه: مقدمه، ص ۴۳ و ۴۴.

۴- ترجمه اناجیل اربعه: مقدمه، ص۵۲.

۵- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۵۴.

۶- فهرست مشکات، ج۳، ص۲۶۱۷؛ فهرست ملک، ج۶، ص ۸۱.

۷- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۷.

۸- ادبیات فارسی استوری، ج۲، ص۷۷۳؛ الذریعه، ج۲۲، ص۱۴۷.

۹- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۶، ص۲۷۱۶؛ فهرست شخصی میبدی، ج۱، ص ۳۸ و ۳۹؛ فهرست خاندان میبدی، ص۱۴۹.

۱۰- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴، تتمیم امل الآمل، صص ۷۷ و ۷۸؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۴۱ و ۴۲؛ الکواکب المنتشره، ص۸۷؛ نجوم السماء، ص۲۷۵؛ مفاخر اسلام، ج۸، ص۵۳۳؛ تاریخ و تذکره حزین، صص ۲۰۹ و ۳۶۰؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۳۷؛ تراجم الرّجال، ج۲، صص ۵۹۲ و ۵۹۹؛ علّامه

مجلسی (طارمی)، صص ۲۵۷-۲۵۳؛ مکارم الآثار، ج ۱، ص ۱۱۲؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص ۴۳۵ و ۴۳۶.

میرزا محمّد باقر طبیب

میرزا محمّد باقر طبیب بن حاج محمّد اسماعیل بن ابراهیم بن حسینعلی بن شمس علی پوده ای سمیرمی اصفهانی، طبیب حاذق و ماهر، در حدود سال ۱۳۰۰ه.ق متولّد شد. تحصیلات خود را در طب نزد حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی انجام داده و به طبابت پرداخت. وی در اصفهان و حبیب آباد برخوار، جندق و انارک به طبابت مشغول بود. سرانجام در شب ۱۱ ربیع الاوّل ۱۳۷۰ه.ق در اصفهان وفات یافته و در صحن تکیه آغاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میر محمّد باقر واعظ

میر محمّد باقر واعظ بن میر محمّد اسماعیل بن میر ابوصالح [بن میر عبدالرزّاق بن میر محمّد اسماعیل اعرجی حسینی اصفهانی]

عالم فاضل، از بزرگان فضلای اصفهان است. وی پیشنماز مسجد جامع جدید سلطانی و مدرس مدرسه میرزا مهدی در بیدآباد اصفهان بوده و در این شهر وفات یافته است.

هفت فرزند او: میر محمّد صادق واعظ، حاج میر محمّد اسماعیل، میر علینقی، میر سیّدعلی، میر محمّد مهدی، میر محمّد کاظم و میر محمّد رضا از علمای اصفهان به شمار می رفته اند.(۲)

در ارشاد المسلمین می نویسد که در سال ۱۱۹۸ق در عداد علماء معروف بوده است. سال وفاتش معلوم نیست.

۱- تاریخچه محلّه خواجو، ص۷۶؛ منتخبی از آثار رجاء زفره ای، ص۹۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰۹ و ۳۱۰.

میر محمّد باقر خاتون آبادی

میر محمّد باقر بن میر محمّد اسماعیل (شاه مراد) بن میر عمّادالدّین محمّد حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل محدّث، از دانشمندان و قرن یازدهم هجری در اصفهان به تحصیل فقه و حدیث پرداخت و بارها به سفر حج رفت. وی در سال ۱۰۶۰ه.ق وفات یافت و در قریه «گورت» از توابع جِی اصفهان مدفون شد. از او جُنگی در ادعیه و احادیث به جای ماند. میر عبدالحسین و میر محمّد اسماعیل خاتون آبادی از فرزندان دانشمند صاحب عنوان هستند.(۱)

آقا باقر سعدالسّلطنه*

آقا باقر اصفهانی ملقّب به سعدالسّلطنه بن آقا اسماعیل، از رجال سیاسی و اداری عهد قاجاریه و از نیکوکاران و خیّرین.

او دائی میرزا علی اصغر امین السلطان (اتابک اعظم) است. ابتدا نزد آقا ابراهیم امین السلطان آشپزی می کرد و به این خاطر در اولین سفر ناصرالدّین شاه در اروپا (سال ۱۲۹۰ق) همراه شاه بود. در سال ۱۲۹۶ق امتیاز ساخت راه شوسه قزوین - تهران به او واگذار شد و سرانجام در سال ۱۳۱۰ق به حکومت قزوین منصوب شد.

وی با دستور میرزا علی اصغر امین السلطان ساختمان قدیمی بقعه شاهزاده حسین را تخریب کرده و بنای جدیدی بر سر آن مزار بنا کرد. همچنین کاروانسرایی در محلّه خیابان قزوین بنا نمود.

در سال ۱۳۲۵ق به جای جلال الدّوله (پسر ظل السلطان) به حکومت زنجان منصوب شد. پس از مدتی بین او و مجتهد با نفوذ زنجان آخوند ملّا قربانعلی زنجانی اختلافات بالا گرفت تا جایی که سرانجام در جمادی الاوّل ۱۳۲۵ق به دستور ملّا قربانعلی، مردم به دارالحکومه ریخته و سعدالسلطنه را مجروح کردند و او پس از دو روز

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ مکارم الآثار، ج۱، ص ۱۳۰.

درگذشت.(۱)

محمّد باقر حسینی

محمّـد بـاقر بن محمّـد اشـرف حسـینی [خطـاط و نسـتعلیق نویس] چنـدین رساله در موضوعات مختلف را در سالهای ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ و ۱۰۴۶ق در قهوه خانه میرزا ولی محمّد نوشته است که به شماره ۷۴۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

آقا محمّد باقر وحید بهبهانی*

آقا محمّـد باقر وحیـد بهبهانی بن ملّا محمّد اکمل اصـفهانی، از اکابر علمای امامیه و از مجتهدین طراز اوّل جهان تشیع، محیی اجتهاد در فقه شیعی، عالم زاهد متقّی، در سال ۱۱۱۷ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر به تحصیل پرداخت. همچنین از درس آقا سیّد محمّـد طباطبائی بروجردی و سیّد صدرالدّین محمّد قمی بهره گرفت. پس از وفات پدر و سـقوط اصـفهان به دسـت افـاغنه، از اصـفهان به بهبهان کوچ کرده و حـدود ۳۰سـال در آن دیـار به تـدریس و تبلیغ و تحقیق مشـغول شـد. پس از آن به عتبات عالیات مهاجرت فرموده و در کربلا ساکن شـد و به معارضه با شـیخ یوسف بحرینی (صاحب حـدائق) پیشوای اخباریان پرداخته و بـا برپائی جلسات علمی و تألیف و تحقیق بر او غلبه کرده و او را منزوی ساخت و طریقه اجتهاد را در آن دیار رواج داد. مجلس درس او پربار و عمیق بود و دهها مجتهـد عالیقدر از این محفل علمی برخاسـتند و شـهرت و اعتبار «وحید بهبهانی» چنان شد که عنوان (آقا) به طور مطلق به او اختصاص یافته و اعقاب و احفادش به نام (آل آقا) معروف شدند. همچنین در بین اهل فضل و اصحاب رجال و تراجم به «استاد الکل» شهرت یافت. لقب «وحید» را نیز استاد و پدر همسرش سیّد

۱- شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۱۸۱؛ چهل سال تاریخ ایران یا الماثر و الآثار، ج۱، ص۳۱۴؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۳۰۰؛ مینو در یا باب الجنه قزوین، ص۶۹۲.

۲- فهرست مرعشی ج۱۹، ص۲۲۶.

محمّد طباطبائی بروجردی به او عطا کرد.

وحید بهبهانی در سال ۱۲۰۵ق وفات یافته و در رواق حرم مطهر امام حسین علیه السلام نزدیک قبور شهدای کربلا مدفون شد. مادرش فرزند نورالدّین محمّد بن محمّد صالح مازندرانی بوده و محمّد صالح داماد ملّا محمّد تقی مجلسی است.

او تألیفات فراوانی از خود به جای نهاده است که از آن جمله است:

۱. «حاشیه علی مدارک الاحکام» ۲. «حاشیه علی المعالم» ۳. «الفوائد الحائریه» ۴. «مصابیح الظلام» در شرح مفاتیح الشرایع(۱)

محمّد باقر بن امین

محمّد باقر بن آقا امین، از علمای اواخر عهد صفویّه است. وی در سال ۱۱۰۴ق وفات یافت و در تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ محمّد باقر الفت

شیخ محمّد باقر بن حاج شیخ محمّد تقی آقا نجفی، عالم فاضل عارف ادیب جامع معروف به «الفت»، در جمعه دوم جمادی الاوّلی ۱۳۰۱ه.ق متولّد شده، در اصفهان نزد

۱- علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۷۸-۵۷۴؛ معجم مؤلفی الشیعه، صص ۷۹ و ۸۰؛ شرح زندگانی استاد کل وحید بهبهانی، مرآه الاحوال، ج۱، صص ۱۴۹-۱۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۵ و ۴۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۳۴؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۷۵ و ۷۶؛ قصص العلماء، صص ۲۰۹-۲۰۳؛ تذکره العلماء، صص ۱۴۰-۱۳۷؛ روضات الجنات، ج۲، ص۹۱؛ الکنی و الالقاب، ج۲، صص ۱۰۹ و ۱۱۰؛ فوائد الرضویه، ص۴۰۴؛ هدیه الاحباب، صص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۵۱؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۹۰؛ الاعلام، ج۶، ص۲۷۳؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۲۲۰؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۰ و ۳۱۱؛ الذریعه: اغلب جلدها؛ دانشمندان سخن سرایان فارس، ج۴، صص ۷۹۶-۷۸۹؛ معجم المطبوعات، ج۱، ص۵۹۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۴۷۴؛ بغیه الطالب، ص۱۷۱؛ تتمیم امل الآمل، صص ۷۴ و ۷۵.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۸.

پدر بزرگوارش و در نجف اشرف نزد علماء اعلام از آن جمله آخوند خراسانی و آقا ضیاءالدّین عراقی تحصیلات خویش را به پایان رسانید. در اوائل مشروطیت در عداد آزادیخواهان وارد شده، در سال ۱۳۰۷ خورشیدی از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید. او در طی مسافرت های خود به ایران و خارج در خدمت آقا سیّد محمّد غمام عارف مشهور رسیده و دست ارادت بدو داده و در اصفهان در گوشه انزوا به سر برده، روزگار به تألیف و تصنیف می گذرانید.

[صاحب عنوان صاحب معلومات فراوان در علوم مختلف و در سجایای اخلاقی و ملکات فاضله کم نظیر و منزل او محفل دانشمندان و اهل ادب بود.]

وی سرانجام در ۲۶ ربیع الاوّل سال ۱۳۸۴ق (۱۳۴۳ش) وفات یافته و در بقعه پدر خود جنب امامزاده احمد مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را میر سیّد علی خان نوربخش (آزاد) گوید:

گفت آزاد بهر تاریخش:

حیف الفت ز ما برید الفت

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به برنا نیز در وفات او چنین سروده است:

خامه «برنا» دو تاریخ از پی فوتش نوشت

هر یکی در مصرعی با سال هجری عرب

«بود از الفت مصفّا گلشن اصحاب علم»

«بود با الفت موقّر ساحت اهل ادب»

ماده تاریخ وفاتش به شمسی نیز چنین است:

بهر سال وفاتش دو تاریخ

زد به شمسی رقم کلک «برنا»

«الفتی بین ارباب دل نیست»

«رفت از بین ما الفت ما»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ «ابـواب الروضـات» (فهرست بر روضـات الجنـات است که مسـتقلاً به طبـع رسـیده است.) ۲ و ۳. پرورش اسـتقلال و وسائل رسـتگاری که از کتب خارجی ترجمه نموده و در مجله آفتاب به طبع رسانیـده است. ۴. «تاریخ مداخله شـیعه در امور سیاسی» ۵.

«داستان هفت برادر» ۶. «دانشنامه» که به طبع رسیده ۷. «دیوان اشعار»، مطبوع ۸. «رساله میهمانی به قلم افلاطون»، ترجمه از عربی، به طبع رسیده ۹. «کشف الحجب در اسامی کتب» ۱۰. «سفرنامه» در دو مجلد ۱۱. «نسب نامه الفت» ۱۲. «مجمع الاجازات» ۱۳. «تلخیص الروضات». [مجموعه ای از آثارش در یک مجلد توسط دختر نواده اش لاله الفت در سال ۱۳۸۵ش در اصفهان منتشر گردید.]

همچنین ایشان از سال ۱۳۲۹ه.ق مجله آفتاب را در اصفهان منتشر ساخته است.

از اوست:

بر تارک قدرش نرسد افسر خورشید

آن سر که به خاک قدم چون تو کس افتاد

***

وجود خاکی من گرچه از تو رفت به باد

خوشم از این که به یکباره رفته ام از دست(۱)

میرزا محمّد باقر مدرّس

میرزا محمّد باقر بن میر محمّد تقی بن میر سیّد حسن مدرّس،عالم فاضل، در حدود سال ۱۳۱۴ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد علماء این شهر تحصیل نموده، ازائمه جماعت مسجد حاج ابوالمحسن در محلّه پاقلعه بود. در ظهر چهارشنبه ۳۰ رجب ۱۳۸۸ق به سن متجاوز از ۷۰ سالگی وفات یافته، در بقعه جدّش میر سیّد حسن مدرس در مسجد رحیم خان مدفون گردید.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۵ و ۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، صص ۶۱-۳۸؛ مزارات اصفهان، صص ۵۴ و ۵۵؛ گلهای ادب، ص۴۷؛ دیوان الفت، مقدمه؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۹۸؛ گنج زری بود درین خاکدان، ج۱، مقدمه؛ آئین فرزانگی، ج۲، صص ۱۱۸-۱۱۵؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، ص۳۲۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۵ و ۴۰۶؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۹.

شیخ محمّد باقر نجفی (کبیر)

شیـخ محمّـد باقر نجفی مسـجد شاهی ابن شـیخ محمّـد تقی ایوان کیفی رازی نجفی اصـفهانی، از بزرگان علماء و مجتهدین و رؤسای ملّت و دین، مادرش نسـمه خاتون معروف به «حبابه» دختر شـیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی و پـدرش شـیخ محمّد تقی رازی صاحب حاشیه از مجتهدین بزرگ قرن سـیزدهم هجری است. در سال ۱۲۳۵ق (و یـا به قول مرحوم الفت در نسب نـامه ۱۲۳۴ق) در اصـفهان متولّـد شـده و مقـدّمات علـوم را فرا گرفت. سـپس بـا مـادر خود به نجف اشـرف مهـاجرت نموده و نزد صاحب جواهر، شیخ انصاری و شیخ حسن کاشف الغطاء (دایی خود) به تحصیل پرداخت. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به تدریس و ترویج دین اشـتغال جست. پدر دانشـمندش شیخ محمّد تقی و همچنین حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی و سیّد صدرالدین عاملی را از دیگر اساتید ایشان بر شمرده اند.

وی در مسـجد شـاه [مسـجد امـام فعلی] به تـدریس پرداخت و صـدها تن از علماء و فضـلاء از او کسب فیض نمودنـد. [اسامی ۷۱تن از شاگردان آن بزرگمرد در تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان آمده است.] کم کم مقام علمی بر همگان آشـکار شد و نفوذ و شهرت ایشان در اصفهان زیاد شد تا جایی که در ردیف علمای طراز اوّل اصفهان قرار گرفت و به اجرای حدود الهی و احکام شرعی اقدام نمود.

از اقدامات مهم اجتماعی ایشان کمک به فقراء و مؤمنین در قحطی سخت و جانکاه سال ۱۲۸۸ق (معروف به سال آدم خوری) است. همچنین در سال ۱۲۹۲ق که دولت قاجاریه قصد داشت مالیات ناعادلانه برای مردم اصفهان وضع کند، او به طهران رفته و موفق به لغو این تصمیم و معافیت مردم از پرداخت مالیات گردید.

شیـخ محمّـد بـاقر نجفی در اصـفهان پشت و پنـاه ضـعفا و حـامی سـتم دیـدگان بود و در برابر طمعکـاری و ظلم و تعـدّی ظلّ السّـلطان و اتباع او ایسـتادگی می کرد. او در برابر بدعت ها و انحرافات فرقه های ضالّه به مبارزه برخاسـته و احکام شرع را در مورد آنان به اجرا گذاشت.

سرانجام در سال ۱۳۰۰ق به ناگاه به عتبات عالیات هجرت نموده و پس از زیارت آستان مقدس حسینی علیه السلام در کربلا، به نجف اشرف رفته و به زیارت مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شتافت و در شب پنج شنبه ۸ صفر المظفّر ۱۳۰۱ق وفات یافته در بقعه جدّ مادری خود شیخ جعفر کاشف العظاء در نجف مدفون گردید.

حاج میرزا علی مستوفی انصاری (پدر حاج میرزا حسن خان جابری انصاری مورّخ و ادیب مشهور) جهت او مرثیه و مادّه تاریخ سروده و گوید:

سال تاریخش از انصاری جستم گفتا

«موطن شیخ نجف بود بانجام و ازل»

۱۳۰۱ق

صاحب عنوان به تقوا و عبادت و اخلاق حسنه و ملکات فاضله معروف بود. از آثار خیریه او بنای مسجد نو در بازار بزرگ اصفهان در سال ۱۲۹۹ق است.

وی کتب و رسایل چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «رساله در استصحاب» ۲. «شرح هدایه المسترشدین» بحث حجیه الظن که در سال ۱۲۸۳ق به ضمیمه کتاب «هدایه المسترشدین» به طبع رسیده است. [اخیراً با تصحیح محقق ارجمند آقای شیخ مهدی باقری به چاپ رسیده است.]۳. «لبّ الاصول» ۴. «لُبّ الفقه» که جلد طهارت آن در کتابخانه آقا سیّد حسن صدر کاظمی موجود بوده است. [۵. «حاشیه» فتوائی بر «نخبه» حاج محمّد ابراهیم کلباسی در عبادات. ۶. تعلیقه فتوایی بر رساله صلاتیه پدرش شیخ محمّدتقی (مطبوع).(۱)]

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۳۴۰-۳۱۳؛ قبیله عالمان دین، صص ۶۲-۴۳؛ شرح هدایه المسترشدین، صص۴۲-۱۵؛ رساله صلاتیه، صص ۵۳-۴۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۶۵؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ اعیان الشیعه، ج۴۴، ص۱۰۴؛ بغیه الطالب، ۱۷۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۹۹؛ نجوم السماء (تکمله)، ج۲، ص۳؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۰۴؛ فوائد الرضویه، ص۴۱۰؛ هدیه الاحباب، ص۲۰۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۱۰۰۷؛ احسن الودیعه، ج۲، ص۱۶؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۲۹۰؛ الذریعه، ج۲، ص۲۴، ج۲، صص ۲۸۲ و ۲۸۷؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۶۶۷-۶۶۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۴۰-۱۳۷؛ شرح حال عباس میرزا ملک آرا،صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

سیّد محمّد باقر رویدشتی

سیّد محمّد باقر رویدشتی اصفهانی نائینی ابن سیّد محمّد تقی بن میر صدرالدّین محمّد بن امیر غیاث الدّین. عالم فاضل و طبیب متّقی، در سال ۱۲۳۲ق متولّد شد. وی از غایت زهد کمتر طبابت می نموده، لکن کمال حذاقت را داشته است. در سال ۱۳۳۵ق به سنّ یکصد و سه سالگی وفات یافته و در صحن امامزاده سلطان سیّدعلی در نائین مدفون شد.(۱)

علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی

علّامه ملّا محمّد باقر بن ملّا محمّد تقی بن مقصود علی مجلسی، عالم فاضل و محقّق کامل و متکلّم جامع، مجدّد مذهب شیعه در قرن یازدهم هجری. از اعاظم علماء و اکابر فقهاء و محدّثین شیعه.

در سال ۱۰۳۷ق در اصفهان متولّد شده و نزد علماء و فقهای عالیقدر به تحصیل پرداخته و از برخی از آنان اجازه دریافت نموده است که عبارتند از: قاضی ابواشرف اصفهانی، ملّا محمّد تقی مجلسی، شیخ حسن بن شیخ زین الدّین عاملی معروف به «شیخ حسن صغیر»، ملّا حسنعلی شوشتری، قاضی امیرحسین، سیّد حسین بن سیّد حیدر بن قمر حسینی کَرَکی، ملّا خلیل قزوینی، میرزا رفیعا نائینی، ملّا محمّد شریف رویدشتی، ملّا محمّد صالح مازندرانی، ملّا محمّد طاهر قمی، سیّد علی خان مدنی شیرازی، سیّد شرف الدّین علی طباطبائی شولستانی نجفی، سیّد نورالدّین علی موسوی عاملی، شیخ علی بن محمّد بن حسن بن شهید ثانی معروف به «سبط شهید»، شیخ فخرالدّین طُریحی نجفی، میر فیض اللّه طباطبائی قهپائی، میر محمّد قاسم طباطبائی قهپائی، ملّا محمّد محسن فیض کاشانی، ملّا

۱- تاریخ نائین، ص۱۷۹؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۹۲۸.

محمّد محسن استرآبادی، ملّا صدرای شیرازی، ملّا محمّد عاملی حرفوشی، ملّا میرزا محمّد شیروانی، شیخ محمّد حُرّ عاملی، سیّد محمّد (معروف به سیّد میرزا جزائری)، میر سیّد محمّد مؤمن حسینی استرآبادی

در اصفهان محضر تدریس و بحث و تحقیق داشته و صدها شاگرد از شهرها و روستای مختلف ایران در اصفهان شاگرد مجلس درس او بوده اند. نگارنده در کتاب زندگینامه علّامه مجلسی شرح حال ۱۸۴نفر از آنان را ذکر نموده ام.

علّامه مجلسی در اصفهان امام جمعه و شیخ الاسلام بوده و تمام عمر شریفش به درس و بحث و ترویج دین و تألیف کتب احادیث و اخبار آل محمّدعلیهم السلام و اجرای حدود و احکام و امر به معروف و نهی از منکر، احقاق حقوق مردم، دفع شرّ ظلمه، قلع و قمع بدعت های صوفیّه و غیره گذشته است.

[تألیفات علّامه مجلسی از لحاظ کثرت و جامعیت و تنوع کم نظیر است. او با ترجمه کتابهای فقهی و حدیثی به فارسی روان برای مردم فارسی زبان، سهم عمده ای در ترویج معارف شیعه داشته و تعداد بسیار زیاد نسخه های خطی از تألیفات او و چاپ های زیاد از کتابهای او تأثیر فوق العاده او را بر پیروان مذهب شیعه امامیه نشان می دهد. او اهتمام زیادی برای گردآوری احادیث منقول از معصومین علیهم السلام داشته و در این راه از تمام توان خود و شاگردان و دوستانش استفاده کرده و مجموعه ای عظیم که در نوع خود دائره المعارف بزرگ حدیث بوده را تألیف نموده و خدمت بزرگی به تمدن اسلام نموده است.

او اهل عبادت و تهجّد و مراقبه بوده و موفقیّت ها و دستاوردهای او حاصل این راز و نیازها و تهذیب نفس و تعبُّد اوست.]

در برخی از کتب اشعاری را به علّامه مجلسی نسبت داده اند که صحیح نیست. بلکه اشعاری است از شاعری اصفهانی ساکن هندوستان به نام مجلسی اصفهانی.

علّامه مجلسی سرانجام در روز ۲۷ رمضان المبارک سال ۱۱۱۰ق وفات یافته و در مسجد جامع اصفهان جنب مزار پدر بزرگوار خود مدفون گردید.

قبرش از همان زمان وفات تا امروز مورد توجّه عموم مردم خصوصاً مؤمنین و

مقدّسین بوده و مردم به وسیله آن از خداوند حاجت می طلبند و اکثراً به مراد می رسند.

درباره وفات او اشعار و ماده تاریخ های فراوانی سروده شده که بهترین آنها این بیت است:

ماه رمضان چو بیست و هفتش کم شد

تاریخ وفات باقر اعلم شد

۱۱۱۰=۱۱۳۷-۲۷

[مرحوم مهدوی ۱۶۹ کتاب و رساله از علّامه مجلسی را در کتاب زندگینامه علّامه مجلسی معرفی کرده و محل نگهداری، سال تألیف، سال کتابت و سال چاپ و موضوع آنها را ذکر کرده است.(۱)]

کتابهای زیر از تألیفات علّامه مجلسی است:

۱. «بحارالانوار» ۲. «حلیه المتقّین» ۳. «مرآه العقول» ۴. «عین الحیاه» ۵. «حقّ الیقین» ۶. «مشکوه الانوار» ۷. «جلاء العیون» ۸. «تحفه الزّائر» ۹. «ربیع الاسابیع» ۱۰. «زاد المعاد» ۱۱. «مقباس المصابیح» ۱۲. «حیاه القلوب»

محمّد باقر خضری استرآبادی*

محمّد باقر بن محمّد تقی خضری استرآبادی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. ظاهراً از نوادگان مولانا خضری استرآبادی، از شعرای معاصر شاه طهماسب صفوی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی (۲جلد)؛ الفیض القدسی؛ فیض قدسی؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین؛ علّامه مجلسی (تألیف حسن طارمی)؛ علّامه مجلسی مردی از فردا؛ کارنامه علّامه مجلسی؛ کتابشناسی علّامه مجلسی؛ ملّا محمّد باقر مجلسی: زندگی - زمانه - نگاه ها؛ نقدها؛ اندیشه سیاسی علّامه مجلسی؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۸-۳۱۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۲۶-۱۲۱؛ مزارات اصفهان، صص ۳۳ و ۳۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۰۹ و ۳۱۰؛ مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، صص ۱۱۵-۱۱۲؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۱۵۹ و ۲۹۹؛ قصص العلماء، صص ۲۱۹-۲۱۰؛ تذکره العلماء، صص ۱۶۴-۱۵۹؛ امل الآمل، ج۲، ص۲۴۸؛ روضات الجنات، ج۲، ص۱۱۴؛ شمس التّواریخ، ص۱۳؛ الاعلام، ج۶، ص۴۸؛ الذریعه: مجلدات مختلف.

است.(۱)

در مدرسه جدّه اصفهان ساکن بوده و در آنجا کتاب «هیئت» و «قانونچه» را به خط نستعلیق، در سال ۱۰۹۹ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه علّامه طباطبائی شیراز موجود است.(۲)

ملّا محمّد باقر ابوالفقراء گزی

ملّا محمّد باقر گزی معروف به «ابوالفقراء» شاعر ادیب فاضل فرزند ملّا محمّد تقی، در قریه گز بُرخوار اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل علم و ادب در اصفهان ساکن شده و انجمن ادبی ابوالفقراء را تأسیس کرده است. عمّان سامانی قصیده انجمنیه ای برای این انجمن ادبی سروده است(۳) و مرحوم ابوالفقراء نیز شعر می گفته و کتابی به نام کنزالفقراء تألیف نموده است که به شماره ۲۱۷۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. سرانجام در سال ۱۲۸۶ه.ق وفات یافته، جنازه به زادگاهش منتقل و در آنجا مدفون شد.(۴)

مشارالیه دائی آخوند ملّا عبدالکریم گزی می باشد. ماده تاریخ وفاتش را پرتو شاعر و خطاط معروف سروده است:

آه و افسوس از ابوالفقراء

که به دانش نبود قرین

هم بُدش جا به صفّه عرفان

هم در ایوان شرع صدرنشین [...]

بیتی آراست بر بدو تاریخ

چون دو ابروی شاهد شیرین

باقر بن تقی ابوالفقراء

رفت اندر مقام علیّن

۱۲۸۶ ۱۲۸۶

۱- تذکره تحفه سامی، ص۲۷۷.

۲- نسخه پژوهی، ج۳، ص۱۰۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ مقدمه دیوان غمگین اصفهان.

۴- رجال اصفهان، ص۶؛ فرهنگ و تاریخ گز بُرخوار، ص ۱۲۰؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۷۹۴.

سیّد محمّد باقر حسینی قزوینی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد تقی حسینی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه جدّه اصفهان ساکن بوده و در سال های ۱۲۳۳ و ۱۲۳۴ق مجموعه ای از ۱۰ رساله را گرد آورده که به شماره ۲۸۱۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

شیخ باقر کیانی فلاورجانی*

حاج شیخ باقر کیانی بن حاج محمّد تقی فلاورجانی، فاضل ارجمند و ادیب فرزانه. در اصفهان نزد میرزا علی آقا شیرازی و حاج آقا رحیم ارباب و دیگران به کسب فیض پرداخت وی در ۲۷ آبان ۱۳۷۰ش وفات یافته و در قبرستان فلاورجان مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد باقر لاهیجی

ملّا محمّد باقر بن محمّد تقی لاهیجی جیلانی اصفهانی، از فضلاء و علماء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته است. به علت اشتراک نام او و پدرش با علّامه مجلسی، کتابهای «تذکره الائمه» و «تعبیر الرّویا» که از تألیفات صاحب عنوان است را به مجلسی نسبت داده اند.

این کتب از تألیفات اوست:

۱. «تذکره الائمه» که در سال ۱۰۸۵ق تألیف شده و چندین بار به طبع رسیده است. ۲. «تعبیر الرّؤیا» یا «تعبیر خواب» که در سالهای ۱۲۹۴ و ۱۲۹۷ق به طبع رسیده است. ۳. «صراط النّجاه»(۳)

۱- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص۱۶۵۴.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۳- الذریعه، ج۴، ص۲۶ و ص۲۰۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۲۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۱۷ و ۱۸ و ۲۲۶ و ۲۲۷.

محمّد باقر باغاتی

محمّد باقر بن محمّد جعفر اصـفهانی باغاتی، خطاط [اواخر دوره صفویه] در ۸ ذیحجه ۱۱۲۳ق نسخه ای از «اللئالی المستخرجه من کلمات المکنونه» تألیف فیض کاشانی را به خط تعلیق شکسته در ۱۴۴ برگ نوشته و کتاب به شماره ۱۰۳۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

[باغات، یکی از محله های اصفهانی و حوالی محلّه حسن آباد و خواجو بوده است.]

سید محمّد باقر عمادالاسلام

سیّد محمّد باقر عمادالاسلام معروف به آقا محمّد فرزند حاج سیّد جعفر بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام شفتی، عالم فاضل ادیب شاعر.

در حدود سال ۱۲۹۵ در اصـفهان متولّد گردیده و نزد فضـلای این شهر تلمّذ نموده و از ابتدای جوانی به تألیف کتب پرداخته از آن جمله: ۱. «الفصول العلیه» در آداب نمـاز شب، که در سـال ۱۳۲۳قمری به چاپ رسیده است. ۲. «هدایه السالکین» و آن شرح چهل حدیث است که صاحب عنوان آنها را ترجمه و شـرح نموده و تألیف آن در جمعه ۱۳ محرم الحرام ۱۳۱۶ به پایان رسیده و نسخه ای از آن به خط آقا میرزا محمّد علی کابلی نزد نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی]موجود است.

وی گاهی شـعر می گفته و «فخر» تخلّص می نموده و خویشـتن را به «فخرالشعراء» وصف و ملقب نموده است. وفات ایشان در سال ۱۳۴۰قمری در شیراز روی داده و در جوار حرم حضرت شاهچراغ (جناب احمد بن موسی علیه السلام) مدفون شد.

این شعر از اوست:

عاشقان دیوانه معشوق خود

طالبان دیوان مطلوب خود

زلف لیلی خار نزد ما بود

نزد مجنون بهتر از گلها بود(۲)

۱- فهرست کتب اهدایی مشکاه، ج۳، ص۳۳۵.

۲- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۷۶ و ۳۷۷.

شیخ محمّد باقر قهی

حاج شیخ محمّد باقر قهی فرزند محمّد جعفر بن محمّد صادق بن عبدالقیوم بن اشرف بن محمّد ابراهیم بن ملّا محمّد باقر سبزواری (صاحب ذخیره) از علماء و رؤسای فرقه شیخیه معروف به «شیخ باقری» است.

وی در روز ۱۰ ربیع الاوّل ۱۲۳۹ق در قریه «قهی» قهپایه اصفهان متولّد گردیده(۱) و در اصفهان به تحصیل پرداخت. [پس از مدتی به حاج محمّد کریم خان کرمانی پیشوای شیخیه پیوسته و سالها در کرمان نزد او به سر برد و از طرف پیشوای خود مأمور ارشاد مردم در نائین و سپس در همدان گردید. در همدان مخالفان شیخیه دست به آشوب زدند و او به ناچار راهی تهران شد و عاقبت الامر در جندق ساکن شد. او پس از فوت حاج کریم خان به مخالفت با فرزندش حاج محمّدخان کرمانی برخاسته مدعی ریاست بر شیخیان شد و فرقه او به «شیخی حاج باقری» مشهور شد.(۲)

صاحب عنوان در ۲۳ شعبان ۱۳۱۹ه.ق در جندق وفات یافته، جنازه به مشهد مقدس حمل و در آنجا مدفون شد(۳)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تحفه النجفیه» ۲. «جواب شبهات وارده بر شیخ احمد» ۳. «رساله در شرح نفس رحمانی» ۴. «رساله در معاد» ۵. «کلیات و اصطلاحات حکمت» ۶. «مشاعر» ۷. «بشارات»، مطبوع ۸. «دره النجفیه»، دو جلد ۹. «میزان در اصول عقاید»، مطبوع ۱۰. «الاجتناب» ۱۱. «اسرار الشهاده» ۱۲. «جبر و تفویض» ۱۳. «کفایه المسائل» ۱۴. «رساله موضع»، مطبوع ۱۵. «اصول فقه»(۴)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۹.

۲- فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۲، صص ۶۳-۶۱.

۳- جندق و قومس در اواخر دوره قاجار، ص ۱۵۰.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۲۲ و ۳۲۳؛ الکرام البرره، ج۱، ص۱۷۶؛ نقباء البشر، ج۱، ص ۲۰۰؛ الذریعه (مجلدات مختلف)؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۶۶.

باقر حمیدی

باقر حمیدی فرزند جعفر، شاعر ادیب عارف در سال ۱۲۸۰ه.ش در اصفهان متولّد شده، در اوایل عمر اندك زمانی به تحصیل علوم قدیمه اشتغال جسته از سال ۱۳۱۸ه.ش در کارخانه نختاب به شغل نظافت مشغول شده است. علاوه بر شاعری در سلسله فقر و ایمان وارد شده از دراویش باایمان است بیشتر اشعارش قصیده است. غزل را نیکو می سروده [در ۲۹ رمضان ۱۳۹۴ه.ق وفات یافته به خاطر ارادت به عرفای نعمت اللهی پاقلعه، در صحن تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)]

از اوست:

آیم چو سایه از پی خورشید روی تو

باد اَر بَرَد چو ذرّه به هر سو غبار من

محمّد باقر نصیری طوسی

محمّد باقر بن محمّد جعفر شریف نصیری طوسی، از فضلاء و نویسندگان کُتُب در عصر صفویه و از خاندان علم و فضیلت بوده است.

وی «الجنه الواقیه» تألیف کفعمی را در ۱۱ محرم ۱۰۷۹ق کتابت نموده و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

کتاب «مختصر النافع» را نیز کتابت نموده و به شماره ۱۹۷۳ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۵؛ تخت فولاد، یادگار تاریخ: مخطوط.
۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۶، ص۹۹.
۳- فهرست وزیری، ج۳، ص۸۱۹.

ملّا محمّد باقر فشارکی

آخونـد ملّا محمّد باقر بن ملّا محمّد جعفر فشارکی، از علماء بزرگ و فقهاء و مجتهدین معروف و مدرسین عالی مقام در عهد قاجاریه است. [در حدود سال ۱۲۵۱ق]در اصفهان متولّد گردیده و در این شهر نزد حاج شیخ محمّد باقر نجفی و میر سیّد حسن مدرس به تحصیل پرداخته و سپس در نجف اشرف از درس علمای عالیقدر آنجا بهره مند گردید. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و در مسجد محلّه نو و مسجد قطبیه به اقامه جماعت و تدریس پرداخت و جمعی کثیر از فضلاء به درس او حاضر می شدند.

او اوّلین کسی است که رسم احیای شب های جمعه در تخت فولاد را گذاشت و در شب های جمعه در مصلای تخت فولاد به قرائت قرآن و نمازو دعای کمیل و توبه و انابه می گذرانید. پس از او مرحوم شیخ مرتضی ریزی و پس از ایشان دیگران (و از جمله حاج میرزا رضا کلباسی) این سنّت سَنیّه را اجرا نمودند. مرحوم فشارکی پس از نماز در مسجد خود منبر تشریف برده و مردم را با بیانات کافیه و مواعظ شافیه ارشاد می فرمود و الحق منابر ایشان جهت عموم طبقات مفید بود.

ایشان در شب یکشنبه ۲۶ رجب ۱۳۱۴ق وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.

[در ماجرای تحریم تنباکو که اکثر علمای اصفهان به زعامت شیخ محمّد تقی آقا نجفی به مخالفت با قرارداد رژی پرداختند، مرحوم فشارکی با تحریم تنباکو مخالفت کرد و تا حدودی از نفوذ و وجهه او در بین عوام کاسته شد.]

وی کتب و رسائل عدیده ای تألیف فرموده که از آن جمله است:

۱. «آداب الشریعه» بارها به چاپ رسیده است. ۲. «آداب صلاه اللّیل» [در سال ۱۳۴۷ق چاپ سنگی شده است.]۳. «اسباب الفقر والغناء والمغفره» [در سال ۱۳۳۲ق به همراه «» چاپ سنگی شده است.] ۴. «اربعین» یا «چهل حدیث» ۵. «تحفه المسعودیه» در امامت ۶. «تنزیه المؤمنین» ۷. «حواشی بر شرح لمعه» ۸. «حواشی بر فرائد» ۹. «حواشی بر قوانین» ۱۰. «حواشی بر متاجر» ۱۱. «ذخیره المعاد» [که در

سال ۱۳۳۲ق به همراه «اسباب الفقر و الغنا» به چاپ رسیده است.] ۱۲. «رساله در تداخل اسباب» ۱۳. «رساله در خیار غبن» ۱۴. «رساله در حیض» ۱۵. «رساله در رضاع» ۱۶. «رساله شرط» ۱۷. «رساله در شهرت» ۱۸. «رساله در صحّت عبادت جاهل» ۱۹. «رساله در طهارت» ۲۰. «رساله در عدم جواز حقّ الرّجوع» ۲۱. «رساله در عدم لزوم تقلید اعلم» ۲۲. «رساله در غنا» ۲۳. «رساله در قرعه» ۲۴. «رساله در منجزات مریض» ۲۵. «رساله در معرفت اسامی چهارده معصوم» ۲۶. «رساله در اموری که سبب طول عمر و حفظ از امراض می شود» ۲۷. «رساله عملیه» ۲۸. «عشریه» ۲۹. «عنوان الکلام» در اعمال ماه رجب، شعبان و رمضان بارها به چاپ رسیده است. [۳۰. «سرمایه ایمان» در اصول دین، موجود در کتابخانه عمومی اصفهان(۱)]

میرزا محمّد باقر روضاتی

میرزا محمّد باقر روضاتی بن سیّد جلال الدّین بن سیّد محمّد مسیح بن آقا سیّد محمّد باقر موسوی چهارسوقی صاحب روضات الجنات، عالم فاضل. در سال ۱۳۱۶ه در اصفهان متولّد شده و نزد سیّد محمود کلیشادی (مغنی گو) و دیگران تحصیل نموده و در مسجد خیابان اقامه نماز جماعت می نمود. سرانجام در ۲۸ رجب ۱۳۸۳ه.ق وفات یافته. در صحن تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۲-۹۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۸ و ۳۱۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۴۱۵ و ۴۱۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۸؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۱۶۹-۱۶۷؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۴۰۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۰۰؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۴۹؛ الذریعه، ج۱، ص۲۱ و ج۲، صص ۱۲ و ۱۸۴ و ۲۴۵ و ج۳، ص۴۷۷ و ج۴، ص۴۵۸ و ج۵، ص۸۴ و ج۱۱، ص۱۵۴ و ج۱۵، ص ص ۲۶۸ و ۳۵۳ و ج۱۷، ص۷۶؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۶، ص ص ۲۶۹ و ۴۲۴ و ۴۵۵ و ۵۹۰؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، صص ۳۶۳ و ۳۶۴؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۵۹؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۸۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۷۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۹.

[سنگ مزار او به خط ثلث زیبای استاد حبیب اللّه فضائلی است.]

شیخ محمّد باقر نجفی

حاج شیخ محمّد باقر نجفی بن حاج شیخ جمال الدّین بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی کبیر، عالم فاضل و فقیه مجتهد، در اصفهان متولّد گردید. مادرش دختر عالم جلیل حاج آقا محسن عراقی بود.

او پس از طیّ مقدّمات و سطح، درس علمای اصفهان میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی و آقا شیخ محمّد رضا نجفی حاضر شده و تقریرات درس مرحوم نجفی را نوشته و از ایشان اجازه رویتی و اجتهاد اخذ نمود که آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی نیز آن را تأیید نمود.

[حکمت را نیز از محضر شیخ محمود مفید در اصفهان و میرزا مهدی آشتیانی در تهران فرا گرفت. مدّتی نیز در درس شهید سیّد حسن مدرس در تهران حاضر شد. او در تصدی امور حسبیه از آیات عظام اصفهانی، بروجردی، حکیم، خوئی و سیّد احمد خوانساری اجازه داشت.]

در جریان قیام علمای اصفهان در سال ۱۳۰۶ش در اعتراض به قانون نظام وظیفه به زعامت حاج آقا نوراللّه نجفی و مهاجرت آنان به قم نیز حضور داشته و تا آخرین دقایق حیات حاج آقا نورللّه نجفی همراه ایشان بود. پس از مدّتی به اصفهان آمده و به تدریس در مدرسه ملّا عبداللّه و اقامه جماعت در مسجد شیخ لطف اللّه و مسجد امام اصفهان مشغول شد. بالاخره در سال ۱۳۳۹ش به طهران مهاجرت نموده و در آنجا ساکن شده و در ردیف خواص اصحاب مجتهد و مرجع عالیقدر سیّد احمد خوانساری قرار گرفته و در جلسات درس، فتوا و جماعت ایشان شرکت می نمود.

[او سالها در مسجد رضائی تهران به اقامه جماعت مشغول بود ولی در اواخر عمر به علّت کهولت و بیماری در منزل بود و در آنجا به حلّ مشکلات مردم پرداخت تا اینکه در سه شنبه یازدهم مهر ۱۳۶۸ش (مطابق با صفر ۱۴۱۰ق) وفات یافته و در جوار

مسجد رضائی در طهران مدفون گردید.[(۱)]

سیّد محمّد باقر امامی دهکردی

سیّد محمّد باقر امامی دهکردی بن آقا سیّد محمّد جواد امام جمعه، عالم فاضل و ادیب شاعر، در حدود سال ۱۳۰۰ق متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی، در اصفهان نزد آخوند ملّا محمّد همامی، آخوند کاشی، جهانگیر قشقائی به تحصیل پرداخت. همچنین در درس آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، آخوند ملّا حسین کرمانی حاضر شد و از آن دو عالم گرانقدر اجازه دریافت نمود.

پس از آن به موطن خود بازگشته و در آنجا مرجع احکام شرعی و حلّ و فصل دعاوی بود. سرانجام در سال ۱۳۶۷ق در اصفهان وفات یافت، جنازه به شهرکرد منتقل و در دامنه تلّ امامیه مدفون گردید.

صاحب عنوان شعر می سروده و «معصوم» تخلّص داشت و در اواخر زندگی آن را به «امامی» تبدیل کرد. «دیوان اشعار» و مثنوی در شرح حدیث حقیقت از آثار اوست.

این چند بیت از یکی از اشعار او در وصف حضرت امام مهدی (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) است.

ای مجلسیان مژده که این ماه برات است

یک بوسه مرا از لب آن ماه برات است

در عالم اگر آب حیات از ظلمات است

زلفت ظلمات است و لبت آب حیات است

تو پیل سواری و من ز اسب پیاده

فرزین چه کنم شاه ز رخسار تو مات است

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۹۱ و ۲۹۲؛ رساله یادبود معظم له که در چهلمین روز درگذشتش منتشر گردید؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

ای صاحب خرمن نظری سوی گدا کن

کاین سائل محروم سزاوار زکات است

گر خسرو شیرین لب شکّر دهن من

گوید سخن تلخ نکوتر ز نبات است(۱)

محمّد باقر قزوینی

حاج محمّد باقر قزوینی معروف به «حاج آقا باقر دردشتی» فرزند حاج محمّد جواد بن حاج آقا محمّد بن حاج محمّد ابراهیم قزوینی، عالم فاضل، در اصفهان متولّد و نزد جمعی از بزرگان و مدرسین تلمّذ نمود. در مسجد آقا نور به اقامه نماز جماعت پرداخته و در محلّه دردشت مرجع امور شرعی مردم بود. وی داماد آقا جلال الدّین نجفی مسجد شاهی بود. و سرانجام در شب سه شنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۶۳ق وفات یافته در تخت فولاد، در تکیه ای مخصوص به نام خودش حاج آقا باقر، که در این اواخر به تکیه خلیلیان معروف است در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

سیّد محمّد باقر عمادالواعظین*

سیّد محمّد باقر عمادالواعظین بن سیّد حبیب اللّه بن سیّد محمّد باقر، از خطبای قرن چهاردهم هجری است. در وعظ و خطابه مهارتی به سزا داشت و محبوب مردم اصفهان بود، ولی در سنین جوانی در روز ۱۳ ذی القعده ۱۳۸۳ق وفات یافته و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید.

«صغیر اصفهانی» مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۹ و ۶۰؛ شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، صص ۴۱-۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۰۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۲۰۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۵.

یکی آمد به جمع و گفت شمسی بهر تاریخش

«عماد اندر جنان مهمان شاه نینوا باشد»(۱)

محمّد باقر بروجنی

محمّد باقر بن محمّد حسن بروجنی، از کاتبان و خوشنویسان پرکار دوره قاجاریه است. در اصفهان ساکن بوده و بیش از چهل سال به کتابت اشتغال داشته است.

[وی در سال ۱۲۹۱ق نسخه ای از «التّحفه السّلطانیه» تألیف سیّد علاءالدّین محمّد گلستانه را به خط نسخ کتابت نموده است.(۲)]

[۲. کتاب «کشف الرّیبه» تألیف شهید ثانی را نیز در سال ۱۳۲۱ق کتابت کرده که چاپ سنگی شده است.(۳)]

۳. «شرح فرائد الاصول» که به خط نسخ در سال ۱۲۹۵ق کتابت نموده و به شماره ۲۳۱۵ در کتابخانه ملی ملک در تهران موجود است.(۴)

۴. «بحر المعارف» در ترجمه مجلد پانزدهم «بحارالانوار» تألیف: شیخ محمّد تقی آقانجفی، که به خط نسخ در سال ۱۲۹۷ق آن را نوشته و چاپ سنگی شده است.(۵)

سیّد محمّد باقر گلستانه

سیّد محمّد باقر بن سیّد حسن گلستانه، از خطاطان اصفهان. خط نستعلیق را زیبا می نوشته و تا سال ۱۲۶۶ه.ق زنده بوده است. او در این تاریخ نسخه ای از «ترجمه توحید مفضل» از تألیفات علّامه مجلسی را به خط نستعلیق خوش کتابت نموده که در کتابخانه علّامه طباطبائی شیراز موجود است.(۶)

۱- بوستان فضیلت، صص ۲۵۷-۲۵۵.

۲- نسخه های خطی، ج۷، ص۵۵۶.

۳- فهرست کتابخانه رضوی، ج۶، ص۵۵۷.

۴- فهرست ملک، ص۴۱۸.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۸.

۶- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: (نسخه خطی).

میرزا محمّد باقر خلیفه سلطانی

میرزا محمّد باقر خلیفه سلطانی ملقّب به «صدر خاصّه» فرزند علّامه فقیه میرزا سیّد حسن بن علاءالدّین حسین مرعشی (خلیفه سلطان)، عالم فاضل معمّر، در اصفهان ساکن بوده و پس از وفات در قبرستان ستی فاطمه مدفون گردید.(۱) وی را تألیفاتی است از آن جمله:

۱. «حواشی بر روضه البهیه» ۲. «شکیات» (۲) ۳. «مفتاح سلیمانی»، در نحو به فارسی(۳)

میرزا ابراهیم بن غیاث الدّین محمّد خوزانی اصفهانی معروف به میرزا ابراهیم قاضی از صاحب عنوان اجازه دریافت نموده است.

سیّد محمّد باقر دُرمیانی

حاج سیّد محمّد باقر دُرمیانی بن حاج میرزا حسن بن سیّد محمّد علی بن سیّد مرتضی بن سیّد ابوالحسن بهاءالدّین محمّد بن میرزا رفیع الدّین محمّد (میرزا رفیعا) طباطبائی نائینی اصفهانی.

صاحب عنوان متصدّی قسمتی از موقوفات میر جمله اردستانی بود موسوم به قریه «دُرمیان» از قراء بُرخوار اصفهان و بدین مناسبت به «دُرمیانی» معروف گردید. مشارالیه فضایل و معلومات زیادی نداشت لکن به واسطه چاپ قرآن معروف به نام او که از بهترین چاپ های قرآن می باشد، معروف و مشهور گردید.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۴.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۴۶؛ الذریعه، ج۶، ص۹۲، ج۱۴، ص۲۱۸.

۳- مجله نسخه پژوهی، دفتر دوم، ص۲۲۶.

سیّد محمّد باقر بهشتی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد حسن بهشتی، عالم فاضل، [در سال ۱۲۷۳ه.ق در اصفهان متولّد گردیده و از محضر درس ملّا محمّد باقر فشارکی، آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و میرزا محمّد باقر صاحب روضات مستفیض شده و به دریافت اجازه از ملّا محمّد باقر فشارکی، آقا نجفی و صاحب روضات نائل آمد. سپس به ترویج دین و اداره محضر شرعی جهت رفع خصومات و ثبت اسناد و عقود و ایقاعات پرداخت. وی از ائمه جماعت مسجد سرجوی شاه و مسجد صحراکارها (گازرها) در محلّه لنبان بود.]

وی در ۷ رمضان ۱۳۴۷ق [و یا سال ۱۳۳۷] وفات یافته در تکیه سادات بهشتی جنب مصلای تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

محمّد باقر مبارکه ای*

محمّد باقر بن محمّد حسن مبارکه ای لنجانی اصفهانی، از نویسندگان کتب در سده سیزدهم هجری بوده و نسخه ای از «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی را به خط نسخ در سالهای ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ق کتابت نموده که به شماره ۹۴۱ در کتابخانه مدرسه صدربازار اصفهان موجود است.(۲)

سیّد محمّد باقر صدر الافاضل سدهی

سیّد محمّد باقر صدرالافاضل بن سیّد حسنعلی بن محمّد بن محمّد رضا بن محمّد علی بن مهدی بن سیّد ابوتراب بن کاظم موسوی سدهی فروشانی، عالم فاضل محقّق.

حدود سال ۱۲۴۴ق در فروشان سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی به عتبات عالیات رفته و از درس علمای اعلام آقا شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ ابوالقاسم کلانتر (از شاگردان شیخ انصاری) و دیگران

۱- تحفه الاحباب، صص ۲۶-۲۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان،ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۲- فهرست کتابخانه صدربازار، ج۳، ص۶۹۹.

بهره مند شده و سپس به زادگاه خود بازگشته و به ترویج دین و تألیف و تحقیق مشغول شده است.

وی در عید فطر (اوّل شوّال) سال ۱۳۲۴ق در مولد خود وفات یافته و در مقبره درب سیّد در قریه فروشان سِدِه مدفون گردید.

صاحب عنوان دارای اجازه از آقا شیخ زین العابدین مازندرانی و میرزا محمّد هاشم چهارسوقی بوده و تألیفاتی نیز دارد که از آن جمله است:

۱. «کتاب فقه» (طهارت و صلاه) مفصّل ۲. «رساله در شرط ضمن عقد» ۳. «منجزات مریض» ۴. «احکام عبادت جاهل» ۵. «صلح فرار از دِین» و غیره.

همچنین او کتاب «زبده الاصول» شیخ بهائی را تصحیح نموده و میرزا عبدالحسین قدسی در سال ۱۳۱۶ق آن را کتابت نموده و در اصفهان چاپ سنگی شده است.(۱)

شیخ محمّد باقر واثق همدانی

حاج شیخ محمّد باقر همدانی متخلّص به «واثق» فرزند آقا ملّا حسنعلی بن محمّد بن میرزای همدانی، عالم فاضل و ادیب شاعر. در سال ۱۲۷۴ه.ق در همدان متولّد شده و در ۱۲۹۵ برای تکمیل تحصیلات خود به اصفهان آمده نزد ملّا محمّد باقر فشارکی و دیگران تلمّذ نمود و در علوم مختلف چون ریاضیات، کلام، فقه، حکمت منطق، تجوید و خصوصاً ادبیات فارسی و عرب تبحّر یافت. وی سالها در مدرسه صدر به تدریس صرف و نحو، معانی و بیان، فقه و اصول و منطق مشغول بود. وی دختر میرزا محمّد علی خوشنویس را به همسری خود انتخاب کرد و سرانجام در شنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۶ه.ق وفات یافته در صحن تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.

وی را آثار و تألیفاتی است از آن جمله:

۱. «دیوان اشعار» قریب به دو هزار بیت ۲. «لیلی و مجنون» ۳. «نصح الحبیب»، بر

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۱؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۱۳۳؛ فهرست رضوی، ج۶، ص۱۲۶؛ نمونه مختصر المکارم، خطی؛ فهرست کتب چاپی عربی، ص۵۰۵.

وزن مثنوی مولوی که در سال ۱۳۱۵ه.ق آن را به نظم آورده است. ۴. تصحیح برخی از مجلدات بحارالانوار

از اشعار اوست:

به قصد آنکه زمانی ز تو کناره کنم

گرفته مصحف حق گفتم استخاره کنم

گشودم آیه قرآن و بود نهی صریح

به حیرتم که به نهی خدا چه چاره کنم

ز استخاره فرقان چو گشته ام مأیوس

دگر به هر که رسم حال استشاره کنم

ز فرقت تو عزیزم تمام شب ها را

دو دست خود به دعا چشم بر ستاره کنم(۱)

محمّد باقر طبیب اصفهانی

محمّد باقر بن حسنعلی حسینی طبیب اصفهانی [خطاط نسخ نویس] در تاریخ ۱۵ رجب ۱۲۲۴ق کتابت نسخه ای از «منتخب اللّغات شاه جهانی» را به خط نسخ در مشهد مقدّس به پایان رسانیده، کتاب به شماره ۷۴۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

[همچنین نسخه ای از «بحارالانوار» (کتاب روضه) تألیف علّامه مجلسی را در سه شنبه ۱۵ رمضان ۱۲۲۶ق به خط نسخ کتابت نموده، که در کتابخانه مدرسه علمیه امام عصر(عج) شیراز موجود است.(۳)]

۱- معادن الافادات، ج۲، ص۲۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۳۷ و ۳۸؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۷۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۲۸ و ۳۲۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۵۸۰.

۳- فهرست امام عصر شیراز، ص۱۲.

وی در سال ۱۲۳۰ق نسخه ای از «شرح نهج البلاغه» تألیف محمّد باقر نواب لاهیجی را کتابت کرده، که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار [مدرسه عالی شهید مطهری] موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر مجتهد گنجه ای

سیّد محمّد باقر بن سیّد حسین بن سیّد ابوتراب موسوی گنجه ای اصفهانی غروی معروف به «مجتهد» عالم فاضل و خطیب بارع، از بنی اعمام مرحوم آیت اللّه سیّد ابوالحسن اصفهانی، در حدود ۱۲۵۵ق در گنجه متولّد شده و در آنجا و نجف اشرف تحصیل کرده و سپس به موطن و مولد خویش مراجعت نموده، به ارشاد و تبلیغ احکام و نشر فضایل و بیان مسائل حلال و حرام در مسجد و منبر پرداخت وی شعر نیز می سروده و «غیبی» تخلّص می نموده است. سرانجام در سال ۱۳۳۵ق به سن قریب به هشتاد سالگی وفات یافت، پدرش نیز از علماء و معمّرین بوده و در حدود سال ۱۳۳۰ق به سن متجاوز از ۱۲۰ سال در گنجه [از روستاهای لنجان] وفات یافته است.(۲)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الایقان» ۲. «تبیان الاحوال» (یا تبیان المقال) در علم رجال ۳. «دیوان غیبی گنجه ای» ۴. «روض الجنان در مواعظ شهر رمضان»، مطبوع ۵. «مرقاه الایقان فی التّقرّب إلی السُّبحان» ۶. «مرقاه الصُّبیان»، منظومه ای به فارسی، که در سال ۱۳۱۷ق در مشهد مقدّس به طبع رسیده است. ۷. «مزامیر الاولیاء»، مطبوع ۸ «منظومه ای بزرگ در غیبت» و غیره.(۳)

۱- فهرست سپهسالار، ج۵، ص۲۴۶.

۲- نقباء البشر، ج۱، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۲.

۳- فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص۲۹۰؛ الذریعه، ج۲۰، صص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ فهرست رضوی، ج۵، صص۲۷۳ و ۳۲۱.

میرزا محمّد باقر بهاء خواجوئی

میرزا محمّد باقر بهاء ابن حسین ضیاء بن ملّا اسماعیل بن محمد جعفر بن ملّا اسماعیل خواجوئی مازندرانی، عالم و شاعر ادیب در سال ۱۲۵۶ق در محلّه خواجوی اصفهان متولّد شده و از نوجوانی به کسب علم پرداخته و در ادبیات فارسی و عرب خصوصاً صرف و نحو و فنون نظم و نثر، نجوم، ریاضی و هندسه مهارت یافت. او خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می نوشت و از طریق مکاتبات شرعی و موعظه مردم امرار معاش می کرد. شعر نیز می سرود و «بهاء» تخلّص می کرد و در سرودن مادّه تاریخ نیز مهارت داشت.(۱)

وی در سال ۱۳۱۶ق در سن ۶۰سالگی وفات یافته و جنب قبر پدر فاضل و هنرمند خود در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بهاءالجنان» به نظم و نثر در مصائب اهل بیت علیهم السلام ۲. «دیوان اشعار»

محمّد باقر یزدی ثانی*

محمّد باقر یزدی ثانی بن محمّد حسین بن محمّد باقر یزدی، از ریاضیدانان دانشمند عهد صفویه و نوه محمّد باقر یزدی مؤلف کتاب «عیون الحساب» است. وی در زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی می زیسته و تا حدود سال ۱۱۰۷ق در قید حیات بوده است.

این کتابها از اوست:

۱. «شرح خلاصه الحساب» که آن را در سال ۱۰۹۹ق تألیف نموده و به شماره ۱۲۸۹۴ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی نجفی موجود است. ۲. «کفایه اللّباب فی شرح مشکلات عیون الحساب» که آن را به شاه سلطان حسین تقدیم نموده و به شماره ۹۴۱۰

۱- حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۸۰-۲۷۸.

۲- مختصری از آثار تاریخچه محلّه خواجو، ص۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷۴۱.

در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی وجود دارد.(۱)

میرزا محمّد باقر منجم

میرزا محمّد باقر بن میرزا محمّد حسین بن بدیع الزمان حسینی گنابادی معروف به منجّم، ادیب، خوشنویس، منجم و ریاضیدان ماهر قرن سیزدهم هجری.

در اصفهان می زیسته و در نوشتن اقلام ستّه استاد بوده و در استخراج احکام نجوم مهارت فراوان داشت و در علم طب کتب متعددی نوشت. وی در اصفهان ساکن بود. در اواخر عمر به تهران رفته. [در حوالی سال ۱۲۶۶ه.ق یا کمی بعد از آن] بر اثر ابتلاء به وبا وفات یافته و در قبرستان سر قبر آقا در همان شهر مدفون شد.(۲)

[مرحوم مهدی بیانی سال وفات او را ۱۲۸۸ه.ق نوشته و مأخذ خود را ذکر ننموده

است.(۳)]

میرزا محمّد حسین منجم تألیفاتی داشته از از آن جمله است:

[۱. «ذخیره»، در ریاضیات، که به شماره ۱۵۶۱۹/۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۴)]

۲. «زیج اصفهان»، که از ۱۴ جمادی الاول ۱۲۳۳ه.ق تألیف آن آغاز شده و نسخه به خط مؤلف در کتابخانه سیّد هبهالدّین شهرستانی موجود بوده است.(۵)

[۳. «شجره نامه» [خاندان بدیع الزمان منجم] که نزد افراد این خاندان موجود بوده است.(۶)]

۱- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۷۰۲.

۲- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، ص۲۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۳.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۵۴.

۴- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

۵- الذریعه، ج۲، ص ۸۲ و ۸۳؛ الکرام البرره، ج۱، ص۱۷۸.

۶- مکارم الآثار، ج۸، ص۲۹۹۲.

وی نسخه ای از «الفوائد الحائریه» تألیف وحید بهبهانی را در سال ۱۲۴۳ق به خط شکسته نستعلیق خوش در اصفهان نوشته است. نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است.(۱)

[همچنین] در آخر شعبان المعظم سال ۱۲۵۷ق نسخه ای از «جبر و مقابله» ملک محمّد بن سلطان حسین اصفهانی را به خط نستعلیق نوشته و نسخه به شماره ۹۵۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی در سال های ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ق کتاب «المسائل» یا «احکام المسائل» تألیف ابی یوسف یعقوب بن علی قصرانی را جهت میرزا محمّد باقر منجّم نوشته است.(۳)

میرزا محمّد باقر موسوی خوانساری

میرزا محمّد باقر بن آقا سیّد حسین بن ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری اصفهانی، عالم فاضل جلیل، در اصفهان نزد جمعی از علماء تحصیل نموده و از ملّا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی (فاضل سراب) اجازه دریافت نموده است و محمّد بن محمّد زمان کاشانی از او اجازه روایتی دارد.(۴)

شیخ محمّد باقر فشارکی

شیخ محمّد باقر بن آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی اصفهانی، عالم فاضل، در حدود سال ۱۳۲۲ق در اصفهان متولّد شده و پس از سکونت در مدرسه صدر نزد پدر دانشمند خود و نیز استاد جلال الدّین همائی، حاج آقا رحیم ارباب و شیخ محمّد حکیم خراسانی به تحصیل پرداخته و دو سال نیز در مشهد مقدّس از درس میرزا عبدالجواد ادیب

۱- فهرست گوهرشاد، ج ۱، ص ۶۳۶.

۲- فهرست دانشگاه، ج ۴، ص ۸۷۵.

۳- فهرست کتب خطی معارف، ص ۱۶۰.

۴- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص ۱۰۴.

نیشابوری بهره گرفت. پس از وفات پدر و قانون متحدالشکل شدن لباس در زمان رضا شاه و سخت گیری حکومت نسبت به روحانیّت، به اجبار از لباس روحانیّت خارج شد و به کارهای اجتماعی مشغول شد. سرانجام در سال ۱۳۷۴ق وفات یافته و جنازه به مشهد مقدّس حمل گردیده و در باغ رضوان آن شهر به خاک رفت.

وی از فضلای مُبَرَّز، متین و ساعی و فهیم و اهل تهجُّد و شب بیداری بوده است.(۱)

سیّد محمّدباقر میردامادی*

حاج سیّد محمّدباقر میردامادی فرزند سیّدحسین بن میرسیّد جعفر،از علماء و فضلاء معاصر در سال ۱۳۱۵ش در خمینی شهر اصفهان متولّد شد. پس از تحصیل علوم ابتدائی وارد حوزه علمیه اصفهان شد و از محضر علمایی همچون شیخ حیدرعلی صلواتی، سیّدمیرزا هاشمی، شیخ عباسعلی ادیب، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سیّد حسین خادمی، سیّدمصطفی مهدوی و شیخ احمد فیاض بهره گرفت.

سپس در قم ادامه تحصیل داده و از درس آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی، شاهرودی، شیخ عبدالجواد اصفهانی و سیّد محمّدباقر سلطانی شرکت نمود. او در سال ۱۳۴۷ش پس از وفات پدر به اصفهان آمده و در مدرسه صدر به تدریس پرداخت و در درس خارج حضرات آیات میر سیّدعلی بهبهانی، حاج آقا رحیم ارباب و سیّد محمّدرضا خراسانی حضور یافت. همچنین در خمینی شهر به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم مشغول شد.

او در خمینی شهر خدمات اجتماعی فراوانی را انجام داد از جمله تأسیس مؤسسات خیریه و صندوق قرض الحسنه، بازسازی و احداث مساجد و حسینیه ها.

او از سال ۱۳۵۷ش به تهران مراجعت کرده به اقامه نماز جماعت ترویج دین و حلّ مشکلات مردم پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب در نهاد نمایندگی ولی فقیه و سازمان

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۰۱.

عقیدتی سیاسی وزارت دفاع به تدریس، سخنرانی و اقامه جماعت اهتمام ورزید.

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «پیام عاشورا» مطبوع در ۲ جلد. ۲. «تقریرات فقهی درس آیت اللّه مرعشی» (کتاب الطهّاره) ۳. «خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت» مطبوع. ۴. «علی علیه السلام در بستر شهادت» مطبوع در ۲ جلد. ۵. «قبل از حج بخوانید» مطبوع ۶. «مواعظ المعصومین علیهم السلام» در ۴جلد. ۷. «ویژگیهای فرماندهان و مدیران از دیدگاه اسلام».(۱)

میرزا محمّد باقر هرندی

میرزا محمّد باقر هرندی بن حاج محمّد حسین نایب الصدر، عالم فاضل، در قرن سیزدهم هجری شیخ الاسلام اردستان بوده است. وی بر کتاب «شرح لمعه» حواشی نوشته است دیگر اثر او «زاد الواعظین» در ۳ مجلد که در سال ۱۳۲۲ق در طهران به طبع رسیده است.(۲)

شیخ محمّد باقر شریعتی دهاقانی

حاج شیخ محمّد باقر بن حاج شیخ محمّد حسین شریعتی، عالم فاضل محقّق. در حدود سال ۱۳۲۲ق در دهاقان متولّد شد و جهت تحصیل علوم دینی به اصفهان رفته نزد حاج میرزا احمد مدرس، حاج آقا رحیم ارباب، شیخ محمّد حسن قاضی عسکر، میرزا علی آقا شیرازی و حاج میرزا محمّد علی نجفی تلمّذ نمود. سپس در قم نزد آیات عظام و علمای اعلام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، حاج سیّد محمّد تقی خوانساری، حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی، شیخ محمّد علی حائری قمی، حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و فیض قمی ادامه تحصیل داده و برای تکمیل آن راهی نجف اشرف شد و در آن سرزمین

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۴۵۶-۴۳۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۴۴؛ مکارم الآثار، ج ۱، ص ۱۵۳؛ الذریعه، ج ۷، ص ۹۸؛ فهرست رضوی، ج ۵، ص ۲۷۵.

مقدّس نزد آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ محمّد کاظم شیرازی، حاج شیخ محمّد حسین کمپانی، حاج آقا ضیاءالـدّین عراقی، حاج سیّد جواد تبریزی و حاج شیخ موسی خوانساری درس خوانـد و به اجتهاد نائل شد. در سال ۱۳۹۱ق پس از تصمیم دولت عراق برای اخراج ایرانیان مقیم عراق، به قم بازگشت و به تبلیغ دین و تحقیق پرداخت و سرانجام در روز یکشنبه ۵ رجب ۱۴۰۶ق در حدود سن ۸۴ سالگی در قم وفات یافته و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید.

این کتب از اوست:

۱. «دعـا و آداب دعـا» ۲. «تلخیص ج۱۴ بحارالانوار» ۳. «ایقـاظ البشـر»، مطبوع ۴. «البیـان فی معرفه اهـل الایمـان»، مطبوع ۵. «فهرست جواهر الکلام» ۶. «عقیده الشیعه»، مطبوع ۷. «منتخب المواعظ»، مطبوع ۸. «منتخب الدّعاء»(۱)

محمّد باقر شهرستانی

محمّد باقر بن محمّد حسین شهرستانی اصفهانی، از علماء و محدّثین اصفهان در قرن یازدهم هجری است. وی از محضر درس علّامه مجلسی بهره گرفته و کتاب «کتاب مزار» از مجموعه «بحارالانوار» را در شنبه ۱۳ محرم الحرام سال ۱۰۸۷ق کتابت نموده و در آن تصریح کرده است که از شاگردان مجلسی است.(۲)

[وی همچنین کتاب «قاموس المحیط» را در پنج شنبه ۱۸ شعبان ۱۰۹۴ق کتابت نموده که به شماره ۴۲۱ در کتابخانه آستانه مبارکه حضرت احمد بن موسی علیه السلام (شاهچراغ) در شیراز موجود است.(۳)]

۱- گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۱۴۷؛ سیمای دهاقان، صص ۲۹۳ و ۲۹۴؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۸۶.

۲- تلامذه العلامه المجلسی، ص۸۲؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، ص ۱۵۰.

۳- فهرست کتابخانه آستانه شاهچراغ، ج۳، ص۶۷.

محمّد باقر طبیب*

محمّد باقر بن محمّد حسین طبیب، از اطباء حاذق قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و «رساله ای در تب» تألیف نموده و آن را به شاه سلیمان صفوی تقدیم کرده است. نسخه ای از این کتاب به شماره ۱۳۴/۵ در کتابخانه دانشگاه بوعلی همدان موجود است.(۱)

شیخ محمّد باقر کربلائی

شیخ محمّد باقر کربلائی فرزند آقا شیخ محمّد حسین صاحب فصول، عالم فاضل، ظاهراً در طهران ساکن بوده است. از آثار او کتابت «سلوان المطاع فی عدوان الاتباع» تألیف ابو عبداللّه محمّد بن ابوالقاسم بن علی قرشی معروف به «ابن مظفر» (م۵۵۴ه) است که در سال ۱۳۰۱ه.ق از کتابت آن فراغت یافته است.

وی در اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان وفات یافت.(۲)

شیخ محمّد باقر صدیقین*

حاج شیخ محمّد باقر بن ملّا حسینعلی صدیقین، عالم فاضل متقّی. در سال ۱۳۰۷ش در اصفهان متولّد شد و نزد پدر بزرگوار خود و همچنین حضرات آیات شیخ هبهاللّه هرندی، شیخ محمّد حسین مشکینی، حاج آقا جمال الدّین خوانساری، آقا میرزا هاشم خوانساری، سیّد محمّد باقر ابطحی سدهی، شیخ محمّد رضا جرقویه ای، سیّد علی اصغر برزانی، سیّد صدرالدّین کوپائی، شیخ محمود مفید، حاج آقا حسین خادمی، میرزا علی آقا شیرازی، سیّد عبدالحسین طیّب، حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخت و به مدارج عالی علم و فضل نائل شد. همچنین از درس میر

۱- فهرست نسخه های کتابخانه بوعلی، ص۶۹.

۲- الذریعه، ج۱۲، ص۲۲۲؛ اعیان الشیعه، ج۴۴، ص۲۱۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۲۰۲.

سیّد علی بهبهانی و حاج آقا حسین بروجردی بهره برد.

ایشـان علاـوه بر مهـارت در فقه و اصول و حکمت، در علوم غریبه نیز مـاهر بوده و به وعظ و خطابه نیز می پرداخته و در تعبیر رؤیا و استخاره نیز زبانزد خاص و عام بود.

وی اغلب در مسجد درکوشک به اقامه جماعت می پرداخت و در منزل به تدریس فقه، کلام و اخلاق مشغول بود.

او عالمی وارسته و همچون پدر بزرگوار خود مرجع حل مشکلات مردم بود و سرانجام در شنبه ۵ جمادی الثّانی ۱۴۱۴ق وفات یافته و پس از تشییع باشکوه توسط مردم اصفهان به تخت فولاد حمل و جنب مرقد پدر بزرگوارش در تکیه کازرونی مدفون گردید.(۱)

میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی

آقا میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی بن حسینعلی طهرانی، عالم زاهد و محقّق جلیل. از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری.

در اصـفهان متولّد شده و نزد سـیّد محمود کلیشادی (مُغنی گو) و آخوند کاشی، مرجع عالیقدر حاج آقا حسین بروجردی (در هنگـام اقامت ایشان در اصـفهان)، آخونـد ملّا عبـدالکریم گزی، حاج آقا منیرالـدّین بروجردی و شـیخ عبدالحسـین محلّاتی به تحصیل پرداخته و به مراتب عالی علم و اجتهاد و نائل آمد و با صبیّه حاج آقا منیرالدّین بروجردی (استاد خود) ازدواج کرد.

او در اصـفهان به تبلیغ و ترویج دین، تألیف و تحقیق و اقامه نماز جماعت در مسجد امامزاده اسماعیل مشغول بود. وی از جمله کسـانی است که در زمـان غیبت کبری به ملاقـات بـا حضـرت ولی اللّه الأعظم -عجل اللّه تعالی فرجه الشـریف- نایل و بـدین افتخار مباهی گردیده است.

۱- روضه رضوان، صص ۲۲۲-۲۱۵.

مرحوم فقیه ایمانی عمر خود را به عبادت و تهجّد و زهد و تقوی گذرانیده، تا اینکه در شب جمعه ۲۰ ذیقعده ۱۳۷۱ق به سن قریب به ۸۰ سالگی وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه کازرونی در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم میرزا حبیب اللّه نیّر گوید:

«لهفی لفقدان ذی علم ناشره

فقیه مذهب اسلام و ناصره

محمّد باقر راوی الاحادیث

تألیف سبعین جلداً من مفاخره

زد واحداً ایها النّیر تؤرخه

توقّف العالم من فقد لباقره»

ایشان کتب عدیده ای تألیف نموده که اغلب درباره امام زمان (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) است از جمله:

۱. «فوز اکبر در توسلات به امام منتظر»، مطبوع ۲. «لواء الانتصار یا شیوه های یاری قائم آل محمدصلی الله علیه وآله» ۳. «سوز هجران»، دیوان اشعار (۱) ۴. «مطلع الانوار» مطبوع.

صاحب عنوان طبع شعر داشته و گاهی به عربی و فارسی شعر می گفته و «فقیه» تخلّص می نموده است.

محمّد باقر قهپائی*

محمّد باقر بن حسین علی قهپایه ای اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری است. او کتاب «روضه المتّقین» تألیف ملّا محمّد تقی مجلسی را به خط نسخ در پنج شنبه ۱۶ جمادی الثّانی ۱۱۳۲ق کتابت نموده که به شماره ۱۰۰۴۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۶ و ۳۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۱؛ مطالع الانوار، صص ۱۴-۵؛ روضه رضوان، صص ۲۵۶-۲۴۳.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۲۶، ص۳۴.

سیّد محمّد باقر احمدآبادی

حاج سیّد محمّد باقر احمدآبادی ابن سیّد حیدرعلی بن میر سیّد علی بن میر علینقلی بن میر محمّد باقر بن میر محمّد اسماعیل واعظ بن میر ابوصالح حسینی، عالم فاضل، از ائمه جماعت اصفهان بوده در سال ۱۲۹۶ه در اصفهان متولّد شد و نزد آقا میر محمّد تقی مدرس، شیخ عبدالحسین محلاتی، شیخ محمد تقی آقا نجفی و حاج آقا منیرالدّین بروجردی به تحصیل پرداخت و به افتخار مصاهرت مرحوم بروجردی نائل شد. وی سالها در مسجد ایلچی احمدآباد اقامه نماز جماعت می نمود و سرانجام در شب ۴ صفر ۱۳۶۳ه.ق وفات یافته در تکیه میر محمّد صادقی ها جنب تکیه ملک در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

شیخ محمّد باقر معلم*

شیخ محمّد باقر بن خالد معلم، از خطاطان ثلث نویس قرن دهم هجری است. وی در اصفهان ساکن بوده و تا سال ۹۵۵ق زنده بوده است.

مرحوم مهدی بیانی نام او را «محمّد باقر» و مرحوم دکتر هنرفر او را «محمّد بابر» قرائت نموده اند.

از آثار او کتابت کتیبه مسجد پیرپینه دوز در محلّه جوباره اصفهان به سال ۹۵۵ق است.(۲)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر بن محمّد رضا اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری بوده و در ربیع الاوّل ۱۰۵۵ق در شهر طوس از کتابت نسخه ای از «منهج المقال» از تألیفات

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۱؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۱۰.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۸۶ و ۳۸۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۵۰.

میرزا محمّد استرآبادی فراغت حاصل نموده و نسخه به شماره ۲۳۵۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

شیخ محمّد باقر زند کرمانی*

شیخ محمّد باقر زند کرمانی بن رضا بن حسن بن مسعود خان بن عبدالغنی خان بن صادق خان زند [برادر کریم خان زند]، عالم فاضل و فقیه کامل و واعظ خبیر از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۳۱۲ق در کرمان متولّد شد. در آنجا ابتدا در مکتب خانه و سپس در مدرسه سعادت به تحصیل پرداخت و از اساتیدی چون احمد بهمنیار و برادرش آقا شیخ محمّد جواد بهره برد. در کنار آن نزد عدّه ای از علمای کرمان به تکمیل تحصیلات خود پرداخته و سپس برای آموختن زبان و علوم جدید در مدرسه مرسلین که توسط انگلیسی ها ساخته شده بود به تحصیل مشغول شد.

او پس از اتمام دروس مقدماتی و سطح راهی اصفهان شد و نزد آخوند ملّا حسین فشارکی، حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی، میر سیّد علی نجف آبادی و میرزا ابوالهدی کلباسی به کسب فیض پرداخت. سپس به قم رفته و در ردیف شاگردان حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی درآمد. در سفر تهران و قم نیز از تحصیل غافل نبود و از بزرگان آن شهرها استفاده می کرد تا این که عاقبت به اصفهان آمد و مسجد جامع اصفهان را که رژیم پهلوی به بهانه بازدید سیّاحان داخلی و خارجی بر روی نمازگزاران بسته بود را دوباره باز نموده و نماز جماعت را در آنجا اقامه نمود. همچنین مدرسه ذوالفقار در بازار اصفهان را مرمّت نمود و در آنجا به تدریس پرداخت.

مرحوم زند کرمانی از عدّه ای از علماء و مجتهدین اجازه اجتهاد اخذ نمود که عبارتند از: ملّا محمّد حسین فشارکی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، آقا میرزا آقا اصطهباناتی و شیخ آقا بزرگ

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۹۶۳.

طهرانی.

او عـالمی آگـاه به زمـان و متعهـد و مسـؤول بود و برای ترویـج شـریعت و امر به معروف و نهی از منکر تلاـش فراوان به عمل آورد. وی در برخی از مجـالس به وعـظ و خطـابه می پرداخت و بـا بیانـات مسـتدل و عالمـانه خـود به مردم درس اخلاـق می آموخت و اصول عقاید و احکام دین را برای آنان روشن می ساخت.

از اقـدامات عـام المنفعه و خیریه ایشـان تأسـیس انجمن خیریه احمـدیه و انجمن خیریه امام حسن عسـکری علیه السـلام و بنای بیمارستان عسکریه در اصفهان بود.

وی در عمر خود به بیماری دیابت مبتلاشده و در آخرین روزهای عمر به کشور آلمان سـفر کرد ولی معالجه ثمری نبخشـید و ایشان در جمادی الثانی ۱۳۸۹ق وفات یافت. پیکر ایشان به اصـفهان انتقال یافته و پس از تشییع باشکوه در تکیه ای مخصوص در تخت فولاد مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «فیوضـات اللّامعه فی حال الکتب الأربعه» ۲. «نبـذه فی تحقیق کتاب قرب الإسـناد و مؤلّفه و أخباره» ۳. «رفع النّزاع من البَین فی الصُّلح المقصود مِنهُ الفرار عن الـدَّین» ۴. «أماره الولایه» ۵. «تاریخ مختصـر نفت در دنیا» ۶. «رساله فقه فارسـی» در احکام آب ها ۷. «سوانح ایام عمری» ۸. «ترجمه خطبه الغدیر» به فارسی(۱)

محمّد باقر معلّم خوراسکانی*

محمّد باقر بن محمّد رضا بن محمّد بن میر حسین معلّم خوراسکانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری است.

وی نسـخه ای از «من لا یحضـره الفقیه» تألیف جناب شـیخ صدوق را به خط نسخ در روز سه شنبه ۱۲ ربیع الثّانی سال ۱۰۵۳ق کتابت نموده و به شماره ۶۴ در کتابخانه

۱- فطرت بیـدار زمان، ج۱؛ تاریخ نائین، صـص ۵ و ۶؛ نام آوران علم و اجتهاد کرمان، صـص ۳۹۶-۳۹۱؛ گنجینه دانشمندان، ج۶، ص۳۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۱۷-۱۱۶.

مدرسه صدر خواجو در اصفهان نگهداری می شود.(۱)

ملّا محمّد باقر قمشه ای

ملّـا محمّـد بـاقر بن حـاج محمّـد رضـا قمشه ای، عـالم فاضل و حکیم بارع، جامع معقول و منقول، از علمای بزرگ [اوایل قرن سیزدهم هجری. در محلّه «فضل آباد» قمشه متولّد شده]و در اصفهان نزد جمعی از علماء فقه و اصول آموخته و سپس به درس «ملّا علی نوری» [و «ملّا اسـماعیل واحد العین»]حاضـر شده است. پس از آن راهی نجف اشـرف شده و در محضر «شیخ محمّد حسن نجفی» (صـاحب جـواهر) کسب فیض نموده و به اجتهـاد نائـل آمـده است. پس از آن به زادگـاه خود مراجعت نموده و مرجع امور شـرعی آن حـدود بوده و جمعی از افاضل آنجا نزد وی به تحصـیل پرداخته انـد. [حاج فرهاد میرزا معتمدالـدّوله از شاهزادگان قاجار اوصاف روحی و مقام علمی او را شـنیده و مشـتاقانه به قمشه شـتافته و در حضور او مشـکلات علمی خود را حل نموده است.]

ملّا محمّد باقر در ادبیات و انشاء نیز مهارتی به سزا داشته و در قدس و تقوا و زهد آیتی کم نظیر به شمار می رفته است.

او سرانجام در سن بین ۸۰ و ۹۰ سالگی در سال ۱۲۹۶ق وفات یافته و در ایوان صحن امامزاده شهرضا مدفون گردید.(۲)

سیّد محمّد باقر حسنی نجف آبادی*

سیّد محمّد باقر حسنی نجف آبادی بن سیّد محمّد رضا، عالم فاضل جلیل، در سال ۱۲۹۷ش در نجف آباد متولّد شد و پس از تحصیل در مکتب خانه، به اصفهان رفت و وارد حوزه علمیه آنجا شد. سپس به قم رفته نزد آیات عظام بروجردی، امام خمینی و

۱- فهرست صدر خواجو، ص۵۳.

۲- سالنـامه فرهنگ شـهرضا، ص۲۴؛ جغرافیـای تاریخی شهرسـتان شـهرضا، صـص ۶۸-۶۵؛ رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۱۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۸.

علّامه طباطبائی کسب فیض نمود. مدتی نیز به نجف رفت تا در آنجا تحصیلات خود را تکمیل نماید. عاقبت در سال ۱۳۴۶ش به زادگاه خود نجف آباد بازگشت و به تدریس فقه، اصول، و تفسیر و... و ارشاد مردم و حل مشکلات شرعی آنان پرداخت. در جریان مبارزات مردم نجف آباد علیه رژیم پهلوی نیز فعّال بود و پس از پیروزی انقلاب سالها امام جمعه موقّت نجف آباد بود.

او سرانجام در سال ۱۳۶۲ش وفات یافته و پس از تشییع باشکوه، پیکر او در جنّت الشهدای نجف آباد مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات)

سیّد محمّد باقر چهارسوقی بن سیّد زین العابدین بن میرابوالقاسم جعفر بن آقا سیّد حسین بن حاج میرزا ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری اصفهانی، علّامه فقیه زاهد محقّق متتبّع اصولی رجالی، از بزرگان و مفاخر علمی در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان.

در دوشنبه ۲۲ صفر سال ۱۲۲۶ق در خوانسار متولّد شد. سپس با پدر و خانواده به اصفهان مهاجرت کرده و در محلّه چهارسوق شیرازی ها ساکن شده و نزد علمای اصفهان: میر سیّد حسن مدرس، سیّد محمّد شهشهانی، حاج محمّد ابراهیم کلباسی، سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی و شیخ محمّد تقی رازی و پدر بزرگوارش میرزا زین العابدین به کسب فیض مشغول شد. سپس برای تکمیل معلومات خود به عتبات عالیات سفر نمود. و از درس آقا سیّد ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط)، شیخ محمّد کاشف الغطاء، شیخ قاسم نجفی و دیگران استفاده علمی برده و به مقام عالی علم و اجتهاد نائل گردیده و به اصفهان مراجعت نمود.

در اصفهان به تدریس فقه و اصول، حل و فصل مشکلات مردم، افتاء، اقامه جماعت

۱- سیمای دانشوران، صص ۸۴-۸۲؛ آئینه اهل قلم، صص ۴۲ و ۴۳.

در مسجدی در محلّه چهارسو که به نام او «مسجد میرزا باقر» معروف بود و بالاخره تحقیق و تألیف مشغول شد. مشهورترین تألیف آن جناب «روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات» است که به عربی در ۸ جلد بارها به طبع رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده و جزء مراجع و مصادر بسیار مهم احوال دانشمندان و فقهاء و بزرگان اسلام به شمار می رود.

[ایشان در ادبیات فارسی و عربی استاد بوده، به عربی و فارسی شعر می گفته و از خطی خوش بهره مند بود. در انشاء و تقریر سلیقه ای جالب داشته و برخی از منشآت او هنوز باقی است.

بسیار زاهد و متّقی و اهل عبادت و تهجّد بوده و از ریاست های دنیوی کناره می گرفته است.]

از مدرسین طراز اول فقه و اصول و حدیث به شمار می رفته و ده ها شاگرد دانشمند تربیت نموده است که از آن جمله است آخوند ملّا حسین کرمانی.

مرحوم صاحب روضات در دوشنبه ۸ جمادی الاولی ۱۳۱۳ق در اصفهان وفات یافته و پیکر مطهر ایشان پس از تشییع باشکوه مردم اصفهان در تخت فولاد، جنوب مصلی و در جوار مزار ملّا حسن جیلانی (لُنبانی) [نیای مادری یکی از اجداد خود]مدفون گردیده، سپس میرزا سلیمان خان رکن الملک، نایب الحکومه دیندار و دانشمند اصفهان بر سر مزار او بقعه ای باعظمت بنا نمود.

میرزا فتح اللّه بن میرزا کوچک از شعرای معاصر صاحب روضات در مرثیه و مادّه تاریخ وفات او سروده است:

قَد طارَ مِن غرف الروضاتِ طائِرُها

نَحو الجِنان و أبقی مِن مَآثِره

قالَ المُوَرِّخُ فی تاریخِ رِحلَتِه

«تَعَطَّل العلمُ من فقدان باقِرِه»

کتب زیر از تألیفات صاحب عنوان است:

۱. «احسن العطیه» در شرح الفیه ۲. «أرجوزه» در اصول فقه ۳. «أسباب بلایاء نازله بر سعید و شقی» ۴. «امر به معروف و نهی از منکر» ۵. «تسلیه الأحزان» به فارسی ۶.

«تعلیقه بر شرح لمعه» ۷. «تعلیقه بر قوانین» ۸. «دستورالعمل برای عمل مکلّفین» ۹. «رساله عملیّه» ۱۰. «روضات الجنات» ۱۱. «شرح حدیث حماد» ۱۲. «رساله در ضروریّات دین» ۱۳. «رساله در فضیلت جماعت» ۱۴. «قره العین»، منظومه فارسی در اصول دین ۱۵. «قصاید عربی و فارسی در مصائب و مراثی» ۱۶. «مجالس» در مصیبت و مواعظ ۱۷. «منشآت» و نوشتجات ادیبانه و منشیانه و مسجّع و مقفّی ۱۸. «منظومه» عربی در اصول و غیره.

کتابخانه صاحب روضات از کتابخانه های مهم جهان شیعه بوده و بسیاری از نسخ نفیس خطی و آثار علمای بزرگ شیعه در آن نگهداری می شده است.

این شعر از ایشان است:

علی سر دفتر ارباب بینش

علی مهر سپهر آفرینش

فلک بگرفته آواز کمالش

جهان برگشته از صیت جلالش

هلال آسمان نعل سمندش

شکار لا مکان صید کمندش(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۸-۹۶؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۳۵۷-۳۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۴۱ و ۳۴۲؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۷۵-۲۷۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۷۹-۷۷؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۱۷؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۹۵-۸۲؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۷۹۸؛ فرزانگان خوانسار، صص ۱۳۰-۱۲۳؛ دانشمندان خوانسار، صص ۴۲۱-۴۱۴؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۲۲؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۶۶؛ الاعلام، ج۶، ص۴۹؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۸۷؛ الذریعه، ج۹، ص۵۷۵ و ج۱۱، ص ۲۸۰ و ج۱۵، ص ۱۶۱ و ج۱۷، ص۷۳و ج۲۳، ص۷۸؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۵۱-۱۴۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۴۷۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)،صص ۳۱۳ و ۲۶۴؛ النّهریه: مقدمه؛ احسن الودیعه، ج۱، صص ۱۳۹-۱۱۹؛ علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، صص ۳۰۶-۳۰۴؛ نجوم السماء، صص ۳۶۲ و ۳۶۳؛ علمای معاصر، صص ۱۰۶-۹۹؛ هدیه الاحباب، ص۱۹۳؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۱۱.

ملّا محمّد باقر یزدی*

ملّا محمّد باقر بن زین العابدین بن محمّد طاهر یزدی، دانشمند و ریاضیدان معروف قرن یازدهم هجری است. در جوانی به اصفهان آمد و نزد دانشمندان این شهر خصوصاً شیخ بهائی به تحصیل پرداخت و در اغلب علوم مهارت یافت و به تدریس هیئت و ریاضی مشغول شد. فرزندش محمّد حسین و نیز شیخ محمّد حسین اردبیلی و دامادش سیّد محمّد باقر اردوبادی از شاگردان او به شمار می روند.(۱)

این کتابها و رساله ها از تألیفات اوست:

۱. «عیون الحساب»، مهمترین تألیف او است که نواده اش محمّد باقر بن محمّد حسین یزدی آن را شرح نموده است. ۲. «شرح المقاله العاشره من تحریر أصول أقلیدس» ۳. «حاشیه بر تحریر الکره و الاسطوانه» ۴. «شرح الأشکال الکریه» منالاوس ۵. «فتوحات غیبیه فی براهین أعمال الهندسیه» که به فارسی در شرح «براهین الأعمال الهندسیّه» تألیف ابوالوفاء بوزجانی نوشته شده است. ۶. «حاشیه بر اکر ثاوذوسیوس» ۷. «مطالع الأنوار فی معرفه الأسطرلاب» که به فارسی به نام شاه صفی و در باب شناختن جهت قبله تألیف گردیده است. ۸. «حاشیه علی التکمله» ۹. «تحصیل العددین المتحابین» به عربی.(۲)

وی تا سال ۱۰۴۷ه.ق در قید حیات بوده و تاریخ دقیق درگذشت او معلوم نیست.(۳)

۱- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان، خطی.

۲- زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی، صص ۴۴۱-۴۳۶ و منبع پیشین.

۳- سایر منابع: تاریخ فلاسفه اسلام، صص ۱۶۱ و ۱۶۲؛ تاریخ علوم اسلامی، صص ۱۴۳ و ۱۵۶؛ فلاسفه شیعه، ص۹۹؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۲۸؛ تاریخ علم در ایران، ج۲، ص۹۰۷؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدّین طوسی، صص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ الرّوضه النّضره، صص ۷۵ و ۷۶؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، بخش اول، صص ۳۵۰-۳۴۸؛ کارنامه ایرانیان در زمینه نوآوری های ریاضیات نجوم و گاهشماری، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

محمّد باقر قمشه ای*

محمّـد باقر بن زین العابدین قمشه ای، از نویسـندگان کتب در قرن سـیزدهم هجری است، وی نسـخه ای از «شـرح التّصـریف» تفتازانی را در سال ۱۲۵۴ق به خط نستعلیق کتابت کرده که در کتابخانه دانشگاه لُس آنجلس آمریکا موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر واعظ اصفهانی

سیّد محمّد باقر بن سـیف اللَّه اصـفهانی حسـینی شـهیر به «سـیّد واعظ»، از فضـلاء، خطباء و نویسـندگان کتب در قرن سـیزدهم هجری است. وی در سال ۱۲۲۰ دو کتاب «اصوال الـدین» و «مرشد العوام»، هر دو از تألیفات میرزای قمی را کتابت نموده، این دو نسخه ضمن مجموعه شماره ۷۲۶ در کتابخانه آیت اللَّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

دکتر سیّد محمّد باقر کتابی*

دکتر سیّد محمّـد باقر کتابی بن سیّد محمّـد صادق بن حاج میرزا محمّـد تقی بن حاج میرزا محمّد صادق کتابفروش حسینی اصـفهانی، دانشـمند و ادیب معاصـر. پدرش از علمای عالیقدر اصفهان و مادرش دختر حاج شیخ محمّد علی ثقهالاسلام نجفی است.

وی در سـال ۱۳۴۱ق در اصـفهان متولّـد شـد. تحصـیلات ابتـدائی را در مدرسه قدسـیه انجام داد و در دبیرسـتان های سـعدی، صـارمیّه و ادب، مقطع متوسـطه را به پایـان برد و سـپس در دانشـکده حقوق دانشـگاه طهران پـذیرفته شـده و نزد اساتیـد آنجا همچون اسـتاد محمود شـهابی، اسـتاد سـیّد محمّد مشکاه، دکتر حسن امامی، دکتر شایگان و آقای سنگلچی به تحصیل مشغول شد و موفق به اخذ لیسانس در رشته حقوق قضائی گردید. در کنار آن در حوزه علمیه اصفهان نزد آقا میرزاهاشم خوانساری و برادر او آقا جمال الدّین خوانساری و همچنین شیخ هبهاللَّه هرندی به تحصیل مقدمات و سطوح مشغول شد.

۱- نسخه های خطی، ج۱۱ و ۱۲، ص۲۴۷.

۲- فهرست کتابخانه آیت اللَّه گلپایگانی، ج۲، ص۲۰۶.

همچنین به صورت غیررسمی و نامنظم از محضر ملّا حسینعلی صدیقین، حاج آقا حسین خادمی، حاج سیّد عبدالحسین طیّب، شیخ محمّد باقر الفت، شیخ مهدی نجفی، میرزا علی آقا شیرازی و خصوصاً حاج آقا رحیم ارباب کسب فیض نمود.

او پس از اخذ لیسانس به عنوان دبیر به تدریس در دبیرستان های اصفهان از جمله دبیرستان هاتف پرداخت و از سال ۱۳۳۹ش در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخت. در سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ در دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخته و موفق به اخذ دکترای الهیات و معارف اسلامی گردید و از آن پس تاکنون به تدریس در دانشگاه اصفهان و دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه آزاد نجف آباد پرداخت.

آثار و تألیفات ایشان:

۱. «تاریخ مختصر فلسفه و معارف اسلامی» (برای دانشجویان) ۲. «کتاب فقه و اصول و اخلاق اسلامی»، برای دبیرستان ها با همکاری جمعی از دبیران در ۵جلد ۳. «عربی»، برای دبیرستان ها با همکاری جمعی از دبیران در ۳جلد ۴. «رساله استدلالی در عقد فضولی» (تز لیسانس) ۵. «رجال اصفهان در علم و ادب و هنر» (تز دکترا) که جلد اوّل آن به چاپ رسیده است. ۶. «سخنی از شعر و نظم و نثر در ادب پارسی» ۷. تصحیح کتاب «وافی» مرحوم فیض با همکاری جمعی از فضلاء و محققین جناب آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی، مرحوم جواد کیهانی و مرحوم حاج آقا ضیاءالدّین علّامه ۸. مقدمه بر برخی کُتُب از جمله: مقدمه بر وحدت وجود مرحوم ضیاء نور، مقدمه بر کتاب اخلاق ترجمه بدرالدّین کتابی، مقدمه بر مجموعه آثار علامه الفت، مقدمه بر دیوان شعر دکتر موزون، مقدمه بر مجموعه مقالات بدرالدّین کتابی ۹. شرح و تفسیر کتاب نهج البلاغه است که در حوزه ها و جلسات مختلف بیان می شود و از آن CDهای متعدد تهیّه گردیده است.

استاد دکتر کتابی، نمونه ای مثال زدنی از اخلاق حسنه و تواضع و دوری از جاذبه های دنیوی است و سخنرانی های گرم و پرشور ایشان در باب موضوعات اخلاقی و معرفتی

حلاوت خاصّی دارد.(۱)

ملّا محمّد باقر تنکابنی

ملّا محمّد باقر بن محمّد صادق بن محمّد بن عبدالفتّاح سراب تنکابنی، از علمای قرن دوازدهم هجری بوده و اغلب تحصیلات خود را نزد پدر دانشمند خود و علمای اصفهان گذرانیده است.

در آغاز نسخه ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» که به شماره ۲۷۲۶ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است، وقفنامه چند کتاب را در تاریخ یکشنبه ۱۸ ذیحجه الحرام سال ۱۱۷۲ق نوشته است.(۲)

سیّد محمّد باقر موسوی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد صادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل که در زمره شاگردان علّامه مجلسی (علیه الرحمه) بوده و در ۲۵ جمادی الثانی ۱۱۱۱ه.ق وفات یافته در اراضی جنوبی تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد دفن گردید. آثار قبر تا چند سال قبل موجود بود و اکنون سنگ آن مفقود گردیده است.(۳)

[وی جدّ خاندان مهدوی و نحوی اصفهان است.]

سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی*

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد صادق اصفهانی، هنرمند توانای عصر قاجاریه. وی در

۱- آیین فرزانگی، ج۱، صص ۸۳-۸۰ و مصاحبه غلامرضا نصرالهی با دکتر کتابی در تابستان ۱۳۸۶ش.

۲- فهرست کتابخانه آیت اللّه مرعشی، ج۷، ص۲۸۹؛ بزرگان رامسر، ص۱۶۲؛ مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، صص ۲۷۷ و ۳۶۶ و ۳۶۸.

۳- مکارم الآثار، ج۵۷ ص۱۷۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۸.

محلّه دردشت اصـفهان متولّد شده و در این شـهر به تحصیل پرداخته است. او برادر خوشنویس و شاعر مشهور «آقا سیّد محمّد بقاء» معروف به «اشرف الکتّاب» است.

سیّد محمّد باقر در نقاشـی، تذهیب، تشـعیر و قلمدان سازی اسـتاد بوده و هر سال یک جلد کلام اللّه مجید را تذهیب می کرده است. وی سرانجام پس از وفات در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.(۱)

میرزا محمّد باقر خاتون آبادی

میرزا محمّد باقر معروف به «آقا دکمه چین» فرزند میر محمّد صالح بن سیّد جعفر بن میر محمّد صالح خاتون آبادی اصفهانی، از فضلاء و محقّقین بوده و در قرن سیزدهم هجری می زیسته است.(۲)

محمّد باقر زاآنی اصفهانی

محمّد باقر بن محمّد صالح زاآنی اصـفهانی، عالم فاضل، از اهالی قریه «زاآن» اصـفهان بوده و در اصـفهان نزد علمای این شهر به کسب علم پرداخته است. ظاهراً علّامه ملّا محمّـد باقر مجلسـی از اساتیـد اوست. در سه شـنبه ۲۷ ذیقعده ۱۰۹۴ه.ق از کتابت کتاب «من لا یحضره الفقیه» فراغت حاصل نموده و حواشی عدّه ای از علماء را در کنار صفحات نقل نموده و از جمله حواشی علّامه مجلسی را نیز نقل کرده است.(۳)

محمّد باقر قمی

محمّد باقر بن مولانا محمّد صالح قمی [از فضـلاء قرن یازدهم هجری بوده و در اصـفهان سکونت داشته است.] در ۱۴ جمادی الاولی ۱۰۸۹ق کتابت نسخه ای از

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای سیّد محمّد لقمانی در ۹ مردادماه ۱۳۷۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۱۸ و ۱۹؛ تلامذه العلامه المجلسی، ص۱۵۸.

«برهان قاطع» را در اصفهان به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

شیخ محمّد باقر ناصری دولت آبادی

شیخ محمّد باقر ناصری دولت آبادی فرزند حاج عابد، از علمای معاصر اصفهان. در سال ۱۲۷۰ش در دولت آباد اصفهان متولّد شده و در ۳۰ سالگی تحصیلات علوم دینی را در اصفهان آغاز کرد.

او پس از تحصیل مقدمات، به امر مرحوم شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی به نجف اشرف مهاجرت کرده و نزد اساتید عالیقدر آنجا خصوصاً حضرات آیات: شیخ مرتضی طالقانی، سیّد محمود شاهرودی و سیّد جمال الدّین گلپایگانی کسب فیض نمود. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و از محضر عالم ربّانی حاج آقا رحیم ارباب بهره گرفت. او سالها به تبلیغ دین و ارشاد مردم مشغول بود تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۶۱ش وفات یافته و در مزار امامزاده محمود دولت آباد مدفون گردید.(۲)

میرزا محمّد باقر حکیم باشی

حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی بن میرزا عبدالجواد مدرس خراسانی، طبیب فقیه و حکیم ادیب، از دانشمندان و اطباء معروف اواخر دوره قاجاریّه. در اصفهان متولّد شد. مدّتی نزد پدر به تحصیل پرداخت. سپس نزد آقا سیّد محمّد شهشهانی، حاج شیخ محمّد باقر نجفی، حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی، ملّا حسینعلی تویسرکانی و میر محمّد صادق کتابفروش تلمّذ نمود و در علوم فقهی به اجتهاد نائل آمد و در طب طبیبی حاذق و در حکمت، حکیم ماهر شد.(۳) [امّا پس از فوت پدر به ناچار از تدریس علوم دینی چشم

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۲۱.

۲- با تشکر از محقّق فاضل جناب آقای حاج شیخ محمّد زاهد نجفی که این زندگینامه را در اختیار ما گذاشتند.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۵.

پوشیده به طبابت پرداخت. در جوانی طبیب خوانین بختیاری بود و سرانجام به طبابت خانواده ظلّ السّلطان حاکم اصفهان پرداخت.(۱)]

در مداوای بیماران و علاج امراض، نفسی عیسوی داشته و تدریس طب قدیم در زمان او بدو منحصر بوده است. [میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت، دکتر ابراهیم انواری، میرزا محمّد باقر طبیب پوده ای، میرزا علی آقا شیرازی، میرزا علی محمّد طبیب کرونی، آقا شیخ محمّد هادی فرزانه قمشه ای و حاج سیّد مصطفی مؤیّد الاطباء از شاگردان زبده او بوده اند.(۲)]

صاحب عنوان در روز چهارشنبه ۶ جمادی الاوّل ۱۳۲۷ق وفات یافته و در یکی از اطاق های جنوبی تکیه مرحوم آقا سیّد ابوجعفر خادم الشّریعه در تخت فولاد مدفون گردید و بعداً اولاد و اعقاب و نزدیکانش در آنجا به خاک رفتند.(۳)

وی کتابی در وبا نوشته که به طبع رسیده است. همچنین نسخه ای از چهل حدیث، از فرمایشات بزرگان دین مورّخ به غروب پنج شنبه ۷ جمادی الثّانیه ۱۲۸۵ به خط و امضاء محمّد باقر بن عبدالجواد، نزد نویسنده موجود است که احتمالاً از صاحب ترجمه می باشد.(۴)

حاج محمّد باقر خان صدر اصفهانی

حاج محمّد باقر خان بن میرزا عبدالحسین خان بن حاج محمّد حسین خان صدراعظم اصفهانی، در علوم ادبیّه و نسخ و تحریر استادی بوده است نحریر.(۵) مردی خلیق و فاضل و خوش خط و تیزهوش بوده و در علم طب نیز شهرت و مهارت داشته است.(۶)

۱- الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۲- تخت فولاد، یادگار تاریخ، (نسخه خطی).

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

۴- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۸.

۵- چهل سال تاریخ ایران یا المآثر الآثار، .

۶- ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۴۸۲.

قبرش در سرداب مدرسه صدر نجف.(۱)

وی نسخه ای از «تجارب السلف» تألیف هندو شاه نخجوانی را در شوال ۱۳۱۴ و نسخه ای از «حدائق السحر» را به امر ظلّ السّلطان نوشته است که به شماره ۱۱۴۰۴ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

همچنین در جمعه ۲۱ صفر ۱۳۱۷ق نسخه ای از کتاب «طیف الخیال فی مناظره العلم و المال» تألیف محمّد مؤمن جزائری را به خط نستعلیق و نسخ خوب و معرّب نوشته و به شماره ۴۱۴۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

ملّا محمّد باقر نجف آبادی

ملّا محمّد باقر بن ملّا عبدالرّحیم بن ملّا علی نجف آبادی، عالم فاضل، در اواخر قرن سیزدهم هجری. در نجف اشرف ساکن بوده و نزد پدر دانشمند خود و سایر اعلام آنجا کسب فیض نموده است.(۴)

سیّد محمّد باقر تویسرکانی

حاج سیّد محمّد باقر بن حاج میرزا عبدالغفّار حسینی تویسرکانی، عالم فاضل مجتهد زاهد، از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری.

در غرّه جمادی الاولی سال ۱۲۹۳ق [در اصفهان] متولّد شد و نزد علمای این شهر از جمله آقا سیّد محمّد شوشتری، ملّا عبدالرزّاق رشتی، آقا میرزا حسین همدانی، حاج میرزا بدیع درب امامی، آقا میرزا محمّد حسن نجفی، آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی، جهانگیر خان قشقائی، آخوند ملّا محمّد کاشانی و پدر دانشمند خود میرزا عبدالغفّار تویسرکانی کسب فیض نمود.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۳.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۴۹ و ۸۸.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۱۴۶.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۲.

پس از آن به نجف اشرف رفته و دو سال در آنجا نزد آیات عظام آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی به تحصیل پرداخت. امّا به علّت کسالت مجبور به بازگشت به اصفهان شد و نزد آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی تحصیلات خود را تکمیل نموده و به اخذ اجازه اجتهاد و روایت در سال ۱۳۴۶ق نائل شد.

وی از ائمه جماعت محلّه جماله و پیشنماز مسجد حاج محمّد جعفر آباده ای بود. او بیشتر اوقات در کتابخانه خود به مطالعه مشغول بود و جمعی از فضلاء و دوستانش به منزل او می رفتند و به مباحثه می پرداختند.

این عالم جلیل در شب دوّم ربیع الاوّل ۱۳۷۴ق وفات یافته و جنب قبر پدر خود واقع در تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ فوت او این بیت است:

اِذ جمع الواحد فی الجمعِ قُل

اِقتَرب الباقرُ بِالباقر

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «تعلیقات بر حواشی مغنی» ۲. «حواشی بر شرایع» ۳. «حواشی بر شرح لمعه» ۴. «حواشی بر تفسیر روح البیان»، شیخ اسماعیل حقّی ۵. «ماثر الباقریّه» در فوائد رجالی و متفرقات ۶. «رساله در احوال صاحب الزمان (عجل اللّٰه تعالی فرجه الشّریف)» ۷. «مشکوه الضیاء فی أحوال فاطمه الزّهرا» ۸. «تحفه الأخوان فی إعجاز القرآن»(۱)

محمّد باقر لمعه اصفهانی

محمّد باقر انواری متخلّص به «لمعه» شاعر ادیب فاضل فرزند ملّا عبدالکریم سودائی دستگردی، در سال ۱۳۲۱قمری در دستگرد برخوار متولّد شده و تحصیلات خویش را در مدارس قدیمی و جدید این شهر به پایان رسانیده مدتی به محراب و منبر سرگرم بود.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ جلوه قرآن در خاک تابان، صص ۱۰۳-۱۰۰.

سپس ترک نموده به خدمت فرهنگ اشتغال جسته، سالها مدیریت دبستان حسین آباد را داشت و از کارمندان صدیق و فعّال فرهنگ اصفهان بود. او از شعرای باذوق و خوش قریحه اصفهان بوده و در انجمن شعرا شرکت می کرد. از آثارش «نامه دهقان» به چاپ رسیده، صاحب دیوان اشعار نیز هست.(۱) او در یکشنبه ۱۴ محرم ۱۳۸۵ه.ق وفات یافته و در تکیه شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

[از اوست:

ای عکس ز من تو در جهان می مانی

من خاک شوم تو جاودان می مانی

تو آینه دعا و نفرین هستی

از نیک و بد کسان نشان می مانی]

سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی

سیّد محمّد باقر بن عبدالکریم موسوی اصفهانی [از خطاطان و فضلائ قرن سیزدهم هجری]در تاریخ سه شنبه ۲۱ شوّال ۱۲۶۹ق نسخه ای از کتاب «الفوائد الرّضویّه فی شرح الرّساله الذّهبیّه» تألیف شیخ محمّد بن حسن طوسی مشهدی از علماء قرن ۱۳ را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۲۷۵۵ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۳)

میرزا محمّد باقر مجلسی

میرزا محمّد باقر مجلسی معروف به «مجلسی ثالث» فرزند میرزا عبداللّه بن آخوند ملّا محمّد باقر مجلسی، عالم فاضل، از پدر خود روایت می کند. پس از فوت در بقعه علّامه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد. در تذکره الأنساب از او ذکری نشده

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۰۹ و ۴۱۰.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص۱۲۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۱۴.
۳- فهرست مرعشی، ج۷، ص۳۱۶.

است و ظاهراً وی بدون اولاد بوده است.(۱)

سیّد محمّد باقر میر محمّد صادقی

سیّد محمّد باقر بن سیّد علی میر محمّد صادقی بن سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد اسماعیل واعظ بن میر ابوصالح بن سیّد عبدالرزّاق اعرجی حسینی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، برادر عالی قدر علّامه میر سیّد حسن مدرس. در سال ۱۲۱۶ق متولّد شد و در حدود سال ۱۲۸۰ق وفات یافت و جنازه اش به نجف اشرف حمل و مدفون گردید.

تألیفات وی عبارتند از: ۱. «حواشی بر قرآن مجید» ۲. «کتابی در ادعیه مأثوره»(۲)

محمّد باقر ندوشنی

محمّد باقر بن علی بن جعفر ندوشنی یزدی [از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در رمضان سال ۱۲۳۶ق از کتابت نسخه ای از کتاب «لؤلؤ البحرین» تألیف شیخ یوسف بحرانی، به خط نسخ، در اصفهان فراغت یافته [است.] نسخه به شماره۱۵۱۳ (۲۲۴۵۱) در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدّس موجود است.(۳)

[ندوشن از دهات یزد است.]

میرزا محمّد باقر بروجردی

میرزا محمّد باقر بن حاج میر سیّد علی طباطبائی بروجردی، عالم فاضل از علماء اواخر دوره قاجاریه است. در اصفهان متولّد شد و نزد پدر خود و آقا سیّد مهدی نحوی و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۲۰ و ۳۲۱؛ مزارات اصفهان، ص۳۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۴.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۶۶۰.

دیگران به تحصیل پرداخت. وی نزد عوام و خواص مورد احترام بوده و ظلّ السّلطان حاکم اصفهان اوامر او را می پذیرفته است. [همچنین در نهضت علمای اصفهان علیه سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان همراه و هم قدم بوده و اعلامیه ای را در این حرکت امضاء و تأیید نموده است.]

سرانجام در ۲۲ رجب ۱۳۴۰ق وفات یافته و در تکیه بروجردی واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

ملّا محمّد باقر تبریزی

ملّا محمّد باقر بن علی تبریزی، از علماء قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در تاریخ سه شنبه ۲۰ ربیع الاول سال ۱۱۵۹ق جهت ملّا محمّد سعید بن ملّا ابراهیم گیلانی اجازه مرقوم داشته است.

اجازه قبل از مشیخه نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» است که ملّا محمّد سعید آن را در سال ۱۱۰۱ کتابت نموده است.

نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم به شماره ۲۷۲۶ موجود است.(۲)

سیّد باقر حسینی

سیّد باقر بن سیّد علی حسینی، [از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در رجب ۱۰۷۳ق در اصفهان کتابت نسخه ای از «التّلخیص» ابن رشد اَندُلُسی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۵۲۳ در کتابخانه ملّی ملک تهران موجود است.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۴۵ و ۱۴۶؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۵؛ اندیشه سیاسی حاج آقا نوراللّه اصفهانی، ص۲۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۸۹؛ تراجم الرجال، ج۲، ص۵۹۶.

۳- فهرست ملک، ص۱۶۷.

سیّد محمّد باقر خاتون آبادی

سیّد محمّد باقر بن سیّد علی حسینی خاتون آبادی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. وی در سال ۱۱۶۸ق تملک خود را بر کتاب «شرح تلخیص المفتاح» مرقوم داشته است. این نسخه به شماره ۶۶۰۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر فقیهی*

حاج سیّد محمّد باقر فقیهی بن حاج سیّد علی حسینی، عالم فاضل کامل، در سال ۱۳۲۷ق در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیلات مقدماتی، به نجف اشرف رفت و ده سال نزد علمای اعلام آن دیار تحصیل کرد. او پس از بازگشت به اصفهان در محلّه پاقلعه ساکن شد و به ارشاد مردم و تحقیق و تألیف پرداخت تا اینکه در شب پنجم رجب المرجّب سال ۱۳۹۱ق وفات یافت و پیکرش در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون شد. محمّد حسین مدرسی اسفه ای متخلّص به «قانع» مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

گفت «قانع» از پی تاریخ سال:

«شد کنار پنج تن مرغ جنان»

کتاب «رساله الحقوق» از تألیفات اوست.(۲)

محمّد باقر قاینی اصفهانی

محمّد باقر بن حاج علی قاینی اصفهان، خطاط نسخ نویس [ساکن اصفهان بوده و]از آثارش کتاب «وسایل الحائریه» تألیف سیّد محمّد بن علی طباطبائی (سیّد مجاهد) به شماره ۱۴۴۲ در کتابخانه وزیری یزد موجود است و نسخه در دوشنبه ۲۴ صفر ۱۲۱۹ق کتابت شده است.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۸۳.

۲- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- فهرست کتابخانه وزیری یزد، ج۲، ص۷۱۲.

شیخ محمّد باقر گلپایگانی

شیخ محمّد باقر بن علی آقا جرفادقانی اصفهانی، عالم فاضل از اهالی گلپایگان بوده ود ر اصفهان نزد میر سیّد حسن مدرس به تحصیل مشغول گردیده است.

وی مجموعه ای از چند رساله از جمله «ادلّه الشّرعیه» تألیف میر سیّد حسن مدرس را در سال های ۱۲۸۶ تا ۱۲۸۸ق به خط نستعلیق خوش کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

محمّد باقر رشحه اصفهانی

آقا محمّد باقر بن علی اصغر اصفهانی، شاعر ادیب متخلّص به «رشحه» درسال ۱۲۰۳ق در اصفهان متولّد و در این شهر علم و ادب آموخته است. او فنون ادبی و از جمله عروض و قافیه را از آقا محمّد کاظم واله اصفهانی فرا گرفت. سپس به تجارت روی آورده و به یزد رفت. وی در سال ۱۲۶۶ق در نائین وفات یافت.

این کتابها از اوست:

۱. «آتش زنه» که به عنوان «تذکره منظوم رشحه» به طبع رسیده است. ۲. «منظومه نوروز و جمشید»

این دو بیت از اوست:

شب وصل اگر به رویم، در صبح باز باشد

سر زلف یار گیرم که شبم دراز باشد

ز شهان طمع ندارم، که همای همّت من

نخورد از آن کبوتر، که شکار باز باشد(۲)

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۱، ص۱۷۸؛ تراجم الرجال، ج ۲، ص ۵۹۶.

۲- تذکره میکده، ج ۲، ص۳۷۶؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۳۳۰ و ۳۳۱؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج ۱، صص ۳۷۴-۳۷۲؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۸۴۷؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج ۱، ص۶۶۸؛ تذکره شبستان، صص ۷۰۰ و ۷۰۱.

محمّد باقر نقاشباشی سمیرمی

محمّـد باقر نقاشباشـی سـمیرمی متخلّص به «صـدقی» فرزنـد علی اصـغر شاعر ادیب و نقاش هنرمند، از اهالی دهنو مبارکه، [در نقاشـی طبیعت و کشـیدن چهره رجـال و بزرگان و قلمـدان سازی اسـتادی مسـلّم بود] در سال ۱۲۸۳ه.ق متولّـد شده، علاوه بر نقاشـی در سرودن شعر نیز دستی داشته و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد.(۱) [وی سرانجام در ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۳۵۱ در اصفهان وفات یافته و در قبرستان بزرگ مصلّی در تخت فولاد مدفون شد(۲)] این بیت از اوست:

بندی ز دوست، عاشق صادق نمی برد

گر از همش بُرند همه بندبند را

سیّد محمّد باقر نیّری زواره ای

سیّـد محمّـد باقر نیّری بن حاج میرزا علیرضا بن حاج سـیّد محمّد باقر بن سـیّد رضا بن میر محمّد علی طباطبائی زواره ای، عالم فاضل محقّق،(۳) در اصـفهان در مدرسه جده و مدرسه صدر ساکن شد و تحصـیل نمود. اکنون از فضلای تهران است. [وی تا حدود سال ۱۳۳۷ه.ش در قید حیات بوده است.]

میرزا محمّد باقر پیشنماز

سیّد محمّد باقر پیشـنماز ابن سیّد علیرضا بن حسن حسینی عاملی، عالم فاضل متّقی، از شاگردان و مجازین از علّامه مجلسی در ۶ ذیحجه ۱۰۸۷ق و آقا حسین خوانساری در جمادی الآخر ۱۰۸۸ق و شیخ محمّد حُرّ عاملی در سال ۱۰۸۷ق است.(۴)

وی سالها پیشنماز مسجد جامع جدید عباسی [مسجد امام کنونی] بوده و در سال

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ هنر قلمدان، صص ۱۶۵-۱۶۳.

۳- آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۹۵.

۴- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۲۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۸۰ و ۸۱.

۱۱۲۳ق وفات یافته و در بقعه آقا سیّد رضی الدّین محمّد شیرازی واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

[صاحب عنوان دارای کتابخانه ای مفصّل با کتاب های نفیس بود، که آن را وقف طلّاب و علماء نموده بود. در فتنه افغان و وقایع پس از آن کتاب ها از وقفیّت خارج و پراکنده گردید تا این که یکی از نوادگان وی میرزا محمّد مهدی نایب الصّدر در سال ۱۲۳۰ق بسیاری از کتب وقفی را خریداری و جمع آوری نموده و آن را دوباره وقف نمود.(۲)]

سادات عاملی رهنان و خوراسکان از اعقاب صاحب عنوان به شمار می روند.

میرزا محمّد باقر مشیرالملک نائینی

حاج میرزا محمّد باقر خان مشیرالملک فاطمی نائینی بن میرزا علی محمّد خان بن عبدالوهاب طباطبائی نائینی، دانشمند ادیب و سیاستمدار عصر قاجاریه. در سال ۱۲۷۹ق در نائین متولّد شد. [در کودکی نزد میرزا عباس کاشفی تحصیل را آغاز کرد و پس از ۴سال به یزد رفته نزد میرزا محمّد حسن نواب به تحصیل پرداخت. در حدود ۱۸ سالگی به اصفهان آمده و نزد میرزا عبدالعلی هرندی، حاج میرزا بدیع درب امامی، جهانگیر قشقائی و آخوند کاشی علوم ادبیّه، حکمت و ریاضیات را فرا گرفت و در این سالها ساکن مدرسه نیم آورد بود.]پس از آن به دستگاه میرزا حبیب اللّه خان مشیرالملک انصاری راه یافته و مورد توجّه ظلّ السّلطان حاکم اصفهان قرار گرفت و به لقب «منشی حضور» ملقّب شد. در سال ۱۳۰۸ق پس از عزل و مرگ میرزا حبیب اللّه خان انصاری جای او را گرفته و به لقب «مشیرالملک» مُلَقّب گردید.

او کم کم با کیاست و فراست در دستگاه ظلّ السّلطان مقام و نفوذ بالایی یافته و در ایام خالصه فروشی، صاحب ثروت و مکنت زیاد شد و به واسطه برخی اقدامات

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۳ و ۹۴.

۲- فهرست صدر بازار، ج۳، صص ۶۱۸ و ۶۴۴ و ۸۴۸.

عام المنفعه همچون تأسیس مدرسه باقریه در محلّه شهشهان در سال ۱۳۰۸ بر محبوبیّت خود در میان مردم افزود و در ضمن کارهای روزانه به تدریس علوم دینی به اهل علم نیز پرداخت.

[در سال ۱۳۲۵ق پس از وقوع مشرطیّت، ظلّ السّلطان از حکومت اصفهان بر کنار شده و مشیرالملک به عضویت انجمن های ایالتی و ولایتی گردید. امّا پس از سقوط حکومت محمّد علی شاه و پیروزی مشروطه خواهان به کلّی از کارهای دیوانی و دولتی کناره گرفته و به تدریس و ترویج و تبلیغ برای فرقه شیخیه پرداخت. از آن به بعد او میان مردم و دولتیان با احترام و اکرام می زیست و همواره پشت و پناه ضعفاء بود.

منزل او در نزدیکی محلّه طوقچی باقی و برقرار است و از حیث گچبری، کاشیکاری، آئینه کاری و سایر تزئینات هنری قابل توجّه است.]

سرانجام در یکشنبه ۶ رجب ۱۳۴۸ق در اصفهان وفات نمود. جسد او را مدّتی در مقبره صاحب بن عَبّاد در محلّه طوقچی به امانت گذاشته و چندی بعد به کربلا نقل نموده و در رواق پایین پای حضرت ابا عبداللّٰه الحسین علیه السلام مدفون ساختند.

در علوم ادبی، انشاء، فقه و حدیث مهارتی به سزا داشته و خط شکسته را خوش می نوشته و شعر نیز می سروده و «رضوان» تخلّص می نموده است.

این بیت از اوست:

جز دو ابروی تو مغبچه که محراب دل است

عابدی را نشنیدیم دو باشد محراب(۱)

۱- تاریخ نائین، ج۱، صص ۲۰۳ و ۲۰۴ و ج۴، صص ۸۹-۸۴؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۲۷۸-۲۲۷۴؛ حدیقه الشعراء، ج۱۷ ص۶۷۸؛ انساب خاندان های مردم نائین، ص۸۴؛ تاریخ فرهنگ اصفهان، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۶۲ و ۳۶۳؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۴۰۶؛ شرح حال رجال ایران، ج۶، ص۲۰۷؛ مزارات اصفهان، صص ۳۰۷ و ۳۰۸.

میرزا محمّد باقر زنجانی

میرزا محمّـد بـاقر بـن میرزا علینقی بن میرزا محمّـد علی بن امیر محسن موسـوی زنجـانی اصـفهانی، عـالم فقیه جـامع. در سـال ۱۲۳۵ه.ق متولّـد شـده و نزد حاج سیّد اسـداللّه بیـدآبادی و حاج محمّـد جعفر آباده ای تحصـیل نموده و از آنها اجازه روایت گرفت. سـپس در اعتاب مقدسه به درس شـیخ مرتضـی انصاری و صاحب جواهر و شیخ مهدی نجفی حاضر شده و از آنان نیز مفتخر به دریافت اجازه شد. پس از مراجعت به اصـفهان سالها در مسـجد خیاطها تدریس و اقامه جماعت فرموده و بالاخره در ربیع الاوّل ۱۳۰۳ه.ق وفات یافته و در وادی السلام نجف مدفون شد. کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است: رساله ای در مصرف سهم امام علیه السلام(۱)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر بن محمّد علی اصـفهانی، از فضلاء اصفهان است و ملحقاتی بر کتاب «نورالأنوار فی شرح کلام خیرالأخیار» تألیف: محدّث جزائری نوشته است. نسخه به شماره ۳۶۱۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

سید محمّد باقر ابطحی

حاج سیّد محمّد باقر بن سـیّد محمّد علی ابطحی سدهی [بن سـیّد محمّد رضا بن سـیّد محمّد حسن بن سـیّد ابوطالب حسـینی] عالم فاضل و فقیه جامع. در جمعه سـلخ جمادی الاولی ۱۲۹۰ق متولّد شده و نزد علمای اصـفهان از جمله آقا شیخ محمّد تقی آقـا نجفی، آقا سـیّد محمّـد باقر درچه ای، آخونـد کاشـی [حاج آقا منیرالـدّین بروجردی، آقا میرزا محمّـد هاشم چهارسوقی و جهانگیر قشقائی] به تحصیل پرداخت. [سپس به تهران رفته و نزد

۱- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۵۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، صص ۹۴ و ۹۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۵؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۲- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۱۵.

میرزا حسن آشتیانی و شیخ فضل اللّٰه نوری کسب فیض نمود و سپس راهی عتبات عالیات شد و از درس مراجع عالیقدر آن دیار از جمله آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی بهره گرفت و به درجه اجتهاد نائل شد. او از آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی، آقا نجفی و آقا منیرالدّین بروجردی اجازه دارد.]

او عالمی خوش بیان و مجتهدی طلیق اللسان بود. در مدرسه صدر و مدرسه کاسه گران سطوح فقه را تدریس می نمود و عدّه ای کثیر از طلّاب از محضر او مستفیض می شدند.

سرانجام پس از مسافرت به مشهد مقدّس [دچار خونریزی مغزی شده و معالجات در بیمارستان بی ثمر ماند واو در یک ساعت گذشته از شب سه شنبه ۱۴ شعبان المعظّم ۱۳۶۷ق] وفات یافته و در صحن نو آستان قدس رضوی مدفون گردید.

[مرحوم میرزا حبیب اللّٰه نیّر در مرثیه ای به عربی مادّه تاریخ وفات او را گفته که دو بیت آخر آن به قرار زیر است:

راحت إلی الرّوح روحٌ منه قادمه

و استعلم النیّر التّاریخ مرتجلا

فعیّن العام «و احُزناه وا أسفاه

السیّد الابطحی الباقرُ ارتحلا»]کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «رساله در تعارض ید و استصحاب» که در سال ۱۴۰۷ق به ضمیمه رساله ای در احوال و آثار مؤلف و اجداد و فرزندان او به طبع رسیده است. ۲. «رساله در حرمت کشیدن تریاك و جواز استماع صوت رادیو»]

تقریرات اساتید خویش را نیز به رشته تحریر در آورده است.(۱)

۱- مکارم الآثار، ج۸، صص ۳۰۵۹-۳۰۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۴؛ نقباء البشر، ج۴، ص۷ (استدراك)؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۷؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، ص۳۵۳؛ خمینی شهر شهری که باید از نو شناخت، ص۱۳۸.

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر بن محمّد علی اصفهانی، از خطاطان قرن سیزدهم هجری بوده، در سال ۱۲۷۷ نسخه ای از کتاب «اسرار الشهاده» تألیف ملّا آقا دربندی را برای سیّد محمّد حسن کاشانی الأصل و إصفهانی المسکن تحریر نموده است. نسخه به شماره ۴۴۷ در کتابخانه آقای گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

تذکر: ظاهراً سیّد محمّد حسن فوق واعظ معروف حاج سیّد حسن کاشی مدفون در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد می باشد.

میرزا باقر جابری

میرزا باقر بن میرزا محمّد علی جابری، از اعیان و اشراف اصفهان بوده و مدّتی کلانتری اصفهان را بر عهده داشته و خانه ها و املاکی را در اصفهان وقف امور خیریه نموده است.(۲)

محمّد باقر فروشانی*

محمّد باقر بن محمّد علی فروشانی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. از اهالی محلّه«فروشان» سِدِه(خمینی شهر فعلی) بوده و کتاب «نخبه» تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی را به خط نسخ در چهارشنبه ۳ ذیحجه ۱۲۷۷ق کتابت نموده است.(۳)

ملّا محمّد باقر برلشتی

ملّا محمّد باقر فرزند ملّا عنایت برلشتی اصفهانی، شاعر ادیب خطاط فاضل، اصلاً از قریه «برلشت» اصفهان بوده، مدّتی به تحصیل علوم دینی پرداخته و سرانجام به هندوستان رفت. خط نسخ را نیکو می نوشته و در فن معما مهارت داشته است.

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

۳- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۱۷، ص۲۲۴.

از اوست:

دل ما را ز خود برد این دلارام

گرفت اندر دل دلدار آرام(۱)

محمّد باقر نشاطی گرجی

محمّد باقر بیک گرجی متخلّص به «نشاطی» فرزند فرامرز بیگ شاعر ادیب، در اصفهان و شیراز می زیسته و همچون برادرش میرزا احمد متخلّص به «اختر» شعر می سروده و دیوانی در دو هزار بیت داشته است. پس از این که برادرش اختر کار نوشتن تذکره ای را آغاز کرد و در حین آن وفات یافت و فاضل خان گروهی آن را به اتمام رسانده به نام «انجمن خاقان» تقدیم فتحعلی شاه قاجار نمود.

نشاطی در سال ۱۲۳۴ه.ق در تهران وفات یافته این بیت از اوست:

بهار این چنین کم از خزان نیست

که گل را خنده، بلبل را فغان نیست(۲)

محمّد باقر خوانساری

محمّد باقر بن محمّد قاسم خوانساری اصفهانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل اشتغال داشته است. وی کتاب های «الإسلام و الإیمان» تألیف ملّا حیدرعلی شیروانی و «العجاله فی ردّ مؤلف الرساله» تألیف زین الدّین علی بن عین علی شریف گلپایگانی را در سه شنبه ۲۹ شوال ۱۱۳۲ه.ق در مسجد جورجیر [مسجد حکیم] اصفهان کتابت نموده است. احتمالاً صاحب عنوان شاگرد این دو عالم بزرگوار بوده است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۶۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۹.

۲- مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۰۴۱ و ۱۰۴۲؛ سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، ص ۳۷۰-۳۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۱۵۰.

شیخ محمّد باقر اصفهانی

شیخ محمّد باقر بن ملّا محمّد کاظم اصفهانی، عالم فاضل و ادیب ماهر، در سال ۱۲۵۱ق در کربلا متولّد شد. تحصیل را ابتدا نزد پدر آغاز کرد. سپس نزد شیخ محمّد حسین پاشنه طلایی اردستانی و شیخ حسین بافقی یزدی معروف به «کسائی» تحصیل کرد.سپس از درس میرزا علینقلی طباطبائی، شیخ محمّد تقی هروی، ملّا آقا دربندی، فاضل اردکانی و شیخ زین العابدین مازندرانی بهره گرفت.

او از فقهاء و دانشمندان عالیقدر کربلا بود و مرجع امور شرعی مردم به شمار می رفت تا اینکه در سال ۱۳۳۲ق وفات یافته و در آن ارض اقدس مدفون شد.(۱)

باقر اصفهانی

باقر بن محمّد کاظم اصفهانی، از خطاطان و نویسندگان کتب است. وی در تاریخ یکشنبه ۲ رمضان ۱۱۲۰ق کتابت نسخه ای از «تحفه الزّائر» علّامه مجلسی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۴۸۳۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

باقر الماسی

باقر بن محمّد کاظم الماسی اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری بوده است. از آثارش مجموعه دعائی است که آن را در سال ۱۲۴۹ق کتابت نموده و به شماره ۴۹۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدّس موجود است.(۳)

[ظاهراً باقر الماسی، از فضلای خاندان مجلسی در قرن سیزدهم هجری است.]

۱- میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۴۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۳۶۳ و ۳۶۴؛ نقباء البشر، ص ۲۲۰.

۲- فهرست مجلس شورا، ج۱۳، ص۲۵۳.

۳- فهرست کتابخانه الهیات مشهد، ج۱، ص۲۵۳.

آقا باقر خوراسکانی

آقا باقر خوراسکانی معروف به «باقر خان» در خوراسکان متولّد شد. پدرش کاظم صفّار، از ملّاکان و متمولین خوراسکان بود. علی مراد خان زند هنگامی که از شیراز برای سرکوب ذوالفقارخان افشار خمسه ای به طهران می رفت، باقرخان را نایب الحکومه اصفهان قرار داد. او پس از مرگ علی مراد خان زند، اموال و اثاثیه او را تصرف کرده و در طالار طویله [محل فعلی دبیرستان سعدی] به تخت سلطنت جلوس کرد، و خود را «شاه باقر» نامید و سکّه به نام خود زد.

جعفرخان زند، پادشاه جدید زندیه در ۸فرسخی اصفهان از طغیان باقرخان مطلع شده و به اصفهان حمله برد. سپاهیان باقرخان نیز به مخالفت او برخاسته و قصد کشتن او را داشتند. وی از طالار طویله فرار کرد و موفق به خروج از اصفهان شد. امّا در رویدشت گرفتار شده و به اصفهان آورده شد و به دستور جعفرخان او را در قلعه طبرک زندانی کردند.

در این هنگام آقا محمّد خان قاجار مدّعی سلطنت و رقیب سرسخت زندیه به سوی اصفهان حرکت کرد. جعفرخان که یارای مقاومت نداشت. تمام اثاثیه سلطنتی و خانواده خود را رها کرده و از اصفهان به شیراز گریخت. آقا محمّد خان به اصفهان وارد شد، و باقرخان را آزاد کرد و حکومت اصفهان را به او داد و خود به طرف طهران حرکت کرد و در تهران به سال ۱۲۰۰ق به تخت سلطنت نشست. در این زمان جعفرخان بار دیگر به اصفهان حمله کرده و اصفهان را تصرّف کرد. باقرخان به قلعه طبرک پناه برد و تا سه ماه مقاومت کرد، اما بالاخره دستگیر شده و به شیراز برده شد و در ۲۱ محرم ۱۲۰۱ق در شیراز به قتل رسید.

قبر او در قبرستانی قدیمی در خیابان رباط اصفهان وجود داشته است. [ولی امروزه قبر او از بین رفته و در جای قبرستان قدیمی، مدرسه هدایت را ساخته اند. مرحوم مهدوی معتقدند او در جنگ و ستیز با زندیه در حوالی محلّه تیران و آهنگران در شمال اصفهان کشته شده و در این قبرستان مدفون شده است.]

از آثار باقرخان تغییر مسیر چشمه قطعه طبرک از روستای «راران» به «خوراسکان» و همچنین بنای حمام در خوراسکان بوده است.(۱)

محمّد باقر قزوینی اصفهانی

محمّد باقر بن گل محمّد قزوینی اصفهانی، [از خطاطان قرن سیزدهم هجری بوده و مدّتی در اصفهان سکونت داشته است.]

در سال ۱۲۳۱ق کتاب «جلاء العیون» علّامه مجلسی را به خط نسخ، جهت آقا صفر تاجر قزوینی اصفهانی در شهر زنجان نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد به شماره ۹۲ موجود است.(۲)

سیّد محمّد باقر امامی کَروَنی*

حاج سیّد محمّد باقر امامی ابن سیّد کمال الدّین، عالم فاضل پارسا و شاعر ادیب. در سال ۱۳۲۳ش در «تیران» (مرکز بلوک کَروَن) اصفهان متولّد شد. مادرش فرزند عالم ربّانی حاج سیّد محمّد بهشتی نژاد و پدرش از وعاظ ناحیه کَروَن بود.

تحصیلات مقدماتی را در نجف آباد انجام داد و برای ادامه تحصیل راهی اصفهان شد و نزد علمای عالیقدر اصفهان همچون میرزا آقا هاشمی قهدریجانی، حاج شیخ مجتبی لنکرانی، سیّد مصطفی مهدوی هُرِستانی، شیخ عباسعلی ادیب، شیخ احمد فیاض، سیّد عبدالحسین طیّب، سیّد محمّد علی صادقی، میرعلاءالدّین مدّرس مطلق،شیخ عباس ایزدی، حاج میر سیّد علی بهبهانی و حاج شیخ حسین مظاهری تحصیل خود را دنبال نمود و به درجات عالی علم و فضل دست یافت. وی سال ها به تدریس کتب حوزوی از جمله رسائل، مکاسب و کفایه مشغول بود. در سال های جنگ تحمیلی و دفاع مقدس جهت تبلیغ در جبهه های نبرد حضور می یافت. او از سال ۱۳۶۰ش از طرف حضرت

۱- خورشید جی، صص ۴۰۸-۳۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵؛ مزارات اصفهان، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲- فهرست گوهرشاد، ج۱، ص۹۸.

امام خمینی(ره) به عنوان امام جمعه شهر «تیران» برگزیده شد و علاوه امامت جمعه، در ارشاد مردم و رفع مشکلات شرعی و اجتماعی آنان تلاش فراوان می نمود.

وی سرانجام پس از ۴سال تحمّل بیماری سخت، در روز ۲۱ خرداد ۱۳۸۶ش/ برابر با ۲۵ جمادی الاوّل ۱۴۲۸ق وفات یافته و پس از تشییع شایسته در اصفهان، در گلزار شهدای تیران مدفون گردید.

مجموعه اشعار او با عنوان «دیوان محبّت» به چاپ رسیده است.

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر بن محمّد محسن اصفهانی، خطاط نسخ نویس، در ربیع الثّانی ۱۲۶۷ق کتابت نسخه ای از «حقایق اسرار طب» تألیف: حاج محمّد کریم خان کرمانی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۴۴۳۵ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۱)

ملّا محمّد باقر خوزانی

ملّا محمّد باقر خوزانی ابن ملّا محمّد محسن شیرازی، از علمای قرن سیزدهم هجری. پدرش از شیراز به اصفهان آمد و پس از تحصیل، در محلّه «خوزان» از توابع «سِدِه ماربین» [خمینی شهر فعلی] ساکن شد. ملّا محمّد باقر در نوجوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت، ولی به مسلک شیخیّه روی آورده و برای ترویج این فرقه تلاش زیادی به عمل آورد و تعدادی از اهالی سِدِه و دهات اطراف مسلک او را پذیرفتند از جمله برادرزاده اش محمّد رضا بن محمّد مهدی بن ملّا محمّد محسن. این فعالیّت ها از سوی شیخیّه باعث اختلافات و درگیری های فراوانی در سِدِه شد تا اینکه عالمی جوان به نام میر محمّد حسین میردامادی معروف به «مقدّس» که از زُهّاد و مقدّسین آن دیار بود به مخالفت با شیخیّه پرداخت.

۱- فهرست ملک، ص۲۶۳.

ملّا باقر نیز عدّه ای را مأمور مسموم کردن آن عالم ربّانی کرد و مقدّس مسموم شده و وفات یافت. این اقدامات موجب بیزاری پدرش ملّا محسن شد تا حدّی که فرزند را نفرین کرد و از اعمال او ابراز تنفّر نمود.

سال فوت ملّا باقر معلوم نیست. محل قبر او در مسجد ملّا محسن واقع در محلّه «خوزان» از توابع سِدِه ماربین قرار دارد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاستصحاب» ۲. «ذرائع الأصول» ۳. «الرّضاع» ۴. «القرآن الکریم فی تفسیر قرآن العظیم» ۵. «اللوامع الفقهیّه»(۱)

سیّد محمّد باقر حسینی اصفهانی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد حسینی اصفهانی، از ائمه جماعت در محلّه بیدآباد است. ظاهراً از شاگردان مرحوم میر سیّد حسن مدرس بوده و پس از وفات در بقعه ایشان واقع در مسجد رحیم خان مدفون گردید.

وی پدر آقا حسین منجم بیدآبادی اصفهانی می باشد.(۲)

میر محمّد باقر داماد

میر محمّد باقر مشهور «میرداماد» بن شمس الدّین محمّد داماد حسینی استرآبادی، عالم فاضل، حکیم فیلسوف، ادیب عارف متخلّص به «اشراق».

پدرش داماد شیخ علی محقّق کرکی بوده و فرزند به میرداماد معروف شده است.

در اغلب منابع سال تولد میرداماد ذکر نشده است. تنها در کتاب «نخبه المقال فی أسماء الرجال» آمده که او در سال ۹۶۹ق متولّد شده است.(۳)

تحصیلات او اغلب نزد دائی اش شیخ عبدالعالی بن شیخ علی کرکی، میر فخرالدّین

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۴؛ تراجم الرّجال، ج۲، صص ۶۰۹ و ۶۱۰.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۶۹.

۳- حکیم استرآباد میرداماد، ص۴۷.

محمّد سمّاکی استرآبادی، سیّد نورالدّین علی عاملی (شاگرد شهید ثانی) و شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهائی) صورت گرفته است.(۱)

تاج الدّین حسین صاعدی،(۲) سیّد ابوالحسن موسوی عاملی، سیّد حسین بن حیدر عاملی کرکی، شیخ عبدعلی بن محمود خادم جاپلقی نیز از اساتید و مشایخ میرداماد بوده اند.(۳)

عموم نویسندگان کتب تراجم و رجال که ذکری از او کرده اند وی را به عظمت و بزرگی و جامعیت در علوم فقه، حدیث، تفسیر، فلسفه، حکمت، ادب و شعر سروده اند و از او به عنوان «معلّم ثالث» یاد کرده اند. [میر داماد مقارن انتخاب اصفهان به پایتختی دولت صفویه در اوایل قرن یازدهم هجری به اصفهان کوچیده و مجلس درس و بحث در این شهر برقرار کرده است. خصوصاً در رواج فلسفه از راه تألیف و تحقیق و تدریس سهم بسیاری داشته است.]علمای بزرگ قرن یازدهم هجری اغلب از شاگردان او بوده اند، از جمله میر سیّد احمد علوی عاملی، ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، ملّا محمّد تقی مجلسی، آقا حسین خوانساری، سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، ملّا خلیل قزوینی، ملّا عبدالرزّاق فیاض لاهیجی، ملّا محسن فیض کاشانی، ملّا صدرا، و غیره.

[شاه عباس صفوی به او ارادات و علاقه بسیار داشته و در سفرها و لشکرکشی های خود نیز او را به همراه می برده است.]

شیخ بهائی و میرفندرسکی از معاصرین و معاشران او بوده اند و روابط آنها با یکدیگر بسیار دوستانه و صمیمانه بوده است.

او مردی زاهد و پرهیزکار بود و همیشه قرآن می خواند و در ادای نوافل می کوشید و در تزکیه و تصفیه نفس اهتمام داشت و چنانچه مشهور است چهل سال شبها پهلو بر بستر نگذاشت.(۴)

میرداماد در شعر «اشراق» تخلّص می کرده و دیوان اشعار او موجود است.

۱- تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص۳۰۶.

۲- حکیم استرآباد، ص .

۳- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص۱۶.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۱۷.

این رباعی از اوست:

نتوان ز غم تو دل به تدبیر برید

کودک نتوان به مهر از شیر برید

بر من نتوان بست به زنجیر دلت

وز تو نتوان دلم به شمشیر برید

[او کتاب های بسیاری تألیف کرده که دانشمند محقّق دکتر سیّد علی موسوی بهبهانی آنها را فهرست و معرفی نموده که از آن جمله است:

۱. «القَبَسات» ۲. «تقویم الإیمان» ۳. «شرح صحیفه سجادیه» ۴. «تعلیقه بر اصول کافی» ۵. «شرعه التسمیه» ۶. «الرواشح السماویه» ۷. «شارع النجاه» ۸. «جذوات» ۹. «السّبع الشّداد» ۱۰. «دیوان اشعار»(۱)]

میرداماد درآخرین سال زندگی خود درسال ۱۰۴۱ق به همراه شاه صفی عازم زیارت عتبات عالیات شده و در مسیر مابین کربلا و نجف وفات یافته و در نجف اشرف مدفون گردید.

ملّا عبداللّه امانی کرمانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

خرد از ما تمش گریان شد و گفت:

«عروس علم و دین را مُرد داماد»(۲)

۱۰۴۱

۱- حکیم استرآباد، صص ۱۱۳-۱۰۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۶۹۷.

سیّد محمّد باقر موسوی

سیّد محمّد باقر موسوی ابن آقا سیّد محمّد بن سیّد عبدالرحیم بن سیّد مؤمن بن سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی.

در سال ۱۲۸۱ش در اراک متولّد شد. وی از متخصصین فن چاپ بود و در زادگاه خود «چاپخانه موسوی» را تأسیس کرد و در سال ۱۳۱۲ش روزنامه «عراق» را منتشر ساخت. مدّتی بعد چاپخانه را به طهران منتقل نموده و روزنامه را در آنجا منتشر ساخت.(۱)

میر محمّد باقر گلستانه

میر محمّد باقر فرزند میر علاء الدّین محمّد بن محمّد علی گلستانه در اصفهان نزد پدر دانشمند خود و نیز علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته و از ملّا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی (فاضل سراب) اجازه روایت دریافت نموده است. شیخ محمّد بن محمّد زمان کاشانی از او روایت می کند.

صاحب عنوان در سال ۱۱۲۰ه. نسخه ای از کتاب «قواعد الاحکام» علّامه حلّی را کتابت نموده که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.(۲)

میرزا محمّد باقر نوّاب لاهیجی

میرزا محمّد باقر بن محمّد بن محمّد نواب لاهیجی، فقیه، حکیم، محدّث و فقیه عالیقدر، از اکابر علمای عهد فتحعلی شاه قاجار.

اصلاً از اهالی لاهیجان است ولی سال ها در اصفهان به سر برده از درس میرزا

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۴، ص۱۰؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۸۰ و ۱۸۱.

۲- الکواکب المنتشره، صص ۹۴ و ۹۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۵۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۱ و ج۲، ص۱۹؛ فوائد الرضویّه، ج۲، ص۳۶۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۴۲۹ و ۴۳۰؛ مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، ص۱۶۳.

ابوالقاسم مدرس [و آقا محمّد بیدآبادی] بهره گرفته است. در این زمان همدرس، معاشر و مصاحب ملّا علی نوری فیلسوف مشهور بوده و بعداً که در دستگاه زندیه به مقاماتی رسیده، رفاقت با او را از یاد نبرده و جهت او از دولت مستمری گرفته و مزرعه ای جهت اعاشه او از طرف دولت به او بخشیده است.

ظاهراً سیّد مهدی بحرالعلوم نیز از اساتید مرحوم نواب است.

وی در علوم زمانه خویش همچون، فقه، اصول، کلام، حدیث، ادبیات فلسفه، نجوم و ریاضیات استاد بوده و از تألیفاتش بر می آید که در همه این علوم غور و تحقیق و تدقیق داشته است.

سبب ارتقاء او به مقامات عالیه حکومتی نیز چنین بوده که در زایجه طالع جعفرخان زند دیده بود که در فلان وقت کریم خان وفات می کند و جعفرخان سلطان می شود. پس به او خبر داد، پس مطابق آن خبر، جعفرخان به تخت سلطنت نشسته، مرحوم نواب را وزیر خود نمود. پس از آن به تدریس معقول پرداخته و به خواهش فتحعلی شاه به نگارش تفسیر مشغول شد.

وی سرانجام در اواخر عمر به طهران رفته و در ۳ شعبان ۱۲۴۸ق در سن حدود ۷۳ سالگی وفات نموده و ظاهراً در صحن آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهر ری مدفون گردیده است.

از میرزا محمّد باقر نواب تنها یک پسر به نام میرزا محمّد و یک دختر که همسر آقا محمّد علی هزار جریبی گردید به جای ماند.

این تألیفات از اوست:

۱. «ترجمه کشف الغطاء» ۲. «تحفه الخاقان»، در تفسیر فارسی قرآن مجید که به خواهش فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده و شامل چهار مجلد است که به چهار بخش قصص، احکام، مواعظ و معارف تقسیم شده است. ۳ «شرح نهج البلاغه» به فارسی در دو مجلد، که جلد اول در غرّه رمضان المبارک ۱۲۲۵ق و جلد دوم در عصر روز جمعه غرّه جمادی الاولی ۱۲۲۶ق تألیف شده و به همت جهانگیر خان قشقائی و تحقیق و

تصحیح جمعی از فضلاء همچون شیخ احمد کرمانی، جمال الدّین واعظ موسوی و سیّد محمّد طبسی، در سال ۱۳۱۷ق در طهران چاپ سنگی شده است. ۴. «کتابی در فقه» [۵. «تعلیقه بر روضه البهیّه»] ۶. «حاشیه شوارق الالهام»(۱)

باقرخان عراقی*

باقرخان عراقی فرزند محمّد انصار ترک همدانی، از چهره های آزادیخواه و مبارز عصر مشروطیت و پس از آن است.

او در حدود ۱۲۸۹ق در اصفهان متولّد شد. در ۵ سالگی پدر را از دست داد. او تحصیلاتش را در اصفهان به پایان رساند و به تدریس مشغول شد. او پس از رفتن به تهران و آشنایی با حیدر عمو اوغلی، تمایلات سوسیالیستی یافته و پس از مدّتی به نهضت جنگل پیوست. او در نبرهایی که در گیلان رخ داد مجروح شد و پس از مدّتی درگذشت و چون مادرش از بستگان ملّا احمد ملّاباشی (از بانیان تکیه میرزا ابوالمعالی) بود. در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد به خاک سپرده شد. او برادر بزرگتر تقی فداکار بنیان گذار اتّحادیه های کارگری اصفهان است.(۲)

سیّد محمّد باقر رجائی

سیّد محمّد باقر رجائی بن سیّد محمود بن آقا سیّد محمّد جواد موسوی، عالم عامل و فقیه کامل، در سال ۱۳۱۹ه.ق در اصفهان متولّد شد و خدمت جمعی از بزرگان از جمله برادر دانشمندش سیّد حسین رجائی، میر محمّد صادق خاتون آبادی، آقا شیخ

۱- قصص العلماء، (چ ۱۳۸۰ه.ق)، ص۱۴۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۲۳؛ فوائد الرّضویّه، ج۱، ص۵۵؛ مکارم الآثار، ج۴، صص ۱۲۳۴-۱۲۲۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۶۵؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ آشنای حق، صص ۵۱ و ۵۲؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۳۱۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۸۴؛ فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص ۷۰؛ فهرست مدرسه مروی، ص ۱۷۶.

۲- اتحادیه های کارگری و خودکامگی در ایران، ص۴۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

محمّد رضا نجفی و سیّد ابوالقاسم دهکردی به تحصیل پرداخت. سپس در سال ۱۳۵۹ه.ق به نجف اشرف مهاجرت کرده نزد آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، حاج سیّد ابوالقاسم خوئی، آقا سیّد عبدالهادی شیرازی، آقا ضیاءالدّین عراقی و آقا شیخ محمّد کاظم شیرازی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخته، اجازه اجتهاد از آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و سیّد عبدالهادی شیرازی و اجازه روایت از شیخ آقابزرگ طهرانی دریافت نمود و به اصفهان بازگشت و به ترویج و تبلیغ احکام و تدریس و اقامه جماعت پرداخت. سالها در مسجد بازار جنب سه راه نیم آورد به اقامه نماز و تدریس مشغول بود و در این اواخر در مسجد الاقصی واقع در فلکه فلسطین به اقامه نماز جماعت می پرداخت. او سالهای آخر عمر را به خاطر عارضه سکته خانه نشین و بستری بود تا اینکه در چهارشنبه ۲۶ ربیع الثّانی ۱۴۱۱ه در منزل خود وفات یافته، جنازه با تشییع شایسته و با حضور مردم اصفهان به قم حمل و در آنجا به خاک سپرده شد.(۱)

باقر خاص اصفهانی

میرزا باقر آشوری متخلّص به «خاص» فرزند مرتضی، شاعر ادیب، در طهران متولّد شد. در اصفهان ساکن بوده، در آبان ماه ۱۳۳۳ به مرض سکته وفات یافت. به ندرت شعر می گفت. از اوست:

جز تو ای دوست مرا نیست دگر دادرسی

خوش بود گر که مرا خویش به فریاد رسی(۲)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۲، ص۲۹۸؛ یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۵۵ و ۵۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۸.

سیّد محمّد باقر موّحد ابطحی*

سیّـد محمّد باقر موحّد ابطحی فرزند سیّد مرتضـی، عالم فاضل و فقیه محقق معاصـر، در شب اول ماه رمضان سال ۱۳۴۷ق در اصـفهان از دختر مرحوم سیّد محمّـد تقی فقیه احمـدآبادی متولّد شد. مقدمات و سـطوح فقه و اصول را در اصـفهان نزد والد ماجـدش و اساتیـدی چون حـاج آقا رحیم ارباب و شـیخ محمود مفیـد و هیئت را در نزد مجـدالعلماء نجفی فراگرفت. در سال ۱۳۶۶ق به قم مهاجرت نموده و با این که کمتر از ۲۰ سال داشت، در درس خارج آیات عظام حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّـد حجّت و سیّد احمـد خوانساری شـرکت نمود. سپس در درس آیات عظام امام خمینی، شیخ محمّد علی اراکی، سیّد محمّدرضا گلپایگانی، سیّد کاظم شـریعتمداری و سیّد محمّد محقق داماد حاضـر شده و فلسـفه را از علّامه سیّد محمّدحسـین طباطبایی آموخت. طب را نیز نزد پدر خود و میرزا محمّد طبیب زاده فرا گرفت.

او سالهـاست که به تحقیق اخبـار و احـادیث اهـل بیت علیهم السـلام مشـغول است و تعـدادی از کتـاب های حـدیثی قـدماء را تصحیح و تحقیق نموده و به چاپ رسانیده است که از آن جمله است: «عوالم العلوم» تألیف شیخ عبداللّه بحرانی.

تأسـیس مدرسه الامام مهدی (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در قم، مدرسه علمیه در شهرستان اقلید و مساجد بسیار و دو باب درمانگاه در اقلید از اقدامات ایشان می باشد.(۱)

سیّد محمّد باقر درچه ای

آقا سیّد محمّد باقر درچه ای بن سیّد مرتضـی بن سیّد احمد میرلوحی درچه ای اصفهانی، از اکابر علماء و مجتهدین و اعاظم فقهاء و مدرسین.

در سال ۱۲۶۴ق در روستای «درُچه» در نزدیکی اصفهان متولّد شده و پس از

۱- گنجینه دانشمندان، ج ۲، صص ۲۴۹-۲۴۷؛ الغدیر فی التراث الإسلامی (تألیف: علّامه سیّد عبدالعزیز طباطبایی)، ص ۲۲۰.

تحصیلات مقدّماتی در اصفهان نزد آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) [و شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی] و میرزا ابوالمعالی کلباسی و میرزا محمّد حسن نجفی به تحصیل پرداخته و پس از چندی به نجف اشرف مهاجرت فرموده و از درس آیات عظام میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب اللّه رشتی و سیّد حسین کوه کمری پرداخت.

آن گاه به اصفهان مراجعت نموده و در مدرسه نیم آورد ساکن گردیده و به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در مسجد بازارچه وزیر اقامه جماعت نمود. چندی نگذشت که در تدریس و زهد و مقام علم و فضل زبانزد خاص و عام گردید و پس از وفات سید اسماعیل صدر (در کاظمین) بسیاری از مردم اصفهان و بسیاری از شهرهای ایران از او تقلید می کردند. [زندگی زاهدانه و بی آلایش داشت و با قناعت زندگی می کرد. در تدریس فقه و اصول خبره و دقیق و عمیق بود. صدها عالم عالیقدر از محضر او بهره برده و بسیاری از آنان به اجتهاد دست یافتند که از آن جمله است حاج آقا حسین بروجردی (علیه الرّحمه) در ایمان و عقیده ثابت قدم بود و در عین حال با خرافات و پیرایه های بسته شده به دین صریحاً مخالفت می نمود.

در ماجرای مشروطیت نیز برخلاف بسیاری از علماء طرفدار مشروطیّت اصفهان، کاملاً مخالف بود.]

سرانجام در شب ۲۸ ربیع الثّانی سال ۱۳۴۲ق بر اثر سکته در حمام درچه وفات یافته و پس از تشییع و عزاداری باشکوه و کم نظیر مردم اصفهان و شهرها و قصبات اطراف، به تخت فولاد برده شد و در تکیه کازرونی در جوار مزار آخوند گزی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را میرزا حبیب اللّه نیز چنین گفته است:

یا نَیِّرُ انقص بسبع قل لرحله

«العلم قد مات من فقدان باقره»

۱۳۴۲=۱۳۴۹-۷

میرزا حسن خان جابری انصاری نیز گوید:

از صف علم الیقین آمد یکی بیرون و گفت

«باقر از علم الیقین شد جانب حق الیقین»

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «یک دوره فقه و اصول» در شانزده جلد ۲. «رساله در جبر و تفویض»(۱)

میرزا محمّد باقر خلیفه سلطانی

میرزا محمّد باقر خلیفه سلطانی معروف به «صدر خاصه ثانی» فرزند نواب میرزا محمّد مقیم بن میرزا محمّد نصیر بن سیّد حسن بن سیّد حسین خلیفه سلطان (سلطان العلماء)، از اجلّه علماء و فضلاء اصفهان، در خدمت پدر خود تحصیل نموده و از او روایت می کند. وی پس از وفات در قبرستان ستی فاطمه، مقبره خانوادگی خود مدفون گردید.(۲)

محمّد باقر کِردآبادی

محمّد باقر بن ملک محمّد کِردآبادی، در ۲۲ ربیع الثّانی ۱۱۲۱ق در نجف مجموعه ای از هفت رساله از تألیفات حیدرعلی شیروانی اصفهانی را فراهم کرده که به شماره ۴۲۹۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳) به ظنّ نویسنده،

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۷۰ و ۳۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۵؛ تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۹۰؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۷-۳۱۵ و ۳۹۴؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۵؛ آگهی شهان از کار جهان، ج۳، صص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ مدرس، ج۲، صص ۳۰۸ و ۳۱۴؛ سیاحت شرق، ص۱۶۴؛ دولت دیدار، صص ۲۷۰ و ۲۷۱؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، ص۲۴۳؛ روضه رضوان، صص ۱۱۶-۱۱۳؛ ستاره ای از شرق، اغلب صفحات؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۸۷-۱۸۵؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۶۰-۱۵۴.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۴؛ مزارات اصفهان، ص ۲۴۷.

۳- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

صاحب عنوان شاگرد حیدرعلی شیروانی بوده است.

[کِردآباد، به کسر کاف و سکون راء، از دهات جِی اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته و از محلّات شرق اصفهان است.]

محمّد باقر بن منبوداق

محمّد باقر بن منبوداق، از افاضل قرن یازدهم هجری بوده و در سال ۱۰۶۷ق در مدرسه جدّه اصفهان مجموعه ای از رسائل مختلف را ترتیب داده که از جمله رساله «اسرار الصّلوه» شیخ الرّئیس بوده است.(۱)

محمّد باقر باغاتی

محمّد باقر بن محمّد مؤمن اصفهانی باغاتی [نسخ نویس و کاتب قرن سیزدهم هجری] در سه شنبه ۵ ربیع الاوّل ۱۲۲۴ق کتابت نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را به پایان رسانیده، نسخه به شماره ۱۲۲۵ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۲)

[باغات در عصر صفویّه از محله های معروف اصفهان بوده است.]

ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری

ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری فرزند محمّد مؤمن، عالم فاضل فقیه، متکلم و محدّث از بزرگان مجتهدین و رؤساء علماء و مدرسین اصفهان معروف به «محقّق سبزواری» و «صاحب ذخیره»، در سال ۱۰۱۷ه.ق در سبزوار متولّد گردیده و در نوجوانی به اصفهان آمده و به تحصیل پرداخته است. اساتید و مشایخ اجازه ایشان عبارتند از:

میرزا ابوالقاسم فندرسکی، شیخ احمد بحرانی، ملّا محمّد تقی مجلسی، ملّا حسنعلی شوشتری، شیخ حسن مقری عاملی، سیّد حسین بن حیدر بن قمر کرکی، ملّا حیدر خوانساری، شیخ بهاءالدّین محمّد عاملی و قاضی معز.

۱- الذریعه، ج۲، ص۴۸.

۲- فهرست ملک، ص۷۲۹.

وی پس از وصول به مقام اجتهاد به تدریس پرداخته و دهها شاگرد دانشمند از محضر درس او بهره مند شده اند.

وی نزد شاهان و بزرگان صفویه صاحب اعتبار و احترام بوده و مدّتی منصب امام جمعه و شیخ الاسلام را به عهده داشته است. در زمان شاه عباس دوم تولیت مدرسه ملّا عبداللّه به وی واگذار گردید.

از آثار خیریه ایشان در اصفهان احداث بازارچه، حمام، مسجد و دیوانخانه شیخ الاسلام در محلّه سینه پایینی و در مشهد، مدرسه سمیعیه است که به همت میرزا سمیع و با اجازه و دستور ایشان صورت گرفته است.

محقّق سبزواری در عصر خود مرجع حل مشکلات شرعی و اجتماعی مردم بوده و در راه ارشاد مردم و کمک به ضعفاء و رفع نیاز نیازمندان اهتمام فراوان داشته است. و عمر را صرف تحقیق و تألیف و تدریس و عبادت نموده تا اینکه در ۸ ربیع الاوّل ۱۰۹۰ه.ق وفات یافته، جنازه به مشهد مقدّس نقل و در سرداب مدرسه میرزا جعفر مدفون گردید.

در تاریخ فوت آن مرحوم گفته اند: «شد شریعت بی سر و افتاد از پا اجتهاد» شریعت (۹۴۰)+ اجتهاد(۴۱۱) =۱۳۹۴

۱۰۹۰= (شد) ۳۰۴-۱۳۹۴

مادّه تاریخ زیر نیز از نویسنده این کتاب است:

چون مسافر شد محقّق در زمان

جانب خلد برین از این جهان

گشت تاریخ رحیل آن جناب

«پا نهاد اندر بهشت جاودان»

۱۰۹۰

ایشان طبع شعر داشته و گاهی شعر می سروده، این رباعی از اوست:

در عالم تن چه مانده ای بی مایه

پایی بردار و بگذار از نُه پایه

از مشرق جان بر تو نتابد نوری

تا از پی تن همی روی چون سایه

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ «حاشیه بر شرح اشارات» ۲. «حاشیه بر شبهه استلزام محقّق خوانساری» ۳. «حاشیه بر شفا» ۴. «حاشیه بر قانون» (غیرمدون) ۵. «خلافیه» ۶. «ذخیره المعاد در شرح ارشاد الاذهان»، مطبوع ۷. «روضه الأنوار عباسی» ۸. «رساله فی الغناء» ۹. «کفایه المقتصد» ۱۰. «مفاتیح النجاه عباسی»، در دعا به فارسی.(۱)

سیّد محمّد باقر نحوی

سیّد محمّد باقر نحوی بن سیّد مهدی بن آقا محمّد حسن مجتهد بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه، عالم فاضل و مجتهد زاهد. در سال ۱۳۰۳ق در اصفهان متولّد شد و نزد علمای این شهر همچون میرزا ابوالحسن بروجردی، سیّد ابوالقاسم دهکردی، میرزا احمد مدرس، شیخ احمد بیدآبادی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، شیخ محمّد رضا نجفی، ملّا محمّد حسین فشارکی، شیخ علی مدرس یزدی، آخوند ملّا محمّد کاشانی و سیّد محمّد مدرس نجف آبادی تحصیل نموده و به اجتهاد نائل آمد و سپس به ترویج دین و اقامه جماعت (در مسجد بازار کفاش ها و مسجد میرزا باقر) مشغول شد.

وی از آقا شیخ محمّد رضا نجفی، آخوند فشارکی و حاج میرزا ابوالحسن بروجردی اجازه داشته و تاریخ اجازه مرحوم بروجردی ماه رجب سال ۱۳۴۷ق بوده است.

او عمری را به زهد و قناعت گذرانیده و سرانجام در پنج شنبه ۵ جمادی الاوّل ۱۳۵۰ق بر اثر سکته وفات یافته و در تکیه خاندان مهدوی در تخت فولاد مدفون

۱- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صفحات متعدد؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۲۰؛ سلافه العصر، ص۴۹۱؛ وقایع السنین و الاعوام، صص ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۳۴؛ مصقی المقال، ص۹۱ و ۹۲؛ بغیه الطالب، ص۱۷۱؛ لباب الالقاب، صص ۲۷ و ۲۸؛ شمس التواریخ، ص۱۳؛ فوائد الرضویه، ج۲، صص ۴۲۵ و ۴۲۶؛ امل الآمل، ج۲، ص۲۵۰؛ تعلیقه امل الآمل، ص۲۵۲؛ ریاض العلماء، ج۵، ص۴۴؛ روضات الجنات، ج۲، ص۶۷؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۱۵۹؛ هدیه الاحباب، صص ۲۵۳ و ۲۵۴؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۴۲؛ الذریعه، ج۵، ص۵۷ و ج۶، ص۱۱۰ و ج۲۱، ص۳۰۸؛ الروضه النضره، ص۷۱؛ الاعلام، ج۶؛ ص۲۷۲؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۹۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل سبزواری، ص۲۳۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۲۴۳-۲۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۲.

گردید.

وی مفتخر به دامادی عالم فاضل ادیب آقا کمال الدّین خوانساری بوده و مرحوم خوانساری مادّه تاریخ او را چنین سروده اند:

آن سمیّ حضرت باقر که بود

نحوی عصرش فصیح و هم بلیغ

سال فوتش را اگر پرسی ز من

گویمت: «ای حیف از او با ای دریغ»(۱)

سیّد محمّد باقر خاتون آبادی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد مهدی بن میر محمّد حسین بن میر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل جلیل، در اصفهان ساکن بوده و در قرن سیزدهم هجری می زیسته است. تولد و وفات او معلوم نیست. در کتاب «مرآه الأحوال» از او به عنوان «فاضل صالح» یاد شده است.(۲)

ملّا محمّد باقر قمشه ای

آخوند ملّا محمّد باقر بن حاجی ملّا مهدی قمشه ای، عالم فاضل ساکن اصفهان، که از شاگردان ملّا حسینعلی تویسرکانی و آقا سیّد محمّد شهشهانی بوده در جمادی الثّانی ۱۳۱۶ه. وفات یافته در تکیه فیض در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۹۰ و ۴۹۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۹۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۶؛ بوستان فضیلت، صص ۵۱-۴۹.

۲- الکرام البرره، ج۱، ص۱۹۲؛ سالنامه دبیرستان فرهنگ، ص۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۲؛ مرآه الأحوال جهان نما، ج۱، ص۱۲۴.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۹۳؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۲۷؛ تاریخ شهرضا، ص۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸.

محمّد باقر نیلفروشان*

محمّد باقر نیلفروشان فرزند مهدی متخلّص به «راجی» شاعر ادیب. در ۱۲ شوال ۱۳۴۲ق در اصفهان به دنیا آمد. ابتدا در مکتب خانه تحصیل کرد. سپس به دبستان قدسیه رفت و دوره دوره متوسطه را در مدرسه معقول و منقول آغاز نمود. امّا پس از دو سال ترک تحصیل کرد و به تدریس در دبستانی از مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در اصفهان مشغول شد. وی پس از مدتی به تحصیل ادامه داد و پس از اخذ دیپلم به دانشگاه رفت و در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. همچنین در حوزه علمیه اصفهان نزد میر سیّد علی ابطحی، حاج آقا ضیاءالدّین علّامه، حاج سیّد عبدالحسین طیّب، حاج آقا حسین خادمی، شیخ حیدرعلی صلواتی، شیخ عباسعلی ادیب و شیخ عباس ایزدی به تحصیل علوم دینی مشغول شد.

او از فرهنگیان متدّین و پرشور اصفهان بود و در تأسیس مدارس دینی همچون نور دانش و ترقّی نقش مهمّی داشت.

همچنین او در مقاطع مختلف تحصیلی، تربیت معلم، دانشگاه آزاد و دانشگاه صنعتی شهرکرد به تدریس پرداخت.

استاد نیلفروشان در ۱۲ تیر ۱۳۷۸ش از دنیا رفت و در قطعه ۹ باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد. گاهی شعر می سرود.

از اوست:

دوران گل شد ای دل و گردید خار خوار

شد بار عاشقان به لب جویبار بار

هر دم هزار ناله مکن چون هزار زار

زیرا که گشت با تو گلی زین دیار یار

بنمود رخ مه من و کرد آشکار کار

تا جلوه ای نمود، بُرد زِ آفتاب تاب(۱)

ملّا محمّد باقر هرندی*

ملّا محمّد باقر بن محمّد مهدی هرندی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری. وی در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله آقا جمال الدّین خوانساری به تحصیل پرداخت. وی کتاب «حاشیه الرّوضه البهیّه» تألیف آقا جمال الدّین محمّد خوانساری را در سال ۱۱۱۸ق کتابت کرده و خود بر این نسخه حواشی متعدّدی نوشته است.(۲) همچنین وی کتاب «الآراء الفقهیه» را تألیف نموده که به شماره ۱۱۴۳/۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳) «ترجمه إرشاد القلوب» دیلمی نیز از آثار اوست.(۴)

سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی

حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی بیدآبادی اصفهانی ابن سیّد محمّد نقی بن سیّد محمّد زکی بن سیّد محمّد نقی بن شاه قاسم موسوی، از اعاظم علماء و اکابر فقهای قرن سیزدهم هجری. نسب شریفش به حضرت حمزه فرزند امام موسی کاظم علیه السلام منتهی می شود.

وی در سال ۱۱۷۵ق در قریه «چَرزِه» از قراء طارم عُلیا (در حدود ۵۰ کیلومتری زنجان و ۶۰ کیلومتری شفت) متولّد شده و در ۷سالگی به اتّفاق خانواده به شفت مهاجرت نموده و در آنجا مقدمات علوم دینی را آموخته و برای تکمیل آن راهی عتبات عالیات شده و نزد آقا محمّد باقر وحید بهبهانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، شیخ سلیمان

۱- آئین فرزانگی، ج۷، صص ۱۶۹-۱۶۴؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۰۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (چ۲)، ص ۸۲۰.

۲- فهرست مرکز احیاء میراث، ج۶، ص ۲۸۱.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۹، ص ۴۰.

۴- فهرستواره کتابهای فارسی، ج۶، ص ۳۸۲.

عاملی کاظمی، آقا سیّد علی طباطبائی (صاحب ریاض)، سیّد محسن اعرجی کاظمی، سیّد محمّد مجاهد، میرزا محمّد مهدی شهرستانی و سیّد مهدی بحرالعلوم که همگی از مجتهدین عالی مقام و فقهای بزرگ شیعه بودند کسب فیض نموده و به مقام مشامخ اجتهاد نائل آمد. پس از آن به ایران مراجعت نموده و شش ماه نزد حاج میرزا ابوالقاسم قمی در قم به تحصیل پرداخته و عاقبت در سال ۱۲۱۶ق وارد اصفهان شد و مدت کوتاهی در مدرسه چهارباغ تدریس نمود. سپس در مدرسه شفیعیه دردشت و مدرسه میرزا حسین در محلّه بیدآباد به تدریس پرداخته و در محلّه قبله دعا سکونت گزید.

او ابتدا در مسجد میرزا باقر اقامه جماعت نمود و سپس به همت ایشان مسجد بزرگ و معتبری در بیدآباد بنا شد که به «مسجد سیّد» شهرت یافت.

کم کم آوازه تدریس و مقام علمی و ملکات فاضله و اخلاق حسنه ایشان همه جا را فرا گرفت و بسیاری از مردم اصفهان و نواحی اطراف مقلّد و مرید او شدند و بالاخره شهرت و نفوذ کلمه او از ایران نیز در گذشته و بسیاری از مردم ایران و شیعیان سایر سرزمین ها مرجعیت ایشان را پذیرفتند. ثروت ایشان نیز روز به روز افزوده شد و سیّد حجّهالاسلام آن را صرف تربیت فضلاء و مرمّت مساجد و مدارس و کمک به نیازمندان و تکمیل کتابخانه خود نمود. برخی از حکام اصفهان و همچنین شاهان قاجار از نفوذ و قدرت او در هراس بودند ولی قادر به جلوگیری از آن نبودند و به ناچار به مقام علمی و ریاست او اذعان داشتند.

سیّد حجّهالاسلام در اصفهان خود رأساً به اجرای حدود شرعی و اقدام علیه مفسدین دست زد. او در عین حال بسیار به عبادت خدا و گریه و مناجات می پرداخت و در زمینه تَهَجُّد و بُکاء از خوف خدا ضرب المثل شده بود.

وی در تدریس نیز مهارت و توانایی بسیاری داشت در اغلب علوم خصوصاً فقه و اصول، حدیث و رجال استاد اساتید عصر خویش بود و از محضر درس او صدها تن از فضلاء و مجتهدین از بسیاری از نقاط ایران تربیت شدند. [مؤلف فقید در کتاب بیان المفاخر به شرح حال ۱۴۹ تن از شاگردان دانشمند او پرداخته اند.]

در زمان حیات مرحوم سیّد بسیاری از ادباء و شعراء در مدح و بیان اوصاف او قصاید و اشعار زیبائی سروده اند که اغلب آنها را میرزا محمّد علی وفای زوّاره ای در کتاب «تذکره مآثر الباقریّه» گردآوری نموده است.

عاقبت وی در روز یکشنبه ۳ ربیع الثّانی ۱۲۶۰ق بر اثر بیماری استسقاء وفات یافت. شاگردش ملّا علی اکبر خوانساری او را غسل و کفن نموده و فرزندش حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بر پیکر او نماز خوانده و او را در بقعه ای مخصوص در مسجد سیّد مدفون ساختند و سال ها بعد جمعی از فرزندان، احفاد و نزدیکان او در آن بقعه مدفون شدند.

حاج عبدالرحیم فسائی متخلّص به «عشرت» مادّه تاریخ وفات سیّد حجّهالاسلام شفتی را چنین سروده است:

سال تاریخ وفاتش خواستم

گفت عشرت «حجّت دین شد تمام»

ایشان کتب بسیاری تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «تحفه الأبرار» ۲. «مطالع الأنوار فی شرح شرایع الإسلام» ۳. «سؤال و جواب» ۴. «الزّهره البارقه» ۵. «الحلیه اللّامعه» ۶. «الرسائل الرّجالیه»(۱)

۱- بیان المفاخر، (۲جلد)؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۷۵-۳۷۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۵۳-۱۴۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۳؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۹۶؛ قصص العلماء، صص ۱۳۴ و ۱۶۶-۱۴۹؛ تذکره العلماء، صص ۲۱۵-۲۱۳؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۲۶۲-۲۵۵؛ لباب الألقاب، صص ۷۰ و ۷۱؛ بغیه الطالب، ص۱۷۱؛ هدیه الأحباب، ص۱۴۰؛ فوائد الرضویه، صص ؛ الکنی و الألقاب، ج۲، ص۱۷۳؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۱۹۶-۱۹۲؛ الذّریعه: مجلدات مختلف؛ ریحانه الأدب، ج۲، ص۲۶؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۹۶؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۱۱-۱۰۰؛ مکارم الآثار،ج۵، ص ۱۶۲۰-۱۶۱۴؛ وفیات العلماء، صص ۱۶۴-۱۶۲.

محمّد باقر حسینی

محمّد باقر شرف الدّین ابن الهادی الحسینی، در رجب ۱۰۰۴ق نسخه ای از «الصّحیفه فی علم الأسطرلاب» و در اواخر شوّال ۱۰۲۰ق نسخه ای از «رساله کریه» هر دو از تألیفات شیخ بهائی را در اصفهان کتابت کرده و در کتابخانه فرهنگ مشهد مقدّس موجود است(۱)

[ظاهراً صاحب عنوان از فضلاء و اهل قلم معاصر جناب شیخ بهائی است.]

میرزا محمّد باقر پاقلعه ای

میرزا محمّد باقر بن میر محمّد هادی بن میرزا محمّد خاتون آبادی، عارف سالک، از عرفای سلسله نعمت اللهی. در ۱۷ ذیحجّه ۱۳۴۶ق وفات یافته و در تکیه آغاباشی، جنب تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

[جواد شوقی اصفهانی مادّه تاریخ فوت او را در این بیت آورده است:

پا در آن جمع هشت «شوقی» و گفت:

«میر باقر مکان بجنّت کرد»(۳)]

محمّد باقر خوراسکانی

محمّد باقر بن محمّد هادی خوراسکانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری و از اهالی «خوراسکان» جِی اصفهان است. وی مالک نسخه ای از «حاشیه شرایع الإسلام» محقّق کرکی بوده و در رمضان ۱۱۶۴ق بر یکی از برگهای این کتاب یادداشت تملک نوشته است سجع مُهر او «غلام محمّد باقر» بوده است. این نسخه به شماره ۶۵۸۴ در کتابخانه

۱- فهرست کتابخانه فرهنگ مشهد، صص ۵۱-۴۹.

۲- نمونه مختصر المکارم، ص۲۰۲، خطی؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۵.

۳- دیوان شوقی اصفهانی، ص۳۳۸.

آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است.(۱)

محمّد باقر اصفهانی*

محمّد باقر بن محمّد هاشم اصفهانی، خطّاط نسخ نویس قرن دوازدهم هجری بوده و در سال ۱۱۴۴ق نسخه ای از «صحیفه سجادیه» را به خط نسخ زیبا کتابت نموده است.(۲)

سیّد باقر رشتیان*

سیّد باقر رشتیان ابن سیّد هاشم نقّاش، هنرمند نقّاش. دراصفهان متولّد شده و نقّاشی را از پدر آموخت و سرانجام در ۱۰ شعبان ۱۳۸۰ق (مطابق سال ۱۳۳۹ش) درگذشت و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ فوت او را احمدرضا غفورزاده (طلائی) چنین سروده است:

سال تاریخ او «طلائی» گفت

«آه از مرگ رشتیان عزیز»(۳)

۱۳۳۹

ملّا محمّد باقر صفای نائینی

ملّا محمّد باقر جابری نائینی متخلّص به «صفا» فرزند ملّا هدایت حسین عالم فاضل و ادیب شاعر، در اصفهان به تحصیل پرداخته و به مدارج عالی علم و ادب دست یافت. در نظم و نثر خصوصاً انشاء و فقه و حدیث مهارت داشته، در سال ۱۰۸۲ه. وفات یافت.(۴) از او تألیفاتی به جای مانده است از آن جمله است:

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۶۰؛ خورشید جی، ص۳۰۶.

۲- فهرست مرکز احیاء میراث اسلامی، ص۶، ص۳۸۱.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۸۲؛ تاریخ اصفهان (جابری)، چاپ ۱۳۷۸، ص۳۱۱.

۱. «مفتاح الأفق» یا «مفتاح الحقایق» در اصول دین (۱) ۲. «دیوان اشعار» ۳. «مفتاح الحقایق»(۲)

از اوست:

شب دوری به سان شمع تا وقت سحر سوزم

ز خوناب دل مجروح و از سوز جگر سوزم

ز بس سوراخ سوراخ است تن از ناوک نارش

گهی از سر گهی از سینه گاه از چشم تر سوزم

باقر برهمن

باقر برهمن، شاعر ادیب، در اصفهان ساکن است. گاهی شعر می سراید این دو بیت را به مناسبت کشته شدن حسین صرافیان از فعّالان اتّحادیه کارگری در ۴ خرداد ۱۳۲۴ سروده:

هر کجا رو آورم سوگ غمی برپاستی

قلب ها و دیده ها مجروح و خون پالاستی

آنکه اندر راه آزادی بدی ثابت قدم

آوخ آوخ تنگنای گور را مأواستی(۳)]

باقر بنّا*

باقر بنّا، از خوشنویسان گمنام عهد صفویه است. خط ثلث را با نهایت استادی می نوشته و مورد توجّه شاه عباس کبیر بوده تا جائی که خط او در مسجد شیخ لطف اللّه در کنار خط علیرضا عباسی خوشنویس دربار صفویه قرار گرفته است.

دو کتیبه بسیار زیبای ثلث بر کتیبه کاشیکاری با رقم «و بالباقر البنّا کاتب هذه

۱- الذریعه، ج۲۱، ص۳۲۶.

۲- تاریخ اصفهان (جابری)، چاپ ۱۳۷۸، ص۳۹۱، (تعلیقات).

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۸۵.

الحروف» درداخل مسجد شیخ لطف اللّه موجود است.(۱)

این هنرمند، از چشم همه کسانی که درباره آثار تاریخی اصفهان از جمله مسجد شیخ لطف اللّه کتاب نوشته اند و نیز نویسندگان کتب شرح حال خوشنویسان پنهان مانده است. دکتر هنرفر اولین شخصی است که به نام و اثر او اشاره کرده و در حقیقت او را احیاء کرده است.

آقا محمّد باقر بهجت اصفهانی*

آقا محمّد باقر اصفهانی متخلّص به «بهجت» شاعر ادیب و خوشنویس فاضل در عهد سلطنت فتحعلی شاه، مستوفی عباس میرزا ولیعهد او بوده و خط نستعلیق را نیکو می نوشته و در فنون ادب استاد بود. مدتها در آذربایجان بوده و در زمان سلطنت محمّد شاه وفات یافته است. نویسنده «مدایح معتمدیه» شرح حال او و اشعارش در مدح منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان را آورده است. این دو بیت از آنجاست:

دلم به زلف تو شاد از لب شکرخند است

ز آب خضر به ظلمات تشنه خرسند است

چه شام ها که سحر کردم و ندانستم

درازی شب زلف تو را که تا چند است(۲)

میرزا باقر تبریزی

میرزا باقر تبریزی معروف به «ایبک» شاعر ادیب فاضل، از تبارزه عباس آباد اصفهان بوده به خدمت بسیاری از فضلاء رسیده، مرد صالح پرهیزکاری بود. از اشعار اوست:

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۰۷ و ۴۱۴.

۲- تذکره مدایح معتمدیه، (نسخه خطی)؛ ر. ک. به: حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ الذریعه، ج۹، صص۱۴۶ و ۱۴۷.

تارهای سر زلف تو چو پیوست به هم

داد اسباب پریشانیِ ما دست به هم(۱)

محمّد باقر توحید اصفهانی

محمّد باقر توحید اصفهانی، مؤلّف «شرح دعای صباح».

نسخه آن در حاشیه «شرح دعای صباح» میرزا ابراهیم امینی ضمن مجموعه شماره ۳۵۶۷ مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

سیّد محمّد باقر حسام السّادات

سیّد محمّد باقر حسام السّادات اصفهانی، مؤسس مدرسه سادات اصفهان است که در سال ۱۳۳۱ق در محلّه چهارسوق شیرازی ها تأسیس شده است. صاحب عنوان از فضلاء و ادباء اواخر دوره قاجاریه است.(۳)

باقر سخائی

باقر سخائی، از راه کارگری امرار معاش می کرده و گاهی اشعاری می سروده و دارای طبعی روان بود.

از اوست:

[حب وطن شیوه نیکان بود

حب وطن پاکی ایمان بود

محترم این ملک چو مادر بدار

هموطن خویش برادر شمار(۴)]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۸۵؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۰؛ صحف ابراهیم، ص۲۷۲، (تعلیقات).

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش سوّم، ص۱۵۳۶.

۳- سالنامه دبیرستان فرهنگ، ص۴.

۴- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۹.

سیّد محمّد باقر تیرانی

سیّد محمّد باقر تیرانی کرونی اصفهانی، عالم فاضل امام جمعه تیران مرکز بلوک کروَن اصفهان. از علمای قرن چهاردهم هجری می باشد. در اصفهان تحصیل نموده، در بلوک مزبور صاحب ریاست و شهرت و قدرت بوده است.

محمّد باقر حسینی

محمّد باقر حسینی، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. وی کتیبه سنگاب مسجد خان در اصفهان را به خط نستعلیق کتابت کرده است.(۱)

محمّد باقر کارلادانی اصفهانی

محمّد باقر خراسانی کارلادانی از فضلاء و نویسندگان در قرن سیزدهم هجری و ساکن قریه «کارلادان» است.

احتمالاً وی از شاگردان مرحوم آقا محمّد مهدی کلباسی و خود از فضلاء گمنام اصفهان در قرن سیزدهم هجری می باشد.

از آثارش کتابت نسخه ای از «نورالعیون للمتّقین» (رساله عملیه مرحوم آقا محمّد مهدی کلباسی) است که آن را در سال ۱۲۷۷ق کتابت نموده و از خود نیز بر آن حواشی مرقوم داشته است که به شماره ۱۷۵۶ در مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲)

کارلادان که در این زمان بین النّاس به کلادان به ضم کاف فارسی معروف است [از دهات بلوک ماربین بوده و حالا به شهر پیوسته و از محلّات غرب اصفهان است و مقبره عمو عبداللّٰه سقلا معروف به «منارجُنبان» در آنجاست.]

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۹۵۵؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۰۸.

۲- فهرست مدرسه فیضیه، ج۱، ص۲۹۰.

سیّد محمّد باقر دیباج

سیّد محمّد بـاقر دلاّل اصـفهانی متخلّص به «دیباج» از سادات حسـینی اصـفهان و از محترمین تُجّار و مورد اعتماد کلیه طبقات بود، متجاوز از ۸۰ سال عمر نموده، در اصفهان پس از سال ۱۳۶۰ق وفات یافت.

میرزا محمّد باقر ذکاءالملک اصفهانی

میرزا محمّد باقر ذکاءالملک اصـفهانی، از ادبای اواخر دوره قاجاریه است. در اصفهان ساکن بوده و بخش آخر کتاب «الکامل فی التّاریخ» تألیف: ابن اثیر را به فارسـی ترجمه کرده است. نسخه در یک شنبه ۹ ربیع الاوّل ۱۳۰۴ق به نام ظلّ السّلطان ترجمه شده و به شماره ۴۲۱۸ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر زوّاره ای

سیّد محمّد باقر زوّاره ای اصـفهانی، از علمای زمان شاه سـلطان حسـین صـفوی است. تألیفاتی دارد از آن جمله است «ترجمه بلدالأمین» کفعمی.(۲)

محمّد باقر سروش اصفهانی

محمّد باقر اصـفهانی متخلّص به «سـروش» شاعر و ادیب خوشـنویس، در اصـفهان به کسب علم و ادب پرداخته و نزد درویش عبدالمجید طالقانی به مشق خط پرداخت. خط شکسـته را خوش می نوشـته و سـرانجام در سال ۱۲۰۵ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شده است.

از اوست:

با تو گویم شِمّه ای از سرگذشت

بی تو آب دیده ام از سر گذشت(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۱، ص ۲۲۱.

۲- الذریعه، ج ۴، ص ۸۴.

۳- تذکره سفینه المحمود، صص ۳۷۰ و ۳۷۱؛ تذکره نگارستان دارا، صص ۱۹۹ و ۲۰۰؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج ۱، ص ۷۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۹۴.

آقا محمّد باقر سمسوری

آقا محمّد باقر سمسوری اصفهانی، خطاط نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری از اهالی قریه «سمسور» خوراسکان بوده، در خط نستعلیق و نسخ استاد بوده و به شیوه محمّد صادق و میرعماد خط می نوشته، از آثار او سنگ نوشته قبر مادر شاهزاده در تخت فولاد به تاریخ ۱۲۴۶ و کتیبه عمارت سرپوشیده سیف الدّوله (که خراب شده) می باشد.(۱)

مرحوم مهدی بیانی در دوجا از صاحب عنوان نام می برد یک جا به عنوان محمّد باقر سمسوری که آثاری از او را به خط نستعلیق با رقم «محمّد باقر الإصفهانی» به ذکر می کند و دیگری در بخش نسخ نویسان کتاب خود که اثری از او را به خط نسخ با رقم «محمّد باقر الخوراسکانی» معرفی می نماید.

و امّا آثاری که مرحوم بیانی معرفی نموده است به شرح زیر می باشد:

۱. یک نسخه «کلمات قصار حضرت امیر» به خط نستعلیق خوش به تاریخ ربیع الاوّل ۱۲۴۷ق، موجود در کتابخانه سلطنتی سابق.

۲. یک مرقع شامل ۱۲ رقعه، به خط نستعلیق خوش در سال ۱۲۳۷ق، موجود در همان کتابخانه.

۳. یک قطعه، به خط نستعلیق خوش از روی خط میرعماد، در سال ۱۲۳۷ق، موجود در مجموعه مهدی بیانی.(۲)

۴. «قرآن مجید» به خط نسخ متوسط، در سال ۱۳۳۵ق، موجود در کتابخانه سلطنتی سابق.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۸؛ بیان المفاخر، ج۲، ص ۱۰۱ و ۳۷۲؛ دیوان طرب، مقدمه، ص۸۸؛ تاریخ اصفهان (مجلّد هنر و هنرمندان)، ص۲۱۳ و ۱۳۶.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۵۵.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۵۰؛ گنجینه قرآن، ص۸۳.

سیّد محمّد باقر صدرالکُتّاب

آقا سیّد محمّـد باقر موسوی اصفهانی ملقب به «صدرالکتاب» از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری بوده و در طهران به کتابت مشغول بوده و در نسخ نویسی به مقامی منیع رسیده قرآنی را به خط زیبای خود کتابت کرده است که بسیار مطلوب و مطبوع واقع شده [است.]در خط نستعلیق نیز مهارت داشته و «مثنوی معنوی» را کتابت کرده که در سال ۱۲۹۸ه چاپ سنگی شده است.(۱)

میر محمّد باقر طباطبایی اصفهانی

میر محمّـد باقر طباطبایی اصفهانی، عالم فاضل، از شاگردان علّامه مجلسی است. علّامه مجلسی در انهائی که در سال ۱۰۹۲ه. برای او نوشته از او با عنوان «السیّد الایّد ذوالمفاخر و المآثر الأمیر محمّد باقر وفقه اللّه تعالی» تجلیل می کند.(۲)

آقا سیّد محمّد باقر طبیب

آقا سیّد محمّـد باقر طبیب، از اطباء معروف اصفهان و ساکن محلّه بیدآباد بوده و در اواخر قرن سیزدهم هجری می زیسته است.(۳)

محمّد باقر عامی اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی متخلّص به «عامی» از شاعران قرن سیزدهم هجری بوده و از کسب کرباس فروشی امرار معاش می کرده و اصلش از کاشان بوده است.

از اوست:

۱- المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج ۱، ص۲۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۳۰۳.

۲- اجازات الحدیث، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص ۸۰؛ الروضه النضره، ص ۷۲.

۳- تاریخ و جغرافیای چهارمحال، ج ۱، ص۴۶۵؛ بیان المفاخر، ج ۲، ص ۲۳۸.

آنچه در جان و دلم صبر و قرارش خوانند

بُرد از یک نظرآن شوخ که یارش خوانند(۱)

شیخ محمّد باقر قزوینی

حاج شیخ محمّد باقر قزوینی، از علماء معمّر و مدرّسین فاضل معاصر، در حدود سال ۱۲۷۳ق [یا کمی قبل از آن] متولّد شد و در اصفهان نزد آخوند کاشی و ملّا محمّد حسین فشارکی تلمُّذ نمود. عالمی زاهد و متقّی بود و سالها در مدرسه نیم آورد به تدریس هیئت و حساب مشغول بود. جمعی از فضلاء از جمله [آیت اللّٰه العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی، سیّد محمّدحسین آیت میردامادی، سید جعفر میردامادی، سیّد مرتضی موحد ابطحی] آقا سیّد حسن احمدی علون آبادی و حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی نزد او کسب فیض نموده اند.

سرانجام در ۲۸ ربیع الثّانی ۱۳۶۵ق در اصفهان وفات یافته و در تکیه میرزا عبدالغفار تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

میرزا باقر قاضی زاده

میرزا باقر تبریزی معروف به «قاضی زاده عباس آباد» عالم فاضل و ادیب شاعر، از دانشوران اواخر عهد صفویّه. او نوه قاضی زین العابدین تبریزی است. در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن بود. وی نزد ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، آقا حسین خوانساری و قوام الدّین طهرانی رازی به تحصیل پرداخت و در معقول و منقول صاحب مهارت گردید و به تدریس در مدرسه قطبیه مشغول شد. او در بین تبریزیان عباس آباد اعتبار و احترام بسیار داشت و تقسیم گندم و گوسفند تبارزه با او بود.

در بیان مقام علمی او نصرآبادی می نویسد: «در تحصیل علوم سعی بسیار نموده،

۱- سفینه المحمود، ص۴۰۸؛ تذکره اختر، ص۱۴۴؛ بهترین اشعار، ص۳۸۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۳۰۶ و اطلاعات متفرقه نویسنده.

حَقّاً که باقر علوم و جامع کمالات است». و شیخ محمّد علی حزین می آورد: به فضایل ظاهری و باطنی موصوف است.

او از دوستان و معاشران میرزا ابوطالب زاهدی لاهیجی بود. فرزند میرزا ابوطالب، شیخ محمّد علی حزین لاهیجی در کودکی او را درک کرده است. میرزا باقر قاضی زاده در هفتمین دهه از زندگی خود در حدود سال ۱۱۱۰ق یا کمی قبل از آن در اصفهان وفات یافت. شعر نیکو می سرود و نسبت به فضلای معاصر خود با دقایق صناعت شعر آشنایی بیشتری داشت و در نظم اشعار و معما سلیقه اش معیار ادباء شمرده می شد.

این شعر از اوست:

فصل گل و موسم بهار است

گلزار به رنگ و بوی بهار است

بی تو شب ما تیره روزان

چون چشم سفید گشته تار است(۱)

ملّا محمّد باقر گزی

ملّا محمّد باقر گزی، عالم فاضل محدّث از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. علّامه مجلسی در آخر کتاب الزّیارات از کتاب «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی که به شماره ۱۹۵۸ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می شود. در جمادی الاولی ۱۰۸۴ه.ق برای او اجازه روایت نوشته و از او به عنوان «الفاضل الکامل العامل التّقی الذّکی» یاد کرده است.(۲)

۱- تذکره شعرای آذربایجان، ج۲، صص ۷۶-۷۴؛ دانشمندان خوانسار، ص۱۱۷؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۵۰؛ تذکره المعاصرین (حزین)، ص۱۳۲؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۲۵؛ کلمات الشعراء، ص۱۰؛ تذکره حسینی، ص۷۲؛ تذکره نتایج الأفکار، ص۱۱۸؛ آتشکده آذر، ج۱، ص۱۷۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۰؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۶۲ و ۶۳؛ صحف ابراهیم، صص ۸۰ و ۸۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۳.

۲- اجازات الحدیث، ص۱۷۲؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۸۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۷؛ فهرست رضوی، ج۵، ص۵۶.

سیّد محمّد باقر محزون سدهی

سیّد محمّد باقر سِدِهی متخلّص به «محزون»، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشوران چهاردهم هجری] در محلّه درب سیّد محلّه فروشان سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی]متولّد شده و در اصفهان نزد حضرات آیات شیخ محمد تقی آقانجفی و شیخ محمّد علی ثقهالاسلام نجفی به تحصیل پرداخت. سپس به وطن اصلی خود مراجعت کرده و مرجع شرعیات آن حدود گردید و در یکی از مساجد آنجا اقامه جماعت نمود که مسجد مذکور به نام او شهرت دارد. وی در حدود سال ۱۳۶۷ق وفات یافت. دیوان اشعار او با عنوان «کتاب محزون در مدائح و مصائب» [در ذیحجه الحرام ۱۳۶۵ق در تهران] به طبع رسیده است. این شعر از اوست:

میرس حالت من در فراق یار امشب

به لب رسیده مرا جان هزار بار امشب

خیال روی توام شعله می کشد بر سر

اگر چو شمع بسوزم عجب مدار امشب(۱)

محمّد باقر منیر اصفهانی

میرزا محمّد باقر اصفهانی متخلّص به «منیر» شاعر ادیب، در هندوستان ساکن بوده و در محضر میر شمس الدّین فقیر کسب علم می نموده است. قبل از «منیر» به «فدائی» تخلّص داشته و در قرن دوازدهم هجری زندگی می کرده است.(۲)

سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی

سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی، طبیب مخصوص شاه سلیمان صفوی مؤلّف کتاب «الادویه القلبیه» است که آن را به امر شاه در یک مقدّمه و چهارده باب و خاتمه نوشته

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۵ و ۴۱۶.

۲- الذریعه، ج۹، ص۱۱۱۴.

است.(۱) وی از سادات حکیم سلمانی اصفهان به شمار می رود.

محمّد باقر نجم ثانی*

محمّد باقر نجم ثانی، از نوادگان امیر یاراحمد خوزانی اصفهانی ملقّب به نجم ثانی است. مردی دلیر و شجاع بود و در کمانداری نظیر نداشت. او از صاحب منصبان دربار پادشاه هند بود. نورالدّین محمّد جهانگیر پادشاه در کتاب خود جهانگیرنامه از دقّت و نشانه روی دقیق او ابراز شگفتی می کند.

محمّد باقر نجم ثانی با منصب چهارهزاری در نظامت اله آباد به سال ۱۰۴۷ق درگذشت. همسر او ملکه بانو دختر بیگم است و بیگم خواهر ملکه نورجهان بود. نورجهان بیگم نیز در تیراندازی مهارتی عجیب داشت.(۲)

آقا باقر نقاش*

محمّد باقر اصفهانی معروف به «آقا باقر نقاش»، از نقاشان و قلمدان سازان هنرمند عصر زندیه و قاجاریه است. وی از شاگردان «علی اشرف» است. همچنین از روی آثار نقاشان ایتالیا مشق و تمرین فراوان انجام داده و در نقاشی مجالس بزم و صحنه های رزم سبکی آمیخته از فرنگی و ایرانی را برگزیده است. او در ساختن گل و بته و مرغ و نقش حیوانات تبحّر خاصّی داشته و با آب رنگ ساده، سیاه قلم و رنگینه پرداز آثار کم نظیری به وجود آورده است.

سجع آثار او «باقر از بعد علی اشرف شد» و «یا امام محمّد باقر» و «کمترین محمّد باقر» و «یا باقر العلوم» بوده است. تولد او در اصفهان بوده و اغلب در اصفهان به سر برده است.

از آثار او تابلوی آبرنگ پرندگان روی شاخه پرشکوفه سیب در سال ۱۱۹۵ق و

۱- الذریعه، ج۱، ص۴۰۳.

۲- جُنگ معانی، ص۱۲۳.

تصویر میرابوالقاسم فندرسکی در سال ۱۱۹۲ق را می توان نام برد.(۱)

ملّا محمّد باقر ورنوسفادرانی

ملّا محمّد باقر ورنوسفادرانی، شاعر ادیب، از قریه «ورنو سفادران» سِدِه ماربین بوده و در آن قریه مکتبداری می کرده، مردی در کمال صلاح و پرهیزکاری بوده و در فنون شعر و ادب و لغز و معما مهارت داشته و [در حدود سال ۱۰۸۱ه. وفات یافته است.]

از اوست:

چون بر آرم ناله از دل آیدم صد فوج درد

آری آری خضر راه کاروان بانگ درآست(۲)

بایزید بسطامی

بایزید بن نظام الدّین عبدّالرزّاق بسطامی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در روز پنج شنبه ۲ ربیع الثّانی ۱۰۹۹ق کتاب «خلاصه الأذکار» تألیف: فیض کاشانی را در مدرسه مقصودیه ناظریه کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۳۸۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

ظاهراً مراد از مقصودیّه ناظریه، مقصود بیک ناظر شاه عباس، بانی چهارسو مقصود باشد و احتمالاً مدرسه در چهارسوی نامبرده جنب مسجد شاه [مسجد امام فعلی] قرار داشته است.(۴)

۱- هنر قلمدان، صص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ دائره المعارف هنر، ص۷۲؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۱۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۷.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۷۹۲.

۴- اصفهان: دارالعلم شرق، نسخه خطی، ص۲۲۵.

بائِنـدُر صفوی*

بائِنـدُر خان صـفوی، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. او با خاندان صـفویّه خویشاوندی داشت و در اصـفهان ساکن بود. امّا مردی قـانع و وارسته بود و دنبـال مشاغـل دولتی نرفت و عمر را به مصاحبت و معاشـرت با شـعراء و فضـلاء و مردان اهل حال گذراند.

این بیت از اوست:

کاش زلف تو دگر بو به صبا نفروشد

تا صبا منّت کونَین به ما نفروشد(۱)

سیّد بحرالعطاء مهدوی هرستانی

سیّد بحرالعطاء مهدوی بن سـیّد محمّد بن سـیّد احمد بن سـیّد محمود زمان هُرسـتانی سِدِهی عالم فاضل زاهد متقی، از علمای معاصـر در روسـتای «هرسـتان» از توابع سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده و در اصفهان نزد علمای عالیقدر چون شهید سیّـد حسن مـدرس، سیّد ابوالقاسم دهکردی، سـیّد محمّـد باقر درچه ای، سـیّد مهـدی درچه ای، شـیخ محمّد رضا نجفی، میر محمّـد صادق خاتون آبادی، شـیخ محمّـد تقی آقا نجفی، آخونـد ملّا محمّد کاشانی و جهانگیرخان قشـقائی بهره برد و پس از آن به «هرسـتان» بـازگشت و به اقامه جماعت و ارشاد و هـدایت مردم پرداخت. او نسبت به مسائل دینی متعصّب و مـدافع و به زخارف دنیوی بی اعتنا بود. وی سرانجام در یکشنبه ۲۹ ربیع الثّانی ۱۳۷۱ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۴ و ۵۵؛ تذکره روز روشن، ص۹۹.

۲- شـرح مجموعه گل، صـص ۳۵۶ و ۳۵۷؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۶۸۲؛ خمینی شـهر شـهری که بایـد از نو شناخت، ص۲۰۷.

سیّد بحرالعلوم میردامادی

سیّد بحرالعلوم میردامادی ابن سیّد اسداللّه صدرالاسلام از اعقاب میر محمّد حفیظ بن محمّد اشرف بن میر عبدالحسیب محمّد بن میر سیّد احمد علوی عاملی.

عالم فاضل عارف، در سال ۱۳۴۵ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده و مقدمات علوم از صرف و نحو و غیره را در مولد خویش فرا گرفت. سپس جهت تکمیل آن به اصفهان آمده و نزد آقا سیّد احمد مقدس، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، شیخ محمّد حسین رشتی، شیخ محمّد حسین مشکینی، حاج آقا رحیم ارباب، سیّد محمّد رضا خراسانی، سیّد صدرالدّین کوپائی، میرزا علی آقا شیرازی و میر سیّد علی موسوی بهبهانی تحصیلات خود در فقه و اصول و ادبیات و کلام و اخلاق را انجام داده و سپس به قم هجرت نموده و نزد آیات عظام حاج آقا حسین بروجردی، علّامه طباطبائی، امام خمینی و سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی به کسب فیض پرداخت.

وی سالها به ترویج دین و ارشاد مردم مشغول بود و در عمر پربرکت خود چندین مسجد و حسینیّه را تأسیس و یا مرمّت نموده و شاگردانی را پرورش داد. تأسیس مهدیه میرداماد و مؤسّسه خیریه امام رضاعلیه السلام از دیگر خدمات اوست.

سرانجام در بامداد یکشنبه ۱۵ ربیع الثّانی ۱۴۱۱ق وفات نموده و پس از تشییع، در قبرستان پلارت [معروف به بهشت فاطمه (سلام اللّه علیها) در خمینی شهر] مدفون شد و بقعه ای باشکوه بر مزار او ساخته شد.

کتابهای: ۱. «اصول دین استدلالی» ۲. «تقریرات درس مرحوم بروجردی» ۳. «رساله در سیر و سلوک»، مطبوع ۴. «سیری در اخلاق اسلامی» از تألیفات ایشان است.

مادّه تاریخ فوت او را عالم ادیب فاضل حاج سیّد مصطفی نحوی چنین سروده است:

غریق از پی تاریخ رحلتش بودم

میان حلقه ماتم به بحر حیرانی

که ناگه آمد «نحوی» به جمع سر زد و گفت:

«ز فوت وی شده بحرالعلوم طوفانی»(۱)

۱۴۱۱=۱۳۶۱+۵۰

بداق بیگ نسیم شاملو

بُداق بیگ شاملو متخلّص به «نسیم» [فرزند سیّد علی بیگ] شاعر ادیب [در هرات متولّد شده و در اصفهان اقامت گزیده(۲)] جوانی خوش طبع و صاحب کمال بوده و پس از وفات در مزار باباركن الدّین مدفون گردید.(۳) [دیوان او بالغ بر سه هزار بیت است] از اوست:

خموشی فیض را دارد سخن پرداز می داند

نخستین آنکه ساکت هیچگه ملزم نمی گردد(۴)

بدران علوی نسّابه اصفهانی

سیّد نجم الدّین بدران بن شریف بن ابی الفتح علوی حسینی موسوی نسّابه اصفهانی، از فضلاء و محدّثین جلیل القدر شیعه در قرن پنجم هجری است.

منتجب الدّین در «الفهرست» می نویسد: «به وسیله ثقهالدّین ابوالمکارم هبهاللَّه بن داود بن محمّد اصفهانی از او خبر یافتم». کتاب «المطالب فی مناقب آل ابی طالب» از تألیفات اوست.(۵)

۱- یادنامه فقیه اهل بیت عارف الهی آیت اللَّه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۴۲-۳۶؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

۲- قصص الخاقانی، ج۲ ص۱۶۸.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۱.

۴- رجال اصفهان، ص۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۸۲.

۵- النّابس، ص۳۵؛ ریاض العلماء، ج۱، ص۹۶؛ امل الآمل، ج۲، ص۴۳؛ جامع الرّواه، ج۱، ص۱۱۵؛ الفهرست، ص۴۳؛ فوائد الرضویّه، ج۱، ص۵۵؛ الذریعه، ج۲۱، ص۱۳۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ دایرهالمعارف تشیع، ج۳، ص ۱۴۱.

بدر رارانی اصفهانی

ابوالرّجاء بـدر بن ثابت بن روح بن محمّـد بن عبدالواحـد بن ابی القاسم بن عباس بن جعفر صوفی رارانی، از محدّثین و عرفای اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است.

وی از مشایخ روایتی ابوسعد سمعانی است. سمعانی از او در کتاب خود به عنوان «مقدم صوفیه فی اصبهان» و «شیخٌ صالحٌ سدید السیره، نظیف الظاهر، جمیل الأمر، من بیت الحدیث و التّصوف» یاد کرده است.

وی بعـد از سال ۴۶۰ق در خـانواده ای اهـل علم و دانش پرور متولّـد شـده و از ابواسـحاق ابراهیم بن محمّـد بن ابراهیم طیّان، ابوالحسن احمد بن عبدالرّحمان ذکوانی، ابوالخیر محمّد بن عبداللّه بن ررا و ابونصر احمد بن محمّد بن صاعد صاعدی حدیث شنیده است. [همچنین وی از جدّش ابوطاهر روح بن محمّد رارانی و نیز از ابن ماجه روایت می کند.]

وی سرانجام در ماه رمضان سال ۵۳۲ق در اصفهان وفات یافته است.(۱)

[«راران» از محلّه هـای شـرق اصـفهان، در منطقه باسـتانی جِی واقع شـده است و منـاره ای تاریخی هنوز پس از صـدها سال در آنجا برپا است.]

بدر فرکی اصفهانی

ابـوالنّجم بـدر بن دُلَف بن یوسف فَرکی اصـفهانی، از محـدّثین قرن پنجم است. از اهـالی روسـتای «فَرک» اصـفهان بوده و از ابونصر ابراهیم بن محمّد بن علی کسائی حدیث شنیده است. حافظ ابوطاهر سلفی از او روایت می کند.

وی در سال ۴۱۹ق متولّد و در سال ۵۰۲ق وفات یافته است.(۲)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۳۲؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۲؛ المشتبه، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲- معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۵۵؛ اللباب، ج ۲، ص ۴۲۴.

سیّد بدرالدّین جاجرمی

بدرالدّین [بن عمر] جاجَرمی خراسانی، از شعرای معروف قرن هفتم است. [در «جاجَرم» خراسان متولّد شد. در جوانی در خراسان به تحصیل پرداخت و سپس به اصفهان آمد]و به مدح بهاءالدّین محمّد جوینی، حاکم اصفهان و پدرش شمس الدّین محمّد صاحب دیوان پرداخت. [و از بهاءالدّین لقب «ملك الشّعراء» گرفت. گویند در اصفهان نزد مجدالدّین همگر شاگردی کرده است.] وی سرانجام در سال ۶۸۶ق وفات یافت. مثنوی در اختلاج اعضاء و ترجمه منظوم قصیده عربی «ابوالفتح بُستی» موسوم به «عنوان الحکم» از اوست که به طبع رسیده و این بیت از آنجاست:

زیادَةُ المَرءُ فی الدُّنیا نقصان

وَرِبْحُهُ غیر مَحضِ الخَیرُ خُسران

هر کمالی که ز دنیاست همه نقصان است

سود کان محض نکوئی نبود خسران است

[از شاعران سبک خراسانی است و شعرش به خاطر تکلف و تصنّع بیش از حد چندان مقبول اهل ادب نیفتاده است. از دیوان اشعار او حدود چهار هزار بیت باقی مانده است.(۱)]

سیّد بدرالدّین کتابی

سیّد بدرالدّین کتابی متخلّص به «امید» فرزند حاج آقا هلال الدّین بن آقا میرزا علیرضا بن میر محمّد صادق حسینی کتابفروش. شاعر ادیب و فاضل دانشمند.

در ۹ شوال ۱۳۳۰ق متولّد گردید. در اصفهان و مشهد و تهران تحصیل نمود و از

۱- چهار مقاله، ص۸۳ (پاورقی)؛ تذکره الشعراء دولتشاه، صص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ مطلع الشمس، صص ۱۱۸ و ۱۱۹؛ تذکره آتشکده، (بخشت نخست از نیمه نخست)، صص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ مجمع الفصحاء، ج۱، صص ۴۳۳ و ۴۳۴؛ تاریخ مغول، صص ۳۳۷ و ۳۳۸؛ تاریخ نظم و نثر، ص۱۶۲؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۳، ص۵۶۲؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۸؛ ریحانه الأدب، ج۱، ص۳۷۶؛ لغت نامه دهخدا، ذیل«بدر جاجرمی»، ص۷۴۷؛ تذکره شمع انجمن، صص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۸۲ و ۳۸۳؛ مشاهیر جاجرم، ج۱، صص ۴۵-۳۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۱۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۱۰؛ دانشنامه جهان اسلام، ذیل «بدر جاجرمی»، ص۱۱۷۵.

جمله از محضر آقا شیخ محمّـد خراسانی و حاج آقا رحیم ارباب بهره گرفت. در کنار آن دوره ابتدائی و متوسطه را در اصفهان طی کرد و در دانشسرای عالی تهران در رشته فلسفه فارغ التحصیل شد و سپس در اصفهان به تدریس پرداخت.

از ایشان تألیفات عدیده ای به جای مانده است از آن جمله است:

۱. «اخلاق»، از دکتر پیرژانه، ترجمه از فرانسه، مطبوع ۲. «به سوی اصفهان»، اثر پیر لوتی، ترجمه از فرانسه، مطبوع ۳. «فروغ خاور» اثر هرمان الدنبرگ، ترجمه از فرانسه، مطبوع ۴. «پیرامون سیره نبوی»، اثر دکتر طه حسین، ترجمه از عربی ۵. «درباره تصوف اسلامی و تاریخ آن»، اثر رینولد نیکلسون، ترجمه از عربی، غیرمطبوع ۶. «دیوان اشعار» با تخلّص امید، غیرمطبوع.

سرانجام ایشان در شب یکشنبه ۶ ذیحجه الحرام سال ۱۴۰۷ه.ق در اصفهان وفات یافت و در قبرستان جدید (باغ رضوان) به خاک سپرده شد

مادّه تاریخ فوتش را شاعر فرزانه منوچهر قدسی چنین نوشته است:

سال فوتت بحساب قمری است

«بی کتابی قلم و نامه گریست»

۱۴۰۷

این رباعی از اوست:

سیم و زر اگر بیش و اگر کم هیچ است

جز مهر و وفا حاصل عالم هیچ است

با غیر بشر به کام دل چون نرسی

آدم بطلب که غیر آدم هیچ است(۱)

محمّد بدیع اصفهانی

محمّد بدیع بن ابوالخیر اصفهانی از کاتبان قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۹۳ق نسخه ای از اربعین شیخ بهائی را کتابت نموده است. کتاب به شماره ۲۰۱۰ در کتابخانه

۱- تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، صص ۲۱۰-۲۰۲؛ مزارات اصفهان، صص ۱۲۱-۱۱۸؛ مجموعه

مقالات مرحوم کتابی، ص۴۲۲؛ نادره کاران، ص۶۴۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص۴۹۳-۴۸۳.

مسجد اعظم قم موجود است.(۱)

محمّد بدیع بن حیدرعلی

محمّـد بدیع بن حیدرعلی، خوشـنویس فاضل قرن یازدهم هجری در اصـفهان. در تاریخ ۲۳ شوال ۱۰۹۵ق نسـخه ای از کتاب «اسـتبصار» را به خط نسـخ زیبا کتابت نموده و در خاتمه کتاب در ۹ صـفحه اجازه ملّا محمّد تقی مجلسی را به فرزندش علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را استنساخ کرده است. نسخه به شماره ۵۸۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

میرزا بدیع نطنزی*

میرزا بـدیع بن میرزا محمّـد بن میر ابوالمعـالی برزرودی نطنزی، شـاعر و ادیب عارف از سـخنوران قرن یازدهم هجری. وی در جوانی به لباس فقر و درویشی درآمد. مدّتی در اصفهان ساکن بود و عاقبت به سبزوار رفت. سال فوت او معلوم نیست.

این شعر از اوست:

دارد زلال چشمه حُسنت نظاره ها

مانند سبزه سرزده از کناره ها

چرخ از دل شکسته محابا نمی کند

آسوده است پای خم از شیشه پاره ها(۳)

میرزا بدیع درب امامی

حـاج میرزا محمّـد بـدیع بن سـیّد مصـطفی بن سـیّد عبدالحمیـد بن محمّـد موسـوی رضـا تـوفیقی کوه گیلویه ای درب امـامی اصفهانی، عالم زاهد جلیل و مجتهد فقیه ادیب، از مشاهیر علماء و مدّرسین اصفهان در عصر قاجاریه.

۱- فهرست کتابخانه مسجد اعظم، ص۱۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۸۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۹.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۴۶؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

در حدود سال ۱۲۵۱ق در اصفهان متولّد شد. پدرانش عموماً از فضلاء و دانشمندان بوده اند. او پس از تحصیل مقدمات نزد علمای اعلام اصفهان ملّا حسینعلی تویسرکانی، میر سیّد محمّد شهشهانی، میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) و شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی به تحصیل پرداخته و از سه نفر اخیر مفتخر به اخذ اجازه گردیده است.

او عالمی وارسته و قانع و زاهد بوده و با وجود عسرت در زندگی و معیشت، تحف و هدایای اعیان و متموّلین و حکام اصفهان را نمی پذیرفته و با استغنا زندگی می کرده است.

در تدریس فقه و اصول و ادبیات عرب تبحّر خاصّی داشته و واقعاً بدیع الزمان بوده و دروس قوانین، شرح لمعه، شرح کبیر و فرائد را با استادی تمام تدریس می نموده است. سالها در مدرسه نیم آورد تدریس کرده و شاگردان ماهر و خبره از مجالس درس او برخاسته اند.

نماز جماعت را در مسجد جنب بازارچه وزیر اقامه می نموده است. همچنین در شب های ایام تعطیل به منبر می رفته و با مواعظ شافیه خود مردم را ارشاد می فرموده است. او عالمی جامع و مطلع بر رجال و اخبار و محاضرات و اشعار و امثال و در معاشرت خوش رو و شوخ و حاضر جواب بوده است.

خط را نیز خوش می نوشته و علاوه بر تألیفات خود برخی از کتب را کتابت نموده است، از جمله «معراج الشّریعه» آقا محمّد مهدی کلباسی در سال ۱۲۷۳ق، «حاشیه شوارق الالهام» ملّا اسماعیل واحدالعین در سال ۱۲۷۲ق، «ترجمه تاریخ یمینی» ابوالشّرف ناصح منشی جرفادقانی در سال ۱۲۷۲ق، «تنقیح المقاله فی توضیح الرّساله» هبهاللّه حسنی حسینی در سال ۱۲۷۶ق، «اوایل التّحریر» قاضی سیّد اختیارالدّین حسن حسینی تربتی خراسانی در سال ۱۲۷۶ق، «انوار الرّبیع» تألیف سیّد علی خان مدنی، در سال ۱۲۷۶ق.

وی در عصر جمعه ۲۱ شعبان ۱۳۱۸ق وفات یافته و در کنار قبر استادش آقا سیّد

محمّد شهشهانی در تخت فولاد مدفون شد. عبدالوهاب مستشار این مصرع را مادّه تاریخ او یافته است:

«بدیع هم بمکان رفیع جای گرفت»

و میرزا حبیب اللّه نیر نیز طی مرثیه ای گوید:

فَیا نَیِّرٌ أکتب بتاریخ فوته:

«بفردوس خلد رواح البدیع»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر ریاض المسائل» که ناتمام مانده ۲. «حاشیه بر قوانین المحکمه» ۳. «دیوان اشعار » ۴. «رساله در حجّیت استصحاب به اخبار» ۵. «رساله در خراج و مقاسمه»

طبع شعر نیز داشته و «احمد دیوان بیگی» مؤلف «حدیقه الشعراء» که معاصر اوست، او را به نیکی ستوده و اشعاری از او نقل کرده است.

این شعر از اوست:

مار را بر دوش افکندن ز ضحّاک است و تو

دست بردن سوی مار از پور عمران است و من

هرکس از زلف پریشان به سامانی رسد

در پریشانی همان زلف پریشان است و من

جام و جانان، شمع و من جمعیم در یک انجمن

جام خندان است و جانان، شمع گریان است و من(۱)

۱- فهرست تربیت، ص۱۹۵؛ فهرست ملّی، ج۵، ص۴۷۷؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۱۰ و ج۸، ص۷۰۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۰؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۷۵-۱۷۱؛ حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۸۵ و ۳۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ الإصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۲۴۹-۲۴۳؛ تهذیب الأخلاق

یا نوشدارو، ص۱۰۰؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۳۱؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۳۱۴؛ دایرهالمعارف تشیع، ج۳، ص۱۵۰.

بدیع الزّمان اصفهانی*

بدیع الزّمان اصفهانی متخلّص به «بدیعی» از فضلاء و شعرای عهد صفویه است. در هندوستان ساکن بوده و در آنجا منظومه نونیّه ای در بحر رمل سروده و آن را «مثلثات» یا «نصاب مثلث»(۱) نامیده و در باب نام و نسب خود سروده است:

گر تو نامم را بخواهی یاد کردن

یاد کن نامم نام بدیع الدّین ملک اصفهان

نسخه های متعددی از این نسخه در کتابخانه ها وجود دارد. از جمله نسخه ای در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور و گنجینه آذر پاکستان وجود دارد.(۲)

برخی نوشته اند او همان بدیعی حکیم، از شعراء و اطباء تبریز در قرن یازدهم هجری است(۳) که ظاهراً صحیح نیست و آنها دو نفر هستند. یکی اهل اصفهان و دیگری از تبریز.

میرزا بدیع الزّمان منجم

میرزا بدیع الزّمان حسینی گنابادی معروف به «میرزا بدیع الزّمان منجم» فرزند میرزا جلال الدّین بن میرزا جعفرخان بن سیّد عماد(۴) از دانشمندان هیأت و نجوم و ریاضی و طب در دوره قاجاریه است. در خراسان به تحصیل پرداخت و سرانجام به منصب منجم باشی گری آقا محمّد خان قاجار برگزیده شد و اغلب در رکاب او به سر می برد و حتی در یورش به شهر شوشی همراه او بود.(۵) در اواخر عمر در اصفهان ساکن شد [و در سال ۱۲۰۴ه.ق وفات یافته در تکیه سیّد ابوالقاسم (خواجوئی) در تخت فولاد مدفون

۱- الذریعه، ج۱۹، ص ۸۰.

۲- فهرست دانشگاه پنجاب، ص ۱۲۰.

۳- دانشمندان آذربایجان، صص ۶۵ و ۶۶.

۴- مکارم الآثار، ج۸، ص ۲۹۹۰.

۵- چهل سال تاریخ ایران (المآثر الآثار)، ج۱، ص۲۵۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۳۳۲ و ۳۳۳.

شد.(۱)]

بدیع الزّمان عباسی

بدیع الزّمان بن علیرضا عباسی، خطاطِ شاعرِ ادیب، خط را نزد پدر مشق کرد و در شعر «بدیعا» تخلّص می نموده، تا سال ۱۰۳۵ حیات داشته و به جوانی وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد. دیوانش در کتابخانه سلطنتی سابق در تهران موجود است.(۲)

بدیع الزّمان کاتب خاتون آبادی

بـدیع الزّمان کاتب بن محمّد کاظم خاتون آبادی، از کاتبان و خوشـنویسان عصـر صـفویه است. وی اصـلاً از روسـتای «خاتون آبادِ» جیِ اصفهان است. خط نستعلیق را خوش می نوشته و از فضل و ادب بابهره بوده است.

از آثـار او کتـابت کتاب «نقاوه الآثار» تألیف محمود افوشـته ای نطنزی است که در کتابخانه موزه ایران باسـتان موجود است و کتاب «أحسن التواریخ» تألیف حسن بیک روملو است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)

میرزا بدیع الزّمان اردستانی

میرزا بـدیع الزّمـان بن قاضـی شـمس الـدّین محمّـد اردسـتانی، شاعر ادیب و عالم فاضل، معاصـر شاه عباس صـفوی بوده و در اصفهان ساکن بوده است.(۴) در نهایت زهد و تقوا بود.

۱- مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۹۹۵ و ۲۹۹۶.

۲- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۳۸۳ و ۳۸۴؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۹؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، صص ۹۹-۹۷؛ تاریخ خط و خطاطان، ص۶۶؛ دایرهالمعارف تشیع، ج۳، ص ۱۵۰.

۳- نسخه های خطی، ج۲، ص۲۱۷؛ فهرست مجلس، ج۲۶، ص۴۲۲.

۴- تذکره غنی، ص۲۶؛ تذکره شمع انجمن، ص ۱۳۰.

و دیوانی در حدود ده هزار بیت داشته است.(۱)

[این بیت از اوست:

خلد را از کف به مینای شرابی می دهم

گر به نانی داد آدم، من به آبی می دهم(۲)]

میرزا بدیع الزّمان نصرآبادی

میرزا بدیع الزّمان بن میرزا محمّد طاهر نصرآبادی، مؤلّف تذکره الشعراء است. از سخنوران قرن دوازدهم هجری بوده و همچون پدر در انشاء و لغز و مُعمّا و مادّه تاریخ مهارت به سزائی داشته است. او مورد نظر شاه سلطان حسین صفوی قرار گرفته و به لقب «ملک الشُّعرائی» مفتخر شده و اقطاع اراضی نصرآباد به وی واگذار گردید.

میرزا بدیع برای اتمام کاخ چهلستون قصیده ای سراپا تاریخ گفته است. وی سرانجام در سال ۱۱۲۱ق وفات یافته و ظاهراً در تکیه نصرآباد جنب مقبره پدر مدفون شده است.

از اوست:

روشن ضمیر را به بصر احتیاج نیست

سرچشمه را بهر آب، گهر احتیاج نیست

موی سفید را مکن آلوده حنا

شیر صباح را به شکر احتیاج نیست

همدست کی رواست یَدِ قدرت تو را

این دست را به دست دگر احتیاج نیست(۳)

۱- کاروان هند، ج۱، ص۲۳۳.

۲- جُنگ معانی، ص۲۶۲.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۶۶۴؛ تذکره المعاصرین، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۲۹؛ صحف ابراهیم، ص۷۳؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۳۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۹.

استاد بدیع الزّمان تونی

استاد بـدیع الزّمان تونی، از اساتیـد بزرگ معماری در عهد صـفویه بوده است. در یزد متولّد شده و در اصـفهان اقامت گزیده است. وی در کنار استاد علی اکبر معمارباشی اصفهانی در ساخت بنای شکوهمند مسجد امام اصفهان شرکت داشته است.(۱)

ملّا بدیع الزّمان هرندی

ملّا بدیع الزّمان بن اسـحاق هرندی قهپائی، عالم فاضل محقّق. در اصـفهان نزد علمای این شـهر از جمله شیـخ بهائی به تحصـیل پرداخت. سپس به منصب شیخ الاسلامی یزد منصوب شد و سرانجام در سال ۱۰۴۹ق وفات یافت.

از جمله آثار او تألیف «ریاض العابـدین فی شـرح الصـحیفه» به فارسـی است که آن را پس از تألیف به نام شاه صـفی صـفوی نامیده است.

[او علاوه بر تبحّر در علـوم نقلی، در علوم عقلی نیز به تحصـیل پرداخت و کتابهـای «التّعلیقـات» و «المبـداء و المعـاد» هر دو از تألیفات «ابن سـینا» را در سال ۱۰۱۶ق کتابت کرد. این نسـخه ها به شماره ۱۲۷۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی نجفی موجود است.(۲)

دکتر بدیع اللّه دبیری نژاد*

دکتر بدیع اللّه دبیری نژاد فرزند بشـیر، در سال ۱۳۱۴ش در بندر ترکمن متولّد شد. تحصـیلات ابتدائی را در بندر ترکمن و در گز انجـام داد و دوره متوسـطه را در گرگـان طی نمود. آنگـاه به اسـتخدام آموزش و پرورش در آمـد و به تـدریس پرداخت. سپس در دانشسرای عالی تهران لیسانس ادبیات فارسی دریافت نمود. آنگاه برای ادامه تحصیل

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۶۰.

۲- الـذریعه، ج۱۱، ص۳۲۹؛ فهرسـت کتابخـانه وزیری، ج۲، ص ۴۹۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۳۸۴؛ فهرست مرعشی، ج۵، صـص ۲۳۸ و ۲۴۱ و ج۳۲، ص۴۰۲ و ج۸، ص۴۰۱؛ فوائـد الرضویّه، ج۱، ص۵۶؛ دایرهالمعارف تشـیع، ج۳، ص ۱۵۰.

به فرانسه رفته و در دانشگاه «سوربن» در رشته زبان شناسی فوق لیسانس و سپس دکترا دریافت کرد.

وی از سال ۱۳۴۸ش در دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخت تا این که در سال ۱۳۷۸ش به افتخار بازنشستگی نائل شد. او در هنگام تدریس در دانشگاه اصفهان سمت هایی همچون سرپرست امور دانشجویان دانشکده ادبیات، سرپرست نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مسؤول برنامه ریزی دروس عمومی دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی را برعهده داشته و عضو انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی کشور بوده است. دکتر دبیری نژاد علاوه بر مقالاتی که در مجلات کشور همچون «نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان»، «مجلد وحید»، «مجله یغما»، «مجله فروهر»، «مجله ادبستان» و غیره به چاپ رسانیده است، کتابهایی راتألیف نموده است که از آن جمله است:

۱. «فرخی و قصیده داغگاه» ۲. «کارنامه ساسانیان» ۳. «سبک نثر آثار تاریخی دوره مغول در ایران» ۴. «ترجمه و شرح کامل مقدمه کتاب: ترجمان البلاغه» ۵. «تاریخچه خطوط اسلامی»(۱)

بذّال فُرسانی

ابو محمّد بذّال بن سعد بن خالد بن محمّد بن ایوب فُرسانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان [و از اهالی «قریه» فرسان در شمال شرقی شهر اصفهان] است.

وی برای کسب حدیث به بغداد رفته و از محمّد بن بُکیر حضرمی استماع حدیث نموده است. ابو احمد بن عدی حافظ جرجانی نیز در بغداد از او روایت می کند.(۲)

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۳۱۳-۳۰۹.

۲- اللباب، ج۲، ص۴۲۱؛ معجم البلدان، ج۳، ص۸۷۳.

براتعلی نجف آبادی

براتعلی بن استاد حسن نجف آبادی [خطاط نسخ نویس قرن سیزدهم هجری است]. کتب زیر به خط اوست:

۱. «مفاتیح الأصول» تألیف: سیّد محمّد مجاهد، به خط نسخ در سال ۱۲۳۳ق، موجود به شماره ۱۱۵ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم.(۱)

۲. «مدارك» دردو مجلد، به خط نسخ، در سال ۱۲۴۲ق موجود در کتابخانه مجلس شورای ملّی.(۲)

۳. «بحارالأنوار» جلد هیجدهم، به خط نسخ، در رجب ۱۲۴۶ق موجود در کتابخانه عمومی اصفهان.(۳)

۴. «ریاض السّالکین» تألیف: سیّد علی طباطبائی، از قضا تا حیات، به خط نسخ، در سال ۱۲۵۴ق، موجود به شماره ۸۷۲ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم.(۴)

۵. «کشف اللّثام» تألیف: فاضل هندی، به خط نسخ در سال ۱۲۵۵ق، موجود به شماره ۷۰۰ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم.(۵)

برخوردار اصفهانی*

برخوردار بن اسحاق اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن یازدهم هجری است. او خط نسخ را بسیار زیبا و ممتاز می نوشته است. از آثار او نسخه ای از «تذکره الفقهاء» تألیف علّامه حلّی است که جزء ۱۰ و ۱۱ (کتاب ضمان تا پایان جعاله) را به خط نسخ ممتاز خویش در ربیع الثّانی ۱۰۲۹ق نوشته است.

این نسخه به شماره ۱۱۴۳۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۶)

۱- فهرست فیضیه، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲- فهرست مجلس، ج ۱۰ ص ۱۲۸۱.

۳- فهرست عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۷.

۴- فهرست فیضیه، ج ۱، ص ۲۶۴.

۵- فهرست گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۶- فهرست مرعشی، ج ۲۹، ص ۶۱.

برخوردار بیگ فاتح گلپایگانی*

برخوردار بیگ فاتح بن آقا ولایت گلپایگانی، شاعر ادیب. پدرش وزیر گلپایگان بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت.

برخوردار بیگ نیز ادیب و هنرمند بوده و طبع شعر داشت و «فاتح» تخلّص می نمود. دیوان او حدود سه هزار بیت داشته است. وفات او قبل از سال ۱۰۸۳ق واقع شد.

از اوست:

خدایا رام ما کن شوق این طاقت شکاران را

که بُرد از گریه چشمم آبرو ابر بهاران را

برخوردار بیگ نسخه ای از «معالم الدّین» تألیف شیخ ابومنصور حسن عاملی را به خط نستعلیق در سال ۱۰۵۷ق کتابت کرده که به شماره ۱۰۳۰۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

برخوردار بیگ نائینی

برخوردار بیگ نائینی متخلّص به «منصور» شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. او و برادرش محمّد بیگ در خدمت مرتضی قلی خان متولّی اردبیل بودند. پس از آن او به خدمت نجفقلی خان حاکم شیروان درآمد و پس از آنکه صاحب مُکنت و مال شد به زادگاه خود نائین بازگشت. شعر نیکو می سرود و آواز خوشی داشت. او تا زمان تألیف تذکره نصرآبادی (سال ۱۰۸۳ق) در قید حیات بود. از اوست:

غیر چشم تو که خون دل احباب خورد

کس ندیدست که بیمار مِی ناب خورد(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۹۸ و ۴۹۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۹۵۵؛ فهرست مرعشی، ج۲۶، ص۲۴۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۵۸۰.

بَرکیارُق سلجوقی

بَرکیارُق فرزند ملکشاه سلجوقی، از پادشاهان سلسله سلجوقی در سال ۴۷۴ق متولّد شده است. مادرش دختر امیر یاقوتی بوده که دختر عموی ملکشاه است و زبیده خاتون نام داشته است. ۱۱ ساله بود که ملکشاه درگذشت. با آن که ملکشاه تمایل داشت بَرکیارُق جانشین او شود ترکان خاتون زن دیگر ملکشاه، پس از فوت شاه پسر خردسال خود محمود را به تخت نشانده و حمایت «مقتدی» خلیفه عباسی را نیز به خود جلب کرد. پس از آن درگیری های زیادی بین برکیارق و برادرش محمود صورت گرفت تا اینکه محمود در سال ۴۸۷ق درگذشت و بُرکیارق به تخت نشست و ابتدا عمویش «تُتُش» را شکست داد و سپس با ارسلان ارغون عموی دیگرش وارد جنگ شد. ولی شکست خورد. پس از آن برادر دیگر بُرکیارق، محمّد وارد جنگ و درگیری با بُرکیارق شد که عاقبت با مصالحه دو برادر حاکمیت بُرکیارق بر ایران تحکیم شد و محمّد سلجوقی حکومت موصل، جزیره، دیار بکر و سوریه را به دست آورد.

بُرکیارق در ۲ ربیع الثّانی ۴۹۸ق در بروجرد درگذشت و جنازه او را به اصفهان برده و جنب تربت نظام الملک به خاک سپردند.(۱)

رئیس بَرَکه

رئیس بَرَکه جابری رِنانی، از زّمره اخیار و صاحبان خیرات بوده(۲) [ظاهراً در عصر صفویه می زیسته و به قول مُعَمَّرین قریه «رهنان» اصفهان (در نزدیکی اصفهان) ساکن رهنان بوده و به «اِسبَرَکِه» شهرت داشته و صاحب املاک و گوسفندان بسیار بوده و بسیار بخشنده و خیرخواه بوده است. خاندان رئیس در رهنان تا اوایل قاجار شهرت و اعتبار و نفوذ داشته اند.]

۱- دانشنامه جهان اسلام، ج ۳ ص ۱۷۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۵۱۳.

برهان الدّین خوراسکانی*

برهان الـدّین خوراسـکانی، عارف سالک و زاهد، در اواخر دوره قاجاریه در خوراسـکانِ جیِ اصـفهان ساکن بوده و جمعی از اهـل معرفت، از معنویت و نفس قدسـی او فیض می گرفتنـد. متأسـفانه از سـال تولـد و وفات و مشایـخ و سایر ابعاد زنـدگی او اطلاعاتی در دست نیست. مقبره اش در قبرسـتان عمومی در خوراسـکان قرار داشت که در هنگام احداث خیابان، آن را از بین بردند.

میر سیّد حسن مدرس اسفه ای و شیخ رجبعلی خیاط از محضر او بهره مند شده اند.(۱)

بُشر مدینی

ابوازهر بُشـر بن ازهر مدینی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری و از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان است. از ابوعلی حُمید بن مَسـعَده سامی بصـری و ابوحفص عمروبن علی صـیرفی روایت می کنـد و عبـدالرحیم بن محمّـد بن مسـلم مدینی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

بکار عنبری فقیه

بکار بن حسن بن عثمان بن یزیـد بن زیاد بن عبـداللّه عنبری فقیه، از محدّثین قرن سوم هجری است. اصـلاً از اصـفهان بود. در سال ۲۳۲ق در ری متولّد شد. سپس به اصـفهان بازگشت و مطابق مذهب کوفیان فقه آموخت. او در ایام محنت و سختی، در زمان واثق خلیفه عباسی گرفتار شد و به عبداللّه بن حسن پناهنده شد و از او رفع گرفتاری گردید.

ابو محمّـد بن حیّان گویـد که بکار بن حسن از اهل سُـنّت بود و در ایّام واثق مورد آزمایش قرار گرفت و مطابق خواسـته آنان جواب نداد...(۳)

۱- کیهان فرهنگی، شماره ۲۰۶، آذر ۱۳۸۲، صص ۷ و ۷۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۳۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۳۷.

بکتاش

بکتاش از عرفای ساکن اصفهان بوده و مقبره اش در کوچه غربی بازارچه حسن آباد که به خیابان صوراسرافیل [خیابان استانداری] فعلی منتهی می شود، در ضلع جنوبی کوچه قرار داشته است.

در مقامات العرفاء به نقل از یادداشت های آقای حسین امید مربوط به سه ماه جوزا، سرطان و اسد به سال ۱۳۰۳ خورشیدی می نویسد:

«بقعه ای است در اصفهان واقع در چهارباغ کهنه معروف به تکیه بکتاش که قریب هشتاد جریب باغ و اراضی اطراف آن وقف بر تعمیرات بقعه مذکوره و اعانت به فقرای دراویش بوده و با وجود احکام و اسناد شرعی و فرامین متعدّد شاه سلطان حسین و شاه طهماسب صفوی و فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار بر وقفیّت آن از چند سال به این طرف ده نفر، املاک مزبوره را به ملکیت تصرف نموده بودند، متولّی آن عرض حال تقدیم نمود و چون مرعی علیهم حاضر نشدند، بر طبق قوانین موضوعه تصدیق غیابی بر تولیّت آقا میرزا محمد اسماعیل نقیب الاشراف صادر گردید.»

در چهلستون [موزه] اداره باستانشناسی سنگی مربوط به تکیه بکتاش بود و نگارنده مکرّر آن را دیده بود و با آقای عباس بهشتیان که از شیفتگان آثار باستانی و علاقمندان می باشند و کتابی نیز در این موضوع تألیف نموده اند، سنگ را قرائت کرده و نسخه برداشتیم لکن متأسفانه فعلاً از این سنگ اثری موجود نمی باشد.

[خانوده ای در اصفهان، به نام «بکتاشیان» زندگی می کنند که می گویند اجداد آنان از متولّیان و ساکنان تکیه بکتاش بوده اند.]

سلسله در اویش بکتاشیه منسوبند به حاج بکتاش، وی از عرفاء و صوفیه قرن نهم و متوفی به سال ۸۶۰ق و قبرش در تکیه ای به نام بکتاشیه مابین قیصریه و قونیه [در مرکز کشور ترکیه] واقع است.

فایده لغوی: کلمه بکتاش اسم مرکّب است از «بک» و «تاش». «بک» در فارسی در معنای: وزغ، غوک، گرزگاه، جنگل و بیشه آمده است. (فرهنگ آیت، برهان قاطع،

عمید، نوبهار) فرمانده، رئیس مانند: ایلبک، در این حالت کلمه ترکی است. «تاش» در معانی: صاحب خانه، شریک، یار، خداوند، ماه گرفته و آقا استعمال شده است (کتب لغت سابق الذکر) از ترکیبات این لفظ است: بکتاش، خواجه تاش، خیلتاش، نهرتاش، فیل تاش، تذکره تاش. در آخر کلمات از ادات شرکت است. سعدی می گوید: «چنین گفت بکتاش یا خیلتاش»(۱)

بکر آدمی شیرازی

بکر بن محمد بن اسحاق آدمی شیرازی، از محدثین قرن سوم هجری است. وی به اصفهان آمده و در سال ۲۹۲ق وفات نمود.(۲)

بندار اصفهانی

بندار بن عاصم اصفهانی، از شعراء و حفاظ اصفهان. گویند نهصد قصیده در حفظ داشت که اوّل آنها «با نت سعاد» بود. در راهنمای دانشوران گوید: قصائدی که مطلع آنها «با نت سعاد» است را تتبّع کرده اند، بیشتر از پانزده قصیده نمی باشد و سعاد بر وزن گشاد از اعلام زنان است.(۳)

بُندار انماطی

ابوالفتوح بُندار بن غانم بن محمد انماطی معروف به «همزجی»، از محدثین قرن ششم هجری در اصفهان است. از ابا عبداللّه ثقفی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او روایت می کند.(۴)

۱- مقامات العرفاء، ص۱۰۳؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۲۸؛ مزارات اصفهان، صص ۴۸ و ۴۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۶.

۳- فوائد الرضویّه، ج۲، ص۴۶۰؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۴۸۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۱۴۰.

بهاءالدّین الفت

بهاءالـدّین الفت متخلص به «مفتـون» فرزنـد محمّـد بـاقر الفت شـاعر و ادیب فاضـل، در روز ۱۸ ذیقعـده سال ۱۳۲۱ قمری در اصـفهان متولد گردیده تحصـیلات قدیمه و جدیده خویش را در اصـفهان در خدمت اساتید این شـهر به پایان رساند. چون در خانواده علم و ادب به دنیا آمده بنا به سـنت فامیلی در علم و ادب زحمت ها کشـید و خصوصاً از محضـر پدر دانشمند خویش استفاده ها نمود. در انجمن ادبی مرحوم شـیدا شـرکت می نموده مقداری از اشـعار شعرای انجمن را در مجموعه بزرگی جمع آوری نموده که خود در موضوع شعراء اصفهان تألیفی مفید و جامع می باشد.(۱)

ایشـان در ۹ ذی القعـده سال ۱۴۰۲ه.ق در اصـفهان وفـات یـافته در مقبره جـدش مرحوم آقا نجفی در امامزاده احمـد اصـفهان مدفون گردید.(۲)

از اوست:

[مگر ز نور رخت ماه خیره ماند امشب

که بهر دیدن رویت شده است بر لب بام]

میرزا بهاءالدّین فاضل نوری

میرزا بهاءالـدّین فاضـل نوری بن حـاج میرزا محمّـد جواد بن محمّـد علی نوری اصـفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر، از علمای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه.

[در اصـفهان متولد شده و نزد علمای این شهر از جمله آخوند کاشی تحصیل نمود و مدتی نیز در عتبات عالیات تحصیل کرد. سپس به اقامه جماعت در مسـجد دروازه نو پرداخت. وی اوقات خود را به حل و فصل مشـکلات مردم، تـدریس و عبادت می گذراند. عارفی سالک و فاضلی کامل بود و به تصفیه باطن و تهذیب نفس اهتمام داشت.]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۶۱.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۶۲؛ مزارات اصفهان، ص۵۵.

وی در شب پنج شنبه ۲۰ جمادی الاولی سال ۱۳۴۳ق وفات یافته و جنب مزار پدر دانشمند خود واقع در تکیه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون گردید.

در فنون ادبی و خصوصاً شعر نیز استاد بوده و شعر نیز می سروده و «فاضل» تخلص می نموده است. [قسمتی از اشعارش را فرزندش آقا نصیرالدّین نوری معروف به «خواجوی» مدوّن و آماده چاپ ساخته بود که ظاهراً هنوز به طبع نرسیده است.

این بیت را در زیارت بیت اللّٰه الحرام و طواف کعبه سروده است:

به طواف کعبه کجایند عاشقان که مگر

چشند لذّت دورِ نگار گردیدن]

و این شعر نیز از اوست:

دلبر فرّخ رُخ شیرین لقا

تا به من غم زده شد آشنا

بُرد زِ من دین و دل و عقل و هوش

صبر و سکون نیز نماندی به جا

یار جفا پیشه، وفا پیشه کن

گرچه محال است ز خوبان وفا(۱)

سیّد بهاءالدّین مهدوی*

سیّد بهاءالدّین مهدوی بن سیّد حسن نحوی بن سیّد مهدی نحوی بن سیّد محمّد حسن مجتهد موسوی اصفهانی، عالم فاضل زاهد.

در سال ۱۳۰۲ه.ش در اصفهان متولد گردیده و نزد علمای اصفهان از جمله شیخ هبت اللّٰه هرندی، شیخ احمد فیاض، حاج آقا سیّد حسین خادمی، سیّد صدرالدّین کوپائی و حاج آقا رحیم ارباب تحصیل نمود و سالها در معیّت و ملازمت حاج آقا رحیم ارباب از فیض معنویت و ملکات فاضله ایشان بهره مند گردید. آن گاه به نجف اشرف عزیمت نمود و از درس آیات عظام سیّد ابوالقاسم خوئی، سیّد عبدالهادی شیرازی، میر سیّد علّی علّامه فانی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی و امام خمینی استفاده نمود. سپس به اصفهان

۱- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۶۵؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۲۵۹ و ۲۶۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۵ و ۳۹۶؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳.

بازگشته و به انجام وظایف شرعی از جمله اقامه نماز جماعت در مدرسه ملّا عبداللّه و مسجد کفّاش ها (واقع در بازار کفّاش ها جنب میدان امام اصفهان) مشغول شد.

وی عالمی مقدّس و مواظّب بر انجام واجبات و مستحبّات و متخلّق به اخلاق حسنه بود و از جمله به اقامه نماز در اول وقت و نماز شب، خواندن زیارت عاشورا و برگزاری مجالس عزاداری سعی و اهتمام فراوان داشت و در مراوده با مردم بسیار مهربان و متبسّم و گشاده روی بود.

این عالم ربّانی در یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۲ه.ش (مطابق با ۱۴ ربیع الثّانی ۱۴۲۴ه.ق) وفات یافته و در جوار مرقد امامزاده جعفر و مرتضی علیهما السلام معروف به امامزاده جعفریّه در خیابان هاتف اصفهان مدفون شد.(۱)

سیّد بهاءالدّین رضوی خوانساری

سیّد بهاءالدّین رضوی خوانساری متخلّص به «جهدی» فرزند سیّد محمّد، عالم فاضل و شاعر ادیب، در سال ۱۳۲۸ق متولّد شد. [در اصفهان نزد عدّه ای از فضلاء از جمله حاج سیّد صدرالدّین کوپائی به تحصیل پرداخته سپس در قم نزد علمای اعلام از جمله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی آن را ادامه داد. سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و با شرکت در درس آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی به اجتهاد نائل آمده و از طرف ایشان به عنوان تبلیغ به حجاز و آفریقا سفر کرد.] مدّتی نیز در شهرهای ایران از جمله تهران و قم و تبریز به ارشاد مردم مشغول بوده و در این زمان جزو آزادیخواهان وارد شده و موجبات نارضایتی پدر را فراهم نمود. وی سرانجام در سال ۱۳۶۳ق وفات یافته در تکیه خانوادگی در نزدیکی قبرستان لسان الارض در تخت فولاد مدفون گردید. [به زبان های عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی آشنایی داشته] و شعر نیز می سروده و دیوان اشعاری دارد.

۱- مصاحبه با مرحوم سیّد بهاءالدّین مهدوی توسط غلامرضا نصرالهی در روز ۱۱ بهمن ۱۳۶۹ه.ش؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی.

این رباعی از اوست:

آنان که از این شراب مست افتادند

دادند دل و ز پا و دست افتادند

این باده چه باده است یاران، که از او

این قوم چو ماهیان به شست افتادند(۱)

شیخ بهاءالدّین برهانی

شیخ بهاءالدّین برهانی ابن ملّا علی معلّم، عالم فاضل، ادیب شاعر، واعظ کامل، از فضلاء و وعّاظ اصفهان.

سال ها به تحصیل علوم پرداخته و سپس به وعظ و خطابه مشغول شد. پس از مدّتی به بیماری مبتلا شده و سالها بیمار و خانه نشین بود. امّا از جادّه صبر و شکیبائی خارج نشده و با وجود همه مصائب و سختی ها صابر و شاکر بود. وی در ۴ صفر ۱۳۹۳ق وفات یافته در تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد. طبع شعر نیز داشت و گاه اشعاری می سرود.

[وی از آیات عظام میرزا محمّد حسین غروی نائینی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی اجازه رویت داشت.]

از اوست:

ضریح پاک رضا را ببوس و شیرین کن

لب از حلاوت خلاق آب حیوانش

ببین به چشم حقیقت که هست در باطن

تمام عالم هستی به زیر فرمانش

مقیم بارگهش همچو حلقه بر در باش

که بهره یاب شوی از عمیم احسانش(۲)

۱- تذکره شعرای خوانسار، ص۴۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۲؛

سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۸؛ فرزانگان خوانسار، صص ۴۲ و ۴۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۱.

میرزا بهاءالدّین صدر عاملی

حاج میرزا بهاءالدّین بن آقا سیّد محمّد علی آقا مجتهد بن سیّد صدرالدّین محمّد موسوی عاملی، عالم فاضل ادیب شاعر، در اصفهان متولّد شد. مادرش زینب بیگم دختر حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی است. در کودکی پدرش فوت شد و دایی او حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی سرپرستی او را به عهده گرفت. حاج میرزا بهاءالدّین نزد دایی خود و نیز علمای این شهر تحصیل کرد و سرانجام در شعبان ۱۳۲۱ه. وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سیّد جنب مزار جدّ مادری خود مدفون گردید.(۱)

شیخ بهاءالدّین کاشانی

شیخ بهاءالدّین کاشی عالم فاضل محدّث، در اواخر عهد صفویه می زیسته و در اصفهان ساکن بوده است. سرانجام در سال ۱۱۳۷ه.ق در اصفهان به دست افاغنه شهید شد. (گویند:) از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی بوده و تألیفاتی داشته که از آن جمله است:

۱. «شرح صحیفه سجادیه» ۲. «شرح نهج البلاغه». اعقاب او در کاشان ساکن هستند. مقبره اش در قبرستان سنبلستان (چملان) اصفهان بوده که در اوایل قرن چهاردهم شمسی از بین رفته است.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۱، صص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۳۵؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۴.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان،ج۱، ص۳۸۸؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۸؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۹.

شیخ بهاءالدّین گیلانی

شیخ بهاءالدّین گیلانی، عالم فاضل، عارف کامل، از دانشمندان اواخر دوره صفویه است. در اصفهان علوم عقلی و نقلی را نزد اساتید گرانقدری همچون میر قوام الدّین محمّد رازی طهرانی آموخته و سپس انزوا اختیار نموده به عبادت و مطالعه روزگار سپری نموده است. شیخ محمّد علی حزین لاهیجی در کودکی به سفارش پدر نزد او کتاب احیاء العلوم و رسائل اسطرلاب و شرح چغمینی را آموخته است.(۱)

بهاری اصفهانی

مولانا بهاری اصفهانی، از شعرای قرن دهم هجری است. برادرش ملّا علی ادایی نیز از سخنوران آن عهد بود. غزل را نیکو می سروده و در سال ۹۵۰ق فوت شده است.

از اوست:

خیال بست که خون ریزد آن نگار مرا

فغان که می کشد آخر خیال یار مرا(۲)

بهرام اصفهانی

بهرام، از غلامان عصام بن یزید جبّر بوده و در قرن دوم هجری می زیسته است. از سفیان ثوری حدیث نقل کرده است.(۳)

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۵۴؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۲۷.

۲- تذکره تحفه سامی، ص۳۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۱۱۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۴۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۷۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۷.

بهرام اصفهانی

بهرام بن فیروز اصـفهانی، مؤلف شارسـتان فارسی، در بیان مراتب دانش و عقاید و آداب ایرانیان باستان. مؤلّف از شیراز به تته [در هندوستان] رفته و از شاگردان جمال الدّین محمود تبریزی و آذر کیوان است.

وی در سال ۱۳۰۴ در لاهور فوت شده است.(۱)

بهرام بیگ بیانی تبریزی

بهرام بیگک تبریزی عباس آبادی متخلّص به «بیانی» فرزنـد نقدی بیگک شاعر ادیب خطاط، در عباس آباد اصـفهان ساکن بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته است. در بهار کتابت می کرده و در زمستان به پوستین دوزی مشغول بوده. این شعر از اوست:

با آنکه چاک چاک شد از تیر غمزه اش

همچون جرس همیشه دلم از فغان پر است(۲)

بهرام سفره کش*

بهرام سفره کش معروف به «بهرام عباسی» و «بهرام فرنگی ساز» از نقاشان عهد صفویه است. در اصفهان می زیسته و عصر شاه عباس، شاه صفی و شاه عباس دوّم صفوی را درک کرده است.

او در سـبک نقاشـی ماننـد نقاشان روزگار خود از نقاشان اروپائی تأثیر پذیرفته و به اصـطلاح به «فرنگی سازی» پرداخته است. شیـخ عباسـی، محمّد امین و فرزندش جانی بیگک نزد او تعلیم دیده اند. ظاهراً سـفری به هند داشـته و گویا لقب «عباسـی» را از شاه عباس دوّم گرفته است. سال فوتش معلوم نیست امّا قطعاً قبل از سال ۱۰۹۶ق اتّفاق

۱- فهرست رضویّه، ج۴، ص۳۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۵۵؛ احوال و آثـار خوشـنویسان، ج۱، ص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ الـذریعه، ج۹، ص۱۵۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۷۲.

افتاده است. از نقاشی های او نگاره تک برگی «نجیب زاده ای در گلگشت» به سال ۱۰۳۱ و نگاره «دو دلداده» در سال ۱۰۵۰ق در موزه هنر و تاریخ موقوفه آمریکا موجود است.(۱)

بهرام پریش شهرضائی*

بهرام سیّاره متخلّص به «پریش» فرزند قاسم متخلّص به «آشفته» بن هاشم متخلّص به «سیّاره» شهرضائی، از شعرای معاصر. در سال ۱۳۲۳ش در شهرضا متولّد شده و تحصیلات خود را در آنجا انجام داد. سپس مانند پدر به حرفه عکّاسی روی آورد.

او به لهجه شهرضائی اشعار دلپذیری سروده که در شهرضا و اصفهان شهرت به سزایی کسب کرده اند و به صورت نوارهای صوتی (کاست) عرضه شده است دو مجموعه شعر از آثار او به نام های «دیوان پریش» و «پردیس پریش» به چاپ رسیده است.

پریش، در بسیاری از مراسم فرهنگی، جشنواره ها و مجامع ادبی حضور یافته و به شعرخوانی پرداخته است. او از اعضای انجمن ادبی آشفته شهرضاست و اشعارش مشحون از معنویّت و متعهّد به مردم و مذهب و اخلاق است و مضامین نو و ابتکاری در آن فراوان به چشم می خورد.

از اوست:

بر لب ما جهان ترانه نخواست

هرچه من خواستم زمانه نخواست

دست ما را کسی به ره نگرفت

سر ما را کسی به شانه نخواست

۱- مکتب نگارگری اصفهان صص ۳۱۰ و ۳۳۲.

خواستم لب به خنده بگشایم

چه کنم اشک بی بهانه نخواست

بی نشان کس به خانه ای نرود

غم ز من هیچگه نشانه نخواست

عاشق خاک پای مجنونم

که به صحرا نشست و خانه نخواست

ای خوش آن قو که در محیط «پریش»

داد جان وز کس آشیانه نخواست

* * *

من ز ترکیب رنگهای بهار

هنر آن یگانه را دیدم

دست نقاش دسترس چو نبود

لب گل را به عشق بوسیدم(۱)

بهروز بیضاوی*

بهروز بیضاوی متخلّص به «بیضا» از شـعرای معاصر اصفهان، در سال ۱۳۲۱ش متولّد شد. پس از تحصـیلات ابتدائی و متوسطه، به دانشسـرای مقدماتی همدان رفت و پس از فراغت از تحصیل در نهاوند به معلمی پرداخت و چندی بعد به اصفهان مهاجرت کرد. او از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخته است.(۲) این دو بیت در وصف معلّم از اوست:

بهار جان را طراوت از تو، کلام دل را حلاوت از تو

بهای تن را کرامت از تو، رها ز نفس و هوا تو هستی

به شام ظلمت تو آن مُنیری، که نور علمت جهان بگیرد

به مُلک دانش ز فضل باری، فروغ ارض و سما تو هستی

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای بهرام پریش در تابستان ۱۳۸۷.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۱۲۸.

بهروز ریحان اسفرجانی

بهروز سلطانیان متخلّص به «ریحان» شاعر معاصر در روستای «اِسفِرجان» از توابع شهرضا متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در اسفرجان و شهرضا به اتمام رسانید و در سال ۱۳۳۵ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به تدریس پرداخت. از کودکی طبع شعر داشت. در جوانی در اغلب انجمن ها شرکت می کرد که می توان از انجمن ادبی حافظ و انجمن ادبی آشفته نام برد. همچنین وی انجمن مداحان شهرضا را برپا می نمود. «ریحان» در شب یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۸۱ش به دیار باقی شتافت. کتاب چهل و پنج معما از آثار او در سال ۱۳۳۷ش به چاپ رسیده است.

از اوست:

ساقی بریز باده که با او وضو کنم

جامی زنم سپس سوی محراب رو کنم

سجاده از شراب بشویم، دل از ریا

بر جای مُهر سجده به پای سبو کنم(۱)

بهزاد بیگ دوستاق

بهزاد بیگ متخلّص به «دوستاق» فرزند سهراب بیگ قورچی باشی شاعر ادیب خطاط، در اصفهان ساکن بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته و از راه کتابت امرار معاش می کرده، این بیت از اوست:

بی جمالت گر برافروزم چراغ زندگی

هر سر مویم شود روشن ز داغ زندگی(۲)

بهزاد نقاش اصفهانی

بهزاد نقاش زبردست و معروف اصفهانی، مدّتی در دربار پادشاهان هند می زیسته، از آثارش مجلّدی است که در کتابخانه سلطنتی که آن را مرقع گلشن گویند شامل

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش ۲)، ص۳۲۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۱۱؛ تذکره حسینی، ص۱۲۵؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۱۰۴؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۵۸.

۱۷۶صفحه به صورت های گوناگون از حیوانات هند و در صفحه هفتم آن به قلم و مُهر و امضاء جهانگیر شاه پسر اکبر شاه هندی در سال ۱۰۱۷ نوشته شده است.(۱)

بهمن رافعی*

استاد بهمن رافعی فرزند عبداللّه، شاعر، نویسنده و ادیب معاصر در سال ۱۳۱۵ش در بروجن متولّد شد. نیای مادری او ذوالفقار رفیعیان مردی ادیب، شاعر، خوشنویس دارای صدایی خوش بود. پدرش نیز باسواد و خوش خط بود و به کشاورزی و پیله وری و بُنَکداری امرار معاش می کرد.

وی پس از اخذ دیپلم ادبی به دانشگاه اصفهان رفته و از آنجا لیسانس ادبیات گرفت. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۴ در دبیرستان های بروجن تدریس نمود و پس از آن در اصفهان در دبیرستان های آنجا به تدریس ادامه داد. پس از بازنشستگی، به تدریس فیلمنامه نویسی در انجمن سینمای جوان و داستان نویسی در حوزه های هنری و شعر در انجمن ادبی جوان آموزش پرورش پرداخت و در انتشار مجلّه ادبی «جوانه» (از انتشارات انجمن ادبی جوان) نقش بسیار مهمّی داشت. ایشان در سالهای اخیر در شهر دولت آباد بُرخوار اصفهان سکونت گزیده است.

از نوجوانی قریحه و طبع شعر داشت و به پیشنهاد یکی از شاعران بروجن مرحوم اشراقی «جاوید» تخلّص می کرد. امّا کمی بعد از استفاده از آن در اشعار خود صرف نظر کرد. همچنین در این ایام به نوشتن داستان نیز می پرداخت و آثار او در مجلات: چاپ می شد. در سال ۱۳۴۳ش اولین مجموعه داستان او با نام «انتظار» به چاپ رسید.

استاد رافعی در تشویق شاعران و قصه نویسان و راهنمایی و اصلاح آثار آنان تلاش داشته و در مسابقات و جشنواره های مختلف آثار ادبی را داوری نموده و خود نیز به طور مستمر و پیگیر به خلق آثار ادبی ارزشمند ادامه داده است. شعر او از همان آغاز

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۷.

برخلاف اشعار اغلب سروده های شاعران اصفهان، دارای مضامین نو و فضاهای تازه بوده و به عقیده خودش مرهون کناره گیری از انجمن های ادبی و تلاش و مطالعه مستمر و خودجوش او بوده است.

این کتابها از او به چاپ رسیده است:

۱. انتظار (داستان) ۲. اگر این ماهیان رنگی نبودند (شعر) ۳. بی عشق، ما سنگ ما هیچ (شعر) ۴. سالهای ابری (شعر به لهجه بروجنی) ۵. گلجون و لیشمانیا (شعر کودک) ۶. روشنی در قفس ماندنی نیست (شعر)

این شعر از اوست:

آواز آب و عالم خاموش سنگ ها

یعنی چکامه های من و گوش سنگ ها

تکرار تلخ خاطره جنگ سنگ و آب

چون داغ مانده بر لب خاموش سنگ ها

آئینه ها شکست خود از یاد برده اند

آسوده خفته اند در آغوش سنگ ها

نفریبدت که جامه سبز بهار نیست

گلسنگ شانه های شِنِل پوش سنگ ها

هرگز چو جویبار به صحرا نمی رسند

پا بستگان کوچه مفروش سنگ ها

گر کوه رود بود، طبیعت نمی گذاشت

با گران حادثه بر دوش سنگ ها

ای روح آبهای مهاجر مرا ببر

از این دیار دیر فراموش سنگ ها

بهمن جمال شعر بین و زلال آب

آئینه نیست چهره مخدوش سنگ ها(۱)

بهمن «شارق» بروجنی

بهمن شارق فرزنـد مهدی شارق بروجنی است. در سال ۱۳۱۰ خورشـیدی در قصبه بروجن متولّد شده در مدارس جدید درس خوانده، گاهی اشعاری می سراید. از اشعار اوست:

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد رافعی در خرداد ماه ۱۳۸۶ش، و بنگرید به: تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۳۸ و ۱۳۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص۲۸۷؛ نگین سخن، ج۱۱، ص۶۰۳؛ پارسی سرایان بام ایران، ج۱، ص۷۵.

[کشته تیر تو افتاده است و تو جوئی، نجوئی

کشتی و یک لحظه هم دیدی فغان باشد نباشد(۱)]

بیرام بیگ سامع همدانی

بیرام بیگ متخلّص به «سامع» فرزند باقر بیگ همدانی، شاعر ادیب. علاوه بر شعر و ادب در علم موسیقی و نظم تصانیف مهارت داشته و در اصفهان ساکن بوده سرانجام به بیماری شخصی دچار شده او را به بیمارستان ورنوسفادران بردند. معالجه مفید واقع نشد و «سامعا» فوت شده همانجا مدفون شد.

از اشعار اوست:

کشیدم آنقدر از فرقت وصال الم

که حاصل دو جهان مزد انتظارم نیست

* * *

عادت از بس که دل مرا به مروت باشد

نگرم گر همه انگشت زراعت باشد(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۴۶۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۷۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۳۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۴۲۴.

ص: ۱۹۱

اعلام اصفهان

«پ»

اشاره

پرویز بختیاری

پرویز خـان بختیـاری، از شـعرای قرن سـیزدهم هجری است. او از اعیان طایفه هفت لنگ بختیاری بوده و در مـدح منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان قصیده ای گفته است.

از اوست:

بر روی خویش طُرّه عنبر فشان فشان

وانگه به دام کردن گردن کشان کشان

بر کش نقاب و دیده هر بی بصر بدوز

بنمای روی و دل ز همه دلستان ستان(۱)

دکتر پرویز دبیری*

دکتر پرویز دبیری فرزند مهدی فرزند علی محمّد دبیرالملک فراهانی، پزشک و نویسنده معاصر.

در دوّم اسـفند ۱۳۰۰ش در تهران متولّـد شـد. جدّش «دبیرالملـک» از نوادگـان «میرزا ابوالقـاسم قـائم مقـام فراهـانی» اسـت. تحصـیلات ابتدائی و متوسـطه را در مدارس تهران طی نمود و وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شده و موفق به اخذ درجه دکترای MDگردید. سپس به عنوان دانشیار در دانشکده پزشکی اصفهان به تدریس پاتولوژی پرداخت و این رشته را در آنجا تأسیس نمود.

او حدود ۴۰ سال به تدریس در دانشکده پزشکی مشغول بود و در سال ۱۳۵۹ش

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۳۱۹.

بازنشسته شد. پس از آن به تدریس در دانشگاه آزاد نجف آباد پرداخته و رشته بافت شناسی و پاتولوژی در آن دانشگاه را تأسیس نمود.

وی در دانشگاه اصفهان سمت های علمی و اداری همچون مدیریت گروه پاتولوژی، معاون دانشکده پزشکی و بازرس فنی بیمارستانها را بر عهده داشته است.

همچنین در فرصت های مطالعاتی جهت پژوهشهای علمی به «هاروارد آمریکا» و دانشگاه پزشکی «ریچموند» در ایالت «ویرجینیای آمریکا» سفر کرده است.

وی در سال ۱۹۹۶م به عنوان یکی از ۵۰۰تن از دانشمندان جهان برگزیده شده و در آبان ۱۳۸۰ش به عضویت افتخاری فرهنگستان علوم پزشکی ایران درآمده است. دکتر دبیری به همراه دکتر حکمی از بنیان گذاران بیمارستان امید اصفهان بوده است.

وی در بسیاری از کنفرانس های علمی داخلی و خارجی شرکت کرده و مقاله ارائه داده است.

از فعالیت های اجتماعی او شرکت در مبارزات نهضت ملی شدن نفت است و بزرگترین پاداش دریافتی در عمر خویش را یک قطعه عکس از دکتر مصدق از طرف ایشان می داند.

تألیفات و آثار چاپ شده او عبارتند از:

۱. ترجمه «انسان موجود ناشناخته» ۲. ترجمه «راه و رسم زندگی» ۳. «آموزش عملی پاتولوژی» (برای دانشجویان پزشکی) ۴. «جهان دنیای زنده است» ۵. «زندگی و آثار بتهوون» ۶. «زندگی و آثار موتسارت» ۷. «نگاهی به اصفهان شهر هنر» ۸. «پاتولوژی تومورها» در ۴۰جلد که ۶جلد از آنها به چاپ رسیده است.

دکتر دبیری سالهاست با تأسیس آزمایشگاه طبی در خدمت به مردم اصفهان کوشیده است.(۱)

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، صص ۵۱ و ۵۲؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با دکتر دبیری در اسفندماه ۱۳۸۶.

خواجه پطرس ارمنی

خواجه پطرس فرزند ولی جان ارمنی، بانی ساختمان کلیسای بیدخم در میدان جلفای اصفهان. کلیسا مطابق تاریخ کتیبه کلیسا، در سال ۱۰۳۶ق، یعنی زمان سلطنت شاه عباس کبیر صفوی ساخته شده است.(۱)

پهلوان صالح*

پهلوان صالح، از ورزشکاران و پهلوانان اصفهان در عصر زندیه است. از پهلوانان طراز اوّل عصر خود بوده و در کتاب «رستم التّواریخ» از او نام برده شده است. نسب خاندان «پهلوان صادق» در اصفهان به او می رسد. پهلوان صالح سرانجام در سال ۱۲۳۰ق از دنیا رفت و در گورستان کوچکی واقع در ضلع غربی مصلای تخت فولاد مدفون شد.

بر سنگ قبرش مرثیه فوت او سروده رفیق اصفهانی و در پایین سنگ نوشته میل و کباده و عکس پهلوان حجّاری شده است. شعر این است.

حیف از پهلوان صالح که داشت

در جوانی از جوانان بیش بهر

روز میدان پیش دستش بود کاه

وقت احسان پیش چشمش بحر نهر

گر فلک یک چند پروردش به لطف

شد مبدّل عاقبت لطفش به قهر

در جهان معقوده او شد به مهر

نقد جان از او گرفت آخر به مهر

دایه دهرش به محنت جای شیر

ساقی دورش به ساغر ریخت زهر

رفت چون وز نوحه خُرد و بزرگ

شد بلند آوازه اش شهر به شهر

زد رقم از بهر تاریخش «رفیق»

«پهلوان صالح» بجنّت شد ز دهر»

مرثیه فوق در دیوان رفیق اصفهانی ضبط نشده است.(۲)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۵۱۱.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

پیر

پیر در لغت به معانی: کسی که دارای سنّ زیاد باشد، از کار افتاده، رهبر، راهنما و مرشد آمده است.

در قرن هشتم لفظ پیر برای جمعی از عرفای اصفهان به کار می رفته و به مرشد طریقت و مشایخ صوفیه «پیر» اطلاق می شده است. صوفیان در کتب خود پیران خانقاه را شامل: پیر خدمت، پیر صحبت، پیر دلیل، پیر ارشاد، پیر خرابات، پیر مغان و پیر طریقت تقسیم کرده اند.

در مقامات العرفاء گوید: مراد از پیر در عبارات صوفیّه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و کلمه علی و پیر در حروف ابجد مساوی هستند.(۱)

پیر بکران

محمّد بن بکران معروف به «پیر بکران» از اقطاب و مشایخ صوفیه در قرن هفتم هجری. وی عالم و فاضل بوده، و در شهر «پیربکران» از توابع لنجان خانقاه داشته و تدریس علوم ظاهر و باطن می نموده و در سال ۷۰۳ق وفات یافته و در محلّی که اکنون به پیربکران معروف است مدفون شد و یکی از مریدانش بقعه ای بر سر مزار او ساخته و برای آن صحن و ایوان و گنبد قرار داده که از حیث کاشی کاری و گچ بری ممتاز است.

در پای یکی از ستونها تخته سنگی است که بر روی آن جای سُم اسبی دیده می شود که عوام آن را جای پای دُلدُل گویند و عدّه ای آن را جای پای اسب الیاس گویند و معتقدند که حضرت الیاس پیغمبر از این محل به آسمان عروج نموده است.

از امتیازات این بقعه و بارگاه آن است که چون در ادوار مختلف در آن تعمیر و بنّایی شده است، در آن هم نام خلفای اربعه دیده می شود و هم نام و اسامی معصومین چهارده گانه علیهم السلام.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۹؛ مقامات العرفاء، ص۲۳۱؛ مزارات اصفهان، صص ۱۵۴ و ۱۵۵.

این مقبره در مجاورت قبرستان قدیمی یهودیان اصفهان و یکی از مقابر مقدّسه آنان به نام استرخاتون قرار دارد.(۱)

پیر پرنده

پیر پرنده، مزار او در نزدیک کوچه نمکی و در یکی از خانه های محلّه میدان کهنه قرار داشته است.

پیر پینه دوز

پیر پینه دوز یا پیر پاره دوز، از عرفای اصفهان بوده و در محلّه جوباره مدفون است. [در جنب مسجد جوباره قبر او و هنوز باقی است. در سال ۹۵۵ق «مهتر محمّد علی» رکابدارِ بهرام میرزا برادر شاه طهماسب صفوی این مسجد را بنا نموده است.(۲)] ذوقی اردستانی شاعر عصر صفویه نیز در این مکان مدفون است.(۳)

پیر جلال

پیر جلال، مزار او در قریه «سجزی» در شرق اصفهان است.

پیر جمالی*

پیر جمال الدّین محمّد اردستانی معروف به «پیر جمالی» و متخلّص به «جمالی» عارف سالک و ادیب شاعر، در سال ۸۱۶ق در اردستان متولّد شد و در زادگاه خود به تحصیل پرداخت و چون علم رسمی او را قانع نکرد به سفر پرداخت و به مکه معظّمه

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۲۶۴-۲۵۳؛ مزارات اصفهان، صص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۹ و ۴۰۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۲۰۰؛ مزارات اصفهان، صص ۱۵۶ و ۱۵۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۸۶ و ۳۸۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۷.

مشرّف شد. پس از بازگشت به اردستان نزد عارف سالک آن جا پیر مرتضی علی اردستانی رفته و مراتب طریقت و سیر و سلوک را نزد او طی کرده و پس از فوت او به ارشاد مردم پرداخته و سلسله «پیر جمالیه» را تأسیس کرده است. وی سرانجام در ۸۷۹ق وفات یافته و در بقعه پیر مرتضی در محلّه فهره اردستان مدفون شد.

وی در نظم و نثر و فقه و حدیث و منطق و کلام نیز مهارت داشته و تألیفاتی از خود به یادگار گذاشته است که از آن جمله است:

۱. «بیان الحق فی احوال سیّد المرسلین»، شامل ۷ مثنوی به نام های: «مصباح الأرواح»، «احکام المُحِبّین»، «نهایه الحکمه»، «بدایه المُحَبّه»، «هدایه المعرفه»، «فتح الأبواب» و «شرح الواصلین». ۲. منظومه «شرح الکنوز و کشف الرّموز» ۳. «مرآت الأفراد» (مجموعه ۴۹ رساله کوچک) ۴. منظومه «روح القدس» ۵. «تنبیه الغافلین» (نظم و نثر) ۶. منظومه «مهر قلوب» ۷. «قدرت نامه» ۸. «نصرت نامه» ۹. «فرصت نامه» ۱۰. «مرآت الحبیب» ۱۱. «رباعیات» در شرح منظومه «صفوت اهل التحقیق» افضل الدّین کاشانی ۱۲. منظومه «مهرافروز و آفتاب ظلمت سوز» ۱۳. «کنز الدّقایق و میزان الحقایق» ۱۴. «کشف الأرواح» ۱۵. «مدح الفقر» ۱۶. «معلومات اسرار القلب و مفهومات انوار القلوب» ۱۷. «فتح الأبواب و حقیقه الآداب» ۱۸. «مکاتب» ۱۹. «نورٌ علی نور» ۲۰. مثنوی «ناظر و منظور» ۲۱. «المسطور فی رقّ المنشور» ۲۲. «استقامت نامه» ۲۳. «مشکات المحبین» ۲۴. «کلیات اشعار»(۱)

پیر حاجات

در قریه «دیزیچه» از بلوک لنجان در سمت جنوب غربی اصفهان مزاری به نام پیر حاجات وجود داشت و ظاهراً از عرفاء و صوفیّه در قرن هشتم و نهم بود و ساختمان

۱- آتشکده اردستان، ج۲، صص ۳۵۰-۴۰۶؛ تاریخ نظم و نثر، ص۲۴۴؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۴۲۸؛ تاریخ ادبیات (صفا)، ج۴، ص۴۵۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «جمال الدّین»، ص۹۸.

مختصری داشت. در سالهای اخیر مالکین قریه مزبور به طمع اراضی و احیاناً موقوفات آن، این مزار را خراب کرده و جزو زمین های زراعتی خود نمودند و نام آنجا را نیز «اله آباد» نهادند.

پیر عنایت

پیر عنایت، قبر او در قریه «دستگرد خیار» نزدیک اصفهان قرار داشته است.

پیر محمّد

پیر محمّد، که قبر او در [غرب] محلّه جوزدان اصفهان وجود داشته است.

پیر مرتضی علی اردستانی

پیر مرتضی علی اردستانی، فرزند شمس الدّین محمّد، از عرفای قرن نهم هجری. حدود سال ۷۸۲ق متولّد گردید. پدرش ندیم شاه منصور آل مظفر بوده و در یکی از جنگهای شاه منصور با تراکمه مقتول شد. در آن موقع پیر مرتضی ۴ ساله بوده و با خانواده به شیراز می رود. در ۸ سالگی به اردستان بازگشته و در محضر عرفای آنجا امام الدّین نائینی و شیخ محمّد زوارّه ای به سیر و سلوک و تهذیب نفس مشغول شد. او که ثروت و مال زیادی از پدر به ارث برده بود. آن را صرف فقراء و نیازمندان نمود و در زادگاه خود دستگاه ارشاد گسترد و پیر اسحاق اردستانی و پیر جمال الدّین محمّد اردستانی (پیر جمالی) نزد او به سیر و سلوک پرداختند. پیر جمالی در اشعار خود استاد و مراد طریقت خود را ستایش بسیار نموده است.

پیر مرتضی علی سرانجام در حدود سال ۸۵۷ق وفات یافته و در محلّه فهره اردستان (جنب مسجد سفید سردشت) مدفون شد و بر سر مزار او بقعه ای ساختند و جمعی از عرفاء و فضلاء در جوار مرقد او مدفون شدند.(۱)

۱- آتشکده اردستان، ج۲، صص ۳۵۰-۳۴۴.

پیر محمود

پیر محمود معروف به «سلطان محمود» از عرفاء بوده و قبرش در قریه «راوشن» بین نائین و اصفهان است.

«ت»

اشاره

خواجه تاج الدّین سلمانی*

خواجه تاج الدّین سلمانی اصفهانی، از خطاطان عصر سلطان ابوسعید گورکانی است. او را واضع قلم شکسته تعلیق نوشته اند و اگر واقعاً وی واضع این خط نباشد، حداقل اول کسی است که به آن سر و صورت کامل داده و تحت قاعده در آورده است. چنانکه گویند هیچ یک از مخترعین خطوط، خط اختراعی خود را به زیبائی وی ننوشته اند.

او را به خاطر مهارت در اقلام شش گانه و رعنایی و لطافت خط تعلیق ستوده اند. خواجه شهاب الدّین عبداللّٰه مروارید کرمانی (معروف به بیانی) از شاگردان اوست.(۱)

تذهیبی اصفهانی

مولانا تذهیبی اصفهانی، شاعر و ادیب هنرمند، مردی نیک خو و شیرین سخن و بذله گو بوده و در تذهیب و جدول کشی و افشان و کاغذ الوان و ابری سازی بسیار هنرمند بوده است و دراقسام شعر دست داشته است.(۲)

تسلّی اصفهانی

تسلّی اصفهانی، شاعر ادیب، از احفاد اوحدالدّین حسینی بلیانی بوده و مدتها در اطراف شهرها به سیاحت پرداخته است. به هند رفته و پس از بازگشت در کاشان ساکن گردیده است.

از اوست:

۱- اطلس خط، صص ۴۰۶ و ۴۰۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۹۷-۱۹۵.

۲- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۵۲۱؛ الذریعه، ج۹، ص۱۶۹؛ لغت نامه دهخدا، ذیل تذهیبی، ص۵۱۶.

تا ز بختم تیرگی میرفت چشمم شد سفید

این سیاهی از سر داغ من آسانتر نخاست(۱)

تقی*

تقی، از خوشنویسان خط نستعلیق در زمان شاه سلیمان صفوی بوده بر روی سنگ نوشته ای در یک سقاخانه واقع در مسجد لنبان به خط نستعلیق اشعاری را در سال ۱۱۰۰ق نوشته و در پایان کتیبه «مشقه تقی» رقم زده است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی اصفهانی، از نویسندگان کتب در سده سیزدهم هجری است. او در ۱۳ محرّم ۱۲۳۳ق کتابت نسخه ای از کتاب «النّاقور» تألیف ملّا محمّد علی جدلی را به خط نسخ زیبا به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۷۸۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

محمّدتقی اصفهانی*

محمّدتقی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب «اسرار العلوم» در علم اعداد را در ۵۰ باب و ۱۰۰ فصل تألیف کرده است. این کتاب را محمّدعلی بن محمّد خراسانی قائنی در سال ۱۲۵۰ق به خط شکسته نستعلیق کتابت کرده و به شماره ۳۲۳۲ در کتابخانه ملک در تهران موجود است.(۴)

۱- تذکره روز روشن، ص۱۵۱؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۷۰.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۳۰.

۳- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۶۹.

۴- فهرست ملک، ج۲، ص۲۴.

ملّا محمّد تقی اصفهانی

ملّا محمّد تقی اصفهانی معروف به ملّا تقیّا، از علمای قرن دوازدهم هجری در اصفهان و از مجازین از فاضل هندی و ملّا حسین بن ملّا حسن جیلانی است، تاریخ اجازه فاضل ۱۱۱۸ق می باشد.(۱)

[شاید صاحب عنوان فاضل کامل عالم ربّانی مولانا محمّد تقی بن مولانا محمّد حسین جیلانی متوفی ۱۱۲۵ق و مدفون در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد باشد.(۲)]

میرزا شاه تقی واحد اصفهانی

میرزا شاه تقی اصفهانی، شاعر ادیب و عالم فاضل جلیل، از اجلّه سادات و نقبای اصفهان و در فضل و دانش خصوصاً در علم نظری و فقه سرآمد فضلای عصر خویش بوده است.

مدّتی شیخ الاسلام رشت و سپس شیخ الاسلام مشهد بود. پس از عزل از آن منصب به اصفهان آمد و در آنجا فوت شد.

[او بر نسخه ای از «استبصار» حواشی مفید و علمی نوشته که نشان دهنده تبحّر او در علوم نقلی است.

این رباعی از اوست:

ای از گل رخسار تو مه در تب و تاب

وز یاد لبت دهان یاقوت پر آب

گویا که تو را ز گُل سر شتست خدای

کامد به مشام از عرقت بوی گلاب(۳)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۳ و ۴۰۴؛ الذریعه، ج۱، ص ۲۳۲ و ۱۸۲؛ الکواکب المنتشره، ص۱۱۶؛ احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، ص۲۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۴؛ (پاورقی به قلم آقای رحیم قاسمی).

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۵۳؛ آتشکده آذر، بخش سوم، ص۱۰۴۳؛ تذکره حسینی، ص ۳۶۰؛ تراجم الرجال، ج۲، صص ۶۳۵-۶۳۷.

محمّد تقی بیگ اصفهانی

محمّد تقی بیگ، شاعر ادیب، از خدّام میرزا داود نواده میرزا شفیع مستوفی بوده و گاهی شعر می سروده است.(۱)

محمّد تقی اصفهانی طهرانی

محمّد تقی اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۵۴ق در ماه صفر در شهر طهران از کتابت نسخه «الصّیناعه الصغری» معروف به «اربع مقالات» بطلمیوس به خط نسخ فراغت حاصل کرده است. کتاب به شماره ۴۱۹۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی اصفهانی از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری، در سال ۱۲۴۱ق از کتابت نسخه ای از کتاب «المسائل» تألیف: ابی یوسف یعقوب بن علی قصرانی فراغت حاصل نموده و کتاب را جهت میرزا محمّد باقر منجم در مشهد نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی معارف است.(۳)

شیخ محمّدتقی اعتزازیان*

شیخ محمّدتقی اعتزازیان، عالم فاضل زاهد، از علمای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۲۵ش متولّد شده و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از طلاب مدرسه نوریه و از همدرسان شیخ محمّدرضا جرقویه ای حائری بود. او به تهجّد و شب زنده داری و بکاء معروف بود.

او پس از عمری طولانی در سال ۱۳۳۰ش وفات یافته و در صحن تکیه سیّدالعراقین

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۲۱۰ ؛ الذریعه، ج۹، ص۱۷۳.

۲- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۲۸۳.

۳- فهرست کتابخانه عمومی معارف، ص ۱۶۰.

در تخت فولاد مدفون شد. فرزندش شیخ محمّدعلی نیز از علمای اصفهان بود.(۱)

سیّد محمّد تقی امامی*

سیّد محمّد تقی حسینی امامی اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری. در قلمدان سازی، نقاشی و جلدسازی استاد بوده و در هریک از این رشته ها آثار ارزنده ای پدید آورده است که زینت بخش مجموعه های خصوصی و موزه ها است. این هنرمند توانا تا سال ۱۲۸۴ق در قید حیات بوده است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد ابراهیم اصفهانی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری. کتابت نسخه ای از «تاریخ سلطانی» تألیف: سیّد حسن بن مرتضی حسینی استرآبادی را به خط نستعلیق در اصفهان به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۲۴۱۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

ملّا محمّد تقی سمیرمی*

آخوند ملّا محمّد تقی بن کربلائی ابراهیم سمیرمی، از علماء و فضلاء دوره قاجاریه و مرجع مسائل شرعی مردم سمیرم در آن روزگار بوده و به همت او مسجد جامع قلعه در سمیرم بنا شده است. او و برادرش آخوند ملّا محمّد خان سمیرمی از دست پروردگان حوزه علمیه اصفهان بوده اند.(۴)

۱- یادداشت های استاد ابراهیم جواهری: مخطوط؛ شرح مجموعه گل، ص۳۹۴.

۲- هنر قلمدان، ص۱۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۳.

۴- تجلّی فضائل، ص۳۷.

محمّد تقی صحّاف

آقا محمّد تقی صحّاف بن ملّا محمّد ابراهیم مقدّس، [از هنرمندان ذوالفنون و مجهول القدر اصفهان است. او از نوادر روزگار و از نوابع این دیار بود که نظیر این هنرمند را، زمانه کمتر به خود دیده است.] به قول مرحوم استاد همائی:

«حقّاً صد مرد در یک تن و مجمع الصّنایع هنر صحّافی و نقاشی و طراحی و تذهیب و خوشنویسی و سوخت سازی و معرق سازی چرمینه و ساختن فانوس های فنری قدیم و تهیه انواع رنگ و روغن های نقاشی و امثال آن بود.»

آثاری چند از او بر جای مانده که به برخی اشاره می شود.

۱. کتیبه سردر مسجد صفا در محلّه شهشهان، به خط ثلث و به تاریخ سال ۱۲۹۰ق. ۲. کتیبه سردر و داخل مسجد رکن الملک که نام خود را «محمّد تقی بن ابراهیم اصفهانی» در کتیبه آورده است. [۳. سنگ نوشته قبر میر محمّد هادی و میر محمّد اسماعیل پاقلعه ای واقع در تکیه آغاباشی در تخت فولاد، همچنین در هنگام تسلّط روسها بر شهر اصفهان که تعمیراتی در مدرسه چهارباغ سلطانی (مدرسه امام جعفر صادق علیه السلام) انجام شد، برای اصلاح کتیبه های ثلث از او استفاده های بسیار کردند. در اواخر عمر نیز برای تعمیر کتیبه های آستانه قدس حضرت رضاعلیه السلام به مشهد مقدّس سفر کرد.

از ابتکارات او فانوس های پارچه ای است که نقش های گوناگون آن را با کاغذهای الوان در نهایت ظرافت چیده و تصاویر زیبا در آورده است و چون شمع در فانوس می افروختند واقعاً چشم انسان به تماشای این صنایع خیره می شد. همچنین از او دو عدد فانوس چوبی هشت ترک با پیراهنی از پارچه گارس بازمانده و شعرهایی در هشت بیت بریده و بر روی هشت ترک فانوس چسبانده شده است و اکنون در تملّک سرهنگ محمّد قباد معتمدی در تهران است.]

آقا محمّد تقی صحّاف در سال ۱۳۳۷ق وفات یافته [و پای دیوار جنوبی بقعه فیض

در تخت فولاد مدفون شد.[(۱)]

محمّد تقی کفرانی

محمّد تقی بن ابوالقاسم کفرانی رویدشتی اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری. نسخه ای از کتاب «المسائل» تألیف سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان را به خط نستعلیق در شب یکشنبه ۳ محرم ۱۰۶۵ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.

[کفران به فتح کاف از روستاهای رویدشت اصفهان و فعلاً جزو بخش جلگه می باشد.(۲)]

شیخ محمّد تقی بروجردی

شیخ محمّد تقی بن ملّا احمد بروجردی، از دانشمندان و ادباء و سخنوران قرن یازده هجری است. پس از فراگرفتن علوم معموله و متداوله خود را به اصفهان رسانید و برای تکمیل معلومات خود در حوزه های درسی آن شهر و از اساتید بزرگ آن عصر استفاده کرد. مخصوصاً از محضر پرفایده علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی که از شاگردان خاص وی به شمار می رفت بهره برد و از طرف او مجاز شد و در آخر به کاشان رفت.

تألیفات زیر از اوست:

۱. «عین البکاء» در ۱۰۹۹ق تألیف شده و به چاپ رسیده است. ۲. «لُبّ عین البکاء» ملحض همان عین البکاء است.(۳)

۱- دیوان طرب: مقدمه، ص۸۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۳۷۰-۳۶۷؛ هنر کاغذبری در ایران، صص ۷۰ و ۷۱؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۶۹ و ۷۹۳ و ۸۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۵۴؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۸ ۱۶۹ آبان ۱۳۷۰، ص۳؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۱۳، ص۲۹۶.

۳- الذریعه، ج۱۵، ص۳۶۷ و ج۱۸، ص۲۸۷؛ تاریخ بروجرد، ج۲، ص۱۱۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۱۹ و ۲۰.

سیّد محمّد تقی مهدوی سِدِهی

سیّد محمّد تقی مهدوی بن سیّد احمد موسوی سدهی، عالم فاضل، در اصفهان به تحصیل پرداخته و به وظایف شرعی مشغول شد و سرانجام در شوال ۱۳۹۰ق وفات یافته در تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

شیخ محمّد تقی فهامی*

شیخ محمّد تقی بن شیخ اسداللَّه فهامی، عالم فاضل و واعظ جلیل. در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیلات مقدّماتی به قم عزیمت نموده و از درس آیات عظام بروجردی، سیّد محمّد تقی خوانساری و حجّت کوه کمری بهره مند گردیده و خود به تدریس مشغول شد امّا در پی بیماری پدر مجبور به بازگشت به اصفهان شد و در اصفهان از درس حضرات آیات سیّد حسین خادمی، شیخ احمد فیّاض، حاج آقا رحیم ارباب، سیّد محمّد رضا خراسانی و میر سیّد علی بهبهانی بهره مند گردید.

وی در ادبیات مهارت به سزایی داشت و سالها به تدریس آن مشغول بود. او در جوانی به وعظ و خطابه روی آورد. همچنین جلسات احیاء و دعای کمیل را پس از وفات پدر در تخت فولاد ادامه داد و مؤسس جلسه دعای ندبه در صبح های جمعه در اصفهان بود.

سرانجام روز ۷ ذی الحجه الحرام سال ۱۴۱۹ق برابر با پنجم فروردین ماه ۱۳۷۸ش در اصفهان وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

تقی اصفهانی

تقی بن اسماعیل اصفهانی از خطاطان قرن سیزدهم هجری. در روز پنج شنبه از ماه جمادی سال ۱۲۳۲ق، کتابت نسخه ای از کتاب «اخلاق سلطانی» تألیف: سیّد نورالدّین

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۱.

۲- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

بن سیّد نعمت اللّه جزائری را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۵۲۱۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد تقی قهپائی

محمّد تقی بن شیخ اسماعیل قهپائی از خطاطان قرن دوازدهم هجری. در ۸ جمادی الثّانی ۱۱۲۶ق از نوشتن نسخه ای از «ربیع الأسابیع» تألیف علّامه مجلسی فراغت یافته است. نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

ملّا محمّد تقی پروانه عباسی*

ملّا محمّد تقی معروف به «پروانه عباسی» و «ملّا پروانه» فرزند اللّه قلی، عارف سالک و ادیب فاضل، در قرن یازدهم هجری در اصفهان ساکن بوده و مراتب سیر و سلوک را نزد جمعی از عرفاء و صوفیه اصفهان خصوصاً شیخ محمّد علی مؤذن مشهدی خراسانی قطب سلسله ذهبیه طی نموده و در اصفهان به عبادت و تزکیه نفس و مطالعه کتب حکمی و عرفانی مشغول بوده و سرانجام در سال ۱۰۸۹ق وفات یافته و در قبرستان ستّی فاطمه اصفهان مدفون شده است.(۳)

وی کتابخانه ای آبرومند داشته و بر بسیاری از کتب آن تملک خود را یاداشت نموده است. از جمله نسخه ای نفیس از «طهاره الاعراق» ابن مسکویه، که طاهر بن وجیه الدّین علی قاضی در ربیع الثّانی ۴۲۲ق آن را کتابت کرده و در سال ۱۰۵۳ق ملّا پروانه بر روی یکی از برگهای آن یادداشت تملک خود را نوشته است.(۴)

وی در سال ۱۰۸۶ پانصد جلد از کتب خود را وقف نموده که از آن جمله کتاب

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۱۶۱.

۲- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه، ص۱۱۸.

۳- به نقل از محقّق گرامی دوست ارجمند آقای احسان عظیمی از کتاب «نور الهدایه و مصدرالولایه»، ص ۱۶۰.

۴- الروضه النضره، ص۱۰۲.

النهایه ابن اثیر کتابت سال ۱۰۷۵ به شماره ۴۱۷ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است.(۱)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد باقر اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری .در سال ۱۲۳۳ نسخه ای از «الفوائد الجدیده» تألیف: وحید بهبهانی را برای میرزا محمّد حسین نوشته است. نسخه در کتابخانه گوهرشاد به شماره ۶۳۶/۲ موجود است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد باقر اصفهانی از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در ربیع الاوّل سال ۱۲۴۸ق از کتابت «احکام تحاویل سنی الموالید» تألیف: ابوسعید بن منصور بن بندار دامغانی، که در سال ۵۰۷ق تألیف شده، فراغت حاصل نموده و آن را به خط نسخ نوشته و به شماره ۳۶۳۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد باقر اصفهانی، از فضلاء سده یازدهم هجری، از آثار او کتابت نسخه ای از «شرح فصوص الحکم» قیصری است که به خطّ نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۷۸۰۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۴)

۱- فهرست مروی ص ۲۶۱.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۳۶۴.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۲، ص۲۶۳۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۶۵.

ملّا محمّد تقی مجلسی

ملّا محمّد تقی بن علّامه ملّا محمّد باقر بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل. نسب دو تن از علماء به نام های آقا شیخ محمّد حسن خواجوئی و شیخ عبدالرحیم شوشتری به او منتهی می شود.

در بیاض خطی میرزا محمّد تقی الماسی، مادّه تاریخ زیر را برای مولی محمّد تقی مجلسی (بدون ذکر خصوصیات دیگر) می نویسد و به ظنّ نویسنده مربوط به صاحب عنوان است.

عالم عارف تقی که ز قدر

بود در روزگار مثلش کم

آنکه از عزّت و جلالت و شأن

بود همنام با امام نهم

رفت از دهر و عقل در تاریخ

«خلد جای وِیَست» کرد رقم(۱)

۱۱۲۴ قمری

شیخ محمّد تقی آقانجفی

شیخ محمّد تقی آقانجفی بن شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی بن شیخ محمّد تقی رازی، عالم فاضل و مجتهد بارع، از رؤساء علماء اصفهان. در اواخر دوره قاجار، در نیمه شب سه شنبه ۱۷ ربیع الثّانی ۱۲۶۲ق در اصفهان متولّد شد. پدرش از اعاظم فقهاء اصفهان و مادرش علویه زمزم بیگم دختر سیّد صدرالدّین عاملی اصفهانی بوده اند.

او مقدمات علوم را در اصفهان آموخت و سپس در نجف اشرف نزد حاج سیّد علی شوشتری (از افاضل شاگردان شیخ انصاری) به تحصیل مشغول شد. پس از آن در درس شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء حاضر شد.

در این سالها او به همراه برادرش شیخ محمّد حسین به تهذیب نفس و عبادت در مساجد سهله و کوفه مشغول بود. آقا نجفی پس از وفات اساتید خود در نجف راهی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۳۸ و ۳۳۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۴.

سامرا شـد و در درس میرزا محمّد حسن شـیرازی حضور یافت. از دیگر اساتید او پدر دانشـمندش شـیخ محمّد باقر نجفی بوده است.

او پس از اتمـام تحصـیلات خود به اصـفهان بـازگشت و پس از وفـات پـدر به جـای وی به اقـامه نماز جماعت در مسـجد شاه [مسـجد امام فعلی] و تدریس، قضاوت و اجرای حدود شرعی پرداخت. از مجلس درس ایشان صدها عالم و فقیه گرانقدر بهره گرفته انـد [مرحوم مهـدوی مؤلف کتاب حاضـر در کتاب دیگر خود تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان اسامی بیش از ۸۸تن از شاگردان آقانجفی را ذکر نموده اند.]

از اقـدامات مهّم او مقـابله بـا فرقه هـای ضـالّه بود که بـاعث احضـار ایشان به تهران در سال ۱۳۰۷ق گردیـد. پس از به دست گرفتن انحصـار توتون و تنباکو توسط کمپانی رژی، در ایران، آقا نجفی و برادرش شـیخ محمّـد علی ثقهالاسـلام حکم تحریم استعمال تنباکو را صادر کردنـد و بقیه علماء نیز از آن حمایت کردنـد تا آن که میرزای شـیرازی حکم تحریم تنباکو را صادر کرد.

همچنین در جهت تحریم کالاهای بیگانگان و رونق دادن به محصولات وطنی، عـدّه ای از بازرگان خوشـنام و متدیّن اصـفهان شرکت اسلامیّه را تأسیس کردند که آقانجفی و برادرش حاج آقا نوراللّه نجفی از اقدام آنها حمایت کردند.

در جریـان مبارزات مشـروطه خواهی نیز او در کنار برادرش حاج آقا نوراللّه در تشویق مردم به مبارزه با اسـتبداد نقش اساسـی داشت. امّا با انحراف یافتن جریان مشـروطه و دسـتگیر شدن شـیخ فضل اللّه نوری، می خواست به تهران برود تا از اعدام شـیخ جلوگیری کند امّا موفق نشد.

او در اصـفهان و اطراف آن دارای ثروت فراوان بـود و ایـن ثروت را صـرف تربیـت شـاگردان و رفـع نیـاز نیازمنـدان و فقراء و ترویج دین نمود. او بذله گو و حاضر جواب، زیرک و تیزهوش و با سیاست بود و حکایاتی در این باب از او نقل شده است.

آقانجفی پشت و پناه مردم در برابر زورگوئی ها و تعرّضات ظلّ السّـلطان به مردم بی گناه بود و نفوذ کلمه و قـدرت معنوی او باعث می شد ظلّ السّلطان حاکم ستمگر و

خودخواه اصفهان نتواند به منویّات خود دست یابد. برخی از نویسندگان داخلی به پیروی از مستشرقین و نویسندگان خارجی او را به خاطر ثروت و اجرای حدود و دخالت در سیاست مورد سرزنش قرار داده و از او انتقاد کرده اند، امّا او از ثروت و نفوذ و قدرت خود برای ترویج دین و رفع ظلم و اعانت به مظلومان استفاده می کرد، نه برای هوا و هوس های شخصی.

این فقیه و مجتهد عالیقدر از اواخر سال ۱۳۳۰ق به بیماری استسقاء مبتلا گردید و سرانجام پس از دو سال بیماری در عصر یکشنبه ۱۱ شعبان المعظم ۱۳۳۲ق در منزل مسکونی خود در محلّه پشت مسجد شاه وفات یافته و در جوار امامزاده احمد اصفهان مدفون شد و بر سر مزار او بقعه ای بنا کردند و طی سالهای بعد تعدادی از بستگان و نوادگان او در آنجا مدفون شدند.

ملّا عبدالجواد خطیب، برای مادّه تاریخ وفات او ضمن مرثیه ای چنین سروده است:

شد سؤال از خطیب تاریخش

جا چو آن گنج در تراب گرفت

«یا» برای ندا برون شد و گفت

«ایها النّاس آفتاب گرفت»

۱۳۳۲=۱۳۴۲-۱۰

او متجاوز از صد جلد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «جامع الأسرار» ۲. «عنایات الرضویّه» ۳. «دلائل الأحکام» ۴. اشارات ایمانیه ۵. ترجمه برخی از مجلدات بحار و کتب احادیث.

او اگر چه شاعر حرفه ای نبود اما گاهی اشعاری را می سرود.

این بیت از سروده های آقانجفی است:

طالب هستی جاوید، ز جان می گذرد

پس در افلاک چو عیسی ز جهان می گذرد(۱)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۵۰۹-۳۴۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۷۵-۱۷۳؛ دانشمندان و

بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶-۵۳؛ مزارات اصفهان، ص۵۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۷۹-۱۷۱؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۶۷۳-۶۶۷؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۳-۳۱۹ و ۳۹۵؛ ریحانه الادب، ج۱، ص ۵۷؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۶۶۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۱۹۸ و ۲۰۳؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ مقتبس الاثر، ج۲، ص۲۲۲؛ تکمله نجوم السماء، ج۲، ص۲۷۸؛ دائره المعارف فارسی مصاحب، ج۱، ص۱۸۲؛ شمس التواریخ، صص ۹۷ و ۹۸؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۲۴۷ و ۲۴۸؛ شرح حال رجال ایران، ج۳، صص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ الاعلام، ج۶، ص۶۳؛ فوائد الرضویّه، ص۴۳۸؛ علمای معاصر، صص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۲۱۰۹؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۱۸؛ حکم نافذ آقانجفی؛ در حریم وصال.

سیّد محمّد تقی خلیفه سلطانی*

سیّد محمّد تقی بن سیّد محمّد باقر بن سیّد حسن خلیفه سلطانی بن سیّد علاءالدّین حسین حسینی مرعشی (خلیفه سلطانی)، عالم فاضل جلیل، در اواخر دوره صفویه می زیسته و تا سال ۱۱۳۴ق در قید حیات بوده و نشانه تملک او بر نسخه ای از کتاب «الضیاء اللامع» با مهر «محمّد تقی الحسینی الخلیفه» و مهر مربع «محمّد تقی بن باقر الحسینی» مشهود است.(۱)

همچنین وی نسخه ای از «قراءات» تألیف «محی الدّین اناری» را به خط نسخ در ماه رمضان ۱۱۰۴ف کتابت نموده که به شماره ۷۰۷۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

ملّا محمّد تقی کاتب اصفهانی*

ملّا محمّد تقی کاتب اصفهانی فرزند محمّد باقر بروجنی، از اساتید خط در اواخر دوره قاجاریه. خط ثلث و نسخ را با مهارت و زیبائی می نوشت. نزد میرزا آقا جان پرتو اصفهانی به مشق خط پرداخته بود و از راه کتابت و تربیت شاگردان علاقمند به خوشنویسی امرار معاش می کرد. دارالمشق او در کوچه زنجانی واقع در محلّه نیم آورد اصفهان بود. استاد جلال الدّین همایی در کودکی نزد او مشق خط نموده است.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه ج۱۶، ص۴۴۵.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۲۲۴ و ۱۲۴.

محمّد تقی قاضی زاده*

محمّد تقی بن محمّد باقر قاضی زاده عباس آبادی اصفهانی، از علماء و دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی در عباس آباد اصفهان ساکن بود و ظاهراً از شاگردان ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) و پدر دانشمند خود میرزا محمّد باقر است.

او رساله «صلاه الجمعه» تألیف: فاضل سراب را به خط نسخ و نستعلیق در سال ۱۱۳۳ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

سیّد محمّد تقی بهشتی

سیّد محمّد تقی بن آقا سیّد محمّد جعفر حسینی بهشتی، عالم فاضل زاهد، در اصفهان سالها نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخته و از آخوند ملّا حسین فشارکی اجازه اجتهاد داشته و پس از وفات ایشان مراسم احیاء را در شبستان مصلای تخت فولاد برپا می نموده است. نماز جماعت را نیز در مسجد سرجوی شاه [مسجد آیت اللّه بهشتی فعلی] اقامه می نمود. و سرانجام به سن قریب هشتاد سالگی در ۱۸ رجب ۱۳۸۴ق وفات یافته و در تکیه زرگرها در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

«رفت بنزد اسداللّه تقی»(۲)

سیّد محمّد تقی نجف آبادی*

سیّد محمّد تقی نجف آبادی بن میر جعفر، عالم فاضل، متوفی در ۱۱ رجب ۱۳۴۹ق مدفون در تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان.(۳)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۳۹۲؛ فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۲- تحفه الأحباب، صص ۲۶ و ۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۱.

۳- يادداشت آقای رحیم قاسمی.

شیخ محمّد تقی مجلسی*

حاج شیخ محمّد تقی مجلسی ابن میرزا محمّد حسن بن میرزا آقا بن میرزا محمّد علی بن میرزا مهدی بن میرزا محمّدتقی تاجر عباس آبادی.

عالم جلیل وفقیه محقق، از مراجع تقلید و مجتهدین عالیقدر اصفهان، از نوادگان دختری علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی.

در سال ۱۳۰۸ش در اصفهان متولّد شد. پس از طی دروس مقدماتی و سطح در نزد اساتیدی چون شیخ محمد رضا جرقویه ای و شیخ محمد حسین مشکینی به قم رفته و نزد حضرات آیات سیّد حسین طباطبائی بروجردی، سیّد محمّدتقی خوانساری و سیّد محمّد حجت کوه کمری به کسب فیض پرداخت.

سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و از درس حضرات آیات سیّد عبدالهادی شیرازی، سیّد علی علّامه فانی، آقا میرزا هاشم آملی، سیّد محسن حکیم، سیّد حسین حمامی، حاج شیخ حسین حلی و حاج سیّد ابوالقاسم خوئی بهره برد و پس از اخذ اجازات اجتهاد و روایت از اساتید خود به ایران مراجعت نمود.

وی به درخواست حاج آقا روح اللّه کمالوند به خرم آباد رفته و ۵ سال به تدریس پرداخت. سپس ۱۲ سال در قم به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود. پس از آن در اصفهان سکونت گزیده و تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول و راهنمائی مردم در مسائل شرعی و امور افتاء و مرجعیت مشغول می باشند و در تقوا و اخلاق حسنه و تواضع زبانزد هستند.

این تألیفات از اوست:

۱. «الدّره البهیّه فی مسائل التّحیّه» مطبوع ۲. «محاضرات الاصول» ۳. «رساله فی مسائل الرضاع» ۴. «رساله فی تجنیس المتنجّس» ۵. «رساله فی فروع العلم الاجمالی» ۶. «رساله فی انفعال ماء القلیل» ۷. «المختار من مبانی الاصول» ۸. «آداب الجمعه» ۹. «النّوادر و الشّوادر» ۱۰. «شرح الکلمات القصار» ۱۱. «ابحاث مختلفه فی الفقه الاسلامی» ۱۲. «توضیح المسائل» مطبوع ۱۳. «رساله فی صلاه الجمعه» مطبوع ۱۴.

«السنه الوسطی فی التمسک بالعروه الوثقی» ۱۵. «ولایه الاولیاء فی بیان الولایات» مطبوع ۱۶. «رساله فی مسائل الاجاره» ۱۷. «رساله فی التّقلید و احکامه» ۱۸. «رساله فی بیان الکر و احکامه» ۱۹. «رساله فی بیان الرّبا و احکامه» ۲۰. «رساله فی مسائل الصّوم» ۲۱. «المنتقی فی شرح العروه الوثقی» مطبوع ۲۲. «کتاب الأربعین» ۲۳. «مجمع الشّتات» ۲۴. «منتهی الأفکار فی الاصول» مطبوع، «تقریرات بحث آیهاللّه میرزا هاشم آملی» ۲۵. «الملتقطات من المستطرقات» ۲۶. «مناسک حج» مطبوع ۲۷. «تفسیر المعضلات من الآیات» ۲۸. «الآیات المستشهده للولایه».(۱)

محمّد تقی خوانساری

محمّد تقی بن محمّد حسن خوانساری از خوشنویسان اصفهان در اواخر دوره قاجاریه. چندین مجلّد از کتاب «بحارالأنوار» را از تاریخ صفر ۱۲۹۲ تا ۱۳۰۸ق به خط نسخ کتابت نموده و در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

میر محمّد تقی مدرّس

میر محمّد تقی مدرّس فرزند علّامه میر سیّد حسن مدرّس میر محمّد صادقی، عالم فاضل جلیل القدر عظیم المنزله، در ۱۳ صفر ۱۲۷۳ق در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل در اصفهان نزد میرزا هاشم چهارسوقی راهی عتبات عالیات شد. و از درس شیخ هادی طهرانی، حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و آخوند خراسانی در نجف اشرف مستفیض شد. سپس به سامرا عزیمت نموده و از درس محمّد حسن شیرازی بهره گرفت. همچنین از میر سیّد محمّد فشارکی و میرزا محمّد تقی شیرازی کسب فیض نمود. در سال ۱۳۰۹ق به امر استادش میرزای بزرگ شیرازی به اصفهان بازگشته و به تدریس و تبلیغ و تحقیق مشغول شده و به جای پدر عالیقدر خود در مسجد رحیم خان به اقامه جماعت

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۹۴ و ۳۹۵ و مصاحبه با صاحب عنوان توسط غلامرضا نصرالهی.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

پرداخت.

سالها در مدرسه صدر بازار به تدریس فقه و اصول مشغول بوده و جمعی از فضلاء از جمله: میرزا فتح اللّٰه درب امامی، سیّد علینقی ثقهالشریعه، شیخ محمود مفید، میرزا مهدی دولت آبادی و فرزندش میر سیّد حسن مدرّس ثانی در خدمت او حاضر می شدند.

او سرانجام در شب دوشنبه ۷ ربیع الثانی سال ۱۳۳۳ق وفات یافته جنب مقبره پدرش در مسجد رحیم خان در محلّه نو اصفهان مدفون گردید.

کتاب «الرسائل التّقویه فی المسائل الفقهیه» از تألیفات ایشان است که در سال ۱۳۶۳ق به اهتمام سیّد محمّد حسین مدرّس فرزند مؤلف در طهران چاپ سنگی شده و شامل این رساله ها است.

۱. «رساله در بیان وجه تمیز بین حق و حکم» ۲. «رساله در صلاه مسافر» ۳. «رساله در منجزات مریض» ۴. «رساله در قاعده من ملک شیئاً» ۵. «رساله در ماهیت اجاره»

همچنین حواشی فتوائی بر رساله هدایه الطّالبین، از ایشان به چاپ رسیده است.(۱)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد حسین اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب. در ماه رمضان سال ۱۰۸۶ق نسخه ای از «شرح لمعه» شهید دوّم را به خط نسخ زیبا نوشته و کتاب به شماره ۷۹۳ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی در قم موجود است.(۲)

سیّد محمّد تقی موسوی شفتی

حاج سیّد محمّد تقی موسوی ابن آقا سیّد حسین بن آقا سیّد ابوالقاسم بن حاج سیّد محمّد علی بن حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی، در ۸ رجب ۱۳۴۸ق-

---

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۴ و ۴۰۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۵۱؛ علوم و عقاید، صص ۵۸ و ۵۹؛ میرزای شیرازی، ص۱۱۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۹۹.

(۱۳۰۸ش) دراصفهان متولّد شده و تحصیلات خود در مدارس جدید را در اصفهان طی نمود. سپس در حوزه علمیه اصفهان نزد حضرات آیات سید صدرالدین کوپائی، حاج شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، حاج شیخ مجدالدّین (مجدالعلماء) نجفی به کسب علم و فضل پرداخته و در مشهد مقدّس نیز از شیخ حبیب اللَّه گلپایگانی و آیت اللَّه العظمی میلانی بهره مند گشته و سپس به اصفهان بازگشته و تاکنون به اقامه نماز جماعت در مسجد سیّد اصفهان اشتغال دارد. (۱)

ملّا محمّد تقی جیلانی*

مولانا محمّد تقی بن مولانا محمّد حسین جیلانی، فاضل کامل، عالم ربّانی. در روز سه شنبه ۱۷ جمادی الاولی ۱۱۲۵ق وفات نموده و در تخت فولاد تکیه صاحب روضات مدفون گردیده است.(۲)

شیخ محمّد تقی فشارکی

شیخ محمّد تقی بن آخوند ملّا محمّد حسین بن ملّا محمّد جعفر فشارکی، عالم فاضل جلیل در اصفهان متولّد شد و در خدمت پدر علّامه خویش و شیخ محمّد رضا نجفی، میر محمّد صادق خاتون آبادی و میر سیّد علی بهبهانی و میرزا احمد مدرّس تلمّذ نمود.

وی در مسجد حاج صادق واقع در محلّه خواجو اقامه جماعت می نمود. سرانجام در سال ۱۴۰۵ق وفات یافته در صحن امامزاده باقر در محلّه خواجو مدفون شد.(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۱۶۴؛ گنجینه دانشمندان، ج۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۴؛ پاورقی به قلم آقای رحیم قاسمی؛ تاریخ اصفهانی (تکایا و مقابر)، ص۳۷۵.

۳- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۹۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۴۴.

محمّد تقی کاتب خاتون آبادی

محمّد تقی کاتب بن محمّد حسین خاتون آبادی، از خوشنویسان و کاتبان دوره صفویّه است. خط نستعلیق را خوش می نوشت.

وی نسخه ای از «نزهت القلوب» تألیف حمداللّه مستوفی را در ۱۲ شعبان ۱۰۳۴ق کتابت نموده و در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است. نسخه دیگری از «نزهت القلوب» را در پنج شنبه ۲۶ ربیع الاوّل ۱۰۴۱ق کتابت کرده و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

همچنین یک نسخه از «حبیب السیر» را در ۱۲ شعبان ۱۰۴۴ق کتابت نموده و در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.(۱)

ملّا تقی خوراسکانی*

آقا ملّا تقی بن ملّا محمّد حسین خوراسکانی، عالم فاضل صالح، از فضلای اوایل قرن چهاردهم هجری است. در نهایت زهد و تقوا و قداست بوده و مورد توجه و اعتماد مردم محل بوده است. وی در سال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در تکیه خوانساری ها واقع در تخت فولاد در کنار پدر مدفون شد. در سالهای اخیر به بهانه مرمّت تکیه مزار پدر و پسر را از بین بردند.(۲)

استاد محمّد تقی ذوفن*

استاد محمّد تقی ذوفن بن حاج حسین، هنرمند معاصر. در سال ۱۲۷۲ش در اصفهان متولّد شد. او پس از کمی تحصیل، به قلمزنی پرداخت و نزد حاج حسنعلی جندقیان شاگردی کرد تا به استادی رسید و با خلاقیت و استعداد شگرف خود آثار ارزنده ای را بر روی فلز پدید آورد و خود در ردیف اساتید طراز اوّل قلمزنی اصفهان قرار گرفت.

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۶۶۷ و ۶۶۸.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

استاد ذوفن در ۵ بهمن ۱۳۵۷ش از دنیا رفت و در جنوب تکیه فیض در تخت فولادبه خاک سپرده شد.(۱)

مرحوم ابوالقاسم جندقیان متخلّص به «شفیق» درباره او این ابیات را سروده است:

گرچه ذوفن زد رقم بر لوح زر

کلک فولادینش آیات هنر

پای بوس هر ضریحی نام اوست

نزد آل عصمت او را آبروست

لیک دارد تربت آن زنده یاد

سقفی از ابر و ستون از گردباد(۲)

محمّد تقی شهرستانی

محمّد تقی بن محمّد حسین شهرستانی [از فضلاء و نویسندگان کُتُب] در روز سه شنبه ۱۲ ربیع الاوّل ۱۰۸۷ق کتاب «الرّعایه فی درایه الحدیث» شهید ثانی را به خطّ نسخ نوشته و شیخ علی بن محمّد بن حسن بن شهید ثانی اجازه ای در پشت کتاب به او داده است.

نسخه ضمن مجموعه شماره ۳۰۷۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

سیّد تقی هاشمی دهسرخی*

سیّد تقی هاشمی دهسرخی فرزند حسین، در سال ۱۳۰۲ش در روستای دهسرخ متولّد شد. تحصیلات خود را تا دیپلم انجام داد و در حوزه علمیه اصفهان نزد شیخ عباسعلی ادیب، سیّد ابوالحسن شمس آبادی، حج آقا حسین خادمی، سیّد محمّدعلی صادقی و شیخ حسن صافی انجام داد.

از خدمات ایشان بازسازی مسجد لسان الارض در تخت فولاد و اقامه نماز در آنجا و احداث مسجد حضرت قائم(عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) در آن حوالی بوده است.

۱- مصاحبه با استاد مهدی ذوفن فرزند استاد محمّد تقی ذوفن.

۲- تخت فولاد، ص۲۲.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۱، ص۲۰۱۶.

او در مدرسه صدر بازار به تدریس برخی دروس ادبیات و فقه مشغول بود. او عمر خود را در راه تبلیغ دین و بیان احکام و ذکر مصیبت حضرت سیدالشهداءعلیه السلام گذراند و عالمی خلیق و متواضع بود.

یکی از فرزندانش به نام سیّد حسین هاشمی در جبهه های نبرد ایران و عراق به شهادت رسید. خود او نیز در ۱۸ رجب سال ۱۴۱۱ق وفات یافته و کنار فرزند خود در لسان الارض (تکیه شهدا) مدفون شد.(۱)

میرزا محمّد تقی هرندی

میرزا محمّد تقی هرندی بن حاج محمّد حسین نایب الصّدر، عالم فاضل متقی. داماد ملّا عبداللّه هرندی مؤلف «دلائل الدّین» بوده و در سال ۱۳۰۷ق وفات یافته است.(۲)

پروفسور سیّد تقی فاطمی*

پرفسور سیّد تقی فاطمی نائینی فرزند سیّد حسین، از دانشمندان و ریاضیدانان معاصر. درسال ۱۲۸۳ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان سپری نمود و در سال ۱۳۱۶ش دیپلم گرفت. سپس در آزمون اعزام دانشجو به خارج از کشور شرکت کرده و حائز رتبه اوّل شد و راهی فرانسه گردید. در آنجا در رشته ریاضی به تحصیل پرداخته و به درجه «اکرژه» در علوم ریاضی دست یافت. آنگاه به ایران بازگشته صاحب مکانیک استدلالی در دانشسرای عالی تهران را صاحب شد و به تدریس دروس ریاضی پرداخت. او حدود ۴۰ سال به تدریس مشغول بود تا این که در سال ۱۳۵۷ش به علّت کسالت از تدریس کناره گیری کرد و در مشهد مقدّس ساکن شد. او را از بنیان گذاران ریاضیات در مراکز آموزش عالی ایران می دانند.

وی سرانجام در روز جمعه ۱۷ آذرماه ۱۳۷۴ش در مشهد مقدّس وفات یافت و در

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۴.

قم به خاک سپرده شد.

او کتابهای درسی بسیاری برای مقاطع ابتدائی و متوسطه تألیف نموده و یا در تألیف آنها مشارکت نموده است.(۱)

شیخ محمّد تقی قمشه ای

حاج شیخ محمّد تقی بن میرزا محمّد حسین قمشه ای، عالم فاضل جلیل، در قمشه [شهرضای کنونی] متولّد شده و سپس در اصفهان پس از تحصیلات مقدّماتی و سطح در درس میرزا محمّد هاشم چهارسوقی حاضر شده و پس از تکمیل تحصیلات خود به وطن خود مراجعت نمود و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت.

وی پس از وفات برادرش آقا میرزا محمّد مهدی قمشه ای، ریاست دینی قمشه و نواحی اطراف آن را بر عهده داشته و در سال ۱۳۳۷ق به سفر حج تشرف یافته و پس از بازگشت از آن سفر، مدّتی بعد در قمشه وفات یافت.

وی را تألیفاتی است از جمله «الاصول العملیّه» در برائت و احتیاط و استصحاب.(۲)

محمّد تقی یزدی

محمّد تقی بن محمّد حسین یزدی از نویسندگان کتب و خطاطان. در سال ۱۰۸۷ق در اصفهان در قهوه خانه تالار محلّه هارون ولایت مجموعه ای را به خط نسخ نوشته است و به شماره ۶۶۸۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی [سابق] موجود است.(۳)

۱- آئین فرزانگی، ج۳، ص ۱۹۵-۱۹۱؛ نادره کاران، ص۸۸۴.

۲- نقباء البشر، ج۱، ص۲۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۶؛ الذریعه، ج۲، ص۲۰۰؛ تاریخ شهرضا، صص ۷۵ و ۷۶.

۳- فهرست کتابخانه مجلس، ج۱۶، ص۳۴.

ملّا محمّد تقی هروی

ملّا محمّـد تقی هروی حائری اصـفهانی ابن حسـینعلی بن اسـماعیل، از معاریف علماء و مجتهـدین و فقهاء و مصنّفین، صاحب تألیفات کثیره.

در رمضان المبارک ۱۲۱۷ق در هرات متولّـد گردیـد. پس از فرا گرفتن مقدمات علوم در موطن و مولد خود در سال ۱۲۳۵ق به اصفهان مهاجرت نموده و به محضر آقا شیخ محمّد تقی رازی و حاجی کلباسی و سیّد حجّهالاسلام شفتی حاضر شد. سپس به مشـهد رضوی و از آنجا به اعتـاب مقـدّسه ائمه عراق مهاجرت نموده و به درس صاحب جواهر و سـیّد کاظم رشتی و میرزا علینقی طباطبـائی و احتمالاًـ شـیخ مرتضـی انصاری حاضـر شـده تا به درجات عالیه علم و اجتهاد رسـید و به اصـفهان مهاجرت نموده و شـهرت و ریـاستی یـافته، و در سـال ۱۲۷۲ق به مناسـباتی مجبور به مهـاجرت به عتبـات شـد و در ۱۷ ربیع الاـوّل سال ۱۲۹۹ق در کربلا وفات یافته و در مقبره صاحب ضوابط دفن گردید.

وی را تألیفات و تصنیفات زیاد است که تعداد آن متجاوز از ۶۰ کتاب و رساله می شود. از جمله:

۱. «الأربعون حدیثاً» ۲. «السبع المثانی» ۳. «المیراث لجمیع الورّاث» ۴. «نتائج الأفکار» ۵. «نهایه الآمال فی کیفیه الرّجوع إلی علم الرّجال» ۶. «الحدیقه النّجفیّه فی شرح الرّوضه البهیّه»(۱)

میرزا محمّد تقی مجلسی

میرزا محمّـد تقی بن میرزا حیـدرعلی بن عزیزاللّه بن محمّـد تقی به محمّـد کاظم بن عزیراللّه بن ملّا محمّـد تقی مجلسـی، عالم فاضل، در اصفهان ساکن بوده و پدرش در سال

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۸۱-۲۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۸-۴۰۶؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۶۳۱-۶۲۵؛ الکرام البـرره، ج۱، صص ۲۱۵-۲۱۲؛ الـذریعه: مجلّدات مختلف؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۳۶۵ و ۳۶۶؛ نجوم السماء، ج۱، ص۳۹۷؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۴۷.

۱۲۰۵ق برای او اجازه نوشته است.(۱)

سیّد محمّد تقی خراسانی نجفی

سیّد محمّد تقی بن سیّد محمّد رضا بن حاج سیّد یوسف خراسانی، عالم فاضل متقّی، از علمای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۷۵ق در کاظمین متولّد شد. در کودکی همراه پدر به اصفهان آمده و مقدمات را در آنجا آموخت. سپس به زیارت امام رضاعلیه السلام در مشهد مقدّس شتافته و سپس به نجف اشرف هجرت نمود و در درس میرزا حبیب اللّه رشتی حضور یافت. سپس در مجلس درس آخوند خراسانی و میرزا حسین خلیلی شرکت کرد و به مدارج اعلای علم و اجتهاد دست یافت. در اخلاق و سیر و سلوک نیز از عارف الهی ملّا حسینقلی همدانی کسب فیض نموده و به تزکیه و تهذیب نفس پرداخت و در اخلاق و فضایل نفسانی به مقامی سامی رسیده و عاقبت در سامرا در جوار مرقد مطهر عسکرین علیهما السلام ساکن شد. وی با دختر سیّد صالح بن سیّد مهدی قزوینی بغدادی ازدواج کرده و پس از عمری عبادت و ترویج دین در یکشنبه ۱۷ ربیع الاوّل ۱۳۵۰ق (روز میلاد حضرت محمّدصلی الله علیه وآله و امام صادق علیه السلام) در سامرا وفات نموده، جسدش را پسرش به نجف حمل نموده و جنب مزار پدر صاحب عنوان (سیّد محمّد رضا) در وادی السّلام مدفون ساخت.(۲)

محمّد تقی داورپناه*

محمّد تقی داورپناه فرزند رحمان، از خَیّرین و نیکوکاران معاصر. در سال ۱۳۱۵ش در خمینی شهر متولّد شده و در کودکی و نوجوانی زندگی سختی را پشت سر گذاشت. وی از زمان نوجوانی در تهران ساکن شده و به شغل سنگ بری و سنگ تراشی مشغول

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۴۹؛ الکرام البرره، ج۱، ص۲۱۵.

۲- نقباء البشر، ج۱، ص۲۵۵؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۰۹۸ و ۲۰۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۴ و ج۲، ص۶۳۶.

شد و کم کم با پشتکار و تلاش صاحب ثروت و مکنت فراوان شد. او ثروت خود را صرف اشاعه علم و فرهنگ کرد و دهها مدرسه ساخت و آن را به آموزش و پرروش هدیه کرد. او نیّت کرده است که بیش از یکصد مدرسه بسازد و با همت عالی خود این هدف راه دنبال می کند.(۱)

شیخ محمّد تقی رازی نجفی

شیخ محمّد تقی رازی ابن محمّد رحیم بیک استاجلو ایوان کیفی طهرانی، عالم کامل، فقیه و اصولی محقق مدقق. از رؤسای علماء و مجتهدین و اکابر فقهاء و مدرسین.

در حدود ۱۱۸۵ق در «ایوان کیف» از دهستان های ورامین (نزدیک تهران) متولّد شد. در عتبات عالیات نزد آقا محمّد باقر وحید بهبهانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، میر سیّد علی طباطبائی (صاحب ریاض)، سیّد محسن اعرجی کاظمینی و سیّد مهدی بحرالعلوم به تحصیل پرداخت. پس از حمله وهابی ها به کربلا در سال ۱۲۱۶ق به ایران بازگشت و مدّتی در مشهد مقدّس به سر برد. سپس به یزد رفت و سرانجام در اصفهان اقامت گزید. در ابتدا در محلّه احمدآباد ساکن شده و در مسجد ایلچی به اقامه نماز جماعت پرداخت و پس از مدّتی به تدریس در مسجد شاه [مسجد امام فعلی]پرداخت و تعداد کثیری از اهل علم و فضلاء در درس او حاضر می شدند.

وی در نجف اشرف به افتخار دامادی استاد خود شیخ جعفر کاشف الغطاء نائل شد. در انواع علوم خاصّه فقه و اصول مهارت به سزائی داشته و در بین اقران سر آمد و زبانزد بوده است. او عالمی عابد و زاهد بوده و مجاهدات و ریاضات و کمالات نفس او نزد اهل معرفت معروف بود. برخی نوشته اند وی مراحل سیر و سلوک و تصفیه باطن را نزد درویش کافی نجف آبادی طی نموده است.

شیخ محمّد تقی رازی به خاطر تألیف کتاب «هدایه المسترشدین» به «صاحب

۱- کتابی به نام چهره های ماندگار در شرح حال و خدماتش منتشر شده است.

حاشیه» و «صاحب هدایه» نیز معروف است. او چند سال قبل از فوت خودش وصیّ مریم بیگم دایه سلطان محمّد میرزا سیف الدوله قاجار حاکم اصفهان بود و تحت نظر او مریم بیگم در تکیه ای مخصوص که سلطان محمّد میرزا ساخته بود به خاک سپرده شد. شیخ نیز سرانجام در جمعه نیمه شوال ۱۲۴۸ق وفات یافته و حاجی محمّد ابراهیم کلباسی (و یا به قولی سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی) بر پیکر او نماز خوانده و جنازه به تخت فولاد حمل و در تکیه که بعد بنام وی تکیه شیخ محمّدتقی و در زبان عوام مادرشاهزاده مدفون شد.

محمّد حسین ضیاء اصفهانی مرثیه ای برای او سروده و این مادّه تاریخ از آنجاست:

از پی تاریخ آن کلک «ضیا» زد رقم

«راهنمای امم کرد بجنّت مقام»

۱۲۴۸

شیخ محمّد تقی رازی سرسلسله خاندانی در اصفهان معروف به «مسجد شاهیان» است. که در پشت مسجد شاه [مسجد امام فعلی] و حوالی بازارچه حسن آباد اصفهان سکونت داشته اند.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «اجوبه المسائل» ۲. «تقریرات» از بحث طهارت حاج سیّد مهدی بحرالعلوم ۳. «رساله در عدم مفطر بودن توتون» [در جلد چهارم میراث حوزه اصفهان به تصحیح آقای مجید هادی زاده منتشر گردید.] ۴. «رساله در فساد شرط ضمن العقد» ۵. «رساله صلاتیه» [با تحقیق شیخ مهدی باقری سیّانی در سال ۱۳۸۳ش در قم منتشر گردید.] ۶. «هدایه المسترشدین فی شرح اصول معالم الدین»، مطبوع مکرراً [آخرین چاپ آن در سال ۱۴۲۰ در سه جلد توسط انتشارات جامعه مدرسین قم منتشر گردید.] ۷. «تبصره الفقهاء» [به تحقیق آقای سیّد صادق حسینی اشکوری در سه مجلد در سال ۱۳۸۵ش به طبع رسید.] ۸. «ردود علی استاده العلّامه السیّد محسن الکاظمی فی مسأله الأقل و

الأكثر» [به تحقیق آقای باقری در مجموعه میراث حوزه اصفهان منتشر شد].(۱)

سیّد محمّد تقی میردامادی

سیّد محمّد تقی بن سیّد محمّد رضا حسینی میردامادی، طبیب ماهر، پدر مرحوم میرزا مصطفی مؤید الاطباء.

وی پس از وفات در اوان دالان صحن شرقی به صحن شمالی بقعه درب امام مدفون شد.(۲)

محمّد تقی کیهان سامانی

محمّد تقی جعفرزاده متخلّص به «کیهان» فرزند شیخ رضا، شاعر ادیب در سال ۱۳۳۹ق در قریه سامان از توابع چهارمحال متولّد شده و نزد پدر که از شاگردان دهقان سامانی بود و دیگران تحصیل کرده و پس از چندی در اصفهان ساکن شد و به استخدام اداره فرهنگ درآمد.

او روزنامه تگرگ را در اصفهان منتشر می نمود.

این بیت از اوست:

ربوده خاطرم یاری نگاری ماه رخساری

که عاقل را به یک فیض نظر دیوانه می سازد(۳)

۱- قصص العلماء، (چ ۱۳۸۰)، ص ۱۲۴ و ۱۹۹؛ قبیله عالمان دین، صص ۳۹-۱۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، صص ۱۸۳-۱۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۴۰۹ و ۴۱۰؛ رساله صلاتیه، صص ۴۳-۲۴؛ هدایه المسترشدین، ج ۱، صص ۴۶-۳۲؛ تبصره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۹-۱۵؛مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۳۲۷؛ نجوم السماء، ص ۴۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۹۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۸ و ۳۱۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۶۶۵-۶۶۱؛ الذریعه، ج ۴، ص ۸۲ و ج ۶، ص ۲۷۷ و ج ۱۶، ص ۲۸۳؛ ریحانه الادب، ج ۳، ص ۴۰۳؛ الکرام البرره، ص ۲۱۵؛ معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۱۲۰؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۱۹؛ الاعلام، ج ۶، ص ۶۲ گلشن اهل سلوک، صص ۶۲-۳۳.

۲- مزارات اصفهان، ص ۲۰۸.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۹۷.

ملّا محمّد تقی رازی

ملّا محمّد تقی بن محمّد رضا رازی، عالم فاضل، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و نزد علمای اصفهان از جمله ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخت.

علّامه طهرانی در معرفی کتاب «ایضاح المصباح» تألیف سیّد بهاءالدّین علی بن غیاث الدّین عبدالکریم گوید: که مولی محمّد تقی حکایت از استادش مولی محمّد باقر مجلسی می کند که... بنابراین وی از تلامذه علّامه مجلسی محسوب است.(۱)

ملّا محمّد تقی رازی «رساله نوروزیه» را به نام شاه صفی در یک مقدّمه و سی فصل و خاتمه تألیف نموده است.(۲) وی همچنین کتاب «کبیر» را تألیف نموده و نسخه خطی آن در شعبان ۱۰۴۴ق در اصفهان کتابت شده است.(۳)

وی همچنین در سال ۱۰۵۸ق مالک مجموعه ای از چند رساله بوده است که اکنون به شماره ۶۸۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۴)

ملّا محمّد تقی گوگدی گلپایگانی

ملّا محمّد تقی معروف به آخوند گوگدی بن محمّد رضا مشهور به حاج آقا خوند بن ملّا علی شریف عالم فاضل. در اصفهان ساکن بوده و تحصیل می نموده است. از آثار او:

«سراج النّجاه فی کشف المقالات لتحصیل السّعادات» به فارسی در مواعظ و صفات حسنه و اخلاق است. در دوشنبه ۲۵ ربیع الاوّل ۱۲۷۱ق در شهر اصفهان از جلد اوّل کتاب فراغت یافته است.

وی مجموعه ای مرکب از ۶ رساله به خط نستعلیق فراهم کرده که به شماره ۱۵۱۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۵)

۱- الذریعه، ج۲، ص ۵۰۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۲۰.

۲- الذریعه، ج۲۴، ص ۳۸۲.

۳- الذریعه، ج۱۷، ص ۲۶۰.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص ۶۰.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸ ص ۱۵۲.

در مجموعه ۱۹۵۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز رساله ای به خط او و به تاریخ پنج شنبه از ماه رجب ۱۲۶۸ق موجود است (شماره نسخه ۱۹۵۳ است.)(۱)

فایده: گِوگِد از قرای گلپایگان است.

محمّد تقی اصفهانی*

محمّد تقی بن محمّد رفیع اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری .در سال ۱۲۳۸ نسخه ای از «ملاذ الأخیار» علّامه مجلسی را کتابت کرده است. نسخه در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.

سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه

سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد صادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل زاهد.

پدرانش گاهی در یزد و زمانی در اصفهان ساکن بوده و برخی از بنی اعمام او در یزد متوطّن بوده و هنوز هم در اعقابشان در آنجا ساکن هستند.

صاحب عنوان از اهل زهد و تقوا و عزلت و انزوا بوده و در نزد حاجی کلباسی و سیّد حجّهالاسلام مقبول القول و محترم بوده، خدمت آقا محمّد بیدآبادی و جمعی دیگر تحصیل نموده و در محلّه خواجو سکونت داشته است.

در سال ۱۳۳۶ق به سن متجاوز از ۹۰ سال وفات یافته و در تخت فولادجنب تکیه خاتون آبادی در تکیه ای مخصوص مدفون شد.

شعر زیر منسوب به اوست:

زارت بلا موعدٍ فی غیهب الغسق

کانّها الکواکب الدّریّ فی الاُفَق

فقلت أهلاً بک یا خیر زائره

أما خشیت من الحرّاس فی الطُرقَ

فأنشأت بلسان الحال قائله

من یرکب البحر لایخشی من الغُرَق

۱- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۵۶۷.

فقلت لمّا رأت عینی محاسنها

سبحان من خلق الانسان من عَلَق

اعیذها من عیون النّاس کلّهم

بقل اعوذ بربّ النّاس و الفَلَق(۱)

میر محمّد تقی خاتون آبادی (کوفتگر)

میر محمّـد تقی بن میر محمّـد صـادق بن میر ابوصالـح بن میر عبـداللّٰه بن میر محمّـد بـاقر حسـینی خاتون آبادی، عالم فاضل و عارف متقی، نسب آنان به میر عبداللّٰه برادر میر محمّد اسماعیل (مدفون در بقعه ای معروف در تخت فولاد) منتهی می شود.

وی از رشـته ای از سادات خاتون آبادی است که به لقب کوفتگر مشـهور بوده و اعقابشان از اصـفهان به حوالی دهق مهاجرت کرده اند.]

وی سـرانجام در ۲۲ جمـادی الاـولی ۱۲۳۸ق وفـات یـافته و در قبرسـتان مقابـل تکیـه مـادر شـاهزاده در تخـت فولاـد مـدفون گردید.(۲)

میر محمّد تقی خاتون آبادی

میر محمّـد تقی بن میر محمّـد صادق بن میر محمّـد رضا حسـینی خاتون آبادی بن میر ابوالقاسم مـدرّس، عالم فاضل جلیل. در اصـفهان متولّد شده و نزد پدر دانشـمندش و میر سیّد حسن مدرّس به تحصیل پرداخت. چندی امام جماعت مسجدی در محلّه باغات بوده و سپس از طرف پدر مأمور تبلیغ و اقامه جماعت در محلّه حسین آباد اصفهان شد.

وی سـرانجام در دوشنبه ۹ شوال ۱۳۰۸ق وفـات یافته و در فضای بیرون تکیه مادر شاهزاده در ضـلع شـمال تکیه واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۱۰۱؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، صص ۴۱۴ و ۴۱۵؛ سـیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۷؛ گلشن اهل سلوک، ص۴۸؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۲۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۲.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۹؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۳۲۶؛ گلشن اهل سلوک، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۲.

سیّد محمّد تقی کتابی

حاج سیّد محمّد تقی کتابی بن آقا سیّد محمّد صادق کتابفروش، عالم فاضل. در اصفهان متولّد شد و در این شهر به تحصیل پرداخت. مادرش گوهر بیگم (یا گوهر سلطان) دختر حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی است. خود او نیز دختر دایی خود (حاج سیّد جعفر بیدآبادی فرزند سیّد حجّهالاسلام) را به ازدواج خویش درآورد.(۱)

[او از اوتاد و ابدال بوده و روزگاری مدید در نجف اشرف مجاور و به عبادت و تقوی روزگار می گذرانید. محبوبیّت خاصی بین طبقات مردم و علماء مخصوصاً در اصفهان و نجف داشت. وفات او در شب سوم رمضان سال ۱۳۳۶ق در نجف اشرف اتفاق افتاد و در وادی السّلام مدفون گردید.(۲)]

سیّد محمّد تقی کتابی*

سیّد محمّد تقی کتابی فرزند سیّد محمّد صادق بن حاج میرزا محمّد تقی بن حاج میرزا صادق کتابفروش حسینی اصفهانی، از فرهنگیان فاضل و متدّین معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۴ش متولّد شد. وی در حوزه علمیه اصفهان ادبیات را فرا گرفت و حدود ۲۰ سال نزد شیخ محمد کلباسی به تحصیل پرداخته و تا کفایه الاصول آن را دنبال نمود.

همچنین پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخته و در رشته معقول و منقول در سال ۱۳۳۲ش فارغ التّحصیل شد. در این سالها او در دانشگاه از اساتید گرانقدری چون شهابی، فروزانفر، الهی قمشه ای، مشکاه و سیّد کمال نوربخش بهره برد.

سپس سالها در دانشگاه و دبیرستانهای اصفهان به تدریس پرداخت.

وی در تألیف ۵ جلد کتاب دین برای دبیرستانها با دبیران دیگر اصفهان همکاری داشته و چندین مقاله نیز در مطبوعات به چاپ رسانیده است.(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۶۳.

۲- رجال اصفهان (دکتر کتابی)،ج۱، ص۵۱۴.

۳- مصاحبه آقای رحیم قاسمی با استاد سیّد محمّد تقی کتابی در آبان ۱۳۸۶شمسی.

محمّد تقی اردبیلی

محمّد تقی بن محمّد صالح بن حاجی گنجی اردبیلی، عالم فاضل. از دانشمندان قرن یازدهم هجری است.

وی در غره محرّم ۱۰۵۸ق از کتابت «تهذیب الأحکام» در مدرسه صـفویه اصفهان فراغت یافته و کتاب را نزد، علّامه ملّا محمّد تقی مجلسـی قرائت نموده است. مجلسـی در پایـان کتاب طهارت و صـلاه دو أنهاء به تاریـخ های اواخر محرم ۱۰۶۰ و اواسط ربیع الاوّل ۱۰۶۲ق برای کـاتب نوشـته است واو را با القاب «المولی الفاضل العالم العامل» و «المولی الفاضل اللوذعی الالمعی» ستوده است.

این نسخه به شماره ۴۲۷۱ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

شیخ محمّد تقی پیکانی جرقویه ای

شیـخ محمّـد تقی فیکانی (پیکانی) اصـفهانی ابن ملّا محمّد صالح واعظ بیدگلی کاشانی، خطاطّ خط نسخ. کتب زیر را به خط خود استنساخ نموده است.

۱. نسخه ای از «قوانین» میرزای قمی را در ربیع الاوّل ۱۲۴۳ق در اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۱۸۵۳ در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

۲. جلد هفتم «روضه الصّفا» را در ربیع الثّانی ۱۲۵۹ق به خط نسخ نوشته است و کتاب به شماره ۱۴۰۷ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۳)

۳. نسخه ای از «شرح دعای صباح» تألیف ملّا اسماعیل خواجوئی، که در سال ۱۲۵۸ق از نوشتن آن فراغت حاصل نموده است. نسخه آن در کتابخانه دانشگاه تهران

۱- تراجم الرجال، ج۲، ص۶۳۸؛ فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۲۷۴.

۲- فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد، ص۳۷۲.

۳- فهرست کتابخانه وزیری، ج۳، ص۱۰۶۷.

است.(۱)

۴. نسخه ای از «عوالم العلوم» که تاریخ اتمام جلد ششم آن در ظهر چهارشنبه ۲۰ ربیع الثّانی ۱۲۶۲ق بوده و نسخه به شماره ۸۰۸۲ در کتابخانه وزیری یزد موجود می باشد.(۲)

۵. نسخه ای از «هدایه الأسماء فی بیان کتب العلماء» تألیف حسن بن علی یزدی کثنوی، را در مدرسه خانیه یزد به خط نسخ در روز چهارشنبه ۲۴ جمادی الاوّل ۱۲۶۲ق نوشته [است] که ضمن مجموعه ای فیلم آن به شماره ۲۵۳۵ در دانشگاه تهران موجود است.(۳)

سیّد محمّد تقی حسینی تبریزی

سیّد محمّد تقی بن میر محمّد صالح حسینی تبریزی، پدرش از اطبّای معروف عهد صفوی در اصفهان و خود از علماء و زهّاد بوده (گویند:) مؤلف رساله ای است در «محاسبه النّفس». وفاتش در سال ۱۱۲۰ق روی داده و قبرش در قبرستان سنبلستان بوده است. قبر تا این اواخر معروف و مورد احترام بود که مردم آن را زیارت می کردند.(۴)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد طاهر اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کُتُب در قرن یازدهم هجری .در جمعه دهه اوّل رمضان سال ۱۰۸۵ق «حاشیه أنوار التّنزیل» تألیف شیخ بهائی را به خط نستعلیق در اصفهان به پایان رسانیده است.

کتاب به شماره ۳۰۲۱ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۵)

۱- فهرست مشکاه، ص۱۳۹.

۲- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۷۳.

۳- فهرست میکروفیلم های کتابخانه دانشگاه تهران، ص۷۱۱.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۱۶ و ۴۱۷؛ مزارات اصفهان، صص ۲۶۱ و ۲۶۲.

۵- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۰۸.

محمّد تقی اصفهانی*

محمّـد تقی بن عبدالجبّار اصـفهانی، از خطاطان زبردست دوره صـفویه است. پدرش از خطاطان نامدار و شاگرد میرعماد بوده است. ظـاهراً فرزنـد نزد پـدر به مشق خط پرداخته و به اسـتادی رسـیده است. در قزوین به کتابت مشـغول بوده و همانجا وفات یافته است.(۱)

شیخ محمّد تقی نجفی

شیـخ محمّـد تقی نجفی ابن شـیخ عبدالحسـین بن آقا جلال الـدّین بن حاج شـیخ محمّد تقی آقا نجفی، عالم فاضل جلیل، [در سال ۱۳۳۵ق در اصـفهان متولّـد شـده و تحصـیلات مقدماتی را نزد حاج آخوند هرتمنی، شـیخ محمّد جواد فریدنی و دیگران انجام داده و پس از گذراندن سـطوح فقه و اصول نزد حضـرات آیات سیّد محمّد نجف آبادی، شیخ محمّد رضا نجفی و حاج آقا رحیم ارباب، دروس خارج را فرا گرفت و در نجف اشـرف نزد آیات عظام سیّد ابوالقاسم خوئی، سیّد عبدالهادی شیرازی، میرزا باقر زنجانی و حاج آقا حسین بروجردی آن را تکمیل کرد. دروس فلسفی را در اصفهان از شیخ محمود مفید و در نجف اشـرف از شـیخ صدرا بادکوبه ای آموخت و طب را در اصـفهان نزد میرزا علی آقا شـیرازی فرا گرفت. وی همچنین در هنگام اقامت آیت اللّه میر سیّد علی بهبهانی در اصفهان، در جلسه درس ایشان شرکت می نمود.]

وی از آقا سیّد محمّد نجف آبادی و شـیخ محمّد رضا نجفی اجازه اجتهاد داشت و آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدّین عراقی آن را تأیید نموده بودند. [او عالمی عابد و متّق و اهل تهذیب نفس بود.

سرانجام در جمادی الثّانی ۱۴۱۷ق مطابق با ۲۷ مهر ۱۳۷۵ه.ش وفات نموده و پیکرش به مشهد مقدس حمل و در صحن قدس مرقد مطهر امام رضاعلیه السلام مدفون شد.(۲)]

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۶۸.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۲، صص ۲۹۹ و ۳۰۰؛ رساله منتشـره بعد از وفات وی در شرح احوالش؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

محمّد تقی نصیری طوسی

محمّد تقی بن عبدالحسین نصیری طوسی اصفهانی، عالم فاضل محقّق در اصفهان ساکن بوده و کتب چندی تألیف نموده است که از آن جمله است:

۱. تحریر و تلخیص «اخلاق ناصری» ۲. «العقال فی مکارم الخصال» در علم اخلاق که در سال ۱۰۸۰ق تألیف شده است. ۳. «لب الألباب» ۴. «المبداء و المعاد»، که در سال ۱۰۸۰ق تألیف شده و نسخه اصل به خط مؤلف در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. ۵. «مقیاس صاحبقرانی»، در علم ریاضیات، که نسخه ای از آن به شماره ۱۰۱۵/۱۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

سیّد محمّد تقی فقیه احمدآبادی

سیّد محمّد تقی فقیه احمدآبادی بن سیّد عبدالرزاق بن سیّد عبدالجواد موسوی احمدآبادی بن میر قاضی بن سیّد محمّد نائب الصدر بن میر محمّد تقی موسوی (وزیر شاه صفی = شاه سلیمان صفوی و همسفر او در سفر خراسان و مشهد مقدّس)، عالم فاضل، خطیب بارع، و مجتهد جلیل القدر، در شب جمعه ۵ جمادی الاولی ۱۳۰۱ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای اصفهان به کسب فیض پرداخته و یا اجازه دریافت نمود که از آن جمله است: سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا سیّد اسداللّه (عمه زاده اش)، حاج میرزا بدیع درب امامی، آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی، حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی، آقا میرزا عبدالرزّاق (پدر دانشمندش)، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آخوند ملّا محمّد کاشانی، سیّد محمود کلیشادی و حاج آقا منیرالدّین بروجردی. تا این که به مقامات عالیه علم و اجتهاد رسید.

۱- الروضه النضره، ص۱۰۲؛ الذریعه، ج۲۲، ص۱۲۶ و ج۱۵، ص۲۵۰ و ج۱۹، ص۵۰؛ فهرست کتابخانه مرعشی، ج۳، ص۲۱۱؛ فهرست الفبایی کتابخانه رضوی، ص۴۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۷.

وی در مسجد امامزاده اسماعیل اقامه جماعت می نمود و تدریس می کرد. او از شیفتگان و دلباختگان حضرت ولیعصر (عجل اللَّه تعالی و فرجه) بود. طبع شعر نیز داشت و اشعاری از او موجود می باشد.

سرانجام در شب سه شنبه ۲۵ رمضان المبارک سال ۱۳۴۸ق پس از انتقال به بیمارستان مرسلین انگلیسی در اصفهان وفات یافت [و یا به قول برخی از بستگان آن مرحوم به دست یکی از افراد فرقه ضالّه بهائیت که متصدی بیمارستان بود مسموم شد و به شهادت رسید]و در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص مدفون گردید.

[در سالهای اخیر بقعه ای شکوهمند بر سر مزار او و پدر عالیقدرش بنا شده و زیارتگاه اهل معرفت است.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آیین جمعه» یا «آداب الجمعات و ابواب الجنان» مطبوع ۲. «انیس المتفرّدین» ۳. «ایضاح الشّبهات» ۴. «بساتین الجنان» در معانی و بیان ۵. «تحفه المتأدّبین» در نحو ۶. «تذکره الطّالبین» در شرح «آداب المتعلّمین» ۷. «ترتیب الطّلاب در نحو» ۸. «تعادل و تراجیح» ۹. «تفسیر قرآن» ۱۰. «توضیح الشّواهد» ۱۱. «حواشی بر شرح الخبیص» ۱۲. «دیوان اشعار» با تخلّص «شرعی» و «تقی» ۱۳. «سراج القبور» در آداب نماز و نافله شب ۱۴. «شرح مختصر بر کتاب تصریف» ۱۵. «شرح نصاب» که در ۱۶ رجب ۱۳۱۰ق در ۱۰ سالگی تألیف نموده است. ۱۶. «ضیاء المنیر» در صرف ۱۷. «کنز الغنائم» در فضیلت دعا و نماز جهت حضرت قائم علیه السلام ۱۸. «محاسن الآداب» در نحو ۱۹. «مکیال المکارم» (عجل اللَّه تعالی فرجه)، به عربی، در ۲ جلد که بارها به طبع رسیده و به فارسی هم ترجمه شده است. ۲۰. «نور الأبصار» در فضیلت انتظار ۲۱. «وظیفه الانام فی زمن غیبه الإمام» (عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف).

این شعر از اوست:

گرم نصیب شود یک نظر به روی حبیب

نثار او بنمایم روان به رغم رقیب

به پای خود، اگرم بوسه ای روا دارد

نهم به تارک شاهان، ز حشمت و زیب

غم فراق و دل پر ز خون و اشک بصر

مرا ز روز ازل این سه چیز گشته نصیب(۱)

محمّد تقی عاشق آبادی*

محمّد تقی بن حاج عبدالقادر عاشق آبادی، از خطاطان زبردست خط نسخ است. از اهالی قریه «عاشق آباد» اصفهان بوده و به کتابت قرآن مجید مشغول بوده است. نسخه ای از قرآن مجید در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی موجود است. پدرش از عرفای مشهور اواخر حکومت صفویه است.(۲)

ملّا محمّد تقی مجلسی

ملّا محمّد تقی بن ملّا عبداللّٰه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، از علماء و صاحب تألیف بوده و در خارج از بقعه علّامه مجلسی مدفون است.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۵۸؛ الذریعه، ج۴، ص۳۹، ج۱۸، ص۱۶۰، ج۲۴، ص۳۷۵، ج۲۵، ص۱۱۵؛ شهدای روحانیّت شیعه، ج۲، صص ۶۴-۶۰؛ آشنایی با زندگی و شخصیت و شهادت آیت اللّٰه فقیه احمدآبادی: ؛مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۲۲۸؛ معجم المؤلّفین، ج۹، ص۱۳۱.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۳۰، ص۱۸۴.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۲۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۱۹ و ۴۲۰؛ مزارات اصفهان، ص۳۴.

ملّا محمّد تقی الماسی

ملّا محمّد تقی الماسی بن میرزا عزیزاللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل و زاهد متّقی. در سال ۱۰۸۹ق در اصفهان متولّد شد(۱) و نزد علمای عالیقدر آنجا تحصیل کرد تا اینکه در علوم زمان خود خصوصاً فقه، حدیث، کلام، ادبیات و حکمت مهارتی به سزا یافت. وی از علّامه مجلسی [و میر عبدالوهاب طباطبائی(۲)] اجازه دریافت نمود.

وی نماز جمعه را در اصفهان اقامه می نمود و به تدریس علوم عقلی و نقلی مشغول بود [و جمعی از افاضل از جمله آقا محمّد بیدآبادی(۳) و میرزا محمّد باقر رضوی قمی(۴) از محضر او مستفیض می شدند.]

«کمالات نفسانی علمی و عملی و پرهیزگاری ایشان به اقصی الغایه رسیده، بود و در خطب جمعه و جماعت به محض شروع اشک جاری بود، از چشم های ایشان تا فراغ»(۵)

وی سرانجام در شعبان ۱۱۵۹ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه، جلو قبر مجلسی اوّل [در شمال مسجد جامع اصفهان] مدفون شد.(۶)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بهجه الاولیاء»، به فارسی در ذکر اسامی کسانی که در غیبت کبری موفّق به ملاقات حضرت ولی عصر(عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) شده اند [نسخه ای از آن به شماره ۶۳۷ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.](۷) ۲. «دیوان اشعار» ۳. «رسائل فقهی» ۴. «غدیریه» که در رمضان ۱۱۲۵ق از نظم آن فراغت حاصل نموده است. نسخه ای از آن در کتابخانه مجدالدّین [نصیری] در تهران موجود است.(۸)

۱- نجوم السماء، ص۲۷۵.

۲- فهرست مرکز احیاء میراث، ج۴، ص ۲۴۰.

۳- منتخب معجم الحکماء، ص۱۶۶.

۴- تلامذه العلّامه المجلسی، ص۸۵.

۵- تذکره الأنساب، (به نقل از مرآت الأحوال جهان نما، ج۱، ص ۲۶۱).

۶- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۳۰-۱۲۷.

۷- فهرست اعظم قم، ص۴۶.

۸- الذریعه، ج۱۴، ص۲۷.

او صاحب فرزندانی بوده که ۴ تن از آنها به نامهای ابوالحسن، ابراهیم، محمّد کاظم و محمّد باقر در قحطی در حین محاصره اصفهان به دست افاغنه تحت فرمان محمود افغان، فوت شده اند.(۱)

علت شهرت او به الماسی آن است که پدرش قطعه الماسی در جای دو انگشت مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام در ضریح مطهّر نصب نمود که قیمتش در آن زمان هفت هزار تومان بود.(۲)

میرزا محمّد تقی ادیب طوسی

میرزا محمّد تقی ادیب طوسی بن میرزا علینقی ملّاباشی، نویسنده و روزنامه نگار. در اصفهان متولّد شد و تحت تربیت پدر قرا گرفت و به تحصیل علم و ادب پرداخت و از دانشمندان آن عهد از جمله میرزا یحیی مستوفی بیدآبادی بهره گرفت. وی پس از وقوع انقلاب مشروطیت، در روزنامه «زاینده رود» به مدیریت «معین الاسلام خوانساری» به نوشتن مقاله پرداخت و چندی بعد مدیر آن روزنامه شد. و خود او بالاخره در اسفند ۱۲۹۹ش روزنامه «صبح امید» را منتشر کرد که تا سال ۱۳۰۵ش به چاپ می رسید. او همچنین مدیر مدرسه معرفت و یکی از اعضای هیأت مدیره مدرسه ایمانیه بود.

او مردی آزادیخواه و طرفدار مشروطه بود و در مقالات خود به استبداد و نقض قانون اساسی اعتراض می کرد. ادیب طوسی در سه شنبه ۲۹ ربیع الثّانی ۱۳۶۲ق وفات یافته و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۱.

۳- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۸؛ بوستان فضیلت، صص ۳۵۸- ۳۵۵.

ملّا محمّد تقی طبسی

ملّا محمّد تقی بن علینقی طبسی، عالم فاضل، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی در اصفهان ساکن بود و نزد جمعی از علمای اصفهان از جمله آقا جمال الدّین محمّد خوانساری به تحصیل پرداخت. پس از آن خود در اصفهان به تدریس مشغول شد. حزین لاهیجی درباره او نوشته است:

«از مشاهیر فضلاء و در فنون علوم، صاحب دستگاهی عظیم بود. در اصفهان توطن اختیار و به افاده اشتغال داشت و در آن حادثه به رحمت ایزدی پیوست.»

[ظاهراً وفات این عالم عالیقدر سال ۱۱۳۴ یا ۱۱۳۵ق بوده است.] کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «ترجمه مهج الدّعوات»، به فارسی، که در رجب ۱۱۱۷ق آن را برای شاه سلطان حسین صفوی ترجمه نموده و به شماره ۳۱۱۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس نگهداری می شود. (این ترجمه عالمانه اخیراً چاپ شده است) ۲. «ترجمه ادعیه الاسابیع»(۱)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد علی اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است که در ربیع الثّانی ۱۲۵۲ق کتابت قرآنی را به خط نسخ در اصفهان برای حاج میرزا فضل اللّه، لِلِه عباس میرزا نوشته است و به شماره ۱ در کتابخانه ملّی ملک تهران موجود است.(۲)

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۲۱۰؛ تتمیم امل الآمل، صص ۸۶ و ۸۷؛ الذریعه، ج۴، ص۱۴۰ و ج۱، ص۳۹۵ و ج۶، ص۱۹۷؛ الکواکب المنتشره، ص۱۲۲؛ فهرست الفبائی رضوی، ص۵۷۱؛ فوائد الرضویّه، ص۴۳۳؛ دانشمندان خوانسار، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.

۲- فهرست کتابخانه ملک،ج ۱ ص ۳.

ملّا محمّد تقی اردستانی

ملّا محمّد تقی اردستانی بن حاج ملّا محمّد علی بن ملّا عبدالعظیم بن محمّد تقی بیدگلی کاشانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن سیزدهم هجری. در اصفهان نزد علمای اعلام حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی و آقا میر سیّد حسن مدرس و دیگران کسب فیض نموده و به درجات عالیه فضل و کمال رسید، سپس به موطن خود بازگشته و به نشر احکام و اقامه جماعت و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و قبل از سال ۱۳۰۰ق وفات نموده است. فرزندش میرزا حسین داماد ملّا علی اکبر فشارکی بوده است.(۱)

محمّد تقی خان صدری

محمّد تقی خان صدری [فرزند محمّد علی خان] از فرهنگیان قدیمی اصفهان بود. سالها به عنوان مدیر دبیرستان سعدی اصفهان و مدیریت دبیرستان صارمیّه و محقّق اوقاف و غیره خدمت می کرد. فردی مسلمان و معتقد و خوش رفتار و باکفایت بود.

[در اوّل مرداد ۱۳۲۶ه.ش وفات یافته در تکیه خانوادگی صدری ها در تخت فولاد جنب تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی مدفون شد.] در سالهای اخیر دیوارها و اطاق های تکیه را خراب کردند.

مرحوم استاد همایی مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است:

به سال شمسی «سنا» از پی تاریخ گفت:

«شود بصدر جنان جای محمّد تقی»(۲)

سیّد تقی حسینی

سیّد تقی بن محمّد علی حسینی اصفهانی [از خطاطان و نویسندگان کتب] در رمضان ۱۲۶۰ق مجموعه ای از چند رساله از جمله: «لؤلؤ درج المضامین» و «مختار القّراء» هر

۱- آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۶۴؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۸۱ و ۲۸۲.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

دو از تألیفات ملّا مختار قاری و سه کتاب دیگر را به خط نسخ نوشته است که به شماره ۱۵۱۷۵ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

شیخ محمّد تقی صدیقین*

حاج شیخ محمّد تقی بن آقا محمّد علی صدیقین اصفهانی، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۴۲ق در اصفهان متولّد شد. تحصیلات مقدّماتی را در اصفهان انجام داده و سطوح فقه و اصول را نزد اساتیدی چون حضرات آیات: شیخ هبهاللّه هرندی، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، سیّد علی اصغر برزانی و سیّد حسین خادمی فرا گرفت. در سال ۱۳۶۵ق به قم عزیمت نمود و از درس آیات عظام بروجردی، سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد محمّد محقّق داماد، سیّد محمّد رضا گلپایگانی، شریعتمداری و امام خمینی بهره برد و درس فلسفه علّامه طباطبائی نیز شرکت کرد. در ایّام تعطیلات حوزه علمیه قم نیز به اصفهان می رفت و از درس حضرات آیات شیخ مهدی نجفی، حاج آقا رحیم ارباب و سیّد عبداللّه ثقهالاسلام بهره می گرفت.

ایشان به خواهش امام خمینی به مدّت ۴ سال به خرم آباد رفت و به اداره حوزه علمیه آنجا پرداخت. و آنگاه به قم بازگشته و به تدریس پرداخت

این فقیه محقّق و مجتهد مبرّز در چهارشنبه ۲۰ محرّم الحرّام ۱۴۲۶ق در قم وفات نمود و پس از اقامه نماز بر پیکر ایشان توسط آیت اللّه صافی گلپایگانی در قبرستان شیخان قم مدفون شد.

این تألیفات از ایشان است:

۱. «معیار الفقاهه در شرح شرایع الاسلام»، در ۹ جلد که قسمت «صلاه» و «حج» و «طهاره» آن به چاپ رسیده است. ۲. «رساله توضیح المسائل» ۳. «تفسیر آیه جلباب» ۴. «الغناء» موضوعاً و کلماً» ۵. «شطرنج و منع بازی با آن» ۶. «دین و زن» ۷. «حسین

۱- فهرست وزیری، ج۳، ص۸۵۶.

و پذیرش دعوت» در نقد کتاب «شهید جاوید»(۱)

شیخ محمّد تقی هرندی*

شیخ محمّد تقی بن شیخ محمّد علی هرندی اصفهانی، عالم فاضل زاهد متقی، درسال ۱۳۳۳ق در شهر «هرند» متولّد شد. پس از طی مقدّمات به سن ۱۴ سالگی به اصفهان آمد و پس از تحصیلات مقدماتی نزد اساتیدی چون حاج آقا رحیم ارباب و شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی تحصیل نمود.

در سال ۱۳۵۸ق به نجف اشرف رهسپار شد و نزد آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّد کاظم شیرازی، شیخ موسی خوانساری و سیّد جمال الدّین گلپایگانی دروس خارج را تکمیل نمود و در آن شهر به تدریس پرداخت و با دختر استادش سیّد جمال الدّین گلپایگانی ازدواج کرد.

وی در سال ۱۳۹۵ق به ایران بازگشته و در تهران به ارشاد مردم و اقامه جماعت در مسجد یزدی ها در خیابان خانی آباد پرداخت تا اینکه در روز جمعه ۲۵ صفر ۱۴۱۷ق وفات یافته جنازه اش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه(س) مدفون شد. از آثار او تقریرات آیات عظام شیرازی و گلپایگانی است.(۲)

ملّا محمّد تقی استرآبادی*

ملّا محمّد تقی بن ملّا محمّد قاسم بن ملّا محمّد شفیع بن ملّا محمّد علی استرآبادی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری در اصفهان. جدّش ملّا محمّد علی استرآبادی داماد مجلسی اوّل است. خود ملّا محمّد تقی دختر آقا محمّد مهدی بن آقا هادی بن ملّا محمّد صالح مازندرانی را به ازدواج خود درآورده است. و ملّا محمّد صالح مازندرانی نیز داماد ملّا محمّد تقی مجلسی بوده است.

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

۲- تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۴۹۶ و ۱۴۹۷.

سال فوت و دیگر مشخّصات زندگی او به دست نیامد.(۱)

میرزا محمّد تقی نوری

میرزا محمّد تقی بن محمّد علی نوری، عالم فاضل، از علمای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه. در فنّ تعبیر خواب، ابن سیرین زمان خود بوده و گاه او را میرزا محمّد تقی مُعَبِّر می گفته و از تعبیرهای او حکایت ها نقل می کرده اند.

وی در سال ۱۳۲۹ق وفات نموده و در پشت بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

فرزندش محمّد علی این شعر را برای او گفته که بر روی سنگ قبر او نوشته شده است:

آن که در تعبیر همچون یوسف صدیق بود

از ممات خود حیات جاودانی را ربود

چون که رسمش بود تقوی اسم او هم شد تقی

تسمیه اش خود با مُسَمّی از ازل تطبیق بود

چون که از ظلمات دنیا شد به عقبی نور او

همنشین با حور و غلمان شد به جنّات الخلود(۲)

تقی بهروز

تقی بهروز بن محمّد کاظم، شاعر ادیب، در سال ۱۳۱۲ق متولّد شده و در اصفهان علم و ادب آموخته است. در شعر طبع روانی داشته و «بهروز» تخلّص می کرده و در

۱- فیض قدسی، ص۲۲۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۷۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۶ و ۳۹۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۸؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۶۵-۶۱.

حدود سال ۱۳۶۲ق وفات یافته است. این شعر از اوست:

گوئید حریفان ره میخانه کدامست

آن پیر خراباتی مستانه کدامست

زاهد منما منع ز می خوردن رندان

آن کس که نبوسد لب پیمانه کدامست

تو خون یتیمان خوری و ما می احمر

انصاف بده عاقل و فرزانه کدامست(۱)

محمّد تقی یزدی

محمّد تقی بن محمّد مجید یزدی اصفهانی، از خوشنویسان قرن دوازدهم هجری که مجموعه ای به خط نستعلیق ترتیب داده و نوشته [است] و به شماره ۲۰۸۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است.(۲)

ملّا محمّد تقی اصفهانی

مولی محمّد تقی فرزند بهاءالدّین محمّد اصفهانی معروف به فاضل هندی، عالم فاضل.(۳)

[از بهاءالدّین محمّد اصفهانی معروف به فاضل هندی فرزندی با نام محمّد تقی شناخته شده است. از قول جامع دیوان سیّد نصراللّه حائری نقل شده است که: شمس سماء الفضل و الافضال و قطب دائره الکمال و النوال مولانا محمّد تقی ولد الاجل الفاضل الهندی... نامه ای

به سیّد نصراللّه نوشته، او را دعوت نموده و سیّد مشارالیه به اشعاری چند وی را جواب فرموده:

یا ایها المولی التّقی الّذی

لسانه مازال یروی الصواب

یابن البهائی الّذی فضله

کالشمس اذ لا یعبریها سحاب

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹۶ و ۹۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۷۰۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۵۶.

أهدیت لی رقعه عز عذت

فی حسنها تشبه عصر الشباب

فیها شراب رائق قد صفا

و فی رقاع الغیر أضحی سراب(۱)]

محمّد تقی مسیر اصفهانی*

محمّد تقی مسیر بن محمّد صحّاف اصفهانی، شاعر ادیب معاصر میرزا محمّد طاهر نصرآبادی بوده و «مسیر» تخلّص می نموده است. از اوست:

از دیدن من شاد شود خاطر مجنون

دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید(۲)

تقی فداکار*

تقی فداکار فرزند شیخ محمّد انصار ترک همدانی، از فعالّان سیاسی و اجتماعی معاصر، در سال ۱۲۸۲ش درا صفهان متولّد شد. در نوجوانی تحت تأثیر افکار انقلابی برادرش باقرخان عراقی، به نهضت جنگل پیوست. پس از آن در یک شرکت تجاری روسی در ایران به کار پرداخت و در آنجا با زبان روسی آشنا شد. چندی بعد به استخدام اداره ثبت اصفهان درآمد و عاقبت حرفه وکالت را برگزید. او پس از شهریور ۱۳۲۰ با ایجاد ارتباط با کارگران کارخانجات نساجی اصفهان و به منظور انسجام بخشیدن جنبش کارگری و پیگیری مطالبات صنفی آنان، اتحادیه کارگران اصفهان را تأسیس کرد.

وی در سال ۱۳۲۲ش در انتخابات مجلس شورای ملّی شرکت کرد و به عنوان نماینده اصفهان به مجلس رفت. در سال ۱۳۲۷ش و به دنبال ترور شاه دستگیر و زندانی شد. امّا با پادرمیانی دکتر مصدّق آزاد شد. در سال ۱۳۳۱ش به اصفهان بازگشت و به فعّالیّت های سیاسی خود ادامه داد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت دکتر مصدّق، او نیز تحت تعقیب قرار گرفت. او پس از آن از فعّالیّت های سیاسی

۱- احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، ص۴۳؛ اعیان الشیعه، ج۹، ص۱۹۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۸۸.

گناره گرفت و به کار وکالت و سرکشی به مزرعه خود مشغول شد. گفته می شود مأموران امنیتی رژیم پهلوی بر علیه او مشغول برنامه ریزی بودند و در بامداد ۶ خرداد ۱۳۵۰ش تقی فداکار توسّط اتومبیل نزدیک مزرعه خود زیر گرفته شد و کشته شد. جسدش را در کنار برادرش، در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد، به خاک سپردند.(۱)

ملّا محمّد تقی مجلسی (اوّل)

ملّا محمّد تقی مجلسی معروف به «مجلسی اوّل» بن مقصود علی مجلسی نطنزی اصفهانی، از اکابر علماء و فقهای شیعه و از ثقات و معتمدین محدّثین، فقیه محدّث اصولی رجالی زاهد عارف، در سال ۱۰۰۳ق در اصفهان متولّد شده و اساتید و یا مشایخ روایت ایشان عبارتند از: میرزا ابراهیم رضوی همدانی، شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی، میر ابوالقاسم فندرسکی، امیر اسحاق استرآبادی، شیخ جابر نجفی، سیّد حسین کرکی، شیخ عبداللّه بن ابوالبرکات، شیخ عبداللّه جابر عاملی، ملّا عبداللّه شوشتری، سیّد شرف الدّین علی شولستانی، شیخ علی بن عبدالعالی (محقّق کرکی)، ملّا محمّد قاسم (خالوی ملّا محمّد تقی مجلسی)، مُعزّالدّین محمّد بن قاضی جعفر اصفهانی، قاضی معزّالدّین محمّد، شیخ بهائی، شیخ محمّد تبنینی، میرزا محمّد استرآبادی، ملّا مقصود علی نطنزی عاملی و شیخ یونس جزائری.

وی در مسجد جامع اصفهان به اقامه جماعت و تدریس فقه و حدیث و کلام پرداخته و نماز جمعه را در مسجد جامع جدید عباسی [مسجد امام فعلی] اقامه نمود و باقی عمر را صرف عبادت و تحقیق و تصنیف کرد. او اهل ریاضت و ذکر بوده و اربعین ها ریاضت کشیده و مکاشفاتی داشته که برخی از آنها معروف است.

وی در فهم حدیث و تحقیق اسناد آن سرآمد علمای عهد خویش بوده و در ترویج روایت ائمه و نشر کتابهای حدیثی شیعه اهتمام بسیار داشته است. او شاگردان بسیاری

۱- اتحادیه های کارگری و خودکامگی در ایران، صص ۴۴۲ و ۴۴۳.

تربیت نموده و نگارنده در کتاب زندگینامه علّامه مجلسی به نام ۴۵ نفر از آنان اشاره نموده ام.

مجلسی اوّل در سال ۱۰۷۰ق در اصفهان وفات یافته و در زاویه شمال غربی مسجد جامع عتیق اصفهان مدفون گردید.

شعیب جوشقانی این بیت را به عنوان مادّه تاریخ وفات او سروده است:

«مسجد و منبر از صفا افتاد»

صاحب علم رفت از عالم

۱۰۷۰ ۱۰۷۰

برخی از آثار او عبارتند از:

۱. «لوامع صاحبقرانی» ۲. «روضه المتقین در شرح من لا یحضره الفقیه» ۳. «شرح صحیفه سجادیه» ۴. «حاشیه بر تهذیب الأحکام» ۵. «شرح خطبه همام»(۱)

سیّد محمّد تقی حجازی فروشانی*

سیّد محمّد تقی حجازی فروشانی ابن سید محمّد مهدی، عالم فاضل. در سال ۱۳۱۷ش در محلّه فروشان سِدِه ماربین [خمینی شهر ماربین] متولّد شد. برای تحصیل علوم دینی در مدرسه جده بزرگ ساکن شد. منطق را نزد شیخ حیدرعلی صلواتی، معالم

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۱۳-۳۶۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ۱۲۱-۱۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان،ج۱، صص ۴۲۴-۴۲۲؛ مزارات اصفهان، ص۳۵؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۹۸؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۱۳۷؛ مصفی المقال، صص ۹۸ و ۹۹؛ لباب الألقاب، ص ۹۰ و ۱۳۲؛ شمس التواریخ، ص۱۲؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۶۶؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۰۳-۱۰۰؛ مرآت الأحوال جهان نما، ج۱، صص ۶۲-۵۷؛ ریاض العلماء، ج۵، ص۴۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۴۰-۲۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۸؛ روضات الجنات، ج۲، ص۱۱۴؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۴۷۸ و ۴۷۹؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۱۹-۱۴؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۱؛ تذکره العلماء، صص ۱۶۷-۱۶۴؛ فیض قدسی، صص ۱۹۶-۱۸۳؛ الاعلام، ج۶، ص۶۲؛ الکنی و الالقاب، ج۳، صص ۱۵۰ و ۱۵۱؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۹۰۵.

را نزد سیّد محمّد قهدریجانی، مغنی و حاشیه ملّا عبداللّٰه را نزد شیخ محمّد علی حبیب آبادی در مدرسه نیم آورد، شرح لمعه را نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، رسائل و مکاسب را نزد سیّد مصطفی مهدوی و میر سیّد علی مشکاه، شهید سیّد ابوالحسن شمس آبادی، قوانین را نزد ملّا هاشم جنتی، حکمت را نزد شیخ محمود مفید و حاج میرزا رضا کلباسی، هیئت را نزد مجد العلماء نجفی، کفایه رانزد پدر خود و شیخ احمد فیاض و درس خارج را نزد حاج آقا حسین خادمی وسالها نزد حاج شیخ حسن صافی و سرانجام نزد حاج آقا حسین مظاهری فرا گرفت.

وی پس از آن در روستای اصغرآباد و همچنین خمینی شهر به تبلیغ دین و انجام فعالیت های عمرانی و خدمات فرهنگی مشغول شد. اکنون در خمینی شهر به وظایف دینی مشغول است و سطوح فقه و اصول را در مدرسه صدر تدریس می نماید.(۱)

سیّد محمّد تقی موسوی خوانساری

سیّد محمّد تقی بن سیّد محمّد مهدی موسوی خوانساری، از خوشنویسان اواخر دوره قاجاریه است. وی کتاب «کشف الأنوار» در ترجمه جلد نهم بحارالأنوار، تألیف شیخ محمّد تقی آقا نجفی اصفهانی را در سال ۱۲۹۵ق کتابت نموده است. این کتاب یک سال بعد چاپ سنگی شده است.(۲)

سیّد محمّد تقی گلستانه

سیّد محمّد تقی بن میرزا محمّد مهدی گلستانه، عالم فاضل. وی در طهران ساکن بوده و پس از فوت پدر در سال ۱۳۲۲ق در مسجد قنات آباد طهران به اقامه جماعت پرداخته است.

همچنین کتابخانه ای نفیس و آبرومند از پدر به او منتقل شد.(۳)

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۷۹ و ۲۸۰.

۳- نقباء البشر، ج۱، ص۲۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۵.

میرزا محمّد تقی خان حکیم باشی*

میرزا محمّد تقی خان حکیم باشی بن ملّا محمّد هاشم خوشنویس انصاری کاشانی، از چهره های درخشان علم و ادب اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در سال ۱۲۶۶ق متولّد شد و در اصفهان مقدّمات علوم را آموخت. سپس به تهران رفت و در مدرسه نظامی دولتی به تکمیل دانش پرداخت. گرچه رشته تخصصی او پزشکی بود ولی در اصفهان در انواع علوم اهل تتبّع و تحقیق بود و به هیأت، جغرافیا، گیاه شناسی، معرفه الأرض و زهرشناسی می پرداخت و در این فنون صاحب تألیف بود. از ادب بهره مند بود و شعر می سرود و نثر را درست و با آئین می نوشت. در پاره ای از آثار خود به سره نویسی مایل بوده و می کوشد برای مصطلحات فرنگی معادل های پارسی بسازد. قسمت عمده عمر کوتاه او در خدمت ظلّ السّلطان حاکم اصفهان گذشت. هنگامی که در فارس در خدمت ظلّ السّلطان بود. روزنامه «الفارس» را منتشر ساخت و در اصفهان در ۲ جمادی الاولی ۱۲۹۶ق نخستین شماره روزنامه فرهنگ که نخستین روزنامه تاریخ مطبوعات دراصفهان نیز هست را انتشار داد و تا پایان عمر در آن مقالات مفید علمی نوشت.

او از افاضل کارگزاران حکومت ناصری و دارای چند نشان از دولت ایران و دیگر دول بوده و در چندین انجمن مشهور علمی عضویت داشت. او مردی روشن اندیش، آگاه و دلسوز بوده و از عقب ماندگی جامعه ایرانی آن روز ابراز تأسف و ناراحتی می نمود. خدمات ارزنده او در انتشار کتابهای مفید از علوم جدید و توسعه بهداشت در اصفهان و اشاعه علوم در آن عهد نادر و کم نظیر بوده است.

وی سرانجام در شب سیزدهم ماه رجب المُرَجَّب سال ۱۳۰۳ق بر اثر بیماری استسقاء درگذشت و در حجره شرقی تکیه میر فندرسکی در تخت فولادبه خاك سپرده شد.

عباسعلی خرّم لنبانی در مرثیه ای مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است:

بهر تاریخ وفاتش گفت خرّم این چنین

«آه» افلاطون دوم رفت زین دنیا برون»

وی صاحب تألیفات فراوانی در موضوعات علمی است از جمله:

۱. «گنج شایگان» درباره خوزستان در مجله دانشکده ادبیات اصفهان چاپ شده است. ۲. «حدائق الطّبیعه» که چاپ شده است. ۳. «ترجمه اندرزنامه تربیت اطفال» نوشته: لرد برلی، که چاپ سنگی شده است. ۴. «اختلال نظام عالم به واسطه مسکرات» یا «خمریه» که چاپ سنگی شده است. ۵. «جانورنامه» موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران ۶. «تذکره الأرض ناصری» ۷. «کتاب کحّالی» موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۸. «زینه الابدان» که چاپ سنگی شده است. ۹. «مسافرت تفلیس» ۱۰. «خمریه» چاپ سنگی شده است و غیره.(۱)

محمّد تقی (سارو تقی)

میرزا محمّد تقی معروف به «سارو تقی» بن میرزا هدایت اللّه تبریزی اصفهانی، از مردان باکفایت و کاردان عصر صفویه است که در اثر استعداد و فعالیت، از نانوایی به مقام صدارت رسیده و به لقب «اعتمادالدّوله» ملّقب شده و در دستگاه صفویّه اقتداری یافته است. لذا مورد بغض و کینه مخالفین واقع شده و ظاهراً به اشاره شاه عباس ثانی در شعبان ۱۰۵۵ق به سن ۷۰ سالگی به دست جانی خان کشته شده و معروف است که در محلّه جوباره اصفهان مدفون گردیده است، لکن پس از تحقیق و تَتَبّع مسلّم گردید که قبر او در امامزاده شاه سیّد علی در محلّه خواجو قرار دارد.

۱- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره سوم، مهر تا اسفند ۱۳۷۰ش، صص ۱۳۱-۱۲۹؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۳، صص ۷۵-۷۳؛ مجموعه کمینه، ص۱۳۲؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۵۰؛ فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۱۲۴؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص ۱۴۲ و ۱۸۱؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۷، ص۴۴۹ تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظلّ السّلطان، صص۱۴۰-۱۳۸؛ اصفهان: مدارس نوین و مفاخر آن، صص ۱۴۲-۱۳۸.

سارو تقی در ایّام وزارت خود مصدر خدمات مهمّی شده و بانی آثار خیریه زیاد می باشد که از آن جمله است:

۱. بازار ساروتقی معروف به قهوه کاشیها ۲. چهارسوی ساروتقی در بازار بزرگ ۳. حمام ساروتقی ۴. قصر ساروتقی در محلّه امامزاده احمد ۵. کاروانسرای ساروتقی در قهوه کاشیها ۶. سه مسجد در حسن آباد و بازار و جوباره ۷. مدرسه ساروتقی مقابل امامزاده احمد، خانه و مدرسه و مسجد در محلّه عباس آباد ۸. سنگ ریزی راه باتلاقی مازندران ۹. ایجاد راه فیروزآباد به آمل ۱۰. بنای شهر اشرف در مازندران (بهشهر کنونی)(۱)

محمّد تقی تاجر عباس آبادی

میرزا محمّد تقی تاجر عباس آبادی، از تجار معروف است که در قرن یازدهم هجری در محلّه عباس آباد اصفهان می زیسته و در ثروت و مکنت و عقل و فطانت معروف بوده است. مردی عالی همّت و صاحب مروّت و فاعل به خیرات و مبرّات بوده و در حمایت و کمک به نیازمندان اهتمام تمام داشته است.(۲)

محمّد تقی جامی

محمّد تقی جامی، از علماء و شعراء معاصر اصفهان و از اهالی قریه «ورنوسفادران» سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] و در اشعار خود، خویش را «ادیب اصفهانی» می خواند.

وی در دبیرستان های خمینی شهر و مدرسه ناصریه اصفهان تدریس نموده است.

از اوست:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۳؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۶۶؛ وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۱۳ و ۵۱۵؛ از شیخ صفی تا شاه صفی، ص۲۲۷؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ۱۳۷۷)، ج۳، ص۱۸۱۹؛ مزارات اصفهان، صص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، صص ۲۴-۱۶.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۹۴-۳۹۲.

ای یار مهیّا کن، خلوتگه تنها را

تا آنکه ببینی تو، اعجاز مسیحا را

جان بی رخ ماه تو، آرام نمی گیرد

از چهره خود بردار، این پرده دیبا را(۱)

محمّدتقی خلجی*

محمّدتقی خلجی، از فضلاء و نویسندگان معاصر ۱۳۲۷ش در فریدن متولّد شد. از سالهای جوانی شروع به تحصیل علوم دینی کرد و در قم نزد بزرگانی چون وحید خراسانی و جوادی آملی حاضر شد. او سالها به تبلیغ و تحقیق مشغول بوده و نویسنده ای توانا و خطیبی ماهر است.

این کتابها از آثار اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «اسرار خاموشان» در شرح صحیفه سجادیه ۲. «ترجمه صحیفه سجّادیّه» ۳. «رخساره خورشید» در شرح خطبه حضرت زهرا(سلام اللّٰه علیها) ۴. «سحر سخن و اعجاز اندیشه» در شرح دو خطبه از حضرت زهرا(سلام اللّٰه علیها) ۵. «تشیّع و انتظار» ۶. «آسیب شناسی زبان» ۷. «غیبت».(۲)

محمّد تقی خوزانی

محمّد تقی خوزانی از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری بوده است.

از آثارش کتابت نسخه ای از دیوان میرداماد است که آن را در چهارشنبه ۲۳ رمضان المبارک سال ۱۳۲۰ به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۲۲۴ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی در قم موجود است.(۳)

خوزان یکی از دهات سه گانه (سِدِه ماربین) اصفهان است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۷.

۲- یادداشت آقای رحیم قاسمی.

۳- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۹، ص۳۲۲.

استاد محمّد تقی دهقّی*

استاد کربلائی محمّد تقی دهقّی، از حجّاران هنرمند اواخر دوره قاجاریه است. از آثار او لوح سنگی منصوب بر دیوار شرقی ایوان مسجد جامع گزِ بُرخوار است که آن را در سال ۱۳۰۵ق حجّاری کرده است.(۱)

همچنین از آثار حجّاری او چندین سنگ مزار است. از جمله:

سنگ مزار سیّده صفیّه بیگم بنت آقا سیّد محمّد علی، در سال ۱۳۱۰ق در روستای کلهرود از توابع شهرستان بُرخوار و میمه. و سنگ مزار مستوره النّساء خانم بنت سیّد محمّد قاسم، در سال ۱۳۲۳ق در همان روستا.(۲)

شیخ محمّدتقی رهبر*

شیخ محمّدتقی رهبر، از چهره های سیاسی روحانیت در عصر حاضر. در سال ۱۳۱۴ش متولّد شد، تحصیلات خود را در حوزه علمیه زرین شهر آغاز کرد و سپس به قم عزیمت نمود و از محضر حضرات آیات سیّد محمّدباقر سلطانی طباطبایی، میرزا علی مشکینی، علّامه طباطبائی، حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّدرضا گلپایگانی و امام خمینی بهره برد و پس از ۱۰ سال به اصفهان بازگشت و ضمن تحصیل نزد حضرات آیات خادمی و خراسانی، به تدریس و وعظ و خطابه مشغول شد. او در جریان انقلاب اسلامی، از روحانیون فعال طرفدار امام خمینی بود و پس از پیروزی انقلاب به تدریس و تحقیق و تألیف مشغول بود. او در دوره هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی از اصفهان به مجلس راه یافت.

این کتابها از اوست:

۱. «ارمغان خانقاه» ۲. «پژوهشی در تبلیغ» ۳. «ابعاد سیاسی، اجتماعی نهج البلاغه» ۴. «سیاست و مدیریت از دیدگاه علی بن ابیطالب علیه السلام».

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۸۹.

۲- یادداشت های غلامرضا نصرالهی.

علاوه بر آن وی مقالات بسیاری در مطبوعات از جمله ماهنامه «پاسدار اسلام» به چاپ رسانیده است.(۱)

تقی ضمیر اصفهانی

تقی حلوائی متخلّص به «ضـمیر» شاعر ادیب، در اصفهان ساکن بوده و جهت تجارت به هند رفته و پس از بازگشت به اصفهان وفات یافت.

از اوست:

بیستون را چون در خیبر به زور تیشه کند

عشق زنگ حیدری بر بازوی فرهاد بست(۲)

محمّد تقی عارف اصفهانی

آقا محمّـد تقی اصـفهانی متخلّص به عارف، شاعر ادیب و عارف قرن سـیزدهم هجری. در اصـفهان متولّد شد و علم و ادب را نزد آقا محمّـد کاظم واله اصـفهانی آموخت. در جوانی به جوانی عطار دل سپرد و برای او شـعر سـرود. سـپس برای تجارت به شیراز رفت و چنـد صـباحی آنجا بود و به زین العابـدین شـیروانی (مست علی شاه) دست ارادت داد. او تا سال ۱۲۶۰ق در قید حیات بوده و ظاهراً پس از سفر به هندوستان وفات یافته است.

از اوست:

بر روی مهت زلف سیه ریخته دیدم

روز و شب خود را به هم آمیخته دیدم(۳)

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۰؛ کاروان هند، ج۱، ص۷۵۲.

۳- تذکره دلگشا، صص ۵۲۱ و ۵۲۲؛ مجمع الفصحاء، ج۵، ص ۷۳۱ و ۷۳۲؛ تذکره ریاض العارفین، ص۴۵۴؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۹۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۱۴۵.

ملّا محمّد تقی گزی

آخوند ملّا محمّد تقی جزی بُرخواری، عالم فاضل زاهد، از علمای روستای جز (گز) بُرخوار اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. ظاهراً خدمت حاج محمّد ابراهیم کلباسی و سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی تلمّذ نموده و نزد آنان مقبول القول و معتمدٌالیه بوده است. آثار خیریه بسیاری در زادگاهش به جای گذاشته و در آنجا به زهد و تقوا شهرت داشته و مورد اعتماد مردم بوده است.

سال وفات او به دست نیامد. قبرش در بقعه ای در قبرستان گز بوده است. مشارٌالیه پدر مرحوم ابوالفقراء گزی شاعر عالیقدر و جدّ مادری آخوند ملّا عبدالکریم گزی است.(۱)

محمّد تقی متّقی اصفهانی*

محمّد تقی اصفهانی متخلّص به «متّقی» از شعراء و سخنوران اصفهان در عصر صفویه بوده و غزل را نیکو می سروده و معاصر شاه عباس دوّم بوده است.

از اوست:

هیچ طاقی به جهان چون خم ابروی تو نیست

رو به محراب که دارد که دعاگوی تو نیست(۲)

تقی مثال قهپایه ای

تقی مثال قهپایه ای، شاعر ادیب، به «تقیا» شهرت داشته و «مثال» تخلّص می نموده است.

مدّتی در خدمت میرزا مؤمن شهرستانی متولّی مشهد مقدّس بوده و پس از فوت او

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۴ و ۷۸۸؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۷۷؛ فرهنگ و تاریخ گز و بُرخوار، ص ۱۵۷ و ۱۲۰.

۲- گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۲۲۶.

جزو کارگزاران دفتر قورچیان، در خدمت مرتضی قلی خان قورچی باشی بود. پس از آن به خدمت میرزا علیرضا، شیخ الاسلام درآمده و سرانجام در سال ۱۰۷۶ق وفات یافت.

از اوست:

به هر که نشئه شوریدگی حواله کنند

مِی شکستگی رنگ در پیاله کنند(۱)

سیّد محمّد تقی مدنی چهارسوقی*

سیّد محمّد تقی مدنی چهارسوقی از علماء معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۸ش متولّد شد. پس از تحصیل مقدمات نزد اساتیدی چون شیخ عبدالرسول اليادرانی، شیخ محمّد علی حبیب آبادی، شرح لمعه را نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی و معالم را نزد شیخ محمّد حسین فقیه نطنزی خواند و از محضر آیات سیّد ابوالحسن شمس آباد و شیخ عباسعلی ادیب و سیّدحسین خادمی و سیّد محمّدرضا خراسانی بهره برد.

وی مسجد چهارده معصوم را در سال ۱۳۸۰ق در خیابان ارتش (بهداری لشکر) بنا نمود و سال هاست که در آن به اقامه جماعت و تبلیغ دین اشتغال دارد.

او یک روحانی متواضع، ساده زیست، مردمی و خوش اخلاق است و از ارادتمندان واقعی حضرت امام خمینی و انقلاب اسلامی است و فرزندش سیّد سعید مدنیان در جبهه های نبرد حق علیه باطل به شهادت رسیده است.

او دارای ذوق شعری است و اهتمامی بلیغ در نصب اسامی مبارک چهارده معصوم و تاریخ ولادت و شهادت آن بزرگواران در مساجد و اماکن مذهبی دارد.

تألیفات وی عبارتند از:

۱. «سراج اللغه» در ترجمه لغات قرآن ۲. «زبده المغنی» که نظم هشت باب مغنی اللبیب است. ۳. «زبده المطول، نظم أبواب مطول» ۴. «زبده النهج»، نظم مختصر «نهج البلاغه» ۵. «الفيه المدنيه فی تنظيم کتاب الصمديه للشيخ البهائی» ۶. «وقايع

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۶۶.

الایام یا تقویم شرعی» ۷. «ستاره درخشان» در آیه تطهیر به نظم ۸. «خاطرات تلخ و شیرین». همه این ۸اثر مطبوع است.(۱)

میرزا محمّد تقی مذهّب*

میرزا محمّد تقی مُذهِّب اصفهانی، در فنون تذهیب به خصوص جدول کشی، تشعیر، زرافشانی و تزئینات گل و بتّه استاد بود. وی از اصفهان به تهران رفت و در آنجا به فعّالیّت پرداخت. تا سال ۱۲۹۴ق در قید حیات بود.(۲)

ملّا محمّد تقی مشهدی*

ملّا محمّد تقی مشهدی، عالم فاضل و حکیم عارف، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در جوانی به اصفهان آمده و نزد فضلاء و علمای بزرگ اصفهان خصوصاً میرزا ابوالقاسم فندرسکی به تحصیل پرداخته و در اندک زمانی گوی سبقت از همگنان ربوده و در علم الهی و نظری سرآمد شد.

دانشمندی وارسته و بی آلایش بود و اغلب در قهوه خانه ها، دوستان را از فیض صحبت خود سیراب می ساخت. سرانجام برای دیدار پدر از اصفهان به مشهد مقدس سفر کرد ولی در مسیر راه وفات یافت. در سرودن شعر طبع روانی داشت. از جمله قصیده ای در جواب حکیم سنائی سرود.(۳)

سیّد محمّد تقی مصطفوی فروشانی

سیّد محمّد تقی مصطفوی فروشانی، عالم زاهد و عابد، از اهالی محلّه «فروشان» سِدِه [خمینی شهر] اصفهان. در اصفهان نزد بسیاری از علمای اصفهان از جمله [سید مهدی درچه ای، آخوند گزی، سیّد عبداللّه ثقهالاسلام] و شیخ محمّد رضا نجفی تحصیل نموده و

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۱۸.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ صحف ابراهیم، (تعلیقات)، ص۲۷۶.

در مسجد نو درب سیّد واقع در محلّه فروشان اقامه جماعت می نمود.

[وی نزد عموم طبقات محبوب القلوب و مقبول و مورد وثوق و اطمینان قاطبه اهالی محل و علمای اصفهان بود. وی به اقامه نماز شب و نیایش اهتمام تمام داشت. همچنین اصرار فراوان در گفتن اذان تا پایان عمر داشت.]

وی در ماه صفر ۱۳۹۳ق در زادگاه خود وفات یافته و [در حرم مطهر امامزاده سیّد ابراهیم در خمینی شهر مدفون شد.(۱)]

تقی منشی نوری*

تقی منشی نوری، خطاط هنرمند قرن چهاردهم هجری در اصفهان ساکن بود. شکسته و نستعلیق را خوش می نوشته و تا سال ۱۳۲۱ق در قید حیات بوده است.(۲)

میرزا محمّد تقی نشئه

میرزا محمّد تقی، متخلّص به «نشئه» شاعر ادیب، خواهرزاده مهدی بیک شقاقی است. در مراغه به سال ۱۲۱۰ق متولّد گردیده و به شغل کلاهدوزی روزگار می گذرانید. او برخی از بزرگان طهران را هجو گفت و از ترس به کرمان گریخت. سپس به کربلا رفت. در یکی از قضایای آن حدود مجروح گردید (شاید در فتنه وهابی ها) سپس برگشت و معتمدالدّوله منوچهرخان گرجی حاکم اصفهان را مدح گفت. دیوان اشعارش در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است در جنگ شماره ۲۹۶۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ص۶۲ اشعاری در هجو، از او نوشته شده است.(۳)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۲، صص ۲۹۸ و ۲۹۹؛ خمینی شهر: شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۲- فهرست کاتبان و خوشنویسان اصفهان، خطی.

۳- الذریعه، ج۹، ص۱۷۱؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۰، ص۱۷۸۶.

تمیم لیکجی اصفهانی

ابوبکر تمیم بن احمد بن محمّد بن عبداللّٰه بقّال لیکجی اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. او از ابوالقاسم عبدالرّحمان بن ابی عبداللّٰه بن منده حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از او حدیث نوشته است. سمعانی از او با عنوان «شیخاً صالحاً مستوراً» یاد کرده است.(۱)

تمیم تمیمی

ابوثمامه تمیم بن سعد تمیمی، از محدّثین اصفهان است. ابواحمد مسعود بن یزید قطان از او روایت می کند و خود ابوثمامه از غیاث بن ابراهیم روایت می نماید.(۲)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۱۴۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۹.

ص: ۲۶۵

اعلام اصفهان

«ث»

اشاره

ثابت تفلیسی

ابوالقـاسم ثابت بن بُنـدار بن اسـد تفلیسـی، از محـدّثین عامّه است. به اصـفهان آمـد و از محـدّثین این شـهر همچون ابی احمد عبـداللَّه بن عـدی بن عبداللَّه، ابوعلی حامد رفّاء بن محمّد بن عبداللَّه بن معاذ هروی و محمّد بن احمد بن عیسـی ورّاق حدیث نقل کرد.(۱)

ثابت ثقفی اصفهانی

ابوالعز ثابت بن ابوالقاسم محمّد بن ابی بکر احمد ثقفی اصـفهانی، از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری است. ابوسعد سمعانی از او اجازه گرفته است.(۲)

ثابت صفّار اصفهانی

ابوالفضل ثابت بن محمّد بن فضل صفّار اصفهانی، از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری است. از ابوالعباس احمد بن عبدالغفار بن اشته استماع حدیث کرده و در سال ۵۳۲ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۳)

ثابت مدینی اصفهانی

ابوالفرج ثابت بن محمّد بن یحیی بن حسن مؤذّن مدینی اصفهانی. از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری.

وی در استماع حدیث از مشایخ، با ابوسعد سمعانی شریک بوده و هر دو از ابومحمّد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۴۹.

زبیر بن محمّد بن احمد جرقوئی استماع حدیث کرده اند. سمعانی از او چنین یاد کرده است. «کان کیساً متحرکاً حریصاً علی السّماع»(۱)

ثابت مستوفی اصفهانی

کمال الدّین ابوالعزّ ثابت بن محمّد مستوفی اصفهانی، درباره او نوشته اند که: از فن استیفا آگهی چندانی نداشت و از علوم ادب نیز بی بهره بود، لکن با وجود این به مقام استیفا رسیده است.

مقام استیفا در زمان سلطان مسعود سلجوقی، اوّل دفعه مربوط به کمال الدّین ثابت قمی و پس از کشته شدن او ابوطالب بن ابی بدر بود و چون ابوطالب پس از یک ماه وفات یافت، صاحب عنوان که او را کمال الدّین ابوالرّیان اصفهانی نوشته اند، پس از مسعود در زمان سلطان محمّد نیز نیابت استیفا را داشته است.

ثابت اصفهانی

ابوطالب ثابت بن نصر بن بکروس اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. از ابوالحسین لاحق بن محمّد بن احمد تمیمی اسکاف استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی حدیث شنیده است.(۲)

ثعلبه اصفهانی

ابوبحر ثعلبه بن ربیع اصفهانی معروف به قمی (نام پدرش را سُهیل نیز گفته اند) از محدّثین عامّه بوده و از اعمش، جعفر بن ابی مغیره و لیث بن ابی سُلیم روایت می کند. جریر بن سغیان، مهران رازی، یعقوب قمی و جمعی دیگر از وی نقل حدیث کرده اند.(۳)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۳۹.

ثعلبه حنظلی

ابوطاهر ثعلبه بن مطهر بن احمد حنظلی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابوعلی مَصاحفی روایت نموده و در سال ۳۹۸ق وفات یافته است.(۱)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۲۴۰.

«ج»

اشاره

جابر اَندانی اصفهانی

ابوالقاسم جابر بن محمّد بن ابوبکر اندانی اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. در محلّه لنبان اصفهان ساکن بود. از ابوعلی حسن بن احمد حدّاد و ابوشکر حمد بن علی حبال و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او حدیث اخذ نموده است.(۱)

[اندان یا اندآآن از روستاهای ماربین بوده و سپس به سِدِه پیوسته و امروزه جزء محلّات خمینی شهر محسوب می شود.]

جابر لاذانی اصفهانی

ابوالحسن جابر بن محمّد بن ابی الحسین لاذانی معلّم قصار،از محدثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در باغ عیسی واقع در محلّه یهودیه اصفهان ساکن بوده و از قاضی ابومنصور بن شکرویه و ابومحمّد رزق اللّه عبدالوهاب تمیمی استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از او حدیث نوشته است.

صاحب عنوان در شوال سال ۵۵۱ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

[لاذان که امروزه لادان گفته می شود از روستاهای غرب شهر اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته است.]

۱- معجم البلدان، ج۱، ص ۲۶۰؛ التحبیر، ج۱، ص۱۵۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۱۵۲.

جابر رنانی اصفهانی

ابوبکر جابر بن محمّد بن احمد بن ابی الحسین رنانی اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. از ابومحمد رزق اللّه (بن عبدالوهاب) تمیمی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در قریه رنان از او استماع حدیث کرده است.(۱)

[رُنان که امروزه «رِهنان» گفته می شود از روستاهای معروف ماربین بوده و اکنون به شهر اصفهان ملحق شده است.]

جابر ویذ آبادی

ابومحمّد جابر بن منصور بن محمّد بن صالح ویذ آبادی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری [و از اهالی محله «ویذ آباد» یا «بید آباد» اصفهان] است.

ابوسعد سمعانی، از او نقل حدیث نموده و او را با القاب «شیخٌ صالحٌ سدیدٌ » ستوده است. جابر ویذ آبادی از احمدبن عبدالغفار بن اشته اصفهانی روایت می کند.(۲)

جامع اصفهانی

ابوبکر جامع بن ابی الحسن علی بن ابوبکر نیشابوری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. او از ابوالحسین عبدالرّحمان ذکوانی و جز او شنیده و ابوسعد سمعانی از وی در اصفهان حدیث شنیده و از او به عنوان «شیخاً سدیداً مستوراً» یاد کرده است.(۳)

جان بیگی اصفهانی*

درویش جان بیگی، از عرفای اصفهان در عصر صفویه است. در تکیه ای در کنار نهر هزارجریب به عبادت مشغول بوده و در سال ۱۰۹۰ق به سفر حج رفته است. گرچه

۱- التّحبیر، ج۱، ص۱۵۲.

۲- التحبیر، ج۱، ص۱۵۳؛ معجم البلدان، ج۴، ص۹۳۹.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۱۵۸.

شاعر نبوده، امااین بیت را از قول او نقل کرده اند:

بیا به خانه فقر و درآ ز شور الم

که عنکبوت در آنجا مگس نمی گیرد(۱)

جبر بن نوف

ابوودّاك جبر بن نَوف، از محدّثین اصفهان است.

وی از ابوسعید خدری روایت می کند. در رساله شرح حال آل اعین کنیه او «ابوردال» ذکر شده است.(۲)

جبیر خَرجانی اصفهانی

ابوسعید جبیر بن هارون بن عبداللّه معدّل خُرجانی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. مدّتها در ری ساکن بوده و احادیث محدّثین آنجا همچون علی بن محمّد طنافُسی و محمّدبن حُمید را می نوشته است. همچنین با ابی حاتم و دیگر بزرگان ری به استماع حدیث مشغول بوده و در آن شهر صاحب اعتبار و قدر بوده است.

وی در سال ۳۰۵ق وفات یافت.(۳)

[یاقوت حموی «خَرجان» را از محله های اصفهان دانسته و سپس از قول ابوالقاسم اسماعیل بن محمّدبن فضل اصفهانی، نوشته است که «خَرجان» از روستاهای اصفهان است و آنجا به قصبه (یا شهرك) بیشتر شناخته شده است و این گفته محکم تر و قابل اعتمادتر است.(۴)]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۰۴ و ۳۰۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۱؛ رساله در شرح حال آل اعین، ص۱۰۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۳.

۴- معجم البلدان، ج۲، ص۳۵۳.

جدیدی اصفهانی

جدیدی اصفهانی، از امیرزادگان ترکمان و از شعرای زمان شاه طهماسب صفوی است. وی مردی بذله گو و شیرین سخن بود.

از اوست:

به خدا که اشکت آید، اگر اینقدر برانی

که گرفته در دلم جا، چه قدر محبّت تو(۱)

جذبیِ اصفهانی

جذبیِ اصفهانی فرزند عالی خان، از امرای شاه طهماسب صفوی بوده و در غزل سرایی مهارت داشته است.

از اوست:

گر نه اش روز جزا وعده دیدار دهی

در ته خاک، شهید تو تحمّل نکند(۲)

جذوی اصفهانی

جذوی، از ایل و قبیله جغتایی است. در اصفهان نشر و نما یافته و در سال ۹۱۰ق در این شهر فوت شده است.

از اوست:

آب چشمم خویش را رسوای مردم کرده است

می دود هر سو نمی دانم که را گم کرده است.(۳)

۱- تذکره تحفه سامی، ص۳۵۶؛ تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۶۷۳؛ تذکره روز روشن، ص۱۶۶.

۲- تذکره روز روشن، ص۱۶۶؛ تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۶۷۳.

۳- تذکره روز روشن، ص۱۶۷؛ تذکره آتشکده،بخش اوّل از نیمه اوّل، ص۵۱؛ الذریعه، ج۹، ص۱۹۲؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۷۵؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۳.

جریر ضُبّی اصفهانی

جریر بن عبدالحمید بن جریر بن قُرط بن هلال بن انس ضبّی، از محدّثین قرن دوم هجری، اصلش از کوفه است. در قریه «آبه» از توابع اصفهان در سال ۱۱۰ق متولد شده و در کوفه نشو و نما یافته و سرانجام در سال ۱۸۸ق در ری وفات یافته است.

از ابوبکر طلحی، روایت می کند و محمّدبن حُمِید از او نقل حدیث می نماید.(۱)

درباره او نوشته اند: «کان ثِقهٌ کثیرُالعِلم. یُرحل إلیه، و کان حُجةٌ و کانت کتبه صحاحاً. ثقهٌ یحتَّجُ به».(۲)

ملّا محمّد جعفر اصفهانی

ملّامحمّد جعفر اصفهانی، عالم فاضل،از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان نزد علاّمه مجلسی، به تحصیل پرداخته و علاّمه در آخر «کتاب الفِتَن» از «بحارالانوار» در تاریخ ۱۴ شعبان ۱۰۹۹ق برای او اجازه نوشته است. این نسخه به شماره ۱۸۶۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.

همچنین وی کتاب «مقباس المصابیح»تألیف استادش مجلسی را خلاصه نموده و در آن اسانید دعاها و فضایل و ثواب های آن ادعیه را حذف نموده و آن را «تعقیبات الصلاه» نام نهاده است. نسخه ای از این کتاب را محمّد ابراهیم قمی خطّاط عالیقدر عهد شاه سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۴ق به خط نسخ خوش کتابت کرده و در کتابخانه حاج سید نصراللّه تقوی موجود بوده است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۱؛ الاعلام، ج۲، ص۱۱۱؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۸۲؛ تاریخ بغداد، ج۷، ص۲۵۳؛ تذکره الحفاظ، ج۱، ص۲۵۰.

۲- تاریخ بغداد، ج۷، ص۲۵۳.

۳- الذریعه، ج۴، ص۲۱۸؛ اجازات الحدیث، صص ۱۸۳ و ۱۸۴؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۸۶؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۲۱.

محمّد جعفر اصفهانی

محمّـد جعفر اصـفهانی، عالم جلیل، فقیه اصولی، مـدرس فقه و اصول، در سال ۱۳۱۷ق زنـده بوده است. کتب زیر از تألیفـات اوست:

۱. حجیّت قطع و ظن ۲. حجیّت استصحاب ۳. اجتماع امر و نهی ۴. اصاله البرائه ۵. تعادل و تراجیح(۱)

سیّد محمّد جعفر اصفهانی

سیّد محمّد جعفر اصـفهانی، عالم فاضل فقیه، از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری است، در شـهر بمبئی هند ساکن بوده و در سال ۱۳۰۰ق کتـاب «دلائل الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام»، به عربی تألیف شـیخ محمّـدتقی آقانجفی را تصـحیح نموده و کتاب به دسـتور حاج محمّدکریم تاجر اصفهانی و فرزندش آقا محمّدجعفر به سعی و اهتمام حاج شیخ عبدالوهاب شیرازی در بمبئی به طبع رسیده است.(۲)

در این کتاب از صاحب عنوان چنین یاد شده است: «مرکز دایره قطب فلک سـعادت، العالم الفاضل علّامه العلماء و سیّدالفقهاء محمّـد العصـر و فریدالـدّهر مصـطفوی حسب مرتضوی نسب مولانا الاحد آقائی آقا سـیّد محمّد جعفر مد ظلّه العالی اصـفهانی الاصل ۷ ربیع الثانی ۱۳۰۰».

میرزا جعفر اصفهانی

حاج میرزا جعفرآقا اصـفهانی، شاعر ادیب، در اواخر دوره قاجاریه می زیسـته است. قصـیده ای در مرثیه اسـتاد غلامرضا شیشه گر (مشـتاق علی شـاه) نعمت اللهی گفته است که در پشت دیوان خطی حـاج ملّاهـادی سبزواری نوشـته شـده است. نسـخه در کتابخانه

۱- معجم رجال الفکر و الادب، ص۱۲۷.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۳۸۲.

دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است.(۱)

جعفر آل ابراهیم

جعفر آل ابراهیم بن ملّامحمّد ابراهیم دهکردی، شاعر، نویسنده و خوشنویس معاصر در سال ۱۳۲۵ق در شهرکرد متولّد شد. مقدمات علوم را در آنجا انجام داد. سپس با برادر خود باقر آل ابراهیم به اصفهان آمده، در مدرسه صدر ساکن و به تکمیل معلومات و فضائل خویش همت گماشت و در جمیع فنون خصوصاً ادبیات زحمت فراوان کشید و از سال ۱۳۱۲ش در اصفهان به شغل دبیری مشغول گردید. سپس به تهران رفته و در دبیرستانها و دانشگاه ملی ایران [دانشگاه شهید بهشتی فعلی] به تدریس پرداخت.

وی در خط نیز مهارتی به سزا داشته و نستعلیق را خوش می نوشت. طبع شعر نیز داشته و ابتدا «نائل» و سپس «صبا» تخلّص می نمود و اشعارش در مطبوعات اصفهان به چاپ می رسید. او در شعر و خوشنویسی از شاگردان میرزا عباس خان شیدای دهکردی است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بدایه الادب» ۲. «تاریخ ادب عرب» ۳. «دیوان شعر» ۴.دستور زبان فارسی» ۵. منتخب ادبیات نظم و نثر فارسی»

این شعر از اوست:

همت از ناصح صاحب نفسی باید خواست

روی بر درگه صاحب نگهی باید کرد

تا به سر منزل مقصود بسی مرحله هاست

طیّ هر مرحله با خضر رهی باید کرد

۱- فهرست حقوق، ص۱۱۶.

خواهی ار بوسه زند چرخ رکابت هر صبح

پای در حلقه خورشید و مَهی باید کرد(۱)

شیخ محمّد جعفر شیخ الاسلام

شیخ محمّد جعفر شیخ الاسلام بن محمّدابراهیم بن میرزا مرتضی شیخ الاسلام، از فضلاء علمای قرن سیزدهم هجری.

وی تملّک خود را در ظَهر نسخه ای از جلد دوم «قوانین الاصول» میرزای قمی را که به خط علّامه فقیه آقا سیّدمحمدحسن مجتهد موسوی اصفهانی بوده و در ذیحجه الحرام سال ۱۲۷۹ق به این عبارت مرقوم داشته است:

«قد انتقل إلیّ فی شهر ذی القعده الحرام سنه ۱۲۷۹ و سیصیر إلی غیری و انا الاحقر» با مهر بیضوی بزرگ باسجع مهر «عبده الرّاجی محمّد جعفر بن محمّد ابراهیم ۱۲۳۲ (۲)] این نسخه در کتابخانه مؤلف فقید مهدوی موجود بوده است]

میرزا جعفر ظفر اصفهانی

میرزا جعفر متخلّص به «ظفر» فرزند میرزا ابراهیم ساغر اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن چهاردهم هجری.(۳)

شیخ محمّدجعفر کلباسی

شیخ محمّدجعفر بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل جلیل ادیب محقق در ۱۴ رمضان ۱۲۱۹ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از علماء و مجتهدین این شهر همچون پدر بزرگوار خود و سیّد حجهالاسلام و حاج محمّدجعفر لنگرودی تلمّذ

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۹۰ و ۴۹۲؛ شناخت سرزمین چهارمحال، صص ۶۳۴ و ۶۳۵.

۲- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۶۷.

۳- دیوان غمگین، مقدمه...

نموده تا به مقامات عالیه علم و فقاهت رسیده و بعضی اوقات امامت مسجد حکیم را داشته است.

وی در تقوا و دیانت و تواضع کم نظیر بوده و سرانجام در جمعه ۲۶ محرم الحرام سال ۱۲۹۲ق در اصفهان وفات یافته و در مقبره پدر واقع مقابل در شرقی مسجد حکیم مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. تحفه الجعفریّه در دیات، کتاب مفصل و بزرگی است. تاریخ انجام تألیف آن شب ۱۸ رمضان المبارک ۱۲۸۴ق می باشد. [و به فارسی نوشته شده است. نسخه ای از آن به شماره ۱۶۷۵ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است] ۲. رساله ای در احوال مرحوم سیّد حجه الاسلام و پدر بزرگوار خود که مرحوم شیخ کمال الدّین ابوالهدی کلباسی برادرزاده اش در کتاب «البدر التمّام» از آن مطالبی نقل می نماید. ۳. منهج الرشاد إلی احکام الدّین و الایمان. تاریخ قرائت مجلّد اوّل آن ۲۳ شوال ۱۲۷۳ق است.[نسخه ای از کتاب به خط محمدرضا نجف آبادی به تاریخ ۱۲۷۴ق که به وسیله مؤلف تصحیح شده است در کتابخانه آیت اللّه حاج سیدمحمدعلی روضاتی موجود است.] ۴. نورالعیون فی احکام الحدود و القصاص، که مأخوذ از کتاب دیگر مؤلف تحفه الجعفریه می باشد و نسخه آن نزد فرزند مؤلف شیخ موسی موجود بوده است.

تذکر: مؤلف رساله مختصر دیگری در احوال پدر بزرگوارش دارد که در آخر نسخه منهج الهدایه تألیف پدرش به طبع رسیده است.(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۲۱؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۸۵ و ۲۸۶؛ مزارات اصفهان، ص۶۸؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان، ج۱، ص۲۲۷؛ خاندان کلباسی، صص ۱۸۴ و ۱۸۷؛ الذریعه، ۲۳، ص ۱۸۰؛ فهرست مرکز احیاء، ج۵، ص۹۱.

جعفر اصفهانی

جعفر بن أبی السری اصفهانی، از محدثین اصفهان [در قرن چهارم هجری، اگرچه رسماً به تشیع مشهور نبوده امّا از دوستداران حضرت علی علیه السلام بوده، کما اینکه ابن عقده، پس از آنکه مطمئن می شود او از ناصبیان اصفهان نیست و از علی علیه السلام کینه ای ندارد، به او حدیث آموخته است.(۱)]

جعفر زعفرانی

جعفر بن احمد بن حمّاد زعفرانی شیبانی، از محدّثین اصفهان است و از أبی عُبیده نمرّی روایت می کند.(۲)

جعفر رویدشتی

جعفر بن احمد بن داود رویدشتی، از محدثین اصفهان است. اصلاً از اهالی رویدشت بود و در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بود. وی از احمد بن مهدی روایت می کرد و ابواسحاق سریجانی مدینی از او نقل حدیث نموده است.(۳)

جعفر اصفهانی

ابوالفضل جعفر بن احمد بن فارس، از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری است. از ابی معصب، اسحاق بن اسرائیل، اسماعیل بن اُمیه، سهل بن عثمان و عبدان عسکری روایت می کند و ابومحمّد بن حیّان و احمد بن اسحاق از وی نقل حدیث می کنند.

صاحب عنوان صاحب تصنیفاتی بوده و در سال ۲۸۹ق وفات یافته است.(۴)

۱- تذکره الحفاظ، ج۳، ص۹۱۶؛ ذیل «طبرانی» تاریخ تشیع اصفهان، صص۳۷۷ و ۳۷۸؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۴۰۳.
۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۲۴۲ و ۲۴۸.
۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۷.
۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۲۴۲ و ۲۴۵.

سیّدجعفر طباطبائی نجف آبادی

سیّدجعفر طباطبائی نجف آبادی ابن اسداللّه، عالم فاضل و شاعر ادیب محقّق، در سال ۱۳۲۹ق روستای «چشمه احمدرضا» از توابع منطقه «کَرْوَن» متولّد شد. در کودکی به تحصیل پرداخت و در نوجوانی به اصفهان رفت و نزد علمای عالیقدر حوزه علمیه اصفهان شیخ ابراهیم ریاضی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، میرزا علی آقا شیرازی، میرسیّدعلی مجتهد نجف آبادی و شیخ احمد حججی نجف آبادی، کسب فیض نمود. این ایام مصادف اقدامات رضا شاه علیه روحانیت به ویژه جلوگیری از استفاده اهل علم از لباس روحانیت بود. سپس او به نجف آباد آمد و در درس علمای آنجا آقایان منتظری و شیخ عبّاس ایزدی حضور یافت. او سالها به تحقیق و تدریس و تبلیغ در نجف آباد مشغول بود. تا اینکه در سال ۱۴۲۴ق وفات یافته و در «جنّت الشهداء» نجف آباد مدفون شد. شعر نیز می سروده و در آن اشعار «هاشمی» تخلص می نموده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «کلیّات اشعار هاشمی» (که قسمتی از آن با عنوان «دیوان هاشمی» در سال ۱۳۳۹ش به چاپ رسیده است. ۲. «دیوان انقلاب»، مجموعه ای از اشعار او که در سال ۱۳۶۲ش چاپ شده است. ۳. «پرتو جلوه حق» مجموعه ای از اشعار ۴. «گلزار معرفت» ۵. «ارکان دین» ۶. «برتر از خون شهید»

فرزند برومند او سیّدمحمّد طباطبایی در سال ۱۴۰۳ق در منطقه موسیان (در جبهه های جنگ ایران و عراق) به شهادت رسید.(۱)

سیّد جعفر خاکشیر

سیدجعفر خاکشیر بن سیّد اسماعیل موسوی، شاعر هزل سرای معاصر. در سال ۱۳۰۰ق در اصفهان متولّد شد. در جوانی در محلّه جلفا به کلاهدوزی مشغول بود و در

۱- تذکره شعرای معاصر نجف آباد، ص۳۱۹؛ دیباچه دیار نون، ص۲۰۳؛ سیمای دانشوران، صص ۱۲۴-۱۲۱؛ آئینه اهل قلم، صص ۶۶ و ۶۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۹، ص۲۳۵.

اواخر عمر به بافندگی پرداخت اگر چه اغلب اشعارش هزل و مشتمل بر الفاظ رکیک بود، امّا او مردی خجول و محجوب و معتقد به آداب شریعت بوده و در عین حال محبوب خواص و عوام و مورد قبول اهل شعر و ادب بوده است. در اوایل شاعری «صراحی» تخلّص می نمود و سپس آن را به «خاکشیر» تغییر داد. دیوان اشعار او بارها به چاپ رسیده است.

او تا آخر عمر بدون همسر و فرزند زیست و ازدواج نکرد تا اینکه در ۲۶ ذیقعده ۱۳۷۵ق وفات یافته و در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شد.

جعفر نوای اصفهانی ماده تاریخ فوت او را به سال شمسی چنین سروده است:

به نظم آمد این مصرع دلپذیر

«بسازد به طبع همه خاکشیر»(۱)

این بیت از اوست:

سحر آمدم به کویت که ببینمت نهانی

«اَرِنی» نگفته گفتی دو هزار «لَن تَرانی»(۲)

سیّد جعفر خلیفه سلطانی

سیّد جعفر بن سیّد اسماعیل خلیفه سلطانی، از علماء اخیار، فاضل متقی در اصفهان متولّد شده و نزد مرحوم سیّد حجّهالاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی، حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی و آقا میرسیّد محمّدشهشهانی به تلمّذ پرداخت. امّا عمده تحصیلات او نزد آقا میرسیّد حسن مدرّس میر محمّدصادقی بوده است.

وی قبل از سال ۱۲۹۰ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان ستی فاطمه مقابر خانوادگی خود مدفون گردید. او پدر زن فقیه ادیب حاج سید مهدی نحوی بوده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۸ و ج۲، ص۷۳۴؛ لطائف غیبیّه: ص سی و دو؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۲۷۰-۲۶۱.

۲- نامه سخنوران سپاهان، صص۹۶ و ۹۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۸۰؛ دولت دیدار، صص ۱۹۱-۱۸۵.

۳- بیان المفاخر، ج۱، ص۲۸۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۷.

جعفر اصفهانی

جعفر بن اسماعیل اصفهانی، در سال ۱۲۳۶ق جزوه ای در طب در ۱۸۵ برگ خشتی شامل نسخه هایی متفرّقه و تجربیّاتی که روی بیمارها انجام شده کتابت نموده است. نام گروهی از طبیبان مانند: محمدیار خان، میرزا کاظم، میرفضعلی شاه، محمّدعلی خان و میرزا احمدخان در آن آمده است.

نسخه به شماره ۱۰۷۱ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

محمّدجعفر انصاری مبارکه ای

محمّدجعفر بن محمّدامین انصاری مبارکه ای، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری.

از آثارش مجموعه ای است به شماره ۲۷۷۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران شامل دو رساله در طباخی یکی به نام «فتوت نامه» و دیگری «رساله در طبّاخی» که آن را در ربیع الثّانی سال ۱۰۹۳ق به خط نسخ متوسّط کتابت نموده است.(۲)

همچنین در سال ۱۰۹۰ق نسخه ای از «خلاصه الحساب» شیخ بهائی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۶۸۴۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

میرزا جعفر صافی

میرزا سیّد جعفر متخلّص به «صافی» فرزند محمّدامین مرعشی، شاعر و ادیب فاضل. در غزل و قصیده از اساتید ادب شمرده می شد. وی در سال ۱۲۱۹ق وفات نمود و در تکیه میر فندرسکی واقع در تخت فولاد مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «زبده الانساب» در منسب سادات مرعشی ۲. «شهنشاه نامه» مثنوی در معجزات

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص ۱۲۸.

۲- فهرست مجلس ج۹، بخش یکم، ص ۲۲۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۳۷.

پیامبرصلی الله علیه وآله و جنگهای علی علیه السلام که در مدت ۱۰ سال سروده و به نام فتحعلی شاه آن را «شهنشاه نامه» نامیده است. گزیده ای از این مثنوی در کتاب «حیدری نامه» به چاپ رسیده است. ۳. «مثنوی گلشن خیال» [۴. «دیوان اشعار»، بالغ بر دوازده هزار بیت.(۱)]

این رباعی از اوست:

گر جان طلبند در وفای تو دهم

ور سر خواهند در وفای تو نهم

چیزی که نمی دهم به غیر تو دل است

وان نیز اگر بود رضای تو، دهم

[مرحوم استاد مهدوی در کتاب های خود سال تولّد «صافی» را ۱۱۳۰ نوشته است امّا در تذکره های عهد قاجاریه عمر او را حدود ۷۰ سال نوشته اند و تولّد او حدود سال ۱۱۴۹ق خواهد بود.]

محمّدجعفر اصفهانی

محمّدجعفر بن محمّدباقر اصفهانی [از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری] «رساله سلیمانیه» تألیف: ابوالقاسم بن محمّد گلپایگانی که به نام شاه عباس دوم و به خواهش شاگرد خود آقا سلیمان قمی در احکام زنان نوشته است را به خط نستعلیق کتاب نموده و کتاب به شماره ۳۳۳۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

سیّد محمّدجعفر علم الهدی

آقا سیّد محمّدجعفر علم الهدی شفتی بن حاج سیّد محمّدباقر ثانی بن حاج سیّد اسداللّه بید آبادی بن حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی، عالم فاضل. او پس از پدر مدّتی

۱- مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۶۷۳ و ۶۷۴؛ تذکره اختر، ص۱۲۲؛ سفینه المحمود، ج۲، ص۴۳۴؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۰۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۲؛ گلشن مراد، صص۴۱۴-۴۱۲؛ حدیقه الشعراء، ج۲، صص۹۶۵-۹۶۳؛ فهرست کتابخانه الهیات مشهد، ج۱، ص۱۸۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۹۷؛ حیدری نامه، صص ۲۵۰-۲۳۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۳۱۸.

در مسجد [سیّد] جماعت می نمود. بعداً ترک آن گفته و در سال ۱۴۰۴ق در تهران وفات یافت.(۱)

میرزا جعفر مذهب

میرزا جعفر مذهب بن میرزا محمّد باقر منجم بن سیّد محمّدحسین بن سیّد بدیع الزّمان حسینی گنابادی، در صنعت تذهیب رنج ها برده تا استادی مسلم گردید لکن در اوان جوانی به سن ۲۸ سالگی وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

ملّا محمّدجعفر سبزواری

ملّا محمّدجعفر بن ملّا محمّدباقر محقق سبزواری بن محمّد مؤمن، عالم فاضل، محقق جلیل، عابد زاهد، از علمای قرن دوازدهم هجری.

شیخ محمّدعلی حزین که معاصر اوست وی را از «اتقیای معروف و مرتاضان» عصر شمرده و خاتون آبادی در کتاب «وقایع السنین و الاعوام» وی را جزو علمائی که در سال ۱۱۲۲ق در منزل میرزا محمّدباقر صدر خاصّه برای تعیین روز ولادت حضرت علی علیه السلام گرد آمده بودند نام می برد همچنین نام وی جزء علمایی است که در سال ۱۱۲۲ق در افتتاح مدرسه چهارباغ حضور داشته اند.(۳)

صاحب عنوان ظاهراً از شاگردان محقق سبزواری و محقق خوانساری و علّامه مجلسی بوده و سالها در اصفهان تدریس و امامت داشته است.(۴) او بعد از فوت ملّا محمّدصالح بن ملّا رضا قلی به امامت مسجد جامع جدید عباسی [مسجد امام فعلی]منصوب گردیده است.(۵)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۷۶.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۴.

۳- وقایع السنین و الاعوام.

۴- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۷۰-۱۶۷.

۵- وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۳۷.

[این عالم ربانی سرانجام در روز ۹ محرم سال ۱۱۳۵ق وفات یافته و در قبرستان پشت گنبد (برف انداز) مسجد حکیم مدفون گردیده و قبر تاکنون باقی و برقرار و دارای سنگ لوح است.(۱)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تکبیرات سبع» که ضمن مجموعه شماره ۴۷۸ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی نجفی در قم موجود است. ۲. «رساله در تعیین روز عید نوروز» ۳. «رساله در معاد» شرح تفسیر آیات آخر سوره «الزُّمَر» برای شاه سلطان حسین صفوی در سه فصل. نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۲۴۹ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۲)

۴. «رؤیه الهلال قبل الزّوال» در ردّ فاضل سراب نسخه به شماره ۱۸۶۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (۳) ۵. «شرح الفیه» شهید اول، به فارسی که نسخه ای از آن به تاریخ ۱۱۲۷ق در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۹۹۳۶ موجود است. (۴) ۷. «الوتیره» در این رساله ثابت می کند که در نماز و تیره نشستن افضل از ایستادن می باشد. نسخه ضمن مجموعه شماره ۴۷۴ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی در قم موجود است.(۵)

همچنین شیخ محمّدجعفر سبزواری نسخه ای از «حق الیقین» علّامه مجلسی را به خط نسخ زیبا کتابت کرده و به شماره ۱۹۴۲ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی موجود است.(۶)

سیّد جعفر بیدآبادی

حاج سیّد جعفر بیدآبادی بن حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بن سید نقی، از رؤسای علماء اصفهان در اواخر دوره قاجاریه پس از فوت برادرش آقا سیّد مؤمن

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۳۴.

۲- فهرست اعظم، قم ص ۵۱۴.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸ ص۴۷۲.

۴- فهرست الفبایی رضوی، ص ۳۲۵.

۵- فهرست مرعشی، ج۲، ص۸۲.

۶- فهرست مرعشی، ج۵، ص۳۰۷.

ریاست و عنوان کلّی یافته در مسجد سیّد تعمیراتی انجام داده و قسمت عمده کاشیکاری مسجد در زمان تولیت ایشان بوده است.

او در مسجد سیّد اقامه جماعت می نموده و پشت و پناه مظلومین بوده و سرانجام در عاشوراء سال ۱۳۲۰ق در مسافرت عتبات در کربلا وفات یافته و در نجف اشرف جنب برادرش حاج سیّد اسداللّٰه در یکی از اطاق های صحن مطهر حضرت علی علیه السلام مدفون گردید.(۱)

میرزا جعفر مجلسی

میرزا جعفر بن علّامه ملّا محمّدتقی مجلسی، عالم فاضل از فضلای قرن دوازدهم هجری در اصفهان است. [تملک او با مهر بیضوی بر روی برگی از کتاب «جوامع الکلام» تألیف سیّد میرزا جزایری مشهود است.]

از تألیفات او: «مفتاح النجاح» موسوم به «مفتاح الجنان» است که به فارسی و به نام شاه سلیمان تألیف نموده و شامل یک مقدمه در مقدمات نماز و سه باب در نماز یومیّه و تعقیبات آن و سایر نمازها و ادعیه و احراز و خاتمه کتاب مشتمل بر فوائد متفرقه است. کتاب به سعی و اهتمام ملک الکتاب شیرازی در سال ۱۳۱۸ق به چاپ رسید. و در هامش آن «لئالی المخزونه» تألیف: فیض کاشانی به طبع رسیده است. در فواید الرضویّه نیز آمده است که دو نسخه از «مختصر المصباح» تألیفات ملّامحمّد جعفر مجلسی در کتابخانه میرزا محمّد قمی موجود است.(۲)

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص۱۵۵ و ۳۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۷؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۷۹.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص۳۴۲ و ۳۴۳؛ فهرست مرکز احیاء میراث، ج۷، ص۱۰۲؛ الذریعه، ج۲۱، ص۳۵۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، ص۴۸۴۷؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۴۷۲.

میرزا محمّدجعفر گلستانه

میرزا محمّدجعفر [بن میرزا جمال] گلستانه، از وزراء عهد زندیه. [ابتدا در دفترخانه نادرشاه افشار خدمت می کرده است. در زمان آزاد خان افغان که حکومت اصفهان را داشته است، به وزارت او انتخاب شد و پس از به حکومت رسیدن کریم خان زند بر این منصب باقی ماند.(۱)]

عبدالرزاق بیگ دنبلی که معاصر اوست می نویسد:

«پیوسته گرهی در ابرو و چین بر جبین ظاهر و لائح داشت. و رایت تبخّر بر آسمان می افراشت. بزرگ لحیه و قوی سبلت، صاحب نخوت و وقار و شهامت. در مجلس انس و خلوت مخلی به ندیم و مدام محلی بود. شیوه صحبتش شیرین و طرز محاورتش نمکین».(۲)

میرزامحمّد جعفر گلستانه در سال ۱۱۹۴ق (یک سال پس از درگذشت کریم خان زند) وفات نمود و ظاهراً جنازه اش از شیراز به اصفهان حمل و در قبرستان شیرسبز واقع در کوی باغ سهیل اصفهان مدفون شد.

قبر دارای سنگ لوح بود که پس از تسطیح قبرستان و احداث مسجد، داخل مسجد واقع شده و از بین رفت.(۳)

سیّد جعفر علوی عاملی

سیّد جعفر بن حسن علوی عاملی جبعی [از فضلای قرن یازدهم هجری] بخش دوم کتابت «اللّهوف» تألیف سیّد بن طاوس را در شوّال ۱۰۴۲ق در اصفهان و بخش اوّل آن را در روز آدینه ذیقعده ۱۰۵۲ق در شام به پایان رسانیده [است].(۴)

۱- کریم خان زند و زمان او، صص ۲۳۰ و ۲۳۱.

۲- مزارات اصفهان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۳- همان منبع، و دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۸۰۶ و ۸۰۷.

۴- فهرست ملک، ص۶۲۶.

جعفر قهپائی

جعفر بن حسن قهپائی [از فضلاء کوهپایه اصفهان در قرن یازدهم هجری است.] در سه شنبه ۱۴ ربیع الاوّل ۱۰۸۲ق نسخه ای از «شرح لمعه» شهید را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه تصحیح شده و حاشیه نویسی دارد و به شماره ۳۶۰۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ محمّدجعفر الهی نجف آبادی

شیخ محمّدجعفر بن محمّدحسن نجف آبادی، عالم فاضل، ادیب شاعر در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در اصفهان متولّد شد. [در آغازین ماههای تولّد مادر خود را از دست داد. وی تحصیل را در حوزه علمیه اصفهان نزد علمای اعلام شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، شیخ عباسعلی ادیب، سیدعلی اصغر برزانی، شیخ علی مشکات، شیخ احمد صدری زنجانی، سیدعبدالحسین طیّب، سید صدرالدین کوپائی، شیخ احمد فیّاض، شیخ محمود مفید، حاج آقا محمّدمقدس و آقا جمال الدّین خوانساری، به کسب فیض پرداخت. سپس از درس خارج حاج آقا حسین خادمی و میرسیّد علی بهبهانی بهره گرفت.

وی در کنار این تحصیلات در مدارس جدید نیز به تحصیل پرداخت و پس از اخذ مدرک دیپلم، به دانشگاه تهران راه یافته و از دانشکده معقول و منقول مدرک لیسانس را اخذ نمود.

وی سالها به تدریس علوم دینی در مدارس دینی، دانشگاهها و مراکز فرهنگی مشغول بوده و به تحقیق و تألیف نیز می پرداخت.

او رساله ها و کتاب هایی در باب اصول عقاید، اخلاق و کلام به رشته تحریر درآورده است. شعر نیز می سراید و «الهی» تخلّص می کند دیوان اشعار او بیش از سه

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص۳۷۹.

هزار بیت بوده که قسمتی از آنها به سرقت رفته است.]

از اوست:

بهتر ز روز وصل روزگار نیست

جانسوزتر زمان، ز شب انتظار نیست

ای شاه محتشم نظری سوی خلق کن

از پادشه نظر به گدایان که عار نیست(۱)

محمّدجعفر الماسی

محمّدجعفر بن محمّدحسین بن ابوطالب بن میرزا محمّدتقی الماسی، از فضلاء خاندان مجلسی در قرن سیزدهم هجری است.(۲)

از آثارش در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد نسخه ای از کتاب «صلاه الجمعه» تألیف: محقّق کرکی است که به خط شکسته نستعلیق در رجب ۱۲۴۱ق نوشته است.(۳) همچنین نسخه ای از «حاشیه انوار التّنزیل» تألیف شیخ بهائی، به خط نستعلیق را در سال ۱۲۴۰ق نوشته است.(۴)

سیّد ابوالقاسم جعفر خوانساری

سیّد ابوالقاسم جعفر معروف به «میر کبیر» ابن سیّد حسین بن سیّد قاسم بن سیّد محبّ اللّه موسوی اصفهانی خوانساری، عالم فاضل فقیه محقق، زاهد صالح، از علمای عالیقدر قرن دوازدهم هجری.

وی خواهرزاده ملّا حسین دیلمانی گیلانی (لُنبانی) است. در ۲۰صفر ۱۰۹۰ق در اصفهان متولّد شد. در نوجوانی به درس علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی حاضر شد. سپس

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۲ و ۵۳؛ حکایت پارسایی، صص ۵۵ و ۵۶؛ دیباچه دیار نون، ص۱۳۸؛ سیمای دانشوران، صص ۵۴ و ۵۵؛ آئینه اهل قلم، صص۲۶ و ۲۷.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۴۰.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۳۴۶.

۴- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه تهران، ج۱، ص۹۴.

از درس آقاجمال الدّین محمّد خوانساری و ملّاحسین لُبنانی استفاده کرد و به اجتهاد نائل شد. همچنین از ملّامحمّد صادق تنکابنی (فرزند فاضل سراب) و ملّا حسین لنبانی، سیّد محمّد جابر بن طعمه حسینی نجفی و ملّا محمّد طاهر اصفهانی اجازه روایت دریافت نمود.

او پس از حمله افغانها به اصفهان و سقوط حکومت صفویه از اصفهان مهاجرت کرد و در قصبه «قودجان» بین خوانسار و گلپایگان ساکن شد و به خواهش مردم آنجا به اقامه نماز جماعت و جمعه و حلّ مشکلات شرعی مردم پرداخت و در ترویج علوم دینی کوشید تا اینکه در ۲۳ ذیقعده ۱۱۵۸ق در «قودجان» وفات یافته و همانجا مدفون گردید. ماده تاریخ وفات او چنین است.

سال تاریخ وفاتش ز خرد پرسیدم

گفت: «دانای ادب عالم ربّانی رفت»(۱)

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «تتمیم الافصاح فی ترتیب ایضاح الاشتباه» در ترتیب «ایضاح» علّامه حلّی ۲. «تعلیقات ذخیره المعاد»سبزواری ۳. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت» و در این رساله قول استاد خود آقا جمال خوانساری را رد نموده است. ۴. «شرح دعای سحر» مروی از ابوحمزه ثمالی ۵. «شرح خطبه الزهراء(سلام اللّه علیها)» ۶. «کتاب الزّکاه» صغیر که مختصر «کتاب الزّکاه» کبیر است. ۷. «کتاب الزّکاه» کبیر ۸. «کتاب الحج» به فارسی، در یک مقدمه و خاتمه و دو مقصد در ۱۳ شعبان ۱۱۴۹ق در«قودجان» گلپایگان تألیف کرده است و در کتابخانه علّامه مفضال حاج سیّد محمّدعلی روضاتی موجود است. ۸. «مصباح» مختصری در ادعیه نادره که نزدش مجرب و معتبر بوده به التماس جمعی از فضلاء خوانسار تألیف کرده و اسامی آنان را در دیباچه ذکر فرموده است. ۹. «مناهج المعارف» در اصول دین، که به همت یکی از احفاد او فاضل محقّق حاج سیّد احمد بن حاج میرزا محمّدباقر روضاتی در سال ۱۳۹۲ق به طبع رسیده و مقدمه ای مفصّل در شرح حال مؤلف و خاندان او در آن آمده است. ۱۰.

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۶۱۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۳۱۷.

«منظومه میمیه خالیه الالف» قریب سه هزار بیت در تفصیل حکم مرعیه و آداب شرعیه، که جزو کتاب «مجمع الفوائد» به طبع رسیده است.

صاحب عنوان کتب و رسائل زیادی به خط بسیار زیبای خود استنساخ نموده است از جمله:

«رساله تحریم غناء» تألیف محقّق سبزواری را به خط خوش در ۶ رجب ۱۱۵۰ق در رباط میرک از اعمال گلپایگان به خط خوش کتابت کرده است. همچنین مجموعه ای از چهار رساله درباره نماز جمعه از تألیفات فاضل سراب، شهید ثانی، محقق سبزواری، و آقا جمال الدین محمّد خوانساری را در صبح شنبه ۱۴ رجب ۱۱۳۱ق کتابت نموده است. و نیز نسخه ای از «الحواشی الفسویه علی حواشی السفریه» را در نجف اشرف در جمعه ۳ ذیحجه ۱۱۵۴ق کتابت نموده است.(۱)

میرزا محمّدجعفر شهرستانی

میرزا محمّدجعفر بن میرزا محمّدحسین بن میرزا محمّدمهدی موسوی شهرستانی اصفهانی، از علمای قرن سیزدهم هجری و نواده دختری آقا محمّدعلی کرمانشاهی است.

در کربلا ساکن بوده و چون از طرف حاج سیّد محمّدباقر حجّهالاسلام شفتی، شبهاتی درباره موقوفات شهرستانیها شد، به اصفهان مهاجرت کرده و خدمت مرحوم حجهالاسلام شرفیاب گردیده و مباحثاتی انجام داد. وی را تألیفاتی است از جمله:

۱. «رساله در انساب وحید بهبهانی» ۲. «رساله در دفع شبهات وارده بر موقوفات میرزا فضل اللّه»به عربی ۳. رساله دیگری به همین موضوع به فارسی ۴. «رساله در جواز

۱- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۷۸-۷۵؛ تتمیم امل الآمل، صص۱۳۲ و ۱۳۳؛ مناهج المعارف: مقدمه؛ الکواکب المنتشره، ص۵۹۱؛ اعیان الشیعه، ج۱۵، ص۳۹۷؛ روضات الجنات، ج۲، ص۱۹۷؛ تلامذه العلامه المجلسی، صص ۱۸ و ۱۱۳؛ اعیان الشیعه، ج۱۵، ص۳۹۷؛ فرزانگان خوانسار، صص و ؛ دانشمندان خوانسار، صص ۳۱۵-۳۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۲۳-۲۱؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۶۹.

تقلید میّت» ۵. «رساله در غیبت» ۶. «رساله در غنا» ۷. «رساله در حکم عصیر» ۸. «رساله در حکم آب گوشتی که در حال جوشیدن قطره خون در آن بیفتد»(ظاهراً این دو رساله اخیر از افادات مرحوم سیّد حجّهالاسلام و مورد بحث آن بزرگوار بوده است.)

[اغلب کتابهای فوق در کتابخانه عالم محقّق حاج سیدعلی شهرستانی حائری در کربلا وجود داشته و او پس از اقامت در مشهد مقدس آنها را به آنجا انتقال داده است.]

میرزا سیّد جعفر شهرستانی در سال ۱۲۶۰ق در کرمانشاه وفات یافته و جنازه را به کربلا منتقل ساخته و در آنجا مدفون نموده اند.(۱)

ملّا محمّدجعفر مازندرانی

ملّامحمّدجعفر بن محمّدحسین مازندرانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. در اصفهان نزد علمای این شهر چون علّامه مجلسی و آقا جمال الدّین محمّد خوانساری به تحصیل پرداخت و در فقه و حدیث و انشاء و ادبیات مهارتی به سزا یافت. او خط خوشی داشت و آثاری را نیز کتابت کرده]از جمله نسخه ای از «حاشیه بر روضه البهیه» تألیف آقا جمال الدّین محمّد خوانساری به خط نسخ در دوشنبه ۴ ربیع الثّانی ۱۱۱۴ق کتابت نموده که به شماره ۲۲۷ در کتابخانه آیت اللّه جلیلی در کرمانشاه موجود است.(۲)]

همچنین نسخه ای از «تهذیب الاحکام» را در ۲۷ شعبان ۱۱۱۵ق کتابت نموده و آن را مقابله نموده است. این کتاب به شماره ۶۳۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

و نیز در تاریخ ۱۳ جمادی الاوّل ۱۱۲۴ق کتاب «وجیزه» علّامه مجلسی را به خط

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۲۲۱؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۶۳۳؛ الکرام البرره، ج۱، ص۲۴۸؛ الذریعه، ج۲، ص۲۸۸ و ج۴، ص۳۹۰، ج۱۱، ص۸؛ مصفی المقال، ص۱۰۵؛ وحید بهبهانی، ص۳۳۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص۵۴۹ و ۵۷۰؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۸۴-۱۸۰.
۲- فهرست جلیلی، ص۸۷.
۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۲۶۵.

شکسته نستعلیق کتابت نمود که به شماره ۱۶۴۰۸ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدس موجود بوده است.(۱)

محمّدجعفر مازندرانی کتاب «تلخیص المحصّل» تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی را در سال ۱۱۲۵ق کتابت کرد که این نسخه در کتابخانه سیّد خلیفه موجود بوده است.(۲)

وی تا سال ۱۱۲۹ق در قید حیات بوده و در ۹ ربیع الاوّل ۱۱۲۹ق نسخه ای از کتاب «فتوحات»جرائری را به ملّامحمّدسعید بن محمّد مقیم لاری هدیه کرده است.(۳)

سیّد جعفر آیت میردامادی*

سیّد جعفر آیت بن آقا سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّد جعفر بن سیّد محمّد حسین مقدس میردامادی سِدِهی، عالم فاضل معاصر. در محله خوزان سِدِه [خمینی شهر] متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات در اصفهان نزد ملّاهاشم جنّتی، حاج شیخ یحیی فقیه ایمانی، حاج سیّد محمّدباقر ابطحی، شیخ هبهاللّه هرندی، حاج آقا رحیم ارباب، حاج آقا حسین خادمی و آقا سیّد عباس صفی ادامه تحصیل داده و دروس هیئت و ریاضی را از حاج شیخ محمّدباقر قزوینی و اخلاق را نزد میرزا علی آقا شیرازی فرا گرفت. سپس به قم عزیمت نموده و از محضر علمای اعلام و آیات عظام: حاج آقا حسین بروجردی، حاج سیّد محمّد تقی خوانساری، حاج سیّد محمّد حجّت، امام خمینی، سید شهاب الدّین مرعشی نجفی، سیّد احمد خوانساری، حاج شیخ مهدی مازندرانی، علّامه سیّد محمّد حسین طباطبائی و حاج شیخ رضی تبریزی بهره برد. سپس با پدر بزرگوار به زیارت عتبات عالیات مشرّف شد و در سال ۱۳۳۵ش به تهران عزیمت نموده و در آنجا اقامت گزید. مدتی در مدرسه محمّدیّه مقابل مسجد جامع تهران تدریس نمود. سپس در مدرسه برهان آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری به تدریس و اقامه جماعت مشغول شد و آن گاه با دستور آیت اللّه بروجردی و به خواست مردم در مسجد نوروز

۱- فهرست گوهرشاد، ص۴۳۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۳؛ تلامذهالعلامه المجلسی، ص ۱۶۰.

۲- الکواکب المنتشره، ص۱۴۲.

۳- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۴۵.

زاده به اقامه جماعت پرداخت. وی در انجام امور خیریه و مجالس علمی و انجمن های خیریه سعی و کوشش وافر مبذول می دارد و در کمک به نیازمندان و حل مشکلات شرعی و اجتماعی مردم پیش قدم بوده است. از اقدامات او تأسیس مؤسسه علمی و فرهنگی میرداماد در تهران است. وی در کمک به مبارزان انقلاب در سال ۱۳۵۷ش فعالانه عمل نموده و در جریان جنگ ایران و عراق به پشتیبانی از رزمندگان پرداخته و برای جمع آوری کمک اقدام نموده و در جبهه نیز حضور داشته است.

وی رساله ای مختصر در احوال سادات میردامادی و سلسله نسب و علماء آنها تألیف نموده که در حاشیه تذکره القبور به طبع رسیده است.

او از آیات عظام شیخ مهدی مازندرانی، مرعشی نجفی و سیّد جمال الدّین گلپایگانی اجازه دارد.(۱)

میرزا محمّد جعفر میردامادی

میرزا محمّدجعفر بن میرزا محمّدحسین میردامادی سدهی عالم فاضل، در سال ۱۲۶۰ق متولّد شده و از اصفهان در خدمت آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی صاحب روضات و برادرش آقامیرزا محمّدهاشم چهارسوقی و حاج شیخ محمّدباقر نجفی تلمّذ نمود. در قناعت و زهد و تقوا مشهور بود و سرانجام در سال ۱۳۳۵ق در هنگام گرفتن وضو به سکته قلبی مبتلا شده و وفات یافت و در روستای «اندوان» سِدِه [خمینی شهر کنونی] مدفون شد.(۲)

۱- خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، صص ۲۸۸-۲۷۶؛ لطائف غیبیه: مقدمه، ص سی و چهار؛ رجال اصفهان یا تذکرهالقبور، ص۲۳۶.

۲- رجال اصفهان یاتذکره القبور، ص۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۸ و ۴۳۹؛ لطائف غیبیّه، ص۳۲.

میرزا محمّدجعفر طرب نائینی

میرزا محمّدجعفر متخلّص به «طرب» فرزند میرزا محمّد حسین نائینی شاعر، ادیب و منشی دانشمند، در اصفهان متولّد شده و در این شهر نزد ملّا محمّدعلی عقدائی، صرف و نحو، منطق، تفسیر و معانی و بیان را فراگرفت و علوم عقلی را از ملّامحمّد اسماعیل واحدالعین آموخت. در عرفان نیز محضر ملّا ولی اللّه هزارجریبی مازندرانی را درک کرد و عروض وقافیه را از آقا محمّدکاظم واله اصفهانی کسب نمود. سپس به تهران رفته و مورد عنایت میرزا عبدالوهاب معتمد الدّوله (نشاط) قرار گرفت. پس از چندی به خدمت محمّدولی میرزا قاجار حاکم یزد در آمده و ریاست دیوان انشاء را به دست آورد.(۱)

[سال دقیق وفات او به دست نیامد.

شعر را به عربی، فارسی و ترکی نیکو می سرود و در انشاء و ترسّل در روزگار خویش کم نظیر بود.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. خزینه طرب، که دیوان اشعار اوست ۲. جامع جعفری، در تاریخ یزد که به دستور عبدالرّضاخان حاکم یزد و به نام فتحعلی شاه تألیف شده است. این کتاب به همّت استاد ایرج افشار به چاپ رسیده است. ۳. قواعد السّیاقیّه که نسخه خطی آن در کتابخانه ملی تبریز موجود است. ۴. قواعد زبان ترکی ۵. لُبِّ لباب ۶. منشات (این سه کتاب نیز در کتابخانه ملی تبریز موجود است)(۲)]

از اوست:

۱- مجمع الفصحاء، ج۵، ص۷۱۴؛ الذریعه، ج۷، ص۱۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۰؛ تذکره سخنوران نائین، صص ۸۳-۸۱؛ دیوان طرب اصفهانی، صص ۲۳۵ و ۲۳۶؛ تذکره شبستان، ص۷۳۵؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۱۴.

۲- فهرست کتابخانه وزیری، ج۲، ص۴۸۳؛ نسخه های خطی، ج۴، ص۳۰۸؛ فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۱، ص۱۸۷.

آنکه از تیغ جفا کشت «طرب» را و برفت

کاش می گفت دگر وعده دیدار کجاست

ملّا محمّد جعفر جاپلقی اصفهانی

ملّامحمّد جعفر بن حسینعلی جاپلقی اصفهانی، از فضلاء و دانشمندان قرن سیزدهم هجری بوده و کتاب «تذکره الاصول» را به عربی درباره علم اصول به رشته تحریر در آورده و در یازدهم جمادی الاولی سال ۱۲۲۶ق از تألیف آن فراغت یافته است.

نسخه به خط محمّد قاسم بن عبداللّه دهقی در سلخ ماه صفر سال ۱۲۳۰ق کتابت شده و به شماره ۱۹۵۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّد جعفر اصفهانی*

محمّد جعفر بن رجبعلی اصفهانی، خوشنویس توانای قرن سزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بود و برای میرمحمّدمهدی امام جمعه کتابت می کرد.

وی مجلداتی از کتاب «اسفار» تألیف ملّا صدرای شیرازی را در سالهای ۱۲۸۰ و ۱۲۸۱ق کتابت نموده است و در کتابخانه سلطنتی سابق نگهداری می شود.(۲)

شیخ محمّدجعفر اصفهانی

شیخ محمّدجعفر بن محمّدرضا اصفهانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است.

ظاهراً در اصفهان شاگرد ملّاعلی میرزا بوده است.

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. الادعیه المجرّبه ۲. زینه العابدین، نسخه خطی آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۳۲۷؛ الذریعه، ج۴، ص۲۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۵۴.

موجود است. ۳. جواب نامه(۱)

[ظاهراً از طرفداران فرقه شیخیه بوده و نوه ملّامحمّدباقر بن ملّا محسن شیرازی، ساکن محلّه خوزان سِدِه ماربین (خمینی شهر) است.]

محمّدجعفر رجائی

محمّدجعفر صحّاف متخلّص به «رجائی» بن محمّدرضا، شاعر و ادیب هنرمند، در سال ۱۲۹۲ق در اصفهان متولّد شد و در این شهر به تحصیل پرداخت.(۲) [در صحافی ابتدا نزد آقا محمّد تقی صحاف به شاگردی پرداخت امّا چون استاد در یاد دادن فنون کار بخل می ورزید، نزد آقا محمّدحسین صحّاف رفت و در هنر صحّافی و تجلید، از اساتید زبردست اصفهان شد.(۳)]

طبع شعر نیز داشت و طبعش به شوخی و هزل مایل بود و از اعضای اوّلیه انجمن ادبی شیدا در اصفهان به شمار می رفت.

وی سرانجام در ۸ صفر ۱۳۶۵ق وفات یافت.

از اوست:

مدح و تحسین نیست در خور مردمان پست را

خیره تر سازد مدارا زنگی بد مست را

میرزا محمّدجعفر غیرت اصفهانی

میرزا محمّدجعفر غیرت [بن میرزا محمّد سعید] موسوی اصفهانی، شاعر ادیب. در اصفهان به تحصیل ادبیات و علوم دینی مشغول بوده و در سال ۱۲۱۵ق وفات یافته

۱- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۴۶؛ فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۲۹۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۳۷۴-۳۷۲.

است.(۱)

[در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم مجموعه ای شامل «رساله معمّا» تألیف جامی و «عروض سیفی» تألیف سیفی بخاری موجود است که غیرت یادداشتی مبنی بر این که این کتابها را در سال ۱۲۱۰ق مطالعه و تصحیح نموده بر روی یکی از برگهای مجموعه نوشته است.(۲)]

از اوست:

افسوس که تابوی گلی بود به گلشن

صیاد نیاویخت ز گلبن قفس ها

محمّدجعفر اَهَری

محمّدجعفر بن سلطانی علی اهری، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان به کسب علم مشغول بوده و کتاب «استبصار» شیخ طوسی را در شب جمعه غرّه ربیع الآخر ۱۰۷۴ق در اصفهان به خط نسخ کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۸ در کتابخانه علّامه طباطبائی دانشگاه علوم پزشکی شیراز موجود است.(۳)

جعفر اصفهانی

جعفر بن سلمه اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی، در ضمن اسامی کسانی که از محمّد بن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، روایت می کنند، غیر از شیخ صدوق علیه الرّحمه، عدّه ای را ذکر می کند که از آن جمله است: جعفر بن سلمه اصفهانی(۴)

۱- لغت نامه دهخدا، ذیل «غیرت»، ص۴۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۷۹۷؛ تذکره روز روشن، ص۵۹۱؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۲۶۰؛ حدیثه الشعراء، ج۲، ص۱۲۷۲؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص۷۶۶؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، صص ۶۳۲-۶۳۱؛ تذکره اختر، ص۱۵۱؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۳۷۲.

۲- فهرست احیاء، ج۱، ص۶۷.

۳- نسخه پژوهی، ج۲، ص۱۱۲.

۴- نوابع الرّواه، ص۱۶۸.

[آیت اللّه خوئی نام او را «جعفر بن سلیمان» بدون قید «اصفهانی» می نویسد و معتقد است نام پدرش تحریف شده است.(۱)]

محمّدجعفر دشت بیاضی

محمّدجعفر بن سلیمان بن محمّد تقی دشت بیاضی قائنی، از علماء و فضلای قرن یازدهم هجری است. وی نزد موسی حسینی خادم تونی و علّامه ملّامحمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخت. در پشت نسخه ای از کتاب کافی اجازه علّامه مجلسی برای او به تاریخ محرم ۱۰۸۶ق و اجازه خادم تونی، در اوائل جمادی الثّانی ۱۰۷۷ق مشهود است. این نسخه به شماره ۸۶۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

صاحب عنوان برای تحصیل به اصفهان آمده و سالها در این شهر ساکن بوده است.

سیّد جعفر حسینی

سیّد جعفر بن سیّد محمّدشفیع حسینی، از فضلاء اوایل قرن دوازدهم هجری است. وی کتاب «الاربعون حدیثاً» تألیف علّامه مجلسی را به خط نسخ در دوشنبه ۲۰ ذی الحجه ۱۱۱۲ق کتابت کرده است. در حاشیه نسخه مطالب فراوانی از «اربعون حدیث» شیخ بهائی و «مرآه القعول» علّامه مجلسی نقل شده است.

نسخه به شماره ۱۴۴۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

[وی ممکن است فرزند میرمحمّدشفیع مستوفی مؤلف کتاب «بحر الفوائد» باشد. همچنین احتمال می دهیم او همان ابوالمظفر محمّد جعفر حسینی مؤلّف «التّحفه النّوابه» باشد. واللّه اعلم.]

وی همچنین نسخه ای از کتاب «الاستبصار» تألیف: سیّد مرتضی را به خط نسخ در

۱- معجم رجال الحدیث، ج۴، ص۶۸؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۱۹۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص ۵۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۲۱؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۴۷ و ۳۴۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۴۹.

سه شنبه ۱۴ صفر ۱۱۱۵ق کتابت نموده که به شماره ۲۹۶ در کتابخانه علّامه طباطبائی دانشگاه علوم پزشکی شیراز موجود است.(۱)

محمّدجعفر رویدشتی

محمّدجعفر بن محمّد شفیع رویدشتی اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. او در سال ۱۱۳۱ق مالک «حاشیه ملّا میرزاجان باغنوی» بوده است.(۲)

محمّدجعفر نائینی

محمّدجعفر بن محمّدشفیع نائینی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. وی ظاهراً از شاگردان ملّامحمّدجعفر سبزواری بوده است. وی کتابهای «الوتیره»، «رؤیهالهلال» و «التّکبیرات السّبع، تألیف ملّامحمّد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری را در رجب ۱۱۲۲ق کتابت نموده که به شماره ۴۷۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

ملّا محمّدجعفر اصفهانی

ملّامحمّد جعفر بن محمّد صادق، عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری. وی کتاب «دستور دعای سیفی» را به فارسی در ربیع الاوّل ۱۱۳۴ق برای میرزا ابوالحسن تألیف نموده است. متن دعا به خط میرزا احمد نیریزی و تاریخ کتابت سال ۱۱۲۳ق می باشد. این نسخه به شماره ۳۱۴۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.

صاحب عنوان در اصفهان ساکن بوده و بعد از سال ۱۱۳۴ق وفات یافته است.(۴)

۱- نسخه پژوهی، ج۲، ص۱۱۵.

۲- الکواکب المنشره، ص۱۳۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص۸۴.

۴- الذریعه، ج۸، ص۱۵۳؛ الکواکب المنتشره، ص۱۳۷؛ فهرست الفبائی رضوی، ص۲۴۹.

ملّا محمّد جعفر وصاف اصفهانی

ملّا محمّـد جعفر بن آقا محمّد صادق اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۶۸ق کتاب «شرح تصریف» ملّاسعد تفتازانی را در حال دماغ سوختگی و بی دماغی کتابت نموده است. نسخه به شماره ۶۸۹ در کتابخانه آیت اللّٰه گلپایگانی موجود است.(۱)

میرزا محمّد جعفر اسیر اصفهانی*

میرزا محمّد جعفر متخلّص به «اسیر» بن محمّد صادق شریف اصفهانی، شاعر ادیب و طبیب لبیب، از شعرا و دانشمندان قرن دوازدهم هجری. در اصفهان متولّد شده و از دانشمندان این دیار از جمله آقا محمّـد بیدآبادی(۲) و محمّـد نصیر طبیب اصفهانی، بهره کامل برده و در انواع فنون علم و ادب خصوصاً شعر و ادبیات، انشاء، تاریخ، طب، ریاضیات، نجوم، هیأت، حکمت و... استاد بوده است. سپس به یزد آمده و در آنجا به طبابت مشغول شده است.

شیخ عبدالنّبی قزوینی از علمای متبحّر قرن دوازدهم هجری در آن زمان ساکن یزد بوده و از رفقای صمیمی و معاشران او بوده، در کتاب خود با اوصاف و القاب عالی او را ستوده و مراتب عالی علم و فضیلت او را بیان نموده است.(۳)

اما تذکره نویسان و شعرای معاصر او ضمن اینکه به مقام علمی و ادبی او و حذاقت وی در طب اذعان و اعتراف نموده اند، او را به خاطر غرور و نخوت و بُخل زیاد نکوهش کرده اند.(۴)

هنگامی که آذر بیگدلی مشغول تألیف «تذکره آتشکده» بود و احوال معاصرین را می نگاشت، شخصی را به یزد فرستاد تا تعدادی از اشعار او را اخذ کرده و نزد آذر

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۱۱.

۲- تجربه الاحرار، ص۱۷۵.

۳- تتمیم امل الآمل، صص۹۷ و ۹۸.

۴- تذکره اختر، ص۳۰؛ تذکره سفینه المحمود، ص۱۴۷.

بیاورد تا آذر ابیاتی را در تـذکره خود درج نمایـد. میرزا محمّد جعفر پیغام داده بود که آذر باید «تذکره» خود را بفرسـتد تا او ببیند این کتاب قابل آ ن هست که اشعارش در آن بیاید یا نه؟!(۱)

از قرائن بر می آیـد که محمّد تقی خان حاکم یزد به او اعتماد فراوانی داشـته و هنگامی که یکی از اهالی هند می خواسـتند با پرداخت مبلغ کلانـی او را با خود به هنـد ببرنـد و میرزا جعفر در هنـد طبابت کنـد، خان مانع شـده و پرداخت آن مبلغ به میرزا جعفر را تَقَبُّل کرده است.(۲)

ظاهراً او اوایل قرن سیزدهم هجری را نیز درک کرده و اشعاری را در مدح حاکم وقت یزد، علینقی خان سروده است.(۳)

اختر بیگ گرجی در باب شـعرهای او می نویسد: «در عالم شعری میلش به قصیده بوده دیوانش به نظر رسیده تخمیناً هزار بیت می شود.

...شعری که قابل تذکره باشد، ندارد. ملّایانه شعر می گفته...»(۴)

این شعر از اوست:

به جز من که با لشکر غم ستیزم

که دیده تنی، با سپاهی آید

پس از مرگ، کی برق آهم گذارد

که از تربت من گیاهی بر آید(۵)

محمّد جعفر خطیب کاشانی*

محمّدجعفر بن محمّدصادق خطیب کاشانی، از فضـلاء قرن یازدهم هجری است. او در اصـفهان نزد عدّه ای از علما و فقهاء به تحصیل پرداخت که از جمله: علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را می توان نام برد. او نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» تألیف شیخ صدوق

۱- جامع جعفری، ص ۴۹۰.

۲- تذکره شبستان، ص ۵۹.

۳- جامع جعفری، ص ۴۹۰.

۴- تذکره اختر، ص ۳۰.

۵- سایر منابع: دانشنامه مشاهیر یزد، ج ۱، ص ۱۳۸؛ فرهنگ سخنوران، ص ۶۱؛ تذکره منظوم رشحه، ص ۱۶.

را در سال ۱۰۸۸ق به خط نسخ کتابت کرد. این نسخه که حاشیه نویسی و بلاغ به خط مجلسی دارد، علّامه برای محمّدجعفر در ربیع الاوّل ۱۰۸۸ق در پایان آن نسخه اجازه ای نوشته است.(۱)

حاج محمّدجعفر لنگرودی

حاج محمّدجعفر بن محمّدصادق لاهیجی معروف به «لنگرودی» از اجلّه حکماء و افاضل مدرّسین فلسفه در قرن سیزدهم هجری است.

در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از علمای اصفهان به تحصیل پرداخته است و فلسفه را نزد ملّا علی نوری تحصیل نموده است.(۲)

[استاد همایی میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی و ملّا محراب گیلانی را از اساتید او دانسته است.(۳) ولی شاگردی حاجی لنگرودی نزد میرزا ابوالقاسم مدرس مورد تردید است.

لنگرودی در اصفهان مجلس درس برپای داشته و شاگردان زبده ای همچون آقا علی مدرس حکیم، آقا محمّدمهدی کلباسی، ملّا محمّد تنکابنی و آقا محمدرضا قمشه ای از او کسب فیض کرده اند.

وی در ۹ ربیع الثانی ۱۲۶۰ق وفات یافته است.

شیخ محمّدحسین رشتی از نوادگان حکیم لنگرودی نقل می کردند:

«دست نوشته ای به خط حاج میرزا محمود کلباسی دیدم که نوشته بود: امروز که روز هفتم وفات مرحوم سیّد حجّهالاسلام شفتی است، حاج محمّدجعفر لنگرودی هم وفات یافتند. نماز مرحوم سیّد را فرزندشان حاج سیّد اسداللّه خواندند و نماز حاج محمّد جعفر را حاجی محمّدابراهیم کلباسی خواندند».

مرحوم رشتی می افزاید: «جنازه مرحوم لنگرودی به نجف اشرف انتقال یافته و در

۱- فهرست مرعشی، ج۲۵، ص۱۷۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۳.

۳- شرح رساله مشاعر، ص۱۵.

قبرستان وادی السّلام، نزدیک مقبره هود و صالح علیهما السلام دفن شد».(۱)

فرزندش میرزا محمّدکاظم از فقهاء قرن سیزدهم هجری است. میرزا حسین تحویلدار که معاصر اوست درباره او می نویسد: «مرحوم حاجی محمّد جعفر لاهیجی، کهنه استاد بوده و پسرش مرحوم حاجی میرزا محمّدکاظم با فقهاء پیوند نمود، [صبیه مرحوم حاج محمّد مهدی) کلباسی را گرفت] طریق فقاهت را پیمود، باب علم پدر از اولادش مفتوح نشد.»(۲)

کتب زیر از تألیفات و آثار اوست:

۱. «رساله در اصالت وجود» (۳) ۲. «حاشیه بر شرح جدید تجرید» که آن را بر بخش «الهیات» شرح تجرید و قوشچی و حاشیه خفری نوشته است. نسخه ای از آن به شماره ۲۱۹ در کتابخانه اهدایی آقای مشکاه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و نام کاتب و تاریخ کتابت آن معلوم نیست. (۴) ۳. «شرح حکمت العرشیه» که نسخه ای از آن نزد شیخ احمد شیرازی بوده و او قصد چاپ آن را داشته است. (۵) ۴. «شرح مشاعر» که آن را در سال ۱۲۵۱ق به خواهش حاج میرزا آقاسی صدر اعظم محمّد شاه قاجار نوشته است. نسخه ای از آن در جمعه ۹ جمادی الثّانی ۱۲۵۵ق کتابت شده و به شماره ۳۰۲ جزو کتب اهدایی آقای مشکاه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۶)

نسخه دیگری از این کتاب که محمّدرضا تبریزی آن را در رمضان ۱۲۵۵ق در اصفهان کتابت کرده است، به شماره ۷۴۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۷)

نسخه ای از «شرح مشاعر» لنگرودی به شماره ۳۹۸/۲ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است که میرزاحسین گرجی در سال ۱۲۷۸ق به امر آقامیرزا

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با مرحوم شیخ محمّدحسین رشتی در ۵ خرداد ۱۳۷۰ش.

۲- جغرافیای اصفهان، ص۶۸.

۳- به نقل از مرحوم شیخ محمّدحسین رشتی.

۴- فهرست مشکاه، ج۳، ص۲۳۶.

۵- الذریعه، ج۱۳، ص۳۶۸.

۶- فهرست مشکاه، ج۳، ص۲۸۲.

۷- فهرست رضوی، ج۴، ص۱۹۲.

عبدالکریم کتابت کرده است.(۱) نسخه دیگری نیز به شماره ۳۳۲۰ در کتابخانه مسجداعظم قم موجود است که در سال ۱۲۵۹ق کتابت شده است. (۲) ۵. «شرح ابیات محمود دهدار» که میرزا حسین گرجی آن را کتابت کرده و به شماره ۳۹۸/۳ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۳)]

شیخ محمّدجعفر شیخ الواعظین هرندی

شیخ محمّدجعفر شیخ الواعظین بن ملّا محمّدصادق لسان الواعظین بن محمّدجعفر بن ملّا عبداللّه هرندی، عالم فاضل و واعظ محدث. در ۲۱ رمضان ۱۳۱۹ق وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک مزار فاضلان مدفون گردید.(۴)

محمّدجعفر هرندی

محمّدجعفر بن محمّدصادق هرندی از فضلاء قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۳۶ق رساله «اللباب» یا «رساله علم اللّه تعالی» و نیز رساله «قرهالعیون» هر دو از تألیفات فیض کاشانی را به خط نسخ نوشته و ضمن مجموعه شماره ۹۲۱ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۵)

محمّدجعفر رشتی

محمّدجعفر بن محمّدصالح رشتی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است وی نسخه ای از «شرح مختصر النافع» (صغیر) تألیف سیّد علی طباطبائی حائری (از کتاب النکاح تا

۱- فهرست صدر بازار، ج۲، صص۲۸۳ و ۲۸۴.

۲- فهرست اعظم قم، ص۲۶۴.

۳- فهرست صدر بازار، ج۲، صص ۲۸۳ و ۲۸۴؛ سایر منابع: الکرام البرره، ج۱، صص ۲۳۹ و ۲۵۷؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۲۴؛ الذریعه، ج۶، ص۱۱۴ و ج۲۱، ص۲۰۶؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۱۴۸.

۴- جلوه افلاکیان، مخطوط.

۵- فهرست فیضیه، ج۳، ص۳۹.

پایان کتاب الـدیات) را به خط نسخ کتابت نموده و تصـحیح نموده است. این نسـخه به شـماره ۸۴۷ در کتابخانه مدرسه صدر اصفهان موجود است.(۱)

همچنین وی نسخه ای از کتاب «مطالع الانوار» جلد چهارم تألیف حاج سیّد محمّدباقر حجّهالاسلام شفتی را مقابله نموده است.

شیخ جعفر در اصفهان ساکن و احتمالاً از شاگردان مجلس درس سیّد حجّهالاسلام بوده است.(۲)

حاج محمّد جعفر آباده ای

حاج محمّـد جعفر بن محمّـد صـفی صُـغادی آباده ای فارسـی، عالم کامل، فقیه محقّق مدقّقٍ. از علماء بزرگ اصـفهان در قرن سیزدهم هجری. سـال تولـد او در جـایی ثبت نشـده است. تنهـا در کتـاب فارسـنامه ناصـری فـوت او را در سن ۹۰ سالگی می نویسد.(۳) [لذا احتمالاً او در حدود سال ۱۱۹۰ق در روستای «صُغاد» از توابع شهرستان آباده متولّد شده است.]

وی در اصـفهان نزد دانشـمندان عالیقدری چون حاج محمّد ابراهیم کلباسـی، حاج سیّد محمّدباقر حجهالاسلام شفتی، آقا سیّد محمّد مجاهد به تحصـیل پرداخت. دروس فلسفی و عرفان را نیز نزد ملّا اسماعیل واحدالعین، سیّد رضی لاریجانی و احتمالاً ملّا علی نوری فراگرفت.(۴)

او از مجتهـدین صـاحب فتوا و مرجع امور شـرعی مردم و صاحب رساله عملیه بود و تا آخر عمر در اصـفهان اقامت نموده و به تـدریس و تـألیف و تحقیق و افتـاء و راهنمایی مردم و قضاوت مشـغول بود. «عظماء علماء در حضـرت او خویشـتن را خُرد می شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می بردند. در عُلُوّ درجه فقاهت و

۱- فهرست صدر بازار، ج ، ص ۶۳۵.

۲- تراجم الرجال، ج۲، ص۶۴۷۳؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۸۷.

۳- بیان المفاخر، ج۱، ص ۲۸۹.

۴- تاریخ اصفهان(تکایا و مقابر)، ص۲۹۷.

سَمُوّ مقام زهد و عبادت، همه معاصرین بر وی غبطه می آوردند و در ادبیات و فقه اللّغه و علم رجال و درایه نیز کم نظیر بود»(۱) و «از هر علم کتابی در حفظ داشت. مانند «الفیه» در نحو، «زبده» در اصول و «قانونچه» در طب و «مختصر تلخیص» در فصاحت و «تهذیب» در منطق و «تجرید» در کلام و «مختصر نافع» در فقه «او بسیار زیرک و دانا و با تدبیر به خصوص در مرافعات و تمام کردن آنها بود. رساله عملیه نوشته و مقلدینی هم داشت و معروف است که قرار او ثبت اموراتیکه در نزد او می شده بوده که من بعد اشتباه کاری نشود و مزاح های شیرین و شوخی ها و خوش صحبتی های بسیار نظیر آقا جمال خوانساری داشت.»(۲)

برای او در محلّه جماله اصفهان مسجدی ساخته شد که به نام «مسجد حاج محمّد جعفر» معروف است و مقابل بازار بزرگ اصفهان واقع شده است. حاجی آباده ای در آن اقامه نماز می فرمود. شرح معماری و تزئینات مسجد در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان آمده است.(۳)

او سرانجام در شب شنبه ۱۹ رمضان المبارک سال ۱۲۸۰ق در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد مدفون گردید. سپس میرزا سلیمان خان رکن الملک شیرازی نایب الحکومه اصفهان جهت او تکیه ای بنا نمود که به نام او مشهور است.(۴)

ماده تاریخ فوتش را میرزا علیرضا لنجانی معروف به «آقاجان پرتو» در آخر مرثیه ای چنین گفته است.

سال تاریخش ز پرتو شد سؤال

گفت «اللهم نَوِّر مضجعه»(۵)

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱- چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۱۹۷.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۳۱ و ۳۲.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۷۹۲-۷۸۹.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۴۸.

۵- مکارم الآثار، ج۷، ص۲۳۱۹.

۱. [«بحر الاـصول»] (۱) ۲. «تعلیقه بر رجـال وسـیط استرآبادی» (۲) ۳. «تعلیقه بر تلخیص الاـقوال» اصل نسـخه مورخ ۱۰۴۷ق است و مرحوم آباده ای بر آن تعلیقه نوشـته و نسـخه نزد ملّا محمّدصالـح مازنـدرانی سـمنانی موجود بوده است. (۳) ۴. «رساله حمـامیّه» در محـل نزاع حمام منسوب به شـیخ بهائی در محلّه مسـجد جامع ۵. «رساله عملیه» ۶. «سؤال و جواب»(۴) مطبوع ۷. «شرح اَسماءُ الحُسنی» که نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه مروی در تهران(۵) و نسخه ای دیگر به شماره ۱۷۸۴ در کتابخانه مرکز احیـاء میراث اسلامی در قـم موجـود است. (۶) ۸. «شـرح کـافی» که میرسـیّد علی بن محمّدمهـدی درب امامی موسوی اصفهانی، در سال ۱۲۶۳ق به خط نسخ کتابت کرده و به شماره ۹۶۰۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (۷) ۹. «شرح تجرید الکلام» ۱۰. «شرح دروس» (۸) ۱۱. «صـیغ العقود و الایقاعات» که به فارسی در سال ۱۲۶۲ق تألیف شده و نسخه ای از آن به خط نسخ «عبدالمجید» در روز شنبه ۲۹ شعبان ۱۲۶۳ق کتابت شده و به شماره ۲۱۱۰ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی وجود دارد.(۹) نسـخه دیگری به خط رمضانعلی سِدِهی لنجانی، به شـماره ۹۹/۶ در مـدرسه صدر خواجو در اصـفهان موجود است.(۱۰) نسـخه ای نیز به ضـمیمه «الرّوضه البهیّه» شـهید ثـانی توسط محمـدعلی بن محمّـد حسـین تبریزی کتابت شـده و در کتابخـانه آیت اللَّه علّامه سیّد محمّـدعلی روضاتی وجود دارد. (۱۱) ۱۲. «عبـادات» نسـخه ای از آن که ناتمـام مانـده است به شماره ۱۲۷۴۶/۱ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی(۱۲) و نسخه ای دیگر که در سال ۱۲۶۳ق کتابت شده، به شماره

۱- نزهه الاخیار، ص۵۷۹.

۲- الذریعه، ج۱۰، ص۱۰۳.

۳- الذریعه، ج۷، ص۹۶.

۴- رجال اصفهان یا تذکرهالقبور، ص۳۲.

۵- فهرست مروی، ص۳۳۲.

۶- فهرست احیاء، ج۵، ص۲۰۲.

۷- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۷، ص۴۳۳.

۸- رجال اصفهان یا تذکرهالقبور، ص۳۲.

۹- فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۲۳.

۱۰- فهرست صدر خواجو، ص۷۶.

۱۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۴۱۷.

۱۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۳۹۶.

۷۹۶ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۱) ۱۳. «فقه جعفری» در دو مُجَلَّد که جلد اول آن به فارسی و جلد دوم به عربی است. نسخه ای از آن به شماره ۱۲۷۴۶/۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) نسخه ای به خط محمّد صابر بن ابوالقاسم ورنوسفادرانی به شماره ۱۹۶۴/۴ در کتابخانه احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۳) ۱۴. «فهرست کافی که نسخه ای از آن به خط سیّد علی بن محمّد مهدی درب امامی موسوی اصفهانی که در سال ۱۲۶۴ق کتابت شده به شماره ۳۲۰۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴) نسخه ای دیگر به شماره ۷۰۸۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران نگهداری می شود.(۵) همچنین نسخه ای که در سال ۱۲۶۶ق کتابت شده، به شماره ۲۱۸۲ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۶) ۱۵. «مرایا» در اصول ۱۶. «معاملات» به فارسی که به شماره ۷۷۱ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۷) ۱۷. «نقود المسائل الجعفریّه» به فارسی و عربی (ملّمع) موجود نزد آیت اللّه حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان(۸)، در سه مجلد که جلد سوم آن در ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۱ق در دارالطّباعه حاج عبدالمحمد چاپ سنگی شده است.(۹) ۱۸. «الوجیزه» که نسخه های فراوانی از آن در کتابخانه ها موجود است و در سال ۱۲۴۶ق در اصفهان در مطبعه معتمدی چاپ حروفی شده است.(۱۰) مرحوم حاجی آباده ای کتاب «تحفه الابرار» استادش حاج سیّد محمّدباقر

۱- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۵۹۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۳۹۶.

۳- فهرست احیاء، ج۵، ص ۴۰۰.

۴- فهرست مرعشی، ج۹، ص۱۱.

۵- فهرست مجلس، ج۲۵، ص۹۵.

۶- فهرست احیاء، ج۶، صص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۷- فهرست صدر بازار، ج۳، ص ۵۷۵.

۸- مکارم الآثار، ج۷، ص۲۳۱۵.

۹- فهرست کتب چاپ سنگی عمومی اصفهان، ص۲۵۹.

۱۰- فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۲۳ و ج۲، ص۱۳۴؛ نسخه پژوهی، ج۳، ص۸۲؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۷۰۳؛ آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۳۶۸؛ فهرست خاندان میبدی، ص۳۴؛ فهرست احیاء، ج۴، ص۳۶۲؛ فهرست رضوی، ج۱۲، ص ۳۵۰؛ فهرست مدرسه حجتیه، ص۳۰۱.

حجه الاسـلام شـفتی را تلخیص کرده و آن را «وجیزه» نامیـده اسـت. ۱۹. «هـدایه الاخیـار» که آن را از کتـاب «تحفه الابرار» استادش سیّد حجهالاسلام انتخاب نموده که نسخه ای از آن در کتابخانه شخصی ناصر میبدی کرمانشاهی در مشهد مقدس و نسخه ای دیگر در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم و نسخه ای دیگر در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار [شهید مطهری فعلی] موجود است.(۱) ۲۰. «تحفه المیتین» در احکام مردگان که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی به شماره ۶۲۹۶ موجود است.(۲)

ملّا محمّدجعفر کرباسی*

آخوند ملّا محمّدجعفر کرباسی بن محمّد طاهر خراسانی، عالم فاضل و عارف زاهد. در سال ۱۰۸۰ق متولّد شد. ظاهراً زادگاه او محلّه «حوض کرباس» هرات است. وی در اصفهان به تحصیل پرداخته و به مقامات عالی علم و عمل دست یافت. از اساتید او اطلاعی در دست نیست. خود او در کتاب «نوادر الاخبار» از علّامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی به عنوان اساتید خود نام می برد. «صاحب روضات» نیز احتمال داده است که صاحب عنوان شاگرد ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) و استاد ملّا محمّد اسماعیل خواجوئی باشد.

او مانند استادش مجلسی پیرو مشرب اخباری بوده است. پس از حمله افغان ها به اصفهان و سقوط حکومت صفویه، به یزد مهاجرت کرده است.

به نوشته «ریاض الجنّه» آن جناب اعجوبه عهد خود بوده است. و معاصرین او

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۳۵؛ فهرست شخصی میبدی، ص۱۰۰؛ الذریعه، ج۲۵، ص۱۶۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۶، ص۱۶۶؛ سایر منابع: ریحانه الادب، ج۱، ص۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۰-۲۷؛ احسن الودیعه، صص ۴۰-۳۸؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۲۶؛ دائره المعارف تشیع، ج۱، ص۴؛ الکرام البرره، ص۲۵۹؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۵۹؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، صص ۸۶ و ۸۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۳۲۵ و ۳۲۶؛ معجم المؤلفین، ج۹، صص ۱۴۸ و ۱۵۵؛ مصفی المقال، ص۱۱۰؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۵۹؛ تاریخ اصفهان(جابری)، صص ۱۳۵ و ۱۷۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۱ و ۳۲.

کرامات بسیار و خوارق عادات بی شمار از او نقل می کنند. او از شدّت ریاضت نفس و از فرط جوع و عطش، در اواخر عمر نابینائی عارض شده بود و با وجود نابینائی مانند چشم داران می دید و ایما و اشاره مردم را درک می کرد. و از مغیبات خبر می داد و چند روز علانیّه می مرد و باز زنده می شد. و ده روز مطلقاً اکلّ و شرب نمی کرد،... به مرتبه ای انقطاع از دنیا داشت که مفاد: «موتوا قبل ان تموتوا» را بر عالمیان روشن کرده بود.»

آخوند کرباسی در نهایت زهد و پارسایی زندگی می کرده و از راه شعربافی اعاشه می نموده است. وی در مسجدی واقع در محله شاه ابوالقاسم یزد اقامه جماعت می نموده و اکنون به مسجد آخوند کرباسی معروف است.

سال دقیق وفات او معلوم نیست. او کتاب «طباشیر» را در سال ۱۱۵۱ق نوشته و تا این سال زنده بوده است. او در یکی از آثار خود، سال وفاتش را پیش بینی کرده است. بر روی سنگ مزار او بدون ذکر روز وماه، سال ۱۱۵۰ق ذکره شده است. ظاهراً این سنگ نوشته سالهای پس از فوت او بر روی قبر قرار داده شده و سال وفات به صورت تقریبی و با حدس و گمان سنگ قبر حک گردیده است. مزار آخوند کرباسی در قبرستان جوی هرهر یزد زیارتگاه اهل معرفت است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاصحاب» استخراج شده از کتاب «سیر السلف» اسماعیل بن محمّد طلحی اصفهانی ۲. «اصحاب النّبی الممدوحین» ۳. «اکلیل المنهج» در علم رجال که در تتمیم «منهج المقال» میرزا محمّد استرآبادی نوشته شده است. ۴. «اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام» ۵. «حاشیه بر کفایه الاحکام» محقق سبزواری ۶. «طباشیر» ۸. «گوهر مراد» در نصیحت به فرزندش که در سال ۱۱۲۳ق تألیف نموده است. ۹. «مسائل ایادی سبا» شامل پاسخ علّامه مجلسی به پرسشهای فقهی شاگردانش بوده و در سال ۱۱۲۷ق تألیف شده و شامل ۱۲ باب بوده و از احکام طهارت شروع می شود و به احکام میراث و احکام متفرّقه ختم می شود. ۱۰. «معرفه السّلوک» به فارسی. ۱۱. «نودر الاخبار» که در شب سه شنبه ۲۹ ذیعقده ۱۱۲۲ق آن را به پایان رسانیده است. ۱۲. «الصُّحُف

الادریسیّه»(۱)

میر سیّد محمّد جعفر خاتون آبادی

میرسیّد محمّد جعفر بن میرسیّد عبدالحسین بن میرسیّد محمّد باقر حسین خاتون آبادی، عالم فاضل کامل. در سال ۱۰۶۴ق در اصفهان به دنیا آمد و نزد علماء اصفهان از جمله پدر بزرگوار خود تحصیل نمود و سرانجام در سال ۱۱۲۷ق وفات یافت جنب پدر بزرگوار خود در تکیه آقا حسین خوانساری واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

پدر بزرگوارش میرسیّد عبدالحسین در کتاب خود «وقایع السنین و الاعوام» درباره تولد او می نویسد:

«ولادت سیّد النّجیب الحسیب قره العینی و ثمره الفؤادی میر محمّد جعفر بن أمیر عبدالحسین الحسینی الخاتون آبادی محرم هزار و شصت و چهار»(۳)

میرزا محمّد جعفر محلّه نوئی

میرزا محمّد جعفر محلّه نوئی بن آقا عبدالحسین امین العلماء بن حاج ملّا محمّد شفیع بن ملّا محمّد خوئی، عالم فاضل و فقیه محقّق، در خانواده ای روحانی در اصفهان متولّد شده و نزد علمای اصفهانی همچون حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی و میرزا ابوالمعالی کلباسی به تحصیل پرداخت. وی در ایّام تحصیل هم مباحثه با آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی بود و بعداً از او اجازه دریافت نمود.

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۹۷-۹۵؛ جامع جعفری، صص ۲۹۳ و ۲۹۴؛ ریاض الجنّه، ج۲، صص ۲۸۶-۲۸۲؛ اعیان الشیعه، ج۴۴، صص۱۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۹ و ۴۴۰؛ یادگارهای یزد، ج۲، صص ۳۶۲ و ۹۰۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۴۹؛ مصفی المقال، ص۱۰۶؛ الذریعه، ج۲۰، ص۳۳۷ و ج۲۱، ص۲۵۷، و ج۲۳، ص۲۲۹ و ج۲۴، ص۳۴۳ و ج۱۵، ص۱۴۵؛ تلامذهالعلّامه المجلسی، ص۸۸؛ معجم المؤلّفین، ج۹، ص۱۵۵؛ هفته نامه ندای یزد، شماره ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳، مورّخ خردادماه ۱۳۷۰ش؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۲، ص۴۴۱.

۲- الکواکب المنتشره، ص۱۳۴.

۳- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۱۹.

[میرزا محمّد جعفر عالمی اهل جود و سخا بود و بسیاری از مستمندان و نیازمندان از احسان و بخشش او برخوردار شدند. او پشت و پناه مظلومین و مردم بی پناه در برابر حکّام زورگو و ظالم بود.

ظلل السّلطان حاکم جائر اصفهان، پس از آن که دستور محو و نابودی بسیاری از کاخ ها و عمارت های با شکوه صفویه را صادر کرد و عوامل و مزدوران او به این کار زشت اقدام کردند، عمارت باغ قورچی باشی در اراضی جنوبی اصفهان را تخریب کردند. این عمل مورد اعتراض و مخالفت میرزا جعفر قرار گرفت. لذا ظل السّلطان از کینه ای که داشت دستور داد، زمین ها و املاک او را تصرّف کنند. میرزا جعفر نیز بارها به تهران رفته و علیه ظل السّلطان شکایت کرده و فرمانی از مظفرالدّین شاه (برادر ظل السّلطان) گرفت و موفق به پس گرفتن زمین ها و املاک خود شد.(۱)]

وی سرانجام در ۲۲ ماه رجب المرجّب ۱۳۲۸ق وفات یافته و در آرامگاه خانوادگی جنب تکیه آقا حسین خوانساری، در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ محمّد جعفر گزی

شیخ محمّد جعفر بن آخوند ملّا عبدالکریم جزی، از فضلاء و ائمه جماعت اصفهان.

وی در سفر زیارت مرقد مطهر امام رضاعلیه السلام در روز ۱۴ ذیقعده ۱۳۸۳ق در مشهد مقدس وفات یافته و [همانجا مدفون شد(۳)]

[مجموعه ای شامل «تفسیر سوره نور» و «تفسیر سوره زلزال» و «تفسیر سوره واقعه» هر سه از تألیفات صدرالمتألهین شیرازی، به شماره ۳۰۲ در کتابخانه مدرسه چهلستون تهران، به خط محمّدجعفر جزی، بدون ذکر تاریخ کتابت موجود است که به

۱- به نقل از یادداشت های شاعر و ادیب توانا استاد فضل اللّه اعتمادی متخلّص به «برنا»؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۸۰۶.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۰.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۵؛ فرهنگ و تاریخ گز و برخوار، ص۱۲۰.

احتمال زیاد به خط همین شیخ محمّدجعفر فرزند آخوند گزی می باشد.(۱)]

جعفر بن عبداللّه

جعفر بن عبداللّه، از خوشنویسان زبردست دوره حکومت شاه سلطان حسین صفوی است. خط ثلث را در نهایت استادی می نوشته و مورد توجّه دربار صفویه بوده است.

وی در سال ۱۱۰۳ق کتیبه ای به خط ثلث در مدرسه کاسه گران و در سال ۱۱۱۶ کتیبه ای به خط ثلث در مسجد مصری اصفهان نوشته است.(۲)

شیخ جعفر قاضی

شیخ قوام الدین جعفر بن عبداللّه بن ابراهیم حویزی کمره ای اصفهانی معروف به «شیخ جعفر قاضی»، عالم فاضل محقق، جامع علوم و فنون، استاد علماء زمان و مرجع فتوا و احکام.

در خدمت علمای اعلام اصفهان آقا حسین خوانساری، ملّامحمّد باقر سبزواری و ملّا محمّد تقی مجلسی تلمذ نموده(۳)]و از سیّد صدر الدّین محمّد قمی، میرزا قوام الدّین محمّد سیفی قزوینی، ملّا محمّد تقی مجلسی، ملّا محمّد اکمل اصفهانی و حاج محمّد اردبیلی روایت می نماید.(۴)]

در سال ۱۰۹۸ه.ق از طرف شاه سلیمان صفوی به منصب قاضی اصفهان منصوب شده(۵) و سپس شیخ الاسلام اصفهان شد.(۶)

او داماد آقا حسین خوانساری بوده و در اصفهان به تدریس می پرداخته و جمع کثیری از فضلاء از درس او استفاده می کرده اند.

۱- آشنایی با چند نسخه خطی: ۳۷۸.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۵۸۶ و ۶۵۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۸ و ج۲، ص ۸۳۱.

۴- تلامذه العلامه المجلسی، صص ۱۹ و ۲۰.

۵- وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۴۰.

۶- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۲۸۸.

در سال ۱۱۱۵هق راهی سفر حج شده، در مسیر راه بیمار شده و در دو فرسخی نرسیده به نجف اشرف وفات یافت و ملّا محمدّ فاضل سراب او را تغسیل و تکفین نموده در صحن مطهر علوی جنب مزار علّامه حلّی در نجف اشرف مدفون نمود.(۱)

این تألیفات از اوست:

۱. «رساله در اصول دین» به فارسی [۲. «تحفه سلطانی و هدیه مجلس خاقانی» درباره فلسفه، به فارسی، نسخه آن به شماره ۱۲۶۱۶ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است و در سال ۱۳۳۹ش در تهران به ضمیمه «الرساله الطریفه فی ترجمه العلامه محمّد جعفر القاضی الکمره ای» به چاپ رسیده است. (۲) ۳. «ذخائر الدّعوات فی تعقیب الصلوات» به فارسی، که نسخه آن به شماره ۲۴۱۷ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.](۳) ۴. حاشیه بر «الروضه البهیه فی شرح اللّمعه الدّمشقیّه» ۵. حاشیه بر «کفایه المقتصد» محقق سبزواری] ۶. «شرح دعای مکسور و شکستگی»، که نسخه آن به شماره ۱۲۶۵۲ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است.](۴) ۷. «وجیزه در حکم ولایت وصی بر نکاح صغیر».

[شیخ محمّد علی حزین لاهیجی در طفولیت به همراه پدر به فیض دیدار او نایل شده و شرح حال او را ذکر نموده است اما به اشتباه مدفن او را حائر حسین علیه السلام می نویسد].(۵)

جعفر ثقفی

ابوالفضل جعفر بن عبدالواحد ثقفی اصفهانی رئیس، از محمدّثان قرن ششم هجری است. وی در سال ۵۲۳ق وفات یافته است.(۶)

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۵۳.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۳۲، صص ۳۵ و ۳۶.

۳- فهرست کتابخانه احیاء میراث، ج۶، صص ۴۰۰ و ۴۰۱.

۴- فهرست کتابخانه مرعشی،ج۳۲، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۵- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۵۹.

۶- مرآه الجنان، ج۳، ص ۲۳۰.

محمّد جعفر لاهیجی*

محمّد جعفر بن عبدالواسع لاهیجی، از فضلای قرن یازدهم هجری. وی در اصفهان ساکن بود و ظاهراً از شاگردان شیخ علی بن محمّد بن حسین عاملی از نوادگان شهید ثانی است. او کتاب «الزاهرات الزّویه» تألیف شیخ علی عاملی را کتابت نموده و شیخ علی آن را در شعبان ۱۰۸۶ق تصحیح و مقابله نموده است. نسخه حاضر در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

جعفر اصفهانی

جعفر بن ملّا علی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری بوده و] کتاب «منهاج الهدایه» تألیف: حاج محمّد ابراهیم کلباسی را به خط نسخ نوشته است، نسخه به شماره ۳۰ در کتابخانه مرحوم زنجانی در قم موجود است.(۲)

دکتر سیّد جعفر سجادی*

دکتر سیّد جعفر سجادی فرزند سیّد علی، محقّق و دانشمند معاصر. در سال ۱۳۰۳ش در روستای گارماسه لنجان متولّد شد. در کودکی به مکتب خانه رفت و سپس نزد شیخ حسین شریعت در همان روستا مقدمات را آموخت. سپس به اصفهان رفت و نزد شیخ جواد فریدنی، میرزا عبداللّه ادیب، میرزا محمّد علی حبیب آبادی، سید صدرالدین کوپائی و حاج آقا حسین خادمی به تحصیل پرداخت.

پس از آنکه به دستور آیت اللّه آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی عالم ربانی حاج سیّد عبداللّه شیرازی در کرمانشاه حوزه علمیه ای را برپا ساخت، او نیز به کرمانشاه رفته و به تدریس پرداخته و در آنجا نزد حاج شیخ حسن علّامه، حاج شیخ هادی جلیلی و آقای میبدی به کسب فیض پرداخت.

چندی بعد به تهران رفته و خدمت حضرات آیات ادیب تهرانی، حاج میرزا محمّد

۱- فهرست مرعشی، ج۲۳، ص۸۵.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ص۲۰۱.

باقر آشتیانی حاج شیخ محمّد تقی آمُلی، حاج سیّد ابوالقاسم کاشانی و مرحوم تنکابنی ادامه تحصیل داد و در این سالها موفق به اخذ اجازه از آیت اللّه شیخ محمّد تقی خوانساری شد.

همچنین به تحصیل در دانشکده معقول و منقول در تهران مشغول شد و موفق به اخذ لیسانس گردیده و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد.

وی چندین سال در ارومیه و کرمانشاه به تدریس دینی و ادبیات عرب پرداخت و بار دیگر به تهران آمده در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و دکترا گرفت. از سال ۱۳۳۸ش به دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس پرداخت. وی مدتی مدیر گروه زبان و ادبیات عرب بود و دو سال نیز به عضویت فرهنگستان زبان درآمد.

وی علاوه بر دهها مقاله علمی ارزشمند که در مجلات: وحید، مهر، معارف اسلامی، هنر و مردم، مجلّه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و... به چاپ رسانده کتابهای متعددی تألیف کرده که به چاپ رسیده اند که عبارتند از

۱. «مقدمه بر منطق» ۲. «فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی» ۳. «فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی» ۴. «فرهنگ لغات و اصطلاحات ملّاصدرا» ۵. «فرهنگ علوم عقلی» ۶. «فرهنگ علوم نقلی و ادبی» ۷. تصحیح و تعلیق «تفسیر حدائق الحقائق» تألیف: معین الدّین هروی ۸. تصحیح و تحشیه «مرقاه الُلغه» بدیع الزّمان ادیب نطنزی ۹. ترجمه «آراء اهل مدینه فاضله» فارابی ۱۰. ترجمه «حکمت الاشراق» سهروردی ۱۱. ترجمه «زبده البیان فی احکام القرآن» اردبیلی ۱۲. ترجمه «فصل المقال فیما بین الحکمه و الشّریعه من الاتّصال» تألیف: ابن رشد ۱۳. «نقد بنیاد ادب» ۱۴. «فرهنگ معارف اسلام» در ۴ جلد ۱۵. تنظیم حرف «ع» لغت نامه دهخدا (ع . عرابه) ۱۶. ترجمه و شرح بیست باب «دلاله الحائرین» ابن میمون.(۱)

۱- مجلّه کیهان فرهنگی، شماره ۵، سال ۱۳۶۵ش.

محمّد جعفر نیستانه ای

محمّـد جعفر بن معین الدّین علی نیسـتانه ای در سالهای ۱۱۱۲ و ۱۱۱۳ مجموعه ای از سه کتاب به خط نسـخ نوشـته است که عبارتند از:

۱. «احـادیث قدسیه» ۲. «عقـود الجواهر، تـألیف احمـد بن عبـداللّه کرمـانی ۳. «ریـاض الفتیـان در شـرح نصـاب الصّبیان»، این مجموعه به شماره ۳۱۷۲ در کتابخانه شورای ملی ایران موجود است.(۱)

شیخ محمّد جعفر اشراقی*

شیخ محمّد جعفر اشراقی بن ملّاعلی اکبر فشارکی، عالم فاضل متوفی ۲۲ ذیقعده ۱۳۸۹ق مدفون در تکیه ریزی در تخت فولاد اصفهان.(۲)

سیّد جعفر طباطبائی عقدائی*

حـاج سیّد جعفر طباطبـائی بن سـیّد علیرضا عقـدائی، عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. در حـدود سال ۱۲۶۱ق در «عقـداء» یزد متولّـد شـد. پس از تحصـیل مقدّمات به اصـفهان آمد و به تحصـیل مشـغول شد او با جهانگیر قشـقائی و آقا سیّد ابوالحسن اصـفهانی (مـدیسه ای) در اصـفهان هم درس بود. آنگاه برای تکمیل درسـهای خود به نجف اشـرف عزیمت کرد و نیزد علمای آن سـرزمین مقدّس به کسب فیض پرداخت. عاقبت به اصفهان بازگشت و جهت تبلیغ دین و حل مشکلات شرعی مردم راهی دهاقان شـد و سالها در آنجا به وعظ و تبلیغ و تدریس مشـغول شد و بزرگانی چون حاج ملّا حسـین امین جعفری و حاج میرزا مصطفی جعفر طیّاری از علم و فضل او برخوردار شدند.

وی سرانجام در سال ۱۳۵۱ق در سن ۹۰ سالگی وفات یافته و در مسجدی که به نام

۱- فهرست مجلس ج ۱۰، ص ۷۵۷.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی

خود او «مسجد حاج سیّد جعفر» معروف بود، در دهاقان مدفون شد.(۱)

محمّد جعفر حائری

محمّد جعفر بن محمّد علی حائری [از فضلاء و طلبه اهل علم در قرن سیزدهم هجری در اصفهان بوده و] در جمعه از سال ۱۲۲۹ق «فهرست» شیخ طوسی و «ایضاح الاشتباه» علّامه حلّی را به خط نسخ در مدرسه مبارکیه اصفهان به پایان رسانیده است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۲۵۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

میرزا محمّد جعفر شهشهانی

میرزا محمّد جعفر بن میرزا محمّد علی (میرزاجان) بن قوام الدّین محمّد بن حسین بن ابراهیم حسینی شهشهانی، عالم فاضل متقی، از بزرگان خاندان شهشهانی اصفهان بوده و ظاهراً از شاگردان حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی، حاج محمّد ابراهیم کلباسی، ملّا علی نوری و آقا سیّد محمّد مجاهد است.

وی تولیّت موقوفات شاه علاءالدّین و قریه اصفهانک را داشته و در کمال زهد و قناعت می زیسته و دختر آقا سیّد محمّدکاظم طباطبایی زوّاره ای را به زوجیّت داشته است. سال وفات او معلوم نیست.(۳)

[او در ربیع الثّانی ۱۲۵۷ نسخه ای از کتاب «عین الوصول» تألیف: آقا محمّد مهدی کلباسی را به خط نسخ کتابت نموده که به شماره ۱۲۵۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۴)]

۱- سیمای دهاقان، ص۲۷۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص ۱۳۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۴۰ و ۴۴۱؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۲، ص۱۷۳.

میرزا محمّد جعفر میردامادی

حاج میرزا محمّـد جعفر میردامادی بن حاج میرزا محمّـد علی بن سـیّد محمّـد مؤمن بن سـیّد محمّـد باقر بن میر محمّـد اشـرف سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل متّقی، از علمای اواخر دوره قاجاریه.

وی در اصـفهان نزد حاج شـیخ محمّـدعلی مسـجد شاهی (ثقه الاسـلام)، آقا سـیّد محمّـد باقر درچه ای و آقا میرزا بـدیع درب امامی به تحصـیل پرداخت. سـپس به سِدِه [خمینی شـهر فعلی]بازگشت و به ترویج دین و اقامه جماعت و حل مشکلات مردم مشـغول شد. وی سـرانجام در ذیحجه الحرام ۱۳۳۲ق. وفات یافته و در مقبره جـدّ اعلای خود میرمحمّداشـرف در سِـدِه مدفون شد.

وی تقریرات درس مرحوم درچه ای در بـاب مبـاحث «الفـاظ» «استصـحاب» و «حجیّت ظن» را به خط خود نوشـته که فرزنـد او سیّد جمال الدّین صهری، بامقدار زیادی کتاب به کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف اهداء نمود.(۱)

محمّد جعفر جیرانی اصفهانی

محمّـد جعفر بن عیسـی بن محمّـد صالـح جیرانی تبریزی اصـفهانی، عالم فاضـل، از دانشوران قرن یازدهم هجری، در اصـفهان سـاکن بوده و به روایـتی پـدرش از اهـالی محلّه جیران تبریز و بنـا به قولی دیگر از اهـالی قریه «جیران» در حومه اصـفهان بوده است. نزد جمعی از علماء از جمله ملّا حسن شیخ الاسلام جیلانی تحصیل نموده و پس از وفات پدر، سرپرست باقی فرزندان از جمله برادر کوچک ترش میرزا عبـداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» شده است. صاحب ریاض مدتی نزد این برادر دانشـمند به تحصیل پرداخته و او را ثنای بلیغ نموده است.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۷؛ لطائف غیبیّه، مقدمه ص سی و یک؛ خمینی شهری که از نو باید شناخت، صص ۳۰۶ و ۳۰۷.

۲- الکواکب المنتشره، ص۱۳۳.

محمّد جعفر نجف آبادی*

محمّـد جعفر بـن غلامعلی نجـف آبـادی، از خوشـنویسان و کاتبـان قرن سـیزدهم هجری است. وی کتـاب «زاد المعـاد» علّامه مجلسی را سال ۱۲۳۶ه.ق کتابت نموده و نسخه آن در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.

همچنیـن او در روز دوشـنبه ۲۴ صفر ۱۲۳۲ق ضـمن مجموعه ای به خط شـیخ مطالبی نوشـته است. نسـخه به شـماره ۱۶۸۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

جعفر الراشد باللّه عباسی

ابومنصور جعفر ملقب به «الرّاشد باللّه» بن فضل، از خلفای عباسـی است. پس از آنکه «مسترشد» در ۱۸ ذیقعده ۵۲۹ق به دست فـدائیان اسـماعیلی در مراغه به قتـل رسـید، فرزنـدش «الراشـد» به جای او نشـست. در سال ۵۳۰ق با «سـلطان مسـعود بن محمّد سلجوقی» در نزاع افتاد و نام او را از خطبه انداخت و داود برادر مدعی او را سـلطان خواندو امرای اطراف را به جنگ با مسعود و عصـیان علیه او واداشت. مسـعود به بغـداد آمد و «راشد» از ترس به اتابک موصل پناه جست و «مقتفی» به جای او به خلافت انتخاب شـد. در سال ۵۳۲ق «راشـد» از موصـل به آذربایجـان پیش داود رفت و اتابک فارس و بعضـی دیگر از امراء هم که از مسعود ترس داشتند دور «داود» و «راشد» را گرفتند و به جنگ «مسعود» آمدند. «مسعود» در شعبان این سال آنها را در نزدیک دینَوَر شکست داد.

«راشـد» بـا «داود» به خوزسـتان آمـد و از آنجا به اصـفهان رفت و در آن شـهر در ۲۵ رمضان ۵۳۲ق به دست یکی از فـدائیان اسماعیلی به ضرب کارد جان سپرد.

در قریه شهرستان اصفهان بقعه ای است که برخی از نویسندگان آن را مقبره «الراشد» خلیفه عباسی می نویسند. لکن نزد اهالی آنجا معروف است که آنجا قبر دو نفر از سادات

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۲۴۵.

بزرگوار به نام های «شاهزاده ابراهیم» و جناب «حسین بن زید بن حسن بن علی»علیهما السلام می باشد.

در این که راشد در اصـفهان کشـته شده و در جی به خاک رفته سـخنی نیست. سبک ساختمان گنبد مانند ساختمان های عهد سلجوقی و بدون تاریخ است و در قرون بعد از آن تعمیراتی انجام شده است.

به ظنّ نوسـنده، سـلجوقی بودن بقعه، دلیل بر آن نیست که آنجا قبر «راشد عباسی» باشد بلکه مظنون آن که قبر راشد در محلّی بوده است که اکنون به نام باغ مشـهد خوانـده می شود و این گنبد مربوط به جامع (مسـجد جامع) شهرسـتان بوده است. «عماد کاتب» اصفهانی درباره کشته شدن راشد و دفن او می نویسد:

«و دفن الراشد باللّه فی مدینه جیّ و افردت له تربه فی جامعها»

«یاقوت حموی» در کتاب «معجم البلدان» می نویسد:

«و فی جیّ مشهد الراشد ابن المسترشد معروف ویزار و هی علی شاطی ء نهر زنده رود»

بعیـد به نظر می رسد که سـلاطین صـفوی قبر خلیفه عباسـی را در اصـفهان پایتخت خود باقی گذاشـته باشـند و احتمال خراب کردن آن بسیار قوی و معقول به نظر می رسد.(۱)

جعفر نوای اصفهانی

اسـتاد جعفر نوابخش متخلّص به «نوا» فرزند فیض اللّه، شاعر و ادیب توانای معاصر، در سال ۱۲۹۳ش در اصفهان متولّد شد. در ۲ سالگی پـدر را از دست داد و به همراه مادر به کرمانشاه رفت و تا سال ۱۳۱۹ش در آنجا به سر برد. تحصیلات ابتدایی را در کرمانشاه طی کرد و سـپس به خیاطی پرداخت. و در کنار آن به تحصـیل در دوره متوسّـطه مشغول شد. در ۱۷ سالگی ازدواج کرد و صاحب ۵ فرزند شد. در سال ۱۳۲۹ش وارد

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۲۰۸ و ۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۰۸ و ۶۰۹؛ مزارات اصفهان، صص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ تاریخ ایران (کمبریج)، ج۵، ص ۱۳۰.

اداره فرهنگ شده و در مدارس اصفهان به تدریس پرداخت، او شاعری متدیّن و معتقد به دین بود و در مدح و مراثی معصومین علیهم السلام شعر سرود. بسیاری از اشعار او گویای رنجها و مرارت های طبقات محروم جامعه همچون کارگران، ایتام و... است. او از اعضای مشهور انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن ادبی کمال بود. مردی خوش محضر، نیک سیرت و مربّی شعراء و خدمتگزار واقعی شعر و ادب بود. مغازه خیاطی او نیز سالها محفل اهل ادب و مجمع شعراء و فضلاء بود.(۱)

استاد نوا در روز ۲۰ بهمن ماه ۱۳۸۰ش بدرود حیات گفته و به دیار باقی شتافت و پیکرش در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

در رثای او برادرزاده اش فضل اللّه شیرانی متخلص به «سخا» این دو بیت را گفته است:

در غم مرگ نوا ماتم سرا شد اصفهان

در گذشت استاد و لبریز عزا شد اصفهان

بی صفا شد بی گل رویش صفاهان ای دریغ

بینوا شد اصفهان تا بی «نوا» شد اصفهان

«دیوان کامل اشعار نوای اصفهانی» در سال ۱۳۷۷ش به چاپ رسیده است. قبل از آن قسمتی از اشعار استاد در سال ۱۳۲۹ش در کتاب «نواهای جانگداز» و قسمت های دیگری از آن به نام «نوای آشنا» در سال ۱۳۳۸ش به چاپ رسیده بود.

این ابیات از اوست:

دل چون سنگ تو را آه من از جا نکند

هیچ سدّی به ره سیل چنین محکم نیست

* * *

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۱۶ و ۵۱۷؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ویرایش دوم، ص۸۱۲؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، ص۳۶۸۶؛ یادنامه ادب.

در دامن این صحرا، هر خاک نشینی را

چون دانه به سر باشد، شوق چمن آرائی

* * *

دل من است پر از خون که همچو جام شراب

دو چشم مست تو از دست یکدگر گیرند

* * *

به حکم تجربه نقشی به بارگاهی نیست

که رنگ ریزیش از خون بی گناهی نیست

ملّا محمّد جعفر طالقانی

ملّا محمّد جعفر بن محمّد کاظم طالقانی، عالم فاضل، وی در اواخر قرن یازدهم هجری در اصفهان ساکن بوده و از محضر علمای این شهر خصوصاً علّامه مجلسی حاضر شده و در جمادی الاوّل ۱۰۹۵ه.ق موفق به اخذ اجازه متوسّطی از علّامه مجلسی شده است. وی دراواخر عمر به زادگاه خود طالقان بازگشته و همانجا در سال ۱۱۳۳ق وفات یافته است.(۱)

شیخ جعفر میسی عامِلی

شیخ جعفر بن شیخ لطف اللّه بن عبدالکریم میسی عاملی، عالم فاضل متّقی و متورّع. در اصفهان ساکن بوده و نزد پدر دانشمند خود و نیز شیخ بهائی به تحصیل پرداخته و شیخ بهائی در سال ۱۰۲۰ق جهت او اجازه صادر فرموده است. برخی نوشته اند در مراتب علمی از پدرش مقام بالاتری را داشته است.(۲)

۱- الذریعه، ج۱، ص۱۵۰؛ الکواکب المنتشره، صص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۴؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۸۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۰؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۰۲.

جعفر اصفهانی

جعفر بـن محمّـد محسن اصـفهانی خطـاط نسـخ نـویس قرن دوازدهم هجری، در تاریـخ ۱۱۲۶ق نسـخه ای از «صـحیفه کامله سجّادیّه» را به خط نسخ کتابت نموده، نسخه به شماره ۸۴۷۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

جعفر بن محمّد

جعفر بن محمّـد، خطـاط نسخ نویس، در محرّم ۱۲۰۱ق کتـاب «ترجمان اللّغه» میرزا محمّـد یحیی بن محمّـد شـفیع قزوینی را جهت آقا محمّد کاظم واله اصفهانی نوشته است. نسخه به شماره ۲۴۹۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

جعفر اصفهانی

جعفر بن محمّـد اصـفهانی از خطاطـان و نویسـندگان کتب در قرن دوازدهم هجری. جلـد اجـازات «بحارالأنوار الا‌نوار» علّامه مجلسی را به خط خود در سال ۱۱۸۶ق نوشته است.

نسخه آن به شماره ۵۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

[شاید او همان خطاط خط نسخ معاصر آقا محمّد کاظم واله اصفهانی که از او یاد کردیم باشد.]

جعفر جاری اصفهانی

ابوالفضل جعفر بن محمّد بن جعفر جاری اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان در قرن ششم هجری است. وی از ابومطیع [محمّد بن عبدالواحد] صحّاف بصری استماع حدیث

۱- فهرست رضوی، ج۶، ص ۲۶۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۱۲۵۷.

۳- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه، ج۵، ص۱۱۷۶.

نموده است.(۱)

[جار=گار، از روستاهای شرق اصفهان به شمار می رود.]

جعفر تاجر یزدی

ابومحمّد جعفر بن محمّد بن جعفر تاجر یزدی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی جهت اخذ حدیث به اصفهان آمده و از محمّد بن نُصیر و حاجب بن ابی بکر استماع حدیث نموده و سرانجام در ماه جمادی الآخر سال ۳۶۶ق وفات یافت.(۲)

میرزا سیّد جعفر خاتون آبادی

میرزا سیّد جعفر خاتون آبادی بن میرسیّد محمّد بن حاج میرزا حسن بن میر محمّد حسین، عالم فاضل. در قرن سیزدهم هجری می زیسته و پس از فوت به اذن حاج سیّد محمّد باقر حجّةالاسلام شفتی، او را در قبر ملّا محمّد علی استرآبادی واقع در بقعه خاندان مجلسی، جنب مسجد جامع اصفهان دفن کردند.(۳) [وفاتش قبل از سال ۱۲۶۰ق روی داده است.]

جعفر رِفاعی کرانی

ابو محمّد جعفر بن محمّد بن جعفر رفاعی کرانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری [و از اهالی محلّه کران اصفهان] است. از محاملی، ابن عقده و دیگران حدیث روایت می کند. وی در ماه صفر سال ۳۷۹ق وفات نموده است.(۴)

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۹۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۸.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۸.

جعفر عریضی

ابوهاشم جعفر بن محمّد بن حسین بن عیسی بن محمّد بن علی عریضی، از سادات و امامزادگان عالیقدر ساکن اصفهان و نقیب اصفهان بوده و به احتمال زیاد در مقبره درب امام اصفهان مدفون شده است.(۱)

جعفر ثقفی کوفی

جعفر بن محمّد بن سعید ثقفی کوفی از محدّثین عامّه است. در اصفهان ساکن بوده و از ابونُعیم روایت نموده است. ابوحامد احمد بن جعفر بن سعید از او نقل حدیث کرده است.(۲)

جعفر قومسی [قمشه ای]

ابو محمّد جعفر بن محمّد بن علی اصفهانی معروف به «قومسی» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

او از ابونعیم، عبیداللّه بن موسی و عیسی بن جعفر رازی و دیگران حدیث شنیده و علیّ بن صباح از او روایت می کند.(۳)

[به احتمال زیاد او از اهالی قومش = قومشه = قمشه که امروز شهرضا خوانده می شود بوده است.]

جعفر فِریانی

جعفر بن محمّد بن مرزبان فریانی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است و از شیخ ابومسعود رازی نقل حدیث نموده است.(۴)

۱- مزارات اصفهان، ص۲۰۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۸۵.

جعفر صغیر

ابو محمّد جعفر بن محمّد معروف به «صغیر»، از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری است. فقه را مطابق مذهب کوفیان آموخته و از محمّد بن عمر بن حفص، عبداللّه بن ابراهیم بن صبّاح و صحّاف روایت حدیث کرده است. وی در سال ۳۹۷ق وفات یافت.(۱)

محمّد جعفر طبسی

محمّد جعفر بن محمّد طبسی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل علم مشغول بوده است. وی نسخه ای از «برهان الکفایه» تألیف: علی بن محمّد شریف بکری را در دوشنبه ۲۸ شعبان ۱۰۹۹ق در اصفهان کتابت نموده که به شماره ۱۳۵۴ در کتابخانه علّامه طباطبائی دانشگاه علوم پزشکی شیراز موجود است.(۲)

جعفر کاشانی رازی

ابو محمّد جعفر بن محمّد قاسانی رازی، از محدّثین اصفهان است. احادیث بسیاری فرا گرفته بود. هارون بن احمد استرآبادی احادیثی را از او روایت می کند. جمعی از محدّثین اصفهان نیز احادیث او را کتابت کرده اند.(۳)

محمّد جعفر مبارکه ای

محمّد جعفر بن میرزا محمّد مبارکه ای لنجانی اصفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر، در قرن سیزدهم هجری می زیسته و در ادبیات فارسی و عرب زبردست بوده و شعرنیز می سروده است. این کتب از اوست:

۱. کتاب «مفتاح اللّغه» که در ۲۷ ربیع الثانی ۱۲۴۷ق از جلد اول و در ۱۹ شوال

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۴۸؛ مزارات اصفهان، ص ۳۱۴.

۲- نسخه پژوهی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۳- معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۷؛ اللباب، ج ۳، ص ۷.

۱۲۷۲ق از جلّد دوم آن فراغت یافته است.(۱)

۲. «فرهنگ فارسی به فارسی» ۳. «فرهنگ ترکی به فارسی»(۲)

محمّد جعفر موسوی

محمّد جعفر بن محمّد موسوی، متولّی موقوفات «بهرام بیگ» در اصـفهان بوده که عبارت از است «مورنان» و «طهرانچی» وقف جهت خریـد کتـاب برای طلاّـب اصـفهان. نُسَـخ کتابهـای این موقوفه در اصـفهان و غیره فراوان است. از آن جمله است کتاب «صافی» شـرح فارسی ملّا خلیل بن غازی قزوینی بر کتاب «کافی» که به شماره ۶۸۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

ملّا محمّد جعفر مذهب قهپایه ای

ملّـا محمّـد جعفر مـذهب بن میرزا محمود قهپـایه ای، شاعر ادیب و در جوانی مالیه متقال فروشـی را اجاره کرده و از آن طریق امرار معاش می نمود. گاهی شعر می سرود و «مذهب» تخلّص می کرد و تا سال ۱۰۸۳ق در قید حیات بود.

از اوست:

شود هر گه فروزان شمع رخسارش ز بی تابی

چو پروانه به گِردش گردد و سوزد نگاه من(۴)

محمّد جعفر مازندرانی

محمّـد جعفر بن مختـار مازنـدرانی[از فضـلاء و طلاـب علوم در قرن یـازدهم هجری است که در اصـفهان ساکن بود و] کتاب «اثولوجیا» را به خط نسخ در مدرسه باقریه

۱- الذریعه، ج ۲۱، ص ۳۴۷

۲- فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص ۲۵۱.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ۵، ص ۱۳۸۸.

۴- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۵۹۸.

اصفهان نوشته است. کتاب به شماره ۱۹۲۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد جعفر اصفهانی

محمّد جعفر بن مصطفی اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. وی به «لکزی داغستانی» شهرت داشته است. او در پنج شنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۶۵ کتابت نسخه ای از کتاب «تنبیهات المنجمین» ملّا مظفر گنابادی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۱۳۶۴ (۲۰۹۳۳) در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۲)

محمّد جعفر خاتون آبادی*

محمّد جعفر بن محمّد مؤمن اصفهانی خاتون آبادی، عالم فاضل از دانشمندان عهد صفویه و برادر عالیقدر عالم محقق محمّدرضا امامی خاتون آبادی مؤلف کتاب «جنّات الخلود» است.

یادداشت تملک محمّدجعفر خاتون آبادی، بر روی نسخه ای از کتاب «نزهه النّاظر و تنبیه الخواطر» مشهود است. این نسخه به شماره ۱۸۹ در مدرسه چهلستون مسجد جامع تهران نگهداری می شود.(۳)

محمّد جعفر اصفهانی

محمّد جعفر بن محمّد مهدی اصفهانی، از خطاطان و فضلای اصفهان است. ظاهراً از شاگردان حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام شفتی بوده و به دستور او نسخه ای

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۵۳۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۹۶.

۲- فهرست کتابخانه الهیات مشهد، ج۲، ص۵۱۲.

۳- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص ۳۴۱.

ازملحقات شیخ فخرالدّین طریحی را در جمعه ۲۰ شوال ۱۲۳۹ق به خط نسخ کتابت نموده است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. [همچنین صاحب عنوان قرآن مجید را در سال ۱۲۲۴ه.ق کتابت نموده و در کتابخانه خصوصی آقای دکتر اصغر مهدوی وجود داشته است.(۱)]

محمّد جعفر هرندی

آقا محمّد جعفر بن حاج ملّا مهدی بن حاج محمّد ظهیر بن حاج محمّد سمیع بن حاج خدابخش هرندی اصفهانی، عالم فاضل. وی در خاندانش به «آقا محمّد بزرگ» معروف بوده و امور شرعیّه اردستان و هرند به او محوّل شده بود و از طرف آقا محمّد خان قاجار تولیّت مدرسه جدّه را بر عهده داشت. وی در سال ۱۲۰۳ق وفات یافته و در بقعه ای مخصوص در محلّه جولاباد هرند مدفون گردید.(۲)

برخی کتب نیز به خط او کتابت شده که عبارتند از:

۱. «خزائن الجواهر السلطانی» تألیف: میرمحمّد حسین خاتون آبادی که در رجب ۱۱۵۴ق به خط نسخ نوشته و نسخه به شماره ۷۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. (۳) ۲. «کفایه المقتصد» تألیف: محقق سبزواری، که در ۵ ربیع الاوّل ۱۱۷۴ق به خط نسخ آن را نوشته است، نسخه به شماره ۷۲۴۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۴)

۱- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۲۶۲؛ نسخه های خطی، ج۲، ص۱۶۴؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۹۳ و ۲۹۴.

۲- الاصفهان (رجال و مشاهیر)، ص۶۸۵؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۱۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۲۸.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۴۳.

محمّد جعفر تبریزی

محمّد جعفر بن محمّد مهدی تبریزی اصفهانی [از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در تاریخ چهارشنبه ۱۵ رجب ۱۲۴۴ق کتاب «منهج المقال» رجال کبیر استرآبادی را به خط نسخ به پایان رسانیده [است] کتاب به شماره ۴۴۶۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

سیّد جعفر کرمانی

آقا سیّد جعفر کرمانی بن حاج سیّد مهدی موسوی کرمانی، عالم فاضل. متوفی ۱۳۵۶ق مدفون در تکیه زنجانی در تخت فولاد اصفهان.(۲)

آقا جعفر نقاش*

آقا جعفر نقاش فرزند نجفعلی (آقانجف) نقاش اصفهانی، در اواسط قرن سیزدهم هجری می زیسته و از نقاشان و قلمدان سازان هنرمند و چیره دست آن روزگار بوده است او برخلاف برادرانش آقا احمد و آقا محمّد کاظم، به شیوه فرنگی سازی مایل بوده و چون عمویش محمّد اسماعیل پیرو سبک فرنگی سازی بوده است. او در گل و مرغ سازی نیز دستی قوی داشته و در این فن صاحب ابتکار بوده است. آثار او دارای لطافت و ظرافت خاصّی است.(۳)

جعفر اصفهانی

ابوعیسی جعفر بن یعقوب اصفهانی حکیم فاضل مترجم کتاب «اسفار آدم علیه السلام».(۴)

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص ۱۴۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۹۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۹.

۳- هنر قلمدان، ص۱۲۴.

۴- کشف الظنون، ج۱ ص۸۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۵۲.

سیّد جعفر خراسانی

سیّد محمّد جعفر بن سیّد یوسف حسینی قائنی خراسانی، عالم فاضل (و فقیه حکیم. مجاز از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ محسن خنفر و غیره) در سال ۱۳۳۲ق وفات یافته و جنب فاضلان در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

محمّد جعفر جرقویه ای

محمّد جعفر جرقویه ای اصفهانی [از خطاطان و نویسندگان کتب] در سال ۱۲۵۳ق نسخه ای از «زبده التّصانیف» تألیف: ملّا حیدر بن محمّد خوانساری را در اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۱۲۴۳ در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

محمّد جعفر حسنی حسینی اصفهانی*

آقا محمّد جعفر حسنی حسینی اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن سیزدهم هجری است خطوط شکسته و تعلیق را بسیار زیبا می نوشت. استاد همایی قطعاتی به خط تعلیق و شکسته او را که در سال ۱۲۹۰ق نوشته شده بود، رؤیت کرده است.(۳)

محمّد جعفر حسینی

ابوالمظفر محمّد جعفر حسینی، از فضلاء و علمای قرن یازدهم هجری است. وی در اصفهان ساکن بوده و به خواهش یکی از بانوان درباره صفوی «شاهزاده بیگم» بانی مدرسه شاهزاده ها در اصفهان، «مفتاح الفلاح» شیخ بهائی را به فارسی ترجمه نموده و آن را بر ۹ باب مرتّب ساخته است. البتّه شش باب آن از کتاب «مفتاح الفلاح» و باب هفتم در اعمال رجب و شعبان و رمضان، باب هشتم در عمل سایر ایام و باب نهم در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۳ و ج۲، ص۶۳۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۲.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۲۸.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۸۹.

آداب دعا و سفر می باشد.

نسخه ای از این کتاب به خط محمّد حسین اصفهانی که در سال ۱۰۸۶ق کتابت شده است در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در تهران موجود است.(۱)

سیدّ محمّد جعفر حسینی

سیدّ محمّد جعفر حسینی از فضلاء قرن سیزدهم هجری. بر کتاب «منهج الاجتهاد» تألیف: ملّا محمّد تقی برغانی قزوینی، حواشی نوشته است.

نسخه در سال ۱۲۶۰ق کتابت شده و به شماره ۷۶۸۴ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی در قم موجود است. صاحب عنوان در اصفهان ساکن بوده است.(۲)

محمّد جعفر حکاک*

حاج محمّد جعفر حکاك، در اواخر دوره قاجاریه می زیسته و در هنر حکّاکی استاد بوده است.(۳)

جعفر خان احمد خانی

جعفر حسینی خان احمدخانی، از ادباء و فضلای قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بودو در علم و ادب بهره فراوان داشت.

وی در سال ۱۱۶۰ق نسخه ای از «سواطع الالهام» فیض کاشانی را در تملك خود داشته و در سال ۱۱۶۳ق تقریظ فارسی بر آن نوشته و نیز بر آن کتاب حواشی ارزشمندی نوشته است که حاکی از احاطه او به فنون ادب و مراتب فضل و علم او است. خط او نیز زیبا بوده و نسخ و نستعلیق را خوش می نوشته است.

۱- الذریعه، ج۳، صص ۴۷۸ و ۴۷۹؛ الروضه النضره، ص۱۱۲.

۲- فهرست مرعشی، ج ۲۰، ص ۷۰.

۳- جغرافیای اصفهان، ص ۹۷ ؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۸۲.

گمان می رود او از خاندان کارکیاخان احمد از حکام گیلان در عصر صفویه باشد.(۱)

محمّد جعفر خوزانی

محمّد جعفر خوزانی اصفهانی، خطّاط فاضل در قرن سیزدهم هجری. کتاب «غایه القصوی»، تألیف: آقا سیّد محمّد شهشهانی را به خط نسخ در دوشنبه ۷ محرّم الحرّام سال ۱۲۷۳ق کتابت نموده است. نسخه آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

خوزان از محلات ثلاثه سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی]است.

میرزا محمّد جعفر راهب اصفهانی

میرزا محمّد جعفر طباطبائی نائینی اصفهانی، شاعر و ادیب فاضل، از نوادگان میرزا محمّد رفیع طباطبائی (میرزا رفیعا) نائینی و از نوادگان دختری میرسیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان بوده است. وی صاحب صفات نیک و اخلاق پسندیده بوده و محبوب القلوب خاص و عام بود. شعر را نیکو می سروده و شعرای اصفهان همچون آذر بیگدلی و میرسیّد علی مشتاق به مصاحبت و معاشرت با او رغبت تمام داشتند. وی سرانجام درسال ۱۱۶۶ق در اصفهان وفات یافت. مشتاق اصفهانی مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است.

مشتاق برای سال فوتش

تاریخ طلب به هر کران رفت

گفتش ناگاه ره نوردی:

«راهب صد حیف کز جهان رفت»(۳) او پس از وفات در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون شد. راهب، در انواع شعر

۱- تراجم الرّجال، ج۱، ص۱۱۹؛ الکواکب المنتشره، ص۱۳۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۵،ص ۴۴.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۶۵.

مهارت داشته ولی در زمان حیات به گردآوری و تدوین اشعار خود نپرداخته است. کتابی به نام نادرشاه نامه را نیز به او نسبت می دهند. برادرش میرزا امام علی متخلّص به «حشمت» نیز شاعر و ادیب بوده است.

این رباعی از اوست:

راهب خُم باده پیر دیری بوده است

پیمانه حریف گرم سیری بوده است

این مُشت گلی که گشت خشت سَرِ خُم

میخواره عاقبت به خیری بوده است(۱)

شیخ محمّد جعفر ریزی

شیخ محمّد جعفر ریزی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل، از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. اصلاً از اهالی قصبه ریز [زرین شهر فعلی] بود. وی ظاهراً تا سال ۱۲۸۷ق. در قید حیات بوده است. دخترش مریم نیز از زنان عالمه و فاضله است.(۲)

استاد جعفر زرگر اصفهانی*

استاد جعفر زرگر اصفهانی، از هنرمندان معاصر، در فن زرگری استاد مسلّم عهد خود بود. تولدش حدود سال ۱۳۰۰ق یا کمی قبل از آن است. در چهارباغ به زرگری می پرداخته و تا سال ۱۳۷۴ ق در قید حیات بوده است.(۳)

۱- تذکره آتشکده، نیمه دوم، صص ۴۹۸-۴۹۶؛ دیوان مشتاق، ص۱۷۱؛ گلشن مراد، صص ۴۲۱-۴۱۹؛ تذکرالمعاصرین حزین، ص۲۱۹؛ تذکره حسینی، ص۱۳۶؛ صحف ابراهیم، ص۱۴۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۷۶؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۲۸۳-۲۸۰؛ الذریعه، ج۹، صص ۴۶ و ۴۷؛ خزانه عامره، ص۲۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۹؛ تذکره سخنوران نائین، صص ۴۶ و ۴۷.

۲- الکرام البرره، ج۱، ص۲۳۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۳.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۶۶.

محمّد جعفر شیروانی

محمّد جعفر شیروانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به شمار می رفت. وی حواشی محققانه ارزشمندی بر «مسالك الافهام» نوشته که مدوّن نشده است و در آن حواشی از علّامه مجلسی مطالبی نقل کرده و او را با دعای «مُدّ ظِلُّه» یاد کرده است. فرزندش محمّد تقی نیز از علمای اهل فضل بوده و بر روی همان نسخه حواشی خود را نوشته است.(۱)

محمّد جعفر قهپائی

محمّد جعفر قهپائی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۸۷ق نسخه ای از «مفتاح دالفلاح» شیخ بهائی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۲۱۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

میرزا جعفر گلستانه*

میرزا جعفر گلستانه، شاعر و ادیب قرن سیزدهم هجری متخلّص به «مرتاض». در تذکره نصرت که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است از او نامی برده شده و اشعاری از او آمده است.(۳)

محمّد جعفر محمّدآبادی جرقویه ای*

محمّد جعفر محمّدآبادی جرقویه ای از نویسندگان کتب و فضلای اصفهان بوده و کتاب «مفتاح الشرایع» تألیف: مرحوم فیض کاشانی را در سال ۱۲۱۴ه.ق کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.

۱- الکواکب المنتشره، صص ۱۳۷ و ۱۲۲؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۵۹.

۲- فهرست مجلس، ج۷، ص۳۶۴.

۳- مجمل التواریخ، ص دوازدهم.

جعفر مدرس صادقی*

جعفر مدرس صادقی، نویسنده - مترجم و داستان نویس معاصر در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۳ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان طی کرد. سپس در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت و لیسانس دریافت کرد. اولین کتاب او با نام «بچه ها بازی نمی کنند» شامل ۸ داستان در سال ۱۳۵۶ش چاپ شد.

مدرس صادقی از نویسندگان پرکار معاصر است که در زمینه داستان، نقد ادبی، ترجمه و بازخوانی متون کهن فارسی کتابها و مقالات متعددی نوشته و به چاپ رسانده است.

این کتابها از او چاپ شده است:

۱. «بچه ها بازی نمی کنند» مجموعه داستان ۲. «نمایش» رمان ۳. «گاوخونی» رُمان ۴. «سفر کسری» ۵. «بالون مهتا» ۶. «ناکجا آباد» ۷. «شاه کلید» ۸. «دوازده داستان» ۹. «کنار دریا، مرخصی و آزادی» ۱۰. «شریک جرم» ۱۱. «عرض حال» ۱۲. «من تا صبح بیدارم» ۱۳. «لاتاری چخوف و داستانهای دیگر» ترجمه ۱۴. «آن طرف خیابان» مجموعه داستان ۱۵. «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» ترجمه.(۱)

شیخ جعفر مؤیّد موغاری*

شیخ جعفر مؤیّد موغاری اردستانی، عالم فاضل. در قریه «موغار» اردستان متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی در اصفهان نزد شیخ علی مدرس یزدی، شیخ محمّدحکیم خراسانی و سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، به تحصیل پرداخت. سپس به زادگاه خود بازگشته و به حلّ و فصل امور شرعی مردم مشغول شد. در اواخر عمر به کسالتی دچار شده و جهت معالجه به طهران رفته و در آنجا وفات یافت.(۲)

۱- نشریه کتاب هفته، شماره ۱۷۶، نوزدهم اردیبهشت ۱۳۸۳، ص۲۳.

۲- آتشکده اردستان، ج۲، ص۳۰۳.

جعفر خان میناکار*

جعفر خـان میناکـار، از اساتیـد فن مینـا کاری در اواخر عهـد صـفویّه است. وی در سال ۱۱۲۴ق در اصـفهان درگذشت. میرزا محسن تأثیر تبریزی در مادّه تاریخ وفات او گفته است:

سالی که رفت جعفر آرام از جهان

طبع مصاحبان همگی زین اَلَم فسرد

می گشت فکر از پی تاریخ فوت او

افسوس خورد و گفت: «رفیق شفیق مُرد»(۱)

(۲)

شیخ محمّد جعفر همدانی*

شیـخ محمّـد جعفر همـدانی، عالم مجاهد در قرن دوازدهم هجری، در اصـفهان ساکن بود و به تدریس و تألیف و ارشاد مردم مشغول بود. پس از حمله افغانهای قندهار به سرکردگی محمود غلجائی به اصفهان، او و دو فرزندش محمّد زمان و ابوطالب به همراه سپاه صفوی از اصفهان خارج شده و به جنگ افغانها رفتند. آنها در روستای «گلون آباد»، در ماه جمادی الاوّل ۱۱۳۴ق در میدان نبرد به شهادت رسیدند. رحمهاللّه علیهم.(۳)

جعفر قلی خان اسعد بختیاری

جعفر قلی خان بن علیقلی خان سـردار اسـعد بن حسـینقلی خان ایلخانی بختیاری، از سیاستمداران عصر مشروطیت و پهلوی در سال ۱۲۵۸ش متولّد شد. [تحصیلات متوسّطی داشت با زبان فرانسه آشنا بود و در سوارکاری و تیراندازی مهارت بسیار

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۶۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸ ص۵۲۴.

۳- رساله «ملّامحمّد علی تونی و یادداشت های تاریخی او، صص ۱۶ و ۱۷.

داشت. پس از فتح تهران، به همراه یفرم خان ارمنّی در سرکوب محمّد علی شاه (پادشاه مخلوع قاجاریه) و عوامل او در زنجان و آذربایجان نقش مهمی ایفا کرد. او یکی از ۱۰ تن قضات دادگاه انقلابی بود که حکم اعدام عدّه ای از مخالفان را، از جمله شیخ فضل اللّه نوری صادر کردند. همچنین او به همراهی یفرم خان، در پارک اتابک به سرکوب مجاهدین آذربایجانی به رهبری ستارخان پرداخت. در این زمان جعفر قلی خان به لقب «سردار بهادر» ملقّب شده بود. از سال ۱۳۳۶ق پس از مرگ پدرش لقب «سردار اسعد» را به او دادند. او در کابینه مستوفی الممالک، وزیر پست و تلگراف بود. سپس حاکم کرمان و بعداً خراسان گردید. جعفرقلی خان در راه به سلطنت رسیدن رضا شاه تلاش بسیاری کرد او در کابینه سردار سپه دوباره وزیر پست و تلگراف شد و در کابینه مخبر السلطنه وزارت جنگ را بر عهده گرفت و تا هنگام دستگیری در آن پست باقی ماند. عاقبت رضا شاه به او سوء ظن پیدا کرده دستور بازداشت او را صادر کرد. جعفرقلی خان در آبان ۱۳۱۲ش به همراه جمعی از سران بختیاری دستگیر و روانه زندان شد و پس از ۵ماه از زندان قصر به زندان شهربانی منتقل و با وضع فجیعی به قتل رسید(۱)]

جسد او را به اصفهان آورده و در آررامگاه خانوادگی خاندان بختیاری در تکیه میر واقع در تخت فولادبه خاک سپردند.(۲)

جعفر قلی فریدنی

جعفر قلی فریدنی ینانلو [از خوشنویسان اواخر دوره صفویّه] در تاریخ ربیع الثّانی ۱۳۱۶ق به خط نستعلیق خوش نسخه ای از «شرح قصیده خمریه» ابن فارض را نوشته [است.] کتاب به شماره ۶۵۱۴۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳)

۱- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۱۵۸-۱۵۲؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، صص ۲۴۷-۲۴۵.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص۸۳.

۳- فهرست مجلس، ج۱۵، ص ۳۴.

جعفری خروس باز*

ملّا جعفر خروس باز، از بذله گویان و اصفهانیان حاضر جواب در عصر صفویه است. او جانماز دار علّامه مجلسی بوده و به علت علاقه به خروس بازی و جنگ خروس ها به «جعفر خروس باز» معروف بوده است. فردی شوخ و بذله گو بوده و از شوخ طبعی ها و حاضرجوابی های او حکایاتی نقل شده است. حکایات و ماجراهای او در رساله «ملّا جعفری خروس باز» که شخصی ناشناخته (شاید محمّدحسن خان اعتماد السلطنه؟) به نام محمّد حسن آنها را گردآوری کرده، به شماره ۴۲۸ در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می شود. تاریخ کتابت این رساله ۷ ربیع الثّانی ۱۳۰۵ق است.(۱)

شاطر جلال

شاطر جلال، از طبقه رامشگر و مطربان بوده و در سال ۹۷۰ق به کاشان رفته و طرف تعلّق خاطر محتشم کاشانی شاعر معروف قرار گرفته، و این شاعر منظومه «جلالیه» را به نام او سروده است.(۲)

جلال فروغ بروجنی

جلال برجیس بن ابوطالب بن محسن بروجنی اصفهانی، شاعر ادب معاصر، در سال ۱۳۰۰ش در قهفرخ [فرخ شهر فعلی در استان چهارمحال و بختیاری] متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در قهفرخ و متوسطه را در اصفهان به پایان رسانیده و بعداً از دانشگاه اصفهان به اخذ لیسانس نائل شد و در فرهنگ وارد شده و به تدریس مشغول شد و ۴۰ سال در کسوت دبیری به انجام وظیفه مشغول بود. او ضمن تدریس در دبیرستان، در سال ۱۳۲۰ش به تأسیس آموزشگاه فروغ همّت گماشت و به تعلیم

۱- فهرست کتابخانه ملی (کتابهای فارسی)، ج ۱، ص۴۰۸؛ اصفهانی های شوخ طبع و حاضرجواب، صص ۱۰۹-۱۰۲.

۲- فهرست کتب چاپی فارسی، ص۹۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۴۴۹.

بزرگسالان و کسانی که قادر به تحصیل در مدارس روزانه نبودند پرداخت و برای کسانی که قدرت پرداخت شهریه را نداشتند، به رایگان در آموزشگاه خود ثبت نام می کرد. او دلباخته خدمت به هم نوع بود و در دبستان و دبیرستان او صدها تن از علاقمندان علم و دانش تربیت شده و بسیاری از آنان به مقامات بالایی رسیدند. وی سرانجام در ماه رمضان ۱۴۰۸ق وفات یافته و در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

وی از شعراء و سخنوران معروف اصفهان بوده و در انجمن ادبی کمال شرکت می کرده و «فروغ» تخلّص داشته است

[این ابیات از اوست:

صبح عمر ما غروبی دارد اندر پی «فروغ»

زود بینی بر لب بام آفتابی بیش نیست(۱)]

استاد جلال تاج اصفهانی*

استاد جلال تاج اصفهانی ابن شیخ اسماعیل تاج الواعظین، استاد بلند آوازه آواز ایران، در سال ۱۲۸۲ش در اصفهان متولّد شد. در ۱۲ سالگی پدرش که از منبریان و وعاظ معروف اصفهان بود، از استعداد او در آواز مطلّع شد، و او را به سیّد عبدالرّحیم اصفهانی از اساتید موسیقی سپرد. پس از آن استاد تاج نزد نایب اسداللّه، میرزا حبیب شاطرحاجی، حسین عندلیب و میرزا حسین ساعت ساز (خضوعی) به فراگیری گوشه های آوازی، طرز ادای درست کلمات و سایر معلومات موسیقائی مشغول شد و به تمرین آواز پرداخت.

در ۲۰ سالگی (سال ۱۳۰۲ش) به تهران آمد و در کنسرت روزنامه ناهید در باغ «سهام الدوله» (لاله زار) که در حضور حاج مخبر الدّوله هدایت برگزار می شد شرکت

۱- تذکزه شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۵۷-۳۵۵؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۲؛ آئین فرزانگی، ج۱، صص ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۹۳.

کرد و با ارکستر مرتضی محجوبی و تار مرتضی نی داود همراه شد.

در سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ش در تهران در بعضی مجالس ادبی و هنری به اجرای برنامه می پرداخت. در سال ۱۳۱۷ش استاد تاج به همراهی جمعی از هنرمندان موسیقی به شهر «حلب» سوریه رفته و در برنامه های آنجا شرکت کرد. در سال ۱۳۱۹ش با تأسیس رادیو به همکاری با رادیو پرداخته و با هنرمندانی چون ابوالحسن صبا، مرتضی خان محجوبی، حسین تهرانی، عبدالحسین شهنازی، مهدی نوائی، حاج علی اکبر خان شهنازی، حبیب سماعی، مهدی غیاثی و دیگران آثار ارزنده ای را پدید آورد.

از سال ۱۳۲۰ به بعد تاج در اصفهان به فعالیت هنری پرداخت. از جمله از سال ۱۳۲۹ش همزمان با تأسیس رادیو اصفهان به همکاری با آن پرداخت و تا سال ۱۳۵۷ش به اجرای برنامه در رادیو اصفهان مشغول شد. در سال ۱۳۳۵ش به برنامه گلها در رادیو سراسری دعوت شد و آثار ارزنده ای از او به یادگار ماند.

او علاوه بر آواز به تعلیم علاقمندان موسیقی مشغول شد و از جمله هنرمندان برجسته ای چون علی اصغر شاهزیدی و علیرضا افتخاری نزد او به فراگیری موسیقی پرداختند. استاد تاج در برنامه خود با برخی از هنرمندان موسیقی اصفهان چون استاد جلیل شهناز و استاد حسن کسائی همکاری داشت.

او در استخدام استانداری اصفهان بود و سپس به شهرداری منتقل شد و مقرری نیز از رادیو اصفهان دریافت می کرد. در اواخر عمر به بیماری مبتلا شد و در آخرین سال زندگی از صدا و سیمای اصفهان نیز برکنار و حقوقش قطع شد. او سرانجام در ۱۳ آذر ۱۳۶۰ش در اصفهان درگذشت و در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

استاد تاج انسانی متواضع، صبور و موقّر بود و از خودخواهی و غرور که دامنگیر برخی هنرمندان است به دور بود. بسیار خوش مشرب و نیک محضر بود.

در خوانندگی دارای سبکی خاص بود و در صدا و صوت دارای قدرت و مهارت و هوشی قابل توجّه بود. او در عین تسلّط، تحریرها را پشت سر هم و کنترل شده و حتّی

در اوج به سـهولت دودانگ می خواند. ادای شـعرها توسط او سـنجیده بود و کلماتش واضح به گوش می رسیدند. تحریرهای تاج بیشتر تلفیقی بود از تحریرهای ویژه حبیب شاطر حاجی و به خصوص سـیّد عبدالرّحیم اصـفهانی. خود نیز در ایجاد ابداع و تنوع در تحریرهـا زبردستی فوق العاده ای داشـته است. در مناسب خوانی که از اختصاصات مکتب آواز اصـفهان به شـمار می رود، او گوی سـبقت را از سایر اساتید آواز ربوده بود. در خواندن تصـنیف نیز تبحّر کامل داشت و تصنیف «به اصفهان رو که تا بنگری بهشت ثانی» از معروف ترین آنها به شمار می رود.

استاد منوچهر قدسی در مرثیه او شعری سروده است ک ماده تاریخ آن این بیت است:

ماتم گرفت «قدسی» و تاریخ او نوشت

«همراه بلبلان ز چمن تاج پر گشود»(۱)

سیّد جلال مجتهد هومانی*

سیّد جلال مجتهد بن سیّد مرتضـی حسـینی هومانی (امام جمعه) عالم فاضل، از اهالی روسـتای «هومان» کَروَن» متوفی به سال ۱۳۳۳ش و مدفون در تکیه حاج آقا مجلس در تخت فولاد اصفهان.(۲)

میرزا جلال اسیر اصفهانی

میرزا جلال اصـفهانی متخلّص به «اسـیر» فرزند میرزا مؤمن شهرستانی، شاعر ادیب، از مشاهیر سخنوران عصر صفویه است. وی داماد شاه عباس اوّل بوده و در شعر و ادب در عصر خویش شهرت فراوان داشت. گویند وی شاگرد فصیحی است.

۱- یادنامه اسـتاد جلال تاج اصفهانی؛ چهره افروختگان خطّه زنده رود، صص ۲۷-۲۵؛ دولت دیدار، صص ۱۲۶-۱۱۶؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، صص ۱۲۵ و ۱۲۶؛ سیمای هنرمندان ایران، ج۳، صص ۱۴۶-۱۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، نسخه خطی.

مؤلف ریاض الشعراء معتقد بوده است که شعر او از لحاظ لحن نامطبوع و از لحاظ مضمون عامیانه است گرچه از نبوغ محروم نیست.

در منزل او اغلب شعرا حضور می یافته و شعر خوانی می کرده اند و مبتدیان نزد او فنون شعر و ادب را می آموختند.

[اسیر سرانجام در سال ۱۰۴۹ق بر اثر افراط در میخوارگی در گذشته است]

دیوان اشعار او بالغ بر بیست هزار بیت بوده است. کلیات اشعار او در سال ۱۲۹۷ق در هند و در سالهای اخیر در تهران چاپ شده است.

از اوست:

چند گویم با کسی راز دل دیوانه خود را

که خوابم می برد گر سر کنم افسانه خود را

غبار خاطرم خوش گریه آلود است می خواهم

به سیل اضطراب دل دهم ویرانه خود را

نمی دانم کجا پیدا کنم چندان دل و دعوی

بیارایم اگر از بهر او کاشانه خود را

اسیر امشب نمی دانم چه گفتم یا چه ها کردم

دل دیوانه خود را، دل دیوانه خود را(۱)

جلال یقین کاشانی

جلال کاشانی معروف به جلالای کاشی و متخلّص به «یقین»، شاعر ادیب عصر صفویه. در اصفهان ساکن بوده و در فنّ شعربافی مهارت داشته و شعر نیز نیکو می گفته است. از دوستان میرزا محمّد طاهر نصرآبادی بوده و با او حشر و نشر داشته است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۳۸؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۴۹-۴۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل اسیر، ص۲۶۰۵؛ تذکره حسینی، ص۴۱؛ سرو آزاد، ص۵۳؛ آتشکده آذر، بخش سوم، ص۹۲۳؛ الذریعه، ج۹، ص۷۴؛ تذکره شمع انجمن، ص۸۱؛

تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۴۹-۱۴۶.

از اوست:

به ترک خویش کمر هر که بست برخیزد

به خاک کوی تو هر کس نشست برخیزد

سوار مرکب همّت شو و چنان بجهان

که گرد نیستی از هر چه هست برخیزد(۱)

جلال الدّین (آقا میرک) اصفهانی*

سیّد جلال الدّین حسینی اصفهانی معروف به «آقا میرک» شاعر نقاش و مذهب هنرمند قرن دهم هجری.

در اصفهان متولّد شد و به تبریز رفته و نزد استاد کمال الدّین بهزاد به فراگیری نقاشی پرداخت و در ضمن آن فنون تذهیب، صحافی، جلد سازی و خوشنویسی را فراگرفت و در کتابخانه سلطنتی تبریز به فعالیت پرداخت و گمان می رود پس از انتقال پایتختی از تبریز به قزوین او نیز به قزوین آمده باشد.

سام میرزا که معاصر اوست درباره او می نویسد:

«آقا میرک نقاش. از سادات اصفهان است و در طراحی و تصویر نادره زمان. حالیا در خدمت حضرت صاحبقرانی [شاه طهماسب] پیشوا و مقتدای این طایفه اوست.»

او از نقاشان مینیاتور ایرانی بوده و برخی از تابلوهای نفیس شاهنامه طهماسبی و خمسه طهماسبی توسط او کشیده شده است. او در هنر جلدسازی نیز صاحب ابداع و ابتکار بوده و از جمله روی جلدها را به جای ضربی یا ضربی طلاپوش که دارای انواع نقوش اسلیمی، خطائی و یا تشعیر برجسته بوده، بوم مشکی کرده، تشعیر می ساخت. تشعیر روغنی روی جلدهای کار آقا میرک شامل گل و بوته و درخت و باغ و صحرا و جانور سازی چون سیمرغ و اژدها در حال گرفت و گیر و آهو در حال گریز و پرندگان

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۷۷؛ الذریعه، ج ۹، ص ۱۷۲.

زیبا در هوا بود و این طرز کار را شیوه آقا میرکی می گفتند و بسیار مستحسن و زیبا بود.

دقت و ظرافت در نمایش جزئیات یک تصویر و به کارگیری رنگهای روشن و شفاف و ایجاد هماهنگی در تلفیق رنگها، از ویژگیهای برجسته آثار اوست. از جمله تابلوهای زیبای او «مجنون در میان حیوانات وحشی» است که در جزو تصاویر خمسه شاه طهماسبی در موزه بریتانیا موجود است.

در نقاشی سلطان محمّد و شاه قلی و در خوشنویسی خواجه عبدالصّمد شیرین قلم شیرازی را از شاگردان او شمرده اند.

سال درگذشت او معلوم نیست و از قرائن برمی آید که تا حدود ۹۵۰ق زنده بوده و پس از این سال در قزوین از دنیا رفته است.

آقا میرک طبع شعر نیز داشته و در جواب جامی که سروده بود:

دو هفته شد که ندیدم مَه دو هفته خود را

کجا روم که بگویم غم نهفته خود را

گفته است:

شدم به باغ که بینم گل شکفته خود را

شنیدم از گل و بلبل غم نهفته خود را(۱)

جلال الدّین اژه ای

حاج آقا جلال الدّین اژه ای عالم فاضل متّقی، از ائمه جماعات و فضلای معاصر اصفهان. وی کتابهای «زبده المعارف» و «رساله معاد» و «رساله نماز شب» جدّ اعلای خود ملّا علی اکبر اژه ای را به چاپ رسانده است.[سرانجام در شب جمعه بعد از نماز

۱- گلستان هنر: مقدمه: سی و هشت و ص۱۳۹؛ تذکره تحفه سامی، ص۷۴؛ دائره المعارف هنر، ص۵۶۳؛ تاریخ صنایع ایران، ص۱۹۵؛ کمال الدّین بهزاد (قمر آریان)، صص ۳۵ و ۳۷ و ۳۹؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۲۰۷۱؛ سیر نقاشی ایرانی، صص ۲۹۷ و ۲۹۸؛ دائرهالمعارف تشیع، ج۱، صص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۸۸؛ تاریخ هنرهای ملّی، ج۲، صص ۸۳۵ و ۸۳۶؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۶۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۲۰۱.

مغرب ۷ ربیع الاولی] ۱۳۹۲ق وفات یافته و در تخت فولاد جنب مزار ملّا اسماعیل خواجوئی و جدّش ملّاعلی اکبر مدفون شد.(۱)

جلال الدّین باری اصفهانی*

جلال الدّین کور اصفهانی متخلّص به «باری» از شاعران و خوشنویسان قرن دهم هجری است. خط نستعلیق را به روش ملّاسلطان علی مشهدی خوش می نوشت. به غایت خیره و طیره و هرزه گرد بود. از اصفهان به هند رفته و در سال ۱۰۰ه.ق در آنجا درگذشت. او از نزدیکان (و احتمالاً از فرزندان) میر روزجهان صبری بود.

از اوست:

چراغ افروز بزم عشرتم شد آتشین رویی

که هر پنهان نگاهش آتش صد خرمن است امشب(۲)

سیّد جلال الدّین تقوی

سیّد جلال الدّین تقوی ابن آقا سیّد محمّد تقی قمشه ای، از شعرای معاصر. وی کارمند اداره فرهنگ [آموزش و پرورش] شهرضا بوده و این شعر از اوست:

گلاب و مشک تر از بس ز روی و موت می ریزد

به بستان آبروی گل ز رنگ و بوت می ریزد

دلم دریای خون گردیده و دیده است چون جیحون

ز بس روز و شب اشک از هجر روی و موت می ریزد(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۴.

۲- کاروان هند، ج۱، ص۱۴۱.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۲.

حاج شیخ جلال الدّین نجفی

حاج شیخ جلال الدّین (جعفر) بن حاج شیخ محمّدتقی آقا نجفی، عالم فاضل و مجتهد کامل از علمای اواخر دوه قاجاریه. مادرش دختر ملّامحمّد صالح جویباره ای است.

در سال ۱۳۰۰ق به همراه جدش شیخ محمّدباقر نجفی به نجف اشرف مشرف شد و در نزد عمویش عارف ربانی شیخ محمّدحسین نجفی بهره گرفت.

پس از آن در سال ۱۳۰۷ق به اصفهان آمده و صاحب مال و مکنت فراوان شد و به اقامت جماعت و تدریس در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] پرداخت.

وی در شب سه شنبه ۶ ذیحجه الحرام ۱۳۳۷ق در اصفهان وفات یافته و در مقبره پدرش در امامزاده احمد مدفون شد. مدّتی بعد بقایای جسد او را به کربلا انتقال داده و در یکی از حجرات مرقد مطهر حسینی علیه السلام مدفون ساختند.

مرحوم میرزا عبدالحسین خوشنویس متخلّص به «قدسی» در مرثیه و تاریخ آن قطعه ای سروده و تاریخ آن را چنین گفته است:

«قدسی» آن دم که برون رفت «جلال الدّین» گفت:

آیت اللّه بفردوس برین کرد مقام(۱)

شیخ جلال الدّین جعفری کوهپائی*

شیخ جلال الدّین جعفری فرزند ملّا جعفر بن ملّا طاهر قهپایه ای اصفهانی، عالم فاضل، در سال ۱۲۹۹ش در کوهپایه اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله حاج آقا رحیم ارباب انجام داد و در مشهد مقدس به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و سالها در آنجا ساکن بود. آنگاه به زادگاه خود بازگشته و نماز جماعت را در مسجد جامع کوهپایه و سپس مسجد طالار اقامه نمود. او عمر خود

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص۶۸-۶۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص۲۳۸۰ و ۲۳۸۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۵.

را به مطالعه و تألیف و ارشاد خلق و تبلیغ دین گذراند و سرانجام در ۱۱ شوال ۱۴۱۷ق (مطابق ۲ اسفند ۱۳۷۵) وفات یافته و در گلزار شهدای کوهپایه مدفون شد. طبع شعر داشته و اشعاری از او موجود است.

این کتابها از اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «راز بقای انقلاب اسلامی» ۲. «قیام امام حسین علیه السلام» ۳. «حجّه البالغه فی اثبات الحجّه»(۱)

آقا جلال الدّین بت شکن دهکردی*

آقا جلال الدّین بت شکن فرزند آخوند ملّا محمّد حسین بن آخوند ملّا محمّد ابراهیم دهکردی، از علمای اواخر دوره قاجاریه.

وی سالها در نجف اشرف به تحصیل مشغول بوده و از محضر علمای بزرگ آن دیار خصوصاً آخوند ملّا محمّه کاظم خراسانی بهره گرفت. او از طرفداران مشروطیت ایران بود و به منظور مبارزه با استبداد به زادگاه خود دهکرد (شهرکرد فعلی) مراجعت نمود.

او حامی مظلومان و مخالف خوانین و زورگویان بود. مخالفینش که منافع خود را در خطر دیدند عدّه ای از عوام الناس و مردم جاهل را تحریک کردند و به دروغ مدعی شدند آقا جلال الدّین قصد اعزام جوانان آنها را به خدمت اجباری (نظام وظیفه) دارد لذا آن جماعت فریب خورده در سال ۱۳۰۶ش به منزل او هجوم برده و او را شهید کردند. پیکر او در جوار امامزاده حلیمه و حکیمه خاتون در دهکرد و در جوار جدش ملّا محمّد ابراهیم دفن شد.(۲)

۱- یادداشت های آقای حاج علی اسحاقی، با تشکر از آقای حسن مظاهری.

۲- شناخت سرزمین چهارمحال، ج، ص۶۱۷.

سیّد جلال الدّین طاهری*

سیّد جلال الدّین طاهری فرزند سیّد عبدالخالق، در سال ۱۳۰۴ش در محلّه حسین آباد اصفهان متولّد شد. او از اعقاب عالم جلیل القدر سیّد محمد میرلوحی سبزواری اصفهانی است. در اصفهان تحصیلات ابتدائی را طی نموده و وارد دبیرستان صارمیه شد و از آنجا دیپلم گرفت. سپس دروس مقدماتی و سطح را در آقایان شیخ احمد فیاض سدهی و سیّد جواد غروی در حوزه علمیه اصفهان فراگرفت. در سال ۱۳۲۵ش به قم رفت و از درس حضرات آیات سیّد محمد تقی خوانساری، حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّد محقّق داماد، امام خمینی و شیخ محمّدعلی اراکی بهره گرفت.

فعالیت های سیاسی خود را در حمایت از نهضت امام خمینی از سال ۱۳۴۲ش آغاز کرد و پس از بازگشت به اصفهان در راه تبلیغ اهداف انقلاب به فعالیت پرداخت و از سال ۱۳۵۱ش نماز جمعه را در اصفهان اقامه نمود که با کارشکنی ها و ممانعت های مأموران رژیم پهلوی روبرو گردید.

او بارها توسط ساواک دستگیر و زندانی شده و مورد شکنجه های سخت و طاقت فرسا قرار گرفت و سپس به مهاباد تبعید شد. ولی پس از بازگشت به اصفهان بار دیگر نماز جمعه را برپا نمود و به سخنرانی های انقلابی و افشاگرانه علیه رژیم شاه ادامه داد. مأموران رژیم در ۱۰ مرداد ۱۳۵۷ش او را دستگیر و زندانی کردند که باعث قیام تاریخی مردم اصفهان و تحصن آنان در مقابل منزل مرحوم آیه اللّه خادمی و شهادت جمعی از آنان و اعلام حکومت نظامی در اصفهان گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی وی به عنوان نماینده امام خمینی در استان اصفهان و امام جمعه اصفهان منصوب شد. و چندین دوره نیز از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس خبرگان برگزیده شد. در جریان جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۶۷ش) برای پشتیبانی و حمایت از رزمندگان و کمک به جبهه های نبرد فعالیت های فراوانی انجام داد و فرزند جوانش علی طاهری در سال ۱۳۵۹ش در منطقه چزابه به شهادت رسید و

مفقودالاثر گردید.

او سالهای متمادی در حوزه علمیه اصفهان خصوصاً مدرسه چهارباغ و مدرسه صدربازار به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و اکنون چند سالی است که از امامت جمعه اصفهان کناره گیری نموده است.(۱)

از آثار ایشان «المحاضرات مباحث فی اصول الفقه» که تقریرات درس استادش مرحوم محقق داماد است در ۳جلد به چاپ رسیده است.

سید جلال الدّین فارقلیطی

سید جلال الدّین فارقلیطی بن سیّد فخرالدّین موسوی خوانساری بن سیّد رضا بن حسن بن ابوالقاسم جعفر بن حسین بن قاسم بن محب اللّٰه موسوی.

عالم فاضل. در اصفهان نزد علماین این شهر خصوصاً آقا شیخ محمّد رضا نجفی به تحصیل پرداخت. در دوره اختناق رضا خان به اجبار ترک لباس گفت امّا دست از تحصیل و طلب علم برنداشت و پس از طی شدن دوره اختناق مجدّداً لباس روحانیّت را در بر کرد. او ضمن اشتغال به کسب و کار (ساعت سازی) همچنان در خدمت بزرگان تَلَمُّذ می کرد و از راه منبر و موعظه نیز مردم را ارشاد می نمود. [سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۴۷ش وفات یافت.]و در تکیه جهانگیر خان قشقائی در تخت فولاد، جنب مزار پدر خود مدفون گردید.(۲)

سیّد جلال الدّین شریعتی زفره ای*

سیّد جلال الدّین شریعتی ابن سیّد مرتضی طباطبائی زفره ای، عالم فاضل، در سال ۱۲۹۹ش در روستای «زفره» از توابع کوهپایه اصفهان متولّد شد. مقدمات علوم را از

۱- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج۱، صص ۵۵۳ و ۵۵۴؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (اسناد اصفهان)، ج۱، ص۲۰۲؛ مقدمه محاضرات.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص ۳۰۰.

پدر و نیز شیخ حسن جناب فرا گرفت. سپس در درس علمای عالیقدر اصفهان همچون شیخ محمّد جواد فریدنی، شیخ هبه اللّٰه هرندی، شیخ محمّد علی عالم حبیب آبادی، سیّد محمّد باقر سدهی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ احمد فیاض، حاج آقا حسین خادمی و حاج آقا رحیم ارباب حاضر شد و کسب فیض نمود.

ایشان در مسجد صاحب الزمان در محلّه دردشت و مسجد شجره در خیابان شاه عباس خاکی [شریف واقفی فعلی] اقامه جماعت می نمود و گاهی نیز به زادگاه خود رفته و در حلّ مشکلات مردم آنجا ساعی و کوشا بود. سرانجام در ۱۶ محرم الحرّام ۱۴۲۱ق برابر با دوّم اردیبهشت ۱۳۷۹ش وفات یافت.(۱)

میرزا جلال الدّین روضاتی

آقا میرزا جلال الدّین روضاتی ابن آقا میرزا مسیح بن میرزا محمّد باقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات الجنات)، عالم فاضل. در سال ۱۲۸۳ق در اصفهان متولّد شد و در خدمت پدر و عمّ بزگوارش [و برخی از علمای اصفهان] به تحصیل پرداخته و به مراتب عالی علم و فضیلت نائل شد و [از جدّ عالی مقام خود صاحب روضات و برادر ایشان میرزا هاشم چهارسوقی اجازه روایت و از سیّد ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی مرجع عالیقدر تقلید اجازه در امور حسبیه دریافت نمود.

او عالمی وارسته و بی ریا و زاهد و تارک دنیا بود. در سال ۱۳۵۶ق فرزند برومندش آقا میرزا محمّد هاشم در شط کوفه غرق شد و پدر را غریق محنت و درد جانکاه فراق نمود و در ضمن آن به امراض گوناگون مبتلا شده و عاقبت در بیمارستان بستری شده و تن به عمل جرّاحی داده و دو روز بعد از عمل] در ۱۶ رمضان ۱۳۶۰ق وفات یافته و پیکرش به تخت فولاد حمل و در بقعه نیای بزرگوارش صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.

۱- یادداشت های محقق و نویسنده ارجمند آقای محمّد حسن رجائی زفره ای.

مرحوم میرزا حسن چهارسوقی مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

یکی آمد برون و گفت چنین

«شد بخلد برین جلال الدّین»

۱۳۶۰=۱۳۶۱-۱

صاحب عنوان انواع خطوط خصوصاً نسخ را خوش می نوشته و برخی از کتابها را کتابت نموده است. وی یک سلسله مطالب منبری هم در سه چهار جلد و مجموعه بزرگ و کوچک به رشته تحریر کشیده و کتابی در «شرح حال شیطان» در ۴ ذیحجه ۱۳۰۶ق استنساخ نموده که ظاهراً از تألیفات اوست.(۱)

سیّد جلال الدّین فقیه ایمانی*

سیّد جلال الدّین فقیه ایمانی فرزند حاج سیّد مصطفی، عالم جلیل. در سال ۱۳۱۱ش متولّد شد. تحصیلات حوزوی را نزد حضرات آیات شیخ حیدر علی صلواتی، شیخ یحیی فقیه ایمانی، شیخ فضل اللّٰه ذو علم و شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، انجام داد و برای تکمیل آن به قم رفته و از علمای اعلام و آیات عظام شیخ مرتضی حائری، سلطانی، علّامه طباطبائی، بروجردی و گلپایگانی کسب فیض نمود سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و از درس آیات عظام حکیم، شیخ حسین حلّی و حاج سیّد ابوالقاسم خوئی بهره گرفت. او در ۲۸ سالگی به افتخار مصاهرت مرحوم خوئی نائل آمده و پس از مراجعت به اصفهان، نمایندگی ایشان را در اصفهان برعهده گرفت.

وی در بسیاری از فعالیت های خیریه شرکت داشته و خدمات ارزنده ای به اسلام و مسلمین نموده است که از آن جمله است: احداث دو باب مدرسه علمیه در مشهد مقدّس، تأسیس شهرک مدینه العلم به نام مرحوم آیت اللّٰه خوئی در شهر مقدس قم. او سرانجام در اواخر ماه ذی الحجه الحرام سال ۱۴۲۸ق در تهران وفات کرد و در مسجد

۱- زندگانی آیت اللّٰه چهارسوقی، صص ۱۶ و ۱۷؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۵۰۳-۲۴۹۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۴۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۹.

طباطبائی قم در جوار همسرش حاجیه خانم مریم خوئی دفن شد. رحمهاللّه علیهما.

جلال الدّین همائی

استاد جلال الدّین همائی بن میرزا ابوالقاسم محمّد نصیر طرب بن رضا قلی(محمّد رضا) همای شیرازی، از دانشمندان عالیقدر معاصر. شاعر، خوشنویس، مورّخ، ادیب و دانشمند جامع، در اوّل رمضان ۱۳۱۷ق در خانواده ای اهل هنر و ادب در محلّه پاقلعه اصفهان متولّد شد. از کودکی نزد مادر قرآن و ادعیه و گلستان و اشعار حافظ را فرا گرفت. سپس در مکتب خانه تحصیل کرد و مدّتی شاگرد میرزا عبدالغفار پاقلعه ای بود. در سال ۱۳۲۶ق به مدرسه حقایق و سال بعد به مدرسه قدسیه رفت و در همان زمان نزد ملّا محمّد تقی کاتب به مشق خط پرداخت.

در اواخر سال ۱۳۲۸ق به مدرسه نیم آورد رفت و نزد علمای عالیقدر همچون حاج سیّد محمّد کاظم کَرَوَنی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا میرزا احمد اصفهانی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی، شیخ اسداللّه قمشه ای، ملّا عبدالجواد آدینه ای، میرسیّد علی جناب، میرزا علی آقا شیرازی، میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت و حاج آقا رحیم ارباب در فقه، اصول ادبیات عرب، منطق، فلسفه، هیأت، ریاضی، طب، اخلاق، کلام و حدیث به تحصیل پرداخته و در هر کدام از این رشته ها مهارتی به سزا یافت.

در این سالها او با تنگدستی و قناعت روزگار را سپری ساخت و در مدارس حوزه علمیه اصفهان تدریس نمود. مدّتی نیز در مدارس جدید مانند مدرسه قدسیه و دبیرستان صارمیه تدریس کرد. در سال ۱۳۰۷ش به تهران آمد و به استخدام وزارت معارف درآمد. و از سال ۱۳۱۰ به تدریس در دبیرستان دارالفنون و دبیرستان شرف و دبیرستان نظام و دانشکده افسری پرداخت و کم کم در دانشگاه تدریس کرد. ابتدا در دانشکده حقوق و سپس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تدریس نمود تا اینکه در سال ۱۳۴۵ش بازنشسته شد ولی به تدریس ادامه داد.

در طول این سالها استاد همایی از آموختن و تحقیق و تألیف باز نایستاد و دهها مقاله و کتاب و رساله تحقیقی و ارزنده پدید آورد.

همایی چون بزرگان خاندان خود خط خوشی داشت و در شعر صاحب قریحه ای پویا و استعدادی قابل تحسین بود و در شعر «سنا» تخلّص می کرد. نمونه هایی از اشعار دوران جوانی او در سال ۱۳۴۲ق در کتاب «دانشنامه» که مرحوم الفت آن را گردآوری نموده، به طبع رسیده است. همچنین او به زادگاه خود علاقه فراوان داشت و از هر فرصتی برای گردآوری اطلاعات و تألیف مقاله و کتاب درباره تاریخ، فرهنگ و هنر اصفهان استفاده می کرد.

سرانجام در ۶ رمضان ۱۴۰۰ق در تهران وفات یافته و حسب وصیّت ایشان جنازه به اصفهان حمل و در قبرستان لسان الارض واقع در تخت فولاد به خاک سپرده شد. خود او در آخرین روزهای زندگی مادّه تاریخ فوت خود را چنین سرود:

سنا جلال همایی بگوش غیب نیوش

ندای ارجعی از بام عرش چون بشنفت

شکفته گشت به لبّیک و بهر تاریخش

«ز آشیانه تن شد رها همایی» گفت

او علاوه بر مقالات فراوان و همکاری در تدوین کتابهای درسی تألیفات فراوانی را از خود به جای نهاد از جمله:

۱. «تاریخ ادبیات ایران» ۲. «غزالی نامه» ۳. «خیّامی نامه» ۴. «تفسیر مثنوی مولوی، داستان قلعه ذات الصّور یا دژ هوش رُبا» ۵. «فنون بلاغت و صناعات ادبی» ۶. «مولوی نامه یا مولوی چه می گوید؟» ۷. «مختاری نامه» که در مقدمه دیوان عثمان مختاری به طبع رسیده است. ۸. «رساله در احوال سروش اصفهانی» که در مقدّمه دیوان او به طبع رسیده است. ۹. «اسرار و آثار واقعه کربلا» ۱۰. «تصوف در اسلام» ۱۱. «تاریخ علوم اسلامی» ۱۲. «دیوان سنا» ۱۳. «شعوبیه» ۱۴. «تاریخ اصفهان» که تاکنون سه جلد از آن به چاپ رسیده است. ۱۵. «تعلیقات بر مجمع الفصحاء» ۱۶. تصحیح و مقدمه «مثنوی ولدنامه» ۱۷. «تصحیح و مقدمه کتاب التّفهیم» ۱۸. «تصحیح و مقدمه نصیحه الملوک» ۱۹. «تصحیح و مقدمه منتخب اخلاق ناصری»

۲۰. تصحیح و مقدّمه «مصباح الکفایه و مفتاح الکفایه» ۲۱. «تصحیح و مقدّمه کنوز المغرمین» در علوم غریبه ۲۲. «تصحیح و مقدّمه نصوص الخصوص فی شرح الفصوص» ۲۳. «مقدّمه دیوان طرب» ۲۴. «مقدّمه برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان» ۲۵. «تصحیح و مقدّمه طرب خانه» خیام ۲۶. «تصحیح و مقدّمه معیار العقول در فن جراثقال» که همگی به چاپ رسیده اند.

۲۷. «ابوریحان نامه» ۲۸. «تاریخ ادوار فقه اسلامی» ۲۹. «قواعد فارسی» ۳۰. «آسمان و زمین در فن هیأت» ۳۱. «دستور و قواعد فارسی» ۳۲. «ترجمه اشارات» ابن سینا ۳۳. «شرح احوال و بررسی افکار و عقائد خواجه نصیرالدّین طوسی» ۳۴. «تصحیح دیوان ازرقی» ۳۵. «شرح مشکلات اشعار مثنوی مولوی» ۳۶. «فلسفه شرق» ۳۷. «دوره مفصّل معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه» ۳۸. «رساله در طریق محاسبات نجومی» ۳۹. «دنباله تاریخ ادبیات ایران»

که هنوز به چاپ نرسیده است.(۱)

جلال الدّین جابری

جلال الدّین جابری، از رجال و بزرگان دستگاه ترکمانان بوده و چندی وزارت آنان را بر عهده داشته و معاصر سلطان الوند بهادر بوده و از اسخیاء و اخیار زمان خود به شمار می رفته است.(۲)

۱- همائی نامه: اغلب صفحات؛ کارنامه همائی: اغلب صفحات؛ پایان شب سخن سرائی: اغلب صفحات؛ دانشنامه (الفت)، ص۱؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۵۰-۲۴۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۵؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۸۰۷؛ دولت دیدار، صص ۲۹۷-۲۰۰؛ ادبیات معاصر، ص۵۸؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۳۰۵؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، صص ۱۹۸-۱۹۵؛ اشعار ملی و میهنی از سخنوران معاصر ایران، صص ۹۲-۸۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

شیخ جلال الدّین ریزی*

شیخ جلال الدّین ریزی، عالم فاضل، در قصبه «ریز» [زرین شهر] در لنجان اصفهان متولّد شده و تحصیلات خود را در اصفهان نزد آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی و میرزا احمد مدرس و دیگران انجام داد و به زادگاه خود بازگشت و به تبلیغ و ترویج دین مشغول شد و در آن سامان مرجع حلّ و فصل مشکلات مردم بود. سرانجام در اواسط قرن چهاردهم هجری شمسی وفات یافت.

جلال الدّین صفائی اصفهانی

جلال الدّین اصفهانی متخلّص به «صفائی» شاعر ادیب، از سخنوران قرن دهم هجری، ساکن اصفهان(۱)

سیّد جلال الدّین فرزانه شهرکردی

سیّد جلال الدّین فرزانه شهرکردی، شاعر معاصر، در شهرکرد به تدریس در دبیرستانها مشغول بود. در انواع فنون سخن قادر و در سرودن شعر مهارت به سزایی داشت و در حدود ۱۳۲۷ش وفات یافت. این بیت از اوست:

چشم حریص سیر نگردد به روزگار

آری پر آب چاه ز شبنم نمی شود(۲)

جلال الدّین میرمیران

جلال الدّین میرمیران، در سال ۷۵۴ق کلانتر اصفهان بوده.(۳) [و در سال ۷۵۷ق به شیخ ابواسحاق اینجو پناه داد، اما امیر مبارز الدّین اصفهان را محاصره کرد و موفق به تسخیر آن شد و شیخ ابواسحاق را دستگیر و به شیراز فرستاد تا اینکه در سال ۷۵۸ق

۱- تذکره غنی، ص ۸۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۵۱ و ۳۵۲.

۳- تاریخ اصفهان و ری، ص ۱۵۴.

در میدان سعادت شیراز او را به قتل رساندند.[(۱)]

دکتر جلیل دوستخواه*

دکتر جلیل دوستخواه فرزند محمّد حسین، در سال ۱۳۱۲ش در اصـفهان متولّد شد و پس از طی تحصیلات ابتدائی و متوسطه، در دانشـگاه تهران در رشـته زبـان و ادبیـات فارسـی به ادامه تحصـیل پرداخت و موفق به اخـذ درجه دکترا گردیـد. او تـا سـال ۱۳۶۰ش به تدریس در دانشـگاه اصفهان و دانشگاه جندی شاپور اهواز مشغول بود پس از آن از ایران مهاجرت کرد و از سال ۱۳۷۰ش در استرالیا مقیم شده و به تدریس زبان و ادبیات فارسـی در دانشـگاههای آن کشور مشـغول شد. وی از دانشـمندان، محققـان و ادبای پرکار اصـفهانی است که عمـده وقت خود را صـرف تحقیق درباره شاهنامه و فرهنگ و ادبیات ایران پیش از اسلام نموده است. کتابهای زیر از تألیفات و ترجمه های اوست:

۱. «هیمالیا» برگزیـده شـعرهای ۱۵تن از شـاعران اردو زبـان هنـد و پاکسـتان. ۲. «اوسـتا، نـامه مینـوی آیین زرتشت» ۳. ترجمه «آفرینش رسـتاخیز»: پژوهشـی معنی شناسـی در ساخت جهان بینی قرآنی، نوشـته: «شینیاماکینو» ۴. اوسـتا کهن ترین سرودها و متن های ایران» ۵. «داسـتان رسـتم و سهراب» به روایات نقالان ۶. ترجمه «پژوهشـی در شاهنامه» تألیف: «کویاجی» ۷. «حماسه ایران» ۸. «اندر بلای سخت» (گزارش سفر به تاجیکستان، که در مجله بخارا چاپ شده است). ۹. «ایران شناخت» ۱۰. «گزارش هفت خوان رستم» ۱۱. «رهیافتی به متن های اوستائی» ۱۲. «فرهنگ فارسی اصفهانی»(۲)

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۵، صص ۱۶۲ و ۱۶۳ و منابع دیگر.

۲- نشریه «کتاب هفته»، شماره ۳۶، شنبه اول دی ۱۳۸۰، ص۲۳.

جلیل گلریز خاتمی*

استاد جلیل گلریز خاتمی، هنرمند معاصر، در هنر خاتم سازی زبردست بوده و از اساتید زبده این هنر در اصفهان به شمار می رفت. وی در دوّم تیرماه ۱۳۷۶ش بدرود حیات گفته و در باغ رضوان (گورستان جدید اصفهان)، در قطعه نام آوران به خاک سپرده شد.

جمال اصفهانی

جمال بن ملّا اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب «صحیفه سجادیه» که از کتابت آن به خط نسخ در سال ۱۰۴۱ق فراغت حاصل نموده است کتاب به شماره ۱۱۹۵ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

جمال جناب پور

جمال جناب پور ابن آقا شیخ حسن معلّم، از شعرای معاصر اصفهان. وی مدتی روزنامه سعادت اصفهان را منتشر کرد و در شعر «جناب» تخلّص می نمود.

از اوست:

عالمی محو جمال تو و این بس عجب است

روی نادیده دل اندرغم عشقت ز چه روست

نچمد پیش قدت سرو خرامان در باغ

راست چون قامت دلجوی تو اندر لب جوست(۲)

۱- فهرست وزیری، ج۳، ص ۸۹۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.

جمال خادم

جمال خادم، وی در قرن نهم هجری می زیسته و خادم مقبره شیخ محمّد بن یوسف بوده و در سال ۸۸۰ ه.ق به امر اوزون حسن آق قویونلو متصدی تجدید و تعمیر صفّه صاحب در مسجد جامع اصفهان شده است.(۱)

جمال ساعد نقنه ای

جمال خلیل زاده نقنه ای متخلّص به «ساعد» شاعر ادیب معاصر، از اهالی قریه «نقنه» در حوالی بروجن است، دارای طبعی متوسّط می باشد. گاهی شعر می گوید.

از اوست:

مران اسب ای برادر گر به دست آری تو میدانی

مشو غَرّه اگر گوئی خورد ناگه به چوگانی

چو اسکندر شود گر عالمی در زیر فرمانت

بجو آب حیات از قوّت بازو به آسانی

بشر را دانش و فکر پاک و عقل دوراندیش

به جاها می رساند رو برون از فکر انسانی

قناعت شرط انسان است زیرا گر طمع افتاد

بسی تیغ از کف سردار و افسرهای سلطانی

گرت رای نکوئی ست رو اندر پی نیکان

بنه دائم بدی را بر بدان باشد به ارزانی

دلا دائم چو دُرّ در گوش خود کن پند ساعد را

که هر کس رفت از این ره نیست در کارش پشیمانی

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۹۵؛ مزارات اصفهان، ص۳۴۹.

جمال الدّین ایبه سمیرمی

جمال الدّین ایبه سـمیرمی چاشنی گیر، از امراء عهد اتابکان در اصفهان بوده، در سال ۵۸۴ به جهت استبدادی که از او سر می زد به دستور طغرل به قتل رسید.(۱)

سیّد جمال الدّین اصفهانی

سیّد جمال الدّین اصـفهانی، عارف سالک، از خواصّ مریدان شیخ صدرالدّین موسی اردبیلی (متوفی دوشنبه ۱۲ محرم ۷۳۵ق) بوده و بر حسب وصیت شیخ، متصدّی تغسیل، تکفین و تدفین او بوده است.(۲)

جمال الدّین اعتماد الکتاب اصفهانی

جمال الـدّین اعتماد الکتّاب بن ابی طالب اصـفهانی، عالم فاضل [خوشـنویس هنرمنـد]قرن چهاردهم هجری. [ظاهراً در تهران ساکن بوده و خط نسخ را خوش می نوشت.]

از آثار او کتابت نسخه ای است از کتاب «سـماء المقال» در علم رجال، تألیف میرزا ابوالهـدی فرزند میرزا ابوالمعالی کلباسـی که در شعبان سال ۱۳۱۹ق کتابت آن پایان یافته است. نسخه به شماره ۳۴۸۵ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۳)

همچنین نسـخه ای از کتـاب «الارشـاد فی احوال الصاحب بن عباد» تألیف: ابوالقاسم احمـد قهپائی را به خط نسـخ در ۱۰ صفر ۱۳۵۲ق کتابت نموده و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴)

۱- مجله یادگار، سال اول، شماره۴، ص۶۶.

۲- روضات الجنان، صص ۲۶۷ و ۲۶۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۶.

۳- فهرست ملک، ص ۳۷۳.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص ۷۸.

میرزا جمال الدّین کلباسی

حاج میرزا جمال الدّین کلباسی بن میرزا ابوالمعالی (محمّد) بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل و زاهد متّقی [در حدود ۱۲۷۳ق در اصفهان متولّد شد]اغلب تحصیلات او در فقه و اصول، ادبیّات و رجال نزد پدر دانشمندش صورت گرفته است و اجازه حدیث از پدر اخذ نموده است. [همچنین از میرزا محمّد هاشم چهارسوقی نیز اجازه دریافت نموده است.

پس از وفات پدر به همراه برادرش میرزا ابوالهدی به عتبات عالیات رفته و نزد آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی استفاده نمود و از آن دو بزرگوار نیز اجازه گرفت. در این ایام مدتی در نجف اشرف به تدریس پرداخته و در سال ۱۳۴۰ق به اصفهان مراجعت نموده و حوزه تدریس و تعلیم را برپاداشت.

وی علاوه بر تبحّر در علوم مختلف در نجوم نیز مهارت داشته و آن را تدریس می نموده است.] در مدّت عمر دقیقه ای از تألیف و تدریس و عبادت غافل نبود. در مسجد جوجو (جوجی) اقامه جماعت می فرمود و نماز ایشان از زبده ترین جماعات اصفهان محسوب می شد.

سرانجام در شب ۱۷ رمضان المبارک سال ۱۳۵۰ق وفات یافته و جنب پدر در بقعه میرزا ابوالمعالی واقع در تخت فولاد مدفون شد. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تلخیص الهیئه» [۲. «شرح کفایه الاصول» ۳. «کتابی در اصول فقه» از باب انسداد تا اواسط استصحاب ۴. «رساله در صلوه مسافر»(۱)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ نقباد البشر، ج۱، ص۳۰۸؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۱۹۸؛ مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص ۱۰۹-۱۰۳؛ الاجازه الکبیره، ص۳۵.

شیخ جمال الدّین نجفی

حاج شیخ جمال الدّین بن شیخ محمّد باقر نجفی بن شیخ محمّد تقی رازی. عالم جلیل و فقیه مجاهد، از علمای بزرگ قرن چهاردهم هجری. مادرش از سادات اخوی تهران بوده و خود او در سال ۱۲۸۴ق در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل نزد پدر دانشمند خود و دو برادرش آقانجفی و حاج شیخ محمّدعلی در سال ۱۳۰۸ به عتبات عالیات مهاجرت نموده و نزد آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی، میرزا حبیب اللّه رشتی و سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی به کسب فیض پرداخته و به اجتهاد نائل آمد و در سال ۱۳۱۳ق به اصفهان بازگشته و در مسجد شیخ لطف اللّه به اقامه جماعت پرداخته و محضر قضاوت و رفع مرافعات را برپاداشت و به تدریس مشغول شد.

او در قضایای مشروطیّت به همراه برادرش حاج آقا نوراللّه همراه و به وظایف شرعی خود مشغول بود، و پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملّی به دستور محمّد علی شاه و برچیدن بساط مشروطه و مخالفت علمای نجف اشرف با اقدامات مستبدانه محمّد علی شاه، آقا جمال الدّین و دو برادرش آقانجفی و حاج آقا نوراللّه علیه حکومت استبداد اعلامیه صادر نموده و مردم را به مخالفت با استبداد فراخواندند.

هنگامی که جنگ جهانی اول آغاز شد و روسها و انگلیسی ها کشور را به اشغال خود درآوردند، و اصفهان نیز صحنه تاخت و تاز روسها شد، منزل او محل مراجعه مردم و تظلّم خواهی بود. به این خاطر سربازان روسی به منزل او ریخته او را به اجبار به تهران تبعید ساختند. مردم تهران از او استقبال گرمی کردند و روز به روز به شهرت و عظمت او افزوده شد. وی در مسجد سیّد عزیزاللّه تهران اقامه جماعت می نمود و به تدریس می پرداخت و برخی اوقات به منبر می رفت و مردم را موعظه و ارشاد می نمود.

حاج آقا جمال الدّین نجفی در اوایل ظهور رضاخان منویّات و اهداف ضدّ اسلامی او را دریافته و با آن به مخالفت پرداخت. در قضایای جمهوری، در کنار شهید سیّد حسن مدرّس به مخالفت با جمهوری خواهی رضاخان برخاست و مردم را علیه آن بسیج نمود.

پس از آنکه در سال ۱۳۵۲ق مجلس شورای ملّی قانونی را تصویب نمود که مطابق

بـا آن سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۸ و پسران ۲۰ سال تعیین شده بود، حاج آقا جمال آن را خلاف شـرع دانسته و علناً به مخالفت با آن پرداخت. لذا به اصفهان تبعید شده و در منزل خود در اصفهان تحت نظر مأمورین حکومت قرار گرفت.

در دو سال آخر زندگی به اقامه جماعت در مسجد شیخ لطف اللّه و برگزاری مراسم دعای کمیل در تخت فولاد می پرداخت. او سـرانجام در شب یکشنبه ۲۵ جمادی الاولی سال ۱۳۵۴ق در اصـفهان وفات یافت و در بین مردم شایع شد که او را مسـموم ساخته اند. پیکر او به تخت فولاد تشییع شده و در تکیه مادر شاهزاده، جنب مزار جد اعلای خود شیخ محمّد تقی رازی مدفون شد. میرزا حسن خان جابری انصاری ماده تاریخ وفات او را چنین یافته است:

سر از جنّت برون آورد گفتا خود به تاریخش

«جمال دین ز حق دیده جمال و رفته در مینو»

و مرحوم معلم حبیب آبـادی نیز مرثیه ای در وفـات او سـروده و مصـرع «جمال الـدّین بجنّت رفت ناگه» را ماده تاریـخ فوت او یافته است.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «حاشـیه بر انیس المقلّدین» رساله علمیه مرحوم سیّد اسـماعیل صدر که در سال ۱۳۲۹ق چاپ سـنگی شده است. ۲. «رساله در دماء ثلاثه، صـیغ عقود، نکاح، متعه و تحلیل» که ضـمیمه «انیس المقلّدین» که توسط یکی از شاگردانش حاج شـیخ احمد کتـابفروش تهرانی از کتـاب «نجـات الشـیعه» صـاحب عنـوان استخراج و بـه طبـع رسـیده اسـت. ۳. «نجـات الشیعه فی احکـام الشریعه»(۱)

۱- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، صص ۴۵۱ و ۴۵۲؛ تاریـخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۳، صص ۸۵-۶۸؛ سیری در تاریـخ تخت فولاد، ص۹۳؛ گلشن اهل سلوک، صـص ۱۱۱-۹۲؛ زنـدگانی آیت اللّه چهارسوقی، صـص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۶؛ نسب نامه الفت، خطی؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۶۱۹-۲۶۱۳؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۰۲-۲۰۰؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۱۹۱-۱۹۰؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، صص ۲۳۵ و ۲۳۶.

سیّد جمال الدّین صهری

حـاج سیّد جمـال الـدّین صـهری بن حـاج سیّدجعفر میردامـادی سـدهی، عـالم فاضل و واعظ کامل در سال ۱۳۲۱ق در قریه «ورنوسـفادران» سده ماربین [خمینی شـهر فعلی]متولّد گردیده و پس از تحصیل علوم مقدماتی در اصفهان نزد حاج آقا رحیم ارباب، میر سیّد علی نجف آبادی، آقا سیّد محمّـد نجف آبادی، میرزا احمـد مدرس و شـیخ محمّدحکیم خراسانی به کسب فیض پرداخت سپس جهت ارشاد و هدایت مردم به منبر رفته و الحق واعظی بلیغ و شیرین بیان بود و چون به آن چه می گفت، خود معتقـد بود، بیـانش بیشتر مؤثر واقع می شـد. سالهـا در خوزسـتان ساکن و در اواخر به اصـفهان مراجعت نموده، محبوبیتی غریب داشت و مورد احترام و اکرام عموم طبقـات بالاـخص علمـاء و خطبـاء بود. وی دهها مسـجد و مـدرسه بنا کرد و در رفع مشکلات مردم اهتمام بسیار داشت.

او در دوره های ۱۶ و ۱۷ مجلس شورای ملّی از اصفهان کاندیدا شد ولی موفق به راه یابی به مجلس نگردید.

سرانجام در پنج شنه ۷ ربیع الثانی ۱۳۸۸ق وفات یافته، جنازه روز جمعه با تجلیل کامل و مشایعت عموم طبقات بر سر دست به سده [خمینی شهر] منتقل شده، در مقبره خانوادگی جنب پدر در قبرستان ورنوسفادران مدفون گردید.

رساله ای بنام «منتخب النخبه فی شـرح دعاء النـدبه» از او به طبع رسـیده است و در شـعر طبع روانی داشـته و دیوان و قصایـد و غزلیاتش به نام «الفین صهری» است و به طبع نرسیده است.

این شعر از اوست:

صبا گر بگذری بر ساقی گلرنگ فام ما

ببر از راه احسان نزد آن مهوش پیام ما

به آن خورشید طلعت گو به پایان رفت شام ما

بیا در بزم و پر کن از می مقصود ما

جهان بر کام باشد کن می عشرت به کام ما

***

زنی تا کی مخالف با مطربا شهناز را دم زن

همایون طالع ما را گهی زیر و گهی بم زن

حجازی می رسد اکنون عراق و ترک بر هم زن

به دشت حاجیانی بانگ جاءالحق به عالم زن

که گردون بر زد اکنون سکه شاهی به نام ما(۱)

شیخ جمال الدّین خوانساری

حاج آقا جمال الدّین بن حاج آقا جلال الدّین بن ملّا محمّدحسین بن ملّا علی اکبر بن ملا محمّدابراهیم خوانساری اصفهانی.

عالم فاضل جلیل در حدود سال ۱۳۰۰ق متولّد شده و در اصفهان تحصیل نموده و سپس در مدرسه میرزا حسین تدریس نموده و نماز جماعت را در مسجد میرزا باقر اقامه نمود.

و سرانجام در ۸ذیحجه الحرام سال ۱۳۹۱ق وفات یافته و در اطاق جنوبی تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شد.

وی عالمی خلیق و خدمتگزار علم و دانش و آخرین فرد روحانی از این خاندان بود.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۲۰-۳۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۵۲ و ۴۵۳؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۳۰۹-۳۰۷.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۸۰.

میرزا جمال الدّین معارف پرور

میرزا جمـال الـدّین معـارف پرور ابن حـاج شـیخ محمّدحسـین کتـابفروش، فاضـل ادیب، سـاکن تهران و متوفی در آن شـهر و مدفون در جنب بقعه ملّا محمّد کتابفروش در تخت فولاد اصفهان.(۱)

سیّد جمال الدّین میردامادی

حاج سیّد جمال الدّین میردامادی بن سیّد حیدرعلی خوزانی، عالم فاضل محقق. در سال ۱۳۲۳ق درا صفهان متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات، نزد علمای اصفهان به تحصیل پرداخت سپس حسب توصیه آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی متصدی دفتر ازدواج و طلاق در اصفهان شد و پس از انتقال به تهران به اداره این دفتر ادامه داد.

به اهتمـام ایشان کتاب لطائف غیبیه تألیف سیّد احمـد علوی عاملی (جـد اعلای ایشان) به طبع رسـیده و در مقـدمه مفصل آن رساله ای مفرده در شرح احوال رجال خاندان میردامادی به قلم صاحب عنوان درج گردیده است.

سیّد جمال الدّین اشرف الواعظین

سیّد جمال الدّین بهشتی ملقّب به «اشـرف الواعظین» فرزند سـیّد حسن، عالم فاضل، واعظ کامل.[از مشاهیر خطبای اهل منبر و پیش نماز مسجد جوی شاه در محلّه لنبان اصفهان بوده است.]

در ۲۹ رجب ۱۳۸۳ق وفات یافته و در تکیه زرگرها واقع در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ وفات او را شاعر توانا آقای فضل اللّه اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» چنین سروده است:

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۹۷ و ۱۹۸.

زد رقم سال فوت او «برنا»

«اشرف کائنات از وی شاد»(۱)

جمال الدّین قدسی

جمال الدّین بن عبدالحسین قدسی بن محمّدعلی خوشنویس اصفهانی شاعر و ادیب دانشمند معاصر، در شب هشتم رمضان سال ۱۳۱۵ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خویش را ابتدا در مدرسه باقریه و قدسیه انجام داده و سپس در مدارس قدیمه نزد شیخ علی مدرس یزدی، شیخ محمّد حکیم خراسانی و شیخ محمّدباقر الفت به تحصیل علوم دینی پرداخت و از سال ۱۳۰۳ش به خدمت فرهنگ درآمده و به تدریس در دبیرستان های اصفهان مشغول شد.

پس از فوت پدر ریاست مدرسه قدسیه را بر عهده گرفت و هم چنین چندین سال در دبیرستان ادب به تدریس پرداخت. سرانجام [در ۱۵ آبان ۱۳۵۳ش] وفات یافته و در صحن تکیه تویسرکانی (غرب بقعه) در تخت فولاد مدفون شد. وی کمتر شعر می گفت و اشعارش اغلب ماده تاریخ است. [ماده تاریخ فوت او را شاعر معاصر مجتبی کیوان چنین سروده است:

نوشت خامه «کیوان» به سال تاریخش

جمال قدسی گشوده پر بگلشن قدس»]

۱۳۵۳

به همت او «دیوان غمام همدانی» برای اوّلین بار به طبع رسیده است.(۲)

۱- تحفه الحباب، صص ۲۹ و ۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ فهرست کاظمینی، ج۱، ص۱۸۲؛ یادنامه ادب، صص ۱۹۱ و ۱۹۲.

سیّد جمال الدّین مدرّس صادقی

سیّد جمال الدّین مدرّس صادقی فرزند آقا سیّد عبداللّه ثقهالاسلام بن آقا سیّد محسن میرمحمّد صادقی، شاعر معاصر در سال ۱۲۹۰ش در اصفهان متولّد گردیده و تحصیلات خود را تا دیپلم در این شهر انجام داده و پس از انجام نظام وظیفه وارد خدمات دولتی گردید و در بانک رهنی کرمانشاه مشغول به خدمت شد. در شعر «مدرس» تخلّص می کرد.

از اوست:

ابری است تیره زلف تو بر گرد عارضت

ماهی است عارضت که به سروی نشسته است(۱)

سیّد جمال الدّین واعظ اصفهانی

سیّد جمال الدّین واعظ اصفهانی ابن سیّد عیسی بن سیّد محمّدعلی موسوی عاملی. از چهره های مشهور عصر مشروطیّت.

در حدود سال ۱۲۷۹ق در همدان متولّد گردیده [در کودکی یتیم شده و همراه مادر و خواهر خردسالش به تهران رفت. از ۱۴ سالگی در تهران به تحصیل علوم دینی پرداخته و در ۲۱ سالگی برای تکمیل آن به اصفهان رفت و به تحصیل پرداخت و در ضمن آن به وعظ و خطابه مشغول شده و شهرت به سزایی کسب کرد و مستمری مخصوصی از طرف ناصرالدّین شاه برای او معیّن شد. دوستی او با عدّه ای از چهره های آزادیخواه او را به مخالفت با استبداد کشانید و نطق های تند او طرفدارانی را به گرد او جمع کرد. پس از آن که او به همراهی در نوشتن کتاب «رؤیای صادقیه» و هم چنین رفاقت و همراهی با ازلیان در امر دین متهم شد، در تهران سکونت گزید در وقایع مشروطه سخنرانی ها و خطابه های او درمیان مردم مؤثّر واقع شد.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۳۶.

پس از آن که محمّدعلی شاه به تخت سلطنت نشست و مجلس شورای ملّی را به توپ بسته و بساط مشروطیت را برانداخت و دستور دستگیری و قتل مشروطه خواهان را صادر کرد، سیّد جمال الدّین واعظ پنهان شد و قصد رفتن به عتبات عالیات را نمود. در همدان نزد مظفرالملک حاکم همدان که از مریدان او بود رفت امّا محمّدعلی شاه دستور قتل سیّد جمال را صادر کرده بود. مظفرالملک او را تحویل امیر افخم حاکم بروجرد داد و به دستور حاکم بروجرد او را در بروجرد به سال ۱۳۲۶ق خفه کرده و کشتند و در آن شهر دفن شد.]

[۱. «رساله جمالیه» شامل نطق ها و خطابه های او ۲. «لباس التّقوی» در تشویق مردم به مصرف پارچه های وطنی و تحریم پارچه های خارجی]

صاحب عنوان پدر نویسنده و داستان نویس معروف محمّدعلی جمال زاده است.(۱)

جمال الدّین جیرانی

جمال الدّین بن محمّدقاسم جیرانی، عالم فاضل. ظاهراً از شاگردان مرحوم فیض کاشانی بوده و مطابق نوشته علّامه طهرانی در «الذّریعه» وی نویسنده و کاتب اجازه نامه مرحوم مولی محسن فیض کاشانی جهت برادرزاده اش مولی محمّدهادی بن مرتضی کاشانی به سال ۱۱۲۴ق می باشد.(۲)

از شاگردانش مرحوم میرزا هادی بن عبدالکریم دولت آبادی بوده که در نوشته های خود او را فقاهت و زهد ستوده است.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۵۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۲۸۱ و ۲۸۲؛ فهرست رضوی، ج۴، ص۱۴۰؛ رجال عصر مشروطیت، صص ۴۱ و ۴۲؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، صص۲۵۷-۲۵۵؛ شهید راه آزادی سیّد جمال واعظ اصفهانی، صص ۷۵-۱؛ دانشوران روشندل، صص ۶۴ و ۶۵.

۲- آثار ملّی اصفهان، ص۲۱۱.

سیّد جمال الدّین منجّمی

آقا جمال الـدّین منجّمی بن حاج سـیّد محمّـد منجم بن سـیّد زین العابدین بن میر سـیّد محمّد بن سـیّد اسـماعیل بن سـیّد بدیع الزّمان حسینی گنابادی اصفهانی، عالم فاضل واعظ.

در اصـفهان و قـم به تحصـیل پرداخته و سـپس در اصـفهان به وعـظ و خطـابه پرداخت. سـرانجام در جـوانی در شب ۲۵ شوال ۱۳۸۲ق وفات یافته، در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

جمال الدّین ترجمان*

جمال الدّین ترجمان فرزند محمّدهادی امین، از فضلاء معاصر. در سال ۱۲۸۰ش در «باغ بهادران» لنجان اصفهان متولّد شد. در مکتب خانه پدر تعلیمات ابتدایی و ادبیات را فرا گرفت سـپس به همراه پدر به اصـفهان رفت و در مدرسه علیّه تحصـیل کرد و تـدریس نمـود. پس از آن بـه تهران رفته و تحصـیلات جدیـد را در دبیرسـتان دارالفنـون به پایـان رسانـد. همچنین در مدرسـه سپهسالار از محضـر شـهید سـیّد حسن مدرس بهره برد. آنگاه به اسـتخدام وزارت فرهنگ وقت درآمد و چندی در خوزسـتان ریاست و تدریس نمود. او در اصـفهان سالها ریاست دانشسـرا و برخی مراکز آموزشـی را بر عهده داشت و حدود ۵۰ سال در خـدمت علم و فرهنـگ ایران بود و شاگردان فراوانی پرورد. او به زبانهای عربی، انگلیسـی و فرانسه مسلط بود. سـرانجام در ۵ آبان ۱۳۶۳ش در سن ۸۳ سالگی وفات کرد و در قبرستان باغ رضوان اصفهان دفن شد.(۲)

سیّد جمال الدّین چهارسوقی

آقا جمال الـدّین محمّد بن میرزا محمّد هاشم بن میر زین العابدین موسوی چهارسوقی، عالم فاضل متقی. نامش محمّد و ملقّب و مشهور به «جمال الدّین» بوده است. در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص۴۵۶-۴۳۱.

اصـفهان متولّد شده و نزد پدر علّامه خود و علمای اصـفهان به تحصـیل پرداخته و موفق به اخذ اجازه اجتهاد به تاریخ های غره رمضان ۱۳۱۷ق و ۱۲ جمادی الثّانیه ۱۳۱۸ق گردیده و پس از وفات پدر در مسـجد او به اقامه جماعت پرداخته است. سرانجام در صبح دوشنبه ۴ رجب ۱۳۳۹ق پس از پایین آمدن از منبر دچار سکته شده و وفات یافت. جنازه به تکیه صاحب روضات در تخت فولاد حمل و در آنجا دفن شد و در سال ۱۳۴۸ق عظام او را به نجف نقل نموده و در بقعه پدرش مدفون ساختند.

مادّه تاریخ وفات او را عبدالوهاب گلشن ایران پور چنین سروده است:

عابدی سر کرد بیرون و بگفت

شد جمال دین بگلزار بهشت(۱)

۱۳۳۹=۱۴۰۹-۷۰

سیّد جمال الدّین گلپایگانی

سیّـد جمال الـدّین گلپایگانی متخلّص به «آرام» از شـعرای قرن چهاردهم هجری است. از افاضل طلاب مـدرسه صـدر بود و از اعضای قـدیم انجمن ادبی شـیدا به شـمار می رفت و اشـعارش در مجله دانشـکده در دوره اول به طبع می رسـید. ظاهراً بعد از سال ۱۳۶۰ق در گلپایگان وفات یافت.

از اوست:

بتان اگر ز رخ خود پرده برگیرند

سیاهی از دل شب، رونق از قمر گیرند(۲)

جمال الدّین معرّف

قاضـی جمال الدّین معرّف، از بزرگان قرن یازدهم هجری است. نامش در وقف نامه مسـجد جامعه جدید عباسـی (مسـجد شاه اصـفهان) [مسـجد امـام فعلی] ذکر شـده و به جهت وی حقـوقی سالیـانه معـادل سه تومـان نقـد و پانصـد مَن غلّه به عنوان حق التّعریف معین

۱- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۱۱۹؛ مناهج المعارف: مقدمه، ص سیصد و نوزده.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹.

گردیده است.(۱)

خواجه جمال الدّین منشی

خواجه جمال الدّین منشی، شاعر و ادیب قرن هفتم هجری. از منشیان خواجه شمس الدّین محمّد جوینی صاحب دیوان بوده و اصلاً از اهالی اصفهان است.

این شعر از اوست:

نهیب غمزه جادو فریبِ تو گه سحر

هزار شعبده دارد به زیر هر ناخن

دراز کرده به آهنگ جان ببین انگشت

خضاب کرده به خون جگر نگر ناخن(۲)

ملّا جمشید کسکری گیلانی

ملّا جمشید بن محمّد زمان کسکری جیلی [گیلانی] عالم فاضل، از زادگاه خود «کسکر» گیلان به اصفهان آمده و چندی در مدرسه سلیمانیه جنب مسجد جامعه جدید سلطانی ساکن شد و نزد علمای این شهر به تلمّذ پرداخت.

وی چندین کتاب حدیث را بر علّامه مجلسی خوانده است از جمله «تهذیب الاحکام» است که علّامه مجلسی در آخر کتاب مزار آن در ۱۴ جمادی الاولی سال ۱۰۹۶ق و ۱۰۹۷ق و در آخر کتاب «الاطعمه» در محرم ۱۰۹۸ق به وی اجازه داده است. نیز کتاب «من لایحضره الفقیه» را نزد وی خوانده و در سال ۱۰۹۹ق از علّامه مجلسی اجازه دریافت نموده است.(۳)

۱- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۶۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۴۶.

۲- تذکره آتشکده: بخش سوم از نیمه نخست، ص ۹۲۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص ۲۹۱؛ الذریعه، ج ۹، ص ۲۰۴.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۴؛ الذریعه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۲۰ و ۲۱؛ اجازات الحدیث، ص ۲۷؛ فیض قدسی، ص ۱۶۸؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۳۸.

جمشیدخان امیربختیار

جمشیدخان امیربختیار بن یوسف خان امیر مجاهد بختیاری از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۳۴ق متولّد شده و در مدارس اصفهان تحصیل نمود. او علاقه فراوانی به استاد ملک الشعراء بهار داشت و از خرمن فضل و ادب او خوشه ها چیده بود. اشعارش در روزنامه ها و سالنامه های اصفهان به چاپ می رسید و در شعر «جمشید» تخلّص می کرد. او رساله کوچکی در قضایای عاشورا نوشته که به چاپ رسیده است.

از اوست:

دلدار اگر سنگدل و بی وفا نبود

اینقدر جور بر من مسکین روا نبود

بر گرد شمع عارضت ای یار سست عهد

پروانه وار سوختن ما سزا نبود(۱)

جمشید عابدی درچه ای

جمشید عابدی درچه ای بن قدمعلی، از شعرای معاصر، در سال ۱۳۲۶ش در محلّه جزین درچه متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه و عالی را تا اخذ لیسانس طی کرد. وی در انجمن های ادبی حافظ، صائب و خانه هنرمندان اصفهان شرکت کرده است.

از اوست:

خراباتی شدم میخانه ای معمور می بینم

عجب امشب بساط عیش را جور می بینم

در اینجا ساغر و پیمانه و ساقی همه مستند

ز تأثیر شرابش جمع را مخمور می بینم(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (چ۲)، ص۵۶۴.

شیخ محمّدجواد اصفهانی

شیخ محمّدجواد اصفهانی، از مدرّسین و علمای اصفهان بوده و عدّه ای در خدمتش تلمّذ می کرده اند. وی در حدود سال ۱۳۴۵ق وفات یافته است. شیخ محمّدحسین بن محمّدعلی مقدّس اصفهانی از شاگردان اوست و از استاد خود ثنای بلیغ می نموده است.(۱)

محمّدجواد الماسی

محمّدجواد الماسی [از خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است] در ماه رجب سال ۱۲۴۱ق نسخه ای از کتاب «مقدمه الواجب» را به خط شکسته نستعلیق کتابت نموده و در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

سیّد جواد بهشتی

سیّد جواد بن آقا میرزا ابوالقاسم حسینی بهشتی، عالم فاضل و واعظ کامل. در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات در درس حاج میر محمّدصادق مدرس خاتون آبادی و آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی حاضر شد. وی از اهل منبر و وعاظ اصفهان بوده و در مسجد سه پله اصفهان اقامه جماعت می نموده است. کتاب «هدیه النمله» در مواعظ از تألیفات او به چاپ رسیده است.(۳)

شیخ محمّدجواد واعظ اصفهانی

شیخ محمّدجواد بن ابوالقاسم اصفهانی، عالم فاضل، واعظ کامل، از فضلای قرن چهاردهم هجری. وی فهرستی برای بحارالانوار، براساس چاپ «بحار» معروف به کمپانی تنظیم نموده و در یکشنبه ۲۶ ذیحجه ۱۳۴۰ه.ق آن را به پایان برده و «مفاتیح

۱- نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۶۲.

۲- فهرست گوهرشاد، ص ۴۱۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، صص ۳۴۰ و ۳۴۱.

۳- تحفه الاحباب، ص ۳۱.

ابواب البحار» نامیده است. این کتاب در سال ۱۳۵۲ه.ق در تهران به طبع رسیده است.(۱)

محمّدجواد رفیعی قهفرخی

محمّدجواد رفیعی بن ابوالقاسم قهفرخی چهارمحالی، از شعرای قهفرخ [فرخ شهر کنونی در استان چهارمحال و بختیاری] است. در سال ۱۳۲۰ق متولّد شده و به زراعت در آنجا مشغول بوده است. وی مخمّسی سروده که در آن نام ۳۲ شاعر قدیم و جدید قهفرخ آمده است.(۲)

میرزا جواد شوقی اصفهانی

میرزا جواد شوقی بن میرزا ابوالقاسم، شاعر ادیب در سال ۱۲۹۹ق در اصفهان متولّد شد و در این شهر علم و ادب آموخت. پدر و اجدادش از فضلای اهل علم بودند. شوقی در سرودن شعر طبعی روان داشت و علامه بر سرودن غزل و رباعی، اشعار بسیاری ر مدایح و مراثی معصومین علیهم السلام سروده است. او در سال ۱۳۶۴ق به عتبات عالیات محرم ۱۳۷۱ق وفات یافت و در آن ارض اقدس مدفون شد. [دیوان اشعار او در سال ۱۳۳۳ش و ۱۳۶۹ش به طبع رسیده است.

صغیر اصفهانی ماده تاریخ وفات او را چنین سروده است:

کسی اگر صغیر احوال پرسد

که فوتش در چه تاریخ و زمان بود

نهد در جمع پا جبرئیل و گوید

«که پیش از مرگ شوقی در جنان بود]

از اوست:

کنون که فصل دی و موسم زمستان است

بنوش مِی که زمستان، بهار مستان است

۱- الذّریعه، ج۲۱، ص۲۹۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۱۸-۲۱۶.

اثر اگر ز گلستان نمانده است چه غم

صفای عارض یاران به از گلستان است(۱)

جواد مجدزاده صهبا

جواد مجدزاده صهبا بن شیخ احمد مجدالاسلام کرمانی، از نویسندگان، روزنامه نگاران و شعرای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۳۲۵ق در کرمان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در کرمان و متوسطه و عالی را در رشته ادبی در تهران انجام داد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و سرپرست کاوش های باستان شناسی شهر شاپور کازرون شد. سپس به ریاست ابنیه تاریخی اصفهان و یزد و کرمان منصوب گردید. وی دلباخته اصفهان و آثار تاریخی این شهر بود و برای آن زحمات فراوانی کشید به طوری که مردم اصفهان او را یک اصفهانیِ متولّد کرمان می دانستند. در این سالها آثاری چون گنبد مدرسه چهارباغ، مسجد شاه [مسجد امام فعلی] و قسمت های مختلف مسجد جامع اصفهان تعمیر شد. سرانجام در صبح دوشنبه ۹ جمادی الثّانی ۱۳۶۴ق (مطابق ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۴ش) در اصفهان درگذشت و در اطاق دست چپ ورودی بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ فوت او را ادیب فرزانه مرحوم جمال الدّین قدسی چنین گفته است:

«قدسی» به سال فوت جواد عزیز گفت:

«صهباببزم ساقی کوثر پیاله گیر»

او در اصفهان روزنامه ادبی و تاریخی «سرنوشت» را در سال ۱۳۲۲ش به مدیریت مرحوم محمود خلیل پور منتشر ساخت که تا زمان درگذشت صهبا انتشار آن ادامه داشت و بیش از ۸۰ شماره از آن به چاپ رسید. از مرحوم مجدزاده صهبا چندین تألیف به جای مانده است که از آن جمله است:

۱- دیوان شوقی اصفهانی، (مقدمه)؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص ۲۰۵۰؛ الذریعه، ج۹، ص۵۴۸؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۸۴ و ۲۸۵.

۱. «تاریخ» و «جغرافیا» یک دوره جهت تدریس در دبیرستان ها ۲. «آثار تاریخی ایران» ۳. «تاریخ عمومی و ایران»، چاپ ۱۳۱۶ش در تهران ۴. «تاریخ ملّل شرق و یونان و ایران» چاپ ۱۳۱۴ش ۵. «سخن سنجی در باب احوال و اشعار حافظ» یا «حافظ شیرین سخن» چاپ ۱۳۲۱ش ۶. «دیوان اشعار»

او در شعر قریحه ای توانا و ذوقی سرشار داشته و «صهبا» تخلّص می نموده است. این شعر از اوست:

رنگ خون را گر طبیعت عاشق و مفتون نبودی

بامدادان و شام، دامان افق گلگون نبودی

لکه ننگ و سیاهی جز به خون گر شسته می شد

صفحه تاریخ ما آغشته اندر خون نبودی

کاوه ای می خواست تا خونین درفشی برفرازد

ور نه هرگز در جهان نامی ز افریدون نبودی(۱)]

جوادخان سردار اقبال بختیاری

جوادخان سردار اقبال بن اسفندیارخان سردار اسعد بختیاری در حدود سال ۱۳۰۹ق متولّد شد. او از معروف ترین رجال خاندان اسفندیاری و مردی کاردان و زیرک بود و سیاست را باادب توأم داشت. سرانجام وی به دستور رضاخان به همراه جمعی از سران و خوانین بختیاری دستگیر و در آذرماه ۱۳۱۳ش در زندان قصر کشته شد. گاهی شعر می سرود از اوست:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۶۳ و ۴۶۴؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ مجله یادگار: سال پنجم، آذر و دی ۱۳۲۷ش، صص ۸۵ و ۸۶؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۴۰۶؛ فهرست روزنامه ها و مجلات اصفهان، صص ۱۱۶ و ۱۱۷؛ تذکره شعرای کرمان، صص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ ستارگان کرمان، صص ۴۳۶ و ۴۳۷.

گندم خال تو گر نبود به گیتی حاصل من

خرمن عمرم دگر یک جو به کار آید، نیاید

گفته بودی در بهار دیگری آیم به کویت

می شود ای گل که روزی آن بهار آید، نیاید(۱)

سیّد محمّدجواد امام جمعه دهکردی

آقا سیّد محمّدجواد امام جمعه دهکردی بن سیّد محمّدباقر حسینی عالم فاضل و فقیه عارف. در حدود سال ۱۲۶۵ش در قصبه دهکرد چهارمحال [شهرکرد فعلی]متولّد شد. در جوانی برای تحصیل به اصفهان آمده و نزد میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات)، میرزا محمّدحسن نجفی، ملّا محمّدباقر فشارکی و شیخ محمّدباقر نجفی به کسب فیض پرداخته و از برخی از آنان اجازه دریافت نمود. آخوند کاشی از رفقای صمیمی او بوده و وی را به نیکی ستوده است.

وی عالمی عابد و اهل تهجّد و نماز شب بوده است. او پس از تکمیل تحصیلات خود به دهکرد بازگشته و به تبلیغ و ترویج شریعت مشغول بوده و در حل مشکلات مردم اهتمام تمام داشته است و مردم آنجا به وی اعتقاد بسیار داشتند.

سرانجام در سال ۱۳۱۰ق وفات یافته و در همان جا مدفون شد. سه سال بعد پیکر مطهر او را که هنوز تر و تازه بود به عتبات عالیات حمل نموده و در صحن مطهر مرقد حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون گردید.

برادرش سیّد احمد نوربخش در مادّه تاریخ وفاتش گوید:

به تاریخ گویند با پنج تن

«بخلد است آقا محمّد جواد(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ شناخت سرزمین بختیاری، ص۵۱۴.

۲- شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۱۱۸-۱۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۶۴ و ۴۶۵؛ آفتاب علم، صص ۱۱۸-۱۱۶.

سیّد جواد امامی نجفی

سیّد جواد امامی نجفی ابن حاج سیّد محمّدجواد امام جمعه دهکردی شاعر و ادیب فاضل، در سال ۱۳۰۹ق در شهرکرد متولّد شده و در مولد خود و اصفهان تحصیلات خویش را به پایان رسانیده و آنگاه به موطن خویش مراجعت نموده و در آنجا ساکن گردید. چند سال بعد به علت بیماری، بینایی خود را از دست داد و در منزل منزوی شد. در شعر و ادب دارای قدرت طبع بود. این شعر از اوست.

شکر لِلّه که بهار آمد و شد موسم عید

چشم من بار دگر صحنه گلزار بدید

شد پدید ابر گهربار و ببارید شدید

بر سر لاله و گل ریخت بسی مروارید

تا دل بلبل بیچاره گرفتار کند

خیز و از خانه برون آی و در و دشت ببین

که شده چون پر طاووس همه روی زمین

تا سلیمان گل آورد جهان زیر نگین

کرد اهریمن دی کوچ ازین چرخ برین

فرودین آمده تا دیو و دد آزار کند

ساقی سیم تن ماه وش گل اندام

از ره لطف همی ریخت مرا باده به جام

تا دهد از لب جام و لب خود دل را کام

سینه را شرح دهد ننگ بَرَد، آزَد نام

طوطی طبع مرا سرخوش و سرشار کند(۱)

شیخ محمّدجواد حسین آبادی

حاج شیخ محمّدجواد حسین آبادی ابن محمّدحسن، از علمای اعلام و فقهای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه.

در حدود سال ۱۲۴۰ق در اصفهان متولّد شده و مقدمات علوم را در اصفهان گذرانیده و سپس به عتبات عالیات مشرف شد. در آنجا باوجود تنگدستی و سختی در امر معاش به تحصیل ادامه داده و نزد سیّد ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط) و شیخ محمّدحسن صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری کسب فیض نمود. مرحوم صاحب جواهر دو اجازه برای او صادر نموده که تاریخ یکی از آن دو سال ۱۲۶۵ق می باشد.

او پس از اتمام تحصیل و نیل به درجه اجتهاد به زادگاه خود بازگشته و به ترویج دین و ارشاد مردم مشغول شد. او عالمی غیور و متعصّب در امر دین بود و به خاطر اجرای حدود شرعی در سال ۱۳۰۴ق از طرف ناصرالدّین شاه به تهران فرا خوانده شد و در یکی از مساجد تهران به اقامت جماعت پرداخت.

گویند در بین راه مسجد و منزل مرحوم حسین آباد مشروب فروشی بود که او و نمازگزاران به آنجا رفته و خمره بزرگ مشروب را شکسته و آنجا را تعطیل کردند. هنگامی که او مطلّع شد که ناصرالدّین شاه از کار او خشمگین شده، برای او پیغام داد که «من گمان می کردم تو ناصر دینی ولی حالا فهمیدم که کاسر (شکننده) دین هستی».

همچنین یکی از مریدان او به نام سراج الملک مشروب فروشی دیگری را خریداری کرد تا به مسجد تبدیل شود و نماز جماعت بر روی خرابه های آن به امامت میرزا محمّدجواد خوانده شد. پس از احداث مسجد سراج الملک یکی از شعراء چنین سرود:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

حسن توفیق بین که مسجد کرد

سطح میخانه را سراج الملک

او در سال ۱۳۱۰ق تصمیم به زیارت مرقد حضرت امام حسین علیه السلام در کربلاـ گرفت و برای صله ارحام و وداع با بستگان به اصفهان آمد ولی در اصفهان بیمار شده و پس از دو سال در ذی القعده ۱۳۱۲ق وفات یافته و در جنوب تکیه مادر شاهزاده در سردابی که حاج شیخ محمّدباقر نجفی قبری جهت خود در آن تدارک دیده بود، مدفون گردید.

او در علم و فضل و زهد و تقوا از نوادر دوران بوده و مجلس درس او محل اجتماع فضلاء و دانشمندان بود. دو فرزند دانشمند ایشان شیخ احمد مجتهد بیدآبادی، شیخ محمّدعلی شاه آبادی و همچنین سیّد هدایت اللَّه چهارسوقی و سیّد حسن فانی یزدی از شاگردان برجسته او به شمار می روند.

وی را تألیفات چندی است که از آن جمله است:

۱. «بحرالبکاء فی مصائب المعصومین النُّجَباء» به فارسی در چهار مجلد [جلد اول: شامل سی مجلس در تفسیر سوره فاتحه الکتاب. جلد دوم: در تفسیر سوره یوسف. جلد سوم: در تفسیر سوره واقعه. جلد چهارم: در احوال حضرت فاطمه زهرا(سلام اللَّه علیها) موسوم به «بحرالبکاء الفاطمیّه»] ۲. «السّراج الوّهاج» در شرح «نتائج الافکار» استادش سیّد ابراهیم قزوینی، در اصول فقه ۳. «کنوز اللئالی» در اصول فقه [که نسخه خطی آن به شماره ۸۲۴۸ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی موجود است] ۴. «ترتیب خلاـصه الاقوال» علّامه حلّی که در سال ۱۳۱۲ق در اصفهان چاپ سنگی شده است. ۵. «بساطین الریاحین»، در اصول فقه ۶. «ترجمه نجاه العباد» رساله عملیّه استادش صاحب جواهر، به فارسی [که در مجموعه شماره ۸۲۴۸ کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی موجود است.] ۷. «الرساله الاحمدیه» به نام فرزندش شیخ احمد ۸. «الخزائن» در اصول فقه ۹. «الریاحین» در فقه استدلالی ۱۰. «النّتائج» [تقریرات درس سیّد ابراهیم قزوینی(۱)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد ص۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۷؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۳۲۲-۳۲۱؛ استادزاده، صص ۲۱-۱۳؛ فهرست مرعشی، ج۲۱، ص۲۰۶، الذریعه، ج۱۲، ص۱۶۴ و ج۱۸، ص۱۷۴ و ج۲۶، ص۸۴؛ گلشن اهل سلوک، صص ۱۹۱-۱۸۲.

محمّد جواد دهنوی سمیرمی

محمّد جواد بن محمّد حسن دهنوی سمیرمی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. از آثارش:

۱. کتاب نسخه ای از «ریاض المسائل» که در پنج شنبه ۲ محرم ۱۲۶۶ق، از نوشتن آن فراغت یافته است.

۲. کتابت رساله «شرط ضمن العقد» از مؤلفات میرزای قمی که آن را به خط نسخ و نستعلیق در سال ۱۲۶۷ نوشته است. نسخه آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

۳. کتابت چهار رساله شامل «تعلیقه منهج المقال» تألیف آقا باقر بهبهانی، «هدایه المحدّثین» تألیف ملّا محمّدامین کاظمی، «غایه المرام» تألیف سیّد جزائری و «الاوزان و المقادیر» تألیف علّامه مجلسی که آنها را به خط نستعلیق در ماه رجب سال ۱۲۶۷ق کتابت نموده است و به شماره ۳۱۳۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

شیخ محمّدجواد بیدآبادی سرجوئی

حاج شیخ محمّدجواد بیدآبادی سرجوئی ابن محمّد حسین بن زین الدّین، عالم ربانی و عارف صمدانی. از مشایخ سلسله ذهبیه در اصفهان و از کسانی است که جامع بین شریعت و طریقت بوده. املاک خود را فروخته و صرف مستمندان نموده و باقی عمر را به زهد و قناعت و تزکیه نفس و تحمّل ریاضات مختلفه و تربیت معدودی از اهل عرفان گذرانده است.

سرانجام در ۱۰ صفر ۱۳۴۴ق در سن حدود نود سالگی وفات یافته و در کربلای

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۳۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۳۶۸.

مُعَلّا مدفون گردید. حاج ملّا حسینعلی صدیقین، حاج ملّا محمّد هُرتَمَنی، سیّد محمّد صادق کتابی، میرزا ابوالهدی کلباسی و آقا شیخ ابوطالب شیخ الاسلام از دست پروردگان این عارف ربّانی بوده اند.(۱)

سیّد محمّد جواد میر محمّد صادقی

سیّد محمّد جواد بن میر محمّد حسین بن میر سیّد علی میر محمّد صادقی، عالم فاضل در اصفهان نزد پدر و دیگر علماء به تحصیل پرداخت. سپس در کربلا به درس میرزا علینقی طباطبائی و در نجف به محضر درس شیخ مرتضی انصاری حاضر شده و کسب علم نمود.

وی سرانجام در سال ۱۲۸۰ق در مراجعت از مکّه معظّمه بین راه وفات یافته و در نجف اشرف مدفون گردید.

از تألیفات او یک دوره فقه و یک دوره اصول از تقریرات اساتید خود است.(۲)

سیّد محمّد جواد خراسانی

سیّد محمّد جواد بن سیّد محمّد رضا بن حاج سیّد یوسف قائنی خراسانی، عالم فاضل صالح زاهد [از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و دیگران].

مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی درباره او فرموده است: «لم ار مثله فی الوثاقه و الجلاله و العباده»

مشارٌالیه از جمله کسانی است که به شرف زیارت حضرت بقیهاللّه الاعظم امام عصر(عجل اللّه تعالی فرجه) مشرّف گردیده است. [شرح آن در کتاب «العبقری الحسان» علّامه نهاوندی آمده است.]

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۲؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۱۰.

وی در روز جمعه۵ رجب المرجّب سال ۱۲۷۱ق در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل علوم دینی سالها در مسجد حاجی رضا به جای پدران خود اقامه جماعت می نمود.

سرانجام در سال ۱۳۵۲ق وفات یافته و در تکیه فاضلان در تخت فولاد جنب مزار جدّ بزرگوار خود مدفون گردید.

حاجی میرزا حسن خان جابری انصاری مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

«اذاً باثنی عشر جاءوا و قالوا:

ثوی حرز الجواد طاب مثواه»

۱۳۵۲=۱۳۴۰+۱۲

کتب زیر از اوست:

[۱. مجالس الابرار در مواعظ] ۲. رساله ای در شرح حال پدر و جدّ خود ۳. رساله در «تعبیر خواب» ۴. «رؤیاهای صادقه»(۱)

دکتر محمّدجواد شریعت

دکتر محمّدجواد شریعت فرزند شیخ محمّدرضا شریعت بن ملّا زین العابدین طالخونچه ای اصفهانی، از پرکارترین استادان زبان و ادبیات فارسی در عصر حاضر.

او در سال ۱۳۱۵ش در اصفهان متولّد شده و تحصیلات ابتدائی را طی نمود [و نزد پدر مقدمات و سطوح را فرا گرفت سپس در اصفهان به ادامه تحصیل در دبیرستان پرداخته و پس از دریافت دیپلم در دانشگاه تهران در رشته ادبیات فارسی به تحصیل پرداخته و لیسانس گرفت. سپس در سال ۱۳۳۵ش به استخدام آموزش و پرورش درآمده و ۱۰ سال به تدریس در دبیرستانهای اصفهان پرداخت. در کنار آن تحصیلات عالیه خود را دنبال کرده و در سال ۱۳۴۷ش رساله دکتری خود درباره «ترجمه تفسیر طبری» را زیر نظر استاد مدرس رضوی در دانشگاه تهران گذراند و به درجه دکترای

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۳۶ و ۶۳۷؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۹۸۴-۱۹۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۲.

ادبیات فارسی نائل شد. و به تدریس در دانشگاه تهران مشغول شد. در سال ۱۳۵۲ش به انگلستان رفت و در دانشگاه «دورهام» به تدریس ادبیات فارسی پرداخت. وی پس از پیروزی انقلاب بازنشسته شده و به تحقیق و تألیف و تدریس در دانشگاههای آزاد پرداخت.

او دهها کتاب و اثر تحقیقی اعم از تألیف و تصحیح و تحقیق را به تحریر درآورده که به چاپ رسیده است از جمله:

۱. «املای صحیح» ۲. «کتاب املاء» ۲جلد ۳. «دستور زبان فارسی و انگلیسی» تطبیقی ۴. «لغت فارسی» ۵. «راهنمای زبان و ادبیات فارسی» ۶. «ترجمه مبادی العربیّه» (۴جلد) ۷. «تجزیه و ترکیب اشعار گلستان» ۸. «زمینه بحث درباره آیین نگارش» ۹. «آیینه عبرت» (شرح قصیده خاقانی) ۱۰. «پروین ستاره آسمان ادب ایران» ۱۱. «چهارده روایت در قرائت قرآن مجید» ۱۲. «فهرست تفسیر کشف الاسرار» ۱۳. «کشف الابیات مثنوی» ۱۴. «فرهنگ فارسی - چینی» با همکاری دکتر غلامرضا ستوده و هیأت چینی ۱۵. «ترجمه نهج البلاغه» ۱۶. «گزیده کشف الاسرار» ۱۷. تصحیح و تحقیق «جواهر الاسرار» در شرح مثنوی (۴جلد) ۱۸. تصحیح و تحقیق کتاب «التّعرف» ۱۹. تصحیح و تحقیق «دیوان دقیقی» ۲۰. تصحیح و تحقیق «منهاج الطّلب» (کهن ترین دستور زبان فارسی) ۲۱. تصحیح و تحقیق «اسرار الغیوب» (شرح مثنوی در ۲جلد) ۲۲. تحقیق و معانی اشعار «دیوان حافظ»[(۱)]

سیّد محمّد جواد کتابی

سیّد محمّد جواد کتابی ابن سیّد محمّد صادق حسینی کتابفروش، عالم فاضل، در اصفهان متولّد شده و نزد عدّه ای از علمای اصفهان از جمله حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی به تحصیل پرداخته و به افتخار دامادی حاج سیّد محمّدباقر حجّهالاسلام

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۷؛ شمع جمع، صص۲۳-۱۶.

شفتی درآمده و دختر ایشان گوهربیگم را به همسری خود برگزید. عالمی زاهد و منزوی بوده و از ریاست و شهرت دوری می کرده است. در سال ۱۳۳۸ق وفات یافت.(۱)

شیخ محمّد جواد پوده ای

شیخ محمّد جواد بن شیخ عبدالحمید بن شیخ محمّد جواد بن شیخ محمّد صالح نجفی پوده ای سمیرمی اصفهانی، واعظ، عالم صالح معروف به «سیف الواعظین»، شاعر ادیب [از دانشمندان اواخر دوره قاجاریه]

کتابهای: ۱. انوار السواطع و البروق اللوامع ۲. دیوان اشعار ۳. مثنوی قیمه پلو، مثنوی عرفانی شبیه نان و حلوای شیخ بهائی [سروده] در آنجا خود را شیخ محمّد جعفر قمی می خواند. کتاب مشتمل بر ۲۲۰۰ بیت بوده و به شماره ۴۶۲۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

این مثنوی با ین بیت آغاز می شود:

ساقی ای آرام جان ناتوان

مِی بِدِه وان می به رنگ ارغوان(۲)

میر جواد طیّب اصفهانی*

میر جواد بن سیّد علی خان اصفهانی، شاعر ادیب قرن دوازدهم هجری متخلّص به «طیّب». در سال ۱۱۱۰ق در اصفهان به دنیا آمد و فنون ادب و شعر را از پدر دانشمند خود و همچنین مخلص کاشی آموخت. سپس به هندوستان رفته به خدمت حکام بنگاله درآمد. او سرانجام در سال ۱۱۸۰ق در سن ۷۰سالگی در مُرشدآباد وفات یافت.

از اوست:

تو را با خویش یک رو دیده ام من

تغافل پیشه بدخو دیده ام من

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۳۲۲؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲- الذریعه، ج۱۷، ص۲۲۶؛ فهرست مرکزی دانشگاه ج۱۴، ص۳۵۵۸.

تماشای بهار فتنه کردم

نهال قامت او دیده ام من(۱)

شیخ محمّد جواد فریدنی

شیخ محمّد جوادبن شیخ علی اصغر فریدنی، عالم فاضل زاهد، از فضلاء و مدرّسین اصفهان. در مدرسه عربان ساکن بود و سطوح فقه و ادبیات تدریس می نمود.

در چهارشنبه ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۷۵ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

وی از شاگردان آقا شیخ محمّدرضا نجفی و حاج میر سیّد علی نجف آبادی بوده است.(۳)

دکتر جواد اژه ای*

دکتر جواد اژه ای فرزند علی محمّد، از چهره های علمی و سیاسی معاصر اصفهان در سال ۱۳۲۷ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسّطه را در اصفهان طی کرد و در سال ۱۳۴۶ش دیپلم ادبی گرفت. وی همزمان به تحصیل در مقطع متوسّطه، در حوزه علمیه اصفهان نیز به تحصیل پرداخت. پس از اخذ دیپلم در دانشگاه اصفهان در رشته روانشناسی به تحصیل پرداخته و لیسانس دریافت نمود. آنگاه به استخدام آموزش و پرورش درآمد و دو سال در دبیرستان های شهرضا تدریس کرد. در این سالها در «کانون علمی تربیتی جهان اسلام» به فعالیت پرداخت و زیر نظر او کتاب «فرصت در غروب» به چاپ رسید. پس از تعطیلی این کانون به فعالیت در مسجد علی علیه السلام اصفهان ادامه داد. او که به عنوان یکی از فعالان سیاسی مخالف رژیم پهلوی شناخته شده بود به توصیه شهید دکتر بهشتی در سال ۱۳۵۳ش به هامبورگ رفت و با

۱- تذکره روز روشن، صص ۵۰۴ و ۵۰۵؛ صحف ابراهیم، ص ۱۸۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۶۵.

۳- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۳۰۱.

انجمن اسلامی دانشجویان در اروپا مرتبط شد. سپس برای ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان وین به اطریش رفت. در آنجا به ادامه تحصیل پرداخته و در رشته روانشناسی تجربی از دانشگاه دولتی وین دکترا گرفت و در این سالها به ارتباط با دانشجویان ایرانی ساکن اطریش و تبلیغ برای انقلاب اسلامی ادامه داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در وزارت خارجه و سپس در دفتر نخست وزیری عهده دار پست های مختلف و از جمله معاون فرهنگی و اجتماعی نخست وزیر شد. همچنین از سال ۱۳۶۸ به بعد به عنوان مشاور فرهنگی رئیس جمهور به فعالیّت خود ادامه داد.

او از سال ۱۳۶۴ش به بعد در دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس به تدریس پرداخته و برخی سمت های اداری همچون ریاست دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران را بر عهده داشته است. از دیگر سِمَت های او عضویت در هیأت امنای بنیاد فارابی، هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، هیئت امنای سازمان ملّی استعدادهای درخشان، نماینده رهبری در امور دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و عضو شورای مرکزی نهاد نمایندگی مقام معظّم رهبری در دانشگاه های کشور بوده است.(۱)

سیّد محمّد جواد صدر عاملی

سیّد محمّد جواد صدر عاملی بن سیّد محمّد علی آقا مجتهد بن سیّد صدرالدّین محمّد عاملی اصفهانی، عالم فاضل و فقیه محقّق در سال ۱۲۷۳ق در اصفهان متولّد شد. در یک سالگی پدرش را از دست داد. مقدمات و سطوح را نزد علمای اصفهان آموخته و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود [و از درس آیات عظام آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی، حاج آقا رضا همدانی، شیخ محمّد حسین کاظمی، میرزا حبیب اللّه رشتی، سیّد اسماعیل صدر، میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی کسب فیض نمود.] سپس به اصفهان بازگشته و نزد و برادر دانشمند و مجتهد عالیقدر شیخ محمّد باقر نجفی و شیخ محمّد

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۲، صص ۴۴۳ و ۴۴۴.

حسین نجفی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و در مدرسه ملّا عبداللّه به تدریس مشغول شد و در آن مدرسه به اقامه نماز جماعت مبادرت ورزید. وی از جمله مؤسسین انجمن صفاخانه اصفهان است و در مجلّه «الاسلام» نشریه انجمن مزبور مقالاتی از او به چاپ رسیده است.

از جمله مؤلفات مرحوم علّامه شیخ الشریعه اصفهانی کتابی به نام «رساله فی بُطلان العَمَل بِالاحتیاط فی بعض الفروع» است که مؤلّف می نویسد که آن را در جواب اشکال مرحوم سیّد محمّد جواد بن آقا مجتهد نوشته است.

وی در سال ۱۳۴۷ق در اصفهان وفات یافته و در صحن تکیه مادرشاهزاده (تکیه محمّد تقی رازی) در تخت فولاد مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم میرزا حسن خان جابری انصاری ضمن قطعه ای گفته است:

یکی بیامد و تاریخ این معمّا گفت

«جواد حجهالاسلام رفته از دنیا»(۱)

[کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رساله در نماز شب و آداب اسرار آن» ۲. «رساله در جبر و تفویض» ۳. «رساله در شبهه محصوره» ۴. «رساله در اجتهاد و تقلید» ۵. «رساله در ولایت عامّه»(۲)]

شیخ محمّد جواد اصولی*

شیخ محمّد جواد اصولی ابن حاجی قهرمان، عالم فاضل کامل. در حدود سال ۱۳۱۶ق در روستای «هرچکان» از توابع شهرکرد متولّد شد و پس از کمی تحصیل راهی اصفهان شد و نزد علمای عالیقدر حوزه علمیه اصفهان همچون میر سیّد علی نجف آبادی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا سیّد محمّد رضا خراسانی و دیگران به

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱ و ۵۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۲۸۴-۲۸۲.

۲- بغیه الرّاغبین، ج۱، ص۱۷۴؛ گلشن اهل سلوک، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

کسب فیض پرداخت. آن گاه به نجف اشرف عزیمت کرد و در درس اساتید بزرگ آن شهر شرکت کرد. پس از چندی به بیماری سختی مبتلا شد و به اصفهان بازگشت. وی سالها در مدرسه صدر اصفهان به تدریس مشغول بود. در طول سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵ش در مدارس جدید شهرکرد و همچنین برای طُلّاب علوم دینی به تدریس پرداخت. او بقیه عمر خود را در اصفهان سپری ساخت تا این که در ۸ شعبان ۱۴۰۰ق وفات یافته و در تکیه کرمانی در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

سیّد محمّد جواد مسائلی

سیّد محمّد جواد مسائلی ابن آقا سیّد محمّد خوئی آذربایجانی عالم فاضل و فقیه محقّق.

سالها در نجف اشرف به تحصیل مشغول بوده سپس به اصفهان مراجعت نموده، به انجام وظائف شرعیه پرداخت. ابتدا پیشنماز مسجد شاه (مسجد امام فعلی) بود. سپس از مساجد تلواژگان (تلواسکان) اقامه جماعت نمود و سرانجام در ۲۶ جمادی الاول ۱۳۴۰ه.ق وفات یافته در تخت فولاد، جنب مزار پدرش آقا سیّد محمّد ترک [در تکیه معروف به جهانگیرخان]مدفون گردید.

از جمله تألیفات او «توضیح الفرائد» است که حواشی خود را بر کتاب «فرائد الاصول» شیخ انصاری در این کتاب در سال ۱۲۸۸ق تدوین نموده است. نسخه اصل به خط مؤلف در کتابخانه سیّد محمّد طباطبایی یزدی در نجف اشرف موجود بوده است.(۲)

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، (مخطوط)

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۰۲ و ج۲، ص۴۶۵؛ الذریعه، ج۴، ص۴۹۴؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۱۴۱ و ۱۴۰.

سیّد محمّد جواد طباطبائی

سیّد محمّد جواد بن مرتضی طباطبائی اصفهانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری است]نواده سیّد محمّد طباطبائی اصفهانی، در سوم جمادی الاوّل سال ۱۱۹۸ق دو رساله «تفسیر جزء عم» و «رساله در روزه روز عاشورا» را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۷۴۹۸ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی در قم موجود است.(۱)

سیّد جواد مقدس

حاج سیّد جواد بن آقا نورالدّین بن سیّد ابراهیم بن میر سیّد علی مقدس اصفهانی، عالم فاضل ادیب شاعر.(۲)

[در سال ۱۳۱۵ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل در مقطع ابتدائی در مدرسه اقدسیه، در حجره ای در مسجد سیّد ساکن و به تحصیل علوم دینی پرداخت. در دانشگاه نیز به تحصیل پرداخته و به اخذ درجه لیسانس در رشته ادبیات فارسی نائل آمد. وی سالها در مدارس اصفهان و تربیت معلم و دانشگاه به تدریس مشغول بوده است. کتابهایی را تألیف نموده که تاکنون نشر نشده مانند: «علی در حریم وصال یا مناجات شعبانیه»؛ ترجمه «سیرتنا و سنتنا» تألیف مرحوم علّامه شیخ عبدالحسین امینی بفارسی بنام «راه و روش ما، راه و روش پیامبر ما»؛ «دیوان اشعار» طبع شعر نیز داشته و از عنفوان جوانی شعر می سروده است. همچنین در خوش نویسی و نقاشی نیز استاد بود و از وی آثاری در خط و نقاشی بر جای مانده است. در شام ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۶ش بعد از بازگشت از تدریس روزانه وفات کرد و در قطعه ۱۶ باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

از اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۹۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۶۲.

آرزو دارم خدایا صبح فردا را ببینم

شب به پایان آید و آن مهر زیبا را ببینم

گرچه طوفان بلا کوبد سرم بر سنگ ساحل

باز گردم همچو موج و روی دریا را ببینم[(۱)]

سیّد جواد ابطحی*

سیّد جواد ابطحی فرزند سیّد نوراللّه بن سیّد سلیمان، از فضلای اهل منبر اصفهان در عصر حاضر.

در سال ۱۳۰۲ش متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس جدید، در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل پرداخت و از میر سیّد علی ابطحی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، شیخ عباسعلی ادیب، سیّد ابوالحسن شمس آبادی و به ویژه حاج آقا سیّد حسین خادمی -که ۳۰سال از محضر ایشان کسب فیض نمود- بهره علمی بُرد.

وی از منبریان معروف اصفهان بوده و سالهاست که به وعظ و ارشاد مشغول است. همچنین سالیان طولانی به اقامه جماعت در مسجد تاج الدّین پرداخته است.(۲)

میرزا محمّد جواد جهانبخش نهاوندی

میرزا محمّد جواد معروف به «میرزا جهانبخش» منجم باشی نهاوندی عالم و ادیب و منجم بوده و در اصفهان سکونت داشته و «رساله در استخراج خط نصف النهار» جهت شاگردش سیّد عباس بن سیّد علی موسوی شاهرودی (م۱۳۴۵ق) تألیف نموده است.(۳)

وی در سال ۱۲۷۶ق متولّد شده و در سال ۱۳۳۴ق و یا به قولی ۱۳۳۳ق وفات

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۷۲۸.

۲- شرح مجموعه گل، ص۳۱۱.

۳- الذریعه، ج۱۱، ص۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۶.

یافته است. در تاریخ بروجرد او را بروجردی نوشته و از شیخ عبدالحسین بن شیخ عیسی رشتی گیلانی به عنوان یکی از شاگردان او نام برده است.(۱)

میرزا جهانبخش علاوه بر تألیف سابق الذکر «قبله البلدان لاهداء الاخوان» را نیز تألیف نموده است.(۲)

میرزا جواد چهارمحالی اصفهانی

میرزا جواد چهارمحالی اصفهانی، شاعر و ادیب بوده و به نام خود تخلّص می کرده است. در جوانی به کرمان رفته و تمامت عمر را به گوشه نشینی گذرانیده است. عمری دراز یافت و در اواخر عمر زمین گیر شده و در سال ۱۲۲۳ق وفات یافته و در همانجا مدفون گردیده است. دیوانش حدود هفت هزار بیت بوده است.

از اشعار اوست:

از شوق گلزار رحمت، گل بر دمد از خارها

گر بگذری ای شاخ گل، روزی سوی گلزارها(۳)

آقا جواد حاجب اصفهانی

آقا جواد اصفهانی متخلّص به «حاجب»، شاعر ادیب، از ایران به هندوستان رفته و نزد سعادت علی خان یکی از حکّام آنجا تَقَرُّب یافته است.

دیوان اشعار او به شماره ۴۷۰۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و با این ابیات آغاز می شود:

ای کرده محو ماه رخت آفتاب را

در خون نشانده رنگ لبت لعل ناب را

۱- مکارم الآثار، ج۶، ص۲۱۱۳.

۲- الذریعه، ج۱۷، ص۴۴.

۳- تذکره اختر، ص۴۷؛ سفینه المحمود، ص۱۸۷؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۰۵؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۹۶۶؛ حدیقه الشعراء، ج۱، ص۳۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۶۲ و ۴۶۳.

در پرده سوخت شعله حسن تو عالمی

در حیرتم که از چه نسوزد نقاب را

...

«حاجب» به اهل مصطبه ظن خطا خطاست

کاین قوم عارفند طریق ثواب را(۱)

جواد رستم شیرازی*

جواد رستم شیرازی، نقاش هنرمند و مینیاتوریست معاصر اصفهان، جدّش از شیرزا به اصفهان آمده است. خود او در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی در اصفهان متولّد شد.

از شاگردان عیسی بهاری در اصفهان بوده و در نقاشی نوین دارای درجه لیسانس است. در تذهیب و طراحی نقشه فرش و تزئینات مهارت دارد. سالها به تدریس و تعلیم هنر در هنرستان هنرهای زیبا بوده است.

وی در خرداد ۱۳۸۴ش (مطابق ربیع الثانی ۱۴۲۶ق) وفات یافته و در گورستان جدید (باغ رضوان) مدفون شد.(۲)

محمّد جواد شمس*

محمّد جواد شمس، از پیشگامان عکاسی در اصفهان، در سال ۱۲۷۹ش در لنجان متولّد شد. در ۱۴ سالگی پدرش را از دست داد. سپس به اصفهان رفته و نزد دائی خود که عکاسی ماهر و هنرمند بود به فراگیری عکاسی پرداخت. ابتدا در جلفا با نعمت اللَّه خان خورشید عالمگیر در جلفا عکاسخانه ای تأسیس کرد و پس از مهاجرت نعمت اللَّه

۱- الذریعه، ج۹، ص۲۱۶؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۴، ص ۶۳۵۰.

۲- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد رستم شیرازی در تابستان ۱۳۷۰ش؛ یادداشت های آقای محمّدحسن رجائی زفره ای.

خان به خوزستان، عکاسخانه مهدی خان چهره نگار در خیابان سپه را خریداری کرد و تا پایان عمر به عکاسی پرداخت.

وی در سال ۱۳۶۵ه.ش در اصفهان درگذشت.(۱)

سیّد جواد عریضی*

سیّد جواد عریضی، محقّق و دانش پژوه معاصر در سال ۱۳۰۶ش در اصفهان متولّد شد. در کودکی پدر و مادر را از دست داد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه، در تهران به تحصیل پرداخته و از دانشگاه تهران لیسانس فیزیک دریافت کرده و همزمان در دانشسرای عالی تحصیل نمود. سپس به اصفهان بازگشت و در دبیرستانها و مراکز تربیت معلم به تدریس پرداخت. وی پس از تحمل چند ماه بیماری سخت در ۴ آبان ۱۳۷۶ش درگذشت و در باغ رضوان، قطعه نام آوران به خاک سپرده شد. وی چندین مقاله علمی در مجلات معتبر به چاپ رسانده است. از آثار او:

۱. ترجمه «ابعاد کیهان شناختی» نوشته: ارستارخوس تاهالی ۲. ترجمه «نور هویگنس و اُپتیک نیوتون» ترجمه از دائره المعارف بریتانیکا ۳. ترجمه «نسبیت در تصاویر» نوشته: یاکوب شوارتز ۴. ترجمه «نظریه فیزیکی از افلاطون تا گالیله» نوشته: پی رید دوهم ۵. آزمایش بدون آزمایشگاه

شیخ محمّد جواد فریدنی اصفهانی*

شیخ محمّد جواد فریدنی اصفهانی، عالم فاضل، در سال ۱۳۱۰ق در فریدن در استان اصفهان متولّد شد. مقدمات را در زادگاه خود فرا گرفته و سپس نزد علمای عالیقدر در قم به ادامه تحصیل پرداخت.

او پس از مهاجرت به نجف اشرف نزد آیات عظام آقا ضیاءالدّین عراقی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، میرزا آقا اصطهباناتی و سیّد محمود شاهرودی دروس خارج را

۱- چهره نگاران اصفهان، ص ۱۳۰.

تکمیل نمود. وی گاه گاه به ایران می آمد و در زادگاه خود فریدن به تبلیغ می پرداخت. سرانجام بیمار شده و جهت معالجه به تهران رفت و در یکی از بیمارستان های تهران بستری شد ولی معالجات سودی نبخشید و در سال ۱۳۸۵ق وفات یافته، پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابوحسین (مقبره العلماء) مدفون شد.

وی علاوه بر تألیف رساله عملیه، تقریرات درس اساتید خود اصطهباناتی و عراقی را به رشته تحریر در آورده است.(۱)

شیخ محمّد جواد قزوینی

شیخ محمّد جواد قزوینی اصفهانی، از علماء قرن چهاردهم هجری. در اصفهان به کسب علم مشغول شد و برای تکمیل آن به عتبات عالیات رفته و پس از آن به اصفهان بازگشت. ملّا اسداللّه زنجانی دوست و هم مباحثه او بوده و او را ثنای بلیغ نموده است.(۲)

شیخ محمّد جواد محقّق اصفهانی حائری

شیخ محمّد جواد محقّق اصفهانی حائری، عالم فقیه ادیب و شاعر زاهد، از مدرّسین ادبیات در کربلا و ساکن مدرسه حسن خان بوده است. وی در علوم عربیّت ماهر و در ادبیات شاخص و در نحو، منطق و کلام استاد و در معقول و منقول مبرّز بوده است. جمعی از فضلاء و ادباء از خدمت او بهره علمی برده اند. عمری را به فقر و استغنا زندگی نموده و سرانجام در سال ۱۳۲۸ق وفات یافته، در صحن مطهر حسینی علیه السلام مدفون گردید.

گاهی به مقتضای حال، اشعاری می سروده و در آنها «قدسی» و «محقّق» تخلّص می نموده است. قسمتی از اشعارش به طبع رسیده است. این چند بیت از اوست:

در بزم دهر عیش میّسر نمی شود

زین جام مِی گلوی کسی تر نمی شود

هرگز کسی ز آینه جام در جهان

دارای عصر خویش و سکندر نمی شود

۱- تربت پاکان قم، ج۳، ص۱۵۰۵.

۲- نقباء البشر، ج۱، ص۳۱۷.

نفس اژدری است تا نشود کشته ای حکیم

در دست، گنج عقل میّسر نمی شود(۱)

آقا محمّد جواد مُذَهِّب باشی*

استاد محمّد جواد مُذَهّب باشی اصفهانی، از اساتید نقاشی و تذهیب در قرن سیزدهم هجری است. وی در عصر ناصرالدّین شاه بـه تهران رفت(۲) و برای دربـار او کتابهـایی را تـذهیب نمـود و بـه لقـب «مُـذَهِّب باشـی» ملقّب گردیـد. وی در اواخر عمر به اصـفهان بازگشت و در ۲۸ ذی القعـده ۱۳۱۴ق بـدرود حیـات گفته و در تخت فولاـد، جنب مزار میر ابوالقاسم فندرسـکی در تکیه میر به خاک سپرده شد. خطاط سنگ قبر او عبدالوهاب خوشنویس اصفهانی است.(۳)

سیّد محمّد جواد درب امامی

سیّـد محمّـد جـواد موسـوی درب امـامی، از فضــلاء قرن ســیزدهم هجری اسـت. ظـاهراً از شـاگردان حـاج سـیّد محمّـد بـاقر حجّهالاسلام شفتی بوده و از آثارش:

مرقومه ای است در پشت نسـخه ای از «منتخب تحفه الاـبرار» تألیف: سیّد حجّهالاسـلام در معرفی کتاب که آن را در ۷ شوال المکرّم ۱۲۵۸ق مرقوم داشـته است. کتاب نزد فاضل ارجمند جناب حاج سیّد مرتضـی شهشهانی (فرزند واعظ متقی آقا محمّد صدرالذاکرین حسینی شهشهانی بیدآبادی) موجود است.(۴)

جهانگیرخان قشقائی

جهانگیرخان قشـقائی بن محمّدخان، عالم فاضل، فقیه متبحّر، حکیم متألّه، عارف زاهد و ادیب شاعر [از ایل قشقائی طایفه درّه شوری و تیره جانبازلو. در حدود سال

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۶۱.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۱۹.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۴- بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۱۲۴۳ق در دهاقان متولّد شد. مادرش دختر یکی از خوانین سمیرم بود. ظاهراً پدرش اهل ادب و باسواد بوده و جهانگیرخان نیز در جوانی مقداری تحصیل کرده بود. در چهل سالگی شوق تحصیل باعث شد ایل و تبار خود را رها کرده و در مدارس اصفهان ساکن شود و به تحصیل بپردازد.

در اصفهان نزد ملّا حیدرعلی صبّاغ لنجانی، میرزا محمّد حسن نجفی و ملّا اسماعیل حکیم درکوشکی به تحصیل فقه و اصول، ادبیات، منطق، حدیث و فلسفه پرداخت. سپس به تهران رفت و نزد آقا محمّد رضا قمشه ای متخلّص به «صهبا» کسب فیض نمود.

او در مدرسه صدر حجره داشت و در آن جا و در شبستان مسجد جارچی تدریس می نمود. او در تدریس ریاضیات، شرح منظومه دروس خارج فقه و نهج البلاغه تبحّر بسیار داشت و صدها شاگرد فاضل و دانشمند از جلسات درس او بهره مند شدند. در آن زمان آخوند ملّا محمّد کاشانی معروف به آخوند کاشی نیز در مدرسه صدر ساکن بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی مشغول بود. جهانگیرخان و آخوند کاشی تا آخر عمر با یکدیگر رفاقت و مصداقت داشتند و نام «خان» و «آخوند» تا سالها وِرد زبان طلّاب و فضلاء بود.

جهانگیرخان، در دورانی که مخالفین فلسفه در حوزه علمیه اصفهان نفوذ زیادی داشتند و مطالعه، تحصیل و تدریس فلسفه کفر تلقّی می شد، کم کم شروع به تدریس فلسفه نمود و آن وحشت از فلسفه را به اُنس تبدیل کرد. در فلسفه از پیروان حکمت متعالیه (حکمت صدرایی) بود.

او تا آخر عمر در لباس ایلیاتی خود باقی ماند و حاضر به پوشیدن لباس روحانیت نشد. او زندگی زاهدانه ای را پیشه کرده بود و سالها در تجرد و استغنا در حجره مدرسه صدر زندگی کرد و هرگز از وجوهات شرعی استفاده نکرد. بلکه از عواید اجاره زمینی که داشت، گذران زندگی می نمود. جهانگیرخان الگوی معنویت و خلوص و مجاهده با نفس بود و در خُلق حُسنه و دلسوزی نسبت به شاگردان و رعایت احتیاط در امر به معروف و نهی از منکر اسوه ای کم نظیر به شمار می رفت. او علاوه بر دروس معمول

مـدارس دینی، «نهج البلاغه» را نیز تدریس می کرد و به خواهش او «شـرح نهج البلاغه» تألیف: میرزا محمّد باقر نواب لاهیجی را به چاپ رساندنـد. برخی گفته و نوشـته انـد که جهانگیرخان شـرحی بر نهج البلاغه نوشـته است. امّا هنوز چنین کتابی یافت نشده و شاید انتساب این اثر به جهانگیرخان ناشی از برداشت اشتباه از دیباچه «شرح نهج البلاغه» مرحوم نواب باشد.

جهانگیرخـان عـارفی آگاه بود. مثنوی معنوی را برای معـدودی از خواصّ اهل حال تـدریس می کرد و دقایق و ظرایف آن را یادآور می شد.]

این عـالم ربانی در شب ۱۳ مـاه رمضان المبارک ۱۳۲۸ق در اصـفهان وفـات یـافته و پس از اقامه نماز بر پیکر او توسط شـیخ محمّـدتقی آقـانجفی، به تخت فولاد حمل و در تکیه آقا سیّد محمّـد ترک (که بعـدها به تکیه جهانگیرخان نیز شـهرت یافت) مدفون شد. [در سالهای اخیر مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد وابسـته به شـهرداری اصـفهان بقعه ای شکوهمند بر سر مزار او بنا کرده است.

میرزا حسن خان جابری انصاری این مصرع را ماده تاریخ فوت او یافته است:

«جهانگیر نزد خدای جهان شد»

[و «مهجور دهاقانی» در ضمن مرثیه ای که برای او سروده، ماده تاریخ وفات او را چنین یافته است:

«مهجور» خواست سال وفاتش ز پیر خرد

گفتا: «شد آفتاب جهانگیر مُنکَسِف»]

جهانگیرخان قشقائی در جوانی شعر می سروده ولی از میان آنها تعداد کمی باقی است. این شعر از اوست:

هوای ساحت چین باد صبحدم دارد

مگر گذار بر آن زلف خم به خم دارد

بکش بساط به صحرا که باد نوروزی

حدیث های خوش از روضه ارم دارد

به روزگار شادیم بس است که دل

ز عشق روی تو چون لاله داغ غم دارد

به بزم ساقی گل چهره از پی قدحی

مراست جان به کف ار دیگری درم دارد(۱)

جهانگیر کوهی اصفهانی

جهانگیر کوهپائی متخلّص به «کوهی» در سال ۱۳۲۰ش در روستای «هونه گان» سمیرم سفلی متولّد شد و در زادگاه خود به تحصیل پرداخت. در جوانی به استخدام کارخانه ذوب آهن اصفهان درآمد در همان زمان شعر می سرود. وی در انجمن های ادبی فاضل هندی در فلاورجان و حافظ و خانه هنرمندان در اصفهان شرکت نموده است.

از اوست:

خداوندا مقدّر کن وصالت

بده ساغر وز آن جام کمالت

بگردان قلب من بر قبله گاهت

که باشد دیدگان من به راهت

خطا کردم اگر از راه عصیان

پشیمانم پشیمانم پشیمان(۲)

جهم اصفهانی

جهم بن صفوان اصفهانی، او در اصفهان به دهری گری متّهم و مرتد شناخته شده و به دستور خلیفه عباسی توسّط مسلم بن احوز عامل اصفهان کشته شده است.(۳)

۱- زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقائی: اغلب صفحات؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۳۹ و ۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۶۷ و ۴۶۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۹۱-۱۸۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۶؛ نقباء البشر، ج۱، ص۳۴۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۳۹۹-۳۹۳؛ الذریعه، ج۱۴، ص۱۲۲؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۱۸۹ و ۱۹۰؛ اصفهان: کتاب جوانان، صص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۲۷۹-۲۵۶؛ آثار عجم: مقدمه، صص ۶۰ و ۶۱؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، صص ۱۶۰ و ۱۶۱؛ مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، صص ۱۶۱ و ۱۶۱؛ شمس التواریخ، صص ۳۳ و ۳۴؛ نصف جهان و همه

جهان، ص ۱۳۰؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۱۰.
۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص ۹۷۳.
۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۴۳.

اعلام اصفهان

«چ»

اشاره

چنگیز میرزا قاجار

چنگیز میرزا فرزند حاج محمّد ولی میرزا قاجار ادیب فاضل، مؤلف کتاب «لمعات ناصری» در ۱۴۰ صفحه، در تاریخ ۱۸ ربیع الاوّل ۱۲۶۷ق از تألیف آن فراغت یافته است.(۱)

۱- الذریعه، ج۱۸، ص۳۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۸.

«ح»

اشاره

میرزا حاتم بیگ اردوبادی

میرزا حـاتم بیگ اردوبادی بن ملک بهرام نصـیری، سیاسـتمدار ادیب و شاعر عهـد صـفویه. [او را از احفاد خواجه نصـیرالدّین طوسـی شـمرده اند. در حالی که مطابق اسـناد معتبر نسب او به شیخ طوسی منتهی می شود.] در اواخر قرن دهم هجری به علّت تبحّر در انشـاء و ادبیـات و امور دیوانی منظور نظر شاه عباس قرار گرفته و در سال ۹۹۹ق به منصب وزارت اعظم منصوب و به لقب «اعتماد الـدّوله» مُلَّقب گردیـد. وی سـرانجام در شب جمعه ۶ ربیع الاوّل ۱۰۱۹ق در پـای قلعه دمـدم ارومیه به مرض فجأ وفات یافت و جنازه اش به مشهد مقدس نقل گردیده و در آن آستان مقدس مدفون گردید.

حاتم بیگ، مردی ادیب و دانشـمند بود، و شـعر نیز می سـروده و «صافی» تخلّص می نموده است. بسـیاری از ادباء و شـعراء از جمله شـیخ علینقی کمره ای و ملک مشـرقی در وصف او شعر سروده اند و شیخ بهائی کتاب «هفتاد باب اسطرلاب» خود را به نام او «التحفه الحاتمیه» نامیده است. حاتم بیگ نیز مردی کریم الطّبع و بخشـنده بوده و شعراء و دانشمندان را با صله های فاخر می نواخته است. شاه عباس صفوی، پس از فوت حاتم بیگ منصب او را به فرزندش میرزا طالب خان تفویض کرد.(۱)

حارث اصفهانی

حارث بن ترماح اصفهانی، ساکن هَجَرْ از ولایت بحرین و از بزرگان قرامطه بوده

۱- تـذکره میخـانه، ص۵۸۸؛ تـذکره غنی، ص۳۹؛ تـذکره روز روشـن، ص۱۸۹؛ تـذکره هفـت اقلیم، ج۳، صـص ۲۶۳-۲۶۱؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۷۹.

است.(۱)

حامد بن صبّاح

ابوغسّان حامد بن صبّاح، از محدثین اصفهان در قرن سوم هجری است وی از ابراهیم بن عامر بن ابراهیم روایت می کند.(۲)

حامد خابوطی

ابوالمکارم حامد بن عبدالرّزاق بن محمّد بن عمر خابوطی، از محدّثان اصفهان در قرن ششم هجری است. از ابو محمّد رزق اللَّه تمیمی استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی از وی احادیث کمی شنوده است.(۳)

حامد اصفهانی

ابوسعد حامد بن علی بن احمد بن عبدالواحد بن احمد بن ایّوب اصفهانی، از محدثین قرن ششم هجری و سبط ابوالقاسم سلیمان طبرانی است. از ابوبکر محمّد بن احمد بن حسن بن ماجد ابهری استفاده کرده و ابوسعد سمعانی از او حدیث شنوده است.(۴)

حامد آدمی اصفهانی

ابوالفتوح حامد بن محمّد بن ابی سعد بن عمر آدمی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. از ابوعبداللَّه قاسم ثقفی استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی از وی حدیث شنیده است.(۵)

۱- بنیادهای کیش اسماعیلیان، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان،ج ۱، ص۲۹۴.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص۲۴۳.

۴- التّحبیر، ج ۱، ص۲۴۲.

۵- التّحبیر، ج ۱، ص۲۴۳.

آدمی منسوب به آدم، یکی از اجداد صاحب عنوان است.

حامدی اصفهانی*

مولانـا حامـدی اصـفهانی، شـاعر ادیب صوفی عارف و خطاط فاضل قرن نهم هجری سالها به سـیاحت مشـغول بوده، عاقبت به عثمـانی [ترکیه کنونی] رفته و به دربـار سـلطان محمّـد فاتـح امپراطور عثمـانی راه یـافت. از صوفیه طریقت مولویّه بوده و سالها شیخ مزار مولانا جلال الدّین محمّد بلخی در قونیه بوده و تا سال ۸۸۴ق حیات او مسلّم است ولی تاریخ فوت او به دست نیامد. علاوه بر فضـل و ادب و سـلوک و عرفان، خط را نیز خوش می نوشـته و کتاب های «مفردات» ابن بیطار، و «دلائل الاعجاز» را برای سلطان محمّد فاتح نوشته است.

«جام سخن گوی» و «دیوان اشعار» از آثار اوست.(۱)

میرزا حبیب اصفهانی

میرزا حبیب اصفهانی چهارمحالی، ادیب فاضل و شاعر و نویسنده و زبان شناس [اوایل قرن چهاردهم هجری].

وی در روسـتای «بن» چهارمحال متولّـد شـد. [مقـدمات را در اصـفهان آموخته و سـپس به تهران رفت و به تحصـیل ادامه داد. سپس راهی بغـداد شـده و در ۴ سـال ادبیـات و فقـه و اصـول را فراگرفت و پس از مراجعت به ایران در تهران سـاکن شـد. او شـاعری زبردست و ادیـبی توانـا بـود و «دسـتان» تخلّص می کرد و چـون طبع او به هزل و هجو مایـل بود در ذمّ شـکمبارگی و بددهنی سپهسالار محمّد خان صدر اعظم هجویه ای سروده و پس از مدت کوتاهی از اقامت خود، در سال ۱۲۸۳ق به سرزمین عثمانی [ترکیه فعلی]

۱- اثرآفرینان، ج۲، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ تاریخ ادبیات (صفا)، ج۴، ص۳۴۲؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۷۹۲ و ۷۹۳؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۴۶۷؛ مجله هنر و مردم، بهمن ۱۳۵۵ش، شماره ۱۷۲، ص۴؛ نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۱۳۴۱ش، شماره اول، صص ۵۴-۴۲.

پناه برد و در آنجا به دلیل تسلط به زبان عربی، ترکی و فرانسوی در مدرسه ایرانیان استانبول به تدریس پرداخت. میرزا حبیب با شیخ احمد روحی و یاران او معاشرت داشت و طرفدار آزادیخواهان ایران بود.

دولت عثمانی او را به عضویت انجمن معارف منصوب کرد، اما به خاطر بدگوئی بدخواهان از خدمت برکنار شد ولی بعد از یک سال و نیم به التفات سلطان، به خدمت بازگشت.

عمده شهرت حبیب اصفهانی به خاطر ترجمه فارسی داستان «حاجی بابا اصفهانی» نوشته «جیمز موریه» منشی سفارت انگلیس در ایران است. نثر او در این ترجمه استادانه و مسلط به زبان و ادب فارسی است که آن را شیرین و دلپذیر ساخته است.

میرزا حبیب در سال ۱۳۱۱ق بیمار شده و جهت معالجه با آبهای معدنی به «بورسا» رفت و سرانجام در سال ۱۳۱۵ق درگذشت و در گورستان «چکرگه» در پای کوه «اولوداغ» به خاک سپرده شد.]

این کتاب ها از اوست:

۱. «برگ سبز» ۲. «دستان فارسی» راجع به دستور زبان فارسی ۳. «دستور سخن» ۴. «راهنمای فارسی» ۵. «غرایب عقاید ملل» [۶. تصحیح «دیوان اطعمه سحاق اطعمه شیرازی» مطبوع ۷. «منتخب کلیات عبید زاکانی» ۸. «تصحیح دیوان البسه قاری یزدی» مطبوع ۹. «خط و خطاطان» ۱۰. «رهبر فارسی» ۱۱. ترجمه «مردم گریز» نوشته: مولیر ۱۲. «دیوان اشعار» ۱۳. ترجمه «حاجی بابای اصفهانی» نوشته: جیمز موریه، مطبوع ۱۴. ترجمه «سرگذشت ژیل بلاس» نوشته: آلن رُنه ساژ ۱۵. «ایرنامه» نسخه خطی کتابخانه دانشگاه استانبول ترکیه ۱۶. «منتخب اللّطائف» ۱۷. «منتخب النّفائس»

این شعر از اوست:

دیشب به رقص برخاست، آن فتنه نشسته

یک دل درست نگذاشت، با طُرّه شکسته

دامن کشان فرد کوفت، پائی و دستی افشاند

ز آنسان که عقل و دین را، شد دست و پای بسته(۱)]

حبیب هلالی اصفهانی

حبیب بن زبیر بن مشکلان هلالی اصفهانی، از محدّثین قرن دوم هجری است [نوادگان او به زبیریه شهرت داشته و اغلب ساکن اصفهان بوده اند. بسیاری از نوادگان پسری و دختری او از محدّثان اصفهان به شمار می روند.

صاحب عنوان از عکرمه، عبداللّه اَبی الهُذِیل و عبدالرّحمان بن الشرّود روایت می نماید و عمروبن فرّوخ و شعبه از او روایت می کنند.

گفته می شود او از محدّثان حنفی بوده است.(۲)

میرزا حبیب ملّاباشی

میرزا حبیب ملّا باشی ابن حاج میرزا محمود بن حاج میرزا محمّد رضا بن حاج میرزا احمد ملّا باشی، عالم فاضل معاصر در سال ۱۳۰۳ش در اصفهان متولّد شد. مادرش دختر آقا سیّد هاشم امام جمعه بوده است. در اصفهان نزد عده ای از علماء از جمله حاج آقا رحیم ارباب و سیّد حسن مدرس هاشمی به تحصیل پرداخت سپس به قم رفته و از

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۳۵۳؛ الذریعه، ج۷، ص۱۷۹ و ج۱۶، ص۳۱؛ چهره هایی از پیشروان، ص۵۰؛ از صبا تا نیما، صص ۳۰۱-۳۹۵؛ سرگذشت ژیل بلاس: مقدمه؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۴۶۹ و ۴۷۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۴۴؛ فهرست دانشگاه استانبول، صص ۳۲۰ و ۶۸۹؛ فهرستواره کتابخانه مینوی، ص۱۲۸؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، صص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ مجله ارمغان: سال دهم، صص ۱۲۰-۱۱۰ و ۲۷۲-۲۶۸؛ گلزار جاویدان، ج۳، صص ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۴۵۴؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۱۲۰۳؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۱، ص۵۱۹؛ تاریخ اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران، ص۴۳۷.

۲- ذکراخبار اصفهان، ج۱، صص ۲۹۴ و ۲۹۵؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۲۱۱؛ لغت نامه دهخدا، ذل «زبیر»، ص۲۳۳.

درس علمای اعلام حاج آقا حسین بروجردی و سیّد محمّد باقر سلطانی طباطبائی و شیخ حسینعلی راشد بهره مند شد سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.

او مدتی در دبیرستان های اصفهان تدریس می کرد و از دریافت وجوهات شرعی و مصرف آن خودداری می نمود. او حافظه ای قوی داشت.

سرانجام در مردادماه ۱۳۸۱ش وفات یافته و در قبرستان نو قم مدفون شد. از ایشان «حاشیه بر کفایه الاصول» مفصّل باقی مانده است.(۱)

حبیب حسن آبادی

ابومسلم حبیب بن وکیع بن عبدالرّزاق بن عبدالکریم بن عبدالواحد بن محمّد بن سلیمان حسن آبادی اصفهانی از محدّثین قرن ششم هجری و از خانواده علم و حدیث است.

او از ابوبکر محمّد بن احمد بن حسن بن ماجه ابهری اصفهانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

[در حال حاضر حسن آباد یکی از محلّه های اصفهان است. در منطقه جرقویه نیز روستایی به نام حسن آباد وجود دارد.]

میرزا حبیب شاطر حاجی*

میرزا حبیب اصفهانی معروف به «حبیب شاطرحاجی» موسیقیدان و خواننده مشهور در اوایل قرن چهاردهم هجری قمری. حدود ۱۳۰۰ق متولّد شد. استاد همایی او را برادر میرزا عبدالوهاب گلشن ایرانپور دانسته ولی نویسندگان دیگر به این مطلب اشاره نکرده اند. اغلب در اصفهان می زیسته، مدّتی در تهران به سر برده و در اواخر عمر در

۱- مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۵۹؛ معجم البلدان، ج۲، ص۲۵۹.

شیراز ساکن شده است. او از اساتید قدیمی آواز به شمار می رفت و در بم خوانی، گرمی و ملّاحت صدا مانند نداشت و از جوانی صدای او دلچسب، جذّاب و خوش آهنگ بود و بزرگان موسیقی آن دوران او را بسیار ستایش می کردند. او از دوستان معاشران شکراللّه قهرمانی نوازنده تار و عارف قزوینی، شاعر و تصنیف سرای معروف بود. در اصفهان نیز مدتی در دستگاه حاج امین التجّار بود. استاد علینقی وزیری نیز او را در اصفهان دیده بود و از حسن سلیقه او تعریف می کرد. از لحاظ وسعت اطلاعات در موسیقی نیز کم نظیر بود. مرتضی نی داود از کسانی است که به این مسأله اذعان داشته است.حبیب شاطر حاجی در سال های جوانی و دراوج افتخار و شهرت، ظاهراً به خاطر افراط در خوشگذرانی به بیماری سختی مبتلا شد و صدای خود را از دست داد. یکی از متموّلین شیراز که عاشق صدای دل انگیز او بود، حبیب را به شیراز می برد و یک مغازه و چند شاگرد پیراهن دوز را در اختیارش می گذارد و او را سرپرست این کارگاه قرار می دهد. میرزا حبیب سرانجام در سال ۱۳۵۸ق وفات یافته و در یکی از امامزاده های شیراز مدفون شد و چند سال بعد میرزا عبدالحسین صدر اصفهانی که در شیراز بود وفات نمود و جسدش پهلوی میرزا حبیب دفن شد.

عارف قزوینی از دوستان و شیفتگان حبیب شاطر حاجی است و میرزا حبیب برخی از تصنیف های عارف را می خوانده و از حفظ داشته است. استاد جلال تاج اصفهانی، اسماعیل ادیب خوانساری، حسین ادیب تخت فولادی و سیّد احمد شهشهانی در آواز از او تعلیم گرفته اند و مرحوم محمودی خوانساری غیرمستقیم از او تأثیر پذیرفته است.(۱)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۳؛ چشم انداز موسیقی ایران، صص ۹۳ و ۲۴۸؛ تاریخ موسیقی ایران، ص۶۷۷؛ دولت دیدار، ص۱۶۷؛ دائره المعارف تشیع، ج۹، ص۴۹۶؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ص۱۷۹؛ مجله هنر موسیقی، شماره ۵۳، ص۱۰.

حبیب اللّٰه اصفهانی

حبیب اللّٰه اصفهانی، عالم فاضل محقق، از دانشمندان قرن یازدهم هجری است وی کتاب «شرح اسماء الحسنی» را به نام شاه عباس ثانی در سال ۱۰۶۱ق تألیف نموده است.(۱)

[نسخه اصل کتاب به خط مؤلف به شماره ۱۱ در کتابخانه دانشمند محقق آیت اللّٰه حاج سیدمحمدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲)]

حبیب اللّٰه اصفهانی*

آقا حبیب اللّٰه اصفهانی عالم فاضل، از دانشمندان قرن یازدهم هجری، وی در اصفهان نزد جمعی از افاضل علماء همچون آقا حسین خوانساری به تحصیل پرداخت. سپس به هند مسافرت کرده و در شهر «سورت» ساکن شد و به تدریس پرداخت، میرزا لطف اللّٰه تبریزی مخاطب به «مرشد قلی خان» و معروف به «مخمور سورتی» از شاگردان او بوده اند.(۳)

حبیب اللّٰه اصفهانی*

میرزا حبیب اللّٰه اصفهانی، از فضلای اوایل قرن دوازدهم هجری است. مرحوم میرزا محمّد علی معلم حبیب آبادی در کتاب «عُراضه الاخوان» می نویسد:آخوند ملّا محمّد حسن شفتی گیلانی در اصفهان نزد میرزا حبیب اللّٰه اصفهانی به تحصیل پرداخته است. احتمالاً او همان میرزا حبیب اللّٰه نصرآبادی شاگرد علّامه مجلسی است (که در این کتاب به شرح حال او پرداخته شده است.)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۰ و ۴۷۱.

۲- فهرست کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص ۳۳-۳۱.

۳- تذکره شمع انجمن، ص۶۵۴؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۳۹.

حبیب اللّه فضائلی

استاد حبیب اللّه فضائلی بن محمّد ابراهیم سمیرمی اصفهانی، خوشنویس، شاعر و محقق معاصر، در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۱ش در سمیرم متولّد شد. در کودکی تحت تربیت پدر و آشنایی با خطوط جدّش ملّا محمّد، با خوشنویسی آشنا شد و به مشق خط پرداخت. در ۱۳ سالگی پدرش را از دست داد و در مکتب خانه و به تعلیم و تدریس مشغول شد. در نوجوانی به اصفهان رفته و در مدرسه درکوشک و مدّتی در مدرسه میرزا مهدی ساکن شده و نزد علماء عالیقدر اصفهان همچون آقا جمال الدّین خوانساری و شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی و حاج آقا فخر کلباسی، سیّد احمد مقدس، سیّد حسن مدرس هاشمی، ملّاحسینعلی صدیقین، سیّد عبدالحسین طیّب و شیخ محمّد باقر زند کرمانی کسب فیض نمود. همچنین در خط نیز نزد میر محمّد مهدی خلیقی پور مشق خط نمود و در کنار آن به تحصیلات جدیده نیز اهتمام ورزیده دیپلم ادبی را دریافت نمود و به استخدام اداره فرهنگ درآمده و به تدریس در مدارس مشغول شد. پس از تأسیس دانشکده ادبیات اصفهان به تحصیل در رشته ادبیات فارسی پرداخته و به اخذ لیسانس نائل شد. و در دبیرستان های اصفهان به تدریس ادبیات فارسی، تعلیمات دینی، عربی و خوشنویسی پرداخت. او سالها به مشق از روی نمونه خطوط خوش کتابها و کتیبه های ابنیه تاریخی اصفهان پرداخت و پیرامون آنها تحقیق نمود و نمونه خطوط خوش اساتید خوشنویسی را گردآوری نمود. همچنین در تهران نزد استاد زرین خط و استاد کاوه خوشنویسی را تکمیل نمود.

وی از سال ۱۳۴۳ش کلاس های آزاد خوشنویسی را در اصفهان دایر کرد که منجر به تأسیس انجمن خوشنویسان اصفهان شد و سرپرستی آن از سال ۱۳۴۸ش به بعد به عهده او بود. وی در طول عمر با برکت خود صدها کتیبه برای مساجد، اماکن و بقاع متبرّکه در داخل و خارج از کشور از جمله حرم مطهر حسینی علیه السلام، کاظمین و حضرت زینب و حضرت رقیّه (سلام اللّه علیهما) را به زیبایی تمام نوشت. استاد فضائلی در انواع خطوط به ویژه نسخ و ثلث و نستعلیق مهارت بسیار داشت.

در شعر نیز تبحّر داشت و «فضائل» تخلّص می کرد و گاه در برخی از انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن ادبی و هنری سعدی حضور می یافت.

وی سرانجام در دوشنبه ۲ رجب ۱۴۱۸ق (مطابق ۱۲ آبان ۱۳۷۶ش) در اصفهان وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد:

تألیفات و آثار زیر از اوست:

۱. «اطلس خط» ۲. «تعلیم خط» ۳. «بوستان خط» ۴. «مردآفرین روزگار» ۵. «اصحاب رس» ۶. «آیه نور» ۷. «شناخت قرآن»

همچنین (قرآن مجید) و کتاب های «گنجینه الاسرار» عمان سامانی و چند اثر دیگر را کتابت نموده اند.

این شعر در مرثیه حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام از اوست:

ای دیده خون ببار که وقت عزا رسید

هنگامه مصیبت آل عبا رسید

گر چشم دهر خوشه پروین بِیَفشُرَد

باشد روا که زلزله در ماسوا رسید

در سیل خون تپید جگر گوشه رسول

آه و فغان به چرخ از این ماجرا رسید(۱)

شیخ حبیب اللَّه نائینی

شیخ حبیب اللَّه بن ملّا ابراهیم نیستانکی نائینی، عالم فاضل از علمای قرن چهاردهم هجری. در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله آخوند کاشی به تحصیل پرداخت. سپس در دستگاه خاندان نجفی مسجد شاهی از جمله حاج آقا نوراللَّه نجفی به فعالیّت مشغول شد.

وی در سال ۱۳۴۸ق وفات یافته و در تکیه ملک نزد قبر آخوند کاشی در تخت

۱- تجلی فضائل، اغلب صفحات؛ مجله وقف میراث جاویدان (ویژه نامه اصفهان)، شماره ۱۹ و ۲۰؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم)، ص۵۹۹؛ کیهان فرهنگی، سال چهارم، شماره ۵، شماره پیاپی ۴۱، مرداد ماه ۱۳۶۶، ص۴۸؛ وفیات

علمای معاصر اصفهان، خطی.

فولاد مدفون شد.(۱)

ملّا حبیب اللَّه نصرآبادی

ملّا حبیب اللَّه بن محمّـد ابراهیم نصـرآبادی، عالم فاضل محدّث، [ظاهراً از اهالی قریه «نصـرآباد» ماربین اصـفهان است و اینکه شاید از اهالی «نصرآباد» جرقویه یا «نصرآباد» کاشان باشد بسیار ضعیف است و خود نیز به آن تصریح نکرده است.]

وی از شـاگردان ملّـا محمّـد باقر مجلسـی بوده و از او چنـدین اجازه روایتی دریافت نموده است. وی «صـحیفه سـجّادیه» را نزد مجلسی خوانده و بر روی نسخه ای از «صحیفه» در ۱۴ رجب ۱۱۰۸ یادداشتی نوشته و بدین مطلب تصریح نموده است.

همچنین در یادداشت دیگری که بر روی نسـخه ای از «قواعـد الاحکام» نوشـته، آمده است که این نسـخه را نزد علّامه مجلسـی خوانـده است. همچنین سلسـله روایتی علّـامه مجلسـی را تـا علّامه حلّی آورده است. تاریـخ این یادداشت ۲۹شعبان ۱۱۰۴ه می باشد.(۲)

میرزا حبیب اللَّه نیّر

میرزا حبیب اللَّه نیّر ابن حاج شـیخ محمّـد باقر واثق همدانی، فاضل ادیب و شاعر متتبع. در ۲۱ شوال ۱۳۰۸ق در اصفهان متولّد شـده و نزد پدر دانشـمند خود مقدمات علوم را آموخته، سـپس به درس جمعی از بزرگان مانند شـیخ مرتضـی ریزی و آخوند کاشـی حاضـر شده و از محضـر آنان اسـتفاده و اسـتفاضه نموده و در خدمت میرزا عبدالحسین قدسی (دایی خود) خط و ادب آموخت.

۱- کتـاب انساب خانـدان های مردم نائین، ص۱۴۲؛ رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۲۰۷؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۲.

۲- زنـدگینامه علّـامه مجلسـی، ج۲، صـص ۲۴ و ۲۵؛ آشـنایی بـا چنـد نسـخه خطی، ج۱، صـص ۱۹۳-۱۹۱؛ تلامـذه العلاّمه المجلسی، صص ۲۱ و ۲۲.

وی طبع روانی در شعر داشته و در انجمن شعرا حضور می یافته و لقب «نیّر الادباء» را دریافت نموده است. او در فنون ادب و ریاضی و شعر و نقدالشّعر و تجوید و خط و دیگر فنون از صاحب نظران بود. او برای رفع نیازمندی های مادّی شغل حسابداری را انتخاب نموده و تا آخر عمر بدان اشتغال داشت.

به عربی و فارسی شعر می گفت و در فن مادّه گوئی مهارت داشت. جهت بیشتر علمای زمان مرثیه و مادّه تاریخ گفته است. سرانجام در ۴ جمادی الثانیه ۱۳۷۹ق وفات یافته و در یکی از اطاق های جنوبی تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به «برنا» در وفاتش گوید:

رقم زد به تاریخ «برنا» و گفت:

«ز برج وفا نیّر علم رفت»

از آثارش: ۱. «رسوا در خدع میرزا خدا» ردّ بر بهائیان ۲. «رساله کوچکی در اغلاط قرآن های باغچه سرا» به طبع رسیده است.

از اوست:

خواهی به مردم ار بنمائی تو ماه را

یک سو فکن ز چهره دو زلف سیاه را

یک ماه در میان دو شب را به ما نمای

تا جمله بنگریم به یک شب دو ماه را

آب حیات چشمه لعل لبش بود

ای تشنه وصال بکن طی راه را(۱)

سیّد حبیب اللّه شریف واقفی*

سیّد حبیب اللّه بن میرزا جعفر بن میرزا یوسف شریف واقفی نطنزی هنرمند معاصر. در سال ۱۲۸۱ش در روستای افوشته نطنز متولّد شد. پس از خواندن تحصیلات مقدماتی به تهران رفت و در کارگاه زری بافی اداره هنرهای زیبا به فراگیری هنر زری بافی پرداخت. سپس به اصفهان آمد و به عنوان استاد و مدرس هنر زری بافی به تدریس و آموزش در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان مشغول شد. وی سرانجام بر اثر ابتلا به

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۲۵-۵۲۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۱-۳۲۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹.

سرطان مِری در سال ۱۳۴۵ش درگذشت و در تکیه امام جمعه واقع در تخت فولادبه خاک سپرده شد. وی پارچه های زربفت زیبایی را تهیّه کرد و در ترویج هنر زری بافی و تربیت شاگردان هنرمند نقش ممتازی داشت.(۱)

حبیب اللَّه اصفهانی

حبیب اللَّه بن جمال الدّین اصفهانی، [از خوشنویسان قرن دهم هجری است] او در سال ۹۴۷ق کتابت «تاج التّراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم» نوشته عمادالدّین ابوالمظفّر شهفور طاهر بن محمّد اسفراینی را به خط نسخ و نستعلیق نوشته که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

همچنین در سال ۹۴۸ق کتابت نسخه «اغراض السیّاسه فی اعراض الرّیاسه» تألیف محمّد بن علی بن محمّد بن حسن ظهیر کاتب سمرقندی را به خط نستعلیق نوشته [است]. نسخه اصل در کتابخانه لیدن هلند و میکروفیلم آن به شماره ۳۴۲۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

ملّا حبیب اللَّه اصفهانی

ملّا حبیب اللَّه بن ملّا حسنعلی اصفهانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله علّامه مجلسی به تحصیل پرداخت. علّامه مجلسی در ۱۰ ذیقعده ۱۰۹۵ق در آخر نسخه ای از جلد پنجم «بحارالأنوار» (موجود در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی) و در ماه ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق در آخر نسخه ای از جلد ششم «بحارالأنوار» (موجود در کتابخانه میرزا نصراللَّه شبستری در تهران) جهت او

۱- میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۲۷.

۳- میراث فرهنگی نطنز، ج۲، ص ۱۴۰.

اجازه نوشته است.(۱)

میرزا حبیب اللَّه صدر

میرزا حبیب اللَّه صدر ابن میرزا حسین مفتی بن حسن موسوی عاملی عالم فاضل، از دولتمردان عصر صفوی.

در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصاً شیخ بهائی تلمّذ نموده(۲) و دختر شیخ لطف اللَّه میسی را به زوجیّت خود در آورد(۳) او از علمای معروف زمان شاه عباس صفوی و مورد احترام او بود. شاه صفی در سال ۱۰۴۰ق منصب صدارت را به او تفویض نمود.(۴) وی سرانجام در سال ۱۰۵۹ق وفات یافت.

مادّه تاریخ فوت او را «میرزا جعفر قزوینی» چنین سروده است.

طبع بلندم پی تاریخ گفت:

«رفته به معراج حبیب اله(۵)

۱۰۵۹

حبیب اللَّه اصفهانی

حبیب اللَّه بن حسینعلی اصفهانی، ادیب فاضل از فضلاء و ریاضی دانان قرن ۱۴ هجری، مؤلف کتاب «اسهل الحساب تکمیله السّیاق» است که در سال ۱۳۲۸ق در طهران به چاپ رسیده است.(۶)

۱- اجازات الحدیث، صص ۳۳-۳۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۲۱؛ فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۷۳؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۱۳۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۵.

۲- فوائد الرضویّه، ج۱، ص۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۴۵.

۳- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص۱۳.

۴- خلاصه السیّر، صص ۳۷ و ۳۸.

۵- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۷۰۵.

۶- مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج۲، ص۴۸۴؛ فروغستان، ص۲۸۱.

حبیب اللّه روحی فریدنی*

حبیب اللّه رمضانی دامنه ای متخلّص به «روحی» فرزند حسینقلی شاعر معاصر در سال ۱۳۲۰ش در روستای «دامنه» از توابع فریدن متولّد شد. در سن یک سالگی بین پدر و مادرش جدائی افتاد و سرپرستی او را مادر دلسوزش بر عهده گرفت. همچنین پدربزرگش ملّا علی سلیمانی دارانی که از علمای موثق و معتمد آن منطقه و از اعقاب شیخ سلیمان دارانی بود او را تحت تربیت خویش قرار داد. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در داران به اتمام رساند. سپس در دانشسرای مقدّماتی اصفهان به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۹ش از آنجا فارغ التّحصیل گردیده و در آموزش و پرورش به خدمت پرداخت.

از اوست:

جان فدای کلک نقاش ازل باید نمود

زان همه نقشی که اندر گردش پرگار دارد

جلوه روی تو از آثار صنع کبریاست

کور آن چشمی که شک در صنعت دادار دارد(۱)

میرزا حبیب اللّه فریبی طهرانی

میرزا حبیب اللّه بن میرزا رجبعلی طهرانی، شاعر ادیب، متخلّص به «فریبی». از سخنوران قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان متولّد شده و در این شهر به کسب علم و ادب پرداخته است. از معاشران آذر بیگدلی بوده و در سال ۱۱۸۶ق وفات یافته است. مادّه تاریخ فوت او را آذر بدیههً چنین یافته است:

«شد بجنّت المأوا میرزا حبیب اللّه» ۱۱۸۶

این شعر از اوست:

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ویرایش دوّم، ص۳۱۵.

یاران با هم چو عیش بنیاد کنید

در صحبت هم خاطر خود شاد کنید

شکرانه عیش و کامرانی گاهی

از حسرت و ناکامی ما یاد کنید(۱)

حبیب اللّه حسینی اصفهانی

حبیب اللّه بن محمّد رضا حسینی طبیب اصفهانی [از فضلاء و دانشوران قرن سیزدهم هجری]در سال ۱۲۷۲ق «شرح شمسیه» قطب الدّین رازی موسوم به «تحریر القواعد المنطقیّه» را کتابت نموده است. کتاب به شماره ۱۳۳۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

میرزا حبیب اللّه موسوی اصفهانی

میرزا حبیب اللّه بن سیّد محمّد سعید موسوی اصفهانی، عالم فاضل. از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان به تدریس مشغول بوده و محمّد نبی تویسرکانی مؤلّف کتاب «لئالی الأخبار» در سال ۱۲۷۷ه.ق از او اجازه دریافت نموده است.

(از شاگردانش میرزا هادی بن عبدالکریم دولت آبادی بوده که در نوشته های خود او را به فقاهت و زهد ستوده است).

صاحب عنوان در ۱۲ ذیقعده ۱۲۹۳ق وفات یافته و در تکیه آقا حسین خوانساری مدفون شد.(۳)

۱- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۳۴؛ تذکره نگارستان دارا، صص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ تذکره روز روشن، صص ۶۲۰ و ۶۲۱؛ الذریعه، ج۹، ص۸۳۰.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۲۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰؛ الکرام البرره، ج۱، ص۲۹۳؛ تراجم الرجال، ج۲، ص۷۸۷.

سیّد حبیب اللّه میرلوحی*

سیّد حبیب اللّه میرلوحی فرزند سیّد عبدالحسین، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۷ق در روستای «یزدآباد» لنجان متولّد شد. در اصفهان نزد شیخ عباسعلی ادیب به تحصیل پرداخته و در قم سطوح عالیه را نزد شیخ مرتضی حائری، میرزا علی مشکینی و سیّد محمّد حسین درچه ای فرا گرفت. آنگاه در درس خارج مرحوم حاج آقا حسین بروجردی به مدت ۸سال حاضر شد و کسب فیض نمود. همچنین از درس آیات عظام گلپایگانی و امام خمینی نیز بهره برد و از درس «شرح منظومه» آیت اللّه شیخ حسینعلی منتظری استفاده نمود.

وی عاقبت به زادگاه خود بازگشته و به تبلیغ دین و انجام وظایف شرعی مشغول گردید.(۱)

میرزا حبیب اللّه اصفهانی*

میرزا حبیب اللّه بن عبداللّه اصفهانی، عالم فاضل و مورّخ ادیب، در قرن یازدهم هجری می زیسته و کتابی به نام «توصیف الوزراء» در احوال وزرای شاهان صفوی تألیف نموده است. میرزا عبداللّه افندی در ضمن شرح حال سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان از این کتاب یاد می کند و مطالبی درباره خلیفه سلطان ازکتاب نامبرده نقل می نماید. ظاهراً صاحب عنوان در سال ۱۱۰۶ق وفات یافته است.(۲)

تذکر: به کتاب «توصیف الوزراء» کتاب «تذکره میرزا حبیب اللّه» نیز گفته می شود.

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- ریاض العلماء، ج۲، ص۵۲؛ الرّوضه النّضره، ص۱۳۱؛ الذریعه، ج۴، ص۴۸۹؛ فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان، ج۱، ص۳۱؛ اعیان الشّیعه، ج۲۰، صص ۹۱-۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۱ و ۴۷۲؛ مصفی المقال، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

میرزا حبیب اللّه امین التّجار*

میرزا حبیب اللّه امین التّجار ابن سیّد محمّد علی، از مشاهیر تجار و سیاستمداران عصر مشروطه و پهلوی در اصفهان است. در سال ۱۲۶۳ش متولّد شده و پس از پدر به تجارت پرداخت و از تجار معروف اصفهان شد. او در جریان مبارزات مردم اصفهان به رهبری حاج آقا نوراللّه نجفی علیه استبداد محمّد علی شاه، جزو انجمن سری آزادیخواهان بود. پس از امضاء فرمان مشروطیت، به حمایت مالی از انجمن ولایتی اصفهان پرداخت.

همچنین او از اعضای حزب دموکرات در اصفهان بود. در سال ۱۳۲۴ق هنگامی که علمای اصفهان کالاهای خارجی را تحریم کرده و مردم را به خرید کالاهای وطنی تشویق کردند، او نیز از این اقدام حمایت کرد. در جریان جنگ جهانی اوّل از اعضای مؤثّر کمیته دفاع ملّی بود و در جریان تشکیل دولت موقت ملّی در کرمانشاه و مهاجرت اعضای کمیته دفاع ملّی، قصد پیوستن به آنان را داشت که به دست نیروهای انگلیسی اسیر شده و مدّتی را در زندان سپری کرد.(۱)

وی پس از آن چندین بار از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس شورای ملّی انتخاب شد. در زمان سلطنت رضا شاه، او از دوستان تیمور تاش وزیر دربار بود و چون امتیاز انحصار تریاک برای ۳سال به امین التّجار داده شد و شایع شد که تیمور تاش از او رشوه گرفته است، تیمور تاش دستگیر و به زندان افتاد و امین التجار با اینکه نماینده مجلس بود، دستگیر و زندانی شد و پس از تحمّل ۶ماه حبس با عفو رضا شاه آزاد شد.

وی در دوره پانزدهم مجلس نیز نماینده اصفهان بود.(۲)

امین التّجار در ۲۴ ربیع الاوّل ۱۳۶۹ق (مطابق ۲۴ دی ۱۳۲۸ش) وفات یافته و در تکیه خانوادگی امین التّجار در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۸.

۲- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۲۸۷-۲۸۵.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

حبیب اللّه آذری پور

حبیب اللّه آذری پور اصفهانی بن فضل اللّه شاعر ادیب معاصر متخلّص به «آذر» در سال ۱۲۹۸ش در اصفهان متولّد شده و پس از کمی تحصیل به کسب و کار پرداخت و در کفاشی مشغول به کار شد. مجموعه ای از اشعار او با نام «شراره های آذر» در سال ۱۳۳۵ش به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

مژده ام باد صبا از گل و نسرین می داد

خبر از لعل لب و بوسه شیرین می داد

آسمان فخر نمود و به زمین مژده بداد

که نگارم به سر گیسوی خود چین می داد(۱)

سیّد حبیب اللّه امامی*

سیّد حبیب اللّه بن آقا سیّد محمّد درب امامی اصفهانی، از فضلاء و خوشنویسان اوایل قرن چهاردهم هجری است. وی خط نستعلیق را زیبا می نوشت.(۲)

میرزا حبیب اللّه روضاتی

میرزا حبیب اللّه بن میرزا هدایت اللّه بن آقا میرزا محمّد باقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات الجنّات).

عالم فاضل و واعظ کامل، در اصفهان متولّد شده و نزد شیخ علی مدرّس یزدی، سیّد محمود کلیشادی، سیّد مهدی درچه ای، سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و حاج آقا منیرالدّین بروجردی به تحصیل پرداخت.

وی امام جماعت مسجد خیابان خوش [خیابان طالقانی فعلی] و مسجد ستّاری

۱- تذکره شعرای معاصرا صفهان، ص۸.

۲- یادواره آیت اللّه فقیه امامی، ص۳۳.

اصفهان بود و مراسم دعای کمیل را در تکیه کازرونی برگزار می نمود. جلسات دعا و موعظه ایشان مورد توجّه و اعتقاد مؤمنین بود. مواعظ منبری او نیز که عموماً پس از اداء نماز انجام می گرفت نیز از هر حیث قابل اهمیّت بود.

وی سرانجام در [روز ۱۶ ربیع الاوّل] سال ۱۳۷۹ق وفات یافته و در بقعه تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به «برنا» در وفاتش گوید:

سال فوتش رقم بزد «برنا»:

شد حبیب خدا ز دنیا رفت

شیخ حبیب اللّه دولت آبادی

شیخ حبیب اللّه دولت آبادی، عالم فاضل معاصر از اهالی «دولت آباد» برخوار اصفهان است. در اصفهان نزد آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و آخوند ملّا حسین فشارکی و دیگران تحصیل کرده و سپس به تدریس «شرایع» و «معالم» و سایر کتب فقهی مشغول شده است.

عالمی متّقی، با ورع، متین و مؤدب بوده است.(۲)

ملّا حبیب اللّه رئیس الواعظین

حاج ملّا حبیب اللّه رئیس الواعظین، عالم فاضل و واعظ کامل، سالها در اصفهان مردم را موعظه و ارشاد نموده است.

او در اصفهان نزد جمعی از علمای اعلام همچون میرزا محمّد حسن نجفی، حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی نجفی، آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی صاحب روضات الجنات و دیگران تحصیل نموده است. سرانجام در سال ۱۳۳۱ق وفات یافته و در تکیه

۱- مناهج المعارف: مقدمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۴۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۸۳.

۲- یاداشت های آقای رحیم قاسمی.

خوانساریها در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

حبیب اللّٰه ساوجی*

حبیب اللّٰه ساوجی، نقاش هنرمند اوایل قرن یازدهم هجری وی مدّتی در قم ساکن بود. هنگامی که حسین خان شاملو حاکم قم مأمور هرات شد، او را همراه خود به هرات برد. او در هرات به تکمیل نقاشی پرداخت و از آثار هنرمندان مکتب هرات برخوردار شد و بهره گرفت. هنگامی که شاه عباس اوّل آوازه او را شنید او را از حسین خان شاملو طلبید و به اصفهان آورده و جزو هنرمندان دربار خود قرار داد. سالها در اصفهان ساکن بود و تاریخ فوت او به دست نیامد.(۲)

شیخ حبیب اللّٰه شاهنده*

شیخ حبیب اللّٰه شاهنده نکوآبادی لنجانی، عالم فاضل، در اصفهان نزد اساتیدی چون شیخ محمود مفید، سید محمّد رضا خراسانی، سید حسین خادمی و میر سیّد علی موسوی بهبهانی تحصیل نموده و با شیخ عبداللّٰه ادیب لنجانی هم بحث بود.

وی در غره شوال سال ۱۳۹۵ق وفات یافته و در تکیه ملک در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

ملّا حبیب اللّٰه عباس آبادی

مولی حبیب اللّٰه ساکن عباس آباد اصفهان. عالم فاضل حکیم عارف. در عقلیّات مشهور زمان بود. نتایج افکار حکماء را با معارف اصحاب شهود تطبیق نموده و به مشرب و مسلک صوفیّه انس داشت. در اصفهان به جوار رحمت الهی رسید. [با شیخ

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۷۰.

۲- گلستان هنر، ص۱۵۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۰۳.

۳- جلوه افلاکیان، مخطوط.

محمّد علی حزین لاهیجی مؤانست و معاشرت داشته و در اواسط قرن دوازدهم هجری وفات یافته است.]

این بیت از اوست:

ما را از خداوندی لطف تو همین بس

کز بندگی همچو منی عار نداری(۱)

میرزا حبیب اللّه مشیرالملک

میرزا حبیب اللّه انصاری ملقّب به «مشیرالملک» وزیر با کفایت و لایق ظل السّلطان که با مهارت و کفایت امور ایالت تحت حکومت ظل السّلطان را رتق و فتق می کرد.

[ظل السّلطان چندی بعد از نفوذ و قدرت گرفتن او بیمناک شده و در اموال و املاک او طمع کرد. مشیرالملک هم راه استقلال پیموده و در ماجرای تحریم تنباکو جانب علمای مخالف قرارداد رژی را گرفت. عاقبت ظل السّلطان او را در سال ۱۳۰۹ق برکنار کرده و با قهوه قجری مسموم به زندگی او پایان داد.(۲)]

حبیب اللّه مشیرالملک کتاب «بحر الجواهر فی علم الدّفاتر» تألیف: میرزا عبدالوهاب شهشهانی را به خط نستعلیق کتابت کرده و فرزندش وثیق الملک بر آن حاشیه نوشته است. این کتاب به شماره ۴۰۶۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

میرزا حبیب اللّه نیشابوری*

میرزا حبیب اللّه نیشابوری، شاعر و ادیب قرن دهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و به او «حَبّی» می گفته اند.

این بیت از اوست:

۱- تذکره المعاصرین،صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۹۸؛ الکواکب المنتشره، ص۱۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۳۶.

۲- تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السّلطان، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۶۳.

زان کمان ابرو مرا تیری که آید بر جگر

زخم او چشمی بود پر خون پی تیری دگر[(۱)]

فایده: در لهجه اصفهانی برای نامهای کوچک و گاه به منظور تصغیر به آخر نامهای کوچک یاء (ی) اضافه می کنند. مثلاً به حسن می گویند «حسنی» و در این لهجه «حبیب اللّه»، «حب الّله» و «حبیب» «حبّی» تلفظ می شود و البتّه بیشتر در میان عوام الناس رواج دارد. برخی «جنّی» تحریف کرده و شاعری جدید و جعلی ساخته اند که همان حبیب اللّه نیشابوری است.

حبیب اللّه یزدخواستی*

مرشد حبیب اللّه یزدخواستی، از آخرین قصه گویان و شاهنامه خوانان اصفهان است. او بیانی رسا و حافظه ای قوی و ذوقی سرشار در بیان داستانهای اسطوره ای ایران همچون داستانهای شاهنامه و گرشاسب نامه داشته و مجالس نقالی و شاهنامه خوانی او در قهوه خانه های اصفهان به ویژه قهوه خانه های تقی قوری، سیّد زین العابدین و عباس آقا مورد استقبال مردم قرار گرفته است.

او در سال ۱۳۰۰ش در محله یزدآباد اصفهان متولّد شده و در ۲۴ دی ماه ۱۳۷۲ش بدرود حیات گفت و در قطعه نام آورانِ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

حَجّاج هَمْدانی

ابو محمّد حجّاج بن یوسف بن قتیبه بن مسلم هَمْدانی معروف به «ابومحمّد ازرق» از محدّثین قرن سوم هجری است. وی به معلمی اطفال مشغول بوده و در مکتب او بیش از یکصد کودک حاضر بوده اند. آثار کسائی و احادیث نعمان و بشر بن حسین، ابوهانی و زُفر بن اَبی زُفَر را روایت کرده است.[(۲)]

۱- تذکره روز روشن، ص۱۹۴؛ تذکره تخفه سامی، ص۲۸۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۱.

حسین بن محمّد بن عضیره انصاری و ابو یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بن بهرام زنجانی در سال ۲۹۶ق از او حدیث شنیده اند.(۱)

[حافظ ابونعیم اصفهانی می نویسد که در سال ۲۶۰ق در سن ۱۲۰سالگی فوت شده است ولی در احقاق الحق می نویسد: ابویعقوب زنجانی در سال ۲۹۶ق از او حدیثی شنیده است. لذا در باب تاریخ وفات او باید بیشتر تحقیق شود.]

حجت اصفهانی

حجت اصفهانی، از سخنوران و ادبای اصفهان است.

این بیت از اوست:

روی دنیا را ز نیاز ماست سرخ

ورنه زشت و خشک و زرد و لاغر است(۲)

حدیثی اصفهانی*

از شعرای اصفهان است و بیش از این چیزی از زندگی او معلوم نیست. این رباعی از اوست:

شوخی که ز جور چشم مستش

هر گوشه چو من هزار کشته هستش

ترسم که به حشر نیز دادم ندهند

هرچند که فریاد کنم از دستش(۳)

حرب خزاعی

ابونصر حرب بن محمّد بن طاهر بن عبداللّه بن محمّد بن طاهر بن حرب بن محمّد بن طاهر خزاعی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری و از خاندان علم

۱- احقاق الحق، ج۱۴، صص ۲۲۴ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۵۴۰.

۲- تذکره روز روشن، ص۱۹۶؛ الذریعه، ج۹، ص۲۳۳.

۳- تذکره شمع انجمن، ص۱۹۸.

و حدیث است.

از ابوالفضل مطهر بن عبدالواحد خزاعی، ابوالفوارس طراد بن محمّد زینبی، ابونصر محمّد بن علی بن احمد سکری، ابوالمظفر سمعانی و دیگران حدیث شنیده و از ابوالبرکات احمد بن عبداللّٰه بن طاووس بغدادی و ابو روح یاسین بن سهل بن محمّد بن حسن قاینی صوفی اجازه داشته است.

در سال ۴۷۰ و اندی متولّد و بعد از سال ۵۳۱ق وفات یافته است. ابوسعد سمعانی از او حدیث نوشته است.(۱)

حَزَوَّر اصفهانی

ابوغالب حَزَوَّر اصفهانی معروف به «صاحب المِحْجَن»، از محدّثین اصفهان در قرن دوم هجری است. از انس بن مالک و اَبی اُمامِه باهلی روایت می کند. و قریش بن حَیّان، مُبارک بن فَضاله، داود بن حَسّانی و حسین بن واقد از او نقل حدیث کرده اند.(۲)

حسام مصطفوی اردستانی

حسام مصطفوی اردستانی فرزند دکتر قوام مصطفوی در حدود سال ۱۲۹۸ش در اصفهان متولّد شد و در این شهر تحصیل کرد.(۳) [مردی ادیب و فاضل و شاعر بود و به تاریخ سیاسی و ادبی ایران احاطه کامل داشت. در نقاشی، کاریکاتور، نقاشی و خوشنویسی تا حدّ استادی ماهر بود. در برخی از مطبوعات طهران مقالاتی را به چاپ رساند.

وی در ۱۳ خرداد ۱۳۷۶ش در محلّه «کبودان» اردستان بر اثر لغزش پا در جوی آب افتاد و درگذشت و در بقعه میرزا مصطفی کمپانی در محلّه محال به خاک سپرده شد.(۴)]

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۱۵۸.

۴- اردستان نامه، ج ۱، ص ۵۱۰.

از آثار او این کتابها به طبع رسیده است.

۱. «منتخب اشعار» که در ۱۳۱۹ش چاپ شده است. ۲. «رومئو و ژولیت» به نظم.

از اوست:

بس قهقهه کبک در این دشت و دمن

آید که در اینجا نه تو باشی و نه من

امروز که سر سبز بود باغ و چمن

دریاب که تا ابد نماند گلشن

حسام الدّین دولت آبادی

حسام الدّین بن عبدالحسین بن حاج میرزا مهدی بن حاج میرزا هادی دولت آبادی، شاعر و ادیب فاضل، در ربیع الاوّل ۱۳۲۱ق در اصفهان و مدّتی رئیس دبیرستان صارمیّه را بر عهده داشت و در هر مورد شایستگی و کفایت خود را نشان داد. او در دوره چهاردهم و هیجدهم مجلس شورای ملّی به عنوان نماینده اصفهان در مجلس حضور داشت. چندی نیز شهردار تهران بود. او مردی خلیق و مهربان و ادیب و خوش بیان بود و سرانجام در سال ۱۳۶۴ش در تهران وفات یافت. در شعر مهارتی به سزا داشت و «حسام» تخلّص می کرد.

از اوست:

از من صبا به آن مه نامهربان بگو

کاشفته تر ز زلف تو شد روزگار من(۱)

حسام الدّین سراج*

حسام الدّین سراج، موسیقی دان و خواننده هنرمند معاصر در سال ۱۳۳۷ش در اصفهان متولّد شد. پدرش با اساتید موسیقی اصفهان: استاد کسائی، استاد تاج و استاد شهناز حشر و نشر داشت و او به موسیقی علاقمند شد و از ۱۸ سالگی به فعالیت پرداخت. سنتور را از سال ۱۳۵۴ نزد سیروس ساغری در اصفهان فرا گرفت. سپس در تهران ردیف های موسیقی را از محمود کریمی آموخت و از استاد پایور، استاد شفیعیان و

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۲، ص۱۱۲۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

آقای کامکار نیز بهره برد و همچنین از استاد محمّد رضا شجریان تعلیم دید و از سال ۱۳۶۰ش به صورت رسمی به خوانندگی پرداخت. او در کنار آموختن موسیقی در رشته معماری و شهرسازی در دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملّی سابق) به تحصیل پرداخت و فوق لیسانس دریافت کرد. پایان نامه او «تناسب ملکوتی» در هندسه آفرینش نام دارد. آواز خوش، معلومات فراوان در ادبیات و موسیقی و تواضع و اخلاق نیکو از ویژگی های آقای سراج به شمار می رود.(۱)

حسام الدّین اصفهانی

حسام الدّین بن عزّالدّین بن عبداللّه از فضلای قرن دهم هجری، ساکن نجف اشرف، در شب شنبه عید قربان ۹۹۴ق در دارالملک اصفهان کتاب «ایضاح الإشتباه» علّامه حلّی را به خط نسخ نوشته و با نسخه شیخ حسین عاملی پدر شیخ بهائی مقابله نموده، کتاب ضمن مجموعه ۵۸۰ در کتابخانه فیضیه قم موجود است.(۲)

حسبی اصفهانی

مولانا حسبی اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن دهم هجری است. از جمله نوادر دوران و اعجوبه زمان بود و در انشاء از زبان وحوش و طیور چیزهای عجیب و غریب نوشته و در شعر نیز طبعش به هزل مایل بوده و شعر جدّی را نیز خوب می گفته است.

از اوست:

هوس مِی است و نَقلَم زِ دو لعل فتنه جوئی

چه بلا خیال خامی، چه کشنده آرزوئی(۳)

۱- برگی از باغ، ص۱۷۵؛ هفته نامه روزان، شماره ۳۲، بهمن ۱۳۷۷، ص۴.

۲- فهرست فیضیه، ج۳، ص۱۴.

۳- تذکره تحفه سامی، ص۲۷۵.

حسن خان*

حسن خـان، از خطاطـان اواخر دوره قاجـاریه بوده و به خط نسـتعلیق کتابت می کرده است، وی در سال ۱۳۰۴ق اشعاری را به خط خود نوشته که بر کاشی های مسجد رحیم خان اصفهان نقش شده است.(۱)

شیخ حسن اصفهانی*

حـاج شـیخ حسن اصـفهانی، عـالم کامـل، از علمـای اصـفهان در قرن سوم هجری. در فقه و اصول مهـارتی به سـزا داشـته و از مجتهدین عصر خود بود. چندگاهی در مسجد حکیم اصفهان اقامه جماعت می نمود. سپس به طهران رفته و منصب امام جمعه آنجـا را برعهـده گرفت. وی در زمـان فتحعلی شـاه (قبـل از سـال ۱۲۵۰ق) وفـات یـافت. در «جنه الاخبار» تألیف محمّدحسـن لنجانی از او یاد شده است.(۲)

ملّا محمّد حسن اصفهانی

ملّا محمّد حسن اصـفهانی، ادیب عارف، از دانشـمندان قرن سـیزدهم هجری است. وی کتاب «انشاء الصـلوات» را تألیف نموده است و در سال ۱۲۷۵ق به طبع رسیده است. در ظهر کتاب در باب مؤلف آمده است.

«العارف الممتحن امین الحق معین الاسلام ملّا محمّد حسن مقیم اصفهان»(۳)

محمّد حسن اصفهانی

محمّـد حسن اصـفهانی [خوشـنویس هنرمند و کاتب ماهر قرن سـیزدهم هجری] در سال ۱۲۴۳ق «قرآن مجید» را به خط نسـخ نوشته و به شماره ۵ در کتابخانه چهلستون

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۷۹۸.

۲- میراث اسلامی ایران، ج۳، ص۷۲۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۷ و ۴۷۸؛ الذریعه، ج۲، ص۳۹۲.

مسجد جامع [در تهران] موجود است. همین نویسنده «سوره حشر» و «سوره فتح» [را نوشته]و به شماره ۱۱ در همین کتابخانه موجود است.(۱)

محمّد حسن اصفهانی*

محمّد حسن اصفهانی، از خوشنویسان ثلث و نسخ در اوایل قرن دوازدهم هجری است. قرآنی به خط او در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است که تاریخ کتابتش ۱۱۱۱ق است و خواص سور آن را به خط شکسته بسیار خوب، میرزا عبدالوهاب موسوی اصفهانی نوشته است.(۲)

محمّد حسن اصفهانی

محمّد حسن اصفهانی از خوشنویسان اوایل قرن چهاردهم هجری، در سال های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ق کتاب «منهاج المستخیر» تألیف: سلطان القُرّاء محمّد حسین بن کاظم علوی حسنی حسینی حافظ تبریزی را به خطّ نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۵۱۹۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

محمّد حسن اصفهانی*

محمّد حسن اصفهانی، از خوشنویسان خط نسخ در دوره قاجاریه است. وی نسخه ای از قرآن مجید را به خط نسخ خوش در سال ۱۲۶۰ق کتابت نموده که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.(۴)

۱- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، صص ۳۰۷ و ۳۰۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۱۲.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران ج۱۵، ص۴۱۴۷.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۵۸.

پیر حسن اصفهانی

پیر حسن اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. شاعری خوش طبع و بذله گو بوده و لطیفه های بسیاری از او در آن روزگار میان مردم مشهور بوده است. برادرش حاج عبداللّٰه عطار، در امامزاده اسماعیل عطاری می کرده و در داروشناسی کم نظیر بوده است.

مثنوی خروسیه از منظومه های مشهور پیر حسن است. وی قبل از سال ۱۰۸۳ق وفات یافت.(۱)

سیّد حسن اصفهانی

سیّد حسن اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۸۷ق نسخه ای از «حیات القلوب» علّامه مجلسی را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۲۵۱ موجود است.(۲)

میرزا حسن اصفهانی*

میرزا حسن اصفهانی از خطاطان دوره قاجاریه است. نستعلیق و شکسته را خوش می نوشته است و قطعاتی به خط خوش او در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی موجود است.(۳)

او شاید همان میرزا حسن شکسته نویس فرزند میرزا حسین مشرف اصفهانی باشد که در صفحات بعد به او اشاره کرده ایم.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ الذریعه، ج۹، ص ۲۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۸.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۱۰.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۲۶۱.

شیخ حسن بروجنی

شیخ حسن بروجنی، عالم جلیل و رجالی خبیر، از علمای قرن سیزدهم هجری است. وی کتابی در علم رجال تألیف نموده که نشانه عمق دقّت و فهم و تحقیق او در این علم است. این اثر «تعلیقه بر مشیخه من لایحضره الفقیه» است و در سال ۱۲۵۷ق از نوشتن آن فراغت یافته است. این کتاب به شماره ۱۸۷۴ در مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۱)

سیّد محمّدحسن هاشمی طالخونچه ای*

سیّد محمّدحسن طالخونچه ای فرزند آقا سیّد ابراهیم موسوی از فرزندان میر ابوالفتح شهرکی است. از علمای قرن چهاردهم هجری بوده و در اصفهان نزد میرزا ابوالمعالی کلباسی، سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی و جهانگیرخان قشقائی تحصیل نمود. سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفته و از محضر آیات عظام آخوند خراسانی و سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی بهره گرفت. او در آنجا از معاشران و دوستان شیخ مرتضی طالقانی بود و همراه او به تهذیب نفس اشتغال داشت.

دو فرزندش، سیّد علی اکبر هاشمی و سیّد اسماعیل هاشمی از علمای وارسته معاصر اصفهان به شمار رفته اند.(۲)

دکتر حسن انواری

دکتر حسن انواری بن ابراهیم بن شیخ عبدالکریم سودائی دستگردی، از اساتید دانشکده پزشکی اصفهان، در سال ۱۲۹۵ش متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه، در دانشکده پزشکی تهران ادامه تحصیل داد و در رشته پزشکی به درجه دکترا نائل شد. سپس در مراکز درمانی اصفهان از جمله بیمارستان کارگران اصفهان (بیمه های

۱- الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۰۹؛ الکرام البرره، ج ۱، ص ۲۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۷۲.

۲- شرح مجموعه گل، ص ۴۰۰.

اجتماعی) و بیمارستان امین به خدمت پرداخت.

وی در کنار فعالیت های پزشکی، در آموزشگاه عالی بهداری اصفهان و سپس در دانشکده پزشکی اصفهان رشته درمان شناسی را تدریس نمود و موفّق به نائل شدن به درجه استادی دانشگاه شد. چندین سال نیز سمت های مختلف اداری را در دانشکده پزشکی و دانشکده داروسازی بر عهده داشت.

تألیفات وی عبارتند از:

۱. «دستور درمان یا اصول تداوی» ۲. «درمان شناسی» ۳. «داروشناسی» ۴. «مقالاتی در مجله دانشکده پزشکی اصفهان» ۵. «راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان»

محمّد حسن شیروانی گزی

حاج محمّد حسن بن محمّد ابراهیم بن محمّد علی بیک شیروانی گزی اصفهانی، عالم فاضل محقّق.

در قریه جز [گز] بُرخوار متولّد شده و پس از تحصیل نزد علماء اصفهان به نجف اشرف مشرّف گردیده و نزد علمای اعلام آنجا از جمله شیخ مرتضی انصاری تلمّذ نموده، سپس به اصفهان آمد و در مدرسه صدر بازار به تدریس فقه و اصول پرداخت.

وی در اصفهان معزّز و محترم و نزد علماء مقبول القول و مورد احترام خاص و عام بوده است.

سرانجام در شب دوشنبه ۲۶ رمضان المبارک ۱۳۲۶ق در اصفهان وفات یافته، در تکیه گزی ها در تخت فولاد مدفون گردید و جنازه پس از چند سال به نجف اشرف نقل گردیده و مدفون شد.

اعقاب ایشان با نام خانوادگی شیروانی در اصفهان ساکن و عموماً اهل فضل و دانش بوده اند. در محلّه پاقلعه کوچه ای به نام کوچه شیروانی ها احتمالاً به همین خاندان و اجداد صاحب عنوان است.

از آثار او مجمع الرسائل است که عدّه ای از مجتهدین از جمله سیّد اسماعیل صدر، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، شیخ محمّد تقی آقانجفی، حاج آقا حسین بروجردی، آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم یزدی بر آن حاشیه فتوائیه مرقوم نموده اند و در سال ۱۳۲۷ق چاپ سنگی شده است.(۱)

[درویش عباس گزی از شعرای معروف گز و بُرخوار به لهجه گزی شعری درباره بازگشت او از مکه معظمه و عتبات عالیات به اصفهان سروده است.]

حسن بطحائی

حسن بن ابراهیم بن محمّد بطحائی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام، از امامزادگان عالیقدر به همراه پدر به اصفهان آمده و پس از وفات جنب مسجد سعید بن جبیر [که اکنون به امامزاده درب امام معروف است] مدفون گردید.(۲)

سیّد حسن موسوی اصفهانی

سیّد حسن بن ابراهیم بن محمّد مؤمن بن علیرضا موسوی اصفهانی، از علماء شیخیه در اواخر دوره قاجاریه در اصفهان. وی در حدود سال ۱۲۶۳ق متولّد شده و در صبح دوشنبه ۲۸ صفر سال ۱۳۴۱ق وفات یافته و در امامزاده اسماعیل مدفون و سپس به کربلا نقل و در آن ارض اقدس مدفون شد.

او تألیفات زیادی دارد، در حدود هفتاد مجلد که از آن جمله است:

۱. «تحفه اللّبیب» که به طبع رسیده و اسامی تألیفاتش در آن مذکوراست. ۲. «مجالس العزا» مطبوع [۳. «فضل سادات و آقازادگان بر همه عالمیان» ۴. «فوائد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه شخصی سیّد ناصر میبدی، ج۱، ص۸۴؛ فرهنگ و تاریخ گز بُرخوار، صص ۱۱۶-۱۱۲؛ الذریعه، ج۲۰، صص ۲۹ و ۳۰.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۰۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۸۷.

شهادت و غیبت و بـداء» ۵. «کیفیّت خلقت» مطبوع ۶. «معـاد و رکن رابع» ۷. «توضـیح الصّواب» در دفاع از عقائد شـیخیه و ردّ اعتراض مخالفین که به فارسی در ۱۵ جمادی الاولی ۱۲۹۷ق در اصفهان نوشته شده و به شماره ۳۷/۷ در کتابخانه مرحوم سیّد ضیاءالدّین علّامه در اصفهان موجود است.[(۱)]

محمّدحسن سکوت علی شاه دهکردی

محمّدحسن دهکردی معروف به «آقازاده» فرزند آخوند ملّا محمّدابراهیم دهکردی، از عرفای اواخر دوره قاجاریه است به لقب «سـکوت علی شـاه» ملقّب بوده و چنـدی نزد حـاج ملّا هادی سبزواری تلمُّذ نموده است. وی در سال ۱۳۲۲ق وفات یافته و در دهکرد [شهرکرد کنونی] مدفون شد. او پدر عالم فاضل یوسف آل ابراهیم است.(۲)

سیّدحسن موسوی اصفهانی*

حـاج سـیّد حسن بن سـیّد اسـماعیل موسوی سِـدِهی اصـفهانی، عـالم فاضل جلیل، از علمای معاصـر. در سال ۱۳۵۲ق در قریه «آدریان» از توابع سِـدِه (خمینی شـهر کنونی) متولّـد شد. مقدمات را نزد پدر آموخت و سـطح را نزد سـیّد مصـطفی مهدوی و جمال الدین خوانساری فرا گرفت. سپس به قم رفته پس از مدتی به کربلا رفت و نزد حضرات آیات سیّد محمّد شیرازی، شیخ محمّد حسـین مازندرانی، شـیخ محمّد شاهرودی و سـیّد اسداللّه صدر هاشـمی سطوح عالیه را خواند. سپس در درس حضرات آیـات شـیخ کـاظم تبریزی، سـیّد مرتضـی خلخـالی، سـیّد علی اشـکوری، میرزا علی فلسـفی، شـیخ صـدرا بـادکوبه، سـیّد علی سیستانی، مسلم ملکوتی و سیّد هاشم حسنی طهرانی شرکت کرد. آنگاه از در درس آیات عظام حاضر در نجف امام خمینی و سیّد ابوالقاسم خوئی بهره برد. در سال ۱۳۹۱ق به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۶۵۱؛ الذریعه، ج۱۶، صص ۲۶۷ و ۳۴۴ و ج۱۸، ص۱۹۲ و ج۲۱، ص۱۷۵؛ فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص ۱۲۰.

۲- تاریخ چهارمحال (اوژن)، صص۷۷-۷۶.

دستور رژیم بعثی حاکم بر عراق، از عراق اخراج شده و به ایران بازگشت و در زادگاه خود به تدریس مشغول شد و مدرسه باقرالعلوم را تأسیس کرد. وی سرانجام در ۷ محرم ۱۴۲۸ق مصادف با ۷ بهمن ۱۳۸۵ش وفات یافته و در مدرسه باقرالعلوم مدفون شد.

کتابهای زیر از اوست:

۱. «ثقات الرّواه» در سه جلد به چاپ رسیده است. ۲. «الامامه و الرّوایه» ۳. «تقریرات فقهی و اصولی در آیت اللّه خوئی»(۱)

نواب محمّد حسن میرزا

نواب محمّد حسن میرزا بن میرزا ابراهیم صدر و متولی خراسان. از اعیان فضلا و اشراف بوده و از نوادگان دختری شاه سلطان حسین صفوی است. در ۱۵ رمضان المبارک ۱۲۳۳ق وفات یافته، نزدیک قبر ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[در اطراف قبر او جمعی از سادات خلیفه سلطانی جرقویه که از خویشاوندان او بوده اند مدفون هستند.]

حسن کرانی مجتهد

حسن بن ابراهیم کرانی مجتهد از محدّثین و فقهای قرن پنجم هجری است. اصلاً از اهالی محلّه «کران» اصفهان بوده و در سال ۴۸۰ق فوت نموده است.(۳)

۱- گنجینه دانشمندان، ج۹، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ مجلّه آیینه پژوهش، سال هیجدهم، شماره ۱۰۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۵.

۳- تاریخ نیشابور، ص۲۷۸.

میرزا محمّد حسن مفتون قمشه ای*

میرزا محمّد حسن مفتون بن سیّد ابراهیم حسینی خلیفه سلطانی قمشه ای، عارف سالک و شاعر ادیب اواخر دوره قاجاریه.

وی در حدود سال ۱۲۶۲ق در قمشه [شـهرضای کنونی] متولّد شد. پس از تحصیل علم و ادب به تهران رفته و به حلقه مریدان صفی علی شاه پیوسته دست ارادت بدو داده و به لقب «هدایت علی» ملقب شده و جهت ارشاد درویشان ناحیه قمشه به زادگاه خود بـازگشت. سـفری نیز به هندوسـتان رفته و درویشـان به او ابراز ارادت نمودنـد. عاقبت در قمشه ساکن شـد و در خانقاه به دستگیری فقرای نعمت الهی صفی علی شاه مشغول شده و به «سید المشایخ» مشهور گشت.(۱)

مفتون قمشه ای در ۱۶ شوال سال ۱۳۲۴ق وفات یافته و در صحن امامزاده شاهرضای قمشه به خاک سپرده شد. تاراج قمشه ای یکی از مریدانش مرثیه ای گفته که مادّه تاریخ آن این بیت است:

دم ممات هدایت، صفی به او فرمود

«بیا بیا بجنان پیش شاه درویشان»(۲)

او «مثنوی معنوی» را شـرح کرده و به ظهیرالـدّوله اهدا کرده است. دیوان اشـعار او شامل ۱۵۵ غزل و چندین قطعه و قصـیده و رباعی در سال ۱۳۸۳ش به چاپ رسیده است.

علاـوه بر عرفـان، در شـعر و ادب نیز دستی داشـته و در جوانی به مطـالعه و کتابت دواوین شـعراء می پرداخته است. او در سال ۱۲۹۰ق دیوان فروغی بسـطامی را در قمشه کتابت نموده است که به شـماره ۲۵۴۴/ در کتابخانه میرزا محمّـد کاظمینی در یزد موجود است.(۳)

۱- دیوان مفتون: مقدمه.

۲- یاداشت های آقای رحیم قاسمی.

۳- فهرست کاظمینی، ج۲، صص۲۲۷.

میرزا حسن عراقی

میرزا حسن بن میرزا ابراهیم عراقی سلطان آبادی عالم فاضل و فقیه مجتهد.

[پدرش در مسجد نو بازار به محرّری مشغول بود] خودش در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) [میرزا محمّد حسن نجفی]و دیگران به کسب فیض پرداخته و سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و نزد میرزا حبیب اللّه رشتی و سایر مجتهدین و علمای اعلام آنجا به تکمیل تحصیلات خود پرداخته [و از میرزا حبیب اللّه رشتی، سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی و آخوند ملّا لطف اللّه مازندرانی اجازه دریافت نمود.]

وی در مسجد ذوالفقار اقامه جماعت می نموده و در مدرسه صدر بازار به تدریس خارج فقه و اصول می پرداخته و جمعی از فضلاء از محضر او مستفیض می شدند. [پس از آنکه میرزا هاشم امام جمعه مسجدی را در اختیار کسبه قرار داده بود و آنان آنجا را به انبار تبدیل کرده و از مسجد بودن ساقط نموده بودند، وی با همت جمعی از مؤمنین محلّه جماله در حوالی مسجد جامع عتیق اصفهان، به آنجا رفته و مسجد را از غصب خارج ساخته و شروع به تجدید بنای آن نمودند و آن مسجد را مسجد سلام نامیدند.]

آن عالم ربّانی، در نهی از منکر کوشا و غیور و در رفع ظلم و مظلومین همتی والا داشته و در زهد و تقوا و تزکیه نفس در بین اقران ممتاز بوده است.

وی سرانجام در سال ۱۳۲۳ق وفات یافته و در تکیه شهشهانی واقع در تخت فولاد مدفون شد.[سیّد احمد صفائی خوانساری از شاگردان اوست.(۱)]

سیّد حسن مقدّس

سیّد حسن مقدّس ابن سیّد ابراهیم حسینی عالم فاضل جلیل، از علمای قرن سیزدهم هجری. پدرش از ساوه به اصفهان آمده و به همّت حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی منزلی در محلّه قبله دعا تهیه نموده و سکونت نمود. سیّد حسن نزد سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام و فرزند او سیّد اسداللّه بیدآبادی و سیّد محمّد شهشهانی به تحصیل پرداخت. تولّدش در حدود ۱۲۳۰ق و وفاتش در سال ۱۲۵۹ق روی داد و پس از فوت جنب قبر پدرش در قبرستان قبله دعا مدفون شد. گویند زهد او از علمش افزون بوده است.(۲)

شیخ محمّد حسن یزدی

شیخ محمّد حسن بن محمّد ابراهیم یزدی اصفهانی، فاضل جلیل و ادیب خطیب، از فضلاء قرن سیزدهم هجری. وی در حدود سا ۱۲۷۵ق تقریظی بر کتاب «دمعه السّاکبه» تألیف: ملّا محمّد باقر دهدشتی نوشته است. همچنین او مؤلف کتابی است در

تاریخ غزوات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام [که «سیف الواعظین و الذّاکرین» نام داشته و در ۱۰ جمادی الثّانی سال ۱۲۸۸ق کتابت شده و در کتابخانه مدرسه امام بروجردی در نجف اشرف موجود بوده است. این کتاب در سال های اخیر به چاپ رسیده است. همچنین وی کتاب «الأربعین لزاد یوم الدّین» را به خواهش آقا محمّد باقر بن محمّد علی هزار جریبی مازندرانی تألیف نموده که به شماره ۲۹۳۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.]

صاحب عنوان در ۱۷ محرّم الحرام ۱۲۸۶ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه حاج محمّد جعفر آباده ای در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

میرزا محمّد حسن [تفضّلی] بروجردی

میرزا محمّد حسن [تفضّلی] ابن میرزا ابوتراب بروجردی، عالم فاضل. در اصفهان نزد میرزا ابوالحسن بروجردی و شیخ احمد مجتهد بیدآبادی تحصیل نموده است.(۴) وی امام جماعت مسجد کوچه سرتیپ در اصفهان بوده و سرانجام در سال ۱۳۶۸ق وفات یافته و در بقعه تکیه میرزا ابوالحسن بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید.

وی مؤلف رساله مختصری در اصول دین به فارسی است.(۵)

سیّد حسن خادمی

سیّد حسن خادمی ابن سیّد ابوجعفر خادم الشریعه از علماء اتقیاء به شمار می رفت. در عصر روز سه شنبه ۱۴ محرم سال ۱۳۷۹ق به سن متجاوز از ۸۰ سال وفات یافته و جنب مزار پدر در بقعه تکیه حاج آقا مجلس در تخت فولاد مدفون شد.(۶)

حسن باذی

حسن بن ابی سعد بن حسن فقیه باذی، از محدّثین و فقهای قرن ششم هجری و از اهالی روستای «باذ» از توابع جرباذقان (گلپایگان) است. وی پس از سال ۶۰۳ق وفات یافته است.(۷)

حسن بن ابی عدنان

امام الدّین حسن بن عزّالدّین ابی عدنان، معروف به خواجه میر حسن، از عرفای اصفهان در قرن هشتم هجری است.

در شب پنج شنبه ۱۰ رمضان ۷۸۸ق وفات یافته و در محلّه طوقچی اصفهان مدفون شد.(۸)

[مقبره اش مقابل مسجد مصری قرار داشته و بقعه ای بر سر قبر او وجود داشت و بر سنگ قبر او از امام الدّین حسن با القاب «سلطان الاولیاء و برهان الاصفیاء امام الحق و الدّنیا و الدّین حسن بن الامام السعید عزّالملّه و الدّین ابی عدنان» یاد شده بود.(۹) که متأسفانه در سال ۱۳۷۸ش مقبره را از بین بردند.]

سیّد جلال الدّین حسن صلائی شهرستانی*

سیّد جلال الدّین حسن صلائی بن میر ابوالفتوح حسینی موسوی شهرستانی، از اعیان و اشراف اصفهان در عصر صفویه است. سیدی فاضل و ادیب بوده و شاه عباس در سال ۱۰۱۵ق صدارات محال عراق عجم (اصفهان، یزد، قم، کاشان، ساوه و نطنز) و مازندران را به او تفویض نموده و مقرّر کرد رسیدگی به موقوفات مناطق فوق به عهده صلائی باشد. در این سال شاه عباس به شیروان و داغستان حمله برد و در هنگام تسخیر قلعه شماخی، صلائی وفات یافت. او طبع شعر نیز داشت. ابتدا «حزینی» و سپس «صلائی» تخلّص می نمود و سرانجام در سال ۱۰۱۸ق وفات یافت.

این بیت از اوست:

گمگشته عشقیم که در روز جزا هم

در دفتر اعمال ز ما نام نجویند(۱۰)

سیّد حسن کلهرودی*

سیّد حسن کلهرودی بن سیّد ابوالقاسم حسینی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محقّق و خطاط ماهر. در اصفهان متولّد شده و نزد عدّه ای از فضلای این شهر از جمله سیّد ابوالقاسم دهکردی به تحصیل پرداخت. او و برادرش سیّد حسین کلهرودی در اصفهان به تدریس مشغول بودند. سپس به اتّفاق هم به قریه کلهرود (به فتح کاف و لام) از توابع نطنز مهاجرت کرده و به ارشاد مردم مشغول شدند.

سیّد حسن سرانجام در حدود سال ۱۳۱۸ یا ۱۳۱۹ش وفات یافته و در قبرستان محلّه قلعه روستای کلهرود مدفون شد. وی خط نسخ را خوش می نوشت و به کتابت ادعیه و کلام اللّه مجید می پرداخت نگارنده (غلامرضا نصرالهی کلهرودی) سوره حج به خط نسخ خوش، بدون رقم و تاریخ از خطوط ایشان را دیده ام.

از تألیفات ایشان «اکمال السّعادات» است که در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ق در احکام عبادات تألیف شده و در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱۱)

ملّا محمّد حسن اردستانی*

ملّا محمّد حسن بن ملّا احمد شریف اردستانی، از فضلای اوایل حکومت قاجاریه است. در مدرسه کاسه گران اصفهان ساکن بوده و به تحصیل علوم دینی می پرداخت.

وی کتاب «حاشیه الفوائد الضیائیه» تألیف سیّد نعمت اللّه جزایری را در سال ۱۲۱۵ق کتابت نموده و نسخه آن در کتابخانه مدرسه آیت اللّه خوئی در مشهد موجود است.(۱۲)

حسن اصفهانی

حسن بن احمد اصفهانی معروف به «جمال نقّاش» مؤلف کتاب «حیاض الواردین و ریاض الرّائدین».(۱۳)

حسن بغدادی

حسن بن احمد بغدادی اصفهانی [از محدّثین عامّه است و ظاهراً در اصفهان سکونت داشته است.(۱۴)]

میرزا محمّد حسن روضاتی

میرزا محمّد حسن روضاتی بن سیّد احمد بن سیّد محمّد باقر موسوی چهارسوقی صاحب روضات، از علماء و ائمه جماعت در اصفهان.

در ۱۳ صفر ۱۲۹۸ق متولّد شد [و در اصفهان نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقائی به تحصیل پرداخت.]

وی سالها در مساجد محلّه های غرب اصفهان همچون جوزدان [ولدان و کارلادان]اقامه جماعت می نمود.

او عالمی وارسته، خلیق و خوش برخورد بود و علاوه بر اقامه جماعت به حل مشکلات مردم و وعظ و خطابه می پرداخت.

سرانجام در ۱۷ رمضان ۱۳۸۰ق وفات یافته در قبرستان مجاور تکیه کازرونی مدفون گردید.

صغیر اصفهانی مادّه تاریخ او را چنین سروده است:

سالکی سر کرد در جمع و پی تاریخ گفت:

«در جزا سیّد حسن محشور گردد با حسین»(۱۵)

حسن مدینی

ابو محمّد حسن بن احمد بن علی بن زهرویه نجّار مؤذّن مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. از اهالی مدینه جی بوده و آن شارستان (شهرستان) اصفهان است. او مردی عابد و صالح و پرهیزکار بوده و از خشیت پروردگار گریه بسیار می کرده و عبادات فراوان داشته است.

از ابن رسته احمد استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی در رجب سال ۵۳۱ق از وی حدیث شنیده است.(۱۶)

حسن اَرزُنانی اصفهانی

ابوالقاسم حسن بن احمد بن محمّد اَرزُنانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری و از اهالی قریه اَرزُنان اصفهان است. [امروزه آن روستا به شهر پیوسته و به محلّه زینبیّه معروف است.] [ابوسعد سمعانی او را به عنوان «معلم الاعمی» یاد کرده که نشان می دهد کار او تعلیم دانش بوده و نابینا بوده است.(۱۷)]

حسن مانکدیم

حسن مانکدیم بن ابی جعفر احمد امیرک بن ابی الحسن محمّد (که از شیراز به اصفهان منتقل شد) بن احمد بن ابراهیم الوردی بن ابی عبداللّه الامیر بن ابوالحسن علی باغر، از اعلام شیعه در اصفهان بوده و در فتنه مسعود بن محمود بن [سبکتگین]غزنوی در اصفهان شهید شد.(۱۸)

حسن اصفهانی

حسن بن احمد بن محمّد بن حبش اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.(۱۹) وی از حسین بن احمد دیارکی روایت کرده است و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن احمد بن محمود اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۲۰)

حسن باطرقانی

ابوعلی حسن بن احمد بن محمّد بن داود تاجر باطرقانی، از محدّثان اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. او از ابوعبداللّه محمّد بن احمد بن ابی یحیی زهری روایت می کند و احمد بن فضل باطرقانی از وی حدیث شنیده است.(۲۱)

حسن بُرجی اصفهانی

ابوالفتح حسن بن اسحاق بن ابراهیم برجی مستملی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی بر طبرانی و ابن جعابی املاء حدیث می کرده و از محدّثین عراق و حجاز و اصفهان از ابی عبداللّه بن متویه و دیگران حدیث شنیده است. صاحب عنوان پس از سال ۳۷۰ق وفات نمود.(۲۲)

میرزا حسن رأفت اصفهانی

میرزا حسن فرمان آرا، متخلّص به «رأفت» [فرزند میرزا اسداللّه خان، از شعراء و خوشنویسان اصفهان در قرن چهاردهم هجری که یکی از اجدادش ابراهیم خان بلوچ از سرداران قشون نادرشاه افشار و مأمور تعقیب اشرف افغان هنگام فرار به طرف زرقان فارس بوده است. او با کشتن اشرف و فرستادن سر او به درگاه نادر مورد ملاطفت او قرار گرفت و به سرداری بلوچستان منصوب شد.]

میرزا حسن در اصفهان علم و ادب آموخت و به خاطر مهارت در انشاء و ادب در سمت منشی گری کنسولگری انگلیس به کار پرداخت. [در زمان احمدشاه قاجار او به لقب «رأفت الملک» ملقّب شد. امّا در زمان رضاشاه و پس از تصویب قانون لغو القاب دولتی، شهرت خود را به «فرمان آرا» تغییر داد.]

او مردی فاضل و خوش مشرب بود و علماء و ادباء به گرد او جمع می شدند و محفل علم و ادب تشکیل می دادند. خود او طبع روانی در شعر داشت و عضو انجمن ادبی شیدا بود و اشعارش در دوره اول مجله دانشکده به چاپ می رسید. [همچنین او انجمن ادبی محبّت را تأسیس کرد. وی خطوط مختلف خصوصاً خط نسخ را خوش می نوشت. نمونه ای از خط او (آیهالکرسی) با رقم «کتبه العبد الاقل حسن بن میرزا اسداللّه خان اصفهانی ۱۳۲۱» همچنین نسخه ای از قرآن کریم نزد فرزندش ابراهیم فرمان آرا موجود است.

رأفت اصفهانی در ۲ ذیقعده الحرام ۱۳۵۸ق وفات نمود و در یکی از اطاق های شمالی تکیه مادر شاهزاده دفن شد. مادّه تاریخ فوتش این بیت است:

کرد بیرون سر از جنت و گفت

پی تاریخ وفات «الغفران»

از اوست:

گر سوخت به دور رخ معشوق عجب نیست

از دوری او عادت پروانه گرفتم(۲۳)]

شیخ محمّد حسن نجفی

شیخ محمّد حسن (ابوعبداللّه عزالدّین) بن حاج شیخ اسماعیل بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی، فاضل جلیل. در پنج شنبه ۲۴ صفر المظفر سال ۱۳۲۴ق در نجف اشرف متولّد گردیده و در خدمت جمعی از افاضل تلمّذ نموده و در سالهایی که مرحوم حاج میر سیّد علی بهبهانی به اصفهان تشریف می آوردند، به حوزه درس ایشان حاضر می گردید و از خواص اصحاب آن مرحوم شمرده می شد. وی در شب سوم ذیقعده الحرام سال ۱۳۹۹ق در اصفهان وفات یافته، در قم مدفون گردید.(۲۴)

میر سیّد حسن مدرّس اِسْفه ای

میر سیّد حسن مدرّس اسفه ای شهرضایی بن سیّد اسماعیل بن میر عبدالباقی بن میر عابدین طباطبائی زوّاره ای اردستانی، [عالم ربانی و فقیه مجاهد، از چهره های درخشان علم و سیاست در قرن چهاردهم هجری] اصلاً از سادات طباطبایی زوّاره اردستان بود و اجدادش از زوّاره به روستای «سرابه کچو» اردستان مهاجرت کرده بودند. او در سال ۱۲۸۷ق در روستای «سرابه کچو» متولّد شد. در کودکی به همراه خانواده به روستای «اسفه» در نزدیکی شهرضا رفت و آنجا ساکن شد. در سال ۱۲۹۸ه.ق به اصفهان آمده و تحصیلات خود را نزد علمای اصفهان از جمله سیّد محمود مغنی، میرزا عبدالعلی هرندی، آخوند کاشی، میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی، جهانگیرخان قشقائی، شیخ مرتضی ریزی و آقا سیّد محمّدباقر درچه ای انجام داد و به مقام شامخ اجتهاد نائل شد. سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و هفت سال به قصد تیمّن و تبرّک از درس آیات عظام آخوند خراسانی و سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و ملّا علی نهاوندی حاضر شد آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و در مدرسه جدّه ساکن شده و به تدریس فقه و اصول پرداخت و بدین مناسبت به «مدرّس» معروف شد.

[در هنگام تشکیل انجمن ولایتی اصفهان و مبارزات مردم و علماء علیه محمّدعلی شاه مستبد و حاکم منصوب شده او اقبال الدّوله کاشی فعالیّت بسیاری نمود. پس از پیروزی مشروطه خواهان، صمصام السلطنّه بختیاری با مدرّس اختلافاتی پیدا کرد و پس از آنکه به علّت اعتراض مردم نتوانست او را از اصفهان تبعید کند، نقشه ترور او را کشید. امّا عوامل ترور نتوانستند در

مدرسه جده نقشه او را عملی کنند.

در دوره دوم مجلس شورای ملّی و براساس یکی از اصول متمم قانون اساسی مشروطه مبنی بر نظارت ۵تن از مجتهدین بر مصوّبات مجلس، از سوی آخوند خراسانی و ملّا عبداللّه مازندرانی او و چند نفر دیگر به منظور نظارت بر مصوبات مجلس انتخاب شدند. لذا مدرس از اصفهان به تهران مهاجرت کرده و آنجا ساکن شد. پس از شروع جنگ جهانی اوّل و تشکیل دولّت موقت به منظور مقابله با تجاوز متفقین به ایران، به آنان پیوست. او پس از پایان جنگ جهانی اوّل به تهران بازگشته و در مدرسه سپهسالار به تدریس مشغول شد. پس از آنکه وثوق الدّوله نخست وزیر شد و قرارداد ۱۹۱۹م را با انگلستان منعقد ساخت، مدرس سرسختانه با آن مخالفت کرد. مدرس در دوره های پنجم و ششم مجلس که مقارن با نخست وزیری و به سلطنت رسیدن رضاخان بود با شجاعت به مخالفت با او پرداخت و از قانون شکنی ها و استبداد رأی او به شدت انتقاد کرد. لذا به دستور رضاخان او را نزدیک مدرسه سپهسالار هدف گلوله قرار داده و او را زخمی کردند، امّا موفق به کشتن او نشدند.

در سال ۱۳۰۷ش انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملّی برگزار شد ولی کلیه آراء مدرس باطل شد و از ورود او به مجلس جلوگیری شد. و در همان سال او را به شهر دور افتاده خواف در خراسان تبعید کردند.]

در سال ۱۳۱۶ه.ش به دستور رضاشاه، مأموران او مدرس را از خواف به کاشمر برده و درشب ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۵۷ق (مطابق ۱۰ آذرماه سال ۱۳۱۶ه.ش) او را به شهادت رسانده و شبانه دفن کردند. پس از پیروزی انقلاب آرامگاهی باشکوه بر مزار او بنا شد.

[این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «کتاب زرد» ۲. «حاشیه بر کتاب النکاح» تألیف شیخ محمّدرضا نجفی اصفهانی ۳. «تعلیقه بر کفایهالاصول» ۴. «رساله ای در ترتّب» در علم اصول فقه ۵. «رساله ای در شرط متأخّر» در علم اصول فقه ۶. «رساله ای در لزوم و عدم لزوم قبض در موقوفه و غیر آن» ۷. «حاشیه فرائد الاصولِ» شیخ انصاری ۸. «تقریرات میرزا حسین خلیلی رازی»(۲۵)]

شیخ حسن شاکری درگَزینی

شیخ حسن شاکری درگزینی همدانی بن اللّه وردی، از فضلاء قرن چهاردهم هجری. وی در مدرسه جدّه و مسجد سیّد نزد علمای اصفهان تحصیل کرد. سپس در زفره ساکن شد و در حدود سال ۱۳۷۰ق در آن روستا وفات یافته و مدفون شد.(۲۶)

حسن بن ایوب

حسن بن ایوب بن هارون، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از روح بن عصام جَبَّر و سلمه روایت می کند و محمّد بن احمد بن یعقوب از او نقل حدیث می نماید.(۲۷)

حسن اصفهانی

حسن بن محمّد باقر اصفهانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. وی «غریب القرآن» سجستانی را کتابت نموده است.(۲۸)

محمّد حسن اصفهانی خراسانی

محمّد حسن بن محمّد باقر بن محمّد رضا اصفهانی خراسانی نجفی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. وی نسخه ای از «مسائل ایادی سبا» را در جمادی الثّانیه ۱۱۲۷ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه حاج سیّد محمّد جزائری در اهواز وجود داشته است.(۲۹)

حسن حَکَمی

حسن حکمی ابن حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی بن میرزا عبدالجواد حکیم، از اطباء معروف اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. وی در سال ۱۳۸۹ق در سن متجاوز از ۸۰ سالگی وفات یافته و در تکیه سیّد ابوجعفر خادم الشّریعه در تخت فولاد مدفون گردید.(۳۰)

میر سیّد حسن خلیفه سلطانی

نواب میر سیّد حسن بن میرزا محمّد باقر حسنی خلیفه سلطانی، از اجّله علماء و فقهاء و محدّثین [در قرن دوازدهم هجری] و نزد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی مورد احترام بوده و در بسیاری از امور با ایشان مشورت می کرده اند. وی از عدّه ای از فقهاء و مجتهدین روایت می کند که از آن جمله است علّامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی علیهما الرحمه.

مرحوم آیت اللّه نجفی مرعشی از شجره نامه قدیمه سادات خلیفه سلطانی نقل می کنند که اعقاب میرزا محمّد باقر به سادات سیّانی (منسوب به «سیّان» از دهات جرقویه اصفهان) معروفند و املاک آنجا از موقوفات زبیده بیگم (دختر شاه سلیمان صفوی) همسر میرزا حسن نواب بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان بوده است.

صاحب عنوان پس از وفات در قبرستان ستی فاطمه اصفهان مدفون شد.(۳۱)

سیّد حسن اسماعیلیان نجف آبادی*

سیّد حسن اسماعیلیان بن سیّد باقر نجف آبادی، عالم فاضل خوشنویس، در سال ۱۳۱۶ه.ش در نجف آباد متولّد شد و در زادگاه خود و قم به تحصیل پرداخت و از جمله در درس آیت اللّه بروجردی حاضر شد. پس از پیروزی انقلاب مدّتی به امامت جمعه ماهشهر منصوب شد. وی سرانجام در سال ۱۳۶۸ه.ش وفات یافته و در گورستان جنّت الشهدای نجف آباد مدفون گردید.

صاحب عنوان النواع خطوط خصوصاً ثلث و نسخ را خوش می نوشته و کتیبه های مسجد الرسول نجف آباد، مسجد اعظم و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در قم به خط زیبای اوست. همچنین کتابی به نام «فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام» را تألیف نموده و به خط خوش خود تحریر نموده است.(۳۲)

میرزا حسن طبیب دهاقانی*

میرزا حسن طبیب بن میرزا باقر حکیم دهاقانی، از اطبّاء حاذق دوره قاجاریه است. در دهاقان متولّد شده و نزد شیخ ابوالقاسم صدرالعلماء دهاقانی به تحصیل پرداخت. سپس به اصفهان آمده و نزد حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی طب را آموخت. مدّتی در بیمارستان انگلیسی ها در اصفهان به فعالیت پرداخت و در آنجا از تجارب پزشکان انگلیسی بهره گرفت. سپس به دهاقان بازگشته و به معالجه بیماران آنجا پرداخت، تا اینکه در حدود سال ۱۳۶۰ق در دهاقان وفات یافت.(۳۳)

میرزا حسن صفی علی شاه

حاج میرزا حسن اصفهانی ملقّب به «صفی علیشاه» و متخلّص به «صفی» فرزند محمّد باقر، عارف سالک و شاعر ادیب.

در سوم شعبان ۱۲۵۱ق در اصفهان متولّد شد. در این شهر به تحصیل پرداخته و در جوانی شیفته دراویش و عرفاء شده به شیراز سفر کرده و دست ارادت به میرزا کوچک رحمت علی شاه شیرازی داد و پس از وفات مراد خود به هندوستان رفته و از آن جا به سفر حج رفت. [پس از آن به هندوستان رفته و در محضر مرتاضان و اهل سلوک حاضر شد. عاقبت در سال ۱۲۸۸ق از طرف حاج محمّد منوّر علی شاه مجاز به دستگیری و ارشاد دراویش گردیده، رحل اقامت در طهران انداخته و به همّت مریدان خانقاهی بنا کرده، دستگاه ارشاد گسترد. بعد از آن در سال ۱۲۹۴ق منورعلی شاه به طهران آمد و بین او و صفی علی شاه اختلاف و نزاع لفظی واقع شد. منورعلی شاه به شیراز برگشته و صفی علی شاه ادعای قطبیّت نمود و فرقه صفی علی شاهی نعمت الهی را تأسیس نموده، بسیاری از بزرگان و شاهزادگان مرید او شدند.]

صفی علی شاه در طهران وفات یافته و در خانقاه خود واقع در خیابان صفی علی شاه مدفون گردید.

او کتب چندی در ادب و عرفان و تفسیر به نظم و نثر نوشته که از آن جمله است:

۱. «آیه العشاق» ۲. «اثبات نبوت خاصّه» ۳. «اسرار المعارف» ۴. «اطوار سبعه» یا «هفت منزلی که سالک راه حق باید آن را طی کند» نسخه خطّی آن ضمن مجموعه ۲۲۹۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. ۵. «بحرالجواهر» ۶. «بحرالحقایق» ۷. تفسیر «قرآن مجید» معروف به «تفسیر صفی»، منظوم بر وزن مثنوی معنوی [که در تهران چاپ سنگی شده است و در سالهای اخیر محقّق دانشمند آقای حامد ناجی اصفهانی آن را تصحیح نموده و به چاپ رسانده اند.] ۸. «دیوان اشعار» ۹. «زبده الأسرار»، در اخلاق و مراثی [در سال ۱۲۸۹ق در تهران چاپ سنگی شده است و بار دیگر در سالهای اخیر به تصحیح دکتر خلیل خطیب رهبر به چاپ رسیده است. ۱۰. «شرح حدیث الشریعه»، موجود در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم ۱۱. «رساله در تصوّف» موجود در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم [۱۲. «عرفان الحق» که آن را «دیوان الحقایق» و «بحر الحقایق» نیز گویند. [نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.[۱۳. «میزان المعرفه» [نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۳۴)]

ملّا محمّد حسن مازندرانی

ملّا محمّد حسن مازندرانی بن ملّا محمّد باقر. عالم فاضل، واعظ کامل [از علمای اواخر دوره قاجاریه] در اصفهان ساکن بوده و

در پنج شنبه ۶ محرّم الحرام سال ۱۳۲۲

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۶۷ و ۱۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۴۸۱ و ۴۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۳۷۸؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۸؛ الإصفهان: رجال و مشاهیر، ص۷۰؛ تراجم الرجال، ج۱، صص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲- مزارات اصفهان، ص۳۲۷.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۲۷۹ و ۲۸۰؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۷۵۰؛ فهرست مرعشی، ج۸، ص۱۳۴؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۰۳؛ دلیل المخطوطات، ج۱، ص۲۰؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۵۱؛ الذریعه، ج۱۲، ص۲۹۰.

۴- بوستان فضیلت، ص۲۱۰.

۵- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ تخفه الأبرار، ص۵۲۷.

۶- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

۷- معجم البلدان، ج۱، ص۳۱۸.

۸- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۹.

۹- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۵۸۸ و ۵۸۹.

۱۰- تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۱۵-۱۱۲؛ تاریخ عباسی یا روزنامه ملّا جلال، ص۳۰۴؛ تذکره شمع انجمن، ص۴۱۱؛ تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، صص ۲۳۱-۲۲۹.

۱۱- فهرست کتابخانه مرکز احیاء، ج۵، ص۸۶.

۱۲- فهرست کتابخانه مدرسه خوئی مشهد، ص۹۲.

۱۳- الذرّیعه، ج۷، ص۱۲۴.

۱۴- التّحبیر، ج۱، ص۳۱ پاورقی.

۱۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۵؛ ضیاء الأبصار، ج۱، ص۶۲۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۵؛ روضه رضوان، صص ۳۲۳-۳۱۹.

۱۶- التّحبیر، ج۱، ص۱۷۶.

۱۷- معجم البلدان، ج۱، ص۱۵۰؛ اللّباب، ج۱، ص۴۲.

۱۸- الفخری، ص۱۲۰.

۱۹- مناقب خوارزمی، ص۶۸.

۲۰- احقاق الحق، ج۸، ص۲۸۷.

۲۱- التّحبیر، ج۲، ص۷۲.

۲۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۷۴.

۲۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۰۴؛ کارنامه خاندان بشارت، صص ۲۲۸-۲۲۶؛ گلشن اهل سلوک، صص ۲۳۹-۲۳۶.

۲۴- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۵؛ ارمغان اصفهان؛ تربت پاکان قم، ج۳، ص۱۵۵۱.

۲۵- مدرس (۲جلد)؛ مـدرس نابغه ملی ایران؛ مدرس مجاهدی شـکست ناپذیر؛ مدرس قهرمان آزادی (۲جلد)؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۸۳ و ۴۸۴؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۳۰۳-۳۰۰؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، صص ۱۰۲-۹۲؛ تاریخ شهرضا، صص ۷۸-۷۶؛ لغت نامه دهخـدا ذیل «مدرس» ۳۰۳-۳۰۰؛ رجال اصـفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۰۷-۲۰۳؛ رجال عصر مشروطیت، صص ۹۴ و ۹۵؛ نقباء البشر، ج۱، صص۳۸۳-۳۸۱.

۲۶- مزارات اصفهان، ص۲۲۴.

۲۷- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۹.

۲۸- الکرام البرره، ص۳۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۶.

۲۹- زندگینامه علّامه مجلسی، ۲، ص۴۱۳.

۳۰- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

۳۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۵؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۸.

۳۲- سیمای دانشوران، صص ۵۳ و ۵۴؛ آئینه اهل قلم، صص ۲۵ و ۲۶.

۳۳- سیمای دهاقان، ص۳۰۱.

۳۴- المـآثر و الآثار (چهل سال تاریـخ ایران)، ج۱، ص۲۹۳؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۴۴۶-۴۴۱؛ مجله یادگـار، سال پنجم، شماره ۴، آذر و دی ۱۳۲۷، ص۸۳؛ مکـارم الآثار، ج۴، صص ۱۳۸۹-۱۳۸۷؛ الذریعه، ج۱، ص۱۰۱و ج۴، ص۲۷۹ و ج۱۵، ص۲۴۶؛ ادبیات معاصر، صص ۶۶ و ۶۷؛ شـرح حال رجال ایران، ج۱، صص ۳۴۱-۳۳؛ ریحانه الأدب، ج۴، صص ۴۶۷-۴۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۸۴ و ۴۸۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۳۸۶-۳۸۰.

وفات یافته، در صحن تکیه آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

بجوئید تاریخ این خوش سرشت

«محمّد حسن شد میان بهشت»(۱)

میر سیّد حسن مدرّس

میر سیّد حسن مدرّس [ثانی] بن میر محمّد تقی بن میر سیّد حسن میر محمّد صادقی، عالم فاضل جلیل، در ۱۸ ذیحجه الحرام سال ۱۳۰۵ق متولّد گردیده و نزد پدر دانشمند خود و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا سیّد مهدی درچه ای و آخوند کاشی و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل کرده و پس از فوت پدر در مسجد رحیم خان اقامه جماعت می نمود و به زهد و تقوا و ترک دنیا و اعراض از مردم معروف بود.

پس از وفات در شب جمعه ۵ جمادی الثّانی ۱۳۷۲ق وفات یافته در بقعه جدّ بزرگوار خود در مسجد رحیم خان مدفون گردید.

از آثار او شرح حال پدرش که در مقدمه «الرسائل التّقویه» به چاپ رسیده و «شرح منظومه الدّره النجفیه» بحرالعلوم می باشد.(۲)

سیّد محمّد حسن مجتهد

سیّد محمّد حسن مجتهد بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد صادق موسوی خواجوئی، عالم فاضل زاهد متقی، جامع معقول و منقول [از علمای قرن سیزدهم هجری].

در سال ۱۲۰۷ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمند و ادیب خود و جمعی از بزرگان علماء همچون آخوند ملّا علی نوری، میرزا ابوطالب اصفهانی (صاحب حاشیه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۸۶؛ سیری در تخت فولاد، ص ۷۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۰۵؛ مزارات اصفهان، ص ۱۷۰.

سبوطی)، حاج محمّد ابراهیم کلباسی و سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی تحصیل نموده و احتمالاً ـ از محضر آقا سیّد صدرالدّین محمّد عاملی نیز کامیاب شده و در سنه ۱۲۴۵ق به تهران رفت و مدّتی در آنجا ساکن و با علماء آن سرزمین محاورت و مصاحبت داشت. سپس قصد هجرت به عتبات عالیات نمود. در راه مدّتی در کرمانشاه توقف نموده، مدّتی نزد یکی از فرزندان آقا محمّد علی بهبهانی درس خواند. سپس به نجف اشرف رفته و ۲ سال نزد علمای آنجا به تکمیل تحصیلات خود پرداخته و به اصفهان مراجعت نمود.

او از جمعی از فحول مجتهدین به اجازات روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده که از آن جمله است: آقا سیّد رضا فرزند علّامه بحرالعلوم، آقا محمّد رضی، سیّد صدرالدّین محمّد عاملی، ملّا محمّد مهدی قمبوانی و میرزا محمّد مهدی نایب الصدّر.

سیّد محمّد حسن مجتهد سالها در اصفهان به تدریس و ترویج دین و ارشاد مردم مشغول بوده و سرانجام در ماه جمادی الاولی سال ۱۲۶۳ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی در تخت فولاد و جنب مزار پدر بزرگوار خود مدفون شد.

وی را تألیفات فراوانی است که از آن جمله است:

۱. «حاشیه بر حاشیه سیوطی» میرزا ابوطالب اصفهانی ۲. «حاشیه بر شرح لمعه» ۳. «حاشیه بر شوارع الهدایه» تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی ۴. «حاشیه بر شوارق الإلهام» ۵. «حاشیه بر قوانین المحکمه» ۶. «حاشیه بر رساله عدم جواز تقلید میّت» تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی ۷. «حاشیه بر رساله حجیّت مظنّه» تألیف سیّد محمّد مجاهد ۸. «حاشیه بر صمدّیه» ۹. «رساله جبتیّه» ۱۰. «رساله در اختلاف معانی الفاظ شرعیّه» ۱۱. «رساله در جنایت ام ولد» [که نسخه خطی اصل آن به ضمیمه مجموعه شماره ۱۴۸۰ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.] ۱۲. «رساله در شیربها» ۱۳. «رساله در حکم زنی که خود را بلامانع معرفی کند» ۱۴. «رساله در احیای موات» ۱۵. «رساله در شرط ضمن العقد» ۱۶. «رساله در تسامح ادله سنن» ۱۷. «رساله در معرفت خدا و پیامبر و امام علیهم السلام» ۱۸. «رساله در ردّ مظالم» که به شماره

۱۴۸۰/۵ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است. ۱۹. «رساله در انفراد طلاق به عوض خلع» ۲۰. «رساله در اعجاز قرآن» [به عربی که به شماره ۶۷۳ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است و مرحوم استاد سیّد مصلح الدّین مهدوی نوه مؤلّف این کتاب، آن را در سال ۱۳۶۵ق به چاپ رسانده اند. تاریخ تألیف کتاب شب جمعه ۱۹ شوال ۱۲۵۴ق است.]۲۱. «سؤال و جواب در ارث» ۲۲. «شرح مبحث شکوک» کتاب «منهاج الهدایه» استادش حاج محمّد ابراهیم کلباسی، [که تألیف آن در شب یکشنبه ۵ شعبان ۱۲۵۳ق به پایان رسیده و اکنون به شماره ۱۴۸۰/۶ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.]۲۳. «شرح کتاب مراح الأرواح» در صرف ۲۴. «شرح تهذیب المنطق» تفتازانی ۲۵. [«جامع الفقهی»]یک دوره فقه استدلالی در ۶مجلد [که آغاز تألیف آن سال ۱۲۴۸ق و پایان تألیف در ربیع الثّانی ۱۲۵۴ق بوده و اکنون به شماره های ۱۵۱۴ ۱۵۱۳ ۱۵۱۲ ۱۵۱۱ و ۱۵۱۵ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است.] ۲۶. «مهجه الفؤاد» در «شرح ارشاد الأذهان» علّامه حلّی، که در ۱۴ مجلد کوچک در سال ۱۲۴۲ق و پس از آن تألیف شده است.] ۲۷. «نصایح العلماء» در نصیحت خطاب به فرزندش حاج سیّد مهدی نحوی ۲۸. «مناسک حج» ناتمام ۲۹. «رساله در اصالت برائه» ناتمام ۳۰. «شرح بر شرح رضی بر شافیه»]۳۱. «اصول الایمان» به عربی که در سال ۱۲۴۱ق تألیف شده و به شماره ۱۴۸۰/۳ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۸۸-۴۸۶؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۱-۲۹۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۲۰۶؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۷۳۱-۱۷۲۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۱۵ و ۳۱۶؛ فهرست خطی احیاء، ج۴، صص ۳۲۱-۳۱۹ و ۳۶۵-۳۶۳؛ فهرست عکسی احیاء، ج۵، ص۳۸۶.

محمّد حسن حدّاد*

حاج محمّد حسن بن محمّد تقی حدّاد اصفهانی، از خطاطان توانای عصر قاجاریه است. خط نسخ را با نهایت استادی می نوشته و در اصفهان ساکن بوده است.

وی در سال ۱۲۴۲ق کتاب «ادعیه» را به خط نسخ و رقاع خوش برای خسروخان گرجی حاکم اصفهان نوشته است. همچنین کتاب ادعیه دیگری را در سال ۱۲۳۷ق کتابت نموده که در مجموعه مرحوم مهدی بیانی موجود بوده است.(۱)

محمّد حسن خوانساری

محمّد حسن بن محمّد تقی خوانساری، از کاتبان و نسخه نویسان قرن سیزدهم هجری بوده و در اصفهان اقامت داشته است.

صاحب عنوان «شرح شرایع الاسلام» تألیف مرحوم حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی را به خط نسخ در سال ۱۲۹۳ق کتابت نموده و در کتابخانه حاج آقا مهدی شفتی در اصفهان موجود است.(۲)

حسن مشفقی خوراسکانی*

حسن مشفقی بن تقی خوراسکانی، شاعر ادیب، در خانواده ای کشاورز در خوراسکان اصفهان به دنیا آمد. از همان طفولیت به همراه خانواده به کشاورزی پرداخت و در نوجوانی در کنار کار روزانه به تحصیل پرداخت. وی در ۲۰ سال آخر عمر ساکن اصفهان بود و در انجمن های ادبی شرکت می کرد. وی در خردادماه ۱۳۶۰ش درگذشت.

از اوست:

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۱۵۷ و ۱۱۵۸.

۲- بیان المفاخر، ج۲، صص ۲۷۴ و ۲۷۵.

جان سپردن در ره محبوب بی همتای خویش

صد برابر از حیات جاودانی بهتر است

زنده آن باشد که در راه حقیقت جان دهد

ور نه حال مردگان زین زندگانی بهتر است(۱)

سیّد حسن مَلاذالاسلام

سیِّد حسن ملاذالاسلام ابن حاج سیّد جعفر بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی، عالم فاضل، از علماء صاحب نفوذ و معتبر اصفهان [در اواخر دوره قاجاریه بوده] و در محلّه بیدآباد مرجعیّت و ریاست کلّی داشته است.

وی قبل از سال ۱۲۹۰ق متولّد گردیده و در خدمت علمای اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس به نجف اشرف مهاجرت فرموده و نزد علماء و مراجع آنجا به تلمّذ پرداخته و به اصفهان مراجعت نمود. وی پس از فوت پدر، به اقامه جماعت در مسجد سیّد مشغول شده و مورد احترام و اعتماد اهالی محلّه بیدآباد بود.

در موضوع تأسیس شرکت اسلامیّه و مبارزه علیه نفوذ اقتصادی دول استعمارگر با آقایان مسجد شاه و دیگر علمای اصفهان همراه و یار و مددکار بوده و از سال ۱۳۲۰ به بعد در بیشتر قضایای اصفهان مستقیماً شرکت داشته است.

وی در شب ۱۷ شعبان سال ۱۳۳۶ق در سفر زیارت در مشهد مقدّس وفات یافته و در دارالحفاظ مبارکه دم درب مدفون گردید.(۲)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۷۲۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۱۳-۲۱۱؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ تاریخ علمای خراسان، ص۲۵۴.

استاد حسن کسائی*

استاد حسن کسائی فرزند سیّد جواد، از اساتید بی نظیر موسیقی معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۷ش متولّد شد. برادر بزرگ او آواز می خواند و پدرش نیز از شیفتگان موسیقی بود. استاد حسن کسائی ابتدا نزد استاد جلال تاج و ادیب خوانساری به فراگیری آواز پرداخت و سپس نزد استاد مهدی نوائی به فراگیری نواختن نی پرداخت. در تهران نیز از حسین یاحقی و استاد ابوالحسن صبا استفاده ها برد. او سالها با استاد جلال تاج و استاد جلیل شهناز همکاری داشته و مدّت زیادی سرپرست اُرکستر رادیو اصفهان بود. در تهران نیز سالهای متمادی در برنامه گلها تک نوازی داشت.

استاد کسائی علاوه بر استادی و مهارت خارق العاده در نواختن نی، در خواندن و آموزش خوانندگی در ردیف موسیقی ایران و نواختن سه تار، فلوت و سنتور نیز مهارت به سزائی دارد و بسیاری از هنرمندان موسیقی از آموزش ها و یا آثار او بهره برده و مسیر ترقی را در موسیقی طی کرده اند.

استاد کسائی در راه احیای سبک نی نوازی نایب اسداللّه تلاش بسیاری نموده و خود نیز صاحب سبک در این فن است و مورد تحسین بزرگترین اساتید موسیقی کشور همچون مرحوم استاد روح اللّه خالقی قرار گرفته است.(۱)

ملّا محمّد حسن ادهم

حاج ملّا محمّد حسن واعظ بیدآبادی معروف به «ادهم» بن محمّد جواد بن محمّد هادی بن احمد بن ادهم بن آقا محمّد رضی قزوینی اصفهانی، عالم فاضل و واعظ کامل، از فضلای اهل منبر، ادیب و شاعر.

در اصفهان خدمت علمای اعلام تحصیل نموده و در شب ۲۲ رمضان المبارک ۱۳۵۱ق وفات یافته در صحن تکیه بروجردی مدفون شد. صاحب عنوان پدر واعظ و

۱- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۲۲؛ چهره افروختگان خطه زنده رود، ص۱۲۶؛تاریخ تحول و ضبط موسیقی ایران، ص ۳۶۰؛ برگی از باغ، صص ۲۰۰ و ۲۰۱.

شاعر دانشمند شیخ احمد بیان الواعظین است.(۱)

[مادّه تاریخ وفاتش را فرزندش چنین سروده است:

گفت بیان از پی تاریخ او

روان جنت شده روح حسن]

حسن واذاری

ابوعلی حسن بن جهم بن جبله بن مصـقله واذاری تیمی، از محـدّثین قرن سوم هجری و از اهالی قریه «واذار» اصـفهان است. از حسین بن فرج، اسماعیل بن عمرو و حیّان بن بُشر روایت می کند و احمد بن اسحاق از او نقل حدیث می نماید.

وی در رجب سال ۲۹۰ق وفات یافته است.(۲)

حسن رئیس زاده

حسن رئیس زاده بن میرزا حبیب اللّه رئیس الواعظین از فضـلاء، ادباء و شـعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. وی همچون پدرش به وعظ و خطابه مشغول بوده و در شعر و ادب نیز دستی داشته و «صفا» و «رئیسی» تخلّص می نموده است.

عاقبت در ۲۶ شوال ۱۳۸۶ق (۱۳۴۵ش) وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به برنا در وفات او چنین سروده است:

به شمسی و قمری سال فوت او برنا

که هرکدام بود جمع مصرعی بنوشت

حسن بعشق حسین کرده رو سوی مینو

رئیس زاده بنزد حبیب شد ببهشت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۴۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۸۶؛ نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۷۰.

محمّد حسن ادیب الدّوله اصفهانی

محمّد حسن بن محمّد حسین ادیب الدّوله اصفهانی، از ادباء و نویسندگان و مترجمین نیمه نخست قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۸۸ق متولّد شد. [تحصیلات خود را در دارالفنون به پایان رسانید و از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۹ق آجودان مدرسه دارالفنون بود. در زمان ریاست «جعفرقلی خان نیّرالملک نظامت دارالفنون را عهده دار بود و بعدها به ریاست مدرسه دارالفنون رسید و تا آخر عمر این سمت را داشت. در مدرسه دارالفنون تدریس می کرد و به لقب ادیب الدّوله ملقّب شد.] سرانجام در سال ۱۳۵۳ق وفات یافت.

از آثار او «ترجمه مسافرت موسیو اِستانلِه به آفریقا» [نوشته «مورتون استانله» است که محمّد حسین عمادالکُتّاب آن را کتابت کرده و در دارالطّاعه مبارکه دولتی در سال ۱۳۱۵ق در طهران] به طبع رسیده است.(۱)

محمّد حسن منّانی

حاج محمّد حسن منّانی، شاعر ادیب فاضل. در سال ۱۲۹۸ در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیلات ابتدائی، در دانشسرای مقدماتی به تحصیل مشغول شد و پس از فارغ التّحصیلی در مدارس اصفهان به تدریس مشغول شد. او از فرهنگیان متدیّن و معلمان دلسوز بود و در منزل خود جلسات قرائت دعای سمات و تفسیر قرآن مجید را برپا می کرد. در شعر نیز طبعی روان داشت و «منّانی» تخلّص می کرد.

سرانجام در جمعه ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۹۸ق (مطابق ۱۵ اُردیبهشت ۱۳۵۷ش) وفات یافته و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

۱- شرح حال رجال ایران، ج۵، ص۲۳۱؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ص۱۴۹؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، ص۱۰۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۵۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۱.
۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۳۰۵-۳۰۲.

سیّد حسن فانی یزدی

سیّد حسن فانی ابن سیّد حسین بن سیّد اسماعیل بن سیّد مرتضی حسینی یزدی، عالم فاضل جلیل و واعظ کامل بلیغ، زاهد متّقی. در جمعه ۲ رجب ۱۲۷۱ق در روستای عِزّآباد رستاق یزد متولّد شده [و در آنجا نزد آخوند ملّا زین العابدین عقدائی تحصیل نموده و در اصفهان از شیخ محمّد علی نجفی (ثقهالاسلام)، شیخ محمّد تقی آقانجفی، میرزا هاشم چهارسوقی و شیخ محمّد جواد حسین آبادی مجاز گردید]و از جمله فضلاء و خطباء و بزرگان اهل منبر گردید.

وی در شعر و ادب نیز توانا بوده و «فانی» تخلّص می نمود.

سرانجام در شب پنج شنبه ۱۷ ربیع الاوّل ۱۳۳۸ق وفات یافته و در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اکسیر الأخبار» (۴جلد) [که جلد سوم در سال ۱۳۱۰ق در بمبئی هندوستان چاپ سنگی شده است.] ۲. «برهان المتّقین» در ردّ بر بابیه ۳. «بهجه الأبرار» ۴. «التوفیقات الإلهیه»، در مواعظ ۵. «حبیب العاشقین» ۶. «حرز المؤمنین»، در احراز و ادعیه ۷. «درر اللّئالی فی أسرار الموالی» در طلسمات و خواص آیات ۸. «ردّ السّخیفه» ۹. «عقیده الحق» در شرح باب حادی عشر ۱۰. «غوث الائمه» ۱۱. «فلاح الایمان» در مواعظ، مطبوع ۱۲. «هدایه السالکین»(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۹۲ و ۴۹۳؛ ریحانه الأدب، ج۴، ص۲۹۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «یزدی»، ج۵، ص۱۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۳؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۳۹۳ و ۳۹۴؛ معجم المطبوعات، ج۲، ص۱۹۴۶؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۳۷۰-۲۳۶۸؛ معجم المؤلفین، ج۳، ص۲۱۷؛ الذریعه، ج۹، ص۸۰۴ و ج۲، ص۲۷۷ و ج۴، ص۵۰۰؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۴۹۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۴۵؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۲، ص۱۱۰۱.

میرزا محمّد حسن منجم اصفهانی

میرزا محمّد حسن بن میرزا محمّد حسین بن بدیع الزمان منجم باشی حسینی گنابادی اصفهانی، از دانشمندان و ریاضیدانان و منجّمین اصفهان در قرن سیزدهم هجری بوده و پس از فوت پدر منجم باشی دربار فتحعلی شاه شده و به لقب «رئیس المنجمین» مفتخر شد. او در ۱۶ ربیع الثّانی ۱۲۱۲ق متولّد و در شب ۱۹ ذیقعده ۱۲۸۹ق در طهران وفات یافته و در مقبره علی بن بابویه در قم مدفون گردید.

احکام او بسیار مشهور است. از جمله خبر فتح هرات را قبلاً به اطلاع دستگاه دولتی رسانده است.(۱) آثاری از او در کتابخانه ها موجود است از جمله:

۱. «مشارق الانوار» مشتمل بر مقدمه و چهار مقاله و خاتمه در استخراج زایجه مولود، مصدّر به نام فتحعلی شاه، نسخه به شماره ۹۲۶۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

۲. استخراج زایجه منوچهرخان معتمدالدّوله، موجود به شماره ۴۰۳۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی(۳)

[۳. استخراج طالع مظفرالدّین شاه، موجود به شماره ۷۰۶۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی.(۴)

۴. زایجه یا طالع نامه محمّد رضا میرزا موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.(۵)]

فرزندش سیّد مهدی ملقّب به «منجم باشی» و ساکن طهران بوده و تا سال ۱۳۰۶ق زنده بوده است.

۱- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۲۲.

۲- فهرست رضوی، ج۸، ص۴۲۹.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۳۵.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۸، صص ۲۳۰. ۲۲۹.

۵- فهرست مجلس، ج۲، ص۲۳۷.

محمّد حسن امین الضرب

حاج محمّد حسن امین الضّرب معروف به «کمپانی» بن آقا محمّد حسین صراف اصفهانی، از تجار مشهور اواخر دوره قاجاریه. [در سال ۱۲۵۳ق متولّد شد.] در اوایل کسب و کار فقیر و بی چیز بوده و با دوره گردی یا کرباس فروشی امرار معاش می کرده است. بالاخره در طهران نمایندگی فروش پارچه های انگلیسی قوزی (کوزی) را بر عهده گرفته و به «کمپانی» مشهور شد. او بعد از آشنایی با آقا ابراهیم امین السّلطان خزانه دار و رئیس ضرابخانه دولتی، ضرابخانه را با سالی سی هزار تومان اجاره کرد و درآمد سرشاری نصیب او شد. پس از آن سفرهای متعدد به کشورهای اروپایی کرد و طرز فکر او تغییر کرد. به فکر احداث راه آهن افتاد و امتیاز آن را گرفت و به کار پرداخت. عاقبت به خاطر کارشکنی دیگران کارش رونق نگرفت و متحمّل ضرر هنگفتی شد. وی سرانجام در حدود سال ۱۳۱۶ق وفات نمود.(۱)

محمّد حسن بافرانی نائینی

محمّد حسن بن ملّا محمّد حسین بافرانی [از فضلاء و کاتبان قرن سیزدهم هجری و از اهالی قریه «بافران» نائین] در سال ۱۲۳۸ق نسخه ای از معالم الاصول را کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

سیّد محمّد حسن امام جمعه

سیّد محمّد حسن امام جمعه بن میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی بن میر محمّد حسین بن میر محمّد صالح بن میر عبدالواسع حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل مجتهد، از رؤساء علمای اصفهان، ملجاء و پناه مردم و امام جمعه اصفهان بوده و در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] اقامه جمعه می نمود. در شرح حال او می نویسند: تا سیزده صف این

۱- شرح حال رجال ایران، ج۳، ص ص ۳۶۲-۳۴۸؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۲، صص ۶۹۱-۶۸۸.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۷۲.

طرف میل های میدان شاه صف نماز او می رسیده.

در ۲ محرّم الحرام سال ۱۲۴۸ق وفات یافته و در بقعه سر قبر آقا [آرامگاه خانوادگی خاندان امام جمعه] در محلّه خوابجون مدفون شد.

وی را تألیفاتی است از آن جمله: (تفسیر درّه الخاقان به فارسی، و) «هدایه الطّالبین» یا «رساله عملیه»، از اوّل طهارت تا آخر اعتکاف که به نام فتحعلی شاه تألیف شده است. (۱)

حسن اَعوَری

حسن اعوری اصفهانی بن حسین. شاعر و ادیب فاضل در حدود سال ۱۲۹۰ق در اصفهان متولّد گردیده و هم در این شهر نزد جمعی از بزرگان علم و ادب تحصیل نموده و در انجمن های ادبی من جمله انجمن ادبی مرحوم شیدا شرکت می نموده است. وی از مدّاحان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به شمار می رفت. در مجالس تعزیه داری حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام شرکت می نمود و اشعار و مراثی خود را با صدای بلند و آهنگ مخصوص می خواند و همه حاضرین را تحت تأثیر قرار می داد. در انواع فنون شعر خصوصاً مادّه تاریخ ید طولائی داشت. در زمان جوانی و اوائل مشروطیت از آزادیخواهان و مشروطه طلبان و از اعضاء فعّال حزب دموکرات اصفهان بود. در سال ۱۳۳۳ق که روسها وارد اصفهان شدند درصدد دستگیری او بر آمدند، وی شبانه با لباس مبدّل فرار کرد.

در اواخر عمر جهت دیدار فرزند خود که در رشت به خدمات فرهنگی و دبیری اشتغال داشت، به آن شهرستان مسافرت نمود و در آنجا در شب عید فطر ۱۳۵۳ق وفات یافته و در آنجا مدفون شد. دیوان اشعارش قریب پنج هزار بیت از غزل و قصیده

۱- رجال اصفهان، ص۱۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۹۴-۲۹۲؛ مکارم الآثار، ج۴، صص ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵؛ الکرام البرره، ص۳۲۱؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۶۲۸ و ۶۲۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص ۳۳۰.

و مدایح و مراثی، نزد فرزند او موجود بوده است.

این چند بیت از اوست:

با سرو روان قامت یار

ما را نبود هوای گلزار

شیرین اگرش بدید روزی

جان داد بر آن لب شکر بار

یک باره نهاد سبحه از کف

از زلف تو آنکه بست زُنّار(۱)

سیّد حسن حسینی برزانی*

سیّد حسن بن سیّد حسین حسینی برزانی، عالم فاضل و واعظ ماهر. از اهالی قریه «بَرزان» در غرب اصفهان بوده و در اصفهان به کسب علم پرداخته است. وی کتاب «سیف الذّاکرین» در مواعظ مشتمل بر یکصد مجلس و خاتمه که مؤلف با تأسّی به آباء و اجداد خویش که همگی ذاکر حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام بوده اند نگاشته و در ۱۹ صفر المظفر ۱۳۰۸ق از تصنیف آن فراغت یافته است. نسخه به شماره ۱۵ در کتابخانه حجّهالاسلام سیّد احمد روضاتی در اصفهان موجود است. مؤلف کتاب طبع شعر نیز داشته و اشعاری در مرثیه سروده و در ابتدای نسخه خود آورده است.(۲)

سیّد حسن خلیفه سلطانی

میرزا سیّد حسن بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، عالم فاضل محقّق از اجلّه و علماء و زهاد و متکلّمین، در قرن یازدهم هجری. مادرش زبیده بیگم دختر شاه سلیمان صفوی و خواهر شاه سلطان حسین صفوی بوده است و آن مخدره موقوفات بسیاری از خود به جای نهاده است، از جمله در روستای سیّان که تولیت آن بر عهده میرزا محمّد باقر صدر خاصّه، فرزندش بوده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۶-۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۲۳-۱۲۱.

۲- فهرست سیّد احمد روضاتی، ص۲۵.

صاحب عنوان جدّ سادات خلیفه سلطانی جرقویه، شهرضا و اصفهان می باشد.(۱)

حسن سالک اصفهانی

شاطر حسن سالك [فرزند خلیفه حسین] شاعر ادیب معاصر، در سال ۱۲۸۸ق در اصفهان متولّد شده و پس از کمی تحصیل به نانوایی مشغول شد. از اعضای انجمن ادبی شیدا بود و در اشعارش «سالك» و «سالك پیر» تخلّص می کرد.

[وی سرانجام در ماه رجب ۱۳۵۶ق وفات یافته و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.]

از اوست:

جهان را جُوی قدر و مقدار نیست

بر آن بستن دل سزاوار نیست

ز دنیا حذر کن کزین پیرِ زال

به مردان حق غیر آزار نیست(۲)

[تذکر: خلیفه در اصطلاح مردم قدیم اصفهان برای نانوایان و در یزد برای قنّادها به کار برده می شد.]

حسن کاشانی*

حسن فروتن کاشانی بن حسین، شاعر معاصر، در سال ۱۳۱۱ش در کاشان به دنیا آمد. در زادگاه خود تحصیل نمود. در نوجوانی در انجمن مداحان کاشان شرکت کرد و به مدّاحی پرداخت. در سال ۱۳۳۶ش به اصفهان آمده و در کارخانه ریسندگی و بافندگی شهناز به عنوان مکانیك بافندگی به کار پرداخت. او در کنار کار روزانه در انجمن های ادبی شرکت می کرد. مجموعه اشعار او با عنوان «نغمه کاشانی» در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است. درشعر «کاشانی» تخلّص می کند.

از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۳؛ تذکره شاعران نانوا، ص۱۵۱؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

ربود دل ز کف از این اشارت ابرو

نمود غارت دین زان دو نرگس جادو

حَذَر که فتنه ضحاک شد ز نو برپا

فکند تا به سر دوش یار من گیسو(۱)

میرزا حسن شکسته نویس*

میرزا حسن شکسته نویس فرزند میرزا حسین مُشرِف اصفهانی، از خوشنویسان معروف خط شکسته در اواخر قرن سیزدهم هجری است.(۲)

حسنِ خداداد*

حسن بن کربلایی خداداد، نقاش و خطاط معروف به «حسنِ خداداد» از هنرمندان نقاش و قلمدان ساز عصر زندیه (اواخر قرن دوازدهم هجری است) در اصفهان ساکن بوده و سجع مهر او «حُسنِ کِلکك حَسَن خداداد» است، بوده است.(۳)

وی در سه شنبه ۲۴ رمضان ۱۲۲۳ش کتاب «شرح الخلاصه الأدعیه» را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۶۰۸۷ در کتابخانه ملّی ملك در تهران موجود است.(۴)

میرزا محمّد حسن منجم اصفهانی

میرزا محمّد حسن بن میرزا دوست محمّد بن خان محمّد منجّم اصفهانی، از اساتید فن نجوم و دانشمندان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. در شب چهارشنبه ۲۲ جمادی الثّانی ۱۲۱۱ه.ق متولّد شد. [در نوجوانی نزد پدر نجوم را آموخت و فن استخراج تقویم را فراگرفت. در طول حیات از اساتید نجوم در اصفهان بوده و برای ۸۷ سال تقویم استخراج نمود. او اصلاً از سادات مدرّسی پاقلعه اصفهان بود و میرزا عبدالغفار پاقلعه ای، از شاگردان دانشمند اوست.]

۱- نغمه کاشانی، صص ۵ و ۶ و ۲۲۸؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۶۶۴.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۸۳و جغرافیای اصفهان ص ۸۴.

۳- هنر قلمدان، ص۳۹.

۴- فهرست ملك، ج۱، ص۳۹۹.

سرانجام در شب دوشنبه ۲۸ ذیقعده ۱۲۹۲ه.ق وفات یافته، جنازه اش به نجف اشرف منتقل شد و درآن ارض اقدس مدفون گردید.(۱)

ملّا حسن درّی

ملّا حسن بن رجبعلی درّی، عالم فاضل و فقیه جامع و حکیم زاهد. پدرش از اهالی جوشقان کاشان بوده و به قصبه درّ منتقل گردیده و صاحب عنوان در آنجا متولّد گردیده و در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصاً حاج شیخ محمّد باقر نجفی به تحصیل پرداخته تا به مقام اجتهاد نائل آمد. سپس جزو اصحاب محضر شرعی و فتوای حاج آقا نوراللّٰه نجفی در آمده و خود نیز به رفع خصومات و حل مشکلات مردم می پرداخت. در مسجد نو بازار حجره داشته و در مدرسه نیم آورد تدریس می فرمود.

عمری را به عزّت و قناعت و زهد گذرانیده و غیر از خانه ای مُحَقّر در محلّه نیم آورد نزدیک بازارچه و مسجد حاج محمّد جعفر آباده ای، از مال دنیا چیزی نداشت. او تا اواخر عمر لباس دهاتی خود را عوض نکرده و با کلاه بود لکن در سال های آخر عمر به اصرار برخی از علماء معمّم شد.

[مدّتی در مسجد خان واقع در محلّه «تلواسکان» اصفهان اقامه جماعت می فرمود ولی پول و هدیه ای از کسی قبول نمی کرد. کم کم متوجه شد که هر وقت جمعیت مسجد بیشتر می شود، او هم خوشحال تر می شود. پس ترک امامت مسجد نموده و توبه نموده و به مردم گفت تا نمازهای خود را اعاده کنند و خود نیز همه را اعاده کرد و از کارهای دنیوی کناره گرفت.]

این عالم ربّانی در ربیع الاوّل ۱۳۳۶ق وفات یافته و جنب مزار آخوند کاشی واقع در تکیه ملک در تخت فولاد مدفون شد. [متأسفانه مزار او در سالهای اخیر از بین رفت.]

میرزا حسن خان جابری مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۷؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۸۶؛ دیوان طرب، ص۶۳؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۸۲؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۵.

فقیه درّ حسن آن دُرّ یکتا

که زندی گفت بر ابر و به مریخ

صدف بشکست و جست و «جابری» گفت

«غیاب الکوکب الدّری» بتاریخ

از آثار او یک دوره «فقه استدلالی» به فارسی است که آقا میرزا احمد دولت آبادی خواست آن را چاپ کند و موفق نشد. ۲. «مناسک حج»(۱)

میرزا حسن عمرانی*

مرشد میرزا حسن عمرانی فرزند رجبعلی، از شاهنامه خوانان اصفهان در قرن چهاردهم هجری. وی در قهوه خانه های اصفهان از جمله قهوه خانه «تقی قوری» و قهوه خانه «حسن دندان طلا» در میدان کهنه اصفهان به قصه گوئی و شاهنامه خوانی می پرداخت. در فن شاهنامه خوانی و قصّه گویی شاگرد مرشد عباس کسرا (معروف به مرشد عباس بزرگ) بود. او همچنین گاهی اسکندرنامه را نیز برای مستمعین و حاضرین در قهوه خانه ها می خواند. منزل او در کوچه فشارکی واقع در پشت مسجد حاج محمّد جعفر (در خیابان عبدالرزّق) بود. سرانجام در ۲۵ شوال ۱۳۹۴ق (مطابق ۱۸ آبان ۱۳۵۲ش) وفات یافته و در صحن تکیه میر مدفون شد.(۲)

شیخ محمّد حسن لنجانی*

شیخ محمّد حسن بن شیخ محمّد رحیم بن محمّد شفیع لنجانی اصفهانی،عالم فاضل و ادیب شاعر، از فضلای قرن سیزدهم هجری است.

ظاهراً در اصفهان به تحصیل پرداخته و سپس در لنجان اصفهان به زراعت مشغول

۱- تاریخ اصفهان و ری، ص۳۸۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۹۷ و ۴۹۸؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۸.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

شده است. سال وفاتش به دست نیامد اما تا سال ۱۲۶۸ق در قید حیات بوده است.

این کتابها از اوست:

۱. «جنّه الأخبار»، در ۲۷ باب و مقدمه و خاتمه در سالهای ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۸ق تألیف و به منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان تقدیم شده است و تاریخ عمومی است از ظهور اسلام و ایران پس از اسلام تا دوره قاجاریه. نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است. ۲. «صیغ العقود و الایقاعات»، که نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه صدر خواجوی اصفهان موجود است.(۱)

محمّد حسن بن محمّد رحیم

محمّد حسن بن محمّد رحیم [از علاقمندان و دانشجویان طب در قرن سیزدهم هجری]در روز ۲۰ ربیع الثّانی در مطب اسماعیل بن میرزا محمّد اصفهانی از کتابت نسخه «جواهر اللّغه» تألیف محمّد بن یوسف طبیب هروی فراغت حاصل نموده است. کتاب به شماره ۴۴۸۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

محمّد حسن خوئی

محمّد حسن بن محمّد رحیم خوئی اصفهانی، از فضلاء قرن ۱۳ هجری در اصفهان. در سال ۱۲۴۰ق مجموعه ای از چندین رساله [را] به خط نستعلیق جمع کرده و کتابت نموده است. نسخه به شماره ۴۵۴۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

۱- میراث اسلامی ایران، ج۳، صص ۷۲۱-۷۱۹؛ فهرست مرعشی، ج۱۷، صص ۸۱-۷۹؛ تراجم الرجال، ج۲، ص۶۵۷؛ فهرست صدر خواجو، ص۷۰؛ تذکره شاعران فارسی سرا، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۴۳۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۲۴.

محمّد حسن خوشنویس

آقا محمّد حسن خوشنویس بن محمّد رحیم بن آقا غلامعلی بن محمّد رحیم اصفهانی، از خطاطین و خوشنویسان مشهور [دوره قاجاریه] در اصفهان متولّد شد و در این شهر علم و هنر آموخت و نزد پدر مشق خط کرد. خط نسخ را خوش می نوشت.(۱)

میرزا محمّد حسن شیخ الاسلام

حاج میرزا محمّد حسن بن آقا میرزا محمّد رحیم بن میرزا عبداللّه شیخ الاسلام عالم فاضل.

وی در اصفهان متولّد شد. مادرش دختر حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی نجفی است. در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علماء این شهر همچون آقانجفی و دیگران تلمّذ نموده و پس از فوت پدر در سال ۱۳۰۶ق به مقام شیخ الاسلامی منصوب گردید و به وظائف آن در کمال صحّت و قدرت اقدام می نمود.

سرانجام در شب ۱۷ جمادی الثّانیه سال ۱۳۰۹ق در اثر نوشیدن قهوه مسموم (قهوه قجری) رحلت نمود. جنازه به مشهد مقدّس نقل و در سرداب مدرسه میرزا جعفر مدفون گردید.(۲)

دکتر سیّد حسن آیت*

شهید دکتر سیّد حسن آیت نجف آبادی فرزند محمّد رضا، از چهره های سیاسی و اجتماعی معاصر. در سال ۱۳۱۷ش متولّد شده و تحصیلات خود را در زادگاهش آغاز کرد و در اصفهان ادامه داد. سپس به دانشگاه تهران رفته و به ترتیب لیسانس ادبیات فارسی، فوق لیسانس علوم اجتماعی، لیسانس حقوق و لیسانس روزنامه نگاری را اخذ

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۸۵۰.

۲- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۴۰-۱۳۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۵.

نمود. سپس در مدارس عالی قم، لاهیجان و اراک و همچنین در دانشگاه ملّی [شهید بهشتی فعلی]و دانشگاه علم و صنعت به تدریس پرداخت.

او قبل از سال ۱۳۴۲ش عضو حزب زحمتکشان به رهبری مظفر بقائی بود امّا به علّت اختلافاتی که با بقائی داشت در سال ۱۳۵۲ش از حزب اخراج شد. در مبارزات دوران انقلاب از چهره های مشهور به شمار می رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عضو حزب جمهوری اسلامی و دبیر آن گردید. در سال ۱۳۵۸ش به عنوان نماینده مردم اصفهان به مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی انتخاب شد. او در این مجلس برای تصویب اصل ولایت فقیه در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تلاش بسیاری کرد. در سال۱۳۵۹ به عنوان نماینده مردم تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافت و سرانجام در صبح چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۰ش در تهران ترور و شهید شد و مسؤولیّت آن را گروه تروریستی مشهور به «منافقین» بر عهده گرفت.

دکتر آیت از مخالفان سرسخت ملی گرایی و رهبر آن دکتر محمّد مصدق بود و نطق ها و مقالات آتشین او در سال های پس از انقلاب در میان همفکرانش بازتاب گسترده ای داشت.

این کتاب ها از او به چاپ رسیده است:

۱. «چهره حقیقی مصدّق السّلطنه» ۲. «درسهایی از تاریخ سیاسی ایران» ۳. «نگرشی کوتاه بر نهضت ملّی ایران»(۱)

سیّد حسن حسینی

سیّد حسن بن سیّد رضا حسینی [از نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری] در اصفهان نسخه ای از «روضه البهیه» را به خط نسخ نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان است.(۲)

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۱، ص ۳۷۳-۳۷۰؛ دیباجه دیار نون، ص۱۳۲؛ روزنامه جمهوری اسلام، مرداد ۱۳۶۰.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۴۶.

شیخ محمّد حسن شیخ العراقین

شیخ محمّد حسن بن شیخ محمّد رضا بن شیخ موسی بن شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء)، از علمای قرن چهاردهم هجری. در کربلاـ متولّد شده و در نجف اشرف بزرگ شده، در سن ۱۷ سالگی در ۱۲۹۵ق به اتّفاق برادرش شیخ علی (صاحب حصون) به اصفهان آمده و چهار سال در آنجا به درس حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی و دیگران حاضر شده است. از آن به بعد در اصفهان ساکن بوده و کم کم صاحب ریاست و مکنت بسیار شده و لقب «شیخ العراقین» یافته و به «کاشفی» معروف شد. مدّتی امور کنسولگری عراق در اصفهان را عهده دار بوده و با سفارت روس ارتباط داشته است. از اقدامات او خراب کردن قلعه طبرک اصفهان است.

سرانجام در ۷ ربیع الثّانی ۱۳۳۶ق وفات یافته، جنازه اش به نجف نقل گردیده و در مقبره خانوادگی مدفون شد.(۱)

سیّد حسن ملّاباشی

سیّد حسن بن حاج میرزا رضا ملّاباشی، عالم فاضل. مادرش دختر شیخ محمّد تقی آقانجفی اصفهانی بود. در حدود سال ۱۳۲۸ق در اصفهان متولّد گردیده و در خدمت فضلاء این شهر همچون شیخ علی مدرّس یزدی و شیخ محمّد حکیم و شیخ محمّد علی فتحی دزفولی و دیگران تحصیل نموده و در اثر هوش و استعداد فی الجمله پیشرفتی نموده، امّا در اثر ابتلا به مرض فالج سال های متمادی بستری و خانه نشین بوده و سرانجام در شب ۹ جمادی الاولی ۱۳۹۸ق وفات یافته و در بقعه آقانجفی جنب امامزاده احمد اصفهان مدفون شد. او شاعری ادیب بوده و «صافی» تخلّص می نموده و دیوان اشعارش شامل چهار قطعه ترجیع و رباعیات و مثنویات به شماره ۱۰۴۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

۱- ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۱۸۲؛ تاریخ نائین، ج۴۷ ص۸۹؛ تاریخ اصفهان (جابری): تعلیقات، ص۱۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۶۹ و ۷۰.

این شعر از اوست:

این حسن و لطافت ز دیاری دگر است

وین قامت موزون ز دیاری دگر است

چون خوبی این جهان همه عاریتی است

در دیده تحقیق از دیاری دگر است(۱)

ملّا محمّد حسن نائینی

ملّا محمّد حسن نائینی بن زکریا آرندی نائینی، عارف کامل و زاهد متقی. از دانشوران و عرفای قرن سیزدهم هجری.

در اوایل عمر شبانی می کرده. خدمت حاج محمّد حسن عارف نائینی رسیده و به وادی عرفان وارد شده، ریاضات و مجاهدات او در طریقه اویسیه بوده است. سال ها در مدرسه نیم آورد ساکن و در علوم حکمت و ریاضی تدریس می نموده و بزرگان به او ارادت می ورزیده اند. مشهور آن است که اگر هزار مسأله در علوم مختلف از او می پرسیدند، بدون مراجعه به مدرک همگی را جواب می گفت. قبل از تأسیس تلگراف و پیدایش باب، از آنها خبر داده است.

سرانجام درسال ۱۲۷۰ق وفات یافته، در ایوان بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ و مرثیه او را میرزا عبدالکریم سمیرمی نطنزی متخلّص به «سیما» سروده است که بیت آخر آن چنین است:

گفت سیما بهر تاریخ وی از الهام غیب

«جای بگزیده بجنّت مرشد کامل حسن»

۱۲۷۰ (۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۱۴ و ۲۱۵؛ مزارات اصفهان، ص۵۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۶۵ و ۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۶۸؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ تاریخ نائین، ج۱، صص ۹۶ و ۹۷؛ تکمله نجوم السّماء، ج۱، ص۴۷۳؛ المآثر الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۲۷؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۰۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۷ و ۴۰۰؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۳۲۶؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۵۵؛ انساب خاندان های مردم

نائین، ص۱۵؛ دائرهالمعارف تشیع، ج۱، ص۵۱؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۶۱.

سیّد حسن زینتی نطنزی*

سیّد حسن زینتی بن زین الدّین بن محمّد زمان بن لطف اللّه بن شمس الدّین محمّد بن شرف الدّین حسین بن تاج الدّین حسن واقف نطنزی، از شعراء و ادبای اصفهان در قرن یازدهم هجری است. نسب شریف او به عارف عالی مقدار سده نهم هجری سیّد واقف نطنزی منتهی می شود. از سادات افوشته نطنز بود ولی اغلب در اصفهان ساکن بود. نصرآبادی که معاصر اوست در تذکره خود می نویسد: «در کمال قید و صلاح دین داری است.»

میر زینت متولی موقوفات سیّد واقف نطنزی بود. از او عریضه ای خطاب به یکی از دولتمردان صفوی به نام صفی قلی به تاریخ ۱۰۶۸ق موجود است که زینتی از او درخواست نموده که فردی را مأمور کند که رقبات وقف را از دست غاصبین خارج کرده و به تصرف او درآورد.

سال درگذشت زینتی معلوم نیست. مزار او در بقعه ای مخصوص در روستای «افوشته» نطنز هنوز باقی است و به «گنبد میر سیّد» شهرت دارد. او در سرودن انواع شعر مهارت داشت.

این شعر از اوست:

ای بی خبر ز خاک نشین دیار دوست

دارد دم مسیح هوای غبار دوست

گر وعده دوز خست و گر خلد شاد باش

بیرون نمی برند تو را از دیار دوست(۱)

شیخ حسن عاملی

شیخ حسن بن زین الدّین بن محمّد بن حسن بن زین الدّین عاملی (شـهید ثانی)، عالم فاضل صالح، از دانشـمندان قرن یازدهم هجری. در اصـفهان ساکن بوده و نزد عمویش علی بن محمّد بن حسن عاملی مؤلف «الدّر المنثور» تحصـیل نموده است. شـیخ محمّد حُرّ عاملی و میرزا عبداللّه افندی در کتابهای خود از او یاد کرده اند.(۲)

میر سیّد حسن موسوی خوانساری

میر سیّد حسن بن میرزا زین العابـدین موسوی خوانساری، عالم فاضل مجتهد، در سال ۱۲۵۴ق درا صـفهان متولّد گردید و در اوایل بلوغ به درجه اجتهاد رسـید و در سال ۱۲۷۳ق در زمان حیات پـدر وفات یافت و در قبرسـتان ستّی فاطمه مدفون گردید. هنگام احـداث خیابان و خراب کردن آن قبرسـتان جسـد شـریفش را که هیچ گونه تغییری در آن پیدا نشده بود به تخت فولاد منتقل کرده و در تکیه صاحب روضات، بین بقعه و شبستان آقاباشی مدفون ساختند.(۳)

۱- تذکره نصـرآبادی، ج ۱، ص۴۶۶؛ تذکره شـمع انجمن، ص۳۰۸؛ تـذکره روز روشن، صـص ۳۳۳ و ۳۳۴؛ تذکره آتشکده، بخش سـوم، نیمـه نخست، ص۹۴۵؛ تذکره حسـینی، ص۱۳۹؛ تـذکره غنی، ص۶۲؛ تـذکره محمّد شاهی: نسـخه خطی؛ میراث فرهنگی نطنز: ج ۲، صص۱۴۴-۱۳۸.

۲- امل الآمل، ج ۱، ص۶۳؛ کواکب المنتشره، ص۱۶۵.

۳- مناهج المعارف، مقدمه، ص۳۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۴۰؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۸.

حسن قائنی اصفهانی

حسن بن سعد قائنی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری و ساکن اصفهان] در جمادی الثّانی ۱۰۲۴ق نسخه ای از «تحریر اقلیدس» تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

حسن اصفهانی*

حسن بن سلیمان اصفهانی، از هنرمندان قرن هشتم هجری است. در منبت کاری و چوب تراشی چیره دست و استاد بوده است. از آثار او یک رحل قرآن است که از آثار ارزنده منبّت بر روی چوب به شمار می رود. بر روی این رحل نقوش هندسی زیبا و تزئینات جالب چون شکوفه و اشکال برگ نخلی و گل و گیاه دیده می شود. در کتیبه این رحل علاوه بر اسامی دوازده امام شیعه اسم سازنده و تاریخ ساخت آن (ذی الحجه ۷۶۱ق) مشهود است. این اثر ارزنده در موزه «مترو پولیتن» موجود است.(۲)

حسن اصفهانی

حسن بن شاذه بن وَنّه اصفهانی، از محدّثین اصفهان بوده و از هُدبه بن خالد حدیث شنیده است. احمد بن جعفر اصفهانی از او استماع حدیث کرده است.(۳)

سیّد حسن اصفهانی

سیّد حسن بن صادق اصفهانی، عالم فاضل جلیل. در کربلا نزد پدر خود و جمعی دیگر تحصیل نموده و سپس در نجف در درس فاضل مامقانی، حاج میرزا حسن خلیلی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی تحصیل نموده و به ایران آمد. مدّتی در خراسان بوده و

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۹۸.

۲- تاریخ عمومی هنرهای مصور، ج۲، ص۲۶۱؛ راهنمای صنایع اسلامی، ص۱۲۳.

۳- اللباب، ج۳، ص۳۷۵؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۵.

عاقبت در رشت ساکن شده و به ارشاد مردم مشغول شده و از مرجع حل مشکلات شرعی آن حدود بوده و همانجا وفات یافته است.(۱)

میرزا حسن تبریزی

میرزا حسن بن میرزا محمّد صادق خان تبریزی اصفهانی، عالم فاضل و ادیب. پدرش به امر شاه عباس اوّل از تبریز به اصفهان آمده و در محلّه عباس آباد سکونت نمود.

میرزا حسن در اصفهان تحصیل کمالات نموده و در علم و فضل بر اقران فائق آمد. وی شرحی بر اشعار مشکله مثنوی معنوی نوشته و رسائلی در معقولات دارد.(۲)

محمّد حسن نصیری طوسی

محمّد حسن بن محمّد صالح نصیری طوسی، عالم فاضل و ادیب شاعر، از دانشوران قرن دوازدهم هجری و از ادباء و فضلای خاندان نصیری طوسی در اصفهان است. وی کتاب «هدایه المسترشدین» در باب استخارات را در ۱۳ ربیع الثّانی ۱۱۳۲ق تألیف نموده است. گاهی شعر می سروده و «طالع» تخلّص می کرد.

وی قطعه ای درباره سیلاب سال ۱۱۱۰ق در اصفهان سروده که مادّه تاریخ آن چنین است:

بود «طالع» به فکر تاریخش

تا نماید بیان به عین وضوح

شد روان بر زبان ز منبع دل

«نام طوفان نشسته از دل نوح»

صاحب عنوان تا سال ۱۱۳۲ در قید حیات بوده و تاریخ فوت او معلوم نیست.(۳)

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۴۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۹.

۲- خزانه عامره، ص۴۲۹؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۹۸ و ۴۹۹.

۳- الذریعه، ج۲۵، ص۱۹۲؛ الکواکب المنتشره، ص۱۸۳؛ دستور شهر یاران، ص۲۷۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۷.

شیخ محمّد حسن همدانی

شیخ محمّد حسن بن آقا شیخ صفر علی همدانی، عالم فاضل زاهد ورع، در اصفهان متولّد شده و نزد پدر و سیّد محمّد باقر درچه ای، سیّد مهدی درچه ای، سیّد محمّد نجف آبادی و شیخ محمّد رضا نجفی تحصیل نمود. او سالها در مسجد پدر خویش (مسجد کوچه باغ دردشت) اقامه جماعت می نمود.

سرانجام در شب جمعه ۲۱ شوال سال ۱۳۸۰ق به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه ای متصل به تکیه ملک مدفون گردید. در سالهای اخیر جهت توسعه تکیه شهداء تکیه ملک و اطاق های مجاور آنان را خراب کردند.(۱)

حسن رستمی

ابو عبداللّه حسن بن ابوالطّیّب عباس بن علی بن حسن رستمی اصفهانی، از محدّثین شافعی اصفهان در قرن ششم هجری است. از عبّاد و زهاد و فقهاء و محققین و محدّثین عصر خویش بوده و از ابی الحسین احمد بن عبدالرّحمان بن محمّد ذکوانی و اباعمرو بن منده و دیگران استماع حدیث کرده است. شیخ متنجب الدّین، عالم و محدّث شیعی و نیز رزق اللّه بن هبهاللّه بن محمّد قزوینی اصفهانی معروف به «ابن شفروه» از او حدیث نقل می کنند.(۲)

محمّد حسن خانی

محمّد حسن خانی بن عباس، از شعرای معاصر اصفهان درسال ۱۲۸۰ش در اصفهان متولّد شد. وی از راه شغل نانوائی امرار معاش می نموده و در سرودن شعر طبع متوسّطی داشته است.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۰۱ و ۳۰۲.

۲- مرآه الجنان، ج۳، ص۳۴۷؛ لباب الألباب، تعلیقات، ص۶۴۰؛ ثقات العیون، ص۶۰؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۸۳.

از اوست:

حکایتی من محزون کنم دقیقه دقیقه

شکایت از لب میگون کنم دقیقه دقیقه

نکرد درد دلم را علاج آن پری آخر

رواست دیده چو جیحون کنم دقیقه دقیقه(۱)

ملّا محمّد حسن ذاکر اصفهانی

ملّا محمّد حسن ذاکر اصفهانی فرزند عباس، ساکن محلّه مستهلک، اهل منبر بوده و قدری سواد خواندن و نوشتن داشته و مکتب داری می کرده است. طبع شعر متوسطی داشته و کتابی در مراثی و مدایح تنظیم کرده و آن را به نام «تحفه الأئمه» موسوم گردانیده است و متجاوز از هفتصد بیت است. قسمت دوّم کتاب خود را به نام «کتاب نوحه» نامیده و در آن نوحه سینه زنی و غیره است و شامل ۵۰۰ بیت می شود. قسمت سوّم «مناجات نامه» مشتمل بر حدود دویست بیت و مجمع ابیات کتاب حدود ۱۵۰۰ بیت است.

در مدح رسول اکرم صلی الله علیه وآله سروده است:

به مدح خاتم پیغمبران چو بلبل شیدا

شوم مترنّم ز فضل خالق یکتا

محمّد حسن مدّاح زاده

محمّد حسن خزدوز متخلّص به «مداح زاده» فرزند عبّاس از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۰ش در اصفهان متولّد شد. وی سالها در اداره فرهنگ اصفهان [آموزش و پرورش]به انجام وظیفه مشغول بوده است. [از مداحان اهل بیت علیهم السلام است و در فن مادّه تاریخ سُرایی مهارتی به سزا دارد.]

از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۷۶.

به سوی مردم دانا نظر ای دوست

که خوپذیر بود نفس تو به آسانی

چنانکه خوی بد و نیک همچو آینه است

به روح نقش ببندد ز علم و نادانی(۱)

شیخ حسن دُریاب*

شیخ حسن دُریاب فرزند عباسعلی واعظ صالح، در سال ۱۲۸۰ش در دولت آباد بُرخوار اصفهان متولّد شد. از نوجوانی به تحصیل علوم دینی مشغول شد و مدّتی بعد با پدرش به نجف اشرف مهاجرت کرد و از درس اساتید عالیقدر آنجا خصوصاً آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی و سیّد محسن حکیم بهره برد.

او در کنار تحصیل به وعظ و ارشاد و تهذیب نفوس مردم و ترویج دین مشغول بود. او عالمی زاهد، متواضع، اهل مطالعه بود. و اوقات را به عبادت و تهجّد سپری می ساخت. از مصائب زندگی او شهادت فرزند برومندش در زندان رژیم بعثی حاکم بر عراق بود که آنرا با توکّل و صبر بر خویش هموار ساخت.

در سال ۱۴۲۱ق به ایران آمد و در شهر مقدّس قم ساکن شد و سرانجام در ۵ شوال ۱۴۲۶ق به رحمت الهی واصل شد و پیکرش در قبرستان علی بن جعفر قم مدفون شد. وی ۹پسر داشت که ۷نفر از آنان در کسوت روحانیّت به تحقیق و ترویج دین مشغولند.(۲)

سیّد حسن طالقانی نجفی

سیّد حسن طالقانی عالم کامل و حکیم عارف، از علمای قرن دوازدهم هجری.

حزین لاهیجی شاگردش او را «از اعاظم علماء و اکابر عرفا» دانسته و می نویسد:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۳۴.

۲- یاداشت های آقای رحیم قاسمی.

«در هیچ فنّی از علوم نبود که استحضارش به کمال نباشد. مسائل حکمت را با مشاهدات صوفیّه انطباق داده علوی عظیم در اظهار مراتب ثلاثه توحید است. قُوَّت تقریر و مباحثه اش به مثابه ای بود که احدی از اصحاب جدل را نزد او یاری سخن گفتن نبود... بعض طلبه ظاهر وی را نیز غایبانه به عقاید غیر از شرع اقدس نسبت می دادند.»

میر سیّد حسن طالقانی سالها در اصفهان به تدریس متون حکمی و عرفانی همچون «فصوص الحکم» و «هیاکل النّور» مشغول بود تا اینکه در اوایل قرن دوازدهم هجری در اصفهان وفات یافت. (گویند) وی در تکیه خرابه نزدیک تکیه میرزا رفیعا در تخت فولاد مدفون است.(۱)

میرزا محمّد حسن قاضی

میرزا محمّد حسن بن میرزا عبدالرّحیم قاضی، عالم فاضل، از علمای قرن قرن چهاردهم هجری است. پس از فوت برادرش شیخ ابوالقاسم قاضی، به منصب قضاوت رسیده و با مرگ او دستگاه قضاوت [که در اختیار روحانیت، در اصفهان بود] برچیده شد. گرچه فرزندش مرحوم آقا میرزا عبدالرحیم نیز همین شهرت را داشت لکن مشروطیّت ایران همگی این عناوین را از بین برد.(۲)

سیّد حسن مهاجر*

سیّد حسن مهاجر ابن سیّد عبدالرّسول، از علماء و فضلای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۸ش متولّد شد. ادبیات را نزد شیخ حیدرعلی محقّق و شیخ محمّد علی حبیب آبادی خواند و شرح لمعه را از شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی و شیخ محمّد جواد اصولی

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۶۹؛ تاریخ حکماء و عرفاء، ص۴۸؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۱۰۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۴؛ سیری در تاریخ تحت فولاد، ص۱۱۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۳۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۲۷۷.

فرا گرفت. قوانین از نزد سیّد علی اصغر برزانی، رسائل و مکاسب را نزد مدرّس کَهَنگی و رسائل را نزد شیخ محمّد رضا جرقویه ای و میرزا ابوالحسن تویسرکانی خواند. در حکمت و کلام از درس آقا صدر کوپائی و هیئت و نجوم را از درس مجدالعلماء نجفی بهره گرفت. همچنین در درس نهج البلاغه میرزا علی آقا شیرازی حاضر می شد. او در درس حضرات آیات شیخ عباسعلی ادیب، حاج آقا حسین خادمی و سیّد عبدالحسین طیّب نیز حضور یافت و کسب فیض نمود. سپس به قم رفته و از درس آیات عظام بروجردی و سیّد محمد حجّت بهره بُرد و در جلسه تفسیر شیخ محمّد تقی اشراقی شرکت کرد. مدتی نیز در مشهد مقدّس از درس حضرات آیات میلانی و میرزا احمد کفائی بهره گرفت.

آنگاه به اصفهان آمد و برای تبلیغ و ترویج دین به کازرون رفته و ۲۸ سال در آنجا ساکن بود. یک تابستان نیز به بروجرد رفت و از درس شیخ علی محمّد بروجردی استفاده کرد.

ایشان سالهاست که در اصفهان ساکن است و نماز جماعت را در مسجد قبا برپا می کند و به بیان احکام الهی بر منبر و تدریس تفسیر در حوزه علمیه اصفهان می پردازد و از علماء وارسته، صالح و زاهد اصفهان به شمار می رود.(۱)

میرزا محمّد حسن چینی

میرزا محمّد حسن حکیم معروف به «چینی» و مشهور به «مولانا» [بن میرزا عبدالغفار بن میرزا محمّد علی دانش اصفهانی، از فلاسفه و دانشمندان عالیقدر قرن سیزدهم هجری. در حدود ۱۲۲۶ق در اصفهان متولّد شد. جدّش میرزا محمّد علی متخلّص به «دانش» و معروف به «آقابزرگ» به شغل چینی فروشی مشغول بود و در کنار آن به کتابت می پرداخت. لذا نوه اش به نام «میرزا حسن چینی» معروف شد. دانش به نواده اش علاقه فراوان داشت و در تشویق او برای کسب علو م ادب سهم مهمی ایفا کرد. پس از

۱- یادداشت های محقّق ارجمند آقای رحیم قاسمی.

فوت او، میرزا حسن به تحصیل ادامه داد تـا اینکه موفق به راه یافتن به مجلس درس حکمت آخونـد ملّا علی نوری در سالهای آخر عمر او شد و از فیض درس و بحث او برخوردار شد. پس از وفات استادش در ۱۲۴۶ق به تدریس کتب فلسفه مشغول شد]و به قول اعتمادالسّلطنه «در اصفهان حکمت متعالیه را تدریس بلکه تأسیس می فرمود».

[میرزا حسین تحویلدار اصفهانی نیز می نویسد:

«میرزا محمّد حسن چینی استادی بود در علم قریب الدّرجه مرحوم میرزا محمّد حسن نوری و در تقریر اکمل. و بحر وجودش بسیار با وسعت، مضمون (اِذا سکت عمیقٌ و اذا تکلّم مواجٌ) مصداق شأن ایشان بوده. پسر بزرگی دارد، ابوالقاسم نام. نسبت به پدر گمنام است.»

مجدالاسلام کرمانی از یکی از حکماء قرن سیزدهم هجری به نام میرزا حسین ورزنه یاد می کند که در مدرسه چهارباغ اصفهان ساکن بود و جماعتی از اهل ذوق و صفا از طبقه حکماء و شعراء با او مراوده داشتند.

استاد منوچهر صدوقی سها او را «علی الظاهر» همان میرزا محمّد حسن چینی، دانسته است.

میرزا حسن چینی در حدود سال ۱۲۶۴ق وفات یافت. [طبع شعر نیز داشته و «حکیم» تخلّص می کرده است. او قصیده ای در مدح حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی سروده است.]

میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا محمّد حسن شیرازی مرجع و زعیم عالیقدر از شاگردان او هستند.(۱)

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۳۷؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۶۷؛ الکرام البرره، ج۱، ص۲۹۵؛ منتخب معجم الحکماء، ص۷۷؛ تاریخ انحلال مجلس، صص ۲۰۷-۲۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۲ و ۴۷۳.

حسن نجف آبادی

حسن بن عبدالقادر نجف آبادی [خطاط نسخ نویس قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۶۰ق کتابت نسخه ای از «جواهر الکلام» مُجَلَّد فرایض و قضاء و شهادات را نوشته است. نسخه به شماره ۲۳۹ در کتابخانه آیت اللَّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

شیخ محمّد حسن نظام العلماء

شیخ محمّد حسن نظام العلماء فرزند شیخ عبدالکریم شیرازی، عالم فاضل از نوادگان شیخ محمّد تقی رازی صاحب حاشیه است. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بوده و از بذل مال و کمک به آزادیخواهان مضایقه نداشته است. وی در سال ۱۳۵۱ق وفات یافته و [بنا به نوشته نسب نامه الفت در یکی از اطاق های ضلع شرقی تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون شده است.

حاج آقا نوراللَّه نجفی، از علماء بزرگ اصفهان و از رهبران مشروطیت در اصفهان شوهر خواهر او بوده است.(۲)]

محمّد حسن اصفهانی

محمّد حسن بن عبداللَّه اصفهانی [خطاط نسخ نویس] در پنج شنبه دهم شعبان ۱۲۴۰ق کتابت نسخه ای از کتاب «تنقیح المقاله در توضیح رساله» تألیف: هبهاللَّه شاهمیر حسنی حسینی متوفای ۸۹۸ق را به خط نسخ به پایان رسانیده [است]. نسخه به شماره ۶۹۷۲ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۵۲.

۲- تاریخ مشروطیت (ملک زاده)، ج۱، ص۲۰۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۱۰۷؛ گلشن اهل سلوک، ص۲۲۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص ۱۵۰.

میرزا حسن قاضی

آقا میرزا حسن بن آقا شیخ عبداللّه قاضی، «عالم عامل، فاضل ادیب، جامع معقول و منقول» از علمای اواخر دوره قاجاریه وی از سلسله مشایخ بیدآباد است که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی می پیوندد.

وی در ۱۰ رجب ۱۳۴۲ق وفات یافته و در صحن تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

شیخ محمّد حسن گیلانی

شیخ محمّد حسن بن عبداللّه گیلانی، عالم فاضل. از علمای قرن دوازدهم هجری و از مشایخ بیدآباد اصفهان است. در گیلان متولّد شده و در اصفهان سکونت گزیده و پس از وفات در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون گردیده است.(۲)

وی اوّلین فرد این خاندان است که به منصب قضاوت این شهر نائل گردیده است.(۳)

حسن لُغذَه اصفهانی

ابوعلی حسن بن عبداللّه لُغذَه (یا لکذه یا لذکه) اصفهانی، ادیب و نحوی لغوی، از دانشمندان و ادبای اصفهان است.

از شاگردان زجاج و باهلی و از مصاحبان و معاصران اصمعی، کرمانی و ابوحنیفه دینوری بوده و در عصر خویش در عراق از حیث مقام علمی و ادبی کم نظیر بوده است.

صاحب عنوان در سال ۲۱۰ق وفات یافت. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «التّسمیه» ۲. «خلق الإنسان» ۳. «خلق الفرس» ۴. «دیوان اشعار» ۵. الردّ علی «ابن قتیبه» فی غریب الحدیث ۶. «الصّفات» ۷. «مختصر النحو» ۸. «النّوادر» ۹.

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۹.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴.

«نقض علل النّحو» ۱۰. «الهشاشه و البشاشه» و غیره.(۱)

سیّد حسن قاضی عسکر

سیّد حسن بن عبدالمجید حسینی اصفهانی (قاضی عسکر)، از وعاظ اصفهان در قرن سیزدهم هجری بوده [است.] از آثار او:

۱. کتابت نسخه ای از «اطباق الـذّهب» به خط نسخ خیلی خوب که در سال ۱۲۷۶ق آن را نوشته و به شماره ۷۵۱ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۲)

۲. کتابت نسخه ای از «اطواق الذّهب» زمخشری، به خط نسخ خیلی خوب که در سال ۱۲۷۶ق آن را نوشته و به شماره ۷۵۳ در همان کتابخانه موجود است.(۳)

این دو کتاب بر حسب خواهش یا امر سیف الملک نوشته شده است و سیف الملک لقب عباسقلی خان نوری است.

۳. کتابت نسخه ای از «محضر الشهود فی ردّ الیهود» تألیف: حاج بابا قزوینی که در سال ۱۲۶۸ق کتابت شده و در کتابخانه آیت اللّه نجفی در اصفهان موجود است.(۴)

حسن جنگعلی*

حسن جنگعلی فرزند عبدالمحمود بن ملّا حسن مؤذن، متولّد ۱۳۱۶ش در اصفهان. در مدرسه عَلیّه تحصیل کرده و در خط شاگرد استاد حبیب اللّه فضائلی است. خطوط نستعلیق، نسخ، شکسته و ثلث را مشق کرده و به خط ثلث علاقه فراوانی دارد. کتیبه های برخی از مساجد اصفهان به خط اوست.(۵)

۱- معجم الادباء، ج۸، ص۱۴۴؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۲۷؛ معجم المؤلّفین، ج۳، ص۲۳۸؛ روضات الجنّات، ج۳، ص۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۹۹ و ۵۰۰؛ هدیه العارفین، ج۵، ص۲۶۸.

۲- فهرست کتابخانه سپهسالار، ص۱۱.

۳- فهرست کتابخانه سپهسالار، ص۱۳.

۴- قبیله عالمان دین، ص۲۴۳.

۵- مصاحبه با آقای حسن جنگعلی در بهار ۱۳۸۷.

سیّد حسن فقیه امامی*

حاج سیّد حسن فقیه امامی ابن حاج سیّد عطاءاللّه درب امامی عالم جلیل، از علمای معاصر اصفهان.

در سال ۱۳۵۳ق برابر با ۱۳۱۳ش در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود و جمعی از علمای اصفهان همچون حاج شیخ احمد فیاض، حاج شیخ محمّد حسن نجف آبادی، حاج آقا حسین خادمی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی، شیخ علی مشکوه سِدِهی، حاج میر سیّد علی بهبهانی، شیخ علی قدیری کَفرانی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ محمّد علی معلّم حبیب آبادی، سیّد مرتضی موحّد ابطحی و مجدالعلماء نجفی به تحصیل پرداخته و سپس در اصفهان به انجام وظایف شرعیه اهتمام ورزید.

وی دهها سال است که به تدریس فقه و اصول و حدیث و تفسیر در حوزه علمیه اصفهان مشغول است. ظهرها در مسجد الکریم و شب ها در مسجد بابا محمّد علی سقا (مسجد امامی) اقامه جماعت می نماید و به پاسخگویی و رفع مشکلات شرعی مردم می پردازد.

در بسیاری از امور خیریه پیشقدم بوده و به همت ایشان بسیاری از مساجد و مدارس حوزه علمیه اصفهان مانند مدرسه ذوالفقار، مدرسه خالصیه، مدرسه بابا قاسم، مدرسه نیم آورد، مدرسه عربان تعمیر شده و مدارس تازه همچون مدرسه محمودیه و مدرسه الغدیر و مدرسه جوادیّه تأسیس شده است. همچنین با بسیاری از مؤسسات خیریه و مذهبی اصفهان همکاری داشته و یا عضو هیأت امنای آنها بوده است.

سخنرانی ها و فعالیت های ایشان علیه فرقه بهائیت و عقاید مارکسیستی و التقاطی در اصفهان بسیار مشهود است.

کتابهای زیر از تألیفات ایشان است و به طبع رسیده است:

۱. «خمس» ۲. «نقش عقل در احکام الهی» ۳. «آیا فهم قرآن آسان است ۴. «صراط

مسستقیم»(۱)

حسن اصفهانی

حسن بن علویه اصفهانی [کرانی]، از محدّثین ثقه [و مورد اعتماد بوده] و ظاهراً برادر احمد بن علویه اصفهانی [کرانی] باشد.(۲)

حسن اصفهانی

حسن بن علی اصفهانی، خطاط نسخ نویس، در قرن یازدهم هجری است. در هندوستان ساکن بوده و در سال ۱۰۹۴ق در گلشن آباد هند، «تاریخ نگارستان» تألیف: قاضی احمد غفاری را به خط نسخ کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۵۷۴۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

افضل الدّین حسن مهابادی

افضل الدّین حسن بن علی بن احمد بن علی مهابادی، فقیه صالح متبحّر، از ثقات علمای امامیه در قرن ششم هجری است.

اصلاً از اهالی قریه «ماه آباد» یا «مهاباد» از توابع اردستان و نواده افضل الدّین احمد بن علی مهابادی است. در فقه، حدیث، ادبیات و سایر علوم زمان خود مهارت داشته و از پدرش «علی مهابادی» روایت می نموده است. شیخ منتجب الدّین بن بابویه از او روایت می کند.

کتب زیر از اوست:

۱. «الأعراب» ۲. «دیوان شعر» ۳. «ردّ التّنجیم» ۴. «شرح شهاب الأخبار» قاضی

۱- یادواره آیت اللّه فقیه امامی، صص ۲۹-۲۶.

۲- اعیان الشیعه، ج۹، ص۴۴.

۳- فهرست مجلس: ج۱۷، ص۱۸۸.

قضاعی ۵. «شرح لمع» ابن جنّی در نحو ۶. «شرح نهج البلاغه» و غیره(۱)

خواجه حسن نظام الملک طوسی

خواجه حسن نظام الملك طوسی بن علی بن اسحاق بن عبّاس طوسی، از معروفترین وزرای ایرانی در عهد سلاجقه.

در سال ۴۰۸ق یا ۴۱۰ق در «نوغان» طوس متولّد گردید. وی نزد بزرگان دین و علم در عهد خود از جمله ابوالقاسم قشیری، امام موفق نیشابوری، ابوسعید ابوالخیر، حسن بن علی بلخی و دیگران در بلخ، اصفهان، نیشابور و بغداد تحصیل کرد و نظر به عقل و کیاست و حسن تدبیر به مقامات بالا-یی دست یافت. ابتدا به خدمت حاکم بلخ علی بن شاذان درآمده و سپس به خدمت جغری بیک و پس از مرگ او به خدمت طغرل بیک مشغول شد. آلب ارسلان در سال ۴۵۵ق او را به وزارت خود برگزید. پس از مرگ آلب ارسلان، فرزندش ملکشاه او را در مقام وزارت ابقا کرد. دوره وزارت خواجه نظام الملك ۳۰ سال طول کشید.

او نسبت به علماء و محدّثین احترام می گذاشت و برای هر یک از آنان بنا به فراخور حال و موقعیّت علمی و اجتماعی آنان جوائز، انعامات و حقوق معین کرد. در شهرهایی چون اصفهان، بغداد، ری، مرو، نیشابور و هرات مدارسی جهت تحصیل فقهاء و محدّثین فرقه شافعی تأسیس نمود که مهمترین آنها مدرسه نظامیه بغداد می باشد. خواجه نظام الملك سرانجام در شب جمعه یازدهم ماه رمضان سال ۴۸۵ق در مسافرت به بغداد، در قریه ای نزدیک نهاوند به نام «صحنه» به دست یکی از فدائیان اسماعیلی به

۱- امل الآمل، ج۲، ص۶۹؛ الفهرست (منتجب الدّین)، ص۵۱؛ ثقات العیون، صص ۶۱ و ۶۲؛ ریاض العلماء، ج۱، صص ۲۲۱ و ۲۲۲؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۲۶۰؛ فوائد الرضویه، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۰۰؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۸۸ و ۲۸۹؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۶۱؛ الذریعه، ج۲، ص۲۳۳ و ج۹، ص۲۳۹ و ج۱۴، ص۱۲۳؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۶۹ و ۲۷۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسن، ص۶۰۶.

ضربه چاقو از پای درآمد. در ماه شوال ملکشاه نیز فوت شد. جنازه خواجه نظام الملک را به اصفهان آورده و در منزل خودش دفن کردند. بعداً ملکشاه را نیز به اصفهان و در جوار او مدفون ساختند.

از خواجه نظام الملک علاوه بر مدارس نظامیه مؤسسات و اماکن عام المنفعه زیادی بنا کرد که از جمله بیمارستانی در نیشابور، رباطی در بغداد، مسجد جامع طوس، مسجد جامع نوغان و غیره.

کتب زیر را از مؤلّفات خواجه نظام الملک ذکر کرده اند:

۱. «امالی نظام الملک فی الحدیث» مطبوع ۲. «سیاست نامه» یا «سیرالملوک»، به فارسی که چندین بار چاپ شده است. ۳. «قانون الملک» که شاید همان «سیاست نامه» باشد. ۴. «وصایای نظام الملک» یا «دستور الوزراء» [که به او نسبت داده اند که احتمالاً]در قرن نهم آن را به نام فخرالدوله وزیر یکی از از اعقاب خواجه نظام الملک تألیف کرده اند.

مزار نظام الملک در محله «دالبتی» (دارالبطیخ) در محله کران اصفهان بوده و موقوفاتی برای آن معیّن کرده بودند و آنجا به «تربت نظام» معروف بود.

نگارنده در کتاب مزارات اصفهان شرح حال مفصلی از او نوشته ام.(۱)

۱- مزارات اصفهان، صص ۲۰۱-۱۸۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۵۹۲-۵۹۰؛ مدارس نظامیه: اغلب صفحات؛ جامع التّواریخ (قسمت اسماعیلیان، فاطمیان و نزاریان)، ص۱۳۴؛ اللّباب، ج۳، ص۳۶۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۱۴؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۴۱۷؛ شرح احوال شاعران بی دیوان، صص ۵۸۳-۵۸۱؛ مطلع الشّمس، صص ۲۶۶-۲۵۷؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، ص۹۰۴؛ تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۶۶؛ الکامل فی التاریخ، ج۱۰، ص۲۰۴؛ تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام، صص ۲۳۹-۲۳۵؛ الاعلام، ج۲، ص۲۱۹؛ الذریعه، ج۱۲، ص۲۷۳؛ روضات الجنّات، ج۳، ص۸۷؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نظام»، ص۵۹۷؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۰۹؛ فرهنگ معین، ج۶، صص ۲۱۳۰ و ۲۱۳۱.

میر سیّد حسن مدرس

میر سیّد حسن مدرس بن میر سیّد علی بن میر محمّد باقر حسینی میر محمّد صادقی بن میر اسماعیل بن میر سیّد ابوصالح بن میر عبدالرزّاق بن میر محمّد اسماعیل به میر سیّد ابوصالح حسینی اعرجی سمنانی، عالم کامل و فقیه محقق مدقق، جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول.

در سال ۱۲۱۰ق در اصفهان متولّد شده و در اصفهان نزد پدر خود و دیگران کمی تحصیل نمود. بعداً در کربلا خدمت ملّا محمّد شریف العلماء و در نجف نزد صاحب جواهر و حاجی کلباسی (قبل از معاودت به ایران) و عدّه ای دیگر تلمّذ فرموده و پس از مراجعت به اصفهان نزد شیخ محمّد تقی رازی و برادرش شیخ محمّد حسین صاحب فصول و آخوند ملّا علی نوری تحصیل نمود وبا سیّد محمّد حسن مجتهد [از اجداد مؤلف کتاب] هم درس و هم مباحثه بوده و این رفاقت و دوستی تا هنگام وفات برقرار بود. مرحوم مدرس از میر زین العابدین خوانساری و صاحب جواهر اجازه داشته است. او در زمان حیات استاد خود حاجی کلباسی در اصفهان حوزه بحث و درس و افاده تشکیل داده و عدّه ای کثیر از فضلاء و مجتهدین به درس او حاضر شده و او به «مدرّس» معروف گردید.

از آثار خیریه او بنای مسجدی زیبا و آبرومند در محلّه نو اصفهان است که به خاطر وفات مرحوم مدرس نیمه کاره مانده و رحیم خان بیگلر بیگی، مسجد را به پایان رسانده و مسجد به نام او به «مسجد رحیم خان» معروف شد.

صاحب عنوان در ۳ جمادی الثّانیه سال ۱۲۷۳ق وفات یافته و در مسجد خویش در مقبره ای مخصوص مدفون گردید.

تألیفات ایشان عبارتند از:

۱. «اجوبه المسائل» ۲. «ترجمه نجاه العباد» صاحب جواهر ۳. «جوامع الکلم» یا «جوامع الاصول» [۴. «حاشیه بر شفا»] ۵. «رساله فی اصول الجاریه فی الشّک فی المکلّف به» ۶. «رساله فی اصاله البرائه» ۷. «رساله فی العداله» ۸. «رساله فی قاعده

لاضرر» ۹. «رساله فی اصاله الصّحه» ۱۰. «رساله در عبادت» به فارسی ۱۱. «رساله فی القضاء و الشّهادات» ۱۲. «شرح مختصر النّافع» ۱۳. «مناسک حج» ۱۴. «هدایه الطّالبین» که رساله عملیّه اوست.(۱)

میرزا محمّد حسن نوری

میرزا محمّد حسن بن آخوند ملّا علی نوری، از علماء و حکمای قرن سیزدهم هجری، جامع معقول و منقول، خبره در رتبه علم و عمل و از افاضل مدرسین حکمت. در اصفهان متولّد شده و نزد پدر عالیقدر خود و همچنین ملّا محمّد علی نوری و سایر فضلاء اصفهان به تحصیل پرداخته و سپس به تدریس مشغول شده و شاگردان دانشمندی چون آقا علی مدرس زنوری، ملّا حیدر صبّاغ لنجانی، میرزا ابوالحسن جلوه، ملّا عبدالجواد خراسانی، حاج ملّا اسماعیل حکیم درکوشکی و آقا محمّد رضا قمشه ای (حکیم صهبا) را تربیت نموده است.

وی سفری به عتبات عالیات رفته و در کربلاـ صاحب فرزندی شده که به امر سیّد ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط) او را عبدالحسین نامیده است و ظاهراً خود از محضر صاحب ضوابط بهره علمی برده است.

همچنین در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری [بین سالهای ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ق] به طهران رفته و مورد تکریم میرزا آقاخان قرار گرفته است.

میرزا محمّد حسن نوری حواشی علمی ارزنده ای بر برخی از کتب معقول نگاشته

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۰۹-۵۰۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۵۵-۱۵۳؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۳-۳۰۱؛ مکارم الآثار، ج۲، صص۳۷۶؛ مزارات اصفهان، صص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ زندگانی آیت اللَّه چهارسوقی، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۳۶-۳۳۴؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۶۷؛ احسن الودیعه، ج۱، صص ۱۴۶ و ۱۴۷؛ معجم المؤلفین، ج۳، ص ۲۶۰؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۲۹۹؛ الذریعه، ج۴، ص۱۴۲ و ج۵، ص۲۴۷؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، ص۳۲۶؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۹۳۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسن، ص۶۰۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۵۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص ۳۳۰.

است. سال وفات او معلوم نیست.(۱)

ملّا حسن دیلمانی گیلانی

آخوند ملّا حسن بن ملّا علی بن ملّا حسن فقیه دیلمانی تنکابنی، عالم فاضل حکیم عارف و ادیب شاعر، از بزرگان اهل فضل و دانش بوده و در محلّه لنبان اصفهان ساکن بوده و بدین مناسبت به ملّا حسن لُنبانی نیز شهرت داشته است. وی تصوف را با حکمت جمع ساخته و در مسجد جامع عباسی تدریس حکمت خصوصاً شفا و اشارات می نموده است.

[ملّا عبداللّه افندی صاحب ریاض با او نظر خوشی نداشته و می نویسد] از علوم دینی و نقلی نصیبی نداشته است.[امّا ملّا عبدالنبی قزوینی در تتمیم امل الآمل از او به عنوان «انه کان من الفضلاء و المشهورین و العلماء المعروفین علی مشرب الصّوفیه» یاد می کند.]

در اواخر عمر قوای عقلانیش اختلالی یافته و در همان اوان به تاریخ ۱۶ صفر ۱۰۹۴ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد. قبر او اکنون در بقعه صاحب روضات واقع شده است. گاهی رباعی می سروده است.

این رباعی از اوست:

از کثرت داغ توام افلاکم

وز زور لگدکوب حوادث خاکم

باران نشاط گر ببارد سنگم

ور آتش غم شعله کشد خاشاکم(۲)

۱- المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۷۰؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۶۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۴۲ و ۳۴۳؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۸ و ۴۰۲؛ شواهد الرّبوبیّه: مقدمه، ص صد و بیست و شش؛ منتخبی از تاریخ فلاسفه اسلام، ص۳۵۴؛ منتخب معجم الحکماء، ص۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۰۰ و ج۲، ص۸۲۹؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۶۰.

۲- تذکره نصرآبادی،ج۱، ص۲۲۸؛ ریاض العلماء، ج۱، ص۱۸۴؛ تتمیم امل الامل، ص۱۰۵؛ الروضه النضره، ص۱۵۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۷ و ۴۷۹ و ۵۴۳؛ اعیان الشیعه، ج۲۱، ص۲۵۴، الذریعه، ج۹، ص۲۴۲؛ تاریخ علماء و شعرای گیلان، ص۱۱۲؛ نامها و نامدارهای گیلان، ص۱۳۸؛ مشاهیر گیلان، ج۲، ص۱۳۲.

شیخ حسن کربلائی

شیخ حسن اصفهانی حائری، معروف به «شیخ حسن کربلائی) فرزند علی بن محمّد رضا بن محسن تستری، عالم فاضل و فقیه ماهر، در کربلا متولّد شد. در نوجوانی در مدرسه حسن خان کربلا ساکن شد و مقدّمات را در آنجا فرا گرفت. سپس به سامرا رفته و از درس میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) بهره گرفت و در شمار شاگردان مُبَرَّز او درآمد. همچنین از درس سیّد اسماعیل صدر، شیخ فضل اللّه نوری، سیّد محمّد فشارکی و ملّا فتح اللّه سلطان آبادی (جلسات درس صبح های جمعه) استفاده نمود. او حدود ۱۲ سال با میرزا محمّد حسین نائینی معاشر و هم مباحثه بود. وی از علمای آگاه و متعهّد عهد خویش بود و در شرح ماجرای مبارزه با قرارداد رژی و جنبش تحریم تنباکو کتابی محققانه نوشت و آن را به رؤیت استادش میرزای شیرازی رساند. پس از وفات میرزای شیرازی او در سال ۱۳۱۴ق به کربلا بازگشت و مصاحبت سیّد اسماعیل صدر را اختیار کرد. مدّتی بعد به نجف اشرف رفت و در آنجا بیمار شد و به کاظمین رفت و در پنج شنبه ۱۷ ربیع الاولی ۱۳۲۲ق وفات یافته و همانجا مدفون شد.

سیّد عبدالحسین شرف الدّین و آقا محمّد کاظم شیرازی از شاگردان درس او بوده اند. شیخ حسن کربلائی «تقریرات فقه و اصول» استادش میرزای شیرازی را به رشته تحریر درآورده و کتاب «تاریخ دخانیه» را در سال ۱۳۱۴ق تألیف نموده که در سال ۱۳۸۲ش به همت محقّق ارجمند شیخ رسول جعفریان به چاپ رسیده است.(۱)

۱- تاریخ دُخانیه: مقدمه، صص ۱۵-۹؛ الذریعه، ج۸، ص ۵۰ و ج۳، ص۲۵۲؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۴۲۰ و ۴۲۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۵۱ و ۲۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۰۶ و ۵۰۷.

حسن سنبلانی

ابوعلی حسن بن علی بن سعید سُنبلانی جُعفی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری بوده و از ابی مسعود نقل حدیث کرده است. سهل بن عبداللّٰه بن طاهر و ابو احمد عسال (محمّد بن احمد بن ابراهیم) از او روایت کرده اند.

حافظ ابونعیم وی را در عداد ابدال آن روزگار برشمرده است.(۱)

سیّد محمّد حسن میر جهانی

میر سیّد محمّد حسن میرجهانی جرقویه ای ابن علی بن قاسم طباطبائی، از افاضل علمای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۹ق (مطابق ۱۲۸۰ش) در روستای محمدآباد جرقویه، از توابع اصفهان متولّد شد. از ۷سالگی تحصیل مقدّمات را در محمّدآباد آغاز کرد و پس از مدّتی به اصفهان آمده و در مدرسه صدر ساکن شد.

در اصفهان در درس اساتیدی چون شیخ علی مدرّس یزدی، شیخ محمّد علی معلّم حبیب آبادی، سیّد احمد مدرس، شیخ محمّد علی فتحی دزفولی و سیّد محمّد رضا خوانساری شرکت کرده و سپس از محضر آیات عظام: سیّد ابوالقاسم دهکردی، آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی و آقا شیخ محمّد رضا نجفی بهره برد.

او در سال ۱۳۴۶ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و مدّتی از محضر آیات عظام: سیّد ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی و شیخ عبداللّٰه مامقانی بهره برد و از خواص اصحاب آیت اللّٰه اصفهانی گردید.

وی پس از اتمام تحصیلات خود به اصفهان بازگشته و به نشر معارف اسلامی و فضایل اهل بیت پرداخت. مدت ۳ سال نیز در قصبه دهاقان اقامت نمود و مرجع شرعی آن حدود بود. در سال ۱۳۷۱ق به مشهد مقدّس مهاجرت کرد و در دو حجره حرم مطهر که در اختیارش بود، به تألیف، تحقیق و تدریس مشغول شد. پس از ۷سال به علّت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۹.

نامساعد بودن آب و هوای آنجا با مزاج ایشان، به تهران عزیمت نمود و به وعظ و خطابه و اقامه جماعت و تحقیق و تألیف مشغول شد.

میرجهانی در فقه و اصول، کلام، تفسیر، حدیث، علوم غریبه (خصوصاً جفر و اعداد و اسطرلاب) و ریاضیات تبحّر فراوان داشت. خط خوشی داشت و برخی از کتاب هایش را به خط زیبای خود کتابت نمود. علاوه بر آن دراخلاق حسنه و مکالات فاضله زبده اهل فضل و کمال بود. شعر را نیکو می سرود و «حیران» تخلّص می نمود.

او در اواخر عمر به اصفهان بازگشته و در ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۱۳ق (مطابق چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۷۱ش در منزل مسکونی خود در اصفهان وفات یافته و حسب الوصیّه خود او در بقعه علّامه مجلسی جنب مسجد جامع عتیق اصفهان مدفون گردید.

ایشان را تألیفات عدیده ای است که از آن جمله است:

۱. «مصباح البلاغه» (مستدرک نهج البلاغه) در ۲ جلد ۲. «کنوز الحکم و فنون الکلم» (خطبه ها و سخنان امام حسن مجتبی علیه السلام ۳. «روایح النسمات» (شرح دعای سمات) ۴. «نوائب الدّهور» در علائم الظّهور، در ۲ جلد ۵. «اللّوامع النّور فی علایم الظّهور»، به عربی ۶. «دیوان اشعار» ۷. «گنجینه سرور» ۸. «گنج رایگان» (در علوم غریبه) ۹. «سعادت ابدی» ۱۰. «الدُّرر المکنونه» (در تاریخ ائمه اطهار) به عربی ۱۱. «احکام رضاع» ۱۲. «رساله در نجوم و فلکیّات» ۱۳. «شهاب ثاقب» ۱۴. «الجنّه العاصمه» (زندگانی حضرت فاطمه سلام اللّه علیها) ۱۵. «مقامات الاکبریّه» (زندگانی حضرت علی اکبر) ۱۶. «مقلاد الجنان» (در ادعیه و زیارات) ۱۷. «ذخیره المعاد» (در ادعیه و ساعات عبادات ۱۸. «انساب سادات» ۱۹. «تفسیرام الکتاب» ۲۰. «البکاء علی الحسین علیه السلام» ۲۱. «السَّبیکه البیضاء فی نسب بعض آل الطبّاء» ۲۳. «ولایت کُلیّه

این ابیات از اوست:

خسروا گوشه چشمی به من بی سر و پا کن

سوی دلسوختگان یک نظر از بهر خداکن

نفس نگذاردم ای شه که به اخلاص بکوشم

منّتی جان مرا از ستم نفس رها کن(۱)

حسن طبری

عمادالدّین حسن بن علی بن محمّد طبری آملی استرآبادی از محدّثین و دانشمندان شیعه در قرن هفتم هجری است.

[وی با محقّق حلّی و خواجه نصیر الدّین طوسی معاصر بوده و تا سال ۶۹۸ در قید حیات بوده است.] وی را تألیفاتی است که از آنجمله است:

[۱. اربعین بهائی، به فارسی که به نام بهاءالدّین صاحب دیوان جوینی، حاکم اصفهان نوشته شده و نسخه ای از آن به شماره ۱۹۰۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. ۲. اسرار الامامه ۳. معجزات النّبی و الائمه ۴. الکامل فی السقیفه (که اول جزء کتاب مناقب بوده و سپس مؤلف آن را جدا کرده و کتابی مستقل از آن ساخته است. ۵. مناقب الطاهرین، به فارسی که در سال ۶۷۱ق به نام خواجه بهاءالدّین جوینی در اصفهان تألیف شده است و نسخه ای از آن به شماره ۳۹۹۴ در کتابخانه مجلس شورای ملی در تهران موجود است.[۶. نهج الفرقان الی هدایه الایمان، در فقه ۷. العمده فی اصول الدّین و فروعه ۸. تحفه الابرار ۹.العقود السّبعه(۲)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۰؛ الذریعه، ج۱۱، ص۲۵۵ و ج۱۰، ص۲۲؛ لاله های رنگارنگ، ص۳۶؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۲۳؛ مجله «آئینه پژوهش» سال دوم شماره ۱۶: آذر و دی ۱۳۷۱، ص۱۱۷؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ گلزار مشاهیر، ص۸۹.

۲- فهرست مجلس: بخش چهارم از ج۱۰، ص۲۰۹۴؛ فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص۳۶؛ روضات الجنات، ج۲، ص۲۶۱؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۱۹۹؛ ریاض العلماء، ج۱، صص ۲۶۸-۲۷۴؛ فوائد الرضویه، ص۱۱۱؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۴۴۳؛ معجم المؤلفین، ج۳، ص۲۶۱؛ الذریعه، ج۳، ص۴۰۵، و ج۱۵، ص۳۳۳ و ج۱۷، ص۲۵۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۱۵.

عزالدّین حسن اصفهانی

ابوعلی (یا ابو محمّـد) عز الـدّین حسن بن اشـرف الدّین علی بن عز الدّین محمّد بن عماد کاتب بن محمّد بن محمّد بن حامد بن محمّد بن عبداللَّه بن علی بن محمود بن هبهاللَّه بن اُلُه اصفهانی، از محدّثان و دانشمندان قرن ششم و هفتم هجری است. جد اعلای خاندان عماد کاتب «اُلُه» نام داشته که به معنای عُقاب است.

صاحب عنوان در ذیحجه ۶۵۳ یا ۶۵۵ق متولّد شده است. مشایخ او قریب پنجاه نفر هستند. از جمعی از علماء نیز اجازه داشته و عـدّه ای نیز موفق به دریافت اجازه از او شـده اند. وی یک سال در مکه معظّمه مجاور بود. و سـرانجام در ۹شوال ۷۲۷ق وفات یافته است.(۱)

حسن اصفهانی

حسن بن علی بن محمود بن احمد اصـفهانی [از فضـلاء اصفهان در قرن هشتم هجری]در رمضان ۷۰۱ق کتاب «ترجمه اصول اقلیـدس» قطب الـدّین محمود شـیرازی را به خـط نسـخ نوشـته و مقـابله کرده است. نسـخه میکروفیلم آن در کتابخـانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

حاج میرزا حسن خان جابری انصاری

حاج میرزا حسن خان جابری انصاری ابن میرزا علی خان مستوفی ، فاضل ارجمند، ادیب اریب، مورّخ توانا و شاعر ماهر در ۱۸ رجب ۱۲۸۷ق در شیراز متولّد شد.

در ۴ سالگی با پـدر به اصـفهان آمد. در کودکی نزد پدر شـروع به تحصـیل کرد. در ۱۷ سـالگی پـدر را از دست داد. پس از مرگ پدرش وارد دسـتگاه ظلّ السـلطان شده و زیر نظر میرزا حبیب اللَّه خان مشـیرالملک انصاری به منشی گری پرداخت. در کنار آن نزد ملّا حسن دُرّی، ملّا عبدالجواد آدینه ای، میرزا حسین همدانی، آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقائی،

۱- الدّرُرَ الکامنه، ج۲، ص ۱۱۰.

۲- فهرست میکرو فیلم های دانشگاه، ص۴۸.

میرزا محمّـد حسن نجفی و آقا سیّد محمّـدباقر درچه ای به تحصیل پرداخته و به تألیف کتاب و تحقیق مشغول شد. [در سال ۱۳۲۱ق به سفر حج رفت. در ماجراهای مشروطیّت، به آزادی خواهان پیوست و در اواخر سال ۱۳۲۴ق و اوایل ۱۳۲۵ق منشی انجمن ولایتی اصفهان بوده و در ۱۶ شوال ۱۳۲۵ق روزنامه «گنجینه الانصار» را منتشر کرد. پس از به سلطنت رسیدن محمّـدعلی شاه و اقدامات او علیه مشروطه خواهان، دستور دستگیری او نیز صادر شد امّا او به عتبات عالیات رفت و از درس حاج سیّد اسماعیل صدر بهره برد و به اشاره او عمامه بر سر نهاد. پس از بازگشت به اصفهان ریاست عدلیه اصفهان را پذیرفت امّا به علّت دخالت کنسولگری روسیه در کارهای او از آن منصب استعفا داد. در سال ۱۲۹۹ش اولین شماره روزنامه «اسرار الانصار» را منتشر کرد.] پس از آن به مطالعه و تحقیق و رسیدگی به املاک و مستغلات خود مشغول شد تا این که در شب پنج شنبه ۱۵ جمادی الآخر ۱۳۷۶ق (مطابق ۲۷ دی ۱۳۳۵ش) وفات یافته و بنا بر وصیّت خود او، جسدش را در بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون ساختند.

او طبع شعر داشته و ابتدا «محنت» تخلّص می کرد سپس آن را به «جابری» تغییر داد.

این کتابها از آثار اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «آفتاب درخشنده» ۲. «آگهی شهان از کار جهان» ۳. «بدایع و نوادر» ۴. «تاریخ اصفهان و روی و همه جهان» ۵. «تاریخ نصف جهان و همه جهان» ۶. «تفسیر حسن» ۷. «جوهر الجواهر» ۸. «شرح حال شیخ بزرگوار سعدی» ۹. «گزارش زندگانی پیر علیل شیخ جابری» ۱۰. «گوهر شب چراغ» ۱۱. «للآلی السّمط فی معالی النّبی و السّبط» ۱۲. «معجزات کلام اللَّه» ۱۳. «نورالثّقلین» ۱۴. «نوشدارو یا تهذیب الاخلاق»

و این تألیفات از اوست که هنوز به طبع نرسیده است:

۱. «بعضی اشعار عرب و عجم» ۲. «بیست هزار نظم پارسی و عربی» ۳. «بعضی نوادر و بدایع گفتار مردم» ۴. «ترجمه شرح فقه ابو حنیفه» ۵. ترجمه دو جلد از «وفیات الاعیان» ۶. «تسهیل وصّاف» ۷. «رساله در حقیقت معاد» ۸. «منشات و منشدات نظم و

نثر» و غیره.(۱)

حسن اصفهانی

حسن بن علی بن مهران اصفهانی، از محدّثین اصفهان است وی از عامر بن فُرات حدیث شنیده و ابوبکر بن ابوداود سجستانی از او استماع حدیث نموده است.(۲)

محمّد حسن گیلانی اصفهانی

محمّد حسن بن علی بن نعمت اللّه بن حسین بن نعمت اللّه گیلانی [از فضلاء و ادبای قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۴۴ق. در دهه سوم رمضان کتاب «بیان المحمود» تألیف محمود میرزا قاجار را نوشته است. میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

سیّد حسن امامی سدهی

سیّد حسن امامی سدهی بن حاج میر سیّد علی بن سیّد مهدی بن سیّد اسماعیل دیباجی فروشانی، عالم فاضل و ادیب کامل.

در سال ۱۳۲۰ق در فروشان سده متولّد گردیده و در مولد خود و اصفهان و مشهد و نجف اشرف در نزد بزرگان و مجتهدین تلمّذ نموده و به مقام شامخ اجتهاد رسید. [سطوح اولیه را در قم آموخت سپس به مشهد مقدّس رفته و نزد سیّد عباس شاهرودی و آقا سیّد حسن سطوح عالی را فراگرفت. سپس به اصفهان بازگشت و در درس

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، تصحیح دکتر جمشید مظاهری: مقدمه؛ نصف جهان و همه جهان، صص ۱۶۳-۱۶۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور: مقدمه؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۳۷-۱۳۵؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۱، صص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص ۶۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱۱ و ۵۱۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۲۶۱.

۳- فهرست میکرو فیلم های دانشگاه، ص۷۹۸.

میرمحمدصادق مدرس خاتون آبادی، آخوند گزی و آقا شیخ محمدرضا نجفی شرکت کرده و کسب فیض نمود. پس از آن به نجف اشرف عزیمت نموده و چندین سال از دروس آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی، آقا ضیائ الدّین عراقی و میرزا محمّد حسین غروی اصفهانی (کمپانی) بهره برد. پس از مدّتی به علّت بیماری به اصفهان آمده و بیست سال در آنجا بود. سپس به نجف اشرف بازگشته و از دروس آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی، میرزا عبدالهادی شیرازی و حاج شیخ محمّد کاظم شیرازی مستفیض شد] در سال ۱۳۶۷ق به قم رفت و سال بعد به امر مرحوم بروجردی به همراه حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی و حاج آقا عطاءاللّه اشرفی اصفهانی (شهید محراب) برای اداره حوزه علمیه کرمانشاه به کرمانشاه رفت و پس از مدّتی به قم بازگشت.

وی سالهای آخر عمر خود را در سِدِه ماربین (خمینی شهر فعلی) سپری نمود. نماز جماعت را در مسجد جامع اقامه می نمود و در مدرسه علمیه (که سابقاً حسینیه حاج حسن نام داشت) در محلّه فروشان به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود. وی در میان مردم به «حاج آقا امام» معروف بود. شعر نیز می سرود. وی یک دوره کامل فقه تألیف نمود که به چاپ نرسیده است.

سرانجام در سال ۱۳۹۸ق وفات یافته و در مسجد جامع جنب مزار برادرش حاج آقا نوراللّه امامی مدفون شد.(۱)

حسن اصفهانی

ابوعلی حسن بن علی بن یعقوب اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابو زکریا یحیی بن زکریا بن حیویه نیشابوری روایت نموده و زبیر بن عبدالواحد اسدآبادی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۵۸ و ۵۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۶۸؛ گنجینه دانشمندان، ج۷، صص ۳۴۷ و ۳۴۸؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲- تبیین کذب المفتری، ص۴۲۴.

سیّد محمّدحسن بهشتی

سیّد محمّد حسن بن میر سیّد علی بهشتی، عالم فاضل جلیل. [از علمای قرن سیزدهم هجری]

در اصفهان متولّد شده و نزد حاج شیخ محمّدباقر نجفی و دیگران به تحصیل پرداخت. سپس به ارشاد مردم و اقامه جماعت در مسجد سرجوی شاه و مسجد صحرا در محلّه لنبان مشغول شد. او عالمی زاهد و اهل عبادت و تقوا بوده و در سن ۶۳ سالگی در اوایل ربیع الثّانی ۱۳۱۲ق وفات یافته و در تکیه سادات بهشتی واقع در شمال مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّد حسن حسنی نائینی

سیّد حسن بن سیّد علی حسنی نائینی، از علمای جلیل القدر عهد صفویه است. پدر و مادرش از سادات حسنی بوده اند. او در مدرسه کافوریه اصفهان به تحصیل مشغول بوده است.

او نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را در ۱۵ ربیع الاوّل ۱۰۷۳ق کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه شخصی میرزا علی اکبر عراقی در نجف موجود است.(۲)

سیّد حسن ضوئی

سیّد حسن ضوئی ابن آقا سیّد علی حسینی، ادیب شاعر، در رجب سال ۱۳۴۲ق در اصفهان متولّد گردیده و در جوانی به شغل بازرگانی مشغول شد. طبع شعر داشت ولی کم شعری می سرود.

از اوست:

۱- تحفه الاحباب، صص ۳۲ و ۳۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۲- الروضه النضره، ص۱۵۶.

گر خوری جامی ز می از خویشتن غافل شوی

تا ابد از شور او مدهوش افتی و خمار

نیست مقصودم زِ مِی جز ساغر حُبّ علی

زانِ میَم ده تا که خرم گردد این قلب فکار

چون صفی اللّه جامی از دلای او چشید

توبه اش آمد قبول حضرت پروردگار(۱)

سیّد حسن طباطبائی

سیّد حسن بن علی طباطبائی اصفهانی، فاضل خطاط در قرن سیزدهم هجری. از آثار او کتابت نسخه ای است. از: «جامع عباسی» که آن را در روز سه شنبه سوم ماه صفر سال ۱۲۳۷ق به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۲۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدّس موجود است.(۲)

میرزا حسن قدسی کاشانی

آقا میرزا حسن قدسی کاشانی بن ملّا علی، عالم فاضل و عابد زاهد معروف به «میرزا حسن کاشی» از علمای قرن چهاردهم هجری. در کاشان متولّد شده و نزد حاج ملّا حبیب اللّه شریف کاشانی به تحصیل پرداخته و سپس به اصفهان مهاجرت کرده و نزد جمعی از بزرگان [خصوصاً آخوند ملّا محمّد کاشانی، سیّد محمّد باقر درچه ای و سیّد ابوالقاسم دهکردی]کسب فیض نموده است.(۳) [سالها امام مسجد سر نیم آورد بوده است. عالمی مقدّس و محتاط در امور بوده و در اخلاق فاضله و ملکات پسندیده از

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۶۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۳۵۱ و ۳۵۲.

نوادر عصر شمرده می شد.[(۱)]

سرانجام در یکشنبه ۲ رمضان المبارک ۱۳۷۷ق به سن متجاوز از ۹۰ سال وفات یافته و در ایوان بقعه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[مرحوم سیّد کمال کاشانی متخلّص به «حقیر» درباره وفات او مرثیه ای سروده که مادّه تاریخ آن این بیت است:

بهر تاریخ وفاتش این چنین گفتا «حقیر»

«روح قدسی شد ندیم قدسیان اندر جنان»[(۳)]

شیخ محمّدحسن قدیری*

شیخ محمّدحسن قدیری فرزند شیخ علی قدیری کفرانی اصفهانی، از علما و فقهای عالیقدر معاصر، در سال ۱۳۱۷ش متولّد شد. تحصیلات جدید را تا دیپلم انجام داد و علیرغم کسب رتبه ممتاز در آزمون اعزام دانشجو به خارج از کشور، به تحصیل در حوزه علمیه پرداخت. او سالها در نجف اشرف به تحصیل سطوح عالیه و خارج فقه و اصول مشغول بود و از درس اساتیدی چون شهید سیّد اسداللّه مدنی و آیات عظام امام خمینی، سیّد ابوالقاسم خوئی و سیّد محمود شاهرودی بهره برد و به مقامات بلند علمی دست یافت. او ۲۰ سال در نجف اشرف به تحصیل و تدریس مشغول بود. سپس به ایران آمد و در قم به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و در روز جمعه ۱۷ شوال ۱۴۲۹ برابر با ۲۶ مهر ۱۳۸۷ وفات یافت و در مسجد طباطبایی حرم حضرت معصومه(س) بخاک سپرده شد.

کتب زیر از تألیفات اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «کتاب الاجاره» ۲. «کتاب التّیمّم» ۳. «مباحث فی علم الاصول» (۲جلد) ۴. «کتاب البیع» (تقریرات درس امام خمینی» ۵. «رساله فی الوضع و الاستعمال»(۴)

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۹.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹.

۳- لاله های جاوید، ص۲۰۱.

۴- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

حسن لنجانی

حسن بن علی لنجانی، از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. وی در یازدهم محرّم ۱۲۵۲ق رسائل رجالی سیّد حجّهالاسلام (۱۹ رساله) را به خط نسخ نوشته [است.] نسخه به شماره ۱۶۱۶ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا حسن نائینی*

میرزا حسن بن علی اکبر نائینی، عالم فاضل و واعظ کامل. از علمای قرن چهاردهم هجری. در نائین متولّد شده و در مولد خود و اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس در نائین به اقامه جماعت پرداخت. مدّتی بعد به اصفهان آمده در کوی کاشیان محلّه طوقچی ساکن شد و به وعظ و خطابه پرداخت. وی در حدود ۶۰ سالگی، در حدود سال ۱۳۵۰ق وفات یافته در قبرستان سر قبر آقا مدفون شد. برادرش «جوهر الشعراء» از شعرای مقیم یزد بوده است.(۲)

حسن بن محمّد علی بیگ*

حسن بن محمّد علی بیگ از فضلاء قرن یازدهم هجری است در مدرسه باقریه اصفهان به تحصیل مشغول بوده و در ۲۸ ربیع الاوّل ۱۰۸۷ق یادداشت تملک خود را بر روی نسخه ای از کتاب «تحریرالقواعدالمنطقیه» تألیف قطب الدّین رازی نوشته است.(۳)

ملّا محمّد حسن استرآبادی

ملّا محمّد حسن بن ملّا محمّد علی بن احمد بن کمال الدّین حسین استرآبادی، عالم فاضل، [از دانشوران اواخر دوره صفویه] در اصفهان ساکن بوده و ظاهراً از شاگردان

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۲۲.

۲- به نقل از آقای محمّد علی بُرِشان فرزند میرزا حسن نائینی در تاریخ ۲۹ تیر، ۱۳۷۷ش.

۳- فهرست خاندان میبدی، ص۴۴.

پدر دانشمند خود بوده است. وی کتاب «الاجازات» را تدوین نموده و علّامه مجلسی برخی از اجازات «بحار الانوار» را از این کتاب نقل کرده است. کتاب «الاجازات» در سال ۱۰۹۶ق نوشته شده است.(۱)

میرزا محمّد حسن نجفی

آقا میرزا محمّد حسن نجفی بن میرزا محمّد علی بن میرزا محمّد باقر هزار جریبی مازندرانی نجفی، از علمای بزرگ اصفهان در عصر قاجاریّه، عالم فاضل متقّی و مجتهد محقّق مدقّق.

در حدود سال ۱۲۳۷ق متولّد شده و پدرش از فحول علمای عصر و مادرش دختر مفسّر عالیقدر میرزا محمّدباقر نواب لاهیجی است. در اصفهان نزد میر سیّد حسن مدرس و در عتبات عالیات نزد آقا سیّد ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط)، شیخ مرتضی انصاری، میرزا حسن شیرازی [و صاحب جواهر کسب فیض نموده و به اجتهاد نائل آمده و از اساتید خود به خصوص صاحب جواهر اجازه دریافت نموده] و به اصفهان آمد و به تدریس و رفع مرافعات و خصومات و تحقیق و تألیف مشغول شد.

مرحوم میرزای شیرازی اعتماد تامّی به او داشته و اهل اصفهان هر وقت از ایشان سؤال می کردند که به چه کسی رجوع کنند؟ می فرمودند به میرزا محمّد حسن نجفی و جمعی از خواص از ایشان تقلید می کردند. و ایشان امام جماعت مسجد ذوالفقار بودند و عمر گرامی را صرف تحصیل و تدریس و تألیف و تصنیف و جواب استفتائات می فرمودند.

[اگرچه تعداد شاگردان او زیاد نیست اما اغلب آنان مجتهد و صاحب فتوا شدند. از جمله شاگردان او آخوند ملّا عبدالکریم گزی، جهانگیرخان قشقائی، میرزا حسن خان جابری انصاری، سیّدمحمّد باقردرچه ای و سیّد ابوالقاسم دهکردی قابل ذکر می باشند.

۱- الذریعه، ج۱، ص۱۲۵؛ الکواکب المنتشره، ص۱۵۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۷۳.

در قضاوت اهل مداهنه نبود و بر حق استوار بود. ظلّ السّلطان حاکم اصفهان ۳۰سال خواست او را رام نماید و نتوانست. در زهد و عبادت و قناعت حاجی کلباسی و در فطانت و هوش حاجی آباده ای عصر خویش بود.]

بالاخره در پنج شنبه ۱۱ربیع الاوّل سال ۱۳۱۷ق بر اثر سکته در اصفهان وفات یافته و در تکیه لسان الارض در تخت فولاد مدفون گردیده [و پس از ۲۷سال در حضور آخوند گزی وقتی قبرش را شکافتند تا جسدش را به عتبات عالیات نقل نمایند، دیدند از بدن شریف او ذرّه ای از بین نرفته و حتی محاسن او سالم و تازه بود] و آن پیکر مطهر را به نجف اشرف حمل نموده و در آن ارض اقدس مدفون ساختند.

کتب زیر از ایشان است:

۱. «اجزائی در اصول» ۲. «اجزائی در فقه» ۳. «حاشیه بر فصول» ۴. «حاشیه بر قوانین» ۵. «رساله در زیارت عاشورا» ۶. «کتابی در طهارت» ۷. «کتابی در تقوا» ناتمام و غیره(۱)

سیّد محمّد حسن سدهی

سیّد محمّد حسن سدهی اصفهانی بن سیّد محمّد علی بن سیّد حسنعلی بن سیّد محمّد بن سیّد محمّد رضا موسوی، عالم فاضل و فقیه محقّق، از علمای اواخر دوره قاجاریه، در ۲۶ جمادی الاولی ۱۲۷۷ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده و در اصفهان نزد حاج میرزا بدیع درب امامی، جهانگیرخان قشقائی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آقا میرزا حسن عراقی به تحصیل پرداخت.

وی در ماه صفر ۱۳۲۹ق وفات یافته و عظامش را به نجف اشرف نقل کرده و مدفون

۱- رجال اصفهان یا تکذره القبور، صص ۴۶-۴۴؛ دانشمندان وبزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۰۴ و ۵۰۵؛ تاریخ اصفهان(جابری)، ص۳۲۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص۵۷۲ و ۵۷۳؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۴۲۰ و ۴۲۱؛ تاریخ نصف جهان، صص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۶؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۱۰۱۱.

ساختند. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «اجتماع امر و نهی» ۲. «استصحاب» ۳. «اشتراط استصحاب ببقاء موضوع» ۴. «تمییز مشترکات و حال ابوبصیر» ۵. «حجیّت بیّنه و فروع آن» ۶. «رساله رهن» ۷. «رساله صلح» ۸. «رساله صلح حقّ الرّجوع» ۹. «رساله ظن» ۱۰. «رساله در فرق بین حیثیت تعلیلیه و تقییدیه» ۱۱. «رساله در قضا» ۱۲. «مجموعه ای در وعظ و حدیث»(۱)

میرزا حسن عمادالشّریعه نائینی

میرزا حسن عمادالشّریعه نائینی بن حاج میرزا محمّد علی بن میرزا حسین نائینی، عالم فاضل. از علمای قرن چهاردهم هجری.

در اصفهان و نائین تحصیل کرد. در اواخر عمر از نائین به پُرزان از توابع شهرضای اصفهان منتقل شده و در آنجا به نشر احکام و اقامه جماعت اشتغال جسته، در سال ۱۳۴۸ق در آنجا وفات یافت.(۲)

محمّدحسن مدرس فتحی*

محمّد حسن مدرس فتحی فرزند شیخ محمّدعلی مدرس فتحی دزفولی بن خواجه نصراللّٰه، فاضل ارجمند و شاعر ادیب معاصر.

در سال ۱۲۹۸ش متولّد شد. ادبیات عرب و کتاب «شرایع» را نزد پدر خواند. سپس به تجارت روی آورد. وی پس از وفات پدر به گردآوری و چاپ تألیفات پدر دانشمند خود پرداخت. وی اکنون در طهران ساکن است.

این کتابها و آثار از اوست:

۱. «النور الجلی فی خلافه بلافصل علی علیه السلام» به شعر فارسی که در سال ۱۳۴۶ش در تهران طبع شده است. ۲. «ترجمه و شرح دعای صباح» مطبوع ۳. «غدیرخم یا

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۱۳۳ و ۲۱۳۴.

۲- تاریخ نائین، ج۴، ص۵.

سرنوشت بشر» منظوم و مطبوع ۴. تصحیح و تعلیق کتاب «خصایص امیرالمؤمنین علیه السلام» تألیف: احمد بن شعیب نسائی، مطبوع ۵. ترجمه «خصائص» نسائی، به فارسی ۶. «اعلام خصائص نسائی» ۷. «تابنده تا همیشه» (شرح «النّور الجلی فی خلافه بلافصل علی علیه السلام») ۸. «خدا کیست؟ خدا چیست؟» مطبوع (۱)

میرزا حسن خاکیای اصفهانی

میرزا حسن خاکیا بن محمّد علی. شاعر و ادیب معاصر. [در سال ۱۲۷۷ش در محلّه میدان کهنه اصفهان متولّد شده و در کودکی به مکتب خانه رفت در آغاز نوجوانی پدرش را از دست داد و در بازار اصفهان به کار مشغول شد. ابتدا در کاروانسرای دالان دوز در بازار و سپس در بازار بزرگ چنار سوخته به کار پرداخت. او از نوجوانی طبع شعر داشت و شعر می سرود] ابتدا در انجمن ادبی میرزاعباس خان شیدا شرکت کرد. پس از تعطیلی انجمن شیدا، در منزل خود انجمن ادبی تشکیل داد[که کم کم در بین ادباء و شعراء شهرت یافت و علاوه بر سخنوران اصفهان، از تهران نیز گاهی شاعران به این انجمن می آمدند. انجمن در سال های ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۰ش به فعالیت ادامه داد و پس از تأسیس انجمن ادبی کمال در مدرسه چهارباغ، تعطیل شد. خاکیا در این انجمن و سپس در انجمن ادبی صائب شرکت می کرد. اشعار او در بسیاری روزنامه ها و نشریات چون توفیق، صدای اصفهان و اصفهان به چاپ می رسید. خاکیا مردی عارف مسلک و درویش منش بود سفری به تهران رفته و به خدمت ذوالرّیاستین رسیده و مرید او شد. سپس به اصفهان آمد و مرید میرزا عبّاس پاقلعه ای شد.

سرانجام در ۲۰خرداد ۱۳۵۵ش چشم از جهان فروبسته و به دیار باقی شتافت و پیکر او را در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد به خاک سپردند.

شکیب اصفهانی از اساتید شعر و ادب اصفهان و از دوستان قدیمی او مادّه تاریخ

۱- شرح مجموعه گل، صص ۱۹۱ و ۱۹۲.

فوتش را چنین سروده است:

خواست مؤمنی «شکیب» از من

سال تاریخ فوت او غافل

عارفی دوش سر زد و گفت

«خاکیا» بود شاعری قابل

۱۳۵۵

دیوان او نزد فرزند ایشان عباس خاکیا موجود است.

از اوست:

آن دل که تجلّی گه دلدار نباشد

در آن خبر از عالم اسرار نباشد

اعمی بود آن کس که رخ خوب تو ببیند

از جان و دل و دیده خریدار نباشد

ناصح چه دهی تو به که ما باده کشان را

راهی به جز از خانه خمّار نباشد(۱)]

شیخ محمّد حسن زاهدی*

حاج شیخ محمّد حسن زاهدی گیلانی اصفهانی فرزند شیخ محمّد علی عالم فاضل، از علمای اواخر دوره قاجاریه است.

در سال ۱۲۲۹ه.ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخته است. وی در ۵ شعبان ۱۲۹۹ه.ق «صحیفه سجادیه» را برای میرزا زین العابدین امام جمعه تهران کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی موجود است.

ظاهراً صاحب عنوان در اوایل قرن چهاردهم هجری وفات یافته است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۱۷۳-۱۷۱؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای عباس خاکیا در سه شنبه ۳مرداد ۱۳۷۴ش.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۴۹۵.

حسن سالک اصفهانی

حسن سالک بن محمّد علی، در سال ۱۳۲۳ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخت. سپس به طهران رفته و به مشاغل دولتی وارد شد. در شعر طبعی روان داشته است.

از اوست:

هر کس که شب به یاد رخش دید ماه را

بر آسمان رساند ز دل دود آه را

عکس هلال ابروی ساقی ببین به جام

تا در صیام عذر بگوئی گناه را(۱)

سیّد حسن شاهاندشتی مازندرانی

سیّـد حسن بن میر محمّـد علی شاهانـدشتی مازندرانی، عالم فاضل. وی در اصـفهان ساکن بوده و در مسـجد شـمس آباد اقامه جماعت می نموده است. سرانجام در سال ۱۲۹۷ق وفات یافته و در تکیه میر در تخت فولاد مدفون شده است.

وی مؤلف شرح نهج البلاغه است و در آنجا لغات و تراکیب کتاب را توضیح داده است.(۲)

شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی

حاج شـیخ محمّـد حسن عالم نجف آبادی بن محمّد علی، عالم فاضل زاهد متّقی، در حدود سال ۱۲۸۷ق در نجف آباد متولّد شد. در سنین نوجوانی در مدرسه ذوالفقار اصفهان سکونت گزیده و به تحصیل مشغول شد.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۲۱۰؛ تحفه الابرار، ص۵۲۷.

وی در اصـفهان نزد میرزا بدیع درب امامی، آخوند ملّا محمّد حسـین کرمانی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، (میر محمّد صادق خاتون آبادی) آخوند کاشـی، جهانگیرخان قشـقائی و دیگران به کسب فیض پرداخت. سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و نزد علمای عالیقـدر آنجا خصوصاً آخونـد خراسانی و آقا سـیّد محمّـد کاظم طباطبائی یزدی کسب فیض نمود. وی در آنجا از راه استنساخ کتب امرار معاش می نمود.

مرحـوم عـالم نجف آبـادی پس از بـازگشت به اصـفهان بـا دخـتر حـاج میرزا عبـدالرّزاق موسوی احمـدآبادی ازدواج نمود و همچنین به درس میر محمّد صادق مدرّس خاتون آبادی نیز حاضر شد. پس از آن تا آخر عمر در مدرسه جدّه بزرگ اصفهان به تدریس مشغول شد. وی سالها به تدریس شرح لمعه، معالم، قوانین، رسائل و مکاسب مشغول بود.

او در مصـرف وجوهات شـرعی احتیاط فراوان می نمود و از مصرف شخصی آن خودداری می نمود و درنهایت قناعت و زهد از راه درآمد زمینی که در نجف آباد داشت گذران زندگی می نمود.

او و حاج آقا رحیم ارباب و میرزا علی آقا شیرازی سه عالم اخلاقی بودند که رفاقت و همدلی و روحیه معنوی آنان زبانزد اهل معرفت بود.

وی سـرانجام در تاریخ شب سه شنبه ۱۸ ربیع الاوّل سال ۱۳۸۴ق وفات یافته و در جوار اساتیـد خود در تکیه کازرونی واقع در تخت فولاد مدفون شد.

کتب و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات اساتید خود نوشته و ضمناً کتابی به نام «فضیله السّیاده» درباره سادات و اهمیت مقام آنان و احادیث وارده در این موضوع تألیف نموده که به چاپ رسیده است.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۰؛ دیباچه دیار نون، ص۲۰۵؛ سیمای دانشوران، صص ۱۳۳-۱۲۷؛ آئینه اهل قلم، صص ۶۸ و ۶۹؛ حکایت پارسائی، صص ۱۲۰-۱۱۲؛ روضه رضوان، صص ۲۳۹-۲۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۲۲۹.

محمّد حسن فروغی مبارکه ای

محمّـد حسن فروغی مبارکه ای بن محمّـد علی، شاعر ادیب معاصـر، در حـدود سال ۱۳۰۰ش در مبارکه لنجان اصـفهان متولّد گردیده و تحصـیلات قدیم و جدید خویش را در اصـفهان انجام داده، مدّتی به مشاغل آزاد اشـتغال داشت. سـپس به استخدام اداره دخانیات اراک درآمد. در هنگام اقامت در اصفهان در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد.

از اوست:

روی منمای به پیش همه ای سرو بلند

که مبادا رسد از چشم بدی بر تو گزند

به سر زلف پریشان تو نتوانم دید

جز دل غمزده خویش دلی را دربند

غیرتم می کشد آخر که چرا جام شراب

بوسه ها گیرد از آن لعل لب شکّرخند(۱)

میرزا حسن قدسی

میرزا حسن قدسـی فرزنـد محمّـد علی قاری اصـفهانی، خطاط ادیب، در اصـفهان متولّـد شده و نزد پدرش و همچنین برادرش میرزا عبدالحسـین قدسـی مشق خط کرده است. تحصیلات خود را در مدرسه نیم آورد انجام داده و در فنون ادب عربی خاصّه صرف و نحو اسـتاد بوده است. سالها در مدرسه قدسـیه که به دست برادرش میرزا عبدالحسـین قدسی اداره می شد. به تدریس ادبیات مشغول بوده است. خط نسخ را نیز خوش می نوشته است.

تولّـدش در ۲۸ رجب ۱۲۹۳ق و وفـاتش در جمعـه ۲۷ ذی القعـده ۱۳۶۷ق روی داده اسـت. او پس از وفـات در صــحن تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۲۲.

تاریخ وفاتش را مرحوم هور گوید:

شاهد قدس، روان حسن قدسی شد

شد روانه حسن قدسی در عالم قدس

«شرح صمدیه» از تألیفات اوست.(۱)

میرزا حسن متین اصفهانی

استاد میرزا حسن بهنیا متخلّص به «متین» بن آقا محمّد علی، از شعراء و سخنوران معاصر اصفهان. در سال ۱۲۹۰ش در اصفهان متولّد گردیده و در مدارس قدیم و جدید تحصیل کرده و از سن چهارده سالگی لب به گفتن شعر سروده و از سال ۱۳۱۰ش در انجمن ادبی شیدا شرکت نموده و از اعضای رسمی آن انجمن گردید و عمده ترقیّات شعری و ادبی مشارالیه در همان انجمن بوده و ایشان را باید از تربیت شدگان انجمن شیدا دانست.

در انجمن های ادبی اصفهان که در زمان مرحوم شیدا و بعد از آن تشکیل شده عموماً شرکت می نموده و خود از پایه گذاران انجمن ادبی کمال و اساتید صاحب نظر این انجمن بوده است.(۲)

[همچنین در انجمن ادبی سعدی، انجمن ادبی صائب و انجمن ادبی سرای سخنوران شرکت می کرد و در ردیف اساتید قدیمی انجمن ها قرار داشت.(۳)

وی سرانجام در سال ۱۳۷۵ش وفات یافته و در قطعه نام آوران گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ فوت او چنین است:

۱- دیوان طرب، ص۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۲۲-۱۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ طریق الارشاد: مقدمه.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۸۲.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۶۹۴.

تاریخ سرایان همه خواندند به افسوس

«ای وای از این سوگ که استاد متین مرد»

دیوان اشعارش هنوز به طبع نرسیده است. او در اوایل شاعری «مهین» تخلّص می کرد. سپس آن را به «متین» تغییر داد.(۱)]

این چند بیت از اوست:

بگریخت ز میدان فلک مهر جهان تاب

چون تاخت به میدان شه حسن تو، فَرَس را

از دیده روان است مرا اشک به دامان

آن سان که از آن رشک بود رودِ ارس را

گویم که رسد یار سفر کرده ام از راه

چون می شنوم ناله جانسوز جرس را

حسن اصفهانی

حافظ ابوعلی حسن بن عمر بن حسن بن یونس اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در اصفهان، خراسان، عراق و نیشابور استماع حدیث کرده و در اصفهان مجلس املای حدیث داشته است.

وی کتابی به نام «مئه حدیث عن مئه شیخ» تألیف نموده و ابو النّجم طالب بن زید این کتاب را از او روایت می کند.(۲)

[او از ابومحمّد عبداللّه بن عبیداللّه بن بیع، ابوعمر بن مهدی و ابن صلت در بغداد حدیث نقل کرده است.(۳)]

۱- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

۲- التحبیر، ج۱، صص ۳۱۰ و ۳۵۶؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۳۲۷؛ الوافی بالوفیات، ج۱۲، ص۱۹۴؛ تاریخ نیشابور، ص۲۷۸.

۳- المختصر من کتاب السیاق، صص ۱۶ و ۱۷.

حسن عریضی

حسن معروف به حسن الاکبر ابن عیسی نقیب بن محمّد الاکبر بن علی العریضی بن امام جعفر صادق علیه السلام، در اصفهان ساکن بوده و اولادش در اصفهان و قم بوده اند.(۱)

در کتاب المجدی درباره او می نویسد:

«ابومحمّد الحسن مقیماً باصبهان و کان یقول شیخنا ابوالحسن هو: ابن عیسی بن عیسی بن محمّد بن علی العریض».

ظاهراً وی در مقبره امامزاده درب امام مدفون شده است.(۲)

حسن اهتمام رهنانی

حسن اهتمام ابن غلامحسین رهنانی، شاعر و ادیب معاصر، در سال ۱۲۹۸ق در قریه رهنان [که فعلاً به شهر پیوسته و از محلّه های غرب اصفهان است] اصفهان متولّد گردیده و تحصیلات مقدّماتی خود را در مکاتب قدیم به انجام رسانید. مدّتی بعد در مدرسه چهارباغ ساکن شده و به تحصیل صرف و نحو و غیره اشتغال جست. در اوائل مشروطیت به عراق عرب رفته، زمانی نزد آخوند خراسانی به سر برده و پس از فوت او به اصفهان مراجعه نموده و ترک تحصیل نمود و به صنعت گرایید. مسافرتی به جنوب ایران و از آنجا به هندوستان کرده و در اوایل جنگ بین المللی اوّل به ایران مراجعت نموده و در اصفهان ساکن شد و سرانجام در سال ۱۳۷۹ق (۱۳۳۸ش) وفات یافته و در تکیه زرگرها در تخت فولاد مدفون شد.

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به برنا در وفاتش چنین سروده است:

نوشت از پی فوت او کلک برنا:

ز نیکی حسن یاور اهتمامست

ماده تاریخ وفات او به شمسی نیز چنین است:

در وفاتش گفت برنا مصرعی:

با حسن شد سوی فردوس اهتمام

۱- الفخری، ص ۳۰.

۲- مزارات اصفهان ص ۲۰۳.

وی در سرودن شعر طبع روانی داشت. [دیوان اشعار او به ضمیمه «لیلی و مجنون» منظوم در سال ۱۳۷۶ق به همّت کتابفروشی حاج غلامعلی بکائی به چاپ رسید.

این دو بیت از اوست:

به زه کشیده ز مژگان چون ناوک دلدوز

بگفتم احسن از این شصت و قوّت بازو

به غیر آهوی چشمش که هست شیر شکار

که دیده صید کند شیر شرزه را آهو(۱)]

حاج محمّدحسن کلباسی

حاج محمّدحسن کرباسی (کلباسی) بن حاج محمّدقاسم، از اجلّه زهاد و عُبّاد [در قرن دوازدهم هجری] ساکن اصفهان. [از اهالی خراسان بوده و به خاطر اینکه مدتی در محلّه حوض کرباس هرات بود به کرباسی شهرت یافت. مدّتی در آنجا بود، سپس به کاخک و مشهد مقدّس سفر کرد. مدتی نیز در یزد بود و عاقبت به اصفهان آمد. او در مشهد مقدس و یزد و اصفهان مساجد و اماکن عام المنفعه بسیاری از ساخته و یا تعمیر نموده است.]

او جدّ اعلای خاندان کلباسی در اصفهان، خراسان و نجف اشرف است. درباره او گفته شده است که:

«حاجی کلباسی (حاج محمّدابراهیم) حسنه ای است از حسنات حاج محمّدحسن. و در اجازه ای که میرزای قمی جهت حاجی کلباسی نوشته، درباره، او گوید:

العالم العامل العابد الباذل المبرور المغفور الحاج محمّدحسن الشهیر بالکرباسی» و این القاب بهترین معرّف آن جناب است.

او با آقا محمّد بیدآبادی مصادقت و رفاقت صمیمانه داشته و در هنگام نزع قیومت

۱- دیوان اهتمام، صص ۱ و ۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۷۳ و ۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۸.

فرزندش محمّدابراهیم را به او سپرده است. او علاوه بر این پسر دو فرزند دیگر به نام ملّا محمّدقاسم و ملّا محمّدجعفر داشته که ظاهراً دراصفهان ساکن بوده و در این شهر وفات یافته اند.

پدرش حاج محمّدقاسم نیز از اخیار بوده و ظاهراً در خراسان وفات یافته است.

حاج محمّدحسن در سال ۱۱۹۰ق وفات یافته و در شمال مقبره ملّا اسماعیل خواجوئی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

هاتف اصفهانی که معاصر اوست مرثیه ای سروده که در دیوان او به طبع رسیده است که برخی از ابیات آن چنین است:

هزار افسوس کز بیداد گردون

ز دنیا قدوه اهل یقین رفت

امام و مقتدای اهل دین شد

سر و سرحلقه اهل یقین رفت

با تاریخش رقم زد کلک «هاتف»

ز دنیا پیشوای اهل دین رفت(۱)

حسن وحید دستگردی

حسن وحید دستگردی ابن محمّد قاسم، فاضل محقّق، ادیب اریب و شاعر گرانمایه، در سال ۱۲۹۸ق در قریه دستگرد اصفهان متولّد گردید. و دروس مقدماتی را نزد ملّا عبدالکریم سودائی دستگردی آموخت. او از همان نوجوانی طبع شعر داشت و به پیشنهاد مرحوم سودائی «لمعه» تخلّص نمود. در سن ۱۴ سالگی با تشویق استادش به اصفهان آمد و در مدرسه میرزا حسین بیدآباد ساکن شده و به تحصیل پرداخت. مقدّمات عربی و فنون ادب را نزد میرزا یحیی مدرّس اصفهانی، فقه را نزد آخوند ملّا عبدالکریم گزی، اصول را نزد سیّد محمّد باقر درچه ای و حکمت را نزد جهانگیرخان قشقائی و آخوند ملّا محمّد کاشانی فرا گرفت و به پیشنهاد استادش میرزا یحیی تخلّص خود را به «وحید» تغییر داد.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۰۶ و ۱۰۷؛ خاندان کلباسی، صص ۹۳-۸۲؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۶۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، صص ۶۴ و ۶۵؛ الکواکب المنتشره، ص۱۷۶.

از آغاز جنبش مشروطیت (سال ۱۳۲۴ق) به آزادیخواهان و مشروطه طلبان پیوسته و با نوشتن مقالات اجتماعی و سیاسی در روزنامه اصفهان: پروانه، زاینده رود، درفش کاویان و مفتش ایران و چاپ اشعار انتقادی خود به مبارزه به استبداد پرداخت.

در جریان حمله مشروطه خواهان بختیاری به اصفهان و سقوط اقبال الدّوله کاشی حاکم منصوب محمّد علی شاه چکامه ای در سال ۱۳۲۷ سروده است. با آغاز جنگ جهانی اوّل، او به دفاع از آلمان ها و بر علیه روسیه و انگلیس اشعاری سروده و پس از ورود روس ها به اصفهان در پی دستگیری او برآمدند و او به چهارمحال و بختیاری پناه برده و به تألیف کتاب «ره آورد وحید» پرداخت. [درسال ۱۳۳۶ق پس از دو سال به اصفهان بازگشت و چون اموال او و بستگانش به غارت رفته بود، به تهران رفته و تَظَلُّم خواهی نموده و موفق به احقاق حق خود گردید. از این زمان او در تهران ساکن شده و به جرگه فقرای خانقاه پیوسته و مرید ظهیرالدّوله شد و به انجمن اخوّت پیوست. آنگاه در اداره انطباعات وزارت معارف مشغول به کار شد. سپس از طرف وزارت عدلیه به عضویت محکمه ابتدائی رشت منصوب شد ولی آن را نپذیرفت. مرحوم داور وزیر عدلیه در تشکیلات جدید او را با رتبه قضایی برای ریاست محکمه جنحه دعوت کرد ولی باز هم وحید آن را نپذیرفت. لقب «سلطان الشعرائی» را هم که به او داده بودند بکار نبرد.

وحید از سال ۱۳۳۷ق در تهران انجمن ادبی ایران را تشکیل داد که بزرگانی چون ملک الشعرای بهار، ادیب السلطنه صنیعی، قریب گرگانی، محمّد علی بامداد، محمّد هاشم میرزا افسر و حاجی میرزا یحیی دولت آبادی در آن عضویت داشتند. با از رونق افتادن انجمن و خروج اعضای برجسته، وحید نیز از آن انجمن خارج شد و در سال ۱۳۱۱ش انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد که ادباء و شعراء بزرگی چون، عبرت نائینی، امیری فیروزکوهی، بینش، علی قوم (قویم الدّوله)، صابر همدانی،احمد گلچین معانی، سهیلی خوانساری، محمّد علی ناصح و سروان نجاتی از اعضای ثابت آن انجمن بودند.]

وحید در سال ۱۳۳۸ق (مطابق بهمن ۱۲۹۸ش) مجله «ارمغان» را منتشر ساخت و

تا آخرین روزهای عمر آن را اداره کرد و علاوه بر چاپ مقالات ادبی و تاریخی ارزنده به تصحیح و تحقیق و انتشار آثار شعرا و ادبای گذشته زبان فارسی اهتمام ورزید. [از اقدامات فرهنگی و خیرخواهانه او تأسیس دبستان کمال الدّین در قریه دستگرد، دبستان ارمغان در قریه سوهانک شمیران تهران و تلاش برای انتقال کالبد کمال الدّین اسماعیل اصفهانی از محلّه جوباره اصفهان به حاشیه زاینده رود جنب سی و سه پل (که البته انجام نشد) و نام گذاری خیابان مجاور آن به نام کمال اسماعیل بوده است.

وحید دستگردی در اواخر عمر به تنگی نفس دچار شده و به ضعف بینائی شدید گرفتار شد و هنگامی که آماده رفتن به اطاق عمل جهت معالجه چشم خود می شد در اثر بیماری ذات الجنب] در سه شنبه ۲۰ ذیحجه ۱۳۶۱ق (مطابق با ۸ دیماه ۱۳۲۱ش) وفات یافته و در امامزاده عبداللّٰه مدفون شد. وی دهها دیوان و کتاب ادبی را در چاپخانه خود به طبع رسانده و خود نیز عهده دار تصحیح و تحقیق برخی از این گونه آثار شده که از آن جمله است:

دیوان کمال الدّین اسماعیل، دیوان جمال الدّین عبدالرزاق، دیوان قائم مقام فراهانی، سبعه نظامی (خمسه نظامی و دو اثر دیگر نظامی)، دیوان ادیب الممالک فراهانی، یخچالیه (جلد دوم)، تذکره تحفه سامی، تذکره نصرآبادی. کتب زیر از تألیفات اوست.

۱. «دیوان قصاید و غزلیات»، حدود چهل هزار بیت که بسیاری از آنها در مجله ارمغان چاپ شده و باقی آن نزد دامادش «مجد العلی» موجود بوده است. ۲. «ره آورد وحید» ۳. «انقلاب ادبی» ۴. «سفینه بهترین اشعار» ۵. «صد اندرز وحید» ۶. «مثنوی سرگذشت اردشیر» ۷. «هزار اندرز نظامی»

[وحید در سرودن مُسَمَّط، ترکیب بند، قطعه و قصیده و مثنوی بسیار توانا بود و به اشعار نظامی گنجوی بسیار عشق می ورزیده و از سبک حکیم گنجه پیروی می نموده است. او را می توان از پیشگامان شعر سیاسی و اشعار وطنیّه دانست. او در غزلسرایی طبع آزمایی کرده ولی غزلیاتش به پای قصاید و مثنویّاتش نمی رسد.

این شعر از اوست:

ز گلستان جهان صرفه بود خارم و بس

نهال عشق ثمر داد انتظارم و بس

به گرد من قفس آهن است باغ وجود

به جرم اینکه در این باغ من هزارم و بس

ز چار موج حوادث نمی رسم به کنار

جز این که یار کند جای در کنارم و بس

خدای را مفشان دامن ار چه می دانم

به دامن تو در این رهگذر غبارم و بس(۱)]

شیخ محمّد حسن ورنوسفادرانی

شیخ محمّد حسن بن محمّد کاظم ورنوسفادرانی، عالم فاضل و فقیه محدّث و مفسّر، از دانشوران قرن سیزدهم هجری. [اصلاً از اهالی محلّه «ورنوسفادران» از محلّات ثلاثه سِدِه ماربین (خمینی شهر فعلی) بوده و در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله حاج محمّد ابراهیم کلباسی به تحصیل پرداخته است.]

او مؤلف تفسیر مختصری است بر قرآن کریم و در اوّل آن گوید: «تفسیر بعضی از کلمات قرآن است و قرائت وصیغه و عدد و آیات و حروف آن». مؤلّف در سلخ ذیقعده ۱۲۴۱ق از نوشتن کتاب فراغت حاصل نموده و فرزندش محمّد مهدی آن را وقف

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۲۹-۵۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱۴ و ۵۱۵؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۱۳۵۴ش، شماره دهم، صص ۸۲-۶۳؛ مجله ارمغان، فروردین ۱۳۲۷ش، شماره اوّل، صص ۱۴-۷؛ ادبیات معاصر، صص ۹۴ و ۹۵؛ مشاهیر و بزرگان شرق و غرب جهان، ج۲، صص ۶۷ و ۶۸؛ اشعار ملّی و میهنی از سخنوران معاصر ایران، صص ۴۹-۴۶؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، ص۳۸۴۲؛ مجله یادگار، دی ماه ۱۳۲۴، شماره پنجم، صص ۶۹-۶۵؛ تاریخ جراید مجلات ایران، ج۱، صص ۱۳۶-۱۳۴؛ از صبا تا نیما، صص ۳۲۵-۳۲۲؛ فهرست مشاهیر ایران، ج۲، صص ۶۱۱ و ۶۱۲.

نموده است.(۱)

[تألیف دیگر او «تـذکره الاخوان» کتابی مفصّل شامل احادیث منقول از کتب حـدیثی در یک مقـدمه و ۶۵ باب و یک خاتمه است که در سال ۱۲۴۵ق تألیف شده و به شماره ۱۲۷۸۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲)]

محمّد حسن جزایری*

محمّـد حسن بن شـیخ محمّـد محسن جزایری، از خوشـنویسان عصـر شاه سـلطان حسـین صـفوی بوده و خط ثلث را خوش می نوشته است.

در شاه نشـین ایوان اسـتاد مسـجد جامع اصـفهان کتیبه ای را به خط ثلث در سال ۱۱۱۲ق نوشـته که بر روی کاشـی نقش شده است.(۳)

سیّد حسن دیباجی*

حاج سـیّد حسن دیباجی فرزند حاج سـیّد محسن، از علماء و فضـلای معاصـر. در سال ۱۳۰۵ش در محلّه فروشان خمینی شـهر متولّد شده و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای عالیقدری چون حاج شیخ عباسعلی ادیب، ابطحی، حاج سیّد علی اصغر برزانی، حاج شیخ محمّدحسن نجف آبادی، حاج آقا حسین خادمی و شیخ محمّدرضا جرقویه ای دنبال نمود. سپس برای ادامه تحصـیل به قم رفته و در درس حضـرات آیـات بروجردی گلپایگـانی، محقّق دامـاد، حـاج میرزا هاشم آملی، حاج آقا مرتضـی حائری و سلطانی شرکت کرد و از محضر آنان کسب فیض نمود.

او در قم اقامت داشته و به اقامه جماعت و ارشاد مردم می پرداخت در بسیاری از انجمن های خیریه عضویت داشت و خدمات ارزنده ای به نیازمندان، ایتام و معلولین

۱- الکرام البرره، ج۲، ص۳۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۴۷۲.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۱۳.

می نمود.(۱)

شیخ محمّدحسن اصطهباناتی

آقا شیخ محمّدحسن مدرس شیرازی اصطهباناتی ابن ملّا محمّد، عالم فاضل متقی، در اصفهان نزد [آخوند کاشی] و حاج شیخ محمّد باقر نجفی کسب فیض نمود(۲) و به مقامات عالی علم و فضل نائل شد. [وی مدّتی به ریاضات شاقّه می پرداخته که آخوند کاشی او را از این عمل نهی می نمود(۳)]

[در اصفهان مجلس درس و بحث داشته و جمعی از فضلاء و دانشوران خدمت او حاضر می شده اند که از آن جمله: حاج شیخ محمّد علی کرمانی، شیخ محمّد حسن داورپناه، شیخ محمّد حسن اسفرورینی قزوینی، ابوالفتح دهقان سامانی و حسن وحید دستگردی(۴)]

سرانجام در شوّال ۱۳۳۶ق وفات یافته و در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۵)

شیخ محمّدحسن اصفهانی

شیخ محمّدحسن بن محمّد اصفهانی، عالم فاضل، [از دانشوران قرن سیزدهم هجری]وی در عتبات عالیات نزد آقا محمّدباقر وحید بهبهانی تحصیل نموده و در سال ۱۲۱۶ق به ایران مراجعت نموده و چندین سال در کرمانشاه ساکن بود. در اواخر عمر به اصفهان بازگشته و در این شهر وفات یافت.

کتب زیر از اوست:

۱. «انوار البصائر» در انواع علوم، در ۱۲ مجلد [برخی از مجلدات آن در کتابخانه

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص۱۶۶ و ۱۶۷.

۲- اصفهان یا دارالعلم شرق: خطی.

۳- احوال و آثار حکیم مدرس اصفهانی، ص۱۱۵.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۶.

مرکزی دانشگاه اصفهان موجود است.] ۲. «الرّساله المعادیّه»، به فارسی ۳. «زبده الرّجال» ۴. «ختم دوازده امام»(۱)]

حسن یونارتی اصفهانی

حافظ ابونصر حسن بن محمّد بن ابراهیم بن احمد بن علی بن حسنویه مقری یونارتی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنج هجری است.

از وی با القاب «حافظاً مکثراً کثیراً کثیرالکتابه» یاد شده است. او برای اخذ حدیث به عراق و خراسان مسافرت نموده و در نیشابور از حسن بن احمد سمرقندی و در بلخ از احمد بن محمّد خلیلی استماع حدیث نموده و در حدود سال ۴۳۰ق در اصفهان فوت شده است.(۲)

محمّد حسن هرندی

محمّد حسن بن محمّد بن ملّا ابوالحسن هرندی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری در اصفهان است.

از آثارش: ۱. «کتابت «دیوان سیّد حسین مجمر» ملقب به «مجتهدالشّعراء» است که آن را در سال ۱۲۵۵ به خط شکسته نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۹۸۱ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد موجود است.(۳)

۲. کتابت نسخه ای از «شرح جامی» یا «الفوائد الضیائیه» است که آن را در ماه رجب سال ۱۲۵۸ به خط شکسته نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۴۲۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۴)

۱- الذریعه، ج۷، ص ۱۴۰ و ج۱۲، ص۲۷ و ج۲۱، صص ۱۷۲ و ۱۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۷.

۲- معجم البلدان، ج۵، ص۴۵۳؛ المشتبه، ص۱۳۹.

۳- فهرست کتابخانه الهیات و معارف اسلامی مشهد، ج۲، ص۱۳۴.

۴- فهرست کتابخانه الهیات و معارف اسلامی مشهد، ج۱، ص۲۱۴.

حسن ابهری اصفهانی

ابوبکر حسن بن محمّد بن احمد بن محمّد بن یونس ابهری اصفهانی، از محدّثین و ادبای اصفهان در قرن چهارم است. وی از ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ق) استماع حدیث نموده و یحیی بن منده از او روایت می نماید.(۱)

حسن ابهری اصفهانی

ابوعلی حسن بن محمّد بن اُسیّد ثقفی ابهری اصفهانی، از محدثین اصفهان در قرن سوم هجری و از اهالی قریه «ابهر» جِی اصفهان است.

از محمّد بن خالد بن خدّاش، ابراهیم بن بسطام، محمّد بن مُعَمَّر، محمّد بن سلیمان لُوّین، محمّد بن حُمید، سعید بن عَنبَسِه، احمدبن ثابت بن فَرُّخویه، عمروبن علی و محدّثین ری حدیث شنید. حافظ ابوالشّیخ اصفهانی از او روایت می کند.

وفات صاحب عنوان در سال ۲۹۳ق در اصفهان واقع شد.(۲)

میرزا حسن سادات

آقا میرزا حسن سادات فرزند میرزا محمّد بن میرزا محمّد باقر آقا دگمه چین بن میرمحمّد صالح دگمه دوز بن سیّدجعفر بن میرمحمّد صالح خاتون آبادی، عالم فاضل زاهد، از علماء معروف اصفهان در دوره قاجاریه.

در مسجد علیقلی آقا اقامه جماعت می نموده و ناظر بر موقوفات علیقلی آقا بوده است. در اصفهان نزد جمعی از علماء به خصوص حاج سیّداسداللّه بیدآبادی تلمذ نمود.

صاحب عنوان در ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۴۰ه.ق به سن متجاوز از ۹۰سالگی در اصفهان وفات یافت و در مقبره سر قبر آقا مدفون شده سپس به عتبات عالیات نقل

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۸۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۶۶؛ الانساب، ج ۱، ص ۱۰۵؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۸۳؛ المشترک، ص ۱۲.

گردید.(۱)

حسن تمیمی

ابوالقاسم حسن بن محمّدبن جعفربن محمّد بن احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد بن عبداللّه بن مهران تمیمی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم است. در محلّه خشینان اصفهان ساکن بوده و ابوسعد سمعانی از او به عنوان «کان شیخاً صالحاً و رعاً حسن السّیره من اهل العلم و التّفسیر و الحدیث» یاد کرده است.

وی از ابوالحسین احمد بن عبدالرّحمان ذکوانی، ابونصر احمد بن عبداللّه بن احمد مقری، ابومسعود سلمان بن ابراهیم، ابوالحسین سعید بن محمّد بن یحیی جوهری، ابوالفوارس طرادبن محمّد زینبی و محدّثین هم طبقه اینان حدیث شنیده است.

پدرش مجموعه ای از احادیث فراهم کرده و صاحب عنوان از آن انتخاب کرده و ابوسعید سمعانی از او آن را استماع کرده است.(۲)

حسن وَرکانی

فخرالدّین ابوالمعالی حسن بن محمّد بن حسن بن حسین بن احمد بن یحیی بن وثاب معروف به ورکانی، از دانشمندان و ادبای قرن ششم هجری است.

ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده او را با القاب عالی ستوده و نوشته است: «کان اماماً فاضلاً مناظراً امواليّاً عارفاً بالادب... من مشاهیر الائمه»

فخرالدین ابوالمعالی ورکانی از ابوبکر محمّد بن ثابت خجندی، ابومنصور محمّد بن احمد بن شکرویه، ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن ماجه ابهری و ابوعبداللّه قاسم بن فضل ثقفی و غیره استماع حدیث نموده و سالها به نیابت از آل خجند در مدرسه نظامیه اصفهان تدریس نموده است.

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص ۲۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۱۲.

وی علاوه بر مهارت در کلام، حدیث و فقه، در شعر و ادب نیز توانا بوده و به عربی اشعاری سروده که کاتب اصفهانی ابیاتی از آنها را در کتاب «خریده القصر» آورده است.

ورکانی سرانجام در سال ۵۵۹ق در سن ۸۰ سال و اندی وفات یافت.(۱)

او به قریه «ورکان» منسوب است. ورکان از قرای کاشان و ورکان از دهات لنجان و به خاطر مجاورت با پل معروفی که بر روی زاینده رود بنا شده نام آنجا را فلاورجان = پل ورکان می گویند.

حسن دارکی اصفهانی

ابوعلی حسن بن محمّد بن حسن بن زیاد دارکی تاجر اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی محدّثی ثقه، صدوق و صاحب کتاب بوده و در ۲۳ جمادی الاوّل ۳۱۷ق وفات یافته است.

دارکی از ابن ابی رزمه، بخاری، حسین بن حدیث، سعید بن عنبسه، صالح بن مسمار، شاذان فارسی و محدّثین ری حدیث شنیده و قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم، ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد، محمّد بن احمد بن محمود طبرانی، ابوالحسن علی بن احمد بن یزداد و ابوالقاسم عبدالعزیز بن عبداللّه دارکی از او روایت نموده اند.(۲)

حسن علوی کرانی

سیّد ابو محمّد حسن بن محمّد بن رضا علوی حسنی کرانی، از محدّثین و سادات جلیل القدر اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. ابوسعد سمعانی او را دیده و از او حدیث شنیده و نوشته است و او را به عنوان «علویٌ صالحٌ من اهل الخیر والعلم و التّمیز»

۱- التحبیر، ج۱، ص۲۰۶؛ مدارس نظامیه، ص۲۲۶؛ تلخیص معجم الآداب، الجزء الرابع، القسم الثالث، ص۱۴۸.
۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۸؛ الانساب، ج۵، ص۳۷۸؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۰۵؛ مرآت الجنان، ج۲، ص۴۰۵.

یاد نموده است.

سیّد حسن علوی کرانی، از اهالی محلّه کران اصفهان بوده و از ابوالقاسم عبدالرّحمان بن ابوعبداللّه بن منده، ابوالقاسم علی بن عبدالرّحمان بن علیك و ابوبکر بن ماجه ابهری حدیث شنیده است.(۱)

حسن کاتب اصفهانی

ابوسعید حسن بن محمّد بن عبداللّه بن حسنویه کاتب اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. از ابوجعفر احمد بن احمد بن سعید سمسار روایت می کند و خطیب بغدادی (م۴۶۳) مؤلف «تاریخ بغداد» از او نقل حدیث می نماید.(۲)

حسن ابهری اصفهانی

ابوعلی حسن بن محمّد بن عبداللّه بن عبدالسّلام ابهری اصفهانی از محدّثین اصفهانی در اوایل قرن پنجم هجری و از اهالی روستای ابهر جِی اصفهان است. از ابوبکر بن جشنس و یحیی بن صاعد روایت می کند. احمد بن شُمُردان از او حدیث نقل کرده است. ابهری سرانجام در ماه رجب ۴۲۳ق وفات نمود. برخی نام او را حسین نوشته اند ولی حسن صحیح تر است.(۳)

سیّد حسن مدرس هاشمی

میر سیّد حسن مدرس هاشمی ابن سیّد محمّد بن سیّد علی بن میر سیّد حسن مدرس، فقیه و مجتهد جلیل القدر معاصر.

مادرش دختر میرزا محمّد مهدی چهارسوقی فرزند صاحب روضات است و پدر و اجدادش از علماء برجسته اصفهان بوده اند.

۱- التحبیر، ج۱، ص۲۰۸.

۲- احقاق الحق، ج۸، ص۴۸۸.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

در ۲۵ رمضـان المبارک ۱۳۲۹ق متولّـد شـده و نزد پـدر خود و حاج میرزا ابوالقاسم زفره ای، شـیخ علی مـدرس یزدی، سـیّد محمّد کاظم مرتضوی کَروَنی، میرزا احمد اصـفهانی، شـیخ محمود مفید، سـیّد مرتضـی خراسانی، شـیخ محمّد حسن داورپناه، سیّـد محمّـد مدرس نجف آبادی، میر سـیّد علی مجتهد نجف آبادی، شـیخ محمّدرضا نجفی، آقا سـیّد مهدی درچه ای، شـیخ محمّـدعلی مـدرس فتحی، سـیّد محمّدباقر امامی، شـیخ محمّد حکیم خراسانی و حاج آقا رحیم ارباب در اصـفهان دروس فقه، اصول، ادبیات فارسی و عربی، منطق، فلسفه هیئت و ریاضی را فرا گرفت.

او آنگاه به قم مهاجرت نموده و از درس آیات عظام شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سیّد محمّد حجت بهره برد.

وی علیرغم بیمـاری صـعب العلاجی که از ۲۴ سـالگی به آن مبتلاـ شـد، به تـدریس و تربیت طلاـب اهتمام داشت. «رسائل» و «قوانین» را در مدرسه جده، «مکاسب» و «شـرح لمعه» را در مسجد سیّد، «اسفار» و «منظومه» و «شرح اشارات» و کتب فلسفی را در مدرسه صدر و برخی متون کلامی و عرفانی مانند «تجرید» و «فصوص» را در منزل تدریس می نمود و «تفسـیر قرآن کریم» را نیز در سالهای دراز برای علاقمندان تدریس نمود.

مرحوم مـدرس هاشـمی از نوجوانی به وعظ و خطابه پرداخت و در زمانی انـدک واعظی نام آور گردید. او به «مثنوی معنوی» علاـقه فراوان داشت، اغلب آن را از حفـظ بود. در تفسـیر قرآن مجیـد نیز تبحّر داشت و بـا بیان نکات مهم و بـدیع تفسـیری، آیات قرآن را تبیین می نمود.

این عـالم ربّانی در روز شـنبه ۲ ربیع الاوّل ۱۴۱۹ق (مطابق ۶تیرماه ۱۳۷۷ش) در اصـفهان وفات یافته و در بقعه علّامه مجلسـی مدفون شد.

شاعر توانا استاد فضل اللّه اعتمادی (برنا) در تاریخ وفات او چنین سروده است:

چون مدرس هاشمی شد جانب دارالسّرور

تا شود آسوده از آلام این بیت الحزن

آن که مانندش نیارد باب دوران مرد علم

آن که مثل او نزاید مام گیتی اهل فن

خامه «برنا» پی سال وفات او نوشت

«عالمی کامل مدرّس بود با خلقی حسن»

از آثار او «شرح رساله سیر و سلوک» منسوب به آقا محمّد بیدآبادی به چاپ رسیده است.(۱)

حسن اصفهانی

ابوالرّجا حسن بن محمّد بن عود، از شعرای اصفهان است. وی به عربی شعر می سروده [است].(۲)

حسن اصفهانی

ابوسعید حسن بن محمّد بن مَزیَد، از محدّثین قرن اول هجری است. او اولین کسی است که از شافعی در اصفهان سخن گفته است. از محدّثین شام و مصر روایت کرده است.

از حامد بن یحیی، عثمان بن عیسی، موسی بن مروان و هشام بن عمّار روایت می کند و محمّد بن احمد بن یزید و علی بن نمراد از او روایت می کنند.(۳)

محمّد حسن ساکت اصفهانی

آقا محمّد حسن ساکت ابن میرزا محمّد طلافروش، شاعر ادیب از سخنوران قرن چهاردهم هجری. سال تولد او را ۱۲۷۷ق، ۱۲۸۷ق و ۱۲۸۵ق آورده اند. در اصفهان متولّد شده و علم و ادب آموخت و سپس به قهوه کوبی و فروش تریاک روی آورد. او از

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی: اغلب صفحات.

۲- محاسن اصفهان، ص ۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۶۰.

اعضای فعّال انجمن ادبی شیدا بود. در تصوف نیز دستی داشت و مرید مشایخ سلسله صفی علی شاهی بود [او در آخرین ماه زندگی خود به مصیبت فوت فرزند جوانش عباس مبتلا شد] و در ماه رجب ۱۳۵۶ق وفات یافت و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد. دیوان اشعار او [با مقدمه شاعر توانا خسرو احتشامی] در اصفهان به چاپ رسیده است.

از اوست:

چو ماه من به رخ از زلف خود نقاب گرفت

فغان ز خلق برآمد که آفتاب گرفت

ز گریه مردم چشمم به یکدیگر گویند

ببین که خانه ما را چگونه آب گرفت

عرق ز چهره فشاند و جهان معطّر کرد

مگر نگار من از برگ گل گلاب گرفت(۱)

سیّد حسن سلطان الواعظین کاشانی

حاج سیّد حسن واعظ کاشانی بن سیّد محمّد موسوی از علماء و خطبای معروف اصفهان در اواخر دوره قاجاریه، معروف به «سیّد حسن کاشی» و ملقب به «سیّد حسن کاشی» در کاشان متولّد شده و در آنجا و اصفهان نزد اساتید تلمّذ نموده و در اغلب علوم از جمله فقه، حدیث، تاریخ و کلام صاحب نظر گردید و سپس سالها مردم را به مواعظ شافیه ارشاد و هدایت نمود.

او در سال ۱۲۹۵ق به دستور ظلّ السّلطان حاکم جابر اصفهان کتابی در تفسیر آیه «اولی الامر» موسوم به کتاب «مواعظ حسنه» را نوشته و به سرمایه ظلّ السّلطان به چاپ رسانید و در آن کتاب شاه و حاکم را «اولی الامر» و «واجب الاطاعه» دانست.

۱- دیوان ساکت، مقدمه و ص۱۶۶؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۱؛ هفته نامه نوید اصفهان، ش۳۲۶، نهم آذر ۱۳۷۳، ص۴؛ دیوان طرب، ص۲۴۶؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۲۱۱.

انتشار کتاب در بین علماء و مجتهدین سر و صدایی راه انداخته و موجب شد که چند نفر از مجتهدین بزرگ مانند میرزا محمّدحسن نجفی، حاج سیّد علی اکبر فال اسیری شیرازی و آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) حکم کفر او را صادر کردند و او از ترس عواقب آن در سال ۱۳۰۵ق به عتبات مهاجرت کرده و آنجا و طهران از جمعی از علماء نامه ای در برائت خود گرفته و پس از دو سال به اصفهان برگشته لکن دیگر آن عنوان و شخصیّت اولیّه را نداشت.

سرانجام در غرهٔ ربیع الثّانی سال ۱۳۲۰ق در اصفهان وفات یافته و در تکیه میرزا ابوالمعالی (یکی از اساتید خود) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. سپس فرزندان او نیز در همان اطاق به خاک رفتند رحمهاللّه علیهم.

کتب زیر از مؤلفات اوست:

۱. «رساله در امر به معروف و نهی از منکر» ۲. «منهج الواعظین و مسلك الرّاشدین» ۳. «مواعظ حسنه» ۴. «ینابیع الحیاه فی موارد الآیات» کتاب را در ۵۵ سالگی و بعد از «منهج الواعظین» تألیف نموده است.(۱)

ملّا محمّد حسن طلائی

ملّا محمّد حسن طلائی ابن ملّا محمّد خراسانی، عالم فاضل . از دانشوران قرن دوازدهم هجری. در کیمیا رنجها کشیده و کتابهایی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «شرح رساله جابربن حیّان» ۲. «شرح شذورالذّهب» ۳. «شرح مفتاح جلدکی» و غیره.

در سال ۱۱۲۹ق وفات یافته و در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۵۹۶-۵۹۴؛ رجال اصفهان، ص۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۵ و ۴۷۶؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۱۷۳ و ۲۵۸ و ۲۵۹؛ فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۱۳؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۲۴ و ج۱، ص۳۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۲.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۶؛ مزارات اصفهان، ص۲۷.

تاج الدّین حسن اصفهانی

تاج الدّین حسن بن محمّد فلاورجانی رویدشتی اصفهانی، از علمای عالیقدر قرن یازدهم هجری معروف به «تاج ارباب العمامه» در اصفهان نزد علمای این شهر تحصیل کرده و از برخی از آنان از جمله ملّا حسنعلی شوشتری روایت می کند.(۱) فوت او را سال ۱۰۸۵ق نوشته اند که اشتباه است. میر عبدالحسین خاتون آبادی در کتاب خود، در ضمن وقایع سال ۱۰۹۸ق می نویسد:

«فوت ملّا تاجا پدر ملّا بهاءالدّین مشهور به فاضل هندی در هفتم رجب هذه السنّه» و در جای دیگر می نویسد: «ملّا تاجا والد ماجد فضیلت و کمالات پناه مولانا بهاءالدّین مشهور به فاضل هندی در هشتم رجب بعد از فوت آقاحسین خوانساری فوت شد. مرد طالب علمی بود. مشغول به مباحثه و مطالعه و تصحیح کتب حدیث و به حال خود قدس اللّه روحه»(۲)

مقبره اش در سمت شرقی بازار غاز اصفهان نزدیک میدان کهنه موجود است.(۳)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تزویج النّبی صلی الله علیه وآله زینب و رقیه من عثمان» و این که این دو دختر از خدیجه و شوهری بودند قبل از پیغمبر اکرم) در سال ۱۳۱۱ق به ضمیمه «فرحه الغری و مکارم الاخلاق» چاپ سنگی شده است. (۴) [۲. «جامع الفصول و قامع الفضول» به فارسی، به نام شاه سلیمان صفوی، در ادعیه و زیارات و آداب اعمال مستحب، در ۱۴ فصل که به شماره ۲۰۴۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۵)]

در برخی از کتابها، کتاب «بحر موّاج» در تفسیر قرآن را از تألیفات تاج الدّین حسن اصفهانی نوشته اند که صحیح نیست و این کتاب از تألیفات شهاب الدّین احمد

۱- الاجازه الکبیره، ص۳۲۶.

۲- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۴۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۶.

۴- مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۶۳۷.

۵- فهرست مرعشی، ج۶، صص ۵۶ و ۵۷.

دولت آبادی معروف به «فاضل هندی» از علمای اهل سنّت است.(۱)

سیّد حسن علوی خوراسگانی*

سیّد حسن بن سیّد محمّد علوی خوراسکانی، از علمای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۳۳ق در خوراسکان متولّد شد و در اصفهان نزد آقا سیّد محمّدرضا خراسانی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، شیخ احمد اهتمام، شیخ محمّدرضا نجفی و دیگران تحصیل کرده و مدّتی نیز در درس اخلاق امام خمینی در قم شرکت کرده است. او از حضرات آیات سیّد عبداللّه ثقهالاسلام و شیخ محمّدرضا نجفی اجازه روایتی دریافت کرده است.(۲) وی سرانجام در روز ششم بهمن ۱۳۸۷ ش. برابر با ۲۸ محرم الحرام ۱۴۳۰ ق. وفات یافت و در مزار امامزاده ابوالعباس خوراسگان مدفون شد.

شیخ محمّد حسن قُلزُم چهارمحالی

آقا شیخ محمّد حسن قلزم بن حاجی ملّا محمّد وردنجانی چهارمحالی عالم کامل و شاعر ادیب، از سخنوران و دانشمندان قرن چهاردهم هجری. در ۱۰ مرداد ۱۲۶۰ش در قریه «وردنجان» چهارمحال متولّد شد و پس از طی تحصیلات مقدّماتی در مولد خود، به اصفهان آمده، مدت ۲۰ سال در مدرسه چهارباغ ساکن بود و به تحصیل فقه، اصول، منطق، کلام، حکمت و ریاضی را در نزد علمای اصفهان [از جمله میرزا محمد هاشم چهارسوقی]پرداخت و پس از وصول به مدارج عالیه علم و کمال به چهارمحال مراجعت نمود و تا آخر عمر در آن حدود ساکن و مرجع امور شرعیه اهالی بود.

سرانجام در سال ۱۳۲۶ش در قریه «نافج» از قراء ناحیه «لار» چهارمحال وفات

۱- الذریعه، ص۱۳، ص۱۴۹ و بنگرید به: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۳ و ۴۰۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۸۳؛ مزارات اصفهان، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۴۷۲؛ الروضه النضره، ص۹۰؛ سیمای فلاورجان، صص ۴۵-۴۲؛ احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی (فاضل هندی)، صص ۱۹-۱۴.

۲- خورشید جی، صص۳۳۴.

یافت. او دیوان اشعاری مشتمل بر سه هزار بیت از غزل و قصیده و رباعی داشته که نزد فرزندش شفاءاللّه قلزم موجود بوده است.

از اوست:

شنیدم آنکه مرا نام برده ای به زبان

سرم به عرش رساندی گر این ادا کردی

اگر به خون کشی از تیغ قهر «قُلزُم» را

خلاف محض بود گویم ار جفا کردی(۱)

میرزا حسن مظاهری

میرزا حسن مظاهری بن محمّد کرونی اصفهانی، از علماء و مجتهدین ناحیه تیران و کرون در قرن چهاردهم هجری است.

در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله میرزا محمّد هاشم چهارسوقی کسب فیض نموده و از مرحوم چهارسوقی اجازه کسب نموده است.

حاج میرزا حسن مظاهری در حدود سال ۱۳۶۸ق در تیران و کرون اصفهان به سن متجاوز از ۹۰سال وفات یافت.(۲)

سیّد حسن نیاز جِشوِقانی

سیّد حسن متخلّص به نیاز فرزند سیّد محمّد طباطبائی جشوقانی قهپائی اصفهانی، شاعر ادیب فاضل و خوشنویس - اصلاً از سادات طباطبائی مدینه السادات زوّاره اردستان است و یکی از اجدادش میرشاه تقی جشوقانی در خدمت شاه سلیمان صفوی صاحب اعتبار بسیار بوده است.

[اغلب مؤلّفین در باب نام و زادگاه او مرتکب اشتباه شده اند و نام او را سیّد حسین و زادگاه او را جوشقان کاشان نوشته اند که بنا بر دلایل متعدّد (از جمله آثار خوشنویسی که از او در دست است، نام و شهرت و انتساب خود را به روشنی سیّد حسن نیاز جِشوقانی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۸۰ و ۳۸۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۴.

آورده است) صحیح نیست. و این جِشوِقان از روستاهای تابعه منطقه کوهپایه در شرق اصفهان است]

در علوم بلاغی و معانی و بیان استاد بوده و خط نسخ را خوش می نوشته است. در مدح بسیاری از بزرگان عصر خویش قصایدی سروده و غزل را نیز نیکو می گفته است.

[نسخه خطی دیوان نیاز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۰۳۶ موجود است نسخه خطی دیگری از دیوان نیاز به شماره ۴۴۹۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. آقای احمد کرمی نیز آن را به چاپ رسانده است لیکن از نسخه ای ناقص برای طبع استفاده کرده است.]

از اوست:

شانه کمتر زن که ترسم تار زلفت بُگسَلَد

تار زلف توست امّا رشته جان من است(۱)

علاءالدّین حسن زَمَجی اصفهانی

علاءالدّین حسن بن محمّد قاضی زمجی اصفهانی [از فضلای اصفهان] دو برگ از کتاب «منهاج العابدین» غزالی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۱۹۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

۱- تذکره دلگشا، صص۴۷۹ و ۴۸۰؛ مآثر الباقریه، صص ۷۲ و ۳۲۴؛ طرائق الحقایق، ج۳، ص۳۲۳؛ تراجم الرجال، ج۲، صص ۱۵۷ و ۱۵۸؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۲۳۹؛ ریحانه الادب، ج۶، ص ۲۷۳؛ فهرست کتابخانه مجلس، ج۳۸، ص۵۷؛ فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج۷، ص۷۲۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۶۲؛ تاریخ فرهنگ و هنر جوشقان قالی، ص۱۸۷؛ اکسیر التّواریخ، صص ۵۷۲-۵۷۰.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۵۲۴.

محمّد حسن مستوفی اصفهانی

محمّـد حسن بن میرزا محمّـد مستوفی اصـفهانی [از ادبـاء خوشـنویسان و مسـتوفیان قرن سـیزدهم هجری] در سـوم ربیع الاـوّل ۱۲۹۳ق. کتابت نسـخه ای از کتاب «ذخرالعالمین» در «شـرح دعای صنمی قریش» تألیف محمّد مهدی بن علی اصغر قزوینی را به خط نستعلیق نوشته است. این نسخه به شماره ۳۳۶ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

حسن صدر

حسن صدر فرزند میرزا محمود صدرالمحدّثین بن ملّا عبداللَّه خوانساری، نویسنده و سیاستمدار معاصر.

در سال ۱۲۸۶ش در اصـفهان به دنیا آمد. تحصـیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان طی کرد. سپس در حوزه علمیه اصفهان نزد شـیخ محمّـدرضا نجفی، شـیخ محمود مفیـد، سـیّد صدرالـدّین کوپائی و دیگران به تحصـیل پرداخت و در سلک وعاظ و خطبـاء درآمـده و به روضه خـوانی و وعـظ در مجـالس دینی مشـغول شـد. پس از آن به راهنمـائی برادرش میرزا عبدالحسـین صدرالواعظین به تهران رفته و در رشـته حقوق تحصیل کرد و لیسانس گرفت. در دوره هفدهم مجلس شورای ملّی به خواهش مرحوم سـیّد ابوالقاسم کاشانی نامزد مجلس شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ش موفق به اخـذ پروانه وکالت و همچنین امتیاز روزنامه «قیام ایران» گردید.

او به علت فعالیّت های سیاسـی در سال ۱۳۲۷ش به بعد به مدت ۵ ماه زندانی شد و پس از آزادی انتشار «قیام ایران» را از سـر گرفت.

حسن صدر در مرداد ماه ۱۳۶۴ش وفات یافت.

این کتابها از اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج ۱، ص ۳۶۳.

۱. «حقوق زن در اسلام و اروپا» که چندین بار به چاپ رسیده است. ۲. «مرد نامتناهی علی بن ابیطالب علیه السلام» که به چاپ رسیده است. ۳. «الجزایر و مردان مجاهد» ۴. «دفاع دکتر مصدق از نفت در زندان زرهی» ۵. «ویتنام جدید».(۱)

میرزا محمّدحسن معلم

میرزا محمّـدحسن معلم ملقب به «معین الاسـلام» فرزند میرزا محمود بن محمّدحسن. از نوادگان آقا محمّدهادی مترجم ابن ملّا محمّد صالح مازندرانی.

در سال ۱۲۷۲ش در اصفهان متولّد شد و در این شهر تحصیل کرد. او از اطرافیان آقا کمال الدّین شریعتمدار بود و امور ملکی او را اداره می کرد. پس از فوت شـریعتمدار جزو ملازمین حاج شیخ مهدی نجفی قرار گرفته و به نظارت و اداره موقوفاتی که در تولیت مرحوم نجفی بود پرداخت.

او عمر خود را صـرف حل مشـکلات مردم و توجّه به محرومان نمود. به مستحبات پایبند بود و اغلب به عبادت و تهجّد و شب زنده داری می پرداخت. وی سـرانجام در سن ۹۰ سالگی در جمعه ۲۱ آذر ۱۳۵۹ش وفات یافته و در صـحن تکیه سیدالعراقین در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ فوتش را مرحوم عبدالکریم بصیری از شعرای معاصر گوید:

یکی برفت و «بصیر» نوشت تاریخ او

«رفته بدارالسلام معین الاسلام ما»(۲)

دکتر سیّد حسن میردامادی

دکتر سیّد حسن میردامادی فرزند حاج میرزا محمود از پزشکان دانشمند معاصر.

[وی تحصیلات خود را در تهران، آلمان و آمریکا به پایان رسانیده و سپس به تدریس در دانشکده پزشکی تهران مشغول شده است. در رشته میکروب شناسی از

۱- علوم و عقاید، صص ۸۲ و ۸۳؛ نادره کاران، ص ۵۸۰.

۲- شرح مجموعه گل، صص۳۹۳-۳۹۱.

اساتید کم نظیر به شمار می رفته و مطالعات و تحقیقات فراوانی در این رشته داشته است. او به زبان های آلمانی، فرانسه، انگلیسی و ترکی تسلط کامل داشت و ادبیات فارسی را نیز خوب می دانست. وی مقالات فراوانی نوشته و در مجلات داخلی، خارجی به چاپ رسانده است. همچنین کتابی به چهار زبان فرانسه، انگلیسی، فارسی و ترکی جمع آوری کرده که در آن تمام واژه های طبّی را آورده است.

او دانشمندی پرکار، متدیّن و دارای ملکات فاضله بوده و سرانجام در سال ۱۳۶۸ش در تهران وفات یافته و در قبرستان بهشت زهرا مدفون شد.[(۱)]

کتب زیر از اوست:

۱. «میکروب شناسی» (۲جلد) ۲. «سرم سازی و میکروب شناسی» ۳. «ایمنی شناسی» ۴. «تشخیص سیفلیس» ۵. «رهبر پزشکان» ۶. «تفسیر امتحانات آزمایشگاه» ۷. «سخنرانی های پرفسور ابرلین»

حسن چالشتری چهارمحالی

حسن بن مرادعلی چالشتری چهارمحالی [خوشنویس ادیب، ساکن اصفهان] در ذیقعده ۱۳۱۶ق نسخه ای از «تاریخ ناپلئون» ترجمه میرزا محمّد رضای تبریزی را در چهار مجلّد با «وصیّت نامه ناپلئون» به خط نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۵۱۵۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

همچنین او در سال ۱۳۰۸ق نسخه ای از «ظفرنامه تیموری» را به خط شکسته نستعلیق به دستور خدارحم خان ریاحی چالشتری نوشته است. نسخه به شماره ۳۳۰۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۳)

۱- لطائف غیبیّه: مقدمه۷ ص بیست و شش؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۳۲۸ و ۳۲۹.
۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۱۲۹.
۳- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص۷۸۶.

سیّد حسن استرآبادی

سیّد حسن بن سیّد مرتضی حسینی استرآبادی، عالم فاضل و مورّخ ادیب، از دانشمندان اوایل قرن دوازدهم هجری.

وی در اصفهان ساکن بوده و در زمان شاه سلطان حسین صفوی کتاب «تاریخ سلطانی» را در سه قسمت تألیف نموده است:

اوّل- از تاریخ سلاطین قبل از اسلام دوّم- احوالات حضرت رسول و ائمه اطهارعلیهم السلام (و در آنجا مطالب فراوانی درباره امامزادگان اصفهان از تذکره شیخ نورالدّین حبیب اللّه نسابه عاملی نقل می کند) سوّم- در تاریخ سلاطین صفویّه. از این کتاب نسخه های متعدد در کتابخانه های داخل و خارج از کشور از جمله کتابخانه مرحوم آقا سیّد ابوالحسن واعظ کرونی، کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی، و کتابخانه کمبریج در انگلستان موجود است. [بخش سوم تاریخ سلطانی، به اهتمام دکتر احسان اشراقی در سال ۱۳۶۶ش با نام «از شیخ صفی تا شاه صفی» به چاپ رسیده است.(۱)]

میر سیّد حسن چهارسوقی

حاج میر سیّد حسن بن میرزا مسیح بن میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) عالم کامل و فقیه جلیل، از رؤسای علمای اصفهان، ملجاء و پناه مردم، عالم فاضل محقّق. مقبول القول و نزد عموم طبقات از عوام و خواص مورد توجّه و احترام بوده است.

در ۳ رجب سال ۱۲۹۴ق متولّد شده و در خدمت ملّا حسین نائینی، ملّا حسینعلی صرفی، آقا سیّد ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی، میرزا یحیی بیدآبادی، میرزا عطاءاللّه چهارسوقی، حاج میرزا بدیع درب امامی، سیّد مهدی درچه ای، میرزا هدایت اللّه چهارسوقی، سیّد حسن مشکان طبسی، سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا سیّد محمّدباقر

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ فهرست مرعشی، ج۹، ص۳۷؛ از شیخ صفی تا شاه صفی، (مقدمه)، صص ۱۱-۷.

درچه ای، ملّا عبدالکریم گزی، آقا سیّد محمود کلیشادی، آخوند کاشی، شیخ محمّدعلی ثقهالاسلام، شیخ محمّدتقی آقانجفی ،میر محمّدتقی مدرس (محله نوئی) و میرزا محمّدهاشم چهارسوقی تحصیل نمود و به درجه اجتهاد نائل گردید.

او سرانجام در صبح پنج شنبه ۱۳ جمادی الاولی سال ۱۳۷۷ق در اصفهان وفات یافته، جنازه به نجف حمل گردیده، در جوار عمّ بزرگوار خود در وادی السلام مدفون گردید.

عده ای کثیر از دانشمندان در مرثیه و مادّه تاریخ وفاتش اشعاری سرودند که از آن جمله است مادّه تاریخی که مرحوم آقا حسن رئیس زاده واعظ گفته است:

منوّر مشعلی خاموش شد از علم و دانش

که مانندش نیاید در جهان از هیچ مشکاتی

ز سال فوت پرسید از «رئیسی» باصفا گفتا

ز جنّت مجتبی سر کرد بیرون گفت روضاتی

۱۳۷۷=۱۴۱۷-۴۰

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تقریرات اصولی استاد علّامه خود مرحوم درچه ای، در اصل برائت و احتیاط» ۲. «تقریرات اصولی استاد نامبرده در مبحث ظن» ۳. «جامع الدرر»، دو مجلّد در متفرّقات عربی و فارسی منظوم و منثور ۴. جزوات متعدده در مواعظ منبری و غیره.(۱)

حسن صائب اصفهانی

حسن صائب بن حاج سیّد مصطفی، از شعرای معاصر در سال ۱۳۱۱ه.ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر در مدارس جدیده به تحصیل پرداخته و در جوانی روزنامه بامداد را انتشار داده است. طبع شعر نیز داشته و «صائب» تخلّص می نماید.

۱- زندگانی حضرت آیت اللّه چهارسوقی، صص ۷۳-۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۴۶ و ۳۴۷.

از اوست:

ز دوستان وفادار مگسلان پیوند

که زیر سایه الطافشان بقا بینی

صفای خاطر از آن بی وفا چه می جوئی

که قلب تیره او را پر از ریا بینی(۱)

حکیم حسن شفایی اصفهانی

حکیم شرف الدّین حسن بن حکیم ملّای اصفهانی، شاعر ادیب و طبیب حکیم، تولّدش بنابر قول تقی الدّین اوحدی در سال ۹۶۶بوده و در خدمت پدر که از شاگردان میر غیاث الدّین منصور شیرازی بوده و برادرش حکیم نصیرا و جمعی دیگر از علماء و ادباء و اطبّاء تحصیل نمود. در مسجد جامع اصفهان طبابت می نموده و نزد عموم طبقات معزّز و محترم می زیسته است. به طوری که نقل می کنند وقتی در محله نیم آورد به شاه عباس کبیر صفوی برخورد می کند پادشاه قصد فرود آمدن از مرکب خود را جهت او می کند حکیم با خواهش و تمنّا مانع می شود. ولی تمام بزرگان که در رکاب شاه بوده اند، به احترام او پیاده می شوند، شفایی در اوایل عمر هجو بسیار می گفته [از جمله خواجه محمدرضا فکری اصفهانی، فغفور لاهیجی و علیشاه ذوقی اردستانی را هجو نموده]لکن در اواخر عمر توبه نموده است.

کتب زیر از اوست:

۱. خمسه شامل: دیده بیدار - به نام شاه عباس کبیر، نمکدان حقیقت بر وزن حدیقه سنائی، مجمع البحرین در برابر تحفه العراقین، شکرالمزاحتین، مهر و محبت ۲. دیوان اشعار، مطبوع ۳. کتابی در ادویه مرکّبه ۴. ساقی نامه

در الذریعه به نقل از ریاض العلماء درباره او فرماید: شفایی درباره خودش گفته

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۷.

است: طبابت من تبحّر و استادی مرا در سایر علوم پوشانید و شعرم طبابتم را پوشانید و کثرت هجایم شاعریم را مخفی داشت.

وفاتش در سال ۱۰۳۷ق روی داده است. ملّا عرشی درباره تاریخ وفاتش گوید:

«بشاه دین شفایی داد جان را».

قبرش در قبرستان شاه میرزا حمزه قرار داشته که اکنون دانشسرای کشاورزی [هنرستان سروش فعلی] است.

نگارنده [مرحوم استاد مهدوی] سنگ لوحش را هنگامی دید که [آن را] یک طرف انداخته بودند و به تدریج اراضی مجاور آن را برای زراعت مهیّا می ساختند.

[فخرالزّمانی مؤلّف تذکره میخانه که معاصر حکیم شفایی است می نویسد بقایای جسد حکیم شفایی را به عتبات عالیات انتقال داده و در نجف اشرف به خاک سپرده اند.]

برخی او را با حکیم شفایی مظفربن محمّد حسین کاشانی مؤلف کتاب قرابا دین اشتباه گرفته و آن دو نفر را یکی دانسته اند.

از اشعار اوست:

هر شب به کوی یار صبا می برد مرا

ماهر دو عاشقیم چرا می برد مرا

بر دوش خود گرفته و چون برق می دود

در حیرتم که آه کجا می برد مرا(۱)

۱- ریحانه الادب، ج۳، صص ۲۲۸-۲۲۶؛ خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، صص ۳۲۷-۳۲۴؛ تذکره هفت اقلیم، ج۲، صص ۴۲۹ و ۴۳۰؛ ریاض العلماء، ج۱، صص ۱۶۳-۱۶۱؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۱۰۸۲-۱۰۷۵؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۹۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱۸ و ۵۱۹؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۱۲-۳۱۰؛ تذکره میخانه، صص ۵۳۴-۵۲۳؛ مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۴۰ و ۴۱؛ سرو آزاد، صص ۴۷ و ۴۸؛ لغت نامه دهخدا، ذیل شفایی اصفهانی، ص۴۲۶؛ تذکره ریاض العارفین، ص۳۵۷؛ دیوان حکیم شفایی: مقدمه؛آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص ۹۵۰ و ۹۵۱؛ تذکره غنی، ص۷۴؛ تذکره حسینی، ص ۱۷۸؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چاپ ۱۳۷۷ش)، صص ۱۸۰۶-۱۸۰۴؛ الذریعه، ج۹، ص۵۳۰، و ج۱۹، صص ۳۱۴ و ۳۲۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

حسن بن موسی

حسن بن موسی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از قَعنَبی و محمّد بن بکیر حضرمی روایت می کند و فرزندش عبدالرّحمن ضرّاب از صاحب عنوان حدیث شنیده است.(۱)

حسن اصفهانی

حسن بن مهدی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. محمّد بن حسین بن حُمید بن ربیع از او روایت می کند و خود او از عمر بن عبدالرّحمان نقل حدیث می نماید.(۲)

حسن اصفهانی

حسن بن مهدی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از محمّد بن حسین بن حُمید بن ربیع روایت نموده و عمر بن عبدالرّحمان از او نقل حدیث می نماید.(۳)

سیّد حسن موسوی دهسرخی*

سیّد حسن بن سیّد مهدی بن سیّد اسداللَّه دهسرخی، عالم فاضل. در سال ۱۳۴۱ق در اصفهان متولّد شده و در مدرسه کاسه گران و مدرسه صدر نزد شیخ محمدعلی معلم حبیب آبادی و شیخ عباسعلی ادیب تحصیل نمود. سپس به قم رفته، مکاسب را نزد آیت اللَّه العظمی مرعشی نجفی و رسائل را نزد شیخ اسداللَّه صفر نوراللهی نجف آبادی و کفایه را نزد سیّد محمّد باقر سلطانی بروجردی و میرزامحمّد مجاهدی تبریزی آموخت و مدت کوتاهی نیز در درس خارج آیت اللَّه بروجردی شرکت کرد.

در سال ۱۳۷۶ق به خواهش مردم محله سلطنت آباد تهران، به آنجا رفته و به اقامه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۵۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۵۸.

جماعت و نشر معارف اسلامی پرداخت تا اینکه در پنج شنبه ۲۸ شعبان ۱۴۱۴ق در تهران وفات یافته، جنازه به قم حمل و در قبرستان وادی السلام مدفون شد.

از تألیفات اوست:

۱. کودکان سخنور ۲. تاریخ مختصر انبیاء و ائمه علیهم السلام ۳. چهل حدیث(۱)

میرزا محمّدحسن نحوی

حاج میرزا محمّدحسن بن حاج سیدمهدی نحوی بن سیّد محمّد حسن مجتهد بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه موسوی خواجوئی اصفهانی، عالم فاضل فقیه، از دانشمندان قرن چهاردهم هجری در سال ۱۲۸۷ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود و شیخ محمّد تقی آقا نجفی، حاج میرزا بدیع درب امامی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی، میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) به تحصیل پرداخته و به اجتهاد نائل شد. او داماد استادش صاحب روضات بوده و به تدریس فقه و اصول مشغول بوده و عمری را به زهد و قناعت گذرانده است.

سرانجام در جمعه ۱۴ربیع الثّانی ۱۳۶۱ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی سادات مهدوی در تخت فولاد مدفون شد.

میرزا محمّد علی معلم حبیب آبادی مادّه فوت وی را چنین نوشته است:

کم کرد معلم دو و گفت از پی سالش

«سیّد حسن نحوی عارف ز جهان رفت»(۲)

۱- گنجینه دانشمندان، ج۴، ص۵۷۲؛ تربت پاکان قم، ج۱، صص ۵۶۸ و ۵۶۹.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۶.

شیخ محمّد حسن نجفی زاده

حاج شیخ محمّد حسن نجفی زاده فرزند شیخ مهدی نجفی، از علماء و فضلائ معاصر اصفهان. مادرش دختر شیخ محمّدتقی آقانجفی است.

[در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای این شهر از جمله پدر دانشمند خود و شیخ محمّدرضا نجفی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، شیخ فضل اللّه اعضادی خوانساری، ملا فرج اللّه دری و دیگران به تحصیل پرداخت و فاضلی ارجمند و عالمی جامع گردید.]

او سالها در جلفای اصفهان محضر استاد رسمی داشت و به امور اجتماعی مردم آن ناحیه از مسلمان و ارمنی با کمال دقت و دینداری رسیدگی می نمود. همچنین در آموزش و پرورش به عنوان معلم به تدریس در مدارش مشغول بود. او امتیاز روزنامه «اسلام در شرق» را داشت که مدیریت آن را به ناصر دهاقانی سپرده بود.

او در اواخر عمر به بیماری مبتلا شده و در منزل منزوی و خانه نشین بود تا اینکه در ذیقعده سال ۱۴۰۷ق وفات یافته و در قبرستان جدید اصفهان موسوم به «باغ رضوان» مدفون گردید.(۱)

محمّدحسن خدائی

محمّد حسن خدائی ابن آقا سیّد محمّد مهدی درب امامی، شاعر ادیب در روز ۷ رمضان المبارک ۱۳۰۹ق در اصفهان متولّد شد. از سلسله سادات درب امامی بود. مقدمات علوم ادبیات را در مدارس قدیم آموخته و سپس به کسب و کار مشغول شد. در سال ۱۳۱۰ش در کارخانه وطن استخدام شده و به کار پرداخت. طبع شعر داشته و در انجمن ادبی شیدا شرکت می نموده «خدائی» تخلّص داشت. دیوان اشعارش حدود سه

۱- علوم و عقاید، ص۱۱۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۸۷ و ۸۸؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۲؛ اَساوِر مِن ذَهَب: مقدمه، صص۲۸-۲۶.

هزار بیت شعر داشت.(۱)

وی سرانجام در سال ۱۳۳۶ش وفات یافته و در تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

از اوست:

ترسم که آه و ناله من پرده در شود

هر خاص و عام از غم من باخبر شود

گویند سیل اشک بشوید ز دل ملال

امّا نه آن که دل همه خون جگر شود

محمّد حسن اصفهانی

محمّد حسن بن حاج میرزا محمّد مهدی قاری اصفهانی، از فضلاء و خطاطان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را زیبا می نوشته و در محلّه مسجد حکیم اصفهان ساکن بوده است. وی نسخه ای از کتاب «تحفه حکیم مؤمن» را به خط خوش خود کتابت کرده که در مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۳)

حسن بن مهران

حسن بن مهران، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از اسحاق بن راهویه و ابن ماسَرجِس روایت می کند. در سال ۳۹۲ق وفات یافته است.(۴)

حسن اصفهانی

حسن بن مهران اصفهانی، از محدّثین شیعه است. [وی در سلسله راویان احادیث نقل شده از طرف شیخ صدوق واقع شده ولی مشایخ و راویان از او بر ما مجهول است.(۵)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۲۱.

۲- یادداشت های آقای حمید خلیلیان.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱۹ و ۵۲۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۹.

۵- مستدرک سفینهالبحار، ج۲، ص۳۸۱.

حسن برزانی*

حسن بن ناصر برزانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری، در سال ۱۲۵۳ق جلد یکم کتاب «الکواکب الضّیائیه» در شرح زبده الاصول شیخ بهائی، تألیف سیّد یوسف خراسانی اصفهانی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۲۸۶ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱) نسخه دیگری از «الکواکب الضیائیه» (جلد دوّم) که توسط حسن برزانی در جمعه ۲۲ ذیقعده ۱۲۵۴ق کتابت شده، به شماره ۵۴ در کتابخانه مدرسه معمارباشی تهران موجود است.(۲)

میرزا حسن آتش

میرزا حسن آتش بن حاج میرزا آقا بن میرزا محمّد طاهر بروجنی، از شعرای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری، در سال ۱۲۸۶ق متولّد شد و پس از تحصیلات مقدّماتی، در جوانی به شغل «زنجیره باقی»، «گلدوزی دستی» و «یراق دوزی» پرداخت امّا در اواخر عمر به داد و ستد و معاملات نقدی روی آورد.

در شعر پیرو سبک کلیم و صائب بود و در انجمن های ادبی اصفهان شرکت می کرد و در آنجا بود که از محضر شاعرانی چون محمدحسین عنقا، عمان سامانی، میرزا حسینعلی آشفته، و میرزا محمّدعلی مسکین کسب فیض کرد. ابتدا «بینوا» تخلّص می کرد و بعداً آن را به «آتش» تغییر داد. آتش در جمعه ۲۱ رجب ۱۳۴۹ق در اصفهان وفات یافته و در تکیه جوباره ای ها (فاضل سراب) در تخت فولاد مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را حسام الدّین دولت آبادی چنین سروده است:

طبع «حسام» از پی تاریخ گفت:

«آتش ما سرد شدی زود بود»

دیوان اشعار او با مقدمه استاد همائی در سال ۱۳۲۱ش و بار دیگر در سال ۱۳۳۶ش به چاپ رسید.

۱- فهرست فیضیه، ج۱، ص۲۲۴.

۲- فهرست معمارباشی، ص۵۸.

این بیت از اوست:

به جرم آن شدم «آتش» ز گریه خانه خراب

که دیده ام خبر از آب زیر کاه نداشت(۱)

شیخ حسن صافی*

حاج شیخ حسن صافی اصفهانی فرزند نصراللّه، عالم ربانی و فقیه صمدانی، در سال ۱۲۹۸ش در اصفهان متولّد شده و تحصیلات ابتدائی را در مدرسه قدسیّه آغاز کرد و آن را تا حدود سوم دبیرستان ادامه داد. آنگاه به تشویق شیخ احمد حججی نجف آبادی به تحصیل در حوزه علمیه اصفهان پرداخت. وی پس از تحصیل علوم مقدماتی به قم رفته و در درس آیت اللّه شهاب الدّین مرعشی نجفی و شیخ عبدالرزاق قائنی و دیگر اساتید از جمله امام خمینی حاضر شد.

وی در ۲۴ سالگی به نجف اشرف عزیمت نموده و در مدت ۲۸ سال مجاورت آستان مطهر حضرت علی علیه السلام نزد آیات عظام سیّد ابوالقاسم خوئی، سیّد محسن حکیم، سیّد عبدالهادی شیرازی و هم چنین نزد شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ محمّدعلی کاظمینی به کسب فیض پرداخته و به اجتهاد نائل آمد. علوم عقلی را نزد آقا صدرا بادکوبه ای فرا گرفت و نزد عالم ربانی و عارف کامل سیّد جمال الدّین گلپایگانی به تهذیب نفس پرداخت.

او بیشترین بهره را از درس مرحوم خوئی برده و تقریرات دوره دوم اصول و دوره سوم مباحث الفاظ به نگارش درآورد. مرحوم صافی در نجف اشرف به تدریس «شرح

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۲-۳۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۲؛ گلزار جاویدان، ج۱، صص ۵ و ۶؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۲۳ و ۲۴؛ دیوان طرب، ص۲۴۴؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۵۷۸ و ۵۷۹؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۲۱ و ۲۲؛ نقباء البشر، ج۱، ص۳۶۵؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۷۸۷ و ۲۷۸۸.

لمعه»، «رسائل»، «مکاسب»، «کفایه» و خارج اصول پرداخت. در سال ۱۳۵۰ش به درخواست اهالی اصفهان و دستور امام خمینی و مرحوم خوئی به اصفهان مراجعت نموده و به اقامه نماز جماعت در مسجد جامع و تدریس در مدرسه صدر بازار مشغول شد. در جریان مبارزات مردم علیه رژیم پهلوی، همراه و همگام انقلابیون بود در صدور اعلامیه و انجام راهپیمائی شرکت داشت. وی علاوه بر تدریس دروس حوزوی مدتی نیز به تدریس اقتصاد اسلامی مشغول بود. پس از وفات مرحوم خادمی و بیماری مرحوم صادقی، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده گرفت و در این کار به حل مشکلات طلاب و بهبود وضع مدارس حوزه اهتمام داشت.

او علاوه بر تدریس دروس رایج، به تربیت و پرورش طلاب و آموزش اخلاق اسلامی نیز توجّه خاص داشت. خود نیز عابد و زاهد و اهل تَهَجُّد و مراقبت بر مستحبات و نوافل بود.

او پس از مدتی بیماری در سن ۷۶ سالگی در صبح جمعه سوم جمادی الاولی ۱۴۱۶ق، وفات یافته و پس از تشییع باشکوه مردم و علماء اصفهان، در بقعه علّامه مجلسی مدفون شد.

از آثار خیریه او تأسیس مدرسه علمیه و مرکز تحقیقات اسلامی صاحب الامر(عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در قم و دارالشّفاء فاطمیّه در اصفهان را می توان نام برد.

از آثار علمی او کتاب «الهدایه فی الاصول» در ۴جلد که تقریرات درس مرحوم خوئی است و کتاب «شوق وصال» در ۲جلد در مباحث اخلاقی به چاپ رسیده است.(۱)

۱- یادنامه آیت اللّه حاج شیخ حسن صافی اصفهانی؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۳۷۱، دوازدهم مهر ۱۳۷۴، ص۵؛ روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۷۳.

میرزا محمّد حسن منشی اصفهانی*

میرزا محمّد حسن منشی ابن میرزا محمّد نصیر حسینی مرعشی ابن سیّد محمّد جعفر صافی، شاعر و ادیب، منشی و خوشنویس قرن سیزدهم هجری.

وی از منشیان عهد فتحعلی شاه قاجار بود و در زمان سلطان محمّد میرزا (سیف الدوله قاجار) در دارالانشاء به فعالیت مشغول بود. در زمان محمّد شاه به منصب وقایع نگاری برگزیده شد. علاوه بر احاطه بر فنون ادب و انشاء، خط شکسته را نیز خوش می نوشت و غزل و قصیده را با مهارت می سرود.

این دو بیت از قصیده ای که در مدح منوچهر گرجی (معتمدالدوله) حاکم اصفهان سروده نقل می شود:

یا رب آن گیسوی مشکین نرسد هیچ گزندش

که هزاران دل عشاق اسیر است به بندش

هیچ دل نیست که آشفته نگردیده از آن مو

هیچ صیدی نبود خسته ز آسیب کمندش(۱)

وی در سال ۱۲۳۲ق نسخه ای از کتاب «کلیات سعدی» را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

شیخ حسن بنّای اصفهانی

شیخ حسن بن نظام الدّین بنّای اصفهانی، بنای چیره دست و هنرمند قرن نهم هجری است.

وی در سال ۸۴۹ق خانقاه یا «بیت السّعاده و السیّاده» (منزل سیّد حسن حسینی معروف به سیّد واقف) را در روستای افوشته نطنز بنا کرده است.(۳)

۱- تذکره مدایح معتمدیه، نسخه خطی.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۶۶.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۸۸۷؛ میراث فرهنگی نطنز، ص۵۷.

سیّد حسن علوی

سیّد ابوالعزّ حسن بن هادی بن حسن علوی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

وی در سال ۴۵۰ق متولّد شده و از ابومسلم محمّد بن علی بن مهریزد اصفهانی و ام الحسن عایشه بنت حسن بن ابراهیم ورکانی و دیگران حدیث شنیده است. سرانجام در حدود سال ۴۵۰ق در ماه رمضان وفات یافت.

ابوسعد سمعانی درباره تندخوئی او داستان نقل کرده است و از او حدیث شنیده است.(۱)

محمّد حسن بروجنی

محمّد حسن [بن کربلائی هاشم] بروجنی [از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. از آثار او:

۱. در سال ۱۲۵۵ق نسخه ای از «منهج الاصول» تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی، را به خط نسخ کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۵۴۰ع در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۲)]

۲. در سال ۱۲۵۷ق «اسانید مَن لا یحضره الفقیه» را نوشته و در حاشیه آن حالات رجال آن را مختصراً به خط شکسته نستعلیق نوشته است، [که] ضمن کتاب شماره ۴۱۸ «من لا یحضره» در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در تهران موجود است.(۳)

دکتر محمّد حسن سه چهاری

دکتر محمّد حسن سه چهاری بن آقا ملّا هاشم بن محمّد ابراهیم بن محمّد حسن بن محمّد ابراهیم اصفهانی، عالم فاضل ادیب نویسنده، از فضلاء و نویسندگان معاصر اصفهان.

۱- التحبیر، ج۱، ص۲۱۹.

۲- فهرست کتابخانه ملّی، ج۸، ص۳۶.

۳- فهرست سپهسالار، ج۱، ص ۳۳۰.

در سال ۱۲۹۵ش در اصـفهان متولّد گردید و در این شـهر نزد آقا شیخ محمّد رضا نجفی و آقا سیّد محمّد نجف آبادی و سیّد مهدی درچه ای به کسب فیض پرداخت. سپس به قم مهاجرت نموده و نزد آیات عظام سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد محمّد حجت کوه کمری و امام خمینی تلمّـذ نموده و در نجف به درس آقـا ضـیاءالدّین عراقی حاضـر شـده و از اغلب اساتیـد خود اجازه روایت و اجتهاد دریافت نمود.

او در اصـفهان به تـدریس در دبیرسـتانها مشـغول شد. سـپس به دانشـگاه اصـفهان منتقل شده و به تدریس پرداخت. او پس از بازنشسـتگی به تألیف و تصـنیف و اداره دفتر ازدواج و طلاق مشـغول شد. وی تحصـیلات دانشـگاهی را در دانشگاه تهران در رشته الهیات انجام داده و به درجه دکترا نائل آمد.

[دکتر سه چهاری در روز ۱۵ خرداد ۱۳۸۱ش وفات یافته و در گورستان جدید باغ رضوان اصفهان مدفون شد.]

کتابهای زیر از تألیفات اوست:

۱. «اسـلام سازنده نه اسلام ساخته شده» مطبوع ۲. «اصول دین محمدی صـلی الله علیه وآله» ۳. «استصحاب» ۴. «اسلام و ادیان باطله» مطبوع ۵. «اصـول و فروع دین» مطبوع ۶. «پرسـش یک ماتریالیست سوسـیالیست و پاسخ آن» مطبوع ۷. «تاریخ انبیاء» ۸. «تاریخ خاتم الانبیاءصلی الله علیه وآله» ۹. «تاریخ ادیان هند» ۱۰. «پرسش یک طبیعی و پاسخ آن» مطبوع ۱۱. «تاریخ و فرهنگ ادبیات عرب» ۱۲. «توحیـد و نبوت» مطبوع ۱۳.«تعلیمات دینی» مطبوع ۱۴. «حاشـیه بر متاجر شیخ مرتضی انصاری» ۱۵. «خدای آفریننـده نه خدای آفریده شده» مطبوع ۱۶. «فروع دین محمدی و اسـرار آن» مطبوع ۱۷. «صرف و نحو» ۱۸. «کشکول حسنی» ۱۹. «کیف کان الامام الثانی الحسن علیه السلام مطلاقاً» ۲۰. «مقایسه و ارتباط ادبیات ایران و عرب»(۱)

۱- اسلام سازنده و نه اسلام ساخته شده: مقدمه؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

سیّد حسن موسوی اصفهانی

سیّد حسن بن سیّد هاشم بن سیّد میرزا بن سیّد محمّد موسوی اصفهانی، عالم فاضل متقی، در حدود سال ۱۲۰۰ ه.ق متولّد شد و در اصـفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله سیّد حجهالاسلام شفتی و حاج محمّد ابراهیم کلباسی و شاید حاج ملّا علی نوری تلمذ نمود.

وی در ضـمن تحصـیل به شـغل زنجیره بـافی نیز اشـتغال داشت. از امتیـازات او عمـامه سبز بود که تا این اواخر در بین اعقابش متداول بود. سرانجام در حدود سال ۱۲۷۰ یا اندکی بیشتر در اصفهان وفات یافت و در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.(۱)

حسن رهرو اصفهانی*

حسن شیرانی متخلّص به «رهرو» بن هاشم، شاعر ادیب در سال ۱۳۲۱ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رساند و به استخدام اداره ثبت اسناد و املاک اصفهان درآمد. وی از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و در بعضـی از انجمن های ادبی اصفهان شرکت کرد. علاوه بر سرودن انواع شعر (غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی) به زبان لُری نیز شعر سروده است.

از اوست:

چشم مااز انتظارش گرچه شد بر در سپید

خانه دل را کند آن مهر روشنگر سپید

از صفا گردد دل تاریک روشن چون سحر

می کنند آینه را از گرد خاکستر سپید(۲)

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۰۴.

۲- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۶۱۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۳۱۷.

میرزا محمّد حسن شهیدی مشهدی*

میرزا محمّد حسن شهیدی مشهدی ابن سیّد هدایت اللَّه بن سیّد محمّد مهدی شهید اصفهانی خراسانی، عالم فاضل. سالها در اصفهان سکونت داشته و نزد حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی و دیگران به تحصیل علوم دینی مشغول بوده است. وی کتاب «قرائه المأموم خلف الامام» را تألیف نموده که در کتابخانه ملک تهران وجود دارد.(۱) همچنین کتاب «نجاه المتّقین» را در محرم ۱۲۵۴ق در اصول و فروع دین تألیف نموده است.(۲)

شیخ محمّد حسن رحیمیان*

شیخ محمّد حسن رحیمیان فرزند شیخ یداللَّه، عالم فاضل معاصر. در ۶ رمضان ۱۳۶۷ق (مطابق ۲۲تیر ۱۳۲۷ش) در روستای «دستگرد» اصفهان متولّد شد. در حوزه علمیه و قم تحصیل نمود وسپس به نجف اشرف مشرّف شده و از درس آیات عظام امام خمینی، سید ابوالقاسم خوئی و سیّد محمّد باقر صدر بهره مند شد.

او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت دفتر رهبر انقلاب امام خمینی درآمده و مسئول امور مالی و وجوه شرعی شد. مدتی بعد به عنوان قائم مقام بنیاد شهید منصوب شد و از سال ۱۳۷۱ش رئیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی شد. او سالهاست که مدیریت مجلّه «پاسدار اسلام» را برعهده دارد و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۲ش در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس نموده است.

آقای رحیمیان در خوشنویسی نیز مهارت به سزایی دارد و خصوصاً خط ثلث را خوش می نویسد. کتیبه های ایوان اصلی مرقد مطهر حضرت سیّدالشهداءعلیه السلام و کتیبه های صحن حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام و کتیبه کمربند داخل حرم مطهر حضرت زینب(سلام اللَّه علیها) از آثار ارزنده و نمونه خط زیبای اوست.

۱- فهرست ملک، ج۱، ص۴۱۴.

۲- نسخه های خطی، ج۲، ص۱۳۲.

کتاب های زیر از تألیفات او به چاپ رسیده است:

۱. «تعالیم قرآن» ۲. «در سایه آفتاب» ۳. «اخلاق و تربیت اسلامی» ۴. «آیین تزکیه» ۵. «در حریم لاله ها» ۶. «حدیث رویش»

این کتاب ها نیز هنوز به چاپ نرسیده است:

۷. «اسلام مکتب انسان سازی» ۸. «آسیب شناسی اخلاق در مدیریت» ۹. «آثار تربیتی نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر»(۱)

حسن اصفهانی

حافظ ابوعلی حسن بن یونس اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. در اصفهان، خراسان، عراق و نیشابور استماع حدیث کرده و در اصفهان مجلس املای حدیث داشته است.

ابوسعد سمعانی در شرح حال ابوالنّجم طالب بن زید گوید: ابوعلی بن یونس مؤلّف «مئه حدیث عن مئه شیخ» است.

ابوالنّجم طالب کتاب فوق را از نوه صاحب عنوان یعنی ابوعلی حسن بن عمر بن حسن بن یونس حافظ اصفهانی روایت می کند.(۲)

سیّد محمّد حسن بدری

سیّد محمّد حسن بدری، از خطاطان فاضل اصفهان است. خط نستعلیق را با مهارت می نوشت. وی در غرّه ربیع الاوّل ۱۳۸۳ق به سن متجاوز از ۶۵سالگی وفات یافت.

[وی یک نسخه از مثنوی «طاقدیس» تألیف: ملّا احمد نراقی را به نستعلیق در سال ۱۳۵۳ق کتابت کرده است که در مطبعه گلبهار اصفهان چاپ سنگی شده است.]

۱- حدیث رویش، ص۱۶-۱۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۵۶.

میرزا محمّد حسن تخت فولادی*

میرزا محمّد حسن تخت فولادی، از عرفاء و زُهّاد عصر قاجاریه، از مریدان هادی علی شاه نعمت اللهی و در تخت فولاد ساکن و به عبادت و ریاضت مشغول بود.

او در سال ۱۳۲۹ق وفات یافته، در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفات او را «منعم» شاعر اصفهانی سروده است:

رفت و «منعم» بسال فوتش گفت

شد شفیع حسن حسین شهید(۱)

سیّد حسن ترسای جرقوئی*

سیّد حسن طباطبائی رامشنی جرقوئی متخلّص به «ترسا» شاعر ادیب. از اهالی قریه «رامشن» (رامشه) جرقویه اصفهان بوده و در قرن سیزدهم هجری می زیسته است. وی سفری به هندوستان رفت و پس از بازگشت، به زادگاه خود بازگشت. از آثار او: «دیوان اشعار» و «تاریخ اوج کلیسا» است که هنوز به طبع نرسیده است.

از اوست:

در وصف عارضت نتوانم که دم زنم

ورد زبان مرا به دهان همچو سوسن است

از عشق رویت ای بت شیرین زبان من

در بیستون سینه مرا تیشه ناخن است(۲)

میرزا محمّد حسن تسلیم اصفهانی

میرزا محمّد حسن اصفهانی متخلّص به «تسلیم» و ملقّب به «صدر الأفاضل» شاعر ادیب. [در برخی کتب نام او را میرزا صادق نوشته اند که اشتباه است. مردی عارف و سالک بوده است. سفری به هند رفته و دست ارادت به غلام علی شاه جلالی همدانی

۱- گلشن اهل سلوک، صص ۱۶۸ و ۱۶۹؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۱۹.

۲- گرکویه سرزمینی ناشناخته برکران کویر، (چ۲)، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

داده است. رساله «صبح صادق» از تألیفات اوست. دیوان اشعاری هم دارد که بالغ بر پنج هزار بیت است.

از اوست:

صوفی که گوید بر ملا، روی تو دیدم بارها

گر راست می گوید چرا، بانگ انا الحق می زند(۱)]

محمّد حسن توپچی

محمّد حسن توپچی [از صاحب منصبان دستگاه ظلّ السّلطان] به دستور ظلّ السّلطان اشعار کتاب اسکندرنامه را در سال ۱۳۲۲ق بیرون نویس نموده و نسخه آن، که شکسته نستعلیق و به خط خود اوست. به شماره ۱۱۵۱۵ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

ملّا حسن جوزدانی

ملّا حسن جوزدانی، از منبریان و واعظین اصفهان است. وی داماد مرحوم آقا میرزا مهدی چهارسوقی فرزند آقا میرزا محمّد باقر صاحب روضات الجنات بوده است.(۳)

ملّا حسن حکیم*

ملّا حسن حکیم، از حکمای الهی و فلاسفه عالیقدر قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان به تحصیل پرداخته و در علوم آن زمان به مهارت دست یافت و به تدریس کتب فلسفی مشغول شد. وی در شعبان ۱۳۰۰ق براثر سقوط از بالاخانه منزل خود وفات یافت.

۱- ریاض العارفین، ص۴۱۴؛ الذریعه، ج۹ ص ۱۷۰ و ج۱۵، ص۶؛ مکارم الآثار، ج۵ ص۱۵۰۸؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۱۳۹.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۶۵.

۳- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۷۲.

او از علمای منزوی و گوشه نشین بوده و شهرتی در بین عوام و خواص نیافته است.(۱)

سیّد حسن خراسانی

سیّد حسن حسینی خراسانی، عالم فاضل، در اصفهان ساکن بوده و نزد حاج محمّد ابراهیم کلباسی به تحصیل مشغول بوده است.

او در ماه رمضان المبارک سال ۱۲۵۳ه.ق به همراه فرزند مؤلف شیخ محمّد جعفر کلباسی، نسخه ای از کتاب «منهاج الهدایه» استادش حاج محمّد ابراهیم کلباسی را مقابله نموده و بر آن تعلیقاتی نوشته که حاکی از فضل و تبحّر او در فقه است(۲)

حسن خواجه شیرانی*

استاد حسن خواجه شیرانی، هنرمند قلمزن معاصر، در سال ۱۳۰۶ش در اصفهان متولّد شد. در کودکی پدر و مادر را از دست داد و به ناچار ابتدا به بافندگی (کیش بافی) پرداخت و سپس به قلمزنی مشغول شد. در ۲۵ سالگی برای خود کارگاه مستقل ایجاد کرد و به همراه استادش «صنایع پسند» برای قلمزنی درها و ضریح مرقد مطهر ائمه سامرا، کاظمین، کربلا و نجف به عتبات عالیات رفت و پس از چندین بار سفر به عتبات و اقامت چندین ماه در هر سفر، عاقبت به دعوت استاد دهنویی سرپرست کارگاه قلمزنی اداره فرهنگ و هنر به تهران آمد و در اداره فرهنگ و هنر استخدام شد. از سال ۱۳۵۷ پس از بازنشسته شدن استاد دهنویی، به جای او رئیس کارگاه قلمزنی شد و تا سال ۱۳۸۱ش در این سِمَت باقی بود. در خردادماه ۱۳۸۵ فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران از او و عدّه ای از هنرمندان هنرهای سنتی در مراسمی تجلیل کرد. استاد خواجه شیرانی، در دوشنبه ۱۱ دی ۱۳۸۵ش بر اثر سکته مغزی درگذشت و در قطعه هنرمندان

۱- تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظلّ السّلطان، ص ۲۸۰.

۲- تراجم الرجال، ج۱، ص ۱۴۱.

بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.(۱)

شیخ محمّد حسن داورپناه

شیخ محمّد حسن داورپناه، عالم کامل و فقیه جلیل. در حدود سال ۱۳۰۰ق در خوانسار متولّد گردیده و در محل تولّد خود و اصفهان نزد آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی و دیگران به تحصیل پرداخته و سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و خدمت آیات عظام سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی کسب فیض نموده و مجتهدی مسلّم و عالمی کامل گردیده و به اصفهان مراجعت نمود.

وی سالها در مدرسه درکوشک «فرائد»، «متاجر» و «کفایه» تدریس می نمود و دهها تن از افاضل این شهر از محضر درس او کسب فیض نموده اند. وی در فقه و اصول و ادبیات در حدود سطوح و خارج تدریس می فرمود و در کشف معضلات علوم ید و بیضا می نمود. آیه الله میرزا ابوالحسن شمس آبادی از جامعیّت و فضائل و علوم آن مرحوم ستایش زیاد می نمود.

او از بدو تشکیل مدارس جدید به خدمت فرهنگ وارد شده و بدین جهت مقدمات علمی مشارٌالیه مجهول ماند و آن طور که باید و شاید از ایشان استفاده نگردید. [وی علاوه بر داشتن محضر شرعی] سالها در ارتش به عنوان قاضی عسکر خدمت می نمود.

سرانجام در ماه رجب ۱۳۸۲ق به سن متجاوز از ۸۰ سال وفات یافته و در تکیه سیّدالعراقین در تخت فولاد مدفون گردید و بر سر مزار او بقعه ای کوچک و زیبا بنا شد.

نگارنده مدّتی از محضر ایشان در علوم ادبیّت استفاده نموده است.(۲)

۱- مجله پیک سنجش، شماره ۲۹۲، شهریور ۱۳۸۱ش؛ روزنامه جوان، ۱۲دی، ۱۳۸۵ و ۱۰ خرداد، ۱۳۸۴ش.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۸۳ و ۶۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۸.

محمّد حسن درویش چهارمحالی

محمّد حسن درویش چهارمحالی، از شعراء قدیمی و محترم چهارمحال بوده و با عمان و دهقان سامانی معاشر و مأنوس بوده است. در حدود سال ۱۲۶۰ق متولّد و در سال ۱۳۲۶ق وفات یافت. از اوست:

ندانم که بت عابد فریب زاهد کیش

ز خون کیست که رنگین نموده پنجه خویش(۱)

شیخ حسن دشتکی

شیخ حسن دشتکی، عالم فاضل ادیب، از شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی، آخوند ملّا محمّد حسین کرمانی و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای بوده، در مدرسه جده ساکن و سطوح فقه و ادبیات تدریس می نمود. وی در سال ۱۳۴۴ق وفات یافته و در کنار جاده قدیم شیراز در تخت فولاد (خارج از تکیه آباده ای) مدفون شد.(۲)

ملّا حسن دولت آبادی

حاج ملّا حسن دولت آبادی، عالم کامل، از فقهاء قرن چهاردهم هجری. در دولت آباد برخوار متولّد شده و در اصفهان نزد آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آخوند ملّا حسین فشارکی، میرمحمّد صادق خاتون آبادی و میرزا احمد اصفهانی به تحصیل پرداخته و جهت تکمیل به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر درس شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی، آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی مستفیض گردید. سپس به اصفهان بازگشته و سالها به تدریس فقه و اصول در مدرسه نیم آورد مشغول شد.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۰۷ و ۲۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۵.

وی در سال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در امامزاده ابراهیم معروف به «امامزاده نرمی» در قریه «زمان آباد» بُرخوار مدفون شد.(۱)

محمّد حسن زرگر اصفهانی

محمّد حسن زرگر اصفهانی، شاعر ادیب و سخنور توانا در قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و اغلب به عزلسرائی می پرداخت [در مدح منوچهرخان معتمد الدّوله حاکم اصفهان قصیده ای سروده است. او در غزلیات خود از غزل های سعدی استقبال کرده است.] او در سال ۱۲۷۰ق وفات یافت. [نسخه ای از دیوان او به شماره ۸۲۰ در کتابخانه وزیری یزد موجود است که در سال های ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۶ق کتابت شده است.]دیوان زرگر بارها به طبع رسیده است.

از اوست:

سوختم ز آتش می دفتر دانائی را

ساختم پیشه خود مستی و رسوائی را(۲)

محمّدحسن زلالی خوانساری*

محمّد حسن زلالی خوانساری، معروف به «حکیم زلالی»، از مشاهیر شعرای قرن یازدهم هجری است. او سالها در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته است. علوم عقلی و نقلی را از «میرداماد» و فنون شعر و ادب را از «جلال الدّین اسیر اصفهانی» آموخته است. در سرودن شعر دستی توانا داشته و انواع شعر چون غزل، رباعی، قصیده و خصوصاً مثنوی را با قدرت می سروده است او به تتبع «نظامی گنجوی» و «امیرخسرو

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲ ص۳۱۱؛ مزارات اصفهان، ص۲۶۹؛ جلوه افلاکیان: مخطوط.

۲- تذکره مدایح معتمدیه، نسخه خطی؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۳۴۲-۳۴۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۷۰۶ و ۷۰۷؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۴۰۱؛ فهرست وزیری، ج۲، ص۶۹۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۵۶۳؛ مکارم الآثار، ج۶، ص ۱۹۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۱۷؛ تذکره مآثر الباقریه، ص۱۲۹.

دهلوی» هفت مثنوی سروده و آنها را «سبعه زلالی»، «هفت آشوب»، «هفت سیاره» و «سبعه سیاره» نامیده است که عبارتند از: ۱. «حُسن گلوسوز» ۲. «شعله دیدار» ۳. «میخانه» ۴. «ذره و خورشید» ۵. «آذر و سمندر» ۶. «سلیمان نامه» ۷. «محمود و ایاز» که به طبع رسیده است.

حکیم زلالی در سال ۱۰۳۱ق وفات یافت. برخی سال فوت او را ۱۰۱۶ و یا ۱۰۲۴ق ذکر کرده اند.

از اوست:

الهی بر دلم از عشق زن نیش

که دانم دوست می داری دل ریش

چنان عصیانم از اندازه شد بیش

که نازد رحمتت بر وسعت خویش

سر بی عشق را باید بریدن

به دوش این بار نتوان کشیدن(۱)

ملّا حسن ریزی

آخوند ملّا حسن ریزی لنجانی، عالم فاضل متقی، سالها در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و از مبرّزین شاگردان حاج محمّد جعفر آباده ای و ملّا حسینعلی تویسرکانی است.

وی در شب عاشورای سال ۱۲۹۹ق وفات یافته و در بقعه تکیه آباده ای در تخت

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۳۶-۱۳۱؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۳۰۱ و ۳۰۲؛ تذکره شمع انجمن، صص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ تذکره غنی، ص۶۱؛ تذکره هفت آسمان، صص ۱۴۳-۱۴۰؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، (قسمت دوم)، ص۹۶۶؛ سیری در شعر فارسی، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۶۵۲؛ فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۴، ص۲۶۱۸؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۷۸؛ الذریعه، ج۹، ص۴۰۴ و ج۷، ص۱۵ و ج۱۹، ص۱۰۶ و ۱۵۹.

فولاد مدفون شد.(۱)

استاد حسن زری باف*

استاد حسن زری باف اصفهانی، از اهالی محلّه خواجو بوده و در اوایل قرن چهاردهم هجری می زیسته است. گویند یکی از شیادان عتیقه فروش تهران به اصفهان آمده و او را در سن ۹۰سالگی به کار گرفت و یک اثر به سبک صفوی ساخته شد و آن شیاد برای آنکه شخص دیگری از این هنر استاد استفاده نکند او را مسموم کرد. در هر حال در هنر زری بافی به سبک قدیم اصفهان استادی کم نظیر بوده است.(۲)

حسن سامانی

حسن سامانی، از شعرای قرن چهاردهم هجری و از بزرگ زادگان قریه «سامان» [در چهارمحال بختیاری] است. در سال ۱۳۲۶ق در «سامان» متولّد گردیده و مانند برادرش حسین حشمت از سخنوران آن دیار بوده است.

از اوست:

چشم مستش هوشیاران را به مژگان می کشد

مست را خنجر چو در دست است آسان می کشد(۳)

ملّا حسن شایق*

ملّا حسن اصفهانی متخلّص به «شایق» از فضلاء و ادبای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. اغلب به سرودن مدیحه و مراثی جهت حضرات معصومین علیهم السلام می پرداخته است. در موسیقی نیز معلومات فراوان داشته است. در فنون ادبیات فارسی

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۱.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۷.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۵.

و عرب نیز استاد بود. وی قصیده جهت حاکم اصفهان منوچهرخان معتمد الدّوله سروده است.(۱)

میرزا حسن خان شمس*

میرزا حسن خان شمس، از پیشگامان عکاسی در اصفهان است. از تولّد و درگذشت او اطلاعی در دست نیست همسرش منورخانم، دایه دربار ظلّ السّلطان بوده و خود برای ظلّ السّلطان و اتباع او عکاسی می کرده است.

او از عکاسان زبردست و با تجربه اصفهان بود. عکاسخانه او ابتدا در خیابان خوش [طالقانی فعلی] بود سپس آن را به خیابان نو [سپه فعلی] انتقال داد. مهدی چهره نگار و محمّدجواد شمس (خواهرزاده اش) از او عکاسی فراگرفتند.(۲)

میرزا حسن شوکت اصفهانی

میرزا حسن شوکت اصفهانی، شاعر و ادیب منشی، در جوانی به تحصیل علم و ادب پرداخته و سپس به عنوان منشی در سفارت دولت عثمانی در طهران مشغول به کار شد. برخی از تذکره نویسان او را شیرازی نوشته اند امّا «اعتماد السلطنه» می نویسد: اصفهانی الاصل است. او «تاریخ پِطر کبیر» را که میرزارضا مهندس باشی به فارسی ترجمه کرده بود را انشاء نموده است.

از اوست:

تا گشودی گره از زلف دراز

گره از کار عاشقان شد باز

گه به دل گه به دیده ای ساکن

تا چه خواهی از این نشیب و فراز(۳)

۱- تذکره مدایح معتمدیه، نسخه خطی.

۲- چهره نگاران اصفهان، ص ۱۳۰.

۳- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۸۸۳ و ۸۸۴؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۹۲؛ الذریعه، ج۹، ص ۵۵۱؛ مجمع الفصحاء، ج۵، ص۵۳۵؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۳۰۲؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۳۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۳ و ۴۷۴.

محمّد حسن صامت علی اصفهانی*

آقا محمّد حسن نقاش زرگر اصفهانی ملقب به «صامت علی» از عرفاء و متصوّفه قرن سیزدهم هجری. سالها در عتبات عالیات ساکن بود. پس از آن که به خدمت رحمت علی شاه رسید به لقب «صامت علی» ملقب شد. چندی بعد به خدمت «منورعلی شاه» رسیده و از سوی او مأذون به دستگیری فقرای خراسان شد و چندین سال در مشهد مقدس به هدایت سالکین مشغول بود. عاقبت پس از مسافرت به عتبات عالیات و کرمانشاه به امر «منورعلی شاه» در تهران ساکن شد و به دستگیری از فقرای آنجا مشغول شد. آخرالامر در سال ۱۲۹۸ق وفات یافته و در مقبره ابن بابویه شهر ری مدفون شد. ماده تاریخش را یکی از شعراء چنین گفته است:

«غافل» به صد افسوس به تاریخش گفت:

«ایوای برون شد ز جهان صامت علی»(۱)

سیّد محمّد حسن طباطبائی نائینی

سیّد محمّد حسن طباطبائی مُحررّ نائینی از خوشنویسان خط نستعلیق در قرن چهاردهم هجری. کتاب «تاریخ هندوستان» تألیف: علی محمّد طُغرُل اصفهانی را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

سیّد حسن طباطبائی نسب*

سیّد حسن طباطبائی نسب، عالم فاضل جلیل، از علمای معاصر در سال ۱۳۰۹ش در روستای «نیسیان» اردستان متولّد شد. در ۱۵ سالگی به تحصیلات علوم حوزوی روی

۱- طرائق الحقائق، ج۳، صص ۴۴۸-۴۴۰؛ گلستان جاوید، ص ۴۰.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۶۸.

آورد. او در قم نزد حضرات آیات بروجردی و امام خمینی درس خارج را خواند. سپس به همراه شهید عطاءاللّه اشرفی اصفهانی به کرمانشاه رفت و به تدریس در حوزه علمیه باختران (کرمانشاه) مشغول شد. مدتی برای تبلیغ در ساری ساکن بود. سپس به زادگاه خود «نیسیان» مراجعت کرده و به تبلیغ دین و یاری محرومان و حلّ مشکلات مردم مشغول شد. او ۱۷ سال آخر عمر خود را در طهران سکونت گزیده و نزد مرحوم سیّد احمد خوانساری به ادامه تحصیل پرداخت و در کنار آن به ارشاد مردم و حلّ مشکلات آنان و اقامه نماز جماعت مشغول شد.

او از جوانی مخالف رژیم پهلوی بود و علیه ظلم و فساد به مبارزه پرداخته و با گروه فدائیان اسلام همکاری کرد. پس از آن در نهضت امام خمینی نیز نقش فعّالی داشت.

او پس از پیروزی انقلاب به اداره سه کمیته، از کمیته های انقلاب پرداخت. پس از آغاز جنگ ایران و عراق بارها در جبهه حضور یافت تا اینکه در پنج شنبه اول اسفندماه ۱۳۶۴ش به همراه شهید فضل اللّه محلّاتی و ۴۰ تن از یاران امام خمینی، هواپیمای آنان مورد حمله جنگنده هواپیماهای عراقی قرار گرفته و سقوط کرد و همگی آنان به شهادت رسیدند.(۱)

میرزا محمّد حسن اصفهانی

میرزا محمّد حسن اصفهانی متخلص به «ظریف» مشاعر و ادیب منشی قرن سیزدهم هجری.

در اصفهان علم و ادب آموخته و سپس منشی و کاتب مخصوص میرزا محمّد حسین خان صدراعظم اصفهانی شد و پس از وفات صدراعظم، به خدمت خود نزد فرزند او میرزا عبداللّه خان امین الدّوله ادامه داد. خط شکسته را خوش می نوشت. سال وفات او معلوم نیست.

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

از اوست:

دل غمین رفت ز کوی تو و دیدم شادش

جان زن تن می رود اکنون به مبارک بادش(۱)

میرزا حسن غیور کرمانی

میرزا حسن کرمانی متخلّص به «غیور» شاعر ادیب، از اعیان کرمان بوده و در شعر طبعی شکفته داشته و در فنون سخنوری و بیان مضامین تازه ماهر بوده است. در علم سیاق نیز شهره آفاق بود. چندی به وزارت گرجستان منصوب و در آنجا بود عاقبت به اصفهان آمده و ظاهراً در سومین دهه از قرن دوازدهم هجری به رحمت ایزدی پیوست.

مشارٌالیه از معاشرین و رفقای حزین لاهیجی بوده و علاوه بر دیوان اشعار یک مثنوی نیز سروده است.(۲)

خط شکسته را نیز استادانه می نوشته و نسخه ای از گلشن راز را در سال ۱۰۶۸ق و یک قطعه خوشنویسی را در سال ۱۰۸۶ق نوشته است.(۳)

این شعر از اوست:

قدم حسنت اگر رنجه نگردد دیگر

خاک را آینه بهر که صفا خواهد داد

سیّد حسن قمشه ای

سیّد حسن قمشه ای اصفهانی، عالم فاضل، در قمشه و اصفهان تحصیل نموده و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف رفته و نزد آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد

۱- تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۲۲۸؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۹۸؛ تذکره منظوم رشحه، ص۵۲؛ تذکره دلگشا، ص۵۱۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص۷۳۰؛ تذکره شبستان، ص۲۱۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۲۶۱.

۲- تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ تذکره غنی، ص۹۷؛ الذریعه، ج۹، ص۷۹۷؛ ستارگان کرمان، ص۳۸۳؛ تذکره شعرای کرمان، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ تذکره شمع انجمن، ص۵۴۲.

۳- احوال و آثار خوشنویسان،ج۴، ص۱۲۶۲.

کاظم طباطبائی یزدی تلمّذ نمود.

وی در سال ۱۳۲۷ق در نجف اشرف وفات یافته و همانجا مدفون شد. او تقریرات اساتید خود را نوشته که نزد سیّد حسین بختیاری داماد آیه الله سیّد ابوالحسن اصفهانی بوده است.(۱)

حسن قوامی زاده

حسن قوامی زاده، ادیب فاضل، در «باغ بادران» لنجان متولّد شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. وی در دبیرستان های اصفهان به تدریس مشغول بود و در سال ۱۳۳۰ش روزنامه «پادزهر» را منتشر کرد. سرانجام در ۲۵ صفر ۱۳۸۴ق وفات یافت و در یکی از اطاق های تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفات او چنین است:

«قوامی زاده زد ناگه بگیتی یک خط باطل»

او کتاب «دستور الاملاء» را تألیف نموده که به طبع رسیده است.(۲)

میرزا حسن کفاش اصفهانی

میرزا حسن کفاش اصفهانی، از شعرای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. در تذکره های عهد قاجاریه هیچ ذکری از او نشده و جزئیات زندگی او معلوم نیست. اغلب اشعارش در مدح و مرثیه معصومین علیهم السلام بوده و برخی از اشعار او در ابنیه تاریخی و بقاع متبرّکه اصفهان وجود دارد. از جمله دو قطعه شعر در رثای حاج سیدمحمّد باقر حجّهالاسلام شفتی و بنای بقعه او در سال ۱۲۶۰ق، تاریخ تعمیرات عمارت عالی قاپو در سال ۱۲۷۴ق و ماده تاریخ وفات ملّا اسماعیل ثانی خواجویی به سال ۱۲۸۲ق بر روی سنگ قبر او واقع در تخت فولاد اصفهان.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص ۳۷۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۴.

از دیوان کفاش سه نسخه خطی موجود است، نسخه شماره ۸۶ کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم و نسخه شماره ۱۵۲ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و نسخه ای دیگر در کتابخانه آقا سیّد محمّد جزائری.

سال وفات او معلوم نیست و صاحب عنوان را نباید با استاد رمضان کفاش خراسانی سراینده «دعانامه» و «نفرین نامه» اشتباه گرفت.(۱)

حسن گیلانی

حسن گیلانی [از فضلاء و دانشوران قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و]در روز یکشنبه ۱۱ شوّال سال ۱۰۰۶ق کتابت «النّافع یوم الحشر» و «حاشیه شرح تجرید جدید» خفری را به خط نستعلیق در جامع اصفهان به پایان رسانیده [است]نسخه ضمن مجموعه شماره ۶۹۰۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملّا حسن مبارکه ای

ملّا حسن مبارکه ای لنجانی اصفهانی، عالم فاضل. در قم و اصفهان نزد میرزا ابوالقاسم قمی و حاج میرزا محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی تحصیل نموده سپس به زادگاه خود مراجعت نموده و به ارشاد تبلیغ و اقامه جماعت و فضل خصومات و رفع حوائج شرعی مردم آن سامان مشغول شده است.(۳)

سیّد حسن مصطفوی*

سیّد حسن مصطفوی سدهی، عالم فاضل، در اصفهان نزد حاج آقا رحیم ارباب، حاج آقا حسین خادمی و دیگران تحصیل نموده و سالها در حوزه علمیه اصفهان به تدریس

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۱۸ و ۱۳۷؛ دیوان طرب، صص ۲۵۰ و ۲۵۱؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۲۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۱۰۲.

۳- سالنامه فرهنگ مبارکه، سال ۱۳۳۹.ش، ص۴۸؛ مبارکه در گذرگاه تاریخ، ص۱۱۳.

سطوح فقه و اصول مشغول بوده و در مسجد نور در محلّه قلعه آقای فروشان خمینی شهر اقامه جماعت می نمود و در برخی از مجالس مذهبی به منبر می رفت و به وعظ و خطابه می پرداخت. وی سرانجام در ۱۸ صفر ۱۳۹۸ق وفات یافته و در قبرستان شیری (گلزار مصطفویه) خمینی شهر مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد حسن موسوی اصفهانی

سیّد محمّد حسن موسوی اصفهانی، خطاط نسخ نویس اوایل قرن چهاردهم هجری. در حیدرآباد هند ساکن بوده است.

او مؤلف کتاب «الالهامات الحیدریّه فی شرح البصائر النّصیریّه» است که این کتاب را به همراه «اجازه الامامه لصلاه الجمعه» تألیف حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی، «شرح منظومه» حاجی سبزواری، «شفاء» ابن سینا و «رساله در المغنی الحرفی» تألیف: فاضل نائینی در سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ق در حیدرآباد هند کتابت نموده است. این رساله ها در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

میرزا محمّد حسن میردامادی سدهی

میرزا محمّد حسن میردامادی سدهی، از اعقاب میر سیّد محمّد اشرف علوی عاملّی، عالم فاضل فقیه متّقی.

از شاگردان شیخ هادی تهرانی، آقا میرزا هاشم چهارسوقی، حاج شیخ محمّد علی نجفی و آقا سیّد محمدباقر درچه ای بوده است. وی پس از تکمیل تحصیلات خود در مدرسه نیم آورد اصفهان ساکن شده و به تدریس اشتغال جست. در ایّام تعطیل به زادگاه خود سده می رفت و مسجد و محرابش رونقی داشت.

بالاخره در ماه صفر ۱۳۳۲ق وفات یافته و در مزار شاهزاده ابراهیم در محلّه

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۹۲ و ۱۹۳.

۲- فهرست کتابخانه گوهرشاد، صص ۴۰۳ ۳۴۱ ۳۳۶ ۲۱۹ ۲۰۵؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۹.

ورنوسفادران سِدِه مدفون گردید.

صاحب عنوان تقریرات استادش درچه ای را در شش مجلّد گردآوری و تدوین نموده است.(۱)

حسن میمه ای

ابوعلی حسن مِیمی [مِیمِه ای] اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. از اهالی «میمه» [در حدود ۸۰ کیلومتری غرب اصفهان، در مسیر جادّه اصلی اصفهان به تهران]بوده و برای طلب حدیث به بغداد رفته و در سال ۵۷۴ق از ابوعلی حدّاد استماع حدیث کرده است.

ابوبکر حازمی و دیگران از او روایت می کنند.(۲)

سیّد حسن نظام الدّینی*

سیّد حسن نظام الدّینی، عالم فاضل معاصر. در سال ۱۳۰۵ش در فلاورجان متولّد شد.

در سن ۱۴ سالگی در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل پرداخت و دروس مقدّماتی را نزد شیخ محمّدعلی معلّم حبیب آبادی، شیخ محمّدحسین فقیه نطنزی، شیخ غلامعلی سالک و شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی آموخت سپس به قم رفت و مدت چهار سال نزد شیخ غلامحسین شرعی دارابی و آیت اللّه مرعشی نجفی تحصیل نمود. آنگاه به نجف اشرف مشرّف شده و در درس شیخ مجتبی لنکرانی و شیخ صدرا بادکوبه ای حاضر شد سپس درس خارج را نزد آیات عظام سیّد محمود شاهرودی، سیّد محسن حکیم، سیّد ابوالقاسم خوئی، سیّد عبدالهادی شیرازی، سیّد عبدالاعلی سبزواری و سیّد جمال الدّین گلپایگانی طی نمود.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۸؛ خمینی شهر، ص۳۰۵.

۲- معجم البلدان، ج۵، ص۲۴۵؛ المشترک، ص۴۱۳.

او در سال ۱۳۵۷ش به اصفهان مراجعت نموده و در درس حضرات آیات خادمی و صافی حضور یافت.

وی از علمای عالیقدر اصفهان و مورد وثوق و احترام مردم است. او نماز جماعت را در مسجد رضوان اقامه می نماید و به تدریس سطوح فقه و اصول مشغول است.(۱)

محمّد حسن واعظ

حاج محمّد حسن واعظ کامل، از خطبای اهل منبر اصفهان بوده و در ۲۷ ربیع الاوّل ۱۳۰۷ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری مدفون شده است.

صاحب عنوان از شاگردان میر سیّد محمّد شهشهانی است(۲)

[در سنگ لوح مزارش که به خط «سلطان الکُتاب» است از او چنین یاد شده است:

«عمده الواعظین و زبده المحدّثین قدوه الذّاکرین الحاج محمّد حسن»]

میرزا حسن واهب*

میرزا حسن مالمیری کوه گیلویه ای اصفهانی متخلّص به «واهب» [از شعرای قرن یازدهم هجری]

ظاهراً از اهالی «مالمیر» [ایذه] از توابع کوه گیلویه بود ولی در اصفهان اقامت داشت. در فنون شعر و ادب مهارتی به سزا داشته و غزل و رباعی را نیکو می گفته و از جمله رباعیات سِتّه محتشم کاشانی را (درباره جلوس شاه صفی) جواب گفته است. سالها در اصفهان می زیسته و عاقبت مستوفی یزد شد و قبل از سال ۱۰۸۳ق در یزد وفات یافت.

این ماده تاریخ که برای ساخته شدن مسجد جامع جدید سلطانی (مسجد جامع کبیر عباسی = مسجد شاه) گفته سخت مقبول و مشهور واقع شده است:

«شد در کعبه در صفاهان باز»

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰.

این شعر از اوست:

آرزو کی به دل اهل هوس جا دارد

به تمنّا نرسد هر که تمنّا دارد

می رود قافله عمر عزیزان به سفر

هیچ کس نیست که این قافله را وا دارد(۱)

حسنعلی اصفهانی

حسنعلی اصفهانی از ادبای اصفهان در قرن دهم هجری. در مجموعه شماره ۲۱۴۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شعر فارسی و حدیثی به خط او دیده می شود (و چون این مجموعه در قرن دهم جمع آوری شده، لهذا مشارٌالیه نیز از مردان این عصر می باشد.)(۲)

میرزا حسنعلی اصفهانی

میرزا حسنعلی اصفهانی، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. از بزرگان اهل فضل اصفهان است. مدتی به کسب علم و کمال مشغول بود. در زمان وزارت دوّم علاءالدّین حسین خلیفه سلطانی متولّی موقوفات بقعه شهیدیه رشت گردید و پس از عزل از آن منصب به زادگاه خود بازگشت. مردی خلیق، مهربان، قانع و وارسته بود.

از اوست:

زنده می گردد دل ما از نسیم زلف یار

ما چراغ مرده را از باد روشن کرده ایم(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۵۷-۱۵۵؛ تذکره نتایج الافکار، ص۷۴۴؛ تذکره روز روشن، صص ۸۹۳-۸۹۱؛ تذکره آتشکده: قسمت سوم از نیمه نخست، صص ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴؛ تذکره غنی، ص۱۴۲؛ تذکره حسینی، ص۳۶۱.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۸۱۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۸۵؛ الذریعه، ج۹،ص۲۴۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حسن اصفهانی»، ص۵۸۳؛ تذکره غنی، ص۴۳.

حسنعلی اصفهانی

حسنعلی اصفهانی از فضلا و نسخ نویسان قرن دهم هجری. در چهارشنبه ربیع الثّانی ۹۸۵ق نسخه ای از کتاب «المهذب البارع فی شرح المختصر النّافع» [تألیف: ابن فهدحلّی]را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۲۵۲ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا حسنعلی مجلسی

میرزا حسنعلی بن میرزا ابوطالب بن میرزا محمدتقی بن میرزا محمدکاظم الماسی بن ملّا عزیزاللَّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل کامل.

در اصفهان به تحصیل پرداخته و از پسر عمویش میرزا حیدرعلی مجلسی اجازه دریافت داشته است.

وی در ۲۰ رجب ۱۲۲۷ق در اصفهان وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شده است.(۲)

حسنعلی نجف آبادی

حسنعلی بن اسماعیل نجف آبادی [از خطاطان خط نسخ در قرن سیزدهم هجری]در تاریخ پنج شنبه از ماه رجب ۱۲۳۶ کتابت نسخه ای از «حاشیه شرح ارشاد» [تألیف]وحید بهبهانی را به خط نسخ به پایان رسانیده [است.] کتاب به شماره ۴۴۵۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۴۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص ۱۱۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص ۳۴۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۷۶؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۶۳ و ۳۶۴.

۳- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۳۳.

میرزا حسنعلی مجلسی

میرزا حسنعلی بن میرزا محمّدباقر مجلسی ثالث بن میرزا عبداللّه بن علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، از علماء سلسله مجلسی در اصفهان بوده و از والد ماجد خود روایت می کند و پس از وفات در خارج از مقبره مجلسی مدفون گردید.(۱)

حسنعلی قهپائی اصفهانی

حسنعلی بن جمال الدّین بن حسن بن درویش ابراهیم قهپائی اصفهانی، از فضلای قرن یازدهم هجری و از اهالی کوهپایه اصفهان است. در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله آقا حسین خوانساری به تحصیل پرداخته است.

او مجموعه ای از رسائل آقا حسین خوانساری را در سال ۱۱۰۲ق کتابت کرده است که نسخه آن در کتابخانه عبداللّه ممقانی موجود بوده است. همچنین وی کتاب «التّبیان فی اعراب القرآن» تألیف ابی البقاء عبداللّه عکبری را در ۴ رجب ۱۰۹۹ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه سیّد محمّد جزائری موجود بوده است.(۲)

حسنعلی شیرازی

حسنعلی بن حیدر شیرازی از نویسندگان کتب و نستعلیق نویسان در قرن یازدهم هجری و ساکن اصفهان. به سال ۱۰۸۲ق در اصفهان از نوشتن «مفتاح الفلاح» [تألیف]شیخ بهائی و «آداب عباسی، [در ترجمه مفتاح الفلاح، از صدر الدّین محمّد تبریزی شاگرد شیخ بهائی]فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۳۵۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.»(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۱؛ مزارات اصفهان، ص۳۶.

۲- الکواکب المنتشره، ص۱۷۳.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۵۱۵.

حسنعلی الماسی

حسنعلی الماسی بن محمّد صادق بن ابوطالب بن محمّد تقی الماسی، عالم فاضل و واعظ کامل، از دانشمندان خاندان مجلسی در قرن سیزدهم هجری است.

وی کتاب «منتخب المناقب» را به فارسی تألیف نموده و در کتابخانه علّامه مفضال جناب سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است. همچنین در پشت نسخه ای از «کمال الدّین و تمام النّعمه» تألیف: شیخ صدوق علیه الرّحمه یادداشتی مورخ به سال ۱۲۹۰ق درباره حسن مطالعه کتاب نوشته است. این نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

حسنعلی مازندرانی

آقا حسنعلی بن ملّا محمّد صالح مازندرانی اصفهانی، عالم ادیب و فاضل لبیب، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان متولّد شد. در عنفوان شباب به هندوستان رفت. امراء و حکام در اعزاز و احترامش بسیار کوشیدند و در آن ملک به «حسنعلی خان» مشهور شد. یکی از فرزندانش علی اشرف در هند باقی ماند و تعدادی از فرزندان دیگر او در اصفهان بودند. سال تولد و وفات او به دست نیامد.(۲)

دکتر حسنعلی فاتح نژاد*

دکتر حسنعلی فاتح نژاد نصرآبادی جرقویه ای فرزند عبدالرضا از پزشکان ماهر عصر حاضر در سال ۱۲۸۲ش در روستای «نصرآباد» جرقویه اصفهان متولّد شد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه در دانشکده پزشکی تهران به تحصیل پرداخت و برای ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و در رشته کالبد شکافی تحصیل کرد. او پس از بازگشت به ایران در بهداری ارتش شیراز به کار پرداخت. سپس به ایالات متحده آمریکا رفت

۱- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۲۶۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۴۱.

۲- مرآه الاحوال جهان نما، ج۱، ص۱۳۳؛ الکواکب المنتشره، صص۱۷۳ و ۱۷۴.

در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد. او پس از بازگشت، به استادی دانشگاه پزشکی شیراز رسید و در کنار آن به معالجه بیماران مشغول شد تا اینکه در سال ۱۳۷۰ش از دنیا رفت. او به زبانهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و عربی مسلط بود و در برخی از انجمن ها همچون انجمن کالبد شکافان ایران عضو بود. از اقدامات خیریه او تأسیس بیمارستان فاتح نژاد شیراز بوده است.(۱)

ملّا حسنعلی شوشتری*

آخوند ملّا حسنعلی مُکَنّی به «ابوالحسن» بن ملّا عبداللّٰه بن حسین شوشتری عالم فاضل و فقیه محقق. ظاهراً در اواخر قرن دهم هجری متولّد شده و نزد پدر به تحصیل پرداخته و از او در سال ۱۰۲۰ق اجازه دریافت نموده است. همچنین در محضر شیخ بهائی کسب فیض نموده و در سال ۱۰۳۰ق از او اجازه دریافت کرده است. قاضی معز الدّین محمّد اصفهانی یکی دیگر از مشایخ اوست که در سال ۱۰۳۵ق به ملّا حسنعلی اجازه داده است.(۲) میرابوالقاسم فندرسکی از اساتید دیگر اوست.(۳)

وی پس از وفات پدرش در سال ۱۰۲۱ق تولیت مدرسه ملّا عبداللّٰه و تدریس در آنجا را به عهده گرفته و تا زمان شاه عباس ثانی به تدریس در آنجا مشغول بوده است. در زمان شاه عباس دوم وزارت سیّد علاء الدّین حسین خلیفه سلطانی بنا به دلایلی (که شاید عقیده شوشتری درباره حرمت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت باشد) از تولیت مدرسه ملّا عبداللّٰه برکنار شده و این امر به ملّا محمّد باقر محقق سبزواری سپرده شد.(۴)

ملّا حسنعلی شوشتری در مراتب علمی واجد مقام والایی بوده و در علوم مختلف خاصّه در فقه، اصول، کلام، ادبیات فارسی و عربی و حدیث مهارت بسزایی داشته است. میرزا محمدطاهر نصرآبادی که معاصر اوست نزدیک به چنین عباراتی را درباره

۱- گرکویه سرزمینی ناشناخته بر کران کویر، صص۳۸۶ و ۳۸۷.

۲- الروضه النضره، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۳- الذریعه، ج ۱، ص۱۳۸.

۴- علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۸۲ و ۸۳.

او به کـار می برد و او را می سـتاید «جامع علوم عقلی و نقلی، حاوی فروع و اصول که به جودت طبع و حِـدّت ذهن و طلاقت لِسان و حاضر جوابی در بین اقران و امثال ممتاز بود.»(۱)

در محضـر او شاگردان بسـیاری تربیت شده اند از جمله: علّامه ملّا محمدباقر مجلسی، ملّا محمّدباقر محقق سبزواری، تاج الدّین حسن اصـفهانی، داود الفت شوشتری، شـرف الـدّین علی بن جمال الدّین مازندرانی، علی بن عین علی فروشانی اصـفهانی، ملّا محمّد قاسم بن خواجه محمّد فومنی گیلانی و بهاءالدّین محمّد شوشتری (فرزندش) و میرزا عیسی بن محمّد صالح جیرانی.(۲)

در سـال فوت او اختلاف است. میر عبدالحسـین خاتون آبادی یک بار در ذیل وقایع سال ۱۰۶۹ق سـال فوت او را در این سال می نویسد(۳) و بار دیگر فوت او را در ۱۰۷۵ق ذکر می کند و دو ماده تاریخ را می آورد: «علم علم بر زمین افتاد»= ۱۰۷۵ق و «وفات مجتهد الزمان»= ۱۰۶۸ق(۴) ولی قلی لیک شاملو سال وفات را ۱۰۶۷ق ضبط کرده است.(۵)

نویسندگان قرون بعد نیز سالهای ۱۰۷۵ ۱۰۶۹ ۱۰۶۸ ۱۰۶۷ را به عنوان سال فوت او تعیین کرده اند. ماده تاریخی هم که مؤمن نصرآبادی برای او سروده نشان می دهد که در سال ۱۰۷۵ق وفات یافته است:

چون از تقدیر کردگار دو جهان

شد مولانا حسنعلی سوی جنان

«مؤمن» تاریخ فوت او کرد رقم:

«افسوس از مقتدای اهل ایران»(۶) کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تبیان» در فقه (۷) ۲. «حاشیه بر قواعد شهید» ناتمام. ۳. «رساله در حرمت نماز

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۲۴.

۲- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

۳- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۰.

۴- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۳.

۵- قصص الخاقانی،ج۲، ص۶۰.

۶- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۰۳.

۷- الذریعه، ج۳، ص۳۳۲.

جمعه در عصر غیبت،بر خلاف نظر پدرش که اقامه نماز جمعه را واجب می دانست. ملّا محمّد طاهر قمی رساله ای در رد این رساله نوشته است.» (۱) ۴. «کنزالاسرار» (۲) ۵. «مناسک حج»

ملّا حسنعلی شوشتری شعر نیز می سروده و «دانش» تخلّص می کرده است.(۳)

این شعراز اوست:

تا باغ نظر را گل رخسار تو آراست

صد نخل امید از جگر سوخته برخاست

مانند گل تازه که از هم بربایند

اعضای مرا بر سر پیکان تو غوغاست

حسنعلی سوزی ساوجی*

ملّا حسنعلی بن علی ساوجی، از شعرای قرن دهم هجری از اهالی ساوه است. در اصفهان ساکن بود. در جوانی طبع روانی داشت و با تخلّص «جفاکِش» به سرودن شعر پرداخت و پس از مدتی آنرا به «سوزی» تبدیل کرد. اغلب در مدرسه هارون ولایت ساکن و به کتابت مشغول بود. خط نستعلیق را خوش می نوشت. اگر چه او دیوان های بسیاری از شعراء را کتابت کرده است اما تاکنون فقط از نمونه خط او «دیوان انوری» شناسایی شده که به خط نستعلیق در سال ۹۸۸ق کتابت شده و در کتابخانه آقای سلطان القرائی در تبریز موجود بوده است. دیوان اشعار او بیش از بیست هزار بیت شعر داشته است که اکنون از آن اثری باقی نیست. سوزی در حدود سال ۱۰۱۴ق وفات نمود.

از اوست:

۱- الذریعه، ج۱۵، ص۶۹؛ فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۹۸.
۲- قصص الخاقانی، ج۲، ص۶۰.
۳- فرهنگ سخنوران، ص۲۰۴؛ الذریعه، ج۹، ص۲۴۳؛ و سایر منابع: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۰؛ تذکره الشعراء امامت، ص ۲۹؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۳۳؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۲۶۳-۲۶۱؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۱۰؛ امل الآمل، ج۲، ص۷۴.

به او خورشید هم دلبستگی داشت

که رویش وقت رفتن در قفا بود(۱)

شیخ حسنعلی اصفهانی

حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (مقدادی) معروف به «نخودکی» فرزند ملّا علی اکبر بن رجبعلی، عالم فاضل، عارف کامل و زاهد صالح از علماء و عرفای قرن چهاردهم هجری.

[در نیمه ماه ذیعقدهالحرام ۱۲۷۹ق در محلّه جوباره اصفهان متولّد شد. والد عالیقدرش،او را در سن ۷ سالگی به عارف وارسته حاج محمّدصادق تخت فولادی سپرد و او را تحت تربیت او قرار داد. علوم رایج در حوزه های علمیه را در اصفهان نزد آخوند ملّا محمّد کاشانی، جهانگیر قشقایی و سیّد سینا کشفی آموخت و در نجف اشرف از درس آقا سیّد محمّد فشارکی اصفهانی، حاج سیّد مرتضی کشمیری و ملّا اسماعیل قره باغی بهره برد. همچنین در مشهد مقدس نزد حاج محمّدعلی فاضل و آقا میر سیّد علی حائری یزدی، حاج آقا حسین قمی و سیّد عبدالرّحمان مدرس تحصیلات خود را ادامه داد. در فراگیری عرفان و تعلیمات معنوی پس از رحلت حاج محمّدصادق تخت فولادی، از محضر عارف وارسته سیّد جعفر حسینی قزوینی ساکن شهرضا (قمشه) کسب فیض نمود.

حاج شیخ حسنعلی سفرهای متعددی به نجف اشرف، مشهد مقدس و شیراز نمود. در شیراز چندی توقّف کرد و کتاب «قانون» ابوعلی سینا را نزد طبیب معروف شیراز حاج میرزا جعفر طبیب خواند. او پس از چندین بار مهاجرت به مشهد و اقامت در آنجا و بازگشت به اصفهان عاقبت در سال ۱۳۲۹ق در مشهد مقدس برای همیشه ساکن شد.

در هنگام حکومت رضاشاه پهلوی و اجرای قانون متحدالشکل شدن لباس، از مشهد مقدس به قریه «نخودک» در نزدیکی مشهد ساکن شد و تا اواخر عمر در آنجا ساکن

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۱۴۴ و ۱۴۵؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۴۱؛ تذکره روز روشن، ص۳۷۴؛ تذکره آتشکده، بخش سوم از نیمه نخست، ص۱۱۳۷؛ تذکره حسینی، ص۱۵۳؛ تذکره غنی، ص۶۷؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۹۵؛ الذریعه، ج۹، ص۴۷۶.

بود.

در روزهای آخر عمر به بیماری مبتلاـ شده و تحت معالجه اطبّاء آن زمان قرار گرفت]و سرانجام در ۱۷ شعبان ۱۳۶۱ق در منزل یکی از مریدانش در شهر مشهد مقدس وفات یافته و پس از تشییع باشکوه در صحن عتیق مرقد مطهر امام رضاعلیه السلام مدفون شد.

[او در انجام فرائض یومیّه در اول وقت، تهجد و شب زنده داری، خدمت به خلق به ویژه سادات، و زیارت قبور انبیاء، اوصیاء، اولیاء و علماء و انزوا و عبادت طولانی اهتمام فراوان داشت و با اذکار و ادعیه بیماران جسمی و روحی را مداوا می ساخت.]

او رساله «ترجمه الصلاه» فیض را به طبع رساند. و به ضمیمه آن تأویلاتی درباره نماز و معانی آن ایراد نموده است. همچنین بر رساله «تذکره المتقین» تعلیقاتی نوشته است.

[فرزندش علی مقدادی اصفهانی کتابی مفصل به نام «نشان از بی نشان ها» در احوال و مقام عرفانی، حکایات، مکاتبات و رساله های او تألیف کرده که به چاپ رسیده و بارها تجدید چاپ شده است.(۱)]

ملّا حسنعلی مجلسی

ملّا حسنعلی بن محمّد کریم مجلسی، از فضلاء خاندان مجلسی. یادداشت تملک او بر یکی از برگهای نسخه ای از «رساله نیّت» آقا جمال الدّین خوانساری دیده می شود. این نسخه در کتابخانه دانشمند معاصر آقا سیّد مصطفی حسینی فرادنبه ای اصفهان

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۶؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)،ج۱، صص ۴۵۶-۴۵۳؛ نشان از بی نشان ها، صص ۳۵-۱۴؛ تاریخ علمای خراسان، ۲۵۴-۲۵۲؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۲۳۳ و ۴۰۴؛ مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، صص ۱۴۹ و ۱۵۰؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ گنجینه دانشمندان، ج۷، صص۱۱۳-۱۱۱.

موجود است.(۱)

آقا حسنعلی خوانساری

آقا حسنعلی بن آقا جمال الدّین محمّد خوانساری، عالم فاضل، از علمای اصفهان در اواخر دوره صفویه است.

وی در بین فرزندان آقا جمال به فضل و تحقیق و تدقیق شهرت داشته و علماء و اعیان آن زمان او را تکریم می نموده و علم و فضل او را می ستوده اند.

در هنگام محاصره اصفهان توسط افاغنه، به همراه طهماسب میرزای صفوی به قزوین رفت و سپس راهی تبریز شد.

طهماسب میرزا در قزوین مقدم او را گرامی داشته و به عنوان رئیس العلما تکریم نمود و به نام او سکه زد.

سال وفات او به دست نیامد.(۲)

حسنعلی موحّد

حسنعلی اصفهانی، صوفی موحّد، از آثارش خطوطی است مورخ به سال ۹۸۵ق در پشت صفحه ای از الدّروس الشّرعیه شهید اول شامل:

۱. در باب وجوب قضاءالدّین از «سرائر» ابن ادریس

۲. صورت سلسله مشایخنا، بندی است به عربی در یک صفحه، از روی خط یکی از شاگردان شهید اول.

کتاب به شماره ۱۹۵۹ در کتابخانه ملّی ملك موجود است(۳)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲- تتمیم امل الآمل، ص ۱۰۷؛ الکواکب المنتشره، ص ۱۷۳؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۳- فهرست کتابخانه ملک، ص ۲۹۲.

میرزا حسنعلی نصرآبادی

میرزا حسنعلی نصرآبادی، از شعرای عهد شاه عباس اول صفوی است. در جوانی وزیر علیقلی خان شاملو بود و سپس به منصب ایشیک آقاسی و دیوان بیگی دست یافت. پس از مدتی وزیر یزد شده و در آن منصب درستکاری و انصاف را پیشه نمود اما آخرالامر از آن شغل استعفا داده، به اصفهان آمده و تا آخر عمر به عبادت مشغول شد. از مریدان و معاشران شیخ بهائی بوده و شیخ برای دیدن او به روستای نصرآباد در ناحیه ماربین در غرب اصفهان می آمد. وی سرانجام در اوایل سلطنت شاه صفی (حدود سال ۱۰۳۹ق) وفات یافت.

پدر میرزا محمدطاهر نصرآبادی (نویسنده تذکره نصرآبادی) خواهرزاده صاحب عنوان است.

این شعر در مدح امیرالمؤمنین علی علیه السلام از اوست:

ای از تو گرم رونق بازار دلبری

وی آفتاب روی تو را ماه مشتری

لب لعل و خط زمرد و دندان درّ خوشاب

بازار حسن را نبود چون تو جوهری

شاهی که چرخ از پی رایت کشی او

بسته است از قمر به میان زنگ حیدری(۱)

سیّد حسین

سیّد حسین، عالم فاضل کامل، جامع معقول و منقول، از علمای قرن سیزدهم هجری. ساکن اصفهان. متوفی ۲۰ ذیحجه ۱۲۳۵ق مدفون در تکیه فیض در تخت فولاد

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، صص ۶۵۹ و ۶۶۰؛ الذریعه، ج۹، ص۲۴۳؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسنعلی نصرآبادی، ص۵۹۹.

اصفهان.(۱)

سیّد حسین ابرقویی*

سیّد حسین ابرقویی، عالم فاضل جلیل. از اهالی ابرقو از توابع یزد است پس تحصیل مقدمات به عتبات عالیات مهاجرت نموده و نزد اکابر علماء و افاضل فقهاء آن دیار از جمله میرزای شیرازی بزرگ حاضر شده و به اجتهاد نائل آمد. آنگاه به اصفهان آمد و در این سفر که در سال ۲۹۵ق واقع شد، شیخ محمّدعلی نجفی (ثقهالاسلام) و سیّد محمّد مهدی گلستانه همراه او بودند. او سالها در اصفهان به تدریس و اقامه جماعت در مسجد نیم آورد مشغول بود. سرانجام در سال ۱۳۴۲ق وفات یافته و در تکیه کازرونی در تخت فولاد اصفهان مدفون شده و ۴۰ سال بعد بقایای جنازه به نجف اشرف نقل و آنجا مدفون گردید.(۲)

حسین ادیب تخت فولادی

حسین ادیب تخت فولادی، از هنرمندان موسیقی اصفهان است. وی از خوانندگان به شمار می رفته و نزد سیّد عبدالرحیم موسیقی را آموخته و از معلومات میرزا حسین خضوعی و حبیب شاطرحاجی نیز بهره برده است.(۳)

ملّا حسین اردستانی

ملّا حسین اردستانی، عالم فاضل و فقیه ماهر، از علمای قرن سیزدهم هجری. در اصفهان نزد جمعی از علما به خصوص حاج سیّد محمدباقر حجه الاسلام شفتی کسب

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸.

۲- نقباء البشر، ج۲، ص۴۹۴؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، ص۲۵۷؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۵۶.

۳- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۸۳.

فیض نمود. سپس به همدان رفته و به وعظ و خطابه و بیان احکام شرعی و ارشاد مردم مشغول شد. او در فقه و کلام سرآمد اعلام بود. صحبت منبرش بی نظیر بود. در مسائل فقه استحضاری تام می داشت که حاجت به تأمّل در جواب استفتاء نداشت. بسیار شجاع و متهوّر بود با آنکه خانه اش را آتش زدند، هیچ مغموم نشد و همان روز به دهی نزدیک همدان رفته و به وعظ مشغول شد.

او کتاب مبسوط در «اصول دین» نوشته بود.(۱)

حسین خان اسیری اصفهانی

حسین خان متخلّص به «اسیری» شاعر ادیب، پدرش در دولت نادری صاحب جمع زرگرخانه بوده است. وی پس از مرگ پدر ترک مشاغل دولتی کرده، به لباس فقر و درویشی درآمد و تحصیل کمالات شعر و شاعری نمود. غزل را خوب می گفت و علاوه بر دیوان اشعار کتابی به سبک بوستان سروده و «هفت انجمن» نام نهاده است و بالغ بر ده هزار بیت است.

از اوست:

گرفتم آنکه گشایند پای بسته ما

چه می کنند به بال و پر شکسته ما

گواه اینکه نه رند و نه عاشقم اینست

پیاله تهی و سُبحه گسسته ما(۲)

سیّد حسین اصفهانی

سیّد حسین اصفهانی، عالم فاضل زاهد متقی، از اجلّه شاگردان فاضل اردکانی بوده [و در کربلا اقامت داشته] و در اواخر عمر در اثر مرض کور شده، قبل از سال ۱۳۳۰ق

۱- تکلمه نجوم السماء، ج ۱، ص ۴۶۴؛ بیان المفاخر، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲- تذکره اختر، ص ۱۸؛ مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۱۶۴؛ سفینه المحمود، ص ۱۴۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسین اسیری، ص ۶۳۴؛ حدیقه الشعرا، ج ۱، ص ۱۳۳.

در نجف اشرف وفات یافته است.(۱)

شاه قوام الدّین حسین اصفهانی

شاه قوام الـدّین حسـین، از سادات اصـفهان و از مردان صاحب نام و معتبر روزگار خود بوده است. او به دست شاهرخ تیموری گرفتـار شـده و در ری محبوس بود. پس از مرگ شاهرخ از زنـدان آزاد شـده و نزد میرزا سـلطان محمّـد رفت(۲) وی تا سال ۸۵۰ق زنده بود.

شیخ حسین اصفهانی

شیـخ حسـین اصـفهانی، عالم فاضل ربّانی، از شاگردان و مجازین شـیخ محمّد حسـین کاظمینی و شـیخ محمّد حسن مامقانی و فاضل شرابیانی، شیخ محمّد طه نجف، ملّا حسینقلی همدانی و دیگران بوده و در نجف وفات یافته است.

[شیخ جعفربن محمّد عوامی از او اجازه دریافت نموده و در کتاب خود«ملتقی البحرین» به این موضوع اشاره کرده است(۳)]

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین اصفهانی از خوشنویسان قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۸۶ق کتابت نسخه ای از کتاب «تحفه نوابیّه» تألیف: سیّد ابوالمظفّر محمّـد جعفر حسـینی را به خـط نسـخ خوب به پایان رسانیـده [است] کتاب به شـماره ۳۲ در کتابخانه مـدرسه عالی سپهسالار در همدان موجود است.(۴)

۱- نقباء البشر، ج۲، ص۴۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۱.

۲- احسن التواریخ، ج۲، ص۲۶۷.

۳- نقباء البشر، ج۲، ص۴۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۲.

۴- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۱۷.

میر محمّد حسین اصفهانی

حاج میر محمّد حسین اصفهانی از خوشنویسان اواخر دوره قاجاریه. کتاب «لسان الذّاکرین» تألیف: حاج میرزا محمّد هادی بن ابوالحسن شریف نائینی که در مقتل و به فارسی در دو مُجَلّد تألیف شده است، را به خط نستعلیق شیرین کتابت نموده است.

نسخه به شماره ۱۳۰۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین اصفهانی از کاتبان اواخر قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۳۰۶ق کتاب «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول» تألیف: شیخ محمّد حسین بن شیخ عبداللّه ممقانی را برای منیر الدّین به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۳۸۸ در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۲)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین اصفهانی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۵۷ق نسخه ای از «تحفه الزّائر» تألیف: علّامه مجلسی را کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه الزّهراء اصفهان موجود است.

میرزا حسین اصفهانی

میرزا حسین اصفهانی خطاط قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۶۲ق مجموعه ای از هفت رساله در ریاضی و نجوم و هیئت به عربی و فارسی در شهر شماخی به خط نستعلیق کتابت نموده است. کتاب به شماره ۱۱۱۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۴۴۱.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۲۳۹.

معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

محمّد حسین اصفهانی*

محمّد حسین اصفهانی، خوشنویس هنرمند دوره قاجاریه است. خط نستعلیق را خوش می نوشت. خطوط زیبای نستعلیق در نقره ای تقدیمی امیرنظام گروسی مشتمل بر اشعار شاعری به نام «سرخوش» در مرقد مطهر امام رضاعلیه السلام از نمونه آثار اوست.(۲)

محمّد حسین اصفهانی*

محمّد حسین اصفهانی، خطاط هنرمند عهد فتحعلی شاه قاجار بوده و در نوشتن خط نسخ دستی توانا داشته است. از آثار او کتاب ادعیه به خط نسخ خوش است که در سال ۱۲۴۶ق آنرا نوشته و به فتحعلی شاه هدیه کرده است. این نسخه در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۳)

محمّد حسین اصفهانی*

محمّد حسین اصفهانی، هنرمند قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و در نقاشی و قلمدان سازی استاد بوده است. وی در طبیعت سازی خصوصاً گل و بتّه و صورت سازی چیره دست بوده است. سال وفات او معلوم نیست. امّا مسلّم است که تا سال ۱۲۶۱ق در قید حیات بود.(۴)

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۵۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۷۹.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۰.

۴- جلدها و قلمدان های ایرانی، ج۱، ص۵۳.

ملّا حسین اصفهانی

ملّا حسین اصفهانی، عالم فاضل، از اساتید حاج ملّا علی خلیلی بوده و در نجف اشرف سطوح فقه را تدریس می نمود. و در آن ارض اقدس وفات یافته و مدفون گردیده است.(۱)

امیر قوام الدّین حسین اصفهانی

امیر قوام الدّین حسین اصفهانی، از فقهاء و علمای قرن دهم هجری است. در زمانی که شاه اسماعیل صفوی برای فتح خراسان به آنجا رفته بود، در رکاب او بود و سپس به دستور شاه اسماعیل جهت اداره امور شرعی مردم بلخ به آنجا رفت و شیعه امامیه را در آنجارواج داد. چندی بعد به منصب قاضی القضاتی اصفهان منصوب شده و به زادگاه خود بازگشت.(۲)

شاه طهماسب صفوی وی را با شراکت امیر جمال الدّین محمّد استرآبادی در سال ۹۳۰ق به صدارت برگزید.(۳) پس از فوت استرآبادی، میرنعمت اللّه حلّی در صدارت با او شریک شد.(۴)

امیر قوام الدّین در اواخر عمر به علت کهولت سن قادر به انجام وظایف خود نبود و سرانجام در سال ۹۳۶ق به دیار باقی شتافت.(۵)

وی در فقه، حدیث، ادبیات و خصوصاً شعر و انشاء استاد بود. همواره در رعایت و حمایت از اهل فضل و علم می کوشید و دقیقه ای از رعایت تقوی و صلاح غافل نبود شعر نیز می سرود.(۶)

۱- الکرام البرره، ص۳۶۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۳۰.

۲- رجال کتاب حبیب السیّر، صص ۲۷۵ و ۲۷۶.

۳- تاریخ الفی، ص۴۰۲؛ احسن التواریخ، ص۲۴۲؛ احیاء الداثر، ص۵۹.

۴- وقایع السنین و الاعوام، ص ۴۹۰.

۵- احسن التواریخ، ص۳۰۷.

۶- تذکره تحفه سامی، صص۳۲ و ۳۳.

این بیت از اوست:

چون خیالت نرود، هرگزم از پیش نظر

صد رهت بینم و گویم که خیالست مگر

در «تحفه سامی» و به پیروی از او در «ریاض العلماء» نام او «حسن» نوشته شده که احتمالاً از اشتباهات کاتبان است. در سایر منابع معاصر قوام الدّین، نام او «حسین» ذکر شده است.(۱)

شیخ حسین اصفهانی

شیخ حسین بن آخوند ملّا محمّد ابراهیم اصفهانی عالم فاضل، از علمای گمنام قرن سیزدهم هجری. در جمادی الثّانیه سال ۱۲۶۸ق نسخه ای از رساله اصول دین میرزا قمی را نوشته و نزد نگارنده [سیدمصلح الدّین مهدوی] موجود است. همچنین «رساله عملیه» تألیف آقا میر سیّد حسن را که آقا میرزا محمدهاشم چهار سوقی تنظیم نموده است را کتابت نموده است. نسخه شامل طهارت و صلاه بوده و در رجب ۱۲۶۸ق نوشته است.

ظاهراً صاحب عنوان از شاگردان آقا میر سیّد حسن مدرس است.(۲)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن حاج محمّد ابراهیم اصفهانی از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۶۳ق نسخه ای از «شرح حدیث الغمامه» تألیف: قاضی محمّد سعید قمی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۴۰۳ق در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

۱- ریاض العلماء، ج۱، ص۱۴۳.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص ۲۸۱.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۳، ص۴۵۵.

حسین سلماسی

ابوعلی حسین بن ابراهیم بن ابوبکر سلماسی، از دانشمندان و خوشنویسان ساکن اصفهان بوده و در قرن ششم هجری برای شرف الدّین ابوالحسن علی بن اسماعیل اصفهانی مجموعه ای ترتیب داده است که شامل رساله های زیر است:

۱. «الشّرقیّه فی تقاسیم العلوم الیقینیّه» ۲. ترجمه «رساله الذّهبیّه» منسوب به حضرت رضاعلیه السلام ۳. ترجمه «الرساله السیاسیّه» در وصایای بقراط حکیم و حکمای دیگر از عربی به فارسی ۴. «منتخبات امثال و اشعار» مجموعه در سالهای ۶۲۴ و ۶۲۵ق کتابت شده است.(۱)

حسین ادیب نطنزی

بدیع الزمان ابوعبداللّٰه حسین بن ابراهیم بن احمد نطنزی اصفهانی معروف به «ادیب نطنزی» شاعر، ادیب و دانشمند لغوی قرن پنجم هجری. [در نطنز متولّد شد و جهت تحصیل تحصیل به اصفهان و شهرهای دیگر سفر کرد وسرانجام در کوی ارزویه واقع در محلّه جومان (یا جوهان) اصفهان ساکن شد و در سال ۴۹۷ق و یا به قولی ۴۹۹ق وفات یافت.

او حدیث را از ابوبکر محمدبن عبداللّٰه بن ریذه اصفهانی، ابوذر محمّد بن ابراهیم صالحانی و ابوالفضل عبدالرحمان بن احمد رازی روایت می کند و برادر زاده اش ابوالفتح محمدبن علی نطنزی در مرو و ابوالعباس احمد بن محمّد مؤذن ادیب در اصفهان از او استماع حدیث کرده اند.

بدیع الزمان نطنزی به دو زبان فارسی و عربی شعر می سرود. و بدین خاطر به «ذواللّسانین» و «ذوالبیانین» مشهور بوده است. اگرچه برخی او را شیعه دانسته اند اما ابوسعد سمعانی در کتاب «الانساب» تصریح می کند که نطنزی اهل سنت و جماعت بوده

۱- تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۷۳۸.

است.] این کتابها از تألیفات اوست.

۱. «الخلاص» یا «دستور اللّغه»: که نسخه های فراوانی از آن در کتابخانه های داخل و خارج ایران موجود است. ۲. دیوان اشعار که ظاهراً از بین رفته است ۳. المرقاه، در علم لغت که در سال ۱۳۴۶ش به تصحیح دکتر سیّد جعفر سجّادی به چاپ رسیده است.(۱)

سیّد محمّد حسین امام جمعه دلیگانی*

سیّد محمّد حسین امام جمعه دلیگانی ابن سیّد ابراهیم، عالم فاضل، از اهالی قریه «دلیگان» برخوار اصفهان، متوفی در۱۲ ذیقعده ۱۳۶۷ق مدفون در تکیه ریزی در تخت فولاد(۲)

سیّد محمّد حسین بهشتی

سیّد محمدحسین حسینی بهشتی بن حاج سیّد ابراهیم چهارسوقی، عالم فاضل و ادیب شاعر، عمری را به زهد و تقوا گذرانیده و بیش از ۵۰ سال در مسجدی در کوچه سرتیپ اقامه جماعت می نموده است. شعر نیز می گفته و «عاصی» تخلّص دانسته است.

[وی در شب ۱۷ رمضان ۱۳۶۶ق وفات یافته] و در تکیه سادات بهشتی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- اللباب، ج۱، ص۵۳۳ و ج۳، ص۳۱۶؛ بغیه الوعاه، ص۲۳۱؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۷۵۴؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۳۱ و ج ۲۰، ص۳۱۱؛ معجم المؤلفین، ج۳، ص۳۰۵؛ تاریخ نظم و نثر، ص۵۶؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲ صص ۲۷-۱۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۶۳ و ۲۶۴؛ شرح احوال و آثار شاعران بی دیوان، صص ۶۲۶-۶۲۴؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۴، ص۳۱۸؛ ریحانه الادب، ج۲، ص ۲۷۱؛ المرقاه: مقدمه.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶؛ تحفه الاحباب، صص ۳۵ و ۳۶.

سیّد محمّد حسین حسینی ساوجی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّد ابراهیم حسینی ساوجی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری]در سال ۱۲۶۵ق. کتابت «تهذیب الاصول» علّامه حلّی را در اصفهان به پایان رسانیده و نسخه در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

شیخ حسین تنکابنی

شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی، از فلاسفه عالیقدر قرن یازدهم هجری. در قم نزد ملاصدرا و ملّا عبدالرزاق فیاض لاهیجی به تحصیل حکمت پرداخته و سپس در اصفهان به تحقیق و تألیف و تدریس کتب فلسفی مشغول بوده است. وی ذوق اشراقی و عرفانی داشته و میرزا عبداللّه افندی (صاحب ریاض العلماء) که معاصر اوست بر او خرده گرفته که غیر از فلسفه، از سایر علوم بهره چندانی نداشته است. دامادش آخوند ملّا محمّد نصیر تنکابنی و فرزندش ملّا ابراهیم تنکابنی نیز از فضلاء آن عهد و احتمالاً شاگرد شیخ حسین بوده اند.

وی در سفری که به حج بیت اللّه الحرام رفته بود، در هنگام استلام حجرالاسود در مسجد الحرام توسط جمعی که به توّهم اهانت او به حجرالاسود بر سر او ریخته بودند، به شدت مضروب شده و در راه مدینه شهید شد و در «ربذه» در جوار مرقد جناب «ابوذر غفاری» مدفون گردید. سال شهادت او را ۱۱۰۱ یا ۱۱۰۵ق ذکر کرده اند و ظاهراً در سن حدود ۸۰ سالگی یابیشتر به سرای باقی ارتحال نموده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اثبات حدوث العالم» ۲. «احوال صنوف النّاس فی المعاد» ۳. تعلیقات بر شفا ۴. «حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات شرح تجرید» ۵. «شرح گلشن راز» ۶. «وحده الوجود و تجلّیاته و تنزّلاته»(۲)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۳۷.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۴۹ و ۵۰؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۳۴ و ۳۵؛ شهیدان راه فصیلت، صص ۳۲۲ و ۳۲۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ الذریعه، ج۱، ص۸۹ و ج۲۵، ص۵۵؛ تاریخ عرفاء و حکماء، صص ۳۱ و ۳۲؛ شواهد الرّبوبیّه، مقدمه: ص صد و دو؛ فهرست مروی، ص۳۳۲، فهرست عکسی دائره المعارف اسلامی، ج۱، ص۱۳۹؛ فهرست خطی احیاء، ج۶، صص ۲۴۴ و ۲۴۷؛ فهرست عکسی احیاء، ج۴، ص۴۰۳؛ فهرست مرعشی، ج۳۱، صص ۷۱۹ و ۷۲۰؛ فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۳۲.

میرزا محمّد حسین مدرّس کَهَنْگی

حاج میرزا محمّد حسین مدرّس کهنگی بن سیّد محمّد ابراهیم بن سیّد علی طباطبائی، عالم فاضل جلیل. در سال ۱۲۸۸ق در «کَهَنگ بَرزاوَند» از توابع اردستان متولّد شده و در اصفهان نزد حاج میرزا بدیع درب امامی، میرزا ابوالمعالی کلباسی، میرزا محمدهاشم چهارسوقی، شیخ محمّد علی ثقهالاسلام، شیخ محمّد تقی آقانجفی، حاج آقا نوراللّه نجفی، میرزا ابوالقاسم رشتی، آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی به تحصیل پرداخت و سپس به عتبات عالیات رفته و نزد آیات عظام و علمای اعلام حاج آقا رضا همدانی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی کسب فیض نموده است.

وی در سال ۱۳۲۱ق به اصفهان مراجعت نموده و در مسجد علی علیه السلام اقامه جماعت نموده و در مدارس دینی اصفهان تدریس نموده و بدین جهت به «مدرس کَهَنگی» معروف شده است. او از طریق املاک موروثی در زادگاه خود امرار معاش می کرده و از دریافت و مصرف وجوه شرعی و یا امرار معاش از راه رفع خصومات و امثال آن خودداری می نموده است. بالاخره در ۱۷ جمادی الثّانیه سال ۱۳۷۶ق در اصفهان وفات یافته و در ضلع شمالی قبرستان عمومی جنب مصلای تخت فولاد مدفون گردید.

مرحوم مدرّس کَهَنگی تقریرات دروس اساتید خود در نجف اشرف مانند آخوند خراسانی و آقا سیّد کاظم یزدی را نوشته و رساله ای در معنی «بداء» به نام «هدیه الوری در شرح بداء» تألیف کرده که در سال ۱۳۷۷ق به طبع رسیده است.(۱)

۱- آتشکده اردستان، ج۲، صص۳۰۶ و ۳۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۱.

میرزا حسین تحویلدار

میرزا حسین تحویلدار بن میرزا محمّد ابراهیم، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری. جدّ اعلای او پیر اویس خان به دستور شاه عباس از «نخجوان» به اصفهان آمده و در این شهر ساکن شد. پدرش در اوایل کار صاحب جمع و عامل اغلب بلوکات و توابع اصفهان بود و سپس تحویلدار اصفهان شد.

میرزا حسین در اصفهان متولّد شد و کار پدر را دنبال کرد و در اداره تلگراف خانه به کار پرداخت. وی در سال ۱۲۹۴ق به دستور کارگزاران دیوان سلطنتی ناصرالدین شاه کتاب «جغرافیای اصفهان» را که کتابی مفید و ذی قیمت حاوی اطلاعات فراوان از جغرافیا، آثار تاریخی، اصناف و اقشار و مشاغل مردم اصفهان در قرن سیزدهم هجری است را تألیف نمود، که به کوشش دکتر منوچهر ستوده در سال ۱۳۴۲ش به چاپ رسیده است.

تاریخ وفات و دیگر اطلاعات درباره زندگی او در دست نیست.

سیّد حسین فشارکی*

سیّد حسین بن سیّد ابراهیم طباطبائی فشارکی، عالم فاضل، از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری اصلاً از اهالی قریه «فشارک» از توابع کوهپایه اصفهان بود. او پسر عموی مجتهد و فقیه عالی مقام آقا سیّد محمّد فشارکی است. پس از مدتی تحصیل در اصفهان به عتبات عالیات رفته و نزد میرزا حسن شیرازی و آقا سیّد محمّد فشارکی به تحصیل پرداخت. پس از مدتی به کربلا رفت و در اواخر عمر در کرمانشاه ساکن شد.(۱)

شیخ محمّد حسین مشکوه زفره ای

شیخ محمّد حسین مشکوه بن ملّا محمّد ابراهیم زفره ای، از پیشگامان تعلیم و تربیت در اصفهان در روستای «زفره» از توابع کوهپایه اصفهان متولّد شده و در اصفهان به

۱- میرزای شیرازی، ص۱۳۶.

تحصیل پرداخت. وی در اصفهان مدرسه مشکوه و سپس مدرسه نیّر اَعظم را در سال ۱۳۲۸ق تأسیس کرد ولی مدتی بعد این مدرسه تعطیل شد. در سال ۱۳۲۷ق در نزدیکی باغ همایون [ورزشگاه تختی کنونی] مدرسه اقدسیّه را تأسیس نمود. سیّد علی جناب که در حدود سال ۱۳۳۴ق وضعیت مدارس و مکاتب اصفهان را گزارش نموده می نویسد مدرسه اقدسیّه دارای ۷ کلاس و ۱۴۱ شاگرد بوده است. از این مدرسه بسیاری از فضلاء برخاسته اند. عاقبت این مدرسه به هنگام احداث خیابان مسجد سیّد، در مسیر خیابان قرار گرفته و تخریب شد.

شیخ محمّد حسین مشکوه داماد میرزا ابوالقاسم زفره ای بود و در ۱۵ محرّم ۱۳۹۰ق وفات یافته و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

حسین نجف آبادی

حسین بن ملّا ابراهیم نجف آبادی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۹۰ق کتاب «لهوف» تألیف: سیّد بن طاووس را کتابت نموده است. نسخه به شماره ۱۱۱۰ در کتابخانه آیت اللّٰه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

سیّد حسین مجتهد اصفهانی

سیّد حسین بن ابوتراب موسوی اصفهانی، عالم فاضل جلیل معروف به «مجتهد» از علمای اواخر دوره قاجاریه. در گنجه ساکن بوده و مرجع مسائل شرعی مردم آنجا به شمار می رفته و در آن حدود ریاست دینی داشته است. عمری طولانی یافته و اغلب به عبادت و طاعت خدا مشغول بوده و سرانجام درسال ۱۳۳۰ق در حدود ۱۲۰ سالگی وفات یافته است. او عموی مجتهد و مرجع تقلید بزرگ تشیع آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و پدر سیّد محمّد باقر مجتهدزاده ساکن گنجه است.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۲۲۲-۲۱۸.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۵۷.

۳- نقباء البشر، ج۲، ص۵۱۷.

سیّد حسین خادمی

سید حسین خادمی ابن آقا سیّد ابوجعفر خادم الشریعه ابن سیّد صدرالدین محمّد عاملی، عالم مجاهد و فقیه زاهد. از علمای بزرگ معاصر اصفهان، در جمعه ۳ شعبان ۱۳۱۹ق در اصفهان متولّد گردید.

مقدمات و سطوح را در اصفهان نزد میرزا احمد مدرس، میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی، ملّا عبدالکریم گزی، شیخ علی مدرس یزدی، میر سیّد علی نجف آبادی، سیّد محمّد نجف آبادی، سیّد میرزا اردستانی و جمعی دیگر از بزرگان فراگرفت و جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا در خدمت آیات عظام آقا سیّد ابوتراب خوانساری، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّد جواد بلاغی، میرزا محمّد حسین نائینی و آقا ضیاءالدّین عراقی بهره کافی برده تا به مقام اجتهاد نائل گردید و با کسب اجازات روایتی و اجتهاد به اصفهان مراجعت نمود و از حین ورود تا هنگام وفات به افاده و افاضه و تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر بازار و اقامه جماعت در مسجد دارالشّفا و مسجد نو حاج رسولیها و منبر و موعظه و ارشاد و هدایت مردم و امر به معروف و نهی از منکر مشغول گردید.

[آن فقید سعید از ارکان مبارزه مردم اصفهان علیه رژیم پهلوی بوده و به ویژه در جریان قیام ۱۵ خرداد از مرجعیت و مبارزه امام حمایت های شجاعانه و بی دریغ داشته و ساواک نسبت به فعالیت های ایشان علیه رژیم حساسیت بالایی داشت. در واقعه ۵ رمضان ۱۳۹۷ه.ق منزل ایشان در چهارباغ پایین کانون نهضت مردم اصفهان علیه رژیم بود و با حمله مأموران رژیم، تعدادی از انقلابیون در حوالی منزل ایشان به شهادت رسیدند پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم اصفهان ایشان رابه عنوان نماینده خود در مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی و سپس نماینده مجلس خبرگان رهبری برگزیدند. در جریان جنگ ایران و عراق نیز ایشان در پشتیبانی از رزمندگان و تشویق مردم در کمک به جبهه های نبرد تلاش فراوان داشت.

او اقدامات خیریه فراوانی را با همت عالی خود انجام داده است که اهم آنها عبارتند

از: تأسیس انجمن خیریه مددکاری امام زمان، تأسیس مؤسسه خیریه احمدیه (شامل دبیرستان و کتابخانه و...) تأسیس انجمن خیریه صادقیه جهت خدمت رسانی به سالخوردگان و معلولان، تجدید بنای مسجد جامع حاج رسولیها در اصفهان و ساخت مسجدی در جزایر قشم و هرمز و تأسیس چند کتابخانه در مدرسه ملّا عبداللّٰه و مؤسسه احمدیه]

همچنین ایشان در ارشاد و راهنمایی مردم و تبلیغ دین اهتمامی فراوان داشته و خدمات آن مرحوم در جلوگیری از برخی منکرات اداره آموزش و پرورش و همچنین تبلیغات سوء و ضد ولایتی برخی از منبریان اصفهان فراموش نشدنی است.]

و سرانجام در صبح روز دوشنبه ۱۸ جمادی الثّانیه سال ۱۴۰۵ق در اصفهان وفات یافته و جنازه پس از تشییع عظیم در سه شنبه به مشهد مقدس حمل و در جوار مرقد مطهر حضرت رضاعلیه السلام مدفون گردید. [و جلسات متعدد ختم و یادبود برای ایشان در بسیاری از شهرها برگزار شد.]

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «تقریرات درس مرحوم نائینی درباره صوم و صلاه» ۲. «تقریرات درس اصول: از اوائل مباحث الفاظ تا آخر معنی حرفی» ۳. «تقریرات درس اصول: از بحث خاتمه برائت تا آخر تراجیح» ۴. «حواشی بر طهارت و صلاه» کتاب «مصباح الفقیه» تألیف: حاج آقا رضا همدانی ۵. «رساله در عدم ارث زوجه از غیر منقول»

۶. «رساله در لباس مشکوک» ۷. «رهبر سعادت یا دین محمّدصلی الله علیه وآله» در دو مجلد به فارسی، مطبوع.

آن مرحوم دارای کتابخانه نفیسی بود که تعدادی از کتب خطی آن به خط مؤلفین بوده و اکنون در اختیار فرزندان ایشان می باشد.(۱)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص۲۹۰-۲۸۸؛ مجله نور علم، شماره مسلسل ۳۵ خرداد ۱۳۶۹ش، صص۱۰۷-۹۰؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۹۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۳۹۰؛ نقباء البشر، ج۲، صص ۵۱۸ و ۵۱۹؛ الذریعه، ج۱۱، ص۳۱۰؛ گلزار مشاهیر، صص ۲۹ و ۳۰؛ مستدرک فهرس التّراث، صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ روزنامه اطلاعات، مورخ ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ش.

سیّد حسین بصیر*

دکتر سیّد حسین بصیر بن حاج میرزا ابوالحسن حکیم بن میرزا هادی حکیم بن سیّد ابراهیم حکیم خطاط بن سیّد محمّد رضا حکیم بن میرزا عبدالباقی طبیب اصفهانی، از پزشکان حاذق معاصر در اصفهان متولّد شد. تحصیلات مقدماتی را در اصفهان انجام داد و از مدرسه عالی طب و داروسازی فارغ التحصیل شد. مدتی در ارتش به طبابت مشغول بود سپس در بیمارستان امین به طبابت پرداخت و سرانجام در ۱۷ ذیحجه ۱۳۵۸ق وفات یافته و در ضلع شرقی تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد حسین ادیب بجنوردی*

سیّد محمّد ادیب بجنوردی ابن سیّد ابوالحسن موسوی نسل بجنوردی، عالم فاضل و حکیم فرزانه، از علمای معاصر در سال ۱۳۰۰ق متولّد شده و در مشهد مقدس نزد جمعی از فضلاء از جمله حاجی فاضل خراسانی، ادیب نیشابوری(۲) و شیخ ابوالقاسم نیشابوری به تحصیل پرداخت و فلسفه و منطق را نزد آقا بزرگ حکیم فرا گرفت.(۳) وی سالها در مشهد مقدس به تدریس مشغول بود. اما به خاطرسختی امر معیشت به ناچار به کارهای دولتی روی آورد و به اصفهان انتقال یافته و ۱۲ سال رئیس اوقاف و معاون اداره فرهنگ اصفهان بود و در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ش در مدرسه صدر اصفهان «شرح باب حادی عشر» «شرح شمسیّه» و «شوارق» را تدریس می نمود و جمعی از فضلاء از جمله: «شیخ محمّد محزونیه»، «سیّد علی هدایتی خواجویی»، «احمد غفاریان»، «سید مهدی حجازی قمشه ای»، «شیخ علی کاشانی» و «آقا ضیاء کجانی» در درس او شرکت می کردند. وی بسیار خوش بیان و دارای حافظه ای قوی و کم نظیر بود.

۱- بوستان فضیلت، صص ۳۷۱-۳۷۰.

۲- علوم عقاید، ص۱۳.

۳- منتخب معجم الحکماء، ص۲۴.

در ادبیات و معقول تخصص داشت و به تمام اقوال حکماء و متکلمین احاطه داشت. از علوم جدید مطلع بود. بسیار خوش خلق، متواضع و وارسته بود و از عرفان بهره کامل داشت.(۱)

وی چندی بعد به تهران رفته و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و سرانجام در صبح یکشنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۸۲ق وفات یافت.(۲)

آقای علیقلی بیانی که از شاگردان اوست می نویسد: «مرحوم ادیب بجنوردی به راستی استاد مسلم ادب عرب و معقول بود. با وجود کهنسالی مقامات حریری را که متن دشواریست از بَر بود به گونه ای که برای تصحیح قرائت من نیاز به کتاب نداشت... من نزد او اشارت ابن سینا را می خواندم ولی عبارت متن کتاب برای او فقط مناسبتی برای فیضان فضائلش بود. در نماز شور و هیجانی به او دست می داد که دیدنی بود به کرّات او را در حال گریه شدید در مسجد دیدم. در اموری که ارتباط با آداب تقوا و زهد داشت سختگیر بود»(۳)

حسین غزّاء نجف آبادی

حسین توانگر نجف آبادی متخلّص به «غزّاء» ابن ابوالحسن از شعرای قرن چهاردهم هجری [در حدود سال ۱۲۴۶ش در نجف آباد متولّد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد آقا سیّد هاشم آیت نجف آبادی آموخت. سپس به اصفهان شتافت و مغنی و مطوّل را نزد علمای آنجا فراگرفت. و منظومه سبزواری و شفای بوعلی سینا را نزد حکیم جهانگیرخان قشقائی خواند و در سایر علوم مانند صرف و نحو، منطق، لغت، هیئت، طب و تاریخ مهارتی بسزا یافت. پس از چندی از لباس روحانیت خارج شده و در «کمپانی مسعودیه» اصفهان به کار پرداخت. سپس در گلپایگان و نجف آباد به تجارت پرداخت.

وی سرانجام در ۱۸ مرداد ۱۳۵۴ش پس از عمری طولانی وفات یافته و در نجف

۱- علوم و عقاید، ص۱۳.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۵۲.

۳- آیین فرزانگی، ج۲، ص۲۲۸.

آباد مدفون شد. در سرودن انواع شعر مهارت داشت و در انجمن های ادبی اصفهان و نجف آباد شرکت می کرد و اشعارش درمجله ارمغان به طبع می رسید.

از آثار و تألیفات اوست:

۱. «اندرز نامه پدر و پسر» منظوم، که در سال ۱۳۳۳ش به ضمیمه روزنامه حیات اصفهان به طبع رسید. ۲. دیوان قصائد ۳. مجموعه غزلیات، قطعات و مثنویات ۴. مقالاتی به شیوه «چهار مقاله» نظامی عروضی که در موضوعات گوناگون نوشته است.[(۱)]

از اوست:

کسی زخار ندیده چون من جفای گلی

چرا که خوار شدم عاقبت برای گلی

هزار جور کشیدم زخمار و گشتم خوار

چه خوار و زار شدم آخر از برای گلی

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی

سید محمّد حسین بن ابی طالب حسینی اصفهانی، روضه خوان، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است مدتی در رشت ساکن بود از آثارش کتابت:

۱. «منهج الشیعه» تألیف: جلال الدّین شرفشاه علوی

۲. «منهاج الکرامه» تألیف: علّامه حلی که هر دو در دهه نخستین ربیع الاول ۱۲۶۱ق کتابت شده و در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است.

۳. «ارشاد القلوب» دیلمی مورخ ربیع الثانی سال ۱۲۶۶ق در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است.(۲)

۴. «هدایه الاسماء فی بیان کتب العلماء» تألیف ملّا حسن کثنوی یزدی، که در شوال ۱۲۷۵ق در رشت آنرا نوشته و به شماره ۱۰۷۰ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۳۷ و ۳۳۸؛ دیباچه دیار نون، صص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۲- فهرست حقوق، صص ۲۴۲ و ۴۸۱.

است.(۱)

شیخ محمّد حسین قمشه ای صغیر

شیخ محمّد حسین بن ابوطالب قمشه ای نجفی، عالم جلیل و فاضل ثقه صالح، معروف به صغیر (جهت امتیاز او نسبت به استادش شیخ محمّد حسین قمشه ای). در نجف اشرف در خدمت ملّا محمّد حسین بن محمّد قاسم قمشه ای معروف به کبیر به تحصیل پرداخت. سپس در محضر استاد اخلاق و عرفان آخوند ملّا حسینقلی همدانی حاضرشده و از خرمن معلومات او توشه ها اندوخت و همچنین از درس حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی کسب فیض نمود. ایشان از علمای مجاهد بوده و در نهضت علماء علیه نفوذ دولت انگلستان در عراق [انقلاب ۱۹۲۰م عراق] شرکت داشته و سرانجام در ۲ محرم ۱۳۳۷ق وفات یافته، در صحن شریف مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام نزدیک مقبره شیخ الریعه اصفهانی مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱. کتابی در «معجزات صادره از ائمه معصومین علیهم السلام» ۲. کتابی در «مواعظ و اخبار»

این عالم ربانی از محبان حضرت سیّد الشهداء بوده و در منزل خود مجالس سخنرانی و روضه خوانی برای آن حضرت را به پا می داشته و بزرگانی چون حاج میرزا حسین محدّث نوری در آنجا منبر می رفته اند.(۲)

میر محمّد حسین حسینی اصفهانی

میر محمّد حسین بن میرزا ابوالفتح حسینی اصفهانی، از کاتبان اصفهان در عصرشاه عباس صفوی و خادم مسجد جامع اصفهان بوده است.

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۲، ص۶۸۳.

۲- نقباء البشر، ج۲، صص ۵۲۰ و ۵۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۰؛ تاریخ شهرضا، ص۷۵.

وی «خلاصه الاقوال» تألیف علّامه حلّی را به خط نسخ در پنج شنبه ۴ ذی القعده ۱۰۳۷ق در مشهد مقدس کتابت نموده است و در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی موجود است.(۱)

ملّا حسین امین جعفری دهاقانی*

ملّا حسین امین جعفری بن حاج ابوالقاسم دهاقانی عالم فاضل زاهد. در سال ۱۲۹۵ق در دهاقان متولّد شد مقدمات را نزد ملّا رحیم دهاقانی آموخت سپس نزد حاج شیخ ابوالقاسم صدر العلماء دهاقانی حاضر شد. پس از مدتی به اصفهان رفته و از درس جمعی از علماء خصوصاً جهانگیرخان قشقایی بهره مند گردید. آنگاه به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی کسب فیض نمود. او پس از پایان تحصیل به زادگاه خود بازگشته و در آنجا به ترویج شریعت، راهنمایی ارشاد مردم و تدریس مشغول شد و در ضمن جلسه ای ادبی را نیز برپا نمود که عده ای از فضلاء و اهل ذوق از معلومات ارزنده او برخوردار می شدند که از آن جمله اند: شیخ مهدی الهی قمشه ای و میرزا حسین خان ادیب. در سرودن غزل طبعی روان داشته و ۵۰ غزل او نزد مرحوم شیخ اسداللّٰه اسماعیلیان دهاقانی موجود بوده است.

صاحب عنوان در سال ۱۳۶۹ق در دهاقان وفات یافته و در قبرستان عمومی آنجا مدفون گردید.

این چند بیت از اوست:

مطرب به نوا آمد و زد ساز طرب را

باشم مُترنّم همه با چنگ و چغانه

در محفل عشّاق بدان قامت رعنا

چون شمع برافروخته آمد به میانه [...]

۱- فهرست کتابخانه مرعشی، ج ۱۱، ص ۱۵۵.

دیدم چو دو چشمان تو اندر صف مژگان

شد سینه و دل در خور پیکان و نشانه(۱)

سیّد حسین موسوی بیدآبادی

سیّد حسین بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد علی بن حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام، عالم فاضل صالح متّقی، قبل از سال ۱۳۰۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد حضرات آیات سیّد ابوالقاسم دهکردی، سیدمحمّد باقر درچه ای، شیخ محمّد رضا نجفی و سیّد مهدی درچه ای به کسب فیض پرداخته و سپس به ترویج دین و ارشاد مردم پرداخته است.

وی ظهرها در مسجد سیّد و صبح و مغرب در مسجد حاج جمال در محله لرها اقامه جماعت می نمود و مورد وثوق اهالی محل بود و با همه سختی ها که در دوره رضاخانی به اهل علم و روحانیون می شد تحمل نموده و ترک مسجد و محراب نفرمود. او در شب های ۱۹ ماه مبارک رمضان، مراسم شب احیاء را در مسجد سیّد برپا می داشت.

سرانجام در دوشنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۵۶ ق وفات یافته و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

سیّد حسین دهکردی

سیّد حسین بن آقا سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمدباقر دهکردی عالم فاضل. در اصفهان متولّد شده و در خدمت جمعی از بزرگان همچون آقا شیخ علی مدرس یزدی و پدر بزرگوار خود تحصیل نموده است. عالمی منزوی و گوشه نشین بود.

پس از فوت پدر به جای ایشان در مسجد شیخ الاسلام و مسجد سرخی اقامه

۱- زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقائی، صص۱۰۲ و ۱۰۳؛ سیمای دهاقان، صص ۲۷۷ و ۲۷۸.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۰۹؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد،ص ۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۲۲۹-۲۲۶.

جماعت می نمود. سالها به درس مرحوم آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی حاضر شده و بهره کافی یافته بود و گاه گاه در بین صحبت از این استاد خویش یاد می نمود.

سرانجام در سال ۱۳۷۷ق وفات یافته و جنب پدر در یکی از حجرات امامزاده زینبیه اصفهان مدفون گردید.(۱)

میرزا محمّد حسین خاتون آبادی*

میرزا محمّد حسین بن آقا میرزا ابوالقاسم حسینی خاتون آبادی عالم فاضل، از علمای اواخر دوره قاجاریه. متوفی ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۴۱ق در یکی از حجرات شرقی تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد اصفهان.(۲)

شیخ محمّد حسین شریعت فلاورجانی*

شیخ محمّد حسین شریعت ابن ابوالقاسم فلاورجانی، عالم زاهد و فاضل کامل. سالها در فلاورجان به اقامه جماعت و وعظ اشتغال داشت.

سرانجام در عید غدیر ۱۳۷۷ق (تیرماه ۱۳۳۷ ش) وفات یافته و در قبرستان عمومی فلاورجان مدفون شد. وی پدر عالم فاضل معاصر شیخ صفرعلی شریعت است.(۳)

حسین انصاری

حسین بن احمد انصاری از فضلای قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۱۷ق کتاب «ترجمه الفصول» تألیف: رکن الدّین محمّد بن علی گرکانی را در اصفهان نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است. همچنین در همان سال نسخه ای از کتاب «باب حادی عشر» تألیف: علّامه حلی را به خط نسخ نوشته که به شماره ۱۹۱۸/۱

۱- تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون، ص۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۲۳۶.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۱)

میرزا محمّد حسین ملاذ روضاتی

حاج میرزا محمّـد حسین ملاذروضاتی بن سیّد احمد بن میرزا محمّد باقر موسوی چهار سوقی (صاحب روضات) عالم فاضل جلیل در شب پنج شنبه ۱۰ محرم (عاشورا) سال ۱۳۰۲ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خود را نزد حاج آخوند زفره ای، میرزا یحیی مدرس، سیّد محمود کلیشادی، میرزا احمد اصفهانی، جهانگیرخان قشقائی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، سیّد مهدی درچه ای و شیخ محمّد تقی آقانجفی انجام داد و جهت تکمیل آن به عتبات عالیات مشرف شده و نزد آیات عظام سیّد اسماعیل صدر و شیخ فتح اللّٰه شریعت اصفهانی به کسب فیض پرداخت و شفاها از این دو مرجع عالیقدر و کتباً از آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی مجاز گردید.

وی پس ازبازگشت به اصفهان به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت اما در اواخر عمر از این امور کناره گرفته، انزوا اختیار کرده و به عبادت مشغول بود. سرانجام در شب سه شنبه ۶ رجب ۱۳۸۲ق وفات یافته و در بقعه جدّ بزرگوار خویش «صاحب روضات» در تخت فولاد مدفون گردید. شاعر توانا استاد فضل اللّٰه اعتمادی متخلّص به «برنا» ماده تاریخ وفات ایشان را چنین سروده اند:

نوشت خامه «برنا» برای سال وفاتش

«ملاذ برد پناه از جهان بجانب حیدر»

وی نسخه ای از «نظام الاقوال» تألیف: نظام الدّین محمّـد قریشی ساوجی را به خط زیبای خود کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّٰه حاج سیّد محمدعلی روضاتی موجود است.(۲)

۱- فهرست گوهرشاد، ص۲۳۶.

۲- مناهج المعارف: مقدمه، صص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ فهرست کتابخانه های اصفهان، ج۱، ص۱۴۴؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۷۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱ ص ۳۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۸۰.

حسین مهری اصفهانی

ابوعلی حسین بن احمد بن حسین بن احمد بن محمّد مهری اصفهانی، از محدّثین عامه است. محمدبن احمد نطنزی عامی از وی نقل حدیث می کند.

حسین عمادزاده

استاد حسین عمادزاده فرزند ملّا احمد عماد الواعظین ابن آخوند ملّا حسین عماد الواعظین کُربِکندی بُرخواری اصفهانی، نویسنده و محقّق دانشمند. در ۸ ذی الحجه ۱۳۲۵ق در اصفهان متولد شده و در اصفهان نزد حضرات آیات میر سید علی نجف آبادی، میرزا علی آقا شیرازی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، شیخ محمود مفید، سیّد صدرالدّین کوپائی و شیخ محمّدرضا کلباسی پرداخت. همچنین از حضرات آیات آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ آقابزرگ طهرانی، سیّد محمّد حجت کوهکمری، شیخ محمّدرضا مظفر و سیّد یونس اردبیلی اجازه روایت دریافت کرد.

او از جوانی تا آخر عمر در طهران ساکن بوده و به تحقیق و تألیف کتاب و تدریس در دانشگاه می پرداخت و برای مجلّات نیز مقاله می نوشت.

از او بیش از ۱۰۰ عنوان تألیف باقی مانده که اکثر آنها به چاپ رسیده و برخی از آنها چندین بار تجدید طبع شده است. او همچنین مجلّه «خرد» را انتشار داده است.

استاد عمادزاده در ۵ رمضان ۱۴۱۱ق (مطابق ۱۲ فروردین ۱۳۶۹ش) وفات یافت.

نام برخی از کتابهای او چنین است:

۱. «تاریخ و جغرافیای مکه» ۲. «ترجمه و تفسیر قرآن کریم» ۳. «زینب کبری» (سلام اللّه علیها) ۴. «معراج» ۵. «تاریخ مفصل اسلام» ۶. «تاریخ انبیاء و قصص قرآن» ۷. «شرح و ترجمه صحیفه سجادیّه» ۸. «تاریخ جغرافیای کربلای معلّی»

همچنین ۱۴ جلد کتاب در شرح حال چهارده معصوم که با عناوین مختلف به چاپ رسیده است. از تألیفات چاپ نشده ایشان می توان به «رجال اسلام» در ۱۰ جلد و

«راهنمای اصفهان» اشاره کرد.(۱)

حسین نجفی*

حسین بن احمد بن ماجد نجفی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. او در اصفهان ساکن بوده و نسخه ای از «مشرق الشّمسین» تألیف: شیخ بهائی را در پنج شنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۰۲۸ق کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۱۲۰ در کتابخانه خاندان میبدی در کرمانشاه موجود است.(۲)

در همان زمان یکی از بستگان صاحب عنوان، به نام شیخ احمد بن شیخ محمّد بن شیخ ماجد نجفی در اصفهان نزد شیخ بهائی مشغول تلمّذ بوده و از مرحوم شیخ اجازه دریافت نموده است.(۳)

حسین جوهری فرد*

حسین جوهری فرد بن احمد، شاعر ادیب، در سال ۱۳۰۲ش متولّد شد، او از اعقاب شاعر و مورّخ مشهور میرزا ابراهیم جوهری مؤلف کتاب «طوفان البکاء» است.

جوهری پس از آنکه تحصیلات مقدّماتی را فراگرفت، چندی در مدرسه مروی به تحصیل علوم قدیمی پرداخت و مدتی نیز در وادی حکمت و عرفان به سیرو سلوک قدم نهاد و از اساتید فن کسب فیض کرد، همچنین فنون شعر و شاعری را از شکیب اصفهانی آموخت. آنگاه برای کسب معیشت به آهن فروشی در بازار مشغول شد.

اغلب اشعار او جنبه مذهبی و عرفانی دارد و مضمون آن مدایح و مراثی ائمه

۱- مجله کیهان فرهنگی، سال هفتم: خرداد ۱۳۶۹، ص۵۰؛ الذریعه، ص۱۲، صص ۵۵-۵۱؛ رجال اصفهان: مقدمه؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج۱، ص۱۰۶۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۲، صص ۸۳۰ و ۸۳۱؛ گلزار مشاهیر، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

۲- فهرست خاندان میبدی، ص۸۷.

۳- فهرست کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ص۴۱.

اطهارعلیهم السلام است. در شعر «جوهری» تخلص می کند.

از اوست:

دلبرا خرمن هستی مرا سوخت دو چیز

اخگر عشق تو ای ماه دگر طعن رقیب(۱)

میرزا حسین گرجی فریدنی

میرزا حسین بن احمد گرجی فریدنی [از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم]در ماه جمادی الآخر سال ۱۲۷۴ق کتاب «کشف الاسرار» تألیف ملّا حسینعلی تویسرکانی را در اصفهان به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۸۹ و ۷۳۹۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۲)

همچنین در تاریخ ۲۹ شوّال ۱۲۷۹ق کتاب «بحر الجواهر» تألیف: محمّد بن یوسف هروی را به خط نسخ نوشته است و کتاب به شماره ۶۲۲۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

دکتر حسین محیی

دکتر حسین محیی بن میرزا احمد خان محیی، از پزشکان ماهر اصفهان وی در ۷ مهر ۱۳۲۲ش شانزده روز قبل از وفات پدر فوت نموده و در تکیه خانوادگی دکتر محیی جنب تکیه ملك در تخت فولاد مدفون شد.(۴)

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۲، ص۱۰۲۳.

۲- فهرست مرعشی، ج ۱۹، ص ۱۹۱.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۶، ص۲۶۷.

۴- سیری درتاریخ تخت فولاد، ص۲۱۴.

محمّد حسین مُصاحَبی نائینی*

محمّد حسین بن حاج میرزا احمد مصاحبی نائینی، خوشنویس فاضل قرن سیزدهم هجری. او مانند پدر از خطاطان عصر خود بوده و بیشتر در اصفهان به سر برده و در آنجا وفات یافته است.(۱)

او اصلاً از اهالی قریه «محمّدیه» نائین و از احفاد ملّا مصاحب نائینی است. وی کتابی شامل «ادعیه و سُوَر» را به خط نسخ و رقاع در سال ۱۲۷۲ق را کتابت نموده است.(۲)

سیّد محمّد حسین میردامادی سدهی

سیّد محمّد حسین بن میر سیّد احمد میردامادی سدهی، عالم فاضل، به مقدّس معروف بوده و در اصفهان نزد آقا میر سیّد حسن مدرس تحصیل نموده است.(۳)

[پس از آنکه ملّا محمّد باقر بن ملّا محسن سدهی از سران شیخیه به ترویج این فرقه مشغول شد، سیّد محمّد حسین مقدس به مخالفت با او برخاسته و مردم را علیه بدعت های شیخیه تهییج نمود، ملّا محمّد باقر تصمیم به نابودی او گرفت و به وسیله عوامل خود او را در ۵ جمادی الثانی ۱۲۵۹ق مسموم ساخت و شهید نمود.

میرزا محمّد حسن شیرازی معروف به میرزای بزرگ پیشوای نهضت تنباکو، در ابتدای جوانی در اصفهان به تحصیل مشغول بود و از رفقای صمیمی صاحب عنوان بود که پس از شهادت دوستش دیگر نتوانست در اصفهان بماند و به نجف اشرف عزیمت کرد.(۴)]

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۲۳۰ و ۲۲۳۱.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۲.

۴- خمینی شهر، صص ۲۵۸ و ۲۵۹.

حسین اصفهانی

حسین بن اسحاق اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. در مصر ساکن بود و از عمّار بن خالد واسطی تمّار روایت می کرد.

جمعی از محدثان از جمله محمّد بن سلیمان بن فارس از او حدیث شنیده اند.(۱)

حسین اصفهانی

ابوعبداللّه حسین بن اسحاق بن ابراهیم بن صبّاح خلّال اصفهانی از محدّثین بوده و در قرن سوم هجری می زیسته است. از اصفهان به کرج [کرج ابودُلَف، در استان مرکزی کنونی]رفت و پس از سال ۳۰۰ق وفات نمود. احادیث فراوان را در حفظ داشت و حافظه اش بسیار قوی بود.(۲)

وی از اسماعیل بن محمّد بن یوسف، احمدبن عیسی بن تیسی خشّاب و ابوهارون حدیث نقل می کند.(۳)

محمّد حسین صغیر اصفهانی

محمّد حسین صغیر اصفهانی ابن اسداللّه شاعر ادیب و عارف وارسته، از مشاهیر شعرای معاصر اصفهان. در ۱۳ رجب سال ۱۳۱۲ق متولّد شد. پدرش اگرچه بیسواد بود امّا در عزاداری ها و آئین های مذهبی عزاداری می کرد و مادرش جهان سلطان زنی مؤمنه بود.

در ۸ سالگی زبان به سرودن شعر گشود و شگفتی همگان را برانگیخت و از همان زمان «صغیر» تخلص نمود. و از بدو تأسیس انجمن دانشکده اصفهان به سرپرستی عباس خان شیدا در سال ۱۳۳۴ق در آن انجمن شرکت کرد که این دوره ۱۸ سال طول کشید.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۰.

۳- احقاق الحق، ج۵، ص۴۸۲؛ میزان الاعتدال، ج ۱، صص ۵۹ و ۱۱۴.

از همان جوانی به کار بافندگی پرداخته و از راه کار و زحمت به امرار معاش و اداره خانواده پرداخت و استغناء و بی نیازی از خلق را پیشه خود ساخت. او در اغلب انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن های مدرسه تبریزی، خاکیا، کمال، سعدی و مکتب صائب شرکت می کرد و جزو اساتید پیشکسوت و محترم این انجمن ها به شمار می رفت.

به میرزا عباس پاقلعه ای شیخ سلسله نعمت اللهیه اصفهان ارادت داشت و در مدح او شعر می گفت.

او اگرچه قصیده و غزل بسیار گفته اما اغلب اشعارش مدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام است. او از مداحان طراز اول اصفهان بوده و در تشکیل انجمن مداحان و تربیت و پیشرفت آنان نقش زیادی داشته [و اشعارش نیز در بسیاری از نقاط کشور مشهور و مورد استفاده مداحان قرار داشت. و برخی از اشعارش در کتیبه های بقاع متبرکه خصوصاً در عتبات عالیات مورد استفاده قرار می گرفت.

صغیر مردی خوش خلق، بخشنده، سلیم النّفس و خوش محضر بوده و صفا و خلوص و سادگی او سبب راه یافتن نام و محبت او به دلها و شهرت روز افزون او بود.

استاد صغیر اصفهانی سرانجام در سه شنبه اول جمادی الثّانی ۱۳۹۰ق (مطابق با مرداد ماه ۱۳۵۰ش) وفات یافته و پس از تغسیل و تکفین و اقامه نماز بر پیکر او، در میان اجتماع شکوهمند عموم طبقات مردم اصفهان تشییع شده و در جوار حرم رأس الرضا (مدفن سر مطهر امامزاده مظلوم و شهید، شاهرضا مدفون در شهرضا) در طوقچی اصفهان مدفون گردید.

استاد همایی متخلّص به «سنا» ضمن مرثیه ای ماده تاریخ وفات او را چنین سروده اند:

به تاریخ وفات تو، به سیر آفتاب و مهر

خرد گوید: «صغیر از ما» سنا گوید «صغیر من»

استاد فضل الله اعتمادی متخلّص به «برنا» نیز ضمن مرثیه ای ماده تاریخ وفات او را

چنین سروده:

پی تاریخ سال رحلت او

گفت برنا: «صغیر ادیب جلیل»

کتب زیر از سروده های اوست که به طبع رسیده است:

۱. «خطبه الغدیر» منظوم ۲. «دیوان قصاید و غزلیات صغیر اصفهانی» ۳. «ریاض الحسینی» ۴. «فضائل الائمه» ۵. «مصیبت نامه صغیر» ۶. «وداد بشر»

[از اوست:

اسیر دانه خال لب یارم من ای زاهد

مکن دام دل من سبحه صد دانه خود را

کجا منّت کشم از ساقی نا مشفق گردون

که من پر کرده ام از خون دل پیمانه خود را

کسان بندند سد در راه سیل از بیم ویرانی

خلاف من که وقف سیل کرده ام خانه خود را(۱)]

آخوند ملّا محمّد حسین کرمانی

آخوند ملّا محمدحسین کرمانی ابن ملّا اسداللّه، عالم فاضل، فقیه کامل، از اکابر علماء و مدرسین و مراجع در اصفهان. در حدود سال ۱۲۴۵ق در کرمان متولّد شده، مقدمات علوم را در آنجا آموخته و جهت تکمیل آن به اصفهان آمد و در خدمت خدمت حاج شیخ محمّد باقر نجفی، میرزا محمّد باقر چهار سوقی (صاحب روضات)، ملّا حسینعلی تویسرکانی، میرزا محمّد حسن نجفی، سیّد محمّد شهشهانی، ملّا عبدالجواد حکیم خراسانی و ملّا حیدر صباغ و دیگران تحصیل نموده و به اجتهاد رسید و از برخی از اساتید خود به

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۰۸ - ۳۰۶؛ مزارات اصفهان، صص۳۱۳ و ۳۱۴؛ دیوان قصاید و غزلیات صغیر اصفهانی: مقدمه؛ زنده جاوید: اغلب صفحات؛ مقالات ادبی (همایی)، صص ۴۸۸-۴۸۶؛ مصاحبه با فرزند استاد صغیر آقای

رضا صغیر (سعید) توسط غلامرضا نصرالهی در تیرماه ۱۳۸۶ش.

اخـذ اجازه روایت و اجتهاد مفتخر شـد. وی از مدرسـین مشـهور فقه و اصول در اصـفهان بوده و جمعی از فضـلاء در درس او حاضـر می شدنـد. علاوه بر آن به قضاوت و رفع خصومات و مرافعات می پرداخت. [و در بین عموم مردم به عـدالت و رعایت حق در قضاوت شهرت داشت.]

او در کمـال زهـد و اسـتغناء می زیست. از آثـار او تأسـیس و تعمیر دو باب مسـجد به نام «نور» و «رضوان» می باشـد. اوّلی در چهـار راه کرمانی، در خیابان حافظ جنب منزل خود و دوّمی نزدیک دروازه اشـرف جنب شترگلو می باشـد که هر دو مخروبه بوده و ایشان بانی تعمیرات آن شده است [هزینه مرمّت مسجد رضوان را میرزا ابراهیم ملک التّجار متقبّل شده است.]

سرانجام در شب ۲۱ جمادی الاولی سال ۱۳۳۰ق وفات یافته، در مقبره ای مخصوص در مسـجد خود (مسـجد رضوان) مدفون گردید.

میرزا حسن خان جابری انصاری ضمن مرثیه ای ماده تاریخ وفات او را چنین نوشته است:

«انصاری» گفتا بدیهه تاریخش را

«فردوس مقام زاهد کرمانی است»

کتب زیر از اوست:

۱. «اجزایی در اصول و فقه» ۲. «تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود» ۳. «رساله عملیّه»

علاوه بر مقام فقاهت شعر نیز می سروده و «مفتی» تخلص می نموده است. اشعار کتیبه مسجد رضوان از خود اوست.(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۳۳ و ۵۳۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۰؛ نقباء البشـر، ج۲، صص ۵۳۰ و ۵۰۹؛ الاصـفهان، رجال و مشاهیر، ص۴۵۶؛ چهـل سال تاریـخ ایران (المأثر و الآثار)، ج۱، ص۲۴۸.

محمّدحسین ضیاء اصفهانی

محمّد حسین ضیاء ابن ملّا محمّد اسماعیل بن محمّد جعفر بن ملّا محمّد اسماعیل خواجویی شاعر و خوشنویس دانشمند [از طرف پدر از نوادگان حکیم و فیلسوف مشهور عهد افشاریه ملّا اسماعیل خواجویی و از طرف مادر از نوادگان میرزا مهدی خان منشی متخلّص به «کوکب» مؤلف «درّه نادره» و «جهانگشای نادری» است. در سال ۱۲۱۷ق در اصفهان متولّد شده و نزد علماء و فضلای عهد خویش به تحصیل پرداخت و در علوم مختلف به خصوص فقه، ادبیات، حکمت، نجوم، حساب و هندسه مهارتی بسزا یافت.]خطوط مختلف بویژه نسخ و ثلث را خوش می نوشت شعر را نیکو می سرود و «ضیاء» تخلص می کرد.

[او در محلّه خواجو ساکن بود و دختری از نوادگان حکیم مؤمن تنکابنی را به زوجیت اختیار کرد و عمر را به خوشنویسی و سرودن شعر گذرانید.] در سال ۱۲۶۵ق در سن ۴۸ سالگی (در زمان حیات پدر خود) وفات یافته و عزیزان خود را به داغ خویش نشاند. مرحوم مهدی بیانی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» آثاری از او را معرفی کرده است. در قبرستانهای قدیم اصفهان و به ویژه تخت فولاد الواح قبور فراوانی به خط او وجود داشته که اکنون اندکی از آنها هنوز باقی است از جمله سنگ مزار ملّا محمّد مهدی قمبوانی، شیخ محمّد تقی رازی و شیخ محمّد رحیم شیخ الاسلام. همچنین برای بسیاری از علما و ادبای معاصر خویش مرثیه و ماده تاریخ سروده که بر سنگ مزار آنان نقر گردیده است.

ماده تاریخ وفات «ضیاء» را شاعر معاصر او «تاراج» چنین یافته است.

ناگه زبان خامه تاراج زان میان

کرد این بیان «بدیده مردم ضیا نماند»

مزار ضیاء در تخت فولاد نزدیک مزار فاضل هندی» وجود دارد. دیوان اشعار ضیاء هنوز به طبع نرسیده است.(۱)

۱- تذکره مدایح معتمدیه: نسخه خطی؛ تذکره حدیقه الشعرا، ج۲، صص ۱۰۷۶-۱۰۷۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷۳۹؛ سیری درتاریخ تخت فولاد، صص ۱۶۲ و ۱۶۳؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۴۳۳-۲۴۲۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۹۳ و ۱۹۴.

ملّا محمّد حسین بسطامی

ملّا محمّد حسین بن اسماعیل بسطامی، از فضلای اوایل دوره قاجاریه بوده و در اصفهان به تحصیل مشغول بوده است.

مشارالیه در سال ۱۲۱۷ق کتاب «مبداء و معاد» تألیف آخوند ملاصدرا را در مدرسه «باب القصر» اصفهان کتابت نموده است.(۱)

ملّا محمّد حسین عارفچه

ملّا محمّد حسین عارفچه ابن ملّا اسماعیل طبسی خراسانی، عالم فاضل و واعظ کامل. در اصفهان نیز متولّد شده و تحصیلات خود را نزد علماء این سامان همچون ملّا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سیّد محمّد شهشهانی به پایان رسانید. از خطبای مشهور اصفهان بوده در سال ۱۳۲۲ق وفات یافته در تکیه آقا سیّد رضی شیرازی در تخت فولاد مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «انیس الواعظین» ۲. «زاد العارفین» ۳. «زاد المواقف» ۴. «زاد الواعظین» ۵. «مونس الواعظین»(۲)

سیّد محمّد حسین قائنی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّد اسماعیل حسینی قائنی، از خوشنویسان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. خط ثلث را خوش می نوشت و در اصفهان ساکن بود.

۱- نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۷۹؛ بیان المفاخر، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۳۶.

کتاب «ادعیه» را به خواهش میر سیّد محمّد امام جمعه اصفهان را به خط نسخ و رقاع خوش در سال ۱۲۷۱ق کتابت نموده که در کتابخانه دکتر اصغر مهدی در تهران موجود بوده است.

همچنین وی کـتیبه سـنگ قبر میر سیّد زین العابـدین موسوی چهـارسوقی (پـدر میرمحمّـد بـاقر چهـارسوقی صـاحب روضـات الجنات) را به خط ثلث خوش برجسته زمینه سنگ مرمر زرد، در سال ۱۲۷۵ق نوشته است که در تخت فولادموجود است.(۱)

محمّد حسین گلستانه

محمّد حسـین بن اسماعیل گلستانه اصفهانی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۸۱ق کتاب «مهیج الاخوان» تألیف ملّا حسن یزدی را کتابت نموده است. نسخه۲ شماره ۵۹۵ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۲)

میرزا حسین منتصر

میرزا حسـین منتصـر ابن آقـا میرزا اسـماعیل، شاعر ادیب در شب ۹ محرم سـال ۱۳۲۱ق در اصـفهان متولّـد شد، و مانند پدر به تجارت روی آورد [و در سرای حاج کریم در بازار بزرگ اصفهان به معامله چای و پنبه مشغول شد]

وی از علاقه مندان شـعر و ادب بوده و شـعر می سـروده و «منتصـر» تخلّص می کرد. دیوان اشعار او که مدون نشده بود بالغ بر یکهزار و پانصد بیست شعر بود.

وی سرانجام در جمعه ۱۲ شوال ۱۳۷۷ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه کازرونی مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش را شکیب اصفهانی چنین سروده است:

سرود کلک شکیب از برای تاریخش:

«رسید منتصر از عون حق بجاه و جلال»

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۱؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۸۶.

از اوست:

از غم عشق تو ای لاله چنان سوخته ام

کز همه بی خبر و چشم به تو دوخته ام

آنچه سوز است مرا در سخن از جور رقیب

همه از مکتب عشق تو من آموخته ام(۱)

محمّد حسین خراسانی*

محمّد حسین بن محمّد اشرف خراسانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است، در مدرسه جده کوچک اصفهان ساکن بوده و در آنجا نسخه ای از «حاشیه معالم الاصول» تألیف: محمّد ابراهیم مجتهد شیرازی را در سال ۱۲۵۹ق در تملک خود داشته است.(۲)

حسین سلطان الکُتّابی

حسین سلطان الکُتّابی فرزند اصغر، از خوشنویسان و کتیبه نویسان معاصر اصفهان است.

در سال ۱۳۳۰ش در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خود را تا دیپلم راه و ساختمان ادامه داد. از نوجوانی به خوشنویسی پرداخته و چندی نزد استاد فضائلی به مشق خط مشغول شده است. او در نوشتن خط ثلث مهارت دارد و کتیبه های بسیاری از مساجد، بقاع متبرّکه و مساجد اصفهان و سایر شهرهای ایران به خط اوست. او علاوه بر ثلث خطوط شکسته، نستعلیق، نسخ و خطوط قدیمی چون دیوانی، رقعه، کوفی، محقق و ریحان را خوب می نویسد.

از نمونه خطوط کتیبه های او:

۱. کتیبه گچبری مزار شیخ حر عاملی در مشهد مقدس ۲. کتیبه دور تا دور صحن

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۶۷ و ۴۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۵۷۵؛ روضه رضوان، صص ۳۳۹ – ۳۳۵.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج ۱، ص ۳۳۹.

بزرگ حرم حضرت زینب(سلام اللّه علیها) در دمشق مشتمل بر سوره «یس» ۳. خطوط برجسته گچبری مدرسه علمیه گنبد سبز مشهد مقدّس ۴. مرمت کتیبه به خط «حسین المشهدی» متعلق به دوره محمّدشاه قاجار در صحن پایین پای امام رضاعلیه السلام در مشهد مقدّس و غیره.

عموی صاحب عنوان داماد کاظم سلطان الکتاب اصفهانی بوده است.(۱)

حسین الهام اصفهانی

حسین فرزند اکبر شاعر اصفهانی متخلّص به «الهام»، از سخنوران قرن دوازدهم هجری و معاصر با کریم خان زند است.

دیوان اشعارش به شماره ۳۱۹۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و با این بیت آغاز می شود:

به جستجویت، منم که باشم، همیشه یارا

چو ابر گریان چو باد پویان، زغم فروشان به کوه و صحرا

نویسنده گوید: به ظنّ قوی وی از دست پروردگان انجمن ادبی مشتاق بوده است.(۲)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد باقر اصفهانی از نویسندگان کتب و خطاطان قرن سیزدهم هجری. در جمعه دهه دوم محرّم ۱۲۴۷ق نسخه ای از «منهاج الهدایه» حاجی کلباسی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۷۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

۱- مصاحبه با آقای سلطان الکتابی در تابستان ۱۳۷۵ش.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۱۵۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۵، ص۲۰۷۲.

سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطانی

سیّد علاءالدّین حسین بن میرزا محمّد باقر صدر بن سیّد حسن بن سیّد علاء الدّین حسین خلیفه سلطانی مرعشی، عالم فاضل از علماء اصفهان در قرن دوازدهم هجری. شاگرد و مجاز از پدر خود بوده و پس از وفات در قبرستان ستّی فاطمه اصفهان مدفون شد.(۱)

محمّد حسین کنگازی اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد باقر کنگازی از کاتبان قرن یازدهم هجری. در جمعه ۲۳ صفر ۱۰۹۷ق کتاب «شرح شافیه» تألیف: آقا هادی مترجم را به خط نسخ نوشته است کتاب به شماره ۱۵۶۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[کنگاز: از دهات بلوک جی در شرق اصفهان بود. و اکنون به شهر اصفهان پیوسته است]

محمّد حسین اصفهانی طالقانی

محمّد حسین بن محمّد باقر اصفهانی طالقانی از فضلاء و نویسندگان کُتُب در قرن یازدهم هجری. در جمادی الثّانیه سال ۱۰۶۲ق کتابت نسخه ای از «کمال الدّین و تمام النّعمه» تألیف: شیخ صدوق را به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۲۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

شیخ محمّد حسین نجفی (صاحب مجدالبیان)

حاج شیخ محمّد حسین نجفی بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی بن حاج شیخ محمّد تقی رازی ایوان کیفی، عالم فاضل و فقیه مفسر و عارف زاهد. در دوّم محرم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۲۶؛ مزارات اصفهان، ص ۲۴۸.

۲- فهرست مرعشی، ج ۴، ص ۳۷۶.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۱۴.

۱۲۶۶ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات علوم دینی را نزد پدر عالی مقام خود آغاز کرد. در نوجوانی به عتبات عالیات هجرت نموده و در نجف اشرف نزد شیخ راضی نجفی، حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و میرزا باقر شکی و دیگران به کسب فیض پرداخته و در سامرا نزد میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) تحصیلات خود را تکمیل نمود و به مقام شامخ اجتهاد نائل آمد. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به تدریس و ترویج دین و حل مشکلات مردم مشغول شد اما چندی نگذشت که ترک محراب و منبر و تدریس نموده و انقلابی در دورن او، باعث شد از ریاست و عناوین دنیوی به یکباره کناره گیری کند و به تکمیل نفس و ریاضت بپردازد.

در اواخر سال ۱۳۰۰ق به همراه پدر به نجف بازگشته و پس از وفات او هشت سال بقیه عمر خویش را در مشهد امیرالمؤمنین علیه السلام به عبادت و ریاضت های سخت گذراند. وی سرانجام در اول محرم ۱۳۰۸ق پس از مدتی بیماری، وفات یافته و در یکی ازاطاق های صحن مقدس حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون شد.

کتبی را تألیف نموده از جمله:

۱. «کتابی در اصل برائت» ۲. «مجدالبیان فی تفسیر القرآن» که سه مرتبه به چاپ رسیده است. ۳. «رساله ای در اصول عقاید» ۴. «شرح شرایع الاسلام» ۵. «رساله ای در اثبات اعجاز قرآن» ۶. «رسائلی در فقه و اصول»

برادرش حاج آقا نوراللّه نجفی رساله ای در شرح حال او نوشته [که در مقدمه «مجدالبیان» و ترجمه فارسی آن در جلد دوم کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان به قلم حاج شیخ هادی نجفی به چاپ رسیده است و همچنین نواده صاحب عنوان آیت اللّه حاج شیخ مجدالدّین نجفی معروف به مجدالعلماء نیز رساله ای در شرح حال او پرداخته است که در جلد پنجم میراث حوزه اصفهان با تصحیح آقای مجید هادی زاده به چاپ رسده است.(۱)]

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۱۷-۱۹۹ و ج۳، صص ۱۰۳-۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۳؛ قبیله عالمان دین، صص ۸۴-۶۳؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۴۴-۱۴۲؛ نقباء البشر، ص۵۶۹؛ نسب نامه الفت: خطی؛ میرزای شیرازی، ص۱۳۲؛ الذریعه، ج۲، ص۱۱۴ و ج۴، ص۲۷۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۶؛ فوائد الرضویه، صص ۵۲۹ و ۵۳۰؛ گلشن اهل سلوک، صص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ وارسته پیوسته.

میرزا محمّد حسین حکیم قمی

میرزا محمّـد حسـین حکیم ابن میرزا محمّـد باقر حکیم قمی، طبیب و ادیب دانشـمند، او و برادرش میرزا محمّد سـعید، از اطباء دربار شاه عباس دوم و شاه سـلیمان صـفوی بودند. پس از بدگوئی بدخواهان، شاه سلیمان به آن دو برادر بدبین شده و آنها را از منصب خود برکنار ساخته و دسـتور داد آنان را در قلعه الموت زنـدانی کننـد. پس از مدتی آنها را عفو نموده و به قم تبعید نمود.[(۱)] میرزا محمّد حسـین حکیم، مدتی از عمر را در اصـفهان به سر برد و تا سال ۱۰۸۳ق در قید حیات بود و سرانجام در قم وفات یافت.]

شیخ محمّد حسین ذو علم

شیـخ محمّـد حسـین ذو علم ابن محمّد باقر فشارکی. عالم فاضل محقق، از شاگردان آخوند ملّا محمّد حسـین فشارکی و داماد ایشان است. از موثقین علماء اصـفهان و محبوب القلوب نزد خواص و عوام بود و در مسـجد یزدآباد اصفهان اقامه جماعت می نمود و سرانجام در مسافرت رامسر در ۷ صفر ۱۳۷۳ق وفات یافته، جنازه به قم حمل و در مقبره شیخان مدفون گردید.

مرحوم میرزا حبیب اللَّه نیر در ماده تاریخ وفات ایشان چنین سروده است:

راح فی الجنّه من کان شهیرا بالقدس

عالم نال من الرّب مقاماً فی الانس

روّح الشّرع و قد الّف نور الآفاق

قلّ فی الزّهد له المثل باوطان الفرس

نَیِّرُ نقص الاثنین فصار التّاریخ

«جاء ذو العلم حسین بمحل فی القدس»

(۱۳۷۳=۱۳۷۵-۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۴۱؛ خلد برین (ایران در زمان شاه صفی شاه عباس دوم)، ص۳۳۸.

صاحب عنوان تألیفاتی دارد که از آن جمله است: «نور الآفاق» در شرح دعای مکارم الاخلاق، که بسیار خوب و محققانه نوشته شده و تاکنون چندین مرتبه به طبع رسیده است.(۱)

میرزا محمّد حسین روضاتی

میرزا محمّد حسین روضاتی ابن آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی صاحب روضات الجنّات. عالم فاضل. در شب جمعه ۲۵رمضان المبارک سال ۱۲۷۵ق متولّد شده و در صبح روز چهارشنبه ۸ جمادی الاولی سال ۱۳۵۲ق وفات یافته در بقعه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

دکتر محمّد حسین مشایخ فریدنی

دکتر محمّد حسین مشایخ فریدنی فرزند شیخ باقر، از اعقاب علی بن عبدالعالی کرکی، ادیب محقق، نویسنده و مترجم معاصر. پدرش از علماء و مدرسین تهران بوده و خود او در سوم شعبان ۱۳۳۳ق در تهران متولّد شده و به تحصیل پرداخته و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی دانشمندی ادیب و فاضل بود و سال ها به تدریس و مشاغل اداری در سمت بازرس و کارمند و سپس در وزارت خارجه به عنوان مشاور فرهنگی، رایزن و نماینده فرهنگی ایران در پاکستان به خدمت مشغول بود و سرانجام در ۱۳ آذر ۱۳۶۹ش وفات یافت.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آفتاب در آئینه» در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام و مناقب آن بزرگوار به روایت اهلبیت شامل قریب یکهزار حدیث در چندین مجلّد. ۲. «نوای شاعر فردا» در شرح و مقدمه دو

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۳ و ۵۵۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۴۳؛ سیری درتاریخ تخت فولاد، ص۸۰؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۰۹۰ و ۲۰۹۱.

مثنوی «اسرار خودی» و «رموز بی خودی» از دکتر محمّد اقبال لاهوری، مطبوع ۴. «شرح نظرات سیمای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام»، مطبوع ۴. «ترجمه اغانی» در دو مجلّد، مطبوع ۵. «اقبال فیلسوف و شاعر شهیر اسلام» و مقالات عدیده در جراید و مجلات داخلی و پاکستان(۱)

ملّا حسین نائینی

آخوند ملّا حسین بن میرزا باقر نائینی، از علماء و فضلای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه، از شاگردان آخوند ملّا محمّد کاشانی بوده و در دستگاه آقایان مسجد شاهی اصفهان موقعیتی داشته است. او در یکی از حجرات مسجد سیّد سکونت داشته و سطوح فقه و اصول و ادبیات تدریس می نموده است. در زمستان سال ۱۳۲۵ق شبانه از ضعف و پیری پاهایش در خواب زیر کرسی سوخته و بدین علّت وفات یافته، در تخت فولاد، در بقعه آقا محمّد بیدآبادی مدفون گردید. حاج میرزا رضا کلباسی و حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی از شاگردان او هستند.(۲)

میرزا محمّد حسین منجم باشی

میرزا محمّد حسین بن میرزا بدیع الزمان منجم حسینی گنابادی، از منجّمان طراز اول ایران در عهد زندیه و قاجاریه است.(۳)

[در سال ۱۱۸۶ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل علوم مختلف خصوصاً نجوم و ریاضی و ادبیات پرداخت. در جوانی مصاحب علی مرادخان زند شد. پس از آن مصاحب آقا محمّد خان قاجار بود و پس از مرگ او منجم باشی فتحعلی شاه

۱- کیهان فرهنگی شماره، ۱۲، سال ششم، اسفند ۱۳۶۸؛ نادره کاران، ص۷۰۵.

۲- تاریخ نائین، ج۴، ص۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۳۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۵؛ دارالعلم شرق، نسخه خطی، ص۱۳۵؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۱۶۴.

۳- چهل سال تاریخ ایران المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۳.

قاجار گردید. و سرانجام در سال ۱۲۳۶ق در تهران وفات یافت. جنازه به کربلای مُعلّی حمل گردیده و در یکی از حجرات صحن حرم مطهّر مدفون گردید.(۱)]

از آثار او زایجه عباس میرزا قاجار است که در مجموعه شماره ۴۰۰۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

محمّد حسین تبریزی عباس آبادی*

محمّد حسین بن برخوردار بیگ تبریزی عباس آبادی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. وی ظاهراً در اصفهان شاگرد علینقی کمره ای بن حاج محمّد تقی خباز بوده است. وی مجموعه ای از چهار رساله از جمله «رساله فی الارث» تألیف شیخ علینقی کمره ای را به خط نسخ در سال ۱۱۲۱ق در مسجد جامع عباس آباد اصفهان کتابت نموده و سپس نزد مؤلف آن، مقابله نموده است. این نسخه در کتابخانه سیّد رضا ابوالبرکات در خمینی شهر اصفهان موجود است.(۳)

محمّد حسین اصفهانی*

محمّد حسین بن محمّد تقی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری وی نسخه ای از «حاشیه معالم الاصول» تألیف: سیّد علاء الدّین حسین خلیفه سلطان را به خط نستعلیق در سال ۱۲۴۳ق کتابت کرده که به شماره ۴۸ در کتابخانه علّامه طباطبائی شیراز موجود است.(۴)

۱- مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۹۹۴ و ۲۹۹۵.

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۹۹۴.

۳- فهرست سه کتابخانه اصفهان، صص ۵۱ و ۵۳.

۴- نسخه پژوهی، ج۲، ص۱۵۲.

محمّد حسین خاتون آبادی

محمّد حسین بن محمّد تقی کاتب خاتون آبادی، از کاتبان عصر صفویه است.

خط نستعلیق را با مهارت می نوشت.

وی نسخه ای از «مجالس المؤمنین» را به خط نستعلیق کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۸۲۰۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است(۱) همچنین وی در ۲۵ شوّال سال ۱۰۵۱ق نسخه ای از «اسرار التّنزیل» یا «لطائف غیاثی» تألیف: امام فخر رازی را به خط نستعلیق نوشته و نسخه به شماره ۳۷۷۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

ملّا حسین سمیرمی*

ملّا حسین بن آخوند ملّا محمّد تقی بن کربلائی ابرهیم سمیرمی، عالم فاضل. از علمای اواخر دوره قاجاریه. در سمیرم متولّد شده و به همراه برادرش ملّا محمّد صادق به اصفهان رفت و نزد جمعی از علماء به خصوص جهانگیرخان قشقائی به تحصیل پرداخت.

سپس به مولد خود مراجعت نموده و به انجام وظایف شرعی مشغول شد.(۳)

شیخ محمّد حسین فاضل کوهانی*

شیخ محمّد حسین فاضل کوهانی اصفهانی فرزند ملّا تقی، عالم فاضل زاهد، در حدود سال ۱۲۷۷ش در قریه «کوهانستان» در حومه اصفهان که اکنون جزء محلّه های شهر محسوب است متولّد شد «رسائل» و «مکاسب» را نزد آقا سیّد مهدی درچه ای، «کفایه» را نزد سیّد محمّد نجف آبادی و خارج فقه و اصول را نزد شیخ محمّدرضا نجفی و میر

۱- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۲۱، ص۱۷۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۲، ص۲۷۶۶.

۳- تجلّی فضائل، صص ۳۷ و ۳۸.

سیّد علی نجف آبادی فرا گرفت. سپس به تدریس در مدرسه صدر بازار اصـفهان مشـغول شد و جمعی از فضلاء از محضر او مستفیض شدند.

به همت وی مسجد شجره در خیابان شاه عباس دوم (خیابان شریف واقفی فعلی) تجدید بنا شد و او در آن مسجد به اقامه نماز جماعت پرداخت.

سرانجام در سحرگاه سه شنبه ۲۷ صفر ۱۴۰۳ق وفات یافته و در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

محمّد حسین گیلانی*

محمّـد حسـین بن محمّـد تقی گیلانی، از فضـلای قرن دوازدهم هجری بوده و احتمالاً از شاگردان مجلس درس ملّا محمّـد بن عبدالفتّاح تنکابنی معروف به «فاضل سـراب» است. او نسـخه ای از کتاب «سـفینه النجاه» تألیف «فاضل سـراب» را کتابت نموده که در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.

سیّد محمّد حسین موسوی خواجوئی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه، عالم فاضل متقّی. در حدود سال ۱۲۱۰ق در اصفهان متولّد شد.

او مقدمات علوم را نزد پدر دانشـمند خود و جمعی از فضـلاء فراگرفته و سـپس در محضـر حاج محمّد ابراهیم کلباسـی و سیّد محمّـد باقر حجهالاسـلام و شـیخ محمّـد تقی رازی حاضـر شـده و از خرمن فضائل آنان خوشه ها چیـد. هر چند درباره او امید ترقیات زیاد می رفته، لکن در جوانی به سال ۱۲۶۰ق در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه خانوادگی مدفون شد.(۲)

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۰۶.

۲- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۷ و ۳۰۸.

میرزا محمّد حسین مدرس زاده

میرزا محمّد حسین مدرس زاده فرزند آقا میر محمّد تقی بن میر سیّد مدرس (میر محمّد صادقی)، عالم فاضل ادیب شاعر.

[در سال ۱۲۶۸ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر نزد پدر دانشمند خود و علمای اصفهان به تحصیل مشغول شد. او از سال ۱۳۴۵ق پس از مراجعت از سفر مشهد مقدس به خواهش حاج آقا جمال الدّین نجفی، در طهران ساکن شد و در مسجد اقصی به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت.]

وی سرانجام در سال ۱۳۴۷ش (مطابق با ماه شوال ۱۳۸۸ق) در طهران وفات یافت.(۱)

علّامه مفضال آقای حاج سیّد محمّد علی روضاتی مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده اند:

مدرس عالم پر حشمت و جاه

چو رفت از دار دنیا او به ناگاه

«شریف» از بهر تاریخش بگفتا:

«دریغ از زبده ابدال صد آه»

۱۳۸۸ق

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «در راه بهشت» ۲. «ترجمه خصال صدوق» ۳. «تفسیر قرآن مجید» (تفسیر برخی از سوره ها) ۴. «مجموعه اشعار» به عربی(۲)

سیّد حسین خوانساری

حاج سیّد حسین بن آقا سیّد ابوالقاسم جعفر میرکبیر خوانساری اصفهانی، عالم فاضل و فقیه محقق. وی در اوایل قرن دوازدهم هجری در اصفهان متولّد شده و در اصفهان به تحصیل پرداخته و به هنگام حمله افغانها به اصفهان و سقوط صفویه، به همراه پدر و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۷.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

خانواده به خوانسار مهاجرت کرده است. او از پدر دانشمند خود و نیز ملّا محمّد صادق تنکابنی فرزند فاضل سراب روایت می کند.

میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین نزد او تلمّذ کرده و خواهر او را به همسری اختیار کرده است.

جمعی از علمای اعلام از او اجازه روایت دارند از جمله میرزا ابوالقاسم قمی، سیّد محمّد مهدی بحرالعلوم، آقا محمّد علی کرمانشاهی و سیّد ابوالقاسم خوانساری (فرزند صاحب عنوان) مرحوم بحرالعلوم ایشان را «السیّد السّند العالم العامل الحبر الکامل وحید العصر و نادره الدّهر السّید حسین الخوانساری» خوانده است.

این عالم جلیل سرانجام در ظهر سه شنبه ۸رجب ۱۱۹۱ق در خوانسار وفات یافته و همانجا مدفون گردیده است.

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «حواشی شرح لمعه» که قسمتی از آن در هامش «شرح لمعه» در سال ۱۲۷۱ق چاپ سنگی شده است. ۲. «شرح عباده مشکله من شرح اللّعمه» در اواخر «القول فی صلوه المیّت» که آن را به درخواست کتبی میرزا سیّد خلیل اللّه اصفهانی نگاشته است. ۳. «حواشی ذخیره المعاد فی شرح الارشاد» محقق سبزواری ۴. «شرح دعاء ابوحمزه ثمالی» ۵. «شرح زیارت عاشورا» ۶. «رساله فی الاجماع» ۷. «اجوبه المسائل النّهاوندیه» جواب سؤالاتی است که میرسید علی نهاوندی از آن جناب پرسیده است. ۸. «رساله فی حکم ملاقی المُتَنَجِّس» که به خواهش میرزا ابوالقاسم مدرس مدرسه سلطانی اصفهان تألیف کرده است.

آقا سیّد حسین علاوه بر کمالات صوری و معنوی، دارای خط بس زیبا بوده است و کتب و رسائل چندی استنساخ نموده است، از جمله «بهجه الحدائق» در شرح نهج البلاغه تألیف سیّد علاءُ الدّین محمّد گلستانه، که نزد علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است، همچنین کتاب «حدود و دیات» تألیف علّامه

مجلسی(۱)

آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی

آخوند ملّا محمّد حسین بن ملّا محمّد جعفر فشارکی قهپائی اصفهانی عالم فاضل، فقیه محقق، مجتهد اصولی، از اعاظم علماء و مجتهدین اصفهان در قرن سیزدهم هجری.

در روز ۳۰ ذیقعده الحرام سال ۱۲۶۶ق متولّد شده و در اصفهان نزد برادرش ملّا محمدباقر فشارکی و حاج شیخ محمدباقر نجفی مسجد شاهی و آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی تلمذ نموده، سپس برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات عزیمت نموده و نزد میرزا محمد حسن شیرازی به کسب فیض پرداخته و سپس به نجف اشرف رفته و از خدمت حاج میرزا حبیب اللّه رشتی بهره برد. آنگاه به کربلای معلی مُشَرَّف شده و نزد شیخ زین العابدین مازندرانی تحصیلات خود را تکمیل نموده و موفق به اجازه از او گردید.

وی پس از بازگشت به اصفهان در محله خواجو ساکن شده و به اقامه جماعت در مسجد میرزا صادق در آن محله مشغول شده و در مدرسه صدر بازار به تدریس پرداخت. پس از فوت پدر زنش میرزا حسن عراقی، در محله نیماورد ساکن شده و به جای مرحوم عراقی در مسجد سلام در محله جماله کله به اقامه جماعت پرداخته و در مدرسه نیمآورد تدریس نمود.

کم کم در اصفهان شهرت و ریاستی یافته و جلسات قضاوت و حل و فصل مرافعات و رفع خصومات را برپا داشته و مجلس صدور فتوا را برقرار نموده و در اصفهان و مناطق اطراف مرجعیت یافت و عده ای از مقلّدین از فتاوای او تقلید نمودند وی

۱- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۳۳۹؛ مناهج المعارف، صص ۱۸۲-۱۷۸؛ روضات الجنات، ج۲، صص ۳۷۰-۳۶۷؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ الکواکب المنتشره، ص۲۰۳؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۳۱؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۱۸۹؛ فهرست کتب خطی اصفهان (آ-ز)، ج۱، ص۹۲؛ دو گفتار، ص۱۰۰.

همچنین در مصلای تخت فولاد مراسم احیاء و برگزاری دعا و منبر وعظ و خطابه را وجهه همت خود قرار داد.

[آخوند فشارکی در ماه مبارک رمضان به منبر می رفت و با مواعظ شافیه خود مردم را موعظه می فرمود. او در فعالیت های خیریه پیشقدم بوده و خصوصاً برای طلاب و علمای فقیر همه گونه کمک از جمله تهیه منزل را متقبّل می شد.] و در شب سه شنبه ۸ ذیقعده الحرام ۱۳۵۳ق وفات یافته و در تشییع او حدود بیست هزار نفر شرکت نموده ند و او را در بقعه شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد مدفون ساختند.

میرزا حسن خان جابری انصاری ماده تاریخ وفاتش را چنین گفته است:

بموته یا جابری ارّخ

ما شارک الفشارکی علیم

وی جهت عمل مقلدین «رساله عملیه» تألیف فرموده و تعلیقاتی بر تألیفات شیخ انصاری همچون «رسایل» و «طهارت» «مکاسب» و کتاب صلاه نوشته است.(۱)

محمّد حسین کازرونی

محمّد حسین بن محمّد جعفر کازرونی، از تجّار خوشنام و متدیّن اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. [وی از حامیان جنبش مشروطیت در اصفهان بوده و به حمایت مالی از مشروطه خواهان اصفهان می پرداخته است وی با سرمایه خود شرکت مسعودیه را تأسیس کرد و پس از لغو امتیاز رژی، تجارت تریاک در اصفهان را بر عهده گرفت.]همچنین او یکی از موسسان شرکت اسلامیه بود که برای حمایت از کالاهای داخلی و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۸۴ و ۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۳۷ و ۵۳۸؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۸۰؛ طبقات اعلام الشیعه، ج۲، صص ۵۵۷ و ۵۵۸؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۸۳۵؛ مستدرک فهرس التراث، ص۴۰؛ تاریخ اصفهان و ری، صص ۴۱۰ و ۴۱۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۸؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۴۲؛ الاجازه الکبیره، صص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۱۹۹؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۲۴۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۰۱؛ یادداشت های استاد ابراهیم جواهری؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۴.

تحریم کالاهای خارجی در اصـفهان تأسیس گردید. وی [در سال ۱۳۰۰ش]کارخانه های وطن [و زاینده رود] را تأسیس کرد که نخستین کارخـانه هـای صـنعتی اصـفهان به شـمار می رفتنـد. از دیگر اقـدامات خیرخواهـانه و عـام المنفعه او بنـای مسـجد کـازرونی در خیابـان سپه، مسـجد کازرونی در خیابان عباس آباد، بنا کردن و تعمیر مسـجدی در دروازه دولت (که بعـدها به «باب الرحمه» معروف شد) و کمک به تعمیر مساجد دیگر در اصفهان بود. وی همچنین با ساختن دبستان و دبیرستان کازرونی و چـاپ قرآن و کتب ادعیه و اهـداء آنهـا به اهل علم و دیگران به علم و فرهنگ خـدمت کرد و با احـداث تکیه جهت مرحوم آخوند عبدالکریم گزی و آقا سیّد محمدباقر درچه ای و آب انباری در مقابل آن در تخت فولاد ارادت خود را به علماء ثابت نمود.

وی پس از یـک عمر خـدمت بـه اسـلام و مسـلمین در شب ۳ محرم الحرام سـال ۱۳۵۱ق وفـات یـافته و در داخـل بقعه (تکیه کازرونی در تخت فولاد) مدفون شده و سپس در سال ۱۳۶۳ق استخوان ها به نجف اشرف منتقل و در یکی از حجرات صحن شریف حرم حضرت علی علیه السلام مدفون گردید.(۱)

سیّد محمّد حسین آیت میردامادی

سیّـد محمّـد حسـین آیت ابن آقا سـیّد محمّد جعفر میردامادی سدهی، عالم فاضل و ادیب شاعر، در شب جمعه ۲۳ ربیع الثّانی ۱۳۰۳ق متولّـد شد. در اصـفهان خدمت آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند کاشـی، جهانگیرخان قشـقائی، آخوند گزی، میر محمّـدصادق مـدرس خاتون آبادی، سیّد مهـدی درچه ای و آخونـد ملّا محمّد حسـین فشارکی تَلّمذ نموده و مدّتی در قم در درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضرشده و در نجف به درس آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و میرزا محمّد حسین نائینی حاضر شده و پس از تکمیل تحصیلات خود به مولد خویش سِدِه [خمینی

۱- رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۷۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۹؛ سـیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۱۰۳-۹۲.

شهر کنونی] مراجعت نموده و به ارشاد و هدایت مردم و اقامه جماعت پرداخته است.

[او عالمی زاهد و در کمال استغنا بود. و در عصر خفقان رضاشاهی و ایجاد فشارها و محدودیت های فراوان برای روحانیّت، با هزینه کردن وجوه شرعی برای طلّاب و اهل علم و تشویق آنان برای تحصیل در حوزه، نقش مهمی در ادامه حیات سلسله روحانیت و علماء دیار خویش داشته است] سرانجام وی در شب جمعه اول ربیع الثانی ۱۳۸۰ق وفات یافته و جنب امامزاده سیّد محمّد [در خمینی شهر] مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱. «دیوان آیت» ۲. «رساله در قاعده علی الید» (تقریرات درس مرحوم نائینی) ۳. «صومیّه» در مواعظ ماه رمضان ۴. «عشریه» و غیره(۱)

حاج محمّد حسین نایب الصدر هرندی

حاج محمّد حسین نایب الصدر ابن آقا محمّد جعفر هرندی عالم و فاضل، از بزرگان معروف اصفهان و اردستان در قرن سیزدهم هجری بوده و قضاوت و امور شرعی را در آن حدود عهده دار بوده است.(۲)

شیخ محمّد حسین امام نجفی

حاج شیخ محمّد حسین امام نجفی ابن حاج شیخ جمال الدّین بن حاج شیخ محمدباقر نجفی بن شیخ محمّد تقی رازی، عالم فاضل کامل. در سال ۱۳۱۳ق در کربلای معلی متولّد شد. در اصفهان نشو و نما یافت و نزد بسیاری از علماء و مجتهدین این شهر و نجف اشرف (همچون آیات عظام: شیخ محمّد رضا نجفی، میر محّمد صادق خاتون آبادی، میر سیّد علی نجف آبادی، سیّد ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی،

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۸ و ج۲، ص۷۳۴؛ لطائف غیبیّه: ص سی و دو؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۲۷۰-۲۶۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۴.

میرزا حسین نائینی و شیخ محمّد حسین کمپانی) تحصیل نموده، در فقه و حکمت و فلسفه صاحب نظر گردید و کتاب کفایه الاصول آخوند خراسانی را تدریس می کرد.

وی در روز سه شنبه ۱۹ صفر ۱۳۹۲ق وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون شد. از او دو جلد کتاب به نام «خدا هست» به چاپ رسیده است.(۱)

شیخ محمّد حسین دهاقانی*

حاج شیخ محمّد حسین بن آقا محمّد جواد دهاقانی، عالم فاضل و فقیه کامل، در سال ۱۳۲۷ق در دهاقان متولّد شد.

وی پس از آموختن مقدمات به اصفهان رفت و نزد اساتید آنجا تحصیل نمود. سپس راهی قم شد و نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی و سیّد محمّد رضا گلپایگانی به تحصیل پرداخت.

آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرده و دروس خارج را نزد آیات عظام آقا ضیاء الدّین عراقی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّد حسین کمپانی و میرزا عبدالهادی شیرازی فرا گرفت و به اجتهاد نائل آمد و به تدریس دروس فقهی و اصولی مشغول شد.

پس از فشارهای رژیم حاکم بر عراق بر ایرانیان مقیم عتبات، به ایران بازگشته و در قم ساکن شد و به تدریس و تحقیق مشغول شد تا اینکه در ۶ محرم ۱۴۰۴ق پس از مدتی بیماری وفات یافته و در صحن آستانه حضرت معصومه(س) در جوار مقبره شیخ فضل اللّه نوری به خاک سپرده شد.(۲)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص۱۰۳ و ۱۰۴؛ گلشن اهل سلوک صص ۱۴۶ و ۱۴۷. .

۲- گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۱۴۸؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۵۸۰-۱۵۷۸؛ سیمای دهاقان، صص ۲۸۶-۲۸۴.

حسین مسرور اصفهانی

حسین سخن یار متخلّص به «مسرور» ابن حاج محمّد جواد تاجر کوپایی، شاعر و نویسنده توانای معاصر، در ۲۰ صفر ۱۳۰۸ق در کوهپایه اصفهان متولّد شد [تحصیلات علوم دینی را در اصفهان آغاز کرد و در مدرسه نیم آورد ساکن شد. پس از چند سال به شیراز رفته و نزد فرصت شیرازی به فراگیری علم و ادب پرداخت. کمی بعد به خراسان رفت و نزد دانشمندان و ادبای آنجا به تکمیل معلومات خود پرداخت. آنگاه به اصفهان بازگشته و در انجمن های ادبی شرکت کرد.] مدّتی بعد به طهران رفته و به استخدام فرهنگ درآمد و در دبیرستان ها، مدرسه دارالفنون و دانشکده افسری به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۱۲ش در مسابقه الواح تخت جمشید که به وسیله شاهزاده افسر گذارده شد، مشاره الیه نیز شرکت نموده و بین پنجاه نفر شرکت کنندگان، رتبه اوّل را حائز گردید.

او در هنگام اقامت در طهران همچنان به اصفهان رفت و آمد داشت و با ادباء و شعرای اصفهان در ارتباط بود. او نویسنده ای قادر و شاعری توانا و مترجمی زبردست بوده و زبان های فرانسه، انگلیسی و عربی را خوب می دانست و از زبان پهلوی نیز اطلاعاتی داشت. [در نوشتن داستان های تاریخی نیز از پیشگامان این نوع نثر به شمار می رود.

وی تا آخر عمر را در تجرّد و بدون همسر به سر برد. در اواخر عمر به نویسندگی برای رادیو مشغول شد. تا اینکه به بیماری مثانه مبتلا شده و در بیمارستان ارتش] در چهارشنبه ۹ رجب ۱۳۸۸ق فوت نمود. [و در گورستان ظهیرالدّوله در طهران به خاک سپرده شد.]

کتب زیر از اوست:

۱. «امثال سائره» ۲. «داستان های تاریخی محمود افغان» ۳. «ده نفر قزلباش» مطبوع ۴. «دیوان اشعار» مطبوع ۵. «راز الهام» که قسمتی از دیوان اشعار اوست ۶. «فرهنگ زبان» ۷. «گوشه ای از زندگی لطفعلی خان زند موسوم به قران» ۸. «نی زن

بیابان» ۹. «هنرنامه» و غیره.

ماده تاریخ وفاتش را بسیاری از شعرا سروده اند از جمله سیّد مرتضی محمدی نژاد متخلّص به کهتر سروده است:

سر زدم از کلک کهتر تا به تاریخش سرود

«با عجب طبعی توانا در جهان مسرور بودی»

۱۳۸۸ق

او در شعر استادی توانا بود، امّا اشعار او کم است و دیوان اشعارش حجم چندانی ندارد. این شعر او در وصف اصفهان شهرت بسیار زیادی دارد:

مسجد شیخ تو کهن موزه ایست

یا که در انگشت تو فیروزه ایست

جامع عباسی جادو فریب

کرده در آن قصر طلسمی عجیب

هر که در آنجا به تماشا رود

پای ندارد که دگر جا رود

خرّمی مدرسه چهارباغ

بر دل فردوس برین هشته داغ

صورت دیوار و درِ چهلستون

خنده کند بر صُوَر بیستون

نیست اگر بر سرِ پا هفت دست

کارگهی بهتر از آن هفت دست

کارگه پارچه اصفهان

بر سر آن پایه شده ساختمان

مسجد شَه بین و شبستان او

نقش جهان سر در ایوان او

آیینه خانه که بهین قصر بود

آیت معماری آن عصر بود

جهل به ویرانیش افراخت دست

سنگ ستم آینه اش را شکست

آنکه نمکدان را ایوان شکست

خورد نمک را و نمکدان شکست

رفت به پاداشگه ایزدی

چیست سزای بدی الاّ بدی

عالی قاپو که مبادش زوال

تازه عروسی است پُر از خطّ و خال

از پل خواجو چه سرایم سخن

آب تحیّر چکدم از دهن

بوده در این شهر از آن شهریار

مسجد و بازار فزون از شمار(۱)

حسین شباب بروجنی

حسین شباب بروجنی بن حاجی بیگ، از شعرای معاصر در سال ۱۲۸۱ش (حدود سال ۱۳۲۱ق) در بروجن متولّد شده و در مکاتب محلی کمی تحصیل نموده و سپس به کار پرداخته است. او با حرفه بزازی امرار معاش می کرده و این شعر از اوست:

شد جهان رشک جنان چون فَرَوَدین آمد فراز

تکیه زد بر تخت گل به صد تمکین و راز

گشته از عشق گل اندر باغ بلبل نغمه ساز

در ترنم کبک و تیهو روز و شب چون اهل راز

گه کند این ناز بر او گه تبسّم او بر این(۲)

میرزا حسین خان اخگر

میرزا حسین خان اخگر بن محمّد حسن آتش اصفهانی، شاعر ادیب و معاصر در شب پنج شنبه اول ذیقعده الحرام سال ۱۳۱۹ق در اصفهان متولّد گردید و در خدمت اساتید وقت تحصیلات خویش را به انجام رسانیده [در داروخانه به فعالیت پرداخت.]از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود و گاهی شعر می سرود. [سرانجام در ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۹۲ق وفات یافته، جنب قبر پدرش در یکی از اطاق های تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد مدفون شد].

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۴۵-۴۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۳۹؛ سخنوران نامی معاصر ایران ادبیات معاصر؛ ج۵، ص۳۲۷۷؛ ادبیات معاصر، ص۸۶؛ اشعار ملی و میهنی از سخنوران معاصر ایران، ص۷۶؛ دولت دیدار، صص ۱۷۱-۱۶۲؛ دیوان کهتر اصفهانی، ص۴۴۹.
۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۶۶.

این بیت از اوست:

آن سرو خوش خرام اگر از چشم ما رود

گریم چنان که از عقبش چشمه ها رود(۱)

سیّد حسین هاشمی طالخونچه*

سیّد حسین هاشمی طالخونچه فرزند سیّد محمّدحسن بن آقا سیّد ابراهیم موسوی شهرکی. عالم فاضل ادیب. از علمای قرن چهاردهم هجری.

در حدود سال ۱۳۳۴ق در خاندان علم و سیادت متولّد شد. پس از کمی تحصیل در ۱۰ سالگی به اصفهان آمد و نزد علمای اصفهان به تحصیل مشغول شد و در درس اخلاق حاج شیخ الرئیس شرکت کرد. او تا سال ۱۳۴۹ق در مدرسه ثقهالاسلام اصفهان به تحصیل اشتغال داشت. اما به علّت سخت گیری مأموران حکومت رضاشاه پهلوی به روحانیت مجبور به مهاجرت به قم شده و نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمّذ کرد.

وی سرانجام پس از وفات در تکیه سیّدالعراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

محمّدحسین اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد حسن اصفهانی [خطاط قرن سیزدهم هجری] در سه شنبه ۱۳ ذیقعده ۱۲۷۰ق به خط شکسته نستعلیق کتاب «ریاض المسائل» را نوشته است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۸؛ دانشنامه (الفت)، ص۱۶؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۷۸۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۴۰۰ و ۴۰۱.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص ۲۵۰.

حسین اصفهانی

حسین بن حسن بن حسین اصفهانی [از خطاطان و نویسندگان کُتُب در قرن نهم هجری]در تاریخ ۱۸ ربیع الاوّل ۸۳۳ق. کتابت نسخه ای از شرح شاطبیّه را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۲۰۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد حسین امین الضرب اصفهانی

حاج محمّد حسین بن حاج محمّد حسن امین الضرب اصفهانی معروف به کمپانی، از ملاّکین و تجّار معتبر.

در محرم ۱۲۸۹ق در تهران متولّد شد. او در نهضت مشروطه به مشروطه خواهان پیوست و حمایت مالی از آنان را برعهده گرفت و پس از صدور حکم مشروطیت، به نمایندگی در اول مجلس شورای ملّی انتخاب شد و در آن دوره نایب رئیس مجلس نیز شد. همچنین در دوره هفتم مجلس (۱۳۴۷ق/۱۳۰۷ش) و دوره هشتم (سال ۱۳۴۹ق/۱۳۰۹ش) نیز نماینده مجلس بود و در اواخر عمر به ریاست اطاق تجارت تهران منصوب شد.

او مردی صبور، خلیق، با گذشت و دارای مبادی آداب بود. او سرانجام در ۲۵ بهمن ۱۳۱۱ش در سن ۶۲سالگی بر اثر سکته قلبی در تهران وفات یافته و جنازه به قم حمل و در صحن بزرگ حضرت معصومه(س) مدفون گردید.(۲)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۱، ص۲۱۵۷.

۲- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۲۹۱ و ۲۹۲؛ رجال عصر ناصری، صص ۱۴۳ و ۱۴۴؛ شرح زندگانی من، ج۱، ص۱۱؛ روزشمار تاریخ ایران، ج۱، ص۱۹۲؛ فرهنگ رجال قاجار، ص۴۳؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۵۵۸ و ۱۵۵۹؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۴۴؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۱۸۱.

میر محمّد حسین امام جمعه

میر محمّد حسین امام جمعه ابن میر محمّد حسن بن میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی خاتون آبادی، عالم فاضل، از علماء و رؤساء اصفهان در قرن سیزدهم هجری. [علاوه بر ادبیات و فقه و اصول قدری معقول و تفسیر نیز تحصیل کرده بود. غالباً هم با فضلاء و دانشمندان معاشرت داشت. و با همه کس نشست و برخاست می نمود. در زمان حیات برادرش میر سیّد محمّد امام جمعه دارای املاک بسیاری گردید و در سال ۱۲۹۱ق پس از رحلت برادر امام جمعه اصفهان شد.

در سال ۱۲۹۶ق ظلّ السّلطان او را از سمت امام جمعه اصفهان عزل کرد و شخصی دیگر از خاندان امام جمعه اصفهان به نام میرزا محمّد علی را به سمت امام جمعه اصفهان منصوب کرد.

مرحوم آخوند گزی در «تذکره القبور» می نویسد: «اگر چه خیلی مردم به جهت خدمتی که مرحوم آقا میر محمّد حسین امام جمعه سابق به خلق کرده بود در باب جنس و معارضه خلق با حکومت اصفهان، از شدّت محبت و اخلاص به او با آقا میرزا محمّد علی بد بودند که امام جمعه شده بود.

صاحب عنوان سرانجام در ۲۳ رجب ۱۲۹۸ق وفات یافته و در مقبره سر قبر آقا مدفون شد.

در حواشی ملحقات «رساله نماز شب» تألیف آخوند ملّا علی اکبر اژه ای اصفهانی، مرحوم آقا میرزا علی محمّد شریف اژه ای این شعر را به او نسبت داده است:

سرو را بنگر که در بستان به رفتار آمده است

پیش سرو قامت یارم مگر بار آمده است(۱)

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۶؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۶۱۹ و ۶۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۱۷ و ۱۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۱؛ الکرام البرره، ص۳۸۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۱۵.

استاد حسین مصوّرالملکی

استاد حاج محمّد حسین مصوّرالملکی فرزند محمّد حسن بن آقا زین العابدین نقاش ابن محمّد کریم نقاش، نقاش و شاعر هنرمند معاصر. پدرانش همه از نقاشان زبردست اصفهان بودند. در روز ۱۷شعبان سال ۱۳۰۹ق در اصفهان متولّد شده [و در کودکی به مکتب خانه رفت و علم و ادب آموخت. از ۱۱سالگی در کارگاه نقاشی پدرش شروع به فراگیری نقاشی و قلمدان سازی نمود. او غیر از پدر استادی نداشت اما قریحه و توانائی خدادادی او باعث شد سرآمد نقاشان عهد خود شود و در رشته های، تذهیب، تشعیر، طراحی کاشی و فرش و نقاشی رنگ و روغن مهارت فراوان کسب نماید. او سالها روی آثار کمال الدّین بهزاد و رضا عباسی مطالعه داشته و به پیروی از سبک آنان پرداخته است در نقاشی مبتکر و نوجو بوده و از نقاشی غربی تأثیر پذیرفته است.

او مدّتی معلم نقاشی در کالج انگلیسی اصفهان بود. سپس به استخدام اداره هنرهای زیبای کشور درآمده و در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان به تدریس پرداخت. همچنین کارگاهی داشت که با چندین شاگرد به خلق آثار ارزنده می پرداخت و آنها را به خارج می فرستاد. چند ماهی نیز در پاریس به فعالیت پرداخت.

او در سال ۱۳۱۲ش تابلوئی به سبک میناتور، به دستور دربار انگلستان ساخته و موفّق به دریافت یک قطعه مدال تاج گذاری جرج پنجم شد. در ابتدای جنگ جهانی دوم به دستور مقامات انگلیسی وی تابلوی شکست متّحدین و فتح متّفقین را ساخته و موفّق به دریافت تقدیرنامه هائی از طرف «چرچیل» و «روزولت» و ژنرال «چیان کای چک» گردیده و از طرف یونسکو نیز، شرح حال حاج مصوّرالملکی و عکس تابلوی تخت جمشید و تابلوی شکست دول محور در روزنامه های خارج چاپ شد. همچنین این دو اثر در نمایشگاه جهانی بروکسل شرکت داده شد و برنده جایزه شد.

از دیگر تابلوهای نقاشی او: «سلام عید نوروز داریوش کبیر»، «جنگ نادرشاه افشار با محمّد شاه هندی»، «کاخ عالی قاپو» و «شیخ صنعان و دختر ترسا» شهرت به سزائی دارند.]

حاج مصوّر الملکی در شعر نیز قریحه ای داشت و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و «مصوّر» تخلّص می نمود. او در یکشنبه ۵ صفر ۱۳۹۸ق در اصفهان درگذشت و در تکیه شهداء واقع در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

این شعر از اوست:

ترسا پسر که زلف چلیپاش داده اند

از بهر بردن دل شیداش داده اند

چندان نبود لعل لب آن شکردهان

این جلوه ها ز خون دل ماش داده اند [...]

مست است تا به شام ابد آن که در ازل

از جام عشق لعل تو صهباش داده اند(۱)

آقا حسین جیلانی لُنبانی

آقا حسین جیلانی لنبانی ابن ملّا حسن بن علی بن مولی حسن فقیه دیلمانی جیلانی تنکابنی، عالم فاضل، حکیم محقق، فقیه مدقّق، عابد زاهد. در سال ۱۰۸۲ق متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصاً علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی تلمّذ نموده و در فقه، اصول، ادبیات، حدیث، منطق و حکمت مهارتی به سزا یافت. ملّا محمّد صادق تنکابنی در ۴ جمادی الثانیّه ۱۱۲۳ق به او اجازه داده است.

وی در محله لُنبان اصفهان ساکن بوده و به «لُنبانی» شهرت داشته و در مسجد لُنبان تدریس و اقامه جماعت می نموده است.

وی سرانجام در ۲۶ رمضان ۱۱۲۹ق وفات یافته و در قبرستان تخت فولاد، در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۵۳؛ سیری درتاریخ تخت فولاد، ص۱۹۰؛ تاریخ برگزیدگان و عده ای از مشاهیر شرق و غرب جهان، صص ۵۱۵ و ۵۱۶؛ دائره المعارف هنر، ص۵۳۲؛ طراحان بزرگ فرش ایران، ص۲۴۲؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، بهار و تابستان ۱۳۷۹، صص ۲۰۱-۱۹۷.

جنوب مصلی مدفون شد. آقا سیّد ابوالقاسم جعفر خوانساری خواهرزاده او بوده و لذا یکی از نوادگان خوانساری یعنی میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) وصیت کرد تا پس از وفات جنب مزار دایی جدّ خود به خاک سپرده شود و بعد از آن قبرستان به تکیه صاحب روضات معروف شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه ذخیره المعاد» محقق سبزواری ۲. «رساله در زیارات» ۳. «رساله در زکات» ۴. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه» ۵. «شرح صحیفه سجادیه» ۶. «شرح مفاتیح الشّرایع»(۱)

شیخ محمّد حسین کمپانی اصفهانی

حاج شیخ محمّد حسین غروی اصفهانی مشهور به «کمپانی» ابن حاج محمّد حسن معین التجار اصفهانی فقیه محقق، حکیم مدقّق و ادیب شاعر، از اعاظم علماء و اجله فلاسفه و اکابر ادباء و شعراء قرن چهاردهم هجری.

جدّش حاج محمّد اسماعیل، از نخجوان به اصفهان هجرت نمود و پدرش معین التّجار برای تجارت به عتبات عالیات آمد. صاحب عنوان در دوم محرّم الحرام سال ۱۲۹۶ق در نجف اشرف متولّد شده و همراه پدر به کاظمین رفت. در ۲۰سالگی به نجف اشرف بازگشته ونزد شیخ حسن تویسرکانی و سپس نزد آخوند خراسانی به تلمذ پرداخته و تا آخر عمر در خدمت او حاضر بود. همچنین از آقا سیّد محمّد فشارکی و آقارضا

۱- ریاض العلماء، ج۱، ص۱۸۵؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۲۲-۱۲۰؛ روضات الجنات، ج۲، ص۳۵۸؛ فوائد الرّضویه، ج۱، ص۱۳۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۰۸ و ۲۰۹؛ الذریعه، ج۲، ص۲۶۷ و ج۶، صص۹۴ و ۸۶ و ج۱۲، ص۴۲ و ج۱۵، ص۷۰ و ج۲۰، ص۳۱۷ و ج۱۴، ص۷۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۵۶ و ۹۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۴۲ و ۵۴۳؛ تلامذه المؤلفین، ج۳، ص۳۱۸؛ ریحانه الادب، ج۵۷، ص۱۳۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۸؛ بزرگان تنکابن، ص۲۲۲.

همدانی کسب فیض کرد. در علوم عقلی شاگرد میرزا محمّد باقر اصطهباناتی بود.

وی پس از وفات آخوند خراسانی حوزه درس و بحث تشکیل داده و از نظر جامعیت و احاطه بر معقول و منقول و تسلط بر ادبیات و عرفان شهرتی یافته و در فقه و اصول و تفسیر و ادب و حکمت تدریس می نموده و [علّامه سیّد محمّد حسین طباطبائی صاحب «المیزان» از شاگردان او در معقول بود]. در ملکات نفسانی و اخلاق روحانی ممتاز بوده است.[او به عرفان گرایش داشته و اهل تهجّد و عبادت و تزکیه نفس بوده و در مسائل عرفانی با عالم ربانی میرزا جواد آقا ملکی تبریزی مکاتبه داشته است]

در شعر و فنون بلاغت و فصاحت دستی توانا داشته و به عربی و فارسی شعر می سروده و «مفتقر» تخلّص می نموده و دیوان اشعار فارسی او به طبع رسیده است.

سرانجام در شب ۵ ذیحجهالحرام ۱۳۶۱ق در نجف اشرف وفات یافته و در اطاق جنب مناره ایوان طلای حرم حضرت علی علیه السلام مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاجاره» ۲. «الاجتهاد والتّقلید» ۳. «اصول الفقه» ۴. «الانوار القدسیّه» ۵. «ارجوزه در صوم» ۶. «ارجوزه در اعتکاف» ۷. «اربع قواعد فقهیّه» ۸. «تحفه الحکم» منظومه ای در فلسفه عالیه، یکی از مهم ترین تألیفات او ۹. «تعلیقه بر رساله القطع» شیخ انصاری ۱۰. «حاشیه بر مکاسب» شیخ انصاری ۱۱. «الحقیقه الشّرعیّه» ۱۲. «دیوان شعر فارسی» ۱۳. «دیوان اشعار عربی» ۱۴. «رساله در عدالت» ۱۵. «رساله در مشتق» (دو رساله) ۱۷. «رساله در طلب و اراده» ۱۸. «رساله در صحیح و اعم» ۱۹. «رساله در شرط متأخر» ۲۰. «رساله در اشتراک الفاظ» ۲۱. «رساله در تقسیم وضع به شخصی و نوعی» ۲۲. «رساله در علائم حقیقت و مجاز» ۲۳. «رساله در موضوع علم» ۲۴. «رساله در معاد» ۲۵. «رساله در نماز جماعت» ۲۶. «رساله در نماز مسافر» ۲۷. «رساله در طهارت» ۲۸. «نهایه الدّرایه» در شرح بر کفایه ۲۹. «وسیله» که رساله عملیّه ایشان

است.(۱)

این شعر از اوست:

شعله روی تو در خرمن گل آتش زد

حاصل عمر اگر شد همه بر باد خوش است

خوی دیو از دل دیوانه خود بیرون کن

گر تو را آمدن روی پریزاد خوش است

بیمی از سیل فنا نیست ز بد عاقبتی

ور نه این طرح دلاویز ز بنیاد خوش است

میرزا حسین خضوعی*

میرزا حسین خضوعی معروف به «میرزا حسین ساعت ساز» فرزند محمّد حسن خان قاری، موسیقیدان، خواننده و شاعر متخلّص به «سرور الشعراء» در سوم رمضان ۱۲۹۵ق در اصفهان به دنیا آمد. او ابتدا به تعزیه خوانی پرداخت و در سِمَت «معین البُکائی» به فعالیت پرداخت. موسیقی را از میرزا عبدالوهاب اصفهانی آموخت و در نوجوانی به تهران رفت و در دربار ناصرالدّین شاه به رفت و آمد پرداخت. او پس از ۲۵ سال اقامت در تهران به اصفهان بازگشت و در اداره دخانیات استخدام شد و در خانه به ساعت سازی پرداخت امّا به علت ضعیف شدن چشم، از آن کار دست کشید.

میرزا حسین خضوعی در موسیقی معلومات وسیع و در خوانندگی حنجره ای توانا

۱- دیوان حاج شیخ محمّد حسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی: مقدمه؛ یادنامه مفسر کبیر استاد علّامه سیّد محمّد حسین طباطبائی، صص ۱۰۳-۱۰۰؛ ریحانه الادب، ج۵، صص ۹۳-۹۰؛ نقباء البشر، ج۲، صص ۵۶۲-۵۶۰؛ تحریر ثانی تاریخ عرفاء و حکماء متأخر، صص ۳۰۲ .۳۰۱؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۶۳-۱۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۴۰ و ۵۴۱؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۱۳-۲۱۱؛ تاریخ اصفهان(جابری)، صص ۳۳۴ و ۳۳۷ و ۴۰۵؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۱۰۱۰؛ معارف الرّجال، ج۲، ص۲۶۳؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ جلّدات مختلف؛ الاجازه الکبیره للسید المرعشی النجفی، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.

داشت و در مُرَکَّب خوانی استاد بود و با بزرگان موسیقی اصفهان همچون، نایب اسداللّه، میرزا حبیب شاطر حاجی و سیّد عبّدالکرحیم معاشرت داشت و استاد جلال تاج و اسماعیل ادیب خوانساری از شاگردان او به شمار می روند.

او به علم عروض کاملاً مسلط بود و در شعر طبعی روان داشت و در موسیقی رساله ای به سبک کتاب «بحور الالحان» در دو دفتر تنظیم کرده و اشعاری را گنجانده و تناسب معنی و بحر آنها را در موسیقی معیّن کرده بود. این رساله نزد دخترش «ارفع اطرائی» موجود است. او همچنین تقسیمات قدیمی را برپایه آوازها و شعبات و نغمات و فواصل موسیقی، به عدد و حروف ابجدی در جداولی منظّم ذکر کرده است.

وی سرانجام در سال ۱۳۷۳ق در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد (حوالی تکیه شهداء فعلی) به خاک سپرده شد.(۱)

سیّد حسین سائل اصفهانی

سیّد حسین حسینی متخلّص به «سائل» ابن آقا سیّد حسن روضه خوان، شاعر ادیب، در اوّل فروردین ۱۲۸۹ش در اصفهان متولّد شد. از شعرای متوسط این شهر بود. کتابی مشتمل بر ۲۱۰ رباعی از سرودهای خود ترتیب داده و تاریخ اتمام آن را «دویست و ده رباعی گفته سائل» = ۱۳۳۳ خورشیدی یافته است.

از اوست:

دل پی دلدار گردد، لیکن اهل دل کُجاست

آنکه بتواند کند حل، عقده مشکل کجاست(۲)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۱؛ سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، ص۳۶۹؛ مردان موسیقی، ج۲، صص ۱۵۶-۱۵۳؛ تاریخ تحوّل ضبط موسیقی، ص۲۴۳؛ تاریخ موسیقی ایران، ص۶۷۶؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۹.

شیخ حسین مظاهری*

حاج شیخ حسین مظاهری فرزند حسن از مراجع تقلید و فقهای عالیقدر معاصر. در سال ۱۳۱۲ش در تیران کرون متولّد شد. در سال ۱۳۲۶ش به اصفهان آمده و در مسجد سیّد اصفهان ساکن شد. ادبیات را نزد آقا جمال خوانساری و سیّد احمد مقدّس، دروس سطح را نزد حضرات آیات شیخ احمد فیّاض، سید عبدالحسین طیّب و حاج شیخ عباسعلی ادیب و شرح منظومه را نزد شیخ محمود مفید فرا گرفت. در سال ۱۳۳۱ش به قم رفته و نزد حضرات آیات شیخ عبدالجواد جبل عاملّی، مرعشی نجفی و حاج شیخ مرتضی حائری مقداری از مکاسب و کفایه را تحصیل کرد. سپس ۸سال در درس خارج فقه آیت اللّه بروجردی حضور یافت. ۱۲سال نیز از محضر محقق داماد بهره گرفت. اسفار، شفا و دروس تفسیری و اعتقادی را از محضر علّامه طباطبائی (صاحب المیزان) فرا گرفت.

وی سالهای طولانی به تدریس خارج فقه و اصول، شرح منظومه، نهایهالحکمه، قسمت هایی از اسفار و درس اخلاق مشغول بود.

او از عناصر فعال و مؤثر تبلیغات دینی و مبارزه فرهنگی علیه رژیم شاه به شمار می رفت و به همراه حضرات آیات مصباح، خرّازی و دکتر احمدی مؤسسه در راه حق را تأسیس کرد.

در سال ۱۳۷۴ش به درخواست مردم اصفهان و رهبر معظم انقلاب، به عنوان رئیس حوزه علمیه اصفهان و از قم به اصفهان آمد و به تدریس فقه و اصول و خدمات فرهنگی و اجتماعی پرداخت. سخنرانی ها و درس های اخلاق ایشان سال ها مورد توجّه و استفاده مردم بوده است. تألیفات ایشان اغلب به چاپ رسیده که عبارتند از:

۱. «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمه العملیّه» ۲. «عوامل کنترل غرائز در زندگی انسان» ۳. «جهاد با نفس» ۴. «اخلاق فرماندهی» ۵. «اخلاق در خانه» ۶. «اخلاق در اداره» ۷. «تربیت فرزند» ۸. «جبهه و جهاد اکبر» ۹. «خانواده در اسلام» ۱۰. «به سوی حق» ۱۱. «ویژگی های معلم خوب» ۱۲. «شرح و تفسیر دعای کمیل»

۱۳. «شرح و تفسیر دعای سحر» ۱۴. «شرح و تفسیر مناجات شعبانیه» ۱۵. «رساله توضیح المسائل» ۱۶. «نکته هائی پیرامون ولایت فقیه و حکومت دینی» ۱۷. «حاشیه العروه الوثقی» ۱۸. «ثقات الأخیار من رواه الأخبار» ۱۹. «فقه الدوله الإسلامیه أو ولایه الفقیه» در سه مجلد از تقریرات وی به قلم آقای شیخ مجید هادی زاده منتشر شده است.(۱)

سیّد حسین درب امامی

سیّد حسین بن حسن موسوی درب امامی اصفهانی، عالم فاضل، وی سالها در نجف اشرف در خدمت علمای آنجا به تحصیل پرداخته است. ظاهراً از شاگردان شیخ مرتضی انصاری است.

وی نسخه ای از «القضاء و الشهادات» تألیف شیخ انصاری رابه خط نسخ خوش در سال ۱۲۸۱ق کتابت نموده است. نسخه آن به شماره ۲۵۲۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میرزا حسین خان نظمی

میرزا حسین خان نظمی مشهور به نظام همایون بن میرزا حسن خان شاعر ادیب. از افسران شهربانی بود. او در اصفهان متولّد و در این شهر تحصیل کرد.

او طبع شعر داشت و «نظمی» تخلّص می کرد و از اعضای انجمن ادبی شیدا بود. وی در ارتش استخدام شده و تا درجه سرهنگی ارتقاء یافته سرانجام در شب دوشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۶۲ق در قم وفات یافته و همانجا مدفون شد. اشعارش در مجله دانشکده (اصفهان) به طبع می رسید.

۱- خبرگان ملّت، ج۱، صص ۴۲۲-۴۱۵.

۲- الکلام البرره، ج۲، ص۳۸۴؛ فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص۴۴۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۲.

از اوست:

این لاله که رست است بر دامن کوه

و آراسته است پای تا گردن کوه

داغی است ز مرگ کوهکن مانده به جا

هر سال چو لاله سرزند بر تن کوه(۱)

شیخ محمّد حسین همدانی

شیخ محمّد حسین همدانی ابن محمّد حسن کرمانشاهی، عالم فاضل، ادیب محقق، شاعر مفسر، در کرمانشاه متولّد و در همدان و اصفهان تحصیل نموده و از جمعی از علماء و فضلاء کسب فیض نموده از جمله: حاج میرزا علینقی همدانی، حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی، آقا میرزا عبدالغفار تویسرکانی و آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی.

سپس به تدریس کتب فقه و اصول و ادبیات در مدرسه جده بزرگ و سپس مدرسه نیم آورد پرداخته [و جمعی از فضلاء از جمله آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی، میرزا حیدرعلی ندیم الملك، ابوالفتح دهقان سامانی، شیخ محمدعلی کرمانی، میرزا عباس خان شیدا، حاج میرزا محمّدباقر تویسرکانی، حاج میرزا محمّدباقر علوی شهیدی و میرزا حسن خان جابری انصاری نزد ایشان تلمّذ نموده اند.]

میرزا محمّد حسین همدانی در خاتمه جزء سوم کتاب «جراب الحکمه» می گوید بیش از یکصد تألیف در علوم فقه، اصول، رجال، حدیث، درایه، حکمت، کلام، عرفان، طب، لغت، تفسیر، حل و مشکلات اشعار، و حواشی بر قانون و فوائد و غیره را به رشته تحریر در آورده است.

وی تا آخر عمر ازدواج نکرده و در مدرسه به سر برد. تا اینکه در سال آخر عمر به منزل حاج میرزا محمدباقر تویسرکانی منتقل گردیده و در سال ۱۳۲۴ق در آنجا وفات

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۱۰ و ۵۱۱؛ تربت پاکان قم، ج۱، ص۶۴۷.

یافته و در صحن شرقی امامزاده درب اصفهان مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. جراب الحکمه ۲. حاشیه بر فوائد ۳. حاشیه بر قوانین ۴. دروس ۵. دیوان اشعار ۶. ردّ بر اخباریین ۷. رساله در ارث ۸. شرح تبصره ۹. وجیزه در درایه

صاحب عنوان طبع شعر داشته و گاهی بنا به اقتضای حال ابیاتی می سروده است و «معانی» تخلّص داشته است. [این شعر را درباره زندگی خود سروده است:

مرگ مرا روبروی نشسته

می نتوانم سخن کنم کم و افزون

مدّت سی سال کنجکاوی کردم

قول ارسطو و فکرهای فلاطون

مشکل من حل نکرد با همه کوشش

بر سخن من گواست ایزد بی چون

من که چنینم قیاس کن دگران را

وانکه ندارد به جز شواهد مطعون

عیسویان آگهند اگر که از این رمز

از پی گفت و شنود حاضرم اکنون

جز سخنان خدا و گفت پیغمبر

باقی دیگر فسانه دیدم و افسون

این نه قیاسی است ناپسند و مطعون

این نه دلیلی است نارسیده و مظنون

کیست بداند سپهر پر شده خود چیست

یا ز چه او گشته است علت گردون

باغ چرا در بهار خرم و سبز است

یار فسرده ز چیست در همه کانون(۱)

محمّد حسین بیشه لنجانی

محمّد حسین بن حسنعلی بیشه لنجانی اصفهانی، خطاط نسخ نویس. از آثارش کتاب «من لا یحضره الفقیه» که در جمعه ۲۰ ربیع الثّانی ۱۰۶۸ از کتابت آن فراغت حاصل نموده و به شماره ۱۳۵۰۲ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)

۱- تراجم الرجال، ج۱، صص ۱۸۷-۱۸۵؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۲۳۸؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۵۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۰۸؛ بدایع و نوادر، ص۱۷.

۲- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۹۱.

میر محمّد حسین حسنی حسینی اصفهانی*

میرمحمّد حسین حسنی حسینی اصفهانی بن سیّد حسین بن سیّد ابراهیم بن سیّد حسین بن سیّد محمّد امین بن غیاث الدّین محمّد مشهور به میر میران حسنی حسینی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه ماهر و مفسر محقق، از علمای قرن سیزدهم هجری.

وی را تفسیری است موسوم به «مظهرالانوار اللاهوتیه» به عربی که از آنرا از «تفسیر صافی» فیض کاشانی و «انوار التّنزیل» قاضی بیضاوی انتخاب شده است. این کتاب به شماره ۱۲۱۰۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱)

ظاهراً او: میر محمّدحسین بن میر محمّد حسین متوفی در ماه صفر ۱۲۷۳ق و مدفون در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان است.(۲)

حسین اصفهانی

حسین بن حسین بن حسن اصفهانی ملقّب به جلال قاری، از فضلا و دانشمندان قرائت و تجوید در اصفهان است. زمان دقیق زندگی او معلوم نیست. کتاب «ایضاح المعانی من حرز الامانی» از تألیفات اوست که به شماره ۱۹۷۲/۱۸ در کتابخانه وزیری یزد و میکروفیلم آن به شماره ۲۴۱۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

[در فهرست کتابخانه وزیری نامی از مؤلف برده نشده است.]

محمّدحسین رویدشتی*

محمّد حسین بن حاجی حسین رویدشتی اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. وی نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را به امر قوام الدّین محمّد بن رفیع خلیفه

۱- فهرست مجلس، ج۳۵، صص۱۱۳ و ۱۱۴؛ بزرگان اصفهان در فرهنگ و تاریخ: خطی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۳.

۳- فهرست وزیری، ج۳، ص۱۱۱۳؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۶۸۱؛ فهرست مشکاه، ج۱، صص ۱۸ و ۱۹.

در مشهد مقدس کتابت نموده است. نسخه بر خط نسخ و در ذیحجه ۱۰۵۹ق کتابت شده و در کتابخانه مرحوم حاج سیّد ضیاءالدّین علّامه در اصفهان موجود است.(۱)

به اهتمال زیاد او همان حسین بن حسین قهپائی کاتب «اصول کافی» در سال ۱۰۷۲ق است.

حسین قهپائی

حسین بن حسین قهپائی از فضلاء و دانشوران قرن یازدهم هجری. در تاریخ ۱۰ شوال ۱۰۷۲ق نسخه ای از «اصول کافی» را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۶۵۴۶ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.

در آخر نسخه انهاء ملّا محمّد باقر مجلسی جهت امیر دوست محمّد باقر مازندرانی به تاریخ ۵ ذی الحجه ۱۰۷۷ق دیده می شود.(۲)

حسین ذُکوانی همدانی

ابومحمّد حسین بن حفص بن فضل بن یحیی بن ذکوان هَمدانی، از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است.

مادرش خالده دختر عطاء خشک بوده است. ابومحمّد از کوفه به اصفهان منتقل شده است. ابتدا نزد فقهاء کوفه تحصیل کرده و علم و فقه کوفیان را در اصفهان رواج داده [است]در اصفهان منصب قضاوت و فتوا و ریاست یافته و به مذهب کوفیان عمل می نموده [است]درآمد او در هر سال صد هزار درهم بوده است. جوائز و انعامات او به محدّثین و اهل علم و دانش همچون ابی مسعود و عمرو بن علی می رسیده است. وی از مخصوصین سفیان ثوری بوده و او را به مکه برده است.

ابوعبداللَّه ذکوانی، از ثوری، اسرائیل، فضیل بن عیاض، مروان فزاری، سفیان بن عینیه،

۱- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۸۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۳۳.

ابراهیم بن طهمان، مسلم بن خالد زنجی، عمربن قیس، ابراهیم بن نافع، یحیی بن سُلیم طائفی، عبدالعزیز بن ابی روّاد، ابراهیم بن محمّد اسلمی و... روایت می کند و سعید بن سلیمان، عمرو بن علی، عمر بن شَبَّه و... از او نقل حدیث کرده اند.

صاحب عنوان در سال ۲۱۲ق وفات یافته است.(۱)

کمال الدّین حسین خلقی اصفهانی*

امیر کمال الدّین حسین بن میر حکیمی طبیب اصفهانی، شاعر ادیب، متخلّص به «خلقی» ظاهراً درقرن دهم هجری می زیسته و مردی رند و لا ابالی بوده است.

از اوست:

ای گرد کوی یار دمی از هوا نشین

مهمان مردمان شو و در دیده ها نشین

ای تیر یار، از نظرش چو فتاده ای

ما هم فتاده ایم، به پهلوی ما نشین(۲)

حسام الدّین حسین اصفهانی

ابوعبداللَّه حسام الدّین حسین بن حیدر اصفهانی، از مشایخ صوفیه و مرید رکن الدّین حبشی بوده و امیر سیّد عبداللَّه برزش آبادی فرزند سیّد محمّد عبدالحی بن سیّد علی طوسی مرید او بوده است.(۳)

شیخ حسین چنگانی

شیخ حسین بن حیدربن حسن بن غلام چنگانی اصفهانی، عالم فاضل، در سال ۱۲۷۸ق کتاب «منیه اللبیب» در شرح تهذیب را جهت خود استنساخ نموده و بر آن تعالیقی دارد که دلالت بر وفور علم و دانش او می کند. نسخه در کتابخانه دانشکده

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۲۷۴ و ۲۷۵؛ طبقات المحدثین، ج۲، ص۱۸۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج۱۰، ص۱۷۴؛ الوافی بالوفیات، ج۱۲، ص ۳۶۰.

۲- تذکره روز روشن، صص۲۴۲ و ۲۴۳.

۳- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص ۸۴۱.

حقوق دانشگاه تهران موجود است.(۱)

[چنگان: از توابع خوراسگان جی اصفهان است.]

محمّد حسین خان سرتیپ اصفهانی

محمّد حسین خان سرتیپ بن حیدر علی خان بن حاج محمّد حسین خان صدر اعظم اصفهانی، از ادباء و فضلای عهد قاجاریه است.

در تهران ساکن و پیشکار و کفیل محمدتقی میرزا رکن الدوله قاجار (برادر ناصرالدّین شاه) بود و در حسن خط و انشاء تبحر فراوان داشته است.(۲)

ملّا محمّد حسین تستری

ملّا محمّد حسین بن حیدر علی تستری، از فضلاء و محدّثین قرن یازدهم هجری در اصفهان سکونت داشته و نزد علمای این شهر خصوصاً علّامه ملّا محمدباقر مجلسی به تحصیل پرداخته است. وی کتاب «اصول کافی» را ابتدا نزد ملّا محمّد صادق شریف اصفهانی همدانی و سپس نزد علّامه مجلسی خوانده و آن دو نفر در صفر ۱۰۷۶ق در آخر کتاب «حجت» از «اصول کافی» جهت او اجازه نوشته اند.(۳)

[وی همچنین کتاب «استبصار» شیخ طوسی را نزد ملّا محمّد صالح مازندرانی در سه شنبه ۹ ذیقعده ۱۰۷۳ق قرائت نموده است. ملّامحمّد حسین کتاب «اعمال السنّه» رانیز تألیف نموده است.(۴)]

۱- فهرست دانشکده حقوق، ص۴۸۸؛ الکرام البرره، ص۳۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۳.

۲- صدرالتواریخ، ص۱۱۳.

۳- الذریعه، ج۱، ص۱۵۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۲۶ و ۲۷.

۴- الروضه النضّره، ص ۱۶۲ و ۱۶۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۱.

سیّد حسین کَرَکی

عزّالـدین ابوعبـداللّٰه سیّد حسین بن حیـدر [بن علی بن حیـدر] بن قمر حسینی کرکی، عالم فاضل فقیه محقق و محدث مدقق معروف به «سید حسین مفتی»، از علمای قرن دهم و یازدهم هجری.

وی نزد علماء و فضلای زمان خود به تحصیل پرداخته که عبارتند از «شیخ ابی محمّد بایزید بسطامی ثانی» که در اواسط محرم ۱۰۰۴ق به او اجازه داده است. «شیخ محمّد سبط شهید ثانی» که برای او در سال ۱۰۲۹ق اجازه نوشته است. «شیخ بهاء الدّین محمّد عاملّی»، [«شیخ نورالدین محمّد نسّابه اصفهانی ابن حبیب اللّٰه عاملی»]

و جمعی از فضلاء و دانشمندان از او روایت می کننـد از جمله «ملّا محمّد باقر سبزواری»، «ملّا محمّد تقی مجلسی» «میرحسن رضوی قائنی» «میر فیض اللّٰه بن غیاث الـدّین محمّد طباطبائی قهپائی» وی سالها در اصفهان ساکن و در زمان شاه عباس اول مفتی اصفهان بوده است. سال وفات او به دست نیامد [اما از اجازه و انهاء که برای احمدبن حسین اصفهانی در سال ۱۰۳۹ق نوشته است معلوم می شود که او تا این سال زنده بوده است.(۱)]

حسین خطائی

استاد حاج حسین خطائی فرزند حیدرعلی، از هنرمندان معاصر اصفهان، [در سال ۱۲۸۶ش در اصفهان متولّد شد و پس از کمی تحصیل نزد استاد بزرگ مینیاتور میرزا آقا امامی به تعلیم پرداخت و پس از فوت استاد، در منزل خود به فعالیت هنری مشغول شد.

۱- ریاض العلماء، ج۲، صص ۹۰-۸۸؛ روضات الجنات، ج۲، ص۳۱۸؛ الذریعه، ج۱، ص ۱۳۹ و ۱۶۰ و ج۱۱، ص۸۰؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۸۲؛ الاجازه الکبیره، صص ۴۳۹ ۳۳۶ ۳۲۸ ۳۱۶؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۶۶؛ فیض قدسی، ص۱۴۶؛ مصفی المقال، ص۱۴۶؛ اعیان الشیعه، ج۲۵، ص۳۷۸؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۴۰۹ و ۴۱۰؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۶۷ و ۶۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۶۸.

او در رشته های مختلف نقاشی مانند مینیاتور، طلاکوبی، نقره کوبی، تذهیب، زرنگاری، برجسته کاری، نقشه کشی فرش و سوخت مهارت داشت و آثار فراوانی در این زمینه ها از او باقی مانده است.

در سال ۱۳۳۸ش به دستور مرحوم امینی صاحب الغدیر، قرآنی به خط کوفی منسوب به دست خط حضرت علی علیه السلام بر روی پوست آهو جهت تعمیر به استاد خطایی سپرده شد که تعمیر و تذهیب و تجلید آن را به بهترین شکل به انجام رساند که در کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف نگهداری می شود.

از دیگر آثار ارزنده او تذهیب ضریح مرقد مطهر حضرت ابوالفضل العبّاس علیه السلام می باشد.]

وی سرانجام در ۳ رمضان المبارک ۱۳۹۵ق (مطابق ۱۹ شهریور ۱۳۵۴ش) وفات یافته و در تکیه جویباره ای ها واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

میرزا محمّدحسین قانع اسفه ای

میرزا محمّدحسین مدرسی بن ملّا حیدرعلی اسفه ای، شاعر طبیب دانشمند.

[در سال ۱۲۸۰ش متولّد شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود روستای «اسفه» شهرضا نزد پدر آموخت. سپس به اصفهان آمد و در مدرسه جّده نزد دایی خود عالم مجاهد آقامیر سیّد حسن مدرس به تحصیل پرداخت و پس از مهاجرت دایی خود به تهران، او نیز به تهران رفت و در مدرسه عالی سپهسالار نزد او به تلمّذ مشغول شد. امّا پس از تبعید مدرس به کاشمر، به اصفهان بازگشت.(۲)]

مدرسی در اصفهان و در اوایل تحصیل، طب را نیز از میرزا ابوالقاسم گوگردی (ناصر حکمت) فرا گرفت.(۳) او سالها در شهرضا و اسفه به طبابت مشغول بود و گاهی در منزل به تدریس اصول، شرایع و اسفار می پرداخت.

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ تجارب طلائی، صص ۴۳ و ۴۴.

۲- مدرس، ص۲۵۷.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷۲.

او در ادبیات فارسی و عربی استادی مسلم بود و به عربی و فارسی شعر می سرود و «قانع» تخلّص می کرد. او در سالهای آخر عمر در اصفهان ساکن شد و سرانجام در جمعه ۵رجب سال ۱۴۰۲ق به سن قریب هفتاد و پنج سالگی وفات یافته و در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

تألیفات و آثار او عبارت است از:

۱. «آداب الزیّاره» ۲. «اختران تابان در اخلاق بزرگان» ۳. «اربعین و ضمائمی دلنشین» ۴. «اربعین قانع یا چهل طوطی» ۵. «افسانه اسفه ای در قصه زن و شوهر» ۶. «پند پدر به پسر در پیدایش و بازگشت» ۷. «توسلّیات» ۸. «ره آورد قانع در زیارت جامعه»، مطبوع ۹. «شجره طوبی در کمالات نفسانیه» ۱۰. «سوانح قانع در عروض و اشعار» ۱۱. «قسمتی از دیوان قانع»، در غزل و قصیده ۱۲. «فواتح قانع در نفوس کامله» ۱۳. «محرم نامه» ۱۴. «مستطرفات و متفرقات» ۱۵. «منارالانوار یا چهل چراغ قانع اصفهانی» ۱۶. «نقل مجلس» ۱۷. «نوشدارو در تعلیم و تربیت»، مطبوع.(۲)

او طبیبی دیندار و مردمی، دانشمندی وارسته و به فضائل و کمالات آراسته بود.

[این شعر از اوست:

زین نیستی که جلوه کند جای هست ما

ای کاش کز ازل نشدی پای بست ما

گر جان رسد به ساحل از این بحر بی کران

بر ناخدا رواست بسی ناز شصت ما

ما را به هیچ نشئه سر خودسری نبود

حکم قضا گرفت عنان را ز دست ما

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۳.

۲- مدرس، ص۲۵۸؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷۲.

هرکس به سوی کعبه دل ره نمی برد

آن کس که شد چو زاهد مسجدپرست ما

«قانع» شگفت نیست ز گفتا دلربا

باشد عجب بلندی از این طبع پَست ما(۱)]

محمّدحسین غاضری

محمّدحسین غاضری بن حیدرعلی غاضری (محفوظ)، شاعر معاصر، در [اول دی [۱۳۰۹ش در اصفهان متولّد شد. [ابتدا در مکتب خانه شیخ حسن جناب تحصیل را آغاز کرد و سپس] در مدرسه قدسیه تا ششم ابتدائی تحصیل کرد. [سپس به طور شبانه دوره متوسطه را در آموزشگاه شمس سپری نمود. وی حدود ۲۵سال در کارخانه آجر مشغول به کار بوده و سپس به آجرفروشی پرداخته است. وی در ۱۶سالگی به همراه پدرش که شاعر بود در یکی از انجمن های ادبی اصفهان حضور یافته و با خواندن شعری نزد «صغیر اصفهانی» مورد تشویق قرار گرفته است. ابتدا «زیبا» تخلّص می کرد ولی مدتی بعد آن را ترک کرده و به نام خانوادگی «غاضری» تخلّص نمود. اشعارش اغلب پند و اندرز و حکایات اخلاقی است و گاهی نیز در هزل و مطایبه شعر می سراید. در مدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام نیز اشعاری دارد. اشعارش را درقالب غزل، قصیده، رباعی و مثنوی سروده است. دیوان شعر او هنوز چاپ نشده است.]

از اوست:

زان پیش که در دهر نیابی اثر من

ای دوست نظر کن به من و چشم تر من

دل از غم عشق رُخَت ای دوست ز کف رفت

باز آی که از هجر تو خون شد جگر من(۲)

۱- بهار ادب، ص۱۲۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۸؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای غاضری در مردادماه ۱۳۸۶ش.

حسین سلیمی اصفهانی

ابونصر حسین بن رجاء بن محمّد بن حسن بن محمّد بن احمد بن سلیم سلیمی، از محدّثین و دانشمندان قرائت و تجوید در قرن ششم هجری، وی از احفاد ابی بکر بن سلیم اصفهانی است. در محرم ۴۶۹ق متولّد شده و در اصفهان و بغداد حدیث گفته است. وی از خاندان اهل علم و محدّث بوده و خود بسیار به تلاوت قرآن مجید می پرداخته و با قرآن انس داشته است. او از قاضی ابوبکر محمّد بن ماجه ابهری و دیگران حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی، در اصفهان از او حدیث شنیده است.(۱)

شیخ محمّدحسین اصفهانی حائری (صاحب فصول)

شیخ محمّدحسین اصفهانی حائری صاحب فصول ابن حاج محمّد رحیم بن محمّدقاسم بیگ رازی ایوان کیفی. فقیه محقق و اصولی مدقق، از اکابر علمای قرن سیزدهم هجری. در ایوان کیف در حوالی طهران متولّد گردیده و در کودکی به همراه پدر و مادر به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آنجا نزد علماء و فقهاء از جمله شیخ علی نجفی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۱۴ق به همراه خانواده از خوف حمله وهابی ها به نجف، به کربلا مهاجرت نموده و مدتی بعد همراه برادرش شیخ محمّدتقی رازی (صاحب حاشیه) به اصفهان آمد و مدّتی نیز در نجف آباد ساکن بود. سپس به کربلا بازگشت و در آنجا به تدریس مشغول شده و در حرم مطهر امام حسین علیه السلام به اقامه جماعت پرداخت و کم کم به شهرت دست یافته و مرجعیّت یافت.

وی در کربلا با سیّد کاظم رشتی و شیخ احمد احسائی از پیشوایان شیخیّه مخالفت های شدیدی را انجام داده و به مبارزه با مرام آنان برخاست.

وی در سال ۱۲۵۵ق وفات یافت و در صحن صغیر حضرت سیدالشهداءعلیه السلام دفن شد.

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۳۲.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر زبده الاصول» که در سال ۱۳۰۲ق در هامش زبده الاصول در تهران به طبع رسیده است.۲. «رساله الصّومیّه» که در کتابخانه میرزا محمّـد طهرانی در سامرا وجود داشته و به فارسی نوشته شده است. ۳. «رساله عملیه» که در سال ۱۲۵۳ق تألیف شده است. ۴. «الفصول الغرویّـه فی الاـصول الفقیهیّه» معروف ترین تألیفات آن مرحوم است و به همین مناسبت او را «صاحب فصول» می گویند. کتاب را در جمعه ۱۹ذی الحجه ۱۲۳۲ق در نجف اشرف به پایان رسانیده است، در این کتاب اعتراضاتی را به کتاب «قوانین الاصول» تألیف میرزا ابوالقاسم قمی وارد ساخته است. این کتاب به چاپ رسیده و بسیاری از علماء و فضلاء بر آن شرح و حاشیه نوشته اند. ۵. «مشارع الاحکام فی تحقیق مسائل الحلال و الحرام» که نسخه ای از آن در کتابخانه عالم جلیل حاج سیّد احمد زنجانی موجود است و در جلد پنجم مجموعه میراث حوزه اصفهان با تحقیق آقای شیخ مهدی باقری به طبع رسیده است.

همچنین کتاب «نماز برهنه» به فارسی مطابق با فتاوای حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام شفتی ظاهراً از تألیفات اوست که در کتابخانه آقا میرزا محمّد طهرانی در سامرا وجود داشته است.(۱)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۲۱۳-۱۸۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۴۱۱ و ۴۱۲؛ ریحانهالادب، ج۳، ص۳۸۰؛ الذریعه، ج۱۱، صص۲۰۵ و ۲۰۶ و ج۱۶، صص۲۴۲ ۲۴۱ و ۲۸۶؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۹۰ و ۳۹۱؛ هدیهالاحباب، ص۱۹۸؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۵۰۱؛ معارف الرّجال، ج۲، ص۱۰۴؛ الاعلام، ج۶، ص۱۰۴؛ قصص العلماء (چ ۱۳۸۰ش)، ص۱۲۱؛ روضات الجنات، ج۲، ص۱۲۶؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۴۸۴ و ۱۴۸۵؛ آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، صص۲۰۸ و ۲۰۹؛ لباب الالقاب، صص۵۰ و ۵۱؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۲۵۶؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۱۱۹؛ میراث حوزه اصفهان، جلد پنجم.

شیخ محمّد حسین رشتی

شیخ محمّد حسین بن میرزا محمّد رضا بن حاج میرزا ابوتراب رشتی اصفهانی، از علمای قرن چهاردهم هجری.

در اصفهان متولّد شده و نزد آقا شیخ محمّد رضا نجفی و آقا سیّد مهدی درچه ای به کسب فیض پرداخته و سپس به ترویج دین و اقامه نماز جماعت در مسجد ذکراللّه در محلّه بیدآباد مشغول شده و در صفر ۱۳۷۸ق وفات یافته، در بقعه جدّ مادری خود آقا شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش را شاعر توانا فضل اللّه اعتمادی متخلّص به «برنا» گوید:

گفت به شمسی برای سال وفاتش

«شیخ محمّد حسین عالم عابد»(۱)

سیّد حسین نوربخش*

سرهنگ سیّد حسین نوربخش فرزند سیّد قوام الدّین از چهره های متدیّن و نیکوکار معاصر. در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل در مقطع ابتدائی در مدرسه علیّه ادامه تحصیل داد و پس ا اخذ دیپلم وارد دانشکده افسری شد.

او از اعضای فعال انجمن تعلیمات اسلامی اصفهان و سرپرست دبستان دخترانه نوربخش بود. او مردی باایمان، پاک نهاد، خیرخواه، نوع دوست و متدیّن بود. وی در ۱۶ ذیحجه ۱۳۷۴ق وفات یافت و در صحن تکیه سیّدالعراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

ماده تاریخ او از این بیت «نوای اصفهانی» معلوم می شود:

کردم از طبع «نوا» تاریخ فوتش را سؤال

گفت سال فوت را بنویس «روی نوربخش»(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۵۱۱-۵۰۹.

میرزا محمّد حسین میردامادی سدهی

میرزا محمّد حسین بن حاج میرزا محمّد رحیم ثانی میردامادی سدهی، عالم فاضل.

از علمای بزرگ و با نفوذ و باتقوا و مقتدر و شجاع و از شاگردان حاج محمّد ابراهیم کلباسی و سیّد محمّدباقر حجهالاسلام شفتی بوده است. صداقت و صَمیمیّتی بین او و مرحوم حاج سیداسدللّه بیدآبادی وجود داشته و یک عمر باتقوا و ورع زندگی کرده است.

سال وفات او به دست نیامد.(۱)

شیخ محمّد حسین کلباسی

شیخ محمّد حسین بن شیخ محمّدرضا بن شیخ محمّدعلی بن شیخ محمّد جعفر بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل فقیه کامل.

در ۳شعبان سال ۱۳۲۳ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر عالیقدر خود و میرزا محمّدحسن قاضی عسکر و دیگران تلمّذ نموده و سپس در سال ۱۳۴۰ق برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف عزیمت نمود و در آن ارض اقدس نزد آقا سیّد ابوتراب خوانساری، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّد جواد بلاغی، سیّد حسین بادکوبه ای، شیخ حسین حلّی، آقا ضیاءالدّین عراقی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا عبدالهادی شیرازی، شیخ محمّد کاظم شیرازی، شیخ مرتضی طالقانی و میرزا آقا اصطبهاناتی تحصیلات خویش را تکمیل نمود. آنگاه سفری به اصفهان نموده و از درس میر محمّدصادق مدرس خاتون آبادی استفاده نمود. سپس به عتبات عالیات رفته ضمن تحصیل، به تدریس و تألیف و تحقیق پرداخت.

ایشان پس از سالها اقامت در نجف اشرف در سال ۱۳۷۸ق به ایران بازگشته، در قم ساکن شد و به تدریس فقه و اصول پرداخت.

۱- لطائف غیبیه، ص۲۴ (مقدمه)،؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۰۹.

وی عالمی خلیق و متواضع بود و در رفع حوائج مردم و حل مشکلات شرعی آنان از هیچ اقدامی دریغ نمی کرد.

مرحوم کلباسی در اوج اخلاص و زهد و تقوا و عبادت زندگی را سپری نمود تا اینکه پس از ۹۵سال عمر در دوشنبه ۹رجب المرجب سال ۱۴۱۸ق وفات یافته. پیکرش پس از تشییع باشکوه در یکی از حجرات صحن مطهر آستانه حضرت معصومه(سلام اللّه علیها) مجاور شیخ فضل اللّه نوری در قم مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. بشری الطالبین فی الادعیه و الختومات و بعض العلوم الغریبه ۲. تقریرات فقه میرزا عبدالهادی شیرازی ۳. تقریرات اصول آقا ضیاءالدین عراقی ۴. شرح کفایه الاصول ۵. شرح عروه الوثقی ۶. شرح مزجی بر باب حادی عشر ۷. غرائب و قصارالحکم من الکتاب و السُنّه ۸. غریب الحدیث ۹. غریب القرآن مطبوع ۱۰. فضائل اهل البیت ۱۱. وسیله الوصول الی حقائق الاصول، که تقریرات درس آقا سید ابوالحسن اصفهانی بوده و در سال ۱۴۲۲ق توسط انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چاپ رسیده است.(۱)

استاد محمّد حسین حجار اصفهانی*

استاد محمّد حسین بن استاد محمّدرضا حجار اصفهانی، از هنرمندان توانای قرن سیزدهم هجری است. هنر حجاری را نزد پدر خود آموخت و در فنون و ریزه کاری های حجاری زبردست شد و به مقام استادی نائل آمد و در ردیف اساتید طراز اوّل

۱- نقباء البشر، ج۲، ص۵۸۳؛ مستدرک فهرس التراث، ص۲۱۵؛ معجم رجال الفکر و الادب، ج۳، ص۱۶۰۹؛ ماضی النجف و حاضرها، ج۳، ص۲۳۶؛ خاندان کلباسی، صص۱۹۱-۱۸۸؛ الذریعه، ج۱۲، ص۱۹۳ و ج۲۲، ص۱۰۵؛ گنجینه دانشمندان، ج۲، صص۲۴۳ و ۲۴۴؛ مجله آئینه پژوهش، ش۴۶، صص۹۹ و ۱۰۰؛ مقتبس الاثر، ج۱۶، ص۳۵۰؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۶۱۱-۱۶۰۰.

حجاری اصفهان قرار گرفت. او تا سال ۱۲۹۰ق در قید حیات بود و در مدّت بیش از ۴۰سال حجاری آثار ارزنده فراوانی پدید آورد که از لحاظ برجسته کاری، ریزه کاری و ظرافت هریک از نمونه های ارزنده هنر حجاری به شمار می روند.

سنگاب های مدرسه میرزا حسین اصفهان به سال ۱۲۷۵ق و مسجد محلّه نو در سال ۱۲۷۶ق به دست این هنرمند توانا حجّاری شده است.(۱)

همچنین در تخت فولاد چندین سنگ مرمر حجاری شده بسیار زیبا موجود است که این استاد زبردست آنها را پدید آورده است. از جمله سنگ مزار مریم معروف به «مادر شاهزاده» در سال ۱۲۶۲ق(۲) و سنگ مزار خدیجه سلطان بیگم بنت جناب آقا میرزا عبداللّٰه شیخ الاسلام، در سال ۱۲۸۹ق.(۳)

سیّد حسین حسینی شیرازی

سیّد حسین بن سیّد رضا حسینی شیرازی، از فضلای اصفهان است. وی مترجم دستگاه ظل السّلطان حاکم اصفهان بوده و کتاب «جغرافیای هندوستان» را از زبان هندی به فارسی در ماه جمادی الثانی سال ۱۳۰۱ق برگردانده است. سجع مُهر او «عبده حسین الحسینی» بوده است. این کتاب به شماره ۱۱۳۶۴ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود بوده است.(۴)

حاج محمّد حسین حمصی

حاج محمّد حسین حمصی بن محمّدرضا حمصی، عالم فاضل متوفی سلخ رمضان ۱۲۱۰ق مدفون جنب مزار اژه ای در تخت فولاد اصفهان.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۵۰ و ۶۷۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۹.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ، نسخه خطی.

۴- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص ۸۱.

«مایل» زار حزین گفت بتاریخ این:

«باد بهشت برین جای محمّد حسین»(۱)

حسین ساوجی

حسین بن آقا رضا ساوجی از فضلای قرن سیزدهم هجری. در شنبه عید نوروز مطابق ۱۵رمضان ۱۲۴۴ق در اصفهان از نوشتن کتاب «قوانین الاصول» میرزای قمی فراغت حاصل نموده است. نسخه ای از آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

شیخ حسین مذنب اصفهانی

شیخ محمّد حسین امین سیچانی متخلّص به «مذنب»، [فرزند حاج ملّا رضا]، عالم فاضل و شاعر ادیب معاصر، در قصبه سیچان [که اکنون از محلّه های اصفهان است]ساکن بوده و گاهی شعر می سروده است.

از اوست:

ای خال گوشه لبش، این تشنه وصال

جان داد و جا تو بر لب کوثر گرفته ای(۳)

[وی سرانجام در سال ۱۴۰۰ق وفات یافته و در تکیه سیّد محمود کلیشادی (معروف به مغنی گو) در تخت فولاد مدفون شد.(۴)]

میرزا محمّد حسین عنقا

میرزا محمّدحسین عنقا بن رضا قلی خان همای شیرازی شاعر و ادیب خوشنویس، از هنرمندان و سخنوران قرن سیزدهم هجری [در سال ۱۲۶۰ق در اصفهان متولّد شده]و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۸۳.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۴۱.

۴- یادداشتهای محقق گرامی آقای حمید خلیلیان.

در این شهر علم و ادب آموخته و در منزل خود انجمن ادبی برپا نمود.

[در خط نستعلیق از پدر امّا به خط شکسته نستعلیق روی آورده و از خط گلستانه پیروی نمود و این خط را خوش می نوشت.] او همچون پدر به لباس اهل تصوف در آمده و مرید مشایخ این طریقت شده بود.

سرانجام در سه شنبه جمادی الثّانیه ۱۳۰۵ق وفات یافته و در یکی از حجره های جنوبی تکیه میر در تخت فولاد مدفون شد. [ماده تاریخ فوتش را یکی از شعراء در این مصرع یافته است:

«عنقا بقاف قرب احد کرد آشیان»]

از اوست:

بر چلیپای سر زلف تو تا دست زدم

پای بر همه عالم و بر هرچه دگر هست زدم

مطلع شعر بلند است به حکمت«عنقا»

دم به مدحش به چنین شاعری پست زدم(۱)

سیّد حسین دهاقانی*

سیّد حسین بن حاج سیّد رفیع بن سیّد محمّد دهاقانی، عالم فاضل. از علمای اواخر دوره قاجاریه. در دهاقان متولّد شده و در اصفهان نزد جهانگیرخان قشقائی و دیگران تحصیل نمود سپس به زادگاه خود بازگشته و امام جمعه آنجا شد و به ترویج دین و حل مشکلات شرعی مردم پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۲۹ق وفات یافته و در قبرستان عمومی دهاقان مدفون شد.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکرهالقبور ص۲۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان ج۱، ص۲۰۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۱؛تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۰۲.

۲- سیمای دهاقان،۲۷۴.

میرزا حسین طالع اصفهانی

میرزا حسین رامپناه متخلّص به «طالع» بن رمضان، از شعرای معاصر اصفهان، در سه شنبه ۱۷ذی القعده سال ۱۳۳۴ق در اصفهان متولّد شده و به تحصیل پرداخت. سپس به شغل خوار و بار فروشی روی آورد. طبعی روان در شعر داشت و گاهی در انجمن های ادبی شرکت می کرد(۱) [مردی صالح متقّی و مقدس بود و در امور شرعی کمال احتیاط را مرعی می داشت. غالب ایام سال را روزه بود و در یکی از مساجد اصفهان امامت جماعت می نمود. سرانجام در ماه ذی العقده ۱۴۲۸ق وفات یافت.]

کمال الدّین حسین اصفهانی

کمال الدّین حسین بن محمّد زمان اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری است. در ۴صفر ۱۰۷۱ه رساله «شرح حدیث حقیقت» را به خط نستعلیق کتابت نموده است. این کتاب به شماره ۷۴۹۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲)

محمّد حسین قاری اصفهانی

حاج محمّد حسین بن شیخ زین الدّین، فاضل مقدّس و از قاریان قرآن مجید. وی در ذیقعده ۱۲۹۳ق وفات یافته و در ضلع جنوبی شرقی صحن مقبره سر قبر آقا مدفون شد. بر روی سنگ لوح قبر او این عبارت و اشعار دیده می شد:

«حاج محمّد حسین بن علامی فهامی قدوه الفضلا. العظام شیخ زین الدّین ذیقعده ۱۲۹۳

آه و افسوس کز جفای سپهر

رفت حاجی حسین از دوران

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۹۶.

آن که در قدس بی نظیر آمد

بود در شهر قاری قرآن»(۱)

حسین آمدی

ابوعلی حسین بن سعد بن حسین بن محمّد آمدی، ادیب شاعر و لغوی مشهور اصفهان در قرن پنجم هجری.

در بغداد تحصیل نموده و در اصفهان ساکن شده و در شب پنج شنبه ۵ربیع الآخر سال ۴۴۴ق وفات یافته است. به عربی اشعاری سروده و تألیفاتی نیز دارد.(۲)

ملّا محمّدحسین گیلانی

ملّا محمّد حسین بن محمّد سعید بن ملّا ابراهیم گیلانی، عالم فاضل در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله ملّامحمّدصادق تنکابنی و ملّا محمّد فاضل سراب و دیگران تلمّذ نموده است.

ملّا محمّد صادق در دوشنبه غره جمادی الثانی ۱۱۲۲ه.ق در پایان جزء اول کتاب «من لا یحضره الفقیه» برای او اجازه روایتی نوشته است که این نسخه به شماره ۲۷۲۶ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی در قم موجود است.(۳)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن سیف اللّه اصفهانی خطاط نسخ نویس. در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازهم هجری کتاب «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را به خط نسخ خود نوشته

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۱، ص ۴۹۴؛ بیان المفاخر ج ۲، ص ۲۳۹؛ مزارات اصفهان، ص ۵۱.

۲- معجم الادباء ج ۹، ص ۲۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۴۴.

۳- بزرگان رامسر، ص ۱۸۵؛ تراجم الرّجال ج ۲، ص ۶۷۵، فهرست کتابخانه مرعشی ج ۷، ص ۲۸۹؛ مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، ص ۱۶۸.

است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است. (۱)

[وی کتاب «طب الرضا»علیه السلام را برای «مولانا محمّد حسینا بن العلامه مولانا شاه محمدا» در سال ۱۰۹۸ق کتابت کرده است که به شماره ۸۰۰/۱۱ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است.(۲)]

استاد حسین نجّار

استاد حسین بن استاد شاه نجّار، واقف درِ چوبی مسجد الجاتیو در مسجد جامع اصفهان.(۳)

ملّا محمّد حسین ملّاباشی تبریزی

ملّا محمّد حسین ملّاباشی بن ملّا شاه محمّد تبریزی، از علماء و صاحب منصبان اواخر دوره صفویه است.(۴)

صاحب تتمیم امل الآمل درباره او می نویسد:

«من اعاظم العلماء و افاخم الفضلاء کان متقناً فی العلوم مع اتّقان و تحقیق و امعان و تدقیق»(۵)

[همچنین صاحب تتمیم می نویسد: ملّا محمّد حسین ۳بار کتاب «الشافی» تألیف سیّد مرتضی را تدریس کرده و بر آن حواشی نافعه نگاشته است که شاهدی بر مقام علمی او در تحقیق و تدقیق است.]

از قرائن بر می آید پدرش و خودش اهل علم بوده و در اصفهان اقامت داشته اند.

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲- فهرست مدرسه مروی، ص ۳۰۸.

۳- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۳۶۷.

۴- زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۸۹؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص ۴۲.

۵- تتمیم امل الآمل، صص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۸۹؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص ۴۲.

در سال ۱۱۲۷ه.ق شاه سلطان حسین صفوی منصب «ملّاباشی» را پس از وفات ملّاباشی آن عصر مرحوم میرمحمّد باقر خاتون آبادی به وی تفویض کرد.(۱)

در مجمع التواریخ در ذکر اوضاع پریشان مملکت در زمان شاه سلطان حسین می نویسد:

«ندمای شاه سلطان حسین دو کس بودند یکی میرزا رحیم حکیم باشی و دوم ملّا محمّد حسین ملّاباشی» و پس از ذکر مطالبی می نویسد:

«پس از گرفتاری فتحعلی خان، ملّاباشی به دست خود یا به دست پسر خود چشم او را از حدقه در آورد...»(۲)

[کتاب «اثبات واجب» از تألیفات ملّامحمّد حسین تبریزی است که آن را به سال ۱۱۰۱ق تألیف نموده و به شماره ۸۰۰/۱۶ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است.(۳)]

سال فوت او به دست نیامد.

محمّد حسین زمانی اصفهانی

محمّدحسین بن حاجی شاه محمّد زمانی صفاهانی [از خطاطان و نویسندگان کُتُب در قرن یازدهم هجری] در هشتم ربیع الاوّل سال ۱۰۹۷ق از نوشتن «مجمع البیان» فراغت حاصل نموده است.

[ظاهراً زمان باید همان رنان یا رهنان کنونی باشد که اکنون از محلّه های غرب اصفهان می باشد. لذا صاحب عنوان از اهالی قریه رنان بوده است.]

این نسخه از «مجمع البیان» حاوی تفسیر سوره توبه تا سوره مریم است و به شماره ۲۶۷۱ در کتابخانه عمومی اصفهان نگهداری می شود.(۴)

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۶۷.

۲- مجمع التّواریخ، ص۴۹.

۳- فهرست مروی، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۴- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۹۳.

آقا حسین خوانساری

آقا حسین بن آقا شریف بن آقا رضی الدّین محمّد بن آقا حسین خوانساری، عالم فاضل حکیم.

شیخ عبدالنّبی قزوینی که با او معاصر بوده درباره او می نویسد: «من فضلاء زماننا من سلاله الافاضل و من خلاصه الاماثل و هو مربوط بالحکمه...»

وی قسمت هایی از کتاب «التحصیل» تألیف «بهمنیار» شاگرد را شرح نموده است و تا سال ۱۱۹۱ق در قید حیات بوده است.(۱)

حسین صانع تبریزی

حسین بن شریف تبریزی متخلّص به «صانع» از شعراء و فضلای عصر صفویّه است. او در شنبه ۲۱جمادی الثانیه ۱۰۵۱ق در محلّه عباس آباد اصفهان کتاب «منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان» تألیف شیخ حسن بن شهید ثانی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه که از روی نسخه اصل تصحیح شده است به شماره ۲۱۵۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

حسین شهنازی*

حسین شهنازی فرزند شعبان خان تارزن، هنرمند موسیقی در حوالی سال ۱۳۲۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر هنرمند خود نواختن تار را فراگرفت و نزد سیّد رحیم خان موسیقی دان نیز تعلیم گرفت. برادر کوچکترش استاد جلیل شهناز نزد او نواختن تار را فرا گرفته است. مع الاسف در سالهای جوانی و به بیماری ذات الجنب در سال ۱۳۱۸ش مطابق ۱۳۵۸ق در گذشت و پدر را به سوگ خود نشاند. پیکرش را به تخت فولادبرده و

۱- تتمیم امل الآمل، ص۱۳۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۰؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۰۳ و ۲۰۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی ج۱، ص۳۴۲؛ الذریعه، ج۱۳، ص۱۴۳.

۲- فهرست کتابخانه آیت اللّه مرعشی، ج۶، ص۱۶۲.

جنب مزار میرابوالقاسم فندرسکی در تکیه میر دفن کردند.

مهدی نوایی موسیقیدان و شاعر هنرمند در مرثیه او شعری ساخته که متضمن دستگاهها و اصطلاحات موسیقی است و ماده تاریخ فوت او را چنین گفته است:

یکی آمد پی تاریخ و «نوائی» از شور

گفت: «بانی بنوا مُرد حسین شهناز»

حجار هنرمند سنگ نوشته او استاد عباس بن عبدالرحیم است.(۱)

میرزا محمّدحسین شهرستانی*

میرزا محمّدحسین بن میرزا شکراللّٰه شهرستانی اصفهانی، خوشنویس و ادیب دانشمند قرن دهم هجری. ظاهراً در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته و سپس به قزوین رفته و نزد بزرگان صفویه شهرت و اعتبار یافته است. در زمان سلطان محمد خدابنده (پدر شاه عباس صفوی) به سمت استیفای ممالک محروسه منصوب شد. او با به سلطنت رسیدن شاه عباس، ظاهراً از کار کناره گرفته و به هند مهاجرت کرد تا اینکه به سمت منشی گری پادشاه هند منصوب شد و سرانجام در سال ۱۰۰۴ق وفات یافت. او خوشنویسی ماهر بود و خط تعلیق را در نهایت زیبایی می نوشت تا جایی که او را تالی مولانا درویش بلخی می شمردند. گویند خطوط ثلث و نسخ تعلیق (نستعلیق) را نیز خوش می نوشت.(۲)

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی

سیّد محمّد حسین بن محمّدصادق حسینی اصفهانی [از خطاطان قرن سیزدهم هجری]در یک شنبه ۱۷محرم ۱۲۴۲ق از نوشتن کتاب «قوانین» فراغت حاصل نموده

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۲۵۴ و ۲۵۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- گلستان هنر، ص۵۴؛ تذکره خوشنویسان، ص۵۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۰۰؛ تاریخ پانصد سال خاندان شهرستانی، صص۱۱۲-۱۱۰.

است.(۱)

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّدصادق حسینی اصفهانی، عالم فاضل و شاعر ادیب، وی کتاب «مشرق التوحید» در اصول دین را در سال ۱۲۳۷ق به نام فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده است. وی طبع شعر داشته و اشعاری از خود را در این کتاب آورده است.

نسخه ای از کتاب در کتابخانه شیخ محمّد سلطان المتکلمین در تهران موجود بوده است.(۲)

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّدصادق حسینی اصفهانی از فضلاء اوایل قرن چهاردهم هجری. احتمالاً از شاگردان مرحوم حاج میرزا حبیب اللّٰه رشتی است. وی در ۴رمضان ۱۳۱۰ق نسخه ای از رساله «غصب» میرزا حبیب اللّٰه رشتی را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۵۹۹ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی نجفی موجود است.(۳)

[شاید وی حاج میرزا حسین نایب الصدر اصفهانی آتی الذّکر باشد.]

سیّد حسین امامی عریضی

سیّد حسین بن سیّد محمّدصادق حسینی امامی عریضی اصفهانی، عالم فاضل، از بزرگان قرن سیزدهم هجری است. از شاگردان سیّد حجهالاسلام، حاج محمّد ابراهیم

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص ۲۸۰.

۲- الذریعه، ج۲۱، ص۴۹؛ الکرام البرره، ص۳۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۵۴۴ و ۵۴۵؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۳۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۴۱۲.

کلباسی و آقا سیّد محمّد مجاهد است. در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخته است.

از آثار او کتاب نسخه ای از کتاب «ذخیرهالمعاد» تألیف ملّا محمّدباقر سبزواری است که آن را در سال ۱۲۳۰ه.ق به پایان رسانیده و در آخر کتاب از استاد خود سیّد حجهالاسلام یاد کرده است. نسخه مذکور به شماره ۹۲ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱)

وی همچنین جلد اول «وسائل النّجاه» سیّد مجاهد را در ۱۶رمضان ۱۲۲۸ق به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۴۰۱ در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد موجود است.(۲)

میرزا حسین نایب الصدر

حاج میرزا حسین نایب الصدر ابن سیّد محمّد صادق خاتون آبادی ابن میرزا ابوالقاسم مدرس، عالم فاضل ادیب.

وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج ملّا علی کنی بوده است. در ربیع الآخر سال ۱۳۲۶ق وفات یافته و در زیر زمین تکیه خاتون آبادی در تخت فولاد مدفون گردید.

از آثارش کتابی است در دو مجلّد «شجره نامه سادات خاتون آبادی».(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۹ و ۳۱۰؛ فهرست فیضیه، ج۱، ص۱۱۱.

۲- فهرست ادبیات مشهد، ص۲۴۶.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴؛ نقباء البشر، ج۲، ص۵۸۷.

سیّد حسین واعظ برزانی*

سیّد حسین واعظ برزانی فرزند سیّد محمّدصادق. عالم فاضل معاصر. در سال ۱۳۱۹ش در اصفهان متولّد شد. پدر و جدش از علمای اصفهان بودند. او پس از طی دوره ابتدائی در مدارس جدید به حوزه علمیه رفته و مقدمات علوم را آموخت. در سال ۱۳۳۶ش به قم رفت و سطح را نزد حضرات آیات: شیخ رحمت اللّه فشارکی، فاضل لنکرانی، اعتمادی، سلطانی طباطبائی و صالحی نجف آبادی فرا گرفت. سپس در درس خارج آیات عظام، سیّد محمّد محقق داماد، گلپایگانی، اراکی و امام خمینی شرکت کرد. فلسفه را نیز از علّامه طباطبائی و استاد مطهری آموخت.

او به علت فعالیّت های سیاسی علیه رژیم پهلوی دوبار دستگیر شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او در سال ۱۳۶۰ش امام جمعه شهر «بوئین میاندشت» شد. در سال ۱۳۷۲ش از آن منصب استعفا کرده و به اصفهان مراجعت کرد. او در کارهای خیریّه و عام المنفعه کوشا بوده و چندین مسجد، مدرسه، صندوق قرض الحسنه و مدرسه علمیه در برخی روستاها و شهرها را تأسیس نموده است.(۱)

ملّا محمّد حسین مازندرانی

ملّا محمّد حسین بن ملّا محمّد صالح بن احمد مازندرانی، عالم فاضل و ادیب شاعر، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. پدرش از علمای معروف اصفهان و داماد ملّا محمّدتقی مجلسی و مادرش آمنه بیگم دختر ملّا محمّدتقی مجلسی است.(۲) در اصفهان متولّد شد و نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخت. آقا حسین خوانساری در سال ۱۰۸۹ق برای محمد حسین مازندرانی اجازه روایت نوشته که به احتمال بسیار زیاد همین فرزند ملّا محمّد صالح مازندرانی است.(۳) میرزا محمّدطاهر نصرآبادی از دوستان و

۱- دانشنامه ائمه جمعه کشور، صص ۹۶۰ و ۹۶۱.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۴۴ و ۳۴۵.

۳- دو گفتار، ص۲۱.

معاشران وی بوده و نوشته است که ملّا محمّد حسین «کمال مردمی و آزرم دارد. شرمش به حدّی است که گاهی به دیدن فقیر به مسجد لنبان می آید. شعر که می خواند، در آب و عرق غرق می شود.»(۱)

وی سرانجام به هندوستان رفته و احتمالاً در آنجا وفات یافته است. «مثنوی قضا و قدر» از سروده های اوست.(۲) خطوط نسخ و نستعلیق را نیز خوش می نوشت. وی نسخه ای از «عیون الحساب» را در اول شعبان ۱۰۹۳ق کتابت نموده که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در تهران موجود است.(۳) همچنین نسخه ای از «شرح کافی» تألیف پدر دانشمند خود را به خط نسخ ریز در جمادی الثّانی ۱۱۰۴ق کتابت نموده که به شماره ۴۷۷۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۴)

محدّث نوری نیز نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را رؤیت نموده که ملّا محمّد حسین مازندرانی با خط زیبای خویش حواشی مفید و عالمانه بر آن کتاب نوشته که دلیل بر فضل و کمال اوست. این نسخه در کتابخانه حکیم در مسجد هندی نجف اشرف موجود بوده است.(۵)

میر محمّدحسین خاتون آبادی

میر محمّدحسین بن میر محمّد صالح بن میر عبدالواسع حسینی افطسی معروف به خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل محقق و فقیه محدّث متکلّم، از علمای عالیقدر قرن دوازدهم هجری. در اصفهان به دنیا آمده و نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخت.

برخی از اساتید و مشایخ اجازه ایشان عبارت است از: ملّا ابوالحسن فتونی عاملی، علّامه محمّدباقر مجلسی (جدّ مادری خود)، شیخ سلیمان ماحوزی بحرانی، میر محمّدصالح خاتون آبادی (پدرش)، سیّد علیخان مدنی شیرازی، آقا جمال الدّین محمّد

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲- الذریعه، ج۱۷، ص۱۴۵.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۰۵.

۴- فهرست مجلس، ج۱۳، ص ۱۷۱.

۵- الکواکب المنتشره، ص ۲۲۱.

خوانساری و ملّا محمّد تنکابنی معروف به «فاضل سراب».

او در اصفهان مرجع امور شرعی و مدرس علوم دینی بوده و جمعی از علماء و فضلاء از شاگردان محضر درس او و یا اجازه گیرنده از او بوده اند، از جمله: میرمحمّد حسین حسینی اصفهانی، میرعبدالباقی خاتون آبادی (فرزندش)، سیّد عبداللّه جزائری، سیّد صدرالدّین محمّد قمی و ملّا محمّد بن محمّد زمان کاشانی اصفهانی.

او ذوق شعری نیز داشته و شعر می سروده است. خط را خوش می نوشته و به اصول و قوانین خط مسلّط بوده است.

میر محمّد حسین خاتون آبادی، در اواخر دوره صفویّه وزیر مریم بیگم عمّه شاه سلطان حسین بوده و در دوره افاغنه او را برای مصادره اموال شکنجه و آزار بسیار دادند و بنا به گفته خودش این مصائب و آلام در تصفیه روح او بسیار مؤثر واقع گردیده است. همچنین سالها امام جمعه اصفهان بود و در اواخر عمر، شیخ الاسلامی اصفهان را نیز بر او تکلیف کردند و او مجبوراً پذیرفت.

ملّامحمدعلی بن محمّدرضا تونی اصفهانی در پشت برگ یکی از اوراق کتاب «النهایه فی شرح الهدایه» که تألیف خود اوست، در یادداشتی واقعه فوت میرمحمّد حسین خاتون آبادی را چنین می نویسد:

«در شب دوشنبه ۲۳شوال هذه السنه [۱۱۵۱ق] میرمحمّد حسین شیخ الاسلام همشیره زاده [صحیح «دخترزاده» است]مولانا محمّدباقر مجلسی و خلف مرحوم میر محمّد صالح خاتون آبادی شیخ الاسلام برحمت حق واصل و روز جمعه نعش او را روانه مشهد مقدس نمودند رحمهاللّه علیهم اجمعین».

[میر سیّد علی مشتاق اصفهانی برای وفات او مرثیه ای سروده که مادّه تاریخ آن این بیت است:

خامه «مشتاق» گفت، از پی تاریخ سال:

«شد بسرای جنان، میر محمّد حسین»]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الواح سماویه»، در اختیارات روزها و هفته و سال ۲. «حواشی بر شرح تجرید

جدید» ۳. «البداء» ۴. «خزائن الجواهر»، در اعمال سال و برخی مسائل متعلق به برخی از ماهها و روزها و تحقیق در شب قدر و غیره ۵. «رساله در حکم نکاح بین عبدین» ۶. «رساله در زکوه و خمس و لقطه» ۷. «سبع المثانی» در زیارات ائمه عراق علیهم السلام ۸. «فهرست تصانیف علّامه مجلسی» ۹. «فهرست مؤلفات علّامه مجلسی» [که نسخه ای از آن به شماره ۲۲۶/۷ در کتابخانه سیّد ناصر میبدی در مشهد مقدس و نسخه ای دیگر به شماره ۳۹۰/۲ درکتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام در اردکان یزد موجود است. [۱۰. «کلمه التقوی» در تحریم غیبت. ۱۱. «محاسن الحصان» به فارسی که به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف شده، در یک مقدمه و هفت باب و خاتمه. تاریخ فراغت از تألیف جمعه ۲شعبان ۱۱۱۷ق در قریه «کرسکان» می باشد. و نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. ۱۲. «مفتاح الفرج» در استخاره ۱۳. مقاله در نام علمایی که از اهل سنت بوده و سپس شیعه شده اند. ۱۴. «مناقب الفضلاء» که آن را در ۱۱۳۸ق در قریه «خاتون آباد جهت شیخ زین الدّین بن عین علی خوانساری اصفهانی نوشته است. ۱۵. «منیهالمرید» ۱۶. [«المواهب السّنیّه فی کشف المعضلات الرّوضه البهیّه» که جلد نخست آن به خط مؤلف به شماره ۱۲۷۶۵ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است. [۱۷. «النجّم الثّاقب» ۱۸. «نوروزیّه» ۱۹. «وسیله النّجاه» در زیارات بعیده.

نوادگان و اعقاب او [تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی] امام جمعه اصفهان و طهران بوده و نزد دولت های زمان خود اعتبار و احترام فراوان داشته اند. سادات معروف به تکمه چین نیز از این خاندان به شمار می روند.(۱)

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۱۲۷-۱۲۵؛ روضات الجنات،ج۲، ص۳۶۰؛ فوائد الرضویه، ج۲، صص ۴۹۴ و ۴۹۵؛ مصفی المقال، صص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۳؛ ایضاح المکنون، ج۲ ۱۲۲ ۱ و ج۲، ص ۷۰۸ و ۵۲۶؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۹۷۸؛ ریحانهالادب، ج۲، ص۱۰۰؛ لغت نامه دهخدا ذیل «خاتون آبادی»، ص۱۰؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۲۵۶؛ الذرّیعه، ج۳، ص۵۴ و ج۷، ص۲۵۴ و ج۱۲، ص۱۲۹ و ج۱۶، ص ۳۸۰ و ج۱۸، ص۲۹۳ و ج ۲۰، ص۱۲۶ و ج۲۲، ص۳۳۳ و ج۲۳، ص۲۰۹ و ج۲۴، ص۳۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۲۷ و ۲۸؛خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ۴۵ و ۴۶؛ دومین دو گفتار، ۶۲-۵۹؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ۵۳۲-۵۳۰.

شیخ محمّد حسین جویباره ای

شیـخ محمّد حسـین جویباره ای بن ملّا محمّد صالح بن ملّا محسن مازندرانی، عالم فاضل محقق، مادرش زهرا بیگم دختر سیّد صدرالدّین محمّد عاملی است. در اصـفهان متوّلد شده و در این شـهر و نجف اشرف به تحصـیل پرداخته و پس از مراجعت از نجف اشـرف در مسجد معروف به «شیره پزها» و «مسجد شیشه گری» اقامه جماعت می نموده و مورد وثوق مؤمنین و مقدّسین بوده و دختر حاج سیّد جعفر بیدآبادی را به زوجیّت اختیار نموده است.

عاقبت در اصفهان وفات یافته و در «تکیه فاضل سراب» معروف به «تکیه جویباره ای ها» در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

محمّدحسین ابهری اصفهانی

محمّدحسـین بن طـالب ابهری اصـفهانی [از کاتبـان قرن یازدهم هجری و از اهالی قریه «ابهر» از بلوک جی اصـفهان] در شـنبه سوم جمادی الاولی سال ۱۰۸۲ق کتابت نسـخه ای از «اخبار العلماء به اخبار الحکماء» ابن قفطی را به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۴۸۰ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.(۲)

[همچنین او نسـخه ای از «النّهـایه فی غریب الحـدیث» تألیف را به خط نسـخ معرّب زیبا در ۹شعبان ۱۰۹۵ق کتابت کرده است که به شماره ۲۲۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۳)]

۱- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۱۷ و ۲۱۸؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۳.

۲- فهرست ملک، ص۲۲.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۹۵.

استاد حسین طاهرزاده*

استاد سیّد حسین طاهرزاده فرزند سیّد محمّد طاهر تویسرکانی خواننده و موسیقی دان هنرمند معاصر. پدرش از علمای ساکن اصفهان بوده و خود او در سال ۱۲۶۱ش در اصفهان متولّد شد. در ۱۷ سالگی به تهران رفت و تصادفاً با حسام السلطنّه که ویولُن را خوب می نواخت و ردیف های موسیقی را می دانست آشنا شد و از طریق او با سایر هنرمندان موسیقی همچون میرزا عبداللّه و سماع حضور آشنا شد. همچنین از «سیّد رحیم» یکی از موسیقی دانان آن عهده بهره بُرد. پس از آن به خانقاه ظهیرالدّوله راه یافت و به دیدار «درویش خان» نائل شد و با او طرح دوستی ریخت و به همراه او برای ضبط موسیقی به لندن رفت. او در کنسرت های انجمن اخوّت و کنسرت هایی که به نفع امور خیریه داده می شد شرکت داشت و سفری هم با درویش خان به تفلیس رفت. او در اواخر عمر چند سالی در اداره کل انتشارات رادیو و در شورای هفت نفره از موسیقی دان ها، فعالیت داشت.

طاهرزاده هیچ گاه موسیقی را پیشه خود قرار نداد. او چاپخانه ای در تهران داشت و با اداره آن امرار معاش می کرد، و سرانجام در ۱۵ شهریور سال ۱۳۳۴ش در تهران درگذشت.

آثار زیادی از استاد طاهرزاده از سال ۱۳۲۴ش به بعد که بر روی صحنه های گرامافون ضبط شده در دست است. او تنها کسی است که در بین خوانندگان قدیم سبکی ممتاز داشته است. تحریرهای او متنوع بود و توجّه کامل به درست ادا کردن اشعار داشت، و تلاش می کرد در خواندن جنبه خبری یا استفهامی اشعار را رعایت کند.(۱)

۱- چهره هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران، ص۱۱۰؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص ۳۶۲-۳۶۰.

حسین صالحانی

ابو منصور (ابوعبداللّه) حسین بن طلحه بن حسین بن ابی ذر محمّد بن ابراهیم بن علی صالحانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری و از اهالی محله صالحان اصفهان است. او شیخی عالم و صالح و صاحب سیره نیکو و از خاندان علم و حدیث بوده است. در سال ۴۴۹ق متولّد شده و از ابوالقاسم ابراهیم بن منصور بن ابراهیم سلمی، ابوسعد احمد بن محمّد معروف به «عیّار» و ام الحسن عایشه ورکانیه و دیگران استماع حدیث کرده است. ابوسعدسمعانی در اصفهان از وی اخذ حدیث می نماید. صالحانی در رجب سال ۵۳۲ق در اصفهان وفات یافته است.(۱)

ملّا محمّد حسین دهنوی اصفهانی

ملّا محمّد حسین بن ملّا عادل دهنوی اصفهانی، از فضلاء و ادباء قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب «جامع المعجزات» را در سال ۱۲۳۴ق تألیف نموده و شامل یک مقدمه و یک خاتمه و دوازده باب است. مقدمه، در تعداد اوصیاء پس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله و این که عدد ۱۲ است و دلیل امامت آنها به دلیل عقلی و نقلی. در ۱۲باب به شرح حال ۱۲ امام شیعه پرداخته شده و خاتمه در فوائد متفرقه است. مؤلف شعری از خود در کتاب آورده است:

گر بند مؤلف گسلد از بندش

ور خاک شود وجود حاجتمندش

حقا که ز مشرق دلش سر نزند

جز مهر علی و یازده فرزندش

محمّدحسین پرورش*

استاد حاج محمّدحسین پرورش فرزند استاد عباس زرگر از هنرمندان معاصر اصفهان. او در قلمزنی بر روی طلاه و نقره و طلاکوبی استاد بود. در سال ۱۲۸۹ش متولّد شد. در ۸ سالگی پدر را از دست داد. و به هنر روی آورد و در ۱۶ سالگی به استادی رسید. او

۱- التّحبیر، ج۱، ص۲۳۲؛ معجم البلدان، ج۳، ص۳۸۹.

هنرمنـدی عاشق و مؤمن بود و با عمق وجود و با جان و دل آثار هنر ارجمنـدی خلق می کرد. از ساخته های هنرمندانه زرگری و طلاکاری او در حرم و رواق های حرم حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام، حضـرت مسـلم بن عقیل، حضرت قاسم برادر امام رضاعلیه السـلام، حضـرت سیدالشهداءعلیه السلام، حضرت ابوالفضل، ضریح حضرت عسکریین علیهم السلام همگی در عراق و حرم حضرت زینب(سلام اللّٰه علیها) و ام کلثوم در سوریه، همچنین ساخت درب های رواق های حرم مطهر، بازسازی ضریح قبلی، بازسازی درب های قدیمی قبلی، طلاکاری گنبد مطهر و یکی از گلدسـته های بارگاه مطهر حضـرت رضاعلیه السلام در مشـهد مقدس، بازسازی حرم حضـرت معصومه(سـلام اللّٰه علیها) و ساخت درب های حرم و زیارت نامه های آن حرم در شهر قم، بازسازی ضریح و گلدسته گنبد شاهچراغ در شیراز بوده است.

وی سـرانجام در اوایل مهر ماه ۱۳۸۲ش درگـذشت و در قطعه هنرمندان واقع در قبرسـتان باغ رضوان اصـفهان به خاك سپرده شد.(۱)

استاد حسین یاوری*

حسـین احمدیان معروف به «اسـتاد حسین یاوری» فرزند عباس، موسیقی دان هنرمند معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شـد. در کـودکی بـه نـواختن نی علاقمنـد شـد و در نوجـوانی ه فراگرفتن موسـیقی و نـواختن نی پرداخت و از محضـر اسـاتید موسـیقی نایب اسـداللّٰه، مهـدی نوائی، سـیّد عبدالرحیم، میرزا حسـین خضوعی، حبیب شاطرحاجی، غلامرضا سارنج، اکبرخان نوروزی و دیگران کسب فیض کرد تا به درجه استادی رسید.

او در نواختن نی در روزگار خویش هنرمنـدی بدیل بود و در آواز نیز تسـلط داشت. با گوشه ها و الحان موسـیقی آشـنا بود و دهها تن از علاقمندان موسـیقی از معلومات موسـیقائی او بهره بردند. اسـتاد یاوری با استاد جلال تاج، استاد علی آقا شهنازی و استاد

۱- تاریـخ اصـفهان (هنر و هنرمندان)، صـص ۳۵۲ و ۳۵۳؛ هفته نامه صـدا، سال چهارم، شـماره ۱۶۷۸، مورخ ۱۲ مهر ۱۳۸۲، ص۶.

علی ساغری همکاری نزدیک داشت.

او در اثر حادثه ای بینائی خود را از دست داد. امّا حافظه قوی و معلومات فراوان او باعث شد توجّه و مراجعه علاقمندان موسیقی به او روز به روز بیشتر شود. او تا پایان عمر همسری اختیار نکرد و سرانجام در ۲۲آذر ۱۳۷۵ش چشم از جهان فرو بست و در شمال تکیه فاضلان واقع در تخت فولادبه خاک سپرده شد.

مرحوم استاد منوچهر قدسی برای او مرثیه ای سروده و ماده تاریخ فوت او را در این بیت آورده است:

بنوشت «قدسی» از پی تاریخ فوتش

«اندر بهشت جاودان خرم قدم زد»(۱)

خسرو سینائی از فیلم سازان برجسته سینمای ایران در سال ۱۳۵۲ش فیلمی ۱۴دقیقه ای از او، برای رادیو تلویزیون ملّی ایران ساخته است.

میر محمّد حسین سلطان العلماء

میر محمّد حسین سلطان العلماء بن میر عبدالباقی بن میر محمّد حسین بن میر محمّد صالح خاتون آبادی، عالم فاضل و فقیه مجتهد، از علمای بزرگ اصفهان در قرن سیزدهم هجری.[شب یکشنبه سلخ ذی القعده ۱۱۶۰ق در اصفهان] متولّد شده(۲) و نزد جمعی از علماء به ویژه آقا محمّدباقر وحید بهبهانی به تحصیل پرداخته و از پدر خود اجازه دریافت داشته است. سیّد زین العابدین موسوی خوانساری (پدر میرزا محمّدباقر صاحب روضات و میرزا هاشم چهارسوقی) از او اجازه دریافت نموده است.

او در سال ۱۲۰۸ق پس از وفات پدر به امامت جمعه اصفهان منصوب شده و دارای نفوذ و شهرت و اعتبار فراوان گشته و ریاست دینی شهر را کسب نموده و به لقب «سلطان

۱- تاریخ موسیقی ایران، صص ۶۲۰ و ۶۲۱؛ چهره افروختگان خطه زنده رود، صص ۱۴۰ و ۱۴۱؛ دولت دیدار، صص ۲۹۸ و ۲۹۹؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۴۱؛ سیمای هنرمندان ایران، ج۳، صص ۱۰۹-۱۰۷؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، صص ۶۲۰ و ۶۲۱.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۳۹.

العلماء» ملقّب شده است و علاوه بر آن به تدریس فقه و اصول و حدیث و کلام مشغول بوده و در مجلس درس او حدود هشتصد نفر از طلّاب حاضر می شده اند.

[وی حامی دین و ملّت و پشت و پناه مظلومان بوده و در جریان تبلیغات «هنری مارتین» مسیحی معروف به «پادری» علیه اسلام، به مقابله پرداخته و در ردّ عقاید او کتاب نوشته است و در قضایای جنگهای ایران و روس و اشغال سرزمین مسلمانان به دست کفار روس در کنار بسیاری از مجتهدان و مراجع فتوای جهاد علیه روس های متجاوز را صادر نموده است.]

مشارالیه قبل از طلیعه صبح روز ۱۶ماه صفر سال ۱۲۳۳ق در اصفهان وفات یافته است.(۱)

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «حاشیه معالم الاصول» که آن را به عربی نوشته است. نسخه ای از آن که تا مبحث «حجیّت خبر واحد» را دارد و به دست محمّد موسوی مشهدی، در ذیقعده ۱۲۲۳ق در اصفهان کتابت شده و به شماره ۹۰۸۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. (۲) ۲. «رساله در توحید»، به عربی که به شماره ۱۸۲۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

[۳. «رساله جهادیه» به فارسی که رساله ای است مفصّل به صورت پرسش و پاسخ درباره مسائل فقهی جنگ ایران و روسیه که شامل ۲۴پرسش و پاسخ و یک خاتمه در اخلاق و نصیحت پادشاهان است و به شماره ۱۲۶۲۰ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۱۳؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۲۲؛ ریحانهالادب، ج۲، ص۱۰۰؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۹۶ و ۳۹۷؛ الذریعه، ج۴، ص۱۷۱ و ج۵، ص۲۹۶ و ج۱۰، ص۲۱۵ و ج۱۱، ص۲۱۵ و ج۲۳، ص۱۷؛ تاریخ اصفهان(جابری)، مکارم الآثار، ج۳، صص ۹۶۰ و ۹۶۱؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۲۴۱؛ روضات الجنات، ج۷، صص ۱۰۷ و ۱۸۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «خاتون آبادی»، ص۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۰۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۹۳.

۲- فهرست رضوی، ج۱۶، صص ۱۹۹ و ۲۰۰.

۳- فهرست مجلس، ج۹، ص۴۵۵.

قم موجود است.(۱)] نسخه دیگری از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که به خطّ زیبای «محمّد هادی» نوشته شده و در سال ۱۲۶۲ق وقف شده است.] (۲) ۴. «رساله در ردّ پادری نصرانی» [که آن را در جمعه ۱۰ ربیع الاوّل سال ۱۲۳۱ق به فارسی تألیف نموده است. نسخه ای از آن به خط محمّدحسین بن محمّد جعفر قهبائی به شماره ۵۵۲۴/۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)] نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۳۹۵۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی سابق موجود است.(۴) ۵. «رساله در قضا و قدر» ۶. «رساله در منجزات مریض» [۷. «رساله در جواز نقل نعش به مشاهد» که به خط محمّد حسین بن محمّد جعفر قهپائی کتابت شده و به شماره ۵۵۲۴/۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.](۵) ۸. «مصابیح القلوب» [در احکام به فارسی، در یک مقدّمه و ۵باب که باب پنجم آن نوشته نشده است. نسخه ای از آن که به خط «زین العابدین بن عبدالمطلّب موسوی» در چهارشنبه ۸صفر ۱۲۲۵ق کتابت شده و دارای حواشی مؤلف با نشانه «منه مدّ ظلّه العالی» که به شماره ۹۸۲۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس موجود است.(۶)] نسخه ای دیگر از این کتاب در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی موجود است.(۷)

[وی نسخه ای از کتاب «البهجه المرضیه» تألیف: سیوطی را در پنج شنبه ۵محرم الحرام ۱۲۳۱ق را به خط نسخ کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم وجود دارد.(۸)]

۱- فهرست مرعشی، ج۳۲، صص۳۹ و ۴۰.

۲- الذریعه، ج۵، ص۲۹۶.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۸.

۴- فهرست مجلس، ج۱۰، ص۲۰۸۸.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۸.

۶- فهرست رضوی، ج۲۰، صص۴۵۷ و ۴۵۸.

۷- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۴.

۸- فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۱۸۳.

سیّد محمّدحسین بهشتی

سیّد محمّد حسین بن میر عبدالباقی بن میر محمّدرضا حسینی بهشتی، از علمای قرن سیزدهم هجری. مؤلف کتابی در ادعیه سه ماه (رجب، شعبان و رمضان) مدفون در تکیه بهشتی در شمال مصلای تخت فولاد.(۱)

میر محمّد حسین قوام المحدثین*

حاج میر محمّدحسین امامی عریضی ملقب به «قوام المحدثین» بن سیّد عبدالباقی بن سیّد میرزا امامی عریضی اصفهانی، خطیب دانشمند و واعظ توانای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری قمری. در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل علم و فضل پرداخته است. در تاریخ معصومین علیهم السلام و اخبار و اشعار و اخلاق معلومات فراوان و صدایی گیرا و بسیار ملیح داشته و اغلب الحان و آوازها را در کمال استادی می خوانده است و بزرگان و اعیان شهر و علمای مشهور همچون آقانجفی برای مجالس وعظ و خطابه او را بر سایر اقران عصر خویش مقدّم می شمرده اند.

سرانجام در ۹شعبان ۱۳۴۶ق (مطابق لوح مزار وی) وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه جویباره ای ها (مشهور به تکیه فاضل سراب) در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

در برخی از کتابها او را برادر سیّد محمود بن سیّد عبدالعلی موسوی درب امامی دانسته اند که صحیح نیست.(۳)

میر محمّد حسین خاتون آبادی

میر محمّدحسین بن میر عبدالحسین بن میر محمّدباقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل، از فضلای قرن دوازدهم هجری.

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: نسخه خطی؛ یادنامه آیت اللّه فقیه امامی، صص ۳۰ و ۳۱.

۳- بنگرید به: رجال اصفهان یا تدکره القبور، ص۲۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵.

وی در سال ۱۰۷۳ق در اصفهان متولّد شد(۱) و در این شهر به تحصیل پرداخت. سال وفات او معلوم نیست. مقبره او در تکیه خاتون آبادی ها واقع در تخت فولاد قرار داشته است.(۲)

[پسر عمویش میر محمّدباقر نسخه ای از «ترجمه اناجیل اربعه» از تألیفات خود را به میر محمّدحسین اهداء کرده است.(۳)

همچنین میر محمّدحسین خاتون آبادی مالک نسخه ای از کتاب «عدّه الدّاعی» بوده است.(۴)]

میرزا محمّدحسین ادیب*

میراز محمّد حسین ادیب فرزند حاج میرزا عبدالرحیم سمیرمی از فضلاء و هنرمندان اوایل قرن چهاردهم هجری. پدرش از خوشنویسان معروف عهد قاجاریه است. خود او در علوم دینی مهارت داشت و خطشناس زبردست و خوش ذوقی بود. او کتابخانه ای بزرگ با چندین هزار جلد کتاب داشت که پس از فوتش به کتابخانه آیت اللّه بروجردی اهداء شد. وی عمر خود را در تجرّد و بدون زن و فرزند سپری ساخت و در حدود ۸۰ سالگی در قم وفات یافته و در یکی از حجره های صحن مرقد مطهر حضرت معصومه(سلام اللّه علیها) مدفون شد.(۵)

میرزا محمّدحسین نائینی*

میرزا محمّدحسین نائینی بن عبدالرحیم شیخ الاسلام بن حاج میرزا محمّدسعید بن حاج میرزا عبدالرحیم نظرعلی شاه منوچهری نائینی از اکابر علماء و فقهاء قرن چهاردهم

۱- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۲۳.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

۳- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۶۶ و ۶۶۷.

۴- فهرست مجلس، ج۱، بخش چهارم، ص۱۹۱۹.

۵- سیمای دهاقان، ص۲۷۷ و اطلاعات متفرقه.

ص: ۷۰۲

هجری.

در ۲۷ ذیقعده ۱۲۷۶ق در نائین متولّد شده و در اصفهان نزد علمای بزرگ آنجا همچون حاج شیخ محمّدباقر نجفی و فرزندش حاج شیخ محمّدحسین صاحب تفسیر، میرزا ابوالمعالی کلباسی، آقا سیّد محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات)، آخوند کاشی، جهانگیر قشقائی، ملّا محمّدباقر فشارکی و حاج میرزا بدیع درب امامی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۰۳ق به عتبات عالیات رفت و نزد آیات عظام میرزا محمّدحسن شیرازی و سیّد محمّد فشارکی و در کربلا نزد سیّد حسن صدر و در نجف نزد آخوند خراسانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.

پس از وفات میرزا محمّدتقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی، مرجعیت شیعه به او منتهی شد.

در نهضت مشروطیت ایران او از مشروطه خواهان حمایت کرد و مبانی دینی و شرعی مشروطیت را در کتاب «تنزیه الاُمه و تنبیه الملّه» بیان کرد. و در ماجرای استبداد صغیر فتاوایی در حمایت از مشروطه خواهان مخالف محمّدعلی شاه صادر نمود. اما چندی نگذشت که میرزای نائینی به خاطر حضور چهره های مخالف دین و وابسته به انگلیس در مصدر امور و اعدام و کنار زدن علماء مشروطه خواه و بنیان گذاران مشروطیت، از اقدامات خود ابراز پشیمانی کرده و به جمع آوری و محو کتاب «تنزیه الامه» پرداخت.

پس از آنکه دولت عراق خواست انتخابات مؤسسان را فراهم کند و این اقدام به زعم شیخ مهدی خالصی مخالف شرع بود، مرحوم خالصی به این اقدام اعتراض کرد و درنتیجه به ایران تبعید شد. آیات عظام نائینی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی نیز به حمایت برخاسته و معترضانه به ایران مهاجرت کردند. پس از آنکه دولت عراق با تبعات اقدام ناپسند خود مواجه شد، در اقدام خود تجدیدنظر کرد و آیات عظام نائینی و اصفهانی پیروزمندانه به نجف اشرف بازگشتند.

میرزای نائینی در علم اصول تحقیقات عمیقی انجام داد و نظرات جدیدی را ارائه

کرد. همچنین در مجلس درس او صدها مجتهد و عالم عالیقدر تربیت شدند که بسیاری از آنان بعدها در عداد مراجع عراق و ایران قرار گرفتند. از تقریرات وی در اصول دو دوره کامل بنام «فوائد الاصول» به قلم شیخ محمّدعلی کاظمینی در چهار جلد «و أجود التقریرات» به قلم مرحوم آیت اللّٰه خوئی در چهار جلد منتشر شده است.

وی در جمعه ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۵۵ق وفات یافته و پس از اقامه نماز توسط آیت اللّٰه اصفهانی بر پیکرش در یکی از حجره های صحن مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر عروهالوثقی» ۲. «وسیله النجاه» به فارسی که رساله عملیه مختصری برای مکلّفان و مقلّدان است. ۳. «رساله در لباس مشکوک»، مطبوع ۴. «تنبیه الاُمّه و تَنزیه الملّه» که در سال ۱۳۲۷ق تألیف شده و به طبع رسید. این کتاب بارها در ایران چاپ شده است، «الفتاوی» از فتاوی وی در دو مجلد جمع و طبع شده و چند رساله دیگر.(۱)

سیّد حسین شجره

سیّد حسین شجره بن عبدالرسول بزمی، شاعر و ادیب دانشمند، در سال ۱۲۷۸ش (و یابه نوشته سخنوران نامی معاصر در سال ۱۲۷۱ش) متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در قهفرخ از توابع چهارمحال بختیاری انجام داد و چندین سال به تدریس در مدارس

۱- نقباء البشر، ج۲، صص ۵۹۶-۵۹۳؛ ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۳۶۴؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۷۷۳؛ زندگانی آیت اللّٰه چهارسوقی، ص۶۰؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۱۸۲-۲۱۶۹؛ مجله حوزه، شماره ۷۶ و ۷۷؛ نائین بلده طیّبه، صص ۱۰۱-۹۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۲۰۳؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۴؛ ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص۲۲۹؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۱۲۶؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۱۶؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «حسین»، ص۱۶۷؛ الذریعه، ج۴، ص۴۴۰ و ج۶، ص۱۴۹ و ج۱۱، ص۱۵۰ و ج۱۴، ص۱۸۳؛ معارف الرّجال، ج۱، ص ص ۲۸۸-۲۸۴؛ معجم رجال الفکر و الادب فی النّجف الاشرف، ص۴۳۵.

آموزش و پرورش پرداخت سپس به تهران آمد و در کالج آمریکائی (البرز) به تحصیل پرداخت و دوره متوسّطه را به پایان رسانید. آن گاه وارد دانشکده حقوق گردید و از آن دانشکده فارغ التّحصیل گردید و در دادگستری و سپس وزارت دارایی به کار پرداخت. او همچنین با روزنامه های کیهان و ایران همکاری داشت.

سرانجام در جمعه ۲۱ جمادی الثّانی ۱۴۰۲ق در طهران وفات یافت. این کتب از تألیفات اوست:

۱. «تحقیق در احوال و رباعیات خیّام» [۲. «راز کامروایی»] ۳. رساله در تعبیر رؤیا و روانشناسی امروز ۴. ترجمه «شخصیّت مولوی» تألیف: نیکلسون ۵. علم معاش [۶. «قوای روحی و قوانین فرمانروایی» ۷. «کتب و تجارت عمومی» ۸. «مقدمه ای بر جغرافیای اقتصادی».

همچنین «گلزار ایران» مجموعه مقالاتی درباره ادبیات پیش از اسلام تا قرن هفتم هجری که در روزنامه ایران و «در محفل انس» چه شنیدم» در روزنامه کیهان به طبع رسیده است.]

در سرودن شعر طبعی روان داشت. ابتدا «ناهید» و سپس «شیوا» تخلّص می کرد. این شعر از اوست:

زلف مشکین بر رخ سیمین پریشان کرده ای

آفتابی را به زیر ابر پنهان کرده ای

در هوای آتشین رُخسار خویش از هر طرف

ای بسا مرغ دل اندر سینه بریان کرده ای(۱)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۵؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۹۱۷؛ دائرهالمعارف دانش بشر، ص۱۲۰۵؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۷۰۹؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۲، صص ۷۶۰ و ۷۶۱.

سیّد حسین محمودی خوراسکانی*

سیّد حسین محمودی خوراسکانی، عالم فاضل فرزند حاج میرزا عبدالعلی بن میر محمّدصادق، از فضلاء و علمای حاضر.

در سال ۱۳۲۹ق در خوراسکان متولّد شده و در اصفهان نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، حاج آقا رحیم ارباب، آقا سیّد محمّدرضا خراسانی و حاج آقا حسین خادمی به تحصیل پرداخت. سپس در خوراسکان به اقامه جماعت و موعظه و خطابه مشغول شد.

وی در سال ۱۴۲۳ق وفات یافته و در حرم امامزاده ابوالعباس خوراسکان مدفون شد.(۱)

محمّدحسین خوراسکانی

محمّدحسین بن عبدالفیاض خوراسکانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. از اهالی قصبه «خوراسکان» جی اصفهان بود و در ماه ربیع الاوّل ۱۲۵۸ه.ق نسخه ای از کتاب «مغنی اللبیب» را به خط نسخ کتابت کرد. این نسخه به شماره ۹۷۴۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میرزا محمّد حسین شمیم اصفهانی

میرزا محمّد حسین اصفهانی معروف به پیر فرزند عبدالکریم شیرازی اصفهانی، شاعر، خوشنویس و ادیب فاضل، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. اجدادش از شیراز به اصفهان آمدند و او در اصفهان به دنیا آمده و علم و ادب آموخت. در زمان نادر شاه به قضای لشکر منصوب شد و چندی بعد به کلانتری اصفهان برگزیده شد و کمی بعد در سال ۱۱۵۹ق به دستور نادر شاه کشته شد. خط شکسته را خوش می نوشت. شعر را نیز

۱- رساله خوراسکان (تألیف: محمّدعلی ربّانی خوراسکانی): خطی.

۲- فهرست رضوی، ج۱۲، ص۴۴۶؛ خورشید جی، ص۳۱۲.

نیکو می سرود و «شمیم» تخلّص می کرد.

از اوست:

ز سوز عشق تو آن را که نیم جانی هست

چو شمع تا نفس واپسین زبانی هست(۱)

شیخ محمّد حسین واعظ شیرازی

شیخ محمّد حسین واعظ بن حاج عبدالکریم شیرازی، عالم فاضل واعظ. وی نواده دختری شیخ محمّد تقی رازی، در اصفهان ساکن بود و به وعظ و خطابه مشغول بود. در سالهای جوانی در جمعه غرّه شوال ۱۲۸۸ق وفات یافته، در ضلع شرقی تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش را «بهاء» گفته است:

از پی تاریخ او «بهای» حزین گفت:

«شیخ حسین از زمانه کام ندیدی»(۲)

حسین ایلیا*

استاد حسین ایلیا فرزند عبداللّٰه بن استاد آقاجان کاشی پز اصفهانی. هنرمند برجسته کاشی سازی اصفهان در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شد. در نوجوانی نزد پدر و سپس عمویش به هنر کاشی سازی پرداخت و آنرا فرا گرفت.

کاشی کاری مسجد سلطانی سمنان، سردرب ارگ سمنان، زیر گنبد باغ رضوان ارومیه، مسجد امام و گنبد آن در اصفهان، حرم مطهر حضرت زینب و حضرت

۱- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ۵۲۴؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۹۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل شمیم، ص۶۱۴: نتایج الافکار، ص۳۹۵؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۷۲؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۲۹ و ۱۳۰؛ شهداء الفضیله، ص۲۵۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۳۲؛ الذریعه، ج۹، ص۵۴۶؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، ص۳۱۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۵؛ گلشن اهل سلوک، صص ۲۰۶ و ۲۰۷.

رقیه(علیهماالسلام) در سوریه، حمام گنجعلی خان کرمان، کاخ نیاوران در تهران، کاخ گلستان در تهران، مسجد اعظم قم، حسینیه بنی فاطمه اصفهان و دهها نمونه کاشیکاری دیگر از آثار هنری به جای مانده از استاد حسین ایلیا است.(۱)

حسین اصفهانی

حسین بن عبداللّٰه بن محمّد بن محمّد حسین اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری]در سال ۱۲۹۳ق کتاب «سیف الذّاکرین» به فارسی را که عبارت از مجالس و مطالبی راجع به منبر می باشد را کتابت نموده است. نسخه به شماره ۹۸۲ در کتابخانه آیت اللّٰه گلپایگانی موجود می باشد.(۲)

حسین اُسواری اصفهانی

حسین بن عبداللّٰه بن نمراذ اُسواری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در اوایل قرن چهارم هجری است.

وی از محمّد بن یحیی بن منده و عبداللّٰه بن محمّد بن عمران حدیث شنیده است.(۳)

ملّا حسین گریان اردستانی

ملّا حسین متخلّص به «گریان» ابن ملّا عبداللّٰه شهرابی اردستانی، واعظ صالح و ادیب شاعر، از نویسندگان زبردست و شعرای عالیقدر و وعاظ محترم بوده و سرانجام در سال ۱۳۱۰ق به مرض وبا در تهران وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انوار المجالس» در دو جلد مطبوع، که در سالهای ۱۲۸۰ تا ۱۲۹۹ق تألیف شده است. ۲. «تخمیس دوازده بند محتشم کاشانی» ۳. «حمله مختاریه»، [که در سال

۱- مصاحبه با استاد حسین ایلیا در۵ مرداد۱۳۷۳ش.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۰۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۸۲.

۱۳۲۳ق به طبع رسیده است.] ۴. «تذکره الحال» ۵. «صومّیه» ۶. «طریق البکاء»، به فارسی، که در سال ۱۲۷۳ق به طبع رسیده و در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۱۱ مجدّداً به چاپ رسیده است. ۷. «عشرهالنساء»(۱)

میرزا محمّد حسین اژه ای

میرزا محمّـد حسین اژه ای ابن ملّا عبـداللَّه بن ملّا علی اکبر اژه ای اصـفهانی، عالم فاضل متّقی، متوفی شب چهارشـنبه ذیقعـده ۱۳۰۲ق مدفون در تکیه اژه ای ها نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان.(۲)

محمّد حسین فریدنی

محمّـد حسـین بن عبـداللَّه فریدنی خطاط نسخ نویس. در روز پنج شـنبه ربیع الاوّل ۱۲۳۶ق کتابت نسـخه ای از «حقایق» فیض کاشانی را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۴۹۴ در کتابخانه ملّی ملک در طهران موجود است.(۳)

حسین خَلّال اصفهانی

ابو عبداللَّه حسین بن عبدالملک بن حسین خَلّال (حکاک) اصفهانی ادیب، از محدّثین و ادبای قرن ششم هجری است.

پسر عمویش ابومحمّـد بختیاربن محمّـد خلّال، از مشایخ ابن عساکر مؤلّف تاریخ دمشق است. ابوالقاسم ابراهیم بن منصور بن ابراهیم سلمی (خبّاز) و ابوطاهر احمد بن

۱- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۵ و ۵۴۶؛ الذریعه، ج۲، صص ۴۳۹ و ۴۴۰ و ج۴، ص۳۰ و ۱۰ و ج۱۵، صص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ نقباء البشر، ج۲ صص ۵۵۹ و ۵۶۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۳، ص۱۶۳۰.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۲.

۳- فهرست ملک، ص۲۶۳.

محمود بن احمـد ثقفی از او نقل حدیث می کنند.(۱) ابوالقاسم اسـماعیل بن محمّد بن فضل تیمی اصفهانی نیز در سال ۵۳۲ق نزد او به قرائت حدیث پرداخته است.(۲)

میرزا محمّد حسین ولی اللهی

میرزا محمّد حسـین ولی اللهی فرزند آملّا عبداللّه، از نقاشان معاصـر اصـفهان است. در فن نقاشـی استاد بوده و در دبیرستانهای اصـفهان به تدریس درس هنر مشغول بوده است.(۳)] وی سرانجام در دوشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۴۲ش وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد به خاک سپرده شده است.(۴)]

دکتر حسین مولوی*

دکتر حسـین مولوی ابن عبدالمولی بن شـیخ محمد حسـین مولوی خوانساری، از اساتید دانشـگاه در سال ۱۳۲۱ش در اصفهان متولد شده و پس از تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه، در آمریکا ادامه تحصـیل داده و سـرانجام موفق به اخذ دکترای روانشناسی تربیتی از دانشگاه ایـالتی تگزاس آمریکـا شـده است. پس از بازگشت به ایران به تـدریس در دانشـکده علوم تربیتی دانشـگاه اصفهان پرداخت.

از آثار ایشان ترجمه «اصلاح رفتار ناسازگار» نوشته «اُوْ اِنْریک» به چاپ رسیده است.

۱- تبیین کذب المفتری، صص ۴۱۸ و ۳۳۳ و ۳۷۹ و ۴۰۲؛ التّحبیر، ج۱، ص۱۳۱.

۲- فهرست خطی احیاء، ج۲، صص ۲۲۶-۲۲۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۴.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

ملّا محمّد حسین رضوانی جرقوئی

ملّا محمّـد حسین رضوانی نیکٔ آبادی جرقویه ای فرزنـد رضا عبدالهادی شاعر ادیب و خوشنویس. از سخنوران معاصر، در محل تولّد خود کسب معلومات کرده و به تعزیه خوانی سرگرم بوده است. وی مجموعه ای از اشعار مناسب تعزیه خوانی را به نام «جُنگ» گردآوری کرده است.(۱)

حسین اصفهانی

حسین بن عزیزاللّٰه اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است.

وی کتاب «نماز برهنه» که فتاوای مرحوم سیّد حجّهالاسلام شفتی (به فارسی) در آن توسط شیخ محمّد حسین طهرانی کربلائی جمع آوری شده را در سال ۱۲۴۶ه.ق کتابت نموده است.

ظاهراً صاحب عنوان از شاگردان درس سیّد حجهالاسلام است.(۲)

میرزا حسین آفارانی

میرزا حسین بن شیخ علی آفارانی، از وعاظ معاصر اصفهان و از اهالی قریه «آفاران» در غرب شهر اصفهان [که اکنون به شهر پیوسته و از محله های اصفهان به شمار می رود]متوفّی ۱۴رمضان المبارك سال ۱۴۰۱ق مدفون در تکیه آقا محمّد بیدآبادی.(۳)

کمال الدّین حسین اصفهانی

کمال الدّین حسین بن میرزا علی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. ظاهراً از شاگردان میر سیّد احمد علوی عاملی بوده است.

۱- گرگویه، ص۱۸۷.

۲- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۵ و ۳۱۰.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۵.

وی کتاب «جامع الفوائد»، در شرح «لغز لوامع ربّانی» را تألیف نموده است. این نسخه در شماره ۷۴۳۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

کتاب «لوامع ربّانی» از تألیفات سیّد احمد بن زین العابدین علوی عاملی می باشد.

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن مجدالدّین علی اصفهانی [از کاتبان قرن دهم هجری] از آثارش کتابت برگی از کتاب «اختیار الرّجال» شیخ طوسی است که ضمن مجموعه شماره ۶۸۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

سیّد محمّد حسین بختیاری

سیّد محمّد حسین بن سیّد علی بن ابوالقاسم بن محمّد حسن بختیاری، عالم فاضل و فقیه متبحّر، در سال ۱۳۰۴ق متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف مهاجرت نموده و به درس آخوند خراسانی و میرزا محمّد تقی شیرازی حاضر شد. سپس خود حوزه درس و بحث تشکیل داد و جمعی کثیر از فضلاء در درس او حاضر شدند. او دختر مرحوم آیت اللّه سیّد ابوالحسن اصفهانی را به زوجیت گرفت. در اواخر عمر به بیماری مبتلا شده و به ناچار به ایران بازگشته و در تهران به معالجه پرداخت. ولی فایده ای نبخشیده و در ۲۶ محرم ۱۳۶۸ق وفات یافته است.

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «حاشیه علی وسیله النجاه» تألیف آیت اللّه اصفهانی ۲. «رساله در قاعده لاضرر و لاضرار» ۳. «حاشیه بر کفایه الاصول» (۳) ۴. «القواعد الفقهیه» ۵. «الاصول» ۶. «حاشیه علی المکاسب»(۴)]

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۴۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۷۳.

۳- نقباء البشر، ج۱، صص ۶۰۴ و ۶۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۱؛ دائرهالمعارف تشیع، ج۳، ص۱۲۷.

۴- مستدرک فهرس التراث، ص۶۸.

شیخ محمّد حسین مشکینی

شیخ محمّد حسین مشکینی ابن آقا شیخ علی بن شیخ ابوالقاسم عاملی، عالم فاضل جامع معقول و منقول، زاهد متقی، از علمای قرن چهاردهم هجری و از اعقاب شهید ثانی

در اصفهان متولّد شده و نزد میر سیّد علی نجف آبادی، سیّد محمّد نجف آبادی، شیخ محمّد حکیم خراسانی و میر محمّد صادق خاتون آبادی به کسب فیض پرداخته و سپس به تدریس فقه و اصول و حکمت در مدرسه جده کوچک مشغول شد. وی نماز جماعت را در مسجد تل عاشقان اقامه می نمود.

از علمای منزوی و گمنام بود و عمری را به زهد و قناعت و دوری از ریاست و اعراض از مردم سپری نمود و سرانجام در شب شنبه ۲۳ شوال ۱۳۶۸ق در سن قریب به ۷۵سالگی وفات یافته و در تکیه آقا باقر دردشتی (معروف به تکیه خلیلیان) در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

حسین تستری اصفهانی

ابو عبداللّٰه حسین بن علی بن احمد بن حسن تستری اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است و سمعانی از او به عنوان شیخ صالح یاد کرده است. از ابوسعد محمّد بن عمر بن علی بن احمد صوفی بغال حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی کمی حدیث فرا گرفته است.(۲)

شیخ حسین خوئی

شیخ حسین بن علی بن حسن خوئی، از طلبه علوم در اصفهان بود. در سال ۱۲۴۲ق وی نسخه ای از کتاب «مدارک الاحکام» تألیف: سیّد محمّد موسوی عاملی را به نسخ

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۵۲ و ۷۵۳؛ علوم و عقاید، صص ۸ و ۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۵.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۳۳.

نوشته و سپس آن را مقابله کرده و طرف مقابله برادرش شیخ عبداللّه بوده است. نسخه به شماره ۱۹۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران جزو کتب اهدائی امام جمعه خوئی موجود است.(۱)

حسین عاملی*

حسین بن علی بن محمّد بن حسن بن زین الدّین عاملی از علماء و فقهاء اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او از نوادگان شیخ زین الدّین معروف به «شهید ثانی» بوده و پدرش شیخ علی معروف به «صاحب الدّر المنثور» می باشد. نزد پدر به تحصیل پرداخته و در محضر سایر علمای اصفهان به تکمیل آن اهتمام ورزیده است.

وی کتابهای «شرح بدایه الدّرایه » تألیف شهید ثانی و «خلاصه الاقوال» تألیف علّامه حلّی را در ۱۰ ربیع الاوّل ۱۰۷۴ق کتابت نموده و پدرش اَنهائی در ۸ ذی الحجه همان سال برای او نوشته است. نسخه به شماره ۱۴۵۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲)

حسین طغرائی

مؤیّد الدّین ابواسماعیل حسین بن علی بن محمّد بن عبدالصّمد اصفهانی معروف به «طغرائی» و ملّقب به «فخرالکتاب»، ادیب فاضل و شاعر ماهر، نسب او به «ابوالاسود دُئِلی» منتهی می شود.

[وی در سال ۴۴۸ق متولّد شده و به تحصیل پرداخت و در شعر و ادب استادی توانا و در علوم مختلف خصوصاً کیمیا دانشمندی ماهر گردید و پس از مدتی به دربار سلطان محمّد سلجوقی قرار گرفته و عهده دار «دیوان طغرا» گردیده و به «طغرایی» شهرت یافت او پس از مرگ این پادشاه در سال ۵۱۱ق در موصل به سلطان مسعود فرزندش پیوست و به وزارت او رسید.

۱- فهرست مجلس، ج۷، ص۳۳۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

در جنگی که بین سلطان مسعود بن محمّد سلجوقی و برادرش سلطان محمود اتفاق افتاد. سپاهیان سلطان مسعود در نزدیکی اسدآباد همدان عزیمت یافته و شکست خوردند و طغرایی به اسارت درآمد. در این هنگام شهاب اسعد که رئیس تحریرات بود و کمال الملک علی سمیرمی وزیر سلطان محمود که از پیشرفت کار مؤیدالدّین طغرایی به هراس افتاده بودند، او را به داشتن عقاید فاسد و الحاد متهم ساخته و نزد شاه به بدگوئی پرداختند. بار اول طغرایی اشعاری خواند و از خود رفع اتهام کرد و شاه از قتل او چشم پوشید، امّا آن دو به توطئه و سعایت خود ادامه دادند و عاقبت شاه دستور کشتن استاد طغرایی را صادر کرد و این چنین او به شهادت رسید.

در سال قتل طغرایی بین مؤرخان و تراجم نویسان اختلاف است و آن را یکی از سالهای ۵۱۳ یا ۵۱۴ یا ۵۱۵ق ذکر کرده اند که با مقایسه و مطابقت منابع شاید سال ۵۱۴ق را بتوان پذیرفت.

در سال ۵۱۶ کمال الملک سمیرمی توسط غلام طغرایی در چهار بازار بغداد از پای درآمد.]

طغرایی از شیعیان راسخ العقیده بوده و علوم علماء و مؤلّفین شیعه او ستوده اند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاحسان فی علم المیزان» ۲. «الارشاد الی الاولاد»، که نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس در تهران و نسخه دیگر در مجموعه کتابهای اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران موجود است. ۳. «اسرار الحکمه» ۴. «تراکیب الانوار» ۵. «جامع الاسرار» درباره کیمیا ۶. «الجوهر النضیر فی صناعه الاکسیر» ۷. «حقایق الاستشهادات» در رد نظر ابن سینا درباره ابطال کیمیا که به شماره ۱۱۰۶۴ در کتابخانه وزیری یزد موجود است. ۸. «دیوان اشعار» که نسخه های آن در دارالکتب المصریه در قاهره و در کتابخانه هایی در برلین، موزه لندن و «سن پطرزبورگ» روسیه موجود است. همچنین در سال ۱۳۰۰ در استامبول به چاپ رسیده است. ۹. «ذات القواعد» ۱۰. «رساله خاتمه» ۱۱. «شرح دیوان مُتنبّی» ۱۲. «طغراء الشریفه» ۱۳. «لامیه العجم»

مشهورترین اثر طغرائی، که قصیده ای است به عربی در ۵۹ بیت که مورد توجّه ادبای عرب و ایرانی واقع شده و دهها شرح بر این قصیده نوشته اند از جمله شرح صفدی، [و بسیاری از مستشرقین اروپایی به تحقیق، ترجمه و چاپ ان اقدام کرده اند از جمله پروفسور بوکوک آن را به لاتین ترجمه کرده و در سال ۱۶۶۱م. با حواشی بسیار آن را به چاپ رسانیده است. [۱۴. «مصابیح الحکمه و مفاتیح الرّحمه» در علم اکسیر و کیمیا

استاد طغرائی به فارسی و عربی شعر می سروده است و قصیده «لامیه العجم» با این بیت آغاز می شود:

«اصاله الرّأی صانتنی عن الخطل

و حلیه الفضل زانتنی لدی العطل»(۱)

حسین اُسواری اصفهانی

ابو علی حسین بن علی بن یزید اُسواری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن سلیمان لِوّین روایت می کند و ابو احمد عسال اصفهانی از او

۱- آثار الوزراء عقیلی، ص۲۶۲؛ معجم الادباء، ج۱۰، صص ۷۹-۵۶؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۲۱۰؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۱۱۵؛ الکنی و الالقاب، ج۲، صص ۴۴۹ و ۴۵۰؛ راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۱۳؛ ثقاه العیون، صص ۸۰ و ۸۱؛ راحه الصّدور، ص۲۳۹؛ امل الآمل، ج۲، صص ۹۵ و ۹۶؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۱۶۹-۱۶۶؛ وفیات و الاعیان، ج۲، ص۱۸۵؛ فواید الرضویه، ج۱، ص۱۴۱؛ آثار الشیعه، ج۴، صص ۵۲-۵۰؛ الاعلام، ج۲، صص ۲۶۷ و ۲۶۸؛ شیمیدانان نامی اسلامی، صص ۱۸۰-۱۷۷؛ هدیه الاحباب، ص۲۱۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۷۵؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۷۶-۲۷۱؛ لباب الالقاب، ص۱۴۴؛ اعیان الشیعه، ج۲۷، ص۷۶؛ تاریخ و ادبیات در ایران، ج۲، ص۱۰۳۸؛ الذریعه، ج۹، ص۶۴۸ و ج۱۳، ص۲۷۴ و ج۱۷، ص۱۱۸ و ج۱۸، ص۲۷۱ و ج۲۱، ص۳۰۲؛ روضات الجنات، ج۳، ص۱۸۱؛ ریحانهالادب، ج۴، ص۵۷؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۳۶؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۳۷۶ و ۳۷۷، لغت نامه دهخدا، ذیل «حسین»، ص۶۵۹: تاریخ آداب اللغه العربیه، ج۳، ص۱۷۷؛ کشف الظنون، ج۲، صص ۱۵۳۷ و ۱۵۳۹؛ هدیه العارفین، ص۴۰۹؛ شهداء الفضیله، ص۴۰؛ مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال دوازدهم: سال ۱۳۴۴، شماره ۴۷ و ۴۸، صص ۴۵۲-۳۷۳، مجله کیهان اندیشه: شماره ۵۴، خرداد و تیر ۱۳۷۳، صص ۱۹۱-۱۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۴۹ و ۵۵۰.

استماع حدیث کرده است.(۱)

[اَسواریه، از روستاهای اصفهان است. در شمال شهر اصفهان که اکنون به شهر پیوسته است، اَراضی سواری باغ و استوارچی وجود داشته که شاید یکی از آنها همان «اَسواریه» باشد.]

سیّد محمّد حسین بهشتی

سیّد محمّد حسین بن آقا میر سیّد علی بهشتی، عالم فاضل زاهد از ائمه جماعت مسجد سرجوی شاه اصفهان، متوفی سال ۱۳۳۷ق مدفون در تکیه تویسرکانی.(۲)

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی تبریزی

سیّد محمّد حسین اصفهانی تبریزی فرزند میر سیّد علی، از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم هجری است. وی خط نسخ را بسیار زیبا می نوشته و هم خط خوش خود کتاب «زبده الاصول» شیخ بهائی را در سال ۱۲۵۴ق کتابت نموده که در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.(۳)

شیخ محمّد حسین موحّد حُججی نجف آبادی*

شیخ محمّد حسین موحد حججی بن علی موحد حججی نجف آبادی، عالم فاضل محقق، در سال ۱۳۴۸ق در نجف آباد متولّد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد دائی دانشمند خود شیخ احمد حججی فرا گرفت. سپس به اصفهان رفته سطوح را به پایان رسانید. آنگاه عازم قم شده و در درس آیت اللّه العظمی بروجردی حاضر شد. در حدود سال ۱۳۷۲ق به نجف اشرف رفت و از درس آیات عظام میرزا عبدالهادی شیرازی، سیّد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲- تحفه الاحباب، ص ۳۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۹۹.

۳- فهرست الزهراء، ص ۳۵.

محمود شاهرودی، شیخ حسین حلّی، سیّد ابوالقاسم خوئی و سیّد محسن حکیم مستفیض شد. در سال ۱۳۹۱ق به دنبال فشارهای رژیم بعثی حاکم بر عراق به ایران بازگشت و در قم ساکن شد و به تدریس و تألیف مشغول گردید تا اینکه در پنج شنبه ۲۷ رجب ۱۴۱۳ق وفات یافته و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «اولیّات مما اودعه فی الکافی»، مطبوع ۲. «تقریرات درس میرزا عبدالهادی شیرازی در صلاه» ۳. «تقریرات درس شاهرودی» ۴. «تقریرات درس حلّی» ۵. «تقریرات درس خوئی» ۶. «تفسیر قرآن کریم»(۱)

ملّا محمّد حسین خوراسکانی*

ملّا محمّد حسین معروف به «حاج آخوند» بن آخوند ملّا علی خوراسکانی عالم زاهد متّقی، از علمای اواخر دوره قاجاریه. در خوراسکان اصفهان مرجع حلّ و فصل امور مردم بود و مورد وثوق مردم قرار داشت و در مسجد نو خوراسکان اقامه جماعت می نمود. سرانجام در سال ۱۳۲۰ق وفات یافته و در تکیه خوانساری ها در تخت فولاد مدفون شد. متأسفانه در سال ۱۳۷۳ش پس از مرمت تکیه و احداث مسجد، مقبره او و فرزندش ملّا تقی را خراب کردند.

بنا به نقل احفاد صاحب عنوان، نسب این خانواده به شیخ حرّ عاملی منتهی می شود.(۲)

حسین ریزی لنجانی

حسین بن علی ریزی لنجانی، از کاتبان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. در نوشتن خط نسخ مهارت داشته و از اهالی ریز [زرین شهر فعلی] از بلوک لنجان اصفهان بوده

۱- تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۵۹۹ و ۱۶۰۰؛ سیمای دانشوران [نجف آباد]، ص۸۲؛ آئینه اهل قلم [نجف آباد]، صص ۴۱ و ۴۲؛ دیباچه دیار نون، ص۱۶۷.

۲- جلوه افلاکیان: خطی؛ رساله خوراسکان (تألیف: محمّدعلی ربانی): خطی.

است.

وی در سال ۱۲۵۹ق مجموعه ای از ۱۹ رساله رجالی سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی را کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱) همچنین او جلد دوّم «نهایه اللّغه» تألیف: ابن جزری را به خط نسخ در سال ۱۲۷۹ق کتابت کرده است که در کتابخانه عبدالحمید مولوی در مشهد مقدّس موجود بوده است.(۲)

ملّا محمّد حسین زفره ای

ملّا محمّد حسین زفره ای فرزند ملّا علی عرب، عالم فاضل ادیب عارف خوشنویس.

خط نستعلیق را در کمال استادی می نوشته و عدّه ای در فن خط شاگرد او بوده اند. وی در ۱۸ ذی الحجه سال ۱۳۴۳ق وفات یافته، نزدیک بقعه فیض در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

محمّد حسین ریزی لنجانی

محمّد حسین بن ملّا علی ریزی لنجانی از نویسندگان کتب و خطاطان قرن سیزدهم هجری. در بیستم جمادی الاولی ۱۲۶۶ق کتابت قسمتی از مجلد ۱۴ «بحارالانوار» را به خط نسخ زیبا به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۲۲۱۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

همچنین در تاریخ پنج شنبه ۸ رمضان المبارک ۱۲۷۹ق کتابت نسخه ای از جلد دوّم «النّهایه فی غریب الحدیث و الاثر» تألیف: ابن اثیر را به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۷۸۰ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۵)

۱- بیان المفاخر، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲- نسخه های خطی، ج ۵، ص ۱۰۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۸.

۴- فهرست مرعشی، ج ۶، ص ۲۰۷.

۵- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۵۹۵.

سیّد حسین قائنی*

سیّد حسین بن علی قائنی خراسانی اصفهانی، عالم فاضل و فقیه محقّق، از علمای قرن سیزدهم هجری.

وی در اصفهان ساکن بوده و از تألیفاتش برمی آید که در فقه و اصول مهارتی به سزا داشته و احتمالاً نزد علمای اصفهان تحصیل کرده است.

کتب زیر از اوست:

۱. «سفینه النّجاه» در فقه، در ۹ جلد.

۲. «الفوائد الکبری» در اصول فقه، در ۳ جلد به خط مؤلف که در کتابخانه آیت اللّه ریاضی در نجف آباد موجود است.(۱)

میر محمّد حسین میر محمّد صادقی

میر محمّد حسین بن میر سیّد علی میر محمّد صادقی، از علماء اخیار و فقهاء و مدرسین. در اصفهان متولّد شد و مقدمات و سطوح را نزد پدر آموخت. در نجف و کربلا نزد صاحب جواهر و شریف العلماء مازندرانی تلمّذ نموده و از آن دو به دریافت اجازه مفتخر شد. در اصفهان نیز مدّتی به درس حاجی کلباسی و سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی حاضر شده، سپس حوزه درس و بحث تشکیل داده و جمعی از افاضل به درس او حاضر شده اند.

وی در روز شنبه ۲۱ ذیحجهالحرام ۱۲۸۸ه.ق وفات یافته، جنب مزار فاضل هندی در تخت فولاد مدفون گردید. از او تقریراتی در فقه و اصول به جای مانده است.(۲)

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰۹ و ۵۴۷؛ بیان المفاخر، صص ۳۱۰ و ۳۱۱؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۹۱ و ۲۸۹۲.

حسین اصفهانی

حسین بن علی اکبر اصفهانی، ساکن نجف اشرف بوده و در آنجا برحسب خواهش استادش ملّا علی؟ چندین رساله به خط نسخ و نستعلیق، ضمن مجموعه ای کتابت نموده است. مجموعه نامبرده به شماره ۳۳۱ در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی در مشهد مقدّس موجود است.(۱)

ملّا حسین کربلائی

مولی حسین کربلائی بن علی اکبر اصفهانی، عالم فاضل از دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی کتاب «سرور المؤمنین» را به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف نموده است.(۲)

ملّا محمّد حسین خوانساری

ملّا محمّد حسین بن علی اکبر خوانساری اصفهانی، عالم کامل و فقیه محقق، از اجلّه علماء و اتقیاء. در اصفهان خدمت پدر خود و مرحوم سیّد حجّهالاسلام شفتی [و سیّد حسن مدرس] تلمّذ نموده و در کربلا سالها به درس شریف العلماء مازندرانی حاضر گردیده تا به مقامات عالیه علم و اجتهاد نائل شد و به اصفهان مراجعت نموده و مورد توجّه مخصوص حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی واقع شده و مورد وثوق و اطمینان ایشان و مورد توجّه عموم طبقات خواص و عوام واقع گردید. وی پس از وفات پدرش در مسجد میرزا باقر در محله بیدآباد امامت می نموده است.

سرانجام در ۱۴ جمادی الثّانی سال ۱۳۰۲ه.ق در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سیّد مدفون گردید.

مشارالیه کتب عدیده ای تألیف فرموده که از آن جمله است:

۱- فهرست ادبیات مشهد، ص۱۹۸.

۲- الذریعه، ج۱۲، ص۱۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۹.

۱. حکم الغساله بعد الانفصال ۲. دروس الاصول تاریخ تألیف جلد اول در ۱۶ ذی حجه ۱۲۴۸ه.ق ۳. المرشد فی شرح التّبصره، که در سال ۱۲۵۹ و ۱۲۶۰ تألیف شده و اجازات مشایخ ایشان سیّد حسین بن سیّد صادق موسوی جرفادقانی و میر سیّد حسن بن علی بن محمّد باقر (مدرس) قبل از متن کتاب آمده است.(۱)

سیّد حسین مقصودی

سیّد حسین مقصودی فرزند سیّد علی اکبر یزدی، از شعرای معاصر است. در ۱۵ اردیبهشت ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شده و پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به استخدام کارخانه صنایع پشم اصفهان در آمده است.(۲)

شیخ محمّد حسین فقیه نطنزی*

شیخ محمّد حسین فقیه نطنزی ابن علیرضا، عالم فاضل کامل زاهد. در سال ۱۲۸۵ش در نطنز متولّد شد. مقدّمات را در زادگاه خود فرا گرفت. سپس به اصفهان آمده و در مدرسه چهارباغ در حجره برادرش شیخ محمود ساکن شد.

وی در اصفهان از حضرات آیات شیخ محمّد علی حبیب آبادی، شیخ محمّد جواد فریدنی، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی ، حاج آقا رحیم ارباب، سیّد مهدی درچه ای، شیخ مهدی نجفی و آقا سیّد محمّد رضا خراسانی بهره برد و خود به تدریس سطوح در مدارس الماسیه، ملّا عبداللّه عربان مشغول شد و شاگردان بسیاری تربیت کرد.

او نماز جماعت را در مسجد امام اقامه می نمود و در زهد و تقوا زبانزد خاص و عام بود. در ۲۹ محرم ۱۳۹۵ق (مطابق ۲۲ بهمن ۱۳۵۵ش) وفات یافته و در تکیه ملک

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۱۰ و ۳۱۱؛ الذریعه، ج۸، ص۱۴۴؛ فهرست کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی، ج۱، ص۱۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۴۷ و ۵۴۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۳؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۴۰۹ و ۴۱۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۶۳.

واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

[مرحوم حاج شیخ عباسعلی ادیب جهت وفات او اشعاری سروده که به خط استاد حبیب اللّه فضائلی بر سنگ مزار او نوشته شده و چنین است:

شاق الفقیه بلقاء الحسین

و قد أوی تحت لواء الحسین

عاش سعیداً فی الحیاه کما

فات سعیداً بولاء الحسین

فی التّاسع العشرین من محرّم

صاد بشوقٍ بفداء الحسین

اخرج الواحد من جمع و قُل

«ظل الفقیه بعزاء الحسین»]

سیّد حسین بشارت

سیّد حسین بشارت بن میرزا علیرضا حسینی قائنی، شاعر ادیب، [در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل علم و ادب، در جوانی به خدمت در تلگرافخانه اصفهان پرداخت و درجه سرهنگی را به دست آورد. او در سال ۱۳۴۱ق به موجب فرمانی از سوی احمد شاه قاجار به لقب «بشارت حضور» ملقّب گردید.(۲)] و شهرت و تخلّص خود را بشارت قرار داد. وی درسال ۱۳۵۶ق وفات یافته و در تکیه بروجردی واقع در تخت فولاد مدفون گردید.(۳)

از اوست:

شبهای فراق چون سحرگاه شود

هنگام دعا و ناله و آه شود

با دل به شکایت تو می پردازم

امّا نه آن چنان که ناله آگاه شود

۱- جلوه افلاکیان: مخطوط.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۳- کارنامه خاندان قائنی (بشارت)، ص۲۱۰.

شیخ محمّد حسین اژه ای

شیخ محمّد حسین بن میرزا علی محمّد بن ملّا محمّد علی بن ملّا عبداللَّه بن ملّا علی اکبر اژه ای اصفهانی، عالم فاضل زاهد در اصفهان نزد آخوند کاشانی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، سیّد ابوالقاسم دهکردی، شیخ محمّد رضا نجفی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و سیّد علی نجف آبادی به تحصیل پرداخت.(۱)

وی پس از وفات پدر، به مدت ۵۰ سال به اقامه جماعت در مسجد علی علیه السلام پرداخته و امورات شرعی مردم را مورد رسیدگی قرار داد به طوری که در ادارات دولتی حکم و امر ایشان مطاع بوده و مهر ایشان را اعضای دولت قبول داشتند. در اواخر عمر نیز ۱۵سال در خانه خود به امورات شرعی مردم رسیدگی می کردند.(۲)

وی در صبح یکشنبه ۵ شعبان المعظم ۱۳۸۳ق وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی مدفون شد.(۳)

سیّد حسین ظهیر میردامادی

سیّد حسین ظهیر میردامادی ابن میرزا علی محمّد میردامادی خوزانی سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل معاصر در قریه «خوزان» از قرائ ثلثه سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد گردیده و در اصفهان نزد [آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی] و شیخ محمّد رضا نجفی فقه و اصول را آموخت و پس از وصول به مقامات عالیه به مولد خود مراجعت کرده و به ترویج دین و نشر معارف اسلام و ارشاد و هدایت اللَّه مردم اشتغال جسته [و در مسجد ملّا محسن خوزان و مسجد جامع اسفریز اقامه جماعت می نمود] و مورد توجّه و عنایت عموم مردم بالاخص علماء و مقدّسین بود [سرانجام در سال ۱۳۸۸ق وفات یافته و در

۱- جلوه افلاکیان: مخطوط.

۲- هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۳۶۰، اوّل مرداد ۱۳۷۴ش، ص۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۲.

جوار امامزاده سیّد محمّدِ [خمینی شهر] مدفون شد.[(۱)]

حسین پژمان بختیاری

حسین بختیاری متخلّص به «پژمان» فرزند علی مرادخان میرپنج بن نجف خان بن الیاس خان بختیاری، از شعرای معاصر. مادرش عالم تاج متخلّص به «ژاله» فرزند میرزا فتح اللّٰه بن میرزا علی بن میرزا ابوالقاسم قائم مقانی فراهانی است.

در ۳ شعبان ۱۳۱۸ق (مطابق ۱۲۷۹ش) در محلّه حسن آباد تهران متولّد شد. [در کودکی پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند و او در ۴ سالگی به همراه پدر به منطقه بختیاری رفت و در آنجا به تحصیلات مقدماتی مشغول شد. پس از فوت پدرش سرپرستی او را جعفرقلی خان بختیاری برعهده گرفت. در نوجوانی به تهران آمد و در مدرسه سن لوئی به تحصیل پرداخت. و در این مدرسه با نیما یوشیج بنیان گذار شعر نو هم کلاسی بود. او از ۱۸ سالگی به سرودن شعر پرداخت. پس از فراغت از تحصیل به استخدام وزارت پست و تلگراف و تلفن درآمد.

پژمان در انجمن های ادبی تهران از جمله انجمن حکیم نظامی شرکت می کرد و اشعار و مقالات او در مطبوعات مرکز به چاپ می رسید. مدتی نیز برای رادیو ایران برنامه های ادبی تهیه می کرد.]

وی سرانجام یک شنبه ۱۰ ذیقعده ۱۳۹۴ق مطابق با سال ۱۳۵۳ش در تهران وفات یافت. کتب زیر از آثار اوست به چاپ رسیده است:

۱-۵. «تصحیح خمسه نظامی» در ۵جلد ۶. ترجمه «آتالا» از شاتو بریان ۷. ترجمه «رنه» از شاتو بریان ۸. «زن بیچاره» (منظوم) ۹. «زن سیه روز» (منظوم) ۱۰. ترجمه «وفای زن» از کتاب «آدولف» نوشته بنیامین کنستان [۱۱. «دزد اطفال» ۱۲. «قمار» ۱۳. «گربه سیاه» ۱۴. «کرسیل» ۱۵. «خاشاک» (مجموعه شعر) ۱۶. «دیوان پژمان

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۱۰؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۰۳.

بختیاری»[(۱)]

از اوست:

دیوانه زنجیر تو عاقل شدنی نیست

از دل هوس وصل تو زایل شدنی نیست

بر گردن خود رشته زلف تو فکندن

امید دراز است که حاصل شدنی نیست

سیّد حسین عریضی

سیّد حسین بن آقا سیّد محمّد علی بن سیّد محمّد باقر حسینی عریضی اصفهانی. دانشمند بزرگوار، فاضل ادیب زبان شناس معاصر. در سال ۱۲۸۵ش در اصفهان متولّد شد پدرش از اساتید علم قرائت و تجوید بود. در اصفهان تحصیلات ابتدائی و متوسطه را تا دیپلم ادامه داد و به استخدام وزارت راه درآمد امّا پس از مدّتی به وزارت معارف منتقل شده و به تدریس در دبیرستانهای اصفهان پرداخت و پس ازچند سال به معاونت و ریاست دبیرستان ادب منصوب شد و ۲۵سال رئیس این دبیرستان بود. در کنار آن همواره به طور خودجوش به مطالعه و آموختن ادامه داد و در زبانهای فارسی، عربی و فرانسه مهارت یافت. همچنین در رشته حقوق در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. پس از تأسیس دانشکده ادبیات در اصفهان به تدریس جامعه شناسی در آنجا مشغول شد.(۲) او پس از یک عمر خدمت صادقانه به علم و اجتماع در بعدازظهر ۲۳ رمضان المبارک سال ۱۴۱۱ق وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون گردید.

آثار و تألیفات زیر از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۱۵؛ ادبیات معاصر، صص ۳۵ و ۳۶؛ چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی، صص ۱۶۷-۱۶۴؛ چون سبوی تشنه، ۱۸۰-۱۷۸؛ گلزار معانی، ص۱۷۸؛ سخنوران نامی معاصر، ج۲، صص ۸۰۳-۷۹۸؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۸۲۹-۸۲۷؛ دویست سخنور، صص ۶۴-۶۲؛ اثرآفرینان، ج۲، ص۱۲۸؛ دانشنامه جهان اسلام، ج۵، صص ۶۲۴ و ۶۲۵.

۲- نشریه «افتخارات ملّی»، شماره ۲۸۸، نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۰ش؛ یادنامه ادب، صص ۳۷-۳۵.

۱.«تاریخ اصفهان» ۲.«ترجمه سفرنامه شاردن» قسمت اصفهان که دوبار به چاپ رسیده است. ۳. ترجمه مقاله ای درباره کتابهای «لطائف غیبیه» و «مصقل صفا» تألیف سیّد احمد علوی به فرانسه به خواهش سیّد جمال الدّین میرdامادی جهت هانری کربن خاورشناس فرانسوی. ۴. «گوشه هایی ناشناخته تاریخی حمله مغول به ایران» ۵. مقاله «زبان فارسی را پاسداری کنیم» ۶. «ترجمه تاریخ هندی» تألیف: «پیِر میل» که در سال ۱۳۳۶ش به چاپ رسیده است.(۱)

محمّد حسین خان صدراعظم اصفهانی

محمّد حسین خان صدراعظم اصفهانی بن محمّد علی بن محمّد رحیم علّاف، از رجال مشهور اصفهان در عصر قاجاریه. جدّش مرد فقیری بوده و در اصفهان علّافی می نموده است. خودش نیز در آغاز شاگرد علّاف بود، امّا به واسطه عقل معاش و استعداد ذاتی بر ثروت خود افزود و در قضایای جنگ بین زندیه و قاجاریه کمک های فراوان به آقا محمّد خان قاجار نمود و مورد توجّه او قرار گرفت، لذا بیگلربیگی اصفهان شد و لقب «امین الدّوله» یافت. در زمان فتحعلی شاه نیز همچنان حاکم اصفهان بود. تا اینکه در سال ۱۲۳۴ق فتحعلی شاه به او لقب «اعتمادالدّوله» داده و او را به عنوان صدراعظم خود برگزید. حاج محمّد حسین خان تا آخر عمر این منصب را بر عهده داشت تا اینکه در ماه صفر ۱۲۳۹ق وفات یافته و جنازه اش در سرداب مدرسه صدر در نجف اشرف مدفون شد. او مردی نیکوکار و خیرخواه بود و آثار فراوانی از خود به یادگار نهاد که از آن جمله است:

بنای مدرسه صدربازار و مدرسه صدرخواجو و مدرسه صدر پاقلعه با عمارت صدری و مرمت مسجد جامع و مدرسه ملّا عبداللّه و احداث چهارباغ امین الدوله (یا چهارباغ صدری) در محلّه خواجو همگی در اصفهان و احداث قلعه نجف اشرف، بنای

۱- مزارات اصفهان، صص ۱۲۵-۱۲۳؛ آئین فرزانگی، ج۱، صص ۸۴ و ۸۵.

مدرسه صدر نجف، ترمیم صحن مطهر حضرت ابوالفضل العباس و اهداء چندین درب طلا و نقره برای حرم های ائمه در عتبات و حضرت معصومه(سلام اللّه علیها) در قم، همچنین او تخت طاووس را به عنوان هدیه ازدواج فتحعلی شاه با طاووس خانم اصفهانی از ارامنه جلفای اصفهان به شاه پیش کش کرد.

مرحوم صدر با دختر حاج ابراهیم خان کلانتر (اعتمادالدوله) ازدواج کرد و حاصل آن ۸پسر و ۴دختر بود.

شعرای آن روزگار در مدح حاج محمّد حسین خان صدر اصفهانی قصاید بسیار گفته اند که برخی از آنها در تذکره حسینیه تألیف میرزا عبدالباقی طبیب اصفهانی گرد آمده است ولی هنوز به چاپ نرسیده است.(۱)

میرزا حسین خان ثمر

میرزا حسین خان ثمر بن میرزا محمّد علی خان مستوفی انصاری اصفهانی، شاعر ادیب و دانشمند اواخر قاجاریه ملّقب به «معزّالدّین».

در سال ۱۲۸۴ق در اصفهان متولّد شده [و در این شهر به تحصیل علم پرداخته و خصوصاً از میرزا علیرضا پرتو در ادبیات کسب فیض نمود. او ابتدا در نظام توپخانه اصفهان بوده و بعد به ژنرال آجودانی حضور ظل السّلطان منصوب شد. و در اواخر عمر انزوا اختیار نمود.(۲) در شب ۲۴ جمادی الاولی سال ۱۳۴۴ق وفات یافته و در تخت فولادنزدیک تکیه ملک و مجاور تکیه سادات میر محمّد صادقی مدفون شد.

۱- شرح حال رجال ایران، ج۳، صص ۳۸۱-۳۷۹؛ مجله یادگار: سال دوم، شماره ۸، فروردین ۱۳۲۵، صص ۵۷-۴۱؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۷ و ۵۶۸؛ صدرالتواریخ، ص۵۵؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۴۲؛ صدراعظم های سلسله قاجاریه، صص ۵۵-۴۵؛ اکسیر التواریخ، صص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۷۵۳-۷۴۳.

۲- مکارالآثار، ج۷، صص ۲۶۶۰-۲۶۵۶.

ثمر در فنون ادب استاد بود. خط را خوش می نوشت و به زبان فرانسه آشنا بود.(۱)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «ترجمه تاریخ شرق اقصی» ۲. «جنگ روس و ژاپن» ۳. «ترجمه تاریخ فرانسه» ۴. «عبره النّاظرین» در تاریخ زمان ۵. «رعنا و زیبا» منظوم، مطبوع ۶. «دیوان اشعار»(۲) [به ضمیمه «قصائد مدایح و مراثی پرتو اصفهانی» که در سال ۱۳۰۴ق چاپ سنگی شده و بار دیگر «دیوان ثمر» به همت فرزندش رضا ثمر در سال ۱۳۴۷ش چاپ حروفی شده است.

وی همچنین منتخبات اشعار اسدی طوسی و فردوسی را در سال ۱۳۱۹ق فراهم آورده و به خط شکسته نستعلیق نوشته است که به شماره ۱۱۵۲۱ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود بوده است.(۳)

از اوست:

وصل شیرین مَطَلَب زانکه غم عشق رُخَش

تیشه اندر سَرِ فرهاد جگر خون زده است

خنک آن کو ز کف سرو قدِ لاله رخی

پای سرو و لب جو باده گلگون زده است]

محمّد حسین خوراسکانی

محمّد حسین بن محمّد علی خوراسکانی، [از فضلاء قرن دوازدهم هجری و از اهالی خوراسکان جی اصفهان] در سلخ صفر ۱۱۷۲ق کتاب «صیغ النّکاح» حاج شیخ محمّد بن محمّد زمان کاشانی اصفهانی را نوشته [است.] نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۹۶۶ در

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ دیوان طرب، ص۲۴۵.

۳- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۵۸.

کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

محمّد حسین هلال اصفهانی

محمّد حسین مُذَهّب فرزند محمّد علی بهار بن ابوطالب اصفهانی شاعر ادیب و هنرمند دوره قاجاریه.

[در اصفهان متولّد شده و نزد پدر و آقا محمّد جواد مُذَهّب فن تذهیب و تشعیر و زرافشانی و نقاشی را آموخت و خط نسخ را نیز خوب می نوشت. بسیاری از قلمدان نگاران و نقاشان از هنر او در نگاره های خود استفاده کرده اند(۲)] شعر نیز می سروده و «همت» و «هلال» تخلّص می کرده است. از اشعار او در ایوان جنوبی مسجد سیّد اصفهان بر روی کاشی نقش شده و به این ماده تاریخ ختم می شود:

چو شد معمور این معبدهلال از بهر تاریخش

بگفتا «شد بنای کعبه ثانی با صفاهان»(۳)

۱۲۵۵

[هلال اصفهانی سرانجام در شب ۶ ذیحجه ۱۳۳۳ه.ق وفات یافته و در فضای بیرون تکیه مادر شاهزاده (ضلع شمالی تکیه) در تخت فولاد مدفون شد. نوه دختری او علی ابریشمکار عبارات سنگ قبر او را تحریر کرده است.(۴)]

شیخ محمّد حسین نجفی هزار جریبی

شیخ محمّد حسین نجفی بن میرزا محمّد علی بن آقا محمّد باقر هزار جریبی مازندرانی، عالم فاضل محقّق. در سال ۱۲۳۵ق متولّد شده و مقدمات را نزد پدر دانشمند خود آموخته و مراحل بعدی تحصیل را نزد علمای روزگار خود طی نمود.

۱- فهرست مجلس، ج ۹-۲، ص۶۷۶؛ خورشید جی، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

۲- هنر قلمدان، ص۱۳۷.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۰۵.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

چون پـدرش مدت ۱۵سـال به مرض سـل مبتلاـ بوده و نتوانسـته بود کتابهای خود را پاکنویس کنـد، فرزنـدش پس از سالها از مرگ پدر این مهم را انجام داد و گرنه تمام تألیفات پدرش از بین می رفت. سال وفات صاحب عنوان معلوم نیست.

کتب زیر از مؤلفات اوست.

۱. «رساله در احوال پدر و جد خود» ۲. «البوارق لکشف معضلات الحقایق»(۱)

حسین جلائی

حسـین جلائی[ابن میرزا محمّد علی لشـکرنویس شیرازی ملقّب به جلاء السلطنه، در ۱۲ صفر ۱۲۹۲ق متولّد شد. ابتدا در بلدیه اصـفهان به خدمت مشـغول بود و در سال ۱۳۰۹ش مجله «بلـدیه اصـفهان» را منتشـر می ساخت] او در دوره های شـشم، دهم، یازدهم، دوازدهم وسـیزدهم به عنوان نماینـده مردم اصـفهان در مجلس شورای ملّی حضور داشت و چندی نیز کارمند مجلس بود. [او در شـهرداری اصـفهان نیز مصدر خدماتی بود. سرانجام در ۱۸محرم ۱۳۶۸ق وفـات یافته و در یکی از اطاق های تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)]

میرزا محمّدحسین حکیم باشی*

میرزا محمّدحسـین بـن میرزا محمّـدعلی حکیم باشـی از اطبّـاء مشـهور اواخر عهـد صـفویه در قرن دوازدهم هجری. از سـادات موسوی اصـفهان و معروف به «حکیم سـلمانی» است مانند پدر در دربار شاه سلطان حسین صفوی به طبابت می پرداخت. پس از سقوط اصفهان به دست افاغنه از اصفهان به شیراز پناه برده و در آنجا ساکن شد. نواب محمّدتقی خان شیرازی، بیگلر بیگی فارس او را گرامی داشته و در عزّت و احترام او

۱- الکرام البرره، صص ۴۱۴ و ۴۱۵؛ الذریعه، ج۱۵، ص۳۵۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۰۶.

۲- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، ص۲۳؛ دائرهالمعارف دانش بشر؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

کوشید.(۱)

سال فوتش به دست نیامد.

محمّد حسین مقدّس مبارکه ای

محمّد حسین مقدّس فانی بن علی محمّد مبارکه ای، عارف سالک و ادیب شاعر در قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۹۴ق متولّد شده [و در کودکی پدرش را از دست داد و در نوجوانی به کسب و کار پرداخت. در چهل سالگی با پای پیاده به عتبات عالیات رفته و پس از بازگشت به زادگاه خود به تحصیل پرداخت و علم و ادب آموخت و به سرودن شعر لب گشود. سپس به خدمت مشایخ صوفیه درآمده و به مقام ارشاد در سلسله صوفیه نائل شد وبه لقب «مقدّس فانی» شهرت یافت. او زندگی را در زهد و استغنا و اکتفا به اندکی از خوراک و پوشاک و نعمت های دنیوی سپری نموده] و سرانجام در شب یکشنبه ۱۴ محرم ۱۳۵۳ وفات یافته و در «مبارکه» از توابع لنجان اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «آفتاب عرفان» ۲. «خورشید حقیقت» [که یک بار در سال ۱۳۳۶ش و بار دیگر در سال ۱۳۷۶ش به چاپ رسید] ۳. «شمس حقیقت» ۴. «نور معرفت» و غیره [این چند بیت از یکی از قصاید او در مدح علی علیه السلام است]:

بوی فروردین رسد اندر مشام از هر کنار

یا مگر باد صبا آرد نسیم از زلف یار

گشت صحرا چون بهشت از نکهت اردیبهشت

خیمه زد در طرف بستان پادشاه نوبهار

۱- دیوان طبیب اصفهانی، ص۲۲۳.

باغ از گل گشته مانند گلستان ارم

راغ عطرآگین شده از سبزه های بی شمار(۱)]

محمّد حسین رشتی

محمّد حسین معروف به میرزا جان بن محمّد علی رشتی، عالم فاضل وی ظاهراً از شاگردان سیّد حجّهالاسلام است. او بر روی برگ آخر کتاب «شرح لمعه»، مطالبی از کتاب «تحفهالابرار» مرحوم سیّد حجّهالاسلام راجع به دندان ها نقل می کند. تاریخ نوشتن مطالب شب یکشنبه ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۴۵ه.ق است. نسخه در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲)

[ظاهراً او همان شخصی است که در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون است و نام و تاریخ وفاتش بر روی سنگ لوح قبر چنین آمده است: «الفاضل الکامل الباذل العالم العامل الجلیل، ابن محمّد علی خان، محمّد حسین الرشتی فی دوشنبه هشتم شهر شوال سنه ۱۲۷۳ (۳)]

محمّد حسین ریزی لنجانی

محمّد حسین بن محمّد علی ریزی لنجانی اصفهانی، خطاط نسخ نویس. در سال ۱۲۵۸ق نسخه ای از «مسالک» شهید ثانی از «طلاق» تا «فرائض» را به خط نسخ کتابت نموده است. کتاب به شماره ۹۸ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۴)

۱- دیوان قصاید خورشید حقیقت: مقدمه و ص ۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۵۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۸۲۷.

۲- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۱۳.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۴- فهرست فیضیّه، ج۱، ص۲۴۳.

میرزا محمّد حسین صدرائی

میرزا محمّد حسین صدرائی بن میرزا محمّد علی بن حاج صدرائی تاجر اصفهانی [از فعّالان و مبارزان صدر مشروطیت در تهران] در نوجوانی و جوانی به تحصیل معقول و منقول مشغول شد و پس از فوت پدرش در سال ۱۳۲۳ق دست از تحصیل کشید و به تحصیل تنباکو مشغول شد. او از عوامل اصلی مخالفت با استبداد محمّد علی شاه و تحصّن در سفارت عثمانی به شمار می رفت. پس از آن در تأسیس فرقه دموکرات نقش مهمّی ایفا کرد.(۱)

سیّد حسین طباطبائی*

سیّد حسین بن محمّد علی طباطبایی، ادیب فاضل خوشنویس در قرن سیزدهم هجری می زیسته و خط نسخ را بسیار زیبا می نوشته و طبع روانی داشته و شعر نیز می گفته است.

وی نسخه ای از «وقف نامه مسجد سیّد» اصفهان را در صفر ۱۲۹۰ق به خط نسخ زیبای خود نوشته است که در کتابخانه آقای سیّد مهدی شفتی در اصفهان موجود است.(۲) همچنین جزء دوّم از مُجَلَّد چهاردهم کتاب «بحارالانوار» علّامه مجلسی را به خط نسخ در شوال ۱۲۹۲ق کتابت کرده که در کتابخانه مدرسه صدر بازار موجود است.(۳)

از دیگر آثار او کتاب «منتخب الصّحاح» تألیف حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی است که به شماره ۱۸۵ در کتابخانه آیت اللّه بروجردی موجود است.(۴)

۱- مجلّه یغما.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۱۷۵.

۳- فهرست مدرسه صدر بازار، ج۲، ص۴۳۹.

۴- یادداشت های محقق گرامی آقای رحیم قاسمی.

میرزا حسین منشی اصفهانی

میرزا حسین بن خواجه عنایت اللّه اصفهانی، خوشنویس و ادیب ماهر در قرن دهم هجری. پدر و عمویش در سلسله حسن بیک و حسین بیک یوزباشی استاجلو منصب وزارت و استیفا داشتند. مدّتی تحریر دارالانشاء را بر عهده داشت و چون طمع ریاست به دارالانشاء را داشت و در این امر موفّق نگردید، راهی هند شد. خط تعلیق را خوش می نوشت. سپهر در تذکره خوشنویسان می نویسد: وی در سال ۹۳۶ق فوت شده است.(۱)

محمّد حسین گرجی اصفهانی

محمّد حسین بن عیسی بیگ گرجی جدیدالاسلام اصفهانی خطاط فاضل. صاحب حواشی بر قرآن مجید به خط شکسته نستعلیق به شماره ۲۱۷ در کتابخانه قدس رضوی. تاریخ کتابت متن سال ۱۲۰۳ق می باشد.(۲)

حسین عبداللهی خوروَش

حاج حسین عبداللهی خوروَش ابن غلامعلی بن حاج محمّد رضا مباشر اصفهانی، از شعراء و نویسندگان معاصر. در رجب سال ۱۳۳۹ق در اصفهان متولّد گردیده. تحصیلات قدیم و جدید خویش را در مدارس جدید و قدیم نزد اساتید به پایان رسانیده، عمری را به مطالعه و تألیف و تحقیق در موضوعات دینی گذرانید. دانشمندی محقّق، نویسنده ای توانا و پژوهشگری سخت کوش بود. مدّتی روزنامه ای به نام «پیک عدالت» منتشر می کرد و در برخی از روزنامه های اصفهان و طهران مقالاتی می نوشت. همچنین او سالها به کتابفروشی در کتابفروشی که به نام «مطهر» نامیده بود، مشغول بود. شعر نیز می سرود. ابتدا «هابط» تخلّص داشت. سپس آن را به «همّت» تغییر داد.

سرانجام در جمادی الاولی ۱۴۰۹ق وفات یافته و در گورستان جدید باغ رضوان

۱- گلستان هنر، ص۵۴؛ تذکره خوشنویسان، ص ۵۷ و ۵۸.

۲- راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۹۹.

اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «افکار و عقاید بزرگان» ۲. «انقلاب یا نهضت سیّد جمال الدّین»، مطبوع ۳. «برهان در نسخ ادیان» ۴. «بهداشت صورت» ۵. «پیشوای آینده جهان» ۶. «تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب»، مطبوع ۷. «تراش ریش از نظر بهداشت و اسلام»، مطبوع ۸. «خطرات آینده» ۹. «دخانیات از نظر بهداشت و اسلام» ۱۰. «دیوان اشعار» از غزل و قصیده و رباعی ۱۱. «شطرنج» ۱۲. «سیّد جمال الدّین و سازمان فراماسونری» ۱۳. «سیاست خارجی ها در ایران» ۱۴. «شعله احساسات» ۱۵. «شهر تبلیغات» ۱۶. «عدالت اجتماعی» ۱۷. «علل بیماریهای روحی» ۱۸. «فدائیان شهوت» ۱۹. «فرهنگ اسلام شناسان خارجی»، مطبوع ۲۰. «فرهنگ زندگی» ۲۱. «قرآن و فلاسفه غرب» یا «قرآن از نظر دانشمندان خارجی» ۲۲. «کمونیزم در مکتب اجتماع» ۲۳. «مردان نامی و دانشمندان باختر» ۲۴. «موسیقی در اسلام»، مطبوع(۱)

از اوست:

به کشوری که در آن نیست فکر فهمیدن

رواست گریه بر آن کرد جای خندیدن

در آن سرای که دزدان ز مکر بیدارند

نه جای اَمن و امانست بهر خوابیدن

حسین نور صادقی

حسین نور صادقی بن سیّد فتح اللّه، مترجم و روزنامه نگار معاصر، در ۲۴ شوال ۱۳۲۸ق در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در دبستان فرهنگ و متوسطه را در دبیرستان صارمیه اصفهان و تحصیلات عالیه را در دانشسرای عالی انجام داد. سپس

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۳۶ و ۵۳۷؛ مزارات اصفهان، صص ۱۲۵ و ۱۲۶.

به استخدام بانک کشاورزی درآمد ولی پس از یک سال استعفا داده و به تجارت، نویسندگی و روزنامه نگاری پرداخت. وی روزنامه «نقش جهان» را از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۶ش منتشر کرد. او به زبان های انگلیسی و عربی آشنا بود و به چند کشور اروپائی سفر کرد و سرانجام در سال ۱۳۷۲ش در تهران وفات یافت.

تألیفات و ترجمه های او عبارتند از:

۱. «اصفهان» ۲. «ترجمه سه منجم روسی و سه منجم انگلیسی» (نوشته ژول ورن) ۳. «ترجمه سفرنامه او ژن فلاندن به ایران» ۴. «ترجمه هشت سال در ایران» (نوشته سر پرسی سایکس) ۵. «ترجمه قتل دوشس» ۶ «گلهای سعادت» ۷. «شهرهای تاریخی ایران» ۸. «ظل السلطان»

شعر نیز می سروده و «سعادت» تخلّص می کرده است. این بیت از اوست:

مطرب امشب سرخوش است و طرز دیگر می زند

نیک بخت آن کس که با محبوبه ساغر می زند(۱)

حسین زاهد اصفهانی

حسین بن قاسم اصفهانی زاهد، از محدثین عامّه در قرن سوم هجری. ذهبی درباره او گوید: «فیه لین». زاهد قبل از سال ۲۴۰ق فوت شده است.(۲)

وی از اسماعیل بن ابی زیاد شامی روایت می کند و ابی اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حسن ثقفی طیّان ازا و نقل حدیث کرده است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۴۶-۲۴۴؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ستون ۹۱۰ و ۹۱۱؛ چهره مطبوعات معاصر، ص۴۵؛ رجال اصفهان، مقدمه.

۲- میزان الاعتدال،ج۱، صص ۲۹ و ۲۵۵.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۱۹۱.

ملّا محمّد حسین قمشه ای کبیر

آخوند ملّا محمّد حسین کبیر بن محمّد قاسم قمشه ای نجفی، عالم کامل و فقیه محقّق، از علمای عالیقدر قرن سیزدهم و چهاردهم هجری. در سال ۱۲۵۰ق متولّد شده است. وی از اعقاب ملّا شمس الدّین بحرینی است. پس از تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف رفته و در اواخر عمر شیخ مرتضی انصاری در درس ایشان حاضر شد و پس از وفات او نزد سیّد حسین کوه کمری، میرزا محمّد حسن شیرازی، میرزا حبیب اللّه رشتی به تحصیل پرداخته و به اجتهاد نائل شد و به تدریس فقه و اصول پرداخت.

او دوره های «جواهر الکلام»، «وافی»، «مستند»، «بحارالانوار» و «وسائل الشیعه» را از روی خطوط مؤلفین آنها تصحیح نمود.

در جریان حمله انگلیسی ها به عراق و نهضت مقاومت عشایر و مردم بین النّهرین و علماء آنجا به رهبری میرزا محمّد تقی شیرازی (انقلاب ۱۹۲۰م عراق) شرکت فعال داشت.

وی سرانجام در حدود ۱۲ محرّم ۱۳۳۶ق در سن ۸۶ سالگی در نجف اشرف وفات یافته و در ایوان مقبره شیخ الشریعه اصفهانی در صحن مطهر حرم حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون گردید.

ایشان را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «ادلّه الرشاد فی شرح نجاه العباد» در ۱۸ مجلّد ۲. «خضابیه» که در ۱۳ رمضان ۱۳۱۰ق از تألیف آن فراغت یافته است. ۳. «حاشیه الرّوضه البهیّه» ۴. «زیارت عاشورا و کیفیت آن» ۵. «عُدَّهِ طریقِ التّحقیق» ۶. «آداب حمام»

ارشد اولاد او میرزا محمّد حسن از فضلای آن عهد بوده که به فاصله چند ماه در رمضان ۱۳۳۶ق وفات یافته است.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۵۱؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص۲۵۲؛ نقباء البشر، ج۲، صص ۶۳۵ و ۶۳۶؛ الذّریعه، ج۱، ص۴۰۲ و ج۶، ص۹۴ و ج۷، ص۱۷۶؛ میرزای شیرازی (ترجمه هدیه الرّازی)، ص۱۳۷؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، ص۷۹-۷۷؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۲۸؛ رجال اصفهان، ص۱۶۶؛ تاریخ شهرضا، ص۷۵.

حسین شفیعی

حاج حسین شفیعی ابن قدمعلی بن حسین بن محمّد علی بن محمّد شفیع اصفهانی، شاعر عارف دانشمند معاصر. در سوم محرّم ۱۳۴۱ق در محلّه لُنبان اصفهان متولّد شد. در این شهر نزد فضلای این شهر همچون سیّد صدرالدّین کوهپایه ای، شیخ اسداللّه ایزدگشسب، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، و حاج آقا رحیم ارباب به کسب علم پرداخته و مدّت ۱۵ سال از محضر میرزا علی آقا شیرازی بهره علمی و معنوی برد. [در قم نیز از درس آیات عظام بروجردی و مرعشی نجفی بهره گرفته و در شیراز نیز به خدمت ذو الرّیاستین رسیده و کسب فیض نمود و از سیّد نورالدّین شیرازی بهره علمی گرفت. وی مدّتی در اصفهان به کتابفروشی و زمانی به تدریس در دبیرستانها و دانشگاه اصفهان و یا در منزل خود می پرداخته و با درس اخلاق خود خصوصاً نهج البلاغه مردم و خصوصاً دانشجویان و جوانان را با حکمت و عرفان آشنا می نموده و جان های مشتاق عرفان الهی را سیراب می کرده است.

وی سرانجام در سوم بهمن ۱۳۷۸ش وفات یافته و در قطعه نام آوران گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «نورالیقین» در شرح صفات المتقین معروف به خطبه همام، مطبوع ۲. «شرح وصیت نامه حضرت علی علیه السلام به فرزندش حضرت مجتبی علیه السلام» ۳. «لوامع العرفان» منظومه عربی در توحید و عرفان ۴. «مجموعه ای از غزلیات شعرای قدیم و جدید» ۵. «ترجمه تجلی فضیلت» به فارسی، متن اصلی به عربی از ابوالفضل میرلوحی منتخب از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید درباره فضائل حضرت علی علیه السلام ۶. «مقدمه کنوز الرّموز» تألیف میرحسین هروی ۷. «دارالجنون عشق» مطبوع ۸. «بهجهالطالبین» در منطق و

غیره

این شعر از اوست:

شوق دیدار تو ای خسرو خوبان تا چند

بر سر خار بیابان بدواند ما را[...]

جان به شکرانه دهم گر نفسی آن دلبر

به کنارش ز محبّت بنشاند ما را(۱)

شیخ محمّد حسین صبوری*

شیخ محمّد حسین صبوری سیچانی فرزند حاج ملّا قدیر سیچانی، عالم فاضل متقّی، از علمای معاصر اصفهان متوفی سال ۱۳۷۱ق مدفون در تکیه سیّد محمود کلیشادی (مغنی گو) در تخت فولاد اصفهان.(۲)

شیخ محمّد حسین رشتی

شیخ محمّد حسین رشتی ابن حاج میرزا قوام الدّین بن حاج میرزا عبدالرزاق رشتی بن حاج میرزا محمّد کاظم بن حاج محمّد جعفر لنگرودی، عالم فاضل معاصر. در سال ۱۳۳۷ق متولّد شده و [تحصیلات خود را نزد علمای اصفهان، شیخ هبهاللّه هرندی، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا عبدالوهاب زاهدی، میرزا هاشم خوانساری، آقا سیّد ابوالحسن شمس آبادی، سیّد عباس صفی دهکردی و میر سیّد علی بهبهانی (در هنگام اقامت و تدریس ایشان در اصفهان) انجام داد و خود نیز در مدرسه درکوشک به تدریس پرداخت. ایشان تولیت مدرسه درکوشک را نیز برعهده داشت. عالمی بود خلیق و خوش محضر و وارسته] سرانجام در ۳ ربیع الاوّل ۱۴۱۴ق وفات

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۰ و ۲۷۱؛ مزارات اصفهان، صص ۱۴۰ و ۱۴۱؛ دارالجنون عشق، مقدمه؛ آثار و افکار حکماء و عرفای مشهور اصفهان، صص ۳۵۱-۳۳۹.

۲- یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

یافته و در مقبره مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.(۱)

ملّا محمّد حسین اصفهانی کاظمینی

ملّا محمّد حسین بن کرمعلی اصفهانی کاظمینی، پدر و جدّش تجارت می کرده اند، در حدود ۱۱۷۰ق متولّد شده و در اوایل جوانی اندکی تحصیل علوم نمود. سپس سالها به سیر و سیاحت در اطراف شهرها پرداخته و خدمت جمعی کثیر از علماء و بزرگان رسیده و چون از سفر خسته شد، در کاظمین ساکن گردیده و مدّت ۳۰سال در آن ارض اقدس مجاور بوده است. او از سال ۱۲۲۷ق شروع به تألیف کتابی کشکول مانند نموده و آنچه در مسافرت ها و شهرها دیده و شنیده است در آن جمع آوری کرده است.

[علاوه بر آن و «تاریخ جهان آرا»یِ غفاری را خلاصه کرده و آن را «جامع التّواریخ» نام نهاده است.(۲)]

میرزا حسین خان صحّت

میرزا حسین خان صحّت ابن محمد کریم اصفهانی، از روزنامه نگاران و نیکوکاران معاصر در حدود ۱۲۶۹ش در اصفهان متولّد شد و در اثر لیاقت و پشتکار توانست در میان همشهریان خود مقام ارجمندی را به دست آورد. مدّتی در پلیس جنوب به فعالیت مشغول بود. سپس در اصفهان به دواسازی و بعداً به تجارت روی آورد. از او آثار خیریه فراوانی به جای مانده است که از آن جمله است:

۱. وقف باغ رکن الملکی واقع در محمودیه جهت دبیرستان صارمیّه ۲. تأسیس درمانگاه صحّت در محلّه درکوشک، که در تعریض خیابان از بین رفت. ۳. تأسیس

۱- مزارات اصفهان، ص۶۵؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با شیخ محمّد حسین رشتی در یکشنبه ۵ خرداد ۱۳۷۰ش.

۲- الذریعه، ج۵، ص ۴۷ و ج ۱۸، ص۷۳ و ج۱۸، ص۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۱ و ۵۵۲.

مدرسه صحّت در محلّه مستهلک (جنب شاهزاده ابراهیم)

[وی مجله صحّت را از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ش منتشر کرد. وی سرانجام در ۱۴ دی ۱۳۵۷ش وفات یافته و در تکیه خانوادگی جنب تکیه ملک مدفون شد. این تکیه چند سال بعد خراب شده و ضمیمه تکیه شهداء شد.(۱)]

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد محسن اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری و ساکن کربلا بوده است. وی ظاهراً از شاگردان سیّد ابراهیم صاحب ضوابط و شیخ حسن کاشف الغطاء می باشد.

از آثار او:

۱. در سه شنبه ۸ جمادی الاولی سال ۱۲۶۳ق نسخه ای از کتاب «الرّد علی الصّوفیه» تألیف آخوند ملّا حسن بن محمّد علی یزدی را در مدرسه حسن خان در کربلا به خط نسخ به پایان رسانیده است.

۲. در هفدهم صفر ۱۲۷۵ق کتابت نسخه ای از «دمیه القصر و عصره اهل العصر» را به خط نسخ به پایان رسانیده، کتاب به شماره ۶۱۶۲ در کتابخانه ملی ملک در طهران موجود است.(۲)

ملّا محمّد حسین تاج اصفهانی

ملّا محمّد حسین معروف به «تاج» ابن محمّد محسن اصفهانی، عالم فاضل، از فقهاء و دانشمندان قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۱۰ق در اصفهان متولّد شد(۳) و در این شهر تحصیل کرد. و در فقه، حدیث، کلام و ادبیات متبحّر شد. او عالمی زاهد و عابد و تارک

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۳، صص ۱۱۲-۱۰۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- فهرست ملک، ص۳۱۲.

۳- وقایع السنین و الاعوام، ص۴۹۹.

دنیا بود. بارها به او پیشنهاد مناصب دولتی را نمودند امّا او نپذیرفت و به زندگی ساده و زاهدانه خود ادامه داد.(۱) شاه سلیمان به ملاقات او علاقه بسیار داشت امّا «تاج» از او اعراض می کرد. عاقبت به اهتمام شیخ علی خان زنگنه وزیر شاه سلیمان، ملاقاتی در باغ هزار جریب بین شاه سلیمان و ملّا محمّد حسین تاج رخ داد، ولی تاج به شاه روی خوش نشان نداد.(۲)

وی سرانجام در شب یکشنبه ۳ صفر المظفّر ۱۱۰۰ق وفات یافت و جنازه جهت دفن به مشهد مقدس نقل گردید.(۳)

[در کتابهای «الروضه النضره» و «الکواکب المنتشره» او را با «محمّد حسین بن شمس الدّین محمّد» (شاگرد ملّا محمّد تقی مجلسی) یکی دانسته اند(۴)]

سیّد محمّد حسین مدرس

سیّد محمّد حسین مدرس صادقی ابن سیّد محسن بن سیّد محمّد باقر بن میر سیّد علی حسینی، شاعر و ادیب فاضل. در سال ۱۳۰۴ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات مقدّماتی خویش را در اصفهان انجام داد و سپس به کار در یکی از تجارت خانه های اصفهان مشغول شد. [او نزد برادرش میرزا عبداللّه ثقهالاسلام نیز تحصیل نموده و خط نسخ را نیکو می نوشته و قرآن مجید را کتابت نموده است.] شعر را نیکو می سروده و از آثار او «دیوان اشعار» و «گلشن نجات» به طبع رسیده است.

وی در ۶ محرم الحرام ۱۳۸۹ق وفات یافته و در تکیه سادات میر محمّد صادقی واقع در تخت فولاد مدفون شد.

از اوست:

۱- جامع الرواه، ج۲، ص۱۰۰؛ الکواکب المنتشره، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۲- تتمیم امل الآمل، صص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۳- وقایع السنن و الاعوام، ص۴۹۹.

۴- الروضه النّضره، ص۱۵۸.

ای یار پری چهره که خود روح روانی

دل می بری از خلق ولی خویش ندانی

هر جا نگرم روی خوش و طلعت زیبا

از هرچه مرا در نظر آید به از آنی

چشم تو بود فتنه و زلفین تو جادو

هر عضو تو را می نگرم آفت جانی(۱)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن شمس الدّین محمّد اصفهانی، عالم فاضل. در اصفهان خدمت جمعی از علمای اعلام از جمله ملّا محمّد تقی مجلسی تلمذّ نموده است. وی در پنج شنبه نیمه ذی الحجه ۱۰۴۷ق نسخه ای از «تهذیب الاحکام» را تا پایان «کتاب الزّیارات» به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۳۷۷۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.

صاحب عنوان نسخه را نزد ملّا محمّد تقی مجلسی قرائت نموده و از ایشان دو اجازه دریافت داشته است. اجازه اول در پایان کتاب الصّوم و اجازه دوم در آخر نسخه و مورخ دوّم اُخَر ذی القعده ۱۰۵۰ق می باشد.(۲)

وی در شوال ۱۰۷۶ق نسخه ای «مصباح المتهجد» شیخ طوسی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه در جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۳۸-۴۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۳؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای نصراللّه مدرس (فرزند صاحب عنوان) در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۷۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۰، صص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸۹.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۳۹۷.

حسین علوی آوی

سیّد حسین بن محمّد بن ابی الرضا علوی آوی، عالم ادیب و منشی [از اعلام ادبای رشته های عربی و فارسی نیمه اول قرن هشتم هجری و اصلش از سادات آوه (آبه کنونی بین قزوین و همدان) بوده است. در جوانی از آوه به کاشان و از کاشان به اصفهان آمده و در این شهر اقامت جسته و با بزرگان شهر و متنفذین آن مثل افراد خاندان صاعدی، خواجه شمس الدّین محمّد بن نظام الدّین یزدی و امیر مظفرالدّین شیخ علی حاکم اصفهان معاشرت داشته است.(۱)]

وی کتاب «محاسن اصفهان» تألیف مفضل بن سعد مافروخی را از عربی به فارسی بسیار روان و فصیح ترجمه کرده و به نام امیر محمّد فرزند خواجه رشیدالدّین فضل اللّه همدانی نامیده است.(۲)

از دیگر آثار او «شرح عهدنامه علی علیه السلام برای مالک اشتر» است که در یک مقدمه و دو مقاله به نام «شرف الدّوله تاج الاسلام علی نامینینی» در ۵ ربیع الثّانی ۷۳۰ق تألیف نموده و میکروفیلم آن به شماره ۳۴۳۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

حسین اسلامیان*

استاد حسین اسلامیان فرزند محمّد قلمدان ساز، هنرمند معاصر اصفهان. در سال ۱۲۹۰ش دراصفهان متولّد شد. نقاشی را در کارگاه پدر آغاز کرد و سپس به خدمت هنرمند وارسته میرزا آقا امامی درآمد و کم کم در فنون مختلف نقاشی و تذهیب به مهارت دست یافت. در سال ۱۳۲۶ش به تهران رفت و در سال ۱۳۳۴ش به اداره هنرهای زیبا راه یافت و درضمن فعالیّت های هنری به تدریس مشغول شد.

۱- تاریخ تشیع اصفهان، ص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۲- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۱۹۴؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۲۳.

۳- فهرست میکروفیلم دانشگاه، ج۲، ص۱۴۱.

او در زمینه نقاشی، تذهیب، تشعیر،میناکاری، جلدسازی،ساخت انواع بوم، سوخت، قلمدان سازی و نقاشی زیر لاکی و روغنی مهارت داشت. او در ۲۱ فروردین ۱۳۶۰ش در تهران درگذشت. از تابلوهای مشهور او «صحنه چوگان بازی» (با تاریخ ۱۳۳۶ش) است. آثار او در موزه هنرهای تزئینی و موزه هنرهای ملّی ایران نگهداری می شود.(۱)

حسین بیرجندی

ابوالقاسم (ابوعبداللّه) حسین بن محمّد بن احمد بن محمّد بن محمّد بن اسحاق بن منازل بیرجندی قاینی معروف به «ادیب اصفهان» از محدّثین عامه است. به صلاح و عفّت معروف بوده و او را «اصمعی صغیر» نیز می گفته اند. وی کثیرالکتابه و دقیق النّظر بوده است.(۲)

سیّد محمّد حسین سجادی نجف آبادی*

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّد بن سیّد احمد نجف آبادی، عالم کامل، در نجف آباد متولّد شده و در اصفهان به تحصیل مشغول شد. سپس به عتبات عالیات رفته و از محضر درس میرزای شیرازی کسب فیض نمود و پس از وفات ایشان نزد آخوند خراسانی و سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی ادامه تحصیل داد و پس از نیل به اجتهاد به زادگاه خود مراجعت نموده و به تدریس و اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول شد. ایشان سرانجام در ۷رجب ۱۳۳۱ق وفات یافته و در قبرستان قدیم نجف آباد مدفون شد. او دارای اجازه از میرزای شیرازی و شیخ محمّد تقی آقا نجفی می باشد.

از تألیفات ایشان می توان به ۱. رساله ای در صلاه ۲. رساله ای در منطق و ۳. رساله در ادبیات و معانی و بیان اشاره کرد.(۳)

۱- گلزارمشاهیر، صص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ دائرهالمعارف هنر، ص۲۷.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص۵۲۴.

۳- سیمای دانشوران، صص ۱۰۸-۱۰۶؛ آئینه اهل قلم، صص ۵۶ و ۵۷.

حسین عریضی کوفی

ابوطالب حسین بن محمّد بن جعفر بن حسین کوفی بن عیسی الرّومی بن محمّد الازرق بن عیسی الاکبر بن محمّد الاکبر بن علی العریضی بن جعفر الصادق علیه السلام از سادات عالیقدر قرن پنجم هجری است. زوجه اش داور بانو دختر مرداویج دیلمی و دخترش ملک بانو همسر اسماعیل طاهر بن ابی هاشم محمّد بن محسن بن ابی یعلی بن طاهر بن علی بن ابی الحسین محمّد الشّاعر بن احمد بن محمّد بن احمد بن ابراهیم طباطبا بوده است.

صاحب عنوان در صفر ۴۵۸ق در اصفهان وفات یافت(۱) وی از نیشابور به اصفهان منتقل شده و در این شهر وفات یافته است. مزار او در امامزاده درب امام اصفهان می باشد. اعقاب او در اصفهان و نیشابور ساکن بوده اند.(۲)

جمال الدّین حسین اصفهانی

جمال الدّین حسین بن محمّد بن جمال الدّین اصفهانی، متوفی در غرّه ربیع الاوّل سال ۷۳۵ق.

در قبرستان قدیم آب بخشان قبری بود بدین نام و نشان و محلّ آن در کنار دیوار کوچه بن بست دست راست اول میدان آب بخشان [میدان شهدای کنونی] انتهای چهارباغ پایین قرار داشت که فعلاً اثری از آن باقی نیست.

صاحب قبر ظاهراً از دانشمندان قرن هشتم ولکن مجهول الحال است. برخی وی را نواده جمال الدّین محمّد بن عبدالرزّاق شاعر اصفهانی دانسته اند.(۳)

[مرحوم استاد مهدوی در کتاب دیگر خود «مزارات اصفهان» ذیل مدفونین گورستان آب بخشان می نویسد:

«۱۸- خواجه کمال الدّین محمّد بن جمال الدّین اصفهانی» فاضل ادیب متوفی در

۱- منتقله الطالبیه، ص۲۳.

۲- مزارات اصفهان، ص ۲۰۴.

۳- مجله یادگار، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۸۳.

ربیع الاوّل سال ۹۵۳ق قبر او در کنار دیوار کوچه شرقی نرسیده به فلکه شهدا تا چند سال قبل سنگ او موجود بود ولی بعداً به سرنوشت دیگر سنگ های مزارات این گورستان و سایر مقابرا صفهان دچار گردید.»(۱)

باتوجّه به اینکه خود مرحوم مهدوی آن سنگ نوشته را ندیده و مطلب خود را از مقاله مرحوم صدر هاشمی در مجله یادگار گرفته است، باید گفت نام متوفی و تاریخ فوت او در کتاب مزارات نادرست است.]

آقا حسین خوانساری

آقا حسین خوانساری بن جمال الدّین محمّد بن حسین خوانساری، عالم کامل محقّق مدقّن، فقیه متکلّم، حکیم و فیلسوف، شاعر ادیب، از اکابر علمای قرن یازدهم هجری.

به خاطر اینکه لقب پدر و فرزندش «جمال الدّین» بوده به «ذوالجمالین» شهرت داشته است.

او در ذیقعده ۱۰۱۶ق در خوانسار متولّد شد. در نوجوانی به اصفهان آمد و در مدرسه خواجه ملک جنب مسجد شیخ لطف اللّه به تحصیل مشغول شد و نزد علمای اعلام میر ابوالقاسم فندرسکی، ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، ملّا محمّد تقی مجلسی، علاءالدّین حسین خلیفه سلطان و ملّا حیدر خوانساری تلمذّ نموده و به مقام بلند علم و فضیلت نائل شد، تا جائی که او را «استاد الکلّ فی الکلّ» و «استاد البشر والعقل الحادی عشر» گفتند.

او متوّلی و مدّرس مدرسه جدّه بوده و صدها تن از فضلاء محضر درس او را درک نموده و از خرمن پربار علوم او خوشه برچیدند. بسیار مورد لطف و اکرام شاه سلیمان صفوی بوده و به درخواست او در نبود شاه، به نیابت او می نشسته است.

[همسرش خواهر ملّا محمّد باقر سبزواری است که زنی صالحه و فاضله بوده و آقا

۱- مزارات اصفهان، ص۲۸.

جمال الدّین و آقا رضی الدّین، از این مخدّره متولّد شده اند.]

آقا حسین مانند فرزندش آقا جمال بذله گو و حاضرجواب بوده و لطیفه های زیادی از او نقل می کنند.

او سرانجام در غرّه رجب المرجّب سال ۱۰۹۸ه.ق وفات یافته و بنا به وصیت خودش در مزار بابا رکن الدّین (تخت فولاد) مدفون شده و به دستور شاه سلیمان صفوی بقعه ای عالی بر سر مزار او بنا شد. پس از وفات او تا امروز دهها تن از علماء و فضلاء در داخل بقعه و خارج از آن مدفون شدند و لذا به بقعه آقا حسین خوانساری، «قبهالعلماء» گفته می شد.

شعرا و گویندگان در رثای او مرثیه ها گفته و ماده تاریخ وفات او را به نظم کشیده اند. از جمله:

[مسیحا کاشانی این عبارت را ماده تاریخ او یافته است:

«دفن العلم کالهدی فی التّراب»]

و شخص دیگری گفته:

قال رضوان له: «ادخل جنّتی»

و به فارسی نیز گفته اند:

از آسمان یکی به درون سر نمود و گفت:

«امروز هم ملایکه گفتند یاحسین»

سنگ قبر آقا حسین خوانساری از جنس یشم گرانبها بوده که در فتنه افاغنه شکسته شده و معدوم شد و چند سال بعد سنگ از دو قطعه مرمر بر روی قبر او و فرزندش آقا جمال نصب شد.

هنگامی که برای دفن شیخ اسداللّه فهامی در بین دو قبر آقا حسین و آقا جمال قبر حفر می کرده اند جسد مبارک آقا حسین آشکار شد و آن را صحیح و سالم یافتند.

این کتب و رساله ها از تألیفات اوست:

۱. ترجمه «صحیفه سجادیه» ۲. حاشیه بر «الهیات

شفا» ۳. حاشیه بر «طبیعیات شفا» ۴. حاشیه بر «شرح اشارات» ۵. حاشیه بر «مختصر الاصول» ۶. حاشیه بر «محاکمات ۷. حاشیه بر حاشیه قدیم «شرح تجرید» ۸. مشارق الشّموس در شرح کتاب دروس، معروفترین اثر او که در سالهای ۱۳۰۵ و ۱۳۱۱ق چاپ سنگی شده است. ۹. منشآت

آقا حسین خوانساری گاهی نیز شعر می سروده و این رباعی از اوست:

ای باد صبا طرب فزا می آیی

از طوف کدامین کف پا می آیی

از کوی که برخاسته ای راست بگو

ای گرد به چشمم آشنا می آیی(۱)

حسین رویدشتی

ابونصر حسین بن محمّد بن حسین رویدشتی اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. از اهالی روستای «رویدشت» اصفهان بود و از ابوطاهر بن محمود ثقفی، عبدالرّحمان بن ابی عبداللّه و دیگران حدیث شنید.

وی در ماه جمادی الآخر سال ۴۸۸ق وفات نمود.(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۵۷-۶۰؛ جامع الرّواه، ج۱، ص۲۳۵؛ امل الآمل، ج۲، ص۱۰۱؛ سلافه العصر، ص۴۹۱؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۳۶؛ روضات الجنّات، ج۲، صص ۳۳۹-۳۵۸؛ فیض قدسی، ص۲۰۵؛ تذکره العلماء، صص ۸۷ و ۸۸؛هدیه الاحباب، ص۲۵۳؛ لباب الالقاب، ص۲۲؛ شمس التّواریخ، ص۱۴؛ تذکره حسینی، ص۱۰۹؛ مطلع الشمس، صص ۴۱۵ و ۴۱۶؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۰۱؛ قصص العلماء، ص۲۶۵؛ دائره المعارف المسمی بمقتبس الاثر، ج۲، ص۲۱۸؛ تذکره القبور یا رجال اصفهان، صص ۸۲-۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۸-۵۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۰۸-۱۱۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ شواهد االربوبیه (مقدمه)، ص۹۴، جغرافیای خوانسار، صص ۱۳۷-۱۴۱، فرزانگان خوانسار، صص ۵۶-۵۸؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۵۳؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، صص ۱۳۷ و ۲۸۷؛ معجم مؤلفی الشیعه، ص۱۶۳؛ دانشمندان خوانسار، صص ۷-۱۸۴؛ تذکره محمّد شاهی: خطی.

۲- اللباب، ج۲، ص۴۴.

حسین امید اصفهانی*

حسین مفیدی فر متخلّص به «امید» بن حاج محمّد بن حسین زفره ای کوهپایه ای اصفهانی، شاعر و سخنور معاصر.

در سال ۱۳۴۷ش متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشگاه راه یافت و در رشته مهندسی نساجی در دانشگاه صنعتی اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از اتمام تحصیلات خود، به فعالیّت در کارخانجات صنعتی اصفهان مشغول شد.

وی به تشویق پدر شاعر خود، به سرودن شعر پرداخت. مجموعه اشعار او در قالب های غزل، رباعی، مثنوی و ترجیع بند با عنوان «پرتوی از عشق» در سال ۱۳۷۷ه.ش به وسیله انتشارات گلبهار اصفهان به چاپ رسیده است.(۱)

از اوست:

شاد و خرم شده ام چون ز قفس پر زده ام

کنده از باغ و چمن دیده به خوشتر زده ام

از گل و گلشن زیبا بکشیدم دل خویش

این دل آینه بر چهره دیگر زده ام

در بلندای افق می نگرم مسند نور

پر به سوی هدفی پاک و منوّر زده ام

گر ملائک همه بر بام فلک پر زده اند

بیش از آنان به فراسوی فلک پر زده ام

خرم آن دم که شدم از تن فرسوده جدا

جوهر پیکره بر خانه بی در زده ام

۱- به نقل از آقای حاج محمّد مفیدی فر.

حسین متطبّب

ابوعلی حسین بن محمّد بن شریک متطبّب، از محدثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن عمر بن حفص حدیث شنیده و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید. ابوعلی متطبب در سال ۳۸۵ یا ۳۸۶ق فوت شده است.(۱)

ملّا حسین مهرآبادی اردستانی*

ملّا حسین بن ملّا محمّد بن ملّا علی بن ملّا رفیع بن ملّا ظهیر مهرآبادی، عالم فاضل. از فضلای قرن سیزدهم هجری.

در روستای «مهرآباد» اردستان متولّد شده و در اردستان نزد حاج ملّا عبدالعظیم بیدگلی به تحصیل مشغول شد. سپس به کاشان رفته و در مدرسه سلطانی نزد حاج ملّا محمّد حسین طاهرآبادی به ادامه تحصیل پرداخت. کمی بعد به اصفهان رفته و به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.

عاقبت به اردستان بازگشته و به ترویج دین و ارشاد مردم مشغول شد. او به تقوا و زهد معروف بود. در سال ۱۲۷۳ق وفات نمود و در قبرستان «مهرآباد» دفن شد.(۲)

شیخ محمّد حسین اَشَنی قودِجانی*

شیخ محمّد حسین اشنی قودجانی ابن حاج ملّا محمّد بن حاج ملّا علی، عالم کامل، فقیه متبحّر و صالح متّقی، در حدود سال ۱۲۸۵ در قریه «قودجان» گلپایگان متولّد شده و جهت تحصیل به اصفهان آمد و نزد میرزا ابوالمعانی کلباسی، میر محمّد تقی مدرس، شیخ محمّد تقی آقانجفی و سیّد محمّد باقر درچه ای به تحصیل پرداخت. همچنین از محضر درس آخوند کاشی و احتمالاً ـ جهانگیرخان قشقائی کسب فیض نمود. سپس به عتبات عالیات عزیمت نمود و احتمالاً خدمت آیات عظام آخوند خراسانی، سیّد محمّد کاظم یزدی، شیخ فتح اللّٰه شریعت اصفهانی و دیگران به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۸۵.

۲- آتشکده اردستان، ج۲، ص۲۸۸.

او پس از پایان تحصیل به ایران مراجعت نموده و در قریه «اَشَن» از بلوک عربستان (مهردشت فعلی) اصفهان ساکن شده و به ترویج دین و اشاعه احکام اسلام و حل مشکلات مردم آن حدود مشغول شد. در زمان حکومت رضاخان چندی در گلپایگان و «قودجان» ساکن بوده و عاقبت به دعوت جمعی از علمای اصفهان، به اصفهان آمده و در مدرسه درکوشک به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شد.(۱)]

او در بعدازظهر یک شنبه ۲۴ رمضان المبارک سال ۱۳۷۵ق وفات یافته و در بقعه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ محمّد حسین کتابفروش

شیخ محمّد حسین کتابفروش ابن ملّا محمّد بن ملّا علی خوانساری، از فضلای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. در اصفهان متولّد شده و نزد حاج میرزا یحیی مستوفی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، شیخ مرتضی ریزی و شیخ محمّد تقی آقا نجفی به تحصیل پرداخته و سپس مانند پدر به شغل کتابفروشی پرداخته و از راه طبع کتب دینی خدمت شایسته ای به علم و دین فرموده است.

وی داماد استادش میرزا یحیی مستوفی بوده و در سلخ شعبان سال ۱۳۶۶ق وفات یافته و حوالی قبر ملّا محمّد اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد، در بقعه ی خانوادگی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

از پی تاریخ او گفت خرد با یکی

«جا بجنان می کناد شیخ محمّد حسین»

وی تألیفاتی دارد که از آن جمله است:

۱. «تفسیر مولوی»، در حاشیه قرآن به طبع رسیده و خلاصه چندین کتاب تفسیر

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

۲- مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص ۲۰۱-۲۰۷.

است. ۲. «کشف الآیات» که در آخر کتاب «جنّات الخلود» به طبع رسیده است.(۱)

حسین زعفرانی اصفهانی

ابوسعید حسین بن محمّد بن علی زعفرانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصفهان است. حافظ ابونعیم در کتاب خود او را بندار شهر در کثرت حدیث و صاحب معرفت و اتّقان دانسته است.

از بغوی، ابن صاعد، حسین بن علی بن زید و دیگران حدیث شنیده و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند. وی سرانجام در ۲۸ شوال ۳۶۹ق وفات یافته است. او صاحب تألیفات فراوانی بوده که از آن جمله است:

۱. «تفسیر» ۲. «مسند» ۳. «شیوخ»(۲)

سیّد حسین مدرس*

سیّد حسین مدرس ابن سیّد محمّد بن سیّد علی بن میر حسن مدرس میر محمّد صادقی، عالم فاضل. در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۳۷ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر نزد حاج میر سیّد علی بهبهانی، میر سیّد علی فانی، میرزا علی اصغر شریف، شیخ حسین ذوعلم، آقا میرزا هاشمی و شیخ محمّد جواد اصولی به تحصیل پرداخت.

وی از علماء اهل منبر و عالمی خلیق و وارسته بوده و سرانجام در شب چهارم رجب المرجب ۱۴۲۰ق (مطابق با ۲۲ مهر ۱۳۷۸ش) در بیمارستان الزهراء اصفهان وفات یافته و در جوار مرقد جدّ اعلای خود در مسجد رحیم خان اصفهان مدفون شد.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۱ و ۵۶۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۸.
۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۸۴؛ الاعلام، ج۲، ص۲۷۷؛ طبقات المفسرین، ج۱، ص۱۵۷؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۳۰۵.
۳- نگاهی به احوال و آواء حکیم مدرس اصفهانی، ص۲۳.

حسین خوشنویس زاده*

حسین خوشنویس زاده از هنرمندان معاصر فرزند میرزا محمّد بن ملّا علی اصغر بن حاج ملّا حسن نجف آبادی.

در سال ۱۲۸۸ شمسی متولّد و نزد پدر علوم عربی را آموخت و نقاشی و میناتور را از میرزا هادی خان مختار تجویدی و هنر سوخت را از میرزا عباس ذوالفنون و خط را از ابراهیم بوذری فرا گرفت. مادر وی دختر علّامه آقا میرزا عطاءاللّه چهارسوقی بوده است.

وی از هنرمندان میناتور اصفهان و از اساتید قدیمی هنر سوخت و نقاشی به شمار می رفت.

فرزند ایشان به نام ناصر خوشنویس زاده در هنر سوخت و معرق استاد است.

حسین خوشنویس زاده در روز دهم آبان ۱۳۷۳ ه.ش. وفات یافته و در گورستان جدید (باغ رضوان) اصفهان مدفون شد.

شیخ حسین یزدی

شیخ حسین یزدی فرزند شیخ محمّد بن شیخ محمّدعلی یزدی اصفهانی، عالم فاضل معاصر.

در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شد. از نوجوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت. ادبیات عرب و منطق را نزد اساتیدی چون سیّد مرتضی موحّد ابطحی، میرزا یحیی فقیه ایمانی، ملّا هاشم جنّتی، شیخ عباسعلی ادیب، شریعت هرندی و شیخ حیدرعلی صلواتی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی و قوانین را نزد شیخ نورالدّین اَشَنی آموخت آنگاه به شهر مقدس قم شتافت و سطوح عالی فقه و اصول را نزد حضرات آیات میرزا علی مشکینی، شیخ اسداللّه اصفهانی (صفر نوراللهی)، مرعشی نجفی، شهید مطهری، شهید صدوقی و سیّد محمّد باقر سلطانی فرا گرفت. همچنین از درس شرح منظومه شیخ مسلم ملکوتی و فلسفه علّامه طباطبایی استفاده نمود.

آنگاه به درس خارج آیت اللّه العظمی بروجردی حاضر شد و سپس مدت ۳۰ سال از

محضـر آیت اللّه العظمی گلپایگانی بهره برد. وی همچنین از دروس حضـرات آیات: امام خمینی، شـیخ مرتضـی حائری، شیخ محمّد تقی بروجردی و سیّد حسین فرید اراکی استفاده کرد. سپس به تدریس در حوزه علمیه قم و ترویج دین مشغول شدم و سالهاست که سرپرستی مدرسه علمیه رسالت را به عهده دارد.

از آثـار ایشان تصـحیح و تحقیق کتاب «مجمع الفائـده و البرهان» تألیف: مقـدس اردبیلی قابل ذکر است که با همکاری مرحوم شیخ علی پناه اشـتهاردی و آقای سیّد حسین موسوی کرمانی در ۱۴جلد به انجام رسـیده است. وی تقریرات فقهی اساتید خود (حضـرات آیات: بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی و فرید اراکی) را به رشته تحریر درآورده است و چندین مقاله تحقیقی از او به چاپ رسیده است.(۱)

حسین راغب اصفهانی

ابی القـاسم حسـین بن محمّـد بن فضـل بن محمّـد اصـفهانی معروف به «راغب اصـفهانی» از بزرگـان علمـاء و فقهاء قرن پنجم هجری است. در علوم ادب و لغت و شـعر و حدیث و کلام و حکمت بی نظیر بوده است و او را در علم و حکمت او را تالی و قرین امام محمّد غزالی می شمارند. در کتاب «درّه الاخبار» گوید:

«جمع کرد میان شریعت و حکمت در تصانیف خود و حَظّ او از معقولات بیشتر بود.»

برخی او را شـافعی شـمرده انـد و بسـیاری نیز او را معتزلی می داننـد. امّا شـیخ عمادالـدّین حسن بن علی طبری صاحب «کامل بهائی» در آخر کتاب خود «اسرارالامامه» به صراحت می نویسد که راغب از حکمای شیعه امامیه است.

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «تفصیل النّشأتین و تحصیل السّعادتین» مطبوع ۲. «الذّریعه الی مکارم الشّریعه»

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

که امام محمّد غزالی پیوسته به مطالعه آن کتاب می پرداخته است و آن را به واسطه عظمت و نفاستش می ستوده و آن کتابی است بزرگ دارای نوادر حکم و حکایات ظریفه که به فارسی ترجمه شده و نام ترجمه آن «روش بزرگواری در اسلام» است. مطبوع ۳. «غره التنزیل و درّه التّاویل» ۴. «محاضرات الادباء» مطبوع ۵. «مفردات الفاظ القرآن» مشهورترین تألیف او که بارها در ایران و مصر چاپ شده است. ۶. «جامع التّفاسیر» که قاضی بیضاوی در تفسیر خود از آن استفاده کرده است.

راغب اصفهانی در اصفهان متولّد شده و به سال ۵۰۲ق در بغداد وفات یافته است. در کتاب «الکنی و الالقاب» به اشتباه سال فوت او ۵۶۵ق نوشته شده است.(۱)

حسین عمروی اصفهانی

قاضی ابوعبداللَّه حسین بن محمّد بن محمّد بن عمرویه عمروی اصفهانی، فقیه، محدّث، شاعر و ادیب قرن ششم هجری، از اکابر فقهای شافعی اصفهان در عصر خویش بوده و سمعانی از او به عنوان «کان اماماً فاضلًا مناظراً حَسَن السّیره سؤدداً» یاد کرده است.

از ابو عیسی عبدالرّحمان بن عیسی بن زیاد، ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن حسن بن ماجه ابهری و دیگران حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی در اصفهان خدمت او استماع حدیث کرده و نوشته است.

وی در حدود سال ۴۶۰ق متولّد و در دوشنبه ۲ذیقعده سال ۵۳۸ق در اصفهان

۱- کشف الظنون، ج۲، ص۱۶۰۹؛ بغیه الوعاه، ص۳۹۶؛ الاعلام، ج۲، ص۲۷۹؛ ثقاه العیون، صص ۸۱ و ۸۲؛ ریاض العلماء، ج۲، ص۱۷۲؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۴۰؛ نزهه القلوب، ص۶۹۳؛ طبقات المفسرین، ج۲، ص۳۲۹؛ الذریعه، ج۵، ص۴۵ و ج۱۰، ص۲۸ و ج۲۰، ص۱۲۸ و ج۲۱، ص۳۶۴؛ روضات الجنات، ج۳، ص۱۹۷؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۹۲؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۵۹؛ درّه الاخبار، ص۶۷؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۶۷ و ۲۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۵۲ و ۵۵۳؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۲۷۲ و ۲۷۳.

وفات یافته است.(۱)

حسین رجاء اصفهانی

شیخ قطب الدّین حسین بن شیخ ولی اللّه شمس الدّین محمّد بن محمود بن علی اصفهانی معروف به رجاء، عارف و عابد صالح از عرفای قرن هشتم هجری. وی شیخ خانقاه علی بن سهل بوده و از پدرش خرقه دریافت نموده است و پدرش از تاج الدّین محمود و او از شیخ شهاب الدّین عمر سهروردی. ابن بطوطه در حدود سال ۷۲۷ق در خانقاه علی بن سهل در اصفهان خدمت او بوده و مورد اکرام و مهمان نوازی او واقع شده، و این شیخ را بسیار ستوده است.(۲)

سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان*

سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان (سلطان العلماء) بن رفیع الدّین محمّد بن شجاع الدّین محمود مرعشی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محقق و ادیب شاعر [از علماء و وزراء عالی مقام قرن یازدهم هجری].

در اصفهان متولّد شده و نزد پدر خود و شیخ بهائی و دیگران به تحصیل پرداخته و به مقام شامخ علم و فضیلت نائل شد. پدرش منصب صدارت شاه عباس اوّل را برعهده داشت. شاه عباس علاءالدّین حسین را به دامادی خود پذیرفته و چندی بعد منصب وزارت اعظم را به او سپرد. در زمان شاه عباس او ۵ سال وزارت کرد.

بعد از مرگ شاه عباس و به سلطنت رسیدن شاه صفی ۲ سال وزیر او بود. امّا شاه صفی نسبت به او بدگمان شده و او را از وزارت عزل کرده و به قم تبعید کرد و دستور داد پسران خلیفه سلطان را میل در چشم کشیده و کور نمایند.

۱- التّحبیر، ج۱، ص۲۳۱.

۲- سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه فارسی)، ج۱، ص۲۱۳؛ مقالات الحنفاء، ص۱۵؛ مزارات اصفهان، ص۳۲۴.

خلیفه سلطان در قم به ادامه تحصیل پرداخته و عمر را به عبادت و تدریس گذرانید تا آن که شاه عباس دوّم به سلطنت رسید. پس از اینکه وزیر او ساروتقی به قتل رسید، بار دیگر خلیفه سلطان از طرف شاه عباس دوّم به وزارت منصوب شد و ۸ سال در این منصب باقی بود. عاقبت پس از فتح قندهار و حرکت اردوی شاه به مازندران، او که در رکاب شاه بود، در شهر اشرف در روز سه شنبه ۱۰ جمادی الاولی ۱۰۶۴ق وفات یافت. پیکرش به نجف حمل شده و در کفشداری ایوان حرم مطهر حضرت علی علیه السلام مدفون شد.

او طبع شعر داشته و اشعاری از او به جای مانده است. این شعر از اوست:

افسوس که عمر بیهوده گشت تلف

دنیا به تعب گذشت و دین رفت ز کف

رنجید خدا و خلق راضی نشدند

ضایع کرده ایم پاره ای آب و علف(۱)

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «آداب الحج»، به فارسی ۲. «انموذج العلوم» که نسخه ای از آن به شماره ۸۰۰/۵ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است. (۲) ۳. «ترجمه تقویم البلدان» تألیف: اسماعیل ایوبی، به فارسی و به نام شاه صفی، موجود در کتابخانه ملک در تهران (۳) ۴. «تعلیقه بر من لایحضره الفقیه» ۵. «توضیح الاخلاق» که آنرا به دستور شاه صفی از روی کتاب «اخلاق ناصری» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی، به زبان ساده و روان بازنویسی شده و به شماره ۲۹۸۴ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود

۱- ریاض العلماء، ج۲، صص ۵۵-۵۱؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۳۳۷؛ الکنی و الالقاب، ج۲، صص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۵۹؛ معجم المؤلفین، ج۶، ص۲۹۲؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۵۶؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۳ و ۲۴؛ آثار الشیعه، ج۴، صص ۹۹-۹۷؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۱۹؛ لباب الالقاب، ص۲۳؛ شمس التواریخ، صص ۱۳ و ۱۴؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۲۱۹ و ۲۲۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۴-۱۲؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۵.

۲- فهرست مروی، ص۳۰۸.

۳- فهرست ملک، ج۲، ص۱۲۹؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۸۵.

است. (۱) ۶. «حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات تجرید» ۷. «حاشیه بر شرح لمعه» ۸. «حاشیه بر شرح مختصر المنتهی» که نسخه ای از آن به شماره ۲۰۸۸۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است. (۲) ۹. «حاشیه بر مختلف الشیعه» ۱۰. «حاشیه بر معالم الاصول» که معروفترین اثر اوست و دهها نسخه از آن در کتابخانه های مختلف موجود است و به همراه متن کتاب به طبع رسیده است. ۱۱. «حاشیه بر مدارک الاحکام» که نسخه ای از آن به شماره ۸۸۲ در مدرسه مروی تهران موجود است. (۳) ۱۲. «شبهات در علوم متفرقه و جواب آن» ۱۳. «شرح بر زبده شیخ بهائی» ۱۴. «دفع شبهه استلزام»

میر محمّد حسین شیخ الاسلام نائینی

میر محمّد حسین بن رفیع الدّین محمّد بن مهدی بن ابوالحسن بهاءالدّین محمّد بن میرزا رفیع الدّین محمّد (میرزا رفیعا) نائینی طباطبائی زواره ای، از علمای قرن دوازدهم هجری است.(۴)

او از علمائی بوده که در زمان هجوم افاغنه به اصفهان، خانه اش محلّ تحصّن بوده است و هرکس به خانه اش داخل می شده، از شرّ افاغنه در امان بوده است.(۵)

او در ۳ جمادی الاولی سال ۱۱۷۵ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان آب بخشان مدفون شد.

رفیق اصفهانی ماده تاریخ وفات او را سروده است:

۱- فهرست احیاء، ج۷، ص۳۸۸.

۲- فهرست رضوی، ج۱۶، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۳- فهرست مروی، ص۱۲۱.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۹.

۵- آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۸۴ و ۲۸۵.

گفتا رفیق از پی تاریخ آن: مدام

یا رب بِخُلد جای محمّد حسین باد(۱)

سیّد حسین شهشهانی

سیّد حسین شهشهانی ابن آقا سیّد محمّد صدرالواعظین بن میرزا یحیی. از دانشمندان و مردان نیکنام. در سال ۱۳۱۷ق در اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان و نجف به پایان رسانید و به دعوت داور وزیر دادگستری به آن وزارت وارد شده و تا مستشاری دیوان عالی کشور ترقّی نموده است. مدّتی کفالت وزارت دادگستری و وزارت کشور را داشته و زمانی نیز استاندار مازندران، و مدّتی ریاست اداره ثبت اسناد کل را داشته است.

مرحوم شهشهانی مردی دانشمند و خلیق و خوش محضر بود. سرانجام در ۱۳ شوال ۱۳۸۱ق در ژِنِو وفات یافته، جنازه به اصفهان منتقل شده، در بقعه شهشهان مدفون گردید.

مقالات زیر از ایشان در روزنامه های مرکز انتشار یافته است:

۱. «فرمانی از نادرشاه درّانی» ۲. «وقف نامه مسجد میرعماد کاشان» ۳. «تاریخچه بقعه شهشهان و اسناد آن» ۴. «فهرست قسمتی از اسناد و مکاتبات» مجموعه شخصی او مربوط به دوران قاجاریه که آنها را آقای غلامرضا فرزانه زیر نظر ایشان تهیه نموده است.

از آثار آن مرحوم احیای قریه اصفهانک، موقوفه بقعه شهشهان است که یکی از بنی اعمام ایشان آن را به عنوان ملکیّت به ثبت رسانیده بود، که به وسیله ایشان از تصرّف غصب خارج شد و به تولیت ایشان و نظارت مرحوم سیّد مرتضی شهشهانی برادر ایشان درآمد. از دیگر آثار او مرمّت و تعمیر بقعه سیّد علاءالدّین شهشهان بوده است.(۲)

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۴۶۱ و ۲۴۶۲.

۲- سواد و بیاض، ۲۷۳-۲۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۲؛ مزارات اصفهان، ص۲۸۱.

دکتر سیّد حسین میرشمسی

دکتر سیّد حسـین میرشمسی ابن آقا میر سیّد محمّد شهشهانی، دانشمند محقّق معاصر. در سال ۱۲۹۵ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسّطه را در اصفهان به پایان رسانید. درس سال ۱۳۱۸ش از دانشکده دامپزشکی دانشگاه اصفهان و در سال ۱۳۳۱ش از مدرسه عالی دامپزشکی «آلفر» وابسته به دانشگاه پاریس، دکترای دامپزشکی دریافت داشته است و دوره های تحصیلی باکتری شناسی و ایمنی شناسی را در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ش در «انستیتوپاستور» پاریس و دوره تخصّصی ویروس شناسی را در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ و همچنین سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ در انگلستان و آمریکا گذرانید. در مهرماه ۱۳۲۰ش پس از دو سال خدمت وظیفه، به خدمت مؤسسه سرم و واکسن سازی رازی درآمده و در این موقع که جنگ جهانی دوّم به شدّت ادامه داشت و در کشور در تصرف سه نیروی بیگانه بود مسئول تولید سِرُم های درمانی مصرفی پزشکی به خصوص سِرُم ضد دیفتری بود. از سال ۱۳۳۲ش به بعد مسئولیّت تولید واکسن های ضد دیفتری و کزاز و سیاه سرفه برای مصرف کشور را به عهده داشته و با توسعه واحد تولید واکسن ها و سِرُم های مصرف پزشکی به تدریج موضوع تهیّه واکسن های ضد سرخک و ضد عفونت کودکان به مسؤلیّت وی درآمد.

دکتر میرشمسی ۳ کتاب در زمینه ویروس شناسی و ایمنی شناسی و بیش از ۱۱۲ مقاله فارسی، فرانسوی و انگلیسی نوشته که به چاپ رسیده اند. در سال ۱۳۷۴ش نیز نشان درجه اول پژوهش را از دست رئیس جمهور وقت دریافت نمود. وی طبع شعر داشته و در جوانی شعر می سروده است.

از اوست:

خسرو عشق بنازم که چو زد خیمه به دل

شهره دهر کند بی سر و پا کوهکنی(۱)

۱- ماهنامه اطلاعات علمی، شماره ۲۴۱، ص۵۳؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۸۸ و ۴۸۹.

حسین ضمیری اصفهانی

کمال الدّین حسین بن محمّد اصفهانی متخلص به «ضمیری» شاعر و ادیب دانشمند قرن دهم هجری. وی در حکمت و ریاضی از شاگردان غیاث الدّین منصور دستکی شیرازی بوده است. ابتدا به مناسبت اینکه پدرش باغبان باغ نقش جهان در اصفهان بود «باغبان» تخلّص داشت، در علم رمل نیز استاد بود.

هنگامی که به خدمت شاه طهماسب رسید و چون به خاطر احاطه به رمل از ضمایر خبر می داد، به اشاره شاه تخلّص خود را به «ضمیری» تغییر داد. همچنین شاه طهماسب او را قابل مقایسه با امیرخسرو دهلوی دانسته و او را «خسرو ثانی» لقب داد.

وی اشعار زیادی سروده و آنها را در کتابهای چندی جمع آوری نموده که از آن جمله است:

۱. «آئینه خیال» ۲. «اسکندرنامه» ۳. «احیای کمال» ۴. «بدایع الشّعر» ۵. «بهار و خزان» ۶. «بدایت حال یا ترانه وصال» ۷. «حسن فال» ۸. «حسنه الاخبار» ۹. «خجسته فال» ۱۰. «درّ مثال» ۱۱. «سفینه اقبال» ۱۲. «سحاب حلال» یا «سحر حلال» ۱۳. «صورت حال» ۱۴. «صنایع» ۱۵. «صیقل ملال» ۱۶. «عذر مقال» ۱۷. «طاهرات» ۱۸. «عیون الزلال» ۱۹. «فراغ بال» ۲۰. «قدس خیال» ۲۱. «کنزالاقوال» ۲۲. «لیلی و مجنون» ۲۳. «لوامع خیال» ۲۴. «معشوق لایزال» ۲۵. «معراج آمال» ۲۶. «مکثر الاحوال» ۲۷. «منتهای کمال» ۲۸. «نهایه السّحر» ۲۹. «ناز و نیاز» ۳۰. «وامق و عذرا»

از اوست:

درمانده به درد دل بی حاصل خویشم

رو همدم و بگذار به درد دل خویشم

گیرد همه کس روز جزا دامن قائل

جز من که به جان منفعل از قاتل خویشم(۱)

۱- خلاصه الاشعار (بخش اصفهان)، صص ۷-۳؛ تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۴۴۶؛ تحفه سامی، ص۲۲۳؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسین ضمیری، ص۶۵۸؛ آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۵۸؛ تذکره حسینی، ص۱۹۵؛ تذکره غنی، ص۸۲؛ تذکره میخانه، صص ۱۵۸-۱۵۶؛ تاریخ عالم آرای عباسی، ج۱، ص۲۷۸؛ الذریعه، ج۷، ص ۲۶۰؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۷۰۰-۶۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۲ و ۵۶۳؛ فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج۷، ص۸۷۱؛ فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه شماره ۲۱۴۴؛ تذکره شمع انجمن، ص ۴۲۰.

میر محمّد حسین عاشوری قمی

میر محمّد حسین بن صدرالدّین محمّد حسینی عاشوری قمی، عالم فاضل، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخته است. وی در محرم ۱۰۹۶ق «بحارالانوار» مجلد هیجدهم را کتابت کرده و آن را نزد علّامه مجلسی خوانده و تحقیق و تصحیح نموده است. علّامه مجلسی نیز در ۲۷ ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق جهت او اجازه مرقوم داشته است.(۱)

ملّا محمّد حسین مظاهری کرونی

ملّا محمّد حسین مظاهری ابن محمّد بن ملّا میرزا کرونی اصفهانی، عالم زاهد، قبل از سال ۱۲۹۵ق در «تیران» از بلوک کَروَن اصفهان متولّد شد و در نوجوانی به همراه پدرش و برادرش (حاج میرزا حسن) به اصفهان آمده و در کنار بازارچه بیدآباد جنب مسجد میرزا باقر ساکن شد و نزد حضرات آیات سیّد مهدی نحوی، ملّا محمّد همامی، میرزا محمّدحسن نجفی، آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقائی، میرزا احمد مدرس، سیّد مهدی درچه ای و آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی به کسب فیض پرداخت. مدتی نیز به عتبات عالیات مُشرّف شده و از محضر درس آخوند خراسانی بهره مند شد و به اصفهان بازگشت و به ارشاد مردم و اقامه جماعت در مسجد محلّه لُرها در محلّه بیدآباد و مدتی نیز در مسجد مورنان پرداخت.

در نهایت تقوا و صلاح بود و بسیار عبادت می نمود و در کارهای خیر پیشقدم بود.

۱- الذریعه، ج۱، ص۱۵۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۸؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۹۲؛ اجازات الحدیث، ص۱۹۱؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۸.

و سرانجام در شب ۲۹ جمادی الثّانی ۱۳۶۸ق وفات یافته و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.

تاریخ وفات او را میرزا حبیب اللّٰه نَیّر چنین سروده است:

کِلکِ «نَیّر» از برای سال تاریخش نگاشت

«سوی جنّت شد چو آقای حسین کرونی»(۱)

میر محمّد حسین گلستانه

میر محمّد حسین بن علاءالدّین محمّد گلستانه، از علماء و فضلای قرن دوازدهم هجری است.(۲) [در اصفهان ساکن بوده و ظاهراً نزد پدر خود به تحصیل پرداخته است. سال فوت او معلوم نیست.]

حسین جُرواآنی اصفهانی

ابوعبداللّٰه حسین بن محمّد مؤدّب جرواآنی اصفهانی، از محدّثین اصفهان و از اهالی محلّه «جُرواآن» اصفهان بوده و از ابراهیم بن محمّد بن حسن معروف به مُتویّه حدیث نقل نموده است.(۳)

شیخ حسین واعظ اصفهانی

شیخ حسین بن محمّد واعظ اصفهانی حائری، عالم فاضل، متوفّی حدود سال ۱۳۲۰ق، مؤلف کتاب «طریق الجنّه» در مقتل به فارسی.(۴)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۱۵۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۷؛ بوستان فضیلت، صص ۲۱۰-۲۰۴.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص ۳۲۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۲۸۴.

۴- الذریعه، ج۱۵، ص۱۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۵۵۳.

سیّد محمّدحسین رجائی

سیّد محمّدحسین رجائی ابن آقا سیّد محمود بن جواد حسینی اصفهانی، عالم فاضل محقق.

در سال ۱۲۹۷ق در اصفهان متولّد شد و نزد علمای اصفهان همچون شیخ محمّدعلی نجفی مسجد شاهی و سیّد محمّدباقر درچه ای، آقانجفی و دیگران کسب فیض نمود و از اساتید خود موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردید و به انجام مسؤولیت های اجتماعی و تبلیغ دین و حل مشکلات شرعی مردم مشغول شد. او مردی منضبط و منظم بود و اوقات خود را صرف عبادت و مطالعه و تدریس و تألیف و پاسخگویی به مراجعات مردم می کرد.

او در سال ۱۳۴۲ق سفری به عتبات عالیات نمود که در نجف اشرف به بیماری گرفتار شده و در راه بازگشت به ایران در کرمانشاه وفات یافت و جسدش را در مقبره ای پشت مقبره آقا محمّدعلی کرمانشاهی در کرمانشاه مدفون ساختند.

کتب زیرا از تألیفات اوست:

۱. «اجتماع الامر و النّهی» ۲. «الاجزاء» ۳. «الادلّه العقلیّه» ۴. «الاوامر» ۵. «تداخل الاسباب» ۶. «التّرتُّب» ۷. «التّعادل و التّراجیح» ۸. «تقریر ابحاث المسجد شاهی» ۹. «حاشیه فرائد الاصول» ۱۰. «الخلل» ۱۱. «دلاله النّهی علی فساد المنهی عنه» ۱۲. «الصّحیح و الاعم» ۱۳. «قاعده الفراغ و التّجاوز» ۱۴. «مسأله الضّد» ۱۵. «مقدمه الواجب» ۱۶. «نیّه الصّوم» ۱۷. «الوضع»(۱)

سیّد محمّد حسین آزاد خاتون آبادی

سیّد محمّد حسین خاتون آبادی متخلّص به «آزاد» ابن حاج میرزا محمود بن میر سیّد علی بن میر محمّد صادق بن میر محمّدرضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس، شاعر ادیب و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۱۱۵ و ۱۱۶؛ تراجم الرّجال، ج۱، صص ۱۸۸ و ۱۸۹.

خوشنویس دانشمند، در غرّه رمضان ۱۳۱۶ق در اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود را از مدرسه حقایق (دومین مدرسه از مدارس جدید اصفهان) آغاز کرد. سپس در مدارس قدیم اصفهان به فراگیری علوم دینی مشغول شد. [تحصیلات خود را در نجف اشرف دنبال کرد و به اصفهان بازگشت. پس از قوانین سخت گیرانه حکومت رضا شاه و ممنوعیت استفاده از لباس روحانیّت و قانون متحدالشکّل شدن لباس، از لباس روحانیّت خارج شده و به تدریس در مدارس اداره فرهنگ مشغول شد. مدّتی مدیر مدرسه فردوسی بود. سپس تدریس در مدرسه جلالیه و کازرونی و مدیریت مدرسه خیّام را به عهده گرفت.

وی در علوم انساب، نجوم، علوم غریبه و تاریخ و ادبیات مهارت به سزایی داشت و خطوط ثلث، نسخ و کوفی را خوش می نوشت.] شعر نیز می سروده و در انجمن های ادبی از جمله انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و در شعر «آزاد» تخلّص داشت. [وی سرانجام در ۱۹ ذیقعده ۱۴۰۰ق (مطابق ۷ مهرماه ۱۳۵۹ش) در اصفهان وفات یافته و در یکی از حجره های شرقی تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون شد.

از آثار او یک جلد قرآن مجید به خط کوفی است که آن را تا جزء شانزدهم کتابت نموده بود. همچنین قرآن دیگری به خط ثلث که ترجمه آن و تذهیب و ترتیب صفحات آن را خود انجام داده بود. مرحوم احمد غفورزاده متخلص به طلا‌یی نیز تابلویی از ترجمه فارسی خطبه بدون نقطه حضرت علی علیه السلام به خط مرحوم آزاد در اختیار داشت که ترجمه آن نیز از مرحوم آزاد و بدون نقطه بود.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «جنگل مولی» در تاریخ ۲. «العالم و التّمدّن» در شرح خطبه «نهج البلاغه» از پیدایش آدم ۳. «اغصان طیّبه» در شجره نامه سادات و احوال اعیان و مشاهیر و علماء آنان [کپی آن کتاب در کتابخانه تخصصی تخت فولاد موجود است.] ۴. «مسائل حساب و هندسه» جهت محصّلین مدارس ۵. «جزوات متفرقه در جفر و هیأت و اعداد» ۶. «دیوان اشعار» مطبوع ۷. «جفر جامع» شش جزء [۸. «طاوس الحرمین» تحقیق

پیرامون گنبد عالی در ابرقو ۹. کتابی ناتمام در «نجوم»]

این شعر از اوست:

گر شبی گیرم به کف زلف نگار خویش را

گویمش شرح پریشان روزگار خویش را

می شود تاراج دین و دل، رَوَد صبر و قرار

بر زبان چون آورم نام نگار خویش را(۱)

حسین امامی نائینی

حسین امامی نائینی فرزند میرزا محمود امام جمعه، [نویسنده و مورّخ معاصر. در سال ۱۲۹۵ش در نائین متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه گلزار نائین طی کرد و در کنار آن مقدمات فقه و اصول را از پدر دانشمند خود آموخت. سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دیپلم علمی دریافت نمود. امّا به خاطر علاقه فراوان به تاریخ، به تدریس تاریخ و دینی مشغول شد] وی سالها در دبیرستانهای اصفهان به تدریس مشغول بود تا اینکه در دوشنبه ۲۵ صفر ۱۳۹۲ق برابر با فروردین ۱۳۵۲ش در اصفهان وفات یافته [و در یکی از اطاق های تکیه آباده ای در تخت فولاد به خاک سپرده شد. وی مسلمانی معتقد و آراسته به سجایای اخلاقی و کمالات انسانی بود و در اواخر عمر مسجدی را در خیابان بزرگمهر تأسیس کرد که به مسجد امامی مشهور شد.]

مرحوم امامی [از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۴ش] کتاب ارزشمندی به نام «تاریخ نائین» را تألیف نمود که متأسفانه هنوز به چاپ نرسیده است. وی از دوستان قدیمی نویسنده [سید مصلح الدّین مهدوی] بود.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵-۱۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با دکتر محمود خاتون آبادی (فرزند محمّدحسین خاتون آبادی) در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۰ش؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۶؛ فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۶۹-۶۷.

حسین مبصرالسّلطنه

حسین بن محمود اصفهانی ملقّب به مبصرالسّلطنه، [از چهره های اهل ادب در اواخر دوره قاجاریه بوده] و در کاشان سکونت داشته و کتابهای «ساز و پیرایه شاهان پرمایه» و «سیب نامه» را به چاپ رسانید

دکتر سیّد حسین بحرالعلومی*

دکتر سیّد حسین بحرالعلومی فرزند سیّد مرتضی بن میرزا سیّد رضی شاپورآبادی، از محققان دانشمند ادبیات فارسی نسبش به حکیم سلمان طبیب شاه عباس صفوی منتهی می شود.

در سال ۱۲۹۲ش در روستای «شاپورآباد» بُرخوار متولّد شد در اصفهان تحصیلات ابتدائی و متوسطه را به پایان رسانیده و در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و به درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی نائل شد. وی سالها در دبیرستان ها و دانشگاه تهران مشغول تدریس بود تا اینکه در ۲۶ آبان ۱۳۶۸ش در تهران از دنیا رفت.

برخی از تألیفات و آثار او عبارتند از:

۱. «شرح و تصحیح دیوان خلاق المعانی کمال الدّین اسماعیل اصفهانی» که تز دکترای او بود و به چاپ رسید. ۲. «کارنامه انجمن آثار ملی» ۳. «شرح چند غزل از حافظ» ۴. «نمونه های نظم و نثر فارسی» برای دانشجویان و مشارکت در تدوین برخی از کتابهای درسی برای دبیرستان از جمله درس عربی و درس ادبیات فارسی.

وی طبع شعر داشته و گاهی بنا به اقتضای حال اشعاری می سرود.(۱)

سیّد محمّد حسین موسوی درچه ای

سیّد محمّد حسین بن سیّد مرتضی موسوی درچه ای معروف به اخباری. عالم کامل و فقیه محدّث زاهد، برادر آقا سیّد محمّد باقر درچه ای در اصفهان ونجف اشرف به

۱- نادره کاران، ص۶۷۵؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش اوّل)، ص ۱۲۰.

تحصیل پرداخته و به اجتهاد نائل آمد.

وی در سال ۱۳۳۴ق وفات یافته و نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرزا محمّد حسین سر رشته دار

میرزا محمّد حسین سر رشته دار فرزند میرزا مرتضی، از مستوفیان و کارگزاران دستگاه ظلّ السّلطان بوده است. در شیراز خدمت رحمت علی شاه نعمت الهی رسیده و در زمره عرفاء و صوفیه وارد شده است. در علم سیاق استاد و خط نستعلیق را خوب می نوشته و در غرّه رجب سال ۱۳۲۰ق وفات یافته، بیرون بقعه فیض مدفون گردید.(۲)

حسین سررشته دار زاده

حسین سر رشته دار زاده ابن میرزا مرتضی خان سر رشته دار معروف به آقاخان، شاعر ادیب، در سال ۱۳۳۰ق در اصفهان متولّد شد. پس از اندکی تحصیل به استخدام ارتش درآمده و در قسمت پیاده نظام به خدمت پرداخت. سپس به طهران منتقل شده و در قسمت اداری ارتش به کار پرداخت.

از اوست:

درمان ناامیدی و افکار منقلب

گفتار نغز و شعر چو آب روان بود

ای آن که رنج می بری اندر ره سخن

شعر آنچنان بگو که پسند جهان بود(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۶۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵.

۲- طرائق الحقائق، ج۳، ص۴۳۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۳ و ۵۶۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴۱.

سیّد حسین میرعلائی*

سیّد حسین میرعلائی بن حاج سیّد مرتضی، عالم فاضل جلیل، امام جماعت قریه «خورزوق» بُرخوار اصفهان، متوفی در ۱۵ رجب ۱۳۷۳ق مدفون در تکیه ریزی در تخت فولاد.(۱)

سیّد حسین موحّد محمّدی

سیّد حسین موحّد محمّدی اصفهانی متخلّص به فخر ابن آقا سیّد مصطفی، از شعرای معاصر اصفهان. پدرش از علماء و وعاظ اصفهان بود. خود او در سال ۱۳۱۴ش متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسّطه را در اصفهان انجام داد. از فرهنگیان اصفهان بوده و در انجمن ادبی کمال نیز شرکت می نمود.

از اوست:

آن مه خورشید طلعت هر کجا شد جلوه گر

عالمی را روشن از رخسار پر انوار کرد

پیش سرو قامتش سرو سهی شد پا به گل

جلوه هر گه سرو من در گلشن و گلزار کرد(۲)

سیّد حسین موسوی قهدریجانی*

حاج سیّد حسین موسوی قهدریجانی فرزند سیّد مصطفی، از علمای معاصر در سال ۱۳۰۰ش در قهدریجان لنجان متولّد شده و پس از تحصیل در مکتب خانه به اصفهان رفته و از درس حضران آیات سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی بهره گرفت سپس به قم رفت و در مجلس درس آیات عظام بروجردی، حجت کوهکمری، خوانساری، صدر و امام خمینی حاضر شد. آنگاه به اصفهان آمده و در شمار اصحاب مرجع عالیقدر حاج آقا رحیم ارباب قرار گرفت. او همچنین به همراه

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۴۹.

شهید دکتر سیّد محمّد بهشتی در درس فلسفه حاج آقا صدرالدّین کوپائی حاضر می شد.

او عالمی فاضل و متّقی و صالح بود. زندگی زاهدانه و بی تکلّف داشت و سالها در منطقه لنجانات به راهنمایی مردم و تبلیغ دین مشغول بود. سرانجام در ۲۵ آذر ۱۳۶۹ش وفات یافته و در امامزاده روستای «شرودان» لنجان مدفون شد.(۱)

حسین خاتون آبادی

حسین بن مظفر بن محمود بن جلال الدّین سمنانی معروف به «خاتون آبادی»، از خوشنویسان عصر صفویه است. خط نسخ را با مهارت می نوشته و در روستای خاتون آباد جی اصفهان ساکن بوده است.

وی کتاب «جامع المقاصد» تألیف محقّق کرکی را در پنج شنبه شوال ۹۸۳ق کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲) همچنین نسخه ای از «زبده الدّعوات» تألیف ابوالحسن بحرانی قزوینی را در ذیقعده ۹۹۹ق کتابت نموده و به شماره ۳۰۹۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

حسین قصری

قاضی ابوعلی حسین بن معمّر بن عبدالصّمد بن احمد بن عبدالواحد بن زکریا کاتب قصری، فقیه و محدث قرن ششم هجری.

در اصفهان از ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم قفّال طیّان استفاده کرده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از او اجازه گرفته است.(۴)

فایده: قصر = باب القصر از محلاّت یهودیه اصفهان بوده است.

۱- آشنایی با منطقه لنجانات، ص۱۸۴.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۶، ص۱۵۹.

۳- فهرست خوشنویسان قرن دهم هجری، ص۱۰۸؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۱، ص۲۰۳۵.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۲۴۲؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۵۵؛ المشترك، ص۴۳۷.

محمّد حسین افوسی فریدنی

محمّد حسین بن آقا ملک افوسی فریدنی گرجی خطاط نستعلیق نویس. در ۸ صفر ۱۲۹۷ق کتابت نسخه ای از کتاب «مفتاح الشّفاء» تألیف: میرزا محمّد کاظم بن محمّد صائب خوانساری را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۱۷۶۰ ضمن مجموعه ای در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

میرزا محمّد حسین ثاقب اصفهانی

میرزا محمّد حسین اصفهانی، متخلّص به «ثاقب» بن ملک محمّد بن محمّد شاعر و ادیب. از سخنوران قرن سیزدهم هجری. او از خاندان ملّا ملک احمد است که قاضی عسکر دولت قاجاریه بوده و اصل این خاندان از روستای «لاو» سمیرم است. در اصفهان علم و ادب آموخته و سپس در تهران به دربار فتحعلی شاه راه یافته و به مشاغل دیوانی روی آورد. «ثاقب» به امر فتحعلی شاه کتاب «تاریخ جهان آرا» را تألیف نمود. [در غزل سرائی ماهر بوده و قصیده را با استادی می سرود و در مدح سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی، منوچهرخان معتمدالدّوله (حاکم اصفهان) و محمّد تقی میرزا حسام السّلطنه (حاکم ایالات عرابی ایران) قصایدی غرّاء سروده است.]

وی سرانجام در سال ۱۲۵۸ق وفات یافت. برادرزاده اش میرزا نصراللّه شهاب لاوی اصفهانی از شعرای معروف عهد قاجاریه است. و این مصرع را در سوگ عمّ خود گفته است:

«شهابا همی سوز بر یاد ثاقب»

ثاقب جدّ فامیل ملک احمدی ساکن محلّه پای قلعه اصفهان می باشد.

[این چند بیت از قصیده او در مدح سیّد حجّهالاسلام شفتی انتخاب شد]

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۴۳.

هر شب سپهر گوهر انجم کشد به دوش

تا صبحدم کند به قدوم تواش نثار

تا هست در زمانه ز آویز مهر و ماه

در گوش آسمان به شب و روز، گوشوار

بادا غلام حلقه به گوش درت همی

شب ماه و روز مهر، به تأیید کردگار(۱)]

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد مؤمن اصفهانی خطاط نسخ نویس. در سال ۱۲۲۱ق کتاب «حیاه القلوب» علّامه مجلسی را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۲۳۰۵ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)

سیّد محمّد حسین امامی*

سیّد محمّد حسین امامی بن سیّد محمّد مهدی (معروف به میرزاجان) حسینی امامی اصفهانی، هنرمند و نقاش توانای قرن سیزدهم هجری. در نقاشی و قلمدان سازی استاد بوده و تابلوها و قلمدان های به جای مانده از او نشان دهنده ذوق و استعداد شایان اوست. در هنر گل و بتّه سازی چنان شهرت داشت که به «آقا محمّد حسین گل و بُتّه ساز» مشهور بود.(۳)

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۳۳-۱۳۱ و ۳۳۴ و ۳۳۵؛ تذکره مدایح معتمدیه، (خطی)؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۱، ص۳۵۲؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۵۷۷؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۶۰۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۵.

۲- فهرست وزیری، ج۳، ص۱۰۳۸.

۳- هنر قلمدان، ص۱۴۳.

محمّد حسین اُنسی

محمّد حسین مستحسن بن مهدی، شاعر ادیب معاصر. در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به کسب و کار پرداخت. او در انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن پروانه [و انجمن ادبی هنری سعدی] شرکت می نموده است.[(۱)] در شعر شاگرد شکیب بوده امّا در عرفان مرید عرفای سلسله گنابادی اصفهان است. دیوان اشعارش به طبع رسیده است. وی در اوّل آبان سال ۱۳۷۰ش بدرود زندگی گفته و در قطعه نام آوران واقع در گورستان باغ رضوان اصفهان به خاك سپرده شد.[(۲)]

از اوست:

مردم دیده من تا به رُخَت مایل شد

منعکس نقش جمال تو به لوح دل شد

به جز از مهر تو چشم از همه عالم بستم

تا به ثابت قدمی کام دلم حاصل شد

شیخ محمّد حسین کلباسی

شیخ محمّد حسین ابن آقا محمّد مهدی بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی عالم جلیل صالح. در مشهد خراسان ساکن بود، وی برای تحصیل به نجف اشرف رفته و خدمت جمعی از علماء همچون [شیخ ابراهیم کلباسی معروف به «شیخ العراقین» برادرش و]شیخ محمّد حسین کاظمینی و دیگران تلمّذ نموده و دختر شیخ محمّد حسن صاحب جواهر را به زوجیّت گرفته [و به خواهش برادرش حاج میرزا عبدالجواد که عازم سفر حج بود از نجف به اصفهان آمده و به جای برادر در مسجد حکیم اقامه جماعت نمود و پس از بازگشت او به مشهد مقدس رفت. پس از چندی به عتبات رفته و در کربلا به خدمت آقا

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۶۶.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۳۹؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد احمد غفورزاده طلایی در آذرماه ۱۳۷۷.

سیّد اسماعیل صدر حاضر شد و اغلب در حرم مطهر حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام به عبادت مشغول بود. او عالمی عابد و اهل تهجّد و گرفتن روزه مستحبّی و اهتمام بر زیارات و نوافل بود. سرانجام در سال ۱۳۳۲ق از کربلا] به مشهد مقدس بازگشته، در سال ۱۳۴۰ق وفات یافته و در دارالسّیاده مشهد مقدّس مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد حسین مهدوی اردکانی

سیّد محمّد حسین مهدوی اردکانی ابن آقا سیّد مهدی بن سیّد اسماعیل بن محمّد بن جعفر بن ابوطالب بن میرعلی اکبر بن میر جعفر طباطبائی اردکانی، عالم فاضل جلیل.

در ۲۰ شعبان ۱۳۲۵ق در اردکان یزد متولّد شده، مقدّمات علوم را در مولد خویش فراگرفته و جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت نمود و در مدرسه جده کوچک ساکن شده و با کمال سعی و کوشش به تحصیل ادامه داد و نزد آقا شیخ محمّد رضا نجفی، میر سیّد علی نجف آبادی، سیّد محمد مدرس نجف آبادی و مدّت کمی نزد میرزا ابوالهدی کلباسی و شیخ محمّد حکیم کسب فیض نمود.

وی در زمان اختناق رضاشاهی اذیت و آزار بسیار دید لکن تمام آن سختی ها را تحمّل کرده و از جادّه مستقیم صبر و قناعت بیرون نهاد. پس از آن که آقا رضا صدرالعلماء به علت گرفتاری های زندگی و بیماری ترک جماعت در مسجد نمود، میر سیّد علی نجف آبادی، صاحب عنوان را در مسجد (مسجد صدرالعلماء) واقع در شمس آباد جهت امامت نصب نمود، وی به امامت و ارشاد خلق پرداخته و تا آخرین روزهای حیات در تعمیر مسجد و احیاء مدرسه شمس آباد و اقامه جماعت ادامه داد.

او سرانجام در بعدازظهر پنج شنبه از ماه شعبان سال ۱۴۰۷ق در اصفهان وفات یافته و صبح روز جمعه با تشییع شایسته و شرکت هیئت های عزادار و علماء و مردم به

۱- نقباء البشر، ج۲، صص ۶۶۲ و ۶۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۵۶ و ۵۶۴؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۴؛ ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۲۳۷؛ خاندان کلباسی، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

امامزاده زینبیه منتقل و در یکی از اطاق های آن مکان مقدّس دفن گردید.(۱)

سیّد محمّد حسین نحوی

سیّد محمّد حسین بن حاج سیّد مهدی نحوی بن آقا سیّد محمّد حسن مجتهد، طبیب فاضل، از شاگردان حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی. در ۱۲۸۲ق متولّد و در سال ۱۳۴۰ق وفات یافته و جنب آباء خویش [در تکیه ای که امروزه به تکیه مهدوی موسوم است، در تخت فولاد اصفهان] مدفون گردید.(۲)

شیخ محمّد حسین رئیس الطّلاب رشتی

شیخ محمّد حسین رشتی معروف به «رئیس الطّلاب» [فرزند مهدی] عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. نزد عموم طبقات علماء و طلّاب مورد توجّه و عنایت بوده و در اصفهان وفات یافته، در تکیه ملک مدفون گردید.(۳) [وفاتش در ۱۴ ذی العقده ۱۳۴۱ق اتفاق افتاده و مادّه تاریخ وفاتش این در این بیت بر سنگ قبرش آمده است:

هاتف از غیب گفت آن مرحوم

همنشین با حسین شد بجنان(۴)]

شیخ حسین عشاقی*

شیخ حسین عشاقی فرزند مهدی از علماء و فضلاء معاصر در هشتم مرداد ماه ۱۳۳۴ش در اصفهان متولّد شد. او در رشته ریاضی موفق به اخذ دیپلم و در رشته برق فوق دیپلم گردید.

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ وفیات علمای معاصر اصفهان، مخطوط، مزارات اصفهان، ص۲۳۶؛ تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون، صص ۴۲ و ۴۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۸۹ و ۴۹۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، صص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۴- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۴۹۴.

از حدود سال ۱۳۴۸ش به تحصیلات حوزوی مشغول شد. ادبیات را نزد مرحوم سیّد بحرالعلوم میردامادی و سیّد ابوالحسن درچه ای، سیوطی را نزد حاج شیخ علی اکبر فقیه، مغنی را نزد شیخ محمود مشکوه و شرح شمسیه و شرح تجوید را نزد شیخ محمّد محزون آموخت. اصول را در درس حاج شیخ ابوالقاسم انصاری و حاج شیخ مجتبی لنکرانی و منظوم اسفار از حاج سیّد حسن مدرس و حاج شیخ نورالدّین اشنی و فقه را نزد حاج شیخ ابوالقاسم انصاری فرا گرفت. او در این سالها ادبیات، منطق، معالم، فلسفه (بدایه و نهایه) و شرح منظومه را در اصفهان تدریس کرد سپس در سال ۱۳۶۴ش در قم ساکن شد. او اسفار و شرح فصوص را نزد حضرت آیات: جوادی آملی و حسن زاده آملی کفایه را نزد حاج سیّد علی محقق داماد خارج اصول را نزد حاج شیخ حسین وحید خراسانی و خارج فقه را نزد حاج شیخ جواد تبریزی و دو درس اخیر را همچنین نزد حاج شیخ محمد شاه آبادی تحصیل کرد. ایشان در قم به تدریس «نهایه الحکمه»، «شرح اشارات»، «اسفار» پرداخته و فعلاً «شرح فصوص» و «اسفار» و «شرح تمهید القواعد» ابن ترکه را تدریس می نماید.

کتابهای «رعایه الحکمه فی شرح نهایه الحکمه» و «نانمائی»، «شکاکیت و نسبیت گرایی»، «بررسی فلسفه تاریخ از دیدگاه مارکسیسم» و «برهان های صدیقین» را تألیف نموده که به چاپ رسیده و کتابهای «شرح بدایه الحکمه» و «مواقع الخلل فی قواعد العلل» از ایشان هنوز به چاپ نرسیده است.

ملّا محمّد حسین ظهیری مهرآبادی*

ملّا محمّد حسین ظهیری اردستانی ابن ملّا میرزای مهرآبادی، عالم فاضل متّقی، از علمای قرن چهاردهم هجری.

وی در قریه «مهرآباد» اردستان متولّد شده و تحصیلات خود را نزد پدر شروع نمود. سپس به کاشان رفته و در مدرسه سلطانی از محضر سیّد محمّد علوی بروجردی نحو، صرف و معانی و بیان و از محضر میرزا فخرالدّین نراقی فقه و اصول را آموخته و سپس به

اصفهان رفت و از درس میرزا بدیع درب امامی و میرزا عبدالعلی هرندی و آخوند ملّا محمّد کاشانی مستفیض شد. او پس از فوت پدر به رسیدگی امور شرعی منطقه سفلای اردستان پرداخته و مرجع مسائل شرعی مردم آن حدود بوده است. در تنظیم نوشته جات شرعی زبردست بوده و خط شکسته را خوش می نوشته و اغلب به منبر می رفته و با صوت خوش خود به موعظه و ذکر مصیبت معصومین علیهم السلام می پرداخته است. سرانجام در شب پنج شنبه ۲۵ ذیحجه ۱۳۵۴ق وفات یافته و در قبرستان قریه «مهرآباد» مدفون شد. وی پدر محقّق توانا مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی بود.(۱)

سیّد محمّدحسین درچه ای*

سیّد محمّدحسین بن سیّد نصراللّه درچه ای، عالم فاضل و فقیه خطیب، در سال ۱۳۰۶ش متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان آغاز کرد و در درس شیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سیّد علی اصغر برزانی، سیّد عطاءاللّه امامی و دیگران حاضر شد. سپس به قم رفته و از درس حضرات آیات امام خمینی، گلپایگانی، سلطانی، حائری یزدی و محقّق داماد بهره برد و به تدریس در مسجد اعظم و مدرسه گلپایگانی قم پرداخت.

در سال ۱۳۴۶ش در تهران سکونت گزیده و در مسجد شیخ صدوق شهر ری به اقامه نماز جماعت پرداخت. او سالها به تدریس در مدرسه علمیه برهان، مدرسه امیرالمؤمنین، مدرسه آیت اللّه خلخالی و دانشکده قضائی پرداخته است. همچنین اواز علماء و خطبای اهل منبر طهران است که با سخنرانی های خود مردم را با معارف دینی و علوم اهل بیت علیهم السلام آشنا می نماید.(۲)

۱- آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۹۷ و ۲۹۸.

۲- ستاره ای از شرق، صص ۸۷۰-۸۶۷.

ملّا محمّد حسین مجلسی

ملّا محمّـد حسـین بن ملّا محمّد نصـیر بن ملّا عبداللّٰه بن ملّا محمّد تقی مجلسـی، عالم فاضل، از فضـلاء سلسـله مجلسـی در قرن دوازدهم هجری است.

حسین امامی*

حسـین امامی بن نظرعلی صرّام سِدِهی، شاعر ادیب معاصر، در شهریور ۱۳۱۵ش در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شد. مادرش سرورآغا امامی فروُشانی دختر عالم ربّانی حاج میر سیّد علی امامی (آقابزرگ) بود.

تحصـیلات ابتـدائی و متوسـطه خود را در زادگاهش و اصـفهان آبادان انجام داد. سـپس به تهران رفت و موفّق به اخذ لیسانس معقول و منقول شد، از سال ۱۳۳۳ش به آموزگاری پرداخت و در سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۹ در دبیرستان های اصفهان تدریس کرد. پس از بازنشسـتگی با تأسـیس محضـر اسناد رسمی در نجف آباد به فعالیت پرداخت و سپس در خمینی شهر آن را ادامه داد. وی طبع شـعر داشـته و در انجمن های ادبی کمال، سـعدی و صائب در اصـفهان و سـروش خمینی شهر حضور یافته است. مجموعه ای از اشعارش با عنوان «منتخبی از اشعار حسین امامی»، در سال ۱۳۷۸ش در اصفهان به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

پیری که جام از کف آن سیر بر گرفت

سرمست و شاد گشت و جوانی ز سر گرفت

خورشید رخ ز شرم در حجاب کرد

تا ماه من نقاب ز رخسار بر گرفت

محمّد حسین میرزا فصیح خاقانی

محمّـد حسـین میرزا خاقـانی ابن محمّـد ولی میرزا، شاعر و ادیب تونای معاصـر، از نوادگان فتحعلی شاه قاجار است. او در غُرّه ذیحجه ۱۳۳۳ق در اصـفهان متولّـد شـد. تحصـیلات خویش را در اصـفهان انجـام داد. مـدّتی در خراسـان ساکن بود. بعـداً به اصـفهان آمـد و عاقبت در تهران ساکن و کارمنـد راه آهن شـد. او شاعری توانا گوینـده ای مقتـدر، و نویسـنده ای ماهر بود و مقالات او در روزنامه های عرفان و باختر اصـفهان به چاپ می رسید. او مردی شوخ و بذله گو و حاضر جواب بود و در اغلب مجـالس رشـته سـخن را به دست می گرفت و با مطالب رنگین و حکایات شـیرین خود، همه را جـذب خویش می ساخت. در شعر «فصـیح» تخلّص می کرد [و به قول مرحوم استاد منوچهر قدسی: «در شعر و ادب استعداد شکفته شگفت انگیز داشت. اگر زمانه امانش داده بود به ضرس قاطع می گویم که در شعر معاصر اصفهان هیچ کس و هیچ کس به پایه او نمی رسید».]

او سرانجام در ۳۰ ربیع الثّانی ۱۳۷۴ق در سالهای جوانی دار فانی را وداع گفته و به سـرای باقی شتافت و پیکرش در تکیه شیخ مرتضـی ریزی در تخت فولاد مـدفون شـد. دیوان اشـعار او تاکنون به طور کامل گردآوری نشـده و به چاپ نرسـیده است. دو مثنوی «پل و سیلاب» و «گل و مجنون» از اشعار پخته، فخیم و استوار اوست.

از اوست:

ای که با دام تعقّل صید دلها کرده ای

عالمی را بهر خود نادیده رسوا کرده ای

از لب لعل تو کس نشنیده حرفی این عجب

آفرینش را به وصف خویش گویا کرده ای

دوستان نادیده ات همواره می دارند دوست

بس که خود را در خیال خلق زیبا کرده ای(۱)

۱- تذکره شـعرای معاصر اصفهان، صص ۳۶۶-۳۶۲؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۴ و ۵۶۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶؛ دولت دیدار، صص ۱۳۵-۱۳۱.

ملّا محمّد حسین مازندرانی

ملّا محمّد حسین بن آخوند ملّا ولی اللَّه مازندرانی، عالم فاضل و حکیم ماهر، [از علمای قرن سیزدهم هجری، حدود سال ۱۲۰۸ق متولّد شد. پدرش از اهالی هزار جریب مازندران بوده و پس از ظلم و ستم سربازان فتحعلی شاه به همراه خانواده به اصفهان مهاجرت نمود و ملّا محمّد حسین نزد پدر و سایر دانشمندان اصفهان به تحصیل پرداخت.]او سالها در اصفهان به تدریس ریاضی، هیئت و حکمت مشغول بوده و جمعی کثیر از فضلای اصفهان [همچون آخوند ملّا عبدالکریم گزی، میرزا محمّد حسن نجفی و میرزا ابوالحسن پاقلعه ای]در خدمتش در تلمّذ کرده اند. فاضلی متقّی و عالمی عامل بوده و در احتیاط در مسائل شرعی و مواظبت بر عبادات و زیارات و ادعیه سعی وافر و اهتمام تمام داشته است.

[وی در سال ۱۲۹۱ق وفات یافته] و در قبرستان سر قبر آقا در محلّه خوابجون اصفهان مدفون شد و پس از آنکه قبرستان را تسطیح و تخریب نمودند قبر او هم از بین رفت.(۱)

میر محمّد حسین خان عقیلی علوی

میر محمّد حسین خان بن حکیم محمّد هادی خان عقیلی علوی خراسانی شیرازی، از اطبّاء حاذق و دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. وی نزد جمعی از دانشمندان از جمله میر محمّد علی حسینی طب و داروشناسی را آموخته است. او سالها در هندوستان سکونت داشته و در داروشناسی مهارت به سزایی داشته و تألیفاتی را از خود به جای گذاشته است که از آن جمله است:

۱. «رساله خواب» ۲. «خلاصه الحکمه»، که در سال ۱۱۹۵ه.ق تألیف شده است،

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۵؛ مزارات اصفهان، ص۵۱؛ الاصفهان، رجال و مشاهیر، صص ۵۲۰-۵۱۸؛ تاریخ اصفهان، صص ۳۳۴ و ۴۰۶.

مطبوع ۳. «دستور شفائی» ۴. «ذخائر التّرکیب» ۵. «مجمع الجوامع یا قرا با دین کبیر» که چاپ سنگی شده است. ۶. «مخزن الادویه»، که بارها در هندوستان و ایران به طبع رسیده است.(۱)

میرزا محمّد حسین جعفری

میرزا محمّد حسین جعفری ابن آقا میرزا هاشم بن حاج سیّد جعفر بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام شفتی، عالم فاضل، از ائمه جماعت مسجد سیّد و مسجد علیقلی آقا. در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان همچون آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آقا میر محمّد تقی مدرس و آخوند ملّا محمّد کاشانی درس خوانده و در مدرسه میرزا حسین با جمعی از افاضل حوزه مباحثه داشت.

در حدود سال ۱۳۰۳ق متولّد و در ۱۰ ربیع الثّانی سال ۱۳۱۹ق در اصفهان وفات یافته، در بقعه جدّش سیّد حجّهالاسلام در مسجد سیّد مدفون شد. حاج میرزا حبیب اللّه نیّر ضمن مرثیه ای عربی ماده تاریخ فوت او را چنین می نویسد:

ارخ النّیرّ للعام و شهر و الیوم

تنقص العشره من «شهر ربیع الثّانی»(۲)

سیّد حسین خوراسکانی

سیّد حسین بن سیّد هاشم خوراسکانی از فضلاء قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۴۹ق کتاب «ریاض المسائل» را کتابت نموده است.(۳)

۱- دیوان طرب، مقدمه، ص۱۸۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۴۱؛ فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۱، ص۵۲۹ و ۵۲۵ و ۵۹۶؛ الذریعه، ج۴، ص۲۹ و ج۱۷، ص۶۳.

۲- بیان المفاخر، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۴۹.

میرزا حسین خان دانش

میرزا حسین خان دانش بن محمّد هاشم اصفهانی، نویسنده و ادیب فاضل، از خاندان میرزا هادی چهارسو علیقلی آقا در اصفهان. وی در حدود سال ۱۲۸۶ق در استانبول ترکیه متولّد شد. مدّتی بغداد بوده و اغلب در آنکارا و استانبول به سر برده است. [زبان فارسی، ترکی و فرانسه را در مکتب رشدیه، دبستان ایرانیان و مدرسه فرانسویان آموخت. مدتی عضو هیئت تحریریه روزنامه ترکی «اقدام» بود و مدت مدیری به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه استانبول مشغول بود.] وی در ۲۳ ربیع الاول ۱۳۶۲ق به سن متجاوز از ۷۰ سال در آنکارا وفات یافته [و در «اسکودار» مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. ترجمه «رباعیات خیام» به ترکی، به کمک رضا توفیق ۲. «ترجمه بعضی از قصه های لافونتن» ۳. «خرابه مداین» ۴. «دستور زبان فارسی» ۵. «زردشت نامه» ۶. «سرآمدان سخن» در شرح حال ۱۵ نفر از شعرای ایران به ترکی ۷. «سوهان» ۸. «نوای صرصر» ۹. «هدیه سال» ۱۰. «تعلیم لسان» ترکی و فارسی(۱)]

ملّا محمّد حسین نوری

ملّا محمّد حسین بن یحیی نوری مازندرانی، عالم فاضل کامل و فقیه محدث. در اصفهان ساکن بوده و نزد علمای این شهر به ویژه علّامه مجلسی به تحصیل پرداخته و از علّامه اجازه روایت دریافت نموده است. خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می نوشته و کتاب «قواعد الاحکام» تألیف علّامه مجلسی را در ذیقعده ۱۱۰۲ق به خط نسخ کتابت کرده است که در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می شود.

۱- مجله یادگار، سال سوم، شماره ۶۶ و ۷، صص ۵۳-۵۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۲۱۵؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۵۰۴؛ شرح حال رجال ایران، ج۵، ص۷۹؛ الذریعه، ج۹، ص۳۱۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۷۳۶ و ۷۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۵؛ اثرآفرینان، ج۳۷ ص ۱۰؛ زندگانی رجال و مشاهیر ایران، ج۳، ص ۱۷۹.

وی تا سال ۱۱۳۳ق در قید حیات بوده و پس از آن تاریخ وفات یافته است. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تفسیر قرآن مجید» ۲. «حواشـی بر اصول کافی» ۳. «شرح اصول کافی» ۴. «صلاه مسافر» ۵. «ملخص ربع چهارم جلد صلاه بحارالانوار» ۶. «منهج الفلاح» که در سه شنبه ۸ ذیحجه ۱۱۳۳ق در اصفهان آن را تألیف نموده است.(۱)

حسین باوری یمنی

ابوعبـداللَّه حسـین بن یوحن [؟] بن ابویه بن نعمـان باوری یمنی، از محـدّثین قرن شـشم هجری است. او در طلب علم از موطن خود هجرت نموده و در اصـفهان سـکونت نموده است. از جماعتی از روات و محدّثین روایت می نماید که از آن جمله است: فضل بن محمّد نیلی و ابوالفضل ارموی و دیگران. جمعی از محدّثین هم از او نقل حدیث کرده اند.

سرانجام در ماه ربیع الاوّل سال ۵۸۷ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

ملّا حسین عمادالواعظین

ملّا حسـین کربکنـدی ملقّب به «عماد الواعظین» فرزنـد ملّا یوسف بن علی، واعظ صالح و فاضل ادیب محدّث. از فضـلای اهل منبر بوده و در خـدمت فضـلای اصـفهان تحصـیل نموده است، سـرانجام در ۹ صفر ۱۳۲۳ق وفـات یـافته، در بقعه حاج محمّد جعفرآباده ای در تخت فولاد مدفون شد.

از آثارش چندین مجلّد کتاب و بیاض در مواعظ منبری و اخبار به صورت مجلس

۱- زنـدگینامه علّـامه مجلسـی، ج۲، صـص ۲۸ و ۲۹ و ۲۹۲؛ الـذریعه، ج۱۳، ص۹۶ و ج۲۲، ص۲۰۶ و ج۲۳، ص۱۹۶؛ تلامذهالعلّامه المجلسـی، صص ۹۵ و ۹۶؛ اجازات الحدیث، ص۱۹۵؛ نجوم السماء، ص۲۱۷؛ فیض القدسی، ص۱۰۲؛ ترجمه فیض قدسـی، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۳۱؛ فهرست وزیری، ج۲، ص۵۳۱، علّامه مجلسـی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۹؛ فهرست مرعشی، ج۴، ص۷۸؛ فهرست گوهرشاد، ص۲۴۶.

۲- معجم البلدان، ج ص .

است که نزد اولادش موجود بوده است.(۱)

فایده: کربکند (به ضم کاف و کسر باء و فتح کاف) از قراء بلوک بُرخوار اصفهان است.

میرزا حسین خان اعتلاءالدّوله*

میرزا حسین خان اعتلاءالدّوله، ادیب، نویسنده و روزنامه نگار، از پیشگامان روزنامه نگاری در اصفهان است.

وی در سال ۱۲۷۹ق در تهران متولّد شد و پس از انجام تحصیل وارد کارهای دولتی شد. در سال ۱۳۲۵ق رئیس عدلیه کرمان شد. امّا مدّتی بعد برکنار شد و به اصفهان آمد. وی در رجب ۱۳۲۵ق در اصفهان روزنامه اصفهان و در شوال همان سال روزنامه نقش جهان را منتشر ساخت. در سال ۱۳۲۸ق از طرف دولت به عنوان کارگزار دولت به خوزستان رفت. وی سرانجام در کرمانشاه به دنبال فتنه سالارالدّوله و هجوم او به کرمانشاه، توسط عوامل سالارالدّوله دستگیر و به دار آویخته و تیرباران شد.(۲)

استاد حسین بنّای اصفهانی

استاد حسین بنّای اصفهانی، از شعرای قرن سیزدهم هجری است. در معماری و بنائی استاد بود و شعر را نیز نیکو می سرود. محمود میرزا او را از یزد دانسته امّا اختر که تذکره خود را مقدم بر سفینهالمحمود نگاشته است، او را اصفهانی ذکر نموده است.

از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۴۹ و ۵۱.

۲- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۱۸۱ و ۱۸۲.

رخ ز شراب لاله گون، آمده ای به محفلم

میل کباب کرده ای، آه تو دانیّ و دلم(۱)

ملّا محمّد حسین بروجردی

آخوند ملّا محمّد حسین بروجردی، از دانشوران قرن یازدهم هجری و جامع منقول و منقول و از فضلاء و حکمای اصفهان.

سالها در مدرسه شیخ لطف اللّه و مسجد جامع جدید عباسی اصفهان به تدریس مشغول بوده و جمعی از فضلاء از جمله میر سیّد عبدالحسین خاتون آبادی از محضر او کسب فیض کرده اند. وی در سال ۱۰۸۴ق وفات یافت.(۲)

میرزا محمّد حسین پروانه

میرزا محمّد حسین [باغ بادرانی] لنجانی اصفهانی متخلّص به «پروانه» شاعر ادیب. [در شعر و ادب ید طولایی داشته و در مدح منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان اشعاری دارد.

از اوست:

با یاد قدّ روی تو ای نوبهار حُسن

کی جلوه می کند به نظر سرو سوسنم

گفتی که کرده تیره چو شب روز روشنم

زلف تو کرده تیره شب روز روشنم(۳)]

۱- تذکره اختر، ص۴۴؛ سفینه المحمود، ص۱۷۹؛ حدیقه الشعرا، ج۱، ص ۲۶۱.

۲- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۵.

۳- تذکره مدایح معتمدیه، خطی، ص۱۵۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۵۷؛ حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

آقا محمّد حسین تاراج اصفهانی

آقا محمّد حسین اصفهانی متخلّص به «تاراج» شاعر ادیب، در قرن سیزدهم هجری می زیسته و به شغل «مقواسازی» مشغول بوده است. وفاتش در سال ۱۲۸۸ق روی داده و مرحوم عباسعلی خرم لنبانی در ماده تاریخ او گوید:

کلک خرم پی تاریخ وفاتش بنوشت

روح تاراج بود شاد الی صبح جزا

غزل را نیکو می سروده و قصایدی نیز در مدح منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان سروده است. نوشته اند که دیوان او ده هزار بیت شعر دارد. امّا نسخه ای از آن در دست نیست.

این بیت از اوست:

بعد ما کاش بسازند سبو از گل ما

تا برآید مگر از لعل تو کام دل ما(۱)

ملّا حسین تفلیسی

آخوند ملّا حسین تفلیسی، عالم عامل و زاهد کامل. در اصفهان تدریس می نموده و جمعی از افاضل در خدمت او تحصیل نموده اند. [عمر خود را به عبادت و ریاضت و مجاهده با نفس طی نموده و به حدّاقل از خوراک و پوشاک اکتفا می نموده است.]

در رجب ۱۱۹۲ق وفات یافته و در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون شد. بقعه ای آجری و کوچک بر سر قبر او بود که پس از تسطیح و تخریب قبرستان از بین رفت و پیکر او را از آنجا به تخت فولاد تشییع کرده و در بقعه صاحب روضات مدفون ساختند.(۲)

۱- تذکره مدایح معتمدی، خطی؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۳۲۷؛ آگهی شهان از کار جهان، ج۱، ص۷۵؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۸۵؛ الذریعه، ج۹، ص۱۶۶ .۱۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۶ و ۵۲۷؛ مزارات اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۷۹ و ۸۰؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص ۲۵۶ و ۲۵۷؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۳۷۷-۳۷۴؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، ص۱۶۹.

استاد حسین تفنگ ساز اصفهانی*

استاد حسین تفنگ ساز اصفهانی در اوایل قرن سیزدهم هجری مقارن عهد فتحعلی شاه می زیست. تفنگ هایی که می ساخت، از ساخته های ممالك خارجی بهتر بود و بر تفنگ حاجی مصطفی که معروف ترین تفنگ های مرغوب و نفیس آن زمان است، مزیّت داشت. مخصوصاً برای شاهزاده سیف الدّوله حاج سلطان محمّد میرزا حاکم اصفهان تفنگی ساخته بود که در جلا و صافی و جوهرداری و بُرد گلوله به تصدیق همه اهل فن بر تفنگ های فرنگی ترجیح داشت.(۱)

حسین توکلی

حسین توکلی، از شعرای معاصر اصفهان است.

این بیت از اوست:

بلبل به شاخ سرو به آواز دلفریب

برده به یاد روی تو از کف قرار دل(۲)

میرزا حسین جابری

میرزا حسین جابری، اعیان و بزرگان شهر اصفهان در قرن دوازدهم هجری و از سلسله خاندان جابری انصاری بوده و در عهد افشاریه کلانتر و حکمران اصفهان بوده است. سرانجام به دستور نادرشاه مقتول شد.(۳)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۷۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

شیخ محمّد حسین جَزَن آبادی*

شیخ محمّد حسین جزن آبادی، عالم فاضل از علمای قرن چهارده هجری و از مدرسین مدرسه جده کوچک بوده و از شاگردانش سید علی اکبر ابرقویی می باشد. وی پس از وفات در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

محمّد حسین چَلَبی

محمّد حسین چلبی، از شعراء و خَیِّرین قرن یازدهم هجری است. از تبریزیان ساکن محلّه عباس آباد بوده و در این محلّه مسجد، حمام و بازاری در جنب منزل خود ساخته که به نام او معروف بوده است. به قول «میرزا طاهر نصرآبادی» در کمال مردمی و آدمیت و صلاح و پاکیزگی وضع و پرهیزگاری بوده و شعر نیز می سروده است. برادرش محمّد قاسم نیز شاعر بوده است. این رباعی از محمّد حسین چلبی است:

اندر سفر و حضر ای صاحب هوش

هم راز بود کتاب از من بنیوش

گُنگی است سخن گوی و بشیری است نذیر

آنگه که شوی ملول گردد خاموش(۲)

حاج محمّد حسین اصفهانی (حسین علی شاه)

حاج محمّد حسین اصفهانی معروف به «شیخ زین الدّینی» و ملّقب به «حسین علی شاه» عالم فاضل و عارف کامل، از اقطاب سلسله نعمت اللهیه. پدرانش از علماء و فضلا بوده اند. در علوم ظاهری، از شاگردان دایی خود آقا محمّد بن شیخ زین الدّین و دیگران بوده و در طریقت از مریدان معصوم علی شاه دکنی بوده است.

۱- جلوه افلاکیان، مخطوط، به نقل از استاد ابراهیم جواهری.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۱۵؛ الذریعه،ج۹، ص۲۵۱؛ کاروان هند، ج۱، صص ۳۱۱-۳۰۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۰۶.

دراصفهان ساکن بود و به درس و بحث و اقامه جماعت روزگار می گذرانید. سپس ترک درس و مباحثه نموده و سالها به سیر و سیاحت پرداخت و از طرف نورعلی شاه اصفهانی در سال ۱۲۱۲ق مقام خلیفه الخلفایی یافت [و قطب سلسله نعمت اللهی شد. در سال ۱۲۲۵ق از راه شیراز به سفر حج رفت و پس از انجام مناسک حج به اصفهان بازگشت. دراین شهر جمعی از فقهاء او را تکفیر کردند. عاقبت به تحریک مخالفین، در سال ۱۲۲۹ق به دستور فتحعلی شاه او را به تهران بردند، اما شاه او را شایسته مجازات ندیده و اجازه بازگشت او را به اصفهان داد. حسین علی شاه چندی در اصفهان به سر برد و عاقبت در سال ۱۲۳۳ق راهی عتبات عالیات شده و در کربلا ساکن شد. در آنجا «حاج محمّد جعفر کبودر آهنگی همدانی» ملقّب به «مجذوب علی شاه» را خلیفه الخلفاء خود و قطب سلسله نعمت اللهی قرار داد و سرانجام]در شب چهارشنبه ۱۱ محرّم ۱۲۳۴ق در کربلا در حین خواندن نماز وفات یافته و در بیرون باب النّجف، طرف دست چپ مدفون شد.

کتاب ردّ بر پادری نصرانی از تألیفات اوست.(۱)

سیّد حسین چادردوز تبریزی*

سیّد حسین چادردوز تبریزی اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند بوده و در اصفهان می زیسته است. کتیبه «انا مدینه العلم و علیٌّ بابها» در تکیه آقا محمّد کاظم واله در تخت فولاداز نمونه آثار اوست که متأسّفانه از بین رفته است.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۸ و ۵۶۹؛ ریاض السّیاحه، صص ۶۴۸-۶۴۶؛ تاریخ سلسله های طریقه نعمت اللهیه در ایران، صص ۶۱ و ۶۲؛ شمس التّواریخ، صص ۵۲ و ۵۳؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۲۳۲-۲۲۰؛ دو رساله در تاریخ جدید تصوّف ایران، صص ۷۷-۷۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۳۵۶-۳۵۳.

۲- تاریخ اصفهان (مجلّد هنر و هنرمندان)، ص۱۵۳.

حسین حافظ هروی

کمال الدّین حسین حافظ هروی، از اساتید بزرگ خوشنویسی است. خط نستعلیق را با استادی و مهارت تمام می نوشته و اقلام ششگانه را نیز خوش می نوشته است. علاوه بر آن حافظ قرآن مجید بوده و عمر را به درویشی و قناعت سپری کرده است. شاه طهماسب به او عنایت ویژه ای داشته و در سفری که حافظ هروی از خراسان به قم آمد، در قم او را اکرام کرده و به او هدایای فراوان بخشید اما هروی آن را نپذیرفت.

گویا مدّتی در اصفهان به سر برده و یادگار آن سفر کتیبه ای به خط ثلث عالی در صفّه صاحب واقع در مسجد جامع اصفهان است که در سال ۹۳۸ق آن را نوشته است.

همچنین قطعات و آثار دیگری به خط ثلث او موجود است که در کتاب احول و آثار خوشنویسان، به آنها اشاره شده است.

وی سرانجام در سال ۹۷۳ق در مشهد مقدّس وفات یافت.(۱)

سیّد حسین حسنی اصفهانی

سیّد حسین حسنی اصفهانی [خطاط شکسته نویس قرن سیزدهم هجری] در عصر سه شنبه ۳ ذیحجه سال ۱۲۹۲ق دو کتاب از کتب شیخیّه شامل «خوان یغما» و «رساله در معنی رکن رابع» هر دو از تألیفات حاج محمّد کریم خان کرمانی را به خط شکسته و نستعلیق نوشته [است] که ضمن مجموعه ۲۷۷۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

۱- پیدایش خط و خطاطان، صص ۲۱۴ و ۲۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۳۲؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۹۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، صص ۱۶۸ و ۱۶۹ و ج۴، ص۱۰۶۳.

۲- فهرست مجلس، ج۹-۱، ص۲۰۶.

امیر سیّد حسین حسینی

امیر سیّد حسین حسینی، عالم فاضل، از محدّثین و فضلای قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و از شاگردان محضر درس علّامه مجلسی به شمار می رفته است. علّامه مجلسی در پشت کتاب «قواعد الاحکام» علّامه حلّی، جهت او اجازه مختصری نوشته است.(۱)

سیّد امیر محمّد حسین حسینی اصفهانی

سیّد امیر محمّد حسین حسینی اصفهانی، فاضل جلیل. از علمای قرن دوازدهم هجری و ساکن اصفهان. وی در شعبان سال ۱۱۴۷ق از میرمحمّد حسین بن میر محمّد صالح خاتون آبادی مفتخر به دریافت اجازه شده است.(۲) [خاتون آبادی در آن اجازه او را چنین ستوده است:

«العالم العامل الفاضل الکامل، ذوالنفس القدسیّه و الملکات المرضیه. الجامع بین مرتبتی العلم و التّقوی الامیر محمدحسین الحسینی الاصفهانی»(۳)]

سیّد محمّد حسین حسینی بَرزانی*

سیّد محمّد حسین حسینی برزانی، عالم عامل صالح، از علمای قرن چهاردهم هجری. از خود چند فرزند فاضل و زاهد و اهل علم بر جای نهاد از جمله حضرات آیات: سیّد علی اصغر، سیّد علی و سیّد محمّد (معروف به هرسینی) وی پس از وفات در تخت فولاد تکیه میرزا محمّد باقر چهارسوقی مدفون شد.(۴)

۱- الذریعه، ج۱، ص ۱۵۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۲۲ و ۲۳.

۲- الذریعه، ج۱۱، ص۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۸.

۳- الکواکب المنتثره، صص۱۹۵ و ۱۸۴ و ۱۸۵.

۴- جلوه افلاکیان، مخطوط.

حاج ملّا حسین حکیم

حـاج ملّا حسـین حکیم، شاعر، ادیب و پزشک ماهر، متخلّص به «حکیم» ساکن روسـتای «زفره» از توابع کوهپایه متوفی به سال ۱۳۴۹ ه.ق.(۱)

میرزا حسین حکیم*

میرزا حسین میردامادی معروف به حکیم، طبیب ماهر، حاذق و دیندار. در اوایل قرن چهاردهم هجری است. او از معروف ترین پزشکان قدیمی سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی]بوده و در درب محکمه به طبابت پرداخته و جراحی نیز می کرده است.

او در سال ۱۳۲۰ه.ش پس از شیوع بیماری حصبه، تلاش زیادی برای درمان مبتلایان به این بیماری انجام داد.(۲)

میرزا محمّد حسین حکیم باشی*

میرزا محمّد حسـین اصـفهانی حکیم باشی، از اطبّاء قرن سیزدهم هجری است. طبیبی حاذق و ماهر بوده و در تهران ساکن بوده و در دربار محمّد شاه قاجار به طبابت مشغول بوده است.(۳)

میر محمّد حسین خالص اصفهانی

میر محمّد حسـین اصفهانی متخلّص به «خالص» و ملقّب به «امتیاز خان» از مشاهیر شاعران هندوستان در عصر خویش بوده و به واسـطه کاردانی و کیاست به سـمت حاکم شـهر عظیم آباد منصوب شـد. در زمان شاه عالم به مکنت و اموال فراوان رسـیده و قصـد بـازگشت به ایران را نمود. خـدایار خـان مرزبـان سـند چشم بر مـال او داشت. کسان خود را فرسـتاد، او را شـبانه در راه کشتند و اموالش را به غارت بردند. تاریخ قتل او را در این

۱- مزارات اصفهان، ص۲۲۴.

۲- نقل از مرحوم احمد غفورزاده طلایی.

۳- اکسیر التّواریخ، ص۶۰۴.

عبارت یافته اند:

«آه آه امتیاز خان» ۱۱۲۲

از اوست:

در میکده امروز زبد مستی ساقی

بِشکست چنان شیشه که خون از دل ما رفت(۱)

محمّد حسین خامه آرا*

محمّد حسین خامه آرا، از خطاطان نسخ و ثلث متوسط اصفهان در قرن چهاردهم هجری بود. از نمونه آثار او «قرآن مجید» است که در سال ۱۳۵۴ق کتابت شده و به وسیله حاج حسین خوانساری چاپ سنگی شده است.(۲)

محمّد حسین خطاط اصفهانی

محمّد حسین خطاط، از شاگردان آقا زین العابدین [اشرف الکتاب] در قرن سیزدهم هجری می باشد. از آثارش مجموعه مختصری است از ادعیه در چهارده صفحه که در نهایت خوبی به سال ۱۲۴۰ق نوشته است.این نسخه در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران موجود است.(۳)

حسین دودی*

حسین دودی، شاعر درویش مسلک و رند بی پروا در اواخر دوره قاجاریه است. طبعش به هزل و مطایبه مایل بوده و او را با شیخ محمّدتقی آقانجفی مجتهد شوخ طبع و

۱- کاروان هند، ج۱، صص ۳۷۰-۳۶۸؛ کلمات الشعرا، ص۳۴؛ تذکره حسینی، ص۱۲۱؛ الذریعه، ج۹، ص۲۸۴؛ تذکره غنی، ص۴۸؛ صحف ابراهیم، صص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ تذکره شمع انجمن، صص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۰۹.

۳- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۶۰؛ الذّریعه، ج۸، ص۲۰۰.

صاحب نفوذ اصفهان ماجراها بوده که در لوح سینه بسیاری از مردم اصفهان تا امروز حفظ شده و نقل محافل و مجالس بوده است.

در شعر طبعی روان داشته و به شغل تریاک مالی و تریاک فروشی امرار معاش می کرده است. اشعاری که از او به جا مانده بسیار اندک است که آن هم سینه به سینه تا به امروز رسیده و به یادگار مانده است.

سال وفاتش معلوم نیست ولی قطعاً بعد از سال ۱۳۲۸ق بوده و جسدش در قبرستان آب بخشان اصفهان دفن شد. بعد از آنکه فلکه پهلوی و خیابان چهارباغ پایین را احداث می کردند این قبرستان خراب شده و قبر او هم از بین رفت.

این شعر از اوست:

جامه نو بدهم من به مِی کهنه گرو

که مرا آن می کهنه به از این جامه نو

بر گنهکاری من عیب مگیر ای زاهد

کِشته ما و تو معلوم شود وقت درو(۱)

ملّا حسین رفیق اصفهانی

ملّا حسین رفیق اصفهانی، از شعرای معروف قرن دوازدهم و سیزدهم هجری در سال ۱۱۵۰ق در اصفهان متولّد شده و در جوانی به سبزی فروشی پرداخته امّا از آن شغل کناره جسته به تحصیل علم و ادب پرداخت و در ردیف سخنوران و ادبای طراز اوّل اصفهان قرار گرفت. او با شاعران معروف سبک بازگشت همچون هاتف و آذر و صباحی معاصر و معاشر بوده و از سبک آنان تتبع می کرده است. مردی خلیق و مهربان بوده و ادباء و فضلای زمانه به دیدار او راغب و شایق بوده اند. سرانجام در سال ۱۲۱۲ق وفات یافته و در نجف اشرف مدفون شد. دیوان اشعار او بالغ بر هشت هزار بیت است [و به چاپ رسیده است ولی مصحح «دیوان رفیق» از نسخه ناقصی استفاده

۱- الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۲۰۰-۱۹۸؛ اصفهانی های شوخ طبع و حاضرجواب، صص ۱۳۱ و ۱۳۲؛ اصفهان زادگاه جمال و کمال، صص ۵۶۰-۵۵۶؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوّم)، ص۲۷۸.

کرده است. کامل ترین نسخه «دیوان رفیق» که حاوی مادّه تاریخ ها و قطعات تاریخیّه اوست (و در نسخه چاپی درج نشده است) به شماره ۱۴۱۸۱/۲۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران موجود است.]

از اوست:

برای مدعی تَرک من ای پیمان شکن کردی

تو را گفتم که تَرک مدعی کن تَرک من کردی

سخن با غیر می گفتی بُریدی، چون مرا دیدی

چه می گفتی که چون دیدی مرا، قطع سخن کردی(۱)

شیخ حسین روشندل دهکردی

شیخ حسین اعمی دهکردی، متخلّص به «ذاکر» و سپس «روشندل» از شعرای قرن چهاردهم هجری در سال ۱۳۲۰ق متولّد شده و در سن ۳سالگی به علت ابتلا به آبله از هر دو چشم نابینا شد. دارای هوش و استعداد سرشار بوده به طوری که در ۱۲سالگی قرآن را حفظ نموده بود. اندکی تحصیل کرده و با وجود نابینائی خط را خوش می نوشت. دارای تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «مصیبت نامه» که دو هزار بیت و منظوم است. ۲. «مناجات نامه» ۳. «دیوان اشعار»

از اوست:

در کعبه و بتخانه تو را می جویم

وز عاقل و دیوانه تو را می جویم

۱- تذکره نگارستان دارا، ج۱، صص ۱۹۶ و ۱۹۷؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۵۱۲-۵۰۵؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۳۲۰ و ۳۲۱؛ تذکره آتشکده، نیمه دوّم، ص۴۹۸؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۶۸۸ و ۶۸۹؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۴۶۱؛ لغت نامه دهخدا ذیل «حسین رفیق»، ص۶۵۴؛ فهرست مجلس، ج۳۸، ص۵۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۳ و ۵۲۴؛ الذریعه، ج۹، ص۳۸۱.

تا کشور جان یکسره آباد شود

در این دل ویرانه تو را می جویم(۱)

میرزا محمّد حسین سالک اصفهانی

میرزا محمّد حسین اصفهانی متخلّص به «سالك» شاعر ادیب و خوشنویس. رضاقلی خان هدایت که معاصراوست می نویسد: «از خوشنویسان معروف زمان ماست و در اخلاق حمیده و صفات پسندیده وحید روزگار است و در طرز شاعری طبعی پخته دارد»(۲)

دیوان بیگی نیز می نویسد: «اشتهارش بیشتر به واسطه خط نسخ اوست که کمال تعریف دارد... عامه او را میرزا محمّد حسین خوشنویس می گفتند»(۳)

این دو بیت از یک قصیده اثر طبع اوست:

جز قامت چون سرو تو ای ماه دل آشوب

جز عارض چون ماه تو ای سرو دل آزار

من سرو ندیدم به سر از مشك سیه پوش

من ماه ندیدم به رخ از لعل شکربار

نمونه خطوط او در کتابخانه های کشور دیده می شود از جمله:

۱. کلمات قصار، به خط نسخ، در سال ۱۲۷۵ق که برای ناصرالدّین شاه نوشته شده و در کتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.(۴)

۲. ادعیه، به خط نسخ، در سال ۱۲۷۶ق که در کتابخانه آقای سلطان القرایی در تبریز موجود است.(۵)

۳. ادعیه، به خط نسخ، در سال ۱۲۷۳ق که برای علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه نوشته

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۳.

۲- مجمع الصفحاء، ج۴، ص ۴۶۰.

۳- حدیقه الشعراء، ج۱، ص۷۲۸.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۱.

۵- احوال و آثار خوشنویسان،

شده و به شماره ۱۰۵ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۱)

میرزا محمّدحسین شاکر اصفهانی

میرزا محمّد حسین شاکرین متخلّص به «شاکر» شاعر و ادیب عارف. در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شد. وی از اعضای انجمن ادبی کمال بوده و به عرفای پاقلعه اصفهان ارادت داشته و سرانجام در ۲۶ رجب ۱۳۹۳ق (سوم شهریور ۱۳۵۲ش) وفات یافته و در تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون شد. دیوان اشعار او به طبع رسیده است.

ماده تاریخ وفاتش را شکیب اصفهانی چنین سروده است:

بهر تاریخ وفاتش گفت اندر دل «شکیب»:

«شاکر دلداده از سیر فلک ناکام شد»

از اوست:

کشید تیغ ز ابرو چو چشم فتانت

به خون اهل دل آلوده گشت دامانت(۲)

میرزا حسین شبیه*

میرزا حسین شبیه اصفهانی، از خوانندگان قدیم مکتب اصفهان در عصر قاجاریه است. او صاحب اطلاعات فراوان از موسیقی و دائره المعارف سیّار و کتاب شفاهی این هنر بوده و در تعزیه خوانی نیز بلند آوازه بوده و به این خاطر به میرزا حسین شبیه یا شبیه خوان معروف بوده است. او در دسته سیّد عبدالباقی بختیاری (امین البکاء اصفهانی) تعزیه خوانی می کرده و شاگرد او بوده است. سرانجام در حوالی سال ۱۳۰۰ق در سن ۳۰سالگی وفات یافت.(۳)

۱- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۵۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۳؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۵۲۴؛ سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، ص۳۱۳؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۱۸۴.

شیخ محمّد حسین شریعت هرندی

شیخ محمّد حسین شریعت هرندی، عالم فاضل زاهد. در هرند متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله آقا شیخ محمّدرضا نجفی، سیّد محمّد نجف آبادی و آخوند ملا عبدالکریم گزی به تحصیل پرداخت. سپس به تدریس [مطوّل، معالم، شرح لمعه و سایر کتب درسی] پرداخته و جمعی از طلاب و دانشجویان علوم دینی از علوم و فضایل وی بهره مند می شدند.

[او پس از فوت میرزا ابوالحسن تویسرکانی، به اقامه جماعت در مسجد حاج محمّد جعفر پرداخت. همچنین مدّتی در مسجد دوغازی در محلّه دردشت امام جماعت بود. عالمی متواضع خوش خُلق و قانع بود و از مختصر ملک زراعتی و باغی که در هرند داشت امرار معاش می کرد] سرانجام در ۵ذیحجه ۱۳۹۷ق وفات یافته و در تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

ملّا محمّد حسین شریعتی دهاقانی*

آخوند ملّا محمّد حسین شریعتی دهاقانی، عالم فاضل. از علمای اواخر دوره قاجاریه است. از چندین مجتهد طراز اول اجازه اجتهاد خود را دریافت نموده و در دهاقان به ترویج دین و حلّ مشکلات شرعی مردم مشغول بود و پس از وفات در قبرستان عمومی دهاقان مدفون شد.(۲)

سیّد حسین شهشهانی

سیّد حسین شهشهانی، عالم فاضل محقّق، از مخالفان شیخیه در اصفهان بوده و کتابی در ردّ حاج محمّد کریم خان کرمانی رئیس شیخیه تألیف نموده است. این کتاب در

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۰۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ یادداشت های استاد ابراهیم جواهری.

۲- سیمای دهاقان، ص ۲۸۱.

کتابخانه حاج سیّد محمّد باقر ثانی بیدآبادی موجود بوده است.(۱)

میر حسین شهودی سبزواری

میر حسین رمّال سبزواری خراسانی متخلّص به «شهودی» شاعر ادیب، از سخنوران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری می باشد. اصلاً از مردم سبزوار بوده و چندی در اصفهان می زیسته است. در رمل بسیار استاد بوده و بیش از ۷۰ سال عمر کرده است.(۲)

حسین صافی اصفهانی

حسین گلشنی اصفهانی متخلّص به «صافی»، از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. او در دوره دوّم انجمن ادبی شیدا شرکت می کرده و اشعارش در مجله «دانشکده» به طبع رسیده است.

از اوست:

بنگر دلا که عمر عزیزت چه سان گذشت

گاهی به رنج و غصّه گهی شادمان گذشت

گاهی به خاک تیره بُدی همسر و گهی

جاه و مقامت از فلک و آسمان گذشت [...]

آن کن که نام نیک بماند اثر ز تو

زان پیشتر که بانگ برآید فلان گذشت(۳)

۱- الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۲۵.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۱۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حسین شهودی»، ص ۶۵۷، تذکره غنی، ص ۷۷؛ تاریخ نظم و نثر، ج ۱، ص ۵۳۷؛ تذکره روز روشن، ص ۴۴۸.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۰۰ و ۳۰۱.

محمّد حسین صحّاف*

محمّد حسین صحّاف اصفهانی، هنرمند ماهر اوایل قرن چهاردهم هجری، وی صحافی را نزد آقا محمّد صادق و آقا ابراهیم پسران محمّد باقر صحّاف اصفهانی فرا گرفت. او در فنون صحّافی و تجلید و سوخت سازی و متن و حاشیه و دوپوست کردن کاغذ و مُرَقّع سازی مهارت به سزایی داشت. محمّد جعفر رجائی از شاگردان اوست.(۱)

شیخ حسین صحّاف اصفهانی

شیخ حسین صحّاف اصفهانی معروف به شیخ حسین طهرانی مدیر مجلّه «درّه النجفّ» اولین مجلّه چاپ نجف اشرف است که نویسنده آن آقا محمّد بن شیخ اسماعیل بن ملّا محمّد علی محلاّتی (مؤلّف کتاب «گفتار خوش یارقلی») بوده و نخستین شماره مجلّه در سال ۱۳۲۷ق منتشر شده است.(۲)

میرزا حسین صرّاف

میرزا حسین صرّاف، از اهالی اصفهان و از معاصرین است و گاهی شعر می سرود. این دو بیت از اوست.

آن که تو را کالبد پاک ساخت

مایه ز هفتاد و دو معجون سرشت

دید تو را گوهری از گنج خویش

حکم «لقد کرّم» بهرت نوشت(۳)

حسین صرّاف اصفهانی

حسین صرّاف اصفهانی، شاعر ادیب. در اصفهان به صرّافی مشغول بوده و بیش از ۸۰ سال عمر کرده است.

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۶۸.

۲- الذریعه، ج۸، ص۱۱۲ و ج۶، ص۴۰۴.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۵.

از اوست:

سر به دلم چه می دهی غمزه پر عتاب را

تاب ستم کجا بود مملکت خراب را(۱)

محمّد حسین ضابطه نویس*

محمّد حسین ضابطه نویس، از خطاطان خط نستعلیق است. نزد ابوتراب اصفهانی مشق خط نمود و سپس به کتابت پرداخت.(۲)

شیخ محمّد حسین طُرِیحی

شیخ محمّد حسین طُرِیحی، از فضلاء و مرتاضین اواخر دوره قاجاریه است. از خاندان شیخ طریحی از خانواده های علمی نجف بوده و در اصفهان سکونت داشته است.

او داماد سیّد محمّد علی آقا مجتهد بوده و در یکی از حجرات مسجد شاه به عبادت و ریاضت اشتغال داشته است. او را از جانشینان استاد غلامرضا شیشه گر از مشایخ و اقطاب سلسله نعمت اللهیه برشمرده اند. در ماه رمضان المبارك سال ۱۳۲۱ق وفات یافته و در یکی از اطاق های بقعه حاجی کلباسی جنب مسجد حکیم مدفون گردید.(۳)

حسین ظهیری اصفهانی

حسین ظهیری اصفهانی، از دانشمندان و ادبای اصفهان است. رساله در فن موسیقی در ۵باب و ۱۵فصل به فارسی از تألیفات اوست. میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۱۶؛ تذکره روز روشن، ص۴۷۵؛ الذّریعه، ج۹، صص ۲۵۰ و ۶۰۶؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۱۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۹۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۲ و ۵۲۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۲؛ نقباء البشر، ج۱، ص۵۰۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۱۹ و ۲۲۰؛ نسب نامه الفت، خطی؛ مزارات اصفهان، ص۶۹.

دانشگاه تهران به شماره ۳۱۸۹ موجود است.(۱)

حسین علاقمندان*

استاد حسین علاقمندان، از هنرمندان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۰ش متولّد شد و از ۱۳ سالگی به هنر قلمزنی روی آورد و در آن فن به استادی رسید. در قلمزنی خطوط و زوایای ریز و درشت، برجسته کاری و تسلط بر فلز کمال مهارت و توانایی را دارد. علاوه بر آن اهل ذوق و ادب بوده و نستعلیق را خوش می نویسد. صدای خوشی دارد و با دستگاههای موسیقی آشناست و اشعار زیادی را از حفظ دارد.(۲)

دکتر حسین عمومی*

دکتر حسین عمومی، هنرمند و موسیقی دان معاصر در بهمن ۱۳۰۵ش در اصفهان متولدشد. در ۱۴ سالگی تحت تأثیر استادی و سحر صدای نی استاد حسن کسائی، به نواختن این تار پرداخت و در سال ۱۳۳۶ برای اولین بار به خدمت استاد کسائی رسید و از راهنمایی ها و تشویق های او برخوردار شد.

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان سپری کرد و در رشته حقوق در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و به اخذ دکترا نائل شد و به عنوان قاضی سالها به خدمت شرافتمندانه و صادقانه در دادگستری مشغول شد و پس از بازنشستگی به وکالت پرداخت.

او از محققان و مطلعان مکتب موسیقی اصفهان بود و از دقایق و ظرافت آن اطلاعات دقیق داشت. همچنین ردیف های موسیقی ایرانی و گوشه ها و الحان آن را به خوبی می دانست. او محضر اساتیدی بزرگ موسیقی اصفهان همچون حبیب شاطرحاجی، ادیب خوانساری، حسین خضوعی، صدر اصفهانی و استاد جلال تاج را درک

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ج۲، ص۹۵.

۲- اصفهان شهر جمال و کمال،۳۷.

نمود و از هنر آنان بهره گرفت. و در تهران نیز از تعلیمات اساتیدی چون محمود کریمی و فرهاد فخرالدّینی برخوردار شد.

دکتر عمومی صدائی خوش داشت و به انواع سبک های آوازی مسلّط بود و آنها را با مهارت اجرا می کرد. استاد تاج اصفهانی او را بسیار می ستود و از مناسب خوانی او تمجید می کرد. او در کنار قضاوت و وکالت سالها به تدریس علمی موسیقی به علاقمندان مشغول بود.

وی در جوانی در حوزه علمیه اصفهان در علوم ادبیات عرب، فقه و اصول، حکمت و منطق تحصیل کرده و در ادبیات فارسی نیز مطالعه فراوان نموده بود و خط را نیز خوش می نوشت.

دکتر عمومی پس از مدتی بیماری قلبی در یک شنبه ۲۶ تیر ۱۳۸۴ش در یکی از بیمارستان های تهران درگذشت و پس از مراسم تشییع باشکوه که اساتید موسیقی همچون استاد شجریان و استاد ناظری شرکت داشتند، در قطعه هنرمندان بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.(۱)

میرزا حسین عندلیب*

میرزا حسین کوره پز اصفهانی معروف به «عندلیب» از خوانندگان معروف بود. صدایی رسا داشت و در اوج باقدرت خوانندگانی می کرد و در ادای نغمه ها الحان و ردیف و دستگاه های آواز مهارت کافی داشت. در تهران به روضه خوانی مشغول بود و در مسجد سپهسالار اذان می گفت و شب های ماه مبارک رمضان مناجات می کرد و صدایی رسا و پرتحریر او بر دیگر خوانندگان مناجات برتری داشت. او در اواخر دوره قاجاریه می زیست. وی در حدود ۷۶ سالگی حوالی سال ۱۳۴۷ق وفات نمود.(۲)

۱- یادداشت های محقّق گرامی آقای رسول دادنجانی.

۲- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۷۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۳.

میرزا محمّد حسین غالب اصفهانی

میرزا محمّد حسین امامی اصفهانی متخلّص به «غالب» شاعر ادیب، پدرش از سادات امامی و مادرش از خاندان صفوی بوده و خود او در اصفهان متولّد شده و در جوانی به هندوستان رفته است. در بنگاله به مصاهرت نواب سرفرازخان صوبه دار آن ولایت درآمد. سپس به شاه جهان آباد رفته و از پادشاه گورکانی هند به لقب «غالب علی خان» ملقّب گردید و چهارده سال به فرمانروایی مشغول شد. در اواسط حکومت نادرشاه به ایران بازگشته شو به سیاحت در شهرهای ایران پرداخت، عاقبت در اصفهان رحل اقامت افکنده و در انجمن ادبی مشتاق به مشاعره و مطارحه با آذر و مشتاق و صباحی پرداخت. سال وفات او به دست نیامد.

از اوست:

تپش دل مگر اظهار کند حال مرا

ور نه کس نیست که گویدم تو حال مرا(۱)

محمّد حسین فدای اصفهانی*

محمّد حسین اصفهانی متخلّص به «فدا» شاعر، خوشنویس و ادیب منشی، در اصفهان متولّد شد و نزد برخی از دانشوران از جمله ملّا محمّد بن سبزعلی اصفهانی متخلّص به «صفائی» علوم ادبی به ویژه عروض، قافیه، معانی و بیان و انشاء را آموخت. در خط نیز به مشق پرداخته و در نوشتن انواع خطوط به ویژه نسخ و ثلث مهارت به سزایی یافت. سپس به تهران رفت و به دعوت شاهزاده یحیی میرزا قاجار به رشت رفت و ندیم و مصاحب شاهزاده گردید. سرانجام به زادگاه خود بازگشته و قصایدی در مدح حاکم اصفهان منوچهر خان معتمد الدّوله سرود.(۲) او تا سال ۱۲۶۳ق زنده بوده و در این

۱- گلشن مراد، ص ۴۴۰؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص ۶۳۰؛تذکره روز روشن، ص ۵۸۴؛ تاریخ نصف جهان، ص ۱۴۲.

۲- تذکره مدایح معتمدی، خطی؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج ۱، صص ۱۳۰۱-۱۲۹۹.

سال نسخه ای از «فوائد الضیائیه» جامی را به امر محمّد علی بیک ناظر کتابت کرده است.(۱) همچنین او به خط خوش خود «دعای صباح» را کتابت کرده است که در مجموعه آقای نصیری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

این شعر از اوست:

دیدم به خواب دوش من زار بی قرار

آمد به ناز آن مَهَم از مهر در کنار

بر ارغوان فکنده ز سُنبُل دو صد کمند

در هر کمند صد دل آشفته بی قرار

بر مَه فکنده خوشه پروین و مَه به سرو

سروی که آفتاب بَرَش بود لاله بار

میرزا حسین فریدی اصفهانی

میرزا حسین فریدی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری. احتمالاً از شاگردان آقا سیّد محمّد شهشهانی است. وی در دوّم ربیع الاوّل سال ۱۲۸۷ق نسخه ای از کتاب «جامع السعاده» شهشهانی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۵۵ در کتابخانه آیت اللّٰه گلپایگانی موجود است.(۳)

حسین فسائی

کمال الدّین حسین فسائی شیرازی، عالم فاضل محقّق، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری. ظاهراً در فسا متولّد شده، در شیراز به تحصیل پرداخته و از جمله افاضل شاگردان آخوند فد شکویی (محمد مسیح بن اسماعیل فسائی) بوده است. سپس به اصفهان رفته و در آنجا به تدریس مشغول شده است. وی در اغلب علوم عصر خود

۱- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۶۱.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۶۰.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۶۸.

متبحّر بوده و او را جامع معقول و منقول دانسته اند.

شیخ محمّد علی حزین لاهیجی از شاگردان اوست و کتاب «مغنی اللّبیب» را با تفسیر صغیر شیخ ابوعلی طبرسی و بعض مقاصد دیگر را در حضور باهر النّورش قرائت کرده است.

وی سرانجام در سال ۱۱۳۴ق هنگام محاصره اصفهان وفات یافت. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر معالم الاصول» ۲. «رساله در حلّ شبهات کاتبی قزوینی» ۳. «شواهد مطوّل» و غیره.

در انشاء مهارتی به سزا داشته و در شعر تتبع شعر خاقانی می نموده است. این شعر از اوست:

ز دوستان گرامی جدا فکند مرا

ز بی وفائی دوران بی مدار مپرس

نه خون گذاشت به دل نی به دیده قطره اشک

ز باد دستی مژگان اشکبار مپرس(۱)

میرحسین قزوینی*

میرحسین قزوینی معروف به «میرحسینا» در اصفهان ساکن بود و نزد علماء و فضلائی این شهر به تحصیل مشغول بود.

بر روی برگ آغاز نسخه «خلاصه التّفاسیر» تألیف قطب الدّین راوندی، که به شماره ۱۱۹۱۷ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود. خط مرحوم

۱- تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۲۵-۱۲۳؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۶۸ و ۳۲۲؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۴، صص ۲۵۱ و ۲۵۲؛ الذریعه، ج۷، ص۶۹ و ج۱۳، ص۳۶۹؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حسین فسائی»، ص۶۶۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷.

میرحسینا قزوینی شاگرد علّامه مجلسی است که بیش از دو هزار جلد کتاب داشته و همه را وقف اولاد ذکور خود نموده است.(۱)

حسین قصه خوان اصفهانی*

کمال الدّین حسین قصّه خوان، شاعر ادیب و سخنور قرن دهم هجری. بنا به نقل خودش از نوادگان کمال الدّین غیاث فارسی بوده، امّا در اصفهان متولّد شده و علم و ادب آموخته است. مدّت بیست سال مصاحب سام میرزا صفوی (برادر شاه طهماسب) و هشت سال دیگر مصاحب شاه طهماسب بوده است. در اواخر عمر بر اثر افراط در مصرف افیون تفاوت فاحش در صورت و سیرت او پیدا شده بود، گوئی مسخ شده بود یا روح او را در قالب دیگری آورده بودند. عاقبت در سال ۹۴۲ق فوت شد. در جوانی گاهی شعر می گفت.

این شعر از اوست:

ای خوش آن ساعت که در کوی تو منزل داشتم

صد مراد از دیدن روی تو حاصل داشتم

داشتم در دل ز عشقت آتشی پنهان چو شمع

بر زبان آوردم آخر آنچه در دل داشتم(۲)

ملّا حسین کاشی

آخوند ملّا حسین کاشی، عالم فاضل محدّث، در سال ۱۱۹۰ق وفات یافته و در صحن بقعه جعفریه اصفهان مدفون شد.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج ۳۰، ص ۲۰۱.

۲- تذکره تحفه سامی، صص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۳- رجال اصفهان یا تذکرهالقبور، ص ۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۲۶؛ مزارات اصفهان، ص ۱۵۸.

محمّد حسین کاشی اصفهانی

محمّد حسین کاشی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم و ظاهراً شاگرد حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی است. وی مالک نسخه ای از کتاب «الزّهره البارقه» تألیف: سیّد حجّهالاسلام بوده و آن را گم کرده است. شیخ علی برغانی آن را از زنی در بازار اصفهان خریده است. مرحوم شیخ محمّد حسین کاشانی توسط حجّهالاسلام از موضوع آگاهی یافته و کتاب را از آقا شیخ علی باز خریده است.

نسخه به شماره ۳۷۱۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)

میرحسین کچویه ای اردستانی

میرحسین طباطبائی کچویه ای اردستانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری و از اهالی قصبه «کچویه» بلوک سفلای اردستان است. در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان تحصیل نموده و سپس در زادگاه خود سکومت گزیده است.(۲)

ظاهراً وی از شاگردان حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی است.

میرزا حسین کوزه کنانی

میرزا حسین کوزه کنانی، از شعرای قرن سیزدهم هجری و منشی دفتر فتحعلی شاه قاجار است. او به وسیله معتمدالدّوله نشاط در دستگاه سلطنت راه یافت و «رحمت» تخلّص می نمود و عمر معقولی نمود. وی مؤلّف کتاب «زینه الحکایات» است، در قصص و حکایات فارسی که به دستور پادشاه نامبرده تألیف شده است.

از اوست:

زندگانی یک دو روزی بیش نیست

وقت اندک قابل تشویش نیست

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰-۴، ص۱۶۹۷؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۰۵.

۲- آتشکده اردستان، ج۱، ص۷۵؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۰۶.

شادی و اندوه عالم یک دم است

بهر هریک دم این چه اندوه و غم است(۱)

حسین کوشای اصفهانی

حسین فخاری متخلص به «کوشا» شاعر و ادیب هنرمند معاصر. نقاش و استاد چیت سازی. در هنر قلمکاری و چیت سازی استاده بوده و مردی خلیق و مهربان بود. او در سال ۱۳۷۹ق (۱۳۳۹ش) وفات یافت و در تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را شاعر ارجمند و توانا استاد فضل اللّه اعتمادی خوئی متخلص به «برنا» گوید:

«برنا» پی فوت او به شمسی بنوشت

«کوشا بسرای دیگری کرد سرای»(۲)

حسین گلستانه

میرزا تاج الدّین حسین حسینی گلستانه اصفهانی، عالم فاضل، از سلسله سادات جلیل القدر گلستانه اصفهان بوده و نزد ملّا محمّد تقی مجلسی به تحصیل پرداخته و در سال ۱۰۶۲ق موفق به کسب اجازه از استاد گردیده است. اجازه در پشت نسخه ای از «الاستبصار» به خط تاج الدّین و مورخ ربیع الاول ۱۰۶۲ق نوشته شده است.(۳)

۱- تذکره نگارستان دارا، ج۱، صص ۷۵ و ۷۶؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۷؛ الذریعه، ج۱۲، ص۹۲.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۴.

۳- الذریعه، ج۱۶، ص۱۱؛ الروضه النضره، ص۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸۹.

حسین گلستانه

کمال الدّین حسین گلستانه [خوشنویس هنرمند قرن دوازدهم هجری] در کاشیکاری های نجف اشرف اقداماتی را در سال ۱۱۵۷ق انجام داده است. همچنین اشعار کاشیکاری ایوان علماء در صحن شریف حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف را در سال ۱۱۶۰ق به خط زیبای خود کتابت نموده است.(۱)

محمّد حسین لنجانی

محمّد حسین لنجانی از نسخ نویسان قرن دوازدهم هجری. در سال ۱۲۳۷ق کتاب «عرشیه» ملّا صدرا را به خط نسخ نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۱۵۸ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲)

آقا حسین لواسانی

آقا حسین لواسانی، خوشنویس هنرمند قرن یازدهم هجری در اصفهان ساکن بوده و در نظم و نثر مهارتی به سزا داشته و نستعلیق را خوش می نوشته است. از شاگردان علیرضا عباسی بوده و به خاطر حسن سیرت و صورت مورد توجّه شاه عباس قرار گرفته و به «ایّاز ثانی» ملقّب شده بود. وی پس از وفات در تکیه میر واقع در تخت فولاد مدفون شد. کتیبه مدرسه قرچقابیگ اصفهان به خط اوست که اکنون اثری از آن مدرسه و کتیبه باقی نیست.(۳)

۱- ماضی النّجف، ج۱، صص ۵۶ و ۶۳.

۲- فهرست فیضیه، ج۳، ص۶۲.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۱۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۲۱۰.

شیخ حسین مازندرانی

شیخ حسین مازندرانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی در مدرسه فخریه اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده و محمّد تقی (متولّد ساوجبلاغ) مجموعه ای شامل سه رساله:

۱. «رساله صاع و کُر و مُد و رطل و نسق و درهم و دینار» تألیف علّامه مجلسی. ۲. «رساله در حل عبارت معضله ای از قواعد الاحکام» تألیف شیخ بهائی ۳. «رساله رضاعیه» تألیف آقا محمّد هادی مازندرانی را در ۵ شوال ۱۱۱۰ق کتابت نموده است. این مجموعه در کتابخانه علّامه مفضال جناب آقای حاج سیّد محمّد علی روضاتی (سلمه اللّٰه) در اصفهان موجود است.(۱)

سیّد حسین مازندرانی*

سیّد حسین مازندرانی اصفهانی، فاضل ادیب و واعظ خطیب، در اصفهان ساکن بوده و سپس به تهران مهاجرت کرده است و در آنجا به وعظ و خطابه پرداخته است. در ادبیات متبحّر و دارای انشائی استوار بود و به فارسی و عربی شعر می سرود.

وی در سال ۱۲۸۵ق جنگی ادبی ترتیب داده و برخی از اشعار خود را در آن آورده است.(۲)

میرزا حسین مالمیری*

میرزا حسین مالمیری اصفهانی، شاعر ادیب و فاضل. از سخنوران قرن یازدهم هجری. اجدادش از اهالی «مالمیر» (ایذه در استان خوزستان) بوده و صاحب رقبات و مستغلات بوده اند. او در اصفهان به تحصیل پرداخته و از طریق مطالعه در علوم مختلف خصوصاً حکمت دارای معلومات فراوان شده بود. او به رسائل بابا افضل کاشانی علاقه

۱- اصفهان یادارالعلم شرق، (نسخه خطی).

۲- تذکره شاعران فارسی سرا، صص ۳۱ و ۳۲.

فراوان داشته و آنها را آموخته بود. در فن انشاء نیز مهارت داشت. مدّتی مستوفی کاشان بود ولی آن را به پسر بزرگ خود سپرده و به جای برادرش مستوفی یزد شد. پس از مدتی استیفای یزد را به پسر دیگرش سپرده و وارد اردو شد. در سال ۱۰۷۲ق نویسندگی بندرعباس به او تفویض شد. عاقبت پس از بازگشت از بندرعباس در شیراز وفات یافت. گاهی شعر می سرود. از اوست:

نقش پای رفتگان پیوسته دارم در نظر

عینک بینائی از سنگ مزارم داده اند(۱)

سیّد حسین مُتَّعِظ برزانی*

سیّد حسین متّعظ برزانی، از فضلاء و وعاظ معاصر اصفهان پس از مدتی تحصیل، به جمع اهل منبر و وعاظ اصفهان پیوسته و حدود ۵۰ سال به وعظ و ارشاد مشغول بود. در زمان حکومت رضاشاه به ناچار مدّتی از لباس روحانیت خارج شده ولی با این حال با پالتو و کلاه بالای منبر می رفت و مردم را موعظه می کرد.

وی سرانجام در خرداد ماه ۱۳۵۸ش وفات یافته و در تکیه تویسرکانی، واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد حسین مجذوب اصفهانی*

ملّا محمّد حسین متخلّص به «مجذوب» شاعر ادیب از اهالی قریه «جوزدان» ماربین اصفهان، درنهایت فقر و در کمال قناعت زندگی می کرده و به عربی و فارسی شعر می سروده است.

در مدح حاج سیّد محمّد باقر شفتی معروف به «حجّهالاسلام» قصیده ای سروده که این دو بیت از آنجاست:

آسمان از مهر و مه، تا زیب و زیور یافته

عالمی بعد از پیمبر، چون تو کمتر یافته

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۵۵.

۲- یادداشت های استاد ابراهیم جواهری.

نور حق، سیّد محمّد باقر، آن بحر علوم

کز سیادت، بهره از موسی بن جعفر یافته(۱)

سیّد حسین مَجمر اصفهانی

سیّد حسین طباطبائی زوّاره ای اردستانی، متخلّص به «مَجمر» شاعر و ادیب توانای عهد قاجاریه، در سال ۱۱۹۰ق در زوّاره متولّد شد. چندی در اصفهان به تحصیل علم و ادب مشغول بوده و سپس به سیاحت در ایران و هند پرداخته و عاقبت به طهران رفته است. او به شغل تذهیب مشغول بوده و به واسطه میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی به دربار فتحعلی شاه قاجار راه یافته و به لقب «مجتهد الشعراء» ملقّب گردید. در سرودن انواع نظم خصوصاً غزل و قصیده استاد بوده و قصیده او در مدح فتحعلی شاه مورد تحسین شاه قرار داشته است. گویند «مجمر» در اواخر عمر به سعایت بدخواهان به ولی نعمت خود «نشاط» ناسپاسی کرده و از در خصومت درآمده و مورد نفرین استاد قرار گرفته و در عنفوان جوانی در سن ۳۵سالگی در سال ۱۲۲۵ق وفات یافت و در قم مدفون شد.

ماده تاریخ فوت او را «طلعت اصفهانی» چنین سروده است:

تاریخ رحلتش را از عقل خواست «طلعت»

گفتا بگو «جوان رفت سیّد حسین مَجمر»

از آثار اوست:

۱. «دیوان اشعار» حدود پنج هزار بیت که به طبع رسیده و نسخ خطی عدیده ای در کتابخانه های مختلف از آن وجود دارد. ۲. کتابی در «تتبع گلستان سعدی»، ناتمام ۳. «مثنوی» در سیاق «تحفه العراقین» خاقانی

این شعر از اوست:

۱- تذکره مآثر الباقریه، ص۱۲۴.

گویم دلم از کمند تو خواهد رهید و تو

خندان نگه به طرّه طرّار می کنی

صد جان به یک نگه نخری از هجوم خلق

چندین زیان ز گرمی بازار می کنی(۱)

سیّد محمّدحسین مرتضوی*

سیّد محمّدحسین مرتضوی فروشانی، عالم فاضل کامل، در سِدِه [خمینی شهر] متولّد شد. در اصفهان از محضر بزرگانی چون سیّد محمّدباقر درچه ای، میرزا ابوالمعالی کلباسی و آخوند کاشی بهره برد و سپس به زادگاه خود بازگشت. او عالمی متواضع و مقبول نزد علماء و مردم بود. سرانجام پس از وفات در قبرستان شیری خمینی شهر مدفون شد.(۲)

میرزا حسین مُشرِف اصفهانی

میرزا حسین مُشرِف اصفهانی، شاعر ادیب. از صاحب منصبان درباره صفوی بوده و مدّتی متصدّی امور اصطبل شاه سلطان حسین شده است. طبعش به هزل و مزاح مایل بوده است. زمانی مدّعی شد، می تواند بر وزن خمسه نظامی و مثنوی امیرخسرو دهلوی اشعاری بگوید که حتّی یک بیت آن بامعنی نباشد. اگر از عهده برآمد به ازای هر بیت بی معنی مثقالی سیم ناب بگیرد و اگر بیتش دارای معنی بود، به جای هر بیت یکی از دندان های او را بکنند و بر مغزش بکوبند. او شعرها را سرود. عاقبت از اشعار او سه بیت با معنی پیدا کرده و سه دندان او را کنده و بر سرش کوفتند و باقی اشعار را مطابق وعده

۱- تذکر نگارستان دارا، ج۱، صص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۲۹۸؛ تذکره منظوم رشحه، ص۶۲؛ مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۹۷۱ و ۹۷۲؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، صص ۱۵۲۶ و ۱۵۲۷؛ تذکره ریاض العارفین، (چ سال ۱۳۴۴ش)، ص۵۱۷؛ تذکره دلگشا، صص ۴۵۹ و ۴۶۰؛ تاریخ ادبیات ایران (شفق)، صص ۵۸۲ و ۵۸۳؛ ریحانهالادب، ج۵، صص ۲۰۲ و ۲۰۳؛ الذریعه، ج۹، ص۹۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۵؛ اکسیر التّواریخ، ص۲۵۹.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص۲۱۸ و ۲۱۹.

رفتار نمودند.

از جمله اشعار او که به تتبع از اسکندرنامه سروده چنین است:

اگر عاقلی بخیه بر مو مزن

به جز پنبه بر نعل آهو مزن

سوی مطبخ افکن ره کوچه را

منه در بغل آش آلوچه را

که نعل از تحمّل مُربّا شود

به صبر آسیا کهنه حلوا شود

ز افسار زنبور و شلوار ببر

قفس می توان ساخت امّا به صبر(۱)

محمّد حسین مشکین قلم اصفهانی

محمّد حسین مشکین قلم اصفهانی، از خوشنویسان اوایل قرن چهاردهم هجری است. هم اقدام را خوش می نوشت. مدّتها در عثمانی و مصر به سر می برد و در سال ۱۳۳۰ق وفات یافت. کتیبه های مقبره میرزا مسلم در جوار مزار سیّد حمزه در سرخاب تبریز به خط اوست.(۲)

استاد حسین معمار

استاد حسین معمار، از اساتید هنرمند اصفهان در قرن دهم هجری. از آثار وی ساختمان بقعه هارون ولایت اصفهان است که به امر شاه اسماعیل در تاریخ ۹۱۸ق بنای آن به پایان رسیده است.(۳)

حسین منجم

حسین منجم، فاضل و دانا به علوم ریاضی و هیأت بوده و مؤلّف: ۱. «الرسائل النّجومیّه» ۲. «زیج اصفهان» می باشد که نسخه آن نزد مرحوم سیّد هبهالدّین شهرستانی

۱- مجمع الفصحاء، ج۴، ص۷۹؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۳۱۸؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰۴۸ و ج۱۹، ص۹۹.

۲- پیدایش خط و خطاطان، ص۲۵۶؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۷۳.

۳- کارنامه بزرگان ایران، ص۱۵۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۵ و ۵۲۶.

موجود بوده است.(۱)

سیّد محمّد حسین موسوی*

سیّد محمّد حسین موسوی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بود. از آثار او:

۱. کتابت «شرح فارسی هیئت» تألیف شیخ مصلح الدّین محمّد لاری، به خط نستعلیق، در سال ۱۲۰۰ق، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی.

۲. کتابت «تفسیر» ملّاصدرا، به خط نستعلیق، در سال ۱۲۵۳ق، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی.(۲)

حسین موسیقی*

ملّا حسین یزدی معروف به «حسین موسیقی» از هنرمندان موسیقی معاصر، در یزد متولّد شده و در ۲۵سالگی برای استفاده از اساتید موسیقی به اصفهان آمد. ابتدا در تهران مدّتی نزد اسماعیل خان شاهی که تعزیه خوان بود تعلیم گرفت و به اصفهان بازگشت. سپس نزد سیّد عبدالرحیم و میرزا حسین ساعت ساز (خضوعی) به فراگیری موسیقی پرداخت. دوباره به تهران رفته از قربان خان شاهی و حسین لحنی دستگاههای موسیقی را آموخت. او در اصفهان با شعبان خان (پدر استاد جلیل شهناز) معاشر بود و از اطلاعات و راهنمایی های او بهره می گرفت. قسمتی از عمر او در سیاحت در شهرها و روستاهای ایران گذشته و در اصفهان نیز به شغل خرازی مشغول بود. صوتی خوش داشت و علاوه بر آواز در نواختن ضرب نیز مهارت داشت. اشعار بسیاری را نیز از حفظ داشت وبه شیوه اساتید قدیم اصفهان می خواند.(۳)

۱- الذریعه، ج ۱۰، ص۲۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۵۲۷ و ۵۲۸.

۲- فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس رضوی، صص ۱۳۳ و ۳۴۸.

۳- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۸۳.

شیخ محمّد حسین مهاجر زفره ای

شیخ محمّد حسین مهاجر زفره ای، واعظ فاضل، در قریه «زفره» از توابع کوهپایه اصفهان متولّد شد و در اصفهان نزد میرزا ابوالقاسم زفره ای (حاج آخوند) به تحصیل پرداخت. وی از ذاکران اهل بیت بود و مدّتی نظامت مدرسه اقدسیّه (به مدیریت شیخ محمّد حسین مشکاه زفره ای) را بر عهده داشت. او داماد میرزا ابوالقاسم زفره ای بود و مانند او در علوم غریبه اطلاع کافی داشت. سرانجام در رجب ۱۳۷۷ق وفات یافته و در تکیه بروجردی مدفون شد.

مادّه تاریخ وفات او را میرزا حبیب اللَّه نیّر چنین سروده است.

«نیّر» دانا برون چون کرد سر از تاریخ گفت:

«طایر قدس مهاجر در جنان پرواز کرد»(۱)

۱۳۷۷=۱۳۸۱-۴

میر محمّد حسین ناظم التّجار اصفهانی

میر محمّد حسین ناظم التّجار طباطبائی اصفهانی، از تاجران خوشنام و متدّین و نیکوکاراصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. برحسب وصیت او، برادرزاده اش عالم فاضل حاج سیّد محمّد تقی طباطبائی دویست جلد از کتاب «کشف الانوار» تألیف: شیخ محمّد تقی آقا نجفی را وقف عام نموده است. این نسخه ها در سال ۱۲۹۶ق چاپ سنگی شده بوده اند.(۲)

شیخ محمّد حسین نجفی سدهی*

شیخ محمّد حسین نجفی سدهی، عالم فاضل و فقیه کامل، در سِدِه ماربین متولّد شده و پس از تحصیل مقدّمات در ۲۰ سالگی جهت ادامه تحصیل به عتبات عالیات مشرّف

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۲۷۷ و ۲۷۸.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۲۸۰.

شده و در محضر آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمّد حسین کمپانی کسب فیض نموده و به تدریس سطح پرداخته است. مرحوم مرعشی نجفی «قوانین» را از او آموخته است. شیخ محمّد حسین نجفی از سیّد محمّد باقر درچه ای اجازه روایت و از مرحوم کمپانی اجازه اجتهاد اخذ نموده است.

در حدود سال ۱۳۵۰ق به اصفهان بازگشته و مورد استقبال جمع کثیری از مردم قرار گرفت و در مدرسه جده بزرگ به تدریس «کفایه» مشغول شد. او در ایّام تعطیلات به سِدِه [خمینی شهر] می آمد و در منزل خود اقامه جماعت می کرد. چندی در آن مسجد اقامه جماعت نمود. سپس در مسجد ملّا حیدر به امامت پرداخت. همچنین او دعای کمیل را قرائت ادعیه را در سِدِه آغاز نمود و آن را رواج داد.

او در سال های آخر عمر به واسطه مشکلات و تألمات روحی و ضعف اعصاب و کسالت، ترک مسجد و محراب نموده، در منزل خویش انزوا اختیار نموده بود. تا اینکه در غرّه رجب المرجب سال ۱۳۷۵ق وفات یافته و در شمال مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.

آثار زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «حاشیه بر فصول در علم اصول» ۲. «حاشیه بر قوانین»(۱)

سیّد حسین نظام الدّینی*

سیّد حسین نظام الدّینی، عالم فاضل زاهد. در روستای کچویه لنجان متولّد شد. در ۱۳ سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه جده بزرگ به تحصیل پرداخت. ادبیات عرب را به همراه مرحوم حاج آقا یحیی فقیه ایمانی نزد سیّد مصطفی زانیانی آموخت. مطوّل را نزد شیخ علی یزدی خواند و از درس شیخ عباسعلی ادیب و شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی بهره برد. قسمت عمده شرح لمعه و رسائل و مکاسب را نزد حاج آقا رحیم

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۲۲۲-۲۱۹؛ الاجازه الکبیره، ص۱۷۷؛ جلوه افلاکیان، مخطوط؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، مخطوط.

ارباب تحصیل نمود و در سطوح عالیه از محضر حضرات آیات: سیّد مرتضی خراسانی، سیّد مهدی درچه ای، سیّد محمّد نجف آبادی و سیّد علی نجف آبادی بهره برد و خود به تدریس در حوزه علمیه اصفهان پرداخت.

در سال ۱۳۵۶ق به روستای خود بازگشت و سرپرستی دو برادر و یک خواهر صغیر خود و اداره املاک پدر را به عهده گرفت. و به کشاورزی مشغول شد. پس از ۳۰ سال اقامت در کچویه به دعوت عالم جلیل شیخ محمود شریعت ریزی به زرین شهر رفت و به تدریس ادبیات، معالم، حاشیه ملّا عبداللّٰه و شرح لمعه در حوزه علمیه تازه تأسیس آنجا پرداخت. در سالهای آخر عمر، امام جمعه موقّت زرین شهر بود و به حل و فصل اختلافات و رفع مشکلات مردم و منطقه می پرداخت. او مردی سحرخیز، پرکار، متواضع، خدام و مردمی بود.

سرانجام در بهمن سال ۱۳۷۰ش به جوار رحمت حق شتافت.(۱)

شیخ محمّد حسین نوری رنانی*

شیخ محمّد حسین نوری رنانی، عالم فاضل متّقی. در سال ۱۲۸۰ش در رهنان اصفهان متولّد شد و در اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت و به وعظ و خطابه مشغول شد. در بسیاری از شهرها سفر نمود و به ایراد خطابه و ارشاد مردم پرداخت.

او از شاگردان سیّد محمّد باقر درچه ای است و به حاج آقا رحیم ارباب ارادت می ورزید. وی سرانجام در ۱۶ ذیحجه ۱۳۸۳ق (مطابق سال ۱۳۴۶ش) وفات یافت و در تکیه بابا رکن الدّین تخت فولاد مدفون شد.(۲)

۱- شرح مجموعه گل، ص۹۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۴؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۲۷.

محمّد حسین نوید اصفهانی

محمّد حسین اصفهانی متخلّص به «نوید» شاعر ادیب خواهرزاده میر سیّد علی مشتاق اصفهانی بود. در اصفهان علم و ادب آموخت و به هند رفته در کشمیر ساکن شده و همانجا در سال ۱۱۷۸ق وفات یافت.

از اوست:

طریق مهر با یار خود یارا نمی دانی

اگر می دانی از یاران خود ما را نمی دانی(۱)

حاج محمّد حسین نیلفروش

حاج محمّد حسین اصفهانی معروف به «نیلفروش» عالم فاضل محقّق و مفسر عالیقدر، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی نزد ملّا علی اصغر مشهدی «شرح مطالع» را خوانده و در آن کتاب مهارت فراوان یافته است. وفات او در اواسط هفتمین دهه از قرن دوازدهم هجری در نجف اشرف اتفاق افتاد. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اثبات حَقیّهِ الاَثنی عشریه» ۲. «تفسیر قرآن مجید»(۲)

آقا حسین ورنامخواستی

آقا حسین ورنامخواستی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری. از شاگردان شیخ محمّد باقر نجفی است. وی پس از تکمیل معلومات و وصول به مقامات عالیه علم و اخلاق به مولد خود مراجعت نموده، به ترویج دین و نشر احکام اشتغال جسته و در آنجا وفات یافته است.(۳)

۱- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۷۹؛ سفینه المحمود، ص۳۳۹؛ تذکره روز روشن، ص۸۵۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۳۶.

۲- تتمیم امل الآمل، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ الکواکب المنتشره، ص۲۲۵؛ الذریعه، ج۱، صص ۸۹ و ۹۰؛ مفسّران شیعه، ص۱۷۱.

۳- نقباء البشر، ج۲، ص۴۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۱۵۸.

میرزا محمّد حسین یاری اصفهانی

میرزا محمّد حسین متخلّص به «یاری» شاعر ادیب، نوه میرزا محمّد باقر وزیر خراسان. کریم الطبع و خوش فطرت بود. در اصفهان متولّد شد [مدّتی را در شیراز ساکن بوده و از عنایات صید مرادخان زند حاکم شیراز برخوردار شده است.] عاقبت به کاظمین رفته و در سال ۱۲۱۵ق وفات یافته و در آن ارض اقدس مدفون شد.

از اوست:

پیش گلها عزّت خاریم نیست

می کنم دل خوش که مرغ گلشنم(۱)

میرزا حسینعلی آشفته

میرزا حسینعلی آشفته اصفهانی، شاعر ادیب. در اصفهان به شغل سرّاجی مشغول بود و در انجمن ادبی ابوالفقرا گزی شرکت می کرد.

عمان سامانی در قصیده انجمنیه درباره او آورده است:

وان دگر آشفته کز اشعار نغر و دلنشین

می برد آشفتگی بیرون ز طبع انجمن

او سرانجام در ۱۴ شوال ۱۳۰۲ق در اصفهان وفات نموده، در تخت فولاد تکیه لسان الارض مدفون گردید.(۲)

[این دو بیت از اوست:

شنیدستم که وقت نزع فرهاد

به خود می گفت این شیرین عبارت

۱- تذکره اختر، ص۲۴۳؛ سفینه المحمود، ص۲۶۳؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۳۲۹؛ مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۰۲۳؛ تذکره دلگشا، ص۷۰۶.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۵.

که من بیهوده کندم کوه و خسرو

همه حلوای شیرین کرد غارت(۱)]

استاد حسینعلی بنّای اصفهانی*

استاد حسینعلی بنّای اصفهانی، از بنّایان و معماران معروف زمان شاه سلطان حسین صفوی است. تعمیر و احداث ساختمان های جدید امامزاده اسماعیل که در زمان شاه سلطان حسین در سال های ۱۱۱۱ تا ۱۱۱۲ انجام گرفته، از کارهای این استاد هنرمند می باشد.(۲)

ملّا حسینعلی صدیقین

ملّا حسینعلی صدیقین بن محمّد اسماعیل بن محمّد ربیع، عالم فاضل و زاهد متّقی. [از علمای مشهور قرن چهاردهم هجری در اصفهان]

در اصفهان متولّد شده [و خدمت جمعی از اکابر علماء همچون میرزا ابوالقاسم زفره ای، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی درس خوانده] و مراتب عرفان را خدمت حاج محمّدجواد عارف بیدآبادی تکمیل نموده و سالها به ریاضت و تصفیه باطن گذرانیده و جامع مراتب صوری و مقامات معنوی شد.

او در مسجد گرگ یراق ها، مسجد حاج اسداللّه سمسار و مسجد درکوشك اقامه جماعت می نمود [و هفته ای دو شب بر منبر می رفت و با بیانی گرم و شیوا به ارشاد مردم می پرداخت.]

همچنین سالها در مدرسه درکوشك [و مدرسه میرزا حسین بیدآباد] به تدریس مختلف و از جمله تفسیر مشغول بود.

مرحوم صدیقین از علمای پرهیزکار و مشهور به زهد و تقوا در میان عوام و خواص و مورد وثوق و احترام کلیه طبقات بود و از سوی مراجع بزرگوار از جمله آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی [و آقا حسین بروجردی] نیابت تام را برخوردار بود.

۱- حدیقه الشعراء، ج ۱، ص۳۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۳.

این عالم ربانی سرانجام در شب جمعه دوّم صفر سال ۱۳۶۸ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه کازرونی مدفون شد.

از آثار او حواشی مختصری بر تذکرهالقبور است که نگارنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی]آنها را در رجال اصفهان نقل کرده ام. مادّه تاریخ وفاتش را حسن ضوئی اصفهانی چنین سروده است:

«ضوئی» از تاریخ صدیقین به فکرش شد برون

مطلب خوابش که «فی جنات عدن یدخلون»(۱)

حسینعلی صفائی بروجنی

حسینعلی صفائی بن سلیمان بروجنی، از شعرای معاصر در سال ۱۲۹۶ق در بروجن متولّد شده و نزد پدر خود که معلّم بود و دیگران به تحصیل مشغول شد. در جوانی به تجارت پرداخت و کمی بعد از آن کار دست کشید. دیوانی مشتمل بر سه هزار بیت شعر از قصیده و غزل داشته است.

از اوست:

عقده ها بر دل غمدیده عشاق فکند

گره آن شوخ چون بر طره خم در خم زد(۲)

حسینعلی زنگنه*

حسینعلی بن شیخعلی خان زنگنه، از فضلای قرن یازدهم هجری است. پدرش از وزرای عالی مقام شاه سلیمان صفوی بوده است. خود او در اصفهان به تحصیل علم و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۷۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج ۱، ص ۴۲۹؛ نقباءالبشر، ص ۶۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۷۲؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص ۳۳۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۱۱.

ادب پرداخت. کتاب «بدایع البیان» در تفسیر قرآن از تألیفات اوست.(۱) نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه ها موجود است از جمله:

نسخه ای به شماره ۱۷۶ در کتابخانه ملّی ملک در تهران و نسخه ای به شماره ۷۴۶۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه دیگر به شماره ۳۲۰۱ در کتابخانه مسجد اعظم قم.(۲)

حسینعلی اصفهانی

حسینعلی بن محمّد زمان اصفهانی از کاتبان خط نسخ در قرن سیزدهم هجری. در تاریخ ۲۶ صفر ۱۲۵۲ق کتاب «المصابیح فی شرح المفاتیح» را در فقه، به عربی، از مؤلّفی ناشناس، به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۵۴۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

ملّا حسینعلی تویسرکانی

ملّا حسینعلی تویسرکانی ابن نوروزعلی ملایری عالم محقّق، فقیه جامع، مجتهد اصولی، از علماء طراز اوّل اصفهان در قرن یازدهم هجری. در تویسرکان متولّد شده و در اصفهان نزد اعلام آنجا به ویژه شیخ محمّد تقی رازی صاحب حاشیه حاضر شد و کسب فیض کرد تا به درجه اجتهاد نائل شد و بسیاری از مردم اصفهان و نواحی اطراف از او تقلید نمودند. محضر درس او پربار بود و شاگردان بسیاری از محضر او مستفیض شدند. او امام جماعت مسجد ایلچی احمدآباد بود و به جهت احتیاط در نماز جمعه، جمعه ها به دُرچه می رفت و نمازجمعه را در آنجا برپا می ساخت.(۴)

۱- فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۱، ص۸؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف دستوری، ج۱، ص۲۵۸.

۲- فهرست مسجد اعظم قم، ص۴۴؛ فهرست الفبایی رضوی، ص۸۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۳۴۷.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۸۹ و ۹۰؛ روضات الجنّات، ج۸، ص۲۲۴.

سرانجام در ۲۸ صفر ۱۲۸۶ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه خوانساری ها در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

امام الحرمین میرزا محمّـد همدانی که مجاز از مرحوم تویسرکانی است، در «ملتقطات فصوص الیواقیت» ضمن مرثیه ای، ماده تاریخ وفات ایشان را چنین سروده است:

فقضی نحبه و سار الیها

و دعاه الیه ارّخ «غفور»(۲)

۱۲۸۶

کتب زیر از اوست:

۱. «حاشیه بر جامع عباسی» ۲. «رساله در ردّ بر اخباریّه» ۳. [«الشّهاب الثّاقب»] در ردّ بر حاج کریم خان کرمانی ۴. «فصل الخطاب» در اصول فقه ۵. [«قارعه القوارع»] که ردّ بر جوابیه حاج محمّـد کریم خان کرمانی بر کتاب «شهاب ثاقب» است. ۶. «کشف الاسرار» در شرح شرایع، در ۱۱ جلد، که به خط مؤلّف نزد آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی در اصفهان موجود است. ۷. «المقاصد العلیّه» در حاشیه بر قوانین، در دو مجلّد ۸. «نجاه المؤمنین» در اخلاق و اصول دین که آن را در سال ۱۲۷۲ق و به نام فرزندش «محمّد» نوشته است. [۹. «رساله عملیه»]

ملّا حسینعلی زاهدی رنانی*

ملّا حسینعلی زاهدی رنانی، عالم عابد زاهد، از علمای قرن چهاردهم هجری. در قریه «رهنان» اصفهان متولّد شده و در اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس در زادگاه خود به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول شد. او از مصرف وجوهات شرعی خودداری می کرد و از راه کشاورزی امرار معاش می کرد و با قناعت و تواضع، درس بی نیازی از خلق و استعانت از خالق را به دیگران می آموخت. وی سرانجام در [۲۹ شعبان

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۱۰؛ الکرام البرره، ص۴۳۸.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان (الف - ز)، ج۱، ص ۴۰۰.

۱۳۸۸ق] وفات آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

حسینعلی شکیبایی بروجنی

حسینعلی فاتحی بروجنی متخلّص به «شکیبا»، از شعرای معاصر. در سال ۱۳۰۳ش متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی در مولد خود به کسب و کار مشغول شد.

از اوست:

نه هرکس عاری از دانش بُوَد استاد می گردد

نه هر مرد پلید کوه کن فرهاد می گردد

چنین ابلیس شومی را نشاید آدمی گفتن

کسی کو از غم همسایگانش شاد می گردد(۲)

آخوند ملّا حسینعلی صرفی

آخوند ملّا حسینعلی صرفی، عالم فاضل ادیب، وی در محلّه شیش بیدآباد اصفهان ساکن بوده و در ادبیات عرب خصوصاً صرف و نحو استاد بوده و به «صرفی» شهرت داشته است. میرزا سیّد حسن چهارسوقی عالم جلیل القدر نزد او نحو و صرف ابتدائی را خوانده است.(۳)

حسینعلی قدسی قهفرخی

حسینعلی قدسی قهفرخی، از شعرای معاصر، در حدود سال ۱۲۸۵ش متولّد شده و پس از تحصیل به استخدام اداره فرهنگ درآمده و به آموزگاری در چهارمحال روزگار می گذرانید.

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۱۶۸؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۷۶.

۳- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۵۷.

از اوست:

گشته خیالم چو زلف یار پریشان

دل شده از دست روزگار پریشان(۱)

حسینعلی گلشن اصفهانی

حسینعلی گلشن اصفهانی، از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد شد. در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و از شعرای خوش قریحه به شمار می رفت. او در سال ۱۳۶۱ق وفات یافت. این بیت از اوست:

به جان اهل حجاز و عراق شور افکند

بلند گشت چو از نینوا نوای حسین

(حجاز، عراق، شور، نینوا و نوا نام پرده های آواز است.)(۲)

ملّا حسینعلی محدّث*

ملّا حسینعلی محدّث، عالم فاضل، از دانشمندان گمنام قرن سیزدهم هجری است. وی در جمادی الثانی ۱۲۵۲ق وفات یافته و در نزدیکی قبر فاضل هندی در تخت فولاد مدفون شده است.

این مرثیه درباره او سروده شده است:

واحسرتا که رفت ز دنیا حسینعلی

آن معدن فضایل و آن نور منجلی

اعلا محدّثی که چو دریای علم و فضل

بد در خروش و جوش چو دریای انزلی

کرد از خرد سؤال ز تاریخ فوت او

گفتا «هزار حیف ز ملّا حسینعلی»(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷۴.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۰۲.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

حسینقلی دانشور قهفرخی

حسینقلی دانشور بن ابوالفتح دانشور قهفرخی، شاعر معاصر، در سال ۱۳۳۰ق در قهفرخ از توابع چهارمحال متولّد شده و در آنجا به تحصیل پرداخت و سپس به مباشرت املاک مشغول شد.

چون دوره عمر را دوامی نبود

باقی ز برای کس مقامی نبود

در دهر برای مردم دانشمند

جز نام نکو هیچ مرامی نبود(۱)

حسینقلی خان خطائی دهاقانی*

حسینقلی خان خطائی بن باباخان دهاقانی، شاعر ادیب از سخنوران اواخر دوره قاجاریه. وی در اوّل محرّم ۱۲۶۹ق در دهاقان تولّد یافت. در کودکی مادرش را از دست داد و به دست دایه ای بزرگ شد. در ۶ سالگی در مکتب خانه ملّا رحیم دهاقانی تحصیل را آغاز کرد.

او شاعری ماهر بود و خصوصاً در غزل طبعی روان داشت. خط خوشی داشت و در نقاشی و تیراندازی مشهور بود. تابلوهای نقاشی او هم اکنون در دهاقان در منزل اقوام و در شهرستان سی سخت (کهگیلویه و بویراحمد) موجود است.

وی در ۲۰ بهمن ۱۳۰۴ش به حکم حکومت اصفهان و تأیید وزارت داخله، به عنوان حاکم دهاقان منصوب شد و در برقراری آرامش در آن منطقه و جلوگیری از حملات اشرار و غارتگران به مردم نقش مهمّی ایفا کرد.(۲)

وی سرانجام در سال ۱۳۴۹ق در دهاقان وفات یافت.(۳)

«منتخبی از دیوان مرحوم حسینقلی خان خطایی دهاقانی» توسط ابدال خطایی در سال ۱۳۴۲ش در اصفهان به طبع رسیده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۳ و ۱۹۴.

۲- سیمای دهاقان، صص ۳۰۹ و ۳۱۰.

۳- تاریخ شهرضا، ص ۹۱.

این شعر از اوست:

رود امید که آید به سر کُشته خویش

چون به یادش دل بسپرده ما می آید

جام مینا ز کف ساقی مجلس در دور

باز گردید دل خون خورده ما می آید

نفسی می شمرم تلخ به امید وصال

تا به بالا دم بشمرده ما می آید

حسینقلی خان ایلخانی

حسینقلی خان ایلخانی بن جعفر قلی خان بختیاری، از خوانین معروف بختیاری در قرن سیزدهم هجری [از طایفه دورَکیِ هفت لنگ بختیاری است. پس از مرگ پدرش در ۱۲۵۲ق تخت سرپرستی عمویش قرار گرفت. پس از آن به خدمت حاکم اصفهان منوچهرخان گرجی (معتمدالدّوله) درآمد و کم کم با سرکوب سران یاغی بختیاری، از طرف معتمدالدّوله، نایب الحکومه منطقه بختیاری شد. او کم کم بر سایر خوانین آنجا غلبه کرد و ۴۰ سال ایلخان تمام منطقه بختیاری بود. ناصرالدّین شاه که از قدرت و نفوذ او در مرکز و جنوب ایران بیمناک بود، به فرزندش مسعود میرزا ظلّ السّلطان که حاکم اصفهان و مناطق تابعه شده بود، دستور قتل حسینقلی خان را داد. ظلّ السّلطان با فریبکاری و توطئه او را نزد خود به اصفهان خوانده و در ۲۷ رجب ۱۲۹۹ق او را به قتل رساند.]

حسینقلی خان در شعر و ادب دستی داشت. به فارسی و لُری شعر می سرود و «سیّاره» تخلّص می کرد. جسدش را به تکیه میر در تخت فولاد منتقل کرده و به خاک سپردند و تکیه ای مستقل برای او و خاندان ایلخانی بختیاری ساختند.

این شعر به لهجه لُری از اوست:

دونی ز چه سر نزیده اُفتُو

یارُم نَوِریستاده از خو

ابروی کج تو در همه خلق

دادُم مو نشان که هو مه نو

مُو با دل زار سی تو آیُم

تو بانگ زنی که ای کره نو

یارُم تو بساز کلک و کشتی

تَسُمِت که بِگَریُمِت اُو(۱)

حسینقلی سخائی نجف آبادی*

حسینقلی غیور متخلّص به «سخائی» بن غلامحسین نجف آبادی شاعر ادیب. در سال ۱۲۹۶ش در نجف آباد متولّد شد. او به پیشه ورشوسازی و ریخته گری امرار معاش می نمود. طبعی سرشار و ذوقی سلیم داشت و در بسیاری از انجمن های ادبی در تهران، اصفهان و نجف آباد حضور یافت. از جمله از اعضای فعال انجمن مولوی نجف آباد و انجمن صائب اصفهان و انجمن پژمان ویلاشهر بود.

وی در سال ۱۳۸۲ش به رحمت ایزدی پیوست.

از آثار او: ۱. «دیوان سخائی» ۲. «گلزار سخائی» به طبع رسیده است. ۳. کتاب «زبده الافکار» هنوز چاپ نشده است.

این دو بیت از اوست:

نازنینا ز جلوه ات مستم

افتم از پا، نگیری ار دستم

به ولای تو از همه عالم

رشته التفات بگسستم(۲)

حسینقلی مشفق ضرغام

حسینقلی مشفق ضرغام متخلّص به «مشفق» شاعر ادیب. در سال ۱۳۲۲ق در بروجن از توابع چهارمحال و بختیاری متولّد شد و در زادگاه خود به تحصیل در مکتب خانه پرداخت. علوم ادبی را نزد میر سیّد حسن مجدالادباء اصفهانی (مدیر مدرسه اتحادیه بروجن) آموخت. گاهی در بروجن و گاهی در اصفهان به سر می برد و در

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۱؛ شرح حال رجال ایران، ص۴۴۲؛ دانشنامه جهان اسلام: ذیل «بختیاری»، ص۱۰۸۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۳.

۲- دیباچه دیار نون،ص۲۱۰؛ آئینه اهل قلم، ص۱۲۵؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۳۸۰.

محافل و انجمن های ادبی شرکت می کرد. دیوان اشعار او به طبع رسیده است. سرانجام در سال ۱۳۹۲ق وفات یافته و در تکیه بروجنی ها [تکیه شهداء فعلی] واقع در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ فوتش را شاعر گرانمایه آقای فضل اللّه اعتمادی متخلّص به «برنا» گوید:

به شمسی سال فوتش گفت «برنا»

«روان مشفق ما شاد گردد»

[دیوان اشعارش با نام «اندیشه های رنگارنگ» به چاپ رسیده است.]

از اوست:

تو ای برق محبّت سوختی تاب و توانم را

نمی دانم چه خواهی کرد زین پس جسم و جانم را

درون لانه ای آسوده سر در زیر پر بودم

ولی صیاد بی پروا به هم زد آشیانم را [...]

تو کز بزم وصالت پای من بُبریده ای آخر

چرا با دست هجران می فشاری استخوانم را(۱)

حسینی خوراسکانی

حسینی خوراسکانی از فضلاء قرن یازدهم هجری، ظاهراً از شاگردان علّامه مجلسی بوده و در سال ۱۰۸۰ق مجلّد نهم بحارالانوار را به خط نسخ خوش نوشته است. در برگی از آن به خطی شبیه خط علّامه مجلسی رموز کتاب نوشته شده و مهر علّامه مجلسی «محمّد باقر العلوم» در پشت کتاب دیده می شود. نسخه به شماره ۱۴۱۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۹؛ دولت دیدار، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۵۶۱.

آقا حقی خوانساری*

آقا حقی خوانساری، از شعراء، عرفا و فضلای قرن یازدهم هجری است. نسب او به «خواجه حسن ماضی» و از او با چند واسطه به عارف بزرگوار «حافظ سعدالدّین عنایت اللَّه خوانساری» می رسد. از بنی اعمام ملّا علی حشمتی خوانساری بوده و سالها در مسجد جامع اصفهان به وعظ و خطابه مشغول بوده است. او واعظی خبیر و خطیبی فصیح بوده و در سال ۱۰۳۷ق در خوانسار وفات یافته است. ظاهراً اغلب رباعی می سروده و این رباعی از اوست:

چون رعد به جز ناله زارم نَبُوَد

چون باد به گوشه ای قرارم نَبُوَد

چون اشک که در دیده عاشق گردد

سرگشتگی اَم به اختیارم نَبُوَد(۱)

حَکَم خزاعی

ابو عبداللَّه حَکَم بن مَعبد بن احمد خزاعی، فقیه، مصنّف کتاب «السُّنّه»، از بزرگان فقهاء و محدثین حنفی اصفهان بوده و در سال ۲۷۵ق در اصفهان فوت کرده است.

وی از ابوموسی و نصربن علی و محمّد بن حمید احادیث بسیار نقل کرده است.(۲)

حکمهاللَّه خزاعی

حکمهاللَّه خزاعی از فضلاء قرن پنجم و اوائل قرن ششم هجری بوده و قبر او در تکیه ظلمات مجاور قبر میرعماد قرار دارد.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۲۱؛ تذکره ریاض العارفین، ص۱۰۱؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۴۶ و ۴۷؛الذریعه، ج۹، ص۲۵۸؛ اثر آفرینان، ج۲، ص۳۰۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۸؛ ریحانهالادب، ج۲، صص ۱۸۹ و ۱۹۰؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۱۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹۸؛ الوافی بالوفیات، ج۱۳، ص۱۱۳؛ طبقات المحدّثین ج۴، ص ۲۸۰.

وی در سال ۵۰۳ق وفات یافته و مادّه تاریخ وفات او این بیت است:

«چو دیدم حکمهاللّه است تاریخ

الف با لاالف ساقط از آن شد»

بر روی سنگ نام ائمه اثنی عشرعلیهم السلام نوشته شده و نشانگر آن است که مشار الیه از شیعیان بوده است.(۱)

حکیم مرزوقی

حکیم بن ابوالوفاء مرزوقی، از ادباء قرن چهارم هجری بوده و مافروخی در محاسن اصفهان وی را در عداد دانشمندان متقدم صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده است.(۲)

حمّاد مُکِتب مدینی

حماد بن زید مُکتب مدینی، از محدّثین عامّه در قرن سوم هجری است، وی از اهالی «مدینه» [شهرستان] اصفهان و از افاضل مردم آن روزگار بوده و با محمّد بن یوسف بنّا مکاتبه داشته است.(۳)

حمد صیرفی

ابوسهل حمد بن احمد بن ابی عمرو بن ولکین (؟) صیرفی از محدّثین اصفهان است. وی از ابوعبداللّه بن منده و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد بغدادی، حسن بن عبدالملک خلاّل و ابوغالب حسن بن محمّد از او روایت می کنند.(۴)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۱؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۲۳۵؛ مزارات اصفهان، ص۳۱۸.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۳- مزارات اصفهان، ص۳۵۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۲۰۸.

حمد حدّاد

ابوالفضل حَمَد بن احمد بن حسن حداد، از محدّثین قرن پنجم هجری است. سمعانی درباره او نوشته است: «کان اماماً عالماً صحیح السمّاع، محقّقاً فی الاخذ». او از شاگردان حافظ ابونعیم اصفهانی است. در سال ۴۸۵ق به بغداد رفته و در سال ۴۸۶ق (و یا ۴۸۸ق) فوت شده است. ابوحفص عمر بن محمّد شیزری از او حدیث شنیده است.(۱)

حمد اصفهانی

ابوالفضل حمد بن احمد بن عبداللّه اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی از حافظ ابونعیم اصفهانی و ابوبکر خَلّاد روایت می کند و ابوالفتح محمّد بن عبدالباقی بن احمد بن سلیمان معروف به «ابی البطی مارستانی» از او نقل حدیث می نماید.(۲)

حمد اصفهانی

ابوالقاسم حمد بن محمّد بن احمد بن منصور بن عبداللّه بن طویل اصفهانی، از محدّثین اواخر قرن ششم هجری است. از اصحاب شیخ ابوالفضل محمّد بن ابی سعد بغدادی بوده و از ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی، ابوعثمان عیّار صوفی، ابوالقاسم علی بن عبدالرّحمان بن علیك و ابوعمرو عبدالوهاب بن محمّد عبدی حافظ استماع حدیث کرده است. ابوسعد سمعانی از او اجازه داشته است. او در سال ۵۱۷ق فوت شد.(۳)

حمدان اصفهانی

ابوالحسن حمدان بن احمد بن حمدان اصفهانی، یکی از محدّثین عامّه در اصفهان است. از ابو احمد عبداللّه بن عمر بن عبدالعزیز کرجی روایت نموده و شیرویه بن شهردار از

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۳۷.

۲- احقاق الحق، ج ۶، ص ۴۵ و ج ۱۴، ص ۲۳۱ و ج ۱۵ و ص ۴۴۱.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۵۱.

او نقل حدیث می نماید.

ملّا حمزه قائنی

آخوند ملّا حمزه قائنی ابن ملّا اسداللّٰه بن عبداللّٰه بن علی محمّد شریف علوی، عالم فاضل ادیب و واعظ ماهر.

در قائن متولّد شده و برای تحصیل به اصفهان رفته و چندی به درس سید محمّد باقر حجّةالاسلام و حاج محمّد ابراهیم کلباسی حاضر شده و حسب الامر استاد خود سیّد حجّةالاسلام با دختر یکی از تجار همدانی ساکن اصفهان وصلت نمود.

پس از مدّتی چون سیّد حجّةالاسلام او را به دلیل فصاحت زبان جهت ارشاد مردم به رشت فرستاد. عاقبت ملّا حمزه قائنی در یکی از سفرهای خود در هنگام بازگشت از قائن به اصفهان در شاهرود وفات یافته است.

اعقاب او در اصفهان و کرمانشاهان ساکن بوده اند.(۱)

ملک حمزه غافل سیستانی*

ملک حمزه غافل بن ملک جلال الدّین بن ملک محمود سیستانی، شاعر و ادیب قرن یازدهم هجری است.

نسب آنان به قولی به صفاریان و بنا به روایتی دیگر به جمشید می رسید. پدرش فرمانروای سیستان بود. او در جوانی به اصفهان آمد و به دیدار سخنوران و دانشمندان از جمله میرزا محمّد طاهر نصرآبادی شتافت. سالها در اصفهان بود و پس از فوت پدرش به حکومت سیستان رسید. به صفات پسندیده موصوف و محبوب خاص و عام بود و سرانجام در سالهای جوانی وفات یافت.

شعر نیکو می سرود و «غافل» تخلّص می کرد. از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷۷؛ بیان المفاخر، ج۱، ص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ الکرام البرره، ج۱، ص۴۴۳؛ بهارستان، ص۲۸۳.

از آتش هجران تو ای عهدشکن

در دیده نگاه و در لبم سوخت سخن

تا گریه من صرف کجا خواهد شد

سرگردانم چو ابر گم کرده چمن(۱)

حمزه اصفهانی

ابو عبداللّه حمزه بن حسن اصفهانی، مورّخ، ادیب و دانشمند قرن چهارم هجری است. در سال ۲۷۰ق متولّد شد. وی از عبدان بن احمد، محمّد بن جریر، محمّد بن صالح بن ذریع، محمّد بن نصیر و محمود واسطی روایت می کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند. وی بارها به بغداد رفته و به اصفهان بازگشته و در بین سالهای ۳۵۰ تا ۳۶۰ق وفات یافته است. کتاب او درباره اصفهان بارها مورد استفاده مورّخین بعد از او قرار گرفته ولی متأسفانه اصل کتاب از بین رفته است.

این کتب از تألیفات اوست:

۱. «اصبهان و اخبارها» ۲. «الامثال علی افعل من کذا» ۳. «الامثال الصّادره عن بیوت الشعر» که به شماره ۱۱۵۰ در کتابخانه ملک در تهران موجود است. ۴. «الاوصاف» ۵. «تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء» به عربی، که در کلکته و لایپزیک (همراه با ترجمه لاتین) و برلین به چاپ رسیده است. آقای دکتر جعفر شعار نیز آن را به فارسی برگردانده و با نام «تاریخ پیامبران و شاهان» چاپ نموده است.«کبارالبشر» یا «تواریخ کبار الامم من معنی منهم و من غبر» نام دیگر کتاب «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است. ۶. «التشبیهات» ۷. «التّماثیل فی تباشیر السّرور» ۸. «التّنبیه علی حدوث التّصحیف» یا «التّنبیه علی حروف المصحف» که در سال ۱۹۶۸م در سوریه به چاپ رسیده است. ۹. «الخصائص و الموازنه بین العربیّه و الفارسیّه»، که در دارالکتب

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۱؛ خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم)، ص۳۵۲.

المصریه در قاهره نگهداری می شود. ۱۰. «الرّسائل» ۱۱. «السیره المستقیمه بشأن القرامطه» که نسخه خطی آن در کتابخانه پاریس موجود است. [۱۲. «المنتخب من کتاب الامثال» که در کتابخانه واتیکان رم موجود است. [۱۳. «انواع الدّعا»(۱)

حمزه علوی

ابو محمّد حمزه بن عبّاس بن علی بن حسین بن علی بن عمر بن حسن بن علی بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب حسینی علوی معروف به «برطله»، از محدّثین و مشایخ صوفیه در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است.

در حدود ۴۳۰ق دراصفهان متولّد شد. او صاحب سیره نیکو و پرهیزکار بوده و در اصفهان بین عوام و خواص شهرت فراوان داشته است. وی از ابو احمد محمّد بن علی بن سمویه مکفوف، ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه، ابوعلی حسین بن عبداللّه بن منجویه، ابوالحسن علی بن قاسم بن ابراهیم بن موسی خیّاط، ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن احمد نعمان فضاض، ابوطاهر محمّد بن احمد بن عبدالرّحمان و ابوبکر باطرقانی استفاده کرده و از ابی الحسن محمّد بن علی بن صخر ازدی بصری قاضی مکّه و ابوسعد عبدالرّحمان بن احمد بن عمر بن یوسف بن یعقوب بن یزید اصفهانی صفار و دیگران

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۰؛ الفهرست (ابن ندیم)، ص۱۵۴؛ تذکره هفت اقلیم، ج۲، ص۳۹۶؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۷۸؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۳۶۲؛ اکتفاء القنوع، ص۷۰؛ ریحانهالادب، ج۱، ص۱۴۳؛ تاریخ علوم اسلامی، صص ۴۵ و ۱۳۰؛ تاریخ آداب اللغه العربیه، ج۲، صص ۶۲۵ و ۶۲۶؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص۱۱۷؛ الاعلام، ج۲، ص۳۰۹؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۳۳۶؛ کشف الظنون، ج۱، ص۱۶۸ و ۲۸۲؛ تاریخ گزیده (چاپ) ۱۳۶۴ش)، ص۶۹۲؛ تاریخ ادبیات در ایران؛ ج۱، ص۶۴۳؛ الذریعه، ج۳، ص۲۸۸ و ج۱۷، ص۲۶۵؛ اعیان الشیعه، ج۲۸، صص ۱۴۴-۱۴۰؛ تاریخ التّراث العربی، ج۱، ص ۱۸۴ و ج۸، ص ۳۵۸؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حمزه»، ص ۷۹۸، یادداشتهای قزوینی، ص۹۵۲، تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۳۹ و ۴۰۸؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۸۶؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۲۹-۲۲۶؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷۸.

اجازه داشته است.

ابوسعد سمعانی از وِی، از جمیع مسموعاتش اجازه یافته است. صاحب عنوان در روز جمعه ۱۷ جمادی الاولی ۵۱۶ق وفات یافته است.

حمزه محتسب گلپایگانی

حمزه بن عبدالرحمان محتسب جرباذقانی (گلپایگانی)، از محدّثین قرن چهارم هجری بوده و در اصفهان اقامت داشته است. از محمّد بن اسحاق کرمانی نقل حدیث نموده و پس از عمری طولانی وفات یافته است.(۱)

شاه میر حمزه

حمزه بن محمّد بن حسین به علی بن حسین (متوفی در طبرستان) بن محمّد الدّیباج بن الامام جعفر بن الصادق علیه السلام از امامزادگان اصفهان است. در قریه «فرسان» [از روستاهای حومه شمال اصفهان] مدفون بوده و به «شاه میر حمزه» شهرت دارد. اکنون در حاشیه خیابان سروش در داخل شهر واقع شده و دارای بقعه [گنبد و بارگاه]است [و اخیراً آن را تجدید بنا کرده اند] قبرستان شاه میر حمزه در سال ۱۳۳۳ش توسط شهرداری خراب شده و در اراضی ان خیابان، مغازه، منزل و دانشسرای کشاورزی [هنرستان فنّی سروش فعلی] بنا کردند. به ظنّ نویسنده این گورستان مقابر آل خجند نیز بوده است. در این گورستان حکیم شرف الدّین حسن شفائی و آخوند محمّد شفیع طالقانی معروف به «شفیعای ابرو» مدفون بوده اند که اکنون از مقبره آنان اثری به جا نمانده است.

[استاد همایی از این امامزاده و گورستان بازدید کرده و شماری از قبور آن را یادداشت نموده که قدمت برخی از قبور به قرن یازدهم و دوازدهم هجری باز

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹۹.

می گردد.[(۱)]

حمزه هرندی

حمزه بن محمّد خان هرندی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در روز سه شنبه ۲۱ رمضان ۱۰۳۰ق کتابت «شرح فصوص الحکم» را به خط نستعلیق به پایان رسانیده [است.] کتاب ضمن مجموعه شماره ۶۶۵۸۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

[وی سالها در هندوستان ساکن بوده و از شاگردان محضر درس شمس الدّین محمّد بن علی بن نعمت اللّه خاتونی و از خواص اصحاب و معاشران او بوده است.]

حمزه سعدی مدینی

ابانصر حمزه بن یسع بن یحیی بن راشد سعدی، از محدثین اصفهان و ساکن مدینه (شهرستان) بوده است.

وی از از بَکر بن بکار و محمّد بن بکیر روایت می کند و علی بن صبّاح از وی نقل حدیث می کند.(۳)

ملّا حمزه گیلانی

ملّا حمزه گیلانی، از اجّله حکماء و از افاضل علماء قرن دوازهم هجری. سالها در اصفهان از محضر ملّا محمّد صادق اردستانی کسب فیض نموده و تقریرات درس او را تدوین نموده است که به نام «حکمت صادقیه» شهرت دارد.(۴)

سال وفات او به دست نیامد. رساله ها و کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- مزارات اصفهان، صص ۲۷۴-۲۷۲؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۵۲۲-۵۱۷.

۲- فهرست مجلس، ج۱۵، ص ۱۴۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹۸.

۴- آتشکده اردستان، ج۲، ص۳۱۵.

۱. «تقریرات درس ملّا محمّـد صادق اردستانی» که محمّد اسماعیل نامی آن را که ناقص بوده، استنساخ نموده و از ملّا محمّد علی بن محمدرضا خواسته است که آن را تمام کند و دیباچه ای بر آن بنویسد، او نیز چنین کرده و آن را «حکمت صادقیه» نامیده و در ۲۸ فصل مرتّب نموده است.(۱)

۲. «رساله فی التشکیک»، که نسخه خطی آن مورخ به سال ۱۱۴۹ق در اصفهان، به شماره ۷۶۲۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۲)

۳. «رساله در موجود مفارق از ماده»، به خط نستعلیق محمّـد صالح خلخالی، در سال ۱۱۴۹ق، که به شماره ۷۶۲۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

۴. رساله در باب «تحقیق النفس و مسائلش» که با کتاب ششم «قوی النفس» از طبیعیات شفا برابر است.(۴) نسخه خطی آن به خط نسخ که در سال ۱۱۴۹ق کتابت شده است، به شماره ۲۱۸در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۵) نسخه ای دیگر نیز در کتابخانه سیّد مهدی لاجوردی قمی موجود بوده است.(۶)

۵. حاشیه بر «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدّین طوسی(۷) که نسخه خطی آن به شماره ۴۰۱۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۸)

حُمَمِه دوسی

حُمَمِه بن اَبی حُمَمِه دُوسی از صحابه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله است. او در زمان خلیفه دوم به همراه لشکریان خلیفه به ایران آمد و در فتح اصفهان شرکت داشت. وی به علت درد شکم وفات یافته و در باب تیره در دروازه شهر اصفهان مدفون شد.(۹)

۱- الکواکب المنتشره، ص۲۲۸.

۲- فهرست الفبایی رضوی، ص۱۲۸.

۳- فهرست الفبایی رضوی، ص ۵۷۰.

۴- الکواکب المنتشره، ص۲۲۸.

۵- فهرست الفبایی رضوی، ص۴۵۲.

۶- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۱۱۵.

۷- الذریعه، ج۲۱، ص۳۹۸.

۸- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۲۲.

۹- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹ و ۷۱.

در محلّه طوقچی دو قبر به نام های حافظ ابوالقاسم سلمان طبرانی و حممه بن ابی حممه وجود داشته که پس از احداث حسینیه، در وسط حسینیه قرار گرفت.(۱)

عدّه ای قبرش را در شهرستان، جنب قبر راشد عباسی گویند.(۲)

حُمید اصفهانی

ابوعبدالملك حُمید بن اَبی غَنیّه اصفهانی، از محدثین صدر اسلام است. گویند اصفهانی بوده و در کوفه اقامت داشته است. [فتح اصفهان را که به دست ابوموسی اشعری صورت گرفت برخی به او منسوب می کنند.] از عبداللَّه بن مخارق نقل حدیث می نموده و سفیان ثوری و فرزندش عبدالملك بن حُمید از او روایت می کنند.(۳)

حمید مصدق*

حمید مصدق شاعر نوپرداز معاصر. در سال ۱۳۱۸ش در شهرضا متولّد شد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه در شهرضا و اصفهان، در دانشگاه تهران به تحصیل در رشته های حقوق و اقتصاد پرداخت و به درجه فوق لیسانس نائل شد.

وی علاوه بر اشتغال به وکالت، به تدریس در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشگاه علّامه طباطبائی تهران مشغول بود. او اولین کتاب شعر خود را در سال ۱۳۴۰ش منتشر کرد. او در دهه چهل، همراه با جمعی از شاعران و نویسندگان جوان و نوگرای اصفهان در مدرسه صحّت (محلّه مستهلك) کوی شاهزاده ابراهیم، انجمن ادبی مکتب صائب را تأسیس کرد. او پس از فراغت از تحصیل برای همیشه در تهران ساکن شد و سرانجام در روز شنبه ۷ آذر ۱۳۷۷ ه. ش درگذشت.

او از شاعران پیشرو و شعر نیمایی بود و تا آخر عمر به وزن و قافیه در سبك نیمایی وفادار ماند. مضمون اشعار او اغلب میهنی و سیاسی - انتقادی بود که در زمان خود

۱- مزارات اصفهان، ص۱۷۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹۱؛ تهذیب التهذیب، ج۳، ص۴۶۹.

تأثیرات زیادی بر مردم گذاشت. این کتابها از آثار اوست:

۱. «منظومه درفش کاویـان» ۲. «آبی، خاکستری، سـیاه» ۳. «در رهگـذر باد» ۴. «از جـدائی ها» ۵. «تا رهائی» ۶. «شعر سرخ» ۷. «غزل های سعدی» با همکاری اسماعیل صاری ۸. «شکوه شعر شهریار» که همگی به چاپ رسیده اند.(۱)

حیان ضَبّی

حیّان بن بشر بن مخارق ضبّی، از محدثین اصفهان است. پدرش از اهالی راوند کاشان بوده و خود او در بغداد بوده و در زمان خلافت مأمون به اصفهان آمده و قاضی اصفهان شد. سرانجام به بغداد برگشته و ۲۳۸ق وفات یافته است.

از هشـیم، ابویوسف، یحیی بن آدم، عیسـی بن یونس و محدّثین کوفه روایت می کند. و از او عبید بن حسن و احمد بن راشـد از او روایت می کنند.(۲)

حَیّان اشهلی

حیّان بن حنظله بن سوید بن علقمه بن سـعد بن معاذ اشـهلی، از محدّثین بوده و در اصفهان ساکن شده است. پسرش ابراهیم از او حدیث نقل کرده است.(۳)

استاد حیدر*

اسـتاد حیـدر، هنرمنـد چیره دست گچبری در عصـر ایلخانـان است. بـدون شـک او از نوابغ هنرمنـدان ایرانی است که ظرافت، مهارت، ذوق و پشتکار او در آثارش تجلی یافته است.

از آثار او گچبری محراب عالی مسجد الجایتو در مسجد جامع اصفهان به سال

۱- مطبوعات آذرماه ۱۳۷۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۱؛ تاریخ بغداد، ج۸، ص۲۸۴؛ الوافی بالوفیات، ج۱۳، ص۲۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۱.

۷۱۰ق و گچبری نفیس ایوان شمالی مسجد جامع نطنز در سال ۷۰۷ق هنوز باقی است.(۱)

حیدر رویدشتی*

فخرالـدّین ابوالرّضا حیـدر بن ابیطالب بن ابی زیـد احمـد بن حسـین بن سـرهنگ رویـدشتی اصـفهانی، شاعر، محـدث و ادیب دانشمند عصر سلجوقی.

در اصـفهان به وعظ و خطابه مشـغول بود. خوش کلام و شـیرین سـخن و فصـیح و بلیغ بود. سفری به بغداد رفته و از مالک بن احمد بانیاسی حدیث شنید. سپس به وطن خود بازگشته و در سال ۵۴۸ق وفات یافت. وی به زبان عربی اشعاری دارد.(۲)

حیدر گلستانه

شرف الدّین حیدر بن محمّد بن حیدر بن اسـماعیل بن علی بن حسن بن علی بن شـرف شاه گلستانه، از بزرگان و اعیان سلسله گلستانه در اصفهان و در قرن هشتم هجری است.

ابن عنبه نسب شناس معروف او را در اصفهان ملاقات کرده و نوشته است که او در ربیع الاوّل ۷۷۹ق وفات یافت و از او اولاد و اعقابی به جای ماند.(۳)

حیدر مدینی

حیـدر بن محمّـد بن محمّـد بن محمّـد بن ابی القاسم مـدینی اصـفهانی، از فضـلاء قرن هشـتم هجری است. در تاریـخ دوّم ذی الحجّه سال ۷۳۵ق کتابت نسـخه ای از کتاب «محاسن اصفهان» تألیف «مفضل بن سعد بن حسین مافروخی» را به پایان رسانیده و دانشمند بزرگوار آقا سیّد جلال الدّین طهرانی در سال ۱۳۵۲ق در طهران به چاپ

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۱۲۰ و ۸۷۵.

۲- تلخیص مجمع الآداب، ج۳، الجزء الرابع، ص۱۶۶.

۳- عمده الطالب، ص۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۷؛ مجمل التواریخ، ص۱۱؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۳۲۸.

رسانیده است. از عبارتی که کاتب در پایان نسخه نوشته: «حامداً للّه تعالی و مصلّیاً علی خاتم النّبیین محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین اجمعین» یقین است که وی در زمره شیعیان معدود بوده و همچنین قریه شهرستان تا آن زمان معمور و آباد و قسمتی از شهر اصفهان بوده و به نام «مدینه» شهرت داشته است.(۱)

سیّد حیدر حسینی

سیّد حیدر بن میرزا خان بن میر باقر حسینی، از فضلای قرن یازدهم هجری بوده و در مدرسه شهرستان (جی قدیم) ساکن بوده است. از این مدرسه آثاری به جای نمانده است.

سیّد حیدر نسخه ای از کتاب «حاشیه خطایی» را در مدرسه شهرستان کتابت کرده و در آخر نسخه می نویسد:

«قد فرغت من تسوید هذه الحاشیه المسمی بحاشیه الخطائی ابن میرزا خان بن میر باقر الحسینی حیدر من تاریخ شهر ذی قعده الحرام فی مدرسه شهرستان من قرای الاصفهان فی سنه سبع ثمانین بعد الالف من الهجره النّبویه»(۲)

آخوند ملّا حیدر صبّاغ لنجانی

آخوند ملّا حیدر لنجانی معروف به «صبّاغ» عالم فاضل، حکیم ریاضیدان، متکلّم ادیب. در اصفهان معقول و منقول را خدمت ملّا ولی اللّه و ملّا عبدالجواد مدرس خراسانی و میر سیّد حسن مدرّس خواند و سالها در مدرسه صدر به تدریس پرداخت. [او به انواع علوم همچون فقه، اصول طب، ریاضی و حکمت احاطه داشت ولی به خاطر تواضع و پرهیز از خودنمائی،ناشناخته ماند.

۱- محاسن اصفهان، ص۱۲۴.

۲- اصهان یا دارالعلم شرق (خطی)، ص۱۵۰؛ آثار ملّی اصفهان، ص۴۶؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، ص۱۹.۳

او اوراق پراکنده ای از تحقیقات علمی داشته که نزد میرزا حسن خان جابری انصاری موجود بوده است. شیخ آقا بزرگ طهرانی از شخصی به عنوان «ملّا حیدرعلی کرمانی» ساکن اصفهان و از اساتید معقول شیخ فتح اللّٰه شریعت اصفهانی یاد می کند که به احتمال قوی همین ملّا حیدر لنجانی است.(۱)

میرزا محمّد حسین عنقا، شاعر دانشمند نیز از شاگردان ملّا حیدر بوده است.

سرانجام وی در سال ۱۲۸۸ق وفات یافت و محلّ دفن او معلوم نیست.(۲)

حیدر نافجی*

حیدر نافجی، از مردان قرن نهم هجری است. اصلاً از اهالی روستای «نافج» در منطقه چهارمحال بوده است. نام او در سر در خانقاه نصرآباد اصفهان که به همّت صدرالدّین علی طبیب در سال ۸۵۴ق بدین صورت آمده است:

«... بسعی بنده راجی حیدر نافجی...»(۳)

معلوم نیست که او معمار و سازنده خانقاه است و یا متصدی امور و تدارکات ساخت خانقاه.

ملّا حیدرعلی اردبیلی

ملّا حیدرعلی اردبیلی اصفهانی، عالم فاضل [از علماء ساکن اصفهان در اواخر دوره قاجاریه]

در مقدمات و سطوح از شاگردان حاج سیّد مهدی نحوی و در فقه و اصول از تلامیذ

۱- جلوه افلاکیان، مخطوط.

۲- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۹؛ آگهی شهان از کار جهان، ج۳، ص۶۹؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان، ص۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۷۸ و ۵۷۹؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۹۳۲؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۳۰۵.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۲۹.

حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی بود. در سلخ صفر سال ۱۳۲۷ق وفات یافته و در تخت فولاد مقابل تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

از جنان آمد یکیّ و از پی تاریخ او

گفت: «حیدر روز میزان شافع حیدرعلی»(۱)

حیدرعلی اصفهانی

حیدرعلی اصفهانی، از دانشمندان قرن دهم هجری، بندی از کتاب «معیشت» کافی از باب نوادر را نوشته است که ضمن مجموعه موسوم به دستور به شماره ۲۱۴۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

شیخ حیدرعلی انصاری نجف آبادی*

شیخ حیدرعلی انصاری نجف آبادی، عالم فاضل. در سال ۱۳۰۴ش در نجف آباد متولّد شد. پس از طی دوره ابتدائی به تشویق شیخ احمد حججی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در نجف آباد و اصفهان دروس مقدّماتی را فرا گرفت. درقم سطوح عالیه را خواند و در سال ۱۳۲۱ش عازم نجف اشرف شد.

او خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام خوئی، شاهرودی، حکیم، منظومه حکمت را نزد شیخ صدرا بادکوبه ای، ریاضیات را نزد شیخ اسداللّه زنجانی و برخی از دروس را نزد علّامه امینی و شیخ مجتبی لنکرانی فرا گرفت.

وی پس از ۱۰سال تحصیل در سال ۱۳۳۱ش به ایران بازگشت و به دستور آیت اللّه بروجردی به ارشاد و تبلیغ در منطقه سنقر کردستان پرداخت. در سال ۱۳۴۳ش به تهران آمد و در مسجد جامع نارمک به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول شد.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۸۰.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۸۱۶.

ایشان علاوه بر مقامات علمی و اخلاقی، شعر نیز می سرود و «حیدر» تخلّص می کرد. او در سال ۱۳۶۵ش بر اثر سکته وفات یافت.

این تألیفات از اوست:

۱. رساله راه حل ۲. شناسنامه خر، که ۷مرتبه به طبع رسیده است. در این کتاب دستگاه شاه را به مسخره گرفته است. ۳. شناسنامه جدید، مطبوع ۴. رهبران جهانی ۵. شناسنامه باغ وحش ۶. مجموعه اشعار

همچنین وی چندین مقاله در سالنامه پیام اصفهان و روزنامه های اطلاعات و کیهان و مجله ندای حق به چاپ رسانده است.(۱)

حیدرعلی مجیری شهرضائی*

حیدرعلی مجیری فرزند اسداللّه بن حیدرعلی، شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۳۰۵ش در شهرضا متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهرضا گذراند و سپس در رشته ادبیات در دانشگاه اصفهان تحصیل کرد و لیسانس دریافت نمود و به تدریس در شهرضا و سپس اصفهان مشغول شد. او در شعر طبعی روان داشت.

سرانجام در ۷ فروردین ۱۳۸۵ش در اصفهان وفات یافته و حسب الوصیّه در زادگاه خود، در قبرستان عمومی امامزاده شاهرضا مدفون شد.

این آثار از اوست که هنوز به چاپ نرسیده است:

۱. «دیوان اشعار» ۲. «پند و حکمت در شاهنامه» ۳. «هزل و هجو در ادبیات فارسی» ۴. «هفت در ادب فارسی»

از اوست:

به بال عشق پریدم به سوی خلوت یار

وصال دوست بود عیش و شادمانی من(۲)

۱- دیباچه دیار نون، صص ۱۴۲ و ۱۴۳؛ سیمای دانشوران، صص ۶۰-۵۸؛ آئینه اهل قلم، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- مصاحبه با فرزند شاعر، آقای اسداللّه مجیری در بهار ۱۳۸۷.

حیدرعلی نقاش اصفهانی*

حیـدرعلی بن محمّـد اسـماعیل اصـفهانی، از نقاشان هنرمنـد قرن سـیزدهم هجری است. در گل و پرنده سازی مهارت خاصـی داشـته و آثـار او شبیه عموزاده اش (آقـا کـاظم) است. در قلمـدان سـازی سـبک ممتازی داشـته و در پرداختن قلمـدان ها پیرو عمـوی خـود آقـا نجـف و نیز آقـا رجبعلی اصـفهانی بـوده اسـت. از ویژگیهـای چهره سـازی او کشـیدن صـورت هـای ریز در کادرهـای بیضـی و دایره شـکل است که بـا قلم زر دورگیری شـده است. او در انتخـاب رنگها دقیق و خوش سـلیقه بوده و در قلمـدان هـای او چهره سـازی بـا گـل و مرغ توأم است. برخی از قلمـدان هـای او حـاوی تصـاویر تـاج گـذاری شاهان ایران از کیومرث پادشاه افسانه ای تا ناصرالدّین شاه است. این قلمدان ها به قلمدان کیانی شهرت دارد.

استاد حیدرعلی تا حدود سال ۱۲۸۸ق در قید حیات بوده است.(۱)

میرزا حیدرعلی محفوظ اصفهانی

میرزا حیـدرعلی غاضـری (محفوظ) ابن میرزا حسـین، شاعر و ادیب وارسـته. در سال ۱۲۸۳ش در محله شـیش بیدآباد اصفهان متولّد شد.پس از تحصـیل در مکتب خانه به کسب و کار مشـغول شد و به نانوایی پرداخت. در نوجوانی طبع شـعر داشت و در برخی انجمن ها از جمله انجمن ادبی کمال شرکت می کرد. [وی چندین سفر به عتبات و عالیات سفر کرد و هنگامی که قصد انتخـاب نـام خـانوادگی را داشت. «غاضـری» را که منسوب به «غاضـریه» از دهـات کربلا است را برای خود برگزیـد] در شـعر «محفـوظ» تخلّص می کرد و دیوان اشـعار او به چـاپ رسـیده است. [سـرانجام در بهمن ۱۳۵۸ش وفـات یـافته و در تکیه گلزار مدفون شد. ماده تاریخ فوت او را فرزندش حسین غاضری چنین سروده است:

۱- هنر قلمدان، صص ۱۲۴ و ۱۲۵؛ جلدها و قلمدان های ایرانی و نگارگری، ج۲، صص ۴۷ و ۴۸.

پور او گفت سال تاریخش

«جای محفوظ در جنان بادا»]

از اوست:

به چمن گر نبود دلبر گل پیرهنی

نبود جلوه به بستان نه صفا بر چمنی

تن بی جان ندهد سود و از آن خلق بری

رخ نما ای که تو جان فرح انگیز منی

شعله افروز که پروانه صفت جان دهمت

ای که چون شمع شعاع افکن هر انجمنی(۱)

میرزا حیدرعلی میردامادی سدهی

میرزا حیدرعلی بن حاج میرزا محمّد حسین میردامادی سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل فقیه کامل.

وی از شاگردان حاج شیخ محمّد باقر نجفی، آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و برادرش میرزا محمّد باقر چهارسوقی صاحب روضات بوده است. پس از تکمیل تحصیلات خود در سِدِه [خمینی شهر فعلی] مراجعت نموده و به ارشاد مردم پرداخت. او سرانجام در سال ۱۳۲۶ق وفات یافته و در مقبره سیّد عبداللّه محلّه خوزان سِدِه مدفون گردید و پس از مدتی به نجف اشرف منتقل گردید و دفن شد.

از آثارش تصحیح و مقابله کتاب «ربیع الاسابیع» از تألیفات علّامه مجلسی است که در سال ۱۳۱۳ق به طبع رسیده است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۸ و ۴۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۶؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای حسین غاضری در تابستان ۱۳۸۶ش؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۸۰ و ۵۸۱؛ نقباء البشر، ج۱، ص ۶۹۲ و ۶۹۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۸۷.

استاد حیدرعلی معمار اردستانی*

استاد حیدرعلی بن استاد ذوالفقار معمار اردستانی، معمار چیره دست و هنرمند قرن دهم هجری است.

ظاهراً در زادگاه خود اردستان به معماری مشغول بوده و جهت بنای عمارات و تعمیر مساجد و مدارس و بقاع متبرّک او را به شهرهای مختلف می برده اند.

وی در سال ۹۴۶ مسجد جامع اردستان و در سال ۹۵۲ق مسجد جامع گز برخوار اصفهان را مرمّت نموده است.(۱)

حیدر علی اصفهانی*

حیدرعلی بن محمّد شفیع اصفهانی، عالم فاضل، از دانشوران اصفهان درقرن دوازدهم هجری. در فقه، حدیث، کلام، منطق و ادبیات مهارتی به سزا داشته و شاید از شاگردان علّامه مجلسی و یا ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) باشد.

وی تعلیقاتی را بر کتاب «صافی» فیض کاشانی نوشته که تاریخ برخی از آنها ۱۱ رجب ۱۱۱۸ق است. کتاب «محرق الفؤاد» را در تاریخ و سیره معصومین علیهم السلام تألیف نموده که به شماره ۸۱۱/۲ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۲)

حیدرعلی خان برومند گزی

حیدرعلی خان برومند ابن حاج عبدالغفار گزی بُرخواری، از فضلاء و دانشمندان معاصر.

در قریه گز از بلوک بُرخوار اصفهان متولّد گردیده و پس از فراغت از آموختن فارسی و نوشتن که از شش سالگی شروع کرده بود، به اصفهان آمده و ابتدا در مدرسه قدسیه و سپس در مدرسه صدر و مدرسه نیم آورد نزد علماء و مجتهدین و بزرگان علم

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۲۱۹؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۹.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۱۹۶؛ فهرست صدر بازار، ج۳، صص ۶۰۵ و ۶۰۶.

و ادب تلمّذ نمود که از آن جمله است: حاج ملّا حسن دولت آبادی، میرزا حسن قدسی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی، حاج میر محمّدصادق خاتون آبادی، میرزا عبدالحسین قدسی، میر سیّدعلی نجف آبادی، ملّا محمّدعلی عالم حبیب آبادی، سیّد محمّد نجف آبادی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، حاج سیّد مرتضی خراسانی و آقا سیّد مهدی درچه ای

وی چندین سال در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ به تدریس مشغول بود سرانجام به تهران رفته و به امور شخصی و تدریس مشغول شد.

[در پنج شنبه ۲۶ شوال ۱۴۱۷ق مطابق ۱۶ اسفند ۱۳۷۵ش وفات یافت] از آثار او تألیف کتاب «طریق الرّشاد» در شرح «تجرید الاعتقاد» است که به چاپ رسیده است.(۱)

میرزا حیدرعلی مجلسی

میرزا حیدرعلی بن میرزا عزیزاللّه بن میرا محمّد تقی الماسی بن محمّد کاظم بن عزیزاللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، از علمای معروف زمان خود بوده و در بین سلسله مجلسی به کثرت علم و وفور فضل و احاطه بر انساب خانواده مشهور است.

وی در سه شنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۱۴۶ق در اصفهان متولّد شده و نزد فضلاء و علمای این شهر تحصیل نموده و از جمله از میر عبدالباقی امام جمعه اجازه دریافت نموده است.

او در سال ۱۲۱۴ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری مدفون شد.

آقا محمّد کاظم واله اصفهانی مرثیه ای در سوگ او سروده که بر روی سنگ مزار او نقر گردیده است از جمله:

آه کز بیداد گردون کرد رحلت از جهان

میرزا حیدرعلی آن مرتضای اهل علم

[...]

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

خواست واله در دو مصرع سال تاریخش ز من

تا بود هریک بفوتش رهنمای اهل علم

گفتمش «شد سوی جنت پیشوای اهل زهد»

گفتمش «سوی جنان شد مقتدای اهل علم»

وی را تألیفات چندی است از آن جمله:

۱. اجازه کبیره ۲. اجازه متوسّطه که جهت میرزا غلامحسین بن محمّد اسماعیل از احفاد مولی صالح مازندرانی مرقوم داشته است. ۳. تذکره الانساب که ضمیمه سالنامه دبیرستان فرهنگ اصفهان در سال ۱۳۳۹شمسی به چاپ رسیده است. ۴. رساله در مفقود الخبر ۵. رساله در حکم منتسب از طرف مادر به جناب هاشم ۶. منتخب اللؤلؤ، و آن منتخب «لؤلؤ البحرین» تألیف شیخ یوسف بحرینی است و آن را جهت اجازه میرزا حسنعلی برادر زن خود و پنج تن از پسران خویش نوشته و بعداً آقا حسنعلی و آقا هادی دوم را نیز در آن وارد نموده است.

مادر ملّا حیدرعلی، دختر ملّا صالح بن ملّا عبدالباقی بن ملّا صالح مازندرانی است. خودش نیز دو عیال داشته یکی دختر میرزا ابوطالب بن میرزا محمّدتقی الماسی دختر عم خود و دیگری دختر آقا محمّدهادی بن محمّدعلی بن آقا هادی مترجم.(۱)

میرزا حیدرعلی انشائی

میرزا حیدرعلی انشائی بن ملّا علی اکبر، شاعر و ادیب عارف، از سخنوران قرن چهاردهم هجری. گاهی بر حسب اقتضای حال اشعاری از غزل و قصیده می سرود و در اواخر عمر گاهی در انجمن ادبی خاکیا شرکت می کرد. گاهی «عندلیب» و گاهی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۴۹-۳۴۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۸۱ و ۵۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۵۲۹؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج۲، ص۹۷۸؛ الذریعه، ج۴، ص۵۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۴۵۱ و ۴۵۲.

«انشائی» تخلّص می نمود. از مریدان مشایخ نعمت الهی پاقلعه اصفهان بود.(۱)

[وی در سال ۱۳۶۸ق وفات یافته و در تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)]

حیدرعلی خان صدر اصفهانی

حیدرعلی خان صدر اصفهانی بن علی محمدخان نظام الدوله بن عبداللّٰه خان امین الدّوله بن حاج محمّد حسین خان صدراعظم اصفهان، از ادباء و فضلاء قرن سیزدهم هجری و از اعیان خاندان صدر است. وی در مقدمه قرآن وقفی آستان قدس رضوی در ۱۹ صفحه شرح حال و آثار خیریه حاج محمّد حسین خان صدراعظم جدّ خویش را به خط شکسته نستعلیق خوش در جمادی الآخر ۱۲۹۶ق نوشته است. نسخه توسط خدیجه خانم دختر عبدالحسین خان صدر اصفهانی وقف بر آستان قدس رضوی شده است.(۳)

شیخ حیدرعلی صلواتی

شیخ حیدرعلی صلواتی ابن حاج قدیرعلی مدّاح الائمه ابن ملّا هاشم بن ملّا مهدی خوزانی عالم فاضل و واعظ کامل و ادیب شاعر، در ۲۱ رمضان المبارک ۱۳۲۱ق در محلّه «شمس آباد خوزان» از توابع سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده [و تحصیلات علوم دینی را در مدرسه درکوشک و مدرسه میرزا حسین آغاز کرد. در فنون وعظ و خطابه از حاج میرزا رضا کلباسی بهره برد. سپس نزد شیخ محمود مفید و سیّد صدرالدّین کوپائی، حکمت، منطق و طبیعیات را فرا گرفته و سپس راهی قم شد و از محضر درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی کسب فیض نمود. او پس از مراجعت به اصفهان در درس خارج حضرات آیات شیخ محمّدرضا نجفی، سیّد محمّد نجف آبادی و سیّد علی نجف آبادی حاضر شد]سپس به امامت جماعت مسجد آقانور و دیگر

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۸۵.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۹۵.

مساجد محلّه دردشت اصفهان پرداخته و به ارشاد و هدایت مردم و تبلیغ احکام دین اهتمام ورزید.

او عـالمی خلیق و نیـک محضـر و خوش مشـرب بود. اوقـات خود را به عبـادت و مطـالعه و تـألیف نمود. تـا این که در ۶ صفر المظفّر سال ۱۳۹۲ق (مطابق فروردین ۱۳۵۱ش) پس از مـدتی بیماری وفات یافته و در تخت فولاد تکیه خلیلیان جنب مزار آقا باقر قزوینی مدفون شد.

از آثار او «نجم السّهیل» در نظم دعای کمیل به طبع رسیده است.(۱)

حیدرعلی ورنوسفادرانی

حیـدرعلی بن کلب علی ورنوسـفادرانی اصـفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در دوشـنبه ۱۹ ذیقعده ۱۰۶۹ق نسـخه ای از کتـاب «تقـدیس الانبیـاء» تـألیف: سیّد عبدالحسیب بن احمـد علوی عـاملی را به خط تعلیق نوشـته و کتاب به شـماره ۳۵۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

[پـدرش کلب علی سـنگ تراش، و برادرش محمّد شـریف در هنر حجاری از اساتید دوران خویش بودند. برادرش شـعر را نیز نیکو می سرود.(۳)]

میرزا حیدرعلی شیروانی

میرزا حیدرعلی بن ملّا میرزا محمّد بن حسن شیروانی عالم فاضل و متکلّم متبحّر، از علمای اواخر عهد صفویه. پدرش از علمای مشـهور قرن یازدهم هجری و مادرش دختر ملّا محمّد تقی مجلسـی است. در اصـفهان متولّد شد و نزد علمای این شهر از جمله پدر

۱- راز و نیاز علی با خـدا یا نجم السّـهیل، صـص ۶۴-۶۰؛ تذکره شـعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۷۵ و ۷۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۳، ص۵۶۹.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۴.

دانشمند خود به تحصیل پرداخت. و به دامادی علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی مفتخر شد.

او دارای عقاید و آرائی مخصوص بوده و عدّه ای از او پیروی نموده اند که به حیدریّه معروفند و به طوری که بزرگان محققین اظهارنظر می کنند عقاید آنان مردود و غیرمرضی بوده و جمعی از علماء در کتابهای خود آنها را رد نموده اند و شاید یکی از عللی که وی با تمام معلومات علمی و زهد و تقوی گمنام مانده، و آثار و تألیفاتش متروک و مهجور است، همین آراء ویژه او می باشد.

سال وفات او معلوم نیست امّا تا سال ۱۱۲۹ق در قید حیات بوده است. قبر او را در خارج بقعه علّامه مجلسی می نویسند لکن در برخی از مواضع «الذرّیعه» و دیگر کتب وی را ساکن نجف اشرف نوشته اند.

کتابهای زیر از تألیفات اوست:

۱. «المناقب والمثالب» ۲. «رساله در کفر غیر امامی»(۱)

حیدرعلی فایض اردبیلی

حیدرعلی بن مسیح اللّه اردبیلی اصفهانی متخلّص به «فایض» شاعر ادیب. پدرش از خوشنویسان و فضلای ساکن اصفهان بوده و شعر می سروده است.

حیدرعلی نیز شاعر بوده و در فن ماده تاریخ سرایی مهارت داشته و در اصفهان به تحصیل مشغول بوده است.

این رباعی از اوست:

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ فیض قدسی، صص ۲۳۱-۲۲۹؛ مرآه الاحوال جهان نما، ص۲۷۳؛ الذریعه: مُجَلَّدات مختلف؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۸۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۵۴ و ۵۵۵؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۲۶۸؛ فهرست مجلس، ج۱۰، ص۲۸؛ فهرست الفبائی رضوی، ص۵۵۴؛ فهرست عکسی احیاء، ج۲، صص ۱۳۵ و ۱۳۶ و ج۳، صص ۱۰ و ۴۱؛ فهرست خطی احیاء، ج۷، ص۲۴۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۳۳-۲۳۱.

ای آهوی خوش نگاه صحرای ختن

آرامِ دلِ حزین غمدیده من

تا بزم من از شمع جمالت افروخت

پروانه درآمد که چراغت روشن(۱)

میرزا حیدرعلی ندیم الملک

میرزا حیـدرعلی نـدیم الملک معروف به «فخرالادباء» فرزند محمّدمهدی بن ملّا هاشم مبارکه ای لنجانی اصـفهانی، نویسـنده و ادیب دانشمند در قرن چهاردهم هجری. [در شب سه شنبه ۱۸ رمضان ۱۲۸۴ق در اصفهان متولّد شد. در اصفهان نزد جمعی از فضـلاء خصوصاً میرزا محمّدحسین همدانی تحصیل کرد و همچنین زبان فرانسه را آموخت و با علوم جدید رایج در اروپا آشنا شد.]

او مردی بـود بسیار فاضـل و ادیب و سـخندان و بلنـد طبع و کریم النّفس و خـط تحریری را خوب می نوشت [او در طهران به خـاطر دانش و تجربه خود مصـاحب «محمّـدحسن میرزا» ولیعهـد احمـدشاه شـد و لقب «نـدیم باشـی» و سپس «نـدیم الملک» گرفت. امّـا پس از دگرگونی اوضاع از طهران به اصـفهان بازگشـته و در فقر و قناعت زنـدگی را سپری نمود تا اینکه در شـب پنج شنبه ۲۸ جمـادی الثّانی ۱۳۵۷ق در مریضـخانه انگلیس (بیمارسـتان عیسـی بن مریم فعلی) اصـفهان وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۲)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تاریخ اصفهان» به اختصار که نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع طهران و نسخه ای دیگر به شماره ۱۱۴۶۵ در کتابخانه عمومی اصـفهان موجود بوده است.(۳) این کتاب با عنوان «تاریخ مختصـر اصـفهان» به چاپ رسیده است.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ تذکره روز روشن، ص۵۹۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص۲۹۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۹؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۵۷۹ و ۲۵۸۰؛ دیوان طرب: مقدمه، ص۱۳۸.

۳- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۳۴۶؛ فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۵.

۴- فرهنگ ایران زمین، ج۱۲، سال ۱۳۴۳ش، صص۱۷۳-۱۴۵.

۲. «ترجمه اقوام المسالک فی معرفه احوال الممالک» تألیف: خیرالدّین پاشای تونسی، که نسخه ای از آن به شماره ۱۱۴۶۵ در کتابخانه عمومی اصفهان(۱) و نسخه ای دیگر در کتابخانه مجلس شورای ملّی(۲) و نسخه ای دیگر در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی(۳) موجود است. ۳. «ترجمه مروج الذّهب» تألیف: مسعودی که نسخه ای از آن به شماره ۱۱۴۱۸ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است. (۴) ۴. «ترجمه و تفسیر لغات مشکله قرآن» که نسخه از آن در کتابخانه مرعشی وجود دارد. (۵) [۵. «جُنگی در مطالب متفرقه» ۶. «شرح لامیه العجم» تألیف طغرائی.]

حیدرعلی کمالی

حیدرعلی کمالی ابن حاج محمّد مهدی بلورفروش اصفهانی، شاعر و ادیب، از سخنوران معاصر در شوال ۱۲۸۸ق در ابرقو متولّد شد و در کودکی به همراه پدر به اصفهان آمده [و تا ۲۲سالگی به مسگری و یراق بافی مشغول شد.] بعد از آن خواندن و نوشتن و علوم مقدّماتی را فرا گرفت. پس از مدّتها اقامت در اصفهان به طهران رفت. [و بلورفروشی پرداخت در وقایع مشروطه به مشروطه خواهان پیوسته و جهت آنان اشعاری سرود. در سال ۱۳۲۹ق در تهران روزنامه «پیکار» را انتشار داده و آن را اُرگان حزب «اجتماعیون – عامیون» قرار داد امّا ناصر الملک نایب السلطنه آن را توقیف و حزب را منحل ساخت. حیدرعلی به ناچار انزوا اختیار کرده و تا زمان رضا شاه که از طرف مردم نیشابور به وکالت در مجلس شورای ملی انتخاب شد، به فعالیت های ادبی مشغول بود.

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۵۵.

۲- فهرست مجلس، ج۲، ص۴۳۷.

۳- فهرست گلپایگانی، ص۹۵.

۴- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، صص ۶۶ و ۶۷.

۵- فهرست مرعشی، ج۷، ص۷۸.

او در سالهای آخر عمر به سکته ناقص و فلج مبتلا شد تا اینکه در جمعه ۲۶ محرم الحرام ۱۳۶۹ق در طهران وفات یافت.

کمالی در قصیده سرائی استادی توانا بود ولی غزلیّات او به قدرت قصایدش نبود. در انجمن ها و مجامع ادبی شرکت می کرد و رجال و اعیان آن عهد همچون فروغ، اعتصام الملک و فخرالسّلطنه با او مراوده و مصاحبت داشته اند. در داستان نویسی نیز از پیشگامان داستان به شمار می رود.]

کتب زیر از آثار اوست:

۱. «دیوان کمالی» که در سال ۱۳۳۰ش به چاپ رسید. ۲. «لازیکا» ۳. «مظالم ترکان خاتون» ۴. «منتخب اشعار صائب»

این چند بیت از اشعار اوست:

[بی روی تو از دیده ز بس اشک فشاندیم

عالم همه آب است به پیش نظر ما

در آتش از آه دل خود، عمر گدازیم

سرچشمه خورشید بود رهگذر ما

رفتیم و دگر از طلبش باز نیائیم

ای برق مسوزان نفس اندر اثر ما(۱)]

۱- ادبیات معاصر، صص ۸۲ و ۸۳؛ چهره مطبوعات معاصر، ص۱۹۵؛ دائرهالمعارف دانش بشر، ص۱۲۱۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۹۰-۳۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۰؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۹۳۵-۲۹۳۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۹۷۹؛ فرهنگ داستان نویسان ایران، ص۱۷۶؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۵، ص۲۹۵۸؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۶۱۰.

شیخ حیدرعلی فروشانی

شیخ حیدرعلی فروشانی، از علمای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه. وی اهل محلّه «فروشان» سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] بوده و پس از تحصیل در اصفهان، به عتبات عالیات مهاجرت نموده و در درس آیات عظام شیخ مرتضی انصاری و آقا سیّد حسین ترک کوه کمری حاضر شده و پس از تکمیل تحصیلات خود به ایران مراجعت نموده و در محلّ تولّد خود ساکن شده و ریاست علمی و دینی آنجا را یافت. وی مورد توجّه عموم طبقات بالاخص علماء و طلّاب بوده و حوزه درسش از هر حیث ممتاز بوده است.(۱)

[وی در سال ۱۳۲۰ق وفات یافته و جنب مسجد ملّا حیدر فروشان مدفون شد.(۲)]

میرزا حیدرعلی نائینی

میرزا حیدرعلی نائینی، از علمای اواخر دوره قاجاریه، اصلاً اهل نائین بوده و در اصفهان متولّد شده و به تحصیل پرداخته و سرانجام در طهران ساکن شده است. او از علماء معقول و منقول و عرفان و تارک دنیا بوده و در بازار نایب السّلطنه طهران در دکانی پاره دوزی می نموده و کسبه آن حدود وی را مشهدی حیدر می گفته اند. و احدی حتّی خواص نیز پی به مقامات او نبرده بودند.

سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی از علماء معاصر و مراجع تقلید مدّتی نزد وی هیأت خوانده است.

میرزا حیدرعلی در سال ۱۳۴۴ق به سن ۷۸سالگی وفات یافته و در نزدیکی سر قبر آقا در طهران مدفون شد. وی «حاشیه بر شرح چغمینی» در هیأت نوشته که قسمتی از آن را حاج شیخ احمد کتابفروش شیرازی بدون اطلاع از وضع مؤلّف به طبع رسانیده

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷۹.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۲۰۷.

است.(۱)

حیدرقلی عودی*

حیدرقلی عودی، از موسیقی دانان عصر صفویه است. وی که ملازم سفرها و مصاحب اوقات فراغت شاه عباس اول بود، در نواختن عود مهارت به سزائی داشت و تا سال ۱۰۱۵ق در قید حیات بود و اغلب در اصفهان به سر می برد.(۲)

حیدره اصفهانی

ابویعلی حیدره بن عبدالاعلی بن محمّد بن محمّد سبط بن القطّان اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

از شمس الدّین المؤید بن عبدالرّحیم احمد بن محمّد بن اخوه بغدادی روایت می کند و شیخ عزّالدّین ابراهیم بن محمّد بن ابی بکر حموینی مؤلّف «فرائد السمطین» از او نقل حدیث می کند.(۳)

حیران اصفهانی*

ملّا حیران، از شعرای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بود و تا سال ۱۰۸۳ق زنده بود.

از اوست:

خانه دل ها تهی کن از هوس ها چون حباب

تا توانی کف زنان چون موج از دریا گذشت(۴)

۱- تاریخ نائین، ج۴، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۸۴.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۵.

۳- احقاق الحق، ج۸، ص۳۸۷.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۴.

حیرتی اصفهانی

حیرتی اصـفهانی، از شعراء و سخنوران قرن دهم هجری است. از ایران به هندوستان رفته و مورد عنایت قطب شاه، پادشاه دکن واقع گردیده است. سال فوت او به دست نیامد.(۱)

۱- ریحانه الادب، ج۲، ص۹۶؛ الذریعه، ج۹، ص۲۷۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۸۸.

«خ»

اشاره

خاتمی اصفهانی

خاتمی اصـفهان، شاعر ادیب خوشـنویس، از راه کتابت امرار معاش می کرده و در اواخر عمر آن شـغل را رها نموده و به انزوا روزگار می گذرانیده است.

این بیت از اوست:

به قربانت شوم شبهای هجران در دلم مگذر

که این دریای آتش دوست از دشمن نمی داند(۱)

خالد اصفهانی

خالد بن ابوالفرج علی اصفهانی، ادیب و فقیه، مؤلّف کتابهای «منهاج التّعبیر» و «مراتب الفقهاء». سال فوت او معلوم نیست.(۲)

خالد قرشی

خالد بن غلاب قرشی، در طائف ساکن بوده و در زمان خلافت عثمان والی اصفهان بوده است.(۳)

۱- تذکره روز روشن، ص۲۳۳؛ الذریعه، ج۹، ص۲۷۷.

۲- کشف الظنون، ج۲، ص۱۸۷۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل اصبهانی، ص۲۸۱۱؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۳۴۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۶۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۵۲.

خالد رارانی اصفهانی

ابو عمرو خالد بن محمّد رارانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. او در روستای «خان» از توابع لنجان ساکن بوده و در نقل حدیث نزد محدّثین،ثقه شمرده می شد.

از حسین بن عرفه حدیث روایت می کند. حافظ ابوالشیخ اصفهانی از او حدیث شنیده است.(۱)

[«راران» (بدون نقطه در حرف ر) از دهات منطقه جی بوده و اکنون به شهر اصفهان پیوسته است.]

خان بابا خان اسعد بختیاری

خان بابا خان سردار اسعد بن حاج علیقلی خان سردار اسعد بن حسینقلی خان ایلخانی بختیاری، شاعر ادیب. از سخنوران قرن چهاردهم هجری. وی در سال ۱۳۱۵ق متولّد شده و مدّتها در اروپا به تکمیل معلومات و تحصیلات خود پرداخت. او از وزرای رضا شاه بود.(۲) [پس از آنکه رضا شاه به خوانین بختیاری بدبین شده و دستور توقیف و حبس آنان را صادر کرد، او نیز در آبان ۱۳۱۲ش دستگیر و در دادرسی ارتش به ۶سال حبس با اعمال شاقه محکوم شده و در زندان قصر محبوس شد. در سال ۱۳۱۷ش او را از زندان قصر به زندان موقّت شهرداری (در میدان توپخانه) منتقل کرده و در حبس انفرادی قرار دادند و از لحاظ خوراک و رفاه در مضیقه قرار گرفت و بسیار ضعیف و مریض شده و در بهمن ۱۳۱۹ش در بهداری ارتش فوت کرد.(۳)]

از اشعار اوست:

مدام آهنگران کوی تقدیر

برای شیر می سازند زنجیر

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۶؛ المشترک، ص۱۹۶؛ معجم البلدان، ج۳، ص۱۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۳.

۳- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۱۶۱-۱۵۸.

ز آه سوزناکم اندرین کاخ

دل زنجیر شد سوراخ سوراخ

خان محمّد اردبیلی

خان محمّد اردبیلی، عالم فاضل، از محدّثین و دانشمندان قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و نزد علّامه مجلسی و برادر او ملّا عبداللَّه مجلسی به تحصیل پرداخت و کتب حدیثی مانند «تهذیب» و «من لایحضره الفقیه» را نزد آنها قرائت نمود.

خان محمّد اردبیلی در سالهای ۱۰۷۲ و ۱۰۷۵ مفتخر به دریافت اجازه از علّامه مجلسی شده است. یکی از اجازات بر روی برگی از «تهذیب الاحکام» در تاریخ اواسط ذیحجه ۱۰۷۲ق نوشته و در کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف موجود است. و اجازه دیگر بر روی برگ آخر کتاب «تهذیب الاحکام» در ۴ جمادی الثّانی ۱۰۷۵ق نوشته شده و نسخه به شماره ۵۳۵ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ملّا خداداد بختیاری

ملّا خداداد بختیاری [خوشنویس هنرمند قرن سیزدهم هجری است. سپهر در تذکره خوشنویسان می نویسد: کمتر کس در روزگار خط نسخ را به آن صافی و نزاکت و استحکام چون وی می نوشت.(۲)]

از آثارش مجموعه ای است از دعوات مختلفه در ۱۲۳ صفحه که به سال ۱۱۵۱ق به خط نسخ بسیار خوب نوشته و نسخه آن در مدرسه عالی سپهسالار طهران موجود است.(۳)

۱- الروضه النّضره، صص ۱۹۸-۱۹۷؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۲۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۰؛ فهرست مرعشی، ج۲، ص ۱۴۰ و ج۹، ص۳۳۵.

۲- تذکره خوشنویسان، ص۳۲.

۳- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۴۷؛ الذریعه، ج۸، ص۳۰۱.

ملّا خداویردی اردبیلی

آخوند ملّا خداویردی اردبیلی از فضلائ و علمای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و چندی در مدرسه جده به تحصیل علوم دینی پرداخته است.

وی نسخه ای از «شرح الاشارات» را در سال ۱۰۷۱ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه سیّد محمّد یزدی در نجف اشرف موجود بوده است.(۱)

[در گورستان تخت فولاد سنگ لوح فرزند صاحب عنوان که قسمت فوقانی آن شکسته و مفقود شده بود، مشاهده شد که از کتیبه آن این عبارت باقی بود:

«... مرحوم آخند مولانا خداوردی اردبیلی بتاریخ یکشنبه ۲۹ شهر جمادی الثّانی سبع عشر و ماثه والف»(۲)]

ملّا خداوردی افشار

ملّا خداوردی بن محمّد قاسم افشار، از علماء قرن یازدهم هجری و از اجلاء شاگردان ملّا عبداللّه شوشتری [و شیخ بهائی] و معاصر با مجلسی بوده است. در فضل و کمال او همین بس که در خانواده ای به مقام سامی علم و کمال رسیده که در بین آنها اهل فضلی وجود نداشته است.(۳)

وی کتابی در رجال به نام «زبده الرّجال» تألیف نموده و در آن اسامی مجهولان را اسقاط نموده است.(۴) [نسخه عکسی «زبده الرّجال» در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی در تهران موجود است. این کتاب در سال ۱۰۱۳ق تألیف شده است.(۵)

شیخ بهائی در اواخر شعبان المعظّم ۱۰۱۱ق در آخر مجموعه «خداویردی افشار» در

۱- الروضه النضره، ص۱۹۸.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۵؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۶۸؛ ریاض العلماء، ج۲۷ ص۲۳۵.

۴- الذریعه، ج۱۲، ص۲۷؛ مصفی المقال، صص ۱۶۵ و ۱۶۶.

۵- فهرست عکسی دائره المعارف اسلامی، ج۱، صص ۲۰۰ و ۲۰۱.

درایه، جهت خداویردی افشار اجازه نوشته است.[(۱)]

خُرّمی اصفهانی*

مولانا خُرّمی اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن دهم هجری او خواهرزاده مولانا نیکی نطنزی بوده و در جوانی شعر می گفت و طبعش به سرودن هزل و هجو مایل بود. در جوانی به سیاحت پرداخته و به گیلان رفت و شهر آشوبی جهت آنجا و در مذمّت مردم آنجاسرود. او را به کار ناپسندی متهم ساخته و زبانش را بریدند و او بعد از جفای بسیار و رنج بی شمار به مشهد مقدّس رفت و در سال ۹۷۱ق وفات یافت. برخی از تذکره نویسان تخلّص او را «حرفی» نوشته اند. صادقی بیگ افشار در «تذکره مجمع الخواص» او را «حریفی ساوجی» نوشته است که ظاهراً با شاعر دیگری در آمیخته شده است.

این شعر از اوست:

اغیار به بالین من زار چه حاصل

بیمار تو را پرسش اغیار چه حاصل(۲)

خزیمه بن مطیار

خزیمه بن مطیار، از محدّثین و عُبّاد و صلحای اصفهان بوده و در این شهر به گردآوری حدیث و عبادت مشغول بوده است. او از حسین بن حفص حدیث شنیده و محمّد بن جعفر بن سعید اشعری از او روایت می کند.(۳)

۱- الروضه النضره،ص۱۹۹.

۲- تذکره تحفه سامی، صص ۲۷۸ و ۲۷۹؛ شهر آشوب در شعر فارسی، ص۳۸؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حریفی اصفهانی»، ص۵۰۲؛ خلاصه الاشعار، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۶.

خسرو آقا

خسرو آقا از خواجگان زنان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی در اصفهان بوده و موقوفاتی از او به جای مانده که معروف تر از همه حمام خسرو آقا می باشد.(۱)

مرحوم انصاری می نویسد: «علیقلی آقا و خسرو آقا دو برادر بودند و هر دو خُجه های حرم شاه سلیمان و از هر دو مبانی خیریه و موقوفه بسیار به آثاراست... و از آن یک (یعنی خسرو آقا) یک حمام...»

قبر مرحوم خسرو آقا و احتمالاً علیقلی آقا در اطاق قبلی تکیه مجلسی [جنب مسجد جامع اصفهان] قرار داشت که در تعمیرات اخیر از روی عدم بصیرت و نادانی از بین رفت. قبر دارای سنگ پارسی نفیسی بود که معلوم نشد به چه سرنوشتی دچار گردید.(۲)

[حمام خسرو آقا بدون اغراق زیباترین و نفیس ترین حمام اصفهان بود و قربانی سودجوئی و طمع برخی از مقامات و مالکین حوالی حمام قرار گرفت و شبانه به دستور مقامات وقت شهرداری و به بهانه ادامه یافتن خیابان استانداری (خیابان حکیم) از صفحه روزگار محو و نابود گردید]

خسرو احتشامی*

خسرو احتشامی هونِه گانی. شاعر معاصر اصفهان. در روز ۱۵ اسفند ۱۳۲۵ش در روستای «هونِه گان» (یا هونه جان) از توابع سمیرم سُفلی متولّد شد. خانواده اش از خوانین طایفه کشکولی کوچک، از ایل قشقائی بودند. تحصیلات ابتدائی را در دبستان احتشام «هونه گان» انجام داد و سپس به اصفهان آمده و در دبیرستان ادب تحصیل کرد و دیپلم گرفت. او پس از انجام خدمت سربازی به هند رفت و در «پونا کالج» در شهر «پونا» به تحصیل پرداخت. پس از آن به اصفهان آمده و در رشته تاریخ در دانشگاه اصفهان تحصیل کرد.

۱- تاریخ اصفهان و ری، ص۲۷۳.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۸۳۴.

وی از نوجوانی قریحه و طبع شعر داشت و از سال ۱۳۴۵ش به بعد در انجمن های ادبی اصفهان حضور می یافت. اولین شعر او در سال ۱۳۴۶ش در مجلّه روشنفکر به چاپ رسید. وی در بسیاری از کنگره ها و همایش های علمی شرکت نموده و مقاله ارائه کرده است. همچنین در بسیاری از مجلّات همچون: آینده، هستی، بنیاد، کِلک، بخارا، گلچرخ، فصلنامه فرهنگ اصفهان مقالات او به چاپ رسیده است.

خسرو احتشامی از سر آمدان شعر و ادب در اصفهان است و قریحه پویا و استعداد کم نظیر او باعث خلق اشعار دلپذیر با مضامین نو و بدیع گردیده است. استاد ایرج افشار درباره او می نویسد: « شاعر کم مانندی است. در غزل و قصیده و قطعه تازه وری می کند و از حیث قدرت بیان و استواری زبان کم مانند است.»

از اوست:

دمیده آتش آزادگی ز پیرهنم

در این چمن چو شقایق چراغ خویشتنم

ستاره نوش ز سرچشمه شبم چون صبح

شگفت نیست که خورشید ریزد از دهنم

خراب خاکی ام اما نهفته دولت دوست

بلور باور اندیشه در حصار تنم

گذشته یک سحر از کوچه باغ خاطر ما

هنوز خنده گل می تراود از سخنم

رها نمی کندم لحظه ای به تنهائی

به هر کجا که روم می زند صدا که منم

اگر چه آینه ای شیشه جان ترم از اشک

ز سنگ حادثه حاسدان نمی شکنم

منم پرنده تصویر نقشبند خیال

که طاق غرفه رنگین کمان بود وطنم

چو آشیانه من قلّه قبول شماست

سزد که غنچه نشینم مدام و پر نزنم

کجاست حافظ شیراز تا به خلوت راز

به روز واقعه بندد پیاله در کفنم

این کتابها از تألیفات و سروده های اوست:

۱. «از مضراب تا محراب» (چاپ ۱۳۷۰ش) ۲. «افسانه اصفهانی آبی» (چاپ ۱۳۷۷ش) ۳. «امشب صدای تیشه» (چاپ ۱۳۷۳ش) ۴. «باغ های چوبی» (چاپ ۱۳۷۷ش) ۵. «در کوچه باغ زلف» (چاپ ۱۳۶۸ش) ۶. «تغزّل در قشقائی» ۷. «بانوی هزار پیراهن ادب فارسی» ۸. «شب شرقی شعر»(۱)

خسروخان سردار ظفر بختیاری*

خسروخان سردار ظفر بن حسینقلی خان ایلخانی بختیاری، از خوانین و سران بختیاری است. ولی در حمله بختیاری ها به اصفهان و تهران و سقوط حکومت محمّدعلی شاه قاجار شرکت داشت و به همراه برادر خود علیقلی خان سردار اسعد، از عوامل مؤثّر در جریانات پس از مشروطیت به شمار می رفت.

وی مدت کوتاهی در سال ۱۳۳۰ق حاکم اصفهان بود و سرانجام در سال ۱۳۵۲ق درگذشت و در آرامگاه خانوادگی سران بختیاری در تخت فولاد به خاک سپرده شد.(۲)

خسروخان گرجی

خسروخان گرجی از حکام اصفهان در دوره قاجاریه است.وی در سال ۱۲۳۴ق حاکم گیلان بود و مدتی بعد عزل شد. وی به حمایت از محمّد شاه قاجار، در سال ۱۲۵۰ق به اصفهان آمده و تمامی اثاث سلطنت را از علیشاه ظل السّلطان مدعی

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۲، صص ۱۵۱ .۱۵۰.

۲- نگرشی بر مشروطیّت اصفهان، صص ۲۴۸-۲۴۷؛ تاریخ معاصر ایران، کتاب سوم، صص ۳۴۸-۳۴۳.

پادشاهی باز پس گرفت و به نگارستان نزد محمّد شاه برد و پس از تبعید عبداللّه خان امین الدوله به عتبات، به حکومت شهر اصفهان منصوب شد. او به علت ظلم و ستم فراوان مورد خشم مردم قرار گرفت. آنان شورش کرده و خسروخان را در کاخ هفت دست محاصره کردند. در سال ۱۲۵۳ق از طرف دولت، فرخ خان غفاری کاشانی (امین الدّوله) برای رفع غائله به اصفهان آمده و خسروخان را بر کنار و به تهران فرستاد. خسروخان پس از آن به حکومت کردستان گمارده شد. و از وضع او پس از آن اطلاعی در دست نیست.(۱)

میرزا خصمی اصفهانی

میرزا خصمی اصفهانی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. مردی شوریده حال و آشفته وضع بوده است. به هند رفت و به سبب رفتار و گفتار ناشایست، پادشاه آنجا از او رنجیده و آقانور جولاه (بانی مسجد آقانور اصفهان) اسباب سفر او را فراهم ساخته و میرزاخصمی به اصفهان آمد و در این شهر فوت شد. از اوست:

ساقی بده آن باده که از هوش خود افتم

خود بار خودم، یک نفس از دوش خود افتم(۲)

خلف بیک سفره چی

خلف بیگ سفره چی، از اخیار و نیکوکاران اصفهان داشت. در زمان شاه عباس صفوی منصب «سفره چی» را در دربار به عهده داشته و مسجد سفره چی (که عوام به آن مسجد سرخی می گویند) را بنا کرده است.

مسجد در سال ۱۰۱۴ق ساخته شده و کتیبه آن را صحیفی شیرازی شاعر خطاط

۱- شرح حال رجال ایران، ج۱، صص ۴۷۹ و ۴۸۰؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۲۳ و ۲۲۴؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ، ص۲۹۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۰۸؛ کاروان هند، ج۱، ص۳۸۱؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۳۳.

مقیم اصفهان کتابت نموده است.

میرزا سلیمان خان رکن الملک نایب الحکومه اصفهان در اواخر قاجار از نوادگان صاحب عنوان بوده و بدین مناسبت تخلّص خود را «خلف» قرار داده است.(۱)

میرزا محمّد خلیل امام جمعه قُمشه ای

میرزا محمّد خلیل امام جمعه [بن میرزا عبدالواسع بن حسین قُمشه ای، عالم فاضل جلیل، نسب او با ۲۵ واسطه به امام سجادعلیه السلام منتهی می شود. در حدود سال ۱۲۵۲ق در قُمشه (شهرضای فعلی) متولّد شده و در زادگاه خود و اصفهان و نجف تحصیلات خود را به پایان رسانده و به قمشه بازگشته و مرجع حلّ و فصل مشکلات مردم آن نواحی قرار گرفته و نماز جمعه را در آن دیار برپا داشته است.

از اساتید و سایر وقایع زندگی او اطّلاعی در دست نیست وی در اوّل شوال ۱۳۱۴ق وفات یافته] و در ایوان حجرات صحن امامزاده شاهرضا در قمشه مدفون شده است.

[بر روی سنگ قبر این مرثیه و مادّه تاریخ منقور بوده است:

همین که گشته چو مَه زیر اَبر خاک نهان

بدی به چرخ فضیلت چو آفتاب جمیل

انیس جدّ کبارش محمّد عربیست

کنون به جنّت اعلا ز لطف ربّ جلیل

سه سال کم کن و تاریخ سال فوت بگو:

«امام جمعه که نام و نسب بَرَد ز خلیل»

میرزا خلیل امام جمعه بر کتب فقهی حواشی نوشته که اغلب از بین رفته و تنها «حاشیه بر جواهر الکلام» او در کتابخانه امام جمعه شهرضا موجود بوده است.(۲)]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۴۷۵ و ۴۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۳.

۲- جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، صص ۷۱-۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۶.

محمّد خلیل قائنی

محمّد خلیل بن محمّد اشرف قائنی، عالم فاضل محقّق، از افاضل علماء قرن دوازدهم هجری. از اهالی قائن خراسان است و در اصفهان ساکن گردیده و به تحصیل پرداخته است. و آقا رضی الدّین محمّد خوانساری از اساتید اوست. وی در اغلب علوم زمان خود خصوصاً فقه، حدیث، کلام و حکمت استاد بوده و عمر را به تحقیق و تألیف گذرانیده است.

پس از حمله افغانها به اصفهان و سقوط صفویه در سال ۱۱۳۴ق به قزوین پناه برد و در پنج شنبه ۲۶ رجب ۱۱۳۶ق در آنجا وفات یافت. ماده تاریخ وفات او این است:

«الفِیضُ عَلی قبرِ خلیل ممطال

فی لَیلَهِ مبعثِ النّبی المِفضال

الظُّهرُ لعامُ فُقِدِه تاریخ

اِذ زال بِهِ شمسُ سَماءِ الافضال

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اثبات البداء» ۲. «الرِّسالَه الاِلهیه» در شرح رساله نفی جبر و تفویض از حضرت امام هادی علیه السلام ۳. «حاشیه شرح اشارات» ۴. «شرح حدیث عمران صابی» منقول از کتاب «عیوان اخبارُ الرّضاعلیه السلام» که نسخه ای از آن ضمن مجموعه ای به شماره ۱۹۹۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی، و نسخه ای دیگر به شماره ۹۷۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد و نسخه ای در کتابخانه حسینیه تستری در نجف اشرف و بالاخره نسخه ای در کتابخانه سیّد علی شبّر در نجف اشرف (با حواشی مؤلف با امضای «منه مدّ ظِلّه») وجود دارد. تاریخ تألیف کتاب ۲۱ محرّم ۱۱۲۳ق می باشد. ۵. «نور البصر بِحَلِّ مسأَلَهِ الجَبرُ وَ القَدَر»، به عربی، که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی و نسخه ای دیگر در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۱۱۴۹ موجود است. ۶. «رساله ردّ النصرانی»(۱)

۱- بهارستان، صص ۲۵۲ و ۲۵۳؛ بغیهالطّالب، ص۱۵۱؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۴۶-۱۴۲؛ فواید الرضویّه، ج۱، ص۱۷۴؛ علل برافتادن صفویان، ص۳۰۶؛ دانشمندان خوانسار، صص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ الذریعه، ج۱، ص۸۵، ج۲، ص۲۸۴، ج۱۳، ص۲۰۳ و ج۲۴، ص۳۶۴؛ فهرست عکسی دائرهالمعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۲۲۷؛ فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۵۲؛ فهرست مجلس، ج۹، بخش دوم، ص۷۰۲؛ فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص ۱۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۵۸۷ و ۵۸۸.

خلیل رارانی اصفهانی*

ابوسعید خلیل بن ابی الرّجاء بدر بن ثابت رارانی اصفهانی صوفی، از محدّثین و عرفای اصفهان در قرن ششم هجری است. وی در سال ۵۰۰ یا ۵۰۲ق در خانواده ای اهل فضل و علم متولّد شد. از محضر علماء و محدّثین بسیاری بهره برد. و از آنها حدیث شنید. در تصوف نیز مرید حمزه بن عباس علوی بوده و سرانجام در سال ۵۹۶ق وفات یافته است.(۱)

«راران» که امروزه «رارون» یا «رهروان» نیز گفته می شود قبلاً ـ از دهات منطقه جی اصفهان بوده و اکنون از محلاّت شرق اصفهان است و مناره ای تاریخی از قرن ششم هجری هنوز در آنجا برپاست.

خلیل معلّم

ابوالعز خلیل بن تمیم بن علی بن احمد بن منصور خطیب واعظ معلّم اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، سمعانی از او با عنوان «کان شیخاً صالحاً متواداً» یاد کرده است.

ابو محمّد رزق اللّه تمیمی، ابواسحاق ابراهیم بن محمّد قفال، قاضی ابونصر احمد بن محمّد بن صاعد صادی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

۱- تلخیص مجمع الآداب، ج۲، جزء۴، ص۷۵۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۰.

خلیل شوشتری

آقا خلیل بن ملّا حسنعلی بن ملّا عبداللّه شوشتری، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بود و پدر و جدّش از علمای معروف عصر صفویّه بودند. خود او در صنعت اسطرلاب مهارتی به سزا داشت و تا سال ۱۰۹۸ در قید حیات بود.(۱)

سیّد میرزا محمّد خلیل موسوی اصفهانی

سیّد میرزا محمّد خلیل بن سیّد محمّد حسین موسوی امامی اصفهانی، عالم فاضل در تهران ساکن بوده و در سال ۱۳۱۴ق وفات یافته است.

وی به همراه جمعی از فضلاء مجلدات گوناگون «بحارالانوار» را مقابله و تصحیح و تحقیق نموده که به سرمایه حاج محمّد حسین امین الضّرب اصفهانی در تهران به چاپ رسیده است. این مجلدات از کتاب «بحار» به چاپ کمپانی معروف است.

سیّد میرزا محمّد خلیل موسوی علاوه بر تصحیح مجلدات بحار، بر کتاب «انیس العابدین» (تألیف ملّا محمّد طبیب) در سالهای ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۹ حواشی نوشته است.(۲)

همچنین در سه شنبه ۱۸ محرم ۱۲۷۴ق کتابت نسخه ای از «شرح دعای صباح» ملّا اسماعیل خواجوئی را به خط نستعلیق نوشته است که به شماره ۷۳۰۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

محمّد خلیل اصفهانی

محمّد خلیل بن محمّد صادق اصفهانی [خوشنویس هنرمند] در شعبان ۱۲۴۱ق قرآنی به خط نسخ نوشته و ترجمه آیات را نیز بین سطرها نوشته است. این قرآن

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۳.

۲- نقباء البشر، ج۲، صص ۷۰۶ و ۷۰۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۷۱؛ فهرست کتب اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران، ج۱، ص۱۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۰۰.

چهارمین قرآن است که وی کتابت نموده است. نسخه به شماره ۱۳۲۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا محمّد خلیل میردامادی

میرزا محمّد خلیل بن سیّد عبدالکریم میردامادی سدهی بن میرزا محمّد علی بن میرزا محمّد رفیع بن حاج میرزا رحیم بن سیّد مرتضی بن میر سیّد اشرف بن سیّد محمّد عبدالحسیب بن میر سیّد احمد علوی عاملی حسینی، عالم فاضل جلیل.

وی از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی و داماد آن مرحوم بوده و نزد عموم طبقات به خصوص علماء و بزرگان و مؤمنین مورد کمال احترام بوده و در مسجد جامع خوزان اقامه جماعت و نماز جمعه می نموده و پس از فوت جنب آن مسجد مدفون گردید.

به طوری که نقل می کنند مرحوم آقا سیّد محمّد باقر درچه ای از علم و زهد مشارالیه ستایش می نموده و خود در امر به معروف و نهی از منکر نهایت سعی و کوشش را مبذول داشته است.(۲)

خلیل ندیم سِدِهی

خلیل بلدی متخلّص به «ندیم» بن کریم، شاعر معاصر در سال ۱۳۱۴ش در محله فروشان «سِدِه» ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شد. وی پس از کمی تحصیل به کسب و کار مشغول شد.(۳)

از اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج۴، ص۱۰۹.

۲- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۳۴ و ۳۵؛ لطائف غیبیّه، ص ۳۰؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۰۶.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۰۳.

شد از دیدار آن دلبر شبم از روز روشن تر

گرفتم کام دل آخر ز فیض دولت شبها(۱)

استاد محمّد خلیل گلریز خاتمی*

استاد حاج محمّد خلیل گلریز خاتمی فرزند حاج محمّد، از هنرمندان معاصر اصفهان است. در هنر خاتم کاری از اساتید برجسته و زبردست روزگار بود. در ۴ذی الحجه ۱۳۹۳ق وفات یافته و در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

ملّا خلیل شریف

ملّا خلیل شریف، عالم فاضل، فقیه محدّث عارف زاهد، در سال ۱۲۸۶ق وفات یافته و نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجویی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

میرزا خلیل اللّه

میرزا خلیل اللّه اصفهانی، عالم فاضل جلیل، از علمای قرن دوازدهم هجری. وی در اصفهان نزد سیّد حسین بن سیّد ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری به تحصیل پرداخته است. سیّد حسین خوانساری در «شرح روضه البهیه» در قسمت «مسأله الصلاه علی المجتمعه من الاموات» از این شاگرد دانشمند خود چنین یاد می کند:

«... أعظَمُ جَلیلٌ مِن ذَوِی الشَّرَفِ و السِیّادَهِ و اَکرَمُ خَلیلٌ مِن اهل العِلمِ و الاِفادَهِ»

سال وفات او به دست نیامد. گویا در اواخر قرن دوازدهم یا اوایل قرن سیزدهم هجری وفات یافته است.(۴)

۱- گلهای زاینده رود، ج۲، ص۹۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۷، سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۶۳ و ۱۱۷.

۴- الکواکب المنتشره، صص ۲۴۵ و ۲۴۶؛ الکرام البرره، ج۲، ص۵۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۶.

شیخ خلیل اللّه

شیخ خلیل اللّه، از علماء و دانشمندان اواخر صفویه بوده و در سال ۱۱۱۰ق وفات یافته و مجاور بقعه چهل دختران در قسمت غربی امامزاده زید اصفهان مدفون شده است. بر سنگ قبر او این اشعار نقر شده بود:

کان هنر معدن علم جمیل

مصدر خلّت و نجابت خلیل

تا کند از پاکی ذاتش بیان

شصت بهفت آب دهن سلسبیل

رفت چو از دار فنا سوی خلد

توشه ره ساخته اجر جزیل

سلطنت کشور معنیش بود

کوفت در این دایره طبل رحیل

دل پی تاریخ وفاتش نوشت

«آه» کشد چرخ ز «موت خلیل»

۶-۱۱۱۶=۱۱۱۰ق (۱)

میر خلیل اللّه تونی

میر خلیل اللّه تونی اصفهانی، عالم فاضل متّقی [از علمای قرن یازدهم هجری. در اصفهان به تحصیل پرداخت. او به تصحیح و تعلیق کتابهای کتابخانه خود می پرداخته و در ضبط و ثبت و تدوین حواشی کتب فقهی و حدیثی اهتمام داشته که بر مقام علمی و فقهی او دلالت دارد.] وی در محله شیخ یوسف بنا در اصفهان ساکن بوده و به کثرت عبادت و صلاح و زهد معروف بوده و عمر را به تزکیه و تهذیب نفس گذرانیده تا اینکه در سال ۱۰۸۴ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

۱- مختصری از تاریخچه محله خواجو، صص ۶۴ و ۶۵؛ مزارات اصفهان، ص ۲۷۱.

۲- ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۵۹؛ مزارات اصفهان، ص ۳۲۴.

شیخ خلیل اللّه طالقانی

شیخ خلیل اللّه طالقانی، عالم فاضل، عارف کامل و ادیب شاعر در قرن دوازدهم هجری. [در اصفهان به تحصیل پرداخت و تا آخر عمر در این شهر ساکن بود.] شیخ محمّد علی حزین در کودکی حدود سه سال به خدمت او می رسیده است. و در باب او می نویسد: «از افاضل اصحاب ایقان و مستغرق بحار عرفان. زلال چشمه انفس و آفاق و از حضیض علایق به اوج اطلاق رسیده بود. چهل سال کمابیش در یک خرقه و شبانروزی به یک دو لقمه چربش اکتفا نموده و کیفیّت ریاضات و سلوک زندگانی آن زنده جاودانی اتسّاع مقامی عظیم می خواهد. علوم ظاهر و باطن را جامع و نور شهود از سیمای او لامع بود. و گوشه عزلت در اصفهان اختیار و آخر از آنجا به ملاء اعلی انتقال نمود.»

این عالم ربّانی خطوط را زیبا می نوشت و کتابهای بسیاری را کتابت نموده و وقف بر طلّاب و اهل علم نمود. شعر نیز می سرود. حزین یادآور می شود که در کودکی شعرهایش را برای شیخ خلیل اللّه می خوانده و تخلّص «حزین» را از او گرفته است.

سرانجام در حدود سال ۱۱۱۴ق در اصفهان وفات یافت و در بقعه علی بن سهل در طوقچی به خاک سپرده شد. از آثارش:

۱. «رساله در علم مناظر و مرایا» ۲. «دیوان اشعار» ۳. «زاد السّبیل» در آداب سلوک ۴.«نظم کافیه» ابن حاجب

این شعر از اوست:

ای شوخ بیا در دل درویش نشین

کان نمکی، بر جگر ریش نشین

در هجر تو دامنم گلستان شده است

یک دم به کنار کشته خویش نشین(۱)

۱- نجوم السماء، ص۱۹۵؛ مزارات اصفهان، ص۳۲۴؛ صحف ابراهیم، ص۱۲۳؛ تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۲۴۶؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۵۸۶ و ۵۸۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۲۶؛ فوائد الرضویّه، ج۱، ص۱۱؛ الکواکب المنتشره، ص۲۴۶.

خیرالدّین اصفهانی

خیرالدّین اصفهانی، خطاط قرن دهم هجری. فوت سال ۹۸۱ق.(۱)

۱- پیدایش خط و خطاطان، ص ۲۵۰.

ص: ۸۸۳

اعلام اصفهان

«د»

اشاره

داراب خان افسر بختیاری

داراب خان افسر بختیاری فرزند اصلان، [شاعر معاصر از طایفه احمد خسروی بختیاری. مادر اصلان خان خواهر حسینقلی ایلخانی و مادر «افسر»، بی بی گوهر دختر ایلخانی بوده است.

داراب خان در سال ۱۲۷۹ش در چقاخور متولّد شده و از سال ۱۳۲۰ش در اصفهان ساکن شد. در سال ۱۳۳۷ش بر اثر سکته فلج شد.(۱) وی سرانجام در ۲۱ مهر ۱۳۵۰ش وفات یافته و در تکیه میر واقع در تخت فولاددر یکی از حجرات شرقی تکیه مدفون شد.(۲) حسام الدّین دولت آبادی مرثیه ای جهت او سروده و مادّه تاریخ فوتش را چنین سروده است:

تاریخ مرگش آمد به هجری

«از جمع ما رفت داراب افسر»(۳)

افسر با آنکه تحصیلات زیادی نداشت امّا قریحه ای سرشار و طبعی پربار در سرودن شعر داشت و علاوه بر سرودن شعر به فارسی، به لهجه لری نیز اشعار دلپذیری گفته بود که مورد توجّه مردم قوم بختیاری قرار گرفت. او از سن ۳۰ سالگی به سرودن شعر پرداخت و اولین شعرش «رستاخیز مسجد سلیمان» نام داشت. شعر او ساده و صمیمی و بی تکلّف است و به راحتی بر دلها می نشیند. دیوان اشعار او بارها به چاپ رسیده است. اثر دیگر او «گل سعادت» نام دارد.]

از اوست:

۱- شناخت سرزمین بختیاری، صص ۴۹۹ و ۵۰۰.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- مجله وحید، شماره مسلسل ۹۵، آبان ۱۳۵۰ش، ص۱۱۶۵.

ای آنکه بعد ما گذری در دیار ما

گامی بِنِه ز وفا بر مزار عشق

گل های حسرتی که بر آن خاک رسته اند

بوده است بهر ما، ثمر شاخسار عشق(۱)

داراب بینا اصفهانی

داراب کیخسرو کیانی معروف به «حاج آقا» و متخلّص به «بینا» [فرزند امیرقلی از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۲۸۰ش در محلّه مستهلک اصفهان متولّد شد. او پس از تحصیل در مکتب خانه به کار پرداخت و سالها به کشاورزی و باغداری مشغول بود. او نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. مضمون اغلب اشعار او انتقاد از اوضاع جامعه زمان خود است.

او مردی متدیّن و علاقمند به قرآن مجید بوده و برای تعلیم آن به دیگران اهتمام داشته است.] وی در انجمن های ادبی از جمله انجمن شیدا شرکت می نموده است.(۲) [دیوان اشعار او هنوز به چاپ نرسیده و نزد فرزندش موجود است.

وی سرانجام در ۱۵ ذیحجه ۱۳۸۴ق (مطابق با ۲۹ فروردین ۱۳۴۴ش از دنیا رفت و در شمال مصلای تخت فولاد نزدیک تکیه سادات بهشتی واقع در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.(۳)

[از اوست:

علم و عمل هم عنان دین مبین است

دین و دیانت کلام پاک متین است

دین ادب است و بَرَش حیا و مروّت

هر که ادب دارد او مروّج دین است

دین نه به عمامه و لباس بلند است

حجب و تکبّر بر این لباس قرین است

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۸۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹۷ و ۹۸.

۳- سیری در تاریخ اصفهان، ص۱۳۶.

گفت پیمبر ادب به خلق بیاموز

باادب اندر جهان ز اهل یقین است

رونق دین کی بود به گوشه نشینی

مفسده ها پیش خلق گوشه نشین است

تا نبری رنجها تو گنج نیابی

راحت بی رنج خواهی این نه چنین است

رنج تو بینا ببر که گنج بیابی

گنج نهادن برای روز پسین است(۱)]

داود سُنبلانی

داود بن سلیمان سنبلانی، از محدّثین اصفهان در قرن اول هجری است. وی از جمله کسانی است که به خدمت حضرت امیرعلیه السلام شرفیاب شده است. حمزه اصفهانی در کتاب خود از او یاد کرده است(۲)

[«سنبلان»، از قدیمی ترین محلّه های اصفهان به شمار می رود و امروزه به «سُنبلستان» معروف است.]

میرزا داود مرعشی

میرزا داود بن میرزا عبداللّه بن میرزامحمّد شفیع مستوفی موقوفات ادیب فاضل [، جامع کمالات صوری و معنوی. در سال ۱۰۶۵ق متولّد شده و در اصفهان علم آموخته و به مناسبت مقام علم و فضل و سیادت به منصب استیفای کل ممالک منصوب شده و پس ۱۱ سال در سال ۱۱۱۰ به منصب تولیت آستان قدس رضوی مفتخر شده و با همشیره شاه سلطان حسین (شهربانو بیگم دختر شاه سلیمان) ازدواج نموده و در اصفهان ساکن شد تا اینکه] در سال ۱۱۳۳ق وفات یافته [و در تکیه مخصوص که برای خود در لسان الارض واقع در تخت فولاد برای خود احداث کرده بود، مدفون شد. او در شعر طبع روانی داشته و «داود» تخلّص می کرده است. برخی تخلّص او را «عشق» نوشته اند که

۱- مصاحبه با آقای رضا کیخسرو کیانی (فرزند مرحوم بینا) و محمّد کیخسرو کیانی (داماد آن مرحوم) در اسفندماه ۱۳۸۶ توسط غلامرضا نصرالهی.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۱.

صحیح نیست. او به نام کوچک خود تخلّص داشته و «عشق» تخلّص پدرش میرزا عبداللّه بوده است.]

این آثار از اوست:

۱. «دیوان اشعار» ۲. «سلطان الانساب» ۳. مثنوی «زبور العاشقین» ۴. مثنوی «سفرنامه» ۵. مثنوی «نمکدان دین»

این بیت از اوست:

افتاد به کف، زلف تو و کام گرفتیم

شب بر سر دست آمد و آرام گرفتیم(۱)

داود ظاهری اصفهانی

ابوسلیمان داود بن علی بن خلف ظاهری اصفهانی کوفی، از مشاهیر علماء و فقهاء و محدّثین شافعی است. [اصلاً از اهالی کاشان اصفهان بوده] و در سال ۲۰۱ق در کوفه متولّد شده است. وی در بین اهل سنّت به زهد و تقوا معروف بوده و در حق امام شافعی تعصّب زیاد داشته و درباره او دو کتاب تألیف نموده است. [وی از کوفه به بغداد رفته و در آنجا به تحصیل علم پرداخته و مذهب ظاهری را تأسیس کرده است. پیروان این مذهب به ظاهر قرآن توجّه دارند و به شدّت از تأویل و قیاس و رأی در فهم قرآن پرهیز می کنند.] ثعلب می گوید: عقلش از علمش بیشتر است.

[ابوسلیمان ظاهری حدیث را از قعنبی، ابن راهویه، مسدّد اسحاق حنظلی، ابن نمیر، ابی شیبه و ابی ثور و سلیمان بن حرب روایت می کند و ابویعلی زکریا ساجی و فرزندش محمّد بن داود بن خلف از او نقل حدیث کرده اند.]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹؛ تذکره المعاصرین، صص ۱۴۶ و ۱۴۷؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ صحف ابراهیم، ص۱۲۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۴۸؛ تذکره روز روشن، ص۵۴۷؛ تذکره ریاض العارفین، صص ۳۲۰ و ۳۲۱؛ تذکره آتشکده (نیمه دوم)، صص ۹۴۱ و ۹۴۲؛ الذریعه، ج۹، ص۳۱۸ و ج۱۹، ص۸۷ و ۲۰۷ و ۳۲۷؛ مجمل التواریخ، صص ۳۹۲ و ۳۹۳؛ مکارم الآثار، ج۱، صص ۱۶۲-۱۵۹؛ تذکره غنی، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۸.

وی در سال ۲۷۰ق در بغداد وفات یافته [و در مقبره شونیزیه بغداد مدفون شد.(۱)]

شیخ داود مصاحبی

شیخ داود بن ملّا علی اکبر مصاحبی نائینی، عالم فاضل. در سال ۱۲۷۸ش (حدود ۱۳۱۷ق) در «محمّدیه» نائین متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات به اصفهان آمده و نزد بزرگان و مجتهدین این شهر همچون حضرات آیات حاج آقا رحیم ارباب، سیّد محمّدرضا خراسانی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی، آقا سیّد عبداللّه مدرس (ثقهالاسلام)، میر سیّد علی نجف آبادی، میر سیّد محمّد نجف آبادی و حاج شیخ مهدی نجفی تلّمُذ نموده، تا به مقامات عالیه علم ارتقاء یافته است و در علوم اسلام همچون فقه، اصول، تفسیر و حدیث صاحب نظر بود و از برخی از اساتید خود نیز اجازاتی داشت.

وی از جنبه اخلاقی عالمی زاهد و متواضع و منیع الطّبع و دارای خطّی زیبا بود. در مدرسه حاج شیخ محمّدعلی ثقهالاسلام حجره داشت و در این حجره که عموماً روزها در آن به مطالعه و تدریس مشغول بود. شمشیری داشت و آن را بدان امید نگاه داشته بود که در هنگام ظهور حضرت بقیهاللّه الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء به وسیله آن شمشیر بادشمنان خدا بجنگد. وی در محلّه نو خواجو ساکن و در یکی از مساجد آنجا امامت می نمود. سرانجام در ۱۸ ذی القعده سال ۱۴۰۱ق وفات یافته و در تکیه معارفی در تخت فولاد[که اکنون جزو یکی از مساجد تخت فولاد واقع شده] مدفون شد.

از آثارش جزوه ای به نام «التّنقیح فی مسأله التّلقیح» در بین کتابهایش موجود

۱- راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۲۴؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۱۸۴؛ الفهرست (ابن ندیم)، ج۱، ص۳۱۶؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۲۶؛ احقاق الحق، ج۱، ص۱۶۷ و ۱۷۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۷؛ الاعلام، ج۳، ص۸؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۲ و ۳۱۳؛ اللّباب، ج۲، ص۲۹۷؛ طبقات الفقهاء، ص۱۰۲؛ تاج العروس، ج۳، ص۳۷۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، صص ۱۰۸-۹۷؛ وفیات الاعیان، ج۲، صص ۲۵۷-۲۵۵؛ الوافی بالوفیات، ج۱۳، ص۴۷۳؛ تبیین کذب المفتری، ص ۳۴۰؛ شدّالازار، ص۱۰۲؛ تاریخ منتظم ناصری، ج۱، ص۱۰۴.

است.(۱)

داود اصفهانی خبّاز

ابوالفضائل داود بن محمّد بن حمد بن حسین اصفهانی خبّاز، از محدّثین اصفهان است.

سبط خواهر قتیبه بن سعید بقال است و از ابو محمّد رزق اللّٰه تمیمی حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده است.(۲)

داود اصفهانی

داود بن محمّد بن محمود اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. وی در سال ۶۰۳ق وفات یافته است.(۳)

میرزا داود بینوای خراسانی

حاج میرزا داود خراسانی ابن میرزا محمّد مهدی حسینی اصفهانی معروف به شهید مشهدی، عالم فاضل و ادیب شاعر. در سال ۱۱۹۰ق متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود و علمای مشهد مقدّس به تحصیل پرداخته و سپس مرجع حلّ مشکلات شرعی مردم در آن دیار شده و به اقامه جماعت پرداخته و سرانجام در سال ۱۲۴۰ق وفات یافته و در حرم مطهر رضوی مدفون گردید. به فارسی و عربی نیز شعر می سروده و «بینوا» تخلّص می نموده است:

بر سرم از لطف یار آمد، به همراهش رقیب

با اَجَل آمد پس از عمری به بالینم طبیب(۴)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۴.

۳- مرآه الجنان، ج۴، ص۴۵.

۴- تذکره دلگشا، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۸۲؛ لغت نامه دهخدا ذیل «بینوا»، ص۶۸۶؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۱۰۷؛ حدیقه الشعراء، ج۱، ص۳۱۰ و ۳۱۱؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۱، ص۲۲؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۸۸-۸۶.

داود صفای اصفهانی

داود صفا بن نعمت اللّٰه، از شعرای معاصر اصفهان است. در سال ۱۲۹۳ش در اصفهان متولّد شد. از اعضای انجمن ادبی فرهنگ بود. این شعر از اوست:

مخوانش سپاهان بهشتیش خوان

به از کوثر آن زنده رودش بدان

بود دور از مردم آن ملال

که صاحب جمالند و صاحب کمال(۱)

حکیم محمّدداود هندی اصفهانی

حکیم محمّد داود هندی اصفهانی معروف به «تقرّب خان» از اطبّای معروف اصفهان [در قرن یازدهم هجری]

وی به هند رفته و شهرت فراوان یافته و ثروتی بی کران اندوخته و در اصفهان در سال ۱۰۵۵ق مسجد جامع جورجیر را تجدید ساختمان کرد که به نام مسجد حیکم شهرت دارد.(۲)

میرزا داود جابری انصاری

میرزا داود جابری انصاری، از صاحب منصبان دستگاه سلاطین صفویّه بوده و شاعر و ادیب و بانی تکیه حاج میرزا داود در جویباره اصفهان است.(۳)

دُر فیروز فخری

ابوالفضل دُر فیروز اصفهانی، از شعراء سخنوران قرن پنجم هجری است. [نظامی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۷؛ مزارات اصفهان، ص۱۷۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۱۲ و ۶۱۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

عروضی، در مقاله دوم، در ذکر شعرای عصر سلاجقه نام از او برده است.] مافروخی در محاسن اصفهان می نویسد: «و من شعراء الفارسیه ابوالفضل دُر فیروز الفخری»(۱)

درویش قاسمی اصفهانی

درویش قاسمی، شاعر ادیب عارف، از مصاحبان امیر نجم ثانی اصفهانی بوده و در لشکرکشی او به ماوراءالنهر به همراه او به آنجا رفته است. در قرن دهم هجری می زیسته و سال فوت او معلوم نیست.

این بیت از اوست:

شب مِی خوردن از فردا بیندیش

که این شب را عجب روزیست در پیش(۲)

درویش محمّد نطنزی

کمال الدّین درویش محمّد بن شیخ حسن عاملی نطنزی اصفهانی از علماء و محدثین موثق و از صلحاء و زُهاد قرن دهم هجری است. او جد مادری ملّا محمّدتقی مجلسی بوده و از شیخ علی محقق کرکی روایت می کند. علّامه مجلسی در اجازه خود به میر سیّد محمّد خلخال می نویسد او اولین شیعه امامیه است که احادیث امامیه را در اصفهان رواج داده است. قاضی ابواشرف اصفهانی، شیخ عبداللّه بن جابر عاملی و ملّا محمّد قاسم بن درویش محمّد عاملی نطنزی از او روایت می کنند.

او تا سال ۹۳۹ق زنده بوده و پس از آن وفات یافته است. در «الفیض القدسی» به نقل از «مناقب الفضلاء» می نویسد: قبر او در نطنز است و بقعه و بارگاه آن معروف است.

[برخی نوشته اند که ملّا محمّدتقی مجلسی از جدّ مادری خود کمال الدّین درویش محمّد روایت می کند. این قول بنا به دلایلی نادرست است از جمله این که در سلسله

۱- محاسن اصفهان، ص۳۴؛ چهار مقاله، صص ۴۵ و ۱۴۵.

۲- تذکره مجالس النفایس، ص۱۶۳.

راویان ملّا محمّدتقی مجلسی، دیده می شود که او به واسطه محدثین دیگری چون ابواشرف اصفهانی و عبداللّه بن جابر عاملی از جدّ مادری خود نقل حدیث کرده است و نه مستقیم و بدون واسطه.(۱)]

درویش مخلص*

درویش مخلص، از عرفای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و جمعی از طالبان سلوک و عرفان از جمله میرزا مهدی قمی مرید او بودند.(۲)

دُلَیل سُنبلانی

دُلیل سنبلانی، از محدّثین اصفهان و از اهالی محلّه سُنبلان است. وی از جمله کسانی است که در هنگام اقامت سعید بن جُبیر در اصفهان موفق به دیدار با او شده است.

او در سن بیش از ۱۲۰ سالگی وفات یافته است.(۳)

سیّد دولتشاه علوی

سیّد دولتشاه علوی، از بزرگان اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. رئیس اصفهان [و به نوشته برخی از مورخان نقیب اصفهان] بوده و در جمادی الاولی ۵۲۸ق به دست یکی از فدائیان اسماعیلی به نام «باعبداللّه موغانی» کشته شد.(۴)

۱- فوائد الرضویه، ص۱۷۷؛ اجازات الحدیث لعلّامه المجلسی، ص۱۴۲؛ فیض قدسی، صص ۱۷۷ و ۱۷۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۲؛ زندگینماه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۸۱ و ۳۸۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۷۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۲.

۴- زبده التّواریخ (کاشانی)، ص۱۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۵.

«ذ»

اشاره

ذاکر کنکاشی اصفهانی

ابوبکر ذاکر بن احمد بن عمر بن ابی بکر کنکاشی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری بوده و از ابوالقاسم ثقفی حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی از او اجازه داشته است.(۱)

[ظاهراً وی از اهالی قریه «کنگاز» جِی در شرق شهر اصفهان بوده است.]

ذاکر جاری براآنی

ابوبکر ذاکر بن زید بن محمّد بن عمر بن سهل جاری براآنی اصفهانی، شیخِ صالحِ زاهد، از محدّثین قرن ششم هجری. از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در سال ۵۴۵ق از او اجازه نقل حدیث دریافت نموده است. ابوبکر براآنی در سال ۵۵۱ق وفات یافت.(۲)

[«جار» که «گار» نیز گفته و نوشته می شود، از دهات شرق اصفهان است و در بلوك براآن واقع شده است. مناره ای آجری با نقوش هندسی زیبا، از عصر حکومت سلجوقیان در آن روستا هنوز پابرجاست.]

ذاکر اُسواری

ابو الرّجاء ذاکر بن علی بن احمد بن علی اُسواری اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری. از ابوشکر حمد بن علی حبال، ابوغالب احمد بن عباس بن محمّد لو شبندی و

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۷۷؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۳.

جز آنان حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی از وی حدیث شنیده است.(۱)

اُسواری منسوب به «اسوار» یا «اسواریه» از قرای اصفهان است.

ملّا ذوالفقار قُهپائی

ملّا ذوالفقار بن علی سلطان اصفهانی قهپائی، عالم فاضل محقّق، در اصفهان نزد جمعی از علما و افاضل شهر همچون علّامه مجلسی به تحصیل پرداخت و در علوم عقلی و نقلی مهارتی به سزا یافت. وی کتابخانه ای نفیس با کتابهای متنوع و ارزشمند داشت که میرزا عبداللّه افندی از آن در نوشتن تألیفات خود بهره های بسیار برده و مکرّر در کتاب «ریاض العلماء» به کتابخانه ملّا ذوالفقار اشاره کرده است.

از جمله در ذیل شرح حال «سیّد علی بن محمّد امامی» از حواشی ملّا ذوالفقار که بر کتاب «المجدی» ابن صوفی نوشته بود نسب کامل سیّد علی امامی را نقل می کند

گویا ملّا ذوالفقار کتاب رجالی نیز داشته و برخی از مطالب «ریاض العلماء» منقول از آن کتاب است. فرزندش محمّد نیز اهل فضل بوده و در حواشی که در یک مجموعه کشکول مانند در تاریخ ۲۰ ربیع الاول ۱۱۳۳ق نوشته است، از پدر به عنوان «مرحوم مولانا ذوالفقار اصفهانی» یاد کرده است.

[کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاربعین فی مطاعن المتصوّفین» ۲. «الزُّبُر و البیّنات در شرح رساله اعتقادات» علّامه مجلسی(۲)]

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲- الکواکب المنتشره، ص ۲۵۷؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۲۴ و ۲۵؛ ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۸۷؛ الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۱۶؛ مصفّی المقال، صص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ تراجم الرّجال، ج ۱، ص ۲۰۸، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۶۰۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۰؛ صفویان در عرصه دین - فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۵۸۰؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص ۲۸۵.

میر ذوالفقار گلپایگانی*

میر ذوالفقار بن محمّد گلپایگانی، عالم فاضل از دانشمندان قرن یازدهم هجری است. در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصاً آقاحسین خوانساری به تحصیل پرداخته و در زادگاه خود به تبلیغ شریعت مشغول شده است و در سال ۱۰۶۴ق از استاد خود دارای اجازه است. او پدر عالم و شاعر عالیقدر میرزا علی خان گلپایگانی (شیخ الاسلام گلپایگان) بوده است.(۱) او نسخه ای از «المختصر» تألیف: تفتازانی را به خط نسخ در دوشنبه ۳ رجب ۱۰۸۹ق کتابت نموده که به شماره ۵۷۶ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد نگهداری می شود.(۲)

ذوالقرنین شرابی اصفهانی

ابونصر ذوالقرنین بن ابی الرّجاء بن ابی نصر طبیب شرابی اصفهانی، از محدّثان و اطبّاء اصفهان در قرن ششم هجری است. به طبابت مشغول بوده و از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری استماع حدیث کرده است. ابوسعد سمعانی یک حدیث از او شنوده است. وی در سال ۵۳۱ق فوت شده است.(۳)

۱- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی؛ دو گفتار، صص ۱۴-۱۲؛ الروضه النضره، ص۲۱۲؛ فیض قدسی، ص۱۹۲؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ۲۵؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۲- نسخه های خطی، جص، ص۹۵؛ فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۵۵۲.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۷.

فهرست مطالب

«ج»

«چ»

«ح»

«خ»

ص: ۹۲۸

«ذ»

جلد سوم – «ر ظ»

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۲۹۴-۱۳۷۴.

عنوان و نام پدیدآور : اعلام اصـفهان / مصلح الدین مهدوی ؛ تصحیح ، تحقیق و اضافات غلام رضا نصراللهی؛ [برای] سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل ، ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام.

مشخصات نشر : اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریـال : ج .۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۸-۴۸-۰ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریـال : ج.۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۴۷-۴۷-۸ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲۰-۲۷-۹ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۱۳۰-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۳ (چاپ اول : ۱۳۸۹) (فیپا).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ – الف.- ج. ۲. ب – ذ.- ج .۳. ر – ظ.- ج.۴.ع

موضوع : مشاهیر -- ایران -- اصفهان-- سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان --سرگذشتنامه

شناسه افزوده : نصرالهی، غلامرضا

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

شناسه افزوده : ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام

رده بندی کنگره : DSR۲۰۰۱ /ص۷۲۵ م۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۲۹۶۴

ص: ۱

اشاره

ص: ۳

اعلام اصفهان

جلد سوم

«ر ظ»

دانشمند محقّق، زنده یاد

سیّدمصلح الدّین مهدوی

(۱۲۹۴ ۱۳۷۴ش)

تصحیح، تحقیق و اضافات

غلامرضا نصراللّهی

۱۳۸۸

مقدّمه تحقیق

بار دیگر لطف خداوند شامل حال ما شد و موفق به تنظیم و چاپ سوّمین جلد از کتاب «اعلام اصفهان» شدیم که اینک در اختیار شماست و شامل مدخل هایی است که با حرف (ر، ز، ژ، س، ش، ص، ض، ط، ظ) شروع می شود.

خدمت بزرگی که مرحوم استاد مصلح الدّین مهدوی رحمه الله در این مجموعه عظیم، نموده اند، گشودن چندین هزار مدخل جدید شرح حال از علماء، شعراء، هنرمندان، سیاستمداران، عرفاء و بزرگانی است که منبع دیگری برای اطّلاع از احوال و آثار آنان موجود نیست و یا در کمتر جایی می توان از آنان نام و نشانی یافت.

البتّه ممکن است کسانی باشند که این شرح حال ها را غیرضروری و بی فایده بدانند. این عزیزان از این مطلب غافلند که بزرگان علم و فرهنگ ما همچون فردوسی، مولوی، حافظ، سعدی، خواجه نظام الملک، فارابی، ابن سینا، خوارزمی، شیخ بهائی، مجلسی، میرعماد و امثالهم، درست است که خود صاحب نبوغ و قریحه خدادادی بوده و با تلاش و زحمت شبانه روزی قلّه های بلند فرهنگ و هنر و علم را فتح کرده اند. ولی آنان مدیون هزاران چهره گمنامی هستند که فرهنگ و دانش و هنر را پاس داشته و ترویج کرده و به نسل های آینده انتقال داده اند و لازم است با این چهره های گمنام امّا خدوم و مؤثّر در تکامل علمی و فرهنگی کشورمان آشنا شویم. بسیاری از این افراد گمنام با آثار به جای

مانده از خود هویت تاریخی و فرهنگی ما را شکل داده اند ضمن آنکه بسیاری از آنان از شهرها و روستاهای کوچک و کم اهمیّتی برخاسته اند که بیان شرح حال آنان می تواند در تدوین تواریخ محلّی به کار آید و برای محققّان منبعی ارزشمند تلقّی شود.

البتّه این بدان معنی نیست که مؤلّف فقید هر شخص کم اهمیت و چهره گمنامی را در این کتاب مطرح ساخته و برای او بزرگ نمایی کرده اند. چرا که تمامی مطالب این کتاب متّکی بر اسناد و منابع معتبر است و گزینش مدخل های کتاب تابع ملاک های علمی و قابل قبول برای محقّقان و صاحب نظران است.

پس از انتشار دو جلد قبلی «اعلام اصفهان» در برخی از سایت های اینترنتی همچون: «کتابخانه تخصّصی تاریخ اسلام» و «مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل» به معرّفی این اثر پرداخته شد و یا در برخی از نشریات و مجلّات همچون: «آئینه پژوهش» و هفته نامه «ندای یزد» به معرفی و نقد آن اقدام شد. از تلاش و زحمت مدیران و نویسندگان این سایت ها و مطبوعات قدردانی و تشکر می کنیم و از نقدها و راهنمائی های آنان در تصحیح تکمیل و رفع نواقص کتاب استفاده خواهیم کرد.

به هنگام وفات استاد مهدوی بسیاری از شعرای اصفهان در رثای ایشان شعر سرودند و ما در نظر داشتیم که این اشعار را به همراه مقالات و مطالب دیگر در یادنامه ای منتشر کنیم ولی اشتغال به تکمیل و تحقیق این کتاب ما را از تهیه و چاپ یادنامه بازداشت. بدین خاطر اکنون مطالبی را که در مورد ایشان فراهم آورده ایم، به تدریج در مقدمه جلدهای مختلف «اعلام اصفهان» می آوریم تا با فراهم شدن شرایط، این مطالب به همراه سایر مقالات در آینده در یادنامه مخصوص ایشان به چاپ برسد.

در پایان از همه کسانی که در تایپ، نمونه خوانی و غلط گیری، نظارت، چاپ و صحافی و انتشار و پیگیری امور جهت چاپ کتاب فعالیّت کرده اند و در جلدهای قبل به نام آنان اشاره کرده ایم صمیمانه تشکر می کنیم و سلامتی و موفقیت آنان را از خداوند متعال خواهانیم. از اساتید معظم حوزه و دانشگاه، محقّقین علاقمندان که مطالبی جهت

نقد و بررسی و تکمیل و تصحیح کتاب دارند تقاضا داریم آنها را در اختیار ما قرار دهند تا در مجلّدات بعدی و یا قسمت (استدراک) کتاب از آنها استفاده کنیم.

و للّه الحمد و السّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

۱۵ شعبان المعظم ۱۴۳۰ ه.ق

۱۶/۵/۸۸

غلام رضا نصراللّهی

از شمار دو چشم یک تن کم

و از شمار خرد هزاران بیش

سوگنامه

استاد سیّد مصلح الدّین مهدوی«ره»

(۱۳۷۴-۱۲۹۴ش) - (۱۴۱۶-۱۳۳۴ق)

مؤلّف کتاب

بر حیاتی که آن بود چو حباب دل مبندید یا ابوالالباب

زندگی جهان بود تاری که تندوش بافته به لعاب

یا جهان کوره ایست از آتش عمر ما اندر آن بود سیماب

یا که سراب سوزانیست که نماید به دیده برکه آب

این جهان آن کلاه بر دادیست که ربود افسر از سر داراب

بین چگونه به تیشه نیرنگ کاخ کسری وجم نمود خراب

پژمرد هر گلی که می بینی در گلستان اگر بود شاداب

مسکنت خاک می شود آخر کاخ سازی اگر ز لعل حسّاب

هست اجل چون عقاب و ماصعوه صعوه گر برَهَد ز چنگ عقاب

خاک تنهاست خوانیش خم می خون دلهاست گوئیش می ناب

من نگویم بگوشه ای بنشین تا کند مرگ بر تو دق الباب

یا همه سعی و کوشش خود را منحصر کن به پوشش و خور و خواب

گویمت تا نیامدست اجل خویش را ای اسیر تن دریاب

کوش تا سوی ساحل آری دو نه شوی غرق در ته گرداب

گرد خود همچو گردباد مپیچ باش مثمر بسان مهر و سحاب

گر سواری به مرکب منصب اسب هر سو متاز جز به صواب

چون عنان گیرد از کفت آخر گر گرفتت کنون زمانه رکاب

صد هزاران حوادث آید پیش که یکی را ندیده ای در خواب

بین چگونه بزد اجل ناگه بر رخ مهدوی نقاب تراب

آن فضیلت ماب علم پژوه ادب آموز و استاد آداب

آن معلم که دوره تعلیم تا به پیری رساند دور شباب

آن نویسنده ای که می باشد شائقی این زمان جو او کمیاب

آنکه نزد عموم مردم بود اهل تقوی و زهد و دین به حساب

آنکه اهل کمال و دانش را بود از جالسین و از اصحاب

آنکه با بینش و سلیقه خود که هم از اهل دانش و کُتاب

کُتبی چند گرد آورده در رجال و تراجم و انساب

آنکه بودند قوم و آبائش همه از صالحین و از اطیاب

بود سبط فقید کرمانی مقتدائی ز توده انجاب

پدرش بود در سپهر ادب تابناك اختری بنام شهاب

سال فوتش سئوال از برنا شد به شمسی و وی بداد جواب

«مصلح الدّین مهدوی از کف دیگر افکند لوح و کلك و کتاب»

۱۳۷۴ش

فضل اله خان اعتمادی خوئی (برنا)

***

مهدوی مرد علم و عرفان بود هستی او ز جوهر جان بود

سینه اش پر ز درد و بی کینه روشنی بخش آب و آئینه

دل پاکش صفای دریا داشت یك جهان معرفت در او جا داشت

از تبار و قبیله غم بود روح معراجیش چو شبنم بود

داشت در مزرع دلش ریشه سرو عرفان و نخل اندیشه

سایه بان مسافر جان بود روحش از تار و پود عرفان بود

جسته بود آب و لاله را انساب نسبتی داشت با مه و مهتاب

باغ جانش گل ریاضت داشت سکر دل از می رسالت داشت

بود در زهد و دانش و اخلاق به یقین در زمانه خود طاق

سخن او عصاره جان بود مظهر عشق و مهر و ایمان بود

ای دریغا که رفته او از دست شاخه سرو آرزو بشکست

در فراقش اگر دلم خون است شرح دردم ز گفته بیرون است

شادی ای دل دگر حرامت باد ز هر اندوه و غم به کامت باد

تا که شد بلبل سخن خاموش دل فکنده ردای غم بر دوش

خواست تا با زبان الکن خویش سال فوتش بگوید این درویش

خسته بودم ز گردش فلکی هاتفی داد این ندا که یکی

رفت از این جمع و گفت با شیون «خون شد از مرگ مهدوی دل من»

قمری ۱۴۱۶=۱-۱۴۱۷

عبدالعلی غفوری

***

مصلح الدّین مهدوی طی کرد عمر خود را به کسب علم و کمال

در ادب بود کم نظیر و عدیل در هنر بود بی بدیل و مثال

عاشق بی قرار علم و ادب بی توجه به جمع مال و منال

سینه اش از غرور و کینه تهی از خضوع و خلوص مالامال

بعد یک عمر دوری از محبوب یافت رخصت به بارگاه جلال

کای ز ما دور سالیانی چند شب هجران نهاد رو به زوال

شام ظلمانی فراق گذشت رخ نمود آفتاب صبح وصال

تشنه ای چشمه سار می جویی کوثر اینک ترا او آب زلال

مرغ روحش گشود بال و پرید از زمین رو به کعبه آمال

ماه خرداد او ز خلق برید شد به دیدار خالق متعال

توشه راه آخرت بربست ذکر خیری نهاد در دنبال

عندلیب این ادیب جاوید است در دل اهل فضل در هر حال

محمود عندلیب

***

گذشته است اگر روزگار جوانی نه رفته است از دل تو را شادمانی

هنر کسب کردن به ایام خردی به از آنکه در پیری و ناتوانی

غمی نیست دنیای ما گر ندارد به جز حسرت و درد و نامهربانی

امید است از حق که تا روز محشر تو ای مرد دانا سلامت بمانی

نوشتی به وصف هنرهای این شهر سخن های شیرین به شیرین زبانی

کتاب فراوان نوشتی و دانیم تو از زمره تا ابد زندگانی

فضا را تو کردی پر از عطر دانش سخن را تو گیسوی عنبرفشانی

چو خواهد تو را وصف گوید زبانم ندارد به جز قدرت ناتوانی

سه چیز است سرمایه رستگاری جوانمردی و همت و مهربانی

تو را هست این هر سه ای مصلح الدّین تویی بهر ما مصلح الدّین ثانی

چگونه توانم ستودن تو را من که هرگونه گویم نکوتر از آنی

چه نیکو نوشتی رجال سپاهان کند فخر بر خامه ات اصفهانی

هر آنکس که خواند بیان المفاخر شود آگه از رمز و راز معانی

عیان کرده ای رازی از تخت فولاد به دل دارد این خاک رمز نهانی

ستودی تو علامه مجلسی رحمه الله را بمدحش نمودی تو گوهرفشانی

نگهدار هستی تو از علم و دانش ز اهل ادب کرده ای دیده بانی

امید است از لطف بی حد یزدان برتایید حق شاد و خرم بمانی

دو صد سال دیگر به شهر سپاهان کنی با ادیبان آن هم زبانی

الا ای ادیب اریب محقّق که فانوس روشنگر کاروانی

مرا مایه زین بیش نبود چه گویم در این مجمع علم و فضل و معانی

چه بهتر که پایان برم چامه را «نصر» بگویم تویی مصلح الدّین ثانی

سلامت در این دهر ای دانشی مرد بمانی بمانی بمانی بمانی

عبدالعلی نصراصفهانی

***

در غم مهدوی از چشم گهر می ریزد لعل و یاقوت ز هر دیده تر می ریزد

مرگ او جامعه علم و ادب را داغیست که به تشییع غمش ابر گهر می ریزد

زردرویی کشم از غصه که از رخ گل سرخ برگ زردیست که از چشمه دُر می ریزد

این چه سرّیست ندانم که گل ماتم را آسمان بر سر ارباب هنر می ریزد

این چه رازیست که تلخ است به عالم کاهش گرچه از کلک هنرمند شکر می ریزد

زیر این سقف شکسته منشین با دل امن چون ز هر روزن آن خاک خطر می ریزد

کار تحقیق نه کاریست که آسان باشد صد چه سیمرغ در این وادیه پر می ریزد

«مهدوی» مصلح دین سیّد والا مقدار که ز داغ دل من خاک به سر می ریزد

رفت و بگذاشت ز خود صد اثر جاویدان که ز هریک هنرش لطف دگر می ریزد

یاد او تا به ابد زنده و جاوید بود این درختی است کز آن میوه تر می ریزد

نه «طلائیست» از این داغ سرشکش جاری «زنده رود» است که اشکش چو گهر می ریزد

ص: ۱۸

حاج احمد غفورزاده (طلائی)

***

مصلح الدّین مهدوی آن مرد بافضل و کمال کرد از این دار فانی سوی جنت ارتحال

مصلح الدّین اسوه ایمان و تقوا و خلوص مهدوی دانای نیکو سیرت و نیکو خصال

زاده زهرای اطهر مرد ایمان و عمل در صفات عالی و فرهنگ و دانش بی همال

شغل او آموزگاری بود همچون انبیاء داشت بر آموزش آینده سازان اشتغال

با وضو می رفت در مدرس برای تربیت تا که در اندیشه اش شیطان نیارد اختلال

بر دلش یاد خدا و بر لبش ذکر خدا دست و پای نفس را اینگونه می کردی عقال

آنکه با نیش قلم احیاگر تاریخ بود بهر تاریخ «بزرگان» یافت توفیق و مجال

هست تألیفات ارزشمند او «هشتاد جلد» شرح احوال خردمندان و اعیان و رجال

تا مصون ماند قبور نامداران از گزند تا حوادث قبر نیکان را نسازد پایمال

«سیر اندر تخت فولاد صفاهان» را نوشت چونکه او می داد بر تخریب اینجا احتمال

«تذکره» بنوشت بهر شاعران اصفهان «شرح حال مجلسی» آن بحر عرفان و کمال

بهترین «تاریخ علمی اجتماعی» را نوشت تا فراموشی نگردد باعث محو و زوال

او پی احیای آثار بزرگان بود و بس نه پی عنوان و شهرت، نه پی تحصیل مال

تا کند نام نکویان جاودان زحمت کشید روز و شب با پشتکار بی امان هشتاد سال

روزها را در پی تألیف و تدوین کتب شب بدرگاه خدا راز و نیاز و ابتهال

بهر خود بنهاد بر جا باقیات الصالحات باقیات الصالحاتی را که می بودش مَآل

نیست اندر اصفهان مانند این مرد بزرگ تا برای اهل علم و معرفت آدم مثال

اصفهان شد غرق ماتم از غم فقدان او اهل دانش سینه ها آکنده از حزن و ملال

سال شمسی یکهزار و سیصد و هفتاد و چار ارجعی بشنید از درگاه ذات ذوالجلال

بیست و شش روز از محرم چارمین از ماه تیر از سروش غیب بر گوشش ندا آمد تعال

غیر خوبی نیست در طومار عمرش احمدی شرح حال مهدوی بنمودم از هر کس سؤال

روح آن مرد خدا را در جنان محشور کن بارالها از کرامت با رسول اللّه و آل

عباس احمدی

***

باز غم کاشانه دل را گرفت غصه و ماتم دوباره پا گرفت

بود در ماه محرم دل دو نیم شد ز فقدان رخش شهری یتیم

«مصلح الدّین» رفت و دلها خون شده در غمش چشم جهان جیحون شده

عالمی از کف بشد پر مایه ای «آفتابی در میان سایه ای»

عمر خود را صرف اصفاهان نمود بر تن این ملک هر دم جان نمود

شاعران اصفهان را زنده کرد آری آری کار بس ارزنده کرد

روزگاری کار حق و دین نمود بس کتاب پر بها تدوین نمود

هم ز صهبای ولایت جام برد تا ز سادات صفاهان نام برد

زندگان علم را چون یاد کرد جستجو در تخته فولاد کرد

از هنرمندان این شهر قدیم از بزرگان و ز مردان عظیم

یادها بنمود و شهری زنده کرد نامشان را تا ابد پاینده کرد

چون که از آثار ایشان یاد شد جمله تألیفات او هشتاد شد

سیّد عباس حسامی (اِحساس)

***

علامه ای که مصلح دین بود و شرع ما ما را به کنج عزلت خود وانهاد و رفت

او مرد علم بود و عمل در جهان زهد معشوق را فدا شد و جان را بداد و رفت

پرواز کرد روح بلندش به آسمان جسمش به یادگار به دوران نهاد و رفت

دریای علم او همه از عشق بود و عشق در بیکرانه عقبا فتاد و رفت

در ادعای خود به هستی دادار لایزال عمرش فدا نمود و به برهان ستاد و رفت

باری نبود فکر تجمل به روزگار پایش گذاشت به سر کی هم قباد و رفت

در حیرت است «ایزدی» از ظلم روزگار کین اسوه چون فتاد بر این گردباد و رفت

گفتا مدام ایزدی از رهروان عشق دلخوش که «مهدوی» بنمودش جهاد و رفت

دکتر سیّد مهدی ایزدی

***

دارم به سینه درد و ملال نهفته را درد و ملال آن گل از دست رفته را

جز سیل اشک عقده ز دل وا نمی کند از شمع پرس قصه راز نگفته را

سر در نقاب خاک فرو برد «مهدوی» یادش بخیر آن گل در خاک خفته را

دریای علم بود دریغا ز دست رفت دریاب جان خسته دلان جان خسته را

هر لاله ای که بردمد از خاک این دیار یادآور است داغ عزیزان رفته را

زین آتشی که در جگر خاک مانده است سوزانده بس به باغ گل نو شکفته را

مصطفی هادوی (شهیر)

***

رفته از دنیا گرامی مرد حق و مرد دین سیّد عالی مقام و حامی اهل یقین

دائما با نظم و نثر و منطق و علم و بیان بود کارش، رشد دین پاک ختم المرسلین

از امامان یاد کرد و می نوشت و می سرود خاصه آثار و صفات آن امام سومین

دارد او مجموعه ای از شاعران اصفهان منتشر شد این کتاب خوب بهر مؤمنین

«مهدوی» ده ها کتاب مستطاب از او بماند بر روان پاک او هر دم هزاران آفرین

فوت او ماه محرم هفته اش ماه صفر ماتم آقا امام عسکری هم اربعین

«شمس» خواهد مصلح الدّین نزد آقایش حسین یادی از او کرده باشد بهر روز واپسین

حسین شمس

«ر»

اشاره

رازی اصفهانی

رازی اصفهانی، [از شعراء قرن دهم هجری] برادر کِهتر محمّد شریف هجری بوده و در زمان شاه طهماسب، وزیر اصفهان شده است، غزل می سروده است.(۱)

راشد ثقفی اصفهانی

ابومحمّد راشد بن معدان بن عبدالرحیم ثقفی، از محدثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از نعمان روایت نموده و دو فرزندش محمّد و احمد و همچنین نواده اش محمّد بن احمد بن راشد ثقفی از محدثین آن روزگار بوده اند.(۲)

رافائل دومانس*

رافائل دومانس، مبلغ مذهبی و دانشمند فرانسوی مقیم اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او در سال ۱۰۲۲ق (مطابق ۱۶۱۳م) در فرانسه متولد شد. در سال ۱۰۵۴ق (۱۶۴۷م) به عنوان سرپرست هیأت کاپوسن های ایران، به اصفهان آمد و به تبلیغ مسیحیت مشغول شد. او در سال ۱۰۷۱ق (۱۶۶۰م) کتابی به نام «وضع ایران» نوشت و به «کلبر» وزیر فرانسه هدیه کرد و در آن، وضعیت ایران به صورت دقیق تشریح کرد.

او در تمام مدّتی که در ایران بود، در دستگاه شاه عباس ثانی و شاه سلیمان سمت مترجمی داشت و غالب مکاتبات و روابط این پادشاهان با کشورهای خارجی در ایام اقامت او در اصفهان توسط وی انجام می شد. میرزا عبداللّه افندی در کتاب «ریاض العلماء» می نویسد: ملّا محمّد صالح روغنی قزوینی در کتاب «نوادر العلوم و الادب» از رافائل یاد کرده و او را دانشمندی بزرگ در علوم مختلف خصوصا ریاضیات دانسته و

۱- تاریخ نظم و نثر، ص۶۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۵؛ طبقات المحدثین باصبهان، ج۲، ص۲۴۷.

می نویسد: او با دانشی که از استادان فرنگی خود آموخته بود، آلتی ساخت که با آن بتوان اجرام آسمانی را مشاهده کرد. همچنین آلتی برای شنیدن ناشنوایان ساخت.

رافائل دومانس در سال ۱۱۰۸ق (۱۶۹۶م) در اصفهان درگذشت و در حوالی مسجد جامع اصفهان به خاک سپرده شد.(۱)

راهب رنانی

راهب رنانی، شاعر ادیب، از اهالی قریه رنان [که امروزه به شهر اصفهان پیوسته و آنرا «رهنان» می گویند] بوده و در قرن یازدهم هجری می زیسته است. وی سفری به هند رفته است.

این شعر از اوست:

چنان مکن که ز خاکم غبار برخیزد مباد پرده ام از روی کار برخیزد(۲)

محمّد ربیع اصفهانی

محمّد ربیع اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۶۹ق نسخه ای از «تلخیص الاقوال» استرآبادی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۰۲۷ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۳)

محمّد ربیع اصفهانی*

محمّد ربیع اصفهانی، شاعر ادیب، بهره ای از علم داشت و به شغل کتابفروشی امرار معاش می کرد.

از اوست:

۱- مجله یادگار: سال دوم، شماره دهم، خرداد ۱۳۲۵، صص ۳۳-۳۶؛ آرامگاه خارجیان در اصفهان، صص ۹۸-۱۰۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۳؛ الذریعه، ج۹، ص۳۵۳؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۳۷.

۳- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۵۰.

بس که در دل داشت جا ذوق گرفتاری مرا مشت خاک من پس از مردن زمین دام شد(۱)

ربیع انصاری

ربیع انصاری، نویسنده و روزنامه نگار ادیب در سال ۱۳۱۸ق در اصفهان متولّد گردیده و تحصیلات خویش را در این شهر انجام داده در اوایل جوانی شعر می گفته و «بهار» تخلّص می کرده و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد. در اواخر سال ۱۳۱۹ش روزنامه «کیوان» را منتشر کرد [پس از اینکه جدایی طلبان فرقه دموکرات وابسته به شوروی به آذربایجان دست یافتند] در سال ۱۳۲۴ش به اصفهان آمده و دو سال در آنجا روزنامه کیوان را انتشار داد و پس ختم غائله به ارومیه مراجعت کرد. او به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، عربی، ترکی و آشوری آشنا بوده و به کشورهای اروپایی مسافرت کرده بود.

این کتابها از اوست:

۱. «جنایات بشر یا آدم فروشان قرن بیستم»، مطبوع ۲. «داوری تربیت»۳. «سیزده عید»۴. «وضع اجتماعی زن»

از اوست:

گرچه رنج سخت جان از سستی پیمان اوست صد هزاران دست دل از عشق بر دامان اوست

ساغر عیشم شکست او گرچه از سنگ فراق مستی ما جمله از پیمانه پیمان اوست(۲)

۱- تذکره صحف ابراهیم، ص۱۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۲۸۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹۴ و ۹۵؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۴، ص۱۵۳؛ چهره مطبوعات معاصر، صص ۱۸۳ و ۱۸۴؛ فرهنگ داستان نویسان ایران، ص۴۳؛ الذریعه، ج۵، ص۱۵۴.

محمّد ربیع نصیری طوسی*

محمّد ربیع بن محمّد ابراهیم نصیری طوسی، از ادباء و دانشمندان اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او در زمان شاه سلیمان صفوی محرری سرکار تفنگچیان را داشته و در عهد همین پادشاه به همراه کاروانی عازم سیام (تایلند) شده و شرح سفر خود را در کتابی به نام «سفینه سلیمانی» آورده است.(۱)

این کتاب به تصحیح عباس فاروقی در سال ۱۳۵۶ش توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

سیّد محمّد ربیع امامی*

سیّد محمّد ربیع بن سیّد احمد عریضی حسینی امامی، از فضلاء گمنام اوایل قرن دوازدهم هجری و از سادات اصیل و قدیمی امامی عریضی اصفهان است. وی در سال ۱۱۰۸ق «اصول کافی» تألیف: شیخ کلینی را به خط نسخ کتابت کرده است که به شماره ۸۰۳۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.(۲)

همچنین او در ۶ ربیع الثانی ۱۱۰۷ق کتابی به فارسی در اعمال ماهها و ادعیه سفارش شده آن ماهها در یک مقدمه، ۹ فصل و یک خاتمه به نام «خلاصه الاعمال» تألیف کرده که به شماره ۴۵ در کتابخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان موجود است.(۳)

محمّد ربیع اصفهانی (رئیس)*

محمّد ربیع بن برخوردار اصفهانی معروف به «رئیس»، خطاط نستعلیق نویس قرن

۱- دستور شهر یاران: مقدمه، ص۵۲.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۶۳۸.

۳- فهرست ارشاد کاشان، صص ۵۳-۵۷.

یـازدهم هجری که در چهارشـنبه ۲۰ ربیع الاـوّل ۱۰۹۲ق نسـخه ای از «التعلیقـه السّـجادیّه» تـألیف: ملّا مراد تفرشـی را به خط نستعلیق خوش نوشـته و به شماره ۱۲۰۶۵ در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی در قم موجـود است.(۱) همچنین نسـخه ای از کتاب «شواهـد الاسـلام» تـألیف: میرزا رفیع گیلاـنی را به خـط نسـخ در سال ۱۰۹۲ق کتـابت کرده کـه به شـماره ۱۸۸۱ در کتابخـانه مجلس شـورای اسـلامی موجود است.(۲) و نیز نسـخه ای از «احقـاق الحق» تـألیف: قاضـی نوراللّه شوشـتری که در ۱۴ شعبان ۱۰۹۹ق کتابت کرده و به شماره ۱۰۱۹۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)

سیّد ربیع اردستانی

سیّد ربیع بن شـرف جهان بن ابی الصّـِلاح بن جعفر حسـنی اردسـتانی، از فضلای قرن یازدهم هجری.(۴) ظاهرا در اصـفهان به تحصیل مشغول بوده و به احتمال زیاد نزد سیّد علاءالدّین محمّد گلستانه تلمّذ کرده است.

از آثـار او کتـابت نسـخه ای از «نهـج البلاـغه» است که آن را در یکشـنبه ۱۸ جمـادی الآخر ۱۰۷۴ق است و در حاشـیه نسـخه مطالب فراوانی از سیّد علاءالدّین محمّد گلستانه نقل کرده است.(۵)

[وی همچنیـن در ۲۱ رجب ۱۰۷۵ق نسـخه ای از کتـاب «مختلف الشّـیعه» تـألیف: علّامه حلّی را کتـابت کرده که در کتابخانه مدرسه دامغانی همدان موجود بوده است].(۶)

محمّد ربیع کاتب اصفهانی*

۱- فهرست مرعشی، ج ۳۰، ص ۴۶۴.

۲- فهرست مجلس، ج ۵، ص ۲۶۳.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص ۳۲.

۴- آتشکده اردستان، ج ۲، ص ۲۷۱.

۵- تراجم الرّجال، ج ۱، ص ۲۱۲.

۶- نسخه های خطّی، ج ۵، ص ۳۴۹.

محمّد ربیع بن محمّد شفیع کاتب اصفهانی، از کاتبان و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از «الاربعون حدیثا» تألیف: شیخ عزّالـدین حسـین حارثی عاملی (پدر علّامه شـیخ بهائی) را به خط نسخ در ۷ ربیع الثانی ۱۰۹۳ق کتابت کرده که اینک در کتابخانه مرحوم سیّد رضا ابوالبرکات در اصفهان موجود است.(۱)

ربیع دیمرتینی*

ربیع بن حاجی علی عسـکر دیمرتینی جی اصـفهانی از کاتبان عهد شاه سلطان حسین صفوی در قرن دوازدهم هجری است. او جلـد اول «بحارالأنوار» تألیف علّامه مجلسـی را در ۴ ربیع الاوّل ۱۱۳۴ق کتـابت کرده است که در کتابخـانه علّامه محقق حاج سیّد محمّد علی روضاتی موجود است.(۲)

«دیمرتین» از دهات جی اصفهان است که گویا در روزگار ما به آنجا «تیمیارت» می گویند.

آقا محمّد ربیع خوانساری

آقا محمّد ربیع بن آقا رضـی الدّین محمّد بن آقا حسین خوانساری از فضلاء قرن دوازدهم هجری در اصفهان سکونت داشته و در سال ۱۱۵۹ق به هنـد رفته و مورد احترام محمّـد شاه پادشاه هنـد واقع شده و میرزا نجف خان به تعظیم او کوشـیده است. به ندرت شعر می گفت [لذا نسبت دادن دیوان شعر به او از سوی مؤلّف «الذریعه» جای تأمّل است.]

از اوست:

کی سر و برگ تماشای بهار است مرا گل به چشم از غم هجران تو خار است مرا(۳)

۱- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۶۵.

۲- فهرست کتب خطّی اصفهان، ج۱، ص۷۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۶۰؛ صحف ابراهیم، ص۱۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۲۸۸؛ الذریعه، ج۹، ص۳۵۵؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۳۰۷.

محمّد ربیع طیری اصفهانی

محّمد ربیع اصـفهانی، متخلّص به «طیری» شاعر ادیب قرن دوازدهم هجری. در اصفهان به شغل زرکشی امرار معاش می کرد و در سرودن شعر طبعی روان داشت، امّا بـا این حـال اغلب حـال جنون و سودا بر مزاج او غالب بود، تا جایی که هر سال برای خود مادّه تاریخ فوت می ساخت، غیر از سال آخر که از ساختن مادّه تاریخ فوت خود باز ماند. او عاقبت از شدت شوریدگی و پریشان حالی، خود را در چاه افکنـده و وفات یافت. سال فوت او ۱۱۵۹ق است. اشـعار او در اثر حوادث روزگار از بین رفته و فقط چند بیتی باقی مانده است.

از اوست:

درین گلشن من آن حسرت نگر مرغ گرفتارم که گاهی از شکاف دام بیند آشیانش را(۱)

محمّد ربیع مستوفی*

محمّد ربیع، از خوشـنویسان اوایل قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نزد محمّد صالح اصفهانی خط نستعلیق را مشق کرده است. او عاقبت به منصب مستوفی خاصه برگزیده شد.(۲)

آقا ربیع نصر آبادی*

۱- تـذکره آتشـکده: نیمـه دوم، ص۵۸۹؛ تـذکره سـفینه المحمود، ج۱، ص۲۵۴؛ تـذکره روز روشـن، ص۵۰۵؛ الـذریعه، ج۹، ص۶۵۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۱۷.

آقا ربیع نصرآبادی، از معماران قرن یازده هجری و از اهالی روستای «نصرآباد» جرقویه است، وی از معماران و بنّایان مسجد جامع جدید عباسی (مسجد امام فعلی) بوده و پس از وفات در نجف اشرف مدفون شده است.(۱)

ربیع الدّین جابری

ربیع الدّین بن رفیع الدّین مستوفی الممالک جابری، از بزرگان خاندان جابری انصاری در اصفهان است. پس از کشته شدن برادرش میرزا حسین در سال ۱۱۵۸ق به دستور نادرشاه؛ مدّتی کلانتر اصفهان بود. بعد از فوتش منصب کلانتری اصفهان به خاندان حکیم سلمانی (که از سادات موسوی اصفهان هستند) منتقل شد.(۲)

رجاء یونسی اصفهانی

ابوالفتح رجاء بن ابراهیم بن عمر بن حسن بن یونس بن حسن بن یحیی یونسی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.

او و پدرش و دو عمویش ابوالعبّاس احمد و ابوعلی حسن از مشاهیر محدّثین می باشند و بزرگتر آنان ابوالعبّاس احمد می باشد. صاحب عنوان از: ابوطاهر محمّد بن ابراهیم حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است. وی در ماه ربیع الاوّل سال ۵۱۷ق وفات یافته است.(۳)

رجاء مَعدانی اصفهانی

ابوالقاسم رجاء بن ابی المطهر حامد بن رجاء معدانی خطیب اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری. خاندان او اهل علم بوده و جد اعلای او در مسجد

۱- گرکویه (ویرایش دوم)، ص۲۱۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۳۱۹.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۹؛ المشتبه، ج۲، ص۶۷۴.

جامع قدیم اصفهان به خطابه می پرداخته است. خود او به فضل و دیانت معروف بوده و ابوسعد سمعانی از او با عنوان «امام فاضل و سدید السیرّه» یاد کرده است.

از حافظ ابومسعود سلیمان بن ابراهیم حدیث شنیده و سمعانی از او و برادرش عمر بن حامد - از امالی جرجانی - حدیث شنیده است.(۱)

رجاء جرواءانی اصفهانی

ابوغَسّان (یا ابومحمّد) رجاء بن صهیب جُرواءانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری است. او از افاضل مردم اصفهان و مستجاب الدعوه بوده و در مسجد فضل بن برغوث اصفهان اذان می گفته است و در سال ۲۵۱ق وفات یافته است.

رجاء جُرواءانی از روح بن عُباده، بکر بن بکّار، سعید بن عامر، یعقوب حضرمی، محمّد بن زنبور و دیگران نقل حدیث کرده و عبداللّه بن سنده بن ولید و دیگران از او حدیث شنیده اند.(۲)

[جُرواءان، از محله های معروف اصفهان در شش قرن پس از هجرت بوده ولی در روزگار ما نامش فراموش شده و کمتر کسی از اصفهانیان است که این نام را شنیده باشد].

رجاء اصفهانی*

ابوالفتح رجاء بن عبدالواحد اصفهانی، از محدّثین عامه در قرن پنجم است. ابو داود سیهویه بن اسماعیل بن داود واحدی (معروف به «قزداری») از او حدیث شنیده است.(۳)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۱۵؛ طبقات المحدّثین، ج ۲، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

۳- لغت نامه دهخدا، ذیل «قزداری».

رجاء اصفهانی

ابوالفرج رجاء بن محمّد بن احمد بن جعفر بن روح قاضی [اصفهانی]، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری بوده و سیّد ابوالرّضا یحیی بن زید بن خلیفه حسنی ساوه ای (م ۵۴۱ق) از وی حدیث شنیده است.(۱)

رجاء اصفهانی

ابوالفرج رجاء بن نصر اصفهانی، معروف به «بُلفَرَج»، از دانشمندان اصفهان است که مافرّوخی در کتاب خود او را در ردیف فلسفه، ریاضیدانان و منجمین متقدم ذکر کرده است.(۲)

رجبعلی اصفهانی

رجبعلی اصفهانی [خطاط نسخ نویس قرن دوازدهم هجری] وی کتب چندی را کتابت نموده که از آن جمله است:

۱. مجموعه ای مشتمل بر ده رساله که در سالهای ۱۱۱۷ و ۱۱۱۸ق نوشته که به شماره ۲۸۱۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۳)

۲. «آداب العرب و الفرس» جلد یکم تألیف: ابن مسکویه را در رمضان ۱۱۲۳ق کتابت نموده و به شماره ۳۴۹۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۴)

۳. «صراط النّجاه» تألیف: علّامه مجلسی که در سال ۱۱۲۴ق کتابت کرده و در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۵)

۴. در تاریخ سه شنبه ۱۰ شعبان ۱۱۱۶ق نسخه ای از «شرح کافی» ملّا محمّد تقی

۱- التّحبیر، ج۲، ص۳۷۵.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۳- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش یکم، ص۱۱۶.

۴- فهرست رضوی، ج۶، ص۳۷۱.

۵- فهرست ملّی، ج۵، ص ۲۸۰.

مجلسی را برای دانشمندی به نام حسام الدّین محمّد اصفهانی به خط نسخ کتابت نموده است. کتاب به شماره ۴۲۸۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)محتمل است که او از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی باشد.

رجبعلی اصفهانی*

رجبعلی اصفهانی، فرزند آقا ابوطالب تاجر. از خوشنویسان نسخ نویس در قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «زاد المعاد» تألیف علّامه مجلسی را به خط نسخ در دهه آخر شوال ۱۲۳۷ق کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۸۱ در کتابخانه مدرسه آیت اللّه بروجردی در کرمانشاه موجود است.(۲)

رجبعلی نقنه ای

رجبعلی بن کربلایی ابوعبداللّه نقنه ای [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] مجموعه ای شامل چند رساله: «رساله در مراتب حساب»، «بیست باب در اسطرلاب»، «تلخیص مفتاح الحساب»، «تحفه» و «تحفه نظامیه» یا «شرح سی فصل» را در سال ۱۲۵۹ق نوشته است. کتاب به شماره ۵۷۷ در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

رجبعلی گلزار

آقا رجبعلی گلزار فرزند حاج ملّا حسین، ادیب فاضل و شاعر ماهر [از سخنوران قرن چهاردهم هجری].

در ۱۳ رجب ۱۳۰۲ق در اصفهان متولّد شده و مقدمات علوم ادبیّت و عرب را نزد

۱- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۲۹۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۰.

۲- فهرست مدرسه بروجردی کرمانشاه، ص۶۲.

۳- فهرست گوهرشاد، ج۲، صص ۶۹۰ و ۶۹۱.

پدر و سایر اساتید به پایان رسانید. از اوان جوانی به سرودن شعر پرداخته و به انجمن های ادبی راه یافت و خصوصا در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد.

او پیرمردی زنده دل و خوش مشرب بود. او در ۱۹ رجب سال ۱۳۶۶ق وفات یافته و در تکیه ای به نام خودش (تکیه گلزار) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

[تاریخ وفات او را شکیب اصفهانی چنین گفته است:

از باغ جنان بلبل، سر کرد برون گفتا: «گلزار» می گلگون زد از خُم روحانی]

دیوان اشعار گلزار در سال ۱۳۶۹ق به طبع رسیده است.(۱)

حاج رجبعلی افسرده*

حاج رجبعلی شمس متخلّص به «افسرده» فرزند حسینعلی، از شعرای معاصر خمینی شهر است. در سال ۱۳۰۲ش متولّد شده و پس از تحصیل در انجمن های ادبی شرکت کرده است.

از اوست:

می سوزم و می سازم، با عشق چو پروانه مجنونم و سرگردان، آواره ز کاشانه

پیموده ام این ره را، چون قطره اشک شمع سر ریزم و جان و دل، اندر ره جانانه(۲)

رجبعلی طوسی اصفهانی*

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۹۹ و ۴۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۲؛ دیوان شکیب اصفهانی، صص ۴۹۰ و ۴۹۱.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۳۶۷.

رجبعلی بن محمّـد صالح طوسی اصفهانی بن علینقی، از کاتبان دوره زندیه است. او اوایل قرن سیزدهم هجری را هم درک کرده و خط نسخ را با مهارت می نوشته است. مجموعه ای به خط او شامل «اصول فقه» تألیف: ملّا عبداللّه تونی و «شرح وافیه» تألیف: سیّد صدرالدّین محمّد رضوی قمی با تاریخ ۱۲۰۶ق در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

[وی از شاگردان شیخ احمد احسائی بوده و به دستور شاهزاده محمّـد ولی میرزا قاجار «الاربعون حدیثا» را به فارسی تألیف کرده که به شماره ۲/۸۷۸۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)]

رجبعلی اصفهانی*

رجبعلی بن عبداللّه اصفهانی، از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشت.

از آثار او کتابت «اخوان الصفا» تألیف: بهاءالدّین محمّد فاضل هندی به خط نسخ در سال ۱۲۳۸ق است.

این نسخه به شماره ۵۲۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳) همچنین او کتاب «مصاحب الخلوات» تألیف: میرزا فریدون بندپی مستوفی را به خط نسخ در دوشنبه اول جمادی الاوّل ۱۲۴۴ق کتابت نموده است. این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴) [او نسخه ای از «النهایه فی شرح الهدایه» تألیف: ملّا محمّـد تونی را در پنج شنبه ۱۹ محرّم ۱۲۳۹ق کتابت کرده که جزو کتابهای اهدایی خانواده مرحوم سیّد مصلح الدّین مهدوی به گنجینه نسخ خطی اصفهان موجود است.(۵)]

۱- فهرست وزیری، ج۴، ص۱۲۷۹.

۲- الشریعه، ج۱، ص۳۲.

۳- فهرست الفبایی رضوی، صص ۳۲ و ۶۸۷.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۷، ص ۲۱۰.

۵- فهرست کتابخانه سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص۱۰۳.

رجبعلی مازندرانی

رجبعلی بن خواجه علی مازنـدرانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در ۲۵ ربیع الثّانی سال ۱۰۵۰ق از کار کتابت رساله «مبادی آراء مدینه فاضـله» تألیف: فارابی را به خطّ نستعلیق در اصـفهان فراغت یافته و کتاب به شماره ۲ ضمن مجموعه شماره ۲۱۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

رحمان گنجی*

رحمـان گنجی، روزنـامه نگـار و نویسـنده معاصـر اصـفهان در حـدود سال ۱۲۹۷ش در روسـتای «اَرجَنـگ» در چهارمحـال و بختیاری متولّد شد. او در سال ۱۳۳۰ش هفته نامه «گنـج کوهرنگ» را تأسـیس کرد و با مقالات انقلابی خود از نهضت ملّی به شدّت حمایت کرد و با سـخنرانی های پرشور مردم را به مبارزه با اسـتبداد و اسـتعمار فرا خواند. به این خاطر در سال ۱۳۳۳ش نشریه اش توقیف شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او در سال ۱۳۶۰ش بار دیگر «گنج کوهرنگ» را منتشر کرد که تا سال ۱۳۷۱ش ادامه یافت.

گنجی در سال ۱۳۷۶ش درگذشت(۲) و در قبرستان امامزاده سیّد محمّد خمینی شهر به خاک سپرده شد.

استاد رجبعلی سنمار*

اسـتاد رجبعلی سـنمار فرزند اسـتاد غلامحسین، هنرمند معاصر و از اساتید معماری سنتی اصفهان است. در حدود سال ۱۲۸۵ش در اصفهان متولّد شده و از نوجوانی نزد

۱- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص۷۴۵.

۲- روزنامه سلام، ضمیمه استان اصفهان، مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۷۶؛ مجله دنیای سخن: شماره ۷۴، بهار ۱۳۷۶.

پـدر معماری را فرا گرفته و از سال ۱۳۴۷ش به استخدام دفتر فنی سازمان حفاظت آثار باستانی درآمد. او و دو برادرش استاد هاشم و استاد ابوالقاسم اغلب نزد پدر به معماری بناها و مرّمت آثار تاریخ مشغول بوده اند.

او بسیاری از بناها و آثار تاریخی اصـفهان همچون سـی و سه پل، مسـجد آقانور، تالار تیموری، مـدرسه چهارباغ، مسـجد شاه (مسـجد امام فعلی)، مسجد شیخ لطف اللّه، طاق های بازار بزرگ و بازارهای منشعب از آن، مسجد جامع و مسجد حاج محمّد جعفر (که در اثر بمباران هواپیماهای رژیم عراق در جریان جنگ ایران و عراق به شـدت آسـیب دیـده بودنـد) را مرمّت کرده است.

او زنـدگی سـاده و زاهـدانه ای داشت. معلومـات خـود را در اختیـار دیگران قرار می داد و خصوصـا دانشـجویان دانشـگاه هنر اصفهان از تجربه، و اطلاعات ارزنده او بهره مند می شدند.(۱)

رجبعلی سـنمار سـرانجام در ۹ فروردیـن ۱۳۷۳ش درگـذشت و در قطعـه ۳۵ گورسـتان بـاغ رضوان اصـفهان به خـاک سپرده شد.(۲)

ملّا رجبعلی شفتی

آخوند ملّا رجبعلی بن آقا محمّد شـفتی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۳۸ق در محله درکوشک اصفهان نسخه ای از «ترجمه الصـلاه» تـألیف: مـولی محسن فیض کاشـانی را کتـابت نمـوده است. نسـخه به شـماره۱۲۷۶ در کتابخـانه آیـت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۳)

او احتمالاً از شاگردان حاج سیّد محمّـد باقر حجّت الاسـلام شـفتی است. یادداشتی از او بر کتابت «منتخب تحفه الأبرار» سیّد حجّت الاسلام با تاریخ های ۱۲۴۴ و ۱۲۵۸ق

۱- معماران و مرّمت گران سنّتی اصفهان، صص ۱۴۴-۱۴۷.

۲- سایت اینترنتی یادبود.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۳۲؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۴۳.

موجود است. این کتاب به شماره ۳۶ در کتابخانه حاج سیّد مرتضی شهشهانی موجود است.(۱)

ملّا رجبعلی تبریزی

آخوند ملّا رجبعلی تبریزی، عارف حکیم و ادیب شاعر [از مشاهیر فلاسفه اصفهان در قرن یازدهم هجری].

معاصر شاه عباس ثانی [اصلاً از تبریز بوده و از تاریخ ولادت او آگاهی نداریم. در اصفهان نزد جمعی از دانشمندان از جمله میرزا ابوالقاسم فندرسکی به تحصیل پرداخته است. او از فلاسفه پیرو مکتب مَشّاء بوده و با عقاید فیلسوف معاصر خود ملّا صدرا درباره موضوعاتی چون حرکت جوهری مخالفت می کرده است و برخی از شاگردانش نیز نحله ای جدا مقابل شاگردان ملّا صدرا را در فلسفه دنبال می کرده اند(۲)]

از اَوان شباب تا انتهای عمر لحظه ای در تحصیل علم کوتاهی نکرده و عمر را به قناعت و زهد سپری کرده است.

سالهای طولانی به تدریس مشغول بوده و در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان به تدریس [کتابهای فلسفی چون «اشارات» و «شفا»] مشغول بوده است. در عهد شاه عباس ثانی در محلّه عباس آباد ساکن بود. شاه عباس ثانی بنا به ارادتی که به او داشت خانه ای در محلّه شمس آباد در بیرون حصار اصفهان برای او خرید.

ملّا رجبعلی در اواخر عمر به عوارض کهولت همچون بیماری و ضعف مبتلا شده و قدرت تدریس را نداشته و لذا خانه نشین شده بود، تا اینکه در سال ۱۰۸۰ق وفات یافته است.(۳)

[در باب تاریخ فوت او اقوال مختلفی نقل شده است امّا صحیح ترین قول همان است

۱- بیان المفاخر، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲- بنگرید به: منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، قسمت اوّل، صص ۲۰۲-۲۷۱؛ شرح مشاعر لنگرودی: مقدمه، ص ۱۹.

۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۲۲۳؛ قصص الخاقانی، ج ۲، صص ۴۶-۴۸.

که میر عبدالحسین خاتون آبادی که معاصر ملّا رجبعلی است، در کتاب خود ذکر کرده و ذیل و قایع سال ۱۰۸۰ق فوت او را ثبت و ضبط نموده است.(۱)]

ماده تاریخ وفاتش را میرزا محمّد طاهر نصرآبادی گفته است:

«شهر تقوی و علم و دانش» را کرد «ملّا رجبعلی» خالی

[این بیت با ملاحظه تعمیه آن محاسبه شده ولی تاریخ ۱۰۸۰ق از آن به دست نیامد.]

صاحب ریاض العلماء به او اعتقادی نداشته و می نویسد: ملّا رجبعلی در علوم ادبی و دینی اطلاعاتی نداشته، لیکن در علوم عقلی استاد بوده و «شفا» و «اشارات» را تدریس می نموده، لیکن قدرت به نوشتن عربی نداشته است.(۲)

با این همه شاگردان بسیاری را تربیت کرده که از آن جمله اند:

[۱. میر محمّد اسماعیل خاتون آبادی ۲. میرزا محمّد حسین حکیم باشی قمی[۳. محمّد رفیع زاهدی معروف به «پیرزاده»۴. محمّد شفیع اصفهانی [۵. محمّد سعید حکیم باشی قمی معروف به «میرزا کوچک»]۶. محمّد سعید قاضی قمی۷. ملّا عباس مولوی [۸. میرزا عبداللّه یزدی (فرزند میراجری)۹. علیقلی بن قرچغای خان ترکمان ۱۰. ملّا فریدون شیرازی ۱۱. لطفعلی بیک افشار] ۱۲. میرزا قوام الدّین محمّد رازی طهرانی [۱۳. ملّا محمّد فاضل سراب ۱۴. آقا جمال الدّین محمّد خوانساری(۳)]

او در جوانی شعر می سروده و «واحد» تخلّص می کرده است. [از او رباعیاتی به جای مانده است ولی نسخه ای از دیوان او شناسایی نشده است و ظاهرا اشعار او در حدّ یک دیوان نبوده است.]

از اوست:

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۳۰.

۲- ریاض العلماء، ج ۲، صص ۲۸۳-۲۸۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۶۱۱.

واحد که به کوی دوست منزل دارد غم نیست اگر غم تو در دل دارد

پیوسته به تعمیر بدن مشغول است بیچاره همیشه دست در گل دارد(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «اثبات واجب تعالی با بیان معنی وجود و معنی اشتراک لفظی و معنوی» یا «رساله وجودیه» مشتمل بر مقدمه و ۵ مطلب و خاتمه، به فارسی، که نسخه های خطی فراوانی از آن در کتابخانه ها موجود است از جمله در کتابخانه های مجلس سنای سابق، مرعشی، مرکز احیاء اسلامی (قم)، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام اردکان، آستان قدس رضوی، و همچنین کتابخانه های خوانساری، تقوی، سیّد مهدی لاجوردی (قم)، ملّا محمّد حسین بن محمّد قاسم قمشه ای نجفی و غیره. آقا جمال الدّین محمّد خوانساری کتابی در ردّ این کتاب نوشته است.

«رساله وجودیه» ملّا رجبعلی در کتاب «منتخبات آثار حکمای الهی ایران» (قسمت اوّل) به چاپ رسیده است. ۲. «رساله در تطبیق آنچه شرع درباره معاد گفته با صفات نفس» [۳. «تعلیقات که مسائل چندی است حکمی از قسمت امور عامه» و به شماره ۳۸۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است(۲)]

۱- سایر منابع شرح حال: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۲؛ تذکره ریاض العارفین، (چاپ ۱۳۰۵ش)، ص۲۳۸؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۱۶۲؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۹۰؛ سخنوران آذربایجان، ج۲، ص۷۶۸؛ مفاخر آذربایجان، ج۳، صص ۱۳۶۴-۱۳۶۶؛ و ج۵، صص ۲۶۴۶-۲۶۴۸؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص ۳۴۰؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۸۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «واحد»، ص۳۱؛ تذکره روز روشن، صص ۶۸۲ و ۶۸۳؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفاء، ص۱۳۴.

۲- الذریعه، ج۱، صص ۱۰۴ و ۱۰۵ و ج۱۱، صص ۷۸ و ۷۹ و ج۲، ص۱۲۴۷؛ فهرست رضوی، ج۴، صص ۵۳ و ۱۵۱؛ فهرست احیاء، ج۵، ص ص ۲۷۸؛ فهرست مرعشی، ج۳۱، ص۷۲۳؛ فهرست امام صادق علیه السلام اردکان، ج۲، ص۲۴؛ آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۱۱۵؛ فهرست مجلس، ج۲، ص۱۷۶.

[در اینجا ضروری است تذکر داده شود که دو تألیف منسوب به ملّا رجبعلی تبریزی «کلید بهشت» و «مقاله فی أنّ الواحد لا یصدر عنه الّا الواحد» که با عنوان «الاصول الاصلیه» و «الاصل الأصیل» یا «الاصول الآصفیه» معرفی شده، نیز قطعا از او نیست و مطابق تحقیقات پردامنه و عالمانه علّامه دانشمند جناب آقای حاج سیّد محمّد علی روضاتی هر دو آنان از تألیفات محمّد سعید حکیم فرزند محمّد باقر و معروف به حکیم کوچک قمی است و انتساب این کتابها به شخص دیگری به نام قاضی سعید قمی نیز اشتباه است.(۱)]

آقا رجبعلی زارع اصفهانی

آقا رجبعلی بُرخواری اصفهانی متخلّص به «زارع» شاعر ادیب [از سخنوران قرن سیزدهم هجری] از علم و ادب بابهره بوده لکن در بلوک بُرخوار اصفهان به زراعت مشغول بوده است. وی در مدح منوچهر معتمدالدّوله حاکم اصفهان قصایدی سروده است.

از اوست:

زد تاج زرنگار مرصّع به سر چمن روییده شد بنفشه بر اطراف جویبار

گل زد به ناز بر سر خود تاج داوری بلبل نمود بر سر او جان خود نثار(۲)

ملّا رجبعلی مینو

ملّا رجبعلی متخلّص به «مینو»، شاعر ادیب، متوفّی در ۹ شوّال سال ۱۳۲۵ق مدفون

۱- دومین دو گفتار، صص ۴۱-۴۳.

۲- تذکره مدایح معتمدیه: خطی.

در صحن امامزاده احمد اصفهان.(۱)

رجبعلی نقاش اصفهانی*

رجبعلی نقاش اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. وی نزد میرزا علی نقاش، هنرنگارگری را آموخته و بدین مناسبت در آثار خود «حُسن کلک رجبعلی ز علی است» رقم می زده است.

از آثار او قلمدان های ارزنده و زیبایی موجود است.(۲)

رحمت اصفهانی*

رحمت بن ملک علی اصفهانی، از فضلاء دوره صفویه است. او «شرح کافی» (از اوّل کتاب الدّعا تا آخر کتاب العشره) تألیف: ملّا محمّد صالح مازندرانی را در دوشنبه ۱۵ جمادی الآخر ۱۱۰۰ق در مدرسه شیخ علیخان کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۶۶۵ در کتابخانه علّامه طباطبائی شیراز موجود است.(۳)

دکتر رحمت اللّه برجیان

دکتر رحمت اللّه برجیان، از اساتید پزشکی و اطبّاء حاذق معاصر. در سال ۱۳۰۲ش متولّد شده و تحصیلات ابتدایی و متوسّطه خود را در اصفهان به پایان رسانیده و در سال ۱۳۲۱ش به دانشکده پزشکی تهران رفت و در سال ۱۳۲۷ به اخذ دکترا نائل و تز خود را با عنوان «سندرم های دیسانتریفورم» ارائه نمود. سپس در فارس و تهران به

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۷۲؛ دانشمندان و و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۶۹؛ مزارات اصفهان، ص۹۵.

۲- هنر قلمدان، ص۱۱۲؛ دایره المعارف هنر، ص۲۴۹؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۲۳۹.

۳- نسخه پژوهی، دفتر دوّم، ص۱۸۳.

خدمت مشغول شد و در سال ۱۳۲۹ش به عنوان دانشیار کالبدشناسی آموزشگاه عالی بهداری اصفهان به کار مشغول گردید. وی علاوه بر تدریس کالبدشناسی، در بخش های جراحی بیمارستانهای خورشید و ثُریّا (کاشانی فعلی) به فعالیت مشغول بود. پس از آن در رشته جراحی عمومی و شکسته بندی در دانشگاه تهران دیپلم تخصصی دریافت نمود. از سال ۱۳۳۶ش در دانشکده پزشکی اصفهان به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۳۸ش به فرانسه رفته و در رشته جراحی و کالبدشناسی به تحقیق و تحصیل پرداخت و رساله او با عنوان «درمان شکستگی های ساق پا به وسیله پیوند استخوانی» مورد پذیرش قرار گرفت. او عضو انجمن انتروپولوژیست های پاریس بوده و آثاری را تألیف نموده است. از جمله با همکاری دکتر مرتضی حکمی «راهنمای کالبدشکافی» را تألیف کرده است.(۱)

[او سرانجام در اوایل ماه خرداد سال ۱۳۸۰ش درگذشت و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.]

استاد رحمت اللّه رضایت*

استاد رحمت اللّه رضایت فرزند استاد حاج محمّد علی، از معماران زبردست اصفهان است. در سال ۱۳۲۷ش در اصفهان متولّد شد و از کودکی نزد پدر و نیز استاد حاج مهدی رضایت (عمویش) و استاد نعمت اللّه رضایت (برادر بزرگتر خود) کلیه فنون معماری سنتی را فراگرفته و در مرمّت و بازسازی بسیاری از بناهای تاریخی اصفهان نقش فعال داشته است. او در زدن طاق و چشمه مهارتی به سزا داشته و از جمله در احداث طاق چشمه های بازار جنب درب شرقی مسجد جامع اصفهان (پس از بمباران مسجد جامع توسط هواپیماهای دولت عراق) به همراه سایر معماران اصفهان نقشی فعال ایفا کرده است)

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی، صص ۴۰ و ۴۱.

از دیگر آثار او احداث طاق های بازارچه مجلسی، احداث تعداد زیادی محراب و سردر در مساجد اصفهان و حومه، اجرای رسم بندی و مقرنس بندی امامزاده کرّار جی اصفهان. ساخت کاسه بندی های مصلای حضرت عبدالعظیم در شهر ری، ساخت مسجدی در دزفول، ساخت سردر ورودی امامزاده محمّد در خرم آباد لرستان، ساخت سردر امامزاده ابراهیم سعیدآباد گلپایگان، ساخت گنبد مسجد امام خمینی در اراک، ساخت مقرنس نعلبکی یکی از گلدسته های حرم مطهر حضرت زینب (س) در سوریه، بازسازی طاق های بازارچه حسن آباد اصفهان و غیره بوده است.

وی با اداره باستان شناسی اصفهان (و پس از پیروزی انقلاب با سازمان میراث فرهنگی) و اداره اوقاف در مرمّت آثار و ابنیه مذهبی و تاریخی همکاری داشته و مرحوم استاد حسین معارفی او را مورد تشویق و تقدیر قرار داده است.(۱)

شیخ رحمت اللّه فشارکی*

حاج شیخ رحمت اللّه فشارکی، عالم فاضل متبحّر، از علمای معاصر. در سال ۱۳۴۸ق در قریه «فشارک» از توابع کوهپایه اصفهان متولّد شد. تحصیلات مقدّماتی را در زادگاه خود طی کرده و در اصفهان ادامه تحصیل داد. سپس به مشهد مقدس هجرت کرده و در مدرسه نواب ساکن شد و تا سطوح درس خواند و به تدریس پرداخت. چندی بعد به قم رفته و سالها در محضر آیات عظام مرعشی نجفی، گلپایگانی، شریعتمداری و امام خمینی به تحصیل درس خارج مشغول شد. و همچنین علم هیئت را از محضر آیه اللّه مجد العلماء نجفی در اصفهان فرا گرفت. او از مدرسین معروف ادبیات و سطوح در قم است.(۲)

۱- معماران و مرمّت گران سنتی اصفهان، صص ۱۹۸-۲۰۲.

۲- گنجینه دانشمندان، ج۶، ص۱۱۱.

رحمت اللّه نجفی

سیّد رحمت اللّه پیشنماز معروف به «نجفی» عالم فاضل و صالح متّقی [از علماء قرن یازدهم هجری].

در اصفهان ساکن بوده و مورد احترام شاه عباس اوّل قرار داشت و از طرف او در لشکر شاه عباس سمت امامت جمعه را برعهده داشت. [از شاگردان شیخ زین الدّین (شهید ثانی) بوده و در علوم فقه، تفسیر و حدیث مرتبه ای عالی داشت و اکثر اوقات را صرف درس و بحث می نمود. شعر عربی را بسیار خوب می گفت.(۱)]

محمّدرحیم اصفهانی*

محمّد رحیم اصفهانی معروف به «حاجی رحیم» از خوشنویسان اصفهان است. خط نستعلیق را خوش می نوشت. قطعه ای به خط او با رقم «المذنب محمّد رحیم المدعو بحاجی رحیم الاصفهانی عفی عنه» در موزه کابل در افغانستان موجود بوده است.(۲)

محمّد رحیم ناظر

محمّد رحیم اصفهانی، از خوشنویسان خط نستعلیق در عصر صفویه است. معاصر شاه سلطان حسین صفوی و در دفترخانه سلطنتی ناظر بوده و در خط نزد محمّد صالح اصفهانی مشق کرده است.(۳)

رحیم اوستا

رحیم اوستا، از روزنامه نگاران معاصر. در اصفهان متولد شده و در این شهر سکونت داشت و در روشن ساختن افکار و رشد اجتماعی جامعه فعّالیت می کرد.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ۶۱۲؛ تاریخ عالم آرای عباسی، ج۱، ص۱۴۶؛ احیاء الداثر، ص۸۷؛ ریاض العلماء، ج۲، ص۳۱۰؛ الروضه النضره، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۱۸.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۲۱.

او روزنـامه «اوسـتا» را انتشـار داد که از روزنـامه هـای آبرومنـد اصـفهان به شـمار می رفت. همچنین او عضو هیأت امنـاء بقعه شهشهان و مسجد پاگودی بود.

سرانجـام در ۲۰ صـفر (اربعین) سـال ۱۳۹۷ق در اصـفهان وفـات یـافته و در یکی از اطـاق های صـحن امامزاده زینبیه اصـفهان مدفون گردید.(۱)

محمّد رحیم اصفهانی

محمّد رحیم بن محمّد ابراهیم اصفهانی [از خوشنویسان خط نستعلیق در قرن یازدهم هجری] در تاریخ ۲۰ صفر ۱۰۸۶ق کتابت نسخه ای از «کافی» را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است و نسخه در حاشیه تصحیح شده و حاشیه نویسی دارد.

کتاب به شماره ۲۴۵۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

رحیم صالح اصفهانی

رحیم صالح فرزند اسداللّه شیرانی اصفهانی، شاعر ادیب [از سخنوران قرن چهاردهم هجری].

در سال ۱۳۰۶ش در اصـفهان متولـد گردیـده و در کودکی پدرش را از دست داد و تحصـیلات مرتبی نداشت. فقط مدّتی در کلاسهای اکابر شرکت کرد و در جوانی به استخدام ارتش درآمد. کم شعر می گفت.(۳)

میرزا محمّد رحیم حکیم باشی

میرزا محمّـد رحیم حکیم باشی فرزنـد میرزا محمّـد بـاقر بن میرزا محمّـد رضا حکیم باشـی، از سلسـله سادات موسوی (حکیم سلمانی) اصـفهانی، از اطبّاء دربار شاه سـلطان حسـین (در قرن دوازدهم هجری) بوده [و از درباریات بسـیار بانفوذ به شمار می رفته و در

۱- تاریخچه ارزنان، ص۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۲۳۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۵۲.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۱.

تصـمیم گیری های دربار نقش مهمّی داشته] و سرانجام در [۲۵ جمادی الاوّل] سال ۱۱۳۷ق پس از سقوط اصفهان، به دستور افاغنه کشته شده است.(۱)

میرزا محمّد رحیم شیخ الاسلام

میرزا محمّـد رحیم (یا عبـدالرّحیم) شـیخ الاسـلام بن ملّا محمّـد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، عالم فاضل [از علمای مشـهور اصـفهان در قرن دوازدهم هجری]. او صـاحب مقامـات عـالیه علمی و جاه و مقام و احترام نزد علماء و رجال حکومتی بوده و ابتدا از طرف نادرشاه به منصب قضاوت و سـپس شیخ الاسلامی اصفهان منصوب شده است. [در کتابخانه اهدایی آقای مشـکات به دانشـگاه تهران، نسـخه ای از «اصول کـافی» وجود دارد که در آخر آن میرزا محمّـد رحیم جهت شـاگردش حـاج محمّد هاشم اجازه نوشته است.]

وی سرانجام در شب دوشنبه ۲۱ ذی الحجه سال ۱۱۸۱ق وفات یافت.

این کتابها از اوست: ۱. «الرّد علی الفاضل التُّنکابنی» ۲. «الرساله الهلالیّه»(۲)

میرزا رحیم اصفهانی*

میرزا رحیم اصـفهانی فرزند میرزا حسن، از ادباء و خوشـنویسان قرن سـیزدهم هجری است. خط نسـتعلیق را خوش می نوشته و روزی یک هزار سطر کتابت می کرده است.

لسان الملک سپهر سال فوت او را ۱۲۷۲ق نوشته است.(۳)

حاج سیّد رحیم منورعلی شاه دهکردی

۱- مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۷.

۲- تتمیم امـل الآمل، ص۱۵۲؛ الاجـازه الکبیره، ص۱۴۵؛ وقایع السّـنین و الاعوام، ص۵۷۲؛ اعیان الشیعه، ج۳۷، ص ۹۰؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۲؛ خاندان شیخ الاسلام، صص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ الکواکب المنشره، صص ۲۵۹ و ۲۶۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۲۹۲.

۳- تذکره خوشنویسان، ص۱۱۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ص۲۰۶.

حاج سیّد رحیم منوّرعلی شاه حقانی بن سیّد حسن دهکردی، از عرفای عالی مقدار و وارسته [در قرن چهاردهم هجری] خواهرزاده عالم جلیل آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی. در حدود سال ۱۳۰۰ق در شهرکرد متولد شده و در موطن خویش و اصفهان به تحصیل علوم قدیمه اشتغال جسته، دست طلب به دامان خالوی بزرگوارش میر سیّد احمد نوربخش معروف به «رحمت علی شاه» داده، از ایشان اذن ارشاد و هدایت یافته و بعدا خلیفه ایشان گردید.

او از فضلاء مشهور و عرفاء معروف سلسله خاکساریه بود. زمانی در اصفهان و اکثرا در شهرکرد به سر می برد، تا اینکه در روز ۹ محرم (تاسوعا) سال ۱۳۶۸ق در بیروت در مراجعت از مکّه معظمه وفات یافت و در آنجا مدفون گردید [گاهی به مذاق عرفانی خویش شعر می سروده و] در اشعار «منور» تخلّص می نمود. اشعاری از او در کتاب «برهان نامه حقیقت» تألیف: آقا سیّد احمد نوربخش دهکردی به طبع رسیده است.

از اوست:

روزگاریست ز جان در طلب یار شدم دل رها کرده و اندر پی دلدار شدم

خود خلاصی دگر از بهر من بیدل نیست به کمند سر زلفش چو گرفتار شدم(۱)

سیّد محمّد رحیم موسوی شهرستانی

سیّد محمّد رحیم بن سیّد محمّد حسن موسوی شهرستانی [از سادات و اعیان خاندان موسوی شهرستان اصفهان و فضلاء قرن یازدهم هجری] شاگرد میر محمّد صالح حسنی بوده و در سه شنبه ۱۴ ذیحجه ۱۰۹۶ق «حاشیه بر شرح عضدی بر مختصرالاصول» ابن

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۷۷ و ۱۷۸؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

حاجب تألیف: ملّا میرزا جان باغنوی را به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۶۲۰ ضمن مجموعه ای در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱)

رحیم اصفهانی*

رحیم فرزند آقا حسین بن آقامحمّد رحیم اصفهانی. از خوشنویسان نیمه نخست قرن سیزدهم هجری است. خط نستعلیق را خوش می نوشته است. او کتاب «ابومسلم نامه» را در سال ۱۲۳۷ق کتابت کرده که در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی در تهران وجود دارد.(۲)

محمّد رحیم بن محمّد رضا*

محمّد رحیم بن محمّد رضا، از خوشنویسان هنرمند اوایل قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و با شاه سلطان حسین صفوی معاصر است. خطوط نسخ و ثلث را با مهارت و زیبایی می نوشت.

از آثار او کتیبه سنگ قبر ملّا محمّد مسیح کاشانی به خط ثلث خوش و برجسته بر زمینه مرمر زرد با رقم و تاریخ: «کتبه العبد ابن محمّد رضا محمّد رحیم سنه ۱۱۲۰» است و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان وجود دارد.(۳)

ملّا محمّد رحیم تنکابنی*

ملّا محمّد رحیم بن آخوند ملّا سدید جیلانی (گیلانی) تنکابنی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری. در اصفهان ساکم بوده و نزد جمعی از فضلاء از جمله ملّا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی (فاضل سراب) به تحصیل پرداخته است.

۱- فهرست فیضیه (استادی)، ج۳، ص۱۵.

۲- نسخه های خطی، ج۲، ص۶۲.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۴۳.

وی در سال ۱۱۰۳ق نسخه ای از «سفینه النجّاه» تألیف: فاضل سراب را به خط نسخ خوش خود کتابت نموده و آنرا بر استاد قرائت نموده است. استادش این قرائت را تأیید کرده و ملّا رحیم را به عنوان «الفاضل الکامل الصّالح الدِّین، صاحب اخلاق الرّضیه و الملکات المرضیه» ستوده است نسخه نزد دانشمند معاصر جناب دکتر سیّد احمد تویسرکانی در اصفهان موجود است.(۱)

میرزا محمّد رحیم نظرعلی شاه نایینی*

میرزا محمّد رحیم ملقّب به «نظرعلی شاه» بن سعید بن رحیم منوچهری نایینی، عالم فاضل و عارف کامل و ادیب شاعر [از عرفای اوایل قرن سیزدهم هجری] در نایین متولد شده و در اصفهان به کسب علوم ظاهر پرداخته و در فنون علوم ماهر و قادر گردیده و سپس به شوق کسب معرفت و تزکیه و تصفیه نفس به خدمت نورعلی شاه اصفهانی رسیده و دست ارادت بدو داد و به سیر و سلوک مشغول گردید. در شعر گاهی «صحبّت» و گاهی «نظر» تخلّص می نمود.

از اوست:

طوس حریم حرم کبریاست مدفن پاک شه پاکان رضاست

کعبه اگر خانه آب و گل است طوس رضا کعبه جان و دل است(۲)

سیّد رحیم حسینی تنکابنی

۱- مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، صص ۱۲۶-۱۲۸.

۲- ریاض العارفین، (چ۱۳۰۵) ص ۳۳۰؛ طرائق الحقایق، ج۳، ص ۲۱۱، مکارم الآثار، ج۴، ص ۱۱۲۰؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۱۵؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۲۹۰.

سیّد رحیم بن محمّد شفیع حسینی تنکابنی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و از سیّد یوسف خراسانی قائنی کسب فیض نموده است.(۱)

[وی کتاب «الکواکب الضّیائیه» تألیف: سیّد یوسف خراسانی را به خط نسخ در رمضان ۱۲۳۲ق کتابت نموده که به شماره ۱۳۲۲۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

او همچنین بر کتاب «الکواکب الضّیائیه» حاشیه نوشته است. محمّد تقی بن محمّد مقیم موسوی که در سال ۱۲۳۷ق نسخه ای از «الکواکب الضیائیه» را کتابت نموده، این حواشی را نیز نقل کرده است. این نسخه به شماره ۸۰۸ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۳)

سیّد رحیم تنکابنی نسخه ای از «مفاتیح الشرایع» تألیف: فیض کاشانی را در سال ۱۲۲۷ق کتابت نموده که در کتابخانه عبدالوهاب فرید تنکابنی در رامسر موجود بوده است.(۴)]

حاج محمّد رحیم میناکار*

حاج محمّد رحیم میناکار فرزند آقا محمّد صادق، از هنرمندان عهد قاجاریه است. در میناکاری استاد بوده و در ماه رجب سال ۱۲۸۱ق وفات یافته و در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۵)

حاج میرزا محمّد رحیم شیخ الاسلام

حاج میرزا رحیم شیخ الاسلام فرزند میرزا عبداللّه بن میرزا رحیم بن میرزا مرتضی بن

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص ۲۳۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۳، ص۴۲۸.

۳- فهرست مدرسه صدربازار، ج۳، ص۶۰۳.

۴- فهرست خودنوشت فیض، ص۲۵۴.

۵- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

شیخ عبدالمطلب بن میرزا رحیم اوّل بن میرزا محمّد جعفر سبزواری بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری عالم فاضل جلیل [از علمای صاحب نفوذ در قرن سیزدهم هجری].

در اصفهان متولّد گردیده و هم در این شهر خدمت علماء و مجتهدین تلمّذ کرده تا به مقامات عالیه علم و کمال رسیده است. از اساتید او: حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی، آقا سیّد محمّد شهشهانی و حاج شیخ محمّد باقر [نجفی] مسجد شاهی را باید نام برد. مشارٌالیه پس از فوت پدر به منصب شیخ الاسلامی اصفهان برقرار گردید و دختر استاد بزرگوار خود حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی را به زوجیّت داشته و از این مخدّره صاحب شش فرزند و از جمله حاج میرزا حسن شیخ الاسلام گردید. او همچنین امام جماعت مسجد شیخ الاسلام در محلّه سینه پایینی بوده و در امر به معروف و نهی از منکر و رسیدگی به امور درماندگان و بیچارگان ساعی و کوشا و در برابر ظلم حکّام و مأمورین سدّی محکم و استوار بوده است. سجع مهر او عبارت «سلام قولاً من رب رحیم» و سجع مهر عیال ایشان جمله «آفتاب برج عصمت فاطمه» است.

این عالم جلیل در سال ۱۳۰۶ق وفات یافت.(۱)

حاج آقا رحیم ارباب

حاج آقا رحیم ارباب فرزند علی پناه، [عالم فاضل و حکیم بارع فقیه محقق، عارف ربّانی، قرن چهاردهم هجری در روز ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۹۷ق در روستای «چرمهین» از توابع لنجان متولّد شد. پدرش از اعیان و بزرگان ناحیه لنجان بود وی در ۷ سالگی به اصفهان رفت. مقدمات دروس حوزوی را نزد ملّا حسن همامی تحصیل کرد و سپس در درس سیّد محمود کلیشادی حاضر شد. آنگاه در درس فقه و اصول حاج میرزا بدیع درب امامی شرکت کرد. همچنین از محضر آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی و حاج آقا

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۲۹۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۲۰-۲۲۲.

منیرالدّین بروجردی بهره برد قسمتی از دروس فقهی را هم نزد جهانگیرخان قشقایی تحصیل کرد. فلسفه، ریاضیات، هیأت و منطق را نزد دو حکیم عارف: آخوند ملّا محمّد کاشانی و جهانگیرخان قشقایی آموخت. خارج فقه و اصول را هم از محضر آقا سیّد محمّد باقر درچه ای بهره گرفت. او در جامعیّت و احاطه به انواع علوم و معارف اسلامی همچون فقه، اصول، کلام، منطق، فلسفه، ادبیات فارسی و عرب، هیأت، ریاضیات و نجوم کم نظیر بود.

عمر خود را صرف تحصیل، تحقیق، مطالعه، تدریس و بیان احکام دین و تهذیب نفس و عبادت نمود.

از نظر اخلاقی یک انسان کامل بود و وجودش از کینه، خودخواهی و تکبّر و طمع خالی بود. نسبت به کوچک و بزرگ تواضع داشت و از ریاکاری و خودنمایی به دور بود و نسبت به همه با حُسن خلق و احترام رفتار می نمود. عدّه زیادی از بزرگان و دانشمندان در محضر ایشان حاضر می شدند و کسب فیض می کردند از جمله استاد بدیع الزّمان فروزانفر که گفته بود: «وقتی به اصفهان می آیم دو قبله دارم یکی آیت اللّه ارباب و دیگری محمّد باقر الفت».]

مرحوم ارباب از قائلین به وجوب عینی نمازجمعه در زمان غیبت امام علیه السلام ، بود و سالها آن را در منزل و سپس در مسجد گرک یراق و بعدا در مسجد جامع و چندین سال در مسجد درکوشک اقامه می نمود و چون در ماه صفر سال ۱۳۶۸ق مرحوم آقا میر محمّد مهدی سلطان العلماء به امامت جمعه اصفهان منصوب گردید، مرحوم آقای ارباب تا اواخر عمر نمازجمعه را در مسجد قریه گورتان (در سمت مغرب اصفهان در کنار جاده نجف آباد) اقامه می نمود.

حوزه تدریس او از حوزه های تحقیقی و ممتاز به شمار می رفت. مدّتی در مسجد حکیم و سپس در منزل خود به تدریس پرداخت و عدّه زیادی از فضلاء و علما معاصر اصفهان از تربیت یافتگان آن مرحوم می باشند.

[از جمله فتاوای ایشان اعتقاد به وجوب نمازجمعه در عصر غیبت، طهارت اهل کتاب، و ارث بردن زوجه از زوج پس از فوت او از تمام ماترک او حتّی زمین بوده است.

این عالم ربانی در اواخر عمر نابینا شد و باقی عمر را به صبر و رضا گذراند] تا اینکه در شب چهارشنبه ۱۸ ذی الحجه سال ۱۳۹۶ق وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفات او را ضمن قطعه ای چنین گفته اند:

جبرئیل سر فرو کرد در جمع و گشت تاریخ: «حاج آقا رحیم ارباب ازین جهان برفته»(۱)

میرزا رحیم کلانتر

میرزا رحیم کلانتر فرزند میرزا محمّد علی موسوی، از سادات حکیم سلمانی، شاعر و ادیب فاضل. از چهره های قرن سیزدهم هجری.

او مردی شریف، نجیب و کریم الطّبع بوده و حمام و بازارچه کلانتر در کوچه گلبهار اصفهان منسوب به اوست. سرانجام در جمعه غرّه رمضان ۱۲۹۵ق وفات یافت و در تکیه خاندان کلانتر در تخت فولاد مدفون شد. حاج میرزا بهاء خواجویی شاعر اصفهانی ضمن قطعه ای گفته است:

سروش گفت «بها» را برای تاریخش کلانتری جان را رحیم داد بدو(۲)

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۸۶ و ۱۸۸؛ نقباء البشر، ج۲، صص ۷۲۱ و ۷۲۲؛ الاجازه الکبیره، ص۵۹؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۷۶؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۱۰۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۴۵۰-۴۵۵؛ مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص۱۵۱؛ روزنامه رسالت، شماره ۱۸۱، ۴ تیر ۱۳۶۵، ص۴؛ کارنامه همایی، صص ۴۸-۵۱؛ آیین فرزانگی، ج۱، صص ۵۳-۶۶؛ ارباب معرفت: اغلب صفحات.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۱۰۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۸.

محمّد رحیم خوشنویش اصفهانی

محمّد رحیم بن آقا غلامعلی خوشنویس اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن سیزدهم هجری. خط نسخ را خوش می نوشته و در اصفهان سکونت داشته است. [وی قرآن ها و ادعیه بسیاری را به خط خوش خود کتابت کرده که از جمله یکی از آنها را جهت «دبیر الملک» در سوم رجب ۱۲۷۹ق کتابت نموده که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است. قرآن دیگری نیز مورّخ رجب ۱۲۸۱ق ازا و به جای مانده است.

وی ظاهرا خط نسخ را نزد پدر تعلیم دیده است.(۱)]

میرزا رحیم چلبی*

میرزا رحیم بن محمّد قاسم چلبی تبریزی، از ادباء و شعرای اصفهان در قرن یازدهم هجری. در عباس آباد ساکن بوده و ظاهرا به هند رفته و آنجا فوت شده است. او جوانِ قابل آراسته ای بود.

از اوست:

می ستاند صد دل و یک دل نمی دارد نگاه زلف را این باد دستی ها پریشان کرده است(۲)

رحیم نقاش اصفهانی*

رحیم نقاش اصفهانی فرزند کرمعلی و از نوادگان کاظم بن نجفعلی (آقا نجف نقاش) اصفهانی، از هنرمندان ماهر قلمدان ساز و نقاش دوره قاجاریه است.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۸۵۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۸۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۷۱؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۳۸.

قلمدان های زیبایی از او با رقم «رحیم بن کرمعلی» دیده شده است.(۱)

محمّد رحیم بن میرزا محمّد

محمّد رحیم بن میرزا محمّد، کاتب نستعلیق نویس در روز دوشنبه ۱۰ جمادی الثّانیه ۱۲۱۹ق، از کتابت کتاب «روضه الانوار عباسی» تألیف: ملّا محمّد باقر سبزواری فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۳۰۰۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

آقا محمّد رحیم مازندرانی

آقا محمّد رحیم بن نورالدّین محمّد بن ملّا محمّد صالح مازندرانی، عالم فاضل [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری] در علوم زمان خود خصوصا فقه و حدیث ماهر بوده و بر «حاشیه معالم» جدّش ملّا صالح مازندرانی حاشیه نوشته است.(۳)

محمّد رحیم اخوت

محمّد رحیم اخوت فرزند سیّد محمّد فرزند سیّد محمود، از منتقدان ادبی و داستان نویسان معاصر اصفهان. در آذر ماه ۱۳۲۴ش در محلّه احمدآباد اصفهان متولّد شد. دوره تحصیلات ابتدایی را در مدرسه جلالیه و سیکل اول متوسّطه را در دبیرستان گلبهار و سیکل دوم متوسطه را در رشته ادبی در دبیرستان کازرونی طی نمود. پس از اتمام تحصیلات متوسطه، به عنوان «سپاهی دانش» در روستاهای رزن همدان تدریس کرد. پنج سال هم در «ورزنه» اصفهان آموزگار بود. آنگاه در «سگزی» واقع در شرق

۱- هنر قلمدان، ص۱۴۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۰، ص۱۹۳۱.

۳- مرآه الاحوال جهان نما، ص ۲۷۰ و ۱۳۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸۴؛ تتمیم امل الآمل، ص۱۵۳؛ الذریعه، ج۶، ص ۸۰؛ الکواکب المنتشره، ص ۲۶۰.

اصـفهان تدریس کرد و همزمان در دانشسـرای راهنمایی در رشـته علوم انسانی به تحصـیل مشـغول شد و بلافاصله در دانشگاه اصفهان پذیرفته شده و ادامه تحصیل داد و به دریافت لیسانس زبان و ادبیات فارسی نائل شد.

در سـال ۱۳۶۰ش پس از چنـدی تـدریس در دبیرسـتانها، از خـدمت در آموزش و پرورش اجبـارا بازنشسـته شـد و به کارهای متفرقه پرداخت. او سالهاست که در امور شهرسازی و معماری به مطالعه مشغول است.

او در نوجوانی شوق نوشـتن یـافت و داسـتانهایی را نوشت. اوّلین نوشـته های او در سال ۱۳۴۶ش در مجلّه «فردوسـی» به چاپ رسـید. او در دور دوم فعالیّت اصـحاب جُنگ اصـفهان به آنان پیوست و در جلسات آنان شـرکت کرد و پس از پراکنده شدن اعضـای جُنـگ، در هیـأت تحریریه فصـلنامه «زنـده رود» حضور یافت. او مقالات بسـیاری در مقوله های گوناگون فرهنگی به چاپ رسانده است.

کتابهای زیر از محمّد رحیم اخوت به چاپ رسیده است:

۱. «تعلیـق» (داسـتان بلنـد)۲. «چهارفصـل» (در بـازخوانی شـعر)۳. «نیمه سـرگردان مـا» (مجمـوعه داسـتان)، برنـده جـایزه بنیـاد گلشیری۴. «شـکارچی خرگوش» (در شـعر و زنـدگی تِد هیوز و سـیلویا پلات) با همکاری حمید فرازنده۵. «نـام ها و سایه ها» (رُمان)۶. «خورشید» (یک داستان بلند)۷. «داستانهای ۸۴» (۹ داستان کوتاه)۸. «پاییز بود» یا «داستانهای ۸۵» (مجموعه ۹ داستان کوتاه)۹. «نمی شود» (رُمان)(۱)

میرزا محمّد رحیم میردامادی

میرزا محمّد رحیم کبیر (میردامادی) بن میر مرتضـی بن میر محمد اشـرف بن سیّد عبدالحسیب محمّد میردامادی سدهی بن میر سیِّد احمد علوی عاملی، عالم فاضل جلیل، از علمای اواخر قرن دوازدهم هجری بوده و در سِدِه ماربین [خمینی شـهر فعلی] به تبلیغ

۱- نشریه «هنگام» (ویژه محمّد رحیم اخوت).

و ترویج شریعت می پرداخته است.(۱)

میرزا رحیم شیخ الاسلام

میرزا رحیم شیخ الاسلام بن میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب بن میرزا رحیم اول بن میرزا محمّد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، عالم فاضل [از فضلاء قرن سیزدهم هجری].

در اصفهان متولّد شده و در سال ۱۲۲۶ق پس از فوت پدر، به منصب شیخ الاسلامی اصفهان تعیین گردید. در اصفهان تحصیلات علوم دینی را انجام داده بود. سرانجام در جمعه ۹ صفر ۱۲۴۹ق وفات یافته و در بقعه تکیه خوانساری ها در تخت فولاد مدفون شد. [بر روی قبر او سنگ مرمر نفیسی با حجّاری عالی و خطوط ثلث و نستعلیق خوش نصب است و در حاشیه اشعاری از «حسین ضیاء اصفهانی» در مرثیه او نقر شده که مادّه تاریخ آن چنین آمده است]:

ندای اِرجِعیَش چون به گوش هوش رسید سروش عالم غیبی ز سوی جنّت مأوا

نوشت کلک «ضیاء» از برای سال وفاتش: «رحیم را که کند رحم جز رحیم بِعُقبا»(۲)

محمّد رحیم آسف نجف آبادی*

محمّد رحیم نجف آبادی متخلّص به «آسف» فرزند آقا مسلم بن هادی بن نامدار، شاعر ادیب از سخنوران قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۱۸۵ق در نجف آباد متولّد شده

۱- لطائف غیبیه: مقدمه، ص۲۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۳۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۲۹۴؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۳۴۱.

و در آنجا علم و ادب آموخت. در انواع شعر خصوصا غزل مهارت داشته و دیوان او با عنوان «زِبَرجد سقف لیلی پوش» به کوشش آقای علی یزدانی در سال ۱۳۸۶ش چاپ شده است.

او سرانجام در سال ۱۲۷۰ق وفات یافته و در قبرستان قدیم نجف آباد مدفون شد و امروزه مزار او از بین رفته است.

از دیگر آثار او یک بیاض شامل اشعار «مثنوی پیر و جوان» نصیر اصفهانی، «ترکیب بند» هاتف اصفهانی و چند شعر از شاعران مختلف است که آنرا در سال ۱۲۵۴ق جمع آوری و به خط خود نوشته است.

از اوست:

ای یوسف ثانی که در اقلیم ملاحت مثل تو به هر مصر به بازار نیامد

رحمی به من دلشده کن کز غم هجران یک بار مرا نخل اَمَل بار نیامد(۱)

میرزا محمّد رحیم عقیلی

میرزا محمّد رحیم بن محمّد مؤمن عقیلی استرآبادی، عالم فاضل [از علمای قرن یازدهم هجری] از نوادگان دختری شیخ لطف اللّه عاملی است.(۲) در اصفهان ساکن بود و [به نوشته «محمّد صالح اصفهانی» در کتاب «تذکره خوشنویسان»: «از فضلای عصر و اعاظم سادات بود. قلم تندی داشت. برهنه نویس بود. پس از رشیدا می زیست.(۳)]

او در زمره علمایی است که خط او در خطبه اول جامع الرّواه موجود است.(۴)

۱- دیباچه دیار نون، صص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ زبرجد سقف لیلی پوش، صص ۲۵-۳۱.

۲- الذریعه، ج۱، ص۹۵؛ الکواکب المنتشره، ص ۲۶۰.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص ۷۲۰.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۶۳.

رحیم خان بیگلر بیگی

رحیم خان بیگلر بیگی امین الرعایا، از صاحب منصبان نیکوکار قرن سیزدهم هجری در اصفهان.

وی پس از آنکه میر سیّد حسن مدرس از مجتهدین عالی مقام اصفهان مسجدی را در محلّه نو بنا کرد ولی موفق به اتمام آن نشد و وفات یافت را تکمیل نموده و برادرانش محمّد کریم خان و محمّد حسین خان، ساختمان آن را به پایان رساندند. مسجد به نام «رحیم خان» معروف است و از آثار باستانی و نفیس دوره قاجاریه به شمار می رود.(۱)

رحیم زری باف*

رحیم زری باف، از هنرمندان موسیقی اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. او به شغل موروثی زری بافی امرار معاش می کرد و در زمان خود از خوانندگان بسیار مشهور اصفهان به شمار می رفت. وفاتش در ۸۰ سالگی در حدود سال ۱۳۱۲ق واقع شد.(۲)

سیّد محمّد رحیم سدهی

حاج سیّد محمّد رحیم سدهی معروف به «حاج آقا سدهی» عالم فاضل [در اواخر دوره قاجاریّه] از موثّقین نزد امام جمعه اصفهان بوده و در شب ۱۸ صفر سال ۱۳۳۷ق در سفر زیارت در مشهد مقدّس وفات یافت.(۳)

محمّد رحیم طالقانی

محمّد رحیم طالقانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه شاهزاده ها در

۱- مزارات اصفهان، ص۱۶۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۴۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۷.

اصـفهان به تحصـیل مشغول بوده و در این مدرسه نسخه ای از «حاشیه شرح تجرید جدید» تألیف: ملّا عبدالرزّاق فیاض لاهیجی را در سال ۱۲۱۷ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

رحیم قهدریجانی

رحیم قهـدریجانی [از نویسـندگان کتب در قرن یازدهم هجری و از اهالی «قهدریجان» لنجان اصـفهان] در سال ۱۲۱۸ق نسخه ای از «الفوائد الضیائیه» شرح جامی را به خط نسخ جهت میر محمّد جعفر نوشته است. کتاب به شماره ۱۴۸ در کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع طهران موجود است.(۲)

شیخ رحیم مایل اصفهانی

شیخ رحیم اصـفهانی متخلّص به «مایل» شاعر و خوشـنویس ادیب از سخنوران قرن سیزدهم هجری. در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته و نزد درویش عبدالمجیـد مشق خـط کرد و خـط شکسـته را خوش نوشت. امّا بین او و اسـتادش کـدورتی واقع شده و او درویش را هجو کرد. بدین خاطر آن حُسن خط را یکسره از دست بداد.

شعر نیز می سرود. از اوست:

دنبال دل فتاده به هر خانه می روم دیوانه ام که از پی دیوانه می روم(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۵، ص۱۶۶.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ص۳۳۳.

۳- تـذکره نگارسـتان دارا، ج۱، ص۲۵۴؛ تذکره سـفینه المحمود، صـص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ تذکره منظوم رشـحه، صـص ۶۸ و ۶۹؛ تذکره دلگشا، ص ۵۳۹ و ۵۴۰؛ تذکره لفصحاء، ج۵، ص۹۳۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۵۰۱؛ تذکره شبستان، ص۳۲۷؛ تذکره انجمن خاقان، ص۶۲۴.

ملّا محمّد رحیم یزدی

ملّـا محمّـد رحیم یزدی [از فضـلاء و علمـای قرن یـازدهم هجری] در اصـفهان ساکن بوده و در مسـجد شاه [مسـجد امام فعلی] تدریس می نموده و نامش در وقفنامه مسجد مزبور ذکر شده است.

او همچنین وقفنامه مدرسه نوریه را گواهی و امضاء نموده است. سجع مهر او «سلام قولاً من رب رحیم» است.(۱)

رزق اللّه تمیمی اصفهانی

ابومحمّـد رزق اللّه بن عبـدالوهاب بن عبـدالعزیز بن حارث بن اسد بن لیث بن سـلیمان بن اسود بن سـفیان بن زید بن اکینه بن عبـداللّه تمیمی، از محـدّثین حنبلی اصـفهان در قرن پنجم هجری. در اصـفهان ساکن بوده و از پـدرش عبدالوهاب نقل حدیث نموده و عبدالعزیز بن محمّد آدمی و ابوالمعالی مطهر بن مفضل کاتب اصفهانی از او روایت می کنند.(۲)

رستم بیگ آق قویونلو

رسـتم بیـگ آق قویونلو، در محله درکوشک در جنب مـدرسه و مسـجد، قبرسـتان بزرگی بوده که تا این اواخر قسـمتی از آن باقی بود و سر در آن از آثار باسـتانی اصـفهان به شمار می رفت که به چهلستون منتقل گردید. در این قبرستان عدّه کثیری از فضـلاء و دانشـمندان و عرفاء و وزراء مدفون بوده اند. در پشت سـر آن، بقعه ای وجود داشـته که جزو خانه های اطراف شده، بقعه ای در آنجـا بـود. مشـهور در بین عمـوم مردم آن بـود که مقبـره متعلّـق به رسـتم بیـگ بن مقصـود بیـگ بن امیرحسن، از حکمرانان آق قویونلو

۱- تاریخچه اوقاف اصفهان، صص ۶۰ و ۱۰۱.

۲- میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۳۴.

می باشد. مشارالیه در سال ۹۰۳ به دست احمد بیگ اغرلو محمّد بن امیر حسن عموزاده خود کشته شده است.(۱)

میرزا رستم گورکانی

میرزا رستم بن عمر شیخ بن امیر تیمور گورکانی، از طرف شاهرخ حکومت اصفهان را داشته و در سال ۸۲۴ق در اصفهان وفات یافته و مدفون گردید.(۲)

رستم مدینی اصفهانی

قاضی ابوالقاسم رستم بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن عبدالرّحمان بن زیاد مدینی تانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری. ابوسعد سمعانی از او به عنوان «کان اماما فاضلاً بهی النّظر» یاد کرده و نوشته که متصدی قضاوت اصفهان بوده است. از جدّ خود عبدالرّحمان بن محمّد استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده است.

فوت او در ۸ محرم سال ۵۴۰ق در اصفهان(۳) [اتّفاق افتاد].

رستم خسروی بختیاری

آرستم بختیاری، از بزرگ زادگان ایل احمد خسروی بختیاری [از شعرای قرن چهاردهم هجری].

در حدود سال ۱۳۱۰ق متولّد شده و علاوه بر معلومات ادبی و تاریخی در نقاشی و گلدوزی استاد هنرمندی بود. اشعار زیادی گفته است.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۱۳ و ۶۱۴.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۳.

۳- التّحبیر، ج۱، ص ۲۸۰.

از اوست:

دنیاست تخته، خلق بود مهره، طاس بخت تا بر که طاس روی کند در قمار عشق(۱)

رسول بهروان

رسول بهروان بن محمّد جواد، شاعر ادیب [از سنخوران قرن چهاردهم هجری [در سال ۱۳۱۵ق در کوهپایه اصفهان متولد گردید. در کسب علوم و فضائل خصوصا تاریخ و ادب رنجها برده و زحمت ها کشیده و از اساتید فنّ شعر و ادب در اصفهان بود. او سالها در دبیرستانهای اصفهان به تدریس ادبیات مشغول بود [و سرانجام در ۱۳ فروردین ۱۳۴۴ش وفات یافته و در تکیه خلیلیان واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد]. در شعر طبعی روان داشت.(۲)

بهروان برادر شاعر مشهور حسین سخنیار (مسرور اصفهانی) است.

شیخ رسول جعفریان*

رسول جعفریان (فرزند عباس) نویسنده، محقّق، مورّخ و دانشمند فاضل معاصر، در سال ۱۳۴۳ش در قریه پزوه از شهر «خوراسگان» (از توابع اصفهان) در خانواده ای با ده فرزند به دنیا آمد. دوره دبستان و راهنمایی را در زادگاهش گذراند و سپس برای تحصیل علوم به اصفهان آمد و به مدرسه ذوالفقار رفت. وی در مدت اقامت در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون «نیماورد»، «نوریه» و «جده کوچک» استفاده می کرد.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۷۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۵۳۹ و ۵۴۰؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

رسول جعفریان در سال ۱۳۵۷ش و در آستانه پیروزی انقلاب، برای ادامه تحصیلات حوزوی، راهی شهر مقدس قم شد. نخست به مدرسه خان رفت و سپس در مدرسه رسالت، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیدی چون آیات: جوادی آملی، مصباح یزدی، ممدوحی، منتظری، گرامی، سیّد مهدی روحانی، سیّد محسن خرازی و نیز علّامه جعفر مرتضی جبل عاملی بهره برد. در سال ۱۳۵۹ش در دوره آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاه ها، در سال ۱۳۶۱ش به تدریس معارف اسلامی و تاریخ اسلام در دانشگاه های اصفهان و تهران مشغول شد که تا سال ۱۳۷۳ش ادامه داشت.

اولین اثر جعفریان در سال ۱۳۶۴ش با عنوان «پیش درآمدی بر شناخت تاریخ اسلام» منتشر شد. دومین اثر کتاب «اکذوبه تحریف القرآن بین الشیعه و السنه» بود. از آن پس تاکنون بیشتر نوشته های وی چهار حوزه تاریخ اسلام، تاریخ شیعه، تاریخ صفوی و تاریخ معاصر است. شماری از کارها تألیف، برخی تصحیح و اندکی هم ترجمه است. وی در سال ۱۳۷۴ش کتابخانه تخصصی اسلام و ایران را در قم تأسیس کرد که تاکنون فعال است. در سال ۱۳۷۹ش عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه شد و در سال ۱۳۸۵ش به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، گروه تاریخ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۸۷ش ریاست کتابخانه مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد.

به کوشش های پی گیر خود در زمینه تألیف، تصحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریخ اسلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

برخی از آثار وی عبارت است از:

۱. «تاریخ سیاسی اسلام» دو مجلد۲. «تاریخ تشیع در ایران»۳. «مقالات تاریخی» هجده مجلد۴. «سیاست و فرهنگ روزگار صفوی» دو مجلد۵. «جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷»۶. «آثار اسلامی مکه و مدینه»۷. «تاریخ ایران اسلامی» چهار مجلد۸. «تأملی در نهضت عاشورا»۹. «حیات فکری

سیاسی امامان شیعه» ۱۰. «دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از دوره صفوی» تصحیح ۱۱. «تاریخ مکه» ترجمه ۱۲. «رسائل حجابیه» دو مجلد، تصحیح ۱۳. «تشیع در عراق و مناسبات با ایران» ۱۴. «درک شهری از مشروطه (مقایسه مشروطه اصفهان و تبریز)» ۱۵. «تاریخ تحول دولت و خلافت در اسلام، و ده ها اثر دیگر.

براستی رسول جعفریان را می توان از مفاخر فرهنگی اصفهان بلکه ایران دانست. وی از کسانی است که متجاوز از یکصد اثر از او منتشر شده است و این هنوز از نتایج سحر است باش تا صبح دولتش بدمد.

محمّد رشید اصفهانی*

مولی محمّد رشید بن محمّد علی اصفهانی. از فضلاء و محدّثین قرن یازدهم هجری است. در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و نزد علّامه مجلسی فراگیری حدیث و معارف اسلامی مشغول بوده است.

او کتابهای «اختیارات الایام»، «شکیّات»، «صیغ العقود» و «میزان المقادیر» از تألیفات علّامه مجلسی را در سال ۱۰۹۴ق کتابت کرده که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

او همچنین جلد هجدهم «بحارالأنوار» را در ۲۶ ربیع الثّانی ۱۰۹۶ق به خط نسخ کتابت کرده و علّامه مجلسی اَنهائی برای او در آخر کتاب به تاریخ آخر ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق نوشته است. این نسخه در کتابخانه مدرسه غرب همدان وجود دارد.(۲)

ملّا محمّد رشید جعفری شیرازی*

ملّا محمّد رشید بن محمّد مقیم جعفری شیرازی، فاضل ادیب و شاعر، از سخنوران

۱- فهرست الفبائی رضوی، صص ۶۴۵ و ۶۲۰ و ۶۵۳ و ۶۵۶ و ۶۷۶.

۲- فهرست مدرسه غرب، ص۶۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۶.

قرن یـازدهم هجری. از اغلب علوم بهره وافی داشت و در خـدمت میرزا علیرضـا شیخ الاسـلام به نوشـتن سـکوک و سِـجِلات مشغول بود.(۱)

وی نسـخه ای از کتـاب «الروضه البهیه» تألیف: شـهید ثانی را در رمضان ۱۰۹۰ق کتابت نموده و در حاشـیه آن فوایـد علمی و تعلیقات عالمانه ای افزوده که تاریخ نوشتن آنها ۱۰۹۳ق بوده است و بر تبحّر او دلیلی روشن و آشکار است.(۲)

این بیت از اوست:

اشک نگذارد عیان در چهره ام احوال دل خوب نتوان خواند مکتوب در آب افتاده را

رشید تبریزی

رشـید تبریزی معروف به «رشـیدای زرگر» از شعرای قرن یازدهم هجری است. در فن زرگری و میناکاری مثل و مانند نداشت. در شعر نیز قریحه ای توانا داشت و طبعش به هزل و هجو مایل بود. سفری به هند رفت و بازگشت و به خاطر هنر خود نزد شاه سلیمـان صـفوی کمـال احترام را داشت. او از تبریزیـان سـاکن محلّه عباس آباد اصـفهان بود. فوتش قبل از سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) اتفاق افتاد.

[«کلیات اشـعار رشـیدا» (شامل منظومه های «مثنوی در تتبع مخزن الاسرار»، «حسن گلوسوز»، «رنگ ارژنگ» (یا «سبعه سیّار»)، «قضا و قدر»؛ «ساقی نامه» با عنوان «میکده شوق»، «جواهر الاسـرار» و مقطعات، ترجیعات، ترکیبات و رباعیات) به شماره ۵۲۶۶ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.]

از اوست:

مشهور و خفی چو گنج دقیانوسم پیدا و نهان چو شمع در فانوسم

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۲۶.

۲- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۸۹.

القصّه درین چمن چو بید مجنون می بالم و در ترقّی معکوسم(۱)

محمّد رشید رشیدی اصفهانی

محمّد رشید اصفهانی متخلّص به «رشیدی»، از شعرای قرن دهم هجری و معاصر شاه طهماسب صفوی بوده است.

از اوست:

شود از دیگران در خشم و بر من دامن افشاند غباری در دل از هرکس که دارد بر من افشاند(۲)

شیخ رشیدالدّین اصفهانی

شیخ رشیدالدّین بن شیخ ابراهیم اصفهانی، عالم فاضل، [از دانشمندان قرن دهم هجری] از شاگردان شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (پدر جناب شیخ بهائی) بوده است. صاحب ریاض (ملّا عبداللّه افندی) می نویسد: در اردبیل نسخه ای از «اربعین» تألیف شیخ حسین را دیدم که شیخ به خط خودش به رشیدالدّین اجازه داده و مقام علمی او را ستوده بود.(۳)

تاریخ اجازه ۱۹ جمادی الاول ۹۷۱ق است.

محمّد رضا آتشزاد*

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۵۳ و ۵۵۴؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۴۲؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۵۹؛ تذکره روز روشن، صص ۲۹۲ و ۲۹۳؛ الذریعه، ج۹، صص ۳۶۰ و ۳۶۲؛ سخنوران آذربایجان، صص۳۶۹-۳۷۳.

۲- تذکره روز روشن، ص۲۹۶، تاریخ نظم و نثر، ص۶۷۶؛ الذریعه، ج۹، ص۳۶۲؛ اثرآفرینان، ج۳، ص۱۱۶.

۳- ریاض العلماء، ج۲، ص۳۱۱ و ج۷، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ احیاء الدّاثر، ص۸۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۴، اعیان الشیعه، ج۳۲، ص۳؛ الذریعه، ج۱، ص۱۸۶، تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۵۳.

محمّد رضا آتشزاد، نقاش و هنرمند معاصر در سال ۱۳۳۷ش در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل در مقطع ابتدایی در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان در رشته نقاشی طبیعت به تحصیل پرداخت و دیپلم گرفت. سپس در رشته نقاشی به تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای تهران پرداخت ولی عاقبت تغییر رشته داده و در رشته معماری ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۶ش از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التّحصیل شد.

او از نقاشان آبرنگ است و به نقاشی طبیعت علاقه زیادی دارد و نوآوری ها و نوجویی های او به همراه مطالعه گسترده در نقاشی غرب، به آثار او غنای خاصّی داده است.

آثار او در بسیاری از نمایشگاههای داخلی و خارجی به نمایش گذاشته شده است. همچنین پنج آلبوم از تابلوهای او به چاپ رسیده است.

از تابلوهای او می توان به «سروهای برف زده»، «انتظار»، «گل نرگس»، «بندر انزلی»، «گلدان و ماه»، «برگها و فنجان»، «رُزهای قرمز»، «چهلستون» و «مردم و پل خواجو»(۱)

محمّد رضا آدریانی

محمّد رضا آدریانی [از نویسندگان کتب و کاتبان بوده] مجموعه ای از «اصول حدیث» از جمله «اصل محمد بن المثنی» را به خط نسخ کتابت نموده که ضمن مجموعه شماره ۲۹۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[آدریان مرکب از آدر (=آذر) + یان (پسوند مکان) از روستاهای کهن بلوک ماربین و اکنون از محله های خمینی شهر اصفهان است.]

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۱، صص ۱۲-۱۴؛ مجلّه دنیای سخن، شماره ۳۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۹، ص۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۱۳۶.

میرزا رضا آریان

میرزا رضـا آریـان، [از شـعرای قرن چهاردهم هجری] در حـدود سال ۱۲۶۰ش در ملاـیر متولّـد شـده و عمر خود را به مشاغل دولتی در شـهرهای مختلف خصوصـا طهران و اصـفهان به سـر برده و سالها در اصـفهان ساکن بوده است. او از وزارت دارایی بازنشسته شده گاهی شعر می سرود و «رضا» تخلّص می کرد.

از اوست:

شد هوا چون نافه چین عنبرین آمد بهار ماه فروردین چو نوروز برین آمد بهار(۱)

سیّد محمّد رضا ابن الرّسول*

حاج سیّد محمّد رضا ابن الرّسول، عالم فاضل معاصر در خمینی شهر متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله: آقا سیّـد مهـدی درچه ای، سـیّد محمّد مدرس نجف آبادی، شـیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، آقا سـیّد محمّد رضا خراسانی، سیّد عبداللّه ثقه الاسلام، حاج سیّد محمّد صادق مدرس خاتون آبادی و شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی تحصیل نمود. او در روسـتای اصـغرآباد خمینی شهر به اقامت جماعت و ارشاد مردم مشغول بود. او پس از عمری صداقت و تقوا در نوروز سال ۱۳۳۰ش وفات یافت و در مقبره عمومی درب سیّد فروشان در خمینی شهر مدفون شد.(۲)

محمّد رضا اخگر اصفهانی

محمّد رضا اصـفهانی متخلّص به «اخگر» شاعر و خوشـنویس ادیب، از سـخنوران قرن یازدهم هجری. در اصـفهان می زیسته و ظاهرا به خواهش محمود میرزا قاجار به طهران رفته و به کتابت اشـعار و آثار او پرداخته است خط شکسـته را خوش می نوشته و در شعر

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۸۵ و ۴۸۶.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۱۳۳؛ شرح مجموعه گل، ص۵۹.

طبعی روان داشته است.

از اوست:

به قتلم وعده داد آن شوخ بی پروا و می دانم کزین طالع که دارم خواهد آخر رفت از یادش(۱)

ملّا رضا اصفهانی

ملّا رضا اصفهانی معروف به «جولاه» شاعر و ادیب قرن دوازدهم هجری. در اوایل جوانی نزد پدر به جولاهی مشغول بود ولی از آن کار دست کشید و به علم و ادب روی آورد. شعرش در کمال ملاحت و استواری و در آداب معاشرت و آیین صحبت کم نظیر بود. سال وفاتش به دست نیامد.

از اوست:

ناله پنداشت که در سینه ما جا تنگ است رفت و برگشت سراسیمه که دنیا تنگ است(۲)

محمّد رضا اصفهانی*

محمّد رضا اصفهانی، نقاش هنرمند عهد زندیه است. از آثار او دو پرده نقاشی از مجالس مربوط به واقعه کربلا است که اطرافش به خط نسخ در قاب های بازوبندی کتیبه دار، نام نقاش «محمّد رضا اصفهانی» و تاریخ: جمادی الاولی ۱۲۰۱ق به حروف در هر دو رقم شده است. این دو پرده را یکی از ارامنه اصفهان به موزه دیر میختاری هدیه کرده است.(۳)

موزه دیر مختاری در «وین» اطریش قرار دارد.

۱- تذکره سفینه المحمود، ص۱۶۲.

۲- تذکره المعاصرین حزین، ص۲۲۲؛ صحف ابراهیم، ص۱۴۳؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۸۷.

۳- مجله بخارا، شماره ۱۹، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، ص۵۸.

آقا محمّد رضا اصفهانی

آقا محمّد رضا اصفهانی، از عرفاء و صوفیه در قرن سیزدهم هجری. مرید منوّرعلی شاه بوده و در اواخر عمر به «خفر» در فارس رفته و قبل از ۱۳۰۰ق در آنجا کشته شده و جنازه اش در قبرستان باب سلم شیراز مدفون گردید.(۱)

میرزا محمّد رضا اصفهانی

میرزا محمّد رضا اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] از جمله دانشمندانی است که آقا محمّد علی کرمانشاهی در کتاب «خیراتیه» به قول آنها استشهاد نموده است.(۲)

محمّد رضا بیگ اعرج اصفهانی*

محمّد رضا بیگ اعرج اصفهانی، حاکم یزد در قرن دوازدهم هجری. او در زمان نادرشاه افشار بر یزد حکومت می کرده و مردی بی رحم و سفّاک بوده و عوارض سه ساله یزد را که قبلاً بخشیده شده بود، او در کمال سختی مطالبه می کرد. بالاخره مردم تظلّم کردند و او را از کار برکنار کردند.(۳)

استاد رضا اعظمی*

استاد رضا اعظمی، از هنرمندان معاصر اصفهان و استاد زبردست گچبری است. او در سال ۱۳۳۴ش در اصفهان متولد شده و پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به کار بنایی پرداخت و در کنار آن تا مقطع دیپلم را به صورت شبانه ادامه داد. در نوجوانی به فراگیری گچبری نزد استاد رضا افیونی پرداخت و کم کم در تمامی فنون و ریزه کاری های

۱- طرائق الحقائق، ج۳، ص۴۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۸.

۲- فهرست فیضیه (استادی)، ج۲، ص۵۳.

۳- جامع جعفری، ص۲۸۴؛ تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، ص۳۵۵؛ تاریخ سالشماری یزد، ص۱۷۲.

این هنر مهارتی به سزا یافت.

از آثـار او گچبری و مرمت گچبری هـای حسـینیه ای در محلّه سـیچان، کنسولگری روسـیه، خـانه در رحمت آبـاد نطنز، خـانه سوکیاس و خانه داوید در محلّه جلفا، عمارت عالی قاپو، مسـجد جامع عتیق، محراب الجاتیو در مسـجد جامع، شبسـتان مسـجد علی، بقعه هارونیه، خانه سـرهنگ بخردی، خانه شیخ الاسلام، خانه همایی، ایوان عمارت چهلستون، تالار اشرف، رکیب خانه، مدرسه قدسـیه، مسـجد آقانور و غیره در اصفهان، سردر بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در اردبیل، بقعه هفده تن در گلپایگان، کتیبه گچی مسـجد میرعمـاد کاشـان، محراب مسـجد جامع یزد، مسـجد جامع ارومیه، گنبـد اصـلی سـلطانیه زنجان، کتیبه های محراب گچی بقعه بایزید بسطامی و غیره قابل ذکر هستند.(۱)

این هنرمند توانا در انواع فنون گچبری و گچ کاری همچون قطاربندی، خط کشـی، شـبکه کاری، سیم گل کشی و غیره استاد است و از آموزش آن به علاقمندان این هنر دریغ نمی ورزد.

استاد محمّد رضا امامی

اسـتاد محمّد رضا امامی ادهمی اصـفهانی، خطاط هنرمند [قرن یازدهم هجری [که با محمّد صالح خطاط اصـفهانی در خدمت علیرضا عباسـی تبریزی تربیت شـده اند. آثاری ازا و در اصـفهان از سال ۱۰۳۸ق (مسـجد شاه) (=مسجد امام فعلی) شروع و به سال ۱۰۸۱ق (درب امام) ختم می شود. بنابراین استاد خط در اصفهان بوده و او را «امام الخطاطین» لقب داده اند.

[خط ثلث را در حدّ اعلای زیبایی می نوشـته و کتیبه هایی نیز بر خط نستعلیق ازا و موجود است. غیر از اصفهان در قم و مشهد مقدس نیز کتیبه هایی از او وجود دارد از جمله:

۱- معماران و مرمّت گران سنتی اصفهان، صص ۲۴۰-۲۴۵.

کتیبه هـای بقعه شاه صـفی و شاه عباس دوم در سالهای ۱۰۵۹ و ۱۰۷۷ق، در شـهر مقدس قم، کتیبه های گنبد مطهر امام رضـا علیه السلام در سال ۱۰۵۹ق، ایوان مسجد گوهرشاد در سال ۱۰۸۷ق و کتیبه به خط نستعلیق در مدرسه سعدیه به سال ۱۰۸۷ق همگی در مشهد مقدس.

برخی سـال فـوت او را ۱۰۸۰ق ذکر کرده انـد ولی بـا مشاهـده کتیبه هـای او در مشـهد مقـدس معلوم می شود که او تـا سـال ۱۰۸۷ق زنده بوده است.

فرزندش علینقی و نوه اش محمّد محسن از خطاطان برجسته اواخر عهد صفویه بوده اند.[(۱)]

حاج آقا رضا امامی سِدِهی*

حـاج آقـا سیّد رضا امامی سـدهی، از علمای عالیقـدر معاصـر در سال ۱۳۰۳ش در خمینی شـهر اصـفهان متولّـد شـد و پس از تحصیلات مقـدّماتی در زادگـاه خود و اصـفهان، به قم عزیمت کرد و در محضـر حضـرات آیـات بروجردی، مرعشـی نجفی، حجّت، گلپایگانی، حاج شـیخ عبـدالنّبی عراقی و خوانساری تحصـیل نمود و از برخی از آنان از جمله آیت اللّه مرعشـی اجازه دریافت نمود و سالها از اصحاب استفتاء ایشان بود.

او اغلب در قم سـاکن و به وظـایف شـرعیّه مشغول بود و در ایّام تعطیلی حوزه در خمینی شـهر به تبلیغ دین می پرداخت و در اصفهان در درس حضرات آیات بهبهانی و ارباب حاضر می شد.

او عالمی متقّی و زاهد و متواضع و غیور در امر به معروف و نهی از منکر بود.

۱- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، صص ۷۷۳ و ۷۷۴؛ وقـایع السـنین و الاعوام، ص۵۱۰؛ گنجینه آثار تاریخی اصـفهان: صفحـات متعـدد؛ گنجینه آثـار قم، ج۱، صـص ۶۰۳ و ۶۰۷؛ تاریـخ قم (ناصرالشـریعه)، ص۹۴؛ انجـم فروزان، ص۱۰۶؛ مطلع الشّمس، صص ۴۱۶ و ۴۱۸-۴۲۰ و ۴۳۲ و ۵۴۶؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۲۱۷ و ۲۱۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۸؛ تاریـخ خط و خطاطان، ص۱۱۲؛ اطلس خط، صص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ تذکره خوشنویسان، ص۳۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۹۳-۹۷؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص۵۱.

سرانجام در روز ۶ اسفند ۱۳۶۸ش وفات یافته و پس از اقامه نماز بر پیکر ایشان توسط مرحوم آیت اللّه مرعشی، به خمینی شهر حمل و در مسجد اعظم خمینی شهر به خاک سپرده شد.(۱)

سیّد محمّد رضا آل رسول

حاج سیّد محمّد رضا آل رسول فرزند آقا سیّد محمّد ابراهیم بن آقا سیّد عبداللّه بن میر محمّد علی شمس آبادی بن سیّد محمّد بن سیّد عبداللّه بن سیّد اسماعیل بن سیّد حسین موسوی شاهاندشتی مازندرانی، عالم فاضل معاصر.

در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از بزرگان علماء و مدرّسین تلمّذ نموده. مدّتی با کسب اجازه از مرحوم ملّا حسین فشارکی در دادگستری خدمت نموده و پس از فوت آن مرحوم از خدمت در دادگستری استعفا داده و سالها به خدمت اجتماعی اشتغال داشت. پس از شهادت برادر بزرگوارش حاج سیّد ابوالحسن شمس آبادی (شهید اصفهانی) به جای ایشان در مسجد جناب اَباذر غفاری (مسجد شمس آباد) اقامه جماعت می نمود و مصداق حقیقی «نعم الخلف» بود.(۲) سرانجام در ۱۱ رمضان المبارک ۱۴۰۹ق وفات یافته و جنب برادرش در تکیه شهدای اصفهان مدفون شد.(۳)

میرزا محمّد رضا کلباسی

میرزا محمّد رضا بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل متّقی [از علماء قرن سیزدهم هجری].

در شب ۱۴ رمضان المبارک ۱۲۱۹ق متولّد شده و در این شهر خدمت پدر بزرگوارش و حاج سیّد محمّد باقر حجت الاسلام شفتی و دیگران تحصیل نموده است.

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۱۶-۱۱۹.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۱۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۲.

از علماء نافذ الکلمه اصفهان بود و به شیخ الاسلام شهرت داشت. در شب جمعه ۱۴ شعبان ۱۲۸۴ق وفات یافته و در بقعه حاجی کلباسی (پدر بزرگوارش) مقابل مسجد حکیم مدفون شد.(۱)

میرزا محمّد رضا رشتی

میرزا محمّد رضا رشتی فرزند حاج ابوتراب، از علمای معاصر اصفهان. او در اصفهان نزد جمعی از علمای عالیقدر از جمله آقا شیخ مرتضی ریزی به تحصیل پرداخته و سالها امام جماعت مسجد ذکراللّه در محلّه بیدآباد بوده است. او داماد استادش شیخ مرتضی ریزی است و پس از وفات در بقعه استاد واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

محمّد رضا سیمای کاشانی*

محمّد رضا کاشانی متخلّص به «سیما» فرزند میرزا ابوالحسن بن میرزا صادق. شاعر ادیب و خوشنویس هنرمند قرن دوازدهم هجری به فارسی و عربی شعر نیکو می گفته و خطوط هفت گانه را خوش می نوشته و در سیاق مهارت بسیار داشته است. شاه سلطان حسین صفوی او را به «عضدالدّوله» ملقّب ساخت.

او در جریان حمله افاغنه به اصفهان در سال ۱۱۳۵ق به قتل رسید. میرزا محمّد تقی سپهر (لسان الملک) از نوادگان اوست.(۳)

رضا فلسفی*

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۷؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۱۷؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۴۵۴؛ خاندان کلباسی، صص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۳۷.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۲۹؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۵۸۱.

رضا فلسفی فرزند حاج میرزا ابوتراب، از نویسندگان و روزنامه نگاران اصفهان است. در سال ۱۲۸۶ش در اصفهان متولّد شده و تحصیل نمود. سپس به نوشتن در جراید اصفهان از جمله روزنامه راه نجات پرداخت. او در ۸ شهریور ۱۳۵۸ش وفات یافته و در یکی از اطاق های شرقی تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد مدفون شد. از آثار او کتاب «اندیشه های فلسفی» به چاپ رسیده است.(۱)

میر محمّد رضا خاتون آبادی

میر محمّد رضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس بن میر محمّد اسماعیل خاتون آبادی عالم فاضل جلیل [از علمای قرن سیزدهم هجری] مدرس و امام مسجد شاه [مسجد امام فعلی [بوده [و ظاهرا نزد پدر بزرگوار خود جمعی از علماء تحصیل کرده است.] او در شب ۹ رجب سال ۱۲۳۸ق وفات یافته است.(۲) [نام او به عنوان یکی از شهود موقوفات میرزا محمّد حسین خان صدر اصفهانی، در وقف نامه آمده است.(۳)]

رضا بدرالسّماء*

رضا بدرالسّماء فرزند ابوالقاسم بن عبدالحمید، از نقاشان هنرمند معاصر. در سال ۱۳۲۸ش در محلّه جوباره اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در این شهر طی کرد در نوجوانی نزد برادرش عنایت اللّه به میناکاری مشغول شد ولی پس از انجام خدمت سربازی، از میناکاری کناره گرفته و به نقاشی پرداخت و نزد احمد بیضاوی و علی مانی به فراگیری نقاشی مشغول شد. او پس از آشنایی با استاد جواد رستم شیرازی، نقاشی را با جدّیت دنبال کرد و از آن استاد بزرگ تعلیم گرفت. همچنین در زمینه آبرنگ از تجربیات استاد پرواند نهاپطیان بهره مند شد.

او اگرچه در نقاشی با آبرنگ، گواش و پاستل مهارت دارد امّا علاقه و دلبستگی

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۹.

۳- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۴۲۱.

خاصّی به مینیاتور ایرانی دارد و در این فن صاحب سبک است. موضوعات مذهبی از جمله وقایع تاریخی زندگی چهارده معصوم مضامین تابلوهای مینیاتور او هستند. از آثار استاد بدرالسّماء تعدادی در نمایشگاه های خارجی و داخلی به نمایش درآمده و تعدادی در مجموعه های خصوصی و موزه ها نگهداری می شوند. برخی از آنها نیز در کتابهایی به چاپ رسیده اند که از جمله می توان به نقاشی های کتاب رباعیات خیام اشاره کرد.

برخی از تابلوهای او به قرار زیر است: ظهر عاشورا، آتش به خانه وحی، کشتی نجات، از دامن زن مرد به معراج می رود، مرغ باغ ملکوت و غیره.(۱)

آقا محمّد رضا صهبای قمشه ای

حکیم آقا محمّد رضا قمشه ای متخلص به «صهبا» فرزند ابوالقاسم، عالم ربّانی و فیلسوف الهی ادیب شاعر و حکیم فاضل از مشاهیر حکماء و مدرسین فلسفه در قرن سیزدهم هجری.

در حدود سال ۱۲۴۱ق در قمشه [شهرضای کنونی] متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از حکماء و علماء از جمله: حاج ملّا محمّد جعفر لنگرودی، سیّد رضی لاریجانی، میرزا حسن نوری به تحصیل پرداخته و سپس به تدریس مشغول شد.

[در واقعه قحطی و گرانی ۱۲۸۸ق بسیاری از املاک خود را فروخته و سرمایه خود را صرف کرد و نیازمندان را از گرسنگی و مرگ نجات داد. در حدود سالهای ۱۲۹۴ یا ۱۲۹۵ به خاطر شکایت از صاحبان قدرت که املاک او را تصرّف کرده بودند به تهران رفته و به تقاضای طلّاب و فضلای آنجا در مدرسه صدر واقع در جلوخان مسجد سلطانی (مسجد شاه) به تدریس پرداخت. با ورود و تدریس او به تهران، شاگردان

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای رضا بدرالسّماء در پنجم مهر ۱۳۸۳ش.

دروس فلسفی میرزا ابوالحسن جلوه، جذب درس آقا محمّد رضا شدند و معروف شد که: «جلوه از جلوه افتاد».

او در تدریس فنون فلسفی اشراقی و صدرایی تسلّط و مهارت زیادی داشت و «فصوص الحکم»، «تمهید القواعد»، «شفا»، «اشارات»، «مصباح الانس»، «فتوحات مکیّه» و غیره را با بیانی گرم و پرشور تدریس می کرد.

او با آنکه فردی متمکن و صاحب ملک و سرمایه بود امّا زندگی زاهدانه و همراه با قناعت خود را ترک ننمود و به لباس روستایی خود قناعت کرده و عمر را به عبادت گذراند. اغلب روزه می گرفت و در خوراک و خواب به اندکی بسنده می کرد او در مراعات آداب و سنن شرع و ادای واجبات و مستحبات و ترک مکروهات و مواظبت بر نوامیس دین چنان محکم و استوار بود که گویی سلمان عصر و ابوذر زمان است.]

حکیم صهبا سرانجام [در غرّه صفر ۱۳۰۶ق و یا به روایتی] در شب پنج شنبه ۲۷ محرم ۱۳۰۶ق وفات یافت [رحلت او مصادف با وفات مجتهد بزرگ تهران ملّا علی کنی بود و همگان در مراسم تشییع او حضور داشتند. لذا پیکر حکیم قمشه ای در میان جمع اندکی از علماء و شاگردانش تشییع شده] و در مزار سر قبر آن در تهران مدفون شد.

[مادّه تاریخ وفات او را میرزا اسماعیل دبیر چنین سروده است:

سال فوت ورا چو می جستم شد سروش مرا چنین ناقل

که دبیرا بگو بتاریخش پاک آمد رضا بحق و اصل]

کتب و رساله های زیر از تألیفات اوست:

۱. «تعلیقات اسفار» [غیر مدوّن موجود نزد میرزا محمود قمی (شاگردش)[۲. «تعلیقات تمهید القواعد» [که قسمتی از آن به ضمیمه متن «تمهید» به طبع رسیده است.]۳. «حواشی بر شرح فصوص الحکم» قیصری۴. «الخلافه الکبری»، مطبوع۵. «رساله فی وحده الوجود بل الموجود»۶. «رساله فی موضوع العلم» مطبوع۷. «شرح حدیث زندیق»۸. «رساله فی الفرق بین اسماء الذّات و الصفات»۹. «دیوان

اشعار» [غیرمدون که در حاشیه برخی کتابها موجود است و استاد منوچهر صدوقی صهبا آنچه را به دست آمده در «تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفاء» ثبت نموده است.[۱۰. «الولایه» ۱۱. «رساله فی تحقیق الاسفار الاربعه» [۱۲. «تعلیقات مفتاح الغیب» ۱۳. «تعلیقات شواهد الرّبوبیّه» ۱۴. «رساله در تحقیق معنای جوهر و عرض در لسان اهل اللّه» ۱۵. «رساله فی الرّد علی الاعتراض علی دلیل امتناع انتزاع مفهوم واحد من الحقائق المختلفه» ۱۶. «شرح فرازی از دعای سحر: اللهم انّی اَسئلُکَ مِن بَهائک بِاَبهاهُ و کُلُّ بَهائِکَ بِهی»

این بیت از اوست:

ساغر ز خون ماست به اندازه نوش کن این جام باده نیست که لبریز می کنی(۱)]

محمّد رضا گلپایگانی

محمّد رضا بن ابی القاسم گلپایگانی اصفهانی، از خطاطین نسخ نویس قرن سیزدهم است. از آثارش: نسخه ای از «بهجه المرضیه فی شرح الالفیه» (سیوطی) مورخ اوّل جمادی الاولی ۱۲۶۶ق که در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است.(۲)

ملّا رضا خوانساری

آخوند ملّا رضا خوانساری فرزند ملّا احمد، واعظ صالح معمّر [در قرن چهاردهم

۱- جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۶۹؛ چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۲۲۲؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۵۰۸ و ۵۰۹؛ اصفهان: کتاب جوانان، صص ۲۲۷ و ۲۲۸؛ شمس التواریخ، ص۳۳؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، صص ۷۴-۷۹؛ نقباءالبشر، ج۲، صص ۷۳۲-۷۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۱۸ و ۶۱۹؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۴۹۶؛ سالنامه شهرضا، ص۲۵؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، صص ۳۶-۴۳؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و شعراء، صص ۲۶۱-۳۱۹؛ الذریعه، ج۷، ص۲۳۸؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۶۰۶-۶۰۸؛ شواهد الربوبیه: مقدمه، ص۱۲۷؛ منتخب معجم الحکماء، صص ۹۵ و ۹۶.

۲- فهرست حقوق، ص ۲۸۱.

هجری] متوفّی در دوشنبه ۲۵ ربیع الثّانی ۱۳۶۵ق به سن قریب به یکصد سال. مدفون در جلو قبر آقا سیّد رضوی خوانساری (در تکیه سادات رضوی در تخت فولاد).(۱)

میرزا رضا ملّاباشی

حاج میرزا رضا ملّاباشی فرزند حاج میرزا احمد ملّاباشی بن میرزا محمّد حسن منجّم بن میرزا محمّد علی منجّم بن میرزا عبداللّه حسینی تفرشی، عالم فاضل [از علمای اواخر دوره قاجاریه].

در اصفهان متولّد شده و نزد آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج میرزا بدیع موسوی درب امامی و جمعی دیگر از علمای اصفهان تحصیل کرده است. او به افتخار دامادی شیخ محمّد تقّی آقانجفی نائل شده و زهرا خانم دختر او را به زوجیّت گرفته بود. او مردی خیّر و نیکوکار و صاحب موقوفاتی است. همچنین او به همراه شیخ الاسلام و رکن الملک، از اعضای عدالت خانه در اصفهان بوده است.

سرانجام در سال ۱۳۳۴ق در اصفهان وفات یافته و در مقبره آقانجفی مدفون گردید. سپس به اعتاب مقدّسه ائمه عراق علیهم السلام منتقل [و در نجف اشرف مدفون شد].

مرحوم ملّاباشی قسمتی از املاک خود را در لنجان وقف کرده و مصرف آن را کمک به ارحام فقیر خود قرار داده است رحمه الله .(۲)

شیخ محمّد رضا باقری محمودآبادی

آقا شیخ محمّد رضا باقری بن حاج احمد محمودآبادی، عالم فاضل متّقی [از علمای قرن چهاردهم هجری] متوفی ۱۳ رجب ۱۳۷۸ق مدفون در پای بقعه مقدّس در تخت

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۷۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۲۲-۲۲۴.

فولاد اصفهان.(۱)

شیخ رضا حُجَجی نجف آبادی*

شیخ رضا بن شیخ احمد حُجَجی نجف آبادی، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۱۲ش در نجف آباد متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات، در قم نزد آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، سلطانی، منتظری و علّامه طباطبایی به تحصیل علوم دینی مشغول شد. مدّتی به آبادان رفت و پس از آن به نجف آباد بازگشته و به اقامه نماز جماعت در مسجد سه راه بازار پرداخت. او خدمات اجتماعی ارزنده ای در زادگاه خود انجام داده که تأسیس بیمارستان الزهراء و تأسیس کتابخانه ای بزرگ با حدود هفتاد هزار جلد کتاب در نجف آباد از آن جمله است.(۲)

محمّد رضا خوراسکانی*

محمّد رضا بن اسکندر خوراسکانی، از جمله خوشنویسان قرن سیزدهم هجری که دارای خط بسیار زیبایی بوده است. در یکی از مساجد خوراسکان نیم جزء قرآن از پنجاه و نیم جزء دیگر قرآن رؤیت شد که به خط نسخ متمایل به ثلث به خط جلی و بسیار زیبا در سال ۱۲۴۶ق کتابت شده بود.(۳)

میرزا رضاخان بنان الملک*

میرزا رضاخان بنان الملک فرزند حاجی محمّد اسماعیل تاجر شیرازی (مشهور به میناکار). از کارگزاران و رجال عصر قاجاریه. در سال ۱۲۵۵ق متولّد شد. در جوانی مدّتی طب خواند و به میرزا رضاخان حکیم معروف شد. سپس به عنوان پیشکار و منشی

۱- سیری در تخت فولاد، ص ۲۰۰.

۲- سیمای دانشوران، صص ۷۷ و ۷۸.

۳- رساله خوراسکان (تألیف: محمّد علی ربانی): خطی. به نقل از یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

و عکاس به خدمت ظل السّـلطان حاکم اصفهان درآمده و لقب «بنان الملک» گرفت. او شریک در تبهکاری های ظل السّلطان در تخریب آثار صـفویه از جمله عمارت نمکدان است. او ثروت زیادی به هم زده بود و از ترس ظل السّـلطان، به بهانه زیارت عتبات عالیات، از ایران خارج شده و به عراق و سپس مصر رفت. چندی بعد به لندن رفته و به ایران بازگشت. در سال ۱۳۰۸ق جزو وزرای دارالشّورای کبرای دولتی شد. در سال ۱۳۰۹ق به سـمت قنسولگری مصر منصوب شد و دو سال آنجا بود. پس از عزل به اصـفهان آمـد و در رجب ۱۳۱۳ق ظـاهرا به امر ظل السّـلطان مسـموم شـده و جان سپرد و در ضـلع غربی تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ فوت او این بیت است:

چون که بگرفت دامن ده و چار بجنان آمده مقام رضا(۱)

محمّد رضا بن محمّد امین

محمّـد رضا بن محمّد امین [از فضـلاء قرن سـیزدهم هجری] که در سه شـنبه ۲ ذیحجه ۱۲۵۹ق در اصـفهان مجموعه ای فراهم آورده که به شماره ۱۶۵۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

محمّد رضا اصفهانی*

محمّد رضا بن محمّد امین اصـفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در ۱۰ شوال ۱۰۸۲ق نسخه ای از «حدائق الحقائق» تألیف: سیّد علاءالدّین محمّد گلسـتانه را کتابت نموده و نسـخه به شماره ۷۵۱۸ در کتابخانه مجلس شورای اسـلامی در تهران موجود است.(۳)

۱- تاریخ اصـفهان (جابری)، تعلیقات اسـتاد مظاهری، ص۹۸؛ شـرح حـال رجال ایران، ج۲، ص۱؛ تاریخ عکاسـی و عکاسان پیشگام در ایران، صص ۲۵۴ و ۲۵۵؛ یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص۲۲۴.

۳- فهرست مجلس، ج۲۶، ص۳۳.

محمّد رضا کاظمی*

محمّد رضا بن ایوب کاظمی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. او در سال ۱۱۰۰ق نسخه ای از «شرح الرّضی» در علم نحو را در اصفهان کتابت کرده است. ظاهرا صاحب عنوان از شاگردان علّامه مجلسی بوده است. در کاظمین خاندان ایوب معروف بوده اند.(۱)

حاج سیّد محمّد رضا شفتی

حاج سیّد محمّـد رضا شـفتی بن حاج سیّد محمّـد باقر (ثانی) بیـدآبادی بن حاج سیّد اسـداللّه بن حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی عالم فاضل جلیل.

در حدود سال ۱۳۲۰ق در اصـفهان متولّـد گردیده و در این شـهر نزد عدّه ای از فضـلاء همچون آخوند ملّا تقی دهقی و حاج آخونـد زفره ای و آقا شـیخ علی مـدرس یزدی و آقا سیّد میرزا اردسـتانی مقدمات و سـطح را فرا گرفته، سـپس جهت تکمیل تحصـیلات به نجـف اشـرف مهـاجرت نمود و پس از آنکه برادر بزرگ ایشـان مرحوم علم الهـدی به عللی ترک جمـاعت در مسـجد سیّد را نمود، ایشان را از نجف دعوت به اصـفهان کردنـد و قبل از سال ۱۳۴۶ق مراجعت نموده و تـا هنگـام وفات در مسـجد سیّد به اقامه جماعت پرداخته و پس از فوت مرحوم ملاذالاسلام امر تولیّت موقوفات مسجد مُفَوّض به ایشان گردید. و به بهترین صورت به وظیفه شـرعی خود بـا تمـام مشـکلات و موانعی که اداره اوقـاف زمـان برای ایشـان ایجـاد می کرد، انجام وظیفه نمود.

اساتیـد ایشـان پس از مراجعت از اعتاب مقـدّسه در اصـفهان عبارتنـد از: آقا میرزا احمـد مـدرس، آقا شـیخ محمّـد رضا نجفی مسجد شاهی، مرحوم حاج میر سیّد علی مجتهد

۱- الکواکب المنتشره، ص۲۶۹.

نجف آبادی و به خصوص مرحوم آقا سیّد مهدی درچه ای و غیره.

او عالمی خلیق بود و در سالهایی که مرحوم حاج میر سیّد علی بهبهانی مدت شش ماه به اصفهان تشریف می آوردند از ایشان دعوت می نمود که شب ها جهت اقامه جماعت به مسجد سیّد تشریف فرما شوند و این ایثار و گذشت سبب محبوبیت بیشتر ایشان شد.

سرانجام در نیمه شب پنج شنبه ۳ ذی الحجه ۱۳۹۶ق پس از یک عمل جراحی در بیمارستان وفات یافته، جنازه با کمال احترام و تشییع شایسته به مسجد سیّد منتقل و در بقعه مرحوم سیّد حجه الاسلام مدفون گردید.(۱)

آقا محمّد رضا حضورعلی اصفهانی

آقا محمّد رضا اصفهانی ملقب به «حضورعلی» فرزند آقا محمّد باقر، شاعر و عارف ادیب. [از عرفاء و شعرای اواخر دوره قاجاریه] در سال ۱۲۷۵ق در یزد متولّد شده و در طفولیّت همراه پدر در یزد به سر برد. در سال ۱۲۸۹ق به طهران رفته و در فقه، اصول، صرف، نحو، منطق، معانی و بیان، هیأت، نجوم و حکمت به کسب علم مشغول شده و زبان فرانسه را نیز آموخت. سپس به سیر و سلوک و عبادت پرداخته و از سوی مشایخ صوفیه لقب «حضورعلی» و از سوی دولت قاجاریه لقب «شمس العرفاء» گرفت. مشارءالیه برادر «صفی علی شاه» از مشایخ مشهور طریقت نعمت الهی است. طبع شعر داشته و گاهی شعر می سروده و مثنوی در باب پرسش جناب کمیل به زیاد از حصرت علی علیه السلام ، درباره حقیقت سروده است.

از اوست:

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۸۸-۱۹۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۱۴ و ۳۱۵، مزارات اصفهان، ص۱۶۵؛ مستدرک دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۵۹؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۹۵؛ فهرست نسخه های خطی سه کتابخانه اصفهان، ص۷.

من که رند باده نوشم پارسائی چون کنم بت پرستی پیشه دارم خودستائی چون کنم

خادم میخانه گشتم از حرم گویم چرا در خرابات اوفتادم پارسائی چون کنم(۱)

شیخ محمّد رضا عاملی

شیخ محمّد رضا بن محمّد باقر عاملی [از فضلای قرن سیزدهم هجری] شاگرد میر محمّد حسین خاتون آبادی است. او به دستور استاد خود «حاشیه» شیخ جعفر قاضی بر «الروضه البهیّه» را مقابله و تصحیح نموده و استاد به خط خود، در سال ۱۱۴۹ق شهادت به مقابله داده است. نسخه در کتابخانه خوانساری موجود بوده است.(۲)

ملّا محمّد رضا مجلسی

ملّا محمّد رضا بن علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی عالم فاضل و محدّث محقّق [از علمای قرن دوازدهم هجری] در اصفهان متولّد شده و نزد پدر عالیقدر خود و علمای اصفهان به تحصیل پرداخت. او عالمی حمیده خصال و عالی همت بوده و شاه سلطان حسین صفوی و امراء دولت او و علماء در احترام و تکریم او اهتمام داشتند. وی از جمله علمایی بود که در افتتاح مدرسه چهارباغ اصفهان در سال ۱۱۲۲ق حضور داشت. در فقه، حدیث و ادبیات خصوصا انشاء مهارتی به سزا داشته و شعر نیز می سروده [و خطوط ثلث و نسخ را خوش می نوشته است] و سرانجام مقارن فتنه افغان در اصفهان وفات یافته و در بقعه علّامه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد. این کتابها از اوست:

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۴۷۳ و ۴۷۴.

۲- الذریعه، ج۶، ص۹۳؛ الکواکب المنتشره ص۲۶۲.

۱. «ارشاد الحنفاء فی وصف الخلفاء» ۲. «معراج النفس» در انشاء

برخی از شاگردان پـدرش، در آخر مجلّـد اوّل کتاب «من لا یحضـره الفقیه» در ماه ربیع الاوّل سال ۱۱۱۲ق به او اجازه روایت داده اند.(۱)

شیخ محمّد رضا جرقویه ای حائری

شیـخ محمّـد رضا فرقانی جرقویه ای اصـفهانی حائری فرزنـد محمّد تقی، از اکابر علماء و فقهاء و مجتهدین معاصـر. در حدود ۱۳۰۵ق [در قریه دسـتگرد جرقویه] متولّـد گردیـد. تحصـیلات مقدماتی را نزد ملّا محمّد ورزنه ای، آقا اسداللّه شـریعتی کمال آبادی و ملّا محمّـد حسن دهنویی طی کرد. سپس به اصـفهان آمـده و در درس آقا سـیّد مهدی درچه ای، میرزا احمد مدرس اصـفهانی، آخونـد ملّا عبدالکریم گزی، آخوند ملّا محمّد کاشانی حاضـر شد. طب را نیز از میرزا ابوالقاسم احمدآبادی (ناصـر حکمـت) فرا گرفت و از محضـر درس حـاج ملّـا عبـدالجواد آدینه ای نیز بهره گرفت. در اوایـل سـال ۱۳۲۹ق به نجف اشـرف عزیمت کرده و مـدّت کمی در درس آخونـد ملّـا محمّـد کـاظم خراسـانی شـرکت کرد. پس از آن نزد آقا سـیّد محمّـد کاظم طباطبایی یزدی و سـیّد حسـین کوه کمری حاضـر شد و تحصـیل کرد. آن گاه به اصـفهان مراجعت کرده و از محضـر آقا سیّد محمّد رضا نجفی اصـفهانی، آقا سیّد محمّد نجف آبادی و آقا سیّد مهدی درچه ای بهره بُرد. در سال ۱۳۳۷ق به حج بیت اللّه الحرام مُشَـرَّف شده و بعد از آن به نجف بازگشت و در جلسات بحث حضـرات آیات سیّد ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، میرزا علی آقا شیرازی، میرزا محمّد حسین نایینی و شیخ محمّد حسین غروی اصفهانی (کمپانی) شرکت

۱- زنـدگینامه علّـامه مجلسـی، ج۲، صـص ۳۳۰-۳۳۲؛ مزارات اصــفهان، ص۳۶؛ الکـواکب المنتشـره، ص۲۶۲؛ تـذکره غنی، ص۵۷؛ مرآت الاـحوال جهـان نمـا، ج۱، ص۱۲۵؛ الـذریعه، ج۹، ص ۳۶۳ و ج۲۱، ص۲۳۷ و ج۲۶، ص۴۲؛ تلامـذه العلّامه المجلسی، ص۹۹؛ وقایع السـنین و الاعوام، صص ۵۶۴ و ۵۵۳؛ تاریخ و سفرنامه حزین، ص۲۱۰؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۲۵-۵۲۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۹.

کرد در سال ۱۳۳۹ به ایران بازگشته و در قم از درس حاج عبدالکریم حائری یزدی بهره بُرد. مدّتی بعد به عتبات عالیات رفته و برای همیشه در کربلا ساکن شد.(۱)] و نماز جماعت را در مسجد صافی اقامه نمود و در مدرسه هندیه تدریس کرد. او در اواخر عمر در صحن مطهر مرقد حضرت امام حسین علیه السلام اقامه جماعت می نمود.

او از قائلین به وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت حضرت امام مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) بود و خود آن را در مسجد صافی کربلا برپا می داشت.(۲)

او در جمادی الاولی سال ۱۳۹۳ق در کربلا وفات یافته [و در مقبره آل شیرازی واقع در صحن مطهر مرقد حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام مدفون شد(۳)].

وی را تألیفاتی است از آن جمله:

۱. «ازاحه الرّیبه عن حکم صلاه الجمعه فی زمن الغیبه» [که در سال ۱۳۷۲ق در ایران چاپ سنگی شده است.] ۲. «تنبیه الغافلین عن معرفه ربّ العالمین» [که در سال ۱۳۷۹ق در کربلا چاپ حروفی شده است.(۴) ۳. «ایضاح المقال فی اثبات وجوب الجمعه علی کُلِّ حال(۵)]

ملّا محمّد رضا مجلسی

ملّا محمّد رضا بن ملّا محمّد تقی مجلسی، از علماء سلسله مجلسی بوده و پس از وفات در مقبره مابین قبر پدر و برادر (ملّا محمّد باقر مجلسی) مدفون گردید.

از کتاب «تذکره الانساب» برمی آید که ملّا محمّد تقی، غیر از ملّا عزیزاللّه و علّامه ملّا محمّد باقر، فرزندان دیگری هم داشته است از جمله: محمّد رضا. آخوند گزی قبر او را بین مجلسی اوّل و مجلسی دوم می نویسد. به نظر نویسنده این قبر متعلّق به ملّا محمّد

۱- اجازه الکبیره، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۲۶ و ۲۲۷.

۳- تراجم الرجال، ج۲، ص۶۹۵.

۴- مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۱۴۷.

۵- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۹۵.

رضا فرزند علّامه مجلسی است و ملّا محمّد رضا برادر علّامه مجلسی در بقعه و یا حوالی آن مدفون است.(۱)

سیّد رضا طباطبائی نجف آبادی*

سیّد رضا طباطبائی بن سیّد جعفر، عالم فاضل، در سال ۱۳۲۷ش در نجف آباد متولّد شد و پس از تحصیل مقدمات نزد پدر و شیخ عباس ایزدی، سیّد محمود مدرس و سیّد محمّد باقر حسنی در نجف آباد، به نجف اشرف عزیمت کرده و نزد حضرات آیات سیّد اسداللّه مدنی و شیخ مجتبی لنکرانی به تحصیل پرداخت. سپس به قم رفته و نزد حضرات آیات منتظری، گلپایگانی و سبحانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. از آثار او کتاب «مرجعیّت و تقلید» در سال ۱۳۷۹ش به چاپ رسیده است.(۲)

محمّد رضا نجف آبادی

محمّد رضا بن محمّد جعفر نجف آبادی، از نویسندگان کُتب و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «ریاض المسائل» (از اجاره تا لعان) را به خط نسخ در سال ۱۲۵۳ق کتابت کرده و به شماره ۳ در کتابخانه مدرسه حجتیّه قم موجود است.(۳) او نسخه دیگری از «ریاض المسائل» را در ۴ ذی القعده ۱۲۵۷ق کتابت کرده که در کتابخانه امام جمعه زنجان موجود بوده است.(۴)

سیّد محمّد رضا روضاتی*

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۳۲ و ۳۳۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۶.

۲- سیمای دانشوران، ص۱۲۵؛ آیینه اهل قم، ص۶۷.

۳- فهرست حجتیّه، ص ۶۰.

۴- دلیل المخطوطات، ج۱، ص ۱۱۰.

حـاج سیّد محمّـد رضـا روضـاتی بن آقـا سـیّد جلال الـدّین بن میرزا مسـیح بن میرزا محمّـد باقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات)، عالم فاضل جلیل، در شنبه ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد علمای این شهر تحصیل نمود. سپس به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشـغول شد. علاوه بر علم و فضل در زبان انگلیسـی هم تسـلط داشت. او در سال ۱۴۰۱ق وفات یافت.

ماده تاریخ وفاتش را شاعر توانا استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) چنین سروده است:

خرد سال فوتش ز «برنا» خواست بگفتا «محمّد رضا» در جنان(۱)

۱۴۰۱

سیّد محمّد رضا بهشتی نژاد

سیّد محمّد رضا بن آقا جلال الدّین بهشتی نژاد، از علمای معاصر اصـفهان و امام مسـجد قرچقه [مسـجد شـهید بهشتی کنونی] متوفّی در اوّل ربیع الثّانی ۱۳۹۹ق و مدفون در تکیه سادات بهشتی جنب مصلای تخت فولاد.(۲)

حاج سیّد محمّد رضا غروی چهارسوقی

حاج سـیّد محمّـد رضا غروی موسوی چهارسوقی فرزنـد آقا جمال الـدّین بن آقا میرزا محمّـد هاشم موسوی چهارسوقی، عالم فاضل جلیل [از علمای معاصر اصفهان] در سال ۱۳۰۸ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد علمای این شهر تحصیل علوم کرده و پس از فوت پدر به جای ایشان در مسجد نو چهارسو شیرازی ها معروف به «مسجد آقا میرزا

۱- مناهج المعارف: مقدمه، ص۲۷۳؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۹۵ و اطلاعات متفرقه.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

محمّـد هـاشم» اقـامه جمـاعت نموده و تـا آخرین سالهای عمر ادامه داد. سـرانجام در [۲۵ جمـادی الثّانی] ۱۳۹۷ق در اصفهان وفات یافته، در پشت تکیه آقا حسین خوانساری (تکیه حاج آقا جمال الدّین نجفی) مدفون گردید.(۱)

آقا سیّد محمّد رضا خراسانی

آقا سیّد محمّد رضا خراسانی بن حاج سیّد محمّد جواد جارچی بن سیّد محمّد رضا بن حاج سیّد یوسف خراسانی، عالم جلیل، فقیه محقّق مدقّق [رئیس حوزه علمیه اصفهان].

در ۲۵ ذیحجه ۱۳۱۱ق درا صفهان متولّد گردیده و در خدمت جمعی از علماء عالیقدر اصفهان همچون حاج سیّد محمّد جواد جارچی (پدرش)، حاج سیّد مرتضی خراسانی (عمویش)، شیخ محمّد رضا نجفی، آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی، شـیخ علی مدرس یزدی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا سـیّد محمّد باقر درچه ای، [میرزا احمد مدرس و آخوند ملّا محمّد کاشانی] به تحصیل پرداخته و به اجتهاد نائل شد.

او سالها در مساجد اصـفهان از جمله مسـجد اقصـی و مسـجد حاج رضا و مسـجد جارچی اقامه جماعت می نمود و در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ فقه و اصول را تدریس می کرد.

او عالمی نیکوکار و پرهیزکار بود. در اواخر عمر ریاست و اداره حوزه علمیه اصـفهان و رسـیدگی به مدارس و طلاب برعهده او بود. از خدمات ایشان تعمیر مدرسه عربان و مدرسه صدر و تأسیس کتابخانه رضویه (در مدرسه صدر بازار) است.

[مرحوم خراسانی در زهـد و قناعت و صـلاح و پرهیزکاری و رعایت نظم و انضـباط در تـدریس و امور زندگی نمونه ای مثال زدنی بود.]

وی در شب یکشنبه ۲۹ رجب ۱۳۹۷ق وفات یافته و در کنار قبر عالم بزرگ شیعه

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۰.

بهاءالـدّین محمّـد اصـفهانی (فاضل هنـدی) در تخت فولاد مـدفون شـد. تقریرات فقهی و اصول برخی از اساتید خود به رشـته تحریر درآمده است.(۱)

میرزا محمّد رضا اژه ای

میرزا محمّد رضا بن حاج میرزا حبیب اللّه اژه ای، عالم فاضل [از فضـلای قرن چهاردهم هجری] متوفی در ماه رمضان ۱۳۵۱ق مدفون در تخت فولاد اصفهان، نزدیک مزار ملّا علی اکبر اژه ای.(۲)

میرزا رضاخان نائینی*

میرزا رضاخان نائینی متخلّص به «رضوان» فرزند میرزا حسن خان مستوفی بن حاجی میرزا حسین خان بن میرزا سیّد محمّد خان بن میرزا معصوم خان طباطبائی نائینی، شاعر، ادیب، سیاستمدار و روزنامه نگار عصر مشروطیت.

او در ۱۲۹۰ق در قریه «حصـار» واقع در بین بروجرد و اصـفهان متولّـد شـده و در اصـفهان به تحصـیل پرداخت و در تهران در مـدرسه آمریکـایی ادامه تحصـیل داد. او از آزادیخواهان و طرفـداران مشـروطیت بود و به عنوان عضو انجمن ولایتی اصـفهان برگزیده شد و در جلسات و مباحث انجمن شرکت فعالی داشت. پس از آن به تهران رفت و در سال ۱۳۲۶ق روزنامه «تیاتر» را منتشـر کرد. آنگاه که محمّد علی شاه به سـلطنت رسید و مجلس را به توپ بست و بساط مشروطیت را برچید، دفتر روزنامه او مورد حمله قرار گرفت و غارت شد. میرزا رضاخان پس از شکست در فعالیت

۱- تاریـخ علمی و اجتمـاعی اصــفهان، ج۲، صـص ۳۱۵-۳۱۸؛ تاریـخ اصـفهان (جابری)، ص۳۴۱؛ گنجینـه دانشـمندان، ج۳، ص۹۱؛ سیری در تاریـخ تخت فولاـد، ص۱۶۳؛ مـدرس مجاهـدی شـکست ناپذیر، ص۲۲۲؛ رجـال اصـفهان (دکتر کتـابی)، ص۲۳۵؛ فهرست کتابخانه صدر بازار، ج۳: مقدمه؛ ارشاد النّاس: (نسخه خطی)؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۱۱۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵.

مطبوعاتی، وارد کارهای دولتی شـد. مـدّتی معاون وزارت معارف بود. در دادگستری تهران مدّتی دادستان شد. عاقبت از آن کار کناره گرفته و اوقات را به مطالعه گذراند.

در شـعر طبعی روان و قـدرت فراوان داشـت. او کتابخـانه ای ارزشـمند بـا هزاران نسـخه نفیس داشـت که در آن زمـان پس از کتابخـانه مرحوم حـاج حسـین آقـای ملک، دومین کتابخانه بزرگ تهران بود. این کتابخانه به وسیله دختر مرحوم نائینی وقف کتابخانه آستان قدس رضوی شد.

او مقالاـتی در مطبوعـات نوشـته است از جمله: شـرح حـال مُتنَبّی شاعر بزرگ عرب (در مجله ارمغان) و مقاله «انتقاد ادبی» در علم نحو.

سرانجام در ۱۸ رمضان ۱۳۵۰ق وفات یافته و در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس مدفون شد.(۱)

مادّه تاریخ فوتش را عبرت نائینی چنین گفته است:

«عبرت» ز عقل سال و فاتش سؤال کرد آهی کشید و گفت: «صد افسوس از رضا»

۱۳۱۰ش

آقا سیّد محمّد رضا سادات

آقا سیّد محمّد رضا سادات فرزند آقا میرزا حسن بن میرزا محمّد بن میرزا محمّد باقر بن میر محمّد صالح آقا دگمه چین.

عالم فاضل جلیل [از علمای قرن چهاردهم هجری] امام جماعت مسجد علیقلی آقا در اصفهان بوده و در بعدازظهر چهارشنبه ۷ جمادی الثّانیه ۱۳۷۸ق در سن ۷۵ سالگی وفات یافته و در صحن تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، صص ۱۴۷-۱۵۰؛ تذکره سخنوران نایین، صص ۵۳ و ۵۴؛ نایین بلده طیّبه، صص ۱۱۰-۱۱۴؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۲، صص ۱۱۲-۱۱۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۳.

[مادّه تاریخ وفاتش را چنین گفته اند:

«واحدا انقص و اتل تاریخه: السیّد الرّضا اوی فی الجنان(۱)]

۱-۱۳۷۹=۱۳۷۸

حاج سیّد محمّد رضا جزایری

حاج سیّد محمّد رضا جزایری فرزند حاج سیّد حسن موسوی جزایری [از علماء و خطبای معاصر اصفهان] از اعقاب محدّث بزرگوار سیّد نعمت اللّه جزایری شوشتری، عالم جلیل و محقق مدّقق معروف می باشد.

خانـدان جزایری ساکن اصـفهان در طول چهار قرن به علم و زهد و جامعیّت معروف هستند و در بین آنان عدّه ای از علماء و وعاظ و ائمه جماعات می باشند. پدر ایشان از محترمین وعاظ اصفهان و داماد مرحوم حاج ملّا حسینعلی صدیقین عالم عابد زاهد عارف بود. مرحوم حاج سیّد رضا در اصفهان متولّد و تحصیلات قدیم و جدید خود را درا ین شهر و قم و طهران انجام داده و پس از دریافت مدارک تحصیلی سالها در اداره آموزش و پرورش به عنوان دبیر ادبیات و علوم دینی در مدارس انجام وظیفه نموده و ضمنا در منبر نیز به ارشاد و هدایت مردم اشتغال داشت. وی دبیر دانا و واعظی توانا بود. سرانجام در ۲۰ رمضان سال ۱۴۱۱ق در اصفهان وفات یافت و در قبرستان باغ رضوان مدفون شد.(۲)

[از اساتید زمان تحصیل ایشان در حوزه علمیه اصفهان شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی است.]

رضا بی ریا اصفهانی*

رضا رضایی متخلّص به «بی ریا» فرزند حسن، از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۴ش در

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- مزارات اصفهان، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

محلّه «بَرزان» اصـفهان متولّـد شـد. او پس از تحصـیل در دبسـتان به کار پرداخته و چنـدی بعـد در کارخانه زاینـده رود به کار پرداخت و در کنار آن تحصیل را ادامه داده و مدرک ششم ابتدایی را دریافت کرد. او پس از ۱۲ سال کار در کارخانه را رها کرد.

این شعر از اوست:

دل مکن خوش بر صدای دلنشین زندگی چون که مضرابش گهی ذیل و گهی بم می زند(۱)

آقا سیّد محمّد رضا داماد

آقا سـیّد محمّـد رضا داماد بن سـیّد حسن، عالم فاضل و واعظ ماهر، پـدرش داماد حاج میرزا محمود کلباسـی بوده و لـذا او به «داماد» شـهرت داشته است. درا صفهان روزگار به وعظ و خطابه می گذرانده و در ۱۳ جمادی الثّانی ۱۳۷۴ق وفات یافته و در بقعه میرزا ابوالحسن بروجردی در تخت فولاد اصـفهان مـدفون شـد. ماده تاریخ وفاتش را میرزا حبیب اللّه نیّر اصـفهانی چنین سروده است:

فَقَدتُ «ادیبا» انقصه وارّخ «رضا الدّاماد مسکنه الجنان»(۲)

۱۸–۱۳۹۲=۱۳۷۴

رضا قدم زن اصفهانی*

حاج رضا قدم زن فرزند حسن، از شـعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۰ش در اصـفهان متولّد شد و پس از تحصیل در مکتب خانه، در کارخانه های وطن و ریسباف به کار پرداخت. و در اواخر عمر به کسب مشغول بود. گاهی شعر می سرود ولی در

۱– زنده رود تا حیدربابا، ص۱۳۲؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص۱۰۸.

۲– دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، ص۱۵۴؛ تاریـخ اصـفهان (جابری)، ص۳۴۰؛ سـیری در تاریـخ تخت فولاـد، ص۸۷؛ بوستان فضیلت، ص۱۹۷.

انجمن هـای ادبی شـرکت نمی کرد. مضـمون اشـعار او اغلب در مـدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام و پنـد و حکمت است. در شعر «رضا» تخلّص داشت و اشعارش هنوز به چاپ نرسیده است. سرانجام وی در ۲۱ فروردین ۱۳۸۴ش بدرود حیات گفت و در قطعه ۲۰ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

از اوست:

آنان که دوستی حق ادّعا کنند باید که صبر در خور این مدعا کنند

بر گرد شمع دوست چو پروانه پر زنند تا جان خویش را به راه او فدا کنند(۱)

رضا مینوی اصفهانی

رضا شـجاعت متخلّص به «مینو» فرزند حسن، شاعر ادیب [از سخنوران اصفهان در قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۹۵ش] در اصـفهان متولّـد شـده و پس از اتمام تحصـیلات ابتـدایی و متوسـطه، به کسب و کار پرداخته و به حسابداری [در شـرکت قند] مشـغول شـد. تحصـیلات ادبی را نزد حسـین مسـرور، احمـد غفراللّهی (جنّت) و جعفر نـوا کسب کرد و در فنـون شـعر و ادب مهارت یافت.(۲) [او کمتر به انجمن های ادبی می رفت و اغلب در خلوت خود به مطالعه و سـرودن شـعر مشـغول بود و گاه با دوسـتان صـمیمی خود منوچهر سلطانی (شاعر و موسیقی دان)، منوچهر قدسی (شاعر و خوشنویس) و جواد ساعتچی مصاحبت و معاشرت داشت.

او سرانجام در سال ۱۳۹۸ق وفات یافته و در تکیه آباده ای واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

منوچهر قدسی ضمن قطعه ای مادّه تاریخ فوتش را چنین یافته است:

«قدسی» به سال رحلتش این سان رقم زد «مینو ادیب شاعر آزاده رفت آه»(۳)

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای حاج رضا قدم زن در تابستان ۱۳۷۹ش.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۸۹ و ۴۹۰.

۳- آوای مینو: مقدمه؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

دیوان اشعار او با عنوان «آوای مینو» در سال ۱۳۸۴ش توسط انتشارات رنگینه در اصفهان به چاپ رسیده است.

از اوست:

ای به تأثیر نَفَس عقده گشا همچو مسیح بازگو داروی درد دل بیچاره کجاست]

آقا شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی

آقا شیخ محمّد رضا بن حاج شیخ محمّد حسین بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجدشاهی بن شیخ محمّد تقی رازی ایوان کیفی نجفی اصفهانی، فقیه مجتهد، نابغه بی بدیل و علّامه بی نظیر و ادیب دانشمند شاعر [از اکابر علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری].

در روز ۲۰ محرم ۱۲۸۷ق در نجف اشرف متولّد شد مادرش فرزند عالم عالیقدر سیّد محمّد علی آقا مجتهد فرزند سیّد صدرالدین صدر بزرگ بود. او پس از مسافرتی به اصفهان، مجددا به عتبات عالیات رفته و نزد حضرات آیات: سیّد ابراهیم تنکابنی قزوینی، شیخ محمّد حسین نجفی (پدر دانشمند خود)، میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی، سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی، سیّد اسماعیل صدر، سیّد محمّد فشارکی، حاج میرزا حسین محدّث نوری، سیّد مرتضی کشمیری، ملّا علی نهاوندی، حاج آقا رضا همدانی، حاج ملّا حسینقلی همدانی، حاج میرزا حبیب اللّه ذوالفنون عراقی و سیّد جعفر حلّی کسب علم و معرفت کرده و در علوم مختلف خصوصا، فقه، اصول، ادبیات، کلام، حدیث و ریاضی مهارتی به سزا یافته [و استادی زبردست گردید. او در کنار تحصیل به تصفیه نفس و تهذیب و تزکیه و عبادت پرداخته و از تربیت عالم ربّانی ملّا حسینقلی همدانی برخوردار شد.] عاقبت به اصفهان آمده و به

تـدریس و افتاء و قضاوت و ترویـج دین مشـغول شـد و صدها تن از علماء و فضـلاء از محضـر تدریس و تعلیم او کسب فیض کردنـد. او عـالمی خوش مشـرب، حاضـر جواب و نسـبت به همگـان متواضع بوده و در دفـاع از دین و امر به معروف و نهی از منکر از هیچ اقدامی فروگذار نمی کرده است.

وی پس از عمری تحصـیل و تـدریس و تحقیق و تألیف در یکشـنبه ۲۴ محرم ۱۳۶۲ق در اصـفهان وفات یافته و پس از تشـییع باشـکوه به تخت فولاـد حمـل و در بقعه جدّ عالی مقـدار خود شـیخ محمّـد تقی رازی (موسوم به تکیه مادر شاهزاده) مـدفون گردید.

میرزا حسن خان جابری انصاری جهت وفات ایشان قطعه ای سروده و مادّه تاریخ آن چنین است:

تمنّی الجابری بأن یورّخ و کَلَّ لسانه عند البیان

اذا جاء البشیر و قال ارّخ «لقد اوی الرضا بالجنان»

۱۳۲۱ه . ق

و میرزا حبیب اللّه نَیّر گوید:

اراد النّیّر استیضاح فوته ففی شهر المحرم طاب مثواه

فارخ بعد نقص الست العام «رضا النّجفی لبی داعی اللّه»

۱۳۶۲=۱۳۶۸-۶ق

وی صاحب تألیفات عدیـده است که در «الـذریعه» و «تاریـخ علمی و اجتماعی اصـفهان» به طور مفصّل معرفی گردیده، که از آن جمله است:

۱. «الاجازه الشّامله للسیّده الفاضـله» مطبوع در آخر کتاب «جامع الشـتات» صاحب عنوان [و نیز در مجله علوم الحـدیث شـماره چهارم با تحقیق علّامه سیّد محمّد رضا جلالی]۲. «اجازات»۳. «أداء المفروض فی شـرح أُرجوزه العروض» [چاپ شده با تحقیق شیخ مجید هادی زاده]۴. «اماطه الغین فی استعمال العین فی المعینین»، [مطبوع

مرتین]۵. «استیضـاح المراد من الفاضل الجواد»، مطبوع در آخر کتاب «وقایه الاذهان» [و مجلّه «فقه اهل البیت» شـماره ۴۰ عربی با تحقیق آقای رحیم قاسمی و ترجمه ایشان از این رساله نیز در مجله فقه فارسی شماره ۴۴ چاپ شده است.]۶. «استقصاء کتب الأصحاب»۷. «امجـدیه»، [چاپ چهارم]۸. «الإیراد و الاصـدار فی حلّ مشـکلات عویصه فی بعض العلوم»۹. «أنـا و الایام» ۱۰. «تعریب رساله سیر و سلوک» منسوب به علّامه بحرالعلوم ۱۱. «تنبیهات دلیل الانسداد»، مطبوع ۱۲. «حاشیه بر اُکر ثاوذوسیوس» ۱۳. «حاشـیه بر شـرح واحدی بر دیوان متنبی» [با تحقیق خانم لیلی نجمی در مجموعه «نصوص و رسائل» چاپ شده است.] ۱۴. «حاشـیه بر کتـاب روضات الجنات» که با نام «اعلاط الروضات» به طبع رسـیده است. ۱۵. «حلی الـدّهر العاطل فیمن أدرکته من الأفاضل» ۱۶. «حاشـیه بر کـافی» ۱۷. «حواشـی اسـتدلالی بر رسـاله نجـاه العباد»، [مطبوع] ۱۸. «دیـوان أبی المجـد»، مطبوع ۱۹. «ذخائر المجتهدین» فی شـرح «معالم الدین فی فقه آل یاسـین»، که «معالم الدین» تألیف شـمس الدّین محمّد بن شجاع انصاری حلّی (ابن قطان) است ۲۰. «رساله فی الردّ علی فصل القضافی عدم حجیّه فقه الرضا علیه السلام » ۲۱. «الروض العریض فیما قال أو قیـل فیه من القریض» ۲۲. «الروضه الغنـاء فی معنی الغنـاء و تحدیـده حکمه»، مطبوع مکررا ۲۳. «رسـاله در حکم گرامافون»، [که در مجموعه «غنـا و موسـیقی» چاپ شـده است.] ۲۴. «سـقط الـدُّر فی احکام الکُر» ۲۵. «سـمطا اللئال فی مسئلتی الوضع و الاسـتعمال»، دو بار چاپ شـده ۲۶. «رسـاله در عـدم تنجیس متنجس» ۲۷. «السـیف الصـنیع لرقـاب منکری علم البیع» [مطبوع با تحقیق آقای شیخ مجید هادی زاده] ۲۸. «العقد الثّمین» ۲۹. «غالیه العطر فی حکم الشّعر» ۳۰. «رساله در قبله» ۳۱. «القول الجمیل الی صدقی جمیل» ۳۲. «گوهر گرانبها» در ردّ اتباع عبـدالبهاء [با تحقیق آقای مهـدی باقری چاپ شـده] ۳۳. «نجعه المرتاد» در شرح «نجاه العباد» [با تحقیق آقای رحیم قاسـمی در مجموعه میراث حوزه اصـفهان، جلد اوّل چاپ شده است.] ۳۴. «نقد فلسفه داروین» در سه مجلّد، دو جلد مطبوع، [و اخیرا با

تحقیق آقای دکتر حامد ناجی اصفهانی چاپ شده است.] ۳۵. «النوافج و الروزنامج» [با تحقیق آقای جویا جهانبخش منتشر شده است.] ۳۶. «وقایه الاذهان و الألباب و لباب اُصول السنه و الکتاب»، مطبوع مرّتین.

[او در فنون شعر و ادب خصوصا معانی و بیان، بدیع، صرف و نحو، انشاء و سرودن شعر از نوادر روزگار بوده و فصیح و زیبا و دلپذیر شعر می سروده است.]

این شعر از اوست:

ألّا إنّ شکل المال فی الدّهر منتج ولکن شکل العلم فیه عقیم

فمن یشتری منی جمیع فضائلی فإنّی بأنحاء العلوم علیم

فقیه اصولی ادیب مفسر طبیب بصیر بالنجوم حکیم

و ماذا انتفاعی بالأصاله و الحجی اذا قیل هذا مقترٌ و عدیمٌ

عففت عن الفحشاء فی زمن الصبا علی إنَّ الشیطان الشباب رجیم(۱)

شیخ محمّد رضا صالحی جوباره ای

حاج شیخ محمّد رضا صالحی بن شیخ محمّد حسین بن ملّا محمّد صالح جوباره ای، عالم فاضل زاهد [از علمای قرن چهاردهم هجری] در استخاره از قرآن شهرت داشت و الحق تفألات او اغلب صحیح و درست بود.

در شب غرّه رجب ۱۳۸۶ق به سنّ متجاوز از ۹۵ سالگی وفات یافته و در بقعه تکیه

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۷۶ و ۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۲۰-۶۲۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۱۳-۲۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۱۹-۴۴۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۴۲-۳۴۴ و ۴۱۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۱۳-۲۱۵؛ الاجازه الکبیره، صص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ ریحانه الأدب، ج۷، ص۲۵۲؛ مصفی المقال، ص۱۷۹؛ نقباء البشر، صص ۷۴۷-۷۵۳؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۱۱۷-۱۱۹؛ دیوان ابی المجد: مقدمه؛ وقایه الأذهان: مقدمه؛ رساله امجدیه: مقدمه؛ قبیله عالمان دین، صص ۸۵-۱۱۵؛ گلشن اهل سلوک، صص ۱۱۳-۱۴۲؛ معارف الرجال، ج۳، ص۲۴۵؛ الاعلام، ج۳، ص۲۶؛ معجم المؤلفین، ج۳، ص۱۶۳.

فاضل سراب (معروف به تکیه جویباره ای ها) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

[مادّه تاریخ فوتش را استاد فرزانه و شاعر توانا آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» گوید:

بتاریخ وفاتش زد رقم «برنا» «رضای صالحی بود عابد و عالم»

۱۳۸۶]

استاد محمّد رضا اصفهانی

استاد محمّد رضا بن استاد حسین بناء اصفهانی، از هنرمندان زبردست عهد صفویه است. اثر جاویدان او بنای مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان، زیباترین بنای تاریخ اسلامی جهان است که در زمان شاه عباس اوّل، در سالهای ۱۰۱۲ تا ۱۰۲۸ق ساخته شده است. در داخل محراب کاشیکاری مسجد شیخ لطف اللّه نام او چنین آمده است:

«عمل فقیر محتاج برحمت خدا محمّد رضا بن استاد حسین بنّاء اصفهانی ۱۰۲۸»(۲)

رضا بینا

رضا قربانی مهر متخلّص به «بینا» فرزند آقا حسین جان، شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۲۸۸ش در بندر انزلی متولّد شد. در جوانی به استخدام بانک ملی ایران در آمد و در اصفهان ساکن شد. علاوه بر شعر و ادب به زبانهای فرانسوی و روسی آشنا بود. وی در انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن کمال [و انجمن صائب] شرکت می کرد [او در ۴ ربیع الاول ۱۴۰۲ مطابق با دهم دی ۱۳۶۰ش وفات یافته و در تکیه خلیلیان در تخت فولاد مدفون شد. وی علاوه بر شعر، داستانهای متعددی نیز نوشته و آثارش در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۸؛ سیری در تخت فولاد، ص۱۰۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۶.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۴۰۲؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۰.

روزنامه های «سایبان» و «سینا» به چاپ رسیده است.]

از اوست:

چشم تو به چالاکی ترکان کمان کش بگرفته به خون ریختنم تیر و کمان را(۱)

محمّد رضا شکیب اصفهانی

محمّد رضا متخلّص به «شکیب» فرزند محمّد حسین شمشیری شاعر و ادیب عارف. در سال ۱۲۸۴ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر به کسب علم و ادب پرداخت. در ۲۷ سالگی به عرفان روی آورده و مُرید ذوالرّیاستین شیرازی شد در شعر و ادب از محضر سینا کرونی بهره برده و در انجمن ادبی شیدا نیز از اساتید ادب کسب فیض کرد. سپس در انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن کمال حضور یافت. او به شغل قلمزنی امرار معاش می کرد و به مشایخ نعمت اللهی پاقلعه اصفهان ارادت می ورزید. دیوان اشعارش چندین بار به چاپ رسیده است.

وی سرانجام در [دوم ذیحجّه ۱۴۰۲ق مطابق با ۲۸ شهریور ۱۳۶۱ش] وفات یافته و در صحن تکیه آقاباشی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانا و ادیب دانشمند آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» گوید:

به شمسی خاصه بُرنا وفات او بنوشت: «اجل گرفت قلم از کف شکیب ادیب»(۲)

این ابیات از شکیب اصفهانی است:

هر که زد اندر ازل جامی ز مینای محبّت تا ابد در سر هوای خانه خمّار دارد

آب و رنگ لاله روی تو ای سرو خرامان باغ و بستان را به چشمم خوارتر از خار دارد

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، ص۶۵۶؛ تذکره خوان نعمت، ص۵۴؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹۸؛ یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۴-۲۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۵.

رضا طلاکوب

آقا رضا طلاکوب فرزند حسین بن احمد نقره کوب، شاعر ادیب [از سخنوران قرن چهاردهم هجری].

در حدود سال ۱۲۶۳ش در اصفهان متولّد شد. او مدّتی به مشاغل آزاد می گذرانید. در اواخر عمر در اداره شهرداری و بعدا در کارخانه ریسباف کار می کرد. در چند سال آخر عمر خود بینائی اش را از دست داد خیلی کم شعر می گفت و در انجمن های ادبی شرکت نمی کرد امّا طبع روانی داشت. اشعارش در حدود یکهزار و پانصد بیت می شود. او در یکشنبه ۲۳ رمضان المبارک سال ۱۳۷۲ق وفات یافته و در تکیه سیّد ابوجعفر خادم الشریعه (معروف به تکیه «حاج آقا مجلس») در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

از اوست:

هر که بینی رو بگرداند ز دیدار رقیب من نمی خواهم ببینم روی یار خویش را(۱)

محمّد رضا صغیر اصفهانی

محمّد رضا صغیر اصفهانی متخلّص به «سعید» فرزند استاد محمّد حسین صغیر اصفهانی بن اسداللّه، شاعر و مداح اهل بیت، در سال ۱۳۰۵ش در اصفهان متولّد شد. [و در دبستان فردوسی و دبستان حکیم نظامی تحصیل کرد سپس به کار بافندگی در کنار پدر مشغول شد و تحت پرورش پدر ذوق ادبی او شکوفا و لب به گفتن شعر باز کرد و در انجمن های ادبی همچون کمال، دبستان تبریزی، خاکیا، سعدی، حافظ، صائب و صغیر شرکت کرد. او مدّتی به فروش لوازم خانگی مشغول بود و عاقبت انتشارات صغیر را تأسیس نموده و مجموعه اشعار بسیاری از شعرای اصفهان را به چاپ رساند. خود او

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶؛ دانشوران روشندل، ص۸۷.

نیز تألیفاتی دارد که به چاپ رسیده اند از جمله:

۱. «دیوان سعید» ۲. «گنج عرفان»۳. «گلها و لاله ها»۴. «لاله های رنگارنگ»۵. «گلبن امید»۶. «مصبت نامه صغیر»۷. «یادبودنامه صغیر»

از اوست:

ترک من صبر و دل و دین مرا یکجا برد نازم آن شوخ که این هر سه به یک ایما برد

آنچه اندوخته بودم به نهانخانه دل به نگاهی ز من دلشده آن زیبا برد

خرمن صبر مرا شعله هجرانش سوخت حاصل عمر مرا سیل غمش یکجا برد[(۱)]

رضا عطاپور*

رضا عطاپور فرزند حسین بن حاج تقی کلانتر چهارسوقی اصفهانی، از نویسندگان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۱ش در محله چهارسوق شیرازی های اصفهان متولّد شد. و پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه به عنوان بهداشت یار در اداره بهداری به فعالیت پرداخت. وی کتابهای متعددی را تألیف کرده است که از آن جمله است:

۱. «راهنمای اصفهان» ،مطبوع ۲. «سخنان پرپر»، مطبوع۳. «سخنرانی های فلسفی»، مطبوع۴. «سخن زندگی»، مطبوع۵. «سرگذشت بزرگان جهان»۶. «سیری در دنیای مطبوعات» در ۵ جلد۷. «طومار اسلام»۸. «فکاهیات عطا»، مطبوع۹. «کشکول عطا» ۱۰. «معایب اجتماع»(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴۶؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۲۸۵؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای حاج محمّد رضا صغیر در تیرماه ۱۳۸۶ش.

۲- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای عطاپور در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۰.

محمّد رضا دانای اصفهانی

محمّـد رضا بخردی متخلّص به «دانا» فرزند محمّد حسین [بن علی محمّد بن محمّد باقر عمده التّجار بن حاج محمّد حسین بن حاج رسول قزوینی. از شعراء و سخنوران معاصر اصفهان. در شب اوّل دی ماه ۱۲۹۴ق] در اصفهان متولّد شد. [مادرش دختر حاج محمّد علی کلانتر گزی معروف به «برومند» بود. و برادرش سرهنگ بخردی بانی پل سرهنگ در خیابان هفتون اصفهان است. صاحب عنوان ابتدا در مکتب خانه نزد میرزا محمّـد حسن مشکی تعلیم گرفت و خط شکسته را آموخت سپس در دبستان اقدسّـیه و دبیرستان صارمیّه] تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به پایان رساند. او در شهرکرد مدّتی معلم بود. سپس در اصفهان به استخدام بانک ملّی درآمد و ضمن اشتغال به امور حسابداری بانک، در دانشکده حقوق دانشگاه تهران ادامه تحصیل داده و لیسانس گرفت. [او پس از بازنشستگی موفق به اخذ پروانه وکالت شده و به وکالت مشغول شد.[او در شاعری دارای طبعی روان و ذوقی سرشار است و آنچه سروده، نشانه قدرت کلام و تسلط او بر شعر و ادب می باشد.(۱)

[او در نوجوانی تحت تأثیر پسرخاله ادیب و دانشمند خود رضاقلی خان برومند و تشویق مرحوم عباس شیدا به طور جدی به سرودن شعر پرداخت و اشعارش مورد پسند و تشویق حسین مسرور اصفهانی شاعر معروف آن زمان قرار گرفت. او در انجمن های ادبی شیدا، مدرسه تبریزی، کمال، مکتب صائب حضور فعال داشته است.

این آثار از اوست:

۱. «پیمانه غزل»۲. «مثنوی من و گل» که در سال ۱۳۶۴ش با مقدمه استاد منوچهر قدسی چاپ شده است.۳. «مثنوی نامه عاشقانه»۴. «ساقی نامه» که قسمتی از آن در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۸۹.

«نامه سخنوران سپاهان» چاپ شده است.۵. «مثنوی در تجلیل بزرگان ادب معاصر اصفهان»۶. «نغمه وطن پرستی»[(۱)]

از اوست:

از سر کوی تو ای یار سفر باید کرد رو به شهر دگر و یار دگر باید کرد

بی وفایی و جفاکار و ستمگر تا کی در بر تیغ ستم سینه سپر باید کرد

حاج آقا رضا مظاهری

حاج آقا رضا مظاهری بن آخوند ملّا محمّد حسین مظاهری کرونی بن محمّد عالم فاضل و واعظ کامل. در سال ۱۲۹۸ش در دهستان «تیران» از توابع «کرون» [به فتح کاف و واو] متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از عالمان این شهر از جمله: حاج آقا جمال الدّین خوانساری، حاج آقا حسین خادمی، حاج میر سیّد علی بهبهانی، آقا کمال الدّین خوانساری، سیّد مصطفی مهدوی هرستانی، [حاج آقا رحیم ارباب، شیخ محمود شریعت ریزی، سیّد محمّد رضا خراسانی و سیّد ابوالحسن شمس آبادی (شهید اصفهانی)] تحصیل کرد.

او واعظی صالح و از محترمین اهل منبر اصفهان بود. در مسجد امام حسین علیه السلام در محله کیلان [به فتح کاف] و مسجد خیابان جامی اقامه جماعت می نمود. [او در روایات و اخبار و ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام و اخلاق و احکام صاحب معلومات فراوان و تبحّر کافی بود.]

او در عصر یکشنبه ۲ صفر ۱۴۱۰ق (مطابق با ۱۳ شهریور ۱۳۶۸ش) [بر اثر ابتلاء به سکته قلبی] وفات یافته و جنازه پس از تشییع شکوهمند توسط مردم اصفهان به قبرستان جدید باغ رضوان انتقال یافته و مدفون گردید.(۲)

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای محمّد رضا بخردی در ۸ فروردین ۱۳۸۴.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۲۷؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با فرزندش فاضل ارجمند حاج آقا محمّد مظاهری در اسفند ماه ۱۳۶۹.

محمّد رضا فتونی

محمّد رضا بن شیخ حسین فتونی [از فضلاء قرن یازدهم هجری در اصفهان] در سال ۱۰۷۶ق مجموعه شماره ۶۴۶۹ کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم را به خط نستعلیق در محلّه عباس آباد اصفهان کتابت نموده است.(۱)

رضا وفا دستجردی*

رضا اکبری دستجردی متخلّص به «وفا» فرزند حسین، شاعر ادیب معاصر، در سال ۱۳۱۸ش در روستای «دستجرد» بُرخوار اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیل در مکتب خانه، به تحصیل مقدمات علوم دینی در دولت آباد بُرخوار نزد حاج شیخ حسین نجفی دولت آبادی مشغول شد. مجموعه اشعار او به نام «سرود وفا» به چاپ رسیده است.

از اوست:

گلوی خویش به منّت ز آب تر نکنیم بزرگواری خود را فدای زر نکنیم

طریق صدق بپوییم اگر که جان بازیم لباس حیله و تزویر را به بر نکنیم(۲)

سیّد رضا هاشمی نجف آبادی*

سیّد رضا هاشمی نجف آبادی فرزند سیّد حسین، عالم فاضل و محقّق معاصر. در ماه بهمن سال ۱۳۲۰ش در نجف آباد متولّد شد مقدمات علوم دینی را از پدرش و شیخ غلامحسین منصور و شیخ عباس ایزدی فرا گرفت. سپس به قم عزیمت کرد و در درس حضرات آیات بروجردی، منتظری، علّامه طباطبایی و مطهری حاضر شد. مدّتی به تهران

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۶۵.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۸۸۱.

رفت و سالها در آنجا خدمت کرد. در دوران پیروزی انقلاب، در کنار تحصیلات حوزوی، در دانشگاه نیز تحصیل کرد و فوق لیسانس فلسفه اخذ نمود. سپس در دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخت. بعد از مدّتی برای تبلیغ به کشور سوئد رفت. در اواخر عمر نیز به زادگاه خود بازگشت و در حوزه علمیّه نجف آباد به تدریس مشغول شد و در آذرماه ۱۳۷۸ش وفات یافت و در قبرستان «جنّت الشّهداء» نجف آباد مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آلودگی های تمدن یا دورنمای فساد قرن بیستم» ۲. «فرهنگ شهادت»۳. «چگونه جنگیدن را از امام بیاموزیم»۴. «ریشه های انقلاب اسلامی»۵. ترجمه «دولت های شیعه در گذرگاه تاریخ»۶. «عروج و هبوط انسان از دیدگاه قرآن»۷. «متدولوژی انقلاب»۸. «مجموعه مقالات سیاسی»۹. «نصر بالرُّعب» ۱۰. «سیمای سامری» ۱۱. «مقدمات عرفانی نماز در قرآن» ۱۲. «توضیح و تعلیق کتاب معارف اسلامی»

سیّد رضا هاشمی مانند پدر خود طبع شعر داشت و حدود صد بیت از او باقی مانده است.(۱)

میرزا محمّد رضا خوشنویس اصفهانی

میرزا محمّد رضا خوشنویس اصفهانی. فرزندش میرزا حیدرعلی نقاش باشی نام داشته و قرآنی وقف نموده (که فاقد تاریخ است) و نیم جزو آن به شماره ۱۹ در کتابخانه چهلستون مسجد جامع طهران موجود است.(۲)

محمّد رضا راضی تبریزی

۱- دیباچه دیار نون، صص ۲۵۰ و ۲۵۱؛ سیمای دانشوران، صص ۲۱۲ و ۲۱۳؛ آیینه اهل قلم، صص ۹۶ و ۹۷.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

محمّد رضا راضی تبریزی، از شعراء و ادبای قرن یازدهم هجری و از تبریزیان ساکن محلّه عباس آباد اصفهان است.

او به شغل زرگری مشغول بود. مدّتی به هند رفته و از آنجا به تبریز بازگشت و مجددا به هند رفت. سال فوتش معلوم نیست.

این رباعی از اوست:

جان اگر از سینه ما شاد برون می آید کی خیال توام از یاد برون می آید

به امیدی که به سرو قد او دل بندد قمری از بیضه فولاد برون می آید(۱)

سیّد محمّد رضا هرندی

سیّد محمّد رضا حسینی هرندی معروف به «حاج آقا رضا هرندی» فرزند سیّد محمّد حسین عالم فاضل، واعظ کامل. [در قرن چهاردهم هجری] از خطبای معروف اصفهان و محبوب و مقبول عموم طبقات بوده و بیانی دلنشین داشته و مردم را با مواعظ شافیه خود ارشاد می فرموده است. [در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله: شیخ محمّد علی فتحی دزفولی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، شیخ علی مدرس یزدی، میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی تحصیل کرده و سپس در نجف اشرف از محضر حضرات آیات آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و سیّد عبدالهادی شیرازی کسب فیض نموده است.]

سالها در اصفهان به موعظه و ارشاد مشغول بوده و در مسجد دارالشفا اقامه جماعت می نموده تا اینکه در سن ۸۵ سالگی در ۷ ربیع الثانی ۱۴۰۲ق (مطابق ۱۲ بهمن ۱۳۶۰ش) وفات یافته و در تکیه شهدای اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۶۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۵۶؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۳۰؛ سخنوران آذربایجان، ص۳۶۶.

۲- گلستان شهدای اصفهان در گستره تاریخ، (نسخه چاپ نشده)، ج۱، ص۵۶؛ مزارات اصفهان، ص۳۶۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۱۶.

رضا رهائی نجف آبادی*

رضا رهائی فرزند حیدر، از شعرای معاصر نجف آباد، در ۱۴ مرداد ۱۳۰۶ش در نجف آباد متولّد شده و از اوایل جوانی به سرودن شعر پرداخت و در انجمن های ادبی تهران از جمله «عرفان»، «جماران» و «سعدی» و انجمن های ادبی نجف آباد از جمله: «پروین اعتصامی» و «مولوی» حضور یافت همچنین اشعارش که اغلب طنز انتقادی و اجتماعی بود در نشریات «فردوسی»، «چلنگر»، «توفیق» و «حاجی بابا» به چاپ می رسید. او از راه شغل بنّایی امرار معاش می کند. مدتها در تهران ساکن بوده و سپس در «ویلاشهر» نجف آباد سکونت گزیده است. در شعر «رهایی» تخلّص دارد.

از اوست:

در بزم خیال تو به رؤیا بنشستم مسرورم از آن لحظه که تنها بنشستم

سیمرغ صفت بر قُلَلِ قاف وصالت پنهان شده از مردم دنیا بنشستم(۱)

میرزا محمّد رضا قمشه ای

میرزا محمّد رضا بن میرزا حیدر قمشه ای، شاعر و ادیب قرن یازدهم هجری. از نجبای قمشه [شهرضای کنونی] بوده و وکیل و همه کاره میرزا حسن خلیفه سلطانی شده بود. جوانی آراسته و نویسنده ای زبردست و خوشنویس بوده و در فن معمّا و شعر و انشاء بهره وافی داشت. او به خاطر خوش مشربی و اخلاق حسنه محبوب القلوب خاص و عام بود و حدود سال ۱۰۸۱ق در جوانی وفات یافت.

از اوست:

اوّل عشق تو اشکی بهر سامان داشتم این زمان مژگان به صد خون جگرتر می شود(۲)

۱- دیباچه دیار نون، ص۱۷۶؛ از زنده رود تا حیدربابا، ص۴۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۸۶؛ تذکره حسینی، ص۱۳۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۹۵.

محمّد ضا شهمیرزادی

محمّد رضا بن حاج درویش شهمیرزادی کهدمی اردبیلی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] شاگرد و مجاز از علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. در اصفهان ساکن بوده و علّامه مجلسی در آخر روضه کافی در ۲۶ صفر ۱۰۷۶ق برای او اجازه نوشته است. کتاب به شماره ۳۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّد رضا منصور اصفهانی

میرزا محمّد رضا طبیب اصفهانی متخلّص به «منصور» فرزند رجبعلی شاعر ادیب و طبیب دانشمند [در قرن سیزدهم هجری] در اصفهان در سال ۱۱۶۷ق متولّد شد. او نزد جمعی از علماء و حکماء به تحصیل پرداخته و از جمله در حکمت الهی از درس آقا محمّد بیدآبادی و در طب از محضر محمّد نصیر طبیب اصفهانی بهره گرفته و به طبابت مشغول شد. گویند به خاطر تجویز «شراب» به بیماران به «میرزا رضای شرابی» معروف بود.

وی سالها در کرمان در خدمت میرزا ابراهیم خان ظهیرالدّوله قاجار حاکم کرمان به طبابت مشغول بوده و سرانجام در سال ۱۲۳۸ق وفات یافت. علاوه بر طبابت شعر نیز می سروده و «منصور» تخلّص می نمود.

از آثار او «دیوان اشعار» موسوم به «ابراهیم آباد» است که به شماره ۱۴۰۸۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. همچنین کتاب «هادی المضلّین و زاد المتّقین» در علم کیمیا که آن را از یادداشت های استادش آقا محمّد بیدآبادی در سال

۱- فهرست مرعشی، ج۱، ص۳۴۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۰ و ۳۱؛ اجازات الحدیث، ص۲۰۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۹۸ و ۹۹.

۱۲۰۹ق اقتباس نموده است.

این بیت از اوست:

نگذاشت سنگ حادثه بر پیکرم پری کاندر قفس به زیر پری آورم سری(۱)

میرزا محمّد رضا قمی*

میرزا محمّـد رضا خلف ارشـد آقا رضـی، شاعر و ادیب فاضل، از سـخنوران قرن یازدهم هجری.ماننـد پـدرش جامع فضایل و کمالات بوده و پس از فوت او وزیر قم شد و در آن منصب در کمال عدالت و راستی و نیک نفسـی رفتار می نمود. عاقبت به سعایت بدخواهان از کار عزل شده و در اصـفهان ساکن شد(۲) و در مدرسه میرزا رضـی به تحصیل پرداخت. از آثا او کتابت نسـخه ای است از کتاب «شـفا» تألیف: ابن سـینا که آن را در رمضان المبارک ۱۰۸۰ق در مدرسه میرزا رضـی اصفهان به خط نسـتعلیق کتابت کرده و به شـماره ۸۵ در کتابخانه سـیّد مصـلح الـدّین مهدوی (اهدایی به گنجینه نسخ خطی اصـفهان) موجود است.(۳) این بیت از اوست:

خوشا دمی که تو ای یار، یار من باشی ستاره سحر انتظار من باشی

محمّد رضا اصفهانی

محمّد رضا بن محمّد رفیع اصفهانی از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. [در اصفهان

۱- دانشــمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، ص۵۶۹؛ تـذکره اختـر، ص۱۹۰؛ تـذکره سـفنیه المحمـود، ص۲۹۱؛ تـذکره مجمع الفصحاء، ج۶، صص ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵؛ تذکره دلگشا، صـص ۴۷۳ و ۴۷۴؛ الذریعه، ج۲۵، صص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ فهرست مجلس، ج۳۸، صـص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ طرائق الحقـائق، ج۳، ص۲۵۷؛ آشـنای حق، صص ۶۵-۶۸؛ مکـارم الآثار، ج۴، ص۱۰۸۲؛ فهرست الفبـایی رضوی، ص۷۶۵؛ فهرسـت مرکزی دانشـگاه تهران، ج۱۳، ص۳۳۴۷؛ تـذکره حدیقه الشـعراء، ج۳، ص۱۷۲۰؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۳۴۳-۳۴۵؛ تذکره ممیّز (خطّی)، ص۷۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۶۱.

۳- فهرست سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص۹۰.

ساکن بوده و به تحصیل علوم دینی پرداخته است. سیّد میر علی اکبر حسینی اصفهانی از اساتید اوست.]

او چند کتاب را کتابت کرده است از جمله:

[۱. «مطالع الانوار» تألیف: سیّد حجت الاسلام، به خط نسخ در ۱۷ ذی الحجه ۱۲۳۷ق به دستور سیّد میر علی اکبر حسینی اصفهانی که به شماره ۱۲۹۲ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)] ۲. «حلیه اللّامعه» تألیف: سیّد حجت الاسلام، به خط نسخ در جمعه ۱۰ رجب ۱۲۳۹ق، موجود در کتابخانه علّامه محقّق حاج سیّد محمّـد علی روضاتی در اصفهان.(۲) [۳. «مطالع الانوار» تألیف: سیّد حجت الاسلام به خط نسخ، در سال ۱۲۵۵ق در اصفهان، که به شماره ۱۴۸۰۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی قمی در قم موجود است.(۳)]

حاج محمّد رضا جواهری*

حاج محمّد رضا جواهری فرزند حاج محمّد رفیع، از فضلاء اصفهان در دوره قاجاریه و از اصحاب محضر حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی (فرزند سیّد حجه الاسلام شفتی) و از ساکنین محله نوی شهیش بیدآباد بوده و به استنساخ کتب اشتغال داشته و به جهت شناسایی دانه های ثمین و نگین های بهادار، او و پدرش به «جواهری» شهرت یافته بودند.

او در سال ۱۲۹۸ق به سفر حجّ همّت گماشت و معلوم نیست چرا فرزند نورسته و تازه بالغ که نام نیا را بر او نهاده بود، با اوضاع و وسائل نقلیه صعب آن زمان با خود همراه ساخت و چنانکه از مضامین اشعار لوح مزار فرزند (که تا قبل از تغییرات اخیر بقعه علّامه خوانساری در تخت فولاد به جای خود باقی بود) به مجرّد بازگشت از حجّ که

۱- فهرست احیاء، ج۴، ص۱۲۴.

۲- الذریعه، ج۷، ص۸۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۳۱۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۳۷، ص۴۰۸.

تا جمادی الثّانی طول کشید، فرزندش حاجی محمّد رفیع دوم دار فانی را وداع گفت.

با پدر محترم بهر طواف حرم اوّل تکلیف خویش شد به حرم رهسپر

زان سفر پرخطر چون به وطن بازگشت طایر روحش نمود عزم دیار دگر

در مه دوم جماد جسم جمادی نهاد روح مجسّم شد و ساخت جنان را مقر

و فرزند دیگرش حاج محمّد مهدی که یکی از پسران او هم دارای نام محمّد رفیع بوده، در دوران شباب در محل تدریسش لرستان وفات یافته است. با مزاوجت دختر میرزا اسماعیل بن میرزا ابراهیم حسینی باب الدّشتی (از معاشرین و مشاورین فاضل و فهیم سیّد محمّد امام جمعه) که بعدا خواهر همسرش، از حرمسرایان و همسر مسعود میرزا ظلّ السّلطان شده، صاحب ثروت و عنوان بوده است.

حاج محمّد رضا که در اوایل و حاج محمّد مهدی که در اواسط قرن چهاردهم هجری قمری روی به عالم باقی نهاده اند و حاج محمّد رفیع تازه بالغ و همسر حاج محمّد مهدی در حجره جنوب شرقی بقعه علّامه خوانساری در تخت فولاد مدفونند.(۱)

شیخ محمّد رضا بیان الحق

شیخ محمّد رضا بیان الحق فرزند شیخ زین العابدین واعظ [از وعاظ اهل منبر در قرن چهاردهم هجری] متوفی ۱۱ شعبان ۱۳۹۰ق [مدفون در گورستان عمومی جنب تکیه صیرفیان و کنار مزار مرحوم سیّد علی اکبر هاشمی طالخونچه در تخت فولاد اصفهان(۲)]

دکتر رضا زهروی*

دکتر رضا زهروی فرزند زین العابدین، از پزشکان حاذق و شعرای خوش ذوق معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۵ش متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته

۱- یادداشت های شاعر توانا و آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا».

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

پزشکی به تحصیل پرداخت و به درجه دکترا نائل آمد و در اصفهان به طبابت مشغول شد. علاوه بر آن شعر نیز می سروده و «جلالی» تخلّص می نمود و در برخی انجمن های ادبی از جمله انجمن ادبی فردوسی شرکت می کرد.

از اوست:

گرچه در سودای عشق او بسی بی مایه ام با نظربازی اگر سودا کنی دشوار نیست(۱)

شیخ محمّد رضا شریعت طالخونچه ای

شیخ محمّد رضا شریعت بن ملّا زین العابدین طالخونچه ای عالم فاضل، ادیب شاعر [از علمای قرن چهاردهم هجری].

در حدود سال ۱۳۰۰ق در «طالخونچه» از روستاهای بین شهرضا و سمیرم متولّد شده و جهت تحصیل به اصفهان آمد و در مدرسه جده ساکن شده و نزد علمای این شهر همچون آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا سیّد مهدی درچه ای، حاج میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی به تحصیل پرداخت. آنگاه به مولد خویش مراجعت کرده و مرجع شرعیات آن حدود شد و به تبلیغ دین و ارشاد مردم پرداخت و در سال ۱۳۷۳ق در آنجا وفات یافته و مدفون شد.

علاوه بر مقام علمی و دینی شعر نیز می سروده است. از اوست:

گر بگویی دست از عشق تو بردارم ندارم جز طریق عشق راهی در نظر دارم ندارم

چون سر کوی تو جانا منزل و مأوی باشد از چنین منزلگهی قصد سفر دارم ندارم(۲)

[صاحب عنوان، پدر دانشمند بزرگوار و استاد دانشگاه آقای دکتر محمّد جواد

۱- زنده رود تا حیدربابا، ص۹۰؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص۱۷۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۲۶۷ و ۲۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۶۲۳ و ۶۲۴.

شریعت است.]

میرزا سیّد رضا حسینی اصفهانی

میرزا سیّد رضا بن میرزا شاه تقی حسینی اصفهانی شاعر ادیب. [از شعرای قرن دوازدهم هجری].

از دوستان صمیمی شیخ محمّد علی حزین بوده و در حسن سلیقه و رنگینی صحبت بی نظیر و سخن فهمی و نکته سنجی مُسَلَّم هر صغیر و کبیر بود. از شکفته طبعان روزگار بوده و ایّامی مهیّا به عزت و احترام داشت. گاهی به شعر و انشاء رغبت نموده، ابیات بلند از طبع مشکل پسندش سامعه افروز می شد. «سیّد» تخلّص می کرد. سرانجام در سال ۱۱۳۳ق در اصفهان وفات یافت. احتمال دارد او همان شخصی باشد که به عنوان «میرزا رضا حسینی» در بقعه علّامه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون است.

این رباعی از اوست:

در دل ز غم تو خارخاری دارم از داغ به سینه لاله زاری دارم

افسرده شدست گلشن باغ نظر ای گریه بیا که با تو کاری دارم(۱)

محمّد رضا اصفهانی*

محمّد رضا بن حاجی محمّد صادق بزّاز اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن دوازدهم هجری. خط نسخ را خوش می نوشت و در دهه سوم ذیحجه الحرام سال ۱۱۹۹ق از کتابت «قرآن مجید» فراغت حاصل نمود. این نسخه به شماره ۲۹ در کتابخانه ملّی

۱- تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۲۰۹ و ۲۱۰؛ تذکره آتشکده، (نیمه نخست از بخش سوم)، ص۹۴۳؛ تذکره روز روشن، ص۲۹۹؛ الذریعه، ج۹، صص ۴۸۱ و ۳۶۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۲۰ و ۶۱۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۱۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۷.

ملک در تهران موجود است.(۱)

ملّا محمّد رضا مجلسی

ملّا محمّد رضا بن ملّا محمّد صادق بن ملّا مقصودعلی مجلسی، عالم فاضل و محدّث صالح [از دانشوران قرن یازدهم هجری.

از پسرعموی علّامه مجلسی است. در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصا عمویش ملّا محمّد تقی مجلسی و عموزاده اش علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته و موفق به اخذ اجازه روایت از آن دو بزرگوار شد.

کتابِ «الدّعوات الکافیات» را در سال ۱۰۶۹ق تألیف نموده و نسخه ای از آنرا شاگردش محمّد نسیم تبریزی کتابت کرده و مؤلّف به خط خودش برای کاتب اجازه نوشته است]. او نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» را کتابت کرده که به شماره ۷۹ج در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است.(۲)

ملّا رضا پیکانی جرقوئی*

ملّا رضا بن صادق علی خان پیکانی، از علمای اواخر دوره قاجاریه، در حدود سال ۱۲۹۰ق در روستای «پیکان» از توابع جرقویه اصفهان متولّد شد و در اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت. او از خوشنویسان چیره دست عصر خود بود و نستعلیق را خوش می نوشت و گاهی شعر نیز می سرود. او سرانجام در حدود سال ۱۳۳۵ق در زادگاه خود وفات یافت.

از اوست:

۱- فهرست ملک، ج۱، ص۵.

۲- الروضه النّضره، ص۲۷۰؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۱؛ اجازات الحدیث، ص۲۰۷؛ الفیض القدسی، ص۹۹؛ تلامذه المجلسی، ص۱۰۰؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۳۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۵۵.

اگر گویند چاره دیوانه زنجیر است چرا پس زلف لیلی دید مجنون، گشت دیوانه(۱)

سیّد محمّد رضا خاتون آبادی

سیّد محمّد رضا بن سیّد صالح بن سیّد محمّد رضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن سیزدهم هجری] از شاگردان و تربیت یافتگان مرحوم میر سیّد حسن مدرس میر محمّد صادقی و شیخ مرتضی انصاری و از همدرسان میرزا محمّد همدانی و شیخ روایت اوست. تاریخ اجازه خاتون آبادی به او ۱۲۸۱ق است.

از آثار صاحب عنوان دو جلد تقریرات مرحوم شیخ انصاری است که به خط خود در تاریخ ۱۲۸۲ق نوشته و نسخه ای از آن در کتابخانه علّامه مفضال جناب حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است. در حاشیه این نسخه اجازه مرحوم فاضل ایروانی جهت میرزا محمّد همدانی است و مرحوم خاتون آبادی حضور خود در آن مجلس را یادداشت نموده است.

مشارالیه در سال ۱۲۹۱ق وفات یافت.(۲)

شیخ محمّد رضا الهی شهرکی

شیخ محمّد رضا الهی بن ملّا طاهر بن عبداللّه شهرکی دهکردی، عالم فاضل [از علمای قرن چهاردهم هجری].

وی در سال ۱۲۹۹ق در قصبه «شهرک» از توابع چهارمحال متولّد شد. در اصفهان نزد سیّد محمود کلیشادی (مغنی گو)، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، شیخ محمّد تقی

۱- گرکویه، (ویرایش دوم)، صص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۴؛ الکرام البرره، ج۱، ص۵۵۶؛ الذریعه، ج۱۱، ص۲۲؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۰۵۵؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص۲۵۸.

آقانجفی و حاج آقا نوراللّه نجفی به تحصیل پرداخت.

او عمری را به ترویج و تبلیغ دین گذرانیده و فرزندانی شایسته تربیت کرد و سرانجام در شب شنبه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۶۱ش وفات یافته و پای بقعه میرزا ابوالحسن بروجردی (در تکیه بروجردی یا درکوشکی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

مادّه تاریخ وفات مرحوم الهی را میر سیّد علی نوربخش (آزاد) چنین گفته است:

سؤال کردم از «آزاد» سال فوتش گفت: «روان شد الهی به پیشگاه خدا»

ملّا محمّد رضا زفره ای

ملّا محمّد رضا زفره ای متخلّص به «عنبر» فرزند ملّا عباس بن حاج عبدالصمد، شاعر ادیب معاصر، از اهالی روستای «زفره» از توابع کوهپایه بود. او در روستای «حبیب آباد» بُرخوار ساکن شد [و در اواخر عمر به اصفهان آمد و در ۲۲ ربیع الاوّل ۱۴۱۰ق (مطابق با اوّل آبان ۱۳۶۸ش وفات نمود.(۲) از اوست:

شکر للّه کز عنایات خداوند جهان شهر اصفاهان ز نو گردید چون باغ جنان

نور و ظلمت، عیش و غم، زهر و شکر بس دیده ام گاه خندان بهر اینیم گاه گریان بهر آن

عیش اگر خواهی طلب کن از خدا جنّات عدن ای خوش آن عبدی که منزل برکَنَد زین خاکدان(۳)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷؛ بوستان فضیلت، ص۱۹۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۰؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۴.

۳- یاداشت های آقای محمّد حسن رجائی زفره ای.

میر محمّد رضا طباطبایی اصفهانی*

میر محمّد رضا بن میر عباس طباطبایی اصفهانی، از کاتبان قرن دوازدهم هجری است. او در چهارشنبه ۴ رمضان ۱۱۴۰ق نسخه ای از «تحفه الزّائر» تألیف: علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را کتابت کرده و به شماره ۷۳۴ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۱)

میر محمّد رضا بهشتی*

میر محمّد رضا بن میر عبدالباقی حسینی بهشتی، عالم فاضل زاهد صالح متّقی [از علمای قرن سیزدهم هجری] از ائمه جماعت مسجد سرجوی شاه [مسجد دکتر بهشتی فعلی] و مسجد لنبان اصفهان بوده و عمر را به عبادت و قناعت گذرانیده و در جمعه ۲۷ رجب المرجّب سال ۱۲۵۶ق وفات یافته و در تکیه سادات بهشتی درشمال مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۲)

حاج رضا زرفشان*

حاج رضا صدریان متخلّص به «زرفشان» فرزند عبدالحسین از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۲ش در اصفهان متولّد شده و گاهی شعر می گوید.

از اوست:

ای نوگل حیات، محمّد خوش آمدی ای چشمه حیات، محمّد خوش آمدی

از جلوه تو سینه ما باز شد چو گل گل از رخ تو مات، محمّد خوش آمدی(۳)

میرزا محمّد رضا محلّه نوئی*

۱- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۵۳۸.

۲- تحفه الاحباب، ص۴۰.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص ۳۱۰.

میرزا محمّد رضا محلّه نوئی فرزند آقا عبدالحسین امین العلماء بن حاج ملّا محمّد شفیع خوئی (از فضلاء اواخر دوره قاجاریه).

فاضلی ماهر و بالیاقت بوده که در نزد مدرسین علوم زمان در اصفهان به فراگرفتن دانش پرداخته و با همکاری جمعی از اهل فضل محضر شرعی جهت اصلاح مرافعات و رفع خصومات و امور مکاتبات بیع و شراء و رهن و اجاره و عقد و طلاق وصل فسخ و واگذاری نموده و مورد توجّه حاج سیّد جعفر (فرزند حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی) واقع شد. تا جایی که او مراجعین خود را به محضر آن فاضل اصیل می فرستاد و در امور مختلف همچون اتمام نماهای مسجد و یاوری اهل محل از او کمک می گرفت.

میرزا محمّد رضا در ۲۶ ذیحجه ۱۳۱۷ق وفات یافته و در جنوب غربی تکیه علّامه خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

حاج میرزا رضا کلباسی

حاج میرزا رضا بن میرزا عبدالرحیم بن میرزا محمّد رضا بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم جلیل، فقیه جامع و مجتهد اصولی در شب ۲۵ ذی العقده الحرام ۱۲۹۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود تحصیل را آغاز کرد. [در اصفهان نزد جمعی از علماء و حکماء عالیقدر همچون شیخ محمّد علی ثقه الاسلام و برادرش شیخ محمّد تقی آقانجفی، جهانگیرخان قشقایی، آخوند ملّا محمّد کاشانی، ملّا حسین نایینی، شیخ احمد حسین آبادی، میرزا محمّد باقر حکیم باشی، میرزا محمّد حسن شیرازی اصطهباناتی به تحصیل پرداخت. در تهران از درس میرزا حسن آشتیانی و ملّا محمّد آملی بهره برد. درسال ۱۳۲۳ق به عتبات عالیات مشرف شد و از درس حضرات آیات شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی، آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا).

یزدی در نجف اشرف و میرزا محمّد تقی شیرازی در سامرا کسب فیض نمود و به مقام اجتهاد نائل شده و در سال ۱۳۲۶ به اصفهان مراجعت نمود.

او از پدرش میرزا عبدالرحیم و از شیخ احمد حسین آبادی، شریعت اصفهانی و آقا سیّد محمّد کاظم یزدی اجازه دارد.

حاج میرزا رضا کلباسی سالها در اصفهان به اقامه جماعت در مسجد خیاط ها و مسجد تکیه محمّد علی یزدی و تدریس در مدرسه صدر مشغول بود و دهها تن از طلاب و اهل علم از محضر او کسب فیض نمودند. او اهتمام زیادی به تشویق نوجوانان به طلبه شدن و تحصیل علوم حوزوی داشت. [و بسیاری از جوانان مستعد به همت او به لباس روحانیت درآمدند. در تدریس نیز از دروس مقدماتی تا عالی را تدریس می کرد] او شبهای جمعه در مسجد رکن الملک مراسم احیاء را برپا می نمود و دعای کمیل را قرائت می کرد. از کارهای خیریه او احیاء و مرمّت مساجد مخروبه بود.

[سرانجام درسال ۱۳۴۸ق برای همیشه اصفهان را ترک کرده و در جوار آستان قدس رضوی در مشهد مقدس اقامت گزید. او در مسجد گوهرشاد به اقامه جماعت و برگزاری مراسم احیاء در شب های جمعه می پرداخت و در روز به تدریس مشغول بود و مردم را وعظ و ارشاد می نمود.

او عالمی متّقی و عابد و قانع بود و در عبادت و تهجّد شور و حال خاصّی داشت.]

وی در شب سه شنبه ۴ شوال المکرّم ۱۳۸۳ق در مشهد مقدّس وفات یافته [و در جوار مرقد مطهر امام رضا علیه السلام در ایوان مجاور کشیک خانه (واقع در صحن عتیق) مدفون گردید.]

این کتابها از تألیفات اوست:

[۱. «اشراقات الایام فی افاضات الانام»]۲. «انیس اللیل» در شرح دعای کمیل - مشهورترین تألیف صاحب عنوان - که در سال ۱۳۴۳ق به ضمیمه «مرآه المصنّف» اثر میرزا یحیی بیدآبادی به چاپ رسید. و بعدها چندین بار دیگر نیز چاپ شد.

۳. «ایقاظات الاصول» [۴. «حاشیه بر رسائل» شیخ انصاری، ناتمام۵. «حاشیه بر کفایه» آخوند خراسانی، ناتمام۶. «حاشیه بر منظومه» سبزواری۷. «حاشیه بر نجاه العباد» [۸. «الدّعوه الحسینیّه إلی نصره الاسلامیّه» که در سال ۱۳۲۸ش در مشهد مقدس به همت پروفسور فلاطوری به چاپ رسیده است.۹. «راهنمای دین» یا «دستور تبلیغ»، مطبوع در ضمن کتاب «الدعوه الحسینیه» [۱۰. «رساله در رضاع» [۱۱. «شرح حدیث اهلیلجه» [۱۲. «شرح اشعار حافظ»] ۱۳. «شرح منازل السائرین» به فارسی [۱۴. «مفتاح الجنان» در شرح دعای صباح که به تصحیح و تحقیق محقق فاضل آقای مهدی رضوی در جلد سوم میراث حوزه اصفهان به چاپ رسیده است. [۱۵. «مقامات العارفین» که به ضمیمه کتاب «مرآه المصنّف» به طبع رسیده است. ۱۶. «مکیال الیقین» در اصول دین که به ضمیمه کتاب «مرآه المصنف» به طبع رسیده است. [۱۷. «نفحات اللّیل» در شرح دعای کمیل، که به چاپ رسیده است] ۱۸. «هدیه السّالکین لعموم المسلمین» که در سال ۱۳۶۲ق به چاپ رسیده است.(۱)

محمّد رضا نصیری طوسی

محمّد رضا بن عبدالحسین منشی الممالک [بن ادهم بیک مستوفی بن ملک بهرام کلانتر] نصیری طوسی، عالم فاضل و ادیب محقّق [از علمای قرن یازدهم هجری].

وی از اعقاب شیخ طوسی و از مشاهیر خاندان «نصیری طوسی» است. او نزد جمعی از علماء عالیقدر از جمله امیر شرف الدّین علی شولستانی تحصیل کرده [و در علوم زمان خود همچون ادبیات فارسی و عرب، تفسیر، حدیث، کلام و فقه مهارتی به سزا داشته است. در اصفهان ساکن بوده و ظاهرا مانند پدر منصب «منشی الممالک» را برعهده

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۲۴ و ۶۲۵؛ ارشاد الناس، (نسخه خطی)، ص۱۴؛ نقباء البشر، ج۲، ص۷۵۹؛ الذریعه، ج۲، ص۴۶۴ و ج۴، ص۸۳ و ج۲۵، ص۱۷۶؛ المستدرک فهرس التّراث، ص۹۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۴۳۳ و ۴۳۴؛ وفیات العلماء، ص۲۵۶؛ میراث حوزه اصفهان، ج۳، صص ۳۹-۴۶؛ خاندان کلباسی، صص ۲۱۷-۲۲۰؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۱ و ۴۰۹.

داشته است.[(۱)]

کتب زیر از اوست:

۱. «تفسیرالائمه لهدایه الامّه» [به فارسی و عربی. کتاب تفسیری بزرگ مفصل در چندین جلد که نسخه ای از جلد اوّل آن در کتابخانه شیخ محمّد امین آل شیخ اسداللّه دزفولی در کاظمین موجود بوده است. جلد دوم تفسیر در کتابخانه شیخ محمّد جواد محی الدّین جامعی در نجف نگهداری می شده و نسخه ای دیگر از جلد دوم به شماره ۱۲۸۶۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. همچنین بنا به نقل شیخ ابوالمجد محمّد رضا نجفی اصفهانی مجموعه ۱۵ جلدی این کتاب در کتابخانه خاندان قزوینی در اصفهان موجود بوده که «اقبال الدّوله» حاکم اصفهان ۳ جلد آنرا گرفته و پس نداده است.[(۲)] ۲. «کشف الآیات» معروفترین تألیف اوست که به عربی نوشته و در سال ۱۰۶۷ق از تألیف آن فراغت یافته است. نسخه های این کتاب در بسیاری از کتابخانه ها موجود است و معروفترین تألیف صاحب عنوان به شمار می رود.(۳) ۳. «مختصر تفسیر الائمه» به فارسی ۴. «منشآت سلیمانی» در علم لغت، که ناتمام مانده است.(۴)

حاج میرزا محمّد رضا رضوی خوانساری

حاج میرزا محمّد رضا بن سیّد عبدالرّسول رضوی خوانساری، از علماء کاملین و فقهاء و مدرسین اصفهان [در اواخر قرن سیزدهم هجری] وی قبل از طبع مجلدات «وافی»، «مستند»، «بحارالانوار» و برخی دیگر از کتب به تصحیح آنها اقدام کرده است.

وفاتش در ۲۷ رجب ۱۳۳۹ق واقع شد. و در تکیه آقا سیّد محمّد ترک (تکیه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۸؛ مطلع الشمس، ص۶۹۹؛ محافل المؤمنین، ص۲۹۳؛ فوائد الرضویّه، ج۲، ص۵۳۳؛ زندگینامه شیخ طوسی، ص۸۴؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۹۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نصیری»، ص۵۷۱؛ تعلیقه امل الآمل، ص۲۷۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۷۰ و ۲۷۱.

۲- الذریعه، ج۴، صص ۲۳۶-۲۳۹؛ فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۶۳۵.

۳- الذریعه، ج۱۸، ص۳.

۴- دستور شهر یاران: مقدمه، ص چهل و هشت.

جهانگیرخان) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

محمّد رضا اصفهانی*

محمّد رضا اصفهانی معروف به «کر» فرزند عبدالعزیز، از خوشنویسان قرن دوازدهم هجری است.

او در خط شکسته از شاگردان درویش عبدالمجید طالقانی است. درویش عبدالمجید گفته است: «من قطعه را بهتر می نویسم و محمّد رضا کتابت را». محمّد رضا سالها به کتابت کتابهای ادبی مشغول بوده و کاتب مخصوص اسماعیل خان خبوشانی است و نسخه ای از «شاهنامه» فردوسی را برای او کتابت کرده است.

از دیگر آثار او کتابت «هفت اورنگ» جامی است که در اوایل شعبان المعظّم ۱۱۸۷ق کتابت کرده و در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.(۲)

ملّا محمّد رضا شکیبی اصفهانی

ملّا محمّد رضا متخلّص به شکیبی فرزند خواجه عبداللّه امامی اصفهانی شاعر و ادیب فاضل در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری. در سال ۹۶۴ق در اصفهان متولّد شد. او خواهرزاده امیر روزبهان صبری اصفهانی و از نوادگان پسری خواجه عبداللّه امامی اصفهانی از عرفای مشهور قرن نهم و خواجه امام الدّین حسن اصفهانی (معاصر حافظ شیرازی) بود.

در اصفهان تحصیل را شروع کرد و با شعرای اصفهان به معاشرت و مصاحبت پرداخت سپس در شیراز نزد امیر تقی الدّین محمّد نسّابه شیرازی تحصیل نمود. سپس در آذربایجان و خراسان به مسافرت پرداخت مدّتی در مشهد ساکن بوده و با شعرای آنجا

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۶۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۹۶.

۲- تذکره خوشنویسان، ص۱۳۲؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۷۸ و ۱۷۹.

مراوده داشت. عاقبت به هند رفته و به مدح سپهسالار عبدالرحیم خان ملقب به «خان خانان» پرداخته و مقرّب درگاه او گردید و سالها در خدمت او بود. در سال ۱۰۱۲ق به حج رفت و در بازگشت در ناحیه عدن کشتی حامل او دچار طوفان شده و به ساحل عَدَن کناره گرفت و باقی اسباب و اموال او به دست اهالی عَدَن غارت شد. پس از بازگشت از هند در خدمت «خان خانان» بود، ولی عاقبت از او کناره گرفته، به دهلی رفت و نزد پادشاه هند نورالدّین محمّد جهانگیر پادشاه تقرّب یافته و به منصب «صدر» در دهلی منصوب شد. تا اینکه در سال ۱۰۲۳ق در دهلی وفات یافت. «جسمی همدانی» ماده تاریخ فوت او را در این عبارت یافته است:

«صدر دهلی رفت»

او در ادبیات عربی و فارسی خصوصا فنون شعر و معانی و بیان استاد بوده و از علوم دینی خصوصا فقه و حدیث با بهره بوده و در علم موسیقی و ادوار نیز مهارت داشته است. غیر از «دیوان اشعار»، یک مثنوی در بحر «خسرو و شیرین» و یک «ساقی نامه» موسوم به «عشرت آباد» از او به جای ماند.

از اوست:

شب های هجر را گذراندیم و زنده ایم ما را به سخت جانی خود این گمان نبود(۱)

رضا ابوعطا*

رضا ابوعطا فرزند علی، نقاش هنرمند و شاعر ادیب معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شد. او جزو اولین هنرجویان هنرستان های هنرهای زیبای اصفهان است

۱- تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، صص ۳۵۵-۳۵۷؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۷۰؛ تذکره میخانه، صص ۳۰۰-۳۱۱؛ تذکره غنی، ص۷۴؛ تذکره آتشکده، بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۵۴؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۳۳؛ تذکره مجمع الخواص، ص۲۰۵؛ تذکره خرانه عامره، ص۲۶۷؛ تذکره سرو آزاد، ص۲۹؛ الذریعه، ج۱۲، ص۱۰۹.

و نزد استاد عیسی بهادری، صنعتی، مهذّب، کاشی تراش، تمدن، گلریز خاتمی و معصوم زاده،تذهیب، مینیاتور و سایر هنرها را آموخت. او پس از استخدام در وزارت پیشه و هنر به تدریس، معاونت و ریاست هنرستان هنرهای زیبا مشغول شد.

او به خاطر استادی در رشته های تذهیب، مینیاتور و طراحی سنّتی موفق به دریافت نشان درجه یک هنری گردید. در سرودن شعر نیز طبعی روان داشت و «عطا» تخلّص می کرد و در بعضی انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن نقش جهان حضور می یافت. مقداری از اشعار او شامل بیان منظوم ضرب المثل های معروف زبان فارسی است.

وی در روز ۲۵ خرداد ۱۳۷۷ش وفات نمود و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان جدید اصفهان (باغ رضوان) مدفون شد.

از او آثار ارزنده ای در مینیاتور و تذهیب به جای مانده است.

این شعر از اوست:

یکسان نبود مرتبت جاهل و فاضل خر مهره بهای دُر شهوار نکاهد

جاهل رمد از صحبت فاضل عجبی نیست «ارباب کچل نوکر مودار نخواهد»(۱)

حاج شیخ محمّد رضا جرقویه ای

حاج شیخ محمّد رضا بن حاج ملّا علی بن ملّا محمّد تقی بن حاج علی حسین آبادی جرقویه ای، عالم فاضل صالح. پدرش از علمای جرقویه بود.

شیخ محمّد رضا در شب جمعه ۲۶ ذیحجه الحرام ۱۳۰۹ق در قریه حسین آباد

۱- آیین فرزانگی، ج۶، صص ۱۶۳-۱۶۵؛ زنده رود تا حیدربابا، صص ۳۲ و ۳۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۳۹؛ هفته نامه نوید اصفهان: شماره ۵۱۱، مورخ ۳ تیر ۱۳۷۷، ص۷.

جرقویه اصـفهان متولّـد گردیـد. در اصـفهان نزد آقا سـیّد محمّـد باقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی و احتمالاً میر محمّد صادق خاتون آبادی، [سیّد محمود کلیشادی، میرزا احمد اصفهانی، حاج ملّا عبدالجواد آدینه ای، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، میر محمّد تقی مدرس [تحصیل نموده [و از آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی اجازه اجتهاد دریافت نمود [در عتبات عالیات نیز نزد آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی، شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی [و میرزا محمّد حسین نایینی [کسب فیض نمود. پس از آن به اصـفهان مراجعت نمود و به تـدریس فقه و اصول در منزل خود [و سـپس در مدرسه جدّه بزرگ و مدرسه صدر بازار [مشغول شد و جمعی از افاضل طلاب در درس او حاضر می شدند.

[مرحوم جرقویه ای عالمی عابـد و صالـح، متواضع، عاشق اهل بیت عصـمت و طهارت و یار و مددکار نیازمندان و غیور در امر به معروف و نهی از منکر و حفظ شعائر دینی بود.

در تیرماه ۱۳۳۱ پس از کناره گیری دکتر محمّـد مصدق از نخست وزیری و انتصاب قوام السـلطنه به این مقام و صدور اعلامیه آیت اللّه کاشانی مردم اصـفهان در پاسخ به درخواست آیت اللّه کاشانی به خیابان ها ریختند. در ۲۸ تیرماه مرحوم جرقویه ای در قیام مردم اصـفهان شـرکت نموده و مورد ضـرب و شتم مأمورین حکومت قرار گرفته و چند روز بعد بر اثر صدمات وارده] در شب یکشنبه ۸ محرم سال ۱۳۷۱ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تقریرات فقهی و اصولی درس آقـا سیّد محمّـد باقر درچه ای»۲. «تقریرات درس آقا سـیّد محمّـد کاظم طباطبایی یزدی»۳. «رساله مبسوط و اسـتدلالی در معنی غنا و احکام آن» [۴. «رساله فی حکم المجنب التیمّم المحدث بالحدث الاصـغر»۵. «رساله فی الاختلاف بین المتعاقـدین»۶. «رسـاله فی الشـبهات المقرونه بالعلم الاجمالی»۷. «رسـاله فی القبله» (چهـار رساله اخیر به طبع رسیده است).(۱)]

۱- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۲۷ و ۶۲۸؛ تاریـخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۳، صص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ اَمالی (شـیخ محمّـد علی معلم حبیب آبـادی): خطی؛ گرکویه، (ویرایش دوم)، صـص ۴۰۱ و ۴۰۲؛ شـرح مجموعه گل، صص۱۹۳- ۲۱۵.

استاد رضا مُنشِئی*

استاد رضا مُنشِئی فرزند استاد علی فرزند استاد عبدالمجید، از معماران آثار تاریخی اصفهان در عصرهای حاضر در سال ۱۳۱۹ش در خانواده ای هنرمند و ماهر در معماری متولّد شد و در ۱۴سالگی نزد پدر به کار پرداخت و در فنون گوناگون معماری و بنّایی مهارت یافت و در درودگری، شبکه کاری نیز فعالیت نمود و تا آخر عمر پدرش در کنار او به مرمّت آثار تاریخی پرداخت. بسیاری از آثار تاریخی اصفهان همچون کاخ عالی قاپو، چهلستون، مسجد جامع، توحیدخانه، تالار اشرف و در خارج اصفهان مسجد جامع نائین، پل تاریخی ورزنه، مجموعه شیخ صفی الدّین اردبیلی، قلعه جونقان در چهارمحال، مسجد جامع قزوین، مسجد جامع میمه، کاروانسراهای چاله سیاه در بُرخوار اصفهان، امامزاده یحیی زوّاره، مسجد جامع اردستان و بسیاری ابنیه تاریخی دیگر در مرمّت و یا مهاربندی نموده است.

او از معماران برجسته دفتر فنی سازمان ملّی حفاظت آثار باستانی در اصفهان بود و بسیاری از مرمّت گران در رشته های مهاربندی، استحکام بخشی، ساخت در و پنجره و کارهای چوبی، سبکه سازی، نصب انواع داربست، و سایر امور فنی مربوط به مرمّت آثار تاریخی زیر نظر او به فعالیّت پرداخته اند. او از سال ۱۳۶۰ش در رشته درودگری به تدریس در هنرستان هنرهای زیبا پرداخت.(۱)

وی سرانجام در ۲۸ مهر ۱۳۷۸ش از دنیا رفت و در قطعه ۱۵ گورستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۲)

۱- معماران و مرمّت گران سنّتی اصفهان، صص ۲۶۰-۲۶۵.

۲- سایت اینترنتی یادبود.

دکتر رضا هادی زاده*

دکتر رضا هادی زاده فرزند علی فرزند شیخ غلامحسین در سال ۱۳۱۴ش در اصفهان، در خانواده ای متدیّن از محلّه بیدآباد متولّد شد.

او پس از طی تحصیلات ابتدائی، در دبیرستان هراتی مقطع متوسطه را به پایان رساند، و در دانشگاه اصفهان در رشته زبان و ادبیات عرب به تحصیل مشغول شد. سپس در دانشگاه تهران در همین رشته ادامه تحصیل داد و فوق لیسانس و سپس دکترا گرفت. در این سالها او از اساتید دانشگاه تهران همچون فروزانفر، همائی، یزدگردی و مینوی بهره گرفت.

دکتر هادی زاده پس از آن به تدریس در دانشگاه اصفهان و مراکز آموزش عالی اصفهان پرداخت. او در دانشگاه اصفهان در برخی از پست های اداری همچون شورای انتشارات دانشگاه به خدمت پرداخت و آخرین پست اداری او ریاست دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه اصفهان بود.

دکتر هادی زاده در روز ۲۰ دیماه ۱۳۶۹ش درگذشت و در قطعه ۶ گورستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

از آثار او: تصحیح «دستوراللّغه» تألیف: ادیب نطنزی و ترجمه «فرائد الادب» تألیف: ثعالبی و رساله «وجوه و نظائر کلمه راه در گلستان سعدی» چاپ شده است. و مقاله «فن ترجمه: از عربی به فارسی و فارسی به عربی» هنوز چاپ نشده است.(۱)

سیّد محمّد رضا حسینی مازندرانی

سیّد محمّد رضا بن سیّد علی بن سیّد محمّد بن سیّد محمّد تقی حسینی مازندرانی اصفهانی، عالم فاضل و صالح متّقی. [از علمای قرن دوازدهم هجری.

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با محقّق فاضل و دانشمند آقای شیخ مجید هادی زاده (فرزند دکتر هادی زاده).

در اصـفهان در درس میر سـیّد حسن مدرس حاضـر شده و پس از آن به نجف اشـرف رفته و از درس شیخ مرتضی انصاری و دیگران بهره برد. وی سالها به تـدریس در مـدرسه صـدر نجف مشـغول بود، تا اینکه در ۲۱ رمضان ۱۲۹۲ق وفـات یافته و در قبرستان وادی السّلام مدفون شد. او عالمی متّقی بود و از گرفتن وجوهات شرعی پرهیز داشت.

از آثارش تعلیقاتی است بر برخی از کتب همچون «قوانین»، «مکاسب» و غیره.(۱)

سیّد رضا لاله اصفهانی

حاج سیّد رضا مدرس هاشمی متخلّص به «لاله» فرزند آقا میر سیّد علی بن آقا میر سیّد محمّد بن میر سیّد علی بن علّامه آقا میر سیّد حسن مدرس (بزرگ)، از شـعرای معاصـر اصفهان در [روز ۱۶ تیرماه [سال ۱۳۱۳ش در اصـفهان [محلّه نو نزدیک مسجد رحیم خان] متولّد شده و تحصـیلات ابتدایی [در دبسـتان علیّه [و متوسـطه [در دبیرستان علیّه، دبیرستان هاتف و دبیرستان نشاط [خویش را در این شـهر به پایان رسانیده و پس از اتمام دوره دبیرسـتان [به دانشـگاه اصـفهان راه یافته و در رشته فلسفه و علوم تربیتی لیسـانس دریـافت نموده و [به خـدمت فرهنگ وارد شـد [و سالها به تـدریس و خـدمات آموزشـی مشـغول بود تا اینکه بازنشسـته شد و پس از آن در آموزشـگاه امید به فعّالیت آموزشی پرداخت. [از شعرای پرشور و حساس اصفهان است.(۲)] در نوجوانی بـا تشویق دکتر سـیّد کمـال موسوی و مرحوم سـیّد مصـلح الـدّین مهـدوی به سـرودن شـعر پرداخته و در انجمن های مختلف از جمله انجمن کمـال، انجمن صائب و انجمن سـعدی شـرکت نموده و اکنون از اعضای مؤثر انجمن ادبی محفل انس است. او علاوه بر فضل و ادب و تبحّر در شعر، به طریق موروثی و همچون پدر و عموی بزرگوارش خط را خوش می نویسد و اوقات خود را به مطالعه و سرودن شعر می گذارند. دیوان اشعار خود را

۱- الکرام البرره، ج۲، ص۵۶۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۰۸.

تدوین و مرتّب نموده ولی هنوز چاپ نشده است.(۱)

از اوست:

شوق پرواز است در سر عرصه پرواز کو؟ عرصه پرواز باشد، همرهی دمساز کو؟

بوی گل، رنگ افق، لطف سحر، موج نسیم می برد دل از کفِ بیننده، چشم باز کو؟

دفتر عشق است برگِ نرگس و گلبرگ یاس آنکه یابد معرفت از این همه اعجاز کو؟

از دل هر ذرّه می آید به گوش آوای عشق آنکه بشناسد نوای پرده های راز کو؟

کیست باشد باخبر در عالم از اسرار عشق؟ گر که آگه باشد او را جرأت ابراز کو؟

پرده ناسازگاری نیست در این نُه فلک هرچه باشد ساز باشد پرده ناساز کو؟

«لاله» بهرِ غوطه ور گشتن به بحر ژرف عشق عاشق دریا دل پر زهره جانباز کو؟]

محمّد رضا دولت آبادی*

محمّد رضا بن میرزا علی شریف اشتری دولت آبادی اصفهانی، از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم هجری است. در زمان شاه عباس ثانی می زیسته و از اهالی قریه دولت آباد اصفهان بوده و خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می نوشته است.

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای حاج سیّد رضا مدرس هاشمی در روز هفتم اسفند ۱۳۸۷: تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۶۸۸.

او نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را به خط نسخ در شنبه ۵ جمادی الاوّل ۱۰۶۲ق کتابت کرده که در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم به شماره ۲۸۴ موجود است.(۱) همچنین نسخه ای از «ترجمه اربعین» شیخ بهایی (مترجم: شیخ محمّد خاتون عاملی) را به خط نستعلیق در یکشنبه ۲۴ جمادی الثّانی ۱۰۶۵ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

رضا شاهزیدی*

رضا شاهزیدی متخلّص به «زیدی» فرزند علی، از شعرای معاصر اصفهان. در اوّل دی ماه ۱۳۱۵ش در محلّه تلواسکان اصفهان متولّد شد. او پس از تحصیلات ابتدایی و متوسّطه به کشاورزی روی آورده و در روستای «کجوان» کرارج در نزدیکی اصفهان ساکن شد. در برخی انجمن های ادبی اصفهان از جمله «انجمن ادبی حافظ» شرکت می نماید و اشعار زیادی در مدح و مرثیه حضرات معصومین علیهم السلام سروده است.

از اوست:

اصفهان ای به گلستان گل ناز مهرت از جان چنین کنم ابراز

نوعروسی به ملک زیبایی نیست همچون تو در جهان مجاز(۳)

محمّد رضا کاتب خاتون آبادی

محمّد رضا بن میرزا علی کاتب خاتون آبادی [کاتب نستعلیق نویس در قرن یازدهم هجری] در ربیع الثانی سال ۱۰۲۴ق نسخه ای از دیوان «جمال الدّین محمّد بن عبدالرزاق اصفهانی» را کتابت نموده و به شماره ۹۲۱ در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۴)

۱- فهرست احیاء، ج ۱، ص ۳۸۷.

۲- فهرست مجلس، ج ۲۶، ص ۱۶۴.

۳- زنده رود تا حیدربابا، صص ۸۴ و ۸۵؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص ۳۴۱.

۴- فهرست کتابخانه ملّی، ج ۲، ص ۴۵۵؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج ۳، ص ۷۲۸.

رضا منجم اصفهانی

رضا بن علی منجم اصفهانی [از فضلاء و منجمین قرن سیزدهم هجری [مؤلف «حل العقد» در معرفت تقویم. که آن را به امر شاهزاده حسینعلی میرزا و به اشاره استادش سیّد محمّد منجم در سال ۱۲۳۴ق تألیف نموده است. این کتاب در کتابخانه حسینیه تستریه نجف موجود است.(۱)

رضا عباسی

رضا عباسی [فرزند علی اصغر کاشانی [نقاش زبردست و استاد هنرمند عهد صفویه.

[در سال ۹۷۴ق متولّد شد. پدرش از نقاشان معروف دربار شاه طهماسب صفوی بود. خود او نیز در زمان شاه عباس اوّل در نقاشی به شهرت فراوان رسید و مورد توجّه شاه عباس قرار گرفت و نقاشی های کاخ های سلطنتی توسط او و شاگردانش کشیده شد. هنرنمایی رضا عباسی تا بدان پایه بود که شاه عباس بر دست هنرآفرین او بوسه زد.

از خصوصیات نقاشی رضا عباسی، واقع گرایی است. در چهره سازی و نقاشی طبیعت استاد بوده و در ترسیم خطوط منحنی و بیان حالات و احساسات عناصر موجود در نقاشی خود با مهارت و استادی عمل می کرده است. او از بنیان گذاران نقاشی سبک اصفهان و فرنگی سازی در نقاشی ایرانی بوده و از تابلوهای نقاشی که توسط اروپاییان، از اروپا به ایران آورده و خرید و فروش می شد الهام گرفته و یا تحت تأثیر سبک و شیوه آنان بوده است.

شاگردانش همچون شفیع عباسی، معین مصوّر، افضل الحسینی و محمّد یوسف سبک او را دنبال کرده و تکامل بخشیده اند.

۱- الذریعه، ج۷، ص ۷۱.

او سرانجام (به نوشته شاگردش معین مصوّر) در ماه ذیقعده الحرام سال ۱۰۴۴ق در اصفهان وفات یافت.

تابلوهای نقاشی او اغلب در موزه های خارج همچون «آرمیتاژ»، «متروپولیتن»، «بوستون» و «لوور» موجود است.

از نقاشی های معروف او:

۱. صورت درویش بهشتی، در سال ۱۰۳۴ق.

۲. شاه عباس و حکیم شمسا محمّد، در سال ۱۰۴۲ق.

۳. جوان لمیده و یک قوچ، در سال ۱۰۴۰ق و غیره]

همچنین نقاشی های عمارت عالی قاپو، سردر قیصریه و کاخ چهلستون به او منسوب است.(۱)

محمّد رضا عباسی*

محمّد رضا بن علیرضا عباسی تبریزی، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و در خط ثلث و نسخ نزد پدر هنرمند خود مشق خط کرده است.

او نسخه ای از «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را در یکشنبه ۲۱ صفر ۱۰۵۷ق کتابت کرده که به شماره ۱۰۸ در کتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.(۲)

او همچنین نسخه ای از «رجال کبیر» را در ۵ ذیحجه الحرام ۱۰۶۲ق را به خط نسخ کتابت کرده که جزو مجموعه نصیری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۶؛ گلستان هنر، صص ۱۴۹-۱۵۲؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۵۹۶؛ تاریخ صنایع ایران، ص۱۹۸؛ دائره المعارف هنر، صص ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۳۳ و ۳۴؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۴۱۷؛ هنر ایران، صص ۱۱۵-۱۱۷؛ تاریخ عمومی هنرهای مصور، ج۲، صص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۲۲؛ فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، ص۲۹۷؛ مکتب نگارگری اصفهان، صص ۱۵۰-۱۵۷.

۲- فرهنگ ایران زمین، ج۲۶، ص۱۶۳.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۹.

آقا محمّد رضا اصفهانی

آقا محمّد رضا بن علینقی اصفهانی، از علماء و محدّثین و عرفاء و کاملین بوده، در ۱۲۷۹ق وفات یافته در خارج از تکیه مادر شاهزاده مدفون گردیده است.

[تنها آگاهی به دست آمده از صاحب عنوان مندرجات سنگ نوشته او واقع در تکیه آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد اصفهان است که عبارات سنگ چنین است:

«وفات زبده ارباب دانش و بینش و مرکز دایره فضیلت میرزا محمّد رضا خلف مرحوم آقا علی نقی اصفهانی فی شوّال ۱۲۷۹»

بنابرانی اوصاف مذکور در متن از روی حدس و گمان بوده و مستند نیست.(۱)]

محمّد رضا آقاجانی

محمّد رضا بن مانده علی (محمّد علی) آقاجانی (سدهی)، از نویسندگان و فضلاء قرن سیزدهم هجری.

در تاریخ پنج شنبه ۲۸ ذی القعده سال ۱۲۴۴ق کتابت نسخه ای از «حدائق المقربین» تألیف: میر محمّد صالح خاتون آبادی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۴۷۴۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[همچنین او نسخه ای از «خزائن جواهر سلطانی» تألیف: میر محمّد حسین خاتون آبادی را به خط نسخ در ماه جمادی الاوّل ۱۲۲۲ق کتابت کرده که به شماره ۱۲۴۷۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است(۳)].

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۱ و ۶۳۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۳۰۹.

۳- فهرست مجلس، ج۳۵، ص۴۲۴.

شیخ محمّد رضا حسام الواعظین

شیـخ محمّد رضا حسام الواعظین بن حاج میرزا محمّد علی علاقبند بن ملّا اسـماعیل بن علی بن جعفر بن حسن اصـفهانی، عالم فاضل، خطیب ماهر و ادیب شاعر، از وعاظ معروف اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

در سال ۱۳۰۰ق در محلّه پاقلعه اصـفهان متولّد شده و ابتدا در مکتب خانه میرزا عبدالغفار پاقلعه ای علوم مقدّماتی را آموخت. ادبیات عرب را نزد سیّد محمود کلیشادی (مغنی گو) فرا گرفت و سپس در درس شیـخ محمّد تقی آقانجفی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آخونـد ملّا حسـین کرمانی و سیّد محمّـد مـدرس نجف آبادی حاضـر شد. [طب را نیز از میرزا ابوالقاسم ناصـر حکمت و سیّد مصطفی مؤیّد الاطبّاء فرا گرفت.]

او به علت مهـارت در وعـظ و احـاطه به اخبـار و احـادیث، تاریـخ و انسـاب، کـار وعظ و ایراد خطابه را شـروع کرد و کم کم شهرت او بالاـ گرفت و در رده وعـاظ طراز اوّل اصـفهان درآمـد و بین عـوام و خواص محبوب القلوب و مورد وثوق و احـترام واقع گردید.

او چند سال در طهران به وعظ مشغول بود و آنجا مرید یکی از عرفاء به نام «شمس العرفا» شد.

مرحوم حسام خطوط ثلث، نسـخ و رقاع را خوش می نوشت [و این هنر را از آقا محمّد شـمس الکُتّاب خواجویی فراگرفته بود. خطـوط سـنگ مزار میر عبدالحسین سیّد العراقیـن در تخت فولاـد و سـنگ مزار برادرش شـیخ مهـدی حقـوقی در تکیه سیّد العراقین، از آثـار به جـای مانـده از اوست. [در سـرودن شـعر نیز طبعی روان داشت و به فن مـادّه تاریـخ گویی مسلّط بود. وی سرانجام در جمعه ۱۳ ربیع الاوّل ۱۳۸۱ق وفات یافته و جنازه پس از تشییع باشکوه در یکی از اطاق های تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصـفهان مـدفون شـد. [ماده تاریـخ وفاتش را اسـتاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خویی متخلّص به برنا چنین گفته است:

مصرعی «برنا» نوشت از بهر سال رحلتش: «بود شمشیر علیه کجروی پند حسام»

همچنین شاعر عارف معاصر «شکیب اصفهانی» این ماده تاریخ را جهت سال فوت او به شمسی یافته است:

از پی تاریخ او، گفت به شمسی «شکیب» «کرد حسام از وفا جای بخلد برین»(۱)]

محمّد رضا مجلسی

محمّد رضا بن محمّد علی بن میرزا محمّد کاظم بن ملّا عزیزاللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل [از علمای دوره زندیه [در اصفهان ساکن بوده و به «آقا محمّد» معروف بود. او در اواخر ذیحجه ۱۲۱۱ق وفات یافت.(۲)

از تألیفات او کتاب «ارشاد الحنفاء فی وصف الخلفاء» در یک مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه به شماره ۱۲۹۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

استاد محمّد رضا حجّار*

استاد محمّد رضا بن استاد محمّد علی حجّار اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. در هنر سنگ تراشی زبردست بوده و تا سال ۱۲۵۵ق در قید حیات بوده است.

ظاهرا از شاگردان پدرش بوده و در ریزه کاری و ظرافت در حجاری مهارتی به سزا داشته است. آثار او در قبرستان تخت فولاد اصفهان موجود است از جمله سنگ قبر شیخ محمّد تقی رازی (صاحب حاشیه) در سال ۱۲۴۸ق، میرزا محمّد رحیم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۳۰ و ۶۳۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۴۵-۲۷۵.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۴۲؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۳۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۵، ص۳۰۲.

شیخ الاسلام در سال ۱۲۴۹ق و ملّا محمّد مهدی قمبوانی سمیرمی در سال ۱۲۵۵ق.(۱)

شیخ محمّد رضا نیلفروشان

شیخ محمّد رضا نیلفروشان معروف به «مقدّس» فرزند محمّد علی از علمای معاصر اصفهان، عالم فاضل متّقی. در مسجد علی اکبر بیک واقع در اوّل خیابان شاه عباس دوم [خیابان شهید شریف واقفی فعلی [اقامه جماعت می نموده است. در ۲۶ شعبان المعظّم سال ۱۳۹۲ق وفات یافته و در تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجویی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

میرزا محمّد رضا شریف روحانی*

حاج میرزا محمّد رضا شریف روحانی فرزند شیخ غلامعلی، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۳ق در خانواده ای روحانی در نجف آباد متولّد شد. از دوران نوجوانی نزد پدر به تحصیل مقدمات و ادبیات و علوم دینی پرداخت. پس از آن به اصفهان رفت و در مدرسه صدر نزد شیخ علی مدرس یزدی و سیّد آقاجان ریزی تحصیل کرد سپس در درس سیّد احمد اصفهانی، سیّد مهدی درچه ای، ملّا عبدالکریم گزی، سیّد محمّد باقر درچه ای، میرزا محمّد صادق خاتون آبادی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی حاضر شد و تحصیلات خود را تکمیل کرد و به نجف آباد بازگشت و به تدریس و اقامه جماعت (در مسجد ملّا حسین کربلایی» و تبلیغ دین مشغول شد.

او در سه شنبه ۲۵ جمادی الثّانی ۱۳۹۹ق در سن ۹۶ سالگی وفات یافته و در قبرستان «جنّت الشهداء» نجف آباد مدفون شد.(۳)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۱.

۳- دیباچه دیار نون، ص۱۹۲؛ سیمای دانشوران، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ آیینه اهل قلم، ص۵۸.

میر محمّد رضا فانی هندوستانی

میر محمّد رضا فانی اصفهانی بن محمّد فاضل موسوی هندوستانی، شاعر ادیب و عارف کامل. [از سخنوران قرن سیزدهم هجری].

پدرش از عرفاء بوده و از هند به اصفهان آمد. میر محمّد رضا در اصفهان علم و ادب آموخته و سپس به تهذیب نفس و سیر و سلوک مشغول شد و انزوا اختیار کرد و جز با اندکی از مردمان اهل حال معاشرت و مصاحبت ننمود، تا این که در سال ۱۲۲۲ق در اصفهان وفات یافت. در شعر طبعی روان داشت و اغلب به غزل و مثنوی مایل بود. رضاقلی خان هدایت اشعار او را مدوّن ساخته و «دیوان اشعار» ترتیب داده است.(۱)

[میر محمّد رضا نسخه ای از «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» را به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۱۱۷۱ در کتابخانه دکتر حسین مفتاح در تهران موجود بوده است].(۲)

از اوست:

منشین از پا و گرنه بست شوی از پای اگر نیفتی، از دست شوی

هشیار گر آیی بر ما مست شوی وز هستی اگر نیست شوی، هست شوی

سیّد رضا دریای اصفهانی

حاج سیّد رضا بهشتی نژاد متخلّص به «دریا» فرزند حاج سیّد فخرالدّین، از شعرای معاصر اصفهان. در ۱۱ جمادی الاولی سال ۱۳۳۵ق [مطابق با ۱۵ اسفند ۱۲۹۵ش [در اصفهان متولّد گردید. [تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علیّه و متوسطه را در مدرسه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۳۲ و ۶۳۳؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص۸۰۷؛ ریاض العارفین (چاپ ۱۳۴۴ش)، صص ۴۶۱ و ۴۶۲؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۲، ص۱۲۷۸؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۰۵؛ مکام الآثار، ج۳، ص۷۴۹.

۲- نسخه های خطی، ج۷، ص۲۹۶.

فرهنگ و مـدرسه گلبهار طی نمود و در کنار آن نزد میرزا آقا امامی به فراگیری نقاشـی مشـغول شد. اما به علّت حادثه ای که برای او پیش آمـد، از ادامه آن باز مانـد. در سال ۱۳۳۷ش به اسـتخدام آموزش و پرورش درآمد و به تدریس در دبیرسـتانهای اصفهان مشغول شد. او سالها رییس کتابخانه فرهنگ بود.

در نوجوانی به سـرودن شـعر پرداخته و به انجمن ادبی شـیدا راه یـافت [ابتـدا «منظر» و «شـکر» تخلّص می کرد. سـپس آن را به «دریـا» تغییر داد. [او در اغلب انجمن های ادبی اصـفهان همچون صائب، کمال، خاکیا، سـرای سـخنوران، پیشه وران و سـعدی حضـور داشت و از شـعرای زبردست و خـوش قریحه آن انجمن هـا بود. در سـرودن انواع شـعر همچون غزل، قصـیده، ربـاعی، ترکیب بند و ترجیع بند و مثنوی مهارت داشت و با اسـتادی از عهده برمی آمد. بسـیاری از اشـعارش در مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام و پند و اندرز و تغزل است.] اشعارش در بسیاری از نشریات و مجلات اصفهان و تهران به چاپ می رسید. [اشعار او در کتاب «طوفان دریا» به اهتمام بانو صدیقه بهشتی نژاد در سال ۱۳۸۳ش به چاپ رسیده است.

وی سـرانجام در دوشنبه سوم فروردین ۱۳۸۳ش بـدرود حیات گفته و پیکرش در قطعه نام آوران واقع در قبرسـتان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

مادّه تاریخ وفاتش را آقای رضا صنیع زاده چنین سروده است:

«دی» رفت از این جمع و به تاریخ نوشتند: «دریای ادب را گهری بود بهشتی»

۱۴-۱۳۹۷=۱۳۸۳

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی (برنا) نیز سروده است:

رقم زد کلک «برنا» در وفاتش «ز دریا مانده نقش و شعر و دیوان»

از اوست:

رفتم از کوی تو امّا دلم آنجاست هنوز دل حسرت زده ام محو تماشاست هنوز

یاد روی تو مهری که فروزش دارد مایه روشنی چشم و دل ماست هنوز

چشم بد دور که با پاکی و صاحب نظری دیده آیینه آن طلعت زیباست هنوز(۱)]

محمّد رضا موحّدی نجف آبادی*

محمّد رضا موحّدی نجف آبادی فرزند فرج اللّه، از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۴ش در نجف آباد متولّد شد و از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. ابتدا «نوین» تخلّص می کرد و سپس آنرا به «رضا» تغییر داد.

از اوست:

مادر ای بامداد روشن عشق نشوی لحظه ای فراموشم

ای بلند آسمان عفت و مهر جام صهبای معرفت نوشم(۲)

ملّا محمّد رضا هزارجریبی

ملّا محمّد رضا هزارجریبی مازندرانی بن محمّد قاسم، عالم فاضل و محدّث محقّق. در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از فضلاء خصوصا علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی کسب فیض نموده است.

او کتاب «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را نزد علّامه مجلسی قرائت نموده و علّامه در پایان کتاب «صوم» أنهائی در اواسط جمادی الاوّل ۱۰۷۳ق برای او نوشته است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۹۵؛ طوفان دریا، صص ۱۵-۲۸.

۲- دیباچه دیار نون، ص۲۳۷؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۳۰۴.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۳۶۴؛ اجازات الحدیث، ص ۲۰۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۴۹.

همچنین «اصول کـافی» را نزد علّـامه قرائت نموده و او جهت ملّـا محمّـد رضـا در سـال ۱۰۸۹ق در پشت کتـاب «اصول کافی» اجازه مفصّـلی نوشـته است. عالم عالیقـدر میرزا محمّـد طهرانی ساکن سامرا آن اجازه را از آنجا اسـتنساخ کرده و به نظر علّامه شیخ آقا بزرگ طهرانی رسیده است.(۱)

محمّد رضا لنجانی*

محمّد رضا بن محمّد کریم پنجانی لنجانی اصفهانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او مجموعه ای از چند کتاب «الفوائد الصّـمدیه»: شیخ بهایی، «الاربعون حدیثا»:؟، «مثلثات منظوم»: بدیعی و «صیغ العقود و الایقاعات»: محمّد حسن لنجانی را به خط نسخ در سالهای ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۵ق کتابت کرده که به شماره ۸۹ در کتابخانه مدرسه صدر خواجو در اصفهان موجود است.(۲)

محمّد رضا تبریزی

محمّـد رضا بن محمّد قدیم بن محمّد کریم تبریزی [از کاتبان و فضـلاء قرن سیزدهم هجری] در شب ۲۹ صفر سال ۱۲۳۲ق از کتابت بخش یکم «اسـفار» در اصـفهان به خط تعلیق شکسـته فراغت یافته و کتاب به شماره ۳۸۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه [جزو کتب اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه طهران [موجود است.(۳)

ملّا محمّد رضا اصفهانی

ملّا محمّد رضا بن جلال الدّین محمّد اصفهانی [از فضلاء و علمای قرن یازدهم هجری] که «باب حادی عشر» را جهت امیر ابی الفتح بن امیر حبیب اللّه حسینی به فارسی

۱- الذریعه، ج ۱۱، ص۱۵؛ الروضه النضره، ص۲۲۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۱.

۲- فهرست صدر خواجو، ص ۷۰.

۳- فهرست کتب اهدایی مشکاه، ج۳، ص ۲۵۴.

ترجمه نموده و نسخه در کتابخانه سیّد آقا تستری در نجف اشرف موجود بوده است. تاریخ نسخه سال ۱۰۶۸ق می باشد.(۱)

سیّد محمّد رضا بختیاری*

حاج سیّد محمّد رضا بختیاری فرزند سیّد محمّد بن سیّد محمّد تقی، عالم فاضل معاصر در سال ۱۳۰۴ق در چهارمحال و بختیاری متولّد شد و پس از کمی تحصیل به اصفهان رفته و نزد شیخ محمّد تقی آقانجفی ادامه تحصیل داد. سپس به عتبات عالیات عزیمت کرده از محضر آیات عظام سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی و میرزا محمّد تقی شیرازی بهره برد و به اجتهاد نائل آمد. پس از قیام عشایر و مردم علیه سلطه انگلیسی ها بر عراق و فتوای جهاد علماء، او به مجاهدان پیوست و فرماندهی شصت هزار نفر از آنان را برعهده گرفت. پس از پایان جنگ به ایران مراجعت کرده و در مشهد مقدس ساکن شد و به تدریس و اقامه جماعت مشغول شد و مورد وثوق حاج آقا حسین قمی واقع شد. پس از کشتار مردم و سرکوب قیام مسجد گوهرشاد به بیرجند تبعید شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ش به مشهد بازگشت و به تدریس پرداخت تا اینکه در روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۹ش (مطابق ۴ ذیقعده ۱۳۷۹ق وفات یافت و در یکی از حجره های سمت راست نقاره خانه (صحن انقلاب کنونی) مدفون شد.(۲)

سیّد رضا صدرالحسنی*

۱- الذریعه، ج۴، ص۸۳ و ج۳، ص۷؛ الرّوضه النضره، ص۲۱۸؛ کاوش های تازه در باب روزگار صفوی، ص۱۱۷.

۲- مشاهر مدفون در حرم رضوی، ج۱، صص ۱۰۶ و ۱۰۷؛ شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۴۵۰؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

حاج سیّد رضا صدرالحسنی بن سیّد محمّد صدرالواعظین بن سیّد محمّد رضا طباطبایی اصفهانی (صدرالذاکرین)، از علماء و خوشنویسان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۰ش درا صفهان متولد شده و نزد جمعی از فضلاء از جمله: شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و میرزا علی آقا شیرازی به تحصیل پرداخت و به وعظ و خطابه روی آورد. امّا به علت بیماری ترک وعظ و خطابه کرده و انزوا اختیار کرد و به مشق از روی خطوط خوشنویسان نمود. اینک او از خوشنویسان قابل و خطاطان ماهر در نستعلیق است. مردی است وارسته و پرهیزکار. نستعلیق را در کمال استادی می نویسد و قطعات متعددی به خط زیبای او موجود است.(۱)

ملّا محمّد رضا تنکابنی

ملّا محمّد رضا تنکابنی بن ملّا محمّد فاضل سراب بن عبدالفتاح تنکابنی مازندرانی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری [او پسر بزرگ فاضل سراب است. در اصفهان متولّد شده و نزد پدر خود ادبیات عرب و فقه و حدیث را فرا گرفت. [فاضل سراب در ذیحجه الحرام سال ۱۱۱۲ق مشترکا اجازه ای برای او و برادرش ملّا محمّد صادق و شاگردش ملّا محمّد شفیع لاهیجانی نوشته است. [به شعر و انشاء رغبت تمام داشته و در شعر «رضا» تخلّص می نموده است.

او حدود سال ۱۱۳۵ق (۳۰ سال قبل از تألیف «تذکره المعاصرین» حزین) در اصفهان وفات یافته و ظاهرا در جوار قبر پدرش در تخت فولاد اصفهان مدفون شده است.

این شعر از اوست:

هرگز طبیب فکر من مبتلا نداشت گویا برای درد دل من دوا نداشت

۱- شرح مجموعه گل، صص ۲۹۲ و ۲۹۳؛ و اطلاعات شخصی.

محکم نگشت با تو اساس محبّتم از بس که حرف سست تو هرگز بنا نداشت

هر بی وجود چهره به می گشت همچو عکس بر روی من که را که جفای تو وانداشت

خلوت طلب برای چه می گشت هر زمان گر مدّعی ز وصل تو صد مدّعا نداشت

خاموشیم نبود ز آسودگی «رضا» از بس که تنگ بود دلم ناله جا نداشت(۱)

حاج آقا رضا یزدی*

حاج آقا رضا یزدی فرزند حاج شیخ محمّد بن شیخ محمّد علی یزدی، از علمای معاصر اصفهان. در شهر اصفهان متولّد شده و دروس مقدماتی را نزد حاج آقا عطاءاللّه فقیه امامی و سیّد مرتضی موحّد ابطحی خواند. سپس به قم رفته و در درس حضرات آیات شیخ مهدی لاکانی، سیّد حسین بُدَلا، شهید شیخ محمّد صدوقی یزدی، حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، حاج شیخ مهدی مازندرانی، سیّد محمّد باقر سلطانی و امام خمینی حاضر شده و تحصیل کرد. آنگاه به دستور آیت اللّه بروجردی به خرم آباد رفت و ۷ سال در حوزه علمیه آنجا تدریس کرد. پس از مراجعت به قم از محضر مرحوم بروجردی استفاده کرد، امّا به خاطر بیماری به اصفهان بازگشته و به تدریس و وعظ سخنرانی و انجام خدمات اجتماعی مشغول شد. به سعی و همت او بسیاری از مساجد اصفهان

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۵۲ و ۸۵۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۲؛ تذکره المعاصرین، صص ۲۰۹ و ۳۶۹؛ نجوم السّماء، ص۲۰۴؛ الذریعه، ج۹، ص۳۶۷؛ تذکره غنی، ص۵۷؛ مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، صص ۲۷۶ و ۳۶۶ و ۱۶۱؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۴.

تأسیس و رونق یافت.

او سالها امام جماعت مسجد اللّه بود و به وعظ و ارشاد مردم و حلّ مشکلات آنها می پرداخت.

سرانجام او در روز ۵ خرداد ۱۳۸۲ش بر اثر سکته مغزی وفات یافته و در قطعه ۱۲ قبرستان جدید اصفهان (باغ رضوان) مدفون گردید.(۱)

دکتر سیّد رضا ابوالبرکات

دکتر سیّد رضا ابوالبرکات [فرزند سیّد محمّد بن محمّد مهدی بن بحرالعلوم سدهی] عالم فاضل معاصر.

[در سال ۱۳۰۹ش در شهرستان خمینی شهر اصفهان متولّد شد. دروس حوزوی را در اصفهان نزد حضرات آیات شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، شیخ احمد فیاض، شیخ نورالدّین اشنی، شیخ محمود مفید، سیّد صدرالدّین کوپائی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج آقا رحیم ارباب و میر سیّد علی بهبهانی فرا گرفت. همزمان در سال ۱۳۳۷ در کنکور رشته دکترای معقول و منقول شرکت کرد و در سال ۱۳۴۱ آن را به پایان برد. از سال ۱۳۴۸ پس از کسب اجازه از مراجع تقلید از جمله امام خمینی وارد آموزش و پرورش شد و مدّت ها در دبیرستان و سپس به دانشگاه به ارشاد و هدایت نسل جوان پرداخت. وی تبحّر خاصّی در علوم مختلف اسلامی داشت. قرآن کریم و اکثر خطب «نهج البلاغه» و «دیوان حافظ» و بسیاری از اشعار فارسی و عربی را از حفظ داشت. بسیار متواضع و قانع و سخی بود و آثار خیریه ای از خود به جا نهاد.

عاقبت در شب دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۶۵ش (۲۶ ذیحجه ۱۴۰۶ق) وفات یافته و در مسجد سرپل فروشان خمینی شهر که در آن اقامه جماعت می نمود، در کنار پدر و جدّش مدفون شد.(۲)]

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی.

۲- بیان المفاخر، ج۲، ص۳۷۴؛ خمینی شهر، صص ۱۳۵-۱۳۷؛ فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۶.

شیخ نجیب الدّین رضا زرگر تبریزی

شیخ نجیب الـدّین رضـا زرگر [بن ابوحامـد محمّـد بن محمّـد تبریزی [عـارف جلیـل و شاعر ادیب، از اهالی تبریز و از اقطاب سلسله ذهبیه است. [در سال ۱۰۴۸ق(۱)] در اصـفهان متولّد شده و ارادت به شـیخ محمّد علی مؤذن خراسانی داشـته(۲) و در اشعار گاهی «رضا» و گاهی «زرگر» و «جوهری» و «نجیب الدّین» تخلّص می کند.

در سال ۱۰۷۵ق [بنا به قول مرحوم تربیت در دانشمندان آذربایجان(۳)] و یا سال ۱۰۸۰ق [بنا به نقل مرحوم هدایت در ریاض العارفین(۴)] در اصفهان وفات یافته است.

قبرش در قسمت شمالی آب انباری که در اراضی شمالی فرودگاه [قدیم اصفهان واقع در تخت فولاد] و قسمت شرقی تکیه آقا حسـین خوانساری و شـیخ محمّد تقی رازی است قرار داشت و تا این اواخر موجود بود و نویسـنده [سـیّد مصـلح الدّین مهدوی [آن را دیده بود و به سرنوشتی مانند سایر قبور گرفتار شد.(۵)] و از بین رفت].

کتب زیر از اوست:

۱. «خلاصه الحقایق» مطبوع ۲. «دستور سلیمان» ۳. «دیوان غزلیّات» ۴. «سبع المثانی» مطبوع ۵. «نورالهدایه» مطبوع.(۶)

از اوست:

شمع و چراغ همه روشن از اوست بوی خوش هر گل و گلشن از اوست

کند کمالش عری از عقل هاست قرب وصالش بری از نقل هاست(۷)

۱- تحفه عباسی: مقدمه، ص۹.

۲- طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۱۷.

۳- دانشمندان آذربایجان، ص۳۷۴.

۴- تذکره ریاض العارفین، ص۱۲۳.

۵- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۶.

۶- الـذریعه، ج۷، ص۲۲۵ و ج۱۲، ص۱۳۰ و ج۱۹، ص۲۰۱ و ج۲۱، صص۱۲۹ و ۳۹۴ و ج۲۵، ص۳۸۶؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۷.

۷- الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۲۷۳ و ۲۷۴.

سیّد محمّد رضا بهشتی

آقا سیّد محمّد رضا بن میر سیّد محمّد بهشتی، عالم فاضل [از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری] در اصفهان متولّد شده و نزد حاج سیّد ابراهیم بهشتی و آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) تحصیل کرده و و سالها در مسجد سرجوی شاه اقامه جماعت می نموده و پس از وفات در تکیه سادات بهشتی نزدیک مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد رضا صدرالذاکرین

سیّد محمّد رضا صدرالذّاکرین بن سیّد محمّد طباطبایی، واعظ کامل و خطیب ماهر [از وعاظ مشهور اصفهان در اواخر دوره قاجاریه] در شب ۱۹ رمضان المبارک ۱۳۱۰ق وفات یافته و در مقبره سر قبر آقا اصفهان مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش را محمّد نصیر طرب اصفهانی چنین گفته است:

چو رخت بست ز دار فنا به عالم قدس ز مرگ او ز «طرب» خواست شور و ناله و شیون

نوشت خامه مشکین برای سال وفاتش «بصدر محفل جنّت نمود منزل و مسکن»

۱۳۱۰

آقا محمّد کاظم غمگین نیز چنین سروده است:

گفت از پی تاریخ وفاتش «غمگین»: «اندر یَم رحمت خدا گشت غریق»(۲)

۱- تحفه الاحباب، ص ۴۱.

۲- دیوان طرب، ص۷۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۱۰۲۰؛ شرح مجموعه گل، صص۲۸۵-۲۸۸.

محمّد رضا یزدی

محمّد رضا بن محمّد یزدی [از کاتبان و خوشنویسان است [در قریه ینگ آباد جرقویه ساکن بوده و نسخه ای از «حمله حیدری» سروده: میرزا محمّد رفیع باذل مشهدی را کتابت نموده که به شماره ۴۸۲ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

سیّد محمّد رضا ایمن سدهی

سیّد محمّد رضا میردامادی متخلّص به «ایمن» بن حاج میرزا محمود طبیب سدهی، شاعر ادیب [در قرن چهاردهم هجری می زیسته است]. در سال ۱۳۰۰ق متولد شده و در جوانی به کسب کمالات و فضائل اهتمام جسته و پس از کمی تحصیل به خراسان مسافرت کرد و آنجا ساکن شد.

او در ماه فروردین سال ۱۳۳۳ش (مطابق ماه رجب سال ۱۳۷۲ق) در مشهد مقدّس وفات یافته و همانجا مدفون شد.

از اوست:

من آن رندم که بلبل وار دایم مست و شیدایم به شوق وصل روی گل دمادم غرق غوغایم

من آن پروانه ام کز شعله شمع رخ جانان همی سوزم و زین سوختن نیست پروایم

منم آن عاشق یکرنگ کاندر جسم و جان چیزی به جز مهرش ندارم گر بشکافند اعضایم(۲)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۶۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۷۵؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۲، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

رضا پزشکی نجف آبادی*

آقا رضا پزشکی فرزند حاج مراد، از شعرا و ادبای نجف آباد در سال ۱۲۷۷ش متولّد شد. گاهی شعر می سرود و طبع روان و قریحه ای پویا داشت.

از اوست:

ابر آسمان گرفت و زمین ابروار تار یادم شد از گذشته و فصل بهار یار

کز هر طرف تلألو خورشید و باغ و دشت محکم گرفته در بغلم چون نگین نگار

کز هر کرانه چویک آبی روان و دشت سرسبز و دلپسند و دل آرا چو نقش یار(۱)

سیّد محمّد رضا موحّد ابطحی*

سیّد محمّد رضا موحّد ابطحی فرزند سیّد مرتضی، عالم فاضل جلیل معاصر. در سال ۱۳۶۱ق (مطابق با ۱۳۲۱ش) در اصفهان متولّد شد. مقدمات علوم را تا پایان شرح لمعه و همچنین طب قدیم را نزد پدرش و شرایع را نزد میرزا محمّد طبیب زاده آموخت.

او در سال ۱۳۸۰ق (مطابق با ۱۳۴۰ش) جهت تحصیل به قم مشرّف شد. در دوره سطح مکاسب را نزد برادرش سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی، کفایه را نزد سیّد محمّد باقر سلطانی و درس خارج فقه را نزد حضرات آیات حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی (ابوالزّوجه خود) و میرزا هاشم آملی فرا گرفت.

وی در سال ۱۳۸۲ق (۱۳۴۱ش) به افتخار مصاهرت آیت اللّه گلپایگانی نائل شد و سالها در خدمت ایشان به عنوان اصحاب استفتاء به انجام وظیفه مشغول بود.

۱- دیباچه دیار نون، ص۱۵۸.

سیّد محمّد رضا حسینی رضوی

سیّد محمّد رضا بن محمّد معصوم حسینی رضوی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن دوازدهم هجری] در پنج شنبه ۹ ربیع الثّانی ۱۱۱۵ق نسخه ای از «شرح تجرید» قوشچی را به خط نسخ در اصفهان کتابت نموده است. نسخه آن به شماره ۷۴۲۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

[او همچنین رساله «نسبه ارتفاع اعظم الجبال الی قطر الارض» را در سال ۱۱۰۸ق کتابت کرده که جزو کتابهای محمّد خامنه ای در کتابخانه حسینیه تستریه نجف اشرف موجود بوده است.(۲)]

میرزا محمّد رضا اصفهانی

میرزا محمّد رضا بن عالیحضرت میرزا محمّد مقیم اصفهانی، استاد کیمیا در اصفهان بوده و ظاهرا محمّد رضا طبیب بن حاج رجبعلی کیمیاگر، نویسنده و جامع جنگ شماره ۴۳۸۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران شاگرد او بوده است.(۳)

محمّد رضا تبریزی عباس آبادی

محمّد رضا بن محمّد مقیم تبریزی عباس آبادی، از خوشنویسان هنرمند قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. در خط نستعلیق نزد ابوتراب اصفهانی مشق کرد و در اصفهان به کتابت مشغول شد. او در ماه رجب ۱۰۸۹ق به دستور شاه سلیمان نسخه ای ناتمام از «جامع الحکایات» را که نورالدّین محمّد لاهیجانی آنرا کتابت کرده و

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۳۹.

۲- الکواکب المنتشره، ص۲۶۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۳، ص۳۳۴۷.

موفق به اتمام آن نشده بود را کتابت کرده و به پایان رساند که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.

او برادر شاعر و خوشنویس هنرمند میر سیّد علی خان جواهر رقم است. محمّد رضا در خوشنویسی از سرآمدان عصر خویش و در صفای نیت و تهذیب اخلاق و حسن خلق کم نظیر بود. او در سال ۱۱۱۸ق در اصفهان وفات یافته و در مزار بابا رکن الدّین (تخت فولاد) اصفهان مدفون شد.(۱)

میر محمّد رضا امامی خاتون آبادی

میر محمّد رضا امامی خاتون آبادی بن محمّد مؤمن [بن میر عبدالرّفیع بن میر محمّد صالح بن میر محمّد اسماعیل (شاهمراد) بن میر عمادالدّین حسینی افطسی [عالم فاضل. متبحّر در علوم بالاخص تواریخ ائمه معصومین علیهم السلام . تا سال ۱۱۲۸ق زنده بوده و پس از وفات در تخت فولاد بالای سر میرمعصوم خاتون آبادی مدفون گردید. ویرا تألیفاتی است:

۱. «خزائن الانوار» در تفسیر ۲. «جنّات الخلود» که مکرر به طبع رسیده است.(۲)

[وی در اصفهان به دنیا آمده و در اصفهان و در عتبات عالیات به تحصیل پرداخته و سپس به شهرها و ممالك گوناگون سفر کرده است. عاقبت به اصفهان آمده و به تدریس و تحقیق و تألیف مشغول شد. او در انواع علوم زمان خود خصوصا، فقه، حدیث، تفسیر و ادبیات متبحّر بوده و در سرودن شعر به فارسی و عربی صاحب قریحه است و در اشعارش «مطلع» تخلّص می کند. به نوشته مرحوم سیّد حسین خاتون آبادی در کتاب «اغصان طیّبه» او در سال ۱۱۳۵ق وفات یافته است.

کتاب «خزائن الانوار و معادن الاخبار» او به تصحیح مریم ایمانی خوشخو به چاپ

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۲۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۸، سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۲؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۵.

رسیده است. نسخه هـای خطی این کتاب در کتابخانه های آیت اللّه مرعشـی قم، ملک تهران، آسـتان قـدس رضوی، مجلس شورای اسـلامی، جامع گوهرشاد، موقوفه خاندان ثقه الاسـلام تبریز، فیضیه قم، گلپایگانی و کتابخانه سیّد علی اصغر اصغرزاده موجود است. این کتاب به فارسی و در علم تفسیر با ۱ فاتحه و ۱۴ خزانه در سال ۱۱۱۷ در تبریز تألیف شده است.(۱)

«جنّات الخلود» نیز به فارسی و در باب شـرح اسماء الحسنی و زندگی چهارده معصوم علیهم السلام و تواریخ سلاطین و خلفاء و برخی اطلاعـات متفرقه دیگر تـألیف شـده و در سال ۱۱۲۸ق تـألیف آن به پایان رسیده است. این کتاب بارها چاپ سـنگی شده و نسخه خطی آن در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام قم و چند کتابخانه دیگر موجود است.(۲)]

محمّد رضا اصفهانی*

محمّـد رضا بن محمّد مهدی اصـفهانی، خطاط نسخ نویس قرن دوازدهم هجری در سال ۱۱۵۰ق در اصـفهان متولّد شده و در سال ۱۲۲۴ق وفـات یافته است. او در ۸ جمادی الثّانی ۱۱۸۵ق از کتابت نسـخه ای از «کفایه المقتصـد» تألیف: ملّا محمّـد باقر محقّق سبزواری فراغت یافته و نسخه به شماره ۸۸۹ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۳)

میرزا محمّد رضا خوزانی

میرزا محمّـد رضـا خوزانی بن میرزا محمّـد مهـدی بن ملّـا محسن شـیرازی، عـالم فاضل و خوشـنویس ماهر، [در قرن سـیزدهم هجری].

۱- خزائن الانوار: مقدمه مصحح.

۲- نسـخه های خطی: دفتر یازدهم و دوازدهم، ص۲۴؛ فهرست مؤسـسه امام صادق علیه السلام ، صص ۷و ۸؛ و نیز بنگرید به: الذریعه، ج۵، ص ۱۵۰ و ج۷، ص۱۵۳؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۳۵؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۶۸.

۳- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۶۶۳.

جدّش ملّا محسن از شیراز به اصفهان آمده و در «خوزان» از محلّه های «سِدِه» ماربین ساکن شد.

[صاحب عنوان در اصفهان نزد سیّد محمّد شهشهانی و حاج شیخ محمّد باقر نجفی به تحصیل پرداخته است. خط نسخ را بسیار نغز و شیرین می نوشته و در سرعت قلم اعجوبه ای بوده است. تا حدّی که روزی هزار بیت کتابت می کرده و در عین حال بسیار خوش و زیبا می نوشته است و می گفته اند که چهارصد جلد کلام اللّه مجید کتابت کرده است. و تا حدود سال ۱۳۰۶ق زنده بوده است.(۱)]

میرزا محمّد رضا خوزانی نسخه ای از «ربیع الاسابیع» تألیف: علّامه مجلسی را به خط نسخ کتابت کرده که در سال ۱۳۱۳ق چاپ سنگی شده است.(۲)

[همچنین کتاب «انوار الرّیاض» تألیف: سیّد محمّد شهشهانی را در سال ۱۲۸۸ق به خط نسخ کتابت نموده که به شماره ۸۶۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)]

سیّد رضا کلاهدوزان*

سیّد رضا کلاهدوزان فرزند سیّد مهدی از علمای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۳۲ش در اصفهان به دنیا آمد.

ادبیات را نزد سیّد ابوالحسن درچه ای ابن سیّد محمّد باقر و سیّد بحرالعلوم میردامادی و آقا سیّد حسین سدهی معروف به ساعت ساز فرا گرفت. مغنی را از شیخ محمود مشکاتی استفاده کرد. شرح تجرید و شرح شمسیّه را از محضر شیخ محمّد محزون بهره برد.

شرح منظومه و اسفار را در نزد سیّد حسن مدرس هاشمی خواند. لمعه و رسائل و

۱- المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۴۸؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، صص ۶۱۲ و ۶۱۳؛ فوائد الرضویّه، ج۱، ص۵۳۵؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۲۳۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۸۱.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۲، ص ۱۹۰.

مکاسب و بحث خارج را از محضر آیه اللّه شیخ ابوالقاسم انصاری استفاده کرد. جهت اصلی پیشرفت وی در علم و دانش مباحثه و تحقیق و تدریس و مطالعات شخصی بوده است. هم بحث وی در همه دروس تا پایان سطوح آقای حاج شیخ حسین عشاقی بوده است.

او اکنون از بزرگان مدرسین مدرسه صدر اصفهان محسوب می گردد و دروس وی مورد توجه فضلاء و طلاب است.

حاج شیخ محمّد رضا مهدوی شهرضایی

حاج شیخ محمّد رضا مهدوی شهرضایی بن حاج ملّا محمّد مهدی قمشه ای، عالم فاضلف فقیه مجتهد [از علمای قرن چهاردهم هجری] درسال ۱۳۰۲ق متولّد شده و در اصفهان به درس آخوند کاشی، جهانگیر قشقایی، آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی و شیخ محمّد تقی آقانجفی حاضر شده و سپس به نجف اشرف مشرّف شده و نزد حضرات آیات آقا شیخ مرتضی طالقانی، آقا سیّد حسین بادکوبه ای و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده، سپس به موطن خود مراجعت کرده و مقبولیّت تامّه یافته، در علم و عمل بی نظیر و تا آخر عمر در انجام وظایف شرعّیه از نشر و تبلیغ احکام و تدریس و اقامه جماعت و اعانه ملهوفین و کمک به ضعفاء دقیقه ای اهمال نفرمود.

وی سرانجام در شب چهارشنبه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۸۸ق در زادگاه خود وفات یافته و در امامزاده شاهرضا مدفون گردید. از تألیفاتش: ۱. «رساله ای در اخلاق»۲. رسائل متعدد در «فقه و اصول و تفسیر» می باشد که هیچ یک به طبع نرسیده است.(۱)

۱- سالنامه شهرضا، ص۳۶؛ نشریه فرهنگ شهرضا، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۲.

محمّد رضا طهرانی اصفهانی

محمّد رضا طهرانی بن نجفعلی بن حاج محمود اصفهانی [از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۶۹ق از کتابت نسخه ای از کتاب «شاهد صادق» تألیف: محمّد صادق بن محمّد صالح اصفهانی به خط نستعلیق فراغت یافته و کتاب به شماره ۵۰۲۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

محمّد رضا خاتون آبادی

محمّد رضا بن محمّد نصیر خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل. در مشهد مقدس ساکن بوده و علاوه بر تحقیق و تألیف و تدریس نایب خادم باشی آستانه مقدس رضوی بوده و به نام شاه سلطان حسین صفوی کتاب «شرح اربعین حدیثا» را تألیف نموده است. نسخه ای از آن به شماره ۲۲۹۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

محمّد رضا عطاء اصفهانی*

محمّد رضا شیرانی فرزند نصیر، شاعر ادیب معاصر. در سال ۱۳۲۶ش در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان به پایان رسانید و در اداره مسکن و شهرسازی اصفهان به فعالیت پرداخت. پدرش از شعراء اصفهان بود. خود او نیز طبع شعر داشت و در انجمن های ادبی از جمله انجمن ادبی و هنری سعدی شرکت می کرد. او اشعار پدرش را گردآوری و با نام «راز دل نصیر» به چاپ رسانیده است.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۳۳۴.

۲- تراجم الرجال، ج۲، ص۶۹۷؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۶؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۷۴.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۵۵۹؛ راز دل نصیر، ص۱۷۵.

محمّد رضا اصفهانی

محمّد رضا بن نوروزعلی اصفهانی از کاتبان قرن سیزدهم هجری در سال ۱۲۲۵ق نسخه ای از «حاشیه معالم» تألیف: ملّا میرزا محمّد شیروانی را به خط نسخ کتابت کرده و نسخه در مدرسه غرب همدان موجود است.(۱)

رضا اشتری

رضا اشتری فرزند آقا میرزا هادی اشتری، از شعرای اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد گردیده و به تحصیل علوم قدیمه و جدید پرداخته است. از سن ۱۵ سالگی شروع به سرودن اشعار کرده و در آن گاهی «اشتری» و زمانی «رضا» تخلّص می کرده است. او از اعضای انجمن ادبی کمال بوده است. این شعر را در تعریف و تمجید شعرای اصفهان سروده است:

شاعران را محفلی در شهر ماست چند بلبل اندر آن نغمه سراست

یک به یک از نامشان یادی کنیم ز آنکه هر محفل از آنها باصفاست

گفته های «خاکی» و هم «خاکشیر» پیش اهل فضل همچون کیمیاست

می توان یابی بصارت از «بصیر» چون که اشعارش به چشمم توتیاست

از «صغیر» و گفته های او بخواه معرفت زانرو که اهل خانقاست

آنکه اشعارش برای مردم است مرد کامل شخص آقای «نوا»ست

آنکه از علم و ادب دم می زند عاقل و دانا «مهین» گویم رواست

از «شکیبش» تو بجوی علم و هنر کو در اشعارش نصیحت گوی ماست

آن که در مدح علی گوید سخن هم سخندان است پیر ما «رجا»ست

وانکه شاعر نیست در این انجمن بنده هستم «اشتری» نامم «رضا»ست(۲)

۱- فهرست غرب همدان، ص۳۷۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱ و ۴۲.

ملّا محمّد رضا مازندرانی

ملّا محمّد رضا بن ملّا محمّد هادی مترجم بن ملّا محمّد صالح مازندرانی، عالم فاضل. [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری].

در اصـفهان به تحصـیلات علوم دینی پرداخته و ظاهرا مقارن حمله افغانها و سـقوط اصـفهان، از این شهر مهاجرت نموده و در بهبهان سـکونت گزیده و به تدریس کتب فقه و حدیث پرداخته است. سیّد عبداللّه جزائری در کتاب «الاجازه الکبیره» او را با القاب عالی همچون «فاضل محقّق متکلّم رفیع المنزله» می سـتاید و می نویسد در مدرسه خیرآباد از اعمال [توابع] بهبهان است و می گویـد دو بـار او را ملاقات کرده است یک بار در سـفری که به زیارت عتبات عالیات می رفته و بار دیگر در بهبهان که جزائری در درس «شرح لمعه» او حاضر شده است.

[وی در یکی از سالهای دهه پنجم قرن دوازدهم هجری (بین سالهای ۱۱۴۰-۱۱۵۰) وفات یافته است.(۱)]

سیّد رضا صدرزاده

آقا رضا صـدرزاده فرزنـد آقا سیّد محمّـد هادی صـدرالعلماء بن سیّد عبـدالوهاب شـمس آبادی، فاضل محترم. او در مسـجد شمس آباد که به نام مسجد صدرالعلماء نیز خوانده می شود، امامت نموده و سپس بر اثر فشار حکومت وقت، تغییر لباس داده و تصدی یکی از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق را برعهده گرفت و تا هنگام وفات بدان اشتغال داشت. مشارٌالیه داماد حاج شیخ مهدی نجفی بود.(۲)

[وفاتش در ۲۳ آذر ۱۳۳۴ش واقع شد و] در آرامگاه خانوادگی صدر هاشمی در

۱- فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۳۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۰۵ و ۳۰۶؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۵۱ و ۵۵۲؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶۸.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۲۷.

تخت فولاد مدفون شد.

سیّد محمّد رضا بهشتی

سیّد محمّد رضا بن سیّد هادی حسینی بهشتی، عالم فاضل متّقی [از علمای قرن دوازده هجری].

در اصفهان متولّد شده و نزد علمای این شهر خصوصا ملّا اسماعیل خواجوایی به تحصیل پرداخته و در علوم زمان خود همچون ادبیات فارسی و عرب، حدیث، فقه و کلام مهارتی به سزا یافته است. در زهد و ورع در عهد خویش کم نظیر بوده است.

وی سرانجام در روز جمعه ۳ جمادی الاول ۱۱۹۵ق وفات یافته و در مقبره خانوادگی واقع در پای دیوار شمالی مصلای تخت فولاد مدفون شد.

رفیق اصفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ فوتش را چنین گوید:

رقم زد به تاریخ کلک «رفیق» «محمّد رضا باد با جد مدام»(۱)

محمّد رضا منجردی اصفهانی

محمّد رضا بن محمّد هاشم منجردی جی اصفهانی [از کاتبان نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در تاریخ ۱۲ صفر سال ۱۰۸۳ق کتابت نسخه ای از «منهج الیقین» تألیف: میرزا علاءالدّین گلستانه را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۵۹۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

سیّد محمّد رضا خراسانی

سیّد محمّد رضابن سیّد یوسف بن سیّد محمّد حسینی قائنی خراسانی اصفهانی، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن سیزدهم هجری].

۱- تحفه الاحباب، صص ۳۶-۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۵۸۶.

در اصـفهان متولّد شده و جهت تحصـیلات عالیه به عتبات عالیات رفته و نزد شـیخ مرتضـی انصاری تحصـیل نموده و در عداد مخصوصـین ایشـان واقع شـده و در ضـمن تحصـیل از دوسـتان میرزای بزرگ شـیرازی و میرزا حبیب اللّه رشتی بوده است. در اواخر عمر چشمانش ضعیف شده و مشرف به نابینایی بوده که با کرامت و لطف امام رضا علیه السلام شفا یافته است.

او در ۲۳ ذیقعده الحرام ۱۳۰۲ق در نجف اشرف وفات یافته و در قبرستان وادی السلام مدفون شد.(۱)

رضا ثابت اصفهانی*

حاج رضا کدخدایی متخلّص به «ثابت» از شـعرای معاصر اصفهان در عصر حاضر است، در سال ۱۳۰۷ه .ش در اصفهان متولّد شده و در کودکی آن به تحصـیل در کلاسـهای شـبانه پرداخت. در شعر طبعی روان داشته و از فیض هم صحبتی اساتید شعر و ادب اصـفهان، شـکیب، گلزار و صـغیر برخوردار شد. و در انجمن های ادبی شهر همچون انجمن خاکیا، انجمن کمال شرکت می نموده است. اغلب اشـعارش در مدایـح و مراثی چهـارده معصوم علیهم السـلام است. در سـایر انواع شـعر خصوصا غزل نیز صاحب قریحه است. «دیوان ثابت اصفهانی» در سال ۱۳۸۴ش چاپ شده است.(۲)

از اوست:

هرگز گلی چو روی تو زیبا نمی شود سروی چو قامت تو دل آرا نمی شود

هفت آسمان و هفت زمین گشته ایم ما مهری چو ماه روی تو پیدا نمی شود

رضا جدیدی*

۱- نقباء البشـر، ج۱، صـص ۷۸۰ و ۷۸۱؛ زنـدگانی و شخصـیت شـیخ انصاری، ص۲۶۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۶۳۴.

۲- دیوان ثابت اصفهانی: مقدمه.

رضا جدیدی، از شعراء و نویسندگان معاصر در سال ۱۳۱۷ش در الیگودرز متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا طی کرد و دیپلم گرفت. پس از آن به عنوان آموزگار استخدام شد و چند سال بعد تحصیلات دانشگاهی خود را ادامه داد.(۱) او سالها در سمت های مختلف از جمله ریاست آموزش و پرورش ناحیه ۴ اصفهان به خدمت پرداخت و به افتخار بازنشستگی نائل شد. مقالات فرهنگی و اجتماعی او در هفته نامه «نوید اصـفهان» به چاپ می رسید. گاهی شعر می گوید درباره دبیرستان ادب که ۱۰ سال به فعالیت مشغول بوده و از جمله مدتی معاونت آنجا را برعهده داشته است چنین گوید:

ای صبا گو گرد هم آیند یاران ادب تا دمی گردیم با هم خود ثناخوان ادب

در هوای ساحت پاکش پر و بالی زنیم طفل ابجد خوان شویم اندر دبستان ادب

این دبیرستان که سر بر عرش می ساید از فخر افتخارش هست بر دانش پژوهان ادب

بس رجال دانشی پرورده در دامان خود ای خوش آن مردی که بوده طفل دامان ادب(۲)

میرزا محمّد رضا حامد جرقویه ای*

میرزا محمّد رضا خلیفه سـلطانی جرقویه ای متخلّص به «حامد» از شـعرای قرن سیزدهم هجری. از اهالی قریه محمّدآباد جرقویه اصفهان.

اشعاری در مدح مرحوم حاج سیّد محمّد باقر حجت الاسلام شفتی سروده که در

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۱۷۴.

۲- یادنامه ادب، صص ۶۹-۷۱.

کتاب «مآثر الباقریه» نقل شده است. از آن جمله:

ای نهال قد تو سرو گلستان وجود وی ز تأثیر خیال تو حقایق موجود

با ضمیر تو بود فکر ارسطو معدوم با خیال تو بود عقل فلاطون مفقود

گر نبودی سخط و عفو تو اجرام فلک از چه منحوس شدندی و شدندی مسعود

الی آخر.(۱)

رضا حجار*

رضا حجّار، از هنرمندان اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در بازارچه رحیم خان اصفهان به سنگ تراشی مشغول بوده و در فنون و ریزه کاری های این هنر استاد بوده است. زمان فوت او به دست نیامد. ولی مُسَلَّم است که تا سال ۱۳۶۸ق زنده بوده است.(۲)

محمّد رضا حکیم باشی*

محمّد رضا حکیم باشی، از خوشنویسان اوایل قرن دوازدهم هجری در اصفهان است. او از شاگردان ابوتراب اصفهانی بوده و خط نستعلیق را درنهایت زبردستی و استادی می نوشته است.(۳)

آقا رضا دوری اصفهانی*

آقا رضا اصفهانی متخلّص به «دوری»، از شعراء و ادبای اصفهان است. ظاهرا در دوره صفویّه می زیسته و این بیت از اوست:

کشته کافر زلفی که مسلمانی را

از درش همچو گنهکار بیرون می آورند(۴)

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۸۷-۸۹؛ گرکویه، (ویرایش دوم)، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۲۸.

۴- تذکره روز روشن، ص۲۶۷؛ الذریعه، ج۹، ص ۳۳۰.

رضا رضوانی

رضا رضوانی، از شعرای معاصر اصفهان است.

از اوست:

بیا که موسم گل گشت و ماه فروردین دریده پیرهن از شوق لاله و نسرین

به باغ رو گل و سنبل نگر تو شادی کن غزل سرایی بلبل به شاخسار ببین

زان غنچه شده باز تا بنوشد می خمار دیده نرگس ز باده دوشین

محمّد رضا رنگارنگ اصفهانی*

محمّد رضا رنگارنگ اصفهانی، از خوشنویسان و ادبای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. خط شکسته نستعلیق را خوش می نوشته و در اصفهان ساکن بوده است. او نسخه ای از «انوار سهیلی» تألیف: واعظ کاشفی را در شوال ۱۲۳۵ق کتابت نموده که در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۱)

رضا زفره ای*

رضا زفره ای از فضلای قرن سیزدهم هجری و از اهالی قریه «زفره» از توابع کوهپایه اصفهان است. وی کتاب «انیس الواعظین» را تألیف کرده است. آقای محمّد حسن رجایی زفره ای محقّق معاصر سال فوتش را حدود سال ۱۲۶۷ق ضبط کرده است.(۲)

شیخ رضا سامانی

شیخ رضا سامانی متخلّص به «شیخ» شاعر و ادیب فاضل [در قرن چهاردهم هجری]

۱- فهرست ملک، ج۲، ص ۴۰.

۲- فهرستواره کتابهای فارسی، ج۶، ص ۳۳۷.

از معاشرین و معاصرین و دست پروردگان دهقان سامانی است و همین معاشرت او را به وادی شاعری کشانیده بود. او در بهمن ماه سال ۱۳۳۲ش وفات یافت.

از اوست:

نازم نماز عشق که در دهر عابدش از خون دل ببایدش آب وضو بود(۱)

محمّد رضا شیخ زاده*

استاد محمّد رضا شیخ زاده، استاد قلمکار و اهل اصفهان است که در نقاشی پارچه مهارت داشته و در اواسط قرن چهاردهم هجری می زیسته است. از آثار دیده شده وی: تصویر لیلی است سوار بر شتر بر روی یک پرده قلمکار و اشعاری که درباره وی و مجنون نقل شده و رقم آن «محمّد رضا شیخ زاده» است.(۲)

رضا صیرفی*

رضا صیرفی از هنرمندان معاصر در عرصه موسیقی، در سال ۱۳۲۲ش در اصفهان متولّد شده و در ۵سالگی با خانواده به تهران رفت. ضرب را از استاد حسین تهرانی آموخت و سپس به همکاری با اداره رادیو تلویزیون پرداخت. وی از سال ۱۳۵۰ش به چند کشور اروپایی و آسیایی سفر کرده و به اجرای برنامه پرداخت.

او سالها به تربیت شاگرد و تعلیم ضرب به سبک استاد تهرانی به علاقمندان بود.(۳)

شیخ محمّد رضا طاهری خورزوقی*

شیخ محمّد رضا طاهری خورزوقی، از علمای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۶ش در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۲۹۰.

۲- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص ۷۰۱.

۳- برگی از باغ، ص۲۳۵.

قریه «خورزوق» از توابع بُرخوار (در شمال شهر اصفهان) متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان نزد حضرات آیات سیّد محمّد رضا خراسانی، حاج آقا حسین خادمی، شیخ مرتضی اردکانی و سیّد ابوالحسن شمس آبادی به انجام رسانده و در زادگاه خود به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ دین مشغول شد.

او عالمی زاهد و قانع بود و جهت طلاب حوزه درسی در آنجا تشکیل داد. او ذوق سرودن شعر داشت و عمر را به مطالعه و تحقیق و تألیف گذراند.

سرانجام او در تیرماه ۱۳۸۳ش وفات یافته و در همان جا مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «سراج المنیر» که درسال ۱۳۸۳ق با تقریظ اساتید خود اردکانی و شمس آبادی به طبع رسیده است. ۲. «منتخب التّجوید» ۳. «تصحیح الآراء فی زیاره عاشوراء»۴. جیّد الاحکام فی مواعظ الانام»۵. «کهف حصین»۶. «باب الفلاح فی شرح دعاء الصباح»(۱)

محمّد رضا عبرت گیلانی*

محمّد رضا حسن زاده، معروف به «عبرت گیلانی» از روزنامه نگاران اصفهان در دوره مشروطیّت است. او در سال ۱۳۲۷ق مجلّه حقیقت را تأسیس کرده است. این مجلّه تا سال ۱۳۳۹ق منتشر می شده است.(۲)

میرزا محمّد رضا عیشی اصفهانی

میرزا محمّد رضا اصفهانی متخلّص به «عیشی» از شعرای اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری است. در سرودن شعر صاحب قریحه ای توانا بوده و تا سال ۱۲۰۶ق زنده بوده است. [این مرثیه و مادّه تاریخ را جهت وفات سیّد مهدی حفید سیّد

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی.

۲- تاریخ و جراید و مجلّات ایران، ج۲، صص ۲۲۵-۲۲۷.

عبداللّه جزایری در سال ۱۲۰۶ق سروده است:

رکن ایمان سیّد مهدی دریغ زین جهان فانی مغرور شد

زین مصیبت بر همه اهل جهان روز روشن چون شب دیجور شد

زین خراب آباد پر اندوه و رنج بر تماشای جنان مأمور شد

جبرئیل از بهر دفنش در بهشت از پس استبرق و کافور شد

از فروغ روح آن عالیجناب جنت المأوی سراسر نور شد

گفت تاریخ وفاتش پیر عقل با علی و مصطفی محشور شد(۱)]

میرزا محمّد رضا فقیه

میرزا محمّد رضا فقیه، از علماء و زهاد اصفهان در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۶۷ق وفات یافته و در قبرستان آب بخشان، نزدیک مسجد [شهدا [مدفون شده است. پس از تسطیح و تخریب قبرستان، قبر او هم از بین رفت.(۲)

شیخ محمّد رضا قهدریجانی

شیخ محمّد رضا قهدریجانی اصفهانی، از اجلّه علماء و فضلاء [در اوایل قرن چهاردهم هجری [در نجف اشرف نزد آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی تلمّذ کرد و پس از وفات او دو سال به درس میرزا محمّد تقی شیرازی در سامرا حاضر شد سپس جهت زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام به ایران آمده و پس از آن به عتبات عالیات بازگشته و در ۷ شعبان ۱۳۳۴ق در کربلا وفات یافته و در اِیوان بزرگ معروف به مقبره میرزا موسی دفن شد.

۱- تحفه العالم، ص۱۲۴؛ الذریعه، ج۹، ص۷۷۹؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۰۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۹؛ مزارات اصفهان، ص۲۷.

عالمی خلیق و مهربان و در بحث منصف بوده است. همسرش صبیّه عالم فاضل سیّد محمّد علی بن ابی القاسم کاشانی نجفی است.

شیخ محمّد رضا قهدریجانی در مجلس درس آخوند خراسانی همدرس با مجتهد عالیقدر آقا شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی بوده و او را برای تدوین کتاب «وقایه الاذهان» تشویق کرده است.(۱)

محمّد رضا کاتب اصفهانی

محمّد رضا کاتب اصفهانی، از نویسندگان قرن سیزدهم است. از آثارش کتاب «آتشکده آذر بیگدلی» است که به خط شکسته نستعلیق نوشته و به شماره ۱۱۰۰ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۲)

دکتر محمّد رضا کاویانی*

دکتر محمّد رضا کاویانی، از اساتید دانشگاه و محقّقان معاصر در سال ۱۳۱۶ش در شیراز متولّد شد. او پس از تحصیلات ابتدایی در رشته ادبی و طبیعی در مقطع متوسطه تحصیل کرد و دیپلم گرفت. در سال ۱۳۳۷ش برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در سال ۱۳۴۲ دانشنامه مهندسی خود را از دانشگاه «یوستوس لیبیگ» شهر «گیسن» اخذ نمود. آنگاه در دانشگاه فنی «هانوور» در رشته هواشناسی و اقلیم شناسی کشاورزی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ درجه دکتری شد و در آن دانشگاه به عنوان مربی و سپس استادیار به تدریس پرداخت.

او در سال ۱۳۵۴ش به ایران بازگشت و به عنوان استادیار در گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان تدریس نمود. او از سال ۱۳۶۴ به دانشیاری و از سال ۱۳۷۵ش به

۱- نقباء البشر، ج۲، صص ۷۲۶ و ۷۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۱۳.

۲- فهرست سپهسالار، ج۲، ص۴۵۴.

استادی دانشگاه اصفهان ارتقاء یافت و در سال ۱۳۷۹ش به عنوان استاد نمونه کشوری انتخاب شد.

او در بسیاری از همایش های علمی داخل و خارج از کشور شرکت کرده و مقاله ارائه کرده است. مقالات بسیاری نیز از او در مجلات معتبر علمی همچون محله «فضا»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، رشد آموزش جغرافیا و فصلنامه تحقیقات جغرافیایی و مقالاتی در مجلات خارجی به چاپ رسیده است.

دکتر کاویانی برخی از مسؤولیت های اداری همچون معاونت دانشکده ادبیات و ریاست آن را در دانشگاه اصفهان برعهده داشته است. وی اکنون به تدریس در مقاطع مختلف دانشگاه خصوصا فوق لیسانس و دکترا مشغول است.

از آثار او کتابهای «مبانی آب و هواشناسی» و «میکروکلیماتولوژی» به چاپ رسیده است.(۱)

ملّا محمّد رضا کتابدار

ملّا محمّد رضا کتابدار، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. او کتابدار کتابخانه علّامه مجلسی و نویسنده او بوده است. احتمالاً او نزد علّامه مجلسی تحصیل کرده است.(۲)

[محمّد نصیر بن محمّد علی ابهری جی اصفهانی که مُجَلَّد نهم «بحارالانوار» را در سال ۱۰۷۹ق کتابت کرده و در کتابخانه سلطان المتکلمین در تهران موجود است به نام او اشاره کرده است.(۳)]

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۱۷۳-۱۷۹.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۶۱.

۳- الکواکب المنتشره، صص ۲۶۹ و ۲۷۰.

سیّد محمّد رضا کتابفروش

سیّد محمّد رضا کتابفروش، عالم جلیل [در اوایل قرن چهاردهم هجری] مرحوم جابری انصاری در «تاریخ اصفهان» درباره او می نویسد: «از علماء و دو سه کار مهم انجام داد. اوّل: تغییر محل چیت سازخانه و رنگرزخانه که در وسط شهر و حوالی مسجد حکیم بود و فضلاب آن لطمه به صحیّه همسایگان می زد. دوم: سد فرجان. سوم: تأسیس دارالشّفا که (بعدا) تبدیل به مسجد دارالشّفاء شد» (محل مسجد دارالشّفاء قبلاً محلّ فاضلاب بازار رنگرزها بوده است).

وی پس از وفات در تخت فولاد، تکیه سادات کتابی مدفون شد.(۱)

ملّا رضا کفرانی

ملّا رضا کفرانی رویدشتی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری [وی احتمالاً شاگرد آقا سیّد محمّد شهشهانی بوده و نسخه ای از «غایه القصوی» جلد دوم، تألیف شهشهانی را به خط نسخ - بدون ذکر تاریخ - کتابت نموده است. کتاب به شماره ۳۹۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

سیّد محمّد رضا گلپایگانی

سیّد میر محمّد رضا جرفادقانی (گلپایگانی)، از فضلای قرن یازدهم هجری است. شاگرد علّامه مجلسی بوده و در دوم ذیحجّه سال ۱۰۷۲ق از او اجازه دریافت نموده است.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۹.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۳۲۹.

۳- الذریعه، ج۱، ص۱۵۱؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۶۴ و ۲۶۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۷؛ دانشمندان گلپایگان، ج۲، ص۱۹۸.

محمّد رضا محتسب اصفهانی

محمّد رضا محتسب اصفهانی [خطاط نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری] در جمادی الاولی سال ۱۲۹۶ق نسخه ای از «انجمن خاقان» تألیف: فاضل خان گروسی را به خط نستعلیق زیبا کتابت نموده که به شماره ۷۳۳۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّد رضا معلّم*

محمّد رضا، از خوشنویسان هنرمند و فضلائ ادیب قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. او در برخی از آثارش خود را «محمّد رضا معلّم غلامان کوچک سرکار خاصّه شریفه» معرّفی کرده است که نشان می دهد او در دربار شاه سلیمان صفوی به تعلیم و تربیت غلامان درباری مشغول بوده است.

او خطوط ثلث و نسخ را خوش می نوشته و به دستور شاه سلیمان نسخه ای از «صحیفه سجّادیه» را به خط نسخ در ۲۸ رجب المرجّب ۱۰۹۳ق کتابت کرده که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.

همچنین قطعاتی به خط نسخ او به تاریخ های ۱۰۸۷ و ۱۱۱۲ در مجموعه مرحوم مهدی بیانی و رقعه ای در یک مرقع به خط نسخ در سال ۱۱۱۴ق در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران موجود است.(۲)

درد اخل ایوان شرقی مدرسه چهارباغ کتیبه ای به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ حاوی احادیث و جملاتی درباره اهمیّت علم و آموختن آن و اشاره به بنای مدرسه و ساختن آن است مشاهده می شود. رقم و تاریخ کتیبه چنین است:

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۲۵.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۷؛ فرهنگ ایران زمین، ج۲۶، ص۱۶۵.

«کتبه محمّد رضا ۱۱۱۹»(۱)

به احتمال زیاد این کتبه هم از خطوط محمّد رضا معلّم غلامان کوچک خاصّه شریفه است.

محمّد ابراهیم نصیری در کتاب خود ذیل وقایع سالهای ۱۱۰۵ و ۱۱۰۶ق از وثیقه ای یاد می کند که میرزا ابوالقاسم مجلس نویس آن را در جلسه مشاهیر علماء و معارف فضلاء و صدور و اهالی شرع مطرح کرده و محمّد رضا بیگ خوشنویس آن را به خط رقاع قلمی نموده است.(۲)و گویا این محمّد رضا بیگ خوشنویس با صاحب عنوان یکی باشد.

سیّد رضا موسوی نسب مبارکه*

سیّد رضا موسوی نسب مبارکه متخلّص به «رضا» از شعرای معاصر اصفهان در سوم دی ماه ۱۳۱۴ش در «مبارکه» لنجان اصفهان متولّد شد. پدر و اجدادشان از علماء و زهّاد عهد خویش بوده اند. گاهی شعر می گوید و اشعارش در مطبوعات اصفهان همچون «نوید اصفهان» و «اولیاء اصفهان» به چاپ رسیده است).

از اوست:

نسیم غنچه حُسنت مرا هوایی کرد شمیم روی تو آورد و دلربایی کرد

به گاه بی تو نشستن به شام تنهایی رهایم از غم هجر شب جدایی کرد(۳)

سیّد محمّد رضا میردامادی

سیّد محمّد رضا حسینی میردامادی سدهی اصفهانی، طبیب ماهر، مدفون در ایوان دالان صحن شرقی و شمالی امامزاده درب امام اصفهان.(۴)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۷۱۵.

۲- دستور شهر یاران، ص۴۴.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۳۰۵ و اطلاعات متفرقه.

۴- مزارات اصفهان، ص۲۰۸.

محمّد رضا نایب اصفهانی*

محمّد رضا اصفهانی متخلّص به «نایب» شاعر ادیب. از سخنوران قرن دوازدهم هجری است. از او دیوان اشعاری به جای مانده است.(۱)

حاج سیّد محمّد رضا نایینی

حاج سیّد محمّد رضا نایینی، عالم فاضل، از خواص و ندیمان و شاگردان حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی، در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل علم مشغول شده است.(۲)

شیخ محمّد رضا نجفی جزن آبادی*

شیخ محمّد رضا نجفی جزن آبادی، عالم فاضل زاهد و فقیه محقق و عابد، از علمای معاصر اصفهان.

در اصفهان و نجف به تحصیل پرداخته و در اصفهان امام جماعت مسجد پامنار دردشت و مسجد شیره پزها بوده است. او عمری را به قناعت و زهد و انزوا به سر برد.(۳)

او سرانجام در ۱۲ ذیحجه ۱۳۷۸ق وفات یافت و در صحن تکیه گلزار واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۴)

رضا نگهبان

۱- ریحانه الادب، ج۶، ص۱۲۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۹۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نایب»، ص۲۹۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۰۷.

۲- تاریخ نایین، ج۱، ص۱۸۹؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۱.

۳- علوم و عقاید، صص ۶۷ و ۶۸.

۴- یادداشت های آقای رحیم قاسمی، خطی.

رضا نگهبان، از شعرای معاصر اصفهان. به شغل کارگری مشغول بوده و گاهی شعر می سروده است. او در واقعه کشته شدن حسین صرافان چنین گفته است:

در راه وطن شهید شد صرافان اینست سزای نیکی ای هموطنان

یکسر به جنان گشت روان آن ناکام اندر ره اسلام به خون شد غلطان

ای داور پاک داد مظلومان را از جمله ظالمان بی رحم ستان

رضا نور بختیار*

رضا نور بختیار، هنرمند و عکاس معاصر. در روز ۲۵ دی سال ۱۳۲۰ش در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیل در مقطع ابتدایی، در دبیرستان سعدی دوره متوسّطه را گذراند و چون به هنر علاقه فراوان داشت به انگلستان رفت و در دانشکده هنرهای زیبای لندن، به تحصیل پرداخت و عضو تشکل دانشجویی عکاسان بریتانیا شد.

او پس از بازگشت به ایران، در تهران به همکاری با مطبوعات از جمله مجله زن روز پرداخت و در دانشکده علوم ارتباطات به تدریس عکاسی پرداخت. او از سال ۱۳۵۹ به بعد در اصفهان ساکن شد و در مجتمع هنر پردیس، دانشگاه سوره و دانشگاه آزاد، عکاسی را تدریس کرد و در کنار آن فعالیّت عکاسی حرفه ای را با جدّیت دنبال کرد.(۱)

محمّد رضا بیک همدانی

محمّد رضا بیک همدانی، از شعراء و سخنوران قرن یازدهم هجری. پدر و اجدادش از کلانتران همدان بوده اند. او پس از مدّتی تحصیل منشی بکتاش خان حاکم بغداد شد. پس از فوت او به اصفهان آمده و منشی ساروتقی (وزیر اعظم شاه عباس دوم) شد بعد از قتل او وزیر میرزا علاءالدّین حسین خلیفه سلطان شد. پس از او وزیر محمّد بیک و میرزا

۱- روزنامه ایران، شماره ۳۹۰۸، یکشنبه اوّل اردیبهشت ۱۳۸۷.

مهدی بود و عاقبت در زمان وزارت میرزا مهدی وفات یافت.[(۱)] (میرزا مهدی در سال ۱۰۷۱ق به وزارت رسیده و لقب «اعتمادالدّوله» را دریافت نموده است).

از اوست:

بس که از آه من غبار گرفت سرزمین ها در آسمان دارم

پیکرم وقف سنگ طفلان باد تا شکستن در استخوان دارم

رضا علی هزارجریبی

رضا علی بن جان بیک هزارجریبی [مازندرانی از کاتبان قرن سیزدهم هجری [در سال ۱۲۱۵ق از کتابت مجموعه ای شامل «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی و «صیغ العقود» علّامه مجلسی به خط نسخ در داراسلطنه اصفهان فراغت یافته است. کتاب به شماره ۱۵۷۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.[(۲)]

رضا قلی ادیب شیرازی*

رضا قلی شیرازی متخلّص به «ادیب» خوشنویس هنرمند و شاعر ماهر اواخر عهد قاجاریه. از اهالی شیراز است. امّا در اواخر عمر به اصفهان آمده و در انجمن ها و محافل ادبی این شهر شرکت نموده است. خط نستعلیق را خوش می نوشت و علاوه بر قطعه نویسی و کتابت، در کتیبه نویسی نیز مهارت داشت. او سرانجام در سال ۱۳۳۰ق در شیراز وفات یافته و در تکیه حافظیه مدفون شد. از تألیفات او کتاب «اخلاقیه» است که در سال ۱۳۱۴ق به خط خود کتابت کرده و به شماره ۹۵۰۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۲۱.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۷۱۱.

از آثار او در اصفهان اشعار کاشیکاری سرای مخلص در بازار بزرگ اصفهان و اشعار کاشیکاری ایوان مسجد رکن الملک در سال ۱۳۱۹ق هنوز موجود است.

این شعر از اوست:

اوصاف علی که منتهایش نبود مدّاح علی به جز خدایش نبود

تا حشر «ادیب» گر ز وصفش خوانی یک حرف ز دفتر ثنایش نبود(۱)

رضا قلی همای شیرازی

محمّد رضا (رضا قلی) شیرازی متخلّص به «هما» فرزند ملّا بدیع بن ملّا شاه جهان شیرازی [از طایفه فیلی زند].

ادیب و شاعر فرزانه و عارف دانشمند یگانه. از سخن سرایان قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۱۲ق در شیراز متولّد شد.

در نوجوانی شروع به فراگیری علم و ادب کرد [و فنون ادبی و قواعد شعر و شاعری را از وصال شیرازی آموخت. [او در آغاز جوانی ترک منصب خانی و سرکردگی گفته و وقت خود را صرف تحصیل علوم دینی کرد و از شیراز به عتبات عالیات رفته و ۱۸سال در مجلس درس شیخ محمّد حسن صاحب جواهر حضور یافت.

[در این سالها سه بار به حج رفته و در هر سفر در سایر مناطق مانند حجاز، یمن، شام، مصر، بیت المقدس، شمال آفریقا نیز سیاحت کرد. [پس از اتمام تحصیلات به هند سفر کرد و به دیدار علماء و عرفاء و اولیاء شتافت. او پس از بازگشت به شیراز چندی در آنجا ماند و پس از آن به اصفهان آمده [مورد توجه و عنایت حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام، مجتهد و مفتی بزرگ آنجا و منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان قرار

۱- تذکره شعرای دارالعلم شیراز، ص۹۷؛ آثار العجم، ص۵۴۵؛ تذکره مرآه الفصاحه، ص۵۲؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۹۹؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۸۱۶ و ۸۲۱ و ۸۳۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۲۱۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۹۰؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۱، ص۲۴۵؛ فارسنامه ناصری، ج۲، ص۱۱۵۶؛ فهرست مرعشی، ج۲۴، ص۲۵۹.

گرفت و اشعاری در مدح آنان سرود. سپس به طهران رفته به دربار محمّد شاه قاجار راه یافت. از آنجا به خراسان و ترکستان سفر کرده و پس از بازگشت از آن سفر راهی کرمان و اصفهان شد و بالاخره اصفهان را جهت اقامتگاه دائمی خود برگزید].

او در سیر و سلوک طریقت از مریدان میرزا ابوالقاسم سکوت شیرازی بود. همای شیرازی عاقبت پیش از ظهر پنج شنبه ۱۲ ربیع الاوّل ۱۲۹۰ق وفات یافته و در پای ستون جنونی صحن امامزاده احمد اصفهان مدفون شد. خطوط سنگ لوح مزار او از میرزا عبدالحسین قدسی خوشنویس اصفهانی است.

مادّه تاریخ وفاتش را سیّد محمّد بقاء اصفهانی ضمن مرثیه ای گوید:

چو از بهر سرای جاودانی هما را زین سرا برچیده شد فرش

«بقا» گفت از برای سال فوتش: «هما شد بال زن در سایه عرش»

[عباسعلی خرم اصفهانی هم قطعه ای در مادّه تاریخ «هما» ساخته که مادّه تاریخش این مصراع است:

«طایر روح هما پرواز کرد از آشیان»

دیوان اشعار هما را محمّد حسین عنقا (فرزندش) جمع آوری و کتابت نموده که در کتابخانه عمومی اصفهان وجود دارد. نسخه ای دیگر از این دیوان به خط میرزا عبدالغفار پاقلعه ای متخلّص به «سحاب» فرزند محمّد حسن، در سال ۱۲۹۳ق کتابت شده که آن هم در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است. دیوان هما به عنوان «شکرستان» به طبع رسیده است. همچنین دیوان هما در ۲ جلد به کوشش احمد کرمی در سال ۱۳۶۳ش چاپ شده است.]

سه نفر از پسرانش، میرزا محمّد نصیر (ابوالقاسم) متخلّص به «طرب»، میرزا محمّد حسین ملك الشّعراء متخلّص به «عنقا» و میرزا محمّد متخلّص به «سها» و نیز دو تن از نوادگانش، استاد جلال الدّین همایی متخلّص به «سنا» و ابوالفضل همایی متخلّص به «شادمان» از شعراء و ادبای عهد خویش بوده اند.

این شعر از اوست:

[کاش بودی چو تو در شهر دلارای دگر یا مرا بود چو این دل، دل شیدای دگر

داشتم یک دل و یغمای تو شد اوّل کار کو دلی تا دهمت باز به یغمای دگر(۱)]

رضا قلی خان سراج الملک

رضـا قلی خـان سـراج الملک بن عباس خان ایروانی پیشـکار مالیه اصـفهان. در دسـتگاه ظل السّـلطان بوده است. مردی عارف مسـلک و درویش نهاد و خـدمتگزار عرفاء و دانشـمندان بوده و در خدمت حاج محمّد کاظم اصـفهانی (سـعادت علی شاه) به سلسله فقر وارد شده و در اصفهان و شیراز و طهران خانه اش خانقاه درویشان و حاجتمندان بود.

گویند ظل السـلطان، سـراج الملک را به طمع نقدینه ای که داشت چای مسموم داد و تمام اموال او را مصادره نمود و فرزندان او را به خاک سیاه نشاند.

سـال مرگ او ۱۳۳۳ق بوده است و در صـحن امامزاده حمزه، جنب مقبره سـعادت علی شاه مدفون گردید. بنای مسـجد سـراج الملک در طهران از اوست.(۲)

۱- حدیقه الشـعراء، ج۳، ص۲۰۸۲؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، صـص ۱۷۲ و ۱۷۳؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، صص ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵؛ دیوان طرب، صص ۳-۳۴؛ فهرست کتابخانه عمومی اصـفهان، ج۱، صص ۱۰۴-۱۰۶؛ فارسنامه ناصری، ج۲، ص۱۰۹؛ تـذکره مدایـح معتمدیه: خطی؛ تذکره مجمع الفصـحاء، ج۶، صص ۱۱۷۳-۱۱۷۵؛ تذکره مرآه الفصاحه، صـص ۷۱۰ و ۷۱۱؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۴۶۸ و ۴۶۹؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۴، صص ۸۵۲ و ۸۵۳؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)ج۱، صص ۳۶۱-۳۶۸.

۲- دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۲، صـص ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱، مجلـه یادگـار، سـال پنجـم، آذر و دی ۱۳۲۷، ص۹۹؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۵۴۳؛ نابغه علم و عرفان، ص۴۳۶؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، صص ۲۸-۳۰.

رضا قلی تاراج قمشه ای

رضـا قلی پژوهنـده قمشه ای متخلّص به «تـاراج» فرزنـد علی اصـغر (یـا علی عسـگر). از شـعرای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۴۸ش متولّد شد. تحصـیلات مقدماتی خود را در شـهرضا انجام داده و جهت تکمیل آن به اصـفهان رهسپار گردید. از اوان کودکی طبعش به شعر و ادب مایل بوده و بیشتر اوقات در خدمت خالوزاده خود مرحوم آقا شیخ اللّه حکیم قمشه ای (متخلّص به «دیوانه») به گفتن و خوانـدن اشـعار مشـغول بوده است. در اغلب فنون شاعری خصوصا در گفتن مادّه تاریخ مهارت داشت. در اوایل عمر در یکی از ادارات دولتی خدمت می کرد. اما در اواخر عمر از شـغل دولتی مستعفی شده و به انزوا و تنهایی عمر را سپری می کرد. در شـعر «تاراج» تخلّص می کرد و دیوان اشـعارش نزد فرزنـدش حیـدر پژوهنده موجود بوده است. همچنین برخی از اشعار او در روزنامه ها و مجلّات: ندای شهرضا، بهبود شهرضا، شهرضا، ارمغان و آینده به چاپ رسیده است.

تاراج قمشه ای در ۱۳ دی ۱۳۲۳ش در شهرضا وفات نمود. این دو بیت از اوست:

گر سِرّ عشقم از نگهی فاش شد چه باک هرگز به پنبه شعله آتش نهان نماند

در جستجوی دل پی دلبر شدم ولی در کوی او نشانی از آن بی نشان نماند(۱)

رضا قلی خان برومند گزی

رضا قلی خان برومند بن محمّد کریم خان برومند گزی، شاعر و ادیب دانشمند معاصر. در سال ۱۳۲۶ق در اصفهان متولّد شده و پس از طی تحصـیلات ابتـدایی و متوسطه بـه تهران رفتـه و ادامه تحصـیل داد و لیسـانس حقـوق گرفت. سـپس به اسـتخدام دادگستری

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۲۶-۱۲۹؛ تاریخ شهرضا، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

درآمده و به قضاوت پرداخت. او از قضات پاکدامن و باشهامت بود و سالها در دانشکده ادبیات اصفهان تدریس می کرد. او علاوه بر کلیه فضائل، از حسن معاشرت و نیک سیرتی و خوش محضر بودن، شعر هم می گفت و «برومند» تخلّص می کرد. لکن کمتر بدان می پرداخت. از نمونه اشعارش در مجله باختر اصفهان قطعه ای چاپ شده است و از آنجا آن را در تذکره شعرای معاصر اصفهان نقل کرده ایم.

مرحوم برومند در ربیع الثانی سال ۱۴۱۰ق در اصفهان وفات یافت و در قبرستان باغ رضوان مدفون شد.(۱)

رضا قلی خان اعتمادی*

رضا قلی خان اعتمادی (یا بیدآبادی) یگانه فرزند محمّد قلی خان بن رضا قلی بیگ بن محب علی خان بن محمّد قلی خان بن فتحعلی خان اعتماد الدوله داغستانی لکزی، از هنرمندان اصفهان در قرن چهاردهم هجری قمری.

مادرش دختر محمّد باقر کیخا بن شاه منصور کیخا بن عبداللّه کیخا بن محمّد نصیر کیخا بن محمّد باقر (از ایل کیخا و سالار و کلانتر قشقایی، از جانب دربار صفوی) بوده و خود با آقا میرزا محمّد جعفر محلّه نوئی باجناق و با جهانگیرخان قشقائی خاله زاده می شد.

در شیرخوارگی به جهت حادثه ای که برای پدرش اتفاق افتاد و یتیم شد دچار کمی لکنت زبان شد امّا با این حال به تحصیل علم پرداخته و همچنین به فراگیری نقاشی مشغول شد. تا جایی که در همه انواع نقاشی: طبیعت، میناتور، آبرنگ، سیاه قلم و تذهیب، روی سوخت معرّق و قلمدان و جعبه و سرلوحه و جلد کتب و غیره استاد گردید و شاگردانی هم تعلیم داد. مردی صالح، متین، باهوش و محترم نزد مردم عموم

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ۸۲؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۸.

بوده و سرانجام در ۷ محرم ۱۳۳۸ق وفات یافته و در جنوب غربی تکیه حاج آقا مجلس (تکیه سیّد ابوجعفر خادم الشّریعه) مدفون شد و عیال و دخترش نیز همانجا مدفون شدند و اطاق و مقبره ای آبرومند بر سر مزار آنان ساخته شد. امّا پس از تعریض خیابان مجاور (خیابان سعادت آباد) و خراب شدن سردر و مسجد این تکیه و اطاق مزبور، بقایای اجساد آنان با اجازه آیتین ارباب و خراسانی به زیارتگاه زینبیه در شمال اصفهان نقل و در یکی دو اطاق غیروقفی صحن علیای زینبیه مدفون شد.(۱)

ملّا رضا قلی پیشنماز

آخوند ملّا رضا قلی قاری اصفهانی معروف به «پیشنماز» عالم فاضل صالح [از دانشمندان قرن یازدهم هجری].

او در فقه و حدیث و قرائت و تجوید استاد بوده و در مسجد جامع جدید عباسی [مسجد امام فعلی [به تدریس قرائت و تجوید می پرداخته و هم در آن مسجد اقامه جماعت می نموده است.

وی عمری طولانی یافته و در سال ۱۰۷۲ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

[در مجموعه شماره ۱۳۶۷۴ کتابخانه مجلس برگ ۱۰۵ و ۱۰۶ بندی با عنوان «دوازده امام» به عربی از مولا رضا قلی اصفهانی آمده است.(۳)]

رضایی مشهدی*

رضای مشهدی، شاعر ادیب، در اوایل قرن یازدهم هجری می زیسته و در اصفهان ساکن بوده و در زمان تألیف «تذکره عرفات العاشقین» در سال ۱۰۲۲-۱۰۲۴ق

۱- یادداشت های شاعر گرانمایه آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «بُرنا».

۲- ریضای العلماء، ج۲، ص۳۱۲؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۸؛ اعیان الشّیعه، ج۳۲، ص۴۳.

۳- فهرست مجلس، ج۳۷، ص۱۹۹.

درگذشته است.(۱)

آقا رضی اصفهانی

آقا رضـی اصفهانی، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. استاد فن و نقّاد و سخن بوده، سیر هندوستان نموده و برگشته، در سال ۱۰۲۴ق وفات یافت. جمله «آه از رضی» مادّه تاریخ وفات اوست.

در فراق تو خیالی است تن بی جانم که چو فانوس به تحریک نفس می گردد(۲)

سیّد رضی اصفهانی

سیّد رضی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، از علمای قرن چهاردهم هجری. در نجف در خدمت حاج میرزا حسین نوری و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی به تلمّذ پرداخته و پس از فوت آخوند خراسانی به درس میرزا محمّد تقی شـیرازی حاضر شده است. او در جوانی حدود سال ۱۳۳۴ق در کربلا وفات یافته و همانجا مدفون گردیده است.(۳)

محمّد رضی اصفهانی

محمّد رضـی اصـفهانی، عالم فقیه، از دانشـمندان گمنامی است که در اصـفهان در قرن سیزدهم می زیسته و مانند هزاران عالم دیگر بـدون اسم و رسم زنـدگی نموده و بـدرود حیـات گفته است. از آثـارش اجـازه اجتهادی است که به نام آقا سیّد محمّد حسن مجتهد موسوی بعد از سال ۱۲۴۴ق نوشته است.(۴)

۱- تذکره غنی، ص۵۸؛ کاروان هند، ج۱، ص۴۴۶.

۲- تذکره حسینی، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ تذکره آتشکده: بخش سوم، ص۹۴۳؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۲۳؛ تذکره غنی، ص۵۸؛ الذریعه، ج۹، ص۳۷۱؛ کاروان هند، ج۱، صص ۴۴۹-۴۵۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۱۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «رضی»، ص۵۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۴۰؛ تذکره سرو آزاد، ص۳۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۰۹ و ۶۴۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۷۸۳.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۴۰ و ۶۴۱.

محمّد رضی اصفهانی

محمّد رضـی بن محمّد شریف اصفهانی، خطاط نسخ نویس قرن یازدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه «تحفه الابرار» تألیف: سیّد مصطفی بن ابراهیم تبریزی می باشد. نسخه به شماره ۴۰۷۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

آقا رضی مجلسی

آقا رضی بن ملّا محمّد نصیر بن عبداللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری.

وی در اصـفهان به تحصـیل پرداخته است. در «تذکره الانساب» درباره او می نویسد: «صبیه مرحوم میرزا محمّد کاظم جدّحقیر در حباله او می بود و میرزا محمّد شفیع و میرزا یحیی و دو همشیره (اولاد او می باشند)».

مشارالیه در سال ۱۱۲۶ق وفات یافته و میرزا عزیزاللّه الماسی در مرثیه و مادّه تاریخ وفاتش گوید:

رضیّ خالق و خلق از قضا چون ز فوتش عالمی را ساخت مغموم

بتاریخ وقوع این مصیبت «غم و سوز ابد» گردید مرقوم

این کتابها از اوست:

(۲) «صـحیفه المتّقین و منهج الیقین» به فارسـی، در تکمیل کتاب «حیوه القلوب» علّامه مجلسـی در یک مقدمه و ۱۱۸ باب.(۳) «ترجمه بحارالانوار» مجلد هفتم و هشتم و نهم، که در سال ۱۲۹۷ق در تبریز چاپ شده است.(۴)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۰۵۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۰۵۴.

۳- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۶۴۵؛ زنـدگینامه علّامه مجلسـی، ج۲، صـص ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۳۶۳؛ الذریعه، ج۱۵، ص۲۳ و ج۴، ص۹۲ و ۸۸؛ الکواکب المنتشره، ص۲۷۸؛ فیض قدسی، ص۲۰۲؛ مرآه الاحوال جهان نما، ص۲۶۲؛ نجوم السماء، ص ۱۳۰؛ کشف الحُجَب، ص۳۶۹.

۴- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۶۴۵؛ زنـدگینامه علّامه مجلسـی، ج۲، صـص ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۳۶۳؛ الذریعه، ج۱۵، ص۲۳ و ج۴، ص۹۲ و ۸۸؛ الکواکب المنتشره، ص۲۷۸؛ فیض قدسی، ص۲۰۲؛ مرآه الاحوال جهان نما، ص۲۶۲؛ نجوم السماء، ص ۱۳۰؛ کشف الحُجَب، ص۳۶۹.

سیّد رضی علوی اصفهانی*

سیّد رضی علوی اصفهانی، عالم فاضل جلیل. از تولّد و وفات و اساتید او اطلاعی در دست نیست در نسخه ای از کتاب «تفصیل وسائل الشیعه» تألیف: شیخ محمّد حرّ عاملی، کاتب نسخه محمّد مؤمن بن ملّا محمّد طالقانی از صاحب عنوان چنین یاد کرده است:

«بحسب الامر امیرالسّادات العظام و نجباء الکرام حاوی الاصول و الفروع جامع المعقول و المنقول اعنی مجتهد الزّمان سیّد رضی علوی اصفهانی»

این نسخه در اواسط جمادی الاوّل ۱۰۹۱ق کتابت شده و در کتابخانه علّامه محقّق حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان وجود داشته است.(۱)

سیّد رضی لاریجانی

حاج سیّد رضی لاریجانی، عالم حکیم و فیلسوف جلیل، از اجلّه شاگردان آخوند ملّا علی نوری در اصفهان بوده و در این شهر حکمت متعالیه تدریس می فرموده [است]. به طهران منتقل شده و در آن شهر در سال ۱۲۷۰ق وفات یافته و هم در آنجا مدفون گردیده است. در اعیان الشیعه نام او سیّد رضا ذکر شده است. فرزندش سیّد محمّد شمس الادباء، از دانشمندان و شعرای طهران در آن عصر است.(۲)

[ظاهرا در اواخر قرن دوازدهم هجری در «لاریجان» مازندران متولّد شده و بعد از قتل به ناحق پدر، به همراه مادر و برادرش به اصفهان آمده و نزد ملّا علی نوری و ملّا

۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۱۵۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۹؛ اعیان الشیعه، ج۳۱؛ ص۶۴.

محمّـد اسـماعیل واحـدالعین حکمت متعالیه را فرا گرفته و حکمت مشاء را از سایر حکماء آموخت. برخی از میرزا عبـدالجواد شیرازی و میرزا رفیع شـیرازی به عنوان اساتید او نام برده اند که محلّ تردید و تشـکیک است و از این دو نفر مجهول الحال در منابع معتبر تاریخ و تراجم ذکری نشده است.

او جامع حکمت و عرفان بوده و بر فلسـفه اشـراقی و عرفان محی الدّین عربی تسلط داشته و کتب مربوط به آنها را تدریس می فرمـوده و در بین اقران در احـاطه به مبـاحث حکمی و عرفـانی ممتـاز بوده و طلاـب و علمـای اهـل ذوق و حـال درس او را بر مدرسـین هم طبقه او ترجیـح می داده انـد. از شـاگردان او می توان به حکیم آقا محمّـد رضا قمشه ای (صـهبا)، حاج ملّا هادی سبزواری، میرزا محمّـد حسن شـیرازی (میرزای بزرگ)، ملّـا محمّـد اسـماعیل درکوشـکی، میرزا محمّـد جعفر لواسانی (حکیم الهی) و غیره اشاره کرد.

لاریجـانی در سال ۱۲۶۷ق به دعوت میرزا اسـماعیل مسـتوفی گرکـانی به تهران رفت و به تـدریس ادامه داد تـا همانجا مرحوم شد.[(۱)]

میرزا سیّد رضی اصفهانی

میرزا سیّد رضی اصفهانی متخلّص به «محرم» از شعرای قرن سیزدهم هجری.

او از تُجّار معتبر و خوشـنام اصـفهان بوده ولی در تجارت ورشکسـته شـده و در کاظمین (نزدیک بغـداد) سـکونت گزیده و تا سال ۱۲۹۷ق در قید حیات بوده است. گاهی شعر می سرود.

از اوست:

۱- کیهان اندیشه: شماره ۶۲، مهر و آبان ۱۳۷۴ش، صص ۶۵-۷۳؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۴۶۲؛ جغرافیای اصفهان، ص۶۸؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریـخ ایران)، ج۱، ص۲۳۵؛ مدینه الادب، ج۲، ص۶۷۵ و ج۳، ص۸۱؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخر، صـص ۲۶۱-۲۶۳؛ منتخب معجم الحکمـاء، صـص ۹۶ و ۹۷؛ مکـارم الآثار، ج۶: ص۱۹۵۷؛ الکرام الـبرره، ج۲، ص۵۷۵؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۵؛ شرح مشاعر (لاهیجی): مقدمه؛ قصص العلماء، صص ۹۳ و ۱۲۷؛ نجوم السماء، ج۱، ص۱۱۲.

به تمنّای توام هوش برون رفته ز سر به تولّای توام عقل شده دیوانه

هاتفی دوش مرا طرفه سروشی در داد که به جز عشق همه قول و غزل افسانه(۱)

سیّد رضی مصلح لنجانی

حاج سیّد رضی لنجانی اصفهانی متخلّص به «مصلح» از فضلاء و ائمه جماعت و شعرای اصفهان [در اوایل قرن چهاردهم هجری [بوده و با مرحوم عباسعلی خرم لنبانی مشاعراتی داشته است.

رفیعای نقاش اصفهانی

رفیعای نقاش اصفهانی، شاعر و نقاش، مؤلف کتاب «اوصاف الاوباش» که به روش «اوصاف الاشراف» نگاشته است. نسخه آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[این بیت از اوست:

قماش برگ گل و آن عُذار آل یکی ست زِ هَرچه جلوه کند حُسن را قال یکی ست(۳)]

میرزا محمّد رفیع میردامادی

میرزا محمّد رفیع میردامادی فرزند میرزا محمّد رحیم کبیر بن سیّد مرتضی بن میر محمّد اشرف بن سیّد عبدالحسیب محمّد بن میر سیّد احمد علوی عاملی، عالم فاضل جلیل [در قرن سیزدهم هجری] از محدّثین، فقهاء و متکلمین عالیقدر بوده و نزد آقا

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۵۴۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص۲۱۴.

۳- تذکره روز روشن، ص۳۰۳.

محمّد باقر وحید بهبهانی و میرزا ابوالقاسم قمی تحصیل نموده است. از اصدقاء و معاشرین حاج محمّد ابراهیم کلباسی و حاج سیّد محمّد باقر حجت الاسلام و مورد وثوق و احترام عموم مردم بوده و پس از وفات در نجف اشرف مدفون شده است.(۱)

محمّد رفیع رشتی گیلانی

ملّا محمّد رفیع بن رفیع گیلانی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محقّق از علمای قرن سیزدهم هجری.

در گیلان متولّد شده و پس از تحصیل مقدّمات به اصفهان مهاجرت نموده و سالها به تکمیل فضائل و معلومات خود گذرانیده و در نجف به درس سیّد بحرالعلوم و دیگران حاضر شده است.

وی در حدود سال ۱۲۴۵ق وفات یافته است.

کتب زیر از اوست:

۱. «اصل الاصول» در شرح معالم، مفصل [که نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران و نسخه ای دیگر در نجف اشرف نزد سیّد محمّد صادق بحرالعلوم و همچنین نسخه ای در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.] ۲. «جواهر الاصول» حاشیه ای است بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح۳. «حواشی بردرّه» بحرالعلوم۴. «رساله در جمعه»۵. «کشف المدارک» مطبوع.(۲)

سیّد محمّد رفیع خاتون آبادی

سیّد محمّد رفیع بن سیّد محمّد صالح خاتون آبادی، عالم جلیل از سلسله

۱- لطائف غیبیّه: مقدمه، ص۲۴.

۲- الکرام البرره، ج۱، صص ۵۷۷ و ۵۷۸؛ الذریعه، ج۲، ص۱۶۸ و ج۶، ص۲۹ و ۲۰۶ و ج۱۲، ص۲۴۵ و ج۱۸، ص۵۹ و ج۲۵، ص۴۹؛ فهرست رضوی، ج۱۶، صص ۲۳ و ۲۴؛ فهرست مروی، ص۱۲۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۴۶ و ۶۴۷.

خاتون آبادی ها می باشد. به سن ۸۸ سالگی وفات یافته و در تکیه بابا رکن الدّین مدفون گردیده است.(۱)

[محدّث قمی در ذکر میر محمّد صالح فرزند میر اسماعیل بن میر عماد می نویسد: همانا میر محمّد صالح را از زوجه خود سیّده النّساء بنّت سیّد حسین حسینی که منتسب به گلستانه است، دو فرزند بود: سیّد عبدالواسع و سیّد محمّد رفیع. سیّد محمّد رفیع مشغول به عبادت بود. هشتاد و هشت سال عبادت کرد و در اصفهان وفات نمود و در مقبره بابا رکن الدّین مدفون گشت.(۲)]

آقا رفیع نقاش زرگر*

آقا رفیع نقاش زرگر فرزند آقا طالب، از هنرمندان و صنعتگران قرن دوازدهم هجری است. در طراحی طلا و نقره استاد بوده و در ۲۰ جمادی الثّانی ۱۲۰۳ق وفات یافته و در قبرستان مصلی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)

رفیع اصفهانی

رفیع بن محمّد علی اصفهانی]غراباغی از کاتبان فاضل قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را زیبا می نوشته و در اصفهان ساکن بوده است و بیش از ۴۰ سال به کتابت مشغول بوده است.(۴)] برخی از آثاری که به خط او در کتابخانه ها موجود است به شرح زیر است:

۱. «جواهر الکلام» تألیف: حاج شیخ محمّد حسن نجفی تاریخ کتابت: ۲۰ رمضان

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۰ و ۶۵۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳.

۲- منتهی الآمال، ج۲، ص۱۶۵.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۴- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۱۲۶۴ق، موجود به شماره ۱۲۴۴ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد(۱) [(۲) «حاشیه بر شرح ملخص» تألیف عبدالعلی بیرجندی، تاریخ کتابت: سال ۱۲۳۲ق، موجود در کتابخانه مدرسه حجتیّه قم.(۳) [(۴) «غایه المرام» تألیف: سیّد نعمت اللّه جزائری، تاریخ کتابت: پنج شنبه ۵ شوال ۱۲۴۴ و شعبان ۱۲۴۵ق، موجود بر شماره M۸۰۲در کتابخانه دانشگاه لس آنجلس آمریکا.(۵)(۶) «خزائن جواهر سلطانی» تألیف: میر محمّد حسین خاتون آبادی، تاریخ کتابت: ۱۲۵۲ق، موجود به شماره ۶۴۵۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس.(۷)(۸) «اشارات» تألیف: حاج محمّد ابراهیم کلباسی، تاریخ کتابت: جمادی الاوّل ۱۲۷۰ق».(۹)]

محمّد رفیع اصفهانی

محمّد رفیع بن فتح اللّه اصفهانی، از کاتبان زبردست و خوشنویسان هنرمند قرن یازدهم هجری است خطوط نسخ، ثلث و رقاع را خوش می نوشت و به کتابت امرار معاش می کرد.

او در سال ۱۰۹۰ق «صحیفه سجّادیه» را به خط نسخ زیبا کتابت کرده که به شماره ۸۷۸ در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۱۰)] همچنین در یکشنبه اواخر شوال سال ۱۰۸۱ق نسخه ای از قرآن کریم به خط نسخ خوش را کتابت کرده که در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۱۴۹۲ نگهداری می شود.(۱۱)]

حاج میرزا رفیع طباطبایی نایینی اردستانی

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۳۷۸.

۲- فهرتس حجتیه، ص۵۳.

۳- فهرتس حجتیه، ص۵۳.

۴- نسخه های خطی، ج۱۱ و ۱۲، ص۲۹۷.

۵- نسخه های خطی، ج۱۱ و ۱۲، ص۲۹۷.

۶- فهرست الفبایی رضوی، ص۲۳۴.

۷- فهرست الفبایی رضوی، ص۲۳۴.

۸- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۳.

۹- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۳.

۱۰- فهرست کتابخانه ملّی، ج۸، ص۳۸۸.

۱۱- فهرست احیاء، ج۸، ص۳۸۸.

حاج میرزا محمّد رفیع بن میر محمّد طباطبایی اردستانی بن میر محمّد حسین بن رفیع الدّین محمّد بن محمّد مهدی بن ابوالحسن محمّد بن رفیع الدّین محمّد (میرزا رفیعا) نایینی اصفهانی.

از علمای اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] بوده و نزد بزرگان اهل علم تلمّذ نموده، مدّتی به هندوستان مهاجرت نموده، و در آنجا زنی از امرای سِند اختیار نموده، و از آن مخدّره اولادی نداشت. لکن از عیال دیگرش شش فرزند پسر یافته که دو نفر از آنان از اطباء زمان و بدین علم شهرت داشته اند.

مشارالیه مورد توجّه و عنایت سیّد محمّد باقر حجه الاسلام بوده و پس از معاودت از سفر هند، از طرف ایشان متصدی موقوفات میر جمله اردستانی گردیده و بدین مناسبت از اصفهان به زواره مهاجرت نموده و آنجا سکونت فرموده است.(۱) به ظنّ قوی مشارالیه از شاگردان سیّد حجه الاسلام بوده است.

آقا محمّد رفیع خوانساری*

آقا محمّد رفیع بن آقا جمال الدّین محمّد بن آقا حسین خوانساری، عالم فاضل جلیل. مرجع احکام و ارقام و اقاریر. علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی می نویسد: صورت سجّلات مبسوط به خط او و پدرش را در بعضی ارقام اوقاف دیده ام و امضاء او عبارت «ابن جمال الدّین محمّد الخوانساری محمّد رفیع الشّریف» است.(۲)

محمّد رفیع*

محمّد رفیع فرزند منشی الممالک، شاعر، ادیب خوشنویس و منشی در قرن یازدهم و دوازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته و در انشاء

۱- آتشکده اردستان، ج ۱، ص ۱۸۸ و ج ۲، ص ۲۹۱؛ بیان المفاخر، ج ۲، ص ۳۲۰.

۲- الکواکب المنتشره، ص ۲۸۲.

و گفتن شعر فارسی و ترکی مهارت به سزایی داشته است.(۱)

ظاهرا منظور از منشی الممالک میرزا عبدالحسین نصیری طوسی اردوبادی است.

ملّا محمّد رفیع گیلانی*

ملّا محمّد رفیع بن ملّا محمّد مؤمن جیلی (گیلانی)، عالم فاضل، محدّث عالیقدر، محقّق مدقّق و ادیب اریب، از دانشمندان قرن یازدهم هجری.

وی نزد ملّا محمّد تقی مجلسی در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و پس از آن نزد علّامه مجلسی به تلمّذ پرداخته و حضرت علّامه در سال ۱۰۸۷ق جهت او اجازه نوشته است. او همچنین از شیخ محمّد حرّ عاملی در اواخر محرّم الحرام ۱۰۸۸ق اجازه گرفته است.

برخی از تراجم نویسان به اشتباه تألیفات و اجازات او را به یکی از دانشمندان قرن دوازدهم هجری: محمّد رفیع بن فرخ گیلانی متوفی ۱۱۶۰ق نسبت داده اند.

این کتابها از ملّا محمّد رفیع بن محمّد مؤمن گیلانی است:

۱. «شواهد الاسلام» در شرح اصول کافی ۲. «اجتهاد و تقلید» ۳. «نان و پنیر» که نسخه ای از آن در کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف موجود است و محمّد علی بن یحیی در سال ۱۱۰۷ق در اصفهان آنرا کتابت کرده است.(۲)

رفیع الدّین جابری

رفیع الدّین بن مهدی جابری، از اعیان و افاضل اصفهان بوده و در عهد صفوی منصب مستوفی الممالک ایران را به عهده داشته است.(۳)

[او کتاب «دستور الملوک» را در باب نظام اداری و سیاسی دولت صفویه تألیف کرده که اولین بار مرحوم استاد محمّد تقی دانش پژوه در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۳۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۱، صص ۲۶۷-۲۶۹ و ۲۷۱؛ الکواکب المنتشره، ص۲۸۲؛ الذریعه، ج۲۴، ص ۳۰.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

تهران به چاپ رسانده است.[(۱)]

ملّا محمّد رفیع گیلانی

مولی محمّد رفیع بیدآبادی، عالم فاضل [از علمای اصفهان در قرن دوازدهم هجری]. شیخ عبدالنّبی قزوینی در کتاب «تتمیم امل الآمل» درباره او می نویسد:

«کان فاضلاً محقّقا و عالما مدقّقا و زاهدا متقّیا و صالحا تقیّا و بالجمله کان من اهل الفوز و الفلاح و العباده و الصّلاح»

قبرش در گوشه شمال شرقی بقعه، سنگ او شکسته و نیمی از آن از بین رفته و تاریخ فوت نیز به همین علّت نامعلوم است. او پدر حکیم و فیلسوف عالیقدر آقا محمّد بیدآبادی است.(۲)

محمّد رفیع پیرزاده

محمّد رفیع زاهدی معروف به «پیرزاده» از حکماء و دانشمندان نیمه دوم قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و از خواصّ اصحاب و شاگردان حکیم ملّا رجبعلی تبریزی است.

او به دستور استادش تقریرات و مطالب درسی او را گردآوری و مدوّن نموده و آن را «المعارف الالهیّه» نامید. نسخه ای از این کتاب که در سال ۱۳۹۱ق، از روی نسخه ای قدیمی به خط محمّد خلیل بن محمّد حسین رازی، در غرّه رجب ۱۱۲۵ق در دارالسلطنه اصفهان کتابت شده بود در کتابخانه آقای سیّد کاظم مدرسی یزدی در قم موجود است، قسمتی از این کتاب به تصحیح مرحوم استاد سیّد جلال الدّین آشتیانی در کتاب «منتخبات آثار حکمای الهی ایران» به چاپ رسیده است.

۱- مجلّه بخارا، شماره ۳۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، ص ۸۰.

۲- تتمیم امل الآمل، ص۱۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۵ و ۱۹۶؛ الکواکب المنتشره، ص۲۸۳.

ظاهرا پیرزاده تا سال ۱۰۸۰ق (سال وفات ملّا رجبعلی تبریزی) زنده بوده و بعد از آن وفات یافته است.(۱)

میرزا رفیع قزوینی

میرزا رفیع قزوینی [خطاط نستعلیق نویس] در سال ۱۲۴۴ق دیوان مشتاق علی شاه را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته [است] کتاب به شماره ۲۴۸۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

میر رمزی اصفهانی*

میر رمزی اصفهانی، از شعراء و سخنوران قرن دهم هجری در اصفهان ساکن بود. در جوانی به عیش و نوش و لَهو و لَعِب مشغول بود. امّا موفّق به توبه شده و اوقات خود را صرف عبادت نمود. در رمل مهارت به سزایی داشت. وی در اواخر عمر به قزوین رفته به مدح شاه طهماسب صفوی پرداخت و صله های ارجمند گرفت و در بازگشت به اصفهان در سال ۹۷۸ق در حوالی قم وفات یافت.

از اوست:

رُخَش زِ سبزه تَر بر سمن نقاب کشید ز مُشک تَر خط نسخی بر آفتاب کشید(۳)

رمضان شیرنشان*

رمضان شیرنشان اصفهانی فرزند ابراهیم، از روزنامه نگاران معاصر در سال ۱۳۰۵ش در اصفهان متولّد شد. او در سال ۱۳۳۱ش نشریه «شیرنشان» را با رویه انتشار هفتگی

۱- دو رساله فلسفی (عین الحکمه و تعلیقات): مقدمه؛ فهرست عکسی احیاء، ج۵، ص۱۵۵.

۲- فهرست مجلس، ج۸، ص۱۸۴.

۳- تذکره خلاصه الاشعار: بخش اصفهان، صص ۴۱۱-۴۱۴؛ تذکره روز روشن، صص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ الذریعه، ج۹، ص۳۸۴؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۷۶.

تأسیس کرد.

از این نشریه از شماره ۱ تا ۹۷ در کتابخانه ملّی ایران نگهداری می شود.(۱)

او سرانجام در ۱۱ اسفند ۱۳۷۹ش درگذشت و در قطعه ۳۵ گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۲)

رمضان صابر اصفهانی

[حاج مرشد] رمضان سیچانی متخلّص به «صابر» فرزند حسن [از شعرای معاصر اصفهان] در روز نوزدهم رمضان المبارك سال ۱۳۲۵ق در اصفهان متولّد گردید. زمانی در مدارس قدیم ساکن بوده و به تحصیل علوم اشتغال داشت. [سپس] به بازرگانی پرداخت.(۳)

[در شعر طبعی روان داشت و در مادّه تاریخ سرایی صاحب مهارت و ذوق بود. اغلب اشعارش غزل و قصیده و اغلب در مدح و مرثیه حضرات معصومین علیهم السلام است. او در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن شیدا شرکت می کرد. دیوان اشعار او در سال ۱۳۶۷ش به چاپ رسیده است.

او سرانجام در ۶ مهر ۱۳۶۶ش وفات یافته و در قطعه ۳ باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۴)

سیّد مرتضی محمّدی نژاد (کهتر اصفهانی) مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

«کهتر» به شمسی گفت سال فوتش «صابر به دیدار علی از جان رفت»(۵)

این شعر از صابر اصفهانی است:

کشیده عشق چو مجنون مرا به دشت جنون جز این نبوده ز سودای عشق حاصل من

۱- فهرست روزنامه ها و مجلات اصفهان، ص۱۱۹.

۲- سایت اینترنتی یادبود.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۸.

۴- دیوان صابر اصفهانی، صص ۲۰۵-۲۰۷.

۵- دیوان کهتر اصفهانی، ص۴۴۲.

ز درس عقل نچیدم گلی ز باغ مراد حدیث عشق تو بنمود حلّ مسائل من(۱)]

رمضان نجف آبادی

رمضان بن حسن نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۶۴ق کتاب «شرح کبیر» را تا آخر وصیّت، به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۵۷۴ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران موجود است.(۲)

رمضان هشیار

رمضان تولیّت متخلّص به «هشیار» فرزند محمود، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۱ش در اصفهان متولّد گردیده، اندکی تحصیل کرده و از سال ۱۳۳۰ش لب به گفتن اشعار گشوده و در انجمن ادبی پروانه شرکت می کرد.

از اوست:

بند نقاب از رخ، دلدار باز کرده شرمنده مهر و مه را، آن دلنواز کرده

تا او گره ز زلف پر پیچ و خم گشوده بر ما شب جدایی، آن مه دراز کرده(۳)

رمضان طلاکوب

استاد رمضان طلاـکوب، از هنرمندان عصر قاجاریه است در هنر طلاـکوبی از اساتید بزرگ اصفهان بوده است. از آثار او ضریح فولادی نفیس آرامگاه سیّد محمّد باقر حجه الاسلام در مسجد سیّد اصفهان است که در سال ۱۳۲۲ق به اتمام رسیده و وی

۱- گلهای زاینده رود، ج۲، ص۳۷.

۲- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۴۷۲.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۳۳.

چنین رقم زده است:«عمل استاد رمضان طلاکوب اصفهانی».(۱)

رمضانعلی سدهی لنجانی*

رمضانعلی بن مشهدی تقی سدهی لنجانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او از مجموعه ای از چند رساله (از جمله رساله «اصول دین» تـألیف: میرزا ابوالقـاسم قمی در سال ۱۲۶۷ق و «عقود و ایقاعـات» تألیف: حاج محمّـد جعفر آباده ای) را به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه مدرسه صدر خواجو در اصفهان نگهداری می شود.(۲)

رمضانعلی اصفهانی*

رمضانعلی بن حاج علی بن ملّا ابراهیم اصفهانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او در اوّل شعبان ۱۲۹۹ق از کتابت «الدرّه الثمینه» تألیف: علی اکبر حسـنی حسـینی لغوی یزدی به خط نسخ فراغت یافته است. نسـخه حاضر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

رمضانعلی رارانی اصفهانی

رمضـانعلی بـن محمّـد علی رارانی [جی اصـفهانی، از کاتبـان و خوشـنویسان قرن یـازدهم هجری، از اهـالی قریـه «راران» یا «رهروان» جی (که اکنون به شهر اصفهان پیوسته است) احتمالاً از شاگردان ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری است.

او این کتابها را به دست خود کتابت کرده است]:

۱. «ذخیره المعاد» تألیف ملّا محمّـد باقر محقّق سبزواری (از زکوه تا صوم) در سال ۱۰۵۸ق، موجود به شماره ۶۸۷ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم.(۴) ۲. «حاشیه الروضه

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۷۸۸.

۲- فهرست صدر خواجو، ص۷۶.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۱۴.

۴- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۸۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۴.

البهیه» تألیف: محمّـد بن قاسم اصـفهانی معروف به دیلماج، در سال ۱۰۸۴ق موجود به شماره ۶۸۹ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم.(۱) [۳. «فروع کافی» تألیف: شیخ کلینی، در سال ۱۰۸۰ موجود به شماره ۸۴۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.(۲)]

شیخ رمضانعلی املائی خوزانی*

حاج شـیخ رمضانعلی املائی فرزنـد ملّا غلامحسـین، عالم فاضل و فقیه معاصـر. در سال ۱۳۳۳ق در سِدِه ماربین (خمینی شـهر) متولّد شد. مقدمات را در زادگاه خود نزد سـیّد مصـطفی ابطحی آغاز کرد. سـپس به اصـفهان رفته و نزد علمای عالیقدر حوزه علمیه اصفهان شیخ اسماعیل معزی، سیّد محمّد باقر ابطحی، شیخ محمّد باقر قزوینی، سیّد محمّد باقر درچه ای، ملّا محمّد جواد فریدنی، حاج آقا رحیم ارباب، سـیّد عباس صـفی دهکردی، میرزا علی آقا شـیرازی، سـیّد علی اصـغر برزانی، شیخ محمّد علی عالم حبیب آبادی، سیّد مهدی حجازی فروشانی ادامه تحصیل داد. سپس به قم رفته و در درس خارج آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی، حاج آقا حسین بروجردی و سیّد محمّد تقی خوانساری حاضر شد و به اجتهاد نائل آمد.

او سالها در مـدرسه جـده بزرگ اصـفهان به تدریس فقه و اصول مشـغول بود و در کنار آن به اقامه جماعت در مسـجد قائمیه خمینی شهر و حلّ مشکلات شرعی مردم و ترویج دین پرداخت.

او عـالمی متواضع و فقیهی متبحّر بود و عمر خود را بـا نیکنـامی و رعـایت تقوا سپری نمود تا اینکه سـرانجام در روز جمعه ۲۰ محرم ۱۴۲۸ق برابر با ۲۰ بهمن ۱۳۸۵ش وفات یافت و در امامزاده سیّد محمّد خمینی شهر مدفون شد.

فرزند برومندش شیخ محمّد حسین املائی، عالمی شایسته و انقلابی و مبارز بود که

۱- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۱۱۲.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۶۳۸.

بر اثر سانحه رانندگی وفات یافت.(۱)

روح تمیمی اصفهانی*

ابوعلی روح بن احمد بن عبدالرّحمان بن روح بن حکم تمیمی اصفهانی نیشابوری. از محدّثین ادیب و موثق عامّه در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است.

در نیشابور سکونت داشته و از اَبی عمرو بن حمدان و دیگران حدیث شنیده است. او در جمادی الاولی سال ۴۱۷ق فوت نموده است.(۲)

روح رارانی اصفهانی

ابوطاهر روح بن بدر بن ثابت بن روح بن محمّد بن ابوالقاسم بن عبّاس بن جعفر صوفی رارانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری است. در اصفهان و بغداد حدیث گفته است: از ابوعلی حدّاد استماع حدیث نموده و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.

او در سال ۵۳۲ق وفات نموده است.(۳)

[کنیه اش در اغلب منابع «ابوالرّجاء» آمده و «ابوطاهر» کنیه محدّث دیگری به نام «روح بن محمّد رارانی متوفی ۴۹۱ق است، صاحب عنوان از بیت علم و حدیث بوده و اجداد و اعقابش از محدّثین معروف و از فقهاء صاحب نفوذ در اصفهان بوده اند. «راران» از قریه های بلوک جی اصفهان بوده و اکنون از محلّه های شرق اصفهان است.(۴)]

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با مرحوم شیخ رمضانعلی املائی در ۲۸ خرداد ۱۳۷۰ش؛ مجلّه حوزه، شماره ۸۸، مهر و آبان ۱۳۷۷، صص ۲۵-۴۰.

۲- المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، ص۷۵.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۸۲ و ج۲، ص ۳۰۰.

۴- معجم البلدان، ج۳، ص۱۲؛ تاج العروس، ج۳، ص ۲۳۰؛ قاموس المحیط، ج۳، ص۳۷؛ المشتبه، ج۱، ص۲۹۶.

روح اصفهانی

روح بن حاتم اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری است [از حسین بن فرج بغدادی روایت کرده و ابوحامد اشعری از او حدیث نقل نموده است.(۱)

روح جَبَّری اصفهانی

ابولعلی روح بن عصام بن یزید بن عجلان جَبَّری از محدّثین عامه اصفهان است. او از هیثم بن بشیر هیثم بن عدی، زافر بن سلیمان، عَبّاد بن عَبّاد، ابی اَحوص، ابن عُلیّه، شریک و پدرش عصام حدیث نقل کرده و محمّد بن اسحاق بن منده، احمد بن حسین انصاری و دیگران از او روایت می نمایند.(۲)

روح رارانی اصفهانی*

ابوطاهر روح بن محمّد بن عبدالواحد بن عباس بن حسن بن جعفر صوفی رارانی اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری. او از «اباالحسن علی بن احمد جرجانی» و «ابابکر محمّد بن احمد بن عبدالرّحمان معدّل» حدیث شنیده و در سال ۴۹۱ق وفات یافته است.

«ابوالقاسم هبه اللّه بن عبدالوارث شیرازی» و دیگران از او حدیث شنیده اند.(۳)

روح رازی*

ابو زرعه روح بن محمّد رازی، از محدّثین شافعی در اوایل قرن پنجم هجری. متصدی امر قضاوت در اصفهان بوده(۴) و در سال ۴۲۳ق [در کَرَج ابودلف در استان مرکزی فعلی] وفات نموده است. او فقیهی دیندار بوده و از احمد بن حسن رازی، حفص،

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۴؛ اللباب، ج۱، ص۲۵۶.

۳- معجم البلدان، ج۳، ص۱۲؛ اللباب، ج۲، صص ۵ و ۶.

۴- هدیه العارفین، ج۱، ص۳۷۱.

و ابن فارسی لغوی و دیگران روایت می کند.] وی مجموعه ای به نام «جم الفواعد» را تألیف نموده است.(۱)

روح الامین قمشه ای

روح الامین قمشه ای فرزند محمّد حسین بن محمّد علی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. وی در سال ۱۰۷۰ق مالک نسخه ای از «استبصار» بوده و شیخ راشد بن علی بن راشد بحرانی، بر روی برگی از این کتاب در یادداشتی از او چنین یاد کرده است:

«الاخ العزیز الرّکن القوی الحزیز الاسعد الامجد و الاکرم الافهم صاحب الافعال المجیده و الخصال الحمیده مولانا و مقتدانا حاوی محاسن الجود و الکرم الموصوف با حسن الشّیم»(۲)

سیّد روح الامین مختاری نایینی

سیّد روح الامین بن شمس الدّین محمّد بن سیّد محمّد رضا مختاری نایینی اصفهانی، عالم فاضل کامل [از دانشمندان قرن یازدهم هجری [وی از ائمه مسجد جامع جدید عباسی [مسجد شاه، مسجد امام فعلی] بوده و معاصر میرزا عبداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» است.(۳)

او در روز ۶ شعبان ۱۱۰۲ق وفات یافت.(۴)

این تألیفات از اوست:

۱. «تأویل الآیات» [که نسخه ای از آن به خط شاگردش نجفقلی بن عبداللّطیف و مورّخ به سال ۱۰۹۱ق در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۵)

۱- طبقات الشّافعیّه (اسنوی)، ج۱، ص۵۸۱.

۲- تراجم الرجال، (چاپ ۱۴۲۲ق)، ج۱، ص۳۶۴.

۳- ریاض العلماء، ج۲، صص ۳۱۷ و ۳۱۸.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۳؛ اعیان الشیعه، ج۳۳، ص۴۱.

۵- الذریعه، ج۳، ص۳۰۲ و ۳۰۳.

(۱) «هدایه الائمّه فی معرفه الائمه» در اعتقادات، به فارسی که در یک مقدّمه، ۵ مطلب و یک خاتمه در ۵ رجب ۱۰۹۹ق تألیف کرده و نسخه ای از آن به خط قاسم بن فتاح خراسانی که در ۲۰ ربیع الثّانی ۱۲۳۱ در «دارالحصار» از توابع همدان کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۹۱۹۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

خاندان سادات حسینی مختاری سبزواری عبیدلی از خاندان های علمی شیعه هستند که در قرن یازدهم و دوازدهم هجری در اصفهان و نایین ساکن بوده اند و دانشمندان بسیاری از جمله سیّد مرتضی سیّد احمد (فرزندان صاحب عنوان) و زین العابدین (نواده صاحب عنوان) و بهاءالدّین محمّد مختار نایینی از این خاندان برخاسته اند.(۳)]

استاد روح اللّه مینااییان*

استاد روح اللّه مینااییان فرزند استاد اکبر، از هنرمندان طراح نقشه فرش و کاشی اصفهان در عصر حاضر است. در سال ۱۳۱۴ش در محلّه پاقلعه اصفهان متولّد شد. پدرش در زمینه نقاشی شاگرد استاد صانعی کاشانی و در زمینه طراحی نقشه فرش شاگرد استاد ارچنگ بود. خود او نزد پدر به طراحی پرداخت و سپس نزد استاد ارچنگ حاضر شد و به فراگیری این هنر مشغول شد. مدّتی هم نزد استاد شاکرین به کار ادامه داد تا اینکه استادی ماهر شد و مستقلاً به فعالیّت پرداخت. او در طراحی نقوش زیبای هنری برای فرش، کاشی و گچبری مهارت به سزایی دارد و شاگردانی نیز تربیت کرده است. دو برادرش حسین و قدرت نیز در این هنر به فعالیّت مشغول بوده اند.(۴)

سیّد روح اللّه کشفی*

۱- الکواکب المنتشره، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۳۰۵.

۳- الکواکب المنتشره، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۴- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد روح اللّه مینااییان در روز یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۷۵ش.

سیّد روح اللّه بن سیّد محمود بن سیّد مصفی بن سیّد جعفر کشفی دارابی، از شعرای معاصر اصفهان. در روز عاشورا (۱۰ محرم) ۱۳۱۷ق در اصفهان متولّد شد. نسب او به جناب «محمّد العابد» فرزند امام موسی کاظم علیه السلام می رسد. مادرش صبیّه عالم ربّانی سیّد سینا کشفی است.

تحصیلات ابتدایی را در مدرسه دیانت طی نموده و سپس در حوزه علمیه اصفهان نزد شیخ علی مدرس یزدی، میرزا احمد اصفهانی، ملّا عبدالجواد آدینه ای تحصیل کرد و آنگاه قسمتی از دروس خارج را نزد آخوند ملّا عبدالکریم گزی طی نمود. در سال ۱۳۰۴ش به استخدام وزارت معارف و اوقاف و امور مستظرفه درآمده و در اصطهبان فارس به تدریس پرداخت. مدتی در لار و اصطهبان به مشاغل اداری مشغول بود. پس از آن به خدمت اداره اوقاف اصفهان در آمده و به ریاست اداره اوقاف نجف آباد منصوب شد و سرانجام در ۲۹ اسفند ۱۳۴۱ش بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان وفات یافته و نزدیک قبر میر فندرسکی در تکیه میر واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. او شاعری توانا و خوش قریحه بود و «کشفی» تخلّص می کرد.

این کتابها و آثار از او به جای مانده است:

۱. «تلخیص الاغانی»۲. «برگزیده مطالب نغز» (مطالب اشعار فارسی و عربی)۳. «تحفه کشفی» (مجموعه اشعار) که به همت فرزندش دکتر سیّد محمود کشفی در سال ۱۳۵۸ش به چاپ رسیده است.(۱)

از اوست:

چه شود گر بنهی پای به ویرانه من کنی از نور رُخَت جلوه به کاشانه من

سنبل آشفته به نسرین که نمودی برگو بازخواهی چه کنی با دل دیوانه من

۱- تحفه کشفی: مقدمه، صص ۳-۸.

روح اللّه فراهانی*

خواجه روح اللّه بن نوراللّه فرهانی، از نیکوکاران و خَیّرین قرن یازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و در سال ۱۰۳۳ق به همت او مسجد باغ حاجی در اصفهان بنا شده است.(۱)

روح اللّه قهپائی

روح اللّه بن هدایت اللّه قهپائی [از فضلاء قرن یازدهم هجری، از اهالی قهپایه (کوهپایه) اصفهان] در سال ۱۰۱۸ق از کتابت نسخه ای از «رجال ابن داود» فراغت حاصل نموده است و نسخه در کتابخانه فاضلیه مشهد بوده است.(۲)

همچنین او در چهارشنبه سوّم ذیحجه سال ۱۰۳۸ق نسخه ای از «مسالک» شهید ثانی (از وقف تا طلاق) را به خط نستعلیق نوشته و به شماره ۶۷۳ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۳)

دکتر روح اللّه سازش

دکتر روح اللّه سازش، رئیس بهداری آموزشگاههای اصفهان در سال ۱۲۸۵ش در اردکان یزد متولّد گردید. تحصیلات خویش را تا دکترای پزشکی در اردکان و طهران انجام داده و در سال ۱۳۱۱ش فارغ التحصیل شد. مدّت ها در طهران ساکن و به طبابت مشغول بود. سپس به اصفهان منتقل و به ریاست بهداری آموزشگاهها که خود مؤسس و بنیان گذار آن بود، منصوب و تا سال ۱۳۴۹ش با کمال سعی و کوشش و صداقت در این مؤسسه انجام وظیفه نموده و در این سال بازنشسته شد. سرانجام در شب هفتم دی ماه ۱۳۷۱شمسی (مطابق با یکشنبه ۲۲ جمادی الثّانی سال ۱۴۱۰ق) پس از یک بیماری در اصفهان وفات یافته و در گورستان باغ رضوان مدفون شد.(۴)

۱- آثار ایران، ج۱، ص۳۰۱.

۲- فهرست فاضلیّه، ص۱۷۱.

۳- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۲۴۵.

۴- مزارات اصفهان، ص۱۲۸.

سیّد روح اللّه فندرسکی

سیّد روح اللّه فندرسکی، از علماء اصفهان و از اعقاب میر ابوالقاسم فندرسکی است. او پس از وفات جنب مزار جدّ خویش در تکیه میر واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

روزبهان اصفهانی*

امیر روزبهان بن عمادالدّین محمود بن امیر روزبهان صبری اصفهانی، شاعر ادیب و فاضل در قرن یازدهم هجری. از اصفهان به هند آمده و مدّتی در «آگره» بود. سپس در سال ۱۰۲۳ق به اصفهان بازگشت.(۲)

میرزا روزبهان اصفهانی*

میرزا روزبهان اصفهانی، از دانشوران و سیاستمداران قرن یازدهم هجری است. او مردی لایق و باکیاست بوده و در دکن هندوستان ساکن بوده و در دربار سلطان عبداللّه قطبشاه اعتبار فراوان داشته است. او در سال ۱۰۴۱ق پس از عزل میرزا حمزه از منصب سرخیلی، به جای او این منصب را برعهده گرفت.(۳)

روزبهان صبری اصفهانی

مولانا روزبهان اصفهانی متخلّص به « صبری» و معروف به «میر صبری» از شعراء و ادبای مشهور قرن دهم هجری.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۰.

۲- کاروان هند، ج۱، ص۴۸۲.

۳- حدیقه السّلاطین، ص۹۶.

اصل او از اصفهان است و نسبش به قاضی روزبهان می رسد. ابتدا «فارس» تخلّص می کرد و کمی بعد آنرا به «صبری» تغییر داد. در فنون و شعر و ادب استاد بود و انواع شعر خصوصا غزل را نیکو می سرود. در علوم دینی نیز تحصیلاتی کرده بود و در علم ادوار و موسیقی و نرد و شطرنج ماهر بود.

او از اصفهان به قزوین (پایتخت دولت صفویه در زمان شاه طهماسب) رفته و به ملاقات و معاشرت و مصاحبت با علماء، شعراء و فضلاء می پرداخت. در سال ۹۷۷ق به اصفهان مراجعت کرد. سال وفات او معلوم نیست. ظاهرا قبل از سال ۱۰۰۰ق از دنیا رفته است.

از اوست:

رحمت بر آن کسی که دلش مایل تو نیست پروانه وار سوخته محفل تو نیست

اظهار دوستیّ زبانی کجا شده است ای سنگدل مترس کسی در دل تو نیست

یا رب دل شکسته من از کجا شنید بوی محبّتی که در آب و گل تو نیست

این بس جزای کشتن «صبری» که روز حشر حسرت نمی کشد که چو او بسمل تو نیست(۱)

روشن رامی*

۱- خلاصه الاشعار (بخش اصفهان)، صص ۱۸۷-۱۹۲؛ تذکره آتشکده: بخش سوم از نیمه نخست، صص ۹۵۴-۹۵۶؛ محافل المؤمنین، ص۱۸۱؛ خلد برین، ص۴۸۱؛ تذکره غنی، ص۷۹؛ تذکره حسینی، ص۱۸۶؛ تذکره روز روشن، ص۴۷۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۶۰؛ الذریعه، ج۹، ص۵۹۳؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۱۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صبری»، ص۱۳۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۰۹؛ تذکره شمع انجمن، ص۴۰۷.

روشن رامی فرزند بهرام، از شاعران نوپرداز معاصـر اصفهان. در ۷ اسفند ۱۳۱۵ش در اهواز متولّد شد تحصیلات ابتدایی را در اندیمشک و متوسـطه را در اهواز طی کرد. سـپس به اصفهان آمد و در تربیت معلم درس خواند و از سال ۱۳۴۰ش به تدریس پرداخت.

در نوجوانی به سـرودن شـعر پرداخت و در سال ۱۳۳۸ش اوّلین شـعرش در مجلّه «امیـد ایران» چاپ شد. در اصـفهان مدّتی در انجمن کمال حاضـر می شد امّا کمی بعد با دوستان نویسنده و شاعر جوان خود انجمن صائب را تأسیس کردند، در آن انجمن حاضـر می شد. او بعدها به شـعر نو روی آورد و مجموعه اشعارش را در کتابهای «ایستگاه های اندوه» و «طعم آفتاب» به چاپ سپرد.(۱)

روشن رامی در ۷ فروردین ۱۳۸۵ش درگذشت و در قطعه ۲۵ باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

سیّد ریحان الدّین مهدوی

سیّـد ریحان الدّین محمّد حسن مهدوی فرزند آقا سـیّد شـهاب الدّین نحوی موسوی اصـفهانی، عالم فاضل جلیل، در دهه سوم ذی القعـده سـال ۱۳۱۳ق در اصـفهان، از دخـتر علّـامه فقیه مجتهـد آخونـد ملّـا محمّـد حسـین کرمـانی متولّـد گردیـد. پس از گذرانـدن ایام صـباوت در ظل توجّهات پـدر دانشـمند خود، شـروع به فراگرفتن علوم نموده، مقـدّمات علوم را نزد عـدّه ای از علماء و فضـلاء از آن جمله مرحوم آقا شـیخ ابوالقاسم زفره ای (حاج آخوند) فراگرفت. سـپس سـطوح متوسطه فقه و اصول را نزد حاج میرزا ابوالحسن بروجردی و آقا میرزا احمـد مـدرس و آخونـد ملّا عبـدالکریم گزی آموخت بعـدا چنـد سال به درس خارج فقه و اصول آقا شـیخ محمّـد رضا نجفی حاضـر گردید و از ایشان به اخذ دو اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر شد. همچنین نزد حاج آقا جمال الدّین نجفی، آخوند ملّا

۱- فصلنامه مهراوه، سال اوّل، زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۷۳-۱۸۷.

محمّد حسین فشارکی، آقا سیّد مهدی درچه ای و سیّد محمّد مدرس درچه ای تحصیل کرده و از مرحوم مدرس نجف آبادی اجازه دریافت نموده است.

از آثار او رساله ای است درباره «وجوب جواب نامه همچون جواب سلام» که به دستور استادش آخوند گزی نوشته و مورد تحسین استاد واقع شده است.

سیّد ریحان الدّین مهدوی در ظهر روز یکشنبه ۲۹ ذی القعده سال ۱۳۹۹ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی (مهدوی) در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.

صاحب عنوان برادر بزرگ نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی] است و حقوق بسیاری بر ذمّه این جانب ثابت دارد (رحمه اللّه علیه).(۱)

مادّه تاریخ وفات او را شاعر توانا آقای میراز فضل اللّه خان اعتمادی (برنا) چنین سروده است:

کِلکِ «بُرنا» از پی تاریخ فوت او نوشت: «شد گل گلزار فردوس جنان ریحان دین»

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۱۸ و ۳۱۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۳۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۷.

اعلام اصفهان

«ز»

اشاره

زادویه اصفهانی

زادویه بن شاهویه اصفهانی، از ادباء و دانشمندان آشنا به زبان های عربی و پهلوی بوده و ظاهرا در قرن دوم یا سوم هجری می زیسته است. او کتاب «خدای نامه» را از زبان پهلوی به زبان عربی برگردانده است.(۱) [«ابن ندیم» در «فهرست» خود از او یاد کرده است. «حمزه اصفهانی» در تألیف کتاب «سنی ملوک الارض و الانبیاء» از «خدای نامه» ترجمه زادویه اصفهانی بهره گرفته است.(۲)]

زاوِن قوکاسیان*

زاون قوکاسیان، از هنرمندان رشته سینما در سال ۱۳۲۹ش در اصفهان به دنیا آمد. او فارغ التحصیل شیمی از دانشگاه اصفهان است. فعّالیّت سینمائی را از زمان دانشجوئی و فیلم سازی را از سال ۱۳۵۰ش در سینمای آزاد آغاز کرد. فیلم های «در فلق» و «فصلی دیگر» از او در جشنواره سینمای آزاد و فیلم «عروس کهنه» او در جشنواره هیروشیمای ژاپن در سال ۱۳۵۲ش جوایزی کسب کرده است.

او از سال ۱۳۶۰ش با تلویزیون ایران همکاری داشته و فیلم های «میلاد مسیح» و «عیسی آموزگار است» را برای شبکه اوّل تلویزیون ساخته است.

او در زمینه نقد و بررسی تئاتر و سینما نیز فعالیّت دارد و تاکنون ده ها مقاله و دو کتاب «درباره چشمه» و «نقد و معرفی آثار مسعو کیمیایی» را به رشته تحریر درآورده است.(۳)

شیخ زاهد ثانی گیلانی

شیخ زاهد ثانی گیلانی اصفهانی، عالم عارف و ادیب شاعر، از اعقاب شیخ زاهد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۳ و ۶۵۴؛ الذریعه، ج۸، ص۲۹.

۲- الفهرست، (ترجمه فارسی)، ص۴۴۶؛ ایران در زمان ساسانیان، ص۹۹.

۳- دانشنامه ایرانیان ارمنی، ص۴۱۵.

گیلانی عارف مشهور است. از شاگردان آخوند ملّا علی نوری بوده، پس از تحصیل علوم ظاهر خدمت حسین علی شاه رسیده و در سال ۱۲۲۲ق در سفر حج در کاظمین وفات یافته [است].

از اوست:

عمری به درِ مدرسه ها بنشستیم با اهل ریا و کبر و کین پیوستیم

از یک نظر عاشق رندی آخر هم از خود و هم از غیر خود وارستیم(۱)

زاهر ثقفی اصفهانی

ابوالمجد زاهر بن احمد بن حامد ثقفی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن هفتم هجری است. وی در سال ۶۰۷ق متولّد شده و مَقدسی در اصفهان از او اخذ حدیث نموده است.(۲)

زاهر مغازلی

ابونصر زاهر بن محمّد بن ابوالقاسم مغازلی واعظ اصفهانی، از محدّثین و خطبای عامّه اصفهان در قرن ششم هجری. در اصفهان و رُستاق های آن به وعظ خطابه مشغول بود و چون اشعری مذهب بود، مردم اصفهان به او اعتقاد نداشته اند. او از ابوعلی حدّاد و ابوالقاسم ثقفی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او حدیث استماع کرده است.

اوائل محرّم سال ۵۳۷ق فوت شده است.(۳)

۱- طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۳۳؛ ریاض العارفین، (چ۱۳۰۵ش)، ص۲۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۹؛ مکارم الآثار، ج۳، ص ۷۵۰؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۳۳۶؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۵۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۵۶.

۲- جعفر بن ابیطالب، ص۲۳.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۸۷.

زبیر جرقوهی

ابومحمّـد زبیر بن محمّـد بن احمد جرقوهی، از محدّثین عامّه در اوایل قرن شـشم هجری است. [اصـلاً از اهالی جرقوه بوده که اکنون به جرقویه معروف است] در مدینه (شهرسـتان) اصـفهان ساکن بوده و به عمل صالح معروف بوده و عمری طولانی یافته است. او از ابوعلی حدّاد، ابوالمحاسن عبدالواحد بن اسماعیل رویانی، ابوالقاسم غانم بن محمّد برجی و احمد بن فضل خواص حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی و ابوالقاسم دمشقی از او روایت می کنند.(۱)

زجری اصفهانی*

زجری اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن دهم هجری است.(۲)

زراره اصفهانی

ابومضـر زراره بن فاخر (اصـفهانی) از ادبای اصـفهان است. مافروخی او را در ردیف دانشـمندان متقدم عصر خود که در زمینه صرف و نحو و لغت و انشاء مهارت داشته اند ذکر کرده است.(۳)

زُفَر عنبری تمیمی

ابوالهـذیل زُفَر بن هـذیل بن قیس عنبری تمیمی [از محـدّثین عـامّه در قرن دوم هجری]. اصل او از اصـفهان است. از اصـحاب ابوحنیفه است. در بصره ساکن بوده و منصب قضاوت آنجا را داشته و هم در آن شهر به سال ۱۵۸ مرده است. او از اهل رأی و قیاس است و از گفته هایی اوست که: «تا زمانی که قرآن و حدیث (اثر) باشد ما به رأی عمل

۱- التّحبیر، ج۱۷ ص۲۹۳؛ معجم البلدان، ج۲، ص۱۲۸؛ گرکویه، (ویرایش دوم)، صص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲- فرهنگ سخنوران، ص۲۴۷.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

نمی کنیم و گاهی که به حدیث برخوردیم از رأی می گذریم.»(۱)

پدرش در زمان خلافت یزید بن عبدالملک در قریه «بَراآن» اصفهان ساکن بوده و سه فرزند به نام های «زُفَر»، «کوثر» و «هرثمه» داشته است.(۲)

زکریا اصفهانی

زکریا اصفهانی، در کتاب «النقض» او را از فرزندان [نوادگان] بهرام گور و از قرامطه و پیشوای آنان دانسته است.(۳)

زکریا جورجیری

ابواحمد زکریا بن احمد بن محمّد بن زکریا معدّل خطیب جورجیری اصفهانی، [از محدّثین عامّه در اوایل قرن ششم هجری]. از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری، ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن موسی بن مردویه صغیر و ابوالفتح احمد بن محمّد بن احمد حدّاد اجازه داشته و ابوسعد سمعانی از او به عنوان «کان شیخا سدیدا من اهل العلم» یاد کرده و از او اجازه دریافت داشته است.(۴)

[جورجیر از محلّه های قدیمی شهر اصفهان است و مسجد جورجیر از عهد دیالمه و جنب آن مسجد حکیم از عهد صفویه مهم ترین یادگارهای تاریخی این محلّه به شمار می روند.]

زکریا اصفهانی

۱- ریحانه الادب، ج۷، ص ۳۰۰؛ معجم المؤمنین، ج۴، ص ۱۸۱؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ابوالهذیل»، ص ۹۲۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۲۱۱؛ الاعلام، ج۴، ص ۷۴ به نقل از: الجوهر المضیئه، ج۱، ص ۲۴۳ و ج۲، ص ۵۴۳؛ شذرات الذهب، ج۱، ص ۲۴۳؛ الانتفاء، ص ۱۷۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۱۷.

۳- النّقص، ص ۳۱۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص ۲۹۱.

زکریا بن صَلت بن زکریا [از عابدان و عرفاء و محدثین عامه اصفهان در قرن سوم هجری است] پدرش از مصاحبان عارف مشهور محمّد بن یوسف بنّا اصفهانی صوفی بوده و خود نیز عمر را به عابدت و تَهَجُّد گذرانده است. ابویحیی محمّد بن عصام از او حدیث نقل کرده است.(۱)

زکریا اصفهانی

ابویحیی زکریا بن یحیی بن کثیر بن زر اصفهانی، از محدّثین عامه اصفهان است. در مکّه ساکن بوده و از ابن مقری حدیث نقل کرده است.(۲)

ملّا محمّد زکی

آخوند مولانا محمّد زکی، از فضلای گمنام عهد صفویه است. میر سیّد عبدالحسین خاتون آبادی درباره برادرش میر سیّد اسماعیل خاتون آبادی می نویسد: قبر سیّد مشارٌالیه در مدرسه ای است که خود ساخته بودند در قُرب تکیه آخوند مولانا محمّد زکی».

در پشت خانه های جدید البناء تخت فولاد، در سمت غربی کوچه مقابل غسالخانه، فضایی که قبور جمعی از بزرگان در آن قرار داشت و اخیرا تسطیح و درختکاری شده هنوز یک قبر موجود می باشد.(۳)

[محقّق کتاب گوید: فعلاً این قبر هم از بین رفته و آثار آن مشهود نیست.]

خواجه زکی اصفهانی

خواجه زکی اصفهانی، از اعیان و بزرگان اصفهان در قرن هفتم هجری است. در کتاب

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۸۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۱.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۹؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۰۵.

«شکارنامه ایلخانی» تألیف علی بن منصور صوانی (که تا سال ۷۰۵ق در قید حیات بوده) اسامی برخی از کتابها و عدّه ای از افراد برده شده است، نام صاحب عنوان نیز به مناسبتی مذکور است.

«شکارنامه ایلخانی» به شماره ۳۰۳۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

محمّد زکی کرمانشاهی

شیخ محمّد زکی بن ابراهیم همدانی کرمانشاهی، عالم فاضل و فقیه محقّق [از فقهاء و علمای قرن دوازدهم هجری].

پدر و مادرش سنّی مذهب بودند. در سن ۷ سالگی از آنان گریخته و به همدان رفت و زیر نظر حاکم آنجا اسماعیل خان تربیت شد تا به مقامات عالیه رسید و مقام شیخ الاسلامی یافت. نادرشاه افشاراز روی نیرنگ وی را قاضی عسکر قرار داد و در سال ۱۱۵۹ق دستور کشتن او را داد.

سیّد عبداللّه جزائری در «اجازه کبیره» وی را عنوان کرده و گوید:

«کان عالما جامعا ذکیا کثیر الکد و الاشتعال واعظا ادیبا. امام الجمعه و شیخ الاسلام فی بلاده الی ان تعرف السلطان فاستصحبه و جعله قاضی العسکر»

صورت فرمان شیخ الاسلامی او ضمن مجموعه شماره ۲۲۱۴ به صورت میکروفیلم در دانشگاه طهران موجود است. نسخه دیگری از آن هم در کتابخانه ملّی وجود دارد.

همچنین رونوشت نامه امام قلی میرزا فرزند نادرشاه که به مشارالیه نوشته است، در بیاض امام قلی میرزا ضمن جلد پنجم منشات میرزا مهدی خان استرآبادی به نظر علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی رسیده است.

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، (بخش یکم)، ص ۵۶۹.

از تألیفاتش «رساله در ردّ رساله نجاست غیر امامی» تألیف میرزا حیدرعلی شیروانی است.(۱)

ملّا محمّد زکی سبزواری*

ملّا محمّد زکی بن ملّا محمّد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، عالم فاضل کامل، در اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده و عالمی با فضل و اهل تحقیق است. مع الاسف در سالهای جوانی در سال ۱۱۱۰ق وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

متن لوح مرمرین قبر او به شرح زیر است:

«هو الغفور الرّحیم. تاریخ وفات مرحمت و غفران پناه و جنتٌ و رضوان آرامگاه سلاله النّجباء الکرام و نتیجه الفضلاء العظام الشّاب الفاضل الکامل المحقّق المدقّق النادر فی عصره الشریف مولانا محمّد زکی ابن مولانا محمّد جعفر بن محمّد باقر الشّریف السبزواری طاب ثراه فی سنه ۱۱۱۰»(۲)

محمّد زکی بازرجانی

محمّد زکی بن محمّد سلیم بازرجانی، [از فضلاء قرن دوازدهم هجری و مقیم اصفهان] در دوشنبه ۲۷ جمادی الاولی ۱۱۲۹ق برحسب دستور مولانا محمّد جعفر گیلانی ساکن مدرسه ملّا عبداللّه، کتاب «احقاق الحقِ» قاضی نوراللّه شوشتری، را به خط نسخ نوشته و کتاب در کتابخانه مرحوم حاج سیّد احمد زنجانی در قم موجود است.(۳)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱۰، ص۲۹۱ و ج۲، ص۴۲۲؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۴۴؛ الذریعه، ج۳، ص۱۶۹ و ج۱۰، ص۹۹؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۶۵۳؛ فهرست ملّی، ج۱، صص ۱۶۷ و ۱۵۴؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۷۴ و ۱۶۶؛ اجازه الکبیره، ص۱۴۰؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- آشنایی با چند نسخه خطی، ص۱۹۱.

سیّد محمّد زکی اصفهانی

سیّد محمّد زکی بن حاج محمّد اصفهانی، [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۱۸ق نسخه ای از «جلاء العیون» علّامه مجلسی را کتابت نموده و کتاب به شماره ۶۹۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱) ظاهرا نامبرده از شاگردان علّامه مجلسی است.

زکی ندیم مشهدی

میرزا محمّد زکی مشهدی متخلّص به «ندیم»، شاعر و ادیب قرن دوازدهم هجری.

در زمان شاه سلطان حسین صفوی در خدمت محمّد زمان خان بیگدلی سپهسالار خراسان و محمّد قلی خان بیگدلی وزیر اعظم دیوان اعلی بود. پس از آن به اصفهان آمده و همزمان با پیدایش نادرشاه ملازم و هم صحبت او شد. هنگامی که نادرشاه به بغداد لشکر کشید، از خدمت نزد او استعفا کرده و در نجف اشرف ساکن شد و سرانجام در سال ۱۱۶۳ق در آنجا وفات یافت.

این کتابها از اوست:

۱. «دیوان ندیم مشهدی» ۲. «مثنوی دُرّ نجف»۳. «مثنوی تسبیح کربلا»

این رباعی از اوست:

در خاک نجف «ندیم» آسوده بخواب اندیشه مکن ز پرسش روز حساب

جایی که بدل به سرکه گردد می ناب بی شبهه گنه شود مبدّل به ثواب(۲)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۴۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۱۲.

۲- تذکره آتشکده: نیمه دوم، صص ۶۵۵ و ۶۵۶؛ تذکره غنی، ص۱۳۴؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۱۸۰ و ج۱۹، ص۱۴۲؛ ریحانه الادب، ج۶، ص ۱۶۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ندیم مشهدی»، ص۴۱۵؛ مجمع النّفایس، ص۱۱۹.

زکی یزدی*

زکی یزدی معروف به «زکیا»، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. پسرعموی خواجه سیف الدّین محمود (از نواده های خواجه غیاث الدّین نقشبند) بوده و در اصفهان می زیسته و هم در این شهر وفات یافته است. در نقشبندی نیز زبردست و استاد بوده و فوتش قبل از سال ۱۰۸۳ق واقع شد.

از اوست:

باشدم روشن چراغ دیده با طوفان اشک زنده دارم روز و شب در قعر دریا شمع را(۱)

محمّد زمان بیگ*

محمّد زمان بیگ، از خوشنویسان اواخر دوره صفویّه است. او خط نستعلیق را نزد محمّد صالح اصفهانی مشق کرده و خط را زیبا می نوشته است.(۲)

محمّد زمان اصفهانی*

محمّد زمان اصفهانی، مورّخ ادیب، در قرن دوازدهم هجری و مؤلّف کتاب «اخبار ایام الملوک». مؤلف وقایع تاریخی را از زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا سال ۱۱۱۶ق آورده و سپس تا سال ۱۱۶۰ق ادامه یافته است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۲؛ تذکره شعرای یزد، ص۷۹.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۳۹.

۳- فهرستواره کتابهای فارسی، ج۲، ص۸۱۲.

محمّد زمان اصفهانی

محمّد زمان بن محمّد تقی اصفهانی [از کاتبان نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در روز شنبه ۱۸ ذیقعده سال ۱۰۹۰ق کتابت «شرح اصول کافی» تألیف: مولی صالح مازندرانی را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۱۲۳ در کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع طهران موجود است.(۱)

ملّا محمّد زمان تیدجانی خوانساری*

ملّا محمّد زمان بن محمّد جعفر تیدجانی، عالم فاضل و ادیب شاعر از دانشمندان قرن یازدهم هجری است. از اهالی قریه «تیدجان» یا «تیدگان» از توابع خوانسار بوده و در اصفهان و خوانسار به تحصیل پرداخته است. او محرّر میرزا علیخان، شیخ الاسلام گلپایگان بوده و تا هنگام تألیف تذکره نصرآبادی (سال ۱۰۸۳ق) زنده بوده است. مردی صالح و متّقی و خوش مشرب بوده است. مثنوی «مدینه الاحباب» از آثار اوست.

این شعر از اوست:

دل مهبط نور لایزالی است تا از ظلمات غیر خالی است

دل آینه جمال یار است زان قابل فیض بی شمار است(۲)

همچنین او نسخه ای از «زبده الاصول» شیخ بهائی را در سال ۱۰۷۶ق کتابت کرده که به شماره ۱/۱۴۱۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

محمّد زمان کاتب اصفهانی*

محمّد زمان بن حسن اصفهانی، از خوشنویسان عهد صفویه است. وی «دیوان رضی الدّین نیشابوری» را به خط نستعلیق در جمادی الاوّل ۱۰۰۱ق کتابت نموده که در کتابخانه استاد سعید نفیسی در تهران موجود بوده است.(۴) این کتاب اکنون در کتابخانه

۱- آشنایی با چند نسخه، ص۳۲۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۴۳ و ۵۴۴؛ الذریعه، ج۱۹، ص۲۹۱.

۳- فهرست دانشگاه، ج۸، ص۹۱.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۳۹.

مرکز احیاء میراث اسلامی در قم نگهداری می شود.(۱)

او همچنین کتیبه ضریح بقعه سلطان علی در اردهال کاشان را در سال ۱۰۰۲ق کتابت کرده است.(۲)

محمّد زمان پزوی

محمّد زمان بن میر حسین پزوی سبزواری، [از کاتبان قرن دوازدهم هجری]. ظاهرا سبزواری و ساکن اصفهان و یا به عکس بوده است. از آثارش کتابت نسخه «جامع المقال» تألیف: فخرالدّین طریحی است که در پنج شنبه ۵ ذیقعده ۱۱۰۵ق آنرا به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۹۰۷۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

پزوه [به ضم «پ» و به کسر «واو»] از دهات بلوک جی اصفهان است.

محمّد زمان خاتون آبادی*

محمّد زمان بن حسین خاتون آبادی، از خوشنویسان هنرمند و کاتبان پرکار قرن یازدهم هجری است. از اهالی روستای «خاتون آباد» جی اصفهان بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته است. او مجموعه ای شامل «مجمع الخواص» و «مجالس النّفایس» را به خط نستعلیق خوش در ۱۶ ذیحجه ۱۰۳۰ق کتابت نموده که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۴)

محمّد زمان خان سخای اصفهانی

محمّد زمان خان بن حاج محمّد حسین خان صدر اصفهانی، شاعر ادیب. از

۱- فهرست احیاء، ج۳، صص ۷۹ و ۸۰.

۲- فهرست خوشنویسان قرن دهم، ص۶۳.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص۵۹۹.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص ۷۴۰.

سخنوران قرن سیزدهم هجری [به واسطه برادرش «میرزا عبداللّه امین الدّوله» و به خاطر خدمات پدرش به قاجاریه در دربار «فتحعلی شاه قاجار» منصب استیفا را به دست آورد. در سال ۱۲۳۱ق به حکومت یزد منسوب شده و تا سال ۱۲۳۶ق حکومت آنجا را در دست داشت. در زمان حکومت او به تحریک «صدرالممالک» یکی از اعیان یزد و ملّا محمّد حسین یزدی» از علمای یزد، شاه خلیل اللّه از سران اسماعیلیه به دست مردم کشته شد و محمّد زمان خان آن دو را جهت مجازات به طهران فرستاد.] در هر صورت در شعر نیز طبعی روان داشته و مذاقش به غزل سرایی مایل بود.

از اوست:

هر کجا حکایتی شود از کُشتگان عشق ای راویان دهر ز ما هم روایتی(۱)

محمّد زمان اصفهانی*

محمّد زمان بن عبدالباقی اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند قرن دوازدهم هجری است. خط ثلث را خوش می نوشته و کتیبه کاشیکاری محراب ایوان استاد در مسجد جامع اصفهان به خط زیبای اوست که در سال ۱۱۱۲ق نوشته شده است.(۲)

محمّد زمان اصفهانی*

محمّد زمان اصفهانی متخلّص به «زمانی» فرزند استاد علی اجری طبّاخ در عهد صفویّه. در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیل کرد. سپس با یکی از دوستان

۱- تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۹۰؛ تذکره سفینه المحمود، ص۳۷۱؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۴۰۱؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سخای اصفهانی» ۳۴۶؛ تاریخ یزد (طاهری)، صص ۶۲ و ۶۳؛ الذریعه، ج۹، ص۴۳۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۷۵۱؛ تذکره ممیّز: خطی، ص۴۵.

۲- آثار تاریخی اصفهان، ص۱۱۴.

شاعر خود به نام «مجلسی اصفهانی» به هند مسافرت کرد و از شهرها و مناطق آنجا دیدار کرد. او در خطاطی و قاطعی و سایر هنرها مهارت به سزایی داشت و تا اوایل قرن یازدهم هجری در قید حیات بود.(۱)

محمّد زمان هزارجریبی

محمّد زمان بن درویش علی هزارجریبی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] ساکن مدرسه شاهپوریه، در یک شنبه محرم ۱۰۸۷ق کتاب «ارشاد الاذهانِ» علّامه حلّی را نوشته است.(۲)

محمّد زمان اصفهانی

محمّد زمان بن محمّد علی اصفهانی [کاتب نسخ نویس] نسخه ای از «نورالعیون» تألیف: سیّد محمّد باقر رضوی اصفهانی قمی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه در حاشیه تصحیح شده و علامت بلاغ دارد. این نسخه به شماره ۲۶۸۹ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۳)

محمّد زمان بن محمّد قاسم*

محمّد زمان بن حاجی محمّد قاسم، از کاتبان فاضل قرن دوازدهم هجری است. در شب چهارشنبه ۳ محرم ۱۱۱۴ق نسخه ای از «صیغ عقود نکاح متعه» تألیف: سیّد محمّد باقر خاتون آبادی را به خط شکسته نستعلیق نوشته و در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۴) همچنین در سه شنبه ۷ ذیحجه ۱۱۳۰ق نسخه ای از «مخزن الدّعوات» تألیف:

۱- کاروان هند، ج۱، صص ۵۰۰ و ۵۰۱.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۷۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۶۴.

۴- فهرست ملک، ج۶، ص۸۱.

عبدالحسیب محمّد علوی عاملی را به خط نستعلیق کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

آقا زمان واضع اصفهانی

آقـا زمـان اصـفهانی فرزنـد پهلوان قاسم. شاعر ادیب، از شـعرای قرن یازدهم هجری. اجـدادش از بلوک لنجان بوده و مناصـب صاحب جمع هوایی و راهـداری را برعهـده داشـتند. او از کارهای دولتی کناره گرفته و با قناعت به زنـد گی فقیرانه خود ادامه می داد. و اوقات خودرا به مجالست و مصاحبت ادباء و فضلاء اصفهان می گذرانید. در شعر طبعی روان داشته و در شعر قدماء تَتَّبع بسـیار کرده بود.(۲) او تـا سال ۱۰۶۷ق در قیـد حیـات بوده و در این سال به مناسـبت بنای مسـجد حکیم قطعه ای سـروده است.(۳) در شعر «واضع» تخلّص می کرد.

از اوست:

مرد را پامال خواری می کند طغیان حرص شمع کوته می شود چون شعله بالا می کشد

ملّا محمّد زمان تبریزی

ملّا محمّد زمان بن ملّا کلب علی تبریزی، عالم فاضل و ادیب شاعر. در اصـفهان سـکونت داشته و از درس علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، آقا حسین خوانساری و شیخ جعفر قاضی بهره مند شده و سپس تولیت و تدریس مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان را به عهده گرفته است. سال وفات او به دست نیامد و احتمالاً در دوره فترت افغان ها

۱- فهرست مرعشی، ج۱۶، ص۳۳.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۸۸ و ۴۸۹؛ تذکره روز روشن، ص۸۶۷.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۱۳.

می باشد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه تهذیب الاحکام» ۲. «ترجمه خلاصه الاذکار» ۳. «چنته» در فوائد متفرقه۴. «شرح اصول کافی»۵. «شرح زبده الاصول» شیخ بهایی۶. «فرائد الفوائد» در احوال مدارس و مساجد که به چاپ رسیده است.۷. «المسعار فی الاسعار» که در سلخ ذی القعده ۱۱۲۷ق در مدرسه شیخ لطف اللّه از تألیف آن فراغت یافته و نسخه آن در کتابخانه فقیه جلیل القدر سیّد مصطفی صفائی در قم موجود بوده است.(۱)

زمان هسته ای

امیر زمان بن محمّد هسته ای. [کاتب نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در چهارشنبه شعبان ۱۰۵۳ق کتابت «حاشیه مطول» از: میر سیّد شریف جرجانی را به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه تصحیح شده و حاشیه نویسی دارد. نسخه به شماره ۱۶۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.(۲)

وی همچنین دو جلد «مسالک الافهام» را به خط نسخ در ۵ رمضان ۱۰۴۸ق و ۶ رجب ۱۰۴۹ق کتابت نموده و در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۳)

محمّد زمان انصاری*

محمّد زمان بن قاضی مرتضی انصاری، از فضلای اصفهان در قرن یازدهم هجری است. در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان به تحصیل مشغول بوده و در ۱۴ رمضان ۱۰۳۰ق از کتابت نسخه ای از کتاب «شرح مختصر الاصول» تألیف: قاضی عضدالدّین

۱- فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۳۷؛ مصفی المقال، ص۱۸۳؛ الذریعه، ج۱۳، ص ۳۰۰ و ج۲۱، ص۱۹؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۹۲ و ۲۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۴ و ۳۵؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۰۴؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۲؛ روضات الجنات، ج۳، ص ۱۵۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۶۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۷۲.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۰۲.

ایجی فراغت یافته است. این نسخه به شماره ۲۴۷۳ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)

زمان اصفهانی

زمان بن هدایت اللّه اصفهانی، از کاتبان و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. خط نستعلیق را زیبا می نوشته [و مدّتی در شیراز به تحصیل علوم عقلی و نقلی مشغول بوده است. و به احتمال زیاد شاگرد سیّد محمّد کشمیری است.

از آثار او کتابت «اثبات اللّه» تألیف: میر فخرالدّین حسینی استرآبادی است که آن را در چهارشنبه ۲۹ رمضان ۱۰۴۶ق در مدرسه رفیعیه شیراز به پایان آورده است و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) همچنین] نسخه ای از «اثبات الواجب» تألیف: میر نظام الدّین احمد دشتکی را در ۱۴ رمضان ۱۰۴۸ق به دستور میر سیّد محمّد کشمیری کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۵۶۳۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

آقا محمّد زمان نقاش*

آقا محمّد زمان فرنگی ساز فرزند محمّد یوسف قمی، از نقاشان معروف عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی است.

برخی از محققان اروپایی و ایرانی نوشته اند که شاه عباس ا ورا برای فراگیری نقاشی به ایتالیا فرستاد و او در آنجا به کیش مسیحیّت گرویده و نام خود را به «پائولو» تغییر داد. او پس از بازگشت به ایران از ترس به خطر افتادن جان خود به هند پناه برد ولی پس از مدتی به ایران آمده و دوباره اسلام پذیرفت.

۱- فهرست احیاء، ج۶، ص۴۴۶.
۲- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۲۳.
۳- فهرست مرعشی، ج۱۵، ص۳۲.

مطبق تحقیقات محققان در سالهای اخیر این داستان، خیال پردازی و حدس و گمان بیش نبوده و از بُن اشتباه است و آقا محمّد زمان هرگز از ایران خارج نشده و تغییر مذهب نداده است.

وی در نقاشی پیرو سبک نقاشان فلاندری بوده و آثار نقاشی آنان در ایران و هند خرید و فروش می شده است. او یکی از نقاشان برجسته ای است که با تلفیق نقاشی غربی و ایرانی سبک جدیدی به وجود آورد که در اواخر عهد صفویه رونق فراوانی میان نقاشان ایرانی یافت.

آقا محمّد زمان علاوه بر نقاشی در قلمدان سازی نیز استاد بوده و در این زمینه آثاری از او موجود است.

تابلوها، قلمدان ها و سایر آثار او که بین سالهای ۱۰۷۰ تا ۱۱۰۹ق آفریده شده در موزه ها و مجموعه های خصوصی و دولتی ایران و اروپا و آمریکا موجود است که از جمله مشهورترین آنها تابلوی «ملاقات حضرت مریم با الیصابات» در سال ۱۰۸۹ق، قلمدان با تصویر «شاه سلطان حسین در گردشگاه» مورخ سال ۱۱۰۹ق تابلو«نزول روح القُدُس بر مسیح» به سال ۱۰۹۲ق و تابلو «شکوفه بادام» در سال ۱۱۰۵ق هستند. همچنین او سه تابلو به «خسمه نظامی» شاه طهماسبی اضافه کرده که تاریخ آن ۱۰۸۶ق است.

رقم او در آثارش «محمّد زمان»، «زمان»، «صاحب الزّمان» بوده است.

وی احتمالاً تا سال ۱۱۲۰ق در قید حیات بوده و تا آخرین روزهای زندگی در دربار شاه سلطان حسین صفوی مورد توجه و عنایت خاص شاه و درباریان قرار داشته است.(۱)

۱- هنر ایران، ص۱۱۸؛ هنر نگارگری ایران (رابینسون)، صص ۷۹ و ۸۰؛ دائره المعارف هنر، صص۵۱۸-۵۲۰؛ هنر قلمدان، صص ۹۶-۹۸؛ مجله نامه بهارستان، شماره ۶، سال ۱۳۸۱ و شماره ۷، سال ۱۳۸۲؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۳۵۳، مورخ ۱۷ خرداد ۱۳۷۴؛ مکتب نگارگری اصفهان، صص ۲۲۳-۲۲۸.

ملّا محمّد زمان تنکابنی

ملّا محمّد زمان تنکابنی اصـفهانی، از علماء اواخر عهد صـفویه در اصفهان بوده و کتاب «اسرار الصلاه» شهید ثانی را به فارسی ترجمه نموده است. نسخه ای از آن که در سال ۱۱۱۸ق کتابت شده در کتابخانه صدر (در عراق) موجود است.(۱)

محمّد زمان حسینی اصفهانی

محمّد زمان حسینی اصفهانی [از فضلاء قرن دهم هجری] در یک شنبه ۲۶ ربیع الثّانی ۹۲۶ق نسخه ای از «شرح مختصر الاصولِ» ابن حاجب را به خط نستعلیق در مدرسه نظامیه اصفهان کتابت نموده و کتاب به شماره ۱۸۳۴ در مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲)

زمان حناتراش

زمانای حناتراش، از شعرای قرن یازدهم هجری. در اصفهان سکونت داشت. به هند رفت و به علّت بدخوئی و طبع تند او، اُمراء و اعیان هند به او بی اعتنایی کردند و او یکی از آنان یعنی جعفرخان، از صاحب منصبان عالی رتبه ایران هند را هجو کرد و به ایران بازگشت امّا در هرات به بیماری سختی گرفتار شده و در منزل شیخ الاسلام هرات فوت شد.

این بیت از اوست:

چیست مانع بهر قتلم تیغ بیداد تو را از تو شیرین تر که خواهد کشت فرهاد تو را(۳)

۱- الذریعه، ج۴، ص۷۸؛ الکواکب المنتشره، ص۲۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۴.

۲- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۱۵۷؛ محیط ادب، ص۱۰۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۷۰؛ تذکره روز روشن، صص ۳۲۸ و ۳۲۹؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.

[حناتراش: آنکه خانه زین از چوب تراشد.]

زمان راضی اصفهانی

زمان اصـفهانی معروف به «زمانای نقاش» و متخلّص به «راضـی» شاعر ادیب و نقاش ماهر. از هنرمندان و سخنوران اواخر دوره صفویه. در سال ۱۱۲۲ق در قید حیات بوده و صاحب «دیوان اشعار» و «مثنوی» است.

از اشعار اوست:

گر وحشیانه از روش خل می رمم عذرم بسی بجاست که مردم ندیده ام(۱)

[شاید او «آقا محمّد زمان نقاش فرنگی ساز فرزند محمّد یوسف قمی» نقاش معروف اواخر صـفویه که شـرح حال او را در این کتاب آورده ایم باشد.]

محمّد زمان زرکش اصفهانی

محمّد زمان اصفهانی متخلّص به «زمانی» شاعر و ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان متولّد شد. در جوانی شعر می سـرود و «فریبی» تخلّص می کرد و با «حکیم شفائی»، «میرزا فصیحی» و «میرزا ملک مشرقی» مصاحب بود. او ظریف طبع و بی پروا بـوده و در وصـف محمّـد رضـای قهوه چی اشـعاری سـروده بود. عـاقبت تخلّص خود را به «زمـانی» تغییر داده و شـغل زرکشـی را رها کرد و جهت کسب معاش راهی هنـد شـد و در سال ۱۰۵۴ق در لاهور وفات یافت. فرزندش میرزا مسـعود نیز شاعر بوده است.

از اوست:

خوش آرمیده قافله عمر ما گذشت گردی نشد ز رفتن این کاروان بلند(۲)

۱- دائره المعارف دانش بشر، ص۱۵۱۲؛ منتخب اللطایف، ص۶۶۲.

۲- قصـص الخاقانی، ج۲، ص۹۸؛ تذکره نصـرآبادی، ج۱، صـص ۴۷۲ و ۴۷۳؛ تـذکره روز روشـن، ص۹۲۰؛ تـذکره منتخب اللطایف، ص۵۰۹؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۰۳.

محمّد زمان شمشیرساز اصفهانی*

محمّد زمان اصفهانی، شمشیرساز و فلزکار و نگارگر فلزات سخت است. وی در اواخر سده دوازدهم هجری می زیسته است. از آثار دیده شده وی یک قبضه شمشیر است که با طلاکوبی و نقوش گل و برگ زینت شده و نام صاحب آن بر روی تیغه آن طلاکوبی شده و رقم آن «عمل محمّد زمان اصفهانی» بوده است.(۱)

محمّد زمان طباطبائی اصفهانی

محمّد زمان طباطبائی اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری که در محرم سال ۱۱۲۳ق تملّک خود را بر نسخه «قاموس» نوشته است. این نسخه به شماره ۴۵۷۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

محمّد زمان فرنگی خوان*

محمّد زمان فرنگی خوان، از ادباء و فضلای قرن یازدهم هجری است. وی در اصفهان ساکن بوده و به خاطر آشنایی با زبانهای اروپایی به فرنگی خوان معروف بوده است. وی سرانجام به هند رفته و در آنجا ساکن شده است. در کتابخانه گنج بخش نسخه ای از «رسائل ملّا طغرای مشهدی» به شماره ۲۰۸۶ موجود است. در این رسائل رقعه ای از «ملّا طغرا» به «محمّد زمان فرنگی خوان» در طلب «جامع الالحان» ملّا عبدالقادر مراغه ای آمده است.

از تألیفات و آثار او:

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۷۱۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۴۶.

۱. «ترجمه تاریخ چین» ۲. «ترجمه حدیقه عالم»(۱)

ملّا زمان ناطق قهپایه ای

ملّا زمان قهپایه ای، شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. در قهپایه تولّد یافته و در اصفهان نشو نما نموده و علم و ادب آموخته است. مدّتها در محلّه جماله کُلِه معلّمی می کرد و حدود دویست نفر در مکتب او حاضر می شدند. در سرودن شعر طبعی داشته و به تتبع اشعار خاقانی می پرداخته است. «ناطق» تخلّص می کرد. در اواسط سلطنت شاه عباس ثانی (حدود سال ۱۰۷۰ق) فوت شد. دیوانش شامل قصیده و غزل و رباعی نزدیه به دویست بیت ضمن مجموعه ۳۲۹۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.

چو مرغ دل به آن زلف آشیان کرد پریشانی مرا زنجیربان کرد

به آن زلف پریشانی که داری به ما یک روز هم شب می توان کرد(۲)

محمّد زمان نطنزی

محمّد زمان نطنزی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در ذیحجه ۱۰۱۹ق کتابت جلد یکم «قواعد الاحکام» علّامه حلّی را در اصفهان به خط نستعلیق به پایان رسانیده است، کتاب به شماره ۴۴۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

محمّد زمان نقاش*

۱- مجله نامه بهارستان، شماره ۷ و ۸، سال ۱۳۸۲، ص۲۹۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۷۷؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۱، ص۲۲۶۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ناطق»، ص۱۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۱؛ تذکره آتشکده: بخش سوم از نیمه نخست، ص۱۰۳۲؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۱۰.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۲۲۳.

محمّد زمان دوم معروف به «آقا زمان» از نقاشان هنرمند دوره زندیه و اوایل دوره قاجاریه است. وی در گل و بته و گل و مرغ سازی استاد بوده و در صورت سازی و منظره پردازی نیز مهارت بسیار داشته است. از او آینه های نفیس و جلدهای روغنی ممتاز و قلمدان های کم نظیر به یادگار مانده است.(۱)

زیاد اَرزِنانی

زیاد ارزنانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان، در شهرهای مختلف به سفر پرداخته و در شام تحصیل نموده و اساتید اخذ حدیث نموده است. و در اصفهان از احمد بن مهران بن خالد روایت می کند. او به علم و زهد و ورع و اتّقان در نقل موصوف بوده است.

صاحب عنوان جدّ ابوجعفر محمّد بن عبدالرّحمان بن زیاد ارزنانی اصفهانی از محدّثین است.(۲)

کمال الدّین زیاد اصفهانی

کمال الدّین زیاد اصفهانی، از شاعران نیمه دوم قرن ششم هجری و از معاصران خاقانی و جمال الدّین عبدالرّزاق اصفهانی و مجیرالدّین بیلقانی است. عوفی از او به صورت «الامام العالم کمال الدّین زیاد اصفهانی» نام برده و یک قصیده و دو رباعی از او نقل کرده است. مجیر بیلقانی در دیوان خود، قصیده ای در مدح او دارد.(۳)

این رباعی از اوست:

۱- هنر قلمدان، ص۱۰۸.

۲- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳- لباب الالباب، صص ۲۲۶ و ۲۲۷؛ ریاض العارفین، (چاپ ۱۳۴۴)، صص ۳۸۵ و ۳۸۶؛ تذکره غنی، ص۱۱۴؛ نزهه المجالس: مقدمه، ص۹۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص۱۰۲.

دوشم همه شب درد در افزایش بود گریان شدم از هجر تو و جایش بود

وین طرفه که با این همه محنت، شب دوش با نسبت شب ها شب آسایش بود

زیاد اعجم

ابو اَمامه زیاد بن سلیمان (یا سلیم) اعجم عبدی، از شعراء دولت بنی اُمیّه، در زبانش لکنتی بود، از این رو وی را «اعجم» گفتند. در اصفهان متولّد گردیده و بزرگ گردید و سپس به خراسان منتقل شده عمر زیادی یافته و در آنجا وفات یافته است.

بیشتر اشعارش در مدح امراء زمان است. از جمله مدیحه ای که جهت جناب عبداللّه الجواد فرزند جعفر طیّار سروده است. او در حدود سال ۱۰۰ق وفات یافته است.(۱)

زیاد اصفهانی

ابوحمزه زیاد بن طلحه اصفهانی [از محدّثین عامه اصفهان در قرن سوم هجری است] از «اَعمش» و «حمزه زیّات» حدیث نقل کرده و عامر از او روایت می کند.(۲)

زیاد خرجانی اصفهانی

ابوالعبّاس زیاد بن محمّد بن زیاد بن هیثم خرجانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از «حسن بن محمّد دارکی»، «محمّد بن حمزه بن عماره» و «محمّد بن احمد بن عمرو ابهری» و دیگران روایت نموده و ظاهرا در سال ۳۷۸ق در اصفهان وفات یافته است.(۳)

۱- الاعلام، ج۴، ص۹۱؛ نهضت شعوبیه، ص ۱۸۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱۷ ص۳۱۹؛ طبقات المحدثین، ج۲، ص۱۹۴؛ نهضت شعوبیه، ص ۱۸۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۲۰؛ المشتبه، ص۱۴۷.

زیاد کوفی

ابوحمزه زیاد کوفی، از محدّثین عامه است. از کوفه به اصفهان آمده و عامر بن ابراهیم از او حدیث شنیده است. خود ابوحمزه از حمزه زَیّات و مُقاتل بن سلیمان نقل حدیث کرده است.(۱)

زید اصفهانی

ابوجعفر زید بن ابی موسی بن زید اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان. حافظ ابونعیم اصفهانی در باب او نوشته است که از محدّثین متقدّم اصفهان بوده و سال فوت او معلوم نیست. «صحّاف» از او روایت می کند.(۲)

زید اصفهانی*

ابوالحسن زید بن احمد بن بحر اصفهانی، از بزرگان شیعه در قرن چهارم هجری است. او عامل قم بود و برای تعمیر و توسعه مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم در سال ۳۵۰ق فعالیّت هایی را انجام داد.(۳)

به احتمال زیاد او از بستگان و خویشان ابومسلم محمّد بن بحر اصفهانی متوفی ۳۲۲ق است که مدّتی حاکم قم بوده است.

زید نُخانی اصفهانی

ابوجعفر زید بن بُندار بن زید نُخانی فقیه اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۳۱۸؛ طبقات المحدّثین، ج ۲، ص۱۹۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳- تاریخ قم، ص۲۱۴.

سوم هجری است. وی از عثمان بن ابی شعبه و دیگران روایت نموده و احمد بن محمّد بن نصر اصفهانی از او استماع حدیث نموده است.

وفاتش در سال ۲۷۳ق واقع شده است. وی و زن و فرزندش چهل سال روزه گرفته اند.(۱)

«نُخان» قریه ای نزدیک «جی» (شهرستان) اصفهان بوده است.

زید رارانی

زید بن ثابت بن روح بن محمّد بن عبدالواحد بن عباس رارانی اصفهانی، از محدّثین عامّه در اوایل قرن ششم هجری است.(۲) [او در خانـدانی اهل علم و حـدیث تربیت شده و ظاهرا از پدرش روایت می کند. پدران، عموها، عموزاده ها و برادرزاده های او همه از محدّثین اصفهان بوده اند.

«راران» از دهات جِی درشرق اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته و از محلّه های اصفهان است].

زید جعفری هاشمی

ابومحمّد زید بن رضا بن زید بن علی جعفری هاشمی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری. در سال ۴۶۰ و اندی متولّد شـده و از «ابوعمرو بن منده»، «ابوالحسن سـهل بن عبداللّه غازی»، «ابوالفوارس طراد بن محمّد زینبی» و جز آنان حدیث شنیده است. وی در ماه جمادی الآخر سال ۵۴۶ق در اصفهان وفات یافته است.

«ابوسعد سمعانی» از او به عنوان «شریف، نسیب، صالح، حسن السیره» یاد کرده است.(۳)

۱- طبقات المحدّثین، ج۳، ص۸۱؛ الانساب، ج۵، ص۴۷۲؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۰؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۶۹.

۲- لغت نامه دهخدا: ذیل «راران»، ص۴۰.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۸۸.

زید اردستانی

قاضی ابوطاهر زید بن عبدالوهاب بن محمّد اردستانی، ادیب و شاعر، از اصحاب اصم حدیث شنیده و عبدالغافر فارسی از او روایت می کند.(۱)

زید یزدی

ابونصر زید بن عثمان بن محمّد بن عثمان یزدی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در اوایل قرن ششم هجری است. از «ابوعثمان سعید عیّار»، «ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی»، «ابوسعد عبدالکریم بن احمد وراق» و جز اینان حدیث شنیده و جهت «ابوسعد سمعانی» اجازه نوشته است.(۲)

زید رستمی اصفهانی

ابوالحسن زید بن هارون بن محمّد بن محمّد رستمی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری است] در طلب حدیث به خراسان سفر کرده و مدّتی در نیشابور به سر برده است. سپس به بصره رفته و از ابی عمر هاشمی حدیث نقل کرده و [در بغداد از ابی الحسن ابن صلت روایت کرده]. همچنین از علی بن قاسم شاهد روایت کرده است.(۳)

شیخ ابوصالح مؤذن از او حدیث شنیده [و می نویسد: او را در کهولت در اصفهان دیدم.(۴)]

میر زین الدّین اصفهانی*

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳- تاریخ نیشابور، ص ۳۵۵.

۴- المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، صص ۸۱ و ۸۲.

میر زین الدّین اصفهانی، از نقاشان هنرمند عهد تیموری و شاگرد میر مصور سلطانیه ای است.(۱)

شیخ زین الدّین کمره ای

شیـخ زین الـدّین بن ابوالعلاء کمره ای فراهانی طغایی، عالم فاضل و جامع معقول و منقلو، از علمای اواخر دوره صـفویه است. در اصفهان ساکن بود سال وفاتش به دست نیامد.

او برادر عالم عالیقدر شیخ علینقلی کمره ای شیخ الاسلام اصفهان است.(۲)

استاد زین الدّین اصفهانی

استاد زین الدّین بن استاد احمد اصفهانی، از هنرمندان قرن هفتم هجری است. در هنر مُنَبَّت و چوب تراشی استاد بوده است. از آثار نفیس و ارزنده او محراب چوبی زیبای مسجد جامع ابیانه نطنز که در سال ۷۷۲ق ساخته شده است، هنوز باقی است.(۳)

شیخ زین الدّین نجفی

شیخ زین الدّین نجفی به حاج شیخ محمّد اسماعیل بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی اصفهانی، عالم فاضل و صالح متقی، از علمای معاصـر اصـفهان، در روز سه شـنبه ۱۰ ربیع الثّانی سال ۱۳۲۸ق در کربلا متولّد شد و پس از طی تحصیـلات مقدماتی به اصـفهان آمده و نزد حاج ملّا فرج اللّه دری و شـیخ عباسـعلی ادیب حبیب آبادی به تحصیـل مشغول شد. او عالمی خلیق و مهربان و ساعی و کوشا در مساعدت به

۱- مناقب هنروران، ص۱۰۴.

۲- اعیان الشیعه، ج۳۳، ص۲۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۶.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۸۸۸.

نیازمندان و به دور از خودنمایی و ریا بود.

سرانجام در صبح یکشنبه ۱۵ ذیقعده الحرام ۱۴۰۷ق پس از یک عمل جرّاحی وفات یافته و در بقعه جدّ اعلای خود شیخ محمّد تقی رازی در تکیه مادرشاهزاده واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

ادیب فرزانه و شاعر توانا استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) در تاریخ وفاتش گوید:

در وفاتش مصرعی «برنا» نوشت «سوی جنت زین دین رفت از جهان»(۱)

۱۴۰۷ق

شیخ زین الدّین صغیر

شیخ زین الّدین صغیر بن شیخ علی بن محمّد بن شیخ حسن بن شیخ زین الدّین عاملی (شهید ثانی)، عالم فاضل صالح. در ظهر روز سه شنبه ۱۸ ذیحجه ۱۰۷۸ق متولّد و در حدود ۱۱۰۰ق در جوانی وفات یافت. او را شیخ زین الدّین «صغیر» گویند و عمّ بزرگوارش شیخ زین الدّین محمّد را «اوسط» و شهید ثانی را «کبیر» گویند. فاضل صالح بوده و پدرش در کتاب «الدّرَرَ المنثور» مجملی از شرح حال او را نوشته و گوید: در اصفهان متولّد و هم در این شهر وفات یافته، در مشهد مقدس مدفون گردید.(۲)

میر زین الدّین جنتی جزی

میر زین الدّین جزی معروف به «شیخ جنتی» و متخلّص به «جنّتی» شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری] در کمال درویش و صلاح بوده و اعیان و فضلاء اصفهان

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهانی، ج۳، صص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ مستدرک دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۶۴؛ گلشن اهل سلوک، ویرایش اوّل، صص ۱۴۹ و ۱۵۱ و ویرایش دوم، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۶ و ۶۵۷؛ اعیان الشیعه، ج۳۳، ص۲۹۸؛ الکواکب المنتشره، ص۲۳۵.

از جمله میرزا رفیع صدرخواهان صحبت او بودند. [در سال ۱۰۵۵ق وفات یافته و در موطن خود قریه «گز» از توابع بلوک بُرخوار اصفهان مدفون شد] دیوان اشعارش بالغ بر بیست هزار بیت بوده امّا مدوّن نشده بود.

از دیگر آثار او: «مثنوی شاپور و شهناز» است.

این رباعی از اوست:

هر چند مناعت همه عصیان و خطاست وین جسم شکسته کشتی موج فناست

ای «جنّتی» از کثرت طوفات گناه مَندیش که ناخدای این بحر خداست(۱)

شیخ زین الدّین عاملی

شیخ زین الدّین عاملی اصفهانی، عالم فاضل، ادیب محقّق و ادیب شاعر، او عمّه زاده سیّد عباس بن علی بن نورالدّین عاملی بوده و تا رجب ۱۱۳۱ق در قید حیات بوده است.(۲)

زین الدّین لُنبانی

زین الدّین لُنبانی، از شعرای قرن هفتم هجری و از اهالی محلّه «لُنبان» اصفهان است.(۳)

زین العابدین آفرین اصفهانی

زین العابدین اصفهانی متخلّص به «آفرین» از شعراء و گویندگان قرن دوازدهم

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۴۶ و ۴۴۷؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۴۱؛ الذریعه، ج۹، ص۲۰۶؛ تذکره آتشکده، ص۹۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۷.

۲- اعیان الشیعه، ج۳۳، ص۳۱۹.

۳- تاریخ نظم و نثر، ص۱۸۱.

هجری. چندی ملازم ولی محمّد خان بیگدلی عمّ لطفعلی بیگ آذر بود. در شعر طبعی روان داشت. او در سال ۱۱۳۵ق وفات یافت. اگرچه برخی تذکره نویسان نوشته اند که دیوان شعر او در حوادث محاصره و سقوط اصفهان به دست افغان ها از میان رفته، امّا شیخ آقابزرگ طهرانی نسخه ای از «دیوان آفرین» که در کتابخانه مرحوم نخجوانی در تبریز موجود بوده است و بالغ بر پنج هزار بیت شعر دارد را ذکر می کند.

از اوست:

ز کِشتیم خبری نیست اینقدر دانم که تخته پاره چندی به ساحل افتادست(۱)

میرزا زین العابدین ادیب مجلسی

میرزا زین العابدین ادیب مجلسی، از خوشنویسان و فضلای اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] است.

از آثار او کتیبه ای به خط نستعلیق در قسمت جلوخان مسجد شاه اصفهان [مسجد امام] است که آن را چنین رقم زده است:

«کتبه العبد المذنب الراجی ادیب مجلسی»

به ظنّ نگارنده این سطور، کاتب کتیبه فوق منسوب به خاندان ملّا مقصود علی مجلسی می باشد. شرح حالش در کتب مربوط به خطاطین به نظر نرسیده است.(۲)

[میرزا زین العابدین ادیب مجلسی در اواخر دوره قاجاریه در مسجد مریم بیگم به مکتبداری مشغول بوده و پس از وفات در تکیه سیّد ابوالقاسم خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)]

۱- تذکره آتشکده: نیمه دوم، ص۴۸۳؛ سفینه المحمود، ص۱۴۵؛ تذکره روز روشن، ص۱۱؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۶۵؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۵۰؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «آفرین»، ص۱۳۹؛ دائره المعارف المسمی بمقتبس الاثر، ج۲، ص۲۱۳.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱۷ ص ۲۷۰.

۳- هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۵۰۸، چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۷۷، ص۵.

زین العابدین ابهری

زین العابـدین بن محمّـد باقر ابهری [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در تاریـخ شـنبه ۲۸ ذیقعده ۱۰۷۵ق از کتابت نسـخه ای از «اصول کـافی» به خـط نسـخ فراغت یافته است. کتاب به شـماره ۱۶۹۵ در کتابخانه دانشـکده الهیات و معارف اسـلامی مشـهد موجود است.(۱)

[ابهر از دهات بلوک جی اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته و از محلات اصفهان است.]

سیّد زین العابدین بیدآبادی

سیّد زین العابدین بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی، عالم فاضل و صالح متقی.

علّامه شیخ آقـابزرگ طهرانی دربـاره او می نویسـد: «از اهل فضل و براعت و علم و کمال و شـهرت و وجاهت و اعتبار بوده» است.

او در اصـفهان تحصـیل کرده و در شـمار علمای معتبر اصـفهان درآمد. در شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۶۵ق که مردم بی پناه بدو پناه بردند، از دستگاه حکومت ظلم ها کشیده و ستم ها دیده است. وی قبل از سال ۱۲۹۰ق وفات یافته و در مقبره پدر بزرگوار خود در مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.(۲)

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۳، ص۸۰۱.

۲- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۶؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۸؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۵۷ و ۱۵۸؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۵؛ الکرام البرره، ج۲، ص۵۸۹؛ تکمله نجوم السّماء، ج۱، ص۳۶۸.

زین العابدین اشرف الکتاب اصفهانی

ملّا زین العابدین اشرف الکتاب بن محمّد تقی اصفهانی، یکی از بزرگترین خوشنویسان قرن سیزدهم هجری.

[او در سال ۱۱۸۷ق در اصفهان متولّد شده(۱)] و نزد آقا محمود اصفهانی و [عبدالغفار اصفهانی(۲)] مشق خط کرده و در انواع خطوط خصوصا ثلث و نسخ به مقامی عالی رسیده و در بین خوشنویسان عهد خویش ممتاز گشته است.

اعتمادالسلطنه در مقام بلند او می نویسد:

«آقا زین العابدین خطاط، از مفاخر عظیمه این دولت است که در قلم نسخ کرامت اظهار می فرمود.»(۳)

به پیش خط خوش نغز اشرف الکتاب ز خط سبزنکویان همه دهان بستند(۴)

[جمعی از خوشنویسان زبده در اصفهان نزد او مشق خط کرده اند از جمله: میرزا محمّد علی سلطان الکتاب، میرزا محمّد علی مطلق، میرزا علی تنباکوفروش، سیّد محمّد بقاء اصفهانی، میرزا علیرضا پرتو، میرزا محمّد علی قاری و دیگران.(۵)

اشرف الکُتّاب در پیری نیز بدون عینک و در کمال پختگی و استادی خط می نوشت. بسیاری از قرآن ها و ادعیه را به سفارش ناصرالدّین شاه و رجال و اعیان قاجاریه کتابت کرد و بدین خاطر از سوی ناصرالدّین شاه به «اشرف الکُتّاب» و «سلطانی» لقب گرفت.(۶)]

تاریخ وفات او را «اعتماد السلطنه» و به تبعیّت از ازاو سایر زندگینامه نویسان ۹ شعبان ۱۲۹۶ق نوشته اند.(۷) [ولی صحیح تر آن است که در همان روز ماه ولی در

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- فهرست خوشنویسان اصفهان: خطی.

۳- چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۸۶.

۴- تذکره خوشنویسان معاصر، ص۶۵.

۵- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۷۸.

۶- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۰۷۱ و ۱۰۷۲.

۷- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۹۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۰۷؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۳۴۷؛ فرهنگ معیّن ج۵، ص۱۸۲؛ مرقع (استاد قدسی)، ص۲۱.

۱۲۹۵ق او از دنیا رفته است. مدفن او در تکیه آقا حسین خوانساری واقع در تخت فولاد اصفهان است. سنگ مزار او سالیان دراز در زیر انبوهی از خاک از دیده ها پنهان بود. نگارنده (غلامرضا نصرالهی) در تابستان ۱۳۷۸ موفق به شناسایی قبر او شد.]

قرآن ها، ادعیه و قطعات فراوانی از او اغلب با خطوط نسخ و رقاع ممتاز در کتابخانه های مختلف ایران و خارج موجود است. از نمونه خطوط زیبای او خطوط سنگ لوح مرمرین قبر میرزا ابوالحسن سلطان الاطباء (متوفی به سال ۱۲۶۹ق) به خط ثلث عالی در تخت فولاد اصفهان است.(۱)

سیّد زین العابدین حسینی اصفهانی

سیّد زین العابدین بن محمّد تقی حسینی اصفهانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] که در محرم ۱۱۳۲ق نسخه ای از «استبصار» شیخ صدوق را با نسخه علّامه مجلسی و نسخه ملّا محمّد تقی مجلسی مقابله کرده و حواشی آنها را نقل نموده است. نسخه به شماره ۷۰۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی وجود دارد. او در آخر نسخه تصریح کرده که نزد علّامه مجلسی تحصیل کرده و از او چنین یاد کرده است:

«شیخنا و مقتدانا و استادنا و من به استنادنا...»(۲)

زین العابدین عابد اصفهانی

حاج زین العابدین اصفهانی متخلّص به «عابد» [فرزند محمّد جعفر]، شاعر ادیب در قرن سیزدهم هجری.

در مشهد مقدس به تجارت مشغول بود. عاقبت در سال ۱۲۲۹ق وفات یافت. شعر را نیکو می سرود و در سرودن قصیده و غزل و مثنوی مهارت داشت.

او در سال ۱۲۲۴ق «جلاء العیون» تألیف: علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را به بحر

۱- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص ۱۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸؛ ص ۲۲۰؛ تراجم الرّجال، ج ۱، ص ۲۲۶.

متقارب به نظم کشیده و آن را «چهارده گنج مثنوی» یا «مثنوی روضه المؤمنین» نام نهاده است، که در کتابخانه حاج محمّد نخجوانی در تبریز موجود بوده است. از اوست:

رایحه خلق او نفحه عنبر ببرد چاشنی نطق او رونق شکر شکست

باد به هر سو که برد خاک سر کوی او مجمره عود سوخت، طبله عنبر شکست

صاعقه میغ او، شعله در اخگر نشاند شعشعه تیغ او، لمعه در اختر شکست

کلک تو از یک کنار بر ورق روزگار نامه بهزاد شست، خامه آذر شکست(۱)

میرزا زین العابدین موسوی خوانساری

میرزا زین العابدین بن ابوالقاسم جعفر بن آقا سیّد حسین موسوی اصفهانی خوانساری، از علماء اتقیاء و مجتهدین بزرگ اصفهان.

وی در ۸ ذیقعده ۱۱۹۰ق در خوانسار متولّد شد و به اصفهان مراجعت کرده و در محلّه چهارسوق شیرازی ها ساکن شده و به تحصیل مشغول شد. اساتید او در خوانسار پسرعمویش سیّد ابوالقاسم بن سیّد حسن خوانساری و پدر دانشمند خود و سیّد محمّد مهدی خوانساری (صاحب رساله ابوبصیر) بوده اند. او پس از آن به نجف اشرف مهاجرت کرده و ادامه تحصیل داد. آنگاه به اصفهان آمده و از درس حاج محمّد ابراهیم کلباسی، ملّا علی اکبر اژه ای و ملّا علی نوری بهره برده و از جمعی از علماء از جمله میر محمّد حسین امام جمعه، حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام، آقا سیّد محمّد قصیر رضوی مشهدی، سیّد صدرالدّین محمّد عاملی، شیخ حسین بحرانی و حاج محمّد ابراهیم کلباسی موفق به اخذ اجازه گردید.

او عالمی دانشمند و زاهد و متّقی و مورد احترام علماء و مردم بوده و به قداست و عبادت شهرت داشته و اهل تهجّد و تزکیه و تهذیب بوده است و در مسجدی از محلّه

۱- تذکره دلگشا، صص ۴۲۷ و ۴۲۸؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۱۱۳۹ و ۱۱۴۰؛ الذریعه، ج۵، ص۳۱۲؛ تذکره اختر، ص۱۴۱؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۰۷؛ تذکره نگارستان دارا، ص۲۳۲؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۶۹؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ج۲، ص۸۵۲.

چهارسوق شیرازی ها (در فلکه چهارسوق کنونی) اقامه جماعت می نموده است.

جمعی از علماء و مجتهدین از او اجازه گرفته اند که از آن جمله اند:

دو فرزند بزرگوارش میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات)، میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و نیز مجتهد عالیقدر میر سیّد حسن مدرس (میر محمّد صادقی).

وی سرانجام در ۱۲۷۵ق وفات یافته و در بقعه تکیه مادرشاهزاده واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. خط ثلث زیبای سنگ لوح مرمرین مزار او به خط خوشنویس توانا میر محمّد حسین حسینی قائنی است.

وی را تألیفات عدیده است که از آن جمله است:

۱. «شرح اصول المعالم»۲. «شرح زبده الاصول»۳. «رساله در قواعد عربیّت»۴. «رساله در اجماع»۵. «حلّو التّناول و سهل التّداول فی مسأله التّداول» یا «رساله در تداخل اسباب»۶. «الطّلع النّضید و النّور الجدید» یا «رساله در تعارض حقیقت مرجوحه با مجاز راجح»۷. «رساله در نیّت»۸. «رساله در احباط و تکفیر»۹. «رساله در نوادر احکام» ۱۰. «شرح خلاصه الحساب» ۱۱. «رساله در قرائت مالک و ملک در نماز» ۱۲. «بهجه النّاضر و سرور الخاطر»

علاوه بر اینها تعلیقات و حواشی زیادی بر کتابها نوشته است. در شعر صاحب طبع عالی بوده و خطب و اشعار او که مُشَعَّر بر مقام شامخش در ادبیّت و عربیّت است موجود است. از جمله این شعر از اوست:

لب لعل شکر باری که از یارم درخشان است شرف دارد بر آن لعلی که در کوه بدخشان است

نیستان شکرها را به هندستان سمرقند است به از آنها لب شیرین ترکان سمرقند است

میرزا زین العابدین خطوط ثلث و نسخ را بسیار زیبا می نوشته و از جمله در سالهای جوانی در سال ۱۲۱۷ق نسخه ای از قرآن کریم را کتابت کرده و در حاشیه آن مطالب

تفسیری نوشته است.(۱)

سیّد زین العابدین رضوی خوانساری

آقا سیّد زین العابدین رضوی خوانساری بن سیّد محمّد حسن بن محمّد بن میر علی اکبر نقوی، عالم فاضل زاهد.

در حدود سال ۱۲۲۵ق متولّد شده و در اصفهان خدمت جمعی از اعاظم علماء همچون میر سیّد حسن مدرس، ملّا حسینعلی تویسرکانی، آقا سیّد محمّد شهشهانی و احتمالاً حاج شیخ محمّد باقر نجفی تلمّذ نموده و به آقایان مسجد شاه [علمای خاندان نجفی اصفهان] اختصاص یافته است. در محله مسجد حکیم سکونت داشته و در مسجد علی اکبر امامت می نموده است.

وی از جمله کسانی است که به شرف ملاقات حضرت ولی عصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) نایل گردیده و از او کرامات و استجابت دعوات منقول است.

او در ۱۳ ربیع المولود ۱۳۰۷ق وفات یافته و نزدیک تکیه لسان الارض در تخت فولاد مدفون گردید.

تألیفاتی دارد که از آن جمله است:

۱. «ترجمه انوار نعمانی» تألیف سیّد نعمت اللّه جزائری که ترجمه به نام آقانجفی به طبع رسیده است. ۲. «حسام الشّیعه» که به نام [بعضی از علمای اعلام و فضلاء کرام حاضرین مجلس شریف و محفل ضیف سرکار شریعتمدار] آقانجفی به طبع رسیده است.(۲)

۱- مناهج المعارف (مقدمه)، صص ۲۲۰-۲۲۵؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۹۷-۱۰۰؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۰۸۴-۲۰۹۰؛ دو گفتار، ص۱۰۴؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۱۱۲-۱۱۶؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ الکرام البرره، ص۵۹۰؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۱۹۰؛ دانشمندان خوانسار، صص ۳۶۷-۳۷۵؛ فرزانگان خوانسار، صص ۸۳-۸۵؛ الذریعه، ج۱، ص۲۸۰ و ج۱۳، ص۳۰۰ و ج۱۱، ص۱۴۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۹ و ۳۴۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۳۷۱ و ۳۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۸؛ الذریعه، ج۷، ص۱۲؛ فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۷۱.

حاج زین العابدین اصفهانی

حاج زین العابدین بن آقا حسن قناد، عارف سالک، از عرفای قرن سیزدهم هجری. بر روی سنگ مزار او یان القاب مشاهده می شود: «النّاشر الشّریعه النّبویّه و سالک المسالک المرتضویّه».

وی در ماه جمادی الاولی سال ۱۲۳۱ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّد زین العابدین مطهری

آقا سیّد زین العابدین مطهری (معروف به «افتخار الواعظین» فرزند سیّد محمّد حسن سلطان الواعظین کاشانی (سیّد حسن کاشی)، عالم فاضل، واعظ کامل از شاگردان شیخ محمّد تقی آقانجفی. مؤلّف کتاب «دفینه الدّرر» درباره امامزاده های اصفهان. متوفی در ۳ رمضان المبارک ۱۳۶۰ق به سن متجاوز از ۸۵ سالگی مدفون جنب قبر پدر خود در یکی از اطاق های تکیه میرزا ابوالمعالی واقع در تخت فولاد اصفهان.(۲)

زین العابدین شکوه*

زین العابدین شکوه فرزند میرزا حسین خان، از شعراء و نویسندگان معاصر، از دودمان میرزاهای سرجوبشاهی اصفهان. در سال ۱۳۰۹ش در اصفهان متولّد شد. در منزل او را «حسن» می گفتند. پدرش نایب الحکومه بود و سپس در فلاورجان بخشدار شد. عمویش از کارمندان خوشنام و باسابقه استانداری اصفهان بود.

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

پس از طی تحصیل در مقطع ابتدائی، تا سیکل اوّل را در دبیرستان فرهنگ و تا دیپلم را در دبیرستان ادب طی نمود. در این سالها که مقارن با جنبش ملّی شدن نفت بود به سازمان دانش آموزان طرفدار ملّی شده نفت پیوست. او برای ادامه تحصیل به تهران رفت و وارد دانشگاه تهران شد. در این سالها او عضو حزب زحمتکشان بود و پس از انشعاب خلیل ملکی و همفکرانش، او نیز به حزب نیروی سوم پیوست. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش به علّت مبارزات سیاسی، از ادامه تحصیل او جلوگیری شد. او به ناچار در آموزشگاه برادرش محمود شکوه به تدریس پرداخت. پس از پیروزی انقلاب، او به تحصیل ادامه داد و عاقبت فوق لیسانس گرفت. او عمر را بدون همسر و در تجرّد به سر برد و در اواخر عمر در کرج ساکن شد. تا اینکه بر اثر حمله سارقان به او در پارک به شدّت مجروح شده و چند روز بعد در سه شنبه ۲۱ آبان ۱۳۸۱ش (۷ رمضان ۱۴۲۳ق) در بیمارستان جان به جان آفرین تسلیم نمود و جسدش در قبرستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

شکوه مردی نیک رفتار، دیندار، میهن دوست و طالب ترقّی مسلمین بود (و بسیاری از اشعارش درباره انقلاب اسلامی است و اشعاری در رثای فوت دکتر مصدق و شهادت استاد شهید مطهری و مدح امام خمینی (ره) و توصیف انقلاب اسلامی سروده است.)

اشعار و مقالات سیاسی او در چهار جزوه به نام های۱. «بهار دوم»۲. «حسینیّه»۳. «سرود استقلال» و۴. «سه قصیده» به چاپ رسیده است.

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) در رثاء و مادّه تاریخ فوت او این شعر را سروده است:

شکوه اصیل مبارز که با بیان و قلم پی عقاید خود بود راسخ و نستوه

علیه مستبدّ و توده ای بسی کوشید به طور منفرد و در صفوف و بین گروه

دریغ و درد که دوران چه بر سرش آورد کسی که جان و دلش بود از صفا انبوه

دچار کیف رُبا گشت و سارق شهری هزار مرتبه بدتر ز رهزن کوه

ز حمله با موتور و ضربه و شکست عِظام شد از جهان ز پس هفته ای قرین ستوه

به دست سارق جانی اجل سپرد او را که تا کند دل «برنا» غمین و پراندوه

نوشت از پی تاریخ رحلتش: «گردید شهید زجر و جفا زین العابدین شکوه»

۲۳۸+۱۱۸۵=۱۴۲۳

این شعر از اوست:

تا به راه عشق جانان، ترک جان و سر گرفتم محو در او لذّتی بیرون ز حدّ و مَر گرفتم

زنده می ماندم که سازم زنده جاوید حق را ور نه جان را در رهش از هرچه کم، کمتر گرفتم

بوالعجب کاری به گیتی کردم و از کَرّ و فَرَّش پرچم آزادگی بر دوش تا محشر گرفتم

لکّه ننگ و سیاهی شُستم و نسل بشر را از تباهی وا رهاندم، زندگی از سر گرفتم

راه جمعی رهزن دنیا و دین و عقل و ایمان با تنی معدود از مردان جنگاور گرفتم

در جهاد اکبر آوردم جوان و پیر و هر کودک ترک ظاهر از برادر و اصغر و اکبر گرفتم

انقلاب افکندم اندر خلق عالم تا ز عشقت بینوا را زیر خون چون قُلزُم احمر گرفتم

نخل آزادی به خون خویش کردم آبیاری جای در قلب همه عالم به بحر و بر گرفتم

شور در سر باید و شوقی به دل، ملک سخن را گر گرفتم ای «شکوها» با همین لشگر گرفتم(۱)

میر زین العابدین کرمانی*

میر زین العابدین بن میر محمّد حسین کرمانی، از علمای قرن یازدهم هجری. او در روستای «رامشه» (رامشن) جرقویه ساکن بوده و تحصیلات دینی خود را در نجف انجام داده است.

سرانجام در سال ۱۰۳۸ق در رامشه وفات یافته و در امامزاده آنجا مدفون شده است. ماده تاریخ وفاتش این مصرع است:

«بزودی رفت پیش جدّ و آباء»(۲)

زین العابدین اصفهانی*

زین العابدین بن رجب اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از «اصول کافی» تألیف: شیخ کلینی را در ۲۸ محرم ۱۰۸۷ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه امام جمعه زنجان موجود است.(۳)

زین العابدین اصفهانی*

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا».

۲- گرکویه، (ویرایش دوم)، ص ۲۱۱.

۳- دلیل المخطوطات، ج ۱، ص ۱۲۴.

زین العابدین بن محمّد رفیع اصفهانی، از کاتبان قرن دوازدهم هجری است. در یزد ساکن بود و در نوشتن خط نسخ مهارت داشت. او مجموعه ای شامل «حاشیه مدارک الاحکام» تألیف: میرزا ابراهیم خلیفه سلطانی و «مقدّمه الواجب» تألیف: محمّد باقر سبزواری را به خواست شیخ عبدالنّبی شیرازی در یزد، در نیمه ربیع الثّانی ۱۱۷۵ق کتابت نموده است. این مجموعه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

ملّا زین العابدین خوانساری

ملّا زین العابدین بن سعید خوانساری، از علمای اخیار و فضلای ابرار بوده، در ذیقعده سال ۱۲۸۸ق وفات یافته جنب فاضلان در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۲)

زین العابدین طالخانچه ای

زین العابدین بن محمّد صادق طالخانچه ای اصفهانی [از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری و از اهالی روستای «طالخونچه» سمیرم] در عصر پنج شنبه ۱۹ جمادی الثّانی ۱۲۳۱ق کتابت «منیه اللّبیب» تألیف: عمیدالدّین عبدالمطلب حسینی را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۷۴۰۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

میر سیّد زین العابدین خاتون آبادی

میر سیّد زین العابدین بن میر محمّد صالح بن میر عبدالواسع خاتون آبادی، عالم فاضل [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] و از علماء سلسله خاتون آبادی، در اصفهان به تحصیل

۱- فهرست مرعشی، ج۱۶، ص۳۳۷.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص۸۸.

پرداخته و به افتخار مصاهرت علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی نائل آمده است.

سال وفاتش به دست نیامد.(۱)

زین العابدین رشتی

زین العابدین بن طیّب بن سیّد قاسم رشتی [از ادباء و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری] در روز چهارشنبه جمادی الثانیه ۱۲۵۵ق از کتابت «مثنوی معنوی» به خط نستعلیق در اصفهان فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۴۱۰۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

میرزا زین العابدین نعمت اللهی

میرزا زین العابدین نعمت اللهی ملقب به «نعمت علی» فرزند آقا میرزا عباس بن میر محمّد هادی پاقلعه ای بن حاج میرزا محمّد حسینی خاتون آبادی اصفهانی، عارف سالک [از مشایخ صوفیه نعمت اللهی اصفهان در عصر حاضر] در اصفهان متولّد شده و پس از طی مراحل سیر و سلوک شیخِ فقرای نعمت اللهی اصفهان شد و سرانجام در روز شنبه ۴ جمادی الثّانی ۱۴۰۱ق وفات یافته و در تکیه آقاباشی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)

[استاد منوچهر قدسی ضمن قطعه ای در مرثیه او مادّه تاریخ وفاتش را چنین یافته است:

از پی سال وفاتش خامه «قدسی» نوشت: «شاد بادا جان زین العابدین در وصل دوست»(۴)]

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۵۱.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۳، ص۳۰۸۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳؛ گلستان جاوید، ص۱۱۲.

۴- دولت دیدار، ص۵۱.

ملّا زین العابدین خاتون آبادی

مولی زین العابدین بن عبدالحسین خاتون آبادی [از فضلاء و دانایان علم قرائت و تجوید] مؤلّف «تجوید القرآن» به فارسی در تجوید، برحسب قرائت عاصم، نسخه آن در کتابخانه آقا سیّد شهاب الدّین مرعشی در قم موجود است و در آنجا گوید شاید عبدالحسین بن زین العابدین باشد.(۱)

میرزا زین العابدین منشی اصفهانی

میرزا زین العابدین نصیری طوسی اصفهانی متخلّص به «منشی» فرزند میرزا عبدالحسین منشی الممالک. از ادباء و فضلای قرن یازدهم هجری.

در اصفهان متولّد شده و تحصیل کرده و پس از فوت پدر منصب منشی الممالک را در زمان سلطنت شاه عباس ثانی برعهده گرفت. سال فوت او معلوم نیست امّا تا حدود سال ۱۰۶۵ق زنده بوده است. گاهی شعر می سرود.

از اوست:

گه چرخ مرا ز عیش مستی افزود گاهی ز خمار تنگدستی افزود

روشن دل را سپهر چون فوّاره چندان که بلند می کرد پستی افزود(۲)

ملّا زین العابدین مجلسی

ملّا زین العابدین بن ملّا عبداللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل، محدّث فقیه و زاهد عابد [از علمای اصفهان در قرن یازدهم هجری].

۱- الذریعه، ج۳، ص۳۶۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۰۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۶۱؛ دستور شهریاران: مقدمه، ص۴۸.

در اصـفهان نزد جمعی از فحول علماء خصوصا عمّ بزرگوار علّامه ملّا محمّد باقر مجلسـی تلمّذ کرده است. او کتاب «استبصار» را نزد علّامه خوانده و علّامه مجلسی در آخر نسخه انهائی برای او نوشته و از او با این القاب یاد کرده است:

«المولی الفاضل الصّالح المتوقّد الذّکی قره عینی مولانا زین العابدین»

این نسخه (کتاب «استبصار») به شماره ۴۴۸۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است.

[سـال وفـاتش به دست نیامـد. امّا تا سال ۱۰۹۷ق در قیـد حیات بوده است.] مـدفن او خارج بقعه علّامه مجلسـی، جنب مسـجد جامع اصفهان است.(۱)

زین العابدین موسوی اصفهانی*

زین العابدین بن عبدالمطلب موسوی اصفهانی از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری. وی به «سیّد میرزا» معروف بوده و در سال ۱۲۲۵ق کتاب «مصابیـح القلوب» تألیف میر محمّد حسـین خاتون آبادی به خط نسخ کتابت نموده که به شـماره ۹۸۲۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میر زین العابدین میر محمّد صادقی

میر زین العابـدین میر محمّـد صادقی بن میر سـیّد علی بن میر محمّد باقر حسـینی اصـفهانی، عالم فاضل متقی [از علماء و فقهاء اصفهان در قرن سیزدهم هجری].

وی برادر علّـامه میر سـیّد حسن مـدرس بوده و به اتّفـاق او به نجف اشـرف رفته و در خـدمت اساتیـد آنجـا تحصـیل نموده، به اصفهان مراجعت کرد و به دستور برادر بزرگوار

۱- زندگینامه علّامه مجلسـی، ج۲، صص ۳۵ و ۳۳۳؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۸؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ اجازات الحدیث، ص۴۷؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۲۶ و ۲۷؛ الکواکب المنتشره، ص۳۰۳؛ فهرست مجلس، ج۱۲، ص۳۸۲؛ فیض قدسـی، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ علّامه مجلسـی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۴۰ و ۵۴۴.

۲- فهرست الفبایی رضوی، صص ۵۲۲ و ۷۵۱.

خود و خواهش مردم، به بلوک کرون رفته و به نشر احکام و تبلیغ و ترویج پرداخته، در حدود سال ۱۳۰۰ق در آنجا وفات یافته و مدفون گردید.(۱)

زین العابدین ریزی لنجانی*

زین العابدین بن علی ریزی لنجانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «زاد المعاد» را در رجب ۱۲۶۰ به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۵۷ در کتابخانه مدرسه صدر خواجو در اصفهان موجود است.(۲)

آقا میرزا زین العابدین شهشهانی

آقا میرزا زین العابدین شهشهانی بن میرزا محمّد علی بن میرزا مرتضی به میرزا عبدالمطلب بن حاج محمّد رحیم شیخ الاسلام بن شیخ محمّد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقق سبزواری، عالم فاضل ادیب از دانایان علوم قرآنی و تجوید [در اواخر دوره قاجاریه].

در حدود سال ۱۲۴۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی کثیر از فحول دانشمندان همچون: میرزا عبدالعلی هرندی، میرزا محمّد مهدی نایب الصّدر، میرزا محمّد علی حسینی، میرزا محمّد اسماعیل طباطبائی زوّاره ای در علام تجوید و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی و دیگران تحصیل نموده و نزد مرحوم بیدآبادی معزّر و محترم و مقبول القول بوده است. وی به تدریس قرائت و تجوید می پرداخته و در مسجد صفا در محلّه شهشهان اقامه جماعت می نموده است.

سرانجام در سال ۱۳۱۸ق وفات یافته و در مقبره سه تنان جنب مسجد آقانور اصفهان مدفون شد.(۳)

۱- ارشاد المسلمین، (خطی)، ص۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۹.

۲- فهرست صدر خواجو، ص ۵۰.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۶ و ۴۳۷؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۶۱ و ۲۶۲؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ مزارات اصفهان، صص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۲۲۶.

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «اعتصام المرید فی توضیح معضلات کلام اللّه المجید»، که در ۳ ذیحجه ۱۲۸۵ق تألیف شده و در کتابخانه توفیق وهبی در بغداد موجود بوده است.(۱)] ۲. «اعراب ستّ سور و تفسیرآن» شامل سوره های بنی اسرائیل، یس، الرّحمن، آیه نور، جمعه، مُلک، دهر و خاتمه در فضیلت قرآن می باشد. تاریخ ختم تألیف ۱۲۶۵ق است. نسخه در کتابخانه علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲) ۳. «تذکره القرّاء» به عربی، در یک مقدّمه و ۱۴ باب که تألیف آن در سال ۱۲۶۷ق به پایان رسیده است و به شماره ۱۵۴۰ در کتابخانه مرعشی موجود است.(۳) ۴. «ثمره الفؤاد فی حظّ الاحبّه و الاولاد»، در فقه، به عربی در قواعد ارث به صورت مشجّر در یک مقدمه و پنج باب و خاتمه می باشد.(۴) ۵. «درّه الدّارین فی رضاع النّجدین» در فقه، به عربی، در قواعد رضاع، در چند فصل و خاتمه به صورت مشجّر می باشد. تاریخ ختم تألیف سال ۱۳۱۲ق است.(۵) ۶. «شجره التّجوید» ترجمه «شجره طیبه» به فارسی، مطبوع ۷. «غنیمه القبور فی عمل الشّهور» در ۱۲ باب، به فارسی که نسخه ای از آن به شماره ۲۴۴۰ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم و نسخه دیگر به شماره ۲۷۷۱ در همان کتابخانه موجود است.(۶)] ۸. «الفوائد التّجویدیه فی بیان القراءه القرآنیه»۹. «قواعد در طرز ادای آیات قرآن»(۷) ۱۰. «کنوز الاعلام و رموز الاحکام» در فقه، به فارسی که در ۱۴ رمضان المبارک ۱۳۱۳ق از تألیف آن فراغت یافته است.(۸) ۱۱. «کنوز الطّاعات فی رموز الواجبات»، فقه به فارسی ۱۲. «لمحه الالبان فی رضاع الصبیان» در

۱- نسخه های خطی، ج۵، ص۴۰۹.

۲- فهرست کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص ۴۲-۴۹.

۳- فهرست مرعشی، ج۴، ص ۳۴۰.

۴- فهرست مرعشی، ج۷، ص۵.

۵- فهرست مرعشی، ج۷، ص۵.

۶- فهرست مرکز احیاء، ج۶، ص۴۱۸ و ج۷، ص۲۴۷.

۷- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱، ص ۱۴۰.

۸- فهرست مرعشی، ج۷، ص۳۲۳.

فقه فارسی که نسخه ای از آن به شماره ۱۶۲۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱) ۱(۲) «شجره الطیبه» به فارسی در تجوید [که در محرم ۱۲۸۳ق آنرا نوشته و کاتبی گمنام به خط زیبای نسخ در ۱۸ رمضان ۱۳۰۹ق کتابت نموده و به شماره ۷۹۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است. نسخه ای دیگر نیز که ظاهرا نسخه اصل وبه خط مؤلف است به شماره ۲/۸۹۲۰ در همان کتابخانه وجود دارد.(۳)] ۱(۴) «التشجیرات» [به عربی که در جمعه ۲۷ جمادی الاوّل ۱۲۶۷ق تألیف آن را آغاز کرده و در ۱۲ باب و یک خاتمه در جمادی الآخر آن سال به پایان رسانده است. دو نسخه از این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. نسخه ای به شماره ۲/۱۵۴۰ که در ربیع الاوّل ۱۲۵۸ق کتابت شده و نسخه شماره ۱/۸۹۲۰ که از برگ اوّل تا باب هفتم افتادگی دارد و در محرم ۱۲۸۳ق کتابت شده است.(۵)]

زین العابدین تبریزی

زین العابدین بن محمّد علی تبریزی، از فضلاء قرن سیزدهم است. در اصفهان ساکن بوده و احتمالاً کتاب «زینه الصالحین» (در آداب دعا و شرایط آن و اذکار و فضیلت آن و اسرار طهارات و غیره) از تألیفات اوست. تاریخ نسخه ۱۲۶۳ق است ولی معلوم نیست که سال تألیف است و یا کتابت نسخه. زین العابدین تبریزی این نسخه را تصحیح نموده و مطالبی را بر آن افزوده است.(۶)

زین العابدین رمّال اصفهانی*

زین العابدی رمّال فرزند محمّد قاسم اصفهانی، از مردان قرن دهم هجری است در

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۵۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۴۱ و ۳۴۲ و ج۲۳، ص۹۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۳، ص۹۶ و ج۲۰، ص۳۰۲.

۴- الذریعه، ج۱۲، ص۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۸.

۵- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۴۱ و ۳۴۲ و ج۲۳، ص۹۶.

۶- الذریعه، ج۱۲، ص۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۸.

عمـل به رمـل و اسـطرلاب استاد بوده و تألیفـاتی در این موضوعـات دارد. ظـاهرا اوایل قرن یازدهم هجری را هم درک کرده است. این کتابها از اوست:

۱. «ثمره الارواح» به فارسـی، در رمـل، در دو مقـدمه، چهـار بـاب و یـک خـاتمه. نسـخه هـایی از این کتاب در کتابخانه های مجلس شورا، مجلس سـنای سابق، ملّی و آیت اللّه مرعشـی موجود است.(۱) ۲. «زین الرمّل»(۲) ۳. «کنز الاحباب»، در رمل، به فارسـی، که در سال ۹۹۳ق در دو مقـدمه و دو مقـاله (و هر مقـاله شامل هشت باب) تألیف شـده است و نسـخه هایی از آن در کتابخانه های مجلس شورا، آستان قدس رضوی، ملّی، دائره المعارف بزرگ اسلامی و آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

زین العابدین قهفرخی

زین العابـدین بن قربانعلی قهفرخی [از فضـلاء قرن سـیزدهم هجری و از اهالی «قهفرخ» از توابع چهارمحال] کتابهای «کبری» و «بهجه الطالبین» را در شـنبه ۱۷ رجب ۱۲۷۳ق به خط نسـخ به پایان رسانیده است. این دو نسـخه به شـماره ۷۲۹۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

سیّد زین العابدین مختاری نایینی

سیّد زین العابدین مختاری نایینی بن سـیّد محمّد بن سیّد روح الامین حسـینی مختاری عبیدلی سبزواری، عالم فاضل، از علماء قرن دوازدهم هجری، ساکن اصفهان.

وی تا سال ۱۱۲۲ق زنده بوده و در این سال تملک خود را بر کتاب «لوامع النّجوم»

۱- فهرسـت مجلس، ج۳۶، ص۱۷۳؛ فهرست سـناج، ج۲، ص۷۵؛ فهرسـت ملی، ج۱، ص۳۲۱؛ فهرست مرعشـی، ج۲۱، صص ۳۳۲-۳۳۴ و ج۲۲، ص۲۵۳.

۲- فهرست مجلس، ج۲۱، ص۱۶۳.

۳- فهرسـت مجلس، ج۲۱، صص ۱۶۳-۱۶۵ و ج۳۶، صص ۹۴ و ۲۰۲؛ فهرست الفبـایی رضوی، ص۴۷۱؛ فهرست ملّی، ج۵، ص۵۷۹؛ فهرست دائره المعارف، ج۱، ص۳۲۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۲۱۸.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۸۹.

نگاشته است.(۱)

زین العابدین رارانی اصفهانی

زین العابدین بن حاج محمّد رارانی اصفهانی [از کاتبان فاضل قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و خط نسخ را خوش می نوشته است. اصل او از قریه «راران» جِی اصفهان است که اکنون به شهر پیوسته و در شمار محلّه های اصفهان محسوب است.(۲)] ظاهرا او از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است.(۳)

[این کتاب ها به خط او در کتابخانه ها موجود است]:

۱.. «لوامع صاحبقرانی» تألیف: ملّا محمّد تقی مجلسی، تاریخ کتابت ۲۳ ربیع الثّانی ۱۰۶۶ق موجود به شماره ۲۹۸۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران.(۴) ۲. «من لا یحضره الفقیه» تألیف: شیخ صدوق، تاریخ کتابت: یکشنبه ۲۲ جمادی الثّانیه ۱۰۷۷ق، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران.(۵) علّامه مجلسی گواهی کرده که این نسخه از روی نسخه درستی که من نزد پدرم خواندم نوشته شده است. [۳. «الامالی» تألیف: شیخ صدوق، تاریخ کتابت: شب شنبه ۲۴ شعبان ۱۰۶۳ق، موجود در کتابخانه علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان(۶)]

میرزا زین العابدین شهرستانی

میرزا زین العابدین بن رفیع الدّین محمّد صدر شهرستانی، شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری] او نوه دختری شاه عباس اوّل بوده و در کودکی به دستور شاه صفی کور شد. با این حال به تحصیل علم و ادب پرداخته و شعر نیز می سرود و در اصفهان

۱- الذریعه، ج۱۸، ص۳۷۱؛ الکواکب المنتشره، ص۲۹۹.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۶؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۴۷.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۲، ص۲۹۸۶.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص۲۳.

۶- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۵۸.

روزگار می گذراند.

از اوست:

الهی نوگل ما را بهار بی خزان باشد تبسّم در لبش چون می به ساغر کامران باشد(۱)

میرزا زین العابدین طباطبائی خوراسکانی*

میرزا زین العابدین بن سیّد محمّد طباطبائی خوراسکانی، عالم فاضل، در قرن سیزدهم هجری می زیسته و پس از وفات در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. وی نسخه ای از «شرح لمعه» را کتابت نموده که نزد احفاد او موجود بوده است.(۲)

زین العابدین انصاری

زین العابدین بن نجم الدّین انصاری [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. وی مؤلف کتابی است در «ارث» به فارسی و آن شرح کتاب «ارث» شرایع است. تاریخ فراغت از تألیف: شنبه ۲۳ ذیحجه ۱۱۲۴ق [بوده و] در آنجا از علّامه مجلسی با عبارت: «خاتم المجتهدین استادنا و مولانا محمّد باقر المجلسی» تعبیر می کند. نسخه آن به نظر علّامه [شیخ آقابزرگ] طهرانی رسیده است.(۳)

میرزا زین العابدین بیخود اصفهانی

میرزا زین العابدین اصفهانی متخلّص به «بیخود»، شاعر ادیب [از شعرای قرن

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۷؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۷۱؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۰۴؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۲- خورشید جی، ص۲۹۹.

۳- الذریعه، ج۳، ص۴۰۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۶؛ الکواکب المنتشره، ص۲۹۹.

سیزدهم هجری] از نجباء و بزرگ زادگان اصفهان بوده و در آنجا مُحصِّص بوده است. در شعر طبعی روان داشته است.

از اوست:

خوشا کز مرگ من سازند آگاه آن جفاجو را به این تقریب گردانند خرّم خاطر او را(۱)

سیّد زین العابدین خاتون آبادی*

سیّد زین العابدین خاتون آبادی، عالم فاضل جلیل از علمای قرن چهاردهم در اصفهان. متوفی ۲۸ ذی الحجّه سال ۱۳۷۸ق. مدفون در قبرستان شمال تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد.(۲)

زین العابدین خادم اصفهانی

زین العابدین خادم شریف اصفهانی [از نیکوکاران قرن دوازدهم هجری] در ماه رجب ۱۱۱۶ق تعدادی کتاب قرآن را وقف بر آستانه رضویّه نموده است.(۳)

زین العابدین خاموش اصفهانی

میرزا زین العابدین اصفهانی متخلّص به «خاموش» شاعر ادیب [از سخنوران قرن چهاردهم هجری].

در سال ۱۲۸۵ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخته و از اعضاء قدیمی انجمن شیدا و جزو مؤسّسین اولیّه آن بوده است. غزل به سبک قدما، را خوب

۱- تذکره اختر، ص۴۱؛ تذکره خاقان، ص۴۸۲؛ تذکره سفینه المحمود، ص۱۷۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۸۲؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۸۵ و ۲۸۶؛ تذکره شبستان، ص۷۷.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۳- گنج هزار ساله، ص۹۴.

می گفت. او در ۲۰ ذیحجه ۱۳۵۲ق وفات یافت.

از اوست:

به امیدی دم تیرش دل ما گشت سپر که سرکشته ما پای نهد قاتل ما

تیر نازی نزدی از مژه بر سینه او هرچه برزد به سر کوی تو مرغ دل ما(۱)

زین العابدین خطاط اصفهانی

زین العابدین اصفهانی، [از خطاطان هنرمند قرن سیزدهم هجری] خط نسخ را خوش می نوشته و به خوشنویسی معروف بوده است. فرزندش شیخ عبدالجلیل و نوه اش میرزا علیخان اعلم الممالك از اطبّاء معروف ساکن طهران بوده اند.(۲)

زین العابدین در سال ۱۲۷۰ق کتاب «الفیه الفنون» را به خط زیبای خود کتابت کرده و چاپ سنگی شده است.(۳)

آقا زین العابدین دلال اصفهانی*

آقا زین العابدین اصفهانی متخلّص به «دلّال» فرزند آقا میرزا از شعرای قرن سیزدهم هجری.

در سال ۱۲۳۳ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخته است. در سرودن شعر طبع متوسّطی داشته و دیوان اشعاری به نام «گنج المحب» دارد که در سال ۱۳۰۶ق آن را تحریر کرده و حدود پانزده هزار بیت است. این کتاب به شماره ۳۳۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم وجود دارد.(۴)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۷۳؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۷۰۵ و ۲۷۰۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۱؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۶۲۸ و ۲۶۲۹؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، ص۲۶۱.

۳- الکرام البرره، ج۲، ص۷۰۱.

۴- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۳۸۹؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۲۲؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۹۴.

زین العابدین ریزی لنجانی

زین العابدین ریزی لنجانی اصفهانی [از کاتبان] در قرن یازدهم می زیسته و در دوشنبه ۲۶ ربیع الاوّل ۱۰۶۱ق از کتابت نسخه ای از «مدارك الاحكام» فراغت حاصل نموده است و نسخه ای از آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

زین العابدین ساوجبلاغی

زین العابدین ساوجبلاغی اصفهانی [خطاط نسخ نویس قرن یازدهم هجری ساکن اصفهان] در ۷ ربیع الثّانی سال ۱۰۹۹ق از نوشتن «صحیفه سجادیه» فراغت حاصل نموده است. تعلیقات کتاب اکثرا از علّامه مجلسی است.(۲)

سیّد زین العابدین طباطبائی ابرقوئی

سیّد زین العابدین طباطبائی ابرقوئی، عالم زاهد، فاضل متّقی و محدّث خبیر، ادیب شاعر [در ابرقو متولد شد و پس از فوت پدر و مادر جهت تحصیل به اصفهان آمده و در مدارس عربان، جدّه و صدر به تحصیل پرداخت] و نزد بسیاری از بزرگان اهل علم و عرفان از جمله آخوند ملّا محمّد کاشانی، جهانگیرخان قشقائی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا شیخ محمد رضا نجفی، حاج میرزا عبدالحسین نجفی، حاج [میرزا محمّد صادق خاتون آبادی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و حاج آقا رحیم ارباب] کسب فیض نمود و از برخی از آنان مفتخر به اخذ اجازه روایت و اجتهاد گردید. او سالها خدمت عارف مشهور حاج محمّد جواد بیدآبادی معروف به سرجوئی شرفیاب شده و دست ارادت به او داده و از انفاس قدسی آن پیر روشن ضمیر بهره مند شده و به مقام انسانیّت رسید.

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۹۸.

۲- تراجم الرجال، (چ۱۴۲۲ق)، ج۱، ص۳۷۸.

او مردی خلیق و مهربان بود و از جمله کسانی بود که عملاً درس دین و اخلاق به مردم می آموخت و مستحبّی از مستحبّات را ترک نمی کرد و مکروهات را عملاً- جزو محرمات دانست قول و فعلش مطابق اوامر خداوند و همیشه به ذکر حضرت حقّ مشغول بود. الحق فرشته ای بود در لباس آدمی.

او در ۸ صفر سال ۱۳۷۲ق در منزل مسکونی خود جنب امامزاده باقر در محلّه خواجو وفات یافته و در تخت فولاد [در جنوب غربی تکیه ملک و مجاور تکیه شهداء] اصفهان مدفون گردید.

کتب و رسایل عدیده ای نوشته بود که از آن جمله است:

۱. «تریاق اعظم» ۲. «رساله در تقوی»۳. «رساله در ولایت»۴. «مجموعه اشعار» که همگی در کتابی به عنوان «ولایه المتقین» [با مقدمه مرحوم حاج سیّد اسماعیل هاشمی، به اهتمام فرزند برومند صاحب عنوان آقای سیّد صادق طباطبائی به طبع رسیده است.

مرحوم ابرقوئی بنا به اقتضای حال گاهی شعر می سروده و در آنها «عابد» یا «عابدین» تخلّص می نموده است.]

این شعر از اوست:

جز صبر از هجوم بلا نیست چاره ای غیر از رضا به سرّ قضا نیست چاره ای

خواهی اگر نجات ز امواج حادثات جز التجا به آن عبا نیست چاره ای(۱)

زین العابدین طبیب اصفهانی

زین العابدین طبیب اصفهانی، از اطبّاء و شعراء اصفهان در قرن سیزدهم هجری. در

۱- ولایه المتقین، مقدمه؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص ۸۰ و ۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۸ و ۶۵۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۳.

اصـفهان به طبابت مشـغول بوده و احمد بیگ اختر از دوسـتان صـمیمی اوست که او را در حُسن اخلاق بی نظیر دانسته و او را مردی وارسته و در کمال استغنا وصف می کند. غزل را نیکو می سروده و «طبیب» تخلّص می کرده است.

از اوست:

می توان یافت ز سوز سخنم کآتش عشق بتان سوخت تنم(۱)

میرزا زین العابدین طبیب اصفهانی*

میرزا زین العابدین طبیب اصفهانی، از اطبّاء حاذق قرن سیزدهم هجری است. در کرمانشاه ساکن بود.

آقا احمد کرمانشاهی در کتاب «مرآه الاحوال» در ذکر مشاهیر کرمانشاه می نویسد:

«عالی جناب مقدس القاب سلاله الاطباب جالینوس الزّمان میرزا زین العابدین طبیب اصفهانی. وی در لوای برتری از اکثر اطبّاء بلندمرتبه برافراشته است و صبیه مرضیه اش در حباله نور چشمی آقا محمّد اسماعیل است».(۲)

زین العابدین نشاط اصفهانی

میرزا زین العابدین اصفهانی متخلّص به «نشاط» [از شعرای قرن دوازدهم هجری].

[در اصـفهان سـاکن بوده و لطفعلی بیـگ آذر بیگـدلی او را ملاقـات کرده و می نویسـد علاوه بر طبع شـعر، خط را خوش می نوشته است] «نشاط» در سال ۱۱۷۲ق در شیراز وفات یافت. از اوست:

همعنان با غیر و از ما گرم استغنا گذشت نگذرد پیش خدا این ظلم اگر بر ما گذشت(۳)

۱- تـذکره اختر، ج۱، صص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ تذکره مجمع الفصـحاء، ج۵، ص۷۲۱؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۹؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۲، ص۱۱۰۵؛ تذکره انجمن خاقان، ص۵۶۴.

۲- مرآه الاحوال، ج۱، ص۱۸۶.

۳- تذکره آتشکده، (نیمه دوم)، ص۶۵۷؛ لغت نامه دهخـدا: ذیل «نشاط»، صـص ۴۹۷ و ۴۹۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۶.

زین العابدین نقاش اصفهانی*

زین العابدین نقاش اصفهانی، از هنرمندان خوش قریحه عصر قاجاریه است. معاصر ناصرالّدین شاه بوده و در نقاشی و تزیین جلد کتابها و قلمدان ها مهارت وافی داشته است. او قاب آینه های زیبایی با شکل گل و مرغ و گل زنبق پدیده آورده است.(۱)

از نمونه آثار هنرمندانه او: نقاشی و تزیین جلد «صحیفه سجادیّه» و تذهیب و تزیین و نقاشی های زیبا در صفحات داخلی آن است، که آن را در سال ۱۲۵۹ق به پایان رسانیده است.(۲)

اعلام اصفهان

۱- هنر قلمدان، ص۱۵۶.

۲- فهرست کتابخانه سلطنتی (سابق)، ص۷۱۶.

ص: ۲۷۰

«ژ»

اشاره

ژولیده اصفهانی

ژولیده اصفهانی، از شعرای قرن سیزدهم هجری. در شیراز به تحصیل دروس مقدماتی مشغول بوده و از راه تعلیم اطفال اعیان آنجا امرار معاش می نمود. از اوست:

در عالم اگر آب حیات و ظلمات است زلفت ظلمات است و لبت آب حیات است(۱)

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۷۱۴.

«س»

اشاره

سابق اصفهانی

سابق اصفهانی، از شعرای قرن سیزدهم هجری است. با آنکه بی سواد بود، شعر را نیکو می سرود و از قریحه ای خدادادی برخوردار بود. او در سرای ناصری شیراز به شغل خیاطی مشغول بود. وفات او بعد از سال ۱۲۴۰ق اتفاق افتاد و او در قبرستان درب سلم شیراز دفن کردند.

از اوست:

چشم داری بگشا طلعت جانانه ببین پرتوی از مه رویش به همه خانه ببین

تاب آن زلف بود باعث بی تابی دل مستی ما همه زان نرگس مستانه ببین

نسخه عاشقی و دفتر جانبازی را شمع روشن کن و اندر پر پروانه ببین(۱)

ساسان سپنتا*

دکتر ساسان سپنتا فرزند عبدالحسین، پژوهشگر، موسیقی شناس و استاد دانشگاه در سال ۱۳۱۳ش در اصفهان متولّد شد. او پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به دانشگاه رفته و پس از اخذ لیسانس زبان و ادبیات فارسی و فوق لیسانس زبان شناسی، در مقطع دکترا در رشته زبان شناسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داده و با ارائه تز «بررسی فونوتیکی خصوصیات واج های زبان فارسی» موفق به اخذ درجه دکترا شد. او ضمن تحصیل، در رشته های موسیقی و الکترونیک نیز به مطالعه و تحصیل پرداخته و به استخدام اداره فنی بی سیم وزارت راه درآمد و با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا رفته و تخصص فنّی را کسب نمود و در اداره راه تا سرپرست فنی شبکه بی سیم ارتقاء یافت.

او از نوجوانی به فراگیری ویولن پرداخت و ضمن حضور در کلاس های شبانه هنرستان عالی موسیقی ملّی نزد استاد ابوالحسن صبا به فراگیری دوره های ویولن

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۷۱۶.

پرداخت. پس از فوت استـاد، تعلیم ویولن را نزد استاد محمود تاجبخش ادامه داد و در کنار آن از محضر استاد علینقی وزیری، استاد روح اللّه خالقی و دکتر مهدی برکشلی بهره مند گشت.

یکی از خدمات دکتر سپنتا این بود که آثار استادان موسیقی عصر ناصرالدّین شاه را از استوانه های مومی «فنوگراف» که برای مدّتی بیش از ۶۰ سال متروک مانـده بود در سال ۱۳۳۸ش با استـفاده از معلومات فنّی و تخصّصی خود بازیافت صوتی کرد و آن آثـار را که اثر پنجه و نوازنـدگی استـادانی چون میرزا محمّـد صـادق خان سـرورالملک، میرزا حبیب سـماع حضور، میرزا عبداللّه، آقا حسـینقلی و دیگران بود و بخشـی از ردیف آنان را با اجرای خود آنان در بر داشت بر نوار مغناطیسی منتقل کرد و با توضیحات لازم و تحلیل مکتب و سبک آنان در برنامه های متعدّد رادیویی و تلویزیونی برای علاقمندان عرضه کرد.

از سال ۱۳۳۶ش تاکنون مقالات بسـیاری در مورد موسیقی زبان شناسی و ادبیات در نشریه های تخصّصی مانند: مجله موزیک ایران، مجله موسیقی و سایر نشریات چون: وحید، آینده، زبان شناسی، ادبستان و ماهور و نشریات دانشگاهی داخلی و خارجی و مجموعه مقالات کنگره های تحقیقات ایرانی ازا و به چاپ رسیده است.

او سالهـا در دانشـگاه هـا و مراکز آمـوزش عـالی ایران و خـارج همچون دانشـگاه تهران، دانشـگاه اصـفهان، دانشـگاه دورهـام انگلستان به تدریس اشتغال داشته است.

این کتابها از اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «تاریخ تحوّل ضبط موسیقی در ایران» ۲. «چشم انداز موسیقی ایران»(۱)

سائب ثقفی

۱- چهره افروختگان خطه زنده رود، صص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص ۲۶۷ و ۲۶۸.

سائب بن اقرع ثقفی، از صحابه. گویند رسول اکرم صلی الله علیه و آله سر او را مَسح کرد (دست بر سر او کشید) از عمر بن خطاب مأمور تقسیم غنایم در جنگ نهاوند شد. او جانشین «عبداللّه بن بُدیل» شده و حکومت اصفهان را یافت. گفته شده است که در اصفهان فوت شد.(۱)

سالم اصفهانی

سالم اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان است. از «طاوس» روایت می کند. «حازم بن جبله بن ابی نَضره» از او نقل حدیث نموده است.(۲)

سایر مشهدی

سایر مشهدی معروف به «سایرا» از شعراء و خوشنویسان قرن یازدهم هجری. از مشهد به اصفهان آمد و در این شهر ساکن شد. در تکیه حیدر واقع در چهارباغ اصفهان ساکن بود و با درویشی و قناعت روزگار می گذراند. او خط نستعلیق را خوش می نوشت و از راه کتابت امرار معاش می کرد. در شعر و ادب نیز دستی توانا داشت. «دیوان سایرا مشهدی» نزد استاد حسن وحید دستگردی موجود بوده است.

سال وفاتش معلوم نیست اما مسلما تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) زنده بوده است.

از اوست:

هر نفس دل در شکنج غم سرودی می کند های های گریه ام آهنگ رودی می کند

من نمی دانم که دل می سوزد از غم یا جگر آتش افتاده است در جایی و دودی می کند(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۷۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۳۳۸.

۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص۴۸۹؛ کاروان هند، ج ۱، ص۵۳۲؛ قصص الخاقانی، ج ۲، ص۸۳؛ کلمات الشعراء، ص۴۶؛ تذکره آتشکده: بخش دوم، ص۴۶۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۱۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص۲۲۹؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۱۶۱.

سبزعلی بابا احمدی

سبزعلی بابا احمدی بختیاری [خوشنویس ادیب در قرن یازدهم هجری]. در غرّه ذیحجه ۱۰۸۶ق کتابت «تذکره الشعراء نصرآبادی» را به خط نستعلیق به پایان رسانیده و به نظر مؤلف آن: میرزا محمّد طاهر نصرآبادی رسانیده و یادداشتی در محرم ۱۰۹۸ق بر آن نوشته و گواهی کرده که نسخه متنا و حاشیتا به نظرش رسیده است. نسخه به شماره ۳۰۱۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

سحاب سامانی

سحاب عمّانی سامانی متخلّص به «سحاب» فرزند عبداللّه محیط سامانی چهارمحالی، از شعرای معاصر است. در سال ۱۳۰۱ق در «سامان» چهارمحال متولّد شده و پس از مدّتی تحصیل، در ۱۶ سالگی برای کار به اصفهان آمد.

از اوست:

مرغ حق برخیز و خلق خفته را بیدار کن ملّت ما را باخبر زین وضع ناهنجار کن(۲)

سَحبَل اَسلَمی

سَحبَل بن محمّد بن ابی یحیی اسلمی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن دوم هجری است. وی از پدرش روایت می کند.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش یکم، ص۴۶۴.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۳.

آخوند ملّا محمّد سدید تنکابنی*

آخوند ملّا محمّد سدید بن ملّا احمد جیلی (گیلانی) تنکابنی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل علم مشغول بوده است. وی از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. علّامه در پایان کتاب «تهذیب الاحکام» قبل از «مشیخه» اَنهائی در ۴ جمادی الثّانی ۱۰۷۵ق نوشته است. این کتاب به شماره ۲۴۷۱ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)

فرزندش محمّد رحیم نیز از فضلاء اهل علم در اصفهان است.

سراج مافَرُّوخی

سراج ازهری مافرّوخی اصفهانی، شاعر ادیب. به فارسی شعر گفته.(۲) [و ظاهرا در قرن سوم هجری می زیسته و از خاندان مشهور به علم و ادب بوده است.]

شیخ سراج الدّین هدایت*

حاج شیخ سراج الدّین هدایت فرزند حاج میرزا علی بن میرزا محمّد مجتهد قمشه ای، عالم فاضل. در سال ۱۲۸۴ق در شهرضا (قمشه) متولّد شده و نزد شیخ محمّد رضا مهدوی در شهرضا و حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، میرزا احمد مدرس اصفهانی (ساکن محله نیم آورد)، شیخ محمود مفید و شیخ علی مدرس یزدی در اصفهان تحصیل کرده و از حضرات آیات آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و آخوند ملّا حسین فشارکی اجازه اجتهاد دریافت نمود. او علاوه بر انجام وظایف دینی، به زراعت نیز می پرداخته و در راه کمک به نیازمندان و امور خیریه و آزادی در بندان اهتمام فراوان داشته است.(۳)

۱- فهرست مرکز احیاء، ج۶، صص ۴۴۴ و ۴۴۵.

۲- ترجمه محاسن اصفهان، ص۱۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲.

۳- مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص۲۲۳.

سرانجام او در آذر ۱۳۷۳ش وفات یافته و در صحن امامزاده شهرضا مدفون شد.

سراج الدّین اصفهانی*

سراج الدّین بن میر مسعود اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. وی کتاب «مدارک الاحکام» (از صلاه الکسوف تا کتاب الحج) را به خط نسخ در سال ۱۰۴۶ق کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۹۲۴ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۱)

سیّد سراج الدّین صدر

آقا سیّد سراج الدّین صدر، عالم فاضل آزادیخواه [از روزنامه نگاران قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۹۰ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر نزد جمعی از علماء از جمله شیخ محمّد تقی آقانجفی تحصیل کرد. در ۲۴ ذیقعده ۱۳۲۴ق روزنامه انجمن اصفهان (یا مجله انجمن مقدس ملّی اصفهان) به مدیریت او و به عنوان ناشر افکار و بیانات و نظرات انجمن مقدس ملّی اصفهان انتشار یافت. او نویسنده ای توانا بود و برخی از نوشته هایش در روزنامه فوق الذّکر به چاپ می رسید.

سراج الدّین صدر جبل عاملی موسوی در سال ۱۳۵۴ق وفات یافته و در تکیه مادر شاهزاده واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

[روزنامه انجمن مقدّس ملّی اصفهان در سال ۱۳۸۶ش به اهتمام شهرداری اصفهان تجدید طبع شده است.]

۱- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۶۸۹.

۲- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۲۸۸-۲۹۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۷؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۱۳۵-۱۴۰؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۳۵-۴۳.

سراجای حکاک

سراجای حکاک، شاعر و ادیب و هنرمند. [از شعرای قرن یازدهم هجری] در فن حکّاکی مثل و مانند نداشته و تا آخر عمر به هنر حکّاکی مشغول بوده است. مردی درویش طبیعت و پرهیزکار بوده و قبل از سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) در اصفهان وفات یافته است.

از اوست:

از گریه ها به هر جا که گذشتیم چمن شد وز ضعف به هر جا که نشستیم وطن شد(۱)

سراج حجّار*

سراج حجّار، از استادان حجّاری در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری است. از اهالی لنجان اصفهان بوده و از آثار هنری او: حجاری و سنگ تراشی سنگ بزرگ مرمری منصوب بر مزار محمّد بن بکران (از عرفای عالیقدر قرن هفتم هجری) در شهر پیربکران لنجان است. این سنگ حاوی آیه الکرسی و صلوات کبیره به خط ثلث است و حجّاری آن در سال ۷۰۳ق به پایان رسیده است.(۲)

سرمستی اصفهانی*

سرمستی، از نی زن های ماهر اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. او از بدو تولّد نابینا بوده و نِی را با استادی می نواخته است. او دو نِی داشت که یکی را «نهنگی» و دیگری را «پلنگی» می نامید. او معاصر «نایب اسداللّه» بود ولی در نواختن نی استادی و شهرت «نایب» را نداشت.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۰۶.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۲۶۱-۲۶۴؛ آثار ملّی اصفهان، ص۸۴۹؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۱۲۶؛ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص۲۰.

۳- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۱۹.

سرور اصفهانی

سرور اصفهانی، از ادباء و شعرای اصفهان است که در هند ساکن بوده است. این شعر از اوست:

تو که هر دم از تغافل، فکنی به خاک راهم چه شود اگر نوازی، به نگاه گاه گاهم

اگرم کشی به جایی، نروم ز درگه تو که به غیر آستانت، نبود گریزگاهم(۱)

سرور بن عبداللّه*

سرور بن عبداللّه، خوشنویس هنرمند قرن یازدهم هجری. خط نسخ را خوش می نوشته است و در اصفهان ساکن بوده است.

او نسخه ای از «شواهد الاسلام» تألیف: ملّا رفیعا گیلانی را به خط نسخ در ماه ذیقعده سال ۱۰۹۲ق کتابت نموده است که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

سری اصفهانی

سری بن سلامه اصفهانی، از محدّثین شیعه در قرن سوم هجری است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام دانسته است. وی را کتابی است که احمد بن ابی عبداللّه بن محمّد بن خالد برقی (صاحب محاسن) از او نقل کرده است.(۳)

سعد اصفهانی

۱- تذکره روز روشن، ص۳۵۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص۲۲۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۷۹.

۳- فهرست شیخ طوسی، ص۱۵۱؛ معالم العلماء، ص۵۱؛ اعیان الشیعه، ج۳۴، ص۱۴۸؛ مجمع الرجال قهپائی، ج۳، ص۹۸؛ معجم رجال الحدیث، ج۸، ص۴۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۵؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۱۵۰.

سعد بن ابی الفتح (اصفهانی)، از ادبای اصفهانی در قرون اوّلیه هجری است. مافروخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم صرف و نحو و لغت و انشاء که در اصفهان سکونت داشته اند نام برده است.(۱)

سعد اصفهانی

ابومحمّد سعد بن ابی نصر بن ابی القاسم بن علی بن هاجر اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان است که در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری زندگی می کرده و از «عبدالرّحمان بن عبداللّه بن منده»، «ابوعمرو عبدالوهاب بن عبداللّه بن منده»، «ابوالمظفّر محمّد بن جعفر بن محمّد بن احمد کوسج تمیمی» و «ابوالفوارس طراد زینبی» و غیره حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» کتاب «معرفه الصّحابه» تألیف: «ابوعبداللّه بن منده» را در سه جزء ستوده است.

تولّدش در ۴۶۱ق بوده و سال وفاتش معلوم نیست.(۲)

سعد مافرّوخی

ابوالفضل سعد بن حسین مافرّوخی اصفهانی، ادیب شاعر.

در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می زیسته و ظاهرا پدر مفضل بن سعد بن حسین مافرّوخی مؤلف کتاب «محاسن اصفهان» است.(۳)

سعد فهمی اصفهانی*

سعد بن عبدالرّحمان فهمی، از محدّثین اصفهان در قرون دوم هجری است. اصلاً از اهالی ماربین اصفهان بوده و در سال ۴۲ق متولّد شده و بعد از سال ۱۰۰ق وفات نموده

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۰۱.

۳- ترجمه محاسن اصفهان، ص۱۲۵؛ محاسن اصفهان، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۸۸۲.

است.(۱)

سعد سرندینی اصفهانی

ابوالخیر سعد بن عبداللّه سرندینی اصفهان، از محدّثین عامّه است. «یحیی بن منده» گوید: به اصفهان آمد و از «عبدالوهاب کلابی» نقل حدیث نموده و آنرا نوشت. و «ابوعلی لبّاد» از او روایت می کند.(۲)

سعد اصفهانی

سعد بن عصمه (اصفهانی)، از شعرای پارسی گوی اوایل قرن پنجم هجری است. مافرّوخی در کتاب خود از او نام برده است.(۳)

سعدای اردستانی

سعدای اردستانی، از شعراء اوایل قرن یازدهم هجری. از اهالی اردستان اصفهان بوده و به دکن در هندوستان سفر کرد و پس از چندی به وطن مراجعت کرده و فوت شد. قصیده ای در مدح شاه عباس اوّل صفوی سروده که این دو بیت از آنجاست:

ای به صد معنی ز شاهان جهانت برتری بر تو شاهی ختم و بر خیرالبشر پیغمبری

من نمی گویم نبوّت یا امامت لیک هست حسن خلقت احمدی آثار تیغت حیدری(۴)

شیخ سعدالدّین طبری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ص ۳۳۱.

۲- معجم البُلدان، ج۳، ص۲۱۶.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۳۶.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۰۱؛ تذکره آتشکده: بخش سوم، ص۹۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۳۵۵.

شیخ سعدالدّین بن نجم الـدّین بن حسن بن علی طبری از علماء قرن هفتم هجری. وی در سال ۶۷۳ق به اصفهان وارد شده و مشاهده کرد که مردم این شـهر برخی صـحابه را مقدّم بر خویشان پیغمبر می داشـتند (اهل سنّت) و عدّه ای خویشان را برتر از صحـابه می دانسـتند. (شـیعه) لـذا او کتـاب «تفضـیل القرابه علی الصّـحابه» را تألیف نمود. به همین دلیل علّامه شـیخ آقابزرگ طهرانی وی را شیعه دانسته است.(۱)

ملّا سعدی رشتی

مولی سـعدی رشتی گیلانی، از فضـلاء و علماء قرن یازدهم هجری است. وی در مدرسه شـیخ لطف اللّه اصفهان ساکن بوده و به تدریس می پرداخته است. در کتاب «فرائد القوائد» ذکری از او شده است.(۲)

محمّد سعید ابهری

محمّد سعید ابهری، عالم فاضل [در قرن یازدهم هجری] احتمالاً از شاگردان علّامه مولی محمّد باقر مجلسی است.

از آثـارش: کتـابت نسخه ای است از مجلـد سـیزدهم کتـاب «بحارالانوار» که آنرا در سال ۱۰۸۸ به خـط نسـخ کتابت نموده و نسـخه در حاشـیه تصـحیح شده است. علّامه مجلسی در صفحه آخر در ربیع الثّانی ۱۰۹۶ق می نویسد که با نسـخه اصل مقابله شده است. کتاب به شماره ۳۵۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

فایده: «ابهر» از بلوک «جی» و متّصل به شهر [است] و اکنون به نام «اَبَر» (به فتح اول و دوم) معروف است.

۱- الانوار السّاطعه، ص۷۳؛ الذریعه، ج۴، ص ۳۶۰.

۲- الروضه النضره، ص ۲۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۹، ص ۳۶۲.

میرزا سعیدا اردستانی

میرزا سعیدا اردستانی، از علمای قرن سیزدهم هجری. از احفاد میرزا رفیعای نائینی است. در سال ۱۱۹۰ق متولّد شده و در اصفهان سکونت یافته و به تحصیل پرداخته است. وی در سال ۱۲۵۱ق در اصفهان وفات یافته و در صحن تکیه میرزا رفیعا در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. قبرش به همراه کثیری از قبور علماء و عرفاء به هنگام احداث فرودگاه قدیم اصفهان تسطیح شده و از بین رفت. از او مجموعه ای به جای مانده که در کتابخانه میرزا ابوالهدی کلباسی در اصفهان موجود بوده است.(۱)

محمّد سعید اصفهانی تبریزی

محمّد سعید اصفهانی تبریزی از فضلاء قرن یازدهم هجری. وی نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی در اصفهان به فراگیری فقه و حدیث پرداخته است. علّامه مجلسی در آخر باب مزار کتاب «تهذیب الاحکام» در سال ۱۰۷۶ق برای او اجازه نوشته است. این کتاب نزد میرزا محمّد اردبیلی در نجف اشرف موجود بوده است.(۲)

ملّا محمّد سعید گیلانی

ملّا محمّد سعید بن ملّا ابراهیم گیلانی اصفهانی، عالم فاضل صالح در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از علماء از جمله علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته است. ملّا محمّد باقر بن علی تبریزی نیز در ۲۰ ربیع الاوّل ۱۱۵۹ق به ملّا محمّد سعید

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۹؛ آتشکده اردستان، ج۲، ص۲۸۸؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۳۹۵.

۲- الروضه النّضره، ص۲۴۲؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۹.

اجازه داده است.(۱) ملّا عبدالنبی قزوینی وی را در عتبات عالیات زیارت کرده است. سال وفاتش معلوم نشد.(۲)

وی در سال ۱۱۲۹ق کتاب «ابطال وحده الوجود» را تألیف نموده که نسخه ای از آن جزو کتب اهدایی آقای مشکاه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

وی همچنین نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» را در دوشنبه ۲۹ جمادی الثّانیه سال ۱۱۰۱ق کتابت نموده است.(۴) این نسخه به شماره ۲۷۲۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۵)

سعید صیرفی اصفهانی

شیخ ابوالفرج سعید بن ابی الرّجاء صیرفی اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. «ملّا عبداللّه افندی» می نویسد: «شیخ ابوالفرج صیرفی» از مشایخ «قطب الدّین راوندی» است و «راوندی» در کتاب «خرایج و جرایح» اخباری از او نقل نموده است.

ظاهرا صاحب عنوان از محدّثین و علمای شیعه است. تولّدش در سال ۴۴۴ق و وفاتش در سال ۵۳۲ق اتّفاق افتاد.(۶)

سعید اصفهانی*

سعید بن ابی هانی اسماعیل بن خلیفه (اصفهانی)، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن

۱- تراجم الرجال، ج۲، ص۷۰۶؛ الکواکب المنتشره، ص۳۱۳.

۲- تتمیم امل الامل، ص۱۷۵.

۳- فهرست اهدایی مشکاه، ج۳، ص۴۰۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۶۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۶.

۴- تراجم الرجال: ج۲، ص۷۰۶.

۵- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۸۹.

۶- ریاض العلماء، ج۲، ص۴۱۸؛ اعیان الشیعه، ج۳۴، ص۲۳۰؛ الخرایج و الجرایح، ج۲، صص ۵۷۷-۵۸۲؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۹.

چهارم هجری است.

پـدرش در اصـفهان متصـدی امر قضا بوده و صاحب عنوان از محـدّثین اصـفهان و پـدرش حـدیث روایت می کنـد. محمّد بن یحیی بن منده هم از سعید بن ابی هانی مذکور حدیث نقل کرده است.(۱)

سعید طیوری اصفهانی

ابوالقاسم سعید بن احمد بن عبدالواحد طیوری امین اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. در شعبان ۴۶۷ق در اصفهان متولّـد شـده و از «ابوعمرو عبـدالوهاب بن مَنـده» حـدیث شـنیده است. وی در اواخر عمر در نیشابور ساکن شـده و با «ابوسـعد سمعانی» در آنجا دیدار کرده و «سـمعانی» از او حدیث نقل می کند. فوت او در روز دوشنبه ۲۲ شوّال ۵۳۷ق به عارضه سکته در نیشابور واقع شد و او را در «قبرستان میدان» دفن کردند.(۲)

سعید عیّار نیشابوری

ابوعثمان سـعید بن احمـد بن محمّد بن نعیم بن اشـکاب صوفی نیشابوری معروف به «عیّار»، از محدّثین عامّه قرن پنجم هجری. در سال ۳۴۵ق متولّد شده و به اصفهان مسافرت کرده و در آنجا حدیث گفته است. از «ابی علی محمّد بن عمر شبوی» استماع حدیث نموده و «ابوالحسن علی بن احمد بن علی سجزی بلخی معروف اسلامی» از وی نقل حدیث کرده است.(۳)

محمّد سعید احمدآبادی جرقوئی*

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۰۶.

۳- التّحبیر، ج۱، صص ۱۶۵ و ۵۶۱.

محمّد سعید بن حاجی احمد ملك احمدآبادی جرقوئی، از خوشنویسان قرن دوازدهم هجری است. او از نوادگان خواجه علی سربداری است. در روستای «احمدآباد» از توابع جرقویه اصفهان ساکن بود و خط نسخ را خوش می نوشت. وی «قرآن مجید» را به خط نسخ زیبا در سال ۱۱۲۰ق کتابت کرده است.(۱)

میرزا محمّد سعید حکیم قمی*

میرزا محمّد سعید حکیم فرزند حکیم محمّد باقر قمی، طبیب حاذق، ادیب شاعر و دانشمند فاضل قرن یازدهم هجری.

در قم متولّد شده و طبابت را نزد پدرش و برادر بزرگترش (میرزا محمّد حسین حکیم) فراگرفت. او در قم و اصفهان به فراگیری ادبیات فارسی و عربی، حکمت، منطق و ریاضیات پرداخت و به همراه برادرش به درباه شاه عباس ثانی صفوی راه یافت و در اصفهان به عنوان طبیب خاصّه به فعالیت مشغول شد. و به «حکیم کوچک» شهرت یافت. او نزد شاه عباس ثانی احترام بسیار داشته و علاوه بر طبابت، انجام برخی امور دربار و دیوانی را برعهده داشته است. از جمله سرپرستی ساختن تکیه فیض را در اصفهان عهده دار شده است.

هنگامی که شاه سلیمان به سلطنت رسید، به خاطر بدگویی مخالفان به دو برادر بدگمان شده و آنان را از منصب طبابت خاصه عزل کرد و آنان را در قلعه الموت زندانی کردند. مدتی بعد شاه سلیمان آنان را عفو کرده و اجازه داد تا در قم به زندگی خود ادامه دهند.

حکیم کوچک در قم صاحب املاک و عمارات قابل توجهی بوده و در منزل خود از فضلاء، عرفاء و بزرگان مملکت پذیرایی می کرده است. در فنون شعر و ادب استاد بوده

۱- گرکویه، (ویرایش دوم)، ص۲۱۱.

و طبعی روان داشته است. متأسفانه دیوان اشعار او به نام دانشمند و فیلسوف معاصر و همنامش «قاضی سعید قمی» به چاپ رسیده است! در این اشعار او «حکیم» و «سعید» تخلّص کرده است. در تذکره ها تخلّص او را «تنها» ذکر کرده اند.

سال وفات میرزا محمّد سعید حکیم، به روشنی معلوم نیست ظاهرا پس از وفات برادر بزرگترش در سال ۱۰۸۴ق چند سالی زیسته است.

مجموعه ای از تألیفات او در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که شامل رساله های زیر است:

۱. «دستورالعمل مجمل در باب بعضی تب های کثیرالوقوع»۲. «اسرار الصنّآیع»۳. «کلید بهشت»۴. «الاصل الاصیل» یا «الاصول الآصفیّه»۵. «تشریح عظام رأس الفکّ الأعلی»، به نام شاه صفی۶. «تعلیقات الاشارات متنا و شرحا».

و سایر تألیفات او نیز به قرار زیر است:

۷. «تریاق قدسی»۸. «مکاتبات فیض و میرزا محمّد سعید حکیم»۹. «دیوان اشعار»

نسخه ای از «اسرار الصنایع» در کتابخانه آیت اللّه فاضل خوانساری در خوانسار موجود است.

متأسفانه اکثر شرح حال نویسان و فهرست نگاران تألیفات میرزا محمّد سعید حکیم را به دیگران نسبت داده اند. از جمله «اسرار الصنایع» و «کلید بهشت» را از قاضی سعید قمی و برخی از ملّا رجبعلی تبریزی دانسته اند.

علّامه محقّق آیت اللّه حاج سیّد محمّد علی روضاتی (مدظله) در اولین گفتار از کتاب «دومین دوگفتار» به طور مفصّل، مستند و دقیق، به درستی دو شخصیّت جداگانه «قاضی سعید قمی» و «میرزا محمّد سعید حکیم» را از یکدیگر باز شناسانده و آمیختگی ها و اشتباهات دیگران را باز نموده و تألیفات «میرزا محمّد سعید حکیم» را که به دیگران نسبت داده اند، مشخص نموده و حق را به حقدار رسانیده اند سعیهم مشکورا.

این بیت از میرزا محمّد سعید حکیم است:

عندلیبان چون طواف گلشن آن کو کنند دست گلچین تو را چون دسته گل بو کنند(۱)

سعید جُرواءآنی اصفهانی

ابوعمرو سعید بن بشر بن عماد جرواءآنی قرشی از محدّثین عامه اصفهان در قرن سوم هجری است.

اهل فضل بوده و پسرش امور حسبه اصفهان را برعهده داشته است. خود او از جمعی از محدّثین همچون مقری، خلّاد، بکر بن بکار و عاصم بن یوسف حدیث نقل کرده و عبداللّه بن جعفر، جعفر بن عبداللّه بن فارس و ابوعبد الرّحمان عبداللّه بن محمّد بن عیسی مقری از او روایت می کنند.(۲)

سیّد محمّد سعید موسوی اصفهانی

سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد باقر بن میر محمّد صادق موسوی اصفهانی.

از فضلاء خاندان موسوی اصفهان بوده و در زمان حیات پدر به هندوستان رفته، دیگر خبری از او نشد.(۳)

محمّد سعید خاتون آبادی

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۴۱؛ دومین دوگفتار، صص ۳۳-۴۸؛ خلد برین: ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، صص ۵۴۰ و ۵۹۲ و ۶۲۲ و ۶۲۸؛ تذکره غنی، ص۳۴؛ تذکره حسینی، ص۷۸؛ الذریعه، ج۲، ص۵۱ و ج۱۸، ص۱۳۲؛ تذکره سخنوران قم، صص ۶۳-۷۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۰۹ و ۳۱۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۳۲۷ و ۳۲۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۱۵ و ۴۱۶.

محمّـد سـعید بن محمّـد تقی خاتون آبادی [از کاتبان نسـخ نویس در قرن یازدهم هجری] در ۱۸ ذیحجه الحرام سـال ۱۰۸۲ق کتـابت نسـخه ای از «رواشـح السّـماویه» تألیف: میرداماد را به پایان رسانیـده و کتاب به شـماره ۲۷۱۸ در مجلس شـورای ملّی موجود است.(۱)

سعید بن جبیر

سعید بن جبیر اسدی کوفی، از محدّثین عالی مقام شیعه در قرن اول هجری است. او در سال ۴۵ق متولّد شده و یکی از ۵نفری از شـیعیان است که پس از شـهادت امام حسـین علیه السـلام ، به امامت امام سـجاد علیه السلام اعتقاد داشتند و امام برحق را به شیعیان دیگر معرفی کردند.

سعید بن جبیر از مصاحبان عبداللّه بن عباس بوده و از عبداللّه بن عمر نیز روایت نقل کرد.

هنگامی که عبدالرّحمان بن محمّد بن اشـعث بن قیس علیه حجاج بن یوسف ثقفی والی عراق در سال ۸۴ق خروج کرد، سعید بن جبیر جزو قشون عبـدالرّحمان بود و چون عبـدالرّحمان در دیرالجماجم شـکست خورد و قشون او پراکنـده شدند، سـعید بن جبیر به اصـفهان آمد و مدّت دو سال در این شـهر می زیست او در محله سـنبلان سـکونت داشـته و در مسجد جلجله بن بدیل تمیمی [که بعـدا به مسـجد سـعید بن جبیر معروف شـد و اکنون جنب امامزاده درب امام در محلّه سنبلسـتان اصـفهان واقع شده است] نماز می خوانـده است. در مـدّت اقامت او در اصـفهان برخی از محـدّثین از جمله: ابومحمّد دُلَیل بن ابراهیم بن دُلَیل در محضر او حاضر می شده اند.

عاقبت سعید بن جبیر به مکّه رفت و در آنجا به دست خالد قسری گرفتار شده، او را

۱- فهرست مجلس، ج۹، بخش یکم، ص۳۹.

نزد حجاج فرستاد [پس از سخنانی که بین حجاج و سعید ردّ و بدل شد، حجاج از پاسخگویی به ایرادات و استدلال های او ناتوان شد و] دستور داد او را بکشند. شهادت سعید بن جبیر در سال ۹۵ق اتّفاق افتاد. ۱۵ روز بعد حجاج به مرض آکله مبتلا شده و پس از چند روز هلاک شد.

قبر جناب سعید بن جبیر در شهر واسط است.(۱)

سعید اصفهانی

ابوسهل سعید بن حسن اصفهانی، از محدّثین عامه اصفهان است. در شهر صور در ساحل شام [کشور لبنان فعلی] ساکن بود. اسماعیل بن بابشاد بن حرام نجیرمی از او روایت کرده است.(۲)

محمّد سعید امامی نایینی

میرزا محمّد سعید امامی بن میرزا محمّد حسین امامی نائینی بن حاج عبدالمحمّد بن میرزا علی اکبر بن حاج میرزا مغیث بن حاج میرزا زین العابدین نائینی، از شعراء و ادبای قرن چهاردهم هجری.

در سال ۱۲۸۵ش در نائین متولّد شده و در نائین نزد پدر مقدّمات را فرا گرفته و پس از آن کمی تحصیل کرد. در اوان جوانی به خدمت فرهنگ وارد شده و مدّتها در سده ماربین اصفهان [خمینی شهر فعلی] مدیر دبستان و نماینده فرهنگ بوده و در آذر ماه ۱۳۲۹ش در همانجا وفات یافته و مدفون شد. گاهی برحسب اقتضای حال اشعاری می سرود و در اشعارش «فردی» تخلّص می کرد.

از اوست:

۱- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۴۷-۵۰؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۱۰۲-۱۰۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۳۱.

از دیده حق بین نظری کردم دوش بر ساحب گلزار و خم باده فروش

هر بیخ گل از چهره یاری دیدم وز کوزه هزار جانان به فروش(۱)

سعید بن زیاد

ابوعمرو سعید بن زید بن خارجه، از محدّثین عامه اصفهان در قرن سوم هجری است. از بکر بن بکار نقل حدیث کرده و اسحاق بن ابی اسحاق از او روایت می کند.(۲)

محمّد سعید طبیب اصفهانی

محمّد سعید بن محمّد صادق طبیب اصفهانی، مترجم کتاب «رجوع الشّیخ الی الصباه فی القوه علی الباه» تألیف: مولی احمد بن سلیمان مشهور به «ابن کحال پاشا» (متوفی ۹۴۰ق) می باشد. نسخه ای از این کتاب [به شماره ۵۰۶۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)]

محمّد سعید اشرف مازندرانی

ملّا محمّد سعید اشرف بن ملّا محمّد صالح بن احمد مازندرانی اصفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از شعرای اصفهان در اواخر دوره صفویّه].

در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خود را ملّا محمّد صالح مازندرانی پدر دانشمند خود، میرزا قاضی شیخ الاسلام و آقا حسین خوانساری انجام داده و فنون شعر و ادب را از صائب تبریزی و خط را از عبدالرّشید دیلمی آموخت.

در سال ۱۰۷۰ق پس از آنکه طفل رضیع او محمّد رفیع و جدّ مادریش ملّا محمّد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۶۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۹؛ فهرست الفبایی رضوی، ص۲۷۷.

تقی مجلسی وفات کردند، همسر و طفل دو ساله خود محمّد امین را در اصفهان گذاشته و از خراسان به هند رفت و در آنجا مورد توجّه «اورنگ زیب» واقع شده و معلّم دخترش «زیب النّساء» متخلّص به «مخفی» شده و به او علم و ادب و خوشنویسی آموخت. در سال ۱۰۸۳ق به اصفهان مراجعت کرده و چندی در آنجا بود. عاقبت با خانواده به هند رفته و در «عظیم آباد پتنه» ساکن شده و مورد عنایت حاکم آنجا واقع شد. در اواخر عمر اراده حج کرده و از بنگاله راهی سفر شد اما در شهر «منگیر» از توابع عظیم آباد، در سال ۱۱۱۶ق وفات یافته و همانجا مدفون شد.

[او شاعری وارسته و در کمال صلاح و سداد و درنهایت فضل و رشاد بوده و اشعارش در ایران و هند مقبول و مطبوع خواص و عوام بود. خط نستعلیق را خوش می نوشت. در یکی از مرقع های کتابخانه سلطنتی سابق قطعه ای به خط نستعلیق خوش بدون تاریخ و با رقم «بنده شاه دین اشرف در دارالسلطنه اصفهان مرقوم شد» موجود است که ممکن است از او باشد.] اشرف در نقاشی هم استاد بوده ولی معلوم نیست که نزد چه کسی آنرا آموخته است.

[کلیات اشعار اشرف در سالهای اخیر به طبع رسیده است و شامل «ساقی نامه»، «شهرآشوب»، «قضا و قدر» و چند منظومه دیگر می باشد] کتاب «شرح احادیث مستصحبه» را هم از تألیفات او دانسته اند.

زینب بیگم، محمّد هادی، میرزا محمّد علی و محمّد امین از فرزندان او هستند که دو نفر اخیر اهل فضل و ادب به شمار می روند.

از اوست:

جز به جولانگاه خوبرویان کی توان دیدن مرا ذرّه ام در پرتو خورشید پیدا می شوم

***

خورشید از فروغ رُخَت آب گشت و ریخت وز شرم رویت آینه سیماب گشت و ریخت

برداشتی نقاب ز رخسار و چون سرشک از شرم عارضت نگهم آب گشت و ریخت(۱)

میرزا محمّد سعید خلیفه سلطان

میرزا محمّد سعید بن میرزا محمّد طاهر خلیفه سلطانی بن سیّد علی نواب بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان حسینی مرعشی اصفهانی، عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری.

وی در ۲۴ صفر ۱۱۲۶ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان آب بخشان مدفون شده است.

بر لوح قبر او این القاب آمده بود: «الفقیه الزّاهد. الحکیم المتألّه، العابد النّاسک، السّاجد الادیب الشاعر...»

به هنگام تسطیح و تخریب قبرستان قبر او را از بین بردند و سنگ لوح آن نیز مفقود و ناپدید شد.(۲)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۵۱ و ۳۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۷۰؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۵۸ و ۲۵۹؛ تذکره المعاصرین (حزین)، صص ۱۶۵-۱۶۸ و ۳۰۹-۳۱۷؛ صحف ابراهیم، صص ۵۴ و ۵۳؛ تذکره شمع انجمن، صص ۶۵-۶۸؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۵۴-۵۶؛ تذکره کلمات الشعراء، صص ۷ و ۸؛ تذکره الشعراء غنی، ص۱۴؛ تذکره هفت آسمان، ج۱، صص ۱۵۸ و ۱۵۹؛ تذکره مآثر الکرام، ص۱۱۶؛ الذریعه، ج۹، ص ۷۸ و ج۱۲، ص۱۰۳ و ج۱۷، ص۱۴۵ و ج۱۹، صص ۸۲ و ۲۲۸؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، صص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ فیض قدسی، صص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ شهرآشوب در شعر فارسی، ص۶۹؛ کاروان هند، ج۱، صص ۶۲-۷۴؛ دانشمندان و رجال مازندران، ص۲۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، صص ۷۷۳-۷۷۵؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «اشرف»، ص۲۶۵۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۵۲ و ۵۵۳؛ خزانه عامره، ص۲۶۲؛ تذکره پیمانه، صص ۹۱-۹۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۷؛ مزارات اصفهان، ص۲۸.

سعید صالحانی

ابوالخیر سعید بن طلحه بن حسین بن ابی ذر بن ابراهیم بن علی صالحانی اصفهانی، از محدّثین عامّه و ادبای قرن پنجم و ششم هجری. از اهالی محلّه «صالحان» اصفهان و از خاندان علم و ادب و فقه و حدیث بوده و خود مردی صالح و فاضل و دانشمند در علم لغت و مدرس ادبیات در اصفهان است.

در حدود سال ۴۵۰ق متولّد شده و از «عایشه ورکانی» حدیث شنیده و از «ابوبکر احمد باطرقانی» اجازه داشته است. «ابوسعد سمعانی» از او و برادرش «حسین بن طلحه» و زوجه اش «فاطمه صالحانی» حدیث شنیده است. فوتش در چهارشنبه ۱۱ شعبان ۵۳۱ق (و یا سال ۵۳۲ق) اتّفاق افتاد.(۱)

سعید جرواآنی

سعید بن عطاء بن سعید جَرواآنی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری است. از عامر بن ابراهیم بن واقد روایت می کند و احمد بن حسین انصاری از او نقل حدیث کرده است.(۲)

ملّا محمّد سعید رودسری

ملّا محمّد سعید بن ملّا عطاءاللّه رودسری گیلانی، عالم فاضل حکیم بارع [از دانشوران قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری] سالها به همراه پدر در اصفهان می زیسته و از اجلّه شاگردان ملّا محمّد باقر محقق سبزواری بوده است. وی به همراه ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) از طرف محقّق سبزواری، در جلسه علماء درباره حکم نماز جمعه در عصر غیبت که به خواهش شیخ علیخان زنگنه وزیر اعظم شاه سلیمان

۱- التّحبیر، ج۱، ص۳۰۴؛ معجم البلدان، ج۳، ص۳۸۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۹.

صفوی تشکیل می شده شرکت می نموده است.

شیخ عبدالنّبی قزوینی در «تتمیم امل الآمل» وی را بسیار ستوده و ماجرایی در باب نهی از منکر او در شهر کرمانشاه نقل می کند. رساله در «وحدت وجود» از تألیفات اوست.(۱)

محمّد سعید ابهری اصفهانی

محمّد سعید بن حاجی علی ابهری جی اصفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در ۱۵ رمضان ۱۰۷۴ق کتابت نسخه ای از «اربعین» شیخ بهائی را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۱۷۲۵ در کتابخانه ملّی ملك طهران موجود است.(۲)

[او در سال ۱۰۸۴ق جلد بیست و دوم «بحارالانوار» را به خط نسخ خوش کتابت نموده و علّامه مجلسی در آخر این نسخه اجازه ای برای او نوشته است.(۳)]

سعید تانی اصفهانی

ابوسعد سعید بن ابوطاهر علی بن عبدالواحد بن فادشاه تانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اوایل قرن ششم هجری. از خاندان علم و حدیث بوده و از پدرش و همچنین از «ابوسهل حمد بن احمد بن عمر بن دلکیز صیرفی»، «ابوعمرو عبدالوهاب بن منده» و «ابوعیسی عبدالرّحمان بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن عبدالرّحمان بن زیاد تانی» و دیگران حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» از او در اصفهان حدیث نوشته است.(۴)

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۱۷۲-۱۷۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۵؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۲- فهرست ملك، ص۲۵.

۳- خورشید جی، ص۴۳۳؛ فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۲۹۳.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۳۰۴.

محمّد سعید اصفهانی*

محمّد سعید بن محمّد علی اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از «حاشیه علی الحاشیه الخطائیه علی المختصر» تألیف: عبداللّه شهابادی یزدی را به خط نسخ در ۱۴ شعبان ۱۰۸۶ق کتابت کرده که به شماره ۸۲۹۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)

سعید قصری اصفهانی

ابوالخیر سعید بن فضل بن احمد بن عبداللّه بن محمّد بن ممیز قصری اصفهانی، از محدّثین عامّه در قرن پنجم و ششم هجری، قبل از سال ۴۷۰ق متولّد شده و از «ابوبکر محمّد بن احمد بن ماجد» و «ابوطاهر احمد بن محمّد بن عمر نقاش» و «ابوالمظفر محمود بن جعفر کوسج» و جز آنان حدیث شنیده است. او در قریه «کوهارسباران» ساکن بوده و «ابوسعد سمعانی» جزئی از احادیث «لوین» را به روایت «ابن ماجه» از او استماع کرده است. او سرانجام در رجب سال ۵۳۲ق فوت شده است.

دو برادرش «ابوالعباس احمد» و «ابوالوفا عمر» نام دارند.(۲)

سیّد محمّد سعید قهپائی

سیّد محمّد سعید بن سیّد سراج الدّین قاسم طباطبائی قهپایه ای عالم فاضل کامل و عابد صالح زاهد. [از علمای اصفهان در قرن یازدهم هجری است].

در سال ۱۰۱۲ق متولّد شده و نزد جمعی از علماء اصفهان خصوصا پدر دانشمند خود تحصیل کرده و به مقام بلند علم و فضل نائل شد و صبیه یکی از فضلاء قهپایه، میرزا جلال قهپایه ای را به عقد همسری خود درآورد.

سالها در اصفهان به تدریس و تألیف و ترویج دین مشغول بود و جمعی از فضلاء از

۱- فهرست مختصر مجلس، ص ۲۹۱.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۰۵.

جمله: میر محمّد معصوم عقیلی شیرازی از محضر او کسب فیض کردند. میر معصوم عقیلی در جمادی الثّانی ۱۰۸۲ق از او اجازه روایت گرفته است.

وی در سال ۱۰۹۲ق وفات یافت.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. رساله «احیاء موات» ۲. «حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق»۳. «روض الجنان فی حیاء الابدان»۴. «مفاتیح الاحکام فی شرح آیات الاحکام» که نسخه های متعددی از آن موجود است. از جمله نسخه ای به شماره ۴۸۲۸ مورخ ۱۵ رمضان ۱۰۷۱ق ظاهرا به خط مؤلف، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و نسخه ای دیگر به شماره ۲۱۴۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم.(۱)

محمّد سعید نقشبند یزدی (مجنون)

محمّد سعید نقشبند [بن لطف اللّه یزدی] معروف به «سعیدای نقشبند» از شعراء و ادبای قرن یازدهم هجری.

سالها در اصفهان ساکن بود و در فن نقشبندی استاد بود. پسرانش هم به شعربافی مشغول بوده اند. علاوه بر هنر نقشبندی، از علم و فضل با بهره بوده و شعر را نیکو می سرود و از دوستان «صائب تبریزی» و «جلالای یقین» بود و در شعر «مجنون» تخلّص می کرد.

[در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی مجموعه ای به شماره ۹۲۶۳ شامل چند رساله (از جمله رساله های خواجه صائن الدّین علی ترکه) وجود دارد که سعیدای نقشبند مالك آنها بوده و در محرم ۱۰۶۳ق یادداشت تملك بر آن نوشته و مهر خود «موفق ز لطف

۱- جامع الرّواه، ج۲، ص۱۱۸؛ نجوم السّماء، ص۲۶۷؛ الذریعه، ج۱۱، ص۲۷۵ و ج۱۳، ص۳۰۲ و ج۲۱، ص۲۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۱؛ فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۹۹؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۴۹؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۴۸؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۷۳.

محمّد سعید» را بر آن کتاب نقش نموده است.]

سال وفاتش به دست نیامد. ظاهرا تا سال ۱۰۸۳ق زنده بوده است.

از اوست:

دور از وصال او تب و تابم گرفته است آن ماهیم که خاک ز آبم گرفته است

نقش قدم به همرهیم قطره می زند در راه شوق بس که شتابم گرفته است(۱)

سعید بقال اصفهانی

ابوالقاسم سعید بن محمّد بن احمد بن سعید بن صالح بقال اصفهانی، از محدّثین عامّه قرن پنجم هجری. از «ابی اسحاق تاجر اصفهانی» و «احمد بن محمّد بن مرزبان اصفهانی» و «ابی عبداللّه بن منده» و دیگران روایت می کند. «ابوصالح مؤذن» از او روایت نموده است. او محدّثی «ثقه» و «سریع الکتابه» بوده و «الابواب» و «المشایخ» و «التراجم» را تألیف نموده است. در سال ۴۳۰ و اندی وفات نمود.(۲)

ملّا محمّد سعید لاهیجی

ملّا محمّد سعید بن میرزا محمّد لاهیجی گیلانی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری].

۱- جامع مفیدی، ج۳، ص۴۵۵؛ الذریعه، ج۹، ص۴۵۲؛ تذکره شبستان، ص۴۷۸؛ تذکره سخنوران یزد، ص۱۵۶؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۷۴ و ۴۷۵؛ فهرست مرعشی، ج۲۴، ص۵۸؛ تذکره سرو آزاد، ص۵۵؛ تذکره آتشکده: نیمه سوم، صص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ تذکره محمّد شاهی: خطی؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۳۰؛ تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، ص۳۲۹؛ تذکره شعرای یزد، ص۷۶؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۷۵۰؛ تذکره شبستان، ص۴۷۸.

۲- المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، ص۹۳؛ تاریخ نیشابور، ص۷۳۸؛ تاریخ بغداد، ج۸، ص۹۴.

در اصفهان ساکن بوده و شیخ عبدالنبی قزوینی او را در سال ۱۱۷۵ق ملاقات نموده و از علم و دانش او تمجید و تحسین نموده است. [قزوینی می نویسد: از علماء صلحاء و از وابستگان سلسله حکیم داود است و او را در سفر زیارت عتبات عالیات ملاقات کرده ام(۱)]

شیخ محمّد علی حزین در تذکره خود در شرح حال فرزند صاحب عنوان می نویسد:

«مولانا شمس الدّین محمّد گیلانی خلف ارجمند مجتهدالزّمان مولانا محمّد سعید گیلانی...»(۲)

«شرح حرز الامانی» یا «شرح شاطبیّه» از تألیفات اوست که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود بوده است.(۳)

سعید سکری کاتب اصفهانی

ابواسماعیل سعید بن مطهر بن احمد بن عبداللّه سکری کاتب اصفهانی، از محدّثین عامّه اوایل قرن ششم هجری است. او مردی محتشم و صاحب ثروت بوده و از «ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی»، «ابوعلی حسن بن عمر بن حسن بن یونس حافظ» و «ابومسعود سلمان ابراهیم» حدیث شنیده است.

«ابوسعد سمعانی» در خانه او در جلسه، یکی: احادیث «احمد بن فضل» و دیگری: «ابوعلی یونس» را استماع کرده است.(۴)

محمّد سعید فدای اردستانی

محمّد سعید اردستانی متخلّص به «فدا» فرزند سیّد محمّد مهدی بن محمّد سعید بن

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۲- تذکره المعاصرین (حزین)، ص ۲۱۰.

۳- الذریعه، ج۱۳، ص۳۱۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ج۱، ص۳۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۷۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۳۱۱.

میر محمّـد حسین بن میر یحیی حسینی اصفهانی، شاعر ادیب و دانشمند فاضل [از سخنوران قرن سیزدهم هجری در سال ۱۲۰۴ق در محلّه «فهره» اردستان متولّـد شده و تحصیلات مقدماتی را در آنجا آغاز کرد. نسب او به حکیم الملک اردستانی (بانی مدرسه نیم آورد اصفهان) منتهی می شود. او برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات رفته و ۷ سال به فراگیری فقه و اصول و کلام و تفسیر مشغول بود. سپس به اصفهان آمده و در ادبیات، منطق، فلسفه، ریاضیات و نجوم مهارتی به سزا کسب کرد و تحصیلات خود را به پایان رساند. او جهت احداث حصار نجف توسط حاج محمّد حسین خان صدر اصفهانی قصیده ای سرود و مورد عنایت صدر واقع شد. فتحعلی شاه قاجار هم که شهرت او را دریافت او را به طهران طلبید و فدا در طهران مورد احترام شاه و درباریان و اعیان دولت و مملکت قرار گرفت. پس از فوت فتحعلی شاه، جانشین او محمّـد شاه نیز همواره در احترام او می کوشید. فدا اغلب عمر خود را در اصفهان گذراند تا اینکه در سال ۱۲۶۷ق وفات یافته و] در قبرستان جنب پل خواجو، در کنار قبر ملّا محمّـد صادق اردستانی (آخوند پلویی) مدفون شد. [در اوایل قرن چهاردهم هجری، به خاطر احداث خیابان آبشار قبرستان را خراب کردند، یکی از نوادگانش استخوان های فدا را در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون کرد.] «دیوان فدا» حدود چهار هزار بیت شعر داشته و هنوز به طبع نرسیده است. اشعارش اغلب در مدح و مرثیه ائمه هدی و حضرت معصومین علیهم السلام است.

از اوست:

زاهد به هوای خُلد سرگردان است دوزخ محک تجربه مردان است

گویند که درد و غم نباشد به بهشت معلومم شد که جای بی درد آنست(۱)

۱- تذکره مدایح معتمدیه: خطی؛ تذکره شبستان، صص ۲۱۷ و ۲۱۸؛ تذکره نگارستان دارا، صص ۲۴۳ و ۲۴۴؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۸۰۵ و ۸۰۶؛ تذکره مآثر الباقریه، صص ۶۲. ۶۳؛ تذکره سفینه المحمود، ص۱۳۴؛ تذکره دلگشا، ص۳۳۴؛ تذکره اختر، صص ۱۵۹-۱۶۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷؛ تذکره انجمن خاقان، ص ۶۰۲ و ۶۰۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۲ و ۲۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۵۱؛ الکواکب المنتشره، ص۳۰۶؛ الذریعه، ج۹، ص۸۱۴؛ نامه سخنوران سپاهان، صص ۷۵-۸۵؛ آتشکده اردستان، ج۳، صص ۶۳-۷۵.

سعید طهرانی اصفهانی

سعید بن مهران بن محمّد طهرانی اصفهانی، از محدّثین عامه اصفهان است و از «عبداللّه بن عبدالوهاب خوارزمی» حدیث شنیده است. «شعار» و «عبدالرّحمان بن سیاه» از او استماع حدیث کرده اند.(۱)

[«طهران» از دهات قدیم جِی در شمال شهر اصفهان بوده و آنجا را زادگاه «کاوه آهنگر» دانسته اند. اکنون به «تیران آهنگران» معروف است و جزو محلّه های اصفهان به شمار می رود.]

میرزا محمّد سعید طباطبائی نائینی

حاج میرزا محمّد سعید بن میرزا نصراللّه بن سعید طباطبائی نائینی، از فضلاء و ادبای قرن چهاردهم هجری. [در سال ۱۲۹۳ق در نائین متولّد شد و در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخت. او از علاقمندان به پیشرفت و اشاعه فرهنگ بود و در سال ۱۳۲۰ق مدرسه گلبهار را در اصفهان تأسیس کرد و در تأسیس چندین مدرسه دیگر همکاری نمود. او چاپخانه ای به نام «مطبعه سعادت» تأسیس کرد و دهها کتاب ارزنده را به چاپ رساند و خود نیز برای مدارس جدید کتاب درسی تألیف کرد.

او در زمان مشروطیت، به هواداری آن به آزادیخواهان اصفهان پیوست و در انتشار جراید و مطبوعات همکاری نمود. او در سال ۱۳۴۸ق در مشهد مقدس اقامت گزید [و در مسجد گوهرشاد کتابخانه ای تأسیس کرد و کتابهای خود را به آنجا بخشید و

۱- معجم البلدان، ج۴، ص۵۲؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۸.

[سرانجام در جمعه ۲۳ جمادی الآخر ۱۳۷۸ق مطابق جمعه ۲۱ دی ماه ۱۳۳۷ش وفات یافته و در ایوان شمالی صحن قدس] در جوار بارگاه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام مدفون گردید.(۱)

محمّد سعید حسینی مازندرانی

محمّد سعید بن میر نظام حسنی مازندرانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری]. در نیمه شعبان ۱۰۹۱ق کتاب «شفا»ی ابن سینا را به خط نستعلیق در اصفهان کتابت نموده و به شماره ۲۲۸۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

سعید جُرواءآنی اصفهانی

ابوعبداللّه (یا ابوعمر) سعید بن وهب بن ابی سُکین جرواءانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری بوده و] از حفاظ حدیث است. از مسلم بن ابراهیم، سلیمان بن حرب، مسدّد، عمرو بن مرزوق، علی بن المدینی، محمّد بن کثیر حوضی و عمرو بن حکّام روایت کرده و ابوعبدالرّحمان مقری و محمّد بن احمد بن یزید زُهَری از او حدیث نقل کرده اند.(۳)

سعید اصفهانی

سعید بن یحیی بن سعید اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان [در قرن سوم هجری] است. «قاسم بن مَنده بن کوشید» از او روایت می کند.(۴)

سعید سعدویه اصفهانی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۷؛ نائین بلده طیبه، صص ۸۵-۹۲.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۹، ص۹۲۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۸.

۴- فرهنگنامه پارسی، ص ۶۶۰.

سعید بن یحیی بن طویل معروف به «سعدویه اصفهانی» [از محدّثین عامّه اصفهان در اوایل قرن سوم هجری].

در محلّه «شروانشادان» ساکن بوده و از: مسلم بن خالد زنجی، ابی بکر بن عیاش، سلمه بن صالح احر حدیث نقل کرده است. عبداللّه بن محمّد بن زکرّیا و عبداللّه بن بندار از او روایت کرده اند.

«سعدویه اصفهانی در سال ۲۷۷ق وفات یافت.(۱)

سعید سرّاج

ابوعثمان سعید بن یعقوب بن سعید قرشی سرّاج از محدّثین عامّه اصفهان است. او از نصر بن علی، بُندار، محمّد بن منصور جَوّاز، محمّد بن وزیر واسطی و محدّثین اصفهان نقل حدیث کرده است.(۲)

سعید میرنظامی

سعید میرنظامی متخلّص به «سعید» فرزند حاج سیّد یعقوب [از شعراء معاصر اصفهان]. در شب ۲۱ رمضان المبارک سال ۱۳۵۱ق در اصفهان متولّد شد. نسب او از طرف پدر به «میرنظام الدّین» از علماء و متنفذّین قرن ششم هجری و از طرف مادر به حاج آقا محسن اراکی (م ۱۳۲۵ق) از علماء مشهور قرن چهاردهم هجری می پیوندد. وی پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه، در دانشکده ادبیات دانشگاه طهران تحصیل کرد. گاهی شعر می سرود و «سعید» تخلّص می کرد.

از اوست:

دوست بگذاشت قدم دوش به کاشانه ما گشت چون خلد برین خانه ویرانه ما

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۵؛ طبقات المحدّثین باصبهان، ج۲، صص ۲۲۳ و ۲۲۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۳۰؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

ما خرابات نشینان همه مخمور توایم مستی چشم تو باشد می میخانه ما(۱)

سیّد محمّد سعید بحرینی

سیّد محمّد سعید موسوی بحرینی، عالم فاضل متّقی، در فتنه افغان وفات یافته و در منزل خود مدفون، سپس قبر در داخل چهلستون مسجد سیّد قرار گرفت که تاکنون معروف و معیّن است.(۲)

محمّد سعید سبزواری

محمّد سعید سبزواری اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری]. در سلخ محرم ۱۱۹۱ق در اصفهان نسخه ای از کتاب «مناقب» که مؤلف آن مجهول است را نوشته و در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳) همچنین نسخه ای از کتاب «وافی» را در سال ۱۰۹۱ کتابت نموده که در همان کتابخانه وجود دارد.(۴)

سعید قاری اصفهانی

سعید قاری اصفهانی، از دانایان به علوم قرآن بوده و در مسجد جامع اصفهان جلسه قرائت و تجوید داشته و شیخ محمّد بن شمس الدّین کاظمینی نزد او تلمُّذ نموده است. از فضلاء عهد شاه سلیمان صفوی است.(۵)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۸۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۱۴ و ۲۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۹؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۵.

۳- فهرست رضوی، ج۵، ص ۱۸۱.

۴- فهرست رضوی، ج۵، ص ۲۰۲.

۵- الذریعه، ج۱۱، ص ۲۲۱؛ الروضه النضره، ص۲۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۷.

میرزا سعید قمشه ای*

میرزا سعید قمشه ای، شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری. مردی در کمال آدمیّت و همواری و نهایت مردمی و بردباری بوده و به انجام فرایض و مستحبّات اهتمام فراوان داشته است. مدّتی وزیر سیستان بود. در فنون شعر و ادب و انشاء مهارتی کافی داشت و گاهی شعر می سرود. برادرش میرزا احمد نیز شاعر بوده است.

از اوست:

تا به کی از درد بی درمان به جان باشد کسی تا به کی درمانده کار جهان باشد کسی

گرد هستی از وجود خویشتن باید فشاند تا به کی در زیر این بار گران باشد کسی(۱)

میر محمّد سعید محیط اصفهانی*

میر محمّد سعید محیط اصفهانی، از شعرای قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و پس از محاصره آنجا توسط افغان ها کشته شد.

این رباعی از اوست:

ای آه بیا دامن آن ماه بگیر وی ناله گریبان سحرگاه بگیر

دلبر زِ بَر خانه ما می گذرد ای اشک برون آی و سر راه بگیر(۲)

میرزا سعید مستوفی نطنزی*

میرزا سعید نطنزی، از کارگزاران اداری دولت صفویّه و نواده خواجه قاسم مستوفی نطنزی است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۰۷؛ الذریعه، ج۹، ص۴۵۲.

۲- گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۳۰۶؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۴، ص۲۱۹۷.

او به اعتبار سابقه خانوادگی مورد عنایت شاه عباس صفوی قرار گرفته و ابتدا اوراجه نویس آذربایجان شد. در سال ۱۰۲۹ق پس از فوت میرزا قوام الدّین محمّد کفرانی، به جای او منصب مستوفی الممالکی را برعهده گرفت و در زمان شاه صفی نیز این منصب را حفظ کرد.(۱)

میرزا نوراللّه کفرانی رویدشتی اصفهانی متخلّص به ضیاء که اعضاء دفترخانه سلطنتی و مسؤول تحریر جلد توجیه بوده از میرزا سعید مستوفی دل خوشی نداشته و این شعر را جهت او سروده است:

صبا به خدمت مستوفی الممالک دهر اگر رسی ز مَنَش هیچ دردسر مرسان

ور او کند گله از من به حقّ نکهت گل که هرچه بشنوی از وی مرا خبر مرسان

مگو چرا ز تو نفعی نمی رسد به ضیا که من گذشته ام از نفع گو ضرر مرسان

همین بس است که گویی ز خیر و شر با او مرا به خیر تو امید نیست شر مرسان(۲)

سفیان خرقی اصفهانی

ابوعبداللّه سفیان بن احمد بن محمّد بن محمّد بن علی بن عمر خرقی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در اوایل قرن ششم هجری است. بسیار مشتاق کسب علم بوده و از خاندان علم و حدیث است. از پدرش «ابوالفضل احمد بن ابی طاهر محمّد» و «سیّد ابومحمّد حمزه بن عباس علوی»، «ابوالقاسم غانم بُرجی» و «ابوالفضل جعفر بن عبدالواحد ثقفی» استماع حدیث کرده است.

«ابوسعد سمعانی» از او حدیث شنیده و او نیز از «ابوسعد» استماع حدیث کرده است.(۳)

۱- خلد برین: ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، ص۳۴۶؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۷۵ و ۷۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۲۵.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۳۱۴.

سلام اللّه عارفی موغاری

سلام اللّه بن عارف بن محمّد موغاری [از کاتبان نسخ نویس قرن دهم هجری] در اوّل رمضان ۹۳۹ق مجموعه ای شامل «مختصر تفسیر علی بن ابراهیم» و «تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام » را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۴۶۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

[موغار از دهات اردستان است. برای آشنایی با تاریخ و جغرافیا و مشاهیر این روستا به کتاب «آتشکده اردستان» رجوع شود.]

سلامی اصفهانی

سلامی اصفهانی، از شعرای قرن دهم هجری. در اصفهان ساکن بود و در شعر صاحب قریحه و استعداد بود. سام میرزا که معاصر اوست می نویسد: «به قابضی اردو بازار اوقات می گذرانَد و ضایع می کند و از بسیار خوردن افیون نزدیک است که جان به قابض ارواح بسپارد». امین احمد رازی او و برادرش را به طمع فراوان و وقاحت متهم می کند. کلامی برادر کوچکتر او هم شاعر بوده است. این دو برادر هنگامی که میرزا محمّد شریف هجری طهرانی وزارت اصفهان را برعهده داشت و خود شاعری قابل بود، نزد او حاضر می شده و با خواندن اشعار خود در مدح او، طلب صله و پاداش می کردند و چنان اصرار می ورزیدند که ممدوح خود را به تنگ می آورده اند تا جایی که او سروده است:

دو چیز است بدتر از تیز حرامی سلام کلامی و کلام سلامی

سلامی و برادرش با اغلب شعرای اصفهان همچون ضمیری، حزنی و نیکی معاشرت و مصاحبت داشته اند. ولی امیر نظام الدّین هاشمی کاشانی با دو برادر مشاعره و معارضه

۱- فهرست مرعشی قم، ج۲، ص۷۲.

داشته است.

سال وفات او معلوم نیست، اما روشن است که قبل از سال ۹۸۷ق (سال وفات ضمیری اصفهانی) فوت شده است.

از اوست:

بی گل روی تو نرگس چشم تر دارد بسی غنچه بی لعل لبت خون در جگر دارد بسی(۱)

سلطان علی اصفهانی

سلطان علی اصفهانی [از فضلاء قرن دهم هجری] در یک شنبه ۲۲ ربیع الثّانی ۹۹۱ق کتابت نسخه ای از «جامع المقاصد» محقّق کرکی را در نجف به پایان رسانیده است و کتاب به شماره ۸۸۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

سلطان علی خان شهاب السلطنه

سلطان علی خان شهاب السلطنه فرزند عباسقلی خان بختیاری [از خوانین دانشمند و هنرپرور بختیاری بوده و دبیرستان جمال الدّین و دبستان شهاب، از آثار خیریه و باقیه او در بروجن است و جزو اولین مدارس فرهنگ چهارمحال و بختیاری به شمار می رود. در سال ۱۳۲۳ش وفات یافته و در اطاقی مخصوص در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

«مشفق ضرغام بروجنی» مادّه تاریخ وفاتش را چنین یافته است:

خواهی اگر تاریخ او چون «مشفق» بیدل بگو: «حاجی شهاب السّلطنه باشد بگلزار ارم»(۳)]

۱- تذکره تحفه سامی، ص۳۶۲؛ تذکره هفت اقلیم، ج۲، ص۴۳۸؛ الذریعه، ج۹، ص۴۵۵؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۵۲۳ و ۵۱۴؛ تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، ص۳۰۵.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص ۴۰.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ شرح مجموعه گل، صص ۵۳۷ و ۵۳۸.

سلطان علی خلخالی

سلطان علی بن عبداللّه خلخالی [از فضـلاء قرن یازدهم هجری در اصفهان] در سال ۱۰۵۵ق نسخه ای از «ارشاد الاذهان» علّامه حلّی را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته است. کتاب در جامع گوهرشاد به شماره ۲۸۶ موجود است.(۱)

سلطان علی بیگ رهی شاملو*

سلطان علی بیگ متخلّص به «رهی» فرزند ولی قلی بیگ بن علی قلی بیگ شاملو، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. پدرانش از صاحب منصبان عالی رتبه دولت صفویه بودند. خودش منصب «یساول صحبت» را در عهد شاه عباس دوم برعهده داشت. در شعر و فنون ادبی زبردست بوده و با ادباء و شعراء مجالست و مشاعره داشت. در سال ۱۰۶۴ق در اصفهان فوت نموده و در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام در مشهد مقدّس مدفون شد. «دیوان اشعار»ش از پنج هزار بیت بوده و مثنوی «تحفه الصباحین» را در بحر «تحفه العراقین» سروده و قریب به سه هزار بیت داشته است.

از اوست:

فروغ حسن که آتش در این بیابان زد که دشت مجمره گردید و روزگار سپند(۲)

سلطان محمّد اصفهانی

سلطان محمّد اصفهانی، مؤلّف رساله «التّجلی علی الطّور» که به طریقه حروفیه تألیف شده است. دو نسخه از آن در کتابخانه اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه طهران

۱- فهرست گوهرشاد، ص۲۱۰.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۹۵. ۹۶؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۸. ۳۹؛ تذکره آتشکده: بخش اول از نیمه نخست، ص۶۱؛ تذکره غنی، ص۶۱؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۹۸.

موجود است.(۱)

سلطان محمّد اصفهانی

سلطان محمّد اصفهانی، از خوشنویسان ثلث و نسخ نیمه اوّل قرن دوازدهم هجری. معاصر شاه سلطان حسین صفوی است. [مرحوم استاد همایی می نویسد:

«قطعات بسیار خوب از وی دیده ام که تاریخش ۱۱۳۲ق است در همان ایّام که میرزای نیریزی خوشنویس معروف بوده است».(۲)]

سلطان محمّد در صفر سال ۱۱۰۱ق از کتابت نسخه ای از قرآن کریم به خط نسخ فراغت یافته و این قرآن به شماره ۱۵۰ در گنجینه قرآن کتابخانه آستانه رضویه موجود است.(۳)

وی جنگی را که شامل ۱۱ رساله است و برخی از آن در مکه کتابت شده است را در ماه شعبان ۱۰۹۵ق کتابت نموده و به شماره ۲۷۱۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۴)

سلطان محمّد اصفهانی

سلطان محمّد بن کمال الدّین حسین اصفهانی، از کاتبان فاضل قرن دهم هجری است. او نسخه ای از «المعتبر» تألیف: شیخ جعفر محقّق حلّی را به خط نسخ در یکشنبه ۲۱ محرم ۹۷۳ق کتابت کرده و به شماره ۷۲۱۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۵)

همچنین کتاب «الاربعین» تألیف: شهید اوّل را در سال ۹۸۰ق کتابت کرده است.(۶)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۹۲.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۱۳.

۳- راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۵۹.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج ۱۰، ص۱۵۸۹.

۵- فهرست مجلس، ج۲۵، ص۲۱۸.

۶- احیاء الدّاثر، ص۹۷.

سلطان محمّد اصفهانی*

سلطان محمّد بن حیدر اصفهانی، از نویسندگان کُتُب در قرن دهم هجری بوده و در ۱۷ ربیع الاوّل ۹۸۰ق نسخه ای از کتاب «مطوّل» تفتازانی را به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه مؤلف فقید سیّد مصلح الدّین مهدوی موجود بوده و پس از وفات ایشان به کتابخانه ابن مسکویه اصفهان منتقل شده است.(۱)

سلطان محمّد نطنزی

سلطان محمّد بن محمّد علی بن قاسم بن حسن حکم آبادی نطنزی، از عرفاء و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است.

[وی در بقعه شیخ ابومسعود رازی در اصفهان به سیر و سلوک و تهذیب نفس می پرداخته و مراتب عرفانی را نزد مشایخ طریقت طی می نموده است.] از آثار او کتابت نسخه ای از «اکمال الدّین» شیخ صدوق در بقعه شیخ ابومسعود در جمعه ۱۹ رمضان ۱۰۴۱ق است که به شماره ۷۹۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲) [همچنین «مصحف فاطمه الزّهرا علیهاالسلام » را به خط نسخ در ماه رمضان ۱۰۵۴ق کتابت نموده که به شماره ۵۲ در کتابخانه امام جمعه گلپایگان نگهداری می شود.(۳) از آثار دیگر او کتابت «علل الشّرایع» در ۲ شوال ۱۰۵۴ق است.(۴)]

سلطان محمّد میرزا سیف الدوله قاجار

سلطان محمّد میرزا قاجار متخلّص به «سلطان» و ملقّب به «سیف الدّوله» فرزند

۱- فهرست کتابخانه سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص۱۰۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۴۰۳.

۳- فهرست کتابخانه های گلپایگان، ص۱۶۱.

۴- تراجم الرجال، (چ ۱۴۲۲ق)، ج۱، ص۳۸۸.

فتحعلی شاه قاجار شاعر و ادیب هنرمند، حکمران اصفهان در قرن سیزدهم هجری. مادرش طاووس خانم اصفهانی از زنان فتحعلی شاه قاجار است.

[در ۲۶ جمادی الاوّل ۱۲۲۸ق در تهران متولّد شده و در سال ۱۲۴۰ق در حالی که ۱۳ سال بیشتر نداشت حکومت اصفهان برعهده او گذاشته شد و یوسف خان گرجی سپهدار وزیر سیف الدّوله شد. در این زمان قیومیت او را زنی به نام مریم بیگم دایه برعهده داشت. هم از این رو بود که پس از وفات دایه، بقعه و تکیه ای باشکوه به دستور سیف الدّوله در تخت فولاد بر مزار مریم بیگم ساخته شد که به «تکیه مادرشازده» معروف است.

سیف الدّوله ده سالی در اصفهان حکومت کرد. هنگامی که پدرش مُرد و محمّد شاه به حکومت رسید، او را از حکومت اصفهان کنار گذاشته و به تهران احضار کرد و دو سه سالی او را تحت نظر گرفت و حکومت اصفهان به خسروخان گرجی سپرده شد. عاقبت سلطان محمّد میرزا از شاه اجازه یافت تا به اتفاق مادر در عتبات عالیات مجاور شود. چندی در نجف و بغداد ساکن بود. آنگاه به مسافرت شامات، حمص اسکندریه، دیار بکر و موصل و استانبول و قیروان رفته و سفرنامه ای نوشت و به تهران مراجعت کرد. در سال ۱۲۸۸ق به دستور ناصرالدّین شاه متولّی آستان قدس رضوی شد و در سال ۱۲۹۹ق وفات یافت. او مردی ادیب و هنرمند بود و سیاه قلم را به خوبی نقاشی می کرد.(۱)]

شعر می سروده و «سلطان» تخلّص می نموده، دیوان اشعارش به شماره ۳۷۲۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲) [این دیوان در تهران به چاپ رسیده

۱- تذکره مآثر الباقریه: تعلیقات، صص ۳۵۱ و ۳۵۲؛ تاریخ عضدی: تعلیقات، ص ۲۱۴؛ مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره اوّل، ص سال ۱۳۸۱ش، صص ۶۷-۹۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، ص۱۰۳؛ مجله یغما: سال اوّل، شماره ۱۰، دی ماه ۱۳۲۷ش، صص ۴۶۲-۴۶۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۷۲۲.

است اثر دیگر او مثنوی «سیف الرّسائل» در باب سرگذشت خود و دشمنی حاج میرزا آقاسی با او و سفرش به عراق است که نسخه هایی از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)]

سلطان محمّد اصفهانی*

سلطان محمّد بن قطب الدّین اصفهانی، از فضلاء اصفهان در قرن یازدهم هجری است. وی مؤلف کتاب «معارف» است که به شماره ۲۰۸۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است. این نسخه را محمّد جعفر بن غضنفر [خرم آبادی] به خط نسخ خوش در سال ۱۰۸۸ق کتابت کرده است.(۲)

سلطان محمّد اصفهانی*

سلطان محمّد بن رفیع الدّین محمّد اصفهانی، از خوشنویسان و کاتبان پرکار عصر صفویه است. در اصفهان ساکن بوده و بیش از ۳۰ سال به خوشنویسی و کتابت گذران زندگی کرده است. احتمال دارد او همان «سلطان محمّد اصفهانی» کاتب «قرآن مجید» که در صفحات قبل شرح حال او را آورده ایم باشد.

او نسخه ای از «الحبل المتین» تألیف: شیخ بهائی را به خط نسخ در دوشنبه ۳ رمضان ۱۰۶۳ق کتابت کرده که به شماره ۷۳۳۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳) همچنین او نسخه ای از «شرح کافی» تألیف: ملّا محمّد صالح مازندرانی را به خط نسخ در سلخ ذیحجه ۱۰۸۷ق کتابت کرده و به شماره ۸۶۸۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۴)

۱- فهرست رضوی، ج۷، ص۴۲۳؛ الذریعه، ج۱۲، ص۲۸۶؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص۱۵۲۱؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۴۱.

۲- فهرست مجلس، ج۶، ص۷۳.

۳- فهرست مجلس، ج۲۵، ص۳۱۸.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۲، ص۲۳۱.

سلطان محمّد اصفهانی

سلطان محمّد بن شمس الدّین محمّد اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. از آثار وی نسخه ای از «شرح کافی» مولی محمّد صالح مازندرانی شامل کتاب ایمان و کفر تا کتاب الرّوضه است که به خطّ نسخ در اوّل جمادی الثّانیه ۱۰۸۱ق (در زمان حیات مؤلف) نوشته است. کتاب به شماره ۴۸۰۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

سلطان محمّد ندوشنی یزدی*

سلطان محمّد ندوشنی یزدی فرزند محمّد، از علماء و فقهای عالیقدر قرن یازدهم هجری است. در فقه، کلام، حدیث و ادبیات مهارت داشته و در اصفهان به تدریس مشغول بوده است. از اساتید او آگاهی در دست نیست ولی بسیاری از علمای آن عهد همچون: ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، آقا حسین خوانساری، سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان (سلطان العلماء) و ملّا خلیل قزوینی نزد او تحصیل کرده اند. شاه عباس به او ارادت داشته و از هرگونه احترام به او خودداری نمی نموده است. حتّی یک بار او را به سفارت به دربار امپراطور عثمانی فرستاده است.

این کتابها از اوست:

۱. «رساله در کلام» ۲. «شرح باب حادی عشر»(۲)

سلطان محمّد تربتی*

سلطان محمّد تربتی اصفهانی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن

۱- فهرست مجلس، ج۱۳، ص۲۱۷.

۲- الروضه النضره، صص ۲۴۵ و ۲۴۶؛ الذریعه، ج۴، ص۵۰۵ و ج۶، ص۵۲؛ مفاخر یزد، ج۲، ص۷۹۲.

بوده و روزگار به تجارت می گذرانیده است. در سرودن شعر نیز صاحب طبع و قریحه بوده است.(۱)

سلطان محمود طبسی

سلطان محمود بن غلامعلی طبسی [از علماء اواخر دوره صفویه] ظاهرا در مشهد به تحصیل پرداخته و به منصب قضاوت درآن شهر منصوب شده است. پس از آن به اصفهان آمده و نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تکمیل تحصیلات خود پرداخته و در ۱۴ ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق و بار دیگر در سال ۱۱۰۹ق موفق به اخذ اجازه از علّامه شده است.(۲)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رساله در اثبات رجعت» نسخه آن در ضمن مجموعه شماره ۴۳۳۱ در کتابخانه وزیری یزد.(۳) و نسخه دیگری از آن در مدرسه فیضیه قم موجود است.(۴) [نسخه ای دیگر هم به شماره ۹۴/۱۳۴۴۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۵)] ۲. «شرح نهج البلاغه» (تلخیص شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه) که در سال ۱۰۸۰ق تألیف شده و نسخه ای از آن به شماره ۲۱۷۸ در کتابخانه ملّی ملک(۶) و نسخه دیگری در کتابخانه آیت اللّه مرعشی به شماره ۴۸۲۲ موجود است.(۷) نسخه ای دیگر نیز در کتب موقوفه ملّا نوروزعلی بسطامی در مشهد مقدس موجود بوده است.(۸) ۳. «رساله در

۱- تذکره غنی، ص۶۵.

۲- امل الآمل، ج۲، ص۳۱۶؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۳۵۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸؛ الکواکب المنتشره، ص۳۱۷؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۲۷.

۳- فهرست وزیری، ج۳، ص۸۶۲.

۴- فهرست فیضیه، ج۲، ص ۱۶۱.

۵- فهرست مجلس، ج۳۶، ص۳۸۹.

۶- فهرست ملک، ص۴۵۶.

۷- فهرست مرعشی، ج۱۳، صص ۲۲ و ۲۳.

۸- الذریعه، ج۲۰، ص۱۹۹.

عروض» [(۱) «مختصر الاشباه و النّظائر النحویه»۵. «مختصر الاذکار بالمسائل الفقیّه» دو کتاب اخیر به شماره ۷۱۱۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)]

سلم ثقفی

ابو اُمیّه سلم بن عصام بن سلم بن مغیره بن عبداللّه ثقفی، [از محدثان عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] نوشته ها و احادیث زیاد و از جمله احادیث غریب داشت. از عبیداللّه بن حجاج بن منهال و بشر بن آدم و دیگران نقل حدیث کرده و قاضی محمّد بن احمد بن ابراهیم اصفهانی (ابواحمد عسّال) از او روایت می کند.(۳)

سلمان اصفهانی

سلمان اصفهانی، از خوشنویسان خط نستعلیق در قرن دهم هجری است. [او «تاریخ بلعمی» را در محرم ۹۲۷ق کتابت نموده و اکنون در کتابخانه «شچدرین» سن پطرزبورگ روسیه وجود دارد.(۴)]

او همچنین «اسکندرنامه» ترکی، تألیف: تاج الدّین احمد بن ابراهیم احمدی کرمیانی را به خط نستعلیق در صفر ۹۲۴ق کتابت نموده و به شماره ۴۹۴۸ در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۵)

سلمان قزوینی

سلمان بن خلیل بن غازی قزوینی اصفهانی [عالم فاضل از دانشوران اواخر عهد صفویّه [در نیمه رمضان ۱۰۹۹ق در اصفهان کتاب «صافی) شرح فارسی «کافی» پدر خود را مقابله کرده است. نسخه به شماره ۴۵۰ در مجلس شورای ملّی موجود است.

۱- فهرست ملک، (کتب خطی ترکی)، ص۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸، صص ۲۶۸ و ۲۶۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۷؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۱۲.

۴- فهرست خوشنویسان قرن دهم، ص۱۱۸.

۵- فهرست ملک، (کتب خطی ترکی)، ص۲.

سجع او «سلمان منا اهل البیت» بوده است.(۱)

میرزا سلمان جابری

میرزا سلمان جابری بن علی، شاعر ادیب [از شعرای قرن دهم هجری] از رجال و اعیان دولت صفویّه و جدّ خاندان جابری انصاری اصفهان. [پدرش چند سال وزیر ابراهیم خان ذوالقدر حاکم فارس بود. او در شیراز به کسب علم و ادب پرداخته و به خدمات دیوانی مشغول شد. در زمان شاه طهماسب صفوی ناظر بیوتات سلطنتی شد. شاه اسماعیل دوم او را به وزارت برگزیده و پس از مرگ او، در زمان سلطنت سلطان محمّد خدابنده به لقب «اعتماد السلطنه» ملقّب گردیده و منصب وزارت اعظم دولت صفوی را برعهده گرفت. نفوذ و قدرت او در دربار صفویه و تسلّط و چیرگی او بر ارکان دولت و مملکت نگرانی و حسادت را در بین برخی دولتمردان و امرای قزلباش برانگیخت تا جایی که توطئه چیدند تا او را از پیش پای خود بردارند. آنان از ضعف و بی کفایتی شاه استفاده کرده و در سال ۹۹۱ق در هرات او را به قتل رسانده و اموالش را مصادره کردند.

شعر را نیکو می سروده و در علوم زمان خود خصوصا حساب و سیاق مهارت داشته است.

از اوست:

عنان زلف به چشمان فتنه بار مده به دست مردم پرفتنه اختیار مده

ز زلف پرده به رخسار لاله گون مفکن کلید گنج سعادت به دست مار مده(۲)]

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۷۹.

۲- احسن التواریخ، صص ۶۵۵ و ۷۱۶؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ ۱۳۷۷ش)، ج۱، صص ۴۴۱-۴۴۵؛ تذکره آتشکده (بخش سوم از نیمه نخست)، ص۹۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۲۶۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سلمان»، ص۶۰۱؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۴۶۱-۴۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳؛ منتخب اللطایف، ص۳۳۰؛ تذکره مجمع الخواص، ص۴۱.

سلمان فارسی

ابوعبداللّه سلمان فارسی، نامش روزبه و از اهالی جی اصفهان بوده و در طلب تحقیق دین رنج ها برده و مسافرت ها نموده و سرانجام به شرف حضور محضر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرّف گردیده، از بزرگترین صحابه آن حضرت معدود بوده و به خطاب «السّلمان منّا اهل البیت» مفتخر گردیده [است].

در سال ۳۳ یا ۳۶ق در مداین وفات یافته، قبرش معروف است. در سنین عمر سلمان اختلاف زیاد است و عموم مورّخین وی را از معمّرین نام برده اند.

ظاهرا وی را سه فرزند بوده: ۱. عبداللّه ۲. کثیر۳. محمّد و برادری در شیراز و خواهر و دختری در اصفهان داشته و جمعی کثیر از محدّثین از اولاد اویند و سوزنی سمرقندی و ضیاءالدّین خجندی خود را از اولاد او می دانسته اند.(۱)

میرزا سلمان حسابی نطنزی

میرزا سلمان نطنزی متخلّص به «حسابی» از شعراء و ادبای قرن دهم هجری. او برادرزاده خواجه قاسم مستوفی الممالک نطنزی است. در کاشان نشو و نما یافته و در اصفهان ساکن شده است. اغلب عمر را به تحصیل علم گذرانیده و در ادبیات فارسی و عرب، طب، عرفان، موسیقی، انشاء و غیره دارای معلوماتی بوده اما هیچ علمی را به کمال نرسانده بود و بدین جهت ظرفاء او را دکان پس کوچه می گفتند (چرا در دکان او

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۲؛ طبقات ابن سعد، ج۴، ص۵۳؛ ذکر اخبار اصبهان، ج۱، صص ۴۹-۵۲؛ حلیه الاولیاء، ج۱، صص ۱۸۵-۲۰۸؛ طبقات المحدثین، ج۱، صص ۲۰۳-۲۳۶؛ اُسد الغابه، ج۱۲، ص۴۱۷؛ محاسن اصفهان، ص۲۳؛ مروج الهذب، ج۱، ص۳۲۰؛ مجالس المؤمنین، ج۲، صص ۲۰۵-۲۰۸؛ نفس الرحمان فی فضائل سلمان؛ بررسی سیر زندگی و حکمت و حکومت سلمان فارسی؛ سلمان محمّدی (عبدالواحد مظفر)؛ سلمان فارسی (جعفر مرتضی عاملی)؛ سلمان فارسی، استاندار مدائن (احمد صادقی اردستانی)؛ روزبه یا سلمان فارسی؛ سلمان پاک؛ تاریخ تشیع اصفهان؛ صص ۷۱-۷۳؛ خورشید جی، صص۱۲۷-۲۰۱؛ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ج۲، ص۱۲۵۱.

هر چیزی پیدا نمی شود). در موسیقی و ادوار مهارت داشته و تصنیف های او زبانزد گویندگان (خوانندگان) آن عهد بوده است. سال وفات او معلوم نیست.

کتب زیر از آثار اوست:

۱. «شرح دیباچه گلستان» ۲. «شرح هیئت» قوشچی به فارسی۳. «اوصاف البلاد»۴. «دیوان اشعار»

حسابی در وصف زادگاه خود نطنز گفته است:

در بدخشان گر عقیق از سنگ می آید برون از نطنز ما مِی گلرنگ می آید برون

این رباعی از اوست:

ای عقل خجل گشته زِ نادانی ما درهم شده خلق از پریشانی ما

بُت در بغل و به سجده پیشانی ما کافر زده خنده بر مسلمانی ما(۱)

سیّد محمّد سلیم زنجانی

سیّد محمّد سلیم بن برهان الدّین بن سیّد شاهی موسوی زنجانی، از علماء و فقهاء قرن دوازدهم هجری است.

در اصفهان ساکن بوده و نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی تحصیل نموده است. وی در سال ۱۱۳۱ق ۷۵جلد کتاب وقف نموده است. در مقدمه یکی از آن کتابها («شرح لمعه» جلد دوم، موجود در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان) یکی از نوادگانش حاج میرزا علینقی زنجانی بن میرزا محمّد علی بن امیر محسن بن میر محمّد سلیم موسوی اصفهانی، به شاگردی میر محمّد سلیم نزد علّامه مجلسی تصریح کرده است.(۲)

۱- تذکره هفت اقلیم، صص ۴۳۱-۴۳۹؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ ۱۳۷۷)، ج۱، ص۲۸۷؛ تذکره آتشکده: بخش سوم نیمه نخست، ص۹۴۰؛ مکتب وقوع در شعر فارسی، صص ۷۱-۷۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۶۰؛ الذریعه، ج۹، ص۲۳۶؛ تذکره غنی، ص۴۲؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۷۶ و ۷۷.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۵۰ الکواکب المنتشره، ص۳۲۶.

محمّد سلیم نوری*

محمّد سلیم بن ملک حسنی نوری، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و به تحصیل علوم دینی مشغول بوده است. او در یکشنبه شب عید اضحی (۱۰ ذیحجه) ۱۱۳۲ق در مدرسه شیخ جعفر اصفهان نسخه ای از «هیأت» فارسی تألیف: علاءالدّین علی قوشچی را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۱۲۷ در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام در قم نگهداری می شود.(۱)

محمّد سلیم جِشوِقانی قهپائی

محمّد سلیم بن محمّد علی جِشوِقانی [به کسر جیم و سکون شین و کسر واو] قهپائی اصفهانی [از فضلاء و کاتبان قرن یازدهم هجری] در نیمه ربیع الثّانی سال ۱۰۶۱ق کتاب «کافی» را به خط نسخ نوشته و به شماره ۸۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

حاج سیّد سلیمان ابطحی سدهی

حاج سیّد سلیمان ابطحی، از وعاظ و خطبای معروف اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

او در سِدِه ماربین (خمینی شهر) متولّد شد نسب او به سیّد محمّد دیباج فرزند امام جعفر صادق علیه السلام منتهی می شود. او پس از انجام تحصیلات خود به وعظ و ارشاد مشغول شده و نماز جماعت را در مسجد حناساب های اصفهان اقامه می کرد. او عمری را به زهد و استغنا گذرانیده و به ذکر مصائب و مناقب اهل بیت علیهم السلام کوشید تا اینکه در

۱- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام قم، ص۹۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۷.

روز جمعه ۷ شعبان ۱۳۶۳ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

سلیمان اصفهانی

ابو داود سلیمان اصفهانی، وی جزو جماعتی از اهل اصفهان بوده که در کوفه موفّق به زیارت حضرت علی علیه السلام شده اند.

وی گوید که با پدرم بودم در «کناسه» کوفه. مردی را دیدار کردیم. از نام او پرسش کردیم. گفته شد وی: شاهان شاه عرب یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام است.(۲)

سلیمان اصفهانی*

سلیمان اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. وی در نواختن نی مهارت به سزائی داشته و حتّی برخی نوازندگی او را به نوازندگی نایب اسداللّه ترجیح داده اند. مهدی نوائی نواختن نی را نزد او آموخته است.(۳)

سلیمان بیگ اصفهانی

سلیمان بیگ نوه محب علی بیگ لَلِه، شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری[از رجال و اعیان مورد احترام دوره صفویه بوده و مشرب صوفی گری و درویشی داشته و همچون پدر و جدّش متولّی مسجد جامع کبیر عباسی [مسجد شاه = مسجد امام فعلی] در اصفهان بوده است.

از اوست:

۱- شرح مجموعه گل، صص ۳۰۸-۳۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۲.

۳- سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، ص۲۹۲؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۲۷۳؛ تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران، ص۴۷۶.

حیرت افزاست خیال سر زلفت چندان که به خود گم چو سیاهی به شب تار شدم(۱)

سلیمان اصفهانی

حافظ سلیمان بن ابراهیم، از محدّثین قرن پنجم هجری است. او از «ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه» روایت می کند و «شهاب الاسلام ابوالنّجیب سعد بن عبداللّه همدانی» از وی نقل حدیث می نماید.

او در سال ۴۸۸ق زنده بوده است.(۲)

سلیمان مَلِنْجی اصفهانی

حافظ ابومسعود سلیمان بن ابراهیم بن محمّد بن سلیمان اصفهانی مَلِنْجی، از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری است. او در سال ۳۹۷ق متولّد شده و جهت اخذ حدیث به بصره و بغداد و فارس و جبال مسافرت کرده و از «ابونعیم احمد بن عبداللّه حافظ اصفهانی»، «محمّد بن ابراهیم جرجانی» و «ابی بکر بن مردویه» و دیگران استماع حدیث کرده و متجاوز از ۳۰نفر در شام و خراسان و عراق از جمله «ابوالقاسم جنید بن محمّد صوفی قائنی»، «ابوبکر محمّد بن شجاع لفتوانی» و «ابوبکر محمّد بن طاهر اشتر طوسی» از او حدیث شنیده اند. او کتب چندی در حدیث و استخراج بر صحیحین تألیف کرده است.

او در سال ۴۸۶ق وفات یافته است.(۳)

«ملنجه» یکی از محلّات یاقرای اصفهان است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۴؛ تذکره روز روشن، ص۳۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۷ و ۶۷۸.

۲- احقاق الحق، ج۴، ص۳۳۴ و ج۷، ص۳۹۳ و ج۸، ص۳۱۷ و ج۹، ص۵۲۱ و ج۱۰، ص۴۳۶.

۳- مرآت الجنان، ج۳، ص۱۴۲؛ التّحبیر، ج۱، ص۱۶۹؛ الانساب، ج۵، ص۳۸۲؛ تذکره الحفاظ، ج۳، ص۱۰۹۳؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۴۰۹؛ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ج۱، ص۵۰۱.

سلیمان دامغانی*

خواجه سعدالدّین سلیمان بن شرف الدّین ابوالحسن بن طالوت دامغانی، از اعیان و خیرّین نیکوکا قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. او از مریدان عارف ربّانی محمّد بن ابوالقاسم اصفهانی معروف به «بابا قاسم» بوده و پس از وفات مراد خود، بقعه ای شکوهمند را در سال ۷۴۱ق بر سر مزار او بنا کرده است.(۱)

سلیمان طبرانی

حافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایّوب بن مطیر لخمی طبرانی، از مشاهیر محدّثین و حُفّاظ عامّه در قرن سوم و چهارم هجری است. در سال ۲۶۰ق در عکّا متولّد گردید و جهت کسب علم و حدیث به شهرهای حجاز و مصر و عراق و فارس و اصفهان و جزائر مسافرت نمود. در سال ۲۹۰ق به اصفهان وارد گردید و بعدا به شهرهای دیگر رفته و از سال ۳۰۰ق مجدّدا به اصفهان آمده و مدّت شصت سال در این شهر به نقل حدیث پرداخته، تعداد مشایخ او را قریب یک هزار نفر می نویسند. او را «مسند دنیا» لقب داده اند. و خود از زمره حُفّاظ و علماء اهل سنّت بوده و نسب به شیعه به نظر احترام می نگریسته است.

برخی از محدّثین که طبرانی از آنها روایت نموده عبارتند از: «ابن عقده احمد بن محمّد»، «احمد بن یحیی حلوانی»، «محمّد بن عبداللّه بن بجیر»، «محمّد بن علی بن اسحاق»، «محمّد بن علی بن الولید»، «یحیی بن عثمان با صالح» و غیره.

از جمله کسانی که از وی اخذ حدیث کرده اند: «حافظ ابونعیم اصفهانی»، «ابوخلیفه جمحی»، «عبداللّه بن احمد» و جماعتی دیگر می باشند.

۱- آثار ایران، ج۴، صص ۲۲۶ و ۲۲۸.

«طبرانی» در ۲۸ ذیقعده ۳۶۰ق در سن یکصد سالگی در اصفهان وفات یافته، «حافظ ابونعیم اصفهانی» بر وی نماز گزارده و سپس جنب مزار «حممه بن ابی حممه» (از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله) در باب تیره اصفهان مدفون شد.

در محلّه طوقچی مجاور مقبره «صاحب بن عَبّاد» مقبره قدیمی با گنبد خِشتی بود که اخیرا آنرا خراب کرده و حسینیّه بنا کردند. معروف بین عوام آن بود که نام مدفون در بقعه « تبردار» است و ظاهرا « تبردار» تصحیف شده «طبرانی» است.

کتابهای زیر از تألیفات اوست:

۱. «کتاب الاوائل»۲. «تفسیر قرآن»۳. «حدیث الشّامیین»۴. «کتاب الدّعوات»۵. «دلائل النّبوه»۶. «کتاب الرّمی»۷. «کتاب السّله»۸. «الطوالات فی الحدیث»۹. «عشره النّساء» ۱۰. «مسند ابوسفیان» ۱۱. «مسند شیعه» ۱۲. «معجم اوسط» شامل پنجاه و دو هزار حدیث ۱۳. «معجم صغیر» در اسامی مشایخ خود ۱۴. «معجم کبیر» در ذکر اسامی صحابه ۱۵. «کتاب المکارم فی ذکر الاجواد» ۱۶. «کتاب المناسک» ۱۷. «کتاب النوادر»(۱)

پیر سلیمان هفشوئی

پیر سلیمان هفشوئی اصفهانی بن پیر احمد یاناکی هفشوئی، شاعر و ادیب فاضل. از شعراء و دانشمندان قرن یازدهم هجری.

اصلاً از اهالی قریه «هفشویه» از بلوک قُهاب اصفهان بوده و جهت تحصیل به

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۵؛ راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۰۰؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۲۱۵؛ هدایه العارفین، ج۱، ص۳۹۶؛ الکنی و الالقاب، ج۲، صص ۴۴۳ و ۴۴۴؛ روضات الجنات، ج۴، ص۷۹؛ هدایه الاحباب، ص۲۱۳؛ کشف الظّنون، ج۲، ص۱۷۳۷؛ الاعلام، ج۳، ص۱۸۱؛ اللّباب، ج۲، ص۲۷۳؛ غایه النّهایه، ج۱، ص۳۱۱؛ طبقات المفسرین، ج۱، صص ۱۹۸-۲۰۰؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۳۱؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۲۵۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «طبرانی»، ص۱۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۶؛ مزارات اصفهان، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

اصفهان آمد و در مدرسه والده ساکن شد.(۱) نزد جمعی از فضلاء و علماء خصوصا سیّد شرف الدّین علی شولستانی نجفی و آخوند نصیرا قزوینی به تحصیل پرداخت و از سیّد شرف الدّین شولستانی در ۴ رجب سال ۱۰۵۴ق اجازه دریافت نمود.(۲)

[او در سال ۱۰۳۳ق کتاب «ذکری الشیعه» تألیف: شهید اوّل را کتابت نموده که به شماره ۱۱۲۱۵ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۳)]

در فنون شعر و ادب خصوصا عروض و قافیه و معما و صنایع بدیعی استاد بوده و گاهی شعر می سروده است.

این معما به نام «صدر» از اوست و حلّ آن در تذکره نصرآبادی آمده است:

چون صبا زلف از جمال یارم دور کرد بر کنار لب دو خال هندویم رنجور کرد

[پیر نور و پیر محمّد مقیم از سلسله پیران قریه هفشویه و از بستگان و خویشان پیر سلیمان بوده اند و فرزندانش محمّد صالح و صمد نیز از فضلاء آن عهد بوده اند.]

سیّد سلیمان گلستانه*

سیّد سلیمان بن سیّد محمّد باقر گلستانه، خوشنویس ادیب قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و خط نسخ را خوش می نوشته و معاصر شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی است و ظاهرا تا سال ۱۰۹۰ق در قید حیات بوده است.

او یک جلد قرآن کریم را به خط نسخ خوش در سال ۱۰۷۶ق کتابت کرده که به شماره ۱۲۱۶۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. همچنین نسخه ای از «من لا ـ یحضره الفقیه» را در سال ۱۰۸۷ق کتابت کرده که به شماره ۱۰۰ در کتابخانه صدوقی یزدی در یزد موجود است.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص ۷۷۰.

۲- الذریعه، ج۱، ص ۲۱۰.

۳- فهرست الفبائی رضوی، صص ۷۱۰ و ۲۷۳.

۴- فهرست مجلس، ج۳۵، ص۱۷۸؛ فهرست صدوقی، ص۷۹.

سلیمان اصفهانی

سلیمـان بن محمّـد حسین اصـفهانی، از کاتبـان قرن یـازدهم هجری است. او کتـاب «ذخیره خوارزمشاهی را در شوال ۱۰۷۹ق کتابت کرده و در کتابخانه سلطنتی سابق در تهران موجود است.(۱)

سلیمان منقری شاذکونی

ابو ایوب سـلیمان بن داود بن بُشـر منقری شاذکونی اصـفهان کوفی، از محـدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری. پـدرش در یمن تجـارت می کرد و دوخته هـایی را می فروخت که در یمن به «شاذکونه» معروف بود. لـذا به «شاذکونی» معروف شـد. خود او جهت طلب حدیث به بغداد و کوفه رفته و در اصـفهان ساکن شده و «رسته»، «محمّد بن عاصم»، «اسید» و «ابوزرعه رازی» از او حدیث نقل کرده اند.

شاذکونی از برخی از شاگردان امام جعفر صادق علیه السـلام حدیث نقل می کند امّا رجال شـناسان شـیعه او را ضعیف دانسته اند.

وی در سال ۲۳۶ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

سلیمان وکیل

ابوالحسین سـلیمان بن داود بن سـلیمان وکیل [از محـدّثان عامّه اصـفهان در قرن چهارم هجری] وی از «علیّ بن محمّد بن ابان قاضی» و «علی بن حسن بن علی مظالمی» روایت می کند.(۳)

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص ۱۰۸۰.

۲- ذکر اخبار اصـفهان، ج۱، صص ۳۳۳ و ۳۳۴و ترجمه ذکر اخبـار اصـفهان، ص۴۲۵؛ مجمع الرّجـال، ج۳، ص۱۶۵؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۱۵۳؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۳۴۴؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص ۲۶۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۶.

سلیمان حسن آبادی

ابوالعلاء سلیمان بن عبدالرّحیم بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن سلیمان رفّاء حسن آبادی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] از «ابی عبداللّه بن منده»، «ابی اسحاق بن خُرشید قوله»، «ابی عمر بن طلحی» استماع حدیث نموده و «ابونصر احمد بن محمّد خوزی اصفهانی» و «ابوبکر محمّد بن علی کابلی» از او اخذ حدیث کرده اند. او مردی فاضل بوده و در سال ۴۶۹ق وفات یافته است.(۱)[ظاهرا منظور از «حسن آباد»، حسن آباد جرقویه اصفهان است.]

سیّد سلیمان

سیّد سلیمان بن محمّد علی، از علماء اتقیاء. وفاتش در ۱۹ ذیقعده الحرام ۱۲۳۴ق روی داده و قبرش در تخت فولاد اصفهان است.(۲)

میرزا سلیمان کوثر اصفهانی

میرزا سلیمان خان امین پور متخلّص به «کوثر» فرزند میرزا فضل اللّه، [از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۹۰ش در اصفهان متولّد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه خویش را در این شهر به پایان رسانیده، وارد خدمت فرهنگ شده و از دبیران خوب و مجرب فرهنگ اصفهان به شمار می رفت. گاهی به مقتضای حال اشعاری می سرود و «کوثر» تخلّص می کرد. برادرش هاشم بهروش متخلّص به «روشن» نیز از شعرای اصفهان و مقیم یزد بود.

۱- الانساب، ج۴، ص۱۵۷؛ معجم البلدان، ج۲، ص۲۵۹؛ اللباب، ج۱، ص۲۶۵؛ التّحبیر، ج۲، ص۱۸۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۹.

از اوست:

باور مکن اگر که وجودم عدم شود اندر دلم ز مهر تو یک ذرّه کم شود(۱)

حاج میرزا سلیمان رکن الملک

حاج میرزا سلیمان رکن الملک شیرازی بن محمّد کاظم [خلف بیگی بن محمّد حسین بن محمّد اسماعیل بن ابراهیم سلطان بن امام وردی بیگ بن خلف بیک ثانی (سفره چی)، شاعر و ادیب منشی. از سخنوران و بزرگان اواخر دوره قاجاریه.

او از خاندان خلف بیگی شیراز است که نسب آنان به خلف بیگ طالش از امرای شاه اسماعیل صفوی منتهی می شود. خلف بیگ سفره چی معروف به «خلف بیگ ثانی» بانی مسجد سرخی اصفهان هم از اجداد اوست و امام وردی بیگ مدّتی والی فارس بود.]

صاحب عنوان در سال ۱۲۵۴ق در شیراز متولّد شده و در آنجا علم و ادب آموخته و خطوط نستعلیق و نسخ را مشق نموده و در صنایع و فنون ادب خصوصا انشاء مهارتی وافر کسب کرد.

[در سال ۱۲۷۷ق کارگزار بحرین شده و سپس به دستگاه ظلّ السلطان والی فارس پیوست و در خدمت او به منشی گری پرداخت. پس از ضمیمه شدن حکومت اصفهان و مناطق تابعه به قلمرو حکمرانی ظلّ السّلطان، به اصفهان منتقل شده و «نایب الحکومه» اصفهان گردیده و لقب «رکن الملک» گرفت و عامل ابرقو و جرقویه علیا و سفلا شد.]

او از مردان نیکوکار و خلیق و مهربان و فردی لایق و کاردان بوده و در مقایسه با عموم کارمندان دستگاه ظلّ السّلطان، از همه بهتر و نسبت به قاطبه مراجعین خصوصا علماء و دانشمندان خوشرفتار بوده و در دستگیری از فقراء و ضعفاء اهتمام داشته است. آثار خیریه ای از او باقی مانده است. از آن جمله:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۹۱.

۱. ساختن بقعه ای بر سر مزار آقا محمّد بیدآبادی۲. ساختن گنبد و تعمیرات تکیه حاج محمّد جعفر آباده ای در تخت فولاد۳. تعمیرات در تکیه میرفندرسکی۴. تعمیرات صحن مطهر حضرات عسکریین علیهماالسلام در سامرا۵. ساختن مسجدی عالی و وسیع و مدرسه در اول تخت فولاد در سال ۱۳۲۱ق۶. چاپ ۷۵۰۰ جلد قرآن مجید و چندین کتاب از جمله «جامع عباسی»، «زاد المعاد»، «صحیفه سجادیّه»، «انیس الاعلام فی نصره الاسلام» و اهداء آن به علماء و مؤمنین. در استان فارس هم فعالیّت های خیریه داشته و از جمله صدها جلد قرآن را وقف کرده و تولیّت موقوفات خاندان خلف بیگی در شیراز را برعهده داشته است.

در سخنوری و فنون شعر و ادب نیز استاد بوده و در شعر «خلف» تخلّص می نموده است. وی سرانجام در روز سه شنبه ۷ جمادی الاولی سال ۱۳۳۱ق وفات یافته و در مسجد خود در اطاق مخصوص مدفون شد. عدّه ای از شعراء جهت او مرثیه و مادّه تاریخ گفته اند. از جمله «اعوری» شاعر اصفهانی گوید:

باده مرگ ساقی دوران ریختش چون به کام رکن الملک

اثر کار خیر او دارد تا ابد زنده نام رکن الملک

«اعوری» گفت بهر تاریخش «شد بجنت مقام رکن الملک»

این دو بیت از رکن الملک است:

دلِ غمین به وصال بتی ز نوشاد است که رشک لعبت فرخار و شوخ نوشاد است

به کوی خسرو و شیرین ما دلا بگذر ببین که تیشه بر فرق هزار فرهاد است(۱)

۱- آثار عجم، ص۵۰۳؛ تذکره مرآه الفصاحه، ص۱۹۹؛ فارسنامه ناصری، ج۲، ص۹۱۶؛ مجله یادگار، سال سوم، شماره ۹، ص۳۳؛ حدیقه الشعراء، ج۲، ص۵۷۳؛ دانشمندان و سخن سریان فارس، ج۲، صص ۴۵۴-۴۵۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۲۸۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۵۲ و ۶۵۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۱.

سلیمان اصفهانی

ابو داود سلیمان بن محمّد بن علی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری[در شوال ۴۵۵ق متولّد شده و سرانجام در نیشابور ساکن شده است. او به همراه «ابوسعد سمعانی» از «ابوبکر... بن طاهر شمامی» حدیث شنیده است. وفاتش در سال ۵۴۱ق اتفاق افتاد.(۱)

ملّا سلیمان تنکابنی*

ملّا سلیمان بن محمّد تنکابنی گیلانی اصفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر، جامع معقول و منقول. از علمای قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از بزرگان فقه و ادب خصوصا علّامه ملاّ محمّد باقر مجلسی کسب فیض نمود.

وی در سال ۱۰۷۷ق نسخه ای از کتاب «کافی» را کتابت کرده که در مسجد اعظم قم موجود است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آداب المؤمنین و اخلاقهم» ۲. «التّوحید»۳. «الحرکه و السّکون و الزّمان»۴. «الرّجعه»۵. «شرح الصّحیفه السّجادیه»۶. «العلم»۷. «المعاد»۸. «منظومه فی العوامل»(۲)

سلیمان کلاردشتی

سلیمان بن درویش محمود کلاردشتی مازندرانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری ساکن اصفهان] در ۱۷ صفر ۱۰۹۲ق از کتابت «حاشیه مطول» میر سیّد شریف جرجانی، در اصفهان فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۱۶۳۹ در کتابخانه مرکزی

۱- التّحبیر، ج ۱، ص۳۱۳.

۲- تلامذه العلّامه المجلسی، ص۲۹؛ تراجم الرّجال، ج ۲، ص۲۳۵.

دانشگاه طهران موجود است.(۱)

سلیمان اصفهانی

سلیمان بن میرزا جان اصفهانی، از کاتبان و فضلای قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «ایضاح الاشتباه» تألیف: علّامه حلّی را به خط نسخ (ظاهرا در اوایل قرن چهاردهم هجری) کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۱/۱۴۶۸۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

سلیمان فابزانی

سلیمان بن یوسف بن صالح بن زیاد بن عبداللّه عقیلی فابزانی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن سوم هجری. از «نعمان بن عبدالسّلام» روایت می کند.] فرزندش «ابوجعفر احمد» از او نقل حدیث کرده است.(۳)

[«فابزان» به احتمال قوی همان «خابجان» (خابجون) فعلی، از محلّه های اصفهان است.]

شیخ سلیمان دارانی

شیخ سلیمان دارانی، از مشاهیر عرفای عهد صفوی است. مدفنش در داران (فریدن) اصفهان است.(۴)

آقا سلیمان کلانتری*

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۲۱۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۷، ص۱۸۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۳؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۲۴.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۶.

آقا سلیمان کلانتری، از هنرمندان معاصر اصفهان. از شاگردان سیّد رحیم اصفهانی بود و در خوانندگی مهارت داشت و به سبک سیّد رحیم آواز می خواند. و در موسیقی اطلاعات کافی داشت، وی در سال ۱۳۴۸ش درگذشت.(۱)

ملّا سلیمان گرجی

ملّا سلیمان گرجی [از علماء قرن دوازدهم هجری] معاصر شاه سلطان حسین صفوی و مؤلف: ۱. «کشکول اللّغه» در شش جلد که نسخه آن در کتابخانه آیه اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. [۲. ترجمه «ریاض السالکین» سیّد علی خان در شش جلد ۳. «ام العرفان فی تفسیر القرآن»]

سلیمان مبارکه ای لنجانی

سلیمان مبارکه ای لنجانی، [از ادباء و عرفاء اواخر دوره قاجاریه] کتاب «ترجمه مروج الذهب» را در محرم ۱۳۱۶ق در مبارکه لنجان اصفهان به خط نسخ نوشته و آنجا «اقلُّ الطُّلاب و اَفقَر الفُقَراء النّعمتیّه سلیمان» خود را معرفی می کند.(۲)

سیّد سلیمان میرلوحی فلاورجانی*

سیّد سلیمان میرلوحی فلاورجانی، از علماء و واعظ معاصر است. در سال ۱۲۹۱ش متولّد شد. در ۱۲ سالگی به اصفهان رفته و در مدرسه جدّه بزرگ ساکن شد و نزد علمای عالیقدری چون شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی و سیّد عباس صفی دهکردی به تحصیل پرداخت. او از سال ۱۳۲۵ش تا آخر عمر در فلاورجان و مناطق اطراف آن به وعظ و خطابه و ترویج دین مشغول بود و در مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام فلاورجان و مسجد جامع ریاخون به اقامه جماعت می پرداخت.

۱- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۸۳.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۶۹.

او سرانجام در روز ۲۲ مهر ۱۳۶۶ش (مصادف با شب اربعین) وفات یافت.(۱)

سُمبات درگیورقیان*

سُمبات دِرگیورقیان، نقاش و هنرمند معاصر. در سال ۱۲۹۳ش (برابر با ۱۹۱۳م) در محلّه جلفای اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود را در مدرسه ارامنه و سپس در کالج انگلیس اصفهان به اتمام رسانید.

از سال ۱۳۱۱ به مدّت سه سال از آموزش های نقاش هنرمند سرکیس خاچاطوریان بهره مند شد. در سال ۱۳۳۷ش اولین نمایشگاه آثار خود را در باشگاه صنعت نفت آبادان برپا کرد. یک سال بعد راهی ایتالیا و فرانسه شد و با آثار هنرمندان آبرنگ و سبک های آنان آشنا شد. آنگاه به لندن رفت و با آبرنگ کار انگلیسی «سِر ویلیام داسل فلینت» آشنا شد و مورد توجّه و تایید آن هنرمند قرار گرفت، او در یک سال اقامت در لندن نقاشی و طراحی را دنبال کرد و معلومات و تجربیات ارزشمندی به دست آورد.

او پس از بازگشت به ایران نمایشگاه های متعدّدی را در شهرهای آبادان و مسجد سلیمان و همچنین در کشور عربستان سعودی برپا داشت. همچنین در سال ۱۳۲۳ش در چهارمین بی نیال تهران شرکت کرد. او دارای کارگاهی بود که شاگردان بسیاری در آنجا تعلیم دیده اند.

آثار به نمایش گذاشته از او در نمایشگاه های داخل و خارج کشور با استقبال فراوان هنرشناسان روبرو شده و شماری از کارهایش در موزه های داخل و خارج و در مجموعه های خصوصی نگهداری می شود. در سال ۱۳۷۲ش نمایشگاه آثار او در ایروان، پایتخت ارمنستان با استقبال بسیاری مواجه گردید.

سُمبات علاوه بر چیره دستی در آبرنگ، در نقاشی رنگ و روغن، گواش، پاستل، آب مرکب و سیاه قلم نیز مهارت داشت. بسیاری از موضوعات نقاشی او زندگی مردم

۱- شرح مجموعه گل، ص ۲۴۰.

ایران در آثار تاریخی هستند.

این هنرمند توانا از جامعه ارامنه اصفهان در سال ۱۳۷۸ش درگذشت.(۱)

ملّا محمّد سمیع اصفهانی

ملّا محمّد سمیع اصفهانی [از فضلاء قرن چهاردهم هجری] فاضل ادیب. کتب چندی وقف نموده که از آن جمله است: نسخه ای از «ارشاد القلوب» دیلمی که به نظر علّامه [شیخ آقابزرگ] طهرانی رسیده است.(۲) وی در نجف اشرف ساکن بود. او عالمی صالح زاهد و متقی و در جمع کتب مولع بوده و اغلب آن کتابها را وقف یا وصیّت به وقف نموده است. سرانجام در سال ۱۳۲۷ق وفات یافته و در قبرستان «وادی السلام» نجف مدفون شد.(۳)

سوار عسکری

ابی الحسن سوار بن احمد بن ابی سوار عسکری. از راویان بصره حدیث نقل کرده است. چندین سال در اصفهان سمت قضاوت داشته و در ماه شعبان سال ۹۴ق در این شهر وفات یافته است.(۴)

سهل ابهری

ابوالحسن سهل بن احمد بن عباس ابهری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از «ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن نعمان بن عبدالسّلام» روایت نموده و

۱- آبرنگ ایران: برگ چهارم؛ دانشنامه ایرانیان ارمنی، ص۳۴۶.

۲- الذریعه، ج۱، ص۵۱۷.

۳- نقباء البشر، ص۷۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۹.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۲؛ تاریخ نجف اشرف و حسیره، ص۱۴۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۵.

«ابوبکر بن مقری» از او نقل حدیث می نماید.(۱)

ابهر (اَبَر) از دهات بلوک جِی اصفهان بوده و اکنون جزو شهر محسوب می شود.

سهل اسیهفردیسی

ابوطاهر سهل بن عبداللّه بن فَرُّخان اسیهفردیسی مدینی اصفهانی [از زُهّاد و عُبّاد و محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] زاهد و مستجاب الدعوه بوده و به مصر و شام سفر کرده و حدیث نوشته است. [از «ابن شر حبیل»، «ابوایّوب سلیمان بن عبدالرّحمان» و «محمّد بن مصفّی» روایت نموده و «احمد بن ابراهیم بن یوسف ضریر» از او نقل حدیث کرده است.(۲)] او در سال ۲۹۶ق وفات یافت.

«اسیهفردیس» از روستاهای «مدینه» (شهرستان) اصفهان است.

سهل اصفهانی

سهل بن علی بن سهل اصفهانی، از عرفاء و صوفیه [در قرن چهارم هجری] است. ابونصر سراج در «لمع» از قول او گوید: «حرام است اصحاب ما را فقرا بنامند، زیرا آنها غنی ترین خلق خدایند»(۳)

سهل اُسواری

ابوالمظفر سهل بن محمّد بن احمد اُسواری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان است] از «ابی عبداللّه محمّد بن اسحاق»، «ابی بکر طلحی» و «ابی اسحاق ابن ابراهیم نیلی» روایت می کند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۳۹؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۵۳؛ طبقات المحدّثین باصفهان، ج ۳، صص ۸۶ و ۸۷.

۳- تاریخ تصوف، ص ۲۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۱۳.

۴- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۰.

«اُسوار» از روستاهای حومه اصفهان بوده [و احتمالاً همان جایی است که به حال حاضر آن «سواری باغ» گفته می شود.]

سهل اصفهانی

ابوطاهر سهل بن محمّد بن ازهر اصفهانی [از فقهاء و محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] در فقه مهارت داشته و از یونس بن حبیب حدیث شنیده و از ابومسعود حدیث نوشته است. او پدر صوفی و عارف مشهور «علی بن سهل اصفهانی» است.

سهل اصفهانی در سال ۲۸۶ق وفات یافت.(۱)

سهل صعلوکی

ابوالطّیب سهل بن ابوسهل محمّد بن سلیمان بن محمّد صُعلوکی نیشابوری اصفهانی، از فقهاء و محدّثین مشهور شافعی در قرن چهارم هجری. نزد پدر فقه را آموخته و علاوه بر فقه در ادبیات نیز توانا بود و ریاست شرعی و دنیوی را با هم داشت. گویند در مجلس درس او در نیشابور قریب پانصد قلم و دوات به کار می رفته و فضلاء حاضر در مجلس، مطالب او را می نوشته اند.

وی در سال ۴۰۴ق وفات یافت [سالهای ۴۰۲ و یا ۳۸۷ق که برخی نوشته اند اشتباه است.] وی مؤلف کتابی است به نام «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب» یعنی طبقات الشافعیه.(۲)

سهل بُرجی

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۲؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۴۵؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۲۴۶؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۴۱۲؛ طبقات الشّافعیّه (اسنوی)، ج۲، صص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ طبقات الفقهاء، صص ۱۲۹ و ۲۲۲؛ روضات الجنات، ج۴، ص۹۶؛ الاعلام، ج۳، ص ۲۱۰؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۴۱۶؛ محاسن اصفهان، ص۳۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سهل»، ص۷۳۴.

سهل بن محمّد بن ابی الفرج سهل بُرجی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] از جدش ابوالفرج سهل بُرجی نقل حدیث نموده و محدّثین اصفهان از او حدیث شنیده اند. یحیی بن منده در کتاب خود از او یاد کرده و از او اجازه نقل حدیث دارد.(۱)

سهل اصفهانی

ابوالقاسم سهل بن محمّد بن عبداللّه بن محمّد اصفهانی ندیم [از محدّثین فاضل قرن ششم هجری] متوفی در ربیع الثّانی ۴۴۶ق، ساکن نیشابور.(۲) از «سیّد ابوالحسن محمّد بن علی بن حسین بن علی حسنی» روایت نموده و «حاکم حسکانی» از او نقل حدیث کرده است.(۳)

[حافظ ابوالحسن فارسی او را با عنوان «شیخٌ فاضلٌ ثقةٌ کثیر الشیوخ ثقه فی الرّوایه» ستوده و نوشته است که در اعتقادات اهل سنّت تعصب داشته و در نیشابور و هرات حدیث شنیده و حدیث گفته است.(۴)]

سه موافق

در محلّه جوباره اصفهان در نزدیکی تکیه حاج میرزا داود در مقبره ای متصل به مسجد محمّد علی سلمانی در ضلع جنوبی خیابان کمال قبر ساروتقی معروف است. در حوالی آن سه قبر وجود داشته که در طول تاریخ از بین رفته ولکن نام آنها علی المشهور «سه موافق» بوده و در اثر کثرت استعمال به «سه مافق» شهرت یافته است.

این سه قبر یکی داخل دکان مقابل مسجد و دیگری در خانه پشت مسجد و سومین نیز در مسجد و احتمالاً در همین بقعه قرار داشته است. نام و شرح حال آنان تاکنون بر

۱- معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۳.

۲- تاریخ نیشابور، ص۳۷۹.

۳- احقاق الحق، ج۱۴، ص۵۹۸.

۴- المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، ص۱۰۶.

نویسنده مجهول مانده و به احتمال قوی، قبور متعلق به بزرگان و علماء اسماعیلیه که در قرن پنجم تا هفتم در اصفهان قدرت و شهرت و عنوانی داشته اند، بوده است.

شاردن فرانسوی در سفرنامه خود پس از ذکر افسانه ای درباره کمال الدّین اسماعیل می نویسد: «چند قدم پایین تر از این قبرستان (قبر کمال اسماعیل) قبر یکی از شجاعان اسلام است که در قرن چهارم می زیسته و ستّیان که دشمن مذهب ایرانیانند را در همه جا تعاقب می کرده و...»

مرحوم عریضی می نویسد که «نام صاحب این قبر سیّد احمد و در دیگری قبر امین الدّین حسن وزیر سلطان ملکشاه سلجوقی و سومی قبر دیوانه بابلی است. سپس شرحی درباره دیوانه بابلی می نویسد که شباهت به نوشته قبلی او دارد. به ظنّ قوی، قبری را که نزدیک قبر کمال الدّین اسماعیل نقل می کند و جزو سه قبری است که قبلاً ـ به عنوان «سه موافق» نوشتیم، مربوط به همین فرد می باشد.(۱)

سهیل اصفهانی

ابوالسّحماء سهیل بن حسّان اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان است. از اصفهان به مصر رفته و در آنجا حدیث گفته است. عبداللّه بن وهب از او روایت کرده است.(۲)

سیّار بن خزیمه

ابونصر سیّار بن خزیمه بن سیّار بن عبدالرّحمان [از محدّثان عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] در اصفهان می زیسته و محل زندگی او سالها به کوی سیّار معروف بوده است. مردی بسیار عابد و زاهد بوده و از حاتم بن عبیداللّه نَمَری بصری و حسین بن حفص بن فضل ذکوانی همدانی و ابراهیم بن ایوب عنبری فُرسانی حدیث شنیده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۹؛ مزارات اصفهان، ص۲۶۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۴۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۴۰؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۶۸.

سیاوش کسرائی*

سیاوش کسرائی فرزند رحیم شاعر نوپرداز معاصر، در حدود سال ۱۳۰۵ش در اصفهان متولّد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدّماتی و متوسّطه در زادگاه خود به تهران رفت و موفق به دریافت مدرک لیسانس از دانشکده حقوق شد. او تحت تأثیر نیما یوشیج به شعر نو روی آورد و جزو اولین نسل پیروان و مروّجان نیمائی قرار گرفت. در جوانی به مبارزه سیاسی روی آورد و رژیم پهلوی از چاپ آثار او جلوگیری کرد و او مجبور به مهاجرت به افغانستان شد. پس از پیروزی انقلاب به ایران بازگشته و مدّتی به فعالیّت ادبی مشغول بود، سرانجام به شوروی (روسیه کنونی) رفت. او سالهای آخر عمر را در اطریش به سر آورد تا اینکه پس از یک عمل جراحی، در پنج شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۷۴ش در «وین» (پایتخت اطریش) درگذشت و در قبرستان آن شهر به خاک سپرده شد.

از اشعار معروف او «آرش کمانگیر» است که در بین مردم معروف بود و در کتابهای درسی درج شده بود.

این کتابها که مجموعه اشعار اوست به چاپ رسیده است:

۱. «آوا»۲. «آرش کمانگیر»۳. «خون سیاوش»۴. «سنگ و شبنم»۵. «با دماوند خاموش»۶. «خانگی»۷. «به سرخی آتش، به طعم دود»۸. «از قُرُق تا سرودخوان»۹. «آمریکا آمریکا» ۱۰. «چهل کلید» ۱۱. «تراشه های تبر» ۱۲. «پیوند» ۱۳. «هدیه برای خاک» ۱۴. «ستارگان سپیده دم» ۱۵. «مهره سرخ» ۱۶. «از خون سیاوش» ۱۷. «گزینه اشعار» ۱۸. «هوای آفتاب»(۱)

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۸۶۳؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۴۷۰ و ۴۷۱؛ هفته نامه «امید جوان»، سال اوّل: شماره ۴، روز ششم اسفند ۱۳۷۴، ص ۱۰؛ ماهنامه جهان کتاب، شماره ۱۹۲: سال نهم، ص ۵۰.

دکتر سیاوش صحّت*

دکتر سیاوش صحّت، از پزشکان جراح و اساتید پزشکی معاصر در سال ۱۳۱۳ش متولّد شد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه در اصفهان، دوره دانشکده پزشکی اصفهان را به پایان رسانیده و سپس در دوره تخصصی جراحی شرکت کرد. سپس به آمریکا رفت و در «پنسیلوانیا» و «ماساچوست» و بیمارستان «مموریال» نیویورک به ادامه تحصیل در رشته جراحی پرداخته و دیپلم تخصصی در این رشته را اخذ نمود. سپس به اصفهان بازگشته و در سال ۱۳۴۴ش به سمت دانشیاری جراحی عمومی دانشکده پزشکی اصفهان منصوب شد.(۱)

دکتر سیروس شفقی*

دکتر سیروس شفقی فرزند علی اکبر، جغرافیدان و استاد دانشگاه، در سال ۱۳۱۲ش در ارومیه متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی به تبریز رفت و پس از طی دوره متوسطه، در دانشگاه تبریز در رشته های علوم تربیتی و تاریخ و جغرافیا لیسانس گرفت.

سپس به آلمان رفت و در سال ۱۳۴۴ش از دانشکده علوم طبیعی و ریاضی دانشگاه کُلن، دکترای جغرافیا اخذ نمود و تز دکترای خود «جغرافیای شهری تبریز» را ارائه نمود. در سال ۱۳۴۵ش به اصفهان آمده و رشته جغرافیا را در دانشگاه اصفهان تأسیس کرد و در سال ۱۳۵۶ش به درجه استادی رسید.

وی در سمت های مختلف مانند مدیر گروه جغرافیا، رئیس دوره شبانه دانشگاه اصفهان، رئیس دانشکده اقتصاد و علوم اداری و ریاست مرکز تحقیقات جغرافیای اصفهان به انجام وظیفه پرداخته و در برخی از شوراهای فرهنگی و دانشگاهی و گروه های تحقیقاتی عضو بوده است.

از او مقالات متعددی در مجلات کشور همچون هنر و مردم، نشریه دانشکده ادبیات

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی، ص۱۰۸.

و علوم انسانی تبریز، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، نشریه هواشناسی کشور، نشریه مسائل ایران، فصل نامه فرهنگ اصفهان، فصل نامه وقف میراث جاویدان و غیره به چاپ رسیده و چندین مقاله نیز به زبان آلمانی چاپ شده است. همچنین از او مقالات متعددی در همایش های داخلی و خارجی ارائه شده است.

کتب زیر از او به چاپ رسیده است:

۱. «بررسی کارهای دستی اصفهان» ۲. «بررسی مناطق خشک و کویرهای ایران»۳. «جغرافیای اصفهان»۴. «بازار بزرگ اصفهان»(۱)

سیف الدّین آذر نجف آبادی*

سیّد سیف الدّین سیّد موسوی متخلّص به «آذر» فرزند سیّد فخرالدّین، از شعرای معاصر. در روز سوم مهر ۱۳۲۰ش در قزوین متولّد شد. عاقبت در نجف آباد ساکن شده و در کارخانه ذوب آهن به کار پرداخت. و چندی بعد در دانشگاه پیام نور در رشته ادبیات تحصیل نمود. جدّش حاج سیّد مناف، مجتهد معروف طارم علیا است.

از اوست:

دل را خدای کرده بلورین سرای مهر مگذار سنگ غم بخورد بر بنای دل

از جور بی حساب حذر کن نگار من آتش مزن ز غصّه بُتا بر سرای دل(۲)

سیف اللّه سیفی اصفهانی

سیف اللّه آشوری متخلّص به «سیفی» فرزند میرزا باقر متخلّص به «خاص»، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۳ش متولّد شد. او به علّت عدم تمکُّن مالی به مدرسه نرفت و تحصیلاتی مطابق ذوق و استعداد خود ننمود. لکن به علت شوق و ذوق

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با دکتر شفقی در اردیبهشت ۱۳۷۰ش، گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۳۲۹-۳۳۵.
۲- دیباچه دیار نون، ص۲۳۷؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص۲۲.

تحصیل، اندکی در خارج از محیط مدرسه درس خوانده و از اوّل جوانی سرودن شعر را شروع نمود. دو جزوه از دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. مشارالیه در انجمن ادبی پروانه شرکت می نمود.

او در اواسط رمضان المبارک ۱۴۱۱ق وفات یافته و در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

از اوست:

عهد با رشته زلف تو پری چون بستم رشته مهر و وفا از همه کس بگسستم

ساقیا زان مِی پر نَشئه که دادی به کفم نه عجب گویم اگر تا به قیامت مستم(۱)

سیف اللّه شباویز اصفهانی*

سیف اللّه قیصری متخلّص به «شباویز» فرزند درویش علی بن نعمت اللّه، شاعر ادیب معاصر اصفهان، در اوّل مهر ۱۳۱۹ش در خانواده ای از قوم بختیاری در منطقه «سرخون» از توابع اردل (در چهارمحال و بختیاری) متولّد شد. در کودکی به همراه خانواده به آبادان منتقل و در دبستان فرهنگ آبادان تحصیلات ابتدایی را به پایان رساند. دوره دبیرستان را هم در دبیرستان رازی آبادان طی نمود. آنگاه در دانشگاه اصفهان پذیرفته شد و در رشته زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ لیسانس گردیدو او ۱۰ سال در آبادان و بهبهان به تدریس مشغول بود. سپس به اصفهان منتقل شده و به تدریس در دبیرستان های این شهر ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۷۷ش بازنشسته شد. او از ورزشکاران به نام خوزستان بوده و بنا به تشویق مرحوم نامجو به وزنه برداری پرداخته و در سال ۱۳۴۳ش در مسابقات کشوری وزنه برداری نایب قهرمان شد. او ۲۰ سال به ورزش وزنه برداری مشغول بوده و دوره آموزش بین المللی داوری وزنه برداری را نیز دیده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۵۸؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۸.

وی در هنگـام تحصـیل در دبیرسـتان، به سـرودن شـعر پرداخت و بـا تشویق محمود مشـرف تهرانی (م. آزاد) و حسن پسـتا که دبیران او بودند به شـعر ادامه داد. او در اصـفهان در برخی انجمن ها خصوصا انجمن صائب و انجمن حافظ حضور یافته است، ولی کمتر در انجمن ها شـرکت می کنـد. برخی از اشـعارش در مجلات فردوسـی، امیـد ایران و سپیـد و سـیاه به چاپ رسـیده است.

آثار او هنوز هیچ کدام به چاپ نرسیده است که عبارتند از:

۱. «گلواژه های فارسی دری» ۲. «زخم کهنه» (مجموعه شعر)۳. «طنز در آثار سعدی»

ابن غزل از اوست:

آیینه دلی داشتم آن را به تو دادم این آینه نورفشان را به تو دادم

صد شور درون دل من خانه نشین بود یارا همه شور نهان را به تو دادم

می خواستی از من همه دار و ندارم جانان جهان من دل و جان را به تو دادم

آسودگی و شور و نشاطی که مرا بود یکجا به تو بخشیده جهان را به تو دادم

هر نام و نشانی که مرا بود به هر جای آن نام تو را داده، نشان را به تو دادم

گفتی نزدم صیدی و آن صید تو هستی قربان تو صیّاد! کمان را به تو دادم

سلطان وجود من و معبود دلم باش سلطانی و این جاه و مکان را به تو دادم

در کنج دل گرم «شباویز» نهان شو این خانه نُه توی زمان را به تو دادم(۱)

ملّا سیف اللّه قاری اصفهانی*

ملّـا سـیف اللّه بن سـلطان علی قـاری، از فضـلاء و قاریـان قرن دوازدهم هجری است. وی ظـاهرا در اصـفهان سـاکن بوده و در خدمت آقا جمال الدّین محمّد خوانساری به تحصیل

۱- مصـاحبه غلامرضا نصـرالهی با آقای سـیف اللّه قیصـری در تابسـتان ۱۳۸۷، تذکره شـعرای اسـتان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۴۰۷.

پرداخته است.

وی «ترجمه مفتاح الفلاح» آقا جمال خوانساری را در سال ۱۱۱۸ق مقابله نموده است.(۱)

شیخ سیف اللّه نور محمّدی نجف آبادی*

شیخ سیف اللّه نور محمّدی نجف آبادی فرزند عباس، عالم فاضل محقّق. در سال ۱۳۱۲ش در نجف آباد متولّد شد. در نوجوانی به کربلا رفت و در درس حضرات آیات شیخ یوسف خراسانی و سیّد اسداللّه صدر هاشمی و سیّد محمّد شیرازی حاضر شد. سپس به نجف رفته و از درس علمای اعلام شیخ محمّد حسین حلّی و شیخ غلامرضا باقری نجف آبادی و آیات عظام خوئی، امام خمینی و سیّد عبدالأعلی سبزواری بهره گرفت و پس از ۲۴ سال سکونت در عراق به قم آمده و از درس آیات عظام علّامه فانی و گلپایگانی کسب فیض نمود و در آن شهر به تدریس سطوح عالیه پرداخت.

او تألیفاتی دارد که هنوز به طبع نرسیده اند. از جمله:

۱. «دلائل الشریعه فی شرح وسائل الشیعه» ۲. «اخلاقیّات» ۳. «آداب الصّلاه»(۲)

سیف اللّه خادم راوندی*

سیف اللّه خادمی راوندی متخلّص به «خادم» از شعرای معاصر در سال ۱۳۳۳ش در کاشان به دنیا آمد. او تا لیسانس رشته ادبیات فارسی تحصیل کرد و از سال ۱۳۵۳ش به سرودن شعر پرداخت. او در برخی انجمن های ادبی اصفهان حضور یافته و به تدریس ادبیات نیز می پردازد. وی در هوانیروز اصفهان به خدمت مشغول بوده است.

از اوست:

۱- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۳۷.

۲- سیمای دانشوران، ص۲۰۴؛ آیینه اهل قلم، صص ۹۱ و ۹۲.

ز کوچه های شهر ما عبور کن و شهر را پر از نشاط و شور کن

به سرزمین پاک اشتیاق ها بیا به جام شب شراب نور کن

بیا به خانه دلم سری بزن فضای خانه را پر از سرور کن(۱)

سیّد سینا کشفی

سیّد سینا بن سیّد جعفر کشفی بن اسحاق دارابی، عالم فاضل کامل و ادیب، فقیه و مفسر محقّق. [از علماء عالیقدر اواخر دوره قاجاریّه].

در اغلب علوم زمان خود همچون ادبیات، فقه، تفسیر و کلام مهارت داشته(۲) و در اصفهان به تدریس می پرداخته است. [جلسات درس تفسیر او رونق کافی داشته و بزرگانی چون عارف الهی شیخ حسنعلی اصفهانی در آن جلسات شرکت می کرده اند.(۳)]

وی سرانجام در [جمادی الثّانی] سال ۱۳۲۵ق وفات یافته و [در حجره بالا سر مقبره میر ابوالقاسم فندرسکی (در جوار قبر میر محمّد طاهر تویسرکانی) واقع در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۴)]

از او فرزندانی به جای مانده و اعقابش در اصفهان و نجف آباد ساکن و به «کشفی» معروفند.(۵) [یکی از دختران سیّد سینا در صحن تکیه میر مدفون است و شعر مرثیه روی سنگ قبر او سروده «حقایق»: سیّد محمّد بن سیّد مصفّی بن سیّد جعفر کشفی است.(۶)

از آثار به جای مانده از صاحب عنوان نسخه ای از «خلاصه البیان فی حل المشکلات القرآن» تألیف شیخ محمّد تقی هروی است که آن را در ۱۲ محرم الحرام ۱۲۷۶ق به خط نسخ کتابت کرده و به شماره ۱۲۰۵۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.(۷)]

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۲۴۳.

۲- نقباء البشر، ج۲، ص۸۳۴.

۳- نشان از بی نشان ها، ص۱۷.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۹۱ و ۶۹۲.

۶- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۷- فهرست مجلس، ج۳۵، ص۶۸.

«ش»

اشاره

شاپور فارقانی اصفهانی

ابومنصور شاپور بن محمّد بن محمّد بن محمّد فارقانی (فارفانی) اصفهانی، [از محدّثین اوایل قرن ششم هجری] از «ابوعبداللّه قاسم ثقفی» استماع حدیث کرده و «ابوسعد سمعانی» جزء دوم «فوائد» «قاسم ثقفی» را از شنیده است. او در قریه «فارفان» قاضی بوده است.(۱)

[فارفاآن، از روستاهای شرق اصفهان است.]

شادی اصفهانی

ابونصر شادی بن فرج بن عبداللّه اصفهانی [از محدّثین عامّه ساکن نیشابور] در «تاریخ نیشابور» او را «هندی الاصل و اسلامی المولد و المنشاء» نوشته است. از «اباالحسن علی بن محمّد بن یحیی سجزی» حدیث شنیده [و «ابوعبداللّه فارسی» از او روایت می کند.(۲)]

شافع حَبّال اصفهانی

ابوبکر شافع بن محمّد بن علی حبّال اصفهانی [از محدّثین قرن ششم هجری] از «ابوبکر لاحق بن اسکاف»، «ابوالحسن مکی بن منصور بن علان» استماع حدیث کرده و جهت «ابوسعد سمعانی» در سال ۵۴۵ق حدیث نوشته است.(۳)

شاکر اسواری اصفهانی

ابوالفضل شاکر بن علی بن احمد بن علی اسواری اصفهانی [از محدّثین قرن ششم

۱- التّحبیر، ج۱، ص۳۲۴؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۲۸؛ اللباب، ج۲، ص۴۰۴.

۲- تاریخ نیشابور، ص۳۹۳؛ المختصر من کتاب السیّاق لتاریخ نیسابور، ص۱۲۱.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۳۲۳.

هجری] از: «ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری» حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» از او و برادرش «ابوالوفاء ذاکر» استماع حدیث کرده است.

در شب شنبه ۱۴ رمضان ۵۵۳ق (و یا اواخر رمضان ۵۶۳ق) وفات یافته است.(۱)

شاکر انصاری اصفهانی

ابوالمطهر شاکر بن محمّد بن طاهر بن محمّد بن طاهر انصاری صفّار اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] ابوسعد سمعانی به قدر یک برگ از او حدیث شنیده و از او با عبارت: «کان شیخا جلیل القدر کثیرالمال مشهورا من مباسیر اهل اصبهان» یاد کرده است.

او از «ابوالفتح احمد بن محمّد بن علی بن لؤلؤ انصاری معروف به «ترکجه» حدیث شنیده است.(۲)

شاهپور اصفهانی

شاهپور بن خداداد شاهپور اصفهانی، [خطاط نستعلیق نویس] در روز سه شنبه ۴ شعبان ۸۸۸ق نسخه ای از «دیوان کمال الدّین اسماعیل» را به خط نستعلیق نوشته و نسخه اصل در موزه بریتانیا و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

میرزا شاه حسین اصفهانی

میرزا شاه حسین اصفهانی، از وزراء معروف دولت صفویّه در قرن دهم هجری است. نسب او به شیخ محمّد بن یوسف بنّا (از عرفای قرن سوم هجری اصفهان) منتهی می شود. [او و خاندانش در اصفهان متولّی موقوفات هارون ولایت بوده اند. در جوانی به

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه طهران، ص ۹۷.

معماری و بنّایی مشغول بوده و چندی بعد وزیر داروغه که ملازم دورمیش خان شاملو بود گردید. کم کم کار او پیشرفت کرد و در دستگاه حکومتی شاه اسماعیل راه یافته و به وزارت برگزیده شد. و با سخاوت و گشاده دستی به نیازمندان اعانت نمود. امّا چون امراء و اعیان پیرامون شاه اسماعیل را حرمت نمی نهاد، برخی از امراء کینه او را به دل گرفته و کمر به نابودی او بستند و هنگامی که میرزا شاه حسین از دولتخانه شاه اسماعیل در تبریز به خانه برمی گشت مهتر شاهقلی رکابدار و جمعی از فتنه جویان بر سر او ریخته] در چهارشنبه ۲۸ جمادی الاوّل سال ۹۲۹ق او را به قتل رساندند. [شاه اسماعیل از مرگ او متأسف شده و شاهقلی را که به شیروان گریخته بود دستگیر کرده و به خانواده شاه میرزا حسین سپرد و آنان قاتل را قصاص کردند.

ضیاءالدّین میرم مرثیه ای جهت او سروده و مادّه تاریخ آن عبارت «شاه شهیدان کربلا» است.

برخی تذکره نویسان شرح حال انی میرزا شاه حسین اصفهانی را با شاعر دیگری به نام شاه حسین میوه فروش اصفهانی (متخلّص به «سیاقی» و متوفی به سال ۹۴۱ق در هم آمیخته و آن دو نفر را یکی پنداشته اند. همچنین برخی شغل او را که بنّایی بوده، «ثنایی» خوانده و گمان کرده اند که تخلّص اوست و این پندارها اشتباه است.

میرزا شاه حسین بسیار کم شعر می گفته و این بیت از اوست:

عاشقان هجر تو را مونس جان ساخته اند وصل چون نیست میسّر به همان ساخته اند(۱)]

۱- احسن التّواریخ، صص ۲۳۱-۲۳۵؛ تذکره تحفه سامی، صص ۸۹ و ۹۰؛ وقایع السّنین و الاعوام، ص۴۵۴؛ آثار الشیعه، ج۴، ص۹۴؛ تذکره آتشکده: بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۴۵؛ تذکره روز روشن، ص۳۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۹ و ۵۳۰؛ رجال حبیب السیر، صص ۲۵۷-۲۶۲.

شاه حسین اصفهانی*

درویش شاه حسین بن مولانا محمّد رضا اصفهانی، ادیب و خطاط هنرمند قرن یازدهم هجری. در هندوستان ساکن بوده و معاصر شاه جهان است.(۱)

شاه حسین رستمداری

شاه حسین رستمداری [مازندرانی، از فضلاء ساکن اصفهان] در نیمه شوال... در اصفهان نسخه ای از «خصال» شیخ صدوق را کتابت نموده و نسخه ای از آن در کتابخانه فرهنگ مشهد مقدس موجود بوده است.(۲)

شاه رضا

شاهرضا بن محمّد بن ابراهیم بن زید بن حسن بن علی ؛ علیه السلام بن ابی طالب، از امامزادگان بزرگوار و جلیل القدر واقع در قمیشه اصفهان.

پس از آنکه جناب شاهرضا را در قمیشه شهید کردند [و مدفن ایشان در آنجاست] سر او را به اصفهان نزد حاکم آن شهر فرستادند. اکنون در قسمت شمالی مقبره جناب صاحب بن عباد مقبره ای می باشد که از قدیم الأیّام به «سر شاهرضا» معروف بود و اخیرا در آن جا تعمیراتی شایسته به همّت مردم دیندار و دوستدار خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله انجام گردیده است.

در کتاب «تاریخ شهرضا» می نویسد: سر امامزاده شاهرضا در مسجد «خواهران» اصفهان در دروازه طوقچی مدفون و زیارتگاه ارادتمندان امامزاده است.

ساختمان امامزاده شاهرضا از آثار باستانی می باشد. برای آگهی از وضع ساختمان به کتاب نفیس «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» مراجعه فرمایید.(۳)

۱- کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۴؛ مردادماه ۱۳۷۶، ص ۳۱.

۲- فهرست فرهنگ مشهد، ص۴۸.

۳- مزارات اصفهان، صص ۲۵۸ و ۲۵۹؛ تاریخ شهرضا، صص ۱۲۰-۱۲۳.

[شهر «شهرضا»ی کنونی منسوب به همین امامزاده بزرگوار است که از قرن های گذشته تا اوایل قرن چهاردهم هجری به «قومیشه» و «قمشه» شهرت داشته است.]

شاه علی زواره ای

شاه علی بن عمادالدّین زوّاره ای [از کاتبان قرن دهم هجری] در سلخ رجب ۹۷۳ق از کتابت «ارشاد الاذهان» علّامه حلّی فراغت یافته و کتاب در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

آقا شاه علی دولت آبادی

آقا شاه علی دولت آبادی از کارگزاران اداری و رجال معتبر حکومت صفویه است. از اهالی قصبه «دولت آباد» از توابع بُرخوار اصفهان بوده و در اصفهان تحصیل کرده و کم کم در امور اداری پیشرفت کرده و به مقام مستوفی الممالک دربار شاه عباس اوّل دست یافت. در ادبیات و حساب و سیاق استاد بوده. او مردی نیک نفس و پرهیزکار بود و آثار خیریه بسیاری همچون حمام شاه علی و کاروانسرای شاه علی را در میدان کهنه اصفهان از خود به جای گذاشت.

آقا شاه علی در سال ۱۰۰۵ق وفات یافت. در رثای او این شعر و مادّه تاریخ را سروده اند:

مستوفی پادشاه ایران از دهر به جای راستان رفت

زین واقعه شیون خلایق از غصّه به هفتم آسمان رفت

یک نقطه ز قاف سر زد و گفت قانون حساب از میان رفت(۲)

۱- فهرست وزیری، ج۱، ص۱۳.

۲- تاریخ عالم آرای عباسی، (چاپ ۱۳۷۷ش)، ج۲، ص۸۴۶؛ بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

خواجه شاهکی فنائی اصفهانی

خواجه شاهکی اصـفهانی متخلّص به «فنائی» از شـعرای قرن دهم هجری. از اهالی قریه «رنان» ماربین اصـفهان است (که اکنون به شـهر پیوسـته و از محله های اصـفهان است). در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخت و در فنون ادب و سیاق و حساب و موسیقی مهارتی به سزا کسب کرد. او از مردان متمکّن و معتبر قریه رنان و از بستگان نزدیک رئیس امیر یوسف رنانی بود. در جوانی شـعر می سـرود امّا در میان سالی دیگر شعر نگفت. «دیوان فنائی» بالغ بر پنج هزار بیت است. سال وفاتش معلوم نیست، امّا تا سال ۹۸۹ق در قید حیات بوده است.

از اوست:

عشقی داریم و سینه سوزانی دردی داریم و دیده گریانی

عشقی و چه عشقی عالم سوزی دردی و چه درد بی درمانی(۱)

شاه محمّد اصفهانی*

شـاه محمّـد اصـفهانی، از نقاشـان هنرمنـد قرن دهم هجری است. وی پیرو سـبک نقاشـی سـلطان محمّـد بوده است. از آثـار او «شاهزاده صفوی گل به دست» را می توان نام برد که در موزه هنرهای زیبای «بوستون» در آمریکا موجود است.(۲)

شاه مراد خوانساری*

شاه مراد خوانساری، موسیقیدان هنرمند قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و

۱- تذکره خلاصه الاشـعار، (بخش اصـفهان)، صص ۲۸۶. ۲۸۷؛ تـذکره تحفه سامی، ص۲۳۷؛ تذکره آتشـکده: بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۴۷؛ تذکره روز روشن، ص۴۰۹؛ الذریعه، ج۹، ص۵۰۰؛ تاریخ نظم و نثر، ص۷۱۱.

۲- هنر ایران، ص۱۱۰؛ کتابشناسی کتابهای خطی، ص۳۲؛ مجلّه نشر دانش، سال دهم، شماره ۴، خرداد و تیر ۱۳۶۹، ص۴۲.

در فن موسیقی و ترکیب تصنیف و قول و عمل بی مثل و مانند بود. شاه عباس اوّل توجّه بسیاری به او داشت و او را با پاداش ها و بخشش خلعت می نواخت. او تصنیف های فراوانی سروده است.

این رباعی از اوست:

دمساز به من چرخ بدآموز نشد این سفله نواز کینه اندوز نشد

یک صبح به کام خطار ما ندمید یک شب به مراد دل ما روز نشد(۱)

شاه میرک قائنی*

شاه میرک بن میر سیّد علی قائنی خراسانی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. وی سالها در اصفهان به تحصیل علوم عقلی و نقلی مشغول بوده و از محضر علمای عالیقدر همچون آقا حسین خوانساری و میر سیّد محمّد اسماعیل خاتون آبادی بهره برده است.

او نسخه ای از کتاب «التّحفه الرّضویه» تألیف: میر سیّد محمّد اسماعیل خاتون آبادی را کتابت کرده و حواشی و تعلیقاتی بر آن نوشته است.(۲)

شیخ شاه نظر نذری قمشه ای*

شیخ شاه نظر قمشه ای متخلّص به «نذری» از شعرای قرن یازدهم هجری. او متولّی امامزاده شاه رضا در قمشه از توابع اصفهان بود. او با سرمایه موروثی به هند رفته و با طالب آملی و کلیم کاشانی معاشرت و مصاحبت نمود. مدّتی هم در برهان پور به مدح میرزا عبدالرّحیم خان خانان سپهسالار مشغول شد. عاقبت به قمشه مراجعت نموده و

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۵۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۲۶۸. ۲۶۹؛ تاریخ موسیقی ایران، ج۱، ص۳۲۸؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۲۱۳، تذکره منتخب اللّطایف، ص۳۶۸؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ دانشمندان خوانسار، ص۵۴۸.

۲- تراجم الرجال، ج۱، ص ۲۴۰؛ دانشمندان خوانسار، ص۱۲۷.

تأهل اختیار کرد. در اواخر عمر به فقر و فاقه گرفتار بود و از عایدات امامزاده شاه رضا امرار معاش می کرد تا اینکه در سال ۱۰۵۵ق وفات یافته و در جواز امامزاده شاه رضا مدفون شد، او در انواع شعر خصوصا قصیده و رباعی مهارت داشته و به شیوه پیر و استاد خود میر مغیث همدانی رباعی می سروده است.

از اوست:

خورشید که هر طرف سپاهی دارد دزدیده بر هر طرف نگاهی دارد

چون نابلدان به کُنج عزلت منشین هر کوره دهی به شهر راهی دارد(۱)

[ظاهرا خاندان «شاه نظری» در شهرضا که متولّی امامزاده شاه رضا هستند از نوادگان و اعقاب او هستند.]

شبیب ماربانانی اصفهانی

ابوالمظفر شبیب بن عبداللّه بن محمّد بن احمد بن خوره ماربانانی اصفهانی [از محدّثین قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری]. از «ابوبکر احمد باطرقانی» حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» از او در منزلش حدیث شنیده است و در کتابش از او به عنوان «شیخ صالح من اهل الخیر» یاد کرده است.(۲)

شبیب اصفهانی

شبیب بن محمّد اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری است] در نهاوند

۱- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۹۱ و ۳۹۲؛ تذکره آتشکده، بخش سوم، ص۹۴۷؛ الذریعه، ج۹، صص ۵۰۱ و ۵۰۲؛ تذکره میخانه، صص ۸۳۲-۸۳۶؛ تذکره شمع انجمن، ص۷۱۷؛ منتخب اللّطایف، ص۳۷۶؛ نتایج الافکار، ص۳۸۳؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۴۷۴ و ۸۹۳؛ اثرآفرینان، ج۳، ص۳۲۱.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۲۳؛ معجم البلدان، ج۵، ص۳۴؛ شرح روضات الجنّات، ج۱، ص۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۲؛ معجم الادباء، ج۱۷، ص۳۲.

ساکن بوده و از «ابی سعید اشیح» روایت نموده است. «محمّد بن سفیان بن هارون [رِباطی اصفهانی] از او نقل حدیث نموده است.(۱)

حاجی شجاع اصفهانی*

حاجی شجاع اصفهانی، عارف سالک در قرن یازدهم هجری در اوایل حال به خدمت اربابی در قریه «ماربینان» (ماربانان؟) اشتغال داشت و املاک موروثی در آن قریه داشت. چندی بعد به سیر و سلوک پرداخته در خانقاه ساکن شده و سپس در قریه خود به عبادت و تزکیه نفس مشغول شد. تا سال ۱۰۷۴ق در قید حیات بوده و عمر را به طاعت پروردگار گذرانیده است.(۲)

شجاع لفتوانی*

ابونصر شجاع بن ابی بکر بن علی بن ابراهیم لفتوانی اصفهانی، از محدّثین عامّه اصفهان در اوایل قرن ششم هجری. از «ابی طاهر بن عبدالرّحیم کاتب» و «ابی العباس قصاص» روایت نموده و «ابوالقاسم هبه اللّه بن عبدالوارث شیرازی» و فرزند خودش «ابوبکر محمّد بن شجاع» از او روایت کرده اند.(۳)

«لفتوان» و «هفتان» از قریه های بلوک جی اصفهان بوده اند و اکنون از محلّه های اصفهان به شمار می روند.

شجاع اصفهانی

شجاع بن علی بن شجاع اصفهانی [از دانشمندان قرن پنجم هجری] از اساتید خواجه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۵.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۹۸.

۳- اللباب، ج۳، ص۱۳۲.

نظام الملک طوسی است.(۱)

حاجی شجاع بناء اصفهانی

استاد حاجی شجاع بن استاد قاسم بناء اصفهانی، از هنرمندان قرن یازدهم هجری. از بنایان زبردست اصفهان بوده و نزد پدرش شاگردی کرده و به استادی رسیده است. از آثار او: قسمت الحاقی مسجد شاه [مسجد امام کنونی] معروف به مسجد شاه سلیمان است که آنرا در سال ۱۰۷۸ق به پایان رسانیده است [و رقم او در این اثر چنین است:

«عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم البنّاء الاصفهانی».

از آثار او بنای «مصلا» در امتداد خیابان مشهد مقدس در سال ۱۰۸۷ق و مرمت تعمیر مسجد جامع گوهرشاد مشهد در سال ۱۰۸۸ق هنوز باقی است.(۲)]

میرزا شجاع سیستانی

میرزا شجاع سیستانی، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. پسرعموی ملک حمزه سیستانی است. از سیستان به اصفهان آمد و در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن شد. در سخن شناسی و معنی پردازی کمال مهارت را داشت و انواع شعر را نیکو می سرود. در زمان تألیف تذکره نصرآبادی (حدود ۱۰۸۳ق) هنوز جوان بود.

این رباعی از اوست:

گر سکّه دل بر سخن خویش زنی کی حرف بدی ز دشمن خویش زنی

بدگویی خلق همچو چنگ و دُهُلست منواز که خود بر دهن خویش زنی(۳)

۱- مدارس نظامیه، ص۵۷؛ طبقات (سبکی)، ج۴، ص۳۱۸.

۲- کارنامه بزرگان ایران، ص۲۴۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۴۵۷؛ بناهای تاریخی خراسان، ص۲۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۴؛ مطلع الشّمس، ص۴۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۲؛ آثار ملّی اصفهان، ص۴۷۱؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۵۲۴.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۲؛ بزرگان سیستان، ص۲۲۸؛ الذریعه، ج۹، ص۵۰۷.

شدره کبیر

ابوالهیثم شدره بن ابراهیم بن شدره بن موسی بن شدره کبیر [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] فرزندش ابراهیم و نیز «ابوعمرو احمد بن محمّد بن ابراهیم اَبرش» از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

[ظاهرا او و فرزندش در «مدینه» (شهرستان) اصفهان ساکن بوده اند.]

شرف الدّین سلطانی*

شرف الدّین سلطانی، از خوشنویسان هنرمند قرن نهم هجری است. وی در اصفهان ساکن و معاصر سلطان محمّد بن باسینقر گورکانی بوده و خطوط ثلث و نسخ را خوش می نوشته است.

از آثار او خطوط کتیبه های سر در مدرسه و خانقاه شیخ ابوالقاسم نصرآبادی در روستای نصرآباد ماربین اصفهان است که در سال ۹۵۴ق آنرا نوشته است.(۲)

شرف شاه افطسی

سیّد ابوعلی شرف شاه بن عبدالمطلب بن جعفر حسینی افطسی اصفهانی، فاضل نسّابه شریف، از علماء عالیقدر و سادات عظیم الشأن شیعه در اصفهان بوده و «شیخ مُنتَجَب الدّین» در «الفهرست» از او یاد کرده است. ولی اطّلاعات دیگری از زندگی او در دست نیست.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۱۸۶ و ۳۴۵.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۲۹-۳۳۱؛ آثار ملّی اصفهان، ص۸۲۰؛ تذکره نصرآبادی (وحید): مقدمه؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۲۵۶.

۳- تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۹۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۳؛ اعیان الشیعه، ج۳۶، ص۵۳؛ امل الآمل، ج۲، ص۳۹۵؛ الفهرست، ص۷۰؛ ثقات العیون، ص۱۳۰؛ جامع الرواه، ج۱، ص۳۹۹.

[نسب سادات افطسی به جناب «حسن افطس» بن «علی اصغر» بن امام هُمام حضرت زین العابدین «علی بن حسین علیهماالسلام » منتهی می شود.]

ملّا محمّد شریف

آخوند مولانا محمّد شریف ساکن مدرسه جدّه بزرگ در سال ۱۰۸۹ق [از علمای قرن یازدهم هجری].

در عبارتی که پشت نسخه «شرح تجرید» (شوارق) که در جامع گوهرشاد مشهد نگهداری می شود از او یاد شده است.(۱)

محمّد شریف

محمّـد شـریف، از فضـلاء گمنـام قرن یازدهم هجری است. او در سال ۱۰۵۴ق حاشـیه وقفنامه مدرسه نوریه اصـفهان را سجل نوشته است. سجع مهر او این عبارت است:

«سیف اللّه الغالب کل غالب علی عبده محمّد الشریف ۱۰۵۴»

ملّا محمّد شریف اشرفی

آخوند ملّا محمّد شریف اشرفی (احتمالاً سِدِهی ماربینی) اصفهانی، از علمای قرن سیزدهم هجری در اصفهان.

وی شاگرد میر سیّد حسن مدرس بوده و در شوال ۱۲۶۲ق بنا به دستور او عبدالحسین بن حاج محمّد ربیع اصفهانی، نسخه ای از کتاب «الطّهاره» تألیف: امیر سیّد حسن (ظاهرا میر محمّـد صادقی معروف به مدرّس) را کتابت نموده است. کتاب به شـماره ۱۵۷۱ در

۱- فهرست گوهرشاد، ص۳۴۲.

کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

محمّد شریف اصفهانی

محمّد شریف اصفهانی [از کاتبان قرن دهم هجری] در تاریخ ۵ محرم سال ۹۷۲ق نسخه ای از کتاب «مطوّل» را در شیراز به خط نستعلیق و نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۴۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

میرزا شریف الهام اصفهانی

میرزا شریف اصفهانی متخلّص به «الهام» از شعرای قرن یازدهم هجری است. از نزدیکان و خویشان میر روزبهان صبری اصفهانی بود. تولیت امامزاده قیس علی در سرحدّ گندمان چهارمحال با خاندان او بود. مدّتی در هند بود و در سال ۱۰۷۶ق به اصفهان مراجعت کرد. گاهی شعر می سرود. او تا سال ۱۰۸۳ق زنده بوده است.از اوست:

دل عبث لب به شکوه وا نکند شیشه تا نشکند صدا نکند

وعده گر یک نفس بود عمری است بلکه عمر این قدر وفا نکند(۳)

میر شریف امانی اصفهانی

میر شریف اصفهانی متخلّص به «امانی» از شعرای قرن دهم هجری در اصفهان می زیست. او به هرات رفته و مدّتی نیز در کابل بود و از آنجا عازم هندوستان شد. در هندوستان حدود بیست سال مجرّد زیسته و اغلب عمر را به افیون معتاد بوده است.

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۷۰۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص ۲۰۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۸۵؛ تذکره نتایج الافکار، ص۵۳؛ تذکره غنی، ص۱۷؛ الذریعه، ج۹، ص ۹۲؛ کاروان هند، ج۱، ص۸۶؛ تذکره پیمانه، ص۱۱۳.

شعر خصوصا غزل را نیکو می سرود.

از اوست:

لعلت که آب زندگی از وی نشان دهند کو خضر تا ببیند و از ذوق جان دهد(۱)

سیّد محمّد شریف ونکی سمیرمی

سیّد محمّد شریف ونکی سمیرمی (تقوی) بن سیّد محمّد حسن بن حسین بن سیّد علی بن سیّد محسن بن سیّد شاه حسین بن سیّد زبیر موسوی، عالم فاضل، فقیه جامع و مجتهد بارع. [از علمای قرن چهاردهم هجری].

در سال ۱۲۷۰ق در قریه «وَنَک» از توابع سمیرم متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات به اصفهان آمده از محضر حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجدشاهی و حاج میرزا بدیع درب امامی و دیگران بهره گرفت. [او در اصفهان همدرس مرجع عالیقدر شیعه آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی بود] سپس به عتبات عالیات مهاجرت فرموده و در نجف در درس حضرات آیات ملّا محمّد فاضل ایروانی، شیخ لطف اللّه ماندرانی، حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، سیّد حسین کوه کمری و میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) حاضر شده و پس از آن در کربلا در درس شیخ زین العابدین مازندرانی شرکت کرد. او پس از نائل شدن به اجتهاد به تدریس پرداخت امّا به علت بیماری به شیراز آمده و به ترویج دین و تألیف و تدریس مشغول شده و به هنگام آغاز جنبش مشروطیّت، او که مانند رفیق و همدرس خود سیّد محمّد کاظم یزدی مخالف مشروطیّت بود به ناچار از شیراز به طهران رفت و پس از به دار کشیده شدن و شهادت شیخ فضل اللّه نوری به دست فاتحان طهران، راهی نجف شده و درباره مشروطیّت با آخوند خراسانی به گفتگو پرداخت. بعد از آن مدّتی در شیراز و اصفهان بود. عاقبت به طهران رفته و در ۲۸ رمضان

۱- تذکره شمع انجمن، ص۹۸؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۴۳۰ و ۴۵۳.

المبارک ۱۳۵۲ق وفات یافت و جنازه به قم حمل و در مرقد جناب موسی مُبَرقع مدفون شد. فرزندان و نوادگان او در طهران و شاهرضا ساکن بوده اند.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «تبصره النّاظرین» ۲. «تـذکره المسلمین» در امر به معروف و نهی از منکر ۳. «رساله در ردّ وهابیه»۴. «رساله عملیّه»۵. «رساله نفلیه» در نوافل۶. «فقه» یک دوره در چنـدین مُجَلَّد که در شیراز، طهران و اصفهان به طبع رسیده است.۷. «قانون الهی» در شیراز چاپ شده است.۸. «کشف البیان فی تربیه الانسان»۹. «کشف المرام فی قانون الاسلام» ۱۰. «مرآت الاصول» در اصول ۱۱. «النّاسخ و المنسوخ» ۱۲. «نسیم سحر» ۱۳. «هدایه المسترشدین»(۱)

آقا محمّد شریف اصفهانی*

آقا محمّد شریف اصفهانی فرزند آقا رجبعلی رزّاز، از فضلای قرن سیزدهم هجری است. او در دوشنبه ۲۶ جمادی الآخر ۱۲۳۰ق در مدرسه نوریّه اصفهان نسخه ای از «بحارالانوار» (کتاب السّماء و العالم) را کتابت نموده که به شماره ۵۱۰ در کتابخانه میرزا محمّد کاظمینی در یزد نگهداری می شود.(۲)

شریف حسینی

شریف بن رضا حسینی [از فضلاء اصفهان در قرن سیزدهم هجری] در ۲۹ رمضان ۱۲۵۰ق نسخه ای از «شوارق الالهام» لاهیجی را کتابت نموده است.(۳)

۱- دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، صص ۳۴-۳۶؛ نقباء البشر، ج۲، ص۸۳۵؛ الذریعه، ج۲۴، صص ۱۱ و ۱۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۹۳-۶۹۵؛ الاجازه الکبیره، ص۱۹۱؛ گنجینه دانشمندان، ج۶، ص۱۹۵؛ مستدرک فهرس التراث، صص ۳۵ و ۳۶؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۴۲۳؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۲، ص۲۷۴؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۶۷۳-۱۶۷۵؛ تاریخ شهرضا، ص۷۲.

۲- فهرست کاظمینی، ج۲، ص۱۹۳.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۷۱.

محمّد شریف لاهیجی

محمّد شـریف بن محمّد رضا لاهیجی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن یازدهم هجری] در شنبه ۱۵ ربیع الاوّل ۱۰۹۲ق کتابت نسخه ای از «التّلخیص» ابن رشد اندلسی را در اصفهان به خط شکسته نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۹۸۰ در کتابخانه ملک طهران موجود است.(۱)

آقا محمّد شریف [خوانساری]

آقا محمّـد شـریف بن محمّـد رضـی، [از علمای قرن دوازدهم هجری] وی در تاریـخ جمادی الثّانی ۱۱۲۱ق حاشـیه وقف نامه مدرسه چهارباغ اصفهان را مهر نموده است.(۲)

[به احتمال زیاد او محمّد شریف بن آقا رضی الدّین محمّد = محمّد رضی بن آقا حسین خوانساری است.]

میرزا محمّد شریف تجرید اصفهانی

میرزا محمّـد شـریف، متخلّص به «تجرید» [بن میرزا محمّد زمان] شاعر ادیب و خوشـنویس [از شـعرای قرن یازدهم هجری]. از کدخـدازادگان اصـفهان بوده امّـا به علم و ادب روی آورده و مشق خط نمود. نسـتعلیق را خوش می نوشت و به وسـیله کتابت «قرآن مجیـد» و «صـحیفه» امرار معاش می کرد. مردی صالح و زاهد بود. دیوان اشـعارش حدود بیست هزار بیت بوده و تا سال ۱۰۸۳ در قید حیات بود.

از اوست:

از بس ز آشنایی مردم رمیده ام دایم تلاش معنی بیگانه می کنم(۳)

۱- فهرست ملک، ص۱۶۷.

۲- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۲۸۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۶۷؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۴۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۵۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۵۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۶۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

محمّد شریف ابهری اصفهانی

محمّد شریف بن شیرعلی ابهری اصفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] نسخه ای از «مرآه العقول» تألیف: علّامه مجلسی را به خط نسخ در ۴۲۷ برگ کتابت نموده و نسخه از روی خط مؤلف توسط «کرمعلی» تصحیح شده است. نسخه به شماره ۳۴۷۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

وی همچنین نسخه ای از «ارشاد الاذهان» علّامه حلّی را به خط نسخ کتابت نموده که در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است.(۲)

[اثر دیگر او کتابت «شرح الشّافیه» تألیف: آقا محمّد هادی مازندرانی است که آن را به خط نسخ در چهارشنبه ۱۶ ذیحجه ۱۱۲۸ق کتابت کرده و به شماره ۴۴ در کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام اردکان یزد موجود است.(۳)]

ملّا محمّد شریف خاتون آبادی

مولی محمّد شریف بن محمّد صادق خاتون آبادی، از فضلاء و اطبّاء معروف قرن دوازدهم هجری، در اصفهان است که به حذاقت و استادی معروف بوده و کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

[۱. «تحفه الابرار»، که در سال ۱۱۱۱ق تألیف شده است.] ۲. «حافظ الابدان» که در سال ۱۱۲۱ق تألیف شده و نسخه آن نزد نگارنده (سیّد مصلح الدّین مهدوی) موجود است. ۳. «شرح طبّ النّبی صلی الله علیه و آله »۴. «شرح طبّ الائمه»۵. «شرح طب الرّضا علیه السلام »

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص ۲۷۱.

۲- فهرست حقوق، ص ۲۴۱.

۳- فهرست حوزه امام صادق علیه السلام اردکان، ج۱، ص ۴۲.

۶. «اربعون حدیثا» در طب با شرح و بیان۷. «حاشیه علی الموجز فی الطّب» به فارسی۸. «معدن الفیض» که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته است.(۱)

شریف نسابه اصفهانی

شریف بن طباطبا نسابه اصفهانی. در کتاب «معالم العلماء» وی را از شعرای شیعه می نویسد.

سیّد شریف خلخالی

سیّد شریف بن سیّد عباس خلخالی، عالم جلیل [از علماء قرن سیزدهم هجری، مقیم اصفهان]

علّامه طهرانی در «الکرام البرره» می نویسد:

«نسخه ای از مُجَلَّد دوم کتاب «مطالع الانوار» از تألیفات مرحوم سیّد حجّه الاسلام را در کتابخانه شیخ قاسم محی الدّین در نجف اشرف دیدم که صاحب عنوان حواشی از خود بر آن نوشته بود و نشانه آن «لمحرره» بود و تاریخ آن سال های ۱۲۴۰ و ۱۲۴۳ق. همچنین برخی از حواشی استاد را بر کتاب نقل نموده بود با نشانه (منه مد ظله)».

بنابراین مشارالیه تا سال ۱۲۴۳ق در قید حیات بوده و از شاگردان حاج سیّد محمّد باقر حجّه الاسلام شفتی می باشد.(۲)

محمّد شریف اصفهانی*

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۵؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۰۹؛ الکواکب المنتشره، ص۳۳۸؛ الذریعه، ج۱۳، صص ۳۶۳-۳۶۵ و ج۶، ص۲۳۲ و ج۱۲، ص۲۲۴.

۲- الکرام البرره، ج۲، ص۶۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۳؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ خلخال و مشاهیر، ص۴۷۴؛ تاریخ اردبیل و دانشمندان، ج۱، ص۲۴۳.

محمّد شریف بن عبدالحسین بن عنایت اللّه اصفهانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است. او کتابی به نام «پند و اندرز» را تألیف کرده که به شماره ۲/۸۹۲۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. تاریخ کتابت نسخه سال ۱۲۶۷ق می باشد.(۱)

محمّد شریف اصفهانی

محمّد شریف بن عبدالغفار اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نسخه ای از کتاب «لسان الذّاکرین» تألیف: میرزا محمّد هادی نائینی را در شنبه ۱۲ رجب ۱۲۴۲ق کتابت کرده و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۲)

محمّد شریف ورنوسفادرانی

ملّا محمّد شریف بن استاد کلب علی سنگ تراش ورنوسفادرانی اصفهانی، شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری.

از اهالی «ورنوسفادران» از قریه های سه گانه سده ماربین [خمینیشهر فعلی] بوده و نزد ملّا عبدالحق ورنوسفادرانی تحصیل کرده است. مدتی نزد پدر به سنگ تراشی مشغول بود و در این هنر استاد شده بود امّا به خاطر ضعف چشم، به خواهش میرزا محمّد طاهر نصرآبادی آن شغل را رها کرده و نزد حکّام شرع به نوشتن سجلات و اسناد مشغول شد. در فنون شعر و ادب خصوصا لغز و معما و مادّه تاریخ گویی مهارتی به سزا داشت. وی علاوه بر «دیوان اشعار»، «مثنوی در بحر مخزن الاسرار» سروده است. سال وفاتش معلوم نیست امّا تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) در قید حیات بوده است.

۱- فهرست مرعشی، ج۲۳، ص۱۰۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۶، ص۳۵۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۳۴.

از اوست:

سر که نبود گوی چوگانی وبال گردن است جان که قربان نیست در راه بتی بار تن است

گریه و سوزت به کُنج خلوتِ دربسته به شمع اندر خانه تاریک بهتر روشن است(۱)

میرزا شریف خازن تبریزی

میرزا شریف متخلّص به «خازن» فرزند نوری بیک خازن تبریزی، شاعر و ادیب خوشنویس قرن یازدهم هجری. در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن بوده و علاوه بر سرودن شعر مستوفی محال موقوفات مسجد جامع عباسی [مسجد امام فعلی] در اصفهان بوده است. از آن شغل کناره گرفته و وزیر یوسف خان حاکم ایل بختیاری شد.

از اوست:

تا گیرمش در آغوش همچو عکس هر جا که یار جلوه کند آب می شوم(۲)

محمّد شریف جِزِه ای*

محمّد شریف جزه ای قهپایه ای، از فضلای قرن یازدهم هجری است. او جلد اوّل کتاب «احقاق الحق» تألیف: قاضی سیّد نوراللّه شوشتری را در روز ۲۱ محرم ۱۱۳۱ق در اصفهان کتابت کرده است. همچنین او نسخه ای از «تحریر وسائل الشیعه» را کتابت کرده که در کتابخانه خوانساری موجود بوده است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۹۴-۵۹۷؛ تذکره هفت آسمان، ص ۱۵۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۲۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۳۱؛ تذکره شعرای آذربایجان، ج۲، صص ۱۹۶ و ۱۹۷؛ سخنوران آذربایجان، ص۳۳۱؛ تذکره غنی، ص۴۸.

۳- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۱؛ الکواکب المنتشره، ص۳۳۹.

«جزه» (به کسر جیم و زاء)، از دهات کوهپایه اصفهان است.

ملّا محمّد شریف سرمدی اصفهانی*

ملّا محمّد شریف اصفهانی متخلّص به «سرمدی» از شعراء و دانشوران اواخر قرن دهم ا وایل قرن یازدهم هجری است.

از اصـفهان به هنـد مسافرت کرده و در دربار جلال الـدّین اکبر شاه پادشاه آنجا مرتبه ای بلنـد یافت و چندی مناصب دولتی را برعهـده داشت. عاقبت در سال ۱۰۱۵ق در هندوسـتان وفات یافت. در نظم و نثر یدی طولی داشت و شـعر نیکو می سرود ابتدا «فیضی» تخلّص می کرد، امّا چون «فیضی دکنی» هم آن تخلّص را داشت، به ناچار آن را به «سرمدی» تغییر داد.

از اوست:

عشق آنقدر خوش است که عاشق به راه دوست جایی رسد که یار طلبکار او بود(۱)

محمّد شریف مجلسی

محمّد شـریف مجلسـی [از فضلاء خاندان مجلسی اصفهان در قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۲۵ق نسخه ای از کتاب «محرق القلوب» تألیف: مولی مهدی نراقی را به خط نسخ کتابت نموده است.(۲)

حاجی شریف منشور اصفهانی

۱- تذکره روز روشن، ص۳۵۳؛ کاروان هند، ج۱، صص ۵۴۷-۵۵۰؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۴۲۸ و ۸۲۲.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۷۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۵۴.

حاجی شریف قناد اصفهانی متخلّص به «منشور» شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری] در جوانی مانند پدرش در قنادخانه به کار مشغول بود. امّا از آن پیشه دست کشیده و اوقات خود را صرف شعر و مصاحبت با ادباء نمود. طبعش خالی از لطف نبود، امّا به عسرت روزگار می گذرانید.(۱) [در سال ۱۰۷۵ق در اصفهان وفات یافته و در مزار امامزاده اسماعیل اصفهان مدفون شد.(۲)]

از اوست:

دید سروت را و آغوشش ز حسرت باز ماند بال قُمری چو کمان در حسرت پرواز ماند

خواجه محمّد شریف هجری طهرانی

خواجه محمّد شریف هجری طهرانی، از شعرای قرن دهم هجری. از اهالی طهران و برادرزاده امیدی طهرانی است. ابتدا وزیر محمّد خان تکلّو حاکم خراسان بود. پس از فوت او به خدمت شاه طهماسب درآمد و از طرف او وزیر دارالعباده یزد شد. مدّتی بعد از آن منصب عزل و به وزارت اصفهان منصوب شد. او سالها در اصفهان ساکن بود و با شعراء و ادبای اصفهان معاشرت و مجالست داشت. دو تن از شعرای متوسط اصفهان «سلامی» و «کلامی» که دو برادر بودند هر روز شعری نزد او آورده و از او صله طلب می کردند. او در هجو دو برادر چنین سرود:

دو چیز است بدتر ز تیغ حرامی کلام سلامی، سلام کلامی

هجری طهرانی عاقبت به یزد رفته و در سن حدود ۷۰ سالگی در سال ۹۸۲ق وفات یافت.

از اوست:

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۴؛ تذکره روز روشن، صص ۷۷۱ و ۷۷۲.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۲۶.

آه چه بودی اگر، روزی هجری شدی هجر به مقدار وصل، وصل به مقدار هجر(۱)

شعاع صدری اصفهانی

شعاع صدری اصفهانی، از شعرای قرن چهاردهم هجری. شاعر ادیب و خطیب، متولّد ۱۳۰۵ و ساکن کرمان. از آثار او: ۱. «آثارالملل» در تاریخ ۲. «دیوان اشعار» به طبع رسیده است.

شعبانعلی اصفهانی*

شعبانعلی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «ترجمه رساله حسنیه» اثر: ملّا ابراهیم واعظ استرآبادی را به خط نستعلیق در ماه ربیع الآخر ۱۲۳۲ق در مدرسه ملّا عبداللّه اصفهان کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱/۷۶۷ در کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی موجود است.(۲)

شعبان خان تارزن*

شعبان خان تارزن از هنرمندان موسیقی اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در نواختن تار از نوادر روزگار بود. در ادوار موسیقی و شناختن الحان و گوشه ها و دانشتن اصطلاحات قدیم مهارت داشت. او با وجود اینکه خود، کامی از هنر موسیقی ندید و در ایّام پیری به فقر و فاقه مبتلا گردید، پسران خود حسین شهناز و استاد جلیل شهناز را مثل خود تربیت کرد.

شعبان خان در حوالی ۱۳۶۸ قمری فوت شد. سنش از هشتاد متجاوز بود. غلامرضا

۱- تذکره تحفه سامی، صص ۲۴۶ و ۲۴۷؛ تذکره شبستان، صص ۵۶۰ و ۵۶۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۵۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۹۱؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۳۵۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «هجری»، ص۱۵۰؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۱۵؛ تذکره سخنوران یزد، صص ۳۵۲ و ۳۵۳؛ تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، ص۳۴۹؛ منتخب اللّطایف، ص۷۱۷؛ تذکره روز روشن، صص ۷۷۵ و ۷۷۶؛ تذکره شبستان، صص ۵۶۰ و ۵۶۱.

۲- فهرست مطالعات و تحقیقات، ج۲، ص۴۷.

سارنج (کمانچه زن» پسر برادر اوست.(۱)

شعیا نبی علیه السلام

شعیا، از بزرگان قوم یهود در اصفهان و به روایتی از پیامبران آنان بوده و پس از وفات در قریه «خُشینان» از توابع یهودیه [در اصفهان قدیم] مدفون شده و قرن ها بعد یکی از سادات عالیقدر مقیم اصفهان یعنی «اسماعیل» از احفاد امام حسن مجتبی علیه السلام در جوار قبر «شعیا» مدفون شد و آنجا به امامزاده اسماعیل معروف شد.

در حال حاضر بقعه شعیا جنب بقعه امامزاده اسماعیل واقع شده و یک ضریح چوبی بر روی قبر نصب شده است.

خواجه شعیب جوشقانی

خواجه شعیب جوشقانی کاشانی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن و در زمان شاه عباس اوّل وزیر زراعت ارامنه بود. در فنون شعر و ادب مهارت داشت و میرشوقی از بستگان او در شعر و ادب از محضر او استفاده کرد. سال وفات او معلوم نیست. مثنوی «وامق و عذرا» از سروده های اوست.

از اوست:

لبت ز خنده نمک بر جراحت جان ریخت نمک ز تنگی جابر لب نمکدان ریخت

زمانه دفتر اوصاف حسن یوسف را ز شرم روی تو برد و به چاه کنعان ریخت(۲)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۴۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۱۲ و ۱۱۳؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۶۵؛ تذکره حسینی، ص۱۷۷؛ کلمات الشعراء، ص۶۱؛ تذکره غنی، ص۷۴؛ تذکره آتشکده: بخش سوم، ص۹۵۰؛ تاریخ فرهنگ و هنر جوشقان قالی، صص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ الذریعه، ج۹، ص۵۲۹ و ج۱۹، ص ۳۳۰.

شعیب خوانساری

ملّا شعیب خوانساری معروف به «ملّا شعیبا» عالم فاضل و ادیب شاعر [از سخنوران قرن یازدهم هجری].

در خوانسار متولّد شده و در اصفهان، در مدرسه جدّه سکونت گزیده و نزد آقا حسین خوانساری کسب فیض نموده است و مورد توجه بسیار استاد قرار گرفته است. وی در سال ۱۰۸۳ق وفات یافته [در کتاب «اختران فروزان خوانسار» به نقل از «خوانسارنامه» می نویسد: در قبرستان سنگ شیر، شیر سنگی نسبتا بزرگی بر روی قبر ملّا شعیبا قرار داشته که تاریخ منقور بر آن یکهزار و شصت و سه بوده است و دارای مادّه تاریخ نیز بوده و به دست غارتگران میراث فرهنگی به یغما رفته است.

در باب تاریخ فوت او باید گفت «ولی قلی بیگ شاملو» که تذکره مختصر خود را در خاتمه کتاب تاریخی «قصص الخاقانی» نوشته، در باب فوت شعیب خوانساری می نویسد: «در سنه هزار و هفتاد و سه در ولایت اصفهان وفات یافته، مدفنش در اراضی چملان در قرب جوار حضرت شیخ ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر...» و چون «شاملو» قبل از «نصرآبادی» تذکره اش را نوشته و آدرس دقیق قبر او را داده، باید سال فوت و محل دفن شعیب را همان چیزی که «شاملو» نوشته پذیرفت و باقی تواریخ و مدفن های ادعا شده صحیح نیست. تنها نکته قابل توجّه اینکه شیخ ابوالفتوح رازی در ری مدفون است و این شیخ ابوالفتوح، عالم سنّی معروف به شیخ ابوالفتوح عجلی است که در جلد اوّل اعلام اصفهان شرح حال و مدفن او ذکر شده است.]

این شعر از شعیب خوانساری است:

با هر که حرف دوستی اظهار می کنم خوابیده دشمنی است که بیدار می کنم

از بس که در زمانه یکی اهل درد نیست اظهار درد خویش به دیوار می کنم(۱)

۱- قصص الخاقانی، ج۲، ص۸۵؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۷۸؛ تذکره روز روشن، ص۴۲۵؛ تذکره غنی، ص۷۳؛ الذریعه، ج۹، ص۵۲۹؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ الروضّه النضّره، صص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ اختران فروزان خوانسار، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۲۷ و ۵۴۹.

شفاءاللّه قلزم چهارمحالی

شفاءاللّه قلزم فرزند آقا شیخ محمّد قلزم نافجی چهارمحالی، شاعر و ادیب فاضل. در اوّل خرداد ۱۳۱۱ش در قریه «نافج» چهارمحال متولّد شد. و نزد پدر و برخی از دانشوران به تحصیل پرداخت. سپس در فرهنگ شهرکرد به سمت دبیری و آموزگاری وارد خدمت شده و به تدریس مشغول شد. در شعر صاحب طبعی روان است. مقدمات علوم عربیت و ادب را نیکو آموخته و در صرف و نحو مهارت دارد.(۱)

محمّد شفیع اصفهانی*

محمّد شفیع بن آقا احمد اصفهانی، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. او در سال ۱۱۷۹ق نسخه ای از «دیوان فیض کاشانی» را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۱۱۸ در کتابخانه عمومی ساری موجود است.(۲)

محمّد شفیع اصفهانی

محمّد شفیع بن احمد اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری]. در سال ۱۲۲۹ق نسخه ای از کتاب «دعا» مؤلف: مجهول که شاید خود او باشد، را به خط نسخ معرّب زیبا کتابت نموده است که به شماره ۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

[شاید صاحب عنوان همان «محمّد شفیع بن آقا احمد اصفهانی» که قبل از این مدخل آمده، باشد و آن دو یک نفر باشند.]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۸۱.

۲- فهرست کتابخانه عمومی ساری و تنکابن، ص ۹۵.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱، ص ۱۸.

محمّد شفیع نیشابوری

محمّد شفیع بن ملّا محمّد باقر نیشابوری، از فضلاء قرن یازدهم هجری.

وی در اصفهان به تحصیل علوم دینی خصوصا فقه و حدیث مشغول بوده و از محضر علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی بهره گرفته است. او نسخه ای از «زاد المعاد» را کتابت کرده و در آخر آن علّامه مجلسی جهت او و جمیع مؤمنین اجازه مرقوم فرموده است. کتاب به شماره ۱۴۴۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

[همچنین نسخه ای از «لوامع صاحبقرانی» تألیف: ملّا محمّد تقی مجلسی را در سال ۱۰۹۵ق کتابت کرده است.(۱)]

میرزا محمّد شفیع محلّه نوئی

میرزا محمّد شفیع محلّه نوئی فرزند ملّا محمّد تقی بن ملّا محمّد شفیع خوئی، از عرفای سلسله خاکساریه بوده و در سال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در مقبره خانوادگی جنب تکیه خوانساری ها در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[تنها ولد ذکور ملّا محمّد تقی خوئی است و در محلّه نو شهیش اصفهان متولّد شده و نزد علمای عالیقدر اصفهان خصوصا آخوند کاشی تحصیل نموده و گویا از او و یا شیخ مرتضی ریزی مجاز شده است. او عالمی فاضل و صاحب وقار و متانت و تواضع و حلم و حسن سلوک بوده و مورد احترام و توجّه عموم طبقات بود و سرانجام در ۱۸ آبان ۱۳۱۰ش (مطابق ۲۹ جمادی الثّانی ۱۳۵۰ق) در اصفهان وفات یافته و در مقبره خاندان خوئی در جنوب غربی تکیه علّامه خوانساری در تخت فولاد مدفون شد. او

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۳۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۹؛ اجازات الحدیث، ص۲۰۹؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ الکواکب المنتشره، ص۳۴۹.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۰.

وابستگی به صوفیه نداشته و انتساب او به فرقه خاکساریه صحیح نیست.(۱)]

محمّد شفیع لاری

محمّـد شـفیع بن محمّـد تقی لاری [از خطاطان اواخر دوره قاجاریه] در سال های ۱۲۹۷ و ۱۳۰۰ و ۱۳۰۲ در دهکرد [شهرکرد کنونی] در محکمه خـانه آقازاده ملّا محمّـد حسن مجموعه ای نوشـته که به شـماره ۴۳۸۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

محمّد شفیع سالم اصفهانی*

محمّد شفیع اصفهانی متخلّص به «سالم» فرزند میرزا محمّد حسین از شعرای اصفهان در قرن یازدهم هجری است.

او مردی هنرمند بوده که در شبکه و طرحی طلا و نقره نظیر نداشته و مورد قبول اساتید فن قرار گرفته است. شعر نیز می سروده ولی اثری از دیوان اشعار او نیست. وی تا سال ۱۰۸۹ق (سال اتمام تألیف تذکره نصرآبادی) در قید حیات بوده است.

از اوست:

ز سینه تا دل ناکام برطرف شد و رفت بهانه جوئی ایام برطرف شد و رفت(۳)

ملّا محمّد شفیع قاری بحار

آخوند ملّا محمّد شفیع قاری بحار بن محمّد رفیع اصفهانی، عالم فاضل و محدّث

۱- یادداشت های آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا).

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۳، ص۳۳۵۶.

۳- تـذکره نصـرآبادی، ج۱، صـص ۶۰۶ و ۶۰۷؛ قصـص الخاقـانی، ج۲، ص۱۴۹؛ تـذکره منتخب اللطـایف، ص۳۳۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۸۵.

محقّق [از علماء اواخر عهد صفویّه].

در اصـفهان خـدمت جمعی از علمـاء بـه تحصـیل پرداختـه و بـه خـاطر حضـور در مجلس مبـاحثه و تـدوین و تصـحیح کتـاب «بحارالانوار» و قرائت آن کتـاب بر مؤلّف (علّامه ملّا محمّد باقر مجلسـی) به «قاری بحار» معروف بوده است. او از شاگردان علّامه مجلسی است.(۱) مرحوم علّامه در شعبان ۱۰۸۸ق اجازه ای جهت او نوشته که نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی موجود است.(۲) همچنین علّامه مجلسی در مجلد «فتن» از کتاب «بحارالانوار» در سه موضع سه اجازه به تاریخ های رجب ۱۰۹۵ق و دوم صـفر ۱۰۹۷ق و رجب ۱۰۹۷ق جهت او نوشـته و در هر سه مورد فرمایـد: «قرائه تنقیحـا و تدقیقا»(۳) علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی او را با شخصـی دیگر به نام «محمّد شـفیع بن محمّد رفیع جیلانی اصـفهانی» مجاز از «سیّد ماجد بحرانی» در ۱۰۸۷ق و محقّق سـبزواری در ۱۰۸۵ق یکی دانسـته و از تألیفـاتش به کتـاب «تحـدیق النّظر فی کیفیه ادراک البصر» اشاره کرده است.(۴)

از آثـار او کتابت مجلـد دوم «بحارالانوار» موسوم به «کتاب التوحیـد» است که آنرا در میانه های رجب ۱۰۸۸ق کتابت کرده و بر مؤلّف قرائت نموده است. نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی موجود است.(۵)

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «انیس الوحشه و جلیس اللّیله» در آداب نمـاز شب که در یک مقـدّمه و ۱۲ باب و یک خاتمه تنظیم شـده و تألیف آن در ۶ ربیع الاوّل ۱۱۱۵ق به پایان رسـیده است. نسخه ای از آن به خط عالم فاضل و ادیب محقق، میرزا یحیی بن میرزا شفیع مستوفی اصفهانی به شماره ۳۳۴۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۶)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۶.

۲- فهرست دائره المعارف اسلامی، ج۱، ص۱۰.

۳- تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۵.

۴- الذریعه، ج۳، ص۳۷۶.

۵- فهرست عکسی دائره المعارف اسلامی، ج۱، صص ۴۶ و ۴۷.

۶- فهرست مرعشی، ج۹، صص ۱۲۲ و ۱۲۳؛ الذریعه، ج۱، ص۲۳ و ج۲، ص۴۶۹؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۴۳ و ۳۴۴.

۲. «الجبر و التّفویض» که آنرا در ذیحجه ۱۱۱۷ق تألیف نموده و نسخه ای را آن در کتابخانه حاج شیخ محمّد سلطان الواعظین در طهران موجود است.(۱) نسخه ای دیگر از این کتاب در کتابخانه فاضل محترم سیّد مصطفی حسینی فرادنبه ای در اصفهان موجود است.(۲)

آخوند ملّا محمّد شفیع موحّد طالقانی

آخوند ملّا محمّد شفیع طالقانی متخلّص به «موحّد» بن محمّد رفیع، ادیب فاضل و شاعر عارف، از شعراء و عرفای قرن دوازدهم هجری. معروف به «آخوند شفیعا ابرو» از اساتید او اطلاعی دردست نیست ولی در سیر و سلوک مرید ملّا حسین موزه دور بوده و عمر را به ریاضت های شاقّه و عبادت می گذرانیده و از او خوارق عادات و کراماتی به ظهور رسیده است.

اصلاً از اهالی طالقان قزوین بوده ولی سالها در اصفهان اقامت داشته است. میرزا معزالدین بن میرزا حسن تبریزی در علوم عقلی و نقلی نزد او تحصیل کرده است. او سرانجام در سال ۱۱۶۱ق (مطابق نوشته کتاب «وقایع السنین و الاعوام») در اصفهان وفات یافته و در قبرستان شاه میر حمزه مدفون شد. در اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی که قبرستان را خراب کردند، قبر او هم از بین رفت. گاهی شعر می سروده است.

از اوست:

آن شوخ که عشق را هوس می داند بلبل با زاغ هم قفس می داند

گفتا که مگوی راز عشقم به کسی من با که نگویم همه کس می داند(۳)

۱- الذریعه، ج۵، ص۸۵.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۰.

۳- تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۲۵۸؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۷۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۶۹ و ۲۱۶؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۴۶ و ۳۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵؛ مزارات اصفهان، ص۲۷۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۷۴۵؛ تذکره خزانه عامره، ص۴۲۹؛ الکواکب المنتشره، ص۳۴۳.

عالم ربّانی شیخ عبدالحسین محلّاتی اصفهانی از نوادگان اوست.

محمّد شفیع اصفهانی

محمّد شفیع بن محمّد زمان اصفهانی [فاضل نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در سه شنبه ۲۶ ربیع الاوّل ۱۰۷۱ق کتابت نسخه ای از «ریاض العابدین» تألیف «بدیع الزّمان قهپائی هرندی اصفهانی» را به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۸۰۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

محمّد شفیع جونقانی

محمّد شفیع بن محمّد زمان جوناقانی (جونقانی) [از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۳۳ق نسخه ای از کتاب «اختیارات الایام» تألیف: علّامه مجلسی را نوشته که به شماره ۶۷۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.

جوناقان من محال مزدج اصفهان.(۲)

محمّد شفیع خوراسکانی

محمّد شفیع بن محمّد زمان خوراسکانی اصفهانی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری. وی کتابی را در مقتل تألیف نموده که به شماره ۲۰۵۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. تاریخ کتابت نسخه سال ۱۲۴۳ق است.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص ۱۸۵.

۲- فهرست گلپایگانی، ج ۲، ص ۶.

۳- خورشید جی، ص ۳۱۲؛ فهرست گلپایگانی، ج ۳، ص ۱۴۷.

محمّد شفیع نائینی خوراسکانی*

محمّـد شـفیع بن عبـدالرحیم شـریف نائینی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او نسـخه ای از «الحدائق الناظره» تألیف شـیخ یوسف بحرانی را در پنج شـنبه ۸ ذیقعده ۱۲۱۲ق در قریه خوراسـکان جی، از بلوک اصـفهان، جهت میر محمّـد حسین امام جمعه، به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۳۶ در کتابخانه مدرسه صدر خواجو در اصفهان موجود است.(۱)

محمّد شفیع خوشنویس اصفهانی*

محمّد شـفیع خوشـنویس بن اسـتاد عبدالجبار اصفهانی، از کاتبان و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. در برخی کتب او را قزوینی نوشـته اند که صـحیح نیست. خط نسخ را خوش می نوشـته و پدرش نیز در خط نسـتعلیق از اساتید نامدار عصر خویش بوده است.

همایی سال فوت او را ۱۰۸۱ق نوشته که صحیح نیست.(۲)

محمّد شفیع سرانجام پس از وفات در مزار بابا رکن الدین اصفهان مدفون شد.(۳)

محمّـد شـفیع نسـخه ای از «ابواب الجنان» تألیف رفیع الدّین محمّد قزوینی را در سال ۱۰۹۷ق به خط نسـخ کتابت کرده که به شماره ۲۷۳ط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۴)

محمّد شفیع مازندرانی

محمّد شـفیع بن علی مازندرانی، [از فضـلاء اواخر دوره صـفویّه] در مدرسه ملّا عبداللّه اصـفهان ساکن بوده و به تحصـیل علوم دینی می پرداختـه است. او در رجب ۱۱۰۴ق در مدرسه ملّا عبداللّه کتابت «اصول کافی» را به پایان رسانیده و نسـخه تصـحیح شده و با

۱- فهرست صدر خواجو، ص۳۳ و ۴۲.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۷۱.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۷۶۲ و ۷۶۳.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص۱۶.

حواشی و با نشان بلاغ که گویا از علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. این نسخه به شماره ۱۷۵۷ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است. بنابراین به احتمال قوی صاحب عنوان از شاگردان علّامه مجلسی است.(۱)

محمّد شفیع قهپائی*

محمّد شفیع بن علینقی قهپایه ای، از کاتبان قرن دوازدهم هجری است. او نسخه ای از «شرح الشافیه» تألیف: محمّد هادی مترجم بن ملّا محمّد صالح مازندرانی را در ۲۶ شعبان ۱۱۱۵ق به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱۵۲۰۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

ملّا محمّد شفیع استرآبادی

ملّا محمّد شفیع بن ملّا محمّد علی بن احمد بن کمال الدّین حسین استرآبادی، عالم فاضل، صالح متّقی و محقّق مدقّق، از علمای اواخر دوره صفویّه.

شیخ عبدالنّبی قزوینی در کتاب خود او را چنین می ستاید: «من الفضلاء الاعلام و العلماء الاحکام و الکبراء العظام و ذوی المجد و الاحترام»(۳)

او نوه دختری مجلسی اوّل (ملّا محمّد تقی) است. [در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود و جمعی از دانشمندان اصفهان تحصیل نموده و از برخی از آنان از جمله: ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری و میر ماجد بن میر جمال الدّین محمّد حسینی دشتکی (روایت صحیفه سجّادیه) روایت نموده است. که در بخش اجازات «بحارالانوار» آمده است.(۴)

او سالها در اصفهان به تدریس مشغول بوده و شاگردانی تربیت کرده است از جمله:

۱- فهرست گوهرشاد، ص۳۷۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۶۲.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۴۹۲.

۳- تتمیم امل الآمل، ص۱۸۰.

۴- علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۱۷۷.

ملّا محمّد اکمل اصفهانی (پدر علّامه بزرگوار آقا محمّد باقر وحید بهبهانی)، ملّا اسماعیل که در سال ۱۰۶۲ق برای او اجازه نوشته است. و محمّد بن علی بن حیدر مکّی و دو فرزندش محمّد طاهر و محمّد قاسم.(۱)

ملّا محمّد شفیع استرآبادی تا سال ۱۱۱۷ق زنده بوده و به گمان ما حدود ۸۰ سال عمر کرده است.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اصول دین» به فارسی، به نام شاه سلیمان صفوی در چهار مقاله، نسخه که در ۱۱۲۲ق کتابت شده است به شماره ۹۴۶ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲) ۲. «الاربعون حدیثا» به عربی در فضائل حضرت امیر علیه السلام از کتب اهل سنّت، که آن را در اواخر شوال ۱۱۱۶ نوشته است و به شماره ۲۴۶۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است و سجع مهر او: «محمّد نبی اللّه و علی ولی اللّه» مشهود است.(۳) ۳. «حواشی بر اوائل شافی» تألیف: سیّد مرتضی ۴. «شرح قصیده میمیه فرزدق» [در مدح امام زین العابدین علیه السلام که در ۵ شوال ۱۰۷۵ق تألیف آن به پایان رسیده و به شماره ۳/۲۰۳۶ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۴) نسخه ای دیگر از آن در کتابخانه سیّد جلال الدّین محدّث ارموی بوده است.

همچنین در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نسخه ای از کتاب «اعاده المعدوم» تألیف: ملّا محمّد شفیع استرآبادی ساکن هند موجود است که به احتمال زیاد از صاحب عنوان است.(۵)]

فرزندان او محمّد طاهر و محمّد قاسم نیز از علمای آن روزگار بودند.(۶)

۱- الکواکب المنتشره، صص ۳۴۲ و ۳۴۳.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج ۲، ص ۹۵.

۳- فهرست مرعشی، ج ۹، ص ۲۶۴.

۴- فهرست احیاء، ج ۶، ص ۵۲.

۵- الکواکب المنتشره، ص ۳۴۳.

۶- منابع: فیض قدسی، صص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ الذریعه، ج ۶، ص ۱۰۵ و ج ۱۴، ص ۱۳ و ج ۱۱، ص ۹۲؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۵۵۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۶۹۶ و ۶۹۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص ۳۷۳.

محمّد شفیع گیلانی

محمّد شفیع بن فرج گیلانی، [از علما و فقهای عالیقدر قرن دوازدهم هجری] داماد میر ابوالمعالی کبیر طباطبائی اصفهانی. شیخ محمّد علی حزین در سفرنامه (تاریخ) خود دو جا از او نام می برد. یک جا می نویسد: «ساکن مشهد مقدّس و فاضل جامع محقّق مولانا محمّد شفیع گیلانی، از ازکیاء علماء و در اواسط حکمت نادره زمان»(۱) و در جای دیگر می گوید: «در آن وقت (یعنی پس از شکست و فرار افاغنه سال ۱۱۴۲ق) مولانای فاضل ملّا محمّد شفیع گیلانی که پیش مذکور شد، به اصفهان آمده و شیخ الاسلام بود و همانجا رحلت کرد.(۲)

فرمانی از شاه طهماسب دوم درباره موقوفه امامزاده درب امام اصفهان موجود است که آنرا در ربیع الثّانی ۱۱۴۳ق صادر نموده اند و او را بدین گونه نام می برد: «شریعت و افادت و افاضت و کمالات دستگاه حقایق آگاه، جامع المعقول و المنقول، علّامی فهامی شمسا للشّریعه و الافاده و الفضیله مولانا محمّد شفیع شیخ الاسلام داراالسّلطنه اصفهان».(۳)

میرزا عبدالنبی قزوینی او را دانشمندی متکلم، فاضل مفخم، محقّق متین و مدقّق رزین دانسته و می نویسد در رشت و شیراز شیخ الاسلام بوده است. در پاورقی مصحح کتاب می نویسد: وی از امیر ماجد بن جمال الدّین محمّد دشتکی در سال ۱۰۸۷ق و از ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری در محرم ۱۰۸۵ق اجازه دریافت نموده است.(۴)

ظاهرا وی شاگرد علّامه محمّد باقر مجلسی نیز بوده است.(۵) او سرانجام در ماه شعبان

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۲۲۶.

۲- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۲۳۷.

۳- مجلّه وحید، شماره ۲۲۸ و ۲۲۹، ص۸۹.

۴- تتمیم امل الآمل، ص۱۸۴.

۵- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۱ و ج۱، صص ۲۹۰ و ۲۹۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۴۴ و ۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۰۰ و ۷۰۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۶۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۴۷ و ۳۴۸.

۱۱۴۴ق در اصفهان وفات یافته است.(۱)

از تألیفات او «رساله در تحقیق بـداء» است که آنرا در سال ۱۱۶۳ کتابت نموده اند و به شماره ۱۰۹۱۰ در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می شود.(۲) وی همچنین بر کتاب «معالم» حاشیه نوشته است.(۳)

حاج ملّا محمّد شفیع خوئی

حاج ملّا محمّد شـفیع خوئی بن ملّا محمّد بن ملّا ابوالقاسم بن ملّا احمد خوئی بن ملّا علی چورسـی بن ملّا دولتعلی قراجه داغی، عـالم فاضـل متّقی [از علمـاء معروف قرن سـیزدهم هجری] در خوی از شـهرهای آذربایجان متولّـد گردیـده و پس از تحصـیل مقدمات نزد علمای آذربایجان به عتبات عالیات رفته و نزد علمای عالیقدر شـیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی، سیّد محمّد مهدی بحرالعلوم و سـیّد محمّـد مجاهد درس خواند و به درجه اجتهاد نائل شد. و پس از پایان تحصـیل به زادگاه خود مراجعت کرد. او در آنجـا مشـغول ارشـاد مردم و حل مشـکلات شـرعی آنان بود تا اینکه ایران و روسـیه آغاز شـد و او به ناچار با خانواده از خوی مهـاجرت کرده و به [دعوت جمعی از تجّـار و اخیـار اصـفهان از جمله حـاجی دوست محمّـد خوئی، میرزا محمّـد کاظم (مشـهور به میرزا کوچک) و پسرش میرزا علینقی به] اصفهان آمد و در محلّه بیدآباد ساکن شده و در مسجد میرزا باقر به اقامه جماعت پرداخت و به حل مشکلات شرعی مردم و مرجعیت و فتوا و تدریس علوم دینی مشغول شد.

[او فقیهی متبحّر و اصولی مبرّز و ادیبی توانـا و صاحب خلق حسـنه و مورد احترام عموم علماء و فضـلاء و طبقات مختلف مردم بود و علمای بزرگ اصفهان در آن عهد

۱- تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۱۱.

۲- فهرست وزیری، ج۳، ص۹۶۱.

۳- الذریعه، ج۶، ص۲۰۶.

همچون میر سیّد حسن مدرس (محلّه نوئی)، حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی، ملّا جعفر فشارکی، میرزا حسن بن ملّا علی نوری، سیّد ابوتراب، میر سیّد محمّد علی بن میر سیّد محمّد حسینی خاتون آبادی و میرزا علینقلی بن محمّد باقر حسینی در یک استشهاد (درباره مالکیت او بر املاکی بر کرچکان لنجان اصفهان) از او با القاب عالی یاد کرده اند و از این القاب معلوم می شود که از سرآمدان علماء و مجتهدین و مقدّم بر علمای اصفهان و سایر بلاد در آن عهد بوده است. امّا بنا به دلایلی نامش تحت الشعاع نام یکی دو تن از علماء مشهور آن روزگار قرار گرفته و همچنین به خاطر تدفین او در بقعه حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام چندان که شایسته مقام علم و فضل اوست شهرت نیافته است.]

او سرانجام در سال ۱۲۶۶ق وفات یافته [و به اهتمام حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی[فرزند سیّد حجه الاسلام در مقبره کوچک مسجد سیّد اصفهان مدفون شد [و متأسفانه سنگ مزار او و اعقابش را که آنجا بود در تعمیرات سال های اخیر از بین بردند.[فرزندان و اعقاب او اغلب از علماء و ادباء اهل فضل اصفهان بوده اند.(۱)

[از ایشان کتابی در «فقه استدلالی» باقی مانده که اکنون نزد استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» موجود است.]

آقا سیّد شفیع شوشتری

آقا سیّد شفیع بن سیّد محمّد بن سیّد عبدالکریم بن سیّد جواد بن سیّد عبداللّه بن سیّد نورالدّین علی بن سیّد نعمت اللّه موسوی جزائری شوشتری، عالم فاضل صالح [از علمای قرن سیزدهم هجری.] در سال ۱۲۱۱ق در شوشتر متولّد شد و در ۲۰ سالگی به اصفهان آمده نزد جمعی از فضلاء و علماء خصوصا حاج محمّد ابراهیم کلباسی به تحصیل پرداخت و در علوم مختلف خصوصا فقه و حدیث و رجال مهارتی به سزا یافت.

۱- مکارم الآثار، ج۵، صص ۱۰۸۴-۱۰۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۸؛ تذکره شبگرد، ص۱۹۱؛ یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا).

او در محله شهشهان ساکن بوده و عمر خود را به تدریس و اقامه جماعت و تألیف و تصنیف گذرانیده و سرانجام در روز ۲۱ ذیحجه الحرام ۱۲۷۴ق وفات یافته و در صحن تکیه خوانساری ها مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر نقد الرّجال» ۲. «رساله ای در منجزات مریض»۳. «کشف الریاض» (یا «حاشیه بر ریاض المسائل»۴. تحقیقات پراکنده در نحو، فقه و غیره.(۱)

ملّا محمّد شفیع واعظ قزوینی

ملّا محمّد شفیع بن رفیع الدّین محمّد بن فتح اللّه واعظ قزوینی، عالم فاضل، ادیب شاعر و واعظ ماهر [از شعراء و خطبای قرن یازدهم هجری].

در قزوین ساکن بود و در آنجا کسب علم و ادب نموده بود. در سال ۱۰۸۸ق به اصفهان آمد و در مسجد حکیم داود در نهایت فصاحت و بلاغت به موعظه برای مردم پرداخت. گاهی شعر نیز می گفت.

از اوست:

پیش ما سرگشتگان یکسان نماند خوب و زشت یک روش گردد به آب تلخ و شیرین آسیا(۲)

ملّا محمّد شفیع خاتون آبادی

ملّا محمّد شفیع بن نورالدّین محمّد خاتون آبادی، عالم فاضل [از علماء قرن دوازدهم هجری] در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از بزرگان علم و فضل از جمله علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته است. همچنین میر محمّد حسین بن

۱- مکارم الآثار، ج۲، صص ۴۰۸-۴۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۹۹ و ۷۰۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۲؛ الذریعه، ج۱۸، ص۳۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۴۸.

محمّد صالح خاتون آبادی در سال ۱۱۳۱ق برای او و فرزندش نورالدّین محمّد (صغیر) اجازه نوشته است.

صاحب عنوان در فقه، حدیث و رجال مهارت به سزایی داشته است.(۱)

محمّد شفیع خوزانی*

محمّد شفیع بن جمال الدّین محمّد خوزانی اصفهانی، از نیکوکاران عهد صفویّه است. او در دفترخانه سلطنتی صفویه به کار اداری مشغول بود. از مردان متمکّن اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده و مدرسه شفیعیه را در محلّه دردشت اصفهان و نزدیک مدرس ابن سینا ساخته و موقوفاتی را برای آن معیّن نموده است. سال بنای مدرسه شفیعیه ۱۰۶۷ق مقارن سلطنت شاه عباس ثانی است. [او جُنگ شعر (مجموعه)ای فراهم ساخته که ظاهرا از بین رفته است.(۲)]

محمّد شفیع گنابادی

محمّد شفیع بن محمود گنابادی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن یازدهم هجری] در سال های ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ق کتابت بخش های سوم و چهارم و خاتمه «حبیب السیّر» را در اصفهان به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۱۵۹ در کتابخانه مجلس وجود دارد. مهر بیضی شکل کاتب با نقش «عبده محمّد شفیع بن محمود ۱۰۱۶» بر برخی از صفحات کتاب مشهود است.(۳)

میرزا محمّد شفیع منجّم*

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۱؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۴.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۵۹۰؛ تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۳۵۲؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۲۵.

۳- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش دوم، ص۷۴۲.

میرزا محمّد شفیع منجّم فرزند میرزا مظفر منجّم گنابادی از منجّمان قرن یازدهم هجری است. در اصفهان نزد پدر نجوم را آموخته و در دربار شاه عباس صفوی وارد شد. او و برادرش میرزا محمّد تقفی، در دربار شاه صفی به پیش گویی و استخراج احکام نجوم مشغول بودند. منزل میرزا محمّد شفیع پشت مسجد جامع جدید عباسی (مسجد شاه= مسجد امام فعلی) واقع شده بود.

از او دو فرزند به نام های میرزا محمّد باقر و میرزا محمّد مقیم به جای ماند که اهل فضل و ادب و آشنا به نجوم بودند.(۱)

سیّد محمّد شفیع خلیفه سلطانی

سیّد محمّد شفیع بن سیّد محمّد نصیر خلیفه سلطانی بن نواب میرزا سیّد حسن بن علّامه سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان حسینی مرعشی، عالم فاضل. در قرن دوازدهم هجری زندگی می کرده و از طرف برادر خود میرزا محمّد مقیم، نایب التّولیه آستان مقدّس رضوی بوده است.(۲)

محمّد شفیع تویسرکانی

محمّد شفیع تویسرکانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل مشغول شده است. علّامه مجلسی در آخر نسخه ای از «اصول کافی» برای او اجازه نوشته است.(۳)

محمّد شفیع عباسی*

۱- خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم)، صص ۳۳۸ و ۳۳۹؛ خلاصه السیّر، ص۳۳؛ سفرنامه شاردن، (قسمت اصفهان)، ص۲۸.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۵۱.

۳- الکواکب المنتشره، ص۳۴۴؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۴.

محمّد شفیع عباسی از نقاشان هنرمند قرن یازدهم هجری است. برخی او را فرزند آقا رضا عباسی دانسته اند ولی مدرک معتبری برای اثبات آن به دست نیامده است. او از نقاشان طراز اوّل عهد شاه عباس دوم و شاه صفی است.

او غالبا به ترسیم گل های مختلف و پرندگان می پرداخته و از نخستین کسانی بوده که نقاشی گل و مرغ را رواج دادند. علاوه بر این در صورت سازی نیز مهارت به سزائی داشته و طرح هایی نیز برای پارچه ارائه داده و در قلمدان سازی و خوشنویسی نیز زبردست بوده است.

وی تقریبا از سال ۱۰۳۷ق تا ۱۰۸۴ق در اصفهان به فعالیت هنری مشغول بوده و در آخر عمر به هند مهاجرت کرده و در سال ۱۰۸۵ق در شهر «آگره» هند وفات یافته است. فرزندش محمّد تقی نیز از نقاشان ماهر آن عهد بوده است.

او آثار خود را با عبارات «کمینه شفیع عباسی» و «محمّد شد شفیع هر دو عالم» رقم می زده است. از آثار معروف او می توان به «درویش خفته» (۱۰۶۱ق)، «بوته گل بنفشه» (سال ۱۰۵۴ق)، «کبک روی شاخه گل سیب» (سال ۱۰۶۶ق) و «پرنده، پروانه ها و شکوفه ها» (سال ۱۰۶۲ق) اشاره کرد.(۱)

سیّد محمّد شفیع مستوفی

سیّد محمّد شفیع مستوفی (حسینی مازندرانی اصفهانی)، عالم فاضل و ادیب شاعر. [از دانشمندان و سخن سرایان قرن یازدهم هجری].

اصلاً از سادات علاقه بند مازندران بوده و در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته

۱- سیری در تاریخ نقاشی ایران، ص۳۸۴؛ هنر قلمدان، ص۹۹؛ دائره المعارف هنر، صص ۳۳۰ و ۳۳۱؛ جلوه های هنر در اصفهان، ص۱۴۲؛ مکتب نگارگری اصفهان، ص۱۶۹؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ فرهنگ فارسی (معین)، ج۵، ص۹۰۶؛ مکتب نقاشی صفوی اصفهان، ص۶۴.

است. در اوایل حال مُشِرِف باغات سلطنتی بوده و کم کم به مقامات بالاتر دست یافته و عاقبت مستوفی الممالک موقوفات دولت صفویّه شد. پس از آنکه میرزا مهدی اعتمادالدّوله، به صدارت رسید، او از آن منصب عزل شده و در منزل عزلت گزید و به تحقیق و تألیف و مصاحبت با دانشمندان و شعراء پرداخت. [و سرانجام در سال ۱۰۹۵ق وفات یافت.]

گاهی شعر نیز می سرود. این بیت از اوست:

سوخت ما را ز آشنایی هر که بزم افروز شد آفت پروانه باشد شمع چون روشن شود(۱)

در اغلب علوم چون کلام، تاریخ و ادبیات مهارت داشته و سال وفاتش معلوم نیست.

کتاب «بحرالفوائد و عقد الفرائد» به فارسی، در علم تاریخ از اوست که آن را به نام شاه عباس دوّم نوشته و در ۵ جلد آن را به پایان رسانیده است. نسخه های فراوانی از این کتاب در کتابخانه ها موجود است. این کتاب هنوز به طبع نرسیده است.(۲) [۲. «نسب نامه» که در سال ۱۰۹۰ق به نام شاه سلیمان صفوی آن را تألیف کرده و نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)]

میرزا محمّد شفیع ورزنه ای*

میرزا محمّد شفیع ورزنه ای اصفهانی، از صاحب منصبان دولت صفوی است. او وزارت دارالعباده یزد را برعهده داشته و در سال ۱۱۰۶ق وفات یافته است.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۹۹ و ۱۰۰؛ تذکره غنی، ص۷۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۹؛ الذریعه، ج۳، ص۴۴؛ الرّوضه النّضره، ص۲۶۳؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۵۶۷؛ فهرست وزیری، ج۱، ص۳۳۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۳۰۱ و ج۱۹، ص۴۳؛ فهرست مدرسه حجّتیه، ص۱۰۰؛ فهرست احیاء، ج۶، صص۱۱۴ و ۱۲۴ و ج۷، ص۱۳۱؛ فهرست عکسی احیاء، ج۲، ص۱۲۸.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۵۸؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۲، ص۱۰۹۴.

۴- دستور شهر یاران، ص۸۱.

در سال ۱۰۹۹ق به دستور او در زادگاهش (ورزنه) مسجد جامع ورزنه مرّمت گردیده و این عمل در کتیبه کاشیکاری به خط ثلث در سردر مسجد جامع ذکر شده است.(۱)

شکر ابهری اصفهانی

ابوزید شکر بن احمد بن محمّد بن ابی بکر ابهری مؤدّب اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری]. از «ابو عبداللّه قاسم ثقفی» حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» از وی استماع حدیث کرده است. او در ماه ذی القعده سال ۵۴۶ق وفات یافت.(۲)

[«ابهر» از دهات جِی اصفهان بوده و اکنون از محلّه های اصفهان است و به آن «اَبَر» می گویند.]

میرزا شکراللّه مستوفی شهرستانی

میرزا شکراللّه مستوفی [بن خواجه حبیب اللّه شهرستانی، از دانشوران اهل قلم قرن دهم هجری و از سادات جلیل القدر شهرستان اصفهان است. او پس از تحصیل در اصفهان به قزوین رفته و در دربار شاه طهماسب صفوی به خدمات دیوانی مشغول شد. در اواخر سلطنت شاه طهماسب، به منصب «مستوفی الممالک ممالک محروسه» منصوب شد. در سال ۹۸۴ق شاه اسماعیل ثانی او را به وزارت دیوان اعلی برگزید اما یک سال بعد که شاه اسماعیل ثانی فوت نمود، شاه محمّد خدابنده او را از این منصب عزل کرده و او را به عنوان «وزیر» و «ممیزی» خراسان و تولیت آستان قدس رضوی به مشهد مقدس فرستاد، اما بیگلربیگیان خراسان به مخالفت با او برخاستند. سرانجام او در هنگام مراجعت از خراسان، در دامغان وفات یافت.

۱- اصفهان در دوره جانشینان تیمور، ص۱۸.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۲۶.

او مردی سلیم النّفس، باوقار، خوش خلق و ماهر در انشاء، سیاق، حساب، خوشنویسی و امور دیوانی بود.(۱)]

از او آثار خیریه ای به جای مانده از جمله: ۱. مسجد مستوفی در محلّه خواجوی اصفهان ۲. بازار مستوفی در محلّه خواجو ۳. باغ مستوفی (واقع در خیابان فیض فعلی) در اصفهان.(۲)

شکراللّه ورنامخواستی لنجانی

شکراللّه بن علیرضا ورنامخواستی لنجانی اصفهانی، [از کاتبان قرن یازدهم هجری [در سال ۱۰۹۲ق کتاب «النّخبه الوجیزه» تألیف: فیض کاشانی را به خط نسخ نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۱/۱۱۷۹ موجود است.(۳)

[ورنامخواست از دهات بلوک لنجان اصفهان است.]

استاد شکراللّه صنیع زاده

استاد شکراللّه صنیع زاده فرزند عبدالمحمود غفّاریان، هنرمند نقاش و میناکار معاصر اصفهان، در ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۴ق (برابر با ۱۵ بهمن ۱۲۸۵ش) در محلّه درب امام اصفهان متولّد شد. او تحصیلات ابتدائی و اوایل متوسّطه را در مدرسه قدسیّه گذراند امّا در نوجوانی ترک تحصیل کرده و نزد پدربزرگ مادریش میرزا عبدالحسین صنیع همایون به فراگیری نقاشی و میناکاری پرداخت. همچنین از استاد مصورالملکی تذهیب، تشعیر، نقاشی طبیعت، صورت سازی، گل و مرغ و بوته پردازی را آموخت.

۱- احسن التواریخ، صص ۱۲۷ و ۶۳۹ و ۷۱۶؛ از شیخ صفی تا شاه صفی، صص ۹۶ و ۹۷؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چاپ ۱۳۷۷ش)، ج۱، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ وقایع السّنین و الاعوام، ص۳۹۱؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۰۵-۱۱۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۰۴.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۴۲۵.

صنیع زاده در زمان سلطنت رضا شاه، با یک مهندس آلمانی به نام «شونِمان» که در اصفهان به سر می برد آشنا شده و برای راه اندازی کوره و رنگ ها و لوازم کار میناکاری ازاو بهره فراوان برد، تا اینکه کم کم استادی قابل و هنرمندی ماهر شد. آثار میناکاری او در نمایشگاه بین المللی بروکسل یک دیپلم افتخار و مدال بُرنز به ارمغان آورد. همچنین تقدیرنامه ای از مرجع عالیقدر شیعه سیّد محسن حکیم دریافت نمود.(۱)

او سرانجام در جمادی الاولی ۱۴۰۴ق (بهمن ۱۳۶۲ش) در اصفهان وفات یافته و در تکیه آغاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

درهای نفیس میناکاری شده آستان حضرت رضا علیه السلام ، میناکاری ضریح حضرت عباس علیه السلام در کربلا و میناکاری در حرم مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف از آثار ارزنده اوست.

شکراللّه خاکسار*

شکراللّه خاکسار فرزند علی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۱ش متولّد شد. او در انجمن های ادبی اصفهان شرکت می کرد و از اعضای انجمن صائب بود. سرانجام در سال ۱۳۸۱ پس از پیدا شدن پیکر فرزندش که در جنگ ایران و عراق به شهادت رسیده بود، به عارضه قلبی دچار شد و در تهران درگذشت.

از اوست:

چه کردی با محبّت ای که می دانی نمی ماند غمی افسانه ای عکس خیالی زندگانی را

مرا کُشتی ولیکن دل به یادت زندگی دارد بنازم این تحمّل سخت جانی را(۳)

۱- کیهان فرهنگی، (اردیبهشت ۱۳۶۳)، ص۳۹؛ فصلنامه فرهنگ اصفهان، (بهار ۱۳۷۵)، صص ۳۵-۳۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۳۳۶ و ۳۳۷؛ گلزار مشاهیر، صص ۴۳۱ و ۴۳۲.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۵.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۲۳۵.

میرزا شکراللّه منعم اصفهانی

میرزا شکراللّه منعم بن میرزا محمّد علی مسکین اصفهانی، شاعر ادیب و فاضل، از سخنوران قرن چهاردهم هجری.

در اصفهان به سال ۱۲۸۶ق متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخته و فنون شعر و ادب را از میرزا محمّد حسین عنقا فرا گرفت و چون در سرودن شعر صاحب طبع روان و قریحه خدادادی بود در انجمن ادبی شیدا حضور یافت. او از راه زرگری امرار معاش می کرد. او مردی عارف مسلك و سخن سنجی ماهر بود. قصیده و غزل را نیکو می سرود و در گفتن مادّه تاریخ مهارتی به سزا داشت.

منعم در روز شنبه ۴ جمادی الاولی ۱۳۶۰ق وفات یافته [و در تکیه آغاباشی واقع] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

برخی از اشعار او در کتاب «دانشنامه» به طبع رسیده و مجموعه ای از اشعارش با عنوان «سفره منعم» در سال ۱۳۶۰ق چاپ سنگی شده است.

از اوست:

دم ز چشم تو بزد نرگس و هشیار نبود حرف بیهوده زدن دور ز بیمار نبود

دوش گفتم ننمودی ز چه رخ بر خورشید گفت این بی سر و پا لایق دیدار نبود(۱)

پدرش «مسکین» و برادرش «میرزا عبدالرحیم افسر» و برادرزاده اش «فتح اللّه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴؛ دیوان طرب، ص۲۵۰؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۷۰۶ و ۲۷۰۷؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۷۳۲؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۱۱.

جلالی» نیز شاعر و اهل فضل و ادب بوده اند.

شکراللّه حسینی خوراسکانی

شکراللّه بن محمّد حسینی خوراسکانی [از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری] در سه دهه اوّل ربیع الثّانی ۱۰۹۷ق نسخه ای از «مجمع البحرین» طریحی را به پایان رسانیده است و در ۱۰۹۸ق شیخ صفی الدّین طریحی فرزند مؤلّف جهت او اجازه مرقوم داشته است (پایان جزء سوم و چهارم) نسخه به شماره ۱۱۸۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱) همچنین او در جمعه ۱۲ رجب ۱۰۹۴ق کتابت نسخه ای از کتاب «السرائر الحاوی» تألیف: ابن ادریس را به خط زیبا به پایان رسانیده و نسخه مقابله شده و به شماره ۲۱۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

شکراللّه پیمان بروجنی

شکراللّه ارباب زاده متخلّص به «پیمان» از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۰ق در بروجن متولّد شده و در آنجا تحصیل نمود. او مدّتی رئیس اداره اقتصادی بروجن بود.

از اوست:

کوهکن در بیستون از جان شیرین چون گذشت تیشه انسان زد به سر کز کوه موج خون گذشت(۳)

شکوهی همدانی

شکوهی همدانی معروف به «ملّا شکوهی» شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری].

در اصفهان ساکن بوده و در قهوه خانه های اصفهان با شاعران و فضلاء معاشرت و

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص ۳۵۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۶، ص ۱۷۱.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

مصاحبت داشته و گاهی شاه عباس اوّل برای دیدار آنها قهوه خانه می آمده است.

شکوهی و زکی همدانی در همدان نزد میرزا ابراهیم همدانی به تحصیل پرداخته بودند. او علاوه بر سرودن شعر خط نستعلیق را نیز زیبا می نوشت.

سال وفات او معلوم نیست. فرزندش همایون محمّد نیز از خوشنویسان عهد صفویه است.

از اوست:

دوش در چشمم خیال روی جانان می نشست شبنم یاد جمالش بر گل جان می نشست(۱)

شکیبی اصفهانی

شکیبی اصفهانی، از عرفاء و دانشمندان قرن نهم هجری و از مریدان خواجه علاءالدّین عطاء نقشبندی بوده و در نجوم و رمل دست داشته است.(۲)

شمخال بیک اصفهانی*

شمخال بیک اصفهانی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. از خانه زادهای میر سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان بود. او به سفرهای زیادی رفته و از جمله مدّتی را در سفر هندوستان گذرانیده و به اصفهان بازگشته بود.

این رباعی از اوست:

در قید حیات هر که چون من باشد کارش همگی ناله و شیون باشد

گر زندگی این است که من می بینم عمر ابدی نصیب دشمن باشد(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۴۳ و ۳۴۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۳۱۱ و ۳۱۲؛ تذکره غنی، ص۷۴؛ تذکره حسینی، ص۱۷۶.

۲- تاریخ نظم و نثر، صص ۴۲۳ و ۸۲۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۱۱؛ کاروان هند، ج۱۷ ص۶۵۲.

میرزا شمسا

میرزا شمسا، از فضلاء و دانشمندان گمنام اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. در کتاب «تاریخ تذکره های فارسی» در ضمن شرح حال میرزا عبدالباقی شریف رضوی متخلّص به «وفا» گوید:

«در آنجا (اصفهان) پیش علمای عصر مثلاً ملّا علی اکبر و میرزا محمّد اسماعیل و میرزا شمسا و غیره هم استفاده علوم عقلیّه و فنون طبّیّه ساخت»(۱)

ملّا شمس الدّین بحرانی

ملّا شمس الدّین بحرانی معروف به «ملّا شمسی» عالم فاضل، علاوه بر تحصیل علم جهت معاش تجارت هم می نموده و به همین قصد از بحرین به ایران آمده و در قمشه ساکن دشه و هم در آنجا وفات یافته و در جوار امامزاده شاه سیّد علی اکبر نزدیک قمشه (شهرضای کنونی) مدفون شد.(۲)

حاج آقا شمس الدّین خادمی

حاج آقا شمس الدّین خادمی فرزند حاج سیّد ابوجعفر صدر عاملی [از علمای معاصر اصفهان] در سال ۱۳۱۶ق در اصفهان متولّد شد. در کودکی پدر را از دست داده و تحت سرپرستی مادر تربیت شد. او تحصیلات خود را در اصفهان نزد علماء عالیقدری چون میرزا احمد مدرس، آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی، حاج میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا شیخ علی مدرس یزدی، آقا میرزا محمّد علی تویسرکانی و آقا سیّد محمّد مدرس نجف آبادی انجام داد و برای تکمیل آن به عتبات و عالیات مشرّف شده و از درس آیات عظام: آقا سیّد

۱- تاریخ تذکره های فارسی، ج۲، ص۱۲۷.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۰۱ و ۷۰۲.

ابوالحسن اصفهانی، آقا میرزا محمّد حسین غروی نائینی و جمعی دیگر از افاضل حاضر گردید. لکن به مناسبت ابتلاء به بیماری به اصفهان مراجعت کرده و فقط توانست به اقامه جماعت در مسجد نو حاج رسولی ها و موعظه و ارشاد مردم در آن مسجد بپردازد.

او سرانجام در ۲۵ شعبان سال ۱۳۹۹ق وفات یافته و جنب قبر پدرش در تکیه حاج آقا مجلس (تکیه سیّد ابوجعفر) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

شمس الدّین دینانی*

حاج شمس الدّین دینانی اصفهانی متخلّص به «شمس» فرزند آقا احمد ملقّب به «شمس الشّعراء»، از شعرای اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۴۷ش در روستای «دینان» از توابع اصفهان متولّد شده و به کسب علم و ادب مشغول شد. او دارای صدایی خوش بوده و در خوشنویسی نیز مهارت داشته است. در سرودن شعر زبردست و خوش قریحه بوده و خصوصا غزل را نیکو می سروده است. «مجموعه اشعار شمس اصفهانی دینانی» به اهتمام حسین توسلّی دینانی در سال ۱۳۸۴ش به چاپ رسیده است. او در سال ۱۳۱۲ش در زادگاه خود وفات یافته و همانجا مدفون شد.(۲)

از اوست:

تا شدم عاشق نمی دانی چه ها می خواستم اوّل از معشوق خود مهر و وفا می خواستم

عاقبت نگذاشت جان سازم فدایش از وفا چون که من یک بوسه از وی خونبها می خواستم

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۰ و ۳۲۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

۲- مجموعه اشعار شمس اصفهانی دینانی: مقدمه.

شمس الدّین طالش

شمش الـدّین (شـمسا) بن اسـماعیل طـالش [از فضـلاء قرن یـازدهم هجری] در سال های۱۰۶۷، ۱۰۷۰، و ۱۰۹۳ق در مدرسـه فـاطمیه اصـفهان نسـخه ای از کتـاب «من لایحضـره الفقیه» را کتـابت نمـوده که در کتابخـانه دانشـکده حقـوق طهران موجـود است.(۱)

سیّد شمس الدّین حسینی نائینی

سیّد شـمس الدّین حسـینی نائینی فرزند سیّد محمّد رضا، از ادبای معاصر اصفهان است. در ۲۲ ربیع الثّانی ۱۳۵۲ق در «مزرعه سلطان نصـیر» از توابع نائین متولّد شده و از سن ۴ سالگی به اتفاق پدر در قریه «اژیه» از بلوک رویدشت اصـفهان ساکن شده. سپس به اصفهان آمده به تحصیل علوم قدیمه مشغول شد. او از سن ۱۴ سالگی شعر می گفت. این شعر از اوست:

بزن ای مطرب مهوش به یاد روی جانانه که نزدیک است از عشقش بسوزم همچو پروانه

به یاد روی ماه وی شدم حیران و دیوانه دل از کف رفت و مجنون گشتم و از خویش بیگانه

تمنّای لب لعلش به جانم می زند اخگر(۲)

شمس الدّین تاج اصفهانی*

شمس الدّین تاج اصفهانی فرزند میرزا عبدالحسین تاج العلماء بن ابراهیم تاج اصفهانی، ادیب و هنرمند فرزانه.

۱- فهرست حقوق، ص ۴۲۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۹۳.

در سال ۱۳۰۱ش متولّد شده و به تهران رفت. مقدمات را در آنجا فرا گرفت و ضمن اشتغال به کار، نزد اساتیدی چون حاج میرزا خلیل کمره ای تحصیل نمود. در سال ۱۳۲۰ش به اصفهان مراجعت کرده و نزد شیخ عبدالعظیم مهرابی کوشکی، شیخ احمد قمی نژاد و شیخ محمّد باقر زند کرمانی کسب فیض نمود.

او آواز را نزد دایی خود جعفر مشایخ زاده و میرزا عبدالحسین صدرالواعظین فرا گرفت. او اشعار مثنوی را با تسلطی که به ردیف و دستگاه های موسیقی اصیل ایرانی داشت با سبکی مخصوص به خود با نوائی دلنشین قرائت می کرد.

وی در بهمن ۱۳۸۳ش وفات نمود و در بقعه نام آوران باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۱)

شمس الدّین بناء اصفهانی*

استاد شمس الدّین بن عبدالحسین اصفهانی بنّا، از هنرمندان قرن دهم هجری است. در هنر گچبری زبردست و استاد بوده است. از آثار او گچبری دیوار غربی حرم امامزاده حمزه در بوانات فارس است که آنرا در سال ۹۵۳ق ساخته است.(۲)

حاج آقا شمس الدّین هرندی

حاج آقا شمس الدّین بن حاج ملّا عبداللّه بن میرزا محمّد بن حاج ملّا عبداللّه بن حاج محمّدهادی بن حاج محمّد ظهیر هرندی، عالم فاضل [از علمای قرن چهاردهم هجری].

در اصفهان متولّد شده و نزد پدر خود و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و دیگران تحصیل کرده و به اقامه جماعت در یکی از مساجد محلّه شهشهان پرداخت. او در حدود سال ۱۳۶۶ق در طهران وفات یافت.(۳)

۱- شرح مجموعه گل، ص۳۷۳.

۲- راهنمای صنایع اسلامی، صص ۱۰۳ و ۱۰۴؛ دائره المعارف تشیّع، ج۳، ص۳۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۴.

دکتر سیّد شمس الدّین جناب

دکتر سیّد شمس الدّین جناب فرزند مرحوم حاج میر سیّد علی جناب حسینی. دکتر داروساز، از متخصصین فن داروسازی و از دوستان قدیمی نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی که در شب چهارشنبه عرّه ذی الاحجّه ۱۳۹۳ق (مطابق ۶ دی ماه ۱۳۵۲ در تهران وفات یافت و] در تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

شمس الدّین دولت آبادی

شمس الدّین دولت آبادی فرزند آقا محمود بن میرزا احمد بن حاجی میرزا هادی دولت آبادی، از شعرای قرن چهاردهم هجری.

در سال ۱۲۹۳ش (مطابق ۱۳۳۲ق) متولّد گردیده و در محرم ۱۳۵۳ق در جوانی وفات یافت. جوانی قابل و آراسته بود. شعر می گفت و «شمس» تخلّص می کرد.(۲)

استاد شمس الدّین کاشی تراش

استاد شمس الدّین کاشی تراش، از هنرمندان قرن دهم هجری در اصفهان است. از آثارش: تزئینات ایوان جبهه جنونی مسجد جامع اصفهان است که در زمان شاه طهماسب اوّل صفوی انجام گردیده است.(۳)

شمس الدّین تبریزی*

شمس الدّین تبریزی، از خوشنویسان ماهر قرن دهم هجری است. خط ثلث را خوش

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۱؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۸۴۵.

۲- انیس الفارغین، (خطی)، ص۲۱۳.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۱۰۱-۱۰۳؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۱۸۷؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱۳، ص۴۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۰۱.

می نوشته و در اصفهان ساکن بوده است. او در سال ۹۲۹ق کتیبه سردر مسجد علی اصفهان را به خط ثلث نوشته است.(۱)

شمس الدّین هاشمی اصفهانی*

میر شـمس الدّین هاشـمی، از شاعران اصـفهان در قرن یازدهم هجری است. در اصـفهان تحصیل کرده و به هند سفر کرد و به «بیجاپور» رسید و به «صدر جهان» مخاطب شد و در ردیف شاعران مدّاح عادلشاه، فرمانروای دکن قرار گرفت.

از اوست:

مرا هر شب خیال یار در آغوش می آید غلط کردم که جانی در تن بیهوش می آید(۲)

استاد شمس الدّین ابوالوفا حسینی*

استاد سیّد شمس الدّین ابوالوفا حسینی فرزند حاج آقا رضا بن سیّد محمّد، از خوشنویسان هنرمند معاصر اصفهان.

در روز ۳۰ بهمـن ۱۳۲۶ش در قریه «دسـتنا» از توابـع شـهرکرد در خـانواده ای از سـادات عالیقـدر که نسب آنـان به امـام زین العابدین علیه السلام می رسید، متولّد شد. پدرش از علمای دینی و اهل فضل و تقوا بود. او در زادگاه خود به مکتب خانه رفته و سپس نزد پدر مقدّمات و سیوطی را آموخت. سپس برای ادامه تحصیلات عالیقدری چون شیخ امان اللّه کوجانی تلمُّذ کرد. او در کنار این تحصـیل، به طور متفرقه به تحصـیل ادامه داده و دوره ابتدائی، سـیکل و متوسـطه را طی کرد. آنگاه در دانشگاه گیلان در رشته مدیریت

۱- گنجینه آثـار تاریخی اصـفهان، صـص ۳۷۰-۳۷۲؛ تاریـخ اصـفهان (هنر و هنرمنـدان)، ص۱۴۳؛ خوشنویسـی در کتیبه هـای اصفهان، ص۷۲.

۲- تذکره شمع انجمن، ص۸۰۶؛ گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۷۵۸؛ کاروان هند، ج۲، ص۱۵۳۶.

اداری ادامه تحصیل داده و به درجه لیسانس نائل شد.

پس از آن در اصفهان اقامت گزید. او به خاطر تشویق پدر جهت حفظ اشعار عربی و فارسی و خوشنویسی، به هنر خط علاقمند شد و در هنگام اقامت در اصفهان نزد استاد فضائلی در خط نسخ و نستعلیق و نزد استاد نصراللّه معین در خط نستعلیق به مشق پرداخت. و در سال ۱۳۵۸ش موفق به اخذ درجه ممتاز شد آنگاه در تهران از راهنمائی اساتید خوشنویس پایتخت همچون استاد فرادی و سایرین بهره برد.

او جهت امرار معاش به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در دبیرستانها و هنرستانها و مراکز آموزش عالی و تربیت معلم و دانشگاه هنر اصفهان به تدریس پرداخت.

استاد حسینی از جمله پایه گذاران انجمن خوشنویسان اصفهان بعد از انقلاب و خود مؤسس انجمن خوشنویسان چهارمحال و بختیاری است. او سال های طولانی به تعلیم خط در انجمن مشغول بوده و مدّتی سمت سرپرست انجمن خوشنویسان اصفهان و مدّتی بازرس اصلی انجمن خوشنویسان ایران بود. حاصل زحمات این استاد هنرمند تربیت صدها خوشنویس برجسته است و به پاس این زحمات به دریافت نشان درجه یک هنری معادل دکترا نائل آمده و در سال ۱۳۸۶ش به درجه استادی در خوشنویسی دست یافته است.

استاد حسینی در نمایشگاه های جمعی بسیاری در داخل و خارج از کشور شرکت نموده و آثار خود را به نمایش گذاشته است. او به گردآوری نمونه خطوط خوش خوشنویسان گذشته و مطالعه درباره خط و خوشنویسی علاقه فراوان داشته و در شناخت خطوط نسخه های خطی و قطعات خوشنویسی صاحب نظر است و در کنار آن به مطالعه تاریخ و ادبیات می پردازد.(۱)

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد شمس الدّین ابوالوفا حسینی در هشتم شهریور ۱۳۸۸ش.

شمس تیشی شیرازی*

شمس تیشی شیرازی، از شعراء هنرمندان قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در علم موسیقی و صوت و عمل مهارتی به سزا داشته و شعر و تصنیف نیکو می سروده است. شاه عباس صفوی به او علاقه فراوان داشت و دستور داد در چهارباغ اصفهان برای او قهوه خانه ای بسازند.

از اوست:

ابروانم شده پل چشم ترم چشمه آن داد من این سر پل می دهی یا آن سر پل(۱)

شمس شیرازی

شمس شیرازی معروف به «شمسا بینی» خوشنویس هنرمند. سالها در اصفهان ساکن بوده و نزد میرعماد به مشق خط پرداخته است. خط نستعلیق را خوش می نوشت. برادرش «جمالا» متخلّص به «واله» شاعر و خوشنویس بوده و در هندوستان ساکن شده و وفات نموده است.(۲)

شمسی اصفهانی

شمسی اصفهانی، از شعرای قرن هشتم هجری است.(۳)

سیّد شهاب الدّین نحوی [پدر مؤلّف]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۲- تذکره نصرآبادی، ص۴۰۸.

۳- تاریخ نظم و نثر، ص۲۲۶.

سیّد شهاب الدّین محمّد تقی نحوی فرزند سیّد محمّد حسن مجتهد اصفهانی بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد باقر بن میر محمّد صادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل زاهد [از علمای عالیقدر قاجاریه].

او در شب غرّه رجب سال ۱۲۶۳ق در اصفهان متولّد شده و مقدّمات و سطوح را نزد برادر خود حاج سیّد مهدی نحوی و برادر دیگرش سیّد محمّد (که در جوانی به سال ۱۲۷۵ق وفات یافت) فرا گرفته و سپس جهت تکمیل در محضر مرحومین حجتین ملّا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سیّد محمّد شهشهانی حاضر شده و سال ها از محضر آنان مستفید گشت و ضمنا به درس آخوند ملّا عبدالجواد خراسانی حکیم حاضر شده، سپس به مجلس حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی اختصاص یافته و از خواص اصحاب ایشان گردید. مدّتی نیز از درس مرحوم میر محمّد صادق کتابفروش استفاده برده و مدّت دو سال به درس حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی حاضر شد. در اغلب علوم، از ریاضی و طبیعی و حکمت و فقه و اصول و ادب تبحّر یافت. او ارادت خدمت عارف مشهور مرحوم فیض علی شاه ثانی داشت و تا آخر عمر به خدمت خلق و عبادت خالق پرداخته و مورد احترام خاص و عام قرار گرفته و نزد عموم طبقات، محترم و مقبول القول بود.

او در شب چهارشنبه غرّه رجب المرّجب سال ۱۳۴۰ق وفات یافته و در تخت فولاد، جنب مقبره پدر مدفون شد. پس از گذشت چندین سال، استخوان های ایشان به نجف اشرف نقل و در وادی السّلام جنب مقبره علّامه آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی مدفون گردید.

از آثارش کتابی است «جُنگ» مانند در دو قسمت: ۱. در فوائد متفرقه از نظم و نثر عربی و فارسی و فقه و حدیث و تفسیر۲. مجموعه ای از مراسلات استادش حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی که به علماء و غیره نوشته است.(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور: مقدمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۷.

سیّد شهاب الدّین آل دیباج*

سیّد شـهاب الدّین آل دیباج عالم کامل مدّت ۱۷ سـال در کربلای معلی تحصـیل نموده و به درجه اجتهاد نائل گردیـده و از بزرگـانی همچون شـیخ زین العابـدین مازنـدرانی اجازه اجتهاد دریافت کرد. پس از بازگشت به ایران در مسـجد محلّه «لادره» خمینی شـهر به امامت جماعت و تبلیغ احکام مشغول شد. وی در سال ۱۳۳۳ق وفات یافت و در مقبره مسـجد خود (امام جعفر صادق علیه السـلام) مدفون گردید. وی پسـر عموی سـیّد بحرالعلوم سدهی (شاگرد شـیخ انصاری) و جدّ مادری مرحوم دکتر سیّد رضا ابوالبرکات بود.

شیخ شهاب الدّین اَزیرانی

شیخ شهاب الدّین اَزیرانی اصفهانی [از عرفای قرن هشتم هجری] متوفی به سال ۷۶۹ق مدفون در قریه «ازیران» از توابع «براآن» اصفهان.(۱)

سیّد شهاب الدّین صفوی قمی*

سیّد شهاب الدّین صفوی قمی، از علمای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۴ش در روستای «سُه» از توابع شهرستان نطنز (و فعلاً تابع شهرستان بُرخوار و میمه) متولّد شد و پس از تحصیل مقدّمات به قم رفته و سطح را نزد برخی از علماء آنجا از جمله شیخ علی فیض (مشـکینی) تحصـیل کرد و در درس خارج مرجع عالیقدر حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد امّا با رحلت او به اصفهان مراجعت کرده و از درس حضـرات آیات خادمی، فانی و حاج آقا رحیم ارباب بهره برد. پس از آن به وعظ ارشاد مشغول شده و با بیانی شیوا و سخنانی گیرا مردم را جذب معارف اهل بیت علیهم السلام نمود. او حامی مستمندان و

۱- مزارات اصفهان، ص۹۸.

یاور مظلومان بود و برای کمک به آنان همواره پیشقدم می شد.

او بـه عبـادت فراوان و انجـام واجبـات و مسـتحبّات و تلاوت قرآن اهتمـام بسـیار داشت. و بـا برخی از عرفـاء و علمـای ربّـانی خصوصا حاج آقا رحیم ارباب حشر و نشر داشت و از انفاس قدسیه آنان فیض می برد.

او در اواخر عمر به سـکته مبتلا شده و از قوای جسـمانیش کاسـته شد و عاقبت پس از بازگشت از زیارت حضـرت ثامن الائمه علیه السـلام در پاییز سال ۱۳۸۲ش دچـار سانحه تصادف شـده و چنـد روز پس از عمل جراحی روز ۵ رمضان ۱۴۲۴ق وفات یافت.

فرزند او حاج سـیّد عبدالحمید صـفوی در جبهه های نبرد ایران و عراق به شـهادت رسـید و دو فرزند دیگرش حاج سیّد محمّد باقر و سـیّد حسام الدّین در زمان حیات پدر وفات یافتند و بار سـنگین فراق بر سینه پدر نشست. امّا او تا آخر عمر از جادّه صبر و رضا خارج نشد و مصائب را تحمّل کرد.(۱)

سیّد شهاب الدّین ضیاء الواعظین

سیّد شهاب الدّین ضیاء الواعظین حسینی، از خطباء اهل منبر، متوفی ۱۳۶۳ق به سن قریب به ۹۰ سالگی و مدفون در بیرون بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد.(۲)

شهدی اصفهانی

شهدی اصفهانی، از شعرای اواخر دوره قاجاریه است. او از دوستان میرزا ابوالقاسم محمّد نصیر طرب اصفهانی بوده و طرب در قصیده انجمنیه خود، او را به عنوان شاعر اطعمه ساز ذکر کرده است.(۳)

شهدی بختیاری*

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۱۰.

۳- دیوان طرب، ص ۲۶۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج ۲، ص ۹۱۴.

شهدی بختیاری، از سخنوران قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان علم و ادب آموخته و به تهران رفت و به مدح ناصرالدّین شاه پرداخت و شمس الشعراء میرزا محمّد علی سروش را هجو کرد. سال فوت او معلوم نیست.(۱)

او در پنج شنبه از ماه رمضان سال ۱۲۶۱ق نسخه ای از «دیوان فرخی سیستانی» را به خط نستعلیق کتابت کرده است. میرزا محمّد حسین عنقا در سال ۱۲۹۱ق این نسخه را در اختیار داشته است. این کتاب به شماره ۵۴۹۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

شهریار اُسواری اصفهانی

ابوبکر شهریار بن محمّد بن احمد بن محمّد بن شهریار اسواری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] به مکّه و بصره سفر کرده و از «ابی یعقوب یوسف بن یعقوب نُجِیری» و «ابی قلابه محمّد بن احمد بن حمدان» امامِ جامعِ بصره در شهر بصره و از «ابا علی حسن بن داود بن سلیمان بن خلف مصری» در مکّه حدیث شنیده است.

«عبدالعزیز» و «عبدالواحد» فرزندان «عبداللّه بن احمد قاذویه»، «عبدالرّحمان بن محمّد بن اسحاق» و «محمّد بن علی جوزدانی» از او حدیث شنیده اند.(۳)

شهریار نوذر اصفهانی*

شهریار یاربخت اصفهانی متخلّص به «نوذر» از شعرا و نویسندگان معاصر است. در سال ۱۳۱۶ش متولّد و در طهران ساکن بود. او در بهمن ۱۳۶۹ش درگذشت. از آثار او: ۱. «داستان لیلی و مجنون» [۲. «نغمه های نوذر» ۳. «سرگذشت حاج علی بابا»

۱- حدیقه الشعراء، ج۲، ص۹۱۲.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۶، معجم البلدان، ج۱، ص ۱۹۰.

۴. «قصه های کوتاه ملل» همگی به چاپ رسیده است.

شهسوار بیک نادم لاهیجی

[شهسوار بیک] لاهیجی متخلّص به «نادم» شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری. [در حدود سال ۹۹۰ق در «سیّد اشرف» لاهیجان متولّد شده] و در جوانی به سرودن شعر پرداخته و «صدقی» تخلّص می نمود و بعدا آنرا به «نادم» تغییر داد. به هند سفر کرده و در آگره با شاعران پارسی گوی هندی و ایرانی هم صحبت شده و به مشاعره پرداخت، آنگاه به گجرات رفته و در خدمت «نظیری نیشابوری» به کسب علم و ادب پرداخته [و به واسطه او در برهان پور به ملازمت «میرزا عبدالرّحیم خان خانان» نائل شد. در سال ۱۰۲۱ق پس از فوت «نظیری» به بیماری سختی دچار شد. عاقبت پس از چندی اقامت در «عظیم آباد» در «پتنه» و «بنگاله» و «دکن» به ایران مراجعت نموده و باقی عمر را در اصفهان طی نمود تا اینکه در حدود سال ۱۰۶۰ق] در سن قریب به ۷۰ سالگی وفات یافته و در تختگاه هارون ولایت اصفهان مدفون شد.

از اوست:

تا باغ از گل تو شناسد نسیم را پیوند کرده است به زلفت نسیم را

از گریه تیره روزی عاشق نمی رود تا کی به آب دیده بشوییم گلیم را(۱)

شهفیروز اصفهانی

ابوالهیجاء شهفیروز (شاه فیروز) بن شُعیب بن عبدالسیّد بن منصور بن ابوالفوارس بغدادی اصفهانی، از ادباء و شعرای قرن ششم هجری. از «ابی جعفر محمّد بن احمد بن

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ کاروان هند، ج۲، صص ۱۳۹۹-۱۴۰۵؛ تذکره روز روشن، صص ۷۸۹-۷۹۰؛ کلمات الشعراء، صص ۱۱۲ و ۱۱۳؛ تذکره حسینی، ص۳۵۶؛ تذکره غنی، ص۱۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۶۹؛ مزارات اصفهان، صص ۳۴۷ و ۳۴۸.

مسلمه» و دیگران بهره برده و کتاب «مقامات» را در سال ۴۹۰ق و کتاب «الرشاد الارب» را تألیف نموده است.

وی در سال ۵۳۰ق در بغداد در کهولت و پیری وفات یافت. به عربی شعر می سرود و اشعارش لطیف و دلپذیر است.(۱)

میر شهنشاه شکیب اصفهانی

میر شهنشاه اصفهانی متخلّص به «شکیب» شاعر ادیب [از سخنوران قرن یازدهم هجری].

از سادات و متولّیان امامزاده زین العابدین (درب امام) اصفهان و پسرعموی مستوفی موقوفات در عهد شاه سلیمان بود. خود او مدّتی مستوفی استرآباد بود. گاهی شعر می سرود [و قبل از سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) وفات یافت.

از اوست:

واعظ به مزخرفات خود غرّه مشو خورشید صفت واله هر ذرّه مشو

بر تخته منبر آمد و رفت مکن سوهان طبیعت شده ای ارّه مشو(۲)]

شیبان اسدی

ابوسعید شیبان بن ابومحمّد عبداللّه بن شیبان بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شیبان بن محمّد بن سمره بن مفضل بن قیس بن عدنان بن نزار بن حرب بن ربیعه بن حسن بن مفضّل محتسب مؤدی اسدی الملقن اصفهانی [از محدّثین عامّه قرن ششم هجری] مردی صالح و عالم بوده و به تعلیم قرآن به اطفال مشغول بوده است.

او از پدرش «ابو محمّد عبداللّه»، «احمد بن عبدالغفار بن احمد»، «قاضی ابو منصور

۱- معجم الادباء، ج۱، صص ۲۷۳ و ۲۷۴؛ الاعلام، ج۳، ص ۲۶۰؛ طبقات الشافعیه، ج۳، ص۱۷۵؛ راهنمای دانشوران، ج۳، ص ۳۷۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ تذکره روز روشن، ص۱۲۲.

محمّـد بن سـكرويه»، «ابـوبكر بن مـاجه»، «محمّـد بن عبدالواحـد بن محمّـد»، «ابواسـحاق ابراهيم بن محمّـد طيـان»، «ابوالمظفر سمعـانى»، «ابوالفوارس طراد زينـبى» و «ابو محمّـد رزق اللّه تميمى» و غير آنـان حـديث شـنيده و «حافـظ ابن عسـاكرد مشق» و «ابوسعد سمعانى» از او روايت مى كند.

تولّدش در حدود ۴۷۰ق و فوت او در رمضان ۵۳۸ق در اصفهان [اتفاق افتاد].(۱)

[ياقوت حموى او را از اهالى روستاى «بُرج» اصفهان دانسته و كنيه اش را «ابومعمر» ضبط كرده و نوشته است كه صاحب «سُنّه» بوده و در اطراف اصـفهان مردم را موعظه مى كرده و از «ابوعبداللّه محمّد بن اسـحاق بن منده» حديث شنيده و از «ابى بكر بن مردويه»، «ابى سـعد احمـد بن محمّـد مـالينى»، «ابى عبـداللّه جرجـانى» و «ابى بكر بن ابى على» و ديگران حـديث نوشـته است. «يحيى بن منده» از او حديث نقل كرده است.(۲)]

شيخ عباسى*

شيـخ عباسـى، از نقاشان هنرمنـد قرن يازدهم هجرى است. او در سالهاى ۱۰۶۰ تا ۱۰۹۸ق در اصـفهان به فعّاليّت هنرى مشغول بوده و نزد بهرام سـفره كش، نقـاش زبردست آن روزگـار تعليم ديـده و به واسـطه تقرّب به دربـار شاه عباس دوم به «عباسـى» معروف شده است.

شيـخ عباسـى از نخستين نقاشانى است كه شـيوه فرنگى سازى را در نقاشـى خود به كار گرفتند. او در صورت سازى، مجالس رزمى و بزمى و پرنـده سازى مهارت داشـته و به قلمـدان سازى نيز مى پرداخته است. رقم او در آثارش «بها گرفت چو گرديد شيـخ عباسـى» بـوده و از معروف ترين آثـار او «جلوس شـاه عبـاس دوم و سـفير هنـد» (در سـال ۱۰۷۴ق)، «تيرانـدازى شاهزاده صفوى در حال اسب دوانى» (سال ۱۰۶۵ق)، «حلقه

۱- التّحبير، ج ۱، ص ۳۳۰؛ احقاق الحق، ج ۱۷، ص ۵۹.

۲- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۷۳.

درویشان» (سال ۱۰۹۸ق) را می توان نام برد.(۱)

شیخعلی خان زنگنه

شیخعلی خان زنگنه [فرزند علی بیگ، از صاحب منصبان معروف عهد صفویه است. او در سال ۱۰۲۰ یا ۱۰۲۲ق متولّد شده است.] در سال ۱۰۶۴ق حکومت کرمانشاه را داشته و سپس به مقام میرآخوری رسیده و در ذی الحجه سال ۱۰۷۹ق به مقام صدارت عظمی رسیده و مدت ۲۱ سال در کمال قدرت صدارت نموده است. او وزیر مقتدر و دانا و با تدبیر شاه سلیمان صفوی بوده که به مناسبت عقل و کفایت و کاردانی او شاه جوان و کم تجربه صفوی در کمال رفاه و آسودگی سلطنت نموده است.

در «منتظم ناصری» در ضمن وقایع سال ۱۰۷۹ق درباره صاحب عنوان گوید: «مکارم اخلاق شیخعلی خان و بلندی همّت او معروف است و از صفات او این که در تعظیم و تکریم علماء و ارباب فضل مبالغتی وافر می نمود و شبها در لباس مبدّل، در محلّات گردش می کرد و از اوضاع مملکت خبردار می گردید و به فقراء و ضعفاء و طلّاب علوم و ایتام بذل و بخشش می کرد و حمامات نیکو و رباطات در شهر و عرض راه عتبات عالیات بنا کرده که هنوز آثار آن باقی است.»

آثار زیر از شیخ علیخان زنگنه فعلاً در اصفهان و حوالی موجود است: ۱. مسجد خان در محلّه تلواسکان مورّخ به سال ۱۰۹۰ق از آثار باستانی اصفهان۲. حمام خان در جنب مسجد مزبور در محلّه تلواسکان۳. کاروانسرای چاله سیاه بر سر راه اصفهان به غرب مورّخ به سال ۱۰۹۸ق.

اولاد و اعقاب او در اصفهان ساکن می باشند که از جمله آنهاست: حاج ملّا عباس احتشام الواعظین زنگنه.

۱- هنر قلمدان، ص۹۴؛ دائره المعارف هنر، ص۳۳۶؛ مکتب نگارگری اصفهان، ص۱۰۷؛ مکتب نقاشی صفوی اصفهان، ص۷۳.

تذکّر: در اصفهان چندین بازارچه و مسجد و حمام به نام خان معروف است که آنها منسوب به اشخاصی غیر از صاحب عنوان می باشد.

شیخعلی خان سرانجام در [شب یازدهم محرم الحرام] سال ۱۱۰۱ق وفات یافت.(۱)

شیخ وردی اصفهانی*

شیخ وردی اصفهانی، از نقاشان قرن نهم هجری است. او در سال ۸۱۶ق در اصفهان ساکن بوده و به نوشته استاد کریم زاده از آثـار وی نسـخه مصوّری است که نقش های خیال انگیز و عجیب تصویر شـده و هر نگاره دارای شـرح هایی است. این اثر در موزه «توپ قاپوسرای» استانبول است. امضای هنرمند به صورت «کار شیخ وردی» آمده است.(۲)

حافظ شیرعلی اصفهانی

حافظ شـیرعلی اصـفهانی [ظاهرا از هنرمندان قرن یازدهم هجری است که به خاطر حُسن صوت و احاطه بر و الحان موسیقی به «حافظ» معروف شده است.]

نامه او به «صـفی قلی خان» حاکم نخجوان که «محمّد یوسف بیک» غلام خاصّه نوشته و در مجموعه شماره ۲۵۹۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

شیرعلی اصفهانی

شیرعلی بن ذوالفقار علی اصـفهانی [از فضـلاء قرن یازدهم و دوازدهم هجری است.] ظاهرا نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسـی به تحصیل پرداخته است.

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص ۸۱ و ۸۲؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۳۸ و ۶۴۶.

۲- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۲۸.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۱۴۱۴.

او جلد پنجم «بحارالانوار» را به خط نسخ نوشته و حواشی با نشان «منه دام ظله» دارد. قسمت های اوّل این نسخه نزد مؤلف خوانده شده و تصحیح گردیده و علّامه مجلسی با خط خود در چند جا بلاغ نوشته اند. کتاب به شماره ۶۱۵ در مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱)

او نسخه ای از «تهذیب الاحکام» تألیف: شیخ طوسی را به خط نسخ در ۸ جمادی الثّانی ۱۱۰۱ق کتابت نموده که به شماره ۱۹۶۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

شیرمردان بیگ برهمن گرجی*

شیرمردان بیگ گرجی متخلّص به «برهمن» از شعرای قرن یازدهم هجری. از جماعت گرجیانی است که در لشکرکشی شاه عباس اوّل به گرجستان اسیر شده و به اصفهان آورده شدند. او از غلامان دربار شاه سلیمان بوده و نزد شاه و درباریان دارای اعتبار و احترام بوده است. او تا سال ۱۰۸۳ق در قید حیات بود.

از اوست:

شب ز گرمی های اشک دشت پیما سوختم چون چراغ ناخدا بر روی دریا سوختم

بس که شوق دام او در آشیانم گرم داشت همچو برق از یک پرافشانی سراپا سوختم(۳)

۱- فهرست فیضیه، ج۱، ص۲۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۱.

۲- فهرست رضوی، ج۵، ص۵۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۳۴؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران، ص۳۰۳.

ص: ۴۲۰

اعلام اصفهان

«ص»

اشاره

میر صابر اصفهانی

میر صابر اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن یازدهم هجری. از اصفهان به هند رفته و مورد عنایت جهانگیر پادشاه قرار گرفته و از سوی او وقایع نگاری گجرات و سپس دکن را بر عهده گرفت. آثار خیریّه زیادی از او به جای ماند. او در سال ۱۰۲۹ق استخوان های عرفی شیرازی را که در هند وفات کرده و دفن شده بود را به نجف اشرف انتقال داده و مدفون ساخت.

[ظاهرا تا آخر عمر مجرّد و بدون همسر زیسته و در سال ۱۰۶۴ق در «برهان پور» هند وفات یافته است. در سرودن شعر طبعی روان داشت.]

از اوست:

آن کز نگاه خانه خلقی خراب کرد تنها همین نه با من مسکین عتاب کرد

مجنون و کوهکن همه هستند، لیک عشق انداخت قرعه ای و مرا انتخاب کرد

ساقی بیار باده که ایّام روزه رفت بلبل به باغ آمد و گل هم شتاب کرد

«صابر» بنوش باده که رزّاق در ازل رزق تو را حواله به جام شراب کرد(۱)

صابر علی شاه نصرآبادی

صابر علی شاه نصرآبادی جرقویه ای اصفهانی، عارف سالک [از عرفای قرن سیزدهم

۱- تذکره میخانه، صص ۲۲۵-۲۲۷؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۹۳؛ کاروان هند، ج۲، صص ۶۶۷ و ۶۶۸؛ تذکره روز روشن، ص۴۵۴؛ تذکره غنی، ص۷۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۱؛ تذکره خزانه عامره، ص۳۱۹.

هجری. به راهنمایی میرزا زین العابدین شیروانی (مست علی شاه) به خدمت مجذوب علی شاه رسید. آنگاه به خدمت رحمت علی شاه رسیده و پس از فوت میرزا زین العابدین، مجاز و مأذون از رحمت علی شاه گردید.] در صدق و صفا، مهر و وفا و جود و سخا ممتاز و در کسر نفس و طهارت ذیل و صفوت ضمیر و حسن معاشرت با امتیاز بود.

سالها در نصرآباد جرقویه در مسند شیخ طریقت به ارشاد فقراء نعمت اللهی مشغول بوده و سرانجام در ماه رمضان ۱۲۶۸ق در آنجا وفات یافت.(۱)

صابر گلپایگانی

صابر گلپایگانی [شاعر ادیب و خوشنویس قرن یازدهم هجری]. در سال ۱۰۹۶ق کتاب «ایساغوجی» ابهری را در اصفهان به خط شکسته نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۵/۱۱۵۲ در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

[عجالتا از نام و زندگی او اطلاعی به دست نیامد. مرحوم خیام پور در «فرهنگ سخنوران» نیز که تذکره ها را دیده و شعرای آنرا فهرست کرده نامی از «صابر گلپایگانی» نمی برد. اگر «صابر» نام کوچک او نباشد. معلوم می شود که اهل شعر و ادب بوده و به تحصیل علوم عقلی نیز رغبت داشته است.]

حاج میرزا صادق

حاج میرزا صادق، از محترمین تجّار عهد فتحعلی شاه بوده و مسجدی در محلّه خواجو جنب چهارسوق آجری در سال ۱۲۴۲ق بنا کرده که به نام او به مسجد حاج میرزا صادق معروف است.

۱- طرائق الحقائق، ج۳، صص ۳۹۹ و ۴۰۰؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۸۹۴ و ۱۸۹۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۸۰؛ بستان السیاحه، ص۵۸۶.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۲۲۳.

حاج میرزا صادق در ۲۱ ذی القعده الحرام سال ۱۲۴۸ق وفات یافته و در ایوان شمالی مسجد خود مدفون گردید. بر روی سنگ قبر اشعاری در هفت بیت به خط نستعلیق برجسته منقور است با این مطلع:

معدن جود و سخا، جامع دنیا و دین مجمع صدق و صفا، پیرو اهل یقین

آن که به تأیید حق، برد سبق از سبق کرد بنا مسجدی، رشک سپهر برین

تا آنجا که گوید:

از پی تاریخ او خواست برآرد خرد از صدف بحر نظم، لؤلؤ دُرّ ثمین

جلوه گر افتاد عقل، از پی تاریخ فوت گفت: «لکان هو جامع فضل مبین»(۱)

حاج ملّا محمّد صادق

حاج ملّا محمّد صادق، عالم فاضل [از علمای گمنام قرن سیزدهم هجری] در اصفهان ساکن بوده و در ۲۰ ذیقعده ۱۲۶۴ق وفات یافته و جنب مزار فاضلان در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[مؤلف فقید نام او را با نسبت «یزدی» آورده و نوشته اند که در یزد متولّد شده و در اواخر عمر به اصفهان آمده است. اما بر روی سنگ نوشته مرمر منصوب بر قبر این عالم نسبت «یزدی» دیده نمی شود و چنین مطلبی در منابع معتبر هم دیده نشد.]

صادق اصفهانی

صادق اصفهانی معروف به «صادقای گاو» شاعر ادیب [در قرن یازدهم هجری]. خادم مسجد جامع اصفهان بوده و گاهی شعر می سروده و بسیار شوخ طبع و خوش

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۷۶۲؛ مزارات اصفهان، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴.

مشرب بوده است.

از اوست:

ای صادق آن کسان که طریق تو می روند ایشان خرند و خرروش گاوش آرزوست

گیرم که خر کند تن خود را به شکل گاو کو شاخ بهر دشمن و کو شیر بهر دوست(۱)

میرزا محمّد صادق اصفهانی*

میرزا محمّد صادق اصفهانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. او در سال ۱۱۹۴ق کتاب «تحقیق الاعراب» در باب واژه های جغرافیایی را تألیف کرده است. این نسخه در کتابخانه «بادلیان» موجود است.(۲)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق اصفهانی، ادیب فاضل در قرن سیزدهم هجری و مؤلّف کتاب «انوار المعتمدیه» به خواهش منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان. نسخه آن در کتابخانه ملک تهران موجود است.(۳)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق اصفهانی، از فضلاء اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. او در ۲۴

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۱۳؛ منتخب اللطایف، ص۳۹۹؛ آتشکده، (بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۵۶؛ تذکره حسینی، ص۱۸۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صادق»، ص۵۹.

۲- فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۸۲.

۳- فهرست ملک، ج۲، ص۴۱.

ذیحجه ۱۲۵۵ق نسخه ای از «حاشیه تحریر القواعد المنطقیّه» از: میر سیّد شریف جرجانی را بر خط نستعلیق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱۲۹۵۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

سیّد محمّد صادق اصفهانی

سیّد محمّد صادق اصفهانی، عالم فاضل جلیل. از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری است. ظاهرا در نجف اشرف ساکن بوده و نزد آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی به تحصیل پرداخته است. او در سال ۱۳۰۹ق کتاب «حاشیه فرائد الاصول» را به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

صادق بیگ افشار*

صادق بیگ افشار متخلّص به «صادقی» و معروف به «صادقی کتابدار»، شاعر، ادیب و نقاش هنرمند قرن یازدهم هجری.

او از بزرگان ایل خدابنده لوی افشار بوده است. پدرش در زمان شاه اسماعیل، با ایل افشار، از شام به ایران آمد و «صادقی» در سال ۹۴۰ق (و یا به روایتی در ۹۳۳ق) در محله «ورجو» یا «ویجویه» تبریز متولّد شد. در ۲۰ سالگی پدرش کشته شد. پس از آن مدّتی با امیرخان موصلوی و بدرخان و اسکندرخان افشار بود. در عهد شاه اسماعیل ثانی داخل کتابخانه سلطنتی شده و در زمان شاه عباس صفوی به اصفهان منتقل شده و به منصب «کتابداری» برگزیده شد.

او از آغاز جوانی به نقاشی علاقه نشان داد و به شاگردی نزد مظفرعلی، نقاش معروف آن روزگار پرداخت و خود نیز به تمرین پرداخته و نقاشی ماهر گردید و در دربار

۱- فهرست رضوی، ج۲۴، ص۸۴.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۹۷.

صفوی خصوصا نزد شاه عباس صفوی صاحب ارج و قرب فراوان شد. تا آنکه علیرضا عباسی منصب کتابداری را از او گرفت. ولی او تا آخر عمر مواجب کتابداری را دریافت می کرد.

چنان که نوشته اند، او بدمزاج و تندخو و تنگ حوصله بود و با همه به درشتی رفتار می کرد. «صادقی» در شعر نیز دستی توانا داشت و به فارسی و ترکی شعر می سرود. در جنگاوری و فنون رزم نیز ماهر بود.

عاقبت او در سال ۱۰۱۷ق در اصفهان وفات یافت. میر الهی همدانی این مصرع را مادّه تاریخ فوت او یافته است:

«دگر عجب که دمد صبح صادق از شب ما»

این کتابها از اوست:

۱. «زبده الکلام» شامل قصایدی که در مدح و منقبت دیگران سروده است.۲. «مثنوی فتح نامه عباس نامدار» که در بحر شاهنامه و به دستور شاه عباس سروده است.۳. «مقالات و حکایات» بر وزن «مخزن الاسرار» نظامی و «بوستان» سعدی، منظوم۴. «مثنوی سعد و سعید» در بحر «خسرو و شیرین»۵. «دیوان غزلیات» به فارسی و ترکی۶. «تذکره مجمع الخواص» که به ترکی نوشته شده و شرح حال ۴۸۰ نفر از سخنوران عهد صفوی است و به چاپ رسیده است.۷. «منظومه قانون الصّور» درباره فنون نقاشی، در بحر «خسرو و شیرین»۸. «حظّیات» که مماثل رساله «لذات» معین استرآبادی سروده شده است.۹. «تذکره الشعراء» مشتمل بر رباعیات معمائی که به اسامی شعراء و متقدّمین و متأخرین خود منظوم کرده است. ۱۰. «منشآت و مکاتبات» فارسی و ترکی.

از اوست:

ز غیر با دل پر شکوه پیش یار شدم گرفت جانب اغیار و شرمسار شدم

رباعی

در عشق تو ای از می خود کامی مست در گوشه بی غمی نشستم پیوست

از بس که گزیدم سر انگشت دریغ کوتاه شد از دامن امیدم دست(۱)

میرزا صادق خان انصاری

میرزا صادق خان انصاری، [از ادباء و فرهنگیان قرن چهاردهم هجری است] در طهران سکونت داشته و در سال ۱۳۷۹ق وفات یافته است. در این سال حبیب اللّه نیّر، و حسن اهتمام از شعرای اصفهان نیز وفات یافتند. استاد فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (بُرنا) در مادّه تاریخ وفات این سه نفر چنین سروده است.:

سال تاریخشان ز مقطع جو همچو «برنا» اگر که هشیاری

«سه ادیب معزّز و دانا نیّر و اهتمام و انصاری»(۲)

محمّد صادق انیس اصفهانی

محمّد صادق اصفهانی متخلّص به «انیس» شاعر ادیب. [از سخنوران قرن سیزدهم هجری] در اصفهان به تجارت مشغول بوده و به حُسن خُلق معروف بوده است.

از اوست:

جان به سختی می دهد از دوری جانان انیس مژده بادا خلق، یک چندی اَجَل بیکار نیست(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۸-۶۰؛ گلستان هنر، صص ۱۵۲ و ۱۵۳؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۳۹۵؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۹۵؛ تذکره حسینی، ص۱۸۶؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۰۵؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۲۱۲ و ۲۱۳؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۹۷۳؛ الذریعه، ج۹، ص۵۸۱ و ج ۲۰، ص۲۷ و ج۲۳، ص۳۱؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صادقی»، ص۶۵؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۵۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۲۹۸-۳۰۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۱.

۳- تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۱۷۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۱۹۸؛ تذکره منظوم رشحه، ص۱۸؛ تذکره اختر، ص۲۳؛ تذکره دلگشا، صص ۴۸۲ و ۴۸۳؛ مصطبه خراب، ص۱۰؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۳۹؛ تذکره شبستان، صص ۶۳ و ۶۴؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۴۷۰ و ۴۷۱.

شیخ محمّد صادق اصفهانی

شیخ محمّد صادق بن ابی الفتح اصفهانی، ادیب فاضل [از دانشوران قرن سیزدهم هجری]. وی برخی از کتابهای علمی و درسی را در سال ۱۲۰۶ق در مدرسه باقریه اصفهان کتابت نموده است که از جمله کتاب «مغنی اللّبیب» است و علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی آنرا در کتابخانه شیخ علی قمی در نجف اشرف مشاهده نموده است.(۱)

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن ابی الفتوح [اصفهانی]، از علمای قرن دوازدهم هجری. او در سال ۱۱۴۴ق کتاب «حدیقه المتّقین» تألیف: ملّا محمّد تقی مجلسی را در اصفهان به خط نسخ خوش نوشته است. نسخه به شماره ۷۰۲ در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۲)

سیّد محمّد صادق موسوی اصفهانی

سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم موسوی خواجوئی اصفهانی بن سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی، از علمای اخیار و فضلای ابرار [در قرن دوازدهم هجری] بوده و در سال ۱۲۰۳ق وفات یافته و در تکیه خاتون آبادی ها مدفون شده است.(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۹۷؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۳۵.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۰۸.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۳.

ملّا محمّد صادق پیکانی

ملّا محمّد صادق بن احمد پیکانی، عالم فاضل و فقیه محقّق، [از اهالی قریه «پیکان» از توابع جرقویه اصفهان بوده و پس از تحصیل در اصفهان به عتبات عالیات رفته و] نزد شیخ مرتضی انصاری به تحصیل پرداخت سپس به اصفهان بازگشته و به تدریس فقه و اصول مشغول شد. عالمی با تحقیق و تدقیق بود و به او امید ترقّیات زیاد می رفت ولی دنیا با او موافقت نکرده و در جوانی وفات یافته و در ایوانچه بیرون بقعه آقاحسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

او رساله موسوم به «هدایه الطّالبین» میر سیّد حسن مدرس اصفهانی را مختصر نموده و شخصی به نام «محمّد علی بن محمّد رضا» در سال ۱۲۶۷ق آن را تصحیح و مقابله نموده است که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲) نسخه های دیگری از آن نیز در کتابخانه سیّد آقا شوشتری در نجف اشرف و کتابخانه شیخ قاسم محی الدّین جامعی در نجف موجود است.(۳)

[مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی او را به عنوان «شیخ محمّد صادق تنکابنی» آورده و «تنکابنی» تعریف شده «پیکانی» است. او اضافه می کند که شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی در ابتدای تحصیل خود در اصفهان نزد این شخص تحصیل نموده است و از او تجلیل زیاد می نموده است.(۴)]

[سنگ قبر اصلی او در تعمیرات تکیه خوانساری ها در سال ۱۳۷۳ش ناپدید شده و در قطعه سنگ کوچکی که به جای آن نهاده اند سال ۱۲۸۶ق به عنوان سال فوت او نوشته شده است.(۵)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۲ و ۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۱۴ و ۷۱۵؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۳۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۱۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص ۳۴۱.

۳- الذریعه، ج۲۵، صص ۱۸۰ و ۱۸۱.

۴- الکرام البرره، ج۲، ص ۶۲۹.

۵- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

محمّد صادق اصفهانی*

محمّـد صادق بن ملّا اسـکندر اصـفهانی، از کاتبان قرن دوازدهم هجری. در کرمان ساکن بوده و کتاب «خلاصه المنهج» (جلد دوم) را در سال ۱۱۴۸ق به خط نسخ کتابت نموده که در کتابخانه آستانه حضرت شاهچراغ وجود دارد.(۱)

میر صادق حسین خوراسکانی

میر صادق بن میر اسـماعیل حسینی خوراسکانی، [از فضلاء و کاتبان قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۰۴ق نسخه ای از «شرح کافی» ملّا محمّد صالح مازندرانی را به خط نسخ نوشته و این نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۲)

[همچنیـن او در سه شـنبه دهه اوّل ربیـع الاـوّل ۱۱۲۶ق نسـخه ای از کتاب «مناهـج السّویّه» تألیف: بهاءالـدّین محمّد اصـفهانی معروف به «فاضل هندی» را به خط نسخ کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۳)]

صادق به امین

صادق بن امین، از فضـلای قرن یازدهم هجری است. در مدرسه جعفریه اصـفهان ساکن بوده و به تحصـیل علوم دینی مشغول شـده است. او نسـخه ای از «مطوّل» را در سـال ۱۰۵۰ق در مـدرسه جعفریه اصـفهان کتابت کرده و اکنون در کتابخانه مدرسـه عالی سپهسالار موجود است.(۴)

۱- فهرست شاهچراغ، ج۱، ص۵۶.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۳۳۱.

۳- فهرست مرعشی، ج۸، ص۱۴۹.

۴- فهرست سپهسالار، ج۲، ص۴۲۱؛ محیط ادب، ص۱۰۳.

دکتر سیّد محمّد صادق صدیق الاطبّاء

دکتر سیّد محمّد صادق صدیق الاطبّاء لقمانی بن سیّد محمّد باقر بن محمّد صادق موسوی اصفهانی، طبیب حاذق و عارف کامل در ربیع الاوّل ۱۲۹۶ق در اصفهان متولّد شد.

[او در مدرسه نوریه اصفهان حجره ای گرفت و نزد علماء و حکماء عالیقدری چون جهانگیرخان قشقائی، آخوند کاشی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آخوند ملّا عبدالکریم گزی به تحصیل مشغول شد. کمی بعد تصمیم گرفت برای تحصیل طب به طهران برود. استادش آخوند گزی نیز او را تشویق کرد. او در مدرسه دارالفنون نزد اساتید آنجا خصوصا میرزا علی اکبر خان نفیسی (ناظم الاطباء) تحصیل کرد و به اصفهان بازگشت و در بهداری شهربانی اصفهان به خدمت پرداخت. او طبابت را عبادت می دانست و نه تجارت و با دلسوزی به معالجه بیماران می پرداخت. او در دهه اوّل محرم هر سال در خانه خود روضه خوانی برپا می کرد و چون با تاریخ اسلام آشنایی کامل داشت، اجازه نمی داد وعاظ و خطباء بدون سند مطلبی را در این مراسم بیان کنند. علاوه بر آن او به عرفان علاقه بسیار داشت و از فقرای سلسله گنابادی اصفهان و مرید مشایخ این طایفه بود. وی رساله ای در حصبه تألیف کرده که چاپ نشده است.(۱)] رساله ای هم در مورد وبا نوشته که به طبع رسیده است.

صدیق الاطبّاء در ۵ جمادی الاولی ۱۳۷۴ق وفات یافته و در اطاق اختصاصی خود در تکیه کازرونی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را استاد حسن بهنیا (متین) چنین سروده است:

به جمع آورد سر جبریل و گفت ز بهر تاریخش: «بِجَنّت کرد مأوی صادق صدیق لقمانی»(۲)

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای سیّد محمّد لقمانی (فرزند صاحب عنوان) در ۹ مرداد ۱۳۷۴ش، روضه رضوان، صص ۱۹۹-۲۰۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۱۵ و ۷۱۶.

سیّد محمّد صادق حسینی اصفهانی

سیّد محمّد صادق بن محمّد باقر حسینی اصفهانی، خطیب ادیب و واعظ کامل [از علمای قرن سیزدهم هجری].

او معاصـر فتحعلی شاه قاجار بوده و کتاب «جارح العینین» در مصائب حضـرت اباعبـداللّه الحسـین علیه السـلام را به نام فتحعلی شاه تألیف کرده است. او در این کتاب به تألیف دیگر خود « عین الدّموع» اشاره می کند. مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی نسخه ای ز «جارح العینین» را که در سال ۱۲۲۲ق کتابت شده بود را دیده است.(۱)

سیّد محمّد صادق حسینی*

سیّد محمّد صادق بن سیّد محمّد باقر حسینی از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. او در اصفهان در محضر علمای این شهر از جمله ملّا محمّد فاضل سراب به تحصیل پرداخته است. و فاضل در اوایل شعبان ۱۱۰۹ق اجازه متوسطی جهت او در آخر نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» نوشته است. این نسخه در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام نجف موجود بوده است.(۲)

آقا محمّد صادق صحّاف

محمّد صادق بن آقا محمّد باقر صـحاف، از هنرمندان قرن سـیزدهم هجری است. از اساتید برجسـته صحافی اصفهان بوده و در این شـهر به فعالیّت مشـغول بوده است. وی در سال ۱۲۶۷ق نسـخه ای از جلد دهم «بحارالانوار» را صـحافی نموده است و جلد زیبا و

۱- الذریعه، ج۵، ص۲۰؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۶.

۲- الکواکب المنتشره، ص۳۶۲.

هنرمندانه آن را پدید آورده و «صادق بن محمّد باقر» رقم زده است.(۱)

ملّا محمّد صادق مجلسی

ملّا محمّد صادق بن علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، عالم فاضل محدّث جلیل. [از علمای قرن یازدهم هجری].

مادرش خواهر علّامه جلیل میرزا علاءالدّین محمّد گلستانه بوده است. او در اصفهان متولّد شده و در خدمت پدر و جمعی دیگر از علماء اصفهان تلمّذ نموده و پدرش علّامه مجلسی کتابهای «مرآه العقول» و «شرح تهذیب» را بنا به خواهش او تألیف نموده است.

او در زمان حیات پدر (قبل از سال ۱۱۱۰ق) وفات یافته و در خارج از بقعه خاندان مجلسی، جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد صادق هزارجریبی

آخوند ملّا محمّد صادق بن آقا محمّد باقر هزارجریبی مازندرانی، از جمله علماء اخیار [در قرن دوازدهم هجری] بوده و در سال ۱۲۰۳ق وفات یافته [است]. قبرش در صحن تکیه میرزا رفیعا قرار داشت که بعد از احداث فرودگاه قدیم در اراضی جنوبی تخت فولاد، قبر او و بسیاری از فضلاء و علماء و مؤمنین تسطیح شده و از بین رفت.(۳)

۱- فهرست مرکز احیاء، ج۷، ص۲۷۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۶۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۳۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۲۴؛ فیض قدسی، ص۲۴۳؛ مرآه الاحوال جهان نما، صص ۱۲۲ و ۲۶۵.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۹.

میرزا محمّد صادق کتابی

حاج میرزا محمّد صادق کتابی فرزند حاج میرزا محمّد تقی کتابفروش فرزند حاج میرزا محمّد صادق اصفهانی (کتابفروش) عالم فاضل زاهد. بعد از سال ۱۳۱۵ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد علماء این شهر تحصیل نموده، عالمی عامل و عابدی زاهد و دائم الذّکر و مواظب مستحبّات و نوافل، در نزد عموم طبقات بالاخص علماء و دانشمندان و مؤمنین محترم و معزّز بود. او عالمی بود خلیق و مهربان و به دور از ریا و تظاهر.

سرانجام در شب سه شنبه ۲۲ ماه صفر المظفّر ۱۴۰۱ق وفات یافته و پس از اقامه نماز توسط آیت اللّه خادمی بر او، جنازه به مشهد مقدّس منتقل و در آن ارض اقدس مدفون شد. مشارٌالیه داماد حاج شیخ محمّد علی نجفی (ثقه الاسلام) بود.(۱)

میر محمّد صادق حسینی سدهی

میر محمّد صادق بن محمّد تقی حسینی سِدِهی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در یک شنبه ۱۱ ربیع الاوّل ۱۲۳۵ق «رجال بحرالعلوم» را نوشته و در پایان اجازات زیادی از دیگران جهت بحرالعلوم و از بحرالعلوم جهت علماء را نقل کرده است. نسخه به شماره ۳۴۷۳ در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۲)

آقا محمّد صادق اصفهانی

آقا محمّد صادق فرزند شیخ محمّد جعفر شیخ الاسلام اصفهانی [ظاهرا از اطبّاء قرن دوازدهم هجری بوده و] در رساله «معالجات» که در سال ۱۱۴۱ق در اصفهان تألیف شده (و نسخه به شماره ۱۵۳۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۲۸.

۲- فهرست ملک، ص۲۳۹.

نسخه ای از او نقل شده است.(۱)

حاج میرزا محمّد صادق گلستانه*

حاج میرزا محمّد صادق بن میرزا محمّد جعفر گلستانه، از فضلاء و ادبای قرن سیزدهم هجری است. او تا سال ۱۲۳۶ق در قید حیات بوده و کتابخانه ای نفیس داشته که آن را وقف نموده و فرزندش میرزا محمّد کاظم را مأمور اجرای وقف نموده است.(۲)

محمّد صادق نجم ثانی

محمّد صادق معروف به «نجم ثانی» بن محمّد جعفر اصفهانی، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است.

از آثار او کتابت نسخه ای از «روضه الانوار عباسی» تألیف: ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری است که آن را به خط نستعلیق در غره ماه صفر ۱۲۳۳ق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۱۳۱۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد موجود است.(۳)

محمّد صادق فیض علی شاه ثانی

میرزا محمّد صادق نمازی شیرازی ملقب به «فیض علی شاه» فرزند محمّد جواد، عارف کامل [از مشایخ صوفیه در قرن سیزدهم هجری] در اصفهان متولّد شده و چون پدرش از تُجّار بود، خود نیز سالها تجارت می کرد. خدمت حاج محمّد کاظم سعادت علی شاه رسیده و مجذوب گشته و پس از فوت او روانه گناباد شده، خدمت حاج سلطان محمّد رسیده و تجدید عهد نموده، در سال ۱۲۹۷ق مأذون به ارشاد شده و «فیض علی» لقب یافته، در اصفهان دستگاه ارشاد گسترده و با اعیانیّت و تجمّل از فقیران و مریدان

۱- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص ۱۶۰.

۲- خاندان گلستانه اصفهان: خطی.

۳- فهرست الهیات، ج۲، ص۴۵۸.

پذیرایی می نموده است.

در ذیقعده ۱۳۰۱ق وفات یافته و جنب میرزا عبدالحسین فیض علی شاه اوّل در بقعه فیض واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مشارالیه برادر علّامه جلیل حاج میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی بوده و به همین علّت او را طریقت می گفته اند.(۱)

[مادّه تاریخ وفاتش این بیت است:

بهر تاریخ رحلتش گفتم: «صادق الوعد بود شیخ جلیل»(۲)]

صادق نجف آبادی*

صادق بن حسنعلی نجف آبادی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «مسالک الافهام» شهید ثانی را به خط نسخ در سال ۱۲۵۲ق کتابت کرده که به شماره ۹۳۶ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۳)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق بن محمّد حسین اصفهانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او در ذیقعده ۱۲۲۴ق نسخه ای از «اصول دین» تألیف: عبداللّه شبر کاظمی را به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱۴ در کتابخانه امام صادق علیه السلام قزوین موجود است.(۴)

۱- طرائق الحقائق، ج۳، ص۵۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۶۵ و ۸۶۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸؛ شمس التواریخ، صص ۵۸ و ۵۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۵۸۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۶۹.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۶۹۷.

۴- فهرست کتابخانه امام صادق علیه السلام قزوین، ص۳۴.

حاج میر محمّد صادق مدرّس خاتون آبادی

حاج میر محمّد صادق مدرّس خاتون آبادی بن حاج میرزا حسین نایب الصّدر بن میر محمّد صادق بن میر محمّد رضا بن میرزا ابوالقاسم مدرّس، عالم زاهد و فقیه مجتهد [از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری].

او در سال ۱۲۸۵ق در اصفهان متولّد شد. [در نوجوانی به تحصیل نزد جمعی از فضلاء اصفهان از جمله حاج ملّا حسن دُرّی و میرزا محمّد حسن نجفی پرداخته و در ۱۷ سالگی] به عتبات عالیات سفر کرده و درس آیات عظام آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی حاضر شد و به اجتهاد نائل آمد و در سال ۱۳۲۴ق به وطن مراجعت نمود. او سالها در مدرسه جده بزرگ به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و بسیاری از فضلاء و علمای معاصر اصفهان از شاگردان او هستند.

او از جمله علمای اصفهان که به دعوت حاج آقا نوراللّه نجفی در اعتراض به قانون نظام وظیفه و سایر اقدامات رضاشاه به قم مهاجرت کردند بود.

حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی، عالمی وارسته و به دور از علایق دنیوی بود و عمر خود را به قناعت و زهد سپری نمود تا اینکه در هفتم جمادی الاولی ۱۳۴۸ق وفات یافته و در قبرستان مقابل غسالخانه تخت فولاد (جنب تکیه خاتون آبادی ها) مدفون شد. دو سال بعد عالم عالیقدر سیّد عبدالحسین سیّد العراقین را در کنار او مدفون نموده و بقعه ای برای آن دو ساختند و تکیه هم به «تکیه سیّد العراقین» معروف شد.

[از آثار او «حاشیه بر رسائل» شیخ انصاری که تقریرات درس آخوند خراسانی است و در سال ۱۳۰۹ق تألیف شده، در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. همچنین وی «تقریرات درس اصول فقه آخوند خراسانی» را در سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ق نوشته که نسخه ای از آن به خط حاج سیّد مهدی حجازی فروشانی نزد فرزندش حاج سیّد محمّد تقی حجازی موجود است.]

مرحوم میرزا محمّد علی معلم حبیب آبادی در مادّه تاریخ وفات او گوید:

جمع گشتند پی جستن سالش جمعی تا بگردند کدامین یک از آنها سابق

پس «معلم» شد از آن جمع برون ناگه و گفت: «گشت قاطن بجنان میر محمّد صادق»(۱)

[همچنین ادیب فرزانه و شاعر توانا آقای فضل اللّه اعتمادی خوئی (برنا) مرثیه ای جهت مرحوم مدرس خاتون آبادی سروده و مادّه تاریخ فوتش را چنین گفته است:

در جواب این سؤال اهل تحقیق و تجسّس نکته یابان خبرها و پژوهان حقایق

چار تاریخ جدا از هم رقم بنمود «بُرنا» هر یکی با هجری دو قمر باشد مطابق

«بوده صادق رهرو و از شیعیان نیک صادق»

۱۳۴۸ق

«رهبری از شعیان نیک صادق بوده صادق»

۱۳۴۸ق

«بوده در احکام و فقه صادقی استاد صادق

۱۳۴۸ق

«حاج میر سیّد محمّد صادق مفتی صادق»]

۱۳۴۸ق

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۱۶ و ۷۱۷؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۸۶۹ و ۸۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳؛ شرح مجموعه گل، صص ۴۴-۸۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۲۰۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۴۶ و ۳۴۷؛ فهرست گلپایگانی، ج۳، ص۷.

محمّد صادق سمنانی

محمّد صادق بن حسین سمنانی، ساکن خاتون آباد اصفهان. از فضلاء و خطاطین قرن یازدهم هجری.

از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب «خلاصه الادعیه» که آن را به خط نسخ در چهارشنبه ۲۷ ربیع الثّانی سال ۱۰۴۱ق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۱۶۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدس موجود است.(۱)

[یکی از خاندان های هنرمند عصر صفویه خاندان خاتون آبادی است که در قرن دهم هجری از سمنان به روستای «خاتون آباد» از توابع ناحیه جی اصفهان مهاجرت کرده و شماری از آنان به کتابت پرداخته و در قرن یازدهم و دوازدهم هجری به خوشنویسی معروف شدند. این خاندان را نباید با سادات خاتون آبادی که در محلّه پاقلعه اصفهان ساکن بودند اشتباه گرفت.]

میر محمّد صادق لاریجانی

میر محمّد صادق بن میر محمّد حسین لاریجانی مازندرانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل فقه و حدیث می پرداخته است. او در دوشنبه صفر ۱۰۹۸ق از کتابت «استبصار» شیخ طوسی فراغت یافته و آنرا نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی قرائت کرده و علّامه در آخر جلد دوّم «استبصار» اَنهائی در جمادی الاولی سال ۱۰۹۲ق برای او نوشته است. و از او با القاب «المولی السیّد الایّد الفاضل الکامل الحسیب النّسیب الادیب اللّبیب التّقی الزکی» یاد کرده است. این نسخه به شماره ۸۳۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۹۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص۳۵؛ فیض قدسی، ص۱۶۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۲ و ۴۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۶؛ اجازات الحدیث، ص۲۱۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۰.

محمّد صادق جاودان اصفهانی

محمّـد صادق جاویـدانی متخلّص به «جاودان» فرزند حاج حسـینعلی، از شـعرای معاصـر اصـفهان در سال ۱۲۸۲ش در اصفهان متولّد شده و پس از طی دوره ابتدائی و مدتی کسب و کار به کار در اداره دارایی پرداخت. سپس به استخدام بانک ملّی ایران درآمد. گاهی شعر می سرود. از اوست:

زین جلوه ای که آن بت آهو خرام کرد آسودگی برای خلایق حرام کرد

باید جفای سنگ ملامت کند قبول هر کو چو خاک بر سر کویش مقام کرد(۱)

صادق بن محمّد خلیل

صادق بن محمّد خلیل، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه کاسه گران اصفهان ساکن بود و به تحصیل علم اشتغال داشت. او کتاب «حاشـیه معالم» تألیف: ملّا محمّـد صالح مازندرانی را در سال ۱۲۳۸ق در آن مدرسه کتابت کرد. نسـخه ای از آن در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۲)

صادق رهبر اصفهانی

صادق شیرانی متخلّص به «رهبر» فرزند خیراللّه [از شعرای اصفهان در قرن چهارهم هجری] در سال ۱۲۸۱ش در اصفهان متولّد گردیـد. او از مریـدان آقا میرزا زین العابـدین پاقلعه ای (نعمت اللهی) بوده و از نوجوانی قـدم در جاده سـیر و سـلوک نهاده و خدمت جمعی از مشایخ و اقطاب رسیده است.

از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۲۳.

۲- فهرست ملی، ج۷، ص۱۷.

منم از عشق او سوزان سمندروار در آتش ز هجر او شده بیرون ز تن تاب و توان من

نه روز آرام دارم نی شب از عشقش برد خوابم تنم فرسود و رفت از کالبد هوش و روان من(۱)

صادقِ ملّا رجب

ملّا محمّد صادق بن ملّا رجبعلی اصفهانی معروف به «صادقِ ملّا رجب» از شعرای هزل سرا و خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است.

در شعر طبعی روان داشته و به لهجه اصفهانی شعر می گفته و طبعش به هزل و هجو مایل بوده است. از راه کتابت امرار معاش می نموده(۲) [و خطوط نسخ و ثلث را نیکو می نوشته است. میرزا یحیی دولت آبادی او را در کهولت و اواخر عمرش ملاقات کرده و توصیفی جالب و ظریف از زندگی شاعرانه او ارائه داده است.(۳)]

وی سرانجام در سال ۱۳۰۵ق وفات یافته و در قبرستان سر قبر آقای اصفهان مدفون شد.(۴) و پس از تخریب قبرستان، مزاراو را هم از بین بردند.

[دیوان صادق ملّا رجب در سال ۱۳۰۹ق چاپ سنگی شده است. دو نسخه خطی از آن نیز موجود است. یکی نسخه ای به خط نستعلیق و مورخ چهارشنبه ۲۵ جمادی الاوّل ۱۳۱۹ق موجود در کتابخانه دکتر حسین مفتاح در تهران.(۵) و نسخه ای دیگر به خط نسخ، به سال ۱۳۰۴ق، به شماره ۲۱۰۵ در کتابخانه ملّی ایران.(۶)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۲۴ و ۲۲۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۵۱۶.

۳- حیات یحیی، ج۱، ص۶۳.

۴- آگهی شهان از کار جهان، ج۳، ص۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۵؛ مزارات اصفهان، ص۵۱.

۵- نسخه های خطی، ج۷، ص ۱۶۰.

۶- فهرست ملّی ایران، ج۵، ص۱۱۷.

او همچنین در جمـادی الثّانی ۱۲۸۸ق به فرمایش آقا میرزا محمّـد قوام الدّین قرآن مجید را کتابت کرده که به شـماره ۱۵۲ در کتابخانه سلطنتی سابق در تهران موجود بوده است.(۱)]

محمّد صادق اصفهانی*

محمّـد صادق بن حاج محمّـد رضا اصـفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. او «الرّساله السّـعدیه» تألیف علّامه حلّی را به خط نسخ در ۴ جمادی الآخر سال ۱۰۳۸ق کتابت کرده است و به شماره ۱/۸۹۰۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق بن محمّد رضا اصفهانی، از فضلاء و دانشمندان گمنام اصفهان در قرن دوازدهم هجری است. او در رمضان سال ۱۱۲۵ق «شرح دعای صباح» را تألیف کرده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۳)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّـد صادق بن میرزا محمّد رضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس بن میر محمّد اسـماعیل خاتون آبادی، عالم فاضل، عابد زاهد [از علمای عالیقدر قرن سیزدهم هجری[در سال ۱۲۰۷ق در اصفهان متولّد شد. [او نزد میرزا ابوالقاسم قمی و شیخ محمّد تقی رازی (صاحب حاشیه) فقه و اصول را خواند و علوم عقلی را از ملّا علی نوری، ملّا اسماعیل واحدالعین و ملّآ محمّد علی نوری آموخت. او پس از برادرش میر محمّد صالح چندین سال در مسجد شاه (مسـجد امام فعلی) اصـفهان اقامه جماعت می نمود و سالها به

۱- فرهنگ ایران زمین، ج۲۶، ص۱۳۸.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۴۰۳.

۳- مجله میراث شهاب، شماره ۲۳ و ۲۴، ص۳۵.

تدریس و تربیت شاگردان فاضل مشغول بود.

در زهد و تقوا و عبادت کم نظیر بود. مدت ۴۰ سال روزه گرفت و به کمترین چیزی امرار معاش نمود. در مجلس حکام و سلاطین هرگز حاضر نشد مگر زمانی که در منزل منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان به همراه سایر علماء به مناظره با سیّد علی محمّد باب پرداخت و باب در این مباحثات مغلوب شد.

میر محمّد صادق خاتون آبادی در اغلب علوم زمان خود چون فقه، حدیث، تفسیر، کلام، ریاضیات، علم حروف و علوم غربیه مهارتی به سزا داشت.[(۱)]

او سرانجام در شب جمعه ۱۴ رجب المرجّب ۱۲۷۲ق در اصفهان وفات یافت. او کتابی در شرح چهل حدیث درباره حضرت مهدی (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) به نام «کشف الحق» تألیف کرده [که در سال ۱۳۶۱ش توسط مؤسسه الامام المهدی در تهران به طبع رسیده است.[(۲)]

محمّد صادق تویسرکانی

محمّد صادق بن محمّد رضا تویسرکانی [خطاط نسخ نویس] در دهه اوّل ماه رجب سال ۱۳۱۰ق کتاب «حقیقت ایمان» تألیف: میرزا عبدالغفار تویسرکانی را به خط نسخ زیبا کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۵۵۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

احتمال دارد که کاتب شاگرد مؤلف کتاب فوق باشد.

۱- کشف الحق: مقدمه، صص ۵ و ۶؛ مکارم الآثار، ج۲، صص ۳۲۴-۳۲۶؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص ۲۸۰.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۹؛ الذریعه، ج۱۸، ص۳۲؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۳۶؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص ۷۲۱.
۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۳۵۴.

آقا سیّد محمّد صادق چهارسوقی

آقا سیّد محمّد صادق چهارسوقی بن سیّد زین العابدین بن میر ابوالقاسم جعفر بن آقا سیّد حسین بن حاج میرزا ابوالقاسم جعفر (میر کبیر) موسوی خوانساری اصفهانی، عالم فاضل مجتهد محقق [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری].

در ۲۶ صفر سال ۱۲۲۸ق در خوانسار متولّد شد و تحصیلاتش را در اصفهان نزد والد ماجد خود و آقا میر سیّد محمّد شهشهانی و آقا میر سیّد حسن مدرس انجام داد و از هر سه نفر آنان اجازه روایت و اجتهاد اخذ نمود. همچنین مدّتی نزد حاج محمّد ابراهیم کلباسی و آقا محمّد مهدی نایب الصدر کسب فیض نمود.

او عمر خود را به عبادت و تحقیق و تألیف گذرانید و سرانجام در شب ۲۱ شعبان المعظم سال ۱۲۸۹ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه مادر شاهزاده (جنب مزار پدر عالیقدر خود) واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

وی را تألیفاتی عدیده ای است که از آن جمله است:

۱. «شرح الشّرایع» ۲. «رساله فی الحج» به عربی۳. «مناسک حج» به فارسی۴. «رساله الکبیره فی الأخبار الطریفه»۵. «مجموعه» کشکول مانند۶. «رساله در طهاره و صلاه و صوم و حج و خمس و زکاه» نظیر «تبصره» علّامه۷. «رساله در صیغ العقود»۸. «رساله فی ذکر مشایخه الکرام»۹. «شرح زبده الاصول» ۱۰. «الإحباط و التّکفیر»(۱)

صادق دارجانی لنجانی

صادق بن سمیع دارجانی لنجانی اصفهانی، [از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم

۱- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۸۱؛ مناهج المعارف: مقدمه، صص ۲۹۲-۲۹۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۵؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۲۵ و ۲۶؛ الکرام البرره، ج۱، ص۶۳۹؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۸۵۰-۸۵۱؛ دانشمندان خوانسار، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ معجم المؤلفین، ص۷۶.

هجری] در ۲۵ رجب ۱۲۷۳ق کتاب «روضه البهیّه» در شرح لمعه را به خط نسخ نوشته است نسخه در کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان موجود است.(۱)

میر صادق قهفرخی*

میر صادق حسینی قهفرخی فرزند میر محمّد شفیع از فضلای در قرن دوازدهم هجری است. او کتابی در خواص اَدعیه و سُوَر به نام «رفع اَنات و دفع بلیات» به فارسی تألیف کرده که نسخه اصل آن به خط نستعلیق زیبا، در محرم ۱۱۲۵ق کتابت شده و در کتابخانه مرحوم سیّد رضا ابوالبرکات در اصفهان به شماره ۵۴ موجود است.(۲)

[قهفرخ اکنون فرخ شهر خوانده می شود و در چهارمحال و بختیاری واقع است. در دوره صفویه چهارمحال، از توابع اصفهان بوده است.]

محمّد صادق نایب جرقویه ای*

نایب محمّد صادق نوذری متخلّص به «نایب» فرزند صادق ینگ آبادی جرقویه ای اصفهانی، شاعر ادیب قرن چهاردهم هجری.

از اهالی قریه «ینگ آباد» [نیک آباد فعلی] جرقویه است. آوایی رسا و دلنشین داشت و از تعزیه خوان های معروف آن سامان بود و شعر نیز می سرود. عاقبت در سال ۱۳۲۰ش وفات یافت.

از اوست:

در ده هر آنکه بود غافل از خدا نامش میان خدا گشته کدخدا

در ده اگر به پیرزنی خر زند لگد فحاشی زیاد نماید به کدخدا

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۲۴۶.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۵۵.

مشمول اگر به غرب به مرگ خدا بمرد مسئول او به شرق بود شخص کدخدا

تثبیت غلّه جنس اگر خواست از بلوک مأمور جلب می رود از بهر کدخدا

«نایب» روا مدار به دوران زندگی کاری که نیست موجب خشنودی خدا(۱)

ملّا محمّد صادق مینای اصفهانی

ملّا محمّد صادق مینا بن محمّد صالح آزادانی اصفهانی، شاعر و ادیب دانشمند قرن یازدهم هجری.

[او در یکشنبه ۳ شعبان ۱۰۱۸ق در بندر سورت هند متولّد شد.] نسب او به صدرالدّین محمّد طبیب زبیری اصفهانی (م ۸۸۸ق) می رسد و میرزا محمّد طاهر نصرآبادی مؤلف «تذکره نصرآبادی» نوه اوست. در هندوستان به تحصیل و مطالعه و جستجو پرداخته و در علوم مختلف خصوصا ادبیات، هندسه، حساب، اسطرلاب مهارت به سزائی یافت. علت شهرت او به «مینا» این بود که هنگام اسب سواری از اسب افتاد و یک چشم او آسیب دید. او چشمی از مینا ساخته و به جای آن گذاشت. او در سپاهیگری و شجاع و تهوّر ممتاز بود و با یاغیان بنگاله بارها جنگ کرده و شرح آن را به صورت منظوم برای میرزا محمّد طاهر نصرآبادی (نوه اش) فرستاده بود.

[او سالها در بنگاله ملازم شاهزاده شجاع فرزند شاه جهان (پادشاه هند) بود و کتاب «شاهد صادق» را به نام او در ۴ جلد تألیف کرد. او سرانجام در ۱۹ ربیع الاوّل ۱۰۶۲ق در هندوستان وفات یافت. در سرودن انواع شعر خصوصا مثنوی مهارت داشت و

۱- گرکویه، (ویرایش دوم)، ص۳۸۴.

«صادقی» تخلّص می کرد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رجال» ۲. «شاهـد صادق» که دائره المعارفی است درباره علوم مختلف و بخش تاریـخ آن در مجله یادگار طی چند شـماره به طبع رسیده است.۳. «الشّمس البازغه» در حکمت (ردّ بر میرداماد در مبحث حدوث دهری)۴. «صبح صادق» در تاریخ جهان و ایران و شـرح حـال رجـال برجسـته علـم و ادب و سـیاست، که نسـخه هـای متعـددی از آن در کتابخـانه هـا موجـود است.۵. «القلائد» و غیره.

[از اوست:

سوی میخانه به تأیید جنون خواهم رفت باز از عالم اسباب برون خواهم رفت

حدّ این بادیه جز اشک ندیدست کسی آه خواهم شد و از اشک فزون خواهم رفت

راه گم کرده ام و میکده را می جویم گر نیابم، زِ خَم چرخ برون خواهم رفت(۱)]

میرزا محمّد صادق خلیفه سلطانی

میرزا محمّد صادق بن میرزا محمّد طاهر خلیفه سـلطانی بن نواب میر سـیّد علی بن میر سـیّد علاءالدّین حسـین حسـینی مرعشی (خلیفه سلطان)، عالم فاضل، ادیب شاعر و محقّق مدقّق.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۹۰ و ۹۱؛ کاروان هند، ص۶۷۸؛ الروضه النضره، ص۲۷۵؛ مداومت در اصول موسیقی ایران، ص۱۶۷؛ فهرسـتواره کتابهای فارسی، ج۱، صص ۶۳۲-۶۳۴ و ۱۸۹؛ الذریعه، ج۱، ص۱۰۵ و ج ۱۳، ص۱۵ و ج۹، ص۵۸۲؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۸۳؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۸۰.

میر عبدالحسین خاتون آبادی که معاصر اوست در کتاب خود می نویسد: «علّامه الزّمانی آقای میرزا محمّد صادق الحسینی دامت برکاته که مدّتی خدمت سراسر سعادت مولینا آخوند ملّا محمّد باقر مجلسی اکتساب حدیث فرمودی و از ایشان روایت می نماید و از رشحات خامه او حاشیه نفیسه بر شرح هدایه میبدی می باشد.»(۱)

در الذریعه گوید: «دارای اجازه مختصری است در پشت «استبصار» تاریخ آن ۱۰۹۲ می باشد.»(۲)

وی مدّتی به هندوستان مهاجرت نموده و در آنجا به مباحثه علوم اشتغال جسته و پس از مدّتی به اصفهان مراجعت نموده، در این شهر در سال ۱۱۳۵ق وفات یافته، در قبرستان ستّی فاطمه که بسیاری از افراد خاندان او نیز در آنجا مدفون بودند به خاک رفت.(۳)

کتاب های زیر از اوست:

۱. «حاشیه شرح هدایه» میبدی ۲. «دیوان اشعار» ۳. «کشکول» که در آن شرحی راجع به مسافرت های و پیش آمدهای سفر و توقّفش در هند در آنجا نوشته است.(۴)

او همچنین «حاشیه روضه البهیه» تألیف عمویش میرزا محمّد ابراهیم خلیفه سلطانی را جمع آوری و مدوّن ساخته و در ۲۵ شعبان ۱۱۲۵ق آن را به خط نستعلیق کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۵)

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن عباسعلی اصفهانی [از کاتبان نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری]

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۱۹.

۲- الذریعه، ج۱، ص۱۵۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۶؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۵۰.

۴- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۲ و ۴۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۵۸ و ۲۶۴؛ الذریعه، ج۹، ص۵۸۱ و ج۱۸، ص۷۴.

۵- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۸۲؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۲۲.

در سال ۱۲۹۲ق کتابت نسخه ای از کتاب «لسان الواعظین» تألیف: شیخ محمّد علی رضوی کاظمی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۱۰۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میر محمّد صادق بهشتی

میر محمّد صادق بن میر عبدالباقی بن میر محمّد رضا حسینی بهشتی، عالم فاضل و عابد زاهد [از علمای اواخر دوره قاجاریه].

او نزد علمای اصفهان تحصیل کرده و سپس در محلّه لنبان مرجع مسائل شرعی مردم بود و در مسجد لنبان اقامه جماعت می کرد و از شدّت زهد و احتیاط در مسائل شرعی به «سلمان الزمان» معروف بود و سرانجام در سلخ ربیع الثّانی سال ۱۳۰۸ق وفات یافته و در تکیه سادات بهشتی واقع در شمال مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۲)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر سیّد محمّد صادق خاتون آبادی فرزند میر سیّد عبدالحسین بن میر سیّد محمّد باقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن دوازدهم هجری].

در سال ۱۰۷۰ در اصفهان متولّد شده و نزد پدر عالیقدر خود و احتمالاً عمویش میر محمّد اسماعیل و دیگران تحصیل کرده است. وی در روز ۲۷ ربیع الثانی ۱۱۳۴ق به شهادت رسیده و در تخت فولاد اصفهان مدفون شده است.(۳)

ظاهرا وی مؤلف کتاب «میزان المقادیر» است که نسخه خطی آن در کتابخانه

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۰۷.

۲- تحفه الاحباب، صص ۴۳ و ۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۳- الکواکب المنتشره، ص۳۶۲؛ الذریعه، ج۸، ص ۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۹۰.

دانشمند محقق آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی در اصفهان نگهداری می شود.

میرزا صادق نصیری طوسی*

میرزا صادق نصیری طوسی فرزند میرزا عبدالحسین منشی الممالك، از شعرای قرن یازدهم هجری است. او به فضل و ادب موصوف و به کمالات صدری و معنوی آراسته بود. مع الاسف در جوانی در اصفهان وفات یافت.

از اوست:

پاس نفس بدار که آئینه طینتان در موج می روند چو آب از دم نسیم(۱)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّد صادق بن میر عبدالکاظم بن میر محمّد صادق بن میر عبدالحسین خاتون آبادی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری] در جمادی الاولی سال ۱۱۳۴ق متولّد و در سال ۱۲۱۹ق وفات یافته و در ایوان علماء در مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد صادق مازندرانی

ملّا محمّد صادق بن عبدالمجید مازندرانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری]. در سال ۱۱۹۷ق کتاب «سفینه النجّاه» تألیف ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) را در اصفهان استنساخ نموده است. این نسخه در کتابخانه میرزا علی شهرستانی در نجف اشرف موجود می باشد.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۱۷.

۲- الذریعه، ج۸، ص۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۰؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۶۷۳ و ۶۷۴.

۳- الذریعه، ج۱۲، ص۲۰۳.

میرزا محمّد صادق امام جمعه

میرزا محمّـد صادق امام جمعه بن میرزا محمّـد علی بن میرزا جعفر بن حاج میر سیّد محمّـد بن میر عبدالباقی خاتون آبادی [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری].

پس از فوت میرزا هاشم امام جمعه، فرمان امامت جمعه به نام فرزند صغیر او میرزا سیّد حسن صادر گردید و صاحب عنون به جای مشارالیه به سمت نایب الامام تعیین شد. و وقتی میرزا سیّد حسن به بلوغ رسید چون علمی و نفوذ معنوی نداشت فرمان امامت جمعه به نام میرزا محمّد صادق صادر گردید.

وی در ۳ رمضان ۱۳۴۸ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه علّامه مجلسی پیش قبر پدر مدفون گردید و قبرش در تعمیرات اخیر بقعه محو شد.(۱)

محمّد صادق واعظ اصفهانی

محمّد صادق بن محمّد علی واعظ اصفهانی، از فضلاء و وعاظ اصفهان [در سیزدهم هجری] در روز سه شنبه چهارم رجب ۱۲۷۰ق نسخه ای از «بصائر الدّرجات» تألیف: ابو جعفر محمّـد صفّار قمی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۶۰۹۱ در کتابخانه ملّی ملك طهران موجود است.

همچنین او قسمتی از «فروع کافی» را کتابت نموده که به شماره ۲۸۷۱ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

از دیگر آثار او کتابت نسخه ای از «شرح شرایع» تألیف یکی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری است که آن را به خط نسخ در سلخ محرم الحرام سال ۱۲۷۹ق به پایان رسانیده است و به شماره ۱۵۵۷ در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد موجود است.(۳)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۰؛ مزارات اصفهان، ص۳۷.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۸۴.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۶۹۷.

محمّد صادق واعظ کرونی*

محمّد صادق واعظ بن محمّد علی کرونی اصفهانی، از وعاظ و فضلای قرن سیزدهم هجری است. او کتاب «دلایل العباد فی شرح الارشاد» تألیف: محمّد تقی نوری را به خط نسخ در صفر ۱۲۷۷ق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۹۵۹۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّد صادق بن میر علینقی بن میر عبداللّه خاتون آبادی (برادر میر محمّد اسماعیل اوّل) عالم فاضل محقّق جامع در سال ۱۱۲۳ق وفات یافته است.(۲)

سیّد محمّد صادق زنجانی

سیّد محمّد صادق بن علینقی بن محمّد علی موسوی زنجانی اصفهانی، عالم فاضل ادیب شاعر [از علمای قرن سیزدهم هجری. ساکن اصفهان] مؤلف کتاب «دُرّ المنثور» (شعر عربی) که در سال ۱۳۰۹ق به ضمیمه کتاب «معیّن الواثقین» به خط محمّد در جزینی چاپ سنگی شده است.(۳)

[وی اهل شعر و ادب بوده و نشانه تملک او بر کتاب «ذریعه الضّراعه» تألیف فیض کاشانی که پدرش سیّد علینقی آنرا کتابت کرده بود، مشهود است. او در آخر این کتاب در سال ۱۲۷۴ق قصیده ای در توحید از سروده های خودش را آورد که ۳۰ بیت است و با این بیت شروع می شود:

ای منزّه ذات پاکت از زوال وی برون حُسنت ز مرآتِ خیال(۴)]

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۳۵۴.

۲- الذریعه، ج۸، ص ۲۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۹۰.

۳- مؤلّفین کتب چاپی، ص۳۴۶؛ تراجم الرجال، ج۲، ص۷۱۹.

۴- الکرام البرره، صص ۶۴۳ و ۶۴۴.

صادق خوانساری

صادق بن علینقی خوانساری اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری. وی مؤلف «بدیعیه» در اسطرلاب است به فارسی که آن را در سال ۱۱۹۳ق تألیف نموده و کتاب دارای یک مقدمه و شصت باب و خاتمه است. نسخه به شماره ۲۱۵۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

صادق خولنجانی

صادق بن قاسم خولنجانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری]. کتاب «الرّعایه فی علم الدّرایه» تألیف شهید ثانی را به خط نستعلیق با حواشی مختلف نوشته است. نسخه به شماره ۱۹۸۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[خولنجان از دهات لنجان است. در قرون اولیّه بعد از اسلام به «خان لنجان» شهرت داشته و از قصبات و بلکه شهرهای معتبر لنجانات شمرده می شده و سیّاحان در سفرنامه های خود به توصیف آن پرداخته اند. فدائیان اسماعیلی نیز در عصر سلجوقی درکوه ها و قلعه های آنجا پایگاه داشتند.]

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن محمّد کاظم اصفهانی . [از کاتبان نستعلیق نویس در قرن سیزدهم هجری]در یک شنبه ۲۴ رجب ۱۲۰۹ق کتابت کتاب «تحفه النّاظرین» در نجوم به فارسی از مؤلّفی ناشناس را به خط نستعلیق را به پایان رسانیده و نسخه به شماره

۱- الذریعه، ج ۱۱، ص۱۲۸؛ فهرست گلپایگانی، ج۳، ص۱۷۷؛ الکواکب المنتشره، ص ۳۶۰.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۸، ص ۵۹۰.

۲۴۸۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّد صادق پریشانی

محمّد صادق بن محمّد کاظم پریشانی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری.

از آثارش کتابت نسخه ای است از «جامع المقال» تألیف: شیخ فخرالدّین طریحی که آن را به خط نستعلیق در محرّم سال ۱۳۱۰ق به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۱۶۲۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدس موجود است.(۲)

پریشان (فروشان) از قُراء ثلثه سِدِه ماربین اصفهان است. [اکنون از محلّه های خمینی شهر اصفهان به شمار می رود.

صاحب عنوان نسخه ای از «اثبات الوصیّه» تألیف: ابوالحسن علی مسعودی را در رمضان ۱۳۰۹ق کتابت نموده که در کتابخانه بنیاد فارس شناسی در شیراز موجود است.(۳)]

ملّا محمّد صادق خوانساری

ملّا محمّد صادق بن محمّد کاظم خوانساری اصفهانی، [از فضلاء و محدّثین اصفهان در قرن یازدهم هجری].

او در اصفهان نزد جمعی از علماء همچون علّامه مجلسی تلمذ کرده و از او و شیخ ابوتراب اصفهانی اجازه دریافت کرده است.

ملّا محمّد صادق خوانساری در ۷ جمادی الثانی سال ۱۰۹۱ق نسخه ای از «روضه کافی» را کتابت کرده و علّامه مجلسی و شیخ ابوتراب اجازات خود را روی برگ های این

۱- فهرست مرعشی، ج۷، ص۷۵.

۲- فهرست الهیات، ج۳، ص۷۴۸.

۳- فهرست فارس شناسی، صص ۶۶ و ۶۷.

کتاب نوشته اند. این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد صادق اصفهانی*

محمّد صادق بن محب علی اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. در نوشتن خط نسخ مهارت داشته و تا سال ۱۰۹۶ق در قید حیات بوده است. او آثاری را کتابت کرده که از آن جمله است:

۱. «المصادر» تألیف: ابوعبداللّه حسین زوزنی که در سال ۱۰۹۰ق کتابت شده و در مدرسه حجتیّه قم موجود است.(۲) ۲. «ربیع الشّیعه» منسوب به «سیّد رضی الدّین علی بن موسی بن جعفر بن طاوس حسنی، که در جمعه ۱۴ جمادی الآخر ۱۰۹۶ق کتابت شده و در کتابخانه علّامه محقّق حاج سیّد محمّد علی روضاتی موجود است.(۳)

صادق بن محمّد

صادق بن محمّد، نستعلیق نویس در قرن سیزدهم هجری. از آثارش کتابت «حاشیه تحریر القواعد المنطقیّه» تألیف: میر سیّد شریف جرجانی است که در اوّل ربیع الاوّل ۱۲۳۶ق به پایان رسانیده است. نسخه در کتابخانه دانشکده حقوق در طهران موجود است.(۴)

ملّا محمّد صادق تنکابنی

ملّا محمّد صادق بن ملّا محمّد (فاضل سراب) بن عبدالفتّاح تنکابنی، عالم فاضل و

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۴۷۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۲۱۷؛ اجازات الحدیث، ص۲۱۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۵۰.

۲- فهرست حجتیّه، ص۲۷.

۳- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص ۳۹۰.

۴- فهرست حقوق، ص۳۱۸.

فقیه محدّث [از علمای اصفهان در قرن دوازدهم هجری].

او در سال ۱۰۸۲ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای اصفهان به تحصیل پرداخت از جمله: علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، آقا حسین خوانساری، شیخ علی سبط شهید ثانی، ملّا محمّد علی استرآبادی و ملّا محمّد فاضل سراب، که برخی از اساتید درس او هستند و برخی اجازه روایت به او داده اند.

او سپس در اصفهان به تدریس پرداخت. برخی از محدّثین نیز از او روایت می کنند از جمله: سیّد حسین بن سیّد ابوالقاسم موسوی خوانساری، ملّا حسین بن حسن دیلمانی گیلانی (لنبانی)، ملّا محمّد حسین بن محمّد سعید گیلانی و زین الدّین علی بن عین علی خوانساری.

سال وفات او معلوم نیست. ولی او تا سال ۱۱۲۳ق در قید حیات بوده است. مدفن او جنب قبر پدرش در تکیه فاضل سراب (معروف به تکیه جویباره ای ها) در تخت فولاد اصفهان است.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حواشی بر دعوات» [۲. «نهایه الإدراک فی شرح تشریح الأفلاک»۳. «احوال عبداللّه بن بکیر» که در شعبان ۱۱۱۳ق آن را تألیف نموده و نسخه ای از آن به شماره ۲/۱۸۷۴ در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی در تهران موجود است.]

میر محمّد صادق کتابفروش

میر محمّد صادق کتابفروش بن میر سیّد محمّد بن سیّد محمّد علی بن هادی حسینی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۳ و ۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۵۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۷؛ فیض قدسی، ص۱۶۵؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۶۰ و ۳۶۱؛ نجوم السّماء، ص۲۳۱؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۸؛ بزرگان رامسر، صص ۱۸۳-۱۸۶؛ دانشمندان خوانسار، ص۱۶۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۰؛ فهرست دائره المعارف اسلامی، ج۱، ص۲۶۰.

افطسی، عالم فاضل متقی و فقیه محقّق [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری].

در حدود سال ۱۲۱۰ق در اصفهان متولّد شده و پس از مدّتی تحصیل به عتبات عالیات رفته [و نزد شیخ محمّد حسن صاحب جواهر و دیگران] تحصیلات خود را تکمیل کرده و به اصفهان مراجعت نمود.

او سالها به تدریس فقه و اصول مشغول بوده و خصوصا شرح لمعه را با دقّت و غور و تحقیق، تدریس می نموده است.

میرزا حسن خان جابری انصاری، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی و حاج میرزا بدیع درب امامی از شاگردان برجسته او به شمار می روند.

او عالمی منزوی و قانع و زاهد بوده و عمر خود را به مطالعه و تألیف و تدریس و عبادت و تهجّد گذرانیده است. همسرش دختر علّامه فقیه حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی است.

او در پنج شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۰۴ق وفات یافته و در بقعه ای مخصوص در تخت فولاد مدفون شد. در قرن چهاردهم هجری پس از احداث فرودگاه قدیم تکیه سادات کتابفروش در محدوده آنجا واقع شده است.

از تألیفات او «شرح بر شرایع» است که آنرا در سال ۱۲۲۵ق تألیف کرده است. نسخه آن به خط مؤلف در کتابخانه دانشمند گرامی مرحوم آقا میرزا ابوالحسن کتابی (نواده صاحب عنوان) موجود بوده است.(۱)

ملّا محمّد صادق اردستانی

ملّا محمّد صادق اردستانی بن حاج محمّد بن قاسم بن کمال الدّین محمّد بن پیر

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۶۲ و ۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۲۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۱۴۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۶؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، ص۴۴۳.

جمال الـدّین محمّد معروف به پیر جمالی اردسـتانی، حکیم متألّه، فیلسوف و عارف زاهد [از فلاسـفه و عرفای بزرگ اصـفهان در قرن یازدهم و دوازدهم هجری است. از تولّـد و تحصـیلات او اطلاعی در دست نیست. مرحوم رفیعی مهرآبادی تولّـد او را حدود سال ۱۰۵۴ق تعیین کرده که حدس و گمان است و مستند به منبعی نیست.(۱) از اساتید او هم آگاهی نداریم. تنها مرحوم آشتیانی نوشته است: «ملّا اسماعیل خواجوئی شاگرد ملّا محمّد صادق اردستانی، و او شاگرد ملّا رجبعلی تبریزی و محقّق لاهیجی و شیخ حسین تنکابنی و یا فیض می باشد.»(۲)]

مشارالیه در اصـفهان حکمت عالیه تـدریس می نموده و جمعی کثیر از محضـر او مسـتفید می گشـته اند از جمله: ۱. ملّا حمزه گیلانی ۲. شیخ محمّد علی حزین۳. ملّا محمّد صالح بن سعید خلخالی۴. آقا محمّد صادق تفرشی [۵. محمّد ماجد بن ابراهیم حسینی۶. ملّا عبدالرحیم دماوندی و غیره].

[حاجی زین العابدین شیروانی (مست علی شاه) در کتابهای «ریاض السیاحه» و «بستان السّیاحه» و به تبعیّت از او «معصوم علی شاه شیرازی» در کتاب «طرائق الحقائق» و دیگران نوشته اند که: ملّا صادق اردستانی مردی صوفی مشرب بوده و شاه سلطان حسین به اشاره علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، او را از اصفهان اخراج کرده و در عرض راه طفل صغیر او بر اثر شدت سرما فوت شده، ولی بعدا مجلسی تغییر عقیده داده و او را به شهر دعوت نموده است. امّا ملّا صادق در بیرون شهر و در قبرستان تخت فولاد منزل کرده، تا فوت شده است.

این ماجرا بنا به دلایلی مورد تردید است. جوانی اردستانی مقارن پیری علّامه مجلسی بوده و اردستانی شهرت و نفوذی نداشته که باعث هراس مخالفان صوفیه از او شود. همچنین هیچ یک از معاصرین اردستانی از جمله شاگرد او شیخ محمّد علی حزین

۱- آتشکده اردستان، ج۲، ص۳۱۵.

۲- تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص۸۵.

به این ماجرا کمترین اشاره ای نکرده انـد. از طرف دیگر هیـچ مدرکی در دست نیست که را او را از صوفیان و صاحبان خانقاه و خرقه و... بداند. بلکه او عارفی الهی و عابدی زاهد بوده که عارف مشرب بوده است. هرچند برخی از صوفیه همچون شیروانی و معصوم علی شاه او را به خود منسوب داشته اند.(۱)

ملّا صادق در حکمت مقامی ارجمند داشته و حزین لاهیجی او را با القاب «سلطان المحققّین، افضل الحکماء الرّاسخین المولی الا ـعظم البحر الا ـعلم مظهر معـارف و حقـایق مکمـل علـوم سوابـق و لواحـق محی الحکمـه ابوالفضائـل مولانـا محمّـد صـادق الاردستانی علیه الرحمه» ستوده و افزوده است که: «از اساطین حکماء بود و قرن ها باید که مثل او از دانشمندان برخیزد»(۲)]

او سرانجام در سال ۱۱۳۴ق در اصـفهان وفات یافته و در سمت جنوب شرقی پل خواجو، بر روی سکویی دفن شده و در موقع تعریض خیابان، به تخت فولاد منتقل شده و قابل تکیه کازرونی و در کنار قبر ناصر علی گلکار اصفهانی مدفون شد.

در زمان قـدیم مزار او به مزار آخوند پلویی شـهرت داشـته و عوام اصـفهان را این عقیده بوده که خواندن فاتحه بر قبر او باعث می شود که به زودی پلو نصیب آنان شود. اما صحیح آن است که مزار سابق اردستانی به خاطر مجاورت با پُل خواجو، به مزار آخوند پُلی و سپس آخوند پلویی معروف بوده است.(۳)

فرزندانش حاج محمّد ابراهیم، ملّا محمّد طاهر و ملّا محمّد شفیع نیز از فضلاء قرن

۱- بسـتان السّیاحه، (چاپ اصفهان)، ص۳۳؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۲۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ شواهد الرّبوبیّه: مقدمه اسـتاد آشتیانی، ص۱۰۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ رجـال اصـفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صـص ۳۱۵ و ۳۱۶؛ آسـیای هفت سنگ، ص۲۰۴؛ تاریخ و سـفرنامه حزین: تعلیقات، صص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۳۹۸.

۲- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۹۲؛ نجوم السماء، ص۲۳۱.

۳- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۲؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۱۰۴؛ فرهنگ بزرگان اسـلام و ایران، ص۵۱۶؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۴۸۶-۴۸۸ و ۲۳۶-۲۳۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۶.

دوازدهم هجری به شمار می روند و اعقاب او نیز اغلب از علماء، شعراء و فضلای روزگار خویش بوده اند.

رسائل زیر از اوست:

۱ و(۱) «رساله جعلیه» در معنی جعل و ایجاد در فلسفه، که در شوال ۱۱۲۱ق نوشته شده و در اختیار آقای سیّد حسین شهشهانی بوده(۲) و به ضمیمه رساله کوتاه دیگری در جعل از اردستانی در کتاب آتشکده اردستان به طبع رسیده است.(۳) «حکمت صادقیّه» [تقریرات درس فلسفه ملّا صادق اردستانی است که شاگردش ملّا حمزه گیلانی آن را جمع آوری و مدوّن ساخته و به این نام نامیده است.(۴)](۵) «رساله در تفسیر آیه نور»، مختصر۵. «رساله تباشیر»۶. «حواشی بر شفا» [کتاب «کلید بهشت» را برخی از او و برخی از ملّا رجبعلی تبریزی دانسته اند امّا در تحقیقات اخیر علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی معلوم شده که متعلّق به حکیم محمّد سعید قمی است.(۶)]

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّد صادق خاتون آبادی بن میر محمّد بن سیّد هادی بن سیّد محسن بن کریم بن سیّد علی حسینی افطسی، عالم فاضل و منجّم ماهر از خاندان مشهور به علم و تقوا بوده و در اصفهان متولّد شده و تحصیل کرده و خصوصا در نجوم و هیأت و استخراج تقویم استاد بوده است. او تقریبا هفتاد سال از «زیج الغ بیگ»، تقویم استخراج نموده است. سرانجام در سال ۱۲۴۴ق وفات یافت.(۷)

[میر محمّد صادق خاتون آبادی در سال ۱۲۲۶ق نسخه ای از «تشریح الافلاک»

۱- الکواکب المنتشره، صص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۲- الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۶۴.

۳- دومین دوگفتار، صص ۳۱ و ۳۵ و ۴۳.

۴- الکواکب المنتشره، صص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۵- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج ۱، صص ۲۸۴. ۲۸۵؛ مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۰.

۶- دومین دوگفتار، صص ۳۱ و ۳۵ و ۴۳.

۷- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج ۱، صص ۲۸۴. ۲۸۵؛ مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۰.

تألیف: شیخ بهائی را به خط نسخ کتابت کرده و در حاشیه مطالبی مرقوم نموده است. این نسخه به شماره ۶۱۳۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱)]

محمّد صادق لاریجانی

محمّد صادق بن محمّد حسینی لاریجانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در اصفهان نزد علّامه مجلسی به تحصیل پرداخته است. او در دوشنبه از ماه صفر ۱۰۸۹ق از کتابت جلد دوم «استبصار» شیخ طوسی فراغت یافته و در آخر کتاب علّامه مجلسی جهت او اجازه نوشته است. نسخه به شماره ۸۳۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملّا محمّد صادق مجلسی

ملّا محمّد صادق بن ملّا مقصود علی مجلسی، عالم فاضل، از علمای قرن یازدهم هجری. او برادر ملّا محمّد تقی مجلسی و عموی علّامه مجلسی است. ملّا حیدر علی مجلسی از قول میر عبدالباقی خاتون آبادی نقل می کند که ملّا مقصود علی دو فرزندش محمّد تقی و محمّد صادق را جهت تحصیل به ملّا عبداللّه شوشتری سپرده است. و بیش از این از زندگی او اطلاعی در دست نیست.(۳)

محمّد صادق اصفهانی

۱- فهرست مجلس، ج۱۹، ص ۱۶۰.
۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۰۶؛ فهرست مجلسی، ج۳، ص۳۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۵۰؛ اجازات الحدیث، ص۲۱۳؛ فیض قدسی، ص۱۶۱.
۳- مرآه الاحوال جهان نما، ص ۱۰۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۵۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۱؛ الرّوضه النضره، ص۲۷۷.

محمّد صادق بن محمّد مقیم اصفهانی [از نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری] در تاریخ ۱۲ جمادی الثّانی ۱۱۲۶ق نسخه ای از کتاب «مفاتیح الشرایع» تألیف: فیض کاشانی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۴۲۶۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن محمّد مؤمن اصفهانی [از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم و دوازدهم هجری] از آثار اوست:

۱. کتابت مجموعه ای شامل «المبداء و المعاد» تألیف: ملّا صدرا و «رساله فی الحکمه» را که در سال ۱۰۹۵ق در اصفهان کتابت نموده و به شماره ۴۵۳۰ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲) ۲. کتابت «ترجمه و شرح غُرَرُالحِکَم» تألیف: آقا جمال الدّین محمّد خوانساری، که سال ۱۱۱۳ق کتابت شده و به شماره ۱۹۴۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

محمّد صادق اصفهانی

محمّد صادق بن حاجی مهر علی اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری که] در ۱۶ ذیحجه ۱۲۲۱ق نسخه ای از «تهذیب الاحکام» را به خط نسخ کتابت نموده و به شماره ۶۳۱۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۴)

حاج محمّد صادق تاجر اصفهانی*

۱- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۲۸۲.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۲۰۱.

۳- فهرست رضوی، ج۵، ص۴۶.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۶، ص۲۴۰.

حاج محمّد صادق تاجر اصفهانی، از نیکوکاران و خَیّرین قرن سیزدهم هجری است. او در شیراز ساکن بوده و آثار خیریه بسیاری را ساخته و وقف کرده است که از آن جمله است کاروانسرای احمدی در شش فرسنگی برازجان.(۱)

حاج صادق تخت فولادی

حاج صادق تخت فولادی عارف کامل و عابد زاهد [از عرفاء و اهل سلوک اصفهان در قرن سیزدهم هجری. در جوانی در شغل رنگرزی مشغول بود. هنگامی که با عارف روشن ضمیر بابا رستم بختیاری آشنا شده دگرگون شده و به سیر و سلوک روی آورد و به دستور استاد به تهجّد و عبادت مشغول شد. او سالها تحت تعلیمات مراد خود به تزکیه نفس مشغول بود تا اینکه پس از فوت او] در تکیه مادرشاهزاده واقع در تخت فولاد اصفهان رحل اقامت افکنده و به تهجّد و عبادت پرداخت. با وجودی که عامی و بی سواد بوده، در اثر ریاضت و تقوا دارای صفای باطن شده بود معروف ترین شاگرد و مرید او شیخ حسنعلی اصفهانی معروف به نخودکی است که مراتب سیر و سلوک را نزد حاج صادق طی نموده است.

این سالک و عارف الهی سرانجام در شب دوشنبه پانزدهم ذی القعده ۱۲۹۰ق وفات یافته و در صحن تکیه مادرشاهزاده (تکیه شیخ محمّد تقی رازی) مدفون شد(۲)

میرزا صادق تسلیم اصفهانی

میرزا صادق اصفهانی متخلّص به «تسلیم»، شاعر و عارف ادیب [از سخنوران قرن سیزدهم هجری] چندی به سفر مشغول بوده و عاقبت به سلسله جلالیه پیوسته و دست

۱- آثار عجم، ص۳۶۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۲؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۲۰؛ نشان از بی نشان ها: مقدمه؛ شرح مجموعه گل، صص ۱۶۱-۱۶۴.

ارادت به غلام علی شاه جلالی هندی داده و به سیر و سلوک مشغول شد. دیوان اشعارش قریب به پنج هزار بیت بود.

از اوست:

صوفی که گوید برملا، روی تو دیدم بارها گر راست می گوید چرا، بانگ انا الحق می زند(۱)

میر محمّد صادق خاتون آبادی

میر محمّد صادق حسینی خاتون آبادی از علماء و دانشمندان در قرن دوازدهم هجری. در سال ۱۱۴۰ق وفات یافته و در تکیه خاتون آبادی واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

ملّا صادق ذاکری سدهی

ملّا صادق ذاکری سدهی [از شعرای قرن سیزدهم هجری و از اهالی سِدِه ماربین (خمینی شهر) اصفهان است.]

این شعر از اوست:

اندر دل شب ناله شبگیر خوش است در وقت سحر توبه ز تقصیر خوش است

مطلوب سحرگهان بود استغفار چون فجر دمد صدای تکبیر خوش است(۳)

ملّا محمّد صادق روشن اردستانی

ملّا محمّد صادق متخلّص به «روشن» از شعراء و عرفای قرن سیزدهم هجری. از نوادگان ملّا محمّد صادق اردستانی عارف و حکیم اواخر عهد صفویه است. در اصفهان

۱- تذکره ریاض العارفین، ص۴۱۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۰؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۲.

علم و ادب آموخته و به حرفه صحافی مشغول شده است. [آنگاه به طهران رفته و در کارخانه دارالطّباعه خاصّه (چاپخانه دولتی) به صحافی پرداخته است.] در فنون شعر و ادب مهارت داشته و دیوان اشعارش به طبع رسیده است. از مردان صافی ضمیر و عارف مسلک بوده و مرید حاج محمّد کاظم سعادت علی شاه اصفهانی شده و به لقب «روشن علی» ملقّب شده است. او سرانجام در سال ۱۳۰۵ق وفات یافته و جنازه اش به نجف اشرف حمل شده و مدفون گردید. در انواع شعر قصیده و غزل را خوب می گفته و با شعراء و فضلای طهران معاشر و مأنوس بوده است.

از اوست:

ما نشناسیم هیچ، نیک و بد روزگار در دل ما یاد دوست، بر لب ما ذکر یار

عقل من و هوش من، بُرد و به تاراج برد عشوه عابد فریب، غمزه زاهد شکار(۱)

محمّد صادق سرکانی

محمّد صادق بن محمّد علی سرکانی همدانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری[مجموعه ای شامل ۲۶ رساله و مقاله ترجمه از جمله «شرح فارسی موجز»، «ترجمه رساله شهید در عمل بقول میّت»، «ترجمه رساله جمعه» کرکی و «ترجمه رساله اجتهاد» شهید که در یکشنبه ۷ ربیع الاولی ۱۰۳۳ق در اصفهان به خط نسخ نوشته و اصل آن در کتابخانه وزیری یزد و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

۱- طرائق الحقائق، ج۳، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ تذکره مدایح معتمدّیه: خطی؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۳۲۲؛ شمس التّواریخ، ص۸۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۶۹۱-۶۹۴.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۷۰۳.

در فهرست کتابخانه وزیری از مجموعه فوق با عنوان «پراکنده هایی از اصول، کلام، فقه و ادب و غیرها، ترجمه مانند» ذکر شده که از آثار محمّد صادق سرکانی است و به شماره ۱۲۸۳ در آن کتابخانه موجود است.(۱)

همچنین در روز سه شنبه ۱۶ جمادی الثّانی ۱۰۲۸ق از کتابت «مفاوضات» صدرالدّین قونیوی فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۲۶۸۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

کتاب «التّصریح بمضمون التّوضیح» تألیف: شیخ خالد بن عبداللّه ازهری، را به خط نسخ در رجب ۱۰۴۷ق در دارالسّلطنه اصفهان نوشته که در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

سیّد محمّد صادق شهاب*

سیّد محمّد صادق شهاب (افتخاری) هنرمند قرن چهاردهم هجری در سال ۱۲۵۴ش (حدود ۱۲۹۲ق) در محلّه لنبان اصفهان متولّد شد. در جوانی در جرگه آزادیخواهان قرار گرفت و همراه برادرش «افتخارالسادات» در فتح تهران به وسیله قوای بختیاری شرکت کرد و به لقب «شهاب السادات اصفهانی» ملقّب شد. او موفق شد از صدراعظم آن روزگار امین السلطان دستخط بگیرد و باغ هشت بهشت را به باغ ملّی تبدیل کند. او به کشاورزی علاقه فراوان داشت و از مزارع خود امرار معاش می کرد.

سیّد صادق شهاب از جوانی صدای خوشی داشت و قرآن را با صدای نیکو و زیبا می خواند. او از محضر حبیب شاطر حاجی برخوردار شده و آواز را از او آموخت و کم کم استادی نامور شد. او صدای دو دانگ بم و گرم و پخته و گیرا داشت، امّا متأسّفانه اثری از او ضبط نشده است. شهاب علاقه زیادی به موسیقی دان هنرمند ابوالحسن صبا داشت

۱- فهرست وزیری، ج۳، ص۹۱۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۰، ص۱۵۷۰.

۳- فهرست گوهرشاد، ج۱، ص۱۹۵.

و هر وقت به تهران می رفت به او سری می زد و صبا در سفر به اصفهان، سراغ شهاب می رفت. در یکی از سفرها به تهران، شهاب به همراه صدای ویولون صبا، بیات ترک خواند و گوشه ای را خواند که صبا آنرا برای اولین بار می شنید. لذا صبا این گوشه را «شهابی» نام نهاد.(۱)

شهاب مردی شوخ طبع و بذله گو، حاضر جواب و رُک گو بود و در راه کمک به نیازمندان از هیچ کمکی دریغ نداشت. او سرانجام در ۲۹ مهر ۱۳۲۸ش بر اثر بیماری سل درگذشت و در قبرستان بزرگ مصلای اصفهان (نزدیک خیابان آب ۲۵۰ در تخت فولاد) به خاک سپرده شد.

مادّه تاریخ وفات او را یداللّه بر خوردار متخلّص به «تائب» چنین گفته است:

خرد گفت با «تائب» دل پریش بتاریخ فوتش چنین کن حساب

بنه پا بجمع و بتاریخ گوی: «بسوی جنان رفت صادق شهاب»(۲)

ملّا محمّد صادق صبّاغ کاشانی*

حاج ملّا محمّد صادق صبّاغ کاشانی، عالم فاضل، فقیه ماهر و حکیم متبحّر. وی با وجود کهولت و پیری به تحصیل مشغول بوده و از حاج ملّا هادی سبزواری بهره برده و به مراتب عالی فضل و دانش دست یافته و در کاشان به تدریس پرداخته است. ملّا حبیب اللّه شریف کاشانی از شاگردان اوست. در زهد و تقوا و حُسن اخلاق از نوادر عهد بوده و بنا به ادّعای مرحوم میرزا محمّد علی معلم حبیب آبادی اصلاً اصفهانی است و کتابی در «شرح تشریح الافلاک» نوشته است.(۳)

[او از شاگردان حاج محمّد ابراهیم کلباسی بوده و در اوایل سلطنت ناصرالدّین شاه

۱- هنر موسیقی (ماهنامه)، سال هفتم، شماره ۵۴، اَمرداد ۱۳۸۳، صص ۴ و ۵؛ تاریخ موسیقی ایران، ص۶۷۸؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۳۰۵.

۲- یادداشت های آقای حمید خلیلیان.

۳- لباب الالقاب، ص۱۱۱؛ نقباء البشر، ج۲، ص۸۵۴.

وفات یافته است.]

ملّا محمّد صادق فاضل هرندی

مولی محمّد صادق معروف به «فاضل هرنـدی» مؤلّف کتاب «زاد الواعظین» به فارسـی در دو مُجَلَّد، در فهرست کتب مطبوعه خان بابا مشار نامش محمّد باقر هرندی ذکر شده است و تربیت او را مرندی نوشـته است و کتاب در سال ۱۳۲۳ در ۱۳۲صفحه به طبع رسیده است.(۱)

ملّا محمّد صادق کرباسی

آخونـد ملّا محمّد صادق اصـفهانی کرباسـی همدانی، عالم فاضل محقّق. در اصـفهان ساکن بوده و ملّا محمّد تقی مجلسـی در سال ۱۰۶۸ق به او اجازه داده و او را با القاب «المولی الجلیل و الفاضل النّبیل جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول» ستوده است. این اجازه در مُجَلَّد اجازات «بحارالانوار» آورده شده است.(۲)

محمّد حسین بن حیـدرعلی شوشتری در سال ۱۰۷۲ق نسـخه ای از «اصول کـافی» را نزد صـاحب عنوان خوانـده و سپس این کتاب را نزد علّامه مجلسی خوانده است. این نسخه در کتابخانه «حسینیه تستریه» نجف اشرف موجود بوده است.(۳)

محمّد صادق گلستانه

محمّد صادق گلسـتانه [از فضـلاء خاندان گلسـتانه اصفهان در عصر صفویه] در هفتم ربیع الاوّل سال ۱۰۰۱ق نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» را کتابت نموده که به شماره

۱- الذریعه، ج۱۲، ص۱۲؛ فهرست کتابخانه فیضیه قم، ص۶۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۵۳.

۲- الذریعه، ج۱، ص۱۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۹۰؛ نجوم السماء، ص۱۸۱.

۳- الروضه النّضره، ص۲۷۷.

۳۱۱ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱)

کتاب دارای حواشی متعددی به نقل از مجلسی اوّل است که شخصی غیر از کاتب متن کتاب آنرا نوشته است. زیرا تولّد ملّا محمّد تقی مجلسی در سال ۱۰۰۳ق و بعد از کتابت این کتاب بوده است.

[مؤلف فقید در «زندگینامه علّامه مجلسی» صاحب عنوان را به عنوان یکی از شاگردان و یا مجازین ملّا محمّد تقی مجلسی ذکر کرده که صحیح نیست.]

میرزا صادق گویای نطنزی*

میرزا صادق حسینی نطنزی متخلّص به «گویا»، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. او برادرزاده میر ابوالمعالی حسینی برزرودی نطنزی واقعه نویس و داماد او بود. در اصفهان به تحصیل علوم نقلی و عقلی نزد جمعی از دانشمندان اصفهان از جمله علّامه ملّا سلطان حسین ندوشنی یزدی پرداخت. چندی نگذشت که به او شوریدگی و سودا غالب شد. او ترک درس و بحث کرده، به کاشان رفت و قهوه خانه ای خریده و در آنجا فوت شد. سال فوتش معلوم نیست ولی مُسَلّم است که قبل از سال ۱۰۸۳ق اتّفاق افتاده است.(۲)

از اوست:

جایی که ترک سر اوّلین قدم بود غفلت نگر که طره به دستار می زنند

میر محمّد صادق موسوی خواجوئی

میر محمّد صادق موسوی خواجوئی، عالم فاضل کامل [از علمای قرن دوازدهم هجری] در ماه شعبان المعظّم سال ۱۲۰۳ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۲۷۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۳۹۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۶۰ و ۱۶۱؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

صادق موسوی مازندرانی

صادق موسوی مازندرانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری ساکن اصفهان] در سال ۱۲۲۴ق در اصفهان کتاب «شرح درایه» شهید ثانی را کتابت نموده که ضمن مجموعه شماره ۱۱۴۳ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است. همچنین او در سال ۱۲۴۴ق «رساله مشاعر» ملّا صدرا و «رساله تصوّر و تصدیق» و «شواهد الرّبوبیّه» وی را کتابت نموده و ضمن مجموعه شماره ۱۲۷۰ در همان کتابخانه نگهداری می شود.(۱)

میرزا محمّد صادق مستوفی*

میرزا محمّد صادق، خوشنویس ادیب قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و در دستگاه اداری صفویه در منصب مستوفی الممالکی به خدمت مشغول بود. در حساب و سیاق مهارت به سزایی داشت و اهل فضل و ادب بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت.

او در سال ۱۰۸۴ق نسخه ای از کتاب «هشت بهشت» تألیف: ادریس بدلیسی رومی را به خط نستعلیق خوش کتابت کرده که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میرزا محمّد صادق ناطق اصفهانی

میرزا محمّد صادق اصفهانی متخلّص به «ناطق» از شعراء و ادبای قرن سیزدهم هجری. پدرش از اَتراک [ترک ها] و مادرش از اهالی مدینه منوّره است. مدّتی در خوزستان و آذربایجان مسافرت کرد و عاقبت در اصفهان ساکن شد. در فن مادّه

۱- فهرست فیضیه (استادی)، ج۳، صص ۵۹ و ۸۶.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی؛ فهرست الفبائی رضوی، ص ۶۱۱.

تاریخ سرایی ید طولایی داشته است. از شاهکارهای او قصیده ۶۲ بیتی سراپا تاریخ درباره تذهیب گنبد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم است که به «قصیده معجزیّه» معروف است و در سال ۱۲۱۸ق سروده شده است و از هر مصرع آن به حروف ابجد عدد ۱۲۱۸ به دست می آید. عجیب تر آنکه از جمله های زیر نیز همان تاریخ به دست می آید.

۱. «بسم اللّه الرحمن الرحیم باسم موجود کریم» ۱۲۱۸

۲. «این قصیده مسما بقصیده معجزیه است» ۱۲۱۸

۳. «یکصد و بیست و چهار مصراع» ۱۲۱۸

ناطق اصفهانی در سال ۱۲۳۵ق وفات یافت. [از آثار او کتاب «بحر الفاظ» در باب ساختن مادّه تاریخ است که ۵ سال مشغول نگارش آن بوده و در این کتاب از کتاب لطف اللّه بن عبدالکریم کاشانی بهره گرفته است. نسخه ای از آن به شماره ۴۰۳ در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود. نسخه هایی از «دیوان اشعار» او در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، کتابخانه ملّی و کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.]

این چند بیت از قصیده معجزیه اوست:

این قُبّه راست جای بجایی که پایه اش از اوج ماه و مهر و زحل برتر آمده

وین قُبّه رفیع بدانجا رسانده قدر کز قدر با سپهر برین همسر آمده

زهرا عفاف فاطمه بنت موسی آنک بر وی شرف ز فاطمه و حیدر آمده

سلطان عهد فتحعلی شاه آن کز او بستان ملک و گلبن جان را برآمده(۱)

۱- تذکره نگارستان دارا، ص۲۷۲؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۱۱۱-۱۲۱؛ تذکره اختر، ج۱، ص۲۱۳؛ تذکره سفینه المحمود، ج۱، ص۳۳۷؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۰۸۸؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۵۲؛ تذکره دلگشا، صص ۵۲۹-۵۳۱؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۱۰۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۹ و ج۲، ص۹۷۱؛ فهرست اعظم قم، ص۴۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۵۰۹؛ دویست سخنور، ص۴۶۱.

محمّد صادق ناظم تبریزی

محمّد صادق تبریزی متخلّص به «ناظم» شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن بود. وی به دستور شاه عباس از سال ۱۰۲۸ق تألیف تذکره خود را شروع کرده و در سال ۱۰۳۰ق به مکّه معظّمه سفر نموده و در آن ارض مقدّس ساکن شده و در سال ۱۰۳۶ق تذکره را به پایان رساند. سال وفاتش معلوم نیست. گفته اند که در اواخر عمر به هند رفته و در مراجعت از آنجا در سفر دریایی وفات یافت.

از آثار او: ۱. «تذکره نظم گزیده»۲. «دیوان اشعار»۳. «مثنوی فیروز و شهناز»

از اوست:

سوختم ز آتش شوق تو ز پا تا سر خویش کو نسیمی که فرستم به تو خاکستر خویش(۱)

میرزا محمّد صادق نامی اصفهانی

میرزا محمّد صادق موسوی اصفهانی متخلّص به «نامی» شاعر، ادیب و مورّخ توانای قرن دوازدهم هجری.

از سلسله سادات موسوم به «حکیم سلمانی» اسفهان است. اجدادش منصب حکیم باشی دربار صفویه را برعهده داشته اند و خود او برادرزاده میرزا محمّد رحیم حکیم باشی است.

[در اصفهان متولّد شده و در این شهر به کسب علم و فضیلت مشغول شد و چندی بعد به شیراز رفته، به خدمت کریم خان زند درآمد و به خواهش او تألیف کتابی درباره

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۸۹؛ کاروان هند، ج۲، صص ۱۴۱۳-۱۴۱۶؛ تذکره روز روشن، ص۷۹۶؛ تذکره غنی، ص۱۳۳؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۶۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ناظم تبریزی»، ص۱۸۶.

تاریخ زندیه را آغاز کرده و آنرا «تاریخ گیتی گشا» نامید. او در شعر طبعی روان داشت و در انجمن ادبی صباحی شرکت می کرد و از شاعران طرفدار سبک بازگشت بود. او به تتبع و نظیره سازی آثار نظامی گنجوی علاقه زیاد داشت لذا خمسه ای موسوم به «نامی نامه» (و شامل «دُرج گهر»، «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «یوسف و زلیخا» و «وامق و عذرا») را به تقلید از خمسه نظامی سرود.پس از درگیری های فراوان زندیه و قاجاریه خصوصا آقا محمّدخان قاجار با جعفرخان و لطفعلی خان زند و انقراض سلسله زندیه، «نامی» مورد بی اعتنایی قرار گرفته و به فقر و فاقه مبتلا شد و در خوردن افیون افراط کرد]، تا اینکه در سال ۱۲۰۴ق وفات کرد.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «خسرو و شیرین» که به شماره ۳۵۹۴ در کتابخانه مرحوم حاج محمّد نخجوانی در تبریز وجود داشت.(۲) ۲. «لیلی و مجنون» که نسخه های آن در کتابخانه های نخجوانی و آیت اللّه گلپایگانی، ملّی، مجلس سنای مرکزی دانشگاه تهران، ملک، دارالکتب قاهره و چند کتابخانه دیگر وجود دارد.(۳) ۳. «وامق و عذرا» که در کتابخانه های نخجوانی، ملّی تبریز و ملّی ایران نسخه هایی از آن موجود است. این منظومه در سال ۱۳۸۱ش به تصحیح رضا انزابی نژاد و غلامرضا طباطبایی مجد به چاپ رسیده است.(۴) ۴. «یوسف و زلیخا» ۵. «درج گوهر» که در کتابخانه نخجوانی موجود است. ۶. «ساقی نامه» که نسخه ای از آن را مرحوم گلچین معانی داشته است.(۵)۷. «دیوان اشعار»(۶)۸. «تاریخ

۱- تذکره آتشکده: نیمه دوم، صص ۶۵۴ و ۶۵۵؛ تذکره مجمع الصفحاء، ج۶، صص ۱۰۸۲ و ۱۰۸۳؛ تذکره سفینه المحمود، ج۱، ص۳۳۹؛ انجمن های ادبی شیراز، ص۵۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نامی اصفهانی»، ص۲۶۳؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۲۹؛ تاریخ گیتی گشا: مقدمه؛ وامق و عذرا: مقدمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۴؛ ماهنامه حافظ، شماره ۲۰، مورخ آبان ماه ۱۳۸۴، ص۴۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۸۱۴.

۲- وامق و عذرا: مقدمه.

۳- فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۴، ص۳۱۰۸.

۴- وامق و عذرا: مقدمه.

۵- فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۴، ص۲۸۸۸.

۶- الذریعه، ج۹، ص۱۱۶۵.

گیتی گشا» که نسخه های متعددی از آن موجود است و بارها به طبع رسیده است. مؤلف وقایع عصر زندیه را تا محرم سال ۱۲۰۰ق آورده و شاگردش میرزا عبدالکریم بن علیرضا شیرازی ذیلی بر آن نوشته و محمّد رضا شیرازی نیز ذیل دیگری نوشته است.(۱)]۹. «منشآت» که ملّا عبدالکریم کرمانی آن را انتخاب نموده است.

صادق نوری مازندرانی

صادق نوری مازندرانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و] در سال ۱۱۹۷ق کتاب «حقایق» فیض کاشانی را به خط نستعلیق در مدرسه جدیده اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۷۶۲۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

[ظاهرا صحیح آن باید مدرسه جدّه اصفهان باشد.]

صادق یزدانی*

صادق یزدانی، از فرهنگیان باسابقه و شعرای خوش ذوق اصفهان در سال ۱۳۰۰ه .ش در قریه «چالشتر» منطقه چهارمحال متولّد شد. پدرانش از خوانین معتبر آن ناحیه بودند. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود طی کرد. سپس به دبیرستان سعدی رفت و پس از ۳ سال در دانشسرای مقدماتی اصفهان ادامه تحصیل داد و دیپلم گرفت و به استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش فعلی) درآمد و طی سالهای خدمت به تدریس و مدیریت مدارس و دبیرستانهای اصفهان پرداخت و در حین تحصیل، در دانشگاه، در رشته زبان فرانسه تحصیل کرد و لیسانس گرفت.

او در سال ۱۳۵۷ش بنا به تقاضای شخصی بازنشسته شد و چند سال بعد عضو

۱- تاریخ گیتی گشا: مقدمه.

۲- فهرست رضوی، ج۶، ص۴۰۷.

هیأت مدیره کانون بازنشستگان گردید. او در سالهای خدمت در آموزش و پرورش، از طرف رؤسای دبیرستان ها، هنرستان ها و دانشسراها به عضویت شورای آموزش و پرورش انتخاب شد.

گاهی شعر می سرود. از اوست:

راستی زندگی ست هم چو سراب پایه کاخ آرزوست بر آب

دور هستی مرا چو خوابی بود من چه گویم که چون حبابی بود(۱)

صاعدای اصفهانی

صاعدای اصفهانی از سخنوران و شاعران قرن دوازدهم هجری است. منظومه «لیلی و مجنون» در ۲۹۰۰ بیت از آثار اوست که با این بیت آغاز می شود:

این نام به نام آن یگانه کو راست بقای جاودانه

و انجام آن نیز این بیت است:

جاوید بماند این در ایّام محبوب قلوب خاصه و عام

نسخه در سال ۱۱۷۱ق کتابت شده و یادداشت برادرزاده شاعر «میرزا ابوطالب» بر روی یکی از برگ های کتاب مشهود است. این نسخه به شماره ۲۶۶۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۲)

میرزا محمّد صالح آزادانی

میرزا محمّد صالح آزادانی، شاعر و ادیب فاضل قرن یازدهم هجری. از اهالی قریه «آزادان» ماربین اصفهان بوده و در اوایل قرن یازدهم هجری به هندوستان سفر کرده و به خدمت عبدالرحیم خان (خان خانان) در آمده و وزیر سورت شد. در سال ۱۰۲۱ق از

۱- اصفهان، مدارس نوین و مفاخر آن، صص ۲۳۰-۲۳۲؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۸۵۴.

۲- فهرست مجلس، ج۸، ص۴۲۵.

آن شغل کناره گرفته به گجرات رفت و به خدمت شاه جهان پادشاه هند درآمد و وزارت بندر سورت را به دست آورده به سورت بازگشت.

او سرانجام در ۱۸ شوال ۱۰۴۳ق وفات یافت. از او چهار پسر به جای ماند: محمّد تقی (پدر میرزا محمّد طاهر نصرآبادی) که به ایران آمد، میرزا محمّد صادق مینا، میرزا محمّد سعید و میرزا محمّد جعفر که در هند باقی ماندند.

میرزا محمّد صالح، در ریاضیات و سیاق و فنون شعر و ادب استاد بود و قصاید و غزلیات او حدود سه هزار بیت بوده است.

این رباعی از اوست:

بر گرد چمن بسی دویدیم چو آب جز عکس گل و لاله ندیدیم در آب

از باد ز بی دلی طپیدیم چو آب در خاک ز ماندگی خزیدیم چو آب(۱)

صالح ابهری

صالح ابهری [از فضلاء قرن یازدهم هجری]. در سال ۱۰۸۰ق کتاب «الفی کتاب بین شرحی الاشارات» قطب رازی را در مدرسه النّاظر کتابت نموده است. قسمت «طبیعیات» کتاب به شماره ۱۶۱۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

محمّد صالح اردستانی*

محمّد صالح اردستانی [از فضلای قرن یازدهم هجری]. وی نسخه ای از «قواعد الاحکام» تألیف: علّامه حلّی را به خط نسخ در سال ۱۰۸۴ق کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۲۵۲۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص ۶۶۰؛ کاروان هند، ج۱، صص ۶۷۸-۶۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۸۰ و ۱۸۱.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص ۱۶۰.

۳- فهرست الفبایی رضوی، ص ۴۵۰؛ الرّوضه النّضره، ص ۲۸۰.

محمّد صالح استرآبادی

مولی محمّد صالح استرآبادی، از دانشمندان و محدّثین و فقهای قرن یازدهم هجری است. در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان ساکن بوده و در آنجا تدریس می کرده است. ملّا محمّد زمان تبریزی در کتاب خود «فرائد الفوائد» از او نام برده است.(۱)

محمّد صالح اصفهانی

محمّد صالح اصفهانی [از فضلاء و کاتبان نستعلیق نویس قرن یازدهم هجری] در یک شنبه ۱۷ جمادی الثّانیه ۱۰۷۴ق کتابت مجموعه ۱۹ رساله از رسائل صائن الدّین علی بن محمّد ترکه اصفهانی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۰۳۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملّا محمّد صالح چادگانی

آخوند ملّا محمّد صالح چادگانی فریدنی فرزند ملّا ابراهیم، عالم فاضل، حکیم عارف و فقیه زاهد [از عرفاء و فضلای دوره قاجاریه]

در سال ۱۲۴۰ق در «چادگان» فریدن اصفهان متولّد شده، مقدمات علوم را در اصفهان آموخته، سپس سالها در سبزوار از محضر حاجی ملّا هادی حکیم سبزواری در حکمت استفاده نمود.

او به وسیله آقا محمّد کاظم سعادت علی شاه اصفهانی به سلسله فقر و سلوک وارد شده، با حاج ملّا سلطان محمّد گنابادی تجدید عهد نموده سالها در موطن خویش منزوی بوده و به عبادت و ریاضت می گذرانیده(۳) [است. سرانجام در ۱۵ شوّال ۱۳۳۰ق وفات

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۵؛ الروضه النّضره، ص ۲۸۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۳۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۳؛ نابغه علم و عرفان، ص ۴۴۰؛ دیباچه ای بر جغرافیای تاریخی فریدن، ص۱۷۹.

یافته و مدفون گردید.(۱)]

وی نسخه ای از «مبداء و معاد» ملّا صدرا را به خط نسخه در جمادی الاولی ۱۲۷۶ق کتابت نموده که به شماره ۲۲۸۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

محمّد صالح اصفهانی

محمّد صالح بن میرزا ابوتراب اصفهانی، از خوشنویسان مشهور عهد صفویه است. در اواسط قرن یازدهم هجری در اصفهان متولّد شده و نزد پدرش که شاگرد میرعماد بود به مشق خط نستعلیق مشغول شد و به مقامی والا در خوشنویسی نستعلیق دست یافت. او عمر خود را صرف تعلیم خط به علاقمندان، کتابت و قطعه نویسی و کتیبه نویسی ابنیه و سنگ نوشته ها گذرانید تا اینکه در روز ۱۸ ربیع الاوّل ۱۱۲۶ق در اصفهان وفات یافت و جنب مزار پدرش در مسجد لنبان مدفون شد. او تذکره ای درشرح حال خوشنویسان عهد خویش نوشته که ارزشمند و مفید است.

از خطوط نستعلیق او بر روی کاشی، کتیبه های مدخل مدرسه چهارباغ (به سال ۱۱۱۹ق) بالای ایوان چهلستون (۱۱۱۸ق) و کتیبه بر روی سنگ مزار صائب تبریزی (سال ۱۰۸۷ق) و میر عبدالعال نجات (سال ۱۱۲۲ق) را می توان نام برد. همچنین او ده ها قطعه خوشنویسی به خط زیبای خود نوشته که در کتابخانه سلطنتی سابق و کتابخانه های ملّی ایران، مدرسه عالی سپهسالار، ملک، آستان قدس رضوی، دانشگاه استانبول ترکیه و در مجموعه های خصوصی داخل و خارج از کشور موجود است.

محمّد صالح اصفهانی گاهی شعر می سروده و این رباعی از اوست:

آنها که درین دیر فنا یار همند پیوسته پی شکست بازار همند

ارباب کمال را هنر معشوق است گر نیست چنین بهر چه اغیار همند(۳)

۱- یادداشت های محقق ارجمند آقای سیّد رضا نوحی چادگانی.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۹، ص۹۲۶.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۷۶۷-۷۷۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۲۸-۱۳۰؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۶۹-۷۱.

محمّد صالح اصفهانی*

محمّد صالح بن ابوالفتوح اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. او جزء اوّل و دوم کتاب «من لایحضره الفقیه» را به خط نسخ در سال ۱۱۱۹ق و جزء سوم و چهارم آن را در سال ۱۱۲۴ق کتابت نموده است که به ترتیب، به شماره های ۱۸۷۴ و ۱۸۷۹ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۱)

صالح اصفهانی*

صالح بن احمد اصفهانی، از کاتبان قرن دوازدهم هجری است. او نسخه ای از «بحارالانوار» (جلد سوم: مباحث عدل و معاد و جلد چهاردهم: کتاب سماء و العالم) تألیف: علّامه مجلسی را در سال ۱۱۴۰ق در نجف اشرف کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۶۰ در کتابخانه آیت اللّه جلیلی در کرمانشاه موجود است.(۲)

میر محمّد صالح میردامادی

میر محمّد صالح بن میر سیّد احمد بن سیّد محمّد حسین بن میر سیّد محمّد اشرف دوم بن میر محمّد حفیظ حسینی عاملی میردامادی، عالم فاضل جلیل عابد زاهد کامل.

در اصفهان نزد علماء این شهر تلمّذ نموده، در سده ساکن و در مسجد آنجا امامت می نموده و مورد توجّه و عنایت عموم علماء و مؤمنین بود و در شب های جمعه در مساجد خوزان و بقعه امامزاده سیّد محمّد سده و در اصفهان در مسجد جناب سعید بن

۱- فهرست سپهسالار، ج۱، ص ۳۳۰؛ الکواکب المنتشره، ص۳۶۱.

۲- فهرست جلیلی، ص۴۰.

جبیر اسدی کوفی واقع در زاویه شرقی جنوبی صحن امامزاده واجب التّعظیم و التّکریم درب امام احیاء و قرائت دعای کمیل را به جای می آورده است.

او پس از وفات در بقعه جدّ اعلای خویش میر محمّد اشرف در قبرستان ورنوسفادران [در خمینی شهر] مدفون شد.(۱)

صالح بن احمد

ابی الفضل صالح بن احمد بن حنبل [شیبانی] از فقهاء و محدّثین عامّه در قرن سوم هجری.

وی در سال ۲۰۳ق متولّد شده و از پدرش و از «ابی الولید طیالسی»، «عفّان»، «علی بن مدینی» و «ابراهیم بن ابی سوید» حدیث شنیده و «ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن یحیی قصّار»، «ابوعلی حصائری»، «ابن صاعد»، «زهیر»، «محمّد بن اسحاق»، «محمّد بن احمد بن یزید»، «ابی بکر بن ابی عاصم بغوی»، «محمّد بن مَخلَد»، «عبدالرّحمان بن ابی حاتم»، «محمّد بن جعفر خزائطی»، «محمّد بن عمر بن عبداللّه» و دیگران از او حدیث نقل کرده اند.

جهت قضاوت به اصفهان آمده و در این شهر بود تا در رمضان ۲۶۶ق در اصفهان وفات یافته و در مقبره «باب طیره» واقع در «مدینه» (شهرستان) اصفهان مدفون شد.

او را در حدیث «ثقه و صدوق» دانسته اند.(۲)

ملّا محمّد صالح مازندرانی

ابوالفضایل حسام الدّین آخوند ملّا محمّد صالح مازندرانی بن احمد بن شمس الدّین

۱- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص۳۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۸؛ طبقات المحدّثین، ج۳، صص ۴۲ و ۴۳؛ طبقات الفقهاء، ص۱۴۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج۱۲، ص۵۲۹؛ الجرح و التّعدیل، ج۴، ص۱۷۲۴؛ المنتظم، ج۵، ص۵۱؛ مزارات اصفهان، ص۱۷۶.

طبری مازندرانی، عالم فاضل، فقیه محقّق و محدّث مدقّق، عابد زاهد متّقی [از اکابر علمای قرن یازدهم هجری]

سال تولد و هجرت او از زادگاهش به اصفهان معلوم نیست. در اصفهان در نهایت فقر و فاقه به سر می برده امّا با همت و پشتکار به تحصیل پرداخته و از محضر درس ملّا عبداللّه شوشتری و فرزندش ملّا حسنعلی شوشتری، شیخ بهائی و ملّا محمّد تقی مجلسی حاضر شده و به افتخار دامادی استادش مجلسی اوّل نائل شده و خود عالمی جامع و فقیهی مبرّز گردید. او عمر را به زهد و قناعت گذرانیده و از مقام و منصب دوری گزیده و به انزوا زندگی کرده و به تحقیق و تألیف و تدریس مشغول بوده است.

او سرانجام در سال ۱۰۸۶ق وفات یافته و در بقعه خاندان مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد.

ملّا محمّد صالح مازندرانی از آمنه بیگم دختر ملّا محمّد تقی مجلسی صاحب شش پسر به نام های: ملّا حسنعلی، ملّا محمّد حسن، ملّا محمّد سعید اشرف، ملّا عبدالباقی، ملّا نورالدّین محمّد و آقا هادی مترجم گردید. یکی از دخترانش همسر ملّا محمّد اکمل اصفهانی و مادر آقا محمّد باقر وحید بهبهانی است.(۱)

محمّد قاسم تبریزی عباس آبادی متخلّص به «زاهد» این مرثیه را در واقعه فوت او سروده که بر سنگ لوح قبر او منقور بوده است:

۱- امل الآمل، ج۲، ص۲۷۶؛ جامع الروّاه، ج۲، ص۱۳۱؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۳۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۲۳-۷۲۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۳۴-۳۳۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ روضات الجنات، ج۴، ص۱۱۵؛ فیض قدسی، صص ۲۰۸-۲۱۱؛ مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، صص ۱۲۷-۱۳۰؛ فوائد الرضویه، صص ۵۴۲-۵۴۵؛ ریحانه الادب، ج۵، صص ۱۴۶-۱۴۸؛ لباب الالقاب، ص۹۰؛ قصص العلماء، (چاپ ۱۳۸۰ش)، صص ۲۲۰-۲۲۲؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۱۷-۳۲۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۰-۲۵؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۴۶۹-۴۷۱؛ الذریعه، ج۶، صص ۲۰۷ و ۱۳۱ و ج۱۳، صص ۲۹۷ و ۳۰۰ و ج۱۴، ص۲۷.

آه و افسوس و فغان و فریاد افضل و اعلم و امجد شده فوت

یعنی آخوند ملّا محمّد صالح کز همه بود سرآمد، شده فوت

او مَلَک بود عجب نیست اگر گویمش روح مُجرّد شده فوت

جُست تاریخ وفاتش «زاهد» که کی آن ذات مؤیّد شده فوت

هاتفی گفت بتاریخ که: «آه صالح دین محمّد شده فوت»

وی را تألیفات چندی است که دلالت بر عُلُوّ مقام علمی و احاطه و جامعیّت او می کند بدین قرار:

۱. «حاشیه بر شرح لمعه» ۲. «حاشیه بر شرح مختصر الاصول عضدی» ۳. «حاشیه بر معالم» که با «حاشیه معالم» خلیفه سلطان (سلطان العلماء» یک جا به چاپ رسیده است.۴. «شرح بر اصول کافی» که بهترین و کامل ترین تألیفات وی به شمار می رود و در آن از افراط و تفریط اجتناب نموده و اعتراضاتی بر شرح آخوند ملّا صدرا دارد. کتاب در ۱۲ جلد با تعلیقات عالم جلیل حاج میرزا ابوالحسن شعرانی طهرانی به چاپ رسیده است.۵. «شرح بر روضه کافی» که در سال ۱۳۱۱ق در هامش «روضه کافی» به چاپ رسیده است.۶. «شرح بر زبده الاصول» تألیف: شیخ بهائی و آن شرح مزجی است. نسخه به شماره ۴۲۹۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱) [و نسخه های دیگری از آن در کتابخانه مدرسه امام بروجردی در نجف و کتابخانه مدرسه مروی طهران موجود است.(۲)]۷. «شرح بر فروع کافی». حاجی نوری در خاتمه «مستدرک الوسائل» می نویسد: امیر حامد حسین لکهنویی به من نوشته اند که من به مجلدی از شرح ملّا صالح بر «فروع کافی» مطلع شدم و ملاحظه نمودم. بنابراین باید مجلّدات «شرح فروع کافی» ملّا صالح مفقود شده باشد.(۳)۸. «شرح قصیده برده» که نسخه آن به شماره ۸۸۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم و نسخه ای هم در کتابخانه

۱- فهرست مجلس، ج ۱۱، ص ۳۰۲.

۲- فهرست مروی، ص ۱۵۷؛ دلیل المخطوطات، ج ۱، ص ۲۲.

۳- فهرست سپهسالار، ج ۱، ص ۲۵۹.

آیت اللّه روضاتی در اصفهان موجود است و در آخر شرح به نام مؤلّف تصریح شده است.(۱). ۹. «شرح قصیده دُریدیّه» ۱۰. «شرح بر من لایحضره الفقیه».

ملّا محمّد صالح بیدگلی*

ملّا محمّد صالح بن احمد بیدگلی کاشانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است. در جرقویه اصفهان ساکن بوده و ظاهرا به تدریس ادبیات و تبلیغ دین و کتابت مشغول بوده است. او «شرح صمدیه» تألیف: عبدالعظیم بن محمّد بن عبدالغنی حسینی را در یکشنبه اوّل جمادی الاوّل ۱۲۱۶ق در جرقویه به خط نستعلیق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۳۰۲ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲) برادرش آخوند ملّا محمّد علی بیدگلی و فرزندش «محمّد تقی بن محمّد صالح» از فضلاء آن روزگار بوده و در قریه «پیکان» جرقویه سکونت داشته اند.

ملّا محمّد صالح روغنی قزوینی

ملّا محمّد صالح بن محمّد باقر روغنی قزوینی، [عالم فاضل، محدّث و ادیب دانشمند، از علمای قرن یازدهم هجری] در قزوین متولّد شده و در زادگاه خود و اصفهان به تحصیل پرداخته و از شاگردان میرداماد بوده است. وی سالها در اصفهان به تحصیل و تدریس و تألیف مشغول بوده و پس از چندی به مشهد مقدس رفته و تا آخر عمر آنجا بوده و ظاهرا در اوایل قرن دوازدهم هجری وفات یافته است.(۳)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۸۳؛ فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص ۳۸۸-۳۹۲.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۲۶۱.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۴ و ۴۵؛ امل الآمل، ج۲، ص۲۷۷؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۱۴۶۹ و ۱۴۷۰؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۴۳.

۱. «رساله در اکل آدم من الشّجره»(۱) ۲. «برکات المشهد المقدّس» در ترجمه «عیون اخبار الرّضا علیه السلام » که در سال ۱۰۷۵ق تألیف شده و در آخر گوید: «بر خود به عهد و قسم واجب کرده ام که تا آخر عمر از مشهد مقدّس خارج نشوم» [نسخه ای از این کتاب به شماره ۱۸۹۶ف در کتابخانه ملّی ایران موجود است که در سه شنبه ۲۱ شعبان ۱۰۷۷ق کتابت شده و ظاهرا به خط مؤلف است.(۲) نسخه دیگری به شماره ۵۴۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است که وجیه الدّین بن جلال الدّین در شوال ۱۰۸۱ق به خط نسخ کتابت کرده است.(۳)] ۳. «ترجمه توحید مُفَضَّل» که در صفر سال ۱۰۸۰ق تألیف شده است.(۴) [نسخه ای از آن به شماره ۷۴۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است که خطوط نستعلیق ترجمه آن به خط شمس الدّین محمّد رضوی و به تاریخ ۶ ربیع الاوّل ۱۰۸۱ق است.(۵)] ۴. «ترجمه صحیفه سجادیّه» [که از شرح و ترجمه مولانا بدیع الزّمان قهپایی در آن استفاده شده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه شیخ محمّد علی دَیّانی در بیرجند موجود است که محمّد تقی بن حاج غلامرضا مشهدی در جمعه ۱۷ صفر ۱۰۷۱ق آن را کتابت کرده است.(۶) در همان کتابخانه نسخه دیگری وجود دارد که در ۱۹ شعبان ۱۰۸۱ق کتابت شده است.(۷) نسخه ای هم در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم وجود دارد که محمّد هادی بن محمّد گیلانی آن را در یکشنبه ۱۹ صفر ۱۰۹۱ق کتابت کرده است.(۸)] ۵. «ترجمه عهدنامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام »که در سال ۱۰۸۱ق تمام شده است. [نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران و نسخه ای دیگر در کتابخانه مجلس شورا موجود است.(۹)]

۱- الذریعه، ج۱۱، ص۱۰۴.

۲- فهرست ملّی، ج۴، صص ۳۵۰ و ۳۵۱.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۴، صص ۲۳۱ و ۲۳۲.

۴- الذریعه، ج۴، ص۹۱.

۵- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۳۹.

۶- فهرست دیّانی، صص ۸۹ و ۹۰.

۷- فهرست دیّانی، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۸- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۳۴.

۹- الذریعه، ج۴، ص۱۱۹؛ فهرست مجلس، ج۱۴، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۶. «ترجمه و شـرح نهـج البلاـغه» [که در سال ۱۳۲۱ق در ایران به طبع رسیده است. ولی به اشتباه آن را به ملّـا صالـح برغانی قزوینی نسبت داده اند.(۱) مؤلف ابتدا شـرحی به عربی به نهج البلاغه افزوده است. نسخه خطی این کتاب که در سال ۱۰۸۸ق کتابت شـده، در مـدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۲)]۸. «شـرح صـحیفه سـجّادیه» به عربی که در سـال ۱۰۷۳ق به اتمـام رسیده است. [اصل شرح از مولانا رضا علی طالقانی بوده که ناتمام مانده و روغنی قزوینی آن را به پایان برده است. نسخه ای از این کتاب که در کتابخانه خورشـید گردیزی در مولتان پاکسـتان وجود دارد، به خط اسماعیل بن ذوالفقار و به تاریخ رجب ۱۰۸۶ق است.(۳)] ۱۰. [«کنوز العرفان و رموز اصـحاب الایقان»] در شرح برخی از اشعار مثنوی [نسخه ای ظاهرا به خطّ مؤلّف در کتابخانه امام صادق علیه السلـام قزوین موجود است و اخیرا به چاپ رسـیده است.(۴)] ۱۱. «شـرح دعای سمات» که نسخه ای از آن به شماره ۶/۱۳۱۵ به خط محمّد جدیدالاسـلام بن حسین خراسانی در قرن سیزدهم هجری کتابت شده است.(۵) ۱۲. «محـاکمه بیـن فقیر و غنی» [به فارسـی، در توضـیح جمله ای از «نهـج البلاـغه»] ۱۳. «منشـور (منثور) ادب الهی و دسـتورالعمل کارآگاهی» شـرح فارسی بر وصـیت حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام است به حضـرت مجتبی علیه السلام که بعد از جنگ صفین مرقوم فرموده. [نسـخه ای از آن در کتابخانه آیه اللّه نجفی اصفهان موجود است.] ۱۴. «مقامات» [که نسخه خطی آن در کتابخانه سیّد نصـراللّه تقوی در تهران وجود داشته است.(۶)] ۱۵. «نوادر الادب و العلوم» [که میرزا عبـداللّه افنـدی در «ریاض العلمـاء» در ذیـل شـرح حال ملّا حسـین واعظ کاشـفی آن را از مؤلّفات روغنی دانسـته است.(۷)] ۱۶. «ترجمه مناجات خمسـه عشر» به فارسی که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه

۱- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۲۸.

۲- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۲۸.

۳- فهرست خورشید گردیزی، ص ۳۰.

۴- فهرست امام صادق علیه السلام قزوین، صص ۲۱۴ و ۲۱۵.

۵- فهرست مرعشی، ج۳۴، ص۲۹۹.

۶- الذریعه، ج۲۲، ص۷.

۷- الذریعه، ج۲۴، ص۳۴۴.

مرعشی موجود است.(۱) ۱۷. «ترجمه فضائل ادعیه»، به عربی و فارسی در ۱۳ باب، که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲) ۱۸. «ترجمه کلمات قصار» یا «حکمت اسلام» به فارسی که به شماره ۹۲۳۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. به کوشش مرحوم محدث ارموی به چاپ رسیده است.(۳) ۱۹. «الامامه» که امامت را با استفاده از خطبه های نهج البلاغه اثبات کرده است. نسخه به خط مؤلف نزد سیّد میرزا هادی خراسانی حائری در کربلا موجود بوده است.(۴)

محمّد صالح بن پیرزاد

محمّد صالح بن پیرزاد [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۷۴ق از کتابت نسخه ای از کتاب «تحریر اکر نادوسیوس» به خط نسخ در اصفهان فراغت یافته و نسخه به شماره ۳۲۹۳ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۵)

[شاید او فرزند محمّد رفیع زاهدی معروف به «پیرزاده» (از شاگردان ملّا رجبعلی تبریزی) باشد.]

میر محمّد صالح آقا دگمه چین

میر محمّـد صالـح خاتون آبادی معروف به «آقا دگمه چین» بن سیّد جعفر بن میر محمّـد صالـح، عالم فاضل جلیل. [از علمای قرن سیزدهم هجری] در محلّه چهارسو علیقلی آقا از متفرّعات محلّه بیدآباد اصفهان ساکن و در مسجد علیقلی آقا امامت می نموده و به آقای دگمه چین (تکمه چین) مشهور بوده این شهرت تا این زمان در بین اعقاب او مشهور [است] در سال های اخیر کلمه «سادات» را نام خانوادگی خود قرار دادند.(۶)

۱- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۴۲۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۰، صص ۴۱۴ و ۴۱۵.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۱۶۶.

۴- الذریعه، ج۲، ص۳۲۸.

۵- فهرست ملک، ص۱۱۲.

۶- بیان المفاخر، ج۱، ص۲۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹؛ مرآت الاحوال جهان نما، صص ۱۰۴ و ۲۶۲ و ۲۶۶.

محمّد صالح باغ سهیلی

محمّـد صالـح بن حاج حسـنعلی باغ سـهیلی [از کاتبان اوایل عهد صـفویه] دو رساله از شـهید ثانی به نام های «رساله در حکم کسی که در محل ساکن است و...» و «رساله در طواف حائض» را در ربیع الاوّل سال ۱۰۰۱ق کتابت نموده است.(۱)

باغ سـهیل از محلّه های اصـفهان است و قبرستان باغ سهیل و شیرسبز در حوالی طوقچی، مقبره جماعتی از سادات گلستانه بوده که از بین رفته و در اراضـی ان در سالهای اخیر مسجد ساخته اند.(۲) [احتمالاً صاحب عنوان هم در این گورستان مدفون شده است.]

صالح اصفهانی

ابویوسف صالـح بن حمّاد بن عبـدالعزیز [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن سوم هجری [از «بکر به بکار قیسـی بصـری» روایت نموده و «اسحاق بن شاذه» از او حدیث نقل کرده است.(۳)

میرزا محمّد صالح مجلسی

میرزا محمّد صالح مجلسی معروف به «آقابزرگ» فرزند میرزا حیدرعلی بن میرزا عزیزاللّه بن میرزا محمّد تقی الماسی بن میرزا کـاظم بن میرزا عزیزاللّه بن ملّا محمّـد تقی مجلسـی، عـالم فاضل [در اوایل قرن سـیزدهم هجری] در اصـفهان ساکن بوده و به تحصیل

۱- الذریعه، ج۱۱، ص ۱۸۰؛ الروضه النّضره، ص ۲۸۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۵۰.

پرداخته و از پدر دانشمند خود اجازه دریافت نموده است.

مادر او دختر آقا محمّد هادی (ثانی) بن آقا محمّد علی بن آقا محمّد هادی (مترجم) بن ملّا محمّد صالح مازندرانی است.(۱)

محمّد صالح اصفهانی

محمّـد صالح بن محمّد رضا اصـفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است که در ۱۴ رمضان ۱۰۴۲ق نسخه ای از «شافیه» ابن حاجب را کتابت نموده و به شماره ۱۳۰۴۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

ملّا محمّد صالح اصفهانی

آخونـد ملّا محمّـد صالح بن رضاقلی اصـفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن یازدهم هجری. در خوبی ها و فضائل نفسانی ممتاز بوده و پس از وفات پدر، به جای او در مسـجد جامع جدید عباسـی (مسـجد شاه = مسـجد امام فعلی) در اصفهان پیشنماز شده است. وی در سال ۱۰۹۷ق در اصفهان وفات یافت.(۳)]

کتاب «عقاید المؤمنین» در اصول عقاید، به فارسـی در یک مقدمه و ۵ باب از تألیفات اوست که ضـمن مجموعه شماره ۴۳۸۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۴)

شیخ محمّد صالح بیدآبادی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۴۹؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۴۱.

۲- فهرست رضوی، ج۱۲، ص۱۱۲.

۳- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۲۳؛ اعیان الشیعه، ج۳۲، ص۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۹.

۴- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۹۳.

شیخ محمّد صالح بن شیخ زین العابدین بیدآبادی، عالم فاضل ادیب [از فضلای قرن سیزدهم هجری] او برادر میرزا محمّد طاهر دیباچه نگار (شعری) اصفهانی است او از سلسله مشایخ بیدآباد و از اعقاب شیخ زاهد گیلانی بوده و در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و دانش تلمّذ نموده و خدمت مرحوم حجه الاسلام شفتی و دیگران را درک نموده سپس به طهران رفته و آنجا در مدرسه دارالفنون به تدریس علوم ادبی و غیره پرداخته و هم در مسجد دارالفنون امامت می نموده و تا سال تألیف گنج شایگان یعنی سال ۱۲۷۳ ق حیات داشته است.(۱)

ملّا محمّد صالح زجاجی

مولی محمّد صالح زجاجی بن سلطان محمّد اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در نسخه ای از «تهذیب الوصول» تألیف: علّامه حلّی که در سال ۹۵۳ق کتابت شده و دارای حواشی است یکی از حواشی از: محمّد صالح بن سلطان محمّد اصفهانی است که در سه شنبه ۱۰ شعبان سال ۰۰۹ (ارقام عشرات و مآت از بین رفته است). نسخه به شماره ۸۰۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[وی به توسط وکیلش شیخ یونس صیمری جزائری به علی بن محمّد خوراسکانی سفارش کتابت نسخه «تهذیب الاحکام» را داده و خوراسکانی در سال ۱۰۰۸ق آنرا نوشته و زُجاجی در سفر مشهد مقدس در دهه اوّل صفر ۱۰۱۳ق آن را مقابله کرده است.(۳)]

محمّد صالح هفشوئی اصفهانی*

محمّد صالح بن پیر سلیمان هفشوئی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است.

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص ۳۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۲؛ گنج شایگان (چاپ سنگی)، صص ۴۸۵-۴۸۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۵، ص۱۶۶۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۱۰۱.

پـدرش از فضـلاء و ادبـاء اصـفهان و از اهـالی قریه «هَفشویه» از بلوک قُهـاب جی اصـفهان بوده است. او نسـخه ای از «مشارق الانوار الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام » تألیف: شیخ رجب برسی را به خط نسخ در ۱۹ رمضان ۱۰۷۶ق کتابت کرده که به شماره ۹۵۲۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)

محمّد صالح اصفهانی*

محمّد صالح بن حاج محمّد شـفیع اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از «انساب النّواصب» تألیف: علی استرآبادی را در یکشنبه ۱۱ شوال ۱۰۸۳ق به خط نسخ کتابت کرده که در مدرسه غرب همدان موجود بوده است.(۲)

صالح اصفهانی

ابوالفضل صالـح بن صباح اصـفهانی، از محـدّثین اصـفهان است. او از «ابن عُینیه» روایت می کنـد. حسن بن سـلم نیز از صالح اصفهانی نقل حدیث کرده است.

شیخ ابومسعود رازی گفته است که صالح مستجاب الدّعوه بوده است.(۳)

ملّا محمّد صالح مازندرانی

ملّا محمّـد صالـح بن ملّا محمّـد طاهر مازندرانی، عالم فاضل، متوفی ۱۰ ربیع الثانی ۱۱۹۰ق و مدفون نزدیک قبر ملّا اسـماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان.(۴)

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۷۵۶؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۲۶.

۲- فهرست غرب، ص۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۸.

۴- رجـال اصـفهان یـا تـذکره القبور، ص۲۱۷؛ دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۲، ص۷۲۶؛ سـیری در تاریـخ تخت فولاـد، ص۳۸۵.

ملّا محمّد صالح (آقابزرگ) مازندرانی

ملّا محمّد صالح معروف به «آقابزرگ» فرزند ملّا عبدالباقی بن ملّا محمّد صالح ساروی مازندرانی، عالم فاضل محقق [از علمای قرن دوازدهم هجری] در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای اصفهان تحصیل کرده و از عمویش آقا محمّد هادی مترجم روایت نموده است. او در اوایل جوانی به هند رفته و مورد توجّه و احترام اعیان و فضلاء آن دیار واقع شده و عاقبت در بنگاله ساکن شده و به تبلیغ دین و تدریس مشغول شد. مولی عبدالغنی بن ابی طالب کشمیری از او اجازه نقل حدیث گرفته است. ظاهرا وی قبل از سال ۱۱۹۴ق وفات یافته است. از تألیفات او «تهذیب الاخلاق» یا «اخلاق محمّد صالح» است.(۱)

میر محمّد صالح خاتون آبادی

میر محمّد صالح بن میر عبدالواسع بن میر محمّد صالح بن میر محمّد اسماعیل (شاهمراد) حسینی خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محقّق، محدّث و مفسر جلیل القدر. در سال ۱۰۵۸ق در خاندان علم و فضیلت در اصفهان متولّد شده و سال ها نزد علمای عالیقدر خصوصا ملّا میرزا شیروانی، علّامه مجلسی و آقا حسین خوانساری علوم عقلی و نقلی را آموخته و به مراتب عالی علم و فضیلت نائل شد.

او همچنین از استادش علّامه مجلسی در سال ۱۰۸۵ق و نیز ملّا ابوالحسن فتونی عاملی و شیخ احمد بن اسماعیل جزایری اجازه کسب نموده است.

او صبیّه علّامه مجلسی را به زوجیّت داشته و از آن مخدّره صاحب فرزندانی شده که از آن جمله است میر محمّد حسین خاتون آبادی او پس از وفات علّامه مجلسی در سال

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷؛ مرآت الاحوال جهان نما، صص ۱۳۴ و ۲۷۱؛ فیض قدسی، ص۲۱۷؛ الذریعه، ج۱، ص۳۷۵ و ج۴، ص۵۰۷ و ج۵، ص۵۴؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۵۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۷۵ و ۳۷۶.

۱۱۱۰ق امام جمعه اصفهان و در سال ۱۱۱۵ق به امر شاه سلطان حسین صفوی به منصب شیخ الاسلامی اصفهان منصوب شد.

او سالها در اصفهان به اقامه جماعت، تدریس، نهی از منکر، ترویج شریعت و تحقیق و تألیف مشغول بوده تا اینکه در سال ۱۱۲۶ق در اصفهان وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در حرم مطهر حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام مدفون شده است. در برخی مواضع وفاتش را ۱۱۱۶ق نوشته اند که اشتباه است.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اثبات عصمت انبیاء علیهم السلام »۲. «احوال الملائکه»، کتابی بزرگ است.۳. «اسرار الصّلاه»۴. «رساله در ذکر اسماء علمایی که سنّی بودند و سپس شیعه شدند»۵. «اصول العقائد»۶. «الانوار المشرقه»۷. «ایمان و کفر»۸. «تفسیر سوره فاتحه و توحید»۹. «التّقویم الشرعّی» که در سال ۱۱۱۰ق تألیف شده و تاریخ آن را [نورالدّین کاشانی متخلّص به] نجیب شاعر ضمن قطعه ای گفته است:

نجیب از پی ساعت نحس دیدن چو تاریخ شد به آیین تقوی

برآورد (جزوی) ز (تقویم شرعی) برآورد (جزوی)

۲۶-۱۱۳۶=۱۱۱۰

[نسخه های مختلفی از کتاب «تقویم شرعی» در کتابخانه های آیت اللّه مرعشی، ملک، مجلس شورا، دانشکده الهیات تهران و دانشکده الهیات مشهد موجود است.

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۵۵؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۲۰۹ و ۳۵۸ و ۳۵۹؛ مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، ص۱۲۳؛ فیض قدسی، ص۱۴۸؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۴۶؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۶۸ و ۳۶۹؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۱۰۲؛ معجم المؤلفین، ج۱۰، ص۸۴؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ مصفی المقال، ص۲۰۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۲۸۸ و ۲۸۹ و ج۲، صص ۴۶ و ۴۷؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۲۶ و ۷۲۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۵۴-۵۷؛ نجوم السماء، ص۲۰۹؛ نابغه فقه و حدیث، صص ۳۷۰-۳۷۶؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۶۶-۳۷۴؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۶۴-۱۶۶.

نسخه اصل به خط مؤلف که در جمادی الاوّل ۱۱۱۱ق تحریر شده در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است.(۱)] ۱۰. «تقویم المؤمنین» [در یک مقدمه و ۱۴ باب و یک خاتمه و به فارسی تألیف شده است. نسخه ای از آن به خط مؤلف به ضمیمه «تقویم شرعی» در کتابخانه دانشکده الهیات تهران و نسخه ای دیگر به شماره ۳/۴۱۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)] ۱۱. «تکمله مرآت العقول» ۱۲. «التهلیلیه» در حکم تهلیل آخر اقامه ۱۳. «الجامع فی الاصول و العقائد» ۱۴. «حدائق المقرّبین» معروف ترین تألیف او، به فارسی [در فضیلت بعضی از ملائکه بر بعضی دیگر و فضیلت انبیاء بر ملائکه و فضیلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر تمام موجودات. کتاب به نام شاه سلطان حسین صفوی در ۵ حدیقه و در رمضان ۱۱۱۵ق تألیف شده است. دو نسخه از این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی یک نسخه در کتابخانه مرحوم سیّد ضیاءالدّین علّامه در اصفهان و نسخه ای هم در کتابخانه علّامه مفضال سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است و این ۴ نسخه جملگی در دوره قاجار کتابت شده اند.(۳)] ۱۵. «الحدیقه السلیمانیّه» ۱۶. «خلف الوعد» ۱۷. «ذریعه النّجاح» به زبان فارسی، در اعمال سال، که در زمان شاه سلیمان صفوی تألیف شده است [کتاب در یک مقدمه و ۱۲ باب و یک خاتمه در سال ۱۰۸۸ق تألیف شده و نسخه هایی از آن در کتابخانه های آیت اللّه مرعشی، آیت اللّه گلپایگانی، مدرسه فیضیه در قم، آیت اللّه روضاتی در اصفهان، وزیری یزد، آستان قدس رضوی در مشهد، فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان، آیت اللّه جلیلی در کرمانشاه و آصفیه موجود است. نسخه کتابخانه آصفیه در سال ۱۱۱۰ق کتابت شده و نسخه کتابخانه آیت اللّه حاج سیّد محمّد

۱- الذریعه، ج۴، ص۳۹۷؛ فهرست ملک، ج۸، ص۴۹۳؛ فهرست مجلس، ج۷، ص ۵۲ و ۲۷۵؛ فهرست الهیات تهران، صص ۳۰۱ و ۳۰۲؛ فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۶۰۴.

۲- فهرست الهیات تهران، ص۳۰۱ و ۳۰۲؛ فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۱۴۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۳۰۹ و ج۱۸، ص۳۳۰؛ فهرست سه کتابخانه اصفهان، صص ۱۴۳ و ۱۴۶؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۴۶.

علی روضاتی، به دست عنایت اللّه حسینی نهاوندی در سال ۱۱۰۱ق و نسخه شماره ۱۴۹۱۲ کتابخانه آیت اللّه مرعشی به دست سیّد محمّد مهدی حسینی در سال ۱۱۰۲ق کتابت شده که همگی در زمان حیات مؤلف بوده اند.[(۱)] ۱۸. «روادع النّفوس در اخلاق» [که به فارسی در سال ۱۰۹۲ق در یک مقدمه و ۳ باب و خاتمه تألیف شده و نسخه هایی از آن در کتابخانه های خوانساری در نجف اشرف، سیّد مرتضی بن علم الهدی حسینی طالقانی و مرکز احیاء اسلامی و آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. قدیمی ترین نسخه ها یکی متعلق به کتابخانه آیت اللّه روضاتی در اصفهان که ظاهرا عبدالوهاب دماوندی آن را در سال ۱۱۰۵ق کتابت کرده و دیگری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی که محمّد صادق بن علی ابهری در سال ۱۱۰۴ق کتابت نموده است.[(۲)] ۱۹. «شرح بر استبصار» ۲۰. «شرح بر من لایحضره الفقیه» [که نسخه ای از آن به خط احمد بن محمّد مهدی شریف خاتون آبادی به عنوان «حاشیه من لایحضره الفقیه» در کتابخانه علّامه محقّق سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است.[(۳)] ۲۱. «کشف النقّاب» [که نسخه ای از آن که در سال ۱۱۲۸ق کتابت شده، در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود بوده است.[(۴)] ۲۲. «کتاب المزار» ۲۳. «النّجم الثّاثب فی اثبات الواجب» ۲۴. «الهلالیه» [فی حکم اثبات رؤیه الهلال بحکم الحاکم] که در سال ۱۱۲۸ق کتابت شده و در مجموعه ای در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود است.[(۵)] ۲۵. «آداب السّنّیه» درباره چگونگی رفتار با بردگان، به فارسی، دارای سه

۱- فهرست مختصر گلپایگانی، ج۱، ص۳۳۸؛ فهرست مرعشی، ج۳۷، ص ۵۵۴ و ج۴، صص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ فهرست فیضیه، ج۲، ص۶۰؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۸۷؛ فهرست مرعشی، ج۱، صص ۴۱۳ و ۴۱۴؛ فهرست الفبایی رضوی، ص۲۷۲؛ فهرست ارشاد کاشان، ص۹۳؛ فهرست جلیلی، ص۱۱۹؛ فهرست وزیری، ج۲، ص۶۱۶.

۲- الذریعه، ج۱۱، ص۲۵۶؛ فهرست خطی احیاء، ج۷، ص۲۵۱؛ فهرست مرعشی، ج۵، صص ۲۹۹ و ۳۰۰؛ فهرست مجلس، ج۶، ص۱۸۹؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، صص ۴۱۵ و ۴۱۶.

۳- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۳۴.

۴- الذریعه، ج۱۸، ص۶۵.

۵- الذریعه، ج۲۵، ص ۲۳۹ و ج۱۱، ص ۱۶۰؛ فهرست خطی احیاء، ج۲، ص۴۵.

مقاله و هر مقاله چند باب که در سال ۱۱۲۰ق تألیف شده است. نسخه اصل به خط مؤلف به شماره ۳۶۱۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. نسخه ای هم در کتابخانه علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است.(۱) ۲۶. «برق و صاعقه» به فارسی، که نسخه اصل به خط مؤلف به شماره ۲/۴۱۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) ۲۷. «حدائق الجنان» در زیارات حضرات معصومین علیهم السلام که به فارسی و به نام شاه سلطان حسین در سال ۱۱۱۳ق تألیف شده و شامل یک مقدمه و ۷ حدیقه و یک خاتمه است و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم به شماره ۶۲۴۲ موجود است.(۳) ۲۸. «رساله در اختلاجات» که حدیثی از امام صادق علیه السلام در این موضوع را شرح نموده است. نسخه آن نزد مرحوم آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود بوده است.(۴) ۲۹. «زینه المتقین» درباره اخلاق، به فارسی، در یک مقدمه و ۱۲ باب و یک خاتمه که نسخه اصل به خط مؤلف به شماره ۱/۴۱۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۵) ۳۰. «شرح حدیث الهلال» که در باب نوادر کتاب «تهذیب» آمده است. این نسخه در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود بوده است.(۶)

شیخ محمّد صالح جزه ای قهپائی

شیخ محمّد صالح بن علی جِزِه ای قهپائی اصفهانی، عالم فاضل در قرن یازدهم هجری در اصفهان بوده و بر روی نسخه ای از «ارشاد القلوب» دیلمی در سال ۱۰۲۴ق تملک خود را نوشته است. نسخه به نظر شیخ آقابزرگ طهرانی رسیده است.(۷)

[جِزِه (به کسر جیم و زاء) از دهات کوهپایه اصفهان است.]

۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج ۱، ص ۹؛ فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص ۱۰.

۲- فهرست مرعشی، ج ۱۱، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۶، ص ۲۲۹.

۴- الذریعه، ج ۱۱، ص ۴۱.

۵- فهرست مرعشی، ج ۱۱، ص ۱۴۳.

۶- الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۰۹.

۷- الذریعه، ج ۱، ص ۵۱۷.

محمّد صالح کاتب خاتون آبادی*

محمّد صالح بن میرزا علی کاتب خاتون آبادی، خوشنویس هنرمند عهد صفویّه. درا صفهان نزد میرعماد مشق خط کرده و به سرعت ترقّی نمود و سالها به کتابت کُتُب شعر و ادب مشغول بود. او ظاهرا تا حدود سال ۱۰۷۲ق در قید حیات بوده و پس از آن تاریخ وفات یافته است.

از نمونه آثار زیبای او: «دیوان حافظ» و «دیوان عرفی»، در کتابخانه ملّی ایران و «نگارستان» و «دیوان صائب» در کتابخانه سلطنتی سابق را می توان نام برد.(۱)

خاتون آباد، از روستاهای جی در شرق اصفهان است و در دوره صفویه بیش از پنجاه خوشنویس هنرمند از این روستا برخاسته اند.

محمّد صالح اصفهانی

محمّد صالح بن محمّد علی اصفهانی [از خوشنویسان نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری] در پنج شنبه ۲ رجب ۱۲۲۵ق «دیوان مشتاق اصفهانی» را به خط نستعلیق نوشته و کتاب به شماره ۷۴۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

میرزا محمّد صالح سامع مازندرانی*

میرزا محمّـد صالح مازندرانی معروف به «سامعا» و متخلّص به «سامع» فرزند حاجی محمّـد علی، شاعر و ادیب فاضل از سخنوران قرن یازدهم هجری.

نسب او به جناب ابراهیم بن مالک اشتر نخعی منتهی می شود. وی در علوم مختلف

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۷۷۴ و ۷۷۵؛ فهرست ملّی، ج۵، صص ۵۰۶ و ۴۳۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۱۳۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۴۳.

خصوصا ادبیات، حکمت و کلام به تحصیل پرداخته و در اصفهان ساکن شد و از معاشران و مصاحبان ساروتقی (میرزا تقی الدّین محمّد) وزیر اعظم شاه صفی گردید و مادام حیات تحت عنایات این وزیر بود. پس از قتل ساروتقی، آزرده خاطر شده به هندوستان رفت و در حیدرآباد به خدمت عبداللّه قطبشاه پادشاه دکن رسید و مورد عنایت او قرار گرفت و در مدح او قصیده گفته و صله گرفت. چند سال بعد به ایران بازگشته و در سال ۱۰۷۵ق وارد اصفهان شد. و در آنجا بود تا اینکه قبل از سال ۱۰۸۳ق وفات یافت.

از اوست:

عکس رویت در نظرها شمع و در دلها گل است باده در پیمانه خورشید است و در مینا گل است

همچو شاخ ارغوان، معشوق آتش پاره ام پای تا سر شعله سوزان و سر تا پا گل است(۱)

صالح قصار

ابوشعیب صالح بن عمر قصّار اصفهانی، از محدّثین اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و از رُسته حدیث شنیده است. عبدالرّحمان بن محمّد بن سیاه از او روایت می کند.(۲)

صالح گیلانی

صالح بن غلامعلی جیلانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۴۱ق «شرح کلمه العین» تألیف: انوری را به خط نستعلیق در مدرسه چهارباغ اصفهان کتابت نموده که به شماره ۱۲۱۷ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۳)

۱- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۷۷ و ۷۸؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۵۴۰؛ کاروان هند، ج۱، ص ۵۳۱؛ الذریعه، ج۹، ص ۴۲۲؛ شعرای مازندران و گرگان، ص ۱۴۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۵۰.

۳- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص ۱۶۳.

محمّد صالح خاتون آبادی

محمّد صالح خاتون آبادی فرزند محمّد کاظم [از خوشنویسان معروف عهد صفویه است. خطوط نستعلیق و نسخ را خوش می نوشته و اغلب کتب متعلق به علماء و اعیان اصفهان را به خط زیبای خود کتابت می کرده است. اصلاً از اهالی قریه «خاتون آباد» جی اصفهان است و ظاهرا اوایل قرن دوازدهم هجری را هم درک کرده است.(۱)]

۱. در سال ۱۰۹۵ق کتاب «نوحه الاحزان» تألیف: محمّد یوسف دهخوارقانی را به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۱۷۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم نگهداری می شود.(۲) [۲. کتاب «حبیب السیر» تألیف: غیاث الدّین محمّد خواندمیر» که به خط نستعلیق در سال ۱۰۷۵ق کتابت کرده و به شماره ۲۶۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)] ۳. کتاب «خلاصه السیر» تألیف: میرزا معصوم بن خواجگی اصفهانی که آنرا در رمضان ۱۰۷۰ق کتابت کرده و به شماره ۴۲۲۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۴)

ملّا محمّد صالح جویباره ای

ملّا محمّد صالح جویباره ای بن ملّا محسن مازندرانی، عالم فاضل و فقیه محقق [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری. ظاهرا از اعقاب ملّا محمّد فاضل سراب تنکابنی عالم مشهور عصر صفویّه است.]

در اصفهان متولّد شده و جهت تحصیل به عتبات عالیات رفته و از درس شریف

۱- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۱۸.

۳- فهرست مجلس، ج۲۱، ص۶۶.

۴- فهرست رضوی، ج۷، ص ۸۰.

العلماء مازندرانی، شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء بهره برده و به اجتهاد نائل شده و به اصفهان مراجعت نمود. در آنجا مرجعیت کلی یافته و به دامادی سیّد صدرالدّین عاملی استاد خود مفتخر گردید [در مسجد شیره پزها امامت و قضاوت می نمود. از دوستان حاج محمّد جعفر آباده ای بوده است]. عاقبت او در [شب شنبه[غرّه محرم ۱۲۸۵ق وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. دو فرزندش شیخ محمّد حسین جویباره ای و حاج میرزا مهدی از علمای اصفهان بوده اند.

[میرزا آقاجان پرتو مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

حیف از مقتدای دین صالح که یگانه بد از صلاح و سرشت

گفت «پرتو» برای تاریخش: «صالحین را مقام باد بهشت»(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اصول فقه» در یک مُجَلَّد، شامل مباحث الفاظ و اَدِلّه عقلیّه، که ظاهرا مسوّده کتاب «کواشف الحجب» است. نسخه اصل به خط مؤلّف در کتابخانه سیّد محمّد طباطبائی یزدی در نجف موجود بوده که سیّد محمّد علی بحرالعلوم آن را خریداری کرده است.(۲) [۲. «رساله فی جواز الغسل للحائض الذی صارت جنبا» ۳. «رساله فی الاقرار» ۴. «سؤال و جواب»۵. «العشره الکامله» (چهار کتاب اخیر در کتابخانه فاضل ارجمند آقای سیّد احمد روضاتی در اصفهان موجود است).(۳)]۶. «قواعد الشّریفیّه» یا «تقریرات درس شریف العلماء» موجود در کتابخانه مدرسه مروی در تهران.(۴)۷. «رساله صحیح و

۱- الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۷۲؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۲۷ و ۷۲۸؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۷۱ و ۲۷۲؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۵۱؛ الذریعه، ج۱۸، ص۱۷۷؛ گلشن اهل سلوک، صص ۷۹-۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۵.

۲- الذریعه، ج۲، ص۲۰۵.

۳- فهرست روضاتی، صص ۱۱۵ و ۱۷.

۴- فهرست مروی، ص۲۸۸.

اعـم» موجـود در کتابخـانه مـدرسه مروی تهران(۱)۸. «کواشـف الحجـب عـن مشـکلات الکتـب»، در اصـول فقـه، بـه عربی، مشـهورترین تـألیف صـاحب عنوان، [در دو جزء که در سـال ۱۲۴۷ق تـألیف شـده است. نسـخه هـای مختلفی از این کتاب در کتابخانه ها موجود است. از جمله نسخه ای در کتابخانه عمومی ساری که در ماه رمضان ۱۲۵۲ق کتابت شده و دارای حواشی مؤلف است و با نسـخه اصل مقابله شـده است.(۲) نسـخه ای هم در کتابخانه آسـتان قدس رضوی (به شـماره ۱۱۳۲۳) موجود است.(۳) نسـخه دیگری از جلد اوّل کتاب ضـمن مجموعه شماره ۴۵۱۰ در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی در قم موجود است که آن را محمّد ابراهیم بن محمّد اسـماعیل بن محمّد جعفر خراسانی در پنج شنبه ۲۱ محرم سال ۱۲۵۲ق در اصفهان به خط نسخ کتابت کرده است.(۴)]

صالح ثقفی

صالـح بن محمّـد بن سـعید ثقفی، از محـدّثین [قرن سوم هجری] اصـفهان است. در روایت حدیث ثقه بوده و از سـلمه و شـیخ ابومسعود رازی و دیگران نقل حدیث کرده است.(۵)

[ظاهرا او برادر ابراهیم بن محمّد بن سـعید ثقفی کوفی محدّث شـیعی است که در اصـفهان می زیسته است. در این صورت او نیز مانند برادرش شیعه بوده است.]

صالح سلامی

صالـح بن محمّـد بن عبـدالائمه سـلامی [از فضـلاء قرن دهم هجری سـاکن اصـفهان] دو جلـد کتاب از مجموعه شـماره ۶۸۹۶ کتابخانه آیت اللّه مرعشی را به خط نسخ در سال

۱- فهرست مروی، ص۲۸۸.

۲- فهرست عمومی ساری، ص۴۸.

۳- فهرست رضوی، ج۱۶، ص۳۹۲.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۸۶.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۹؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۳۸۳.

۹۹۵ق کتابت نموده است.(۱)

میرزا محمّد صالح ابهری اصفهانی*

میرزا محمّد صالح بن محمّد بن میرزا علی ابهری جی اصفهانی، از فضلاء و دانشمندان قرن یازدهم هجری است. خاندان او اغلب از کاتبان ماهر و پرکار آن روزگار بوده اند و به حُسن خط و سرعت قلم شهرت داشته اند.(۲) میرزا محمّد صالح در اصفهان نزد عدّه ای از علماء از جمله ملّا محمّد تقی مجلسی به تحصیل پرداخته و مجلسی جهت او در آخر «مشیخه» از کتاب «من لایحضره الفقیه»، در سال ۱۰۵۲ق اجازه نوشته است.(۳)

محمّد صالح اصفهانی*

محمّد صالح بن مطیع اللّه اصفهانی، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. وی نسخه ای از «تحریر مجسطی» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی را به خط نستعلیق در سال ۱۰۵۶ق کتابت کرده است که به شماره ۴۱۱ط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۴)

محمّد صالح تبریزی*

محمّد صالح بیگ تبریزی اصفهانی فرزند میرزا مؤمن بن خواجه میرزا بیگ تبریزی، از شعرای قرن یازدهم هجری. به همراه پدرش و برادرش میرزا امین ساکت به مشهد رفته و چندی در آن دیار بود. سپس به اصفهان آمد. آنگاه برای دیدار برادرش میرزا امین به هند رفت ولی در بازگشت به ایران کِشتی او دچار توفان شد و او به زحمت خود را نجات

۱- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۹۰.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: مخطوط.

۳- الروضه النّضره، ص۲۷۹.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص۱۳۵.

داده و چندی به بلاد فرنگ رفت. عاقبت به اصفهان آمده و ظاهرا تا آخر عمر در این شهر زندگی کرد. این رباعی از اوست:

هرگز نشنفت این دل زار از طرفی نشنید نوید وصل یار از طرفی

القصّه مرا کشاکش دارند یار از طرفی و روزگار از طرفی(۱)

صالح خراسانی

ابوسفیان صالح بن مهران خراسانی الاصل [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] او مولای زکریا بن مصقله بن هبیره بوده و اهل تقوی و ورع و به علت گفتن سخنان حکیمانه به حکیم معروف بوده است. جمعی از محدّثین از او روایت کرده اند که از آن جمله اند: «عمرو بن علی»، «محمّد بن عاصم» و «اُسید بن عاصم».(۲)

محمّد صالح حسینی مازندرانی

محمّد صالح حسینی مازندرانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری و ساکن اصفهان] در جمادی الاولی ۱۲۳۵ق نسخه ای از «اسفار» ملّا صدرا را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته است و کتاب به شماره ۲۹۰۰ در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۳)

شیخ صالح رستمی

شیخ صالح رستمی [از محدّثین عامه اصفهان است] او در سال ۵۶۲ق در اصفهان وفات یافت.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹۲؛ منتخب اللّطایف، ص۳۹۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۷؛ طبقات المحدّثین، ج۲، صص ۲۴۱-۲۴۳؛ الجرح و التّعدیل، ج۴، ص۱۸۱۵؛ الانساب، ج۴، ص۲۰۸.

۳- فهرست ملک، ص۲۶۶.

۴- آگهی شهان از کار جهان، ج۱، ص۲۵۲.

محمّد صالح رنگرز

محمّد صالح اصفهانی، از شعرای قرن یازدهم هجری. ابتدا به شغل رنگرزی (صبّاغی) مشغول بوده، سپس آن شغل را ترک کرده، بابائی قهوه خانه را قبول کرده است.

این رباعی از اوست:

در بحر یقین درآ که تحقیق بَس است گرداب درو چو دام و کشتی قَفَس است

هر گوش صدف حلقه چشمی است پر آب هر موج اشاره ای ز ابروی کَس است(۱)

محمّد صالح زرکش شیرازی*

محمّد صالح شیرازی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. او پس از مقداری تحصیل مقدّمات، در شیراز به زرکشی مشغول بود. عاقبت به اصفهان آمده و آنجا وفات یافت. این رباعی از اوست:

در آتش عشق او کبابم کردند تعمیر طلب شدم خرابم کردند

گفتم بنمائید به من خصم مرا هم صحبت آیینه و آبم کردند(۲)

محمّد صالح لنبانی

درویش محمّد صالح لنبانی اصفهانی، عارف سالک [در قرن یازدهم هجری] سالها به عبادت و ریاضت مشغول بوده و بسیاری از فضلاء و اعیان اصفهان مرید او بودند. ابتدا

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۶۰۵ و ۶۰۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۶۱۰؛ تذکره مرآه الفصاحه، ص۳۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۴۶۳؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، ص ۴۲۰.

در تکیه ای جنب مسجد لنبان ساکن بود. سپس شاه عباس ثانی در کنار نهر طاق نما برای او تکیه مصفّایی ساخت و کمی بعد [در سال ۱۰۷۳ق] وفات یافته و همانجا مدفون شد. [محل تکیه درویش صالح فعلاً به آرامگاه صائب شهرت دارد و از قبر درویش صالح در آنجا اثری نیست.]

از اوست:

مطرب جان می نوازد سازها می رسد در گوش جان آوازها

بس که ناز نازنینان می کشم می کنم بر ناز نازنینان نازها(۱)

میرزا صالح منشی*

میرزا صالح منشی، شاعر و ادیب و منشی قرن یازدهم هجری. او برادرزاده اسکندربیک منشی (ترکمان) مؤلّف کتاب «تاریخ عالم آرای عباسی» است. در جوانی به مناصب اداری به مجالست و معاشرت با شعراء می پرداخت و آنان را با کمک های خود می نواخت. امّا در اواخر عمر به خاطر سخت گیری مأموران دولتی به فقر و بیچارگی مبتلا شده و مبلغ اندکی مستمرّی جهت او معیّن شد و او در اثر غصّه از این وضع در شهر اصفهان وفات یافت.

غزل و قصیده و مادّه تاریخ را نیکو می گفته و در نظم و نثر مهارت داشته و مجموعه ای از نظم و نثر معاصرانش را فراهم کرده بود.

این رباعی از اوست:

ای مصرع انتخاب دیوان وفا چون شعر بدیهه از در لطف درآ

در آینه باطن خود کن نظری گر چشم به راه تو نباشیم میا(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۰۱؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۰؛ الذریعه، ج۹، ص۳۲۳.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ الروضه النّضره، ص۲۹۰؛ تذکره روز روشن، ص۴۶۳.

محمّد صالح مولوی*

محمّد صالح اصفهانی مولوی، از خوشنویسان برجسته عهد شاه عباس اوّل صفوی است. خط ثلث را عالی می نوشته و خطوط ثلث کتیبه کاشیکاری محراب نفیس مرمرین مسجد شاه [مسجد امام] و کتیبه کاشیکاری سردر بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد اصفهان به سال ۱۰۳۹ق از آثار هنری ارزشمند اوست.(۱)

ملّا محمّد صالح نسبت شوشتری

ملّا محمّد صالح شوشتری، از فضلاء و شعرای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده و در شعر طبعی روان داشته و «نسبت» تخلّص می نموده است.

از اوست:

آب تیغت را مگر از آتش گل داده اند بر سر زخم تو بلبل می خورد خون مرا(۲)

محمّد صالح وامق اصفهانی

محمّد صالح وامق اصفهانی، از شعراء و ادبای اوایل عهد قاجاریه است. به انسانیّت و اخلاق فاضله معروف بود و با تجارت امرار معاش می کرد. دیوان او حدود چهار هزار بیت شعر دارد. سال وفاتش به دست نیامد.

از اوست:

رشکم آید که دهد گوش به حرف دگران گر بود یک سخن و آنهم از افسانه ما

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۴۹۵ و ۴۴۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۲۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۰۵.

گشته دیوانه و سنگی نخورد از طفلی کس به حسرت نبود چون دل دیوانه ما

«وامق» از یک دو سه پیمانه خرابش کردیم هر که آمد پی ویرانی میخانه ما(۱)

جمال الدّین محمّد صالح هزارجریبی

جمال الدّین محمّد صالح هزارجریبی [مازندرانی] از فضلای اصفهان در قرن یازدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای از «من لایحضره الفقیه» که کتابت آن را در یک شنبه ۱۷ شعبان ۱۰۸۷ق در مدرسه نواب عِلیّه [اصفهان] به پایان رسانیده است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۴۶۹۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۲)

صائب کاشانی

صائب کاشانی معروف به «میرزا صائبا» از شعرای قرن دوازدهم هجری و از اهالی کاشان است. در اصفهان سکونت داشته و در این شهر وفات یافته است شعر نیکو می سرود.

از اوست:

از سینه و دل ما نشنید کس صدایی مردیم از جدایی، ای سنگدل کجایی(۳)

[در ذکره صحف ابراهیم، او را به عنوان «محمّد رضا صبای کاشانی» ذکر کرده، ولی نمی توان به این مطلب اعتماد کرد.]

۱- تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۱۵۵؛ تذکره دلگشا، ص۵۳۱؛ تذکره شبستان، ص۳۹۰؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۳۰۳؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۹۷۲؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۶۴۰ و ۶۴۱؛ تذکره اختر، ص۲۲۷؛ تذکره سفینه المحمود، ص۲۲۵.

۲- فهرست مجلس، ج۱۳، ص۸۰.

۳- تذکره المعاصرین، ص۲۲۱؛ مردان بزرگ کاشان، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۱؛ تذکره صحف ابراهیم، ص۱۷۰.

صائب مستعد رازی*

آقا صائبا رازی اصفهانی متخلّص به «مستعد» شاعر ادیب قرن دوازدهم هجری.

اصلًا از اهالی ری بوده ولی در اصفهان نشو و نما یافت و علم و ادب آموخت. در عهد حکومت عالمگیر پادشاه، به هند رفته و در دکن ساکن شد. او خوب روی و نیکوسیرت و بذله گو بوده و شعر نیکو می سروده است. لذا اُمرای دکن به او عنایت فراوان داشته اند و یکی از آنان: نواب نظام الدّوله او را به «مستعدخان» ملّقب ساخت. به این خاطر او «مستعد» و «مستعدّ فنا» تخلّص می کرد.

او عاقبت در آخر عمر به شوریدگی و جنون مبتلا شد و معالجات فایده ای نبخشید تا این که در سال ۱۱۶۳ق وفات یافت. «دیوان اشعار» او در دست نیست. مرحوم گلچین معانی حدود هفتاد و هفت بیت اشعار او را به ضمیمه نسخه خطی «دیوان امید همدانی» دیده است.

این چند بیت از اوست:

تا یاد زلف او به برم جلوه می کند سودای طرفه ای به سرم جلوه می کند

تا چشم می زنم به هم از یاد اصفهان زاینده رود در نظرم جلوه می کند

برق هزار خرمن هوش است «مستعد» این سوز دل که از شررم جلوه می کند(۱)

صاین الدّین اصفهانی

حافظ صاین الدّین بن غزال اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری] از «حافظ ابونعیم اصفهانی» روایت می کند و «شیخ نجم الدّین عثمان بن موفّق اردکانی» از وی حدیث شنیده و نقل می کند.(۲)

۱- کاروان هند، ج۲، صص ۱۲۸۷-۱۲۹۰.

۲- احقاق الحق، ج۶، ص۲۹.

صباح اصفهانی

صباح بن سالم اصفهانی [از محدثین عامّه اصفهان در قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری است] از انس به مالك حدیث نقل کرده و حجّاج بن یوسف از او روایت می کند.(۱)

صباغ اصفهانی

ابوالخیر صباغ بن شعبه اصفهانی [از محدّثین عامّه در اواخر قرن پنجم هجری] از «ابوبکر زنجوئی» روایت می کند.(۲)

صبحی اصفهانی*

صبحی بیگ اصفهانی، از شعرای اواخر قرن دهم هجری است. مدّتها در هند به سیاحت مشغول بود. سال فوت او به دست نیامد.

از اوست:

گر کشد قاتل من چشم مبندید مرا زانکه یک دیدن او قاتل صد جان باشد(۳)

ملّا صحیفی شیرازی

ملّا صحیفی شیرازی، شاعر ادیب و خوشنویس قرن یازدهم هجری. او از اعقاب صوفی خلیل ذوالقدر است. در شیراز متولّد شده و سالها در اصفهان سکونت داشته است. خطوط ثلث و نستعلیق را خوش می نوشته و برای بسیاری از مساجد و امامزاده های اصفهان کتیبه نوشته است. آثار خطوط او در اصفهان در سال ۹۸۵ق

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۶؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۰۲؛ لسان المیزان، ج۳، ص۱۷۹؛ مقتبس الاثر، ج۲۰، ص۱۶۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۲۹، پاورقی.

۳- کاروان هند، ج۱، ص۷۱۳.

(مسجد جامع) تا سال ۱۰۱۹ق (مسجد جارچی) یعنی در مدت ۳۴ سال باقی است. در اصفهان شغل صحّافی و کتیبه نویسی داشته و گاهی برای بزرگان و اشراف مدیحه می سروده و صله دریافت می کرده است. در شعر و ادب نیز دارای مهارتی به سزا بوده تا جایی که حکیم شفائی شعر او را تحسین می کرده است. صحیفی به فارسی و ترکی شعر سروده است.

او بیش از هشتاد سال عمر کرد. پسرش ابوعلی در هند وفات یافت و او از شدت تأثّر در سال ۱۰۲۲ق وفات یافته و در بقعه سه تنان واقع در مسجد آقانور اصفهان مدفون شد.

حکیم شفایی جهت او مرثیه و مادّه تاریخ سروده که به شرح زیر است:

چون صحیفی جوهری ز قضا از جهان رفت جانب عقبا

دل خلق جهان بسوخت بر او همه را دیده گشت خون پالا

بی بدل بود در فنون سخن در فنون شعر بود بی همتا

تا قیامت بر این کتابه دهر رقم خط او بُوَد پابرجا

سال فوتش ز عقل جستم گفت: «رفت ملّا صحیفی از دنیا»

غیر از «دیوان اشعار»، «ساقی نامه» نیز سروده که مطلع آن این بیت است:

بده ساقی آن آب فکرت گداز که بیرون دهد دل از این پرده راز

این رباعی هم از صحیفی شیرازی است:

بستند ملایک کمر از صدق و یقین در خدمت شمع روضه خلد برین

مقراض به احتیاط زن ای خادم ترسم بِبُری شهپر جبریل امین(۱)

۱- تذکره مجمع الخواص، ص۲۱۸؛ تذکره گلشن بی خار، ص۲۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۴۶-۱۴۹؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۳۲؛ تذکره میخانه، صص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ تذکره غنی، ص۸۰؛ تذکره حسینی، ص۱۸۸؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، ص۴۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۷ و ۴۳۸؛ مزارات اصفهان، صص ۲۶۳-۲۶۵؛ الذریعه، ج۹، ص۵۹۹؛ تذکره شمع انجمن، ص۴۰۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۳۲۷؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۵۸-۶۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل (صحیفی)، ص۱۰۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص۵۱۶.

سیّد صدرالدّین نجفی دهکردی

سیّد صدرالـدّین نجفی دهکردی فرزند آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی شاعر و ادیب معاصـر در سال ۱۳۱۱ش در اصفهان متولّد شد. پدرش از مراجع و مجتهدین معروف اصـفهان است. سیّد صدرالدّین در اصـفهان تحصیل نموده و سپس به استخدام اداره فرهنگ درآمد و به تدریس در مدارس پرداخت. گاهی شعر می سرود.

[او در روز ۲۳ ذیقعده ۱۴۰۵ق وفات یافته و جنب مزار پدرش در یکی از حجره های امامزاده زینبیه اصـفهان مدفون شد.] این دو بیت از اوست:

تا دل گرفت رسم و ره عاشقانه را بر خود خرید رنج و غم جاودانه را

بیرون پرید از قفس سینه مرغ دل بیچاره تا کجا بنهد آشیانه را(۱)

حاج سیّد صدرالدّین هاطلی کوپایی

حاج سـیّد صدرالدّین هاطلی کوهپایی بن سـیّد حسن بن سیّد جعفر حسینی، عالم زاهد، حکیم محقّق و مفسّر مدقّق [از فقهاء و حکمای قرن چهاردهم هجری] در شب ۲۰ صفر (اربعین) ۱۳۰۱ق در کوهپایه اصـفهان متولّد شد. در اصفهان از محضر درس آخوند کاشـی، جهانگیرخان قشـقائی [و آقانجفی] بهره گرفت سپس به عتبات عالیات مشرّف شده و در نجف اشرف نزد شیخ عبدالصمد سبزواری و شیخ احمد شانه ساز شیرازی به کسب علوم عقلی مشغول شد و فقه و اصول را نزد شیخ ابراهیم اردبیلی، سیّد محمّد فیروزآبادی یزدی، آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی و سیّد حسین بادکوبه ای فرا گرفت.

او قبل از وفات آخوند خراسانی به اصفهان مراجعت نموده و به آقایان مسجد شاهی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۳.

[شیخ محمّد تقی آقانجفی و فرزندش شیخ جلال الدّین نجفی] اختصاص یافت. همچنین در مدرسه صدر به تدریس کتابهای حکمت مانند «اسفار»، «منظومه»، «شرح تجرید» و غیره می پرداخته و در مجالس خصوصی تفسیر می گفته است.

او مردی وارسته و جامع جمیع ملکات و فضائل انسانی بود و الحق ملکی بود به صورت بشر. در عین فقر و تهیدستی به متموّلین و اغنیاء بی اعتناء و فقط متوجّه حضرت باری تعالی بود. وی در شب شنبه ۵ جمادی الاولی سال ۱۳۷۲ به عارضه سکته وفات یافته و در بقعه تکیه درکوشکی مدفون گردید. و قابل توجّه آن که روز قبل در مجلس ختم علّامه فقیه مرحوم آقا سیّد محمّد کوه کمری در مدرسه صدر در حضور جمعی فرمود: «فردا نوبت من است» و فردا به همان کیفیّت وفات یافته، در همان محل جهت او مجلس ختم گرفتند.

[در وفات او میرزا حبیب اللّه متخلّص به «نیر» مرثیه ای به عربی سروده و مادّه تاریخ او را چنین گفته است:

فَیا نَیّر اُکتُب فی الجواب بسؤال من دعاک هنا عن عام فقد لذا الحبر

ثلاثا اذا نقصت من ذا تؤرّخه «فخلد جنانٍ منزل السیّد الصدر»

۱۳۷۲=۱۳۷۵-۳]

از آثارش کتاب «شروق الحکمه» است، در حل معضلات اسفار و منظومه که آن را در دوره اشتغال خود در نجف [و تحصیل نزد شیخ عبدالصمد سبزواری] نوشته است. اثر دیگرش «شرح کفایه الاصول» استادش آخوند خراسانی است.

پدرش از فضلاء اصفهان بوده و قبل از سال ۱۳۲۳ فوت شده است.(۱)

۱- علوم و عقاید، ص۲۶-۳۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۴۸؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۴۳۰ و ۴۳۱؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخّر، صص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۳۱ و ۷۳۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۸۸-۱۱۲.

سیّد صدرالدّین بلاغی

سیّد صدرالدّین محمّد تقی بلاغی نایینی معروف به «صدر بلاغی» فرزند سیّد حسن حسینی عریضی، واعظ کامل، ادیب بارع و فقیه جامع [از خطبای مشهور معاصر] در سال ۱۲۹۰ه .ش در نایین متولّد شده و در اصفهان و شیراز به تحصیل پرداخته و در علوم عقلی و نقلی رحمت ها کشید. سپس به طهران رفته و آنجا ساکن شد. از سخنرانان مذهبی رادیو طهران بود که بیشتر مردم متدیّن ایران به بیانات او اظهار علاقه می کردند. [او علاوه بر ایراد سخنرانی و وعظ و خطابه در دارالفنون و دبیرستانهای مشهور تدریس می کرد. او سرانجام در اوّل اردیبهشت ۱۳۷۳ش وفات کرد.]

در سرودن شعر نیز توانا بود و گاهی بنا به اقتضای حال اشعاری می گفته است.

کتب زیر از تألیفات او به چاپ رسیده است:

۱. «سخنرانی های بلاغی» که اغلب آنرا در رادیو ایراد نموده است.۲. «شرح و ترجمه صحیفه سجادیه»۳. «قصص قرآن و فرهنگ آن» [۴. «ترجمه من لایحضره الفقیه»، با همکاری استاد علی اکبر غفاری۵. «عدالت و قضا در اسلام»۶. «محاکمه گلد زیهر صهیونیست معلم نویسندگان»۷. «صلح حدیبیّه»۸. «پیغمبر در صحنه کارزار بدر»۹. «برهان قرآن و ردّ شبهات پیروان کمونیزم و سایر معاندین اسلام» ۱۰. «ترجمه و تفسیر جزء ۲۳ قرآن مجید» ۱۱. «محمّد صلی الله علیه و آله پیامبر رحمت».

از اوست:

من دلبری ز جمله جهان برگزیده ام و ز غیر او علاقه دل را بریده ام

نشنیده ام جز از لب لعلش پیام روح جز عارضش حقیقت جان را ندیده ام(۱)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹۱ و ۹۲؛ تذکره سخنوران نایین، ص۲۸؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۵۴۳-۵۴۹؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۵۳۳ و ۵۳۳؛ نایین بلده طیبه، صص ۵۴ و ۵۵؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن،صص ۹۵ و ۹۶.

حاج آقا صدرالدّین کلباسی*

حاج آقا صدرالدّین کلباسی فرزند شیخ محمّد رضا بن میرزا عبدالرّحیم بن میرزا محمّد رضا بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل، از علمای معاصر اصفهان، در ماه ربیع الثّانی ۱۳۳۴ق (مطابق سال ۱۲۹۴ش) در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل در مدرسه عَلیّه از مدارس جدید، وارد حوزه علمیه شد و نزد پدر دانشمند خود و شیخ محمّد تقی فشارکی (شوهر خواهر خود) و دیگران به تحصیل پرداخت. سپس به مشهد مقدّس سفر کرده و به همراه شیخ حبیب اللّه گلپایگانی، از درس علمای آنجا بهره گرفت. آنگاه به قم رفته و نزد حضرات آیات و آیات عظام مرعشی نجفی، محقّق داماد، میرزا محمّد علی ادیب تهرانی به تحصیل پرداخت. او در اصفهان در درس خارج سیّد علی مجتهد نجف آبادی و آقا سیّد مهدی درچه ای حضور یافت. مدتی هم در بروجرد از محضر مرجع عالیقدر حاج آقا حسین بروجردی و در قم از حضرات آیات سیّد محمّد تقی خوانساری، حجت کوه کمری و مرعشی نجفی کسب فیض نمود.

او پس از بازگشت به اصفهان به تدریس، و اقامه جماعت و منبر مشغول گردیده و مردم را از مواعظ و بیانات خود بهره مند می نمود. سرانجام در ۲۳ رمضان المبارک ۱۴۱۱ق وفات یافته و در یکی از اطاق های مسجد رکن الملک واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

سیّد صدرالدّین روضاتی

حاج سیّد صدرالدّین روضاتی فرزند آقا میر سیّد علی بن آقا میرزا مهدی بن آقا میرزا محمّد باقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات الجنّات)، عالم فاضل جلیل.

[در سال ۱۳۰۸ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخت و سپس

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ خاندان کلباسی، ص۲۲۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

به ترویج دین و تحقیق و تألیف مشغول شد. سرانجام در روز ۱۹ ذیحجه] سال ۱۳۹۲ق وفات یافته و در تکیه صاحب روضات (جدّ عالیقدر خود) در تخت فولاد مدفون شد. [مادّه تاریخ وفاتش را شاعر فرزانه استاد فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) چنین گوید:

نوشت از پی تاریخ فوت او «برنا» «شدی بگلشن مینو مقام صدرالدّین»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تشریح الانسان» ۲. «چهل حدیث» ۳. «سراج الایمان فی أخبار و مصائب الائمه الأطهار» که چاپ شده است.۴. «علائم الإیمان فی المواعظ مولانا أمیرالمؤمنین علیه السلام لهمام بن شریح»۵. «کمال الیقین»۶. «نور الإیمان فی أحکام القرآن» که چاپ شده است.۷. «هادی المضلّین»(۱)]

صدرالدّین اصفهانی

صدرالدّین بن محمّد بن صدرالدّین اصفهانی. از خوشنویسان خط نسخ در قرن دهم هجری است. او نسخه ای از کتاب «منیه اللبیب» را در سال ۹۵۴ق کتابت نموده که در کتابخانه وزیری یزد موجود است. همچنین کتاب «مختلف الشیعه» را در غرّه رجب ۹۶۰ق کتابت کرده است که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

سیّد صدرالدّین بهشتی

سیّد صدرالدّین بن سیّد مهدی بهشتی، از علماء اواخر دوره قاجاریه و امام جماعت مسجد سیچان اصفهان متوفی در ۲۹ رجب ۱۳۳۸ق مدفون در تکیه سادات بهشتی (جنب مصلای تخت فولاد).(۳)

۱- مناهج المعارف: مقدمه، ص۲۴۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۰؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- فهرست وزیری، ج۴، ص۱۲۳۲؛ فهرست مرعشی، ج۲۰، ص۹۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

سیّد صدرالدّین امامی*

حاج سیّد صدرالدّین امامی فرزند استاد میرزا آقا امامی اصفهانی، از هنرمندان معاصر. در سال ۱۲۹۸ه .ش در محلّه بیدآباد متولّد شد و پس از کمی تحصیل نزد پدر به فراگیری نقاشی پرداخت. هنر سوخت را هم از استاد عباس اسفرجانی فرا گرفت.

او بیش از ۴۰ سال به نقاشی مشغول بود ولی پس از آن دست از این هنر کشید. در نقاشی از سبک مینیاتورهای صفویه پیروی نموده است و نقاشی را نه در هنرستان هنرهای زیبا بلکه سینه به سینه از پدران خویش فراگرفته است.(۱)

صدرالدّین سنگتراش*

استاد صدرالدّین سنگتراش، از هنرمندان قرن دهم هجری است. در حجاری استاد بوده و آثار ارزنده ای به وجود آورده است از جمله: حجاری سنگ قبر استاد فولاد بن شجاع حلوائی که در سال ۹۵۹ق حجاری شده است و حجاری سنگ قبر صفی الدّین محمّد بن عمده القضاه غیاث الدّین علی زواره ای در سال ۹۹۵ق.

اثر اوّل در تخت فولاد و اثر دوم در امامزاده اسماعیل اصفهان موجود است.(۲)

صفایی اصفهانی*

صفای اصفهانی، از شعرای اصفهان است. ظاهرا در قرن سیزدهم هجری می زیسته است. مدّتی سرداری نمود و شجاعت داشت. عاقبت به تصوّف روی آورده و سر و پای برهنه سیاحت می کرد تا فوت شد.

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با حاج سیّد صدرالدّین امامی در سوم اردیبهشت ۱۳۸۱ش.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۵۳۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

این رباعی از اوست:

غمگین دل خود به دهر شاد از که کنیم چون دلبر خود خودیم، یاد از که کنیم

مردم ز فلک داد ز بیداد کنند ما خود فلک خودیم داد از که کنیم(۱)

دکتر صفدر صانعی*

دکتر صفدر صانعی، پزشک متدیّن و نیکوکار معاصر. در سال ۱۳۰۹ش در روستای «بهمن» از توابع آباده متولّد شد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود طی کرد. سپس در اصفهان جهت امرار معاش به کار پرداخت. پس از ازدواج موفق به ادامه تحصیل شد و چند سال بعد در آزمون ورودی دانشگاه در رشته پزشکی پذیرفته شد و این رشته را تا دریافت دکترای بیماریهای داخلی ادامه داد.

او عمر خود را به خدمت به مردم، تحقیق درباره گیاهان دارویی و تألیف کتابهای ارزنده گذراند.

وی سرانجام در روز ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۹ش (برابر با ۷ صفر ۱۴۲۱ق) در اصفهان وفات یافته و در قبرستان جدید اصفهان معروف به «باغ رضوان» به خاک سپرده شد.

کتابهای زیر از تألیفات اوست که هر کدام چندین بار تجدید چاپ شده است.

۱. «آرامش روانی و مذهب» ۲. «ارمغان کعبه»۳. «بهداشت ازدواج از نظر اسلام»۴. «دل یا محفل نور»۵. «راز تندرستی»۶. «راز طول عمر»۷. «راهی به سوی او»۸. «نسخه شفا» دو جلد۹. «همیشه لاغر باشید» دو جلد ۱۰. «تعالیم بهداشتی اسلام»

استاد صفرعلی اصفهانی*

استاد صفرعلی اصفهانی، از معماران چیره دست و توانای عصر قاجاریه است. وی

۱- تذکره ریاض العارفین، (چاپ ۱۳۴۴ش)، ص ۱۵۶.

معماری مسجد شاه (سابق) سمنان را برعهده داشت و در سال ۱۲۴۳ق آن مسجد را به پایان رساند.(۱)

صفرعلی نجف آبادی

صفرعلی بن اسماعیل نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] سالها در نجف آباد و اصفهان به کتابت مشغول بوده و خط نسخ را نیکو می نوشته و کتب زیر را کتابت نموده است:

۱. «شرح زیارت جامعه» تألیف: شیخ احمد احسائی که در سال ۱۲۴۰ق از کتابت آن فراغت یافته و به شماره ۱۶۴۱ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲) ۲. «کافی» که در دوشنبه از ماه شعبان ۱۲۳۹ق آنرا کتابت نموده و نسخه به شماره ۳۸۹۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است. روی برگ اوّل تملّک حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی بن شیخ محمّد تقی صاحب حاشیه و مهر بیضوی او «محمّد باقر بن محمّد تقی» دیده می شود.(۳) ۳. «منتهی المطلب» علّامه حلّی که در سال ۱۲۴۸ق به خط نسخ نوشته و به شماره ۳۳۱۰ در کتابخانه مدرسه مجلس شورای ملّی موجود است.(۴) ۴. «حاشیه بر شرح عضدی» از: ملّا میرزا جان باغنوی که در یک شنبه ۲۵ صفر ۱۲۵۴ق به خط نسخ کتابت نموده است.(۵) ۵. «الفصول الغرویه» تألیف: شیخ محمّد حسین ایوان کیفی به خط نسخ که در سال ۱۲۵۵ق کتابت شده است.(۶) نسخه در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد موجود است.

۱- تاریخ صنایع ایران، ص۲۱۸.

۲- فهرست فیضیه (استادی)، ج۱، ص۱۴۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۰، ص۲۷۶.

۴- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش دوم، ص۹۶۱.

۵- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۲۳۲.

۶- فهرست گوهرشاد، ص۳۵۹.

شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی*

حاج صفرعلی شریعت فرزند حاج شیخ محمّد حسین شریعت فلاورجانی، از علماء معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۵ش در فلاورجان متولّد شد. و نزد علمای اصفهان همچون: شیخ علی فقیه فریدنی، حاج شیخ عباسعلی ادیب، حاج آقا حسین خادمی، سیّد علی مشکاه سدهی شیخ احمد فیاض و سیّد علی اصغر برزانی تحصیل نمود. سپس به قم رفته و درس حضرات آیات: بروجردی، امام خمینی، محقّق داماد و حائری یزدی حاضر شد.

او سالها در فلاورجان به تبلیغ دین و اقامه جماعت و حل مشکلات شرعی مردم مشغول بوده و ۸ سال امام جمعه آن شهر را برعهده داشت و در جریان جنگ ایران و عراق برای کمک به جبهه تلاش فراوانی را انجام داد و یکی از فرزندانش نیز در این جنگ به شهادت رسید. از دیگر اقدامات صاحب عنوان تأسیس حوزه علمیه امام خمینی در فلاورجان است.

شیخ صفرعلی همدانی

آقا شیخ صفرعلی بن شیخ غلامعلی همدانی، عالم فاضل مُعَمَّر [از علمای اصفهان در نیمه اوّل قرن چهاردهم هجری].

در همدان متولّد گردیده و جهت کسب علم به اصفهان مهاجرت نمود. و خدمت اساتید این شهر همچون حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی و آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) تحصیل نموده و اجازه دریافت نمود. او در محلّه دردشت ساکن بوده و در مسجد کوچه باغ دردشت امامت می نمود.

در سال ۱۳۵۰ق به سن متجاوز از ۹۰ سال وفات یافته، در تکیه ملک (واقع در تخت فولاد اصفهان) بالای سر قبر آخوند کاشی، استاد خود مدفون گردید. مشارالیه برخی از تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته تحریر درآورده است.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۳؛ سیری در تارخ تخت فولاد، ص۲۰۳.

صفرعلی لطف آبادی

صفرعلی لطف آبادی بن آخوند ملّا محمّد، شاعر ادیب [از ادباء و نویسندگان قرن چهاردهم هجری].

در سال ۱۲۹۶ش در «لطف آباد» از توابع درگز خراسان متولّد شد. مردی ادیب و شاعر و ساده لوح و خوش طینت بود و از کارمندان اداره قند و شکر شهرضا به شمار می رفت.

او در سال ۱۳۸۶ق در شهرضا وفات یافته در صحن امامزاده شاه رضا مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «آه از کرب و بلایت» ۲. «پانزده بهمن» ۳. «حوادث ده ساله»۴. «سیاحت نامه ناصح»۵. «قافله دل» یا «کاروان حقیقت»(۱)

صفی خان اصفهانی*

صفی خان اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری. او کتاب «عقد الدُّرَر» تألیف: حسین بن شعبان را در ۲۵ جمادی الاول ۱۰۸۹ق به خط نسخ کتابت کرده و اکنون آن کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم است.(۲)

محمّد صفی اصفهانی

محمّد صفی اصفهانی [از کاتبان نستعلیق نویس قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۶۶ق کتابت «سفینه السّلوک» تألیف: ملّا ادهم واعظ قرشی خلخالی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۹۰ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۶۱ و ۸۶۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۶، ص۳۲.

اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۱)

آقا صفی اصفهانی

آقا صفی فرزند آقا احمد معرّف اصفهانی، [از خوشنویسان و ادبای قرن یازدهم هجری]

پدرش سالها منصب معرّفی اصفهان را داشت. خود وی مردی خوش طبع و شعرشناس بود. [جز نستعلیق، تعلیق را نیز خوش می نوشت و از انشاء وقوف داشت و تا حدود سال ۱۰۱۰ق (سال تألیف «خلاصه الاشعار») هنوز در قید حیات بود.(۲)]

محمّد صفی هرندی*

محمّد صفی بن جلال الدّین هرندی، از فضلای اصفهان در قرن یازدهم هجری است. یادداشت تملّک او بر نسخه ای از کتاب «النّهایه» تألیف: شیخ طوسی به تاریخ ۱۰۲۴ق دیده شده است. ظاهرا او در اصفهان مدرسه معینیّه را بنیاد گذاشته است.(۳)

آقا صفی اصفهانی

آقا صفی اصفهانی معروف به «صفیا» فرزند خواجه قاسم مستوفی اصفهانی [شاید خواجه قاسم نطنزی؟!] شاعر و ادیب دانشمند قرن یازدهم هجری.

در سال ۹۶۵ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخت و در علوم مختلف چون ادبیات، سیاق، حساب و رمل مهارت کافی یافت. در جوانی در اصفهان ساکن بوده و با حکیم شفایی معارضه داشت. مدّتی بعد راهی هند شد و در شهر

۱- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲- تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، ص ۲۹۳؛ تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۱۸۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۴۷.

۳- تراجم الرّجال، ج ۲، ص ۷۲۹.

«برهان پور» به خدمت یکی از امرای مشهور آنجا سپهسالار (عبدالرحیم خان خانان) درآمد. عاقبت لباس قلندران و درویشان را پوشیده و به سیاحت در شهرهای هند پرداخت. یکی دیگر از امرای صاحب نام هند، مهابت خان از حال او آگاهی یافته و او را از لباس فقر خارج ساخت و مناصبی چون اداره سپاه و امور اداری را به او سپرد و آقا صفی با کاردانی آن وظیفه را انجام داد.

وی سرانجام در سال ۱۰۲۸ق در کابل وفات یافت.

از آثار او:

۱. «کلیات اشعار» حدود شش هزار بیت ۲. «ساقی نامه» که در تذکره میخانه چاپ شده است. ۳. «مثنوی» به سبک «مثنوی معنوی»۴. «مثنوی» به سبک «خسرو و شیرین» نظامی.

از اوست:

به جلوه بود بازار خودفروشی گل چو دید روی تو از شرم در چمن بگریخت(۱)

صفی حنفی اصفهانی

صفی حنفی اصفهانی [از فقهاء و محدّثین عامّه است.] در کتاب «انباء الرّواه» او را فرزند باقولی (علی بن حسین بن علی اصفهانی» دانسته است.(۲) «ابوالسّرایا خلیقه بن سلیمان بن خلیفه قرشی خوارزمی» از شاگردان اوست.(۳)

۱- تذکره میخانه، صص ۴۲۹-۴۳۳؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۳۲؛ تذکره روز روشن، ص۴۷۵؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۸۴؛ فهرست کتابخانه گوهرشاد، ص۱۱۹؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص۴۰؛ الذریعه، ج۹، ص۶۱۴ و ج۱۲، ص۱۰۹؛ تذکره منتخب الّطایف، ص۳۹۳.

۲- معجم الادباء، ج۱۳، ص۱۶۳، پاورقی.

۳- الفوائد البهیّه فی طبقات الحنفیّه، ص۷۱.

خواجه صفی الدّین اصفهانی

خواجه امام صـفی الدّین اصـفهانی، از علمای اهل سنّت در زمان سلجوقیان است. وی در مدرسه ای که مادر ارسلان بن طغرل در همدان بنا کرده بود، به تدریس می پرداخت.(۱)

صفی قلی بیک

صفی قلی بیـک، شـاعر ادیب قرن یـازدهم هجری. وی از اتراک بوده و در دربار شاه سـلیمان صـفوی صاحب جمع هیمه خانه بود و در آن منصب کـاردانی و مهارت خود را به اثبات رسانـد. وی تا حـدود ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصـرآبادی) در قید حیات بوده و پس از این تاریخ در کهولت و کِبَر سن وفات یافته است.

از اوست:

نرفت از دل گردون غبار کینیه ما شکست در بغل سنگ آبگینه ما(۲)

صفی قلی بیک اصفهانی*

صفی قلی بیـگ اصــفهانی فرزنـد محمّـد علی بیـگ نـاظر، از سـخنوران قرن یـازدهم هجری اسـت. پـدرش از رجـال معتـبر و کارگزاران نامدار آن روزگار بود که در این کتاب شرح حال او را خواهید خواند.

صفی قلی بیـگ جوان قابـل معقولی بود و در ظـاهر و بـاطن کمـال قبول و اهلیت را داشت. در زمان شاه عباس ثانی به وزارت دارالعباده یزد منصوب شد.(۳) و سرانجام در ماه محرم ۱۰۸۵ق وفات یافته و در تکیه بابا رکن الدّین اصفهان مدفون شد.

نگارنده (غلامرضا نصـرالهی) در آبان ۱۳۸۱ هنگـامی که سـنگ لوح مزار او در هنگام بازسازی تکیه بابا رکن الـدّین توسـط مجموعه فرهنگی تخت فولاد (وابسته به شهرداری

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۴.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ تذکره غنی، ص۸۰؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۳۹۷.

اصفهان) از زیر انبوه خاک در صحن تکیه بیرون آورده شد مشاهده کردم. قسمت بالای سنگ لوح شکسته شده و باقی آن به خط نستعلیق حاوی این عبارت بود:

«... / صفی قلی بیک خلف / عالی جاه محمّد علی بیک / ناظر سابق فی شهر / محرم سنه ۱۰۸۵»(۱)

از اوست:

سروش به هر مکان که ز جامی شود بلند تا ساق عرش نام خدا می شود بلند

سر گشته ایم گرد جهان همچو آسمان تا دست و تیغ او ز کجا می شود بلند

چون برق آه از سر افلاک بگذرد این دود از آتش دل ما می شود بلند

غم را نهفته ایم به خلوت سرای دل ای ناله دم مزن که صدا می شود بلند

صفی قلی بیگ چرکس*

صفی قلی بیگ فرزند قزاق خان چرکس، از شعرای قرن یازدهم هجری است. پدرش از خوانین چرکس و بیگلربیگی شیروان بود. صفی قلی بیگ در سپاهی گری و جنگاوری مهارت داشت و در کنار آن صاحب ذوق و قریحه بود و شعر می سرود. عاقبت به سلک درویشان در آمده و خاموشی گزید. او تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) زنده بوده و در اصفهان اقامت داشته است.(۲) دیوان اشعار او به شماره ۴۶۹۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

از اوست:

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۹ و ۵۰؛ منتخب اللّطایف، ص۳۹۸.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۲۶۳.

فارغند از گفتگوی عرض مطلب لال ها چشم گویای تو می فهمد زبان حال ها

صلت زاهد

صلت بن زکریّا زاهد [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری است. به زهد و تقوا معروف بوده و] از اصحاب محمّد بن یوسف معدانی اصفهانی است. «عبدالرّحمان بن عمر رسته» و «محمّد بن عاصم» از او روایت می کنند.(۱)

صلحی کرانی

صلحی کرانی، از شعرای اصفهان است. زمان زندگی او معلوم نیست. «کران» نام محلّه ای از محلّه های اصفهان است.

این رباعی وی در هجو «امیر احمد جگربخون» در اصفهان شهرت داشته است:

ای آن که ز گوهر زبون آمده ای از روز ازل لجوج و دون آمده ای

از کاوش همچو من دلت خون شده است کز پشت پدر جگر به خون آمده ای(۲)

صمد هفشویی

صمد بن سلیمان بن احمد هفشویی [از فضلاء عهد صفویه] مؤلف کتابی به نام «لمعات» در مواعظ، به فارسی شامل احادیث اخلاقی و غیره است. کتاب به شماره ۶۹۲ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. نسخه به سال ۱۲۵۹ق کتابت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۶؛ مزارات اصفهان، ص۳۵۱.

۲- تذکره روز روشن، ص۴۷۹؛ تذکره منتخب اللّطایف، ص۳۹۷؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۵۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۸۵.

شده و آغاز نسخه چنین است:

آغاز: «الحمدللّه... و بعد مخفی نماند که حسب الالتماس یکی از اخوان...»(۱)

[پـدرش پیر سـلیمان از شـعراء و عرفاء قرن یازدهم هجری بوده و در تـذکره نصـرآبادی از او یاد شـده است. هفشویه از دهات بلوک قهاب جی اصفهان بوده و مسجدی تاریخی در آن هنوز باقی است.]

ملّا صوفی

ملّا صوفی، از عرفای گمنام اصـفهان است. مقبره او در قریه روشن دشت واقع در کنار جاده قـدیم اصـفهان بوده و او را «مولینا صوفی» می گفته اند. [اطلاعات بیشتری از این شـخص در دست نیست. مرحوم مهدوی مؤلف فقید احتمال داده اند او یکی از این سه نفر (صوفی همدانی، میرزا علاءالدّین محمّد صوفی و یا میر معزّ صوفی) باشد.(۲)]

صوفی اردستانی

خواجه صوفی اردستانی شاعر و ادیب خوش طبع و از معاصرین مؤلف تحفه سامی [و از سخنوران قرن دهم هجری] است.

[آذر بیگدلی در «تذکره آتشـکده» نامش را ملّا محمّد نوشـته و گفته که بعضـی او را خالوی ملّا جامی دانسـته اند. چون جامی مقدّم بر صوفی اردستانی است و حداقل یک قرن قبل از او می زیسته، ظاهرا او را با یک نفر دیگر به اشتباه یکسان گرفته اند.]

از اوست:

مرشد ماست خم باده که در روی زمین نیست پیری به از اوصاف دل و گوشه نشین(۳)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۵۵.

۲- مزارات اصفهان، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۳- تـذکره تحفه سـامی، ص۳۳۶؛ تـذکره آتشـکده: بخش سـوم از نیمـه نخست، ص۹۵۸؛ تـذکره منتخب اللّطـایف، ص۳۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۵.

صوفی همدانی

صوفی همدانی [از فضلای قرن یازدهم هجری] در اصفهان ساکن و به تحصیل علوم دینی مشغول بود، عاقبت بر اثر بیماری در اصفهان وفات یافت.

از اوست:

به من دارد سپاه خرّمی روی غریبی، بینوایی، بی کسی هوی(۱)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۵؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۰.

ص: ۵۲۸

اعلام اصفهان

«ض»

اشاره

ضحّاک مدینی

ابوبکر ضحّاک بن ابی الفضل بن احمد بن حباب مدینی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن پنجم هجری] در سال ۴۵۰ و اَندی در مدینه (شهرستان) جِی اصفهان متولّد شده و از «ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن حسن قصّار مدینی» حدیث شنیده است.

«سمعانی» از او با عبارت «شیخ صالح زاهد معمر» یاد کرده است.(۱)

ضحّاک جوزدانی

ابوالقاسم ضحّاک بن علی ابوالقاسم اصفهانی جوزدانی [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری] او جهت اخذ حدیث به نیشابور رفته و از «زاهر شحامی» و «ابوعبداللّه محمّد بن عبداللّه حاکم نیشابوری» حدیث شنیده است.(۲)

ضحّاک مدینی

ابومحمّد ضحّاک بن محمّد بن ابی محمّد بن ابی بکر مدینی اصفهانی [از محدّثین اوایل قرن ششم هجری] از «ابوالفتح احمد بن محمّد بن احمد بن سعد حداد» حدیث شنیده و «ابوسعد سمعانی» او را ملاقات کرده و از او با عبارت «کان شابا صالحا سدید السیره» ستوده و از وی در سال ۵۳۱ق استماع حدیث کرده است.(۳)

ضحّاک اصفهانی

ضحّاک بن مزید بن عجلان [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] در

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲- تاریخ نیشابور، ص ۴۰۹.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۴۲.

اصـفهان متولّـد شـده و از محدّثین اخذ حدیث نموده است. او نوه دختری «ابن متویه» (ابراهیم بن محمّد بن حسن) بود.(۱) [از «حسین بن حفص» روایت نموده و «احمد بن محمود بن صبیح» از او نقل حدیث می نماید.(۲)]

ضرار اصفهانی

ابوالحسن ضـرار بن احمد بن ضـرار اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن سوم هجری] جدّش ضـرّار قریه «ضرارآباد» را احداث نموده و قسمتی از «جامع یهودیه» را بنا کرده است.

«سلمان بن احمد» از صاحب عنوان روایت می کند و خود او از «احمد بن یونس ضبّی» نقل حدیث می نماید.(۳)

دکتر ضیاء موحّد*

دکتر ضـیاء موحّد فرزند سیّد مصطفی موحّد محمّدی، از شعراء و محقّقان و دانشمندان معاصر در ۱۲ دی ۱۳۲۱ش در اصفهان متولّد شد. پدرش از روحانیون و علمای دینی به شمار می رفت و مقدّمات علوم دینی را به فرزند آموخت.

او مقطع ابتدائی را در دبسـتان خواجه نظام الملک و دبسـتان جلالیه طی کرد. سپس به دبیرستان سعدی رفت و پس از تحصیل در رشـته ریاضی دیپلم گرفت آنگاه در رشته فیزیک در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۴۳ لیسانس گرفت و به تدریس در «پارچین» ورامین مشـغول شد. سه سال بعد به سربازی رفت و بعد از آن در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و فوق لیسانس فیزیک گرفت و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ش در مرکز اسناد ایران به کار مشغول شد. در سال ۱۳۵۴ با بورسیه آموزش

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۵۰؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۲۹۸.

۲- الانساب، ج۲، ص۴۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۵۱.

عالی به تحصیل در رشته فلسفه و منطق در «یونیورسیتی کالج» لندن پرداخت و در سال ۱۳۶۱ با ارائه تز «ساختار صوری اندیشه در فسلفه فرگه» دکترا گرفت و به ایران بازگشت و در مرکز اسناد و مدارک ملّی به خدمت پرداخت. کمی بعد به مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و علوم انسانی (پژوهشگاه) دعوت شد و به تدریس فلسفه و خصوصا منطق جدید مشغول شد و در برخی مراکز آموزشی عالی تهران نیز تدریس کرد. او از صاحب نظران منطق جدید است و در کنفرانس های داخلی و خارجی سخنرانی نموده و مقالاتی تألیف کرده و پژوهش هایی را به انجام رسانده است.

در نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و به انجمن ادبی کمال اصفهان راه یافت و اشعارش مورد شگفتی شاعران انجمن قرار گرفت. پس از آن در انجمن صائب که جمعی از دوستان شاعر و نویسنده جوان تأسیس کرده بودند شرکت کرد. او مدّتی در قالب های سنّتی شعر می سرود تا اینکه با شعر نو و خصوصا آثار مهدی اخوان ثالث آشنا شد و از سرودن شعر سنّتی کناره گرفته و به شعر نیمایی روی آورد. و کمی بعد او به سرودن شعر سپید پرداخت. او در ایام اقامت در تهران برای کار و تحصیل، در اغلب جلسات جُنگ اصفهان که در اصفهان با حضور دوستان نوگرای او برگزار می شد شرکت می کرد و برخی از اشعارش در نشریه جُنگ اصفهان به چاپ می رسید. از او دهها مقاله، نقد و مصاحبه درباره شعر و ادبیات و منطق در مطبوعات به چاپ رسیده است.

این کتابها از آثار اوست که چاپ شده است:

۱. «واژگان توصیفی منطق»۲. ترجمه «نظریه ادبیات» نوشته: رنه ولک و آوستن وارن (ترجمه با همکاری پرویز مهاجر)۳. «درآمدی بر منطق جدید»۴. «از ارسطو تا گودل»۵. ترجمه «منتقدان فرهنگ»۶. «بر آبهای مرده مروارید» (مجموعه شعر)۷. «غراب های سفید» (مجموعه شعر)۸. «مشتی نور سرد» (مجموعه شعر)۹. «شعر و شناخت» (مجموعه مقاله).(۱)

۱- ضیاء موحّد (از مجموعه: تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران) با تلخیص؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۳۳.

آقای محمّد رحیم اخوت در فصلی از کتاب «چهار فصل» خود به شرح و تحلیل اشعار او پرداخته است.

سیّد ضیاءالدّین امامی*

استاد سیّد ضیاءالدّین امامی فرزند سیّد محمّد باقر امامی دهکردی، نقاش هنرمند معاصر در سال ۱۳۰۱ش در محلّه جلوخان شهرکرد متولّد شد. در کودکی به مکتبخانه رفت و سپس در دبستان تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۴ش به همراه خانواده به اصفهان آمد و کمی در مدرسه صدر بازار و دبیرستان فرهنگ به تحصیل ادامه داد. امّا عاقبت به هنرستان های هنرهای زیبا رفت و تحت نظر استاد عیسی بهادری نقاشی را آموخت. پس از پایان تحصیل به تدریس در دبیرستان های اصفهان مشغول شد و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. چندی بعد تدریس را رها کرده به تهران رفت و در دانشکده هنرهای تزیینی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۴۷ش از آنجا فارغ التحصیل شد. و حدود ۱۰ سال به تدریس در دانشگاه ها و دبیرستان های تهران پرداخت. او در سال ۱۳۵۷ش به اصفهان بازگشت و در دانشکده پردیس تدریس نمود.

استاد امامی در روز سه شنبه ۱۱ تیرماه ۱۳۸۷ش وفات یافت و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۱)

او در نقاشی صاحب سبک ویژه ای بود و معمولاً در نقاشی خود از خط، تذهیب و نقاشی استفاده می کرد و عرفان و ادب در آثار او تبلور داشت.

از نمونه تابلوهای او می توان به «تصویری از جهنّم»، «اصحاب کهف»، «غار حرا» و «پیامبران اولوالعزم» اشاره کرد.(۲)

او مردی متدیّن، متواضع و گریزان از شهرت و خودنمایی در حقیقت کلمه عارف

۱- فصلنامه دریچه، شماره ۱۶، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۷، صص ۶۷-۷۲.

۲- کیهان فرهنگی: شماره ۲۶۲ و ۲۶۳، تیر و مرداد ۱۳۸۷، ص۷۹.

بود. شرح مفصل زندگی او در کتاب «نگاره سایه ها» آمده است.

ضیاءالدین حسینی الموتی

ضیاءالدین بن میر محمّد باقر حسینی باقری الموتی [از فضلاء گمنام قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نزد فضلاء این شهر از جمله ملّا محمّد قاسم بن ملّا محمّد شفیع بن ملّا محمّد علی استرآبادی به تحصیل پرداخته است.] در سال ۱۱۰۲ق برای استادش مولانا محمّد قاسم بن مولانا محمّد شفیع کتاب «المحاکمات» تألیف: قطب الدّین محمّد رازی را نوشته که در کتابخانه حقیر [سیّد مصلح الدّین مهدوی] موجود است.(۱)

سیّد ضیاءالدّین علّامه*

سیّد ضیاءالدّین علّامه فرزند سیّد حسن فانی یزدی، عالم فاضل خطیب ادیب و محدّث خبیر، از علمای معاصر اصفهان.

در سال ۱۲۹۲ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات جدید در مدارس آموزش و پرورش، در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. و از دروس شیخ محمود مفید، حاج میرزا رضا کلباسی و دیگران بهره گرفت و به تبلیغ و وعظ و ارشاد مشغول شد. او عالمی غیور و شجاع بود و در اعتراض به مفاسدی که رژیم پهلوی به آن دامن می زد به سخنرانی پرداخته و تحت تعقیب مأموران رژیم قرار گرفت و به عتبات عالیات رفت و به مدت ۱۰ سال از درس خارج آیات عظام سیّد ابوالقاسم خویی، سیّد محمود شاهرودی، سیّد عبدالهادی شیرازی و سیّد محسن حکیم بهره مند شد. مدّتی هم ملازم کتابشناس و رجالی کم نظیر آقابزرگ طهرانی بود و از خرمن معلومات او در رجال

۱- فهرست سیّد مصلح الدّین مهدوی، صص ۲۵ و ۲۶.

و کتابشناسی خوشه ها چید.

چندی بعد او به اصفهان بازگشته و از محضر فقیه جامع میر سیّد علی بهبهانی کسب فیض نمود.

او در اصفهان از فعالان انجمن تبلیغات دینی و انجمن دین و دانش بود و به مبارزه با تبلیغات مسیحیان و بهاییان می پرداخت. از اقدامات او انتشار هفته نامه «ندای دین» است که با مقالاتی از نهضت ملّی شدن نفت و مبارزات فداییان اسلام حمایت کرده است.

سیّد ضیاءالدّین علّامه دانشمندی پرکار و سخت کوش و خبره و صاحب نظر در علوم رجال، درایه، حدیث و تفسیر بود. او سرانجام در ۱۴ شوال ۱۴۱۹ق (مطابق ۱۱ بهمن ۱۳۷۷ش) وفات یافته و در بقعه علّامه مجلسی (جنب مسجد جامع اصفهان) مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. تصحیح و تحقیق «مجمع الرّجال» قهپایی، مطبوع در ۷ جلد ۲. تصحیح و تحقیق «وافی» فیض کاشانی، مطبوع در ۱۶ جلد ۳. «ضیاء الدّرایه»۴. «ضیاء القاری» در تجوید۵. «تفسیر ضیاء» در تفسیر جزء سی ام قرآن مجید۶. «در کجای قرآن نوشته شده»، درباره خمس۷. «ضیاء الإیمان»۸. «زندگانی حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام »(۱)

حاج سیّد ضیاءالدّین تجویدی

حاج سیّد ضیاءالدّین تجویدی بن حاج میرزا علینقی بن سیّد اسماعیل بن میر محمّد علی حسینی، عالم فاضل. در سال ۱۳۲۰ق در اصفهان متولّد گردید. مقدّمات علوم را نزد اساتید فرا گرفته و در زمان رضاخان سواد کوهی چندین سال در مدرسه قدسیه به تدریس ادبیات و قرآن پرداخته و پس از رفع خفقان به تحصیلات خود نزد اساتید و

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی؛ مزارات اصفهان، صص ۴۳ و ۴۴.

مجتهدین ادامه داد. اسامی برخی از اساتید او عبارتند از: آقا شیخ اسماعیل معزّی، آقا سیّد محمّد رضا خراسانی، حاج میر سیّد علی نجف آبادی، آقا سیّد محمّد نجف آبادی، آقا سیّد مهدی درچه ای و غیره.

مرحوم حاج آقا ضیاءالدّین در محراب و منبر به هدایت و ارشاد مردم اشتغال داشت و در بیان مسائل حلال و حرام تسلطی کامل داشت. سرانجام او در شب ۶ صفر ۱۴۰۸ق در اصفهان وفات یافته و پس از تشییع شایسته در مقبره زینبیه مدفون گردید.(۱)

[مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانا استاد فضل اللّه خان اعتمادی خویی (برنا) چنین گفته است:

به ابجد خواست تاریخی برای رحلتش «برنا» به شمسی شد وفاتش «کو ضیاءالدّین تجویدی»

]

آقا ضیاءالدّین دُرّی

آقا ضیاءالدّین دُرّی فرزند ملّا غلامرضا بن محمّد علی بن تقی بن باقر بن محمّد سعید بن محمّد زکی اصفهانی، عالم فاضل، ادیب حکیم. از دانشمندان قرن اخیر است.

در سال ۱۲۹۳ق در قریه «دُرّ» متولّد گردیده و در اصفهان [نزد آخوند کاشی، میرزا محمّد حسن کاشانی و جهانگیر قشقایی] و نجف اشرف و طهران [نزد میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا محمّد حسن کرمانشاهی] تحصیل نموده و به مرتبه اجتهاد نائل گردید. او در نشر و اشاعه فرهنگ جدید رنج ها برده و تا آخرین لحظات خود دقیقه ای اهمال ننمود. [او مدرسه «اتحادیه» که بعدها به خاطر تقدیر از خدمات ارزنده او به «مدرسه دُرّی» نامیده شده را تأسیس کرد.]

سرانجام در ۲۱ جمادی الثّانیه ۱۳۷۵ق [مطابق با بهمن ۱۳۳۴ش] در طهران وفات

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با فاضل ارجمند سیّد فضل اللّه تجویدی (فرزند سیّد ضیاءالدّین) در ۱۶ آذر ۱۳۶۹ش؛ مزارات اصفهان، صص ۲۳۶ و ۲۳۷.

یافت [و جنازه به عتبات عالیات منتقل و به خاک سپرده شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تاریخ انبیاء اولوالعزم»۲. «تاریخ مختصر رجال عالم»۳. «تاریخ وهابیّه»۴. «ترجمه تاریخ الحکماء» شهرزوری۵. «ترجمه رساله تحفه»۶. «ترجمه رساله جبر و اختیار»۷. «ترجمه حکمه العرشیه»۸. «ترجمه سرّ القدر»۹. «ترجمه رساله عشق» ۱۰. «ترجمه رساله فیض الهی» ۱۱. «ترجمه رساله ترغیب در دعا» ۱۲. «تفسیر سوره توحید» ۱۳. «ترجمه رساله تقسیم نفوس» ۱۴. «ترجمه رساله الواحد لایصدر عنه الّا الواحد» ۱۵. «ترجمه اقسام علوم عقلیّه» ۱۶. «ترجمه رساله مبداء و معاد» ۱۷. «ترجمه قصیده عینیّه» ۱۸. «ترجمه رساله کیفیّت وقوع زمین در مکان فعلی» ۱۹. «ترجمه رساله نبض» ۲۰. «ترجمه رساله نفس» (از شماره ۵ تا ۲۰ از تألیفات ابن سینا) ۲۱. «ترجمه رساله در حواس» عمر خیّام ۲۲. «جواهر اللّسان» در علم میزان ۲۳. «رساله در اغلاط معروفه» ۲۴. «رساله در علت العلل بدبختی» ۲۵. «رساله در مبادی امور مهم تاریخی» ۲۶. «ضیاء اخلاق» ۲۷. «ضیاء الصّرف» ۲۸. «فقه» یک دوره در ۳ جلد ۲۹. «فلسفه الاعتماد» معروف ترین تألیف او ۳۰. «لمعات المسترشدین» یا اصول عقاید فارسی، مطبوع [۳۱. «جبر و اختیار»] ۳۲. «محاضرات البلغاء و مسامرات الادباء»(۱)

آقا ضیاءالدّین چهارسوقی

آقا سیّد ضیاءالدّین بن حاج میرزا هاشم چهارسوقی بن آقا سیّد زین العابدین موسوی اصفهانی، از علمای قرن چهاردهم هجری. در «نسب نامه الفت» راجع به او نوشته اند:

۱- مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۵۶۶-۵۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۳۶ و ۷۳۷؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۳، صص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۲۲۲ و ۲۲۳؛ نادره کاران، صص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ تراجم الرجال، (چاپ ۱۴۲۲ق)، ج۱، ص۴۲۴.

«مردی وارسته و دارای اطواری غیرعادی بوده». تولّدش در سال ۱۲۸۹ق و وفاتش در سال ۱۳۴۸ق واقع شد و در پشت تکیه صاحب روضات نزدیک دیوار مسجد مصلی مدفون گردید. او مردی با سخاوت و بذّال بود و هرچه داشت به فقراء و محتاجین کمک می کرد و در این خصوص راه افراط می پیمود.(۱)

ضیاءالدین جناب*

استاد ضیاءالدین جناب، دانشمند فاضل و متدیّن از پیشگامان آموزش و پرورش در اصفهان. در سال ۱۲۷۲ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اتّحاد طی کرد. دروس مقدماتی را نزد پدرش و نیز عمویش میر سیّد علی جناب آغاز نمود. صرف و نحو را از میرزا ابوالقاسم زفره ای، ادبیات فارسی را از سیّد آقاجان نوربخش، حساب را از عمویش میر سیّد علی جناب، زبان فرانسه را از میرزا اسداللّه منشی کنسولگری روسیه و خط را از ملک الکتاب فرا گرفت. سپس به مدرسه باقریه رفت و تا سال ۱۳۲۳ق به تحصیل ادامه داد. با شروع جنبش مشروطیت آن مدرسه تعطیل شد. او به مدرسه آلیانس رفته و زبان فرانسه را آموخت. و در کنار آن در مدرسه نیم آورد نزد میرزا احمد اصفهانی شرح لمعه و نزد آقا سیّد مهدی درچه ای قوانین و نزد شیخ اسداللّه قمشه ای شرح منظومه را خواند.

او در روز ۱۱ ربیع الاوّل ۱۳۳۱ق به همراه سیّد سعید طباطبائی نائینی مدرسه گلبهار را در اصفهان تأسیس نمود و ریاست آن را بر عهده گرفت. مدّتی بعد به ریاست مدرسه متوسطه اصفهان (دبیرستان صارمیه بعدی) منصوب شد و تا سال ۱۳۰۹ش به خدمت پرداخت. سپس به تهران منتقل شده و کمی بعد به عنوان رئیس مدرسه شاپور رشت راهی گیلان شد. و چندی بعد به ریاست معارف گرگان رسید. او از علاقمندان به ادب و

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص ۲۸۰؛ مناهج المعارف: مقدمه، ص ۳۲۱.

هنر بود و در رشت و گیلان نمایش «رستم و سهراب» نوشته کاظم زاده ایران شهر را به روی صحنه برد.

او سرانجام پس از عمری خدمت به فرهنگ در اسفند ماه ۱۳۵۵ش وفات یافت. حسام الدّین دولت آبادی در رثای او مرثیه ای گفته که مادّه تاریخ آن این بیت است:

حسام آورد تاریخش به هجری: «جناب استاد با ایمان من رفت»

از مرحوم جناب علاوه بر مقالاتی که در روزنامه اصفهان (به مدیریت امیرقلی امینی) به چاپ رسیده است، ترجمه «تربیت پرنس چالز ولیعهد انگلیس» و «شاهکارهای فن تعلیم و تربیت» نیز به جای مانده است.(۱)

سیّد ضیاءالدّین شهشهانی

سیّد ضیاءالدّین شهشهانی، فاضل خطاط، در سال ۱۳۰۴ق کتاب «آب زندگانی» (ترجمه کتاب «رجوع الشّیخ الی صباه») را به خط زیبای خود نوشته و در بمبئی هند به چاپ رسیده است.(۲)

۱- یادنامه سیّد ضیاءالدّین جناب، به مناسبت یکمین سال درگذشت.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۴۰.

ص: ۵۴۱

اعلام اصفهان

«ط»

اشاره

طالب اصفهانی

طالب اصفهانی معروف به «بابا طالب» از شعراء و ادبای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری.

سالها در اصفهان بوده و در لباس فقر و درویشی روزگار می گذراند. بالاخره به سفر پرداخته و به کشمیر رفته و به خدمت یوسف شاه والی کشمیر در آمده و از لباس درویشان خارج شد. پس از حمله جلال الدّین اکبر، پادشاه هند به کشمیر و سقوط حکومت آنجا، به درباه اکبر شاه راه یافته و نزد او احترام و اعتبار بسیار یافت، تا جایی که به عنوان ایلچی گری و سفارت از طرف اکبر شاه نزد حاکم تبّت رفت و پس از مراجعت رساله «غرائب و نوادر تبّت» را نوشته و به ابوالفضل علامی داد که عینا در کتاب «اکبرنامه» درج گردید.

بابا طالب در اواخر عمر به همراه فرزندانش در کشمیر زندگی می کرد تا اینکه در سال ۱۰۳۲ق وفات یافته و در محلّه باباپوره کشمیر نزدیک مزار بابا خلیل مدفون شد.

او در شعر و ادب مهارتی به سزا داشت و در هند با دانشمندان و شاعران پارسی گوی آنجا همچون فیضی دکنی، ابوالفضل علّامی، حکیم ابوالفتح، مولانا نظیری، مولانا قاسم کاهی و دیگران مصاحبت و مجالست داشت. نمونه ای از اشعارش ضمن مجموعه ای در کتابخانه بادلیان موجود است و میکروفیلم آن به شماره ۱۲۲۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران وجود دارد.

از اشعار اوست:

به مهر اهل وفا عهد بسته می آیی بیا بیا که به دلها نشسته می آیی

گلم به دامن و شوقم به خرمن ست که تو شکفته چون گل و خندان چو پسته می آیی

رباعی

غمنامه من نخوانی و کهنه شود مهجوری من ندانی و کهنه شود

دیر آمدنت مباد کاین زخم فراق ترسم که تو دیر مانی و کهنه شود(۱)

محمّد طالب جِشوِقانی

محمّد طالب بن محمّد تقی جشوقانی قهپایی اصفهانی [از فضلاء قریه «جِشوِقان» از توابع کوهپایه اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده و ظاهرا در اصفهان به تحصیل مشغول بوده است.] در سال ۱۰۷۲ق کتابت «نسخه ای از کتاب «بیان» تألیف: شهید اوّل را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۴۷۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۲)

[او همچنین در سلخ محرم ۱۰۷۳ق نسخه ای از «حاشیه حکمه العین» را کتابت کرده که در کتابخانه جلال الدّین محدّث ارموی موجود است.(۳)]

ملّا محمّد طالب اصفهانی

ملّا محمّد طالب بن حیدرعلی اصفهانی، عالم فاضل. در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و به حکمت و کلام و ریاضیات علاقه فراوان داشته است. سال وفاتش به دست نیامد. او تا سال ۱۰۶۶ق در قید حیات بوده است. او مجموعه ای شامل چندین رساله را به خط خود کتابت کرده که از جمله رساله «مولد النّبی» تألیف میرزا قاضی اردکانی است. همچنین نسخه ای از «حاشیه شرح عضدی بر مختصر ابن حاجب» نوشته تفتازانی را در سال ۱۰۴۴ق مقابله و تصحیح کرده است. همچنین نسخه ای از «توحید» شیخ صدوق را مقابله کرده که در کتابخانه محمّد باقر حجت در کربلا موجود بوده است.

۱- تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، صص ۳۷۶-۳۸۰؛ کاروان هند، ج۱، صص ۷۸۳-۷۸۸؛ تذکره غنی، ص۸۲؛ تذکره روز روشن، ص۴۹۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص ۴۳۱.

۲- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش سوم، ص۱۴۳۴.

۳- الروضه النّضره، ص ۳۰۱.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «شرح خلاصه الحساب» به فارسی، در ۱۰ باب و یک مقدّمه که در سال ۱۱۲۹ق کتابت شده و در کتابخانه «سلطان المتکلمین» در طهران موجود بوده است. ۲. «فهرس ابواب فروع الکافی» که در سال ۱۰۴۲ق آنرا استخراج نموده است.(۱)

طالب اصفهانی

ابوالنّجم طالب بن زید بن علی بن شهریار ببع [کذا فی الاصل] اصفهانی [از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری] از «ابو زید احمد بن علی مصقلی»، «شجاع بن علی مصقلی»، «ابو ربیع عبدالجبّار بن عبداللّه بن ابراهیم بن برزه رازی جوهری واعظ» و «ابوعلی حسن بن عمر بن حسن بن یونس حافظ» و دیگران حدیث شنیده است. «ابوسعد سمعانی» از او استماع حدیث کرده است.

در سال ۴۵۰ق متولّد و در روز سه شنبه دوّم یا سوّم رمضان سال ۵۳۳ق وفات یافته است.(۲)

طالب قهپایی

طالب بن خواجه علی قهپایی اصفهانی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. وی در سال ۱۰۷۵ق کتاب «شرح اصول و روضه کافی» (کتاب العقل) تألیف: ملّا محمّد صالح مازندرانی را به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه مدرسه حجتیّه قم (به شماره ۱۳۲) موجود است.(۳)

۱- الروضّه النّضره، ص۲۹۹؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۱.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۵۶.

۳- فهرست حجتیّه، ص۶۲.

حاجی طالب نصیب اصفهانی

حاجی طالب بن حاجی مقصود چیت ساز اصفهانی، شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری.

ابتدا در خدمت پدر به شغل چیت سازی امرار معاش می کرد پس از فوت پدر به تجارت پرداخته و به هند رفت. در شعر طبعش خالی از لطف نبود و «نصیب» تخلّص می کرد.

این رباعی از اوست:

از خویش به یک نگاه می باید رفت بی منت پا به راه می باید رفت

آواز درآ ز شش جهت می آید آیا به کدام راه می باید رفت(۱)

میرزا طالب تبریزی

میرزا طالب تبریزی عباس آبادی فرزند حاج میرزا خان کمال بیگ از شعرای قرن یازدهم هجری.

از اهالی محلّه عباس آباد اصفهان است. پدرش از تجّار صاحب مکنت و ثروت بود. او پس از فوت پدر اموال او را صرف کرد و عاقبت به تنگدستی و ناداری مبتلا شد، امّا روزگار را به قناعت و درویشی گذراند. در جوانی مقدار زیادی تحصیل کرد، امّا پس از فوت پدر آنرا رها کرد. در سرودن شعر طبع روانی داشته و تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) در قید حیات بوده است. از آثار او غیر از «دیوان اشعار» می توان به «ساقی نامه» و «مثنوی در جواب تحفه العراقین» اشاره کرد.

از اوست:

با این که بتان شکوه ما گوش نکردند جرمی که نکردیم فراموش نکردند

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۱۰؛ تذکره روز روشن، ص۱۵۵؛ کاروان هند، ج۲، صص ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۷۲.

آغوش گشادیم برین کبک خرامان یک جلوه به اندازه آغوش نکردند(۱)

محمّد طالب مهابادی*

محمّد طالب مهابادی اردستانی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. او در اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده است. او در سال ۱۰۸۶ق «نهج البلاغه» را به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۳۲۱۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

سیّد طه بهشتی

آقا سیّد طه (طاها) بهشتی فرزند آقا سیّد محمّد باقر، عالم فاضل محقّق و شاعر و ادیب ماهر [از ادباء و فضلای معاصر اصفهان] در ۴ صفر ۱۳۲۲ق در اصفهان متولّد شد و نزد شیخ علی یزدی، حاج میر سیّد علی نجف آبادی و آقا میرزا احمد اصفهانی و دیگران به تحصیل مشغول شد. دو پسر او در سالهای نوجوانی عمر وفات یافته و پدر را به مفارقت خود گرفتار ساختند. امّا او به وعظ و خطابه و تحصیل و تألیف ادامه تا این که در سال ۱۳۷۴ق به علت بیماری رماتیسم و معالجات غلط پزشکان فلج شده و تا آخر عمر خانه نشین گردید. امّا از جادّه صبر و رضا خارج نشد. و پیوسته به یاد خدا بود و به مطالعه و تحقیق و سرودن شعر می پرداخت. سرانجام در ۱۷ رمضان ۱۴۰۳ق وفات یافته و در تکیه سادات بهشتی (جنب مصلای تخت فولاد) مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انیس المتّقین» ۲. «تحفه الاحباب» در شرح حال علماء و بزرگان سادات بهشتی اصفهان، مطبوع۳. «دُرَر المواعظ» شامل ۴۱ مجلس۴. «دیوان بهشتی»، مطبوع۵. «عشریه» راجع به ایّام عاشورا۶. «علائم المتّقین» در شرح خطبه همام از نهج البلاغه

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۸۱-۱۸۴؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱، ص۴۰؛ الذریعه، ج۹، ص۶۳۷ و ج۱۲، ص۱۱۰.

۲- فهرست الفبائی رضوی، ص۳۸۱.

در ۳ جلد، مطبوع۷. «کنز المواعظ» در ۵۱ مجلس۸. «لئالی المواعظ»۹. «نوادر المواعظ» ۱۰. «نور الایمان» در خطبه آخر شعبان در فضیلت ماه رمضان، شامل ۴۲ مجلس ۱۱. «هدیه الصّالحین»، مطبوع.

این رباعی از اوست:

چون نوبت باغ و موسم گلزار است بلبل به نوا و نغمه و گفتار است

با سروقدان رویم اندر بُستان چون باغ پر از شاهد گلرخسار است(۱)

شیخ طه کافی*

شیخ طه (طاها) کافی، عالم فاضل معاصر در سال ۱۳۱۸ش در اصفهان متولّد شده و پس از گذرانیدن دروس مقدّماتی و سطوح اولیّه، سطوح عالی را به طور عمده از مرحوم شیخ احمد فیاض فراگرفت و در درس خارج عالم مجاهد حاج آقا حسین خادمی شرکت نمود و همچنین از درس مرحوم سیّد علی بهبهانی بهره برد و تقریراتی از دروس او فراهم کرد.

آنگاه در قم از محضر حضرات آیات سیّد محمّد رضا گلپایگانی، شیخ مرتضی حائری (در فقه) و شیخ عبداللّه جوادی آملی (در فلسفه) بهره گرفت. پس از آن در قم و اصفهان به تدریس سطح مشغول شد و در کنار آن به تدریس معارف اسلامی در دانشکده سپاه پرداخت.

او سرانجام در سال ۱۳۶۵ش بر اثر سانحه رانندگی وفات یافته و در تکیه لسان الارض تخت فولاد (واقع در تکیه شهداء فعلی) مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد طاهر اصفهانی

۱- دیوان بهشتی: مقدمه؛ تحفه الاحباب، ص۴۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۲- وفیات علمای معاصر اصفهان، خطی.

ملّا محمّد طاهر بن محمّد زمان اصـفهانی [از فضـلای قرن یازدهم هجری] در پشت جلد هفتم «بحارالانوار» موجود در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران (نسخه شماره ۴۴۰۰) نوشته است که صاحب عنوان آن را نزد علّامه مجلسی قرائت نموده و در تاریخ ۲۷ ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق مجلسـی به وی اجازه داده است. بنابراین مشارالیه شاگرد و مجاز از علّامه مجلسی می باشد.(۱) [وی در شب شـنبه ۱۴ ربیع الثـانی ۱۱۰۰ق بر کتـاب «اصول کـافی» حاشـیه نوشـته است. این نسـخه نزد میرزا صـادق بن محمّـد حسـن جولائی همدانی در همدان موجود بوده است.(۲)]

حاج محمّد طاهر اصفهانی

حـاج محمّـد طـاهر اصـفهانی، از علمـاء و فقهاء قرن سـیزدهم هجری است. او معاصـر ملّا اسـماعیل عقـدایی از مراجع و فقهای عالیقدر یزد بوده و در یزد سکونت داشته و خود مرجع امور شرعی در یزد بوده است.(۳)

محمّد طاهر اصفهانی*

محمّـد طاهر اصـفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است که در ربیع الاوّل ۱۰۳۸ق کتاب «صـریح الملک» را تألیف نموده و در موزه ایران باسـتان نگهـداری می شود. در این کتـاب قباله های املاک آسـتان شـیخ صـفی الـدّین اردبیلی گردآوری شـده است. نسخه هایی از این کتاب در موزه ایران باستان در تهران موجود است.(۴)

طاهر اصفهانی

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۰۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۷.

۲- الکواکب المنتشره، ص۳۹۶.

۳- الکرام البرره، ج۲، ص۶۷۸.

۴- فهرست موزه ایران باستان، ص ۲۱۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۲، ص۱۰۱۴.

طاهر بن ابوالحسن قاضی اصفهانی، از فضلای اوایل قرن یازدهم هجری است. در هندوستان ساکن بوده و خط نسخ را خوش می نوشته است. او کتاب «ارشاد الاذهان» را به خواهش میر مخدوم در شهر حیدرآباد هندوستان در اواخر شوال ۱۰۲۵ق کتابت نموده است. این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا محمّد طاهر قائنی

میرزا محمّد طاهر بن میرزا ابوالحسن [بن محمّد هادی بن محتشم بن عمیدالملک بن شهنشاه قائنی] عالم و ریاضیدان ماهر [در قرن دوازدهم هجری و ساکن اصفهان] در ریاضیات و حکمت نادره زمان بوده و «شرح تذکره»، «تحریر اقلیدس» و «تحریر مجسطی» را تدریس می کرده و شیخ محمّد علی حزین نزد او به تحصیل پرداخته است.(۲) [اجدادش محتشم و محمّد هادی و همچنین برادرش محمّد حسین از فضلاء و دانشمندان آن روزگار بوده اند. در مدرسه مروی تهران «رساله ای در اقسام ساعات» از شخصی به نام محمّد طاهر موجود است که ظاهرا همین میرزا محمّد طاهر قائنی است.(۳)]

میرزا محمّد طاهر نصرآبادی*

میرزا محمّد طاهر نصرآبادی فرزند میرزا محمّد تقی بن میرزا صالح آزادانی، شاعر، ادیب و منشی توانا در قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۲۷ق در قریه «نصرآباد» بلوک ماربین اصفهان متولّد شد و تحت نظر پدر به تعلیم پرداخت و به راهنمایی پدر نزد ملّا عبدالباقی تبریزی مشق خط کرد. در سال ۱۰۴۴ق پدر او وفات نمود و میرزا طاهر به لهو و لعب پرداخت و چندی را به غفلت به سر آورد. عاقبت از آن افعال توبه کرده و در محضر

۱- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۲۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۲؛ تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۷۱؛ الکواکب المنتشره، ص۳۹۷.

۳- فهرست مدرسه مروی، ص۳۲۲.

فضلای اصفهان خصوصا آخوند نصیرا قزوینی و آقا حسین خوانساری به کسب علم و ادب پرداخت. او در شعر طبعی روان داشت و «طاهر» تخلّص می کرد و در سرودن غزل و قصیده و مادّه تاریخ و معمّا مهارتی به سزا داشت. او شاعری خوش محضر و مهمان نواز بود و اغلب شعراء و فضلاء به منزل او در قریه نصرآباد می آمده و مورد اکرام او قرار می گرفتند.

او سخت پایبند به اعتقادات مذهبی خود بود و سفری به حج و سفری به مشهد مقدس نمود و در سالهای آخر عمر در مسجد لنبان عزلت اختیار کرد و عبادت مشغول شد و در این مکان بود که بسیاری از فضلاء و شعراء نزد او آمده و از او کسب فیض می کردند.

میرزا طاهر در نیمه دوم عمر خود به گردآوری احوال و اشعار شاعران پارسی گوی ایران و هند و ماوراءالنهر در آن روزگار پرداخت و پس از سالها تلاش تذکره ای ارزنده موسوم به «تذکره الشعراء نصرآبادی» مشتمل بر احوال بیش از یکهزار شاعر از عهد صفویه را تألیف کرد که بعدها از منابع اصلی بسیاری از تذکره نویسان همچون واله داغستانی، آذر بیگدلی، رضاقلی خان هدایت قرار گرفت. از ملاحظه این تذکره معلوم می شود که او مردی دقیق و نکته سنج و با صداقت بوده است.

ظاهرا او در آخرین سالهای قرن یازدهم هجری وفات یافته و در خانقاه میرزا ابوالقاسم نصرآبادی واقع در زادگاه خود مدفون شده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تذکره الشعراء» که نسخه هایی از آن در کتابخانه های ملک، مجلس شورا و وزیری یزد موجود است. کامل ترین نسخه که به دست سبزعلی بابا احمدی در غرّه ماه رجب ۱۰۹۱ق کتابت شده و به تأیید مؤلف رسیده، در کتابخانه وزیری موجود است. این تذکره در سال ۱۳۱۷ش به همت استاد حسن وحید دستگردی به چاپ رسیده و در سالهای اخیر به کوشش احمد مدقّق یزدی در یک جلد و به کوشش محسن ناجی

نصرآبادی در ۲ جلد به زیور طبع آراسته شده است.۲. «دیوان طاهر» که نسخه ای از آن تاکنون شناسایی نشده است.۳. «گلشن خیال» که نسخه های متعدد از آن موجود است و آقای ناجی نصرآبادی آنرا به ضمیمه تذکره نصرآبادی به طبع رسانیده است. این کتاب نمونه ای از انشاء میرزا طاهر است.۴. «گل و رعنا» که آن هم نثر منشیانه است و به ضمیمه تذکره (تصحیح آقای ناجی) چاپ شده است.۵. «منتخب دیوان صائب» که در یکی از کتابخانه های ترکیه وجود دارد.۶. «منتخب شاهنامه» که نسخه ای از آن شناسایی نشده است.۷. «مجموعه نصرآبادی» که جُنگی است از اشعار و خطوط شعر معاصر نصرآبادی و متأسّفانه نسخه ای از آن به دست نیامده است.

این شعر از اوست:

پرتو شمع جمالت چون شود روشن در آب می کند ماهی ز شوق سوختن شیون در آب

صاف شد چون دل بود آیینه روی یار را کی شود مه عکس خود را مانع بودن در آب

جسم را جان مانع است از سیر بحر معرفت چون شوی از جامه عریان می توان رفتن در آب

غرق دریای فنا شو تا گشاید هر طرف چشم ماهی بر جهان باقی ات روزن در آب(۱)

۱- اصفهان، کتاب جوانان، صص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ تذکره نصرآبادی، (تصحیح وحید): مقدمه؛ تذکره نصرآبادی (تصحیح ناجی)، مقدّمه؛ تذکره نصرآبادی، (تصحیح مدقق): مقدّمه؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۰۴-۲۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۱؛ فرهنگ معیّن ج۶، ص۲۱۲۴؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص۱۳۳؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۲، صص ۳۹۹-۴۰۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۲۹ و ۶۲۷-۶۳۰؛ الکواکب المنتشره، ص۳۹۹؛ مجمع الفصحاء، ج۱: مقدمه؛ هفته نامه صدا، شماره ۳۰۵، سوم تیر ۱۳۸۵، ص۳؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۱۷۸۴-۱۷۸۷؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نصرآبادی»، ص۵۴۹؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۷۹؛ معجم المؤلفین، ج۱۰، ص۱۰۱؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۶۷ و ۱۶۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۲۰.

محمّد طاهر شاه میرزایی

محمّـد طاهر بن محمّد تقی شاه میرزایی، [از فضـلاء قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری] او مجموعه ای از تألیفات علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را در سال ۱۱۰۳ق کتابت کرده است. او احتمالاً از شاگردان علّامه مجلسی است. این مجموعه به شماره ۱۲۲۳ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

محمّد طاهر کوهساری*

محمّـد طـاهر بن حسـنعلی معلم کوهساری، از ادباء و فضـلای قرن یازدهم هجری و از اهالی قریه «کوسار» جی اصـفهان است. (کوسـار) اکنون به شـهر پیوسـته و در خیابـان پروین اعتصـامی واقع شـده ولی از بافت معماری قـدیمی و کشاورزی آنجا هیچ اثری به جا نمانده است.)

او در سال ۱۰۷۳ق «استبصار» تألیف: شیخ طوسی و در اواخر رمضان ۱۰۸۱ق «مشیخه» را کتابت کرده است.(۲) او همچنین در ۱۷ محرّم ۱۱۰۲ق نسخه ای از کتاب «مشرق الشمسین» تألیف: شیخ بهایی را کتابت کرده که نزد سیّد علی شبّر نجفی در نجف موجود بوده است.(۳)

میرزا محمّد طاهر وحید قزوینی*

میرزا محمّد طاهر قزوینی متخلّص به «وحید» فرزند میرزا حسین خان، شاعر، مورّخ، منشی و خوشنویس نامدار عصر صفویه. در اوایل قرن یازدهم هجری متولّد شد. او اگر

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۲۷.

۲- تراجم الرجال، ج۲، ص۷۳۱.

۳- الکواکب المنتشره، ص۳۹۸.

چه به طور رسمی نزد دانشمندان عصر تحصیلاتی نداشت امّا با مطالعه و تلاش بسیار در زمینه های مختلف مهارت به دست آورد و در عهد شاه عباس اوّل به اصفهان رفت و نزد میرزا صالح بن میرزا باقر صاحب توجیه دیوان خانه سلطنتی صفویه به محاسبه و دفترداری و خدمات دیوانی مشغول شد و پس از مرگ میرزا صالح منصب توجیه دیوان اعلی را برعهده گرفت. چندی بعد به خدمت ساروتقی، وزیر اعظم درآمد و پس از مرگ او چندی نزد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، وزیر اعظم به خدمت مشغول بود. در سال ۱۰۵۵ به منصب مجلس نویسی دربار صفویه برگزیده شد و در اوایل سلطنت شاه سلیمان به وزارت اعظم منصوب شد. چندی بعد مورد غضب قرار گرفته و از آن مقام مستعفی شد. پس از مرگ شیخعلی خان زنگنه، دیگر بار به وزارت اعظم منصوب شد. امّا در سال ۱۱۰۵ق به علّت کهولت از آن مقام استعفا داد و در سال ۱۱۱۲ق در سن نزدیک به یکصد سالگی در اصفهان وفات یافت.

او اغلب در محفل و انجمن شاعران و دانشمندان شرکت می کرد و با آنان (از جمله صائب تبریزی) مراوده و معاشرت داشت. برخی از صاحب طبعان و نوشاعران نیز همچون محمّد رضا قزلباش همدانی (امید) از شاگردان محفل ادبی او بودند.

تذکره نویسان و ناقدان سخن اغلب نظم و نثر او را نپسندیده و آنرا میان مایه، مغلق، دشوار و مبهم دانسته اند، هرچند از پرکارترین شاعران عهد خویش بوده و شمار ابیات کلیات اشعارش را بین چهل هزار تا نود هزار بیت تخمین زده اند.

منظومه ها و آثار زیر از اوست: (در تعلیقات تذکره المعاصرین حزین، به قلم بانو معصومه سالک به طور مفصل به معرفی نسخ خطی و چاپی وحید قزوینی پرداخته است.)

۱. «دیوان اشعار»۲. «ساقی نامه» (چاپ شده در تذکره پیمانه)۳. «عباسنامه» (به کوشش ابراهیم دهگان در سال ۱۳۲۹ش در اراک چاپ شده است)۴. «شهرآشوب» (در سال ۱۳۷۹ش در قزوین چاپ شده است.)۵. «منشآت»۶. «وصف همایون تپه» مثنوی۷. «وصف طنبور»، مثنوی۸. «وصف آلات جنگ»، مثنوی۹. «گلزار عباسی»،

مثنوی ۱۰. «فتحنامه قندهار» ۱۱. «عاشق و معشوق»، مثنوی ۱۲. «ساغر سرشار»، مثنوی ۱۳. «ناز و نیاز»، مثنوی ۱۴. «خلوت راز»، مثنوی ۱۵. «تعریف عمارات شاهی»، مثنوی ۱۶. «کلام» ۱۷. «وصف نرد»، مثنوی ۱۸. «مرآه الاعجاز»

سه برادر میرزا طاهر وحید، «میرزا فصیح»، «میرزا یوسف» (متخلّص به واله) و «میرزا امین»، از شعراء و ادبای آن عهد بوده اند.

این بیت از اوست:

مانده بر خارانشان صورت شیرین هنوز شیشه دل را ببین فرهاد چون بر سنگ زد(۱)

محمّد طاهر اصفهانی

محمّد طاهر بن محمّد رضا اصفهانی [خطاط نستعلیق نویس در قرن یازدهم هجری] ظاهرا در تاریخ ۱۰۳۶ق نسخه ای از کتاب «جام جهان نمای عباسی» تألیف: قاضی بن کاشف الدّین یزدی را به خط نستعلیق نوشته و نسخه به شماره ۳۴۴۵ در کتابخانه ملّی تبریز جزو کتب اهدایی حاج محمّد نخجوانی موجود است.(۲)

همچنین نسخه ای از «تبصره المتعلمین» تألیف: علّامه حلّی را کتابت نموده که در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۳)

۱- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۶۸-۷۲؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۶-۲۹؛ تذکره المعاصرین (حزین)، صص ۱۴۱-۱۴۶ و ۲۶۲-۲۷۳؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، صص ۲۴۶۰-۲۴۶۴؛ تذکره آتشکده (بخش سوم از نیمه نخست)، ۱۲۱۱-۱۲۲۰؛ شهرآشوب، صص ۵-۷؛ تذکره کلمات الشعراء، صص ۱۱۹-۱۲۱؛ تذکره حسینی، ص۳۵۹؛ تذکره الشعراء غنی، ص۱۴۲؛ تذکره هفت آسمان، ج۱، صص ۱۵۱ و ۱۵۲؛ تذکره شمع انجمن، صص ۷۹۲-۷۹۴؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۶۹۶؛ تذکره پیمانه، صص ۵۶۶-۵۷۰؛ تذکره سرو آزاد، ص۱۳۲؛ تذکره نتایج الافکار، ص۷۴۰؛ ریحانه الادب، ج۱۰، صص ۳۱۰ و ۳۱۱؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص۱۳۴۶؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۹۹-۴۰۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۸۴.

۲- فهرست ملّی تبریز، ج۱، ص۳۲۴.

۳- فهرست اعظم قم، ص۶۲.

استاد طاهر بنای اصفهانی

استاد طاهر ولد استاد رضا بنای اصفهانی، از معماران معروف زمان شاه سلیمان صفوی است. از آثارش: ساختمان کاروانسرای شیخ علیخان زنگنه در سال ۱۰۹۸ می باشد.(۱)

میرزا محمّد طاهر شعری اصفهانی

میرزا محمّد طاهر شعری بن شیخ زین العابدین بیدآبادی اصفهانی، شاعر و ادیب فاضل در قرن سیزدهم هجری.

او از سلسله مشایخ بیدآباد اصفهان است و نسب آنان به عارف نامدار شیخ زاهد گیلانی منتهی می شود. پدرش هنگامی که او در رحم مادر بود فوت کرد. او در روز ۱۰ ذیحجه ۱۲۲۴ق در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل علم در این شهر به همراه برادرش شیخ صالح بیدآبادی راهی طهران شده و در مدرسه دارالشّفا ساکن شد و به تحصیل ادامه داد. مدّتی بعد مورد توجّه و عنایت علیقلی میرزا اعتضادالسّلطنه قرار گرفته و مأمور تألیف تذکره ای در شرح حال شاعرانی که میرزا آقاجان صدراعظم را مدح کرده اند و مدایح آنان شد که او آنرا در سه شنبه غرّه ذی القعده ۱۲۷۳ق به پایان آورد و آن را «گنج شایگان» نامید.

او لقب «دیباچه نگار» داشت و در شعر «شعری» تخلّص می کرد. [دیوان بیگی در تذکره خود او را بسیار نکوهش کرده است.]

سال دقیق فوت او معلوم نیست. برخی تذکره ها سال فوت او را ۱۲۷۰ نوشته اند که باتوجه به تاریخ اتمام کتاب «گنج شایگان» (۱۲۷۳ق) نادرست است. و باید گفت فوت او در سال ۱۲۷۴ یا ۱۲۷۵ق واقع شده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۳.

[۱. «بهجت نامه» منظومه ای مذهبی در شش دفتر که به شماره ۴۶۸۵ در کتابخانه ملّی ملک در طهران موجود است.] ۲. «دیوان اشعار» به عربی و فارسی [۳. «سفرنامه نور و کجور» که به همراه منظومه «بهجت نامه» در کتابخانه ملک طهران موجود است.[۴. «گنج شایگان» که شرح حال و اشعار ۴۸ شاعر (از مداحان میرزا آقاجان نوری) را در بر دارد. [حاجی محمّد بیدل کرمانشاهی مادّه تاریخ اتمام کتاب (سال ۱۲۷۳ق) را چنین سروده است:

«بیدل» به خامه گوهر تاریخ سفت و گفت: «آکنده شد بدرج گهر گنج شایگان»

این کتاب در همان سال در طهران چاپ سنگی شده است.(۱)]

ملّا محمّد طاهر اردستانی

ملّا محمّد طاهر [بن ملّا محمّد صادق بن ملّا محمّد طاهر بن حکیم ملّا محمّد صادق[اردستانی، عالم فاضل [از فضلای ساکن اصفهان در قرن سیزدهم هجری] او پدر شاعر عارف: ملّا محمّد صادق روشن است.(۲)

محمّد طاهر حسینی مازندرانی

محمّد طاهر بن محمّد صالح حسینی مازندرانی [از فضلاء و علماء قرن سیزدهم هجری] در تاریخ ۲۳ ربیع الاوّل ۱۲۴۳ق کتابت نسخه ای از «اصول دین» تألیف: شیخ

۱- تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۵۳۲ و ۵۳۳؛ چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۷۵؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۲، صص ۸۴۲-۸۴۶؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۲۲۵؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۷۷۹ و ۷۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۱؛ الکرام البرره، ص۶۷۹؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۲، صص ۷۳-۷۷؛ الذریعه، ج۹، ص۵۲۷ و ج۱۸، ص۲۳۸؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۵۸۴؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، صص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ فهرست ملک، ج۲، صص ۶۳ و ۶۴؛ دیوان طرب، ص۱۶۹.

۲- آتشکده اردستان، ج۱، ص۴۷ و ج۲، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۲.

احمد احسائی و در تاریخ پنج شنبه ربیع الثّانی ۱۲۴۳ق کتابت رساله در «مبحث معاد و مرگ» را در اصفهان به پایان رسانیده و هر دو نسخه ضمن مجموعه به شماره ۶۳۳۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است. همچنین در چهارشنبه ۲۳ شوال ۱۲۴۳ق کتاب «لب اللّباب» تألیف: مولی محمّد جعفر استرآبادی را در کربلا کتابت نموده و نسخه ضمن مجموعه قبل موجود است.(۱)

طاهر قاری اصفهانی

فخرالدّین ابوالحسن [ابوالحسین] طاهر بن عرب بن ابراهیم قاری اصفهانی، عالم فاضل محدّث، قاری بصیر. از اساتید فن تجوید و قرائت در اصفهان بوده. کتب عدیده در فن تجوید تألیف نموده و عدّه ای کثیر شاگرد تربیت نموده و جهت برخی از آنها اجازه نوشته است.

[و در ۷ محرم ۷۸۶ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدرش و] محمّد بن محمّد بن جزری به فراگیری قرائت و تجوید پرداخته و در سال ۸۵۷ق به شاگردش ابی المعارف نجم الدّین محمّد سعدی حموی اجازه داده است.

کتب زیر از اوست:

۱. «تجوید قرآن» به فارسی ۲. «التّجرید فی التّجوید»۳. «الدّر الفرید»۴. «شرح شاطبیه» که شاید از او باشد.۵. «طبقات القرّاء»۶. «القرائه المفرده» از ابن عامر۷. «القرائه المفرده» از حمزه۸. «القرائه المفرده» از نافع۹. «منتخب دُرّ الفرید» ۱۰. «منهل العطشان» [۱۱. «قصیده فی قرائه العشر» ۱۲. «نظم الجواهر» که قصیده در اختلافات قرآن است. ۱۳. «رساله فی وقوف القرآن»(۲)] ۱۴. «عین التنزیل» در تجوید،

۱- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۳۲۶.

۲- غایه النّهایه، ج۱، صص ۳۳۹-۳۴۱؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۶۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص۳۳۷ و ۳۳۸؛ الذریعه، ج۳، ص۳۶۸ و ج۸، ص۶۸ و ج۱۲، صص۳۶۵-۳۶۸ و ج۲۲، ص۴۰۱ و ج۲۵، ص۱۴۱؛ کشف الظنون، ج۲، صص ۱۳۴۱ و ۱۳۴۳.

موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران.

محمّد طاهر ابهری اصفهانی

سیّد محمّد طاهر بن حاجی علاءالدّین محمّد بن امیرحسن موسوی حسینی ابهری جی اصفهانی [کاتب و خطاط و نسخ نویس در قرن یازدهم هجری] در ۱۵ ذیقعده سال ۱۰۷۷ق کتابت «فروع کافی» را به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۴۵۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱) همچنین در سال ۱۰۹۰ق کتابت «روضه المتّقین» تألیف: ملّا محمّد تقی مجلسی را به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۲۶۳۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[و نسخه ای از «توحید مفضل» را هم در ۱۷ ذیقعده ۱۰۸۲ق کتابت نموده که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)]

طاهر اصفهانی*

طاهر بن علی اصفهانی، از معماران قرن چهارم هجری. نام وی در کتیبه مسجدی است که در حفریات غرناطه [در اسپانیا] از زیر خاک درآمده و مربوط به دوره سلطنت امویان در آن حدود است.(۴)

طاهر طوسی

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۲۲۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۰۵.

۳- خورشید جی، ص۴۳۲.

۴- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۶۰.

ناصرالدّین طاهر بن فخرالملک بن نظام الملک طوسی، از وزرای عهد سلجوقی که پس از قتل ابراهیم درگزینی به وزارت سلطان سنجر رسیده و مدت ۱۹ سال وزیر او بوده و پس از خواجه نظام الملک، هیچ یک از وزرای سلجوقیان به اندازه او وزارت نکرده اند.

پس از سنجر مدّتی وزارت شاه سلیمان را یافته و مدّتی بعد درگذشته است.(۱)

ملّا محمّد طاهر اصفهانی

ملّا محمّد طاهر بن محمّد کاظم اصفهانی، عالم فاضل. در اصفهان متولّد شده و جهت تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رفته، به درس فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و شیخ زین العابدین مازندرانی و غیره حاضر شده و از این سه استاد اجازه روایت گرفت.

او پس از مراجعت به ایران، در شهر ری ساکن شده و مرجعیّت تامّه یافته و به ترویج دین و دفع بدعت های معاندین و مخالفین اهتمام زیاد به عمل آورد. او در حدود سال ۱۳۱۰ق وفات یافت و در صحن امامزاده عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر ری مدفون شد. از او جزواتی در فقه و اصول باقی مانده است. پدرش از علمای اعلام بوده و شیخ محمّد جواد نیز از علماء و فضلاء می باشد.(۲)

محمّد طاهر تبریزی*

محمّد طاهر بن حاجی محمّد قلی تبریزی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. وی نزد عباس مولوی (از شاگردان ملّا رجبعلی تبریزی) به تحصیل فلسفه مشغول بوده و سالها در اصفهان اقامت داشته است. وی در سال ۱۰۷۵ق نسخه ای از «حل

۱- نسائم الاسحار، ص۷۹؛ دائره المعارف دانش بشر، ص ۵۸۱.

۲- نقباء البشر، ج۳، ص۹۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۴۴.

مشکلات الاشارات» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی را در خدمت عباس مولوی به خط نسخ کتابت نموده است. این کتاب در کتابخانه آستانه حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم موجود است.(۱)

طاهر جورجیری اصفهانی

ابوالقاسم طاهر بن محمّد بن احمد بن عبداللّه عکلی جورجیری اصفهانی [از محدّثین اوایل قرن پنجم هجری] از «ابی بکر مقری» حدیث روایت نموده و در ماه جمادی الاولی سال ۴۳۹ق وفات یافته است.

محلّه «جورجیر» از محلّات قدیم اصفهان است.(۲) و اکنون به نام محلّه «مسجد حکیم» معروف است.

طاهر مافرّوخی اصفهانی

ابومسلم طاهر بن محمّد عبداللّه بن حمزه مافرّوخی جوزدانی اصفهانی، جدّ مادری مؤلف «محاسن اصفهان» بوده و نسب او به «ابومسلم خراسانی اصفهانی» می پیوندد. در «ترجمه محاسن اصفهان» شرح مفصّلی از کیاست و فراست او نقل نموده و همچنین اشعاری بدو نسبت داده است.(۳)

میرزا محمّد طاهر شهرستانی

میرزا محمّد طاهر حسینی شهرستانی بن سیّد رضی الدّین محمّد صدر شهرستانی اصفهانی، شاعر ادیب [از شعرای قرن یازدهم هجری. مادرش حوابیگم دختر شاه عباس اوّل صفوی است. در زمان کودکی به دستور شاه صفی کور شد، اما از تحصیل علم و ادب غافل نشد. در شعر طبعی روان داشت.(۴)]

۱- فهرست آستانه قم، ص۱۱۳.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص ۱۸۰؛ اللباب، ج۱، ص۲۰۶.

۳- ترجمه محاسن اصفهان، ص۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲؛ محاسن اصفهان، ص۳۱.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۸؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

کتاب «تقویم الصلاه» به او منسوب است، در زمان شاه سلطان حسین تألیف شده و در قرن چهاردهم هجری چاپ سنگی شده است.(۱)

محمّد طاهر اشتهاردی

محمّد طاهر بن حاج محمود اشتهاردی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۸۴ق کتاب «شفا» تألیف: ابن سینا را در مدرسه نجفیّه معروف به مدرسه تو شمال باشی در اصفهان کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

طاهر اصفهانی*

طاهر بن محمود اصفهانی، از فضلاء و دانشمندان اصفهان است و در ریاضیات خصوصا در هندسه مهارتی به سزا داشته و ظاهرا او در قرن نهم هجری می زیسته است.(۳)

طاهر کاتب اصفهانی

ابوالمعالی طاهر بن مفضل (فضل) بن محمّد بن طاهر بن سلمه کاتب اصفهانی [از محدّثین عامّه اوایل قرن ششم هجری.] در اصفهان از: «ابومحمّد رزق اللّه بن عبدالوهاب فقیه تمیمی» حدیث شنیده است. «ابوسعد سمعانی» در اصفهان از وی استماع حدیث کرده است.(۴)

۱- الکواکب المنتشره، صص ۳۹۶ و ۳۹۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۵۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۴.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۶۸.

۳- فهرست رضوی، ج۱۰، ص۵۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۳۴۶.

حاج محمّد طاهر ورنوسفادرانی

حاج محمّد طاهر بن حاج مقصود علی ورنوسفادرانی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محدّث و صالح متّقی، از علمای اواخر دوره صفویه.

اصلاً از قریه «ورنوسفادران» از قرای سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] اصفهان است. آقا محمّد باقر هزارجریبی نجفی در اجازه ای که در سال ۱۱۹۵ق برای سیّد محمّد مهدی بحرالعلوم نوشته، از او با این القاب یاد کرده است:

«الفقیه العالم الورع التّقی النّقی الثّقه العدل العالم الرّبانی»

وی در اصفهان نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تلمّذ پرداخته و به اجازاتی از او مفتخر شده است. از جمله «الرّوضه البهیّه» را نزد او خوانده و علّامه در پشت جلد اوّل کتاب «الروضه» برای او اجازه نوشته است. همچنین کتاب «بحارالانوار» جلد ششم را نزد او قرائت کرده که استاد در ۱۶ شعبان ۱۱۰۲ق در آخر این کتاب برای او اجازه نوشته است. که این نسخه در کتابخانه اهدایی آقای مشکات به دانشگاه طهران موجود است. اجازه دیگری نیز در آخر «اصول کافی» در ۱۰ جمادی الاوّل ۱۰۸۷ق برای او نوشته است. این نسخه در کتابخانه مدرسه بروجردی در نجف موجود بوده است.

حاج محمّد طاهر در اصفهان به تدریس مشغول بوده و اغلب فقه و حدیث درس می داده و جمعی از فضلاء از درس او بهره می بردند. شیخ محمّد علی حزین «استبصار» شیخ طوسی و «شرح لمعه» را از او آموخته است. سیّد ابوالقاسم جعفر خوانساری نیز «صحیفه سجادیه» را نزد او قرائت کرده و استاد در آخر صحیفه در روز ۱۸ محرم الحرام ۱۱۲۹ق جهت شاگرد اجازه نوشته است. امیر محمّد حسین بن عبدالباقی خاتون آبادی، ملّا محمّد بن محمّد زمان کاشانی و میرزا ابراهیم قاضی نیز از او روایت

می کنند. نوه اش محمّد باقر بن محمّد قاسم هم در ۱۰ جمادی الثانی ۱۱۳۱ق از او اجازه اخذ کرده است.

«مجموعه الادعیه و الزّیارات» از تألیفات اوست که آن را در ۷ محرم ۱۱۲۹ق در کربلای مُعلّی به رشته تحریر در آورده است.

سال وفات او معلوم نشد.(۱)

محمّد طاهر حافظ اصفهانی

محمّد طاهر بن محمّد مؤمن حافظ اصفهانی [از دانشمندان و دانایان به قرائت و تجوید در قرن یازدهم هجری] وی مؤلف «التجرید فی التجوید» یا «عین التّنزیل» است که آن را به فارسی در یک مقدّمه و چند ضابطه در سال ۱۰۴۴ق نوشته و نسخه به شماره ۳۴۵۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۲)

نسخه دیگری از «التّجرید» به شماره ۳۱۹۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

طاهر اصفهانی

طاهر بن یحیی، از علماء قرن یازدهم هجری در اصفهان. وی از جمله کسانی است که به جریان وقف مدرسه نوریّه اصفهان شهادت داده است. سجع مهر او: «الطاهر بن یحیی ۱۰۳۴» بوده است.(۴)

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۶۹؛ نجوم السماء، ص۲۳۰؛ اجازات الحدیث، ص۲۲۵؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۹۵ و ۳۹۶؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۴۴ و ۷۴۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۸ و ۴۹؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۳۳؛ الذریعه، ج۲۰، ص۶۵؛ فیض قدسی، ص۱۵۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۳۴؛ فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۱۸۹؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۵۱۹.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش سوم، ص۱۳۰۹.

۳- فهرست مرعشی، ج۸، ص۴۱۶.

۴- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۹۵.

محمّد طاهر تبریزی

محمّد طـاهر تبریزی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۷۷ق کتابت نسخه ای از کتاب «استبصار» تألیف: شیخ طوسی را به خط نسخ در اصفهان به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۴۹ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدس.(۱)

سیّد محمّد طاهر تویسرکانی*

سیّد محمّد طاهر تویسرکانی، عالم فاضل و عارف زاهد، از علمای اواخر دوره قاجاریه.

در همدان مقدّمات علوم دینی را فرا گرفت. سپس به تهران رفته و در جنب مدرسه دارالفنون، در مدرسه ای به ادامه تحصیل پرداخت امّا چون آوازه جامعیّت حوزه علمیه اصفهان را شنید به اصفهان آمده و در مدرسه صدر حجره گرفت و به تحصیل مشغول شد. جهانگیرخان قشقائی و آخوند کاشی از مصاحبان و همدرسان او بودند و در روحیه با صفای او تأثیر فراوان به جا گذاشتند.

وی در مسجد سرخی اصفهان اقامه جماعت می نموده و از نزدیکی به حکام و بزرگان شهر پرهیز داشته است. ظل السّلطان حاکم ستمگر اصفهان کیسه ای پر از سکه های طلا نزد او می فرستد تا آنرا سیّد تویسرکانی میان فقراء تقسیم کند. سیّد که آنرا حاصل زورگویی به زحمتکشان و گرفتن حق آنان به زور می دانسته است، پولها را پس می فرستد و در نامه ای این بیت را برای ظل السّلطان می نویسد:

ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم با پادشه بگوی که روزی مقدّر است

۱- فهرست گوهرشاد، ص۲۱۱.

وی سرانجام در ماه جمادی الاولی سال ۱۳۲۷ق وفات یافته و در اطاق بالا سر قبر میر ابوالقاسم فندرسکی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

فرزندش سیّد حسین طاهرزاده از هنرمندان برجسته موسیقی و استاد مُسَلّم آواز ایران است.(۱)

محمّد طاهر حجار اصفهانی*

محمّد طاهر حجار اصفهانی، از هنرمندان دوره صفویه است. در سنگتراشی استاد بوده و تا سال ۱۱۳۳ق در قید حیات بوده است. از آثار او: حجاری سنگاب مدرسه چهارباغ است که رقم آن چنین است:

«در شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۱۰ق به انجام رسید عمل کمترین محمّد طاهر»(۲)

همچنین حجاری سنگاب بقعه امامزاده سلطانعلی بن امام محمّد باقر علیه السلام در مشهد اردهال کاشان که در سال ۱۱۳۳ق کار حجاری آن پایان پذیرفته است.(۳)

حاج محمّد طاهر حکاک*

حاج محمّد طاهر حکاك اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری. در حکاکی بر روی سنگ های قیمتی استاد بوده و حکاکی های او بر روی عقیق بسیار مشهور و قیمتی است. در خوشنویسی، و کتیبه نگاری و ترکیب بندی استاد بوده و برای ناصرالدّین شاه مُهر می ساخته است. وی حدود ۹۰ سال عمر کرده و در اصفهان درگذشته است.(۴)

محمّد طاهر درکوشکی*

۱- مجله مقام: شماره ۵، دوره جدید، ص۲۸؛ یادداشت های آقای رسول دادنجانی؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.
۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۹۵-۶۹۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۸۴۷.
۳- آثار تاریخی شهرستان های کاشان و نطنز، ص۸۴؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص ۳۱۰.
۴- تاریخ برگزیدگان و عده ای از مشاهیر ایران و عرب، صص ۵۲۳ و ۵۲۴؛ روزنامه توس، یکشنبه ۴ مرداد ۱۳۷۷، ص۵.

محمّد طاهر اصـفهانی، شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری در محله درکوشک اصفهان ساکن بوده و به شغل شعربافی امرار معاش می کرده است. عاقبت به هند رفته و قبل از سال ۱۰۸۳ق وفات یافت. گاهی شعر می سرود.

این شعر را در مذمّت مردم هندوستان سروده است:

در هند کسانی که گرفتند وطن مانند غلیواج نه مردند و نه زن

این رسم عجب نگر که در ملکت هند زن شوهر شوهر است و شوهر زن زن(۱)

میرزا محمّد طاهر شهاب اصفهانی*

میرزا محمّد طاهر اصفهانی متخلّص به «شهاب» شاعر و ادیب خوشنویس قرن سیزدهم هجری.

در اصفهان متولّد شد و با اینکه از خاندان تجار معتبر اصفهان بود، به علم و ادب روی آورده به تحصیل مشغول شد و در کنار آن به مشق خط پرداخته و به مقام عالی در خوشنویسی رسید. خطوط نسخ و ثلث و رقاع را خوش می نوشت. او نسخه ای از «قرآن مجید» را کتابت کرده و خدمت فتح علی شاه فرستاد. او سالها در اصفهان ساکن بود تا اینکه در سال ۱۲۳۳ق از اصفهان به شیراز رفت و مورد عنایت فرمانفرما حسینعلی میرزا قرار گرفت و مصاحب فرزند فرمانفرما، نجفقلی میرزا گردید و به همراه او به بهبهان رفت. پس از مرگ فتح علی شاه، او به شوشتر و هویزه رفته و در آنجا انزوا اختیار کرد. او قصایدی در مدح منوچهرخان گرجی معتمدالدّوله حاکم اصفهان سروده که در تذکره مدایح معتمدیه آمده است.(۲)

از آثار او بحر طویلی به نام «ذم زنان» است که ضمن مجموعه شماره ۲۳/۱۲۸۷ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم نگهداری می شود. محمّد بن محمّد کریم تاجر

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۷؛ کاروان هند، ج۱، ص ۷۹۰.

۲- تذکره مدایح معتمدیه: خطی؛ تذکره حدیقه الشعرا، ج۲، ص۹۰۲.

شوشتری در سال های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۸ق این مجموعه را کتابت کرده است.(۱)

این چند بیت از یکی از قصاید اوست:

ای قد سروت به جلوه قامت طوبی وز گل رویت به رشک لاله حمرا

لاله حمرا کجا و گلشن رویت قامت سروت کجا و جلوه طوبا

طره حور است پیچ زلف تو آری لعل لبت حوض کوثری ست مهیّا

حاج طاهر شیرازی

حاجی طاهر شیرازی، عالم فاضل، از علماء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و به تدریس فقه و حدیث می پرداخته و جمعی از فضلاء از محضر او مستفیض می شده اند که از آن جمله است. میر ابوالقاسم موسوی بیضاوی (متخلّص به قاسم).(۲)

میر محمّد طاهر علوی کاشانی

میر محمّد طاهر علوی کاشانی، شاعر ادیب از سخنوران قرن دوازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود سپس در عهد عالمگیر پادشاه به هند رفته و در کشمیر ساکن شد و در سال ۱۱۳۶ق در همانجا وفات یافت. وی غیر از «دیوان اشعار» منظومه ای به نام «حدّاد و حلّاج» داشته است.

از اوست:

امشبم چون شیشه مِی، دل ز تنهایی پُر است همچو ساغر همدمی کو، تا دلی خالی کنم(۳)

۱- فهرست خطی احیاء، ج۴، ص۱۱۳.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۳۴.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۲۹؛ صحف ابراهیم، ص۱۹۹؛ الذریعه، ج۹، ص۷۳۷ و ج۲۳، ص۱۰۳؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۱۹۱؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «علوی کاشانی»، ص۴۸؛ کاروان هند، ج۲، صص ۹۰۷ و ۹۰۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۲۱؛ هدیه العارفین، ج۲، ص۳۱۷.

میرزا طاهر مستوفی

میرزا طاهر، مستوفی و مشرف مسجد جامع جدید عباسی (مسجد شاه) [مسجد امام کنونی] بوده و نامش در وقفنامه مسجد مزبور ذکر شده است.(۱)

در هر حال از بزرگان اصفهان در قرن یازدهم هجری است.

طاهر محتسب

طاهر محتسب، از ادبای اصفهان در قرن سوم هجری است. مافرّوخی (مؤلف محاسن اصفهان) او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء که متقدّم بر عهد مافرّوخی بوده اند، آورده است.(۲)

میرزا محمّد طاهر نایینی

محمّد طاهر نایینی، عالم فاضل [و محدّث محقّق از دانشوران قرن یازدهم هجری] در اصفهان نزد جمعی از فضلاء به تحصیل مشغول بوده و علّامه مجلسی در ذیقعده الحرام سال ۱۰۹۵ق بر روی برگی از یکی از مُجلَّدات «بحارالانوار» اجازه مختصری برای او نوشته است.(۳)

میرزا طاهر نزهت اصفهانی

میرزا طاهر انصاری متخلّص به «نزهت» از شعرای قرن چهاردهم هجری. او در حدود سال ۱۳۰۰ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خویش را مطابق سبک زمان نزد

۱- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۶۰.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۲.

۳- اجازات الحدیث للعلّامه المجلسی، ص ۲۲۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۳۹۸ و ۳۹۹؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص ۱۱۲؛ الذریعه، ج ۱، ص ۱۵۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۴۷.

اساتید اصـفهان به پایان رسانید. او در شعر و ادب دارای طبعی روان بود و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و سرانجام در شوّال ۱۳۵۱ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

این شعر از اوست:

تو را دو زلف سیه تا به روی گلگون است مرا ز غصه دل آشفته و ز غم خون است

چنانکه میروی آخر دمی نگاهی کن ببین که حال دل از دست رفتگان چون است

طاهری نایینی

ملّا طاهری نایینی، از شـعرای قرن یازدهم هجری. خوش طبع و لطیف خیال بود و چنـدی در اصـفهان ساکن بود. گوینـد آلوده هوا و هوس بوده و بدین خاطر شاه عباس لب و دهان او را سوزانده است.

این شعر از اوست:

ای پری از من دیوانه رمیدن زود است رشته عهد به یکباره بریدن زود است

صید خال تو نشد دل، چه زنی چین به جبین مرغ چون رام نشد دام کشیدن زود است(۲)

طبعی قزوینی*

طبعی قزوینی، از شعراء و ادبای قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۰۴ و ۵۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۱۹.

خدمت و مصاحبت حکیم شفایی به تحصیل و علم و ادب می پرداخت و همچون استاد، طبعش به هزل و هجو مایل بوده و در هجو برخی از شعرای روزگار خود مانند کامالای کاشی و شاپور طهرانی شعر سروده است.

از اوست:

لذّت تنگدلی باد بر آن غنچه حرام که به امداد صبا میل شکفتن دارد(۱)

طلحه جیانی اصفهانی

ابوالهیثم طلحه بن اعلم حنفی جیانی اصفهانی، از محدّثین عامه اصفهان. از «عامر شعبی» روایت نموده و «سفیان ثوری» از او روایت کرده است.

«جیان» از دهات بلوک «قهاب» اصفهان است و در آنجا جایی به نام «مشهد سلمان فارسی» شهرت داشته است. از «هبه اللّه بن عبدالوارث شیرازی» نقل شده که سلمان فارسی به ایران بازگشته و در فتح اصفهان شرکت داشته و مسجدی در زادگاه خود قریه «جیان» بنا نهاده است.(۲)

طلحه صالحانی

طلحه بن حسین بن ابی ذر محمّد بن ابراهیم بن علی صالحانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] در اواخر عمر کور شده و در سال ۵۱۵ق وفات یافته است.(۳)

«صالحان» از محلّه های اصفهان بوده است.

از «ابوذر محمّد بن ابراهیم صالحانی» (جدّ خود) و «ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه ضبّی» حدیث شنیده و از آنان روایت کرده است. او در سال ۵۰۶ یا ۵۱۰ق جهت «ابوسعد سمعانی» اجازه نوشته است.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۴۳۱.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص۱۹۶.

۳- معجم البلدان، ج۳، ص۳۸۹ ذیل کلمه صالحان.

۴- التحبیر، ج۱، ص ۳۵۰.

طلحه اصفهانی

ابوزید طلحه بن عبدالرّزاق بن احمد بن عبداللّه [اصفهانی] برادرزاده «حافظ ابراهیم اصفهانی تاجر» [از محدّثین قرن چهارم هجری، در سال ۳۷۴ق متولّد شده و از «ابن مقری» روایت می کند. در نیشابور حدیث می گفته است. «ابوعلی حسن بن احمدبن حسن خلّاد اصفهانی» از او روایت می کند.(۱)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۱۷۸؛ المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، ص۱۵۱.

ص: ۵۷۳

اعلام اصفهان

«ظ»

اشاره

ظفر نیشابوری

ابونصـر ظفر بن احمد بن حسـین نیشابوری (معروف به «جبیلی»)، از بزرگان صوفیه [در قرن چهارم هجری [به اصـفهان رفت و در آنجا در محرم ۳۸۲ق وفات یافت.

حافظ ابونعیم اصفهانی از او و «ابونصر» از «ابوجعفر محمّد بن حسن بن علی بن عمار مؤدب نیشابوری» روایت می کند.(۱)

ظفر حسن آبادی*

ابوالفتـح ظفر بن عبـدالرّحیم حسن آبـادی اصـفهانی، از محـدّثین عـامّه در قرن پنجم هجری است. او از ابی اسـحاق ابراهیم بن عبداللّه بن خُرشیدقوله تاجر حدیث نقل کرده است. وفاتش در ماه جمادی الآخر سال ۴۶۸ق واقع شد.(۲)

ظفر معلّم اصفهانی

ابوالفضل ظفر بن محمّد بن احمد بن حسین بن طاهر بن بکران معلّم اصفهانی [از محدّثین عامّه اوایل قرن ششم هجری].

از «ابومحمّـد رزق اللّه تمیمی»، «ابوالقـاسم ثقفی»، «ابومطیـع مصـری» و دیگران حـدیث شـنیده است. «ابوسـعد سـمعانی» او را ملاقـات کرده و از او به عنوان «شـیخ صالـح سدیـد السـیره» یـاد کرده و می نویسـد: در اصـفهان معلّم قرآن اطفـال بوده است. «سمعانی» در اصفهان از او استماع حدیث نموده است.(۳)

ملّا ظفرعلی جرأت اصفهانی*

ملّا ظفرعلی اصفهانی متخلّص به «جرأت»، از شعرای اصفهان در عصر صفویه است.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ظفر»، ص ۱۳.

۲- الانساب، ج ۴، ص ۱۵۷.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۵۸.

در جوانی به سیاحت پرداخت و مدّتی در مدرسه اصفهان ساکن شد. این شعر از اوست:

ساقی است ستیزه کار با ما آیا چه کند خمار با ما؟

امروزی نیست، از قدیم است ناسازی روزگار با ما(۱)

محمّد ظهیر اصفهانی

محمّد ظهیر بن محمّد معصوم اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۱۱ق نیمه اوّل تفسیر «الوجیزه» تألیف: ابی الحسن علی واحدی نیشابوری ساوجی را کتابت نموده است. این نسخه در مدرسه سبزواری در خراسان موجود است.(۲)

ظهیر فارسی

ظهیر فارسی [از دانشمندان و حکمای قرن ششم هجری] در اصفهان ساکن بود و «شیخ شهاب الدّین یحیی بن حبش سهروردی» کتاب «بصائر النّصریّه» را در منطق نزد او تلمُّذ نموده است.(۳)

۱- منتخب اللطایف، ص۲۲۲؛ تذکره حسینی، ص۸۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۹۲؛ صحف ابراهیم، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۲- الذریعه، ج۲۵، ص۴۳؛ الکواکب المنتشره، ص۴۰۵.

۳- تاریخ زنجان، ص۷۷.

فهرست مطالب

«ز»

«س»

سعد اصفهانی ●●● ۳۰۳

سعد اصفهانی ●●● ۳۰۴

سعد مافرّوخی ●●● ۳۰۴

ص: ۵۹۰

«ص»

ص: ۵۹۴

محمّد ظهیر اصفهانی ●●● ۶۱۸

ظهیر فارسی ●●● ۶۱۸

جلد چهارم – «ع»

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۲۹۴-۱۳۷۴.

عنوان و نام پدیدآور : اعلام اصفهان / مصلح الدین مهدوی ؛ تصحیح ، تحقیق و اضافات غلام رضا نصراللهی؛ [برای] سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل ، ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام.

مشخصات نشر : اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریال : ج .۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۸-۴۸-۰ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۴۷-۴۷-۸ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲۰-۲۷-۹ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۱۳۰-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۳ (چاپ اول : ۱۳۸۹) (فیپا).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ – الف.- ج. ۲. ب – ذ.- ج .۳. ر – ظ.- ج.۴.ع

موضوع : مشاهیر -- ایران -- اصفهان-- سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان --سرگذشتنامه

شناسه افزوده : نصرالهی، غلامرضا

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

شناسه افزوده : ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام

رده بندی کنگره : DSR۲۰۰۱ /ص۷۲۵ م۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۲۹۶۴

ص: ۱

اشاره

اعلام اصفهان

جلد چهارم

«ع»

دانشمند محقّق، زنده یاد

سیّدمصلح الدّین مهدوی

(۱۲۹۴ ۱۳۷۴ش)

تصحیح، تحقیق و اضافات

غلامرضا نصراللّهی

۱۳۹۱

پیش گفتار

پس از دو سال تلاش پی گیر خانواده مرحوم مهدوی، مصحح محترم، همکاران ارجمند مرکز اصفهان شناسی و انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان جلد چهارم «اعلام اصفهان» آماده انتشار شده است.

در آغاز یک بار دیگر از خداوند متعال برای مرحوم استاد مصلح الدین مهدوی طلب غفران می نماییم و امیدواریم روح آن فرهیخته تلاشگر با اجداد طاهرینش محشور شود. استاد مهدوی بدون هیچ حمایت خاصی برای تهیه کتاب «اعلام اصفهان» زحمات فراوان متحمل شد؛ اما بزرگی ذخیره های دینی، علمی و هنری اصفهان به گونه ای است که شایسته است دانشنامه ای بزرگ با مشارکت همه نهادهای علمی، فرهنگی و اجرایی به معرفی چهره های اصفهان بپردازد. ان شاء اللّه انتشار کامل «اعلام اصفهان» مقدمه ای برای تهیه «دانشنامه اصفهان» شود.

در پایان به استحضار خوانندگان عزیز می رسانیم که ترتیب موردنظر استاد مهدوی در درج مطالب رعایت شده است؛ اما فهرست مطالب برای استفاده بیشتر با اصلاحاتی ارائه می شود. یادآوری این نکته نیز لازم است که اضافات مصحح محترم، که در کتاب با علامت * مشخص شده است، بخش دیگری از شخصیت های اصفهان را معرفی نموده است؛ اما همچنان بسیاری از عزیزان، به خصوص در دوره معاصر، ضروری است. از این بابت از همه پوزش می خواهیم.

در پایان لازم است از جناب آقای دکتر سقائیان نژاد، شهردار محترم اصفهان، جناب

آقای مهندس عباس حاج رسولیها، رئیس محترم شورای اسلامی شهر اصفهان؛ جناب آقای تحویل پور، معاون محترم فرهنگی اجتماعی شهردار، و جناب آقای بیک، مدیرعامل سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، به خاطر حمایت فراوان از مرکز اصفهان شناسی و از همکاران این مرکز آقایان محمّدحسین ریاحی و علیرضا مساح و خانم ها پورعصار و خواجه و نیز خانم قپانچی، مدیر انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، به خاطر تلاش در انتشار این کتاب تشکر و قدردانی نمایم.

احمد زمانی

رئیس مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

بسم اللّه الرحمن الرحیم

مقدمه مصحح

با عنایات حضرت باری تعالی که همیشه و هر لحظه همراه ما بوده و هست، کار تکمیل و تحقیق چهارمین جلد از کتاب ارجمند «اعلام اصفهان» (که حرف «ع» را دربرمی گیرد) به پایان رسید. خرسندیم که توانستیم امانتی که به ما سپرده شده بود را تا این مرحله به سامان برسانیم. امید که مورد قبول حضرت حق تعالی واقع شود و روح مرحوم استاد سیّد مصلح الدّین مهدوی مؤلّف فقید کتاب، از ما راضی باشد.

در سال های پس از رحلت مؤلّف کتاب، کتاب ها و مقالات فراوانی درباره شرح حال بزرگان و مفاخر اصفهان به چاپ رسیده و ما در حدّ توان، و داشتن وقت و امکان دسترسی به آن منابع، از آنها برای تکمیل کتاب استفاده کرده ایم و امیدواریم که در پایان متن کتاب، در قسمت استدراک، شرح حال چهره هایی که از قلم افتاده اند و یا مدخل هایی که نیاز به تکمیل و تصحیح دارند را از منابع جدید به کتاب اضافه کنیم.

در این جلد از کتاب، مصاحبه استاد مهدوی با مجلّه رشد معلّم در سال ۱۳۷۲ش که با همکاری فرهنگی ارجمند آقای عباس دهکردی صورت گرفته است را مجدّدا به چاپ می رسانیم تا بار دیگر یادکردی از مؤلّف گرانقدر کرده باشیم.

بار دیگر لازم به یادآوری است که کتاب براساس اسم کوچک اشخاص و نام پدر

آنها به ترتیب الفبایی تنظیم گردیده است و در آخرین جلد کتاب فهرست های فنی شامل فهرست اشخاص (براساس شهرت) ، اماکن، کتاب ها، فرقه های و گروه ها خواهد آمد و در پایان متن کتاب تکمله مطالب کتاب و شرح حال های جدید افزوده خواهد شد.

در پایان از همه کسانی که در کلیه مراحل تهیه، حروف نگاری و چاپ و نشر کتاب ما را یاری داده اند و در مقدمه جلدهای قبلی به نام آنها اشاره کرده ایم مجددا تشکر می نمائیم.

درضمن یادآور می شویم فصل ششم از کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر یا بیان سبل الهدایه فی ذکر أعقاب صاحب الهدایه تألیف مرحوم علّامه سیّد مصلح الدّین مهدوی رحمه الله درضمن مجموعه کتاب های همایش مرجع بیداری اسلامی با نام زندگی نامه آیت اللّه العظمی آقانجفی اصفهانی به کوشش آقای رحیم قاسمی در تابستان ۱۳۹۰ تجدید طبع شده است.

و السلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

دوشنبه ۱۳ رجب ۱۴۳۳ه . ق.

پانزدهم خرداد ۱۳۹۱ ه . ش.

گفت و گو با سیّد مصلح الدّین مهدوی (مؤلّف)

پژوهشگر غیور تاریخ و فرهنگ اصفهان(۱)

پیش درآمد

در سال های پیش از انقلاب یک بار که به اصفهان رفته بودم، طبق معمول، روزی را به پرسه زدن در کتاب فروشی های شهر اختصاص دادم. بدان امید که اثر یا آثاری از شاعران و نویسندگان ناشناخته آن دیار بیابم و با مردان صاحب قلم شهر، دیداری مکتوب داشته باشم. در همین گشت و گذار بود که نخستین بار با نام استاد سیّد مصلح الدّین مهدوی آشنا شدم. تذکره شعرای معاصر اصفهان اولین اثری بود که مرا با حضرتش آشنا کرد و ماه ها انیس و مونسم بود. بعدها آثار دیگر این عزیز را نیز یافتم و با مطالعه و تورّق آنها دریافتم که او مردی صاحبدل و دانشمند است که قدرش چنان که باید شناخته نیست؛ پانزده سال بعد که یاد ماندگار راه اندازی شد، با تحقیقی متوجه شدم که ایشان نیز جوانی را صرف تعلیم و تربیت کرده و در حال، بازنشسته آموزش و پرورش است. این بود که شوق دیدارش، چون آتش زیر خاکستر، زبانه کشید و در پاییز ۱۳۷۱ مرا پروانه وار به محضرش رهنمون ساخت. در این دیدار، دو عزیز اصفهانی با من همراه بودند: آقای ربانی، مدیرکل اسبق دفتر انتشارات کمک آموزشی و جناب دهکردی، معلم خوبی که راهنمای ما در این سفر بود. با سپاس از ایشان، با هم در محضر پیر معلمان اصفهان می نشینیم و درس می پرسیم.

۱- یاد ماندگار، گفتگوهای جواد محقّق با معلّمان صاحب نام ایران، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۸، صص ۱۵۳-۱۶۶. این مصاحبه قبلاً در سال ۱۳۷۲ در مجله رشد معلّم چاپ شده بود.

آقای مهـدوی، با سـلام و تشـکر از این که لطف کردید و به ما اجازه دادید که خدمتتان برسـیم، طبق معمول مصاحبه هایی از این دست، از زندگی خودتان شروع می کنیم. لطفا در این باره مقداری توضیح بفرمایید.

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. من مصـلح الدّین مهدوی فرزند سیّد شهاب الدّین در نوزدهم محرم سال **۱۳۳۴** قمری در اصفهان، در یک خانواده علمی و روحانی به دنیا آمدم. پدرم از علمای معروف شـهر و از متمکّنین و متنفّذین ایشان بود. جدّم مرحوم سـیّد محمّـدحسن مجتهـد اصـفهانی صاحب تألیفات متعدّد و مادرم دختر مرحوم آخوند ملّا حسـین کرمانی، یکی از علمای متنفّذ و روحانی های مجاهـد این شـهر بود که علاوه بر تدریس و اقامه جماعت، اجرای حدود شـرعی هم می کرد. محضـرش محضـر قضـاء شـرعی بود و در زمـان خودش، با وجودی که در آن زمان اصـفهان مرکز علمی بود، عنوان و شـهرت کاملی داشت. در همان اوایل کودکی پـدرم از دنیا رفت و من تحت سـرپرستی برادرانم، که همه اهل علم بودنـد، بزرگ شـدم. هفت ساله بودم که به مـدرسه «اقدسـیه» رفتم. در آن هنگام مرحوم شـیخ محمّدحسـین مِشـکات زفره ای مدیر مدرسه بود. میرزا نورعلی باستی هم ناظم بود. معلمی داشـتم به نام سـیّد حسن حکیمیها که بسـیار مرد محترم و بزرگواری بود. واقعا علاقه مند به شـغل و نمونه یک فرد مسـلمان بود. بعـدها من به دلایلی از آن مـدرسه بیرون آمـدم و به مـدرسه گلبهار، که در آن زمان از بهترین مدارس اصـفهان بود، رفتم که زیر نظر مرحوم سـیّد هاشم عـدنانی اداره می شد. معلمان این مدرسه همه خوب و خوب تر بودند. مثل: مرحوم آقـا سـیّد هاشم جبل عاملی، مرحوم شونـدی همـدانی و دیگر معلمان. در آن جا تا کلاس دوم دبیرسـتان را طی کردم. بعدا به «مدرسه سـعدی»، که در آن وقت زیر نظر مرحوم محمّدتقی خان صدری اداره می شد، رفتم. ناظم این مدرسه، مرحوم سیّد علی خان نوربخش آزاد از شعرا و محترمین اصفهان بود. این مدرسه هم معلمان بسیار عالی داشت. مثل مرحوم ملّا محمّد همامی که از هم دوره ای ها

و هم درسان آیت اللّه ارباب بود. من در طول سال های معلمی و شاگردی خودم معلمی جامع تر و کامل تر از مرحوم ملّا محمّد همامی ندیدم. این مرد، جامع تمام صفات یک انسان کامل بود. مردی ادیب، فقیه و شاعر و کلاس او کلاس انس بود. اگر محصّلی به او می گفت آقای همامی، ذاتا ناراحت می شد! همه به او می گفتند: «آقا جان» چون واقعا برای ما مثل پدر بود.

در خارج از دبیرستان هم در «مدرسه صدر» در خدمت بعضی از بزرگان کم و بیش تحصیلاتی کردم. بعد در سال ۱۳۱۵ به دانشسرای عالی تهران رفتم. در آن جا از مرحوم آقا سیّد کاظم عصّار و محمّدحسین [فاضل] تونی و مرحوم دکتر رضازاده شفق و دیگران، که متأسفانه اسامی شان را فراموش کرده ام، استفاده کردم. بعد هم در سال ۱۳۱۶ یا ۱۳۱۷ خدمت نظام رفتم، افسر وظیفه شدم و در پادگان اصفهان خدمت کردم. دوره ای که من خدمت کردم، اوّلین دوره ای بود که خدمت وظیفه افسرها از یک سال و نیم به دو سال تبدیل شده بود. بعد از آن هم، همین جوری سال ها به مطالعه و تحصیل در اصفهان و تهران ادامه دادم تا این که در سال ۱۳۳۱ خورشیدی، در آموزش و پرورش تهران استخدام شدم. مدتی در دبیرستان «پهلوی» تهران تدریس کردم. بعدها به اصفهان منتقل شدم که بیشتر از همه در دبیرستان «ادب» کار کردم. تقریبا ۱۵ سال دبیر دبیرستان ادب بودم.

یاد همه استادانی که آن جا تدریس می کردند به خیر! خدا رحمت کند مرده هایشان را و سلامت بدارد زنده هایشان را. محیط بسیار خوبی بود. مرحوم عُریضی معلمی علاقه مند و متدیّن بود. دلش می خواست که مدرسه یک مدرسه واقعا دینی بشود. برنامه صبحگاهی مدرسه ایشان، سرمشق بعضی از دبیرستان های دیگر شد. آنها هم صبح ها مراسمی می گذاشتند، آیاتی از قرآن خوانده می شد و موعظه می شد. البته در دبیرستان «گلبهار» که بودیم، تمام کلاس ها روزی نیم ساعت تلاوت قرآن داشتند.

آنچه من از قرآن یاد گرفتم از آن دوره هاست.

تحصیلاتتان در دانشسرای عالی در چه رشته ای بود؟

فلسفه و امور تربیتی.

تا مقطع لیسانس؟

بله، ولی وسط کار رها کردم. به مسائلی برخوردم که دیگر ادامه ندادم. یعنی هم نخواستم و هم نتوانستم.

از مرحوم پدرتان بیشتر بگویید.

من زیاد حیات پدر را درک نکردم. ولی می دانم که در سال ۱۲۶۳ قمری به دنیا آمدند و تحصیلات عمده ایشان پیش آقا سیّد محمّد شهشهانی و حاج ملاّ حسینعلی تویسرکانی و بالاخص سیّد اسداللّه بیدآبادی معروف به حجت الاسلام دوم بود. ملاّ حسینعلی تویسرکانی از علمای بزرگ اصفهان و از استادان معروف آن زمان بودند و بسیاری از علمای بزرگی که در اصفهان تحصیل کرده اند، از شاگردان ایشان هستند. تألیفاتی هم دارند و شرح حال اجمالی ایشان در تذکره القبور مرحوم گزی و روضات الجنّات مرحوم خوانساری هست. همچنین در کتاب های دانشمندان و بزرگان اصفهان و سیری در تاریخ تخت فولاد که اخیرا چاپ شده هم اجمالاً موجود است.

اگر درباره مسائل و حوادث اجتماعی زمان مرحوم پدرتان، که ظاهرا معاصر «ظل السّلطان» بوده اند، توضیح بیشتری بدهید ممنون می شویم.

ظلّ السلطان را کم و بیش همه شناخته اند که چه حاکم قلدر، جابر و ظالمی بوده و تنها کسی که مردانه در برابر او ایستاده، مرحوم آقانجفی است. اگر وجود آقانجفی در اصفهان نبود، شاید اصفهان از دست ظلم و ستم ظلّ السّلطان بدترین شهرهای ایران که سهل است، یکی از بدبخت ترین شهرهای دنیا می شد. این موجود شرور هر کجا که حس می کرد ممکن است منافع مادی داشته باشد، دست می گذاشت و آن جا را تصرّف

می کرد. املاک مردم، ناموس مردم، همه و همه در اختیار او بود. فقط و فقط قدرت روحانیت و آن عمدتا آقانجفی بوده که تا حدودی آن را کنترل یا منع می کرد. چون در هر زمانی یک عده از روحانی ها هستند که گوشه نشین اند و کاری با تشکیلات دولتی ندارند. یک عده هم خودشان را به دستگاه حکومت نزدیک می کنند به قصد این که شاید از این راه ضمن دفع شر حکّام، کمکی هم به مردم بکنند. یعنی به قصد خدمت این کار را می کنند. یک عده هم هستند که آشکارا و مردانه در برابر این قدرت های استبدادی ایستادگی می کنند که همیشه هم مورد اذیّت و آزار و تهمت و افترا بوده اند. کما این که مرحوم آیت اللّه نجفی هنوز هم در مظانّ تهمت است. علّتش هم این است که در مقابل آن دستگاه ستم ایستاده بود و عمله اکره آنها شب و روز برایش تهمت می تراشیدند و شایعه درست می کردند و به عناوین گوناگون در بین مردم منتشر می کردند.

آقای مهدوی، راجع به آثارتان هم توضیح بفرمایید. اوّلین کاری که چاپ کردید چه بود؟

از زمانی که به دبستان می رفتم، ذوق و شوق نوشتن کتاب در من بود. خوب به خاطر دارم که کلاس سوم یا چهارم دبستان کاغذهای بزرگ را تا می زدم و به صفحات کوچک تر تقسیم می کردم و فهرست کتاب های تاریخ و جغرافیا را تویش می نوشتم. بعدا کتابی در شرح حال علما دیدم، ظاهرا کتاب شمس التّواریخ بود که مال شیخ اسداللّه ایزدگشسب گلپایگانی است. من این کتاب را در عالم بچگی خیلی دوست داشتم. در آن سنین چندین مرتبه از اوّل تا آخر آن را خواندم. هنوز بعد از گذشت شصت و چند سال رئوس مطالبش در خاطرم هست.

مرحوم شیخ اسداللّه ایزدگشسب آن زمان معلم روزمزد مدرسه «گلبهار» بود و بعدها به استخدام رسمی فرهنگ درآمد و مدیر دبستان شد و چندی بعد دبیر شد و این اواخر مرشد و شیخ صوفی های «گنابادی ها» شده بود. با این همه او مردی بسیار دانشمند،

عارف، و شاعر و کارآمد بود. خوب یادم است که یک روز توی کلاس مطلبی مطرح کرد و من چون کتاب شمس التواریخ ایشان را خوانده بودم، اظهار نظری کردم که خیلی خوشش آمد. به طوری که همان جا توی کلاس جلو آمد و مرا بوسید! می دانید که این کار مرسوم نبود و نیست و نباید هم باشد. اما به قدری از جواب من لذت برد که بی اختیار این کار را کرد. همین عمل ایشان باعث شد که من در این راه بیفتم. سال های زیادی هم با مرحوم معلم حبیب آبادی محشور بودم و از ایشان استفاده علمی، اخلاقی و دینی کردم، هفته ای دو یا سه روز در مدرسه «کاسه گران»، که ایشان آن جا حجره داشت و عصرها درس سیوطی می گفت، سر درس ایشان حاضر می شدم، البته استفاده ای که در خارج از حجره درس می شد، خیلی مهم تر از دروس رسمی بود.

اوّلین چیزی که چاپ کردم حاشیه هایی بود که بر تذکره القبور مرحوم آخوند گزی زدم و اسمش را گذاشتم رجال اصفهان یا تذکره القبور که از نوشته های مرحوم معلم حبیب آبادی استفاده کردم. وقتی که این کتاب را می نوشتم، نامه ای خدمت مرحوم آیت اللّه نجفی مرعشی نوشتم. چون ایشان یک سفری آمده بودند اصفهان و مطالعاتی روی مقابر اصفهان داشتند. از ایشان خواهش کردم مرا راهنمایی کنند و ایشان با کمال بزرگواری و سعه صدر تمام یادداشت های خودشان را فرستادند برای من و من به اسم خود ایشان در آن کتاب چاپ کردم و...

بفرمایید که این کتاب چند بار چاپ شده و این چاپ ها چه تفاوت هایی با هم دارند؟

این کتاب چند مرتبه چاپ شده و چاپ دومش به اسم دانشمندان و بزرگان اصفهان درآمده است. مرحوم آخوند گزی تذکره القبور را در سال ۱۳۲۴ قمری چاپ کرده اند و حواشی من در سال ۱۳۶۳ قمری منتشر شد. وقتی هم به اصفهان آمدم اوّلین کتابی که نوشتم و چاپ کردم تذکره شعرای معاصر اصفهان بود. ظاهرا ۱۳۳۳ یا ۱۳۳۴ خورشیدی بود. پس از آن دانشمندان و بزرگان اصفهان را درآوردم که همین چاپ سوم

یا دوم تـذکره القبور است. با این تفاوت که تـذکره القبور مرحوم آخونـد جمعا حدود صد نفر را ذکر می کند و من در رجال اصـفهان حدود هفتصد نفر را ذکر کرده ام و در کتاب دانشـمندان و بزرگان اصـفهان قریب به دو هزار نفر از بزرگان اصفهان معرفی شـده انـد. البته «مرحوم آخونـد» منحصـرا علما را ذکر کرده انـد و من در این کتاب شـعرا و عرفا و صوفیه و غیره را هم آورده ام و خیال می کنم کتاب خوبی شـده باشـد و عده زیادی از دوسـتان، که در جریان کار بوده اند، مرا تشویق می کردند که آن را تکمیل کنم. اتفاقا از آن سال یعنی حـدود سال ۳۵ و ۳۶، تـاکنون مطالب زیادی در همان موارد یادداشت کرده ام و عده دانشـمندان اصـفهان تاکنون بیشتر از بیست و دو یا بیست و سه هزار نفر شده است که اجمالاً شـرح حالشان را نوشـته ام و بعضی هم که نوشته نشده نشانی داده شده است که باید به چه کتاب هایی مراجعه شود.

نمی خواهید چاپش کنید؟

چرا؛ از تهران، قم، اصـفهان و بعضـی جاهـای دیگر هم ناشـران پیشـنهاد کرده انـد که آمـاده چاپش بکنم. امّا خوب، فعلاً حال مقتضـی نیست و کار هم سـنگین است. دست تنها مشکل است. در این میان هم موضوع خراب کردن «تخت فولاد» پیش آمد. شهردار قبلی اصـفهان، کـه نمی دانـم دربـاره اش چـه بگـویم، داشت خرابش می کرد. دیـدم وظیفه شـرعی من دفـاع کردن از حقوق مسـلمان هاست. مقاله ای نوشتم و این طرف و آن طرف سر و صدایی راه انداختم که در روزنامه های محلی و مجلّات قم منعکس شـد. امـا خوب، آقـای شـهردار به کار خودش ادامه داد! تا سـرانجام کتابی به اسم لسان الارض یا سیری در تاریخ تخت فولاد نوشـتم که آقا! این زمین مربوط به زمان اسـلام هم نیست. از دو هزار سال پیش از اسـلام هم این جا موردنظر بوده است و وجود قـبر جنـاب یوشع پیغمبر در این جـا دلیـل بر این است که قـدمت این محـل متّصـل است به زمـانی که یهود را به اصفهان منتقل کرده اند و این قبر تاکنون هست.

هرچنـد که متأسـفانه در زمـان های اخیر این قبر را با زمین برابر کرده انـد و اسـمش را هم اشـتباه نوشـته انـد. حال هم یک قبر خیلی مختصـری برایش درست کرده اند، یک کهنه سبز هم رویش می اندازند و این قبر جناب یوشع است. در این کتاب ذکر کرده ام که در زمان «دیالمه» این جا چه وضعیتی داشته است. جشنی که مردآویج در اصفهان می خواست بگیرد، در این محل بوده و آثارش وجود داشـته است. ساختمانی داشـته، آثار دیلمی در این جا بوده است که خراب کرده اند. مسجدی هم به اسم «مسـجد مصـلّا» داشته است. البته مصلّای اصفهان در این جا تشکیلاتی داشته از محراب و منبر که قبل از صفویه خرابش کرده اند و باقی را در همین دوره اخیر خراب کردند. سطح مسجد را کوچک کردند و آن را از حالت مسجدی خارج کردند و...

از کتابهایتان می گفتید.

در این کتاب لسان الارض یا سـیری در تاریخ تخت فولاد تمام علمایی را که در این گورسـتان قدیمی مدفون هسـتند، فهرست وار ذکر کرده ام. کتاب های دیگری هم که در شـرح احوال و تراجم رجال نوشته ام، اینهاست. یکی، تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان در دو قرن اخیر که درباره خانواده معروف نجفی اصـفهانی است در سه جلـد. دیگری بیان المفاخر که شـرح مفصـل زندگی و خانواده مرحوم سیّد محمّدباقر حجت الاسلام شفتی بیدآبادی است در دو جلد. همچنین شرح حال مرحوم بحرالعلوم میردامادی عالم عارف و اخلاقی معاصـر اصـفهان و نیز شـرح حال سیّد هاشم بحرانی، که در ابتدای کتاب لوامع الامور ایشان چاپ شده است. همین طور شـرح حال مرحوم شـهید حاج میرزا ابوالحسن شـمس آبادی و شرح حال مرحوم آیت اللّه بهبهانی که تابسـتان ها وقتی اصـفهان تشـریف می آوردند، در محضرشان حاضر می شدم و به قدر فهم خودم استفاده علمی و اخلاقی می کردم. کتـاب دیگری هـم به نـام عطیّه الجـواد دربـاره زنـدگانی حضـرت جـواد علیه السـلام نوشـته ام. علاـوه بر اینهـا، در مطبوعات قم و تهران و بیشتر اصفهان، مقالاتی در شرح

احوال علما و بزرگان معاصر نوشته ام. مثل شرح حال مرحوم آیت اللّه مرعشی که از مشایخ اجازات بنده بودند یا شرح حال مرحوم حاج شیخ مرتضی مظاهری و سیّد کریم نیکزاد حسینی و حاج آقا حسین عمادزاده و دیگران که فعلاً حافظه ام یاری نمی کند. مثل مرحوم شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی و خانم امین و... .

از «خانم امین» اسم بردید. اگر اجازه بدهید بپرسم که ایشان را چگونه شناختید؟

من با مرحوم حاج آقا جلال آیت نجف آبادی فرزند مرحوم آیت اللّه حاج سیّد علی نجف آبادی دوست و هم مباحثه بودم. آن وقت ها خانم امین شاگرد حاج آقای نجف آبادی بودند و من از همین طریق با ایشان آشنا شدم، حدود پنجاه سال قبل. البته هنوز مراتب فضل و آگاهی شان را به درستی نمی شناختم تا این که اوّلین کتابشان اربعین هاشمیّه منتشر شد و دیدم عدّه ای از علمای بزرگ اجتهاد ایشان را تصدیق کرده و اجازاتی برایشان نوشته اند که بعضی در مقدمه همان کتاب چاپ شده است.

آیا پس از آن با ایشان ارتباط داشتید؟

بله، ولی نه خیلی زیاد. گاهی به مناسبتی تلفن می زدم و بعد می رفتم خدمتشان و مقداری صحبت می کردیم. البته این دیدارها کم تر به مسائل علمی و فقهی مربوط می شد. حقیقتش پسر ایشان یک کارخانه روغن نباتی در نزدیکی منزل ما داشت که در مجموع باعث اذّیت ما بود. چون شکایت به اداره های مربوطه نتیجه ای نداد، ناچار دست به دامن خانم امین شدیم که ایشان را نصیحت کنند. شاید مشکل حل بشود که نشد.

چه قدر از کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان به زنانی مثل «خانم امین» اختصاص دارد؟ آیا اصلاً زن ها جایی در میان دانشمندان داشته اند؟

بله، زن ها هم حضور دارند. هرچند به دلیل شرایط خاص اجتماعی ما عده آنها با مردان برابری نمی کند. در همین کتابی که اسم بردید، یکی فصل مربوط به زن هاست.

البته شاید هیچ کدامشان شأن و مقام علمی و عملی خانم امین را نداشته باشند؛ ولی حدود یکصد و بیست نفری می شوند. نخستین زن اصفهانی را که در تاریخ می شناسیم، زنی است که حافظ ابونعیم اصفهانی صاحب کتاب ذکر اخبار اصفهان نام می برد و می نویسد: «وقتی که سلمان فارسی وارد مدینه شد و سراغ پیامبر را گرفت، یک زن مسلمان اصفهانی او را به خدمت پیامبر برد.» در زمان حاضر هم خانم هایی هستند که وجودشان مایه مباهات مردم است. مثل همین خانم همایونی که واقعا شایسته احترام است. همچنین دخترعموی خانم امین که متأسفانه فوت شدند. ایشان هم زن دانشمندی بود. باز هم کسانی هستند که یا نامشان را در حافظه ندارم یا این که خیلی نمی شناسمشان.

از بزرگانی که اجازه روایتی به شما داده اند هم نامی ببرید و یادی بکنید.

ده نفر از بزرگان علما و مجتهدین به بنده اجازه روایتی داده اند که عبارت اند از: مرحوم آیت اللّه مرعشی نجفی، مرحوم حاج آقابزرگ تهرانی، مرحوم حاج سیّد علی علاّمه فانی، مرحوم حاج سیّد مصطفی صفایی خوانساری، مرحوم حاج سیّد محمّدعلی عراقی معروف [به اراکی]، آقای حاج سیّد اسماعیل هاشمی، آقای سیّد ضیاء علاّمه و آقای شیخ محمّدباقر کمره ای. دو نفر از آقایان هم نوشته اند فلانی، یعنی من، مجتهد است. ولی خودم می دانم که از این خبرها نیست!

آقای مهدوی، از دیگر معلمان اصفهانی که اهل شعر و ادب و قلم و تألیف و تصنیف بودند، کسانی را که می شناسید، اگر می شود مختصر توضیحی هم درباره آنها بدهید.

یکی از این معلمان، مرحوم برجیس بود که در شعر و ادب دستی توانا داشت. دیوان شعری هم دارد که متأسفانه چاپ نشده است. دیگری مرحوم عریضی بود که قبلاً از او نام بردیم. ایشان مدیر دبیرستان ما بودند. نویسنده و مترجم خوبی بود. بعضی از آثارشان منتشر شده است که از آن جمله ترجمه سفرنامه شاردن است. وقتی از دنیا

رفت، تجلیل فراوانی از ایشان به عمل آمد. آنچنان که خیلی از معلمان شور و شوق مردن پیدا کردند!! می گفتند: «این مردم که تا زنده ایم قدر ما را نمی دانند بگذار تا بمیریم شاید بعد از مرگمان ما را بشناسند!» البته این هم از خوش شانسی های مرحوم عریضی بود. و گرنه هنگامی که مرحوم بدرالدّین کتابی از دنیا رفت، با این که مرد متدین و ملّایی بود و علاوه بر آموزش و پرورش در دانشگاه ها هم تدریس داشت و آثار متعددی هم نوشته بود، چنان که باید و شاید از وی تجلیل نشد.

فکر می کنم باز هم کسانی هستند که باید ذکر خیری از آنها بشود مثل آقای «نوابخش» و مرحوم «همایی» و...

بله، آقای جعفر نوابخش از دوستان صمیمی بنده هستند. البته ایشان آن وقت ها خیاطی می کردند. ولی بعدها در آموزش و پرورش کار گرفتند و معلم شدند. حال هم پس از سی سال تدریس، بازنشسته اند.

ظاهرا دیوانشان به اسم «نوای آشنا» چاپ و منتشر شده است.

همین طور است. آن وقت ها دکان خیاطی ایشان محفل شعرای اصفهان بود. من هم به سابقه دوستی و رفاقتی که با ایشان و شعرای دیگر داشتم به آن جا رفت و آمد می کردم. از نزدیکی های غروب تا دو سه ساعت از شب رفته، دوستان شاعر یکی یکی می آمدند و توی همان دکان به بحث و جدل های ادبی می پرداختند و شعرهای تازه خود را می خواندند. آقای نوابخش در جمع آوری و تألیف تذکره شعرای اصفهان هم به من کمک کرده اند و باید از ایشان اظهار تشکر بکنم.

با مرحوم «کتابی» چه قدر ارتباط داشتید؟ اگر می شود از خصوصیات معلمی ایشان هم چیزهایی بگویید.

با ایشان از زمان تحصیل آشنا بودم. سال ۱۳۰۹ یا ۱۳۱۰ به دبیرستان سعدی آمدند. بعد هم به دبیرستان صارمیه منتقل شدند. از همان ایام تا آخرین روزهای

حیاتشان با هم ارتباط داشتیم. ایشان در کلاس حالت استادی به خود نمی گرفت و با بچّه ها رفیق می شد. رفتارش با آنها مثل رفتار پدر و پسر بود. خیلی ملایم بود. در طول آشنایی یاد ندارم که ایشان عصبانی شده باشند. بسیار خوددار بود و ناراحتی هایش را بروز نمی داد. مشکلات کلاس را دوستانه حل می کرد. آقای کتابی مدت ها مدیر دبیرستان «ادب» بود که من آن وقت در تهران بودم. بعد مدّتی معاون فرهنگ اصفهان شدند. البته در دانشگاه هم تدریس می کردند. آدم جامعی بودند و اگر کسی سؤالی می کرد، ایشان تمام جوانب مسأله را طرح می کردند و پاسخ می دادند. به طوری که طرف دیگر نیازی به سؤال مجدد نداشت. من سعی می کردم از نظر اخلاقی و کلاس داری به ایشان نزدیک شوم. در تمام سال های تدریسم عمد داشتم که پشت میز معلم ننشینم! معمولاً سر پا بودم و کار می کردم. وقتی هم که خسته می شدم، می رفتم آخرهای کلاس، روی نیمکت بچّه ها، کنار آنها می نشستم و خیلی دوستانه رفتار می کردم. البته مثل آقای کتابی در عین رفاقت و دوستی و ملایمت، فاصله معلم و شاگردی را هم حفظ می کردم.

با مرحوم «همایی» هم آشنا بودید؟ اگر ممکن است با نقل خاطره، ذکر خیری هم از آن عزیز بکنید.

با مرحوم همایی هم دوست بودم. در تهران که بودم، مکرّر خدمتشان می رسیدم. ایشان هم که به اصفهان می آمدند، بنده نوازی می کردند و به دیدن ما می آمدند. بعضی از کتاب هایی را که می نوشتم، می دادم خدمت ایشان و راهنمایی می کردند. گاهی حواشی می زدند و برمی گرداندند. از آثار و تألیفات خودشان هم گاهی به رسم هدیه برای بنده می آوردند و یا می فرستادند. یادم است زمانی که من در دبیرستان پهلوی تهران درس می دادم، یک روز مرحوم همایی برای بازرسی به آن جا آمدند. آن سال ها ایشان دیگر تدریس نمی کردند و بازپرس مدارس شده بودند. وقتی آمدند آن جا و فهمیدند که من در آن دبیرستان هستم، خیلی خوشحال شدند. از آن به بعد چند باری به اسم بازرسی به

آن مدرسه آمدند که البته بازرسی تبدیل می شد به این که دو تایی توی دفتر بنشینیم و گپ بزنیم. خدا رحمتش کند که مرد بزرگی بود و مسؤولان وقت قدرش را نشناختند.

ظاهرا بعضی از مقامات دانشگاهی آن روزگار، به بهانه این که مدرک دکترا ندارند، مایل نبودند ایشان در دانشگاه تدریس کنند و کارشکنی می کردند.

بله، معروف است. چون ایشان از خیلی ها صالح تر بود. مرحوم همایی واقعا آدم دانشمند و روحانی ملّایی بود. شاعر هم بود. در سال ۱۳۵۹ شمسی فوت کرد. شرح حالش را دو سه جایی نوشته ام. شعرهایش در مجلّه آموزش و پرورش اصفهان و بعضی از ماهنامه های آن روزگار منتشر می شد. در جلسات ادبی، که با شعرا و معلمان اهل ذوق در دبیرستان ادب داشتیم، داماد مرحوم همایی هم که خودش معلم فرزانه ای بود شرکت می کرد و گاهی اشعاری از پدرخانمش را در جمع ما می خواند. اینها غالبا فوت کرده اند. الآن نمی دانم از بستگانشان کسی در اصفهان هست یا نه.

آقای مهدوی، چون مجله رشد معلم بیشتر به مراکز تربیت معلم و دانشسراها و مدارس می رود و همکاران معلم غالبا آن را مطالعه می کنند، اگر ارشاد و رهنمودی به معلمان جوان بفرمایید ان شاء اللّه مفید خواهد بود.

من خودم احتیاج به ارشاد دارم. امّا آنچه مسلم است، شغل معلمی والاترین مشاغل است. هیچ شغلی بالاتر از شغل معلمی نیست. حالا اگر اجتماع آن طور که باید و شاید قدر معلم را نمی شناسد و ارزش واقعی او را درک نمی کند، لااقل معلمان باید خودشان مقام خودشان را بشناسند و بدانند چه وظیفه و مسؤولیتی دارند. مسؤولیتی بالاتر از تربیت افراد این مملکت نیست و این معلمان هستند که باید مردم را اصلاح کنند. گرچه اصلاحات ظاهرا به دست افراد دیگری است امّا پایه گذار این اصلاحات معلمان هستند. آنها شاگردان را تربیت می کنند و این شاگردان بعدا هرکدام در مشاغل گوناگونی قرار می گیرند. اگر وظایفشان را در کلاس های درس از معلمان خودشان

بـدرستی آموخته باشـند و به آن عمـل کننـد، همه چیز درست می شود. پس بزرگ ترین وظیفه معلم وظیفه شناسـی است. من نمی خواهم راجع به خودم چیزی گفته باشم. اما به جرأت می توانم ادعا کنم که در طول سی و چند سال معلمی، جمعا ده بار نشـد که سر وقت به کلاس نرسیده باشم. تمام وقت هم در کلاس با وضو بودم. چون شـغل معلمی را عبادت می دانسـتم و با وضو بودن در عبـادات ثواب بیشتری دارد. سـعی هم می کردم هر درسـی را که می دهم، چون هم ادبیات داشـتم، هم عربی و هم روان شناسـی می گفتم و هم فلسـفه و... در هر درسی به مناسبت، مطلبی هم درباره دین و مذهب و اخلاق بگویم. در تمام سال ها به مـدیر دبیرسـتان می گفتم که من حداقل باید دو ساعت در برنامه ام تعلیمات دینی داشـته باشم. چون این موضوع را علاوه بر این که خودم وظیفه خودم می دانسـتم، شـرطی هم بود که مرحوم «آیت اللّه بروجردی» با من کرده بودنـد. اوایلی که می خواستم استخدام بشوم برای گرفتن اجازه استخدام و استفاده از حقوق دولتی نامه ای به محضرشان نوشتم. ایشان در جواب مرقوم فرموده بودند: به شرطی که تعلیمات دینی هم درس بدهید و من هم به این شرط تا روز آخر عمل کردم.

حرف دیگری ندارید؟

نه، عرض دیگری ندارم. فقط دنباله آن حرف هایی که برای معلمان گفتم، این را هم اضافه کنم که: «معلمان باید کار را برای رضای خـدا انجام بدهنـد و کاری به این نداشـته باشـند که مردم می فهمنـد یا نه و آیا دانش آموزان می خواهند یا نه؟ ما باید وظیفه خودمان را بشناسیم و به آن عمل کنیم. فقط و فقط هم خدا را در نظر داشته باشیم و لا غیر.»

ما که از محضـر شما سیر نشدیم. ولی چون وقت تنگ است و شما هم خسته شده اید، اگر اجازه بفرمایید خداحافظی کنیم. ان شاء اللّه که سال های سال زنده و سلامت باشید و باز هم با زبان و قلم برای جامعه معلمان ما افتخار بیافرینید. خدانگهدار.

ص: ۲۳

اعلام اصفهان

«ع»

اشاره

میرعابد اردبیلی*

میرعابد حسینی اردبیلی، از علمای ساکن اصفهان در اواخر قرن یازدهم هجری. در اصفهان نزد جمعی از فضلاء به تحصیل مشغول بود. او کتاب «من لا یحضره الفقیه» را نزد میر سیّد محمّدعلی بن میرم حسینی اردبیلی در اصفهان قرائت نموده و استاد در آخر ذی القعده ۱۰۸۳ق اجازه ای جهت او نوشته است. این نسخه به شماره ۵۰۵۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

عابد اصفهانی

قوام الدّوله والدین عابد اصفهانی، در سال ۷۳۲ق وزیر و حاکم قم بوده و شمس فخری مؤلّف معیار جمالی به خدمتش رسیده و از او اکرام یافته است.(۲)

عابد اصفهانی

عابد اصفهانی، شاعر ادیب. معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است. از احوالش بیش از این چیزی به دست نیامد.(۳)

عادل اردستانی

عادل بن مراد اردستانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و از شاگردان میرداماد است. [او مجموعه ای از چند رساله از جمله «الرواشح السّماویه» تألیف: میرداماد را کتابت کرده و استادش در سال ۱۰۱۰ق بر روی یکی از اوراق این کتاب، برای او اجازه نوشته

۱- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۲۵۳؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۵۷.

۲- معیار جمالی، مقدمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۱.

۳- تاریخ نظم و نثر، ص۶۵۴.

است. این مجموعه نزد مجدالدین نصیری فرزند صدرالافاضل میرزا لطفعلی شیرازی در تهران موجود بوده است.(۱)]

عارضی اصفهانی*

عارضی اصفهانی، از شعرای اواخر قرن دهم هجری است. در اصفهان ساکن بود و این بیت از اوست:

غنچه این باغ را باد به تاراج داد غیر دلِ خون چکان در کف بلبل نماند(۲)

عارف اصفهانی

عارف اصفهانی، از غزل سرایان قرن دهم هجری بوده و در اصفهان به بیماری فلج درگذشته است.(۳)

عارف تبریزی

عارف تبریزی معروف به «عارفا» [از شعرای قرن یازدهم هجری] از تبارزه [تبریزیان] ساکن عباس آباد اصفهان است. در خدمت صائب بوده و دیوان او را می نوشته [است.] در سفر هند مورد تاراج افاغنه واقع شده و مراجعت کرد. از اشعار اوست:

دوران شراب محنت و دردم به جام ریخت دندان شکوفه وار ز باد و کام ریخت(۴)

۱- الرّوضه النّضره، ص۳۰۸.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۴۸.

۳- تاریخ نظم و نثر، ص۶۵۴.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۵۹، تذکره منتخب اللطایف، ص۴۶۴.

[از جمله آثار او «بیاض بزرگ صائب» است که در تاریخ ۱۰۸۸ق تحریر کرده است. نسخه ای از آن در کتابخانه مدیر مجله ارمغان (حسن وحید دستگردی) موجود است.(۱)]

عاصم اصفهانی

ابونجیح عاصم بن رجاء بن محمّد بن محمّد بن عبدالوهاب اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری.] ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

عاصم اصفهانی

ابوالمؤدّب عاصم بن علی بن فضل بن علی بن ممویه مؤدب اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری.] از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و دیگران حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی مقدار اندکی از وی استماع حدیث کرده است.(۳)

عاصم اصفهانی

ابوالمعالی عاصم بن محمّد بن غانم بن محمّد بن غانم بن محمّد بن عبدالواحد بن عبیداللّه بن احمد بن فضل بن شهریار اصفهانی، [از محدّثین قرن ششم هجری.]

از اهالی محلّه «باب دریه» اصفهان بوده و سمعانی از او به عنوان «شیخ بهی المنظر جمیل الظّاهر من اولاد المحدّثین» یاد کرده است.

از ابومنصور محمّد بن احمد بن شکرویه و ابومسعود سلیمان بن ابراهیم حافظ

۱- دانشمندان آذربایجان، صص ۳۵۲ و ۳۵۳.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۶۰۱.

حدیث شنیده است. تولّدش قبل از سال ۴۸۰ق در اصفهان و فوت او روز پنج شنبه ۲۸ محرم سال ۵۳۳ق بوده است.(۱)

عاقلی یزدی*

عاقلی یزدی، از سخنوران و هزّالان اوایل قرن یازدهم هجری. در یزد متولّد شده و تحصیل کرده بود امّا در اصفهان بود و در دربار شاه عباس صفوی در شمار هزّالان و دلقکان آن پادشاه در اصفهان روزگار می گذراند و در زمان پادشاهی شاه عباس فوت شد. این رباعی از اوست:

من عاقلیم، اگرچه جاهل شده ام در جاهلیم، اگرچه عاقل شده ام

نه عاقلیم، جاهل مطلق باشم یک لحظه اگر ز دوست غافل شده ام(۲)

عامر مؤذّن اصفهانی

ابومحمّد عامر بن ابراهیم بن عامر مؤذّن اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن سوم هجری است.] از پدرش و ابراهیم بن محمّد بن مروان عتیق روایت کرده و ابوغالب نضر بن عبداللّه ازدی کوفی و ابووهب حُمید بن وهب قرشی اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.

عامر بن ابراهیم در سال ۳۰۶ق وفات یافت.(۳)

عامر اصفهانی

عامر بن ابراهیم بن واقد بن عبداللّه اصفهانی، مولای ابوموسی اشعری، [از محدّثین

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۶۰۱.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج ۴، ص ۲۵۴۱.

۳- ذکر اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۳۸؛ طبقات المحدّثین، ج ۳، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۹۰ و ج ۳، ص ۲۳۵.

عامّه در قرن دوم هجری.]

از مالك بن انس، حمّاد بن سلمه، مبارك بن فضاله و یعقوب قمی حدیث شنوده و در سال ۲۰۱ یا ۲۰۲ق وفات نموده است. نوه اش عامر (بن ابراهیم بن عامر) گوید: جدّم بر یعقوب قمی وارد شده و یک ماه در خانه او بماند و از نوشته های او حدیث نوشت.

عامر چوب فروش بود اما به علّت فقر به کاتبان نعمان بن عبدالسلام که مردی دولتمند و صاحب ثروت بود پیوسته برای او نویسندگی و کتابت می کرد.(۱)

عامر واضحی سنبلانی

ابوعمر عامر بن اُسید بن واضح سنبلانی اصفهانی، معروف به «واضحی»، [از محدّثین قرن سوم هجری.] اهل محله «سُـنبلان» اصفهان و امام مسجد ایوب بن زیاد بوده و از محمّـد بن صباح بزّاز، سفیان بن عینیه، یحیی قطان و جمعی دیگر از محدّثین روایت می کند و احمد بن محمود بن صُبیح، حسین بن اسحاق بن ابراهیم خلّال و محمّد بن احمد بن یزید زهری از او حدیث نقل کرده اند.(۲)

عامر مشتلی اصفهانی

عامر بن حمدویه مشتلی عابد (زاهد) اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن دوم هجری.] از اهالی قریه «مشتله» (به فتح میم و ت) اصفهان بوده و در شمار زاهدان و از راویان عارف مشهور سفیان ثوری است. همچنین از شعبه و عامر بن یساف و عبدالوهاب

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲، صص ۱۹۶ و ۱۹۷؛ الوافی بالوفیات، ج۱۶، ص۵۸۷.

۲- ذکر اخبار اصبهان، ج۲، ص۳۸؛ طبقات المحدّثین، ج۲، صص ۲۹۰ و ۲۹۱.

بن مندلت حدیث شنیده و ابراهیم بن ایوب و عقیل بن یحیی از او روایت می کنند.(۱)

عامی اصفهانی*

عامی اصفهانی، از شعرای اصفهان در اوایل قرن یازدهم هجری. گرچه از عوام النّاس بود امّا در شعر و ادب ترقّی کرده بود. طبعی تنگ نظر و خسیس داشت و باوجود مکنت و ثروت فراوان، روزگار به عُسرت و سختی می گذراند. عاقبت برای تجارت به دکن هند رفته و چندی بعد به اردوی جهانگیر پادشاه پیوست اما مورد غضب پادشاه قرار گرفته و در سال ۱۰۲۶ق در قلعه ای محبوس شده و به اندک روزی در آنجا وفات یافت. از اوست:

این زمزمه با تار دگر سنج، کزین بیش قانون دلم طاقت مضراب ندارد(۲)

سیّد عَبّاد گلستانه

سیّد مجدّالدین ابی الفضائل عبّاد بن احمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن شرفشاه گلستانه اصفهانی، [از فقهاء و محدّثین عالیقدر شیعه در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری] در اصفهان منصب قضاوت داشته و معاصر علاّمه حلّی و سلطان محمّد خدابنده (اُلجایتو) بوده است.

کتاب های زیر از اوست:

۱. «توضیح الوصول» در شرح «تهذیب الاصول» علاّمه حلّی، که در زمان حیات مؤلّف تهذیب و به خواهش شاگرد علاّمه و خودش، ابوالمحاسن محمود بن محمّد بن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲، صص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ معجم البلدان، ج۵، ص۱۳۲؛ راهنمای دانشوران، ج۳، ص ۱۶۱.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۵۲.

علی بن یوسف طبری (پدر مؤلف «نفایس الفنون») در عصر شنبه ربیع الاوّل ۷۰۷ق تألیف آن را به پایان برده است. این نسخه که نظام الدّین عربشاه در سال ۸۲۲ق آن را کتابت کرده است به شماره ۶۴۹۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است. [همچنین نسخه دیگری از آن به شماره ۳۰۸۳ در کتابخانه وزیری یزد موجود است که کاتب و تاریخ کتابت ندارد.](۱) «کاشف المعانی فی شرح غرر التمانی»(۲)

عَبّاد غازی اصفهانی

ابوروح عَبّاد بن احمد بن عمر بن محمّد بن عبداللّه بن محمّد بن علی بن اسحاق غازی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از خاندان علم و حدیث بوده و از ابوعلی حداد استماع حدیث کرده است.(۳)

عَبّاد طالقانی

ابوالحسن عَبّاد بن عبّاس بن احمد بن ادریس طالقانی، [از محدّثین و دانشمندان و متکلمین شیعه در قرن چهارم هجری] در طالقان متولّد گردیده و نزد عدّه ای از علماء و محدّثین اصفهان و غیره تحصیل کرده تا به مقامات عالیه رسید.

او از: فریانی، ابوخلیفه فضل بن حُباب، ابوعبداللّه بن جعفر بن محمّد اُشنانی، محمّد بن حیّان مازنی، محمّد بن عبدالوهاب و ابراهیم بن احمد مروزی نقل حدیث کرده و

۱- التّحبیر، ج۱، ص۵۱۱.

۲- کشف الظنون، ص۶۴۷؛ فهرست رضوی، ج۶، ص۱۹؛ انوار الساطعه، ص۱۶۵؛ الذریعه، ج۴، ص۴۹۹؛ عمده الطالب، ص۸۱؛ ریاض العلماء، ج۳، ص۵۷؛ امل الآمل، ج۲، ص۱۴۱؛ مجمل التواریخ: مقدمه، ص۱۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ فهرست وزیری، ج۴، ص۱۵۲۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۵۱۱.

فرزنـدش اسـماعیل (صاحب بن عباد) ، ابواسـحاق بن حمزه، ابوبکر احمـد بن موسـی بن مردویه، حافظ ابی الشـیخ عبـداللّه بن محمّد بن جعفر اصفهانی، محمّد بن ابراهیم بن علی و محمّد بن حیان مازنی از او روایت می کنند.

او ابتدا معلم رکن الدّوله حسن بن بابویه دیلمی بوده و چون رکن الدّوله به سلطنت رسید، وی را منصب کتابت و وزارت داد و تا سال ۳۳۵ق که وفات یافت در این مقام بود.(۱)

[وی کتابی درباره «احکام قرآن» نوشته و با حسن بن عبدالرّحمان حماد قاضـی مکاتبه داشـته است. منشآت او را مـدون کرده بودند و در آن روزگار شهرتی داشت. عباد طالقانی در کلام، حدیث، فقه و ادب زبردست بوده است.]

عباد تمیمی

ابونهشل عَبّاد بن ابی غالب محمّـد بن ابی محمّـد عبـداللّه بن ابی الرّجاء محمّد بن علی بن احمد بن جعفر بن سـلیمان بن حیّان تمیمی معـدل، [از محـدّثین عامّه اصـفهان در قرن شـشم هجری.] او از خانواده علم و حدیث بوده و از ابوطاهر احمد بن محمّد بن عمر نقاش، ابومحمّد عبداللّه بن ابی الرّجاء قاضی (جدّ خود) و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در سال ۵۳۱ق از او استماع حدیث کرده است. او از شیوخ ابوموسی مدینی اصفهانی است.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۷۵؛ مزارات اصفهان، صص ۲۸۴ و ۲۸۵؛ ذکر اخبار اصبهان، ج۲، ص۱۳۸؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۳۶۶؛ معجم البلدان، ج۴، ص۷؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۲۳۲؛ المنتظم، ج۷، ص۱۸۴؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۵۱۱.

عَبّاد جعفری اصفهانی

ابوالقاسم عَبّاد بن محمّد بن محسن جعفری اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن پنجم و ششم هجری] از خاندان اهل علم و فضل بوده و از ابوسعد عبدالرّحمان بن احمد صفار، ابوبکر محمّد بن ابوالقاسم عبدالجبّار بن علی بن محمّد اصفهانی، ابواحمد محمّد بن علی بن مکفوف و ابوالقاسم علی بن مهران مدینی استماع حدیث کرده و در ذیقعده سال ۵۱۰ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.

او در روز دوشنبه ۲۲ رجب سال ۵۱۴ق وفات یافته است.(۱)

سیّد عباد گلستانه

سیّد عَبّاد بن یحیی بن عبّاد بن احمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن شرفشاه حسینی گلستانه اصفهانی، از محدّثین و فقهای شیعه در قرن هشتم هجری. وفات او بعد از سال ۷۹۰ق واقع شده است.(۲)

دکتر عباس ادیب*

دکتر عباس ادیب، استاد دانشگاه و داروشناس دانشمند معاصر. در سال ۱۳۰۴ش در قریه حبیب آباد بُرخوار اصفهان متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطّه، در سال ۱۳۲۴ش به دانشکده پزشکی تهران وارد شده و با درجه دکتری در سال ۱۳۳۰ش فارغ التحصیل شد و به عنوان دستیاری رشته فیزیولوژی و سپس به عنوان دانشیار رشته داروشناسی به تدریس پرداخت تا اینکه به مرتبه استادی رسید. تحصیلات

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۱۱.

۲- مزارات اصفهان، ص ۳۰۴؛ مجمل التواریخ: مقدمه، ص ۱۱؛ عمده الطّالب، ص ۸۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۳۲۹ و ۳۳۰.

تخصصـی او در فرانسه در رشـته فارمـاکولوژی در دانشـکده بـوردو در سـال ۱۳۳۹ش پایان پـذیرفت و در دانشـکده پزشـکی اصـفهان به تدریس پرداخت. او چندی معاون اداری و مالی دانشـگاه اصـفهان و مدتی معاون دانشـکده پزشـکی بود. همچنین عضو انجمن فارماکولوژی ایران و عضو انجمن بین المللی فارماکولوژی بوده است.

آثار او اعم از ترجمه و تألیف عبارتند از:

۱. «داروهای مؤثر بر سلسله اعصاب نباتی»۲. «آسیب شناسی روانی»۳. «فارماکولوژی پزشکی»۴. «روشنگری در پزشکی کهنه و نو»۵. «کلسترول و سکته های قلبی»۶. «بهـداشت از کودکی تا کهنسالی»۷. ترجمه «تشـخیص و درمـان بیماری ها» که در سال ۱۳۶۲ به عنوان کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران برگزیـده شـد و لوح تقـدیر از طرف رئیس جمهور به مترجم اهـداء شد.۸. ترجمه «بیمـاری هـای کودکـان»۹. ترجمـه «بیمــاری هـای زنـان و مامـایی»۱۰. ترجمـه «کتـاب پزشــکی سیسـیل» ۱۱. ترجمه «فارمـاکولوژی پـایه و بالینی» (۲ جلـد) بـا همکـاری دکتر تقی قفقازی ۱۲. ترجمه «مقـدمات جراحی شـواتز» ۱۳. «تشخیص و درمان طبّی بیماری ها» ۱۴. ترجمه «بیماری های هلیکوباکتر پیلوری» با همکاری دکتر حمید کلانتر و دکتر محمّد جلالی.(۱)

عباس صوفی

ابوالفضـل عباس بن ابراهیم بن عباس صوفی، [از محـدّثین عامّه اصـفهان در قرن چهارم هجری] از احمـد بن محمّـد بن سَـکَن روایت می کند و حافظ ابراهیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۳۱؛ فرهیختگان، صص ۱۱ و ۱۲.

او در سال ۳۷۰ق وفات یافته است.(۱)

استاد عباس شکوهی پور*

استاد عباس شکوهی پور فرزند ابوالقاسم، معمار چیره دست و توانای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۲ش در اصفهان متولّد شد.

از نوجوانی به بنّایی و معماری روی آورد تا استادی ماهر و معماری زبردست شد و به احداث و یا مرمّت خانه هایی با معماری سنّتی پرداخت. از سال ۱۳۴۷ش به همکاری با اداره باستان شناسی اصفهان مشغول شد و مسجد جامع، مسجد شیخ لطف اللّه، عمارت چهلستون، عمارت عالی قاپو و عمارت هشت بهشت را مرمّت کرد. همچنین با سازمان میراث فرهنگی اصفهان همکاری نمود تا اینکه در سال ۱۳۷۳ش بازنشسته شد. او در گچبری، مقرنس سازی، رسمی بندی و داربست زنی مهارت داشت و به فنون معماری و مرمّت بناهای قدیمی آگاه و تا آخرین ساعات عمر خود، به مرمّت آثار تاریخی مشغول بود.

وی در ۸ اسفند ۱۳۷۹ش درگذشت و در قطعه نام آوران باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

مرمّت و تعمیر گچبری کاخ چهلستون، کاخ عالی قاپو، عمارت هشت بهشت، مسجد جامع و مسجد شیخ لطف اللّه در اصفهان، محراب مسجد جامع تبریز و قم، مقرنس کاری بقعه علی بن سهل در اراک، ورودی مسجد جامع دزفول، گچبری امامزاده عبداللّه شوشتر، تعمیرات طاق و ایوان مسجد میرعماد کاشان، گچبری مدرسه فیضیه قم و خانه قاضی نور (پیرنیا) در نائین، مرمّت مدرسه قدسیّه، خانه نیلفروشان، خانه آیت اللّه بهبهانی، خانه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۲.

سیف اللّه قاسمی و چند خانه تاریخی دیگر در اصفهان از آثار هنرمندانه او در مرمّت و احیاء آثار تاریخی به شمار می روند.(۱)

شیخ عباس خوانساری

شیخ عباس بن احمد خوانساری اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان نزد حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی به تحصیل پرداخته است. او کتاب «تأویل الآیات» تألیف سیّد شرف الدّین علی حسینی استرآبادی را به فارسی ترجمه کرده است.(۲) همچنین جلد ۱۷ «بحارالأنوار» و «اصول کافی» را هم ترجمه کرده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

تصحیح جلد بیستم «بحارالأنوار» که در کتابخانه عمومی اصفهان وجود داشته است نیز از آثار اوست.(۴)

میرزا عباس خان شیدای دهکردی

استاد آقامیرزا عباس خان دهکردی متخلّص به «شیدا» فرزند اسحاق، ادیب شاعر و نویسنده محقّق [از شعراء و دانشمندان عالیقدر قرن چهاردهم هجری] در ۱۴ ذیحجه ۱۲۹۹ق در دهکرد [شهرکرد فعلی] متولّد شد. پدرش در خدمت خوانین بختیاری به عنوان نایب الحکومه و منشی به خدمت مشغول بود.

استاد شیدا در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و ادب در فقه و اصول، صرف و

۱- معماران و مرمّت گران سنّتی اصفهان، صص ۲۴۶-۲۵۳.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۴، ص ۲۳۰؛ تراجم الرجال، ج ۱، ص ۲۶۰.

۴- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۰.

نحو، منطق و فلسفه، معانی و بیان و ریاضی به تحصیل پرداخته [است] که از آن جمله است: آخوند کاشی، آقا شیخ مرتضی ریزی، میرزا حسین همدانی [و جهانگیرخان قشقائی[در خط هم نزد فتح اللّه جلالی خط نستعلیق را مشق نمود. او خطوط نسخ و نستعلیق را در کمال استادی می نوشت.

[شیدا در اصفهان به جمع مشروطه خواهان پیوسته و یار و همراه آنان بود. لذا در سال ۱۳۲۵ق به عضویت انجمن بلدیّه اصفهان در آمد و اوّلین شماره مجلّه «بلدیه اصفهان» را در پنج شنبه ۴ ذیحجه ۱۳۲۵ق منتشر کرد. پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی به دستور محمّدعلی شاه و دستگیری و کشتار مشروطه خواهان، شیدا هم از بیم جان مدّتی در خانه شیخ محمّدتقی آقانجفی پنهان شد. پس از یورش بختیاری ها به اصفهان و فتح این شهر به همراه آنان به تهران رفت و در فتح تهران شرکت داشت. چندی بعد به چهارمحال و بختیاری بازگشت و به منشی گری در دستگاه رضاقلی خان سردار ظفر بختیاری پرداخت. او پس از مدت کوتاهی آن کار را رها کرده و در اصفهان ساکن شد.]

در سال ۱۳۳۳ق در اصفهان انجمن ادبی دانشکده را تأسیس کرد که به انجمن شیدا معروف شد و قریب یکصد تن از شعرای اصفهان در آن انجمن حضور یافتند. این انجمن قریب ۱۴ سال ادامه یافت و شیدا در آن انجمن به ترویج شعر و ادب و تصحیح اشعار گویندگان پرداخت و در سال ۱۳۰۳ش مجله «دانشکده اصفهان» را برای نشر اشعار انجمن منتشر ساخت. [امّا پس از انتشار ۷ شماره به علت بیماری شیدا، مجله دانشکده از انتشار بازماند.

۹ سال بعد بار دیگر شیدا مجله «دانشکده اصفهان» را به صورت ماهانه منتشر کرد که آن هم بعد از انتشار ۵ شماره برای همیشه تعطیل شد.]

انجمن شیدا بعد از ۱۴ سال به عللی که یکی از آنها علّت مادی بود، تعطیل شد. شیدا

برای این انجمن همه ثروت و سرمایه مالی خود را صرف کرد. با این حال در اواخر عمر با ضعف مزاج و انواع امراض در فقر و تنگدستی به سر برد و چون دارای استغنای طبع و همت بلند بود هرگز زیر بار احسان دیگران نرفت [و از راه کتابت امرار معاش می نمود که آن هم در اواخر عمر به علت مطالعه زیاد و نگارش به ضعف باصره مبتلا شده و از کتابت بازماند و باقی عمر را به استغناء و صبر سپری نمود.]

او پس از یک عمر خدمت به علم و ادب در شب سه شنبه ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۶۹ق (مطابق ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ش وفات یافته و در صحن تکیه سیّدالعراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

[بسیاری از شعرای اصفهان در رثای او شعر و ماده تاریخ گفته اند از جمله عبدالمجید اوحدی متخلص به «یکتا» این مادّه تاریخ را جهت او گفته است:

نوشت خامه «یکتا» ز بهر تاریخش «ز تاب جلوه معشوق داد دل شیدا»

شیدا کتاب «محرم نامه» که مجموعه ای از شعرهای شاعران اصفهان است را در سال ۱۳۴۲ق فراهم آورد که چاپ سنگی شد.

«دیوان شیدا» در سال ۱۳۷۹ش به کوشش مرید محمّدی در شهرکرد به چاپ رسید.

از اوست:

سرمست چون به بزم درآیی قدح به دست آهسته رو که شیشه عمرم به دست توست

عارف ز خانه سوی خرابات شد چو دید پیمانه سرخوش از تو و میخانه مست توست(۱)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۹۱-۲۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳؛ تذکره الشّعراء عارفچه، ج۱، ص۱۱۸؛ دیوان شیدا: مقدمه؛ نامه سخنوران سپاهان، ج۲، صص ۹۱-۹۳؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، صص ۲۰-۲۲ و ۲۷۲-۲۷۶؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۱۷۹-۱۸۸؛ شرح مجموعه گل، صص ۴۱۱-۴۲۷؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۷۷-۸۵.

عباس عشقی اصفهانی

عباس باباعلی خواجوئی متخلّص به «عشـقی» فرزند اسداللّه از شـعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۵ش متولّد شده، تحصیلات کمی کرده و بعدا به کسب و کار مشغول شد. از اعضاء انجمن ادبی پروانه بود و در شعر طبعی روان داشت.(۱)

[عشقی به سال ۱۳۰۳ش (مطابق سنگ نوشته مزارش) در اصفهان متولّد شده و از سن ۹ سالگی به کار تلاش برای امرار معاش پرداخت. او از ۱۶ سالگی به شعر و ادب روی آورد و سال ها زیر نظر اساتیـدی همچون میرزا عباس خان شـیدا و محمّدرضا شمشیری (شکیب) به فراگیری فنون شـعر و ادب اهتمام ورزید. به سال ۱۳۳۶ش به حاج شـیخ محمّـدحسن گنابادی ملقّب به «صالـح علی شاه» و بعـد از فوت او به فرزندش حاج سـلطان حسـین تابنده ملقّب به «رضاعلی شاه» دست ارادت داد. او در سال های آخر عمر در انجمن های ادبی مشـتاق و حافظ شـرکت می کرد. مجموعه اشـعار او به عنوان «جلوه عشق» به چاپ رسـیده است.(۲) عشقی در ۲۲ مرداد ۱۳۷۴ش وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۳)]

از اوست:

شانه مویت به رخ آینه گون می ریزد یا که بهر دل ما طرح جنون می ریزد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۳۴.

۲- بزم ادب، ص۳۱۶.

۳- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

تیغ ابروی تو را هر که ببیند داند خون صاحب نظران چشم تو چون می ریزد

عباس قمشه ای

عباس بن اسماعیل قمشه ای، از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. در طهران ساکن بوده و در تاریخ دهم ربیع الاوّل سال ۱۲۶۱ق در مدرسه فخریه طهران، نسخه ای از کتاب «منهاج الهدایه» حاجی کلباسی را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۷۳۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

عباس اصفهانی

عباس بن جعفر اصفهانی، [از فضلاء و ادبای اصفهان]، در کتاب «الوزراء و الکُتّاب» گوید که: دیدم به خط ابی علی احمد بن اسماعیل که نقل کرده بود از عباس بن جعفر اصفهانی که گفت عبدالحمید بن یحیی کاتب را می خواسته و با ابن مقفع رفیق بود و هر دو در یک خانه بودند. موقعی که مأمورین جهت گرفتن او به آن خانه وارد شدند گفتند: عبدالحمید کدامید؟ هر دو گفتند: من. از آن جهت که شما را به رفیق او ضرری نرسد» الخ.(۲)

عباس فریدنی

عباس بن جمال فریدنی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری بوده و در سال ۱۳۰۰ق نسخه ای از کتاب «ارشاد القاری» تألیف: مصطفی بن ابراهیم تبریزی را به خط

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص ۱۸۰.

۲- الوزراء و الکُتّاب، ص۵۴.

نستعلیق نوشته [است.] کتاب به شماره ۳۰۴۶ در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است.(۱)

عباس کرباسیون*

عباس کرباسیون فرزند حسن فرزند عباس، هنرمند توانای طرّاحی فرش و کاشی اصفهان در سال ۱۳۰۱ش در محلّه چهارسو علیقلی آقای اصفهان متولّد شد. پدرانش از معماران و بنّایان اصفهان بودند.

او تا ششم ابتدایی تحصیل کرد سپس به هنر طراحی روی آورد و مدّتی شاگرد حاج حسین مصورالملکی بود. آنگاه نزد استاد احمد ارچنگ طراحی فرش را فرا گرفت و از سن ۱۸ سالگی به طور مستقل به طراحی فرش و کاشی مشغول شد. او در طراحی از سبک های هنری کاشیکاری و فرش از طرح های سنّتی ایرانی پیروی می کرد و خصوصا در طراحی اسلیمی و خطائی زبردست بود.

طرح های کاشیکاری او در ده ها ابنیه مذهبی و اداری و تاریخی وجود دارد که می توان به برخی از آنها اشاره کرد:

۱. مرقد مطهر حضرت زینب (سلام اللّه علیها) در سوریه ۲. صحن حضرت ابوالفضل العباس در کربلا۳. حرم حضرت امام حسین علیه السلام۴. حرم مطهر امام رضا علیه السلام و صحن قدس۵. گنبد و محراب مسجد طباطبائی در قم۶. قسمتی از میدان نقش جهان۷. مسجد گوهرشاد مشهد۸. حسینیّه طوقچی اصفهان۹. حسینیّه عمادزاده اصفهان۱۰. مسجد الهادی اصفهان ۱۱. حسینیّه رضوی اصفهان ۱۲. مسجد سیّد اصفهان ۱۳. مسجد رحیم خان اصفهان ۱۴. سردر وزارت خارجه در تهران.(۲)

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش سوم، ص۱۲۶۶.

۲- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با مرحوم استاد کرباسیون در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۰ش؛ طراحان بزرگ فرش ایران، ص۲۶۵.

تعـدادی از طراحـان فرش و کاشـی اصـفهان از شـاگردان و دست پروردگـان او هسـتند. اسـتاد عبـاس کرباسـیون در ۹ خرداد ۱۳۷۱ش از دنیا رفت و در قطعه ۱۰ قبرستان باغ رضوان به خاک سپرده شد.

شیخ عباس مصباح دستگردی

حاج شـیخ عباس مصباح دستگردی فرزند ملّا حسین درویش بن محمّدعلی «آرستم»، عالم فاضل، واعظ خبیر و مفسر جلیل، از علمای [معاصر] اصفهان. در حدود سال ۱۳۲۸ق در قریه دسـتگرد برخوار اصفهان متولد شد و با تشویق آخوند ملّا عبدالکریم گزی و حاج میرزا محمّدرضا کلباسی به علوم دینی روی آورد.

مقـدمات را نزد حـاج میرزا رضـا کلباسـی فرا گرفت. سپس به اصـفهان آمـده و نزد [علمـای عالیقـدر] حـاج آقا جمال الـدّین خوانساری، سیّد آقاجان نوربخش، آقا شـیخ محمّدرضا محمودآبادی، حاج شیخ محمود مفید و آقا سیّد محمّدرضا خراسانی، مقدمات سـطوح را به همراه دروس منطق و حکمت فرا گرفت و آنگاه در درس خارج فقه و اصول [حضـرات آیات] آقا سیّد عبداللّه ثقه الاسـلام، حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، آقا سیّد مهدی درچه ای، حاج میر سیّد علی بهبهانی و حاج آقا حسین خادمی حاضر شد.

او عـالمی عـادل و پرهیزگـار بود. نماز جماعت را در مسـجد پناهی و مسـجد امیرالمؤمنین در خیابان فروغی اصـفهان اقامه می کرد و به خواندن دعای کمیل نیز اهتمام داشت. گاهی نیز در دسـتگرد نماز جماعت را اقامه می نمود. سـرانجام در چهارشـنبه ۲۲ جمادی الاولی سال ۱۴۰۸ق در اصفهان وفات یافت و جنازه وی به زادگاهش منتقل و

در رواق غربی امامزاده ادهم دستگرد مدفون گردید.

او چندین کتاب و رساله تألیف نموده و به چاپ رسانده که از آن جمله است:

۱. «اربعین» یا «نورالیقین» ۲. «تعلیمات دینی»، وظیفه همگانی: برای عموم مکلفین به ویژه نوباوگان۳. «تعلیمات دینی» به اختصار و به زبان ساده۴. «جلوه حقیقت» در موضوع اصول عقاید۵. «جواهر العرفان» در تفسیر قرآن که ۷ جلد آن به چاپ رسیده و یک جلد آن آماده چاپ بوده است.(۱)

میرزا عباس خان ذوالفنون*

میرزا عباس خان ذوالفنون، سومین فرزند (دومین پسر) میرزا حسین خان بن آقانصراللّه خان بن میرزا محمّدخان، هنرمند و عتیقه شناس کم نظیر معاصر در سال ۱۲۶۲ش متولّد شد.

پدر و نیایش از مالکین و ساکنین «اسفرجان» و پدرِ نیایش از همراهان عالم مجاهد حاج ملاّ محمّدشفیع خوئی به اصفهان بوده که با فرزند رضاقلی بیگ بن محب علی خان (از حفاد فتحعلی خان اعتمادالدّوله داغستانی) ازدواج کرده است و همسر میرزا عباس خان، دخترزاده آقامیرزا محمّدجعفر محلّه نویی (حفید ملاّ محمّدشفیع) و داماد میرزا شکراللّه خان بن رضاقلی خان بن محمّدقلی بیگ بود.

میرزا عباس خان و دو برادرش میرزا نصراللّه خان و حاج میرزا اسداللّه خان از عتیقه شناسان و هنرآگاهان کشور بودند.(۲) میرزا عباس خان در اصفهان هنرکده ای تأسیس کرد که انواع صنایع دستی در آن تعلیم داده می شد که بعدا هرکدام از هنرآموزان آن از قبیل حاج میرزا آقا امامی، حاج میرزا محمّدعلی خان نقاش و حسین خوشنویس زاده

۱- ارشاد الناس در شرح حال شیخ عباس مصباح دستگردی: مخطوط؛ مزارات اصفهان، ص۲۱۶.

۲- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

از استادان نامی گردیدند. میرزا عباس خان جزو بزرگ ترین هنرمندان سوخت مُعَرَّق بود و برای ساختن آلیاژها و مایه خمیرهای مجسمه سازی آزمایش هایی انجام داد. همچنین وی در زمینه علم شیمی اطلاعاتی به دست آورد و برای رنگ سازی آزمایش هایی انجام داد.

او در سال ۱۳۰۹ش برای یک نمایشگاه بزرگ در انگلستان سردربی به سبک سردرب مسجد امام اصفهان بر روی پوست و کاغذ مخصوص کاشی کاری و نقاشی دوره صفویّه به صورت سوخت و معرّق تهیه و در محلّ ورودیّه نمایشگاه نصب نمود که تحسین و اعجاب هنرمندان و مقامات داخلی و خارجی را برانگیخت و در ایران به اخذ مدال درجه یک علمی نائل شد.

استاد ذوالفنون در روز شنبه اوّل بهمن ۱۳۲۸ش وفات یافت و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

این آثار هنری بازمانده از پنجه های زبردست و قریحه خلّاق اوست:

۱. «قندیل» جهت آرامگاه فردوسی که در سال های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ش و براساس اشعار فردوسی در شاهنامه ساخته شد و مجسمه های فراوان از شکارگاه ها و سواران و در وسط آن مجسمه فردوسی دیده می شود. روی این مجسمه با مینیاتورکاری زینت یافته است.

۲. تابلویی با سوخت معرق که به مناسبت جشن های هزاره حکیم ابوالقاسم فردوسی تهیه شد و در کاخ موزه سلطنتی سابق در تهران موجود است.(۱)

۱- بوستان فضیلت، صص ۳۳۹-۳۴۲.

مرشد عباس زریری*

مرشـد عبـاس زریری فرزنـد حسـین از مشاهیر نقّالان و شاهنامه خوانان معاصـر اصـفهان در سال ۱۳۲۷ق (مطابق ۱۲۸۸ش) در محلّه مسـتهلک اصـفهان متولّـد شد. در کودکی بر اثر قحطی پدر و مادر و بسـتگان خود را از دست داد و برای امرار معاش به شغل های مختلفی روی آورد. در جوانی به نقّالی در قهوه خانه های اصفهان پرداخت و کم کم شهرت و مهارت زیادی یافت، تـا جایی که از شـهرهای دیگر برای شاهنامه خوانی از او دعوت می شـد. او روایات نقالان قـدیم از شاهنامه و سایر کتاب های اساطیری ایران را که سـینه به سـینه به دوره او رسیده بود از حفظ داشت و با بیانی گیرا و جذّاب در جمع کثیر مستمعین حاضر در قهوه خـانه ها با حرکات دست و پا و عصا روایت می کرد و صـحنه های رزم و بزم را برای حاضـرین مُجَسّم می ساخت. از داسـتان هـای زیبـای شاهنـامه رزم رسـتم و سـهراب بود که در نقـالی به سـهراب کشان ختم می شـد و پس از بیان آن، مرشـد شاهنامه خوان به ماجرای عاشورا و شـهادت جوان رعنای امام حسـین علیه السـلام حضرت علی اکبر علیه السلام گریز می زد و مجلس را به گریه می آورد.

مرشـد عباس طومارهایی از روایت نقّالان قـدیم از داسـتان های شاهنامه گردآوری کرده بود که از میان آنها «داسـتان رسـتم و سهراب» با تصحیح و ویرایش دکتر جلیل دوستخواه، ادیب و شاهنامه پژوه معاصر، در سال ۱۳۶۹ش به چاپ رسید.

مرشد عباس در ۳۰ تیر ۱۳۵۰ش در سن ۶۲ سالگی در اصفهان درگذشت و در تکیه زرگرها در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. بر سر مزار او بقعه کوچکی بنا کردند.(۱)

۱- داستان رستم و سهراب، روایت نقّالان: مقدمه، صص چهارده چهل و سه؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

عباس مافَرّوخی

عباس بن حمدان بن عباس بن مافرّوخ (مافروخی) مدینی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از ابراهیم بن ناصح، احمد بن مهدی، احمد بن یونس، نضر بن هشام و یونس بن حبیب روایت نموده و حسین بن محمّد بن علی زعفرانی از او نقل حدیث کرده است.(۱)

عباس حنفی اصفهانی

ابوالفضل عباس بن حمدان بن محمّد بن سلم حنفی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] او را از جمله راویان ثقه و از صلحاء عهد خویش دانسته اند.

قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم عسال، طبرانی و عبدالجبار بن علاء از او نقل حدیث کرده اند و خود او از حاتم بن بکر صیرفی، و محمّد بن خالد بن خداش و یوسف بن محمّد بن سابق روایت کرده است. کتاب «مسند» را تألیف کرده و در جمادی الآخر سال ۲۹۴ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

عباس قمی

عباس بن حیدر قمی اصفهانی از فضلای قرن یازدهم هجری است. از آثار او:

۱. «شرح الفوائد الغیاثیه» در بلاغت به عربی که در سه دهه اوّل جمادی الثانی ۱۰۸۵ق از شرح کتاب فراغت یافته و به شماره ۳۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۲؛ اللباب، ج۳، ص۱۵۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۱؛ طبقات المحدّثین، ج۴، صص ۲۳۶ و ۲۳۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۱.

(۱) «دُرَرُ الأسرار فی تَعدُّد فرق اته النّبی المختار» در اعتقادات به عربی که در ۶ شوال ۱۰۶۹ق آن را به پایان رسانده است و به شماره ۷۲۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

همچنین صاحب عنوان در ۶ جمادی الاوّل ۱۰۶۳ق نسخه ای از کتاب «التبصره فی علم الهیئه» تألیف ابوبکر محمّد بن احمد بن ابی بشر مروزی را به خط نستعلیق نوشته و میکروفیلم آن ضمن مجموعه ای در دانشگاه طهران موجود است.(۳)

عباس بهشتیان

عباس بهشتیان [فرزند حیدرعلی]، فاضل ارجمند، عضو انجمن آثار ملی، مؤلف «بخشی از [گنجینه] آثار ملی» و غیره. فوت ۱۴۰۸ق مدفون در تکیه میر در تخت فولاد.(۴)

[وی در سال ۱۳۰۵ش در محلّه دومنار دردشت اصفهان به دنیا آمد. پدرش از اهالی ریز (زرین شهر کنونی) بود. بهشتیان در مدرسه قدسیه به تحصیل پرداخت. او برای امرار معاش به کشاورزی و باغداری مشغول شد و اغلب اوقات را به تحقیق و جستجوی آثار تاریخی اصفهان و نوشتن و مطالعه کتاب گذراند.

او عاشق اصفهان بود. کوچه ها و محله های شهر را قدم به قدم کاویده بود و برای آگاه کردن مردم و مدیران شهری و جلوگیری از تخریب و انهدام خانه ها، کاروانسراها، حمام ها، تیمچه ها، زورخانه ها، عصاری ها، زیارتگاه ها و... خون دل می خورد، نامه نگاری می کرد، اعتراض می کرد و تا رسیدن به مقصود و حفظ آن آثار از پای نمی ایستاد. شجاعت و جسارت او به قدری بود که از هیچ قدرتی پروا نداشت و برای

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۶۶۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۱۵.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۶۶۹.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۱.

حفظ آثار تاریخی همه گونه سختی را به جان می خرید. او از اعضای فعّال انجمن آثار ملی اصفهان بود و بارها هم قدم با استاد فقید سیّد مصلح الدّین مهدوی و مرحوم دکتر هنرفر به جستجو و شناسایی آثار تاریخی ناشناخته اصفهان پرداخت.

از اقدامات ارزنده او بررسی و ارائه اسامی قدیمی گذرها، میدان ها، محلّه ها و ابنیه تاریخی اصفهان بود که اغلب مورد استفاده شهرداری اصفهان قرار گرفت. همچنین پیگیری مرمّت و احیای مزار صائب تبریزی و بازار بلند و چند اثر تاریخی دیگر و جلوگیری از رفت و آمد اتومبیل از پل های تاریخی زاینده رود از دیگر فعالیّت های اوست.

بهشتیان در بین چهره های فرهنگ و ادب اصفهان محبوبیّت فراوانی داشت و با اغلب آنان از جمله: صغیر، شکیب، الفت، سپنتا، تاج اصفهانی، قدسی و خاکشیر مصاحبت و معاشرت می نمود. وی در روز ۱۱ اسفند ۱۳۶۶ش بدرود حیات گفت و بنا به وصیت خودش در صحن تکیه میر در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «بخشی از گنجینه آثار ملّی»۲. «تاریخ تخت فولاد»۳. «عصارخانه های اصفهان»۴. «کبوترخانه های اصفهان»۵. «آثار باستانی گمنام اصفهان».(۱)]

عباس احمدی

عباس احمدی شاپورآبادی فرزند رجبعلی از شعرای معاصر اصفهان [در پنجم اردیبهشت ۱۳۲۴ش در روستای «شاپورآباد» برخوار اصفهان متولد شد. از ۱۵ سالگی به سرودن شعر پرداخت که اغلب در باب مضامین اجتماعی، مذهبی و اخلاقی است. او

۱- یادنامه عباس بهشتیان؛ دولت دیدار، صص ۱۰۶-۱۱۵؛ معماران و مرمت گران سنتی اصفهان، صص ۱۲۲-۱۳۰؛ نادره کاران، ص۶۵۴؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج۱، صص ۳۲۴ و ۳۲۵.

سال ها به عنوان کارمند دانشگاه علوم پزشکی اصفهان صادقانه خدمت کرد. گاهی در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن حافظ شرکت می کرد. او نام خانوادگی خود «احمدی» را برای تخلّص خود برگزیده بود. وی سرانجام در ۲ خرداد ۱۳۸۶ش وفات یافت و در قطعه نام آوران در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

کتاب ها و منظومه های زیر از اوست:

۱. «آیینه انقلاب» منظوم۲. «آیینه حج» منظوم۳. «بیوگرافی منظوم سرداران شهید استان اصفهان»۴. «ترجمه منظوم نهج الفصاحه»۵. «تخت فولاد در شعر فارسی»۶. «جلوه نماز در شعر فارسی» (چاپ شده است) ۷. «خاطرات منظوم جبهه» در ۲ جلد۸. «دائره المعارف شعراء و عرفای استان اصفهان»۹. «زاینده رود در شعر فارسی» (چاپ شده است) ۱۰. «سفرنامه منظوم» ۱۱. «نظم اللئالی» که ترجمه منظوم کلّ قرآن مجید است. ۱۲. «همگام با پیامبران» یا «قصص قرآن» (چاپ شده است) .

از اوست:

همچو پروانه گرد شمع شب ها سوختم تا الفبایی ز درس عاشقی آموختم

در بطالت عمر خود را طی نکردم روز و شب در خراب آباد دل گنجینه ای اندوختم

روز و شب مانند نی نالیدم از سوز فراق تا که در نیزار دل ها آتشی افروختم(۱)]

شاه عباس صفوی*

شاه عباس اوّل، فرزند سلطان محمّد خدابنده صفوی و پنجمین پادشاه سلسله

۱- هفته نامه صدا، سال هفتم، شماره ۳۰۷، شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۸۵ش، ص۶؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۴۱.

صفویّه، در اوّل رمضـان ۹۷۸ق در هرات به دنیا آمـد. در دوره کودکی اسـما حکومت خراسان را داشت. مرشد قلی اسـتاجلو، حاکم تربت حیدریّه، او را تحت حمایت خود گرفت و در ذیقعده ۹۹۶ق وی را به عنوان شاه عباس در قزوین به تخت سلطنت نشاند و پدرش، سلطان محمّد خدابنده، را برکنار و زندانی کرد.

شاه عباس پس از سرکوب سـران یاغی قزلباش، در سال ۹۹۸ق بـا دولت عثمانی صـلح کرد و به خراسان تاخت و ازبک ها را که خراسان را عرصه تاخت و تاز خود کرده بودند شـکست داد و عقب نشاند. آنگاه در سال ۱۰۰۰ق پایتخت دولت صفویّه را از قزوین به اصفهان منتقل و با دعوت از کارشناسان نظامی انگلیسی (برادران شرلی) ارتش ایران را به سلاح های جدید مجهز کرد. وی در سال ۱۰۱۱ق با دولت عثمانی وارد جنگ شد و سـرزمین های اشغالی ایران و قسمت عمده ای از عراق عرب را به تصـرّف خود درآورد. پس از آن، سـپاه ایران به فرمانـدهی اللهوردی خـان بـا اشـغالگران پرتغـالی که بنادر جنوبی ایران را در تصـرّف خود داشتند وارد جنگ شد و آنان را در سال ۱۰۲۳ق از بندر گمبرون (بندرعباس) و در سال ۱۰۳۱ق از جزیره هرمز بیرون راند.

در آن زمان اصـفهان، پایتخت صـفویه، به اوج شـهرت و رونق رسید. در زمان شاه عباس میدان نقش جهان، مسجد شیخ لطف اللّه، کاخ عالی قاپو، بازار قیصـریه، پل اللهوردی خان و ده ها مـدرسه و مسـجد و بنای دیگر ساخته شـد. شاه عباس برای رونق دادن به صـنعت و تجارت در اصفهان ارامنه را از ارمنستان، که مورد حمله عثمانی ها بود، به اصفهان انتقال داد و محلّه جلفای نو را برای اقامت آنان بنا کرد. همچنین تبریزیان را که در فنون زرگری و صـنایع ظریفه اسـتاد بودنـد به اصـفهان منتقل و محلّه تبریزآبـاد (عبـاس آبـاد) را برای آنـان احـداث کرد. در آن دوره، هنـد و ماوراءالنهر و بسیاری از کشورهای اروپایی در ایران تجارتخانه و نمایندگی سیاسی داشتند. شاه عباس به

بازسازی راه های اصلی کشور پرداخت و ده ها کاروانسرا در مسیر این راه ها بنا کرد.

شاه عباس دوستدار علم و فرهنگ بود. به تشویق او بسیاری از علمای جبل عامل، عراق عرب و شهرهای مختلف ایران به اصفهان آمدند و ده ها مدرسه علمیه بنا شد و فقه، اصول، کلام، ادبیات، حکمت و عرفان رونق گرفت و روحانیون مناصبی مانند صدارت و شیخ الاسلامی را به دست آوردند. شاه عباس به هنرمندان و شعرا ارج می نهاد. علیرضا عباسی و صادقی افشار و بسیاری از ادبا و فضلا در کتابخانه سلطنتی به فعالیت های ادبی و هنری مشغول بودند.

شاه عباس احترام و ارادت زیادی برای علما و سادات قائل بود و برای مرمّت و توسعه آستان قدس رضوی و بقاع متبرکه هزینه می کرد و پای پیاده به مشهد مقدّس می رفت، با این حال مردی سخت گیر و بی رحم بود. او پدر خود را محبوس کرد، دو تن از برادران خود را نابینا ساخت، پسر ارشد خود، صفی قلی میرزا، را از سر بدگمانی به قتل رساند و در حمله به گرجستان بیش از ۷۰۰۰۰ نفر از گرجیان را قتل عام کرد. در سراسر سلطنت او بساط شکنجه های وحشیانه و زجر و آزار برپا بود.

شاه عباس در ۲۴ جمادی الاولی ۱۰۳۸ق پس از ابتلا به یک بیماری سخت در شهر اشرف مازندران درگذشت و ظاهرا در مقبره حبیب بن موسی در کاشان مدفون شد.(۱)

شاه عباس گاهی شعر می سرود. این بیت از اوست:

نه ز هر شمع و گلم چون بلبل و پروانه داغ یک چراغم داغ دارد یک گلم در خون کشد(۲)

۱- دائره المعارف فارسی (مصاحب) ، ج۲، ص۱۶۶۰؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۲، صص ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳؛ صفویه از ظهور تا زوال، صص ۱۷۹-۲۸۷. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: نقاوه الآثار؛ تاریخ عالم آرای عباسی؛ محافل المؤمنین؛ زندگانی شاه عباس اوّل.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۱ و ۱۲؛ منتخب اللطایف، صص ۴۵۱ و ۴۵۲.

عباس کاظمی

عباس کاظمی کبوترآبادی فرزند محمّدصادق، شاعر و ادیب و موسیقی دان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شده [و از نوجوانی به شعر و موسیقی روی آورد. او نی را از استاد حسین یاوری و آواز را از میرزا علی قاری آموخت و در کنار آن به فراگیری ردیف ها و گوشه های موسیقی ایرانی پرداخت.] گاهی نیز شعر می سرود. [او در ۱۵ فروردین ۱۳۸۱ وفات یافته و در قطعه نام آوران در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.]

از اوست:

دوش از میخانه دل عزمش سوی گلزار بود جام بر کف مست و شیدا با بُتی عیّار بود

بلبلی را دید بر شاخ گلی مسکین صفت بینوا اندر درونش ناله های زار بود(۱)

عباس غازی اصفهانی*

عباس غازی اصفهانی، فرزند صفرعلی، هنرمند موسیقی دان معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شد. در جوانی به فراگیری موسیقی و نواختن نی پرداخت و از اساتید فن خصوصا استاد حسین یاوری بهره برد. وی با هنرمندانی چون اصغر سامع، عباس مدینه ای و نکوزاده همکاری داشت. استاد غازی علاوه بر نواختن نی، گوشه ها و ردیف های موسیقی ایرانی را خوب می شناخت و در سرودن شعر، خوشنویسی و عتیقه شناسی مهارت به سزایی داشت.(۲) وی در روز ۱۷ اسفندماه ۱۳۸۵ش بدرود

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۸۵؛ تذکره شاعران نانوا، ص۳۲۱؛ چهره افروختگان خطه زنده رود، ص۱۴۶.

۲- چهره افروختگان خطه زنده رود، ص۱۴۴.

حیات گفت و در قطعه هنرمندان واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

شاه عباس دوّم صفوی*

شاه عباس دوّم، فرزند شاه صفی بن محمّدباقر میرزا (صفی میرزا) بن شاه عباس اوّل، هفتمین پادشاه صفویه است. او در جمادی الثانیه سال ۱۰۴۳ق متولّد شد و در ماه صفر ۱۰۵۲ق در حالی که کمتر از ۱۰ سال داشت، پس از مرگ پدر به تخت پادشاهی ایران تکیه زد.

در آغاز سلطنت چون هنوز به سن رشد نرسیده بود، ظاهرا تحت نفوذ و تربیت وزرا یک چند، تقوی و درستی نشان داد و میخوارگی را منع کرد. امّا وقتی به سن رشد رسید، خود در عشرت و میخوارگی افراط نمود. او میل زیاد داشت که همچون جدّ خود شاه عباس به آبادانی و عمران کشور بپردازد. در دوران سلطنت او ابنیه و کاخ های متعددی (از جمله کاخ چهلستون اصفهان و پل شاهی = پل خواجو) ساخته شد. رفتار او با شاهزادگان اُزبک که به دربار او پناه آوردند، همراه با جوانمردی و بزرگواری بود.

در سال ۱۰۷۵ق (۱۶۶۴م) در زمان آلکسی میخایلوویچ، امپراطور روسیه و پدر پطر کبیر، هیأتی با ۸۰۰ نفر و دو مأمور سیاسی به ایران آمدند و مورد استقبال دربار صفویه قرار گرفتند امّا وقتی معلوم شد آنان برای فرار از مالیات، از پوشش مأمورین سیاسی استفاده کرده اند، از دربار اخراج شدند. امپراطور روسیه از این واقعه خشمگین شد و به دستور او عده ای از لشکریان روس به مازندران تاختند و به قتل و غارت پرداختند، امّا سربازان صفویه آنها را از آنجا بیرون راندند. فرانسه هم به دربار ایران سفیر فرستاد که مورد استقبال دربار صفوی واقع شد. مورّخان و سیّاحان اروپایی رفتار شاه عباس نسبت به نمایندگان سیاسی، تُجّار و عیسویان را همراه با مدارا و احترام دانسته و او را

ستوده اند.

شاه عباس چند بار (در سال های ۱۰۵۹، ۱۰۶۴ و ۱۰۶۸ق) بر سر قندهار با لشکریان پادشاه هند جنگ کرد و جز ۶ ماه (در سال ۱۰۶۸ق) که قندهار در تصرّف هندیان بود، همواره فاتح بود. شاه جهان، پادشاه هند، در سال ۱۰۵۶ق سفیری برای ایجاد روابط دوستی نزد شاه عباس فرستاد و او نیز در ۱۰۷۵ق به همین منظور سفیری به دربار اورنگ زیب روانه کرد.

شاه عباس دوم به شعرا و علما احترام می گذاشت و آنان در دولت او دارای جایگاهی بلند بودند. خود او هم اهل شعر و ادب بود. گاهی شعر می سرود و «ثانی» تخلّص می کرد. وی سرانجام در شب سه شنبه ۲۵ ربیع الاوّل ۱۰۷۷ق در بازگشت از خراسان، زمانی که به خسروآباد دامغان رسیده بود بر اثر بیماری درگذشت و در مقبره پدرش (جنب مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها)) مدفون شد. کتیبه های این بقعه از استاد محمّدرضا امامی است.(۱)

این شعر از اوست:

به یاد قامتی در پای سروی گریه سر کردم چو مژگان برگ برگش را به خون دیده تر کردم(۲)

میرزا عباس نحوی

آقامیرزا عباس نحوی فرزند میرزا عبدالجواد بن میرزا عبدالحسین بن محمّدتقی بن

۱- دائره المعارف فارسی (مصاحب) ، ج۲، صص ۱۶۶۰ و ۱۶۶۱؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۲، صص ۱۲۲۴ و ۱۲۲۵؛ صفویّه از ظهور تا زوال، صص ۲۹۸-۳۴۱ و بنگرید به: قصص الخاقانی، خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم) ؛ عباس نامه.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۳؛ تذکره شمع انجمن، ص۴۶۶؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۱، صص ۴۶۴ و ۴۶۵؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص ۳۴۰.

حاج محمّدحسین نایب الصدر بن آقا محمّدجعفر هرندی اصفهانی، ادیب فاضل، از بنیان گذاران فرهنگ جدید در اصفهان در قرن چهاردهم هجری در سال ۱۳۰۰ق در اصفهان متولّد شده، [تا ۲۵ سالگی نزد اساتید علوم قدیمه به تحصیل ادبیات، نحو، صرف، منطق، معانی و بیان، بدیع، فقه و اصول مشغول بود که از آن جمله است آخوند ملاّ عبدالکریم گزی.

او در آغاز جوانی در مدرسه قدسیه تدریس را آغاز کرد و سپس مدرسه دیانت را با همکاری عموزاده اش، عبدالرسول نحوی، تأسیس کرد. او چندین سال مدیریت دبستان های شهشهان، فردوسی، حکیم نظامی و عصر پهلوی را برعهده داشت و سال ها در دبیرستان های سعدی و صارمیه و دانشسرای دختران و پسران تدریس کرد. مدّتی هم ریاست تحقیق اوقاف و کفالت اداره فرهنگ استان دهم را برعهده داشت.]

او یک سال قبل از فوت از فعالیت های فرهنگی بازنشسته شده و در شب ۴ جمادی الثانیه ۱۳۷۱ق [مطابق آذرماه ۱۳۳۰ش] وفات یافت و در تکیه مجاور تکیه ملک در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.

از آثار او کتابی در صرف و نحو [به نام «تلخیص الصّرف»] و کتابی در شرعیات است که جهت محصّلین مدارس تألیف نموده و هر دو به طبع رسیده است. همچنین رساله مختصری در «شرح حال نحوی های هرندی» نوشته است.(۱)

استاد عباسِ عبدالرحیم*

استاد عباس فرزند استاد عبدالرحیم، از حجّاران هنرمند قرن چهاردهم هجری است. ظاهرا از اهالی محلّه بیدآباد بوده است. او نقوش گل و بتّه و شکل فرشته و نقوش

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۴۴ و ۴۴۵؛ نشریه اداره فرهنگ استان دهم، شماره ۱۱، ص۱۷؛ آیین فرزانگی، صص ۷۰-۷۳.

هندسی و اسلیمی را با ظرافت و مهارت قابل توجّهی بر روی سنگ حجّاری و آثار زیبا و هنرمندانه ای را خلق می کرده است.

برخی از آثار او که در تخت فولاد اصفهان مشاهده شده اند عبارتند از:

۱. حجاری سنگ قبر مرمر حسین شهناز در سال ۱۳۱۸ه.ش.

۲. حجاری سنگ قبر حاج محمّدحسن بنکدار در سال ۱۳۴۲ق با رقم «عمل استاد عباس ولد استاد عبدالرّحیم حجار».

۳. حجاری سنگ قبر استاد مهدی زادهوش، در سال ۱۳۲۴ه.ش با رقم «عمل استاد عباس ولد استاد رحیم».(۱)

عباس سالاری*

عباس سالاری، فرزند عبدالعلی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۲۲ش در روستای «اسفه سالار» شهرضا متولّد شد. در کودکی با خانواده به آبادان رفت و تحصیلات ابتدایی و سیکل را در آنجا به اتمام رساند. سپس در شهرضا تحصیلات در مقطع متوسطه را تا اخذ دیپلم ادامه داد. در سال ۱۳۴۶ش به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در مدارس شهرضا تدریس آغاز کرد. او از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و برخی از اشعارش در مطبوعات چاپ شد. در شعر «سالاری» تخلّص دارد.(۲) از آثار او «مرآت صفا» (دیوان اشعار) و «شیفتگان وصال» (مجموعه اشعار مدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام) به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

ما زورق شکسته دریاچه غمیم آماج بی قراری طوفان عالمیم

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- مرآت صفا: مقدّمه؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص ۳۶۰.

در دشت بی کران بلاخیز روزگار پیوسته ما شمع بلادیده با همیم

بر ما مگیر خرده که در سنگلاخ دهر مردانه بر ادامه این ره مصمّمیم

استاد عباس بانی*

استاد عباس بانی، فرزند استاد عبداللّه معمار، از معماران و مرمّت گران آثار تاریخی اصفهان در عصر حاضر در حدود سال ۱۲۵۱ش در اصفهان متولّد شد و از نوجوانی نزد پدر حرفه معماری را به خوبی آموخت و در ردیف اساتید زبردست درآمد. پس از تأسیس بلدیه (شهرداری) اصفهان مسابقه ای برگزار شد و هرکس می توانست در ابتدای خیابان کمال اسماعیل فعلی یک ایوان بنا کند که در بالای آن یک قطاربندی به سبک صفوی باشد برتر شناخته می شد. استاد بانی این کار را به نحوی شایسته انجام داد و به عنوان نفر نخست این مسابقه برگزیده شد. درنتیجه پادگان سازی برای ارتش در اصفهان و خیابان کشی و شهرسازی به وسیله شهرداری اصفهان به او محوّل شد.

از جمله اقدامات قابل ذکر او معماری هتل شاه عباس اصفهان، معماری ساختمان بی بی زینب (مزار زینبیه) اصفهان، بازسازی مسجد آب بخشان (شهداء) ، مرمت و بازچینی گنبد چهارسو شاه (یکی از زیباترین گنبدهای بازار از لحاظ آجرچینی و شکل های هندسی) که با وجود ضعف در بینایی، با لمس دست، طرازبندی گنبد و طرح های هندسی را به انجام رسانید، و همچنین افزودن ۶ دهانه به دهانه های پل جویی و تعمیر و بازسازی منارجنبان اصفهان بود.

وی سرانجام در سال ۱۳۵۳ش وفات یافت و در تکیه گلزار واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۱)

۱- هفته نامه نسل فردا، سال نوزدهم، شماره ۳۵۷۲: دوشنبه ۳ آبان ۱۳۸۹ش. مقاله آقای مهدی نجار اعرابی، ص۵.

حاج عباس بیاض

حاج عباس بیاض، فرزند عبدالوهاب، از هنرمندان فلزکار و علامت ساز اصفهان در قرن چهاردهم هجری در اصفهان متولّد شد. او در ساختن اشکال پرنده و حیوان از فلز که در علامت استفاده می شد مهارت داشت. او ابتدا در بازار دواتگرها و سپس در کاروانسرای فخر و در اواخر عمر در منزل به علامت سازی مشغول بود. او مدتی در کار علامت سازی با حاج طاهر و حاج محمّدحسن از علامت سازان زبردست اصفهان همکاری می کرد.

او سرانجام در ۱۴ صفر ۱۳۸۰ق در حدود ۹۵ سالگی وفات یافت و در قبرستان فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

سیّد عباس صفی دهکردی

آقا سیّد عباس صفی دهکردی بن سیّد علی بن سیّد محمّدتقی حسینی دهکردی، عالم عابد فاضل کامل در سال ۱۳۰۴ق در قریه «اشکفتک» در یک فرسنگی شهرکرد متولّد شد. پدرش از علمای محل و مورد احترام عموم اهالی چهارمحال بود.

سیّد عباس مقدمات را نزد آقا جلال الدّین بت شکن دهکردی خواند. سپس به اصفهان آمد و نزد [علمای عالیقدری چون] آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، جهانگیرخان قشقایی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی، حاج شیخ عبدالحسین محلاتی و آخوند ملّا محمّد کاشانی به تحصیل فقه و اصول و منطق و ادبیات و کلام و حکمت پرداخت و در طب نیز نزد حاج میرزا محمّدباقر حکیم باشی حاضر شد و از اساتید خود و مراجع نجف اشرف به دریافت اجازات روایتی و اجتهاد

۱- دانشنامه تخت فولاد، ج۱، ص۳۳۰؛ تخت فولاد (شفیق) ، ص۴۶؛ مجله میراث جاویدان، سال پنجم: شماره ۳ و ۴، ص۲۳۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

مفتخر گردید.

[او سال های طولانی در مدرسه جده بزرگ اصـفهان به تدریس دروس سطح و فلسفه و رجال و درایه مشغول بود و شاگردان بسـیاری تربیت کرد.] آن مرحوم در مسـجد یزدآباد و مسـجد کرمانی اصـفهان به اقامه نماز جماعت می پرداخت. سرانجام در ذی القعده ۱۳۹۴ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّدالعراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

عباس اسپه پور*

عباس اسپه پور، فرزند علی بن عباس خان بن غلامعلی خان بن علی بن غلامحسین خان بختیاری، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۵ش متولّد شده. وی در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن حافظ شرکت نموده است. از اوست:

سحر از جانب حق آن مه تابان آمد روشنی بخش جهان نور دل و جان آمد

جلوه ایزد یکتا به جهان کرده طلوع آنکه مهرش همه آفاق گرفت آن آمد(۲)

میرزا عباس خان صفاءالسلطنه

میرزا عباس خان صفاءالسـلطنه [فرزنـد میرزا علی خان صفاءالسـلطنه (مشـتاقی) بن ملّا میرزا محمّدهادی راثی نائینی اصـفهانی] شعر نیکـو می سـروده و یکصـد و پـانزده سـال عمر کرده و در حـدود سـال ۱۳۵۸ق در طهران وفـات یـافته و در قـم مـدفون گردید.(۳)

۱- شناخت سرزمین چهارمحال و بختیاری، ج۲، ص۴۴۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۳۳-۲۴۰.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۵۳.

۳- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۴۳؛ تاریخ نائین، ص۱۷۵؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۴۳؛ تذکره سخنوران نائین، ص۷۴؛ نائین بلده طیبه، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.

[صفاءالسلطنه ثانی، در سال ۱۲۸۲ق در تهران متولّد شد. در جوانی در خدمت پدر، به مشاغل دولتی پرداخت. در سال ۱۳۰۱ منصب خلاصه نویسی عرایض متظلّمین به او تفویض شد و همچنان به خدمات انشاء مشغول بود و تا سال ۱۳۱۷ق سررشته دار توپخانه شد. در سال ۱۳۱۸ق با پدر خود به زیارت عتبات رفت. در مراجعت پس از مرگ پدر ملقب به لقب پدر خود گردید و در وزارت خانه امور خارجه به سمت منشی گری مشغول کار شد. وی شعر می گفت و نستعلیق را خوش کتابت می کرد.(۱) به ادبیات فارسی مسلط بود و به زبان فرانسوی آشنایی داشت. در شعر «صفا» تخلّص می کرد و «دیوان اشعار»ی دارد.(۲)

از آثار خطوط او «دیوان مشتاقی» (دیوان پدر خود) که در سال ۱۳۲۲ق و قسمتی از «حدائق السحر» که در سال ۱۳۲۱ق در تهران چاپ سنگی شده است.(۳)

این شعر از سروده های اوست:

ز نارت نورم اندر دیده آمد سرورم در دل غمدیده آمد

ز دشنامت نرنجیدم ولیکن ز هر نیت دلم رنجیده آمد(۴)]

درویش عباس گزی*

درویش عباس گزی متخلّص به «جزی» فرزند علی اُلیک از شعرای قرن سیزدهم هجری در سال ۱۲۶۴ق در قریه «گز» از توابع «بُرخوار» اصفهان متولّد شد. وی در ۷ سالگی به مکتبخانه رفت و نزد ملّا عبداللّه گزی تحصیل کرد اما به علت فقر ترک

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۳۴۳.

۲- تربت پاکان قم، ج۲، ص۱۷۵.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۳۴۳.

۴- تراجم الرجال، ج۱، ص۲۶۳.

تحصیل کرده همراه پدر به مُقنّی گری پرداخت و در کنار آن به مطالعه مشغول شد. در سال های نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. وی در جوانی به دراویش گز پیوسته و به خانقاه آنان رفت و آمد نمود. او سرانجام در سال ۱۳۲۳ق وفات یافته و در زاویه شرقی بقعه شاه نعمت اللّه در روستای گز مدفون شد. اغلب اشعارش به لهجه محلّی گزی (از لهجه های مرکزی ایران و معروف به «بِشِه بوره») سروده شده است. منتخبی از غزلیات با زبان محلّی که از کتاب «ارشاد الولد» درویش عباس انتخاب شده است به عنوان غزلیات درویش عباس گزی (به لهجه گزی) در سال ۱۳۷۱ش به چاپ رسیده است.(۱) اشعاری هم در هزل و هجو داشته که هنوز چاپ نشده است.

میرزا عباس شیخ الاسلام

آقا میرزا عباس بن حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام [از علماء و خطبای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از علماء و مدرّسین این شهر تحصیل نموده تا فردی فاضل و کامل گردید و سپس به وعظ و ارشاد پرداخت. [او] چون صدایی گیرا و آهنگی دلنواز داشت و در ذکر مصیبت و موعظه نیز مهارت و استادی یافته بود مورد توجه و علاقه عموم مستمعین بود.

[سرانجام] قبل از سال ۱۳۷۰ق در اصفهان وفات یافته، در اطاقی مخصوص در تکیه شیخ مرتضی ریزی [در تخت فولاد] مدفون گردید.(۲)

۱- غزلیات درویش عباس گزی: مقدمه؛ فرهنگ و تاریخ گز برخوار، صص ۱۲۱-۱۲۳.

۲- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص ۱۸۰.

مرشد عباس نثارعلی*

مرشـد عباس ملقب به «نثارعلی» فرزنـد علی همت، از عرفای اصـفهان در عصـر حاضـر در اصـفهان متولّـد شد. او مرید مرشـد حسـین لُنبانی (سـروعلی شاه) از عرفای سلسـله خاکسار جلالی بود. او از نقالان و پرده خوانان قدیم اصفهان بود و مجال نقل و شاهنامه خوانی او در قهوه خانه حاج رضا سنگتراش در کوی نارون [خیابان طالقانی[اصفهان مورد توجه مردم بود.

وی در سال ۱۳۴۸ش وفات یافته و در قبرستان بزرگ جنب مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرزا عباس فایض شمس آبادی

حاج میرزا عباس سـهیلیان شمس آبادی متخلّص به «فایض» فرزند محمّدعلی سهیلی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشمندان و سخنوران معاصر] در سال ۱۳۰۸ق در محله «شـمس آباد» واقع در شمال شهر اصفهان متولّد شد. [پدرش تاجر بوده و طبع شعر داشـته است. فایض در اصـفهان نزد جمعی از علماء عالیقدر همچون جهانگیرخان قشقایی، میر سیّد علی نجف آبادی، آقا سیّد مهدی درچه ای، سیّد محمّدباقر درچه ای و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخت و در فنون ادب و فقه و اصول و منطق و حکمت مهارت یافت. بسیاری از فضـلاء و شـعراء از خرمن فضل و ادب او خوشه برگرفته انـد. در ادبیات اسـتادی مسلّم و در شعر صاحب قریحه ای وقّاد بود. او شاعری روشن ضـمیر بود که عمر را به اسـتغناء و پرهیز از شهرت و و زخارف دنیوی سپری نمود.]

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای فتح اللّه نثارعلی فرزند مرشد عباس نثارعلی در دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۱ش.

او از اعضای انجمن ادبی شیدا بود و گاهی در انجمن کمال شرکت می کرد.

[مرحوم فایض نماز جماعت را در مسجد صاحب الزمان باب الدشت و مسجد ام البنین شمس آباد اقامه می کرد و مورد اعتماد و احترام فضلاء و ادباء و عموم مردم بود. «دیوان اشعار» او در سال ۱۳۸۴ش به چاپ رسیده است.]

او در روز ۲۳ ذی القعده ۱۳۸۹ق [مطابق با ۱۱ بهمن ۱۳۴۸ش] وفات یافته و در صحن تکیه درکوشکی (بروجردی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. [شاعر توانا آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی (برنا) مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

کلک «بُرنا» سال فوتش را نوشت: «جای فایض جنّت جاوید باد»

از اوست:

عمر اگر مرحله پیمای هوی و هوس است تا به این حد که بازیچه تلف گشت بس است

هر حریصی که بَرَد رنج که جمع آرد گنج عنکبوتیست که خوشدل به شکار مگس است

نفسی صحبت اهل دلی ار دست دهد حاصلی دارد اگر عمر همان یک نفس است(۱)]

عباس محور اصفهانی

عباس مهوری حبیب آبادی اصفهانی متخلّص به «محور» فرزند غلامرضا بن عباس، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۴ش متولّد شده و تحصیلات مقدماتی را در حبیب آباد بُرخوار نزد حاج شیخ عباسعلی ادیب، سیّد محمّد مرتضوی و حاج محمّدعلی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۴۰-۳۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۹؛ دیوان اشعار فایض اصفهانی: مقدمه؛ بوستان فضیلت، صص ۱۷۲-۱۸۳.

محسنی طی نمود. در ۱۳ سالگی پدرش را از دست داد و جهت امرار معاش به کار پرداخت.

در نوجوانی لب به گفتن اشعار گشوده و ابتدا «یم موج» تخلّص می نمود و بعدا آن را به «محور» تغییر داد.او در انجمن های ادبی اصفهان همچون کمال، صائب، سعدی، حافظ و صغیر شرکت می کرد. سرانجام در سال ۱۳۸۳ش وفات یافته و در قبرستان عمومی حبیب آباد (معروف به «بهشت زینب (س) » مدفون شد.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «دیوان محور» که در سال ۱۳۷۲ش چاپ شده است. ۲. «فانوس عشق»۳. «نونهال اسلام»۴. «نهج البلاغه منظوم»(۱)

[از اوست:

عقل را با آن درایت ره به کوی عشق نیست با جنون رفتن به سوی محمل لیلا خوش است]

عباس زمانی

شاطر عباس زمانی فرزند شاطر غلامحسین، از شاعران معاصر اصفهان در سال ۱۲۹۵ش در اصفهان متولّد شده و چون پدر به شغل نانوایی پرداخته است. در شعر طبعی متوسط داشته است. از اوست:

ببخش جرم خلایق به دنیی ار خواهی به روز حشر رضا گردد از تو رب غفور

به هر بلا که رسد از خدا تو صابر باش بدان که روضه رضوان بود جزای صبور(۲)

۱- دیوان محور اصفهانی: مقدمه؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۷۰۳؛ ادیب ماندگار، ص۲۶۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۳۰؛ تذکره شاعران نانوا، ص ۱۴۷.

عباس گیاهی

استاد عباس گیاهی [فرزند غلامحسین، شاعر و هنرمند معاصر] در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شده و اندکی تحصیل نموده و پس از آن ترک تحصیل کرده و ضمن کارهای روزانه به مطالعه کتب و دواوین شعراء مشغول گردید. او برحسب اقتضای طبع خداداد گاهی اشعاری می سرود و در آن «گیاهی» تخلّص می نمود [ولی] در انجمن های ادبی اصفهان خیلی کم شرکت می کرد.(۱) [در جوانی در محضر شاعر و ادیب فرزانه میرزا علی مشفقی مداحی و ادبیات فارسی و عرب را تا حدودی آموخته و هنر قلمکار را به عنوان کسب و کار و وسیله امرار معاش خود برگزیده بود و از اساتید این هنر در اصفهان به شمار می رفت. اشعارش اغلب در مدایح و مراثی چهارده معصوم علیهم السلام و پند و اندرز است که با نام «نغمه های ولا یا دیوان گیاهی» در سال ۱۳۸۳ش به چاپ رسیده است. استاد گیاهی سرانجام روز ۲۳ مهر ۱۳۸۹ش وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در آرامستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

این چند بیت از یکی از اشعار اوست:

به که امشب دل یاران گرامی شاد است جان ما از غم و اندوه و اَلَم آزاد است

بزم ما روح فزا گشته، تو گویی ز بهشت خازن خُلد، دری بر رُخ ما بگشاد است

رشک فردوس برین آمده یکسر این بزم چون که زَ احباب پر از وَرد و گل و شمشاد است

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۰۷.

آن چنان بزم شریفی که ز شیرینی آن مات صد خسرو پرویز و دوصد فرهاد است(۱)]

عباس کزّازی

عباس بن قربانعلی کزازی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری در شوال ۱۲۱۹ق کتاب «قوانین المحکمه» میرزای قمی را به خط نسخ در اصفهان نوشته و کتاب به شماره ۴۵۱۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

عباس محزون حبیب آبادی

عباس حبیب آبادی متخلّص به «محزون» فرزند کریم بن حسین بن محسن [از شعرای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری و از اهالی قریه «حبیب آباد بُرخوار» اصفهان] متوفی در صبح روز سه شنبه ۲ شوّال سال ۱۳۵۰ق در قریه حبیب آباد.

او در واقعه فوت شیخ محمّدتقی آقانجفی گوید:

آقای آیت اللّه رفت از جهان فانی بر ما حرام گردید ای شیعه زندگانی

قُمری به آه و شیون طوق عزا به گردن با حالت پریشان می کرد نوحه خوانی

«محزون» به آه و ماتم، در یم غم صبح و مسا بگرید، بر آن دُر معانی(۳)

شیخ عباس ایزدی نجف آبادی*

شیخ عباس ایزدی نجف آبادی فرزند محمّد، عالم فاضل متقّی مجاهد فی سبیل اللّه

۱- نغمه های ولا یا دیوان عباس گیاهی: مقدّمه؛ قلمکار اصفهان، صص ۳۳-۳۷ و ۲۹۵؛ یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۸۳.

۳- بیاض (مرحوم معلم حبیب آبادی) : خطی.

در سال ۱۳۰۱ش در نجف آباد متولّد شد. در نوجوانی نزد شیخ احمد حججی، شیخ غلامحسین منصور، شیخ ابراهیم ریاضی در نجف آباد و حاج آقا رحیم ارباب و شیخ احمد فیاض و مجدالعلماء نجفی در اصفهان به تحصیل مشغول شد. در قم نیز محضر حضرات آیات مرعشی نجفی، محقّق داماد، امام خمینی، بروجردی، گلپایگانی و علّامه طباطبایی فقه، اصول، کلام، تفسیر، فلسفه و اخلاق را آموخت.

او پس از ۲۰ سال تحصیل، در سال ۱۳۳۸ش به نجف آباد مراجعت کرده و به تدریس علوم دینی، حل و فصل مشکلات شرعی و اجتماعی مردم و تبلیغ دین مشغول شد. او هنگام ورود به نجف آباد نماینده مراجع عظام بروجردی و امام خمینی در آن حدود بود. او طی سالیان متمادی در حکومت پهلوی به ترویج و حمایت از مبارزات امام خمینی در نجف آباد مشغول بود و در تبلیغ مرجعیت ایشان و جمع کردن و جهت دادن به مبارزان مسلمان آنجا نقشی مهم و تأثیرگذار داشت تا جایی که از سوی مأموران امنیتی حکومت پهلوی دستگیر و به زابل تبعید شد و مدّتی نیز زندانی شد.

او قبل از پیروزی انقلاب نماز جمعه را اقامه کرده و پس از پیروزی انقلاب، از سوی امام خمینی به امامت جمعه نجف آباد منصوب شد. در سال های جنگ ایران و عراق، او در جبهه های نبرد و در میان رزمندگان ایرانی حاضر می شد و به آنان روحیه می داد و در پشت جبهه برای کمک به رزمندگان تلاش می کرد و در این راه فرزند برومند خود احمد را تقدیم نمود و این فرزند در ۲۶ دی ۱۳۶۵ در جبهه های نبرد به شهادت رسید.

از اقدامات ارزنده مرحوم شیخ عباس ایزدی همکاری در ساختن حوزه علمیه فاطمیه جهت بانوان و همکاری در راه ساختن حوزه علمیه (جامعه الإمام المنتظر) در نجف آباد را می توان نام برد.

او شاگردان زیادی تربیت کرد و سخنرانی ها و بیانات او در میان عموم طبقات مردم نجف آباد مورد توجّه واقع می شد. او عالمی متواضع و خیرخواه و اسوه اخلاق حسنه

بود و زاهدانه زندگی ساده ای داشت.

او سرانجام در جمعه ۸ خرداد ۱۳۷۱ش وفات یافته و پس از تشییع باشکوه مردم نجف آباد در «جنّت الشهداء» مدفون شد.

کتب و آثار زیر از اوست:

۱. «شوق دیدار» قصه حضرت موسی در قرآن ۲. «آینه حریم» در شرح و تفسیر خطبه اوّل نهج البلاغه۳. «کلیات اخلاق»۴. «شرح و تفسیر دعای افتتاح» و غیره.(۱)

ملّا عباس مولوی

مولی عباس مولوی متخلّص به «ناسخ» فرزند محمّدبیگ بن زیاد اوغلی قاجار، عالم فاضل، حکیم عارف و شاعر ادیب در محله عباس آباد اصفهان ساکن بوده [و نزد حکیم ملّا رجبعلی تبریزی و سایر فضلاء اصفهان به تحصیل مشغول شده و پس از تکمیل تحصیلات خود به تدریس حکمت پرداخته است.] میرزا محمّدطاهر نصرآبادی که معاصر اوست می نویسد: «نهایت صلاح و سداد را دارد، چنانچه سنتی کم از او فوت می شود. حقا که ملکی است در لباس بشر».(۲)

او در شعر طبعی لطیف داشته و قصایدی در مدح حضرات ائمه معصومین علیهم السلام سروده و در معماگویی نیز مهارت داشته است. [سال فوتش به دست نیامد. او تا سال ۱۱۰۱ق در قید حیات بوده است.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- سیمای دانشوران، صص ۳۳-۴۵؛ آثار الحجه، ج۲، ص۲۱۶؛ آیینه اهل قلم، صص ۳۱-۳۳؛ دیباچه دیار نون، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۵؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۷۳؛ کواکب المنتشره، ص۴۱۲؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۳۳۹.

۱. «انوار سلیمانی» در علم کلام و اثبات حقانیّت شیعه بر سایر فرق، در ۶۲ فصل که تألیف آن در سال ۱۰۹۷ق شروع و در روز سه شنبه ۲۴ ذیقعده ۱۱۰۱ق به پایان رسیده و به نام شاه سلیمان نامیده شده است. نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران(۱) [و نسخه ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی(۲)] موجود است. ۲. «تأویلیّه» قصیده ای که در مدح اهل بیت علیهم السلام سروده شده و جمعی از فضلاء بر آن شرح نوشته اند. محمّدامین وقاری یزدی بر آن مقدّمه نوشته و در کتاب خود «گلدسته اندیشه» وارد ساخته است.(۳) [۳. «اصول الفوائد» در حکمت که نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴)] ۴. «مناظرات» [۵. «تقویم سعیدی» ترجمه فارسی «تقویم المحسنین» فیض کاشانی است که به درخواست حاجی محمّدسعید بن لطف اللّه آن را ترجمه کرده است.(۵) ۶. «مصابیح الولایه فی انوار الولایه» در تفسیر به فارسی که در سال ۱۰۹۹ق آن را نوشته و نسخه ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۶) ۷. «مصباح الهدایه» که سیّد ابوالقاسم موسوی خوانساری روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام را از آن منتخب نموده است.(۷)

این بیت از اوست:

در وادیی که قافله سالار، عشق توست گلبانگ خضر از جرسش می توان شنید]

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۴۱۷؛ الذریعه، ج۲، ص۴۲۹.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص ۹۰.

۳- الذریعه، ج۳، ص۳۰۸.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۳، ص۱۴۶.

۵- فهرست های خودنوشت فیض کاشانی، ص ۱۶۰.

۶- فهرست الفبائی رضوی، ص۵۲۲.

۷- فهرست کتابخانه های گلپایگان، ص۱۴۸.

عباس حسینی مازندرانی

عباس بن محمّد بن علی الحسینی المازندرانی از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در ۱۶ ربیع الاوّل ۱۰۱۲ق کتاب «خلاصه الاقوال» علاّمه حلّی را به خط نسخ در اصفهان نوشته و کتاب به شماره ۶۵۸۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

سیّد عباس احساس اصفهانی*

سیّد عباس حسامی متخلّص به «احساس» فرزند سیّد محمّد شاعر ادیب و خطاط معاصر اصفهان است. او در سال ۱۳۳۰ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخته است. او علاوه بر فضل و کمال در شعر و ادب، در زمینه خط نیز به تعلیم پرداخته و به درجه ممتاز در خط نستعلیق نائل شده است و اکنون از مدرسان انجمن خوشنویسان اصفهان به شمار می رود. او علاوه بر نوشتن قطعات به کتابت قرآن مجید و کتب ادبی و عرفانی نیز پرداخته است و برخی از آنها به چاپ رسیده است که از آن جمله است: «اشک قلم»، «اشک شوق» (دیوان شاهی اصفهانی) ، «دیوان شوقی اصفهانی»، «معلم شمع جمع بشریت» یادنامه «استاد شهریار»، «یادنامه سیّد صمصام». همچنین مجموعه ای از اشعار او با عنوان «ساغر حال» چاپ شده است.

این دو بیت از شعری است که در مدح امام زمان (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) سروده است:

جلوه ات دیدن و روی تو ندیدن تا کی کو به کو بهر وصال تو دویدن تا کی

۱- فهرست رضوی، ج۶، ص ۶۰۰.

عاشق روی تو تا چند ملامت بیند هم از اغیار بگو طعنه شنیدن تا کی(۱)

سیّد عباس فشارکی*

سیّد عباس بن سیّد محمّد طباطبایی فشارکی، عالم فاضل و فقیه محقّق معاصر. پدرش از اعاظم فقهاء و دانشمندان عصر خود بود. صاحب عنوان در نجف اشرف متولّد شده و پس از تحصیل دروس مقدماتی و سطح در درس آیات عظام آقا ضیاء عراقی و میرزا حسین نائینی حاضر شد.

او پس از مهاجرت به ایران در تهران ساکن شد و صبیه عالم ربانی میرزا محمّدحسن آشتیانی را به همسری خود برگزید. سال ها در مدرسه مروی تهران تدریس می نمود و به «جناب آقازاده» معروف بود.

وی سرانجام در اوّل ربیع الاوّل ۱۴۰۰ق در تهران وفات یافت.(۲)

عباس بخشیان*

عباس بخشیان فرزند مرتضی از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۳۰ش در روستای «لنج» لنجان، از توابع مبارکه متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و متوسطه را در اصفهان طی کرد. این شعر از اوست:

گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است گفتا تو در حجابی، ور نه رُخَم عیان است

گفتم من از که پرسم، جانا نشان کویت گفتا نشان چه پرسی، آنجا که بی نشان است(۳)

۱- از زنده رود تا حیدربابا، ص۱۴۸؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۴۳.

۲- اختران فقاهت، ج۱، ص۲۸۳.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۱۰۴.

عباس حقانی پناه

عباس حقانی پناه متخلّص به «پناه» فرزند مهدی شاعر ادیب عارف [در ۱۹ مهر ۱۳۲۸ش در اصفهان متولّد شد. در آغاز جوانی به شعر و عرفان علاقمند شد و به خانقاه سلسله نعمت اللهی در اصفهان راه یافت و به «محبوب علی» ملقّب شد.

او در ۲۰ شهریور ۱۳۷۰ش بر اثر حادثه تصادف به دیار باقی شتافت و در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.] استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است:

به سوی وادی ایمن و مقام حقّانی «پناه برد به محبوبش از جهان عباس»

[مجموعه ای از اشعار او به نام «بر شاخه زمان سیب رسیده ام» در سال ۱۳۷۱ش چاپ شده است و این شعر از آنجاست:

شب ها که روز گشته فراموش کوچه ها می خوانمت به ناله در آغوش کوچه ها

از بس غم تو با در و دیوار گفته ام پیچیده است نام تو در گوش کوچه ها

یادت شبی گذشته از این رهگذر هنوز بوی تو می دهند بر و دوش کوچه ها

در انتظار تو همه شب تا طلوع صبح میخانه گرد شهرم و مِی نوش کوچه ها

شب ها پگاه می شود امّا نمی شود شبگردی «پناه» فراموش کوچه ها(۱)]

عباس بن ولید

ابوالفضل عباس بن ولید بن شجاع [از محدّثین عامه اصفهان در قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری] از احمد بن منصور مروزی و محمّد بن یحیی نیشابوری حدیث نقل

۱- بر شاخه زمان سیب رسیده ام: مقدمه؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۱۴۶.

کرده و در سال ۳۲۰ق وفات یافته است.(۱)

عباس جُلَکی اصفهانی

ابوالفضل عباس بن ولید بن مِرداس جُلَکی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن سوم هجری] از ابوالعباس احمد بن یونس بن مسیّب ضبی، اصرم بن حوشب، قتیبه بن مهران آزادانی و قاسم بن حَکَم عُرَنی روایت کرده است.(۲)

[«جُلَک» از دهات قدیمی اصفهان بوده ولی اکنون اطلاعی از آن در دست نیست.]

میرزا عباس پاقلعه ای

آقا میرزا عباس پاقلعه ای (صابرعلی شاه سوم) فرزند میر محمّدهادی (هادی علی شاه) بن حاج میرزا محمّد حسینی خاتون آبادی، عارف کامل [در قرن چهاردهم هجری در اصفهان متولّد شده و مراحل سیر و سلوک را نزد پدر که از مشایخ نعمت اللهی پاقلعه اصفهان بود طی کرد و پس از وفات میر محمّد اسماعیل (صابر علی شاه دوم) از طرف «وفاعلی شاه» به لقب «صابرعلی» ملقّب و ارشاد سالکان و طالبان به او محوّل شد. او حدود ۲۷ سال در منطقه اصفهان شیخ طریقت نعمت اللهی شمرده می شد و بسیاری از سالکان طریق عرفان از مریدان او بودند.(۳)]

او در حسن سلوک و بسط ید و اخلاق و ملکات فاضله از بسیاری از معاصرین ممتاز بود و سرانجام در سه شنبه ۵ ربیع الاوّل ۱۳۵۰ق در اصفهان وفات یافته و در تکیه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۲؛ طبقات المحدّثین، ج۴، صص ۳۱۸ و ۳۱۹؛ معجم الادباء، ج۸، ص ۲۴۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۱۴۰؛ اللباب، ج۱، ص۲۸۷.

۳- گلستان جاوید، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

آغاباشـی در تخت فولاد اصـفهان مدفون شد.(۱) [اسـتاد محمّدحسـین صـغیر اصـفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

«صغیر»ش خواست تاریخ وفات آرد خرد گفتا: «بقطب سالکین حیدر شدی صابرعلی واصل»]

و میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی نیز گوید:

سر برون کرد یکی ناگه و گفت: «ز جهان عارف ربانی رفت»(۲)

او «دیوان نورعلی شـاه اصـفهانی» را در سـال ۱۳۱۲ق به امر ظـل السـلطان به خـط نسـتعلیق کتابت کرده و در کتابخانه عمومی اصفهان به شماره ۱۱۵۸۲ نگهداری می شود.(۳)

عباس سروری*

عباس سـروری، هنرمند موسـیقی دان معاصر در سال ۱۲۸۹ش در اصـفهان متولّد شد. در سال ۱۳۲۹ش مـدّتی به تهران رفت و هفته ای یـک بـار در رادیـو تهران به تـک نـوازی پرداخت. در اواسـط همین سـال بـا تأسـیس رادیـو اصـفهان به زادگـاه خود بازگشت و ارکستر رادیو اصفهان را تأسیس کرد.

او در نواختن تار سبک مخصوصی داشت. سروری در سال ۱۳۵۲ش به علّت بیماری سرطان از دنیا رفت.(۴)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۵.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۰۴.

۴- دولت دیدار، ص۱۱۷؛ یادداشت های محقّق ارجمند آقای محمّدحسن رجائی زفره ای.

سیّد عباس شاهزاده

سیّد عباس شاهزاده - که گاهی او را «سید عباس آقا میری» نیز می گویند - از اساتید فنّ نقاشی در اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان می زیسته و پس از فوت در بقعه درب امام مدفون گردید. از آثار او نقاشی های داخل بقعه جناب زید و داخل بقعه هارون ولایت می باشد.(۱)

سیّد عباس طباطبائی خوراسکانی

آقا سیّد عباس طباطبائی خوراسکانی، عالم فاضل معاصر در فزوه [به ضمّ «ف» و کسر «و»] از قُرّاء مجاور خوراسکان متولّد گردیده و در اصفهان نزد بسیاری از بزرگان از آن جمله آقا شیخ محمّدرضا نجفی تحصیل کرده و در یکی از مساجد محل خود اقامه جماعت می فرمود و مردم را به حقایق و مسائل دینی با بیان احکام و مواعظ ارشاد و هدایت می نمود. سرانجام در ۲۵ محرم الحرام سال ۱۳۹۵ق وفات یافته و در تکیه ملک (واقع در تخت فولاد) مدفون گردید.(۲)

مرشد عباس ظهیری (برزو)*

مرشد عباس ظهیری معروف به «مرشد برزو» از نقالان مشهور اصفهان و از پیشکسوتان هنر نقالی است. سال ها در اصفهان به شاهنامه خوانی مشغول بود. سپس به تهران رفت و در قهوه خانه های معتبر تهران مانند قهوه خانه قوام السلطنه و قهوه خانه حاج قاسم در میدان شوش به اسکندرنامه خوانی پرداخت.(۳)

۱- مزارات اصفهان، ص۲۰۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۸۵.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۲۱.

۳- قهوه خانه های ایران، ص۹۲.

میرزا عباس فنائی اصفهانی

میرزا عبّاس برکت متخلّص به «فنائی» از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۵ش متولّد گردیده و از سن ۱۰ سالگی لب به گفتن اشعار گشوده است. از کودکی به شعر و ادب علاقمند بوده و در سال های بعد ارادتی عجیب به خواجه شمس الدّین محمّد حافظ شیرازی یافته و در حلقه دراویش حافظی وارد شد و چون قطب این سلسله خواجه شفیع الدّین محمّد فنائی است تخلّص خود را از نام قطب سلسله خود گرفت. این بیت از اوست:

این چه رِندی است که بی باده و ساغر مستی بی تأمل دل خود بر سر زلفش بستی(۱)

آقا عباس قلمدان ساز*

آقا عباس قلمدان ساز، از هنرمندان زبردست اصفهان در دوره قاجاریه است. در نگارگری و قلمدان سازی مهارت داشته و قلمدان های ساخت او شهرت زیادی داشته است.(۲)

مرشد عباس کسرائی*

حاج مرشد عباس کسرائی، از شاهنامه خوانان ماهر اصفهان است. مردی درویش مسلك و اهل ادب بوده و با پوشیدن زره و کلاهخود و چکمه و داشتن ریش دوفاق و شمشیر (همانند رستم) در قهوه خانه های اصفهان به نقّالی و شاهنامه خوانی می پرداخته و

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۸۶.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۶۶.

شهرتی به سزا داشته است. شاهنامه خوان های اصفهان از جمله مرشد میرزا حسن عمرانی شاگرد او بوده اند.

سرانجام در ۲۷ صفر ۱۳۷۰ق وفات یافته و نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است:

نمود از جمع بیرون هاتفی سر ناگهان گفت: «بگلزار جنان کرد آشیان عباس کسرائی»(۱)

عباس مجنون سیچانی

عباس مجنون سیچانی اصفهانی، شاعر و ادیب در سال ۱۲۷۱ش در قریه «سیچان» اصفهان متولّد شد و کمی درس خوانده، به شغل زراعت و کشاورزی پرداخت. در سال ۱۳۲۱ش قسمتی از دیوانش به نام «نامه مجنون» به طبع رسید. شاعری زنده دل و صاحب طبع روان و قدرت بیان بود اشعارش بیشتر مثنوی و قطعه است. غزل را نیز خوب می گفت.(۲)

[او در سال ۱۳۶۷ق وفات یافته و در قبرستان بزرگ مصلی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش را محمّدباقر انواری متخلّص به «لمعه» چنین سروده است:

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۱۳؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص ۶۸۰.

بیفزود «آه» و گفتا «لمعه» تاریخ: «دل مجنون ما شوریده تر بود»

[(۱)۶+۱۳۶۱=۱۳۶۷

از اوست:

یک امشب آن صنم آفتاب رو اینجاست گر آفتاب نهان شد چه غم که او اینجاست

چگونه به شکر چنین نعمتی کنم ای دوست از آنکه به دل بودم آرزو اینجاست

عباس مدینه ای*

عباس مدینه ای، هنرمند توانای معاصر، در سال ۱۳۱۷ش در اصفهان متولّد شد. نواختن نی را از استاد حسین یاوری آموخت و نزد استاد علی ساغری نیز شاگردی کرد. صدای نی او صدایی خاص بود. او از کسی تقلید نمی کرد و سبک خاصی در نی نوازی داشت و سال ها با رادیو اصفهان و تهران همکاری نمود. او هنرمندی متواضع، آراسته و عاشق موسیقی بود. او به استخدام سازمان تأمین اجتماعی درآمد و به تهران رفت و مدتی بعد به اصفهان منتقل شد. امّا مجال هنرنمایی بیشتر را نیافت و در سال های جوانی عمر به سن ۳۸ سالگی در جمعه ۷ مرداد ۱۳۵۴ش (مطابق ۲۹ رجب ۱۳۹۵ق) از دنیا رفت و در تکیه جویباره ای ها در قبرستان تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش چنین است:

نایی طبع سال وفاتش چنین سرود: «نی تا ابد به ناله برای مدینهایست»(۲)

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

عباسعلی آذر چالشتری

عباسعلی معروف به «حکیم آذری» [متخلّص به «آذر» از شعرای معاصر اصفهان [از اهالی چالشتر [در چهارمحال و بختیاری] در سال ۱۳۲۰ق متولّد شده و در «چالشتر» و اصفهان تحصیل نموده و علاوه بر علوم عربی و ادبیات، در فنون حکاکی، قلمزنی، نقاشی، مجلّدسازی و صحافی نیز زحمت کشیده و اطلاعاتی اندوخته است.

از اوست:

تا شدم پابست عشقت روزگارم شد سیاه جز که دارم مهرت اندر دل، کدامستم گناه

بر سرم پیوسته ز ابرو تیغ خونریزکشی نی مجال آنکه از دل برکشم یک لحظه آه(۱)

عباسعلی صناعی سهرو فیروزانی*

عباسعلی صناعی فرزند ابراهیم، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۸ش. در «سهرو فیروزان» اصفهان متولّد شد و پس از مدّتی تحصیل به شغل سنگ تراشی پرداخت. از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و گاهی در انجمن ادبی صائب شرکت می کرده است.(۲) مجموعه ای از اشعار او با عنوان «نغمه های شورانگیز» در سال ۱۳۸۰ش چاپ شده است. این دو بیت از اوست:

نرگس که در چمن به صفا صف کشیده است گویا دو چشم دلبر ما را ندیده است

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹؛ شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۴۸۹.

۲- نعمه های شورانگیز، ص الف (مقدمه) .

بوی بهشت از سر زلفش همی جهد یارم مگر بهشت خدا را خریده است

استاد عباسعلی پورصفا*

استاد عباسعلی پورصفا فرزند باقر از نقاشان معروف معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۰ش متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان علیّه به پایان رساند. سپس وارد هنرستان هنرهای زیبا شد و به مدت ۶ سال زیر نظر اساتید آنجا نورمحمّد معیّری و محمّد ناصر صفا و خصوصا استاد عالیقدر طراحی و نقاشی و رئیس هنرستان استاد عیسی بهادری در رشته نقاشی تحصیل کرد و در سال ۱۳۲۲ش با رتبه اوّل از آن هنرستان دیپلم گرفت. سپس به دعوت استاد بهادری به تدریس در هنرستان هنرهای زیبا مشغول شد.

او برای تکمیل معلومات خود و تحقیق و بررسی درباره نقاشی در اروپا، به چند کشور اروپایی سفر کرد و با بازدید از نمایشگاه ها و موزه ها به آفاق وسیع تری در نقاشی دست یافت.

استاد پورصفا در زمینه های متنوع نقاشی همچون طبیعت سازی و دورنما، صورت سازی، آبرنگ، پاستل و پرداز مهارت دارد. از ابتکارهای او صراحی به صورت نقطه چین برای انتقال نقاشی به فرش است. با این ابتکار مشکل سایه روشن ها و تنوع رنگ ها که مانع استفاده از نقاشی در نقوش قالی می شد، به کلّی رفع می گردد.

تابلوهای نقاشی استاد پورصفا در بسیاری از نمایشگاه های خارج از کشور همچون نمایشگاه بین المللی بروکسل و نمایشگاه رُم به نمایش درآمده است.

استاد پورصفا امروزه از اساتید درجه اوّل نقاشی اصفهان به شمار می رود.(۱)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد پورصفا در ۲ شهریور ۱۳۷۰؛ ماهنامه کیهان فرهنگی، شماره ۶، شهریورماه ۱۳۶۶، ص۵۲.

عباسعلی موزون اصفهانی

عباسعلی موزون فرزند برات علی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۴ق در اصفهان متولّد شده، اندکی تحصیل کرد. از اعضاء انجمن ادبی مرحوم شیدا بود. روزگار به سراجی در کارخانه ریسباف می گذراند. یک قسمت از اشعارش به نام «اندوه نامه» در مناقب و مراثی در اصفهان به قطع کوچک در ۹۴ صفحه به طبع رسیده است.(۱)] ابتدا در بازار اصفهان به سراجی و سپس کلاهدوزی مشغول بوده و به مناسبت مجاورت با مدرسه ملّا عبداللّه، به مصاحبت و معاشرت با اهل فضل و ادب می پرداخت. پس از آن در کارخانه ریسباف استخدام شد. او با شعرای عارف مسلک همچون صغیر، شکیب و شوقی، مصاحب و معاشر بود و عاقبت به محضر آقا میرزا عباس پاقلعه ای (صابرعلی شاه) رسیده و در جرگه ارادتمندان او درآمد. او در حدود ۶۵ سالگی بازنشسته شد و باقی عمر را به شعر و شاعری و مداحی و نوحه سرایی اهل بیت علیهم السلام گذرانید تا این که در شنبه ۵ فروردین ۱۳۵۱ش (مطابق با ۹ صفر ۱۳۹۲ق) وفات یافت(۲) و در تکیه آغاباشی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفات او را «شکیب اصفهانی» در مرثیه ای چنین سروده است:

«شکیب» سر زده، دل گفت بهر تاریخش: «مقیم جنّت موعود روح موزون شد»

دیوان اشعار او در سال ۱۳۷۲ش به چاپ رسیده است.

این دو بیت از اوست:

دل دیوانه در زنجیر زلف یار می خندد ز غربت در وطن هرکس گشاید بار می خندد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۷۵.

۲- دیوان موزون اصفهانی، صص ۷-۱۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۷۴۵.

اگر از شام هجران خون بگرید دیده عاشق ولی صبح وصال از دولت دیدار می خندد]

عباسعلی بهرامیان

سرهنگ عباسعلی بهرامیان سیچانی [فرزند تقی] از شعرای معاصر اصفهان [در سال ۱۲۸۷ش] در محله سیچان اصفهان متولّد شد. [تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند و متوسطه را در دبیرستان نظام اصفهان به پایان رساند. دوره دانشکده افسری را در تهران طی کرد و پس از عمری خدمت صادقانه با درجه سرهنگی بازنشسته شد. در شعر طبعی روان داشت و «بهرام» تخلّص می کرد و در برخی انجمن ها از جمله انجمن ادبی صائب شرکت می نمود. اشعارش در برخی کتاب ها و مجلّات از جمله کتاب «دویست شاعر» به چاپ رسیده است.

سرهنگ بهرامیان در روز ۴ مرداد ۱۳۵۴ش در اصفهان وفات نمود و در صحن تکیه بروجردی (درکوشکی) در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.

از اوست:

تا که شمع رخ او محفل ما روشن کرد باکم از سوختن خویش چو پروانه نبود

چشم او گر ز ازل معنی مستی می گفت تا ابد هیچ سخن از می و میخانه نبود(۱)]

حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی

حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی فرزند حاج محمّدجعفر، عالم فاضل، ادیب

۱- بوستان فضیلت، صص ۳۲۶-۳۲۹؛ دانشنامه تخت فولاد، ج۱، ص۳۱۰؛ تذکره شعرای تخت فولاد، صص ۱۲۲-۱۲۴.

شاعر، زاهد متّقی، از علماء و مجتهدین عالیقدر معاصر اصفهان

در روز [جمعه] ۱۳ جمادی الاولی سال ۱۳۱۵ق در قریه حبیب آباد بُرخوار متولّد شده و مقدمات علوم و ادبیات را نزد شیخ محمّدعلی معلم حبیب آبادی تحصیل کرد. سپس به اصفهان آمد و سطوح و خارج فقه و اصول به همراه منطق و کلام و ادبیات را نزد میرزا احمد مدرس، آخوند ملاّ حسین فشارکی، شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی، میرزا محمّدصادق مدرس خاتون آبادی، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی، سیّد عبدالحسین سیّدالعراقین، آقا سیّد مهدی درچه ای، حاج آقا نوراللّه نجفی و میرزا یحیی مدرس بیدآبادی تحصیل کرد. در حکمت نیز از شیخ محمّد حکیم خراسانی بهره برد. ریاضیات و هیأت را نیز با مطالعه و تحقیق فراگرفت. [برخی از اساتید ایشان همچون شیخ محمّدرضا نجفی و آخوند فشارکی و نیز حضرات آیات سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، آقا سیّد مهدی درچه ای، سیّد محمّدحجت کوه کمری و میرزا محمّدرضا کلباسی به ایشان اجازه داده اند. اجازه اجتهاد صادره از سوی آخوند فشارکی توسط مرجع عالیقدر سیّد ابوالحسن اصفهانی تنفیذ شده است.]

سپس به تدریس در مدارس نیم آورد، ناصری، صدر، چهارباغ، جدّه بزرگ و مسجد ذوالفقار مشغول شد. او به فارسی و عربی نیکو شعر می گفته و سابقا «نادم» تخلّص می نموده و پس از آنکه نام خانوادگی خود را «ادیب» قرار داد این کلمه را نیز تخلّص خود گردانید. [در فقه، اصول، کلام، منطق، حکمت، ادبیات، ریاضیات و هیأت مهارت داشت.

او عالمی خوش محضر، خلیق و رئوف بود و به حال نیازمندان رسیدگی می نموده و در رفع حوائج مردم کوشا بود.] از آثار او احیاء و تجدید ساختمان مسجد مقابل مقبره صاحب بن عَبّاد در محله طوقچی اصفهان و اقامه جماعت و موعظه و ارشاد و هدایت مؤمنین در این مسجد، و احیاء نماز عیدین در مصلای تخت فولاد پس از وفات مرحوم

شیخ محمّدباقر زندکرمانی بوده است.

وی سرانجام در چهارشنبه ۲ ذیقعده الحرام ۱۴۱۲ق [مطابق با ۱۴ خرداد ۱۳۷۱ش] وفات یافته و در مقبره صاحب بن عَبّاد مدفون شد. [استاد اعتمادی خوئی (برنا) در مادّه تاریخ وفات او گوید:

برای سال وفاتش نوشت خامه برنا «فقیه بود و منجم ادیب و افهم و فاضل»]

۱۴۱۲

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «احسن التقاویم» در اوقات شرعی اصفهان، طهران و کاشان، که قسمت اصفهان چندین بار به طبع رسیده است.۲. «تطبیقیه» در تطبیق سال های قمری به شمسی و به عکس۳. «دیوان اشعار فارسی و عربی»۴. «ارث الشیعه» رساله مفصل در ارث به فارسی، مطبوع۵. «رساله در توبه»۶. «رساله در فضیلت علم»۷. «زیارات مدینه طیّبه»، مفصّل، که به ضمیمه «مناسک حج» آیت اللّه حکیم به طبع رسیده است.۸. «وظائف الشیعه» در شرح دعای ندبه، به فارسی، مطبوع۹. «قبله البلدان» یا «معرفه القبله» در طرز تعیین قبله شهرهای ایران از روی آفتاب در طول سال۱۰. «قطبیّه» در تعیین اوقات نقاط واقع در قطبین ۱۱. «ملحقات کتاب قضاوت های امیرالمؤمنین علیه السلام » مطبوع ۱۲. «هدیه العباد» در شرح حال صاحب بن عَبّاد، مفصل، به فارسی، مطبوع ۱۳. «مناسک الشیعه» در مناسک حج.(۱)

[این رباعی از اوست:

یا رب تو ز اخلاق بَدَم پاک نما جان طائر سیر کوی افلاک نما

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۲-۳۲۴؛ ادیب ماندگار: اغلب صفحات؛ علوم و عقاید، ص۹؛ گنجینه دانشمندان، ج۸، ص۹۴؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص ۶۹۰؛ مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آیت اللّه ادیب در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ش.

در معرفت ذات و صفات و افعال یا رب تو دلم قابل ادراک نما]

عباسعلی برهانی پور*

حاج عباسعلی برهانی پور فرزند محمّدرضا، از دانشمندان و محقّقان معاصر اصفهان، در سال ۱۳۱۱ش در اصفهان متولّد شد.

او پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا، به تهران رفت و در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و لیسانس گرفت. آنگاه در دبیرستان ها و مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول شد تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل گردید.

وی از معلّمان انقلابی و متدیّن و دلسوز اصفهان بود که در عصر حکومت پهلوی برای ارشاد جوانان و مبارزه با رژیم روشنگری می نمود و مورد تعقیب مأموران امنیتی قرار داشت. پس از پیروزی انقلاب نیز با سخنرانی و نوشتن مقاله و کتاب به بیان معارف اسلامی و هدایت نسل جوان پرداخت. فرزند برومند او محمّدرضا در جریان جنگ ایران و عراق در بهمن ماه ۱۳۶۵ش در جبهه شلمچه به شهادت رسید.

این آثار از تألیفات اوست:

۱. «جامعه شناسی انقلاب»۲. «خواسته های انسانی از پژوهش های کیهانی»۳. «ژئوفیزیک قرآن»۴. «محمّد صلی الله علیه و آله پیامبر کهکشان ها» که قسمتی از آن در سال های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ در هفته نامه «نوید اصفهان» به چاپ رسیده است.(۱)

میرزا عباسعلی محزون اصفهانی*

میرزا عباسعلی ادیب وخشوری متخلّص به «محزون» فرزند میرزا صادق طبابت خانی، شاعر و ادیب معاصر، در ۲۷ رجب ۱۳۱۶ق متولّد شده و در ۲۶ رمضان ۱۳۸۷ (مطابق

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد عباسعلی برهانی پور در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۰ش.

با ۶ دی ماه ۱۳۴۶) وفات یافته و در تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

او از اهالی محلّه طوقچی بوده و کوچه ای در نزدیکی میدان طوقچی به نام «ادیب» و منسوب به اوست.(۱)

عباسعلی ظریف خوانساری

حاج عباسعلی بن عبدالباقی خوانساری اصفهانی طهرانی، از تُجّار نیک نهاد معاصر شاعر ادیب متخلّص به «ظریف».

عباسعلی آرام اصفهانی

عباسعلی حافظ پرست فرزند علی شاعر ادیب معاصر متخلّص به «آرام» در سال ۱۲۹۳ش متولّد شده و از سال ۱۳۱۲ش در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن کمال [و انجمن ادبی و هنری سعدی] شرکت داشته است. به قلمزنی مشغول بوده و در کنار آن به کتابفروشی می پرداخته است. سرانجام در شوال ۱۴۱۰ق [مطابق اردیبهشت ۱۳۶۹] وفات یافت و در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

از اشعار اوست:

خواهی که سمر شوی به نیکونامی باید که به دل تخم محبّت کاری

با اهل زمانه هیچ دانی چه کنی آن کن که به خویشتن روا می داری(۲)

۱- مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۶۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹ و ۱۰؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۹.

شیخ عباسعلی معین الواعظین

حاج شیخ عباسعلی معین الواعظین معروف به «معین الحسینی» فرزند ملاّ علی محمّد گورتانی اصفهانی، عالم فاضل و محدّث، واعظ زاهد ادیب شاعر متخلّص به «ذاکر» [از وعاظ معروف اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۸۷ق [در قریه «گورتان» از بلوک ماربین اصفهان که اکنون به شهر اصفهان پیوسته است] متولّد شده و در اصفهان و نجف نزد فضلای آنجا تحصیل نموده و سال ها در اصفهان به وعظ و خطابه مشغول بوده و پیوسته مستمعین خویش را با نقل احادیث صحیحه ارشاد می نمود.

سرانجام در چهارشنبه سوم ربیع الثّانی ۱۳۶۰ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّدالعراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. برادران او نیز از اهل فضل و کمال و از منبریان اصفهان بوده اند.

وی کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «تسلیه الفقراء [و تذکره الاغنیاء» که در سال ۱۳۵۳ق چاپ سنگی شده است.[۲. «دیوان اشعار»۳. «زاد العاصین»۴. «علائم الظهور»۵. «فوائد الصلوات» [که در سال ۱۳۵۳ق در اصفهان چاپ سنگی شده است.]۶. «مجازاه النّسوان»۷. «وقائع الظهور و علائمه» معروف ترین تألیف صاحب عنوان [که در یک مقدمه، ۱۴ باب و یک خاتمه در نیمه شعبان ۱۳۴۶ق تألیف شده و ملاّ علی فنا بن اسماعیل اصفهانی به خط نسخ آن را کتابت نموده و چاپ سنگی شده است.]۸. «هدیه الوالدین» [که به عنوان جلد دوم «وقایع الظهور» تألیف شده و به خط محمّدعلی مدرس زاده در اصفهان چاپ سنگی شده است.]

از اشعار اوست:

حبّ دنیا منشاء کل خطاست آنچه از حق می رسد لطف و عطاست

کی شود مضطر کسی کو قانع است وانکه کارش جملگی با صانع است(۱)

عباسعلی ملکی نجف آبادی❊

عباسعلی ملکی نجف آبادی فرزند غلامحسین، از علمای معاصر نجف آباد در سال ۱۳۱۳ش متولّد شد. تحصیلات علوم دینی را در نجف آباد و اصفهان نزد شیخ ابراهیم ریاضی، شیخ غلامحسین منصور، سیّد محمود مدرس و شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی انجام داد و برای تکمیل آن به قم رفته و در درس حضرات آیات سلطانی، طباطبایی، محقّق داماد، بروجردی، امام خمینی، منتظری و علاّمه طباطبایی حاضر شد. او پس از آن به نجف آباد مراجعت کرده و به تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت پرداخت.

او از فعالان و مبارزان علیه رژیم پهلوی بود و مورد تعقیب مأموران ساواک قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب یکی از فرزندانش مصطفی ملکی در جبهه های جنگ ایران و عراق به شهادت رسید.(۲)

شیخ عباسعلی علویجه ای

شیخ عباسعلی علویجه ای فرزند غلامرضا، عالم فاضل و فقیه جامع در غرّه شعبان ۱۲۸۳ق در علویجه از بلوک عربستان اصفهان متولّد گردیده و در اصفهان مقدمات علوم را فرا گرفته و در سال ۱۳۰۸ق به نجف اشرف مهاجرت نمود و به درس حاج میرزا حسین خلیلی و جمعی دیگر حاضر شد و به آیت اللّه آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۵۵ و ۷۵۶؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۰۰؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۵۲ و ۲۸۵۳؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۶۹۴ و ۶۹۵؛ الذریعه، ج۱۶، ص۳۴۵ و ج۲۵، صص ۱۳۲ و ۲۱۳؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۹۵-۳۰۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴.

۲- سیمای دانشوران، ص۲۰۱.

اختصاص یافت.

در حُسن خُلق و تقوی و زهد معروف بود. سرانجام در ۷ شعبان ۱۳۵۵ق وفات یافته و در وادی السلام مدفون گردید.(۱)

[در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم نسخه ای از «حقایق الأخبار» تألیف عباسعلی کرونی موجود است که در سال ۱۳۱۹ق تألیف شده که شاید همان شیخ عباسعلی علویجه ای باشد.(۲)]

عباسعلی خرم لنبانی

میرزا عباسعلی خُرم لنبانی [فرزند کاظم از شعرای اواخر دوره قاجاریّه] در سال ۱۲۳۷ق متولّد شده [و از ۱۵ سالگی به سرودن شعر پرداخته و «خرم» تخلّص نمود. مصحح کتاب دشت خرم سال تولّدش را با توجه به برخی اشعارش ۱۲۳۴ق تعیین کرده است. خرم ظاهرا در لنجان و اردستان دارای مناصب اداری و از جمله تحویلداری بوده است. او برخی از بزرگان روزگار خود مانند میرزا سلیمان خان رکن الملک، حاج آقانوراللّه نجفی و حسینقلی خان ایلخان بختیاری را مدح کرده است. همچنین اشعاری در مدح ناصرالدین شاه و ظلّ السلطان دارد.] دیوان اشعار او با نام «دشت خرم» در سال ۱۳۱۱ق چاپ سنگی شده [و بار دیگر با تصحیح آقای علیرضا لطفی (حامد اصفهانی) در سال ۱۳۸۷ش چاپ حروفی گردیده است.

خرم لُنبانی در سال ۱۳۲۴ق در اصفهان وفات یافته و در تکیه میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

۱- دیباچه دیار نون، ص۲۰۹؛ سیمای دانشوران، ص۱۳۹؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۰۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۵۶ و ۷۵۷.

۲- فهرست مختصر کتابخانه گلپایگانی، ص۲۷۱.

از اوست:

بستی به سرزلف دلا را که تو داری پای دل هر عاشق شیدا که تو داری

دانند همه خلق که خوبان زمانه زشتند بر طلعت زیبا که تو داری

صد گل به گلستان همه دیدیم و ندیدیم یک گل به از آن روی دل آرا که تو داری(۱)]

عباسعلی اسکندری*

عباسعلی اسکندری فرزند یداللّه، از هنرمندان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۲۵ش در اصفهان زاده شد. تا پایان مقطع ابتدایی تحصیل کرد. آموختن قلمزنی را از نوجوانی نزد برادرش استاد محمّد اسکندری آغاز کرد و با علاقه بسیار، دوازده سال از استادانی چون اسداللّه خسروانی، علی خسروانی و محمّدتقی ذوفن تعلیم گرفت و ضمن شاگردی، در کنار ایشان کار نیز می کرد.

اسکندری حدود سی سال است که به طور مستقل کار می کند. نوع کار وی قلمزنی برجسته است بویژه قلم زدن بر تابلوهای گل و مرغ، گلدان های برجسته، کار بر روی ضریح امام زاده ها، خط های کوفی و قرآنی و جز آن. وی، به سبب فعالیت های هنری اش در این رشته، تقدیرنامه هایی نیز از سازمان صنایع دستی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفته است، از جمله در اولین نمایشگاه آثار برگزیده صنعتگران صنایع دستی کشورهای آسیا و اقیانوسیه در سال ۱۳۷۲ش، در نمایشگاه آثار هنری ماه مبارک

۱- مزارات اصفهان، صص ۵۹ و ۶۰؛ الذریعه، ج۸، ص۱۷۱؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ دشت خرم (تصحیح آقای لطفی) ، صص ۷-۱۸.

رمضان در نگارستان امام خمینی در سال ۱۳۸۱ش و نیز در نخستین نمایشگاه صنایع دستی کشور. اسکندری در چند نمایشگاه داخلی شرکت کرده است که عبارتند از: نمایشگاه ایران گردی و جهان گردی در پارک قیطریه تهران و نخستین نمایشگاه سراسری صنایع دستی کشور به مناسبت تشکیل چهاردهمین اجلاس آسیایی شورای جهانی صنایع دستی در باغ چهلستون اصفهان. وی همچنین تعدادی از آثارش را با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای شرکت در نمایشگاه های خارجی به چین، ژاپن و آلمان ارسال کرده است. تصویربرداران ژاپنی، از آثار و نمونه کارهای او فیلمی تهیه کرده اند.

اسکندری هنر قلمزنی را به طور خصوصی و عمومی تعلیم می دهد و با سازمان صنایع دستی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز همکاری می کند. وی در حال حاضر در اصفهان مغازه ای دارد و به قلمزنی مشغول است.

از آثار وی می توان به این موارد اشاره کرد:

۱. درِ حرم حضرت رضا علیه السلام با همکاری محمّدتقی ذوفن، (یک لنگه آن) ۲. درِ حرم حضرت معصومه (س) ، با همکاری استادانش۳. ضریح حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام ، با همکاری استادانش۴. ضریح حرم حضرت شاهچراغ علیه السلام ، با همکاری استادانش۵. ضریح مشهد اردهال شاهزاده محمّد، با همکاری استادانش.(۱)

دکتر عباسعلی موحّدیان

دکتر عباسعلی موحّدیان، از اساتید پزشکی اصفهان، در سال ۱۳۰۵ش متولّد شده و پس از اخذ دیپلم طبیعی از دبیرستان سعدی در سال ۱۳۲۶ش به دانشکده پزشکی

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۲، ص۵۳۵.

طهران راه یافته و در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ درجه دکترا شد. سپس در دانشکده پزشکی اصفهان به تدریس رشته اعصاب و روان مشغول شد.(۱)

عباسقلی خان سیف الملک نوری*

عباسقلی خان نوری ملقّب به «سیف الملک» فرزند میرزا زکی نوری خوشنویس و ادیب دانشمند در قرن سیزدهم هجری. پسرعموی میرزا آقاخان صدراعظم نوری است. آقاخان پس از مرگ نیکلای اوّل امپراطور روسیه، او را با رتبه میرپنجی به مترجمی نظر آقا یمین الدوله به سن پطرزبورگ (دربار الکساندر دوم) فرستاد.(۲) او عاقبت به اصفهان آمده و نزد حاج محمّداسماعیل اصفهانی، از حکماء و علمای عالیقدر اصفهان به تحصیل پرداخته و از جمله کتاب «مفاتیح الغیب» را نزد او خوانده است.(۳) کتاب «سفرنامه سن پطرزبورگ» که نسخه ای از آن در کتابخانه ملّی ایران(۴) و «منتخب التّجارب» در علم طب که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است از تألیفات اوست.(۵)

سیف الملک به خطوط نستعلیق و شکسته و رقاع و تعلیق آشنا بوده و نستعلیق را خوش و رقاع را عالی می نوشته و تاریخ کتابت او از سال ۱۲۵۰ تا ۱۲۸۷ق بوده است. در سال ۱۲۸۶ در اواخر عمرش حکومت طوالش را به عهده گرفته و پس از آن تاریخ درگذشته است.

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۹۳.

۲- شرح حال رجال ایران، ج۲، صص ۲۳۲-۲۳۴.

۳- مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۷۳۹ و ۲۷۴۰.

۴- فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۱۱۱.

۵- فهرست الفبائی رضوی، ص۵۵۶.

این آثـار به خط او در کتابخانه ها موجود است: ۱. «تحفه سـلیمانیّه» تألیف: محمّدنصیر بن میرزا قاضی اردکانی یزدی، به خط شکسـته که در سـال ۱۲۵۰ق در کرمانشـاه آن را کتـابت کرده و بـه شـماره ۶۵۵۱ در کتابخـانه آسـتان قـدس رضوی موجود است.(۱) ۲. مجموعه ای شامـل «کلمـات طریفه» فیض کاشـانی، «مفاتیـح الغیب» ملّاصـدرای شـیرازی و «شـرح حـدیث رأس الجالوت»

از: ملّا محمّداسـماعیل بن محمّدجعفر اصـفهانی که در دومین دفتر از نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران معرفی شده است. ۳. «جلوات ناصـریه» از: ملّا محمّداسماعیل بن محمّدجعفر اصفهانی به خط شکسته در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.۴. «اکسـیر العارفین» ملّاصدرا، به خط شکسته نستعلیق در جمعه ۱۸ رمضان ۱۲۸۰ق موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران۵. «الحکمه العرشـیه» ملّاصـدرا، به خط شکسـته نسـتعلیق، در سه شـنبه ۱۶ شـعبان ۱۲۸۰ق، موجـود در کتابخـانه مرکزی دانشگاه تهران(۲) ۶. «ترجمـه تاریـخ یمینی» از: جرفاذقـانی، به خـط نسـتعلیق در سـال ۱۲۷۱ق موجـود به شـماره ۱۵۰۸ف در کتابخانه ملّی ایران.(۳)

عباسقلی ترابی

عباسـقلی ترابی [فرزند محمّدقلی] از شعرای معاصر اصفهان [در سال ۱۳۰۵ش در دهستان «درغوک» از توابع آباده متولّد شده و] پس از تحصـیل به اسـتخدام اداره فرهنگ درآمده و چندی در شـهرضا به شغل آموزگاری مشغول بود [و در سال ۱۳۵۷ش بازنشسـته شـد. شـاعری خوش مشـرب، شوخ طبع و بااسـتعداد بود و در اغلب انجمن های ادبی از جمله انجمن کمال و انجمن حافظ شرکت می کرد و اشعارش در نشریات اصفهان همچون «اولیاء» و «نوید اصفهان» به چاپ می رسید. مجموعه اشعار او با عنوان

۱- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۱۴.

۲- مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۷۳۹-۲۷۴۴.

۳- فهرست ملّی، ج۴، ص۷.

«جلوه های عرفانی» در سال ۱۳۸۱ش به چاپ رسیده است.

او در روز ۵ اردیبهشت سال ۱۳۸۴ش در اصفهان از دنیا رفت و در قبرستان جدید اصفهان (باغ رضوان) به خاک سپرده شد.

از اوست:

ز چشمش تا به مژگان خواب ریزد به جام دل شراب ناب ریزد

به گیسویش وزد هر دم نسیمی از آن صدها دل بی تاب ریزد

ز رخسارش فروغ عالم آرا درون چشمه مهتاب ریزد(۱)]

عباسی اصفهانی*

عباسی، از سادات و شعرای اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده و به خاطر منادمت شاه عباس اوّل «عباسی» تخلّص می کرد. سفری به هند رفته و اوحدی بلیانی در سال ۱۰۰۵ق در «اجمیر» هند او را دیده است.

از اوست:

جز حرف قتلم آن بت بدخو نمی کرد با من سخن به جز خم ابرو نمی کند(۲)

میرزا عبدالأئمه طوسی

میرزا عبدالأئمه طوسی فرزند میرزا علینقی ملّاباشی، فاضل محترم. از وکلاء مبرّز دادگستری، متوفی ۲۰ جمادی الثّانی ۱۳۶۸ق مدفون در تکیه بروجردی در تخت فولاد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۱؛ جلوه های عرفانی: مقدمه؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم) ، ص۱۵۹؛ بزم ادب، ص۳۴۱.

۲- تذکره روز روشن، ص۵۲۱؛ تذکره غنی، ص۸۷؛ منتخب اللطایف، ص۴۵۵؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۸۴.

اصفهان.(۱)

عبدالباقی اصفهانی

عبدالباقی اصفهانی [خوشنویس هنرمند خط نسخ] در سده دوازدهم هجری، نسخه ای از «صحیفه سجّادیّه» را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۸۲ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.(۲)

میرزا عبدالباقی (باقی) اصفهانی

میرزا عبدالباقی موسوی اصفهانی متخلّص به «باقی» شاعر ادیب در قرن سیزدهم هجری. مدّتی کلانتری اصفهان را داشته [است. از آن منصب] استعفا نموده و به عتبات رفته و پس از مراجعت، ندیم شاهزاده علی میرزا [قاجار] شده و در سال ۱۲۳۸ق در کرمانشاه وفات یافته [است.] دیوانش قریب به چهار هزار بیت است.(۳)

«مدایح امینیه» یا «مدایح حسینیه» تذکره ای مشتمل بر شرح حال شاعران مدح کننده میرزا محمّدحسین خان صدر اعظم اصفهانی ملقب به «امین الدّوله» است که [نسخه خطی آن به شماره ۱۳۲۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)]

در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران [هم] نسخه ای از «مدایح حسینیه» یا «مدایح

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۹.

۲- فهرست ملک، ص۴۷۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۴۹؛ دیوان طبیب اصفهانی، صص ۷۸-۸۰؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۸۲؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۲۲۳؛ تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۶۳؛ تذکره دلگشا، ص۶۲۱؛ تذکره اختر، ص۴۲؛ تذکره سفینه المحمود، ص۱۷۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۹.

۴- فهرست مرعشی، ج۳۳، صص ۴۲۳ و ۴۲۴.

امینیه» که در سال ۱۲۲۲ق نوشته شده، به شماره ۲۹۶۹ موجود است.(۱)

[از اوست:

ز گلبن تو نباشد گلی هوس ما را همین که غیر نچیند گل تو بس ما را]

میر عبدالباقی امامی*

میر عبدالباقی امامی، از شعرای اصفهان در قرن دهم هجری است. از مصاحبان و رفقای میر روزبهای صبری اصفهانی بوده و در شعر و شاعری طبعی خوش داشته است. این بیت از اوست:

تا به کی من چو ببوسم لب او را به خیال بود آزرده لبش چون نگرم روز وصال(۲)

سیّد عبدالباقی بختیاری*

سیّد عبدالباقی بختیاری، تعزیه خوان و خواننده مذهبی است، معین البکاء اصفهان، بختیاری و شیراز بود و از ردیف های موسیقی اطلاع کامل داشته و در عهد ناصرالدین شاه، تعزیه هایی را ترتیب می داده و به تربیت تعزیه خوان ها می پرداخته و در بعضی از آنها شبیه حضرت عباس می شده است.(۳)

عبدالباقی گنابادی تونی

عبدالباقی بن بدیع الزمان [گنابادی تونی]، از فضلای قرن یازدهم هجری و از شاگردان ملّا محمّدتقی مجلسی است. [او در سال ۱۰۵۶ق نسخه ای از «تهذیب

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص۱۸۶۸.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۵۷.

۳- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۷۷.

الاحکام» (از «زکوه» تا «زیارات») را به خط نسخ کتابت کرده و آن را نزد ملّا محمّدتقی مجلسی خوانده است. این نسخه در کتابخانه دانشکده حقوق تهران موجود است.(۱) همچنین نسخه ای از کتاب «من لا یحضره الفقیه» را در اصفهان کتابت کرده و ملّا محمّدتقی مجلسی أنهایی برای او نوشته است. این نسخه در کتابخانه مدرسه نواب مشهد موجود است.(۲)]

ملّا عبدالباقی تبریزی

ملاّ عبدالباقی تبریزی معروف به «دانشمند» و «صوفی» [فرزند بیرام خان، از مشاهیر خوشنویسان و از عرفاء و شعرای قرن یازدهم هجری. در تبریز متولّد شده و نزد ملاّعلی لنگ به مشق خط پرداخت. سپس به درس ملاّ میرزاجان راه یافته و چندی بعد به هند رفت عاقبت در بغداد رحل اقامت افکنده و در خانقاه مولوی ها با دده مصطفی مربوط شد ولی عاقبت به اجبار به دستور شاه عباس به اصفهان آورده شد.] او خطوط ثلث و نسخ را عالی می نوشته و برخی از کتیبه های مسجد شاه [مسجد امام [اصفهان به خط زیبای اوست. وفات او در سال ۱۰۳۹ق روی داده است.

[همچنین کتاب های زیر را کتابت کرده است:

۱. «صد کلمه امیرالمؤمنین» (صد کلمه جاحظ) به خط ثلث موجود به شماره ۱۷۲۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی ۲. «مرقع» (قصیده بُرده) که در ۱۰۳۶ق کتابت شده و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد.۳. «رقعه ای» به خط ثلث و نسخ خوش، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی]

او شعر می سروده و «باقی» تخلّص داشته است. [این کتاب ها و آثار از اوست:

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص ۳۹۰؛ الذریعه، ج۱، ص۱۶۳؛ فهرست حقوق، ص۳۰۹.

۲- الروضه النضره، ص۳۱۲.

۱. «دیوان اشعار» ۲. «منهاج الولایه» در شرح نهج البلاغه که به وسیله آقای حبیب اللّه عظیمی تصحیح شده و در ۲ جلد به چاپ رسیده است.۳. نامه ای عرفانی به میرزا ابراهیم همدانی که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.۴. «تفسیر قرآن کریم» به روش عرفانی۵. «شرح صحیفه سجادیه»

از اوست:

محنت کش روزگار خویشتنم چه کنم؟ درمانده اضطراب خویشتنم چه کنم؟

دور است ز جبر، اختیارم امّا مجبور به اختیار خویشتنم چه کنم؟(۱)]

عبدالباقی اصفهانی

عبدالباقی بن حاجی میرزا تقی اصفهانی، از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری بوده و در ذی الحجه ۱۲۵۲ق نسخه ای از «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام» تألیف سیّد محمّدابراهیم موسوی قزوینی را به خط نسخ نوشته و به شماره ۴۴۲۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

میر عبدالباقی خاتون آبادی (کبیر)

میر عبدالباقی خاتون آبادی بن میر محمّدحسین بن میر محمّدصالح بن میر عبدالواسع حسینی خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل و مجتهد بارع، از اکابر علمای اصفهان در قرن

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۵۶۰ و ۲۵۶۱؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۹۶؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۱۱؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۱۴۴-۱۴۶؛ وقایع السنین و الاعوام، صص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۰۴؛ فهرست مرعشی، ج۳۱، ص۷۱۹؛ الرّوضه النضره، ص۳۱۲؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۴۷-۵۰؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، صص ۹۱-۹۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۳؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۳۸۸-۳۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۷؛ منهاج الولایه: مقدمه.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۱۸.

دوازدهم هجری.

[در اصفهان متولّد شده] و نزد میرزا ابوالقاسم مدرس و شیخ یوسف بحرینی [و ملاّ محمّدجعفر کشمیری] و جمعی دیگر از فحول علماء تحصیل کرده سال ها امام جمعه اصفهان بود. در علوم معقول و منقول استاد بود و تدریس فرمود.

[جمعی از علماء از او روایت می کنند که از آن جمله هستند: سیّد بحرالعلوم، میرزا حیدرعلی مجلسی، آقا سیّد علی کربلائی و حاجی میر محمّدحسین خاتون آبادی (فرزندش) .]

وی در سال ۱۲۰۷ق در اصفهان وفات یافته و در نجف در ایوان علماء مدفون گردید.(۱)

وی را تألیفاتی است از جمله:

۱. «اکمال الاعمال» در استکمال کتاب «اقبال» سیّد بن طاووس [مؤلف آن را از بخش «مزار» از کتاب «بحارالأنوار» در تکمیل کتاب «اقبال» جمع آوری و در ۲ فصل مرتب ساخته است. نسخه ای از آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی(۲) و نسخه ای دیگر در کتابخانه حاج شیخ محمّدسلطان المتکلمین در طهران(۳) وجود دارد[۲. «الجامع» در اعمال ماه مبارک رمضان [در یک فاتحه و ۷ باب و یک خاتمه، به فارسی که در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است.(۴)] ۳. «ریاض رضوان» در آداب و زیارات حضرت رضا علیه السلام که محمّدعلی صبوح اصفهانی در چهارشنبه ۲۶ جمادی الثانی ۱۱۸۴ق در مدرسه کاسه گران کتابت کرده و در کتابخانه حقیر [سیّد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۶۰؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۳۱۳؛ روضات الجنات، ج۸، ص ۱۹۰؛ مکارم الآثار، ج۲، صص ۳۱۵-۳۱۷؛ فوائد الرضویه، ص۲۲۳؛ الکرام البرره، ج۲، ص۶۹۸؛ غرقاب، ص۹۲.

۲- فهرست مرکز احیاء، ج۷، ص۱۰۹.

۳- الذریعه، ج۲، ص۲۸۲.

۴- فهرست مرکز احیاء، ج۶، ص۷۳.

مصلح الدین مهدوی] موجود است.

میر عبدالباقی خاتون آبادی (صغیر)

میر عبـدالباقی خـاتون آبـادی معروف به «صـغیر» فرزنـد میر محمّدحسـین بن میر عبـدالباقی (کبیر) بن میر محمّدحسـین خاتون آبـادی، از علمـای اجلاّـماننـد دو برادرش میر علینقی و حـاج میرزا حسن امام جمعه در اصـفهان می زیسـته و در سال ۱۲۲۵ق وفات یافته و در داخل بقعه مجلسـی مدفون شده است. بر سـنگ قبر او اشعاری در مرثیه و ماده تاریخ صاحب عنوان منقور بود و این مصـرع مادّه تاریـخ وفات اوست: «در جنان شـد میر عبدالباقی از دنیای دون». قبر او در تعمیرات اخیر [حدود ۱۴۰۰ق] از بین رفت.(۱)

ملاّ عبدالباقی کاشانی

حاج ملاّ عبدالباقی بن محمّدحسین بن حاج عبدالرزاق کاشانی [عالم فاضل از علمای قرن سیزدهم هجری.]

ملاّ حبیب اللّه کاشانی در «لباب الالقاب» درباره او می نویسد: «... کان فقیها متتبّعا فی الأخبار فاضـلاً جامعا للمعقول و لا سیّما الریاضیات...»

[وی در کاشان متولّد شده و در آنجا] نزد سیّد محمّدتقی کاشانی و در اصـفهان نزد حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسـلام شفتی بیدآبادی تحصیل کرده است. مرحوم سیّد حجه الاسلام در ربیع الاوّل ۱۲۶۰ق اجـازه ای جهت او مرقـوم فرموده و در آن به اجتهاد و عدالتش گواهی فرموده و مردم کاشان را به مراجعه او سفارش نموده است. این اجازه ضمن مجموعه اجازات مرحوم حجه الاسلام در کتابخانه مولی محمّدعلی خوانساری در

۱- زندگینامه علاّمه مجلسـی، ج۲، صص ۳۳۹ و ۳۴۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۰؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۳۲.

نجف اشرف می باشد.(۱)

عبدالباقی حسینی اصفهانی

عبدالباقی بن حسین حسینی اصفهانی، [عالم فاضل جلیل، جامع معقول و منقول] از فضلای قرن دوازدهم هجری و متوفای حدود سال ۱۱۳۱ق. مؤلف: ۱. «ذخیره یوم المحشر فی شرح الباب الحادی عشر» به فارسی (تاریخ تألیف: پنج شنبه ۱۲ ربیع الثّانی ۱۱۰۹ق) ۲. «شرح باب حادی عشر»، به عربی. این دو نسخه به خط مؤلف به شماره ۳۷۰۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) [۳. «القیود الوافیه» در شرح «کافیه» و «وافیه»۴. «حاشیه حاشیه خفری بر شرح تجرید» که در سال ۱۱۳۰ق تألیف شده است.(۳)]

میرزا عبدالباقی طبیب اصفهانی

میرزا عبدالباقی موسوی طبیب اصفهانی فرزند میرزا محمّدرحیم حکیم باشی بن میرزا محمّدباقر بن میرزا رضا بزرگ بن حکیم احمد بن حکیم سلمان موسوی اصفهانی. شاعر ادیب در قرن دوازدهم هجری. از سلسله سادات حکیم سلمانی است که اصل آنها از جهرم فارس بوده و نسب سادات شاپورآباد اصفهان نیز به حکیم سلمان می رسد.

در سال ۱۱۲۷ق در اصفهان متولّد شده و پدرش به دستور افاغنه در سال ۱۱۳۷ق کشته شده است. طبیب اصفهانی در طبابت، ماهر و حاذق بوده و در رکاب نادرشاه به عنوان حکیم باشی و ندیم او به هند رفته و در آنجا با علیقلی خان لگزی متخلّص به

۱- الکرام البرره، ج۲، ص۶۹۸؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۷؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۳۴ و ۳۳۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۰، ص۱۰۸.

۳- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۶۷.

«واله» مؤلف تذکره «ریاض الشعراء» ملاقات نموده است. طبیب از معاشرین و مصاحبین مشتاق اصفهانی است.

او در سال ۱۱۷۱ق وفات یافته و در تخت فولاد جنب لسان الارض [تکیه شهداء کنونی] مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را «صهبا» گوید:

کلک «صهبا» از پی تاریخ فوتش زد رقم «بزم جنّت منزل آن زبده سادات باد»

دیوان اشعاری دارد حاوی قریب دو هزار بیت که نمونه بهترین شعر فارسی است. [و به چاپ رسیده است. نسخه خطی دیوان طبیب در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.] مثنوی به نام «محمود و ایاز» نیز گفته است.

از اوست:

غمت در نهانخانه دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

به دنبال محمل چنان زار گریم که از گریه ام ناقه در گل نشیند

خَلَد گر به پای خاری آسان برآرم چه سازم به خاری که در دل نشیند

پی ناقه اش رفتم آهسته، ترسم غباری به دامان محمل نشیند(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۴۷ و ۷۴۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۸؛ اصفهان: کتاب جوانان، ص۲۳۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۷۱۹-۷۲۱؛ تذکره روز روشن، ص۴۹۹؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۰۹؛ تذکره آتشکده: نیمه دوم، صص ۵۸۴-۵۸۶؛ الذریعه، ج۹، ص۶۴۴؛ دیوان طبیب اصفهانی، ص۸۹؛ تذکره غنی، ص۸۳؛ فهرست گلپایگانی (صدرائی) ، ج۲، ص۱۹۰۴؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، صص ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴؛ منتخب اللطایف، ص۴۲۴.

دکتر عبدالباقی نواب

دکتر عبدالباقی نواب فرزند میرزا محمّدرضا خان بن میرزا علی خان مستوفی چهارسو شیرازی اصفهانی، طبیبی حاذق، ادیب شاعر و خوشنویس هنرمند معاصر.

در سال ۱۲۹۶ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه، به دانشکده پزشکی طهران راه یافته و موفق به اخذ درجه دکترا شده است. او سال ها به تدریس در آموزشگاه عالی بهداری اصفهان و دانشکده پزشکی اصفهان مشغول بوده و درجه D.TM and H. را از دانشکده بیماری های گرمسیری و بهداشت لندن اخذ نموده است.

وی در پست های اداری مانند ریاست دانشکده داروسازی، معاونت دانشگاه اصفهان و معاونت دانشکده پزشکی به خدمت پرداخته و در سال ۱۳۳۹ش به سمت نمایندگی مردم اصفهان در مجلس شورای ملی انتخاب شده است.(۱)

دکتر نواب مردی ادیب و دانشمند و شاعر بوده و خط شکسته را خوش می نوشته و در محافل و انجمن های ادبی شرکت می نموده است. او طبیبی خوش محضر، نیک سیرت و خوش رفتار، آشنا به انساب و حالات بسیاری از مردم اصفهان بالاخص علماء و سادات و به خصوص خاندان های بهشتی و فشارکی و روضاتی و در قدرت حفظ احاطه به جزئیات کم نظیر و دارای محاسن اخلاق و لطافت طبع و ظریف بوده است.

وی در شب اربعین (۲۰ صفر) ۱۴۰۳ق (سال ۱۳۶۱ش) در طهران وفات یافته، جنازه به اصفهان منتقل گردیده و در مجاورت خاندان بهشتی [واقع در شمال مصلای تخت فولاد] مدفون گردید.(۲)

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۶۵.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۷.

[مرحوم استاد حسن بهنیا متخلّص به «متین» مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

پی سال تاریخ فوتش «متین» بگفت: «ای دریغ از مسیحای ما»(۱)

همچنین شاعر گرامی آقای میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) چنین گفته است:

سال فوتش را رقم بنمود «برنا» با دو هجری هر یکی در بیتی از طبع روان نکته دانی

«جانب جانان جاوید و جهان جاودانی کرده عبدالباقی نواب روی از دار فانی» ۱۴۰۳

«جان عبدالباقی نواب شد از دار فانی جانب جانان جاوید و جنان جاودانی» ۱۳۶۱]

این شعر از دکتر نواب است:

باغبانی گل امید به گلزار نشاند بهر پروردن او خون دل از دیده فشاند

گشت پروانه اش عاشق ولی از جور خزان عاقبت زان گل و پروانه یکی خاطره ماند

کتاب «بیماری های عفونی» از تألیفات اوست که دکتر عبدالرحیم امامی جمع آوری و در اصفهان به طبع رسانیده است.

آقا عبدالباقی مازندرانی

آقا عبدالباقی مازندرانی بن ملاّ محمّدصالح ساروی مازندرانی بن احمد، عالم فاضل

۱- طاوس خیال، ص ۴۴۱.

کامل [از علمای قرن دوازده هجری.]

مادرش صبیّه ملاّ ـ محمّد تقی مجلسی است. آقا احمد کرمانشاهی در مرآت الاحوال از او به عنوان «جامع الفضائل و حاوی الفواضل و عالم العامل و الفقیه الکامل» یاد کرده است. از او پسری به نام محمّدصالح و معروف به آقابزرگ که اهل علم و فضل بوده به جا مانده است.(۱)

میر عبدالباقی آرتیمانی

امیر عبدالباقی بن میر عبدالباقی [بن سیّد رضی الدّین محمّد آرتیمانی همدانی اصفهانی، عالم فاضل جلیل و شاعر ادیب اریب، از محدّثین و فضلای قرن یازدهم هجری است. جدّش از اهالی «آرتیمان» همدان و از شعرای معروف بوده است. خود او در اصفهان ساکن بوده و گاهی شعر می سروده و «باقی» تخلّص می کرده است.(۲)] از شاگردان علاّمه محمّدباقر مجلسی است.(۳)

او نسخه ای از کتاب «کافی» را در سال ۱۰۸۹ق نوشته و ظاهرا نزد علاّمه مجلسی قرائت نموده و علاّمه مجلسی در پایان جزء اوّل جهت او اجازه مرقوم داشته است. این نسخه در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۴)

همچنین امیر عبدالباقی کتاب «تهذیب الاحکام» را نزد علاّمه مجلسی خوانده و استاد در چندین محل کتاب اَنهاء جهت او نوشته که تاریخ آخرین آن ۲۸ رجب

۱- مرآت الاحوال، ج۱، ص۱۳۴؛ فیض قدسی، ص۲۱۷؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۵۵۳؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۵۹.

۲- تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۴۲۰.

۳- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۲۶۵.

۴- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۷۵؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۴۹.

۱۰۹۲ق است. نسخه به شماره ۳۱۸۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

[کتاب «فوائد علیّه و تصحیح النّیّه» یا «نیّات عبادات» از تألیفات اوست که به فارسی و یک مقدمه، ۷ مقصد و یک خاتمه در سال ۱۱۱۰ق به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشته است. نسخه ای از آن به شماره ۴/۷۳۲۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی و نسخه ای دیگر به شماره ۲۱۴۷ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۲) این شعر از اوست:

به کف آورده ام از گلشن بی خار غمت گل داغی که نصیب دل آگاه شود]

میرزا عبدالباقی نائینی

میرزا عبدالباقی بن میرزا محمّدعلی بن حاج میر سیّد جعفر بن حاج آقا میرزا بن سیّد حسین نائینی اصفهانی عالم و فاضل بوده و در قرن چهاردهم هجری می زیسته و در اوان جوانی در اصفهان بلاعقب وفات یافت.(۳)

عبدالباقی اصفهانی*

عبدالباقی فرزند معینای اصفهانی، از شعرای اوایل قرن یازدهم هجری. در هند ساکن بوده و از معتمدان جهانگیر پادشاه است. گاهی در کابل و گاهی در سند به خدمت مشغول بوده و در شعر طبعی خوش داشته است. این شعر از اوست:

با زَهر غم او تریاک ندارم می میرم و از مردن خود باک ندارم

۱- فهرست مرعشی، ج۸، ص۴۰۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۲۰؛ فهرست مرکز احیاء، ج۶، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۳- تاریخ نائین، ج۴، ص۲۸.

کیخسرو تجریدم و جمشید قناعت پروای شکوه جم و ضحّاک ندارم(۱)

عبدالباقی حسینی

عبدالباقی حسینی [ظاهرا از علمای قرن یازدهم هجری] و از جمله شهود وقفنامه مدرسه نوریه اصفهان بوده و سجع مهر او: «عبده عبدالباقی الحسینی» است.(۲)

ملّا عبدالباقی سبزواری

ملّا عبدالباقی سبزواری [عالم فاضل، از فضلای قرن دوازدهم هجری] شاگرد و مجاز از ملّا محمّدفاضل سراب تنکابنی است. [در اصفهان ساکن بوده و] فاضل سراب در اوراق آغاز «مشیخه» از کتاب «من لا یحضره الفقیه» در اوّل جمادی الاوّل ۱۱۰۶ق جهت او اجازه نوشته است. این کتاب به شماره ۷۴۷۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

سیّد عبدالباقی سیفی قزوینی

سیّد عبدالباقی سیفی قزوینی، [از علمای اواخر دوره قاجاریه] از سادات سیفی قزوین، از اجلّه علمای اصفهان و از مدرسین معروف عهد خویش بوده و در مسجد سرخی امامت می فرموده است. در سال ۱۳۱۶ق وفات یافته و در یکی از حجره های تکیه آقا سیّد رضی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۴)

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۵۶۱ و ۲۵۶۲؛ کاروان هند، ج۲، صص ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲.

۲- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۱۰۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۷۶؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۲۶۵.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۸.

عبدالباقی قهپائی*

عبدالباقی قهپائی، از فضلای قرن سیزدهم هجری و از اهلی قهپایه اصفهان است. او مجموعه ای را شامل «حاشیه الرساله الالفیه» و «الجعفریه» هر دو از تألیفات شیخ علی کرکی (محقّق ثانی) را به خط نستعلیق در سال ۹۷۰ق کتابت کرده است. این مجموعه در کتابخانه آقای حسین مفتاح در تهران موجود بوده است.(۱)

میر عبدالباقی مقبول اصفهانی

میر عبدالباقی اصفهانی متخلّص به «مقبول» از معاصرین شاه اسماعیل اوّل صفوی بوده و در انواع فنون و هنر ماهر بوده. علاوه بر ادب و شعر و خط، در طباخی استاد بوده و چون در قزوین جهت شاه غذایی طبخ کرد که مقبول واقع شد، «مقبول» را تخلّص خود قرار داد.(۲)

[مرحوم عبدالمحمّد ایرانی در کتاب «پیدایش خط و خطاطان» این میر عبدالباقی طبّاخ را با عبدالباقی صوفی تبریزی خطاط مشهور عصر صفوی و کاتب کتیبه های مسجد شاه اصفهان (مسجد امام فعلی) یکی دانسته که قطعا اشتباه است. و این میر عبدالباقی مقبول، به خوشنویسی معروف نبوده است. صاحب عنوان مثنوی در تتبع «سبحه الابرار» جامی و مثنوی در «تصوف اهل سنت» سروده است.]

از اوست:

۱- نسخه های خطی، دفتر هفتم، ص۲۶۴.

۲- تذکره تحفه سامی (وحید) ، ص۳۴؛ تذکره تحف سامی (همایونفرخ) ، صص ۵۴ و ۵۵؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۱۹۰ و ۱۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۸؛ خط و خطاطان، ص۷۰.

نازکی بین لب او را چون ببینم به خیال لبش آزرده شود چون نگرم روز وصال

عبدالباقی نائینی*

عبدالباقی نائینی متخلّص به «باقی» شاعر، ادیب و موسیقیدان هنرمند قرن یازدهم هجری.

در حدود سال ۱۰۰۳ق در نائین متولّد شده و در نوجوانی به اصفهان آمده و نزد فضلای این شهر به تحصیل علم و ادب مشغول شد و از جمله از محضر حکیم شرف الدّین حسن شفائی اصفهانی، شاعر و طبیب معروف عهد شاه عباس صفوی برخوردار شد. آنگاه به خراسان رفته و با آنان مصاحبت و مراوده ادبی نمود. پس از آن به مناطق و شهرهای هند از جمله: اجمیر، دکن، پتنه و بنارس سفر کرد و به مدح وزراء، شاهزادگان و صاحب منصبان هند پرداخت و به دریافت صله های فراوان مفتخر شد. در سال ۱۰۴۶ق در دهلی به دربار شاه جهان، پادشاه هند راه یافته و قصیده ای در وصف نوروز گفت که به دستور پادشاه به زر کشیده شد. او عاقبت هند را به قصد زیارت بیت اللّه الحرام ترک گفته و پس از انجام حج به اصفهان مراجعت نمود و مدتی بعد در این شهر وفات یافت. سال فوتش معلوم نشد. ظاهرا قبل از سال ۱۰۵۵ (آغاز سلطنت شاه عباس ثانی) از دنیا رفته است.

او از موسیقی دانان زبردست عهد صفویه است. علاوه بر موسیقی ایرانی، با موسیقی هندی نیز آشنا بوده و در تصانیف و آهنگ های خود از موسیقی هند تأثیر پذیرفته است. او «رساله ای در موسیقی» تألیف کرده است.

این شعر از اوست:

یار هشیار آمد و از صحبت ما مست رفت حیف چون عمری که در غم بگذرد از دست رفت

«باقیا» بر هر گلی مانند بلبل دل مبند عمر چون باد بهاری تا که گوئی هست رفت(۱)

عبدالجبّار زعفرانی

ابوالقاسم عبدالجبّار بن ابی غالب بن ابی زید بن محمّد بن احمد زعفرانی اصفهانی [از محدّثین عامه در قرن ششم هجری که] از ابوبکر محمّد بن احمد بن حسن بن ماجه ابهری حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی جزئی از احادیث «لوین» را از او استماع کرده است.(۲)

عبدالجبّار ابهری

ابوعبداللّه عبدالجبّار بن حسین بن محمّد بن احمد بن محمّد بن حسین بن ماجه ابهری [از محدّثین عامه اصفهان در قرن ششم هجری] جدّش محمّد بن احمد ابهری به «ابن ماجه» معروف بوده و از محدّثین قریه «ابهر» جی اصفهان است.

عبدالجبّار از جدّش حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.(۳)

۱- تذکره میخانه، صص ۸۷۲-۸۷۵؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۳۴ و ۴۳۵؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۲۷؛ منتخب اللطایف، ص۱۶۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۳؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۹۰.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۲۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۲۰.

سیّد عبدالجبّار رضا توفیقی کوه گیلویه ای

سیّد عبدالجبّار بن محمّد شفیع رضا توفیقی الحسینی الکوه کیلویه ای [از فضلای قرن دوازدهم هجری] نسخه ای از رساله «شرح احادیث طینت» تألیف آقا جمال الدّین محمّد خوانساری را در زمان حیات مشارالیه کتابت نموده است.

این نسخه جزء متون فارسی در معارف اسلامی به شماره ۳ به چاپ رسیده است. احتمالاً مشارالیه از شاگردان آقاجمال بوده است.

فایده: سادات رضا توفیقی تاکنون به همین شهرت در اصفهان ساکن و عموما در حدود محلّه درب امام می باشند و بدین لحاظ به درب امامی شهرت دارند. منهم: العلاّمه الفقیه الادیب البارع الحاج المیرزا بدیع درب امامی.

مشار الیهم از سادات موسوی می باشند و عموما سادات موسوی حسینی امضاء می کرده اند. لا یخفی علی المتتبع البصیر

سیّد مصلح الدّین مهدوی ۲۱/۶/۵۹

عبدالجبّار محتسب

ابواحمد عبدالجبّار بن عصمت بن شیبان بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شیبان محتسب اصفهانی [از محدّثین عامه اصفهان در قرن ششم هجری] عموزاده شیبان که از ابوعلی حداد، ابوالعباس احمد بن عبدالغفار بن اشته حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی احادیث کمی از او استماع کرده است.(۱)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۲۲.

عبدالجبّار صفار

ابوبکر عبدالجبّار بن عبداللّه بن محمّد بن فورویه صفّار اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری] ابوالرّضا یحیی بن زید بن خلیفه حسنی ساوه ای (۴۶۸-۵۴۱ق) از او استماع حدیث کرده است.(۱)

عبدالجبّار جاری اصفهانی

ابوالطیّب عبدالجبّار بن فضل بن محمّد بن احمد جاری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابی عبداللّه محمّد بن ابراهیم جرجانی نقل حدیث کرده و حافظ ابوالقاسم هبه اللّه بن عبدالوارث شیرازی و اسماعیل بن محمّد بن فضل حافظ اصفهانی و ابوالخیر محمّد بن احمد بن محمّد بن عمر بن باغبان از او روایت کرده اند.(۲)

[جار = کار = گار از روستاهای شرق اصفهان است و یک مناره تاریخی از دوره سلاجقه در آنجا هنوز باقی است.]

عبدالجبّار خطبه اصفهانی

ابوسعد عبدالجبّار بن محمّد بن ابوالقاسم اصفهانی هرّاس. معروف به «خطبه» [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و ابوعبداللّه قاسم ثقفی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی استماع حدیث کرده است.(۳)

۱- التّحبیر، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲- معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۳ و ج ۴، ص ۴۲۸؛ اللباب، ج ۳، ص ۷۴؛ المشترک، صص ۹۲ و ۳۶۶.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۲۶.

عبدالجبّار صندوقی اصفهانی

ابو احمد عبدالجبّار بن محمّد بن احمد صندوقی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری] از ابوالمعمّر شیبان بن عبداللّه بن احمد بن شیبان محتسب حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی مقدار اندکی از وی استماع حدیث کرده است.(۱)

عبدالجبّار اصفهانی

ابوالفضل عبدالجبّار بن محمّد تاجر اصفهانی [از محدّثین و فضلای قرن ششم هجری] که حسین بن مسعود بغوی شافعی و ابومحمّد عبدالرّحمان بن عبداللّه بن حسین بن محمّد بن حسین بن عمر بن حفص بن یزید نیهی مروروذی شافعی (متوفی ۵۴۸ق) از او حدیث شنیده اند.(۲)

شیخ عبدالجلیل اصفهانی

شیخ عبدالجلیل بن زین العابدین اصفهانی، طبیب مخصوص ناصرالدّین شاه و عالمی فاضل و حکیمی ماهر بوده [است.] در سال ۱۲۸۸ق در رودخانه جاجرود غرق شده و جسدش را در سر قبر آقا در طهران دفن کردند. پدرش از خطاطین آن روزگار است.(۳)

عبدالجلیل عبدی اصفهانی

ابومطیع عبدالجلیل بن ابوعدنان بن محمّد بن احمد بن مطهر بن ابونزار بن محمّد بن علی بن محمّد بن احمد عبدی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۲۷.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۷۴؛ بهارستان (آیتی) ، ص ۱۶۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۶۱.

[سمعانی از او با عبارت «شیخ صالح مستور من بیت الحدیث» یاد کرده است. در سال ۴۷۰ق در اصفهان متولّد گردیده و از ابوالفضل مطهر بن عبدالواحد بُزانی، ابوالطیّب محمّد بن محمّد بن ابراهیم بن سلیمان اصفهانی معروف به «سله» حدیث شنیده است.

برادرش ابوتمیم عبدالمغیث هم از محدّثین اصفهان است.(۱)

شیخ عبدالجلیل (اصفهانی)

شیخ عبدالجلیل بن عبدالرضا بن اسماعیل، خطاط نسخ نویس [در قرن یازدهم هجری] از آثارش جلّد دوم کتاب «کشف الغمه» اربلی که در سه شنبه ۹ رمضان ۱۰۹۹ق نوشته و به شماره ۱۸ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)

عبدالجلیل جوباری اصفهانی

حافظ ابومسعود عبدالجلیل بن محمّد بن عبدالواحد بن محمّد بن ابراهیم بن شهرمرد بن مهره بن کهیار اصفهانی معروف به «ابن کوتاه» جوباری. [از محدّثین عامه در قرن ششم هجری.]

سمعانی درباره او می نویسد: «من اولاد المحدّثین له معرفه تامه بالحدیث و هو حسن السیره مرضیّ الطریقه مکرما للغرباء فقیر قنوع (اوحد وقته فی علمه) .

او از حافظ ابوالقاسم اسماعیل بن فضل بن محمّد، ابومحمّد رزق اللّه تمیمی، ابوالفوارس طرّاد بن محمّد زینبی، ابوبکر بن ماجدالدّین، ابومطیع مصری، ابوالحسن احمد بن عبدالرّحمان ذکوانی و ابوعبداللّه محمّد بن احمد بن حسین فرمیشکانی فقیه ادیب ساکن بیضاء حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی استماع

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۳۱.

۲- فهرست وزیری، ج ۲، ص ۷۲۴.

حدیث کرده است.

[در تاریخ وفاتش اختلاف است. برخی نوشته اند] در اواخر سال ۵۵۵ و یا اوایل سال ۵۵۶ وفات یافته است و آخر رجب یا شعبان ۵۵۳ و یا شب پنج شنبه شعبان ۵۵۳ق هم نوشته اند.(۱)

میرزا عبدالجواد معتمد الذّاکرین*

میرزا عبدالجواد بن ابراهیم معتمد الذّاکرین عالم فاضل و خطیب ماهر، از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. وی نزد جمعی از علمای اصفهان از جمله شیخ محمّدعلی نوری فشارکی تحصیل کرده است. نوری فشارکی در سوم رمضان المبارک ۱۳۴۷ق جهت او اجازه روایت نوشته است.(۲)

میرزا عبدالجواد اصفهانی

میرزا عبدالجواد بن ابی القاسم اصفهانی، مؤلّف کتاب «حدیقه الطّب» است. نسخه آن به شماره ۴۲۶ در کتابخانه ملّی فرهنگ در طهران و نسخه ای دیگر در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۳)

آقا عبدالجواد آباده ای

آقا عبدالجواد فرزند حاج محمّدجعفر آباده ای. [عالم فاضل از علمای اواخر دوره قاجاریه] به جای پدر، پس از فوت او در مسجد ایشان [مسجد حاج محمّدجعفر در

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۴۳؛ اللباب، ج۱، ص۳۰۲؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۳۰۴؛ معجم البلدان، ج۲، ص۱۷۶؛ المشترک، ص۱۱۰.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۶۹.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص۵۴؛ فهرست کتابخانه ملّی، ج۱، ص۴۰۷.

اصفهان] امامت می نموده و پس از سال ۱۳۱۰ق در سفر عتبات در کربلا وفات یافت و در وادی السلام نجف مدفون شد.(۱)

[کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تشریح الصلاه» که در سال ۱۲۷۹ق آن را نوشته است.

۲. «تفسیر سوره واقعه» که در سال ۱۲۸۰ق تألیف شده است.(۲)]

پرفسور عبدالجواد فلاطوری*

پرفسور عبدالجواد حکیمی معروف به «فلاطوری» فرزند حسین فیلسوف دانشمند و اسلام شناس کم نظیر معاصر از اعقاب حکیم ملاّ اسماعیل اصفهانی (واحدالعین) در روز سوم فروردین ۱۳۰۴ش در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد شد. تحصیل در مقطع ابتدایی را در دبستان اقدسیه و دبستان ایران طی کرد و در مقطع متوسّطه در سال ۱۳۲۲ش از هنرستان صنعتی اصفهان دیپلم گرفت و سپس با خانواده به تهران رفت.

در اصفهان از محضر شیخ محمّدتقی قمشه ای و در مدرسه مروی تهران از محضر آیه اللّه حاج شیخ محمّدعلی شاه آبادی بهره گرفت. در سال ۱۳۲۶ش به مشهد رفت و در مدرسه حاج حسن حجره گرفت و در فقه و اصول و ادبیات در محضر علمای عالیقدر آنجا همچون شیخ محمّدتقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی) ، حاج میرزا احمد مدرس یزدی، شیخ کاظم دامغانی، شیخ هاشم قزوینی، شیخ هادی کدکنی، شیخ مجتبی قزوینی، حاج شیخ محمّدرضا کلباسی، حاج شیخ محمّدرضا ترابی خراسانی به کسب فیض مشغول شد. در سال ۱۳۲۶ حاج شیخ محمّدرضا کلباسی جهت او اجازه اجتهاد نوشت. و به تدریس در مشهد مقدّس پرداخت.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۳۰؛ الکرام البرره، ج۲، ص۷۰۳.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص ۲۷۱.

در سال ۱۳۳۰ش به تهران بازگشت و برای تکمیل معلومات خود نزد شیخ محمّدتقی آملی، آقا میرزا احمد آشتیانی، میرزا مهدی آشتیانی و سیّد احمد خوانساری حاضر شد. و همزمان به تحصیل در دانشکده الهیات دانشگاه تهران مشغول شد و با «ترجمه مشاعر» ملّاصدرا با درجه ممتاز از آن دانشکده لیسانس گرفت.

در سال ۱۳۳۳ برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در شهرهای «ماینس»، «کلن» و «بُن» در رشته های فلسفه، روان شناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و تطبیق ادیان در دانشکده فلسفه تحصیلات خود را پی گرفت و در سال ۱۳۳۸ش از دانشگاه کلن مدرک گرفت و به عنوان استادیار در دانشگاه هامبورگ به تدریس زبان و ادبیات فارسی و فلسفه اسلامی پرداخت. او در سال ۱۳۴۰ش با ارائه پایان نامه ای با عنوان «تفسیر اخلاق کانت در پرتو احترام» دکترای خود را از دانشگاه «بن» اخذ کرد.

او در سال ۱۳۴۳ش مرکز تحقیقات علوم و عقاید شیعی را تأسیس نموده و بیش از هشت هزار جلد کتاب درباره شیعه را برای کتابخانه آنجا فراهم کرد. آنگاه در دانشگاه کلن به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۹ رساله «دگرگونی بنیادین فلسفه یونانی در اثر برخورد با اندیشه اسلامی» را ارائه داد و به درجه استادی نائل شد.

از خدمات ارزنده او اصلاح و تدوین کتاب های درسی ۱۷ کشور اروپایی در باب اسلام است. او کاستی ها و اشتباهات و تحریفاتی که در کتاب های درسی مدارس اروپایی وجود داشت را به خوبی اصلاح نمود. برگزاری کنگره های متعدد درباره اسلام با حضور و سخنرانی مستشرقان و اسلام شناسان و نوشتن ده ها مقاله در باب فرهنگ و تمدن و فلسفه اسلامی و تطبیق آن با فلسفه غرب از اقدامات ارجمند او برای معرفی اسلام پیشرو به مردمان مغرب زمین بود. همچنین در سال ۱۳۵۵ش آکادمی علوم اسلامی را تأسیس نمود.

پرفسور فلاطوری در روز یکشنبه ۹ دی ماه ۱۳۷۵ش در آلمان وفات یافته و جنازه

به اصفهان حمل و در گلستان شهدا نزدیک مزار عالم ربّانی حاج آقا رحیم ارباب مدفون شد.

کتاب های زیر از آثار اوست:

۱. «ترجمه ایران در زمان پیش از اسلام» نوشته: برتولد اشپولر (که بهترین ترجمه سال شناخته شد) ۲. «فهرست کتاب های آکادمی اسلامی» که در سال ۱۳۷۴ش به چاپ رسید۳. «اسلام در دیالوگ» در دو جلد۴. «جانشینان محکوم» ترجمه «الاستغاثه فی بدعه الثلاثه» در دو جلد۵. تألیف ۶ جلد کتاب درسی درباره اسلام برای مدارس۶. «نصاب آموز»۷. «آلمان و کشورهای اروپایی»۸. «جبهه اسلامی آزاد». تعدادی از مقالات و مصاحبه های او در کتاب «فلاطوری» (جلد دوّم) به چاپ رسیده است.(۱)

میرزا عبدالجواد اخوّت*

حاج میرزا عبدالجواد اخوت فرزند میرزا رضا، از تجّار و اطبّای ماهر قرن چهاردهم هجری. در ماه اسفند ۱۲۶۷ش (مطابق ۱۳۰۶ق) در اصفهان متولّد شد و در نوجوانی در بازار به کار پرداخت. در جوانی با شاهزاده محمّدحسن میرزا که در اصفهان ساکن بود آشنا شد و از او طب آموخت. چندی بعد به شیراز رفته و در کنار طبابت، به تجارت پرداخت. او پس از ۱۰ سال اقامت در شیراز به تهران رفت و در آنجا اقامت نمود تا این که در روز یکشنبه ۳ رمضان ۱۳۶۴ق (مطابق ۲۱ مرداد ۱۳۲۴ش) وفات یافته و در مزار ابن بابویه در شهرری مدفون شد. او خاطرات خود را از تولّد تا ۳۱ سالگی (تا سال

۱- فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۴۴۸ و ۴۴۹؛ کتاب «فلاطوری»، ج۱، صص ۱۴۱-۱۶۵؛ زندگینامه و خدمات فرهنگی دکتر عبدالجواد فلاطوری، صص ۲۳-۲۷ و ۱۳۵-۱۵۰؛ تخت فولاد اصفهان (چاپ دوم) ، صص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ نادره کاران، صص ۸۸۵ و ۸۸۶.

۱۳۳۷ق) نوشته که با عنوان «از طبابت تا تجارت» در سال ۱۳۸۶ش به کوشش آقای مهدی نفیسی به چاپ رسیده است و منبع ارزشمندی در شناخت مردم ایران در عصر مشروطیت است.(۱)

میرزا عبدالجواد نحوی

میرزا عبـدالجواد نحوی بن میرزا عبدالحسین بن محمّـدتقی بن حاج محمّدحسـین نایب الصدر بن آقا محمّدجعفر بن حاج ملّا مهدی بن حاج محمّد ظهیر هرندی اصفهانی، [از فضلاء قرن سیزدهم هجری.]

در ذیقعده ۱۲۸۰ق متولّد شده و مقدّمات علوم را از صـرف و نحو و معانی و بیان و فقه نزد فضـلای اصـفهان تحصیل نمود، و خط نستعلیق را در کمال استادی می نوشته است. [مع الاسف] در محرم ۱۳۰۵ق در عنفوان جوانی وفات یافته و در قبرستان سر قبر آقا در اصفهان مدفون شد.(۲)

میرزا عبدالجواد لا اَدری

میرزا عبـدالجواد متخلّص به «لاـ اَدری» بن عبدالحمیـد بن مؤمن بن ملاّـ محراب گیلاـنی، شـاعر و ادیب خوش خـط [در اواخر دوره قاجاریه] از آثارش کتابت نسـخه ای از قرآن مجیـد است که به وسـیله رکن الملك به چاپ رسـیده است. تاریـخ کتابت نسخه سال ۱۳۰۷ق [است.(۳)]

۱- بنگرید به: از طبابت تا تجارت: مقدّمه.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۳۲۲-۲۳۲۴.

۳- مکارم الآثار، ج۳، ص۶۲۳.

حاج ملّا عبدالجواد باغبادرانی

حـاج ملّا عبـدالجواد بن عبـدالرحیم باغبادرانی اصـفهانی، [عالم عامل متبحّر، نحریر کامل، متکلم خبیر، از وعاظ و دانشـمندان اواخر دوره قاجـاریه] اصـلاً از کوهگیلـویه بـوده ولی در باغبـادران [کـه سابقـا از دهـات بزرگ لنجـان بـوده و به «بـاغ وردان» معروف است و اکنون به شهر تبدیل شده است] متولّد شده و در اصفهان نزد علماء و فضلاء این شهر کسب فیض نموده است. [او در اصـفهان به وعـظ و خطـابه و تـألیف و تحقیـق مشـغول بوده و سـرانجام در شب شـشم مـاه مبـارک رمضـان ۱۳۳۵ق در اصـفهان وفـات یـافته و در نزدیکی مقبره ملّا اسـماعیل خواجویی در تخت فولاد اصـفهان مـدفون شـد. مرثیه وفات او را شاعر خطاط و خطیب مشهور «میرزا عبدالجواد خطیب» چنین گفته و بر سنگ مزار او نقر گردیده است:

در پناه رحمت حق شد جواد رحتمش پیوسته بادا بر نهاد

جوهر انسان، جهان مردمی مردم بنیائی اهل رشاد

عالم نحریر حبر بی عدیل کز کمال و فضل و معنی داد داد

بود نشر مذهب اثنی عشر داعیش در منبر و مسجد مراد

بود گنجی از هنر چنگ اجل چون گهر بر بود و در خاکش نهاد

جست تاریخش «خطیب عبدالجواد» تا که تقدیم روان وی کناد

آمد از مجمع یکی بیرون و گفت «در پناه رحمت حق شد جواد»(۱)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «بحر المعجزات» ۲. «ریاض المناقب»(۲) ۳. «شجره المحمّدیه» که در سال

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ بزم معرفت: صص ۲۰۲-۲۰۴.

۲- تذکره شاعران فارسی سرا، ص ۴۰.

۱۳۱۴ق به فارسی تألیف شده و در کتابخانه ملک تهران موجود است.(۱) [۴. «الصاحب» درباره امام زمان علیه السلام به عربی در ۳ جلد که به شماره های ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.۵. «مقتل الآل» به عربی، از مقتل حضرت علی تا حضرت رضا علیهماالسلام که به شماره ۳۸۵ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.۶. «موقظ الغافلین»، ردّ بر بابیه و صوفیه در ۳ جلد که به شماره های ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۵۳ در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود.(۲) ۷. «نسائم الرّحمه» [به فارسی در اخلاق] که نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه مفضال جناب آقای حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است. [نسخه دیگری که شامل باب نخست کتاب است، به شماره ۲/۱۲۸۶۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)]

گاهی شعر می سروده است. از اوست:

زینب چو دید رأس برادر به تشت زر نالان کشید آه شرربار از جگر

در بر درید جامه صبر و شکیب را گاهی به سینه می زد و می زد گهی به سر

می گفت ای شهید به خود غرقه یا حسین ای گوشه پاره جگر سیّد بشر

ای نور چشم حیدر و ای زاده بتول جسمت جدا فتاده و رأست به تشت زر(۴)

۱- فهرست ملک، ج۱، ص۲۷۶.
۲- فهرست مسجد اعظم قم، صص ۲۷۵، ۳۸۳ و ۴۰۲.
۳- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۶۳۲ و ج۱۲، ص۱۸۷.
۴- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۷۱.

میرزا عبدالجواد خطیب

میرزا عبدالجواد خطیب فرزند ملاّ ـ عبداللّه بن ملاّ ـ محمّدحسین بن حسن ریزی لنجانی، ملقب به «لسان الدّین» [از علماء و خطبای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه] عالم فاضل، خطیب ادیب و شاعر ماهر. در [ماه شوال] ۱۲۷۹ق متولّد گردیده و نزد فضلاء اصفهان تحصیل نموده و از طرف امام جمعه اصفهان منصب خطابت یافته و در اعیاد و مجالس فاتحه خطبه می خواند و جهت بسیاری از علماء و بزرگان اصفهان مادّه تاریخ گفته [بود.] طبع شعر روانی داشت. اشعار مصیبت زیادی سروده است. [خط نستعلیق را خوب می نوشت. معلم خط مدرسه قدسیه بود. نمونه خط او در سر درب مدرسه صدر بازار و مسجد رکن الملک و سر درب آب انبار کازرونی تخت فولاد موجود است. او در خط شاگرد عبدالرحیم افسر و فتح اللّه جلالی است.]

او در سه شنبه ۲۱ ربیع الاوّل ۱۳۵۹ق [مطابق با ۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ش] وفات یافته و جنب آب انبار کازرونی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

اشعارش حدود سه هزار بیت است. این شعر از اوست:

معراج علی فراز او اَدنی شد در خم چو به دست مصطفی بالا شد

قوسین ز قامت نبی بیش نبود ره طی شد و او بر افق اعلی شد(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۰؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۶؛ دیوان طرب، ص۸۰؛ احوال و آثار خوشنویسان، ص۳۶۸؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۳۲۲؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، صص ۳۸۳ و ۳۹۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۲۳۶؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ گلزار مقدّس، صص ۳۱۹-۳۵۱.

میرزا عبدالجواد شیخ الاسلامی

آقا میرزا عبـدالجواد شـیخ الاسـلامی بن حاج میرزا علی [بن میرزا محمّـدرحیم بن میرزا عبـداللّه بن میرزا محمّـدرحیم بن میرزا مرتضـی بن شـیخ عبدالمطلب بن میرزا محمّدرحیم شـیخ الاسـلام بن ملاّ محمّدجعفر شـریف سبزواری بن ملاّ محمّدباقر محقّق سبزواری]، عـالم فاضـل و ادیب کامل [از علمای اصـفهان در قرن چهاردهم هجری] در اصـفهان متولّـد و هم در این شـهر نزد علماء تحصیل کرده [بود] عالمی خلیق و مهربان و دوستدار علماء بود.

نویسـنده مکرّر ایشان را شب ها در مسـجد سـیّد حجه الاسـلام مشاهده و ملاقات می کردم که با مرحوم ملاّ شیخ محمود مفید گاهی به مباحثات علمی اشتغال می جست و مرحوم مفید به او احترام می گذاشت. او داماد عموی خود بوده [است.(۱)]

[وی در ۱۴ رجب ۱۳۷۴ق وفات یافته و در صـحن تکیه بروجردی در تخت فولاد اصـفهان مـدفون شـد. مؤلف فقیـد، به خطا مزارش را در تکیه ریزی نوشته است.(۲)]

میرزا عبدالجواد حکیم

میرزا عبـدالجواد حکیمی فرزند ملاّ علی (معروف به «آخوند شـیخی») پدرش از شـیخیه خراسان بوده که به امر حاج میرزا باقر قهی، جانشین حاج محمّدکریم خان، به نائین آمده و میرزا عبدالجواد در آنجا متولّد شد.

او در نائین و اصفهان تحصیل کرده و بالاخره در پوده از دهات سمیرم ریاست شیخیه آن حدود را داشته و در سال ۱۳۳۲ش به سن هفتاد سالگی در آنجا وفات

۱- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص ۱۸۱.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ بوستان فضیلت، ص ۲۶۹.

یافت.(۱)

حاج ملّا عبدالجواد آدینه ای

حاج ملّا عبدالجواد (یا محمّدجواد) آدینه ای [فرزند حاجی ملّا محمّدعلی (مدعو به حاجی آدینه) معروف به «نیلفروش» و «رنّاسی»] حکیم فقید زاهد [از علماء و حکمای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه.]

از مبرّزین شاگردان جهانگیرخان قشقائی بوده و خود از مدرسین حکمت در اصفهان می باشد. در مدرسه صدر تدریس می فرمود و جمعی کثیر از محضرش مستفیض می شدند. [از جمله: استاد مهدی حجازی فروشانی، شیخ محمّدعلی کرمانی، شیخ محمّدرضا جرقویه ای (دستگردی) ، شیخ محمّدرضا جرقویه ای (حسین آبادی) ، میرزا محمّد طبیب زاده، میرزا حسن خان جابری انصاری، آقا سیّد روح اللّه کشفی، حاج میرزا فتح اللّه درب امامی و استاد جلال الدّین همائی] سرانجام در رجب ۱۳۳۹ق وفات یافته و در تکیه آقا شیخ مرتضی ریزی در اطاق سوم مدفون گردید. در ماه رجب این سال سه عالم بزرگوار از علمای اصفهان: حاج ملّا عبدالجواد آدینه ای، آقا جمال الدّین چهارسوقی و حاج میرزا محمّدرضا رضوی خوانساری وفات یافتند. حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در مادّه تاریخ آنها گفت:

تاریخ گفت «جابری» از نصّ خبر: «اینک عجب سه ثلمه باسلام در رجب»(۲)

[استاد همایی در وصف مرحوم آدینه ای می نویسد: «از اساتید معقول و ریاضیات که

۱- تاریخ نائین، ج۴، ص۱۱۵.
۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۴۵۹ و ۴۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۴، تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۴۷۵؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۳۲۷؛ نقباء البشر، ص۳۱۶.

در محاورات او را حاجی ملّا جواد می گفتند وی در تدریس سلیقه ای بسیار خوب مستحسن داشت. مطالب را بسیار منقّح و خالی از حشو زواید بیان می فرمود. متون معقول و منقول مثل «شرح منظومه» و «شرح کبیر» و «قوانین» و احیانا «شرح نفیسی» و هیأت و نجوم را تدریس می کرد. خطی پخته و شیرین می نوشت و بیشتر کتب درسی خود را با همان خط خویش تحشیه کرده بود. من بخشی از «شرح منظومه» و «شرح کبیر» فقه و یک دوره کامل فنّ نجوم و «معرفه التّقویم» را از روی متن کتاب خاتون آبادی نزد آن بزرگوار تحصیل کردم. محلّ تدریس و امامت جماعت او مسجد ذوالفقار بود. کتاب خاتون آبادی را هم در ماه رمضان بعد از نماز ظهر و عصر در همان مسجد برای ما تدریس می کرد. هنوز قیافه باوقار و صدای دلنشین او در چشم و گوش من است».(۱)

علاوه بر فضائل و مکارم علمی و اخلاقی در خوشنویسی نیز دستی توانا داشته و خط نسخ را خوش می نوشته است.

از نمونه آثار مرحوم آدینه ای «میزان الحساب» قوشچی و «حاشیه حاشیه تهذیب» تألیف: علیرضا تجلّی اردکانی است که آن را در سال ۱۲۹۲ق به خط شکسته نستعلیق کتابت کرده و ضمن مجموعه شماره ۶۳۱۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران نگهداری می شود.(۲)]

ملّا عبدالجواد خراسانی

آخوند ملاّـ عبدالجواد مدرس خراسانی فرزند ملاّ محمّدعلی بن ملاّ احمد تونی خراسانی، از علماء و مدرّسین حکمت در اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] از خراسان

۱- همائی نامه، ص۲۲.

۲- فهرست مجلس، ج۱۹، ص۲۹۹.

به اصـفهان آمده [و در مدرسه شاهزاده ها ساکن شده] و نزد آخوند ملاّ علی نوری و جمعی دیگر از علماء و حکماء [از جمله حاج محمّد ابراهیم کلباسی و شیخ محمّدتقی رازی صاحب حاشیه(۱)] تحصیل نموده و به قول مؤلّف «المـآثر و الآثار»: «در فقه، اصول، طب، ریاضیات و ادبیّات جمله مهارت کلّی و تَدَرُّبی عظیم داشت.»(۲)

سـال هـا در اصـفهان به تـدریس حکمت، ریاضـیات و طب مشـغول بوده [و جمعی کثیر از علماء و حکماء از جمله: میرزا علی انصاری، میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا عبدالحمیـد فریـدنی، میرزا محمّدحسـین عنقای شـیرازی اصـفهانی، ملاّ حیـدرعلی صبّاغ لنجانی، آخونـد ملاّ محمّد کاشـی، میرزا محمّدباقر حکیم باشـی، شـیخ فتح اللّه شـریعت اصـفهانی، میرزا عبدالباقی پاقلعه ای و سیّد شهاب الدّین نحوی نزد او تحصیل کرده اند.(۳)

«گوبینو» وزیرمختـار فرانسه در ایران دربـاره او می نویسـد: «از قراری که می گوینـد در اصول علمی نیز ورزیـده است و تار را خوب می نوازد، ولی نظر به این که دین اسلام این کار را حرام دانسته، تاکنون کسی تار زدن او را ندیده است.»(۴)]

سرانجام در غرّه صـفر ۱۲۸۱ق وفات یافت.(۵) میرزا علی جـابری انصـاری این مصـرع را مادّه تاریـخ فوت او یافته است: «مات الجواد و مات العلم و العمل»(۶)

۱- الکرام البرره، ج۲، صص ۷۰۲ و ۷۰۳.

۲- چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۴۸.

۳- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

۴- سه سال در آسیا، ص۴۲۷.

۵- رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۸۶؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۱۴۵؛ الاصـفهان: رجال و مشاهیر، صـص ۲۱۰-۲۱۲؛ الکرام البرره، ج۲، صص ۷۰۲ و ۷۰۳؛ مکارم الآثار، ج۷، ص ۲۳۵۵.

۶- تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۲۸۷.

عبدالجواد اختر زفره ای

عبـدالجواد زفره ای فرزند ملاّ محمّدعلی رجاء بن حسن زِفرِه ای کوهپائی اصـفهانی، شاعر ادیب متخلّص به «اختر» [از شـعرای اوایل قرن چهاردهم هجری.]

در ۲۵ رمضان ۱۳۱۶ق در قریه «زِفرِه» متولّـد شـده و نزد پـدر دانشـمند خود علم و ادب آموخته و در نوجوانی لب به سـرودن اشعار گشود. اما در جوانی در ۱۷ ربیع الاوّل ۱۳۴۳ق وفات یافته و در قبرستان زِفرِه مدفون شد.(۱)

حاج میرزا عبدالجواد نوری

حـاج میرزا عبـدالجواد بن حـاج ملاّـ محمّـدعلی نـوری، عـالم فاضـل و فقیه محقّق، معروف به «شـیخ العلمـاء» وی دامـاد حـاج محمّدابراهیم کلباسی بوده و نزد سیّد محمّد شهشهانی [و آقا محمّدمهدی کلباسی، حاج محمّدجعفر آباده ای و شیخ محمّدباقر نجفی] به تحصـیل پرداخته و پس از آن مرجع حل مشکلات مردم و رفع خصومات و مرافعات بوده است. اهل زهد و عبادت و تَهَجُّد بوده و کراماتی به او منسوب است. مسـجد دروازه نو اصـفهان به همت او بنیاد شد و او و فرزندان و نوادگانش تا اواسط قرن چهاردهم هجری در آن مسـجد اقامه جماعت می نمودند. او عمر طولانی یافته و بسیار پیر و معمّر شده و سرانجام در شب سه شنبه ۲۰ شوال المکرّم ۱۳۲۳ق وفات یافت و در بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «رساله فقه استدلالی»۲. «رساله در نمازهای مستحبّی»۳. «رساله عملیّه»

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۰؛ منتخبات اشعار رجاء، ج۲، ص۸۹.

۴. «رساله در نماز شب» مطبوع۵. «رساله در صلاه»۶. «رساله در نکاح»۷. «رساله در تجارت»۸. «کتابی در اصول» و غیره.(۱)

عبدالجواد

عبدالجواد بن عنایت اللّه [از علمای گمنام اصفهان در قرن یازدهم هجری] از جمله علمایی است که صیغه وقفیّت مدرسه نوریّه در حضور او اجراء گردیده و مشارٌ الیه وقفنامه را تسجیل نموده است.(۲)

ملاّ عبدالجواد بن محسن

آخوند ملاّ- عبدالجواد بن ملاّ- محسن بن ملاّ- عبدالصمّد، از علمای اصفهان در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری. متوفی در ۲۲ جمادی الثّانی سال ۱۳۱۷ق. مدفون در نزدیکی مزار ملاّ اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان.(۳)

حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی

حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی فرزند ملاّ محمّد، از علمای معاصر اصفهان در سال ۱۳۲۳ق در سده ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شد، پدرش و اجدادش از علمای آن

۱- ریحانه الادب، ج۶، ص ۲۶۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۵؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، صص ۶۵ و ۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۴ و ۳۹۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳؛ خاندان کلباسی، ص۱۴۴.

۲- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۱۰۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۶۳ و ۸۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵؛ بزم معرفت، ص۳۱۶.

سامان بوده و از اعقاب شیخ علی کرکی (محقّق ثانی) به شمار می رفته اند.

او در سده و اصفهان نزد شیخ محمّدرضا رهنانی، شیخ محمّدرضا جرقویه ای، حاج میرزا علی آقا شیرازی، جلال الدّین همایی، حاج آقا رحیم ارباب، شیخ علی مدرس یزدی، شیخ محمود مفید، حاج سیّد علی مجتهد نجف آبادی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، میرزا احمد مدرس اصفهانی و سیّد مهدی درچه ای به تحصیل پرداخت سپس به قم رفته و در درس خارج حضرات آیات حائری یزدی، سیّد محمّد حجّت، سیّد محمّدتقی خوانساری، صدر، بروجردی و شیخ محمّدعلی اراکی شرکت کرد و به اجتهاد نائل آمد. در سال ۱۳۳۵ش به امر آیت اللّه بروجردی جهت تبلیغ دین و ترویج احکام شرعی به همراه حاج آقا امام سدهی و شیخ عطاءاللّه اشرفی اصفهانی به کرمانشاه رفت. چندی بعد به قم مراجعت نموده و سال ها به تدریس فقه و اصول مشغول بود و علاوه بر آن از اصحاب استفتاء آیت اللّه گلپایگانی به شمار می رفت.

او عالمی وارسته و خلیق و مهربان بود و عمر را به قناعت و زهد گذراند. [به همت او مسجد جامع ورنوسفادران سِدِه بازسازی شده و حسینیه ای جهت زائرین سِدِه (خمینی شهر) در مشهد مقدس بنا شد.]

سرانجام او در فروردین ۱۳۶۸ش وفات یافت.(۱)

میرزا عبدالجواد رجالی

میرزا عبدالجواد فرزند ملّا محمّد رجالی [از خوشنویسان و نقاشان هنرمند اوایل قرن چهاردهم هجری قمری] عمده شهرتش در نقاشی است. از آثارش اطاق نقاشی

۱- آثار الحجه، ج۱، ص۱۵۲ و ج۲، ص۹۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۷۵ و ج۷، ص۳۵۲؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ روزنامه اطلاعات، مورخ ۲۸ فروردین ۱۳۶۸ش؛ آینه داران حقیقت، ج۱، صص ۱۱۱-۱۲۵.

وزارت آموزش و پرورش در طهران است. مشارٌ الیه پدر خطاط هنرمند اسداللّه رجالی است.(۱)

[از اساتید طراحی و نقشبندی بوده که برای قالی و پارچه های منقّش و کاشیکاری و غیره نقوش و تصاویر رسم می کرده و نمونه کارهای سوزن زده او چند قطعه در تملّک استاد همایی بوده است. او در حجرات فوقانی مسجد سیّد بیدآباد همه روزه به تعلیم خط و طرح نقشه ها اشتغال داشته و در حدود ۱۳۴۰ق فوت نموده و در مقبره سر قبر آقای اصفهان دفن شده است و اکنون آثاری از قبر او باقی نیست.(۲)]

میرزا عبدالجواد کلباسی

حاج میرزا عبدالجواد کلباسی بن آقا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل جلیل [از علمای اواخر دوره قاجاریه در اصفهان.]

نزد پدر خود و جمعی دیگر از علماء تحصیل نموده [و در نجف اشرف نزد مجتهدین و مراجع عالیقدر به تکمیل تحصیلات خود پرداخته و از جمله از ملاّ محمّد ایروانی اجازه دریافت نموده است.] و پس از فوت پدر در مسجد حکیم امامت نموده است.

مادرش دختر حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی است.(۳) او در ایام تحصیل نزد پدر کتاب «تذهیب الاصول» در شرح «تهذیب الاصول» علاّمه حلّی را در ۲۹ شعبان ۱۲۷۸ق تألیف نموده است، نسخه ای از آن که احتمالاً نسخه اصل می باشد و حواشی مؤلف به تاریخ ۲۵ محرم ۱۲۸۱ق در آن مشهود است به شماره ۷۰۹ در کتابخانه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۳؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ مزارات اصفهان، ص۶۹؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۰۲۵؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۴۷۹.

مدرسه فیضیه قم وجود دارد.(۱) [و نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

از دیگر تألیفات صاحب عنوان «منور العیون» است و آن شرح مزجی بر کتاب «عیون الاصول» پدرش است و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۳) نسخه دیگری از آن به خط مؤلف در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۴)]

وی در سال ۱۳۱۴ق وفات نموده و نزد پدر و جدّش در مقبره حاجی کلباسی [مقابل در شرقی مسجد حکیم اصفهان] مدفون شد.

حاج میرزا عبدالجواد کلباسی

حاج میرزا عبدالجواد بن حاج میرزا محمّدهاشم بن میرزا عبدالجواد بن میرزا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل [از علمای قرن چهاردهم هجری.]

مادرش صبیّه حاج شیخ محمّدعلی ثقه الاسلام نجفی است. در ماه رمضان ۱۳۱۹ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخت. او از زمره مردانی بود که زندگانیش را به عبادت خالق و خدمت به مخلوق گذرانید و در حقیقت پشت و پناه مردم و درصدد کمک و یاری آنها و رفع گرفتاری از مسلمان ها بود.

او نماز جماعت را در مسجد حکیم اقامه می نمود. سرانجام در روز شنبه ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ق در اثر حادثه تصادف ماشین در بین راه اصفهان و قم وفات یافت.

۱- الذریعه، ج۴، ص۵۳.

۲- فهرست فیضیه (استادی) ، ج۱، ص۴۳.

۳- خاندان کلباسی، ص۱۵۶؛ فهرست مرعشی، ج۲۱، ص۲۸۸.

۴- فهرست صدر بازار، ج۱، صص ۱۴۷-۱۴۹.

جنازه در اصفهان تشییع شده و به قم منتقل و در یکی از حجره های صحن مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم مدفون شد. [شاعر گرانمایه استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ فوتش را چنین سروده است:

بهر تاریخ وفاتش مصرعی برنا نوشت: «از جهان رفت در جمادی میرزا عبدالجواد»]

۱۳۸۷

از آثارش کتابی به نام «منهاج السالکین» در آداب حج و زیارت مدینه منوّره به طبع رسیده است.(۱)

میرزا عبدالجواد شهشهانی

میرزا عبدالجواد حسینی شهشهانی، فاضل خطاط و ادیب قرن چهاردهم هجری در اصفهان است و عدّه ای از فضلاء نزد او مشق کرده اند که از آن جمله است حاج میرزا علیرضا نیّری طباطبائی زوّاره ای.(۲)

از آثار مرحوم شهشهانی:

۱. کتابت نسخه ای از کتاب «تاریخ آسیای وسطی» تألیف: فرنسیس هنری اسکرین و ادوارد نیس راس، معلّمین زبان فارسی در دارالعلوم لندن (به زبان انگلیسی) در دو مُجلّد. جلد اوّل: ترجمه محمّدحسن بن یوسف آشتیانی به امر ظل السّلطان در ربیع الثانی ۱۳۲۱ق و جلد دوم ترجمه میرزا احمدخان سرتیپ در ذیحجه ۱۳۲۰ق، موجود در کتابخانه عمومی اصفهان.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۵۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۲۲۹؛ خاندان کلباسی، صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ تربت پاکان قم، ج۲، صص ۱۹۹ و ۲۰۰.

۲- آتشکده اردستان، ج۳، ص۵۸۶.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۷.

۲. «منتخبات مسعودی» تألیف طغرل اصفهانی که در اواخر ذیقعده ۱۳۱۳ق به خط نستعلیق خوش نوشته و در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

[۳. «تذکره الاولیاء» عطار نیشابوری، که به خط نستعلیق خوش در سال ۱۳۱۵ق کتابت شده و به شماره ۵۹۶۸ در کتابخانه ملی ملك در تهران وجود دارد.(۲)]

میرزا عبدالجواد شیرازی*

میرزا عبدالجواد شیرازی، عالم فاضل و عارف کامل از بزرگان حکمت و عرفان در قرن سیزدهم هجری.

در اصفهان ساکن بود و نزد آقا محمّد بیدآبادی و ملاّ علی نوری کسب فیض نمود. وی در اصفهان سال ها به تدریس عرفان مشغول بود و آقا محمّدرضا قمشه ای (حکیم صهبا) از دست پروردگان مجلس درس و بحث اوست.(۳)

حاج میرزا عبدالجواد مشکی

حاج میرزا عبدالجواد مشکی تاجر اصفهانی، ساکن مصر مؤلف کتاب «العدل الشاهد فی تاریخ المشاهد» مطبوع.(۴)

خاندان مشکی اصفهان، از تجار خوشنام و معتبر اصفهان بوده و به نیکوکاری و دیانت معروف بوده اند.

عبدالحاکم ثقفی

ابوطاهر عبدالحاکم بن ظفر بن احمد بن محمّد بن احمد بن محمود ثقفی جوهری

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۵۹.

۲- فهرست ملك، ج۲، ص۱۱۹.

۳- آشنای حق، ص۴۲؛ حکیم متألّه بیدآبادی، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۴- الذریعه، ج۱۵، ص۲۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۶۱.

البیع اصـفهانی [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری] از خاندان علم و حدیث بوده و از ابوالخیر محمّد بن احمد بن عبداللّه بن هارون بن رزاء و ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و غیر آنان حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.

فوت [او] روز سه شنبه سلخ شعبان ۵۶۴ق(۱) [واقع شد.]

سیّد عبدالحجّه بلاغی

سیّد عبدالحجّه بلاغی نائینی فرزند سیّد حسن بن سیّد محمّدباقر بن سیّد محمّدتقی بن میر صدرالدّین حسینی عریضی، عالم فاضل محقّق و شاعر ادیب عارف [از نویسندگان و دانشمندان معاصر.]

در سال ۱۳۱۳ق در نائین متولّد شده و در نائین نزد میرزا محمّدباقر خان ادیب، حاج ملّا حسن نائینی، میرزا محمّدحسین بن میرزا عبدالمحمّد نائینی، ملّا محمّدرضا، مولی علی محمّد معروف به سیّد صالح، میرزا محمّد بن ابوطالب نظام العلماء و میرزا محمّد بن محمّدعلی مشعل العلماء تحصیل کرد.

آنگاه به اصفهان آمده و نزد آقا میرزا احمد مدرّس، آقا شیخ محمّدجواد فریدنی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی، حاج آقا نوراللّه نجفی، [شیخ حسن دشتکی و شیخ فضل اللّه اعضادی خوانساری] تلمّذ نمود و در قم نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. همچنین از حضرات آیات شیخ آقابزرگ طهرانی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّدباقر زند کرمانی، حاج شیخ محمّدحسین کاشف الغطاء، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی، آقا صدرالدّین صدر و آقا سیّد محمّدحجّت کوهکمری اجازه دریافت نمود.

سپس در طهران به خدمت شمس العرفاء رسید و بعدا به خدمت حاج ذوالریاستین

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۰۶.

وارد شـد و از آنـان اجازه ارشاد و دسـتگیری یافت [و لقب «حجت علی شاه» گرفت.] و پس از فوت ذوالریاستین خود را قطب سلسله نعمت الهی معرّفی نمود.

[او در طهران در سال ۱۳۰۹ش روزنامه «جامع» را منتشـر کرد و مدّتی بعد به اسـتخدم اداره ثبت درآمد. بلاغی در فقه، اصول، ادبیـات، تفسیر، عرفـان، حـدیث و تاریـخ مهـارتی به سـزا داشت.] و سـرانجام در دوشـنبه ۴ صـفر ۱۳۹۷ق [مطـابق با ۴ بهمن ۱۳۵۵ش] وفات یافته و در [قبرسـتان باغ بهشت] قم مـدفون شد. شـعر می سـرود و گاهی «حجت» و گاهی «بلاغی» تخلّص می کرد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «الاسـرار الالهیه فی الاذکار و الاوراد و الادعیه السّرِیّه»]۲. «انساب خانـدان های مردم نائین»۳. «تاریـخ طهران» در ۲ جلد۴. «تاریـخ مختصـر پیامبران اولوالعزم» در ۲ جلد۵. «تاریخ مقابر اصـفهان»۶. «تاریخ نائین»۷. «مـدینه العرفاء» در ۲ جلد۷. «تاریخ نجف اشـرف و حیره» در ۲ جلد۸. «تاریخ و جغرافیای کاشمر» [۹. «ترجمه صحیفه سجادیه»]۱۰. «تفسیر قرآن» موسوم به «حجه التفاسیر» به فارسی در چندین جلد شامل سوره های حمد و بقره ۱۱. «دیوان اشعار» [۱۲. «رساله شعریه» در جبر و تفویض] ۱۳. «زندگانی علی بن سـهل اصفهانی» [۱۴. «شطرنج العرفاء» در ۵ جلد[۱۵. «تاریخ فرهنگ نائین» ۱۶. «فرهنگ سمات» در شرح دعای سمات [۱۷. «کشکول بلاغی» ۱۸. «گلزار بلاغی» ۱۹. «گل نرگس» درباره حضرت نرجس خاتون مادر امام زمان (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف)] ۲۰. «مقالات الحنفاء فی مقامات شمس العرفاء» ۲۱. «مقامات العرفاء یا زندگانی شمس العرفاء» ۲۲. «مقلاد الرّشاد فی المؤنثات السّماعیه و الاضداد» [۲۴. «نقد الروضات»(۱)]

۱- رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور: مقـدمه؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۲، صـص ۳۲۴-۳۲۶؛ تذکره شـعرای معاصر اصـفهان، صص ۹۳ و ۹۴؛ تربـت پاکـان قم، ج۲، صـص ۲۰۲-۲۰۵؛ تـذکره سـخنوران نائین، صـص ۴۳ و ۴۴؛ سیمای نائین، ص۱۴۸؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، ص۱۶۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۷۱۵؛ نائین بلده طیّبه، صص ۵۵ و ۵۶؛ نادره کاران، ص۳۷۳.

سیّد عبدالحسیب علوی عاملی

سیِّد محمّـد عبدالحسیب بن میر کمال الدّین احمد بن زین العابدین علوی حسینی عاملی، عالم فاضل محقّق کثیر التألیف. [از علمای قرن یازدهم و دوازدهم هجری] مادرش دختر میرداماد است.

در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخته و مدتی امام جماعت مسجد شاه [مسجد امام فعلی] بوده است. در فقه، اصول، حدیث، تفسیر، ادبیات و حکمت مهارت داشته و عالمی عابد و زاهد و مقدس بوده و در سال ۱۱۲۱ق وفات یافته و در تخت فولاد (تکیه آقا سیّد رضی شیرازی) مدفون گردید. آثار قبر اکنون ظاهر نیست. سجع مهر او: «ان اللّه کان علی کلّ شیئٍ حسیبا» است.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رساله در ارث» که در ۲۸ رجب ۱۰۶۰ق تألیف شده و نسخه ای از آن ضمن مجموعه شماره ۶۶۷۶۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲) [۲. «ترجمه الصّلاه» به فارسی در ۹ معرفت که در سال ۱۰۸۵ق کتابت شده و در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۳)] ۳. «تقدیس الانبیاء و تمجید الاولیاء» درباره عصمت پیامبران و ائمه علیهم السلام که نسخه آن به شماره ۳۵۳ در کتابخانه مرکزی

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۵؛ یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۲۹ و ۳۰؛ تکمله امل الآمل، ص۲۵۳؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۱۹۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۴۴.

۳- فهرست خطی احیاء، ج۵، ص۱۷۳.

دانشگاه طهران موجود است.(۱) ۴. «الجواهر المنثوره فی الادعیه المأثوره»، به عربی که نسخه ای از آن در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد(۲) و نسخه ای دیگر به شماره ۱۱۸۹۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس(۳) و نسخه ای هم در کتابخانه آیت اللّه سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۴) ۵. «حواشی بر الهیات شفا» ۶. «سدره المنتهی و العطیه العظمی»، در اصول دین، به فارسی که به روش عرفانی در سال ۱۰۶۲ق برای عبداللّه قطبشاه نوشته است. نسخه ای از آن به شماره ۶۶۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۵) یک میکروفیلم از آن نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران وجود دارد(۶) در کتابخانه فاضل خوانساری در خوانسار نیز نسخه ای موجود است و نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم وجود دارد.(۷) این کتاب به چاپ رسیده است. ۷. «شرح دعای سیفی» که نسخه ای از آن نزد سیّد جمال الدّین میردامادی موجود است.(۸) ۸. «شرح دعای صباح» ۹. «صراط الزاهدین» ۱۰. «عرش الایمان فی شرح تقویم الایمان» که به شماره ۶۲۲۸۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۹) ۱۱. «عرش سماء التّوفیق» تفسیری است به فارسی که تألیف آن در سه شنبه ۱۵ رجب ۱۰۶۹ق آغاز شده است. نسخه ای از جلد اوّل آن (از آغاز تا آخر سوره بقره) در کتابخانه مدرسه بروجردی کرمانشاه و نسخه عکسی آن در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است.(۱۰) نسخه ای

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۳، ص۵۶۹.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۲۵۵.

۳- فهرست الفبایی رضوی، ص۱۷۸.

۴- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۵۴.

۵- فهرست الفبائی رضوی، ص۳۰۳.

۶- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۱۱۷.

۷- فهرست عکسی احیاء، ج۱، ص۳۳۴.

۸- لطائف غیبیّه: مقدمه.

۹- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۲۹۱.

۱۰- فهرست عکسی احیاء، ج۵، صص ۲۲۳ و ۲۲۴.

نیز نزد آیت اللّه روضاتی در اصفهان و نسخه ای دیگر در موزه بریتانیا وجود دارد.(۱) ۱۲. «غوامض الصلاه» به فارسی، در فقه که در سال ۱۰۶۱ق تألیف شده و نسخه آن به شماره ۸۶۹۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲) ۱۳. «الفرائض» که نسخه ای از آن در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۳) ۱۴. «الفطره الملکوتیه فی شرح الاثنی عشریه» متن از شیخ بهائی است و شامل طهاره و صلاه می باشد. سیّد عبدالحسیب آن را در سال ۱۰۵۸ق تألیف کرده است، نسخه ی از آن به شماره ۵۱۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران و میکروفیلم آن نیز در همان دانشگاه موجود است.(۴) نسخه ای دیگر نیز به شماره ۲۷۹۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس وجود دارد.(۵) ۱۵. «قواعد السّلاطین» که در جمعه ۲۸ ربیع الثانی ۱۰۸۱ق به نام شاه سلیمان تألیف شده و نسخه اصل آن در کتابخانه مجلس شورای ملّی و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۶) ۱۶. «الکبائر» به فارسی که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۷) ۱۷. «مسلك النجاه» ۱۸. «مناهج الشارعین» در اعتقادات و اخلاق، به فارسی که در سال ۱۰۶۸ق تألیف شده که نسخه ای از آن به شماره ۵۱۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران(۸) و نسخه ای در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی(۹) و نسخه ای دیگر به شماره ۲۲۴ در کتابخانه آقا میرزا محمّد کاظمینی در یزد(۱۰) و بالاخره نسخه ای به شماره ۳۱۴ در کتابخانه مسجد اعظم قم

۱- ادبیات فارسی (استوری) ، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲- فهرست الفبائی رضوی، ص ۴۲۱.

۳- فهرست گوهرشاد، ص ۳۵۸.

۴- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج ۲، ص ۱۳۸.

۵- فهرست الفبائی رضوی، ص ۷۳۵.

۶- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج ۲، ص ۱۴۵.

۷- فهرست مرعشی، ج ۲۵، ص ۳.

۸- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۵، ص ۱۵۷۲.

۹- فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۶، ص ۶۳۴.

۱۰- فهرست کاظمینی، ج ۱، ص ۱۹۳.

موجود است.(۱) ۱۹. «مخزن الدّعوات» به فارسی، که نسخه ای از آن به شماره ۶۰۲۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

میر عبدالحسین اصفهانی

میر عبدالحسین اصفهانی، عالم عامل [از علمای قرن یازدهم هجری.] مدرسه سمیعیه (یا مدرسه ملّا محمّدباقر) در مشهد مقدس به سال ۱۰۸۳ق به اهتمام وی بنا شده است.(۳)

عبدالحسین اصفهانی

عبدالحسین اصفهانی، از خطاطین قرن سیزدهم هجری بوده و آثاری چند به خط نستعلیق نوشته که از آن جمله است:

۱. «برهان قاطع» که در سال ۱۲۲۷ق به خط نستعلیق آن را نوشته و به شماره ۸۱۶ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران موجود است.(۴) ۲. حواشی «قرآن مجید» به خط شکسته در سال ۱۲۴۱ق که او آن را نوشته و در کتابخانه عمومی فرهنگ در طهران موجود است.(۵) ۳. «تریاق اعظم» تألیف: عبدالکریم بن عبدالعلی گیلانی، که آن را در یکشنبه ۶ ذی الحجه ۱۲۵۰ق کتابت کرده و به شماره ۷۱۵۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۶) ۴. «دیوان حافظ» که به خط نستعلیق نوشته و به شماره ۵۱۴۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران است.(۷)

۱- فهرست اعظم قم، ص۳۸۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۳۳.

۳- اعیان الشیعه، ج ۴۱، ص۱۱۲.

۴- فهرست کتابخانه معارف، ص۵.

۵- فهرست سپهسالار، ج۲، ص۱۶۴.

۶- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۲۹۵.

۷- فهرست دانشگاه، ج۱۵، ص۴۱۲۳.

عبدالحسین احمدی بختیاری

عبدالحسین احمدی فرزند ابوالفتح خان احمد خسروی بختیاری [از شعرای معاصر] در سال ۱۳۲۱ق متولّد شده و در بختیاری و اصفهان و طهران کسب فضائل و معلومات کرده وارد خدمات دولتی شد [نخست با سمت مترجمی در وزارت دارایی و سپس دادگستری به خدمت مشغول شد و به مقام مستشاری دیوان عالی کشور رسید.] دیوان اشعاری دارد حاوی چندین هزار بیت از غزل و قصیده، رباعی و مثنوی که به طبع نرسیده و عموما دارای مضامین عالی است.(۱)

[به زبان های فرانسوی و انگلیسی مسلط بود و در جوانی به ترجمه آثار نویسندگان بزرگ خارجی پرداخت. ترجمه بخشی از اشعار لامارتین و آثاری از راسین و کرنی، نویسندگان کلاسیک فرانسه و همچنین ترجمه «شاتو دو شیفیون» از اوست. اشعارش در مجلّات ارمغان و مهر در تهران به چاپ می رسید. او سرانجام در پایان اسفندماه ۱۳۶۱ش در تهران درگذشت.(۲)] این بیت از اوست:

گر لب جانانه جانفزاست چرا جان در عوض بوسه خواهد او به غدامت

حاج میرزا عبدالحسین نوری

حاج میرزا عبدالحسین بن میرزا ابوالقاسم نوری، عالم فاضل و واعظ کامل [در اواخر دوره قاجاریه] در ۱۰ رجب ۱۳۳۵ق ق وفات یافته و در تخت فولاد [تکیه شهشهانی] مدفون گردید.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۵.

۲- فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۲۷؛ نادره کاران، ص۵۱۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۴.

سیّد عبدالحسین نیسان اصفهانی

سیّد عبدالحسین شهشهانی اصفهانی متخلّص به «نیسان» [فرزند میرزا ابوالقاسم بن محمّد]؛ عالم فاضل، مجتهد اصولی، شاعر و ادیب عارف [از دانشمندان معاصر در سال ۱۲۶۹ق در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف رفت و نزد مجتهدین و مراجع عظام آن دیار تحصیل کرد. او بعد از مراجعت به ایران در مشهد مقدس ساکن شد [و روزنامه «ادب» را انتشار داد. سپس به هند رفته و به سیاحت پرداخت و «سیر تمدن» را در روزنامه «حبل المتین» به چاپ رسانید] در دور اوّل انتخابات مجلس شورای ملّی، از خراسان به عنوان نماینده ملّت در مجلس شرکت نمود. [بعد از به توپ بسته شدن مجلس ابتدا به مشهد] و سپس همدان رفت. در آنجا دست ارادت به سیّد محمّد غمام همدانی داد. شعر نیز می سرود [و در انجمن های ادبی همدان حضور داشت.

او سرانجام در سال ۱۳۵۵ق در همدان وفات یافته و در قبرستان عمومی آنجا مدفون شد.

از اوست:

نبودی عاشقان را زندگانی نبود از جلوه های گاه گاهش

خوش آن بخت سفید و رای روشن که شد مفتون چشمان سیاهش(۱)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۴؛ نقباء البشر، ص۱۰۲۸، مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳؛ اثرآفرینان، ج۳، ص۳۸۷؛ بزرگان و سخن سرایان همدان، ج۲، ص۴۱۴؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، صص ۳۷۸۲-۳۷۸۵؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۴۲؛ دانشنامه الفت، ص۱۳.

عبدالحسین اصفهانی

عبدالحسین بن احمد اصفهانی، از مردم قرن نهم هجری. مؤلّف کتاب «البثاء» در موسیقی. نسخه خطی آن به شماره ۱۳۲ در کتابخانه بودلیان موجود است. عکس یکی از نقوش کتاب نامبرده (کرنا و نقاره) در کتاب «تاریخ موسیقی نظامی ایران» موجود است.(۱)

عبدالحسین خیام باشی

عبدالحسین خیام باشی فرزند احمد [از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۳۱۴ش در اصفهان متولّد گردیده است. او طبع روانی داشته و گاهی بر حسب اقتضای حال اشعاری می سروده است.(۲)

عبدالحسین خاکسار*

عبدالحسین خاکسار اصفهانی متخلّص به «خاکی» فرزند اسماعیل از شعرای معاصر اصفهان در دی ماه ۱۳۲۹ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی متوسطه را در این شهر گذراند و به استخدام دانشگاه اصفهان درآمد. از نوجوانی ذوق شعر و ادب داشت و با پدرش به انجمن های ادبی می رفت. این چند بیت از یک مثنوی او انتخاب شد:

ساقیا بشنو از این دل نای من ماجرای امشب و فردای من

ساغر من هستی من جام توست این دل دیوانه ام در دام توست

ساقیا مستم کن از جام الست تا شوم با جرعه ای مِی مستِ مست(۳)

۱- تاریخ موسیقی نظامی ایران، ص ۴۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۸۳.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۲۴۷.

میر عبدالحسین خاتون آبادی

میر عبدالحسین خاتون آبادی فرزند میر محمّدباقر بن میر محمّداسماعیل (شاه مراد) بن میر عمادالدّین محمّد حسینی افطسی خاتون آبادی اصفهانی [از علمای قرن یازدهم هجری] علاّمه جلیل، محدّث، مفّسر مورّخ نسابه. از شاگردان ملاّ محمّدتقی مجلسی و ملاّ محمّدباقر سبزواری است. در شعبان ۱۰۳۷ق متولّد و در ۱۰۹۷ق یا ۱۱۰۰ وفات یافته، در مزار بابا رکن الدّین مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱. «شرح بر شاطبیه» در علم تجوید۲. «شرح بر شافیه» ابن حاجب۳. «وقایع السّنین و الاعوام» که مشهورترین تألیفات اوست.(۱) ۳. «ترجمه حقائق الایمان» که در سال ۱۰۹۸ق ترجمه شده و در کتابخانه حقیر [مهدوی] موجود است.

[مطابق نوشته خود صاحب عنوان در «وقایع السنین و الاعوام» در ۸ شعبان ۱۰۳۹ق متولّد شده است. او نزد ملاّ میرزا شیروانی، محقّق سبزواری، میرزا رفیعا، ملاّ محمّدتقی مجلسی، ملاّ محمّدباقر مجلسی، ملاّ احمد تونی و ملاّ عبداللّه تونی فقه، حدیث کلام و تفسیر را آموخته و در ذیحجه ۱۰۶۹ق از ملاّ محمّدتقی مجلسی و در ۲۷ جمادی الثانی ۱۰۷۶ق از محقّق سبزواری اجازه دریافت نموده است. همچنین سیّد محمّدمؤمن بن دوست محمّد حسینی مجاور مکّه معظمه به او اجازه داده است.

میر عبدالحسین خاتون آبادی در سال ۱۰۷۷ق به حج رفته و در طول عمر خود از بسیاری سرزمین های اسلامی چون یمن، عتبات عالیات، مصر و اسلامبول دیدار کرده است. او مردی ادیب و دانشمند بوده و کتاب «وقایع السنین و الاعوام» که یک تاریخ

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳.

عمومی از آغـاز تـا زمان مؤلف است را در ۳ مقصد و ۱۱ فصـل تـألیف کرده است. او وقایع را تا سال ۱۰۹۷ق به رشته تحریر درآورده و فرزندان و نوادگان او وقایع سال های بعد را به کتاب افزوده اند.

نسـخه اصل کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود بوده و یک نسـخه عکسـی هم از روی همین نسخه گرفته شده و در کتابخـانه مرکزی دانشـگاه تهران نگهـداری می شود. به دسـتور آیت اللّه مرعشـی در سـال ۱۳۵۳ق از روی نسـخه دیگری از «وقایع السـنین» که نسـخه آن ظاهرا از ایران خارج شده، نسـخه ای را کتابت کرده اند که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است. این کتـاب در سال ۱۳۵۲ش با مقـدمه آیت اللّه مرعشـی و آیت اللّه شـیخ ابوالحسن شـعرانی و به همت آقای محمّـدباقر بهبودی به چاپ رسیده است.(۱)

فرزندان مؤلف واقعه وفات پدر خود میر عبدالحسین را چنین ثبت نموده اند:

«سال وفات سیّد سـند مدقّق الخیّر الفاضل سنه هزار و صد و پنج و قبر وی در قبرستان بابا رکن الدّین قرب مقبره علّامه زمان و یگانه دوران آقا حسین خوانساری در مقبره ای که خودشان ساخته بودند»(۲)

تـذکر: «مزار بابا رکن الـدّین» نامی بوده که به قبرسـتان جنوبی شـهر اصـفهان و در حاشـیه زاینـده رود از قرن هشـتم تا یازدهم هجری اطلاـق می شـده است. این قبرسـتان وسـیع که دارای تکایا و مقابر متعـددی از عصـر صـفویه تا آخر دوره پهلوی اسـت اکنون به تخت فولاد شـهرت دارد. اوّلین منابعی که به جای «مزار بابا رکن الـدّین» از «تخت فولاد» اسـتفاده کرده انـد ولی قلی بیگ شاملو در کتاب «قصص الخاقانی» و «سفرنامه شاردن»

۱- وقایع السّـنین و الاعوام، صـص ۵-۸ و بنگریـد به: الذریعه، ج۲۵، ص۱۲۸؛ الکواکب المنتشـره، صص ۴۱۹ و ۴۲۰؛ مصفی المقال، ص۱۲۰؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، صص ۶۶۹ و ۶۷۰؛ ادبیات فارسی (استوری) ، ج۲، ص۶۳۵.

۲- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۰۹.

اثر سیّاح فرانسوی شوالیه شاردن است.

اما قبر میر عبدالحسین خاتون آبادی در ضلع جنوبی بقعه آقا محمّد بیدآبادی و پایین پای فرزندش میرمعصوم بوده ولی در یک قرن اخیر آثاری از این قبر مشاهده نشده است.]

سیّد عبدالحسین طیّب

حاج سیّد عبدالحسین طیّب فرزند آقا سیّد محمّدتقی [میر محمّد صادقی] بن سیّد ابوالقاسم بن علینقی بن میر محمّدباقر بن میر محمّداسماعیل واعظ مسجد شاه، عالم عامل، واعظ بصیر و محدّث مفسّر [از علمای معاصر اصفهان.]

در سال ۱۳۱۱ق (۱۲۷۲ش) در اصفهان متولّد گردید و در اصفهان و قم و نجف نزد حجج اسلام و آیات عظام تحصیل نموده و به مقام عالیه اجتهاد نائل گردیده و به اصفهان مراجعت نمود. وی در مدرسه صدر به تدریس پرداخته و در ضمن آن به امامت جماعت و موعظه و ارشاد مردم و بیان و توضیح احادیث و تفسیر قرآن مشغول بود.

از اساتید ایشان در اصفهان: حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای معروف به حاج آخوند، آقا سیّد احمد خوانساری، آقا شیخ اسداللّه حکیم قمشه ای، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آقا میر محمّدتقی مدرس، آقا شیخ حسن یزدی، حاج میر محمّدصادق خاتون آبادی، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی، آقا شیخ محمّدعلی دزفولی و آقا سیّد مهدی درچه ای و [حضرات آیات] حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم و آقا شیخ محمّدجواد بلاغی، آقا شیخ محمّدحسین اصفهانی، حاج شیخ محمّدحسین اصفهانی معروف به کمپانی، آقا میرزا محمّدحسین نائینی، آقا ضیاءالدّین عراقی، [آقا حسین رجائی و سیّد اسماعیل ریزی] در نجف اشرف [بوده اند.]

همچنین از آیات عظام آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج شیخ عبدالکریم حائری

یزدی، آقا میرزا حسین نائینی، آقا ضیاءالدّین عراقی، میرزا آقا سیّد محمّدابراهیم اصطهباناتی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، آخوند ملاّ محمّدحسین فشارکی، حاج آقا حسین قمی، شیخ محمّدکاظم شیرازی و آقا محمود طهرانی اجازه روایت و گواهی اجتهاد دریافت نمود.

سرانجام [این عالم ربّانی] پس از یک قرن که در تحصیل علم و کسب فضائل و ترویج دین و ارشاد و هدایت مسلمین و تدریس و تألیف و امامت جماعت سپری کرد، در ۸ محرم ۱۴۱۲ق وفات یافته و در روز یکشنبه نهم محرّم پس از یک تشییع شایسته در اطاق مسجد کازرونی در خیابان میر اصفهان مدفون گردید.

تألیفات ایشان عبارت است از:

۱. «اطیب البیان» در تفسیر قرآن در ۱۴ مجلّد که دو بار به چاپ رسیده است.۲. «رساله در خلل صلوه» رساله اجتهادی که به دستور استاد ایشان تنظیم و تألیف شده است، غیر مطبوع۳. «العمل الصّالح فی العقاید و الاخلاق»، مطبوع.۴. «الکلم الطیّب» در اعتقادات، در سه مجلد، مطبوع۵. «تقریرات فقهی و اصولی» اساتید ایشان.(۱)

[شاعر توانا استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مرثیه ای برای مرحوم طیّب سروده که این مادّه تاریخ از آنجاست:

برنا سه بیت گفت به تاریخ فوت او تا هرکدام سال وفاتش دهد نشان

«طیّب که بود عبد حسین او بنام و جان شد در مه محرم از این وادی جهان» ۱۴۱۲

۱- مزارات اصفهان، صص ۳۳۱ و ۳۳۲.

«عبدالحسین طیّب عالم شد از جهان ساکن شده بمینوی وادی جاودان» ۱۴۱۲

«طیّب که بود عبد حسین و علی و آل همچون حسین شد بمحرم از این جهان» ۱۳۷۰]

میرزا عبدالحسین خوشنویس هرندی

میرزا عبدالحسین خوشنویس فرزند حاج میرزا محمّدتقی بن حاج محمّدحسین نایب الصّدر بن آقا محمّدجعفر بن حاج ملّا مهدی بن حاج محمّد ظهیر بن حاج محمّدسمیع هرندی اصفهانی، [از خوشنویسان اواخر دوره قاجار و]از اساتید فنّ خط بوده و در سال ۱۲۵۳ متولّد و در ۱۳۲۶ق وفات یافته، و در بقعه سر قبر آقای اصفهان مدفون شد.(۱)

میرزا عبدالحسین حکیم اردستانی*

میرزا عبدالحسین معروف به «حکیم» فرزند حاج میرزا تقی بن میرزا محمّدحسین (شیخ الاسلام) اردستانی زواره ای، از فضلاء و هنرمندان اردستان و از سادات محلّه رامیان بود. او علاوه بر طب در نوشتن انواع خطوط خصوصا شکسته استاد بود و حتّی این هنر را بر طبابت ترجیح می داد. نمونه خط او در یک نسخه خطی «دیوان حافظ» نزد فرزندش دکتر سیّد مسیح جلوه موجود بوده است.

او در ۵ اسفند ۱۲۸۷ (مطابق با سال ۱۳۲۷ق) در اردستان وفات یافته و در قبرستان محلّه رامیان به خاک سپرده شد.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۵؛ مزارات اصفهان، ص۵۱؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۴۳۲.

۲- اردستان نامه، ج۱، ص۵۰۱.

آقا میرزا عبدالحسین خوئی*

آقـا میرزا عبدالحسـین خوئی فرزنـد آقـا میرزا محمّدجعفر محلّه نویی بن آقـا عبدالحسـین امین العلماء اصـفهانی بن حاجی ملّا محمّدشفیع خوئی، از فضلاء و صلحاء و اهل علم معاصر اصفهان.

جدّ اعلای او ملّا محمّدشـفیع خوئی از علمای بزرگ عهـد قاجاریه و مقیم اصـفهان بود و اجدادش اغلب از اهل علم و فضـل بوده اند که شرح زندگانی آنان در این کتاب مذکور است.

وی در حدود سال ۱۲۵۸ش در اصـفهان متولّد شده و خواندن و نوشـتن و قرائت قرآن را از آخوند ملّا علی اصغر مکتبدار فرا گرفت. مقـدمات و سـطح را از آقـا کمـال الـدین خوانساری به طور اختصاصـی آموخت و سـپس در حوزه علمیه اصـفهان نزد علمای فاضل و عالیقدری چون میرزا حسـین نائینی (از مدرسـین مدرسه میرزا حسـین بیدآباد) و آخوند ملّا محمّد کاشی ادامه تحصیل داد و از حضرات آیات میرزا عبدالحسین سیّد العراقین و آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی اجازه کسب نمود.

پس از آن وی در میان مردم و علماء به خاطر اصابت و شرافت نسب و مراتب علم و فضل دارای احترام و اکرام بود و مردم در حلّ مرافعات و مشکلات از او اسـتمداد می نمودنـد. در قضایای قحطی و گرانی سال ۱۳۳۶ق او بـدون اینکه بخواهد تظاهر و ریاکاری نماید آنچه داشت در طبق اخلاص نهاده و به یاری مردم گرسنه و نیازمند شتافت.

او در اسب سواری مـاهر بود و به نگاهـداری و پرورش اسب هـای اصـیل علاقه داشت و نسـبت به حیوانات با ترحّم و مهربانی رفتار می نمود و از صید و شکار آنان خودداری می کرد.

در زمان سلطنت رضاشاه و اجرای قانون اتحاد شکل، با آنکه از طرف مرحومین سیّد العراقین و فشارکی مجاز به استفاده از روحانیت بود، از لباس روحانیت خارج شد.

او در اواخر عمر به خاطر فوت فرزند و عیال و داماد خود انزوا اختیار کرد تا اینکه در جمعه ۲۳ رمضان سال ۱۳۶۷ق (مطابق ۸ مرداد ۱۳۲۷ش بر اثر فجأه (مرگ ناگهانی) در قریه کرچکان لنجان وفات یافت و در مقبره خانوادگی در جنوب تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

واعظ ادیب مرحوم سیّد حسن رئیس زاده متخلّص به «صفا» ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

گفتا «رئیس» سال وفات وی از «صفا»: «عبدالحسین بجنّت مینو شدی روان»

عیال او دخترخاله اش صبیه میرزا رضا قلی خان اعتمادی (از اعقاب فتحعلی خان اعتمادالدوله صدراعظم اواخر دوره صفویه) بود و فرزندش استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» شاعر توانای معاصر می باشد.(۱)

میرزا عبدالحسین نجفی

حاج میرزا عبدالحسین نجفی فرزند آقا جلال الدّین فرزند حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی، عالم فاضل. [از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در حدود سال ۱۳۱۲ق در اصفهان از دختر آقا سیّد محمّدرضا روضه خوان متولّد گردید. در زمان حیات پدر در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] به امامت پرداخت. [وی] نزد جمعی از بزرگان این شهر تحصیلاتی نمود و در مسجد شاه نیز خود حوزه تدریس تشکیل داد و جمعی از فضلاء و مجتهدین گمنام را در نزد خود نگهداشته و به وسیله آنان به فصل

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

خصومات و رسیدگی به دعوات مردم پرداخت (یکی از فضلاء و مجتهدین حاضر در جلسات او حاج ملّا اسداللّه معروف به حاج فاضل بیدآبادی بوده است) .

مرحوم بلاغی در اعلاط در انساب به نقل از نسب نامه الفت می نویسد: «بمساعی پدرش جانشین آقانجفی شد و با شور و شعفی مسجد و محراب و منبر و موعظه و کرسی تدریس و تولیّت اوقاف او را تصاحب نمود و آمال و آرزوهای بسیار داشت» (انتهی ملخصا) .

او در شب ۲۲ رجب سال ۱۳۴۸ق در اصفهان وفات یافته، نخست در مقبره آقانجفی مدفون و پس از ۳ سال جسد او را به مشاهد مشرّفه ائمه عراق علیهم السلام حمل کردند. صاحب عنوان دختر آقا محمّدجواد قزوینی دردشتی را به زوجیّت داشته و از این مخدّره چهار فرزند پسر و چهار فرزند دختر یافت. [اسامی پسران] حاج شیخ محمّدعلی، حاج شیخ محمّدحسین، حاج شیخ محمّدتقی و حاج آقا نورالدّین.(۱)

میرزا عبدالحسین قالب تراش*

میرزا عبدالحسین قالب تراش فرزند آقا محمّدجواد تاجر اصفهانی از هنرمندان قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۶۴ق در اصفهان متولّد شد. در یکی از حجره های فوقانی کاروانسرای ساروتقی در بازار اصفهان دکّه داشت و به قالب تراشی معروف بود. خطوط نسخ و نستعلیق را استادانه می نوشت و در نقاشی، حکاکی، مقواسازی، صحّافی و معرّق سازی نیز استادی و مهارت داشت. به علاوه صاحب ذوق ادبی بود و اشعار بسیار از بر داشت که اکثرش منتخب گفته های شاعران بود. لغز و معمّای ادبی نیز فراوان از بر داشت.

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۱۰۷-۱۰۹؛ اعلاط در انساب، ص ۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶.

در اواخر عمر بینائی او رو به کاهش گذاشت و وضع معیشت او به اختلال گذشت تا اینکه به فقر و فلاکت و درماندگی (بعد از سال ۱۳۴۸ق) جان سپرد و غریبانه او را به خاک سپردند.(۱)

سید عبدالحسین روضاتی*

حاج سیّد عبدالحسین روضاتی فرزند حاج میرزا حبیب اللّه روضاتی بن میرزا هدایه اللّه بن میرزا محمّدباقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات) ، عالم فاضل جلیل معاصر.

در ماه شهریور سال ۱۳۰۵ش (برابر با ۱۳۴۵ق) در محلّه چهارسو شیرازی های اصفهان متولّد شد. تحصیل در مدرسه جدید را در دبستان و سپس در دبیرستان فرهنگ ادامه داد. سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. مقدمات را نزد پدر و حاج آقا فخرالدّین روضاتی، شیخ محمّدجواد فریدنی، سیّد رضا ابوالبرکات، شیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی و شیخ محمّدحسین فاضل کوهانی فرا گرفت. «مُغنی اللبیب» را نزد سیّد احمد مقدّس، «معالم» را نزد سیّد مجتبی میر محمّدصادقی، «شرح لمعه» را نزد حاج شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و «کفایه الاصول» را نزد عموی بزرگوارش سیّد اسداللّه روضاتی آموخت. همچنین از درس حاج شیخ علی مشکوه سِدِهی بهره گرفت. دروس خارج را نزد حضرات آیات: سیّد محمّدرضا خراسانی، حاج آقا حسین خادمی، سیّد مصطفی مهدوی، حاج میر سیّد علی بهبهانی (هنگام اقامت در اصفهان) و حاج میر سیّد علی علاّمه فانی (هنگام اقامت در اصفهان) آموخت.

او پس از وفات پدر، مراسم احیاء و قرائت دعای کمیل و مناجات سحر در تکیه کازرونی و اقامه نماز جماعت در مسجد خیابان (مسجد حاج میرزا حبیب اللّه روضاتی) را

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۳۷۵ و ۳۷۶.

به جای پدر برعهده گرفته و اقامه جماعت مغرب و عشاء در مسجد ستّاری را نیز تاکنون برعهده داشته است. او علاوه بر وعظ و خطابه و رسیدگی به مشکلات اجتماعی و شرعی مردم، به خدمات اجتماعی و امور خیریه اهتمام نموده است.

وی از حضرات آیات عظام: خوئی، گلپایگانی، میر سیّد علی بهبهانی، صافی گلپایگانی، وحید خراسانی و سیستانی دارای اجازه روایت و یا امور حسبیه است.

فرزندش مرحوم سیّد محمّدهادی روضاتی از فضلاء و روحانیون ممتاز و باتقوای اصفهان بود که در جوانی وفات نمود.

حاج آقا عبدالحسین روضاتی کتابی در حج و کتابی در ادعیه تألیف نموده و کتابی در احادیث اخبار به نام «طُرَف الاحادیث» نوشته است.(۱)

آقا سیّد عبدالحسین مقدّس

آقا سیّد عبدالحسین مقدّس بن سیّد حسن بن حاج سیّد ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی اصفهانی، عالم زاهد معمر [از علمای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری] عالم زاهد معمّر، از ائمه جماعت محله بیدآباد، پدر دو عالم جلیل القدر حاج آقا حبیب مقدس و آقا سیّد محمّد مقدس.

او در حدود سال ۱۳۵۰ق وفات یافته، در مقبره سر قبر آقا مدفون و سپس به اعتاب مقدسه نقل شد.(۲)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با جناب آقای سیّد عبدالحسین روضاتی در ۷ تیر ۱۳۹۰ش؛ گلزار مقدس، ص۱۱۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۹۱۰.

عبدالحسین خواجوی اصفهانی*

عبدالحسین بن میرزا محمّدحسن خواجوی اصفهانی، از فضلاء و ادبای قرن سیزدهم هجری بوده و در سال ۱۲۷۸ رساله ای عرفانی به فارسی تألیف کرده، که نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی در تهران موجود است.(۱)

عبدالحسین صفائی

عبدالحسین شیخ زین الدّینی متخلّص به «صفائی» فرزند میرزا محمّدحسن شیخ زین الدّین واعظ، از شعرای معاصر اصفهان. نسب آنان به شیخ زین الدّین ابن عین علی خوانساری عالم معروف اواخر زمان صفویه می پیوندد.

در سال ۱۲۸۸ش در اصفهان متولّد شده و تا به سن ۲۲ سالگی به کسب علم و دانش از قدیم و جدید پرداخت. بعدا جهت کسب معاش چندین سال در خارج اصفهان بود. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و به حسابداری مشغول شد. گاهی اشعاری می سرود. این بیت از اوست:

حرف بگذار و عمل پیشه نما زانکه به حرف هیچ شیرین نشود کام تو از گفتن قند(۲)

سیّد عبدالحسین نصرت اصفهانی

میرزا عبدالحسین منشی باشی متخلّص به «نصرت» بن محمّدحسن مستوفی

۱- فهرست عکسی دائره المعارف، ج۱، ص۱۸۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

شمس آبادی اصفهانی، شاعر و ادیب و نویسنده. در سال ۱۲۸۹ق متولّد شده و به سن ۷ سالگی از اصفهان به اتفاق پدر به خراسان رفته و در آنجا ساکن گردید. «مثنوی فروزنده» او در مشهد به طبع رسیده است. کتابی به نثر نیز در ردّ بهایی ها به نام «فرازنده» نوشته است. «تقویم سال ۱۲۸۶» یا «سعد و نحس ماه ها و...» از آثار اوست که به شماره ۱۶۱ در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد موجود است.(۱)

[میرزا عبدالحسین نصرت در مشهد از محضر میرزا حبیب اللّه خراسانی، محمّدصادق حکمی سبزواری، میرزا محمّدعلی فاضل، غلامحسین شیخ الاسلام و میرزا محمّد خادم باشی، در فقه و اصول، کلام، ادبیات و فلسفه تحصیل کرد. سپس به همراه محمّدتقی میرزا رکن الدوله قاجار به شیراز رفت و منشی گری او را برعهده گرفت. در معیّت او به مشهد مراجعت کرد. مدّتی هم حاکم کاشمر و درگز بود. برخی از فضلاء از او بهره علمی گرفته اند. نصرت از اعضاء مؤسس انجمن ادبی خراسان بود و سرانجام در روز ۱۵ خرداد ۱۳۳۴ش در مشهد مقدس وفات یافت. «جامع المتفرقات» از دیگر آثار اوست. همچنین «دیوان اشعار» او در سال ۱۳۴۷ش به همت فرزندش عبدالرضا نصرت در تهران چاپ شده است.]

این بیت از اوست:

پای تا سر نگار من ناز است از نکویان به ناز ممتاز است

۱- الذریعه، ج۱۶، ص۱۸۴؛ تذکره خوشنویسان معاصر، ص۱۱۱؛ فهرست ادبیات مشهد، صص ۲۹ و ۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۸۲؛ صد سال شعر خراسان، صص ۵۶۵ و ۵۶۶؛ شرح حال رجال ایران، ج۵، صص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۲، صص ۱۹۸-۲۰۰؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، صص ۳۶۴۵-۳۶۴۹؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۶۰۹؛ فرهنگ شاعران زبان فارسی، ص۵۷۳.

شیخ عبدالحسین حائری اصفهانی

شیخ عبدالحسین حائری اصفهانی فرزند شیخ محمّدحسین صاحب فصول، عالم فاضل. [از علمای قرن سیزدهم هجری] ظاهرا در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از بزرگان این شهر و همچنین پدر علاّمه خود تحصیل نموده تا به مقامات عالیه علم و کمال رسید. ظاهرا به همراه پدر به عتبات عالیات رفته و از محضر شیخ محمّدحسن صاحب جواهر کسب فیض نمود. عاقبت به کربلای معلا مهاجرت فرموده و در آن شهر مقدس سکونت نموده است. تا سال ۱۲۹۴ق زنده بوده و پس آن سال وفات یافته است.(۱)

میرزا عبدالحسین خان صدر

میرزا عبدالحسین خان بن حاجی محمّدحسین خان صدر اصفهانی، [ادیب فاضل و طبیب ماهر، در قرن سیزدهم هجری] مدّتی حکومت سمنان را داشته و مردی خلیق و فاضل و خوش خط و تیزهوش بوده و در علم طب نیز شهرت و مهارت داشته است. قبرش در نجف در سرداب مدرسه صدر.(۲)

[از آثار او کتابت «شرح قصیده لامیه اعشی باهلی» است که به خط نستعلیق در حدود ۱۲۵۰ق آن را کتابت کرده و به شماره ۱۴/۸۹۵۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۳۰ و ۲۳۱؛ الکرام البرره، ج۲، ص۷۱۰؛ اعیان الشیعه، ج۴۴، ص۲۱۶؛ اعلاط در انساب، ص۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۳؛ صدر التّواریخ، ص۱۰۵؛ تذکره خوشنویسان، ص۱۴۳.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۵۰۲.

میرزا عبدالحسین احقر

میرزا عبدالحسین متخلّص به «احقر» فرزند حاجی حمزه کوشکی، از شعرای قرن چهاردهم هجری در سال ۱۲۹۵ق متولّد شده و در اصفهان تحصیل کرد. طبع شعر داشته و از اعضای قدیمی انجمن ادبی مرحوم شیدا بود و اشعارش در مجلّه دانشکده به طبع می رسید.(۱) او در ۱۴ ذی الحجه الحرام ۱۳۶۰ق وفات یافته [و در شمال مقبره ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)]

از اوست:

گشته ام آشفته یاران! کو بُت زنجیر مو؟ تا که اندر بند آرد این دل دیوانه را

عبدالحسین ادیب فرهمند

عبدالحسین بنان زاده معروف و متخلّص به «ادیب فرهمند» فرزند خلیل خان بنان السّلطنه، شاعر ادیب، جامع فضائل انسانی و حاوی جمیع کمالات [از سخنوران قرن چهاردهم هجری.]

در ماه صفر ۱۳۱۷ق در بروجن متولّد شد. جهت تحصیل به اصفهان آمده و در این شهر علم و ادب آموخت و به واسطه قریحه خدادادی لب به گفتن شعر باز کرده و ابتدا «دبیر» تخلّص نموده و به انجمن ادبی شیدا راه یافت. وی طبق فرمانی از طرف احمدشاه قاجار در ماه ربیع الثّانی ۱۳۴۱ق به لقب «ادیب الممالک» ملقّب شد.(۳)

پس از تعطیل شدن انجمن شیدا، به اذن مرحوم شیدا در منزل خود انجمن تأسیس

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۳ و ۲۴.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، ص۱۱۲.

نمود و تقریبا مدت ۷ سال آن انجمن دایر بود.(۱)

او به عنوان سردبیر به همکاری با روزنامه «اختر مسعود» به مدیریت «عبدالوهاب گلشن ایرانپور» پرداخت. در شعبان ۱۳۴۰ق (مطابق برج حمل ۱۳۰۱ش) مجله «تحفه الادباء» را منتشر کرد که پس از ۱۰ شماره در پایان همان سال تعطیل شد. در سال ۱۳۰۶ش امتیاز روزنامه «مداین» و ماهنامه «همایون» را کسب نموده و آنها را منتشر ساخت که خیلی زود از انتشار آن جلوگیری شد. در سال ۱۳۰۹ش مدیریت روزنامه «گیتی نما» به صاحب امتیازی «مهدی اژه ای» را پذیرفت.(۲)

ادیب فرهمند در شب جمعه ۹ رجب ۱۳۵۳ق در اصفهان وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه ملك [که اکنون در تکیه شهداء واقع شده است] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)

مادّه تاریخ وفاتش را «گلشن ایرانپور» گوید:

از بهر سال وفاتش نوشت خامه «گلشن»: «بچرخ ادیب فرهمند پای زد چو مسیحا»(۴)

اشعار او دارای حلاوت مخصوصی بوده و به طرز قدیم و جدید شعر و تصنیف سروده است. از آثار او رساله «جشن جغدها» به نظم به طبع رسیده است.

از اوست:

من آن نیم که به یک توبه ترک باده کنم به سادگی نخورم باده ترک باده کنم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۵.

۲- تاریخ و جراید و مجلات ایران، ج۲، صص ۱۱۰-۱۱۲ و ج۴، ص۱۷۲؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۲۰۸-۲۱۶.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۳.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۵.

مقدّسم ولی از بهر آنکه هر سحری نماز نافله باده را اعاده کنم(۱)

شیخ عبدالحسین بغدادی

حاج شیخ عبدالحسین بغدادی فرزند حاج داود حدیدی، عالم جلیل [از علمای اواخر دوره قاجاریه] اصلش از بغداد و پدرش سنّی مذهب بوده، به اصفهان مهاجرت نموده و زنی از آنجا گرفته و فرزندش از او حاصل شده و به مذهب ما در گروید.

در کاظمین و بغداد تحصیل نموده، مدّتی در سامرا به درس میرزای بزرگ شیرازی و آقا سیّد محمّد فشارکی اصفهانی حاضر شده و در زمان حیات استاد به اصرار جمعی از تجّار اصفهان و بستگان مادرش به اصفهان مهاجرت نموده و به ترویج دین و نشر احکام پرداخته و هم در این شهر وفات یافته است.(۲)

عبدالحسین اصفهانی

عبدالحسین بن حاج محمّدربیع اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در شوال ۱۲۶۲ق کتابت نسخه ای از «فقه» مجلد طهارت تألیف: میرزا سیّد حسن [ظاهرا: مدرس میر محمّد صادقی محلّه نوئی]و به دستور آخوند ملّا شریف اشرفی را به خط نسخ و نستعلیق به انجام رسانیده است. کتاب به شماره ۱۵۷۲ (۲۲۵۱۰) در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۰ و نیز رجوع شود به: تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۰ و ۳۱؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص۷۲۱.

۲- نقباء البشر، ص۱۰۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۵؛ میرزای شیرازی، ص۱۵۴.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۷۰۸.

شیخ عبدالحسین کلباسی

شیخ عبدالحسین بن محمّدرضا کلباسی اصفهانی، از فضلاء قرن چهاردهم هجری. مؤلف: «تحفه المجالس» در یک مقدمه و دوازده مجلس و خاتمه. نسخه به شماره ۲۳۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

ملاّ عبدالحسین نصیری طوسی

مولی عبدالحسین بن محمّدزمان نصیری طوسی، از علماء قرن یازدهم هجری بوده و تا سال ۱۰۲۵ق زنده بوده است.(۲)

[کتاب «منتخب حبیب السیر» از آثار اوست که نزد مرحوم مهدی بیانی موجود بوده است.(۳) او بر روی برگی از نسخه «نهج الحق» علاّمه حلّی که محمّدکاظم بن شکراللّه دزمانی در سال ۱۰۲۵ق کتابت کرده بود یادداشت تملّک نوشته است.(۴)]

عبدالحسین حویزی

عبدالحسین بن شیخ سلطان حویزی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] در تاریخ ۱۱۴۷ق برگ آخر نسخه ای از تفسیر «مجمع البیان» را در اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۳۲۳۱ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۵)

آقا عبدالحسین امین العلماء

آقا عبدالحسین امین العلماء فرزند حاج ملاّ محمّدشفیع خوئی بن ملاّ محمّد بن ملاّ

۱- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۲۰۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۸.

۳- الذریعه، ج۲۲، ص۳۹۵؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۶۱۲.

۴- الروضه النضره، ص۳۱۴.

۵- فهرست مرعشی، ج۹، ص۲۹.

ابوالقاسم بن ملّا احمد بن ملّا علی چورسی بن ملّا دولتعلی بن ملّا علی محمّد قراچه داغی، از اجلّه فضلاء و محترمین اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] بوده و تحصیلاتش در نزد پدر و مرحوم سیّد حجه الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی [و آخوند ملّا علی نوری و آقا سیّد محمّد شهشهانی] و جمعی از علماء عراق عرب بوده و در سال ۱۲۹۳ق وفات یافته و در جوار پدر خود در مقبره کوچک مقابل مقبره مرحوم حجه الاسلام شفتی در دالان مسجد سیّد [اصفهان] مدفون گردید.(۱)

[فرزند ارشد و از لحاظ علمی افضل فرزندان ملّا محمّدشفیع خوئی بوده و صاحب مکنت و املاک فراوان و خدم و حشم و دیوان خانه و کتابخانه بوده و صاحب نفوذ و معتبر به شمار می رفته و از جمله عمارت سه طبقه زیبایی در قریه «کرچکان» از بلوک آیدغمش لنجان اصفهان داشته است. وی در مراجعت از زیارت حضرت ثامن الحجج علیه السلام از مشهد مقدّس، در تهران مورد عنایت ناصرالدّین شاه قرار گرفته و چهار سال در تهران ماند و امام جمعه تهران طی مکتوبی، نسبت به حفظ احترام و تکریم او به حشمت الدّوله حاکم وقت اصفهان سفارش نمود.

کتابخانه او دارای کتب فراوان و نفیس بوده که بسیاری از آنان از پدران دانشمند و اجداد اهل فضل او، به وی به ارث رسیده بود که متأسفانه در جریان نقل و انتقال مورد غارت قرار گرفته و پراکنده شده است.

آقا عبدالحسین عالمی صالح و اهل فضل و ماهر در علوم گوناگون خاصّه فقه و اصول بوده و در یاری مردم تنگدست و حل مشکلات شرعی مردم روزگار خود اهتمام فراوان و همت عالی داشته است.(۲)]

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۳۶؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۸۰۶.

۲- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

شیخ عبدالحسین کاظمینی

شیخ عبدالحسین بن عبدالرضا کاظمینی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از علمای قرن یازدهم هجری] در ۶ شوال ۱۰۷۱ق در کربلا متولّد و در بغداد تحصیل نمود. ساکن اصفهان بود. و در این شهر تحصیلات خویش را به پایان رسانید.

از آثارش کتاب: «العابدیّه» در نظم «جعفریه» در نماز (از آثار محقّق کرکی) است. سال وفاتش به دست نیامد.(۱)

میرزا عبدالحسین حکمتیان

دکتر عبدالحسین حکمتیان [فرزند عبدالوهاب جرّاح] از اطباء معروف و از شاگردان دارالفنون طهران و ساکن محله احمدآباد اصفهان در ربیع الثّانی ۱۳۸۲ق [مطابق ۱۱ شهریور ۱۳۴۲ش] وفات یافت. [و در تکیه آقا باقر دردشتی (خلیلیان) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)]

عبدالحسین اصفهانی*

عبدالحسین بن علی اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند اواخر دوره قاجاریه است. خطوط نستعلیق و شکسته را خوش می نوشته است. او «جُنگ الادعیه» گردآوری شده به دست: نصیر بن احمد نصیر الاطبّاء محلّاتی را به خط شکسته نستعلیق در سال ۱۳۳۱ق کتابت نموده و به شماره ۱/۲۰۰۹ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۶؛ الذریعه، ج۱۵، ص۲۰۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- فهرست گوهرشاد، ج۵، ص۳۹۲.

شیخ عبدالحسین محلاتی

شیخ عبدالحسین محلاتی بن علی (میرزا بابا) بن حسین بن احمد بن محمّدشفیع اصفهانی (آخوند شفیعا خوش ابرو) .

عالم فاضل، ادیب شاعر، محقّق جامع [از علمای عالیقدر اصفهان در اواخر دوره قاجاریّه.] در حدود سال ۱۲۷۰ق در محلّات متولّد گردیده، در قم و اصفهان و نجف [و کاشان نزد میرزا حبیب اللّه شریف کاشانی و در تهران نزد سیّد ریحان اللّه کشفی بروجردی[تحصیل نموده و از سیّد علی اصغر جاپَلَقی اجازه دریافت نمود و مدّت ها به درس حاج میرزا حبیب اللّه رشتی [در نجف] حاضر شده و پس از نیل به مقام اجتهاد به اصفهان مهاجرت کرده [و در آنجا به درس میرزا محمّدحسن نجفی حاضر شد.] و خواهر علاّمه فقیه حاج آقا منیرالدّین بروجردی را به زوجیّت گرفته و در مدرسه صدر خارج تدریس می فرموده و جمعی از افاضل به درس او حاضر می شده اند.

[از جمله شاگردان مشهور او: مرجع عالیقدر آیت اللّه حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّدباقر احمد آبادی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، سیّد عباس صفی دهکردی، میرزا محمّدباقر فقیه ایمانی و سیّد محمّدعلی ابطحی بوده اند.

او با وجود علم و فضل بسیار و مقام عالی تقوا، در فقر و تنگدستی به سر می برد و حتّی مجبور بود کتب مورد نیاز خود را استنساخ کند.]

او عالمی ادیب و شاعری ماهر بود و به عربی و فارسی شعر می سرود از جمله این دو بیت از اوست:

دلا تا کی به خود گرمی؟ ز خود قطع تمنّا کن ز خودبینی به خود آی و به خود، خود را هویدا کن

ز غفلت تا به کی مستی؟ به خود تا چند پا بستی کزین سختی ره رستی، ز هستی، دل معرّا کن

وی سرانجام در روز جمعه ۲۲ ذی الحجه ۱۳۲۳ق وفات یافته و در تخت فولاد حوالی قبر فاضل هندی مدفون گردید.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «مسافت سفر» ۲. «الشرط ضمن العقد» [این دو رساله ضمن مجموعه شماره ۱۴۷۴ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است. این نسخه ها به خط مؤلف است.(۲) ۳. «المانه الغدیریه» قصیده ای عربی که در مدح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و واقعه غدیرخم سروده شده و به خط مؤلف و در تاریخ ذیحجه ۱۳۰۲ق تحریر شده و به شماره ۱۱۴۷۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)] ۴. «بیان زیارت عاشورا» [به فارسی که به خط شکسته نستعلیق و نسخ مؤلّف به شماره ۱۱۵۴۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.۵. «مشرق الظلام» در شرح رساله «لآلی الکلام» در علم اعراب، تألیف: اسداللّه بن محمّد محلاّتی، که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)]۶. «حواشی بر قوانین»۷. «حواشی بر رسائل» (حواشی بر فرائد») ۸. «دیوان اشعار عربی و فارسی»۹. «رساله در قاعده تأخیر»۱۰. «رساله در عدالت» ۱۱. «رساله در سجده سهو» ۱۲. «رساله در لباس مشکوک» ۱۳. «رساله در بلوغ» ۱۴. «رساله در نماز جماعت» ۱۵. «رساله در قاعده اشتغال» ۱۶. «رساله در اصل

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۶۶ و ۷۶۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۶۸-۱۷۰؛ نقباء البشر، ج۳، صص ۱۰۵۶-۱۰۵۸؛ گلزار فضیلت، صص ۱۸۳-۲۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴؛ افتخار آفرینان استان مرکزی، ج۳، صص ۲۲۴-۲۲۸؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۸۹.

۲- فهرست خطی احیاء، ج۴، صص ۳۱۰-۳۱۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۹، ص۱۰۱.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۹، ص۱۲۷۷.

برائت» ۱۷. «رساله در قاعده فحص» ۱۸. «رساله در تعریف علم اصول» ۱۹. «رساله در سهو نماز» ۲۰. «رساله در تطهیر به آب قلیل» ۲۱. «رساله در قاعده بیّنه» ۲۲. «رساله در اصل تعارض» ۲۳. «رساله در تیمّم» ۲۴. «رساله در اصل لزوم عقد» ۲۵. «شرح بر اصول کشف العظاء» ۲۶. «مغتنم الدرر» در سه جزء: ۱- در تفسیر ۲- در روایات ۳- در متفرقات(۱) [که در بین سال های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ق آن را تألیف کرده است نزد مرحوم میرزا حبیب اللّه نیّر موجود بوده و نسخه ای از آن در مجله شهاب (شماره ۲۲) معرفی شده است.] ۲۷. «تسلیت نامه» [که آن را مرحوم محلاّتی جهت دلجوئی و تسلای یک عالم اهل عربستان که وهابی بوده و سپس شیعه شده است، نوشته است.]

عبدالحسین ندیم چهارمحالی*

حاج عبدالحسین ندیم شهرکی چهارمحالی ملقب به «ندیم الشعراء» فرزند علی محمّد، شاعر ادیب در نیمه نخست قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۹۱ق در «شهرک» از توابع چهارمحال متولّد شده و پس از تحصیلات مقدماتی در مکتب خانه مولد خود به اصفهان رفته و به تکمیل معلومات خود پرداخت. سپس به وطن خود مراجعت نموده و به زراعت و گیوه دوزی مشغول شد. در سرودن انواع شعر و مادّه تاریخ مهارت داشته و غیر از مجموعه اشعار، «سفرنامه منظوم مکه و مدینه» و «منظومه خواب نامه» از آثار اوست.

وی عاقبت در سال ۱۳۵۴ق در زادگاه خود وفات یافت. از اوست:

ما در میان زلف رخ یار دیده ایم ما آفتاب را به شب تار دیده ایم

دیوانه وار سر به بیابان نهاده ایم تا چین زلف آن بت عبار دیده ایم(۲)

۱- الذریعه، ج۲۱، ص۲۹۳.

۲- سخن سرایان بام ایران، ج۳، صص ۵۹۱-۵۹۳.

میرزا عبدالحسین فیض علی شاه

میرز عبدالحسین ملقّب به «فیض علی شاه» فرزند ملّا محمّدعلی طبسی، عارف سالک، از متصوفه اصفهان در قرن دوازدهم هجری.

پدرانش اهل قریه «رقه» تون بوده و پدرش امام جمعه طبس بوده است. در اصفهان متولّد و در این شهر تحصیل نموده و در شیراز خدمت سیّد معصوم علی شاه رسیده و به توبه و تلقین ارشاد یافت. ریاضت ها کشیده و از مرتبه ارادت به خلافت رسیده و لقب «فیض علی شاه» یافت و به اتفاق مراد خود به اصفهان آمد. علیمراد خان زند نسبت به او ارادت یافته، تکیه فیض را به نام او بنا نمود. در آنجا به ارشاد هدایت پرداخته تا سال ۱۱۹۴ق وفات یافته در تکیه خود مدفون شد.(۱)

میرزا عبدالحسین قدسی

آقا میرزا عبدالحسین خوشنویس معروف و متخلّص به «قدسی» فرزند میرزا محمّدعلی خوشنویس اصفهانی بن محمّد، شاعر ادیب و خوشنویس فاضل در قرن چهاردهم هجری. در شب ۴ رمضان المبارک ۱۲۸۷ق در اصفهان متولّد گردید. و در خدمت آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی و سایر علمای اصفهان تحصیل کرد. انواع خطوط خصوصا نسخ و رقاع را خوش می نوشت. او در ربیع الاوّل ۱۳۲۶ق مدرسه قدسیه را در اصفهان افتتاح کرد و باید او را از پیشروان فرهنگ جدید و خدمتگزاران واقعی علم و ادب نامید.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۶۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۹؛ ریاض السیاحه، ص۶۵۱؛ شمس التواریخ، ص۵۰؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ تاریخ سلسله های طریقه نعمت اللهیه در ایران، صص ۴۸ و ۴۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۴۹؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، ص۳۳۷.

قدسی جامع فضائل و کمالات صوری معنوی بود و در انواع فنون شعر خصوصا غزل و مادّه تاریخ مهارت داشت. او در راستی و درستی و صداقت و پاکدامنی به حدّ کمال و در نگاهداشت دوستی بی اندازه باوفا و ثابت قدم بود.

[او ده ها جلد کلام اللّه مجید را کتابت کرد.]

قدسی سرانجام در ۵ صفر ۱۳۶۶ق [مطابق با ۸ دی ۱۳۲۵ش] وفات یافته و در صحن تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.

خواهرزاده اش ادیب دانشمند میرزا حبیب اللّه نیّر نیز مادّه تاریخ وفاتش را چنین گفته است:

لما فقدت ادیبا قل لرحلته: «عبدالحسین انّی فی جنّه القدس»

از آثار مرحوم قدسی کتاب «تحفه الفاطمیه» و کتاب «شرعیات» جهت مدارس جدید به طبع رسیده است.(۱)

از اوست:

گر عرش شود فرش ره سم سمندش بر خویش ببالد ز چنین بخت بلندش

ماه نو و بدر فلک و خوشه پروین عکسی بود از فعل و سم و میخ سمندش

عبدالحسین حسنی اصفهانی

عبدالحسین بن محمّدعلی حسنی اصفهانی مجموعه ای از ۵ کتاب (شامل: «السماع

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۸؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۵ و ۲۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ الذریعه، ج۳، ص ۴۶۰؛ اعیان الشیعه، ج۳۷، ص۱۰۵؛ دیوان طرب، ص۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۹۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۱۱-۱۱۸؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۲۳-۲۸۲۶؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۱۰۸-۱۱۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص ۷۵۰.

الطبیعی»، «السماء و العالم»، «الکون و الفساد»، «الآثار العلویه» و «تهافت التّهافت» همه از تألیفات: ابن رشد را در سال ۱۰۵۲ق به خط نستعلیق فراهم آورده که به شماره ۶۲۴۰۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

میرزا عبدالحسین حکیم الهی قمشه ای

میرزا عبدالحسین حکیم الهی بن غلامرضا، عالم فاضل و ادیب محقّق در قمشه (شهرضا) متولّد شده و در اصفهان تحصیل نمود. سپس در مدرسه گلبهار به تدریس پرداخت و مدّتی بعد به عنوان وکیل دعاوی در دادگستری به خدمت مشغول شد. گاهی شعر نیز می سروده و مردی عارف و ادیب بوده است.

[سرانجام در ۲۳ شوال ۱۳۵۲ق وفات یافته و در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.]

وی کتابی مختصر و جامع درباره «تاریخ اسلام» تألیف نموده که در سال ۱۳۵۵ق به طبع رسیده است. همچنین او حواشی مفیدی بر قرآن مجید دارد.(۲)

عبدالحسین سپنتا

عبدالحسین سپنتا فرزند غلامرضا [شیروانی] ادیب، نویسنده و شاعر توانا، در سال ۱۲۸۲ش (مطابق ۱۳۲۱ق) در طهران متولّد شده و در طهران و اصفهان تحصیلات خویش را به پایان رسانیده، سفری به هندوستان رفته و ده سال در آن حدود ساکن [بود.] و در خدمت دانشمند معروف دینشاه ایرانی به تکمیل فضائل و معلومات خویش

۱- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۳۹۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۶؛ مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، صص ۲۴۸-۲۵۰.

پرداخته و کتب چندی در تاریخ ادبیات ایران باستان ترجمه و انشاء کرده و در چندین فیلم نیز از محصولات هندوستان به عنوان نویسنده و رژیستور شرکت نموده [است.] سپس به ایران مراجعت کرده و در اصفهان متوطن شده، سرانجام در شب جمعه ۹ محرم الحرام ۱۳۸۹ق به مرض سکته وفات یافته و در جنب تکیه بابارکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را آقای عبدالکریم بصیر گوید:

«بصیرا» بگو از پی سال فوتش: «سپنتای آگاه روشن روان کو

کتب زیر از اوست:

۱. «اخلاق ایرانیان باستان»۲. «اسرار جنگل»۳. «ایران و اهمیت آن»۴. «پرتوی از فلسفه ایرانیان باستان»۵. «تاریخچه اوقاف اصفهان» مطبوع۶. «دیوان اشعار»، مطبوع۷. «ترجمه دیوان عارف» به انگلیسی [و همچنین] روزنامه های «دورنمای ایران» در بمبئی و روزنامه «سپنتا» در اصفهان(۱) .

[سپنتا تحصیلات خود را در مدرسه سن لوئی و مدرسه زرتشتیان تهران و استیورت موریال کالج اصفهان و کالج آمریکایی ها در تهران انجام داد. او اوّلین فیلم ناطق فارسی را در سال ۱۳۱۲ش در کمپانی امپریال فیلم بمبئی ساخت.

پس از آن او فیلم های «فردوسی»، «شیرین و فرهاد» «چشم های سیاه» و «لیلی و مجنون را در هندوستان ساخت. همچنین در آنجا روزنامه «دورنمای ایران» و سپس روزنامه «جنگل» را منتشر کرد که هر کدام پس از مدت کوتاهی متوقّف شدند. آخرین روزنامه او در هند «پیام راستی» نام داشت. او برای ادامه فیلم سازی به تهران آمد ولی به علت موانع و مشکلاتی که وجود داشت به ناچار در اصفهان ساکن شد و به نویسندگی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۳۵-۲۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۶۹ و ۷۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۲؛ روزنامه مکرم، شماره ۵۵۹، مورخ ۱۳ فروردین ۱۳۴۸.

مشغول شد و روزنامه «سپنتا» را منتشر کرد.

مزار او در حاشیه خیابان آب دویست و پنجاه و مقابل مصلای تخت فولاد است.(۱)]

از اوست:

شتاب دارد و یار از کنار می گذرد ببین که عمر عجب برق وار می گذرد

گرفته شاخ شکوفه به دست و می گوید پیاله گیر که فصل بهار می گذرد

تو خواب نازی و پروین و ماه می دانند چه ها به عاشق شب زنده دار می گذرد

میرزا عبدالحسین صنیع همایون

میرزا عبدالحسین صنیع همایون [فرزند آقا محمّدکاظم نقاش فرزند آقانجف اصفهانی]، نقاش و قلمدان ساز هنرمند قرن چهاردهم هجری. [در صورت سازی و منظره استاد بوده و قلمدان ها و تابلوهای زیادی را با نقاشی های استادانه خود مزیّن می کرده است او سال ها در کارگاه خود واقع در بالاخانه کاروانسرای حاج علینقی (جنب دروازه اشرف) در بازار بزرگ اصفهان به فعالیّت هنری مشغول بوده و جمعی از هنرمندان از جمله شکراللّه صنیع زاده از او تعلیم می گرفته اند. لقب «صنیع همایون» را مظفرالدّین شاه قاجار به او عطا کرد.]

صنیع همایون در روز سه شنبه ۱۲ محرم ۱۳۴۱ق [در سن متجاوز از هفتاد سالگی] وفات یافته و در تکیه شهشهانی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، صص ۳۰۰-۳۰۲؛ الذریعه، ج۹، ص۴۲۹؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، صص ۱۷۳۲-۱۷۳۵؛ اثرآفرینان، ج۳، صص ۲۱۸ و ۲۱۹؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۷۳۴ و ۷۳۵؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، صص ۵۲ و ۵۳؛ روزنامه بهار: سال اوّل، شماره ۱۸، سه شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۷۹، ص۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۲۳؛ دیوان طرب، ص۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵؛ فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۱۹ و ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، ص۲۳۲؛ هنر قلمدان، صص ۱۵۷ و ۱۵۸؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، صص ۳۳۵ و ۳۳۶؛ دائره المعارف هنر، ص۳۵۴.

سیّد عبدالحسین همتیار

سیّد عبدالحسین همتیار فرزند حاج میر سیّد محمّد بن حاج میرزا حسن بن میر سیّد علی وزیر طباطبائی اصفهانی، ادیب و شاعر فاضل. از دانشـمندان معاصـر اصفهان. در سال ۱۲۵۹ش (برابر بـا ۱۲۹۷ق) در اصـفهان متولّـد شده و تحصـیلات خویش را در مـدرسه باقریه و مـدرسه اسـقف (کالج انگلیسـی ها) در اصـفهان و کالج آمریکائی ها در طهران به پایان رسانیده وارد مشاغل دولتی شـد و به ترتیب در وزارت دادگستری و مـالیه و فرهنـگ مشـغول انجـام وظیفه گردیـد. مـدّت هـا ریاست فرهنگ بنادر جنوب و زمانی ریاست فرهنگ ساوه در مـدّتی ریاست فرهنگ شهرسـتان سـمنان را داشـته و در این اواخر ریاست دانشسـرای مقدّماتی پسران اصفهان بر عهده او بود.

در سال ۱۳۲۹ش بازنشسـته شده و در این موقع که فراغتی یافت به تکمیل علوم غریبه که سال ها در آن رنج برده بود پرداخت و به مقامـاتی رسـید. پیش بینی هـا و غیب گوئی هـای وی در این مورد معروف است. سـرانجام در شب چهارشـنبه ۱۴ ذیحجه الحرام سـال ۱۳۸۵ق [برابر بـا ۱۷ فروردیـن ۱۳۴۵ش] وفـات یـافته، در تخت فولاـد، جنب تکیه ملـک در لسـان الاـرض [تکیه شهدای کنونی] مدفون گردید.(۱)

مادّه تاریخ وفاتش را استاد جلال الدّین همایی (سنا) چنین گوید:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۳۸-۵۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۱۰۲۴ و ۱۰۲۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۹.

از «سنا» تاریخ پرسیدم نوشت «رحمت یزدان به همتیار باد»(۱)

شاعر توانا استاد اعتمادی (برنا) نیز گوید:

زد رقم «برنا» بشمسی سال فوت: «یار همّت یار لطف و مهر حق»

۱۳۴۵

سال وفات ورا خامه «برنا» نوشت «بود بمحشر حسین شافع عبدالحسین»

۱۳۸۵

این دو بیت از اوست:

تا خدا دارد خدایی و شهنشاهی در عالم تا شهنشاهی در این کاخ زبرجد بار دارد

نام شاه دین علی در صفحه تاریخ عالم همچو خورشید رخشان جلوه در انظار دارد

آقا عبدالحسین شکسته نویس*

آقا عبدالحسین بن محمّد اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. خطوط شکسته و نستعلیق را خوش می نوشته و تا حدود سال ۱۲۹۰ق در قید حیات بوده است.

او نسخه ای از «کلیات سعدی» را به خط نستعلیق خوش خود نوشته که نزد حاج سیّد نصراللّه تقوی اخوی موجود بوده است. همچنین ترجمه فارسی «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید، به تاریخ ۱۲۷۳ق از نمونه خطوط خوش نستعلیق اوست که استاد همایی آن را دیده است.(۲) همچنین او بخش منطق کتاب «حل مشکلات الاشارات و

۱- دیوان سنا، ص۱۵۳.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۶۲-۱۶۴.

التنبیهات» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی را به خط نستعلیق خوش در سال ۱۲۶۴ق کتابت نموده که به شماره ۲۸ در کتابخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان موجود است.(۱)

عبدالحسین مُشکنانی*

عبدالحسین بن محمّد مشکنانی، از کاتبان و فضلای قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از کتاب «صافی» فیض کاشانی را به خط نسخ در دوشنبه ۱۴ ذی الحجه سال ۱۱۳۲ق کتابت کرده که به شماره ۵۸ در کتابخانه مؤسّسه امام صادق علیه السلام قم موجود است.(۲) یکی از مُجَلَّدات «صافی» فیض که در سال ۱۱۲۵ق کتابت شده، به شماره ۱۱۸۱۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.(۳)

مشکنان از روستاهای قدیمی شرق اصفهان بین کوهپایه و نائین است. ناصر خسرو در قرن پنجم هجری این روستا را دیده و در سفرنامه خود از آن یاد کرده است.

میرزا عبدالحسین صدر

میرزا عبدالحسین صدر فرزند میرزا محمود صدر المحدّثین بن ملاّ عبداللّه خوانساری، از وعاظ معروف ایران [در قرن چهاردهم هجری] در حدود سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از فضلاء این شهر تحصیل نمود. [سپس] به طهران رفته، آنجا نیز چندین سال به تحصیلات قدیم و جدید پرداخته و به ترویج دین مشغول شد. [او صدایی خوش، قدرت بیان عالی و اطلاعات وسیع داشت و آواز دو دانگ را در حدّ اعلی می خواند] او در نهضت تجددخواهی و دگرگونی وضع قدیم به صورت تمدن جدید و تشکیل شرکت ها و تأسیس کارخانجات در اصفهان و سایر شهرهای ایران،

۱- فهرست ارشاد کاشان، ص۳۸.

۲- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام قم، ص۵۵.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۳۷۸.

مردم را با بیانات شافیه و سحر کلام خویش مشغول می داشت.

[او در ایـام اقامت در اصـفهان در مـدارس جدیـد به شـغل معلمی می پرداخته و در کنار آن نزد شـیخ محمود مفیـد فلسـفه می خوانده است.]

در اواخر عمر [زودرنـج و حساس شـد، و مزاج او تغییر یـافته بـود و در سـخنرانی هـا تنـدروی می کرد. حکومت وقت (نظمیه رضاخان پهلوی) او را به شـیراز تبعیـد نمود.[سودا بر مزاج ایشان غلبه یافته و در حدود سال ۱۳۶۷ق خود را در چاه انداخته و وفات یافت(۱) [و در یکی از امامزاده های شیراز مدفون شد.]

آقا عبدالحسین پاشنه طلائی یزدی

آقا عبدالحسـین بن ملّا محمّدمهـدی پاشـنه طلائی یزدی [بن محمّداسـماعیل بن محمّـدابراهیم بن ملّا محمّدصادق اردسـتانی]، عـالم فاضـل [در قرن سـیزدهم هجری] از اعقـاب آخونـد ملّا محمّـدصادق اردسـتانی. پـدرش در یزد ساکن بوده و خود او در اصفهان سکونت نموده و پس از وفات در تکیه حاج محمّدجعفر آباده ای در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[او نسـخه ای از «حاشـیه بر بهجه المرضـیه» از: شیخ علی اکبر یزدی را در سال ۱۲۷۵ق کتابت کرده و آن را نزد پدر دانشـمند خود خوانده و تعلیقاتی بر این نسخه نوشته است.(۳)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۹۱ و ۷۹۲؛ دولت دیدار، صص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ تاریخ موسیقی ایران، صص ۶۷۸ و ۶۷۹.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۵۱.

۳- تراجم الرجال، (چاپ ۱۴۲۲ق) ، ج۲، ص۲۷.

حاج میرزا عبدالحسین سیّد العراقین

حاج میرزا عبدالحسین سیّد العراقین فرزند آقا میر محمّدمهدی بن حاج میرمعصوم بن حاج میرزا محمّدعلی بن میر محمّداسماعیل بن میر محمّدباقر بن میر محمّداسماعیل خاتون آبادی [از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری] عالم فاضل مجتهد بارع و فقیه عادل اجدادش از علمای اصفهان و ساکن محلّه پاقلعه بوده و بدین مناسبت به سادات پاقلعه معروف بوده اند. [جدّ اعلای او میر محمّداسماعیل بانی مدرسه و تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد و فرزند میر محمّداسماعیل: میر محمّدباقر بوده و منصب ملّاباشی شاه سلطان حسین صفوی را داشته است.]

مرحوم سیّد العراقین در سال ۱۲۹۴ق در اصفهان متولّد شده و مقدّمات علوم را در این شهر آموخته سپس جهت تکمیل به عراق عرب رفت و سال ها از محضر اساتید بزرگ آنجا [همچون آخوند ملّا محمّدکاظم خراسانی، آقا سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی، حاج آقا رضا همدانی، ملّا علی نهاوندی، آقا سیّد محمّد طباطبائی فشارکی و میرزا محمّدتقی شیرازی] در فقه و اصول استفاده نموده [و از بزرگانی چون: میرزا حسین محدّث نوری اجازه دریافت نمود] و به درجه اجتهاد نائل گردید. [او به هنگام بازگشت به خواهش آخوند خراسانی در مسیر راه با بیانات و سخنان گرم خود مردم را به حمایت از نهضت مشروطیت دعوت می کرد.] او پس از مراجعت به اصفهان به اقامه جماعت و تدریس و حلّ مشکلات مردم و پاسخ به مسائل شرعی آنان مشغول شده و تولیت مدرسه چهارباغ را هم به عهده گرفت.

او آخرین مدرس معروف مدرسه چهارباغ بود و پس از فوت او [به خاطر مخالفت رضاشاه با روحانیت] سال ها مدرسه چهارباغ تعطیل و خالی از طلبه و محصّل بوده و امورات وقفی آن زیر نظر اداره اوقاف اداره می شد تا پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ش

مجددا مدرسه به تصرف وقف درآمده و طلاب و فضلاء در آن ساکن شده و به تحصیل و تدریس مشغول شدند.

[مرحوم سیّد العراقین در انجمن معارف اصفهان عضو بوده و از اعضاء هیئت علمی اصفهان نیز بود و در حفظ حوزه علمیه اصفهان و رونق بخشیدن به آن تلاش بسیار کرده و رنج فراوان را به جان خرید. پس از آنکه روس ها به اصفهان حمله کردند و صدماتی به مدرسه چهارباغ وارد شد، او به عنوان متولّی مدرسه، به مرمت گنبد و مناره ها و سایر قسمت های مدرسه اهتمام ورزیده و آن را از خطر نابودی نجات داد.] همچنین از متولّی مدرسه صدر پاقلعه نیز بود.

سرانجام در شب چهارشنبه ۱۰ شوال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در تخت فولاد [جنب مقبره میر محمّدصادق مدرس خاتون آبادی] مدفون شد. سپس بر سر مزار آن دو بقعه ای ساخته و تکیه ای بنا نمودند که به تکیه سیّد العراقین معروف شد و جمعی از علماء، شعراء و وعاظ اصفهان در بقعه و صحن و حجره های تکیه مدفون شدند.

مادّه تاریخ وفاتش را استاد همایی چنین گفته است:

لمّا تهدم رکن الفضل و الادب قال المورّخ رکن الفضل منهدم

که به خط آقا شیخ محمّدرضا حسام الواعظین بر سنگ قبر او نوشته شده است.

مرحوم میرزا حسن خان جابری نیز مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

تو هم پا بکش از عراق و بگو «عراقین بی سیّد و سرور است»(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۸۰-۶۸۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۸؛ مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای سیّد ابراهیم میرعمادی در تابستان ۱۳۷۰ش؛ دیوان سنا، ص۱۷۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۲؛ شرح مجموعه گل، صص ۱۲۴-۱۴۷.

میرزا عبدالحسین سمسارزاده

حاج میرزا عبدالحسین سمسارزاده فرزند حاج محمّدمهدی سمسار اصفهانی، بازرگان نیکوکار و [معاصر که سرمایه خود را صرف ترویج علم و تبلیغ شریعت نموده و] به همت او کتاب های: «ترتیب التهذیب»، «جواهر الاخلاق»، «حجه الاسلام» در شرح «شرایع الاسلام» و «منتخب مفاتیح الجنان» به طبع رسیده است.

مشارٌ الیه در شعبان سال ۱۴۰۹ق وفات یافته در بقعه تکیه مرحوم تویسرکانی [در تخت فولاد اصفهان] مدفون گردید.(۱)

میرزا عبدالحسین قیصر بیدآبادی

میرزا عبدالحسین قیصر بن نواب میرزا مهدی قزلباش اصفهانی شاعر ادیب، از سخنوران قرن سیزدهم هجری و از احفاد صفویه است. مدت ۱۴ سال سیاحت کرده و خدمت بزرگان رسیده است. از انواع علوم با بهره بوده و غزل و قصیده را خوب می گفته است. در محلّه بیدآباد اصفهان ساکن بوده و تا سال ۱۲۸۰ق حیات داشته است.

از اوست:

ز گیسوی تو تاری وام کردند به عالم صد هزاران دام کردند

نثار اندر رهت عشاق دلخون سر و جان را به اوّل گام کردند(۲)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۰.

۲- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۴۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۶۹؛ مخزن الادب راجی: خطّی.

حاج عبدالحسین مشفق اصفهانی

حاج عبدالحسین مشفقی متخلّص به «مشفق» فرزند میرزا، شاعر ادیب [در قرن چهاردهم هجری.]

در سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد شده و کمی تحصیل نمود. بعدا به شغل پدری خویش اشتغال جست. در شعر و ادب دارای طبعی روان و ذوقی سرشار بود. دیوان اشعاری بالغ بر چهار هزار بیت دارد. مقداری از اشعارش در طبع سوم «مصیبت نامه صغیر» و مقدار دیگری در «خزائن شکن» تألیف برادرش میرزا علی مشفقی به طبع رسیده است.

مشفق در روز ۲۹ ربیع الاوّل سال ۱۳۶۳ق در اصفهان وفات یافته، در تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد مدفون شد.(۱) [مادّه تاریخ او را محمّدحسین صغیر اصفهانی چنین سروده است:

گفت تاریخ وفاتش را «صغیر»: «کرد مشفق جا بفردوس برین»

۱۳۶۲

این دو بیت از اشعار اوست:

بر اسب ناز مکان کردی و شهان جهان را تو مات از رخت ای شهسوار کردی و رفتی

به روی همچو قمر زلف همچو مشک افکندی به دهر، روز مرا شام تار کردی و رفتی(۲)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۵۲؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۷۵۴.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۴۵۸-۴۶۶.

میرزا عبدالحسین ظفر اصفهانی

میرزا عبدالحسین متخلّص به «ظفر» از شعرای قرن سیزدهم هجری. دیوان بیگی در سال ۱۲۹۴ق او را در طهران دیده که در کار تحصیل بوده و جوانی معقول و مؤدب به شمار می رفته است.

از اوست:

اگر برای غمت شیشه دلم تنگ است بزن به سنگ که این شیشه قابل سنگ است

مرا دلی است خروشان چو چنگ از غم تو تو را به محفل اغیار گوش بر چنگ است(۱)

عبدالحسین عبدی اصفهانی

مشهدی عبدالحسین متخلّص به «عبدی» از شعراء متوسّط و معاصر اصفهان بود. کتابی از او به نام «دُرَر المصائب» مشتمل بر حدود هزار بیت در سال ۱۳۶۸ق به طبع رسیده است.

او در ماه ربیع الاوّل سال ۱۳۷۲ق به سن ۷۵ سالگی در اصفهان وفات یافت. از اوست:

زلف پر چین را خم اندر خم مکن از خمش یک عالمی درهم مکن

از خمار چشم میگون و لعل خویش حسرت ساقی و جام جم مکن(۲)

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۱۳۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۳۰؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۷۴۵.

عبدالحسین فریدنی

عبدالحسین فریدنی [از خطاطین و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۵۴ق کتاب «میزان الاوزان» تألیف: محمّد بن حسن مشهدی (متوفی ۱۲۲۲) را به خط نستعلیق نوشته و کتاب به شماره ۳۷۶۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

عبدالحسین فاضل اژه ای

میرزا عبدالحسین فاضل اژه ای، عالم فاضل واعظ کامل [از وعاظ اواخر دوره قاجاریّه] در صبح چهارشنبه ۱۷ صفر سال ۱۳۲۹ق وفات یافته و در مزار اژه ای ها در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ عبدالحسین فقیه ایمانی

حاج شیخ عبدالحسین فقیه ایمانی، واعظ زاهد عادل [از شاگردان آیه اللّه سیّد ابوالقاسم دهکردی] در ۲۰ شوّال ۱۳۸۷ق به سنّ متجاوز از هشتاد وفات یافته و در قسمت شمالی آب انبار حاج ملّا حسن سمائیان [شمال تکیه فاضلان] در تخت فولاد مدفون گردید.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش چهارم، ص ۱۷۵۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۶۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۳۵.

میرزا عبدالحسین قشمشم اصفهانی*

میرزا عبدالحسین متخلّص به «قشمشم» از شعرای اواخر دوره قاجاریّه. طبعش به هجو و هزل مایل بوده و با آنکه سواد خواندن و نوشتن نداشته، شعر می سروده است. او دکّه کوچکی جنب مسجد جامع داشته و از راه خرید و فروش قند و چای و تنباکو امرار معاش می کرده(۱) و سرانجام در سال ۱۳۱۸ق به سن ۷۵ سالگی وفات یافته است.(۲)

از اشعار او جز یکی دو قطعه چیزی باقی نمانده است.

ملاّ عبدالحسین مازندرانی

ملاّ عبدالحسین مازندرانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن و به تحصیل مشغول بوده و «تهذیب شیخ طوسی» را نزد علاّمه مجلسی در سال ۱۰۹۲ق قرائت و مقابله نموده و علاّمه در پایان کتاب نکاح کتاب «تهذیب» در ۲۶ ذی القعده ۱۰۹۶ق برای او اجازه نوشته است و از او با عنوان «المولی الفاضل الصّالح الفالح الرّضی» یاد کرده است.

این نسخه از «تهذیب» در کتابخانه فقیه محقّق معاصر حاج شیخ رضا استادی طهرانی در قم موجود است.(۳)

سیّد عبدالحسین معین الاسلام

میرزا سیّد عبدالحسین خوانساری ملقّب به «معین الاسلام» و معروف به «زاینده رود» ادیب فاضل نویسنده و مدیر روزنامه «زاینده رود» از روزنامه های منتشره اصفهان

۱- الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۵۴۲ و ۵۴۳.

۲- تذکره شعرای میرزا علی مشفقی: مخطوط.

۳- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۴۹؛ یکصد و شصت نسخه از یک کتابخانه شخصی، ص۱۲.

مدفون در تخت فولاد.(۱)

[او مدّتی در یزد و نیشابور و برخی مناطق دیگر سمت ریاست عدلیّه را داشته و عاقبت ریاست عدلیّه اصفهان را بدست آورده است. در محرم ۱۳۲۷ق نشریه هفتگی «زاینده رود» را منتشر ساخته و تا سال ۱۳۳۲ق به انتشار آن ادامه داده است. او در سال ۱۳۳۴ق با وقوع جنگ جهانی و بروز نااَمنی در اصفهان، به سرزمین بختیاری پناه برد. سال فوت او به دست نیامد.(۲)]

سیّد عبدالحسین میرلوحی*

حاج سیّد عبدالحسین میرلوحی موسوی یزدآبادی، عالم فاضل متقی از دوستان و ارادتمندان مرحوم آقا سیّد زین العابدین طباطبائی ابرقوئی. او امام جمعه در قریه «یزدآباد» لنجان اصفهان بوده و از کسانی است که خدمت حضرت ولی عصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) مشرّف گردیده است.(۳) فرزندانش از جمله مرحوم سیّد ابوالفضل میرلوحی و حاج سیّد حبیب اللّه میرلوحی از علمای محل و مورد ارادت و علاقه مردم بوده و هستند.

سیّد عبدالحسین واعظ اصفهانی

حاج سیّد عبدالحسین واعظ اصفهانی معروف به عرب ساکن طهران [از وعاظ اواخر دوره قاجاریه] در ماه های مبارک رمضان در مسجد شاه طهران پس از نماز امام جمعه در زمان مظفرالدّین شاه به منبر می رفت و شهرتی داشت.(۴)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷.

۲- تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۳، صص ۳ و ۴.

۳- ولایه المتّقین: مقدمه، ص۲۹.

۴- مؤلّفین کتب چاپی، ج۲، ص۳۸۴.

ملاّ عبدالحق منصف قهپایه ای*

مولانا عبدالحق قهپایه ای متخلّص به «منصف» فرزند ملاّ کمال الدّین پیشنماز قهپایه ای، از شعراء و فضلای قرن دهم هجری. به هند رفته و در آنجا سکونت گزید. شعر بسیاری سروده ولی کیفیت آن مطلوب نبوده است. مثنوی لیلی و مجنون از آثار اوست. این بیت از اوست:

زان نرخ جنس غمزه گران بسته ای که من محتاج این متاعم و آن در دکان توست(۱)

ملاّ عبدالحق ورنوسفادرانی

ملاّ عبدالحق ورنوسفادرانی اصفهانی، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. در کمال فضیلت و حالت معنوی بود. در فن موسیقی و لغز و معما ماهر بود. در سال ۱۰۶۳ق وفات یافت.

از اشعار اوست:

لعل لب تو را چه زیان از غبار خط مور ار ز کوثر آب خورد کم نمی شود(۲)

شیخ عبدالحمید اصفهانی

شیخ عبدالحمید اصفهانی [از عرفای قرن هشتم هجری] از مریدان شاه نعمت اللّه ولی کرمانی بوده است.(۳)

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۶، صص ۳۷۵۴ و ۳۷۵۵؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۴، ص۲۱۵۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص۲۹۳ و ۲۹۴.

۳- طرائق الحقائق، ج۳، ص۶۰؛ زندگانی شاه نعمت اللّه ولی، ص۶۲.

سیّد عبدالحمید موسوی خواجوئی

حاج سیّد عبدالحمید موسوی خواجوئی بن سیّد محمّدحسین بن سیّد محمّدتقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّدسعید بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّدباقر بن سیّد محمّدصادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل متّقی [از علمای اواخر دوره قاجاریّه.] در حدود سال ۱۲۵۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای اصفهان از آن جمله: حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی، آقا میر سیّد حسن مدرس (محلّه نوئی) تحصیل نموده و سرانجام در ۶ رمضان المبارک ۱۳۱۶ق وفات یافته و جنب پدر و جد خویش نزدیک تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حواشی بر سیوطی» نامدون که نسخه آن نزد نگارنده موجود است. ۲. «شرح دعای: یا من ارجوه» که در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است. [۳. «شرح دعای رجبیه» که در ۱۶ جمادی الاولی ۱۲۹۶ق به خط نسخ آن را نوشته و به شماره ۱۵۳۴۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)]

صاحب عنوان عموزاده پدر حقیر: سیّد مصلح الدّین بن سیّد شهاب الدّین بن سیّد محمّدحسن مجتهد بن سیّد محمّدتقی مستجاب الدّعوه است.

عبدالحمید عطاری دار (پاینده)

عبدالحمید عطاری، هنرمند موسیقیدان [معاصر] مدفون در صحن تکیه سیّد محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) فوت در سال ۱۳۸۵ق.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۷؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۳؛ فهرست گوهرشاد، ص۳۲۱؛ فهرست مختصر مجلس، ص۴۸۶.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۸۰.

[عبدالحمید عطاری دار معروف به پاینده، هنرمند ارجمند و موسیقی دان شهیر اصفهان، در خیابان شیخ بهائی دارای بنگاه معاملاتی بود و اهل نواختن و شرکت در مجالس نبود و تنها به آموزش قرائت و رعایت قوانین صدا می پرداخت و عدّه ای از اهل منبر و مدّاحان را نیز تعلیم می داد. مادّه تاریخ وفات او چنین است:

پاینده صاحب هنر و ذوق آنکه داشت عطاری دار شهرت و عبدالحمید نام

هم ذکر حق و نام نبی داشت بر زبان هم داشت نام حیدر و اولاد در کلام

«برنا» به شمسی و قمری سال فوت او بنوشت هر کدام به یک مصرع تمام

«پاینده» در جهان بقا کرده است روی» «عبدالحمید کرد بهشت جنان مقام»(۱)] ۱۳۴۴ش ۱۳۸۵ق

عبدالحمید سیاوش*

عبدالحمید سیاوش دستجردی فرزند سیف اللّه، از خوشنویسان توانای معاصر اصفهان در سال ۱۳۳۳ش متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته مکانیک ادامه تحصیل داده و فارغ التحصیل شد. و در هنرستان هنرهای زیبا به تدریس پرداخت.

او خط را از استاد فضائلی و استاد معین آموخت و پس از آن به تعلیم و تدریس خوشنویسی پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت کرد. استاد سیاوش علاوه بر اخذ مدرک ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران، از شورای هنرمندان کشور نیز مدرک درجه ۲ هنری دریافت نمود. آثار او در بسیاری از نمایشگاه های کشور به نمایش درآمده است.

وی اکنون از مدرسین انجمن خویشنویسان اصفهان است.(۲)

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

۲- فصل نامه فرهنگ اصفهان: شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۱، ص۱۰۷.

عبدالحمید شهدی اصفهانی

عبدالحمید اوحدی معروف به «حمید» و متخلّص به «شهدی» فرزند آقا محمّد کریم بن آقا عباس بن میرزا اسماعیل اصفهانی، از شعرای معاصر اصفهان. در طلوع فجر جمعه ۲۴ رجب المرجب ۱۳۳۷ق در اصفهان متولّد شده. او پس از تکمیل دوره دبیرستان در اصفهان به طهران منتقل گردید. در شاعری صاحب طبعی لطیف بود.

از اوست:

سر زلف پر تابت، چو خرد بدید گفتا نکنم گمان که کس از خم آن رهیده باشد(۱)

میرزا عبدالحمید شریف اصفهانی*

میرزا عبدالحمید شریف بن میرزا محمّد اصفهانی حائری، از فضلاء اوایل قرن چهاردهم هجری است. او مجموعه ای شامل: «نوادر الاثر بعلیٌ خیر البشر» تألیف: جعفر بن احمد بن علی قمی رازی و «کتاب العروس» از همو را در سال ۱۳۳۷ق به خط نسخ کتابت نموده که به شماره ۹۷۰۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

سیّد عبدالحمید موسوی اصفهانی

سیّد عبدالحمید موسوی اصفهانی بن سیّد محمّد [بن سیّد علی بخش بن سیّد محمّد موسوی، از علمای ازکیاء [در قرن سیزدهم هجری] و از شاگردان شیخ محمّدحسن

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۸۹؛ دیوان غمگین اصفهانی: مقدمه.

۲- فهرست مختصر مجلس، صص ۶۵۳ و ۸۷۰.

صاحب جواهر بوده و پس از مراجعت از نجف اشرف در اصفهان و لنجان ساکن شده و هم در این شهر وفات یافته [است.] وی را شرحی است بر کتاب «شرایع الاسلام» تألیف محقّق حلّی (علیه الرّحمه) .(۱)

[ظاهرا او همان است که] در ذیقعده ۱۲۶۳ق برگه استشهادی را امضاء کرده و خود را چنین معرفی نموده است: «عبدالحمید موسوی النجفی مسکنا و مدفنا انشاءاللّه».

[تقریرات درس فقه شیخ موسی کاشف الغطاء به قلم او موجود است و آن شرح استدلالی بر کتاب مواریث «شرایع الاسلام» است.(۲)]

سیّد عبدالحمید نوربخش چهارمحالی

سیّد عبدالحمید شورابی چهارمحالی اصفهانی نوربخش، شاعر معاصر صاحب «مصیبت نامه» مطبوع.

عبدالحمید نجّار اصفهانی*

عبدالحمید نجّار اصفهانی متخلّص به «نجار» از شعرای معاصر اصفهان است که در ۱۵ شعبان ۱۳۸۹ق وفات یافته و در صحن تکیه شهشهانی در تخت فولاد اصفهان مدفون شده است.(۳)

میرزا عبدالحمید هوشیار نجف آبادی*

میرزا عبدالحمید هوشیار، از ادباء و فضلای معاصر در حوزه علمیه نجف آباد تحصیل کرده و سپس در قم در محضر اساتید آن شهر به کسب فیض پرداخته است. او در سال

۱- الذریعه، ج۱۳، ص۱۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۱.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی منقول از «سراج المعانی»، ص۷۸.

۳- یادداشت های آقای حمید خلیلیان؛ تذکره شعرای تخت فولاد اصفهان، ص۶۵۱.

۱۳۷۰ش درگذشت.

از اوست:

در خاک نجف تجلّی خدا می بینم بی پرده ز نور مرتضی می بینم

بر سینه آدم صفی باب علوم از خاتم انبیا به جا می بینم(۱)

ملّا عبدالحی دیهوکی طبسی

ملّا عبدالحی بن محمّدرفیع دیهوکی طبسی گیلکی، عالم فاضل جلیل. [از علمای قرن دوازدهم هجری] در اصفهان به تحصیل پرداخته و در فقه و اصول، ادبیات عرب و منطق و کلام مهارت یافته و به تدریس پرداخته است. ملّا محمّدعلی بن محمّدرضا رقیّ تونی از افاضل شاگردان او است. [که ملّا عبدالحی در هامش نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» که اکنون در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است جهت او اجازه نوشته و در آنجا آمده که از میرزا محمّد مشهدی (از مجازین ملّا احمد و ملّا عبداللّه تونی) اجازه دریافت نموده است. ملّا محمّدعلی تونی در ذیل این اجازه نوشته است که استادش[ملّا عبدالحی در شب یکشنبه دوم محرم ۱۱۳۳ق وفات یافته و در مقبره ستّی فاطمه اصفهان مدفون شده است.(۲)

عبدالخالق خان اصفهانی*

عبدالخالق خان اصفهانی، از هنرمندان اصفهان و از پیشگامان صنعت عکاسی اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است و قدری از دوره سلطنت رضاشاه پهلوی را نیز درک کرده است. در محلّه لنبان اصفهان متولّد شد. از تسلط او به زبان فرانسوی شاید بتوان نتیجه گرفت که احتمالاً از جوانانی بوده که به منظور تحصیل راهی اروپا شده و

۱- دیباچه دیار نون، ص۲۵۲.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۵۱؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۲۷۶؛ دومین دوگفتار، صص ۸۶-۸۹.

شاید عکاسی را در آنجا فرا گرفته باشد.

در جوانی به دلیل تسلط به عکاسی به عنوان عکاس باشی مخصوص دربار ظل السّلطان موفق به دریافت مدال مخصوص از او می شود. اغلب عمر او به عکاسی در اصفهان گذشته امّا مدّتی برای دایر کردن عکاسی در شیراز به سر برده و در عکاسخانه مرکزی لشکر جنوب شیراز کار می کرده و در این دوران مکاتباتی با میرزا مهدی خان چهره نما داشته است. روزهای آخر عمر وی گویا در تهران سپری شده است. امّا تاریخ دقیق فوت او به دست نیامد.

عبدالخالق خان در موسیقی هم دستی داشته و از شاگردان نایب اسداللّه در اصفهان بوده است.

مجموعه عکس هایی که توسّط او درنهایت دقّت و مهارت فنّی گرفته شده، در آلبوم های شخصی ظل السّلطان موجود است.(۱)

عبدالخالق اژه ای

عبدالخالق بن حاجی محمّدتقی اژه ای [از خطاطین خط نستعلیق در قرن سیزدهم هجری] در روز یکشنبه ۲۹ ربیع الاوّل سال ۱۲۴۲ق کتابت نسخه ای از «انوار سهیلی» را به خط نستعلیق شکسته به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۸ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

۱- چهره نگاران اصفهان، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۱۵.

عبدالخالق علوی

ابوهاشم عبدالخالق بن حیدر بن علی بن حسن بن علی بن حسن بن علی علوی معروف به «برطله شریف» [از محدّثین اصفهان] از حافظ ابوعمر و عبدالوهاب بن محمّد بن منده حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۱)

میرزا عبدالخالق لنجانی*

میرزا عبدالخالق لنجانی فرزند حاج میرزا رضا از خوشنویسان نسخ و ثلث در نیمه اوّل قرن چهاردهم هجری است. از راه کتابت امرار معاش می کرد و برای چاپ سنگی هم کتاب می نوشت.

از آثار او:

۱. کتابت قسمتی از اجزاء کتاب «وافی» فیض کاشانی که در ۱۱ رجب ۱۳۳۲ق کتابت کرده و چاپ سنگی شده است.(۲) ۲. دو قطعه به خط نسخ و رقاع خوش در مجموعه امیرقلی امینی در تاریخ جمادی الثانی ۱۳۰۵ق.(۳)

عبدالخالق قائنی

عبدالخالق بن محمّدشفیع قائنی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و احتمالاً از شاگردان علاّمه مجلسی است. در تاریخ دوشنبه جمادی الثّانیه ۱۰۸۱ق کتابت مجلد دوم «بحارالانوار» را به خط نسخ به پایان رسانیده و در کتاب

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۳۶.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۲۶.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۹۹.

علامت مقابله و حواشی به خط علاّمه مجلسی دارد. نسخه به شماره ۴۵۱۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

میرزا عبدالخالق خوراسگانی*

میرزا عبدالخالق خوراسگانی، از خوشنویسان نازک کار اصفهان در قرن سیزدهم هجری و از اقران آقا هاشم و حسن حدّاد است که عصر خوشنویسی او حدود یک قرن قبل از عبدالخالق لنجانی است.

قرآن نفیس به خط او تملک آقای حاج علیرضاخان فاطمی اصفهانی که تاریخ کتابتش سال ۱۲۴۸ق است به رؤیت استاد همائی رسیده است.(۲)

عبدالخضر جزائری

عبدالخضر بن زباره فرج آل حسینی جزائری اصفهانی، از نویسندگان کتب است. در تاریخ ۱۰۸۴ کتاب «الدروع الواقیه من الاخطار» تألیف سیّد رضی الدّین علی بن طاوس را نوشته و کتاب به شماره ۳۳۱۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

عبدالرّحمان اصفهانی

مولانا عبدالرّحمان، برادرزاده قاضی امین الدّین فضل اللّه [از بزرگان علماء اصفهان در قرن نهم هجری.] مقتول در ساوه به دستور شاهرخ در رمضان ۸۵۰ق.(۴)

شرح گرفتاری او و شاه علاءالدّین محمّد نقیب و خواجه افضل الدّین محمّد ترکه و

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۹۴؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۴۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۲۷.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص۲۳۲.

۴- تاریخ نظم و نثر، ص۴۴۹.

دیگران را در تاریخ باید مطالعه کرد.

عبدالرّحمان اصفهانی

عبدالرّحمان اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از مختار بن عبداللّه بن ابی لیلی روایت می کند.(۱)

عبدالرّحمان ذکوانی اصفهانی

ابوالقاسم عبدالرّحمان بن ابی بکر بن احمد ذکوانی اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] فوت ۴۰۳ق. از حافظ ابی الشیخ اصفهانی و قباب استماع حدیث کرده است.(۲)

عبدالرّحمان اصفهانی

عبدالرّحمان بن ابی لیلی یسار اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از مختار بن عبداللّه بن ابی لیلی روایت می کند و محمّد بن عبداللّه بن ابی لیلی یسار برادرزاده او، از او استماع حدیث کرده است.(۳)

عبدالرّحمان سُدّی

ابواسماعیل عبدالرّحمان بن ابی کریمه سُدّی اصفهانی [از محدّثین قرن دوم هجری ساکن اصفهان] مولای قیس بن مَخربه بوده و از پدرش نقل حدیث کرده است.

۱- میزان الاعتدال، ج ۲، ص۸۸.

۲- میزان الاعتدال، ج ۲، ص۱۱۷.

۳- میزان الاعتدال، ج ۲، ص۸۸.

فرزندش اسماعیل سُدّی هم از محدّثین مشهور بوده و از پدر روایت می کند.(۱)

[وفاتش در سال ۱۲۷ق واقع شد.]

عبدالرّحمان اصفهانی

ابوسعید عبدالرّحمان بن احمد اصفهانی [از ادبای اصفهان است] در بغداد سکونت داشته و این تألیفات از اوست:

۱. «ادب الکاتب» ۲. «تهذیب الفصاحه» ۳. «رسائل الابهری» ۴. «الندیم»(۲)

سال فوتش به دست نیامد.

عبدالرّحمان رازی

ابوالفضل عبدالرّحمان بن احمد بن حسن رازی الموتی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری] از جعفر بن عبداللّه بن یعقوب نقل حدیث نموده و ابوسهل محمّد بن ابراهیم بن محمّد بن سعدویه زکی اصفهانی و ابوبکر عبدالغفار بن محمّد شیروی جنابدی [گنابادی] در اصفهان از او استماع حدیث کرده اند.(۳)

عبدالرّحمان اصفهانی

عبدالرحمان بن احمد بن محمّد بن ابی بکر بن علی اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن هفتم هجری] پدر شمس الدّین محمود اصفهانی مؤلّف: «شرح تجرید» و استاد جمعی از علماء زمان از آن جمله فرزندش شمس الدّین ابوالثناء محمود بوده است.(۴)

۱- طبقات المحدّثین، ج۱، ص۹۶؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۶؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۱۷.

۲- هدیه العارفین، ج۱، ص۵۱۳.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۶۶.

۴- ریحانه الادب، ج۳، ص۲۴۸.

نورالدّین عبدالرّحمان جامی

نورالدّین عبدالرّحمان بن نظام الدّین احمد بن شمس الدّین محمّد دشتی اصفهانی، شاعر ماهر و ادیب عارف صوفی. پدر و جدّش در محلّه دشت اصفهان ساکن و خود جامی در جام متولّد گردیده و در اوایل «دشتی» تخلّص داشته و بعدا «جامی» را انتخاب نموده است.

در عموم کتب رجال و تذکره های شعراء نام و تألیفاتش مذکور است و «بهارستان» او که به سبک «گلستان» تألیف شده معروف [است.]

در ۲۳ شعبان ۸۱۷ق متولّد و در محرم ۸۹۸ق در هرات وفات یافته [است.]

قریب ۴۰ مُجلَّد کتاب و رساله به نظم و نثر تألیف نموده [است.] از تألیفات معروف او «نفحات الانس» در شرح حال ۶۱۴نفر از مشایخ صوفیه است. برای اطلاع بیشتر از حالات او به تذکره های شعراء و تاریخ ادبیات مراجعه شود.(۱)

جامی هیچ گاه در اصفهان نبوده و فقط پدر و جدّش اصفهانی بوده اند. در سال های اخیر شهرداری اصفهان یکی از خیابان های فرعی اصفهان حدّ فاصل خیابان چهارباغ پایین و خیابان خرم را به نام «جامی» نامگذاری کرده است.]

عبدالرّحمان ضراب

ابومحمّد عبدالرّحمان بن حسن بن موسی بن محمّد ضرّاب اصفهانی، از بزرگان محدّثین و ثقات آن [در قرن سوم هجری] در کوفه و بغداد و واسط کسب حدیث نموده و کتاب های «مسند» و «الابواب» را تألیف کرده است.

از عصام بن حکم عکبری، یحیی بن ورد بن عبداللّه و حسن بن منصور واسطی روایت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۲؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۸۵؛ تحفه سامی، صص ۱۴۳-۱۴۶.

حدیث می کند و ابوالحسن علی بن محمود بن مالک مدینی، محمّد بن احمد بن ابراهیم، سلیمان بن احمد و ابومحمّد بن حیّان از وی اخذ حدیث کرده اند.(۱)

[پدرش نیز از محدّثین بوده و شرح حال او را در اعلام اصفهان، ج۲، ص۵۵۷ آورده ایم.]

عبدالرّحمان اصفهانی نیشابوری

ابوسعد عبدالرّحمان بن حسن نیشابوری [از محدّثین و حفّاظ قرن سوم هجری] اصل او از اصفهان است ولی در نیشابور ساکن بوده و در سال ۳۰۷ق وفات یافته است. کتاب های «مسند» و «شرف المصطفی» از اوست.(۲)

عبدالرّحمان اصفهانی بغدادی

حافظ ابوصالح عبدالرّحمان بن سعید بن هارون اصفهانی، [از محدّثین عامّه در قرن سوم هجری] در بغداد ساکن بوده و در آنجا در جمادی الآخر ۳۲۴ق وفات کرده است.

از ابوسعد احمد بن فرات رازی و محمّد بن عیسی عطار و عبدالرّحمان بن رسته نقل حدیث کرده و ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دار قطنی، محمّد بن مظفر و محمّد بن جعفر بن حسین [بغدادی] از او استماع حدیث کرده اند.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۴.

۲- الاعلام، ج۴، ص۷۴ به نقل از الرساله المستطرفه، ص۵۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۳؛ احقاق الحق، ج۱۶، ص۳۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۷۰.

عبدالرّحمان جَهنی اصفهانی

عبدالرّحمان بن سلیمان بن اصفهانی جهنی [از محدّثین عامّه در قرن دوم هجری است. ثقه و صالح بوده] و در کوفه می زیسته و در اصفهان تجارت می کرده و اهل محلّه سنبلان است. او در کوفه وفات یافت و اولاد و اهل بیت او در کوفه باقی ماندند.

اسماعیل بن ابوخالد، شُعبه، ثوری، عمرو بن ابوقیس، شریک و ابوعوانه، محمّد بن سعید بن اصفهانی و محمّد بن سلیمان بن اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند و خود عبدالرّحمان از عکرمه، شُعبی، ابی حازم، ابوصالح، عبداللّه بن مَعقِل، انس بن مالک و مجاهد روایت کرده است.(۱)

عبدالرّحمان کوفی اصفهانی

عبدالرّحمان بن عبداللّه کوفی [از محدّثین عامّه اصفهان است و] از عبدالرّحمان بن ابی لیلی روایت می کند و شُعبه بن حجاج از او نقل حدیث می نماید. در زمان حکومت خالد بر عراق وفات یافت.(۲)

عبدالرّحمان اصفهانی

حافظ ابومسعود عبدالرّحمان بن ابی الوفاء علی بن احمد اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] فوت سال ۵۶۵ق.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۷؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۰۷؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۱۱.

۲- لغت نامه دهخدا.

۳- مرآت الجنان، ج۳، ص۳۷۹.

عبدالرّحمان دشتی اصفهانی

ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد بن احمد بن سیاه دشتی اصفهانی مذکر [از محدّثین عامّه در قرن سوم و چهارم هجری و از اهالی محلّه دشت اصفهان.] از ابراهیم بن زهیر جلودی (حلوانی) استماع حدیث کرده و ابوبکر بن مردویه و ابویحیی عبدالرّحمان بن محمّد بن سلم رازی (ابن سلم) از او روایت می کنند.

او در آخر رجب ۳۴۶ق در بلخ فوت شده است.(۱)

عبدالرّحمان سمسار اصفهانی

ابونصر (یا ابومحمّد) عبدالرّحمان بن محمّد بن احمد سمسار اصفهانی [از محدّثین عامه اصفهان در قرن پنجم هجری] فوت: محرم ۴۹۰ق.(۲)

عبدالرّحمان اصفهانی

ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد بن جعفر بن حیّان مؤدب اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری] برادر حافظ ابومحمّد عبداللّه معروف به «حافظ ابی الشیخ اصفهانی» است. و در سال ۳۵۹ق به عارضه سکته وفات یافته [است.]

از ابراهیم بن متویه، احمد بن علی خزاعی و ابوجعفر محمّد بن زکریا بن عبداللّه قرشی روایت کرده و حافظ ابونعیم اصفهانی مؤلّف «ذکر اخبار اصفهان» از وی روایت کرده است.(۳)

۱- معجم البلدان، ج۲، صص ۴۵۰ و ۴۵۶؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۹؛ المشترک، ص۱۸۰؛ اللباب، ج۱، ص۵۰۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۷۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۰.

عبدالرّحمان اصفهانی

ابوالحسن عبـدالرّحمان بن محمّـد بن عبداللّه اصـفهانی [از محدّثین قرن چهارم هجری[از سلیمان بن احمد طبرانی روایت می کند و حافظ ابوبکر احمد بن علی بن ثابت از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

عبدالرّحمان اصفهانی

عبدالرّحمان بن محمّد بن علی اصفهانی [از دانایان قرائت و تجوید در قرن هشتم هجری] قرآآت سبعه را در خدمت صدرالدّین ابوالخطاب محمّد بن محمود بن محمّد شیرازی (متوفی ۷۷۶ق) تحصیل کرده است.(۲)

عبدالرّحمان حداد اصفهانی

ابوالقاسم عبـدالرّحمان بـن محمّـد بن فضـل بن محمّـد بن احمـد حـداد اصـفهانی [از محـدّثین عـامّه در قرن ششم هجری] از ابومحمّـد رزق اللّه بن عبـدالوهاب تمیمی، ابوبکر محمّد بن علی بن جوله ابهری و ابونصـر احمد بن محمّد بن صاعد قاضـی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.(۳)

عبدالرّحمان سَلمونی نیشابوری

ابوالفتوح عبدالرّحمان بن محمّد بن محمّد سلمونی، از علماء و زهاد و از اهالی

۱- تبیین کذب المفتری، ص ۳۰.

۲- شدّ الازار، ص ۲۴۱.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۱۰.

نیشابور است. مؤلفین از او به عنوان «امامٌ ورعٌ جامع بین العلم و الزهد» یاد کرده اند.

سَلمونی به کرمان مهاجرت کرده، سپس به اصفهان آمده و در «مدینه» (شهرستان) جی در سال ۵۳۰ق وفات یافته است. او از ابومنصور کراعی و ابونصر عبدالرحیم بن ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری روایت می کند.(۱)

عبدالرّحمان رازی*

ابویحیی عبدالرّحمان بن محمّد بن سلم رازی، از راویان و حفّاظ حدیث در قرن سوم هجری است. امام جامع اصفهان بوده و کتاب های «مسند» و «تفسیر» را نوشته است.

از سهل بن عثمان و عبدالعزیز بن یحیی و حسین بن عیسی زهری و طبقه ایشان روایت نموده و ابواحمد عسال، حافظ ابوالشیخ اصفهانی و طبرانی و دیگران از او نقل حدیث کرده اند. وفاتش در سال ۲۶۱ق واقع شد.(۲)

عبدالرّحمان دارگانی اصفهانی

ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد بن مسلم دارگانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.

مصحح «التّحبیر» در پاورقی گوید: «دارکان» یکی از قرای مرو است. نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی] گوید: «دارکان» یا «دارجان» از قرای لنجان اصفهان است و تاکنون به همین اسم مشهور است.(۳)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص۱۱۳؛ ترجمه رساله قشریه، ص۵۸.

۲- طبقات المفسّرین، ج ۱، ص۲۸۲؛ طبقات المحدّثین باصبهان، ج۴، ص۲۲۲؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۲.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص۴۱۲.

عبدالرّحمان صیدلانی

ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد صیدلانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از عبداللّه بن بُندار باطرقانی روایت نموده و ابوبکر بن مقری از او نقل حدیث کرده است.(۱)

صیدلانی به معنی داروفروش است.

عبدالرّحمان معدانی اصفهانی

عبدالرّحمان بن یوسف بن معدان، از محدّثین عامّه اصفهان و چون برادرش محمّد بن یوسف معروف به «شیخ یوسف بنّا» از زهّاد و صلحای عهد بوده و در محله جورجیر اقامت داشته است.

از عثمان بن زائده روایت کرده و ابوسفیان صالح بن مهران، عبدالرّحمان بن عمر رسته و حفص بن معدان و محمّد بن عاصم حدیث شنوده و در سال ۲۶۰ق وفات یافته است.(۲)

عبدالرّحمان شافعی اصفهانی

نجم الدّین عبدالرّحمان بن یوسف شافعی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] ساکن مکّه. وی در سال ۶۷۷ق متولّد و در آخر ایام تشریق در منی به سال ۷۵۰ق فوت نموده است. «المختصر الروضه» (در ۲جلد) از آثار اوست.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۸؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۱۷۳.

۳- مرآت الجنان، ج۴، ص۳۳۴.

عبدالرحیم اصفهانی*

عبدالرحیم اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. او خط نسخ را زیبا می نوشته و «شرح کتابی در نحو» را در چهارشنبه دهم ذیحجه ۱۲۸۹ق کتابت نموده که به شماره ۱۹۷ در کتابخانه میرزا محمّد کاظمینی در یزد موجود است.(۱)

عبدالرحیم اصفهانی شیرازی

عبدالرحیم اصفهانی شیرازی، از شاعران قرن هشتم سراینده داستان «سعد و همایون». و در آن از جشن آب مرغان در سه شنبه های ماه رجب و همچنین عشرت دوستی مردم شیراز وصف شده است.

آغاز نسخه:

به نام آن که عالم آفریده است محمّد بر خلایق برگزیده است

خداوندی که روزی داد ما را همی داند نهان و آشکارا

انجام نسخه:

سراسر گفته شد این دوستانم چو گفتم جمله تاریخش بخوانم

بذ و الحجه بود از اوّل ماه که ختم این سخن کردم به ناگاه

به تاریخ این حدیث نغز و شیرین سنه سبعمائه با سبع و تسعین

۷۹۷

نسخه به شماره ۱/۳۰۷۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

۱- فهرست کاظمینی، ج۱، ص۱۷۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۰۲۹؛ الذریعه، ج۱۹، ص۲۰۶؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۲۸.

[آب مرغان از تفرّج گاه های شیراز است.]

ملاّ عبدالرحیم کوشکی

ملاّ عبدالرّحیم کوشکی بن ملاّ ابراهیم، عالم فاضل. [از علماء اواخر دوره قاجاریه، از اهلی قریه «کوشک» در نزدیک اصفهان] متوفی [۱۰] محرم الحرم ۱۳۱۷ق مدفون در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان.(۱)

عبدالرحیم ورنوسفادرانی

عبدالرحیم بن محمّدابراهیم ورنوسفادرانی [از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در چهارشنبه ۲۶ شوال ۱۲۳۷ق نسخه ای از کتاب «گلدسته اندیشه» تألیف: محمّدامین وقاری یزدی را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۲۸۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

عبدالرّحیم اصفهانی

عبدالرّحیم بن ابوالحسن اصفهانی خطاط نسخ نویس [در قرن دوازدهم هجری] از آثارش: «جلاء العیون» علاّمه مجلسی، مورخ به سال ۱۰۲۴ق (ظاهرا ۱۱۲۴ باشد زیرا تاریخ تألیف ۱۰۸۹ق می باشد) به شماره ۱۵۵۶۶ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۳)

وی همچنین در دهه آخر رجب ۱۱۲۷ق نسخه ای از کتاب «ملاذ الاخیار» علاّمه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۷۴.

۳- فهرست وزیری، ج۲، ص۷۴۶.

مجلسی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۲۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

احتمالاً وی از شاگردان علاّمه مجلسی می باشد.

عبدالرحیم فرقانی کرونی*

عبدالرحیم بن محمّدباقر فرقانی کرونی اصفهانی، از خوشنویسان قرن چهاردهم هجری است. او یک نسخه قرآن کریم را به خط نسخ در سال ۱۳۵۳ق کتابت کرده که در همان سال در تهران به همت محمّدحسن علمی چاپ سنگی شده است.(۲)

میرزا عبدالرّحیم مؤتمن الحکماء

میرزا عبدالرحیم حکیم ملقب به «مؤتمن الحکماء» فرزند میرزا حبیب [روحبخش] بن میرزا بزرگ بن میرزا کوچک طبیب اصفهانی، طبیب حاذق و دانشمند فاضل.(۳)

[در محله جوباره اصفهان متولّد شده و در مدرسه دارالفنون تهران طب را آموخت. سپس به اصفهان آمده و به طبابت پرداخت. ظل السّلطان حاکم اصفهان لقب «مؤتمن الحکماء» را به او داد. وی طبیبی مردم دار و متدیّن و رئوف به حال مستمندان بود. سرانجام در غرّه جمادی الاوّل ۱۳۶۷ق وفات یافته و در تکیه خلیلیان واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۴)]

۱- فهرست مرعشی، ج۱، ص۲۶۳؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۵۰.

۲- اهتمام ایرانیان به قرآن کریم، ص۲۸۹.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۳۱.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ مصاحبه غلامرضا نصراللهی با دکتر سیّد رضا پزشک در ۱۲ مرداد ۱۳۷۶ش.

وی کتاب «مرض نقرس و معالجات آن» را جهت ظل السّلطان تألیف کرده که نسخه اصل در کتابخانه عمومی اصفهان به شماره ۱۱۵۶۸ موجود است.(۱)

[وی رساله «شیخ و شوخ» را در سال ۱۳۱۵ق کتابت کرده است. این نسخه نزد میرزا عبدالرزاق خان مهندس بغایری در تهران بوده است.(۲)]

میرزا عبدالرحیم قاضی

حاج میرزا عبدالرحیم قاضی فرزند حاج میرزا محمّدحسن، عالم فاضل، از اعقاب محقّق سبزواری.(۳)

[از علمای فاضل خاندان قاضی و ساکن در محلّه علیقلی آقای اصفهان بوده و در فروردین ۱۳۲۵ش وفات یافته و در تکیه حاج آقا مجلس در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۴)

وی کتاب «نهایه الآمال» تألیف: محمّدتقی هروی را در ۲۵ صفر ۱۳۲۲ق به خط نسخ کتابت نموده که به شماره ۳۵۱۷ در کتابخانه ملی ملک در تهران موجود است.(۵)]

عبدالرّحیم اصفهانی

عبدالرّحیم بن حسن بن محمّد بن احمد اصفهانی [از نویسندگان کتب و کاتبان قرن یازدهم هجری] در چهارشنبه ۲۳ ربیع الاوّل ۱۰۱۶ق کتابت کتاب «منتهی المطلب» تألیف علاّمه حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۸۴۱ در کتابخانه

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲- فرهنگ ایران زمین، ج ۳۰، ص ۵۴۰.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۱.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

۵- فهرست ملک، ج ۱، ص ۷۷۹.

مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

عبدالرّحیم بهاءالملک

ابوالفتح عبدالرحیم ملقّب به «بهاءالملک» فرزند خواجه نظام الملک حسن طوسی [از دولتمردان عهد سلجوقی در قرن پنجم هجری] در زمان وزارت عزّالملک ابوعبداللّه حسین بن نظام الملک و سلطنت بَرکیارُق متصدی دیوان طغرا و مردی بی کفایت و شرابخوار بوده و در سال ۴۸۷ق در مراسم بیعت با مستظهر عباسی شرکت داشته است.(۲)

سیّد عبدالرحیم فروغی قهفرخی

سیّد عبدالرحیم میرفروغی قهفرخی متخلّص به «فروغی» فرزند سیّد محمّدحسین، از شعرای معاصر از قریه قهفرخ [فرخ شهر کنونی] چهارمحال اصفهان است. [در سال ۱۳۳۵ش] قریب شصت سال از سن او گذشته بود و به امور زراعتی روزگار می گذراند. گاهی شعر می سرود و در آن «فروغی» و «میر فروغی» تخلّص می نمود. از اوست:

دارم عجب که در دل سختش اثر نکرد آن تیر آه کز دل سوزان کشیده ام(۳)

میرزا عبدالرحیم کلباسی

میرزا عبدالرّحیم بن میرزا محمّدرضا بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل زاهد [از علمای عالیقدر اصفهان در اواخر دوره قاجاریه.]

در ۹ شعبان ۱۲۵۴ق متولّد شده [و کودکی را تحت نظر عمّ بزرگوارش شیخ جعفر طی نموده و در اصفهان از محضر علمای این شهر خصوصا میرزا محمّدباقر چهارسوقی

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش یکم، ص ۱۶۷.

۲- مدارس نظامیه، ص ۵۳.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۵۹.

(صاحب روضات) و حاج میرزا محمّدهاشم چهارسوقی بهره گرفت.(۱) او سفری به مشهد مقدس نموده و سه سفر به عتبات عالیات نمود که در سفر سوم هفت سال آنجا به تحصیل مشغول شد.(۲)

اساتید او در عتبات میرزا حبیب اللّه رشتی(۳) ، میرزا حسین خلیلی، ملاّ محمّد ایروانی، ملاّ لطف اللّه مازندرانی حائری، میرزا ابوالقاسم طباطبائی نجفی و شیخ زین العابدین مازندرانی بوده اند(۴) و از برخی از اساتید خود اجازه گرفته است. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به ارشاد مردم پرداخت. او در بیانات منبری تسلط شایانی داشت. در ۱۰ سال آخر عمر به زهد و استغنا طی روزگار نموده و اموال خویش را بر فرزندانش تقسیم نمود. او خط نسخ را خوش می نوشت و اجزائی از قرآن مجید و کتاب «الفیه» را به خط زیبای خود نوشته بود.]

او در [عصر پنج شنبه] ۹ شعبان ۱۳۳۵ق وفات یافته و در یکی از حجره های تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۵)

بر سنگ مرمر نفیس مزار میرزا عبدالرحیم که به خط ثلث نوشته شده است، این دو بیت در مادّه تاریخ وفات او بر روی سنگ نقر گردیده است:

عبدالرّحیم در بر ربّ رحیم رفت زاد معاد خویش ز قلب سلیم برد

دل در میانه آمد و تاریخ فوت شد عبدالرّحیم سر بجوار رحیم برد(۶)

کتب ذیل از اوست:

۱- خاندان کلباسی، ص۲۱۵.

۲- مکارم الآثار، ج۵، ص۱۴۵۴.

۳- نقباء البشر، ج۳، صص ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴.

۴- خاندان کلباسی، ص۲۱۵؛ مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، ص۱۸۷.

۵- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

۶- مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، ص۱۹۰.

۱. «تعلیقه بر رسائل» شیخ انصاری ۲. «تفسیر و معنی قرآن» [در حاشیه قرآن[۳. «رساله در تیمّم» [که شرحی بر مقصد پنجم کتاب جدّش «منهاج الهدایه» است.[۴. «کشف الحجاب» در شرح «خلاصه الحساب» [علاّمه شیخ بهائی که در واقع شرح بر ترجمه فارسی «خلاـصه الحساب» شیخ جواد کاظمینی است ولی ادلّه و براهین آن حذف شده است. این شرح در ۲۰ شوال ۱۲۸۳ق به پایان رسیده و به خط مؤلف به شماره ۲۰۴۰ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)]۵. «مجموعه ای در اجازات» [خود از علمای اعلام]۶. مجموعه ای در مطالب متفرقه [یا «جُنگ»۷. کتابی در «مواعظ»

عبدالرحیم معدّل اصفهانی

ابوالفضل عبدالرّحیم بن عاصم بن عبدالواحد بن عبدالکریم معدل اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] امام جامع جوجیر در اصفهان و از محدّثین عالم و اهل عدالت و اصلاح بوده و در ماه صفر سال ۵۳۶ق فوت شده است.

او از ابوعمر عبدالوهاب بن محمّد بن اسحاق بن منده عبدی و ابومحمّد رزق اللّه تمیمی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

شیخ عبدالرّحیم حائری

حاج شیخ عبدالرّحیم حائری فرزند شیخ عبدالحسین شیخ محمّدحسین صاحب فصول عالم فاضل و ادیب شاعر. [از علمای قرن چهاردهم هجری.]

۱- فهرست خطی احیاء، ج۶، ص۵۷؛ مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، ص۱۸۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۱.

در دوم ربیع الاوّل ۱۲۹۴ق در کربلا متولّد شده و نزد آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، شیخ زین العابدین مازندرانی [و شیخ اسماعیل بروجردی] و دیگران تلمّذ نموده و از اساتید خود و جمعی دیگر از علماء موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردید. او سال ها در طهران ساکن و به وظایف روحانیت، از تبلیغ و ارشاد و اقامه جماعت و رسیدگی به امور شرعی مردم و امر به معروف و نهی از منکر و دیگر شئونات روحانیت پرداخت.

او از علماء معروف و خوش فکر طهران بود که به واسطه تشکیل جمعیت اخوان اسلامی، خوی و صفات و مسلمانان صدر اسلام را تجدید کرد.

وی سرانجام در شب ۶ ذیقعده ۱۳۶۷ق در طهران وفات یافت و در خیابان سلسبیل هاشمی مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بدایع الاحکام در شرایع اسلام»۲. «بدر التّنجیم» در تقویم۳. «جامع الشّتات» در متفرّقات۴. «داستان سلامان و ابسال»۵. «دیوان اشعار» به عربی و فارسی۶. «رساله در افضلیّت نماز بر ذکر»۷. «رساله در بیع وقف»۸. «رساله در حکم تشریع احکام دین»۹. «رساله در اینکه شریعت سرّ طبیعت است»۱۰. «رساله در این که مراد از ذکر در آیه شریفه «و لذکر اللّه اکبر» نماز است» ۱۱. «رساله در احکام ساکنین قطبین» ۱۲. «غنائم التّبیان» در تفسیر قرآن ۱۳. «رسائل در ردّ صوفیه» ۱۴. «مجمع الاسرار» منظومه در عرفان، مطبوع ۱۵. «مشرق الانوار» منظومه فارسی در ذکر اسرار قرآن، مطبوع ۱۶. «شرح رساله حیّ بن یقظان» مطبوع ۱۷. «ملخص المقال فی احوال الرّجال» مطبوع ۱۸. «ملخص المقال فی نظم مختصر خلاصه الاقوال» مطبوع ۱۹. «منظومه مناسک حج» مطبوع ۲۰. «منظومه درایه و رجال» ۲۱. «موجز المقال» در درایه، مطبوع ۲۲. «ودایع الاسرار و بدایع الأخبار» در مراتب یقین و درجات

ایمان.(۱)

حاج شیخ عبدالرّحیم ملکیان

حاج شیخ عبدالرّحیم ملکیان قمشه ای فرزند حاج میرزا عبدالکریم، عالم فاضل و ادیب شاعر، از دانشمندان معاصر شهرضا. [در سال ۱۳۰۲ش (مطابق ۱۳۴۲ق) در شهرضا متولّد شد. پس از طی کردن دبستان به تحصیل در حوزه علمیه مشغول شد. سپس به اصفهان رفته و نزد میرزا علی آقا شیرازی، آقا صدر کوپائی، حاج شیخ عباسعلی ادیب و سیّد جواد غروی به فراگیری فقه، اصل و ادبیات مشغول شد. آنگاه برای تکمیل معلومات خود به قم رفت و نزد حضرات آیات حاج آقا حسین بروجردی، علاّمه طباطبائی، سیّد محمّد حُجّت، شیخ محمّد فکور یزدی، میرزا محمّد مجاهد تبریزی و شهید شیخ مرتضی مطهری تحصیلات خود را دنبال نمود. در سال ۱۳۴۱ش به زادگاه خود بازگشته و نزد شیخ محمّدهادی فرزانه کسب فیض نمود. همچنین سال ها در محضر شیخ مهدی الهی قمشه ای حاضر می شد.

اکنون بیش از ۴۵ سال است که در شهرضا به تدریس و وعظ و ارشاد و حلّ مشکلات مردم مشغول است. به ادبیات فارسی و خصوصا اشعار مولوی، حافظ، سعدی و نظامی علاقه و الفت داشته و اوقات خود را به مطالعه اشعار آنان گذرانده است. خود نیز طبع شعر داشته و «ناصح» تخلّص می کند و از جوانی تا امروز به سرودن شعر پرداخته است. دیوان اشعارش در سال ۱۳۷۶ش در تهران به چاپ رسیده است از دیگر

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵۱-۱۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۱۲ و ۴۱۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۳۱-۲۳۷؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۱۰۴؛ مصفی المقال، ص۲۲۷؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۱۱۵؛ مجلّه خرد: شماره ۷، سال ۸، ص۶؛ الذریعه، ج۲۰، ص۱۷ و ج۲۱، ص۴۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، صص ۸۲۶-۸۲۸.

آثار او «گنج گوهر» یا «اربعین نامه» (در شرح ۴۰ حدیث) و «گوهر مراد» (در شرح حدیث حقیقت) را می توان نام برد.(۱)]
این دو بیت از اوست:

بر شمع رُخَت جانا، عالم همه پروانه سرگشته و حیران است، هر عاقل و دیوانه

از غیر تو بگسستند، صاحب نظران دل را آن کس که تو را بشناخت، شد از همه بیگانه

عبدالرحیم معدّل اصفهانی

ابومسعود عبدالرحیم بن علی بن احمد معدّل اصفهانی از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری. از ابوعلی حسن بن احمد بن حسن مقری نقل احادیث می کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از او روایت می نماید.(۲)

عبدالرّحیم طبیب اصفهانی

ابواحمد عبدالرّحیم بن علی بن مرزبان طبیب اصفهانی [از دانشمندان قرن سوم هجری] دانا به علوم طبیعی و علوم شریعت. در دولت آل بویه مقام و منزلتی داشته و در خوزستان و شوشتر قاضی بوده و ریاست امور بیمارستان بغداد را یافته و در جمادی الاولی سال ۳۹۶ق در تستر (شوشتر) وفات یافته است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۹۴؛ تاریخ شهرضا، صص ۹۴ و ۹۵؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی؛ آثار الحجه، ج۱، ص ۱۸۰.
۲- تبیین کذب المفتری، صص ۶۸ و ۱۹۷.
۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۱؛ اخبار الحکماء، ص۱۵۴؛ الکامل (ابن اثیر) ، ج۹، ص۶۶؛ الاعلام، ج۴، ص ۱۲۰؛ تاریخ پزشکی ایران، ص۲۳۷.

میرزا عبدالرحیم ربّانی خوراسکانی*

میرزا عبـدالرحیم ربّانی فرزنـد آقا ملاّ علی ربّانی خوراسـکانی اصـفهانی، عالم فاضل معاصـر. در سال ۱۲۷۰ش در خوراسکان متولّد شد و پس از تحصـیلات مقدّماتی نزد حضرات آیات: آخوند ملاّ محمّدحسین فشارکی، شیخ محمّدرضا نجفی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آقا سیّد مهدی درچه ای و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخت.

او به امر مرحوم ارباب به اقامه نماز جمعه در خوراسـکان می پرداخت و سال ها به وعظ و ارشاد و حل مشکلات مردم مشغول بود. او عالمی زاهد و قانع، دائم الذکر و یاور فقرا و نیازمندان بود.

وفات او در سحرگاه ۲۸ شعبان ۱۴۰۷ق واقع شد و پیکرش را در داخل بقعه امامزاده ابوالعباس خوراسکان مدفون ساختند.(۱)

ملاّ عبدالرّحیم نجف آبادی

حـاج ملاّ عبـدالرّحیم بن ملاّ علی نجف آبادی، عالم فاضل و مجتهـد فقیه اصولی [از علمای عالیقـدر قرن سـیزدهم هجری] در اصـفهان و نجف اشـرف تحصـیل نموده، عمـده تحصـیلاتش نزد شـریف العلماء مازندرانی بوده و پس از مراجعت به اصـفهان مورد وثوق حـاج سیّد اسـداللّه بیـدآبادی واقع شـد. در محل تولّـد خود ساکن و حوزه درس و بحث داشـته [است.] و در سال ۱۲۷۹ق جهت مرحوم حـاج شـیخ عبـدالنّبی تویسـرکانی مؤلّف «لئـالی الأخبـار» اجـازه مرقوم داشـته که در آخر کتـاب «حقائق الاصول» با اجازه حاج محمّدجعفر آباده ای جهت همو به چاپ رسیده است.

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

اجازه صاحب عنوان به شیخ عبدالنّبی تویسرکانی در پشت نسخه ای از «فصل الخطاب» تألیف: ملّا حسینعلی تویسرکانی هم نوشته شده و نسخه به شماره ۱۴۹۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

صاحب عنوان تا سال ۱۲۸۶ق زنده بوده و بعد از این سال وفات یافته، جنازه حسب الوصیّه به نجف اشرف نقل شده و در ایوان طلای حضرت مدفون گردیده [است.[از او دو فرزند عالم [به نام های] حاج ملّا محمّدباقر و حاج ملّا محمّد باقی مانده [است.] بیشتر اولاد ایشان تاکنون در لباس اهل علم و روحانیت و به فامیل های «تدین» و «فاضل» مشهور و مورد وثوق علماء و مردم نجف آباد می باشند و ریاست علمی و روحانی آنجا را دارند.

کتاب «حقائق الاصول» در علم اصول ایشان در سال ۱۲۸۶ق به طبع رسیده [است.

همچنین کتابی در فقه داشته که نزد نوه اش حاج شیخ جعفر موجود بوده و گاهی مرحوم حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی آن را به امانت می گرفته و استفاده می کرده است.]

از آثار او مسجدی است بزرگ در محلّه حکیم نجف آباد که فعلاً در کنار خیابان حکیم خاقانی قرار دارد.(۱)

۱- الذریعه، ج۷، ص۳۰؛ الکرام البرره، ج۲، صص ۷۲۶ و ۷۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۵۹؛ احسن الودیعه، صص ۵۸ و ۵۹؛ معجم المؤلّفین، ج۳، ص۲۰۸؛ فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۰۰؛ معجم المطبوعات، ص۷۳۶؛ الاعلام، ج۴، ص۱۲۲؛ دیباچه دیار نون، صص ۲۴۲-۲۴۴؛ سیمای دانشوران، صص ۱۳۳-۱۳۵؛ آئینه اهل قلم، صص ۸۸-۹۰؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۸۳۰.

شیخ عبدالرحیم پاچناری*

شیخ عبدالرحیم بن کرمعلی پاچناری اصفهانی، از علماء و فضلای گمنام و صاحب تألیف در قرن سیزدهم هجری است. اهل ذوق و ادب بوده و گاهی شعر می سروده و در تألیفات خود به اشعار عرفاء و صوفیّه استشهاد می کرده است. سال وفات او به دست نیامد. او ظاهرا از اهالی محلّه پاچنار از توابع محلّه بزرگ بیدآباد اصفهان است.(۱)

کتاب های زیر از تألیفات اوست:

۱. «حیات دنیا و حقیقت آن» موجود در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان ۲. «الدّره الرّضویّه فی شرح الزّیاره الجوادیّه» به فارسی، موجود در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم۳. «رساله تبرّائیه» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم۴. «رساله رزقیّه» موجود در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان۵. «رساله رؤیتیّه» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی۶. «شرح بعض فقرات زیارت اربعین» موجود در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان۷. «رساله طاهریّه» موجود در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان۸. «رساله عصمتیّه» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی۹. «رسال کلبیه» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی۱۰. «رساله نخلیّه» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی(۲)

عبدالرّحیم هرندی

عبدالرّحیم بن محمّدکریم هرندی، [از فضلاء قرن سیزدهم هجری.]

۱- تراجم الرجال، ج۱، ص۲۸۱؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۵۱.

۲- فهرست صدر بازار، ج۲، صص ۴۷۳-۴۷۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۱۵؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۷۲.

در ۱۸ ربیع الثّانی ۱۲۴۶ رساله «سؤال و جواب» جلد اوّل و دوم تألیف: سیّد حجّه الاسلام بیدآبادی را به خط نسخ نوشته و نسخه به شماره ۵۱۹۹ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.

وی ظاهرا از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی است.(۱)

عبدالرحیم حداد اصفهانی

ابومحمّد عبدالرحیم بن محمّد بن فضل بن محمّد بن احمد حدّاد اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] برادرش عبدالرّحمان هم از محدّثین است. عبدالرحیم در شوال ۵۴۱ق فوت نموده است.

او از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی، قاسم ثقفی و کریمه دختر احمد بن حسین کردی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

سیّد عبدالرّحیم شهرستانی

سیّد عبدالرحیم بن محمّد حسینی موسوی شهرستانی [از فضلاء و سادات شهرستانی اصفهان در اواخر عهد صفویه است] در سه شنبه ۱۵ ربیع الاوّل سال ۱۱۰۴ق کتابت نسخه ای از کتاب «المختصر النافع» تألیف: محقّق حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۶۵۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

صاحب عنوان کتاب «ثواب الاعمال» شیخ صدوق را به نام شاه سلیمان صفوی به فارسی ترجمه کرده است.(۴)

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۱۱۰؛ بیان المفاخر، ج ۱، صص ۳۳۶ و ۳۳۷ و ج ۲، ص ۶۵.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۱۶.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۷، ص ۱۱۵.

۴- الکواکب المنتشره، ص ۴۲۸.

در پایان نسخه «کافی» میرمحمّدصالح خاتون آبادی در روز دحو الارض سال ۱۱۰۰ق انهائی جهت میرزا عبدالرحیم بن میرزا سیّد محمّد موسوی نوشته است که به احتمال قوی همین صاحب عنوان است. نسخه به شماره ۷۲۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱) خاتون آبادی در این نوشته از شاگرد خود چنین یاد کرده است:

«السیّد السنّد، الاجلّ الاکمل صاحب حسب الفاخر و النّسب الطّاهر جامع محامد الخصال حاوی محاسن الخلال المتخلی عن ربقه الجهل المتحلّی بحلیه الفضل...»(۲)

عبدالرّحیم ریزی لنجانی

عبدالرّحیم بن ملاّ محمّدیار ریزی لنجانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۷۲ق جلد دوّم کتاب «شرایع الاسلام» محقّق حلّی را نوشته است. نسخه به شماره ۴۴۶ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۳)

ملاّ عبدالرّحیم دماوندی

ملاّ عبدالرّحیم بن محمّد یونس دماوندی اصفهانی حائری، عالم فاضل و حکیم عارف [از دانشمندان و عرفای قرن دوازدهم هجری.]

در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله ملاّ محمّدصادق اردستانی و آقا خلیل اصفهانی تلمّذ نموده و در علوم زمان خویش چون فقه، حدیث، کلام، حکمت، ادبیات و عرفان مهارت داشت. وی از مشایخ عرفاء سلسله نوربخشیه بوده و عاقبت به کربلا

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۹، ص ۴۰.

۲- تراجم الرّجال، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳- فهرست گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۰۶.

مهـاجرت نموده و به تـأليف و تحقيق و اقامه جماعت پرداخته و بعـد از سال ۱۱۶۲ق در آن ارض اقـدس وفات يافته و مـدفون شد.

اين كتب از تأليفات اوست:

۱. «حاشيه بر صافى»۲. «حـدوث العالم» كه در سال ۱۱۳۷ق تأليف شده است.۳. «شرح حديث الحقيقه»۴. «شرح حديث رأس الجالوت»۵. «شـرح حـديث صور عـاريه عن المواد» [يا «شـرح حـديث العالم العلوى» كه نسـخه اى از آن در كتابخانه آيت اللّه گلپايگـانى موجود است.]۶. «القـدر فى الافعـال القضـاء و القـدر»، در فلسـفه و احكـام به عربى كه در مـاه ربيع الاـوّل ۱۲۴۴ق كتابت شده و در كتابخانه دانشـكده ادبيات دانشـگاه مشهد موجود است.۷. «الفيوضات الحسينيه»۸. «مفتاح اسرار الحسينى» در تصوف و عرفـان به فارسـى، [كه نسـخه اى از آن به خـط حسـين بن احمـد گرجى و مؤرخ به سال ۱۲۷۲ در كتابخانه مركزى دانشـگاه تهران و نسـخه اى ديگر به خط محمّدباقر حسين و مؤرخ ۱۲۴۳ق در كتابخانه آسـتان قدس رضوى موجود است. اين رساله در كتاب «منتخباتى از آثار حكماى الهى ايران» چاپ شده است.(۱)]

عبدالرحيم جزايرى

عبدالرحيم جزايرى، از خوشـنويسان معروف اواخر عهد صـفويّه است. برخى از خطوط مدرسه چهارباغ كه به خط ثلث جلى و نستعليق نوشته شده، از نوشته هاى

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۷۱ و ۷۷۲؛ الكواكب المنتشره، صص ۴۲۸ و ۴۲۹؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۸۳؛ الذريعه، ج۱۳، ص۱۹۶ و ج۶، ص۴۵؛ فهرست ادبيات مشهد، ص۹۳؛ فهرست مركزى دانشـگاه تهران، ج۱۶، ص۴۵؛ فهرست مختصر گلپايگانى، ص۴۶۹؛ فهرست الفبائى رضوى، ص ۵۴۰.

اوست و از سال ۱۱۰۴ق شروع و تا تاریخ ۱۱۲۳ق می رسد.(۱)

[علاوه بر کتیبه های مدرسه چهارباغ اصفهان، کتیبه های مدرسه آقا کمال خازن (به سال ۱۱۰۸ق) و مدرسه شمس آباد (۱۱۲۵ق) نیز به خط ثلث زیبای اوست. مرحوم مهدی بیانی هم دو قطعه خوشنویسی به خط ثلث زیبای او به تاریخ های ۱۱۱۱ق و ۱۱۲۱ق در تملک داشته است. عبدالمحمّد ایرانی در کتاب خود تصویر نمونه ای از خطوط عبدالرحیم جزایری را به چاپ رسانده که در ایام محاصره اصفهان در سال ۱۱۳۴ق نوشته شده است و ظاهرا آخرین اثر شناخته شده اوست.(۲)]

میرزا عبدالرحیم سمیرمی*

میرزا عبدالرحیم سمیرمی از خوشنویسان زبردست و هنرمند قرن سیزدهم هجری است. تعلیم خط از محمّدباقر سمسوری و میرزا علی اکبر محلاّتی گرفته است. خط نستعلیق را نیکو می نوشت و در کتیبه نگاری استاد بود و در تهذیب نفس و تزکیه کوشیده بود و از علوم ادبی و دینی هم بابهره بود.

در اواخر عمر به تهران رفت و در سلک خوشنویسان دربار ناصرالدّین شاه قرار گرفت و ضمنا به تعلیم خط دیگران نیز پرداخت. ولی شاگردان را فقط در خانه خود می پذیرفت. تاریخ وفات او را هدایت اللّه لسان الملک سپهر ۱۲۸۰ق نوشته ولی فرزند سمیرمی، میرزا محمّدحسین جعفری معروف به «ادیب اصفهانی» سال فوت پدر را ۱۳۰۵ق دانسته است. کتیبه سردر شمس العماره (که اکنون در جای خود نیست) و کتیبه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۲؛ پیدایش خط و خطاطان، ص۲۰۸؛ تاریخ خط و خطاطان، ص۱۱۱؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۵۴ و ۵۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۹۹.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان: صفحات مختلف؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۰۰؛ آثار ایران، ج۴، صص ۲۴۱ و ۳۳۴.

آرامگاه میرزا یوسف مستوفی الممالک در ونک شمیران به خط اوست. قطعه ای هم در مجموعه مرحوم مهدی بیانی به خط زیبای نستعلیق، شکسته نستعلیق او وجود داشته است.(۱)

همچنین خطوط کتیبه سنگ قبر مرمر میرزا محمّدخان، که در حرم حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) وجود داشته و اکنون به موزه آستانه حضرت معصومه منتقل شده است، نیز از نمونه خطوط زیبای اوست.(۲)

سیّد عبدالرّحیم قاضی عسکر

سیّد عبدالرّحیم حسینی قاضی عسکر اصفهانی [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری] عالم فاضل. از شاگردان محضر مرحوم حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی.(۳)

سیّد عبدالرّحیم موسیقی دان*

سیّد عبدالرحیم موسیقی دان اصفهانی فرزند سیّد عباس، از هنرمندان قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۳۲ش در محلّه کوشک اصفهان متولّد شد و از ابتدای جوانی به خاطر داشتن صدای خوش به شغل روضه خوانی پرداخت و ردیف دستگاه های موسیقی را از ابراهیم آقاباشی آموخت.

او مردی وارسته و درویش مسلک بود و از راه تعلیم موسیقی و تار امرار معاش می کرد. بسیاری از هنرمندان اصفهان همچون تاج اصفهانی، سلیمان کلانتری، ادیب

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۳۸۸ و ۳۸۹؛ اطلس خط، صص ۳۵۲ و ۳۷۲؛ تذکره خوشنویسان، ص۱۱۷؛ سیمای دهاقان، ص۳۱۳.

۲- مجلّه موزه، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۱، ص۱۱.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۳.

خوانساری، حبیب شاطرحاجی، حسین شهنازی و ملاّ حسین یزدی، حسین ادیب تخت فولادی، قاضی عسکر و آزاد شهشهانی فنون و اصطلاحات موسیقی را از او آموختند. حسین غضنفری و حسین طاهرزاده نیز غیرمستقیم از تعلیمات او بهره گرفته اند.

آواز او در ملاحت و رسائی و گیرائی از مواهب آسمانی شمرده می شد. محفوظات بسیار داشت و اشعار مناسب دستگاه ها و گوشه ها را به مقدار فراوان در حفظ داشت و در مناسب خوانی کم نظیر بود.

اواخر عمر او به فقر وفاقه گذشته تا اینکه در جمعه ۲۲ شوال ۱۳۵۴ق (مطابق ۲۶ دی ۱۳۱۴ش) وفات یافته و در قبرستان بزرگ جنب مصلی (در تخت فولاد اصفهان) مدفون شد.(۱)

مولی عبدالرّزاق*

مولی عبدالرّزاق، از فضلاء اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او کتاب «الروضه البهیه فی شرح اللّمعه الدّمشقیّه» را نزد علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی خوانده و علاّمه مجلسی اَنهائی در ماه رجب ۱۰۷۷ق برای او نوشته و از او با القاب «المولی الفاضل الصّالح التّقی و الذّکی...» یاد کرده است.(۲)

ملاّ عبدالرزاق اصفهانی

ملاّ عبدالرّزاق اصفهانی [از پیشگامان صنعت چاپ ایران] در قرن سیزدهم هجری

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۲۵۰؛ نام نامه موسیقی ایران، ج۳، ص۲۸۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ چشم انداز موسیقی ایران، (ویرایش دوم) ، صص ۱۳۱ و ۱۳۲؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج۱، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۲- تراجم الرجال، ج۱، ص۲۸۵؛ تلامذه العلامهٔ المجلسی، ص۳۲؛ اجازات الحدیث، ص۵۹.

چاپخانه ای در اصفهان داشته که «رساله نخبه» حاجی محمّدابراهیم کلباسی را در سال ۱۲۴۶ق در آن جا طبع کرده است. نسخه به شماره ۸۳۲۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا عبدالرزاق افسر اصفهانی

میرزا عبدالرّزاق اصفهانی متخلّص به «افسر» شاعر ادیب در قرن سیزدهم هجری. در غالب علوم زمان خویش مهارت داشته و در کلکته هندوستان ساکن و تا سال ۱۲۷۷ق در قید حیات بوده است.

از اوست:

سرم سودائی آن طُرّه عنبر فشانستی دلم آماجگاه تیر آن ابرو کمانستی(۲)

عبدالرّزاق بن ابی محمّد

ابی الشیخ عبدالرّزاق بن ابی محمّد [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری[پدرش ابوعبداللّه محمّد بن جعفر بن حیّان از محدّثین و متوفی ۳۱۹ق است.

عبدالرّزاق از ابی علی صحاف و محدّثین هم طبقه او روایت می کند. در سال ۳۵۰ و اندی در مراجعت از مکّه در «نباج» [منزلگاهی در راه مکّه به بصره] وفات یافته است.(۳)

میرزا عبدالرّزاق نجف آبادی

میرزا عبدالرزاق نجف آبادی فرزند میرزا محمّدتقی، از علمای قرن دوازدهم هجری و

۱- فهرست مرعشی، ج۲۱، ص ۳۰۰.

۲- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۳۶.

قاضی نجف آباد بوده و پدرش داماد ملّا نورالدّین محمّد بن ملّا محمّدصالح مازندرانی است.(۱)

عبدالرزاق تبریزی*

عبدالرزاق بن عبدالباقی تبریزی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. او در مدرسه ملّا عبداللّه اصفهان ساکن بوده و کتاب «المحاکمات بین شرحی الاشارات» تألیف: قطب الدّین رازی را به خط نسخ در سال ۱۰۹۴ق در آن مدرسه کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۵۰۴۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. آقا حسین خوانساری بر این نسخه حاشیه نوشته است.(۲)

میرزا عبدالرّزاق احمدآبادی

آقا میرزا عبدالرزاق احمدآبادی فرزند سیّد عبدالجواد بن سیّد مهدی بن میر قاضی بن سیّد محمّد نایب الصّدر بن میر محمّدتقی موسوی وزیر شاه صفی (که بعدا شاه سلیمان نامیده شد) ، عالم فاضل ادیب، امام جماعت مسجد امامزاده اسماعیل، از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر نجفی و ملاّ محمّدتقی هروی حائری بوده و دختر حاج میرزا حسین نایب الصّدر خاتون آبادی را به زوجیّت اختیار نموده است.

وی در سال ۱۳۱۹ق در اصفهان پس از یک عمر خدمت به دین و جامعه، از نشر احکام و بیان مسائل حلال و حرام و اقامه جماعت وفات یافته و در تخت فولاد [نزدیک تکیه سال الارض] مدفون شد.(۳)

۱- مرآت الاحوال جهان نما، ص ۲۷۰؛ تذکره الانساب، ص۱۰۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۰۹۷.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۵.

از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب «ارث» ملّا محمّدتقی هروی است که آن را با دو رساله دیگر از همین مؤلّف و چند رساله دیگر به خط نسخ و نستعلیق کتابت نموده و از آن مجموعه ای فراهم ساخته که به شماره ۳۰۳ در کتابخانه حضرت آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. تاریخ برخی از این رساله ها تا ۲۵ ماه ربیع الثّانی ۱۳۰۶ق می باشد.(۱)

[صاحب عنوان از آخوند ملا محمّدباقر فشارکی اجازه اجتهاد داشته(۲) و از میرزا محمّدهاشم چهارسوقی روایت می کرده است. خط زیبایی داشته و مجموعه ای را در سال ۱۳۰۶ق کتابت کرده است.(۳)]

عبدالرّزاق حسن آبادی

ابوالفتح عبدالرّزاق بن عبدالکریم [بن عبدالواحد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن سلیمان] حسن آبادی اصفهانی، از خاندان تصوف و حدیث در اصفهان.

از ابی بکر احمد بن موسی مردویه حافظ [و ابی عبداللّه محمّد بن ابراهیم بن جعفر جرجانی در اصفهان و اباالحسین علی بن محمّد بن بشران سکری و اباالحسن محمّد بن مخلد در بغداد و ابامحمّد جناح بن نذیر بن جناح قاضی در کوفه] استماع حدیث کرده و ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن فضل و ابوالوفا اسماعیل بن عبدالرّزاق طرقی در اصفهان [و ابونصر احمد بن نظام الملک حسن بن علی بن طوسی در بغداد و ابومحمّد هبه اللّه بن احمد بن طاوس مقری در دمشق] از او حدیث شنیده اند.

او در ربیع الآخر سال ۴۸۴ق فوت گردیده است.(۴)

۱- فهرست گلپایگانی، ج ۱، ص۲۶۳.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۳- تراجم الرّجال، ج ۱، ص۲۸۵.

۴- التّحبیر، ج ۱، ص۹۸؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۶۰؛ الانساب، ج ۴، ص۱۵۸؛ اللباب، ج ۱، ص۳۶۶؛ المشترک، ص۱۳۳؛ گرکویه، ص۱۵۵.

عبدالرزاق اصفهانی

ابی محمّد عبدالرّزاق بن عبداللّه بن احمد اصفهانی [از محدّثین قرن چهارم هجری] برادر حافظ ابونعیم مؤلف «ذکر اخبار اصفهان» که چون حج به جای آورده و در سال ۳۹۵ق در برگشت از حج در بادیه وفات یافته [است.]

از طبرانی و شعّار و در عراق عجم و عرب و کوفه و بصره و حرمین شریفین استماع حدیث نموده و غَرباء در بغداد و دیگران از او حدیث نقل کرده اند.(۱)

میرزا عبدالرّزاق حائری همدانی

میرزا عبدالرّزاق محدّث حائری همدانی فرزند علیرضا بن عبدالحسین بن ابی طالب بن عبدالکریم بن یحیی بن محمّدشفیع بن محمّدرفیع بن فتح اللّه قزوینی، عالم فاضل و ادیب محقّق [از دانشمندان اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

در سال ۱۲۹۱ق در اصفهان متولّد شده و خدمت جمعی کثیر از فضلای این شهر همچون حاج میرزا بدیع درب امامی، آخوند کاشی، حاج آقا منیر بروجردی، آخوند گزی و آقانجفی و آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و در همدان از سیّد عبدالمجید گروسی بهره برد و در نجف به درس جمعی از بزرگان حاضر شد. سپس به همدان مهاجرت نموده و تا آخر عمر به ترویج دین و نشر احکام، از راه تألیف و تصنیف و منبر و محراب پرداخت. او سرانجام در اوایل شوال ۱۳۸۳ق در همدان وفات یافت.

تألیفات او بالغ بر هفتاد مجلّد کتاب و رساله است که از آن جمله است:

۱. «بدایل المنطقیّه»۲. «تنقیح الحجاب»۳. «رساله جواز نقل الموتی»

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۳۶.

۴. «الخلافیّه بین الشیخیّه و سائر الامامیه»۵. «رساله در درایه»۶. «ذریعه المعاد» در شرح «نجاه العباد»۷. «دلایل امامت از اسلام و خلافت»، در سال ۱۳۳۷ش در همدان چاپ شده است.۸. «زید و زینب و قضیتهما»۹. «سلاسل الحدید فی عنق الفرید» در ردّ بر کتاب «اسلام و رجعت» عبدالوهاب فرید، چاپ شده در سال ۱۳۱۸ش در طهران ۱۰. «سؤال و جواب» در ردّ شیخیّه ۱۱. «سیف القاطع فی ابطال الرّکن الرّابع» ۱۲. «الشّهب الثّاقبه» ۱۳. «الغدیریه» ۱۴. «رساله در غناء» ۱۵. «الفیصل» در تحریف کتاب ۱۶. «فهرس عقائد الشیخیّه» ۱۷. «القرآن و الحجاب» مطبوع ۱۷. «کشکول» ۱۹. «مختصر المقاله الجوابیه» ۲۰. «المقاله الاسلامیه»، در رد بر نصارا ۲۱. «مناظرات و مقالات» در احوال سیّد الشهداء علیه السلام و اصحابش ۲۲. «المواعظ المنبریّه» ۲۴. «مواکب الحسینیّه» که در سال ۱۳۷۵ق در طهران چاپ شده است. ۲۵. «الوجیزه» [به عربی در علم رجال و درایه، که نسخه اصل به خط مؤلّف در کتابخانه مؤسسه دارالحدیث قم و نسخه ای دیگر به شماره ۱/۱۳۱۱۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)]

میرزا عبدالرّزاق لنگرودی

میرزا عبدالرّزاق بن ملّا علی محمّد لنگرودی رشتی اصفهانی، عالم فاضل. [در اواخر دوره قاجاریه] از اهالی لنگرود بوده و در اصفهان تحصیل نموده و امام جماعت مسجد پای گلدسته در محلّه دردشت بوده است.

او در ۱۲ ربیع الثّانی ۱۳۲۰ق وفات یافته و در قبرستان سر قبر آقا مدفون شد و پس

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۷۴ و ۷۷۵؛ نقباء البشر، ج۳، صص ۱۱۱۳ و ۱۱۱۴؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۸۴۳؛ الذریعه، ج۷، ص۳۳۹ و ج۱۲، صص ۷۹، ۲۱۰ ۲۲۸ و ۲۴۵؛ ج۱۶، ص۳۸۴؛ ج۱۷، ص۵۹؛ ج۲۳، ص۲۳۲ و ج۲۵، ص۱۸۱؛ فهرست مرعشی، ج۳۳، ص۲۳۱؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۸۷.

از خرابی قبرستان مزبور به وسیله شهرداری، استخوان ها به تخت فولاد منتقل گردیده و جنب آب انبار مرحوم حاج ملّا حسین سمائیان [شمال مزار فاضلان] در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

حاج آقا جلال صحاف فرزند او و دکتر کمال شکوهی نوه او هستند.

میرزا عبدالرّزاق مازندرانی*

میرزا عبدالرّزاق بن آقا علینقی بن آقا محمّدتقی بن آقا محمّدهادی بن ملّا صالح مازندرانی اصفهانی، از علمای قرن سیزدهم هجری است.

در کتاب «مرآه الاحوال» او را متولی امور شرعی در اصفهان دانسته است. او تا سال ۱۲۲۳ق زنده بوده است.(۲)

عبدالرزاق اخضر زفره ای

عبدالرزاق رجائی متخلّص به «اخضر» فرزند میرزا محمّدعلی رجاء زفره ای، شاعر ادیب معاصر در روز ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۰ق در روستای «زفره» از دهات کوهپایه اصفهان متولّد شده و در خدمت پدر و جمعی دیگر از فضلای محل تحصیلاتی کرده است. وی در سال ۱۳۱۹ق وفات یافت و در قبرستان عمومی زفره مدفون شد.

کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «حسن المنظر در اشعار اخضر» ۲. «فصول اربعه» در تاریخ زفره ۳. «میزان الحساب» در نظم حساب علیخان.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۶؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- الکرام البرره، ج۲، ص۷۲۹.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷ و ۲۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۱۱.

عبدالرّزاق طبرانی

ابویعلی عبدالرّزاق بن عمر بن ابراهیم طبرانی (طهرانی) حافظ، [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری.]

شیخ ادیب، در سال ۴۷۳ق از احمد بن موسی بن مردویه استماع حدیث کرده است. ابوعلی حداد از او حدیث شنیده است.(۱)

عبدالرّزاق تاجر

ابوالطیّب عبدالرّزاق بن عمر بن موسی بن شمه تاجر [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] ابوالقاسم بن... عبدالواحد دقاق از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

میرزا عبدالرّزاق رشتی

حاج میرزا عبدالرّزاق رشتی بن حاج میرزا محمّدکاظم بن حاج محمّدجعفر بن حاج محمّدصادق لنگرودی رشتی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای اواخر دوره قاجاریّه.]

از شاگردان آقا سیّد محمّد شهشهانی، حاج شیخ محمّدباقر نجفی و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بوده و داماد حاج سیّد جعفر بیدآبادی (فرزند حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی) است. و فرزندانش حاج آقا مرتضی و حاج میرزا قوام الدّین رشتی که هر دو از فضلاء و اخیار اصفهان هستند. صاحب عنوان در سال ۱۳۱۹ق در سفر عتبات

۱- احقاق الحق، ج۸، ص۳۱۷ و ج۶، ص۵۵؛ مناقب خوارزمی، صص ۱۸، ۲۸، ۴۵، ۶۷، ۷۶ و ۱۰۹.

۲- التّحبیر، ج۲، ص۷.

عالیات در نجف اشرف وفات یافته و در آن ارض مقدّس مدفون گردید.(۱)

[او نسخه ای از «فرحه الغری» تألیف: سیّد بن طاوس را کتابت کرده و آن را در سال ۱۳۰۸ مقابله نموده است.(۲)]

میرزا عبدالرزاق خان بغایری

سرتیپ میرزا عبدالرّزاق خان بغایری بن ملاّ محمّدمحسن بن کرمعلی بن فتحعلی بن محمّدقاسم خان بغایری [شمتابادی سبزواری] عالم ادیب ریاضی محقّق رجالی [جغرافی دان و دانشمند عالیقدر قرن چهاردهم هجری] در [چهارشنبه ۲۲ محرم سال ۱۲۸۶ق در اصفهان [و به نوشته برخی نویسندگان در سبزوار] متولّد شده [در کودکی به همراه خانواده به طهران آمد. قواعد ادبیات عرب را از پدر آموخت و] در دارالفنون تحصیل کرده [و به خصوص از میرزا عبدالغفار نجم الدوله از اساتید آن مدرسه بهره بسیار گرفت و در رشته مهندسی] فارغ التحصیل شد. [سپس به تدریس در مدرسه علوم سیاسی و نظام مشغول شد] و مدرسه خرد را تأسیس کرد [او با زهرا خانم دختر میرزا محمّدحسین فروغی ازدواج کرد. وی پس از ساختن یک کره جغرافیایی و اهداء آن به ناصرالدّین شاه به درجه سرتیپی نائل شد. از مهم ترین اقدامات او: ساختن کره جغرافیایی و سماوی، ترسیم نقشه ایران، ترسیم نقشه جامع تهران، کمک به استخراج تقویم دارالفنون که در پاریس چاپ می شد، استخراج قبله ۱۴۰۰ نقطه شهرهای معروف جهان، ثبت آب و هوای ایران با بارومتر و سانتی گراد به مدت ۴۵ سال، و تعیین انحراف قبله بود.] او سال ها در سرحدات مأمور تعیین خط مرزی و ترسیم نقشه آنها بود.

میرزا عبدالرزاق خان بغایری [در ادبیات، نجوم، ریاضیات، جغرافیا و تاریخ مهارت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۶؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۶۳ و ۱۹۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۶۹.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۸۷.

داشت و سرانجام در شنبه ۵ شعبان] سال ۱۳۷۲ق وفات یافت [و در آرامگاه خانوادگی فروغی در ابن بابویه در شهر ری مدفون شد. پدرش از عرفای عهد و از نوادگان دختری ملّا محراب گیلانی بود.(۱)]

وی کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

[۱. «اسامی و اصطلاحات کره جغرافیایی» مطبوع] ۲. «اصول علم جغرافیا» [چاپ شده در سال ۱۳۲۷ق] ۳. «تاریخ جدولی» [از تمام سلسله های خلفاء، پادشاهان، امراء و رجال دوره اسلامی۵. «تطبیق تقویم های شمسی و قمری و میلادی]۶. «جغرافیای ابتدائی» [یا «جغرافیای پنج قطعه عالم برای مدارس ابتدائی و متوسطه» که در سال ۱۳۲۷ق چاپ شده است۷. «جغرافیای مفصّل برای مدارس عالی» مطبوع[۸. «فرهنگ جغرافیایی ایران» در ۳۲ جلد۹. «فهرست اقالیم خمسه» که ترجمه ای از یک کتاب جغرافیایی از نویسنده ای آمریکایی است و میکروفیلم آن به ضمیمه کتاب «افضل التواریخ» در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲) ۱۰. «قبله» (جدول انحراف قبله در شهرها و ممالک دنیا) [۱۱. «لغات متفرقه» که فرهنگ لغات لهجه های مرزهای ایران است و به خط مؤلّف به شماره ۹۶۹۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)] ۱۲. «ما مهندس داریم» ۱۳. «معرفه القبله» [که در سال ۱۳۷۲ق چاپ شده و مؤلّف شرح حال خود را در آن کتاب آورده است.] ۱۴. «نقشه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷۲؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۹۵؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۳۰۴؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۱۱۴؛ الذریعه، ج۲۱، ص۲۶۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۶، صص ۱۴۰ و ۱۴۱؛ جغرافیا در ایران، صص ۴۳۸-۴۴۰؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۷۵۱ و ۲۷۵۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۸۳۷ و ۸۳۸؛ نادره کاران، ص۸۹؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۲، صص ۶۹-۷۱.

۲- فهرست میکروفیلم های مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۵، ص۵۶.

ایران» [که در سال ۱۳۵۶ق چاپ شده است. ۱۵. «نقشه تفصیلی سرحدات ایران»]

عبدالرزاق قصری اصفهانی

ابوالفتوح عبدالرزاق بن محمّد بن ابوالفتوح قصری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از محلّه «باب کوشک» [اصفهان بوده و] از ابومحمّد رزق اللّه بن عبدالوهاب تمیمی، ابوعبداللّه قاسم تمیمی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی حدیث ابن کرامه (ابوجعفر محمّد بن عثمان بن کرامه، متوفی ۲۵۴ یا ۲۵۶ در کوفه) را از وی شنیده است.

«قصر» و «باب کوشک» از محلّات یهودیه اصفهان است.(۱)

ملاّ عبدالرّزاق گیلانی

ملاّ عبدالرّزاق بن مختار گیلانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری.] در روز دوشنبه ۹ رمضان ۱۰۸۲ق نسخه ای از کتاب «کافی» را به خط نسخ کتابت نموده و نزد علاّمه مجلسی قرائت کرده است. و در ذی القعده ۱۰۸۳ق علاّمه مجلسی جهت او اَنهائی مرقوم داشته است. نسخه به شماره ۴۵۹۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

میر عبدالرزاق رضوی کاشانی*

علاّمه میر عبدالرزاق رضوی کاشانی بن محمّدیوسف طبیب بن میر محمّدرضا بن میر زین العابدین رضوی، عالم فاضل، و حکیم جامع از علمای قرن یازدهم هجری.

۱- التّحبیر، ج۱، ص ۴۴۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۶۱؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۸۸.

در اصفهان خدمت جمعی از دانشمندان خصوصا سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان و میر ابوالقاسم فندرسکی به تحصیل پرداخته و در فقه، اصول، ادبیات، منطق، کلام، فلسفه، ریاضیات و طب مهارتی به سزا یافت و چندی در اصفهان به تدریس مشغول شد. عاقبت به کاشان مراجعت نموده و بساط تدریس و تعلیم را در آنجا برپا داشت. او از عواید مستغلات موروثی امرار معاش می کرد و از پذیرش مقرری و هدایای ارباب حکومت پرهیز داشت.(۱)

او در ۵ شعبان ۱۰۴۶ق نسخه ای از «شرح هدایه الاثیریه» ملّا صدرا را کتاب کرده که جزو کتب اهدایی آقای سیّد محمّد مشکاه به کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.(۲)

پسرعمویش میر محمّدهادی در کاشان به طبابت مشغول بوده و ملّا محمّدعلی واحد قمی هم از شاگردان میر عبدالرزاق در اصفهان است.(۳) رمضان بن علی نیز از شاگردان اوست که نزد او کتاب «الهدایا لشیعه ائمه الهدی» تألیف: میرزا محمّد مجذوب تبریزی، که شرح مفصل «کافی» ثقه الاسلام کلینی است را نزد او خوانده و در سال ۱۰۸۸ق در حضور استاد آن را مقابله کرده و از استاد چنین یاد کرده است: «استادنا المحقّق و النّحریر المدقّق السیّد الاجل الرّضوی سیّد عبدالرزاق بن محمّدیوسف الکاشانی» این نسخه در کتابخانه سیّد ضیاءالدّین علّامه در اصفهان موجود است.(۴)

حاج عبدالرزاق مخترع*

حاج عبدالرزاق اصفهانی معروف به «مخترع نوظهور» نقاش و تذهیب کار و جلدساز

۱- قصص الخاقانی، ج۲، ص۵۴؛ ریاض العلماء، ج۳، ص۱۱۶ و ج۴، ص۳۰۷؛ الروضه النضره، ص۳۱۸.

۲- الروضه النضره، ص۳۱۹.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۶۶ و ۵۱۸.

۴- فهرست سه کتابخانه اصفهان، صص ۹۹-۱۰۱؛ تراجم الرجال، ج۱، صص ۲۱۷ و ۲۸۸.

عهد محمّد شاه قاجار است. وی در آبرنگ و رنگ روغن استاد بوده و خط نستعلیق را نیکو می نوشته است. او در صحافی در فنّ لایه چینی استاد بوده و آثار ارزنده ای پدید آورده است.

این آثار از اوست:

۱. تصویر انداختن ابراهیم در آتش ۲. تصویر یک حمام که در کاتالوگ «کل ناقی» لندن به چاپ رسیده است. ۳. تصویر شاه عباس در یک مجلس ملاقات با سفیر هند که در ۱۲۷۶ق کشیده شده است.۴. جلد لایه چینی و رنگ روغنی که در سال ۱۲۷۴ق کشیده شده و اکنون در مجموعه آقا فرخ محبوبیان است.(۱)

میرزا عبدالرزاق مشرب اصفهانی

میرزا عبدالرزاق طبیب اصفهانی متخلّص به «مشرب» ادیب فاضل و شاعر [در قرن دوازدهم هجری] مؤلف کتاب «الطّب».(۲)

[در اکثر علوم از جمله طبابت مهارت داشت. در عهد عالمگیر پادشاه به هندوستان رفت و چندی در کشمیر به سر برد. در اواخر عمر در تَتِه می زیست و سرانجام در سال ۱۱۲۷ق وفات یافت این رباعی از اوست:

یک چند در این شهر پریشان گشتیم گفتیم گران شویم ارزان گشتیم

در طالع ما کساد بازاری بود کآئینه فروش شهر کوران گشتیم(۳)]

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۹۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۴؛ الذریعه، ج۱۵، ص۱۳۷.

۳- ریحانه الادب، ج۵، ص۳۱۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰۴۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۲۸۰.

میرزا عبدالرزاق نشئه

میرزا عبـدالرزاق تـبریزی اصـفهانی متخلّص به «نشـئه» از شـعرای قرن دوازدهم هجری. سـخن شـناس بود و عمر در صـحبت با شعراء و شعر صرف نموده بود و آنچه می گفت درست و سنجیده بود. در اصفهان وفات یافت.

در پای خمی دیده پیمانه ضیا یافت کوری به قدمگاه می ناب شفا یافت(۱)

[بیت فوق متعلق به سراجای نقاش اصفهانی است.(۲)

درباره او نوشـته اند که سلسـله نسـبش به جهانشاه ترکمان می رسد. نسـخه ای از دیوان اشعار او به شماره ۱۴۷۶۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳)]

شیخ عبدالرسول اصفهانی

شیخ عبدالرسول اصـفهانی [از علمای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری] از شاگردان آخوند خراسانی بوده و «شرح خطبه: اوّل الدّین معرفته» را از تقریرات استاد خویش تألیف نموده است. و در حدود سال ۱۳۵۶ق در نجف وفات یافته است.(۴)

شیخ عبدالرسول الیادرانی

شیـخ عبـدالرّسول الیـادرانی چهـارسوقی، عـالم فاضل معاصـر [فرزنـد حاج حسـین، از اهالی محلّه «الیادران» اصـفهان. ابتـدا در مـدرسه صدر حجره داشت و به تحصـیل مشـغول بود و در کنار تحصـیل با تلاش و کار امرار معاش می کرد. عاقبت به عتبات عالیات رفته

۱- تذکره المعاصرین حزین، صص ۲۲۵ و ۲۲۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۶۲.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۳۷۸.

۴- الذریعه، ج۱۳، ص۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۶.

و به تحصیل پرداخت و در سامرا ساکن شد. او چون دیگران را با لفظ «اخوی» مخاطب قرار می داد، به شیخ عبدالرّسول اخوی شهرت یافته بود.]

سیّد عبدالرّسول بزمی اصفهانی

حاج سیّد عبدالرّسول شجره متخلّص به «بزمی» [فرزند حاج سیّد اسماعیل و از نوادگان «شجره، ذاکر اصفهانی»] شاعر عارف ادیب و واعظ. [در قرن چهاردهم هجری[در سال ۱۲۸۵ق در اصفهان متولّد شده، از غزل سرایان اصفهان و از اعضاء قدیمی و محترم انجمن ادبی شیدا بود. ارادت خدمت آقا میرزا عباس صابرعلی پاقلعه ای داشت. و علاوه بر فضل و ادب در علم تجوید و قرائت به سبک مرحوم محمّدعاصم کاشانی مهارت داشت و در شناخت آثار هنری خصوصا نقاشی صاحب نظر بود. در سال ۱۳۵۵ق [۱۲ آبان ۱۳۱۲ مطابق سنگ مزار او] وفات یافت و در تخت فولاد [تکیه آغاباشی] مدفون شد.

از اوست:

با یاد دوست سر به گریبان که می برد زین باغ برگ عیش به دامان که می برد

جز یاد غنچه دهنت ای گل مراد ما را به سیر باغ و گلستان که می برد(۱)

سیّد عبدالرّسول اعرجی

سیّد عبدالرّسول بن حسن حسینی اعرجی عبیدلی اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۹؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۸۶ و ۸۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۷۰۸ و ۲۷۰۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان؛ بدایع و نوادر، ص۳۱؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۹۱۷؛ دانشوران اصفهان: مخطوط؛ دانشنامه تخت فولاد، ج۱، ص۳۰۲؛ تذکره الشعراء (عارفچه) ، ص۲۳.

هجری. او در پشت نسخه ای از «ارشاد القلوب» دیلمی، را نوشته است. بر حسب دستور او بهاءالدّین محمّد بن محمّدصالح مازندرانی در سال ۱۱۲۷ق بر این کتاب حواشی نوشته است. این کتاب به شماره ۵۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ عبدالرّسول پناهنده گزی*

حاج شیخ عبدالرّسول بن حاج شیخ غلامرضا پناهنده گزی بُرخواری اصفهانی، عالم فاضل، از علمای معروف شهر گز، پس از تحصیل مقدمات به قم رفته و در درس حضرات آیات شیخ حسین نوری، ستوده، شیخ یحیی انصاری، شیخ نعمت اللّه صالحی نجف آبادی، مکارم شیرازی و سلطانی طباطبائی حاضر شد. سپس از درس خارج آیات عظام گلپایگانی، محقّق داماد و سیّد محمّدصادق روحانی بهره گرفت. آنگاه به اصفهان مراجعت نمود. اغلب در اصفهان در مدرسه ملّا عبداللّه و مدرسه ذوالفقار تدریس می نمود و در گز به راهنمایی و ارشاد مردم می پرداخت.

او از مخالفین رژیم پهلوی بود و فعالیت های سیاسی او برای مبارزه مورد استقبال و حمایت مردم زادگاهش قرار داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او در دو دوره به عنوان نماینده مردم بُرخوار و میمه به مجلس شورای اسلامی راه یافت. وی سرانجام در ماه شهریور ۱۳۸۰ش وفات یافته و در گلزار شهدای گز به خاک سپرده شد. کتاب «اسلام و آزادی» و چندین حاشیه بر کتب فقهی از آثار اوست.(۲)

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۷۳.

۲- روضه رضوان، ص۸۳؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطّی.

شیخ عبدالرّسول قائمی*

حاج شیخ عبدالرّسول قائمی فرزند شیخ فرج اللّه دیزیچه ای اصفهانی، از علمای معاصر اصفهان.

در ۳ رمضان ۱۳۱۶ق در روستای «دیزیچه» اصفهان متولّد شد. مقدمات را در زادگاه خود نزد شیخ فرج اللّه دیزیچه ای آموخت. سپس به اصفهان رفته و سطوح را نزد میر سیّد احمد مدرس و شیخ علی مدرس یزدی به پایان رساند و دروس خارج را نزد سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و سیّد محمّدرضا خراسانی فرا گرفت. آنگاه به حوزه علمیه قم رفته و در درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. او در سال ۱۳۴۹ق به نجف اشرف مشرّف شده و از درس حضرات آیات میرزا محمّدحسین نائینی، شیخ ضیاءالدّین عراقی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی بهره گرفت. در سال ۱۳۶۰ق پس از مراجعت از سفر حج به امر آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و درخواست اهالی شهر به آبادان رفت و در آنجا به تبلیغ دین و خدمت به مردم مبادرت ورزید و نماز جماعت را در مسجد نو آن شهر اقامه نمود.

از اقدامات مؤثر او مبارزه با بدعت ها و عقاید انحرافی همچون عقاید کسروی و بیان روشن و مستدل حقایق اسلام به مردم بود. از خدمات اجتماعی او احداث و یا تعمیر برخی از مدارس و مساجد همچون مسجد نو، مدرسه قائمیه و دارالایتام و حوزه علمیه در آبادان و مسجد ولیعصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) در جزیزه خارک است.

او پس از آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ش به اصفهان مراجعت نموده و در مسجد باب الرّحمه واقع در دروازه دولت به اقامه جماعت مشغول شد و در کنار آن به ارشاد مردم و رفع گرفتاری های نیازمندان پرداخت.

این عالم جلیل القدر سرانجام در صبح روز شنبه ۲۳ شعبان ۱۴۱۲ق (مطابق ۱۶ بهمن ۱۳۷۲ش) در اصفهان وفات یافته و پیکر او به قم منتقل و در یکی از اطاق های صحن بزرگ مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) مدفون گردید.

از تألیفات او: ۱. «رساله ای در حدیث غدیر»۲. «شرح برخی از خطب نهج البلاغه»۳. «یادداشت هایی در فقه» را می توان نام برد.(۱)

سیّد عبدالرّسول حجازی دهاقانی*

سیّد عبدالرّسول حجازی دهاقانی فرزند سیّد هاشم بن میرزا بابا حسینی دهاقانی، عالم فاضل جلیل. در سال ۱۲۶۵ش در دهاقان متولّد شد و جهت تحصیل به اصفهان آمد. او هشت سال از محضر عالم ربانی و حکیم عارف آخوند ملّا محمّد کاشانی کسب فیض نمود و تربیت شد. همچنین از درس حکیم جهانگیرخان قشقائی، میرزا احمد مدرس، آقا سیّد مهدی درچه ای و سیّد عبداللّه ثقه الاسلام بهره گرفت.

وی سرانجام در دی ماه ۱۳۵۸ش وفات یافته و در تکیه سیّدالعراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. او از شاگردان و رفقای صمیمی حاج آقا رحیم ارباب بود که پس از نابینائی مرحوم ارباب به جای ایشان امامت مسجد گرگ یراق ها را به عهده گرفت. همچنین مرحوم حجازی از دوستان صمیمی حاج میرزا آقا دهکردی امام جماعت مسجد سرخی اصفهان بود. و پس از آنکه مرحوم دهکردی به بیماری مبتلا شد، به جای او در مسجد سرخی اقامه جماعت نمود.

او صاحب مکنت بود و به فقراء و طلاب کمک و مساعدت می نمود. از ایشان سقاخانه ای در سرای ساروتقی به یادگار مانده است. وی در اواخر عمر در مسجد کرمانی

۱- آثار الحجّه، ج۲، ص۲۰۴؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۱۶؛ آئینه پژوهش: سال چهارم، شماره ۶، مورخ ۱۳۷۳ش، ص۱۲۰؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ تربت پاکان قم، ج۲، ص۹۳۹.

امامت می نمود.(۱)

عبدالرّسول منتصر

عبدالرّسول منتصر، شاعر ادیب متخلّص به «حقیقت» کارمند بازنشسته بانک ملّی ایران و کارشناس رسمی حسابداری دادگستری اصفهان. وی در روز شنبه ۵ ذیقعده ۱۴۱۱ق وفات یافته و در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

این شعر از اوست:

شدم سخت درمانده از کرد خویش پشیمان ز کرد کار و گشتم پریش

بکردم همی روز و شب را تَبَه سراسر بود نامه ام پر گُنَه

«حقیقت» ره رادمردان را بگیر تو تا زنده ای دست افتاده گیر(۲)

میرزا عبدالرّسول مداح شوشتری

میرزا عبدالرّسول مداح شوشتری، شاعر ادیب و مرثیه سرای معروف. [در اوایل قرن سیزدهم هجری] مقبره او در قبرستان سر قبر آقای اصفهان بوده که پس از تخریب و تسطیح قبرستان، قبر او هم از بین رفت.(۳)

عبدالرّسول ناطق شهرضائی

عبدالرّسول طبیبیان متخلّص به «ناطق» [فرزند سیّد هادی] شاعر ادیب و طبیب حاذق

۱- شرح مجموعه گل، صص ۳۸۲-۳۸۴؛ زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقائی، ص۱۱۴؛ سیمای دهاقان، ص ۴۸۱.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۲۹.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۰۲؛ مزارات اصفهان، ص ۵۲.

در سال ۱۲۸۳ش در شهرضا متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در [شهرضا] و اصفهان به پایان رسانید و در ضمن تحصیل، علوم قدیمه همچون صرف و نحو و معانی و بیان را آموخت [در طب نیز نزد دکتر احمدخان محیی، دکتر مسیح اللّه خان حافظ الصحّه و میرعلائی تحصیل کرد.] در سال ۱۳۱۱ش پس از موفقیت در آزمون پزشکی، در بهداری شهرضا به فعالیت پرداخت. او در هنگام تحصیل در اصفهان در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و [سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۶۴ش وفات یافته و در صحن امامزاده شهرضا مدفون شد. او از شعرای نامدار دیار خود بود. و در شعر کتاب های «گلچین ناطق»، «رضانامه» و «مادر» را نوشته است.(۱)]

این ابیات از او (به مناسبت میلاد مسعود پیامبر اسلام حضرت محمّد صلی الله علیه و آله است:

امروز درخشان شده یک کوکب بس تابان کز پرتو نور آن روشن شده هر ایوان

از جانب یزدان گشت، این نور هویدا بین تا محو شود ظلمت، معدوم شود حرمان

عبدالرشید

عبدالرشید بن محمّد مقیم [از فضلای قرن یازدهم هجری] از شاگردان علاّمه مجلسی است. او نسخه ای از جلد یکم «بحارالأنوار» را در سال ۱۰۹۳ق کتابت نموده و در کتابخانه دانشمند عالیقدر جناب آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی در اصفهان موجود است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۹۷؛ تاریخ شهرضا، ج۲، ص۳۷۲.

حاج عبدالرّضا موغاری اردستانی

حاج عبدالرّضا بن شکراللّه بن عارف بن محمّد موغاری اردستانی [از کاتبان و فضلاء قرن دهم هجری] در بامداد روز جمعه ۲۸ محرم ۹۷۳ق کتابت نسخه ای از «مجموعه ورام» را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۵۳۸۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

[موغار از روستاهای اردستان اصفهان است.]

عبدالرضا متین اصفهانی

میرزا عبدالرّضا اصفهانی متخلّص به «متین» فرزند عبداللّه بن عبدالعال بن شیخ حسین نجفی مالکی، شاعر ادیب در قرن دوازدهم هجری. پدرش از نجف اشرف به اصفهان آمده و او در سال ۱۱۰۳ق در اصفهان متولّد شد. در ۱۶ سالگی به هند رفته و به واسطه قریحه و ذوق شعر و ادب مورد توجه اعیان و بزرگان آنجا قرار گرفت. عاقبت در سال ۱۱۷۵ق به بنگاله رفته و در همان سال وفات یافت. دیوان اشعار او قریب به دوازده هزار بیت دارد.

از اوست:

به عزم گلشن امشب برق بی تابانه می آید خسی باقی است پنداری ز خاک آشیان من(۲)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۵، ص۴۲۳۳؛ تراجم الرّجال، (چاپ ۱۴۲۲ق) ، ج۲، ص ۵۰.

۲- تذکره خزانه عامره، ص۴۲۶؛ تذکره سرو آزاد، ص۲۳۶؛ الذریعه، ج۹، ص۹۵۸؛ تذکره غنی، ص۱۱۸؛ تذکره روز روشن، صص ۷۱۰-۷۱۲؛ کاروان هند، ج۱، صص ۱۲۱۱-۱۲۱۳؛ صحف ابراهیم، صص ۲۲۱ و ۲۲۲؛ مجمع النفایس، ص۱۱۹؛ منتخب اللطایف، ص۶۳۸.

ملّا عبدالرّضا کاشانی

مولی عبدالرّضا کاشانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و از شاگردان علاّمه مجلسی است. او در شوّال ۱۰۷۷ق جلد دوم «بحارالأنوار» را در اصفهان به خط نسخ کتابت نموده و آن را نزد علاّمه مجلسی قرائت کرده و مجلسی در تاریخ ربیع الاوّل ۱۰۷۸ق گواهی قرائت و اجازه روایت جهت او مرقوم نموده است و با القاب «المولی الفاضل الصّالح التّقی و الزّکی» از او یاد کرده است.(۱)

عبدالسّلام اصفهانی

عبدالسّلام اصفهانی، از اصحاب حضرت جواد علیه السلام است.(۲)

عبدالسّلام عنبری اصفهانی

ابوالغنائم عبدالسّلام بن عبدالصّمد بن احمد بن فضل بن احمد بن علی عنبری اصفهانی. [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] شیخ صالح از اولاد محدّثین بوده و از ابوالقاسم عبدالرّحمان بن منده، ابوعمرو عبدالوهاب بن منده و جز آنها حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده است.(۳)

عنبری منسوب به «بنی عنبر» (عنبر بن عمرو بن تمیم) و طائفه ای از بنی تمیم می باشند.

عبدالسّلام کمال اصفهانی

عبدالسّلام بن ماجد اصفهانی، معروف به «کمال» از ادبای قرن یازدهم هجری. از

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۵۰ و ۵۱؛ فهرست مرعشی، ج۱، ص۳۴۰؛ الرّوضه النّضره، ص۳۲۲؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۳۴؛ اجازات الحدیث، ص۶۹؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۱.

۲- مستدرک عوالم (جلد حضرت جواد علیه السلام) ، ص۱۷۱.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۵۰.

آثار او: «مناظره بغداد و اصفهان» به نظم و نثر فارسی.(۱)

عبدالسّلام حسن آبادی

ابوالخیر عبدالسّلام بن محمود بن محمّد بن احمد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن سلیمان حسن آبادی جرواآنی معروف به «ابن ابی عیسی» [از محدّثین قرن ششم هجری.] از اهالی محله «جرواآن».

از حفاظ حدیث و شیخ فاضل و صالح و صادق و از خاندان محدّثین بوده و در سال ۴۴۹ق متولّد شده است.

از ابومنصور شجاع بن علی بن شجاع مصقلی، ابوالحسن علی بن محمّد بن احمد بن ابی عیسی حسن آبادی (عموزاده صاحب عنوان) و ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی و جز آنان حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی در محله جیران (جرواآن) او را ملاقات کرده و از او حدیث شنوده است.

سرانجام در ۲۵ صفر ۵۳۴ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

عبدالسّمیع اصفهانی

عبدالسّمیع اصفهانی، از علماء کاملین در قرن دهم هجری بوده و حافظ حسین کربلائی مؤلف «روضات الجنان» گوید: در شهر صفر سال ۹۵۶ق در اصفهان به خدمت او رسیده است.(۳)

۱- الذریعه، ج۲۲، ص۲۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۵۱.

۳- روضات الجنان، ص۳۳۳.

شیخ عبدالصالح پاشنه طلائی

شیخ عبدالصالح بن آقا محمّدمهدی پاشنه طلائی یزدی [بن محمّداسماعیل بن محمّدابراهیم بن ملّا محمّدصادق اردستانی]، عالم فاضل [در اواخر دوره قاجاریّه] از نوادگان ملّا محمّدصادق اردستانی است و در یزد سکونت داشته است.(۱)

عبدالصّمد عنبری

ابونهشل عبدالصّمد بن احمد بن فضل بن احمد بن علی بن یحیی بن ابان بن حکم بن مرثد بن جابر بن خیوان بن اخرم بن ذهل بن ذؤیب عنبری ادیب، [از محدّثین و ادباء و فضلای قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.]

در سال ۴۲۷ق متولّد شده و از ابوالفضل هارون بن محمّد بن احمد بن عبداللّه بن هارون اصفهانی، ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن زیده ضبّی، ابوالحسن احمد بن محمّد بن حسین بن فادشاه اصفهانی، ابوذر محمّد بن ابراهیم بن علی صالحانی و ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شاذان اعرج و جز آنان حدیث شنیده است.

ابونهشل عنبری در سال ۵۱۰ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه تمام مسموعاتش را نوشته است. او در ذیحجه ۵۱۷ق وفات یافته است.(۲)

شیخ عبدالصّمد محلّاتی

شیخ عبدالصّمد بن حسین محلّاتی، فاضل ادیب [در قرن سیزدهم هجری] سال ها در

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۵۵.

اصفهان ساکن بوده و از علمای این شهر کسب فیض می نموده و به کتابت کتب علمی و ادبی می پرداخته است.

در اصفهان نزد [ملّا محمّدباقر فشارکی و میرزا یحیی بیدآبادی و(۱)] حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی فقه و اصول را آموخته و در فن قرائت از ملّا خدابخش بهره گرفته است.(۲)

او در ۱۷ جمادی الاولی سال ۱۲۷۳ق کتابت نسخه ای از «عروض» سیفی شاعر بُخاری را در اصفهان به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه ضمیمه مجموعه شماره ۶۲۳ کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

همچنین در تاریخ ۲۰ ربیع الثانی ۱۲۸۴ق کتابت «رساله ای در معما» از: ملّا حاجی را در مدرسه میرزا حسین جنب مسجد سیّد حجه الاسلام به پایان رسانیده است. رساله ضمن مجموعه شماره ۶۲۳ در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد موجود است.(۴)

محلاّتی مجموعه ای شامل کتاب های «اشکال الاربعه»، «تعدیل المیزان» و «شرح تهذیب المنطق» را در سال های ۱۲۸۱ و ۱۲۹۱ق در اصفهان به خط نسخ و نستعلیق کتابت کرده و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. مُهر بیضوی او «عبده الرّاجی عبدالصمد» و تاریخ تملک او بر این نسخه شوال ۱۲۹۵ق است.(۵) او تا این سال در قید حیات بوده است.

عبدالصّمد تبریزی

عبدالصّمد بن عاشور تبریزی از فضلاء قرن یازدهم هجری در سال ۱۱۰۱ق «شرح شرایع» را به فارسی ترجمه کرده و آن را «سفینه توفیق» نام نهاده و کتاب را به نام شاه سلیمان و در مدرسه سلیمانیه اصفهان نوشته است. نسخه این کتاب به خط مؤلّف نامبرده

۱- تراجم الرجال، ج۱، ص۲۹۷.

۲- بیان المفاخر، ج۲، ص۹۶.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۸۹.

۴- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۹۰.

۵- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۲۰۳.

به نظر مرحوم تربیت رسیده است.(۱)

نسخه ای از کتاب «سفینه توفیق» در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۲)

شیخ نورالدّین عبدالصّمد نطنزی

شیخ نورالدّین عبدالصّمد بن علی اصفهانی نطنزی از مشایخ اقطاب صوفیه است. [در علوم دینی علوم خود مهارت داشته و مراتب سیر و سلوک را نزد مشایخ طریقت طی نموده] و از شیخ نجیب الدّین بزغش خرقه پوشیده است. [شیخ عزّالدّین محمود نطنزی کاشانی و] شیخ کمال الدّین عبدالرّزاق کاشانی [سال ها نزد او عرفان نظری آموخته و از مقام علمی و معنوی او کسب فیض نموده و] از او خرقه پوشیده اند.

شیخ نورالدّین در نطنز ساکن بوده و خانقاه داشته و همانجا در سال ۶۹۹ق وفات یافته و به خاک رفته و مریدانش بقعه ای عالی بر سر مزار او بنا کرده اند.(۳)

عبدالصّمد امامی

عبدالصّمد شریف بن موسی (بن) رضا امامی، عالم فاضل [از محدّثین و دانشمندان قرن یازدهم هجری] از شاگردان علّامه ملّا محمّدباقر مجلسی بوده و کتاب «من لا یحضره الفقیه» را نزد او خوانده و در پایان کتاب الصلاه، علّامه مجلسی اَنهائی را در ذیحجه ۱۰۹۵ق به نام او مرقوم فرموده است. همین عبدالصّمد می نویسد که در دهه آخر سال ۱۰۹۰ق کتاب را در مدرسه سلیمانیه مقابله کرده است. کاتب نسخه

۱- دانشمندان آذربایجان، ص۲۵۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۰۳؛ الذریعه، ج۱۲، ص۱۹۶.

۲- فهرست مسجد اعظم قم، ص۲۲۹.

۳- هفت اقلیم، ج۲، ص۴۳۹؛ شرح سوانح، ص۴؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۳۹-۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۷.

محمّدقاسم بن میرزا علی رازی است و کتاب به شماره ۳۶۰۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

صاحب عنوان ظاهرا شارح «توحید مفضل» است.

«شرح توحید مفضل» که در سال ۱۰۹۵ق نگاشته شده ضمن مجموعه شماره ۳۵۱۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

همچنین او مجموعه ای شامل: «اثبات حدوث العالم» تألیف: شیخ حسین تنکابنی و «الالهیات» تألیف: شمس الدّین محمّد خفری را برای استادش شیخ بهاءالدّین (محمّدفاضل هندی) در سال ۱۰۸۹ کتابت نموده که به شماره ۹۴ در کتابخانه آقای افشین عاطفی در کاشان موجود است.(۳)

عبدالصّمد مردویه

ابوعبداللّه عبدالصّمد بن یزید (مردویه) از مصاحبین فضیل بن عیاض [است.] صاحب عنوان به «مردویه صائغ» شهرت داشته است. فوت او در سال ۲۳۵ق(۴) [واقع شد.]

عبدالصّمد نَقنِه ای

عبدالصّمد نَقنِه ای [خطاط نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری.] در روز جمعه ۱۹ شوال ۱۲۶۸ق نسخه ای از کتاب «تحفه نظامیّه» تألیف: عبدالقادر رویانی را به خط نستعلیق نوشته است. کتاب به شماره ۵۷۷ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۴؛ اجازات الحدیث، ص۷۱؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۵؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۳۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۵۲۵.

۳- فهرست عاطفی، ص۱۰۵.

۴- میزان الاعتدال، ج۲، ص۲۳۲.

موجود است.(۱)

[«نقنه» به فتح نون و سکون قاف و کسر نون دوّم، از روستاهای سمیرم اصفهان است.]

عبدالظهیر کرهرودی

عبدالظهیر بن معصوم کرهرودی [خطاط قرن یازدهم هجری] نسخه ای از «ترجمه الهیات شفا» را که سیّد علی امامی اصفهانی ترجمه کرده بود را به خط تعلیق نوشته و نسخه جزو کتاب های اهدایی آقای مشکوه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

سیّد عبدالعال کرکی

سیّد عبدالعال بن سیّد حسین حسینی کرکی عاملی، از علمای اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او از جمله کسانی است که در وقف نامه مدرسه نوریه، به وقف شهادت داده است. و سجع مهر او عبارت: «الواثق برحمه الغنی عبدالعال بن حسین الحسینی» است.(۳)

شیخ عبدالعال فریدنی

شیخ عبدالعال بن محمّد مقیم فریدنی خوانساری، عالم فاضل [از علمای اصفهان در قرن دوازدهم هجری است، ظاهرا از شاگردان علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی بوده و در

۱- فهرست گوهرشاد، ص۸۴.

۲- فهرست اهدایی مشکوه، ج۳، ص ۲۰۰.

۳- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۹۰.

اصفهان به تدریس و تحقیق و تألیف مشغول شده است. او تا سال ۱۱۴۹ق در قید حیات بوده و سال وفاتش معلوم نیست. جمعی از فضلاء نزد او تحصیل کرده اند از جمله فرزندش علی و نظام الدّین خوانساری و محمّدرضا بن سلطان احمد قاری خوانساری(۱)] به دستور او در جمادی الثّانیه ۱۱۰۷ق، نظام الدّین محمّدفاضل تونی کتاب «الروضه البهیّه» را نوشته و صاحب عنوان آن را با نسخه ای که به نظر علاّمه مجلسی رسیده و تصحیح شده است، مقابله و تصحیح کرده است. تاریخ مقابله ۱۱۱۹ق است. این نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

شیخ عبدالعال «مصباح» کفعمی [موسوم به «جنه الامان الواقیه»] را به فارسی ترجمه کرده [و آن را به شاه طهماسب ثانی تقدیم داشته است.] نسخه ای از این کتاب به خط علی بن عبدالعال (فرزند مترجم) و مؤرخ شوال ۱۱۰۸ق با حواشی مترجم، به خط نستعلیق و نسخ، به شماره ۱۲۵۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳) [نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۲۵۰۹ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم وجود دارد.(۴)

از آثار او کتابی در «ادعیه» مشتمل بر ۴۰ باب به فارسی نوشته و تاریخ کتابت ۶ جمادی الاوّل ۱۱۲۱ق است. نسخه به شماره ۱۵۳۵۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۵)]

او همچنین در حواشی «تفسیر جوامع الجامع» طبرسی، حواشی از «تفسیر بیضاوی» نقل نموده و تعلیقاتی در نقد آن از خود افزوده و کتاب را در ۱۷ رجب ۱۱۴۹ق وقف

۱- بنگرید به: الکواکب المنتشره، صص ۴۴۴ و ۴۴۵.

۲- فهرست رضوی، ج۵، ص۴۴۸.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۴۰۲.

۴- فهرست خطی احیاء، ج۷، ص ۱۰.

۵- فهرست مختصر مجلس، ص۳۹.

نموده است. نسخه به شماره ۲۴۱ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم نگهداری می شود.(۱)

[شیخ عبدالعال «صحیفه سجادیه» را ترجمه کرده و شاگردش نظام الدّین خوانساری در سال ۱۱۱۰ق آن را کتابت کرد. سپس به امر او شاگرد دیگرش محمّدرضا خوانساری در ۱۰ رمضان ۱۱۱۰ ملحقاتی بر «صحیفه سجادیه» را کتابت نمود و مترجم حواشی مفیدی به فارسی به آن کتاب افزود. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مرحوم شیخ مهدی مجدالعلماء نجفی در اصفهان موجود است.(۲)]

میر عبدالعال نجات کوه گیلویه ای

میر عبدالعال متخلّص به «نجات» فرزند میر محمّدمؤمن حسینی کوه گیلویه ای. شاعر ادیب و نویسنده ماهر در قرن یازدهم و دوازدهم هجری. پدرش در دستگاه میرزا حبیب اللّه صدر بوده، سپس مستوفی کوه گیلویه و بعدا استرآباد شد. فرزندش در عداد منشیان دستگاه سلاطین صفویه بوده [و مدتی در کتابخانه سلطنتی کار می کرده و خط خوشی داشته است.]

فوتش در سال ۱۱۴۱ق به سن متجاوز از ۹۰ سال روی داده قبرش در تکیه آقا حسین خوانساری است. مادّه تاریخ وفاتش را [میرزا شفیعای] اثر شاعر گوید:

چون میر نجات از جهان کرد عبور شد جای غزل مرثیه خوانی دستور

در ضمن دعا «اثر» به تاریخش گفت: «با سیّد کائنات گردد محشور»

فوتش را در سال ۱۱۲۱ق نیز گفته اند.

شعر خوب می گفته و در آن «نجات» تخلّص می نموده است. دیوانش قریب به ده هزار بیت است. [نسخه هایی از «دیوان نجات» در کتابخانه آکادمی علوم شوروی در

۱- فهرست فیضیه (استادی) ، ج۱، ص۶۶.

۲- تراجم الرجال، ج۱، ص۲۹۹ و ج۲، ص۸۵۱؛ قبیله عالمان دین، ص۲۳۵.

لنینگراد، و کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است. «مثنوی مسیر الطّالبین» که در سال ۱۰۸۵ق سروده شده و حدود هزار و دویست بیت است و «مثنوی گل کشتی» در آداب و رسوم و فنون کُشتی که در سال ۱۱۱۲ق سروده شده و نسخه هایی از آن در کتابخانه ملّی تبریز، موزه بریتانیا، کتابخانه ملّی ملک، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه آکادمی علوم شوروی در لنینگراد و کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور در پاکستان موجود است. مقبره «میر نجات» تا سال های اخیر باقی بود و در تعمیراتی که در سال ۱۳۷۳ش توسط شهرداری اصفهان در تکیه آقا حسین خوانساری صورت گرفت مقبره او را از بین بردند.]

از اوست:

می خواست سوی من نگرد سوی خویش دید خوش نوش کرد شربت بیمار خویش را(۱)

شیخ عبدالعال همایون فریدنی

شیخ عبدالعال فریدنی متخلّص به همایون، از احفاد شیخ علی بن عبدالعالی کرکی (محقّق ثانی) و خود از شعرای قرن سیزدهم هجری است. در غزل سرائی صاحب طبعی خوش بوده و با هجو دیگران را می آزرده است. عاقبت در سال ۱۲۲۹ق او را در هنگام خواب کشتند.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۸۳-۴۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۶۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰؛ تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۵۷-۱۶۱ و ۲۸۸-۲۹۴؛ تاریخ ادبیات فارسی (اته) ، ص۱۹۹؛ تذکره غنی، ص۱۳۳؛ کلمات الشعراء، ص۱۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۷۱؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۳۳؛ تذکره روز روشن، صص ۸۰۴-۸۰۶؛ تذکره شمع انجمن، ص۷۱۵؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص۱۳۶۷؛ صحف ابراهیم، صص ۲۲۶ و ۲۲۷.

از اوست:

بگذشته ز ابروان تو مژگان و من ز جان باید ز جان گذشت چو تیر از کمان گذشت(۱)

شیخ عبدالعالی کرکی

شیخ عبدالعالی فرزند علّامه فقیه شیخ نورالدّین علی (محقّق ثانی) [بن حسین بن علی بن محمّد بن عبدالعالی] کرکی عاملی، عالم فاضل، فقیه محقّق. [از علمای قرن دهم هجری.] متولّد در شب جمعه ۱۹ ذیقعده سال ۹۲۶ق و متوفی به سال ۹۹۳ق. مدفون در مزار متبرک درب امام اصفهان و پس از گذشت سی سال استخوان ها به مشهد مقدّس رضوی منتقل و در دارالسیاده مبارکه مدفون شد.(۲)

[مادّه تاریخ وفاتش عبارت «ابن مقتدای شیعه» است. او از پدرش روایت می کند و جمعی از فضلاء همچون: معانی تبریزی، قاضی حبیب اللّه بن علی طوسی، نورالدّین محمّد نسّابه اصفهانی، محمّد بن احمد اردکانی، ابوالحسن شریف قائنی، حسین بن حیدر بن قمر کرکی، شیخ بهائی، میرداماد، یونس جزایری، قاضی معزالدّین حسین اصفهانی و دیگران از او روایت کرده اند.

کتاب ها و رساله های زیر از اوست:

۱. «اللّمعه فی عدم عینیه الجمعه» ۲. «حاشیه ارشاد الاذهان» که در کتابخانه مدرسه

۱- تذکره اختر، ص۲۳۱؛ تذکره سفینه المحمود، ص۲۰۹؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۷۸۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۲۰۹۸؛ تذکره دلگشا، ص۶۰۱؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، صص ۱۱۸۴ و ۱۱۸۵؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۳۷۲؛ تذکره مدایح الحسینیّه: مخطوط، صص ۴۳۷ و ۴۳۸؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۲۰۴-۲۰۸؛ دانشمندان خوانسار، ص۵۶۷.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۰۸؛ یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص۱۲.

مروی تهران نسـخه خطی آن وجـود دارد. ۳. «رساله فی البلوغ و بیـان حـدّه»۴. «النّظامیّه»۵. «رسـاله فی القبلـه» خصوصـا قبله خراسان۶. «مناظرات مع مخدوم الشّریفی السُّنّی»۷. «شرح الفیه» شهید(۱)]

عبدالعزیز آدمی اصفهانی

ابوبکر عبدالعزیز بن احمد بن علی تاجر معروف به «آدمی» از محدّثین [عامّه در قرن چهارم هجری] و از بازرگانان مشهور و به امانت معروف بوده و سال ۳۸۶ق وفات یافته [است.]

از ابومحمّد عبداللّه بن خالد بن محمّد بن رستم رازانی روایت می کند.(۲)

عبدالعزیز جزری اصفهانی

ابـوالحسن عبـدالعزیز بـن احمـد جزری اصـفهانی، [از محـدّثین عـامّه در قرن سوم هجری[وی از فقهـاء ظـاهری و از اصـحاب ابوسلیمان داود بن علی بن خلف اصفهانی قاضی «ربع اسفل» از سمت مشرق بغداد از طرف عضدالدّوله دیلمی بوده است.

او مؤلف «مسائل الخلاف» است و بعد از سال ۲۷۰ق فوت شده است.(۳)

۱- لؤلـؤ البحرین، ص۱۳۵؛ الذریعه، ج۱۵، ص۷۳ و ج۱۱، ص۱۳۲ و ج۲۴، ص۱۹۵؛ احیاء الدّاثر، صـص ۱۲۲ و ۱۲۳؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۴۹؛ روضـات الجنّات، ج۴، ص۱۹۹؛ لغت نـامه دهخـدا: ذیل «عبـدالعال»، ص۶۲؛ فهرسـت مروی، ص۱۰۳؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ص۲۹۰؛ هدیه الاحباب، ص۲۵۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۷.

۳- احقاق الحق، ج۱، ص۱۶۷؛ الفهرست: ابن ندیم، ص۲۷۳.

عبدالعزیز مافرّوخی

ابومحمّد عبدالعزیز بن احمد مافرّوخی از دانشمندان و محدّثین خاندان مافرّوخ اصفهان.(۱)

عبدالعزیز ماجشون اصفهانی

ابوعبداللّه عبدالعزیز بن عبداللّه بن ابی سلمه تیمی ماجشون، [از محدّثین عامّه در قرن دوم هجری] اصلاً از اهالی اصفهان و از حفاظ حدیث و ثقه بوده و در فقه هم مهارت داشت. در مدینه (یثرب) ساکن بوده و سپس به بغداد رفته و در سال ۱۶۴ق در آنجا وفات کرده [و در مقابر قریش دفن شد] تألیفاتی در احکام دارد.

او از جعفر بن محمّد بن علی (امام صادق علیه السلام) و عبداللّه بن دینار و عمر بن عبداللّه بن دلف روایت می کند و احمد بن عبداللّه بن یونس و عبداللّه بن صالح از او روایت می کنند.(۲)

سکه ماجشون (کوی ماجشون) در اصفهان به او منسوب بوده و ماجشون به معنی «ماه گون» است.

عبدالعزیز دارکی اصفهانی

ابوالقاسم عبدالعزیز بن عبداللّه بن محمّد بن عبدالعزیز دارکی اصفهانی، از بزرگان فقهاء و محدّثین شافعیه [در قرن چهارم هجری.]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۵۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۴؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۳۴؛ الاعلام، ج۴، ص۱۴۵؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۴۲.

پدرش (عبداللّه) و نیای مادری او (حسن بن محمّد دارکی) از محدّثین اصفهان بوده اند. عبدالعزیز در نیشابور و بغداد تحصیل کرده از ابواسحاق مروزی فقه و حدیث آموخته و ابوحامد اسفراینی نزد او بهره علمی برده است. این اسفراینی در حق او گوید:

«فقیه تر از او در روزگار ما ندیدیم.» سال ها در بغداد تدریس می نموده و از اکابر فقهاء شافعیه شمرده می شد. تا اینکه در شوال یا ذیقعده ۳۷۵ق وفات یافته و در مقبره شونیزیه بغداد مدفون شده است.

او از نیای خود حسن دارکی روایت می کند و ابومنصور احمد بن حسین بن علی بن عمر حربی سکری از او روایت می کند.(۱)

[«دارک» از قریه های بلوک قُهاب جی اصفهان است و اکنون در شمال شهر اصفهان واقع شده و به شهر پیوسته است.]

عبدالعزیز کسائی

ابومحمّد عبدالعزیز بن محمّد بن عبدالعزیز کسائی مقری، [از محدّثین عامّه اصفهان[از ابی علی صحّاف، ابی عمرو بن حکیم، عبداللّه بن ابراهیم بن صباح، محمّد بن عمر بن حفص و احمد بن عثمان ابهری روایت نموده و در سال ۳۸۸ق وفات کرده است.(۲)

عبدالعزیز درآوردی اصفهانی

ابومحمّد عبدالعزیز بن محمّد بن عبید بن ابوعبیده درآوردی جهنی مدنی اصفهانی،

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۴۲۳؛ احقاق الحق، ج۷، ص۲۴۰؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۰۵؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۹۱؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۰۵؛ طبقات الشافعیّه (حسینی) ، ص۹۸؛ طبقات الشافعیه (اسنوی) ، ج۱، ص۵۰۸؛ طبقات الفقهاء، صص ۱۲۵ و ۲۱۲؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۲۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۸۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۸.

[از محدّثین عامّه اصفهان در قرن دوم هجری] از اهالی اصفهان و ساکن «مدینه» است. «زِرِکلی» در «الاعلام» او را به قریه «درآورد» از قراء خراسان منسوب می دارد. امّا حافظ ابونعیم در «اخبار اصفهان» می نویسد: چون شخص می خواست وارد شود می گفت «اندرون» اهالی «مدینه» او را «درآوردی» می گفتند.

او از ابراهیم بن عقبه، صفوان بن سلیم، حرب بن حسن طعان، نعیم بن حداد، عثمان بن عبیداللّه بن ابی رافع، علاء رقی، مکحول، هشام بن عروه، یحیی بن سعید انصاری، عمرو بن ابی عمرو، سهیل بن ابی صالح و زید بن اسلم روایت کرده است و عبداللّه بن عبدالوهاب، سعید بن منصور، احمد بن حنبل و یحیی بن سعین و دیگران از او استماع حدیث کرده اند.

او در سال ۱۸۶ق [و یا به قولی در سال ۱۸۲ق] وفات کرد.(۱)

عبدالعزیز آدمی شیرازی

شیخ ابوالمبارک عبدالعزیز بن محمّد بن منصور بن ابراهیم بن مرداس آدمی شیرازی، از بزرگان و محدّثین و علمای قرن ششم هجری و ساکن شیراز بوده و در عهد اتابک زنگی بن مودود در جامع شیراز به خطابت مشغول بود و در سال ۵۵۹ق در شیراز وفات یافت و قبرش در مقابل مسجد خبازه بوده است.

عبدالعظیم اصفهانی

عبدالعظیم اصفهانی، از فضلاء اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری و

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۵؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۳۴؛ میزان الاعتدال، ص۱۳۵؛ مرآت الجنان، ج۱، ص۴۰۴؛ الاعلام، ج۴، ص ۱۵۰.

مؤلّف «شرح فرائد» است. در میان این کتاب اجازه ای از «محمّدعلی بن محمّدباقر» (ظاهرا حاج شیخ محمّدعلی ثقه الاسلام فرزند حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی) موجود است که در سال ۱۳۰۴ق برای عبدالعظیم نوشته است. «شرح فرائد» به شماره ۳۲۶۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

همچنین او رساله ای اجتهادی در بیع وجوه و غنا و پاره ای از مسائل اصول مانند تقلید و غیره به عربی را تألیف نموده و محمّدعلی گواری در سال ۱۳۰۱ق به خط نستعلیق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۳۸۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

ملاّ عبدالعظیم بیدگلی زوّاره ای

حاج ملاّ عبدالعظیم بن محمّدتقی بیدگلی کاشانی زوّاره ای، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در حدود سال ۱۱۷۰ق در «بیدگُل» کاشان متولّد شده و نزد میرزا ابوالقاسم قمی و ملاّ احمد نراقی به تحصیل پرداخته و به اجتهاد نائل شد. عاقبت در اردستان و زوّاره ساکن شده و به اقامه جماعت و تدریس و وعظ و خطابه پرداخت و در آن حدود صاحب نفوذ و اعتبار شد و هنگامی که لطفعلی خان ترشیزی مدرسه ای را در زوّاره احداث کرده و رقباتی را برای آن وقف نمود، ملاّ عبدالعظیم را به تولیت آن مدرسه و موقوفات معیّن نمود.

حاج ملاّ عبدالعظیم خط نسخ را خوش می نوشته و به کتابت قرآن مجید می پرداخته و نسخه ای از قرآن مجید را در سال ۱۲۴۸ق کتابت نموده است. [همچنین در سال

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۲۲۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۸۴۷.

۱۲۲۸ق نسخه ای از کتاب «آئینه شاهی» را به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۱/۷۵۴۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)] سال فوتش به دست نیامد. فرزندان و اعقاب او از علمای زوّاره و اصفهان بوده اند.(۲)

سیّد عبدالعظیم موسوی

سیّد عبدالعظیم بن حسن موسوی، [از فضلاء قرن سیزدهم هجری.] کتاب «المیراث» تألیف: حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی را به همراه علی میرزا در سال ۱۲۹۴ق در اصفهان تصحیح و مقابله کرده است. همچنین او در رجب ۱۲۹۳ کتابی در «امامت» تألیف: حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی را مقابله و تصحیح کرده است.(۳)

سیّد عبدالعظیم لنجانی

سیّد عبدالعظیم بن سیّد علیرضا حسینی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل محقّق [حکیم و ادیب شاعر، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری.] از شاگردان میرزای قمی، سیّد محمّد مجاهد کربلائی و آقا سیّد علی طباطبائی (صاحب ریاض) بوده و خود عالمی جلیل و فقیهی بارع بوده [است. او پس از تحصیل در عتبات عالیات به هند رفته و در حیدرآباد ساکن شده و به تبلیغ پرداخته تا اینکه در شهر «لکهنو» هند] پس از سال ۱۲۳۱ق وفات یافته است.(۴) [فرزند سیّد محمّد متخلّص به «صفا» هم از شعراء بوده است.]

کتب زیر از اوست:

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۶۱۹.

۲- آتشکده اردستان، ج۲، صص۲۸۷ و ج۱، ص۱۵۶.

۳- بیان المفاخر، ج۲، صص ۲۷۰ و ۲۷۶.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۷؛ تذکره مآثر الباقریّه، ص۹۲.

۱. «تحفه الاصحاب» رساله عملیه به صورت سؤال و جواب و در آن از فتاوای میرزای قمی و آقا سیّد علی (طباطبائی) استاد خود نقل نموده [است. مؤلف آن را از کتاب دیگر خود «الضیاء اللّامع» استخراج کرده و به فارسی به رشته تحریر درآورده است. کتاب در سال ۱۲۳۱ق تألیف شده و نسخه آن به خط حاج آقا بابا تبریزی خوئی و مورخ ۲۴ ذیقعده ۱۲۶۴ق در کتابخانه سیّد محمّد جزائری در نجف اشرف موجود بوده است.(۱)]

۲. «ضیاء اللّامع» در شرح مختصر الشرایع ۳. «المسطح السنی فی الرّد علی المنسطح الدکنی»، به عربی موضوع کتاب گفتگو و ردّ و ایرادی است بین مؤلّف و یکی از علماء حیدرآباد، پیرامون ربط حادث و قدیم. تاریخ تألیف ۲۲ شوال ۱۲۲۸ق می باشد. نسخه گویا به خط مؤلف است و به شماره ۳۷۴۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) ۴. «نور العرفاء فی شرح الهیات الشّفاء» در فلسفه به عربی، این کتاب محاکمه ای است بین حاشیه «ملاّ صدرای شیرازی» و حاشیه «آقا حسین خوانساری» بر «الهرات شفا» جلد اوّل آن به شماره ۳۹۶۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳) [۵. «عین الاصول»(۴) ۶. «شرح صمدیه»، به عربی، که محمّدصالح بن احمد بیدگلی در سال ۱۲۱۹ق کتابت کرده است و نسخه آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۵)]

۱- الذریعه، ج۱۲، ص۳۴۵؛ الکرام البرره، ج۲، صص ۷۴۱ و ۷۴۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۰، ص۱۳۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۰، ص۳۴۲.

۴- تراجم الرجال، ج۱، صص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۵- فهرست مختصر گلپایگانی، ص۴۵۶.

ملّا عبدالعظیم کاشانی

ملّا عبـدالعظیم کاشانی، از فضـلاء ساکن اصـفهان در قرن یازدهم هجری و شاگرد علّامه مجلسـی است. علّامه مجلسـی اجازه مختصری در اواسط ربیع الثانی ۱۰۶۸ق جهت او در جزء سوم «من لا یحضره الفقیه» نوشته است. این نسخه در کتابخانه مرحوم شیخ عباس قمی در مشهد مقدس موجود بوده است.(۱)

شیخ عبدالعلی اصفهانی

شیخ عبدالعلی اصفهانی نجفی، از بزرگان علماء و زاهد و عابد و صاحب کشف و کرامات بوده [و در قرن سیزدهم هجری می زیسته است.] وی را تألیفـاتی بوده است که پس از مرگش از بین رفته است. وی دایی حـاج عبـدالمطلب تاجر بوده که حاجی مزبور دایی جدّ مادری مؤلّف احسن الودیعه است.

صـاحب عنوان در نجف اشـرف در محضـر صـاحب جواهر و شـیخ مرتضـی انصاری به تحصـیل پرداخته و سـپس در آن شـهر مقدس تدریس نموده است. سـیّد ابوتراب خوانساری و میرزا محمود بن حسن بن میرزا خلیل طبیب رازی نزد او تحصـیل کرده اند. وی در حدود سال ۱۳۰۰ق در شهر نجف وفات یافته و مدفون شده است.(۲)

[مرحوم شـیخ محمّـد امامی خوانساری وی را از احفاد آقا محمّد بیدآبادی نوشـته است. سـیّد ابوتراب خوانساری درباره اسـتاد خود میرزا عبدالعلی اصفهانی گوید:

۱- زندگینامه علّامه مجلسـی، ج۲، ص۵۱؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۲؛ الرّوضه النّضره، ص۳۲۷؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۳۴؛ اجازات الحدیث، ص۷۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۱.

۲- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۷۷۸؛ احسن الـودیعه، ج۲، ص۱۷؛ الکرام الـبرره، ج۲، ص۷۴۳؛ نقباء البشـر، ج۳، ص۱۱۳۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۲۶۳.

«انّه کان جامعا للمعقول و المنقول و مصرّحا باجتهاده استاد الکل الشیخ مرتضی الانصاری»(۱)]

حاج عبدالعلی باقی*

حاج عبدالعلی باقی، از فضلاء و محقّقین معاصر در فروردین ۱۳۰۴ش. در شهرضا متولّد شد. تحصیلات مقدّماتی را نزد ملّا علی نوری (اعمی) و سیّد فضل اللّه حجازی انجام داد. سپس به اصفهان رفت و در مدرسه جده و چندی بعد در مدرسه چهارباغ ساکن شد و نزد حضرات آیات شیخ محمّدباقر نجفی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی فقه و اصول را خواند. همچنین در درس «نهج البلاغه» میرزای علی آقا شیرازی و «شرح تجرید» حاج آقا صدر کوپائی حضور یافت. پس از آن یک سال در قم بود و از آنجا راهی تهران شد و در دانشکده معقول و منقول نزد اساتید آنجا الهی قمشه ای، مشکاه، بهمنیار، عصار، فاضل تونی و راشد تحصیل نمود. در کنار این تحصیلات، دروس حوزوی را نزد علمای تهران: استاد محمود شهابی تربتی، محمّدتقی آملی و سیّد احمد خوانساری تکمیل نمود.

او پس از اتمام تحصیل در کاشمر به تدریس پرداخت و مزار شهید سیّد حسن مدرس در آنجا را تعمیر کرد. در سال ۱۳۳۳ش به خاطر زدن تلگراف به حکومت وقت و اعتراض به بعضی مسائل (به همراه ۹ نفر دیگر) به ۴ سال زندان محکوم شد و از ادامه فعالیت او در اداره فرهنگ جلوگیری شد. پس از مدّتی به دعوت دکتر علی اکبر شهابی رئیس اوقاف کشور، در اداره اوقاف به کار پرداخت و در اراک، اصفهان و قم خدمت کرد در سال ۱۳۵۴ش بنا به نظر مرحوم آیه اللّه سیّد محمّدهادی میلانی مرجع عالیقدر،

۱- دانشمندان خوانسار، ص۳۹۸.

رئیس اوقاف خراسان شد. مدّتی بعد به خاطر اختلاف با استاندار خراسان (ولیان) به مازندران منتقل شد. در سال ۱۳۵۵ش به خاطر اینکه با تعرضات ثابتی و نصیری در موقوفات نوشهر مخالفت کرد، به فعالیت او در اوقاف خاتمه داده شد.(۱)

او نویسنده ای توانا و شاعری خوش قریحه است و تألیفاتی را به رشته تحریر درآورده است از جمله:

۱. «بهار ادب» مطبوع ۲. «مدرس مجاهدی شکست ناپذیر» مطبوع۳. «کلید نگارش»۴. «رمز پیروزی»۵. «تاریخ منظوم خراسان»۶. «شکوفه های ایمان»۷. «کارنامه اوقاف»

این بیت از اوست:

چه خوش است حال مرغی که اسیر درد باشد به قفس ترانه خواند به زبان بی زبانی(۲)

سیّد عبدالعلی عقدائی

سیّد عبدالعلی عقدائی فرزند سیّد احمد، عالم فاضل جلیل. در عقدای یزد متولّد شده و مقدمات علوم دینی را در مدرسه کاسه گران و نیم آورد اصفهان تحصیل کرده. آنگاه به محضر آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی و آخوند ملّا عبدالکریم گزی حاضر شد و کسب فیض نمود.

سال ها در اصفهان به شغل محضرداری مشغول بود. او متولّی مدرسه نیم آورد بود و در بین مردم به تواضع مشهور و عالمی خلیق و مهربان و زیرک و کاردان بود و در کمک به ایتام و فقراء تلاش می نمود. وی در ۸ صفر ۱۳۷۱ق (برابر با ۱۶ آبان ۱۳۳۰ش) وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

۱- مدرس مجاهدی شکست ناپذیر: پشت جلد.

۲- تاریخ شهرضا، ج۲، صص ۳۴۴-۳۴۷.

مادّه تاریخ وفاتش چنین است:

سر از بهشت بشیری بلند کرد و گفت: «شدی روانه بفردوس روح عقدایی»(۱)

۱۳۷۱

حاج میرزا عبدالعلی مرندی

حاج میرزا عبـدالعلی مرندی فرزند سـیّد احمد بن سـیّد حسـین، عالم فاضل زاهد [از علمای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری] پدرش از اهالی «مرند» در آذربایجان بوده و به اصـفهان آمده است. صاحب عنوان، از شاگردان آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و آقـا شـیخ مرتضـی ریزی بـوده و در شـب سـه شـنبه ۲۱ ربیـع الثـانی ۱۳۵۴ق وفـات یـافته، در بقعـه تکیه مرحـوم ریزی مـدفون گردید.(۲)

عبدالعلی نصر اصفهانی*

عبـدالعلی نصراصــفهانی متخلّص بـه «نصــر» فرزنـد محمّـدباقر، از نوجـوانی لـب بـه ســرودن شـعر گشـوده و از محضـر اسـتاد محمّدحسـین صـغیر اصـفهانی بهره گرفته است. سـال هـا در اداره راه به فعالیت مشـغول بوده تا اینکه بازنشسـته شـده است. در انجمن های ادبی اصفهان شرکت می کند.(۳)

میرزا عبدالعلی نحوی

میرزا عبدالعلی نحوی فرزند میرزا محمّدتقی بن حاج محمّدحسین نایب الصّدر

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ شرح مجموعه گل، صص ۳۷۹-۳۸۱.

۲- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۷۷۸؛ بیـان المفاخر، ج۱، ص۲۵۹؛ سـیری در تاریـخ تخت فولاد، ص۱۲۶؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۹۹.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۷۹۵.

هرندی اصفهانی، عالم فاضل ادیب [از ادباء و دانشمندان قرن سیزدهم هجری.]

در سال ۱۲۲۲ق متولّد شده و در اصفهان نزد علمای عالیقدری چون شیخ محمّدتقی رازی ایوان کیفی و حاج محمّدابراهیم کلباسی تحصیل کرد و به فراگیری فقه و اصول و ادبیات فارسی و عرب مشغول شد و خصوصا در ادبیات عرب مهارت به سزایی به دست آورد تا جایی که به «نحوی» مشهور شده و به تدریس از مقدمات تا شرح لمعه پرداخت. او عالمی گوشه نشین و دور از شهرت و ریاست بود و علیرغم وسعت علم و فضل ناشناخته بود.

وی در ربیع الاوّل ۱۳۰۶ق وفات یافته و در بقعه سر قبر آقا در محلّه خوابجون اصفهان مدفون شد.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ و ۲. دو «شرح بر سیوطی» یکی سی هزار بیت و دیگری شصت هزار بیت ۳. «رساله صیغ العقود» در فقه به فارسی که ملّا عبدالصمد بن ملّا علی در سال ۱۳۰۸ق به خط نسخ کتابت کرده و به شماره ۱۱۵۱ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۲) ۴. «رساله عیدیه»۵. «صحیفه المیراث من عدیم الاثاث» در فقه، به فارسی، در احکام ارث، در یک مقدمه و ۱۲ باب و یک خاتمه، که در جمعه ۱۸ جمادی الاولی ۱۲۷۰ق از تألیف آن فراغت یافته و نسخه به شماره ۱۸۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳) ۶. رساله در «اوزان نصاب غلّات چهارگانه» که جمعه ۲۰ رجب ۱۳۰۹ق نوشته شده و ضمن مجموعه شماره ۶۶۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۱۶ و ۱۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۶؛ مزارات اصفهان، ص۵۲؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۹۳۸؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۷۵۲ و ۷۵۳.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۲۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۹۵.

معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۱) ۷. شرح دعای «یا من ارجوه» از ادعیه ماه مبارک رجب۸. حواشی بر «شرح لمعه» و «قوانین».

میرزا عبدالعلی نائینی

میرزا عبدالعلی بن میرزا محمّدحسین نائینی اصفهانی از خطاطان قرن سیزدهم هجری است. در نائین بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته است.

او در ۵ جمادی الاولی ۱۲۷۷ق در تبریز «ترجمه عهدنامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام » تألیف: محمّدکاظم (محمّدفاضل مشهدی) را نوشته است. نسخه آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

ترجمه کتاب «بحارالأنوار» را هم به خط نستعلیق در سوم رجب سال ۱۲۹۷ق کتابت کرده است که به شماره ۶۵۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

همچنین ترجمه جلد نهم «بحارالأنوار» (که شیخ محمّدتقی آقانجفی آن را به فارسی ترجمه کرده) را درشب نهم ربیع الثانی سال ۱۲۹۷ق به خط نستعلیق به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۷۰۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۴)

عبدالعلی خوزانی

عبدالعلی شریف بن محمّدرضا خوزانی اصفهانی، خطاط خط نسخ. کتاب های چندی به خط او به چاپ رسیده است.

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۴۵۷.

۲- فهرست رضوی، ج۵، ص۴۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۳۵.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۲۳۸.

عبدالعلی مُذَهِّب اصفهانی*

عبدالعلی مُذَهِّب اصفهانی فرزند میرزا رضا، نقاش و تذهیب کار عهد ناصرالدّین شاه قاجار است.

از کارهای وی تذهیب و تشعیر کتاب «امتحان الفضلاء» میرزا سنگلاخ است که در احوال خط و خطاطان نوشته و تصویر سیاه قلمی خود میرزا سنگلاخ در اوّل کتاب آمده است و تاریخ ۱۲۹۱ق دارد.(۱)

عبدالعلی جزی*

عبدالعلی بن محمّدرفیع جزی [گزی]، از هنرمندان قرن دوازدهم هجری است. از اهالی روستای گز از بلوک بُرخوار اصفهان بوده و در ساختن اسطرلاب مهارت به سزایی داشته است. از آثار او اسطرلابی است که با همکاری برادرش محمّدباقر در سال ۱۱۲۴ق ساخته است.(۲)

عبدالعلی خسروی (قائد بختیاری)*

استاد عبدالعلی خسروی متخلّص به «خسرو» و «خسرو قائد» فرزند غلامحسین بن رستم بن خسرو بن محمّدعلی بن میر قائد بابادی بختیاری، شاعر توانا و محقّق و نویسنده پرتلاش معاصر در ۱۲ مهر ۱۳۰۷ش در ایذه خوزستان متولّد شد.

تحصیلات ابتدائی را در ایذه و هفتگل طی کرد و تحصیلات متوسطه را در اهواز به پایان برد و به استخدام اداره راه آهن درآمد و از آن اداره مأمور به تحصیل در رشته

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص ۴۰۰.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۸۳.

بهداشت گردید. در دانشگاه تهران تا مقطع لیسانس تحصیل نمود. پس از آن به اداره فرهنگ و هنر خوزستان منتقل شده و به عنوان معاون نگارش و کتابخانه ها به فعالیّت مشغول شد و در این پست مصدر خدماتی گردید از جمله چندین کتابخانه تأسیس و سایر کتابخانه های استان خوزستان را تجهیز نمود و در طی این سال ها در حمایت و تقویت انجمن های ادبی و هنری خوزستان نقش به سزایی داشت.

استاد خسروی از کودکی ذوق و قریحه شاعری داشت و به سرودن شعر می پرداخت. او در سال ۱۳۶۰ش بازنشسته شد و در سال ۱۳۶۵ش به اصفهان مهاجرت کرد و تا امروز در این شهر اقامت دارد. در اصفهان ابتدا در انجمن ادبی صائب و انجمن خانه هنرمندان شرکت می کرد. سپس به همراهی ده ها تن از ادباء و شعرای بختیاری مقیم اصفهان انجمن ادبی پژمان بختیاری را تأسیس کرد. چندی بعد انجمن ادبی داراب افسر بختیاری را به همراهی جمعی دیگر از شاعران بختیاری در اصفهان تأسیس کرد و ریاست آن را برعهده گرفت.

وی به سبک شعرای قدیم ایران شعر می سراید ولی با شاعران نوگرای شعر نیمایی همچون نیما یوشیج، نادرپور، تولّلی و مشیری همدلی و احساس نزدیکی می کند و شعر آنان را می پسندد. او محقّقی کوشا در گردآوری و احیاء فرهنگ قوم بختیاری است و چندین جلد کتاب در این موضوع به چاپ رسانده است.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «گلبهار» (مجموعه شعر به گویش محلّی) ۲. «آتش در نخلستان» (مجموعه شعر) ۳. «عروس دالانکوه» مجموعه شعر۴. «تاریخ و فرهنگ بختیاری» (در ۷ جلد) ۵. «در انتظار سپیده دمان»۶. «فرهنگ سیاسی عشایر جنوب ایران»۷. «گویش بختیاری»۸. «بلوط زاگرس» ۹.«یادداشت های قرن بیستم» ۱۰. «دیوان قائد بختیاری»

از این کتاب ها تنها دو مورد آخر به چاپ نرسیده اند.(۱)

این چند بیت از یکی از مدایح استاد خسروی است:

قبر امام هشتم دین قبله من است زیرا که تربتش ز گل خاک میهن است

آن کس که خوانده زار و غریبش در این دیار با همّت غریب نوازانه دشمن است

تا تربتش به دیده ما همچو توتیاست او را به جام مردمک دیده مسکن است

ایران اگر که بارگهش را به زر نهاد نقش کرامتی ز کریمان مبرهن است

[...]

ما میزبان حیله گر کوفه نیستیم نام علی رضای دل و قوّت من است

نام رضا به قامت ایمان ما رساست دیوان او به شعر دل و جان مدون است(۲)

عبدالعلی غفوری*

عبدالعلی غفوری فرزند فضل اللّه، از شعراء و نویسندگان معاصر اصفهان. در مهرماه ۱۳۲۹ش در «وَرزَنه» متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در زادگاه خود به پایان برد.

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد خسروی در تیرماه ۱۳۸۹ش.

۲- هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۴۹۷، مورّخ ۲۰ اسفند ۱۳۷۶، ص۷.

سپس در دبیرستان ادب اصفهان دوره متوسّطه را گذراند و دیپلم ادبی گرفت. سپس در دانشگاه اصفهان تحصیلات عالی را طی نمود و لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت. وی پس از استخدام در آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۱ش به تدریس در دبیرستان های اصفهان همچون دبیرستان هاتف و هنرستان سروش پرداخت و در سال ۱۳۷۹ش بازنشسته شد. وی از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و در سرودن غزل و رباعی و مثنوی مهارت دارد و در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن ادبی حافظ شرکت می کند. این کتاب ها از آثار اوست:

۱. «داستان های شاهنامه» در ۱۷ جلد، که ۳ جلد از آنها در سال ۱۳۷۳ش چاپ شده است. ۲. «شازده کوچولو» از آنتوان دوسنت اگزوپری، نویسنده فرانسوی (به صورت منظوم) ۳. «بوسه بر مهتاب» (مجموعه شعر) ۴. «مژده آفتاب» (مجموعه شعر) (۱)

از اوست:

به سست عهدی سخت زمانه می خندم فسانه بوده جهان، بر فسانه می خندم

نشسته دجله اشکم به خشکسالی و من به جای گریه و آه شبانه می خندم(۲)

عبدالعلی اصفهانی

عبدالعلی بن محمّدکاظم اصفهانی، [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] نسخه ای از «قوانین المحکمه» را کتابت نموده و به شماره ۴۶۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای عبدالعلی غفوری در روز ۲۱ آبان ۱۳۸۳ش.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش نخست) ، صص ۵۳۵ و ۵۳۶.

موجود است.(۱)

ملاّ عبدالعلی هرندی

ملاّ عبدالعلی بن محمّد هرندی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری] کتابی در منطق، که شامل حواشی بر «تهذیب المنطق» است را در سال ۱۲۷۹ق تألیف کرده و آن را «طرائف الحبیب» نامیده است. نسخه به شماره ۶۸ در کتابخانه مدرسه رضویه قم موجود است.(۲)

عبدالعلی ادیب برومند

عبدالعلی برومند متخلّص «ادیب» فرزند مصطفی قلی خان شاعر ادیب و نویسنده محقّق. [در ۲۱ خرداد ۱۳۰۳ش] در قصبه «گز» از بلوک برخوار اصفهان متولّد شد. خواندن و نوشتن و یادگیری خط را در زادگاه خود انجام داد. سپس به اصفهان رفت و [در مدرسه ملّی فرهنگ تا سوم متوسطه را طی کرد آنگاه به دبیرستان صارمیّه رفته و] دیپلم گرفت. او در تهران در رشته حقوق ادامه تحصیل داده و در سال ۱۳۲۴ش از دانشگاه تهران لیسانس گرفت و به حرفه وکالت روی آورد.

[از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و به مطالعه اشعار شاعران بزرگ فارسی مشغول شد و اغلب از اشعار «ملک الشعراء بهار» و «ایرج میرزا» پیروی نمود. در سال ۱۳۲۳ش اولین مجموعه شعر خود: «ناله های وطن» را چاپ کرد و از سال بعد اشعارش در مطبوعات تهران به چاپ می رسید. او در فعالیت های سیاسی ملی شدن نفت نقش فعالی داشت و عضو جبهه ملّی بود و در این اواخر پس از مرحوم پرویز ورجاوند رهبری

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۴۵.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۲۹.

این جبهه به او سپرده شد.]

این کتاب ها از او به چاپ رسیده است:

۱. «افکار امروز» ۲. «ناله های وطن» (نظم و نثر) ۳. «سرود رهایی» (شعر) ۴. «درد آشنا» (غزلیات) [۵. «پیام آزادی» (شعر) ۶. «راز پرواز» (اشعار مذهبی) ۷. «مثنوی اصفهان»۸. «هنر قلمدان» (پژوهش هنری) ۹. «به پیشگاه فردوسی» (مجموعه سخنرانی و شعر) ۱۰. «مجموعه مقالات» ۱۱. تصحیح «دیوان حافظ» ۱۲. تصحیح «داستان سیاوش و رفتن گیو به ترکستان»، از شاهنامه ۱۳. تصحیح «خردنامه» تألیف: ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی ۱۴. تصحیح «تذکره خلاصه الاشعار» ۱۵. «حاصل هستی» (مجموعه شعر)

برخی از آثار چاپ نشده وی نیز اینهاست:

۱۶. «گرامی داشت ها» (شعر) ۱۷. «پراکنده ها» (اشعار در قالب های گوناگون) ۱۸. «اشعار توصیفی» (درباره تجلیّات طبیعت و آثار هنری) ۱۹. «سوگ یادهای خانوادگی» ۲۰. «دیداری از زادگاه»

ادیب برومند به عنوان شاعری مردمی و استاد در اشعار سنّتی و مسلط بر ادبیات فارسی، شهرت به سزایی دارد و همیشه اشعارش با استقبال مخاطبان مواجه بوده است.

این شعر از اوست:

در بهاران سیر گلگشت و چمنزاران خوش است سیر گلگشت و چمن با لاله رخساران خوش است

در کنار جویباران صحبت جانان نکوست در میان سبزه زاران بزم دلداران خوش است(۱)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱-۳۳؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۲۳۵-۲۴۰؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، صص ۸۷۸-۸۷۹؛ حاصل هستی، صص ۱۱-۱۵.

عبدالعلی محمّدآبادی جرقویه ای

عبدالعلی بن ملاّ محمّد نبی محمّدآبادی جرقویه ای [خطاط نسخ نویس در قرن سیزدهم هجری] در چهارشنبه ۲۵ جمادی الثّانیه ۱۲۵۲ق کتابت «دیوان مجنون عامری» را به خط نسخ به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۱۶۲۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

[از آثار او کتابت یک جلد قرآن کریم است که آن را به خط نسخ زیبا در ۱۵ ذیحجه سال ۱۲۴۵ق کتابت کرده است.(۲)]

شیخ عبدالعلی رشتی

شیخ عبدالعلی ماسوله ای رشتی [از علمای قرن سیزدهم هجری] عالم فاضل. در اصفهان ساکن بوده و تدریس می نموده و جمعی از فضلاء از محضر درس او مستفیض می شده اند. شیخ محسن بن محمّدرفیع رشتی اصفهانی از او اجازه گرفته است.

صاحب عنوان در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

شیخ عبدالعلی قدسی نجفی

شیخ عبدالعلی قدسی نجفی، از علمای معاصر اصفهان [پس از تحصیل علوم دینی، به قضاوت در دادگاه پرداخته و] داماد میرزا ابوالحسن بروجردی بوده است. سرانجام در [۱۴ رمضان] ۱۳۹۰ق وفات یافته و در بقعه تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۴)

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۳، ص۷۴۹.

۲- گرکویه، صص ۳۱۳ و ۳۱۴.

۳- تراجم الرجال، ج۱، ص۳۰۵.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷؛ بوستان فضیلت، ص ۶۰.

عبدالعلی نگارنده*

عبدالعلی نگارنده، از شعراء و سخنوران معاصر در سال ۱۲۷۸ش در اصفهان متولّد شد و نزد اساتید شعر و ادب به تحصیل پرداخت. سپس به بین النهرین رفته و در فقه و اصول و ادبیات عرب نزد دانشمندان آن دیار ادامه تحصیل داد. آنگاه به ایران بازگشته و به استخدام ارتش درآمد و به خدمت پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۳۶ش با درجه سرگردی بازنشسته شد.

او سال ها مقیم مشهد بود و در سال ۱۳۲۶ش انجمن ادبی فردوسی را تأسیس کرد که بسیاری از شعراء و ادبای مشهور خراسان عضو آن بودند. خود او ابتدا «سرباز» تخلّص می کرد ولی آن را به «نگارنده» تغییر داد.

وی سرانجام در سال ۱۳۴۶ش وفات یافته و در مزار ابن بابویه در شهرری مدفون شد. این کتاب ها از آثار اوست:

۱. «شرار اندیشه» که در سال ۱۳۴۴ش به چاپ رسید.۲. «الفبای شعر»۳. «آیین من»

این شعر از اوست:

اشکم به یادروی تو چون ریخت روی گل هم شرح حال من شد و هم آبروی گل

هر جا که هست بلبل شوریده ای چو من دارد هماره با دل خود گفتگوی گل(۱)

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، صص ۳۶۸۰ و ۳۶۸۱.

میر عبدالغفار اردستانی*

میر عبدالغفار اردستانی، از سخنوران و شعرای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری. ظاهرا از سادات زوّاره است. اغلب در زوّاره و اردستان بود. این رباعی از اوست:

شیرین دهنت گران شکر می ریزد رویت که از آن سنبل تر می ریزد

خوشحال کسی که صبح از بستر خواب سروی چو تو در کنار بر می خیزد(۱)

میرزا عبدالغفار پاقلعه ای

میرزا عبدالغفار پاقلعه ای اصفهانی متخلّص به «سحاب» فرزند محمّدحسن، [خطاط، شاعر و منجم دانشمند اواخر دوره قاجاریه، جامع فضائل علمی و اخلاقی، از اهالی محلّه پاقلعه اصفهان بوده و فقه و اصول را از میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، هیئت و نجوم را از میرزا حسن بن دوست محمّد منجم و ادبیات را نزد رضاقلی خان همای شیرازی آموخت.

او سال ها در محله پاقلعه به تدریس مشغول بود. در انشاء و تحریر اسناد معاملات و قباله مناحکات دستی توانا داشت و خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می نوشت. در شعر و شاعری نیز ماهر بود.(۲)] وی در سن قریب به هشتاد سالگی در ماه شوال ۱۳۳۶ق وفات یافته و در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)

میرزا عبدالغفار پاقلعه ای نسخه ای از «دیوان همای شیرازی» را به خط نسخ عالی

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۵۶۹ و ۲۵۷۰.

۲- دیوان طرب، صص ۶۳ و ۶۴؛ کارنامه همایی، صص ۴۲ و ۴۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴.

کتابت کرده و در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱) همچنین کتاب «جنگ روسیه و فتح ترکستان» را در ۱۵ محرم ۱۳۰۱ق کتابت کرده که در کتابخانه عمومی اصفهان موجود بوده است.(۲)

حاج میرزا عبدالغفار تویسرکانی

حاج میرزا عبدالغفار بن سیّد محمّدحسین تویسرکانی، عالم فاضل جلیل و مجتهد بارع. [از علمای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه] در تویسرکان متولّد شده و در سال ۱۲۶۶ق به اصفهان مهاجرت نمود. و نزد ملّا حسینعلی تویسرکانی، آقا سیّد حسن مدرس و دیگران تحصیل کرده و از استاد اوّل و آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) اجازه دریافت نموده است.

او هم درس صاحب روضات بوده و از مشوقین او در تألیف کتاب «روضات الجنّات» است. جمعی از خواصّ طلّاب و تُجّار و اخیار اصفهان مرید او بودند و خود او در مسجد حاج محمّدجعفر آباده ای اقامه جماعت می نمود. سرانجام در ۲۲ ربیع الثّانی ۱۳۱۹ق وفات یافته و در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص مدفون شد.(۳)

مادّه تاریخ وفاتش این است:

او پای خود نهاد به جمع و چنین سرود: «افسوس افقه العلماء از جهان برفت»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۰۵.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۸۷.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۷؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۷۰؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۱۴۷.

۱. «بشاره المذنبین» در اعتقادات به فارسی، که نسخه آن به شماره ۷۳۲۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱) ۲. «حقیقت ایمان» در اعتقادات، به فارسی، که به شماره ۷۵۵۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) ۳. «الجراب» کتابی کشکول مانند.

عبدالغفار اصفهانی

عبدالغفار بن عبداللّه اصفهانی [خوشنویس ادیب در اوایل قرن سیزدهم هجری] در یکم رجب لوی ئیل ۱۲۱۱ق «دیوان عاشق اصفهانی» را به خط نستعلیق نوشته که به شماره ۵۲۰۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

[او همچنین «جهانگشای نادری» تألیف: میرزا محمّدمهدی استرآبادی را به خط نستعلیق در ۱۹ رمضان ۱۲۲۳ق کتابت کرده که به شماره ۸۳۳۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۴)]

میرزا عبدالغفار نجم الدّوله

میرزا عبدالغفار نجم الدّوله فرزند میرزا علی محمّد محلّه نوئی اصفهانی [دانشمند گرانمایه، منجم، ریاضیدان و جغرافیدان نامدار دوره قاجاریه] از مفاخر علمی ایران، در ذیقعده ۱۲۵۹ق [و به نوشته برخی از نویسندگان: ربیع الاوّل ۱۲۵۵ق] متولّد شده و تحصیلات خود را نزد پدر انجام داده و بسیاری از علوم را با مطالعه آموخت [او قبل از

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۲۶؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۳۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، صص ۳۵۴ و ۳۵۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۱۴۹.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص۲۵۸.

۲۰ سالگی به تدریس در مدرسه دارالفنون مشغول شد و در آن مدرسه حساب، هندسه، مثلثات، جبر، نقشه کشی، مسّاحی، پل سازی، تدابیر جنگی و جغرافیا را تدریس کرد. از اقدامات او تهیه اولین آمار جمعیت شهر طهران در سال ۱۲۸۴ق و تهیه نقشه شهر طهران در سال ۱۳۰۹ق بود. همچنین در سال ۱۲۹۹ق جهت بررسی اوضاع خوزستان جهت احداث سد در اهواز، با جمعی از مهندسین، به خوزستان رفت که حاصل آن کتاب «سفرنامه عربستان» (خوزستان) است.

او در دربار ناصرالدّین شاه منصب منجم باشی را پذیرفته و در سال ۱۲۹۰ق لقب «نجم الملک» و سپس نجم الدّوله را دریافت کرد. کتاب های او اغلب در مدرسه دارالفنون تدریس می شدند. نجم الدّوله از بنیان گذاران علوم جدید در ایران خصوصا جغرافیا به شمار می رود.]

او سرانجام در ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۲۶ق در طهران وفات یافته [و در مقبره صفائیه شهری مدفون شد.(۱)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «ابعاد مابین بلاد» که در سال ۱۲۷۹ق تألیف شده و به شماره ۴۲۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم نگهداری می شود.(۲)] ۲. «اصول مثلثات مستقیم الخطوط»۳. «اصول علم جغرافیا» که در سال ۱۲۸۹ق چاپ سنگی شده است.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۷۹ و ۷۸۰؛ تاریخ طهران (بلاغی) ، ص ۲۵۰؛ الذریعه: مُجَلَّدات مختلف؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۳۶؛ مکارم الآثار، ج۵، صص ۱۵۹۹ و ۱۶۰۰؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۱۴۸؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۱۹۵؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۲۱۰۹؛ جغرافیا در ایران، صص ۱۲۷-۱۲۹؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، صص ۲۵۹ و ۲۶۰؛ تاریخ مؤسسات تمدّنی جدید در ایران، ج۱، ص۲۸۵؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، صص ۲۷۳ و ۲۷۴؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، صص ۸۹۱-۸۹۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۲۴۷؛ تراجم الرجال، ج۱، ص ۳۱۰.

۴. «اطلس تازه جغرافیا» ۵. «بدایه الجبر» مطبوع ۶. «بدایه الحساب»، مطبوع ۷. «بدایه الهندسه»، در سال ۱۳۲۲ق در طهران چاپ سنگی شده است. [۸. «اصول هندسه» یا «کفایه الهندسه» که به شماره ۵/۱۰۳۲۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)] ۹. «بدایه النّجوم» ۱۰. «ترجمه آسمان» تألیف: «کیلمن» فرانسوی، موجود به شماره ۳۶۳۸ در کتابخانه ملک طهران(۲) ۱۰. «ترجمه اصول حکمت فلسفه» تألیف: «موسیو لابه ادوارد بارب»، موجود در کتابخانه دانشکده حقوق طهران(۳) [۱۱. «تشخیص نفوس دارالخلافه» یا «آمار جمعیت طهران» که به شماره ۵/۹۸۱۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)] ۱۲. «تطبیقیّه» ۱۳. «حساب جدید» [۱۴. «حل مسائل سبع» در حال مسائل هفت گانه مذکور در کتاب «خلاصه الحساب» مطبوع [۱۴. «فروع علم جغرافیا» ۱۵. «قانون ناصری» در هیئت جدید نسخه ای از آن در کتابخانه مؤسسه کاما گنجینه مانکجی، در شهر بمبئی هند(۵) و نسخه ای دیگر در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۹۸۸۴ موجود است.(۶) ۱۶. «سفرنامه خوزستان» که به چاپ رسیده [و نسخه های خطی متعددی از آن در کتابخانه های مجلس سنای سابق و مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۷)] ۱۷. «کافی در ترسیم کانونی نقشه های توپوگرافی» موجود به شماره ۹۳۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران.(۸) ۱۸. «کفایه الجغرافی» که در سال ۱۳۱۹ق چاپ سنگی شده است. ۱۹. «کفایه الحساب» که در

۱- فهرست مرعشی، ج۲۶، صص ۲۶۱ و ۲۶۲.

۲- فهرست ملک، ج۲، ص۴.

۳- فهرست حقوق، ص۱۵.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۵، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۵- فهرست نسخه های خطی فارسی بمبئی، ص۳.

۶- فهرست رضوی، ج۸، ص۲۵۸.

۷- فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۸- فهرست اهدایی مشکاه به دانشگاه، ج۴، ص۹۲۹.

سال ۱۲۹۱ق چاپ سنگی شده است. ۲۰. «مثلثات البسیطه» ۲۱. «نهایه الحساب» ۲۲. «وسیط الحساب» ۲۳. «هیئت جدید» ۲۴. «جدول لگاریتم»

عبدالغفار فریب اصفهانی

عبدالغفار اصفهانی متخلّص به «فریب» فرزند فتحعلی، خوشنویس شاعر و ادیب دانشمند در قرن سیزدهم هجری. در اغلب علوم زمان خود خصوصا طب مهارت داشته و در اصفهان به طبابت مشغول بوده است. خط نستعلیق را نیکو می نوشته و بدین مناسبت ابتدا «خطاط» تخلّص می نمود سپس آن را به «فریب» تغییر داد.

«رساله ای در طب» به عربی و منظومه ای در «تشریح» به فارسی نوشته و تا سال ۱۲۸۸ق در قید حیات بوده است.(۱)

از اوست:

این نکویان که به زیبایی و خوبی سمرند حیف و صد حیف کز آیین وفا بی خبرند

ملاّ عبدالغفار رشتی

ملاّ عبدالغفار بن محمّد بن یحیی رشتی جیلانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و از تلامذه میرداماد است. و «رساله لوایح جامی را در سال ۱۰۲۰ق. کتابت نموده و در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است.(۲)

[در اصفهان به تحصیل و تحقیق مشغول بوده و اغلب، تألیفات میرداماد را کتابت

۱- مجمع الفصحا، ج۵، صص ۸۲۰ و ۸۲۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۰۴ و ۴۰۵؛ فرهنگ سه هزار تن از بزرگان و ناموران ایران، ص۸۸۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۰۹؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۳۷۲.

۲- فهرست حقوق، ص۱۸۱.

می نموده و گاهی در حواشی مطالبی می نوشته است. از جمله «حاشیه الایماضات» که حواشی اوست بر کتاب «ایماضات» استادش میرداماد و در کتابخانه مرحوم مجدالعلماء نجفی در اصفهان موجود بوده است. او همچنین «حاشیه التقدیسات» و «معلّقات علی السّبع الشّداد» (که به شماره ۱۸۶۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است) هر دو از تألیفات میرداماد را کتابت کرده است.(۱)]

از دیگر تألیفات ملّا عبدالغفار «حاشیه علی حاشیه خفریه علی شرح جدید تجرید» است که میرزا عبداللّه افندی (صاحب «ریاض العلماء») آن را نزد احفادش در رشت دیده بوده است.(۲)

آقا عبدالغفار شیرازی*

آقا عبدالغفار شیرازی، از خوشنویسان خط نسخ در قرن سیزدهم هجری. اصلش از شیراز و توطّن او در محلّه لنبان اصفهان و شغلش کتابت قرآن و از معاشران و مصاحبان آقا محمّدکاظم واله بوده است.

میرزا فضل اللّه خاوری شیرازی در سفری که به سال ۱۲۲۲ق (عهد فتحعلی شاه) به اصفهان آمده و مهمان واله بوده است از وی نام می برد و می گوید: «آقا عبدالغفار شیرازی در منزل رجبعلی خان لنبانی مشغول کتابت قرآن است.»(۳)

ملّا عبدالغفار لوائی کرمانی

ملّا عبدالغفار کرمانی متخلّص به «لوائی» از فضلاء و ادبای قرن سیزدهم هجری

۱- حکیم استرآباد میرداماد، صص ۱۲۱، ۱۶۱ و ۱۷۱.

۲- الذریعه، ج۶، ص۶۶.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۶۴.

است. در علوم زمانه خود مهارت داشته و در اصفهان به تدریس می پرداخته است. شعر بسیار گفته که اغلب در مدایح و مراثی معصومین علیهم السلام است. تا سال ۱۲۷۰ق در قید حیات بوده است.(۱)

حاج عبدالغفور عالی قزوینی

حاج عبدالغفور قزوینی اصفهانی متخلّص به «عالی» فرزند حاج محمّدباقر، شاعر ادیب در قرن سیزدهم هجری. جدّش حاج عبدالغفور از تجار معروف و اصلاً از قزوین بوده و سلسله او در اصفهان به حاج غفوری شهرت داشته اند. میرزا عبدالغفور در اصفهان متولّد شده و جهت تحصیل به عتبات عالیات رفت و پس از مدتی تحصیل به اصفهان مراجعت کرد. گاهی به اقتضای حال شعر می گفت و در سال هزار و دویست و هشتاد و اندی وفات یافت.

از اوست:

دوش آشفته دل از زلف تو سودا می کرد تا سحر خون به دل عنبرسا می کرد(۲)

میرزا عبدالغفور شمس القُرّاء

میرزا عبدالغفور [شمس الشرق فرزند علی محمّد، معروف به] شمس القُرّاء از اساتید فن قرائت و تجوید در اصفهان [بود] و در این اواخر استاد مسلّم و وحید به شمار می رفت. تجوید و قرائت را از شیخ محمّد بن محمّدباقر عاصم کاشانی و سیّد علی

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۴۹۵.

۲- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۱۱۶۱-۱۱۶۳؛ تذکره مدایح معتمدیه: خطی.

زنجیره فروش فرا گرفت و در مسجد آقانور جلسه قرائت منعقد نموده و در برخی منازل و مساجد دیگر نیز جلساتی داشت و عموم قرّاء کنونی اصفهان از شاگردان او می باشند.

[دارای صدایی بسیار خوب و جذاب و غرّاء بود و در تیمچه ملک در بازار اصفهان، منشی حاج عبدالعلی فیض بود و در خیابان ابن سینا سکونت داشت. او در اواخر عمر بینایی خود را از دست داد و] در شب سه شنبه ۱۸ شوال ۱۳۸۳ق [مطابق با ۱۸ اسفند ۱۳۴۲ش] به سن قریب به ۹۰ سالگی وفات یافته و در تخت فولاد [صحن تکیه سیّد العراقین] مدفون گردید.

او کتاب استادش محمّدعاصم کاشانی: «وجیزه التّجوید» را کتابت و تصحیح کرده که در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

ملاّ عبدالغفور رویدشتی*

ملاّ عبدالغفور بن عنایت اللّه رویدشتی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و به احتمال قوی فرزند ملاّ عنایت اللّه قهپائی رویدشتی (صاحب مجمع الرّجال) است. در اصفهان به تحصیل علم مشغول بوده و ظاهرا نزد میر محمّداسماعیل خاتون آبادی کسب فیض می نموده است.

او نسخه ای از «تلخیص المقال» را در سه شنبه ۸ شعبان ۱۰۷۲ق کتابت نموده و سپس با دقّت آن را مقابله کرده است.(۲) او در ۲۰ محرم الحرام ۱۰۸۵ق نسخه ای از «کافی» تألیف: شیخ کلینی را کتابت نموده که به شماره ۴۱۶۰ در کتابخانه وزیری یزد وجود دارد.(۳) همچنین کتاب «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را در پنج شنبه غرّه ربیع الاوّل سال ۱۰۸۸ق کتابت نموده که در کتابخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان وجود

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۳؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۹۲؛ شرح مجموعه گل، صص ۳۹۸ و ۳۹۹؛ اساتید و قاریان قرآن اصفهان، صص ۵۵ و ۵۶.

۲- تراجم الرجال، ج۱، ص۳۱۱.

۳- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۷۵.

دارد.(۱)

میر عبدالغنی اصفهانی

میر عبدالغنی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محدّث و محقّق مدقّق از علمای قرن دوازدهم هجری. در کام فیروز فارس ساکن بود. شیخ محمّدعلی حزین در سفر خود به فارس، او را دیده و مدتی معاشر او بوده است. حزین می نویسد: «رساله ای در مواریث نوشته بود، به نظر فقیر رسانید و به غایت منقّح نوشته بود.»(۲)

[مرحوم شیخ علی دوانی نام او را «میر عبدالنّبی اصفهانی» ضبط کرده، ولی در «تاریخ حزین» چاپ اصفهان، نام او «میر عبدالغنی» ضبط شده است.]

سیّد عبدالغنی حسینی دهدشتی

سیّد عبدالغنی بن عبدالغفار حسین دهدشتی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] در پنجم رجب ۱۱۲۲ق در اصفهان کتابت مجموعه ای از سه کتاب را به خط نستعلیق به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۵۲۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

میر عبدالغنی خاتون آبادی

میر عبدالغنی بن میرمعصوم بن میرعبدالحسین خاتون آبادی، عالم فاضل. در ۲۳ رجب ۱۱۰۰ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیل کرده و شیخ الاسلام

۱- فهرست ارشاد کاشان، ص۲۶.

۲- تاریخ حزین، (چاپ اصفهان) ، ص۴۲؛ الذریعه، ج۱، ص۴۴۵؛ الکواکب المنتشره، ص۴۴۱؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۳۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص ۱۳۱.

اصـفهان بوده است. مشارالیه در روز دوشـنبه غرّه شهر رمضان المبارك سال ۱۱۶۱ق در اصـفهان وفات یافته و در تخت فولاد [پای دیوار بقعه آقا محمّد بیدآبادی] مدفون شد.(۱)

میر عبدالغنی تفرشی

میر عبـدالغنی تفرشـی، [از شـعراء و ادبای قرن دوازدهم هجری] از احفاد میر عبـدالغنی تفرشـی (اوّل) [به قول میرزا محمّـدعلی حزین که معاصـر اوست] «فقیر به شـعرفهمی و سـخن شناسـی او کسـی ندیده ام. در ذکاء و اسـتقامت سلیقه بی نظیر و تحصیل متـداولات علوم نموده، در جوانی وداع دیر ناسوتی نموده، داغ جـدایی بر دل مسـتمند گـذاشت. اگر فرصت می یافت یکی از افاضل اعلام می شد. طبع مشکل پسندش به گفتن شعر کم تر التفات می نمود.»(۲)

[جـدّش میر عبدالغنی تفرشـی (اوّل) در شـیراز نزد میر ابوالقاسم کازرونی تحصـیل کرد. از مریدان ملاّ محمّد صوفی بود. و در عصر شاه عباس اوّل وفات نمود.(۳)

میر عبدالغنی تفرشـی اوّل «شـرح البدایه و الهدایه» از شهید ثانی را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۴۴۲۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۴)]

این شعر از او [عبدالغنی تفرشی دوّم] است.

۱- رجال اصفهان، ص۲۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۳؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۴۶؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۵۱؛ دومین دوگفتار، ص۷۵.

۲- تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ صحف ابراهیم، ص۲۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۲.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۷۵؛ سُلّم السموات، ص۳۲۱؛ منتخب اللطایف، ص۴۸۵.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص۴۷۴.

عمری به ره وفا نشستیم عبث دل جز تو به دیگری نبستیم عبث

در کوی تو قرب هر سگی بیش از ماست ما این همه استخوان شکستیم عبث

سیّد عبدالغنی (غنی)

حاج سیّد عبدالغنی [اصفهانی] متخلّص به «غنی» از شعرای قرن چهاردهم هجری. از اعضای قدیمی و محتوم انجمن ادبی شیدا بود و اشعارش در مجلّه دانشکده به طبع می رسید. غزل را به سبک قدما نیکو می ساخت. از اشعار اوست:

کسی به جز دلدار از حال دلم آگاه نیست زانکه در این خانه غیر از او کس را راه نیست

از در میخانه گر زاهد عنان تابد چه باک چون که هر بیگانه ای محرم در این اسرار نیست(۱)

سیّد عبدالغنی نوحی چادگانی

سیّد عبدالغنی نوحی متخلّص به «نوح» فرزند سیّد فتح اللّه از شعرای معاصر. در سال ۱۲۷۲ش در چادگان متولّد گردید و تحصیلات قدیمه و جدیده خویش را در اصفهان انجام داده و از سال ۱۳۰۲ش به خدمت دولت وارد گردید. مدّتی در فریدن و زمانی در دادگستری اصفهان و اخیرا در طهران در بانک ملّی ایران انجام وظیفه می نمود. در حدود سه هزار بیت شعر از غزل و قصیده و رباعی سروده و برخی از آنها را در جراید

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۳۹ و ۳۴۰.

طهران به طبع رسانیده است.

از اشعار اوست:

دل داده ام ز دست و ندانم به دست کیست دانم که جز تو دلبری اندر زمانه نیست

از پیچ و تاب زلف گره گیرت ای صنم پیداست مرغ گمشده من به دام کیست(۱)

عبدالغنی یزدی

عبدالغنی یزدی [از دانشمندان قرن یازدهم هجری] در ۲۴ محرم ۱۰۴۳ق در اصفهان کتاب «تحریر اقلیدس» را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۹۸۶۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

سیّد عبدالفتاح خلیفه سلطانی

سیّد عبدالفتاح خلیفه سلطانی بن ضیاءالدّین محمّد بن میر محمّدصادق بن میر محمّدطاهر بن سیّد علی نواب بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، عالم فاضل محقّق در قرن سیزدهم هجری. مؤلف کتاب های:

۱. «التبر المذاب» ۲. «جهان نما»، در جغرافیای اصفهان۳. «خلد برین» در مواعظ۴. «خلوتخانه» به فارسی در ردّ صوفیه۵. «رازنشان» در ردّ جمیع فرق صوفیه۶. «تذییل تذکره الشعراء»۷. «جوشن داود» در ادعیه [۸. «الحسبیّه» در فقه۹. «حواشی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۱۷ و ۵۱۸.

۲- فهرست رضوی، ج۸، ص ۶۰.

المجدی» در انساب

شعر نیز می سروده و «نبوی» تخلّص می کرده است.(۱)]

عبدالقادر اصفهانی*

عبدالقادر اصفهانی، از معماران چیره دست قرن نهم هجری است. او در سال ۸۴۸ق مسجد دباغ خانه را در آنقره (آنکارا) در سرزمین عثمانی (ترکیه امروزی) ساخته است.(۲)

خواجه عبدالقادر بسینانی اصفهانی*

خواجه عبدالقادر بسینانی اصفهانی، از شعرای اوایل قرن یازدهم هجری. از اهالی قریه «بسینان» از توابع اصفهان بوده و پدرانش همه از بزرگان و رؤسای آنجا بوده اند. خودش مردی کریم الطبع و سخی بوده و محفل او محلّ اجتماع فضلاء و ادباء و اهل حال بود. چندی به سودای کیمیا سرمایه خویش را هزینه کرد. عاقبت به هند سفر کرده و در سال ۱۰۲۵ق در سن ۹۰ سالگی وفات یافت. این بیت از اوست:

نکردم جان نثار قاصد و شرمنده ام از وی که در اوّل سخن بیهوش کرد از ذوق پیغامم(۳)

۱- الذریعه، ج۳، ص۳۱۲؛ ج۴، ص۳۷ و ج۵، صص ۲۸۶ و ۳۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۸۳ و ۷۸۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۲.

۲- معماران ایران، ص۱۶۳.

۳- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۴۵۷۳؛ تذکره روز روشن، ص۵۲۶؛ کاروان هند، ج۲، صص ۸۶۴ و ۸۶۵؛ منتخب اللّطایف، ص۴۵۵.

عبدالقادر معلّم اصفهانی

ابوالغنائم عبدالقادر بن محمّد بن شجاع بن محمّد بن علی بن ابراهیم معلّم اصفهانی] از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] پدرش از اهالی «لفتوان» اصفهان است. خود او از: عبدالواحد بن محمّد بن احمد بن هیثم و شتج، ابی الحسین علی بن هاشم بن طاهر بن علی طباطبائی، ابوعبداللّه هیثم بن محمّد بن هفیم سلمی و غیره استماع حدیث کرده و در سال ۵۳۱ق ابوسعد سمعانی از او در خدمت پدرش استماع حدیث کرده است.(۱)

میرزا عبدالقادر تونی

میرزا عبدالقادر تونی خراسانی اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن یازدهم هجری. از بزرگان ناحیه «تون» خراسان بوده و مدّتی وزیر آنجا بود. در حدود سال ۱۰۷۸ق به اصفهان آمده و چون پسرش را به داشتن آلات و ادوات سحر متهم نموده و کور کردند، او هم از غصه و اندوه در اصفهان وفات یافت.

مثنوی «فتح نامه قندهار» که جهت شاه عباس دوم سروده و «دیوان اشعار» از آثار اوست.(۲)

حاج عبدالقادر عاشق آبادی

حاج عبدالقادر عاشق آبادی، عارف کامل، از مشایخ صوفیه [در قرن دوازدهم

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۷۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، صص ۱۵۰-۱۵۳؛ الذریعه، ج ۹، ص ۶۹۱ و ج ۱۶، ص ۱۰۹ و ج ۱۹، ص ۲۱۹.

هجری] بوده. و عـده ای کثیر مریـد داشـته [است.] قبرش در تخت فولاـد در کنار جاده و به فاصـله قریب به پنجاه متر خارج از بقعه آقا محمّد بیدآبادی قرار داشت و قبری بلند بسته بود که آن را جهت تعریض جاده خراب کردند و استخوان های او را در صحن تکیه بیدآبادی دفن کردند.(۱)

[از مریـدان او مولانا شـمس الـدّین محمّد خلف فاضل مجتهد مولانا محمّدسـعید گیلانی است که «بعد از تحصـیل بسـیاری از فنون علمیّه ذوق سـلوک و ریاضات بر و غالب شـد و طرفه شوری و اسـتغراقی وی را فرو گرفت. ترک علوم ظاهریه نموده، به حـاجی عبـدالقادر عاشق آبادی اصـفهانی که خود را از مشایـخ زمان می دانست و مریـدان داشت نسـبت ارادت درست کرد». حاج عبدالقادر فرزندی به نام محمّدتقی داشـته که در عداد خوشـنویسان خط نسخ بوده و بسیار زیبا می نوشته و قرآنی به خط او در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی موجود است. «عـاشق آبـاد»، از دهات غرب اصـفهان در مسـیر جاده اصـفهان - تهران (جاده انوشیروان) بوده است.(۲)]

عبدالقادر محزون بسطامی

عبدالقادر بسطامی اصفهانی متخلّص به «محزون» شاعر و ادیب فاضل در قرن یازدهم هجری.

وی در اصـفهان ساکن بوده و در مدرسه سـلطان حسین و مدرسه مرتضویه به تحصیل علوم دینی می پرداخته است. او در سال ۱۱۱۴ق جُنگی نزدیک به پانصـد بیت و بنـدهایی به نثر از منشآت و جزآن از آثار خود و دیگران ترتیب داده است. این جُنگ به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۰۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۶.

۲- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۶۱؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

شماره ۳۳۲۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱) [همچنین منظومه «گلشن خیال» از آثار صاحب عنوان است.(۲)]

عبدالقادر نائینی

مولانا عبدالقادر نائینی اصفهانی، از ادباء و شعرای قرن هفتم و از اقران سعدی است. مردی تارک دنیا بود و همواره به قناعت روزگار می گذرانید.

از اشعار اوست:

با خیال چشم تو رضوان که چشم جنّت است حور در چشمش نیامد چشمه کوثر ندید(۳)

میر عبدالکاظم خاتون آبادی

میر عبدالکاظم (محمّدکاظم) بن میر محمّدصادق بن میر عبدالحسین خاتون آبادی، عالم فاضل نسابه [در ۲۷ ذیحجه ۱۰۹۴ق متولّد و] در ۲۱ شعبان ۱۱۵۱ق وفات یافته و در صحن نجف اشرف مدفون گردید. وی مؤلف شجره نامه ای است که در آن سادات خاتون آبادی را تا سال ۱۱۳۹ق نام برده است.(۴)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۳۱۲.

۲- تذکره شاعران فارسی سرا، ص۲۰۳.

۳- تذکره الشعراء دولتشاه، ص۱۲۰؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۳۳۳ و ۲۳۳۴؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۳، ص۱۳۶۶.

۴- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۲؛ الذریعه، ج۸، ص۲۲۱.

شیخ عبدالکبیر جعفری*

حاج شیخ عبدالکبیر جعفری فرزند شیخ عبدالواحد بن شیخ محمّدجعفر وردنجانی چهارمحالی، عالم فاضل صالح معاصر در سال ۱۳۱۶ش متولّد شد. مقدّمات و لمعتین را نزد پدر آموخت سپس به نجف آباد رفته و نزد علمای عالیقدر شیخ نصراللّه قضاوی معروف به «امام» و شیخ غلامحسین منصور ادامه تحصیل داد. آنگاه به قم رفته و نزد حضرات آیات: مشکینی، منتظری و سبحانی به کسب فیض پرداخت. امّا به عللی نتوانست تحصیلات خود را ادامه دهد و به ناچار در اصفهان ساکن شد و نزد حضرات آیات: میر سیّد علی بهبهانی، حاج شیخ عباسعلی ادیب، حاج سیّد مصطفی مهدوی و سیّد ابوتراب مرتضوی به تکمیل معلومات خود پرداخت.

ایشان اکنون علاوه بر تدریس فقه و تفسیر و «نهج البلاغه» در مدرسه نیم آورد، به وعظ و خطابه و ارشاد مردم می پردازد و نماز جماعت را در مسجد میرزا باقر (در محلّه بیدآباد) اقامه می نماید و مورد وثوق قاطبه مؤمنین و متدیّنین اصفهان است.

پدرش شیخ عبدالواحد نیز از فقهاء ناحیه چهارمحال بوده و پس از مدتی تحصیل نزد پدر به نجف اشرف مشرّف گردیده و از درس حضرات آیات: میرزای نائینی، سیّد محمّدکاظم یزدی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی بهره گرفته و بعد از مراجعت به موطن خویش به ترویج دین و بیان مسائل شرعی پرداخته است. او در حکمت از شاگردان عارف الهی شیخ مرتضی طالقانی بوده و از تربیت معنوی او کامیاب گشته است. شیخ محمّدجعفر از علماء و فضلای دوره قاجاریه بوده و از موطن خود قریه «وردنجان» از توابع چهارمحال به اصفهان مهاجرت نموده و در مدرسه الماسیه (در چهارسو مقصود) ساکن شده و نزد علمای اصفهان خصوصا شیخ محمّدتقی آقانجفی به تحصیل پرداخته است. او پس از تحصیل به چهارمحال مراجعت کرده و مرجع مسائل شرعی مردم آن

حدود و مورد وثوق علماء و اهالی آنجا بوده تا اینکه وفات یافته است.(۱)

ملّا عبدالکریم اشراق بیرجندی

ملّا عبدالکریم بیرجندی متخلّص به «اشراق»، شاعر ادیب، عالم فاضل و حکیم عارف [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری.]

سال ها در اصفهان سکونت داشته و از درس آقا محمّد بیدآبادی و سایر علمای اصفهان بهره برده و سپس به وطن خود مراجعت نموده است.

وی چندی به مسافرت در کابل و کشمیر و هند پرداخته و عاقبت در سال ۱۲۲۹ق وفات یافته و در زادگاه خود بیرجند مدفون گردید.

دیوان اشعار او به ضمیمه منشآت و مراسلات او (از جمله مراسلات او با ملّا حمزه گیلانی و آقا محمّد بیدآبادی و شعر در مدح بیدآبادی) نزد مرحوم شیخ محمّدحسین آیتی بیرجندی موجود بوده است. همچنین یک مجموعه «ادعیه» به خط او که در سال ۱۱۹۳ق کتابت نموده بود در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.

از اوست:

رشک خورشید و قمر چهره زیبایی هست نور انجم ز رُخ آینه سیمایی هست

چهره لاله عذاران جهان بین و بگوی گل رخسار بتان را چمن آرائی هست(۲)

۱- نقل از دست نوشته جناب آقای حاج شیخ عبدالکبیر جعفری (سلّمه اللّه تعالی) با تلخیص و تغییر در عبارات.

۲- بهارستان، صص ۱۱۱ و ۲۶۲-۲۶۸؛ سه رساله در علم رجال، ص۲۳؛ فهرست رضوی، ج۱۵، ص ۱۹؛ آشنای حق، صص ۴۳ و ۴۴.

میر عبدالکریم اصفهانی*

میر عبـدالکریم اصـفهانی، از شـعرای قرن دهم هجری و برادر میر عبـدالباقی متخلّص به «مقبول» است. در کسب کمال زحمت کشیده و در علم رمل وقوفی کامل داشته است.

از اوست:

مه من شیوه یاری و دلداری نمی داند طریق مهر و آیین وفاداری نمی داند(۱)

عبدالکریم خوراسکانی

عبدالکریم بن ابوالحسن خوراسـکانی، از علمای قرن سیزدهم هجری است و دارای خطی نیکو بوده است. در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران آثاری به خط او و مورّخ به سال ۱۲۱۴ق موجود است. که عبارت است از:

مجموعه ای در ادعیه (مانند «مصـباح الشـریعه» منسوب به حضـرت صادق علیه السـلام ، «قاطعه الّلجاج» محقّق کرکی و «من لا یحضره التقویم» فیض کاشانی) که به شماره ۹۰۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[او همچنین نسـخه ای از «زاد المعـاد» را به خـط نسـخ در سال ۱۲۲۰ق کتابت نموده که به شـماره ۱۲۴۶۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.(۳)]

۱- تذکره تحفه سامی، ص۷۳.
۲- فهرسـت مرکزی دانشـگاه تهران، ج۵، صـص ۱۵۳۷ و ۱۹۶۷؛ فهرست اهـدایی مشـکوه، ج۱، ص۱۹۶ و ج۵، ص۱۹۶۷؛ خورشید جی، صص ۲۹۹ و ۳۰۰.
۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۲۹۴؛ تاریخ شهر خوراسکان و روستای داران، ص۱۵۱.

عبدالکریم آشفته بختیاری

عبدالکریم خان سالار ارفع بختیاری متخلّص به «آشفته» [فرزند اسفندیارخان سردار اسعد، از شعرای قرن چهاردهم هجری] در حدود سال ۱۳۱۰ق متولّد شد. او اهل شعر و ادب بوده و با فضلاء و ادباء چهارمحال و بختیاری مصاحبت داشت و خود نیز نیکو شعر می سرود. او سرانجام در سال ۱۳۶۳ق [مطابق با ۱۳۲۳ش] وفات یافته و در آرامگاه خانوادگی خوانین بختیاری، در تکیه میر (تخت فولاد) اصفهان مدفون شد. این شعر از اوست:

مه جبین چهره پری وار نداری داری عالمی عاشق و بیمار نداری داری

حسن تو برده گرو از همه خوبان جهان شیوه دلبری ای یار نداری داری

وصل سهل است ولی ناز تو شد مشکل من سر آزار من زار نداری داری(۱)

میرزا عبدالکریم طبیب پوده ای

میرزا کریم (عبدالکریم) طبیب [فرزند حاج اسماعیل از اطباء حاذق قرن چهاردهم هجری] اصلاً از مردم پوده سمیرم و در اصفهان ساکن [بوده] و خصوصا در امراض چشم مهارت داشت. کوچه ای در محله خواجو به نام میرزا کریم به او منسوب است.(۲)

۱- شناخت سرزمین بختیاری، ص۴۹۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۲۰؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تاریخچه محلّه خواجو، ص۲۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۵.

[وی در ۲۷ جمادی الآخر ۱۳۶۳ق وفات یافته و در تکیه آغاباشی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. شاعر مشهور استاد صغیر اصفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ او را چنین یافته است:

سالکی سر به جمع کرد و بگفت: «با کریمست جمله کار کریم»(۱)]

ملاّ عبدالکریم گزی

ملاّ عبدالکریم بن محمّداسماعیل [گزی]، خطاط و نقاش و ادیب شاعر، از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی [از دانشمندان و ادبای قرن سیزدهم هجری و از اهالی قریه «گز» از بلوک «بُرخوار» اصفهان است. پدرش از دهقانان آن دیار بوده و خود او به اصفهان آمده و به تحصیل مشغول شده است. در اکثر علوم مهارت داشته و اغلب خطوط خصوصا ثلث و نسخ را استادانه می نوشته است. در نقاشی و تذهیب و جدول کشی نیز صاحب ذوق و هنر بوده و برخی از کتب استنساخ شده خود را با نقوش زیبا تذهیب و نقاشی می کرده است. در شعر نیز دستی داشته و در مدح استاد خود مرحوم سیّد حجه الاسلام قصایدی سروده است.(۲)]

او چندین مجلد از «مطالع الانوار» تألیف: سیّد حجه الاسلام را به خط نسخ زیبای خود کتابت کرده است:

جلد اوّل «مطالع» را در پنج شنبه یکم ماه صفر ۱۲۵۴ق کتابت کرده که در کتابخانه فاضل ارجمند حاج سیّد مرتضی شهشهانی موجود بوده است. جلد دوم آن که در شنبه ۱۶ جمادی الاوّل ۱۲۴۱ق کتابت شده در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران نگهداری

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- تذکره مآثر الباقریه، ص ۱۲۰؛ تراجم الرجال، ج ۱، ص ۳۲۰.

می شود.(۱)

نسخه دیگری از «مطالع» شامل یک دوره ۵ جلدی که دو مجلّد صحّافی شده به شماره ۳۲۸۱ و ۳۲۸۲ و جلد چهارم «مطالع» که در سال ۱۲۴۵ق کتابت شده به شماره ۳۳۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲) [نسخه دیگری از آن که در چهارشنبه ۱۶ ذیقعده ۱۲۶۳ق کتابت شده که به خط همین عبدالکریم است.(۳)]

این چند بیت در تقریظ کتاب «مطالع الانوار» و مدح مؤلّف آن، از اوست:

رمزی نهاده و عدم آورده در وجود نقشی کشیده و قلم صنع را نگار

عبدالکریم کاتب آن مخزن علوم بر پای این خزانه اسرار جان نثار

خطی در آن نوشته که یاقوت از آن خجل برده هم از طلای تجلّی در آن به کار

جلدی بر آن صحیفه زده چون در بهشت نقشی بر آن کشیده که مانی از آن فکار

رنجی کشیده زین همه صنعت به دست خویش گنجی ربوده زین همه همّت به روزگار(۴)

سیّد عبدالکریم لاهیجی

سیّد عبدالکریم بن سیّد محمّدرضا حسینی لاهیجی، از فضلای قرن سیزدهم هجری

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۳۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۹، ص۶۶.

۳- تراجم الرجال، ج۱، ص ۳۲۰.

۴- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

است. او در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و از درس شیخ محمّدتقی رازی (صاحب هدایه المسترشدین) استفاده کرده است.(۱) ظاهرا او از درس سیّد محمّدصادق کتابفروش نیز بهره برده است.

عبدالکریم بصیر اصفهانی

عبدالکریم بصیری متخلّص به «بصیر» فرزند حاج محمّدرضا بن محمّدرحیم خوشنویس بن آقا غلامعلی بن محمّدرحیم اصفهانی، شاعر و ادیب توانای معاصر در سال ۱۳۱۶ق (مطابق سال ۱۲۷۸ش) در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات قدیمه و جدیده وارد کارهای دولتی شد. او از اعضای انجمن های ادبی شیدا، کمال، ادیب فرهمند و صائب بود و از اساتید شعر و ادب به شمار می رفت و در شعر دارای طبعی سرشار بود. سرانجام در ماه رجب ۱۴۰۹ق [مطابق ۱۱ اسفند ۱۳۶۷ش] وفات یافته و در [قطعه نام آوران [گورستان باغ رضوان مدفون گردید.

[استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) در پایان مرثیه ای مفصل، مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

نوشت از پی تاریخ فوت او «برنا»: «بفنّ شاعری عبدالکریم بوده بصیر»]

۱۴۰۹

از اوست:

هر شب اندر بزم من آن رشک مهر و ماه نیست مونسم جز اشک خونین، همدمم جز آه نیست

از صبا می جستم احوال دل گم کرده دوش گفت در گیسوی پرچینش مرا هم راه نیست(۲)

۱- تراجم الرّجال، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۸۷-۹۰؛ مزارات اصفهان، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

عبدالکریم طولی

عبدالکریم بن شریف اللّه طولی [از فضلاء گمنام قرن یازدهم هجری.] در سال ۱۰۱۳ق در اصفهان نسخه ای از کتاب «حاشیه بر حاشیه لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار» تألیف: مولی میرزاجان باغنوی شیرازی را نوشته و تصحیح نموده [است.] کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۸۵۱ موجود است.(۱)

عبدالکریم ابهری اصفهانی

عبدالکریم بن محمّدصادق ابهری جی اصفهانی، [خطاط نسخ نویس در قرن یازدهم هجری.] در تاریخ پنج شنبه ۲۶ رجب ۱۰۹۱ق کتابت نسخه ای از «تلخیص الشّافی» شیخ طوسی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۳۱۹۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

عبدالکریم نَقنِه ای

عبدالکریم بن عبدالرّحیم، [خطاط نسخ نویس.] در صفر سال ۱۲۵۶ق در «نقنه» سمیرم پائین، «دیوان ادیب صابر» را به خط نسخ خوش نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۷۱۲ موجود است.(۳)

۱- فهرست گوهرشاد، ص۲۶۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۴۲۲.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۱۱۹.

ملاّ عبدالکریم سودائی دستگردی

آخوند حاج ملاّ عبدالکریم دستگردی متخلّص به «سودائی» و معروف به «ادیب الشّریعه» و «حاج آخوند» فرزند ملاّ عبدالرزاق بن اسماعیل، عالم فاضل و ادیب شاعر. از علماء و شعرای قرن چهاردهم هجری. در غرّه محرم ۱۲۸۱ق در قریه «دستگرد خیار» اصفهان متولّد گردیده و در مولد خویش و اصفهان کسب فضائل و علوم از فقه و اصول و صرف و نحو و غیره نموده و نزد آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) و شیخ محمّدتقی آقانجفی و میرزا محمّدحسن نجفی و دیگران تحصیل نموده و از اساتید نامبرده به کسب اجازه مفتخر گردید.

[در ایام تحصیل عمر به قناعت گذرانیده و از راه کتابت اعاشه می نمود.] او پس از اتمام تحصیلات، در زادگاه خود به تدریس در مکتب خانه و یا جهت اهل فضل و حلّ و فصل مشکلات مردم آن حدود مشغول شد. در شعر صاحب قریحه بود و به فارسی و عربی استادانه شعر می گفت و در انجمن های ادبی اصفهان خصوصا انجمن شیدا شرکت می کرد.

سرانجام در [ربیع الاوّل] ۱۳۵۲ق وفات یافته و در قبرستان عمومی روستای دستگرد مدفون شد.

کتب و رسائل زیر از اوست:

۱. «اجمالی در احوالات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله »۲. «ترجمه الدّرر» در ترجمه کلمات قصار حضرت علی علیه السلام۳. «خسمه طیبه» مجموعه از اشعار اوست در مناقب و مراثی۴. «دیوان قصائد مراثی»، [که در سال ۱۳۵۷ش به خط جلی و خوب ناظم در تهران چاپ و منتشر شد.]۵. «دیوان غزلیّات و رباعیّات»۶. «شمس و قهقهه» به بحر «خسرو و شیرین» نظامی۷. «ضیاء الابصار فی احوال الاطهار»۸. «دیوان گلزار چند قصیده از

سودائی دستگردی» [که به اهتمام دکتر ابراهیم انواری، فرزند شاعر در سال ۱۳۳۶ش به طبع رسید.]۹. «ملتقط اللّغه» که در آن ۱۵ هزار لغت عربی به فارسی ترجمه شده است.۱۰. منظومه «انوار سهیلی» معروف ترین اثر اوست. و به همین جهت به «ناظم السهیلی» معروف بود و نام فامیلی خود را «انواری» نهاد. [این منظومه در سال ۱۳۷۱ش به اهتمام مهندس حسین انواری فرزند دکتر ابراهیم انواری به طبع رسید.]

دو فرزندش دکتر ابراهیم انواری و محمّدباقر لمعه از شعراء و ادبای زمان خویش به شمار می رفته اند.

این شعر از اوست:

راحت و عشرت و فراغت دل نشود جمع با جهان داری

روغن کنجد ار ببینی صاف یادآور ز سنگ عصّاری(۱)

عبدالکریم حسن آبادی اصفهانی

ابوطاهر عبدالکریم ابوالفتح بن عبدالرزاق بن عبدالکریم بن عبدالواحد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن سلیمان حسن آبادی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از پدرش و ابوبکر باطرقانی [احمد بن فضل و اباعثمان سعید بن ابی سعید عیار و احمد بن محمود ثقفی در اصفهان و ابامحمّد عبداللّه بن محمّد بن هزارمرد صریفینی در بغداد] روایت می کند [و ابوعبداللّه شهردویر بن حسن فواکهی در طبرستان از او استماع حدیث کرده است.]

۱- مجله ارمغان، سال دوم، شماره ۷، مورخ ۱۳۰۰ش، ص۳۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۸ و ۹۹؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۵۰-۲۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۸۴ و ۷۸۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۳۴۷-۲۳۵۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ص۹۲۱.

او پس از سال ۵۰۰ق وفات یافته است. دخترش آمنه نیز محدّثه و عالمه است.(۱)

عبدالکریم جوباری اصفهانی

ابوالوفاء عبدالکریم بن علی بن عیسی بن نعمان اصفهانی جوهری جوباری، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری و از اهالی محلّه جوباره.] از ابوسعید عبدالواحد بن محمّد معلم اصفهانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.(۲)

عبدالکریم اصفهانی

ابوالخیر عبدالکریم بن علی بن محمّد بن علی بن فورجه (فُ - وَ - رَ - جَ - ه) اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

از ابوبکر بن ریذه، ابوالحسین احمد بن محمّد بن فادشاه، ابونصر فضل بن محمّد بن سعد قاشانی، ابومحمّد عبدالعزیز بن احمد بن فاذویه استماع حدیث کرده و در شب دوشنبه ۱۲ شوال ۵۱۲ق وفات یافته است. تولّدش سال ۴۲۸ق بوده است.

ابوسعد سمعانی از او به عنوان «شیخٌ سدیدٌ صالح» یاد کرده و از او اجازه روایت گرفته است.(۳)

میرزا عبدالکریم سرمست

میرزا عبدالکریم متخلّص به «سرمست» و «روحی» فرزند میرزا محمود، ادیب شاعر و

۱- معجم البلدان، ج۲، ص ۲۶۰؛ التّحبیر، ج۲، ص ۳۹۶؛ الانساب، ج۴، ص۱۵۸؛ اللّباب، ج۱، ص۳۶۶؛ گرکویه، ص۱۵۶.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۷۸.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۷۹.

عارف قرن سیزدهم هجری.

در اوائل جوانی به سال ۱۲۷۰ق به طهران منتقل شده و سپس به اصفهان رفته و در دستگاه ظل السلطان حاکم مقتدر آنجا مأمور نظام گردیده است. وی کتاب «حدیقه الانصاف» را در عرفان به طریق سؤال و جواب در سال ۱۳۰۵ق تألیف کرده که در سال ۱۳۰۷ق چاپ سنگی شده است.(۱)

ملاّ عبدالکریم گزی

آخوند ملاّ عبدالکریم گزی فرزند ملاّ مهدی بن حاج محمّد بن حاج محمّدباقر بن ملاّ علی گزی برخواری اصفهانی. از اجلّه علماء و فقهاء و مدرّسین و مجتهدین بزرگ و مراجع اصفهان. [در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری] بود.

در حدود سال ۱۲۶۰ق متولّد گردیده و در اصفهان خدمت میر محمّدصادق کتابفروش و میرزا محمّدحسن نجفی و در نجف در محضر حاج سیّد حسین ترک، حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا حبیب اللّه رشتی تحصیل نمود. [او] پس از مراجعت، در مدرسه نیم آورد [اصفهان] ساکن و به تدریس و تألیف و ترویج اشتغال جسته و در اثر حسن سلیقه و اخلاق پسندیده و صفات حمیده که در بین امثال و اقران خویش بدان ها ممتاز بوده خواص و عوام را به خود جذب نموده و مورد توجّه قاطبه طبقات گردیده و ریاست زاید الوصفی به هم رسانید.

[او] تقریبا مدّت ده سال آخر عمر، مرجع تمام مرافعات و حکومات شرعیّه اصفهان و توابع بوده و چون محضر او از کلیّه پیرایه ها عاری و مبرّا بوده و خود شخصا به امور رسیدگی می فرموده و ملاحظه هیچ کدام از دو طرف دعوا نمی نموده و از رشوه و ارتشاء

۱- الذریعه، ج۶، ص ۳۸۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۳، ص ۹۲۰؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۱۷؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۱۱۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۹۲.

به غایت دور بوده و دعوت هر فقیری را از محلّات بعیده اجابت می فرموده، محبوب القلوب عموم واقع شده [است.]

عـالمی خوش بیـان [بوده] و مجلس درس و مبـاحثه و مجـالس خصوصـی او مشـحون از لطـایف و ظرایف بوده و شوخی های لطیف و خوش صحبتی ها از او نقل می کنند.

مرحوم گزی در شب پنج شـنبه ۱۳ ذیحجه الحرام ۱۳۳۹ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون گردید. سـپس مرحوم آقا سیّد محمّدباقر درچه ای را در جنب او دفن کردند و مرحوم حاج محمّدحسین کازرونی جهت ایشان تکیه ای بنیان نهاده که در آن جمعی کثیر از علمای اخیار و فضلاء و تجار مدفون شده اند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشـیه بر طهارت شیخ»۲. «دیوان اشـعار» با تخلّص «مهـدوی»۳. رسـاله ای در اصـول دین»۴. رسـاله ای در «صـیغ عقود»۵. «رساله عملیه»۶. رساله در «حجیّت مظنه»۷. رساله در «شهرت»۸. «تـذکره القبور» که معروف ترین تألیفات ایشان است و در آن شرح حال قریب به یکصد نفر از دانشـمندان و علماء و عرفاء و شـعرای مدفون در شـهر و توابع اصفهان را به طور خلاصه ذکر می کند و کتاب کوچک و مفیدی است و در سال ۱۳۲۸ق در زمان حیات مؤلف به طبع رسیده و از همان روزهای اوّل مورد توجّه واقع شده و جمعی از دانشـمندان بر آن حواشـی و تتمیم نوشته اند. و نویسنده این کتاب در سال ۱۳۶۹ق برای مرتبه دوم آن را با ملحقات و اضافاتی که چندین برابر اصل کتاب بود به نام «رجال اصفهان» به طبع رسانیدم.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۷۸۶-۷۸۸؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، صص ۶-۱۰؛ الذریعه، ج۴، ص۴۴ و ج۱۹، ص۹۳؛ نقباء البشـر، ج۳، صص ۱۱۸۳ و ۱۱۸۴؛ سـیری در تاریـخ تخت فولاد، ص۱۷۴؛ رجال اصـفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۱۸۱-۱۸۴؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صـص ۱۷۸ و ۱۷۹؛ فرهنگ و تاریـخ گز و برخوار، صـص ۱۱۸-۱۲۰؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۹۲۹.

این رباعی از اوست:

امروز درخت صنع آورد ورق امروز رسید شام را صبح و شفق

آمد به وجود مهدی آل رسول یعنی زهق الباطل و قد جاء الحق

سیّد عبدالکریم دولت آبادی

سیّد عبدالکریم بن سیّد محمّدهادی حسینی دولت آبادی، عالم فاضل زاهد [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری.] کتابی در ادعیه و زیارات جمع نموده [بود] که نگارنده [سید مصلح الدّین مهدوی] آن را در منزل احفادش دیده بود.(۱)

کتاب «جامع الفوائد» در دعا، به فارسی در یک مقدمه و شانزده باب و یک خاتمه و هرکدام دارای چندین قسم و فصل است و دو نسخه از آن به شماره های ۳۴۲۶ و ۷۳۰۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملاّ عبدالکریم طبسی

ملاّ عبدالکریم بن محمّدهادی طبسی [عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری[شاگرد و مجاز او بهاءالدّین محمّد فاضل هندی. اجازه در پشت صفحه نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» نوشته شده است. این نسخه به شماره ۶۸۰۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. تاریخ تولد فرزندش ابوالفضل محمّدحسین بن عبدالکریم سال ۱۱۲۴ق بوده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۱۳ و ج۱۹، ص۹۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۷؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۲۱؛ احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، صص ۲۷ و ۲۸.

میرزا عبدالکریم سیمای نطنزی

میرزا عبـدالکریم نطنزی متخلّص بـه «سـیما» شـاعر ادیـب فاضـل و عـارف دانشــمند. از شـعرای قرن سیزدهم هجری. در قریه «طالخانی» (طالخونچه) سمیرم متولّد شده و در اصفهان و گیلان به تحصیل پرداخته و در اغلب علوم همچون ادبیات، حکمت، طب و نجوم مهـارت یـافت. در رشت به خـدمت منوچهرخـان معتمدالـدّوله رسـیده و در وصف او قصـیده انشاء نموده و مورد التفـات او واقع شـد. چنـدی هم نزد قربـانعلی شاه جیلسـتانی و سـپس مجـذوب علی شاه به تکیمل مراتب عرفانی و طی سیر و سلـوک پرداخت. اغلب در نطنز بسـر می برد و برای علمـاء و عرفـا و بزرگـان نطنز و کاشـان مدایـح و مراثی می سـرود. [سـال وفاتش به دست نیامد. اما تا سال ۱۲۸۱ق در قید حیات بوده است.]

منظومه های زیر از سروده های اوست:

۱. «الهی نامه» ۲. «ریاض المحبّین»۳. «شقایق الحقایق»۴. «مشرق الانوار»۵. «مجموعه قصاید»(۱)

سیّد عبدالکریم حسینی خوزانی

سیّد عبدالکریم حسـینی خوزانی، از کاتبان قرن سـیزدهم هجری است. او نسخه ای از «ترجمه الصلاه» فیض کاشانی را در سال های ۱۲۵۸ تا ۱۲۶۵ق کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۱۲۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[«خوزان» یکی از محلّه های سه گانه «سده» ماربین اصفهان است و اکنون از محله های «خمینی شهر» به شمار می رود.]

۱- تذکره مدایح معتمدیه: خطّی؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۸۱۲-۸۱۴؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۱۷۶-۱۷۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۱۶۹.

سیّد عبدالکریم دولت آبادی

سیّد عبدالکریم حسینی دولت آبادی، [از علمای قرن دوازدهم هجری] جدّ سادات دولت آبادی اصفهان. نسب او به قاضی نوراللّه شوشتری مؤلف کتاب «مجالس المؤمنین» می پیوندد. لکن اتّصال نسب آنها در دست نیست.

سیّد عبدالکریم مجاز از محمّد بن محمّد زمان کاشانی اصفهانی است و اجازه به شماره ۳۵۱۰ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در طهران موجود است.(۱)

او شوهر خواهر میر محمّدحسین خاتون آبادی است.(۲)

شیخ عبدالکریم شیرازی

حاج شیخ عبدالکریم شیرازی، [عالم فاضل، از علمای قرن سیزدهم هجری.] از اهالی شیراز بوده و بر اثر زلزله سخت شیراز [در سال ۱۲۳۹ق] کسان خود را از دست داده و از شیراز به اصفهان مهاجرت نمود و در این شهر متوطن گردیده و دختر شیخ [محمّدتقی رازی صاحب حاشیه] را به زنی گرفته و از او صاحب دو پسر (شیخ محمّدحسن نظام العلماء و شیخ محمّدحسین واعظ) و یک دختر (خدیجه سلطان زوجه حاج آقا نوراللّه نجفی مسجدشاهی) شد.

شیخ عبدالکریم مردی درویش مسلک و تا اندازه ای متصوّف و سحرخیز بوده و حدود یکصد سال عمر کرده است.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش سوم، ص ۱۶۱۹.

۲- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۳- نسب نامه الفت: خطی؛ اعلاط در انساب، ص ۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، صص ۲۳۴ و ۲۳۵؛ گلشن اهل سلوک، (ویرایش دوم) ، ص ۱۱۶.

شیخ عبدالکریم مصدق خواه

شیخ عبدالکریم مصدق خواه، عالم فاضل زاهد. معروف به «مسأله گو» آخرین فرد روحانی ساکن مدرسه مبارکیه اصفهان. متوفی در شعبان ۱۳۹۰ق و مدفون در تکیه زندکرمانی در تخت فولاد.

کتب زیر از او به چاپ رسیده است:

۱. «مخزن گل» ۲. «یادآوری بعضی از گوهرهای اسلامیه»(۱)

میرزا عبدالکریم ملکیان (سالک)

میرزا عبدالکریم ملکیان قمشه ای متخلّص به «سالک» [از شعرای قرن چهاردهم هجری] با وجود آن که طبع روان و ذوق سرشار داشته، از شهرت و عنوان گریزان بوده است. این بیت از اوست:

یار بسیار ولی یار وفادار کم است گل فراوان بود امّا گل بی خار کم است(۲)

عبداللطیف

عبداللطیف [از بزرگان علمای قرن پنجم هجری در اصفهان.] در سال ۴۹۹ق در اصفهان به دست اسماعیلیه کشته شد.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۴.

۳- تاریخ تشیع در ایران، ص۳۳۲ (به نقل از: کامل ابن اثیر، ج۸، ص۳۳) .

عبداللطیف اصفهانی

ابوسعید عبداللطیف اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از ابوعلی حداد روایت می کند.(۱)

عبداللطیف اصفهانی

عبداللطیف اصفهانی متخلّص به «لطیف»، از شعرای اوایل قرن سیزدهم هجری است. او در سلک دبیران نایب السلطنه عباس میرزا قاجار قرار داشته و در طهران ساکن شده است. در شعر طبعی روان داشته و به هزل و هجو مایل بوده است.(۲)

پیر عبداللطیف اصفهانی

پیر عبداللطیف بن پیر احمد اصفهانی [از دانشمندان علم کیمیا و ماهر در ادبیات[مؤلف کتاب «جامع الفوائد فی تسهیل المقاصد» [که به عربی تألیف شده] و نسخه ای از آن به ضمیمه «المجموعه الکیمیا» که احتمالاً آن هم از تألیفات اوست، در مجموعه شماره ۴۰۶۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

[نسخه دیگری از این کتاب به خط نستعلیق عبدالصمد بن جعفر فسائی که در سال ۱۲۶۴ق کتابت شده، در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد به شماره ۱۲۵۰ موجود است.(۴) همچنین نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۱۱۷۶۸ در

۱- مناقب، ج۱، ص۲۵۱؛ حلیه الاولیاء، ج۴، ص۳۳۳؛ عوالم، ج۱۵، جزء ۳، ص۱۳۳.

۲- تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۹۰۰ و ۹۰۱؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۱۴۹۴ و ۱۴۹۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۰۴۸.

۴- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۳۹۶.

کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)]

عبداللطیف تبریزی

استاد عبداللطیف تبریزی، از زرگران هنرمند قرن دوازدهم هجری است. او از تبریزیان ساکن محلّه عباس آباد اصفهان بود. این تبریزی ها در فنون زرگری، زرکشی، شبکه کاری طلا و نقره، ملیله کاری و طراحی نقوش زیبا بر طلا و نقره به پیشرفت های زیادی دست یافته بودند. استاد عبداللطیف، بر روی در زیبا و نفیس مدرسه چهارباغ کارهای زرگری، نقاشی، منبّت، ملیله و قاب سازی نموده است و این در سال ۱۱۲۶ق در مدخل مدرسه چهارباغ اصفهان نصب شده است.(۲)

میرزا عبداللطیف تنهای اصفهانی

میرزا عبداللطیف اصفهانی پنجابی متخلّص به «تنها» شاعر ادیب در اوایل قرن دوازدهم هجری. خواهرزاده میرزا جلال اسیر اصفهانی است. در هندوستان ساکن بوده و حکومت پنجاب را داشته و به سال ۱۱۱۶ق وفات یافته است. دیوان اشعارش در کتابخانه مجلس شورای ملّی است.(۳)

از اوست:

به جز ساغر چو موج باده کی گردد زبان من به رنگ از می مغز دارد استخوان من

۱- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۶۱.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۹۲؛ بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

۳- الذریعه، ج۹، ص۱۷۹؛ تذکره حسینی، ص۷۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۶۴؛ صحف ابراهیم، ص۹۰؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ کلمات الشعراء، ص۲۰؛ کاروان هند، ج۱، صص ۲۵۵ و ۲۵۶.

میرزا سیّد عبداللّه

میرزا سیّد عبداللّه، مترجم زبان روسی در دربار ظل السّلطان حاکم اصفهان بوده است. او کتاب «سفرنامه اکر اوئیلز به ممالک ایران» را در ۲۲ رجب ۱۳۰۷ق به امر ظل السّلطان، از روسی به فارسی ترجمه کرده است. این نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود بوده است.(۱)

ملاّ عبداللّه اردبیلی

مولی عبداللّه اردبیلی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و شاگرد آقا حسین خوانساری و مجاز از ایشان و همچنین شاگرد ملاّ محمّدباقر محقّق سبزواری و مجاز از وی و شاگرد و مجاز از علاّمه مجلسی بوده است. اجازه در پشت نسخه ای از شرح لمعه نوشته شده است.(۲)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه اصفهانی [از نویسندگان کتب و خطاط نسخ نویس در قرن یازدهم هجری] در اواخر شعبان ۱۰۸۳ق کتابت نسخه ای از «شمسیه الحساب» و ذیل آن را در قصبه دلیجان اصفهان به خط نسخ به پایان رسانیده [است.] هر دو کتاب ضمن مجموعه شماره ۵۶۴ کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۱۱.

۲- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۵۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۶؛ نجوم السّماء، ج۱، ص۲۰۴؛ الکواکب المنتشره، ص۴۴۸؛ دانشمندان آذربایجان، ص۲۶۴؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۳۵.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۱۰.

عبداللّه اصفهانی*

عبـداللّه اصـفهانی، قلمـدان ساز در اواخر قرن سـیزدهم هجری قمری است و از آثار وی قلمدانی است که منظره پل اللّه وردی خـان کلیسـای جلفـا و تصـاویر زنـان بر آن نقش بسـته و رقم آن: «رقم عبـداللّه» است که در مجموعه آقـای کریم زاده تبریزی موجود است.(۱)

شیخ عبداللّه اصفهانی

شیـخ عبـداللّه اصـفهانی، از فضـلای قرن سـیزدهم هجری و از علمـای شـیخیه است. وی سؤالا-تی را از حـاج محمّـد کریم خان کرمانی مطرح نموده که خان نامبرده رساله «اجوبه مسائل الشیـخ عبداللّه الاصفهانی» را در سه شنبه ۹ شعبان ۱۲۶۴ق در جواب آنها نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۲۳۹۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

عبداللّه اصفهانی*

عبـداللّه اصـفهانی، از علمـاء و فضـلای قرن سـیزدهم هجری و مؤلّف «ردّ بر رساله جان ولس عیسوی» است. این نسـخه به خط مؤلف و به تاریخ ۱۲۶۷ق، به شماره ۱۰۶۵۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳)

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۶۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۶، ص۳۷۴.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۳۹۰.

خواجه ظهیرالدّین عبداللّه امامی اصفهانی

خواجه ظهیرالدّین عبداللّه امامی اصفهانی [از عرفای قرن نهم هجری] شاگرد سیّد زین العابدین علی معروف بن «سید شریف» و مرید «علاءالدّین عطار نقشبندی» بود. او درک محضر شاه نعمت اللّه ولی ماهانی کرمانی مؤسس سلسله نعمت اللهیه را نموده و به او عرض ادب نموده بود.(۱)

ملاّ عبداللّه امانی کرمانی

ملاّ عبداللّه کرمانی، شاعر ادیب متخلّص به «امانی» از شعرای قرن یازدهم هجری.

از اصفهان به هند مسافرت نموده و در آنجا در نزد میرجمله شهرستانی تقرّب یافته و با مُکنت و ثروت زیاد به اصفهان مراجعت نموده است. دیوانش متجاوز از دو هزار بیت است. تا سال ۱۰۴۱ق حیات داشته و در آن سال مادّه تاریخی جهت فوت میرداماد سروده است.(۲)

این شعر از اوست:

ای حجاب تو حسن را ناموس ای نصیب از لب خیالت بوس

گرچه زشتیم از توایم آخر پای طاووس باشد از طاووس

میرزا عبداللّه خوشنویس اصفهانی

میرزا عبداللّه بن حاجی آقاجان خوشنویس اصفهانی [از خوشنویسان ماهر قرن

۱- زندگی شاه نعمت اللّه ولی، ص۴۳؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۵۶؛ رشحات عین الحیات، ج۱، صص ۱۶۸ و ۱۶۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۳۹؛ الذریعه، ج۹، ص۹۴؛ ریاض الشّعراء، ج۱، ص۲۷۷.

دوازدهم هجری] در جمادی الثّانیه ۱۱۵۹ق از کتابت «کلیات سعدی» فراغت حاصل نموده است. این نسخه به شماره ۲۹۱۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

عبداللّه اصفهانی*

عبداللّه بن ابراهیم بن ابوسعید بن ترکان شاه اصفهانی، از ادباء و خوشنویسان قرن نهم هجری، کتاب «دراسه الالفاظ» را در اوایل شعبان ۸۰۳ق در شهر دزفول کتابت کرده است.(۲)

عبداللّه طهرانی اصفهانی

ابوابراهیم عبداللّه بن ابراهیم بن محمّد بن عبداللّه بن حماد طهرانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.]

از ابوالعباس احمد بن عمر بن قاسم طهرانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث نموده است.(۳)

«طهران» از قرای اصفهان است. در زمان حاضر آنجا را «تیران و آهنگران» گویند. سه محلّه مجاور یکدیگر: تیران، آهنگران، شمس آباد.

عبداللّه نعامی حویزاوی

شیخ عبداللّه بن ابراهیم مساعد نعامی حویزاوی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۱۰، ص۱۷۶۸.

۲- نابغه فقه و حدیث، ص۱۹۸.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۶۱.

یازدهم هجری و] از شاگردان شیخ بهائی است. او نسخه ای از «خلاصه الاقوال» را نوشته و نزد شیخ بهائی خوانده و شیخ وی را اجازه داده است. نسخه به شماره ۳۶۲۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس موجود است.(۱) [او همچنین مجموعه ای شامل «الجبل المتین» در سال ۱۰۰۷ق کتابت کرده که به شماره ۶۱۹۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد.(۲)]

ملاّ عبداللّه واعظ اصفهانی

مولی عبداللّه بن شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی، از وعاظ و محدّثین مسجد جامع اصفهان است. و با خاندان علاّمه مجلسی معاشر و مصاحب [بوده] و احتمالاً در بقعه خاندان مجلسی و مسجد جامع و یا در حوالی آن مدفون است.(۳)

ملاّ عبداللّه بن ابی الحسن

ملاّ عبداللّه [بن ابی الحسن]، عالم عامل و فقیه کامل متوفی در [عصر جمعه از ماه ذیقعده] سال ۱۱۸۴ق بوده و قبرش نزدیک قبر [ملاّ اسماعیل] خواجوئی در تخت فولاد است. مادّه تاریخ وفاتش را «صهبا» [تقی صهبای قمی] گوید:

از جهان رفت آه عبداللّه زان در اخلاق و فضل کامل حیف

کلک «صهبا» نوشت تاریخش: «حیف زان زبده افاضل حیف»(۴)

[مؤلف فقید مرحوم مهدوی نام پدر او را «حسن» نوشته اند ولی با قرائت سنگ لوح

۱- فهرست رضوی، ج۶، ص۶۰۱.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۱۵.

۳- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۳۴۰؛ مزارات اصفهان، ص۳۷.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۷.

معلوم شد نام پدر او «ابوالحسن» است. این القاب هم روی سنگ مزار او و در وصف مقام علمی و معنوی او نوشته شده است:

«العالم العامل الفاضل الکامل زبده الفقهاء و المحدّثین وارث علوم الأئمه المعصومین»(۱)]

عبداللّه جیانی اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن ابی الحسن بن ابی الفرج جَیانی شامی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] مردی ثقه و صالح است، در بغداد و اصفهان تحصیل نموده و در اصفهان نزد مسعود ثقفی و ابی الخیر محمّد بن اوربانلبانی [کذا] تلمّذ نموده و در این شهر اقامت کرد.

وفاتش در ۳ جمادی الآخر ۶۰۵ق در اصفهان روی داده است.(۲)

عبداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری.] جدّش مهران از موالی عبداللّه بن معاویه بن عبداللّه بن جعفر بن ابی طالب بود که مسلمان شد. ابومحمّد در سال ۲۳۱ق در اصفهان متولّد شد و جهت کسب علم به عراق و شام سفر کرده و به اصفهان مراجعت نمود. او در ماه رجب سال ۳۶۵ق وفات یافته و در کنار قبر جدّش محمّد بن یوسف بناء صوفی اصفهانی در قبرستان روشاباد اصفهان مدفون گردید.

صاحب عنوان از ابوخلیفه، عبدان، عبداللّه بن ناجیه، جندی، اسحاق خزاعی، ابراهیم بن متویه، محمّد بن یحیی بن منده، ابن اشته، ابوبکر احمد بن محمّد بن عمر لنبانی

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۱۰۹.

روایت می کند.

و فرزندش حافظ ابونعیم احمد بن عبداللّه اصفهانی مؤلف «ذکر اخبار اصبهان» از او نقل حدیث می نماید.(۱)

عبداللّه دلال اصفهانی

ابوهمام عبداللّه بن احمد بن قاسم دلال صاحب الخابوطی اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی وی را در اصفهان دیده و از او حدیث شنیده و از او اجازه یافته است.(۲)

عبداللّه ایذجی اصفهانی

حافظ الدّین ابوالبرکات عبداللّه بن احمد بن محمّد نَسَفی، فقیه، مفسر و محدّث حنفی [در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری] از اهالی «ایذج» از نواحی اصفهان متوفی سال ۷۱۰ق در «ایذج».

کتب زیر از اوست:

۱. «تفسیر قرآن» یا «مدارک التّنزیل» در ۳ جلد ۲. «کنز الدّقایق» در فقه، مطبوع ۳. «شرح المنار»۴. «شرح الوافی» در فروع۵. «شرح منظومه ابی حفص نَسَفی» در خلاف به نام «المضی»۶. «عمده العقاید»۷. «کافی» در شرح وافی۸. «کشف الاسرار» (شرح المنار) مطبوع۹. «المناردر اصول فقه ۱۰. «الوافی» در فروع(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۳؛ فرهنگنامه پارسی، ص۶۵۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۶۳.

۳- الاعلام، ج۴، ص۱۹۲؛ الدرر الکامنه، ج۲، ص۲۴۷؛ الفوائد البهیه، ج۱، ص ۲۷۰؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۱۷۱؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۲۴۹؛ معجم المؤلّفین، ج۶، ص۳۲؛ لغت نامه دهخدا، «ذیل عبداللّه»، ص۶۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۹۵.

عبداللّه خازن

ابومحمّد عبداللّه بن احمد خازن اصفهانی، از مشاهیر ادباء و شعراء عهد دیالمه [در قرن چهارم هجری] و از منسوبان به صاحب بن عباد بوده و با ابوبکر خوارزمی مراسلاتی داشته و اشعارش سلیس اللّفظ و لطیف المعنی بوده و از آن جمله است:

و اسال ابطحها و رویّ خفیّها و سقی جداولها و مدّ حیاضها

و الربح و الموج الطموج تصاحبا متلاطمین کجاهلین تعاضها(۱)

[در برخی منابع نام پدرش را محمّد ذکر کرده اند.]

عبداللّه اعرج ویذآبادی

ابومحمّد عبداللّه بن اسحاق بن ابراهیم اعرج خیاط، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از اهالی محلّه ویذآباد (بیدآباد) اصفهان بوده و قبل از سال ۳۶۰ق وفات یافته است. او از ابوخلیفه فضل بن حُباب روایت می کند.(۲)

عبداللّه دیلمانی خُرجانی

ابومحمّد عبداللّه بن اسحاق بن یوسف دیلمانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از اهالی «دیلمان» از توابع خُرجان اصفهان بوده و از پدرش اسحاق بن

۱- ریحانه الادب، ج۵، ص۱۶۷؛ محاسن اصفهان، ص۵۰؛ اللباب، ج۱، ص۴۱۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۲۳؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابومحمّد»، ص۸۰۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۳؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۲.

یوسف خرجانی روایت می کند و ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن جعفر بن حیّان (حافظ ابوالشیخ اصفهانی) و ابو عبداللّه وراق: محمّد بن احمد بن شبویه و ابوعمرو بن حکیم مدنی و ابوعبداللّه عسال: محمّد بن احمد بن ابراهیم اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

میرزا عبداللّه خان وزیرزاده

میرزا عبداللّه خان وزیرزاده فرزند میرزا اسداللّه خان وزیر بن فتح اللّه بن محمّدعلی بن رضاقلی بن محب علی بن فتحعلی خان اعتمادالدّوله، از روزنامه نگاران و معلمان فرهنگ اصفهان [در قرن چهاردهم هجری.] او معلم نقاشی مدارس اصفهان [از جمله از معلمان دبیرستان صارمیه] بوده و در سال ۱۳۰۴ش روزنامه فکاهی «ارژنگ» را به صورت هفتگی منتشر کرد.

[او در اواخر عمر در اداره تحقیق اوقاف اصفهان به خدمت مشغول بود] و سرانجام در سال ۱۳۸۴ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

میرزا عبداللّه مجلسی

میرزا عبداللّه بن علّامه ملّا محمّدباقر بن ملّا محمّدتقی مجلسی، عالم فاضل ادیب [از دانشوران قرن دوازدهم هجری.]

از معاشرین و مصاحبین شیخ محمّدعلی حزین بوده و بعد از محاصره اصفهان و سقوط این شهر به دست افاغنه، به خرم آباد مهاجرت نموده و در رمضان ۱۱۳۷ق در آنجا وفات یافته است. «حزین» در مادّه تاریخ وفاتش گوید:

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۸۱؛ معجم البلدان، ج۲، صص ۳۵۶ و ۵۴۴؛ اللباب، ج۱، ص۵۲۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۴؛ سیری در تخت فولاد، ص۲۲۷؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۲۳۵ و ۲۳۶؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۱۱۳-۱۱۵.

نور دیده و دل مجلس آرای زمان ملاّ عبداللّه فاضل عالی شأن

در ماه مبارک سفرش شد بجنان تاریخ وفات اوست «ماه رمضان»

صاحب عنوان شعر نیز می سروده و «ذرّه» تخلّص داشته است. این رباعی از اوست:

آرایشی بهر خس و خار از بهار ماند نخل حیات ماست که بی برگ و بار ماند

چون شاخ خشک دستم از آغوش گل جداست داغی به دل ز لاله رُخی یادگار ماند(۱)

آقا محمّدخلیل بن محمّداشرف قائنی «رساله ای در شرح حدیث عمران صابی» منقول از حضرت رضا علیه السلام را جهت مشار الیه تصحیح کرده است. این رساله به شماره ۳۳۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

عبداللّه هلالی باطرقانی

عبداللّه بن بندار بن ابراهیم بن محتضر بن عَتّاب (غیاث) بن خلیفه بن ایاد بن عبیداللّه اصفهانی باطرقانی ضبّی هلالی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] ثقه و صالح بوده و از: محمّد بن مغیره، ابواسحاق اسماعیل بن عمرو بن نُجیح بَجَلی، ابومسعود سهل بن عثمان بن فارس عسکری، ابوحفص عمرو بن علیّ بن بحر صیرفی، ابوالهیثم موسی بن مساور بن موسی و محمّد بن یحیی بن نَجیح مکّی حدیث شنیده و محمّد بن یحیی بن منده، ابواحمد عسال: محمّد بن احمد بن ابراهیم قاضی، حافظ ابوالشّیخ: عبداللّه بن

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۶۱؛ مواد التّواریخ، ص۱۷۷؛ الذریعه، ج۹، ص۳۳۸؛ الکواکب المنتشره، ص۴۷۱؛ تذکره غنی، ص۵۳؛ بهترین اشعار، ص۱۴۰؛ صحف ابراهیم، ص۱۳۸؛ منتخب اللّطایف، ص۲۸۲؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۰۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۱۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۹، ص۱۱۶.

محمّد بن جعفر و ابوبکر محمّد بن احمد بن یعقوب از او نقل حدیث کرده اند.

وی در سال ۲۹۴ق وفات یافت.(۱)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن جعفر اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از یونس بن حبیب روایت نموده و ابن فورک (محمّد بن حسن بن فورک) از او نقل حدیث کرده است.(۲)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن محمّدجعفر اصفهانی، از نسخ نویسان قرن یازدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای از «زبده الاصول» شیخ بهائی [است که] در کتابخانه دانشکده حقوق موجود است.(۳)

عبداللّه اصفهانی

ابونعیم عبداللّه بن ابوعلی حسن حداد بن احمد اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] مؤلف «اطراف الصّحیحین» عابد زاهد فوت ۵۱۷ق.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۶۰؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۴۴، المشتبه، ج۲، ص۵۷۷.

۲- احقاق الحق، ج۱۰، ص۵۳۶.

۳- فهرست حقوق، ص۳۶۱.

۴- مرآت الجنان، ج۳، ص۲۲۱؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۲۲۴.

میرزا عبداللّه وثوق الحکماء خوراسکانی

میرزا عبـداللّه وثوق الحکمـاء فرزنـد محمّدحسن خوراسکانی اصـفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشـمندان اواخر دوره قاجاریه] مشـهور به «ملک النُّحاه» ساکن مدرسه عبداللّه خان در طهران بوده و از فضلای معروف زمان خود به شمار می رفته و مجلس او مجمع فضلاء و دانشمندان بوده است.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «عقایـد المؤمنین» در اصول دین، مطبوع در سال ۱۳۲۴ق ۲. «منظومه العقاید» که به ضـمیمه «عقاید المؤمنین» به طبع رسیده است.(۲) ۳. «قطرات العلوم» در شرح «نصاب الصبیان» که در سال ۱۳۲۴ق به چاپ رسیده است. مؤلف مادّه تاریخ آن را چنین سروده است:

یکی آمد فزون و کرد رقم: «قطرات وثوق» تاریخش(۳)

۱+۱۳۲۳=۱۳۲۴

[۴. «شـرح معمـا» که به شـماره ۷/۸۹۸ در کتابخـانه مرکزی مطالعـات و تحقیقـات اسـلامی در قـم موجـود است.۵. «رسـاله در صرف» به فارسی که در کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی به شماره ۸/۸۹۸ موجود است.۶. «علم المیزان» به فارسی، در شرح «حاشیه تهذیب المنطق» به خط مؤلف در ۱۳ جمادی الاوّل ۱۳۱۲ق

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۲؛ خورشید جی، ص۳۰۰؛ تاریخ شهر خوراسکان و روستای راران، صص ۱۶۹- ۱۷۲.

۲- الذریعه، ج۱۵، ص۲۸۵.

۳- الذریعه، ج۱۷، ص۱۵۷؛ فرهنگنامه های عربی به فارسـی، صص ۱۱۹ و ۲۸۶؛ مواد التّواریخ، ص۵۱۶؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، ص۹۵۲.

که به شماره ۸۹۳ در کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی موجود است.(۱)]

سیّد عبداللّه بکاء

سیّد عبداللّه بکاء فرزند سیّد حسین بحرانی نجفی. [از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری.] اصل او از بحرین است. اسلافش به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر ساکن بوده اند.

مشارٌالیه از علمای اجلاء و اهل فضل و صلاح بوده و در جسر کوفه ساکن و وکیل حاج میرزا حسین خلیلی بود. در سال ۱۳۲۷ق وفات یافت. جنازه سردست به نجف منتقل و دفن شد.

فرزندش سیّد احمد نیز عالم جلیل و ساکن کوفه بوده و در مسجد پدر امامت می نموده و در روز سه شنبه ۳۰ ربیع الاوّل ۱۳۸۳ق وفات یافت و جنازه به نجف منتقل شده و در آنجا دفن گردید.(۲)

میرزا عبداللّه خان امین الدّوله

میرزا عبداللّه خان امین الدّوله فرزند ارشد میرزا محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی، از سیاستمداران و مردمان نیکوکار قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۱۹۳ق متولّد شده و پس از تحصیل در کنار پدر به مشاغل اداری و دیوانی روی آورد. [ابتدا بیگلر بیگی اصفهان بود. سپس مستوفی الممالك دولت قاجاریه شد. کمی بعد به لقب «امین الدّوله» ملّقب شد و در سال ۱۲۳۹ق به صدارت عظمای فتحعلی شاه منصوب شد اما یک سال

۱- فهرست مرکز مطالعات اسلامی، ج۲، صص ۱۵۷ و ۱۶۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۳؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۱۹۹.

بعد به خاطر شرارت های برادر همسرش یعنی هاشم خان لُر در اصفهان از صدارت عزل شد. او برای بار دوم در سال ۱۲۴۳ق به صدارت منصوب شد.]

پس از مرگ فتحعلی شاه ابتدا به حمایت از حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس و سپس به حمایت از علی شاه ظل السّلطان که مدعی سلطنت بود پرداخت. ظل السلطان ۹۰ روز حکومت را به دست گرفت امّا قاجاریه به حمایت از محمّد میرزا ولیعهد پرداخته و ظل السّلطان را برکنار کردند و محمّد میرزا به عنوان محمّد شاه به تخت نشست. به این خاطر عبداللّه خان در اصفهان به حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی پناه برد و چندی بعد به کمک «مک نیل» وزیر مختار انگلیس، از محمّد شاه تأمین گرفته و از راه بختیاری راهی عتبات عالیات شد و در پنج شنبه ۲۵ شعبان ۱۲۶۳ق وفات یافته و در مقبره خانوادگی در مدرسه صدر نجف مدفون گردید.

تاریخ وفات او این بیت است:

ثم با قصر العز تاریخه جنه عدن ازلفت بالامین

در کتاب «صدر التّواریخ» درباره او می نویسد: «مروج شریعت سیّد المرسلین که مرحوم شیخ جعفر نجفی و شیخ موسی و حاج سیّد باقر رشتی (اعلی اللّه مقامهم) او را علی بن یقطین خطاب می کردند. در زهد و ورع بی عدیل و در جلالت قدر بی بدیل».

امین الدّوله از مردان خیّر و خدمتگزار و متدیّن [بود] و حقا وی را باید خیرالظّلمه نامید. آثار زیر از او در نجف اشرف به جای مانده است:

۱. ترسیم قناتی در نجف۲. اتمام دیوار و باروی شهر نجف که پدرش شروع به ساختمان آن کرده بود.۳. ساختن دو باب حمام بزرگ در نجف۴. ایجاد چند باب دکان و وقف کردن آن در نجف۵. ایجاد کاروانسرائی در نجف و وقف آن بر مدرسه صدر و

غیره.(۱)

ملاّ عبداللّه شوشتری

عزّالـدین عبـداللّه بن حسـین شوشتری، عالم فاضل محقّق مدقّق مجتهد بارع، عابد زاهد، از اکابر علماء و مجتهدین قرن یازدهم هجری.

ظاهرا در اواسط قرن دهم هجری در شوشتر متولّـد گردیـده و جهت تکمیل تحصـیلات به عراق عرب مهاجرت نموده و مـدت ۳۰ سـال در نجف و کربلاـ اقامت داشـته و در خـدمت اساتیـد آن سامان به مقامات عالیه علم و ایقان رسـیده و از اساتیـد خود اجازه دریافت نموده است. از اساتیـد و مشایـخ اجازه او در کتب فقط چهار نفر را نام می برنـد از این قرار: مولی احمد مقدس اردبیلی، شـیخ جمال الـدّین احمـد بن نعمت اللّه معروف به «ابن خاتون عاملی» و پـدرش شـیخ نعمت اللّه بن علی بن احمد بن محمّد بن خاتون و شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی.

سپس به ایران مهاجرت نموده و چندین سال در مشـهد مقدس مجاورت اختیار کرد و چون صیت علم و دانش او به گوش شاه عباس رسـید، شاه از او تقاضا کرد که در اصـفهان ساکن شود. در حدود ۱۰۰۶ق به اصـفهان آمده و تا آخر عمر خود، در این شهر به نشر معارف اسلامی اشتغال داشت و در برخی از مسافرت های شاه عباس به مشهد همراه بوده و در تعمیرات بقعه منوّره رضویّه نظارت و سرپرستی کرده است.

قبل از ورود ملاّ عبداللّه شوشتری در اصفهان تعداد طلبه این شهر در داخل و خارج به

۱- بیـان المفاخر، ج۱، صـص ۱۷۶-۱۷۹، ۱۸۲-۱۸۳ و ۲۲۷؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۳۸۹؛ ماضـی النّجف و حاضرها، ج۲، ص ۴۸۵؛ شـرح حـال رجال ایران، ج۲، صـص ۲۷۸-۲۸۱؛ صدرالتّواریخ، صـص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ تاریخ عضدی، صص ۲۶۸ و ۲۶۹؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۴۳؛ صدراعظم های سلسله قاجاریه، صص ۷۳-۸۴.

پنجاه نفر نمی رسید لکن پس از مهاجرت او به این شهر و توجّه نمودنش به امور طلّاب و تدریس آن، طالبان علم و دانش از اطراف و اکناف به دور شمع وجود او پروانه وار جمع شده و در هنگام مرگ متجاوز از هزار نفر طالب علم در این شهر وجود داشته است.

شاه عباس جهت او مدرسه ای عالی در اوّل بازار [بزرگ اصفهان] بنا نمود که عالم مزبور در آنجا به تدریس علوم اسلامی مشغول بوده و در شبستان آن اقامه جماعت نماید. مرحوم شوشتری در طول ۱۴ سال که در اصفهان تدریس می فرمود، عدّه ای کثیر در نزد او تلمّذ کرده و به مقامات عالیه علم رسیده اند که از آن جمله است: ملّا محمّدتقی مجلسی، ملّا حسنعلی (فرزندش) ، قاضی عبدالمؤمن، ملّا لطف اللّه میسی عاملی، ملّا شریف الدّین محمّد رویدشتی اصفهانی، میرزا رفیع الدّین محمّد نائینی، شیخ محمود جزائری، سیّد مصطفی تفریشی

درباره او نقل شده است که هیچ یک از نوافل او ترک نمی شد و مقیّد به اداء نماز در اوّل وقت بوده و بیشتر روزها را روزه داشته و لباس و خوراکش درنهایت سادگی و اختصار بوده است. به طوری که در بیشتر مواقع خوراک او غیر از غذاهای گوشتی بوده است.

جناب ملّا عبداللّه در ۲۴ محرم ۱۰۲۱ق مریض شده و در بستر خوابید و در شب جمعه ۲۶ محرم (نزدیک به صبح) وفات یافت. جنازه او را به مسجد جامع عتیق برده و با آب چاه غسل دادند و میر محمّدباقر داماد بر او نماز خواند سپس جنازه را به امامزاده اسماعیل برده و امانت دفن کردند و پس از یک سال جنازه را که هیچ تغییری نکرده بود به کربلا نقل نموده و در آن ارض اقدس دفن نمودند. ملّا محمود جزائری از شاگردان او این عبارت عربی را برای ماده تاریخ او گفته است: «مات مجتهد الزّمن» همچنین

شخص دیگری گفته است: «حیف از مقتدای ایران حیف»(۱)

کتب زیر از تألیفات صاحب عنوان است:

[۱. «اربعون حدیثا» که نسخه ای از آن به شماره ۵/۱۴۰ در مدرسه جعفریه زهان قائن» موجود است.(۲)] ۲. «تعلیقه بر استبصار» ۳. «جامع الفوائد» در تکمیل «شرح القواعد» تألیف نورالدّین علی محقّق کرکی که آن را در شرح «قواعد» علاّمه حلّی نوشته است. [این کتاب در ۷ جلد تنظیم شده و مؤلف در اوائل ذیحجه ۱۰۰۴ق از نوشتن آن فراغت یافته است. نسخه های متعددی از این کتاب در کتابخانه ها وجود دارد از جمله نسخه ای به خط کرمعلی بن محمّدتقی اصفهانی در سال ۱۰۸۵ق که در کتابخانه شیخ مشکور نجفی در نجف موجود بوده است.(۳) نسخه ای به خط محمّدیوسف در سال ۱۰۱۴ق به شماره ۱۳۴۱۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۴) نسخه دیگری از «جامع الفوائد» به شماره ۲۹۶۸ در کتابخانه ملّی ملک در تهران وجود دارد.(۵)] ۴. «حاشیه شرح ارشاد علاّمه» [که مؤلّف ریاض العلماء در اوایل قرن دوازدهم هجری نسخه ای از آن را دیده بود که شامل کتاب الاجاره تا آخر حدود

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص ۳۷-۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۹۱۹ و ۹۲۰؛ مزارات اصفهان، ص۱۰۵؛ امل الآمل، ج۲، ص۱۶۰؛ روضات الجنّات، ج۴، صص ۲۳۴-۲۴۳؛ ریاض العلماء، ج۳، صص ۱۹۵-۲۰۵؛ روضه النّضره، صص ۳۴۳-۳۴۶؛ لباب الالقاب، ص۸۹؛ فوائد الرضویه، صص ۲۴۵-۲۴۹؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ۱۳۷۷ش) ، ج۲، صص ۱۴۱۷ و ۱۴۱۸؛ تذکره الشّعراء امامت کاشانی، ص۲۹؛ معجم المؤلفین، ج۶، صص ۴۴ و ۴۵؛ هدایه العارفین، ج۱، ص۴۷۴؛ ایضاح المکنون، ج۱، ص۳۵۶؛ دایره المعارف تشیع، ج۴، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۳۱۸-۳۲۱؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۳-۸؛ تذکره العلماء، ص۱۱۷؛ وفیات العلماء، صص ۷۶-۷۹؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۳۴؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۱۱۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۹۹.

۲- فهرست مدرسه جعفریه، ص۱۰۹.

۳- الذریعه، ج۵، ص۶۵ و ج۱۴ و ص ۲۰.

۴- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۶۱.

۵- فهرست ملک، ج۱، ص۱۹۵.

بوده است.(۱)] ۵. «حاشیه بر الفیه» شهید [که نسخه های متعددی از آن در دست است از جمله: نسخه ای که در سال ۱۰۰۷ق در کربلا کتابت شده و به شماره ۲/۲۶۹۴ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم وجود دارد.(۲) نسخه دیگری به خط جان محمّد که در سال ۱۰۰۸ق کتابت شده، به شماره ۲۳۷۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد.(۳) همچنین نسخه ای به خط ابوالبرکات بن عنایه اللّه حسینی به شماره ۱/۴۹۶۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.(۴)] ۶. «حاشیه بر شرح مختصر عضدی» [۷. «حاشیه بر رجال ابن داود» که نسخه ای از آن در کتابخانه شیخ محمّدعلی قمی در کربلا وجود دارد.(۵)] ۸. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه» به فارسی [که یکی از شاگردان ملّا عبداللّه شوشتری به نام مولی عمادالدّین بن یونس در رساله اش مطالبی از آن را آورده و معرّب ساخته است. نسخه ای به خط میرزا بیگ که در سال ۱۰۹۳ق کتابت شده است، به شماره ۷۰۵۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۶)] ۹. «شرح بر الفیه شهید» که غیر از «حاشیه بر الفیه» است. [و نسخه ای از آن نزد میرزا عبدالرّزاق واعظ همدانی موجود بوده است.(۷)]۱۰. «شرح تهذیب» شیخ طوسی [که شیخ نعمت اللّه جزایری شوشتری در «شرح تهذیب» خود، مطالبی از آن نقل کرده است.(۸) ۱۱. «مقاله فی اصول الدّین» به فارسی، که در آن به بیان اصول عقاید و فروع دین پرداخته و حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» را شرح کرده است. نسخه ای از آن به خط شیخ عبدالوحید بن نعمت اللّه دیلمی که در سال ۱۰۲۵ق کتابت شده است، در

۱- الذریعه، ج۱۳، ص۷۹.

۲- فهرست احیاء میراث، ج۷، ص۱۷۳.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۸۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۱۶۵.

۵- الذریعه، ج۶، ص۸۷.

۶- فهرست الفبائی رضوی، ص۵۹۹.

۷- الذریعه، ج۱۳، ص۱۱۲.

۸- الذریعه، ج۱۳، ص۱۵۷.

کتابخانه علاّمه جلیل سیّد حسن صدر موجود بوده است.(۱) ۱۲. «واجبات» به فارسی، که در رساله عملیه ملاّ عبداللّه شوشتری در طهارت و صلاه و صوم و حج و زکات و خمس» است. و در سال ۱۰۱۷ق تألیف شده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه علاّمه جلیل سیّد حسن صدر(۲) و نسخه دیگری به خط شاه محمود زنگی عجمی، به شماره ۲۴۳۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳) همچنین نسخه ای از این کتاب به خط محمّدمحسن بن محمّدمؤمن که در اواسط ربیع الاوّل ۱۱۲۲ق کتابت شده است. در کتابخانه الزهراء اصفهان نگهداری می شود.(۴) ۱۳. «جواز التنفّل ممن علیه الفریضه» ۱۴. «جواز الفائته وقت الحاضره» ۱۵. «الجهر و الاخفات» ۱۶. «خواصّ القرآن» ۱۷. «رساله فی ادخال قول علی ولی اللّه فی الشهاده» ۱۸. «رساله فی الاستبراء بالبول» ۱۹. «رساله فی انّ النّذر یتعلّق بالمباح أم لا؟» ۲۰. «رساله فی تطوع الصوم لمن علیه فریضه» ۲۱. «رساله فی التّکبیر و التّهلیل قبل الخطبه فی صلاه الاستسقاء» ۲۲. «رساله فی تملک الأجیر الاُجره بالعقد» ۲۳. «رساله فی طلاق الرّجعی» ۲۴. «رساله فی الغسل» ۲۵. «رساله فی المکعب» ۲۶. «رساله فی کفایه الإصبع الواحده فی مسح الرأس و الرّجلین» ۲۷. رساله فی الوصیه بالحج الواجب»(۵)

از میان کتاب ها و رساله های فوق، از شماره ۱۳ تا ۲۷ در مجموعه ای در کتابخانه شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی در نجف اشرف نگهداری می شده است. این مجموعه که در سال ۱۰۶۸ق کتابت شده است را بدر جهان خانم از بانوان دربار صفویّه در سال ۱۱۰۸ق وقف نموده و علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی را متولّی وقف قرار داده است.(۶)]

۱- الذریعه، ج۲۱، ص۳۹۶.

۲- الذریعه، ج۲۵، ص۱.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۲۹۷.

۴- فهرست الزهرا، ص۲۷.

۵- الذریعه: مجلدات مختلف.

۶- الذریعه، ج۵، ص ۲۴۴ و ۳۰۲ و ج۲۵، ص۸۴.

عبداللّه رازانی لنجانی

ابومحمّد عبداللّه بن خالد بن محمّد بن رستم رازانی [از محدّثین عامّه اصفهان قرن چهارم هجری] در شهر «خان» لنجان ساکن بوده و از محمّد بن اسماعیل صائغ و عبداللّه بن احمد بن ابی مسرّه (معروف به «ابن اَبی مَسرّه») روایت می کند و ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن جعفر قصّار حافظ ابونعیم اصفهانی و ابوبکر عبدالعزیز بن احمد بن علی تاجر (آدمی) اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

[ظاهرا «رازان» از توابع لنجان بوده و آن را نباید با «راران» از دهات جی اصفهان اشتباه گرفت. «خان» از معروف ترین شهرهای لنجان قبل از حمله مغول بوده و امروزه به «خولنجان» معروف است. قلعه «خان» در قرن پنجم هجری محل استقرار فداییان اسماعیلی بوده که سلطان محمّد در سال ۵۷۰ق آن را ویران کرده است.]

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن درویش علی اصفهانی [خطاط نستعلیق نویس در قرن دوازدهم هجری[در سال ۱۱۵۵ق نسخه ای از «زاد المعاد» علّامه مجلسی را به خط نستعلیق خوب نوشته است. نسخه به شماره ۵۷ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۲)

ملاّ عبداللّه بروجردی

ملاّ عبداللّه بن حاج رحیم بروجردی، عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری. در ربیع الاوّل ۱۱۹۱ق وفات یافته و در تکیه مجلسی جنب مسجد جامع [اصفهان] مدفون

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۹.

۲- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۳۱.

گردید. و مزار او در تعمیرات اخیر بقعه از بین رفت.(۱)

میرزا عبداللّه سبزواری اصفهانی

میرزا عبداللّه سبزواری فرزند میرزا محمّدرحیم شیخ الاسلام، عالم فاضل، از علماء اصفهان و ائمه جماعت و صاحب محراب و منبر بوده و در سلخ ذیحجه الحرام ۱۲۷۵ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه آقاحسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

سیّد عبداللّه میردامادی

سیّد عبداللّه میردامادی سدهی بن حاج محمّدرحیم کبیر بن میر مرتضی بن میر محمّداشرف بن میر عبدالحسیب بن میر سیّد احمد علوی عاملی، عالم فاضل جلیل [از دانشمندان قرن سیزدهم هجری.]

در روز چهارشنبه ۱۰ صفر ۱۱۶۵ق متولّد شده و نزد آقا محمّدباقر وحید بهبهانی، میرزا ابوالقاسم قمی و از مصاحبین و مخصوصین حاجی [محمّدابراهیم] کلباسی و حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بوده و در سِدِه [خمینی شهر کنونی] سکونت و امامت می نموده است. در اواخر عمر در اصفهان مقیم شده و در روز ۲۲ محرم ۱۲۴۳ق وفات یافته و پسرش نیز در همین روز وفات نمود و هر دو را در محله خوزان در جایی که به نام خود او به مقبره میر سیّد عبداللّه معروف است [واقع در سِدِه] مدفون ساختند. در این بقعه عدّه ای از بزرگان مدفون می باشند [که] از آن جمله است: ۱. شیخ ابراهیم عاملی از

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۷؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۳۴۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۸۲.

اعقاب محقّق کرکی ۲. شیخ شمس الدّین ۳. سیّد محمّدصالح مازندرانی۴. شیخ محمّدعلی زکی و غیره.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انیس المحتاجین» ۲. «ترصیع السّماء» ۳. «رجال مشیخه تهذیب»(۱)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن محمّدرضا اصفهانی [خطاط نسخ نویس در قرن سیزدهم هجری] در تاریخ ۱۲۷۹ق نسخه ای از کتاب «سرّ العاملین» منسوب به غزالی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۳۵۴۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

عبداللّه شمس نژاد

عبداللّه شـمس نژاد متخلّص به «شـمس» فرزند رضا [از شـعرای قرن چهاردهم هجری.[در شـهر بابک [در استان کرمان] متولّد گردیده و پس از تحصیل در اصفهان در سمت بازرس استانداری به خدمت مشغول بود. از اوست:

قصه مجنون و لیلی پیش ما افسانه بود زانکه ما خود همچو مجنون ره به کوئی داشتیم(۳)

۱- رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۲۳۹؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۷۹۵؛ بیـان المفاخر، ج۱، صص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ الکرام البرره، ج۲، صص ۷۷۶ و ۷۷۷؛ لطائف غیبیه: مقدمه، ص بیست و سه؛ خمینی شـهر شـهری که از نو باید شناخت، صص ۲۵۵-۲۵۷.

۲- فهرست رضوی، ج۶، ص۴۳۸.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۸۳.

عبداللّه اکفائی

ابومحمّـد عبـداللّه بن زکریا بن یحیی اصـفهانی تمیمی [از محـدّثین عامّه اصـفهان و] ساکن کوفه بوده و از حُمیـد بن جعفر بن حُمید روایت می کند و ابوبکر عبداللّه بن یحیی بن معاویه طلحی از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

عبداللّه اصفهانی

عبـداللّه بن سـعداللّه بن ابی غالب اصـفهانی [از دانشـمندان گمنام اصـفهان در قرن هشـتم هجری.] در روز پنـج شـنبه ۲۱ ربیع الاولی ۷۲۵ق در «فیروزان» نسخه ای از «تاریخ نامه» یا «ترجمه تاریخ طبری» را به خط نسخ نوشته و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[فیروزان از شـهرهای قدیمی و معتبر بلوک لنجان اصـفهان بوده و امروزه به «سُهروفیروزان» معروف است. ناصرخسرو در اوایل قرن پنجم هجری در سفر طولانی خود از این شهر دیدار کرده است.]

میرزا عبداللّه جابری*

میرزا عبداللّه بن میرزا سلمان جابری، از شعراء و سخنوران اصفهان در قرن دهم هجری. مردی اهل فضل و ادب بوده و شعراء و فضـلاء را مورد حمایت قرار می داده است. در زمانی که پدرش وزارت اعظم را بر عهده داشت، او هم وزارت یزد را به عهده گرفته بود. سال وفات او به دست نیامد. همین قدر معلوم است که تا سال ۱۰۰۰ق در

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۶۲.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج۱، ص۳۸.

قید حیات بود. از اوست:

عشق تو کجا و سر سودای قیامت با گرمی عشق تو چه پروای قیامت

در حشر چو من از ستمت ناله بر آرم معلوم شود بر همه غوغای قیامت(۱)

عبداللّه معدانی

شمس الدّین عبداللّه بن شاکر بن ابوالمطهر معدانی اصفهانی، از علماء هندسه و نجوم در قرن ششم هجری است. در ادبیات و شعر فارسی و عربی دستی قوی داشت و در حدود ۵۷۰ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

عبداللّه ضبّی

ابوالمظفر عبداللّه بن شبیب ضبّی مقری اصفهانی، [از دانشمندان علوم دین در قرن پنجم هجری] در اصفهان به تدریس قرائت و ایراد خطبه و وعظ مشغول بوده و به زهد و صلاح شهرت داشته است.(۳)

[روایات قرائت را از بسیاری از قاریان به خصوص ابراهیم بن محمّد لنبانی آموخته و ابوالقاسم هذلی و اسماعیل سراج و عبداللّه بن احمد خرقی نزد او قرائت را فرا گرفته اند.(۴)]

عبداللّه اُشتُرجانی*

عبداللّه بن شعبان اُشتُرجانی لنجانی اصفهانی، از هنرمندان قرن نهم هجری است. خط

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۵۹۴.

۲- تاریخ الحکماء، ص۳۱۱؛ گاهنامه، ۱۳۱۰ش.

۳- مرآت الجنان، ج۳، ص۷۳.

۴- غایه النّهایه، ج۱، ص۴۲۲.

نستعلیق را خوش می نوشته و نسخه ای از «مثنوی معنوی» را در سال ۸۴۷ق کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۱۶۸ در فهرست آثار موزه رضا عباسی در تهران موجود است.(۱)

میرزا عبداللّه عشق

میرزا عبداللّه مرعشی اصفهانی متخلّص به «عشق» فرزند میرزا محمّدشفیع مستوفی موقوفات [بن میرزا رحمت اللّه بن میرزا ابوالحسن حسینی مرعشی] شاعر و ادیب توانا در قرن یازدهم هجری.

در اصفهان متولّد شده [و در این شهر علم و ادب آموخته و به دامادی یکی از سلاطین صفویه درآمد.] به فارسی و ترکی شعر نیکو می سروده و دیوان او حدود ده هزار بیت شعر داشته است. و نسخه ای از آن در کتابخانه آقای حسین کوهی و نسخه ای در کتابخانه ملک طهران موجود است. [عاقبت در سال ۱۰۷۴ق در سن ۳۰ سالگی وفات یافته و جسدش به مشهد مقدس نقل و در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام مدفون شد.]

این شعر از اوست:

سیل افتاده است از پا تا خرابم کرده است خورده صد خونابه آتش تا کبابم کرده است

کی توان ز آب و گل عالم مرا تعمیر کرد سیل بی پروای استغنا خرابم کرده است

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۶۵.

فیض ها پُر دیدم از نامهربانی های چرخ تلخ کامی ها درین مینا گلابم کرده است(۱)

عبداللّه اسدی اصفهانی

حافظ ابومحمّد عبداللّه بن شیبان بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شیبان معلّم محتسب اسدی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] در سال ۴۴۷ق متولّد شده و در ذیقعده ۵۲۳ق وفات یافته است.

از صلحاء و نیکوکاران عصر بوده و از پدرش ابومعمر شیبان بن عبداللّه محتسب و ابوالقاسم ابراهیم بن منصور ملنجی خبّاز حدیث استماع کرده است.(۲)

عبداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن طاهر اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.در «تفسیر مجمع البیان» [شیخ طبرسی] حدیثی از او روایت می کند.(۳)

عبداللّه خزاعی اصفهانی

ابورشید عبداللّه بن طاهر بن حرب بن عبداللّه بن ابی الحسن بن طاهر خزاعی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

از ابوروح یاسین بن سهل بن محمّد قاینی حَسّاب، ابوالبرکات احمد بن عبداللّه بن

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۴۱؛ قصص الخاقانی، ج۲، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ تذکره غنی، ص۹۰؛ تذکره روز روشن، ص۵۴۷؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۴۶۶؛ الذریعه، ج۹، ص۷۲۲ و ج۱۳، ص۳۰۳؛ ریاض الشّعراء، ج۳، ص۱۴۸۵.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۶۹.

۳- مجمع البیان، ج۱۰، ص۵۶.

طاوس بغدادی و ابوالمظفر سمعانی اجازه داشته است.

ابوسعد سمعانی گوید: «در جامع اصفهان وی را ملاقات کردم و جهت من اجازه ای نوشت.»(۱)

عبداللّه رنانی

عبداللّه بن عاشور رِنانی اصفهانی، از مشاهیر خطاطان قرن دوازدهم و سیزدهم هجری است. بیشتر از یکصد قرآن غیر از کتب ادعیه و زیارات به خط زیبای خود نوشته و تا سال ۱۲۳۸ق حیات داشته است.(۲)

[او به کثرت کتابت معروف است هیچ گاه از اصفهان بیرون نیامد ولی به اشاره فتحعلی شاه قاجار آثار گرانبهایی را به خط زیبای خود پدید آورد و نزد شاه فرستاد. نخستین اثری که در فهرست نسخ خطی به آن اشاره کرده اند به خط اوست: «قرآن مجید» است که در ۵ رجب ۱۲۰۱ق کتابت شده و قرآن سی و نهم اوست.(۳)] آخرین قرآن به خط او مورخ ۱۲۲۸ق است و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود.(۴)

«رِنان» که امروز آن را «رهنان» می نویسند از دهات بلوک ماربین اصفهان است [که در سال های اخیر به شهر اصفهان پیوسته و یکی از محلّه های غرب آن شهر به شمار می رود.]

۱- التّحبیر، ج۱، ص۳۷۶.

۲- کارنامه بزرگان ایران، ص۲۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۰۹۱-۱۰۹۳.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۴، ص۴۰۴۷.

عبداللّه انماطی

ابواحمد عبداللّه بن عبدالوهاب بن ابراهیم انماطی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] در بغداد و عراق از محدّثین استماع حدیث نموده و بعد از سال ۳۹۰ق وفات یافته است. با حافظ ابونعیم اصفهانی مراوده و معاشرت داشته و ابونعیم از او حدیث شنوده است.(۱)

عبداللّه ثقفی اصفهانی

عبداللّه بن عبدالواحد بن محمّد بن محمود ثقفی اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم] و از خاندان علم و حدیث بوده و در سال ۵۱۶ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۲)

عبداللّه سلمی اصفهانی

ابوعمر عبداللّه بن عبدالوهاب سلمی اصفهان مقری [از مقریان و محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری.] فوت سال ۳۹۴ق.(۳)

عبداللّه اصفهانی

ابوطاهر عبداللّه بن عبدربه اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان.] از سلیمان بن عبدالرّحمان روایت می کند و ابوبکر بزّاز در کتاب «مسند علی علیه السلام » از وی روایت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۸.

۲- التّحبیر، ج۱، ص ۳۷۰.

۳- مرآت الجنان، ج۲، ص۴۴۷.

می کند.(۱)

عبداللّه طوسی

عبـداللّه بن علی بن اسـحاق طوسـی، برادر خواجه نظـام الملـک حسن طوسـی وزیر سـلطان ملکشـاه سـلجوقی است. فرزنـدش عبدالرزاق هم وزارت سنجر را یافته است. عبداللّه در سال ۴۹۹ق وفات یافت.(۲)

عبداللّه طادی لنجانی

ابومحمّد عبداللّه بن علی بن عبداللّه مؤدّب طادی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] در قریه «طاد» لنجان ساکن بوده و از ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن عمران و محمّد بن نُصَیر روایت نموده است(۳)

«طاد» از قرای لنجان اصفهان است.

عبداللّه اصفهانی نیشابوری

ابومحمّد عبداللّه بن علی بن محمّد بن احمد بن حماد اصفهانی ساکن نیشابور، صالح ثقه.(۴) [از محدّثین عامّه اصفهان.]

شیخ عبداللّه کفرانی

شیخ عبداللّه کفرانی رویدشتی (معروف به «شیخ عبداللّه اصفهانی») فرزند علی بن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۴۷.

۲- مرآت الجنان، ج۳، ص۱۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۵.

۴- تاریخ نیشابور، ص۴۳۶.

محمّد بن قدیر کفرانی رویدشتی اصفهانی، عالم فاضل و فقیه محقّق. پدرانش عموما اهل علم و فضل بوده و اخیرا اولاد ملّا قدیر جدّ مشار الیه که در بین آنها علماء و صلحاء می باشند نام فامیل خود را «قدیری» نهاده اند.

صاحب عنوان در اصفهان متولّد و در نجف خدمت جمعی از افاضل تحصیل نموده و اخیرا به درس حاج میرزا حبیب اللّه رشتی حاضر شده و سال ها در محضر او تلمُّذ فرموده و به ایشان اختصاص یافت. او مقرّر درس ایشان بوده و پس از فوت استاد، مستقلاً حوزه درس داشته و در مسجد هندی تدریس می نمود و جمعی از افاضل به درس او حاضر می شده اند.

شیخ عبداللّه کفرانی در سال ۱۳۱۷ق در نجف اشرف وفات یافته و در آن ارض اقدس مدفون گردید.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «تقریرات اساتید خود» ۲. «شرح المکاسب» (تقریرات درس میرزا حبیب اللّه رشتی، در پنج جلد، که سه جلد از آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث ایران به شماره ۱۳۴۴ موجود است.(۲) ۳. «حاشیه فرائد الاصول» موجود در کتابخانه جمعیت فرهنگ رشت(۳)

عبداللّه مقری اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن علی بن مقری ظاهری اصفهانی [از علماء و زهّاد قرن ششم

۱- نقباء البشر، ج۳، صص ۱۲۰۳ و ۱۲۰۴؛ الذریعه، ج۱۵، ص۱۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۹۰ و ۷۹۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۲۸.

۲- فهرست خطی احیاء، ج۴، ص۱۷۳.

۳- فهرست فرهنگ رشت، ص۱۱۲.

هجری] استاد شیخ منتجب الدّین بن بابویه قمی بوده و در سال ۵۶۳ق وفات شده است.(۱)

ملّا عبداللّه اژه ای

ملّا عبداللّه بن ملّا علی اکبر اژه ای بن محمّدباقر، عالم فاضل و فقیه محقّق [از علمای قرن سیزدهم هجری]

در اصفهان متولّد شده و نزد علمای این شهر و احتمالاً نزد پدرش [و ملّا علی نوری، حاج محمّدابراهیم کلباسی و حاج سیّد محمّدباقر شفتی] و دیگران بهره گرفته است. و پس از وفات پدر به اقامه جماعت در مسجد علی اصفهان پرداخته است.

وی در وقت فجر سه شنبه چهارم ربیع الاوّل ۱۲۶۵ق وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک مزار پدرش مدفون شد.

میرزا حسن کفاش اصفهانی مرثیه و تاریخ فوتش را چنین گفته که بر سنگ مزار او نقر گردیده است:

آسمان علم و حلم و فضل از این خاکدان زد قدم از لطف حق سوی بهشت جاودان

چون به مهر اهلبیت مصطفی آن جان پاک باد عیش... جنه المأوی مکان

از پی تاریخ سال رحلتش «کفاش» گفت: «رفته عبداللّه از دنیا بگلزار جنان»

در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی نسخه ای از کتاب «تحفه الخاقانیّه» (شماره

۱- مرآت الجنان، ج۳، ص۳۷۲؛ بحارالانوار، ج۱۰۵، ص۱۹۸.

۱/۵۹۴۰) تألیف: شیخ عبداللّه بن علی اکبر اصفهانی در اثبات واجب و تعدّد صفات باری تعالی و بحث در نبوت و امامت و معاد در یک مقدمه و سه رکن موجود است. این نسخه را شخصی به نام عبدالعلی به خط نستعلیق در سال ۱۲۸۹ق کتابت کرده است. کتاب از طرف مؤلف به محمّد شاه قاجار اهداء شده است که به احتمال بسیار قوی از همین ملاّ عبداللّه اژه ای است.(۱)

میرزا عبداللّه شیخ الاسلام

حاج میرزا عبداللّه (معروف به آقا میرزا) شیخ الاسلام فرزند میرزا علی اکبر بن محمّدرحیم شیخ الاسلام، عالم فاضل معاصر.

در حدود سال ۱۳۰۲ق در اصفهان متولّد گردیده و مقدمات و سطوح را نزد آقا شیخ ابوالقاسم خادم الاسلام خواند و سپس در درس آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی، شیخ محمّدحکیم خراسانی و آقا سیّد محمود کلیشادی (مُغنی) حاضر شد و نسبت به مرحوم شیخ محمّدرضا نجفی اختصاص یافته و تا روزهای آخر عمر آن مرحوم از محضر درس فقه و اصول ایشان استفاده می کرد.

پس از آن ریاست یکی از دفاتر رسمی ثبت اسناد و همچنین دفاتر ثبت ازدواج و طلاق را پذیرفته و متجاوز از ۳۰ سال با کمال امانت و درستی آن را انجام داد و پس از بازنشستگی به عبادت و مطالعه روزگار می گذرانید تا اینکه در شب یکشنبه ۱۱ شعبان المعظم سال ۱۴۰۴ق وفات یافته و در گورستان جدید اصفهان موسوم به باغ رضوان

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۵، ص۳۲۳؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۳۲۸؛ بزم معرفت، صص ۱۳۲ و ۱۳۳.

مدفون گردید.(۱)

عبداللّه ارباب*

عبـداللّه ارباب فرزند علی پناه، خوشـنویس هنرمند قرن چهاردهم هجری. خط نسخ را خوش می نوشت و مردی مؤمن و صالح بود. برادرش حـاج آقـا رحیم اربـاب از اعاظم علماء و مجتهـدین اصـفهان است. مرحوم مهـدی بیانی سه اثر از نمونه کتابت او معرفی کرده است:

۱. «التّحفه القوّامیّه» در ۲ جلد که در رجب ۱۳۴۷ق به خط نسخ و رقاع خوش نوشته است. ۲. «نامه حضرت امیر به مالک اشتر» به خط نسخ خوش در سال ۱۳۴۴ق نوشته شده است.۳. «دعای تعقیب صلاه صبح» به خط نسخ خوش در محرم ۱۳۵۴ق.(۲)

او در ۱۶ ذیقعده ۱۲۹۸ق متولّـد شده و در ۲۰ جمـادی الاولی ۱۳۷۹ق وفـات یافته و در تکیه مقـدس واقع در قبرسـتان تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

استاد جلال الدّین همائی (سنا) این دو بیت و مادّه تاریخ را برای وفات او سروده است:

چو عبداللّه ارباب از جهان گشت روان زی بارگاه رب الارباب

به شمسی سال تاریخش «سنا» گفت بر حق رفت عبداللّه ارباب

برادر دیگرش حاج عبدالعلی هم از نیکمردان و صلحای روزگار بوده که در ماه

۱- تاریخ علمی و اجتمـاعی اصــفهان، ج۲، ص۳۲۶؛ خاندان شـیخ الاسـلام اصـفهان، صـص ۱۶۲ و ۱۶۳؛ مزارات اصـفهان، ص۱۱۶.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹؛ فرهنگ ایران زمین، ج ۳۰، ص۵۷۳.

رجب ۱۳۸۴ق وفات نموده و جنب برادر بزرگوارش در تکیه مقدس مدفون شد.(۱)

عبداللّه اشترجانی اصفهانی

عبداللّه اُشتُرجانی لنجانی اصفهانی معروف به «عبدا» فرزند شیخ محمّدعلی طبعی، از شعراء و سخنوران اصفهان در قرن یازدهم هجری است. شاعر عاشق پیشه و دردمندی بوده و «عبدی» تخلّص می نموده است.(۲) نستعلیق را خوش می نوشته و به مطالعه و کتابت و تتبع دواوین شعرای متقدّم علاقه داشته است. او نسخه ای از «دیوان ابن یمین» را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۲۳۷۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است.(۳)

از اوست:

سیل اشکم گرهی در دل جیحون زده است تیر آهم به صف چرخ شبیخون زده است

لاله از خجلت هم چشمی داغ دل من زین چمن خیمه برون بر دل هامون زده است

عبداللّه سیچانی

عبداللّه بن محمّدعلی سیچانی اصفهانی، نویسنده و نسخ نویس [در قرن یازدهم هجری] در روز پنج شنبه ۴ رجب ۱۰۵۶ق از نوشتن کتاب «مونس العابدین» یا «ترجمه نیک بختیه» فراغت حاصل نموده است. این کتاب ترجمه «مصباح» کفعمی و

۱- مجموعه ارباب معرفت، صص ۷۸ و ۷۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۶۰۲.

۳- فهرست مجلس، ج ۸، ص ۸۴.

مترجم: محمود بن میرزا علی است و کاتب آن را جهت آقا نیک بخت نوشته است. نسخه به شماره ۲۹۰۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

[«سیچان» از قرای ناحیه «بَرزرود» جی اصفهان در ساحل جنوبی زاینده رود بوده و اکنون به شهر پیوسته و در شمار محلات جنوبی اصفهان است.]

سیّد عبداللّه مازندرانی شاهاندشتی

سیّد عبداللّه بن میرزا محمّدعلی بن سیّد محمّد بن سیّد عبداللّه (موسوی شاهاندشتی مازندرانی) عالم فاضل [از علمای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه] در اصفهان نزد علمای اعلام میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی و دیگران به تحصیل پرداخته و سال ها امام مسجد قطبیه بوده است.(۲)

سیّد عبداللّه شیدای چالشتری

سیّد عبداللّه چالشتری چهارمحالی متخلّص به «شیدا» فرزند سیّد محمّدعلی شاکر [از شعرای معاصر چهارمحال] در سال ۱۲۹۶ق در چالشتر متولّد شده و تحصیلات مقدّماتی را نزد ملاّ علی فاضل معروف به «جناب» جدّ مادری خویش به انجام رسانیده [و در جوانی نزد احمدخان سالار ریاحی به منشی گری و رتق و فتق امور مشغول شد. پس از آن سال ها در اصفهان ساکن بود و در انجمن های ادبی این شهر خصوصا انجمن مرحوم میرزا عباس خان شیدا شرکت می کرد] و اشعارش در دوره اوّل نشریه «دانشکده» به طبع می رسید. دیوان اشعار او چندین هزار بیت است. عاقبت در سنین کهولت به

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص ۱۷۵۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۴۳؛ گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۹۸.

زادگاه خود مراجعت نموده و در آنجا ساکن شد. از اوست:

جانا مرا به تیغ محبّت به ناز کُش قدرت که راست از تو طلب خونبها کند(۱)

عبداللّه اسدی اصفهانی*

ابومحمّد عبداللّه بن عمران بن ابوعلی اسدی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] از موالی سُراقه بن وهب اسدی اصفهانی است. جدّش ابوعلی در زمان خلافت مراوان بن عبدالملک به اصفهان آمد.

صاحب عنوان چندی در اصفهان به استماع حدیث مشغول بوده و آنگاه به ری رفته و آنجا ساکن شده است. از وکیع در تفسیرش و از ابو داود و یحیی بن ضریس و یحیی بن آدم و جریر و عثّام بن علی روایت کرده و ابوالعباس احمد بن اسحاق بن ابراهیم جوهری (حمویه ثقفی) از او نقل حدیث کرده است.(۲)

میرزا عبداللّه اشتهای گرجی

میرزا عبداللّه متخلّص به «اشتها» و «سرگشته» فرزند حاج فریدون گرجی اصفهانی، شاعر خوش ذوق قرن سیزدهم هجری.

از اعضاء انجمن ادبی ابوالفقراء بوده و به سبک بسحاق اطعمه (ابواسحاق نداف شیرازی) شعر می گفته و بیشتر اشعار او در وصف اطعمه و اشربه است. مرحوم عمان سامانی در قصیده انجمنیّه درباره او گوید:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۴؛ شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۵۱۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۴۴۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۲۲۲.

واندگر سرگشته آن بسحق دانشور که هست شعر روح افزایش حلوائی مذاق مرد و زن

مرحوم اشتها در سال ۱۲۴۵ق متولّد و در جوانی به سال ۱۲۸۹ق وفات یافته است. مرحوم میرزا عباسعلی خرم لنبانی در تاریخ وفات او گوید:

افسوس که اشتهای با فضل و هنر از ملك فنا سوی بقا کرد گذر

گفتا پی تاریخ وفاتش «خرم»: «افسوس که اشتها نداریم دگر»

دیوان اشعار او در اصفهان به چاپ رسیده است.(۱) [یک نسخه خطی از آن به خط حسن مصاحبی نائینی که در سال ۱۳۵۶ق کتابت شده است به شماره ۱/۸۸۳۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد.(۲)]

این شعر از اوست:

انتظاری مده ای دوست به خوان مهمان را گر پلو نیست بکش یخنی و آور نان را

نیم جانی است مرا در سر و در پا فکنم به کسی کآوردم مژده بادنجان را

اگر از نُقل بسازند مرا زنجیری همه عمر به جان می طلبم زندان را

آقا عبداللّه استرآبادی

آقا عبداللّه بن ملاّ محمّدقاسم بن ملاّ محمّدشفیع بن ملاّ محمّدعلی استرآبادی، عالم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۹۲ و ۲۹۳؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۱، صص ۱۳۵ و ۱۳۶؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۵۳؛ دیوان اشتها، صص ۴۷-۵۰.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۳۶۲.

فاضل [در اصفهان سکونت داشته و در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری زندگی می کرد.] زوجه اش دختر میرزا حیدرعلی شیروانی بوده است.(۱)

ملاّ عبداللّه تبریزی

ملاّ عبداللّه بن محمّدکاظم بن شاه محمّد تبریزی اصفهانی، عالم فاضل محقّق [از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. ظاهرا در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن بوده و سپس در نجف اشرف سکونت گزیده است و احتمالاً از شاگردان پدر خود و عمویش (مولی محمّدحسین بن شاه محمّد) بوده است.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اهداء الأهبه فی شرح النّخبه» به عربی «نخبه» از تألیفات فیض کاشانی است جلد سوم آن که در جمعه دهم جمادی الآخر ۱۱۵۳ق کتابت شده و نزد سیّد مهدی صدر در نجف اشرف موجود بوده است.(۲) [نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۱۵۶۳۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)] ۲. «حکم الشّعر فی الشّرع» که نسخه ای از آن در سال ۱۲۴۳ق کتابت شده و در کتابخانه شریعت اصفهانی به نظر علاّمه شیخ آقابزرگ طهرانی رسیده است.(۴) [۳. «شرح تجرید العقائد» به فارسی که جزء اوّل آن در سال ۱۱۱۶ق تألیف شده است.(۵) علاوه بر تألیفات فوق وی «الضوابط فی الشّک و السّهو و النّسیان» فیض کاشانی و چند رساله دیگر را در سال ۱۱۳۷ق در مدینه السادات زواره کتابت کرده که اکنون در کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نجف اشرف

۱- مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، ص۲۷۳.

۲- الذریعه، ج۱۴، ص۱۰۲؛ الکواکب المنتشره، ص۴۵۵؛ فهرست های خودنوشت فیض، ص ۲۸۰.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۵۱۴.

۴- الذریعه، ج۷، ص۵۳.

۵- تراجم الرّجال، ج۱، ص ۳۳۰.

موجود است.(۱)]

سیّد عبداللّه ثقه الاسلام

آقا سیّد عبداللّه ثقه الاسلام فرزند آقا سیّد محسن میرمحمّد صادقی بن میر محمّدباقر بن میر سیّد علی، عالم فاضل، فقیه اصولی، متکلم و رجالی محقّق [از دانشمندان اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

در ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۸۵ق [در محلّه نو] اصفهان متولّد گردیده و مقدمات علوم را در اصفهان نزد علمای این شهر آموخت. در سن هیجده سالگی به عتبات عالیات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، در آن ارض اقدس مدّتی نزد جمعی از دانشمندان تلمّذ نموده که از آن جمله است: میرزا محمّدعلی رشتی، میرزا محمّدحسن شیرازی، حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و آقا سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّدکاظم خراسانی. او اغلب تحصیلاتش نزد آخوند خراسانی بوده در سال ۱۳۳۰ق به اصفهان مراجعت نموده و به درس و بحث و اقامه جماعت اشتغال جست. در شعر فارسی و عربی مهارت داشته و گاهی به اقتضای حال اشعاری می سرود.

سرانجام در قبل از ظهر ۶ ماه صفر ۱۳۸۲ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی جنب تکیه ملک در تخت فولاد مدفون شد. [مادّه تاریخ وفات آن عالم ربانی را شاعر توانا استاد اعتمادی (برنا) گوید:

پی تاریخ فوتش گفت «برنا»: «مدرس یافته منزل بجنّت»]

۱۳۸۲

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- الکشکول: شیخ آقابزرگ طهرانی، چ کتابخانه مجلس، ص۲۲۳.

۱. «ارشاد المسلمین» در انساب سادات میر محمّـد صادقی [تاریخ تألیف: جمعه ۱۴ ربیع الثّانی ۱۳۴۵ق]۲. «انیس العارفین» در احوال برزخ و جنّت و نـار [در سال ۱۳۸۰ق چاپ شده است.]۳. «تقریرات اصولیه» اساتیدش۴. «حاشیه طهارت» شیخ [تا آخر غسل اموات]۵. «خلاصه الاصول» از مبعث الفاظ تـا مبحث تعادل و تراجیح۶. «رساله در اصول دین»۷. «رساله در لباس مشکوک»۸. «رساله در تقلید اعلم»۹. «رساله در عدالت»۱۰. «رساله در قاعده من ملک شیئا» ۱۱. «رساله در قاعده میسور» ۱۲. «رساله در وضو» طبق رساله شیخ اسماعیل مقری ۱۳. «رساله در طرق روایت خود و اجازه آنها به فرزنـدش فاضل بزرگوار آقا سیّد محمّدکاظم» ۱۴. کتابی در «مجازات معاصی» (حدود و دیات و تقریرات) ۱۵. «لؤلؤ الصّدف» در تاریخ نجف اشرف [که در ۱۳۷۹ق چاپ شده] ۱۶. «مبکی المؤمنین فی اندارس مذهب و الدّین» ۱۷. «مشکول» ۱۸. «مقتصر المقال» در علم رجال ۱۹. «نور الایمـان فی اغاصه بحر العرفان» در ردّ بابیه [۲۰. «عنصر المعال» در علم رجال ۲۱. «بیع المؤمنین» ۲۲. «مقالات سیاسی»(۱)]

عبداللّه بن معزالدّین محمّد

میرزا عبـداللّه بن میرزا معزالـدّین محمّـد، مردی فقیه و محـدّث اصولی بوده و پس از وفـات در قبرسـتان طوقچی مـدفون شـده است. او جـدّ سلسـله جلیله آقایـان مُعزّی ساکن اهواز و دزفول و کاظمین می باشـد. میرزا معزالـدّین محمّـد از علماء عهـد شاه طهماسب اوّل صفوی بوده است و اعقاب صاحب عنوان ظاهرا در فتنه افغان از اصفهان به

۱- ارشـاد المسـلمین، (خطی) ، ص۴۷؛ تذکره شـعرای معاصـر اصفهان، صص ۴۳۸-۴۴۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۲۶ و ۴۲۷؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۶۷۷-۲۶۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۴؛ الذریعه، ج۶، ص۲۹۷؛ ج۸، ص۱۰۰؛ ج۱۸، ص۳۸۲ و ج۲۴، ص۳۶۳؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۲۱۰؛ مصفی المقال، ص۲۴۵.

خوزستان مهاجرت کرده اند. اعقاب مرحوم میرزا عبداللّه تاکنون در خوزستان ساکن و از علماء و مدرسین آن سامان به شمار می روند. برخی دیگر از آنان در طهران و کاظمین ساکن و به ترویج احکام و اقامه جماعت و تدریس اشتغال دارند.(۱)

عبداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از محمّد بن سعید شافعی روایت می کند.(۲)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن محمّد اصفهانی، از اصحاب حضرت هادی علیه السلام است. در «ارشاد» مفید حدیثی از امام هادی علیه السلام به نقل از او نوشته شده است.(۳) در «حدیقه الشیعه» وی را از اصحاب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می شمارد.(۴) [بشار بن احمد که از روات شیعه است از او نقل حدیث کرده است.(۵)]

عبداللّه کَروَنی اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن ابراهیم بن یحیی کرونی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری] مفتی اصفهان. در بغداد نزد قاضی ابوالطّیب طبری درس خوانده و از جماعتی حدیث شنیده است. و ابوالقاسم غانم بن خالد بن عبدالواحد دقّاق اصفهانی از

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۳۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۱۶.

۲- میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۸۹.

۳- ارشاد، ص۳۰۷.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۷۶.

۵- تاریخ تشیع اصفهان، ص۱۹۳؛ معجم رجال الحدیث، ج۱۰، ص۳۰۲.

او روایت می کند.

فوت او به سال ۴۶۹ق بوده است.(۱)

عبداللّه قراطیسی اصفهانی

ابوالوفاء عبداللّه بن محمّد بن ابی الحسن کاغذی قراطیسی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابوطاهر احمد بن محمّد بن محمّد نقاش اصفهانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی در اصفهان استماع حدیث کرده است.(۲)

عبداللّه بشرویه ای خراسانی

عبداللّه بن حاج محمّد بشرویه ای خراسانی در ۱۵ رمضان ۱۰۵۸ق از کتابت نسخه ای از «مسالک الافهام» شهید ثانی در اصفهان به خط نسخ و نستعلیق فراغت یافته و نسخه به شماره ۱۷۲۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن محمّد اصفهانی [از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۳۵ق نسخه ای از «انوار التّنزیل» بیضاوی را به خط نسخ نوشته و کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۷۳ موجود است.(۴)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۷۹.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۲۶۳.

۴- فهرست گوهرشاد، ص ۲۲۱.

عبداللّه رویدشتی

ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن ابی القاسم بن احمد بن محمّد بن عبداللّه رویدشتی [از دانشـمندان گمنام قرن شـشم هجری] در تاریخ چهارشنبه ۲۸ رجب ۵۳۱ق کتاب «الایضاح» تألیف: قوام السّـنه اصـفهانی را به خط نسخ نوشـته و کتاب به شماره ۴۰۱۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

عبداللّه ثقفی اصفهانی

ابومحمّـد عبـداللّه بن محمّـد بن حسن بن اُسـید ثقفی [از محـدّثین عـامّه اصـفهان در قرن چهـارم هجری] مقبـول القول و کـثیر الحدیث بوده و در مدینه النّبی صلی الله علیه و آله حدیث گفته و در سال ۳۱۰ق وفات یافته است.(۲)

از ابومحمّـد نضـر بن هشـام بن راشـد مُکتب اصـفهانی روایت نموده و زیـد بن علی بن ابی هلاـل کوفی از او نقل حـدیث می نماید.(۳)

عبداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن زکریا بن یحیی بن ابوزکریا (اصـفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] مقبول و ثقه و صاحب مصنّفات کثیره بوده و در سال ۲۸۶ق وفات یافته است.

از سهل بن بکّار، محرز بن سلمه، ابوالولید، ابن جابر رملی، محمّد بن بکر، اسماعیل بن

۱- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۹۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۷۰.

۳- میزان الاعتدال، ج۳، ص ۱۶۰.

عمرو بجلی و سعدویه روایت می کند و محمّد بن یحیی بن منده و ابوعبداللّه محمّد بن احمد بن بطه اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

عبداللّه ضَبّی اصفهانی

ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن سهل بن محمّد بن ازهر ضَبّی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] برادرزاده علی بن سهل صوفی [است] از ابراهیم بن مَتّویه، اسحاق بن جمیل، محمّد بن نُصَیر و جز آنان روایت حدیث کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از او استماع حدیث کرده است.

وی را کتابی است به نام «اصول». قبل از سال ۳۶۰ق وفات یافته است.(۲) و احتمالاً در بقعه علی به سهل مدفون شده است.

سیّد عبداللّه جزایری

سیّد عبداللّه بن سیّد محمد بن سیّد محمّدشفیع بن سیّد محمّد بن سیّد عبدالکریم بن سیّد محمّدجواد بن سیّد عبداللّه بن سیّد نورالدّین بن سیّد نعمت اللّه محدّث جزائری موسوی شوشتری [از فضلای قرن چهاردهم هجری] از علماء و ائمه جماعت اصفهان متوفی در جمعه ۴ ربیع الثانی ۱۳۵۷ق.(۳)

عبداللّه اصفهانی

ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن شهمردان اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] صاحب تفسیر [است.] بعد از سال ۳۴۰ق وفات یافته است. وی از

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۶۱؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۴۳؛ احقاق الحق، ج۹، ص۲۲۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۲۵.

۳- الذریعه، ج۷، ص۱۱۱.

طاهر بن اسماعیل خَثعَمی روایت می کند.(۱)

عبداللّه حَسّاب اصفهانی

مولی عمادالدّین عبداللّه بن محمّد بن عبدالرّزاق [حَسّاب] اصفهانی، از دانشمندان ریاضی در قرن هفتم هجری است که در سال ۶۷۵ق کتاب «الفوائد البهائیه فی قواعد الحساب الهوائیه» را به نام: خواجه بهاءالدّوله شمس الدّین صاحب دیوان جوینی در اصفهان تألیف نموده است.

مراد از حساب هوائی، حساب به وسیله فکر و دست بدون استفاده از آلات و نوشتن ارقام می باشد.(۲)

عبداللّه دارکی اصفهانی

عبداللّه بن محمّد بن عبدالعزیز دارکی اصفهانی از محدّثین قرن چهارم هجری و منسوب به قریه «دارک» از بلوک قَهاب جِی اصفهان است.(۳)

عبداللّه زهرانی

عبداللّه بن محمّد بن عبدالعزیز زهرانی (اصفهانی) [از محدّثین اصفهان] از جعفر بن سلیمان روایت نموده و اباالحسن احمد بن ابراهیم از او نقل حدیث کرده است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۸۹.

۲- الذریعه، ج۱۶، صص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ الانوار السّاطعه، ص۹۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۰۷.

۳- طبقات الشّافعیه، ص۳۱؛ معجم البلدان، ج۲، ص۴۲۳.

۴- احقاق الحق، ج۱۶، ص۱۵۱.

عبداللّه بن محمّد

عبداللّه بن محمّد بن عبداللّه [از فضلای قرن سیزدهم هجری] در جمادی الاولی سنه ۱۲۶۶ در دارالسلطنه اصفهان مجموعه ای از «تحریر اکر» و «تحریر کتاب المناظر» و «تحریر تکسیر الدّایره» را جهت خود کتابت نموده و این مجموعه به شماره ۵۴۲۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

سیّد عبداللّه شمس آبادی

سیّد عبداللّه بن سیّد محمّد بن سیّد عبداللّه بن سیّد اسماعیل بن سیّد حسین موسوی شاهاندشتی مازندرانی، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری] امام مسجد قطبیه اصفهان.(۲)

ملاّ عبداللّه هرندی

حاج ملاّ عبداللّه هرندی معروف به (حاج آقا) فرزند میرزا محمّد بن حاج ملاّ عبداللّه بن حاج محمّدهادی بن حاج محمّدظهیر بن حاج محمّدسمیع هرندی، عالم فاضل، در حکمت و کلام زحمت ها کشیده و خدمت اساتید از جمله آخوند کاشی رسیده [و صاحب علم و فضل و تقوا بود] در مسجد محلّه شهشهان اقامه جماعت می فرموده و در ۱۴ رجب سال ۱۳۴۹ق وفات یافته و در تکیه ملک جنب قبر استادش آخوند ملاّ محمّد کاشی در تخت فولاد مدفون گردید.(۳) [پس از توسعه تکیه شهدا و خراب شدن تکیه ملک، مزار او هم از بین رفت.]

۱- فهرست رضوی، ج۸، ص۳۶۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۳.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۳.

عبداللّه رفاعی اصفهانی

ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن عبداللّه رفاعی اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری] در جمادی الاولی ۴۳۴ق در واسط بوده و مغازلی: علی بن محمّد شافعی مؤلف: «مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام » از او روایت می کند و ابوالقاسم رفاعی از حسن بن احمد و عبدالغفار بن محمّد بغدادی نقل حدیث کرده است.(۱)

عبداللّه اسدی خطیبی

ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن عبیداللّه بن علی بن جعفر بن رزیق اسدی مصری حنیعی معروف به «خطیبی» اصفهانی. [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

در دوشنبه ۲۸ ربیع الآخر سال ۴۴۸ق در خاندان علم و قضا متولّد شده و خطیب مسجد جامع کبیر عتیق اصفهان بوده است.

ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده و از او به عنوان: «کان شیخا فاضلاً عالما حسن السیره، جمیل الامر، ثقهٌ صالحا من اهل الدّین» یاد کرده است.

خطیبی از ابوالطّیب عبدالرّزاق بن شمه، ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی، ابوالفضل عبدالواحد بن احمد بن محمّد بن صالح مقری و جز آنان حدیث شنوده [است.]

فوت او در ربیع الآخر ۵۳۳ق واقع شد.(۲)

۱- احقاق الحق، ج۵، ص۸۹ و ج۱۶، ص۱۷ و ج۱۷، ص۵۶۵.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص۳۷۸.

عبداللّه باوردی

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن عقیل باوردی (ابیوردی) خراسانی [از محدّثین معتزلی مذهب در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری.]

یاقوت حموی گوید: معتزلی و غالی مذهب بوده و در اصفهان سکونت نموده و بعد از سال ۴۲۰ق وفات یافته است.(۱) مؤلّف: میزان الاعتدال» گوید: «کان من بقایاء الشّیوخ باصفهان. ادرکه ابومطیع. قال عبدالرّحمان بن منده قال لی: من لم معتزلیّا فلیس بمسلم»(۲)

عبداللّه قاضی

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن عمر بن عبداللّه بن حسن قاضی (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از عبدان و جعفر بن احمد بن سنان و عبداللّه بن محمّد بن عباس روایت نموده و در ۲۱ ربیع الاولی سال ۳۶۲ق وفات یافته است.(۳)

عبداللّه کرابیسی نیشابوری

ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن محمّد بن احمد بن محمود بن حریس بن صالح بن ازهر بن عبداللّه بن عامر کزیری کرابیسی اصفهانی نیشابوری سمسار [از محدّثین عامّه است. در اصفهان سکونت داشته و سپس به نیشابور رفته و در محلّه سحور سکونت گزیده است.]

از ابوعمرو بن حمدان، ابی یعلی زبیری، ابی الحسن بحیری، ابی سعید رارانی، ابی بکر طرازی، ابی الحسن صبغی، ابی بکر بن مهران و هم طبقه آنان از محدّثین اصفهان حدیث شنیده و ابوصالح مؤذن از او روایت می کند.(۴)

۱- معجم البلدان، ج۱، ص۳۳۳.

۲- میزان الاعتدال، ج۲، ص۷۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۷۶.

۴- تاریخ نیسابور، ص۴۳۶.

نجم الدّین عبداللّه اصفهانی

شیخ نجم الدّین عبداللّه بن محمّد بن محمّد بن علی اصفهانی شافعی [از محدّثین عامّه در قرن هفتم و هشتم هجری.] از اکابر عرفای قرن هفتم هجری است. در سال ۶۴۳ق متولّد شده و مردی عابد و صالح بوده و پس از تحصیل به تصوّف مایل گشته و مردم به وی اعتقاد زیاد داشته اند. او از شاگردان ابوالعبّاس احمد بن عمر مُرسی انصاری اسکندری بوده است. او پس از وفات استادش ابوالعباس مُرسی به مکّه معظّمه مشرف شده و بیست و چند سال در آنجا مجاورت نموده و در این مدّت هرگز به زیارت مدینه منوّره مشرّف نشد! عاقبت در ماه جمادی الآخر ۷۲۱ق در مکّه وفات یافت و در نزدیکی مزار فضیل بن عیاض مدفون شد. «الوجیزه» در فقه از تألیفات اوست. یافعی در «مرآت الجنان» حکایات و کراماتی از وی نقل می کند. طالبین مراجعه کنند.(۱)

عمو عبداللّه سقلا

عمو عبداللّه سقلا بن محمّد بن محمود. شیخ عارف و صوفی زاهد [از عرفای قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری] در ۱۷ ذیحجه ۷۱۶ق وفات یافت. قبرش در مقبره معروف به منارجنبان [واقع در قریه «کارلادان» از قراء ناحیه ماربین] اصفهان است. شرح حال او مانند بسیاری دیگر از عرفاء و دانشمندان مجهول است.

مقبره او جزو آثار باستانی اصفهان است و مناره های او حرکت کردن یکی از آنها به حرکت دادن دیگری مشهور است و علّت آن را دانشمند بزرگوار جناب آقای معزّالدّین مهدوی که از فضلای معروف و نویسندگان نامدار می باشد در رساله ای به نام

۱- شدّ الازار، (حواشی) ، ص۴۷۴؛ مرآت الجنان، صص ۲۶۱-۲۶۵؛ الدرر الکامنه، ج۲، صص ۴۰۱ و ۴۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۵.

«منارجُنبان اصفهان» تشریح نموده اند.(۱)

عبداللّه اصفهانی

ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن نعمان اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از ابونعیم فضل بن دکین روایت می کند و ابوبکر بن قباب (ابی فورک) از او نقل حدیث می نماید.(۲)

عبداللّه تمیمی اصفهانی

قاضی ابوبکر عبداللّه بن محمّد تمیمی اصفهانی از فقهاء و محدّثان قرن ششم هجری است. ابوعلی حسن بن حسین بن جعفر خطیب دینارآبادی از او روایت می کند.(۳)

عبداللّه بن معاویه

جناب عبداللّه بن معاویه بن عبداللّه الجواد بن جعفر طیّار، مدّتی در اصفهان بوده و بعدا به خراسان رفته و آن جا در سال ۱۳۱ق به دستور ابومسلم خراسانی در شهر هرات در زندان شهید شده است. عبداللّه مردی شاعر، ادیب، شجاع و بخشنده بود. این شعر معروف از اوست:

وَ عَینُ الرِّضا عَن کُلّ عَیبٍ کَلیلَه ولکن عَین السخْطِ تُبدی المَساویا

در قریه آفاران [که اکنون به شهر پیوسته و جزو محلّه های غرب شهر اصفهان است[امامزاده ای موجود است که شاهزاده عبداللّه می گویند و آن را جناب عبداللّه بن معاویه بن

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۲۷۹ و ۲۸۰؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، صص ۲۱ و ۷۶.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۶۴.

۳- بزرگان و سخن سرایان فارس، ج۱، ص۱۵۶؛ معجم البلدان، ج۲، ص۵۴۵.

عبداللّه الجواد بن جعفر طیّار علیه السلام می دانند. تا چندین سال قبل در جلو مقبره بازارچه ای و در سمت شمال آن آثار گورستانی قدیمی وجود داشت که در سال های اخیر گورستان تبدیل به مدرسه و خانه شده و بازارچه برای کشیدن خیابان خراب گردید و اکنون جاده اصلی شهر به رهنان می باشد و امامزاده در سمت جنوب خیابان قرار دارد و بر آن گنبدی عالی با کاشیکاری مردمان خیّر و نیکوکار و متدیّن ساخته اند و از این راه محبّت و دوستی خود را نسبت به خاندان عصمت و طهارت ثابت گردانیده اند.(۱)

[عبداللّه بن معاویه در کوفه قیام کرد و چون از والی آن شهر شکست خورد، فرار کرد و جمعی را با خود همراه ساخت و به سال ۱۲۷ق به شهرهای کوفه، بصره، همدان، ری، قم، قومس، اصفهان و فارس دست یافت و اصفهان را پایتخت خود قرار داد. سفّاح و منصور عباسی به همراه عدّه ای از بنی هاشم نزد وی آمدند. مروان بن محمّد لشکری انبوه به فرماندهی عامر بن ضباره به جنگ عبداللّه فرستاد. عبداللّه چون سستی یاران خود را دید به خراسان نزد ابومسلم فرار کرد و به دستور وی در زندان کشته شد.(۲)]

عبداللّه اصفهانی

عبداللّه بن نُمرذ اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از ابراهیم بن محمّد بن حارث معروف به «ابراهیم بن نائله» روایت می کند و محمّد بن علی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

۱- مزارات اصفهان، صص ۴۸-۵۰؛ الاعلام، ج۴، ص۱۳۹؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲ ص۴۲؛ عمده الطالب، ص۲۲؛ الفخری، ص۱۹۲؛ المجدی، ص۲۹۷؛ مقاتل الطالبیین، ص۱۸.

۲- مزارات اصفهان، ص ۵۰، (تعلیقات دکتر اصغر منتظرالقائم) .

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۵.

عبداللّه محیط سامانی

عبـداللّه سامـانی متخلّص به «محیط» فرزنـد نوراللّه عمّان سامانی [بن عبـداللّه ذرّه سامانی، از شـعرای قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۹۰ق متولّد شـده و نزد پدر و دیگران آداب شاعری و فنون ادب بیاموخت و پس از فوت پدر به شـرحی که در تاریخ چهارمحـال مـذکور است لقب تـاج الشّـعرایی یـافت. مردی با اطلاع و خوش مجلس بوده و در اواخر عمر دچار فقر و پریشانی شـده و بالاـخره در اواسط جمادی الاولی سال ۱۳۵۵ق وفـات یـافت و در بالای قبر دهقان در سامان مـدفون شـد. [مادّه تاریخ وفاتش را جلال فرزانه چنین گفته است:

رقم زد ز پی تاریخ کلکِ «فرزانه»: «محیط رحمت حق شد محیط عمانی»

۱۳۵۵

این بیت از اشعار اوست:

بهر دل بگذشتن از جان کار مردان است و بس هر که در این ره قدم بنهاد مرد آن است و بس(۱)]

عبداللّه اسفیذباآنی اصفهانی

ابویحیی عبداللّه بن ولید قسام اسـفیذباآنی اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن سوم هجری.] از اهالی قریه «اسپیدباآن» اصـفهان بوده و از ابوالحسـین محمّـد بن بُکیر بن واصل حضـرمی و علی بن قرین بن نَهَیش اصـفهانی روایت نموده و فرزندش ابوزکریا یحیی از او نقل حدیث کرده است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۳۱؛ شناخت سرزمین چهارمحال، ج ۲، صص ۶۱۴-۶۱۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۱۵۵؛ طبقات المحدّثین، ج ۳، ص ۱۰۵؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۸۰؛ المشترک، ص ۲۳.

ملاّ عبداللّه هرندی

ملاّ عبـداللّه هرندی فرزند حاج محمّدهادی بن حاج محمّد ظهیر بن حاج محمّدسـمیع هرندی، عالم فاضل [فقیه محقّق و مفسـر متبحّر از دانشـمندان قرن سیزدهم هجری] در حـدود سـال ۱۱۷۸ق متولّـد شـده و در هرنـد اصـفهان تحصـیل کرد او در سـال ۱۲۵۶ق وفات یافته و در امامزاده اسحاق هرند مدفون شد.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «دلائل الدّین» در اصول دین، به فارسـی، در یک مقدّمه و ۹ باب و یک خاتمه، جلـد اوّل آن به خط محمّدعلی بن محمود هرندی که در سال ۱۲۳۵ق کتابت شده به شماره ۱۸۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی و نسـخه ای دیگر از جلد اوّل، به خط محمّـدحسن بن ملاّ علی هرنـدی که در سال ۱۲۳۵ق کتابت شده به شـماره ۴۶ در کتابخانه مـدرسه صدر خواجو در اصـفهان موجود است. همچنین دو نسـخه به شـماره های ۳۲۳۸ و ۲۴۵۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی و نسـخه ای به شـماره ۱۴۲۱ در کتابخانه مسـجد گوهرشاد مشـهد نگهـداری می شود.(۲) ۲. «مجمـع الاسـرار القرآن» ۳. «نـور القبور» در کلاـم از روی آیـات قرآن، که نسخه آن به شماره ۶۲۹ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

۱- رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۱۴۳؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۷؛ مکارم الآثار، ج۵، صص ۱۵۳۱ و ۱۵۳۲؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۸۳؛ الکرام البرره، ج۲، ص۷۹۱.

۲- فهرست گلپایگـانی، ج۱، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ فهرست صـدر خواجو، ص۴۱؛ فهرست مرعشی، ج۷، ص۴۷ و ج۹، ص۳۳؛ فهرست گوهرشاد، ص۱۱۵.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۴۲۶.

میرزا عبداللّه محزون

میرزا عبداللّه متخلّص به «محزون» فرزند محمّدهادی عالم فاضل و ادیب زاهد شاعر [از ادباء و فضلای قرن دوازدهم هجری] از احفاد شاه عباس ثانی صفوی بوده و در سال ۱۱۷۱ق وفات یافت. قبرش در قبرستان آب بخشان بوده است.(۱)

[او کتاب «معین الطّلبه» تألیف: محمّدرضا سبزواری را در دوشنبه ۱۰ شوال ۱۲۷۱ق کتابت نموده و به شماره ۸۶۸۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

به نظر می رسد در نقل قول تاریخ وفات از سنگ مزار میرزا عبداللّه محزون اشتباهی رخ داده است.]

سیّد عبداللّه حالی اصفهانی

سیّد عبداللّه حائری اصفهانی متخلّص به «حالی (حسابی) » فرزند سیّد یحیی، [از شعراء و فضلای قرن دوازدهم هجری] از سادات حائری و صاحب فضایل و کمالات باطنی و ظاهری بوده، خط نسخ را نیکو می نوشته و شعر خوب می گفته [است [دیوانش قریب پنج هزار بیت بوده و به سنّ کهولت در سال ۱۱۲۶ق در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک مسجد مصلی مدفون شده است.(۳)

[این بیت از اوست:

زبان خموش و بردن رازم از دل افتاده است ز شمع کشته ام آتش به محفل افتاده است]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۷.

۲- فهرست رضوی، ج۱۲، ص۴۴۲.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۸۹ و ۷۹۷؛ تذکره المعاصرین حزین، ص ۱۹۰؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۸۷؛ صحف ابراهیم، ص۱۱۲؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۶۷۱.

خواجه عبداللّه اصفهانی

خواجه عبداللّه بن رئیس یوسف اصفهانی [از مردان نیکوکار قرن دهم هجری] بانی مسجد کوچکی مقابل امامزاده شوری (امامزاده عبداللّه) در محله دردشت در سال ۹۱۹ق [است.(۱)]

عبداللّه صوفی اردستانی

ابومحمّد عبداللّه بن یوسف بن احمد بن بامویه (بابویه) [صوفی] اردستانی اصفهانی [از محدّثین مشهور و عرفای نامدار قرن چهارم هجری.]

در سال ۳۱۵ق متولّد شده و در طلب حدیث و کسب علم به هرات، جبال، عراق و حجاز سفر کرده و سال ها در نیشابور بود در مکّه مصاحبت اباسعید بن اعرابی را دریافته و از او حدیث اخذ کرده و در نیشابور به خدمت شیخ اباالحسن پوشنگی (بوشنجی) رسیده و از محضر او بهره گرفته است. همچنین از ابوبکر احمد بن سعید بن فرجیح، ابوبکر محمّد بن عبیداللّه بن فتح (در بغداد) ، ابوبکر محمّد بن حسن بن حسین قطّان، ابوسعید اصفهانی، محمّد بن حسن، محمّد بن عبداللّه و بُکیر بن احمد بن سهیل صوفی روایت می کند.

ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، عبدالرّحمان بن محمّد، محمّد بن اسماعیل بن محمّد قرشی، [ابوبکر بغدادی و ابوبکر احمد بن علی بن خلق شیرازی] از او نقل حدیث کرده اند.

او در ماه رمضان ۴۰۹ق در نیشابور وفات یافته و در همانجا مدفون شد.(۲)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۸۶۲ و ۸۶۳.

۲- احقاق الحق، ج۶، ص۱۹۵ و ج۴، ص۳۲۸ و ج۹، ص۵۱۳ و ۴۸ و ج۱۴، صص ۶، ۸ و ۸۳ و ج۱۵، ص۳۸۳؛ مناقب خوارزمی، صص ۲۲ و ۸۵؛ تبیین کذب المفتری، ص۴۲۴؛ معجم البلدان، ج۱، ص۱۴۶؛ المختصر من کتاب السیّاق لتاریخ نیسابور، ص۱۶۱؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۶۱ و ۲۶۵.

عبداللّه تبریزی

عبداللّه تبریزی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و «حواشی بر قوانین» از آثار او در کتابخانه دانشمند گرانمایه آقای دکتر احمد تویسرکانی در اصفهان موجود است.

عبداللّه تویسرکانی

عبداللّه تویسرکانی [کاتب نسخ نویس] در روز دهم ذی القعده در اصفهان کتاب «خمسه ضروریّه» تألیف مولی محمّدجعفر بن محمّدطاهر خراسانی [معروف به آخوند کرباسی] را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۳۲۵ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

عبداللّه حسینی*

عبداللّه حسینی، از خوشنویسان اصفهان در قرن دوازدهم هجری است. او کتیبه اطراف محراب کوچک ایوان جنوبی مسجد خان در محلّه احمدآباد اصفهان را در سال ۱۱۲۴ق نوشته است.(۲)

۱- فهرست وزیری، ج۳، ص۹۲۸.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۰۸.

ملاّ عبداللّه خوانساری

آخوند ملاّ عبداللّه خوانساری، از منبریان معروف و روضه خوانان مشهور اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] بوده و در شدّت مرض نیز ترک ذکر مصیبت ننموده، در روز ۷ محرم سال ۱۲۹۲ق وفات یافته در تکیه آباده ای در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفاتش را «پرتو» شاعر گوید:

از پی تاریخ آن «پرتو» سرود: «یا حسینی گفت پس دم در کشید»(۱)

سیّد عبداللّه رعنای اصفهانی

سیّد عبداللّه متخلّص به «رعنا» از شعرای اصفهان در اوایل حکومت پهلوی است. از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود و غزل را نیکو می سرود.

از اوست:

شبی از دو زلف تو مو، بفتد اگر که به چنگ ما به نشاط و رقص و طلب شود، دل و جان به نغمه چنگ ما

تو اگر ز باده و زعفران،طلبی نشاطی و عشرتی بنگر به سرخی لعل او، بنگر به زردی رنگ ما(۲)

سیّد عبداللّه رفیعی علویجه ای

حاج سیّد عبداللّه رفیعی علویجه ای (حسنی حسینی طباطبائی) اصفهانی، عالم فاضل

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۱۵.

[از علمای قرن چهاردهم هجری.]

در خوانسار و اصفهان تحصیل کرده و در زادگاه خود «علویجه» به ترویج و تبلیغ دین پرداخته و پیشوای دینی اهالی بلوک عربستان کَروَن بود. وی بانی چند مدرسه و حسینیه و مسجد در علویجه است. وفاتش در حدود سال ۱۳۹۶ق یا ۱۳۹۷ق واقع شد.

خواهرزاده اش آقا سیّد اسماعیل رفیعی عالمی جلیل و فاضل بوده و در نجف اشرف تحصیل کرده بود و عاقبت در سال ۱۳۷۲ق در شط العرب غرق شده و وفات یافت. مسجد آقا سیّد اسماعیل [ظاهرا در علویجه] از آثار خیریه اوست.

شیخ عبداللّه قاضی

شیخ عبداللّه قاضی، عالم فاضل، از مشایخ بیدآباد اصفهان در محرم ۱۲۹۱ق وفات یافته و در رواق کربلا جنب ضریح حبیب بن مظاهر مدفون گردید.(۱)

ملاّ عبداللّه قمیشه ای

ملاّ عبداللّه قمیشه ای از علمای اخیار. متوفی به سال ۱۲۶۱ق. قبرش در صحن تکیه آقا حسین خوانساری.(۲)

عبداللّه کاتب اصفهانی*

عبداللّه کاتب اصفهانی، از کاتبان و خوشنویسان هنرمند قرن نهم هجری است. وی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۲۰؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۹۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۱۰.

نسخه ای از «جامع التّواریخ» تألیف: ملاّ تاج الدّین حسن شهاب منجم یزدی (ابن شهاب) را در سال ۸۸۰ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۱)

شیخ عبداللّه گیلانی

شیخ عبداللّه گیلانی [از علمای قرن دوازدهم هجری] فاضل نحریر به غایت ستوده خصال بود. در اواخر عهد صفویه در اصفهان وفات یافته است.(۲)

[وی در سال ۱۱۵۰ق وفات یافته و شیخ محمّدعلی حزین در رثای او قصیده ای گفته که مادّه تاریخ آن این بیت است:

چون مردمک چشم جهان بود ز عرفان گفتم پی تاریخ که «بینش ز جهان رفت»(۳)]

۱۱۵۰

عبداللّه مصوّر*

عبداللّه مصوّر، نقاش و قلمدان ساز اهل اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. وی در رنگ و روغن و آبرنگ و تذهیب کاری مهارت داشته و در حدود سال ۱۳۵۰ق در اصفهان درگذشته است.

این نقاشی ها از آثار اوست:

۱- تاریخ افضل، مقدمه، صص ۴-۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۷۹۰؛ تاریخ و سفرنامه حزین، ص۲۳۷.

۳- تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۳۸۷ و ۳۸۸ (تعلیقات) ؛ دیوان حزین لاهیجی (تصحیح بیژن ترقی) ، ص۶۰۵.

۱. تصویر حضرت علی علیه السلام سال ۱۳۳۰ق ۲. قلمدان جعبه ای، موجود در مجموعه آقای کریم زاده تبریزی ۳. منظره غدیرخم(۱)

ملاّ عبداللّه معلّم اصفهانی

ملاّ عبداللّه معلم اصفهانی، خطاط و خوشنویس نسخ و نستعلیق و شکسته [در قرن دوازدهم هجری] در ذیحجه ۱۱۱۳ق از کتابت نسخه ای از «قرآن کریم» فراغت یافته و این نسخه به شماره ۱۵۱۷ در گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۲)

عبداللّه مغموم بروجنی

عبداللّه برجیان متخلّص به «مغموم» از شعرای معاصر در سال ۱۳۱۲ق در «بروجن» [از توابع چهارمحال و بختیاری] متولّد شده. مطابق سبک زمان و مکان تحصیلاتی نموده و خط خوبی دارد. مدّتی کارمند دارایی محل بوده و [سپس] از آن کناره گیری کرده به مشاغل آزاد روزگار می گذرانید. اشعار بسیاری گفته [است.] این چند بیت در توحید ضمن منظومه ای از او، نوشته شد:

هر که گردد بنده فرمان او در دو عالم می شود او کامجو

بنده اش شو تا شوی شاه جهان شو گدایش تا نگردی ناتوان(۳)

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۳۷۴.

۲- راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۹۲.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۶۰؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

شیخ عبداللّه موسیانی اصفهانی*

شیخ عبـداللّه موسـیانی اصـفهانی، از علمـای معاصـر، عـالم ربـانی و فقه صـمدانی، مجتهـد عالیقـدر در سال ۱۳۳۰ق در قریه «موسیان» متولّـد شـده و پس از تحصـیلات مقـدماتی راهی شـهر مقدس قم شد و نزد حضـرات آیات: سـیّد محمّدحجت کوه کمری، حـاج شـیخ عبـدالکریم حـائری یزدی، سـیّد محمّـدتقی خوانسـاری، حـاج آقـا سـیّد حسـین طباطبائی بروجردی، شـیخ محمّدعلی حائری قمی (صاحب حاشـیه بر کفایه) ، شـیخ ابوالقاسم کبیر قمی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و میرزا محمّدحسین غروی نـائینی (هنگـام اقـامت اجبـاری ایـن دو بزرگـوار در قـم) ، و آقـا شـیخ محمّـدرضا نجفی اصـفهانی و همچنین آقـا سـیّد محمّدرضا گلپایگانی کسب فیض نموده و فقه و اصول را فراگرفت.

او در قم ساکن بود و از راه وعظ و خطابه و خرید و فروش کتاب امرار معاش می کردو هرگز از سـهم امام علیه السلام استفاده نمی کرد. عالمی مقدس و وارسته و در کمال زهد و تقوا و در فقاهت صاحب علم و بصیرت بود.

او سرانجام در سال ۱۴۲۵ق (مطابق با ۱۳۸۳ش) وفات یافته و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون شد.(۱)

شیخ عبداللّه میثمی*

شیخ عبداللّه میثمی، از روحانیان مبارز و انقلابی معاصر در سال ۱۳۳۴ش. در محلّه مسجد حکیم اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود در دبسـتان و دبیرسـتان را در اصـفهان طی کرد و برای تحصیل در حوزه علمیه به قم رفت و در مدرسه حقّانی نزد اساتید حوزه

۱- گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۷۶ و اطلاعات متفرقه.

حاضر شد.

او در پی مبارزات سیاسی علیه رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۴ش دستگیر و زندانی شد و پس از یک سال و نیم به اصفهان منتقل شد و به قم بازگشت و نزد حضرات آیات: قدوسی، خزعلی و حائری شیرازی ادامه تحصیل داد.

او پس از پیروزی انقلاب به سپاه پیوست و برای مبارزه با گروه های مسلح ضدّ انقلاب راهی کردستان شد. مدّتی بعد برای تبلیغ و پیشبرد اهداف انقلاب به یاسوج رفت و به مردم محروم کهگیلویه و بویراحمد خدمات ارزنده ای نمود. او پس از آن از سوی امام خمینی به نمایندگی امام خمینی در سپاه منطقه ۹ کشور منصوب شد و مدّتی بعد به عنوان نماینده امام در قرارگاه عملیاتی خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله منصوب شد و در فرماندهی عملیات های رزمندگان در جنگ با عراق نقش فعّالی را ایفا کرد.

شیخ عبداللّه میثمی چند هفته پس از عملیات رزمندگان ایرانی در شرق بصره (عملیات کربلای ۵) در روز ۱۲ بهمن ۱۳۶۵ش به شهادت رسید و در تکیه شهدای شهر اصفهان به خاک سپرده شد.(۱)

عبداللّه نقاش باشی اصفهانی

عبداللّه خان نقاش باشی اصفهانی [از نقاشان هنرمند قرن سیزدهم هجری] در «تاریخ قم» موسوم به «مختار البلاد» گوید که: سنگ قبر مرحوم فتحعلی شاه قاجار که تمثال او را نقش نموده اند و در قم می باشد از آثار اوست.(۲)

۱- سخن شمع خاتم، صص ۱۳-۱۸؛ شمع محفل خاتم، صص ۱۹-۵۱.

۲- مختار البلاد، ص۱۰۸.

ملاّ عبداللّه یزدی

ملاّ عبداللّه یزدی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. از شاگردان علاّمه مجلسی است [در اصفهان ساکن بوده و] علاّمه در اجازه ای که جهت او صادر فرموده، مشارٌ الیه را بدین گونه وصف نموده است: «الاخ الایمانی و الخلیل الرّوحانی جامع مکارم الشیم بمعالی الهمم الآخذ بمجامع الورع و التّقی علی وجه الاتم المولی الرضی الزکی مولانا عبداللّه الیزدی ختم اللّه بالحسنی و جعل آخره خیرا من الاولی...»

مؤلّف «کشف الحجب» نام پدر او را حسین نوشته که محتاج به تحقیق بیشتری است.(۱)

عبدالمجیب اصفهانی

عبدالمجیب بن محمّد بن حسن بن عفیف اصفهانی، از ادباء و سرایندگان قرن هشتم هجری است. او مستزادی دارد که در جُنگی که فیلم آن به شماره ۵۷۳ در کتابخانه دانشگاه طهران می باشد، موجود است. این جُنگ مربوط به قرن هشتم هجری و مورخ ماه ذی الحجه ۷۴۲ق است.(۲)

عبدالمجید اصفهانی

ابومحمّد عبدالمجید بن ابی طالب بن طاهر بن رجاء بن عبدالواحد بن عبداللّه بن محمّد بن احمد بن محمّد بن عبدویه بن معقل بن منذر بن قولویه اصفهانی [از محدّثین

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۵۱ و ۵۲؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۳۶؛ الذریعه، ج۱، صص ۱۵۲ و ۱۵۳؛ فیض قدسی، ص۵۶؛ اجازات الحدیث، ص۷۷.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۵۰۴.

عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

از خاندان علم و حدیث بوده و از جدّ خود ابوسعد رجاء بن عبدالواحد حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی مقدار کمی از او استماع حدیث کرده است.(۱)

عبدالمجید ریزی لنجانی

عبدالمجید بن محمّدباقر ریزی، [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در پنج شنبه ۵ ربیع الثّانی ۱۱۲۳ق در اصفهان کتاب «الحدائق النّاضره» تألیف: شیخ یوسف بحرانی را نوشته و در کتابخانه حقیر [سیّد مصلح الدّین مهدوی] موجود است.(۲)

[«ریز» قصبه ای در بلوک لنجان اصفهان بوده و امروز به «زرین شهر» معروف است.]

درویش عبدالمجید طالقانی

درویش عبدالمجید طالقانی [فرزند عبداللّه]، شاعر ادیب و خطاط شکسته نویس معروف. از اهل طالقان در سال ۱۱۵۰ق [در روستای «مهران» طالقان] متولّد شده و در لباس فقر و درویشی به اصفهان آمده و در این شهر به درویشی و پرسه زنی می گذرانیده، سپس در اثر عشق و علاقه به دنبال کسب کمال و فضائل رفته و در خط شکسته به مقامی رسید که بر همه استادان در این فن مقدّم گردید و به حدّی ترقی کرد که رونق خط شفیعا را شکست. در «مجمع الفصحاء» گوید: بعضی او را بر شفیعا و میرزا حسن رجحان دادند و برخی مانند ایشان شمردند «حاجب شیرازی» درباره او گوید:

ای گشته مثل ز خوشنویسی ز نخست مفتاح خزائن هنر خامه توست

تا کرده خدا لوح و قلم را ایجاد ننوشت کسی شکسته را چون تو درست

[درویش، در خط شکسته شاگردان بسیاری تربیت کرد که مشهورترین آنان: ۱.

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۸۳.

۲- فهرست سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص ۲۹.

خواجه ابوالحسن فسائی۲. میرزا ابوالقاسم انجوی شیرازی۳. میرزا ابوالقاسم خواجوئی (میرزا کوچک) ۴. میرزا محمّدباقر سروش اصفهانی۵. شیخ رحیم مایل اصفهانی۶. آقا محمّدرضا شکسته نویس اصفهانی (آقا رضای کر) ۷. میرزا عبدالوهاب کلانتر (حاکم اصفهان) و۸. فضعلی بیگ دنبلی خوئی بوده اند.

از آثار گرانبهای او جز قطعات و مرقعات متعدّد، نسخه ای از «گلستان سعدی» است که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.]

در شعر، در اوایل «خموش» تخلّص می کرد. شخصی در حضور او عمدا یا سهوا «خموش» را «چموش» خواند، مرحوم درویش از آن پس تخلّص خود را تغییر داده و نام خود را تخلّص قرار داد. کم شعر می گفت و استادانه می سرود. از اعضاء انجمن مشتاق بود. دیوانش قریب به دو هزار بیت می باشد [که با مقدمه استاد احمد سهیلی خوانساری به چاپ رسیده است.] نسخه ای از دیوان اشعارش در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.

مرحوم انصاری در «بدایع و نوادر» گوید: غالبا به مالاریا مبتلا بوده و در [چهارشنبه ۱۵ محرم الحرام] سال ۱۱۸۵ق وفات یافته است. آذر بیگدلی ماده تاریخ وفاتش را گوید:

زد رقم از پی تاریخ وفاتش «آذر»: «شده ایوان جنان، منزل درویش مجید»

و در کتاب «دویست سخنور» تألیف شاعر گرانمایه تبریزی آقای علی نظمی این مادّه تاریخ از ایشان به چاپ رسیده است:

درویش مجید طالقانی آن فاضل خوشدل و وفاکیش

آن قدوه اهل دل که در خط آوازه او ز «میر» شد بیش

روزی که گسست دل ز عالم و آسوده از این تلاش و تشویش

تاریخ وفات او عیان شد خواندند، چون «رحمتی به درویش»

درویش عبدالمجید را پس از وفات در قبرستان مقابل تکیه میر فندرسکی [در تخت فولاد اصفهان] دفن کردند و اینک مزارش معلوم و معیّن است.

از اشعار اوست:

نه آدمی است کسی کو تو را پری داند پری کی این همه شوخی و دلبری داند

تو ای متاع محبّت چگونه کالائی که قیمت تو نه بایع، نه مشتری داند

نه من به بندگی خواجه دگر راضی نه خواجه ام روش بنده پروری داند(۱)

میرزا عبدالمجید سرشار قهفرخی

میرزا عبدالمجید شریعت زاده فرزند آخوند ملاّ عبدالوهاب خرّم [بن حاج مجید] قهفرخی چهارمحالی، از شعرای معاصر در سال ۱۲۸۴ش. در «قهفرخ» [فرّخ شهر کنونی] متولّد شد(۲) [و مقدمات علوم را در زادگاه خود نزد پدر فرا گرفت. سپس به اصفهان رفته

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۰۰ و ۶۰۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ تجربه الاحرار، ج۱، صص ۴۳۹-۴۵۲؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، صص ۶۳۴-۶۳۶؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۶۱۲-۶۱۴؛ تذکره سفینه المحمود، ص۳۰۱؛ تذکره نگارستان دارا، ج۱، صص ۲۵۰ و ۲۵۱؛ تذکره روز روشن، ص۲۵۹؛ تذکره محمّد شاهی: مخطوط؛ تذکره نتایج الافکار، ص۶۶۹؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۹۳۱ و ۹۳۲؛ آثار عجم، ص۵۴۵؛ تذکره خوشنویسان، ص۱۳۲؛ پیدایش خط و خطاطان، ص۱۷۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۱۴ و ج۴، صص ۱۲۶۲-۱۲۶۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۳۱-۱۳۵؛ اطلس خط، ص۶۱۸؛ ریحانه الادب، ج۲، صص ۲۱۸ و ۲۱۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «درویش»، ص۵۲۲؛ الذریعه، ج۹، صص ۳۰۴ و ۶۹۸؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص۱۳؛ مجله کلک: شماره ۷۶-۷۹؛ تابستان ۱۳۷۵، صص ۵۱۰-۵۱۵؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۱۶۵؛ دویست سخنور، صص ۳۶۵-۳۶۶؛ کارنامه بزرگان ایران، صص ۲۷۶ و ۲۷۷؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۴۱۰ و ۴۱۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۲۰؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۱، ص۷۰۴؛ خوشنویسی در ایران، صص ۸۰-۸۳؛ خط و خطاطان (رفیعی) ، ص۱۵۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴۱.

و نزد علمای عالیقدر آنجا تحصیل کرد و به زادگاه خود بازگشت و به خدمات فرهنگی مشغول شد و چند سال بعد به تهران رفت و در اداره راه استخدام شد. این چند بیت از اوست:

سروی از باد مهرگان ریزد رنگ از روی گلستان ریزد

بلبل از هجر گل به روی چمن بال پژمرده ز آشیان ریزد(۱)]

عبدالمجید یکتای اصفهانی

عبدالمجید اوحدی متخلّص به «یکتا» فرزند محمّدکریم بن عباس بن اسماعیل اصفهانی، شاعر و ادیب توانا، از شعرای معاصر اصفهان در روز یکشنبه ۲۸ صفر ۱۳۳۰ق در اصفهان متولّد شد و در مدارس ابتدایی و متوسطه به تحصیل پرداخت. از ابتدای شباب به سرودن شعر پرداخته و در خدمت عموی بزرگوار خویش حاج محمّد کاظم غمگین قواعد شعر و فنون ادب را آموخت. زبان فرانسه و انگلیسی را نیز فراگرفت. در علم حساب و دفترداری نیز معلوماتی داشت. انواع خطوط را خوب می نوشت و در موسیقی نیز اطلاعات کافی داشت. او شاعری شیرین بیان و ادیبی نکته دان بود و در انجمن های ادبی شیدا، ادیب فرهمند، کمال و صائب شرکت می کرد. ابتدا «فردی» تخلّص داشت و سپس آن را به «یکتا» تبدیل کرد. برخی از اشعارش در مجلات (از جمله مجلّه یغما) و مجموعه ها و تذکره ها به چاپ رسیده است.

او در ۲۶ شعبان ۱۳۹۵ق در اصفهان وفات یافته [و در شمال مقبره ملّا اسماعیل خواجوئی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.]

مادّه تاریخ وفاتش را استاد جلال الدّین همایی (سنا) گوید:

۱- شناخت سرزمین چهارمحال، صص ۳۵۱ و ۳۵۲.

لاجرم از بهر تاریخش نوشت: «دُرّ یکتای سخن ای اوحدی»

[و استاد منوچهری قدسی نیز گوید:

سال تاریخ تو را «قدسی» سرود «آه رفتی نازنین» یکتای من]

کتب چندی تألیف نموده است که از آن جمله است:

۱. «دیوان اشعار» که قسمتی از آن در سال ۱۳۱۹ش به طبع رسیده است.۲. ترجمه «تاریخ سلجوقی» تألیف: ادوارد براون۳. «تذکره شعرای ایران» از اوایل قرن ۱۴ به بعد۴. «رساله در موسیقی»۵. «تاریخچه انجمن های ادبی اصفهان» که در چندین شماره از مجله وحید به چاپ رسیده است. مرحوم یکتا دیوان عموی خود غمگین را تصحیح و تحشیه نموده و بر آن مقدمه نوشته و به چاپ رسانده است.(۱)

از اوست:

عمری پی مهرویان، رفت این دل سودائی تا نقد نکونامی، شد صرف به رسوائی

رفتند نکورویان چون عمر عزیز از کف من ماندم و رسوائی، دل مانده و شیدائی

میرزا عبدالمجید فریدنی*

میرزا عبدالمجید فریدنی، عالم فاضل، مفسر و ادیب، از علمای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه.

در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله آخوند ملاّ عبدالجواد خراسانی و حاج شیخ محمّدباقر نجفی تحصیل نمود و به اجتهاد رسید. در فقه، ادبیات، تفسیر و تجوید مهارت

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۴۶-۵۴۹؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، ص۳۹۸۲؛ نامه سخنوران سپاهان، ج۳، ص ۹۹-۱۱۵؛ دولت دیدار، صص ۳۷ و ۲۷۹؛ بزم معرفت، صص ۲۸۸-۳۰۱.

داشت و در اصـفهان فقه، تجویـد و تفسـیر تـدریس می کرد. عالمی وارسـته و قانع و زاهد بود و از راه زراعت امرار معاش می نمود. سرانجام در سال ۱۳۱۳ق پس از مراجعت از سفر حج، در بین راه وفات یافت.(۱)

میرزا عبدالمحمّد ایرانی (چهره نما)

حـاج میرزا عبدالمحمّـد مـؤدب السـلطان ایرانی (چهره نمـا) فرزنـد علیزاده، ادیـب فاضـل و شـاعر نویســنده و مـوّرخ [در قرن چهاردهم هجری.]

در حـدود ۱۲۹۱ق در اصـفهان متولّد شده و در این شـهر مقدّمات علوم را آموخته [و به بوشـهر و شـیراز و عتبات عالیات سـفر کرد و پس از مراجعت، از طرف شرکت اسلامیه در اصفهان به مأموریت بادکوبه رفت و سرانجام] به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجـا سـاکن بوده و از محترمین ایرانیـان ساکن مصـر بوده و روزنامه «چهره نما» را در آنجا می نوشـته. مـدّت ۳۲ سال مرتبا انتشار داده است. او در اوّل شـعبان ۱۳۵۴ق در قاهره وفات یافته و هم در آنجا مـدفون گردیـد. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «احقاق الحق» ۲. «امان التّواریخ»۳. «پیدایش خط و خطاطان»۴. «زردشت باستانی و فلسفه او»۵. «فؤاد التّواریخ»(۲)

عبدالمحمود محزون اصفهانی

حاج عبدالمحمود اصفهانی متخلّص به «محزون» فرزند حیدرعلی، شاعر ادیب، از

۱- الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۱۵.

۲- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، صص ۴۶۸ و ۴۶۹؛ تاریـخ جرایـد و مجلّات ایران، ج۲، صص ۱۹۴-۱۹۹؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، ص ۳۱۶؛ الذریعه، ج۳، ص۲۰۰؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۵۶۴؛ فرهنگ نویسندگان و شاعران معاصر سخن، صص ۷۷ و ۷۸.

شعرای معاصر اصفهان در ۲۶ ذیحجه ۱۳۰۱ق در اصفهان متولّد شده و در نوجوانی و جوانی مدّتی علوم ادب و دین را تحصیل نمود و از آن به بعد در بازار به کسب و کار مشغول شد. او عمر خود را صرف مطالعه کتب شعراء نمود. او شاعری قابل بوده و در انجمن های ادبی اصفهان خصوصا انجمن شیدا شرکت می نمود. [او سرانجام در روز جمعه ۵ محرم الحرام ۱۳۷۷ق وفات یافته و در صحن تکیه خلیلیان (یا تکیه دردشتی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بدایع البیان» در توصیف اصفهان۲. «جنگل» که دیوان اشعار اوست.۳. «عروج النبی» در معراج حضرت رسول علیه السلام منظوم۴. «فضائح الافعال و قبائح الاعمال» که در سال ۱۳۴۴ق به طبع رسیده است.۵. «کنز المثال» به نثر۶. «گنج العیش» که غزلیات اوست.۷. «فصائح الزّمان» منظوم

از اوست:

باز عشق دلبری یکباره ام دیوانه کرد از غم هجران مرا مخمول در کاشانه کرد

آفتاب روی خود را کرد مخفی در سحاب هم زمانم منتظر بر وصل از افسانه کرد(۱)

حاج عبدالمحمود سرخوش اصفهانی

حاج عبدالمحمود ناظری متخلّص به «سرخوش» بن حاج محمّدصادق ناظر، از شعرای قرن چهاردهم هجری. در شوال ۱۲۸۲ق متولّد شده و در اصفهان در علم و ادب

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۵ و ۴۱۶؛ علوم و عقاید، صص ۴۵-۴۹؛ الذریعه، ج۹، ص۹۷۵؛ ج۱۵، ص۲۵۳ و ج۱۶، ص۲۴۸؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

آموخته است. غزل را به طرز قدما نیکو می گفت و در اغلب مسابقه های ادبی طهران و اصفهان شرکت می جست. او از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود.

از اوست:

نخست ای مه نامهربان چو با تو نشستم گرفتم از همه خوبان دل و به مهر تو بستم

ز توبه توبه نمودم به رغم زاهد و مفتی ببین درستی عهدم که توبه را نشکستم(۱)

عبدالمطّلب اصفهانی*

عبدالمطّلب اصفهانی، رَسّام و نقّاش هنرمند دوره قاجاریه است. وی تعدادی از نقاشی های کتاب «کلیله و دمنه» را نقاشی کرده و رقم او «راقم عبدالمطّلب اصفهانی» است. این کتاب چاپ سنگی شده است.(۲)

ملاّ عبدالمطّلب اصفهانی

ملاّ عبدالمطّلب بن حسن بن محمّد اصفهانی، عالم فاضل [از علمای اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری] مؤلف کتاب های ذیل:

۱. «ترجمه مهج الدّعوات» که به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشته و در کتابخانه فاضل ارجمند آقا سیّد مصطفی حسینی موجود [بوده] است. ۲. «هبه الوصال فی ادعیه رویه الهلال» که نسخه ای از آن به شماره ۳۵۳۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران نگهداری می شود. ۳. «هدیه الاجله فی ادعیه الاجلّه» که به نام شاه سلطان حسین نوشته و در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳) [۴. «نهج البر فی ادعیه السّر» به

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۹؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۴۷؛ نامه سخنوران، ص۱۵۹.

۲- مجلّه «صنعت چاپ»، شماره ۱۳۶، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص۵۷.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۲، ص۲۵۵۹؛ الذریعه، ج۲۵، ص۲۰۴.

فارسی که در سال ۱۱۶۵ق در مشهد مقدس کتابت شده و در کتابخانه خورشید گردیزی در «مُلتان» پاکستان موجود است.(۱) نسخه ای دیگر از این کتاب به همراه دو اثر دیگر مؤلف: «هدیه الاجله» و «ذریعه المآرب» به شماره ۴۰ در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام در قم وجود دارد.۵. «ذریعه المآرب» در فضیلت و آداب خواندن «دوازده امام» منسوب به خواجه نصیرالدّین طوسی، که ملاّ عبدالمطّلب آن را تصحیح نموده است.(۲)]

حاج عبدالمطّلب عباس آبادی

حاج عبدالمطّلب بن محمّدحسین عباس آبادی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

او اصلاً اهل محلّه عباس آباد اصفهان است. در عتبات عالیات نزد شیخ احمد احسائی به تحصیل پرداخته و در کاظمین ساکن شده است. از علمای مهم شیخیه در آن عهد بوده و در کتاب های خود به مخالفین شیخیه طعن زیاد وارد می کند. وی تا سال ۱۲۷۷ق زنده بوده و فوتش بعد از این سال رخ داده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الحجه البالغه»، مطبوع ۲. «رساله در حجّیّت مظنّه» (عنوان هفتم از کتاب «الحجه البالغه» است. ۳. «حقائق التّمحید و التّمجید»۴. «رساله در بداء» که در سال ۱۲۷۷ق تألیف شده است.۵. «نجاه الدّارین فی الامر بین الامرین» که عنوان پنجم از کتاب «الحجه البالغه» است، مطبوع۶. «اسرار اعتقادات»(۳)

۱- فهرست خورشید گردیزی، ص ۳۱.

۲- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام قم، صص ۴۲-۴۵.

۳- الکرام البرره، ج ۲، صص ۷۹۴ و ۷۹۵؛ الذریعه، ج ۳، صص ۲۵۹ و ۲۷۷؛ ج ۶، ص ۲۷۷؛ ج ۷، ص ۳۳ و ج ۲۴، ص ۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۹۷؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج ۱، صص ۳۴۲-۳۴۴.

شیخ عبدالمطلب سبزواری

شیخ عبدالمطلب سبزواری فرزند میرزا محمّدرحیم شیخ الاسلام بن میرزا محمّدجعفر بن ملاّ محمّدباقر مجلسی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری.] در اصفهان به تحصیل پرداخته و در عداد فضلاء اهل علم قرار گرفته و سرانجام در سه شنبه ۱۳ رجب ۱۱۶۰ق وفات یافت و در تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را «میرزا جعفر طباطبائی اردستانی» متخلّص به «راهب» چنین گفته است:

کلک «راهب» از پی افسوس گفت: «گلبن باغ جنان از پا فتاد»(۱)

ملاّ عبدالمطلب طالقانی

ملاّ عبدالمطلب بن ملاّ یحیی طالقانی [از فضلاء و دانشمندان قرن یازدهم هجری.[از شاگردان میر محمّدباقر استرآبادی (میرداماد) است. او در سال ۱۰۲۰ق کتابت کتاب «شرعه التّسمیه» تألیف: میرداماد را به خط نسخ در اصفهان به پایان رسانیده و کتاب حاشیه نویسی از مؤلّف و علامت بلاغ از مؤلّف دارد و در پایان نسخه انهاء و اجازه ای است که مؤلف جهت کاتب نسخه به تاریخ ۱۰۲۰ق نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۲۵۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

وی در سال ۱۰۲۹ق نسخه ای از «ضوابط الرّضاع» تألیف: میرداماد را کتابت کرده و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۸۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۰۵.

آن را نزد مؤلّف خوانده و با او مقابله نموده و میرداماد به خط خودش در حاشیه کتاب بلاغ و سماع نوشته است. این نسخه در کتابخانه مدرسه فاضل خان مشهد مقدّس موجود بوده است.(۱)

[کتب زیر از تألیفات ملّا عبدالمطلب طالقانی است:

۱. «فوائد المؤمنین» ۲. «خلاصه الفوائد» ۳. «غنیمه المتعبّدین»(۲)]

میر عبدالمطلب جزائری

میر عبدالمطلب موسوی جزائری [از فضلاء مقیم اصفهان در قرن یازدهم هجری.] «اصول کافی» را نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی خوانده و در آخر آن، علّامه مجلسی جهت وی اجازه مرقوم فرموده [است.] تاریخ آن ششم شوال ۱۰۷۴ق [است.] علّامه طهرانی در «الذریعه» گوید: پنج اجازه دارد همگی مختصر به تاریخ های مختلف از ۱۰۷۴ق تا ۱۰۷۷ق بر اجزاء اصول کافی [و در یکی از آنها از میر عبدالمطلب چنین یاد شده است:] «السیّد الاید الفاضل الموفّق المسدّد میر عبدالمطلب»(۳)

سیّد عبدالمطلب موسوی اصفهانی

سیّد عبدالمطلب زین العابدینی شهیر به «سیّد میرزا» موسوی اصفهانی [از فضلای قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۲۵ق کتاب «مصابیح القلوب» تألیف: میر محمّدحسین خاتون آبادی [امام جمعه] را کتابت نموده است. نسخه به شماره ۱۵۵۷ در کتابخانه

۱- الروضه النّضره، ص۳۵۶؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۸.

۲- الذریعه، ج۱۸، ص۱۷۴؛ ریاض العلماء، ج۳، ص۲۶۸.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۵۸؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۱؛ اجازات الحدیث، ص۲۲۹؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۱۴؛ الفیض القدسی، ص۱۸؛ فیض قدسی، ص۱۶۷.

آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

عبدالمغیث عبدی اصفهانی

ابوتمیمی عبدالمغیث بن محمّد بن احمد بن مطهر بن محمّد بن علی بن محمّد بن احمد بن بجیر بن ازهر بن بجیر بن ازهر بن بجیر بن سوید... عبدی خطیب [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

در سال ۴۶۳ق متولّد شده و در قریه لادان، خطیب بوده و سمعانی از او به عنوان «من بیت الحدیث و اهله. کان شیخا صالحا ثقهً صدوقا من اهل الخیر» یاد کرده و نوشته که در قریه «لاذان» اصفهان خطیب بوده و در ماه صفر سال ۵۴۸ق در اصفهان وفات یافته است.

از ابوسهل محمّد بن احمد بن عمر بن دلکیز صیرفی، ابوالعباس احمد بن محمّد بن حسین خیاط و ابوالفضل مطهر بن عبدالواحد بُزانی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

[«لادان» از روستاهای بلوک ماربین اصفهان بوده و چند سالی است که به شهر پیوسته و از محلّه های غرب اصفهان است.]

عبدالملک کوفی اصفهانی

عبدالملک بن حُمَید بن ابی غَنیه کوفی اصفهانی الاصل [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری] از اعمش و ابی الخطّاب هجری روایت می کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص ۱۷۰.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۸۵.

او اخذ حدیث کرده است.(۱)

عبدالملک واعظ

ابواحمد عبدالملک بن محمّد بن عبدالملک بن حسین بن عبدویه بن سعید واعظ عطار مستملی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] سمعانی از او به عنوان «کان شیخا صالحا سلیم الجانب خیرا» یاد کرده است و از او استماع حدیث نموده است.

عبدالملک از ابوعلی حدّاد، ابوالقاسم بُرجی، ابوزکریا بن منده و ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن حارث صحّاف و جز آنان حدیث شنیده است.(۲)

عبدالملک زاهد

ابومنصور عبدالملک بن محمّد بن عبدالملک زاهد انسربی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] سمعانی از او به عنوان «کان شیخا متمیّزا شیخ الخط، یعلم النّاس الخط» یاد کرده و از او استماع حدیث کرده است.

خود عبدالملک از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و ابوعبداللّه قاسم ثقفی حدیث شنیده است.(۳)

ملاّ عبدالمنّان نصیری طوسی

ملاّ عبدالمنّان بن محمّدیحیی نصیری طوسی، عالم فاضل زاهد [از دانشمندان اواخر

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۴۸۹.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۹۰.

قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری در اصفهان] در سال ۱۲۱۹ق وفات یافته و قبرش در کنار جاده [قدیم شیراز] واقع در وسط تخت فولاد مدفون شد.

از آثارش:

۱. «تعلیقه بر تهذیب»(۱) ۲. کتابت رساله «ابطال زمان الموهوم» تألیف: مولی اسماعیل خواجوئی است که در روز شنبه دهم صفر سال ۱۱۱۵ق آن را به پایان رسانیده است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۵۹۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۲)

[ظاهرا سال کتابت ۱۲۱۵ق است و سال ۱۱۱۵ق هنوز کتاب فوق تألیف نشده بوده است.]

عبدالمنعم اصفهانی

ابوالفتوح عبدالمنعم بن محمّد بن ابراهیم بن محمّد بن احمد بن ابراهیم بن علی بن سعدویه اصفهانی عدل [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابوالخیر ررا، ابومسعود سلیمان حافظ و غیر آنان حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی حدیث شنیده است.

تولد [او در] ۴۷۰ق [بوده] و روز سه شنبه ۲۳ شعبان سال ۵۵۶ق وفات یافته است.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۱۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۲۲۷؛ مکارم الآثار، ج ۳، ص ۶۵۸.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۳۴۷.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۹۰.

عبدالمنعم حُرّانی اصفهانی

ابوالمطهر عبدالمنعم بن ابی احمد نصر بن یعقوب بن احمد بن علی مقری حُرّانی جوباری شامکانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

اصلاً از محلّه حُرّان از توابع جوباره اصفهان بوده و در سال ۴۵۱ق متولّد شده و در «شامکان» نیشابور اقامت گزیده و در ماه رجب سال ۵۳۵ق وفات یافته است. از جدّ مادری خود ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی حدیث شنیده است.(۱)

عبدالمولی اصفهانی

عبدالمولی [دلیجانی اصفهانی متخلّص به «مولی»، شاعر و خوشنویس قرن دوازدهم هجری.] قدوه مستعدّان روزگار. خط نسخ و شکسته را خوب می نوشته و شعر را به حلاوت می گفت. چندین سال قبل از تذکره حزین به کهولت سن وفات یافت.(۲)

[آذر بیگدلی گوید: در زمان شاه سلطان حسین صفوی پا به دایره نظم گذاشته و به علوم رسمی مربوط و اکثر خطوط را نیکو می نوشت. در اواخر که سنین عمرش از شصت گذشته بود فقیر (لطفعلی بیگ آذر بیگدلی) به صحبت ایشان فایض شد. خالی از مولوّیتی نبود و در قریه دلیجان من اعمال اصفهان منزوی و کم تر از خانه بیرون می آمد. صحبتش به حدّی شیرین و سخنش به مرتبه ای نمکین بود که اگر هفته ای او را نمی دیدم عمری خود را ملامت می کردم. الحق طبعش وقاد و ذهنش نقّاد بود. شعر را نیکو می شناخت و گاهی شعر می گفت. امّا نظر به انقلاب زمانه، افکارش متداول نشد و در سنه ۱۱۶۲ق وفات یافت.

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۹۲؛ اللّباب، ج۱، ص۳۵۴؛ معجم البلدان، ج۲، ص۲۳۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۸؛ تذکره المعاصرین حزین، ص۲۰۲.

از اشعار اوست:

شب ها در آب و آتشم از اشک و آه خویش درمانده ام چو شمع به روز سیاه خویش(۱)]

عبدالمولی مولوی*

عبدالمولی مولوی فرزند حاج شیخ محمّدحسین مولوی کتابفروش بن ملّا محمّد بن ملّا علی خوانساری، از روزنامه نگاران و دوستداران فرهنگ در قرن چهاردهم هجری.

او سال ها در یزد ساکن بوده و در سال ۱۳۱۲ش در یزد روزنامه «گلبهار» به مدیریت او و سردبیری محمّد کیوانفر چاپ سنگی شده و منتشر گردیده است. او همچنین مطبعه گلبهار یزد را تأسیس نموده است.(۲)

او سرانجام به زادگاه خود اصفهان مراجعت نموده و در شب ۲۲ ماه رمضان ۱۳۷۴ق وفات یافت و در بقعه کتابفروش خوانساری نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

[بقعه کتابفروش ها در جریان بنای آرامگاه خواجوئی در سال ۱۳۷۸ش تخریب شد.]

۱- تذکره آتشکده (نیمه دوم) ، صص ۶۵۲ و ۶۵۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۱۵؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۳؛ تذکره غنی، ص۱۳۰؛ تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۲۵۹؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۱۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «مولی»، ص۱۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۲۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۲۳.

۲- تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۴، صص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

عبدالمؤمن اصفهانی

ابونصر عبدالمؤمن بن عبدالجلیل بن علی بن بنان اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

از ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن ماجه ابهری حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی حدیث نوشته است. فوت [او] در محرم ۵۴۹ق در اصفهان(۱) [واقع شد.]

میرزا عبدالمؤمن شهرستانی*

میرزا عبدالمؤمن شهرستانی، شاعر ادیب و فاضل از سادات عالی مقام ناحیه «شهرستان» اصفهان بوده و نزد سلاطین صفوی دارای احترام و اعتبار بوده و در سال ۱۱۰۸ق تولیت آستان قدس رضوی را به عهده گرفت.(۲) او اهل فضل و ادب بوده و کتابخانه ای آبرومند داشته و از جمله کتاب های آن «نهایه المرام» علاّمه حلّی بوده که میرزا عبداللّه افندی (صاحب ریاض العلماء) آن را ملاحظه کرده است.(۳)

عبدالمؤمن قهپائی

عبدالمؤمن قهپائی [از کاتبان قرن دهم هجری] در سال ۹۹۶ق نامه علی بن مؤیّد را به شهید اوّل را به دستور تاج الدّین حسین صاعد بن شمس الدّین طوسی، در جُنگی که به نام «دستور» نامیده شده است، به خط خود نوشته است. این مجموعه به شماره ۲۱۴۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۴)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۹۳.

۲- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۳.

۳- تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، ص۱۵۱.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۸۰۶.

عبدالمهدی اصفهانی

عبدالمهدی بن محمود اصـفهانی [کتاب نسخ نویس.] کتاب «میزان المقادیر» تألیف: حسام الدّین درویش حلّی نجفی را که در ۱۰۵۶ق تألیف نموده را به خط نسخ نوشته و در رجب ۱۳۰۸ق در بمبئی به چاپ رسیده است.(۱)

عبدالواحد اصفهانی

عبدالواحد اصـفهانی [از محدّثین است.] از حمزه بن جعفر بن ابی بکر محمّد بن احمد بن اسحاق آجری روایت نموده و حافظ ابومحمّد بن ابی الفوارس در کتاب «اربعین» از او روایت می کند.(۲)

عبدالواحد باطرقانی اصفهانی

ابوبکر عبدالواحـد بن احمـد بن محمّـد بن عبداللّه بن عباس باطرقانی [از ائمه قراءات و محدّثین مشـهور و از اکابر علمای عامّه اصـفهان در اواخر قرن چهـارم و اوایـل قرن پنجم هجری] از ابواحمـد حسن عسـکری لغـوی روایت نموده و در حمله سـربازان سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۲۱ق به اصفهان به همراه جمع کثیری از صلحاء و علمای اصفهان به قتل رسیده است.(۳)

عبدالواحد اُسواری اصفهانی

ابوالقاسم عبدالواحد بن احمد بن محمّد بن یحیی اُسواری اصفهانی [از محدّثین عامّه

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۶۷۷.

۲- احقاق الحق، ج۵، ص ۶۳۰.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۳۲۴؛ اللّباب، ج۱، ص ۱۱۰؛ مقالات ادبی (همایی) ، صص ۸۹ و ۹۰.

اصـفهان در قرن چهارم هجری] از حافظ ابی الشـیخ اصفهانی [مؤلّف «طبقات المحدّثین باصبهان»] حدیث نقل کرده و قتیبه بن سعید بغلانی از او روایت می کند.(۱)

عبدالواحد معلّم اصفهانی

عبدالواحـد بن شـیخ حسن بن تـاج الـدّین معلّم اصـفهانی [از خطاطان قرن دهم یا یازدهم هجری] نسـخه ای از کتاب «مختلف الشیعه» (از زکوه تا نکاح) را کتابت کرده و به شماره ۱۱۳ در کتابخانه مدرسه حجتیّه قم موجود است.(۲)

عبدالواحد سکری اصفهانی

ابوالمظفر عبدالواحد بن حمد بن عبداللّه مقری سـکری معروف به «شیذه» اصفهانی [از محدّثین و علمای قراءآت در قرن پنجم و اوایـل قرن شـشم هجری] در سال ۴۴۴ق متولّـد شـده و از ابومحمّـد عبداللّه بن محمّد بن ابراهیم شـفعونی کرونی، ابوعثمان عیار، ابوالفتـح عبدالجبار بن عبداللّه بن ابراهیم بن رزه جوهری رازی، ابوطاهر عمر بن محمّد بن علی بن یوسف خرقی، ابوبکر محمّد بن ابراهیم بن علی عطار، سیّد ابوطالب علی بن حسـین علوی همدانی و جز اینان حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی تمام مسموعات خود را اجازه نوشته است.

قراءآت را از ابونصر محمّد بن عمر بقال فراگرفته است. او در سال ۵۲۴ق وفات یافت.(۳)

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲- فهرست حجتیّه، ص ۸۳.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۹۶؛ غایه النّهایه، ج ۱، ص ۴۸۴.

عبدالواحد شرابی اصفهانی

ابوالوفاء عبدالواحد بن حمد (حُمید) بن عبدالواحد بن محمود بن صباغ شرابی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.]

در سال ۴۴۶ق در خاندان علم و حدیث متولّد شده و از ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی، ابوالقاسم ابراهیم بن منصور بن علی سلّمی، ابوعثمان سعید عیّار، حافظ ابوبکر محمّد بن ابراهیم عطار، امّ الکرام کریمه بنت ابی سعید عبدالرّحمان بن عمر بن عبداللّه بن ممجه اخذ حدیث کرده و برای نقل حدیث مطالبه اجرت می کرده است. ابوسعد سمعانی نزد او حدیث خوانده و از او حدیث شنیده است.

فوت او در دهه اوّل ماه جمادی الاولی سال ۵۳۲ق در اصفهان بوده است.(۱)

عبدالواحد اصفهانی

ابوالفضائل عبدالواحد بن سعد بن عبدالواحد بن سعید (اصفهانی) (۲) [از محدّثین و دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری و معاصر مفضل بن سعد مافروخّی است. مافروخی در «محاسن اصفهان» از وی در ردیف دانشمندان معاصر نام برده است.]

عبدالواحد اصفهانی

ابوعلی عبدالواحد بن عبیداللّه بن احمد بن فضل (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری] حافظ ابونعیم اصفهانی می نویسد: «شیخ دیّنٌ محتشم یرجع الی فضل کثیر و صلابه فی الدّین». او از محدّثین اصفهان و ری نقل

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۹۴.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۱.

می نموده است و در رجب سال ۴۱۵ق فوت شده(۱) [است.]

عبدالواحد ابهری اصفهانی

ابومسلم عبدالواحد بن محمّد بن احمد بن مرزبان ابهری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از اهالی قریه «اَبهَر» از بلوك جی اصفهان بوده و از جدّش (احمد بن مرزبان) روایت نموده است.(۲)

عبدالواحد صباغ اصفهانی

ابوطاهر عبدالواحد بن محمّد بن احمد بن هیثم اصفهانی صبّاغ. معروف به «دشتج» [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری.]

از آخرین اصحاب حافظ ابونعیم احمد بن عبداللّه اصفهانی بوده و از او روایت می کند. همچنین از: عبدالرّحمان بن احمد بن عمر صفار، ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه ضبّی، ابوالحسن عبداللّه بن معتز بن منصور بن عبداللّه بن حمزه نیشابوری، ابوالوفاء مهدی بن محمّد بن احمد بغدادی و دیگران حدیث شنیده و جهت ابوسعد سمعانی جمیع مسموعات خود را اجازه نوشته است.

تولدش حدود سال ۴۲۰ و اندی و فوت دوشنبه یازدهم ربیع الاوّل ۵۱۸ق در اصفهان(۳) [بوده است.]

عبدالواحد شیرازی

ابوالحسین عبدالواحد بن محمّد بن شاه شیرازی [از محدّثین عامّه در قرن چهارم

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۰۶.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۹۷.

هجری] جهت تجارت به اصـفهان آمده و در این شهر ساکن شده و هم در این شهر بعد از سال ۳۸۰ق وفات یافته است. نسبت به صوفیان انفاق و اکرام می نموده و سخنان آنان را می نوشته است. حافظ ابونعیم اصفهانی از او روایت می کند.(۱)

عبدالواحد اصفهانی رازی

استاد ابوالقاسم عبدالواحد بن محمّد بن علی بن حریش اصفهانی. ادیب شاعر. در اصفهان متولّد و در ری متوطّن و در نیشابور مدفون است. در نظم و نثر از مُبَرَّزین زمان خود بود. از اوست:

سألت زمانی و هو بالجهل عالم و للسخف مهتر و بالنقض مختص

فقلت له هل من طریق الی الغبا و قال طریقان الوقاحه و النّقض(۲)

عبدالواحد معلّم اصفهانی

ابوسـعید عبدالواحد بن معلّم اصـفهانی [از محدّثین عامّه اصـفهان در قرن شـشم هجری] ابوالوفاء عبدالکریم بن علی بن عیسـی جوباری جوهری از او حدیث شنیده است.(۳)

عبدالواحد صوفی اصفهانی

ابوغریب [عبدالواحـد] صوفی اصـفهانی، از عرفاء و متصوفّه در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری [او با مشایـخ عراق و فارس مراودت داشته و با شیخ اجل

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۶.

۲- تتمّه الیتیمه، ج۱، ص۱۱۲.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۷۸.

ابوعبداللّه بن خفیف رفیق و مصاحب بود. ابوغریب اصفهانی صاحب کرامات بوده و به علّت این که در عشق به عین جمع رسیده بوده و او را «حُلولی» می گفتند] عاقبت به طرطوس رفته و آنجا وفات یافت.(۱)

میر عبدالواسع خاتون آبادی*

میر عبدالواسع بن میر محمّدصالح بن میر محمّداسماعیل (شاهمراد) حسینی خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل زاهد متقّی، از علمای قرن یازدهم هجری.

در اصفهان به تحصیل پرداخته و عمر خویش را صرف تهذیب نفس و عبادت نموده و سرانجام در ماه مبارك رمضان سال ۱۰۹۸ق وفات یافته است. مرحوم معلم حبیب آبادی وفات او را در ماه رمضان ۱۱۰۹ق نوشته و اضافه کرده است که جنازه به نجف اشرف حمل شده و در مرقد مطهر علی علیه السلام مدفون شده است.(۲)

میرزا عبدالواسع صفا زواره ای*

میرزا عبدالواسع متخلّص به «صفا» فرزند میرزا محمّدعلی طباطبائی زواره ای (وفا) ، شاعر و ادیب و خوشنویس ماهر در قرن سیزدهم هجری.

در سال ۱۲۲۸ق متولّد شد و در علم و ادب مهارت یافته و خط شکسته را نیز نیکو می نوشت. در اصفهان به خدمت حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی درآمد و کاتب ویژه او شد. پس از وفات مرحوم حجه الاسلام مدّتی در اصفهان و مدّتی در زواره بود تا اینکه در سال ۱۲۸۴ق در زواره وفات یافت و همانجا مدفون شد. غزل و قصیده را نیکو

۱- شرح شطحیات، ص۵۸۱؛ نامه دانشوران ناصری، ج۴، ص۴۱۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۹.

۲- الروضه النضره، ص۳۶۱؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۴۲؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۳۲۵.

می سرود. ابتدا «مشرب» تخلّص داشت و سپس آن را به «صفا» تغییر داد. در انشاء و تَرَسُّل نیز مقام استادی داشت. او اشعاری در مدح سیّد حجه الاسلام و میرزا آقاخان نوری (صدراعظم ناصرالدّین شاه) دارد.

این آثار از اوست:

۱. «دیوان اشعار»۲. «انجمن روشن»۳. «تحفه الشّعراء»

این چند بیت از قصیده در مدح سیّد حجه الاسلام از اوست:

خدایگان جهان صاحب خجسته خصال ظهیر ملّت و دین، مقتدای اهل کمال

خدایگانی کاندر به عهد دولت او کسی نیافت نشانی و نامی از آمال

سخن ز قدرش اگر، گریه ها که از گردون سرود قهرش اگر، لرزه ها در آجال(۱)

ملاّ عبدالواسع دامی همدانی

ملاّ عبدالواسع دامی همدانی فرزند ملاّ کلب علی. [شاعر و ادیب فاضل. در سال ۱۱۶۴ق متولّد و در ۱۱۷۳ق وفات یافت. قبرش در مقابل تکیه میرزا ابوالمعالی نرسیده به قبر ملاّ علی اکبر اژه ای [است.]

مادّه تاریخ وفاتش این است:

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۹۶ و ۳۵۸-۳۶۱؛ تاریخ تذکره های فارسی، صص ۶۹ و ۷۰؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص ۳۶۱.

رقم زد این چنین «کلک رفیق» از بهر تاریخش «بنومیدی ز دنیا رفت عبدالواسع دامی»(۱)

[در اصفهان متولّد شده و در این شهر علوم متداول زمان خود خصوصا فقه و حدیث و ادبیات و حکمت و ریاضیات را فرا گرفت و به تدریس مشغول شد. طبعش به سرودن شعر مایل بوده امّا به واسطه بی پروایی در برخی امور و میل به تَجرُّع مورد اتهام واقع می شد. عاقبت در عنفوان جوانی پس از نفرین یکی از اساتید خود وفات یافت. و نزدیک مزار ملاّ ـ اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد به خاك رفت. دیوان اشعارش حدود دو هزار بیت شعر داشته است که اکنون در زمان ما نسخه ای از آن شناخته نیست.

بر روی سنگ مرمر او علاوه بر مرثیه ۱۱ بیتی رفیق اصفهانی از «دامی» با این القاب یاد شده است:

«... العالم العامل المحقّق و المهندس الکامل المدقّق افصح الشّعراء بل افضلتهم و اشعر الفضلاء و اکملهم...»(۲)]

این بیت از اوست:

حاج هیچ آشنا نمی پرسی یا همین حال ما نمی پرسی؟

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۵۹۶ و ۸۲۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۶.

۲- بزم معرفت، صص ۲۵۱-۲۵۴؛ سفینه المحمود، ج۱، صص ۱۹۱-۱۹۳؛ تذکره اختر، ج۱، صص ۷۷-۷۹؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۹۰؛ تذکره روز روشن، ص۲۵۴؛ گلشن مراد، ص۴۰۶؛ تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۴۹۵؛ الذریعه، ج۹، ص۳۱۵؛ بزرگان و سخن سرایان همدان، ج۱، صص ۲۷۱ و ۲۷۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطّی.

میر عبدالواسع خاتون آبادی

میر عبدالواسع بن میر محمّدمهدی خاتون آبادی، عالم فاضل، در سال ۱۱۵۱ق وفات نموده و در قبرستان آب بخشان [اصفهان] و مجاور قبر شیخ احمد بن ابوتراب گیلانی مدفون شده است.(۱) [این قبرستان و قبور فوق، پس از احداث چهارباغ پایین و فلکه پهلوی (میدان شهدای کنونی) از بین رفته اند.]

عبدالوهاب اصفهانی*

عبدالوهاب اصفهانی، از فضلای قرن یازدهم هجری است. او شاگرد میرزا محمّد دیلماج اصفهانی بوده و کتاب «من لا یحضره الفقیه» را در سال ۱۰۸۶ق در اصفهان با او مقابله کرده و نزدش فرا گرفته است.(۲)

عبدالوهاب اصفهانی

عبدالوهاب اصفهانی، از فضلاء و ادباء بوده و بر اشعار مشکله «دیوان خاقانی» حواشی و تعلیقات نوشته است.(۳)

شیخ عبدالوهاب اصفهانی*

شیخ عبدالوهاب اصفهانی، از فضلاء و حکمای قرن سیزدهم هجری است. از اصفهان

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۸.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۸۱؛ الروضه النّضره، ص۵۱۷.

۳- اعیان الشیعه، ج۶، ص۷۳۸.

به سبزوار رفته و در مدرسه جدیده سبزوار ساکن شده و از درس حاج ملّا هادی سبزواری بهره گرفته است.

وی کتاب «شرح غرر الفوائد» تألیف: حاج ملّا هادی سبزواری را در سال ۱۲۷۳ق به خط نستعلیق در سبزوار کتابت کرده که به شماره ۷۸۵۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. کاتب کتاب را به مُهر بیضوی خود به سجع «یا وهاب» ممهور ساخته است.(۱)

سیّد عبدالوهاب اصفهانی دولت آبادی

سیّد عبدالوهاب اصفهانی [دولت آبادی] فرزند سیّد احمد، عالم فاضل جلیل [در قرن چهاردهم هجری.] پدرش از اهل علم و صلاح بوده و برادرش سیّد محمّدصادق در قریه دولت آباد ساکن و به ترویج دین مشغول بوده و در سال ۱۳۴۵ق وفات یافت.

پس از آن صاحب عنوان به تقاضای اهل محل بدانجا رفته و به ارشاد و هدایت مردم پرداخته در سال ۱۳۷۴ق وفات یافته و در مقبره امامزاده نرمی در قریه زمان آباد بُرخوار مدفون گردید. او تألیفاتی داشت.(۲)

سیّد عبدالوهاب شهشهانی

سیّد عبدالوهاب بن سیّد محمّدامین حسینی شهشهانی اصفهانی، فاضل ادیب [در قرن سیزدهم هجری] مؤلف کتاب «بحرالجواهر» در سیاق که مکرّر به چاپ رسیده [و

۱- فهرست مرعشی، ج۲۰، صص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۳۴۱؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص۱۸۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۹؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۲۴۵؛ مزارات اصفهان، ص۷۴.

نسخه های خطی آن نیز فراوان است] و مؤلف آن تا سال ۱۲۵۳ق زنده بوده است.(۱)

شیخ عبدالوهاب نصرآبادی

شیخ عبدالوهاب نصرآبادی [فرزند شیخ محمّدجواد]، عالم فاضل زاهد [از فضلای اواخر دوره قاجاریه و از اهالی قریه نصرآباد از توابع ماربین، در حومه اصفهان] در اصفهان نزد جمعی از فضلاء و اعاظم فقهاء و حکماء همچون سیّد محمّدباقر درچه ای، جهانگیرخان قشقائی و حاج سیّد مهدی نحوی تلمّذ نمود. وی در ۱۰ رجب ۱۳۳۸ق وفات یافته و جنب استاد خود جهانگیرخان در تکیه آقا سیّد محمّد ترک واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

میرزا عبدالوهاب خوشنویس

میرزا عبدالوهاب خوشنویس فرزند محمّدحسن بن محمّدرحیم بن آقا غلامعلی اوّل بن محمّدرحیم خوشنویس اصفهانی [از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری.] از پیشقدمان تأسیس مدارس جدیده در اصفهان بود. خط نستعلیق را خوش می نوشت و در این فن شاگرد استاد بزرگ نستعلیق نویسان اصفهان میرزا عبدالرحیم افسر بود. وی شایسته ترین و نامدارترین اعقاب آقا غلامعلی خوشنویس است.(۳)

[خط نستعلیق را نزد فتح اللّه جلالی فرزند افسر تکمیل کرد. وی برخلاف پدرانش که

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۹؛ فهرست مسجد اعظم قم، ص۴۱؛ نسخه های خطی، ج۴، ص۴۴؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۸۴؛ الذریعه، ج۳، ص۳۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۵۰.

در خط نسخ مهارت داشتند، خط نستعلیق را مشق کرد.(۱) او مؤسس مدرسه اتحادیه در اصفهان است.(۲)]

عبدالوهاب اصفهانی

عبدالوهاب بن محمّدحسین اصفهانی [خوشنویس خط نستعلیق و شکسته در قرن سیزدهم هجری] در ۵ شعبان ۱۲۵۷ق «دیوان حکیم سوزنی سمرقندی» را به خط شکسته نستعلیق نوشته و کتاب ضمن مجموعه شماره ۴۰۹۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۳)

[در تذکره ممیز، نسخه شماره ۹۰۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی می نویسد: «اشعر: نامش میرزا عبدالوهاب، اصلش اصفهانی. همه عمر را به کتابت مشغول بود سنه ۱۲۵۸ در تبریز با او ملاقات شد. قریب به سی و پنج از عمرش گذشته مردی درویش...»(۴)

احتمالاً این عبدالوهاب اشعر همان عبدالوهاب اصفهانی فوق الذّکر بوده است. واللّه اعلم]

میرزا عبدالوهاب گلشن ایران پور

میرزا عبدالوهاب ایران پور متخلّص به «گلشن» فرزند حاج محمّدحسین بن حاج محمّدعلی اردکانی. شاعر و ادیب نویسنده در قرن چهاردهم هجری در ماه رجب ۱۲۹۶ق در اردکان یزد متولّد شده و در ۸ سالگی به اصفهان منتقل شده و نزد فضلای آن

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۸۹، ۹۰ و ۱۰۸.

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، ص۱۶۸.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۹۶.

۴- تذکره مُمَیّز: مخطوط، ص۹۷.

زمان آقا سیّد آقاجان، سیّد یحیی اردکانی و آقا سیّد علی مهریزی یزدی تحصیل کرد و در خط نزد میرزا عبدالرحیم افسر مشق کرده و استفاده نمود و به وسیله او به انجمن شعراء راه یافت و با دهقان و عمان سامانی و دیگر شعراء آشنا شد. دهقان که از استعداد و طبع خوش او مطلع شد تربیت او را برعهده گرفت. در این زمان او به کتابت دواوین شعراء مشغول بود و پدرش که قریحه شاعری او را دید از او خواست تا کتاب «انوار سهیلی» را منظوم سازد. پس از فوت پدرش در خدمت ظل السلطان، به منشی گری [نزد حاجی عبداللّه خان آغاباشی] پرداخت، [امّا آزادگی و استغناء او باعث شد نتواند استبداد و خودرأیی ظل السّلطان را تحمل کند و از آن شغل کناره گرفت و به صف آزادیخواهان هوادار مشروطه پیوست. در مبارزات جنبش مشروطیت حضوری فعال داشت و از جمله در مبارزه با استبداد محمّدعلی شاه و حمله بختیاری ها برای فتح تهران همراه دیگر مشروطه خواهان شرکت نمود. امّا حوادث بعد از آن، او را از مشروطیت دلسرد کرد.] گلشن ایرانپور ۸ سال در اداره اوقاف اصفهان به خدمت پرداخت و در اواخر عمر کارمند اداره ثبت اسناد بود و [در کنار آن به نگارش مقالات ادبی و سیاسی در نشریات اصفهان مانند: «پروانه»، «انجمن اصفهان»، «مفتش ایران»، «کاشف اسرار»، «زاینده رود»، «حقیقت»، «عرفان» و «اخگر» مشغول شد.]

او در سال ۱۲۹۸ش روزنامه «اختر مسعود» را منتشر کرد که فعالیت آن تا سال ۱۳۱۳ش ادامه داشت.

وی عمر خود را در تهیدستی و فقر سپری کرد و قناعت و صبر را پیشه خود ساخت. در اواخر عمر به بیماری های مختلفی گرفتار شد تا اینکه پس از یک عمر ناکامی و مشقّت در ۲۷ رجب ۱۳۵۶ق مطابق ۱۴ مرداد ۱۳۱۶ش در اصفهان وفات یافته و در تکیه میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) در تخت فولاد مدفون شد.

او از شاعران زبردست و دارای قدرت طبع و از اساتید مسلم شعر و ادب بود و در

انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد.

کتب و رسایل زیر از اوست:

۱. «آلمان نامه»۲. «بهرام نامه»۳. «جنگ بین الملل»۴. «دلکش و پریوش»۵. «دیوان اشعار» قریب به شش هزار بیت۶. «سفر پنج روزه»۷. «عقل و جنون» که در سال ۱۳۲۵ق به طبع رسیده است.۸. «مناظره الکل و تریاک»۹. «مناظره مرگ و زندگانی»۱۰. «منتخبات اشعار» که در بمبئی به طبع رسیده است. ۱۱. «مشروطه نامه» ۱۲. «نخجیرنامه» ۱۳. «انوار سهیلی» منظوم [۱۴. «بزرگ زاده» ۱۵. «چمنستان» ۱۶. «یادداشت وقایع بیست ساله مشروطیت ایران» ۱۷. «گلشن آرا» در نظم «کلیله و دمنه»]

این شعر از اوست:

خسرو حسنی و شکر لب و شیرین دهنی لاله رخسار و سمن پیکر و گلگون بدنی

نیست پیدا دهنت هیچ و در این حیرانم که تو با هیچ سخن گوئی و شیرین دهنی(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۹۹ و ۸۰۰؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۰۲-۴۰۴؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۶۶-۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۰؛ گل های سعادت، ص۴۳؛ نامه سخنوران، ص۱۳۱؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۵، صص ۳۰۶۴ و ۳۰۶۵؛ تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، ص۳۲۶؛ تذکره شعرای یزد، (ویرایش دوم) ، صص ۲۱۲ و ۲۱۳؛ دیوان طرب، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص۱۵۰-۱۶۷؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۲۰۱-۲۰۴.

میرزا عبدالوهاب کلانتر

میرزا عبـدالوهاب کلاـنتر بن میرزا محمّـدرحیم حکیم باشـی [از ادبـاء و بزرگان اصـفهان در قرن دوازدهم هجری] برادر کهتر میرزا عبدالباقی طبیب اصـفهانی است. او از سلسله سادات حکیم سـلمانی اصـفهان است و پدر و اجدادش در دربار صـفویه به طبابت می پرداخته اند. او پس از اسـتعفای برادر کلانتر اصـفهان شد و سـپس به حکومت اصفهان رسید. مردی ادب دوست و هنرپرور بوده و در منزل خود انجمن شـعراء تشکیل می داد و شاعرانی چون درویش عبدالمجید طالقانی، میر سیّد علی مشتاق، آقا محمّد عاشق، لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، ملاّ حسین رفیق و دیگران در آن انجمن شرکت می کرده اند.

[میرزا عبدالوهاب در سال ۱۱۸۴ق وفات یافت.(۱)]

سیّد عبدالوهاب نشاط اصفهانی

سیّـد عبدالوهاب موسوی اصـفهانی متخلّص به «نشاط» فرزند میرزا محمّدرحیم کلانتر [بن میرزا عبدالباقی بن میرزا محمّدرحیم حکیم باشی] شاعر ادیب، حکیم عارف فاضل، در سال ۱۱۷۵ق در اصفهان متولّد [و در این شهر علم و ادب آموخته و در سال ۱۲۱۸ق به تهران رفت و مورد توجّه فتحعلی شاه واقع شـد و جهت او مدایـح و قصایدی گفته و به سـمت ریاست دیوان رسایل دربار قاجار منصوب شد. نوشـتن مراسلات و فرامین شاه و رتق و فتق امور اداری با او بود لذا شاه به او لقب «معتمدالدّوله» داد. نشاط نخستین وزیر خارجه در تاریخ ایران شمرده می شود.]

او دارای قریحه و استعداد سرشار، و در حکمت ریاضی و علوم ادبی عدیم المثال

۱- دیوان طبیب اصفهانی، ص۷۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۳۴.

بوده [است.] شاعری نیک محضر و عارفی خوش مشرب و حکیمی نکته سنج بود. [در بخشندگی و سخاوت بی نظیر بود و بارها اموال خود را وقف نیازمندان و فضلاء و ادباء نمود.و به تربیت و پرورش صاحبان استعداد و اهل فضل اهتمام داشت و اشخاصی چون سیّد حسین مجمر زوّاره ای به واسطه او به دربار راه یافته و منظور نظر فتحعلی شاه واقع شدند.] وی در نهضت ادبی ایران [بازگشت ادبی] سهم به سزائی دارد. در نظم و نثر به شیوه قدماء استاد است و در قصیده و غزل توانا. و در نظم و نثر به عربی و فارسی [و ترکی] قادر بوده و اقسام خطوط را نیکو می نوشته و به خصوص در خط شکسته مقام استادی داشته است.

نشاط سرانجام در دوشنبه ۵ ذی الحجه ۱۲۴۴ق در طهران به مرض سل وفات یافته و در نجف اشرف مدفون شد.

«مصنف قاجار» در تاریخ وفاتش گوید:

«از قلب جهان نشاط رفته»(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «دیوان اشعار» [که به چاپ رسیده و نسخه خطی آن در کتابخانه فاضل خوانساری در خوانسار و کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)] ۲. «گنجینه» که مجموعه آثار نظم و نثر اوست و در پنج

۱- تذکره دلگشا، صص ۴۹۱ و ۴۹۲؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، صص ۱۰۵۴ و ۱۰۵۵؛ تذکره ریاض العارفین، ص۵۲۹؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۰۸؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۲۷۴-۲۷۶؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۸۷۱؛ تاریخ ادبیات (شفق) ، صص ۳۷۹-۳۸۱؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۹؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ دیوان طبیب اصفهانی، ص۸۱؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۸۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۱۸ و ۴۱۹؛ تاریخ ادبیات فارسی (اته) ، ص۲۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۰۰ و ۸۰۱.

۲- فهرست عکسی مرکز احیاء، ج۱، ص۴۰۵؛ فهرست خطی احیاء، ج۵، ص۵۷؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۱۸.

درج می باشد [که بارها چاپ شده است. نسخه خطی آن در کتابخانه دائره المعارف بزرگ اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و برخی از کتابخانه ها موجود است.(۱)]۳. «ساقی نامه»۴. «کتابی به سبک گلستان»۵. «مراسلات و منشآت و مناجات» که به سبک نوشته های درباری است. قسمتی از آن به طبع رسیده و قسمتی در بایگانی وزارت خارجه برخی کشورها موجود است. [در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی نسخه ای از منشآت که مشتمل بر دُرج پنجم «گنجینه» و منشآتی از قائم مقام فراهانی است به شماره ۱/۱۱۸۴۸ موجود است.(۲)

از نشاط فرزندانی (از جمله عبدالباقی و عبدالکریم) به جای ماند که در تهران ساکن بوده اند.]

این شعر از اوست:

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد در دل دوست به هر حیله رهی باید کرد

اختران فلکی را اثری در ما نیست حذر از گردش چشم سیهی باید کرد

شب که خورشید جهانتاب نهان از نظر است قطع این مرحله با نور مهی باید کرد

میرزا عبدالوهاب طبیب اصفهانی*

میرزا عبدالوهاب طبیب فرزند میرزا محمّدرفیع اصفهانی معروف به «میرزا کوچک» از

۱- مجلّه پیام بهارستان، شماره ۳۰، آذرماه ۱۳۸۲، ص۷۷؛ فهرست عکسی دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۳۳۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۰، ص۱۰۴.

اطبّاء حاذق قرن سیزدهم هجری.

طب را از پدرش آموخته و علاوه بر طبابت به تدریس کُتُب طب مشغول بوده و ملاّ عبدالقادر مولوی طبیب در طب شاگرد او بوده و از او اجازه داشته است. سلسله اجازات صاحب عنوان در طب به بقراط حکیم منتهی می شود.(۱)

حاج عبدالوهاب مظهر اصفهانی*

حاج عبدالوهاب چیت ساز متخلّص به «مظهر» فرزند رمضانعلی، از قاریان قرآن در عصر حاضر. در جلسات تجوید و قرائت قرآن به تدریس مشغول بوده و گاهی نیز شعر می سروده است. وی در بهمن ۱۳۶۲ش وفات یافته و در قطعه ۳ قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شده است.(۲)

ملاّ عبدالوهاب میمه ای

ملاّ عبدالوهاب بن ملاّ محمّدطاهر جوشقانی میمه ای [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در روز دوشنبه هفتم شوّال سال ۱۲۷۸ق کتابت مجموعه ای از «مناسک حج» و «فقه» را به خط نسخ در مدرسه جدّه اصفهان به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۳۰۴۷ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۳)

شیخ عبدالوهاب لاهیجی

شیخ عبدالوهاب بن عبداللّه لاهیجی [گیلانی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم

۱- تراجم الرجال، ج۱، ص۳۲۶.

۲- اساتید و قاریان قرآن اصفهان، ص۳۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۶۳.

هجری] در ربیع الاوّل سال ۱۲۳۵ق رساله «بیست فصل» میرزا نصیر اصفهانی، در تقویم و نجوم را در اصفهان به خط شکسته و نستعلیق کتابت نموده است. او در سال ۱۲۳۶ق رساله «هیئت» تألیف: محمّدباقر نجم ثانی را کتابت نموده [که جزو همین مجموعه است.]

مجموعه به شماره ۱۱۷۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

میرزا عبدالوهاب منجم باشی

میرزا عبدالوهاب منجم باشی فرزند میرزا علی محمّد محلّه نوئی اصفهانی، ریاضیدان و منجم دانشمند در قرن سیزدهم هجری. در ۱۰ ربیع الاوّل ۱۲۵۰ق متولّد گردیده و نزد پدر و دیگران تحصیل نموده و به استخراج تقویم مشغول شد. سال ها منجم باشی مهدعلیا بود و در مدرسه دارالفنون تدریس می نمود. سرانجام در روز ۱۵ ربیع الثّانی ۱۲۸۹ق وفات یافت.

از آثارش: ۱. «ترجمه کشف الآیات» از لاتین به فارسی ۲. «نجوم القرآن فی اطراف الفرقان» به طبع رسیده است.(۲)

سیّد عبدالوهاب بدری

آقا سیّد عبدالوهاب بدری بن سیّد محمّدعلی حسینی سینی، واعظ صالح، از فضلاء اهل منبر [در قرن چهاردهم هجری.] متوفی در روز ۹ رجب ۱۳۷۷ق. مدفون جنب

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۳۰۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۱؛ الکرام البرره، ج۲، ص۸۰۸؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۲، ص۷۹۱؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۳۶۶.

برادرش سیّد مهدی در تکیه گلزار (واقع در تخت فولاد) .(۱)

ملاّ عبدالوهاب همدانی*

ملاّ عبـدالوهاب فرزنـد ملاّ کلب علی همـدانی اصـفهانی، از فضـلاء قرن دوازدهم هجری. او و برادرش عبدالواسع (متخلّص به «دامی») در اصفهان به تحصیل ادبیات فارسی و عرب، منطق، حکمت، ریاضی و فقه مشغول بوده اند. عبدالواسع در سال ۱۱۷۳ در جوانی وفات یافت ولی عبدالوهاب تا ۱۱۸۵ق زنده بوده و در اصفهان به تحصیل علم و کتابت مشغول بوده است.

او «رساله در معرفت اسطرلاب شمالی و جنوبی را به خط نستعلیق در ۱۱ صفر ۱۱۸۵ق در اصفهان و «رساله در عمل اسطرلاب» را در همان سال کتابت کرده که به شماره ۱۰۲۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

سیّد عبدالوهاب معین الاطباء اردستانی

سیّد عبدالوهاب شفیعی اردستانی معروف به «حکیم» و «معین الاطباء» فرزند حاج میرزا محمّد شیخ العلماء بن حاج سیّد باقر بن میر محمّدشـفیع اردسـتانی، طـبیب حـاذق. از پزشـکان نیمه نخست قرن چهـاردهم هجری است و نسب او به جنـاب حسن مُثَنّی فرزنـد امـام حسن مجتـبی علیه السـلام می رسـد. او در سـال ۱۲۷۴ق در محلّه رامیـان اردسـتان متولّـد شـده و علوم زمـان خود خصوصا طب را در اردسـتان و اصـفهان آموخته و سال ها در مدرسه نیم آورد اصفهان به طبابت پرداخت.(۳) تا اینکه در سال ۱۳۵۵ق وفات یافته و نزدیک

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۲.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۲، صص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۳- آتشکده اردستان، ج۳، ص۶۰۷.

مزار فاضلان در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

عبدالوهاب کاتب

عبدالوهاب بن محمّد بن حسن بن عبداللّه کاتب [از کاتبان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری.] در روز پنج شنبه چهارم شعبان ۱۲۷۵ق چندین برگ در آخر مجموعه (شماره ۳۰۴۷ کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم) به خط نسخ نوشته است.(۲)

میرزا عبدالوهاب شکوه اصفهانی

میرزا عبدالوهاب منجم باشی متخلّص به «شکوه» فرزند میرزا محمّد [بن میرزا محمّدحسین بن میرزا بدیع الزمان منجم حسینی گنابادی اصفهانی، شاعر ادیب و منشی، [در قرن چهاردهم هجری. او همشیره زاده تاج الشّعراء شهاب اصفهانی بوده و از او فنون شعر و ادب را فراگرفته است.] او از کارگزاران دستگاه ظل السلطان بوده [و به منشی گری در دیوان خانه دولتی مشغول بوده است. شعر را نیکو می سروده و قصایدی در مدایح و مراثی معصومین علیهم السلام دارد.] وی در ۴ ربیع الثّانی ۱۳۳۰ق وفات یافته و در [یکی از اطاق های] تکیه تویسرکانی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

میر ادیب، منی نثر، اوستاد نظم عبدالوهاب کز همه خوبان نشان گرفت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۲۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۶۳.

چون رفت از این سرای برون، عقل دور بین از سال فوت او خبر از این و آن گرفت

بیرون یکی شد از پی تاریخ فوت و گفت «عبدالوهاب جای بقصر جنان گرفت»(۱)

عبدالوهاب بُزانی اصفهانی

ابوالفرج عبدالوهاب بن محمّد بن عبداللّه اصفهانی بُزانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از عبداللّه بن حسن بن بندار مدینی حدیث شنیده و حافظ ابوبکر خطیب از او روایت می کند.(۲)

شیخ عبدالوهاب بیدآبادی

شیخ عبدالوهاب بن شیخ محمّد بیدآبادی اصفهانی معروف به «رجالی» [از علمای اواخر دوره قاجاریّه] ادیب شاعر از سلسله مشایخ بیدآباد. متوفی قبل از سال ۱۳۲۰ق وی «الفیه ای در نحو» تألیف نموده است. سیّد ابوالقاسم اصفهانی از شاگردان اوست.(۳)

شیخ عبدالوهاب قاضی

شیخ عبدالوهاب قاضی فرزند شیخ محمّد، عالم فاضل محقّق [از علمای قرن سیزدهم هجری] از سلسله مشایخ بیدآباد بوده و در ماه شعبان ۱۲۶۹ق در اصفهان

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۸۶۴ و ۸۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۲؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۹۹۲-۲۹۹۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- الاکمال، ج۱، ص۲۰۷؛ اللباب، ج۱، ص۱۴۶؛ معجم البلدان، ج۱، ص۴۰۹.

۳- نقباء البشر، ج۳، ص۱۲۴۹؛ الذریعه، ج۱، ص۵۰۳.

وفات یافته و جنب قبر آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون شده است.(۱)

میرزا عبدالوهاب معین العلماء

میرزا عبدالوهاب ملقب به «معین العلماء» فرزند سیّد مهدی نحوی بن سیّد محمّدحسن مجتهد اصفهانی بن سیّد محمّدتقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّدصادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّدباقر بن میر محمّدصادق موسوی اصفهانی [از روزنامه نگاران فاضل و دانشمند و] از آزادیخواهان صدر مشروطیت.

در سال ۱۲۸۴ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیل کرد. [در اصفهان از دوستان سیّد جمال الدّین واعظ بود و تحت تأثیر افکار آزادیخواهانه او قرار داشت. در سال ۱۳۲۰ق به تهران رفت. در سال ۱۳۲۲ق انجمن مخفی به نام «مجمع آزادیخواهان» را در تهران تشکیل داد. به هنگام تحصّن علماء در امامزاده عبدالعظیم شهرری، او در ایجاد ارتباط مردم و علماء و روشنگری در اهداف نهضت نقش مهمی داشت. پس از پیروزی نهضت و صدور فرمان مشروطیت و برگزاری انتخابات مجلس شورای ملّی، در انتخابات اصفهان مشکلاتی به وجود آمد که معین العلماء به اصفهان آمده و آن مشکلات را رفع نمود. او در سال ۱۳۲۵ق در تهران روزنامه «نیّر اعظم» را منتشر ساخت که هفته ای دو شماره منتشر می شد و در آن مقالات بسیاری در دفاع از مشروطیّت و مخالفت با استبداد و دخالت بیگانگان در ایران درج می گردید.

او پس از اینکه مقاله ای در انتقاد به قرارداد ۱۹۰۷م بین روسیه و انگلستان در «نیّر اعظم» به چاپ رساند و شاه را به حمایت از روس ها متهم کرد، روزنامه اش توقیف و خود به یک سال حبس محکوم شد. اما با پادرمیانی بزرگان به عتبات عالیات تبعید شد.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۶؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

امّا پس از مدّت کوتاهی به ایران بازگشت. پس از آنکه محمّدعلی شاه مجلس را به توپ بست و به تعقیب و دستگیری و قتل آزادیخواهان اقدام کرد، معین العلماء به سفارت عثمانی پناه برد و نامه هایی به علمای اصفهان نوشت و آنان را به حمایت از مشروطه خواهان فراخواند. پس از آنکه محمّدعلی شاه شکست خورد و مشروطه خواهان تهران را فتح کردند، او دستگیر و زندانی شد و کمی بعد آزاد شده و عتبات عالیات رفت ولی بعد از بازگشت به ایران فعالیّت های سیاسی را رها کرد.(۱)]

معین العلماء، پس از تأسیس عدلیّه، وارد خدمات دولتی شده و مدّت ها ریاست عدلیه مازندران، زنجان و گیلان و سپس قضاوت در محاکم عدلیه فارس و ریاست عدلیه آباده و گلپایگان را داشت. [او در آخرین سال عمر به عدلیه اصفهان منتقل شده و] در شب جمعه ۶ رمضان المبارک ۱۳۵۸ق [مطابق ۲۷ مهر ۱۳۱۸ش] در اصفهان وفات یافته و در تکیه سادات مهدوی در تخت فولاد جنب مزار پدران خود مدفون شد.(۲)

سیّد عبدالوهاب مرشد اصفهانی

سیّد عبدالوهاب خان مستشار دفتر متخلّص به «مرشد» فرزند سیّد هاشم. از شعرای معروف و فضلای مشهور اصفهان در اوایل قرن چهاردهم هجری. [در سال ۱۲۸۶ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخت. او از اعضای دفتر انشاء و استیفای اصفهان بود و جزو جمع ها را می نوشت. مابین انواع شعر مخصوصا مادّه

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۴، صص ۳۲۵-۳۲۷؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۸۸-۹۲؛ نگرشی بر مطبوعات اصفهان، صص ۱۹۶-۲۰۰.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۷.

تاریخ گوئی طبعی آماده و توانا داشت. دیوان اشعارش حدود پنج هزار بیت شعر داشته که دختر سیّد عبدالوهاب خان آنها را به همراه اشعار سیّد مرتضی (فرزند سیّد عبدالوهاب) به سرهنگ دکتر ریاحی جهت چاپ سپرده بود ولی به چاپ نرسید.] سرانجام در روز ۱۷ صفر ۱۳۴۳ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه ملک [تکیه شهدای کنونی] در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

سال تاریخ فوت پرسیدم از مقیمان روضه رضوان

باغبان سر برون نمود و بگفت مستشار آمده مقیم جنان

این شعر از اوست:

همه عشاق بگیرند اگر یار دگر جز تو ما دل نسپاریم به دلدار دگر

بار اوّل چو بدیدم رُخ او مات شدم دیده ای کاش که بیند رُخ او بار دگر

بار عشق تو مرا کشت دم از هجر مزن نیست حاجت که بر این بار نهی بار دگر(۱)

شیخ عبدالوهاب ریزی

شیخ عبدالوهاب فرزند یارعلی ریزی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل و مجتهد جامع [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

از اهالی قصبه «ریز» از توابع لنجان بوده و در اصفهان نزد حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی تحصیل کرد. سپس به نجف اشرف رفته و از درس شیخ محمّدحسن نجفی (صاحب جواهر) بهره برد و ظاهرا از آن اساتید اجازه

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۵۱ و ۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۲؛ دیوان طرب: مقدمه، ص ۲۵۰؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۱۷۳؛ یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی.

دریافت نمود. او پس از مراجعت به ایران، به زادگاه خود رفته و به ترویج دین و ارشاد مردم مشغول شده و ظاهرا قبل از سال ۱۳۰۰ق وفات یافته و در همانجا در مسجدی که در آن اقامه جماعت می نمود مدفون شد.

او پدر دو عالم بزرگوار شیخ مرتضی و شیخ ابوالفضل ریزی است.(۱)

شیخ عبدالوهاب زاهدی

شیخ عبدالوهاب زاهدی، عالم فاضل ادیب. از فضلاء معاصرین و از سلسله مشایخ بیدآباد.

سال ها در دبیرستان عَلیّه (از مدارس جدید) ادبیات فارسی و عربی و فقه تدریس می نمود و در مسجد سیّد نیز جمعی در خدمت او به تحصیل اشتغال داشتند.(۲)

عبدالوهاب سالک اصفهانی

عبدالوهاب سالک اصفهانی، از شعرای قرن سیزدهم هجری است. مدّتی در عداد غلامان و پیشخدمتان هلاکو میرزا قاجار بوده و او را مدح می نموده و هلاکو میرزا در «تذکره خرابات» از او یاد کرده است.(۳)

میرزا عبدالوهاب قطره چهارمحالی

میرزا عبدالوهاب سامانی چهارمحالی متخلّص به «قطره» شاعر ادیب [از شاعران قرن سیزدهم هجری. در چهارمحال متولّد شده و علم و ادب آموخت و خصوصا در انشاء و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۱۷۵؛ بیان المفاخر، ج ۱، ص۳۴۷.

۲- بیان المفاخر، ج ۲، ص۹۷.

۳- حدیقه الشعراء (تعلیقات دکتر نوائی) ، ج ۱، ص۷۲۹؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج ۱، ص۴۹۷.

حساب و امور دیوانی مهارت یافته و چندی نایب الحکومه چهارمحال شد. سفرهایی به شهرهای مختلف کرده و در نهاوند به خدمت شاهزاده محمود میرزا قاجار درآمده و او را مدح کرد. سپس به طهران رفته و به دربار فتحعلی شاه قاجار راه یافت و اشعارش مورد توجّه و قبول شاه قرار گرفته و قصایدی در مدح شاه انشاء نمود. بعد از فوت او به اصفهان آمده و به مدح حاکم اصفهان منوچهرخان معتمدالدّوله پرداخت. او گاه در اصفهان و گاه در چهارمحال بوده و با شعرا و ادبای معاصر خویش مراوده و معاشرت داشته است. سال فوتش به دست نیامد. «هرمان اته» می نویسد تا سال ۱۲۸۴ق در قید حیات بوده است. فرزندان و نوادگان و احفاد او اغلب از شعراء و ادبای عصر خویش بوده اند که از همه معروف تر نوراللّه خان سامانی است.(۱)

کتب زیر از آثار اوست:

۱. «دیوان اشعار» که نسخه ای از آن در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است.(۲) ۲. «شمس التواریخ» در تاریخ عمومی ایران و جهان که به نام محمّدشاه قاجار در یک مقدمه ۴۰باب و یک خاتمه تألیف کرده و نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۴۲۸ موجود است.(۳) ۳. «غزوات حضرت نبی مختار و حیدر کرار» منظوم۴. «فتحنامه» در فتوحات مختار ثقفی، منظوم

از اوست:

۱- تذکره مدایح معتمدیه: خطی؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۴۳؛ تذکره دلگشا، صص ۶۱۴-۶۱۶؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۸۸۶-۸۸۸؛ تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۲۴۴؛ الذریعه، ج۹، ص۸۸۶؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۴۳۴.

۲- تاریخ و ادبیات فارسی (اته) ، ص۲۰۲.

۳- فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۶۳۳؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص ۲۴۳۳.

نه سنگ جور دلداری، نه بند زلف دلبندی فضای بوستان خرسند کی سازد دل ما را]

میرزا عبدالوهاب کُجانی اردستانی*

میرزا عبدالوهاب کُجانی، ادیب شاعر و خوشنویس ماهر در قرن سیزدهم هجری. در روستای «کُجان» اردستان متولّد شد و در اردستان سکونت گزیده است. مدّتی نزد حاجی محمّدعلی خان عرب عامری از حکام آن نواحی به امور دیوانی مشغول بود و چون نتوانست از این راه مخارج خود را تأمین کند به اصفهان آمده و به خدمت مجتهد و مرجع بزرگ آن عهد حاج سیّد محمّدباقر حجّه الاسلام شفتی درآمد و او را مدح گفت.

او غزل و قصیده را نیکو می گفته و خطوط نسخ و شکسته و نستعلیق را نیکو می نوشته و در فن سیاق مهارت داشته است. او اشعاری در مدح سیّد حجه الاسلام دارد.(۱)

میر عبدالوهاب معموری*

میر عبدالوهاب معموری متخلّص به «عنایت»، از شعرای اوایل قرن یازدهم هجری. از سادات معموری اصفهان است. در هند ساکن بوده و داخل امراء دربار جهانگیر پادشاه به خدمت مشغول بوده است. مدتی هم در دکن در دیوان شاهزاده سلطان پرویز خدمت می کرد. در اغلب علوم خصوصا سیاق و حساب مهارت و در شعر طبعی روان داشت و اشعار بسیار گفته بود. دیوان غزلیاتش پنج هزار بیت است. دفتری در قصیده دارد و یک مثنوی در بحر فرهاد و شیرین سروده است.

۱- تذکره مآثر الباقریه، ص۱۰۷.

این شعر از اوست:

درین چمن منم از بلبلان زار یکی ولی به زاری من نیست از هزار یکی

هزار عاشق جانباز سربلندی یافت در آن میانه سزاوار شد به دار یکی(۱)

عبدالوهاب موسوی

عبدالوهاب موسوی [از خوشنویسان خط نستعلیق در قرن یازدهم هجری.] در رجب ۱۰۷۸ق در محلّه عباس آباد اصفهان کتاب «عیون اخبار الرضا» را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

عبدالوهاب واعظ ملکی اصفهانی

عبدالوهاب واعظ ملکی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری.] در سال ۱۰۲۷ق کتاب «تنبیه الغافلین» در ترجمه نهج البلاغه تألیف: ملّا فتح اللّه کاشانی را به خط نستعلیق نوشته و کتاب به شماره ۷۵۶ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در طهران موجود است.(۳)

شیخ عبدالهادی اصفهانی

شیخ عبدالهادی اصفهانی، از علمای قرن چهاردهم هجری و از مدرسین شهر کربلا ـ است. از جمله شاگردان او شیخ علی حبشی قطیفی است.(۴)

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۵۶۳-۲۵۶۷؛ تذکره روز روشن، ص۵۷۴.

۲- فهرست رضوی، ج۵، ص۱۳۱.

۳- فهرست سپهسالار، ج۲، ص۱۷.

۴- نقباء البشر، ج۴، ص۱۳۷۹.

عبدالهادی صوفی اصفهانی

ابوالخیر عبدالهادی بن علی بن محمّد بن احمد بن خانبان بن حسن بن علی بن جعفر مؤدّب صوفی اصفهانی [از عرفاء و زُهّاد و محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری.]

از مردان اهل خیر و صلاح و علم بود. نیکو وعظ می کرد و به خوبی با مردم سلوک می نمود. در اصفهان به زهد و وعظ معروف بود.

در همدان از ابوبکر عبداللّه بن حسین بن محمّد بن جعفر رودزاوری، حافظ ابوشجاع شیرویه بن شهردار دیلمی، ابوالعلاء محمّد بن محمّد بن احمد حافظ و ابومحمّد عبدالرّحمان بن محمّد بن حسن دونی صوفی و در اصفهان از ابوعلی حداد استماع حدیث کرده است.

تولدش در ماه صفر ۴۱۹ و فوت در عصر پنج شنبه ۱۶ جمادی الاولی ۵۵۴ق [بود.] و روز جمعه در مسجد خود مدفون گردید.(۱)

حاج عبدالهادی اصفهانی

حاج عبدالهادی اصفهانی فرزند مهدی معروف به «جراح» [از کاتبان خط نسخ در قرن سیزدهم هجری] چندین کتاب را به خط نسخ نوشته که از آن جمله است:

۱. «الثمره» للبطلمیوس۲. «القضایا فی النجوم» در ۱۴ شعبان ۱۲۵۷ق۳. «مدخل» منظوم۴. «اختیارات مسیر قمر» در ربیع الثانی ۱۲۵۷ق۵. «الصعیحه» شیخ بهائی در ۱۸ رمضان ۱۲۶۸ق

این کتاب ها ضمن مجموعه شماره ۴۳۴۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران

۱- التّحبیر، ج۱، ص۵۰۴.

محفوظ است.(۱)

شیخ عبدالهادی قاضی

شیخ عبدالهادی قاضی، عالم فاضل [در قرن سیزدهم هجری.] داماد علّامه فقیه آقا سیّد صدرالدّین محمّد عاملی بوده و دختر او علویه فاطمه بیگم را به زوجیت داشته است. او ظاهرا شاگرد حاج محمّدابراهیم کلباسی و حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام است. در «گنج شایگان» گوید: وی پنجمین نبیره شیخ محمّدحسن قاضی (اوّلین شخص از این خاندان که در اصفهان به منصب قضاوت نائل شد) است و تا سال ۱۲۷۳ق حیات داشته است. و در مسجد علیقلی آقا اقامه جماعت می نموده است.(۲)

عبدان خوزی

عبدان بن محمّد خوزی شاعر فصیح البیان از معاصرین ثعالبی مؤلّف: «یتیمه الدّهر» است. در حدود سال ۴۰۰ هجری وفات یافته است. از اشعار اوست:

تَرکنا لِخَوفِ الخیل دَوَرنا وللّه صرف الدّهر کیف ترددا

دهالیزنا ضاقت لخوف نزولهم کانّا یهودٌ تدخل الباب سُجّدا

(اشاره به کوتاهی درب خانه های اهل جزیه: یهود) (۳)

عبده اصفهانی

عبده بن صالح اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن دوّم هجری] از داود بن سلیمان

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۵۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۲۰؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۲۷۵ و ۲۷۷.

۳- آثار ملّی اصفهان، ص۲۲۶؛ دائره المعارف تشیع، ج۱۱، ص۱۰۷.

از اصحاب حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام روایت می کند.(۱)

عبیداللّه ابهری اصفهانی

ابوالعبّاس عبیداللّه بن احمد بن حامد ابهری مؤدب اصفهانی [از محدّثین قرن پنجم هجری] از محمّد بن محمّد بن یونس ابهری و ابومسلم عبدالواحد بن محمّد بن احمد ابهری نقل حدیث می کند و ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی و ابونصر ابراهیم بن محمّد کسائی و محمّد بن احمد بن محمّد آمِدی از او روایت کرده اند.(۲)

عبیداللّه مؤدّب اصفهانی

ابومسلم عبیداللّه بن احمد بن محمّد بن ماهان مؤدّب [از محدّثین عامّه در قرن چهارم هجری] در اصفهان و جز آن از محدّثین استماع حدیث نموده و از سهل بن موسی روایت می کند.(۳)

«مؤدب» به وزن «محدّث» یعنی ادب آموز

عبیداللّه اصفهانی

ابوعمرو عبیداللّه بن احمد بن عُقبه بن مَضرِّ (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری] مستجاب الدّعوه بوده و در شوّال ۳۱۳ق وفات یافته است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۵.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۲.

عبیداللّه اصفهانی

ابومحمّد عبیداللّه معدّل اصفهانی بن حسن بن محمّد بن عبداللّه بن حسن بن حفص [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از بزّاز و محدّثین هم طبقه او روایت می کند.(۱)

عبیداللّه حداد اصفهانی

حافظ ابونعیم عبیداللّه حدّاد اصفهانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] تولدش سال ۴۶۳ و فوت او جمادی الاولی سال ۵۱۷ق [بوده است.]

ابوعبیداللّه دقاق درباره او گوید:

«جمع ما لم یجمعه من اقرانه من الکتب الکثیره و السّماعات. صدوقا فی جمعه و کتبه. امینٌ فی قراءته.»

او از عفیفه فارفانی اجازه داشته و از محمّد بن احمد بن محمّد بن عبداللّه ترکه اصفهانی و ابوابراهیم اسعد بن مسعود عتبی نیشابوری نقل حدیث نموده و قاضی ابواسحاق ابراهیم بن علی بن حسین از او روایت می کند.(۲)

عبیداللّه خیاط اصفهانی

ابوبکر عبیداللّه خیّاط اصفهانی، نحوی ادیب. وی را دو کتاب در نحو می باشد. یکی بزرگ و دیگری کوچک. در زمانش چنان کتابی بدان جزات نوشته نشده است. اباالفضل

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۲.

۲- تبیین کذب المفتری، ص۱۲۴؛ التّحبیر، ج۲، صص ۷۷ و ۱۰۳.

بن محمّد نزد او تلمّذ کرد. ابی مسلم بن حجا الکوفانی در رثای او گوید:

سآتی باکیا شط الفرات لعینی استمد مَدَی حیات

فابکی ثم ابکی ثم ابکی علی من عقد توسّد جندلات

علی قمر الزّمان و زین علم عبیداللّه کنز الفائدات(۱)

عبیداللّه روقی اصفهانی

ابوالحسن عبیداللّه بن طاهر بن حسین روقی [از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری[سبط ابوبکر بن فورک. سمعانی درباره او نوشته است: «من وجوه العلماء و الائمه و کانت الیه الفتوی فی مذهب الشجره».

در طابران از شاگردان ابومحمّد جوینی بوده و ابوالمناقب سعد بن عبید طابرانی طوسی از او روایت شنیده است. فوت [صاحب عنوان] در رمضان ۴۹۶ق(۲) [بوده است.]

عبیداللّه خطیبی

قاضی القضاه ابواسماعیل عبیداللّه بن علی خطیبی مقتول به سال ۵۰۲ق به دست باطنیان. از مخالفین سعدالملک آبیو خود مردی جاهل و محیل بود و سبب قتل سعدالملک گردید.(۳)

عبیداللّه قصری

ابوالقاسم عبیداللّه بن فضل بن احمد بن عبداللّه بن محمّد قصری ممیّز اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابراهیم طیّان حدیث شنیده و جهت

۱- معجم البلدان، ج۱۲، ص۶۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۹۵.

۳- تعلیقات نقض، ج۲، ص۷۲۷.

ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.

فوت رمضان ۵۳۳ق در اصفهان.(۱)

«باب القصر» محله بزرگی در اصفهان (از محلات یهودیه)

عبیداللّه جوزدانی اصفهانی

ابوالفضل عبیداللّه بن محمّد بن ابراهیم بن محمّد (سعد) بن احمد بن ابراهیم بن علی بن سعدویه جوزدانی عدل اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.]

سمعانی با القاب عالی از او یاد می کند و می نویسد:

«شیخ فاضل، عالم عاقل، ساکن صالح، سدید السیره، متمیز من اهل العلم و العدل و الخیر و مؤمن بیت الحدیث و العداله و التّزکیه ملیح الشّیبه بِهی المنظر»

در سال ۴۷۰ق متولّد و از پدرش ابوسهل محمّد، جدّش ابونصر ابراهیم، ابوالفضل مهطر بن عبدالواحد بُزانی، ابومنصور بن شکرویه، ابومسعود سلیم بن ابراهیم، ابوبکر بن ماجه و عده ای دیگر استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی «تاریخ اصفهان» ابوبکر احمد مردویه و چندین کتاب دیگر را از او شنیده است.

صاحب عنوان در روز جمعه ۱۲ ذیحجه ۵۳۸ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

عبیداللّه اصفهانی

ابوزرعه عبیداللّه بن محمّد بن احمد بن راشد (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از پدرش و ابوبکر بن نعمان روایت کرده و بعد از سال ۳۴۲ق وفات

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۸۳.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۸۴.

یافته است.(۱)

عبیداللّه عُصفُری

ابوالحسین عبیداللّه بن محمّد بن احمد بن معدان عُصفُری مقری خلّال [از محدّثین قرن چهارم هجری]

از محدّثین عراق و اصفهان حدیث شنیده و در سال ۳۷۵ق وفات یافته است. وی از ابوعبداللّه احمد بن علی جوزجانی روایت می کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند.(۲)

عبیداللّه طیّان

ابوالحسین عبیداللّه بن محمّد بن صالح طیّان قوّال [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] وی از علی بن سعید عسکری روایت می کند.(۳)

عبیداللّه بُرجی اصفهانی

ابوالقاسم عبیداللّه بن محمّد بن عبید بن قَمِن بن فیل برجی صوفی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] از ابوالحسن علی بن احمد بن محمّد بن حسین بن ابراهیم خُرجانی روایت می کند و ابوعلی حدّاد از او روایت می نماید.(۴)

[«بُرج» و «خُرجان» از دهات شرق اصفهان به شمار می روند.]

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۵.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۳.

عبیداللّه جمیلی اصفهانی

ابواحمد عبیداللّه بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بن محمّد بن جمیل (اصفهانی) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] او به طلب حدیث به شهرهای مختلف سفر کرده و به بغداد رسیده و از آنجا به اصفهان مراجعت نموده و در سال ۳۸۶ق فوت شده است. از حسن بن عثمان فسوی کتاب های یعقوب بن سفیان را روایت می کند.(۱)

عتیق رویدشتی

ابوبکر عتیق بن حسین بن محمّد بن حسن بن محمّد بن حسن قطّان رویدشتی سنبلانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] در حدود سال ۴۵۰ق متولّد شده و در اصفهان تحصیل نموده و از ابوعثمان سعید بن ابی سعید عیّار صوفی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث نموده است.

فوت او روز عرفه سال ۵۴۰ق در اصفهان(۲) [اتفاق افتاد.] «رویدشت» از قرای اصفهان و «سنبلان» از محلّات اصفهان [است.]

عثمان بُرجی اصفهانی

ابوالفرج عثمان بن احمد بن اسحاق بن بُندار کاتب بُرجی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از ابوجعفر محمّد بن عمر بن حفص جورجیری اصفهانی [و ابوعمرو عثمان بن حکیم و علی بن محمّد بن ابان] حدیث نقل نموده و سهل بن محمّد بُرجی و محمّد بن احمد بن احمد بن عبداللّه امام و سلیمان بن ابراهیم بن سلیمان [ورّاق و

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۱۰۶؛ اللباب، ج ۱، ص ۲۹۲.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۶۰۹.

ابوالقاسم بن ابی بکر بن علی و ابوالرّبیع استرآبادی و احمد بن جعفر فقیه] از او روایت کرده اند.

او در عید فطر سال ۴۰۶ق وفات یافت.(۱)

عثمان صالحانی

ابوعمرو عثمان بن طلحه بن حسین بن ابوذر محمّد بن ابراهیم صالحانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد اصفهانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی او را ملاقات کرده و در مسجد جامع جهت او اجازه نوشته است.(۲)

دو برادرش ابوعبداللّه حسین و ابوالخیر سعید صالحانی نیز از محدّثین اصفهان و از اهالی محلّه صالحان بوده اند.

عثمان سنوی اصفهانی

ابوعمرو عثمان بن محمّد (احمد) بن عثمان سنوی (نسوی) اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی حدیث شنوده و ابوسعد سمعانی احادیث کمی از او استماع کرده است.(۳)

عثمان شهرآبادی یزدی

عثمان بن محمّد بن عثمان شهرآبادی یزدی [از فضلای قرن ششم هجری] در سال

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۶۱؛ معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۳؛ احقاق الحق، ج۱۶، ص۲۰۵؛ اللباب، ج۱، ص۱۳۴؛ المشترک، ص۴۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۵۴۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۵۵۲.

۶۰۰ق کتاب «بیان الحق و معیار الصّدق» لوکری را در اصفهان جهت خود نوشته و نسخه به شماره ۸۷۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران جزو کتب اهدائی مشکوه موجود است.(۱)

عدنان بُرجی اصفهانی

ابوالحسن عدنان بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن شیبان مؤدّب بُرجی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از احمد بن محمّد بن موسی بن مردویه روایت نموده و ابوعلی حدّاد از او استماع حدیث کرده است.(۲)

«بُرج» از دهات اصفهان است.

عرب اصفهانی*

عرب اصفهانی، از شعرای اصفهان است و ظاهرا در قرن دهم هجری می زیسته است. از اوست:

بوی جگر سوخته دارد دل من خاصیّت خاک کعبه دارد دل من

با این همه اسباب که از غم دارم عمری است که حل نمی شود مشکل من(۳)

میرزا عَرَب ناصح تبریزی

میرزا عرب تبریزی متخلّص به «ناصح» شاعر ادیب از سخنوران قرن یازدهم هجری. وی مقداری در اصفهان تحصیل نموده و سپس به تجارت پرداخت. مردی صالح و

۱- فهرست مشکوه، ج۳، ص۱۶۵.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۳.

۳- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۲۸.

پرهیزکار بود و طبعش در شعر خالی از لطف نبود وفاتش قبل از سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) واقع شد.

این رباعی از اوست:

از عشق رسید کار هرکس به نظام بی آتش عشقت هوس ها همه خام

در دل عشقت به که بود در سر عقل در خانه چراغ به که مهتاب به بام(۱)شد الازار، ص ۲۸۰؛ هزار مزار، ص۳۲۳.

(۲)

عرفان طهرانی*

میر عرفان طهرانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان به کتابفروشی مشغول بود.

از اوست:

تا قیامت لب خمیازه گشاید چو کمان یک بغل هر که تو را تنگ در آغوش کشید۲.

شیخ عزّالدّین اصفهانی

شیخ عزالدّین اصفهانی [از دانایان قرائت و تجوید و حافظان قرآن در قرن هفتم هجری] حافظ قرآن با تجوید خوب بوده و به خدمت مشایخ بزرگ رسیده و عدّه زیادی را درک نموده [است.] از آن پس در زاویه ای غنوده و به تعلیم اولاد حسین پرداخت. در اواخر عمر از چشم محروم شده، پس از مدّتی چشمش خوب شد و قرآنی نوشت و دو مرتبه کور شده و سنش از نود (۹۰) گذشته و در سال ۷۹۰ و اندی وفات یافته و در شیراز مدفون گردید.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۶۹؛ تذکره روز روشن، صص ۷۹۰ و ۷۹۱؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ناصح تبریزی»، ص۱۵

۲- ۲. تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۸۵.

۳- شد الازار، ص ۲۸۰؛ هزار مزار، ص۳۲۳.

عزّالدّین اصفهانی*

عزّالـدّین بن تاج الـدّین اصـفهانی، از فلزکاران و قلمزنان سده هشـتم هجری است. از آثار وی یک شـمعدانی برنزی طلاکوب است که به نـام امیرتیمور گروکـانی سـاخته شـده و این اثر تاریـخ رمضان ۷۹۹ق دارد. در کتـاب «احوال و آثـار نقاشان قـدیم ایران» این تاریخ ۷۹۲ق آمده است.(۱)

شیخ عزّالدّین نجفی

حاج شـیخ عزّالدّین نجفی بن شـیخ محمّدرضا بن شیخ محمّدحسین بن حاج شیخ محمّدباقر نجفی (مسجدشاهی) اصفهانی، از علمای معاصر اصفهان.

[در حـدود سال ۱۳۳۰ق] در نجـف اشـرف متولّـد شـده و در کودکی به همراه پـدر به اصـفهان آمـد. و نزد علمـای این شـهر خصوصا شیخ امان اللّه گینکانی [کوجانی] و ملاّ فرج اللّه درّی به تحصیل مشغول شد و پس از آن در درس پدر دانشمند خود و حاج آقا نوراللّه نجفی حاضر شد.

او پس از فراغت از تحصیل به امور اجتماعی و اداره و سرپرستی دفتر ثبت اسناد رسمی اشتغال جست و در محلّه بیدآباد کوچه شیخ ها ساکن شد. او فاضلی نیکونهاد و عالمی خوش اعتقاد، دائم الذکر، خلیق و مهربان و خوش معاشرت بود.

او سـرانجام در روز جمعه اوّل شوّال ۱۳۹۹ق [مطابق به دوّم شهریور ۱۳۵۸ش] در سن حدود ۶۹ سالگی وفات یافت. [پیکرش به قم حمل شده و در قبرستان باغ رضوان (جنب قبرستان وادی السّلام) مدفون شد.]

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۲۳.

مادرش صبیّه آقا سیّد محمّد امامی خاتون آبادی است. [و خودش صبیه شیخ محمّدعلی بن شیخ جلال الدّین نجفی را به همسری خود اختیار نموده بود.]

از او جزوات و رساله های مختصری به جای مانده است.(۱)

عزّالدّین صنمار اصفهانی

عزّالدّین صنمار اصفهانی والی اصفهان در عهد سلطان ارسلان بن طغرل سلجوقی بوده و در «راحه الصّدور» و سایر کتب تواریخ سلجوقی از وی یاد شده است.(۲)

عزت اللّه جعفرپور (گویا اصفهانی)*

عزت اللّه جعفرپور متخلّص به «گویا» فرزند غلامرضا بن نصراللّه. از شعرای معاصر اصفهان در ششم اسفندماه ۱۳۱۸ش متولّد شده و تحصیلات خود را به صورت متفرقه تا ششم ابتدایی به پایان رسانیده است. او به شغل حجاری مشغول بوده و به خوشنویسی نیز علاقمند است.

از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و در اواخر عمر مرحوم استاد عباس خان شیدا محضر او را درک نموده و همچنین از محضر استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی بهره مند گردیده و تخلّص «گویا» را به پیشنهاد ایشان برگزیده است. در اکثر انجمن های ادبی اصفهانی خصوصا انجمن های صائب، حافظ، فردوسی و خانه هنرمندان حضور داشته است. دیوان اشعار او هنوز به چاپ نرسیده است. این چند بیت از اشعار اوست:

ای خدای رازدار بندگان در کدامین جا تو را پیدا کنم

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۲، صص ۴۱۶ و ۴۱۷؛ تربت پاکان قم، صص ۱۰۱۰-۱۰۱۲؛ قبیله عالمان دین، ص۱۱۱.

۲- راحه الصّدور، صص ۳۴۳، ۳۸۸.

تا بیابم پرتوی از نور تو رو به سوی طور چون موسا کنم

همچو مجنون در بیابان وفا این دعا دیوانه را رسوا کنم

هر شب و روز از فراق روی دوست ناله ها در دامن صحرا کنم(۱)

عزت اللّه ابوطالبی چادگانی*

عزت اللّه ابوطالبی فرزند فیض اللّه، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۲۲ش در چادگان متولّد شده و تحصیل در مقطع ابتدایی را در زادگاه خود و متوسطه را در اصفهان گذرانده و پس ادامه تحصیل فوق دیپلم گرفته و به استخدام کارخانه ذوب آهن اصفهان درآمده و بخش تحقیقات آزمایشگاه مرکزی آنجا به کار مشغول شد و در سال ۱۳۷۷ش بازنشسته شد. این شعر از اوست:

خداوندا کریمی مهربانی صفابخش زمین و آسمانی

گناهان مرا نادیده پندار گناه کرده را ناکرده انگار

به روز واپسین یعنی که محشر ز هرچه بد نمودم جمله بگذر

گناهانم ببخش و هرچه دیدی «ز ما بگذر شتر دیدی ندیدی»(۲)

عزیز اصفهانی

ابوالقاسم عزیز بن احمد بن محمّد مصری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان است و] از ابوسعید نقاش روایت می کند.(۳)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای جعفرپور (گویا) در ۱۰ شهریور ۱۳۸۹؛ بزم ادب، ص۳۳۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۶۸۰.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۳۲.

۳- میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۹۵.

عزیز اصفهانی

عزیز بن زین العابدین اصفهانی [خطاط نستعلیق نویس در قرن سیزدهم هجری] در ۱۳ جمادی الاولی سال ۱۲۴۰ق کتاب «ابواب الجنان» مولی رفیع قزوینی را به خط نستعلیق نوشته و به شماره ۳۰۱۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

محمّد عزیز*

میرزا محمّد عزیز فرزند میرزا محمّدرحیم (وزیر توپخانه) از خوشنویسان خط نستعلیق در اواخر قرن یازدهم هجری است. محمّدصالح اصفهانی که معاصر اوست در تذکره خوشنویسان خود گوید:

«قطع نظر از فضیلت و صفای طینت، در هر فنّی از فنون خطّ نستعلیق، نهایت قدرت و تسلّط داشت و پاکیزه و به مزّه می نوشت و خوشنویس بود».(۲)

حاج عزیزاللّه عطریان*

استاد حاج عزیزاللّه عطریان فرزند محمّدابراهیم. از هنرمندان معاصر در سال ۱۳۱۱ش در محلّه طوقچی اصفهان متولّد شد. پدر و عموها و اجداد او از هنرمندان هنر قلمکاری پارچه بوده اند. در کودکی به مکتب خانه رفت و چندی بعد نزد پدر به فراگیری هنر قلمکاری مشغول شد. چند سال بعد نزد استاد عبدالخالق پورصناعی که در هنر قلمکاری و صنعت رنگ سازی سنّتی مهارت داشت و استاد حاج میرزا آقا امامی

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش یکم، ص ۴۶۵.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۳، ص ۷۸۶.

استاد هنر مینیاتور و سوخت به تکمیل معلومات خود پرداخت.

او یکی از احیاءگران هنر قلمکاری در عصر حاضر است که در کارهایش از طرح هایی چون نقوش تخت جمشید، شکارگاه، گل و بوته، بتّه جقّه، گل ختائی و سرو استفاده می کرد و تعدادی از علاقمندان این هنر نزد او به فراگیری هنر قلمکاری مشغول بودند. آثار هنری او به بسیاری از کشورها صادر شده و در نمایشگاه دُبی در امارات متحده عربی در سال ۱۳۷۰ش و نمایشگاه جدّه عربستان در سال ۱۳۶۹ش به نمایش درآمد. همچنین در جشن های تخت جمشید و نقش جهان از دست ساخته های ایشان در فرم دهی و پوشش مردان و زنان استفاده شد. استاد عطریان از مؤسسان تعاونی صنف قلمکاران اصفهان و اتحادیه صادرکنندگان صنایع دستی اصفهان بود و در سال ۱۳۷۶ش از اداره تعاون استان اصفهان به عنوان قلمکار نمونه لوح تقدیر دریافت نمود.

وی پس از ابتلاء به بیماری قلبی در شب جمعه ۱۴ دی ۱۳۸۵ش (مطابق ۲۳ شعبان ۱۴۱۷ق) از دنیا رفت و در قطعه نام آوران در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۱)

ملاّ عزیزاللّه مجلسی

ملاّ عزیزاللّه بن میرزا محمّدتقی الماسی بن میرزا محمّدکاظم بن مولی عزیزاللّه بن علاّمه مولی محمّدتقی مجلسی اوّل، عالم فاضل و ادیب محقّق.

سال ها در هند اقامت داشته و گاهی شعر می سروده و سرانجام در سال ۱۱۶۳ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه مجلسی (جنب مسجد جامع اصفهان) مدفون شده است. از تألیفات او: «هدایه العاملین» در اصول دین است که برای مؤتمن الملک شجاع الدّین

۱- گلشن نام آوران، صص ۲۰۹-۲۱۳.

محمّدخان اسعد جنگ، در مقصودآباد از شهرهای بنگاله در سال ۱۱۴۲ق تألیف شده است. وی همچنین نسخه ای از «حدیقه المتّقین» جدّش مجلسی اوّل را به خط نستعلیق در سوم صفر ۱۱۴۴ در بندر سورت کتابت نموده که به شماره ۲۹۶۳ در کتابخانه عمومی اصفهان (کتابخانه فرهنگ اصفهان) موجود است. زوجه مشارٌ الیه دختر مولی صالح ثانی مازندرانی معروف به آقابزرگ فرزند مولی عبدالباقی بن علّامه مولی صالح بوده است.(۱)

میرزا عزیزاللّه مجلسی

میرزا عزیزاللّه بن ملاّ محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل و محدّث محقّق. از علماء معروف و محقّقین بوده و در سال ۱۰۲۵ق متولّد و در سال ۱۰۷۴ وفات یافته است.

در «الفیض القدسی» درباره او می نویسد: «حاوی کمالات کثیره و در قدس و تقوی و حسن خلق، به حدّ اعلای مراتب رسیده و مستجاب الدّعوه بوده و در تموّل و ثروت نیز از عموم علماء زمان مقدّم بوده»(۲) .

نزد پدر و دیگران تلمّذ نموده [است.] کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انشای وقایع الرّوم»(۳) ۲. «ترتیب خلاصه الاقوال»، در فهرست کتابخانه رضویّه گوید: «نسخه اصل آن به شماره ۸۱۸۱ در کتابخانه موجود است که در محرم ۱۰۷۱ق نوشته شده و مصحّح و معلّق به حواشی است و در آن اسامی را با رعایت دو حرف اوّل از اسم مرتّب ساخته و در اسامی مشترکه ترتیب حرفی میان اسم دوم (نام پدر) را نیز

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۴۰ و ۳۴۱؛ الذریعه، ج۲۵، ص۱۸۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۱؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۸۹ و ۱۴۵.

۲- الفیض القدسی (چاپ کمپانی) ، ص۲۳.

۳- الذریعه، ج۲، ص۳۹۳.

رعایت نموده است.(۱) ۳. «حاشیه بر تهذیب الاحکام» ۴. «حاشیه بر مدارک الاحکام» ۵. «حاشیه بر من لا یحضره الفقیه»(۲) ۶. «فوائد متفرقه»

در کتابخانه آستان قدس رضوی نسخه ای از «وجیزه» شیخ بهائی موجود است که ملّا عزیزاللّه در صدر نسخه یک صفحه فوائد اقتباس از «رجال ابن داود» و در آخر نسخه ده برگ فوائد متفرقه از کتاب «منتقی الجمان» را در تاریخ ظاهرا ۱۰۷۱ق نوشته است.(۳)

شیخ عزیزاللّه بیدآبادی

شیخ عزیزاللّه بیدآبادی فرزند شیخ محمّدحسین بن آقا محمّد بیدآبادی، عالم فاضل و فقیه عارف (از علمای قرن سیزدهم هجری) .

در علم رمل و جفر و اعداد استاد بوده و علاوه بر آنها فقیهی عالیقدر به شمار می رفته، در اواخر قرن سیزدهم وفات یافته است.(۴)

نواده اش آقا شیخ عزیزاللّه بن شیخ محمّدحسین بن شیخ عزیزاللّه هم از فضلاء اوایل قرن چهاردهم هجری بوده و در مسجد سیّد اصفهان مکتب خانه داشته است.(۵)

۱- فهرست رضوی، ج۶، ص۶۰۱.

۲- الذریعه، ج۶، صص ۵۲ و ۱۹۴ و ۲۲۳.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص ۶۳۰؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۱؛ فوائد الرضویّه، ج۱، ص۲۶۳؛ الروضه النّضره، ص۳۶۶؛ مصفی المقال، صص ۲۶۰ و ۲۶۱؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۴۱.

۴- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۱؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار) ، ص۸۳؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۳.

۵- بیان المفاخر، ج۲، ص۹۹.

میرزا عزیزاللّه محتاج چادگانی

میرزا عزیزاللّه خان چادگانی متخلّص به «محتاج» فرزند محمّدحسن [از شعراء و فرهنگیان چادگان در قرن چهاردهم هجری.] در سال ۱۲۹۲ق در «چادگان» متولّد گردید. او دوران کودکی و نوجوانی را به سختی گذرانید و ضمن کار روزانه، شب ها در خدمت آخوند ملاّ علی میرزا (که از علماء و فضلای چادگان بود) درس می خواند. مدّتی نزد دانشمند و عارف و حکیم مشهور مرحوم آخوند ملاّ صالح بن ملاّ ابراهیم چادگانی درس خوانده و بعدا مدّتی در افواج فریدن به نویسندگی اشتغال داشت. از آن پس مدت چهل سال مکتب داری نمود و عدّه زیادی از اطفال محل را علم بیاموخت. [پس از آن که به دستور دولت رضاشاه، مکتب خانه ها برچیده شد و مدارس جدید جای آن را گرفت، او چندین سال خانه نشین بود تا اینکه با نامه نگاری به مقامات دولتی] به خدمت اداره فرهنگ وارد شد و به آموزگاری مشغول گردید. [او از پیشگامان و پیش کسوتان فرهنگ چادگان و از خادمان حقیقی علم و دانش است.]

وی از جوانی لب به گفتن اشعار گشوده و به فارسی و ترکی و لری شعر می گفت و دو دیوان به فارسی و لری داشت.(۱)

[وی سرانجام در روز دهم مهرماه ۱۳۳۸ش (مطابق سال ۱۳۷۸ق) پس از تحملّ مصائب گوناگون و از جمله مرگ جوان برومند خود، از دنیا رفت و در قبرستان عمومی چادگان معروف به «سر قبر آقا» مدفون شد. متأسفانه در سال های اخیر این قبرستان به فضای سبز تبدیل شد و آثار قبر او را از بین بردند.

این شعر از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۱۴.

نکوتر بتاب امشب ای نور ماه که روشن کنی روی این بزمگاه

ببین میگساران به خواب اندرند همه مات و مست رخ دلبرند

بود شمع خاموش و مجلس خراب شکسته دف و نای و چنگ و رباب

حریفان به یکدیگر آمیختند صراحی شکسته قدح ریختند

به موسی بگو خیز و بین بر ملا تجلّی نموده حق در کرب و بلا

مسیحا تا که بیند این رستخیز صلیب و چلیپا کند ریز ریز

محمّد سر از غرفه آرد برون ببیند جگرگوشه اش غرق خون(۱)]

عزیزاللّه مخمور نجف آبادی*

عزیزاللّه مخمور فرزند حسینعلی، شاعر ادیب، از سخنوران معاصر. در سال ۱۳۰۰ش در نجف آباد متولّد شد. او از نوادگان بی بی جان متخلّص به «مخموره» از شعرای اواخر دوره قاجار است. به این خاطر نواده اش «مخمور» تخلّص دارد و از اشعارش دفتری به نام «راز وصال» در سال ۱۳۴۵ش چاپ شده است. از راه خیاطی امرار معاش می کرده و علاوه بر طبع شعر ویولُن را خوش و استادانه می نواخته است. این دو بیت از سروده های اوست:

چشم جادو ز تو و دیده خونبار ز من رخ زیبا ز تو و عشق شرربار ز من

رمز دل بردن از خلق جهانی از تو جستجو کردن و دانستن اسرار ز من۲.

۱- یادداشت های محقّق ارجمند آقای حاج سیّد رضا نوحی چادگانی.۲. دیباچه دیار نون، صص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ بزم ادب، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

عزیزاللّه شکیبا

سرهنگ عزیزاللّه خان شکیبا فرزند میرزا محمودخان نهچیری، از شعرای معاصر اصفهان. در اصفهان متولّد شده و پس از انجام تحصیلات خود به خدمت ارتش درآمده و تا درجه سرهنگی ارتقاء یافت تا اینکه بازنشسته شد. در کلیه فنون شعر و ادب مهارت داشت و اشعارش در روزنامه ها و مجلات اصفهان و طهران به طبع می رسید. سرانجام در [۲۴ ربیع الاوّل ۱۳۹۰ق وفات یافته و در تکیه شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۱) [استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) شاعر توانا مادّه تاریخ وفاتش را چنین گوید:

پی فوت او کلک «برنا» بشمسی رقم زد: «روان شد بجنت شکیبا»

۱۳۴۹ ه . ش

و در مادّه تاریخ دیگری گوید:

پی تاریخ فوتش گفت «برنا»: «شکیبای عزیز از دار دون رفت»

۱۳۹۰ ه . ق]

سیّد عزیزاللّه طباطبائی اردستانی

سیّد عزیزاللّه بن یوسف طباطبائی اردستانی [از فضلای قرن یازدهم هجری] در دوشنبه ۱۳ رجب ۱۰۶۳ق نسخه ای از «عیون اخبار الرّضا علیه السلام » را در اصفهان به خط نسخ کتابت نموده است. در پایان نسخه سیّد محمّدسعید بن محمّدقاسم حسنی حسینی طباطبائی [قهپایه ای] می نویسد که در شب ۲۶ صفر ۱۰۶۵ق مقابله کتاب را در قریه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۶ و ۲۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶.

«خشوقان» (ظاهرا باید جِشوِقان باشد) قهپایه به پایان رسانیده است.

کتاب به شماره ۲۶۸۴ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۱)

عزیزاللّه شریفیان (غلام) گزی*

عزیزاللّه شریفیان گزی متخلّص به «غلام» از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۰ش در روستای گز بُرخوار متولّد شد. او سال ها به حرفه کفاشی مشغول بوده و در فنّ بنّایی نیز مهارت داشته است. از سن ۳۸ سالگی به سرودن شعر پرداخته و دیوان اشعارش در سال ۱۳۸۷ش به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

مشتاق به دیدار توام لحظه به لحظه کُنج قفسم با پر و بالی که شکسته

سوزد دل بیچاره من در تب عشقت تا آن که گشائی ز دلم عقده بسته(۲)

عزیزاللّه مسعودی

عزیزاللّه مسعودی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۲۹۶ش در اصفهان متولّد گردیده و تحصیلات مقدّماتی و متوسّطه خویش را در اصفهان انجام داد و سپس در اداره بهداری استان دهم [اصفهان] مشغول به انجام وظیفه شد. گاهی برحسب اقتضای حال اشعاری می سرود و در آن «مسعودی» تخلّص می نمود. از اوست:

شامگاهان تا سر بر درگهش راز و نیاز هرچه من بیش آورم او ناز را افزون کند(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۷، ص ۲۶۱.

۲- دیوان اشعار عزیزاللّه شریفیان (غلام) : مقدمه و ص۷۳.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۴۸ و ۴۴۹.

محمّد عسکر

محمّد عسکر بن زین الدّین محمّدرحیم [خوشنویس هنرمند قرن دوازدهم هجری[در سه شنبه ۲۱ شعبان ۱۱۲۸ق «دیوان میرنجات» را به خط نستعلیق در اصفهان در ۱۸۵ برگ نوشته و نسخه اصل در موزه آسیائی آکادمی علوم شوروی در لنینگراد و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

عصام بکری اصفهانی

ابوالفوارس عصام بن عثام بن عبدالملک بن عبدالرّحمان بن ابوطاهر محمّد بن احمد بکری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از اعقاب ابوبکر خلیفه اوّل. از مشاهیر اعیان و اعیان اصفهان بوده و از پدرش ابوحرب عثام و قاضی ابوبکر محمّد بن حسن بن محمّد بن سلیم اصفهانی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در خانه او در اصفهان از وی احادیث کمی مرقوم داشته است.

فوت [او] جمادی الاولی سال ۵۴۹ق در اصفهان(۲) [واقع شد.]

عصام بُرخواری اصفهانی (جبّر)

ابوسعید عصام بن یزید بن عجلان بلومی (و گاهی آن را بُرخواری گویند) [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن دوم هجری جدّش «عجلان» از قریه «بلومیه» بُرخوار اصفهان بوده و به دست دیلمیان اسیر شد و اسلام آورد و در کوفه صاحب فرزند شد و به وطن

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۹۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۶۱۶.

خویش مراجعت کرد. عصام ۱۳ سال مصاحب سفیان ثوری بوده و از او روایت نموده و همچنین] از شعبه و مالك روایت می کد. دو فرزندش محمّد بن عصام و روح بن عصام از او نقل حدیث کرده اند.(۱)

عصری تبریزی

عصری تبریزی، از شعرای قرن یازدهم هجری. در یزد ساکن بود و پس از اقامت تبریزیان در محلّه عباس آباد، او هم به اصفهان آمد و در آن محلّه ساکن شده و به زرکشی پرداخت. او معاصر شاه عباس اوّل است.

این شعر از اوست:

آمد آن همه سینه را از داغ ها رنگین کنید پادشاه حُسن آمد شهر را آیین کنید

درد عاشق را دوایی بهتر از معشوق نیست شربت بیماری فرهاد را شیرین کنید(۲)

ملاّ عطاءاللّه*

ملاّ عطاءاللّه، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است و مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی در کتاب «کشکول» گوید:

«برخی از تملکات او را بر تعدادی از کتاب های علمی در اصفهان دیده ام که تاریخ تملك سال ۱۱۲۴ق بوده است.»

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۳۸؛ معجم البلدان، ج۱، ص۳۷۴.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۳۴؛ تذکره روز روشن، ص۵۳۶؛ تذکره غنی، ص۹۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۲۷۴؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۴۶۳.

سپس می افزایـد: «شایـد وی مولی عطاءاللّه بن حسان واعظ هروی صاحب (مختارنامه) که به نام محمّـد شاه هندی که در سال ۱۱۶۰ق از دنیا رفته است، باشد. این اشعار از اوست:

ای ذات ذوالجلال تو از ماسوی سوی یابد ز خوان مکرمتت بی نوا نوا

اشفاق توست شامل هر خاص و عام عام تشریف توست در بر هر نارسا رسا

گم کردگان بادیه تیه غفلتم راهی ز روی لطف تو ای رهنما نما

از چار موج بحر چه غم دارم ای فلک در کشتی یی که هست در او ناخدا خدا

ما را به غیر جرم و گنه نیست حاصلی یا رب به ما مده تو به روز جزا جزا

از کثرت گناه بود قائلم دو تا می جوید از خزانه غیبت عطا عطا(۱)

ملّا عطاء اعجاز هروی

ملّا عطاء هروی معروف به «میرزا اعجاز» از شـعرای قرن یازدهم هجری. چندی در اصـفهان بوده و ربطی به نظم و نثر داشـته و در لباس مـدح در باب اصـفهان شوخی ها نموده بود. میرزا محمّـدطاهر نصـرآبادی در جواب چنـد فقره نثر نوشت. عاقبت ملّا عطاء با نصرآبادی آشتی کرده و عذر خواست. او سفری به هرات رفته و پس از مراجعت در اصفهان فوت شد.(۲)

رسـاله «تعریـف اصـفهان» از اوست که رسـاله شـیوائی است و در هر عنوان شـعری است از خود او و این رسـاله برای شـناخت اصفهان و مردمان آن در روزگار صفویّه بسیار سودمند است. این رساله ضمن مجموعه ۳۰۳۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه

۱- الکشکول، (چاپ شیکاگو آمریکا) ، ص۸۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۸۳ و ۵۸۴.

طهران موجود است.(۱) این شعر از اوست:

پس از سرگشتگی شد رشته تسبیح زُنّام ز صد منزل گذشتم تا گره افتاد در کارم

عطاء خُشک اصفهانی

عطاء خُشک. اصلاً اصفهانی بوده [و در قرن دوم هجری می زیسته] و در این شهر زاده شده و محلّه «باب عطاء» در اصفهان بدو منسوب است و در خراسان نشو و نما یافته و نزد محدّثین به «عطاء خراسانی» معروف است.(۲)

شهید عطاءاللّه اشرفی اصفهانی

حاج آقا عطاءاللّه فرزند ملّا اسداللّه سدهی معروف به «اشرفی» امام جمعه کرمانشاه، از علمای معروف و فضلاء مشهور که سال ها به امر مرحوم آیت اللّه بروجردی جهت تأسیس حوزه علمیه و ترویج احکام در کرمانشاه ساکن و به وظایف شرعی اقدام می فرمود و به وسیله مخالفین در جمعه ۲۷ ذی الحجه الحرام ۱۴۰۲ هجری قمری ترور گردید. رحمه الله(۳)

[نسب خاندان اشرفی خمینی شهر به ملاّ- محمّداشرف ورنوسفادرانی سدهی مؤلّف کتاب «عروه المتّقین» و متوفّی به سال ۱۱۳۵ه.ق می رسد و او بدین طریق از اعقاب شیخ علی کرکی (محقّق ثانی) است: ملّا محمّداشرف بن حیدرعلی بن ملّا کلب علی بن محمّد بن نورا بن محمّد بن نورالدین علی بن عبدالعالی میسی عاملی.

ملّا اسداللّه اشرفی از علماء سِدِه ماربین (خمینی شهر کنونی) بوده و فرزندش آقا

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص۱۹۳۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۲۷۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۲.

عطاءاللّه در شعبان سال ۱۳۲۲ق (مطابق سال ۱۲۸۱ش) در سِدِه متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات نزد سیّد مصطفی، از فضلاء آن محل، در ۱۲ سالگی به اصفهان آمده و نزد حضرات آیات شیخ محمّدحسین فشارکی، آقا سیّد مهدی درچه ای، میر سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و شهید سیّد حسن مدرس تحصیل کرد و پس از ۱۰ سال تحصیل راهی شهر مقدس قم شد و نزد آیات عظام: سیّد محمّدتقی خوانساری، سیّد صدرالدین صدر، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا سیّد محمّد حجّت و حاج آقا حسین بروجردی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت تا اینکه در ۴۰ سالگی به اجتهاد نائل و از طرف اساتید خود از جمله مرحوم خوانساری به کسب اجازه مفتخر شد و به تدریس در حوزه علمیه قم پرداخت و مسؤولیت اخذ امتحان طلاب به او و تعدادی از فضلاء مبرّز واگذار شد. او در این سال ها از درس فلسفه حضرت امام خمینی نیز بهره گرفت.

وی پس از سال ها اقامت در قم، از طرف آیت اللّه بروجردی راهی کرمانشاه شد تا ضمن ترویج دین و بیان احکام شرعی و انجام کارهای مربوط به شریعت، اداره حوزه علمیه کرمانشاه و تدریس در آنجا را نیز برعهده گیرد. او تا آخر عمر در کرمانشاه باقی ماند و ابتدا وکالت آیت اللّه بروجردی و سپس وکالت امام خمینی در آن منطقه را پذیرفت. او از روحانیان سیاسی هوادار امام خمینی به شمار می رفت و به خاطر مبارزات خود با رژیم پهلوی مورد تعقیب قرار گرفت و مدّتی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، بازداشت شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸ش از طرف امام خمینی به عنوان امام جمعه کرمانشاه منصوب شد و اقامه نماز جمعه را به عهده گرفت. با شروع جنگ ایران و عراق (شهریور ۱۳۵۹ش) استان کرمانشاه هم درگیر این جنگ شد. آیت اللّه اشرفی با حضور در خط مقدم جبهه به جوانان رزمنده روحیه می بخشید و در کرمانشاه نیز مردم را تشویق به حضور در جبهه و کمک به رزمندگان می نمود و آنان را به پیروی از امام خمینی و مبارزه با جریان های ضد انقلابی هدایت می کرد. بدین خاطر

مورد بغض و خشم سران سازمان مجاهدین خلق (معروف به «منافقین») قرار گرفت و پس از ترور و شهید ساختن ائمه جمعه تبریز (سیّد اسداللّه مدنی در ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ش) ، شیراز (سیّد عبدالحسین دستغیب در ۲۰ آذر ۱۳۶۰ش) و یزد (شیخ محمّد صدوقی در ۱۱ تیر ۱۳۶۱ش) یکی از اعضای این گروه با انفجار نارنجک در نماز جمعه روز ۲۳ مهر ۱۳۶۱ش که در مسجد جامع کرمانشاه برگزار می شد، آیت اللّه اشرفی اصفهانی را به شهادت رساند.

پیکر پاک این شهید پس از تشییع در کرمانشاه به اصفهان حمل و پس از تشییع، در تخت فولاد اصفهان، در کنار مزار شهداء به خاک سپرده شد. امام خمینی در پیامی که صادر کردند از مقام علمی و اخلاقی و سابقه مبارزاتی ایشان تجلیل نمودند.

شهید اشرفی اصفهانی در فقه و اصول از علمای مبرّز بود و در اخلاق و تقوا و اخلاص به مقام والایی دست یافته بود و زندگی زاهدانه و ساده ای داشت که تا آخر عمر آن را حفظ کرد.

این کتاب ها از تألیفات و آثار ایشان به طبع رسیده است:

۱. «البیان» یا «برهان قرآن»، به فارسی۲. «تفسیر قرآن» با استفاده از تفاسیر شیعه و سنّی۳. «مجمع الشّتات» در اصول دین و عقاید و کلام، به عربی، در ۴ جلد۴. «حروف مقطعه قرآن» به فارسی۵. «غیبت امام عصر» (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) ۶. «غروب آفتاب در محراب جمعه» (مجموعه خطبه های این شهید در نماز جمعه کرمانشاه است که پس از شهادت ایشان در ۲ جلد جمع آوری و چاپ شده است.) ۷. «تقریرات» فقهی و اصولی اساتید وی در قم.

ایشان در تعمیر مساجد و کمک به نیازمندان در کرمانشاه و خمینی شهر فعالیت های

ارزنده ای انجام داده اند.(۱)]

میرزا عطاءاللّه چهارسوقی*

میرزا عطاءاللّه چهارسوقی فرزنـد آقا میرزا محمّدباقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات) عالم فاضل زاهد متّقی در روز سه شنبه ۲۹ ربیع الاولی ۱۲۶۶ق متولـده شـده و نزد پـدر جلیل القدر خود و سایر علمای اصـفهان تلمّذ نموده و از ایشان و عموی عالی مقام خود میرزا محمّدهاشم چهارسوقی و همچنین شـیخ محمّدتقی آقانجفی و آقا سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی موفق به اخذ اجازه گردیده است.

وی سرانجام در چهارشنبه ۶ جمادی الاولی ۱۳۳۵ق وفات یافته و در تکیه آقا میرزا محمّـدباقر چهارسوقی جنب پـدر بزرگوار خود مدفون گردید. ایشان مؤلّف فهرستی است بر «روضات الجنّات» که آن را «مفتاح الروضات» نامیده است.(۲)

آقا عطاءاللّه آباده ای

آقا عطاءاللّه فرزند حاج محمّدجعفر آباده ای [از علمای در اواخر قرن سیزدهم هجری] عالم فاضل زاهد متّقی و وارسته. مجاور نجف اشـرف بوده و با وجود مریـدان فراوان و طالب در اصـفهان، اقبال به آمدن به اصـفهان نکرده و در ایام طاعون نجف [در حدود سال ۱۲۹۸ق] وفات نموده و در وادی السّلام نجف نزدیک مقام حضرت

۱- آثار الحجه، ج۲، ص۱۰۱؛ گنجینه دانشمندان، ج۶، ص۳۷۰؛ شهدای روحانیت شیعه، ج۲، ص۶۱۷؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شـناخت، صص ۱۴۶-۱۵۱؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، صص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ دانشنامه تخت فولاد، ج۱، صص ۱۸۵-۱۹۰؛ غروب خورشید در محراب جمعه، صص ۱۹-۲۱.

۲- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۴۳؛ سـیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۰؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۸۱۹ و ۱۸۲۱؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۳۷۲.

صاحب علیه السلام مدفون شد.(۱)

عطاءاللّه حسینی اصفهانی

عطاءاللّه بن محمّدزکی حسینی اصفهانی [از دانشمندان نجوم و ریاضی قرن دوازدهم هجری] مردی فاضل و ریاضی دان بوده و کتب زیادی در ریاضی داشته است. در مجموعه شماره ۳۳۸۰ کتابخانه مجلس شورای ملّی چندین کتاب به خط اوست: «خلاصه الحساب»، «شرح خلاصه الحساب» و چند رساله دیگر. تاریخ برخی از آنها اواسط محرم ۱۱۷۶ق می باشد.

او یقینا تا سال ۱۱۸۵ق زنده بوده است.(۲)

[همچنین او کتاب «اغراض مقالات اقلیدس» را در ربیع الثّانی ۱۱۸۶ق به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۳/۱۴۷۴۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.(۳)]

عطاءاللّه وصال دهاقانی*

عطاءاللّه وصال فرزند علی اصغر وصال دهاقانی (مهجور) شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۲۷۴ش در دهاقان متولّد شد. و نزد پدر ادیب و دانشمند خود و سایر فضلای دهاقان تحصیل کرد. او در ذوق عرفانی و طبع رسای شعری وارث پدر و مرهون وی بود. وصال در دوران حیات خویش به جمع آوری و ترتیب اشعار پدر همّت گماشت و آن را در قالب «دیوان صبح وصال» به چاپ رسانید.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۳۲۱؛ الکرام البرره، ج۲، ص۸۱۸.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش دوم، ص۹۰۴.

۳- فهرست مرعشی، ج۳۷، ص۳۳۰.

او در سن ۷۶ سالگی در اردیبهشت ۱۳۵۵ش در مسیر جاده دهاقان به اصفهان بر اثر تصادف اتومبیل مجروح شد.(۱) و در ۲۰ اردیبهشت آن سال وفات یافته و در تکیه لسان الارض (تکیه شهدای فعلی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

از بس ز هجر روی تو جانا گریستم امید زندگی به تو دارم که زیستم

از نیستی به عالم هستی چو آمدم نشناختم هنوز خودم را که کیستم

از پرتو جمال تو ای آفتاب حُسن چون ذرّه از اشعه روی تو نیستم(۳)

عطاءاللّه عقیلی اصفهانی

عطاءاللّه بن محمّد عقیلی اصفهانی [از فضلای قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۲۳ق کتاب «جامع المقاصد» علاّمه حلّی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۳۳۸۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۴)

حاج آقا عطاءاللّه فقیه امامی

حاج آقا عطاءاللّه درب امامی فرزند حاج میر سیّد محمّد [بن سیّد عبدالباقی بن میرزا بن میر محمّدصادق بن سیّد علی بن میر محمّد بن سیّد اسداللّه بن میر ابوطالب امامی عریضی حسینی اصفهانی] عالم فاضل ماهر و فقیه معاصر.

در اصفهان متولّد شده و نزد بسیاری از بزرگان اهل علم و مدرسین و مجتهدین این شهر از آن جمله آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند کاشی، آقا میرزا احمد مدرس، آقا شیخ محمّدرضا نجفی [و آقا سیّد مهدی درچه ای] تلمّذ نموده [و در نجف اشرف در درس حضرات آیات آقا ضیاءالدّین عراقی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و آقا سیّد محمّد

۱- سیمای دهاقان، صص ۳۰۶ و ۳۰۷.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۸۳۰.

۴- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص ۹۱۱.

فیروزآبادی حاضر شد و به اخذ اجازه از آنان و نیز حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی نائل گردید و به مقام عالی اجتهاد دست یافت.]

وی سال ها در مسجد باغچه عباسی اصفهان اقامه جماعت می نمود. [و فقه و اصول را در مدرسه نیم آورد تدریس می کرد.]

او عالمی خلیق و مورد وثوق و اعتماد قاطبه اهل علم و متدیّنین بود و سرانجام در روز پنج شنبه ۲۴ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه جویباره ای ها (تکیه فاضل سراب) در تخت فولاد مدفون شد.

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

کلک «برنا» از پی تاریخ فوت او رقم زد: «رفت از دار فنا سیّد عطاءاللّه عالم»(۱)

سیّد عطاءاللّه جعفری*

سیّد عطاءاللّه جعفری نژاد متخلّص به «جعفری» از شعرای معاصر اصفهان در دی ماه ۱۳۲۰ش در خوانسار متولّد شده و ابتدایی و متوسطه را در الیگودرز و دوره دانشسرای کشاورزی را در بروجرد طی کرد و به خدمت آموزش و پرورش درآمد. چندی بعد در رشته روانشناسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و لیسانس گرفت. آنگاه در خوانسار، اصفهان و شاهین شهر به تدریس و فعالیت مشغول شد. او پس از بازنشستگی با جمعی از فرهنگیان آموزشگاه حکیم سنائی را تأسیس کرد. از اوست:

رُخت هر آنچه ز عاشق کشی نمی داند ز چشم شوخ سیاه تو یاد می گیرد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۲۷؛ یادواره آیت اللّه فقیه امامی، ص۲۵.

به غیر رخ منما پیش دیده عارف که شعله غمت اندر نهاد می گیرد(۱)

سیّد عطاءاللّه خاتون آبادی

سیّد عطاءاللّه حسینی خاتون آبادی [از فضلاء قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری] از شاگردان و مجازین علاّمه مجلسی و مؤلّف کتاب «مجموعه الادعیه و فوائد متفرقه اُخری» است. تاریخ تألیف برخی از قسمت های کتاب ۱۴ ربیع الاولی ۱۱۱۸ق است. در این مجموعه «ترجمه زیارت جامعه» علاّمه مجلسی نقل شده است.(۲)

میرزا محمّدعظیم اکسیر اصفهانی

میرزا محمّدعظیم اصفهانی متخلّص به «اکسیر» شاعر ادیب [در قرن دوازدهم هجری] در اصفهان نزد محمّدنصیر فایض ابهری فنون شعر و ادب را آموخته و سپس به هندوستان رفته و ملازمت نظام الملک آصف جاه و صغدر جنگه را اختیار کرده و عاقبت در سال ۱۱۶۹ق در بنگاله وفات یافته است.(۳)

دیوان اشعار او شامل ۹۳۲۶ بیت در کتابخانه میرزا جعفر سلطان القرائی تبریزی وجود داشته و شاعر در آخر آن نوشته است: «حرره العبد الفقیر محمّدعظیم الاکسیر فی قریه کالبی من بلاد هند فی ۱۱۵۰»(۴) [نسخه دیگری از دیوان اکسیر به شماره ۹۰۲۳ در

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص ۱۹۰.

۲- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج ۲، ص ۵۹؛ الذریعه، ج ۲۰، ص ۶۸؛ الکواکب المنتشره، ص ۴۸۵؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص ۴۰.

۳- ریحانه الادب، ج ۱، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ کاروان هند، ج ۱، ص ۸۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «اکسیر اصفهانی»، ص ۳۱۹۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۳۳۵.

۴- الذریعه، ج ۹، ص ۸۸.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱) «مثنوی شاهد و مشهود» هم از منظومه های اوست که در کتابخانه معتمدالدّوله فرهاد میرزا وجود داشته است.(۲)]

این بیت از اوست:

جلوه آن سرو قامت دیده ام من به چشم خود قیامت دیده ام

میر عظیم بن عنایت اللّه

میر عظیم بن عنایت اللّه [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] متوفی به سال ۱۲۲۳ق مدفون در بقعه علاّمه مجلسی جنب مسجد جامع عتیق اصفهان.(۳)

عقیل طهرانی اصفهانی

ابوصالح عقیل بن یحیی بن اسود طهرانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] از سفیان بن عینیه، ابوداود طیالسی، یحیی بن سعید قطّان و ابن مهدی روایت می کند [و یوسف بن محمّد مؤذّن و ابومحمّد بن حیّان = حافظ ابوالشّیخ اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند.]

در ماه رمضان سال ۲۵۸ق وفات یافت.(۴)

عقیل الدّین حسینی کاشانی

عقیل الدّین بن رکن الدّین مسعود حسینی کاشانی [عالم فاضل جلیل. از دانشمندان قرن یازدهم هجری و از شاگردان ملاّ محسن فیض کاشانی است. سال ها در حضور

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۳۶۳.

۲- نسخه های خطی: دفتر سوم، ص ۲۳۰.

۳- مزارات اصفهان، ص۳۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۴؛ معجم البلدان، ج۴، ص۵۲؛ مقالات ادبی (استاد همایی) ، ص۷۴.

استاد به تحصیل مشغول بوده و در کاشان و اصفهان در خدمت او به سر برده و تألیفات او را کتابت نموده و نزد علم الهدی فرزند فیض نیز تحصیل کرده است.]

او در رمضان ۱۰۷۵ کتابت نسخه ای از کتاب «تسهیل السّجیل» تألیف: فیض را در اصفهان به پایان رسانیده و علم الهدی فرزند فیض آن را با نسخه اصل مقابله نموده است. نسخه به شماره ۲۳۱۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

عقیلی اصفهانی*

عقیلی اصفهانی، از سخنوران و شاعران اوایل قرن یازدهم هجری. طبعش به هزل مایل و اشعارش متجاوز از بیست هزار بیت بوده است. تا سال ۱۰۲۵ق در قید حیات بوده و این رباعی از اوست:

می رفتم و حسرت از نگاهم می ریخت صد دوزخ تابنده از نگاهم می ریخت

از هجر تو خون دیده در هر قدمی دریا دریا بر سر راهم می ریخت(۲)

علاء صوفی

ابوسعد علاء بن ابراهیم صوفی [از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری] از ابراهیم بن عامر روایت می کند و ابواسحاق سُریجانی از وی نقل حدیث می نماید.(۳)

سید علاءالدّین مدرس مطلق*

سیّد علاءالدّین مدرس مطلق فرزند سیّد محمّدحسن بن آقا میر سیّد محمّدتقی بن آقا میر سیّد حسن مدرس محله نویی (میر محمّدصادقی) ، عالم فاضل، فقیه محقّق، از علمای

۱- فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۹۴.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۴۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۸.

عالیقدر معاصر اصفهان.

در ۲۴ جمادی الثّانی ۱۳۴۴ق در اصفهان متولّد شد و چندی در یکی از حجرات مسجد سیّد ساکن و به تحصیل مشغول شد و از درس علمایی چون شیخ محمّدتقی قمشه ای نجفی، میرزا علی اصغر شریف، آقا سیّد محمّد مقدس، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ هبه اللّه هرندی، حاج آقا صدر کوپائی، شیخ محمود مفید بهره گرفت. پس از آن به شهر مقدس قم مشرّف شده و پنج سال در خدمت حضرات آیات: حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّدتقی خوانساری، سیّد محمّد حجّت و شیخ محمّدعلی اراکی تلمّذ نمود. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و در مدرسه صدر بازار به تدریس پرداخت و قریب به ۳۵ سال فقه، اصول، منطق و فلسفه تدریس نمود و خارج از مدرسه نیز به تفسیر قرآن پرداخت. مرحوم سیّد علاءالدّین در اواخر عمر به علت بیماری های گوناگون انزوا اختیار نموده و باقی عمر را به عبادت پروردگار و صبر و رضا گذراند و در شب دوشنبه ۲۳ ذیقعده ۱۴۱۳ق وفات یافته و جنب مزار اجداد بزرگوارش در مسجد رحیم خان اصفهان مدفون شد.

یکی از شاگردان ادیبش در مادّه تاریخ رحلت او چنین سروده است:

لهفی لمن کان فی الاحکام مجتهدا من اسمه بعلاءالدّین قد صَعِدا

إذا الحقّ الواحد النّحوی ارّخه انّ المدرّس بالجنّات قد سُعِدا

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی نیز مادّه تاریخ او را چنین سروده است:

رقم نمود بیتی بهر سال فوت او «برنا» چو امر ارجعی را کرد آن عالم ز حق تکمین

«مکین بادا به عدن وادی عقبا و علیین مدرس زاده سیّد حسن، سیّد علاءالدین»

۶۲۹+۸۷۴=۱۴۱۳

از آثار ایشان این دو کتاب به طبع رسیده است:

۱. «تذکره المهدی» که بخش هایی از آن از عربی به فارسی ترجمه شد، و در سال ۱۴۱۲ق با عنوان «منتظر تاریخ» در تهران به طبع رسیده است. ۲. «مباحثی پیرامون قرآن» که مجموعه سه بحث از چهارده مبحثی است که در اواخر بهار و اوایل تابستان ۱۳۵۷ش به دعوت آیت اللّه خادمی در مدرسه علوم دینیه احمدیه اصفهان برای جمعی از طلاب و دانشجویان ایراد شده و پس از گردآوری در سال ۱۳۷۳ش چاپ شده است.(۱)

علاءالدّین سماعی بصری

علاءالدّین بن حسن بن محمّد سماعی بصری، از دانشمندان قرن دهم هجری در اصفهان است. او در صفر سال ۹۱۵ق در شهر اصفهان در جُنگ مالک الدّین (المشیخه) یادگاری نوشته است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران به شماره ۲۱۴۳ موجود است.(۲)

علاجی اصفهانی*

مولانا علاجی اصفهانی، از اطبّاء و ادباء اوایل قرن یازدهم هجری. در عهد شاه عباس اوّل از طبیبان و جرّاحان معروف بوده و گاهی شعری می گفته است. این بیت از اوست:

بر وضع ما به چشم حقارت نظر مکن ما را به خاک تیره محبّت نشانده است(۳)

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط؛ مکتب فلسفی اصفهان، صص ۲۰۷-۲۰۹.

۲- فهرست دانشگاه، ج۹، ص ۸۰۰.

۳- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۵۲؛ منتخب اللّطایف، ص۴۵۷.

میر علم الهدی قمی

میر علم الهـدی قمی، عـالم فاضل از علمای اصـفهان [در قرن یازدهم هجری] متوفی به سال ۱۰۹۳ق مدفون در صحن امامزاده ستّی فاطمه اصفهان.(۱)

علی خان آجرتراش*

علی خـان آجرتراش اصـفهانی، از بنّایـان هنرمنـد و زبردست قرن یازدهم هجری است، او بر اثر مصاحبت با شاعران و ادباء در قهوه خانه های اصفهان در جُرگه شعراء وارد شد. این بیت از اوست:

تا به ناکامی نمردم، حسرت از یادم نرفت تا نپاشید استخوانم، بند از من برنخاست(۲)

علی آرام اصفهانی

علی دروگر از شاعران باذوق اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] است.

از اشعار اوست:

نبود طمع به غیر سه حرف میان تهی انسان شوی بشر اگر از این سه بگذری

یکدانه گوهری و ندانی تو قدر خود باللّه کز آنچه حکم کند فکر برتری(۳)

میرزا علی ادیب التُّجار

حـاج میرزا علی نقشـینه، از تُجّـار محترم شـاعر ادیب معروف به «ادیب التّجـار». در شـرکت اسـلامیه نـائب رئیس و در نهضـت مشروطه از اعضاء فعّال بوده است. پس از

۱- مزارات اصفهان، ص۲۵۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۶۲۰.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۰ و ۱۱.

سال ها که در اصفهان تجارت کرده [بود] به خوزستان مهاجرت نموده و در شهر اهواز (ناصریّه) ساکن و به تجارت اشتغال داشته و هم در این شهر وفات یافته است.

[این شعر را در جشن مشروطیت سروده است:

حضور انجمن خطّه عراق عجم ادیب گوید تبریک و تهنیت توأم

در اصفهان دو سه روز است جشن و شادی و سرور گرفته اند شب و روز مرد و زن با هم

شب از چراغ و گل و سبزه و بساط نشاط زمین چو روضه رضوان شده خوش و خرّم

به روز عید گرفته از وفور سرور نموده اند فراموش جشن سده و جم

زِ هَر کناری پاینده باد مشروطه رسیده است ز غبرا به نیّر اعظم

هزار شکر علی رغم مستبد، مردم تمام دست به مشروطه داده اند به هم(۱)]

علی ادایی اصفهانی*

علی ادایی اصفهانی، از شعرای قرن دهم هجری. طبعش به غزل مایل بوده و آنچه به خیالش می آمد به نظم می کشید. او بسیار مغرور و خودستا بود و به شاعران هم عصر خود اهمّیّتی نمی داد. وی در سال ۹۵۵ق وفات یافته و در بیرون دروازه حسن آباد

۱- اندیشه سیاسی و نهضت بیدارگرانه حاج آقا نوراللّه اصفهانی، ص۱۵۸.

اصفهان مدفون شد.(۱) سام میرزا می نویسد: قافیه غلط در شعر او بسیار است.(۲) دیوان اشعارش اکنون موجود نیست ولی در خلاصه الاشعار تعدادی از ابیات شعرهای او آمده است.

وی به مطالعه اشعار قدماء علاقه داشته و نسخه ای از «نه سپهر» امیرخسرو دهلوی را به خط نستعلیق در سال ۹۲۳ق کتابت کرده که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳)

برادرش هم شاعر بوده و «بهاری» تخلّص می کرده است. این بیت از اشعار ادایی اصفهانی است:

در خواب شدم لعل توام پیش نظر بود بیدار شدم دیده پر از خون جگر بود(۴)

آقاعلی اصفهانی

آقاعلی اصفهانی، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. در کمال دردمندی و نامرادی بوده و به صحبت اهل کمال بسیار رسیده بود. از مخصوصان و مصاحبان میرزا جلال شهرستانی بود. پس از فوت او به نجف آباد رفته و باغ و منزلی فراهم ساخته و ساکن شد و به قناعت و درویشی روزگار سپری نمود. در شعر طبعی روان داشت.

از اوست:

تلاطم چون حبابم داشت در گرداب سرگردان دل از خود یک نفس برداشتم آرام حاصل شد(۵)

۱- خلاصه الاشعار (بخش اصفهان) ، ص ۳۸۰.

۲- تذکره تحفه سامی، ص۸۱۹.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۳۴.

۴- سایر منابع: عرفات العاشقین، ج۱، ص۵۷۵؛ الذریعه، ج۹، ص۶۳؛ منتخب اللطایف، ص۹۴.

۵- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹۴؛ دیباچه دیار نون، ص۱۳۱.

علی اصفهانی نجفی

علی اصفهانی نجفی [از کاتبان اواخر دوره قاجاریّه] در سال ۱۳۱۵ق کتابت نسخه ای از کتاب «کشف الغطاء عن وجوه مراسم الاهتلاء» تألیف: مولی محمّدحسن بن محمّدمعصوم قزوینی را به خط نسخ به پایان رسانیده و مؤلف آن را تصحیح و حاشیه نویسی کرده است. نسخه به شماره ۳۶۷۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

دکتر علی اصیلیان*

دکتر علی اصیلیان مهابادی، از اساتید دانشگاه و پزشکان متخصص پوست و بیماری های آمیزشی، در سال ۱۳۳۵ش در روستای مهاباد اردستان متولّد شد. وی پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه، وارد دانشکده پزشکی اصفهان شد و پس از طی دوره عمومی، تخصص بیماری های پوست و آمیزش را از همین دانشگاه اخذ نمود. سپس به ایالات متحده آمریکا رفت و در یکی از دانشگاه های ایالت لوئیزیانا در رشته جراحی پوست تحصیلات خود را انجام داد. آنگاه به ایران مراجعت کرده و ضمن تدریس در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، به طبابت و جراحی مشغول شد. او مدّتی معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و مدّتی ریاست مراکز پزشکی نور و علی اصغر علیه السلام و مسؤول جراحی پوست و لیزر بیمارستان الزهرا (سلام اللّه علیها) اصفهان بوده و در چندین انجمن علمی متخصصان پوست عضویت دارد.

این کتاب ها از آثار اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۶۵.

۱. ترجمه «بیماری های پوستی کودکان و نوزادان»۲. ترجمه «بیماری شغلی» در ۲ جلد۳. ترجمه «پوست انسان»۴. «لیشمانیوز جلدی یا سالک»۵. «درمان شناسی بیماری های پوست»۶. «پرسش و پاسخ در بیماری های پوست و مو»۷. «روش نوین درمان بیماری های پوست و مو»۸. «درسنامه جامع پوست ایران»۹. «درسنامه جامع بیماری های پوست اصفهان»(۱)

علی الاعلی اصفهانی

علی الاعلی (امیر سیّد علی) اصفهانی، از عرفاء و شعراء مشهور حروفیان در قرن هشتم و نهم هجری.

در سال ۷۵۴ق متولّد شده و در سال ۷۷۱ق در اصفهان به طرفداران فضل اللّه استرآبادی پیشوای حروفیه پیوست و چندی بعد مورد توجّه او قرار گرفته و یکی از دختران او را به ازدواج خود درآورد. علی الاعلی پس از قتل فضل اللّه در سال ۷۹۶ق به آسیای صغیر و شام رفت و به تبلیغ حروفی گری پرداخت و سرانجام در سال ۸۲۲ق به دست عثمانیان به قتل رسید و در قلعه النجق (نزدیک نخجوان) مدفون شد.

او طبع شعر داشته و عقاید خود را به نظم کشیده است. از آثار او:

۱. مثنوی «کرسی نامه»، که نسخه ای از آن به شماره ۲۶۰۰ در کتابخانه ملّی ملک در تهران و نسخه ای دیگر به شماره ۱/۱۶۶۳ در کتابخانه توپ قاپوسرای استانبول موجود است.۲. مثنوی «توحیدنامه» که آن را برای جوانی شیرازی به نام «علی شاه» سروده است.۳. مثنوی «فراق نامه»۴. مثنوی «قیامت نامه»۵. مثنوی «بشارت نامه»۶. «عرش نامه» به نثر که نسخه ای از آن به شماره ۲/۳۴۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه

۱- فرهیختگان، صص ۲۱ و ۲۲.

تهران موجود است.(۱)

ملّا علی اعمی

ملّا علی اعمی [از حافظان قرآن و اهل ادب در قرن چهاردهم هجری] خادم و مؤذّن مسجد ایلچی. حافظ قرآن و مردی شوخ و بذله گو بود. طبعی روان و حافظه ای قوی داشت و گاهی شعر می گفت. این بیت از اوست:

به رخ چو ماه من برقع ز مُشک ناب می گیرد به چشم اهل دل خورشید عالم تاب می گیرد(۲)

سیّد علی امامی

سیّد علی امامی بیدآبادی، نقاش و قلمدان ساز هنرمند قرن سیزدهم هجری و از اهالی محلّه بیدآباد اصفهان.(۳)

میرزا علی ایوان کیفی*

درویش میرزا علی، از صوفیان و عرفای قرن یازدهم هجری است. از اهالی قریه «ایوان کیف» (بین تهران و خوار = گرمسار) بوده و سال ها در اصفهان به عبادت و ریاضت مشغول بوده است.(۴) از تولّد تا وفات و مشایخ طریقتی او اطلاعی در دست نیست.

۱- حروفیه در تاریخ، ص۴۴؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۸۷؛ دائره المعارف تشیع، ج۱۱، ص۴۱۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳.

۴- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۱۹۷ و ۱۹۸.

قطب الدّین علی باب الدشتی

قطب الدّین علی باب الدشتی، از مردان نیکوکار قرن دهم هجری است وی مسجدی که به نام خود او به مسجد قطبیّه معروف است را در سال ۹۵۰ق در زمان شاه طهماسب صفوی بنا نموده است که در ضلع شمالی خیابان خشک در اصفهان واقع شده است. در موقع تعریض خیابان خشک که بعدا به نام خیابان خوش و اخیرا به نام خیابان طالقانی نامیده شد، سردرب مسجد را خراب کرده و آن را به چهلستون نقل و در ضلع جنوبی، سردربی بنا کرده، آنها را در آنجا قرار دادند. کلیّه کتیبه ها و آثار آن را دانشمند محقّق و دوست بزرگوار جناب آقای دکتر هنرفر در کتاب بسیار نفیس و ارزشمند «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» نقل کرده اند، طالبین مراجعه نمایند.

در ضلع شمال شرقی مسجد، در جنب درب ورودی بقعه ای است دارای چهار صفّه و در صفّه شمالی آن قبری است معروف در بین خواص و عوام، قبر بانی مسجد یعنی قطب الدّین علی باب الدشتی می باشد و مورد احترام و زیارت مؤمنین است. لکن در کتیبه این سنگ لوح نام او را: میر مجدالدّین اسماعیل بن امیرمظفر بن امیرمسعود باب الدشتی و تاریخ آن ماه صفر ۹۵۵ هجری است که به ظنّ یقین از نزدیگان امیرقطب الدّین و شاید برادر مشارٌ إلیه باشد. و العلم عند اللّه.

امیر قطب الدّین نامبرده علاوه بر ساختن مسجد و مقبره، بانی ساختن گنبد چهارسوق شیرازی ها نیز بوده که گنبد را به علّت آن که در مسیر خیابان بود و شهرداری وقت برای استفاده از آجرهای آن، گنبد را خراب کرد.(۱)

۱- مزارات اصفهان، صص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۶۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۰ و ۹۱؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۸۲ و ۳۸۳.

علی بیک بُرنا

زین الـدّین علی بیـگ برنـا از بزرگان و رجال معتبر اصـفهان در قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری در سال ۹۰۲ق در مجاورت مسـجد و مـدرسه درکوشک اصـفهان سـردری زیبا با کاشـیکاری نفیس در زمان حکمرانی رسـتم خان آق قویونلو جهت پدر خود بنا کرد.

از این شـخص در کتیبه سـردرب درکوشـک با القاب «الاشـجع الاکرم افتخار الانام و الصّـِنادید فی العالم مؤیّـِد (الـدّین) سـیّد الاملاک و الافلاک زین الدّوله و السّعاده و الدّین علی بیگ برنا» ذکر شده است. کاتب این کتیبه «معین منشی» است.

این سـردرب در تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۱۰ش به شـماره ۹۷ ثبت آثـار تاریخی گردیـد. لکن شـهرداری اصـفهان در سال های اخیر، بدون توجّه به قوانین و مقرّرات کشور و ارزش و اهمیت جایگاه آن، شبانه آن را خراب کرد.(۱)

میرزا علی بکائی گزی*

میرزا علی بکـائی گزی، عـالم فاضـل جلیـل، از علمـای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۸۰ق در قریه «گز» از بلـوک بُرخـوار اصـفهان متولّد شده و در گز نزد آقا سیّد ابوتراب حسـینی (معروف به «آقا معلّم») تحصـیلات خود را شـروع نموده و سپس به همراه حیـدرعلی خان برومنـد به اصـفهان رفته و در مـدرسه صدر ساکن شد و در درس علمای بزرگی چون: شـیخ محمّدتقی آقانجفی، میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و حاج آقا رحیم ارباب شرکت نمود.

۱- مزارات اصفهان، صص ۲۲۱ و ۲۲۲؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۵۹.

او سرانجام در سال ۱۳۴۷ق وفات یافت.(۱)

میرزا علی اصفهانی*

حاج میرزا علی اصفهانی فرزند میرزا محمّدابراهیم ساغر هنرمند توانای عهد قاجاریه. او از سنتورنوازان مشهور بوده و یکی از نوادگانش میرزا علی ساغری از نوازندگان مشهور تار در اصفهان است.(۲)

سیّد علی مقدّس بیدآبادی

آقا سیّد علی مقدّس بیدآبادی بن حاج سیّد ابراهیم حسینی ساوجی مختاری سبزواری، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی و حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سیّد حسن مدرس و دیگران بوده و زوجه اش دختر ملّا صالح جویباره ای است.

وی در زهد و تقوا زبانزد خاص و عام بوده است. تولّدش در حدود سال ۱۲۳۵ق و وفاتش در حدود ۱۳۰۰ و اندی اتفاق افتاده است و او را جنب مزار پدرش در قبرستان قبله دعای اصفهان دفن کردند. وی در مسجد محلّه شیش بیدآباد اقامه جماعت می نمود.(۳)

[او بر کتاب «منوّر العیون» تألیف: میرزا عبدالجواد کلباسی در سال ۱۲۹۱ق تقریظ

۱- فرهنگ و تاریخ گز بُرخوار، ص۱۲۳.

۲- دیوان غمگین اصفهانی: مقدمه.

۳- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۵۲؛ مزارات اصفهان، ص۳۲۷.

نوشته است.(۱)]

آقا میر سیّد علی مقدّس

آقا میر سیّد علی مقدس فرزند آقا سیّد ابراهیم حسینی، از علماء و ائمه جماعت [در قرن چهاردهم هجری و از شاگردان حاج آقا نوراللّه نجفی مسجدشاهی] در ذیحجه سال ۱۳۶۱ق وفات یافته و در تکیه درکوشکی (بروجردی) در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانای معاصر سیّد علی نوربخش (آزاد) چنین سروده است:

خامه «آزاد» زد، به سال فوتش رقم: «مقدّس آرمگه جست بر قدسیان»(۳)]

حاج علی موسیقار

حاج علی بن میرزا ابراهیم. شاعر اصفهانی معروف به «موسیقار» پدرش مؤلّف «تحفه الحسینیّه» و غیره می باشد.

میرزا علی بروجردی

میرزا علی واعظ بروجردی فرزند میرزا ابوتراب، از وعاظ معروف و محدّثین محترم اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] و از شاگردان حاج آقا نوراللّه نجفی مسجدشاهی بود. او واعظی بلیغ و گوینده ای راست گفتار و مورد اعتماد بود. در بیان فضایل و مناقب و تفسیر و حدیث و تاریخ معصومین علیهم السلام اقوالش عموما مستند و خود در نزد عموم طبقات محترم بود.

۱- فهرست صدربازار، ج۱، ص۱۴۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۵۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷.

۳- بوستان فضیلت، صص ۱۶۸ و ۱۶۹.

[به علت احاطه بر احادیث به محدّث معروف بود و همچون پدر در مسجد محلّه شمس آباد اقامه جماعت می کرد.]

او در ۲۵ ربیع الاوّل ۱۳۵۸ق وفات یافته و در صحن تکیه درکوشکی (بروجردی) در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

دکتر سیّد علی قاضی نور

دکتر سیّد علی قاضی نور فرزند ابوتراب بن میرزا محمّدسعید نائینی، از اطبّاء معاصر است. طب را از دکتر احتشام الحکماء اردستانی فراگرفته و در اصفهان طبابت می نموده است.(۲)

حاج ملاّ علی ماربینی

حاج ملاّ علی ماربینی فرزند مولی ابوتراب، واعظ صالح معمر معاصر. فوت دوشنبه ربیع الثانی ۱۴۰۲ق مدفون در داخل بقعه آقا سیّد محمّد مقدس در تخت فولاد اصفهان.(۳)

[وی در سال ۱۲۶۹ش در روستای ماربین اردستان متولّد شد و جهت تحصیل به اصفهان مهاجرت نموده و از حضرات آیات: میرزا احمد مدرس، آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی، میر سیّد علی بهبهانی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، شیخ محمّدحسین اَشَنی قودجانی، آخوند ملاّ محمّدحسین فشارکی و شیخ احمد مجتهد بیدآبادی بهره گرفت. همچنین از برخی اساتید همچون فشارکی و نجفی اجازه دریافت نمود.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۴۲؛ بوستان فضیلت، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۱.

۲- تاریخ نائین، ج۴، ص۹۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۰.

او عمر خود را صرف ترویج دین و بیان احکام شرعی و ذکر مناقب و مصائب ائمه معصومین علیهم السلام نمود.

وی سال ها در مدرسه درکوشک اصفهان به تدریس برخی کتاب های درسی چون «مغنی»، «معالم»، «شرح تجرید»، «شرح لمعه» و «کفایه الاصول» مشغول بود. برخی از شاگردان او عبارتند از: حاج آقا رضا مظاهری، حاج شیخ مهدی مظاهری، شیخ محمّدرضا ناطق اصفهانی و میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا)

وی سرانجام در روز جمعه ۱۰ ربیع الثّانی ۱۴۰۲ق برابر با ۱۶ بهمن ۱۳۶۰ش (مطابق سنگ نوشته قبر وی) وفات یافت.

شاعر توانا استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

بیتی از بهر سال فوتش گفت طبع «برنا» اگر مکدّر بود

«حاج ملّا علی ماربینی عالم دوستان حیدر بود»

۱۴۰۲

«حاج ملّا علی ماربینی یکی از شیعیان جعفر بود»(۱)

۱۳۶۰

میرزا علی فخرالواعظین چهارسوقی

میرزا علی فخرالواعظین فرزند میرزا ابوطالب چهارسوقی از وعاظ اهل منبر اصفهان. [در قرن چهاردهم هجری.] متوفی ۱۳۵۳ق و مدفون در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد. [مادّه تاریخ وفاتش را آقا محمّدکاظم غمگین ضمن قطعه ای چنین گفته است:

۱- گلزار مقدس، صص ۳۰۹-۳۱۸.

شد ز جنّت یکی برون و بگفت: «فخر بنهاد رو بسوی حسین»(۱)]

سیّد علی مسرور بلداجی

سیّد علی علوی متخلّص به «مسرور» فرزند سیّد ابوطالب، از علماء و ادبای قرن چهاردهم هجری. در روز [۱۸ ذیحجه] عید غدیر سال ۱۳۱۳ق در قریه «بُلداجی» از دهات ناحیه گندمان چهارمحال متولّد گردیده و چود در کودکی یتیم شد، حاج محمّدتقی خان بختیاری از اولاد سهراب خان بختیاری که از خوانین و محترمین آن حدود بود و به سادات و علماء اعتقاد داشت او را تحت کفالت و حمایت و تربیت خویش قرار داد. او چندی در مکاتب قدیم درس خواند. بعدا مجالست دانشمندان و فضلاء را اختیار نمود [پس از آن] به شغل مکتب داری (تا قبل از تأسیس مدارس جدید) اشتغال جسته و [در زادگاه خود] صاحب محراب و منبر بود. از سن ۹ سالگی لب به شعر گفتن گشود. از اوست:

گو به صرّاف سخندان بیابان جنون که در این راه تمامست عیار من و دل(۲)

سیّد علی بختیاری

سیّد علی بن ابی القاسم حسینی بختیاری، از علماء و فضلاء معدود بوده [و در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری] می زیسته و در سال ۱۳۱۲ق در اصفهان وفات یافته است. وی از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر (نجفی) مسجدشاهی بوده و کتب زیر از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۲؛ بزم معرفت، صص ۲۸۲-۲۸۴.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۴۶ و ۴۴۷.

۱. «تفسیر سوره آل عمران» ۲. «تفسیر سوره انبیاء»۳. «تفسیر سوره یوسف»(۱)

دکتر علی خان پرتو اعظم

دکتر علی خان پرتو اعظم فرزند حاج ابوالقاسم اصفهانی [از رجال سیاستمدار و اطباء اواخر دوره قاجاریه] پدرش منشی حاج محمّدحسن امین الضّرب بود. امین الضّرب حاج علی خان را برای تحصیل طب به پاریس فرستاد. او در آنجا به خوبی طب را آموخت و در آنجا با حاج علیقلی خان سردار اسعد رابطه کاملی پیدا کرد. پس از فتح طهران به دست مشروطه خواهان، او به عنوان نماینده به دوره سوم مجلس شورای ملّی راه یافت. پس از تعطیل مجلس در ۱۳۲۹ق به ریاست معارف و اوقاف ایران و همچنین ریاست مجلس حفظ الصحّه منصوب شد.(۲)

سال وفاتش معلوم نشد.

سیّد علی ثابت ورزنه ای

سیّد علی ورزنه ای متخلّص به «ثابت» فرزند سیّد ابوالقاسم، از شعرای اواخر دوره قاجاریه است. دیوان اشعارش در سال ۱۳۲۸ق در ۳۴۶ صفحه به طبع رسیده است.

علی اصفهانی*

علی بن ابی حفص بن فقیه محمود اصفهانی، از ادباء و فضلای اصفهان است. ظاهرا در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری می زیسته و در علوم زمان خود خصوصا

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۶؛ الذریعه، ج۴، ص۳۳۴.

۲- رجال عصر مشروطیت، ص۷۸؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۵۲.

ادبیات فارسـی و عربی و فقه و حـدیث مهارت داشـته است. وی کتاب «تحفه الملوك» را در پنـد و انـدرز و آداب و اخلاق به فارسـی تألیف نموده که در سال ۱۳۸۲ش با تصـحیح آقای علی اکبر احمـدی دارانی چاپ شده و در مقدمه نسـخه های خطی این کتاب معرفی شده است.

کمال الدّین علی سمیرمی

کمال الدّین ابوطالب علی بن احمد بن حرب سمیرمی از وزرای سلطان محمود بن محمّد بن ملکشاه سلجوقی است.

ابتـدا عامل سـمیرم بوده و سـپس مشـرف دیوان سـلطان محمّـد شده [و کمی بعد] به وزارت رسـید. به غایت صاحب تمکین و بـاهمّت بـوده، لکن ظلم به افراط می کرد.(۱) او سـلطان مسـعود بن محمـود سـلجوقی را بر آن داشت که طغرایی را بکشـد و طغرایی را بـه الحـاد و زنـدقه متهم کرد و طغرایی را در سـال ۵۱۳ق کشـتند. سه سال بعد [در سـلخ صفر] سال ۵۱۶ق یکی از غلامان طغرایی، سمیرمی را در چهاربازار بغداد (جلو مدرسه نظامیه) کارد زد و او را غفلتا کشت.(۲)

علی غزّال اصفهانی

علی بن احمد بن عبدالرّحمان غَزّال اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] علی بن محمّد بن علی اُسواری [اصفهانی] در بصره از او اخذ حدیث و روایت کرده است.(۳)

۱- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۸۱۰؛ دسـتور الوزراء، صـص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ نسائم الاسـحار، صـص ۷۲ و ۷۳؛ آثار الوزراء، ص۲۵۷.

۲- الاعلام، ج۵، ص۶۰؛ راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۱۴؛ الکامل فی التّاریخ، ج۱۰، صص ۶۰۱ و ۶۰۲.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۱۹۱؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۱.

علی اُسواری اصفهانی

ابوالحسن علی بن احمد بن عبداللّه اُسواری اصفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری] از مشایخ شیخ صدوق است. شیخ صدوق در کتاب «اکمال الدین» و کتاب «توحید» از او حدیث نقل کرده است. [شیخ آقابزرگ درجایی او را «علی بن احمد بن عبداللّه» و در جایی دیگر «علی بن عبداللّه بن احمد» ضبط نموده است.(۱)]

شیخ علی منشار

شیخ علی مُنشار فرزند احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد بن هلال کرکی عاملی، فقیه محقّق و محدّث مدقّق [از دانشمندان قرن دهم هجری] از شاگردان شیخ علی کرکی (محقّق ثانی) است. پدرش معروف به احمد منشار بوده است. بنابراین گفتن و نوشتن شیخ علی بن هلال [که در برخی کتب او را بدین نام و نسب آورده اند] از باب نسبت به جدّ است که در بین مؤلّفین و مصنّفین متداول است.

نزد شاه طهماسب صفوی مقرّب بوده و صاحب فتوا و حکم در آن عهد است. بدین خاطر از طرف پادشاه مذکور شیخ الاسلام اصفهان شده و در دوشنبه ۱۳ ربیع الاوّل ۹۸۴ق در اصفهان وفات یافته و در امامزاده زین العابدین علی (درب امام) مدفون شده و سپس به نجف حمل و در دارالسیاده مبارکه حرم رضوی در مشهد مقدّس مدفون شد.

از صاحب عنوان ظاهرا فقط دختری به جای مانده که اهل علم و فضل بوده و به زوجیّت شیخ بهاءالدّین محمّد عاملی (شیخ بهائی) درآمده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- نوابغ الرّواه، صص ۱۷۱ و ۱۸۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص ۲۳۰.

۱. «الدّر الفرید» ۲. «رساله در مسائل فقهیه عام البلوی» ۳. کتاب در «طهارت»(۱)

همچنین او در چهارشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۹۲۳ق کتابت نسخه ای از «ارشاد الاذهان» علاّمه حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیده و محقّق کرکی در شعبان ۹۳۴ق در مشهد مقدس غروی [نجف اشرف] جهت او اجازه مرقوم داشته است. نسخه به شماره ۳۴۰۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

علی خُرجانی اصفهانی

ابوالحسن علی بن احمد بن محمّد بن حسین خُرجانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] پدرش از محدّثین است. خودش از احمد بن محمود خُرناد روایت نموده و ابوالحسن احمد بن محمّد بن معلّم صوفی از او نقل حدیث کرده است.(۳)

علی جاری اصفهانی

ابوالحسن علی بن احمد بن محمّد بن علی بن عیسی بن مرده جاری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از ابوبکر قبّاب [معروف به «ابن فورک»: عبداللّه بن محمّد بن محمّد] روایت می کند و علی بن سعد بقّال از او حدیث نوشته

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص ۲۸۰؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۳۲؛ مزارات اصفهان، ص۲۰۹؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۲۲؛ خلد برین: ایران در روزگار صفویان، ص ۴۳۰؛ تکمله الأخبار، ص۲۸؛ فوائد الرضویّه، صص ۳۰۶ و ۳۳۰؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ۱۳۷۷ش) ، ج۱، ص۲۴۴؛ احیاء الدّاثر، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۱، ص۳۵۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۹، ص۱۸۴.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۳۵۶.

است.(۱)

[«گار» که معرّب آن در کتب انساب و رجال «جار» و «کار» آمده، ار روستاهای معروف منطقه «براآن» در شرق اصفهان است و مناره تاریخی و زیبای آجری آن از عهد سلجوقی هنوز پابرجاست.]

علی بهبهانی

مولی شرف الدّین علی بن احمد بهبهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در اوّل جمادی الاولی ۱۰۵۸ق در اصفهان نسخه ای از «تذکره الواصلین» در شرح «نهج المسترشدین» تألیف: سیّد نظام الدّین عبدالحمید اعرجی (خواهرزاده علاّمه حلّی) را نوشته است.(۲)

[نسخه ای که مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی از آن یاد کرده اند اکنون در کتابخانه فاضل خوانساری در شهر خوانسار نگهداری می شود و نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۳)]

علی سریجانی اصفهانی

علی بن احمد سریجانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از ابوالخیر سعد بن عبداللّه سرندینی روایت نموده است.(۴)

[«سریجان» از محلّه های مدینه (شهرستان) جِی اصفهان بوده است.]

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۹۳ و ج۴، ص۴۲۸؛ المشتبه، ج۲، ص۵۲۹.

۲- الذریعه، ج۴، ص۵۲.

۳- فهرست عکسی احیاء، ج۱، ص۱۲۸.

۴- معجم البلدان، ج۳، ص۲۱۶.

سیّد علی مستوفی شهشهانی

سیّد علی بن میرزا احمد مستوفی شهشهانی، از ادباء و فضلاء [اواخر دوره قاجاریّه] از خاندان مستوفی های شهشهان، اعقاب شاه علاءالدّین محمّد شهشهانی و متوفی پنج شنبه ۴ صفر سال ۱۳۱۱ق می باشد که در قبرستان سر قبر آقا مدفون گردیده است.

عدّه ای از سادات شهشهانی در دوره قاجاریه در اصفهان و غیره مستوفی و نویسنده دفاتر دولتی بوده اند و احتمالاً عدّه ای از آنها در صحن و بقعه شهشهان و جمعی نیز در صحن سر قبر آقا مدفون گردیده اند.(۱)

سیّد علی طباطبائی*

سیّد علی بن احمد حسنی حسینی طباطبائی اصفهانی، فاضل و ادیب شاعر. از اعلام اوایل قرن دوازدهم هجری است. ساکن اصفهان بود و نسخه ای «التّحفه القوّامیّه» تألیف: سیّد قوام الدّین سیفی قزوینی را در اصفهان در ۷ جمادی الثّانیه سال ۱۱۲۸ق کتابت کرد و به عربی شعری در تقریظ آن سرود.(۲)

سیّد علی محتشم کاشانی

کمال الدّین سیّد علی بن خواجه میر احمد محتشم کاشانی [از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری] در سال ۹۱۳ق در کاشان متولّد شده. در سال ۹۹۶ و یا ۱۰۰۰ق وفات یافته. قبرش در کاشان است. مادّه تاریخ وفات او «محتشم رود» می باشد. وی سراینده دوازده بند معروف در مرثیه حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام می باشد. «منظومه جلالیه» به

۱- مزارات اصفهان، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۵.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۵۶.

ضمیمه دیوان اشعارش در بمبئی و تبریز به طبع رسیده است. محتشم این منظومه را در سال ۹۷۰ق جهت یکی از رامشگران و مطربان به نام شاطر جلال سروده است. از آثار او ۶ رباعی است در تاریخ جلوس شاه اسماعیل ثانی که از آن ۱۱۲۸ تاریخ استخراج می شود.

آثار او عبارت است از:

۱. «جامع اللّطایف» نام دیوان اشعار اوست و به چاپ رسیده است. ۲. «جلالیه» دیوان غزلیات۳. «نقل عشاق» منثور که در ۹۴۴ق تألیف نموده و در آن وقت سی و یک ساله بوده است.۴. «دوازده بند»۵. «صبابیّه» و «شبابیّه» مثنوی

دیوانش قریب به پانزده هزار بیت با دیباچه ای از: تقی الدّین محمّد حسینی کاشانی شاگرد او به شماره ۲۷۶۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

[این شعر از اوست:

مرا خیال تو شب ها به خواب نگذارد چو تن به خواب دهم اضطراب نگذارد

ز ناز بسته لب امّا به غمزه فرموده که یک سؤال مرا بی جواب نگذارد(۲)]

علی نباطی عاملی

علی بن احمد نباطی عاملی [از فضلاء و دانشمندان قرن یازدهم هجری] شاگرد شیخ

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص ۱۶۲۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۶، صص ۳۵۸۴ و ۳۵۸۵؛ خلاصه الاشعار (بخش کاشان) ، صص ۱۵-۱۸؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۴۴۳ و ۴۴۴؛ تذکره تحفه سامی، ص۳۷۳؛ ریحانه الادب، ج۵، صص ۲۲۵-۲۳۱؛ مکتب وقوع در شعر فارسی، ص۴۰۶؛ تذکره نتایج الافکار، ص ۶۲۱؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، صص ۲۰۵۸ و ۲۰۵۹؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص۴۵۲؛ مشاهیر کاشان، صص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ سفینه خوشگو، صص ۶۲۵-۶۲۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۶۴۵.

بهائی [در اصفهان ساکن] بوده و [در ظهر روز پنج شنبه ۲۹ محرم ۱۰۱۲ق کتاب «وجیزه» نوشته است و شیخ به او اجازه داده و مقابله شده است. نسخه شماره ۷۰۹۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

[«نباطی» منسوب است به «نبطّیه» (به فتح نون و باء) از توابع جبل عامل لبنان.]

استاد علی اسفرجانی*

استاد علی اسفرجانی فرزند اسداللّه از هنرمندان معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان به دنیا آمد. پدرش ذوق و علاقه بسیاری به هنر داشت و در گردآوری و شناسایی نُسَخ قدیمی و مرقّعات صاحب سلیقه بود و مجموعه ای که فراهم آورده بود شوق و انگیزه او را به هنر خصوصا نقاشی و تذهیب برانگیخت. وی نزد عموی هنرمندش استاد عباس اسفرجانی سوخت و معرّق را آموخت و پس از انتقال پدر به تهران در سال ۱۳۱۳ش، به مدرسه صنایع قدیمه (که به همت استاد حسین طاهرزاده بهزاد تأسیس شده بود) رفت. همچنین در این زمان اصول و فنون مینیاتور را از استاد هادی تجویدی و قواعد و قوانین هنر تذهیب را از استاد علی درودی آموخت. پس از آن برای طراحی تمبر و برچسب های دولتی به چاپخانه مجلس دعوت شد. او پس از ۷ سال کار در این مکان به اتّفاق برادرش دستگاه چاپ و گراورسازی را وارد کشور کرد و در حوزه چاپ نیز از مهارت های متعددی که داشت بهره برد.

او حتّی در ۷۵ سالگی روزانه ۴ ساعت کار می کرد. از این هنرمند توانا بیش از ۲۲ اثر در زمینه سوخت و معرّق، ۴ مینیاتور در ابعاد بزرگ شامل بزم خسرو و شیرین، رستم و سهراب، خیام و دلداده، سلطان محمود غزنوی و مراسم انتخاب شعراء. همچنین ۱۳

۱- فهرست آستان قدس رضوی، ج۶، ص۶۲۹.

تابلوی کوچک از اشعار حافظ و سعدی به جای مانده است. از آثار او نمایشگاه های متعددی برپا شده است از جمله نمایشگاه «فستیوال هنر ایران» در «دوسلدورف» آلمان (۱۳۷۰ش) نمایشگاه در کاخ موزه سعدآباد (۱۳۷۱ش) نمایشگاه موزه معاصر (سال ۱۳۷۲) نمایشگاه موزه هنرهای ملّی ایران (۱۳۷۲ش) .

وی سرانجام در سپیده دم ۲۴ دی ۱۳۸۴ش چشم از جهان فرو بست.(۱)

شرف الدّین علی اصفهانی

شرف الدّین ابوالحسن علی بن اسماعیل اصفهانی [از بزرگان و صاحب منصبان معروف قرن هفتم هجری] از او با القاب «شرف الدّوله»، «عمادالاسلام»، «مجدالملک»، «سلطان الصّدور» و «مرتضی الملوک» یاد کرده اند.

ابوعلی حسن بن ابراهیم بن ابی بکر سلماسی ورّاق چندین کتاب جهت او تألیف کرده است که از آن جمله است: «ترجمه رساله ذهبیه» حضرت رضا علیه السلام ، «رساله الشرقیّه فی تقسیم العلوم الیقینیّه»، «رساله فی السیاسه الخاصّه و العامّه» (در سال ۶۱۴ق) ، «مختصر فی الامثال و الاشعار»، «ترجمه تقویم الصّحه» ابن بطلان(۲)

ملاّ علی فنای اصفهانی

ملاّ علی اصفهانی متخلّص به «فنا» [فرزند اسماعیل] شاعر ادیب و خطاط فاضل [در قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۶۵ق در اصفهان متولّد شد. از فضلاء اهل منبر بود. خط نسخ را در کمال استادی می نوشت] و در حجره خود در مسجد سرخی به کتابت و

۱- مجله «بخارا»، شماره ۴۶، آذر و دی ۱۳۸۴، صص ۴۰۹-۴۱۱.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۴۰۴؛ فهرست کتب اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران، ج۳، ص۲۶۸۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص۷۳۸.

نویسندگی می پرداخت و اذان نیز می گفت. در شعر نیز قریحه ای توانا داشت و از محترمین انجمن ادبی شیدا بود. سرانجام در سال ۱۳۵۰ در سن متجاوز از ۸۵ سالگی وفات یافت.

از اوست:

فلک امروز زند دور به کام دل ما کآمده ماه من از مهر به سر منزل ما

پیش رخسار تو ای مه ندهد شمع فروغ روز روشن شده امشب ز رُخَت محفل ما

عقده از زلف خم اندر خم تو هست به دل بگشاید لب لعل تو مگر مشکل ما

وی کُتُب بسیاری را کتابت کرده که بسیاری از آنها در همان زمان چاپ سنگی شده اند. برخی از آثار کتابت شده به دست او عبارتند از:

۱. «عالم نمای مسعودی» تألیف: طغرل چهارمحالی، کتابت در تاریخ پنجم ذیقعده ۱۳۱۳ق به خط نسخ که در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

[ملّا علی فنا کتاب «علائم الظهور» تألیف: ملّا عباسعلی معین الواعظین گورتانی را به خط نسخ کتابت کرده که چاپ سنگی شده است.]

سیّد علی احمدی سدهی*

حاج سیّد علی احمدی سدهی فرزند حاج سیّد محمّدباقر، عالم فاضل جلیل. در روز ۲۷ شوال ۱۳۲۲ق در سِدِه ماربین (خمینی شهر فعلی) متولّد شد و پس از تحصیل

۱- تذکره الشعراء (عارفچه) ، ص۱۹۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۶۸ و ۳۶۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۶۵؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۱۲۶.

مقدمات در اصـفهان نزد حضـرات آیات سیّد محمّدباقر درچه ای و میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و دیگران تحصیل کرد. سپس به دعوت اهـالی اهواز به خوزسـتان مهـاجرت نموده و سـال هـا در محلّه لشـکرآباد اهواز به اقـامه جماعت و ارشاد مردم مشغول شـد. وی در کنار فعالیت های مـذهبی و اجتماعی در درس حضـرات آیات مرعشـی و میر سیّد علی بهبهانی در اهواز شرکت می نمود.

این عالم ربّانی در روز ۱۱ ذیقعده ۱۳۹۶ق وفات یافته و در جوار مرقد جناب علی بن مهزیار در اهوار مدفون شد.(۱)

شیخ علی بروجنی

حاج شـیخ علی بروجنی فرزنـد حاج ملاّ محمّـدباقر، عالم فاضل، محقّق جلیل، در حـدود ۱۲۶۵ق متولّد و در اصـفهان و نجف تحصـیل نمـوده و پس از مراجعت به اصـفهان سـال هـا در مـدرسه الماسیّه سـاکن و به تـدریس فقه و اصول پرداخته است. او مجتهـدی بارع و محقّقی کامل بود. ظاهرا در اواخر عمر به موطن خویش مراجعت نموده و حـدود سال ۱۳۳۰ق در آنجا وفات یافته است.(۲)

کتب جدیدی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «بحرالجـواهر» در شـرح جـواهر الکلاـم [که نسـخه ای از آن به شـماره ۲۵۰ در کتابخـانه وزیری یزد موجـود است.(۳)] ۲. «تبصره المتهجدین» که در سال ۱۳۲۳ق در اصفهان به چاپ رسیده و فهرست تألیفات مأخوذ از آنجاست. ۳. «تفسیر قرآن» در چندین مجلد۴. «رساله در آداب و اعمال شب» از واجب و مستحب که به پیوست

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۰ و ۸۱۱؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۳۵۸.

۳- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۵۵.

کتاب «تبصره» به چاپ رسیده است.۵. «شرح ریاض»۶. «شرح بر کتاب نکاح»۷. «صلاه المسافر»، رساله استدلالی به فارسی و گاهی به عربی که به خط مؤلف و مورخ محرم ۱۳۲۳ق است که به شماره ۱۹۹۰ در کتابخانه آیه اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

میر سیّد علی جناب

حاج میر سیّد علی جناب فرزند میر محمّدباقر بن میر محمّدحسین بن میر مرتضی حسینی اصفهانی، ادیب فاضل و دانشمند محقّق [از نویسندگان و مورّخان قرن چهاردهم هجری.]

در جمعه ۲۵ ذیحجه ۱۲۸۷ق در اصفهان متولّد شد. [و مقدمات علوم را از ملّا مهدی هفشجانی آموخته و سپس نزد آقا میرزا حسن عراقی و جهانگیرخان قشقایی ادامه تحصیل داد. ریاضیات را از میر محمّدعلی حسینی قائنی و هیأت را از ملّا هادی سدهی فرا گرفت و طب را نزد میرزا محمّدباقر حکیم باشی خواند.]

او در سال ۱۳۲۴ق روزنامه «الجناب» را در اصفهان منتشر کرد و از سال ۱۳۴۳ق تألیف کتاب مهم خود «الاصفهان» را شروع کرد. او در اغلب علوم زمان خود مانند فقه، اصول، ادبیات، حکمت، طب، هیأت، ریاضیات و علوم جدید (اعم از نجوم، ریاضیات و فیزیک) مهارت به سزایی داشت و تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن و تنویر افکار، از راه کتاب و روزنامه و تدریس فرمود.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاصفهان» در ۱۰ مجلّد [که در سال های اخیر با تصحیح خانم رضوان پورعصار

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۳۹۲.

مجلدات: رجال و مشاهیر، فرهنگ عامّه و ابنیه تاریخی آن به چاپ رسیده و جلد اوّل کتاب (معرفی اصفهان و اجمالی از تاریخ آن) بارها چاپ شده است.]۲. ترجمه «سفرنامه شاردن» که بخشی از آن در جلد اوّل «الاصفهان» به طبع رسیده است.۳. «راهبر برای مسافرین اصفهان» [که در سال ۱۳۰۶ش چاپ شده است.]

او سرانجام در شب جمعه ۳۰ شوّال ۱۳۴۹ق در تهران وفات یافته و در صحن امامزاده عبداللّه شهری مدفون شد.(۱)

سیّد علی ابطحی

حاج میر سیّد علی ابطحی فرزند حاج سیّد محمّدباقر بن سیّد محمّدعلی ابطحی سِدِهی، عالم فاضل جلیل.

در عصر روز ۱۸ ذیحجه الحرام (عید غدیر) سال ۱۳۲۹ق در اصفهان متولّد گردید. در اصفهان در خدمت حاج سیّد محمّد سدهی (خالوی معظّم خود) ، حاج سیّد محمّدباقر ابطحی (پدر دانشمند خود) ، آقا میرزا احمد مدرس، آقا سیّد مهدی درچه ای، آقا سیّد مدرس نجف آبادی، حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و آقا شیخ محمّدرضا ابوالمجد نجفی تحصیل نمود. سپس به قم رفته و در درس حضرات آیات: حاج سیّد محمّدتقی خوانساری و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. همچنین از آیت اللّه سیّد محسن حکیم اجازه داشت.

او پس از نیل به مقامات عالیه علم و کمال در اصفهان به اقامه جماعت در مساجد حریری ها در محلّه دردشت و مسجد حاج علی در بازار و بالاخره پس از فوت پدر

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور: مقدمه، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۵۸ و ۴۵۹؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۲۴۵-۲۴۸؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۵۲-۵۶؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۴۱-۲۸۴۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، ص۱۷۲؛ الذریعه، ج۳، ص۲۳۳ و ج۱۰، ص۶۲؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۳، ص۱۰۳.

علّامه اش در مسجد جامع اصفهان می پرداخت. او در ایام تحصیل صبح و بعدازظهر در مدرسه کاسه گران سطوح و فقه و اصول [و در مدرسه شفیعیه شرح لمعه] تدریس می نمود و عدّه ای از طلّاب از محضر او مستفید می شدند. مرحوم ابطحی عالمی خلیق و مهربان و خوش محضر و نکته دان، دارای محفوظات زیاد و حاضر الذّهن بود.

او در صبح یکشنبه ۱۱ صفر المظفّر سال ۱۴۱۰ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان جدید (باغ رضوان) مدفون گردید.(۱)

علی دیوانه اصفهانی

علی [بطلانی] اصفهانی متخلّص به «دیوانه» فرزند استاد باقر، شاعر ادیب معاصر در سال ۱۲۷۲ش در اصفهان متولّد گردیده و در آغاز نوجوانی به نانوایی مشغول شد. در جوانی خواندن و نوشتن آموخت و در همان سال ها به سرودن شعر پرداخت. بسیاری از اشعارش مدایح و مراثی چهارده معصوم علیهم السلام است. وی در ماه رمضان ۱۴۰۷ق [مطابق با ۵ اردیبهشت ۱۳۶۶ش] وفات یافته و در [قطعه ۹] قبرستان جدید اصفهان (باغ رضوان) مدفون شد.

[این کتاب ها از اشعار او به چاپ سیده است:

۱. «دیوان دیوانه اصفهانی» در سال ۱۳۱۸ش۲. «نوبهار دیوانه» در سال ۱۳۴۶ش۳. «بوستان غم انگیز کربلا» در سال ۱۳۵۰ش۴. «گلشن راز»

این شعر از اوست:

شمع فراق، جامه هستی ز کف بسوخت این سوز جانگداز، ز پروانه آرزوست

۱- مزارات اصفهان، صص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ رساله فی تعارض الید و الاستصحاب، (مقدمه) ، صص ۵ و ۶؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۱۳۸.

چون مرغ خسته دل، به کناری گرفته جای کز دست دوست طعمه بر او دانه آرزوست(۱)]

آقا علی میناکار*

آقا علی فرزند آقا باقر نقاش، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در فن میناکاری از اساتید طراز اوّل عهد خود بوده و اوایل سلطنت محمّدشاه قاجار را نیز درک کرده است.(۲)

ملاّ علی بیگ حشمتی خوانساری*

ملاّـ علی بیگ حشمتی بن پرویز علوی خوانساری، از شعرا و خوشنویسان قرن یازدهم هجری. پس از تحصیل از خوانسار به اصفهان آمده و معلّم حوابیگم از شاهزادگان صفویه شد. در قریه نصرآباد ماربین اصفهان نیز بسیاری خواندن و نوشتن و خط را از او آموختند. در پیری در نصرآباد ساکن شده و در سن نود سالگی وفات یافته و نعش او در کربلا مدفون شد. مردی در کمال زهد و صلاح بوده و هفت قلم را خوش می نوشت و به کتابت کلام اللّه مجید امرار معاش می کرد. دیوان اشعارش حدود پنج هزار بیت بوده است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۸ و ۱۹۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۳۰؛ گلشن راز: مقدمه؛ الذریعه، ج۹، ص۳۳۵؛ تذکره شاعران نانوا، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۲- جغرافیای اصفهان (تحویلدار) ، ص۱۱۲؛ هنر نگارگری ایران، ص۹۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۱۹.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۵۵؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۴۰ و ۴۴۱؛ الذریعه، ج۹، ص۲۵۶؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۴۳-۴۵؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۲، ص۱۱۶۶؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۴۳-۴۵؛ فرزانگان خوانسار، صص ۲۷ و ۲۸؛ دانشمندان خوانسار، صص ۵۳۷ و ۵۳۸؛ سفینه خوشگو، ص۲۰۲؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۶۳۱.

از آثار او کتابت «تفسیر» به فارسی است که در سال ۱۰۷۷ق کتابت کرده و در مدرسه سلیمان خان مشهد موجود بوده است.(۱)

این رباعی از اوست:

رخسار تو باغی است که بی سعی بهار غیرت برد از رونق آن صد گلزار

قدّ تو نهالی است که طولی کردار هر میوه که آرزو کنی آرد بار

علی اصفهانی

علی بن محمّدتقی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] در چهارشنبه ۷ شعبان ۱۲۹۶ق نسخه ای از «حاشیه فرائد الاصول» آخوند خراسانی را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۷۸۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملّا علی اصفهانی

ملّا علی بن ملّا تقی اصفهانی [از کاتبان اوایل قرن چهاردهم هجری] در تاریخ ۱۶ محرم ۱۳۱۵ق کتابت رساله «ثمره الفؤاد» تألیف: میرزا زین العابدین بن محمّدعلی سبزواری را به خط نسخ زیبا به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۲۴۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

سیّد علی نوربخش (آزاد)

سیّد علی خان نوربخش متخلّص به «آزاد» فرزند میرزا محمّدتقی مستوفی لنجان،

۱- فهرست چهار کتابخانه مشهد، ص۳.

۲- فهرست مرعشی، ج ۲۰، ص۱۴۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۷، ص۶.

شاعر ادیب [و روزنامه نگار معاصر] در سال ۱۲۶۸ش در اصفهان متولّد شده و تحصیلات قدیمه و جدیده خویش را در این شهر به پایان رسانید و خصوصا در ادبیات فارسی و عربی زحمت زیاد کشید. او پس از تکمیل تحصیلات خود چندین سال دبیر ادبیات و ناظم دبیرستان سعدی اصفهان بوده است. از شعرای خوش قریحه و توانا بوده و در انجمن های ادبی شرکت می کرده و اشعارش در روزنامه های اصفهان از جمله: مجله دانشکده به طبع می رسید. [در سال ۱۳۲۴ش به تهران رفته] در دبیرستان های تهران به تدریس پرداخت. از اعضاء انجمن حکیم نظامی به شمار می رفت و از اشعار ایشان در مجموعه های «جوان سلحشور» و «منتخبات آزاد» به طبع رسیده است.

[او از سال ۱۳۲۵ش مجله هفتگی نوربخش را به مدت یک سال انتشار داده و از سال ۱۳۲۷ش به عنوان عضو اصلی فرهنگستان منصوب شده است. وی سرانجام در سال ۱۴۰۲ق در تهران وفات یافت.]

از اوست:

ای گلفروش دلبر زیباتر از گُلَم دادی گلم نشان و ربودی ز کف دلم

آری ز نرگس و سمن و یاس و ارغوان خوش بسته ای تو دسته گلی در مقابلم(۱)

در این شعر از او ایهام لطیفی است.

* * *

در دوره پهلوی به تحقیق روی همه دزدها سیاهست

حتی سر زلف یار کان هم دزد است اگرچه در پناهست

هر دزد که بود شد گرفتار دزد نگرفته پادشاه است

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵-۱۸؛ چهره مطبوعات معاصر، ص۴۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، ص۴۳۷؛ فرهنگ شاعران زبان فارسی، ص۱۵؛ گل های ادب، ص۱۳؛ نامه سخنوران، ص۱۲؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

شیخ نورالدّین علی میسی*

شیخ نورالدّین علی میسی عاملی معروف به «مفتی» فرزند جعفر بن لطف اللّه بن عبدالکریم بن ابراهیم بن علی بن عبدالعالی بن احمد بن مفلح میسی عاملی جعفری حاتمی، از فضلاء قرن یازدهم هجری و از نوادگان شیخ لطف اللّه است که مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان به او منسوب است.

شیخ نورالدّین علی در سال ۱۰۴۴ق در خانه خود که متصل به مسجد جامع جدید عباسی است مجموعه ای فقهی را در سال ۱۰۴۴ق کتابت کرده است و مطالبی فقهی و حدیثی را در آنجا آورده است که به مقام عمل و فضل او گواهی می دهد.(۱)

علی مُلحَمی اصفهانی

علی بن جعفر مُلحَمی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری] از اهالی عراق حدیث بسیار نوشته و ثقه بوده و تصانیف او نیکوست. دو برادرش، ابوحامد و محمّد هم از محدّثین بوده اند. خودش از محمّد بن ولید عباسی نقل حدیث کرده و سلیمان بن احمد از او استماع حدیث کرده است.(۲)

ملاّ علی نوری

آخوند ملاّ علی بن جمشید نوری مازندرانی، فیلسوف فقیه و حکیم ادیب و شاعر. از متدیّنین حکمای اسلام و متشرعین فلاسفه است.

۱- تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۵۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، صص ۱۳ و ۳۱؛ احقاق الحق، ج۴، ص ۳۲۱.

[در شهر «نور» مازندران متولّد شده و] مقدمات علوم را در مازندران و قزوین نزد آقا سیّد حسن قزوینی به خوبی فرا گرفته، سپس جهت تکمیل علوم خویش به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر نزد مرحوم آقا محمّد بیدآبادی و آقا میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی [و ملاّ محمّدابراهیم جدلی] ادامه داد و ضمنا در خدمت درویش عبدالمجید طالقانی خط شکسته را مشق کرد. [همچنین در کنار تحصیل به عبادت و تزکیه نفس مشغول بود.]

بالجمله مرحوم نوری پس از وصول به مقامات عالیه علم و حکمت به تدریس و تصنیف پرداخت [و حدود ۷۰ سال به تدریس کتب فلسفی خصوصا «شوارق»، «مشاعر«: «اسفار» و «شواهد الرّبوبیه» مشغول بود] و در آن [علم] شهرت و عنوانی یافت، به طوری که تدریس فلسفه و حکمت [خصوصا آثار ملاّ صدرا] در زمان او در تمام ایران به او منحصر گردید و عدّه زیادی شاگرد تربیت کرد که هرکدام حکیمی بزرگوار و فیلسوفی نامبردار شدند. مرحوم معلم حبیب آبادی در «مکارم الآثار» نام ۸ نفر از شاگردان او را ذکر نموده و نویسنده در جزوه ای مخصوص به نام سی و سه نفر از آنان اشاره نموده ام [که از مشاهیر آنان می توان به: ملاّ محمّداسماعیل واحدالعین، ملاّ عبداللّه زنوری، حاج ملاّ محمّدجعفر لنگرودی، حاج ملاّ هادی سبزواری و فرزند دانشمندش ملاّ محمّدحسن نوری و سیّد رضی لاریجانی اشاره کرد.]

صاحب عنوان با میرزای قمی کمال صداقت و ارادت را داشته و در اصفهان به حاجی کلباسی و حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام ارادت می رزیده و در مسجد میرزا باقر بیدآباد به نماز جماعت سیّد حجه الاسلام اقتدا می نموده است. وی صوفیه را تکفیر می نموده و بیش از سایر فقهاء به این امر اهتمام داشته است.

[هنگامی که محمّدحسین خان مروی، مدرسه مروی را در تهران ساخت، از فتحعلی شاه تقاضا کرد ملاّ علی نوری را برای تدریس معقول در این مدرسه، دعوت کند. شاه از

او دعوت کرد و او در جواب نوشت: «متجاوز از هزار محصل مشغول تحصیل هستند که چهارصد نفر از آنها (بلکه بیشتر) شایسته حضور درس این دعاگو هستند و در حوزه درس دعاگو حاضر می شوند. چنان چه به تهران بیایم، این حوزه از هم می پاشد.» شاه مجدّدا از او خواست یکی از بهترین شاگردان خود را برای تدریس در این مدرسه انتخاب کند و او ملاّ عبداللّه زنوری را انتخاب کرد و فرستاد.]

او حکیمی خوش ذوق بوده و گاهی غزل و رباعی می سروده و «نور» تخلّص می نموده است.

وی در [روز ۲۲] رجب ۱۲۴۶ق به سن شیوخیت وفات یافته و سیّد حجه الاسلام بر او نماز خواند و جنازه جهت دفن به نجف اشرف نقل و در عتبه مقدّسه رواق مطهر [حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در باب شیخ طوسی]، مدفون گردید.

این شعر از اوست:

از آفتاب نکوتر فروغ طلعت اوست به حیرتم که در ایام حسن او جمهور

مثل به خوبی خورشید می زند این است یکی ز جمله غلط های در جهان مشهور

* * *

حقّا که علی ولیّ مطلق باشد حقیقت او چو حقّ مطلق باشد

هرکس که کند حقّ علی را انکار از حق مگذر که منکر حق باشد(۱)

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۸۲-۸۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۷۹ و ۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۰۱ و ۵۰۲؛ قصص العلماء، (چاپ ۱۳۸۰ش) ، صص ۷۳-۷۵، ۱۴۰ و ۱۴۸ و ۱۶۰؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۳۳۹؛ روضات الجنّات، ج۴، ص۳۹۱؛ تذکره اختر، صص ۲۱۱-۲۱۶؛ مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۰۳۳؛ شمس التّواریخ، ص۳۱؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۲۲۳، ۲۲۴ و ۵۰۶؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۹۳۸؛ ریاض العارفین، (چاپ ۱۳۰۵ق) ، صص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ انوار جَلیّه: مقدّمه، ص۳۴؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۶۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نوری»، ص۸۷۹؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخّر، صص ۱۴۳-۱۶۰؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۲۶۳؛ مکارم الآثار، ج۴، صص ۱۲۶۴-۱۲۶۷؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۵۹۶ و ۵۹۷؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۵۹۰ و ۵۹۱؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۳۵۸-۳۶۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۶، ص۱۵۴؛ معجم المؤلفین، ج۷، ص۵۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، صص ۳۴۶ و ۳۴۷.

از ملاّ علی نوری دو فرزند دانشمند به نام حاج میرزا علینقی و میرزا محمّدحسن به جای ماند.

کتب زیر از تألیفات او است:

۱. «اجوبه المسائل» و آن ۳۴ سؤال است که میرزای قمی از او نموده و او بدان ها پاسخ داده است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۲۱۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۱) [نسخه دیگری از آن که در سال ۱۲۷۷ق به وسیله محمّدخلیل بن محمّدحسین قائنی کتابت شده به شماره ۱/۸۹۹ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)] ۲. «جواب سؤالات ابوالحسن بن محمّدکاظم» جاجرمی خراسانی اصفهانی، در موضوع عصمت که در یکی از کتابخانه های بروجرد موجود است.(۳) ۴. «تفسیر سوره اخلاص»۵. «جواب سؤالات آقا محمّدخان قاجار»۶. «جواب المسائل العرفانیّه» که در حاشیه «کشف الفوائد» در سال ۱۳۰۵ق به طبع رسیده است.۷. «حاشیه بر اسفار»۸. «حاشیه شرح فوائد» حاج شیخ احمد احسائی۹. «حاشیه بر شواهد الرّبوبیه» که در هامش «شواهد الربوبیه» به طبع رسیده است.۱۰. «حاشیه بر مشاعر» ۱۱. «حواشی بر اسرار الآیات» ۱۲. حاشیه بر «شرح الاصول»

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۴۷.

۲- فهرست وزیری، ج۲، ص۷۴۳.

۳- الذریعه، ج۱۲، ص۲۴۶.

ملاّ صدرا ۱۳. «حجه الاسلام» در رد کتـاب «میزان الحق» [تألیف: هنری مارتین، معروف به] پادری نصرانی [که نسخه ای در ربیع الثانی ۱۲۳۲ق (در زمان حیات مؤلف) به وسیله محمّـد بن محمّـدجعفر حسنی کتابت شـده و به شماره ۷۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱) نسخه ای دیگر هم که در سال ۱۲۳۳ق کتابت شده به شماره ۳۵۴د در کتابخانه دانشکده الهیات تهران موجود است.(۲) در کتابخانه مرعشی هم نسخه ای به شماره ۱۰۶۲ نگهداری می شود.(۳)] ۱۴. «دیوان اشعار» ۱۵. «رساله در بقای روح» که پاسخ چندین پرسش است و احتمالاً همان کتاب «اجوبه المسائل» است.(۴) ۱۶. «الرّقیمه النوریّه» [درباره «وجود» که نسخه ای از آن به خط محمّـد بن علینقی، در سال ۱۲۹۷ق در تهران کتابت شده و به شماره ۱۸۶۴ع در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۵)] ۱۷. «شرح حدیث زینب العطاره» منقول از حضرت صادق علیه السلام در «روضه کافی» [نسخه ای ناقص از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه به شماره ۴/۳۰۹۲ و نسخه ای دیگر به شماره ۱۹۳۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی(۶) و نسخه دیگری که در سال ۱۲۵۷ق کتابت شده، به شماره ۱/۲۰۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۷)] ۱۸. «شرح حدیث رأیت رجلاً» منقول از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که ضمن مجموعه شماره ۳۸۴۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۸)

۱- فهرست رضوی، ج۱، (چاپ دوم) ، ص۱۱۴.

۲- فهرست الهیات تهران، ص۴۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۴۹.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص۱۷۱۵.

۵- فهرست ملّی، ج۱۰، ص۴۴۹.

۶- فهرست مجلس، ج۹، ص۶۴۳.

۷- فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۳.

۸- فهرست مرعشی، ج۱۰، ص۲۲۴.

علی خُرجانی اصفهانی

ابوالحسن علی بن حامد خُرجانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری] از حافظ ابی اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه بن عماره اصفهانی روایت می کند و ابوالعبّاس احمد بن عبدالغفار بن علی بن اشته اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

«خُرجان» نام یکی از محلّات اصفهان بوده است.

حاج سیّد علی علّامه فانی

حاج سیّد علی علّامه فانی فرزند آقا سیّد محمّدحسن فانی یزدی بن سیّد حسین بن سیّد اسماعیل بن سیّد مرتضی حسینی یزدی، از اکابر علماء و فقهاء و مجتهدین معاصر.

در زوال روز پنج شنبه ۲۶ ربیع الاوّل سال ۱۳۳۳ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، شیخ محمّدحکیم خراسانی، حاج سیّد مرتضی خراسانی، آقا سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی به تحصیل اشتغال جسته و در سال ۱۳۶۲ق به نجف اشرف مهاجرت فرموده و ضمن تکمیل مراتب علمی به تدریس فقه و اصول و تفسیر مشغول گردید. او پس از ۳۰ سال توقّف در نجف اشرف در سال ۱۳۹۳ق به ایران مراجعت نموده و در شهر قم سکونت اختیار نمود و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و جمعی از افاضل طلاب و مشتغلین حوزه از محضر درس او مستفیض شدند. او همه ساله در ایام تابستان به اصفهان می آمده و در مدرسه جدّه تدریس و اقامه جماعت می نمود.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۴۰۶.

وی در روز ۲۳ شوال المکرم ۱۴۰۹ق [مطابق با ۸ خرداد ۱۳۶۸ش] وفات یافته و پس از اقامه نماز بر پیکر ایشان از سوی آیت اللّه گلپایگانی در [یکی از حجرات صحن نوی] حرم مطهر حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم مدفون شد.

شیخ آقابزرگ طهرانی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی جهت او اجازه نوشته اند.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «آراء حول القرآن» مطبوع۲. «آراء حول مبحث الاراده» مطبوع۳. «البداء» مطبوع۴. «ترجمه تقویم المحسنین» تألیف: فیض کاشانی، مطبوع۵. «ترجمه نصایح الهدی» علّامه شیخ محمّدجواد بلاغی مطبوع۶. «تعلیقات بر عروه الوثقی» مطبوع۷. «تفسیر سوره جمعه»۸. «تفسیر سوره فاتحه»۹. «تقریرات دوره کامل اصول فقه» [که دو جلد آن در مباحث الفاظ چاپ شده است.]۱۰. «حاشیه بر صراط النّجاه» ۱۱. «حواشی بر توضیح المسائل» به زبان های فارسی، عربی و اردو، مطبوع ۱۲. «حواشی بر وسیله النّجاه» مرحوم آیت اللّه اصفهانی ۱۳. «دستور حج و عمره» به عربی، مطبوع (غیر از کتاب «مناسک حج» اوست) ۱۴. «دیوان اشعار» ۱۵. «رساله در احکام خراج» ۱۶. «رساله در امر به معروف و نهی از منکر» ۱۷. «رساله در جوائز سلطان» ۱۸. «رساله در ذباحه» ۱۹. «رساله در علم امام» ۲۰. «رساله در معاملات ربوی» ۲۱. «رساله در معاصی کبیره» ۲۲. «رسائل فقهی» در موضوعات: زکوه، خمس، صوم، اجاره، وصایا، اجرت بر عبادات، قرعه، منجزات مریض و مکاسب ۲۳. «شرح شرایع در چندین مجلد»، [تقریرات فقه ایشان است و در بیش از ده جلد به طبع رسیده است.] ۲۴. «غالیه البیان» در اثبات عدم تحریف قرآن ۲۵. «فوائد رجالیه» در بیان اصحاب اجماع و جماعتی از رواه ۲۶. «قبسات العقول» در شرح چهل حدیث (اربعین) مطبوع ۲۷. «المعارف العلویّه» (المحمدیّه) در کلام مجموعه ای از چند رساله ۲۸. «مقدّمات تفسیر» ۲۹. «مناسک حج» به فارسی، عربی و اردو، هر سه مطبوع

۳۰. «منظومه چهارده معصوم علیهم السلام » ۳۱. «المختار فی الجبر و الإختیار» تقریر حضرت علّامه فانی و تحریر عالم جلیل و مجتهد عالی مقام حاج سیّد محمّدعلی صادقی [رحمه الله [۳۲. «المرأه و الاسلام» یا «زن از دیدگاه شریعت اسلام» تقریر حضرت علّامه فانی و تحریر بانو فاطمه حسینی، هر دو کتاب مطبوع.(۱)

علی اصفهانی

علی بن حسن بن سلم اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری] از زیاد بن یحیی قسّام لُنبانی روایت می کند.(۲)

میر سیّد علی مدرس

میر سیّد علی مدرس فرزند میر سیّد حسن مدرس [بزرگ] بن میر سیّد علی بن محمّدباقر، عالم فاضل صالح [از علمای اواخر دوره قاجاریه در اصفهان] در سال ۱۲۵۳ق متولّد شده و مقدمات علوم را در اصفهان نزد پدر آموخته و سپس به عتبات عالیات مهاجرت نمود و از درس شیخ مرتضی انصاری، [شیخ زین العابدین مازندرانی و فاضل اردکانی] بهره برد و پس از نیل به اجتهاد در سال ۱۲۹۱ق به اصفهان مراجعت نمود و به درس و بحث و اقامه جماعت در مسجد رحیم خان مشغول شد و در سال ۱۳۱۹ق وفات یافته و در بقعه خانوادگی خاندان مدرس در مسجد رحیم خان (جنب مزار پدر) مدفون شد.(۳)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۹-۳۳۱؛ زندگی نامه خودنوشت آیه اللّه فانی، مخطوط؛ موسوعه أحادیث أهل البیت علیهم السلام ، ج۱۲، صص ۴۰۷-۴۱۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۲۰.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۱۰؛ مزارات اصفهان، ص ۱۷۲.

[او به خاطر اوج زهد و تقوا، پرهیز از حرام و موارد شبهه ناک به «سلمان الزمان» معروف و در وَرَع و زهد و اخلاق حسنه در اصفهان ضرب المثل بود. کتاب «مداین الفضایل و المعاجز فی احوال المعصومین علیهم السلام » از تألیفات اوست.(۱)]

علاءالدّین علی رجائی اصفهانی*

علی بن حسن بن محمّد بن عبدالسّلام بن عبداللّطیف اصفهانی ملقّب به «علاءالدّین رجائی»، از فضلاء قرن نهم هجری است. وی کتاب «حساب» را به خط نسخ معرّب در جامع الازهر کتابت کرده که به شماره ۴۳ در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیهم السلام در قم موجود است.(۲)

حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی

حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی فرزند سیّد حسن بن محمّد بن محمّد بن حسین بن عزیز بن عظیم بن میر محمّد مؤمن بن محمّدزمان تنکابنی، عالم فاضل جلیل، فقیه و ادیب اریب، مجتهد عالیقدر و مرجع تقلید بزرگوار، عابد زاهد متّقی از علمای بزرگ اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

در حدود سال ۱۲۷۵ق در نجف آباد متولّد شده و پس از قدری تحصیل به کسب و کار پرداخت و از ۲۰ سالگی به تحصیل علوم دینی و کسب مقدمات در زادگاه خود پرداخته و قبل از ۱۳۰۰ق به اصفهان آمد و در این شهر به تکمیل علوم زمان همچون صرف و نحو، فقه و اصول و حکمت پرداخت و از جمله در درس حاج میرزا بدیع درب

۱- نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، ص۱۷.

۲- فهرست کتابخانه امام صادق علیهم السلام قم، ص۴۸.

امامی و حاج سیّد مهدی نحوی حاضر شد.

او در سال ۱۳۰۵ه.ق به عتبات عالیات مهاجرت نموده و از درس مراجع عالیقدر و حضرات آیات: حاج سیّد اسماعیل صدر (در کربلا) ، آقا شیخ زین العابدین مازندرانی (در کربلا) ، حاج ملاّ علی نهاوندی، حاج شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی، آقا میرزا محمّدتقی شیرازی، آخوند ملاّ محمّدکاظم خراسانی، آقا سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی، آقا سیّد محمّد فشارکی اصفهانی، آقا شیخ هادی طهرانی و حاج آقا رضا همدانی همگی در نجف اشرف بهره گرفت و به اجتهاد نائل شد و در طهران هم در درس حکمت میرزا ابوالحسن جلوه حاضر شد.

او از سال ۱۳۲۰ق تا وفات، در مدارس جدّه بزرگ و صدر بازار، به تدریس فقه و اصول و حکمت و تفسیر مشغول بود و صدها تن از علماء و فضلاء در محضر درس او حاضر می شدند.

او از علمای آگاه و مسؤولیت شناس بوده و در قضایای مشروطیّت، به پیروی از اساتید خود آخوند خراسانی و شریعت اصفهانی به حمایت از جنبش مشروطیت پرداخته ست. در سال ۱۳۲۹ق که روس ها اصفهان را اشغال کردند، او را زندانی نمودند و او نذر کرد اگر از این مهلکه جان به سلامت ببرد به ذکر مصیبت حضرت سیّد الشهداء بپردازد و پس از آزادی به این نذر عمل می کند و در کنار تدریس و حل مشکلات مردم به منبر رفته و به موعظه و ذکر مصیبت و روضه خوانی می پردازد.

او عالمی زاهد و قانع بود. زندگی ساده ای داشت. از راه کسب و تجارت و زراعت امرار معاش می کرد و از مصرف وجوهات شرعی برای خود پرهیز می کرد. نسبت به رسیدگی به وضع نیازمندان اهتمام فراوان داشت و در برابر شداید و ناملایمات و خصوصا تهمت ها و غیبت های دیگران با صبوری و حلم و بزرگواری رفتار می کرد. او در زندگی معتقد به نظم و ملتزم به رعایت وقت و زمان بود و اوقات خود را اغلب صرف

مطالعه و یا استنساخ کتب می نمود. رفتار او با طلاب پـدرانه و دلسوزانه بود و برای حلّ مشکلات آنان از هیـچ اقـدامی دریغ نداشت.

او تـألیف و تحقیقی از خود به جـای نگـذاشت و تنهـا حواشـی بر «حاشـیه کفـایه الاـصول» تـألیف: آقا ضـیاءالدّین عراقی از او موجود است.

او در اوائل صفر المظفّر سال ۱۳۶۲ق دچار سکته گردیده و معالجات پزشکان اثری نبخشید و سرانجام در صبح جمعه ۱۳ صفر وفات یافته و به جهان ابـدیت پیوست. و پس از تشییع عظیم و بی سابقه مردم اصـفهان و نواحی اطراف و دسـته های عزادار به تخت فولاد حمل و در بقعه تکیه تویسرکانی مدفون گردید.

کتابخانه مرحوم نجف آبادی از کتابخانه های نفیس و گرانبها و دارای چندین هزار نسـخه خطی و چاپی ارزشـمند بود [اسامی ۷۱ نسـخه خطی از این کتابخـانه که برخی از آنها از جمله «الاجزاء» و «الرضاع» و «شـرح منظومه الرضاع» به خط مرحوم نجف آبادی (صاحب عنوان) می باشد، در ضمن کتاب «مجتهد نجف آبادی» به چاپ رسیده است.(۱)]

سیّد علی حسامی*

سیّـد علی حسامی فرزنـد سیّد محمّـدحسن، از علماء و ادبای معاصـر اصـفهان در سال ۱۲۹۷ش در محلّه تـل واژگان اصـفهان متولّد و در حوزه علمیه این شـهر تحصـیل کرد. پس از آن به تدریس برای اطفال و نونهالان در بلوک کراج اصـفهان مشـغول بود. در سال

۱- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، صـص ۳۷ و ۳۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۱ و ۸۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ رجال اصـفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ سـیمای دانشوران، صص ۲۷-۳۳؛ آئینه اهل قلم، صص ۲۱ و ۲۲؛ بزم قدسیان، صص ۹۲-۱۹۴؛ مجتهد نجف آبادی: اغلب صفحات.

۱۳۲۱ش به اصفهان مراجعت نموده و امامت نماز جماعت مسجد و حسینیه نورباران را به عهده گرفت تا اینکه در سال ۱۳۴۶ش به علت بیماری حنجره وفات یافت و در تکیه آقا سیّد محمّد ترک (تکیه جهانگیر قشقائی) مدفون شد. از او «دیوان شعر»ی باقی مانده است. از اوست:

ای حسین من عاشق روی توام واله و شیدای در کوی توام

آخر ای روح روان خورشید جان قبله ام هستی و من سوی توام(۱)

میرزا علی شریف

میرزا علی متخلّص به «شریف» فرزند محمّدحسن [از شعرای قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۸۶ش در اصفهان متولّد شده و به شغل قنادی روزگار می گذرانید و گاهی برحسب اقتضای حال شعر می سرود. از اوست:

عاشق که بود قبله گهش ابروی جانان دیگر چه کند کیفیّت دیر و حرم را(۲)

میرزا علی قاری*

میرزا علی میر سعیدی معروف به «قاری» و «بیدآبادی» فرزند ملّا حسن قاری از اساتید فن قرائت و تجوید در قرن چهاردهم هجری.

در قرائت قرآن صوتی دلنشین داشت. اهل محله بیدآباد اصفهان بود و به فنون موسیقی همچون گوشه های موسیقی، آواز و الحان آشنا بود. او جلسات قرائت قرآن را در مسجد سیّد و مسجد علیقلی آقا برپا می کرد و شاگردان علاقمند نزد او تعلیم

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۲۰۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۹.

می گرفتند. وی سرانجام در شب شنبه ۱۱ ربیع الاوّل ۱۳۸۰ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

زین الدّین علی گیلانی

زین الدّین علی بن حسن گیلانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در جمعه ۲۷ جمادی الاوّل سال ۱۰۵۰ق نسخه ای از «حاشیه حاشیه شریف بر شرح مطالع» تألیف: ملاّ جلال الدّین دوانی را در اصفهان کتابت کرده و نسخه به شماره ۷۷۵۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

علی خطیب اصفهانی

ابوالفضل علی بن حسن علی بن منصور خطیب اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری] از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث نموده است.(۳)

میر سیّد علی برزانی

آقا میر سیّد علی [فاتحی] برزانی فرزند سیّد محمّدحسین حسینی بَرزانی، عالم فاضل، زاهد متّقی [مجتهد عالیقدر، از علمای قرن چهاردهم هجری] در یکی از مساجد «بَرزان» اقامه جماعت می نمود و شب های جمعه در تکیه باباركن الدّین (در تخت فولاد) مراسم قرائت دعای کمیل و احیاء برپا می داشت و الحق جلسه دعای مرغوبی

۱- اساتید و قاریان قرآن اصفهان، ص۹۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- فهرست مرعشی، ج ۲۰، ص۱۲۹.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص۵۶۵.

بود. سرانجام در ماه رجب ۱۳۶۹ق وفات یافته و در بقعه وسط تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

[سیّد علی برزانی در اصفهان از محضر حضرات آیات: شیخ مرتضی ریزی، آخوند ملا محمّدحسین فشارکی و آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و در نجف اشرف از محضر آخوند ملاّ محمّدکاظم خراسانی و دیگران بهره گرفته و به درجه اجتهاد نائل آمد. حضرات آیات: میرزا محمّدعلی شاه آبادی، آخوند ملاّ محمّدحسین فشارکی، سیّد محمّدرضا رضوی خوانساری، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و سیّد صدرالدّین صدر جهت او اجازه روایت و اجتهاد نوشته اند و او را در مراتب علم و فضل و تقوا و عبادت ستوده اند.

از او رساله ای در «حکم فرار از حقوق» در ۱۱۲ برگ و کتاب مفصّلی در «اصول فقه» در ۶۶۰ صفحه باقی مانده است.(۲)

سیّد علی بدیع زادگان «هور» ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

«هور» وفاتش نوشت، ز خامه اشک و آه: «نوحه سرا بر علی هست محمّد یقین»

و استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی «برنا» نیز گوید:

سال فوتش را به شمسی خامه «برنا»: «حامی شرع پیمبر بود میر سیّد علی»]

شیخ علی موغاری اردستانی

شیخ علی بن حسین بن عارف موغاری [از کاتبان قرن دهم هجری و از اهالی قریه «موغار» اردستان] در سه شنبه ۲۰ شوال ۹۷۳ق در اصفهان کتاب «حاشیه مختصر

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۶.

۲- برای اطلاع بیشتر بنگرید به: گلزار مقدس، صص ۵۶-۸۲.

نافع» را کتابت کرده است. نسخه آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

شیخ علی بحرانی کاتب

شیخ علی بن حسین بن عبدالرّزاق بن اسماعیل بن عباس بن حمزه بحرانی اصفهانی معروف به «کاتب» [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] نسخه ای از «مفتاح الکرامه» تألیف: سیّد جواد عاملی را از قسمت «شفعه» تا «بیع» کتابت نموده است، نسخه به شماره ۹۷۲ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۲)

علی جامع باقولی اصفهانی

ابوالحسن علی بن حسین بن علی ضریر اصفهانی نحوی معروف به «جامع العلوم» و «جامع باقولی» [از ادباء و دانشمندان قرن ششم هجری] در علم نحو و فنون اعراب از اساتید به شمار می رفته و کتب زیر از اوست:

۱. «البیان فی شواهد القرآن» ۲. «تفسیر القرآن»۳. «الجواهر»۴. «شرح اللّمع»۵. «علل القرائه»۶. «کشف المشکلات و ایضاح المعضلات فی علل القرآن»۷. «المجمل»

[یاقوت حموی به نقل از «الوشاح» فرید خراسان ابوالحسن علی بن زید بیهقی پس از معرفی و تجلیل از او گوید: باقولی در نحو و اِعراب به کعبه مانند است که فضلای عصر در درگاه اویند. آنگاه از نامه هایی حکایت می کند که وی به سال ۵۳۵ق مبنی بر سؤال از معنای شعر فرزدق:

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص۲۳۷.

۲- فهرست مسجد اعظم قم، ص ۳۸۰.

ولیت خراسان الّتی کان خالد بها اسدا اذ کان سیفا امیرها

به فضلای خراسان نوشته و هرکدام به شرح آن شعر پرداخته اند.(۱)]

استاد علی ظریفی*

استاد علی ظریفی اصفهانی فرزند حسین بن غلامعلی، هنرمند توانای معاصر. در روز ۲ اردیبهشت ۱۳۱۵ش در محلّه مسجد جامع اصفهانی متولّد شد. در کودکی و نوجوانی به هنر قلمزنی پرداخت و نزد استاد تقی پشوتن آن فن را فراگرفت. وی در این هنر ابتکارها و نوآوری های قابل توجهی انجام داده و نقوش زیبائی را بر فلزات حکاکی کرده است.

استاد ظریفی علاقه خاصی به گیاهان و خصوصا برگ درخت انگور داشته و طرح های خلاقانه زیبائی به وجود آورده و بر اشیاء فلزی قلمزنی کرده است. انگور و حاصل آن یعنی مِی در عرفان ایرانی نماد عشق و تکامل یافتن انسان عارف است.

بسیاری از آثار او در موزه های داخل و خارج کشور نگهداری می شوند. از جمله یک گل لاله که نقوش چنگ و اسلیمی به صورت مُشَبَّک بر روی آن قلمزنی و اجرا شده است و نزد استاد اصغر رستمیان موجود بوده است.

وی چندین سال در دانشکده پردیس (دانشگاه هنر) اصفهان برای هنرجویان تدریس نموده است. از زندگی این هنرمند فرهیخته فیلم مستند «درویش فلزات» به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۱ و ۴۳۲؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۲۵۰؛ بغیه الوعاه، ص۳۳۵؛ ثقات العیون، صص ۱۸۵ و ۱۸۶؛ معجم الادباء، ج۱۳، صص ۱۶۴-۱۶۷؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۷۸؛ الاعلام، ج۵، ص۹؛ روضات الجنّات، ج۵، ص۲۵۱؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۱۳۸؛ معجم المؤلفین، ج۷، ص۷۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ابوالحسن»، ص۴۰۹؛ الذریعه، ج۴، ص۲۶۶؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۶۹۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۵۳.

کارگردانی محمّد یارمحمّدلو ساخته شده است.(۱)

سیّد علی خلیفه سلطانی

نواب میر سیّد علی خلیفه سلطانی فرزند سیّد علاءالدّین حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بن رفیع الدّین محمّد حسینی مرعشی، عالم فاضل محقّق زاهد متقی [از علمای قرن یازدهم هجری.]

مادرش مخدّره «جان آغا بیگم» دختر شاه عباس کبیر صفوی بوده است. در اصفهان نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و هم در این شهر تدریس می کرده و پس از فوت در مزار ستّی فاطمه، جنب برادر مدفون گردید.(۲)

استاد علی حیاتی*

استاد علی حیاتی فرزند حسین، از هنرمندان معاصر در سال ۱۳۰۴ش در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه قدسیّه طی کرد. سپس نزد نیای مادری خود استاد اسماعیلِ نجف، گچبری، مقرنس کاری و آئینه کاری آموخت و به همراه پدربزرگ به همدان رفت و در مرمّت گچبری و آئینه کاری بقعه باباطاهر شرکت جُست.

او در تعمیر گچبری و آئینه کاری کاخ چهلستون، کاخ عالی قاپو، مسجد جامع و بسیاری از بناهای تاریخی مهارت خود را نشان داد و مورد تحسین اساتید فن و مقامات مربوطه قرار گرفت. استاد حیاتی مدّتی هم از تجربیات استاد عیسی بهادری مدیر هنرستان هنرهای زیبای اصفهان بهره برد و درباره نقاشی و مینیاتور معلوماتی به دست

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد ظریفی در تابستان ۱۳۷۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۵؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۲.

آورد. آنگاه به همکاری با اداره باستان شناسی اصفهان پرداخت و از طرف آن اداره به قم رفت و کار مرمّت، تعمیر و استحکام بخشی آئینه کاری های ایوان و داخل حرم حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) را به انجام رساند. او چند سال در تهران به کارهای ساختمانی و گچبری مشغول بود سپس به اصفهان بازگشت و به استخدام شهرداری اصفهان درآمد و در کنار آن به کار در زمینه گچبری، مقرنس کاری، آئینه کاری و طراحی ادامه داد. در زمینه نقاشی و طراحی نیز تجربیات ارزنده ای اندوخته بود و در سیاه قلم، گل و مرغ و اسلیمی و خطایی مهارت داشت. استاد حیاتی ۲ سال در آلمان به معرفی هنر ایرانی مشغول بود. او پس از ۲۵ سال فعالیت در سال ۱۳۶۷ش از کار در شهرداری بازنشسته شده و سرانجام در روز ۳۱ شهریور ۱۳۸۴ پس از مدتی بیماری دار فانی را وداع گفت و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان در اصفهان به خاک سپرده شد.(۱)

دکتر سیّد علی دانشور فرزانگان

دکتر سیّد علی دانشور فرزانگان [فرزند سیّد حسین طبیب]، طبیب حاذق. در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به دانشکده پزشکی اصفهان رفته و دکترای پزشکی دریافت کرد و سال ها به تدریس در دانشکده پزشکی اصفهان مشغول بود. او طبیبی متدیّن، خلیق و مهربان و محبوب القلوب خاص و عام بود. سرانجام در ۲۰ ذیحجه ۱۴۰۲ق (مطابق با ۱۶ مهر ۱۳۶۰ش) وفات یافته [و در تکیه شهدا] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. کتاب «انگل شناسی علمی و عملی» از او به چاپ رسیده است.(۲)

۱- گلشن نام آوران، صص ۱۸۰-۱۸۵.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

علی رستمیان*

علی رستمیان فرزند حسین، در سال ۱۳۲۸ش در اصفهان متولّد شد. او از موسیقی دانان و خوانندگان معاصر اصفهان است. از اوایل جوانی با آشکار شدن استعدادش در آواز به محضر استاد علی خان ساغری حاضر شد. در سال ۱۳۴۵ش محضر استاد جلال تاج را دریافته و از او ردیف های موسیقی را آموخت و پس از آن از استاد محمود کریمی بهره گرفت. همچنین از آموزش های استاد محمّدرضا شجریان، استاد حسن کسائی، حسین علیزاده و امیرهوشنگ ابتهاج برخوردار شد.

او با اساتید گرانقدری چون فرامرز پایور، جلیل شهناز، اصغر بهاری، محمّد موسوی، محمّد اسماعیلی و هوشنگ ظریف همکاری داشته است.

او چندین کنسرت در اصفهان و تهران برگزار کرده و سال ها به تعلیم علاقمندان موسیقی و آواز مشغول بوده است. از آثار معروف او: «چهارباغ»، «خزان عشق»، «مویه»، «حکایت دل» و «ارغوان» را می توان نام برد.(۱)

سیّد علی سقّائی*

سیّد علی سقّائی متخلّص به «سقّا» فرزند سیّد میر حسین، شاعر و مداح اهل بیت علیهم السلام در سال ۱۳۰۹ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیل کرد و در شعر و ادب و مدّاحی از میرزا علی مشفقی کسب فیض نمود. از اعضای انجمن ادبی صغیر اصفهانی است. این دو بیت از اوست:

بزن تو بوسه لب جام و دست ساقی را به رغم زاهد خودبین که ادعا دارد

مس وجود طلا کن ز خاک میخانه که خاک میکده در خویش کیمیا دارد(۲)

۱- چهره افروختگان خطه زنده رود، صص ۵۲ و ۵۳؛ ماهنامه نگاه نو، شماره ۸۴، زمستان ۱۳۸۸، ص۹۴.

۲- زنده رود تا حیدربابا، ص۵۲؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۸۷.

علی کاتب اصفهانی

ابوالفتوح علی بن حسین کاتب اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] «ابن جنّی» در کتاب «نوادر الممتّعه» از او روایت کند.(۱)

سیّد علی درب امامی

سیّد علی بن حسین موسوی درب امامی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] از شاگردان سیّد [محمّدباقر] حجه الاسلام در اصفهان بوده و مشارٌ الیه در شب ۱۰ شعبان سال ۱۲۶۳ کتابت نسخه ای از کتاب «الحلیه اللّامعه لبهجه المرضیه» یعنی حاشیه مرحوم سیّد حجه الاسلام را بر سیوطی به خط نسخ به پایان رسانیده است.

نسخه به شماره ۷۴۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

سیّد علی گنجوی

سیّد علی بن حسین موسوی اصفهانی گنجوی [عالم فاضل جلیل] متوفی به سال ۱۳۳۵ق مؤلف کتاب های ۱. «خیط البیاض» در فقه ۲. «مرقاه الایمان» مطبوع به سال ۱۳۵۱ق.(۳)

[«گنجه» از دهات بلوک لنجان اصفهان است.]

علی مجیرالملک اردستانی*

کیا ابوالفتح علی بن حسین اردستانی طغرایی ملقّب به «مجیرالدّوله» و «مجیرالملک» از وزراء و بزرگان علم و ادب و از خوشنویسان قرن پنجم هجری قمری.

۱- یادداشت های استاد سیّد مصلح الدین مهدوی.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۴۷؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۵۲ و ۳۵۳.

۳- الذریعه، ج۷، ص۲۸۷.

در اردستان متولّد و در آنجا و اصفهان تحصیل کرد و در اندک زمانی در فن ترسّل و انشاء مشهور شد. او در زمان سلطنت ملکشاه سلجوقی و وزارت خواجه نظام الملک، سمت طغرانویسی را برعهده گرفت و به «مجیرالدّوله» ملقّب شد و سمت نایب وزیر رسائل را برعهده گرفت. پس از مرگ ملکشاه به خدمت سنجر درآمد و وزیر او شد و لقب «مجیرالملک» گرفت. عاقبت فخرالملک (فرزند ارشد نظام الملک با تحریک کردن درباریان سنجر و مادر سلطان و سعایت نزد سنجر باعث بدبینی سنجر نسبت به او شد و در سال ۴۹۰ق سلطان سنجر که به همراه مجیرالملک و فخرالملک برای سرکشی به خراسان و خوارزم می رفت، به محض رسیدن به آنجا مجیرالملک را عزل و فخرالملک را به وزارت منصوب کرد.

مجیرالملک پس از مدت ها حبس، با دادن رشوه به سلطان سنجر به عنوان سفیر او به غزنین رفت و تا آخر عمر آنجا ماند و ندیم بهرام شاه شد. سال درگذشت او معلوم نیست.

امیر معزی در اشعار خود او را مدح کرده و امام محمّد غزإلی سه نامه خطاب به او نوشته که در کتاب «فضائل الإمام فی رسائل حجه الاسلام» آمده است.

برخی منابع به اشتباه نام او را عبدالمجید نوشته اند که صحیح نیست.(۱)

علی آزادی گزی*

علی آزادی فرزند حسینعلی، از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۶ش در قریه «گز» (که اکنون به شهر تبدیل شده است) از توابع بلوک بُرخوار اصفهان متولّد شده و به تحصیل مشغول شده و از نوجوانی لب به سرودن شعر گشوده است.

از اوست:

۱- نسائم الاسحار، ص۵۷؛ آثار الوزراء، ص۲۳۳؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۳۸ و ۲۳۹.

کاش در دل جای غم عشق نگاری داشتم یا به سر وصل گلی یا گلعذاری داشتم(۱)

زین الدّین علی نیریزی*

زین الدّین علی بن حسینعلی نیریزی، از خوشنویسان هنرمند اوایل قرن دوازدهم هجری و معاصر میرزا احمد نیریزی و به احتمال زیاد از بستگان نزدیک اوست. در اصفهان ساکن بوده و خطوط ثلث و نسخ را خوش می نوشته است.

او نسخه ای از قرآن مجید را «از سوره مریم تا آخر قرآن مجید» به خط نسخ در رمضان ۱۱۲۵ق کتابت کرده است. و اکنون در کتابخانه الزاهراء اصفهان موجود است.(۲)

علی اصفهانی (صاحب «قلائد»)

علی بن حمزه بن عماره بن حمزه بن یسار بن عثمان اصفهانی، از ادباء و فضلاء اصفهان در قرن چهارم هجری. «یاقوت حموی» گوید: عثمان قبل از اسلام نامش «بنداد هرمزد بهزادان» بوده که پس از اسلام به عثمان نامیده شد و دو پسر داشته: ابومسلم و یسار که جدّ صاحب ترجمه باشد [و ابومسلم خراسانی از کسانی است که باعث سقوط امویان و تأسیس خلافت آل عباس شد.]

بین او و ابوالحسن بن طباطباء اصفهانی مشاعرات و مفاوضاتی بوده است. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «ترتیب دیوان ابی تمام حبیب بن اوس طائی» که برحسب انواع شعر مرتّب شده، نه بر حسب حروف و این کتاب چندین مرتبه به طبع رسیده است. ۲. «قلائد الشّرف فی مفاخر اصبهان و مفاخرها»۳. «فقر البلغاء»۴. «کتاب الشّعر»

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش اوّل) ، ص ۴۱.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

[به احتمال زیاد او شیعه بوده و رفاقت با ابوالحسن بن طباطباء و ترتیب دادن دیوان ابی تمام طائی (شاعر شیعی) از شواهد این مدعاست.] او در مرثیه وفات ابومسلم محمّد بن بحر اصفهانی شعری سروده و در آنجا گفته است:

و قالوا الا ترنی ابن بحر محمدا فقلت لهم ردوا فؤادی و اسمعوا

فلن یستطیع القول من طار قلبه جریحا قریحا بالمصائب یقرع

و من بان عنه الفه و خلیله فلیس له الا الی البعث مرجع(۱)

علی ابریشمکار اصفهانی*

علی ابریشمکار اصفهانی فرزند حیدرعلی، خوشنویس هنرمند در سال ۱۲۹۳ش در اصفهان متولّد شد. پدرش در کار رنگرزی و جلا دادن ابریشم بود و به ابریشمکار شهرت داشت. مادرش «مرحمت» دختر محمّدحسین مذهبّ (از اساتید هنر تذهیب و تشعیر در اواخر دوره قاجاریه) است.

استاد ابریشمکار در ۴ سالگی به مکتبخانه رفت و قرآن و حساب آموخت سپس به قالی بافی پرداخت. او پس از مدّتی وقفه در ۱۶ سالگی ادامه تحصیل داده و دوره ابتدایی را در مدرسه قدسیه طی کرد و در آن مدرسه خوشنویسی را از استاد عبدالحسین قدسی و برادرانش فرا گرفت. سپس به دبیرستان سعدی رفت و در آنجا در خط نزد میرزا عبدالجواد خطیب، مشق خط کرد. در سال ۱۳۱۶ش دوره متوسطّه را به پایان برد. آنگاه برای امرار معاش مدتی قالی بافی و رنگرزی کرد امّا با وقوع جنگ جهانی دوّم و کسادی بازار، ناچار به خوشنویسی روی آورد. مدّتی بعد چون خوشنویسی کفاف

۱- معجم الادباء، ج۱۳، ص۲۰۳؛ بیست مقاله (قزوینی) ، ص۲۳۲؛ الذریعه، ج۹، صص ۳۸ و ۴۳، ج۱۳، ص۲۶۴؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۶۷۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۱۱؛ فهرست سپهسالار، ج۲، ص۵۵۳.

معاش او را نمی کرد در بخش رادیولوژی بیمارستان کازرونی اصفهان استخدام شد. در سال ۱۳۳۳ش به تهران مهاجرت کرد و به استخدام رادیولوژی بیمارستان راه آهن درآمد و دوره آموزشی رادیولوژی را در ۲ سال طی کرد. او در سال ۱۳۵۴ش بازنشسته شد. او در کنار فعالیت های روزانه به مشق خط پرداخت و نزد استاد علی اکبر کاوه به تکمیل خط مشغول شد و از سبک استاد خود پیروی کرد و در خط نستعلیق از خفی تا جلّی تبحّر فراوانی به دست آورد. او در خوشنویسی درجه استادی داشت و در اواخر در انجمن خوشنویسان تدریس می کرد.

وی سرانجام در ۳۰ خرداد ۱۳۸۲ش درگذشت.

این آثار از نمونه خطوط زیبای اوست:

۱. کتابت «عشق مولانا» تألیف: فرح انتظام۲. کتابت «دعای کمیل» با ترجمه منظوم، نوشته: غلامرضا دبیران۳. کتابت «دعای صباح» ترجمه و تفسیر: مدرس فتحی۴. کتابت «ترجمه منظوم حدیث شریف کساء»۵. کتابت مقدمه «اطلس خط»۶. خوشنویسی در ورودی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام۷. خوشنویسی در مدخل حسینیّه کربلایی ها در گلوبندک تهران و خوشنویسی تابلو زیارت وارث که داخل حسینیّه نصب شد.۸. کتیبه زیر گنبد مسجد جامع نارمک۹. کتیبه مسجد شفای تهران۱۰. کتیبه مسجد عباس آباد (کازرونی) اصفهان ۱۱. کتیبه سنگ مزار آقا محمّدحسین مذَّهب (نیای مادری او) واقع در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان.(۱)

سیّد علی طبیب (فتّاح)*

میرزا سیّد علی طبیب فرزند سیّد محمّدجعفر، از اطبّاء حاذق و متبحّر قرن چهاردهم

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۲، صص ۶۴ و ۶۵؛ تذکره خوشنویسان معاصر، صص ۱۹۰-۱۹۴؛ روزنامه جوان، شماره ۱۲۲۲: اوّل تیر ۱۳۸۲ش، ص۱۲.

هجری است. سال ها در اصفهان طبابت می نموده و مردی متدیّن و انسان دوست و غمخوار بیماران نیازمند بوده است. وی سرانجام در روز ۲ رمضان ۱۳۶۷ق (مطابق با سال ۱۳۲۷ش) وفات یافت و نزدیک تکیه لسان الارض جنب مزار علّامه جلیل سیّد محمّدتقی فقیه احمدآبادی مدفون شد.

یداللّه تائب (برخوردار) شاعر توانا ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ او را چنین گفته است:

به سال رحلتش از صدق «برخوردار» گفت: «کز صفا فتّاح شد اندر جنان او با ادب»(۱)

صائن الدّین علی اصفهانی

صائن الدّین علی بن داود بن سلیمان اصفهانی حنبلی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن نهم هجری] متوفی به سال ۸۳۶ق.(۲)

میر علی خان گلپایگانی

میر علی خان بن میر ذوالفقار جرفادقانی (گلپایگانی) ، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشوران اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری.]

نصرآبادی در «تذکره» خود گوید: «عمه زاده بندگان مخدومی آقا حسین خوانساری است. شیخ الاسلام جرفادقان است... جوان آراسته قابلی است، درنهایت صلاح. مدّتی در اصفهان خدمت آقا حسین به تحصیل مشغول بود. به تکلیف اهالی آنجا شیخ الاسلام جرفادقان شد. چون خداشناسی دارد مسموع شد که اراده استعفا دارد و از دست مردم جرفادقان به تنگ آمده»

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- کشف الظّنون، ج۱، ص۱۲۱.

[محدّث نوری] در «الفیض القدسی» [به نقل از آنهایی که علاّمه مجلسی برای او نوشته] گوید: «السیّد الایّد الحسیب النّسیب اللبیب الادیب الفاضل الکامل المتوقّد الزّکی البارع الالمعی الامیر علی خان الجرفادقانی».

اجازه علاّمه مجلسی به او در آخر کتاب «تهذیب» و تاریخ آن جمادی الاولی سنه ۱۰۹۷ق می باشد.

«حزین» در تذکره خود درباره او گوید: «از اعاظم بلده گلپایگان و از مستفیدان از رئیس العلماء آقا حسین خوانساری بود و به فضائل صوری و معنوی آراسته. ذهن دقیقش کشّاف غوامض حقایق و سلیقه مستقیمش در هر فن به استقلال و استحقاق فائق، تعلیقات شریفه و فوائد ارجمند دارد. و در شعر و انشاء افاضت مآب به غایت دقیقه سنج و نکته یاب بود... چند سال هم به صفای خاطر در گلپایگان زندگانی نموده، در همان بلده به جنت جاودان انتقال فرموده».

این تألیفات از اوست:

۱. «دو خطبه در تهنیت جلوس شاه سلطان حسین صفوی»، به فارسی۲. «دیوان اشعار»۳. «شرح قصیده عینیّه» سیّد اسماعیل حمیری: «لِاُمّ عمرو ماللوی مربع» [که نسخه ای از آن به شماره ۴۶۹۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.]

صاحب عنوان در حدود سال ۱۱۳۰ق در گلپایگان وفات یافته است.

این اشعار از اوست:

چون صبح در جوانی اگر پیر می شدم مانند آفتاب جهانگیر می شدم

زین بیش بود قابل پرواز شهپرم هم آشیان اگر به پر تیر می شدم

اگرچه هست صراف عمل بینا به هر نقدی ز روی لطف می گیرد زر سرخ خجالت هم(۱)

استاد علی پرورش*

استاد حاج علی پرورش فرزند استاد محمّدرحیم بن استاد نوروز ریزی لنجانی اصفهانی، از صنعتگران هنرمند معاصر در سال ۱۳۳۵ق در قصبه ریز (زرین شهر کنونی) به دنیا آمد و نزد پدر صنعت آهنگری را فرا گرفت. علاوه بر آن در زمینه قرائت و تجوید قرآن مجید نیز به تحصیل پرداخت و به مقامی رسید که بسیاری از اهالی «ریز» نزد او قرآن آموختند. فنّ زرگری را هم در اصفهان آموخت و چندی در آنجا به زرگری مشغول بود، امّا عاقبت به زادگاه خود مراجعت کرد. او سرانجام در ۳۱ تیر ۱۳۶۴ش در زادگاه خود بدرود حیات گفت و در گلستان شهدای آنجا به خاک سپرده شد.

از آثار جالب توجّه و ارزنده او ساختن پل معلق زیبا و هنرمندانه است که آن را با وسایل آهنگری آن روزها ساخت و روی رودخانه زاینده رود در شهر زرین شهر نصب و طی مراسمی با حضور استاندار وقت اصفهان و اهالی زرین شهر در سال ۱۳۳۷ش افتتاح شد. مرحوم صغیر اصفهانی جهت این واقعه شعری سروده و مادّه تاریخ تهیّه و نصب پل فلزی زرین شهر را چنین گفته است:

«صغیر» از اصفهان بهر تماشا در آنجا رفت و تاریخش چنین ساخت

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۵۹-۶۱؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۶۴ و ۲۶۵؛ الفیض القدسی، ص۱۸؛ فیض قدسی، ص۱۷۰؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۳ و ج۷، ص۲۰۲ و ج۹، ص۷۵۳ و ج۱۴، ص۱۰؛ فهرست مختصر مجلس، ص۵۰۲؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۲؛ الکواکب المنتشره، ص۳۴۲؛ تلامذه العلامه المجلسی، ص۴۳؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ تذکره روز روشن، ص۵۶۵.

که پا بر روی پل بنهاد و گفتا: «پلی زیبا ز عزم آهنین ساخت»(۱)

سیّد علی شیوای سدهی

سیّد علی طاهری سِدِهی متخلّص به «شیوا» فرزند سیّد محمّدرحیم، عالم فاضل و ادیب شاعر [در قرن چهاردهم هجری] از اعقاب سیّد صالح قصیر است. در حدود سال ۱۳۲۰ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده و در اصفهان نزد علمای اصفهان [و احتمالاً ـ آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و آخوند ملّا عبدالکریم گزی] به تحصیل پرداخت. او سپس برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات مشرّف شده و در مدرسه حسن خان کربلا و مدرسه شیخ جعفر در نجف سکونت گزیده و به تحصیل ادامه داد. پس از آن به سیاحت پرداخته و در جنوب و شمال کشور به ترویج دین و تبلیغ شریعت مشغول بود و در کنار آن به تکمیل معلومات ادبی خود پرداخت و از جمله در مشهد مقدس در خدمت ادیب نیشابوری کسب فیض نمود.

او عاقبت در طهران سکونت گزیده و در همان شهر وفات یافت. اشعارش بالغ بر بیست هزار بیت و موضوع آن اغلب در پند و حکمت و انتقاد از اوضاع اجتماعی است. مقداری از اشعار او [با عنوان «دیوان غزلیات و قصاید سیّد علی طاهری سدهی متخلّص به شیوا»] در سال ۱۳۳۳ش در طهران به طبع رسیده است.

از اوست:

گردش چشمان یار، آفت جان و تن است سرو قد آن نگار، روح و روان من است

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۳۶۲-۳۶۴؛ تاریخ ریز (زرین شهر) ، صص ۱۶۱-۱۶۶.

طُرّه طرّار او، دامِ ره اهل دل نرگس جادوی او، آهوی شیرافکن است(۱)

علی طهرانی اصفهانی

ابوالحسن علی بن رستم بن مطیار طهرانی اصـفهانی [از محـدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری] از محمّد بن سـلیمان اصـفهانی ملقب به «لوین»، ابوجعفر احمـد بن معاویه بن هذیل جَبَّر، عبداللّه بن عمر اخو رُسته، ابوصالح عقیل بن صالح بن اسود طهرانی اصفهانی و دیگران روایت نموده است.

در مسـجد جامع اصـفهان حـدیث می گفته و جمعی از حفّاظ حدیث نزد او حاضـر می شده اند. او در سال ۳۰۳ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

[«طهران» معروف به «تیران و آهنگران» از دهات حومه شـمال اصـفهان بوده و در عصـر حاضـر به شـهر پیوسـته و از محلّه های اصفهان شمرده می شود.]

میرزا علی هسته ای

حـاج میرزا علی هسـته ای فرزنـد محمّـدرضا، عـالم فاضل و واعظ کامل. [از وعاظ و علمای عالیقـدر قرن چهاردهم هجری] از اعقاب شیخ زین الدین بن عین علی خوانساری. [در حدود سال ۱۲۹۵ق در اصفهان متولّد شد و پس از طی دروس مقدمات و سطح نزد حضـرات آیات: آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و جهانگیرخان قشـقائی تحصـیل کرد آنگاه به نجف اشـرف رفت و از محضر آیات عظام: ملّا محمّدکاظم خراسانی، سیّد محمّدکاظم

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۸۶ و ۴۸۷؛ دیوان شیوای سدهی: مقدمه.

۲- ذکر اخبـار اصـفهان، ج۲، ص۱۰؛ طبقات المحـدّثین، ج۴، ص۲۳۲؛ معجم البلـدان، ج۳، ص۵۲؛ مقالاـت ادبی (همایی) ، ص۷۴.

طباطبائی یزدی و شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی بهره گرفت] و در حدود سال ۱۳۲۵ق به اصفهان مراجعت کرده و سال ها در این شهر امامت و تدریس نمود. سپس به طهران مسافرت کرده و در دستگاه مرحوم حاج شیخ فضل اللّه نوری وارد شده و از خواص آن عالم جلیل القدر واقع شد. پس از واقعه شهادت او به اصفهان آمده و تا آخر عمر گاهی در اصفهان و زمانی در طهران ساکن و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه مواعظ می پرداخت و الحق واعظی شیرین زبان و گوینده ای طلیق اللسان بود. [در عصر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی زیاد در قم مانده و منبر می رفت و عموم مراجع و علماء برای استفاده از بیاناتش شرکت می کردند.]

سرانجام در ۱۶ ربیع الثّانی ۱۳۸۷ق در طهران وفات یافته و در [قبرستان شیخان[قم مدفون گردید.

از آثار قلمی و حواشی بر «اعتقادات» علاّمه مجلسی [در سال ۱۳۳۹ق] به طبع رسیده است.(۱) [وی در سال ۱۳۳۱ق در معیّت سیّد محمّد طباطبائی فرزند آیت اللّه سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی به سفر حج مشرّف شده و سفرنامه ای را در ۲۳ شوال ۱۳۳۲ق نوشته و از خود به عنوان «میرزا علی اصفهانی» یاد کرده است. این سفرنامه با عنوان «سفرنامه مکّه» به تصحیح و تحقیق محقّق و دانشمند پرتلاش دکتر شیخ رسول جعفریان در کتاب «پنجاه سفرنامه حج قاجاری» (ج۷، صص ۶۷۳-۷۳۸) به چاپ رسیده است.]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۵ و ۵۵۶؛ گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۴۲۶؛ معجم رجال الفکر و الادب فی النجّف، ج۱، ص۱۴۴؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، ص۴۴۲؛ فرزانگان خوانسار، ص۶۱؛ تربت پاکان قم، صص ۵۲۹-۵۳۱.

علی ایروانی

علی بن کربلائی رضاقلی ایروانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه جدّه کوچک ساکن بوده و به تحصیل علم می پرداخته است. او در پنج شنبه ۱۶ رجب ۱۲۳۹ق کتاب «حاشیه زبده الاصول» تألیف: شیخ بهائی را در مدرسه جدّه کوچک اصفهان کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه علّامه محقّق حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۱)

شیخ علی صغیر

شیخ علی (معروف به «صغیر») فرزند شیخ زین الدّین بن شیخ محمّد بن شیخ حسن بن شیخ زین الدّین عاملی جزینی (شهید ثانی) از علمای اواخر عهد صفویّه و ساکن اصفهان که بعد از سال ۱۱۰۴ق وفات یافته است. وی را تألیفاتی است.(۲)

[از شاگردان عمویش شیخ علی بن محمّد بن حسن صاحب «الدُّر المنثور» بوده و در سال ۱۰۸۵ق از او اجازه گرفته است.(۳)

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه روضه البهیّه» که نسخه ای از آن به شماره ۱۱۷ در کتابخانه مؤسسّه امام صادق علیه السلام قم و نسخه ای از آن به شماره ۱۲۹۸۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴) ۲. «حاشیه بر کافی» که نسخه ای از آن به شماره ۷۳ در کتابخانه فاضل

۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۲۸۵.

۲- مزارات اصفهان، ص۳۱۵؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۴۲۸.

۳- مصفی المقال، ص۳۲۵.

۴- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام ، ص۸۹؛ فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۹۴۶.

خوانساری در خوانسار و نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱) ۴. «تعلیقات بر رجال کبیر»]

علی اصفهانی

علی بن زین العابدین بن حاج محمّدجعفر اصفهانی عابد [از فضلای قرن سیزدهم هجری] در دهه دوم رمضان سال ۱۲۲۵ق جُنگی ترتیب داده است این مجموعه به شماره ۴۲۱۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

[وی فرزند زین العابدین عابد اصفهانی شاعر دوره قاجاریه است که شرح حالش در جلد دوم این کتاب آمده است.]

دکتر میرزا علی خان ناصرالحکماء

دکتر میرزا علی خان بن زین العابدین بن عبدالجلیل اصفهانی طهرانی، از اطباء معروف اواخر دوره قاجاریه. به «اعلم الممالک» و «ناصر الحکماء» شهرت داشته و در طهران سرتیپ اوّل معلم کلّ علوم طب و جراحی و کحالی و حکمت طبیعی است. در سال ۱۲۸۴ق متولّد شده و سال فوت او معلوم نیست. کتاب های «تشریح» به فارسی و «حفظ الصّحه» (در سال ۱۳۱۵ق) به چاپ رسیده است.(۳)

ملّا علی اعلا کوساری اصفهانی

ملّا علی اعلاء فرزند زین العابدین بنّای کوساری اصفهانی، شاعر ادیب و خوشنویس

۱- فهرست عکسی احیاء، ج۲، ص۱۶۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۱۹۲.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۱؛ اطلاعات متفرقه.

و موسیقیدان هنرمند [در قرن دوازدهم هجری] از اهالی قریه «کوسار» در یک فرسنگی اصفهان بوده و همه خطوط را خوش می نوشته و علاوه بر حُسن صوت، به علم موسیقی آشنا بوده و از علوم متداول بهره مند و شعر فراوان از بر داشته و به علم قرائت مسلط بوده است.

او از کودکی تا پایان عمر رفیق و معاشر و مصاحب حزین لاهیجی بود. [ظاهرا در فتنه افاغنه در حدود سال ۱۱۳۵ق به همدان پناه برده] و در حمله قوای دولت عثمانی به همدان در سال ۱۱۳۶ق به شهادت رسیده است.

از اوست:

شمع با پروانه یار و گل به بلبل آشناست آن گل آتش طبیعت با تغافل آشناست(۱)

شیخ علی مشکوه سِدِهی

حاج شیخ علی مشکوه سِدِهی فرزند حاج زین العابدین، عالم فاضل و فقیه عالی مقام معاصر در سال ۱۳۱۹ق در محلّه خوزان سِدِه ماربین [خمینی شهر] متولّد شده و در اصفهان [نزد میرزا ابوالقاسم (حاج آخوند) زفره ای و سیّد آقاجان نوربخش] دروس مقدماتی و ادبیات را تحصیل کرد و [سطوح را نزد حاج شیخ حسینعلی صدیقین و شیخ محمّدحکیم خراسانی آموخت.] همچنین از درس [آقا سیّد مهدی درچه ای، سیّد مرتضی خراسانی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، شیخ احمد حسین آبادی]، حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی بهره برد. [سپس به قم رفته و در درس حضرات آیات: حائری یزدی، حجت دهکردی و خوانساری حاضر شد.

۱- تذکره المعاصرین حزین، صص ۲۱۶-۲۱۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۳۵؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۳، صص ۱۴۹۹-۱۵۰۲.

او جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و در طی ۷ سال اقامت در آن ارض اقدس از درس آیات عظام: آقا ضیاءالدّین عراقی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) و سیّد محسن حکیم بهره گرفت و به اجتهاد نائل آمد و از برخی اساتید خود موفّق به اخذ اجازه گردید.

او پس از مراجعت به اصفهان در مسجد قدسیه به اقامه جماعت و در مدرسه صدر بازار و مدرسه چهارباغ به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در اواخر هفته در خمینی شهر به اقامه جماعت و ارشاد مردم و حل مشکلات شرعی آنان پرداخت.]

از آثار او مدرسه علمیه مشکوتیّه در سِدِه می باشد که به امر و اجازه مرحوم آیت اللّه بروجردی بنا فرموده است.

وی در روز سه شنبه ۱۸ ذیقعده الحرام سال ۱۴۱۰ق [مطابق با ۲۲ خرداد ۱۳۶۹ش[وفات یافته و در تکیه شهداء اصفهان جنب مزار داماد خود سیّد ابوالحسن شمس آبادی (شهید اصفهانی) مدفون گردید.

[از آثار ایشان تقریرات درس آیات عظام اصفهانی و عراقی و حائری یزدی به جای مانده است.(۱)]

شیخ رضی الدّین علی لالا

شیخ رضی الدّین علی بن سعید بن عبدالجلیل غزنوی جوینی، از بزرگان عرفا [در قرن هفتم هجری] است. گویند: از ۱۶۴ شیخ خرقه گرفته و در هند صحبت ابوالرّضا بابا رتن جوکی را دریافته، از مریدان شیخ نجم الدّین کبری است در نسب او گویند: عموزاده و یا نوه عموی حکیم سنائی بوده و در سال ۶۴۳ق وفات یافته [است.]

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۹۶-۱۹۸؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۹۳، مورّخ ۳۰ تیر ۱۳۶۹.

برخی مدفن او را در حوالی اصفهان دانسته و گویند قبرش به گنبد لالاـ مشهور بوده است. در ریحانه الادب گوید: مابین روضه سلطان محمود غزنوی به خاک رفته است.(۱)]

شاردن در سفرنامه خود راجع به اراضی جنوبی رودخانه (تخت فولاد) پس از ذکر تکیه بابا لکات و تکیه و خانقاه میرمعز صوفی و میل شاطران و غیره گوید: در سمت چپ همین برج و میل، مقبره عظیمی زیر گنبد گردی واقع شده است که گنبد لاله خوانده می شود. سپس لاله را به معنی و مفهوم بلند تفسیر می کند و دانشمند محترم جناب آقای محمّد عباسی در پاورقی پس از بیانی گوید: شاید هم که لله باشد.

مرحوم انصاری فوت او را به سال ۶۴۲ و قبرش را در حوالی اصفهان می نویسد. در ریاض العارفین نیز قبر او را در حوالی اصفهان و مشهور به گنبد لالا می داند. در تذکره غنی گوید: در اصفهان فوت کرد و همانجا مدفون شد. بنابراین گنبدی که شاردن می نویسد مربوط به شیخ رضی الدّین لالا غزنوی و گنبد لالا می باشد نه گنبد لاله یا لَلِه. این شعر از اوست:

هم جان به هزار دل گرفتار تو است هم دل به هزار جان خریدار تو است

اندر طلبت نه خواب دارد نه قرار هرکس که در آرزوی دیدار تو است

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۳؛ ریاض العارفین، ص۱۱۷؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۴۴؛ ریاض السیّاحه، صص ۵۰۵ و ۵۰۶؛ تذکره الشعراء دولتشاه، ص۱۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۸۳ و ۱۸۴؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، ص۸۱۸؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۳، ص۱۴۰۲؛ تاریخ نظم و نثر، ص۷۴۶؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، صص ۱۰۱۳-۱۰۱۶؛ الذریعه، ج۹، ص۳۷۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «رضی»، ص۵۰۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۵۸؛ منتخب اللطایف، ص۲۸۶.

دکتر سیّد علی میرلوحی*

استاد دکتر سیّد علی میرلوحی فلاورجانی فرزند سیّد سلیمان بن سیّد رضا بن سیّد علی بن سیّد محمّدرضا میرلوحی از علماء، محقّقان و اساتید دانشگاه، در ۱۵ رمضان ۱۳۶۰ق (مطابق با ۱۰ مهر ۱۳۲۰ش) در فلاورجان متولّد شد.

تحصیلات ابتدائی را در دبستان مینوی فلاورجان به پایان رساند. سپس به اصفهان آمد و چندی در مدرسه ناصریه و مدرسه جدّه به تحصیلات حوزوی مشغول شد و از درس علمای عالیقدر آقا سیّد احمد مقدّس، ملّا محمّدعلی عالم حبیب آبادی، حاج شیخ محمّدحسین فقیه، حاج آقا سیّد حسن امامی، حاج شیخ عباسعلی ادیب، حاج شیخ احمد فیاض، حاج شیخ علی سدهی و حاج شیخ هبت اللّه شریعت هرندی بهره گرفت. چندین سال نیز در قم نزد حضرات آیات ستوده و سبحانی و همچنین حاج شیخ مصطفی اعتمادی ادامه تحصیل داد.

وی در کنار تحصیلات حوزوی، در مدارس جدید ادامه تحصیل داده و دیپلم گرفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران به تحصیل در رشته زبان و ادبیات عرب پرداخت و در سال ۱۳۵۳ش به اخذ درجه دکترا نائل شد. او از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد به تدریس مشغول بود. پس از آن به دانشگاه اصفهان منتقل شده و در دانشکده زبان های خارجی در گروه زبان و ادبیات عرب تدریس نمود و در سال ۱۳۷۵ش به درجه استادی رسید. او از مؤسسان و رؤسای دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان است. همچنین چندین سال رئیس گروه زبان و ادبیات عرب و مدّتی رئیس دانشکده زبان های خارجی دانشگاه اصفهان بوده و به خاطر فعالیّت های علمی، در سال ۱۳۸۱ش به عنوان استاد نمونه کشور معرفی شده است.

وی علاوه بر تدریس در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا به عنوان استاد راهنما و مشاور دوره کارشناسی ارشد و دکترا به فعالیّت پرداخته است.

آثار و کتاب های زیر از آثار اوست که به چاپ رسیده است.

۱. «مختارات من روائع الادب العربی (العصر الاسلامی) ۲. تصحیح و تحقیق: «الذریعه الی مکارم الشریعه» راغب اصفهانی۳. تصحیح و تحقیق: «الجمان فی تشبیهات القرآن» ابن ناقیا۵. ترجمه: «بدیع القرآن» ابن ابی الاصبع۶. «صدر شهادت» در ترجمه: «ذکری استشهاد الامام الصدّر»۷. «اعراب نهج البلاغه»(۱)

علی بن سهل

ابوالحسن علی بن سهل بن محمّد بن ازهر اصفهانی [از عرفاء و متصوفه قرن سوم هجری] عالم عارف زاهد از قدمای مشایخ اصفهان. در عموم تذکره ها نامش به عظمت برده شده است.

از اصحاب صوفی مشهور شیخ محمّد بن یوسف بنّااست و به مرتبه ای رسیده که با جنید بن محمّد بغدادی و اقران او مکاتبه می کرد. از یونس به حبیب بن عبدالقاهر در مدینه اصفهان (شهرستان) و احمد بن مهدی حدیث نقل کرده است.

جماعتی کثیر از علماء و عرفاء در حدیث و عرفان نزد او تلمُّذ نموده اند که از آن جمله است: سلیمان بن احمد طبرانی، قشیری، ممشاد دینوری، ابوبکر محمّد بن عبداللّه طبرانی

او در سال ۲۸۰ق (و بنا به قول مؤلف «ذکر اخبار اصفهان» سال ۳۰۷ق) وفات یافته و در قبرستان طوقچی مدفون گردید و از حین فوت تاکنون قبرش مورد توجّه عُبّاد و

۱- دست نوشته آقای دکتر میرلوحی (بهار ۱۳۷۰ش) موجود نزد غلامرضا نصراللهی؛ گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۲۴۵-۲۵۰.

زُهّاد بوده، در رحله ابن بطوطه و کشکول شیخ بهائی راجع به مزار او مطالبی است، طالبین مراجعه نمایند.

مرحوم رفیعی مهرآبادی از قول ابونعیم اصفهانی نقل می کند که «یوان» قریه ای بود از دهات اصفهان. بر دروازه اصفهان و قبر علی بن سهل صوفی آنجاست. نویسنده گوید: در کتاب ذکر اخبار اصفهان، در این محل و جای دیگر ذکری از محل قبر علی بن سهل که در قریه یوان قرار دارد، نشده است.

مقبره او در قدیم دارای دستگاه بوده و فعلاً از آن اطاقی بیش نمانده [است.] در سال های اخیر یکی از مشایخ خاکساریه آنجا را خانقاه خود ساخته و بساط ارشاد گسترده است.

فرزندش سهل و برادرزاده اش ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بن سهل از عرفاء و محدّثین قرن چهارم هجری هستند که محتمل است در بقعه علی بن سهل دفن شده باشند.(۱)

میر سیّد علی خاتون آبادی*

آقا میر سیّد علی بن میر محمّدصادق بن میر محمّدرضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی، عالم فاضل ادیب در اواخر دوره قاجاریّه در ماه ذیحجه الحرام ۱۲۴۴ق در اصفهان متولّد شد. در اصفهان نزد جمعی از علماء اعلام از جمله ملاّ حسینعلی تویسرکانی به تحصیل پرداخت. سپس به نجف اشرف رفت و از محضر درس مراجع و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۲-۸۱۴؛ مزارات اصفهان، صص ۳۲۲-۳۲۵؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۲۵۹-۲۶۵؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۳۹۴ و ۳۹۵؛ اصفهان (کتاب جوانان) ، صص ۲۰۳-۲۰۵؛ سفرنامه ابن بطوطه، صص ۲۱۲-۲۱۵.

مجتهدین عالیقدر شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمّدحسین قزوینی بهره گرفت تا عالمی مبرّز و مجتهدی مُسَلَّم گردید. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و به تبلیغ دین و حلّ مشکلات مردم مشغول شد.(۱)

وی سرانجام در شب ۱۶ جمادی الاولی ۱۳۰۹ق وفات یافت.(۲)

«ترجمه تنبیهات علیه» از تألیفات اوست.

این بیت هم از اوست:

اگر آن شوخ بازاری نبودی کسی را با کسی کاری نبودی(۳)

علی صفار*

علی بن صدرالدّین صفّار، از اساتید هنر کاشی کاری در قرن نهم هجری است. وی کاشی کاری مسجد جامع ورزنه را در سال ۸۸۴ق انجام داده است.(۴)

میر سیّد علی شوشتری*

میر سیّد علی بن محمّدطاهر بن محمّدشاه تستری (شوشتری) ، عالم فاضل و عابد صالح. از علمای قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از علماء خصوصا حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی تحصیل کرده بود.

او حدود سال ۱۲۹۹ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد. برای او کراماتی ذکر کرده اند.(۵)

۱- مکارم الآثار، ج۴، ص ۱۲۱۰.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۸۶.

۳- تذکره شاعران فارسی سرا، ص۲۰۵.

۴- اصفهان در دوره جانشینان تیمور، ص۱۸.

۵- الکرام البرره: مخطوط.

دکتر علی پزشکی نجف آبادی*

دکتر علی پزشکی فرزند عباس (معروف به «ملاّ عباس حکیم») از شعراء و اطبّاء معاصر. در سال ۱۲۸۸ش در نجف آباد متولّد شد. پدرش از اطبّاء قدیمی آنجا بود. خود او تحصیلاتش را تا اخذ دکترای پزشکی ادامه داد و در زادگاه خود به طبابت پرداخت. مدّتی رئیس بهداری نجف آباد و زمانی رئیس درمانگاه امین اصفهان بود. گاهی به اقتضای حال شعر می سرود. این دو بیت از اوست:

عمری اندر طلب راحت مردم بودیم رنج بردیم و نمودیم علاج دل ریش

خدمت خلق چو کردی تو پزشکی همه عمر در دل خاک نداری به دل خود تشویش(۱)

علی قیام اصفهانی

علی غفورزاده ورنوسفادرانی متخلّص به «قیام» فرزند حاج عباس، شاعر و ادیب معاصر در [آذرماه] ۱۳۰۶ش در محلّه «زاغ آباد» ورنوسفادران سِدِه [خمینی شهر فعلی[ماربین متولّد شده، تحصیلات ابتدائی را در [دبستان اسلامی] سده [و دوره متوسطه را در آموزشگاه های شبانه اصفهان] به پایان رسانیده و بعدا در کارخانجات اصفهان وارد کار شد. [در کودکی لب به سرودن شعر گشوده و] در انجمن های ادبی پروانه و کمال [و سعدی و صائب] شرکت می کرده است. او شاعری عارف مسلک بوده و برخی از اشعارش در مجلات و روزنامه های اصفهان به چاپ می رسید. [قیام در آذرماه ۱۳۷۲ش در اصفهان وفات یافته و در صحن امامزاده سیّد محمّد خمینی شهر مدفون

۱- دیباچه دیار نون، ص۱۵۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۳۷.

شد. برادرش حاج احمد غفورزاده (طلائی) جهت او مرثیه ای سروده و مادّه تاریخ آن چنین است:

چو شد آزاد از بند قفس روح قیام ما «طلائی» خواست با شمسی کند تاریخ او انشا

«قیام» آورد سر در جمع و خود تاریخ خود گفتا: «قیام آسوده شد از دست این دنیا و مافیها»

۱۰۰+۱۲۷۲=۱۳۷۲

و استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) نیز سروده است:

«قیام کرد اجل ناگهان بمرگ قیام که بود ادیب و محب علی بنام علی»]

۱۳۷۲

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «صبح امید قیام» مطبوع۲. «نوروز و جمشید» مطبوع۳. «قیام علی»۴. «قیام حسین» مطبوع۵. «سرود کوهستان» (دو بیتی به لهجه محلّی) مطبوع۶. «دیوان اشعار» متجاوز از سه هزار بیت۷. «درس زندگی و ترانه های دل» یا «غوغای عشق»۸. «کلمات قصار و منشات»۹. «باشکوه ترین روز تاریخ» به نظم و نثر۱۰. «آسمان و زمین» مثنوی، مطبوع ۱۱. «شاهکار قیام»(۱)

از اوست:

[دلبرا در آتش عشق تو می سوزم هنوز شمع شد خاموش و من شمع شب افروزم هنوز

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۸۲ و ۳۸۳؛ صبح امید، صص ۱۲۹ و ۱۳۰؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۲۷۶ به تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۷۲، ص۳.

سرد شد بزم جهان خورشید افتاد از شرار بی وفا من در تب عشق تو می سوزم هنوز]

علی مظاهری

علی مظاهری کَروَنی متخلّص به «مظاهر» فرزند عباسقلی، شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۳۰۳ش در «تیران» از توابع ناحیه کرون (به فتح کاف و واو) اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل در مکتب خانه در ۱۰ سالگی به همراه پدر به اصفهان آمده و روزها به کار و فعالیّت و شب ها به تحصیل پرداخت و [در ۱۸ سالگی] به استخدام اداره آموزش و پرورش درآمده و به عنوان آموزگار [در روستای نهضت آباد (شاهدان)] تدریس کرد. [سپس به خمینی شهر انتقال یافته و با دریافت مدرک دیپلم ششم ادبی، در دبیرستان های آن شهر به تدریس مشغول شد. چند سال بعد به اصفهان منتقل و به تدریس ادامه داد. در سال ۱۳۴۳ به تحصیل در دانشسرای عالی تهران مشغول شد و لیسانس گرفت. او پس از سال ها تدریس در سال ۱۳۶۹ش بازنشسته شد و در کنار تدریس در دبیرستان ها، در مراکز تربیت معلم و دانشگاه های آزاد اسلامی نجف آباد و خوراسکان و دانشسراها و مراکز آموزش عالی و ضمن خدمت فرهنگیان به تدریس پرداخت.] از ۲۰ سالگی لب به سرودن اشعار گشوده و در انجمن ادبی شیدا و سپس انجمن کمال شرکت کرد. [و از محضر اساتیدی چون میرزا عباس خان شیدا، محمّدحسین صغیر اصفهانی، عبدالکریم بصیری، محمّدرضا شمشیری (شکیب) ، حسن بهنیا (متین) و جعفر نوا در زمینه شعر و ادب بهره گرفت. از اشعار دوره جوانی او در مجموعه ای با عنوان «این لحظه ها» در سال ۱۳۴۹ش به چاپ رسیده و باقی اشعار او هنوز چاپ نشده است. وی سرانجام در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ش وفات یافته و در قطعه هنرمندان در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد. [استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی

(برنا) ضمن مرثیه ای که برای او سروده، مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

رقم کرد «برنا» به شمسی وفاتش: «مظاهر ادیب نکوطبع ما کو»]

۱۳۸۷

از اوست:

ما پرتو جمال تو در خواب دیده ایم مهتاب را در آینه آب دیده ایم

با سایه دو زلف چلیپا بر ابرویت نقش صلیب در دل محراب دیده ایم

با زلف و روی خنده دندان نمای تو شاخ شکوفه در شب مهتاب دیده ایم(۱)]

میرزا علی خان مستوفی خزانه

میرزا علی خان مستوفی خزانه فرزند عبدالباقی نواب اصفهانی از میرزاهای چهارسو شیرازی ها [در اصفهان.] فاضل و ادیب بوده و در دستگاه ظل السّلطان اهمّیتی داشته و در شب ۱۷ جمادی الثّانیه سال ۱۳۰۹ق به شرحی که مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال مزبور می نویسد مسموما فوت شده است. در شب فوت او «میرزا حبیب اللّه مشیر انصاری، حاج میرزا حسن شیخ الاسلام و میرزا محمّدخان امین الدّوله نیز مسموما وفات یافتند.(۲)

از آثار او: ۱. «احسن التواریخ» در ترجمه تاریخ سلاطین آل عثمان تألیف: محمّد فریدبیک که در ۱۳۳۲ق در طهران به طبع رسیده است.(۳) ۲. «هدیه رمضان» ترجمه از کتابی از: امین ارسلان مصری در سال ۱۳۰۷ق در طهران به طبع رسیده است.(۴)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، صص ۷۲۲ و ۷۲۳؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۵۴-۴۵۶؛ این لحظه ها: مقدمه؛ بزم ادب، ص۳۴۲؛ گلشن نام آوران، صص ۲۳۶-۲۴۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۴.

۳- تذکره الاطباب، ص۱۰.

۴- الذریعه، ج۲۵، ص۲۰۹.

مشارٌ الیه جدّ دانشمند شاعر و طبیب فاضل دکتر عبدالباقی نواب فرزند میرزا محمّدرضا بن میرزا عبدالباقی نواب (مستوفی خزانه) است.

سیّد علی بدیع زادگان (هور)

میر سیّد علی بدیع زادگان متخلّص به «هور» فرزند حاج میرزا عبدالحسین، شاعر و ادیب معاصر. او نواده دختری عالم جلیل حاج میرزا بدیع درب امامی است. در ۵ مرداد ۱۲۹۱ش (برابر با رمضان ۱۳۳۰ق) در اصفهان متولّد گردیده و تا سال ۱۳۰۹ش در مدارس جدید تحصیل کرد و بعدا به جهت تأمین معاش به کارخانه وطن رفته و مکانیسین ماشین آلات بافندگی شد و سپس در کارخانه زاینده رود به کار خود ادامه داد. او در ضمن کار روزانه، به تکمیل تحصیلات خویش همت گماشته و سه زبان عربی، فرانسه و آلمانی را فراگرفت. دارای طبع شعر بوده و در کلیه فنون شعر قادر است. مادّه تاریخ را به خوبی می سروده و ۲۸ قصیده تاریخیّه ساخته که تمام مصرع های آن دارای مادّه تاریخ است. وی سرانجام در ۵ شوال ۱۳۸۷ق وفات یافته و در ایوان بقعه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ فوتش این مصرع است:

«هور منزل نمود در مینو»

از آثارش جزوه کوچکی به نام «تحفه المسلمین» به طبع رسیده است. [دیوان اشعار او با عنوان «فراتر از شعر» به کوشش دکتر محمّد تویسرکانی در سال ۱۳۵۸ش به چاپ رسیده است.(۱)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹.

علی سمنجانی

ابوالحسن علی بن عبدالرّحمان بن محمّد سمنجانی [از دانشمندان و زهّاد قرن ششم هجری] «عالم فاضل، حسن السیره، کثیر العباده، دائم التلاوه» [ساکن اصفهان بوده و] به سال ۵۵۲ق در اصفهان وفات یافت.(۱)

در بخارا از ابوعلی سهل ابیوردی فقه آموخته است و ابوالصّفا ثامر بن سعد بن ثامر بن علی کرجی بلدی از او استماع حدیث کرده است. سمنجانی یکی از فقهای شافعیّه بوده است.(۲)

علی اصفهانی

ابوطالب علی بن عبدالرّزاق بن محمّد صغیر اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری] از: ابوطاهر محمّد بن احمد بن محمّد بن عبدالرّحیم کاتب استماع حدیث کرده و در سال ۵۰۸ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است. فوت او در روز یکشنبه ۲۰ جمادی الاولی سال ۵۱۵ق [واقع شد.(۳)]

دکتر علی عبدالرسولی

دکتر علی عبدالرسولی متخلّص به «ثابت» فرزند ملّا عبدالرسول فیروزکوهی مازندرانی، ادیب دانشمند و محقّق. در حدود ۱۲۹۸ق متولّد و نزد اساتید معروف تحصیل کرده بود. از دانشمندان و ادباء و شعراء مشهور است. وی علاوه بر تسلط در

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۲۵۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۱۵۱.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۵۷۲.

علوم عقلی و نقلی خطوط ثلث و شکسته و نسخ را در کمال خوبی و استادی می نوشته و شعر نیکو می گفته است. او در شب جمعه ۴ شعبان سال ۱۳۶۲ق در ضمن مسافرت به اصفهان وفات یافته در تکیه سیّد العراقین مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱. تصحیح «دیوان ادیب نیشابوری»۲. تصحیح «دیوان خاقانی»۳. تصحیح «دیوان فرّخی»۴. «ترجمه رساله شطرنجیه» [از آثار پدرش، مطبوع]۵. «دیوان اشعار» و غیره.(۱)

[علی عبدالرسولی علاوه بر پدر، از معلومات اساتیدی چون حاج شیخ مسیح طالقانی، سیّد عبدالکریم لاهیجی، میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا عبداللّه ریاضی و سیّد احمد پیشاوری (ادیب پیشاوری) (که حدود ۳۴ سال ملازم و مصاحب او بود) بهره گرفت و خط را نزد سیّد محمّد بقاء اصفهانی (شرف المعالی) مشق کرد و در صرف و نحو، لغت، معانی و بیان و عروض و قافیه، مهارت فراوانی یافت. او در سال ۱۳۱۴ش رساله ای در باب عرفان و تصوف نگاشت و از دانشگاه تهران به اخذ دکترا و مقام استادی نائل گردید. شعر را در کمال استادی می سرود. در غزل پیرو سبک سعدی و در قصیده متمایل به سبک فرّخی سیستانی بود. از نمونه خطوط زیبای وی خطوط «شرح زیارت عاشورا» تألیف پدرش است که به خط او در تهران به چاپ رسیده است. او بسیاری از دیوان های شعرای متقدّم همچون: منوچهری، عنصری، سروش اصفهانی، میرزا ابوالحسن جلوه، ملک شعراء صبای کاشانی، ارزقی هروی و حکیم قطران تبریزی را تصحیح نمود. همچنین مثنوی رزمی حماسی «قیصرنامه» ادیب پیشاوری را به خط زیبای خود کتابت کرده که میکروفیلم آن در کتابخانه مجلس شورای ملّی به شماره ۱۴۵ موجود است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۹.

از اوست:

آن شب که بی تو باشم شامم سحر ندارد بویی ز صبح وصلت بر من گذر ندارد

از سوز ناله ام تن، چون موی شد به زاری دردا که ناله من در تو اثر ندارد(۱)]

حاج میر سیّد علی بروجردی

حاج میر سیّد علی بن سیّد عبدالکریم بروجردی بن سیّد علی بن سیّد محمّد بن سیّد عبدالکریم بن سیّد مراد طباطبائی اصفهانی، عالم فاضل کامل [از علمای اواخر دوره قاجاریه] در اصفهان متولّد گردیده و هم در این شهر و نجف تحصیل نمود. مرجع امورات شرعیّه و پشت و پناه مردم بود و در مسجد درب کوشک اقامه جماعت می نمود. از شاگردان حاج ملّا اسداللّه بروجردی و حاج محمّدجعفر آباده ای و آقا محمّدمهدی کلباسی و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بوده و در شب شنبه ۱۰ ربیع الاوّل سال ۱۳۰۶ق وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفاتش این است:

رحمت حق از پی تاریخ گفت: «انّ لدنیا لعلی عظیم»

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «اصول فقه» ۲. «شرح هدایه» شیخ حر عاملی که هنوز به طبع نرسیده است.(۲)

۱- شرح مجموعه گل، صص ۴۴۰-۴۵۷ و بنگرید به: آینه دار طلعت یار، صص ۵۷۸ و ۵۷۹؛ گلزار معانی، صص ۲۰۵-۲۱۵؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۲، صص ۹۵۳-۹۵۸؛ شرح حال رجال ایران، ج۳، ص۱۶۳؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۴، ص۳۰۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۰؛ تاریخچه شهر سامرا، ص۱۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۴؛ الذریعه، ج۲، ص۲۰۷؛ اعیان الشیعه، ج۴۱، ص۳۱۰؛ الکرام البرره، ج۲، ص۸۲۳؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۴۷۰؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۴۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۱۶۷.

ملاّ علی گرگابی (ذرّه)

ملاّ علی خان گُرگابی فرزند عبدالکریم، از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در سال ۱۲۹۶ق در قریه «گُرگاب» از بلوک بُرخوار اصـفهان متولّد شده و در مولد خویش و اصفهان مدّت زمانی به کسب علوم و فضایل اشتغال جسته، سپس به مولد خویش مراجعت نمود. او تا آخر عمر گاهی در ده و گاهی در شهر بود. بالاخره در سال ۱۳۷۲ق در اصفهان وفات یافته، در قبرستان تخت فولاد مدفون گردید. گاهی شعر می سرود و در آن اشعار «ذرّه» تخلّص می نمود.

از اوست:

ای طُرّه روی تو یکی روم و یکی زنگ چشمت ز میان تیر کشیده ز پی جنگ

روی تو به صلح است ولی چشم سیاهت جلاد صفت بسته پی قتل، میان تنگ(۱)

علی ابهری اصفهانی

ابوالحسن علی بن عبـداللّه بن احمـد بن جـابر ابهری اصـفهانی [از محـدّثین عامّه اصـفهان در قرن چهارم هجری] از محمّـد بن محمّد بن یونس ابهری حدیث نقل می کند و احمد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۰۱.

بن فضل مقری از او استماع حدیث کرده است.(۱)

علی خطیبی اصفهانی

علی بن عبداللّه خطیبی اصفهانی فقیه [از فقهاء و محدّثین عامّه اصفهان است.] در کتاب «فوائد البهیه» در تراجم حنفیه در ضمن شرح حال عبدالجبّار بن عبدالکریم خوارزمی رازی گوید: در خدمت علی بن عبداللّه در اصفهان تحصیل فقه کرده است.(۲)

استاد علی منشئی*

استاد علی مُنشِئی فرزند استاد عبدالمجید، از معماران چیره دست معاصر اصفهان. در سال ۱۲۸۷ش در اصفهان متولّد شد. در نوجوانی نزد پدر و عموهایش فنون بنّایی و معماری سنتی اصفهان را فراگرفت و از سال ۱۳۰۹ش به همکاری با اداره عتیقه جات کشور پرداخت. او در طراحی، اجراء، مهاربندی، شبکه کاری و گره چینی مهارتی به سزا داشت. و سرانجام در سال ۱۳۴۹ش در اصفهان درگذشت. دو پسرش استاد رضا منشئی و مهندس محمود منشئی نزد پدر به یادگیری این هنر پرداخته و در مرمت ابنیه تاریخی کشور منشاء خدماتی شده اند.

استاد علی منشئی آثار ارزنده ای از مرمت و احیاء آثار تاریخی از خود به جای گذاشت از جمله: مرمّت سردر ورودی مسجد جامع، کتیبه گریو گنبد مسجد امام، صفه شاگرد در مسجد جامع، سقف و ستون های عالی قاپو، مهاربندی و استحکام بخشی تالار تیموری، عمارت هشت بهشت همگی در اصفهان و گنبد اصلی مجموعه برسیان (در برآآن اصفهان) و قلعه مخصوص چادگان. همچنین در زمینه شبکه کاری، پنجره های مشبک زیادی را طراحی و در حرم امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس نصب نمود.(۳)

۱- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

۲- فوائد البهیه، ص۱۵.

۳- معماران و مرمت گران سنتی اصفهان، صص ۱۷۳-۱۷۶.

میرزا علی رجاء اصفهانی

میرزا علی خلیلیان متخلّص به «رجاء» فرزنـد عبدالمحمود شاعر ادیب معاصـر در سال ۱۳۱۷ق در اصـفهان متولّد شده و پس از مدّتی تحصـیل به بافندگی مشـغول شد. از جوانی لب به گفتن شـعر گشوده و در انجمن های ادبی اصـفهان مانند شـیدا، ادیب فرهمند، پروانه و کمال شرکت می کرده است.

او شاعری خوش ذوق و باقریحه و متدیّن و عارف بوده و عاقبت در ذیقعده ۱۴۱۱ق (برابر با اردیبهشت ۱۳۷۰ش) وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

[مادّه تاریخ فوتش را «محور اصفهانی» ضمن مرثیه ای گوید:

عارفی خواست وفاتش چو به شمسی گفتم: «بود در جمع از اخلاص و وفا یار ادب»

۱۳۷۰شمسی

این کتاب ها مجموعه اشعار چاپ شده اوست:

۱. «اندرزنامه»۲. «دیوان رجاء»۳. «مناقب الائمه». همچنین قسمتی از اشعار رجاء به ضمیمه «دیوان گلزار» به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

یوسفا خوارتر از این به عزیزان منگر که تو در اوج جلالی و من اندر چاهم

نرسد دست تمنّا به تو ای نخل بلند سر فرود آر و بده بوسه که من کوتاهم(۱)]

۱- تذکره شـعرای معاصـر اصفهان، صص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ مزارات اصـفهان، ص۱۳۱؛ بزم ادب، ص۳۳۲؛ دیوان محور اصفهانی، ص۳۶۵.

سیّد علی جزائری

سیّد علی بن عزیزاللّه موسوی جزائری [از فضلاء عصر صفویّه] در تاریخ چهارشنبه ۲۰ ربیع الثّانی ۱۱۰۱ق «شرح شواهد ابن ناظم» تألیف: سیّد محمّد بن علی عاملی را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته است. این نسخه به شماره ۷۴۲۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

عمادالدّین علی استرآبادی

عمادالدّین علی بن عمادالدّین علی بن نجم الدین محمود شریف استرآبادی [از دانایان به قرائت و تجوید در قرن دهم هجری و ساکن اصفهان بوده از عزالدّین حسین بن عبدالصمد عاملی حارثی (پدر شیخ بهائی و ملاّ عبداللّه شوشتری شهید روایت نموده است و خود او برای سالک الدین محمّد یزدی در سال ۹۸۸ق در یزد اجازه نوشته است.(۲)] کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اصول قرائت ابن عامر» ۲. «اصول قرائت کسائی» ۳. «اصول قرائت حمزه» [تألیف در] دهه سوم ماه دهم سال ۹۵۵ق۴. «اصول قرائت ابن عمرو» [تألیف در[جمعه ۲۲ شعبان ۹۵۴ق در اصفهان۵. «اصول قرائت ابن کثیر» [تألیف در] ۶ رمضان ۹۵۴ق در اصفهان که با برخی مطالب دیگر که ظاهرا از اوست ضمن مجموعه ای نزد آقا حاج سیّد ابوالفضل سعید ریحان یزدی موجود است و میکروفیلم آن به شماره ۲۴۷۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران نگهداری می شود.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص ۲۴۰.

۲- احیاء الداثر، ص۱۴۵.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص ۷۰۰.

علی اصفهانی

علی بن علی اصفهانی [از کاتبان قرن دهم هجری] در دهه سوم صفر سال ۹۹۵ق نسخه ای از «اربعین» شیخ بهائی را به خط نسخ درشت نوشته و شیخ بهائی با خط نستعلیق خویش در تاریخ ۹ ربیع الاوّل ۹۹۵ق در اصفهان نوشته است که برادرم کمال الدّین ابوتراب عبدالصّمد عاملی این «اربعین» را نزد من خوانده است. و سپس برای او اجازه روایت نوشته است. نسخه به شماره ۶۸۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

علی بن علی اصفهانی نسخه دیگری از «اربعین» شیخ بهائی را به خط نسخ نوشته که به شماره ۴۶۷۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

غیاث الدّین علی امیران اصفهانی

غیاث الدّین علی بن علی امیران حسینی اصفهانی، از فضلای قرن نهم هجری است در بدخشان ساکن بوده(۳) [و در علوم زمان خود خصوصا ریاضیات، هندسه، نجوم و حکمت مهارتی به سزا داشته است. سال وفاتش به دست نیامد امّا ظاهرا تا آخرین سال های قرن نهم زنده بوده است.]

وی را کتب چندی است که از آن جمله است:

(۴) «خلاصه التّنجیم و برهان التّقویم» که نسخه ای از آن ضمن مجموعه ۱۹۹۷ به

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۰۶۷.

۲- فهرست مجلس، ج۱۳، ص۵۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۴ و ۸۱۵؛ سبک شناسی، ج۳، ص۲۲۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۲۶۱؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۳۸.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۰۶۷.

شماره ۴۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱) ۲. «دانشنامه جهان» که معروف ترین تألیف اوست و در سال ۸۷۹ق آن را در حکمت طبیعی در ده فصل و خاتمه به نام سلطان محمود بن ابوسعید بهادرخان بن میرانشاه بن امیرتیمور گورکانی تألیف نموده است. نسخه ای از آن ضمن مجموعه شماره ۵۶۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲) [نسخه های این کتاب فراوان است و در سال ۱۲۹۱ق در هندوستان هم چاپ سنگی شده است.] ۳. «قوانین» = «قواعد نجوم» = «سی و شش باب» که در سال ۸۶۹ق تألیف شده و نسخه ضمن مجموعه شماره ۶۶۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

[غیر از آثار فوق کتب زیر نیز از تألیفات غیاث الدّین علی امیران اصفهانی است: ۴. «آثار حروفی»۵. «اسرار الحروف»۶. «بازنامه»۷. «تدبیرنامه انفس و آفاق»۸. «درّه المساحه»۹. «مقصد اشیاء وفقی در تحصیل مرام رتقی و فتقی»۱۰. «نزهه الصّنایع»(۴)]

علی سیچانی

علی بن آقاعلی سیچانی اصفهانی [از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در دهم شعبان ۱۲۴۱ق کتابت نسخه ای از کتاب «روضه الانوار» تألیف: شرف الدّین حاج حسن بن محمّد یزدی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۰۹۲ق

۱- فهرست دانشگاه طهران، ج۸، ص۶۱۷.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۱۱.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۴۵۵.

۴- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

علی اصفهانی*

شیخ ابوالقاسم علی بن محمّد بن بهدل اصفهانی، از دانشمندان اصفهان و ظاهرا شیعه امامی است. در آخر کتاب «الاثنی عشریه» تألیف: سیّد محمّد بن محمّد بن حسن حسینی عاملی از یکی از تألیفات او «تحفه الکبرا فی معجم الشّعراء» برخی از اشعار او در مناجات را نقل کرده است.(۲)

حاج میرزا علی آقا شیرازی

حاج میرزا علی آقا شیرازی فرزند حاج علی اکبر بن حاج قاسم، عالم فاضل زاهد عابد، ادیب کامل و طبیب ماهر. از نوادر زمان و مفاخر علمی و عملی اصفهان به شمار می رفت. در زهد و تقوا وحید و یگانه بود.

در شعبان ۱۲۹۴ق متولّد و در نزد جمعی کثیر از فضلاء تحصیل نمود که از آن جمله است: شیخ عبدالحسین محلّاتی، حاج آقاحسین بروجردی (در موقع تحصیل در اصفهان) ، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند کاشی و حاج میرزا محمّدباقر حکیم باشی و در نجف از محضر شیخ الشریعه اصفهانی و آقا سیّد محمّدکاظم یزدی و آخوند خراسانی و غیره استفاده ها برد. او پس از مراجعت به اصفهان سال ها به شغل تجارت مشغول بود. سپس مدّتی طبابت می فرمود. پس از آن ترک تجارت و طب گفته و جهت ارشاد مردم به منبر رفته و به مداوای روحی مردم پرداخت.

واعظی بود شیرین بیان و متکلّمی فصیح اللّسان. منابرش شامل مواعظ شافیه و

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص ۲۷۰.

۲- ریاض العلماء، ج۴، ص ۱۹۱.

نصایح کافیه از حدیث و اخبار و تفسیر و تاریخ بود. در مدرسه صدر اصفهان [و در قم] ادبیات و نهج البلاغه و تفسیر می فرمود و عدّه ای از طلّاب از محضرش مستفید می شدند.

در شب ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۷۵ق وفات یافته، جنازه با احترامات لازم به قم منتقل گردیده و در مقبره شیخان مدفون گردید.

از آثارش تصحیح و مقابله قسمتی از تفسیر «تبیان» شیخ طوسی است که به طبع رسیده است.

پدرش از تجّار و فضلاء بوده و در نجف نزد مولی محمّدحسین کاظمینی تحصیل نموده و کتابی در شرح چهل حدیث در فضیلت صلوات بر پیغمبر و آل او نوشته و در سال ۱۳۰۵ق وفات یافته است.(۱)

علی رونق شهرضائی

علی پروین متخلّص به «رونق» فرزند حاجی علی اکبر آقاسی شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۳۲۷ق در شهرضا متولّد شده و در موطن خویش کسب علم و دانش کرده و مخصوصا از خدمت آقای شیخ محمّدعلی زاهد که از فضلای عصر خود بود درکِ فیوضات نموده و مدّتی در اداره دارایی و از آن پس در اداره ارتش مشغول کار بود. و عاقبت به یزد منتقل شد. [وی مردی خوش مشرب و ملایم طبع بود. اشعارش گیرا و روان است. وی در سال ۱۳۵۶ش وفات یافت.] این بیت از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۶ و ۸۱۷؛ سیری در نهج البلاغه، (چ ۱۳۵۴ش) ، صص ۹-۱۱؛ زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقائی، صص ۱۴۰-۱۴۳؛ الذریعه، ج۱۳، ص۷۰؛ طبیب جسم و جان: اغلب صفحات؛ نقباء البشر، ج۴، صص ۱۳۰۵ و ۱۳۸۸؛ تربت پاکان قم، ج۲، صص ۴۵۳-۴۵۷.

گر زنی شانه بر آن طّره خم در خم خویش آنچه هستند در این سلسله آزاد کنی(۱)

سیّد علی رفیعی پور علویجه

سیّد علی حسینی رفیعی پور علوی متخلّص به «دلشده» فرزند سیّد محمّدعلی بن سیّد زین العابدین حسینی علویجه ای اصفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر معاصر در ۶ جمادی الاولی ۱۳۳۳ق. در قریه علویجه از دهستان عربستان اصفهان متولّد شده و در مولد خویش و اصفهان مشغول تحصیل علوم قدیمه گردیده [و نزد شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی و شیخ محمود مفید تحصیل کرد. مدّتی هم در قم به تحصیل مشغول بود و سرانجام در پاییز سال ۱۳۵۳ش (سال ۱۳۹۴ق) وفات یافت و در جوار مرقد سیّد شمس الدّین محمّد در علویجه مدفون شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انبان» در ۲ مُجَلَّد، کشکول مانند که نسخه ای از آن در کتابخانه حضرت عبدالعظیم شهری وجود دارد.۲. «همیان» در دو مجلّد، در متفرقات۳. «الیواقیت البهیّه» در شرح احادیث نبویّه در شرح چهل حدیث۴. «ملتقطات البحار» در شرح کلمات قصار در شرح ۱۱۰ کلمه از کلمات حضرت امیر علیه السلام بعد چهار کلمه دیگر به آن اضافه شده است. [۵. «ارمغان طوس»۶. «زورق سیمین»۷. «فلک مشحون» (کشکول)]

گاهی به مقتضای حال شعر می سروده است. این شعر از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۲۳ و ۲۲۴؛ تاریخ شهرضا (ویرایش دوم) ، ص۳۶۶.

خاک پای تو سر تاجوَری نیست که نیست بنده ات خسرو زرّین کمری نیست که نیست

از دو گیسوی تو بر گردن جانهاست کمند بسته قید تو اهل نظری نیست که نیست(۱)

ملّا علی جاوید مازندرانی

ملّا علی ساروی مازندرانی متخلّص به «جاوید» [فرزند ملّا محمّدعلی از شعرای قرن یازدهم هجری. نسب او به بلال حبشی از صحابه مشهور رسول خدا صلی الله علیه و آله باز می گردد. در ساری متولّد شده و جهت تحصیل به مشهد مقدّس رفت. [عاقبت به اصفهان آمده و در سال ۱۰۷۰ق وفات یافت و در بقعه محمّدعلی بیگ ناظر در مزار باباركن الدّین [تخت فولاد] اصفهان مدفون شد.

ابتدا «دانش» تخلّص داشته و سپس آن را به «جاوید» تغییر داد.(۲) [در شعر و ادب خصوصا سرودن قصیده و غزل و طرح معما مهارت داشت. این شعر از اوست:

گذشتن از لبِ میگون به وقت سبزه خط چنان بود که کسی توبه در بهار کند]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ آئینه اهل قلم، ص۲۸؛ الذریعه، ج۲۵، ص۲۴۴؛ فهرست کتابخانه حضرت عبدالعظیم، ج۱، ص۶۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۳۰؛ قصص الخاقانی، ج۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۹۱؛ تذکره غنی، ص۳۵؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «علی مازندرانی»، ص۲۵۶؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۱۱؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۵۳۳.

علی خدائی*

علی خدائی فرزند محمّدعلی، از داستان نویسان معاصر اصفهان در روز ۱۳ فروردین۱۳۳۷ش در تهران متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان روش نو و متوسطه تا سیکل اوّل را در دبیرستان البرز در تهران و تا دیپلم را در دبیرستان حکیم سنائی در اصفهان سپری کرد. سپس در رشته علوم آزمایشگاهی در دانشگاه اصفهان ادامه تحصیل داده و به اخذ لیسانس نائل شد.

او پس از مهاجرت خانواده به اصفهان و ادامه تحصیل در این شهر بنا به تشویق استاد محمّدعلی موسوی فریدنی داستان نویسی را آغاز کرد و اولین داستان او چند سال بعد در مجلّه مفید با عنوان «از میان شیشه، از میان مه» به چاپ رسید. از مجموعه داستان های او تاکنون کتاب های زیر به چاپ رسیده است:

۱. «از میان شیشه، از میان مه»۲. «تمام زمستان مرا گرم کن»۳. «کتاب آذر»

تعدادی از داستان های او در نشریات: مفید، دنیای سخن، فصلنامه زنده رود، دوران، عصر پنج شنبه و روزنامه های نشاط، خرداد، نوروز و شرق به چاپ رسیده و برخی نیز هنوز چاپ نشده اند. همچنین کتاب «خاطرات اصفهان» از وی آماده چاپ است.

آقای خدائی علاوه بر داستان نویسی، در داوری برخی جشنواره های ادبی و نگارش فیلمنامه و گفتار فیلم مستند برای صدا و سیما نیز فعالیّت داشته است.(۱)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای علی خدائی در مرداد ماه ۱۳۸۸.

علی فُرسانی اصفهانی

ابوالحسن علی بن عمر بن عبدالعزیز بن عمران فُرسانی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] از ابوجعفر محمّد بن سهل بن صباح معدّل و یحیی ذراع حدیث شنیده و در مجالس بیان و ضبط حدیث در اصفهان شرکت می نموده و بعد از سال ۲۷۰ق وفات یافته است. ابن مردویه در تاریخ (اصفهان) خود از او حدیث نقل کرده است.(۱)

معین الدّین علی اصفهانی

معین الدّین علی بن عنایت اصفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در روز سه شنبه ۲۷ ربیع الثّانی ۱۰۴۴ق از کتابت نسخه «مصباح المتهجّد» به خط نسخ فراغت حاصل نموده است. نسخ به شماره ۲۳۵۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود می باشد.(۲)

آقاعلی عشرتی فروشانی

آقاعلی بن عین علی فروشانی اصفهانی، شاعر ادیب و فاضل، از سخنوران قرن یازدهم هجری. از اهالی قریه «فروشان» از توابع سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] بود. در اصفهان نزد ملّا حسنعلی شوشتری فقه و حدیث و نزد حکیم شفائی طب را آموخته و سپس به هند رفته و چندی در خدمت نواب میرزا رستم بود. عاقبت به ایران بازگشته در مشهد مقدس ساکن شده و همانجا وفات یافت. در شعر صاحب قریحه بوده و شعرش

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۱؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۴۹.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۹۶۱.

خالی از لطف نبود. «عشرتی» تخلّص داشت. از اوست:

ایّام ریخت در قدح ما ستم کشان خونی که حسن او به دل آفتاب کرد(۱)

علی معدانی اصفهانی*

علی بن فتح اللّه معدانی انصاری اصفهانی معروف به «صابری»، از کاتبان گمنام قرن نهم هجری است. او کتاب «شفاء» ابوعلی سینا را در سال ۸۷۱ق به خط نستعلیق کتابت کرده است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲) کتاب «مناظره اللیل و النهار» هم از تألیفات اوست که در موزه کتابخانه دانشگاه استانبول در ترکیه موجود است.(۳)

میر سیّد علی حسینی مشهدی

میر سیّد علی بن میر قاسم حسینی مشهدی [از کاتبان و فضلاء قرن یازدهم هجری] در پنج شنبه ۱۷ ذی الحجه ۱۰۷۹ق کتابت نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را در اصفهان به پایان رسانیده است. در این کتاب اجازه علاّمه مجلسی جهت خان محمّد به تاریخ اواخر جمادی الثّانی ۱۰۷۱ق و اجازه مولی عبداللّه، برادر علاّمه مجلسی جهت همین خان محمّد به تاریخ اواخر ربیع الثّانی ۱۰۷۱ق موجود است. نسخه به شماره ۲۳۰۴ در

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۸۰؛ تذکره منتخب اللطایف، ص۴۵۸؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۱۳۹؛ الذریعه، ج۹، ص ۷۲۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۳۷۱؛ خمینی شهر، ص۳۵۸؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۳، ص ۱۴۹۱؛ سفینه خوشگو، صص ۴۷۰ و ۴۷۱؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۲، ص ۴۸۵ و ج۴، ص۱۱۲۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص ۹۹.

۳- فهرست دانشگاه استانبول، ص ۲۴۱.

کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود می باشد.(۱)

باتوجّه به سال اجازه و تاریخ ختم کتابت نسخه به نظر می رسد که تاریخ کتابت مربوط به تکمیل و تتمیم کتاب می باشد، نه اصل کتابت. فَتَدَبَّر

میرزا علی قمشه ای شمس آبادی

حاج میرزا علی قمشه ای شمس آبادی فرزند ملّا قاسم، واعظ صالح، زاهد عابد، از اعقاب دختری عالم جلیل میرزا حیدرعلی مجلسی [و از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] است.

در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصا شیخ محمّدتقی آقانجفی تحصیل نمود و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم مشغول شد.

وی سرانجام در جمعه ۱۸ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۷۰ق به سن متجاوز از ۸۰ سالگی وفات یافته و در بقعه میرزا ابوالحسن درکوشکی (بروجردی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

شیخ علی مسکنانی*

شیخ علی بن قاسم مسکنانی اصفهانی، فقیه اصولی، عالم فاضل از علمای قرن دوازدهم هجری. از اهالی قریه «مسکنان» (که آن را «مشکنان» می گویند) از روستاهای کوهپایه اصفهان بوده است(۳) و این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه معالم الاصول»، که به شماره ۵۴۶۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی

۱- فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۸۸.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۶۹ و ۳۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷؛ بوستان فضیلت، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۳- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطّی.

در قم موجود است.(۱) ۲. «زبده الاذکار» در ادعیه، به عربی، که در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم وجود دارد.(۲) ۳. «منتخب الصنایع فی شرح مفاتیح الشرایع» که در سال های ۱۱۸۴ تا ۱۱۸۶ق، تألیف شده است و به شماره ۵۴۶۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

علی شیخ الاسلام*

استاد علی شیخ الاسلام فرزند کمال بن احمد بن حسن بن میرزا عبداللّه بن میرزا محمّدرحیم (دوم) بن میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب بن میراز محمّدرحیم (اوّل) شیخ الاسلام بن میرزا محمّدجعفر شریف سبزواری بن ملّا محمّدباقر محقّق سبزواری.

از هنرمندان توانای معاصر در سوم بهمن ۱۳۰۹ش در اصفهان متولّد شد. وی نزد اساتید فن، هنر ملیله کاری را فراگرفت. او سال های طولانی به این هنر می پرداخت و چندین شاگرد ماهر تربیت کرد. وی سرانجام در ۱۷ شهریور ۱۳۸۸ش از دنیا رفت و در قطعه ۷ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۴)

علی اصفهانی

علی بن محمّد اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۶۲ق نسخه ای از کتاب «مرآت الزّمان» تألیف: مولی محمّد بن محمّدزمان کاشانی اصفهانی را به خط نسخ خوش نوشته است و کتاب به شماره ۸۷۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران

۱- فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۲۴۴؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۳۵۱.

۲- فهرست مختصر گلپایگانی، ص۳۹۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۳۱۷.

۴- یادداشت های آقای حاج غلامرضا نشاط: تابستان ۱۳۸۹.

موجود است.

نسخه به دستور مؤلف نوشته شده است و دارای حاشیه (منه دام ظلّه العالی) می باشد. شیخ جعفر نیز در برگ ۱۴۰ حاشیه ای به فارسی دارد.(۱)

علی هرندی*

علی بن محمّد بن ملاّ ابوالحسن هرندی، از فضلاء و ادباء قرن سیزدهم هجری. او در ۲۸ ذی الحجّه سال ۱۲۴۸ق نسخه ای از «دیوان مجنون عامری» را به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۸۷۶۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

علی حسن آبادی اصفهانی

ابوالحسن علی بن محمّد بن احمد بن ابی عیسی حسن آبادی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از ابوبکر بن مردویه حدیث شنیده و عموزاده او عبدالسّلام بن محمود حسن آبادی از او حدیث استماع کرده است. صاحب عنوان پس از سال ۴۶۰ق وفات یافته است.(۳)

وجیه الدّین علی علوی هروی

وجیه الدّین ابوالحسن علی بن محمّد بن احمد علوی هروی، ساکن اصفهان. از محدّثین قرن ششم هجری. شیخ روایت مولی هاشم بن محمّد مؤلّف کتاب «مصباح الانوار فی فضائل امام الابرار» در دو مجلد در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام در این کتاب

۱- فهرست اهدایی مشکوه، ج۳، ص۳۵۳.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۳۷۵.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۴۵۱.

گوید: «اخبرنا وجیه الدّین ابوالحسن علی بن محمّد بن احمد العلوی الهروی باصفهان فی سابع عشر ذی الحجه ۵۵۲».(۱)

آقا سیّد علی علویجه ای*

آقا سیّد علی علویجه ای فرزند حاج سیّد میرزا محمّد بن میرزا احمد طباطبائی زوّاره ای، عالم فاضل و فقیه زاهد. از علمای قرن سیزدهم هجری.

او از علوم گوناگون بهره مند بود و در ادبیات، منطق، فقه، اصولِ فقه مهارت داشت. علاوه بر آن، هنروری توانا بود و خطوط نسخ و نستعلیق را بسیار زیبا می نگاشت. چون خواهش ساکنان علویجه اصفهان برای فرستادن عالمی ربّانی بالا گرفت. مرجع پاک رای شهر حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی این عالم وارسته را به آن دیار فرستاد تا راهنمایی مردم را عهده دار شود. او ۴۶ سال در علویجه زندگی کرد و سرانجام در سال ۱۲۹۲ق وفات یافته و همانجا مدفون شد.(۲)

سیّد علی امامی

سیّد علی امامی فرزند سیّد محمّد بن سیّد اسداللّه بن سیّد ابوطالب بن اسداللّه بن شاه حیدر عریضی اصفهانی.

عالم فاضل و ادیب ماهر [از علمای قرن یازدهم هجری] نسب شریفش به امامزاده واجب التعظیم زین العابدین (معروف به درب امام) مدفون در محلّه چلمان (سنبلستان= سنبلان) اصفهان منتهی می شود.

در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علماء خصوصا آقاحسین خوانساری و علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی و میر ابوالقاسم فندرسکی تلمّذ کرده و ظاهرا با پدرش سفری به

۱- الذریعه، ج۲۱، ص۱۰۳.

۲- سیّد محمّدباقر شفتی: آیه امید، ص۸۹.

هنـد رفته است. سال وفات و محل دفن او معلوم نیست. به ظن نویسـنده در صـحن درب امام یا رواق آنجا مدفون شده است. و علم و روحانیّت تاکنون در خاندان و اعقاب او باقی است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تراجیـح» در فقه، در چندین مجلد ۲. «ترجمه شـرح اشارات» خواجه نصیرالدّین طوسی ۳. «هشت بهشت» که در آن کتـاب های «من لا یحضـره الفقیه»، «کافی»، «تهـذیب»، «اسـتبصار»، «اکمال الدین»، «امالی»، «علل الشّـرایع» و «عیون اخبار الرضا» را به فارسـی ترجمه و شـرح کرده است. نسـخه ای از این کتاب که فقط ترجمه و شرح «من لا یحضره الفقیه» را دارد به شماره ۱۰۷ در کتابخـانه وزیری یزد موجود است.(۱) ۴. «ترجمه مصباح المتهجد»۵. «ترجمه مصباح» کفعمی۶. «ترجمه شـفا» ابن سینا [که نسخه ای از آن به خط محمّدمعصوم بن محمّدباقر در سال ۱۰۸۷ق کتابت شده و به شماره ۹۰۸۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)]۷. «ترجمه مهج الدّعوات» [۸. «جامع سلیمانی» به فارسی که آن را پس از «هشت بهشت»، تألیف کرده و نسـخه ای از آن در کتابخانه سیّد رضا ابوالبرکات در اصفهان موجود است و در یکی از صفحات آن مهر بیضوی مؤلف: لا اله الا اللّه الحق المبین سیّد علی الحسینی» دیده می شود.(۳)]

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۶۲ و ۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۷ و ۸۱۸؛ اعیان الشیعه، ج۴۱، ص۳۱۰؛ الکواکب المنتشـره، صص ۵۰۰-۵۰۲؛ فوائـد الرضویه، ص۳۲۰؛ روضـات الجنات، ج۴، ص۲۰۸؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ الکنی و الالقـاب، ج۲، ص۵۶؛ ریحـانه الادب، ج۱، ص۱۷۳؛ تلامذه العلاّمه المجلسـی، صـص ۴۴ و ۵۴؛ فهرست وزیری، ج۱، ص۱۳۹.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۷، ص۲۸۸.

۳- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۶۷.

علی اُسواری اصفهانی

ابوالحسین علی بن محمّد بن بابویه اُسواری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان] از متموّلین است که متورّع و متدیّن بوده و از ابی عمران موسی بن بیان روایت می کند و ابواحمد کَرَخی از او روایت می نماید.(۱)

«اسوار» از دهات حومه شهر اصفهان بوده است.

میر سیّد علی زنجیره فروش

حاج میر سیّد علی زنجیره فروش فرزند آقا سیّد محمّد بن حسن بن هاشم بن میرزا محمّد موسوی [از اساتید قرائت و تجوید در قرن چهاردهم هجری] سیّد سند و فاضل معتمد. از اساتید فن تجوید و قرائت بوده نزد عاصم کاشانی قراءات ده گانه را بیاموخته و سال ها تدریس «شاطبی» در اصفهان منحصر به او بود و عدّه ای زیاد شاگرد تربیت نموده که هریک استاد فن به شمار رفته اند.

در حدود ۱۲۷۵ق متولّد در ۱۳۵۱ق وفات یافته و در تکیه شیخ مرتضی ریزی [در تخت فولاد] مدفون و سپس به عتبات مقدّسه منتقل گردید.

پدر و جدّش از علمای اصفهان بوده و جهت امرار معاش به شغل زنجیره بافی مشغول بوده اند.(۲)

۱- معجم البلدان، ج۱، ص ۱۹۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۱۸ و ۸۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶.

علی خوراسکانی اصفهانی

علی بن محمّد بن حسن خوراسکانی جی اصفهانی [از کاتبان و خوشنویسان پرکار و اهل فضل در قرن یازدهم هجری بوده و حدود نیم قرن به کتابت مشغول بوده است. خط نسخ را خوش می نوشته و تا سال ۱۰۳۷ق در قید حیات بوده است. چندی در اصفهان و چندی در زادگاه خود قصبه «خوراسکان» از بلوک جی در شرق اصفهان ساکن بوده و احتمالاً در همانجا به خاک رفته است.] کتب زیادی را کتابت نموده است که از آن جمله است:

۱. «التّوضیع الانور» تألیف: شیخ نجم خضر بن محمّد بن علی رازی حبله رودی که در ۱۲ شوال ۱۰۰۱ق برای سیّد حسین بن حیدر حسینی کرکی عاملی کتابت کرده است. و نسخه اصل به شماره ۱۲۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۱) ۲. «من لا ـ یحضره الفقیه» که در سال ۱۰۰۶ق کتابت کرده و محمّدصالح اصفهانی در سال ۱۰۱۰ق تصحیح و در یکشنبه ۲۲ ربیع الثّانی ۱۰۱۰ق از مقابله کتاب فراغت یافته است. این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲) ۳. «مختلف الشیعه» تألیف: علاّمه حلّی که در محرّم ۱۰۱۷ق به دستور کلبعلی تبریزی کتابت کرده و به شماره ۲۱۹۸ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۳) ۴. «تهذیب» که در سال ۱۰۳۲ق به خط نسخ کتابت نموده و در کتابخانه مدرسه فاضلیه مشهد مقدّس موجود است.(۴) ۵. «مسالک الافهام» تألیف: شهید ثانی که از قسمت وقوف تا نکاح آن را در سه شنبه نیمه رمضان ۱۰۳۳ق کتابت کرده و به شماره ۸۱۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم

۱- فهرست مرعشی، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲- فهرست رضوی، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳- فهرست ملک، ص ۶۵۷.

۴- فهرست فاضلیه، ص ۶۱.

موجود است.(۱) ۶. «ایضاح الاشتباه» تألیف: علاّمه حلّی که در جمعه ۱۶ رمضان ۱۰۳۷ق به خط نستعلیق کتابت آن را به پایان رسانیده و ضمن مجموعه شماره ۱۱۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

علی فِلکی اصفهانی

ابوالحسن علی بن محمّد بن حمزه بن محمّد بن حمزه بن محمّد فِلکی اصفهانی همدانی [از قاریان و محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] سمعانی از او چنین یاد کرده است: «کان شیخا صالحا حسن السیره قائی بالیسیر متمیّزا ساکنا حسن الخط، حافظ القرآن، کثیر التّلاوه».

در حدود ۴۸۹ یا ۴۹۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد ابوعلی حداد و دیگران حدیث خوانده و در طلب علم و حدیث به شهرهای مختلف سفر کرد و در سال ۵۵۰ق به سمرقند رسید و سپس به اصفهان مراجعت کرد. ابوسعد سمعانی نزد او حدیث خوانده است.(۳)

«فلکی» [به کسر «ف» و فتح «ل»] از وسایل چرخ ریسی است

سیّد علی گلبهار

سیّد علی گلبهار فرزند جلال الدّین محمّد بن حیدر، از سادات عالیقدر و معروف اصفهان در قرن نهم هجری و معاصر شاهرخ فرزند امیرتیمور گورکانی است و در کُتُب تاریخ از اهمیّت و شخصیّت او مطالبی نقل شده است. نسب او به جناب حسن افطس فرزند علی الاصغر بن الإمام سجاد علیه السلام می رسد.

محلّه «گلبار» یا «جلبهار» یا «گلبهار» در اصفهان به جهت سکونت و یا دفن سیّد

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۶۷.

۲- فهرست مرعشی قم، ج۳، ص۳۴۸.

۳- التّحبیر، ج۱، ص ۵۸۰.

علی (صاحب عنوان) است.(۱)

سیّد علی چهارسوقی

سیّد علی بن سیّد محمّد چهارسوقی بن سیّد زین العابدین موسوی اصفهانی خوانساری، عالم فاضل متّقی [از علمای قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۴۷ق متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی تحصیل کرد. وی در سال ۱۳۲۶ق وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در مقبره حاج میرزا هاشم چهارسوقی در قبرستان وادی السّلام مدفون گردید. مشار الیه را حاشیه ای است بر «احکام الایمان» که نزد علّامه مفضال حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲)

علی ثقفی کوفی

ابوالحسن علی بن محمّد بن سعید بن هلال ثقفی کوفی [از محدّثین شیعه در قرن سوم هجری] از: احمد بن یونس بن مسیّب ضَبّی کوفی، مِنجاب و علی بن حکیم روایت می کند و ابوجعفر احمد بن جعفر بن مَعبد سمسار و ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن محمّد بن فورک از او نقل حدیث می کنند.

او به اصفهان آمده و در این شهر سکونت گزیده و در سال ۲۸۲ق در این شهر وفات

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۷۴ و ۸۷۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۲؛ مزارات اصفهان، ص۳۱۸.

۲- نقباء البشر، ج۴، ص۱۵۲۲؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۲۹۹؛ مناهج المعارف: مقدمه، ص۲۳۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۵۷؛ دانشمندان خوانسار، ص۲۳۰.

یافته است.(۱) او [برادر محدّث عالیقدر «ابراهیم بن محمّد بن سعید ثقفی» مؤلف کتاب «الغارات» است.]

علی اُسواری اصفهانی

علی بن محمّـد بن علی اُسواری اصـفهانی [از محـدّثین عامّه اصـفهان است.] از علی بن احمـد بن عبـدالرّحمان غزّال اصـفهانی روایت می کند و فرزندش ابوبکر محمّد از او نقل حدیث کرده است.(۲)

سیّد علی مدرس هاشمی*

آقـا میر سـیّد علی مـدرّس هاشـمی فرزنـد میر سـیّد محمّـد بن میر سـیّد علی بن میر سـیّد حسن مـدرس محله نـویی (میر محمّد صادقی) ، عالم فاضل جلیل معاصر.

در شب سه شنبه ۸ رمضان المبارک ۱۳۲۰ق متولّد شد و تحصـیلات خود را نزد پدر بزرگوار آغاز کرد و نزد حضرات آیات: حـاج آخونـد زفره ای، شـیخ علی مـدرس یزدی، سـیّد محمّـد کاظم مرتضـوی، میرزا حسـن داورپنـاه، سـیّد مرتضـی خراسـانی (جارچی) و میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی ادامه تحصیل داد.

او سـال هـا در مسـجد رحیم خـان به اقـامه جمـاعت و وعـظ و ارشـاد مردم مشـغول بود. او عالمی خوش خلق، عابـد و متقی و دوسـتدار اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السـلام بود و سرانجام در روز چهارشنبه ۲۸ جمادی الثّانی ۱۴۰۰ق (مطابق با ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ش) وفات یافته و در مزار اجداد گرامی خود در مسجد رحیم خان اصفهان مدفون شد.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۷.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۱۹۱.

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ زیر را جهت فوت ایشان سروده است:

خامه «برنا» به هر دو سال هجری این چنین کرد در بیتی رقم تاریخ فوتش را جلا

«باد از لطف علی جای مدرس هاشمی مینوی جاوید و عدن و وادی ملک علا»

«باد با حبّ علی جای مدرس هاشمی منزل مینوی جاوید عدن بقا(۱)

ه . ق ۴۸۲+۹۱۸=۱۴۰۰

ه . ش ۸۰۴+۵۵۵=۱۳۵۹

علی جاری مدینی

ابوالقاسم علی بن محمّد بن علی بن مهران جاری اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] از محدّثین اصفهان استماع حدیث کرده و لفتوانی از او روایت می نماید.(۲)

علی ولدانی اصفهانی

علی بن محمّد بن حاجی مقیم ولدان [از کاتبان قرن دهم هجری] در وقت نماز ظهر ۲۴ جمادی الثّانی ۹۰۲ق «رساله تعریف اراده و قدرت و حیات و حکمت» تألیف:

۱- نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، صص ۲۱ و ۲۲.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص۹۳.

ابن سینا را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۱۴۲ ضمن کتب اهدایی آقای مشکوه به دانشگاه طهران موجود است.(۱)

«ولدان» از قراء ماربین اصفهان است.

جلال الدّین علی اصفهانی

جلال الدّین علی بن جمال الدّین محمّد بن منصور اصفهانی، از بزرگان و دانشمندان اواخر قرن ششم و اواخر قرن هفتم هجری بوده و «ابن اثیر» مؤلف «نهایه اللّغه» در غریب حدیث به موصل آمده نیابت وزیر جلال الدّین اصفهانی را قبول نموده است.

میر سیّد علی طباطبائی نائینی

میر سیّد علی طباطبائی نائینی فرزند رفیع الدّین محمّد بن محمّدمهدی بن بهاءالدّین محمّد بن میرزا رفیع الدّین محمّد (میرزا رفیعا) نائینی اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری.]

مرحوم معلّم حبیب آبادی در «مکارم الاثار» شرح حال او را مرقوم داشته و پس از شرح حال نسبتا مفصّلی که درباره اجداد او می نویسد گوید: از علماء و فقهاء عصر خود بوده و در نجوم و طب و ریاضیات تسلّط داشته و شعر هم می گفته و در نزد پدر خود درس خوانده و چندین کتاب تألیف کرده است:

۱. «حاشیه بر تفسیر بیضاوی»۲. «رساله در اثبات این که رجعت از ضروریات مذهب شیعه است»۳. «رساله در حرمت ریش تراشیدن»۴. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه» و غیره

۱- فهرست اهدایی مشکوه، ج۳، ص۲۰۴.

صاحب عنوان در روز عاشورای سال ۱۱۹۵ق در اصفهان وفات یافته، در قبرستان ستی فاطمه ضلع شمالی کوچه مدفون گردید و قبر او تا این تاریخ موجود و زیارتگاه مؤمنین و مقدّسین می باشد. نویسنده آن را مکرّر زیارت کرده است.(۱)

میرزا علی خان صفاء السّلطنه

میرزا علی خان منشی نائینی ملقّب به «صفاء السّلطنه» فرزند ملّا میرزا محمّد بن میرزا محمّدهادی راثی نائینی ادیب و شاعر و منشی متخلّص به «مشتاقی» است. دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. او متوفی سال ۱۳۲۸ق در کربلا- و مدفون در ایوان صحن مطهر حضرت اباالفضل العباس علیه السلام(۲) [است.]

[در سال ۱۲۴۶ق در نائین متولّد شد و در نوجوانی به اصفهان رفت و نزد آخوند ملاّ- حسن نائینی (آرندی) به تحصیل پرداخت. سپس به اتفاق دایی خود میرزا عبدالحسین خان به تهران و سپس رشت رفت. چندی بعد به همراه دایی دیگر خود میرزا علینقی مشیر لشکر نائینی عازم قزوین شد و در آنجا منشی و نایب وزارت خسروخان گرجی (والی قزوین) شد.

او پس از بازگشت به تهران نزد میرزا اسداللّه نائینی که از اساتید خط بود به مشق خط و فراگیری علم و ادب مشغول شد. همچنین دست ارادت به استاد حاج غلامرضا شیشه گر شیرازی ساروی (مشتاق علی شاه) داده و از او لقب «صفاعلی» گرفته و تخلّص خود را از «نایب» به «مشتاقی» تغییر داد. او در خدمت میرزا عبدالجواد عنقای اصفهانی، خوشنویس، شاعر و دانشمند مقیم تهران حاضر شد و خوشنویسی را نزد او تکمیل کرد.

۱- مزارات اصفهان، ص۲۵۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۵۰؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۲۹؛ آتشکده اردستان، ج۲، ص۲۸۵؛ تاریخ نائین، ص۱۲۳.

۲- بیان المفاخر، ج۱، ص ۳۸۰.

در تهران چندی نیابت وزارت انطباعات را به عهده داشت و با روزنامه های: ملّت سنّیه ایران، ملّتی، ایران، اطلاّع، علمی و مرآت السّفر همکاری کرد و ظاهرا خطوط برخی از این روزنامه ها از اوست. پس از آن نزد میرزا عباس خان معاون الملک (قوام الدّوله) و سپس عباس میرزا ملک آرا به منشی گری پرداخت.

هنگامی که میرزا حسین خان مشیرالدّوله (سپهسالار) فرمانروای خراسان بود، او به همراه دایی خود حاج میرزا علینقی مشیر لشکر که وزیر خراسان شده بود به خراسان رفت و به منشیگری مشغول شد. او پس از اینکه به تهران بازگشت، مدتی در وزارت داخله به فعالیت پرداخت، آنگاه به وزارت خارجه وارد شد و در سال ۱۳۱۴ق از طرف ناصرالدّین شاه به لقب «صفاء السلطّنه» ملقب شد و دو سال بعد به نیابت وزارت خارجه منصوب شد.او سرانجام در سال ۱۳۱۸ به عنوان کارپردازی ایران در کربلاـ به همراه پسرش میرزا عباس خان به کربلا رفت و در ۲۳ ذیقعده ۱۳۱۸ق در کربلا وفات یافته و در ایوان حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام به خاک سپرده شد.

این تألیفات از آثار اوست:

۱. «تحفه الفقرا» که گزارش سفر او از مشهد تا تهران و از راه رباطات به نائین و از آنجا به تهران در سال ۱۳۰۰ق است. نسخه های خطی متعددی از این کتاب در دست است که آقای محمّد گلبن براساس برخی از آنها، کتاب را تصحیح و به عنوان «گزارش کویر» به چاپ رسانیده است.۲. «کنز المعجزات ناصری» که جهت عالم جلیل حاجی سیّد تقی قزوینی تألیف کرده است. این منظومه در سال ۱۳۱۴ق چاپ سنگی شده است.۳. «دیوان مشتاقی» که به خط فرزندش میرزا عباس خان صفاءالسلطنه کتابت شده و در سال ۱۳۲۲ق چاپ سنگی شده است.۴. «تحفه الزائرین» به فارسی، در ادعیه و مناقب معصومین علیهم السلام به فارسی که آن را در سال ۱۲۹۸ق به خط نستعلیق نوشته و در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۱۱۸ موجود است.

این کتاب ها به خط نستعلیق او در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی موجود است:

۱. «تاریخ طبرستان» به خط نستعلیق خوش در شنبه ۱۱ شعبان ۱۲۹۰ق موجود در کتابخانه سلطنتی سابق۲. «ترجمه تاریخ قیاصره» به خط نستعلیق خوش یکشنبه ۲۱ ربیع الاولی ۱۲۹۶ق موجود در کتابخانه سلطنتی سابق۳. «صد کلمه» مترجم به خط نستعلیق متوسط در رجب ۱۲۷۴ق موجود در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران۴. «قطعه شعری در مدح مظفرالدّین شاه» به خط نستعلیق متوسط در سال ۱۳۱۵ق موجود در کتابخانه آقای سلطان القرائی در تهران۵. «حدائق السحر» که به چاپ سنگی رسیده است.۶. «رساله فیضیه» که چاپ سنگی شده است.۷. «کلیات سعدی»۸. «دیوان حافظ»۹. «دعای صباح»۱۰. «ترجمان الحق» تألیف: میرزا محمّد مجتهد (پدرش) ۱۱. «مقامات حریری» و «مقامات حمیدی» ۱۲. «نصایح الملوک» ۱۳. «گلشن راز» ۱۴. «شرح دعای صباح» ۱۵. «منظومه «فرخ و گلرخ رومی» ۱۶. دیباچه «یوسف و زلیخا» منسوب به فردوسی ۱۷. «دیوان ناصر خسرو» و چند اثر دیگر.

این دو بیت از اشعار اوست:

به گرد خوان لئیمان مرا حواله نکرد رهین منّت دونان نخواست یار مرا

ز آب دیده کنار ار کنم چو رود رواست که عنقریب کشد خاک در کنار مرا(۱)]

۱- سفرنامه کویر: مقدمه، صص نه سیزده و ۱۸-۲۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۸۸-۴۹۰؛ تذکره سخنوران نائین، ص۱۲۵؛ نائین بلده طیبه، صص ۱۰۴-۱۰۹؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۷۶؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۳، صص ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶؛ الذریعه، ج۳، ص۴۳۹؛ فهرست مختصر مجلس، ص۱۴۱؛ فهرست الفبائی رضوی، صص ۱۱۳ و ۴۷۳؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۷۱ و ج۳، ص۱۷۴۵؛ حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۶۴۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، صص ۳۹۹ و ۴۰۰.

علی اُسواری اصفهانی

ابوالحسن علی بن محمّد بن هیثم اُسواری اصفهانی، زاهد صوفی [از محدّثین و عرفای قرن پنجم هجری.] کثیر الحدیث بوده و از ابوبکر احمد نهردیری و دیگران نقل حدیث کرده و عبدالرّحمان بن محمّد و اسحاق بن عبدالوهاب بن منده از او روایت می کنند.

وی در سال ۴۳۷ق وفات یافته است.(۱)

علی برزگر دستگردی

علی وحید دستگردی متخلّص به «برزگر» فرزند محمّد. متولّد ۱۳۱۶ش در دستگرد خیار از توابع اصفهان. عضو انجمن ادبی سرای سخنوران [و انجمن های ادبی: صائب، سعدی، حکیم نظامی، حافظ، خانه هنرمندان. از نوجوانی به سرودن شعر و حضور در مراسم تعزیه پرداخته و از راه کشاورزی امرار معاش کرده است.] از آثار او مجموعه شعر: ۱. «خوشه ای از خرمن» در سال ۱۳۵۴ش [۲. «بهارستان برزگر» در سال ۱۳۷۸ش] به چاپ رسیده است. [«بهار آزادی» و «خوشه دیگر بهارستان» هم از کتاب های اوست.]

از اوست:

هر دل که شود ز نور ایمان زنده شک نیست که چون مهر شود تابنده

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۹۱.

آزاد چو من زیست به عالم هرکس بر درگه مرتضی علی شد بنده(۱)

شیخ علی رودسری گیلانی

شیخ علی بن محمّد رودسری گیلانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۷۵ق از کتابت نسخه ای از کتاب «اصول کافی» در اصفهان فراغت حاصل نموده و حواشی با رمز «ح ق»، «صالح»، «میرزا رفیعا» نشان دارد. نسخه به شماره ۲۷۰ در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد مقدّس موجود است.(۲)

علی زمانی سودرجانی*

حاج علی زمانی سودرجانی متخلّص به «زمانی» فرزند محمّد. از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۷ش متولّد شد. او تا ششم ابتدائی تحصیل کرده و پس از سال ها کار در کارخانه سیمان سپاهان بازنشسته شد. از سال ۱۳۵۰ش به بعد به سرودن شعر پرداخته و اشعارش اغلب اشعار مذهبی است. این دو بیت در مدح امام زمان (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) از اوست:

عمریست که اندر ره سودای تو هستیم اندر طلب روی دل آرای تو هستیم

در پرده غیبت شده ای نور هدایت از دور همه محو تماشای تو هستیم(۳)

علی شاهین بَرزانی

مشهدی علی بَرزانی اصفهانی متخلّص به «شاهین» فرزند محمّد، از شعرای معاصر

۱- خوشه ای از خرمن: مقدّمه؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۱۴.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۳۷۳.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۳۶.

اصـفهان و از اهـالی قریه «بَرزان» بود. اگرچه تحصـیلاتی نـداشت به مقتضای اسـتعداد ذاتی گاهی اشـعاری می سـرود و دیوان اشعار او حدود سه هزار بیت شعر داشت. او به شغل ماست بندی روزگار می گذراند. این بیت از اوست:

بر در میخانه سرمستم گذارا دوش بود بر فلک از میخواران فریاد نوشانوش بود(۱)

سیّد علی طباطبائی اصفهانی*

سیّـد علی بـن ضـیاءالدّین محمّـد طباطبـائی اصـفهانی، از فضـلاء قرن دوازدهـم هجری است. او نسـخه ای از کتـاب «تهـذیب الاحکـام» تـألیف: شیـخ طوسـی را در جمعه غرّه ربیع الاوّل ۱۱۱۶ق کتـابت کرده است. نسـخه از آغـاز کتـاب تا آخر زیادات کتاب الصلاه را شامل است. این نسخه در کتابخانه علاّمه مفضال حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲)

شیخ علی مدرس یزدی

شیـخ علی مـدرّس یزدی فرزنـد آقامحمّـد [مسـگر یزدی.] عـالم فاضل محقّق، زاهـد متّقی [از علمای عالیقـدر اصـفهان در قرن چهـاردهم هجری. در سـال ۱۲۷۸ق در یزد متولّـد شـده و از سـن ۷ سـالگی تحصـیل را آغـاز کرد و پس از طی مقـدمات به فراگیری ادبیات عرب و منطق مشـغول شد و سـپس تحصـیل فقه را آغاز کرد و در محضر علمای یزد از جمله سیّد علی مدرس یزدی حاضـر گردید. در سال ۱۳۱۰ق به اصـفهان آمد و در درس خارج عالم جلیل القدر شـیخ مرتضـی ریزی حاضر شد و به مقام عالیه اجتهاد نائل شد.(۳)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۵.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۱۷۸.

۳- النجوم السرد، صص ۴۲۵ و ۴۲۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۶۱۱.

او تمام سطوح فقه و ادبیات عرب را در مدرسه صدر اصفهان تدریس می فرموده و عدّه ای کثیر از محضرش مستفید می شدند.

[در تدریس صدای خوش و رسائی داشت و صدای خوب او هنگام تدریس در تمام صحن حیاط مدرسه صدر طنین انداز می شد تا جائی که این شعر زبانزد طلاب اصفهان بود:

واقعا مدرسه صدر صفائی دارد بلبلی شیخ علی نام نوائی دارد]

تصحیح برخی از مجلّدات «بحارالانوار» به سعی ایشان انجام یافته است. او عمری را به قناعت و زهد و استغنای طبع گذرانید و از راه تصحیح کتب اعاشه می فرمود. [سرانجام] در جمعه ۱۵ شعبان ۱۳۵۳ق وفات یافته و در یکی از اطاق های شمالی تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۱)

[مادّه تاریخ وفات او را عالم فرزانه میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی سروده است:

پا از ادب نهاد «معلم» درون و گفت: «رفت از جهان مدرس یزدی بسا فسوس»

و شیخ عبدالجواد خطیب نیز گوید:

نوشت از پی تاریخ آن «لسان الدّین»: «علی مدرس بخلد مأوا کرد»]

معین الدّین علی معلّم یزدی

معین الدّین علی معلّم بن جلال الدّین محمّد یزدی [از مورخان و ادبای قرن هشتم هجری] از شاگردان قاضی عضدالدّین ایجی است. در ۷۴۵ق در کرمان و در ۷۵۸ق در اصفهان بوده و کتاب «مواهب الهی» را شروع نموده و در ۷۸۹ق فوت شده است. کتاب «مواهب الهی» در تاریخ آل مظفراست و تا سال ۷۶۸ق را شامل می شود. «اساس

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷؛ هفته نامه ندای یزد، شماره ۵۲۵، مهرماه ۱۳۷۵، ص۳؛ بوستان فضیلت، صص ۱۱۹-۱۲۹.

السلطنه»، «ترجمه رشف النصائح الایمانیّه» و «نزهه السرور» هم از تألیفات اوست.(۱)

وی گرچه اصفهانی نیست ولکن چون شروع کتابش در اصفهان شده و چندین مرتبه به اصفهان به عنوان مأموریّت و یا همراه با امیر مبارزالدّین آل مظفر بدین شهر آمده، نامش ذکر شد.

[علاوه بر ادب و تاریخ، در تمامی علوم زمان خود اعم از عقلی و نقلی مهارت داشته و در سال ۷۵۵ق به امر امیر مبارزالدّین محمّد مدرس دارالسّیاده میبد شد. شاه شجاع در درس او حاضر می شد. او در سال ۷۶۰ق واسطه میان شاه شجاع و برادرش شاه محمود شد و آنها را صلح داد.

معین الدّین در محلّه اهرستان یزد مسجدی ساخت و پس از وفات در آن مسجد مدفون شد. در نظم و نثر ماهر بود. این بیت از اشعار اوست:

خون می چکدم به جای آب از دیده کار من و دل هست خراب از دیده

برخیز و بیا که تا تو رفتی رفته است رنگ از رخ و صبر از دل و خواب از دیده(۲)]

در تذکره عرفات العاشقین اشعار فوق به شاعری به نام «معین الدّین دادا» نسبت داده شده است و واله داغستانی او را از متوطّنین یزد نوشته است.(۳)

۱- تاریخ یزد (جعفری) ، ص۲۳۶.

۲- تاریخ نظم و نثر، صص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ تذکره شعرای یزد، صص ۱۳ و ۱۴؛ دائره المعارف فارسی (مصاحب) ، ج۲، بخش دوم، ص۲۸۱۲.

۳- تذکره عرفات العاشقین، ج۶، ص۳۵۳۶؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۴، ص۲۰۴۳.

علی موسوی*

علی بن محمّد موسوی، از کاتبان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. او در چهارشنبه ۱۰ شوال ۱۲۶۸ق از کتابت نسخه ای از کتاب «عیون الاصول» تألیف: ملاّ محمّدمهدی کلباسی (به خط نسخ خوش) فراغت یافته است. این نسخه به شماره ۱۲۲ در کتابخانه آیت اللّه جلیلی در کرمانشاه موجود است.(۱)

شیخ علی نخجوانی

شیخ علی بن محمّد نخجوانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری و از شاگردان و مجازین از سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی می باشد. و سیّد شفتی در اجازه ای که برای او نوشته از او به عنوان «العالم الفاضل الکامل عزیزنا شیخ الاجل الاعز الاکمل» یاد کرده است.

نخجوانی جهت تحصیل در اصفهان ساکن بوده است.(۲)

میرزا علی انصاری

حاج میرزا علی انصاری ملقّب به «امین الوزاره» فرزند محمود [مشهور به میرزا آقاسی اصفهانی]، فاضل و ادیب شاعر [از دانشوران قرن سیزدهم هجری در ۲۲ شوال ۱۲۴۸ق در اصفهان متولّد شده و با دوست شفیق و یار و رفیق خود میرزا ابوالحسن جلوه در خدمت میرزا حسن نوری حاضر شد و همچنین] از شاگردان ملاّ عبدالجواد مدرس خراسانی [است.]

۱- فهرست جلیلی، ص۱۹۱.

۲- الذریعه، ج۱، ص۱۵۷؛ الکرام البرره: مخطوط؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۵۲ و ۲۵۳.

[پس از آن به شیراز رفته و نزد ظل السّلطان (فرزند ناصرالدّین شاه) به خدمات دیوانی مشغول شد ولی پس از عزل ظل السّلطان از حکومت فارس، به همراه او به اصفهان آمد و به امور دیوانی پرداخت تا اینکه] در [۱۳ محرّم] سال ۱۳۰۵ق [بر اثر بیماری ایلاوس (=قولنج روده ای)] وفات یافت.

[او مردی نیکخواه و بخشنده بود و برای رفع گرفتاری مردم و کمک به نیازمندان کوشش بسیار می نمود. فرزندش میرزا حسن خان جابری انصاری از ادباء و مورّخین معروف اصفهان است. میرزا محمّدحسن عنقا این مصرع را مادّه تاریخ فوت او یافته است:

«شده جنّت مقامی انصاری»

و شوریده شیرازی هم گفته است:

یازده تن به علی یار شدند و گفتند: «سوی انصار علی شد علی انصاری»(۱)

این شعر از حاج میرزا علی انصاری است:

تا خاک رهگذار تو باشد نشست ما برتر ز نُه رواق بود جای پست ما

ما پا نهاده ایم به دوش جناب عشق دست کسی کجا برسد فوق دست ما

در جام می چو باده وحدت فکنده اند زین مِی رواست، ساقی اگر هست مست ما

ما با فنا خوشیم و چو عود اندر آتشیم در نیستی نمود کند بود و هست ما

گفتیم صد هزار بلی در ملا و باز هر دم صلا زنند به هستِ الست ما(۲)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳؛ تاریخ اصفهان (جابری) : مقدمه مصحح و صص ۹۶ و ۲۸۷؛ مختاری نامه، ص۱۳.

۲- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

علی مدینی

ابوالحسن علی بن محمود بن علی بن مالک بن اخطل مدینی اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] ثقه و کثیر الحدیث بوده و مؤلف «اصول» و کتاب های دیگر در حدیث است. عاقبت بعد از سال ۳۶۰ق وفات یافت.

از محمّد بن ابراهیم بن عامر بن ابراهیم مؤذّن مدینی و ابومحمّد عبدالرّحمان بن حسن بن موسی ضرّاب روایت نموده و حافظ ابونعیم اصفهانی از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

علی باب الدّشتی اصفهانی

علی بن محمود بن حاجی محمّد معلم باب الدّشتی اصفهانی [از کاتبان قرن دهم هجری] در سوم صفر ۹۵۹ق به خط نسخ نسخه ای از کتاب «المنتخب من مسائل الخلاف» یا «منتخب الخلاف» تألیف: شیخ ابوعلی فضل طبرسی را نوشته است. میکروفیلم این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

ظهیرالدّین علی تفرشی*

ابوالفیض مولی ظهیرالدّین علی تفرشی اصفهانی فرزند ملاّ مراد بن علیخان تفرشی، عالم فاضل، فقیه متکلم، حکیم محقّق، فیلسوف مدقّق و ادیب شاعر، از دانشمندان عهد صفویه.

پدرش از مدرسین علوم دین و حکمت در اصفهان بوده و خود او نزد پدر و علمای اصفهان تحصیل کرد و از طرف شاه سلیمان به منصب وزارت و پیشنمازی ولایت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۹.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۳۸۹.

گرجستان منصوب شد و به همراه شاه نظرخان والی کاخت راهی آنجا شد.(۱)

در تفلیس با یکی از مبلغین مسیحیت با نام «پادری گبرائیل افرنجی» (که در اصفهان به تبلیغ مسیحیت مشغول بود و کتابی به فارسی در ردّ دین اسلام نوشته بود و برای بحث با ظهیرالدین به تفلیس آمده بود) مناظره کرد. سپس در تبریز کتابی به عربی به نام «نصره الحق» در ردّ عقاید «گبرائیل افرنجی» نوشت و چندی بعد به خواهش شاه سلیمان آن را به فارسی ترجمه کرد.(۲)

وی پس از بازگشت از گرجستان، مدتی در تبریز بود. در سال ۱۰۸۶ق در قزوین و در سال ۱۰۹۶ق در مشهد مقدس بود.

میرزا محمّدعلی حزین لاهیجی که در کودکی (حوالی سال های ۱۱۰۶ تا ۱۱۰۹ق) به همراه پدر به منزل او می رفته است از او چنین یاد می کند: «... به ذکاء و حدّت فهم و استقامت طبع و جامعیّت فنون علمیّه خصوصا علم حساب و هندسه و هیأت موصوف و بین الافاضل به تبحّر معروف، طبعش محک ناقص و کامل و نقّاد رایج و کاسد، ردّ و قبول او را مسلّم می داشتند.»

حزین اشاره می کند که در اواخر عمر از مناصب دولتی و معاشرت با مردم کناره گرفته و فقط جمعی از خواصّ دوستان در منزلش با و ملاقات می کرده و از فیض سخن او کامیاب می شده اند.(۳)

تاریخ دقیق تولّد و وفات او به دست نیامد. امّا ظاهرا تا سال ۱۱۱۰ق زنده بوده است. از فرزندان او تنها از دختری اطلاع داریم که مادر محمّد مؤمنا تفرشی بوده و شاه سلطان حسین طی فرمانی مقداری از نقد و جنس برای او و سایر نوادگان مقرری برقرار

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۴۴.

۲- نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران، صص ۴۸۶ و ۴۸۷.

۳- تذکره المعاصرین حزین، ص۱۱۸.

نموده است. این فرمان نزد امام جمعه تفرش موجود بوده است.(۱)

مولی ظهیرالدین چندین کتاب را کتابت کرده است. از جمله کتاب «شفا» که در کتابخانه امام جمعه تفرش وجود دارد. همچنین نسخه ای از «تعلیقه السجادیه» را در سال ۱۰۹۳ق به خط نسخ کتابت نموده که به شاره ۳۹۵۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «اثبات الواجب» به عربی که مؤلف در تعقیب بحث های ملاّ میرزا شیروانی و آقا حسین خوانساری نوشته و از گفته های شیروانی خرده گیری می کند. نسخه ای از آن در ضمن مجموعه شماره ۱۳/۱۳۰۹ کتابخانه آیت اللّه مرعشی وجود دارد که در ربیع الثّانی سال ۱۱۲۸ق به خط نسخ نوشته شده است.(۳) در همان کتابخانه نسخه دیگری از «اثبات الواجب» در مجموعه ای به شماره ۱۱/۱۲۹۹۷ موجود است که در سال ۱۲۷۹ق کتابت شده است.(۴) ۲. «انوار القرآن و مصباح الایمان» در تفسیر قرآن که در سال ۱۰۸۳ق تألیف نموده و در آن از «صافی» فیض کاشانی مطالب زیادی نقل کرده است. نسخه ای از آن نزد میرزا عبداللّه افندی اصفهانی موجود بوده است.(۵) ۳. «ترجمه نصره الحق» که آن را به درخواست شیخ محمّدباقر اصفهانی کربلائی از عربی به فارسی برگردانده است نسخه ای از آن به خط نستعلیق سیّد محمّدمهدی بن سیّد طالب علی که در ۱۱ جمادی الاولی ۱۲۹۹ق کتابت شده است به شماره ۱۰۵۹۸ در کتابخانه مجلس

۱- سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، صص ۲۰۳ و ۲۰۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۹۵۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۴، صص ۱۸۹-۱۹۳.

۴- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۹۷۸.

۵- الذریعه، ج۲، ص۴۳۸.

شورای اسلامی موجود است.(۱) ۴. «جواب الشّبهتین» که به عربی نوشته و در محرم ۱۱۰۴ق از آن فراغت یافته است. این نسخه به شماره ۴۴د در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران موجود است.(۲) ۵. «چمن سخن» که مهدی حسینی در آخر ذیحجه ۱۰۹۲ق آنرا کتابت کرده است و به شماره ۸۴/۱۳۴۴۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳) ۶. «دیوان اشعار» که نسخه ای از آن در دست نیست ولی برخی از ابیات او در تذکره نصرآبادی و تذکره حزین نقل شده است.(۴) ۷. «شبنم شاداب» یا «باغ و بهار» در تعریف عباس آباد جدید، به نثر که نسخه ای از آن به خط شکسته زیبای میرزا حسن کرمانی در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۵) همچنین نسخه ای در کتابخانه ملّی و نسخه ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. نسخه اخیر را احتمالاً شخصی به نام «محمّد» در بهمن آباد به سال ۱۱۳۳ق به خط نستعلیق کتابت کرده است و در شماره ۴۱۱۸ در آن کتابخانه وجود دارد.(۶) این کتاب در لکهنو هندوستان در سال های ۱۸۷۷ و ۱۸۹۹ و ۱۹۱۳ق به همراه «فرهنگ نایاب» چاپ سنگی شده است.(۷) ۸. «فرهنگ نایاب» ۹. «المحاسن» که در سال ۱۰۹۶ق در مشهد مقدس نوشته و به شماره ۸۹۴۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۸) ۱۰. «المطالع و المغارب» به فارسی که در روز ۲۰ محرم ۱۱۱۴ق ضیاءالدّین بن محمّدمسیح حسینی خورزنی (شاید: خورزانی؟) کتابت شده و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۹) ۱۱. «منشآت» که تعدادی از آنها در «مجمع الافکار»

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۱۶۹.

۲- فهرست ادبیات تهران، ج۱، ص۱۳۶.

۳- فهرست مجلس، ج۳۶، ص۳۸۸.

۴- الذریعه، ج۹، ص۶۵۸.

۵- فهرست ملک، ج۷، ص۱۹.

۶- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۳، ص۳۰۹۹.

۷- الذریعه، ج۲۴، ص۵۳.

۸- فهرست مرعشی، ج۲۳ ، ص۱۱۸.

۹- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۳، ص۳۲۸۲؛ الذریعه، ج۲۱، ص۱۷۱.

تألیف محمّدحکیم هندی نوشته شده و به شماره ۲۱۰/۱۴۲۰۹ در کتابخانه مجلس موجود است.(۱) ۱۲. «نصره الحق» که آن را در پاسخ به مبلغ مسیحی «گبرائیل افرنجی» به عربی نوشته است. نسخه ای از آن به شماره ۵۴/۲۴۴ در کتابخانه سالتیکف شچدرین در روسیه موجود است.(۲) نسخه دیگری هم به شماره ۲۵۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد.(۳) ۱۳. کتابی در «هیأت» ۱۴. «حاشیه انوار التّنزیل» در کتابخانه علاّمه علی اکبر دهخدا به شماره ۶/۲۸۳ موجود است.(۴) ۱۵. «دیباچه هفت بند» غیاث الدین محمّد علوی اصفهانی (خیال) (۵) ۱۶. «جُنگ» مجموعه ای ارزنده که در یکی از بندهای آن تاریخ شنبه ۳ رمضان ۱۰۹۶ق در مشهد مقدس دارد.(۶) ۱۷. «ردّ بر رساله آصفیّه» ملاّ- میرزا شیروانی (که احتمالاً- همان «اثبات الواجب» است که آن را در هنگام بازگشت از زیارت مشهد مقدس رضوی در اوقات اقامت در قم نوشته و بعدا در ضمن «جُنگ» خود قرار داده و در کتابخانه حاج سیّد مهدی لاجوردی قمی قرار داشته است.(۷)

این شعر از اوست:

عرفان به گفتگو نگشاید نقاب را مینا ز سرمه کنند این نقاب را

ناراست را ز مالش دوران گریز نیست از رشته پیچ و تاب برد پیچ و تاب را

گو میرد از خمار و نبیند کسی به چشم ابرو بلند کردن موج سراب را

میخانه را ز مدرسه نتوان شناختن از بس که رهن باده نمودم کتاب را(۸)

۱- فهرست مجلس، ج۳۸، ص۳۰۳.

۲- نسخه های خطی، ج۸، صص ۱۰۷-۱۰۹.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۵۸۳.

۴- نسخه های خطی، ج۳، ص۴۱۹.

۵- تذکره المعاصرین، ص۱۵۲.

۶- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۱۱۴.

۷- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۱۱۴.

۸- سایر منابع: صحف ابراهیم، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ الکواکب المنتشره، ص۴۰۵؛ تذکره غنی، ص۸۵؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۷۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۲۵۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۳، صص ۶۱۱ و ۶۱۲.

سیّد علی خلیفه سلطان

سیّد علی بن سیّد مرتضی بن نواب میرزا سیّد علی بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان حسینی، عالم فاضل [از علمای اوایل قرن دوازدهم هجری] مدفون در قبرستان ستّی فاطمه اصفهان.(۱)

استاد سیّد علی ظهیر*

استاد میر سیّد علی ظهیر معروف به «ظهیرالاسلام» فرزند سیّد مرتضی ظهیرالاسلام بن حاج سیّد علی زنجیره فروش بن آقا سیّد محمّد موسوی اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۲۱ش در محله شیش بیدآباد اصفهان متولّد شد. نیای مادری او میر سیّد محمّدمهدی خلیقی پور از اساتید مسلّم خوشنویسی اصفهان و پدرش از وعاظ مشهور اصفهان است. او با سفارش آنها به خوشنویسی روی آورد و پس از تحصیلات ابتدائی، هنگامی که در مقطع متوسّطه تحصیل می کرد. نزد استاد حبیب اللّه فضائلی به مشق خط پرداخت. او پس از اتمام تحصیلات خود، باتوجّه به ذوق هنری و مهارت در خطاطی، طراحی و نقاشی به استخدام آموزش و پرورش درآمده و به عنوان دبیر هنر به تدریس در مدارس و مراکز تربیت معلّم مشغول شد و برای این آموزشگاه ها نیز دوره های خوشنویسی را برگزار نمود. استاد ظهیر سال ها نزد استاد فضائلی خطوط نسخ، نستعلیق و کتابت نستعلیق را آموخت و دوره عالی را طی نموده و در سال ۱۳۶۴ موفق به اخذ ممتاز گردید. او سال ها در انجمن خوشنویسان اصفهان به آموزش خوشنویسی به علاقمندان مشغول است و صدها شاگرد هنرمند از او تعلیم دیده اند.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۳۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۲.

۲- زندگینامه دست نویس استاد ظهیر به قلم خودشان، تابستان ۱۳۸۷.

او هنرمندی وارسته و متواضع و صاحب خلق نیکو است و هنر را وسیله ای برای تعالی و رسیدن به قرب خدا می داند.

سیّد علی موحد ابطحی*

سیّد علی موحّد ابطحی فرزند سیّد مرتضی، عالم فاضل جلیل، معاصر در سال ۱۳۵۹ق (مطابق با ۱۳۱۹ش) در اصفهان متولّد شد. مقدّمات علوم تا پایان شرح لمعه را نزد پدر، شرایع را نزد میرزا محمّد طبیب زاده، رسائل را نزد حاج شیخ محمّدحسن نجف آبادی و هیأت را نزد مرحوم مجدالعلماء فراگرفت. همچنین طب قدیم را نیز از پدرش فراگرفت.

در سال ۱۳۷۹ق (۱۳۳۹ش) جهت تحصیل به قم مشرف شده و جلد اوّل کفایه را نزد شیخ محمّد مجاهدی و جلد دوم آن را نزد حاج سیّد محمّدباقر سلطانی و منظومه را نزد شیخ عبداللّه جوادی آملی، حاج آقا مصطفی خمینی و اسفار را از علاّمه سیّد محمّدحسین طباطبائی آموخت. مکاسب را نزد حاج سیّد محمّدباقر موحد ابطحی (برادرش) فراگرفت.

پس از آن در درس خارج اصول امام خمینی و آیت اللّه حاج شیخ محمّدعلی اراکی و خارج فقه را نزد حضرات آیات: گلپایگانی (حدود ۱۵ سال) و شریعتمداری (حدود ۸ سال) سیّد محمّد داماد (حدود ۸ سال) و برادرش حاج سیّد محمّدباقر موحّد ابطحی آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات خود، در حدود ۱۳۸۲ق (۱۳۴۲ش) به نجف اشرف مشرف شده و نزد آیات عظام: حاج سیّد محمود شاهرودی، حاج سیّد ابوالقاسم خوئی، شیخ حسین حلّی و میرزا باقر زنجانی کسب فیض نمود.

وی در ایّام تحصیل در قم، در ایّام تابستان به اصفهان می آمد و از درس حضرات آیات خراسانی، خادمی و بهبهانی استفاده می نمود.

کتب زیر از ایشان به چاپ رسیده است:

۱. «آیه التطهیر فی احادیث الفریقین» ۴ جلد۲. «الإمام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین» در ۶ جلد که ۴ جلد آن به طبع رسیده است.۳. «حضرت اباالفضل مظهر کمالات و کرامات» در ۴ جلد۴. «الشیعه فی احادیث الفریقین» ۲ جلد۵. «غدیر و چشمه های جوشان ولایت»۶. «از زلال زمزم غدیر»۷. «جلوه های تشیع در مازندران»۸. «حدیث کساء و آثار شگفت»۹. «زیارت عاشورا و آثار شگفت»۱۰. «خورشید خرابه شام حضرت رقیه» ۱۱. «حدیث کساء گوهر پنهان»

همچنین کتاب های: ۱. «شفاء الصّدور فی شرح زیارت العاشورا» تألیف: میرزا ابوالفضل ثقفی طهرانی در ۲ جلد۲. «مفردات مخزن الادویه» تألیف: میرزا محمّد حسین خان عقلی علوی»، در ۴ جلد۳. «قانونچه» را تصحیح و منتشر کرده است.

علی محزون اصفهانی

علی بیرژندی متخلّص به «محزون» فرزند مرتضی، از شعرای معاصر. در عید نوروز سال ۱۳۱۶ش متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه قدسیّه به پایان رسانید. گاهی شعر می سرود و در انجمن ادبی کمال شرکت می کرد. از اوست:

هر شب از هجران رویت ای صنم اختر شمارم اخگر سوزان و اشک بی حساب از دیده بارم(۱)

سیّد علی مهری عرب

سیّد علی بن سیّد مساعد جبل عاملی اصفهانی، معروف به «مهری عرب» و متخلّص به «سیّد» و «مهری». در اواخر عهد صفویّه به اتفاق پدر به اصفهان آمده و در محلّه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۷ و ۴۱۸.

عباس آباد سکونت نموده و کمی فارسی آموخته [است.] شعر می گفته و در آن کلمات فارسی را به سبک و اسلوب عربی استعمال می نمود. و این طرز شعر مورد پسند بسیار واقع شد. پدر و پسر در این شهر وفات یافته اند.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «دیوان اشعار» که نزدیک به ۵۶۰۰ بیت داشته است به ضمیمه یک «ساقی نامه» عربی فارسی که نام بسیاری از جاهای شهر اصفهان در آن مذکور است به شماره ۳۲۱۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲) ۲. «مثنوی مجمع الشعراء» که در ضمن «دیوان» او در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳) ۳. «مثنوی سراپا» یا «آئینه بدن نما» که نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است. نسخه ای دیگر نیز درضمن جُنگی در کتابخانه آستان قدس رضوی که تاریخ کتابت آن بین سال های ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۹ق است و نسخه ای هم در کتابخانه ملّی ملک ضمن جُنگی که در سال ۱۱۹۲ق کتابت شده موجود است.(۴) ۴. «ملمعات»

از اوست:

به روی تازه جوانان به مذهب «سیّد» نگاه، واجب عینی و بوسه تخییری است

علی اصفهانی بغدادی

ابوالحسن علی بن مظفر اصفهانی بغدادی [از محدّثین عامّه اصفهان] از ابی بکر شافعی

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۶۸؛ تذکره روز روشن، ص۷۸۴؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۷۶؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۴۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۹۰؛ منتخب اللطایف، ص۶۲۷؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۱۸۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۱۷۵.

۳- الذریعه، ج۱۹، ص۲۸۳.

۴- الذریعه، ج۱۹، ص۲۰۴.

روایت می کند و خطیب از وی روایت می نماید.(۱)

میرزا علی کاتب خاتون آبادی

میرزا علی بن مظفر جعفری کاتب خاتون آبادی [از کاتبان و خوشنویسان اوایل قرن یازدهم هجری] در ۲۵ شعبان سال ۱۰۰۹ق جلد سوم «حبیب السیّر» را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۴۴۵۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

سیّد علی قانعی کاشانی*

میر سیّد علی حسینی کاشانی متخلّص به «قانعی» فرزند میرمعصوم، شاعر و ادیب در قرن یازدهم هجری.

در سال ۱۰۴۱ق متولّد شده و در اصفهان علم و ادب آموخت و با صبیه آقا مؤمن مصنّف ازدواج کرد. در اصفهان ساکن بود و در سال ۱۰۷۴ق وفات یافت. دیوان اشعار او حدود چهل هزار بیت است. این بیت از اوست:

از کدورت پاک کن تا می توانی سینه را خاک بر سر می کند آخر غبار آئینه را(۳)

علی منجم اصفهانی*

علی بن معین منجم اصفهانی، از ادباء قرن نهم هجری است. او در ۱۹ ذی الحجه ۸۷۱ق نسخه ای از «کشف الحقایق» تألیف: عبدالعزیز نسفی را به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۱۴۹۲۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۴)

۱- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۱۳، ص ۳۴۰۷.

۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۵۷۸؛ قصص الخاقانی، ج ۲، ص ۸۷.

۴- فهرست مختصر مجلس، ص ۶۶۰.

علی اصفهانی

علی بن محمّد مفید اصفهانی، خطاط (در قرن سیزدهم هجری در سال ۱۲۷۲ق) از کتابت نسخه ای از «شمسیه» در طب (به فارسی) تألیف: شمس الدّین بن نعمت اللّه طبیب فراغت حاصل نموده است. نسخه این کتاب در کتابخانه عمومی معارف موجود بوده است.(۱)

شیخ علی مفید

شیخ علی مفید فرزند شیخ مفید، عالم فاضل، حکیم زاهد محقّق، از مدرّسین مدرسه صدر. در جمادی الاولی سال ۱۳۴۵ق وفات یافته و در تخت فولاد پای دیوار بقعه آقا محمّد بیدآبادی مدفون گردید.(۲)

سیّد علی جواهررقم تبریزی*

سیّد علی بن محمّد مقیم تبریزی، خوشنویس و شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. نواده میرشاهمیر از سادات حسینی تبریز و از اهالی محلّه عباس آباد اصفهان بود، پدرش از خوشنویسان خط نستعلیق بود. او و پدرش به هندوستان رفتند. سیّد علی به معلّمی عالمگیر گماشته شد و شاه جهان پادشاه گورکانی هند به او لقب «جواهررقم» داد و چندی بعد در دربار عالمگیر به لقب «خان» و عنوان «هزاری» و سپس «خدمت نویسی» مفتخر گردیده و کتابدار کتابخانه سلطنتی هند شد. او از کسانی بود که در سفر عالمگیر به کشمیر، دکن و سایر مناطق هند در رکاب پادشاه به سفر می رفت. وی سرانجام پس از

۱- فهرست معارف، ص۱۶۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۳۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۳۰ و ۲۳۱.

یک بیماری در سال ۱۰۹۴ق در اورنگ آباد وفات یافت. جنازه او به شاه جهان آباد حمل و همانجا دفن شد.

در خط نستعلیق استادی توانا بوده و نزد پدر مشق خط کرده بود و شعر را نیکو می سرود و به نام خود (علی) تخلّص می کرد. از او ده ها قطعه خوشنویسی در کتابخانه سلطنتی تهران، موزه دولتی افغانستان در کابل، موزه باستان شناسی دهلی، کتابخانه آقای سلطان القرائی در تبریز، موزه آثار اسلامی ترک در استانبول، کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران و مجموعه مهدی بیانی در تهران موجود است. این بیت از اوست:

چه جلوه بود که در صحن باغ پیدا شد که شاخ گل قفس بلبلان شیدا شد(۱)

علی خطیبی اصفهانی

ابوعلی علی بن منصور بن عبیداللّه خطیبی اصفهانی معروف به «اجل»، ادیب، نحوی، لغوی و فقیه شافعی در قرن ششم هجری. در سال ۵۴۷ق در بغداد متولّد شده و در مدرسه نظامیه به تحصیل پرداخت. در زمان خود اعلم و افقه از او کسی نبود. خصوصا در لغت کسی را با وی حدّ برابری نبود و اکثر کتب لغت، اشعار و اخبار و کتب دیگر را حفظ بود. [در سال ۶۲۲ق وفات یافت.]

از اشعار اوست:

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۹۸ و ۲۹۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، صص ۴۴۷-۴۴۹؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، ص۱۰۲۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ کلمات الشعراء، ص۴۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۸۲؛ تاریخ خط و خطاطان، صص ۱۴۳-۱۴۵؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۴۳۵؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۵۵؛ الذریعه، ج۹، ص۷۵۳؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۶؛ سخنوران آذربایجان، ص۵۵۳؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۹۱؛ اطلس خط، صص ۵۴۰ و ۵۴۱.

لمن غزال یا علی رامه سخا فعاود القلب سکرٌ کان عنه صحا

مقسمٌ بین اضداد فطرته جنح و غرته فی الجنح ضَوء ضحا(۱)

علی ثقفی

علی بن منصور ثقفی اصفهانی [از محدّثین عامّه اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری] ابواسحاق تقی الدّین ابراهیم بن محمّد بن ازهر بن احمد بن محمّد صریفینی عراقی (متوفی ۶۴۱ق در دمشق) از او استماع حدیث کرده است.(۲)

علی اصفهانی

علی بن ملاّ مهدی [اصفهانی]، کاتب نسخ نویس در قرن سیزدهم هجری] در ذیقعده ۱۲۱۵ق نسخه ای از «حاشیه تهذیب» مولی عبداللّه یزدی را در اصفهان به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۷۰۷ در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

میر سیّد علی امام جمعه سدهی

حاج میر سیّد علی امام جمعه سدهی متخلّص به «ضیائی» و معروف به «حاج آقابزرگ» فرزند سیّد محمّدمهدی بن سیّد اسماعیل بن سیّد حسین دیباجی سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل و محقّق جلیل، ادیب شاعر جامع معقول و منقول.

در سال ۱۲۶۴ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد شده و پس از تحصیل

۱- معجم الادباء، ج۱۵، ص۸۲؛ مدارس نظامیه، ص۱۹۷؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۷۶؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «علی»، ص۱۸۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۹۱.

۲- منتخب المختار ذیل تاریخ ابن نجّار، ص۱۴.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۲۶۶.

علوم مقدّماتی به اصفهان آمده و در محضر علمای عالیقدر شیخ محمّدتقی آقانجفی، آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی و آخوند ملاّ- محمّدحسین فشارکی تحصیل کرده [و از مرحومین آقانجفی و چهارسوقی اجازه دریافت نموده و مورد توجّه آقانجفی بوده و زمانی در محضر ایشان به مشورت در امور فقهی می پرداخته] است.

او در علوم مختلفه از فقه و اصول و حکمت و ریاضی و طب زحمت کشیده و خصوصا در علوم جفر و رمل و اعداد و طلسمات شهرتی داشت. او پس از وصول به مقامات عالیه علم و اجتهاد، به سِدِه مراجعت نموده و مرجع شرعی آن حدود گردیده و به اقامه جماعت مشغول بوده و باقی اوقات را صرف عبادت و تزکیه نفس و تألیف و تصنیف می نموده است.

[در سال ۱۳۰۷ق چند نفر از فرقه بابیّه با بعضی از متّهمین از اصفهان اخراج شدند و ناصرالدّین شاه فرمان عودت آنها را داده و مردم سده به ریاست حاجی آقای سدهی (حاج میر سیّد علی امام جمعه) از آنها جلوگیری و در نتیجه یک نفر بابی و شش نفر از متّهمین کشته شدند. او همچنین در قضایای مشروطه از طرفداران حاج آقا نوراللّه نجفی و از مروّجین فکر مشروطیّت بوده و در این راه تلاش بسیاری به خرج داده بود.] امام جمعه سدهی سرانجام در دوشنبه ۱۰ صفر المظّفر ۱۳۵۸ق وفات یافته و در انتهای شبستان مسجد جامع فروشان سده مدفون شد.

فرزندش حاج سیّد حسن امام جمعه معروف به «حاج آقا امام سدهی» جهت او مرثیه ای سروده که بر سنگ مزارش نقر گردیده و دو بیت از آن چنین است:

پیچیده دست گلچین اجل در فصل فروردین بیفکنده قضا نخلی ز پا از جویبار دین

ز روح پنجمین جستم مدد گفتا به تاریخش: «علی آن سائل شرع نبی شد سوی علیین»

وی را کتب و رسایل عدیده ای است که از آن جمله است:

۱. «رساله در اخلاق»۲. «رساله در تقلید»۳. «رساله در خیارات»۴. «رساله در ادعیه»۵. «رساله در شرط ضمن عقد»۶. «رساله در صلح با حقّ رجوع»۷. «رساله در مقتل»۸. «رساله در منجزات مریض»۹. «رساله در ادعیه و ختوم»۱۰. «رسائلی در فقه» ۱۱. «رسائلی در طب و تجربیات خود» و غیره.(۱)

این شعر از اوست:

بنمای رخ که روی تو امروز دیدنی است ور تلخ گویی، از لب شیرین شنیدنی است

بار فراق تو شکند کوه را کمر امّا به یاد وصل تو باری کشیدنی است

در بوستان روی تو هر گل که بشکفد آن گل به دست مردمک دیده چیدنی است

آن کو درید جامه یوسف نهفته گفت هر جامه ای که عشق ندارد دریدنی است

جان را به آب و دانه دنیا چه پروری کاین مرغ آخر از قفس تن پریدنی است

۱- تذکره القبور یا رجال اصفهان، ص۲۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۹؛ خمینی شهر: شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۰۸-۱۱۰؛ نقباء البشر، ص۱۵۴۱؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۴۵۳؛ مخزن الادب (راجی) : مخطوط؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۷۵۸-۱۷۶۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۸۹؛ حکم نافذ آقانجفی، ص۱۶۸.

علی کسروی اصفهانی

ابوالحسن علی بن مهـدی بن علی بن مهدی اصـفهانی طبری بغدادی معروف به «کسـروی» [نحوی، لغوی، متکلم و فقیه شافعی در قرن سوم و چهارم هجری[خواهرزاده علی بن عاصم بن حریص از علماء و شـعراء و نحویّین بوده و در زمان بـدر معتضـدی در سال ۳۳۰ق در اصـفهان وفات یافت. علم کلام را از ابی الحسن اشـعری فراگرفته و سـعید بن هاشم طبرانی از او روایت می کند.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «الخصـال» و در آن از امثـال و اشـعار حکم اسـتفاده کرده است.۲. «مناقضات»۳. «الاعیاد و النوازیر»۴. «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»۵. «تأویل الاحادیث المشکلات الوارده فی الصّفات»(۱)

میر سیّد علی درب امامی

میر سیّد علی بن محمّدمهـدی موسـوی درب امـامی اصـفهانی، از فضـلاء قرن سـیزدهم هجری. در سـال ۱۲۶۴ق نسـخه ای از «فهرست کـافی» تـألیف: حـاج محمّـدجعفر آبـاده ای را به خـط نسـخ کتابت نموده و حاجی آباده ای مقابله او را گواهی داده است. این کتاب در مجموعه شـماره ۳۲۰۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی در قم موجود است و دو کتاب دیگر: «مشـیخه من لا یحضره» و «امل الآمل» در این مجموعه نیز به خط همین درب

۱- معجم الادبـاء، ج۱۵، ص۹۱؛ بغیه الوعـاه، ص۳۵۶؛ روضـات الجنات، ج۵، ص۱۰۶؛ معجم المـؤلفین، ج۷، ص۲۴۷؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۷۰۵؛ ایضـاح المکنون، ج۱، ص۲۲۰؛ لغت نـامه دهخـدا: ذیـل «علی»، ص۲۵۱؛ ریحـانه الادب، ج۵، ص۵۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۹۳.

امامی می باشد.(۱)

[اثر دیگر او کتـابت «اختیـارات» علاّمه مجلسـی است که آن را به خط نسـخ در ۱۵ ذی الحجّه ۱۲۶۸ق کتابت نموده و ضـمن مجموعه ای در کتابخـانه اهـدائی مرحوم سیّد محمّـد صـدر هاشـمی در کتابخـانه دانشـکده ادبیـات دانشـگاه اصـفهان موجود است.(۲)]

آقا میرزا علی دهاقانی*

آقـا میرزا علی دهاقـانی فرزنـد مشـهدی میرزا، عـالم فاضـل متّقی، از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری است. در اصـفهان نزد جمعی از علمـای عالیقـدر خصوصـا جهانگیرخـان قشـقائی و آخونـد ملاّـ محمّـد کاشـانی کسب فیض نمود. سـپس به دهاقـان بازگشته و به ارشاد مردم و تبلیغ دین مشغول شد تا اینکه در حدود سال ۱۳۵۵ق (۱۳۱۵ش) وفات یافته و همان جا مدفون شد. او جدّ عالم عالیقدر و فاضل جلیل حاج شیخ نعمت اللّه اسماعیلی دهاقانی است.

میرزا علی مشفقی

میرزا علی مشـفقی فرزنـد مشـهدی میرزا، شاعر و ادیب فاضل معاصـر [در سال ۱۲۷۹ش در محلّه مسـجد حکیم اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخت و نزد حاج آقا رحیم ارباب و سایر علماء کسب فیض نمود و در اغلب علوم زمان چون، ادبیات، ریاضـیات، نجوم و تاریـخ مهارت یافت و برای تکمیل دانش خود به مشـهد مقـدّس سـفر کرد.] او از آشـنایان به علوم ریاضی و دانا به علوم غریبه بود. گاهی شعر

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص۱۲.

۲- نشریه دانشکده ادبیات اصفهان، شماره دوم و سوم، سال ۱۳۴۵، ص۱۵۶.

می سروده و سال ها در انجمن ادبی شیدا شرکت می نمود. [وی در جلسات خصوصی و جلسه هیأت مداحان به تدریس ادبیات و خصوصا ادای صحیح شعر جهت مداحان و شعراء می پرداخت و جمعی از مدّاحان و شاعران اصفهان همچون آقایان عباس گیاهی و مهدی داروغه دفتر (فرزانه) از شاگردان او بوده اند. در فن اسطرلاب نیز مهارت داشت. او سال ها در اصفهان به استخراج تقویم مشغول بود و جدول اوقات شرعی و تقویم او به چاپ می رسید. وفات او در ۱۳ ربیع الثّانی ۱۳۹۹ق (برابر با ۲۱ اسفند ۱۳۵۷ش) اتفاق افتاد و پیکرش در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شد.]

کتب زیر از اوست:

۱. «تذکره شعراء اصفهان» مختصر که به خط خود نوشته و به نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی] هدیه کرد.۲. «مخزن المصائب» شامل اشعاری که شعراء در مصیبت سروده اند که در سال ۱۳۳۲ش در اصفهان به طبع رسید.۳. «دیوان اشعار»

[از اوست:

این بارگاه قدس اعلا که جانفزاست دربار پادشاهی سلطان دین رضاست

این خسروی که خفته در اینجا به عزّ و شأن گرد و غبار خاک درش مایه شفاست

این گنبد مَشَیَّد خورشید تابناک بدر الدُّجی و معنی و الشّمس و الضّحاست

«مشفق» به این مقام مقدّس پناه برد اینجا پناهگاه مساکن و اغنیاست(۱)]

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۱۸۸، در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۷۱، ص۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۷۱۷.

شیخ علی قدیری کفرانی

حاج شیخ علی قدیری فرزند نصراللّه بن قاسم به ملاّ علی بن محمّد بن قدیر کفرانی رویدشتی اصفهانی، عالم فاضل معاصر در اصفهان متولّد گردید و در اصفهان [نزد میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی] و قم [نزد امام خمینی و دیگران] و نجف خدمت اساتید و آیات عظام تحصیل نموده و با کسب اجازات به اصفهان مراجعت کرده و به وظائف و شئون روحانیت از تدریس و ارشاد و موعظه و امامت در مسجد «الهادی» (واقع در خیابان سیّد علی خان) پرداخته و سرانجام پس از یک بیماری نسبتا طولانی در [۱۲] جمادی الاولی سال ۱۴۰۷ق [مطابق با ۱۶ دی ۱۳۶۵ش] در اصفهان وفات یافته و [در صحن آستانه حضرت معصومه (سلام اللّه علیها)] در قم مدفون گردید. [«حاشیه بر وقایه الاصول» از تألیفات اوست.(۱)]

استاد علی تجویدی*

استاد علی تجویدی فرزند میرزا هادی خان مختار تجویدی بن میرزا محمّدعلی سلطان الکُتّاب اصفهانی، از مشاهیر موسیقی دانان و آهنگسازان معاصر در سال ۱۲۹۸ش در تهران متولّد شد.

پدرش نقاش و موسیقی شناس هنرمند و شاگرد کمال الملک بود و زمینه فعالیت او را در موسیقی فراهم کرد. استاد تجویدی ابتدا نزد استاد پرویز یاحقی و سپس نزد استاد ابوالحسن صبا نواختن ویولن را آموخت و با دستگاه های موسیقی ایرانی آشنا شد. سپس نزد اساتیدی چون روح اللّه خالقی، عبداللّه خان دوامی، اسماعیل خان قهرمانی، اقبال آذر، سلیمان میرقاسمی، طاهرزاده، نورعلی برومند و عدّه ای دیگر به خوبی موسیقی

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۲۸؛ نقباء البشر، ج۳، ص۱۲۰۴؛ تربت پاکان قم، ج۲، ص۱۱۷۷.

را آموخت. استاد تجویدی آهنگسازی خبره و چیره دست بود و ویلن و سه تار را استادانه می نواخت.

همکاری با واحد موسیقی رادیو، همکاری با برنامه گلها و اجرای ده ها اثر ماندگار، آهنگسازی برای بسیاری از خوانندگان موسیقی اصیل ایرانی همچون: استان بنان، استاد قوامی، خواجه امیری، افتخاری و دیگران، تدریس در هنرستان عالی موسیقی دانشگاه هنر و کلاس های خصوصی و نگارش کتاب ۱۰ جلدی: «ردیف و آواز موسیقی سنتی ایران» که ۳ جلد آن به چاپ رسیده است، از مهم ترین فعالیت های استاد تجویدی است.

او هنرمندی متواضع و مردمی و خوش مشرب بود و سرانجام در اسفند ۱۳۸۶ش در تهران دیده از جهان فروبست ودر قطعه هنرمندان گورستان بهشت زهرای تهران در خاک آرام گرفت.(۱)

علی شیرانی (صحّت)*

علی شیرانی بیدآبادی متخلّص به «صحّت» فرزند هاشم بن کربلائی آقا، از شعرای توانای معاصر اصفهان در روز اوّل بهمن ۱۳۲۵ش در محلّه بیدآباد متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در دبستان صدیق اعلم و متوسطه را تا سیکل اوّل در دبیرستان حافظ ابونعیم و تا دیپلم را در دبیرستان کازرونی گذراند. سپس به سربازی رفت. پس از آن به استخدام بانک تجارت درآمد تا اینکه در سال ۱۳۷۷ش بازنشسته شد.

او از حدود ۱۳ سالگی سرودن شعر را آغاز کرد و تحت تربیت دائی خود عیسی قلی

۱- تاریخ موسیقی ایران، صص ۵۹۹ و ۶۰۰؛ نام نامه موسیقی ایران، ج۳، صص ۱۲۹-۱۳۱؛ چهره افروختگان خطه زنده رود، صص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ فرهنگ هنرمندان ایرانی، ص۱۲۵؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۱، ص۴۶۴؛ برگی از باغ، ص۱۹۱؛ مجله ادبستان، سال اوّل، شماره ۲: بهمن ۱۳۶۸، صص ۴۹ و ۵۰؛ مجلّه هنر موسیقی: سال ششم، شماره ۴۵: تیر ۱۳۸۲، صص ۶-۱۰.

شیرانی (متخلّص به «سالم») قرار گرفت. سپس به انجمن ادبی سعدی راه یافت و از راهنمایی استاد طلایی مدیر انجمن برخوردار شد. او در اغلب انجمن های ادبی اصفهان مانند سعدی، صائب، بیدل، دکتر سیاسی، مشتاق، فردوسی، حافظ و حکیم نظامی شرکت نموده و اکنون از اعضای فعّال انجمن ادبی صائب است. در شعر خود را پیرو سبک هندی (اصفهانی) می داند و به شعر صائب و شعرای این سبک اشتیاق فراوان دارد. دیوان اشعار او حدود چهل هزار بیت است ولی به چاپ نرسیده است ولی منتخبی از غزلیات او با عنوان «زلال زمزمه ها» به چاپ رسیده است.

او اوقات فراغت خود را به مطالعه خصوصا کتاب های ادبی و دیوان شعرای دوره صفویه می گذراند و در خط نستعلیق مشق می کند. وی حدود سه ماه نزد استاد فضائلی در خوشنویسی تعلیم دیده است.

این غزل از اوست:

ز موج گریه شد دامان ما گلپوش نیلوفر لبالب بود اینجا برکه ها از جوش نیلوفر

پر از عطر سکوتم با بهار ناله رنگین گل شیپوریش بین و لب خاموش نیلوفر

ز بس پیچیده دود آهم اشکم مانده ناپیدا مرا دریاست پنهان در ته سرپوش نیلوفر

فراتر سبز فکران راست فیض از گنبد نیلی میان آب جز آئینه کو بر دوش نیلوفر

زُلالان سحر سِیرند مست بزم سرسبزان به جز شبنم نغلطد صبح در آغوش نیلوفر

بهاری می کند دل را به پای جان دویدن ها تلاشی سبز دارد جوشش پرکوش نیلوفر

ز عشق است آنچنان در وادی ما عالم آبی که چون ما نیست رود نیل هم فرنوش نیلوفر

به چنگ ناز بگرفتست زلفت گردن دل را که شوخ است و دلآرا شاخ بازیگوش نیلوفر

زَ سُکر آبیش دادند دل را سبزی مینا که در پیمانه ما نیست جز سرجوش نیلوفر

به یاد زلف پرپیچ و خَمَت در خویش می پیچد به غیر از حلقه شوق تو کو در گوش نیلوفر

خط سبز تو شد سطر سخن مستانه «صحّت» را کسی چون او نشد در این چمن مدهوش نیلوفر(۱)

علی اصفهانی

علی بن یحیی بن جعفر اصفهانی [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری] از سلیمان بن احمد طبرانی و ابوالحسن احمد بن قاسم بن ریان (در بصره) روایت نموده و ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی و محمّد بن قیس اسدی از او نقل حدیث کرده اند.(۲)

۱- مصاحبه با آقای علی شیرانی (صحت) در ۱۰ مردادماه ۱۳۸۹ش؛ زنده رود تا حیدربابا، ص۱۳۶؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۴۸۸.

۲- احقاق الحق، ج۸، صص ۵۰۵ و ۴۸۵.

علی طهرانی اصفهانی

علی بن یحیی طهرانی اصـفهانی [از محدّثین اصفهان در قرن دوم و سوم هجری] از قتیبه بن مهران آزادانی روایت می کند. [او از اهالی قریه «طهران» اصفهان است که امروزه از محلّه های اصفهان است و به «تیران و آهنگران» معروف است.(۱)]

علی بهرامی*

علی بهرامی متخلّص به «بهرام» از شعرای معاصر اصفهان در شرکت پالایش نفت اصفهان به خدمت مشغول است و گاهی شعر می سراید و در شعر از معلومات آقای هادوی فرد (شهیر) بهره برده است. این سه بیت از اوست:

ای غم تو برو ز خانه من آتش مزن آشیانه من

باز آمده ای که خوش نشینی بر سینه پرفسانه من

همراه منی به هر کجا تو ای همسفر شبانه من(۲)

میرزا علی ثابت قهفرخی*

میرزا علی قهفرخی ملقّب به «ثـابت» از عرفاء و متصّوفه قرن سـیزدهم هجری و از اهالی قصـبه «قهفرخ» در چهارمحال بوده و از مشایخ سلسله نعمت اللهی است. شعر می سروده و در چهارمحال به دستگیری و ارشاد طالبین سیر و سلوک مشغول بوده است.

۱- معجم البلدان، ج۴، ص۵۲؛ مقالات ادبی (استاد همایی) ، ص۷۴.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۲۱.

او کتابی موسوم به «تراجم» در بیان احوال سلسله تصوف در ۸۷ بیت به نظم کشیده که در کتابخانه آستانه حضرت شاهچراغ در شیراز موجود بوده است.(۱)

استاد علی چاقوساز*

استاد علی اصفهانی، از هنرمندان زبردست دوره قاجاریه است. در اصفهان به شغل چاقوسازی مشغول بوده و چاقوها و قیچی های ساخته او از نظر ظرافت و استحکام شهرت زیادی داشته است.(۲)

سیّد علی حجازی دهاقانی*

حاج سیّد علی حجازی دهاقانی، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۱ش در دهاقان متولّد شده و پس از مدّتی تحصیل، چند سالی آموزگار بوده و در سال ۱۳۲۰ش ضمن تدریس، در کارخانه زاینده رود اصفهان سمت حسابداری کارخانه را به عهده داشت. مردی متدیّن و باتقوا بوده و گاهی شعر می سروده و مجموعه ای از ادعیه و اشعار خود را به خط نستعلیق متوسّط نوشته و به عنوان «بهار قرآن» در سال ۱۳۶۳ش به چاپ رسانده است. از اوست:

به چشمی که شب ها به یادت نخفت به گوشی که حرف تو را می شنفت

به حق زبانی که جز تو نگفت به آن کس که این دُر به یاد تو سفت

مرا در حریم خودت راه ده به دل شوق و بر سینه ام آه ده(۳)

۱- فهرست شاهچراغ، ج۳، ص۱۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۶۶.

۳- بزم ادب، ص۳۳۴؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۲۰۳.

علی خان بیگ حسرت اصفهانی

علی خان بیگ اصفهانی متخلّص به «حسرت» شاعر ادیب [در قرن سیزدهم هجری] در جوانی به تحصیل پرداخته و سپس به خدمت شاهزاده محمّدرضا میرزا افسر قاجار رسیده و وزارت او را در حکومت طالش و گیلان داشت. اما از آن مقام معزول و به شیراز رفت. امّا سرانجام از طرف دربار قاجار به طهران فراخوانده شده و راهی آنجا شد.

از اوست:

نزدیک تر از جانی و دوری ز بر ما از مایی و از ما به تو بسیار منازل

یکتایی و از توست ظهور همه اشیاء یک شمعی و از پرتو تو نور مشاعل(۱)

سیّد شمس الدّین علی حسینی خلخالی

سیّد امیر شمس الدّین علی حسینی خلخالی [از دانشمندان و فضلای قرن یازدهم هجری و ساکن اصفهان] شاگرد شیخ بهائی، مؤلف: «شرح خلاصه الحساب»(۲) [نسخه ای از این کتاب به شماره ۱۳۷۰۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس موجود است.(۳)]

سیّد علی رامشه ای جرقویه ای*

سیّد علی رامشه ای (رامشنی) جرقویه ای معروف به «سَعَری» خوشنویس هنرمند قرن

۱- تذکره دلگشا، صص ۴۰۲ و ۴۰۳؛ تذکره نگارستان دارا، ص۲۳۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۰۸؛ الذریعه، ج۹، ص۲۳۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «حسرت اصفهانی»، ص۵۵۳؛ تذکره اختر، ص۱۴۹؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۱۳.

۲- الذریعه، ج۱۳، ص ۲۳۱.

۳- فهرست الفبائی رضوی، ص۳۳۶.

سیزدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشته و در علم و ادب شاگرد سیّد حسن طباطبائی (ترسای رامشنی) است. از آثار او کتابت قرآن مجید است که در سال ۱۲۹۶ق آن را نوشته است. ظاهرا وی در اوایل قرن چهاردهم هجری در موطن خود روستای «رامشه» از توابع جرقویه اصفهان وفات یافته است.(۱)

شیخ شهاب الدّین علی رجاء*

شیخ شهاب الدّین علی رجاء اصفهانی، از عرفاء و متصوّفه قرن هفتم هجری و از مریدان شیخ شهاب الدّین ابوحفص عمر سهروردی است. ابن بطوطه جهانگرد مراکشی هنگامی که وارد اصفهان شد به خانقاه علی به سهل آمد و با یکی از نوادگان او: شیخ قطب الدّین حسین بن شیخ ولی اللّه شمس الدّین محمّد بن محمود بن شهاب الدّین علی رجاء اصفهانی ملاقات کرد و مورد احترام و پذیرایی قرار گرفت.(۲)

علی رویدشتی

مولانا علی رویدشتی واعظ [از دانشمندان قرن هشتم هجری] از بزرگان دین و در وعظ و خطابه خوش صحبت و متین بود و به غیر از تفسیر و حدیث، شصت هزار بیت فارسی و عربی به یاد داشت. و تمام سلاطین آل مظفر معتقد به او بودند. پس از وفات در مقابر باغ مولائی در خارج یزد نزدیک دروازه کوشک نو مدفون شد.(۳)

۱- گرکویه، (ویرایش دوم) ، صص ۳۱۷ و ۳۱۸.

۲- سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه فارسی) ، ج۱، صص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۳- تاریخ یزد (جعفری) ، ص۱۶۵.

ملاّ علی ریزی*

آخونـد ملاّ علی ریزی لنجانی، عالم فاضل و فقیه زاهد، از علمای عالیقدر قرن سیزدهم هجری و پیشوای دینی مردم قصبه ریز (زرین شهر فعلی) بوده است. او در برابر قدرتمندان و خوانین محلّی یار و پشت و پناه مردم فرودست بوده و علاوه بر آن مرجع حلّ مشکلات شرعی مردم آن ناحیه به شمار می رفته است. او از رفقاء و دوستان حکیم جهانگیرخان قشقائی بوده و پس از فوت، جهانگیرخان بر پیکر او نماز خوانده و او را در زادگاه خود به خاک سپرده اند.(۱)

میرزا علی زرگر تبریزی*

استاد میرزا علی زرگر، از هنرمندان قرن یازدهم هجری و از تبریزیان محلّه عباس آباد اصفهان است که به هنر زرگری در عهد شاه عباس کبیر شهرت داشت. پسرش میرزا مقیم جوهری از شغل پدری دست کشیده، به تجارت مشغول شد و از سفر هندوستان مکنتی اندوخت و در شاعری «جوهری» تخلّص می کرد.(۲)

آقاعلی سیم کش اصفهانی*

آقاعلی سیم کش، از شعراء و صنعتگران هنرمند قرن سیزدهم هجری است. او به شغل سیم کشی که عبارت از تهیّه سیم و مفتول از فلزات گرانبهاست (طلا و نقره و...) مشغول بوده و در محله شیش (شهیش) بیدآباد اصفهان سکونت داشته است. او از افراد خاندان

۱- تاریخ ریز (زرین شهر) ، ص۱۴۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۷۸؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹۵.

حـاجی دوست محمّـد (از تجّـار معروف و از مریـدان عالم مجاهـد حاج ملّا محمـد شـفیع خوئی) بوده است. او هرچنـد دیوان اشعاری داشته ولی اثری از آن به جای نمانده است. این شعر از اوست:

شاعری را ایاغ می باید حجره ای رو به باغ می باید

نه که خود را به غصّه بسپردن روی در جِیب غم فرو بردن

یا به اندوه خون دل خوردن سر به دفتر نهادن و مردن(۱)

علی شفیعی نیک آبادی*

علی شـفیعی نیک آبادی، محقّق کوشای معاصر در سال ۱۳۳۲ش در روسـتای یَنگ آباد (نیک آباد کنونی) در جرقویه متولّد شد. وی پس از طی تحصیلات ابتدائی و سربازی به استخدام کارخانه خودروسازی ایران ناسیونال در تهران درآمد و هم زمان بـا کـار، در آموزشـگاه شـیخ بهائی تهران دوره راهنمایی تحصیلی را طی کرد. در سال ۱۳۵۶ به اصـفهان منتقل گردیـد و در شرکت برق اصـفهان در سـمت تکنیسـین برق فعـالیت نمـود و دوره متوسـطه را در هنرسـتان فنی سـروش گذرانـد او در سـال ۱۳۸۵ش بازنشسته شد.

کتاب «گرکویه، سـرزمینی ناشـناخته بر کران کویر» اثر تحقیقی مهم او در شـناخت تاریخ و فرهنگ منطقه جرقویه اصـفهان در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسیده و بار دیگر با حجم بیشتر و تحقیقات وسیع تر در سال ۱۳۷۸ چاپ شده است.

این شعر از اوست:

دیری است همگرایی یارانم آرزوست پیوند دشت و گلشن و جانانم آرزوست

۱- یادداشت های استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) .

پژمرده گشته باغ دلم زین گسستگی همچون هزار گلبن و بستانم آرزوست

با آن که سرخوشم به نواهای زنده رود پژواک های قاف و زاگرس و تفتانم آرزوست(۱)

علی شیرازی فستجانی

ابوالحسن علی شیرازی فستجانی [از محدّثین عامّه در قرن پنجم هجری است] به اصفهان وارد شده و نزد ابی المظفر عبداللّه بن شبیب ضبی اصفهانی قرآن آموخته و هم در این شهر وفات یافته است.(۲)

دکتر علی صادقی

دکتر علی صادقی، از پزشکان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۱ش متولّد شده و دوره متوسطه را در اصفهان تحصیل کرد. سپس به دانشکده پزشکی اصفهان رفته و با اخذ درجه دکترا از آن فارغ التحصیل شده و به تدریس در دانشکده پزشکی اصفهان پرداخت.

کتاب های «تشخیص بالینی سمیولوژی و غدد مترشّح داخلی» و «بیماری های کلیه» از تألیفات اوست.(۳)

۱- گرکویه سرزمینی ناشناخته بر کران کویر، ص۳۹۷.

۲- معجم البلدان، ج۴، ص۲۶۱.

۳- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۸۴.

سیّد علی صوتی یزدی

میر سیّد علی صوتی یزدی، از شعراء و موسیقیدانان قرن یازدهم هجری. در فن موسیقی وارد بوده و سفری به حجاز نموده و سپس به هند رفته، مقتضی المرام به ایران بازگشت و مورد عنایت شاه عباس دوم قرار گرفته و سرانجام در سال ۱۰۷۸ق در اصفهان وفات یافته است.

از اشعار اوست:

از وجود من وجود هر گناهی قائم است می توان گفتن مرا پروردگار معصیت(۱)

علی صورتی اصفهانی*

مولانا علی صورتی اصفهانی، از شعرای اصفهان در اواخر دهم هجری است. در اصفهان به معرکه گیری و صورت خوانی مشغول بود و «صورتی» تخلّص می کرد و صورت خوانی عبارت از نمایش صور ملائکه و عاصیان و شرح ماجرای آنها در حشر است.

علی صورتی، در عمر خود به فراق ناشی از مرگ فرزندش محمّدرضا مبتلا شد.

این شعر از اوست:

من آن صیدم که تیری خورده باشد من آن شامم که صبحش مرده باشد

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۱۱؛ جامع مفیدی، ج۳، صص ۴۴۰ و ۴۴۱؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۷۳؛ آتشکده یزدان، ص۳۰۳؛ آینه دانشوران، ص۱۴۴؛ تذکره شعرای یزد، ص۹۵؛ تذکره شبستان، صص ۴۷۸ و ۴۸۸؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۵۴۷؛ الذریعه، ج۹، ص ۶۲۰؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۵۹.

من آن یعقوب پیر کوربختم که گرگی یوسفش را خورده باشد(۱)

حکیم علی صوفی اصفهانی*

حکیم علی صوفی اصفهانی، دانشمند ادیب و فاضل، طبیب ماهر و حاذق، از بزرگان اوایل قرن یازدهم هجری.

در اصفهان به طبابت مشغول بوده و در شعر و ادب دستی داشته و از علوم دینی بابهره بوده است. تاریخ تولد و وفاتش به دست نیامد. این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «خرقه علی» به شکل کتاب کشکول است. ۲. «شرح نهج البلاغه»، به فارسی که در سال ۱۰۰۴ق، کتابت شده است. این رباعی از اوست:

ما صورت خود به کاغذی ساخته ایم زین ره به خیال هرکسی تاخته ایم

این نغمه مستانه در این باغ نبود ما گوش به حرف هرکس انداخته ایم(۲)

خواجه صدرالدّین علی طبیب

خواجه صدرالدّین علی طبیب، جدّ اعلای میرزا محمّدطاهر نصرآبادی مؤلّف تذکره نصرآبادی است. در اصفهان سمت حکمرانی داشته و بانی مدرسه و خانقاه میرزا ابوالقاسم نصرآبادی در نصرآباد است.(۳)

[میرزا طاهر نصرآبادی در شرح حال خود نوشته است که جد اعلای او خواجه

۱- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، صص ۲۶۴۶ و ۲۶۴۷؛ تذکره روز روشن، ص۴۸۱؛ تذکره منتخب اللّطایف، ص۳۹۴.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، صص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ تذکره شاعران فارسی سرا، صص ۱۴۶ و ۱۴۷؛ فهرست مجلس، ج۲، ص۵۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۱؛ مزارات اصفهان، ص۳۴۱.

صدرالـدّین علی در زمـان میرزا سـلطان محمّـد گورکـان (که از طرف شاهرخ حاکم اصـفهان بود) دارای اعتبار فراوان بوده و مالك آب و زمین بسـیار بوده و سه مدرسه ساخته است: یکی در حوالی مسـجد جامع قدیم که دارای کتیبه ای بوده که از بین رفته است. دیگری در محلّه باباقـاسم و دیگری در نصـرآباد و موقوفاتی بر آن معین نموده که در سـردر مـدرسه بر روی چوب نوشـته و حکّاکی کرده بودنـد که شامل تمامی نصـرآباد و چند محل در اطراف آن و تمامی قریه بیدهند گلپایگان و دودانگ خوانسار.(۱)

متأسـفانه قسـمت هـای مهمی از کاشـیکاری هـا، تزئینـات و کتیبه هـای نفیس و ساختمـان قـدیم خانقاه و مـدرسه نصـرآباد در تعمیرات و تغییرات سال های اخیر از بین رفته است. شـرح مفصّل تزئینات هنری و خصوصـیات معماری این اثر را مرحوم استاد دکتر هنرفر در کتاب خود آورده اند.(۲)]

صدرالدّین علی طبیب اصفهانی*

صدرالـدّین علی اصـفهانی (معروف به «صـدرعلیا») از اطبـاء ماهر عهـد صـفویه است. از تولّـد و وفات و اساتیـد او اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابی در طب به فارسـی موسوم به «ادویه العین منتخب از مجرّبات صدرعلیا طبیب اصفهانی» است که به شماره ۴/۱۳۴۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است و ظاهرا در اواخر قرن دهم هجری کتابت شده است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۶۶۶.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۲۹-۳۳۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۳۴، ص ۱۳۰.

شیخ علی عاشق آبادی

از مدفونین امام زاده ابراهیم (در قریه زمان آباد، معروف به نرمی، نزدیک دولت آباد) حاج ملّا علی عاشق آبادی، از شاگردان آقا سیّد محمّدباقر درچه ای(۱) [است.

شیخ علی عاشق آبادی، از علماء و مدرسین فقه و اصول، عالمی بااستعداد و پرحافظه و خوش بیان بود. در مدرسه نیم آورد و جدّه بزرگ فقه و اصول را درس می داد. بسیاری از فضلاء در حوزه درس او حاضر شده و هم اکنون در قم به تدریس اشتغال دارند. خود آن مرحوم نزد شیخ محمّدحسین فشارکی، سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، حاج میرزا محمّدصادق یزدآبادی (خاتون آبادی) و سایر علماء درس خوانده بود.

شیخ هبه اللّه هرندی، شیخ محمّدعلی حبیب آبادی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی، شیخ احمد فیاض سدهی، حاج سیّد مصطفی مهدوی،(۲) (سیّد نصراللّه درچه ای و سیّد احمد منتظری مهریزی) (۳) نزد او درس خوانده اند.

او در سال ۱۳۰۹ش در سن ۴۰ سالگی وفات نمود و در قبرستانی در جاده انوشیروان دفن شد. در زمان محمّدرضا شاه پهلوی جاده را از آن قبرستان گذرانیده، خیابان کشیدند و آن قبرستان از بین رفت.

پسرش شیخ محمّدرضا عاشق آبادی که از وعاظ اصفهان و عاشق آباد است، در سال ۱۳۰۲ش متولّد شده و نزد شیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی، فیاض سدهی و سیّد علی اصغر برزانی درس خوانده و فعلاً در مدرسه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۶۹.

۲- یادداشت های استاد ابراهیم جواهری.

۳- شرح مجموعه گل، صص ۵۹ و ۶۰.

چهارباغ حجره دارد و به بیماری قند مبتلا شده است.]

دکتر علی غیور نجف آبادی*

دکتر علی غیور، طبیب و شاعر ادیب معاصر در سال ۱۳۰۹ش در نجف آباد متولّد شد و تحصیلات خود را تا اخذ دکترای پزشکی ادامه داد. در سرودن شعر طبعی روان دارد و «غیور» تخلّص می کند. از اوست:

متاع عشق تو را گر به زر خرید رقیب مکن معامله چون من به جان خریدارم

در این زمانه که هر کسی به سیم و زر دل داد منم که دل به کف آورده پیش دلدارم(۱)

غیاث الدّین علی فراقی*

خواجه غیاث الدّین علی اصفهانی متخلّص به «فراقی» شاعر و ادیب توانا در اواخر قرن دهم هجری. مردی دیندار و متقّی و پرهیزکار بود. گاهی شعر می سرود.(۲) او کتابی در شیوه نامه نگاری و انشاء نوشته که به «دستور نامه نگاری» یا «منشآت» معروف است و نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه دیگری نزد دکتر اصغر مهدوی در تهران موجود است.(۳)

این رباعی از اوست:

تا چند به یاد تو هماغوش شوم تا کی به خیالی ز تو خاموش شوم

۱- دیباچه دیار نون، ص۲۱۱.

۲- خلاصه الاشعار (بخش اصفهان) ، ص۴۰۴.

۳- الذریعه، ج۲۳، صص ۳۳ و ۳۴.

ترسم که ز امتداد ایام فراق یکباره ز خاطرت فراموش شوم

شیخ علی فقیه فریدنی

آقا شیخ علی فقیه فریدنی، عالم فاضل ادیب [از علمای قرن چهاردهم هجری] در فریدن متولّد شده و نزد ملّا صالح چادگانی تحصیل نمود. سپس به اصفهان آمد و در درس آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی، جهانگیرخان قشقائی، آقا سیّد محمّد مدرس نجف آبادی [و شیخ اسداللّه حکیم قمشه ای] حاضر شد و در مدرسه جدّه [«فرائد» و «متاجر» و «شرح تجرید» علاّمه و «منظومه» را] تدریس نمود.

در اواخر عمر در اداره اوقاف به فعالیت پرداخت و رئیس دادگاه تحقیق اوقاف اصفهان شد. او سرانجام در ۳ ذیحجه ۱۳۷۳ق وفات یافت و در تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

ملّا علی فناء اورگانی*

ملّا علی اورگانی لنجانی اصفهانی متخلّص به «فنا»، از شعراء و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری. در نوجوانی به اصفهان آمده به تحصیل پرداخت. همچنین خطوط شکسته، ثلث، رقاع و نسخ را مشق نمود و آنها را خوش نوشت.

او پس از آزارها و سختی هایی که از بدخواهان دید به واسطه آقا میر سیّد محمّد امام جمعه، به دستگاه منوچهرخان معتمدالدوله راه یافت و با سرودن قصایدی او را مدح کرد. همچنین در مدح حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی اشعاری سرود. از سال وفات او اطلاعی در دست نیست.

او «تذکره مدایح المعتمدیه» تألیف میرزا محمّدعلی مُذَهِّب اصفهانی متخلّص به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۲؛ علوم و عقاید، ص۱۰.

«بهار» را با مختصر تغییراتی رونویس کرده و به نام خود کرد و به منوچهرخان معتمدالدوله تقدیم داشت!

ملاّـ علی (فنا) بن اسماعیل اصفهانی که از خوشنویسان و کاتبان نیمه اول قرن چهاردهم هجری است و در مسجد سرخی اصفهان ساکن بوده به احتمال قوی از نوادگان اوست.(۱)

میرزا علی فقیهی خوراسکانی*

حاج میرزا علی فقیهی خوراسکانی، عالم فاضل صالح متوفی به سال ۱۳۸۰ق و مدفون در تکیه ملک در تخت فولاد اصفهان. این شعر بر سنگ قبر او نوشته شده است و سروده خود اوست:

سمّی شاه ولایت برفت از دنیا به عشق دیدن مولای خود سوی عُقبی

تمام عمر به وعظ و مصائب شه دین بُد اشتغال وی آنکه ز روی صدق و یقین

بُدی نبیره زهرا ز نسل دختر او خدای بخش ز رحمت پدر و مادر او

نداشت توشه ره جز امید غفّور اِله که ما خَلَق همه باشند فقیر آن درگاه

هزار و سیصد و هشتاد بود از هجرت که بار بست به جنّت حَقَّش کند رحمت

حاج سیّد علی قاضی عسکر*

حاج سیّد علی قاضی عسکر، از علماء معاصر اصفهان در ۵ خرداد ۱۳۳۳ش (مطابق با ۲۳ رمضان ۱۳۷۳ق) در اصفهان متولّد شد و از ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شد و نزد شهید سیّد حسن بهشتی نژاد و مرحوم حاج آقا طه کافی دروس مقدماتی را

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۱۶ و ۳۳۱-۳۳۳؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۲، صص ۱۹۱-۲۰۱.

فراگرفت. سپس به قم رفته و نزد حضرات آیات: ستوده، خزعلی، شهید مطهری، مشکینی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی و جوادی آملی تا مرحله خارج ادامه تحصیل داد.

او قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (در سال ۱۳۵۷ش) از مبارزان و فعالان انقلابی و از طرفداران امام خمینی بود و پس از پیروزی انقلاب از کسانی بود که تدوین و تنظیم پیش نویس اساسنامه نهاد نمازجمعه را برعهده داشت. سپس به عنوان عضو شورای مرکزی ائمه جمعه و مسؤول امور فرهنگی دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه و پس از رحلت امام خمینی (سال ۱۳۶۸ش) با حکم رهبر انقلاب به عضویت شورای سیاست گذاری ائمه جمعه منصوب شد.

او در سال ۱۳۷۲ش دانشکده علوم حدیث و کتابخانه تخصصی آن را تأسیس کرد. همچنین سال های متمادی در امور حج فعال بود و در بعثه امام خمینی و رهبری انقلاب آیت اللّه خامنه ای در پست های مختلف به خدمت مشغول بوده است که تأسیس مرکز تحقیقات و کتابخانه تخصصی و موزه حج از فعالیت های مهم او به شمار می روند.

او در سال ۱۳۷۶ش به عنوان امام جمعه موقت اصفهان منصوب شد و تا ۵ سال به اقامه نماز جمعه پرداخت. رهبری انقلاب در سال ۱۳۸۸ وی را به عنوان نماینده رهبری و سرپرست حجاج ایرانی منصوب کرد.

آقای قاضی عسکر عالمی دانشمند و محقق پرکار به شمار می رود که علاوه بر تألیف ۱۶ جلد کتاب و نوشتن ده ها مقاله، مجلات تخصصی میقات حج، میقات الحج، فرهنگ زیارت و علوم الحدیث را مدیریت کرده است.(۱)

۱- دو ماهنامه «صفا» سال چهارم: شماره ۳۰، آذر و دی ۱۳۸۸، صص ۵ و ۶.

درویش علی قائنی

درویش [علی] قائنی، شاعر ادیب در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل علوم دینی می پرداخته و به خوش طبعی و سلاست شعر موصوف بوده است و او را «ملاّ ـ درویش» می گفته انـد. وفاتش را در سال ۱۱۸۵ق نوشـته اند [و این اشتباه است زیرا به همراه معتمدالدّوله نشاط (متوفی ۱۲۳۴ق) در اوایل قرن سیزدهم هجری سفری به شیراز داشته است.

از اوست:

من و رقیب نشستیم هر دو بر راهت به جانب که افتد تا ز راه لطف نگاهت(۱)]

ملاّ علی کُهیازی (شیخ الاسلام)*

ملال علی کُهیازی (شـیخ الاسـلام) ، عالم فاضل زاهـد متّقی. در روسـتای کُهیاز اردسـتان متولّـد شد و در اصـفهان نزد علمای عالیقدر حوزه شـیخ محمّدتقی آقانجفی، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی، آخوند ملاّ محمّدحسـین فشارکی، شیخ مرتضی ریزی و آقا سیّد مهدی درچه ای کسب فیض نمود.

او عمر خود را به عبادت خـدا و تبلیغ دین و عمل به دسـتورات قرآن کریم و خـدمت به خلق خـدا گذراند و سـرانجام در سال ۱۳۷۵ق وفات یافته و نزدیک مزار ملاّ اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- تذکره دلگشا، ص۴۸۷؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۹۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۶۱۹؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۵۰۳ و ۵۰۴؛ الذریعه، ج۹، ص۳۲۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۲؛ بهارستان، ص۲۸۰.

۲- بزم معرفت، صص ۲۴۱-۲۴۵.

ملّا علی لنجانی (بهمن علی)

آخوند ملّا علی لنجانی اصفهانی متخلّص به «بهمن» و ملقّب به «بهمن علی» [از عرفاء و علماء اواخر دوره قاجاریه.

در جوانی برای تحصیل به عتبات عالیات رفته و در نجف اشرف به اجتهاد نائل شد و سپس به سیاحت پرداخت] و به شیراز رسید و به «رحمت علی شاه» دست ارادت داد. پس از وفات او به «حاج محمّدکاظم سعادت علی شاه اصفهانی» پیوسته و به «بهمن علی» ملقّب شد. [پس از مهاجرت «سعادت علی شاه» جهت تعلیم فرزندانش همراه او راهی تهران شد. و پس از وفات مراد و شیخ خود، با حاج ملّا سلطان محمّد گنابادی تجدید عهد کرد و] در زاویه حضرت عبدالعظیم در شهرری معتکف گردید و در ماه صفر ۱۳۰۹ق وفات نمود و جنب مزار شیخ خود «سعادت علی شاه» مدفون شد.(۱)

[این شعر از اوست:

گر ساکن میخانه و گر سوی کنشتیم ما دامن معشوق خود از دست نهشتیم

در کعبه و بتخانه و در دیر و کلیسا جز یار ندیدیم به هر جای که گشتیم

ما طالب اوییم که اندر تک و پوئیم گر قاعد بحریم و اگر سائر دشتیم(۲)]

مهندس علی محمودیان*

مهندس علی محمودیان، از طراحان فرش و مرمّت گران نقاشی در عصر حاضر در سال ۱۳۲۶ش در جونقان از توابع استان چهارمحال و بختیاری متولّد شد و پس از طی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۶۶ و ۶۶۷.

۲- نابغه علم و عرفان، صص ۴۳۲-۴۳۵؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۴۳۲ و ۴۳۳؛ شمس التّواریخ، صص ۸۳ و ۸۴.

تحصیلات ابتدایی به اصفهان آمد و در هنرستان هنرهای زیبا به تحصیل پرداخت. ابتدا زیر نظر استاد جزی زاده طراحی را شروع کرد. سپس از اساتیدی چون عیسی بهادری، رضا ابوعطا و مصور الملکی بهره گرفت و در کنار آن در زمینه طراحی فرش نزد استاد احمد ارچنگ شاگردی کرد.

او پس از اتمام سربازی به استخدام دفترفنی سازمان ملّی حفاظت آثار باستانی درآمد و به دنبال همکاری با مؤسسه ایتالیائی ایزمئو، به ایتالیا رفت و در رشته مرمت آثار لیسانس گرفت. او در بسیاری از مرمت ها به عنوان کارشناس مرمّت آثار نقاشی فعالیت نموده و پس از بازنشستگی به رشته طراحی فرش بازگشت.(۱)

علی مدرس شهرضائی

علی مدرّس شهرضائی از شعرای معاصر است. در جلد دوم تاریخ تجدید حیات ایران این اشعار را بدو نسبت داده است:

می رسد روز سعادت شاد و خرسندیم ما غرقه در خون همچو گل در حال لبخندیم ما

بهر خوشبختی خود طرح نو افکندیم ما ریشه بیگانه از این خانه برکندیم ما

خانه خود را دلازین پس خداوندیم ما(۲)

۱- معماران و مرمّت گران سنّتی اصفهان، صص ۳۰۵ و ۳۰۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۴۰.

دکتر علی مستشفی

دکتر علی مستشفی در سال ۱۳۱۷ق در قریه حبیب آباد بُرخوار اصفهان متولّد گردید. در اصفهان و طهران تحصیل نمود. از اطبای حاذق به شمار می رفت. در شب ۱۱ جمادی الاولی سال ۱۳۷۳ق در طهران وفات یافت.

کتب زیر از اوست:

۱. «ازدواج و حفظ الصّحه»۲. «وبائیه» که آن را به اتفاق دکتر رضا بصیر نوشته است.(۱)

میر سیّد علی مشتاق اصفهانی

میر سیّد علی حسینی اصفهانی متخلّص به «مشتاق» شاعر ادیب و از بزرگان شعراء و ادباء [در قرن دوازدهم هجری] در حدود سال ۱۱۰۰ متولّد شد. از سادات عباس آباد اصفهان است. انجمن ادبی داشته و در برگشت سبک نامطلوب هندی به سبک عراقی رنج ها برده تا بالاخره به کمک دوستان و شاگردان خود [از جمله: آذر، هاتف، صهبا، صباحی، عاشق، رفیق، نصیر، طبیب، درویش عبدالمجید، صبوح و شعله] موفّق گردیده است.

مشتاق در سال ۱۱۷۱ق وفات یافته است. در مقدمه دیوان مشتاق درباره آرامگاه او گوید: در تکیه شیخ زین الدّین اصفهان به خاك رفت. تاکنون تکیه ای به نام شیخ زین الدّین در اصفهان نمی شناسیم و محل قبر مشتاق را نیز به طور قطع نمی دانیم. در بین مردم مشهور بوده که قبر مشتاق در تکیه آقا رضی (سیّد رضی الدّین محمّد شیرازی) در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۰۹و ۸۱۰.

تخت فولاد است. ولی آثار قبر مشهود نیست.

مادّه تاریخ وفاتش را «رفیق اصفهانی» چنین گفته است:

بهر تاریخ او نوشت «رفیق» «جای مشتاق در جنان بادا»

دیوان اشعار او حدود سه هزار بیت بوده و آذر و هاتف و صهبا آن را جمع آوری و تنظیم کرده اند. نسخه های زیادی از این دیوان در کتابخانه ها موجود است. آقای حسین مکّی دیوان او را تصحیح کرده که چندین بار به چاپ رسیده است.(۱)

این شعر از اوست:

[بس شیشه دل ها که شکستی ای عشق بس رشته جان ها که گسستی ای عشق

دست همه را ز پشت بستی ای عشق دستی ای عشق و پشت دستی ای عشق]

دلم دانسته در دام تو افتاد تو پنداری که صید غافلی بود

تاج الدّین علی معلّم

تاج الدّین علی معلّم، از خوشنویسان اصفهان در قرن دهم هجری است. از او کتیبه ای به خط ثلث بر روی کاشی در ایوان جنوبی مسجد جامع اصفهان موجود است که در

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۴۲ و ۶۴۳؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۳۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۹۳۸-۹۴۰؛ تذکره اختر، ص۱۶۸؛ تذکره سفینه المحمود، ص۲۹۵؛ تذکره روز روشن، صص ۷۳۸-۷۴۰؛ دیوان مشتاق: مقدّمه؛ تاریخ ادبیات (شفق) ، ص۵۸۱؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۳۱۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰۴۳؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۱۹۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «مشتاق»، ص۴۷۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۳۹۰.

حدود سال ۹۳۸ق نوشته شده است.(۱)

میرعلی معمار*

میرعلی معمـار، از هنرمنــدان و خوشــنویسان اصــفهان در اواخر قرن دهـم و اوایـل قرن یـازدهم هجری اسـت. از او کـتیبه ای کاشیکاری به خط ثلث و مورّخ به سال ۱۰۰۲ق وجود دارد که رقم آن «کتبه میرعلی معمـار» است. این کـتیبه در ایوان جلوی امامزاده ابراهیم در روستای کاج از توابع براآن اصفهان واقع شده است.(۲)

ملاّ علی میرزا کتابفروش

ملاّ ـ علی میرزا، کتـابفروش فاضـل [در اواخر دوره قاجـاریه] عموم فضـلاء اصـفهان خواهان کتاب های او بودنـد و با او مراوده داشـتند. او علاوه بر کتابفروشـی در زمان حاج سـیّد جعفر بیدآبادی (فرزند سیّد حجه الاسلام) مؤذن مسجد سیّد اصفهان بوده است.(۳)

صدرالدّین علی نصرآبادی

خواجه صدرالدّین علی نصـرآبادی، بانی تکیه و خانقاه نصـرآباد، که از بین رفته و فعلاً قسـمتی از سـردرب آن باقی است.(۴) میرزا محمّدطاهر نصرآبادی مؤلف «تذکره نصرآبادی» از اعقاب اوست و در مقدمه تذکره از جدّ خود یاد کرده است.

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۹۶؛ آثار ایران، ج۴، ص۸۳.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۲۸۶.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۹۵.

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۲۹.

حاج ملاّ علی نوری قمشه ای*

حـاج ملاّ علی نوری (اعمی) ، عالم فاضل جلیل القـدر از علمای قرن چهاردهم هجری، در قمشه (شـهرضا) متولّـد گردیـد و از سن صباوت که خواندن و نوشـتن را فراگرفت، فاقد بینائی چشم ظاهری گردید. سـپس در فقه و اصول تحصیل کرد. در علوم غریبه نظیر اعـداد و طلسـمات مهـارت داشت. او از فضـلاء مورد احترام علمـای شـهرضا و اصـفهان بوده و از جمله آخونـد ملاّ حسین فشارکی در سال ۱۳۴۷ق و آقا سیّد محمّدشریف تقوی شیرازی به او اجازه روایت و نقل احادیث داده اند.

وی سال ها در شهرضا به تدریس مقدّمات و سطح مشغول بود. زندگی را با قناعت و شکر و رضا سپری می نمود و در تقویت روح به صوم و سلوک و اذکار قلبی می پرداخت.

ده ها تن از فضـلای برجسـته شـهرضا نزد او تحصـیل کرده و کسب معرفت نموده اند از جمله: حاج سـیّد علی حجازی و حاج شیخ مظفر فرزانه.

وی سرانجام در سال ۱۳۶۵ق وفات یافته و در صـحن مقبره سـیّد خاتون شهرضا مدفون شد. مرحوم محمّدحسین مدرسی اسفه ای متخلّص به «قانع» ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

گفت «قانع» بسال تاریخش رفته نوری بجنب نورانی(۱)

۱۳۶۵

۱- تاریخ شهرضا، ج۲، صص ۳۲۸-۳۳۱.

علی اشرف اصفهانی

علی اشـرف بن محمّدقاسم اصفهانی [کاتب نستعلیق نویس قرن دوازدهم هجری] در ۴ جمادی الثّانی ۱۱۷۴ق کتابت نسخه ای از زادالمعـاد علاّمه مجلسـی را به خط نسـتعلیق به پایان رسانیـده و کتاب به شـماره ۶۲۸ در کتابخـانه آیت اللّه مرعشـی در قم موجود است.

روی برگ اوّل این جمله دیده می شود: ««اعمال السـنه» للعلامه المیر علی اشرف بن المولی محمّدقاسم الاصفهانی و هو کتاب نفیس جـدّا فرغ من تـألیفه سـنه ۱۱۷۰»(۱) و این گفته اشـتباه محض است. [و کتـاب همـان «زادالمعـاد» تـألیف: علاّمه مجلسـی است.]

علی اصغر اصفهانی*

علی اصـغر اصـفهانی، از صـنعتگران هنرمند قرن دوازدهم هجری است. او در شمشـیرسازی و فلزکاری زبردست بوده است. از آثار او شمشیر بسیار زیبا و هنرمندانه ای است که در سال ۱۱۸۹ق برای کریم خان زند ساخته است.(۲)

دکتر علی اصغر اعتمادی

دکتر علی اصـغر اعتمادی دانشـمند و محقّق معاصر در سال ۱۲۹۳ش در اصـفهان متولّد شد و در این شهر تحصیلات ابتدائی و متوسّـطه را انجام داده و سـپس در رشـته علوم، به تحصیل در دانشگاه تهران مشغول شد و پس از اخذ لیسانس و انجام خدمت سربازی به تدریس در دبیرستان های اصفهان پرداخت. چندی بعد در رشته زیست شناسی در

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۲۹.

۲- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۳۴.

دانشکده پزشکی اصفهان ادامه تحصیل داده و دکترا اخذ نموده و به تدریس در آنجا پرداخت.

کتاب های: ۱. «گیاه شناسی» ۲. «راهنمای کارهای عملی زیست شناسی جانوران»۳. «کارهای آزمایشگاهی بیولوژی گیاهی» از آثار اوست.

سیّد علی اصغر بقاء شهرضائی*

سیّد علی اصغر هاشمی متخلّص به «بقا» از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۳۵ش در روستای امین آباد شهرضا متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در شهرضا و متوسطه را در تهران (در کنار کار در کارگاه فرش) انجام داد. در نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. او در سال ۱۳۶۲ش به اصفهان بازگشت.(۱)

استاد علی اصغر صنیعی آباده ای*

استاد حاج علی اصغر صنیعی آباده ای فرزند احمد، هنرمند معاصر، در منبّت کاری و معرّق چوب استاد بوده است. در سال ۱۳۱۴ش متولّد شده و در ۸ مهرماه ۱۳۷۲ش در اصفهان درگذشت و در قطعه هنرمندان واقع در قبرستان باغ رضوان به خاک سپرده شد. او یکی از هنرمندانی است که به همراه استاد محمّد گلریز خاتمی کارهای منبّت و خاتم کاخ مرمر در تهران را انجام داد.(۲)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۱۹.

۲- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

سیّد علی اصغر میر محمّد صادقی

سیّد علی اصغر میر محمّد صادقی فرزند سیّد جعفر، عالم فاضل [از علمای اواخر دوره قاجاریّه] ساکن در قریه زمان آباد بُرخوار اصفهان و امام جماعت و پیشوای اهل محل بود. در جمعه ۲۰ شعبان ۱۳۳۱ق وفات یافته و در حرم امامزاده نرمی [در زمان آباد] مدفون گردید.(۱)

علی اصغر فومنی

علی اصغر بن حسن فومنی جیلانی [از فضلای قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۲۷ق «شرح هیئت» قوشچی تألیف: مصلح الدّین لاری را در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان کتابت نموده است. نسخه به شماره ۹۰۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

علی اصغر کافی

علی اصغر افرهی متخلّص به «کافی» فرزند میرزا حسن خان شیرازی، از کارمندان اداره دارایی اصفهان بوده و گاهی شعر می گفته است.

از اوست:

آن شنیدم که گفت برزگری با خداوند مال بی هنری

کای به جاه و جلال خود مغرور وی شده از طریق معرفت دور

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۰؛ مزارات اصفهان، ص۷۵.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۲۳.

ای نکوهیده خوی بی فرهنگ همچو طبل تهی پر از آهنگ

هیچ دانی ز چیست سیم و زرت این همه حشمت و جلال و فرت

سیمت از اشک دیدگان من است زرت از خون طفلکان من است

صبحگاه آن که خوش به بستر ناز بوده ای با پری رخی دمساز

موسم دی به فصل تابستان بوده ام من به سوی دشت روان

شب و روزم گذشته با غم و رنج تا که حاصل مراشد این همه گنج

چون زنی مایه حیات تو راست اینقدر نخوت و غرور چراست

گر که خواهی که رستگار شوی بایدت نیک و راستکار شوی

نیست مردی و رسم دینداری که دلی را ز خود بیازاری

علی اصغر نجف آبادی

علی اصغر بن حاج محمّدحسن نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۲۵ق کتابت سه مُجَلَّد کتاب «تذکره الفقهاء» علاّمه حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه به شماره های ۳۳۲۸ و ۳۳۲۹ و ۳۳۳۰ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

سیّد علی اصغر برزانی

آقا سیّد علی اصغر برزانی (مدرس نجفی) فرزند سیّد محمّدحسین حسینی برزانی، عالم فاضل زاهد، فقیه مجتهد محقّق [از علماء و مدرسین عالیقدر اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در حدود سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علماء اصفهان از

۱- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش دوم، ص۸۱۰.

جمله: آقا سیّد محمّدباقر درچه ای تحصیل کرد. سپس در نجف اشرف از محضر درس آیات عظام: آقا ضیاءالدّین عراقی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی بهره برده و به مقام عالی اجتهاد نائل شده و به اصفهان مراجعت نمود.

او سال ها در مدرسه چهارباغ و مدرسه صدر بازار تدریس می نمود. و در تدریس کتاب «قوانین الاصول» استاد منحصر به فرد و بی نظیر و در تدریس «فرائد» فرید و وحید بود.

وی در روز جمعه ۱۷ ذیقعده الحرام سال ۱۳۹۵ق [مطابق با ۳۰ آبان ۱۳۵۴ش] وفات یافته و در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

[مشارٌ الیه داماد شاعر و عالم ادیب ملّا محمّدکاظم مروّج بیدآبادی است. «بَرزان» قبلاً از دهات ماربین در غرب اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته و در شمار محلاّت اصفهان است. «برز» به معنی کشت و زرع و زمین زراعتی است. حاشیه جنوبی اصفهان به «بَرز رود» جِی معروف بوده و دهی به همین نام «برز رود» از توابع شهرستان نطنز است.]

علی اصغر نجف آبادی

علی اصغر بن زین العابدین نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در ذیقعده ۱۲۵۶ق کتاب «شرح منظومه خلاصه الابحاث» [تألیف:] شیخ محمّدفاضل مشهدی را نوشته است که ضمن مجموعه شماره ۴۳۳۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

او در سال ۱۲۶۵ق رساله «عیشه راضیه» مرحوم آقا سیّد محمّد شهشهانی را به خط

۱- ارمغان اصفهان، ص۸۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۵۵؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۹۷.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۲۳.

نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۴۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شاید کاتب شاگرد مرحوم شهشهانی باشد.

[همچنین] در قرن ۱۳ مجموعه ای شامل چند رساله را به خط نسخ نوشته که به شماره ۳۷۴۰ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

علی اصغر اصفهانی

علی اصغر بن عبدالجبّار اصفهانی [از فضلای قرن سیزدهم هجری] بین سال های ۱۲۶۵ و ۱۲۷۳ق کتاب «السّامی فی الاسامی» میدانی را با چند نسخه تطبیق نموده و لغات عربی را از «قاموس» و ترجمه آن و لغات فارسی آن را از «برهان» استخراج و تصحیح نموده (و بنا به قول آقای منزوی گاهی تصحیف) و در طهران به چاپ سنگی منتشر ساخته است.(۳)

دکتر علی اصغر انصاری

دکتر علی اصغر انصاری [فرزند علی]، طبیب ماهر. [در سال ۱۳۰۰ش در اصفهان متولّد شد. او از دانشگاه اصفهان و شیراز تخصص چشم پزشکی گرفت و دوره طبّ قانونی را در دانشگاه پاریس گذراند و همچنین در رشته قضایی دارالفنون تهران تحصیل کرد. سپس در خدمت دادگستری در مشاغل مختلف از جمله دادستان کل در استان های فارس، کرمانشاه و اصفهان خدمت نمود. آخرین سمت او ریاست یکی از

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۳۳.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش چهارم، ص۱۷۲۴.

۳- فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص۳۴.

شعب دیوان عـالی کشور و رئیس پزشـکی قانونی کشور بود. وی به زبان های انگلیسـی و فرانسه کاملاً مسلّط بود و اطلاعات زیادی در تاریخ ادبیات فارسی و علم انساب داشت. از او مقالاتی درباره «تراخم» موجود است.(۱)]

وی در سال ۱۳۸۷ق وفات یافته و در اراضی غربی تکیه بابا رکن الدّین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانا و ادیب گرانقدر میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (بُرنا) گوید:

زد رقم سال وفاتش «برنا» «دکتر انصاری ما شد ز جهان»(۲)

سیّد علی اصغر طباطبائی زواره ای

سیّـد علی اصـغر بن محمّـدقاسم [بن علی عسـکر بن قـاسم بن علی] طباطبائی زواره ای، [عالم فاضل جلیل، از سادات طباطبایی مدینه السادات زواره است. پدرانش از زواره به کاشان مهاجرت کردند و صاحب عنوان در کاشان متولّد شده و جهت تحصیل به اصـفهان آمـد و نزد عدّه ای از اعلام آن شـهر خصوصا ملاّ علی اکبر اژه ای تحصـیل کرد. وی در چهارشـنبه ۲۰ ذی القعده ۱۲۳۵ق کتاب «مفاتیح الشرایع» را به خط نسخ کتابت کرد.(۳)]

او در سال ۱۲۲۹ق کتاب «زبده المعارف» استادش اژه ای را به خط نسخ نوشته که به شماره ۳۹۵۲ در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است.(۴)

۱- دانشنامه تخت فولاد، ج۱، ص۲۴۰.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۴.

۳- تراجم الرجال، ج۱، ص۳۹۵.

۴- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش چهارم، ص۲۰۸۷.

علی اصغر نصرآبادی جرقویه ای*

علی اصغر بن محمّدکریم نصرآبادی جرقویه ای، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. او در ۱۳ رجب ۱۲۵۳ق کتاب «جنّات الوصال» نورعلی شاه اصفهانی را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۶۳۱۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

استاد علی اصغر صانعی پور*

استاد علی اصغر صانعی پور فرزند آقامحمّد، از هنرمندان توانای معاصر در اول اردیبهشت ۱۳۰۰ش در محلّه «شیش» بیدآباد اصفهان متولّد شد و در این شهر تحصیل در مکتب خانه و سپس ابتدائی و متوسّطه را انجام داد. از حدود ۸ سالگی نزد استاد یداللهی به فراگیری رسم و گره (از تزئینات هنری نقاشی) مشغول شده و پس از آن گچبری را آموخت. همچنین نزد استاد حسین خوشنویس زاده، مینیاتور، سوخت، تذهیب و تشعیر را یاد گرفت و از تجارب اساتید نقاشی اصفهان حاج مصور الملکی، میرزا آقا امامی و میرزا عبداللّه مصوّر طاهری بهره گرفت. و در تهیه رنگ و روغن کمان، طلاکوبی نقاشی آبرنگ و رنگ روغن مهارت به سزایی یافت.

او در سال ۱۳۱۸ش به تهران رفت و از تجارب استاد حسین بهزاد بهره گرفت.

او پس از بازگشت به اصفهان در کنار نقاشی، به دکورسازی برای صحنه های نمایش پرداخت و به تئاتر اصفهان خدمات ارزنده ای نمود. همچنین با علاقه ای که به تئاتر داشت، به همکاری با هنرمندان نمایش پرداخت و چندین نمایشنامه نوشت و در

۱- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۶۹.

طراحی لباس، گریم و ماکت سازی برای نمایش فعالیّت نمود.

او در نقاشی از رنگ های سنّتی به جای رنگ های شیمیایی و به شیوه سنّتی، از روغن کمان برای نقاشی روغنی استفاده می کرد و در مینیاتور صاحب سبک مخصوص بود و به خاطر آثار هنرمندانه خود چندین تقدیرنامه از مقامات استانی و کشوری دریافت نمود.

استاد صانعی در هفتم آذر ۱۳۸۳ش بدرود حیات گفت و در قبرستان باغ رضوان اصفهان (قطعه نام آوران) به خاک سپرده شد.

از آثار ارزنده او نقاشی های تزئینی هتل شاه عباس اصفهان است. بسیاری از آثار او در نمایشگاه هایی در ایران، انگلستان، فرانسه، آلمان و ایالات متّحده آمریکا به نمایش گذاشته شده است. او شاگردان زیادی پرورش داده و سال ها در مراکز هنری و دانشگاهی خصوصا دانشکده پردیس اصفهان و دانشگاه هنر تهران به تدریس نقاشی و راهنمایی هنرجویان مشغول بوده است.(۱)

سیّد علی اصغر قریشی سمیرمی*

سیّد علی اصغر قریشی فرزند سیّد محمّد، عالم فاضل جلیل، از علمای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۷۶ش در روستای «ونک» سمیرم متولّد شد. در نوجوانی به اصفهان آمد و نزد علمای این شهر خصوصا حکیم جهانگیرخان قشقائی و آخوند ملّا محمّد کاشانی تحصیل کرد، آنگاه به دهاقان رفت. او در نواحی سمیرم و بختیاری به تبلیغ دین مشغول بود و از طرف آیت اللّه بروجردی مسؤول پاسخگویی به مسائل شرعی و جمع آوری وجوهات بود.

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ گلشن نام آوران، صص ۲۰۰-۲۰۵.

سرانجام در سال ۱۳۲۲ش در روستای «سونک و بوگر» از توابع لُردگان درگذشت و همانجا مدفون شد.(۱)

علی اصغر اصفهانی

علی اصغر بن بابا مرتضی اصفهانی [از خوشنویسان قرن یازدهم و دوازدهم هجری] در سال ۱۰۷۸ق کتاب «الزّوراء» تألیف: ملّا جلال دوانی را کتابت نموده و نسخه ضمن مجموعه شماره ۶۴۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

[همچنین در سال ۱۱۱۵ق «گلشن خیال» تألیف: میرزا محمّدطاهر نصرآبادی را کتابت کرده است و به شماره ۱/۱۲۱۴۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۳)]

علی اصغر چهارمحالی

علی اصغر چهارمحالی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در تاریخ شنبه ۲۳ محرّم ۱۲۳۵ق کتابت نسخه ای از «نهایه الوصول الی علم الاصول» تألیف: علاّمه حلّی را به خط نسخ به پایان رسانیده است و نسخه تصحیح شده و به شماره ۱۹۲۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

۱- سیمای دهاقان، ص۲۸۹.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۴۳۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۳۰، ص۶۰۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۵، ص۲۹۶.

علی اصغر دهنوی

علی اصـغر دهنوی از فضلاء و نویسندگان کتاب در قرن سیزدهم هجری بوده است. از آثارش کتابت نسخه ای است از: «شرح نفیسی» که کتـابت آن را در ربیع الاوّل سال ۱۲۶۲ق به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسـخه به شـماره ۲۲۴۶۰ (۱۵۲۲) در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۱)

ملاّ علی اصغر قهپایه ای

ملاّ علی اصـغر قهپایه ای اصفهانی، شاعر ادیب [از شاعران قرن یازدهم هجری] در شیراز ساکن بوده و همانجا فوت شده است. شاعری ملایم طبع و نمکین و خوش صـحبت بوده و در زمان وزارت محمّـدخان، تصدی محال حومه شـیراز را به عهده گرفته است.

از اوست:

بی وفا دلبر ما حرف وفا نشنیده است جز جفا نام دگر نام خدا نشنیده است(۲)

علی اکبر اصفهانی*

علی اکبر اصـفهانی، از خوشـنویسان خط نستعلیق در قرن سیزدهم هجری است. از او دو قطعه خوشنویسی، به تاریخ ۱۲۶۶ق به خط نستعلیق خوش در کتابخانه سلطنتی سابق در تهران موجود است.(۳)

۱- فهرست کتابخانه الهیات و معارف اسلامی، ج۲، ص۶۶۵.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۵۵۰.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۳۵.

علی اکبر بیک ارمنی اصفهانی

علی اکبر بیك ارمنی اصفهانی، مؤلّف رساله «شناخت» در شرح آزارهایی که از ارمنیان به او رسیده است. کتاب اعتراف نامه مانند است. نسخه فیلم آن به شماره ۳۰۲۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

میرزا علی اکبر اصفهانی قائنی

میرزا علی اکبر اصفهانی قائنی، شاعر ادیب. معاصر نادرشاه افشار بوده و بیرجندی در «بغیه الطالب» (در شرح حال علمای قائن) او را نام برده است.

وی را تألیفاتی است از جمله:

۱. «مقامات حسینی» منظومه فارسی در دوازده هزار بیت که نسخه ای از آن در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است. ۲. «مناقب الشیعه» منظومه ای به فارسی در دوازده هزار بیت.(۲)

ملاّ علی اکبر خوانساری

آخوند ملاّـ علی اکبر بن ابراهیم خوانساری اصفهانی، عالم فاضل زاهد متقی [از علمای قرن سیزدهم هجری] از خواص اصحاب و شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بوده و از محضر سیّد صدرالدّین محمّد عاملی و حاج سیّد محمّد قصیر در وقتی که در اصفهان سکونت داشته بهره برده و احتمالاً درک محضر مرحوم بحرالعلوم را نیز

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج۲، ص۲۰.

۲- الذریعه، ج۲۲، صص ۹ و ۳۲۸؛ فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۰۷.

نموده است و ظاهرا از آقا شیخ محمّدتقی بن ابی طالب اردکانی نیز بهره های علمی یافته و از مرحوم صدر و آقا سیّد محمّد قصیر مجاز بوده و حاج سیّد شفیع جاپلقی از او اجازه داشته است.

مرحوم جاپلقی در روضه البهیه درباره او می نویسد: «و من مشایخ المعاصرین الّذین استجزت منهم و اجازتی العالم العامل الزّاهد المحقّق المدقّق الاخ المسدّد و الرّفیق الممجد الاکبر آخوند ملّا علی اکبر الخوانساری اصلاً الاصفهانی موطنا».

مرحوم سیّد حجه الاسلام در اوایل امر در مسجد میرزا باقر (در محلّه بیدآباد) اقامه جماعت می نمود و چون مسجد سیّد را بنا کرد مرحوم مولی علی اکبر را به جای خود نصب نمود و پس از فوت صاحب عنوان، فرزند او آخوند ملاّ حسین و پس از مرگ او مرحوم آقا کمال الدّین فرزندش به جای او امامت می نمود.

او سرانجام در سال ۱۲۷۱ق وفات یافته و جنازه به نجف اشرف منتقل شده و در وادی السّلام مدفون گردید.

کتب و رسایل زیر از تألیفات صاحب عنوان است:

۱. «ادعاء المریض الطّلاق فی حال الصّحه» و آن را به دستور استادش سیّد حجه الاسلام تألیف نموده و کتابت نسخه در ۲۴ شعبان ۱۲۴۷ق پایان یافته است.۲. «اعطاء بدل المغصوب ان فقد» که در محضر سیّد حجه الاسلام طرح شده و تاریخ نسخه ذی القعده ۱۲۶۴ق می باشد.۳. «حجیّت ظن مجتهد مطلق نه مجتهد متجزی» در اصول، به عربی و استدلالی مفصّل در ۹ مقدمه و ۳ وجه نسخه به خط فرزند مؤلف مولی محمّدحسین بن مولی علی اکبر از روی خط مؤلف نوشته شده است.۴. «حجیّت ظن» از تقریرات آقا سیّد محمّدتقی اردکانی۵. «الزکوه» فقه استدلالی متوسّطی است.۶. «شرح ارشاد الاذهان» فقه استدلالی متوسطی است. دو قسمت آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.۷. «شرح الجعفریه» شرح مزجی استدلالی متوسّطی است بر

رساله «جعفریّه» محقّق کرکی. نسخه به خط مؤلّف به شماره ۸۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.۸. «عدم جواز الرّد فی الوقف» فقه، عربی استدلالی بسیار مفصّل۹. «عدم جواز مصالحه حق الرّجوع فی العدّه»۱۰. «نکاح بنت المزنی بها من الرّضاعه» فقه، عربی ۱۱. «الوقف علی من یصح و من لا یصح»(۱)

سیّد علی اکبر گلستانه

سیّد علی اکبر گلستانه ملقّب به «احتشام السادات» فرزند سیّد محمّدابراهیم، از اعاظم خوشنویسان خط شکسته [در دوره قاجاریه] است. در انواع خطوط بالاخص نستعلیق و شکسته مهارت داشته و آن را به شیوه درویش عبدالمجید می نوشته و در تهران ساکن بوده است.

در سال ۱۲۷۴ق متولّد شده و در سال ۱۳۱۹ق ضمن عمل جراحی وفات یافته و در قم مدفون گردید.

[قطعاتی از خطوط زیبای او در کتابخانه سلطنتی سابق و مجموعه خصوصی آقای افخم السّلطنه اعتضادی موجود است. مجموعه ای از قطعات خوشنویسی او با عنوان «گلستان گلستانه» به وسیله انتشارات مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است.(۲)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۸؛ تکمله نجوم السماء، ص۴۱۹؛ روضه البهیّه، ص۵۲؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار) ، ج۱، ص ۲۴۰؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۵۴-۳۵۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۷؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۴۱۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، صص ۴۳۷ و ۴۳۸؛ تذکره خوشنویسان معاصر، صص ۶۵ و ۶۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۷۹-۱۸۱؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۶۶؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۴۳۸ و ۴۳۹؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۷۱۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص ۳۸۱.

علی اکبر احتشامی*

دکتر علی اکبر احتشامی فرزند اسدالله بیگ، از فضلاء و ادبای قرن چهاردهم هجری. در ۱۸ شعبان ۱۲۹۱ق در شیراز متولّد شد. خاندانش از خانواده های قدیم خوراسکان بودند. پدرش که در دستگاه والی فارس (حسام السلطنه) به نظامی گری می پرداخت، عاقبت به اصفهان آمده و در خوراسکان ساکن شد.

صاحب عنوان پس از طی دروس مقدماتی به مدرسه کاسه گران رفته و ادامه تحصیل داد و در اوایل جوانی به خدمت ظل السلطان درآمد. چندی بعد از آن کار کناره گرفت و دندان پزشکی آموخت و از وزارت فرهنگ و صنایع مستظرفه مدرک دریافت کرد. او گاهی شعر می سرود. سرانجام در ۲۶ بهمن ۱۳۳۱ش وفات یافته و در تکیه میر واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

این شعر از اوست:

اوّل فصل بهار است مه فروردین گشته زمرّدنما، سبزه به روی زمین

قطره باران ز شب، در اوّل آفتاب ز باد موج آورد، به سبزه گندمین

ز احتشامی نشان، اگر ز حشمت دهی این سخن نظم او، توصیه تا واپسین

ز عمر باقی تو را، اگر دو روزی بود به شادمانی گرای، مباش اندوهگین(۱)

همسرش قدسیه احتشامی نیز از شعرای آن عهد بوده است.

میرزا علی اکبر موافق علی شاه

حاج میرزا علی اکبر موافق علی شاه نعمت اللهی متخلّص به «موافق» فرزند آقا میر

۱- دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج۱، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

محمّداسماعیل خاتون آبادی اصفهانی (ملقّب به «صابرعلی» ثانی بن میرزا ابوالقاسم مدرس، عالم فاضل عارف کامل، ادیب شاعر [از ادباء و عرفای قرن چهاردهم هجری[در نیمه شب پنج شنبه ۱۵ شوال المکرّم سال ۱۲۸۸ق در اصفهان متولّد شد. دوره تحصیلات خویش را از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و علوم ادب و تفسیر در خدمت اساتید اصفهان به پایان رسانید [و از جمله حکمت را از جهانگیرخان قشقائی آموخت.[از اوایل جوانی قدم در جاده سیر و سلوک نهاد و در خدمت عمّ بزرگوار خود میر محمّدهادی پاقلعه ای (هادی علی شاه) به تصفیه نفس و تزکیه باطل اشتغال جست و در این راه ریاضت ها کشیده و خدمت ها کرد. [او مدّتی در مشهد مقدّس و زمانی در تهران بود. دو سفر به مکّه معظمه نمود و حج به جای آورد. آنگاه به خدمت میرزا علی ذوالرّیاستین شیرازی (وفاعلی شاه) قطب سلسله نعمت اللهی در آن عهد درآمده و ارادت بدو داد و از او لقب «موافق علی شاه» گرفت و تخلّص شعری خود ر از «فانی» به «موافق» تبدیل کرد و از سوی «وفاعلی شاه» مأمور ارشاد و دستگیری فقرای آباده فارس و نواحی تابعه گردید.]

پس از وفات میرزا عباس پاقلعه ای [(صابرعلی شاه) در سال ۱۳۵۰ق از سوی میرزا عبدالحسین ذوالرّیاستین شیرازی (مونس علی)] مأمور دستگیری و ارشاد فقرای اصفهان گردید تا اینکه] در شب سه شنبه ۲۸ شوّال ۱۳۵۲ق وفات یافته و در تکیه آغاباشی جنب تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. [استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

بنوشت «صغیر» از پی تاریخ وفاتش: «شد مونس صابرعلی آن یار موافق»]

«او در فقه و حدیث و تفسیر و کلام ماهر و در علم هیأت و کواکب دستی داشت و منشآتش را کم تر کسی می نگاشت. دارای جزوه ها و رسالات متعدّده است و مخصوصا شرحی در موضوع عهد و میثاق و بیعت تدوین و به زبان قلم، فضل خود را تعیین

فرموده» [است.

دیوان موافق یک بار در سال ۱۳۲۹ش و بار دیگر در سال ۱۴۰۹ق به خط محمّدابراهیم کشوری زاده چاپ افست شده و میرزا عبدالحسین ذوالریاستین مقدّمه ای در شرح حال سراینده دیوان نوشته است.

از اشعار اوست:

خروش ناقه لیلی ز عشق نگذارد صدای ناله مجنون به ساربان برسد

مرا که دل به تو دادم، به راه عشق چه غم از این معامله بر جانم ار زیان برسد

* * *

به تمنّای گل روی تو چون بلبل مست مرغ جان از قفس جسم به پرواز آید(۱)]

سیّد علی اکبر میر محمّد صادقی

سیّد علی اکبر میر محمّد صادقی فرزند حاج میرزا محمّداسماعیل بن محمّدباقر بن امیراسماعیل حسینی اصفهانی، عالم فاضل. [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در اصفهان نزد جمعی از علماء همچون حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی تلمّذ نموده است. در اخلاق و زهد و تقوا معروف بوده و سرانجام در سال ۱۳۰۰ق به سن متجاوز از ۹۰ سال در اصفهان وفات یافت.

۱- دیوان قصاید و غزلیات حضرت موافق علی شاه، صص ۱۱-۲۲ و ۸۵؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۷۴ و ۴۷۵؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۹۰ و ۲۸۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۸۱ و ۲۸۲؛ گلستان جاوید، صص ۱۱۳-۱۱۵؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۴۱۵-۴۱۹.

آقا سیّد عبداللّه ثقه الاسلام میر محمّد صادقی در رساله «ارشاد المسلمین» می نویسد: مؤلف درک آن مرحوم را نمودم در حالی که سن آن مرحوم متجاوز از نود سال بود و چشم هایشان نابینا بود و در اخلاق و زهد یگانه عصر بود.

وی کتبی چند تألیف نموده از آن جمله است:

۱. «رساله در اخلاق»۲. «رساله در تجوید»۳. «رساله در اصول دین»(۱)

ملاّ علی اکبر اژه ای

ملاّ علی اکبر اژه ای فرزند محمّدباقر [از اعقاب ملاّ شریف الدّین محمّد رویدشتی اصفهانی] عالم فاضل محقّق زاهد متّقی [مجتهدی عالیقدر، از اکابر علمای اصفهان در اوایل قرن سیزدهم هجری. از تاریخ تولّد و اساتید او آگاهی نداریم. او به احتمال زیاد از میرزا ابوالقاسم مدرس، آقا محمّد بیدآبادی، میرزا محمّدعلیِ میرزا مظفر، آخوند ملاّ ابراهیم جدلی، آقا محمّد بن شیخ زین الدّین، میر عبدالباقی خاتون آبادی، میرزا حیدرعلی مجلسی و ملاّ حسین تفلیسی کسب فیض نموده است.] سال ها در اصفهان ساکن [بوده] و در مسجد علی امامت و تدریس می نموده و در علم کلام و حکمت و فقه و اخلاق و موعظه کم نظیر بوده است.

[پس از تجاوز روس ها به ایران و اشغال سرزمین مسلمانان ملاّ علی اکبر اژه ای و تعداد دیگری از علمای بزرگ و مجتهدین علیه اشغالگران روسی در سال ۱۲۲۳ق فرمان جهاد صادر کردند.] مرحوم اژه ای عالمی غیور بوده و در برابر جریان های فکری معارض همچون تبلیغات هنری مارتین (پادری نصرانی) ، میرزا محمّد اخباری و شیخ احمد احسائی دست به فعالیت زده و با تألیف کتاب به شبهات آنان پاسخ داده است. [او

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۲۴ و ۸۲۵؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۵۶؛ ارشاد المسلمین، (خطی) ، ص۳۵.

عالمی عارف و وارسته و در سیر و سلوک از مریدان درویش کافی نجف آبادی بوده است.]

مرحوم اژه ای در ۱۱ شوال ۱۲۳۲ وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک قبر [حکیم عالیقدر ملّا اسماعیل] خواجوئی دفن گردید. مادّه تاریخ وفات او این مصرع است:

«اکبر اهل علم رفته ز عالم» ۱۲۳۲

در اطراف قبر او عدّه ای از اعقاب او و برخی دانشمندان مدفون شده اند.(۱)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آداب نماز شب» رساله ای لطیف است به زبان فارسی [که در سال ۱۳۲۸ق به اهتمام یکی از نوادگان مؤلف شیخ علی محمّد بن شیخ محمّدعلی اژه ای چاپ سنگی شده است.] ۲. «رساله معراج» [به فارسی] مطبوع۳. «رساله در سلام نماز نافله» و آن را حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی رد نموده [است.]۴. «رساله در رد رساله آقا سیّد محمّدباقر حجه الاسلام در موضع سلام نافله»۵. «رساله در صلوه و زکوه» که بر حسب خواهش حاج محمّدحسین خان صدر نوشته شده است. [نسخه ای از آن در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود بوده است.(۲)]۶. «رساله در خمس و زکوه»۷. «رساله در قضا و شهادات»۸. «رساله در میراث» [نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه جلیل حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.]۹. «رساله در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۲۰ و ۸۲۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۵۱ و ۵۲؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۲۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۶۳ و ۶۴؛ روضات الجنات، ج۴، صص ۳۰۶-۳۰۸؛ الکرام البرره: مخطوط؛ معجم المؤلفین، ص۷۷۳؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۱۰۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، ص۹۴؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۹۴۵-۹۴۷؛ فوائد الرضویه، ج۱، صص ۲۷۴ و ۲۷۵؛ نجوم السماء، ص۴۱۸.

۲- الذریعه، ج۱۵، ص۸۵.

عبادات» ۱۰. «رساله در رؤس مسائل عبادات» [که ظاهرا همان «رساله دستورالعمل» است که در کتابخانه سیّد محمّدباقر حجت وجود دارد.] ۱۱. «رساله در رد پادری نصرانی» ۱۲. «رساله در رد شیخ احمد احسائی» ۱۳. «رساله در ردّ اخباریّه» [ردیّه ای است بر نظرات میرزا محمّد اخباری نیشابوری، که در سال ۱۲۲۲ق تألیف شده و نسخه ای از آن به خط احمد بن محمّدصادق خوانساری که در ۱۲۲۷ق کتابت شده، در کتابخانه آیت اللّه مرعشی به شماره ۴/۱۲۸۲۱ نگهداری می شود.(۱)] ۱۴. «زبده المعارف» در اصول دین و اعتقادات، بسیار مفصّل، از معروف ترین تألیفات مرحوم اژه ای [که یک بار چاپ سنگی و بار دیگر چاپ سربی شده است. نسخه های متعددی از این کتاب که در زمان حیات مؤلّف کتابت شده اند در کتابخانه های آیت اللّه مرعشی، مجلس شورای اسلامی، مرکزی دانشگاه تهران، مدرسه مروی تهران و ملک تهران وجود دارند.(۲)] ۱۵. «شرح اعتقادات حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام » که بر امام علی النّقی علیه السلام عرضه داشت. نسخه ای از آن در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا موجود است. [۱۶. «احکام الحدود» که نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه محقّق حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است. ۱۷. «رساله در معارف الهیّه» که نسخه ای از آن را ملاّ علی محمّد شریف اژه ای (از نوادگان مؤلف) در سال ۱۲۹۸ق کتابت نموده و به وسیله فاضل معاصر آقای شیخ مجید هادی زاده تصحیح و در کتاب «نصوص و رسائل» (جلد چهارم) به طبع رسیده است. ۱۸. «تعلیقه بر تفسیر صافی» که نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه محقّق آقای حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است. ۱۹. «رساله در تیمّم» که نسخه خطی آن به خط میرزا محمّدحسین بن علی محمّد اژه ای موجود است. ۲۰. «ترجمه الصلاه» که در پایان «آداب نماز شب» به آن اشاره

۱- فهرست مرعشی، ج ۳۲، ص ۵۵۴.

۲- فهرست مروی، ص ۱۴۶؛ فهرست مرعشی، ج ۳، ص ۱۶۰؛ فهرست ملک، ج ۳، ص ۴۳۷.

شده است. ۲۱. «رساله جهادیه» که خلاصه ای از این رساله فارسی را میرزا عیسی قائم مقام فراهانی در کتاب «احکام الجهاد و اسباب الرشاد» آورده است. ۲۲. «رساله در صید و ذباحه» ۲۳. «شرح کافی» ۲۴. «شرح زبده البیان» مقدّس اردبیلی ۲۵. «شرح مفاتیح الاحکام» فیض کاشانی ۲۶. «شرح اسفار» ملّا صدرا (جلد اوّل) (۱)]

میرزا علی اکبر فرومند

حاج میرزا علی اکبر فرومند فرزند حاج محمّدباقر، فاضل ادیب معاصر. از معلمین مدارس اصفهان، مؤلّف: ۱. «الوان الرّیاحین» ۲. «نخبه الاشعار». دو جلد کتاب مجموعه ای از برگزیده اشعار برخی از شاعران، در مدایح و مراثی حضرات معصومین علیهم السلام نسخه آنها در کتابخانه حضرت آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[وی سرانجام در روز ۵ جمادی الاولی سال ۱۳۹۶ق وفات یافته و در تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳)
]

مشارٌ إلیه برادر مرحوم آقا میرزا علی اصغر شریف [عالم فاضل ربانی] مدفون در تکیه بروجردی در تخت فولاد است.

حاج علی اکبر حجّار*

حاج علی اکبر بن استاد جون علی بنّا، از حجّاران چیره دست اواخر دوره صفویه است. او در سال ۱۱۱۰ق سنگ عصارخانه ای در میدان میر اصفهان را حجاری کرده است. بر روی این سنگ نقوش زیبائی کنده کاری شده است. این سنگ عصاری هنگام تخریب

۱- بزم معرفت، صص ۱۱۷-۱۳۱.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۸۷ و ۸۸؛ فهرست مرعشی، ج۱۳، صص ۳۲۱-۳۲۴.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

عصارخانه در سال ۱۳۱۱ش به اهالی قهفرخ فروخته شده و به آن دیار منتقل شده است.(۱)

علی اکبر صهبای بروجنی

علی اکبر بروجنی متخلّص به «صهبا» فرزند محمّدجواد [از شعرای قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۷۷ش (برابر با ۱۳۱۷ق) متولّد شده و در مکاتب قدیم اندکی تحصیل کرده و پس از فوت پدر ناگزیر به ترک تحصیل شده به کسب و کار مشغول گشت. در حدود دو سه هزار بیت شعر از قصیده و غزل سروده است.

از اشعار اوست:

هر دم که یاد از آن مه فرخنده پی کنم دیوانه وار نالم و افغان چو نی کنم

در این امید می گذرد روزگار من شاید شبی نظر به رخ خوب وی کنم(۲)

علی اکبر رفیعی طالخونچه*

علی اکبر اسماعیل پور متخلّص به «رفیعی» فرزند حسن از شعرای معاصر در سال ۱۳۰۷ش در روستای «طالخونچه» متولّد شد. در سرودن شعر صاحب ذوق قریحه است. بیشتر اشعارش در مدح و منقبت و مرثیه اهل بیت علیهم السلام است. نام آثار او چنین است.

۱. «دیوان گنجینه الاحزان» ۲. «دیوان غزلیات رفیعی»۳. «رباعیات رفیعی»۴. «گلستان کربلا»۵. «صراط الرّضوان» یا دعای ابوحمزه ثمالی (منظوم) به ضمیمه

۱- قهفرخ در گذرگاه تاریخ، صص ۳۹ و ۴۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۱۸؛ نامه سخنوران، ص۱۵۹.

«مولودنامه چهارده معصوم»

این شعر از اوست:

ز نقطه بسمله طلب کنم راه را ز رحمن الرّحیم بجویم اللّه را

گناه بخشنده گدا و هم شاه را پس این زمان گوش کن تو قل هو اللّه را

که معنیش را بیان کنم ز راه یقین

قل بگو ای مصطفی خدای بنده نواز واحد و یکتا بود صانع و هم چاره ساز

هست خدای صمد بی بدل و بی نیاز دست خلایق همه به درگه او دراز

که اعطنا رزقنا اللّه و الرّازقین(۱)

سیّد علی اکبر ابرقوئی*

استاد سیّد علی اکبر ابرقوئی فرزند سیّد حسین، دانشمند فاضل و ادیب ماهر. در سال ۱۲۷۶ش در ابرقو متولّد شد و در اصفهان نزد شیخ محمّدتقی آقانجفی، آخوند ملاّ محمّدحسین فشارکی، شیخ محمّدحسین جزن آبادی و دیگران به تحصیل پرداخت. آنگاه به تدریس در دبیرستان های اصفهان پرداخت. پس از تأسیس دانشگاه اصفهان، برای تدریس فراخوانده شد و سال ها در دانشکده ادبیات، ادبیات عرب را تدریس نمود. همچنین چندین سال ریاست اوقاف اصفهان را برعهده گرفت. او از فعّالان سیاسی و اجتماعی عصر خویش بود و سرانجام در ۱۵ اسفند ۱۳۵۶ش وفات یافته و نزدیک مزار عالم ربّانی شیخ محمّدباقر زند کرمانی در تخت فولاد مدفون گردید.

از او علاوه بر مقالاتی که در برخی از مطبوعات اصفهان به چاپ رسیده است، تصحیح و تعلیق «مقامات حمیدی» است که در سال ۱۳۴۴ش چاپ شده است.(۲)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۱۰.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج۱، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.

علی اکبر جمشیدیان (جمشیدی)

علی اکبر جمشیدیان معروف به «اکبر جمشیدی» و متخلّص به «جمشیدی» فرزند محمّدحسین [از مشاهیر شعرای اصفهان در عصر حاضر] در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شد. از نوجوانی به کارگری پرداخته و پس از ۷ سال در کارخانه دخانیات، به کار در کارخانه پارچه بافی زاینده رود مشغول شد. در شعر از معلومات استاد محمّدحسین صغیر اصفهانی بهره گرفته و عضو انجمن های ادبی شیدا و کمال بوده است. گاهی برحسب اقتضای حال از هزل و جدّ اشعاری می سراید و در فکاهی تسلط دارد.(۱)

[بنا بر نوشته مقدمه «شلوغ و پلوغ» در بهار ۱۳۰۱ش متولّد شده و در کودکی پدر را از دست داد و به ناچار به کار مشغول شد. و در کنار کار به فراگیری خواندن و نوشتن پرداخت.

او به دعوت جلال برجیس چندی سال در آموزشگاه فروغ تدریس کرد و سرانجام در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۲ش از دنیا رفت و در قطعه نام آوران باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد. مجموعه ای از اشعار او در این کتاب ها به چاپ رسیده است:

۱. «برهنه خوشحال» در سال ۱۳۴۳ش ۲. «لبخند» در سال ۱۳۴۷ش۳. «شلوغ و پلوغ» در سال ۱۳۷۳ش(۲)

از اوست:

تو رفتی و بگذشت از گذشتنت بس ماه ز سینه ام به درآید هنوز ناله و آه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲- شلوغ و پلوغ، صص ۵-۲۶.

کجا روم به که گویم که از فراق رُخَت شده است روز من دل فسرده شام سیاه]

شیخ علی اکبر فقیه*

حاج شیخ علی اکبر فقیه فرزند حاج شیخ محمّدحسین فقیه نطنزی. از علمای معاصر اصفهان، فقیه ماهر و عالم عامل و زاهد صالح. در سال ۱۳۲۶ش در اصفهان متولّد شد. دروس مقدّماتی را نزد پدر خود خواند و بنا به تشویق پدر جهت ادامه تحصیل در مدرسه شیخ محمّدعلی در اصفهان ساکن شد.

او نزد علمای عالیقدر اصفهان حضرات آیات: شیخ احمد فیاض، حاج آقا حسن فقیه امامی، شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی، حاج آقا حسین خادمی، سیّد محمّدرضا خراسانی و شیخ حسن صافی تحصیل کرد و به درجه اجتهاد نائل شد.

او سال ها به تدریس فقه و اصول در مدرسه ذوالفقار اصفهان مشغول بود و در تعمیر و احیای این مدرسه سهم مهمی داشت. او عالمی متّقی و زاهد و قانع بود. در اواخر عمر ۱۴ سال بیمار و خانه نشین بود ولی در این سال ها همواره شاکر خداوند بود و از جادّه صبر و رضا خارج نگردید.

این عالم ربانی در روز چهارشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۳۱ق (مطابق با ۶ مرداد ۱۳۸۹ش) وفات یافته پس از تشییع در امامزاده احمد اصفهان مدفون شد.(۱)

سیّد علی اکبر واعظ برزانی*

سیّد علی اکبر واعظ فرزند سیّد حسین واعظ برزانی، عالم فاضل جلیل. در سال

۱- کتاب «حجّتی بر همگان» و مصاحبه با خانواده مرحوم فقیه.

۱۳۲۴ش در اصفهان متولّد شد. و در نجف اشرف نزد حضرات آیات: شیخ حسین راستی کاشانی، شهید سیّد اسداللّه مدنی تبریزی و حاج سیّد عباس خاتم یزدی تحصیل کرد. او پس از ۶ سال به اصفهان آمده و در درس سیّد علی اصغر مدرس نجفی، شیخ علی مشکوه سدهی و ملاّ هاشم جنّتی حاضر شد. سپس به قم رفته و نزد آیات عظام: گلپایگانی و اراکی و حضرات آیات: شیخ مرتضی حائری یزدی، شیخ علی فیض (مشکینی) ، شیخ عبداللّه جوادی آملی و انصاری شیرازی به تکمیل معلومات خود پرداخت.

او عاقبت در سال ۱۳۶۱ش به اصفهان مراجعت کرده و در حوزه علمیه اصفهان و دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخت. همچنین از درس خارج مرحوم شیخ حسن صافی بهره گرفت.

او پس از عمری ترویج و تبلیغ دین در ۱۵ بهمن ۱۳۸۲ش (مصادف با ۱۲ ذیحجه ۱۴۲۴ق) بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان خون وفات یافت.(۱)

میرزا علی اکبر شیخ الاسلام

حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام فرزند حاج میرزا محمّدرحیم (سوم) بن میرزا عبداللّه (دوم) بن میرزا محمّدرحیم (دوم) بن میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب بن میرزا محمّدرحیم (اوّل) شیخ الاسلام بن ملاّ محمّدجعفر بن آخوند ملاّ محمّدباقر محقّق سبزواری، از علماء و متنفّذین اصفهان [در اواخر دوره قاجاریه.]

قبل از سال ۱۲۹۰ق در اصفهان متولّد گردیده و در این شهر تحصیل کرد و از محضر درس علمای عالیقدر حاج میرزا بدیع درب امامی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی، جهانگیرخان قشقائی، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی و آخوند ملاّ

۱- نوری از مصباح واعظ، صص ۱۱-۱۳.

محمّد کاشی بهره برد سپس دو سال در اعتاب مقدسه ساکن و از محضر علمای آنجا استفاده علمی کرد.

او پس از فوت برادرش میرزا محمّدحسن شیخ الاسلام در سال ۱۳۰۹ق به منصب شیخ الاسلامی در اصفهان رسیده [و در تحولّات اجتماعی و سیاسی آن دوره در شهر اصفهان نقش مهمّی داشت.] او در نهضت مشروطیت در اصفهان به زعامت حاج آقا نوراللّه نجفی، یار و مددکار بود و از اعضای فعال شرکت اسلامیّه و انجمن ولایتی اصفهان و انجمن مقدس ملّی اصفهان به شمار می رفت. از سال ۱۳۴۲ق به بعد نیز عضو هیئت علمیه اصفهان بود، او پس از استقرار مشروطیت رئیس بلدیه اصفهان بود و در دوره چهارم مجلس شورای ملّی به عنوان نماینده اصفهان به وکالت انتخاب شده و در مجلس شرکت نمود. او در جریان مخالفت حاج آقا نوراللّه نجفی با قانون نظام وظیفه و مهاجرت او و علمای اصفهان به قم همراه معترضین بود. پس از آنکه قانون اتّحاد شکل [تبدیل لباس سنّتی ایران و لباس روحانیت به لباس جدید و متحدالشّکل] به اجراء گذاشته شد. او در سال ۱۳۴۸ق با عدّه ای خانواده از اصفهان به مشهد مقدس مهاجرت کرده و در شب ۲۲ ذی القعده سال ۱۳۵۰ق به عارضه سکته وفات یافت و در مدرسه میرزا جعفر مشهد مقدّس مدفون شد.(۱)

علی اکبر کده بونی اصفهانی

علی اکبر بن شمس الدّین کده بونی [اصفهانی، از کاتبان نسخ نویس قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۸۳ نسخه ای از «ترجمه جعفریه» را به خط نستعلیق نوشته است.

۱- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۴۰-۱۵۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۳۵ و ۲۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۱، ص۲۶۲.

مؤلف جعفریّه نورالدّین علی بن عبدالعال کرکی (محقّق کرکی) و مترجم حسن بن عبدالغفار [است که] در حیات مؤلف نوشته است. نسخه به شماره ۳۱۱۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

«کته بونی» (یا «کتابونی» یا «کتابونچه» یا «کِتِ بنی» از قُراء اصفهان است.)

علی اکبر وجهی اصفهانی*

علی اکبر بیک بن محمّدصالح بیک، شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. از غلامان خاصّه دربار شاه سلیمان صفوی بوده و به درویشان نیز ارادت داشته و از آنان تعلیم می گرفته است. در شعر طبعی روان داشته و «وجهی» تخلّص می نمود.

از اوست:

رباعی

ای کاش که یار آید و نوروز کنیم از آتش شوق سینه پرسوز کنیم

بر گرد سرش چو گردش لیل و نهار روزی به شب آریم و شبی روز کنیم(۲)

شیخ علی اکبر اژه ای*

شهید شیخ علی اکبر اژه ای فرزند شیخ علی محمّد، عالم فاضل و مبارز انقلابی در سال ۱۳۳۱ش در اصفهان متولّد شده و پس از طیّ تحصیلات ابتدائی و متوسّطه در حوزه علمیّه اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت و همزمان در دانشگاه اصفهان در رشته روانشناسی و فلسفه ادامه تحصیل داد و موفق به اخذ درجه لیسانس گردید. او در قم

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص۶۷۳.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص۷۴؛ سفینه خوشگو: دفتر دوم، ص۷۷۹.

نزد جمعی از فضلاء همچون علی اکبر فومنی و محمّدباقر امانی ادامه تحصیل داد و همچنین به طور خصوصی در درس فلسفه شهید دکتر سیّد محمّد بهشتی شرکت می کرد.

وی فعالیت های اجتماعی و سیاسی خود را از سال ۱۳۴۴ش در کانون علمی تربیتی جهان اسلام شروع کرد و پس از بسته شدن آن در سال ۱۳۵۲ش فعّالیّت های خود را در مسجد امام علی علیه السلام اصفهان متمرکز نموده و همکاری نزدیکی با گروه های انقلابی مهدویون و توحیدی صف داشت. او در سال ۱۳۵۳ش به وسیله ساواک دستگیر و سپس آزاد شد.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت حزب جمهوری اسلامی در آمده و به شورای مرکزی حزب راه یافت و در جهت افشاگری جریان های سیاسی ملّی گرا و سازمان مجاهدین (موسوم به منافقین) تلاش فراوان نمود.

وی سرانجام در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در تهران به همراه استادش دکتر بهشتی و جمعی دیگر از اعضای حزب و مسؤولین نظام جمهوری اسلامی در روز ۷ تیر ۱۳۶۰ش به شهادت رسید.

این کتاب ها از تألیفات اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «شب قدر»۲. «فقر از دیدگاه اسلام»۳. «نقد و بررسی جنبش مسلمانان مبارز»۴. «نقش شخصیّت ها در تاریخ»۶(۱)

علی اکبر ابهری اصفهانی

علی اکبر بن محمّدعلی ابهری جی اصفهانی [از کاتبان خط نسخ در قرن دوازدهم هجری] در سال ۱۱۱۹ق کتاب «زاد المعاد» علّامه مجلسی را کتابت نموده و در همین

۱- شرح مبارزات مردم اصفهان، ج۱، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج۱، صص ۱۶۱-۱۶۳.

سال حسن حسینی آن را مقابله کرده است. نسخه به شماره ۶۷۲ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

مشارٌ الیه احتمالاً از شاگردان علاّمه مجلسی است.

علی اکبر خانعلی زفره ای

علی اکبر بن محمّدعلی خانعلی زفره [از ادبای قرن سیزدهم هجری و از اهالی قریه «زفره» قهپایه اصفهان] متوفی بعد از سال ۱۲۹۷ق صاحب «حواشی بر نصاب الصبیان» که نسخه آن نزد آقای محمّدحسن رجائی زفره ای موجود بوده است.(۲)

سیّد علی اکبر فتوحی زوّاره ای

حاج سیّد علی اکبر زوّاره ای متخلّص به «فتوحی» فرزند سیّد محمّدعلی حکیم، از شعرای معاصر. در سال ۱۳۲۴ق متولّد شده و در مولد خویش و اصفهان و طهران تحصیل کرده و در طهران مدّتی به شغل وکالت در دادگستری مشغول گردید. سپس سال ها در قصبه حضرت عبدالعظیم (شهرری) ساکن و به کار زراعت و کشاورزی مشغول بود. او مردی فاضل و مطّلع و شخصی متدیّن و باتقوا بوده و گاهی شعر می سرود. این بیت از اوست:

حُسن صورت گر بود زِ آرایش عفّت بَری عقل گوید مر تو را زان حُسن دوری احسن است(۳)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۸۲؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۱۱۳.

۲- تذکره الاطیاب، ص۶.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۴۷ و ۳۴۸.

علی اکبر محمّد هاشمی حبیب آبادی*

علی اکبر محمّـد هاشـمی حبیب آبادی فرزنـد غلامرضا، شاعر ادیب معاصـر. در سال ۱۳۲۴ش در روسـتای حبیب آباد بُرخوار متولّـد شد و پس از تحصـیل به اسـتخدام هوانیروز درآمد. گاهی شـعر می سـراید و در انجمن های ادبی اصـفهان شـرکت می کند. اشعارش اغلب در مدایح و مراثی چهارده معصوم علیهم السلام است.(۱)

حاج سیّد علی اکبر میر محمّد صادقی

حاج سیّد علی اکبر فرزند سیّد محسن میر محمّد صادقی بن آقا سیّد محمّدباقر بن میر سیّد علی حسینی، عالم فاضل [از علمای قرن سیزدهم هجری] در سوم جمادی الاولی ۱۲۸۸ق متولّد شده و در نجف از محضـر آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّدکاظم یزدی اسـتفاده برد. در اصـفهان اقامه جماعت در مسجد شیشه و ترویج احکام پرداخته و در اواخر عمر در قریه «گز» به ارشاد و هدایت مشغول بود.

او در چهارشـنبه ۲۳ شعبان ۱۳۸۶ق وفـات یـافته [و در آرامگـاه خانـدان میر محمّـد صـادقی، جنب تکیه ملک] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

حاج علی اکبر اصفهانی

حاج علی اکبر اصـفهانی فرزنـد حاج ملک محمّد، از مردان نیکوکار ساکن مشـهد مقدس است. او در سال ۱۱۰۴ق قسمتی از املاک خود را وقف آسـتانه مقدسه رضویه نموده که شـرح آن در کتاب «آثار الرضویه» تألیف: اسماعیل بن حاج میرزا حبیب اللّه

۱- ادیب ماندگار، ص ۲۷۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۸۵.

مستوفی همدانی است.(۱)

علی اکبر اَنداآنی اصفهانی

علی اکبر بن غیاث الدّین منصور اَنداآنی اصـفهانی، نویسـنده مقدمه «دیوان وحشی جوشقانی کاشانی». او مستوفی و وزیر نظام الدّین اغورلو بیک یوزباشی بوده است. نسخه دیوان با مقدمه در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران می باشد.(۲)

[«اَنداآن» از محلّه های خمینی شهر (همایون شهر = سِدِه ماربین) اصفهان است.]

میرزا علی اکبر تابش

حاج میرزا علی اکبر تابش فرزند حاج میرزا مهدی، ادیب شاعر مقدّس [از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

او از خاندان میرزا هادی بیدآباد است که نسب آنان به میرزا مهدی اشتهاردی نویسنده عصر نادری و بانی مدرسه میرزا مهدی در بیدآباد می پیوندد.

در حدود سال ۱۳۰۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد فضلای اصفهان مقدمات علوم را آموخت. او در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و در فنون شـعر و ادب مهارتی به سزا و در سـرودن شـعر قریحه ای توانا داشت. همچنین در ادبیات و ریاضی و سیاق ماهر بود. اشعارش در مجلّه دانشکده اصفهان به طبع می رسید. دیوان اشعار او حدود سه هزار بیت است.

وی در روز ۱۵ شعبان ۱۳۷۰ق در طهران وفات یافت و در [قبرستان حاج شیخ] قم مدفون گردید.

۱- آثار الرّضویه، ص ۲۰۱.

۲- الذریعه، ج ۲۲، ص ۷۹.

از اوست:

در نقاب زمردین زان غنچه پوشد روی خویش تا چو گل بر باد ندهد آب و رنگ و بوی خویش

می شود بازیچه دست حوادث همچو گل غنچه گر بیرون گذارد پای از مشکوی خویش(۱)

علی اکبر گلستانه

علی اکبر بن میرزا محمّدمهدی گلستانه [خوشنویس و ادیب قرن سیزدهم هجری] در تاریخ هفتم جمادی الاولی ۱۲۷۷ق نسخه ای از «بحرالجواهر» میرزا عبدالوهاب بن محمّدامین شهشهانی اصفهانی را به خط نستعلیق زیبا نوشته و نسخه به شماره ۲۲۹۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

سیّد علی اکبر صدر الاطبّاء

سیّد علی اکبر صدر الاطباء حسینی بن میرزا هادی بن میرزا کوچک طبیب [از پزشکان اواخر دوره قاجاریّه] سال ها در اصفهان به طبابت مشغول بوده و در سال ۱۳۳۵ق نزدیک قبر فاضل هندی در تخت فولاد مدفون شد. «فصول العلاج» از تألیفات اوست.

[در طب از شاگردان میرزا عبدالجواد خراسانی است و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت و شیخ محمّدرضا جرقویه ای حائری از شاگردان او بوده اند.(۳)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۲۲-۱۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۶ و ۵۵۷؛ تربت پاکان قم، ج۲، صص ۱۰۵۷ و ۱۰۵۸؛ نامه سخنوران، ص۱۵۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۸۴.

۳- تاریخ نائین، ص۲۰۷؛ گلزار فضیلت، صص ۳۰۹-۳۱۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴.

استاد علی اکبر پرورش*

استاد علی اکبر پرورش، فعال سیاسی و نویسنده محقّق معاصر در سال ۱۳۲۱ش در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدائی و دبیرستان در اصفهان، در دوره دانشسرای عالی شرکت نمود و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته ادبیات و کارآموزی دبیری ادامه داد.

وی قبل از انقلاب دبیر دبیرستان های اصفهان بود که با ایجاد ارتباط با افرادی چون شهید بهشتی نقش به سزائی در سازماندهی جوانان مبارز داشت. در جریان تحصّن منزل آیت اللّه خادمی از گردانندگان اصلی محسوب می گردید که پس از اعلام حکومت نظامی در اصفهان به عنوان یکی از محرّکین دستگیر و مدّتی زندانی گردید. او پس از آزادی به همراه عدّه ای از فرهنگیان اقدام به تأسیس «جامعه معلمان اصفهان» نمود که در سازماندهی اعتصابات و تظاهرات فرهنگیان اصفهان نقش به سزائی داشت.

استاد پرورش در سال ۱۳۵۸ش از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد و در سال ۱۳۵۹ نیز به مجلس شورای اسلامی راه یافت و در مجلس به عنوان نایب رئیس انتخاب شد و به نمایندگی از مجلس در شورای عالی دفاع شرکت می نمود. و از سال ۱۳۶۰ش به عنوان وزیر آموزش و پرورش در کابینه شهید محمّدعلی رجائی، شهید محمّدجواد باهنر و مهندس موسوی شرکت داشت.(۱)

استاد پرورش در سال های اخیر به فعالیت های فرهنگی و تدریس و تحقیق ادامه داده و به عنوان یکی از اعضای حزب مؤتلفه اسلامی در فعالیّت های سیاسی حضور داشته است. این کتاب ها از تألیفات اوست: که به چاپ رسیده است:

۱- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (شرح مبارزات مردم اصفهان) ، ج۱، ص۲۳۷.

۱. «اصحاب کهف»۲. «بحثی فشرده و کوتاه در زمینه تقوا از نظر اسلام»۳. «پدیده جاهلیت از دیدگاه قرآن»۴. «قرآن و خطوط نفاق»۵. «ما و قرآن»۶. «نگرشی به نظام خانواده در اسلام»

علی اکبر پیمان فروشانی*

آقا علی اکبر فروشانی اصفهانی متخلّص به «پیمان» شاعر و ادیب در قرن سیزدهم ۶۵۷هجری، برادرِ «پریشان».

از اهالی محلّه «فروشان» سده ماربین (خمینی شهر فعلی) بود. و به شکایت از دست عُمّال صدراعظم اصفهانی میرزا محمّدحسین خان، به تهران رفته و عریضه تقدیم فتحعلی شاه نمود امّا او را عقوبت نموده زبانش را بریدند. اما صدراعظم او را مورد لطف و دلجوئی قرار داد. پس او نیز زبان به اعتذار گشوده و قصیده در مدح صدراعظم انشاء نمود. این دو بیت از آغاز این قصیده است:

شکر خدا که دهر کهن باز شد جوان آمد بهار و رفت ز ملک جهان خزان

سلطان گل فراشت دگر خیمه در چمن بر طرف جویبار دگر سرد شد جمان(۱)

سیّد علی اکبر خارکی نطنزی

سیّد علی اکبر حسینی خارکی نطنزی، شاعر ادیب در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری.

یکی اجدادش از جزیره «خارك» در استان بوشهر به اصفهان آمده و ساکن گردیده و علی اکبر در اصفهان تولد یافته است. وی در اصفهان به تحصیل پرداخته است. او از

۱- تذکره مدایح الحسینیه: مخطوط، ص ۱۷۰.

جوانی طبع شعر داشته و ظاهرا از محضر هاتف اصفهانی کسب فیض نموده و به افتخار دامادی او نائل آمده و دختر هاتف «رشحه بیگم» که زنی شاعره و اهل ادب بوده را به همسری خویش برگزیده است. حاصل این ازدواج پسری به نام سیّد احمد بوده که او نیز به شعر روی آورده و «کشته» تخلّص نموده است.

صاحب عنوان مدتی در اصفهان و کاشان به سر برده و مدّتی نیز در نطنز به زراعت مشغول بوده و عاقبت پس از عمری طولانی در سال ۱۲۳۷ق در کاشان وفات نموده است.

از اوست:

زین سان که به گل پای من از دیده فرو رفت مشکل که توانم قدمی در پی او رفت(۱)

حاج علی اکبر صالحی

حاج علی اکبر صالحی اصفهانی مؤلّف: «قنات یا کاریز» که در سال ۱۳۳۶ تألیف شده است. نسخه آن در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.(۲)

حاج سیّد علی اکبر صدرالشریعه

حاج سیّد علی اکبر صدر الشّریعه، عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. متولّد در سده ماربین [خمینی شهر فعلی] مردی بود عالم و شجاع و سخی الطّبع و بااستعداد در امر به معروف و نهی از منکر ساعی و جدی مورد ارادت و احترام اتابک اعظم قرار

۱- مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۳۹؛ تذکره اختر، صص ۲۸-۳۰؛ حدیقه الشعراء، ج۱، ص۱۵۲؛ تذکره انجمن خاقان، ص۴۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷۸.

۲- فهرست الزهراء: مخطوط.

گرفت و در طهران متوطن شد و با دختر شریف العلماء خراسانی ازدواج کرد.(۱)

میرزا علی اکبر محلاتی

میرزا علی اکبر محلاّتی، از اساتید خط نستعلیق و شکسته در قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و قبل از سال ۱۲۹۴ق وفات یافته است.(۲)

لسان الملک سپهر در تذکره خود سال وفاتش را ۱۲۴۵ق ضبط نموده که صحیح نیست.

استاد علی اکبر معمارباشی

استاد علی اکبر معمارباشی اصفهانی، از معماران چابک دست قرن یازدهم هجری است. از آثار وی ساختمان مسجد شاه [مسجد امام] اصفهان است که بنای آن به سال ۱۰۲۵ق به پایان رسیده است. در کتیبه کاشی کاری ثلث سردر این مسجد از او چنین یاد شده است:

«... بمعماریه من فی العمل کالمهندسین و هو النّادر الاوانی استاد علی اکبر الاصفهانی...»(۳)

نصرآبادی درباره او می نویسد:

«مرد کدخدائی درنهایت آرام و صلاح و درویشی است.»(۴)

۱- لطائف غیبیّه: مقدمه، ص سی؛ خمینی شهر شهری که باید از نو شناخت، ص۲۹۳.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۸۱؛ تذکره خوشنویسان، ص۱۲۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۴۳۸.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۴۲۹ و ۴۶۳۰؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۰۴.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹۸.

استاد علی اکبر علاوه بر هنر معماری، گاهی بنا به اقتضای حال شعری می سروده است. سال فوت او به دست نیامد.

این شعر از اوست:

آن کس که به نفس خود نبردی دارد با خویش همیشه سوز و دردی دارد

گر خاک شود عدو و بر باد رود غافل نشوی که باز گردی دارد(۱)

علی اکبر واضح اصفهانی*

علی اکبر اصفهانی متخلّص به «واضح» از شاعران قرن یازدهم هجری است. به شغل زرکشی مشغول بود. عاقبت به دکن در هند رفته و به سال ۱۰۳۰ق وفات یافت.

از اوست:

پس از ریزش ندارد روی ماندن ابر نیسانی فراری می کند ارباب همّت را پریشانی(۲)

سیّد علی اکبر هاشمی طالخونچه ای

سیّد علی اکبر هاشمی طالخونچه ای، عالم فاضل جلیل و سیّد کامل عادل زاهد خلیق [از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری] در حدود سال ۱۳۱۰ق در «طالخونچه» از قُرای سمیرم متولّد گردید و در اصفهان و قم تحصیلات خویش را به پایان رسانید. در علم و کمال و خصوصا اخلاق، سرآمد علمای زمان به شمار می رفت. خط نستعلیق را در کمال استادی می نوشت.

سال ها در مولد خود مرجع امور شرعیه بود. تا این اواخر به علّت اختلافات محلّی به

۱- سایر منابع: تذکره غنی، ص۱۷؛ تذکره نتایج الافکار، ص۶۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «اکبر اصفهانی»، ص ۳۱۸۰؛ تذکره روز روشن، ص۶۹؛ الذریعه، ج۹، ص۸۸.

۲- کاروان هند، ج۲، ص ۱۵۰۰؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۴۸۲.

اصفهان مهاجرت نموده، مورد توجّه و عنایت واقع شده، در مسجد سلمان، در خیابان شیخ بهائی امامت می فرمود.

در شب دوشنبه ۱۱ رمضان المبارك ۱۳۸۸ق به عارضه سکته وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

علی جان مصباح قهفرخی

علی جان مصباح فرزند عبداللّه، [از شعرای قرن چهاردهم هجری] در سال ۱۲۸۳ق در قهفرّخ [فرّخ شهر فعلی] متولّد گردیده و در سال ۱۳۵۸ق در همان جا وفات یافت. از اشعار اوست:

آنچه با فرهاد از کین تیشه فولاد کرد یار شیرین با من از سرپنجه فرهاد کرد(۲)

علی جان حجارزاده سِدِهی

علی جان حجارزاده سدهی، از شعرای معاصر اصفهان در سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد گردیده، تحصیلات مقدّماتی خویش را در مکاتب قدیم انجام داده و بعدا به کسب اشتغال جُست. گاهی برحسب اقتضای حال اشعاری می گفت. طبع شعر متوسّطی داشت. از اوست:

نباشد به ز دوران جوانی از این نعمت بباید قدردانی

عزیزش دان و میدارش غنیمت همه دانش طلب تا هست فرصت(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۲۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۵۳.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۳۴ و ۳۳۵.

علیجان معلم*

علیجان معلم، از خوشنویسان قرن دهم هجری است. او کتیبه ای به خط ثلث را در سال ۹۸۷ق نوشته است که بر سردر مسجد فتح در محله باب الدّشت اصفهان نصب شده است.(۱)

علی جعفر امامی*

باباعلی جعفر امامی اصفهانی واحدالعین، از خوشنویسان هنرمند و شعرای زبردست اوایل قرن یازدهم هجری است. اقسام خطوط خصوصا ثلث و نسخ و رقاع را خوش می نوشت و در مکتب خانه به تعلیم اطفال مشغول بود. مردی عابد و زاهد و صالح و قانع بوده و در حدود ۱۰۲۰ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

علاوه بر قطعه نویسی، در کتیبه نویسی نیز آثاری دارد از جمله:

۱. کتیبه صفه صاحب در مسجد جامع اصفهان به خط ثلث بر سنگ سیاه، شامل فرمانی از شاه طهماسب، بدون تاریخ ۲. کتیبه در چوبی سردر باب الدشت مسجد جامع اصفهان، به خط ثلث و به تاریخ ۹۹۹ق ۳. کتیبه سردر مسجد مقصود بیک، به خط ثلث و به تاریخ ۱۰۱۰ق(۳)

این شعر از اوست:

دارم ولی از غمت به دو نیمه چو تار چشمی ز ندیدن جمالت خونبار

رویی ز طپانچه در فراقت نیلی جانی ز کشاکش خیالت افگار

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۱۲.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۴۵.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۶۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۲۵؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

علی داد رحیمی*

علی داد رحیمی متخلّص به «رحیمی» از شعرای معاصر اصفهان. در بهمن ۱۳۲۰ش در «جونقان» چهارمحال و بختیاری متولّد شد. وی پس از مدّتی تحصیل به کارهای ساختمان مشغول شد و با علاقه و پشتکاری که از خود بروز داد، به زودی گواهی معماری منطقه را دریافت کرد. در سال ۱۳۵۰ش به اصفهان آمده و در این شهر سکونت گزید و به طور شبانه ادامه تحصیل داد و تا اخذ مدرک فوق دیپلم آن را دنبال کرد. او به عنوان سرپرست ماشین آلات در کارخانه ذوب آهن اصفهان، سال ها به خدمت مشغول بود.

وی از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن های: صائب، پژمان بختیاری، حافظ و داراب افسر شرکت می کند. این چند بیت از اشعار اوست:

بگیر ای آفتاب عشق ملک جسم و جانم را برافروزان به مهر دوست سر تا پا روانم را

نشانی تا به چند از سوز دل در آتش و آبم گدازی تا به کی چون شمع از غم استخوانم را

هنوز از جان و دل روشنگرم بزم حقیقت را به گلگشت محبّت گر کنی خامش زبانم را(۱)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۲۹۷؛ زنده رود تا حیدربابا، ص۱۱۰.

علیرضا بیک

علیرضـا بیک، از فضـلاء و شـعرای قرن یازدهم هجری. در خـدمت ملّا محمّـدباقر سبزواری به مقابله احادیث پرداخته و مردی صالح و باتقوا بود. مدّتی مستوفی ایروان و زمانی مستوفی شیروان بود. عاقبت استعفا کرده و در اصفهان به عبادت مشغول شد.

[در نسـخه تذکره نصرآبادی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نام او «علیرضا بیک» از ولایت «درین» ضبط شده و در نسخه کتابخانه وزیری یزد «علی میرزا بیگ» از ولایت «درمن» نوشته شده است. و اللّه اعلم]

از اوست:

ای دل چو جرس به هرزه گویا نشوی از موج هوا غنچه صفت و انشوی

در دشت طلب که لخت دل شبنم اوست تا خون نشوی چو نافه بویا نشوی(۱)

سیّد علیرضا اصفهانی*

سیّد علیرضا اصـفهانی، از خوشـنویسان مسلّم خط نستعلیق در قرن سیزدهم هجری است. از آثار او خوشنویسی در کتاب «شرح نهـج البلاـغه» ابـن ابی الحدیـد اسـت. متـن خطبه هـا به خـط نسـخ زین العابـدین اشـرف الکتـاب و ترجمه فارسـی به خـط آقا عبدالحسـین اصـفهانی و شـرح عربی آن به خط نستعلیق سیّد علیرضا است. رقم او در این نسخه «اقل السادات علیرضا ۱۲۷۶» و رقم آقا عبدالحسین: «کتبه العبد الفقیر الحقیر الجانی ابن

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۲۷۱.

مرحوم مغفور محمّد عبدالحسین الاصفهانی ۱۲۷۳» بوده است. این نسخه را استاد جلال الدّین همایی دیده است.(۱)

میرزا علیرضا اصفهانی

میرزا علیرضا اصفهانی صاحب «حاشیه حاشیه بر تهذیب» که مکرّرا در طهران و غیره به طبع رسیده است. و یک نسخه از آن که در سال ۱۲۹۰ق به طبع رسیده در کتابخانه فاضلیه موجود بوده است.(۲)

علیرضا اصفهانی

علیرضا اصفهانی خطاط نستعلیق نویس [در قرن سیزدهم هجری] از آثارش: کتابت «دیوان نورعلی شاه» صوفی است که در سال ۱۲۰۷ق نوشته و به شماره ۲۲۲۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران است.(۳)

ملاّ علیرضا اصفهانی

ملاّ علیرضا اصفهانی [از فضلاء اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری] به دستور او یوسف بن علی شیرازی در شوال ۱۳۰۱ق رساله «الرّد علی الرّد الشیخیه» حاج محمّدرحیم خان کرمانی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۶۹۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۴)

احتمالاً ملاّ علیرضا اصفهانی از علماء شیخیه در اصفهان بوده است.

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۶۲.

۲- فهرست فاضلیه، ص۳۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۸۹۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۱۴۵.

سیّد علیرضا انجم اصفهانی

سیِّد علیرضـا موسوی متخص به «انجم» از شـعراء و ادبـای اصـفهان در اواخر عهـد قاجاریه است. وی در تاریـخ تعمیر امامزاده شاهزاده حسین و شاهزاده ابراهیم در شهرستان به سال ۱۳۱۶ق به وسیله بانوئی به نام افتخارالدّوله چنین گفته است:

افتخارالدّوله از باب کرم گشت باعث بهر تعمیر حرم

«انجم» بیدل به تاریخش بگفت: بود الف و سیصد و شانزده رقم(۱)

علیرضا صرّام اصفهانی

علیرضا قانونی متخلّص به «صرام» فرزند ابوالقاسم، شاعر ادیب معاصر در سال ۱۳۱۵ق متولّد گردیده و از اعضاء قدیمی انجمن ادبی شـیدا بود. در انواع فنون سـخن از غزل و قصـیده ماهر بود. چندین مثنوی گفته [است.] یکی «حجاب نامه» دیگری به اسم «رمز آفرینش» و غیره. مدّتی در دادگستری وکالت می کرد. سپس به تجارت و چرم فروشی روزگار می گذراند.

از اوست:

تا جلوه کرد رویِ مهِ دلنواز من شد فاش سرّ عشق و عیان گشت راز من

بودم هر آنچه گوهر یکدانه ز اشک چشم در پای دوست ریخت دل پاکباز من(۲)

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۶۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۰۵ و ۳۰۶.

علیرضا حقانی

علیرضا حقانی فرزند احمد، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۳ش در اصفهان متولّد شد و در مقطع ابتدائی و متوسطه تحصیل کرد. گاهی شعر می سرود. از اوست:

بهار عمر در عشقت به سر رفت خوشا عمری که با فکرت هدر رفت

شباب عمر و وقت کامیابی بدین بیهوده خوش بودن به سر رفت(۱)

علیرضا رفعت اصفهانی

علیرضا متخلّص به «رفعت» فرزند احمدی، از شعرای قرن چهاردهم هجری. مدّتی در اصفهان، در خدمت اساتید به کسب علوم قدیمه (از صرف و نحو و فقه) اشتغال داشت. عاقبت در طهران ساکن شده و به شغل خرازی فروشی پرداخت.

گاهی برحسب اقتضای حال اشعاری می سرود. این دو بیت در مدح حضرت ولیعصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) از اوست:

شما را مژده ای یاران که آن آرام جان آید برون از پرده روی مهدی صاحب زمان آید

چو از پشت حجاب غیب ماه من نماید رُخ شب غم طی شود، صبح نشاط دوستان آید(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۱۵.

سیّد علیرضا مرعشی

سیّد علیرضا بن سیّد اسداللّه مرعشی حسینی، از فضلاء اصفهان در قرن دوازدهم هجری. یادداشت ملکیّت او بر کتاب «مختصر النّافع» محقّق حلّی در رجب ۱۱۹۱ق مشاهده می شود. نسخه به شماره ۶۵۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا علیرضا صفای قائنی*

میرزا علیرضا بن میرزا محمّداسماعیل حسینی قائنی، ادیب شاعر و طبیب حاذق، از دانشوران اواخر دوره قاجاریه.

در اصفهان به تحصیل پرداخت و در علم و ادب، حکمت و طب مهارتی به سزا یافت. او علاوه بر طبابت، شعر نیز می سرود و «صفا» تخلّص می کرد و در انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن ابوالفقراء شرکت داشت. غزل را نیکو می سرود. خط خوشی داشت و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و در نقاشی صاحب ذوق بود.

وی سرانجام در شنبه ۲۴ ربیع الاوّل ۱۳۱۳ق وفات یافته و در تکیه میرزا رفیعا واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. مزار او پس از احداث فرودگاه قدیم اصفهان از بین رفت.

وی برای نسخه ای از «مثنوی معنوی» که برادرش میرزا محمّدعلی قائنی آن را کتابت نموده بود، نقاشی هایی را کشیده است. دیوان اشعار او به خط نستعلیق و شکسته خوش خود او که در سال ۱۳۰۸ق کتابت شده در کتابخانه «سلطان القرائی» در تبریز موجود

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۱۶.

بوده است. نسخه دیگری از دیوان صفا نزد خانواده اش نگهداری می شود.(۱) همچنین کتاب «الادوار» تألیف صفی الدین ارموی را به خط شکسته نستعلیق در سال ۱۲۷۵ق کتابت کرده که به شماره ۱/۲۸۳۰۱ در کتابخانه ملک تهران وجود دارد.(۲)

از اوست:

هوا عبیرفشان گشت و غالیه بوی مگر که زلف تو امروز در کف باد است

سیّد علیرضا عاملی

سیّد علیرضا عاملی فرزند میرزا محمّدباقر پیشنماز، عالم فاضل و محقّق جلیل [از علمای قرن دوازدهم هجری.]

امام مسجد شاه اصفهان بوده و در دوشنبه ۱۷ ربیع الثّانی سال ۱۱۷۵ق وفات یافته و جنب پدر در تکیه آقا سیّد رضی الدّین محمّد شیرازی (آقا رضی) مدفون گردید. [بر مزار او لوحه ای مرمرین با خط ثلث خوش است که با القاب عالی از او یاد شده و دو مادّه تاریخ فوت برای او آورده است.]

مادّه تاریخ وفاتش این است:

«رفع منازله الکریم الرّفیع»

«حشره اللّه الجواد مع محمّد و آله الطّاهرین»(۳)

میرزا علیرضا نیّری زوّاره ای*

حاج میرزا علیرضا نیّری فرزند سیّد محمّدباقر زوّاره ای اردستانی، از بزرگان اخیار و از

۱- کارنامه خاندان بشارت، ص۱۲۱؛ مقالات ادبی استاد همایی، ص۴۴۰؛ الذریعه، ج۹، ص۶۰۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۶۳.

۲- فهرست ملک، ج۶، ص۱۲۶.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۸؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۱۸۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

خوشنویسان هنرمند زوّاره در قرن چهاردهم هجری است.

در سال ۱۲۹۸ق متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی در زواره، به اصفهان رفت و به تحصیل خود ادامه داد و خط را نزد میرزا عبدالجواد شهشهانی مشق کرد. خط شکسته معروف به «دبیری» را بسیار خوش می نوشت. او در ۴ محرم ۱۳۶۴ق در تهران وفات کرد و جنازه اش به زوّاره حمل شده و مدفون گردید.(۱)

میرزا علیرضا طباطبائی نائینی

میرزا علیرضا بن میرزا جعفر طباطبائی نائینی اصفهانی، از فضلاء و ادبای قرن دوازدهم هجری است. در هند سکونت داشته و تا سال ۱۱۷۴ق در قید حیات بوده است.(۲)

میرزا علیرضا شیخ الاسلام

میرزا علیرضا شیخ الاسلام فرزند میرزا حبیب اللّه صدر بن حسین بن حسن موسوی عاملی کرکی [از کارگزاران دولت صفویه در قرن یازدهم هجری.]

شیخ حرّ عاملی درباره او گوید:

«کان فاضلاً عالما محقّقا فقیها متکلما جلیل القدر عظیم الشأن...»

لکن مؤلّف «ریاض العلماء» درباره او و برادرش و فرزندش میرزا معصوم می نویسد:

«فان عد هولاء من اجله العلماء و ادخاله فی رجال هولاء الکبراء من وقاحه شنعاء لا سیما مع غایه المدح و الاطرء کما لا یخفی»

مادرش دختر شیخ لطف اللّه میسی عاملی بوده است.

میرزا علیرضا در زمان شاه عباس دوم، در مرض موت پدرش شیخ الاسلام شد. و در مراسم تاج گذاری شاه سلیمان نیز حاضر بوده و تا حدود سال ۱۰۷۴ق این منصب را

۱- اردستان نامه، ج۱، ص۴۹۹.

۲- خزانه عامره، ص۲۴۷.

برعهده داشته است.

میرزا علیرضا در سال ۱۰۹۱ق وفات یافت.(۱) [برخی از فضلاء و شعرای آن دوره مانند: ملّا محمّدرشید جعفری، شیرازی و حاج محمّدتقی دامغانی و تقیا قهپایه ای در دفترخانه میرزا علیرضا به کارهای اداری و نویسندگی و رسیدگی مراسلات و مکاتبات مشغول بوده اند.(۲)]

ملّا علیرضا تجلّی اردکانی*

ملاّ علیرضا اردکانی شیرازی متخلّص به «تجلّی» فرزند ملّا کمال الدّین حسین، عالم فاضل زاهد و شاعر ادیب دانشمند از فضلاء و ادبای قرن یازدهم هجری.

در اردکان فارس متولّد شده و در جوانی جهت تحصیل به اصفهان آمد و از درس جمعی از دانشمندان آنجا خصوصا آقا حسین خوانساری بهره گرفت. آنگاه به هندوستان رفته و به تعلیم ابراهیم خان فرزند علیمردان خان مشغول شد. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به تدریس و تألیف مشغول شد و مورد توجّه شاه عباس ثانی واقع شده و تدریس مدرسه والده و سیورغال محلّی از محال اردکان در سال ۱۰۷۲ق به او واگذار شد. در زمان شاه سلیمان نیز مورد توجّه و در یکی از سفرهای شاه در رکاب او بود.

در اواخر عمر از تدریس کناره گرفته و عازم سفر حج شد و سپس به شیراز رفته و در سال ۱۰۸۵ق در آنجا وفات یافت. در نظم و نثر دستی توانا داشته و منشآتی از خود به جا گذاشته و قصیده و غزل و رباعی را نیکو می گفته و به قول برخی از تراجم نویسان

۱- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۲۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۴۵؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۳۷؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۲۲؛ امل الآمل، ج۱، ص ۱۲۰؛ ریاض العلماء، ج۲، ص۶۴؛ الروضه النضره، ص ۴۰۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۶۶، ۵۰۱ و ۵۶۶.

شاعری فضائل و کمالات علمی او را تحت الشّعاع قرار داده بود. او در علوم عقلی و نقلی خصوصا حکمت، منطق، فقه و اصول، کلام و ادبیات فارسی و عربی مهارت داشته و با دانشمندان و ادبای عهد مراوده و مباحثه داشته است.(۱)

کتب زیر از اوست:

۱. «رساله در امامت» ۲. «تفسیر سلیمانی» در تفسیر قرآن مجید به فارسی، که برای شاه سلیمان صفوی نوشته و در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی در تهران وجود داشته است.(۲) ۳. «ترجمه سلطانی» در ترجمه قرآن مجید که در سال ۱۰۸۴ق برای شاه سلیمان تألیف شده و نسخه ای از آن در دارالکتب قاهره موجود است.(۳) ۴. «حاشیه علی حاشیه علی تهذیب المنطق»، این «حاشیه» را بر «حاشیه» ملّا عبداللّه یزدی بر «تهذیب» نگاشته و نسخه های فراوانی در کتابخانه های مختلف از این «حاشیه» موجود است. در برخی چاپ های سنگی «حاشیه ملّا عبداللّه» این «حاشیه» نیز به طبع رسیده است.(۴) این حاشیه را هنگام تدریس برای ابراهیم خان در هندوستان نوشته است.۵. «دیوان تجلّی» که نسخه ای از آن ضمن مجموعه شماره ۱۹۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۴۲-۲۴۴؛ قصص الخاقانی، ج۲، صص ۹۴ و ۹۵؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۹۵ و ۹۶؛ روضات الجنات، ج۲، ص۳۴۳؛ تذکره سرو آزاد، ص۱۱۵؛ تذکره روز روشن، ص۱۴۷؛ تذکره منتخب اللطایف، صص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ تذکره شمع انجمن، صص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ تذکره مرآه الفصاحه، ص۱۱۴؛ تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۱۲۵؛ فارسنامه ناصری، ج۲، ص۱۲۴۹؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۱۲۶-۱۲۸؛ تذکره سخنوران یزد، صص ۶۳-۶۵؛ تذکره شعرای یزد، ص۱۰۸؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۱۱۸؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۲۸؛ الروضه النّضره، ص۳۹۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «تجلی»، ص۳۹۷.

۲- ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ص۱۸۹؛ الذریعه، ج۴، ص۲۶۷.

۳- ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ص۱۸۹؛ الذریعه، ج۴، ص۲۶۷.

۴- الذریعه، ج۶، ص۶۱.

موجود است. کاتب این مجموعه علینقی بن عبدالقادر و مورّخ به سال ۱۱۰۸ق است.(۱) در این نسخه «مثنوی معراج الخیال» او هم آمده است. نسخه دیگری نیز به شماره ۲۹۰ در کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع تهران موجود است که در سال ۱۱۰۰ق به خط شکسته نستعلیق نوشته شده و نام کاتب معلوم نیست.(۲) ۶. «صلاه الجمعه» که آن را به فارسی برای شاه سلیمان صفوی نوشته و چون خود معتقد به حرمت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت بوده، در آن، کتاب «صلاه الجمعه» ملاّ محمّدباقر سبزواری را که معتقد به وجوب عینی نماز جمعه در عصر غیبت بوده را رد کرده است. نسخه ای از این کتاب که در سال ۱۰۸۲ق کتابت شده در کتابخانه مدرسه جعفریه قائن و نسخه عکسی آن در مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۳) نسخه دیگری از آن به به شماره ۴۶۵۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴) ۷. «رد بر رساله صلاه الجمعه» ملاّ محمّدفاضل سراب تنکابنی که به وجوب عینی اقامه نمازجمعه در عصر غیبت معتقد بوده است. این رساله هم در مجموعه ۴۶۵۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۵) ۸. «ترجمه و شرح عهدنامه مالک اشتر»(۶) ۹. «سفینه النّجاه» در اصول دین و خصوصا اثبات امامت مشتمل بر سه مقام و یک خاتمه، به فارسی که در روز ۷ ربیع الثّانی ۱۰۶۷ق آن را در هنگام اقامت در هند تألیف کرده است. از این کتاب نسخه های فراوانی موجود است که اغلب تاریخ کتابت آنها معلوم نیست. یکی از

۱- فهرست مجلس، ج۳، ص۴۷۵ و ج ۲۱، ص۲۶۴.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ص۳۵۳.

۳- فهرست عکسی احیاء، ج۵، ص۱۵۳.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۴، ص۳۶۰۴.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۴، ص۳۶۰۴.

۶- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۱۲۱۴.

نسخه های نزدیک به زمان مؤلف و شاید زمان حیات او، نسخه شماره ۳۷۸ کتابخانه آستانه حضرت معصومه (سلام اللّه علیها) در قم است که فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است اما مالک آن «عبدالملک بن محمّدابراهیم بواناتی» معاصر مؤلف است.(۱) ۱۰. «معراج الخیال» که مثنوی عرفانی است. از بین نسخه های فراوانی که در کتابخانه ها از این منظومه موجود است، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی که ضمن جنگ ۱۴۱۸۳ و به عنوان پانزدهمین رساله آن محسوب می شود و در سال ۱۰۷۹ق به دست نظر علی بن امیرعلی تبریزی کتابت شده از اقدم نُسخ «معراج الخیال» به شمار می رود.(۲) ۱۱. «منشآت» که قسمتی از آن در کتب «مجمع الافکار» آمده و به شماره ۱۴۲۰۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)

این رباعی از اوست:

آن را که منزّه نبود ذات و صفات از درس کلام و حکمتش نیست نجات

در طبع بَدان به جهل بر می گردد علم در طینت مار سم شود آب حیات

ملاّ علیرضا رویدشتی

ملاّ علیرضا بن رئیس حسین، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. از اهالی روستای «سیچی» بلوک رویدشتین اصفهان بوده و در مکتب خانه با خواندن «دیوان ظهیر فاریابی» طبعش به گفتن شعر مایل گشته است. در شعر روش قدماء را داشته. در هفتاد سالگی پیری زنده دل و خوش صحبت بوده. وی در اصفهان ساکن و معاصر میرزا محمّدطاهر نصرآبادی بوده است.

۱- فهرست آستانه حضرت معصومه (س) ، ج۲، ص۳۷۸؛ الذریعه، ج۱۲، ص۲۰۱.

۲- فهرست مجلس، ج۳۸، ص۲۴۶؛ الذریعه، ج۱۹، ص۳۰۱.

۳- فهرست مجلس، ج۳۸، ص۲۹۳.

این دو بیت را خطاب به علاءالدّین محمّد شهرستانی سروده است:

ای خداوندی که پیش دست دریا بخششت هست بی قدر زر، چونان که بی مقدار کاه

نیست مستبعد که گردد قابل نشو و نما از نسیم و خُلق تو در کهگل دیوار کاه(۱)

میرزا علیرضا فاتحی

میرزا علیرضا شفیعی متخلّص به «فاتحی» فرزند شیخ محمّدحسین (معروف به «گل و بلبل») از شعراء و خطبای معاصر اصفهان. در سال ۱۲۸۹ش در اصفهان متولّد گردیده و مدتی در مدارس جدید تحصیل نمود و کمی از علوم قدیمه را خواند. او روزگار به آموزگاری می گذراند و در مواقع فراغت روضه می خواند. شاعر خوش طبعی بود و اشعارش عموما فکاهی بود. [این کتاب ها از آثار اوست:]

۱. «حقیقت گوئی فاتحی» در سال ۱۳۳۳ش به طبع رسیده است. ۲. «تعلیمات دینی منظوم یا سرود مذهبی»۳. «ضیاء الابصار» در حالات ائمه اطهار علیهم السلام۴. «تذکره المراثی»(۲) [۵. «لبخند فاتحی» که در سال ۱۳۴۲ش چاپ شده است.

این شعر از اوست:

یا رب نشود کسی دچار زن بد چون کس نبود بَتَر زِ مار و زن بد

روزی دو سه بار می کشد شوهر خویش مردن به از اینکه زیر بار زن بد]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۱۴.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۴۲؛ اصفهانی های شوخ و حاضرجواب، ص۳۴۲.

علیرضا جورتی اصفهانی

علیرضا بن میر عبدالفتاح جورتی قهاب [اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری] در جمادی الاوّل ۱۰۹۳ق نسخه ای از «زبده البیان فی براهین احکام القرآن» تألیف: مقدّس اردبیلی را به خط نسخ نوشته است. کتاب در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۱)

[«جورت» یا «گورت»، به فتح اوّل و دوّم از دهات بلوک قهاب جی اصفهان است و مزار میر عمادالدّین حسینی خاتون آبادی و قبرستان جدید باغ رضوان در نزدیکی آن واقع شده اند.]

میرزا علیرضا پرتو اصفهانی

میرزا علیرضا لنجانی اصفهانی متخلّص به «پرتو» و معروف به «آقاجان» فرزند محمّدعلی. شاعر ادیب و خطاط [ماهر و فاضل در قرن سیزدهم هجری] خط نسخ را در کمال استادی می نوشته و دیوان اشعارش به طبع رسیده است. در «المآثر و الآثار» درباره او گوید: «از خطاطین مشهور قلم نسخ است و استاد اجلّ خطاطین اصفهان» او در جمادی الاولی ۱۳۰۴ق به سن ۹۰ سالگی وفات یافته است.(۲)

[پرتو اصلاً از اهالی قریه «اُشیان» لنجان بوده و جهت تحصیل به اصفهان آمده و پس کسب علم و ادب نزد میرزا زین العابدین اشرف الکُتّاب به مشق نسخ و ثلث پرداخته و خود استادی هنرمند و ماهر گردید. اغلب در مدرسه نوریّه ساکن بوده و جمعی از شاگردانش نزد او مشق خط می کرده اند و بسیاری از شعراء و فضلاء در حجره او حضور

۱- فهرست گوهرشاد، ص۳۰۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۲ و ۳۹۸.

یافته انـد. از شـعرای متبحّر اصـفهان بوده و در قصـیده و غزل و قطعه اشـعار خوبی گفته و در مادّه تاریخ گوئی نیز توانا بوده و برای وفات بسیاری از بزرگان عهـد خود و بنای مساجـد و ابنیه در اصـفهان مادّه تاریخ گفته است. روزگارش اغلب به کتابت می گذشـته و قطعات و کتاب های بسیاری به خط زیبای او در کتابخانه های مختلف موجود است. از جمله نسخه ای از «قرآن مجیـد» در کتابخـانه سـلطنتی سـابق، به خط نسـخ عالی که در سال ۱۲۷۷ق کتـابت کرده و میر علی شـیرازی ترجمـه آن را به فارسـی کتـابت نمـوده و عبـدالوهاب مُـذهِّب آن را تـذهیب کرده و از نفـایس آن کتابخـانه بـه شـمار اسـت. پرتـو بـه دعـوت ناصـرالدّین شـاه به تهران رفت و سـال هـا برای دربـار قاجـار به کتـابت مشـغول بود تـا اینکه وفات یافت. تـذکره نویسان او را شاعری نکته دان و خوش طبع و خوش مشرب و مهربان دانسته و اخلاق حمیده او را ستوده اند.(۱)

از اوست:

گرفته پرده ز رخ راه شیخ و شاب زده مهی که طعنه جمالش بر آفتاب زده

شکسته نرخ شکّر تا گشوده لب به سخن فزوده رونق گل تا به رخ گلاب زده

تو آفتابی و تا گشته ای ز چشمم دور ز گریه دیده من خنده بر سحاب زده]

۱- چهـل سـال تاریـخ ایران یـا «المآثر و الآثار»، ج۱، ص۲۷۷؛ تذکره حدیقه الشّـعراء، ج۱، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۱۷۳-۱۷۷؛ دیوان غمگین: مقـدمه؛ تذکره مدایح معتمدیّه: خطی؛ احوال و آثار خوشـنویسان، ج۴، صص ۱۱۱۸ و ۱۱۱۹؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۳۶۶؛ تذکره خوشنویسان معاصر، ص۵۹؛ سفینه فرخ، ج۲، ص۱۰۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۸۱ و ۸۲.

علیرضا اصفهانی

علیرضا بن حاج محمّدکاظم اصفهانی [از عرفاء و ادبای اواخر دوره قاجاریّه] در سال ۱۳۰۲ق و ۱۳۰۵ق دو رساله: ۱. «زاد المسافرین» از: سیّد حسین هروی ۲. «آداب المشق» را به خط نستعلیق زیبا نوشته است. نسخه به شماره ۳۴۳۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

در پایان مجموعه ۲ قصیده در مدح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و تاریخ درگذشت حاج محمّدکاظم سعادت علی اصفهانی (پدر کاتب) را در سال ۱۲۹۳ق نوشته است.(۱)

علیرضا آقاجانی اصفهانی*

علیرضا بن محمّد اصفهانی معروف به آقاجانی. پدرش و خودش از فضلای قرن یازدهم هجری بوده اند. وی نسخه ای از «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را در ذیقعده ۱۰۱۶ق در مکّه معظّمه مقابله نموده و بلاغ نوشته است. میرزا محمّد استرآبادی در پایان کتاب دیات این کتاب، اجازه ای در اواخر ذیحجه ۱۰۱۶ق برای او نوشته است و از او با القاب «المولی الفاضل الورع خلاصه الافاضل و المتورعین مولانا علیرضا» یاد کرده است. این نسخه به شماره ۵۳۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

علیرضا خوانساری

علیرضا [بن زین العابدین] خوانساری [از فضلاء قرن سیزدهم هجری] احتمالاً شاگرد سیّد حجه الاسلام [حاج سیّد محمّدباقر شفتی بیدآبادی] بوده و در سال ۱۲۴۱ق کتاب

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص۲۲۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۱۰۶.

«مطالع الانوار» تألیف سیّد [حجه الاسلام] را به خط نسخ زیبا مرقوم داشته است. نسخه به شماره ۴۵۵۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

سیّد علیرضا خاتون آبادی

سیّد علیرضا خاتون آبادی [از علمای اواخر دوره صفویه] در سال ۱۱۱۶ق وفات یافته و در تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

دکتر علیرضا سپاهی*

دکتر علیرضا سپاهی، از دانشمندان و اساتید دانشگاه در سال ۱۳۱۷ش در خانواده ای قدیمی از طایفه دِنبِلی در تهران در دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران طی کرد و سپس به لبنان رفت و در رشته کشاورزی در دانشگاه آمریکائی بیروت لیسانس و فوق لیسانس گرفت. چندی بعد به کانادا رفت و در دانشگاه «مک گیل» در رشته «اصلاح نباتات» دکترا گرفت. در سال ۱۳۵۳ش به استخدام دانشگاه اصفهان درآمد و تدریس را آغاز کرد. دوره دو ساله فوق دکترا در رشته طراحی فضای سبز را در دانشگاه پلی تکنیک کالیفرنیا در آمریکا سپری نمود. او طراحی فضای سبز مجتمع های صنعتی فولاد مبارکه اصفهان، فولاد خراسان، پلی اکریل اصفهان و شهرهای مجلسی، فولادشهر و بهارستان را انجام داده است.

وی مقالات متعددی به زبان انگلیسی در رشته خود تألیف نموده و در مجلات معتبر علمی خارج از کشور به چاپ رسانیده است. او علاوه بر تدریس به راهنمائی دانشجویان در نگارش پایان نامه دوره های فوق لیسانس و دکتری پرداخته و همچنین عضو گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بوده است و در

۱- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۲۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۵.

سال ۱۳۷۹ش به عنوان استاد نمونه دانشگاه اصفهان برگزیده شده است.

دکتر سپاهی در هنر نقاشی نیز مهارت دارد و در کودکی و نوجوانی نزد استادانی چون کریمی و پتگر آن را فراگرفته و در خارج از کشور نزد اساتید نقاشی آن را تکمیل کرده است.

او در سال ۱۳۸۰ش به درخواست خود بازنشسته گردید. کتاب های زیر از او به چاپ رسیده است:

۱. «کاربرد آمار در تحقیقات کشاورزی» ۲. «فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی»۳. «اولویّت های تحقیقات کشاورزی در منطقه اصفهان، یزد و چهارمحال و بختیاری»۴. «روش ساده درختکاری روی خطوط طراز»۵. «تولید سیب زمینی با بذر حقیقی»(۱)

علیرضا صوفی معمار

ملاّ علیرضا صوفی معمار متخلّص به «علی» از معماران زبردست در عهد شاه عباس اوّل صفوی بوده و در سال ۱۰۱۷ق به هند سفر کرده است. در شعر طبع خوشی داشت. ظرفای شوخ طبع اصفهان تخلّص «سیم گل» را برگزیده و شهرت داده بودند. ولی خاطر او از این تخلّص مُکَدَّر بود. در شعر تتبع کتاب «تحفه العراقین» را نموده و در نثر نیز کتابی دارد. این رباعی از اوست:

یاران سر و برگ باغ هستیم نماند وان دست و دل هواپرستیم نماند

زین خمِّ سفالینه برون آرم سر کش باده خمار داد و مستیم نماند(۲)

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۳۱۵-۳۱۹.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج۴، ص۲۶۴۹؛ تذکره روز روشن، ص۵۶۲؛ کاروان هند، ج۲، صص ۹۰۸ و ۹۰۹.

میرزا علیرضا طبیب اصفهانی*

میرزا علیرضا طبیب اصفهانی، از اطبّاء حاذق و چیره دست قرن دوازدهم هجری است. وی مورد توجه کریم خان زند قرار داشته و همواره در دربار زندیه به طبابت می پرداخته است. سال وفات او معلوم نیست ولی روشن است که تا سال ۱۱۹۲ق زنده بوده است.(۱)

علیرضا عباسی تبریزی

علیرضا عباسی تبریزی ملقّب به «شاه نواز» از مفاخر عهد شاه عباس صفوی است. در انواع خطوط و نقاشی و تذهیب و طراحی استادی بی نظیر بوده و برخی از کتیبه های مساجد اصفهان که در عصر شاه عباس بنا شده است به خط اوست. سال وفاتش معلوم نیست.(۲)

[او در تبریز شاگرد ملّا محمّدحسین تبریزی و علاءالدّین محمّد بن محمّد تبریزی (معروف به علاء بیگ) بود. پس از آنکه سپاه عثمانی تبریز را تصرف کرد، وی از تبریز به قزوین رفت و در مسجد جامع آنجا به کتابت مشغول شد و قسمتی از کتیبه های آن مسجد و چند قرآن را در آنجا تمام کرد. او در سال ۱۰۰۱ق به خدمت شاه عباس درآمد و در زمره ندیمان مخصوص وی داخل شد و تا پایان عمر در زمره مقرّبان شاه بود و در سفر و حَضَر همراه شاه عباس بود و مورد تفقد و عنایات ویژه او قرار داشت تا جائی که گاهی شاه پهلوی او می نشست و شمعی به دست می گرفت تا علیرضا در روشنایی آن کتابت کند.(۳)

۱- گلشن مراد، ص۳۷۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۸۵.

۳- گلستان هنر، ص۴۰؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۱۹.

در شرح حال او نوشته اند که به مقام و عظمت میرعماد نزد شاه عباس رشک می برده و غبطه می خورده و به واسطه احساس خطر از میر و از دست رفتن جایگاه خود نقشه قتل او را کشیده است. ولی در منابع دست اوّل صفوی چنین مسأله ای دیده نمی شود و علیرضا عباسی با داشتن آن مقام و نفوذ در دربار صفوی نمی توانسته از یک خوشنویس دیگر که از حشر و نشر و رفت و آمد به دربار شاه پرهیز می کرده خطری را احساس کند.

او در سال ۱۰۰۷ق پس از آنکه صادقی بیگ افشار از منصب کتابداری کتابخانه سلطنتی کنار گذاشته شد. به این منصب گماشته شد و تا سال ۱۰۲۵ق در قید حیات بود.(۱)

علیرضا عباسی در شعر و ادب هم دستی داشته و گاه اشعاری می سروده است از جمله:

تا خانه نشین شدی تو ای دُرّ خوشاب پیوسته مراست از غمت دیده پر آب

من خانه دل خراب کردم ز غمت تو خانه نشین شدی و من خانه خراب(۲)

آثار به جای مانده از او به قرار زیر است:

۱. دو کتیبه فوقانی داخل مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان به خط ثلث در سال ۱۰۲۵ق

۲. کتیبه سردر مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان به خط ثلث در سال ۱۰۱۲ق

۱- برای اطلاع بیشتر بنگرید به: کارنامه بزرگان ایران، ص۱۹۸؛ تذکره خوشنویسان، ص ۳۰؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۱۲۰۳؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۲۸۰؛ دایره المعارف هنر، ص۳۵۹؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۹۴؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۳۰۴-۳۱۰؛ الذریعه، ج۹، ص۷۵۷؛ سخنوران آذربایجان، ج۱، ص۵۵۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «عباسی»، ص۴۵؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۱۸۰-۱۸۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۶۱؛ زندگانی شاه عباس اوّل، ج۲، صص ۵۳-۵۷؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۳۵-۳۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۹۷؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۳، ص۴۸۷.

۳. کتیبه سردر باشکوه مسجد شاه [مسجد امام فعلی] اصفهان به خط ثلث، در سال ۱۰۲۵ق

۴. کتیبه محراب مسجد مقصود بیگ در اصفهان به خط ثلث در سال ۱۰۱۱ق(۱)

۵. کتیبه سردر عمارت عالی قاپوی قزوین به خط ثلث(۲) (که قسمتی از کتیبه فرو ریخته و تاریخ کتیبه مشخص نیست.)

۶. کتیبه سنگی سردر کاروانسرای گنج علی خان کرمان در سال ۱۰۰۷ق(۳)

۷. کتیبه ای در صحن عتیق آستان قدس رضوی به خط ثلث

۸. کتیبه زیر گنبد حرم مطهر آستان قدس رضوی به خط ثلث بر روی خشت های طلا در سال ۱۰۱۶ق

۹. کتیبه داخل بقعه خواجه ربیع در مشهد مقدس به خط ثلث (که قسمتی از کتیبه شامل تاریخ آن فرو ریخته است.) (۴)

۱۰. کتیبه سنگی رباط خرگوشی در ندوشن یزد، به خط ثلث در سال ۱۰۲۳ق(۵)

۱۱. کتاب «یوسف و زلیخا»یِ جامی که به خط نستعلیق در سال ۹۸۰ق کتابت کرده و در کتابخانه آقای وحیدنیا در تهران وجود داشته است.(۶)

مرحوم استاد مهدی بیانی چندین قطعه از آثار خوشنویسی خط نستعلیق او را که بین سال های ۱۰۰۸ تا ۱۰۲۵ق نوشته شده است و در کتابخانه های سلطنتی سابق، ملک

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۴۰۷ و ۴۱۰ و ۴۰۲ و ۴۰۴ و ۴۲۸ و ۴۶۸.

۲- مینو در باب الجنه قزوین، ص۶۴۲.

۳- گنجعلی خان و خیرات او، ص۴۲.

۴- مطلع الشمس، صص ۴۱۸ و ۵۳۴ و ۵۶۰ و ۴۱۵ و ۳۵۴.

۵- یادگارهای یزد، ص۴۴.

۶- فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری، ص۱۳۹.

(تهران) ، ملّی (تهران) ، آستان قدس رضوی، خزینه اوقاف استانبول، ملّی پاریس، عمومی لنینگراد (سن پطرزبورگ روسیه) ، بادلیان و چند مجموعه و کتابخانه خصوصی در تهران موجود است را معرفی کرده اند.(۱)]

علی شاه ذوقی ارستانی

علی شاه اردستانی معروف به «ملّا ذوقی» شاعر عارف [در قرن یازدهم هجری] در اصفهان گیوه دوزی داشته، با حکیم شفائی معاصر بوده و حکیم در هجو او و بیتی بزرگش قریب صد رباعی گفته [است.] در سال ۱۰۴۵ق در اصفهان وفات یافته، در مقبره پیر پینه دوز مدفون گردید.

از اشعار اوست:

نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه میوه دارم همه حیرتم که دهقان به چه کار کشت ما را(۲)

علی صالح خسروی بختیاری

علی صالح خسروی، از طایفه احمد خسروی بختیاری [از شعراء و ادبای قرن چهاردهم هجری] تولّدش به سال ۱۳۲۱ق (۱۲۸۲ش) جوانی بود تحصیل کرده و باذوق. چند سالی پس از اتمام معلومات مقدماتی، در کالج اصفهان به فراگرفتن زبان

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۵۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۷؛ مزارات اصفهان، ص۱۵۷؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۴۰۸-۴۱۰؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۸۹؛ تذکره ریاض العارفین، (چ۱۳۴۴) ، صص ۱۱۵ و ۱۱۶؛ تذکره آتشکده، (بخش سوم) ، ص۹۴۲؛ تذکره غنی، ص۵۳؛ تذکره حسینی، ص۱۲۶؛ تذکره عرفات العاشقین، ج۲، ص ۱۳۴۰.

انگلیسی مشغول شد و سپس در سال ۱۳۰۹ش چندی به استخدام دادگستری و ثبت نجف آباد درآمد. دارای ذوقی شاعرانه و استعداد سرشاری بود. در سال ۱۳۲۲ش در سن چهل سالگی وفات کرد. از او اشعار زیادی باقی مانده است. از اوست:

تا شد ز چشم سرو قد آن نگار من صد جوی خون روان شده اندر کنار من

این روی زرد و دامن پرخون و چشم تر هستند ترجمان دل داغدار من(۱)

علی عسکر شایق اصفهانی*

آقا علی عسکر اصفهانی شیرازی متخلّص به «شایق» از شعراء و سخنوران قرن سیزدهم هجری است. در بدو عمر از اصفهان به شیراز رفته و مصاحبت اهل حال و اصحاب ذوق و کمال را اختیار کرده است. عاقبت انزوا گزید و در کمال استغناء به دسترنج خیاطی امرار معاش می نمود. او اشعاری در مدح میرزا محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی سروده است. «دیوان اشعار» هم داشته است. رضاقلی هدایت در «مجمع الفصحاء» و میرزا عبدالباقی طبیب در «تذکره مدایح الحسینیّه» نام او را «علی اصغر» ضبط کرده اند.

این بیت از اوست:

دور از گل رخسار تو، در دیده دارم خارها خوار آیدم اندر نظر، بی روی تو گلزارها(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۷ و ۱۸.

۲- تذکره دلگشا، ص۵۲۴؛ تذکره مدایح الحسینیّه، (خطی) ، ص۲۸۱؛ تذکره مرآه الفصاحه، ص۲۹۲؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۲، صص ۸۲۷ و ۸۲۸؛ مجمع الفصحاء، ج۵، ص۵۳۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «شایق اصفهانی»، ص۱۹۱.

علیقلی آقا*

علیقلی آقا، از خَیّرین نیکوکار اواخر دوره صفوی و از خواجه سرایان حرم شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی بوده است. وی از ریش سفیدان و غلامان خاصّه دربار و برادر خسرو آقا بوده و آثار باقیمانده از وی قدرت و مکنت وی را می رساند. او دارای منصب یوزباشی غلامان خاصّه بوده است. علیقلی آقا بانی مجموعه بناهایی بوده که تاکنون اکثر آنها به صورت اولیّه موجود و مورد استفاده است.

آثار او در محلّه ای که به نام خودش ساخته عبارتند از: چهارسوق و بازارچه و مسجد و حمام، سقاخانه، کاروانسرا، غسالخانه و مقدار زیادی موقوفات دیگر است.(۱)

علیقلی خان شاهین چالشتری

علیقلی خان چالشتری متخلّص به «شاهین» فرزند محمّدزمان خان بن محمّدمهدی خان چالشتری چهارمحالی [از شعرای قرن چهاردهم هجری.] در سال ۱۳۰۵ق در چالشتر متولّد شده و در سال ۱۳۶۲ق وفات یافته است.(۲) [چندی در قصبات اصفهان مانند قمیشه و اردستان حکمرانی نموده و عاقبت آن امور را رها کرده و در زادگاه خود به زندگی عادی مشغول شده است.] این بیت از اوست:

از زلف تا فکنده تو به صورت نقاب را گردیده ابر تیره حجاب آفتاب را(۳)

۱- مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، ج۲، ص۹۰؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، صص ۱۳۰ و ۲۱۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۸۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۵.

۳- شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۵۱۶.

علیقلی خان واله داغستانی

علیقلی خان لگزی داغستانی متخلّص به «واله» فرزند محمّدعلی خان بن مهرعلی خان بن الخاص میرزا (ملقب به صفی قلی خان) بیگلر بیگی ایروان شاعر ادیب، از شعرای قرن دوازدهم هجری.

پدر و جدّش از امرای معروف عهد صفوی و مصدر خدمات و صاحب مناصب بوده و نسب آنان به بنی عباس می رسد. و عم پدرش لطفعلی خان معروف به اعتمادالدّوله وزیر شاه سلطان حسین صفوی بوده و در موقع محاصره اصفهان از شغل خود معزول گردید. کوچه اعتمادالدّوله در محلّه بیدآباد اصفهان منسوب به اوست.

علیقالی خان در سال ۱۱۲۴ق متولّد گردید [در دو سالگی به همراه پدر که بیگلر بیگی ایروان بود به ایروان رفت و پس از فوت پدر در سال ۱۱۲۸ق به اصفهان مراجعت کرد.] پس از حمله افاغنه و محاصره اصفهان، از اصفهان فرار کرده [به بندرعباس رفت و از آنجا] به هند رفت و به خدمت سلاطین و امرای آنجا [از جمله محمّد شاه، پادشاه هند] وارد شده [مناصب چهار هزاری و پنج هزاری را به او دادند] و به «ظفرخان» ملقّب گردید.

وی سرانجام در سال ۱۱۷۰ق در شاه جهان آباد (دهلی) وفات یافت. مادّه تاریخ او این عبارت است:

«پیوست واله برحمت»

کتب زیر از اوست:

۱. «تذکره ریاض الشّعراء» [که اخیرا در ۶ جلد به طبع رسیده و] شرح حال حدود ۲۵۰۰نفر از شعرای پارسی گوی را در بر می گیرد.۲. «دیوان اشعار» [که حدود چهار هزار بیت شعر است و نسخه ای از آن در کتابخانه ملک در تهران موجود است.

۳. «مثنوی در وصف خدیجه سلطان» دختر علی خان بن مهرعلی خان، دخترعموی خود.(۱) [امیر شمس الدّین فقیر دهلوی داستان عشق واله و خدیجه را با اجازه از خود واله به نظم کشیده که نسخه ای از آن در کتابخانه میرزا جعفر سلطان القرائی در تبریز موجود بوده است.]

واله در سرودن غزل و رباعی طبعی روان داشته و به فارسی و ترکی شعر می سروده و در فراق دخترعموی خود اشعار بسیاری سروده است.

این بیت از اوست:

حُسن ز هر کجا کشد دامن ناز بر زمین عشق به پای او نهد روی نیاز بر زمین

علیقلی خان ترکمان

علیقلی خان بن قرچقای خان ترکمان [از حکماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۲۰ق متولّد گردیده و از شاگردان آقا حسین خوانساری و شمس الدّین حکیم جیلانی است. او در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان ساکن بوده است.(۲)

[او در سال ۱۰۴۹ق با فرمان شاه صفی کتابدار کتابخانه سلطنتی در اصفهان شده است.(۳) اغلب کتاب های او درباره حکمت و عرفان است. این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۹۹۲ و ۹۹۳؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۸۱؛ تذکره ریاض العارفین، (چ۱۳۴۴ش) ، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۶، صص ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۲۱۸۹؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۲۹۸-۳۰۰؛ تذکره حسینی، ص۳۶۲؛ تذکره غنی، ص۱۴۲؛ الذریعه، ج۴، ص۳۳؛ خزانه عامره، ص۴۴۶؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۱، ص۶۵۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۶؛ الرّوضه النّضره، ص۴۱۰؛ اعیان الشیعه، ج۴۱، ص۳۱۰.

۳- خلاصه السّیر، ص۲۸۶.

۱. «احوال نفوس انسان» به فارسی، که در سال ۱۲۳۱ق کتابت شده و به شماره ۹۲۳۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران موجود است.(۱) ۲. «احیاء حکمت» به فارسی که نسخه ای از آن به شماره ۹۲۶۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) تاریخ تألیف کتاب ۹ صفر ۱۰۷۶ق است. «احیاء حکمت» به چاپ رسیده است.(۳) ۳. «الایمان الکامل» ۴. « تمهیدات» ۵. «تنقیحات» ۶. «چهل حدیث» ۷. «خزائن جواهر القرآن» که در رمضان ۱۰۸۳ق تألیف کتاب را شروع کرده است.(۴) ۸. «زبور عارفین» به فارسی که مؤلّف آن را مختصر کرده و به عربی بازگردانیده و «مزامیر العاشقین» نام نهاده است. ۹. «سبعه سماویّه» به فارسی ۱۰. «شرح اثولوجیا» ۱۱. «شوق نامه عباسی» در شرح مثنوی ۱۲. رساله در «علم» ۱۳. «فرقان الرأیین و بنیان الحکمتین» که نسخه ای از آن نزد سیّد محمّدناصر حسینی در تهران موجود بوده است.(۵) ۱۴. «کمال محمّدی» ۱۵. «المثل المفارقه» ۱۶. «مرآه الاخوان فی اللّه» در ۴ فصل و یک خاتمه که در سه شنبه ۱۶ شوال ۱۰۹۵ق تألیف شده است.(۶) ۱۷. «مرآه جنّت و نار» که رضاقلی بن آقابابا در سال ۱۲۶۴ق آن را کتابت کرده و در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۷) ۱۸. «مرآه الوجود و الماهیه» موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.(۸) ۱۹. «منطق» که احتمالاً بخشی از کتاب «احیاء حکمت» است. نسخه ای از آن به شماره ۱۱۲۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۹) ۲۰. «مزامیر العاشقین» که برگزیده ای از «زبور العارفین»

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۳۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۲۴، ص۵۴.

۳- الذریعه، ج۱، ص۳۰۸.

۴- الذریعه، ج۷، ص۱۵۴.

۵- الذریعه، ج۱۶، ص۱۷۴.

۶- فهرستواره کتاب های فارسی، ج۶، ص۶۰۲.

۷- فهرست مختصر گلپایگانی، ص۶۴۸.

۸- الذریعه، ج۲۰، ص۲۸۸.

۹- فهرست الفبائی رضوی، ص۵۶۱.

است و آن را در یک مقدمه و ۳ باب تنظیم کرده است. نسخه ای از آن نزد سیّد محمّدمهدی صدر موجود بوده است.(۱) ۲۱. «نزهه الزّاهدین و تحفه العابدین» ۲۲. «زبور العارفین و براق العاشقین» به عربی، در یک مقدمه و چهار زبور و یک خاتمه، که ملّا یارعلی در سال ۱۲۴۷ق کتابت کرده و به شماره ۷۵۷ در کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم موجود است.(۲)]

ملّا علیقلی خلخالی

ملّا علیقلی بن محمّد خلخالی، از علمای ساکن مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان [در قرن یازدهم هجری] مؤلّف «شرح الوقت و القبله» از کتاب «روضه البهیه»(۳)

[نحوی فاضل، عالم ادیب و شاعر منشی(۴) از شاگردان آقا حسین خوانساری و حکیم شمس الدّین محمّد گیلانی(۵) است. همشیره ملّا نصراللّه واقف خلخالی است. در اغلب علوم زمان خود همچون: صرف و نحو، شعر و ادب، حکمت، معانی بیان و انشاء و نویسندگی مهارت داشت. شعر خصوصا غزل و قصیده را نیکو می سروده و «واقف» تخلّص داشت و در اصفهان به تدریس و افاده مشغول بود.(۶) تا اینکه در سال ۱۱۱۵ق بر اثر ابتلاء به مرض استسقاء در اصفهان وفات یافت. کتاب های زیر از تألیفات اوست:

۱. «الحاشیه علی الکافیه» یا «شرح الکافیه» ۲. «تعلیم مراتب سلوک» ۳. «حاشیه بر تفسیر بیضاوی» ۴. «شرح الوقت و القبله من الروضه»(۷)

۱- الذریعه، ج ۲۰، ص۳۲۷.

۲- فهرست مرکز مطالعات، ج۲، ص۳۶.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۶؛ خلخال و مشاهیر، صص ۵۸۷ و ۵۸۸.

۴- ریاض العلماء، ج۴، ص۱۸۲.

۵- کواکب المنتشره، ص۵۴۳.

۶- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۷- خلخال و مشاهیر، صص ۵۸۷ و ۵۸۸.

این بیت از اوست:

نیست روشن طینتان را از غم گردون ملال در دل دریا گره کی موج دریا می شود]

علیقلی جدیدالاسلام*

علیقلی جدیدالاسلام از علمای شیعه در اواخر دوره صفویه است. او کشیشی پرتغالی بود و اصلاً «آنتونیو دوژزو» نام داشت و برای تبلیغ مسیحیّت به اصفهان آمد و ریاست دیر آگوستین ها را برعهده گرفت. او در ۱۷ ربیع الاوّل ۱۱۰۹ق (۱۴ سپتامبر ۱۶۹۷م به اسلام گروید و نام خود را به «علیقلی» تغییر داد.

او به اخباری گری گرایش داشت و شدیدا مخالف صوفیّه بود. همچنین در نقد عقاید مسیحیان و یهودیان کتاب هایی را تألیف نمود و سرانجام در شوال ۱۱۴۶ق در اصفهان وفات یافت. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «سیف المؤمنین فی قتال المشرکین» که در سال ۱۳۷۵ش به اهتمام محقّق کوشا دکتر رسول جعفریان به چاپ رسیده است.۲. «رد بر جماعت صوفیان» که به کوشش دکتر جعفریان تصحیح و در کتاب «میراث اسلامی ایران» چاپ شده است.۳. «هدایه الضّالّین»۴. «فوائد ازدواج» که در «میراث اسلامی ایران» چاپ شده است.۵. «زبده الحکمه»(۱)

۱- میراث اسلامی ایران، ج۷، صص ۱۱ و ۱۲؛ الذریعه، ج۱۲، صص ۸۹ و ۲۵ و ج۲۵، ص۱۷۹؛ فهرست خطی احیاء، ج۷، ص۳۳۲؛ تاریخ ایران اسلامی (صفویه از ظهور تا زوال) ، ج۴، صص ۴۳۰ و ۴۳۱؛ دومین دوگفتار، ص۶۷.

میرزا علیقلی خان مازندرانی

میرزا علیقلی خان مازندرانی اصفهانی [از فضلاء دوره قاجاریه] مؤلف تاریخ قاجاریه موسوم به «تاریخ ملک آرا» به نام شاهزاده محمّدقلی میرزا ملک آرا نوشته شده است. نسخه خطی آن به شماره ۴۱۶ در کتابخانه ملک طهران موجود است.(۱)

علیقلی معانی*

ملاّـ علیقلی معانی، از گویندگان اوایل قرن یازدهم هجری. در ملازمت کارخانه شاه عباس روزگار به سر می کرد و گاهی شعر می سرود. امّا مابین او و حکیم شفائی کدورت و نقاری حاصل شده بود. این بیت از اوست:

زحمت مکش و روی مگردان ز گناهم بر دیده من پرده بود بخت سیاهم(۲)

شیخ علی محمّد دهاقانی

شیخ علی محمّد [بن ابراهیم] دهاقانی، عالم فاضل [از علمای اواخر دوره قاجاریه است. در سال ۱۲۵۱ش در دهاقان متولّد شد و در نوجوانی پس از خواندن دروس مقدماتی نزد پدر به اصفهان رفت و] نزد حاج ملاّ حسینعلی تویسرکانی، آقا سیّد محمّد شهشهانی، حاج شیخ محمّدباقر مسجدشاهی نجفی تحصیل نمود. [و سپس به عتبات عالیات مشرّف شد و از حضرات آیات شیخ مرتضی انصاری و شیخ عبداللّه مازندرانی کمال استفاده را برده و به درجه اجتهاد نائل شد و به موطن خود مراجعت کرد امّا به دعوت آقانجفی به اصفهان آمده و] در دستگاه آقانجفی به فصل دعاوی و خصومات

۱- تذکره الاطباب، ص ۳۱.

۲- تذکره عرفات العاشقین، ج ۴، ص ۲۶۴۹.

پرداخته است. [او در حمایت از جنبش تنباکو رابط بین مرحوم میرزای شیرازی و آقانجفی اصفهانی بود که به همراه آقا منیرالدّین بروجردی که از طرف علمای اصفهان به سامرا رفت.

او سرانجام در سال ۱۳۲۶ق در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۱)]

او پدرِ ادیب دانشمند شیخ نوراللّه دهاقانی مدیر روزنامه «نور شرق» است.

میرزا علی محمّد شرف الواعظین

میرزا علی محمّد شرف الواعظین بن ملاّ اسماعیل بن حاج ملاّ محمّدعلی بن حاج ملاّ عبدالعظیم بن محمّدتقی بیدگلی زواره ای از وعاظ اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در اصفهان سکونت نموده و در این شهر وفات یافته است. فرزندش محمّدعلی شرف الواعظین و پدرانش از علماء و وعاظ بوده اند.(۲)

علی محمّد سِدِهی لنجانی

علی محمّد بن اسماعیل سِدِهی اصفهانی [از خطاطان نسخ نویس قرن سیزدهم هجری] نیمه دوم جلد پنجم «بحارالانوار» علاّمه مجلسی را در قرن سیزدهم هجری به خط نسخ کتابت نموده و خود نیز آن را مقابله کرده است. کتاب به شماره ۷۰۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

او در ۶ ربیع الثّانی ۱۲۲۵ق کتابت نسخه ای از «المناهج السّویّه» فاضل هندی را به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۸۹؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۶۲۰؛ سیمای دهاقان، صص ۲۷۲ و ۲۷۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۸؛ آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۶۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۲۳۰.

خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۱۳۲۳ در کتابخانه ملّی ملک موجود است.(۱)

همچنین در سال ۱۲۲۹ق کتابت نسخه ای از «نقد الرّجال» میر مصطفی [تفریشی] را به خط نسخ به پایان رسانیده است. این کتاب به شماره ۱۳۰۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

در اصفهان دو ناحیه به نام سده معروف است:

۱. سِدِه لنجان معروف به سده غلامخاص

۲. سِدِه ماربین مشهور به خوزان [و ورنوسفادران و فروشان، سه محلّه از سِدِه قدیم بوده و با پیوستن روستاهای مجاور آن مانند اَندوان، آدریان، هُرِستان به نام «همایون شهر» به شهر تبدیل شده و از سال ۱۳۵۷ش به نام «خمینی شهر» معروف شده است.]

شیخ علی محمّد نجف آبادی

شیخ علی محمّد بن محمّدجعفر بن محمّدرحیم بن محمّدصالح بن محمّدشفیع بن حبیب اللّه نجف آبادی اصفهانی نجفی، عالم فاضل و عابد زاهد. [از علمای قرن چهاردهم هجری] اجدادش از تجار خوشنام و معتبر بودند.

[او در نجف آباد متولّد شد و در اصفهان نزد جهانگیرخان قشقائی و آخوند کاشی تحصیل کرد. سپس به نجف رفت و در درس مرجع عالیقدر شیعه میرزا حسن شیرازی حاضر شد و سال ها از درس او بهره برد. آنگاه به نجف اشرف بازگشته و در مدرسه هندی به تدریس معقول و منقول پرداخت. او از جامعه عزلت و دوری اختیار کرده و تا

۱- فهرست ملک، ص۷۳۹.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۴۴۴.

آخر عمر بدون همسر و فرزند زندگی کرد و تمام روزهای سال (به جز ایّام عید فطر و قربان که روزه در آن حرام است) روزه می گرفت و همیشه در حال ذکر و مراقبه بود.

او جز کتاب هایش دوست و مصاحبی نداشت. کتابخانه او در نجف بیش از چهار هزار مجلد کتاب داشت. وصی او حاج نظری شوشتری (صاحب حسینیه شوشتری ها، کتاب های او را به کتابخانه شوشتری ها منتقل کرد و در اختیار عموم قرار داد.

از شاگردان او می توان به حضرات آیات: شیخ آقابزرگ طهرانی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، شیخ محمّدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) ، سیّد عبدالهادی شیرازی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج میرزا علی آقا ایروانی، سیّد شمس الدّین محمود مرعشی نجفی و سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی اشاره کرد.]

وی سرانجام در سال ۱۳۳۲ق در نجف اشرف وفات یافت. [عارف ربانی سیّد احمد کربلائی تهرانی بر پیکرش نماز خواند] و در آن ارض اقدس مدفون گردید.(۱)

شیخ علی محمّد شریف

شیخ علی محمّد شریف فرزند آقا شیخ محمّدجواد بن محمّدحسن، از علماء و فضلاء [قرن چهاردهم هجری، مجتهد عالیقدر و زاهد صالح.] برادرِ شیخ احمد بیدآبادی و شیخ محمّدعلی شاه آبادی [در سال ۱۲۹۱ق در اصفهان متولّد شد] در نزد پدر و برادر تحصیل نمود. [پس از وفات پدر دانشمند خود به عتبات عالیات مشرّف شده و چندین سال در کاظمین به تحصیل پرداخت و از علاّمه جلیل مرحوم سیّد حسن صدر و شیخ محمّدتقی بن حسن آل اسداللّه کاظمی اجازه روایتی اخذ نمود. سپس به نجف اشرف رفته و چندین سال در آنجا اقامت نمود. آنگاه به ایران مراجعت نموده و مدّتی در تهران

۱- نقباء البشر، ج۴، صص ۱۶۲۲ و ۱۶۲۳؛ الذریعه، ج۶، ص۲۷۴؛ میرزای شیرازی، صص ۱۷۲ و ۱۷۳؛ دیباچه دیار نون، صص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ آئینه اهل قلم، ص۹۰.

نماز جماعت را در مسجد سراج الملک اقامه نمود.] مدّتی هم در مدرسه میرزا مهدی [در محلّه بیدآباد اصفهان] ساکن و به نوشتن سجلات شرعی اشتغال داشت. در اواخر عمر به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آن ارض اقدس در سال ۱۳۷۳ق وفات یافته و در وادی السلام مدفون گردید. [محلّ دقیق مدفن او را کنار مزار مرحوم فیروزآبادی، جنب باب طوسی در حرم مطهر حضرت علی علیه السلام نوشته اند از ایشان «رساله ای در صلاه مسافر» باقی مانده است.(۱)]

میرزا علی محمّد سهائی قائنی*

میرزا علی محمّد شریف قائنی متخلّص به «سُهائی» فرزند حاج محمّدحسن، شاعر و ادیب فاضل، از دانشوران اواخر دوره قاجاریه.

او نوه دختری میرزا محمّداسماعیل حسینی قائنی بوده و در اصفهان متولّد گردیده و در این شهر علم و ادب آموخته است. او در اداره تلگراف اصفهان به فعالیّت پرداخته و به درجه سرهنگی نائل شده است. وی از نخستین عکاسان اصفهان بود و عکس های زیبایی از آثار او به جای مانده است. در نقاشی و قلمدان سازی نیز مهارت داشته است. از جمله قلمدان زیبایی با موضوع جنگ هرات از او به جای مانده که آن را به حسام السّلطنه فاتح هرات تقدیم کرده که نزد مهندس محسن فروغی موجود بوده است.

او سرانجام در سال ۱۳۱۶ق وفات یافته و در تکیه بابا رکن الدّین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

او شاعری قابل و ادیبی ماهر بوده و دیوان اشعارش نزد خانواده او موجود است.(۲)

از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۰؛ نقباء البشر، ج۴، صص ۱۶۲۳ و ۱۶۲۴؛ استادزاده، صص ۳۱ و ۳۲.

۲- کارنامه خاندان قائنی (بشارت) ، ص۱۷۱.

تا خم زلف دو تای تو شکن در شکن است دل شوریده ما کلبه بیت الحزن است

تار زلفت شکند رونق تاتار مگر حلقه زلف بتان خطّه چین و شکن است

میرزا علی محمّد میردامادی

میرزا علی محمّد بن میرزا محمّدحسن میردامادی سدهی از اعقاب میر محمّداشرف علوی عاملی، عالم فاضل زاهد [از علمای قرن چهاردهم هجری] نزد علمای اصفهان بالاخص آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج میرزا محمّدصادق مدرس خاتون آبادی، شیخ محمّدحکیم خراسانی، آقا سیّد مهدی درچه ای و آقا میرزا احمد اصفهانی بوده و در سال ۱۳۵۲ق وفات یافته و جنب پدر در مقبره شاهزاده ابراهیم در قریه ورنوسفادران سِدِه اصفهان [خمینی شهر فعلی] مدفون گردید.(۱)

علی محمّد اصفهانی*

علی محمّد بن محمّدحسین اصفهانی، از کاتبان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. و نسخه ای از «قرآن مجید» را در جمعه ۱۸ صفر ۱۲۷۹ق به خط نسخ خوش کتابت نموده و در همان سال در مطبعه آقا میر محمّدباقر تهرانی چاپ سنگی شده است.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۹ و ج۲، ص۸۲۸؛ لطائف غیبیّه: مقدمه، ص بیست و هفت؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۰۵.

۲- اهتمام ایرانیان به قرآن کریم، ص۲۴۸.

میرزا علی محمّد اژه ای*

میرزا علی محمّد اژه ای فرزند میرزا محمّدحسین بن میرزا علی محمّد بن میرزا محمّدعلی بن ملّا عبداللّه بن ملّا علی اکبر اژه ای، عالم فاضل متقّی و فقیه محقّق اصولی، از علمای معاصر اصفهان.

قبل از سال ۱۳۰۰ش در اصفهان متولّد شده و نزد علمای این شهر از جمله: سیّد صدرالدّین کوپائی، میرزا محمّدعلی معلم حبیب آبادی، مجدالعلماء نجفی، میرزا محمّد طبیب زاده، شیخ محمود مفید و سیّد مرتضی موحد ابطحی به تحصیل پرداخته و از آیات عظام سیّد محمّدحجت کوه کمری و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی به اخذ اجازه اجتهاد مفتخر شده است.

او سال های طولانی اقامه جماعت در مسجد علی اصفهان را برعهده داشته و در عداد علمای طراز اوّل اصفهان به شمار می رود. عمر شریفش را صرف عبادت و تحقیق و تحصیل و ارشاد مردم و حل مشکلات آنان نموده و یار معین ضعفاء بوده است. فرزند برومند او شیخ علی اکبر اژه ای از مبارزان انقلاب اسلامی بود. که در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در تهران در روز ۷ تیر ۱۳۶۰ش به شهادت رسید.(۱) این عالم گرانمایه سرانجام در تاریخ ۳۰ محرم ۱۴۳۲ق (مطابق با ۱۵ دی ۱۳۸۹ش) وفات یافت و در مزار هارون ولایت اصفهان مدفون شد.

ملّا علی محمّد محلّه نوئی اصفهانی

ملّا علی محمّد محلّه نوئی اصفهانی معروف به «غیاث الدّین جمشید ثانی» فرزند

۱- بزم معرفت، صص ۱۴۱-۱۴۳.

محمّدحسین، عالم فاضل، از علماء ریاضی و مفاخر علمی [در قرن سیزدهم هجری.]

در سال ۱۲۱۵ق متولّد شده و تحصیل کرد. علیقلی میرزا اعتضادالسّلطنه وزیر علوم او را از اصفهان به طهران برده و مورد توجّه و التفات قرار داد. و او به تدریس و تألیف کتب پرداخته تا اینکه در ۱۷ ماه صفر ۱۲۹۳ق در طهران وفات یافته و به خاک رفت.

وی اوّلین کسی از دانشمندان ایران است که جدول لگاریتم را اختراع نمود و شایسته بود که از تحقیقات علمیش به نفع مملکت استفاده شود.

کتب زیر از اوست:

۱. «تکمله العیون» در مسائل جبر و هندسه شامل ۲۰ مسأله ۲. «رساله ای در بیان قاعده کلّی برای گشایش معادلات جبری در هر درجه ای»۳. کتابی مبسوط در «علم اعداد»۴. «رساله ای در جداول اعداد»(۱) ۵. «تقسیم کره بسطوح مستوی» که به دستور ناصرالدّین شاه به فارسی نوشته و در مجموعه کتب اهدایی خطی آقای مشکوه به دانشگاه طهران موجود است.(۲)

دو فرزند صاحب عنوان میرزا عبدالوهاب منجم و میرزا عبدالغفار نجم الدّوله از دانشمندان آن عصر بوده اند.

ملّا علی محمّد محلّه نوئی برخی از کتب ادبی و ریاضی را کتابت کرده است از جمله «غیث الادب الذی انسجم فی شرح لامیه العجم» که آن را در سه شنبه ۲۸ شوال ۱۲۶۷ق کتابت کرده و به شماره ۲۰۰۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۸۰ و ۷۸۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۵؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۵۵۳؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۳۷؛ دائره المعارف الاسلامیه (جواهر کلام) ، ص۵۹؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۶۸؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، ص۴۸۲؛ زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی، ص۴۳۹.

۲- فهرست مشکوه، ج۴، ص۹۲۵.

است.(۱)

میرزا علی محمّد میردامادی

میرزا علی محمّد میردامادی بن حاج میرزا محمّدحسین سدهی، عالم فاضل و روحانی متنفّذ [در اواخر دوره قاجاریه] از شاگردان آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی و برادر عالیقدرش میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) و حاج میرزا بدیع درب امامی [و شیخ محمّدباقر مسجدشاهی نجفی] و دیگران بوده و قبل از نیل به اجتهاد به سِدِه [خمینی شهر فعلی] مراجعت نموده و به اقامه جماعت در مسجد ملاّ محسن محلّه خوزان و ارشاد مردم پرداخت.

وی در رجب ۱۳۴۲ق به سن قریب به هفتاد سالگی وفات یافته در مقبره ملاّ محسن محلّه شمس آباد خوزان مدفون گردید.(۲)

علی محمّد نجف آبادی

علی محمّد بن حسین نجف آبادی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۶۰ق نسخه ای از کتاب: «الهدایا» در نحو تألیف: ابوحیّان محمّد بن یوسف اَندُلُسی ساکن قاهره را کتابت نموده است.(۳)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۶۲۱.
۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۷؛ لطائف غیبیّه: مقدمه، ص بیست و پنج؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۰۱.
۳- الذریعه، ج۲۵، ص۱۶۶.

علی محمّد همدانی

علی محمّد بن محمّدحسین همدانی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] متوفّی ۱۰۷۹ مؤلف: «مرآه الصلاه فی اسرار الصلاه»(۱)

علی محمّد شوّاخ آرانی کاشانی*

علی محمّد متخلّص به «شوّاخ» فرزند رجبعلی آرانی کاشانی، از شعرای قرن چهاردهم هجری. در «آران» کاشان متولّد شده و سپس به اردستان مهاجرت کرده و در روستای «قهساره» ساکن شده است. وی شاعری با فضل بوده و با شاعر مشهور میرزا محمّدعلی رجاء زفره ای معاشرت و رفاقت داشته است. سرانجام به حبیب آباد برخوار رفته و در آنجا وفات یافته است.(۲)

علی محمّد مسکین حبیب آبادی

درویش علی محمّد حبیب آبادی بُرخواری متخلّص به «مسکین» فرزند عباس بن محمّدعلی بن باقر [از شعرای قرن چهاردهم هجری.] روزگار به مدّاحی و روضه خوانی می گذرانید و گاهی شعری می گفت. از شعراء متوسط به شمار می رفت. بیشتر اشعارش در مدائح و مصائب می باشد. او در شب چهارشنبه ۱۲ شوّال سال ۱۳۵۱ق در قریه حبیب آباد وفات یافت و در قبرستان عمومی آنجا مدفون گردید. این چند بیت در ورود حضرت امام حسین علیه السلام به زمین کربلا از اوست:

۱- الذریعه، ج ۲۰، ص۲۷۷؛ معجم مؤلفی الشیعه، ص۴۳۷.

۲- ادیب ماندگار، ص۲۷۲.

چون که در میقاتگاه یار شد در تکلّم آن شه ابرار شد

با خدای خویشتن همراز گشت گوش حق با وحی حق انباز گشت

گفت آیم هر کجا دلخواه توست آیم آنجا من که قربانگاه توست(۱)

علی محمّد کثیری*

حاج علی محمّد کثیری فرزند ملاّ عبداللّه، از دانایان قرائت و تجوید در عصر حاضر است. وی به تدریس قرآن و آموزش فنون قرائت مشغول بوده و کتابی در «مناسک حج» مطابق با فتاوای آیه اللّه بروجردی به فارسی تألیف نموده که به چاپ رسیده است.

او در روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۵ش وفات یافته و در تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون شده است.(۲)

میرزا علی محمّد نظام الدّوله

میرزا علی محمّد نظام الدّوله فرزند میرزا عبداللّه خان امین الدّوله بن حاج میرزا محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشمندان قرن سیزدهم هجری.] در سال ۱۲۲۲ق متولّد شده و در اصفهان و طهران تحصیل علوم نموده، در سال ۱۲۴۷ق به اتفاق پدر به نجف اشرف مهاجرت نموده و به تکمیل علوم و تهذیب نفس و تألیف و تصنیف پرداخت. در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضیات مهارت داشته [و شعر نیکو می گفته و «شعراء» تخلّص می کرده است.] او قریب ۱۸ مجلّد کتاب تألیف کرده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۴۹.

۲- یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

مشارٌ الیه نزد صاحب جواهر و ملاّ مقصودعلی غروی و میرزا حسن بن ملاّ علی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده و از حاج ملاّ احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است (تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است.)

[در حسن سیرت و صورت و کفایت و درایت معروف بود. پیوسته با ارباب کمال به سر می برد و در نظم و نثر فارسی و عربی دست داشت و از علوم ریاضی و دینی بهره ور بود و در سواری و تیراندازی کم تر نظیر داشت. خط نستعلیق و نسخ را خوش می نوشت.

وقتی او به عتبات رفت شیخ مرتضی انصاری مکرّر می گفت: «وقتی نظام الدّوله در مجلس درس من نیست نمی دانم چه می گویم و وقتی هست آنچه می گویم با ملاحظه می گویم...»

مقام وی در دربار فتحعلی شاه به آنجا رسید که خواستگار خورشید کلاه (شمس الدّوله) دختر شاه (و طاوس خاتم تاج الدّوله اصفهانی) شد و با تشریفات مفصّل به عقد ازدواج وی درآمد ولی دیری نپائید که مورد بی مهری شاه واقع و به عراق فراری شد و در آنجا مدتی بلند آوازه زیست.]

سرانجام در ۸ ذیحجه سال ۱۲۷۶ق در نجف وفات یافته در مدرسه صدر مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «البرهان»۲. «تقریرات»۳. «دیوان شعر» به عربی و فارسی۴. «رساله در اصول فقه»۵. «رساله در شبهه محصوره و آب مضاف» که به طبع رسیده [است.]۶. «رساله در امامت»۷. «سلافه الوزراء» در معنی ولایت به طریق اهل تصوّف و عرفان به نظم و نثر، مطبوع ضمن کتاب «فوائد البهائیه» نسخه ای از آن ضمن جُنگ شماره ۲۸۳۳ در

کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.۸. «شهاب الثّاقب» در ردّ «صواعق» ابن حجر.۹. «کشف الابهام» در فقه ۱۰ و ۱۱. دو کتاب در «رجال» ۱۲. «کتابی در ترجمه ۱۹ نفر از بزرگان اهل سنّت و ردّ بر آنها از کتب اهل سنّت» ۱۴. «معارج القدس» در حکمت و کلام و توحید و عدل ۱۵. «نورالابصار» و غیره

شش پسر داشته [که از فضلاء آن عهد بوده اند] حاج اسداللّه خان نظام العلماء، حاج امین آقا، حاج علی آقا، مرتضی قلی خان، حاج نجفعلی میرزا و شیخ بهاءالدّین محمّد

این شعر از اوست:

دوش که بودم حریف چنگ و چغانه مطرب مجلس نواخت این به ترانه

زلف طرب را می است شانه به تحقیق می چو نباشد نه زلف باد نه شانه(۱)

علی محمّد سیچانی

علی محمّد بن آقا علی سیچانی اصفهانی [از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم هجری.] در چهارشنبه ۴ شوال ۱۲۴۴ق به دستور آخوند ملاّ حسین جزینی کتابت نسخه ای از «روادع النّفوس» میر محمّدصالح خاتون آبادی را به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۱۹۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم موجود است.(۲)

همچنین او در روز ۲۷ محرم سال ۱۲۴۵ق نسخه ای از کتاب «انساب النواصب» تألیف: مولی علی بن داود خادم استرآبادی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۴۳۰۹

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۰ و ۳۹۱؛ ماضی النّجف، ج۳، ص۴۸۲؛ فوائد البهیه، ص۸۳؛ فهرست مرعشی، ج۸، ص۳۸؛ صدر التواریخ، ص۱۰۸؛ تاریخ عضدی، صص ۷۱-۷۸؛ الکرام البرره: خطی؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، صص ۴۸۳ و ۴۸۴؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۱۱۱ و ۲۱۱۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، ص۴۸۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۲۹۹.

در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

میرزا علی محمّد فنائی

میرزا علی محمّـد ابریشم کار متخلّص به «فنائی» [فرزنـد ملّا علی] شاعر ادیب معاصـر متوفّی در جمعه ۲۹ صفر ۱۳۶۸ق مدفون در صحن تکیه ریزی در تخت فولاد اصفهان. این دو بیت از اوست:

رخش سعادت همه جا تاختم در دل هر ذرّه تو را یافتم

در دل هر ذرّه تو ای نوربخش از ره بخشندگی ما را ببخش(۲)

میرزا علی محمّد ینبوع زفره ای*

میرزا علی محمّد زفره ای متخلّص به «ینبوع» فرزند ملّا محمّدعلی بن حاج محمّداسماعیل زفره ای کوهپایه ای اصفهانی، فاضل طبیب و شاعر ادیب، از دانشوران قرن چهاردهم هجری. طبع روانی در شـعر داشـته و اغلب اشعارش در مدایح و مراثی چهارده معصوم علیهم السـلام است و «منبع الرّزیّه» نـام دارد و نزد محقّق ارجمنـد آقای محمّـدحسن رجائی زفره ای موجود بوده است. علاوه بر شاعری طبابت هم می کرده و در طب شاگرد میرزا حیـدرعلی طبیب (حیـدرزاده) فرزنـد ملّا محمّـدعلی حکیم باشـی زفره ای بوده است.

سرانجام او در راه مسافرت به مشهد مقدس در سال ۱۳۸۳ق (مطابق ۱۳۴۲ش) وفات یافت و در قبرستان سه دختران شهر ری به خاک رفت.(۳)

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶.

۳- زفره: تاریـخ و جغرافیـا، شـرح حال علماء و شـعراء، آداب و رسوم، ص۵۷؛ مجلّه کتابـداری، سال ۳۳: دفتر ۳۲ و ۲۳، سال ۱۳۷۸، ص ۷۰.

میرزا علی محمّد شریفی اژه ای

میرزا علی محمّد بن ملّا محمّدعلی بن ملّا عبداللّه بن ملّا علی اکبر اژه ای، عالم فاضل، فقیه محقّق عابد زاهد و ادیب شاعر [از علمای اواخر دوره قاجاریّه] متخلّص به «شریفی» [در شب ۱۵ شعبان] ۱۲۶۶ق متولّد شده [و در ۱۸ سالگی به نجف اشرف رفته و مدت ۹ سال نزد اساتیـد آنجا از جمله ملّا محمّدفاضل ایروانی تحصـیل نمود. آنگاه به اصـفهان آمده به ارشاد مردم و اقامه جماعت در مسجد علی پرداخت.(۱)]

او مؤلف مجموعه ای در آداب و اخلاق است که آن را در آخر کتاب «نماز شب» جـدّش ملّا علی اکبر اژه ای به طبع رسانیده است. سرانجام در شب شنبه ۱۲ صفر سال ۱۲۳۲ق وفات یافته و جنب مزار پدرانش در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

این شعر از اوست:

خدایا به حق بنی فاطمه مرا با خودت آشنائی بده

که خورسند باشم به وقت رحیل مرا دستگیری کن ای من دخیل

همه عمر ضایع چو من کرده ام ز اعمال و کردار شرمنده ام

به حق حقّانیّتت ای خدا کنی رحم بر ما بهر دو سرا

تو توفیق ده تا که مردانه وار گذشتی کنم من از این روزگار

همه حال من حال مجذوب کن که امر تو باشد یکن بعد کن

«شریفی» چو همیان عصیان شده است ندارد به جز رحمت تو به دست(۳)]

۱- بزم معرفت، صص ۱۳۷-۱۳۹.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۶.

۳- تراجم الرجال، ج۱، ص۴۱۳؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۱۲۷.

شیخ علی محمّد شوشتری

شیخ علی محمّد بن شیخ غلامحسین شوشتری، عالم زاهد از علمای اخیار [در اواخر دوره قاجاریّه] و از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر نجفی بود. در ۸ شوال ۱۳۳۶ق وفات یافته و جنب لسان الارض مدفون گردید.(۱)

سیّد علی محمّد مدرس

حاج سیّد علی محمّد مدرس صادقی بن آقا سیّد محسن میر محمّد صادقی، شاعر و ادیب اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

در ۱۹ صفر ۱۲۹۴ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیلات خود را انجام داده و از بدو تأسیس تشکیلات دادگستری به عنوان وکیل به خدمت پرداخته و در عداد وکلای طراز اوّل دادگستری اصفهان قرار گرفت. گاهی شعر می گفت و «مدرس» تخلّص می کرد. او در یکی از مساجد اصفهان نماز جماعت را اقامه می نمود.

وی در پنج شنبه ۱۹ ذیحجه الحرام ۱۳۹۲ق وفات یافت و در تکیه میر محمّد صادقی ها [واقع در گلستان شهدای فعلی] در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

او تألیفاتی داشته که از آنها فقط «شرح دعای سمات» و «شرح دعای صباح» به چاپ رسیده است.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۴۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۴.

علی محمّد طبیب اصفهانی

علی محمّد طبیب بن میرزا محمّد اصفهانی [از اطبّاء قرن سیزدهم هجری] ساکن طهران. در سال ۱۲۹۵ق حیات داشته است. به دستور او کتاب «احکام الامراض» تألیف: عبدالکریم طبیب طهرانی را نوشته اند. نسخه به شماره ۶۴۳۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا علی محمّد حکیم

میرزا علی محمّد اصفهانی متخلّص به «حکیم» فرزند محمّد بن علی محمّد بن محمّدقلی کرونی اصفهانی، عالم فاضل، حکیم عارف و ادیب شاعر، از دانشمندان دوره قاجاریه.(۲) [در حدود سال ۱۲۶۱ق در فریدن، از توابع استان اصفهان متولّد شده و به همراه برادرش صفای اصفهانی به اصفهان آمده و نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخت. سپس به طهران رفته و نزد آقا محمّدرضا قمشه ای و آقا علی مدرس زنوزی حکمت و عرفان را فراگرفت. او حجره ای در مدرسه صدر واقع در جلو خان مسجد شاه طهران گرفته و به تدریس پرداخت، اما به خاطر کج خُلقی به خاطر ابتلا به بیماری شاگردان چندانی نداشت. شیخ فاضل بن حسن لنکرانی مؤلف «حاشیه بر شرح منظومه» از شاگردان اوست. حکیم در اواخر عمر به تدریس در مدرسه علوم سیاسی طهران مشغول شد. و سرانجام در شب پنج شنبه ۲۱ جمادی الاولی سال ۱۳۴۳ق (مطابق ۲۶ قوس ۱۳۰۳ش) در حجره خود در مدرسه صدر وفات یافت. او مانند برادرش حکیم صفای اصفهانی تا آخر عمر مجرّد زیست و همسر اختیار نکرد. از او اشعاری به جای مانده که هنوز به طبع نرسیده است.

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۴۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۷.

از اوست:

از دور عکس روی تو دیدن چه فایده دیدن گل و به گل نچیدن چه فایده

دیدن خوش است لاله رخان را به چشم خویش تعریف شان ز غیر شنیدن چه فایده(۱)]

میرزا علی محمّد طغرل اصفهانی*

میرزا علی محمّد چهارمحالی اصفهانی متخلّص به «طغرل» ملقب به «شمس الشّعراء» فرزند میرزا محمود بن ملاّ محمّد بن ملاّ ملك احمد لاوی سمیرمی، شاعر و ادیب فاضل. در سال ۱۲۷۴ق متولّد شده و در اصفهان به کسب علم و ادب پرداخت. ابتدا «شهاب» تخلّص می نموده و سپس آن را به «طُغُرل» تغییر داد. در شعر و ادب دستی توانا داشته و انواع شعر خصوصا غزل و قصیده را نیکو می سروده و در فن مادّه تاریخ گوئی مهارت داشته است. نمونه قطعات مادّه تاریخش در ابنیه و عمارات اصفهان نظیر مسجد جنب حمام کوچه قصر منشی، مسجد رکن الملك و تکیه حاج محمّدجعفر آباده ای در تخت فولاد موجود است و بر قدرت شاعری او دلالت دارد.

وی سرانجام در سفر خراسان، در سمنان در دوشنبه ۱۳ رجب المرجب سال ۱۳۳۲ق وفات یافته و جنازه اش توسط مرتضی قلی خان نایب السّلطنه به مشهد مقدس حمل و در پای پنجره فولاد در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تاریخ هندوستان»۲. «عالم نمای مسعودی» (در تاریخ هندوستان) که غیر از

۱- منتخب معجم الحکماء، ص۱۳۴؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفاء، ص۳۰۰؛ دیوان اشعار حکیم صفای اصفهانی: مقدمه؛ شواهد الرّبوبیه: مقدمه، ص صد و بیست و نه؛ شرح حال رجال ایران، ج۶، ص۱۷۰؛ دیباچه دیار نون، صص ۲۱۵ و ۲۱۶؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۱۸۸.

تـألیف قبل است ۳. «منتخبات اشـعار مسعودی»۴. «جزائر بریطانیا»۵. «تاریـخ روسـیه» این کتاب ها در کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان موجود بوده است.(۱)

میرزا علی محمّد شهدادی نائینی

میرزا علی محمّد معلّم بن میرزا یوسف خان شـهدادی نائینی [فاضل و ادیب خوشـنویس در اوایل قرن چهاردهم هجری] ساکن اصـفهان. پـدرش طبیب و داروسـاز بود. صـاحب عنوان در اصـفهان تحصـیل کرد. مـدّتی در نـائین مـدرسه ایجاد کرد. پس از تعطیلی آن به اصـفهان آمـد و در کمـال عزّت به شـغل مُحَرّری روزگـار می گذرانیـد. خط نسـخ را شـیرین می نوشت. مردی وارسته و درویش مسلک بود و در فروردین ۱۳۲۵ش در اصفهان وفات یافت.(۲)

میرزا علی محمّد دولت آبادی

میرزا علی محمّـد بن حاج میرزا هادی بن سـیّد عبـدالکریم بن میر محمّـدهادی حسـینی دولت آبادی، از فضـلاء قرن چهاردهم هجری. در حدود ۱۲۹۰ق متولّد و در ۷ محرم ۱۳۴۵ق در طهران وفات یافت.(۳)

سیّد علی محمّد حشمت*

سیّد علی محمّد موسوی طلب متخلّص به «حشمت» از فضلای اوایل قرن سیزدهم

۱- حدیقه الشـعراء، ج۲، صص ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲؛ دیوان طرب: مقـدمه، ص۲۴۷؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۷۲؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، صص ۱۲۴-۱۲۶، ۱۵۸ و ۳۴۸؛ ماهنامه وحید، شـماره مسلسل ۵۷، سال پنجم، ص۵۶۵؛ نامه سخنوران، ص۱۱۶؛ آثار ملّی اصفهان، ص۶۲۸؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۲، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲- تاریخ نائین، ج۴، ص۴۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۰۰.

هجری. در جمعه ۲۱ صفر ۱۲۰۸ق کتاب «تحفه الابرار» یا «شرح صحیفه هرمس» تألیف: شیخ محمّد قمری مصری را به خط نسخ و به دستور میرزا محمّد حسن شهریار ملکی دارالسّلطنه اصفهان کتابت کرده است. این کتاب در کتابخانه آیت اللّه حججی در نجف آباد موجود است.(۱)

علی محمّد ساوجی

علی محمّد ساوجی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در شنبه غرّه رمضان ۱۲۴۴ق کتابت نسخه ای از جلد دوّم «قوانین» را به خط نسخ در اصفهان به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۴۵۰ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

شیخ علی محمّد سدهی

شیخ علی محمّد سدهی، از اهالی فتح آباد خوزان از بلوک سده ماربین [خمینی شهر فعلی] بود. از ادباء و شعرای قرن چهاردهم هجری است و بیشتر اشعارش در مرثیه و مصیبت می باشد. در حدود سال ۱۳۶۵ق وفات یافت.(۳)

میرزا علی محمّد طبیب کرونی

میرزا علی محمّد طبیب کرونی اصفهانی [از دانشمندان و اطباء فاضل اواخر دوره قاجاریه.] در طهران ساکن بوده و به طبابت می پرداخته و منظور نظر ناصرالدّین شاه قاجار بوده است.

۱- فهرست حججی، ص۸۴.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۲۲۶.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۰.

از تألیفات اوست:

۱. «مشکاه السّنیّه» در جغرافیا به فارسی، در یک مقدمه و ۶ قسمت و یک خاتمه که نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران به شماره ۶۴۵ و نسخه ای دیگر به شماره ۶۴۵ در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۱) ۲. «المولودیّه فی حقیقه الولاده» در طب و قابلگی که در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۲)

میرزا علی محمّد فره وشی (مترجم همایون)

میرزا علی محمّد فره وشی (مترجم همایون) فاضل ادیب. از فرهنگیان قدیمی [در قرن چهاردهم هجری] سال ها در اصفهان و طهران مصدر خدمات بود. به زبان عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط داشته و کتب زیادی ترجمه نموده و بسیاری از آنها را به طبع رسانده است.

[او در سال ۱۲۵۴ش در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل علوم مقدماتی، در تهران و استانبول تحصیل کرد و سال های دراز در مدارس تهران و ولایات عهده دار تدریس زبان فرانسه بود. او مدارس همایونی زنجان و انوشیروان دادگر و فیروز بهرام را پایه گذاری کرد و در بسیاری از شهرهای ایران چون زنجان، ارومیه، کرمان، تبریز و اصفهان سمت های فرهنگی داشت تا اینکه در سال ۱۳۲۸ش بازنشسته شد. او را باید از مؤلّفین نخستین کتب درسی جدید شمرد.]

وی در شعبان ۱۳۸۸ق [مطابق ۱۳۴۷ش] در طهران وفات یافت. این کتاب ها از آثار اوست:

۱. ترجمه «ایرانی که من شناخته ام» تألیف: نیکیتین ۲. «باستان نامه» مجموعه

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص۶۰؛ فهرست ملّی، ج۲، ص۱۵۲.

۲- الذریعه، ج۲۳، ص۲۷۸.

داستان های تاریخی و باستانی۳. هفت مجلد «حساب» و «هندسه» جهت دبستان ها و دبیرستان ها۴. ترجمه «سفرنامه از خراسان تـا بختیـاری» تـألیف: هاری رنه دالمانی۵. ترجمه «سـفرنامه مـادام دیولاـفوا» [۶. «اصول جبر و مقـابله»۷. «جغرافیـای رهنما»۸. «حساب جدید مظفری»۹. «حساب ابتدائی» مفصل ۱۰. «حلل المسائل جبر» ۱۱. «دستور دانش» ۱۲. ترجمه «ربنس سویس» ۱۳. «علم الاشیاء» ۱۴. «کتاب نیکلا» درباره تاریخ باب ۱۵. ترجمه «ایران، کلده، شوش» نوشته: مادام دیولافوا

فرزنـدش دکتر بهرام فره وشـی (۱۳۰۴-۱۳۷۱ش) دانش آموخته دانشسـرای عالی و دانشـکده ادبیات دانشـگاه تهران و دارنـده دکتری تمـدن و السـنه و ادیـان ایرانی از دانشـگاه پـاریس، از محقّقین پرکـار زبـان و فرهنـگ ایران قبل از اسـلام بوده و کتب فراوانی در این باب منتشر ساخته است.(۱)]

شیخ علی محمّد فقیه حبیب آبادی

شیخ علی محمّد فقیه حبیب آبادی، عالم فاضل، در روستای «حبیب آباد» بُرخوار متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله آقا سیّد محمّـدباقر درچه ای و آخونـد ملاّ عبدالکریم گزی [و جهانگیرخان قشـقائی] به تحصـیل پرداخته و سـپس به انجام وظایف شرعی مشغول شد. وی در شب جمعه ۱۷ ربیع الاوّل سال ۱۳۸۵ق وفات یافته و در صحن تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۲۷ و ۸۲۸؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، صص ۵۹۱-۵۹۳؛ نادره کاران، صص ۲۱۶ و ۷۵۸؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۱۲۱۱؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۴۴۶ و ۴۴۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۳.

ملّا علی محمّد کربکندی

حاج ملّا علی محمّد کربکندی طبیب، از شاگردان حاج محمّدباقر حکیم باشی و در حذاقت و اصابت رأی و تشخیص بیماری ها شهرت و عنوان داشته است. وی پس از وفات در قبرستان شاهزاده محمود واقع در دولت آباد بُرخوار اصفهان مدفون شد.(۱)

علی مراد مسرور بروجنی

علی مراد رئوفی متخلّص به «مسرور» فرزند محمّدحسین از شعرای قرن چهاردهم هجری. در حدود سال ۱۳۱۵ق در بروجن متولّد شده و تحصیلات خود را در مکاتب قدیم انجام داد. از اوان جوانی به شعر و شاعری رغبت می نمود. دیوانی قریب ۲۵۰۰ بیت (از غزل و مخمس و غیره) داشت. از اوست:

سر زلفت بود حبل المتینم جمالت قبله دنیا و دینم

صراط المستقیم ابروانت لبت سرچشمه ماء معینم(۲)

حاج میرزا علینقی

حاج میرزا علینقی، از خوشنویسان اصفهان در اواخر عهد قاجاریه است. خط نستعلیق را خوش می نوشت. از آثار او خطوط کتیبه سقاخانه امامزاده احمد اصفهان به تاریخ ربیع الاوّل ۱۳۲۱ق است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۸؛ مزارات اصفهان، ص۲۶۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۴۷ و ۴۴۸.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۷۳ و ۶۷۴.

میر علینقی

میر علینقی، عـالم فاضـل، از علمـای قرن دوازدهم هجری. وفـاتش در سال ۱۲۰۵ق روی داده و قـبرش در تکیه مجلسـی جنب مسجد جامع(۱) [واقع شده است.]

علینقی اصفهانی*

علینقی اصـفهانی، از خوشـنویسان خط نستعلیق در اوایل قرن یازدهم هجری است. در مجموعه آقای آیدین آغداشلو در تهران قطعه ای به خط او و مورّخ به سال ۱۰۰۲ق وجود دارد.(۲)

علینقی انور اصفهانی

علینقی اصفهانی متخلّص به «انور» [از سخنوران قرن دوازدهم هجری] شاعر ادیب. پیشه صحّافی داشت.(۳) [در علوم غریبه هم مهارت داشت. در هنگام محاصره اصفهان به دست افاغنه، به قصد فرار از شهر بیرون آمد، امّا در همین اوقات وفات یافت. این مطلع از اوست:

در جهان ای جان به تنگ از عالم جسمانیم تا اسیر قید هستی گشته ام زندانیم(۴)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۸.

۲- فهرست خوشنویسان قرن دهم، ص۱۴۱.

۳- تذکره روز روشن، ص۹۰؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰۹.

۴- تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۳۴۷.

میرزا علینقی خان سرتیپ (اوحدی)

میرزا سیّد علینقی خان سرتیپ متخلّص به «اوحدی» فرزند میرزا احمد طبیب [از شعراء و ادبای اواخر دوره قاجاریه در اصفهان] از خانـدان حکیم سـلمانی (کلانتری) و از منسوبین به معتمدالـدّوله نشاط بوده و غالبا خود را «نشاطی» می خوانده است. مردی فاضـل و عارف مسـلک بوده و با نابینائی، هم تأسـیس مـدرسه برای فرهنگ کرده و هم تشـکیل انجمن ادبی داده و در ترویج علم و فرهنگ بسیار کوشا بود و مشارٌ الیه را باید یکی از بنیان گزاران فرهنگ جدید در اصفهان دانست.

او در ۹ جمادی الاولی ۱۳۳۹ق وفات یافته است.(۱)

میرزا علینقی حکیم الممالک

میرزا علینقی حکیم الممالک بن حاج آقا اسـماعیل جدیدالاسـلام بن ملّا بابا کلیمی اصـفهانی، فاضل ادیب و شعر. [از فضلای اواخر دوره قاجـاریه] پـدرش در دسـتگاه فتحعلی شـاه و ناصـرالدّین شاه پیشـخدمت سـلام بود. پس از فوت او پسـرش علینقی جانشـین او شـد. او در دارالفنـون طـب را آمـوخت. در سـال ۱۲۷۲ق به سـمت نـایب سـفارت عـازم اروپـا شـد. در سـفر دوم ناصـرالدّین شـاه به اروپـا ملازم رکـاب بود. او حکومت برخی از شـهرهای ایران را یـافته و عاقبت در سال ۱۳۲۱ق در طهران وفات یافت.(۲)

[در طب شاگرد میرزا ابوالحسن سلطان الاطبّاء اصفهانی بوده و «روزنامه سفر به خراسان» از تألیفات او به چاپ رسیده است.]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۷؛ بدایع و نوادر، ص۲۵.

۲- تاریخ بروجرد، ج۱، ص۵۲۷.

میرزا علینقی مسأله گو

حاج میرزا علینقی مسأله گو فرزند سیّد اسماعیل بن میر محمّدعلی حسینی [بن میر محمّداسماعیل بن احمد بن میر محمّدمهدی حسینی خاتون آبادی]، واعظ خبیر و عالم جلیل، [از وعاظ اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

به علم و فضل و تقوی بین الاقران معروف بود و پس از فوت [در روز ۲۳ شعبان ۱۳۵۲ق] در قسمت شمال غربی مسجد مصلی در فضای تخت فولاد مدفون گردیده و پس از چندین سال به اعتاب مقدسّه نقل گردید.(۱)

[شیخ عبدالجواد خطیب ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین گوید:

از پی تاریخ او «خطیب» رقم زد: «در مه شعبان علی نقی بجنان شد»(۲)]

سیّد علینقی بیدآبادی

سیّد علینقی بن اسماعیل موسوی بیدآبادی، از فضلای قرن سیزدهم هجری و از اهالی محلّه بیدآباد اصفهان. در سال ۱۲۳۱ق مجموعه ای شامل کتاب های «معارج» علاّمه مجلسی، «مبادی» علاّمه حلّی، «تهذیب» علاّمه حلّی و «شرح بدایه» شهید ثانی را به خط نسخ خود کتابت نموده که به شماره ۱۱۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

۱- مزارات اصفهان، ص۲۳۷.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۳۲۹-۳۳۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱، ص۱۳۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۱.

سیّد علینقی واعظ

سیّد علینقی بن محمّداسماعیل واعظ قاری اصفهانی [از وعاظ اهل منبر در قرن چهاردهم هجری] در شب ۲۹ جمادی الثّانی سال ۱۳۱۶ق کتاب «التبر المذن» در فضائل و مناقب حضرات معصومین را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۳۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ علینقی کمره ای*

شیخ علینقی بن شیخ محمّدتقی کمره ای اصفهانی، از علمای اصفهان در قرن دوازدهم هجری است. وی در روز ۲۳ صفر ۱۱۳۰ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

علینقی بن رمضانعلی*

علینقی بن رمضانعلی، عالم فاضل ادیب در قرن یازدهم هجری است. او نسخه ای از کتاب «تهذیب الاحکام» را کتابت کرده و علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی در اواخر جمادی الثّانی ۱۰۷۱ق جهت او اجازه نوشته و از او به عنوان «المولی التّقی الورع» یاد کرده است.(۳)

این رباعی از اوست:

ای آنکه به بزم احدیّت یکتای جز احمد مرسل تو نداری همتای

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۲۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- تراجم الرجال، ج۱، ص۴۱۴؛ فهرست مرعشی، ج۸، ص ۹۰.

مدّاح تو در لجّه غم غوطه خورد دستش ز کرم گیر و بگو با ما آی(۱)

ملاّ علینقی سابق مازندرانی

ملاّـ علینقی مازنـدرانی متخلّص بـه «سـابق» فرزنـد ملاّـ محمّدصالـح سـاروی مازنـدرانی، عـالم فاضـل و ادیب شـاعر [در سـال ۱۰۴۲ق.] در اصـفهان متولّد شده و تحصـیل نموده است. سـرانجام به هند رفته و اورنگ زیب را مدح نمود. [و به امر او مثنوی در غزوات اورنگ زیب سروده است. او در حدود سال ۱۰۸۲ق وفات یافته است.]

نویســنده [سیّد مصلح الـدّین مهـدوی] گویـد: در «تـذکره الانسـاب» و «الفیض القدسـی» وی را از اولاـد مـولی محمّـدصالح مازندرانی، از آمنه خاتون نام نبرده اند. لکن علاّمه طهرانی در «الذریعه» وی را سبط مولی محمّدتقی مجلسی می نویسد.(۲)

[این شعر از اوست:

رام ما گشت فلک از غم پنهانی ما هست داغ دل ما مهر سلیمانی ما

دیده به هر سو فکنم از تو نشان می بینم نیست بیهوده درین بادیه حیرانی ما]

علینقی ابهری اصفهانی

علینقی بن علی بیگ ابهری جی اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در نیمه

۱- تذکره شاعران فارسی سرا، ص۱۶۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۶۰؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، صص ۳۷۵ و ۳۷۶؛ الذریعه، ج۹، ص۵۱۴؛ کاروان هند، ج۱، صص ۵۱۳ و ۵۱۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سابق»، ص۱۴ و ذیل «علینقی سابق»، ص۲۷۷؛ منتخب اللطایف، ص ۳۴۰.

ذیقعده سال ۱۱۲۰ق کتابت نسخه ای از «منهج الیقین و صحیفه المتقین» در فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام تألیف: مولی محمّدرضی بن محمّدنصیر مجلسی را به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۲۶ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

[همچنین نسخه ای از «مقباس المصابیح» تألیف علّامه ملّا محمّدباقر مجلسی را در ۲۸ جمادی الاوّل ۱۱۲۵ق کتابت کرده که به شماره ۹۸ در کتابخانه مدرسه بروجردی کرمانشاه موجود است.(۲)]

میرزا علینقی نوری

حاج میرزا علینقی بن ملاّ علی بن جمشید نوری، عالم فاضل ادیب شاعر. از فضلای قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. اشعاری بر حاشیه «رقیمه النوریّه» تألیف پدر خود، به مناسبت مقام سروده است.(۳)

[از تألیفات حاج میرزا علینقی «شرح شواهد مغنی اللّبیب» است که در سال ۱۲۸۱ق تألیف کرده که به خط نستعلیق زیبای مؤلّف به شماره ۴۷۵۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴) همچنین به دستور او در سال ۱۲۵۳ق نسخه ای از «منتهی السؤل فی شرح الفصول النّصیریه» را کتابت نموده اند.

این شعر از اوست که در حاشیه «الرقیمه النوریّه» نوشته است:

فعل ما شد لفظ و معنی فاعل است از جهان بیرون و در وی داخل است

آنکه در دیوار قالب نقش شد در فلک هم حق یکتا قابل است(۵)]

۱- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۹۶.

۲- فهرست بروجردی کرمانشاه، ص۷۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۹.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۲، صص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۵- الکرام البرره: مخطوط.

میرزا علینقی سجادالواعظین

میرزا علینقی سجادالواعظین فرزند میر سیّد علی طباطبائی بن سیّد محمّدرضا صدرالذّاکرین، از خطباء و وعاظ اصفهان در قرن چهاردهم هجری. وی در ۱۰ شعبان ۱۴۰۴ق وفات یافته و در تکیه جویباره ای ها واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرزا علینقی زنجانی

حاج میرزا علینقی بن میرزا محمّدعلی بن امیرمحسن بن محمّدسلیم بن امیر برهان الدّین موسوی زنجانی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، فقیه ادیب نبیل [از علمای عالیقدر اصفهان در قرن سیزدهم هجری که در زنجان متولّد شده و برای تحصیل] به اصفهان مهاجرت نموده است و در این شهر پس از وصول به مقامات عالیه علم و اجتهاد به تدریس و اقامه جماعت در مسجد خیاط ها که آن را مسجد زنجانی ها نیز گویند اشتغال جسته [است.] دارای تألیف و تصنیف بوده و در [روز جمعه ۲۶] صفر المظفّر ۱۲۵۸ق وفات یافته و در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

دارای خطی نیکو بوده و حواشی بر کتاب «ذریعه الضّراعه» تألیف فیض کاشانی نگاشته و نسخه آن در کتابخانه آستانه رضویه موجود است.(۲)

[محمّدحسین ضیاء اصفهانی شاعر معاصر میرزا علینقی در مرثیه او شعری سروده و در آن مادّه تاریخ وفات را چنین گفته است:

از پی تاریخ او کلک «ضیا» زد رقم: «رفت بسوی جنان هادی راه یقین»

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۹۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۵؛ مکارم الآثار، ج۵، صص ۱۵۵۵ و ۱۵۵۶؛ گلزار فضیلت، صص ۱۰۶-۱۱۰.

این نسخه ها به دست میرزا علینقی زنجانی کتابت شده است:

۱. «شوارق الالهام» تألیف: ملاّ عبدالرّزاق فیاض لاهیجی که در ۱۲۱۸ق کتابت نموده و به شماره ۵۲۷ط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱) ۲ و ۳. «مشرق الشّمسین» تألیف: شیخ بهائی و «تمهید القواعد» تألیف: شهید ثانی که در ۱۲۳۹ق کتابت نموده و بر آن حاشیه نوشته که محقّقانه و عالمانه است. این دو نسخه در کتابخانه عالم عالیقدر سیّد حسن صدر کاظمی موجود بوده است. ۴. «ذریعه الضّراعه» که در کتابخانه میرزا علی اکبر عراقی در نجف موجود است.(۲) ۵. «حاشیه بر شرح شمسیه» از میر سیّد شریف جرجانی که در ۹ ربیع الاوّل ۱۲۰۱ق کتابت نموده و در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف موجود است.(۳)]

حاج سیّد علینقی ثقه الشّریعه

حاج سیّد علینقی ثقه الشّریعه فرزند سیّد محسن میر محمّد صادقی بن آقا سیّد محمّدباقر بن میر سیّد علی حسینی، عالم فاضل [از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

در غرّه صفر ۱۲۹۱ق در اصفهان متولّد [شده] و به درس آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آقا میر محمّدتقی مدرس و آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی حاضر شد. سپس در مسجد محلّه نو به امامت و نشر احکام پرداخته و هم در این شهر در سال ۱۳۷۶ق وفات یافت.(۴)

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۵۲۳.

۲- الکرام البرره: مخطوط.

۳- گلزار فضیلت، ص۱۰۸.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۵.

علینقی امامی

علینقی بن محمّـدمحسن بن محمّدرضا امامی [از خطاطان و کتیبه نگاران بزرگ عهد صفویه] که در بیشتر مساجد اصفهان از نوشته های او آثاری موجود است و از سال ۱۱۱۲ق (مسجد جامع) شروع و به ۱۱۲۲ق (مسجد علیقلی آقا) ختم می شود.(۱)

[در ثلثِ شیوه جدّش محمّـدرضا (ثلث شیوه ایرانی) از اساتید مسلّم و کتیبه نگاران چیره دست تاریخ هنر ایران به شمار می رود. علاوه بر ثلث نویسی، خط نستعلیق را نیز خوش می نوشته و کتیبه های نستعلیق او در مساجد اصفهان موجود است.(۲)]

حاج سیّد علینقی فیض الاسلام*

حاج سیّد علینقی فیض الاسلام فرزند آقا سیّد محمّـد دیباجی سدهی اصفهانی، از علمای عالیقدر معاصر در سال ۱۳۲۲ق (مطابق با ۱۲۸۴ق) در «فروشان» از توابع سِدِه ماربین (خمینی شهر کنونی) متولّد شد و علوم مقدماتی را نزد مادرش حیات سلطان (دختر آقا ملّا محمّـدصادق بن ملّا آقابابا سدهی) که زنی عالمه و فاضله و زاهده بود فرا گرفت. همچنین نزد برادرش آقا سیّد غیاث الدّین درس خواند. سپس به اصفهان رفت و چندی به تحصیل مشغول بود. آنگاه راهی عتبات عالیات شد و نزد حضرات آیات: آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، حاج شیخ محمّدکاظم شیرازی، حاج شیخ عباس قمی و حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در فقه و اصول کسب فیض کرد. همچنین فلسفه و عرفان را از شیخ علی اکبر نهاوندی فرا گرفت.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۳.

۲- خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۶۷ و ۶۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۲، صص ۴۹۰ و ۴۹۱ و ج۴، ص۱۱۲۴؛ اطلس خط، ص۳۵۱؛ تاریخ خط و خطاطان، ص۱۱۰؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۷۷.

او پس از سال ها تحصیل، با دریافت اجازات نقل حدیث و اجتهاد از اساتید خود به ایران بازگشت و در تهران ساکن شد و در طول ۴۰ سال اقامت در این شهر به ترجمه و تفسیر قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه پرداخت که به چاپ رسید. ترجمه او از این سه کتاب و خصوصا «نهج البلاغه» مورد استقبال زیاد قرار گرفت و چندین بار تجدید چاپ شد.

او عالمی ساده زیست، متواضع و عاشق خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۶۴ش وفات یافته و در قبرستان بهشت زهرای تهران مدفون شد.

از آثار دیگر او می توان به «خاتون دو سرا» در شرح حال حضرت زینب (سلام اللّه علیها) و «الافاضات الغرویّه فی اصول الفقهیّه» اشاره کرد.(۱)

علینقی قهپایه ای*

علینقی بن شمس الدّین محمّد قهپایه ای اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. او در ۲۷ شعبان ۱۰۸۵ق نسخه ای از کتاب «الکافیه فی النّحو» را به خط نسخ کتابت کرده و به شماره ۸۷۴۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

میرزا علینقی مشیرلشکر نائینی*

میرزا علینقی ملقّب به «مشیرلشکر» فرزند میرزا محمّدفروغ نائینی اصفهانی، ادیب فاضل و منشی دانشمند، در قرن سیزدهم هجری.

او در خاندان علم و فضیلت که اغلب اهل ادب و دانش و عالمان دین بوده اند زاده شد و تربیت یافت. در نائین و اصفهان و تهران علم و ادب آموخت. اعتماد السّلطنه در

۱- ماهنامه کیهان فرهنگی: شماره ۲۳۶، خرداد ۱۳۸۵ش، صص ۶۳-۶۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، ص۴۸۲.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۶۳۹.

«المآثر و الآثار» او را در ذیل اصحاب علم و کمال آورده و نوشته است:

«در فروع و اصول و غالب فنون منقول، از اساتید و فحول است. سطوح فقهیه لا سیّما روضه بهیّه را به اقتداری تدریس می کند که متفقّهی محتشم بلکه مجتهدی مُسلَّم»

مشیرلشکر در دستگاه نایب السلطنه کامران میرزا که عهده دار وزارت جنگ بود به عنوان لشکرنویس و با لقب «مشیرلشکر» به نویسندگی و منشیگری مشغول بوده است.

سال وفات او به دست نیامد.

از آثار او رساله «مآثر الصّدریه» است که نسخه ای از آن نزد آقای جلال بقائی نائینی موجود بوده است و محقّق یگانه استاد ایرج افشار این رساله را تصحیح و در کتاب دفتر تاریخ به چاپ رسانده است.(۱)

علینقی ابهری*

علینقی بن محمّدمؤمن بن حاج محمّد بن حاج میرزا علی ابهری جی اصفهانی، از کاتبان اواخر قرن یازدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشته و همچون پدرانش به کتابت مشغول بوده است. او ظاهرا در اوایل قرن دوازدهم هجری نسخه ای از جلد دهم کتاب «تفسیر الائمه» تألیف: میرزا محمّدرضا نصیری طوسی واقعه نویس را کتابت کرده که در کتابخانه علاّمه محقّق حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲)

شیخ علینقی کمره ای

شیخ عزالدّین علینقی بن ابوالعلا محمّدهاشم طغائی کمره ای شیرازی اصفهانی [از علمای عالیقدر قرن سیزدهم هجری] عالم فاضل، فقیه زاهد جلیل القدر، جامع معقول

۱- دفتر تاریخ، ج۱، صص ۵۵ و ۵۶؛ چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج۲، ص۲۶۳.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۱۴۵.

و منقول. در شیراز خدمت سیّد ماجد بحرانی و در اصفهان نزد شیخ بهائی و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و در شیراز منصب قضاوت [داشت.] و در اصفهان پس از عزل میرزا قاضی از شیخ الاسلامی، به دستور جناب خلیفه سلطان، شیخ الاسلام گردیده و تا سال فوت یعنی سال ۱۰۶۰ق در این منصب بوده است.

مرحوم شیخ علینقی در اصفهان وفات یافته و در زمین تخت فولاد مدفون گردیده و قبر او را در حدود تکیه آقا رضی شیرازی جنب تکیه آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی می نویسند. [امّا] آثار قبر ظاهر نیست.(۱)

[مؤلّف فقید و اغلب شرح حال نویسان، شرح حال شیخ علینقی کمره ای (شاعر عصر شاه عباس صفوی) با شیخ علینقی طغائی کمره ای (شیخ الاسلام اصفهان) را در هم آمیخته و آن دو نفر را یک نفر دانسته اند که چنین نیست.

آنچه هم که در مورد محل دفن شیخ علینقی طغائی کمره ای نوشته شده، صحیح نیست. زیرا کمره ای در شیراز وفات یافته و ظاهرا همانجا به خاک رفته است.]

کتب زیر از اوست:

[۱. «اثبات الواجب» موجود در کتابخانه میرزا محمّدتقی مدرس رضوی در تهران(۲)] ۲. «الادعیه و الاحراز» [که آن را در سال ۱۰۴۸ق در هنگام جنگ سپاهیان سلطان مراد چهارم عثمانی با شاه صفی در بغداد تألیف نموده است.(۳) ۳. «التّحفه الفاخره» که پس از تألیف آن را به شاه صفی اهداء کرده است.] ۴. «الجامع الصفوی» [کتابی مفصّل در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۰؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۳۶ و ۳۷؛ امل الآمل، ج۲، ص۲۰۸؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۲۷۱-۲۷۶؛ روضات الجنّات، ج۴، صص ۳۶۶-۳۷۴؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۳۴؛ معجم المؤلّفین، ج۷، ص۲۵۵؛ الروضه النضره، صص ۴۱۹ و ۴۷۱؛ الاعلام، ج۵، ص۱۸۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۳۸۶؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۴۶۱.

۲- الروضه النضره، ص۴۱۹.

۳- الذریعه، ج۱، ص۳۹۲.

امامت است و در آن به اثبات حقانیّت شیعه امامیه پرداخته و جواب های مفصّل به اعتراضات شیخ نوح حنفی (از علمای سنّی سرزمین عثمانی) داده است. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه های آستان قدس رضوی(۱) ، ملک تهران(۲) ، مرکز احیاء میراث اسلامی در قم(۳) و شیخ علی کاشف الغطاء در نجف اشرف(۴) موجود است.] ۵. «حدوث العالم» [که صاحب ریاض العلماء نوشته است، کمره ای ابتدا کتابی موسوم به «مقاصد العالیه» نوشته و در مقصد نهم به حدوث عالم پرداخته و پس از آن مطالب عمده آن را در رساله مستقلی فراهم آورده و مطالبی بدان افزوده است.(۵) ۶. «الرّد علی القول بقدم العالم» ۷. «رساله در استقلال باکره رشیده در نکاح» که در کتابخانه میرزا محمّدتقی مدرس رضوی در تهران موجود بوده است. ۸. «رساله در تحریم نماز در مکان غصبی»، که آن را در سال ۱۰۴۲ق تألیف نموده و نزد میرزا محمّدتقی مدرس رضوی در تهران وجود داشته است.(۶)] ۹. «رساله در حرمت کشیدن توتون» [کتابی مفصّل و استدلالی است که مؤلف برای اثبات نظر خود ۱۴ دلیل اقامه نموده است.(۷)] کتاب در سال ۱۰۴۸ق در شیراز نوشته شده است. ۱۰. «رساله در حرمت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت» ۱۱. «مسار الشیعه» [که مؤلّف با تکیه بر ۱۲ حدیث از کتب معتبر و شرح مفصّل آنها به اثبات حقانیّت شیعه به عنوان فرقه ناجیه پرداخته و کتاب را در یک افتتاح و ۱۲ فصل و خاتمه مرتّب کرده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار(۸) و نسخه ای دیگر در کتابخانه ملّی ملک در تهران وجود دارد.(۹)] ۱۲. «المقاصد العالیه فی

۱- فهرست الفبائی رضوی، ص ۱۶۰.

۲- فهرست ملک، ج ۱، ص ۱۹۵.

۳- فهرست خطی احیاء، ج ۷، صص ۲۰۱ و ۳۳۷.

۴- الذریعه، ج ۵، ص ۶۲.

۵- الذریعه، ج ۶، ص ۲۹۴.

۶- الروضه النضره، ص ۴۱۹.

۷- الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۷۴.

۸- الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۷۶.

۹- فهرست ملک، ج ۴، ص ۷۴۷.

الحکمه الیمانیه» [که در چندین مقصد مرتّب شده است.(۱)] ۱۳. «مناسک حج» [که در حواشی کتاب «عوالی اللئالی» مطالبی از آن نقل شده است.(۲)] ۱۴. «الولایه و القضاء» [که در سال ۱۰۴۲ق برای میرزا حبیب اللّه صدر تألیف کرده است. نسخه ای از آن نزد شیخ حسن کمره ای موجود بوده است.(۳)] ۱۵. «همم الثّواقب» [درباره حقوق متقابل مردم و حکومت مشتمل بر ۱۲ فصل که در سال ۱۰۴۳ق به نام شاه صفی تألیف کرده است.(۴) نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار و نسخه عکسی آن در مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۵)]

ملاّ علینقی خوئی*

مولی علینقی خوئی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و نزد علاّمه مجلسی رساله «صیغ العقود و النکاح» را قرائت نموده و علاّمه جهت او اجازه نوشته و او را با القاب «المولی الفاضل الصالح الزّکی الرّضی» ستوده است. این رساله جزو مجموعه ای در کتابخانه عالم جلیل القدر شیخ علی فاضل قائینی در قم موجود است.(۶)

میرزا علینقی طبیب اصفهانی

میرزا علینقی اصفهانی، از اطباء اواخر قرن دوازدهم هجری (عهد زندیه) بوده(۷) و خاندان وثوقی اصفهان از احفاد او هستند.

۱- الذریعه، ج۲۱، ص۳۸۱.

۲- الذریعه، ج۲۲، ص۲۶۹.

۳- الذریعه، ج۲۵، ص۱۴۵.

۴- الذریعه، ج۲۵، ص۲۴۳.

۵- فهرست عکسی احیاء، ج۳، ص۲۲۷.

۶- تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۴۶؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۴۱۴.

۷- رستم التّواریخ، ص۴۰۴.

علینقی قزوینی

علینقی قزوینی [از فضلاء ساکن اصفهان در قرن سیزدهم هجری] در ۲ شوال المکرّم ۱۲۶۴ق یادداشت هایی در «بیاض» آقا سیّد شفیع جزائری نوشته است. نسخه در کتابخانه آقای سیّد مصطفی حسینی موجود [بوده] است.

سیّد محمّدعلی ابرقوئی

سیّد محمّدعلی ابرقوئی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته و به تحصیل علوم دینی مشغول بوده است.] حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی در ماه شوال ۱۲۵۷ق اجازه مختصری جهت مشارٌ الیه مرقوم فرموده و به اجتهادش از روی امتحان و اختبار گواهی فرموده است.(۱)

محمّدعلی اسلامی*

محمّدعلی اسلامی، از شعراء معاصر اصفهان در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه، در رشته ادبیات به تحصیل ادامه داد و به اخذ درجه لیسانس نائل شد. سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به تدریس در دبیرستان ها و مراکز آموزش عالی مشغول شد. کتاب «دستور زبان فارسی» از تألیفات اوست. گاهی شعر می سراید.

از اوست:

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۵۶ و ۳۵۷؛ الکرام البرره، ج۲، ص ۸۲۰؛ فهرست عکسی مرکز احیاء، ج۱، ص۷۵؛ الذریعه، ج۱، ص۱۵۷.

روزی آخر می زنم آتش بر این هستی خویش تا که ماند از وجود من به جا خاکستری

باد هم روزی بَرَد همراه خود خاکسترم تا درآید عاقبت جایی به شکل دیگری(۱)

حاج محمّدعلی اصفهانی*

حاج محمّدعلی اصفهانی، گویا از اهالی «مهاباد» اردستان بوده و از شاعران قرن یازدهم هجری است. با آنکه تحصیلاتی نداشت اما شعر می سرود و ذوق تصوف داشت و به پیروی از مثنوی و غزلیات مولوی اشعاری گفته بود. او سفری به هندوستان رفت و پس از مراجعت به ایران در مشهد مقدس وفات یافت. این شعر از اوست:

دل که فرو شد به عشق یار نمیرد ماهی دریای بی کنار نمیرد

ترک تعلّق چو شد ز مرگ چه بیم است هیچ کسی در جهان دو بار نمیرد(۲)

ملاّ محمّدعلی اصفهانی

حاج ملاّ محمّدعلی اصفهانی، عالم فاضل، متوفی ۱۰ جمادی الاولی سال ۱۳۱۰ق، مدفون در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد.(۳)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در ماه رمضان ۱۲۷۳ق کتابت

۱- بهشت آیین، صص ۸۵-۸۸؛ یادنامه ادب، صص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ آئین فرزانگی، ج۱، ص۱۳۲؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۵۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۹۹ و ۲۰۰؛ سفینه خوشگو، دفتر دوم، ص۶۵۶.

۳- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۱۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۸۳۱.

نسخه ای از «الفوائد الغرویه» تألیف حاج شیخ محمّد طهرانی (اصفهانی) را در مشهد مقدس به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۱)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] نسخه ای از «حاشیه بر شرح تجرید» آقا جمال خوانساری را در تاریخ ۲۸ ربیع الثّانی ۱۱۹۹ق در اصفهان نوشته که ضمن مجموعه شماره ۶۲۲۴۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در ۲۵ صفر ۱۱۵۱ق نسخه ای از «استبصار» را به خط نسخ نوشته و با نسخه علاّمه مجلسی مقابله نموده و حواشی آنها را نقل کرده است. کتاب به شماره ۶۴۷۳۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در ۲۶ ذی الحجه ۱۲۹۱ق نسخه ای از کتاب «باقیات الصّالحات» تألیف: احمد بن حسن یزدی مشهدی را به خط نسخ نوشته و نسخه به شماره ۳۲۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

۱- فهرست مجلس، ج۷، صص ۲۰۶ و ۲۷۹.

۲- فهرست مجلس، ج۱۶، ص ۲۶۰.

۳- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۳۳۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۱، ص ۳۶۱.

ملاّ محمّدعلی اصفهانی

ملاّ محمّدعلی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] شاگرد علاّمه مجلسی. در آخر نسخه کتاب «کافی» به شماره ۲۶۰۷ کتابخانه آیت اللّه مرعشی، أنهائی از علاّمه مجلسی جهت صاحب عنوان است و تاریخ آن اواسط جمادی الثانی ۱۰۷۰ق می باشد.(۱)

میرزا محمّدعلی اصفهانی

میرزا محمّدعلی اصفهانی، از خطاطین معروف [در قرن سیزدهم هجری] بوده و حاج محمّدکریم خان کرمانی در خدمت او مشق می کرده است.

میرزا محمّدعلی اصفهانی*

میرزا محمّدعلی اصفهانی، شاعر و ادیب و صوفی در قرن دوازدهم هجری. در اوایل حکومت احمدخان دنبلی به خوی آمد و در سال ۱۱۸۱ق در آنجا وفات یافت. او قطعه ای در وصف حمام احمدخان ساخته بوده که دور خزینه حمام ثبت کرده بوده اند.(۲)

استاد محمّدعلی اصفهانی*

استاد محمّدعلی اصفهانی، از منبّت کاران هنرمند قرن دوازدهم هجری است. او در سال ۱۱۳۳ق یک جفت در نفیس را جهت مسجد جامع نوش آباد کاشان ساخته است.

۱- فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۸۹؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۵۱.

۲- تاریخ خوی، ص۲۰۳.

و به طرزی هنرمندانه، طرح ها و اشکال هندسی زیبائی را گره کشی نموده است.(۱)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی، خطاط و خوشنویس خط نسخ [در قرن یازدهم هجری] از آثارش: کتابت «مهج الدّعوات» سیّد بن طاوس، مورّخ به ربیع الثّانی ۱۰۴۲ق در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۱۴۰۳۶ موجود است.(۲)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی [خوشنویس خط نسخ در اواخر دوره قاجاریه] در سال ۱۳۱۰ق از کتابت نسخه ای از «قرآن مجید» فراغت یافته و این نسخه به وسیله میرزا رضاخان نائینی وقف بر آستانه مبارکه رضویه شده است.(۳)

میرزا محمّدعلی افسر اصفهانی

میرزا محمّدعلی بیگ اصفهانی متلخص به «افسر» از شعرای قرن دوازدهم هجری است. از غلام زادگان دربار صفویه بوده و در جوانی به هند رفته است.(۴) [در هند مقارن حکومت عالمگیر پادشاه، ترقی نموده و به «معزّز خان» ملقّب شده و در بنگاله وفات یافت.(۵)]

۱- نوش آباد در آینه تاریخ، آثار تاریخی و فرهنگ، ص۴۸.

۲- فهرست وزیری، ج۱، ص۶۹.

۳- راهنمای گنجینه قرآن، ص ۳۶۰.

۴- تذکره المعاصرین حزین، ص۲۱۸؛ تذکره غنی، ص۲۶.

۵- لغت نامه دهخدا: ذیل «افسر»، ص۳۱۰۷؛ الذریعه، ج۹، ص۸۳؛ تذکره روز روشن، ص۲۶؛ کاروان هند، ج۱، ص۸۰؛ صحف ابراهیم، ص۴۴.

از اوست:

چنان دلسرد از اهل جهانم که چشم گرمی از آتش ندارم

حاج محمّدعلی امامی*

حاج محمّدعلی امامی بیستجانی، از علمای معاصر اصفهان در سال ۱۳۰۵ش. در روستای «بیستجان» اصفهان متولّد شد و برای تحصیل به اصفهان آمد و نزد علمای بزرگوار شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج سیّد عباس صفی دهکردی، حاج ملّا رمضانعلی املائی و شیخ حیدرعلی صلواتی به کسب علم پرداخت. پس از آن به تهران رفته و در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تحصیل نمود. آنگاه به اصفهان مراجعت کرده و در دبیرستان های این شهر تدریس کرد.

او در سال های اخیر مدیریت مدرسه صدر خواجو و دفتر ثبت ازدواج و طلاق را برعهده داشته و در مسجد بقیه اللّه در محلّه خواجو اقامه جماعت نموده است.(۱)

محمّدعلی بختیاری

محمّدعلی بختیاری [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۴۲ق نسخه ای از «الواقی» در شرح وافی تونی، تألیف: سیّد محسن کاظمینی را به خط نسخ نوشته و نسخه شماره ۲۳۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

محمّدعلی بقائی پور*

محمّدعلی بقائی پور، از شعرای معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۲۳ش متولّد شده و

۱- زندگینامه خانوادگی آیت اللّه حاج آسید محمّدکاظم نوربخش، ص۴۴.

۲- فهرست مجلس، ج۷، ص۳۹۳.

مجموعه ای از اشعارش در سال ۱۳۸۰ش به نام «شمع سوزان» به چاپ رسیده است. این شعر از اوست:

شب تاریک ما را نور ماهی تو خدا را رحم کن بنما نگاهی تو

به لبخند ملیحی جان و دل بردی دل و جان برده ای دیگر چه خواهی تو

محمّدعلی بلیغ اصفهانی*

محمّدعلی توکلی متخلّص به «بلیغ» از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۷ش متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به تهران رفت و در آنجا به عکاسی پرداخت. او پس از بازگشت به اصفهان به حرفه خود ادامه داد. در ۷۰ سالگی لب به سرودن شعر باز نموده و زندگی خود را وقف شعر نمود. او اگرچه در زمینه شعر از محضر هیچ استادی استفاده نکرده امّا ذوق و استعدادی فطری در سرودن شعر دارد.

این شعر از اوست:

اشک را گفتم بگو، در چشم من جایت کجاست گفت جای من درون چشمه لطف خداست

اشک را دردانه پندارند مردان خدا چون به پای دوست جز دردانه افشاندن خطاست(۱)

محمّدعلی بیگ نقاش باشی*

محمّدعلی بیگ نقاش باشی بن ابدال بیگ بن علیقگی بیگ جبادار (آرناوت) ، نقاش و شاعر ادیب قرن دوازدهم هجری. پدر و جدّش ساکن اصفهان و از نقاشان معروف

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۸۸۳.

دوره صفویه بوده اند. خود او در دربار طهماسب دوم و نادرشاه به نقاشی مشغول بود. در نقاشی از سبک فرنگی سازی پیروی می کرده و تحت تأثیر نقاشی هندی قرار داشته است. در شعر نیز طبعی روان داشت. در اواخر عمر به ضعف بینائی گرفتار شده و در مازندران ساکن شد و در سال ۱۱۷۶ق وفات یافت.

از آثار او: ۱. تابلو نقاشی: مرد جوان قوش به دست (سال ۱۱۶۴ق) ۲. تصویر: مهدی خان استرآبادی (منشی نادرشاه) ۳. تصاویر نسخه خطی جهانگشای نادری، که در مجموعه آقای عبدالعلی ادیب برومند وجود دارد.

این بیت از اشعار اوست:

غمی کز مژه خون گشاید مرا گر او را خوش آید، خوش آید مرا(۱)

میرزا محمّدعلی دانش خوراسکانی

میرزا محمّدعلی دانش خوراسکانی فرزند حاج محمّدابراهیم، شاعر و روزنامه نگار معاصر. پدرش از خان زادگان و مشاهیر خوراسکان است. در سال ۱۲۸۰ش در قریه خوراسکان در یک فرسنگی شهر اصفهان از بلوک جی متولّد گردیده و در مدارس قدیمه اصفهان تحصیل کرد. مدّتی درک محضر استاد سخن گلشن ایرانپور را نموده و از خدمت او و استفاده علمی و ادبی برده و زمانی مدیر داخلی روزنامه «اختر مسعود» بوده از سال ۱۳۰۹ش روزنامه «دانش» را با سبک ادبی مخلوط با فکاهی به طور غیر مرتّب منتشر نمود.

او به قدرت حفظ و حاضرجوابی و خوش محضری در اصفهان معروف بود. از

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۳۱؛ تذکره روز روشن، ص۵۶۴؛ دائره المعارف هنر، ص۵۲۲؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۷۵۰ و ۷۵۱.

شعرای متوسط اصفهان به شمار می رفته و اشعارش در روزنامه دانش به طبع می رسید.(۱)

[دانش در شهرداری اصفهان به خدمت مشغول بود. وی سرانجام در روز پنجم بهمن ۱۳۵۹ش بدرود حیات گفته و در تکیه شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)]

از اوست:

گل ندارد قیمت ار بی خار باشد در جهان زین جهت اندر جهان هرگز گل بی خار نیست

آقا محمّدعلی بهار اصفهانی

آقا محمّدعلی مُذَّهِب اصفهانی متخلّص به «بهار» و «فرهنگ» فرزند ابوطالب اصفهانی، [از شعراء و هنرمندان قرن سیزدهم هجری] به اجماع معاصرین در صنعت تذهیب و صناعت شعر سیّما غزل مقام استادی داشت. «رساله یخچالیه» از اختراعات فکر بکر اوست و آن تذکره شعرایی است انتقادی که به طبع رسیده است. وفاتش در سال ۱۲۷۵ق روی داد. [تذکره مدایح معتمدیه نیز از تألیفات اوست که هنوز به طبع نرسیده و نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران و نسخه دیگر آن در کتابخنه جعفر سلطان القرائی در تبریز موجود است. مؤلّف با نثری منشیانه و مصنوع شرح حال و اشعار شاعران مدح کننده منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان را آورده است.

مذّهب مردی نیک نقش و پاک طبع و خوش صحبت بوده است. او در اواخر عمر به دعوت دفتر آستان قدس رضوی به مشهد مقدّس رفت و عهده دار نگارش و تذهیب

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۱-۱۹۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

فرمان های آستان قدس گردید و پس از دو سال در سال ۱۲۷۵ق وفات یافت.

این شعر از اوست:

غیر سرو قدّ او کآورده زلف مشکبار سرو را هرگز ندیدستم که آرد مُشک بار(۱)]

شیخ محمّدعلی حزین لاهیجی

شیخ محمّدعلی حزین لاهیجی اصفهانی فرزند شیخ ابوطالب زاهدی بن ملّا عبداللّه بن علی بن عطاءاللّه لاهیجی گیلانی، شاعر ادیب و عالم فاضل از مشاهیر سخنوران قرن دوازدهم هجری و از اعقاب شیخ زاهد گیلانی.

به سال ۱۱۰۳ق در اصفهان متولّد شد و با اشتیاقی تمام در اصفهان به تحصیل معارف پرداخت و شب و روز دمی نیاسود و با پشتکار زیاده از حد و استعداد فراوان او و حافظه بی مانندش، موجب شد که او از جمیع دانش های آن زمان بهره مند گردد و در حکمت و عرفان و شعر و ادب و معارف اسلامی سرآمد اقران گردد. [اساتید او عبارتند از: شیخ ابراهیم زاهدی گیلانی، شیخ خلیل اللّه طالقانی، شیخ بهاءالدّین گیلانی، آقا هادی مازندرانی (مترجم) ، میرزا کمال الدّین محمّد فسائی، حاج محمّدطاهر اصفهانی، شیخ عنایت اللّه گیلانی، میر سیّد حسن طالقانی، میرزا محمّدطاهر قائنی، ملّا محمّدباقر صوفی، ملّا لطف اللّه شیرازی، ملّا محمّدصادق اردستانی، قوام الدّین محمّد سیفی قزوینی، محمّدمسیح فسائی، ملّا شاه محمّد شیرازی.

۱- تذکره مدایح معتمدیه: خطی؛ تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۶۸ و ۳۴۷-۳۴۹؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص ۸۴۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۱۰۲ و ۲۱۰۳؛ الذریعه، ج۲۰، ص۲۰۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۳۹؛ هنر قلمدان، ص۱۱۱؛ آگهی شهان از کار جهان، ج۳، ص۶۶؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۸۸؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر) ، ص۱۵۷.

حزین سپس به شیراز، بیضاء، اردکان، فسا، کازرون، شولستان، جهرم، داراب، لار، بندرعباس و بحرین سفر کرد و به اصفهان مراجعت نمود. پس از محاصره اصفهان به دست افغان ها از این شهر به خوانسار و خرم آباد رفته و پس از حمله عثمانی ها به خرم آباد و همدان، به خوزستان رفته و به عزم زیارت بیت اللّه الحرام راهی مکه شد امّا موفق نشده و به یمن رفت و پس از بازگشت در شهرهای غربی ایران به سفر پرداخته و به عتبات عالیات رفت و از آنجا به شمال ایران رفته و به مشهد مقدّس مشرّف شد. آنگاه به اصفهان و شیراز آمده و عزم سفر حج نموده و به این هدف نائل شد. او پس از بازگشت به ایران و سفر به لار و بندرعباس و کرمان، عاقبت در سال ۱۱۴۶ق راهی هند شد و به شهرهای مختلف سفر کرد و در بنارس ساکن شد. تا این که در شب ۱۱ جمادی الاولی] سال ۱۱۸۰ق در آنجا وفات یافت و همانجا مدفون شد.

او متجاوز از یکصد جلد کتاب تألیف کرده که از آن جمله است:

۱. «تذکره المعاصرین»، مطبوع۲. «تاریخ (و سفرنامه) حزین»، مطبوع۳. «دیوان حزین»، مطبوع۴. «شرح نهج البلاغه»۵. «التّخلیه و التّحلیه»۶. «مذاکرات فی المحاضرات»۷. «هدایه الامم فی الحدوث و القدم»۸. «ترجمه دعای مشلول»۹. «ترجمه رساله علم» تألیف پدرش (ابوطالب) ۱۰. «شرح قصیده لامیه» ۱۱. «وجوب الغسل من المرفق فی الوضوء» ۱۲. «وجوب النّص علی الإمام به فارسی ۱۳. «تفسیر اسماء الحسنی» ۱۴. «حاشیه بر الهیات شفا» ۱۵. «رساله در تحقیق معاد روحانی» و غیره(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۶۵ و ۱۶۶؛ تذکره المعاصرین، (مقدمه) ، صص ۴۲-۸۳؛ تاریخ و سفرنامه حزین، (مقدمه) ، صص ۹-۴۵؛ الذریعه: مجلّدات مختلف؛ خزانه عامره، ص۱۹۳؛ تذکره حسینی، ص۱۰۶؛ تذکره سرو آزاد، ص۲۲۵؛ تذکره سفینه المحمود، ص۶۲۴؛ تذکره هفت آسمان، ج۱، صص ۱۶۲-۱۶۴؛ تذکره غنی، ص۴۲؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۵۳۰؛ تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۴۸۸؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «حزین لاهیجی»، صص ۵۱۶ و ۵۱۷؛ تاریخ ادبیات فارسی (اِتِه) ، ص۱۹۶؛ اصفهان (کتاب جوانان) ، صص ۲۱۹ و ۲۲۰؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۱۰؛ دویست سخنور، صص ۷۶-۷۸؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، ص۶۳۲؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۴۱؛ تذکره شمع انجمن، صص ۲۰۱-۲۰۳؛ مجمع النّفایس، صص ۷۳-۷۵؛ منتخب اللطایف، صص ۲۴۲-۲۴۴؛ تذکره ریاض الشّعراء، ج۱، صص ۶۳۲-۶۳۵.

حزین علاوه بر نظم، در نثر نیز توانا بوده و قصیده و غزل و رباعی را نیکو می گفته است. این دو بیت از اوست:

نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است هرگز نشنیدم ز پروانه صدائی

* * *

از صحبت صوفی منشان سوخت دماغم ای باده پرستان ره میخانه کدامست

سیّد محمّدعلی مصطفوی*

سیّد محمّدعلی مصطفوی فرزند سیّد ابوالقاسم، واعظ سدهی عالم فاضل و واعظ خبیر، از علمای معاصر.

وی سال ها در مدرسه جده بزرگ نزد علمای بزرگی چون: میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و آقا سیّد محمّدمدرس نجف آبادی کسب فیض نمود و مورد علاقه و امید استادش مجتهد نجف آبادی قرار داشت. مع الاسف به علت گرفتاری ها و مشکلات درس را رها کرده و به کسب و تجارت مشغول شد. با این حال به وعظ و خطابه مشغول بود و در روضه خوانی و مرثیه خوانی کمال اخلاص و صفا را داشت. وی سرانجام در شب ۲۲ صفر ۱۴۰۳ق وفات یافته و در گلزار مصطفویه سِدِه (خمینی شهر فعلی) مدفون

گردید.(۱)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن احمد اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری.] در تاریخ ۱۲۸۷ق کتاب «زاد المعاد» علاّمه مجلسی را به خط نسخ خوب نوشته و کتاب به شماره ۶۴۶۱ در کتابخانه آستان رضوی موجود است.(۲)

ملاّ محمّدعلی استرآبادی

مولی کمال الدّین محمّدعلی بن احمد بن کمال الدّین حسین استرآبادی، عالم فاضل محقّق، عابد صالح متّقی، داماد ملاّ محمّدتقی مجلسی.

در سال ۱۰۱۰ق متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از فحول علماء از جمله ملاّ محمّدتقی مجلسی، میر محمّدقاسم طباطبائی قهپایه ای [و ملاّ عنایت اللّه قهپایه ای] تلمّذ نموده است. عدّه ای از بزرگان نیز در خدمت او کسب فیض نموده و یا به اخذ اجازه روایت مفتخر شده اند که از آن جمله است: مولی محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی (معروف به «فاضل سراب») و حاج محمّد بن علی اردبیلی مؤلّف «جامع الرواه» که در این کتاب از استادش با این القاب یاد می کند: «شیخنا و استادنا الإمام العلاّمه المحقّق النحریر جلیل القدر و رفیع المنزله عظیم الشّأن ذکیّ الخاطر حدید الذّهن ثقه ثبت عین وحید عصره فرید دهره اورع اهل زمانه و اتقاهم و اعبدهم...»

او از جمله علمائی است که وقفنامه مدرسه نوریه اصفهان را در تاریخ ۲۵ جمادی الاوّل سال ۱۰۵۹ق گواهی و امضاء فرموده است سجع مهر او «محمّد نبی اللّه و علی ولی اللّه» است.

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

۲- فهرست رضوی، ج۶، ص۲۴۵.

استرآبادی در شب جمعه اوّل ماه رجب ۱۰۹۴ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه علاّمه مجلسی [جنب مسجد جامع عتیق اصفهان] مدفون شده است.

اولاد و اعقابش عموما اهل علم و کمال بوده و در اصفهان سکونت داشته اند. این آثار از تألیفات اوست:

۱. «حواشی بر کتب حدیث» ۲. «مشترکات» در رجال و غیره.(۱)

ملاّ محمّدعلی بیدگلی کاشانی

ملاّ محمّدعلی بن احمد بیدگلی کاشانی [از علماء و کاتبان فاضل قرن سیزدهم هجری است. از کاشان به جرقویه مهاجرت کرده و در قریه «پیکان» اقامت نموده و علاوه بر حلّ و فصل مشکلات شرعی مردم به کتابت مشغول بوده است. او] در روز سه شنبه ۱۰ ربیع الاوّل ۱۲۳۵ق از کتابت نسخه «مناظرات» عباس مولوی که به دست چپ آن را نوشته فراغت یافته است. نسخه به شماره ۲۴۸۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

ملاّ محمّدعلی عقدائی

ملاّ محمّدعلی بن احمد عقدائی یزدی اصفهانی [عالم فاضل، ادیب شاعر و خطاط هنرمند قرن سیزدهم هجری در اصفهان ساکن و سال ها به تدریس مشغول بوده است.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۲۸ و ۱۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۹۷؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۳۴۱-۳۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۸؛ مرآه الاحوال جهان نما، ج۱، صص ۱۰۸ و ۲۷۲؛ فیض قدسی، صص ۲۲۵ و ۲۶۳؛ الروضه النّضره، صص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ الذریعه، ج۲۱، ص۴۰؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۳۲؛ مصفی المقال، ص۳۰۸؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۲۲-۳۲۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۱۲۵۵.

[کتاب های «اجاره» و «بیع فضولی» از تألیفات آقا محمّدعلی کرمانشاهی را به خط نسخ جهت حاج شیخ محمّد طهرانی در نجف نوشته است. نسخه به شماره ۱۲۲۸ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

او در ۶ ربیع الاوّل ۱۲۷۷ق نسخه ای از «الاستیعاب فی معرفه الاصحاب» را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۳۵۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

[همچنین] در جمادی الثّانی ۱۲۸۲ق کتابت نسخه ای از «لؤلؤ البحرین» را به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۸۵۲ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.(۳)

[شاگرد دانشمند او میرزا محمّدجعفر طرب نائینی در باب او نوشته است: «کفیل مهم تعلیم مقدّمات علوم، علاّمه نحریر ملاّ محمّدعلی عقدائی است که اطراف علوم صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و تفسیر را مستطرف است و درین فنون دستی بالاتر از دست وی نیست».(۴) عقدائی شعر نیز می سروده و «خطائی» تخلّص می کرده است.

از اوست:

از آن دنبال دل دارم فغانی که شاید جویم از دلبر نشانی(۵)]

سیّد محمّدعلی فصیح الواعظین

آقا سیّد محمّدعلی فصیح الواعظین مارنانی [فرزند آقا سیّد احمد واعظ]، از واعظان و منبریان اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] از فضلاء اهل منبر و ذاکرین مصائب که علاوه بر جامعیّت در فضل و ادب و شعر دارای آوازی دلنواز بود. تقریبا چهل و پنج

۱- فهرست الهیات مشهد، ج ۲، ص ۳۶۶.

۲- فهرست مرعشی، ج ۴، ص ۱۲۸.

۳- فهرست ملک، ص ۶۲۵.

۴- جامع جعفری، ص ۱۳۳.

۵- مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۲۴۱؛ هفته نامه ندای یزد، شماره ۴۶۹، مورّخ ۲ مرداد ۱۳۷۴، ص ۸.

سال عمر کرد [و در زمان حیات پدرش در چهارم ربیع الاوّل ۱۳۵۵ق مطابق با ششم خرداد ۱۳۱۵ش وفات یافته] در تکیه مرحوم حاج میرزا ابوالحسن درکوشکی (بروجردی) در یکی از اطاق های غربی مدفون گردید که در سال های اخیر شهرداری آنجا را خراب کرد. او این دو بیت را به خط خود در جُنگ دانشمند محترم آقای حاج آقا حسین عمادزاده نوشته است:

یارب بر من نیامد آن مه دیشب فریاد زدم چو کودک مهدی شب

تا سر نزده از افق آن ماه منیر هر روز بود ز غیب آن مهدی شب(۱)

محمّدعلی صاعد اصفهانی

[استاد] محمّدعلی صاعدی متخلّص به «صاعد» فرزند اسداللّه، [از شعرای معاصر اصفهان.] در سال ۱۳۰۴ش در اصفهان متولّد گردیده، مدّتی در مدارس جدید و پس از آن، ضمن اشتغال به کسب، اندکی تحصیل علوم قدیمه کرده و اکنون روزگار به رنگ زنی اتومبیل می گذراند. دارای طبعی روان می باشد. از اعضای انجمن ادبی کمال است.(۲)

[مطابق یادداشتی از پدر ایشان که بر یکی از اوراق کتاب «اختیارات» مجلسی نوشته است. نسب و تاریخ دقیق تولّد او چنین است: محمّدعلی بن میرزا اسداللّه بن آمحمّدعلی صرّاف بن حاج علی محمّداعدادی (قهفرخی) بن آمحمّدحسین بن آفتحعلی بن آخداداد (ساکن قهفرخ) در روز ۸ جمادی الثانی ۱۳۴۶ق.

وی تحصیلات خود را در مدرسه نوریه از مدارس جدید و تحت تربیت عالم ربّانی سیّد نوراللّه قاضی عسکر آغاز کرد. از سن ۱۳ سالگی برای کمک به خانواده، به

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۶۷؛ مزارات اصفهان، ص ۳۴۰؛ بوستان فضیلت، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۹.

شغل نقاشی اتومبیل روی آورد و چندی بعد در کنار شغل خود به تحصیلات حوزوی پرداخت. صرف و نحو را نزد شیخ محمّدتقی نجفی شهرضایی (در مدرسه میرزا مهدی) آموخت. سیوطی و مقداری از مغنی را نزد شیخ محمدحسین فرزانه (در مدرسه چهارباغ) فرا گرفت و باقی مغنی و مطول را از آقا علاءالدین مدرس بهره گرفت. همچنین مدتی از درس فلسفه مرحوم شیخ عباسعلی ادیب و تفسیر مرحومین طیّب و شیخ حیدرعلی صلواتی کامیاب گردید.

او از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و با تشویق مرحوم صغیر اصفهانی و شیدا به انجمن های ادبی اصفهان راه یافت. ابتدا در انجمن پیشه وران (معروف به انجمن عشیق) و سپس انجمن خاکیا و انجمن کمال شرکت کرد. در سال ۱۳۴۵ش وی به همراه عدّه ای از شاعران اصفهان انجمن ادبی صائب را در محلّ آرامگاه صائب تأسیس کردند که ریاست آن برعهده مرحوم بی ریای گیلانی (شیدا) بود و پس از مهاجرت شیدا به تهران، از سال ۱۳۵۴ش ریاست انجمن تاکنون برعهده استاد صاعد بوده است.

او از دوران جوانی به فعالیت های مذهبی و اجتماعی پرداخته و برای جلوگیری از مفاسد و انحرافات عهد پهلوی مبارزاتی داشته که مورد تعقیب مأموران حکومت وقت قرار گرفته است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی داوری برخی از مسابقات شعر و جشنواره ها را برعهده داشته است.

وی غیر از فعالیت های ادبی و راهنمایی شاعران جوان در انجمن، مقالات متعددی در مجلّه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، فصلنامه فرهنگ اصفهان و نشریات دیگر نوشته و کتاب هایی تألیف کرده که به چاپ رسیده اند که عبارتند از:

۱. «اصفهان در شعر فارسی»۲. «تجلی در منی» (گزیده غزل، قصیده، مثنوی، قطعه) ۳. «خط سبر، یادگار سرخ» (برگزیده اشعار جمعی از شاعران در زمینه دفاع مقدّس و سرداران شهید) ۴. «در آستان غزل»۵. «سرود روح القدس»۶. «گزیده اشعار صائب

تبریزی»(۱)

این شعر از اوست:

به زرق و برق جهان هرکسی نظر بسته است تلألؤ صدفش چشم از گهر بسته است

گشاده جبهه آن کس به هر دو عالم باد که بهر خدمت نوع بشر کمر بسته است

گره گشای تو گردد گره گشائی ها که کار مردم عالم به یکدگر بسته است

نگاه لطف ز دلخستگان دریغ مدار که گاه رشته جانی به یک نظر بسته است

گشوده است به لطف حق به ما «صاعد» چه غم که بر روی ما هر در دگر بسته است]

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّداسماعیل اصفهانی [خوشنویس خط نستعلیق در قرن سیزدهم هجری] در ربیع الثّانی ۱۲۳۲ق کتابت نسخه ای از «لیلی و مجنون» مکتبی شیرازی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۴۹۲۶ در کتابخانه آستان مقدس رضوی موجود است.(۲)

[همچنین] در جمعه ۲۵ ربیع الثّانی ۱۲۲۴ق کتابت نسخه ای از برهان قاطع را به خط

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با استاد صاعد در روز ۱۷ مردادماه ۱۳۸۹ش؛ تجلی در منی: مقدمه؛ بزم ادب، ص ۳۳۰؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص ۴۸۰.

۲- فهرست رضوی، ج۷، بخش دوم، ص۷۰۳.

نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۴۵۶۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

محمّدعلی اصفهانی*

حاج محمّدعلی بن محمّداسماعیل حمصی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «توضیح المقال» تألیف: محمّد استرآبادی را در روز ۲۶ ربیع الاوّل ۱۲۲۱ق به خط نسخ کتابت کرده و به شماره ۸۵۴۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۲)

حاج میرزا محمّدعلی علاقه بند

حاج میرزا محمّدعلی علاقه بند [فرزند ملاّ اسماعیل بن علی بن جعفر بن حسن اصفهانی] از محترمین اهل منبر اصفهان بوده و پدرانش همگی اهل علم و منبر اصفهان بوده و در این شهر می زیسته اند. [در سال ۱۳۰۰ق (مطابق با سال ۱۲۶۱ش) در محلّه پاقلعه اصفهان متولّد شده و از جوانی به واسطه استعداد و قریحه سرشار به وعظ خطابه روی آورد. مقدمات و سطوح را نزد علمای اصفهان آموخته و در درس خارج عالم جلیل القدر آقا سیّد محمّد مدرس نجف آبدی حاضر و به اجتهاد نائل شد.]

او سال ها به وعظ و ارشاد و هدایت مردمان پرداخته و در سال ۱۳۲۵ق وفات یافت [و بیرون تکیه آقا سیّد محمّد ترک در تخت فولاد مدفون شد. پس از تعریض خیابان فیض، فرزندش شیخ محمّدرضا حسام الواعظین جسد پدر را مجدّدا کفن کرده و در یکی

۱- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۳۹.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۲۱۳.

از اطاق های تکیه سیّد العراقین دفن کرد.(۱)]

میرزا محمّدعلی قائنی

میرزا محمّدعلی بن سیّد محمّداسماعیل حسینی قائنی حکیم، ریاضیدان، ادیب و خوشنویس دانشمند قرن سیزدهم هجری.

[در ۱۵ ربیع الاوّل ۱۲۲۴ق متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از حکماء و علمای اصفهان خصوصا ملّا علی محمّد محلّه نوئی به تحصیل پرداخته و در علوم زمان خود خصوصا حکمت و ریاضیات تبحّر یافت و به استادی رسید. چندی در اصفهان به تدریس مشغول بود] و عاقبت به تهران رفته و در آنجا به تدریس و تحقیق و تألیف ادامه داد و شاگردان زبده ای همچون عبدالعلی میرزا قاجار متخلّص به «عبدی» و ملقّب به «معتمدالدّوله»، سلطان اویس میرزا قاجار، حاج ملّا شکراللّه لواسانی و میرزا عبداللّه طبری را تربیت کرد.

او علاوه بر تبحّر در علوم عقلی و نقلی، در ادبیات نیز صاحب اطلاع و سلیقه ای پاکیزه بود و خطوط نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت. و سرانجام در سال ۱۳۰۵ق در تهران وفات یافته و در مزار امامزاده یحیی مدفون شد.(۲)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تحقیق جیب و ظل» که نسخه ای از آن در کتابخانه اهدایی آقای مشکاه به

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۳۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ص۲۸۲؛ شرح مجموعه گل، صص ۲۴۵-۲۴۷.

۲- (چهل سال تاریخ ایران) یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۷۰؛ کارنامه خاندان قائنی (بشارت) ، صص ۱۱-۳۳؛ مقالات ادبی استاد همایی، ص۴۳۹؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۳۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۶؛ تاریخ علوم اسلامی، صص ۱۴۸ و ۱۴۹؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۷۷۶ و ۷۷۷.

دانشگاه تهران موجود است.(۱) [۲. «تحقیق در اقسام زمان حقیقی در تقاویم و فرق بین مین تا یم (زمان وسطی) و سن تایم (زمان شخصی و حقیقی) » ۳. «تقریرات درس میرزا محمّدعلی قائنی» که شاگردش میرزا عبداللّه طبری آن را گردآوری کرده و در مجموعه شماره ۱۲۰۸۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.(۲) ۴. «تنقیح و تصحیح رساله کیفیه تسطیح الکره» ۵. «حاشیه بر تحریر رساله کره و اسطوانه» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی ۶. «حاشیه بر تنقیح المناظر» تألیف: ابوعلی فارسی] ۷. «رساله در ساعت و وقت شناسی» که در سال ۱۳۰۰ق تألیف شده و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است.(۳) [۸. «رساله در برهان اینکه ابصار با خروج شعاع از چشم نیست» ۹. «سؤالات یا مسائل هندسه» ۱۰. «سؤال و جواب» (در پاسخ به شاگردش طبری)] ۱۱. «رساله در صنعت اسطرلاب» که در سال ۱۲۹۹ق در طهران تألیف کرده و به شماره ۴۹۱۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۴) ۱۲. «شفق و فلق» که آن را «صبح و شفق» و «فجر و فلق» نیز نوشته اند. نسخه ای از آن به خط شاگردش میرزا عبداللّه طبری، به شماره ۱۲۰۸۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۵) ۱۳. «مشارق الاضواء» در علم هیئت، به عربی، که در شنبه غرّه رجب ۱۲۵۷ق تألیف شده و نسخه ای از آن ضمن مجموعه ۲۷۳۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی(۶) [و نسخه ای دیگر در کتابخانه علّامه طباطبایی دانشگاه علوم پزشکی شیراز] موجود است.(۷) [۱۴. «نهایه الایضاح» در شرح باب مساحت (مقاله چهارم) از کتاب «مفتاح الحساب» غیاث الدّین جمشید کاشانی، که

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۴، ص۸۵۲.

۲- فهرست الفبایی رضوی، ص۱۴۰.

۳- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۳۷.

۴- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۳۷.

۵- فهرست الفبایی رضوی، ص۴۲۵.

۶- فهرست مجلس، ج۹، ص۷۶.

۷- نسخه پژوهی، ج۳، ص۱۳۲.

نسخه ای از آن به خط مؤلف که در دهه آخر شعبان ۱۲۷۴ق در اصفهان تحریر شده، در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران(۱) و نسخه ای دیگر به شماره ۱۵۳۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

وی نسخه های متعددی از کتب و رساله های ریاضی، فلسفی و منطقی را کتابت کرده که در کتابخانه های مجلس و آستان قدس نگهداری می شوند. وی همچنین نسخه ای از «مثنوی معنوی» را به خط نستعلیق عالی در سال ۱۲۶۶ق کتابت کرده که در کتابخانه سلطنتی سابق وجود دارد.(۳)

محمّدعلی معرفت

محمّدعلی شجره طوبی متخلّص به «معرفت» فرزند مشهدی اسماعیل، از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۲۹۵ش در اصفهان متولّد شده و اندکی تحصیل کرد. پس از آن در مغازه سلمانی نزد پدر به کار مشغول شد. از اعضای انجمن ادبی کمال و از نزدیکان و خواص آقا سیّد جعفر خاکشیر به شمار می رفت و اغلب اشعار او را از حفظ بود. «معرفت» شاعری خوش قریحه و باذوق است. گاهی اشعار فکاهی می سراید و نیکو از عهده برمی آید.(۴) [در انجمن ادبی سعدی و انجمن ادبی صائب نیز شرکت نموده و اشعارش در مطبوعات اصفهان و مجله توفیق در تهران به چاپ رسیده است. در زمینه نثر نیز تجربیاتی دارد.(۵) این ابیات از اوست:

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۷۹۴.

۲- کارنامه خاندان قائنی (بشارت) ، ص۱۲.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۷۹۵.

۴- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۵۶.

۵- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای معرفت در دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ش.

دشمنان در کار ما از رشک بلوا می کنند بی سبب نبود که ما در ماجرا افتاده ایم

آبروی ما مگو رفته است بر باد فنا کسب کردیم آبرو در عشق تا افتاده ایم]

حاج ملاّ محمّدعلی نوری

آخوند حاج ملاّ محمّدعلی بن محمّداسماعیل نوری مازندرانی، عالم فاضل، حکیم عارف و فقیه [ماهر، از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در قصبه نور مازندران متولّد شده و در اصفهان تحصیل علوم فقه و اصول و حکمت نموده، جهت تصفیه نفس به هندوستان مسافرت نموده و ریاضت کشید و پس از مراجعت در اصفهان ساکن شده و عزلت و انزوا اختیار نموده و کم تر با مردم معاشرت و مراوده می نموده است. [نزد آقا سیّد محمّدمجاهد تحصیل کرد و به امر استاد کتاب «نخبه الاصول» را نوشت. حکمت را نزد ملاّ علی نوری آموخته و در عرفان، از شاگردان و مریدان محمّدحسین (حسین علی شاه) اصفهانی بوده است. سال ها در اصفهان به تدریس فقه و حکمت (از جمله شرح لمعه و کتب حکمت مشّاء) مشغول بود و جمعی از فضلاء در جلسات درس او حاضر می شده اند. که از آن جمله است: میرزا سلیمان تنکابنی و میرزا محمّدصادق خاتون آبادی.]

در ۲۲ ذیقعده الحرام ۱۲۵۳ق وفات یافته و در صحن تکیه بابارکن الدّین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «حواشی بر شرح لمعه»۲. «حواشی بر مثنوی»(۱) [۳. «حواشی بر شوارق»

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۳ و ۳۹۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳؛ ریحانه الادب، ج۶، ص ۲۶۰؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، صص ۵۹ و ۶۰، قصص العلماء، صص ۷۳ و ۱۳۸.

۴. «حاشیه بر مطول»۵. «نخبه الاصول» به عربی در یک مقدمه و چند مبحث و خاتمه که مؤلف در پنج شنبه ۳ ذیقعده الحرام ۱۲۲۰ق از تألیف آن فراغت یافته است. نسخه ای از این کتاب به شماره ۲۸۷۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است که در روز ۳ شعبان ۱۲۳۷ق کتابت شده است. نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۴۲۸۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد که تاریخ کتابت و نام کاتب معلوم نیست. همچنین نسخه ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۷۴۹ موجود است که کاتب و تاریخ کتابت آن ذکر نشده است. نسخه دیگری هم در مجموعه شماره ۱۳۱۶۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد.(۱)]

ملاّ محمّدعلی قهدریجانی

ملاّ محمّدعلی به محمّدامین قدریجانی لنجانی از فضلاء و شعرای دوره قاجاریه.

وی مؤلف: ۱. «بحار الغموم» در مصائب (در ۳ جلد) ۲. «مفاتیح الجنان» در تاریخ و مناقب ائمه علیهم السلام است و این دو نسخه به خط مؤلف در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

شیخ محمّدعلی نجف آبادی

شیخ محمّدعلی نجف آبادی فرزند شیخ محمّدامین، [عالم فاضل، از علمای قرن سیزدهم هجری] در نجف اشرف در خدمت آیات عظام شیخ مرتضی انصاری [و سپس آخوند ملاّ محمّدکاظم خراسانی] به تحصیل پرداخت [و از جمله خواصّ شاگردان

۱- الذریعه، ج۲۴، ص۹۳؛ الکرام البرره: خطی؛ فهرست مرعشی، ج۸، ص۷۹ و ج۱۱، ص۲۸۵؛ فهرست مجلس، ج۲۶، صص ۲۳۷ و ۲۳۸؛ فهرست الفبائی رضوی، ص ۵۸۰.

۲- فهرست گلپایگانی، (صدرائی) ، ج۸، ص۴۴۵۵.

آخوند بود و در جلسات درس آخوند که در مسجد طوسی نجف برای شاگردان زبده اش برقرار کرده بود شرکت می کرد. وی با خواهر سیّد عبداللّه بُکاء (از علماء ساکن کوفه و وکیل عالم جلیل میرزا حسن خلیلی) ازدواج کرده و حاصل این پیوند فرزندی به نام میرزا حسین قاری است که از علماء و فقهاء متّقی ساکن نجف بود.]

شیخ محمّدعلی در حدود سال ۱۲۹۸ق وفات یافت.(۱)

محمّدعلی اصفهانی*

محمّدعلی بن محمّدباقر اصفهانی، از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشت. او «کتاب دعا» را به خط نسخ نیکو در سال ۱۲۴۹ق کتابت نموده که در کتابخانه خورشید گردیزی در «مُلتان» پاکستان موجود است.(۲)

حاج شیخ محمّدعلی نجفی اصفهانی (ثقه الاسلام)

حاج شیخ محمّدعلی نجفی مسجدشاهی معروف به «ثقه الاسلام» فرزند حاج شیخ محمّدباقر نجفی بن شیخ محمّدتقی رازی (صاحب هدایه المسترشدین) عالم فاضل زاهد و فقیه مجتهد اصولی از مشاهیر علماء و فقهاء و مدرسین اصفهان [در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری.] مادرش دختر سیّد صدرالدّین عاملی بوده و بدین جهت از طرف پدر و مادر هر دو، نواده شیخ جعفر کبیر است.

در ربیع الاوّل ۱۲۷۱ق در اصفهان متولّد شده و مقدّمات علوم و قسمتی از سطح و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۴؛ دیباچه دیار نون، ص۲۴۷.

۲- فهرست خورشید گردیزی، ص۲۳.

خارج را نزد پدر دانشمند خود و جمعی دیگر از بزرگان فراگرفت و در سال ۱۲۸۸ق رهسپار نجف اشرف گردیده و در آن ارض اقدس نزد [حضرات آیات] حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء به کسب علوم و معارف پرداخته و سپس به سامراء رفته و نزد [مرجع عالیقدر شیعه] میرزا محمّدحسن شیرازی به تکمیل تحصیلات خود مشغول شد. او پس از وصول به مقام اجتهاد به اصفهان مراجعت نموده و در مسجدشاه و مدرسه عربان به تدریس مشغول شد.

میرزا حسن خان جابری در «تاریخ اصفهان و ری» درباره او گوید: اَعقَل و اَکمَل آقایان مسجد شاه بوده و به کارهای خوب اقدام نمود. یکی دادن سالی هزار تومان به دولت عوض مالیات قهوه خانه های اصفهان و بستن آن انجمن مفاسد و کارخانه اتلاف مال و جان و حال و وقت و شرافت و آسایش مردم را. دوم: جلوگیری از خیالات سطحی برادرش آقای حاج شیخ نوراللّه»! مرحوم جابری منظور از خیالات سطحی را بیان نمی کند.

مرحوم ثقه الاسلام همراه دو برادر دیگر خود آقانجفی و حاج آقا نوراللّه در مبارزه با سلطه بیگانگان و مقابله با منحرفین از اسلام و طرفداران فرقه ضالّه غیور و کوشا بوده است.

او سرانجام در شب سه شنبه ۴ شعبان المعظّم سال ۱۳۱۸ق در اصفهان وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در یکی از اطاق های حرم مطهر [حضرت علی علیه السلام] جنب برادر خود شیخ محمّدحسین نجفی مدفون گردید. مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ وفات او گوید: «ثقه الاسلام آوی بالجنان»

و ملاّ عبدالجواد خطیب ضمن مرثیه ای گوید:

تاریخ این مصیبت جانسوز گفت آه اسلام را پدید شده ثلمه عجب

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رساله در اصول دین و اخلاق» مطبوع در سال ۱۲۹۷ق ۲. «حواشی بر ارشاد الاذهان» مطبوع در سال ۱۳۹۰ش به همراه ترجمه ارشاد الاذهان پسرش حاج شیخ مهدی۳. «حواشی بر مجمع المسائل» مطبوع در سال ۱۳۲۳ق۴. «حواشی بر سراج العوام و مشکوه الظلام» تألیف: میرزا احمد بن محمّدعلی واعظ اصفهانی، مطبوع۵. «رساله در کیفیت نماز شب و استخاره نماز جناب جعفر طیّار» مطبوع در سال ۱۳۱۱ق۶. «رساله در معاصی کبیره» به فارسی، مطبوع۷. «رساله در مناسک حج» به فارسی، مطبوع۸. «رساله در ولایات» به عربی، مطبوع(۱)

میرزا محمّدعلی خان گلستانه

میرزا محمّدعلی خان گلستانه فرزند محمّدباقر بن حسین بن سیّد علاءالدّین محمّد گلستانه، فاضل ادیب، در اواخر قرن سیزدهم هجری. در اصفهان محترم و معزّز می زیسته و منصب استیفا داشته و در سال ۱۲۹۰ق مسجد صفا واقع در محلّه شهشهان را بنا نموده و اثر خیری از خود به یادگار نهاد. کتیبه مسجد به خط محمّدتقی بن محمّدابراهیم خطاط اصفهانی [آقا محمّدتقی صحّاف] است. مادّه تاریخ بنای این مسجد را شاعر و خوشنویس ادیب میرزا علیرضا لنجانی متخلّص به «پرتو» سروده است:

بنا شد چو این مسجد باصفا بعون خداوند رکن و حطیم

ز «پرتو» بتاریخ آن شد سؤال بگفتا: «لساعیه فوزٌ عظیم»(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۲۷-۴۲۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۱۰۹-۱۳۲؛ ترجمه ارشاد الأذهان: مقدمه، به قلم فرزندش آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۹۷۳-۱۹۷۶؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۳۴۸؛ الذریعه، ج۱۱، صص ۴ و ۸۷؛ ج۱۷، ص۲۵۹؛ ج۱۸، ص۳۰۵ و ج۲۵، ص۱۴۲؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۲۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۸.

میرزا محمّدعلی زنجانی

حاج میرزا محمّدعلی بن آقا میرزا محمّدباقر بن حاج میرزا علینقی بن میرزا محمّدعلی بن امیرمحسن موسوی زنجانی اصفهانی، عـالم فاضـل [از علمای نیمه نخست قرن سـیزدهم هجری. در اصـفهان متولّـد شـده و در این شـهر تحصـیل کرد. او برادر میرزا ابوالقاسم زنجانی است.] این دو برادر قضایای بابی کشـی اصفهان در سال ۱۳۲۱ق را راه انداختند و برحسب نقل برخی، میرزا محمّدعلی در قضایای بابی کشی یزد نیز مؤثّر بوده است.

وی در ۱۹ محرم سال ۱۳۴۷ق وفـات یـافته و جنب برادرش حـاج میرزا ابوالقاسم در تکیه زنجانی واقع در تخت فولاد مـدفون شد.(۱)

سیّد محمّدعلی عریضی

حاج سیّد محمّدعلی عریضی فرزند حاج سیّد محمّدباقر بن سیّد محمّد بن سیّد رحیم حسینی عریضی، عالم فاضل، ادیب فاضل [از دانشمندان قرائت و تجوید در قرن چهاردهم هجری.]

در حدود سال ۱۳۰۲ق متولّـد گردیـده و سال ها در تحصـیل علوم از فقه و اصول و خصوصا ادبیّات عرب زحمت کشـید و به مرحوم حاج سیّد علی زنجیره فروش اختصاص یافته، از اساتید فنّ قرائت و تجوید در اصفهان به شمار می رفت و پس از فوت اسـتاد خود در مسـجد تلّ عاشـقان حوزه قرائت دایر نموده و مدّت ها نگارنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی] از محضرش مستفید می شد.

نسب ایشان از طرف مادر به سیّد اسماعیل طبیب می رسد که در عهد صفویّه از مشهد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۳۰.

به اصـفهان منتقل شد و اولادش در این شـهر ساکن بوده اند. جدّ مادری او حاج سیّد محمّد حکیم باشی، از اطبای معروف به حذاقت و مهارت بود.

مرحوم عریضی را تألیفاتی است، از آن جمله است:

۱. «حواشی بر قرآن مجید»، در تفسیر و لغت و تجوید ۲. «حواشی بر شاطبیه» در تجوید۳. «کتابی در تجوید» و غیره.

صاحب عنوان در غروب روز شـنبه ۲۶ ربیع الثّانی سال ۱۳۷۳ق وفات یافته و در تکیه ملک مـدفون گردید. مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم سیّد علی بدیع زاده گوید:

دو مصرع هلالیّ و شمسی رقم زد پی رحلتش «هور» سخندان:

«ز سیّد محمّدعلی عریضی نبی مانده تنها علی جسته مهمان»(۱)

۱۳۳۲ ۱۳۷۳

حاج سیّد محمّدعلی بیدآبادی

حاج سیّد محمّدعلی بن حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسـلام شـفتی بیدآبادی بن نقی شـفتی گیلانی، عالم فاضل محقّق و عابد متّقی [از علمای عالیقدر اصـفهان در قرن سـیزدهم هجری] از ائمه جماعات در مسـجد سیّد بوده و قبرش جنب قبر پدر در بقعه مسجد سیّد است.(۲)

[او در سال ۱۲۲۷ق در اصـفهان متولّد شده و در اصـفهان به تحصـیل پرداخت. سپس به عتبات عالیات مُشَرَّف شده و از درس شیخ محمّدحسن (صاحب جواهر) و سایر علمای اعلام بهره گرفت. آنگاه به اصـفهان مراجعت نموده، به حل مشکلات مردم و تألیف و تحقیق مشغول بود تا اینکه در آخر ماه شعبان ۱۲۸۲ق (مطابق نوشته فرزند

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۹.

دانشمندش سیّد محمّدمهدی در کتاب «غرقاب») وفات یافت.(۱)]

در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم مجموعه ای به شماره ۱۹۹۵ وجود دارد و شامل چهار رساله از تألیفات حاج سیّد محمّدعلی است بدین شرح: ۱. «اتلاف العبد مال المولی و جنایته علیه» ۲. «الصلاه فی مکان المغصوب» که در ۱۲۶۳ق در نجف نوشته شده است. ۳. «شرح شرایع الاسلام» که در سال ۱۲۶۳ق در نجف نوشته شده است. ۴. «شرح لمعه» (تقریرات درس صاحب جواهر) در ضمن این مجموعه صورت اجازه مرحوم آقا شیخ محمّدحسن صاحب جواهر الکلام جهت مرحوم حاج سیّد محمّدعلی نقل گردیده است.(۲)

[«جامع الغرر فی شرح الشرایع» در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است. جلد اوّل آن به خط مؤلف نزد حفید او آقای سیّد محمّدتقی شفتی موجود است.(۳)]

ملاّ محمّدعلی خوانساری

آخوند ملاّ محمّدعلی بن میرزا محمّدباقر خوانساری، از علماء و فضلاء [قرن چهاردهم هجری] در ۱۴ ربیع الاوّل ۱۳۵۰ق وفات یافته و جنب استاد خود جهانگیرخان قشقائی مدفون گردید.(۴) [او از طلاّب ساکن مدرسه صدر و از خواص اصحاب و خدمتگزاران جهانگیرخان بود تا حدّی که او را به خاطر ملازمت با جهانگیرخان، «ملاّ محمّدعلی خان» می گفته اند، بعد از وفات جهانگیرخان، در حجره او

۱- مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۴۸۷-۲۴۹۰.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۳۶۶؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳- غرقاب، مقدّمه، صص ۱۳-۱۵.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۲۷۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۵.

ساکن شد و پس از وفات خود او، حجره به آقا سیّد محمّدرضا خراسانی رسید. او اواخر عمر را به فقر و تنگدستی گذراند.(۱)
[

میرزا محمّدعلی عالم نائینی

میرزا محمّـدعلی عالم نائینی [متخلّص به «محیط»] فرزنـد محمّـدباقر [از علمای عالیقـدر اواخر دوره قاجاریّه، عالم فاضل، ادیب شاعر خوشنویس ماهر و عابد صالح، در سال ۱۲۷۸ق در نائین متولّد شد و پس از تحصیل مقدمات به اصفهان و نجف اشرف سفر کرد و در سامرا نزد میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) تحصیلات خود را تکمیل نموده و به اجتهاد نائل شده و به نائین بازگشت.]

او از قائدین مشروطیّت و جنگ شیخیّه و متشرّعه نائین بود. در حفظ آیتی عجیب به شمار می رفت. شعر عربی و فارسی را خوب می گفت [و خطوط شکسته و نستعلیق را خوش می نوشت.] او در سال ۱۳۳۳ق در اصفهان وفات یافته و جنب قبر جهانگیرخان قشقائی [در تخت فولاد] مدفون شد. [تاریخ وفات او را در این بیت به نظم آورده اند:

در هزار و سیصد و سی و سه بود که اجل شمعی ز بزم دین ربود]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «هلال یک شبه» در رفع شبهات شیخیّه۲. «صراط المستقیم» در ردّ بر شیخیّه و بهائیه۳. «دیوان اشعار»

[این شعر از اوست:

دلبرا بی رخ تو آه و فغان کار من است زعفرانی ز غمت عارض گلنار من است

۱- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، صص ۲۷۹ و ۲۸۰.

هرکسی داشت به سر سِرّی از اسرار تو لیک سِرّ سِرها همه یک نکته ز اسرار من است(۱)]

محمّدعلی کاتب اصفهانی

محمّـدعلی بن محمّـدباقر کاتب اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در پنج شنبه ۱۷ شوال ۱۲۰۷ق «زیج خاقانی» در تکمیل شرح ایلخانی کتاب را نوشته است. میکروفیلم کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

همچنین در سال ۱۲۱۷ق «مختصر زیج الغ بیگ» را نوشته است. نسخه به شماره ۴۹ در کتابخانه ملّی فرهنگ موجود است.(۳)

محمّدعلی محمّدآبادی جرقویه ای*

محمّدعلی بن محمّدباقر محمّدآبادی جرقویه ای اصفهانی، از خوشنویسان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. وی قرآن مجید را در ۱۷ صفر ۱۲۳۱ق به خط نسخ جلی کتابت کرده و به شماره ۷۴ در کتابخانه امام صادق علیه السلام در قزوین موجود است.(۴)

همچنین او نسخه ای از کتاب «جلاءـ العیون» علّامه مجلسی را در سال ۱۲۷۷ق در جرقویه به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه فرهنگ رشت موجود است.(۵)

۱- تاریخ نائین، صص ۱۹۰ و ۱۹۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۷۲؛ تذکره سخنوران نائین، صص ۱۱۷ و ۱۱۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۵؛ نقباء البشر، ج۴، صص ۱۳۱۷ و ۱۳۴۹؛ میرزای شیرازی، ص۱۷۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۷، ص۲۲؛ نائین بلده طیّبه، صص ۱۱۵-۱۱۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۱۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ص ۶۰.

۴- فهرست امام صادق علیه السلام قزوین، ج ۱، ص۱۹۷.

۵- فهرست کتابخانه های رشت و همدان، ص۱۰۸۵.

آقا محمّدعلی هزارجریبی

آقـا محمّـدعلی هزارجریبی فرزنـد آقـا محمّـدباقر هزارجریبی مازنـدرانی، عالم فاضل، محقق مـدقّق [معروف به «فقیه مطلق» از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در روز ۱۲ رجب ۱۱۸۸ق در نجف اشـرف متولّـد شـده و نزد علمـای عالیقـدر در عتبات عالیات: آقا سیّد جواد عاملی، سیّد مهدی بحرالعلوم، آقا شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء) و احتمالاً پدر بزرگوار خویش به تحصیل پرداخته و دختر استاد خود شیـخ جعفر را به زوجیت اختیـار کرد و پس از وفات پـدر در سال ۱۲۰۵ق به ایران آمـده و چنـدی در ارومیه و تبریز بود و در آنجـا تـدریس می فرمود. پس از آن به قم رفته و نزد میرزا ابوالقـاسم قمی (صـاحب قوانین) و سـپس در کاشـان نزد ملّا احمد نراقی کسب فیض نمود. عاقبت به اصـفهان آمـده و پس از فوت زوجه اش داماد میرزا محمّـدباقر نواب لاهیجی شد. او سال ها در اصفهان تدریس و در مسجد ذوالفقار اقامه جماعت می نمود.

آقا محمّدعلی در اواخر عمر به استدعای اهالی قمشه [شهرضای کنونی] از اصفهان به قمشه رفته و پس از شیوع وبا در آن شهر به قریه «شاه سیّد علی اکبر» در نزدیکی قمشه مهاجرت نموده و در شب شنبه ۱۸ ربیع الثّانی ۱۲۴۵ق وفات یافته و در بقعه شاه سیّد علی اکبر مدفون شد.

دو فرزندش آقا محمّدحسن نجفی و شیخ محمّدحسین نجفی از علماء و فقهای معروف اصفهان بوده اند. و چون پدر آنها آقا محمّدعلی در اواخر عمر نابینا و مبتلا به بیماری سل بود تألیفات او را شیخ محمّدحسن گردآوری و پاکنویس نمود.(۱)

[این کتاب های و رساله ها از تألیفات اوست:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۶۳-۱۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۰۳ و ۵۰۴؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۲۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۱، ص۱۱۳ و ج۳، صص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ دانشمندان و رجال مازندران، صص ۱۸ و ۱۹؛ وحید بهبهانی، ص ۱۶۰.

۱. «اجازه» به تاریخ چهارشنبه ۱۱ شوال ۱۲۲۸ق(۱) ۲. «احکام المرتد» ۳. «انیس المشتغلین» در حکایات لطیف و ظریف و در اواخر رساله مطالب فقهی و کلامی ۴. «البحر الزّاخر» به عربی، در ابواب فقه استدلالی، که نسخه های متعددی از آن در کتابخانه های وزیری یزد، مجلس شورای اسلامی، آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲) ۵. «البدر الباهر» در تفسیر بعضی از آیات قرآن، که نسخه ای از آن در کتابخانه آل شیخ السلام زنجانی در زنجان موجود است.(۳) ۶. «تبصره المستبصرین» در اثبات امامت علی علیه السلام که نسخه ای از آن در کتابخانه شیخ مهدی بن شیخ محمّدتقی خراسانی کتبی موجود است.(۴) ۷. «تکمله القواعد الدّینیه» در شرح «قواعد» علاّمه که نسخه ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه ای در کتابخانه شیخ الاسلام زنجانی در زنجان موجود است.(۵) ۸. «جوابات المسائل» ۹. «حاشیه بر طهاره» ۱۰. «حاشیه بر باب همزه کتاب مغنی» ۱۱. «حلاّل الغوامض المعضله» که حاشیه بر «قوانین» میرزا ابوالقاسم قمی است. ۱۲. «الخیارات» ۱۳. «رساله در صلاه» ۱۴. «رساله فی اجتماع الجُنُب و المیّت و المحدّث للاصغر علی ماء لا یکفی الاّ احدهم» که مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی آن را در کتابخانه صدرالاسلام خوئی دیده است.(۶) ۱۵. «رساله در امامت» ۱۶. «رساله در رجال» ۱۷. «رساله در نکاح عدّه ذِمیّه» که نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه محقّق آیت اللّه سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۷) ۱۸. «رمز الرّموز» حاشیه بر نکاح کتاب

۱- الذریعه، ج۱، صص ۱۳۹ و ۱۴۵.

۲- فهرست وزیری، ج۲، ص۴۷۶؛ فهرست مجلس، ج۲۴، ص۲۰۳؛ فهرست مرعشی، ج۸، صص ۱۵۱ و ۱۵۲ و ج۱۲، صص ۹۵ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ج۲۲، صص ۲۰۳ و ۲۰۴ و ج۲۹، ص۴۵.

۳- الذریعه، ج۳، ص۶۷.

۴- الذریعه، ج۳، ص۳۲۳.

۵- فهرست الفبائی رضوی، ص۱۴۵؛ الذریعه، ج۴، ص۴۱۵.

۶- الذریعه، ج۱۱، ص۳۰.

۷- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۴۱۳.

«شرایع» ۱۹. «سراج المنیر» در فوائد رجالیّه ۲۰. «شـرح احادیث مشکله» مرتب شده بر چندین صدیقه، موجود در کتابخانه شیخ محمّدامین صدرالاسلام خوئی(۱) ۲۱. «رساله فی ظنّ ضیق الوقت» موجود در کتابخانه شیخ محمّدامین صدرالاسـلام(۲) ۲۲. «قاطع النّزاع فی تحقیق مسائل الرضاع» که در یک مقدمه، ۴ فصل و یک خاتمه در نجف اشرف تألیف شده و نسخه هایی از آن در کتابخانه های مسجد اعظم قم، مجلس شورای اسلامی، آستان قدس رضوی، آیت اللّه مرعشـی و ملک تهران موجود است.(۳) ۲۳. «کتاب القضاء» که تقریرات درس استادش سیّد بحرالعلوم است. ۲۴. «کنز الکنوز» که تعلیقات بر طهارت کتاب «مدارک» است. ۲۵. «الکواکب الباهر» در حواشی بر «قواعد» شهید ۲۶. «لآلی المتلألاه» در اصول فقه، به عربی، در یک مقدمه و ۱۳ فصل که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشـی در قم موجود است.(۴) ۲۷. «مجمع العرایس الوجیهه» که حاشیه ای است بر «معالم» در اصول فقه، به عربی و آن را در ۱۲۲۴ق تألیف کرده و فرزندش محمّدحسین آن را از مبیضه مسوّده نموده و در آخر نسخه شرح حال مؤلف و خاندان او را نوشته است. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه مسجد اعظم قم، آیت اللّه مرعشـی و کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۵) ۲۸. «محی الوفاه» در شـرح بعضی قصاید عربی ۲۹. «متفرعات مسائل کتاب الصلاه» ۳۰. «مخزن الاسرار الفقهیه» یا «تکمله الرّوضه» در حاشیه شرح لمعه، به عربی در ۳ جلد که نسخه هایی از آن در کتابخانه های وزیری یزد، آستان قدس رضوی، مرکزی دانشگاه اصفهان، آیت اللّه گلپایگانی قم، شیخ

۱- الذریعه، ج۱۳، صص ۶۵ و ۶۶.

۲- الذریعه، ج۱۵، ص۲۰۲.

۳- فهرست مسجد اعظم، ص۴۷۲؛ فهرست مختصر مجلس، ص۴۴۷؛ فهرست الفبائی رضوی، ص۴۳۸؛ فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۸ و ج۲۲، ص۱۱۹؛ الذریعه، ج۱۷، ص۸.

۴- فهرست مرعشی، ج۳۴، ص۷۳۶.

۵- فهرست مسجد اعظم، ص۳۵۰؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۳۶۱ و ج۹، ص۴۴۲؛ الذریعه، ج۲۰، ص۳۳.

محمّدعلی دیانی، مدرسه جعفریه قائن، آیت اللّه مرعشی قم وجود دارد.(۱) ۳۱. «مفتاح الکنوز» در تعلیقه بر شوارق و تجرید است که فرزندش شیخ محمّدحسین آن را مرتب کرده است و در آخر آن شرح حال مؤلف را آورده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)]

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدتقی اصفهانی [از کاتبان دوازدهم هجری] در چهارشنبه ۲۱ جمادی الثّانی ۱۱۲۶ق کتاب «غناء الادیب فی فهم مغنی اللّبیب» تألیف: ملاّ محمّدمهدی بن علی اصغر قزوینی را به خط نسخ نوشته و ضمن مجموعه شماره ۷۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۳)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدتقی اصفهانی [خوشنویس خط نستعلیق در قرن دوازدهم هجری] در روز سه شنبه ۱۲ جمادی الثّانی سال ۱۱۷۵ق کتابت نسخه ای از «حرز الامان فی فتن الزّمان» تألیف: صفی الدّین علی بن حسین بن علی بیهقی را به خط نستعلیق خوش به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۷۶۲۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۴)

۱- فهرست وزیری، ج۲، ص۵۴۴؛ فهرست الفبائی رضوی، ص۵۰۶؛ فهرست مرکزی دانشگاه اصفهان، ج۲، ص۴۳۹؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۶۴؛ فهرست دیّانی، ص۲۷؛ فهرست جعفریه قائن، ص۱۵۳؛ فهرست مرعشی، ج۷، ص۶۱؛ ج۱۲، ص۸۴؛ ج۱۴، ص۶۲ و ج۲۲، ص۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۸۲؛ الذریعه، ج۲۱، ص۳۴۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۷۶.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۰، ص۳۱.

شیخ محمّدعلی اعتزاریان*

شیخ محمّدعلی اعتزاریان فرزند شیخ محمّدتقی، عالم فاضل زاهد صالح معاصر. در سال ۱۲۷۵ش در اصفهان متولّد شد. مقدّمات را نزد پدر خود و ملاّ محمّدعلی عالم حبیب آبادی و شیخ عباسعلی ادیب آموخت. سپس از محضر حضرات آیات: میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، حاج سیّد حسین خادمی، سیّد محمّدرضا خراسانی و حاج میر سیّد علی بهبهانی بهره برد.

او از ائمه جماعات مساجد دوغازی و پامنار دردشت بود و از راه زرگری و نقره کاری در منزل خویش امرار معاش می کرد و زبان انگلیسی را نیز آموخته بود.

وی در ۲ فروردین ۱۳۶۲ش وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

آقا محمّدعلی هرندی*

آقا محمّدعلی هرندی فرزند محمّدتقی بن محمّدمهدی، عالم فاضل، از علمای اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و تدریس می نموده و جمعی از فضلاء از جمله حاج محمّدابراهیم کلباسی از محضر او مستفیض می شده اند. شیخ آقابزرگ طهرانی نسخه ای از کتاب «دروس» که یادداشت مالکیت او به تاریخ ۱۶ جمادی الاوّل ۱۲۰۷ق مشهود بود را رؤیت نموده است.(۲)

میرزا محمّدعلی حیرت

میرزا محمّدعلی نوری متخلّص به «حیرت» فرزند حاج میرزا محمّدتقی مُعَبِّر نوری، از

۱- شرح مجموعه گل، ص۳۹۴.

۲- الکرام البرره: مخطوط.

فضـلاء اصـفهان [در قرن چهاردهم هجری] مردی زاهد و گوشه نشین بوده و کم تر با مردم معاشرت می نمود. گاهی شعر می سرود [سال وفات و مدفن او به دست نیامد.(۱)]

سیّد محمّدعلی صدرالشّریعه

سیّد محمّدعلی صدرالشّریعه فرزند آقا میرزا محمّدجعفر بن حاج میرزا محمّدعلی میردامادی، از علمای قرن چهاردهم هجری، عالم فاضل جلیل، از شاگردان آخوند ملاّ عبدالکریم گزی، آقا سیّد مهدی درچه ای، آقا میرزا احمد اصـفهانی بود. او عالمی رشـید و شـجاع بـوده و در اواخر عمر دفـتر رسـمی ثبت اسـناد را تأسـیس کرد و در حـدود سـال ۱۳۴۲ش رحلت فرمـود و در قبرستان ورنوسفادران در مقبره خانوادگی مدفون گردید. او برادر واعظ خبیر حاج آقا سیّد جمال الدّین صهری است.(۲)

میرزا محمّدعلی امام جمعه

میرزا محمّدعلی امام جمعه فرزند میرزا جعفر بن حاج میر سیّد محمّد [از علمای قرن سیزدهم هجری و از سادات خاتون آبادی اصـفهان] عـالم فاضل محقّق، در حُسن اخلاق و آداب معاشـرت و فضایل و کمالات ممتاز بوده و مـدت چهار سال امام جمعه اصـفهان بود [او از شـاگردان میر محمّدرضا و ملاّ حسـینعلی تویسـرکانی است.] کتب و رسایل چنـدی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «رساله در جواز تقلید میّت» ۲. «رساله در کفایت هر غسل از وضو» [۳. «رساله در منجزات مریض»]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۸.

۲- لطائف غیبیّه: مقدمه، ص سی و یک؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۰۷.

او قبل از غروب آفتاب روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاوّل سال ۱۳۰۰ق وفات یافته و در بقعه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد. قبر او را در سال های اخیر محو نمودند. وفاتش را حاج میرزا علی انصاری گوید: گفت انصاری: «لقد غاب امام»(۱)

میرزا محمّدعلی شایق اصفهانی

میرزا محمّدعلی متخلّص به «شایق» فرزند میرزا محمّدجعفر طبیب اصفهانی متخلّص به «اسیر»، از شعرای قرن سیزدهم هجری. او مانند پدر در یزد ساکن بوده و طبابت می کرده و شعر می سروده است.(۲) [در کتابخانه ملک در یک مجموعه غزلیاتی به تاریخ ۱۲۶۲ق از او وجود دارد.]

این دو بیت از اوست:

دوره کوس و کی دور فلک کرد طی نیست امانش که کی از تو برآرد دمار

«شایق» بیدل نگر همچو صراحی مدام گریه اش اندر گلو خون دلش در کنار

دکتر محمّدعلی اژه ای*

دکتر محمّدعلی اژه ای فرزند جلال الدّین، از اساتید دانشگاه و محقّقان معاصر در سال ۱۳۲۳ش. در یک خانواده مذهبی در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان طی کرد و در کنار آن در حوزه علمیه اصفهان تحصیل کرد. در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۸؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۱۵؛ الکرام البرره: مخطوط؛ منتهی الآمال، ص۶۶۹؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۴۸؛ تاریخ اصفهان (جابری) ، ص۱۹۶.

۲- تذکره میکده، صص ۴۰۴ و ۶۱۲؛ حدیقه الشعراء، ج۲، ص۸۲۵؛ الذریعه، ج۹، ص۵۰۴؛ آینه دانشوران، (چاپ سوم) ، ص۵۴۷؛ تذکره شبستان، ص۷۲۵؛ فهرست ملک، ج۸، ص۱۱۶.

سال ۱۳۴۴ش در رشته فلسفه در دانشگاه اصفهان به تحصیل پرداخت و سپس در دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس را طی نمود. آنگاه به استخدام دانشگاه اصفهان درآمد. چندی بعد به انگلستان رفته و در رشته فلسفه از دانشگاه لندن دکترا گرفت.

او مقالات بسیاری در نشریات علمی و دائره المعارف بزرگ اسلامی به چاپ رسانده و کتاب «مبانی منطق» او نیز به چاپ رسیده است. همچنین مقالات بسیاری به همایش های علمی ارائه داده است. وی علاوه بر تدریس فلسفه در دانشگاه اصفهان به عنوان استاد راهنمای دانشجویان در تألیف پایان نامه های فوق لیسانس و دکترا به فعالیّت پرداخته است.

همچنین در مناصب اداری متعدد دانشگاهی از جمله مسؤول دوره لیسانس شبانه، معاون آموزشی، معاون پژوهشی، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیر گروه فلسفه (همگی در دانشگاه اصفهان) به انجام وظیفه پرداخته است.(۱)

سید محمّدعلی جمال زاده*

سیّد محمّدعلی جمال زاده فرزند سیّد جمال الدّین واعظ اصفهانی بن سیّد عیسی بن سیّد محمّدعلی بن سیّد صالح موسوی عاملی.

از نویسندگان معاصر در سال ۱۳۰۹ق (حدود ۱۲۷۰ش) در اصفهان متولّد شد. در سال ۱۳۲۱ق به تهران رفت و تحصیلات مقدّماتی را در آنجا گذراند. در سال ۱۳۲۶ق به بیروت رفت و دو سال بعد به فرانسه رفت در دانشگاه دیژون در رشته حقوق ادامه تحصیل داد. با شروع جنگ جهانی اوّل به برلین رفت و در کنار آزادیخواهان ایرانی به فعالیت پرداخت. او اوّلین داستان های خود را در مجله «کاوه» در برلین به چاپ رساند.

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۱۳-۱۷.

پس از تعطیل شدن «کاوه» به خدمت در سفارت ایران در برلین در سمت سرپرستی محصلین ایرانی مشغول شد. و پس از ۸ سال در دفتر بین المللی کار وابسته به جامعه ملل فعّالیّت کرد و در سال ۱۳۱۵ش بازنشسته شد. پس از آن از برلین به ژِنو (در سوئیس) مهاجرت کرد و تا آخر عمر در آنجا زندگی کرد تا اینکه در ۱۷ آبان ۱۳۷۶ در منزل مسکونی خود در ژنو (در کنار رود لمان) درگذشت.

او از نخستین داستان نویسان زبان فارسی (به سبک اروپایی) است و نقش او در پایه گذاری داستان نویسی ایران انکارناپذیر است. همچنین تحقیقات متعددی درباره فرهنگ و اقتصاد و عقاید عامّه انجام داده است. این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «یکی بود یکی نبود»۲. «دارالمجانین»۳. «صحرای محشر»۴. «سر و ته یک کرباس یا اصفهان نامه»۵. «تلخ و شیرین»۶. «کهنه و نو»۷. «آسمان و ریسمان»۸. «قصّه های خوب برای بچّه های ریش دار»۹. «قصّه ما به سر رسید»۱۰. ترجمه «دشمن ملّت» از هنریک ایبسن ۱۱. ترجمه «ویلهلم تل» از شیللر ۱۲. ترجمه «خسیس» از مولیر ۱۳. «خلقیات ما ایرانیان» ۱۴. «تصویر زن در فرهنگ ایران» ۱۵. «گنج شایگان» ۱۶. «بانگ نای» ۱۷. «طریقه نویسندگی و داستان نویسی» ۱۸. «تاریخ روابط روس و ایران» ۱۹. «آزادی و حیثیت انسانی» ۲۰. «صندوقچه اسرار» و چندین اثر دیگر.(۱)

۱- نادره کاران، صص ۸۸۶-۹۰۷؛ چون سبوی تشنه، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ چهره هایی از پیشروان، ص۵۴؛ فرهنگ داستان نویسان ایران، صص ۷۴ و ۷۵؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، صص ۱۶۲-۱۶۷؛ از نیما تا روزگار ما، صص ۲۷۳-۲۹۸؛ از کاروان حلّه، صص ۳۲۲-۳۳۶؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۱، صص ۵۴۲ و ۵۴۳؛ تاریخچه ترجمه به فارسی در ایران، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

شیخ محمّدعلی شاه آبادی

آقا شیخ محمّدعلی شاه آبادی فرزند حاج شیخ محمّدجواد حسین آبادی بن حسن، عالم فقیه، مجتهد اصولی، جامع معقول و منقول [از علماء عالیقدر و مراجع تقلید در عصر حاضر] در سال ۱۲۹۲ق [در محله بیدآباد اصفهان متولّد شد.]

تحصیلات خود را نزد پدر و برادر (شیخ احمد) خود آغاز کرده [و سپس در درس میرزا محمّدهاشم چهارسوقی حاضر شد. ریاضیات را هم از میرزا عبدالرزاق خان سرتیپ (بغایری) آموخت. در سال ۱۳۰۴ق پس از آنکه پدرش به دستور ناصرالدّین شاه به طهران تبعید شد به همراه او به طهران آمد] و در طهران به درس میرزا محمّدحسن آشتیانی حاضر شد [و فلسفه و عرفان را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم رشتی آموخت آنگاه به عتبات عالیات مشرف شده] و در نجف خدمت آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی [و شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی و در سامرا خدمت [میرزا محمّدتقی شیرازی تحصیل نموده [و به درجه اجتهاد نائل شد و از اساتید خود اجازه دریافت نمود که از آن میان اجازه میرزا محمّدتقی شیرازی موجود است.] پس از آن به طهران مراجعت نموده و به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم مشغول شد و چون در محله شاه آباد طهران ساکن بود به «شاه آبادی» شهرت یافت. [او ابتدا در مسجد سراج الملك و پس از آن در مسجد جامع طهران اقامه جماعت می نمود. او در سال ۱۳۴۷ق به دعوت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم رفته و ۷ سال تدریس نمود. در اواخر عمر به طهران مراجعت نموده و در اعتراض به جنایات رضاشاه یازده ماه در امامزاده عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهرری تحصّن نمود.]

او در عصر پنج شنبه ۳ صفر ۱۳۶۹ق [مطابق با سوم آذر ۱۳۲۸ش] وفات یافته [و در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی جنب زاویه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهرری

مدفون شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الانسان و الفطره» [که به ضمیمه کتاب «رشحات البحار» در سال ۱۳۸۰ق چاپ شده است.]۲. «الایمان و الرّجعه» [مطبوع در ضمن کتاب «رشحات»]۳. «حاشیه بر کفایه الاصول» [مخطوط]۴. «القرآن و العتره» [مطبوع در ضمن کتاب «رشحات»[۵. «مرام الاسلام» [که به نام «شذرات المعارف» در زمان حیات مؤلّف در سال ۱۳۶۵ق به طبع رسیده و سپس تجدید طبع شده است.]۶. «منازل السّالکین» در عرفان [۷. «حاشیه فصول الاصول»۸. «چهار رساله در نبوت و ولایت خاصه و عامّه»۹. «مفتاح السّعاده فی احکام العباده» که رساله عملیه ایشان به فارسی است و در سال ۱۳۵۸ق چاپ شده است.۱۰. «رساله فی العقل و الجهل»

[جمعی کثیر از فضلاء و علماء عالیقدر طهران و قم نزد وی کسب فیض نموده و از مجلس درس او بهره برده اند از جمله:

حضرات آیات عظام: امام خمینی، مرعشی نجفی، میرزا هاشم آملی و حضرات آیات: آخوند ملّا علی همدانی، میرزا محمّد ثقفی، حاج سیّد علی بهشتی، حاج میرزا خلیل کمره ای، حاج میرزا حسن یزدی، حاج شیخ راضی، حاج شیخ شهاب الدّین ملایری و حاج سیّد موسی مازندرانی.

ایشان دارای ۱۰ فرزند پسر بودند که ۷ نفر از آنان در سلک روحانیت وارد شدند. از جمله آنان شهید حاج شیخ مهدی شاه آبادی است که در ۶ اردیبهشت ۱۳۶۳ش در جبهه های نبرد ایران و عراق به شهادت رسید.(۱)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۹؛ آثار الحجّه، ج۱، صص ۲۱۷ و ۲۱۸؛ ریحانه الادب، ج۳، صص ۱۶۷ و ۱۶۸؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۶۱۵ و ۶۱۶؛ نقباء البشر، ج۴، صص ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱؛ گنجینه دانشمندان، ج۴، صص ۴۸۳-۴۸۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ استادزاده، صص ۳۳-۷۹؛ فصل نامه تاریخ و فرهنگ معاصر، سال دوم، شماره پنجم: پاییز ۱۳۷۱؛ صص ۱۸۰-۱۹۲؛ کاروان علم و عرفان، ج۲، صص ۱۰-۳۳؛ گلشن اهل سلوک، (ویرایش دوم) ، صص ۳۸۰-۳۸۹؛ الذریعه، ج۱۷، ص۵۹.

محمّدعلی کرونی*

محمّدعلی بن حاجی کرونی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری و از اهالی بلوک کرون (به فتح کاف و واو) اصفهان است. او در ۲۲ صفر ۱۲۵۷ق نسخه ای از «شرح الشّافیه» تألیف: نظام الدّین حسن نیشابوری را به خط نسخ کتابت کرده که در کتابخانه آیت اللّه حجحی در نجف آباد موجود است.(۱) همچنین او در سال ۱۲۲۷ق نسخه ای از «فارسی هیأت» تألیف: ملاّ علی قوشچی را در قریه طهران کرون کتابت کرده است.(۲)

حاج سیّد محمّدعلی امین التّجار*

حاج سیّد محمّدعلی امین التّجار اصفهانی فرزند سیّد محمّدحسن، از بازرگانان نیکوکار و خوشنام اصفهان در دوره قاجاریه و از خاندان سادات خاتون آبادی است. وی پدر بانوی مجتهده حاجیه نصرت خانم امین است. سرانجام در ۲۶ شوال ۱۳۲۶ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی واقع در تخت فولاد مدفون شد.

فتح اللّه جلالی شاعر معاصر او در مرثیه اش شعری سروده که مادّه تاریخ آن این بیت است:

با «جلالی» کسی از غیب بتاریخش گفت: «همره روح الامین شد بجنان روح امین»(۳)

۱- فهرست حجحی، ص۹۵.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۲، ص۲۴۷.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

محمّدعلی بوجار اصفهانی*

محمّدعلی بوجار اصفهانی فرزند حسن، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۶ش در اصفهان متولّد شد. در کودکی در مکتب خانه تحصیل کرد. چندی به کار آزاد پرداخت و عاقبت در کارخانه وطن به کار مشغول شد. گاهی شعر می سرود و مداحی می کرد. از اوست:

بخوان این خط که یادگار من است باغ عشق است و کسب و کار من است(۱)

حاج شیخ محمّدعلی ابراهیمی*

حاج شیخ محمّدعلی ابراهیمی فرزند حسن فرزند حاج رضا، از فقهاء و علمای عالیقدر و مدرسین مبرّز حوزه علمیه اصفهان.

وی در روز ۶ مرداد ۱۳۲۶ش در محله آفاران اصفهان در خانواده ای متدیّن متولّد شد. در کودکی در محلّه خود به مکتب خانه رفت و تحصیلات حوزوی را از ۱۵ سالگی آغاز کرد. مقدمات را از آقا میرزا احمد روضاتی و برخی دروس مقدماتی و سیوطی را نزد حاج آقا محمّد فقیهی طی نمود. مغنی را از حاج آقا سیّد حسن فقیه امامی، شرح لمعه را از حاج آقا سیّد مصطفی بهشتی، قسمتی از سیوطی را از آقای محمود فقهی و رسائل را نزد حاج شیخ احمد فیاض خواند و برای ادامه تحصیل راهی نجف اشرف شد و در یک سال اقامت در آن ارض مقدس قوانین را نزد مدرس افغانی و شرح لمعه را نزد مرحومین شیخ غلامحسین باقری نجف آبادی و شیخ محمّدهادی معرفت آموخت. آنگاه به علت فراهم نشدن مجوّز اقامت در کشور عراق، به ناچار به اصفهان مراجعت نمود.

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۲۱.

پس از مراجعت مرحوم آیه اللّه حاج شیخ حسن صافی به اصفهان، از آن زمان تا زمان رحلت ایشان در خدمت این عالم جلیل القدر حاضر شده و دروس خارج فقه و اصول را خواند و علاوه بر آن از درس اخلاق ایشان بهره کامل گرفت.

او از روحانیون فعال در مبارزه علیه رژیم پهلوی بود و به دنبال سخنرانی و افشاگری جنایات این رژیم در مردادماه ۱۳۵۷ش در منزل مرحوم آیت اللّه خادمی، مورد تعقیب مأموران قرار گرفته و به مشهد مقدس و قم رفت. وی در قم از درس تفسیر عالم گرانمایه آقای خزعلی بهره گرفت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دفتر بیت امام خمینی در قم فعالیّت نمود و پس از گذشت یک سال به اصفهان بازگشت و با شروع جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران به جبهه های جنگ رفته و به تبلیغ مشغول شد. همچنین بسیاری از طلاب حوزه علمیه اصفهان (خصوصا مدرسه علمیه ذوالفقار) به تشویق ایشان راهی جبهه های نبرد شده و حدود یکصد تن از آنان به افتخار شهادت نائل آمدند.

ایشان از سال ۱۳۴۳ تاکنون به عنوان نماینده مراجع، حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، خوئی، اراکی و بهجت رحمهم الله به فعالیت می پرداخت.

از جمله اقدامات وی احیاء و تعمیر و راه اندازی مدرسه علمیه ذوالفقار در بازار اصفهان (به همراه علمای عالیقدر حاج آقا سیّد حسن فقیه امامی، حاج آقا سیّد حجت موحّد ابطحی و حاج شیخ علی اکبر فقیه) و خارج کردن مدرسه علمیه خالصیّه از تصرّف اشخاص بود که به همت مرحوم حاج آقا حسن فقیه امامی، این مدرسه به شکل آبرومندی تجدید بنا و طلبه نشین گردید. همچنین تأسیس چندین صندوق قرض الحسنه و اعزام مبلغ به اقصی نقاط کشور از جمله: استان های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، فارس، خوزستان، بوشهر و تأسیس حوزه علمیه در گچساران و نورآباد ممسنی از دیگر اقدامات ایشان بوده است.

حاج آقا ابراهیمی سال های طولانی در مسجد حبیب بن مظاهر در محله جاوان پایین به اقامه جماعت پرداخته اند و اکنون دو سال است که به عنوان امام جماعت، در وقت شرعی ظهر نماز جماعت را در مدرسه صدر بازار برپا می دارند. و در باقی اوقات به تدریس خارج فقه و اصول و مطالعه و تحقیق و رسیدگی به امور مردم و حل مشکلات شرعی آنان مشغول می باشند.

این کتاب ها از تألیفات ایشان است:

۱. «تفسیر احسن الکلام» در چندین جلد که ۲ جلد آن به چاپ رسیده و جلد سوم در دست چاپ است.۲. «مدینه العلم الابراهیمی» در احادیث اهل بیت علیهم السلام۳. دو دوره خارج اصول (تقریرات درس مرحوم آیه اللّه حاج شیخ حسن صافی) ۴. یک دوره حج استدلالی در ۵ جلد (تقریرات درس مرحوم صافی) ۵. یک دوره خمس (تقریرات درس مرحوم صافی) ۶. یک دوره طهارت (تقریرات درس مرحوم صافی)

میرزا محمّدعلی رجاء زفره ای

میرزا محمّدعلی رجاء فرزند حسن بن محمّد بن علی بن نعمت اللّه زفره ای کوهپائی اصفهانی، عالم فاضل، ادیب کامل، از شعرای معاصر اصفهان در محرم ۱۲۸۱ق در قریه زفره متولّد شد.

از کودکی در اثر ابتلا به مرض آبله دست راست او فلج شده و با دست چپ می نوشت در اثر سعی و مجاهدت و کوشش، با نبودن وسایل عادی در اثر استعداد و هوش خدادادی در اغلب علوم از صرف و نحو و فقه و اصول و رمل و جفر و اعداد و طلسمات صاحب ربط گردید. او مدتی در اصفهان نزد ملّا هادی سدهی و غلامحسین میدان کهنه ای علوم غریبه و رمل و اسطرلاب آموخت. سپس در قریه زفره به امور شرعیّه از قبیل تدریس و وعظ و تحریرات شرعی و امور دیگر روزگار می گذرانید و

مورد وثوق و احترام عموم اهالی بود و در خلال آن به مطالعه و تألیف و تصنیف پرداخته و در حدود ۲۴ مجلد کتاب و رساله تألیف نمود که از آن جمله است:

۱. «اسهل اللّغات» یا «منتخب اللّغات»۲. «کتاب ا لارث»۳. «تجوید و ترتیل قرآن»۴. «خلاصه النّجوم»۵. «دبستان الشّعراء»۶. «دیوان اشعار»۷. «رکاز الدّعوات در سرائر مربّعات»۸. «سپهر اللّغه»۹. «عمّان الحساب» در نظم «خلاصه الحساب»۱۰. «قواعد الرمل» ۱۱. «قواعد النّجوم» ۱۲. «گلستان الادباء» در معما ۱۳. «گلچین رجاء» در دو جلد که به همت فرزندش محمّدحسن رجائی به چاپ رسیده است. ۱۴. «منتخب المقدمات» در صرف و نحو ۱۵. «متفرقه النّجوم» ۱۶. «مجموعه در علوم مختلف»

میرزا محمّدعلی رجاء در عصر روز شنبه ۲۸ محرم ۱۳۶۱ق در زفره وفات یافت و در قبرستان عمومی آنجا مدفون شد. فرزندش عبدالرزاق اخضر این شعر و مادّه تاریخ را برای فوت او سروده است:

در وفات باب خود آن تاج سر با دل بریان و با چشمان تر

«هَمِّ» اخضر شد ز یاد و پس بگفت: «خاک بر سر از جدائی پدر»(۱)

۴۵+۱۳۱۶=۱۳۶۱

این شعر از اوست:

ای دلا فصل ربیع است و بهار من و تو عقل حیران شده بِالمرّه ز کار من و تو

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۱؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۰۷-۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۱۰ و ۲۱۱؛ منتخبی از آثار رجاء زفره ای، صص ۲-۵ و ۹۲؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۳۵۲-۲۳۵۴.

چشم انجم نگران است به کار من و تو نور خورشید مکدّر ز بهار من و تو

ای «رجا» تا که زنی چشم به هم می گذرد عمر و آثار نماند ز دیار من و تو

محمّدعلی پورحقانی (پوریا)*

محمّدعلی پورحقانی فرزند محمّدحسن بن حاج مصطفی معمار، از شعرای معاصر اصفهان در محلّه دروازه نو اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل در مقطع ابتدائی به کار پرداخته و هنر خاتم سازی را آموخت. او در سال ۱۳۶۸ش اتحادیه صادراتی صنایع دستی اصفهان را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۷۱ ریاست آن را برعهده داشت. بنا به اقتضای حال گاهی شعر می گوید و «حقی» و «پوریا» تخلّص می کند. این بیت از اوست:

از پرتو مهرش که جهان کرده منوّر بر جامعه انوار خدائیست معلّم(۱)

حاج محمّدعلی حجار*

استاد حاج محمّدعلی حجار فرزند حاج محمّدحسن، هنرمند توانا و زبردست قرن چهاردهم هجری. در هنر حجاری از عجایب عصر از نوابغ دهر بوده و سنگ خارا در دستان او چون موم رام و مطیع بوده است. در ریزه کاری و ظرافت در حجّاری دقّتی کم نظیر داشته و شاهد این مدعا سنگ نوشته مرمر قبر حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری (متوفی ۱۳۳۶ق) در تخت فولاد اصفهان است که اوج هنر خود را به نمایش گذاشته است. همچنین سنگ نوشته مرمر قبر نجفعلی خان صمصام السّلطنه بختیاری

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش اوّل) ، ص ۱۶۰.

(متوفی ۱۳۴۹ق) در تخت فولاد از آثار زیبای حجاری اوست.(۱)

سیّد محمّدعلی داعی الاسلام

سیّد محمّدعلی داعی الاسلام متخلّص به «داعی» فرزند سیّد حسن، شاعر ادیب، روزنامه نگار و نویسنده دانشمند معاصر در سال ۱۲۹۵ق در لاریجان متولّد شد. مقدمات را در آمل خواند و برای ادامه تحصیل به طهران رفت و ادبیات فارسی و عربی، منطق، حکمت و فقه و اصول، ریاضیات، هیأت و هندسه را آموخت. سپس به اصفهان رهسپار شده و در این شهر به خدمت علماء عالیقدر شیخ محمّدتقی آقانجفی، آخوند ملاّ محمّد کاشانی و جهانگیرخان قشقائی رسیده و کسب فیض نمود. چندی بعد با میرزا سلیمان خان رکن الملك (نایب الحکومه اصفهان) آشنا شده و به وسیله او در حوزه علمیه راه یافت و به خواهش آنان در محلّه جلفا دعوت خانه ای جهت ارشاد و هدایت مسیحیان و جوابگوئی از مبلغین آنها درست کرد و مذاکرات خود را با آنها تحت عنوان «مجلّه الاسلام» منتشر ساخت که مورد توجّه تمام مسلمین واقع شده، از طرف مظفّرالدّین شاه لقب «داعی الاسلام» یافت. در این مدّت زبان های عبری و انگلیسی را نیز فراگرفت. در سال ۱۳۲۴ق به مکّه و از آنجا به هندوستان رفت و دو سال در بمبئی ساکن شد و مجلّه «دعوت الاسلام» را در آنجا منتشر ساخت. چون مقام علمی او مورد توجّه قرار گرفت، او را به عنوان استاد دانشگاه دکن انتخاب کردند. در هند زبان های پهلوی و اوستا و سنسکریت را نیز فراگرفت. او در شهریور ۱۳۲۱ش به ایران آمد و در سال ۱۳۲۵ش به هند بازگشت و در ۲۶ آبان ۱۳۳۰ش در سن ۷۵ سالگی وفات یافت.

او کتب چندی تألیف و ترجمه نموده است بدین قرار:

۱- تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، ص۳۵۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۱. «نادرشاه» [نوشته: دیوراند] ترجمه از انگلیسی ۲. ترجمه فارسی «وندیداد» که قسمت سوم اوستاست.۳. «دکتر اقبال و شعر فارسی»۴. «خط لاتین برای فارسی»۵. «شعر و شاعری عصر جدید ایران»۶. «شعر و شاعری عرفی»۷. «فرهنگ نظام» در ۵ جلد۸. «دیوان اشعار»

از اشعار اوست:

به دل افروزی روی تو گلستان نرسد به درخشنده لبت لعل بدخشان نرسد

دامنش در کف من بود که رفتم از خویش عشق دردی است که از وصل به درمان نرسد(۱)

محمّدعلی دهنوی سمیرمی*

محمّـدعلی بن محمّدحسن دهنوی سمیرمی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. او نسخه ای از «الارشاد فی احوال الصاحب الکافی اسماعیل» تألیف: سیّد احمد حسنی حسینی قهپائی را به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۹۳۰۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۲)

محمّدعلی طبیب اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدحسن طبیب اصفهانی، از فضلاء و اطبّاء اصفهان در قرن

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۸۵-۱۸۷؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۲۳۸-۲۴۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۴۲؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، ص۲۲۷؛ زندگینامه رجال و مشاهیر، ج۳، صص ۱۷۲-۱۷۴؛ نادره کاران، ص۷۶؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۲۱۴.

۲- فهرست مختصر مجلس، ص۴۷.

دوازدهم هجری. تملّک او بر کتاب «الهیئه» تألیف: غیاث الـدّین منصور دشـتکی مشـهود است. این نسـخه به شـماره ۶۵۶۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ملاّ محمّدعلی کوساری اصفهانی

ملاّ محمّـدعلی بن حسـنعلی کوهساری اصـفهانی معروف به ملاّ «علی قاری» از اساتید قرائت و تجوید در قرن دوازدهم هجری است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حیاه القلوب» در تجوید ۲. «بحرالنّور» این دو نسـخه در کتابخانه مجلس موجود می باشد. تاریخ کتابت «حیاه القلوب» سال ۱۱۱۷ق می باشد.(۲)

[«کوسار» از روسـتاهای بلوک قهاب جی اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته و در حاشیه خیابان پروین اعتصامی تنها نامی از آن به جای مانده است.]

محمّدعلی مهجور اصفهانی

محمّدعلی اصـفهانی متخلّص به «مهجور» فرزند حاج حسـنعلی، شاعر عارف و ادیب خوشنویس [از شعراء و عرفای اواخر دوره قاجاریه به کتابت کتب دینی و عرفانی و سـرودن شـعر مشغول بوده و چنانچه از قرائن برمی آید حدود ۴۰ سال از عمر خود را به کتـابت گذرانـده است و تا سال ۱۳۱۶ق در قیـد حیـات بوده است. او ذوقی عرفانی داشـته و به مشایـخ سلسـله نعمت اللهی ارادت می ورزیده است.(۳)]

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۴۷.

۲- الذریعه، ج۲، ص۱۲۲ و ج۷، ص۲۲.

۳- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان، خطی.

۱. «بحر البکاء» شامل ۶۵ مجلس که در سال ۱۲۸۷ق تألیف نموده و به شماره ۳۶۱۵ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۱) ۲. «مبشّر الجنان و ذخیره المعاد» در یک مقدمه و ۳۰ مجلس که در سال ۱۲۹۳ق آن را تألیف کرده و به شماره ۴۸۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۲) ۳. «رضوان السّالکین» ۴. «برهان المتغیّرین» ۵. «مطلوب الذّاکرین»

مهجور نعمت اللهی این کتاب ها را نیز کتابت کرده است:

۱. «قصیده تائیه» عربی که در ماه صفر ۱۲۸۸ق آن را کتابت کرده و به شماره ۳۱ ضمن مجموعه ای در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی وجود دارد.(۳) ۲. «سفینه النّجاه» تألیف: شیخ محمّدعلی واعظ کرمانشاهی که در شنبه ۱۱ ربیع الاوّل ۱۲۸۸ق کتابت کرده و ضمن مجموعه ای به شماره ۷۰۹۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۴) ۳. «مرآه الحق» تألیف: حاج محمّدجعفر مجذوب علی شاه همدانی که آن را در ۱۴ ربیع الاوّل ۱۲۹۱ق کتابت کرده و به شماره ۲۳۳۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۵) ۴. «مسلی المصابین فی تسلیه الحزین» تألیف: حاج میرزا محمود بروجردی که آن را در یک شنبه ۵ جمادی الثانی ۱۲۹۱ق کتابت کرده و در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۶) ۵. «مرصاد العباد» تألیف: شیخ نجم الدّین رازی که در ۲۸ رجب ۱۳۱۵ق کتابت نموده و به شماره ۷۰۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۷) ۶. «تحفه الزائر» تألیف: علاّمه مجلسی، که در سال

۱- فهرست مسجد اعظم، ص ۴۰.

۲- فهرست گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳- فهرست گلپایگانی، ج ۱، ص ۴۰.

۴- فهرست مرعشی، ج ۱۸، ص ۲۴۹.

۵- فهرست مرعشی، ج ۶، ص ۳۱۳.

۶- فهرست گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۱۹.

۷- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۵۵۶.

۱۳۱۶ق کتابت نموده و به شماره ۹۷۵ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۱) ۷. «نجاه السّالکین» تألیف: شیخ محمّدعلی واعظ کرمانشاهی که در ۲۶ رجب ۱۲۸۹ق کتابت شده و به شماره ۷۰۹۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملاّ محمّدعلی صبوری حسین آبادی*

ملاّ محمّدعلی بن محمّدحسین حسین آبادی اصفهانی متخلّص به «صبوری» عالم فاضل و ادیب شاعر. مؤلّف کتاب های:

۱. مثنوی «جامع الصّیفات» یا «مجمع الصّفات» که در سال ۱۲۸۵ق به نظم کشیده و در ۱۲۸۸ق از کتابت آن فراغت یافته و به شماره ۱/۱۵۰۳۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است. ۲. مثنوی «معراج نامه» که در سال ۱۲۸۸ق آن را کتابت نموده و به شماره ۲/۱۵۰۳۱ در کتابخانه مجلس موجود است.(۳)

[«حسین آباد» قبلاً از روستاهای جنوب زاینده رود در اصفهان بوده و در زمان صفویه که اصفهان رو به توسعه و گسترش نهاد، به شهر پیوست. کاخ ویران شده فرح آباد (از یادگارهای شاه سلطان حسین صفوی) در نزدیکی این محلّه قرار داشته است.]

شیخ محمّدعلی کرمانی

حاج شیخ محمّدعلی کرمانی فرزند آخوند ملاّ محمّدحسین بن ملاّ اسداللّه کرمانی، عالم فاضل [از علمای عالیقدر اصفهان در قرن چهاردهم هجری.]

در ذیحجه ۱۲۹۵ق متولّد شده و در اصفهان خدمت جمعی کثیر از علماء همچون:

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۲۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۲۴۹.

۳- فهرست مختصر مجلس، صص ۲۲۲ و ۷۷۵؛ الشریعه، ج۲، ص۱۷۹.

حاج ملاّ جواد آدینه ای، میرزا محمّدعلی رنانی اصفهانی، آقا سیّد محمود مغنی، شیخ محمّدحسن حکیم شیرازی [اصطهباناتی]، آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقائی، میرزا محمّدعلی حکیم [نراقی] کاشانی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی، میرزا حسین همدانی و آیت اللّه بروجردی (قبل از مهاجرت به نجف) تحصیل نمود. سپس در سال ۱۳۱۹ق به نجف مهاجرت کرده و در آنجا خدمت آقا سیّد محمّدکاظم یزدی، شیخ الشّریعه اصفهانی و آخوند خراسانی تحصیل نموده و نسبت به آخوند خصوصیّت داشته و از جمعی از اساتید خود به اخذ اجازه روایت و اجتهاد نایل گردید. در سال ۱۳۳۰ق به اصفهان مراجعت فرموده و مدّتی به درس و بحث اشتغال یافته سپس ترک مباحثه و تدریس نموده و تقریبا مدّت ۱۰ سال آخر عمر به طور تجرّد و انزوا می زیست [تا اینکه [در شب جمعه ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۸۰ق وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه میرزا ابوالمعالی [کلباسی] مدفون گردید.

[وی رسائل عدیده ای در فقه و اصول از تقریرات درس استادش آخوند خراسانی نگاشته که نسخ خطی آن با بیش از هزار صفحه در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود.]

همچنین از تألیفات او: «شرح خطبه نهج البلاغه»: «اوّل الدّین معرفه اللّه» و حدود بیست رساله و کتاب دیگر.(۱)

میرزا محمّدعلی عارفچه

میرزا محمّدعلی عارفچه بن میرزا محمّدحسین عارفچه بن ملاّ اسماعیل طبسی خراسانی، واعظ فاضل صالح و ادیب شاعر. از فضلای اهل منبر و از مرثیه خوانان و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۳۴ و ۵۳۵؛ بزم معرفت، صص ۲۱۴-۲۱۷؛ فهرست مسجد اعظم، ص۲۰۱.

مدّاحین خاندان نبوّت بود. پدرش از طرف امام جمعه به «عارفچه» ملقّب شده و این لقب به او به ارث رسید. شعر می سرود و در انجمن ادبی شیدا شرکت می نمود. عمری را به قناعت به سر برده و اوقات را صرف مطالعه و سرودن شعر و وعظ و ارشاد و تألیف و تصنیف نمود. [او تولیت امامزاده جعفر اصفهان را نیز برعهده داشت.] عاقبت در شب ۱۹ ذیعقده الحرام ۱۳۸۰ق به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته و جنب پدر در تکیه آقا سیّد رضی در تخت فولاد مدفون شد.

[استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ وفات او را چنین گوید:

رقم زد خامه «برنا» پی تاریخ فوت او: «محمّد یار شد مهر علی حامی عارفچه»

۱۳۸۰ق]

کتب زیر از اوست که همگی به طبع رسیده است:

۱. «تحفه المعصومین»۲. «دیوان اشعار» [که نسخه ی از آن به شماره ۱۵۳ در کتابخانه میرزا محمّد کاظمینی در یزد موجود است.]۳. «زبده القصاید»۴. «صد قصیده و زیارات»۵. «منتخب کبیر در ادعیه و زیارات»۶. «هدیه المعصومین» [۷. «انیس الواعظین»۸. «تذکره الشّعراء»]

از اشعار اوست:

رو به سوی بارگاه کبریا آورده ام از سر اخلاص نزد وی ریا آورده ام

گر بپرسندم چه آوردی تو در فردای حشر نیست خوفی که گویم من رجا آورده ام(۱)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۸؛ فهرست کاظمینی، ج۱، ص۱۳۹.

میرزا محمّدعلی جامع اصفهانی*

میرزا محمّدعلی اصفهانی متخلّص به «جامع» فرزند میرزا حسین خان بن جانی عزّتی شیرازی، ادیب فاضل، از شعرای قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و منصب نویسندگی غلامان را برعهده داشته است.

از اوست:

از بس دل مردم به رهت چشم به راه است در کوی تو هر نقش قدم قافله گاه است(۱)

میرزا محمّدعلی بیدگلی اردستانی

میرزا محمّدعلی بن حاج ملاّ محمّدحسین بن ملاّ عبدالعظیم بن محمّدتقی بیدگلی اردستانی، عالم فاضل از علمای ساکن اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] خود و پدرش امامت مسجد قطبیه در محلّه چهارسوق شیرازی ها در اصفهان را داشته اند.

در خدمت جمعی از علماء اصفهان تلمّذ نموده و محضر حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی را نیز درک نموده و عهده تحصیلاتش نزد آقا میر سیّد حسن مدرس و آقا سیّد محمّد شهشهانی و حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بوده است.(۲)

آقا محمّدعلی تذهیبی

آقا محمّدعلی مُذَهِّب اصفهانی معروف به «تذهیبی» فرزند آقا محمّدحسین هلال بن آقا محمّدعلی مُذَهِّب اصفهانی (متخلّص به «بهار» و «فرهنگ») بن آقا ابوطالب مُذَهِّب

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۱۲۷؛ الذریعه، ج ۹، ص ۱۸۷.

۲- بیان المفاخر، ج ۱، ص ۳۶۰؛ آتشکده اردستان، ج ۱، ص ۱۶۴.

اصفهانی، [هنرمند و ادیب عارف در قرن چهاردهم هجری.]

پدرانش اهل هنر و ادب و به شعر و تذهیب معروف بوده اند. [در اصفهان متولّد شده و نزد پدر فنون تذهیب را آموخت و در تشعیر و تذهیب مهارتی به سزا یافت و در زرافشانی، طلاندازی و قلمدان سازی در شمار اساتید فن درآمد.] او در اصفهان مرید سیّد احمد دهکردی (حقیقت) شده و به فرقه خاکساریه پیوست و ریاضات سخت را بر خود هموار ساخت. عاقبت [در سال ۱۳۱۰ش به تهران رفته و در مدرسه کمال الملک به عنوان معلم نقشه قالی استخدام شده و به آموزش دادن به شاگردان مدرسه مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۱۲ش] در تهران وفات یافت.(۱)

میرزا محمّدعلی فروغی

میرزا محمّدعلی خان فروغی [ملقّب به ذکاء الملک ثانی] فرزند میرزا محمّدحسین خان ادیب ذکاء الملک فروغی بن میرزا محمّدمهدی ارباب اصفهانی، از نویسندگان معروف و فضلاء مشهور سیاستمداران و وزراء عصر حاضر. در ۲۲ جمادی الثّانیه ۱۲۹۴ق در تهران متولّد شد. [او پس از تحصیلات مقدماتی به فراگیری طب در مدرسه دارالفنون مشغول شد ولی آن را رها کرده و به مطالعه کتب تاریخ و ادبیات و فلسفه پرداخت. او در سال های آخر سلطنت ناصرالدّین شاه به مترجمی در وزارت انطباعات مشغول شد. سپس در مدارس دارالفنون، علمیه و ادب به تدریس تاریخ، فیزیک و زبان فرانسه مشغول شد. هنگامی که پدرش رئیس مدرسه علوم سیاسی بود، او نیز در آنجا تدریس می کرد و پس از فوت پدر، به ریاست آن مدرسه منصوب شد.

او در دور دوم مجلس شورای ملّی از تهران به عنوان نماینده به مجلس راه یافت و در دوره سوم نیز به نمایندگی انتخاب شد امّا به دعوت صمصام السّلطنه، وزارت مالیه را

۱- تاریخ نائین، ج۲، ص۳۰۰؛ هنر قلمدان، صص ۱۶۵-۱۶۷؛ دیوان طرب، ص۸۳.

در کـابینه او پـذیرفت. پس از آن تا پایان حکومت قاجاریه به عنوان رئیس دیوان عالی تمیز، وزیر عـدلیه، وزیر خارجه و وزیر مالیه در کابینه های عصر مشروطیت به کار پرداخت.

پس از به سلطنت رسیدن رضاخـان پهلوی در سال ۱۳۰۴ او نخست وزیر شـد و یـک سـال بعـد برکنار شـده و به عنوان وزیر جنگ، سفیر کبرای ایران در ترکیه، وزیر اقتصاد و وزیر خارجه در کابینه های بعدی حضور یافت. او بار دیگر از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ش نخست وزیر شـد و پس از آن به دسـتور رضاشاه عزل و خانه نشـین شد. پس از شـروع جنگ جهانی دوم و نقض بی طرفی ایران توسط متفقین و اشـغال ایران، با وساطت انگلیسـی ها فروغی مأمور تشـکیل دولت، اخذ اسـتعفا از رضاشاه و انتقال سلطنت به پسـرش محمّـدرضا پهلوی شـد که آن را به انجـام رسانـد و چنـد ماه بعـد از نخست وزیری اسـتعفا داد و در آذرماه ۱۳۲۱ش مطابق با ۱۸ ذیقعده سال ۱۳۶۱ق در سن ۶۷ سالگی از دنیا رفت و در مزار ابن بابویه در شـهرری مـدفون شـد. مادّه تاریخ فوتش را استاد همایی (سنا) چنین گفته است:

خواستم تاریخ فوتش از سنا با جمع و خرج گفت: شد «خورشید فضل و نور دانش» بی «فروغ»

او نمونه کامـل وزراء و صـدور زمـان هـای سـابق چون خواجه نظـام الملک و دیگران بود. در فضل و ادب، شـعر و حکمت و تاریـخ و ریاضـی کـم نظیر می بـود. [از اقـداماتی کـه بـه همـت او در دوره رضـا شـاه صـورت گرفـت. برگزاری جشـن هزاره فردوسـی، تأسیس دانشـگاه تهران و فرهنگسـتان زبان و ادب فارسـی است. هرچه قـدر حیات علمی و ادبی فروغی و خـدمات فرهنگی او مورد تکریم و احترام است، فعالیت های سیاسـی او همچون حضور در لِژ فراماسونری، حضور و نقش پررنگ او در روشنفکری مروّج فرهنگ غربی و دلبستگی و جهت گیری او به نفع انگلستان، مورد انتقاد محقّقین و مورخین قرار گرفته

است.] گاهی شعر می سرود ولی اشعارش بیش از پانصد بیت نیست.

کتب زیر از تألیفات و آثار اوست:

۱. «آئین سخنوری» (۲ جلد) ۲. «اصول علم ثروت»۳. «اندیشه های دور و دراز»۴. «تاریخ ملل شرق»۵. «پیام به فرهنگستان»۶. «تاریخ رم»۷. «تاریخ مختصر ایران»۸. «تاریخ مختصر دولت روم قدیم»۹. «تاریخ شعراء»۱۰. «تاریخ ساسانیان» ۱۱. «تاریخ قرن نوزده میلادی» ۱۲. «ترجمه فن سماع طبیعی» از ابن سینا [از کتاب شفا [۱۳. «تصحیح کلیات سعدی» ۱۴. «حکمت سقراط به قلم افلاطون» [۲ جلد[۱۵. «حقوق اساسی» ۱۶. «سیر حکمت در اروپا» (در ۳ مُجَلّد) ۱۷. «فهرست رجال بزرگ ممالک» ۱۷. «مختصر شاهنامه» [۱۹. «تصحیح رباعیات خیام» با همکاری دکتر قاسم غنی ۲۰. «زبده حافظ» ۲۱. «منتخب شاهنامه» ۲۲. «علم فیزیک» ۲۳. «چرا؟ به این جهت» ۲۴. «یادداشت های روزانه» که سال ۱۳۸۸ش چاپ شده است. ۲۵. «سیاست نامه ذکاء الملک» که سال ۱۳۸۹ش چاپ شده است.(۱)]

آقا محمّدعلی دانش اصفهانی

آقا محمّدعلی معروف به «آقابزرگ» و متخلّص به «دانش» فرزند محمّدحسین محرر اصفهانی، شاعر ادیب و خوشنویس در قرن سیزدهم هجری. در جوانی به شغل چینی فروشی مشغول بوده و سپس به کتابت پرداخته و خط نسخ را خوش می نوشته است. از جمله نسخه ای از «مصابیح القلوب» تألیف: میر محمّدحسین بن میر عبدالباقی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۳۸ و ۸۳۹؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۵۹-۳۶۱؛ رجال عصر مشروطیّت، صص ۴۹ و ۵۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۳، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۶۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، صص ۳۳۴-۳۳۸؛ نادره کاران، صص ۳۳ و ۳۴؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۳۵؛ صدر التّواریخ، ص ۱۰۰.

خاتون آبادی را به خط نسخ کتابت کرده که به شماره ۴۲۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

او مردی آراسته، خوش محاوره و نیکوخصال و بخشنده بوده و اغلب شعرای سایر بلاد که به اصفهان می آمدند را مورد اکرام قرار می داده و در صورت فوت به تغسیل و تکفین آنان می پرداخت و به این خاطر به «وارث الشّعراء» معروف بود. [نواده اش: ملاّـ حسن چینی بن عبدالغفار بن محمّـدعلی دانش از حکمای معروف عهد قاجاریه است و دانش در تربیت او اهتمام فراوان داشته است.

سال وفات او به دست نیامد. او پس از فوت در قبرستان بزرگ مصلای تخت فولاد جنب تکیه سادات بهشتی اصفهان مدفون شد. متأسفانه به دلیل شکستگی قسمتی از سنگ مزار او که حاوی تاریخ فوت اوست، امکان تعیین تاریخ وفات او میسّر نشد.]

از اوست:

سوختم از تَف آه دل خود پیکر خویش پهلوی خویش نهادیم به خاکستر خویش

کارم از طعنه رسیده است به جائی «دانش» که نمایم رخ او را به ملامتگر خویش(۲)

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۵.

۲- تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۹۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۵۹۵ و ۵۹۶؛ تذکره دلگشا، صص ۴۸۴-۴۸۶؛ تذکره منظوم رشحه، ص۳۹؛ تذکره اختر، صص ۷۲-۷۶؛ تذکره نگارستان دارا، ص۱۹۱؛ تذکره سفینه المحمود، صص ۱۹۳-۱۹۵؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۵۰۱-۵۰۳؛ الذریعه، ج۹، ص۳۱۵؛ تذکره شبستان، ص۱۰۳؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، ج۲، صص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

سیّد محمّدعلی رضوی سدهی

سیّد محمّدعلی رضوی متخلّص به «سیّد» فرزند آقا سیّد محمّدحسین سدهی از شعرای اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] است. گاهی اشعاری می سراید. از اوست:

دودکش را جز زیان حاصل نمی گردد ز دود ای گروه دودکش زین کار بی حاصل چه سود

از صراط عقل گر بیرون نباشد آدمی اندرون خویش هرگز پر نمی سازد ز دود(۱)

حاج میرزا محمّدعلی شریعتی دهاقانی*

حاج میرزا محمّدعلی بن آخوند ملّا محمّدحسین شریعتی دهاقانی، عالم فاضل از علمای قرن سیزدهم و چهاردهم هجری. در حدود ۱۲۴۰ش در دهاقان متولّد شد و پس از تحصیلات مقدّماتی به اصفهان رفت و نزد جهانگیرخان قشقائی و دیگران به تحصیل پرداخت. وی سرانجام در سال ۱۳۴۹ش وفات یافت.(۲)

محمّدعلی فارغ حبیب آبادی*

حاج محمّدعلی محسنی حبیب آبادی متخلّص به «فارغ» فرزند حاج ملّا حسین، شاعر و ادیب فاصل. در روز ۴ رجب ۱۳۲۷ق (مطابق سال ۱۲۸۸ش) در روستای حبیب آباد بُرخوار اصفهان متولّد شد و در نوجوانی از محضر عالم جلیل القدر حاج شیخ

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۵۷.

۲- سیمای دهاقان، ص۲۸۲.

عباسعلی ادیب حبیب آبادی بهره گرفت. او ۱۰ سال در اداره مالیه به کار پرداخت امّا به خاطر علاقه به فرهنگ، سال ها به تدریس در مدرسه و مکتبخانه و تعلیم و تربیت نوباوگان در حبیب آباد مشغول بود. وی سرانجام در ۱۶ مرداد ۱۳۷۱ش وفات یافته و در صحن امامزاده شاهزاده حسن حبیب آباد بُرخوار مدفون شد. این کتاب ها از اوست:

۱. «دیوان یار و اغیار» که در سال ۱۳۸۱ش به چاپ رسیده است. ۲. «فروغ الکلام» ۳. «آغوش صبا»(۱)

این شعر از اوست:

آن که را اعظم اکسیر سعادت دادند از خم خون جگر شهد شهادت دادند

آن که را محرم اسرار حقایق خواندند مُهر مکتوم به لب های ارادت دادند

حسّ ظلمت نکند نور حواسش زنهار آن که را لذّت اسحار سعادت دادند(۲)

میرزا محمّدعلی نیریزی*

میرزا محمّدعلی بن محمّدحسین شریف نیریزی معروف به «پاقلعه ای» عالم فاضل و خوشنویس ماهر. در اواخر قرن سیزدهم هجری در محله پاقلعه اصفهان می زیسته و از شاگردان آقا محمّدمهدی و میرزا ابوالمعالی کلباسی و ملاّ حسینعلی تویسرکانی بوده است. مرحوم تویسرکانی در سال ۱۲۶۲ق برای او اجازه روایت نوشته است.

او انواع خطوط (نسخ، ثلث، شکسته و نستعلیق را خوش می نوشته و در ماه جمادی الثّانی ۱۲۶۲ق نسخه ای از «هدایه الطّالبین» تألیف: آقا محمّدمهدی کلباسی به خط زیبای خود نوشته که نزد علاّمه مفضال و محقّق عالیقدر حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۳)

۱- ادیب ماندگار، ص۲۶۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۷۰۱.

۲- دیوان یار و اغیار، ص۱۶۶.

۳- مکارم الآثار، ج۸، ص۲۷۵۳.

شیخ محمّدعلی واعظ تلواسکانی*

شیخ محمّدعلی واعظ تلواسکانی فرزند محمّدحسین از وعاظ و علمای اواخر دوره قاجاریه است. اهل علم و فضل بوده و در اصفهان به وعظ و خطابه می پرداخته است. کتابخانه ای نفیس و ارزشمند داشته که برخی از کتب آن به کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم منتقل شده است.(۱)

«تلواسکان» از محلّه های قدیمی اصفهان است که حجاران آن مشهور به مهارت در هنر حجاری بوده اند.

حاج میرزا محمّدعلی کلانتر

حاج میرزا محمّدعلی کلانتر بن میرزا محمّدرحیم کلانتر بن میرزا محمّدعلی موسوی حکیم سلمانی اصفهانی، مانند عموم خاندان خود مردی شریف و ادب دوست بوده و در ۲۷ محرم ۱۳۵۰ق وفات یافته، در یکی از اطاق های تکیه ملک [آرامگاه خانوادگی کلانتر] در تخت فولاد مدفون شد و با فوت او عنوان کلانتری که از تشکیلات حکومتی و مناصب دولتی قدیم بود از بین رفت.(۲)

دکتر محمّدعلی لسانی فشارکی*

دکتر محمّدعلی لسانی فشارکی فرزند خلیل بن شیخ محمّدباقر بن شیخ محمّدمهدی بن آخوند ملّا محمّدباقر فشارکی، از اساتید دانشگاه و پژوهشگران معاصر.

۱- فهرست مرعشی، ج۴، صص ۳۳ و ۵۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

در سال ۱۳۳۲ش متولّد شد و چندی در حوزه علمیه اصفهان و قم تحصیل کرد. او پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در دانشگاه تهران در رشته قرآن و حدیث به تحصیل پرداخت و پس از اتمام آن به عضویت هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران درآمد. او همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم تحقیقات) و دانشکده علوم قرآنی شهری و دانشگاه امام صادق علیه السلام تدریس نموده و همچنین از اعضای هیأت علمی دائره المعارف بزرگ اسلامی است و مقالات متعددی برای این دائره المعارف تألیف نموده است.

این کتاب ها از آثار او به چاپ رسیده است:

۱. ترجمه «قرآن منشور زندگی» تألیف: یوسف قرضاوی و عبدالعزیز سلیمی۲. ترجمه «سیمای صابران در قرآن» تألیف: یوسف قرضاوی۳. «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»۴. ترجمه «الرحیق المختوم» تألیف: شیخ عبدالرحمان مبارک فوری با نام «خورشید نبوت»۵. «تفسیر روحانی» گزارشی از تفسیر علاّمه مجاهد شهید آیت اللّه حاج آقا مصطفی خمینی۶. «تجوید کامل»۷. «شرح فشرده ای بر مقدمه تفسیر المیزان»۸. «تاریخ قرآن»۹. «سیمای هنری ضرب المثل های قرآنی»۱۰. «مباحثی در علوم قرآن» ۱۱. «وحی و قرآن» و غیره(۱)

محمّدعلی اصفهانی*

محمّدعلی بن ملاّ محمّدرضا اصفهانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. او نسخه ای از «شرح اصول کافی» (شرح کتاب التوحید از اصول کافی) را به خط نسخ در پنج شنبه ۱۷ ربیع الاوّل ۱۱۰۷ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه سیّد احمد

۱- سایت اینترنتی فشارک: شرح حال دکتر محمّدعلی فشارکی، نوشته: سیّد منصور هاشمی فشارکی و محسن جعفری فشارکی، در بهار ۱۳۸۶؛ قرآن پژوهان اصفهان، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

روضاتی در اصفهان موجود است.(۱)

محمّدعلی برهانی

محمّدعلی برهانی فرزند رضا، از شعرای معاصر اصفهان. در ۱۰ شهریور ۱۳۱۱ش در روستای «شیدان» اصفهان متولّد شد و نزد پدر علم و ادب آموخت. از نوجوانی به شعر و ادبیات علاقمند شد و در اصفهان به تحصیل ادامه داد و در این شهر سکونت گزید. او در انجمن های ادبی حافظ، خانه هنرمندان، خانه کارگر و حکیم نظامی شرکت می کند و به شغل کتابفروشی روزگار می گذراند.

از اوست:

بر لب بود چو غنچه تبسّم نکو ولی چون گل مباد خنده ما پرده در شود(۲)

میرزا محمّدعلی حکیم باشی

میرزا محمّدعلی حکیم باشی فرزند میرزا محمّدرضا بن میرزا احمد بن حکیم سلمان موسوی اصفهانی، از اطباء حاذق قرن دوازدهم هجری. بعد از وفات والد ماجد خود، در دارالسّلطنه اصفهان به لقب و منصب ارثی خود برقرار گردید.(۳)

حاج سیّد محمّدعلی بهشتی نژاد*

حاج سیّد محمّدعلی بهشتی نژاد فرزند حاج سیّد رضا بهشتی نژاد بن سیّد جلال بن میر محمّدصادق حسینی بهشتی، عالم فاضل و محقّق متتبّع معاصر. در دی ماه ۱۳۲۴ش در اصفهان متولّد شده و ضمن تحصیل در دبستان مفید نزد پدر گرامی خود و همچنین دایی

۱- فهرست سیّد احمد روضاتی، ص۵۹.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۱۱۳.

۳- فارسنامه ناصری، ج۲، ص۱۱۳.

خود: حاج سیّد مصطفی بهشتی نژاد به تحصیل مشغول شد. و پس از کسب علوم مقدماتی در درس شیخ فضل اللّه ذوعلم، حاج شیخ احمد فیاض و شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی حاضر شد. همچنین طب را از حاج آقا مرتضی موحّد ابطحی، «خلاصه الحساب» را از حاج آقا حسن امامی و هیئت را از مجدالعلماء نجفی آموخت. سپس در درس حاج سیّد محمّدعلی صادقی و حاج شیخ حسن صافی حضور یافت.

او برای تکمیل تحصیلات خود به قم عزیمت نموده و در درس حضرات آیات: محمّدی گیلانی و دوزدوزانی، شهید مطهری و شیخ مرتضی حائری حضور یافت. او از سال ۱۳۴۲ش در مبارزات روحانیّت با رژیم پهلوی حضور داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تدریس در دانشگاه و تبلیغ در شهرهای مختلف و اقامه نماز در برخی مساجد اصفهان مشغول شد.

کتاب های زیر از تألیفات اوست:

۱. «فهرستی از سادات اصفهان» مطبوع۲. «اساتید و قاریان قرآن کریم در اصفهان»، مطبوع۳. «سادات اصفهان»۴. «مسجد و محلّه لنبان»۵. «وعاظ اصفهان»۶. «شعرای حوزوی اصفهان»۷. «حکام اصفهان»۸. «هزاران شاعر فارسی زبان ولاتی»۹. «مداحان اصفهان»۱۰. «یکصد و ده حکایت آموزنده» ۱۱. «تُرُبچه نقلی» شامل نکات متفرقه، کشکول مانند ۱۲. «دیوان اشعار» ۱۳. «تصحیح دیوان خاور» ۱۴. «تصحیح دیوان حاج آقا احمد بهشتی» ۱۵. «وقفیات جالب اصفهان» ۱۶. «چهل حدیث»

محمّدعلی دادور (فرهاد)❋

محمّدعلی دادور متخلّص به «فرهاد» فرزند حاج رضا فرزند حاج عباس. از شعراء و ادبای توانای معاصر در روز ۱۵ فروردین ۱۳۲۹ش در محلّه حسین آباد اصفهان متولّد

شد. تحصیل در مقطع ابتدائی را در دبستان کشاورزان و دبستان رضوی طی نمود. آنگاه در رشته علوم تجربی در دبیرستان شاه عباس ادامه تحصیل داد. او پس از اخذ دیپلم به سربازی رفت و پس از آن در رشته تاریخ در دانشگاه اصفهان تحصیل کرد و با رتبه نخست در آن رشته لیسانس گرفت و از سال ۱۳۵۷ش به استخدام آموزش و پرورش درآمد. وی پس از دو سال تدریس در نیشابور و یک سال در تهران، به اصفهان منتقل شد و تا زمان بازنشستگی در سال ۱۳۸۵ش به تدریس ادبیات در دبیرستان های اصفهان مشغول بود.

او از اوان نوجوانی طبعی موزون داشت و مشوق او در سرودن شعر مادربزرگش بود. در سن دوم متوسطه به انجمن ادبی برجیس (فروغ) راه یافت و پس از آن کم و بیش در انجمن های ادبی اصفهان همچون صائب، سعدی، سرور و دکتر سیاسی حضور می یافت.

معلومات گسترده استاد دادور در زمینه ادبیات و فرهنگ و فلسفه و جامعه شناسی حاصل مطالعات و تحقیقات شخصی اوست. در اغلب قالب های شعر همچون: غزل، قصیده، رباعی، مثنوی، نیمائی و سپید طبع آزمائی نموده و قدرت طبع، نوجوئی و تازگی و محتوای غنی شعر خود را به نمایش گذاشته است تا حدّی که می توان وی را از سخنوران طراز اوّل امروز اصفهان به شمار آورد.

اشعار او در کتاب های زیر به چاپ رسیده است:

۱. «پرواز در طوفان»۲. «بی بهار شکفتن»۳. «لبخند خدا»۴. «آواز ققنوس»

همچنین مجموعه شعر نو «پری در شیشه ساعت»، مجموعه غزل های عاشقانه «بیدار باش عشق»، مجموعه قصاید «کودکان»، مجموعه شعر «مرغ قطا و برگ سبز»، رُمانِ «کلاغ» و چندین داستان کوتاه از او هنوز به چاپ نرسیده اند.(۱)

۱- مصاحبه غلامرضا نصراللهی با آقای دادور در تیرماه ۱۳۸۹.

این شعر از اوست:

مرا به خواب چه خوانی که صبح بیداریست هزار چشمه خورشید از افق جاریست

گِلوی نغمه به آهنگ شوق ساز کنیم زمان نو شدن این سرود تکراریست

درآمدی ز حصار مخالف اکنون کن حزین مخوان که نوا در سپهر افشاریست

چه جای مرهم و بستر که گرم پیکاریم اگرچه زخم عمیق است و ضربه ها کاریست

زِ بس بخور پلیدی زِ بام و در جوشد نفس کشیدن آزادگان به دشواریست

شنیده ها همه درد است و دیده ها همه رنج زمانه ایست که نور و نسیم بیماریست

به هوش باش که رسوای عالمی نشوی حریف عشق چو از شاهدان بازاریست

به هیچ چیز ندادم عنان طبع بلند به غیر بال که سرمایه گرفتاریست

کجاست آینه دل یار آتشین نفسم که گرچه تلخ بود، نقل بزم عیّاریست

جهان بی خبری را به هیچ نفروشم اگر هنوز به هوشم به حکم ناچاریست

میرزا محمّدعلی تبریزی*

میرزا محمّدعلی بن میرزا محمّدرضا تبریزی، از خوشنویسان قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. از شاگردان محمّدصالح اصفهانی بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته و در کتابخانه سلطنتی صفویه در اصفهان ملازم بوده است.(۱)

ملاّ محمّدعلی تونی خراسانی*

ملاّ محمّدعلی بن محمّدرضا رقیی تونی خراسانی اصفهانی، عالم فاضل، ادیب ماهر، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری ظاهرا در شهر «تون» (که امروزه آن را «فردوس» نامیده اند) در خراسان متولّد شده و در مشهد مقدس نزد جمعی از فضلاء از جمله حاجی محمّدحسین بُغمچی مشهدی درس خواند. سپس به اصفهان آمده و به تحصیل و تحقیق و تألیف مشغول شد و سال ها در این شهر ساکن و شاهد حوادث این شهر از جمله محاصره و سقوط اصفهان به دست افاغنه بود. مدّتی در مدرسه مریم بیگم ساکن بوده و کتاب هایی را کتابت کرده است. در اصفهان از محضر میر بهاءالدّین محمّد مختاری نائینی و ملاّ عبدالحی دیهوکی طبسی و دیگران بهره گرفت. او تا حدود سال ۱۱۶۴ق زنده بود.

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «النّهایه فی شرح الهدایه» که شرح کتاب «الهدایه فی النحو» تألیف: عبدالجلیل بن فیروز الغزنوی است، نسخه اصل نزد علاّمه مفضل حاج سیّد محمّدعلی روضاتی (سلمه اللّه تعالی) موجود است و در «دومین دوگفتار» جناب آقای روضاتی مفصّل درباره مؤلف

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص ۷۹۰.

سخن گفته انـد. ۲. «تحفه الطّلبه»۳. «الاـربعين» يا «روضه المؤمنين»۴. «علاـج الاسـقام و دفـاع الآلام» به فارسـی، درباره درمان بيمـاری هـای گوناگون، در يک مقـدمه، ۲۴ بـاب و خـاتمه كه نسـخه هـايی از آن در كتابخـانه هـا موجود است. علاّمه شـيخ آقابزرگ طهرانی نسـخه ای از آن را در سامرا ديده اند.۵. «كفايه المتعبّدين» به فارسـی، در ادعيه و زيارات، در يک مقدمه و ۱۴ باب و يک خاتمه(۱)

صـاحب عنوان در سال ۱۱۴۵ق نسـخه ای از «من لا يحضـره الفقيه» را در اصـفهان در مـدرسه نواب به خط نسخ كتابت نموده است. نسـخه به شماره ۲۷۲۵ در كتابخانه مرعشـی قم موجود است. كاتب نسـخه مجاز از ملاّ عبـدالحی بن محمّدرفيع ديهوكی طبسی است. اجازه در كتاب قبل از مشيخه نوشته شده است.(۲)

ميرزا محمّدعلی فروغ اصفهانی

ميرزا محمّدعلی اصـفهانی متخلّص به «فروغ» فرزند ميرزا محمّدرضا، از شعرای قرن دوازدهم هجری. پدرش از اصفهان به هند رفته و او در سـال ۱۱۴۰ق در آنجا متولّـد شد. [در جوانی برای تحصـيل به بصـره و بغداد سـفر كرده و عاقبت به هند مراجعت كرده و مورد عنايت اُمَراء و بزرگان آنجا قرار گرفت و در سال ۱۲۰۰ق] در شهر بنارس وفات يافت.

از اوست:

باده رنگين می نمايد روی تابان تو را آبياری می كند آتش گلستان تو را

۱- دومين دوگفتار، صص ۸۳-۸۶ و ۶۳ و بنگريد به: اعيان الشـيعه، ج۴۶، ص۲۴۷۹؛ الذريعه، ج۱۵، ص۳۰۹؛ ج۱۸، ص۹۸ و ج۲۴، ص۴۰۲؛ الكواكب المنتشره، صص ۵۰۹-۵۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۸۸.

از خدنگت هر نفس دل را نشاطی رو دهد داده اند از باده گویا آب پیکان تو را(۱)

حاج محمّدعلی خان اوحدی سدهی

حـاج محمّـدعلی خـان اوحـدی [فرزنـد حاج شـیخ رمضان واعظ سـدهی، از علماء و سیاسـتمداران اصـفهان در قرن چهاردهم هجری است. در سـال ۱۲۶۰ش در سـده ماربین (خمینی شـهر) متولّد شده(۲)] و در اصـفهان و نجف تحصـیل کرد. سپس در تهران ساکن شـد و در چنـد دوره از مجلس شورای ملّی نماینـده اصـفهان بود. او در ایام تحصـیل در نجف با آقا سـیّد مهـدی درچه ای معاشر و هم حجره بود و از زهد و تقوای آقا سیّد مهدی حکایت ها نقل می نمود.

سرانجام در شب دوشنبه ۱۱ جمادی الثانیه ۱۳۸۱ق در طهران وفات یافت.(۳)

محمّدعلی نقاش اصفهانی*

محمّـدعلی بن آقـا محمّـدزمان اصـفهانی، نقـاش و قلمـدان سـاز و صـاحب قریحه. اواخر عهـد صـفوی و فرزنـد هنرمنـد نـامی محمّدزمان اوّل و برادر نقاش چیره دست محمّدیوسف است. او به سـیاق فرنگی سازی پدرش صـحنه های بزم و گل و مرغ را بر روی قلمدان نقاشـی می کرد ولی در این شـیوه به پایه هنر پدر نمی رسید. او در اواخر دوره صفویه مورد عنایت شاه سلطان حسین و بزرگان دربار و دولت خصوصا میرزا فتحعلی خان داغستانی بود. به روایتی علی اشرف از شاگردان اوست.

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۳۳۸؛ صحف ابراهیم، ص۲۰۴؛ تذکره روز روشن، ص۶۱۸؛ تذکره غنی، ص۱۰۱.
۲- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، ص۲۴۱.
۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۶۹.

این آثار از اوست:

۱. قلمدان تابوتی با گل و مرغ که رویه آن با نگاره مجلس بزمی زینت شده و با تصویر نوازدگان و زنان زیبا که رقم آن «راقمه ابن محمّدزمان محمّدعلی فی شهور سنه ۱۱۱۹» است و اکنون در مجموعه کرمل القانیان است.

۲. قلمدان گل و مرغ و بزمی با نگاره مناظر دلفریب و قصر سلطنتی و چهره های بسیار با رقم «محمّدعلی بن محمّدزمان ۱۱۳۰» که در حال حاضر در مجموعه کرمل القانیان است.

۳. تصویر شاه سلطان حسین صفوی که هدایای نوروز را پخش می کند با رقم «محمّدعلی بن محمّدزمان ۱۱۳۳» این اثر متعلق به کتابخانه برتیش میوزیوم است.

۴. قلمدان بسیار زیبائی با نگاره بزم عاشقانه یک شاهزاده و زنی طناز و مناظر دیگر و رقم «راقمه ابن محمّدزمان محمّدعلی» این قلمدان تاریخ ۱۱۴۴ دارد.

۵. قلمدان با تصویر شاهزاده و انواع مناظر اصفهان بدون رقم و تاریخ که استاد کریم زاده تبریزی آن را از کارهای محمّدعلی بن محمّدزمان دانسته است.(۱)

شیخ محمّدعلی احمدیان نجف آبادی*

شیخ محمّدعلی احمدیان فرزند حاج رمضان نجف آبادی [از علمای فاضل معاصر] در سال ۱۳۰۰ش (مطابق ۱۳۴۰ق) در نجف آباد متولّد شد. در نوجوانی در نجف آباد و اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت و از درس شیخ احمد حججی، شیخ غلامحسین منصور، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و شیخ ابراهیم ریاضی بهره برد. سپس به قم عزیمت کرده و در درس حضرات آیات: میرزا محمّدعلی ادیب تهرانی، مرعشی نجفی،

۱- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، صص ۷۴۸ و ۷۴۹؛ دائره المعارف هنر، ص۵۲۱؛ مکتب نقاشی صفوی اصفهان، صص ۷۸ و ۷۹؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۳، ص۱۹۳۵.

سیّد مرتضی علوی فریدنی، شیخ عبدالرزاق قائینی، سیّد محمّدباقر قزوینی و سیّد محمّدرضا گلپایگانی حاضر شد. آنگاه در سال ۱۳۶۰ق به سفر حج مشرّف شده و در بازگشت در نجف اشرف ساکن شده و سطوح عالی و خارج را نزد حضرات آیات: میرزا عبدالهادی شیرازی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، شیخ عبدالرّسول جواهری، سیّد محسن حکیم، میرزا باقر زنجانی و سیّد ابوالقاسم خوئی طی نموده و به درجه اجتهاد نائل آمد.

او در نجف اشرف به تدریس پرداخت. او عضو شورای استفتاء مرجع عالیقدر سیّد عبدالهادی شیرازی بود.

وی در سال ۱۳۹۳ق به خاطر فشارهای رژیم بعثی عراق مجبور به مراجعت به ایران شد و در قم سکونت گزید و به تدریس مشغول شد. این عالم ربانی در شب یکشنبه ۲۶ ذیقعده سال ۱۴۱۷ق (مطابق ۱۶ فروردین ۱۳۷۶ش) در نجف آباد وفات یافت و پیکرش به قم حمل و پس از تشییع در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

از خدمات اجتماعی او همکاری در تجدید بنای مسجد جامع نجف آباد همکاری و پیگیری برای کانال کشی آب زراعی نجف آباد و کمک به توسعه حسینیه اعظم نجف آباد را می توان نام برد.

کتاب های زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاربعون حدیثا»۲. «الصّحابه الکرام» در سه جلد۳. «المعمرون»، تحقیق درباره ۵۵۰نفر از راویانی که عمر طولانی کرده اند.۴. «المکاسب المحرمه» (تقریرات درس میرزا عبدالهادی شیرازی) ۵. «بحث الاستصحاب» (تقریرات درس میرزا عبدالهادی شیرازی) ۶. «حاشیه و مستدرک علی نقد الرّجال»۷. «حواشی علی مجمع البحرین» (فی الفقه) ۸. «رساله فی الخمس»۹. «رساله فی الدّیات»۱۰. «رساله فی القضاء» ۱۱. «تحقیق زبده التفاسیر» تألیف: کاشانی ۱۲. «طبقات المفسرین» (از صدر اسلام تا امروز، از مفسران شیعه) ۱۳. «فهرست الاصول السته العشر» ۱۴. «فهرست

أمالی» (تألیف: شیخ طوسی) ۱۵. «فهرست حاشیه المکاسب» (تألیف: غروی اصفهانی) ۱۶. «قاعده لا ضرر» ۱۷. «تحقیق و شرح مسالک الافهام» ۱۸. «منتخب الاشعار و المطالب»(۱) ۱۹. «احوال رجال و الاصول السّتته عشر علی رأی المامقانی» که به شماره ۱۸/۱۲۷۱۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

محمّدعلی اصفهانی

محمّـدعلی بن زین العابدین اصـفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در روز دوشـنبه آخر رجب ۱۲۷۷ق به دستور عباسقلی خان سـیف الملک، نسخه ای از «شرح قصیده رائیه» ابن بدرون را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۶۱۶۲ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.(۳)

میرزا محمّدعلی معلم حبیب آبادی

میرزا محمّـدعلی معلم حبیب آبادی فرزند زین العابدین بن حسـین بن علی اکبر بن محمّد بن حسـین، عالم ادیب متتبّع و مورّخ متضـلّع شـاعر کامـل. [از نویسـندگان مورّخان دانشـمند معاصـر] در سال ۱۳۰۸ق در قریه حـبیب آبـاد بُرخـوار اصـفهان متولّد گردیـده و در زادگاه خود دروس مقدماتی را آموخت. او بیشتر دانش خود را از طریق مطالعه و تحقیق به دست آورده و علوم ریاضـی، هیأت و نجوم قـدیم و تقـویم را از میرزا محمّـدعلی رجاء زفره ای و بـه طـور پراکنـده فقـه و اصول را از آقـا شـیخ محمّدرضا قمشه ای و میرزا رضا کلباسی کسب نمود. از سال ۱۳۴۸ق به اصفهان منتقل شده و در مدرسه کاسه گران ساکن

۱- سیمای دانشوران، صص ۴۵-۴۸؛ آئینه اهل قلم، صص ۲۳ و ۲۴؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۷۱۷-۱۷۱۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۳۲۷.

۳- فهرست ملک، ص ۴۳۰.

شد و به تدریس جامع المقدّمات و سیوطی مشغول شد و در کنار آن در قرائت خانه شهرداری، به کتابداری پرداخت.

او عالمی متواضع و زاهد و عابد بود. حافظه ای قوی داشت و در تحقیق بسیار دقیق، امانت دار و علوم انساب، رجال و ادبیات عرب و تفسیر مهارتی به سزا داشت.

در شعر ابتدا «مستعصم» و سپس «آذر» تخلّص می کرد و عاقبت آن را به «معلم» تغییر داد. این دانشمند عالیقدر در سه شنبه ۲۲ رجب ۱۳۹۶ق [مطابق با ۲۹ تیر ۱۳۵۵ش] وفات یافته و در زادگاه خود حبیب آباد بُرخوار مدفون شد. استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» ضمن قطعه ای مادّه تاریخ وفاتش را گوید:

نوشت از پی تاریخ فوت او «برنا»: «اجل ز دست معلم ربود کلك و کتاب»

استاد مرتضی هادوی فرد متخلّص به «نامی» نیز ضمن قطعه ای سروده است:

خواست چو «نامی» کند سال وفاتش بیان گفت که: «از دار دون رفته معلم برون»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اربعین»۲. «امالی» در متفرقات رجالی۳. «اجزائی در احادیث و مطالب متفرّقه»۴. «احوال شیخ محمّدرضا مسجدشاهی اصفهانی»۵. «اشعار متفرقه» در ۳ جلد (از اشعار خودش) ۶. «احوال چهار نفر از علماء مسجدشاهی اصفهان»۷. «احوال شیخ الاسلام های اصفهان»۸. «اشعار متفرقه» از دیگران، در دو مجلّد۹. «جعبه» در مطالب متفرقه و کشکول مانند۱۰. رساله در «شرح حال آقا سیّد محمّدحسن مجتهد موسوی اصفهانی» ۱۱. «رشحات سمائی» در شرح حال شیخ بهائی ۱۲. «عراضه الاخوان» در سفرنامه خراسان [که در جلد دهم کتاب «میراث اسلامی ایران» (صفحات ۵۲۸ تا ۵۶۴) به چاپ رسیده است.] ۱۳. رساله در «احوال اولاد حاج سیّد محمّدباقر

حجه الاسلام بیدآبادی» ۱۴. «فهرست تألیفات خود و اساتید و مشایخ خود» ۱۵. «فهرست مجالس المؤمنین» ۱۶. «فهرست کُتُب مِلکی خود» ۱۷. «فهرست بـاب دهم المـآثر و الآثار» ۱۸. «قبور عتبـات» [و سـایر قبور مشاهـد مشـرفه و بلاد ایران و عراق[۱۹. «کشف الخـبیئه از مقـبره زینبیه ۲۰. «الکلمـات العالیـات» در حاشـیه بر «روضـات الجنّات» ۲۲. «لئـالی البحر در توقیعـات ایـام و شهور» ۲۳. «مختصـر تقـاویم» از سال ۱۱۵۷ق تا ۱۳۲۱ق ۲۴. «مختصـر التّواریخ» ۲۵. «مختصـر المکارم» ۲۶. «مکـارم الآثار» در فضلای دوره قاجار [که تاکنون به همت علاّمه مفضال آیت اللّه حاج سیّد محمّدعلی روضاتی (سلمه اللّه تعالی) و با حواشی و تعلیقات محققانه ایشان ۸ جلد از آن به چاپ رسـیده است.] ۲۷. «مقالات مبسوطه» در ذکر فضـلای دوره مشروطه ۲۸. «مکمل الافهـام» و آن ارجـوزه ایسـت در رجـال ۲۹. «نمونه مختصـر المکـارم» ۳۰. «کتـابی در حـدیث» ۳۱. «شـرح حال خانـدان حاج محمّدابراهیم کلباسی» ۳۲. «اشعریان قم»

همچنین مقالاـت متفرقه، که در کتـاب هـا و پشت رسـاله هـا پراکنـده است و حواشـی بر اغلب کتب رجالی همچون «روضات الجنّات»، «تذکره القبور»، «شـمس التّواریخ»، «انساب خاندان مجلسـی»، «قصـص العلماء»، «المآثر و الآثار»، «فارسنامه ناصری» و غیره از آثار اوست. او با فضلای دوره خود مراسلاتی داشته و در آنها مباحث علمی را مطرح نموده است.(۱)

این ابیات از اشعار اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۵۸-۴۶۰؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور: مقدمه؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۳۲؛ مصـفی المقال، ص۳۳۶؛ مزارات اصـفهان، صص ۱۶۱-۱۶۳؛ گنجینه دانشـمندان، ج۸، ص۳۱۰؛ زندگانی آیت اللّه چهـارسوقی، صـص ۱۴۴-۱۴۸؛ مکـارم الآثـار، ج۵: مقـدمه؛ میراث اسـلامی ایران، ج۱۰، صـص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ بزم ادب، ص۳۲۹؛ نادره کاران، صص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۳، ص۲۰۰۹؛ ادیب ماندگار، صص ۲۶۷ و ۲۶۸.

شوخی که از او هرچه رسد جور و ستم به در جور تو ریزد اگر ای دل همه سم به

در مرحله عشق و وفا چون و چرا نیست گر او بپسندد سر ما خاک قدم به

شیخ محمّدعلی نوری فشارکی*

شیخ محمّدعلی فشارکی فرزند زین العابدین بن کاظم، از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری. فقیه محقّق دانشمند فاضل. در حدود سال ۱۲۹۵ق در اصفهان متولّد شده و نزد علمای عالیقدر این شهر تحصیل کرد. نیای مادری او شیخ جعفر فشارکی و دایی های او از مجتهدین و مراجع عالیقدر اصفهان آخوند ملّا محمّدباقر فشارکی و آخوند ملّا حسین فشارکی بوده اند.

نوری فشارکی سال ها در اصفهان به تدریس مقدمات مشغول بوده و اغلب اوقات را به مطالعه و تحقیق و تألیف و عبادت می گذرانیده و در عزلت می زیسته تا اینکه در شب دوشنبه ۱۲ شوال المکرم ۱۳۶۹ق وفات یافته و در تکیه زرگرها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. گاهی به فارسی و عربی شعر می گفته است. او به برخی از علمای اصفهان مانند میرزا عبدالجواد متعمدالذاکرین اجازه داده و از آخوند ملّا محمّد اصفهانی اجازه دریافت نموده است.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «المطویات العلیه» در شرح «زبده الاصول»۲. «شرح ارشاد الاذهان»۳. «اکمال الایمان» در عقاید، با ادلّه۴. «مشکاه الولایه»۵. «منظومه الحبیبیّه» در اصول فقه۶. «الاسبوعیه فی الاعمال الخیریه الجاذبه للسعاده السّرمدیه» در ادعیه و اعمال و

اوراد۷. «منظومه ای در اصول الدّین» به فارسی۸. «مجموعه ای در اشعار و منشآت»(۱)

شیخ محمّدعلی جبل عاملی اصفهانی

شیخ محمّـدعلی بن حاج زین العابـدین جبـل عاملی اصـفهانی، [از خوشـنویسان قرن سـیزدهم هجری] در ۲۰ جمادی الآخره ۱۲۸۲ق مجموعه ای به خط نستعلیق زیبا کتابت نموده است. نسخه به شماره ۹۷۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[همچنین او کتب «شرح الواصلین» تألیف: پیر جمال الدّین محمّد اردستانی را در سال ۱۲۵۹ق به خط نستعلیق کتابت نموده که به شماره ۱۴۵ط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳)]

سیّد محمّدعلی علویجه ای

سیّد محمّدعلی بن زین العابدین حسینی علویجه ای اصفهانی، عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. مؤلف:

۱. «تحفه النـائمین» (در فضـیلت مـاه رمضان و روزه) ۲. «تبصـره الصـائمین» در آداب و مواعظ به فارسـی که در شوال ۱۳۳۳ق تألیف شده و حضـرات آیات سیّد اسماعیل صدر و شیخ عبدالکریم حائری یزدی بر آن تقریظ نوشته اند. این دو نسخه که در سال ۱۳۷۹ق به دست علی (فرزند مؤلّف) کتابت شده به شـماره ۴۹ در کتابخانه آسـتانه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهرری موجود است.(۴)

۱- تراجم الرجال، ج۲، صص ۷۴۱ و ۷۴۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص۱۶۹.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۵۱۶.

۴- فهرست آستانه عبدالعظیم، ج۱، صص ۹۲-۹۴.

شیخ محمّدعلی یزدی

حاج شیخ محمّدعلی یزدی فرزند زین العابدین، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن چهاردهم هجری.]

در سال ۱۲۷۳ق در محلّه قلعه کهنه یزد متولّد شده و در نوجوانی نزد سیّد علی مدرّس یزدی و سیّد مرتضی یزدی (معروف به شیخ مرتضی) درس خوانده و در سال ۱۳۱۱ق به همراه استادش سیّد علی به مشهد مقدس رفت و پس از فوت او، در سال ۱۳۱۲ق به اصفهان آمده و از محضر علمای آنجا همچون آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقائی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج آقا منیرالدّین بروجردی و آقا میرزا محمّدحسن نجفی درس خوانده و به مقامات عالیه علمی نائل شده و پس از وفات میرزا محمّدحسن نجفی در سال ۱۳۱۷ق به تدریس پرداخت.

وی سال ها در یکی از مساجد جوباره اقامه جماعت می نمود و مورد وثوق قاطبه اهالی بود و در اواخر عمر به محله احمدآباد رفته و در مسجد محلّه حمام کوچک آنجا امامت نمود تا اینکه در ۱۸ ربیع الاوّل ۱۳۵۱ق وفات یافته و در تکیه ملک واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مشارٌ الیه در سال ۱۳۲۳ق با یکی از ارامنه جلفای اصفهان به مناظره پرداخته و پس از دو سال بر او غلبه یافته و شرح آن «مناظرات» را در رساله ای مخصوص نوشت.(۱)

[مادّه تاریخ وفاتش را آقا محمّدکاظم غمگین ضمن قطعه ای چنین گفته است:

دل از سینه سر کرد بیرون و گفتا: «محمّدعلی را چنان گشت منزل»]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۳۴ و ۸۳۵؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۵۵؛ بزم معرفت، صص ۲۸۰ و ۲۸۱.

محمّدعلی بن سراج*

میرزا محمّـدعلی فرزنـد میرزا سـراجای ضـابطه نـویس، از خوشـنویسان خط نسـتعلیق در اواخر قرن یـازدهم هجری است و محمّدصالح اصفهانی که معاصر اوست، در تذکره خوشنویسان خود از او یاد کرده است.(۱)

سیّد محمّدعلی عریضی گزی

سیّد محمّدعلی بن سلطان محمّد حسینی عریضی جزی اصفهانی، از فضلای قرن دهم هجری.

وی از شـاگردان شـیخ علی بـن ابراهیم بن سـلیمان قطیفی بحرانی بـوده و در سـال ۹۵۵ق کتاب «شـرح تردّدات کتاب مختصـر الشـرایع» استادش را کتابت نموده است.(۲) [او همچنین کتـاب «شـکیّات» تألیف: سـیّد محمّـد طباطبائی را کتابت کرده که در کتابخانه دکتر حسین مفتاح در تهران موجود بوده است.(۳)]

میرزا محمّدعلی دانای اصفهانی

میرزا محمّـدعلی متخلّص به «دانـا» فرزنـد ملاّـ محمّدسـعید اشـرف بن ملاّ محمّدصالـح مازنـدرانی، شاعر ادیب. در مرشـدآباد [بنگاله] هند وفات یافت.(۴)

[خوش اختلاط و لطیفه سنج بوده و به سبب قرابت با آخوند ملاّ محمّدباقر مجلسی

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۹۳.

۲- الذریعه، ج۱۳، ص۱۴۵؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۴؛ احیاء الداثر، ص۱۵۷؛ فرهنگ و تاریـخ گز برخوار، ص۱۱۲.

۳- نسخه های خطی، ج۷، ص۲۲۹.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۶۷۰.

کمال عزّت و احترام داشت. از آثار او:

۱. «لطایف الخیال» جُنگی از اشعار شعراء ۲. «دیوان اشعار»

این بیت از اوست:

اشکم از شرم گناه از بس که می پیچد به خود در نظر هر قطره ای گرداب می آید مرا(۱)]

محمّدعلی گلپایگانی*

محمّدعلی بن محمّدسعید جرفادقانی (گلپایگانی) ، از خوشنویسان و فضلای قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه صدر اصفهان ساکن و به کسب علم مشغول بوده است. او در سه شنبه سوم محرم ۱۲۶۰ق در مدرسه صدر نسخه ای از «حاشیه معالم الاصول» (یا «هدایه المسترشدین») جلد دوم تألیف: شیخ محمّدتقی رازی نجفی را به خط نستعلیق نیکو کتابت کرده و آن را تصحیح نموده که به شماره ۳۳ در کتابخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام قم موجود است.(۲)

ملاّ محمّدعلی مازندرانی*

مولی محمّدعلی بن شاه بیگ مازندرانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از علماء از جمله علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی تحصیل می کرده است.

او نسخه ای از کتاب «کافی» را بین سال های ۱۰۷۷ق تا ۱۰۸۰ق در مدرسه جدّه

۱- صحف ابراهیم، صص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ شمع انجمن، ص۲۴۵.

۲- فهرست مؤسسه امام صادق علیه السلام قم، ص۳۲.

اصـفهان کتابت نموده و سـپس آن را نزد علاّمه مجلسـی خوانده و علاّمه جهت او اجازه نوشـته است. این نسـخه از «کافی» در کتابخانه فخرالدّین نصیری در تهران موجود بوده است.

محمّدعلی توشمال باشی*

محمّدعلی بن شاهوردی بیگ توشـمال باشـی، از ادباء و فضـلای اواخر دوره صـفویّه مؤلف کتابی در ادعیه و احراز موسوم به «شـجره طیبه» به فارسـی در یک مقدمه، ۱۲ بـاب و یک خاتمه که به نام شاه سـلیمان صـفوی تألیف شـده و تاریـخ کتابت آن ۱۱۱۲ق است. این نسخه به شماره ۶۹۵ در مجموعه کتب اهدایی خاندان طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای اسـلامی موجود است.(۱)

میرزا محمّدعلی صبوح اصفهانی

میرزا محمّـدعلی متخلّص به «صـبوح» فرزند محمّدشـفیع اصـفهانی، شاعر و ادیب فاضل و خوشـنویس هنرمند در قرن دوازدهم هجری.

در مـدرسه کـاسه گران اصـفهان سـاکن بوده و روزگـار به نوشـتن کتب ادعیه و قرآن می گذرانیـد. کتاب «ریاض رضوان» از تألیفات: امیر عبـدالباقی خاتون آبادی را به خط زیبای خود نوشـته و در حواشـی آن گاهی اشـعاری دارد. نسـخه این کتاب در نزد نگارنـده [سـیّد مصـلح الـدّین مهـدوی] موجود است و در سـال ۱۱۸۴ق نوشـته شده است.(۲) [این نسـخه به همراه تعـداد دیگری از نسـخه هـای خطی کتابخانه شخصـی مرحوم اسـتاد سـیّد مصـلح الـدّین مهـدوی، پس از وفات ایشان به کتابخانه ابن مسکویه منتقل شد.(۳)

۱- فهرست مختصر مجلس، ص۴۶۶؛ الشریعه، ج۱، ص۱۷۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۱.

۳- فهرست کتابخانه سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص۱۴۹.

علاوه بر حُسن خط و طبع شعر، در اغلب علوم مهارت داشته و چهار تار را خوب می زد.(۱) و از بررسی اشعارش برمی آید که از شاعران پیشرو مکتب بازگشت و از اعضای حلقه یاران مشتاق اصفهانی بوده است. وی نسخه ای از «حلّ و عقد» در معرفت تقویم و نجوم تألیف قطب الدّین عبدالحی لاری را در دوم جمادی الثّانی ۱۱۷۶ق کتابت کرده که در کتابخانه محمّدعلی خوانساری در نجف اشرف موجود است.(۲)] همچنین نسخه ای از «مرآه العقول» تألیف: علاّمه ملاّ محمّدباقر مجلسی را در سال ۱۱۸۲ق در مدرسه کاسه گران کتابت کرده که به شماره ۱۴۴۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

این بیت از اوست:

به این امید که افتد به روی یار نگاهم نشسته ام به ره انتظار چشم به راهم

شیخ محمّدعلی غروی*

شیخ محمّدعلی غروی فرزند شیخ الرئیس سدهی، عالم فاضل معاصر. در اصفهان نزد شیخ محمود مفید، سیّد عبدالحسین طیّب، شیخ محمّدرضا جرقویه ای و شیخ علی قدیری تحصیل کرد. سپس در قم نزد علاّمه سیّد محمّدحسین طباطبائی و دیگران ادامه تحصیل داد و عاقبت در تهران ساکن شد.(۴)

۱- تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۵۷۸؛ الذریعه، ج۹، ص۵۹۴؛ تذکره روز روشن، ص۴۷۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صبوح»، ص۱۳۹؛ تذکره سفینه المحمود، ص۴۴۰.

۲- الکواکب المنتشره، ص۴۹۴.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، صص ۶۰۲ و ۶۰۳.

۴- علوم و عقاید، ص۵۰؛ شرح مجموعه گل، ص۲۰۱.

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن ملاّ محمّدصادق اصفهانی، خطاط نسخ نویس [از خوشنویسان اصفهان در عهد زندیه و اوایل دوره قاجاریه بوده و اغلب به کتابت قرآن مجید و ادعیه مشغول بوده است.]

این آثار از اوست:

۱. «عوالم العلوم» عبداللّه بن نوراللّه بحرانی، جلد شانزدهم که در سال ۱۲۲۵ق به خط شکسته نستعلیق نوشته است و نسخه آن به شماره ۳۱۸۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران است.(۱) ۲. «قرآن مجید» به خط نسخ خوش در صفر ۱۲۴۱ق که در کتابخانه معارف تهران موجود بوده است.(۲) [۳. «قرآن مجید» به خط نسخ و رقاع در سال ۱۱۹۲ق که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.۴. «قرآن مجید» به خط نسخ، در سال ۱۲۱۵ق که متعلق به خانم آذر مهدوی بوده است.(۳)]

سیّد محمّدعلی صادقی*

سیّد محمّدعلی صادقی فرزند سیّد محمّدصادق، عالم فاضل جلیل معاصر، فقیه محقّق و مفسر جلیل القدر، از سلسله جلیله سادات میرمحمّدصادقی در روز ۱۱ شوال ۱۳۴۶ق در اصفهان متولّد شد.

تحصیلات مقدماتی و سطوح را نزد حضرات آیات: شیخ محمّدحسن عالم حبیب آبادی، سیّد مصطفی بهشتی نژاد، شیخ محمّدجواد اصولی، شیخ محمّدرضا

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص ۷۶۴.

۲- فهرست معارف، ص ۵.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۴، صص ۱۱۸۷ و ۱۱۸۸.

جرقویه ای، سیّد علی اصغر برزانی، سیّد صدرالدّین کوپائی، سیّد عبدالحسین طیب، سیّد ابوالحسن شمس آبادی (شهید اصفهانی) ، سیّد محمّدباقر رجائی و حاج آقا حسین خادمی طی نمود.

وی در سال ۱۳۷۲ق جهت تکمیل تحصیلات خود راهی نجف اشرف شد و در درس حضرات آیات عظام: سیّد محمود شاهرودی، شیخ حسین حلّی، میر سیّد علی علاّمه فانی خارج فقه و اصول را تحصیل کرده و به درجه اجتهاد نائل شد و در آن ارض اقدس به تدریس پرداخت. امّا در سال ۱۳۹۰ق به خاطر بیماری به ناچار به زادگاه خود مراجعت نموده و تا آخر عمر به تدریس دروس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اصفهان مشغول شد و شاگردان بسیاری تربیت کرد. همچنین سال ها در مسجد شفیعی در دروازه تهران (میدان جمهوری اسلامی) اقامه جماعت نمود. وجود این فقیه گرانقدر منشاء خدمات زیادی در اصفهان بود که از آن جمله همکاری در ساخت بیش از چهل مسجد در استان های اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و کرمان را می توان ذکر کرد.

وی سرانجام در روز ۲۰ ربیع الثّانی ۱۴۱۷ق (مطابق با ۱۵ شهریور ۱۳۷۵ش پس از یک بیماری طولانی وفات یافت و در نزدیکی مزار حاج آقا رحیم ارباب و تکیه خاندان میرمحمّدصادقی (تکیه شهداء فعلی) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «تقریرات فقه و اصول» درس مرحوم میر سیّد علی علاّمه فانی۲. رساله در «جبر و اختیار»۳. رساله در «عدم تحریف قرآن»۴. «تفسیر سوره جمعه»۵. «توحید ذات و صفات از دیدگاه اسلام»۶. ترجمه رساله «علم امام» از تألیفات استادش علاّمه فانی

۷. رساله در «احکام بانک ها» و غیره(۱)

استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی ضمن مرثیه ای در مادّه تاریخ وفات مرحوم صادقی گوید:

طبع «برنا» تا کند معلوم سال رحلتش گفت بیتی را به ابجد از پی تاریخ آن

«حلمی دین محمّد بود و احکام علی صادقی روحانی را دو نکوی اصفهان»

۴۱۳+۱۰۰۴=۱۴۱۷

محمّدعلی ورِنوسفادرانی سِدِهی

محمّدعلی بن محمّدصادق ورنوسفادرانی سِدِهی اصفهانی، از فضلاء و خوشنویسان [اوایل قرن چهاردهم هجری.] در رمضان ۱۳۱۳ق از کتابت «رساله در ولایات» از تألیفات حاج شیخ محمّدعلی نجفی ثقه الاسلام به خط نسخ فراغت یافته و نسخه در همان سال به طبع رسیده است. او در این کتاب از خود چنین یاد می کند: «اقل الطّلاب و احقر الکُتّاب»(۲)

میرزا محمّدعلی ناصح

میرزا محمّدعلی ناصح فرزند آقا محمّدصادق بازرگان اصفهانی، از شعرای معاصر. در ماه ذیقعده ۱۳۱۶ق در اصفهان متولّد گردیده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه، به تحصیلات قدیمه پرداخت و در صرف و نحو، معانی و بیان، بدیع و عروض و منطق

۱- گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۲۰۰؛ آئینه آفتاب (زندگانی فقیه فرزانه آیت اللّه صادقی) : اغلب صفحات؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط؛ مزارات اصفهان، ص۳۶۰؛ قرآن پژوهان اصفهان، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۱۱۸؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۷۴.

مهارت یافت. [و از محضر اساتیدی چون وحید دستگردی، میرزا رضاخان نائینی، حبیب اللّه مظفری و میرزا ابوالحسن شعرانی بهره گرفت.] همچنین زبان های انگلیسی و فرانسوی را آموخت. در سال ۱۳۰۰ش به استخدام وزارت معارف درآمده و به تدریس در مدارس تهران مشغول شده [و به نشان درجه یک علمی نائل شد.] شکسته و نستعلیق را خوش می نوشت. شعر را نیکو می سرود و عضو انجمن ادبی ایران و در اواخر رئیس آن بود. او چندگاهی در اداره نگارش مسؤلیّت آرایش و پیرایش و ویرایش انتشارات اداره معارف را برعهده داشت.

[وی سرانجام در ۱۸ شهریور ۱۳۶۵ش در تهران وفات یافت. آقای ابوالقاسم حالت قطعه ای در رثای او سروده و در آن گفته است:

رفت ناصح که با نصایح خویش همه را بود هادی و حامی

در چه تاریخ زین مصبت زد شعله در جان عارف و عامی

اشک ریزان به پاسخم گفتند: «رفته از دست ناصح نامی»]

او رسائل چندی ترجمه و تألیف [و تصحیح] نموده است از آن جمله:

۱. «رساله در شرح حال خاقانی»۲. «رساله در شرح حال صاحب بن عباد»۳. «ترجمه سیره جلال الدّین» تألیف: منشی زیدری۴. تصحیح و تحشیه «دیوان ابوالفرج رونی»۵. «دیوان اشعار»۶. «انتخاب اشعار از دواوین شعراء به طرز حماسه» [۷. تصحیح «بوستان» سعدی۸. تصحیح «دیوان ادیب صابر ترمذی»۹. «زندگانی صلاح الدّین ایوبی]

از اوست:

آمد نگار پرده از چهره برگرفته رسم سیاهکاری زلفش ز سر گرفته

هر لحظه چشم مستش در کار دلربائی طرزی دگر نهاده شکلی دگر گرفته(۱)

محمّدعلی ابهری اصفهانی*

محمّدعلی بن محمّدصالح ابهری جی اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. وی نسخه ای از «تهذیب الاحکام» (کتاب جهاد تا قصاص) را به خط نستعلیق در جمادی الثّانیه ۱۰۶۰ق کتابت کرده که به شماره ۵۷ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۲) همچنین وی «اصول کافی» را در سال ۱۰۶۰ق کتابت کرده که در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم وجود دارد.(۳) دیگر اثر وی کتابت «مجمع البیان» طبرسی است که آن را به خط نسخ در ۲ جلد در سال ۱۰۶۶ق کتابت نموده و به شماره های ۱۸۱۷ و ۱۸۲۴ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۴)

محمّدعلی مدّاح حبیب آبادی

درویش محمّدعلی بن درویش عباس حبیب آبادی، از شعرای معاصر اصفهان. در حدود سال ۱۳۱۰ق در قریه حبیب آباد از بلوک بُرخوار اصفهان متولّد گردیده [است.] تحصیلاتی نکرده، فقط چندی در مکاتب محلّی مشغول بود [سپس] در مولد خویش به روضه خوانی و دعانویسی مشغول شد. گاهی بر حسب حال اشعاری می سرود و «مدّاح» تخلّص می کرد. از اوست:

مداح از این جهان سفر باید کرد رو بر سوی عالمی دگر باید کرد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۹۴-۴۹۶؛ نادره کاران، ص۶۰۱؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، صص ۴۲۷ و ۴۲۸؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، صص ۳۵۵۹-۳۵۶۴؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۵۹۸؛ شاعران تهران، ج۲، صص ۱۰۹۲-۱۰۹۷.

۲- فهرست اعظم قم، ص۹۷.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۴۶.

۴- فهرست گوهرشاد، ج۵، صص ۲۳۱ و ۲۳۶.

این کهنه رباطی است که هر قافله ای هر روز ازو همی گذر باید کرد(۱)

میرزا محمّدعلی کلباسی

حاج میرزا محمّدعلی بن میرزا عبدالجواد بن آقا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، از علمای متنفّذ اصفهان [در اوایل قرن چهاردهم هجری] بوده و به «آقای کلباسی» و در بین عوام به «آقا مشدی» شهرت داشته و در قضایای رضاخان [جوزدانی[و جعفرقلی (دو نفر از یاغیان اصفهان در دوره جنگ بین الملل اوّل) مطالبی از او نقل می شود که مناسب ذکر نیست.

شب ۱۲ صفر ۱۳۴۲ق در اصفهان وفات یافت(۲) [و در مقبره خاندان کلباسی مقابل مسجد حکیم اصفهان مدفون شد. او در جریان نهضت مشروطیت از طرفداران آن بوده و از سوی طلاب و روحانیت اصفهان در سال ۱۳۲۵ق به انجمن مقدّس ملّی اصفهان راه یافته و در جلسات آن شرکت نموده است.(۳) همچنین مدّتی نماز جماعت را در مسجد حکیم اقامه می کرده و همه ساله در روز نیمه شعبان به مناسبت ولادت حضرت ولیعصر (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) جشن مفصّلی در مقبره جدّش حاج محمّدابراهیم کلباسی منعقد می نموده است.(۴)]

میرزا محمّدعلی کابلی

میرزا محمّدعلی بن سیّد عبدالحفیظ بن سیّد ابراهیم موسوی کابلی، ادیب فاضل و

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۳۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۵؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۵۵۳.

۳- تاریخ مشروطیت اصفهان، ص۱۱۰.

۴- خاندان کلباسی، ص۱۵۷.

خطاط [در قرن سیزدهم هجری.]

او از بنی اعمام حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی است و نزد فرزندش حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی تحصیل کرده و به امر حاج سیّد جعفر بیدآبادی (فرزند دیگر سیّد حجه الاسلام) چندین کتاب و رساله را کتابت نموده است از جمله:

۱. «بحارالانوار» جلد دهم که به خط نسخ و به امر حاج سیّد جعفر بیدآبادی کتابت نموده است و به شماره ۵۲۶۵ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است. ۲. «هدایه السّالکین فی احادیث الائمه الطّاهرین (سلام اللّه علیهم اجمعین) » تألیف: آقا محمّد (سیّد محمّدباقر) عمادالاسلام که کتابت آن در ۲۱ محرم الحرام ۱۳۱۶ق به پایان رسیده است.(۱)

[وی سرانجام در سال ۱۳۱۷ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)]

میرزا محمّدعلی عبرت نائینی

میرزا محمّدعلی مصاحبی نائینی متخلّص به «عبرت» فرزند عبدالخالق بن حبیب اللّه بن علی اکبر بن یوسف حاج میرزا حسن بن محمّدجعفر بن امیر نظام الدّین محمّد میر حسینا معروف به «مصاحب نائینی» ادیب شاعر، خوشنویس ماهر و عارف کامل در ماه رمضان ۱۲۸۵ق در اصفهان [و به روایت صحیح تر در روستای «محمّدیه» نائین] متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان نزد اساتید فن به پایان رسانید. [و از جمله بدیع و بیان و منطق و حکمت را نزد آخوند ملّا محمّد کاشانی خواند.] در سال ۱۳۰۴ق که پدرش در اصفهان وفات یافت، عبرت به سیر آفاق و انفس روی نهاد و ۱۷ سال به سیاحت

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۹۶-۱۹۸؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۰۲.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

پرداخت. خدمت جمعی از عرفاء و مشایخ رسید و در سلک خاکسار وارد گشت [و لقب «عارفعلی» یافت.]

او در سال ۱۳۲۱ق به اصفهان و بعدا به نائین رفته، ازدواج کرده و از آن پس به طهران رهسپار شد و تا آخر عمر در آنجا ساکن بود. او دارای طبعی روان بود و غزل را به سبک قدماء نیکو می سرود. اشعارش عموما دارای مضامین عالی است و در اغلب مجلات و روزنامه های طهران به طبع می رسید.

او زندگی را با قناعت و مناعت طبع زندگی کرد و با کتابت و استنساخ کتب به امرار معاش پرداخت. عبرت در ذیحجه ۱۳۶۱ق [و بنا به نوشته بعضی نویسندگان شنبه دوّم محرم الحرام ۱۳۶۲ش] وفات یافته و در امامزاده عبداللّه شهرری [جنب مقبره حسن وحید دستگردی] مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «دیوان اشعار» [که ۲۰۰ غزل از آن به چاپ رسیده است.۲. «عبرت نامه» مثنوی[۳. «مدینه الادب» [تذکره ای در شرح حال ادباء و شعرای ایران که کتابخانه مجلس شورای اسلامی آن را به خط زیبای مؤلف چاپ افست نموده و انتشار داده است.[۴. «نامه فرهنگیان» [که آن هم به خط مؤلف، چاپ افست شده است.]

این چند بیت از اوست:

شب عشاق دل آشفته شد و صبح دمید سخن از حلقه زلفش به میانست هنوز

ترک چشمش به نگاهی دل صاحب نظران برده از دست و پی غارت جانست هنوز

فتنه خوابیده ز آشوب، جهان ایمن شد چشم فتّان تو آشوب جهانست هنوز(۱)

میرزا محمّدعلی صائب تبریزی

میرزا محمّدعلی صائب تبریزی اصفهانی فرزند عبدالرحیم. شاعر و ادیب فاضل [از بزرگ ترین شعرای قرن یازدهم هجری و معروف ترین شاعر سبک اصفهانی (سبک هندی)] در سال ۱۰۱۶ق در محلّه عباس آباد اصفهان متولّد گردیده و چون پدرش تبریزی بوده آنها را تبارزه (تبریزیان) می گفته اند.

[در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته و فنون شعر و ادب را از حکیم رکنای کاشانی و حکیم شفایی فراگرفت.] در سال ۱۰۳۴ق به قصد هندوستان از اصفهان مهاجرت کرده به هرات و کابل رفت [و مورد اکرام و احترام حاکم هرات ظفرخان احسن شاملو قرار گرفت] و در سال ۱۰۳۹ق وارد دکن شده و از آنجا به برهان پور رسیده و در دربار شاه جهان شهرت و اقتدار یافت و در آنجا به لقب مستعدخان و منصب ملک الکلامی مفتخر شد. در سال ۱۰۴۲ق به قصد زیارت پدر به ایران مراجعت نموده، مدّتی در تبریز، قم، قزوین، اردبیل و یزد ساکن بوده، سرانجام به اصفهان آمده و مورد عنایت شاه عباس ثانی واقع شده و منصب ملک الشعرائی یافت.

در اصفهان خانه او مجمع ارباب ادب و مرکز شعراء و ادباء بوده، در کمال صفا و

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۳۱-۳۳۳؛ مدینه الادب، ج۳، صص ۲۳۳-۲۴۶؛ ادبیات معاصر، ص۷۰؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۴، صص ۲۴۷۸-۲۴۸۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، صص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ تذکره سخنوران یزد، ج۲، ص۶۰۳؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۴۶۶؛ الذریعه، ج۹، ص۷۰۵؛ ج۱۹، ص۲۴۵؛ ج۲۰، ص۲۵۱ و ج۲۴، ص۲۴؛ تذکره سخنوران نائین، صص ۸۹ و ۹۰؛ نائین بلده طیّبه، صص ۱۲۵-۱۲۷.

گرمی از آنان پـذیرایی می نموده و در حقیقت، انجمن ادبی شـعراء بوده که هریک از آنان اشـعار خود را جهت اصـلاح بر او می خوانده اند و او آنها را اصلاح می نموده [است.]

در تاریـخ فوت صـائب در کتاب ها اختلاف است و از ۱۰۷۷ تا ۱۰۸۶ق نوشـته اند. لکن مطابق تحقیق و یقین فوت او در سال ۱۰۸۱ واقع گردیـده [است.] چنـان که سـعیدا اشـرف در مـادّه تاریـخ فوت او و عبدالرشـید دیلمی خواهرزاده میرعماد قطعه ای گفته و مادّه تاریخ این است:

روی با من کرد و گفت اشرف بگو تاریخ آن چون تو را بودند ایشان استاد و پیشوا

گفتم از ارشاد پیر عقل در تاریخ آن بود با هم مردن آقا رشید و صائبا

صائب در باغ مسـکونی خود در کنار مادی نیاصـرم در انتهای محلّه عباس آباد اصفهان به خاک رفته است. قبر او تا این اواخر نـامعلوم بود. لکن در چنـد سـال قبل ظاهر شـده و اداره انجمن آثار ملّی جهت او مقبره ای زیبا بنا کرد. فعلاً در روزهای جمعه در کنار قبر او انجمن شعراء به نام او برقرار است.

[کلیات] اشعارش در حدود بیست هزار بیت [است] و هر قسمتی به نامی معروف است:

۱. «آرایش نگار»۲. «قندهارنامه»۳. «محمود و ایـاز»۴. «مرآت الجمال»۵. «میخانه»۶. «واجب الحفظ»۷. «بیاض اشـعار» یا «سفینه صائب» [که اشـعار خود و هشـتصد تن از معاصـرانش را در آن آورده است] که مرحوم وحیـد دسـتگردی قسـمتی از آن را در مجلّه ارمغان به طبع رسانیده است.

منتخبـات اشـعاراو را مرحوم حیـدرعلی کمـالی انتخاب نموده و به طبع رسانیـده [است[منتخبات دیگری از او را شـهید نورائی انتخاب نموده [است.]

در مقبره صائب چندین قبر دیگر از خانـدان اوست از جمله۱. میرزا ابوالقاسم فرزنـد صائب فوت ۱۳ ذیقعده الحرام ۱۱۴۰ق۲. میرزا محمّدحسن (محمّدمحسنا) فرزند صائب. فوت ۷ محرم الحرام ۱۱۴۹ق۳. میرزا محمّدعلی بن محمّدرحیم صائب فوت در یکشنبه ۸ جمادی الثّانیه ۱۱۴۱ق

[استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» شاعر توانای اصفهان برای اینجانب (محقّق و مصحح کتاب حاضر) تعریف کردنـد که مزار صائب در باغی متعلق به یکی از اهالی محلّه لنبان به نام «خلـدی نسب» بوده و نامبرده از آشکار شـدن مزار صائب و باز کردن در باغ به روی علاقمنـدان خودداری می کرد. اسـتاد برنا نامه ها و مکاتبات فراوانی با مقامات اداری و فرهنگی اصـفهان و تهران داشت و بـا جمع آوری امضـاء و حمایت برخی از فرهیختگان اصـفهان بالاخره باغ مزبور از شـخص مزبور گرفته شـده و آرامگـاهی بر سـر مزار صـائب ساخته شـد و روز جمعه ۵ مهر ۱۳۴۲ با حضور مقامات رسـمی و شـعراء و فضلای شهر افتتاح گردید.

جالب این که برخی اشخاصـی که از امضای آن نامه ها و شـکوائیه ها خودداری کرده و حاضر به همکاری نشده بودند، بعدها مدعی کشف و احیاء مزار صائب شده و در کتاب های خود آن را جزو افتخارات خود دانستند!]

صائب شاعری است بسـیار توانا و در کلیه فنون شـعری به ویژه در غزل سـرائی و بدیهه گویی اسـتاد [است.] وی پیرو سعدی و حافـظ و مروّج سـبک معروف هنـدی است. در نازک خیالی و انـدیشه های باریک بی نظیر و برخی از ابیاتش جالب و جاذب است که در حکم امثال سائره قرار گرفته است.

این اشعار از اوست:

من از روییدن خار سر دیوار دانستم که ناکس کس نمی گردد از این بالانشینی ها

* * *

دست طمع چو پیش خسان می کنی دراز پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش

* * *

اظهار عجز پیش خسان ابلهی بود اشک کباب باعث طغیان آتش است

* * *

مرا به روز قیامت غمی که هست اینست که روی مردم دنیا دوباره باید دید(۱)

استاد محمّدعلی مُقضی*

استاد محمّدعلی مقضی فرزند عبدالرّزاق، از هنرمندان معاصر در سال ۱۲۹۸ش. در محلّه دردشت اصفهان متولّد شد. در ۸ سالگی نزد دائی های خود استاد احمد، استاد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۰۷-۷۱۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۷؛ مزارات اصفهان، صص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۳۴-۶۳۷؛ الذریعه: مواضع متفرقه؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۴۱؛ مجلّه مهر، سال ۸، شماره ۴، مقاله دکتر مهدی مجتهدی؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۱۶؛ قصص الخاقانی، ج۲، صص ۶۲-۶۶؛ سفینه خوشگو (بخش دوم) ، صص ۳۷۴-۳۸۱؛ تذکره حسینی، صص ۱۸۸-۱۹۳؛ تذکره غنی، ص۷۹؛ کلمات الشعراء، صص ۶۲-۶۵؛ تذکره ریاض الشعراء، ج۲، صص ۱۲۰۶-۱۲۰۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۴۴ و ۴۵؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۲۱۷-۲۲۵؛ تاریخ ادبیات (اته) ، صص ۱۹۹ و ۲۰۰؛ منتخب اللطایف، صص ۳۹۹-۴۰۱؛ تذکره شمع انجمن، صص ۴۰۰ و ۴۰۱؛ تاریخ ادبیات (شفق) ، صص ۳۷۰-۳۷۳؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص۱۲۷۱؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «صائب»، صص ۱ و ۲؛ اصفهان (کتاب جوانان) ، صص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ دایره المعارف فارسی (مصاحب) ، ج۲، ص۱۵۴۵؛ فرهنگ اعلام سخن، ج۲، صص ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴؛ با کاروان حله، صص ۲۹۹-۳۰۷؛ کارنامه بزرگان ایران، ص۲۸۹؛ فهرست مشاهیر ایران، ج۲، ص۱۱۸؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص۳۱۳؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۵۱؛ فرهنگ شاعران زبان فارسی، ج۱، صص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص ۳۳۱-۳۳۳.

عبدالغفار مصدق زاده به کاشی کاری پرداخت تا اینکه در انواع فنون کاشی سازی، کاشی تراشی، کاشی کاری و مرّمت کاشی به مهارت و استادی رسید و به همکاری با اداره باستان شناسی اصفهان و اداره اوقاف پرداخت و ده ها مسجد، بقعه متبرکه، مدرسه دینی و بناهای قدیمی را مرمّت نمود و به خاطر فعالیت هایی که در هنر کاشی کاری انجام داد. چندین تقدیرنامه از مقامات دولتی دریافت نمود.

این هنرمند ارزنده در ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ش چشم از جهان فروبست و پیکر او را در قطعه نام آوران واقع در باغ رضوان (قبرستان جدید اصفهان) به خاک سپردند.

تعمیر و مرمّت کاشی های مسجد شیخ لطف اللّه، مسجد جامع و مدرسه چهارباغ از آثار به جای مانده از اوست. او کاشی کاری مسجد سرهنگ زاهدی (مسجد الرضا فعلی) در خیابان خرم، دبیرستان هراتی، ساختمان یادبود علاّمه امینی (در باغ غدیر) را هم انجام داد و در شهرهای کرمان، یزد و اردبیل و... نیز به کاشی کاری و مرمّت پرداخت. مرمّت و کاشی کاری در حرم حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل در کربلا، حرم امام علی علیه السلام در نجف اشرف و حرم مقدس کاظمین علیه السلام در شهر کاظمین نیز از افتخارات او به شمار می رود.(۱)

میرزا محمّدعلی شهشهانی

میرزا محمّدعلی بن میرزا عبدالصمّد شهشهانی بن سیّد محمّد بن ابراهیم حسنی حسینی خُرزوقی اصفهانی، عالم فاضل و عابد متّقی. [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در اصفهان نزد علمای عصر خود به تحصیل پرداخت. او عمر خویش را به عبادت و طاعت پروردگار سپری نموده و سرانجام در [دوّم جمادی الثّانی] سال ۱۲۶۵ق وفات

۱- گلشن نام آوران، صص ۲۴۳-۲۴۵.

یافته و در تخت فولاد جنب مزار فاضل هندی مدفون شد.

وی برادرِ مجتهد عالیقدر آقا سیّد محمّد شهشهانی است.(۱)

[یادداشت تملک و مهر بیضوی او به تاریخ ۱۲۳۲ق بر نسخه ای از «من لا ـ یحضره الفقیه» که در کتابخانه سیّد ضیاءالدّین علّامه در اصفهان موجود است، وجود دارد.(۲)]

محمّدعلی گلپایگانی*

محمّـدعلی بن عبدالعظیم گلپایگانی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. وی در مدرسه یاقوتیه اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده و نسخه ای از «تهذیب الاحکام» را در یک شنبه ۲۲ ذیحجه ۱۱۰۵ق در این مدرسه کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۱۱۸۷۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

میرزا محمّدعلی طباطبائی

میرزا محمّـدعلی طباطبائی اصفهانی بن عبدالکریم طبیب، مؤلف کتاب «راحه الانسان» در طب، به فارسی در ادویه مفرده و مرکبه.(۴)

[در کتابخانه آستانه حضرت شاهچراغ در شیراز نسخه ای از «راحه الانسان» و نسخه ای از «خواص الاشیاء» هر دو از تألیفات میرزا محمّدعلی به شماره ۱۶۴ موجود است.(۵)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۵۹ و ۲۲۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۱۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۵.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۸۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۳۰، ص۱۵۳.

۴- فهرست دانشکده پزشکی طهران، شماره ۱۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۹.

۵- فهرست شاهچراغ، ج۳، ص۹۶.

شیخ محمّدعلی اژه ای

شیخ محمّدعلی بن ملاّ عبداللّه بن ملاّ علی اکبر اژه ای، عالم فاضل جلیل [از علمای قرن سیزدهم هجری. که در اصفهان متولّد شـده و در عتبات عالیات تحصـیل کرده و به مقام شامـخ اجتهاد نائل گردیـده است. از جمله اساتیـد او فقیه محقّق شـیخ محمّد کاشف الغطاء (فرزنـد شـیخ علی بن شـیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی) بوده که در سال ۱۲۶۸ق به او اجـازه اجتهاد داده است. این اجازه در مقدمه کتاب «زواهر الجواهر» به طبع رسیده است.(۱)

سرانجام در سال ۱۲۸۹ق وفات یافته و در تخت فولاد جنب مزار پدر و جدّ خود مدفون شد.

او «وافیه الاـصول» تـألیف: ملاّـ عبـداللّه تـونی را به خـط نسـخ در ۱۲ ذیحجـه ۱۲۶۱ق کتـابت کرده و در آخر رسـاله خـود را «محمّـدعلی شـریف بن عبداللّه» معرفی نموده است. این نسـخه به شـماره ۱/۵۳ در کتابخانه مرحوم سـیّد ضـیاءالدّین علاّمه در اصفهان وجود دارد.(۲)]

میرزا محمّدعلی رهبان اصفهانی

میرزا محمّـدعلی متخلّص به «رهبـان» فرزنـد میرزا عبـداللّه طبیب اصـفهانی»، شـاعر و ادیب فاضـل. در قرن دوازدهم هجری در اصـفهان متولّد شده و طب را نزد برادر خود میرزا محمّدنصیر طبیب اصفهانی فراگرفت و به طبابت مشغول شد. گاهی شعر می گفت.

۱- بزم معرفت، صص ۱۳۵-۱۳۷؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۶.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۱۳۳.

این بیت از اوست:

صبح است و فصل گل، می و بارانم آرزوست دیدار یار و صحبت یارانم آرزوست(۱)

محمّدعلی سدهی اصفهانی

محمّدعلی بن عبداللّه سدهی اصفهانی [از کاتبان اواخر دوره قاجاریه] در سال ۱۳۲۳ق نسخه ای از کتاب «فوائد السّمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السّبطَین» تألیف: ابوعبداللّه ابراهیم بن محمّد حموئی را به خط نسخ به دستور عبدالکریم نوشته است. نسخه به شماره ۲۵۵۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم موجود است.(۲)

میرزا محمّدعلی منجّم تفرشی

میرزا محمّدعلی منجّم فرزند سیّد عبداللّه حسینی تفرشی، از فضلاء و منجمین اصفهان [در قرن سیزدهم هجری] و همشیرزاده میر محمّدصادق خاتون آبادی منجّم است. در «المآثر و الآثار» گوید: در علم اخترشماری و ستاره شناسی از اعاجیب وقت بوده و در غالب علوم از فقه و نجوم استاد بود.

میرزا محمّدعلی منجّم از شیراز به اصفهان آمده و در [روز ۴ جمادی الثّانی] ۱۲۸۲ق وفات یافته است و بعد از او [پسرش] میرزا محمّدحسن به منصب منجم باشی گری مفتخر شد.

مزار صاحب عنوان در فضای برون تکیه مادرشاهزاده در تخت فولاد اصفهان واقع

۱- تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۵۱۸؛ الذریعه، ج۹، ص۳۹۴؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۷۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۳۴.

شده است.(۱)

محمّدعلی پروانه اصفهانی

محمّدعلی پروانه [حقیقت متخلّص به «پروانه» فرزند عبدالوهاب] شاعر و ادیب معاصر [در سال ۱۲۷۵ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر علم و ادب آموخته است] از شعراء و غزل سرایان اصفهان است. عشق و علاقه مفرط او به شعر و ادب، وی را بر آن داشته که با وجود مشکلات فراوان که در راه روزنامه نگاری و انجمن داری است دست از هر دو بر ندارد. او مدیر روزنامه «شمع حقیقت» و مؤسس انجمن ادبی پروانه است. اغلب اشعارش غزل های عاشقانه و اشعار اجتماعی است که در روزنامه خود و دیگر روزنامه های محلی اصفهان چاپ کرده است.(۲) [منزل او در نزدیکی امامزاده اسماعیل در محلّه گلبهار و محل انجمن در دروازه دولت، ساختمان سلطانی بوده است. دیوان اشعارش هنوز به چاپ نرسیده است. وی در روز پنجم مهرماه سال ۱۳۵۵ش وفات یافته و در تکیه مقدّس در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۳) استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ وفات وی را چنین سروده است:

گفت برنا «سوی نور حب یار بال زد پروانه با شوق وصال]

۵۵۳+۸۴۳=۱۳۹۶

از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۹؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۸۵؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۷؛ الذریعه، ج۸، ص۲۲۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۰۸-۱۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۷.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

ماه من تا از رُخ زیبا نقاب انداخته جلوه خورشیدم از چشم پر آب انداخته

شانه بر گیسوی پرچین تا زده آن ماهرو سایه بر مهر درخشان از سحاب انداخته

میرزا محمّدعلی مکرم حبیب آبادی

میرزا محمّدعلی مُکرَم حبیب آبادی فرزند علی خان بن صادق بن عبدالمطلب بن علی خان بن علی نقی. شاعر و ادیب روزنامه نگار معاصر در سال ۱۳۰۴ق در قریه «حبیب آباد» بُرخوار اصفهان متولّد شده مقدمات علوم را در مولد خویش بیاموخت. از ۱۷ سالگی به اصفهان آمده مدتی در مدارس قدیمه [مانند مَدرَس امامزاده اسماعیل و مدرسه کاسه گران] به کسب علوم اشتغال جست.

مکرم در اوائل مشروطیت جزو آزادیخواهان وارد شده و با آنها همکاری می نمود. [او شعر خود را در خدمت به نهضت مشروطیت درآورده و پس از فتح اصفهان به دست بختیاری های مشروطه خواه در سال ۱۳۲۷ق مثنوی «فتح المجاهدین» را سرود. او با هدف مبارزه با خرافات و پیرایه ها به سرودن اشعاری در انتقاد و هجو از برخی اعتقادات دینی، خرافات و برخی رفتارهای روحانیون آن دوره پرداخته و از لباس روحانیت خارج شد و اشعار تند و تیزی سرود که باعث خشم برخی از روحانیون شد و تا تکفیر او پیش رفت.]

او در سال ۱۳۳۹ق روزنامه «صدای اصفهان» و در سال ۱۳۴۰ق مجله «سپاهان» را منتشر کرد. [پس از به سلطنت رسیدن سلسله پهلوی با جرأت و جسارت بیشتری به سرودن اشعار خود بر ضد روحانیت و عقاید مذهبی پرداخت که مطابق برخی اسناد مورد حمایت حکومت وقت نیز قرار گرفت. با این حال برخی اشعار ساده و همه فهم او

در نقد عقاید و خرافات عامّه تأثیر زیادی در خرافه زدائی در میان مردم اصفهان داشت.]

او از جوانی به وکالت دادگستری پرداخت [همچنین نظارت و کنترل برنامه های رادیو اصفهان و ریاست کتابخانه شهرداری اصفهان را نیز برعهده داشت.]

مکرم مردی بذله گو، حاضرجواب، خوش مشرب و متلک گو بود به طوری که همه طالب معاشرت با او بودند. دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. او در ۲۴ ذیقعده ۱۳۸۴ق [مطابق با فروردین ۱۳۴۴ش] وفات یافته و در [تکیه آقا محمّدلطیف در] تخت فولاد اصفهان مدفون شد. استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) مادّه تاریخ وفاتش را در دو مرثیه جداگانه چنین سروده است:

مصرعی گفت پی سال وفاتش «برنا» «خصم اوهام و ریا بوده بدنیا مکرم»

۱۳۸۴

طبع «برنا» گفت از بهر وفاتش مصرعی «لطف حق مکرم بدارد دشمن اوهام را»

۱۳۸۴

[استاد منوچهر قدسی نیز ضمن قطعه ای گوید:

از جمع یکی بیرون گردید به تاریخش: «قدسی» ز وفا گفتا: «مکرم بخدا پیوست»(۱)]

از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۶۴-۴۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۹۲۴ و ۹۲۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۳؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۳، صص ۲۴-۲۸ و ۱۱۷-۱۱۹؛ دولت دیدار، صص ۱۷ و ۱۷۲-۱۸۴؛ مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، صص ۱۷۹-۱۹۰؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۲۰۶-۲۱۰.

رفتی و رفت از کف من اختیار من باز آ که بی تو باز نیاید قرار من

ای سروناز گر به گلستان نظر کنی از لاله پرس حال دل داغدار من

بر روی خود اگر گره از زلف وا کنی چون موی خود سیاه کنی روزگار من

حاج سیّد محمّدعلی صفائی مبارکه ای

حاج سیّد محمّدعلی مبارکه ای متخلّص به «صفائی» فرزند سیّد علی امام جمعه بن محمّدعلی بن علی موسوی مبارکه ای، عالم فاضل و واعظ کامل، از مشاهیر اهل منبر اصفهان [نسب شریفش از طرف پدر به حمزه بن موسی کاظم علیه السلام می رسد.]

در روز ۱۷ ذیحجه ۱۳۱۶ق در مبارکه از توابع بلوک لنجان اصفهان متولّد گردیده [و نزد پدر به تحصیل مقدمات پرداخت. آنگاه در اصفهان نزد حضرات آیات شیخ علی مدرس یزدی، شیخ علی فقیه فریدنی، میرزا محمّد اصفهانی، سیّد مهدی درچه ای، شیخ محمّدحکیم خراسانی، شیخ عبدالکریم گزی، میرزا محمّدصادق مدرس خاتون آبادی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی ادامه تحصیل داد و درس خارج را نزد حضرات آیات سیّد محمّدباقر درچه ای، سیّد ابوالقاسم دهکردی و شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی خواند. آنگاه به قم رفته و نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تحصیل کرد و در عتبات عالیات از خدمت آیات عظام میرزا حسین نائینی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی کسب فیض نمود. در تهران هم از محضر درس شهید سیّد حسن مدرس اسفه ای بهره گرفت. چندی در اصفهان و خراسان به تبلیغ و وعظ و خطابه مشغول بود. پس از آن به افغانستان و هندوستان رفته و به سیاحت در بلاد آنجا و سپس چین و سنگاپور پرداخت و در بازگشت به سفر حج مشرّف شده و به هند رفت. همچنین به شام و مصر و ممالک عربی و آفریقا سفر نمود و با دانشمندان و علمای هر دیار دیدار و مذاکره نموده و حتّی الامکان کسب فیض نمود. او پس از بازگشت به اصفهان به ایراد

خطابه و موعظه مشغول شده و در اندک زمانی به جامعیت و گفتار خوش و بیان فصیح معروف شده و منبر و سخنرانی او طرفداران بسیار یافت. او در برخورد با مسائل اجتماعی روز فعّال بوده و به خاطر دفاع از دین و صراحت لهجه و افشاگری برنامه های ضدّ دینی حکومت رضاشاه، در سال ۱۳۵۸ق حدود ۹ ماه را در زندان به سر برد. همچنین در پاسخ به شبهات مطرح شده توسط سیّد احمد کسروی، مقالاتی نوشت که در روزنامه های آن عهد از جمله روزنامه «نقش جهان» به چاپ رسید.] او در حسن بیان و طاقت لسان در بین معاصرین کم نظیر می نمود. قدرت حفظ عجیبی داشت. اهل مطالعه و تحقیق و تتبع و تألیف بود و کتابخانه آبرومندی فراهم کرده بود.

سرانجام در قبل از ظهر روز جمعه ۷ رجب ۱۳۶۵ق در منزل خود [واقع در یکی از کوچه های پشت آرامگاه مجلسی] بر اثر سکته وفات یافت و در میان مردم شایع شد که او را مسموم کرده اند. جنازه او با کمال احترام به سوی تخت فولاد تشییع شده و در بقعه مرحوم سیّد عبدالغفار تویسرکانی مدفون شد. [مادّه تاریخ وفاتش را شاعر معاصر استاد میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) چنین سروده است:

بشمسی ز «برنا» شنو سال فوتش «محمّدعلی سیّد واعظین بود»]

۱۳۲۵

او دانشمندی ادیب و شاعر بوده و در اشعار خود «صفائی» تخلّص می کرده است.

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «اسرار حج»۲. «اسرار و فلسفه احکام»۳. «اسلام خالص»۴. «انوار السّعاده» در فضیلت بنی هاشم۵. «تاریخ اصفهان» (در ۵ جلد) ۶. «تاریخ امکنه و بلدان» که سفرنامه است.۷. «تاریخ زندگی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله »۸. «تحصیل الثمن»، در شرح حدیث حبّ الوطن۹. «ثمرات العلوم»۱۰. «جامع العلوم» (در ۴ جلد) ۱۱. «جنّه الاداء» در آداب ۱۲. «دیوان اشعار» ۱۳. «دانشوران اصفهان» (در ۶ جلد) ۱۴. «راهنمای

ریاضیات» ۱۵. «سرادق دوشیزگان» در حجاب [مطبوع] ۱۶. «سوانح غرب» ۱۷. «سوانح العمر» ۱۸. «صراط المستقیم»، در نماز، مطبوع ۱۹. «کشف المهمّات فی سموم المهلکات» (در ۴ مُجَلَّد) ۲۰. «کشف الغیب» ۲۱. «مرآت الغیب» ۲۲. «منهج القویم» ۲۳. «مثنوی سقراطیّه» در عرفان ۲۴. «مواعظ» ۲۵. «نور الانور» در اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مطبوع ۲۶. «نور القدسی» در احوال علّامه مجلسی و غیره.

از اشعار اوست:

مرا یاری است که نامش گفتنی نیست لب لعلش عقیق سفتنی نیست

بدو گفتم که شب آیی به خوابم بگفتا چشم عاشق خفتنی نیست(۱)

محمّدعلی سلطانی نجف آبادی*

محمّدعلی سلطانی نجف آبادی فرزند علی، شاعر، ادیب نویسنده و محقّق معاصر. در سال ۱۳۲۲ش در نجف آباد متولّد شد و تحصیلاتش را تا اخذ فوق لیسانس ادبیات فارسی ادامه داد و به تدریس در دبیرستان ها و سپس دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد پرداخت و مدّتی مدیرگروه ادبیات آن دانشگاه بود. در شعر طبعی خوش و ذوقی پسندیده دارد و از انواع شعر به قطعه راغب تر است و آن را نیکو می سازد. ابتدا «سعد» تخلّص داشته و سپس به «سلطانی» تخلّص کرده است و در انجمن ادبی مولوی نجف آباد و سایر محافل ادبی شرکت می نماید.

این کتاب ها از آثار اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «تذکره شعرای نجف آباد»۲. «ساده ترین راه فراگیری تجزیه و ترکیب»

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۳۶ و ۳۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۴۰ و ۸۴۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۰؛ مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت اصفهان، صص ۴۸۲-۴۸۷.

۳. «آداب و رسوم عشایر کهگیلویه و بویراحمد»

او این ابیات را در وصف نجف آباد سروده است:

محور عشق است خطّه نجف آباد روضه خُلد است یا بهشت خداداد

شهر من ای جایگاه بصیرت شهر من ای زادگاه مردم آزاد

خاک تو باشد کنام شوکت شیران نام تو هم نام شهر سرور اوتاد(۱)

محمّدعلی مدرس زاده

محمّدعلی مدرس زاده فرزند شیخ علی مدرس یزدی، از خطاطین و خوشنویسان معروف اصفهان و از معلمین مدارس این شهر بوده و در روز سوم صفر ۱۴۰۳ق وفات یافته(۲) [و در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شد. او خط نسخ را با مهارت می نوشت و به کتابت برخی از کتاب ها مشغول بود که به خط او به چاپ رسیده است از جمله: «ره آورد قانع» تألیف: محمّدحسین مدرسی اسفه ای در سال ۱۳۶۰ق، «قرآن مجید» در سال ۱۳۶۳ق و «کشف المراد» در سال ۱۳۵۲ق.(۳)]

میرزا محمّدعلی علم

میرزا محمّدعلی علم فرزند آخوند ملّا علی اکبر فشارکی، مردی فاضل و دانشمند بوده و در روزنامه جهاد اکبر [که در سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ق منتشر می شد] نویسندگی

۱- دیباچه دیار نون، صص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ آئینه اهل قلم، ص۱۱۹؛ زنده رود تا حیدربابا، صص ۱۲۰ و ۱۲۱؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۸۸.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۷.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

آن را برعهده داشت. او قبل از سال ۱۳۶۰ق در اصفهان وفات یافت.(۱)

محمّدعلی قسیمی

محمّدعلی قسیمی فرزند علی اکبر [از شعرای قرن چهاردهم هجری.] در سال ۱۳۰۰ش در خمین متولّد شده و تحصیلات خود را در دانشسرای مقدماتی پسران اصفهان به پایان رسانید و در اداره فرهنگ اصفهان به خدمت مشغول شد.

از اوست:

رخت بربست از جهان فصل بهار و شد خزان شد مسخّر در کف مسیر خزان یکسر جهان

هر طرف افتان و خیزان برگ های زرد بین کز درختان همچو زر ریزد فرو بر رایگان(۲)

محمّدعلی اولیاء*

حاج محمّدعلی اولیاء فرزند علیرضا. مدیر روزنامه اولیاء، از نویسندگان و خدمتگزاران به مطبوعات در سال ۱۳۰۰ش. در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه قدسیه و متوسطه را در دبیرستان گلبهار طی کرد. سپس در دانشسرا ادامه تحصیل داد و در کسوت معلّمی به تدریس و تعلیم و تربیت پرداخت.

او فعالیّت مطبوعاتی را با توزیع مطبوعات آغاز کرد در سال ۱۳۳۱ش امتیاز هفته نامه اولیاء را به نام پدرش اخذ نمود، امّا تمام توان خود را در اداره این هفته نامه

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، ص۱۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۷۷ و ۳۷۸.

گذاشت و تا آخرین روزهای حیات به فعالیّت مطبوعاتی ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۷۰ش درگذشت و در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

هفته نامه اولیاء، قدیمی ترین نشریه فعلی استان اصفهان هنوز تحت مدیریت دختر مرحوم اولیاء: خانم منیژه اولیاء انتشار می یابد.(۱)

میرزا محمّدعلی شرف الواعظین

میرزا محمّدعلی عظیمی ملقب به «شرف الواعظین» فرزند میرزا علی محمّد شرف الواعظین بن ملاّ اسماعیل بن حاج ملاّ محمّدعلی بن حاج ملاّ عبدالعظیم بیدگلی زوّاره ای، واعظ کامل [از خطبای قرن چهاردهم هجری.] از محترمین اهل منبر که در محلّه باب الدّشت ساکن بوده و داماد آقا شیخ صفرعلی همدانی می باشد.

او در حدود ۱۳۶۵ق وفات یافته و در تکیه سیّد العراقین [در تخت فولاد اصفهان[مدفون گردید.(۲)

حاج میرزا محمّدعلی نحوی

حاج میرزا محمّدعلی نحوی فرزند علی محمّد هرندی، فاضل ادیب خطاط (از فضلای قرن چهاردهم هجری) در یکی از مساجد محلّه شهشهان (جنب کوچه بنّاها) امامت می نموده و در ۲۱ ذیحجه الحرام ۱۳۸۱ق به سن قریب ۷۵ سالگی وفات یافته و در تکیه گلزار واقع در تخت فولاد مدفون گردید. او خطوط مختلف خصوصا نستعلیق

۱- یادداشت های خانم منیژه اولیاء، مهرماه ۱۳۸۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۵؛ آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۶۳.

را خوب و شیرین می نوشت.(۱)

[او سال ها در محله شهشهان مکتب خانه ای تأسیس کرده و به تعلیم و تربیت اطفال مشغول بود.]

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدعلی اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری] در پسین روز شنبه ۲۸ رجب ۱۲۱۵ق کتاب «مفاتیح الشرایع» تألیف: فیض کاشانی را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۵۶۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

محمّدعلی سینی بُرخواری

محمّدعلی بن محمّدعلی جزی سینی برخواری [کاتب فاضل در قرن یازدهم هجری[که «غایه المراد فی شرح فلک الارشاد» را در سال ۱۰۴۱ق و «منشات و نامه های پادشاهان صفوی» را در دوشنبه ۱ محرم ۱۰۸۷ق کتابت کرده و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

سیّد محمّدعلی گلستانه موسوی

حاج سیّد محمّدعلی گلستانه موسوی [فرزند سیّد محمّدعلی] از علمای بزرگوار و دانشمندان و مؤلّفین اصفهان، ساکن مشهد مقدس [در قرن چهاردهم هجری] بوده که پس از تکمیل تحصیلات در اصفهان و نجف به مشهد مهاجرت نموده و به ترویج احکام

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۱۸۳.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۲۰۹.

و نشر عقاید و اقامه جماعت پرداخت.

[در سال ۱۲۷۷ق در کربلای معلاّ متولّد شده و در کربلا و نجف تحصیل کرده و از جمعی از علمای عالیقدر آنجا اجازه دریافت نموده است که از آن جمله است حاج میرزا حسین خلیلی. او اصلاً در اصفهان ساکن نبوده و تحصیلاتش در عتبات عالیات طی شده است. در مسجد کله واقع در کوچه پهنو مشهد مقدس به اقامه جماعت می پرداخته است و ده بار به سفر حج رفته است.]

سرانجام در ۱۶ رمضان ۱۳۶۱ق وفات یافته و در ایوان طلا [واقع در صحن نو آستان مقدّس رضوی علیه السلام] مدفون گردید.(۱) کتب زیر از اوست:

۱. «تحفه الامامیّه» [به فارسی و در اخبار که نسخه ای از آن به شماره ۱۲۴۹۵ که در سال ۱۳۴۰ق در چاپخانه نادری بمبئی چاپ سنگی شده است در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است. نسخه خطی این کتاب به شماره ۳۴۷ در کتابخانه وزیری یزد وجود دارد.(۲)] ۲. «الوسائل فی اثبات الحق و ازهاق الباطل» [در اثبات امامت ائمه اثنی عشر، که در سال ۱۳۳۹ق تألیف نموده و در همان سال در بمبئی به طبع رسیده است.(۳)

مرحوم گلستانه گاهی شعر می سرود. از اوست:

ببین چون گرفتند از ما کنار رفیقان پیرار و یاران پار

شب و روز بی ما بیاید بسی که از روز ما یاد نارد کسی

بسی دوستان بر زمین پا نهند که بی باک، پا بر سر ما نهند

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۳۵۹؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج ۱، ص۳۲۲؛ تاریخ علمای خراسان، ص۲۹۹؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۱۸۵-۲۱۸۷.

۲- الذریعه، ج۳، ص ۴۲۱؛ فهرست رضوی، ج۵، ص۲۴۴؛ فهرست وزیری، ج ۱، ص۳۲۴.

۳- الذریعه، ج۲۵، ص ۷۱.

بیاید در جهان سوگ و سور که ما خفته باشیم در خاک گور

جهان را بسی بگذرد صبح و شام که از ما نباشد در ایام نام

دریغا که تا چشم بر هم زنی در این عالم از ما نبینی تنی(۱)]

ملاّ محمّدعلی جامی

ملاّ محمّدعلی جامی فرزند عین علی فروشانی سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل، ادیب کامل و شاعر ماهر، از اعقاب شیخ حُرّ عاملی. در سال ۱۲۲۰ق در قریه فروشان وفات یافت.

از آثار و منظومه «جام گیتی نما» است نظیر منظومه «حمله حیدری» مشتمل بر احوالات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بحر تقارب، قریب بیست و پنج هزار بیت که به طبع رسیده است. نسخه ای از این کتاب به شماره ۱۱۳۰ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد و نسخه ای دیگر در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

محمّدعلی اصفهانی

حاج محمّدعلی بن حاج غدیر [اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری.] علاّمه مجلسی جهت او در حدود سال ۱۰۸۸ق پشت نسخه ای از کتاب «مهج الدّعوات» تألیف: سیّد بن طاوس اجازه نوشته است. نسخه یک مرتبه به وسیله مولی محمّدنصیر بن مولی عبداللّه [مجلسی] در اوائل ذیقعده ۱۰۸۷ق مقابله شده و یک بار نیز به وسیله علاّمه مجلسی در رجب ۱۰۸۸ق مقابله گردیده است.

۱- مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۱، ص۳۶۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۱؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۴۰؛ الذریعه، ج۵، ص۲۵؛ مخزن الادب راجی: خطی؛ فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۶۳.

نسخه به شماره ۱۲۸۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

محمّدعلی بن فتحی

محمّدعلی بن حاجی فتحی [از فضلاء اصفهان در قرن یازدهم هجری.] در دوشنبه سوم جمادی الثّانیه ۱۰۶۷ق نسخه ای از کتاب «کافی» را به خط نسخ نوشته و ظاهرا در محضر علاّمه مجلسی قرائت نموده است. نسخه در حواشی تصحیح شده و علامت بلاغ به خط علاّمه مجلسی دارد. نسخه به شماره ۸۵۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

شیخ محمّدعلی فشارکی*

شیخ محمّدعلی بن فخرالدّین بن مهدی بن ملاّ محمّدباقر فشارکی، عالم فاضل محقّق، از علمای عالیقدر معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۳ش در اصفهان متولّد شد. در بیست سالگی تحصیل علوم دینیه را در حوزه علمیه اصفهان آغاز کرد.

مقدمات را نزد آقایان: ملاّ هاشم جنتی، ملاّ رمضانعلی املائی، شیخ ابوالقاسم فلاورجانی، سیّد محمّدجواد غروی فرا گرفت.

در نزد شیخ مرتضی اردکانی شرح شمسیه در منطق را خواند، و قسمتی از مطول و قوانین علاّمه حلّی و منظومه سبزواری در منطق را از حاج آقا صدر کوپائی بهره برد. قسمتی دیگر از قوانین را از درس سیّد علی اصغر برزانی استفاده کرد. معالم و شرح لمعه

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۴۲۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص۴۸؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۶۴.

را بر حاج شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی حاضر شد. رسائل را از شهید ابوالحسن شمس آبادی فرا گرفت. قسمتی از کفایه را نیز در نزد حاج آقا باقر رجائی تلمّذ نمود.

خارج فقه و اصول را از آیه اللّه سیّد عبدالحسین طیب و آیه اللّه سیّد حسین خادمی بهره برد. وی مدت ۲۷ سال در درس آیه اللّه خادمی حاضر می شد. و قسمتی از دروس فقتهی وی چون صلاه جمعه را تقریر نموده است. و از این دو استاد اخیرش (طیب و خادمی) مجاز در نقل روایت مشافهتا می باشد.

مدت تحصیل او جمعا ۳۸ سال می باشد. زبان انگلیسی را نیز در نزد سیّد حسین مدرس آموخت. او ۵۰ سال امامت مسجد الحبیب واقع در محلّه نو بیدآباد اصفهان را برعهده داشت. و از اوّل انقلاب به امر استادش آیه اللّه خادمی وارد قوه قضائیه شد و به قضاوت و حلّ و فصل دعاوی مردم اصفهان پرداخت. وی اکنون در منزل دوران کهولت و بازنشستگی خود را سپری می کند.(۱)

میرزا محمّدعلی سروش

میرزا محمّدعلی بن قنبرعلی سِدِهی اصفهانی متلخص به «سروش» از شاعران معروف و ادبای مشهور قرن سیزدهم هجری.

[در سال ۱۲۲۸ق] در [محلّه فروشان] سِدِه ماربین اصفهان [خمینی شهر فعلی[متولّد شده [پدرش از کسبه و دهقانان سِدِه بود. او در نوجوانی لب به سرودن اشعار باز کرده و بنا به دلائلی به اصفهان آمد و به واسطه قریحه و استعداد قابل توجّه او در شعر مورد عنایت و توجّه حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی، از مجتهدین و مراجع بزرگ اصفهان واقع شد و به مدح سیّد پرداخت و به تشویق او به تحصیل مشغول شد و

۱- مصاحبه آیه اللّه شیخ هادی نجفی با معظم له در نوروز ۱۳۸۸ش.

نزد میرزا محمّدعلی وفای زواره ای کسب علم کرد. سروش به خاطر بدگوئی مخالفان مجبور به ترک اصفهان شده و به گلپایگان رفت و از آنجا راهی تهران شد و با سرودن «فتح نامه»ای مورد توجّه عباس میرزا (فرزند فتحعلی شاه) قرار گرفت و به دریافت صله مفتخر شد. آنگاه راهی آذربایجان شده و برای حکام آنجا (شاهزادگان قاجاری) همچون قهرمان میرزا، میرزا محمّدمحسن میرزا سلطانی و ابوالفتح فریدون میرزا و بهمن میرزا قاجار مدیحه سرود. او در سال ۱۲۵۹ق به امر بهمن میرزا (فرزند عباس میرزا) اشعار عربی کتاب «الف لیله و لیله» که میرزا عبداللطیف طسوجی به فارسی برگردانده بود را منظوم ساخت و این کتاب در سال ۱۲۶۱ق در تبریز چاپ سنگی شد.]

در آن زمان ناصرالدّین میرزا در تبریز ولیعهد بود. سروش به وسیله محسن میرزا میرآخور به دربار ناصرالدّین شاه راه یافته و چون ناصرالدّین شاه به سلطنت رسید با او به تهران آمده و معروف و مشهور گردید و به لقب «شمس الشّعراء» ملقّب شد.

وی در ۱۲۸۵ق در تهران وفات یافت [و جسدش به قم حمل شده و به خاک سپرده شد.]

این آثار از اوست:

۱. «دیوان اشعار» شامل غزل، قصیده، مثنوی موسوم به «زینه المدایح» که نسخه ای از آن به شماره ۱۲۶۷۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی. دیوان سروش در سال ۱۳۳۹ش در دو جلد به تصحیح و تحقیق دکتر محمّدجعفر محجوب چاپ شده است. نسخه هایی از این دیوان به خط میرزا ابراهیم مشتری خراسانی (شاگرد سروش) موجود است.۲. «الهی نامه»۳. «ساقی نامه»۴. «اردیبهشت نامه» در سرگذشت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله۵. «شمس المناقب» در مدح پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله۶. «شصت بند از مرثیه عاشورا»۷. «روضه الانوار» در مراثی امام حسین علیه السلام

[سروش از قصیده سرایان توانای دوره قاجاریه و جزو شعرای رده اوّل سبک

بازگشت در قرن سیزدهم هجری است و در اشعار خود اغلب از «فرخی سیستانی» تقلید کرده است.(۱)

این غزل از اوست:

تا سر زلف عنبرین، حلقه به دوش می کنی سوی تو هر که بنگرد، حلقه به گوش می کنی

همره باد می کنی، نکهت زلف خویش را کوچه به کوچه باد را، مشک فروش می کنی

دوش اگر میان ما و تو رفت اگر حکایتی ما خجلیم و باز تو شِکوِه دوش می کنی

پند مده تو ناصحا، کز سر عشق او گذر چون که ندیده ای رُخش، عیب «سروش» می کنی]

ملاّ محمّدعلی مفرد تبریزی

ملاّ محمّدعلی بن محمّدقلی تبریزی، شاعر ادیب متخلّص به «مفرد» [از شعرای قرن یازدهم هجری] ساکن عباس آباد اصفهان و مردی درویش دردمند و محجوب بوده و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۵؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۱۵ و ۱۱۶؛ تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۹۹-۲۱۵؛ حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۷۶۷-۷۷۳؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۴۰۶ و ۴۰۷؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران) ، ج۱، ص۲۷۶؛ مجلّه یادگار، (سال پنجم) ، شماره ۱ و ۲: شهریور و مهر ۱۳۲۷، ص۱۰۲؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سروش اصفهانی»، ص۴۹۶؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۲۰؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۷۵۶-۷۵۸؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۷۵۲؛ سیری در شعر فارسی، ص۱۷۵؛ حماسه سرائی در ایران، ص۳۸۷؛ تاریخ ادبیات ایران (شفق) ، صص ۵۹۹-۶۰۱؛ سبک شعر در عصر قاجاریه، صص ۱۰۵-۱۰۸؛ مقالات ادبی (استاد همایی) ، صص ۴۴۳-۴۶۶؛ دیوان سروش اصفهانی: مقدمه؛ الذریعه، ج۹، ص۳۴۳؛ ج۱۱، ص۲۸۸؛ ج۱۴، ص۲۲۷ و ج۱۹، ص۱۱۲.

مدارش به کتابت احادیث می گذشت. از اشعار اوست:

کسی پا در ره عشق تو کافرکیش بگذارد من آنجا سر نهادم تا کسی پا پیش نگذارد

چه حسرت ها که خرمن کرده ام از دانه خالت سلیمان قناعت مور را درویش نگذارد(۱)

میرزا محمّدعلی الماسی

میرزا محمّـدعلی بن میرزا محمّـدکاظم الماسی بن ملاّ ـ عزیزاللّه بن ملاّ ـ محمّـدتقی به ملّا مقصودعلی مجلسی، عالم فاضل [از علمای قرن دوازدهم هجری [برادر میرزا محمّـدتقی الماسی است. ظاهرا پس از وفات در حوالی بقعه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شده است.(۲)

در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران جُنگی به شماره ۴۳۳۳ حاوی یازده رساله می باشد که بیشتر آنها به خط صاحب عنوان است و یکی از رسائل منتخبی است از کتاب: «اربعین» تألیف: ملاّ ـ محمّدشفیع بن ملاّ ـ محمّـدعلی استرآبادی. ظاهرا انتخاب کننده، صاحب عنوان است.(۳)

ملّا محمّدعلی هرندی

ملّا محمّدعلی بن محمّدمحسن بن محمّدباقر بن محمّدمهدی هرندی اصفهانی [عالم فاضل در قرن سیزدهم هجری] در تاریخ ۲۰ جمادی الثّانی ۱۲۱۴ق کتابت کتاب

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۵۵؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۵۷؛ ریاض الشعراء، ج۲۱، ص۸۶.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۱؛ مزارات اصفهان، ص۳۸.

۳- زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۳۴۳.

«ایادی سبا» از: محمّدجعفر بن محمّدطاهر خبوشانی [آخوند کرباسی] را به پایان رسانیده است. سایر کتب این مجموعه از تألیفات علاّمه مجلسی و دیگران به همراه «ایادی سبا» به شماره ۶۰۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

او در دوشنبه ۱۸ ربیع الاولی ۱۲۲۸ق مجموعه ای شامل «بغیه الطالب» تألیف: شیخ جعفر و «تکمله بغیه الطالب» تألیف: شیخ حسن بن شیخ جعفر را در نجف اشرف مقابله نموده که به شماره ۶۰۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

شیخ محمّدعلی اشتری

آقا شیخ محمّدعلی اشتری فرزند حاج شیخ محمّد بن شیخ محمّدحسن یزدی، واعظ فاضل و زاهد متّقی، از موثّقین اهل منبر اصفهان [در قرن چهاردهم هجری] در شب جمعه ۱۸ رجب سال ۱۳۷۵ق به سن متجاوز از ۹۰ سال وفات یافته و در بقعه حاج محمّدجعفر آباده ای [در تخت فولاد اصفهان] مدفون گردید.(۲)

سیّد محمّدعلی آقامجتهد

سیّد محمّدعلی آقامجتهد فرزند سیّد صدرالدّین محمّد موسوی عاملی، عالم فاضل، علاّمه فقیه، محقّق و ادیب شاعر [از علمای قرن سیزدهم هجری.]

در حدود سال ۱۲۳۹ق متولّد گردید. مادرش مخدّره «جان جان خاتون» دختر علاّمه فقیه شیخ جعفر کاشف الغطاء می باشد. او در اصفهان نزد پدر بزرگوار خود و حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و قبل از رسیدن به سن بلوغ به مرتبه اجتهاد نائل گردید. در همان سال ها امام جمعه حاج میرزا

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۹۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۸۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۱؛ مکارم الآثار، ج۸، ص ۲۷۵۰.

حسن بن حاج میر محمّدحسین امام جمعه سؤالاتی از او نمود و چون سیّد محمّدعلی آنها را به بهترین صورت پاسخ گفت امام جمعه به او گفت: «آقا مجتهد» است و از آن به بعد به «آقامجتهد» معروف شد.

عموم نویسندگان کتب تراجم رجال که نامی از او برده اند، وی را به علم و عمل و هوش و فطانت و استعداد و حسن قریحه و کثرت تحقیقات علمی و قدرت حافظه ستوده اند. وی پس از فوت پدر، به جای ایشان اقامه می نمود و پس از فراغت از نماز به منبر رفته و مردم را موعظه می نموده و مسائل مشکل توحید و سایر مسائل اعتقادی را به طوری ساده و روشن بیان می فرموده که حتی عوام النّاس نیز از منبر ایشان بهره علمی می یافته اند. در حوزه های درس، مسائل فقهی و اصولی را نیز به علّت کثرت علم و تعمّق در مسائل با حسن بیان تقریر می فرموده و جماعتی زیاد از فضلاء و علماء اصفهان به مجلس درس او حاضر می شده اند که از جمله آنها برادر بزرگوارش مرحوم حاج سیّد اسماعیل صدر یکی از مراجع بزرگ تقلید می باشد.

آقامجتهد در شب جمعه ۱۸ ذیحجه (عید غدیر) سال ۱۲۷۴ق در اصفهان وفات یافته و به نجف اشرف حمل شد و در ایوان اطاقی که پدر بزرگوارش در آن مدفون بود در حرم حضرت علی علیه السلام مدفون شد.

کتاب ها و رسایل زیر از اوست:

۱. «احیاء التّقوی» در شرح «دروس الشّرعیّه»۲. «الفیه» در نحو، ناتمام۳. «البلاغ المبین فی احکام الصُّبیان و المجانین و البالغین» و آن اوّلین تألیف ایشان است که در سن دوازده سالگی تألیف فرموده و به نظر مرحوم سیّد حجه الاسلام شفتی رسیده و مرحوم سیّد به نظر اعجاب و تحسین در او نگریسته و اجتهاد مؤلّفش را گواهی فرموده است.۴. «دیوان اشعار» فارسی۵. «العلائم» در شرح کتاب «المراسم العلویه فی الفقه»از تألیفات: ابوعلی حمزه بن عبدالعزیز دیلمی معروف به «سلار»۶. «فرائد

الفوائـد» در اصول فقه۷. «منظـومه ای در مواریث» ناتمـام۸. «منظـومه ای در وقف»۹. «نفائس الفرائـد» که مختصـر کتاب «فرائد الفوائد» است.

او علاـوه بر کلیه فضایـل و کمالاـت، شعـر را نیز در کمـال سـلاست وجودت می سـروده و «عارف» تخلّص می کرده است. از جمله این ابیات:

به استشاره رندان گسسته ام تسبیح بیار خوشه تاکی که استخاره کنم

* * *

خرمن حسن تو را روزی که می کردند جمع آفتاب از دامن یک خوشه چین افتاده بود

مرحوم آقامجتهد صبیه استـادش سـیّد حجه الاسلام (زینت بیگم) را به زوجیّت گرفته و آقا میرزا بهاءالدّین صدر از این مخدّره می باشد. فرزند دیگر او حاج سیّد محمّدجواد عاملی (معروف به «مسجدشاهی») از زوجه منقطعه می باشد.(۱)

میر محمّدعلی شمس آبادی

میر محمّدعلی شـمس آبادی بن سیّد محمّدبن عبداللّه بن اسماعیل بن حسین موسوی شاهاندشتی مازندرانی، علاّمه جلیل، فقیه زاهـد. در حـدود سال ۱۲۲۰ق در اصـفهان متولّـد گردیـده و در ایـن شـهر در خـدمت جمعی از بزرگـان همچـون حـاج سـیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی و دیگران تحصیل نموده تا به مقامات

۱- رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور، صـص ۷۸ و ۷۹؛ دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، صـص ۵۰ و ۵۱؛ تاریـخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۳۶-۲۴۳؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۶۰ و ۳۶۱ و ج۲، ص۱۶۴؛ اعیان الشیعه، ج۴۶، ص۱۰۲؛ ریحـانه الادب، ج۱، ص۵۷؛ مکـارم الآثار، ج۴، صـص ۱۰۹۵-۱۰۹۷؛ زنـدگانی آیه اللّه چهـارسوقی، ص۲۱۶؛ الـذریعه، ج۱، ص۳۰۸؛ ج۳، ص۱۴۱؛ ج۱۵، ص۳۰۸؛ ج۱۶، ص۱۴۱؛ ج۲۳، صص ۱۳۹ و ۱۴۷ و ج۲۴، ص۱۴۱؛ تکملة امل الآمل، صـص ۳۸۵-۳۸۷؛ معجم المؤلفین، ج۱۱، ص۵۰؛ شهداء الفضیله، ص۳۱۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۵۴.

عالیه رسید. در مسجد قطبیه امامت و تدریس می نموده و سرانجام در سال ۱۲۸۸ق در این شهر وفات یافته، جنازه اش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السّلام مدفون گردید.

مشارالیه سه دوره کتاب «بحارالانوار» و یازده مرتبه مجلد دهم آن را به خط زیبای خود نوشته است. نویسنده، مجلدات «ترجمه بحارالانوار» مشارالیه را نزد نواده اش مرحوم حاج سیّد محمّدعلی معین الاسلام فرزند آقا سیّد عبداللّه فرزند آقا محمّدعلی رؤیت نمودم. رحمه اللّه علیهم اجمعین.(۱)

[صاحب عنوان «الفصول المختاره» تألیف: شریف مرتضی را در ۲۲ ذیحجه ۱۲۶۴ق تصحیح کرده و چند حاشیه بر آن نگاشته است. این کتاب در کتابخانه سیّد مهدی شفتی در اصفهان موجود است.(۲) همچنین کتاب: «الافصاح» شیخ مفید را در سال ۱۲۶۲ق کتابت کرده که در کتابخانه آیت اللّه سیّد ابوالحسن اصفهانی در نجف وجود داشته است.(۳)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «ترجمه اکمال الدّین» شیخ صدوق ۲. «ترجمه بحارالانوار» مجلد هشتم ۳. «ترجمه بحارالانوار» مجلد دهم۴. «مبانی الاحکام» در طهارت و صلوه و حج و غیره

میرزا محمّدعلی سلطان الکتاب

میرزا محمّدعلی سلطان الکتاب [فرزند محمّد. از خوشنویسان هنرمند اواخر دوره

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۲؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۶۲.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص ۱۹۰.

۳- الذریعه، ج۲، ص۲۵۹.

قاجاریه و اساتید خطوط نسخ و ثلث و رقاع. در اصفهان متولّد شد و در خط نزد آقا زین العابدین اشرف الکتاب مشق خط کرد(۱) و عمر را به کتابت گذراند. او برای ناصرالدّین شاه قاجار آثاری را کتابت کرد و از طرف ا و به لقب «سلطان الکتاب» ملقّب شد و مورد تشویق او قرار گرفت و مقرری برای او تعیین شد. وی سرانجام در سال ۱۳۳۰ق وفات یافته و در تکیه آقا سیّد محمّد ترک (تکیه جهانگیرخان) در تخت فولاد مدفون شد.(۲)]

این آثار از اوست:

۱. کتاب دعا، به خط نسخ که در شعبان ۱۳۱۴ق برای مظفرالدّین شاه قاجار نوشته است. این نسخه به شماره ۲۱۵۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۳)

۲. گواهی خط نیریزی در سال ۱۳۲۴ق در یک قطعه خوشنویسی، که به شماره ۷۰۶ در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد موجود است.(۴)

[۳. خطوط ثلث کتیبه سنگ نوشته مرمرین مزار حاج محمّدحسن واعظ، به تاریخ ۱۳۰۷ق.(۵)

۴. «قرآن مجید» به خط نسخ و رقاع عالی، در ذیحجه الحرام ۱۲۸۹ق به جهت سلطان مراد میرزا حسام السلطنه، موجود در کتابخانه سلطنتی سابق.

۵. سوره یس و ادعیه، به خط نسخ و رقاع خوش در سال ۱۲۶۸ق به جهت هدیه حضور میرزا محمّدحسین، موجود در مجموعه مهدوی در تهران.

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۲۰ و ۲۳۶.

۲- مصاحبه با آقای مهدی سلطان الکتابی در ۱۸ خرداد ۱۳۸۵ش.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۸۵۱.

۴- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۵۵۷.

۵- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۶. «ادعیه ایام هفته» به خط نسخ و رقاع عالی، در سال ۱۳۱۴ق، به جهت مظفرالدّین شاه، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (مجموعه آقای نصیری) .

۷. «قرآن مجید» به خط نسخ و رقاع خوش در سال ۱۳۱۷ق به امر میرزا علیرضا مستوفی، موجود نزد آقای رمضانی ابن سینا.

۸. یک قطعه از مرقع به خط نسخ و رقاع خوش بلکه عالی در قرن سیزدهم، موجود در مجموعه شاهزاده افخم اعتضادی.(۱)]

میرزا محمّدعلی خوشنویس اصفهانی*

میرزا محمّدعلی بن میرزا محمّد طبیب اصفهانی، از خوشنویسان اواخر قرن سیزدهم هجری است. خطوط نسخ و ثلث را خوش می نوشته است. نسخه ای از «اعمال ماه رمضان» را در سال ۱۳۰۰ق کتابت نموده که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است. «یک رقعه» هم به خط او در مجموعه مرحوم حاج حسین آقا نخجوانی در تبریز موجود بوده است.(۲) همچنین کتاب «التقویم المستقیم» تألیف: ملاّ محمّدعلی بن احمد قراچه داغی را در شعبان ۱۳۰۰ق کتابت کرده که چاپ سنگی شده است.(۳)

میرزا محمّدعلی خوشنویس اصفهانی*

میرزا محمّدعلی بن میرزا محمّدقاری اصفهانی، خوشنویس ماهر و استاد قابل خط نسخ در عهد ناصری و جد خاندان قدسی اصفهان. در ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۵۵ق متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی نزد آقا زین العابدین اشرف الکتاب مشق خط کرد و

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۱۸۵ و ۱۱۸۶.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۸۶.

۳- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

به استادی رسید و عمر را به کتابت کلام اللّه مجید و ادعیه گزارد تا اینکه در سال ۱۳۱۳ق در نجف اشرف وفات یافته و همانجا مدفون شد.

در استحکام و پختگی خط پیرو استاد خود اشرف الکتاب و در تندنویسی و تند و تیزی پیرو آقا غلامعلی اصفهانی بود به طوری که روزی یک جزو قرآن را به خط خوش کتابت می کرد و تمام سوره توحید را روی یک دانه برنج می نوشت. در مدت عمرش حدود سیصد قرآن کوچک و بزرگ (غیر از کتب ادعیه و احراز) نوشته است او در مدرسه نیم آورد حجره داشت و محل کتابتش حجره مدرسه بود و پسرانش در همین مدرسه تحصیل خط و سواد می کرده اند.(۱) چهار پسر او: عبدالحسین قدسی، حسن قدسی، میرزا ابوالقاسم خوشنویس و میرزا مهدی خوشنویس از خطاطان اصفهان بودند. خصوصا عبدالحسین و ابوالقاسم که شهرت به سزایی در کتابت به دست آوردند.

این آثار از اوست:

۱. قرآن رحلی بزرگ معروف به «سراج الملکی» که چاپ سنگی شده است.

۲. قرآن به خط نسخ غبار خوش که در سال ۱۲۷۶ق کتابت کرده و در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.

۳. قرآن مجید که به خط نسخ عالی در پنج شنبه ۱۸ شعبان المعظم ۱۲۹۳ق برای شخصی به نام حاج محمّدکاظم کتابت کرده است. این نسخه نزد سیّد نصراللّه تقوی بوده(۲) و بعدا به کتابخانه مجلس شورای ملّی انتقال یافته و اکنون به شماره ۶۵۱۷۳ در آن کتابخانه موجود است.(۳)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، صص ۱۱۸-۱۲۰.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۸۶.

۳- فهرست مجلس، ج۱۵، ص۶۵.

سیّد محمّدعلی وفای زوّاره ای

سیّد محمّدعلی متخلّص به «وفا» [فرزند سیّد محمّد] طباطبائی زوّاره ای، فاضل ادیب. از شعرای عهد فتحعلی شاه [که در ۲۹ صفر ۱۱۹۵ق در اصفهان متولّد شد و چندی بعد او را به زوّاره بردند و او نزد ملّا عبدالعظیم بیدگلی کاشانی به تحصیل پرداخت. در ۱۹ سالگی به اصفهان آمده و نزد علمای این شهر خصوصا سیّد یوسف حکیم نوری مازندرانی معروف به «سید یوسف اَعمی» ادامه تحصیل داد و در اغلب علوم زمان خود مهارت یافت. آنگاه متولّی مدرسه حاج لطفعلی خان عرب عامری در زوّاره شد. امّا چون اغلب در اصفهان به سر می برد غاصبین، به موقوفات دست اندازی کردند و او برای کوتاه کردن دست غاصبین به تهران رفت و در آنجا منظور نظر فتحعلی خان صبای کاشانی (ملک الشُّعرای دربار فتحعلی شاه) قرار گرفت و در سفری دیگر محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی به او اکرام فراوان نموده و از محل مالیات نطنز و اردستان برایش مستمری معیّن کرد. فعالیّت های وفا برای کوتاه کردن دست غاصبین باعث شد آنان نزد حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی مجتهد بزرگ اصفهان از او بدگوئی کنند و او را به ساختن اشعاری در هجو سیّد متّهم سازند. امّا عاقبت بی گناهی او بر سیّد آشکار شد و مورد لطف سیّد قرار گرفت به این خاطر وفا تذکره ای موسوم به «مآثر الباقریه» نوشت و در آن شرح حال و قصاید کسانی که در مدح سیّد حجه الاسلام سروده اند و یا در وصف مسجد بنا شده به دست سیّد حجه الاسلام اشعاری انشاء کرده اند را آورد. این تذکره به کوشش دکتر حسین مسجدی در سال ۱۳۸۵ش به چاپ رسیده است.

وفا سرانجام در ماه صفر ۱۲۴۸ق وفات یافته و در تکیه میرزا رفیعا در تخت فولاد

اصـفهان مدفون شد.(۱) ولی در هنگـام احـداث فرودگـاه قـدیم اصـفهان، مزار او و بسـیاری از بزرگان مـدفون در تکایای آن حدود تسطیح شده و از بین رفت.

این شعر از اوست:

ز رخ غبار دَرَت شست اشکم اَر نه چه باک که نقش هستیم از صفحه وجود بشست]

و این شعر را در مدح گفته است:

جهان ز ملک جلالش یکی خرابه مکان فلک ز بحر کمالش یکی فسرده حباب

اگر به وجه عنایت کند به دشت ادب دگر ز روی سیاست کند به بحر عتاب

میاه این همه گرد و بخار آتش رنگ جبال آن همه گرد و سهیل بیضاتاب

حاج سیّد محمّدعلی ابن الرّضا*

حاج سـیّد محمّدعلی ابن الرضا خوانساری فرزند سـیّد محمود رضوی بن سیّد محمود بن حاج سیّد حسن بن حاج میر جعفر بن سیّد محمّدعلی خوانساری، عالم فاضل، مجتهد جلیل القدر و صالح زاهد.

در ربیع المولود ۱۳۳۱ق (۱۲۹۱ش) در خوانسـار متولّـد شـد. ادبیات عرب، منطق و معانی بیان را نزد آخونـد ملّا محمّدحسـن شاکریان، میرزا یوسف مهدویانی و میرزا

۱- تذکره مآثر الباقریه، صـص ۱۲-۴۰؛ تاریخ تذکره های فارسـی، ج۲، ص۱۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۳؛ تذکره سـفینه المحمود، ج۱، ص۲۲۳؛ تـذکره انجمن خاقان، ص۶۳۹؛ ریحـانه الادب، ج۶، ص۳۳۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۷۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۵۳؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۲۰۰۵.

عبدالجواد موسوی و برادر خودش آقا میرزا رضا ابن الرضا و سطح فقه و اصول را از محضر پدر عالی مقامش فراگرفت. آنگاه راهی قم شد و نزد حجج اسلام و حضرات آیات: ادیب تهرانی، حاج میرزا خلیل کمره ای، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی، سیّد محمّدرضا گلپایگانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سیّد محمّدتقی خوانساری ادامه تحصیل داد.

او پس از وفات پدر به خوانسار مراجعت کرد و به تدریس، اقامه جماعت، موعظه و ارشاد و حل مشکلات مردم و فعالیت های خیریّه مشغول شد و جهت طلاب علوم دینی حوزه علمیه ولی عصر (عجل اللّه تعالی فرجه) را تأسیس نمود.

مرحوم ابن الرضا از بسیاری از علماء و مراجع تقلید اجازه دریافت داشته است از جمله حضرات آیات: سیّد ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی، بروجردی، خوئی، سیّد محمّدتقی خوانساری، میرزا ابراهیم اصطهباناتی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، سیّد احمد خوانساری، مرعشی نجفی و گلپایگانی.

او در تفسیر، حدیث، ادبیات، کلام و فقه و اصول مهارتی به سزا داشت. او عالمی زاهد و قانع، متواضع و اهل عبادت و تهجّد بود و نسبت به حلّ مشکلات نیازمندان و ارشاد گمراهان و گره گشائی از کار مردم همواره اقدام می نمود. این عالم فرزانه در سن یکصد سالگی در شامگاه سه شنبه ۱۰ فروردین ۱۳۸۹ش (مطابق) ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۳۱ق وفات یافته و پس از تشییع باشکوه در قبرستان مصلای خوانسار جنب اجداد بزرگوار خود مدفون گردید.

از او علاوه بر جزوات مختلف و یادداشت درباره تفسیر، تاریخ، ادبیات، فقه و روایت کتاب «انوار فروزان هدایت» به فارسی که به عربی و اردو ترجمه شده است و

«تفسیر قرآن مجید»، (شامل سوره های لقمان و حجرات) به جای مانده است.(۱)

میرزا محمّدعلی طبیب

میرزا محمّدعلی طبیب بن سیّد میرزا مراد طباطبائی، از اطباء قرن یازدهم هجری. خود و پدرش از اطباء معروف و پزشکان اصفهان بوده و به استادی و حذاقت مشهور بوده اند. در کتاب «مجربات الطّبیّه» که در حوالی سال ۱۰۹۲ق نوشته شده، از مجربات او نقل شده است.(۲)

سیّد محمّدعلی موحّد ابطحی*

سیّد محمّدعلی موحّد ابطحی فرزند سیّد مرتضی، از علمای عالیقدر معاصر در ۲۸ صفر ۱۳۴۹ق (مطابق با ۱۳۰۹ش) در اصفهان متولّد شد. پدرش از علمای برجسته اصفهان و مادرش صبیّه فقیه و عالم ربانی سیّد محمّدتقی فقیه احمدآبادی است.

مقدّمات و برخی از دروس سطح و علم طب را نزد پدر بزرگوارش آموخت. معانی و بیان را از سیّد آقاجان نوربخش و فقه و اصول را از حضرات آیات: شیخ محمّد طبیب زاده، شیخ محمود مفید، سیّد محمّدباقر ابطحی سدهی، شیخ هبه اللّه هرندی، سیّد عبدالحسین طیّب و حاج آقا رحیم ارباب فرا گرفت. «منظومه» و منطق و حکمت را نزد میرزا رضا کلباسی، علم هیأت را نزد شیخ محمّدباقر قزوینی و طب را از میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت و حاج میرزا علی آقا شیرازی آموخت.

در سال ۱۳۶۴ق به قم مهاجرت نمود و نزد آیات عظام: بروجردی، حجّت کوه کمری،

۱- حیات طیبه، صص ۴۳۲-۴۳۴؛ نمی از یم: اغلب صفحات؛ مجلّه آئینه پژوهش، سال ۲۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹ش، شماره مسلسل ۱۲۱، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- الذریعه، ج ۲۰، ص ۵.

میرزا رضـی تبریزی، سـیّد محمّـد محقّق داماد، سـیّد احمد خوانساری، سـیّد محمّدرضا گلپایگانی، امام خمینی، شـیخ عبدالنّبی عراقی، سیّد زین العابـدین کاشـانی به تحصـیل فقه و اصول پرداخت و حکمت و فلسـفه را از علاّـمه طباطبـائی، دکـتر مهـدی حائری یزدی و شـیخ مهـدی مازنـدرانی آموخت. و برخی دیگر از دروس هیأت را به طور خصوصـی نزد علاّمه طباطبائی تلمّذ نمود.

آنگاه در سال ۱۳۷۳ق در سن ۲۵ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نمود و به مدت ۲۱ سال در آن سرزمین مقدّس به تحصیل و تألیف و تحقیق و سـپس تـدریس درس خارج فقه و اصول و علم رجال مشـغول شـد. اساتیـد او در نجف اشـرف عبارتنـد از حضـرات آیات عظام: سـیّد محسن حکیم، سیّد عبدالهادی شیرازی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، سیّد محمود شاهرودی و سیّد ابوالقاسم خوئی.

وی سـرانجام در سال ۱۳۹۴ق مجبور به بـازگشت به ایران شـد و در اصـفهان سـاکن گردیـد و به تـدریس خارج فقه و اصول مشغول شد. در سال ۱۴۱۰ق به قم هجرت نمود و تا آخر عمر در آن مکان به درس و بحث و افاده پرداخت.

سرانجـام آن عالم ربانی در شب ۱۳ رجب سال ۱۴۲۳ق پس از مـدّتی بیمـاری، در بیمارسـتانی در تهران وفات یافته و پیکر او پس از تشییع در حسینیه ای که خود بنا نموده بود، در شهر قم مدفون گردید.

تألیفات او متجاوز از ۱۴۰ رساله و کتاب است که از آن جمله است:

۱. «تهذیب المقال» در شرح «رجال نجاشی» در بیش از ۱۰ جلد که تنها ۵ جلد آن به طبع رسیده است.۲. «شرح وسائل الشیعه» که ۲ جلد آن به چاپ رسـیده است.۳. «شـرح رساله ابن غالب زراری» مطبوع۴. «تفسـیر قرآن کریم» در چندین جلد۵. «شرح عروه الوثقی»۶. «هـدایه العقول إلی شـرح کفـایه الاصول» در ۵ جلد۷. «الجامع الصـحیح لاخبار الشـیعه فی احکام الشّـریعه» در چندین مُجَلَّد۸. «شرح

کافی».۹. «شرح تهذیب».۱۰. «شرح وافی» ۱۱. «اخبار الرّوات» در ده ها جلد ۱۲. «شرح رجال کَشّی» در ۵ جلد ۱۳. «شرح رجال شیخ طوسی» ۱۴. «شرح فهرست شیخ طوسی» ۱۵. «الطّبقات الکبری» در چندین جلد ۱۶. «القواعد الرّجالیّه» ۱۷. «شرح زیارت جامعه» ۱۸. «شرح زیارت عاشورا» ۱۹. «شرح دعای سحر» ۲۰. «شرح دعای افتتاح» ۲۱. «شرح دعای کمیل» ۲۲. «شرح دعای ابوحمزه ثمالی» ۲۳. «شرح دعای ندبه» و غیره.(۱)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن مصطفی [بن سلطان] اصفهانی [از خوشنویسان نستعلیق نویس در قرن یازدهم هجری] در سلخ رمضان ۱۰۳۴ق نسخه ای از «القواعد الفوائد» شهید اوّل را به خط نستعلیق نوشته و کتاب به شماره ۲۰۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) [همچنین نسخه ای از «من لا ـ یحضره الفقیه» را در سال های ۱۰۳۷ تا ۱۰۴۶ق کتابت کرده که در کتابخانه سیّد محمّد یزدی در نجف اشرف موجود بوده است.(۳)]

محمّدعلی نقدکوزاده*

محمّدعلی نقدکوزاده فرزند استاد مصطفی زرکش، از هنرمندان معاصر اصفهان در اوّل مهر ۱۳۰۵ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه اقدسیّه انجام داد و آنگاه نزد پدر به فعالیت هنری پرداخت و هنر آب کردن طلا و نقره برای زنجیره بافی و یراق های دور ترمه و تور نقده را فرا گرفت. وی از اساتید این هنر به شمار

۱- رساله شرح حال آیه اللّه موحد ابطحی؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط؛ آثار الحجه، ج۲، ص۱۳۱؛ الذریعه، ج۲۴، ص۴۹؛ الغدیر فی تراث الاسلامی، ص۲۱۰؛ مستدرک فهرس التراث، صص ۲۴۱ و ۲۴۲؛ المسلسلات، ج۲، ص۵۸۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۱، ص۲۳۷.

۳- الروضه النضّره، ص۳۷۵.

می رفت.

سرانجام در ۱۸ شهریور ۱۳۸۸ش (مطابق ۱۹ رمضان ۱۴۳۰ق) وفات یافته و در قطعه ۱۱ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۱)

میرزا محمّدعلی میرزا مظفر

میرزا محمّدعلی بن میرزا مظفر [حسین منّجم بن محمّدعلی] اصفهانی، عالم زاهد جلیل [از حکماء و عرفای قرن دوازدهم هجری.] از زهاد و عبّاد بوده [و نزد علمای اصفهان همچون آقا محمّد بیدآبادی و سیّد حسن طالقانی تحصیل کرده] و در مسجد علی امامت می نموده [است.] با وضع فقر کمال مواظبت در آداب شریعت داشته و نسبت به مردم دنیا از غنی و فقیر و شاه و وزیر بی اعتنا بوده است.

وفاتش در سه شنبه ۱۳ شوال ۱۱۹۸ق روی داده و قبرش واقع در خارج بقعه تکیه میرزا رفیعا [در تخت فولاد اصفهان] بود و سنگ سیاهی به خط رقاع بسیار خوب داشت که در موقع تسطیح و توسیع فرودگاه اصفهان از بین رفت.(۲)

در «طرائق» گوید: در حکمیّات خصوص الهیات ید باسطی داشته و در زهد و عبادت سلمان عهد بود.(۳)

در تاریخ حکماء و عرفاء متأخّر از صدر المتألّهین گوید: «سیّد حسن طالقانی استاد او بوده است». [همچنین در این کتاب نوشته اند که میرزا محمّدعلی کتب حکمت و

۱- سایت اینترنتی یادبود (آرمستان های اصفهان) تاریخ مراجعه: خرداد ماه ۱۳۸۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۷۰ و ۵۷۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۱؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۷۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، صص ۳۳۰ و ۳۳۱.

۳- طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۵۴.

عرفان همچون «فصوص الحکم» و «تمهید القواعد» را تدریس نموده است.(۱)]

در «رستم التواریخ» در ذکر فضلای عهد کریم خان زند در اصفهان می گوید: «عالیجناب سلاله السّادات و النّجبائی افضل العلماء و اشرف الفقهاء علاّمی فهامی میرزا محمّدعلی ولد میرزا مظفر خلیفه سلطانی.(۲)

[مؤلف «تجربه الاحرار» درباره او می نویسد: «وارث زهد بوذری و سلمانی، حائز انواع فضائل نفسانی، جامع فقاهت نعمانی و مسائل حکمای یونانی میرزا محمّدعلی ابن مرحوم ملاّ مظفر اصفهانی که از تلامذه علاّمه بیدآبادی بود و در اعتراض از زخارف دنیا و مراسم و نُسُک و تقوی مولانا احمد اردبیلی را ثانی».(۳)

صاحب عنوان «شرح کتاب توحید» از: قاضی سعید قمی را در سال ۱۱۸۷ق به خط شکسته نستعلیق کتابت نموده است. شرح خواندنی و جامعی از مؤلف و کاتب دانشمندان را علاّمه محقّق آیت اللّه سیّد محمّدعلی روضاتی در کتاب خود آورده اند.(۴)]

میر محمّدعلی خاتون آبادی*

میر محمّدعلی بن میر معصوم ثانی خاتون آبادی، عالم فاضل متوفی سال ۱۳۴۶ق و مدفون در ایوان اطاق (آرامگاه) میر سیّد محمّداسماعیل خاتون آبادی در تخت فولاد اصفهان.(۵)

۱- تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفاء متأخّر، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۲- رستم التّواریخ، ص۴۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۹.

۳- تجربه الاحرار، ص ۱۶۰.

۴- فهرست کتب خطّی اصفهان، دو هزار نسخه، ج۲، صص ۷۶-۸۳.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۵، پاورقی.

ملاّ محمّدعلی واحد قمی

ملاّـ محمّـدعلی قمی متخلّص به «واحـد» [معروف به «کهنه» فرزنـد منصوربیـک ترکمان]، شاعر، خوشـنویس و ادیب فاضل، از مفاخر قرن یازدهم هجری. [در قم متولّد شده و] نزد ملاّ عبدالرزاق کاشانی به تحصیل پرداخت.(۱) [سپس به اصفهان آمده و به خـاطر خط خوش، به کتابت در کتابخانه سـلطنتی دعوت شـده و شاه عباس دوّم برای او مسـتمری تعیین کرد. شـعر و معما و انشاء را به خوبی می دانسته و مثنوی به نام «گلشن خیال»(۲)] و دیوان اشعار سروده است.

[خط نستعلیق را خوش می نوشته و از جمله «اخلاق ناصری» را در آخر ماه صفر ۱۰۷۲ق کتابت نموده که در کتابخانه سلطنتی سابق در طهران موجود بوده است.(۳)]

همچنین او کتابت نسـخه ای از «تحریر اصول اقلیـدس» خواجه نصـیر طوسـی به خط نسـتعلیق است که در چهارشـنبه ۴ جمادی الثّانی ۱۰۹۱ق در اصفهان آن را به پایان رسانیده و به شماره ۴۰۷۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۴)

سال فوتش معلوم نیست ولی تا سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی) در قید حیات بوده است.

از اوست:

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۱۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۱۶۸؛ تذکره غنی، ص۱۴۰؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۷۹۷ و ۸۰۳؛ ریاض الشعراء، ج۴، ص۲۴۷۳؛ تذکره سخنوران قم، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۰۶؛ الذریعه، ج۱۸، ص۲۲۶.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۸۰۱.

۴- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۷۴.

از غبارم شاخ گل بر سر ملایک می زنند تا بتان از نقش پا گل بر مزارم ریختند

ملاّ محمّدعلی ابهری جی اصفهانی

مولی محمّدعلی بن مولی محمّدمؤمن ابهری جی [از خوشنویسان اصفهان در قرن یازدهم هجری.] نسخه ای از «احقاق الحق» قاضی نوراللّه شوشتری را در اواخر عشر ثانی از ماه دهم در سال ششم از دهه نهم از قرن یازدهم هجری (در ماه شوال ۱۰۸۵ق) کتابت نموده است.(۱)

محمّدعلی کاتب السّلطان اردستانی

محمّدعلی حسنی اردستانی ملقّب به «کاتب السلطان» بن محمّدمؤمن. [از کاتبان و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۵۹ق از کتابت نسخه ای از «قرآن مجید» فراغت یافته است. این قرآن به وسیله محمّد شاه قاجار بر کتابخانه آستان قدس رضوی وقف شده است و [این نسخه اکنون] به شماره ۱۱۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

سیّد محمّدعلی ابطحی

حاج سیّد محمّدعلی ابطحی سدهی فرزند سیّد محمّدمهدی حسینی، عالم فاضل محقّق مدقّق [از علمای قرن چهاردهم هجری] از سلسله سادات حکیمی.

۱- احقاق الحق، ج ۱، ص:کط.

۲- گنجینه قرآن، ص ۳۱۲؛ آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۵۶۹؛ بیان المفاخر، ج ۱، ص ۲۴۶.

در ماه صفر ۱۲۹۴ق در سِدِه [خمینی شهر کنونی] متولّد شده و در اصفهان در خدمت آقا شیخ مرتضی ریزی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، شیخ عبدالحسین محلاّتی، جهانگیرخان قشقائی، میرزا هدایت اللّه چهارسوقی [و شیخ محمّدتقی آقانجفی] تحصیل نموده [و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و نزد آیات عظام آخوند خراسانی و سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی ادامه تحصیل داده و به مقام شامخ اجتهاد نائل شد. همچنین از شیخ عبدالحسین محلاّتی، شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی، آخوند خراسانی، سیّد محمّدکاظم یزدی، شیخ محمّدحسن مامقانی، فاضل شرابیانی، شیخ محمّدطه نجف نجفی و شیخ عبداللّه مازندرانی اجازه دریافت نمود. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول شد و در مدرسه چهارباغ و مدرسه جدّه بزرگ تدریس نمود.]

او سرانجام در ماه رجب ۱۳۷۱ق در سفر زیارت مشهد مقدّس، در آن شهر وفات یافته و در صحن دار الضّیافه (در جوار مرقد مطهر امام رضا علیه السلام) مدفون گردید.

مشارٌ الیه متجاوز از ۵۰ جلد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «تعلیقه بر فرائد»۲. «الجواهر السّنیه فی سیره النّبویّه» مطبوع۳. «ختام الغرر»۴. «رساله در تعارض ادلّه»۵. «رساله در تعادل و تراجیح»۶. «رساله در رضاع»۷. «رساله در صلاه»۸. «رساله در حجیّت مظنّه»۹. «رساله در صلوه»۱۰. «رساله در طهارت» ۱۱. «رساله در قضا و شهادات» ۱۲. «رساله در معاملات» ۱۳. «رساله استدلالی در قیامت» ۱۴. «رساله در نبوّت» ۱۵. «رساله در ولایت حاکم»

[«شرح شرایع» به عربی در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است. یک جلد از آن شامل «کتاب طهاره» و جلد دیگر شامل «کتاب صلاه» تا «احکام مساجد» است.(۱)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۵۸ و ۳۵۹؛ الاجازه الکبیره، صص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ گلزار فضیلت، صص ۱۹۷- ۲۰۱؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج۱، ص۶۲؛ فهرست مرعشی، ج۶، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

محمّدعلی سینی بُرخواری*

محمّـدعلی بن مهرعلی سینی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. وی در روستای «سین» بُرخوار ساکن بوده و در غرّه محرم ۱۰۷۷ق کتاب «اکمال الدّین» تألیف: شیخ صدوق را کتابت نموده است و اینک در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان موجود است.(۱)

محمّدعلی نقّاش اصفهانی*

محمّدعلی نقّاش اصفهانی فرزند نجفعلی (آقانجف) نقاش، از نقاشان و قلمدان سازان هنرمند اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. او کوچک ترین فرزند آقانجف بوده و همچون پدرش و سایر برادران (محمّـدکاظم، محمّـدجعفر و احمد) در قلمدان سازی و نقاشی گل و بته و منظره و مجلس و شکارگاه استاد بوده و تا سال ۱۳۳۵ق در قید حیات بوده است.

از آثار او قلمدان دراویش است که نزد یکی از مجموعه داران موجود بوده است.(۲)

حاج محمّدعلی اسماعیل پور شهرضائی*

حاج محمّـدعلی اسماعیل پور فرزند نصرالّله، عالم فاضل و فقیه محقّق، از علمای معاصر. در سال ۱۳۱۹ش در شهرضا متولّد شده و در شهرضا نزد حاج میرزا محمّدرضا مهدوی و آقا شیخ محمّدهادی فرزانه علوم دینی را تحصیل کرد و قسمتی از طب را از

۱- فهرست مرکزی دانشگاه اصفهان، ج۱، ص۱۴.

۲- مجلّه هنر و مردم، شماره ۱۵۹ و ۱۶۰، سال چهاردهم، دی و بهمن ۱۳۵۴ش، ص۹۲.

دکتر محمّدحسین مدرسی اسفه ای آموخت. آنگاه به قم رفته و نزد حضرات آیات: امام خمینی، گلپایگانی، سیّد محمّد محقّق داماد و حاج میرزا هاشم آملی کسب فیض نمود. در فلسفه نزد علاّمه طباطبائی در قم و حکیم فرزانه در شهرضا تحصیل کرد.

او از مدرسین خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم است و علاوه بر آن به بیان تفسیر قرآن می پردازد. وی در ایام تابستان در شهرضا به ایراد و وعظ و خطابه می پردازد و به حلّ مشکلات شرعی مردم اقدام می کند.

وی تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است:

۱. «مجمع الافکار و مطرح الانظار» که یک دوره کامل اصول در ۵ جلد است و چاپ شده است.۲. «المعالم المأثوره» در طهارت به شیوه استدلالی که ۵ جلد آن به طبع رسیده است.۳. «هدایه المتّقین» که رساله عملیه ایشان است و به طبع رسیده است.

سایر تألیفات ایشان که هنوز چاپ نشده اند به شرح زیر است:

۴. «کتاب القضاء فی ظل الجواهر»۵. «نکاح»۶. «صفاریه»۷. «تعلیقه بر عروه الوثقی»۸. «دقائق الافکار» (یک دوره کامل اصول) ۹. «الاصول العالیه» (مبحث الفاظ) ۱۰. «القول المختار فی احکام الخیار» ۱۱. «کتاب البیع» ۱۲. «تعلیقه بر شرح تجرید علاّمه» ۱۳. «تعلیقه بر اسفار»(۱)

شیخ محمّدعلی مدرس دزفولی

شیخ محمّدعلی فتحی دزفولی معروف به «مدرس دزفولی» فرزند [خواجه] نصراللّه بن [خواجه] ابوالحسن بن [حاج] لطفعلی بن حاج فتح اللّه بن میر کلب علی منکره ای، عالم

۱- تاریخ شهرضا، ج۲، صص ۳۳۴-۳۳۶.

فاضل محقّق کامل [از علمای قرن چهاردهم هجری.] از اجلّه علماء و مدرّسین و بزرگان فقهاء و مجتهدین.

در سال ۱۲۷۱ق در دزفول متولّد گردید [و از سن ۱۶ سالگی به تحصیل پرداخته و از ۱۹ سالگی نزد آقا شیخ محمّدحسن معزی دزفولی و برادرش آقا شیخ محمّدطاهر معزّی به تحصیل و فقه و اصول و ادبیات عرب مشغول شده و اغلب کتب را با تلاش و مطالعه شخصی فراگرفت و همزمان به تدریس پرداخت. او به علّت بیماری به عراق (اراک) مهاجرت کرده و ۴ سال در آنجا به تدریس مشغول بود(۱) عاقبت به اصفهان آمد و برای همیشه در این شهر ساکن شد.]

در ادبیات عرب از نوادر به شمار می رفت. مقدمات علوم ادبیّت و کلیه مراحل منقول را در کمال استادی تدریس می نمود و سال ها در مدرسه جدّه به تدریس مشغول بود و در این اواخر مطابق تصدیق بزرگان دو کتاب «فرائد» و «متاجر» شیخ انصاری را کسی به خوبی او تدریس نمی کرد. [همچنین] در علوم غریبه و تسخیر جن مهارت و استادی داشت.

او در زهد و تقوی و اعراض از دنیا بی نظیر و در علم و عمل کم نظیر بود. در شب عرفه [سال] ۱۳۵۸ق وفات یافته در تکیه سیّد العراقین [در قبرستان تخت فولاد اصفهان] مدفون گردید.(۲)

[مادّه تاریخ وفات او را عالم ربّانی و ادیب توانا سیّد حسن مدرس هاشمی چنین سروده است:

ز بهر تاریخ او کرد «مدرس» سؤال: ز پیشگاه خرد، گفت ز روی بیان

۱- نور الانوار (مؤخره) ، صص ۱۰-۱۹؛ شرح مجموعه گل، صص ۱۵۴-۱۶۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۵؛ نقباء البشر، ج۴، ص۱۵۴۹.

اضافه کن چهارده به سال شمسی و گو «شدی محمّدعلی بسوی جنّت روان»(۱)

و خوشنویس ادیب و شاعر فاضل شیخ غلامعلی بکائی گوید:

«بکاء» از بهر تاریخش به فکرت بود و ملهم شد ز روح القدس ملهم شد پی اهدای دزفولی

یکی آمد برون از جمع و گفت از بهر تاریخش «بهشت آمد مقام و مسکن آقای دزفولی»(۲)

[۱۳۵۸ق]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. رساله در «نور الانوار» در منطق که در ۲۴ سالگی تألیف نموده و به طبع رسیده است.(۳) ۲. «کشاف الغایه» در شرح «تهذیب منطق» تفتازانی است. [۳. «الدُّرر الفَتحیّه» که به ضمیمه «نور الانوار» به طبع رسیده است.] ۴. «الکنوز الحسنیّه» در مباحث توحید و نبوّت و امامت، که به طبع رسیده است.۵. «حاشیه بر فرائد الاصول» که مفقود شده و فقط برخی از اوراق آن به همراه حاشیه حاج آقا رضا همدانی به ضمیمه «فرائد الاصول» شیخ انصاری در سال ۱۳۷۴ق چاپ شده است.۶. «غنیه الادیب» (تلخیص باب اوّل «مغنی اللّبیب»)۷. «حاشیه بر غنیه الادیب»۸. «حاشیه بر شر لمعه»(۴)

محمّدعلی شکیبائی

محمّدعلی پورشکیبائی متخلّص به «شکیبائی» فرزند حاجی نصراللّه، از شعرای معاصر. در سال ۱۲۸۷ش در کرمان متولّد گردیده و پس از تحصیل به استخدام ارتش

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹.

۲- شرح مجموعه گل، ص ۱۹۰.

۳- الذریعه، ج۲۴، ص۳۵۹.

۴- شرح مجموعه گل، صص ۱۸۴-۱۸۷.

درآمده و در اداره نظام وظیفه اصفهان به خدمت پرداخت. گاهی در انجمن ادبی کمال شرکت می کرد [و در منزلش از شعراء و هنرمندان پذیرایی می کرد و محفل شعر و ادب را در آنجا برپا می داشت. وی سرانجام در تیرماه ۱۳۶۷ش وفات یافت. مجموعه اشعار او با عنوان «تاب شکیبائی» در سال ۱۳۸۸ش چاپ شده است.(۱)] از اوست:

نگارا بر من بیدل ز وصل خویش لطفی کن که می ترسم ز هجرانت کشد کارم به رسوائی(۲)

میرزا محمّدعلی ملّاباشی

میرزا محمّدعلی ملّاباشی فرزند میرزا نصراللّه، عالم فاضل [از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری.] در شنبه ۲۵ شعبان ۱۲۸۷ق وفات یافته، در ایوانچه بالای حوض، در تکیه مادرشاهزاده مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش این است:

بنوشت «وحیدی» از پی تاریخش: «در کوی محمّد و علی گشت مکین»(۳)

میرزا محمّدعلی نراقی*

میرزا محمّدعلی بن محمّدنصیر بن ملاّ احمد بن ملاّ مهدی نراقی کاشانی، عالم فاضل و فقیه متبحّر. در کاشان ساکن بود و پس از مدّتی تحصیل به اصفهان آمد و درس را ادامه داد و پس از رسیدن به مراتب عالی علم و فضل به تدریس در مدرسه جده بزرگ مشغول شد و شاگردانی تربیت کرد از جمله: شیخ اسماعیل معزی و شیخ محمّدعلی کرمانی. وی در سال ۱۳۲۱ق در اصفهان وفات یافته و در یکی از اطاق های جنوبی تکیه

۱- یادداشت های محقّق گرامی آقای محمّدرضا زادهوش.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۸۴۱ و ۸۴۲؛ گلشن اهل سلوک، (ویرایش دوم) ، ص۵۰۰؛ مکارم الآثار، ج۸، ص ۲۸۲۰.

تویسرکانی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

کتاب «هدایه الاصول» از تألیفات اوست که در سال ۱۲۸۷ق نوشته شده ولی ناتمام است و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

محمّدعلی اردستانی*

محمّدعلی شریف بن محمّدنصیر بن محمّد اردستانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. به فلسفه علاقه داشته و در اصفهان به تحصیل مشغول بوده است.(۲) او کتاب «شفا» ابن سینا را در ۲۲ شعبان ۱۰۷۶ق در مدرسه شیخ لطف اللّه اصفهان کتابت کرده که به شماره ۹۴۰۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۳) نسخه دیگری از «شفا» را در ۲۶ ذیحجه ۱۰۷۲ق کتابت کرده که در کتابخانه دکتر مهدوی در تهران موجود بوده است.(۴)

ملاّ محمّدعلی قدرتی اصفهانی*

ملاّ محمّدعلی قدرتی اصفهانی فرزند خواجه نصیرالدین، شاعر و ادیب قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۲۴ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر تحصیل کرد. سپس برای تجارت به هند رفت امّا سرمایه چندانی به دست نیاورد و در اصفهان به بزّازی مشغول شد و چون در این شغل وقوف نداشت کاری از پیش نبرد. وفاتش قبل از سال ۱۰۸۰ق در اصفهان واقع شد.

او «دیوان شعر» با حدود بیست و پنج هزار بیت و یک مجموعه شامل شعر شاعران

۱- تراجم الرّجال، ج۲، ص۷۵۳؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ بزم قدسیان، صص ۲۸۲-۲۸۵؛ فهرست مرعشی، ج ۲۰، ص۳۲.

۲- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۴، ص۱۷۹.

۴- نسخه های خطی، دفتر دوم، ص ۱۶۰.

عهد خویش را نوشته بود که اکنون از آنها اثری وجود ندارد.

این شعر از اوست:

لبالب است ز معنی محیط سینه ما به روی آب گهر می رود سفینه ما(۱)

میرزا محمّدعلی تویسرکانی

میرزا محمّـدعلی تویسرکانی [فرزنـد میرزا محمّـدنقی نایب الصّدر] عالم فاضل و فقیه زاهد. از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر نجفی، [میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، آخوند ملاّ محمّدباقر فشارکی و سیّد عبدالغفار تویسرکانی] بوده و در مدرسه نیم آورد تدریس می کرده است. او در سال ۱۳۲۹ق وفات یافته و در بقعه تکیه تویسرکانی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

[حضرات آیات: سیّد احمـد خوانساری، ملاّ محمّـدجواد صافی و میرزا محمّـد طبیب زاده، سیّد محمّدباقر تویسرکانی، سیّد شمس الدین خادمی، سیّد محمود خوانساری، شیخ محمّدعلی مظاهری و شیخ اسداللّه ایزدگشسب از شاگردان او بوده اند. در خط نیز مهارت داشته و خوش می نوشته است.(۲)

این کتاب ها از اوست:

۱. «رساله در شبهات شیطان لعین» ۲. «رساله کلام» که دو نسخه فوق در کتابخانه ابن مسکویه موجود است.۳. «شرح دعای سمات» که نزد آیت اللّه حاج سیّد محمّـدعلی روضاتی موجود است.۴. «بصائر الفقه» که در کتابخانه دکتر حاج سیّد احمد تویسرکانی

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۳؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۰۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ مصاحبه غلامرضا نصراللهی با دکتر سیّد احمد تویسرکانی در مرداد ۱۳۸۶.

در اصفهان وجود دارد.(۱)]

سیّد محمّدعلی حسینی اصفهانی

سیّد محمّدعلی بن سیّد ولی حسینی اصفهانی، از فضلاء [و دانشمندان] قرن یازدهم هجری و از شاگردان شیخ بهائی و میرداماد بوده و در مسجد جامع عتیق اصفهان امامت می نموده است.(۲) همچنین در ربیع الاوّل ۱۰۱۵ق از سیّد میرزا محمّد بن علی بن ابراهیم حسینی استرآبادی ساکن مکّه معظّمه اجازه دریافت نموده است.(۳) [ظاهرا در اصفهان به تدریس مشغول بوده و جمعی از درس او مستفیض می شده اند که از آن جمله است:[خواهرزاده اش امیرفیاض بن هدایه اللّه حسینی مؤلف کتاب «التّصوّف و العرفان»(۴)

محمّدعلی اصفهانی

محمّدعلی بن محمّدهادی اصفهانی [از کاتبان قرن دوازدهم هجری] در ۱۳ ذیقعده ۱۱۱۷ق نسخه ای از «شرح حکمه العین» میرزا سیّد والی را نوشته است. نسخه در کتابخانه فرهنگ مشهد موجود است.(۵)

محمّدعلی امامی نائینی

محمّدعلی امامی نائینی [فرزند حاج میرزا محمّدهادی]، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۶ش در نائین متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطّه را در مولد خود به

۱- بزم قدسیان، صص ۷۳-۹۱؛ دانشنامه تخت فولاد، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲- الذریعه، ج ۶، ص ۱۸۲.

۳- الذریعه، ج ۱، ص ۲۴۱.

۴- الذریعه، ج ۴، ص ۱۹۹.

۵- فهرست فرهنگ مشهد، ص ۵۰.

پایان رسانیده و از سال ۱۳۲۴ش وارد خدمت فرهنگ شده و از آموزگاران خوب و باایمان اصفهان است. از اوست:

باز گل و سبزه به هم آمیختند سوسن و سنبل به هم آمیختند

نیلفر و سرو نگه کن که چون لیلی و مجنون به هم آمیختند

تا بن عشق کهن از نو نهند(۱)

حاج میرزا محمّدعلی دولت آبادی

حاج میرزا محمّدعلی دولت آبادی فرزند حاج میرزا هادی بن سیّد عبدالکریم بن میر محمّدهادی حسینی، از آزادیخواهان و رجال سیاسی و علمی و ادبی زمان خود بوده [است.] در سال ۱۲۸۵ق متولّد شده و در طهران و اصفهان تحصیل نموده و در دوره چهارم به عنوان نماینده بروجرد و خرم آباد در مجلس شرکت نموده، در اواسط وکالت در قبل از ظهر هشتم شوّال سال ۱۳۴۱ق وفات یافته، و در آرامگاه خانوادگی دولت آبادی در مزار ابن بابویه واقع در شهری مدفون گردید.

او کتابی درباره سرگذشت احوال خود و خاندان خود نوشته است.(۲)

ملاّ محمّدعلی مظاهری کرونی*

ملاّ محمّدعلی بن ملاّ محمّدهادی مظاهری کرونی، عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۸۷ق در «تیران» از بلوک کرون (به فتح کاف و واو) اصفهان متولّد شد. تحصیلات مقدّماتی را نزد پدر آغاز کرد. سپس به اصفهان رفته و در مدرسه میرزا حسین و سپس در مدرسه الماسیه ساکن شد و نزد حضرات آیات آخوند

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۶۲؛ تذکره سخنوران نائین، ص۲۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۰۰؛ دیوان طرب، (مقدمه) ، ص۲۰۸.

ملاّ محمّدباقر فشارکی، آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) ، و دیگران به تحصیل پرداخته و از آقا میرزا محمّدعلی تویسرکانی، آخوند فشارکی و آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی اجازه دریافت نموده و به اجتهاد نائل شد. سپس به زادگاهش «تیران» مراجعت نموده و به تبلیغ و ارشاد مردم و تدریس فقه و اصول و حل و فصل مشکلات و رفع خصومات و مرافعات و اجرای حدود شرعی پرداخت.

او عالمی وارسته و قانع بود و از راه مختصر زراعتی که داشت امرار معاش می کرد و در عین حال سخاوتمند و مهمان نواز بود.

گویند تألیفاتی داشته و در سن ۷۲ سالگی بر اثر عارضه ذات الرّیه در شب ۲۵ شوّال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در مقبره ای مخصوص جنب حسینیّه و مسجد خود در تیران مدفون گردید.(۱)

میرزا محمّدعلی ملاذالاسلام

میرزا محمّدعلی ملاذالاسلام جعفری فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سیّد جعفر بن حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی، از محترمین علمای اصفهان [در قرن چهاردهم هجری.]

قبل از سال ۱۳۰۵ق در اصفهان متولّد گردیده و در این شهر نزد فضلاء و علماء فی الجمله تحصیلاتی نموده، از علماء مورد توجّه مردم و خدمتگزاران به دین و اجتماع به شمار می رفت. طبع شعری داشت و در اشعار «عاصی» تخلّص می نمود. دیوان مختصری قریب یکهزار و پانصد بیت دارد. در ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۲ق در اصفهان

۱- دیباچه دیار نون، ص۲۲۹.

وفات یافته، در بقعه مرحوم سیّد حجه الاسلام [واقع در مسجد سیّد اصفهان] مدفون گردید. مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه نَیِّر در مرثیه ای مادّه تاریخ وفات او را چنین نوشته است:

نیر نقص الاثنین فصار تاریخ «جعل القدس مکانا لملاذالاسلام»

صاحب عنوان پس از فوت برادرش مرحوم حاج میرزا محمّدحسین جعفری صبح ها در مسجد سیّد امامت می نمود. این شعر از اوست:

دهید مژده که بوی بهار می آید هزار شکر رفیقان که یار می آید

به میکده خبری بر، صبا ز روی وفا بگو که آن صنم گل عذار می آید(۱)

علّامه حاج سیّد محمّدعلی روضاتی*

استاد علّامه حاج سیّد محمّدعلی روضاتی فرزند آقا میرزا محمّدهاشم بن آقا سیّد جلال الدّین روضاتی بن آقا میرزا مسیح چهارسوقی بن آقا میرزا محمّدباقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات الجنّات) .

فقیه محقّق و محدّث مدقّق، عالم عامل و صالح فاضل رجالی متتبع و کتاب شناس جامع در روز ۱۳ رجب المرجّب سال ۱۳۴۸ق مطابق با ۱۳۰۸ش در اصفهان متولّد شد. در ۸ سالگی پدر عالیقدر و دانشمند خود را از دست داد و تحت سرپرستی جدّ مادری خود عالم فاضل جلیل القدر حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی قرار گرفت و از تربیت و تعلیم آن بزرگمرد بهره ور شد.

تحصیلات خود در مدارس جدید را در اصفهان تا اواخر متوسّطه انجام داد. تحصیلات حوزوی را در مدارس دینی اصفهان آغاز کرد. «معالم» را از آقا شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، «شرح لمعه» را از آقا شیخ محمّدحسین مشکی (مقدّس) ، «معالم» را از آقا شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۹۹-۲۰۱؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۲۷-۳۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۷۹ و ۳۸۰؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۶.

و شیخ هبه اللّه هرندی و «مکاسب» را از شیخ محمّدرضا جرقویه ای صلصالی (حسین آبادی) آموخت.

علاّمه روضاتی پس از طیّ دوره مقدّمات و پاره ای از سطوح به قم رفت و در دروس حضرات آیات: شیخ محمّد صدوقی یزدی («شرح لمعه») ، سیّد محمّدباقر سلطانی طباطبائی («مکاسب») حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی («رسائل» و «مکاسب») ، میرزا محمّد مجاهدی («کفایه») و حاج شیخ مرتضی حائری یزدی («کفایه») حاضر شد و از آنان کسب فیض نمود. عمده تحصیلات ایشان در خارج فقه نزد آیت اللّه العظمی بروجردی صورت گرفت.

استاد روضاتی از آغاز جوانی به تحقیق و تألیف روی آورد و آثار ارزنده و پرباری را به وجود آورد.

او پس از اتمام تحصیلات و مراجعت به اصفهان بنا به خواسته مردم متدیّن اصفهان و سابقه این خاندان، با همکاری دوست قدیمی و همدرس صمیمی خود مرحوم شیخ محمّدمهدی نواب لاهیجی به تنظیم و تهیه اسناد شرعی مورد حاجت مردم و حل و فصل مشکلات آنان پرداخت. همچنین مدّتی در مسجد آقا میرزا هاشم (در خیابان طالقانی) به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول بود. ایشان پس از این، و تا پایان عمر خویش از این امور کناره گرفته و در انزوا و خلوت خویش به مطالعه، تحقیق و تألیف مشغول بود.

علاّمه روضاتی از افزون بر سی نفر از اعلام و فضلای عهد خویش اجازه دریافت نمودند؛ از جمله حضرات آیات عظام: شیخ آقابزرگ طهرانی، آقا سیّد محمّدمهدی موسوی اصفهانی، حاج سیّد صدرالدّین صدر، آقا میرزا محمّد طهرانی، سیّد عبدالحسین شرف الدّین، سیّد محسن امین عاملی، سیّد هبه الدّین شهرستانی، شیخ محمّدحسین آل کاشف الغطاء، حاج سیّد محمّدهادی میلانی، حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی، سیّد

جمال الدّین گلپایگانی، میرزا آقا سیّد ابراهیم حسینی اصطهباناتی و حاج سیّد محسن حکیم. (رحمه اللّه علیهم اجمعین)

آثار ذیل از تألیفات ایشان است که تاکنون چاپ شده اند:

۱. تصحیح «روضات الجنّات» که به طبع حجری رسیده است.۲. «زندگانی آیت اللّه چهارسوقی»۳. «جامع الانساب» که تنها جلد نخست آن به طبع رسیده است.۴. تصحیح، تعلیق و تحقیق «مکارم الآثار» نوشته مرحوم میرزا محمّدعلی معلم حبیب آبادی که تاکنون ۸ جلد آن چاپ شده است.۵. «شرح روضات الجنّات» که جلد اوّل آن به چاپ رسیده است.۶. «فهرست کتب خطی اصفهان، دو هزار نسخه عربی و فارسی» که جلد اوّل و دوم آن به طبع رسیده و جلد سوم تحت طبع است.۷. «دو گفتار»۸. «دومین دو گفتار»۹. «تکمله الذریعه» در ۲ جلد۱۰. «تکمله طبقات اعلام الشیعه» ۱۱. «مقاله طالبیه» جستاری پیرامون کتاب فقهی مطالب مظفریه و مصنف آن و متفرعات تاریخی. ۱۲. «در پیرامون امثال و حکم و احادیث مثنوی» ۱۳. «جبر و تفویض» که همان رساله «خلق الاعمال» ملّاصدرای شیرازی است و با تحقیق و مقدمه استاد روضاتی در سال ۱۳۴۰ش به چاپ رسیده است. ۱۴. «نسخه برگردان تجارب السلف» هندوشاه نخجوانی که در سال ۱۳۶۱ش با پیشگفتار و پیوست های فراهم آورده استاد در اصفهان منتشر شد. ۱۵. تحقیق و تحشیه «مناهج المعارف» تألیف میر سیّد ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری (جدّ اعلای ایشان) که جزو نخست آن به طبع رسید. ۱۶. «رساله در احوال ملّا محمّدعلی بن محمّدرضا تونی» که در شمارگان محدود در سال ۱۳۸۱ش به طبع رسید. ۱۷. حواشی بر «زندگینامه علّامه مجلسی» تألیف مرحوم سیّد مصلح الدّین مهدوی ۱۸. اهتمام به چاپ و نگارش پیوست هایی به «کشف المراد» علّامه حلّی که متن آن به تصحیح و تعلیق والد ماجدشان مرحوم سیّد میرزا محمّدهاشم موسوی اصفهانی (روضاتی) بوده است. ۱۹. اجازه ای مفصل جهت سیّد

مصلح الدّین مهدوی که به خط مجیز در آغاز جلد دوم همین کتاب (اعلام اصفهان) به چاپ رسید. ۲۰. «مرآه الزمن أو الوجیز المستحسن فی الاجازه لسیّدنا الفقیه الامامی الحسن» که در جلد اوّل فهرست نسخه های خطی مجاز طبع شد. ۲۱. «الدلیل الاحسن فی الاجازه للأخ الفاضل المظاهری الحسن» ۲۲. «شجره نامه خانوادگی» طبع اوّل در تهران ۱۳۶۷ق، طبع دوم در بغداد ۱۳۶۹ق. ۲۳. «مجالس اهل ایمان» ۲۴. «اسناد خاندان روضاتیان» و چند اثر دیگر.

همچنین این آثار از حضرت ایشان هنوز به زیور چاپ آراسته نشده است:

۱. «ریاض الابرار» در مستدرک مُجَلّد اجازات «بحارالأنوار» که ۲ جلد آن تألیف شده است. ۲. «عترت طاهره» در باب فضائل و حیات ائمه معصومین علیهم السلام منقول از کُتُب عامّه و خاصّه.۳. «شرح حال سیّد رضی» رحمه الله۴. تحقیق متن «نهج البلاغه»۵. تحقیق و تصحیح «المجدی»۶. «کواکب منتشره در احوال اعیان شجره»۷. «دیوان الاکابر» (جامع آثار منظوم و منثور نیاکان) ۸. «فیض الباری فی ترجمه الإمام الانصاری»۹. «تراجم علما عتبات[(۱)] ۱۰. «انساب موسویین» ۱۱. «حواشی بغیه الوعاه» ۱۲. «حواشی أمل الآمل» ۱۳. «حواشی ریحانه الأدب» ۱۴. «فهرست المکتبه الروضاتیه» ۱۵. «تعلیقات بر اعیان الشیعه» ۱۶. «تکمله الکنی و الألقاب»

علاّمه روضاتی کتابخانه ای ارزشمند شامل نسخ چاپی و خطی نفیس و کمیاب دارند که برخی از آنها از میراث خاندان با فضیلت خود و برخی نیز خریداری شده و گنجینه ای ارزشمند را تشکیل می دهد.[(۲)]

سرانجام این دانشمند کم نظیر پس از دو ماه بیماری در صبح روز پنج شنبه ۲۹ شعبان المعظم ۱۴۳۳ق (مطابق با ۲۹ تیر ۱۳۹۱ش) در منزل مسکونی خود واقع در محلّه

۱- چنانچه از کتاب زندگانی آیه اللّه چهارسوقی، ص۱۳۵ ظاهر می شود.

۲- اسناد خاندان روضاتیان: مؤخره به قلم آقای: جویا جهانبخش، صص ۴۲۴-۴۳۲.

چهارسوی شیرازی ها وفات یافته و عصر همان روز در منزل خود تغسیل و تکفین و به سوی تخت فولاد تشییع گردید و در جوار اجداد عالیقدر خود در بقعه علاّمه میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) مدفون شد.

میرزا محمّدعلی مَحرَم یزدی

میرزا محمّدعلی متخلّص به «مَحرَم» فرزند آقا محمّدهاشم خوشنویس اصفهانی، شاعر و ادیب از هنرمندان و ادبای قرن سیزدهم هجری. پدرش از اصفهان به یزد آمده و او در یزد متولّد شد. در جوانی چندی در اصفهان و تهران بود. سپس به یزد مراجعت کرده و در یکی از حجرات مصلای صفدرخان سکونت گزید و به شغل تذهیب امرار معاش نمود و حجره اش محفل ادباء و فضلاء و بزرگان اهل حال بود. عاقبت در سال ۱۲۳۱ق در یزد وفات یافت.

[قضائی یزدی مادّه تاریخ فوتش را در این بیت سروده است:

بهر تاریخ «قضائی» گفتا: «حَرَمِ قصر جنان را محرم»]

او در غزل و قصیده مهارت به سزائی داشته ولی ظاهرا دیوان اشعار او از میان رفته است.(۱)

از اوست:

بُرد آن چنان ز گردش چشمی مرا ز کار کز یاد رفت فتنه دور زمانه ام

۱- تذکره میکده، صص ۴۷۰-۴۷۲؛ تذکره شبستان، صص ۷۸۰ و ۷۸۱؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص۹۳۲؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص۱۵۵۵؛ تذکره سفینه المحمود، ج۱، ص۳۰۳؛ تذکره انجمن خاقان، ص۶۱۴؛ تذکره اختر، ج۱، ص۱۷۴؛ تذکره سخنوران یزد، صص ۲۹۵ و ۲۹۶؛ آینه دانشوران، (چاپ سوم) ، ص ۵۶۰؛ تذکره شعرای یزد، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

ز آمد شد رقیب نسازد مرا خبر با آنکه «محرم» سگ این آستانه ام

* * *

کار من و دل در عشق افتاده بسی مشکل من در پی مستوری دل طالب رسوائی

شیخ محمّدعلی صانعی*

شیخ محمّدعلی صانعی فرزند ملاّ یوسف ینگ آبادی جرقویه ای بن مشهدی حسینعلی بن یعقوب بن علی بن محمّد بن مشهدی علی. عالم فاضل و فقیه ماهر از علمای قرن چهاردهم هجری.

در روز دوشنبه ۱۹ محرم ۱۳۱۰ق در قریه «ینگ آباد» از توابع جرقویه اصفهان متولّد شده و در ۶ سالگی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر بزرگ شد. در آغاز جوانی دروس مقدماتی و نصاب را نزد میرزا حسین طباطبائی ینگ آبادی فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و در مدرسه کاسه گران ساکن شد و از درس حضرات آیات: حاج سیّد محمّدباقر ابطحی سدهی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، آخوند ملاّ محمّد کاشانی، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، حاج شیخ عباسعلی ادیب و میرزا احمد مدرس بهره گرفت. آنگاه به زادگاه خود مراجعت نموده و به اقامه جماعت و ارشاد مردم و حل مشکلات شرعی آنان و تنظیم اسناد و قبالجات مشغول شد.

او عالمی زاهد و اهل عبادت و تهجّد و الگوی علم و عمل بود و سرانجام در روز ۶ ربیع الثانی ۱۳۹۳ق در شهر مقدّس قم وفات یافت. دو فرزندش حضرات آیات شیخ حسن و شیخ یوسف صانعی از علماء معروف عصر حاضر می باشند. شرح حال شیخ

محمّدعلی صانعی در سال ۱۳۸۷ش در کتاب «حدیث زندگی» به چاپ رسیده است.(۱)

استاد محمّدعلی رضایت*

استاد محمّدعلی رضایت فرزند یداللّه، از معماران چیره دست اصفهان در عصر حاضر. در سال ۱۲۹۵ش در اصفهان متولّد شد و از نوجوانی به کار بنّایی و معماری پرداخته و نزد اساتید فن کار کرد تا به مرتبه استادی رسید. و مساجد بسیاری را به شیوه سنّتی در اصفهان بنا کرد از جمله عمارتی در حاشیه زاینده رود (واقع در پارک ایثارگران فعلی) جهت رحیم زاده و مجموعه بیمارستان رحیم زاده (امیرالمؤمنین) ، همچنین مرمت شبستان بیت الشّتاء در مسجد جامع، گنبد حرم رأس الرضا در طوقچی، گنبد مقبره صاحب بن عباد و غیره از آثار ارزنده اوست.

استاد رضایت در طراحی، رسم بندی و طاق چشمه مهارت داشت و برادرش استاد مهدی و دو پسرش استاد نعمت اللّه و استاد رحمت اللّه از شاگردان زبده او بودند. او پس از سال ها فعالیت برای سازمان میراث فرهنگی (و اداره باستان شناسی) و اداره اوقاف در ۲۴ فروردین ۱۳۷۶ش درگذشت و در قطعه ۱۶ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.(۲)

محمّدعلی بنّای اصفهانی

محمّدعلی بنّای اصفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری.] در تاریخ ۱۵ ربیع الاول ۱۰۳۵ق در شهر مشهد «حاشیه مختصر نافع» تألیف: شهید ثانی را به خط نسخ نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۶۲۲۳۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود

۱- حدیث زندگی: اغلب صفحات؛ گرکویه سرزمینی ناشناخته بر کران کویر، ص۴۰۲.

۲- معماران و مرمت گران سنّتی اصفهان، صص ۱۹۰-۱۹۳.

است.(۱)

محمّدعلی بیدگلی کاشانی

محمّدعلی بیدگلی کاشانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. او در اصفهان ساکن بوده و] در تاریخ ۹ ذی القعده سال ۱۲۴۳ق کتابت نسخه ای از کتاب «الحلیه اللّامعه» در شرح سیوطی را به پایان رسانیده است. کتاب در کتابخانه سیّد هادی اشکوری به نظر علاّمه (شیخ آقابزرگ) طهرانی رسیده است.(۲) مشارٌ الیه احتمالاً ـ از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بوده است.

دکتر محمّدعلی جعفریان*

دکتر محمّدعلی جعفریان محمّدی، از مفاخر و دانشمندان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۳ش در یک خانواده متوسّط روستایی در محمّدیه نائین چشم به جهان گشود. و از ۵ سالگی در مکتب خانه آبادی به فراگیری قرآن و خط پرداخت. سپس در دبستان آن روستا تا چهارم ابتدائی تحصیل کرد و سال پنجم و ششم را در نائین و شیراز سپری کرد. دوره دبیرستان را نیز در نائین و شیراز خواند و در رشته کشاورزی از دانشسرای کشاورزی شیراز دیپلم گرفت. آنگاه همزمان در تهران در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و از دانشسرای عالی لیسانس طبیعی و از دانشگاه تهران لیسانس علوم طبیعی (زمین شناسی و زیست شناسی) گرفت و به تدریس در دبیرستان های اصفهان و نجف آباد مشغول شد. در سال ۱۳۴۴ش در دانشگاه اصفهان

۱- فهرست مجلس، ج۱۶، ص۲۵۱.

۲- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ الذریعه، ج۷، ص۸۳.

تـدریس را آغـاز کرد. در سال ۱۳۵۰ به فرانسه رفت و در رشـته «مجمـوعه هـای رسـوبی (D.E.A) » از دانشـگاه کلود برنـارد فرانسه فوق لیسانس گرفت. دکترا را نیز از دانشگاه لیون فرانسه در رشته بیواستراتیگرافی و فسیل شناسی دریافت نمود. در سال ۱۳۵۳ به ایران بـازگشت و در گروه زمین شناسـی دانشـگاه اصـفهان تـدریس را ادامه داد تـا اینکه در سـال ۱۳۸۲ش به افتخار بازنشسـتگی نائل شد. از اقدامات ارزنده ایشان تأسـیس تجهیز و اداره موزه تاریخ طبیعی اصفهان است. او در سال ۱۳۷۲ استاد نمونه کشوری، در سال ۱۳۸۰ برنده جایزه ترویج علم و در سال ۱۳۸۱ زمین شناس نمونه کشوری شده است.

دکتر جعفریـان عضو انجمن زمین شـناسان نفت آمریکـا از سـال ۱۹۷۶م، عضو آکـادمی علوم جمهوری اسـلامی ایران از سـال ۱۳۸۱ش و عضو مؤسس و هیئت مدیره انجمن زمین شناسی ایران در سال های ۷۷-۱۳۷۵ش بوده است.

او مقالاـت علمی بسـیاری تـألیف نموده که در همایش های علمی داخلی و خارجی و یا مجلّات معتبر علمی داخلی و خارجی ارائه نموده و یـا به چاپ رسانـده است. او مـدیر مسوؤل و مؤسـس مجله پژوهشـی علوم پایه دانشـگاه اصـفهان و عضو شورای سردبیری مجله عمران و گسترش بوده است.

این کتاب ها از تحقیقات اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «ماکرو فسیل» (۲ جلد) با همکاری وزیری طاهری۲. «پالئو بوتانی» (دیرینه گیاهی) با همکاری مهندس بیگی۳. «ایکنولوژی» با همکاری مهندس گرگیج۴. «تاکسیدرمی» (هنر خشک کردن حیوانات) ۵. «پالئواکولوژی»(۱)

در کتـاب «گنجینه هـای علمی دانشـگاه اصـفهان» فهرست مقالاـت و گزارش جـامعی از فعـالیت هـای علمی و خـدمات دکـتر جعفریان به چاپ رسیده است.

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۲۹۷-۳۰۷.

محمّدعلی جلدساز اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی جلدساز، [از صحافان زبردست قرن دهم هجری که] جلد نسخه ای از «قرآن مجید» مورخ سال ۹۸۵ق کار اوست. جلد روغنی و مُزَیَّن به گل و بوته است و در کتابخانه عمومی معارف موجود بوده است.(۱)

شیخ محمّدعلی حسینی

شیخ محمّدعلی حسینی، فاضل محترم. از منبریان و ذاکرین و خدمتگزاران آستان قدس حضرت سیّد الشهداء علیه السلام [از وعاظ معاصر اصفهان] که عمری را به زهد و قناعت گذرانیده و از راه منبر و موعظه و ذکر مصیبت خدمت ها انجام داده است. وی در اوایل تحصیل در مدرسه الماسیّه اصفهان ساکن بوده و از جمله مجازین مرحوم آقا شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی (با اجازه روایتی) می باشد.(۲)

محمّدعلی حسینی اصفهانی

محمّدعلی حسینی اصفهانی، [از کاتبان قرن سیزدهم هجری.] در رجب سال ۱۲۷۶ق کتابت نسخه ای از «دانش نامه جهان» تألیف: غیاث الدّین علی بن امیران حسینی اصفهانی را که در سال ۸۹۹ق در بدخشان تألیف نموده است را به خط نستعلیق کتابت نموده است. کتاب ضمن مجموعه شماره ۵۶۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

۱- فهرست معارف، ص۷.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۳۱ و ۳۳۲.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۳۱۱.

محمّدعلی حسینی قزوینی*

محمّدعلی حسینی قزوینی، از حجاران هنرمند قرن سیزدهم هجری است. ظاهرا در جوانی در اصفهان نزد اساتید فن حجاری را آموخته و یک چند در این شهر به حجاری مشغول بوده و سپس به تبریز مهاجرت کرده است. در فنون و ریزه کاری های حجّاری مهارت و تسلّط خاصی داشته و آثار زیبائی پدید آورده و سنگ مزار بزرگان و اعیان و اشراف را با پنجه های هنرمند خویش حجاری می کرده است.

از آثار او حجاری سنگ قبری زیبا و هنرمندانه متعلق به شخصی به نام «حاج آقا» (متوفی ۱۲۲۵ق) در تخت فولاد اصفهان(۱) و حجاری سنگ قبر میرزا عیسی قائم مقام فراهانی (متوفی ۱۲۳۷ق) در تبریز و میرزا محمّدجعفر مجذوب علی شاه (متوفی ۱۲۳۸ق) در تبریز را می توان نام برد.(۲)

شیخ محمّدعلی حکیم الهی فریدنی

شیخ محمّدعلی حکیم الهی فریدنی، فاضل ادیب شاعر. از دانشمندان و فرهنگیان مشهور ایران [در قرن چهاردهم هجری.] در خوانسار و اصفهان و بروجرد نزد علمای بزرگ تحصیل نموده و عمده تحصیلاتش در اصفهان نزد مرحوم جهانگیرخان بود.

در قریه چادگان در حدود ۱۲۸۴ق متولّد و مقدّمات را در محل فراگرفته، سپس به اصفهان مهاجرت نموده و سال ها به درس بزرگان حاضر شده، در فقه و اصول و خصوصا ادبیات فارسی و عربی زحمت ها کشید و پس از وصول به مقامات عالیه علم و دانش به طهران رفته و در آنجا به خدمت فرهنگ وارد شده و تا اواخر عمر به شغل

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- آثار باستانی آذربایجان، ج۱، صص ۴۳۰، ۴۳۱ و ۴۵۶.

دبیری ادبیات فارسی و عربی مشغول بود و متجاوز از یکصد سال عمر نمود.

مشارٌ الیه در روز سه شنبه ۱۲ ذیقعده الحرام ۱۳۸۴ق در طهران وفات یافت.

از آثار قلمیش «شرح قصیده عینیّه» ابن سینا به شعر فارسی ۲. «لطائف الحکم و وظائف الامم» به چاپ رسیده است.(۱)

حاج میرزا محمّدعلی حکیم سِدِهی

حاج میرزا محمّدعلی طبیب معروف به «حکیم» از احفاد میر محمّداشرف [علوی عاملی]، از اطبّاء معروف و به حذاقت و دیانت مشهور بوده [و در اواخر دوره قاجاریّه می زیسته است] و مردم برای معالجه امراض صعب از شهر و دهات بدو مراجعه می کرده اند و اعتقاد تامّی به او داشته اند. دارای چندین فرزند بوده که عموما از اطبّاء بوده اند که از آن جمله است: ۱. حاجی میرزا ابوالقاسم طبیب ۲. حاج میرزا احمد طبیب۳. حاج میرزا محمود طبیب. [مزار میرزا محمّدعلی حکیم در امامزاده سیّد محمّد سده (خمینی شهر) واقع شده است.(۲)]

محمّدعلی خالصی شیرازی*

محمّدعلی خالصی، از شعرای معاصر در سال ۱۳۲۳ش در شیراز متولّد و از ۱۷ سالگی لب به شاعری گشوده و دارای دیپلم ادبی است. برخی از تحصیلات نظامی خود را در آمریکا و ایتالیا طی نموده است و سال ها به خدمت در هوانیروز اصفهان مشغول بوده است. وی شاعری اهل عرفان و از مریدان سلطان حسین تابنده گنابادی است. و در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۳؛ سواد و بیاض، صص ۲۹۱-۲۹۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۴۰؛ لطائف غیبیّه: مقدمه، ص بیست و شش؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۲۸.

سال ۱۳۷۲ش بازنشسته شده و در انجمن های ادبی اصفهان خصوصا انجمن مشتاق شرکت می کند. از اوست:

در ساغر مِی کشان شرابی در صافی باده شکر نابی

در حلّه عاشقان شب خیز باران مشعشع شهابی

بر تشنه لبان وادی عشق سرچشمه بی زوال آبی(۱)

محمّدعلی خیام باشی

آقا محمّدعلی خیام باشی متخلّص به «خیّام» [از شعرای قرن چهاردهم هجری در اصفهان] از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بوده و اشعارش در مجلّه دانشکده به طبع می رسید.

این دو بیت از اوست:

چون به یاد لب آن نوش دهان برخیزم همچو خضر از پی آب حیوان برخیزم

با نشان بر سر کوی تو نشستم اوّل آخر از کوی تو بی نام و نشان برخیزم(۲)

دکتر محمّدعلی دانشگر شهرضائی*

دکتر محمّدعلی دانشگر، طبیب انسان دوست و متدیّن معاصر و ادیب فاضل. از اهالی شهرضا بوده و علاقه بر طب، در ادبیات نیز مهارت داشته و شعر می سروده و به عربی و فرانسوی مسلّط بوده است. او از بنیان گزاران اولین انجمن ادبی شهرضا در اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی است. همچنین از ارادتمندان مشایخ گنابادی به شمار می رفته و ذوق عرفانی داشته است. دو فرزندش دکتر منوچهر دانشگر و دکتر هوشنگ دانشگر از پزشکان مشهور اصفهان بوده اند.

۱- بزم ادب، ص۳۳۴؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۲۴۴.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۸۴.

از آثار او ترجمه چند داستان از نویسنده ای فرانسوی به نام «پراسکوی» را ترجمه کرده است. دکتر دانشگر سرانجام در ۲۷ آذر ۱۳۳۱ش وفات یافته و در بقعه تکیه ایزدگشسب (معروف به تکیه گنابادی ها) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

این شعر از اوست:

جهان به چشم خردمند پر کاهی نیست به غیر دید نادان بر آن نگاهی نیست

کجا روی دل مسکین ز دست جور حیات به غیر مرگ یقین دان تو را پناهی نیست(۱)

میرزا محمّدعلی درب امامی*

میرزا محمّدعلی درب امامی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را خوش می نوشته و از اساتید بوده است. عمده امتیاز او خوشنویسی با سرعت قلم بود که می گویند هر ماهی یک جلد قرآن تمام می ساخت. وفات او در سنه هزار و سیصد و اند اتّفاق افتاد.(۲)

محمّدعلی بیگ دیهیم اصفهانی

محمّدعلی بیگ دیهیم اصفهانی، شاعر ادیب. از غلام زادگان سلاطین صفویّه و مولدش اصفهان است. طبعی موزون داشت. در مجموعه ای (که شیخ محمّدعلی حزین آن را دیده است) به خط خود اشعارش را نوشته بود. وی در سال ۱۱۰۵ق در اصفهان

۱- تاریخ شهرضا، (ویرایش دوم) ، ص۳۶۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطّی.

۲- الاصفهان: رجال و مشاهیر، ص۲۴۳.

وفات یافت.

از اوست:

لبی تر از تراوش های داغی می توان کردن از این ته جرعه تر طیب دماغی می توان کردن(۱)

میرزا محمّدعلی ذرّه اصفهانی

میرزا محمّدعلی انصاری متخلّص به «ذرّه»، خطاط و شاعر ادیب قرن چهاردهم هجری. نسخه ای از «لیلی و مجنون» مکتبی را به خط نستعلیق خوب نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

[وی همچنین نسخه ای از «دیوان حافظ» را به خط نستعلیق خوش در ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۳ق به امر ظل السّلطان، حاکم اصفهان کتابت کرده که در کتابخانه فرهنگ اصفهان موجود است.]

شیخ محمّدعلی ربّانی خوراسکانی*

حاج شیخ محمّدعلی ربّانی نژاد، عالم فاضل فقیه محقّق و زاهد کامل. در سال ۱۳۰۲ش در اصفهان متولّد شد و پس از طی تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف عزیمت کرد و از آیات عظام: میر سیّد علی فانی یزدی، سیّد محسن حکیم، سیّد ابوالقاسم خوئی و سیّد محمود شاهرودی بهره برد و خود نیز در آنجا به تدریس و اقامه جماعت در صحن مطهر علوی پرداخت. او در سال ۱۳۴۹ش به موطن خود مراجعت نمود. پس از پیروزی انقلاب، در خدمت نظام جمهوری اسلامی بود و در خطّ مقدم جبهه های جنگ ایران و عراق حضور می یافت و به فعالیت های تبلیغی می پرداخت که باعث مجروحیّت

۱- تذکره المعاصرین حزین، ص۲۱۸؛ الذریعه، ج۹، ص۳۳۶.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ص۱۴۵.

و جانبازی او گردید. همچنین دو تن از فرزندانش به نام های حسین و جعفر در جبهه های نبرد به شهادت رسیدند و دو فرزند دیگرش مجروح و جانباز شدند. وی عالمی عابد و متهجّد و زاهد بود و عمر خود را به طاعت پروردگار و حلّ مشکلات مردم سپری نمود تا این که در روز ۱۰ خرداد ۱۳۷۹ش در بیمارستان ارتش وفات یافته و به مشهد مقدس منتقل و در روز ۲۷ صفر ۱۴۲۱ق در مزار خواجه ربیع مدفون شد.

تألیفات ایشان به ۴۹ عدد می رسد که از جمله می توان به این کتاب ها و رساله ها اشاره کرد:

۱. «الواعظ» مفصّل ترین کتاب ایشان در ۷ جلد آن در نجف به چاپ رسیده و در صورت چاپ بقیه مجلّدات به ۳۰ جلد خواهد رسید. ۲. «طیب المجالس»۳. «شجره طیّبه»۴. «مشکاه الانوار»۵. «جُهد العاجز الغیبه»۶. «سواد الوجه فی الدّارین»۷. «معدن التّقی فی القلب»۸. «ادب الکتاب فی الکتابه»۹. «کسب الحلال»۱۰. «العنایه الرّبانیّه» ۱۱. «منتخب التّقویم» ۱۲. «طب الامام» و غیره.(۱)

سیّد محمّدعلی رزمی*

سیّد محمّدعلی رزمی، از شعرای اواخر دوره قاجاریه است. در اصفهان ساکن بوده و در سال ۱۳۱۴ق در شکارگاه از کوه پرت شده و وفات یافته است. میرزا شکراللّه منعم این مصرع را برای مادّه تاریخ فوت او گفت است:

«رزمی بمحمّد و علی واصل گشت» (۲)

۱- خورشید جی، صص ۳۲۴ و ۳۲۵.

۲- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر) ، صص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۶۶۷.

محمّدعلی روحی

محمّدعلی روحی، از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. در حدود سال ۱۳۲۸ق در اصفهان متولّد شده و ضمن شغل روزانه اش که نقاشی بود به تحصیل علوم قدیمه اشتغال داشت و در مقدمات و سطح زحمت ها کشید و خصوصا ادبیّات عرب را به خوبی آموخت. چند سال آخر عمر خویش را در طهران ساکن بوده و در مدرسه مروی به تدریس «مغنی» و «مطوّل» و «شرح نظام» و غیره مشغول بوده و الحق نیکو از عهده بر می آمد.

او در سال ۱۳۷۲ق در طهران وفات یافته و در قم مدفون شد.(۱)

از اوست:

یا سادتی و حبذا من ساده فحبّذا یا آل خیر من بعث قلبی الیکم نبذا

اتیتُکم معترفا عن بحرکم مغترفا عن غیرکم منصرفا فانقذ و المستنقذا

میرزا محمّدعلی رفیقی تفرشی

میرزا محمّدعلی طباطبائی تفرشی متخلّص به «رفیقی»، شاعر و ادیب فاضل [در قرن سیزدهم هجری] و از نوادگان میرزا صادق تفرشی. سال ها در اصفهان تحصیل می نموده و در ریاضی مهارتی داشته و گاهی مبادرت به غزل گوئی می کرده است. این بیت از اوست:

کند دیوانه را زنجیر عاقل می ندانستم که از زنجیر زلف آن پری دیوانه خواهم شد(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۲۴ و ۴۲۵؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۷۱۶ و ۱۷۱۷.

۲- تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، ص۳۲۱؛ تذکره دلگشا، ص۶۳۹؛ تذکره مدایح الحسینیه: خطی، ص۶۵؛ سفینه المحمود، ج۲، ص۴۷۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۶۸۹؛ الذریعه، ج۹، ص۳۸۱؛ سیری در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، ص۲۴۳.

آقا محمّدعلی رهی اصفهانی

آقا محمّدعلی اصفهانی متلخص به «رهی»، شاعر ادیب [در قرن دوازدهم هجری.[از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته و در جوانی به هندوستان رفته است. این بیت از اوست:

تا کی بود به حسرت چشمم به راه ماهی یا رب مباد هرگز چشم کسی به راهی(۱)

میرزا محمّدعلی سالم اصفهانی

میرزا محمّدعلی خلیفه سلطانی متخلّص به «سالم» شاعر ادیب از اعقاب سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان وزیر اعظم شاه عباس دوم و شاه صفی است. جوان مهربان و صاحب خرد و صاحب برخی کمالات بوده و در سال ۱۱۸۷ق در بغداد بر اثر ابتلا به طاعون وفات یافته است.(۲)

محمّدعلی سائق جرقویه ای*

محمّدعلی ایروانی محمّدآبادی متخلّص به «سائق»، شاعر ادیب. در سال ۱۳۰۴ش در روستای محمّدآباد جرقویه متولّد شد. در نوجوانی قرآن و مقدمات (ادبیات فارسی

۱- تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۵۱۸؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۷۳؛ تذکره روز روشن، ص۳۲۲؛ تذکره نگارستان دارا، صص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ الذریعه، ج۹، ص۳۹۴.

۲- تذکره آتشکده، (نیمه دوم) ، ص۵۱۹؛ گلشن مراد، ص۴۱۱؛ الذریعه، ج۹، ص۴۲۰؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «سالم»، ص۱۷۹.

و عربی) را نزد شیخ عطاءاللّه فقیهی محمّدآبادی فرا گرفت و سپس در دبستان جدید التأسیس زادگاه خود به تدریس پرداخت. پس از انحلال مدرسه نزد محمّدعلی مستوفی ادامه تحصیل داد. چندی بعد به دنبال به بازار آمدن خودروهای سنگین، در شمار یکی از پیمانکاران شرکت نفت درآمد. او در کنار شغل خود به نویسندگی نیز می پرداخت. کتاب های «جُنگ گلشن» و «تاریخ یادگار» از آثار اوست. این شعر از اوست:

بیا و ساقی مرا، شراب احمر بیار که سیزده را بِدَر، کنم برِ جویبار

تو مطرب خوش نوا، ز خمه بزن بر سه تار بزن از این نغمه ها، بَرَم دمی آشکار

ز شور و شهناز و ترک، ز چارگاه و حصار

بده تو ساقی شراب، به جمع یاران من پیاله را پر نما، بده در این انجمن

به من بده ساقیا، از این شراب کهن ز باده هجر و غم، تو می بنوشان به من

که تا کنی قلب من، لاله صفت داغدار

بلبل شیرین سخن، به نغمه پرداخته مست سرور و شعف، قمری و هم فاخته

درخت از برگ سبز، چادر خود ساخته برقع خود از زمین، ز سبزه انداخته

باغ حجازی شده، در این میان لاله زار

به بانگ نوش آفرین، به پای آب روان نشسته صاحبدلان، زده می ارغوان

طبق زده رویشان، چنان گل اکحوان شده است نیلی فقط، ز غم رخ ایروان

چرا که گردید دور، ز شهر و یار و دیار(۱)

میرزا محمّدعلی ستوده چهارمحالی*

میرزا محمّدعلی چهارمحالی متخلّص به «ستوده»، عالم فاضل، خوشنویس و ادیب شاعر. از ادبای قرن یازدهم هجری.

علاوه بر مراتب علم و فضل و ادب خطوط نسخ و نستعلیق را در کمال استادی می نوشته است. این بیت از اوست:

حاسد همیشه در الم و ماتم است سوزد به آتش جگر خویش چون چنار(۲)

میرزا محمّدعلی سینی

میرزا محمّدعلی سینی، از علماء و ائمه جماعت [در اواخر دوره قاجاریه] از سادات صحیح النسّب قریه «سین» از توابع بلوک بُرخوار اصفهان است.

در قریه «سین» متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی تحصیل کرد.(۳) او سال ها در یکی از مساجد محله شهشهان

۱- گرکویه، سرزمینی ناشناخته بر کران کویر، ص۳۹۶.

۲- شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۱۱۳.

۳- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۳۲۴.

اصـفهان اقـامه جماعت می نمود.(۱) تـا اینکه در سـال ۱۳۳۲ق وفـات یـافته و در بقعه سـر قبر آقـا در محله خوابجون اصـفهان مدفون شد.(۲)

مشارٌ الیه جدّ خاندان «بدری» از خانواده های علمی و روحانی اصـفهان و از خدمتگزاران آسـتان حسـینی علیه السلام است که چندین عالم، خطیب و پزشک از آن خاندان به خدمت به اسلام و مسلمین پرداخته اند.

بابا محمّدعلی شال فروش اصفهانی

بابا محمّدعلی شال فروش اصـفهانی، در قیصـریه اصـفهان سکونت داشته و با حکیم شفائی دوستی و مصاحبت داشت. در نظم مثنوی ماهر بوده و دو سال قبل از تألیف تذکره نصرآبادی (سال ۱۰۸۳ق) وفات یافته است. وی را دیوان اشعاری است. شعرش این است:

صباحی دلگشا چون خنده یار که جوش گل شفق می زد به گلزار

به شوخی گل به شاخ از شعله سرکش در و ریحان چو روی دود آتش

طلا و نقره نرگس ز صافی به گلشن در پی زربفت بافی

شود تا چشم نرگس باز روشن از آن شد لاله را سرمه به هاون(۳)

دکتر محمّدعلی شاهزمانیان*

دکتر محمّدعلی شاهزمانیان، از محقّقان و اساتید دانشگاه. در روز ۲۳ تیر ۱۳۲۵ش در اصفهان متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان طی کرد. در سال

۱- مزارات اصفهان، ص۵۲.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۱۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۱۱؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۸.

۱۳۴۴ش به تحصیل در رشته فیزیک در دانشگاه اصفهان پرداخت و لیسانس گرفت. مقطع فوق لیسانس فیزیک را در دانشگاه شیراز سپری نمود و جهت ادامه تحصیل به انگلستان رفت و در سال ۱۳۵۴ش در رشته فیزیک از دانشگاه «ساسکس» دکترا اخذ نمود. پس از آن به تدریس در دانشگاه اصفهان مشغول شد.

او از ابتدای تأسیس انجمن فیزیک ایران عضو آن بوده و همچنین از سال ۱۳۵۲ش تاکنون عضو انجمن فیزیک آمریکا و از سال ۱۳۷۱ش عضو فرهنگستان علوم پایه جمهوری اسلامی ایران بوده است.

از مسؤولیت های او ریاست دانشکده علوم، ریاست دانشگاه و معاون پژوهشی دانشگاه (همگی در دانشگاه اصفهان) را می توان نام برد.

دکتر شاهزمانیان مقالات علمی بسیاری به زبان فارسی و انگلیسی تألیف نموده که در مجلات معتبر علمی داخلی و خارجی به چاپ رسیده و یا در همایش های علمی عرضه شده است. او سال ها در دانشگاه اصفهان به تدریس و همچنین راهنمایی پایان نامه های دانشجویی لیسانس و فوق لیسانس مشغول بوده است.

این کتاب ها از تحقیقات و ترجمه های او در علم فیزیک به چاپ رسیده است:

۱. «مکانیک کلاسیک» (ترجمه) ، تألیف: کیبل۲. «فیزیک عملی» (ترجمه) ، تألیف: اسکواریز۳. «مکانیک کلاسیک» (ترجمه) ، تألیف: «کیبل» و «برکشایر»(۱)

میرزا محمّدعلی شکیب اصفهانی

میرزا محمّدعلی اصفهانی متخلّص به «شکیب»، از شعراء و ادبای قرن سیزدهم هجری. مدّتی در طهران و گاهی در شیراز بوده و چندی به سیاحت در کردستان و

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۱۱۳-۱۱۹.

هندوستان و عراق عرب و عراق عجم پرداخت. خط شکسته را بد نمی نوشت و در شعر طبعی متوسط داشت.

از اوست:

منعم از صورت زیبای بتان گر نکند چه کند زاهد بیچاره که صورت بین است(۱)

محمّدعلی شیدای اصفهانی

آقا محمّدعلی اصفهانی متخلّص به «شیدا»، شاعر ادیب، از سخنوران قرن سیزدهم هجری. در اصفهان متولّد شده و در این شهر نزد فضلاء و ادباء از جمله سیّد احمد هاتف اصفهانی به تحصیل علم و ادب پرداخته و در جوانی در شیراز رفت. مردی عاشق پیشه و لاابالی بوده و دل به گلرخان و نکورویان سپرده بود. طبعی روان داشت و اوقات را با ادباء و شعرای شیراز سپری می نمود و به شغل آیینه سازی امرار معاش می کرد. سرانجام در سال ۱۲۱۴ق وفات یافته و در تکیه مشرقی واقع در خارج شیراز مدفون شد. دیوان اشعارش بالغ بر شش هزار بیت بوده است.

از اوست:

اسیر دام نشد تا دلم ندانستم شکسته بالی مرغان رشته بر پا را(۲)

۱- تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص۵۴۴؛ تذکره ریاض العارفین، (چ۱۳۴۴) ، ص۴۴۲؛ تذکره انجمن خاقان، ص۵۲۳؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۹۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۸۶۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «شکیب»، ص۵۳۱؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۲۳۳؛ الذریعه، ج۹، ص۵۳۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۵۳.

۲- تذکره اختر، ج۱، ص۱۰۱؛ تذکره دلگشا، صص ۳۱۴-۳۱۶؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۹۲۶-۹۲۹؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۵۳۸ و ۵۳۹؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «شیدا»، ص۱۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۸۶؛ مجلّه ارمغان: سال هیجدهم، شماره ۴، صص ۱۷۵-۱۸۰؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۸۴.

میرزا محمّدعلی صباح تبریزی

میرزا محمّـدعلی تبریزی متخلّص به «صباح»، از علماء و شعراء و ادباء (در قرن دوازدهم هجری) بوده و در سال ۱۱۶۹ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان آب بخشان مدفون شده است. اعقاب او در آذربایجان هستند و تذکره الشّعرایی هم دارد.(۱)

شیخ محمّدعلی صفر نوراللهی*

شیخ محمّـدعلی صفر نوراللهی نجف آبادی، از علمای معاصر نجف آباد. در سال ۱۳۱۰ش متولّد شد. او در نجف آباد و اصفهان نزد علمای عالیقدر شیخ احمد حججی، شیخ ابراهیم ریاضی، شیخ عباس ایزدی، بروجردی، منتظری، اردکانی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، خادمی و فیاض تحصیل کرد. سپس از طرف مرحوم حاج آقا حسین خادمی به فریدون شهر و شهرکرد رفت و در آن نواحی به تربیت طلاب و تبلیغ دین و حل و فصل مشکلات مردم مشغول شد و مصدر خدماتی به مردم محروم آنجا گردید و چندین مسجد، مدرسه، حمام و پل و حوزه علمیه را ساخت و یا تعمیر نمود.

او پس از پیروزی انقلاب یک سال رئیس بنیاد شهید مبارکه بود. با شروع جنگ ایران و عراق، به جبهه ها می رفت و با سخنرانی در جمع رزمندگان باعث دلگرمی آنان می شد. فرزندش علی هم در زمستان ۱۳۶۲ در جبهه عملیاتی خیبر به شهادت رسید.

او در اواخر عمر به امامت نمازجمعه فریدون شهر انتخاب شد و سرانجام در سال

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۶؛ مزارات اصفهان، ص۲۸.

۱۳۷۲ش وفات یافته و در جنّت الشهدای نجف آباد مدفون شد.(۱)

سیّد محمّدعلی طباطبائی فانی

حاج سیّد محمّدعلی طباطبائی فانی زوّاره ای، فاضل ارجمند از عرفای معاصر اصفهان. سال ها در مدارس این شهر به تعلیم و تربیت نوآموزان اشتغال داشت. سپس به اداره منتقل گردیده و چندین سال ریاست حسابداری را برعهده داشت تا سرانجام بازنشسته شد.

وی به تصوّف و عرفان روی آورده و به تصفیه نفس پرداخته و در این اواخر از طرف آقای حاج سلطان حسین تابنده «رضاعلی شاه» گنابادی به عنوان شیخ صوفیه اصفهان تعیین گردید و به ارشاد و هدایت مستعدّین پرداخت. سرانجام در ماه رجب ۱۴۰۹ق وفات یافته، در گورستان جدید اصفهان (باغ رضوان) مدفون شد.(۲)

شیخ محمّدعلی طبعی اُشتُرجانی*

شیخ محمّدعلی اُشترجانی متخلّص به «طبعی»، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. از مشایخ اُشتُرجان از توابع لنجان اصفهان بوده است. فرزندش عبدی نیز شاعر بود.(۳)

محمّدعلی طبیب اصفهانی

محمّدعلی طبیب اصفهانی، [از اطبّاء اصفهان در اواخر دوره قاجاریه.] در ربیع الآخر سال ۱۳۱۴ق روی برگ قبل از کتاب «جاماسب نامه» یادداشتی نوشته است. این کتاب

۱- سیمای دانشوران، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲- مزارات اصفهان، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۲؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۸۶.

به شماره ۸۰۰۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ملاّ محمّدعلی عالم حبیب آبادی

ملاّ محمّدعلی عالم حبیب آبادی، عالم فاضل و واعظ کامل، [از علمای معاصر اصفهان که در قریه «حبیب آباد» بُرخوار اصفهان متولّد شده و نزد آخوند کاشی، حاج ملاّ عبدالجواد آدینه ای، شیخ محمّدحکیم خراسانی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، میر محمّدصادق مدرس خاتون آبادی، میر محمّدتقی مدرس، شیخ جلال الدین نجفی، جهانگیرخان قشقائی، آخوند گزی و آقا سیّد محمّدباقر درچه ای تحصیل نمود.]

او از مدرسین سطوح در اصفهان بود و سال ها در مدرسه نیم آورد [و مسجد نو و مسجد جارچی] تدریس می فرمود و جماعت زیادی از افاضل طلاّب به جلسه درس او حاضر می شدند، و از بیانات علمی و مواعظ او بهره مند می گردیدند [و علاوه بر آن در مجالس عمومی و خصوصی منبر می رفت و به وعظ روضه خوانی می پرداخت.] در سال ۱۳۹۶ در اصفهان وفات یافته، [در قریه حبیب آباد مدفون شد.(۲)]

آقا محمّدعلی عصّار اصفهانی*

آقا محمّدعلی اصفهانی معروف به عصّار، از خوشنویسان هنرمند قرن دوازدهم و سیزدهم هجری است. در عهد خود از مشاهیر خطاطان شمرده می شده و خط نسخ را در کمال استادی می نوشته و به کتابت «کلام اللّه مجید» و «ادعیه» می پرداخته است.

محمّدهاشم آصف (رستم الحکماء) معاصر او بوده و در کتاب خود تنها نامی از او

۱- فهرست مرعشی، ج ۲۱، ص ۷.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۳۳۳؛ یادداشت های استاد ابراهیم جوهری؛ شرح مجموعه گل، ص ۶۱.

برده است.(۱) سال وفاتش معلوم نشـد. لسان الملک سپهر سال فوت او را ۱۲۲۸ق نوشته(۲) ولی ممکن است تا مـدتی بعد از این تاریخ هم آقا محمّدعلی زندگی کرده باشد.

از آثار او کتابت «قرآن مجید» به خط نسخ خوش در سال ۱۲۲۵ق است که مرحوم مهدی بیانی آن را نزد آقای رمضانی دیده است.(۳) همچنین نسخه ای دیگر از «قرآن مجید» که آن را به دستور اللهوردی خان به خط نسخ خوش در ۱۵ رجب ۱۱۹۱ق کتابت کرده و به شماره ۸۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس موجود است.(۴)

محمّدعلی فقیهی اردستانی*

محمّدعلی فقیهی، از شـعرای معاصر. در سال ۱۳۰۹ش در اردسـتان متولّد شد و پس از تحصـیلات ابتدائی و متوسـطه، به شغل آموزگاری پرداخت. چند سال بعد در دانشـگاه اصـفهان در رشـته ادبیات فرانسه تحصـیل کرد و لیسانس گرفت. او سال ها در دبیرسـتان های اصـفهان تدریس کرد تا اینکه بازنشسـته شد و سـرانجام در سال ۱۳۶۹ش بر اثر حـادثه تصادف اتومبیل بـدرود حیات گفت.

از اوست:

کی روی از یاد عشاق ای امید زندگی چون به یادت دیده گوهرفشانی داشتم(۵)

۱- رستم التواریخ، ص۴۰۹.

۲- تذکره خوشنویسان، ص۳۷.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۸۸.

۴- راهنمای گنجینه قرآن، ص۱۶۳؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۸۸.

۵- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۹۶۴.

محمّدعلی قزوینی*

محمّدعلی قزوینی، از ادباء و دانشمندان عهد صفویه است. وی در اصفهان ساکن بوده و مؤلف کتابی در آداب اجتماعی و اخلاقی و حکمت عملی است که «رفیق توفیق» یا «آداب عِلیّه» نامیده است. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملک و کتابخانه ملی ایران موجود است.(۱)

محمّدعلی قصیر آشتیانی

محمّدعلی آشتیانی [معروف به] «قصیر» ادیب و شاعر خطاط [از خوشنویسان و کاتبان زبردست اواخر دوره قاجاریه است که در اصفهان سکونت داشته و در دیوان دولتی ظل السلطان به منشی گری و کتابت می پرداخته و منصب منشی خلوت را داشته و تا حدود سال ۱۳۳۰ق در قید حیات بوده است.]

از آثارش: «دیوان حافظ» است که در ۲۹ جمادی الثّانیه ۱۳۲۳ق به امر ظل السلطان به خط نستعلیق نوشته است و در کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان موجود است.(۲) در همان سال نسخه ای از «گلستان سعدی» را کتابت کرده و در همان کتابخانه موجود است.(۳)

همچنین در سال ۱۳۲۱ق «اشعار انوار سهیلی» را به امر ظل السلطان، به خط نستعلیق عالی نوشته است که در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۴) او در سال ۱۳۲۲ به دستور ظل السلطان اشعار کتاب «رموز حمزه» به خط شکسته نستعلیق

۱- مداومت در اصول موسیقی ایران، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ص۹۶.

۳- فهرست عمومی اصفهان، ص۱۴۱.

۴- فهرست عمومی اصفهان، ص۶.

بیرون نویس کرده و نسخه آن به شماره ۲/۱۱۵۵ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱) [همچنین] «تاریخ کاشغر» را در ذیقعده الحرام ۱۳۰۷ق به خط نستعلیق خوش در اصفهان نوشته است که در کتابخانه عمومی اصفهان است.(۲) [همچنین کتاب های «فوائد الأخبار» و «فالنامه» را در سال ۱۳۲۹ق به خط شکسته نستعلیق کتابت کرده که در مجموعه شماره ۴۵۰۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳) و «تاریخ سرگذشت مسعودی» را هم در سال ۱۳۲۴ق به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۱۰۰۹۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی وجود دارد.(۴)]

ملاّ محمّدعلی کشمیری

مولی محمّـدعلی کشمیری، [عالم فاضل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری.] از شاگردان [بهاءالدّین محمّـد] فاضل هندی است. او بر کتاب «کشف اللثّام» استاد خود حواشی نوشته و ظاهرا کتاب نیز به خط کشمیری است. فاضل هندی انهائی جهت شاگرد خود در صفحه آخر آن نسخه مورخ جمادی الاول ۱۱۲۹ق در اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۳۷۶۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم موجود است.(۵)

کشمیری در سال ۱۱۲۷ق نسخه ای از کتاب «الطهاره» را کتابت کرده و فاضل اصفهانی [هندی] بر روی برگی از این کتاب برای او اجازه سماع نوشته است.(۶)

۱- فهرست عمومی اصفهان، ص۳۶۵.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ص۳۷.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۴۵.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۶، ص۶۵.

۵- فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص۱۵۶.

۶- احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، ص۴۳.

محمّدعلی کهپائی

محمّدعلی کهپائی، [از کاتبان خط نسخ در قرن یازدهم هجری و ظاهرا از اهالی کوهپایه = قهپایه اصفهان است.] در ۱۵ صفر ۱۰۹۲ق کتاب «العین» تألیف: خلیل بن احمد بصری را به خط نسخ نوشته و نسخه به شماره ۵۳۴۸ در کتابخانه ملّی ملك موجود است.(۱)

میرزا محمّدعلی کیمیاگر اصفهانی

میرزا محمّدعلی کیمیاگر اصفهانی، [از دانایان علم کیمیا در قرن سیزدهم هجری.[نامش در کتاب «مفاخر الاخیار و مناقب الابرار» تألیف: میرزا ابوالقاسم شیرازی مذکور است. این کتاب به شماره ۴۱۶۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

میرزا محمّدعلی محتاج اصفهانی

حاج میرزا محمّدعلی اصفهانی متخلّص به «محتاج»، شاعر ادیب فاضل، [از سخنوران قرن سیزدهم هجری.] سال ها در تهران ساکن بوده و روضه خوانی می کرده و مجالس او مورد توجه بزرگان و اشراف و اخیار شهر بود. اغلب اشعارش در مدایح و مراثی معصومین علیهم السلام است. او تا سال ۱۳۰۰ق در قید حیات بوده و پس از این تاریخ وفات یافته است.

از اوست:

۱- فهرست ملك، ص۶۱۳.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه طهران، ج۱۳، ص۳۱۳۳.

ای دل از هر که موافق نبود در ره عشق دیده بردوز که دیدار مخالف شوم است(۱)

میرزا محمّدعلی مسکین اصفهانی

میرزا محمّدعلی اصفهانی متخلّص به «مسکین»، شاعر و ادیب خطاط در قرن سیزدهم هجری. [در حدود سال ۱۲۲۳ق در اصفهان متولّد شده و علیرغم میل باطنی، مانند پدران خود به تجارت تریاک و کسب و کار در بازار اصفهان مشغول شد. ولی در کنار آن به تحصیل فضائل و تکمیل کمالات خود مشغول بود.] او از شعراء انجمن ادبی ابوالفقراء در اصفهان است که میرزا محمّدباقر ابوالفقراء گزی بُرخواری اصفهانی آن را تأسیس کرده بود [و قصیده انجمنیه جهت آن سروده است.]

مسکین خط نستعلیق را نیز خوش می نوشته [و از جمله «کلیات سعدی» را در سال ۱۳۱۴ق کتابت کرده که در اصفهان چاپ سنگی شده است.] و سرانجام در ۲۷ صفر ۱۳۰۳ق در اصفهان وفات یافته است [مزار او در تکیه مادرشاهزاده بدون سنگ لوح وجود داشته است. میرزا محمّدحسین عنقا مادّه تاریخ وفات او را چنین آورده است:

نیمه قوس و در ایّام صفر شنبه چون «مسکین» چو ز تن رفت بهشت

گفت «عنقا» ز پی تاریخش: «کرده مسکینی مسکن در بهشت»]

دو فرزندش میرزا شکراللّه منعم و میرزا عبدالرّحیم افسر نیز از شعرای اصفهان بوده اند.

[مسکین در مادّه تاریخ سرائی و مدیحه گوئی توانا بوده و برای بزرگان عهد خود

۱- تذکره حدیقه الشّعراء، ج۳، ص۱۵۳۹.

همچون حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی و منوچهر خان معتمدالدّوله (حاکم اصفهان) قصیده سروده است. از او تذکره ای مختصر در احوال و اشعار شعرای معاصر خودش موجود است که هنوز به طبع نرسیده است.(۱) این بیت از سروده های اوست:

با دل زارم بس آزار آن دل سنگین کند عاقبت با آبگینه الفت سنگ این کند]

حاج محمّدعلی خان معین السّلطنه

حاج محمّدعلی خان معین السّلطنه رشتی اصفهان، مؤلّف «سفرنامه شیکاگو» که در سال ۱۳۱۸ش در پاریس به طبع رسیده است.(۲)

شیخ محمّدعلی مفاخر انصاری

حاج شیخ محمّدعلی مفاخر انصاری اهوازی، عالم جلیل، از علماء و بزرگان [معاصر] خوزستان. در ذی الحجه الحرام سال ۱۳۹۴ق در مسافرت به اصفهان در این شهر وفات یافته و در مزار زینبیه مدفون گردید.(۳)

سیّد محمّدعلی موسوی جروکانی*

حاج سیّد محمّدعلی موسوی جروکانی، عالم فاضل متّقی، از علمای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. از اهالی قریه «جروکان» بلوک ماربین اصفهان. او پس از تحصیل علوم مقدماتی در اصفهان نزد حضرات آیات آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آقا سیّد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۴۹؛ دیوان طرب، ص۸۶؛ تذکره مدایح معتمدیّه: خطی؛ تذکره مآثر الباقریه، صص ۲۴۰-۲۴۲؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۳، صص ۱۶۳۳-۱۶۳۵؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، صص ۹۱-۹۳؛ گلشن اهل سلوک، (ویرایش دوم) ، صص ۴۵۵-۴۶۴.

۲- الذریعه، ج۱۲، ص۱۸۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۳۵.

۳- تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون، ص۴۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۳۷.

مهدی درچه ای، آخوند ملاّ عبدالکریم گزی و حاج میر محمّدصادق مدرس خاتون آبادی به تحصیل پرداخت و عاقبت به زادگاه خود مراجعت نموده و به وعظ و ارشاد مردم و رسیدگی به مسائل شرعی منطقه ماربین مشغول شد. وی سرانجام در روز ۱۴ رمضان ۱۳۶۸ق وفات یافته و در تکیه آقا سیّد رضی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. او عالمی زاهد و عابد و اهل ورع و تقوا بوده و بین عموم مردم محبوب القلوب و صاحب نفوذ معنوی بود.

از او کتابی به نام «ضیاء المجالس» باقی مانده که به چاپ نرسیده است.(۱)

محمّدعلی مهجور اصفهانی

محمّدعلی اصفهانی متخلّص به «مهجور» از شعرای قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان به تعلیم اطفال مشغول بوده و در جوانی در اصفهان وفات یافته است.

این بیت از اوست:

هنگام نزع، یوسف من از سفر رسید عمرم بسر رسید چو عمرم به سر رسید(۲)

محمّدعلی مهجور اصفهانی

محمّدعلی پوستی متخلّص به «مهجور»، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۳ش در اصفهان متولّد گردیده [و] پس از انجام تحصیلات ابتدائی در کارخانه ریسباف اصفهان به کارگری اشتغال جسته [است.] از اشعار اوست:

به نام صلح شد آغاز داستان محبّت که جغد جنگ به هم ریزد آشیان محبّت

۱- خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص ۱۸۱.

۲- تذکره سفینه المحمود، ص۳۰۶؛ تذکره اختر، ص۱۸۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، ص ۱۷۵۰؛ تذکره انجمن خاقان، ص۶۲۲؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵۷ ص ۹۳۴.

شمیم مهر و وفا از گلی توانی یافت که جسته تربیت از دست باغبان محبّت(۱)

محمّدعلی بیگ ناظر*

محمّدعلی بیگ ناظر، از صاحب منصبان بانفوذ و مشهور و از مردان نیکوکار عهد صفویه است.

او در زمان شاه عباس اوّل منصب گرگ یراقی را برعهده داشت و مورد اعتماد و هم صحبّت شاه عباس بود.(۲) در سال ۱۰۳۹ق از طرف شاه صفی به عنوان ایلچی هند به حجابت (سفارت) عازم هندوستان شد و به شایستگی مأموریت خود را به پایان رساند.(۳) در سال ۱۰۴۶ق وزارت اصفهان به او داده شد(۴) و سرانجام در سال ۱۰۴۸ق به عنوان ناظر بیوتات سلطنتی منصوب شد. و در این منصب به خدمت مشغول بود(۵) تا اینکه در سال ۱۰۶۰ق در اصفهان وفات یافت(۶) و در مزار بابا رکن الدّین (نزدیک تخت فولاد) در بقعه ای مخصوص مدفون شد.(۷) در این بقعه ملاّ علی حبش ساروی مازندرانی متخلّص به «جاوید» (متوفی به سال ۱۰۷۰ق) نیز به خاک سپرده شده است.(۸)

محمّدعلی بیگ آثار خیریه فراوانی از جمله رباط، مسجد، بازار و تکیه از خود به جای نهاد از جمله بازار و مسجد و تکیه ای در نزدیکی تخت فولاد و تکیه گرگ یراق در محله سینه پائینی اصفهان.(۹) همچنین به اهل فضل و ادب عنایت داشته و آنان را مورد

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۷۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۳- خلاصه السّیر، صص ۷۶ و ۶۴.

۴- خلاصه السّیر، ص۲۵۰.

۵- خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم) ، ص۲۹۰.

۶- خلد برین، صص ۴۹۷ و ۴۹۸.

۷- سفرنامه شاردن (بخش اصفهان) ، ص۱۵۷.

۸- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۳۰.

۹- سفرنامه پیترو دلاواله، ص۶۳۹.

حمایت و کمک خود قرار می داد. فرزندش صفی قلی بیگ(۱) و یکی از غلامانش مرتضی قلی بیگ سروشی هم اهل شعر و ادب بوده اند.(۲)

ظاهرا از آثار محمّدعلی بیگ ناظر فقط تکیه گرگ یراق ها باقی مانده و قبر او و سایر ابنیه و آثار خیریه او از بین رفته اند.

سیّد محمّدعلی نامی اصفهانی

میرزا محمّدعلی حسینی اصفهانی، از شعرای اوایل قرن یازدهم هجری. او نیز مانند «سید محمّدمعصوم حسینی نامی»، «نامی» تخلّص داشته است. وی در سال ۱۰۲۵ق وفات یافته و در امامزاده هارون ولایت اصفهان مدفون شد.(۳) [دیوان اشعار او به خط هادی ارفع، در کتابخانه آقای ناصر میبدی در مشهد مقدس موجود است.(۴)]

میرزا محمّدعلی نقیب اصفهانی

میرزا محمّدعلی اصفهانی، [از خطاطان قرن سیزدهم هجری.] در سال ۱۲۳۷ق به خط نسخ زیبای خود نسخه ای از «تعقیبات نمازهای پنج گانه» مروی از حضرت سجاد علیه السلام را نوشته و نسخه به شماره ۳۴ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۵)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۶.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۴۶.

۴- فهرست شخصی میبدی، ج۱، ص۱۷۶.

۵- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۱۹؛ الذریعه، ج۴، ص۲۱۸.

ملّا محمّدعلی نوری*

ملّا محمّدعلی نوری مازندرانی، عالم فاضل و عارف کامل، از علمای قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در این شهر تحصیل کرده و در ماه ذیحجه الحرام ۱۲۸۵ق وفات یافته و در بقعه آقا محمّد بیدآبادی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

وی عالمی غیر از حاج ملّا محمّدعلی نوری مؤلف کتاب «نخبه الاصول» است، که او نیز در تخت فولاد مدفون شده است.

محمّدعلی نوری

محمّدعلی نوری ملقّب به «فارسی»، [از فضلای قرن سیزدهم هجری.] در مدرسه میرزا حسین اصفهان بوده و نسخه ای از «حاشیه شرح تجرید» تألیف: ملّا عبدالرّزاق فیاض لاهیجی را کتابت کرده و در کتابخانه حقیر [سیّد مصلح الدّین مهدوی] موجود است.(۲)

میرزا محمّدعلی هاشمی اصفهانی*

میرزا محمّدعلی موسوی اصفهانی متخلّص به «هاشمی» شاعر و ادیب ماهر در قرن سیزدهم هجری. او برادرزاده شاعر توانای اوایل دوره قاجاریه میرزا محمّدجعفر غیرت اصفهانی است. در نوجوانی بنا به استعداد خدادادی لب به سرودن شعر گشوده و در آن فن صاحب مهارت گردید. این دو بیت از مدیحه ای از او در مدح میرزا محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی در کتاب «مدایح الحسینیه» انتخاب شد:

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- فهرست سیّد مصلح الدّین مهدوی، ص ۱۴۱.

ای فلک آستان خاک دَرَت تارک آرای خلق ایام است

وی قمر پاسبان که گرد رهت توتیابخش چشم اجرام است(۱)

شیخ عماد اِرفع تبریزی

شیخ عماد بن ابراهیم تبریزی، شاعر ادیب، [از سخنوران قرن یازدهم هجری.] در مسجد جامع عباس آباد اصفهان حجره داشته و عمر را به قناعت و درویشی به سر آورده و بر فقر و مسکنت خود صبر نموده است. شعر نیز می سروده و «اِرفع» تخلّص می کرده است. این رباعی از اوست:

خواهی که دلت محرم اسرار شود از جمله علم حق خبردار شود

از گریه بشو غبار آیینه دل مگذار ز گرد معصیت تار شود(۲)

عماد حسینی

عماد بن حیدر حسینی، [از فضلاء قرن دوازدهم هجری.] مجموعه ای از چند رساله را در سال ۱۱۱۱ق در مدرسه باب القصر اصفهان به خط نستعلیق نوشته است. این مجموعه به شماره ۱۱۵۷ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است. و شامل: ۱. «رساله در جفر» ۲. «حاشیه بر شرح الملحض» قاضی زاده رومی، از بیرجندی ۳. «تشریح الافلاک» شیخ بهائی۴. «شرح بر شرح چغمینی» می باشد.(۳)

۱- تذکره مدایح الحسینیه: مخطوط، ص۴۴۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۷۷؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۷؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «ارفع»، ص۱۸۷۱ و ذیل «عماد تبریزی»، ص۲۹۹؛ الذریعه، ج۹، ص۶۸.

۳- فهرست فیضیه، ج۲، ص۶۱؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۲۹۶ و ۲۹۷.

عماد اصفهانی

عماد بن منجم اصفهانی، از فضلاء قرن نهم هجری. کتاب «شرح سی فصل» در تقویم، تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی (که شارح آن به عربی: بدرالدّین طبری است) را در ۲۲ ربیع الثّانی ۸۸۴ق کتابت کرده است. و نسخه آن نزد سیّد محمّدباقر یزدی در نجف اشرف موجود است.(۱)

عمر سُریجانی اصفهانی

ابوطاهر عمر بن ابراهیم بن محمّد بن فاخر سُریجانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری]، در عراق از احمد بن سلیمان نجّاد و جعفر خالدی و از محدثان ری و همچنین از ابوجعفر هاشمی روایت نموده و ابونصر کسائی، ابوبکر باطرقانی، ابوالقاسم (پدر ابوعبداللّه دقاق) و ابوالقاسم ذکوانی از او روایت کرده اند.

او در روز هفتم صفر ۴۰۵ق وفات یافت.(۲) «سُریجان» قریه ای از قرای اصفهان [است.]

عمر جوزدانی

ابوحفص عمر بن ابراهیم بن محمّد جوزدانی معروف به «بوبه» اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه ضَبّی اصفهانی روایت می کند و ابوسعد سمعانی از او اجازه داشته است.(۳)

۱- الذریعه، ج۱۳، ص۳۱۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۵۷؛ التحبیر، ج۲، ص۱۸.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۵۱۴.

عمر سروشانی اصفهانی

ابوبکر عمر بن احمد بن عبداللّه سروشانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از: اسماعیل حافظ، ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری صحّاف و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث کرده است.

در ۱۴ رمضان سال ۵۵۷ق وفات یافته است.(۱) «سروشان» از قُرای اصفهان است.

عمر معدانی اصفهانی

ابوطاهر عمر بن حامد بن رجاء بن عمر بن محمّد بن علی بن مَعدان مَعدانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] تولد [او] در حدود سال ۴۸۰ق [بوده و] از حافظ سلیمان بن ابراهیم و ابوالعباس بن اشته و غیر آنها حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او حدیث نوشته است.(۲)

عمر اصفهانی نیشابوری

ابوحفص عمر بن حسین بن شاذی بن فرج اصفهانی نیشابوری، [از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری] و از خاندان علم و حدیث بوده و برادر «ضاحک» است. از ابوالعباس فضل بن عبدالواحد تاجر حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی احادیث کمی از او استماع کرده است.(۳)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۱۶.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۱۶.

عمر اصفهانی*

عمر به خلیل بن محمّد بن محمّد اصفهانی، از ادباء و فضلاء اصفهان در قرن هفتم هجری است. او کتاب «الکشف عن مشکلات الکشّاف» تألیف: عمر بن عبدالرّحمان بهبهانی را در سال ۷۶۳ق به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه به شماره ۹۳۶۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱)

عمرو بجلی اصفهانی

عمرو بن مبارک بجلی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] در یهودیه ساکن بوده و تا سال ۲۸۰ق در قید حیات بوده است. از قیس و عمر بن بشیر ابوهانی و اسرائیل و مَندل حدیث شنیده است.(۲)

عمر اُسواری اصفهانی

ابوبکر عمر بن عبدالعزیز بن محمّد بن علی اُسواری اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از ابوالقاسم عبیداللّه بن عبداللّه و ابی زفر هذلی بن عبداللّه جیرانی ضبّی حدیث شنیده و محمّدبن علی جوزدانی از او روایت می کند.(۳)

عمر ورّاق اصفهانی

ابواحمد عمر بن عبیداللّه بن ابراهیم وراق اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] امام مسجد جامع اصفهان بوده و در سال ۳۶۸ق فوت شده است.

۱- فهرست مختصر مجلس، ص ۶۶۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۷.

۳- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۰.

وی از عبداللّه بن محمّد بن عبدالعزیز روایت می کند و حافظ ابونعیم از وی روایت می نماید.(۱)

عمر رُنانی اصفهانی

ابوحفص عمر بن محمّد بن احمد بن ابی الحسین رِنانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابوالعبّاس احمد بن عبدالغفّار بن علی بن اشته اصفهانی استماع حدیث کرده و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۲)

عمر لفتوانی اصفهانی

ابونصر عمر بن محمّد بن شجاع بن ابوبکر بن ابراهیم بن علی لفتوانی اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] در عصر روز جمعه ۳ ربیع الاوّل سال ۵۰۰ق در خاندان محدّثین و حافظان حدیث در اصفهان متولّد شده و از ابوسعد محمّد بن محمّد بن عبداللّه مطرز، ابوسعد محمّد بن علی بن محمّد کاتب معروف به «سرفرنج» و ابومنصور محمّد بن عبداللّه بن مندویه و غیر آنان حدیث شنیده است.(۳)

[«هفتون» و «لفتون» از دهاب بلوک قُهاب جی اصفهان بوده اند و اکنون به شهر پیوسته و از محلات شهر به شمار می آیند.]

عمر خرقی اصفهانی

ابوطاهر عمر بن محمّد بن علی بن عمر بن یوسف بن محمّد بن عمرو بن زاده خرقی دلال اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن پنجم هجری.] از ابوبکر بن مقری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۵۷.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۵۲۹.

۳- التحبیر، ج۱، ص۵۳۶.

حدیث شنیده است.(۱)

مشارٌ الیه جدّ اعلای ابوطاهر عمر بن منصور بن محمّد بن عمر می باشد.

عمر معدانی اصفهانی*

ابوطاهر عمر بن محمّد بن علی بن معدان ادیب ورّاق اصفهانی معدانی، از محدّثین و ادبای قرن پنجم هجری. از ابوعبداللّه بن منده (محمّد بن اسحاق بن یحیی) و ابوعمرو عبدالوهاب بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن منده اصفهانی و دیگران حدیث شنیده و در حدود سال ۴۵۰ق وفات یافته است.(۲)

عمر خرقی اصفهانی

ابوطاهر عمر بن منصور بن محمّد بن عمر بن محمّد بن علی بن عمر بن یوسف بن محمّد بن عمرو بن زاده خرقی بزّاز اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از خاندان علم و حدیث بوده و از ابوالمظفّر محمود بن جعفر بن محمّد تمیمی دلال، ابوالخیر محمّد بن احمد بن رزاء و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در سال ۵۳۰ق در اصفهان از وی حدیث استماع کرده است.(۳)

عمر اصفهانی

عمر بن نُصیر اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن سوم هجری.] از ابومسعود [احمد بن فرات رازی] روایت می کند.(۴)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۴۲.

۲- اللّباب، ج ۳، ص ۲۳۲.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۴۲.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۶.

عمر اصفهانی

عمر بن یحیی بن احمـد بن عصام (اصـفهانی) [از محـدّثین عامّه اصـفهان در قرن چهارم هجری.] از جـدّ خود احمـد بن عصام روایت می کند و ابوعبداللّه محمّد بن عبداللّه مؤدب از وی روایت می نماید.(۱)

عمر هرندی

عمر هرنـدی ادیب، [از ادباء و فضـلای قرن هفتم هجری.] مؤلّف کتاب «الـدّره و الصّیـدقه» متضـمّن نظم و نثر اوست که جهت محبوب خود نوشته است. حافظ ابن نجّار از او روایت می کند.(۲)

عمران بکری اصفهانی

شریف ابومحمّد عمران بن علی بن معروف بکری اصـفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن ششم هجری.] از ابوحرب نمنام بن ملک بکری حدیث شـنیده و ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث نموده و در سال ۵۴۵ عمران بکری جهت او اجازه نوشته است.(۳)

عمرانی اصفهانی*

عمرانی اصـفهانی، از شاعران پارسـی گوی ایران در قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. او از یهودیان اصفهان است که از اصفهان به کاشان مهاجرت کرده است. عمرانی و

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۶.

۲- معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۰۳.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۶۱۱.

شاهین را از شاعران بزرگ پارسی گوی یهودی ایران دانسته اند. عمرانی در اشعارش از خیام، سعدی و حافظ تأثیر گرفته است. از او منظومه های و اشعار زیادی به جای مانده است که از آن جمله است:

۱. «فتح نامه» ۲. «حنوکانامه» ۳. «انتخاب نخلستان»۴. «ساقی نامه»۵. «قصه هفت برادران»۶. «مناجات نامه عمرانی»۷. «گنج نامه» و غیره(۱)

میرزا عنایت خوزانی

میرزا عنایت بن میرزا مؤمن خوزانی اصفهانی، ادیب شاعر [از شاعران قرن یازدهم هجری.] در هند متولّد شده و همراه پدرش به اصفهان آمده و پس از تحصیل در دفترخانه مستوفی موقوفات چهارده معصوم به محرری پرداخته است. علاوه بر شاعری در سیاق هم مهارت داشته است.

از اوست:

زاهدان را ناله مستانه ز هر قاتل است نعره شیر است تکبیر فنا روباه را(۲)

عنایت اللّه اصفهانی

عنایت اللّه اصفهانی، خطاط [در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری.] نمونه خط نسخ او مورخ چهارشنبه ۱۱ شعبان ۱۳۲۲ق کتاب «ترجمه تاریخ رشیدی» است که در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۳)

۱- متنخب اشعار فارسی از یهودیان ایران، صص ۴۰-۴۵.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۳۶۵.

۳- فهرست عمومی اصفهان، ص ۳۰.

آقا عنایت اللّه اصفهانی*

آقا عنایت اللّه اصفهانی، از نقاشان معروف عهد صفوی است که نمونه کارش در کتاب «پوپ» کلیشه شده است.(۱)

آقا عنایت اللّه اصفهانی*

آقا عنایت اللّه اصفهانی، از میناتورسازان اصفهان در سده یازدهم هجری قمری است که در تشعیر و تذهیب و حل کاری نیز استاد بوده است.(۲)

میرزا عنایت اللّه نجفی جزن آبادی*

میرزا عنایت اللّه نجفی جزن آبادی فرزند شیخ محمّدرضا، عالم فاضل جلیل. در سال ۱۳۱۲ش در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیلات مقدماتی در درس حضرات آیات: حاج آقا صدرالدّین کوپائی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سیّد حسن مدرس هاشمی، سیّد علی اصغر برزانی و شیخ احمد فیاض حاضر شد.

پس از آن به قم رفته و در درس حضرات آیات: حاج آقا حسین بروجردی و سیّد محمّدمحقّق داماد حضور یافت. امّا پس از مدّتی به خاطر بیماری پدر به اصفهان مراجعت نموده و به پرستاری از او پرداخت. در اصفهان نزد حضرات آیات: سیّد ابوالحسن شمس آبادی، سیّد محمّدرضا خراسانی و میر سیّد علی بهبهانی دروس خارج را طی نمود و حکمت و فلسفه را از حاج آقا صدرالدین کوپائی و شیخ محمود مفید فرا

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) ، ص۳۰۴.

۲- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۴۸۲.

گرفت و سال ها از محضر عالم ربّانی شیخ محمّدباقر زند کرمانی بهره گرفت.

او پس از وفات پدرش در مسجد شیره پزها (در محلّه مسجد جامع اصفهان) به اقامه جماعت پرداخت و تا پایان عمر به وعظ و خطابه و ارشاد مردم مشغول بود، تا اینکه در روز ۱۹ آذر ۱۳۸۱ش وفات نمود و در صحن امامزاده ابوالعباس خوراسکان مدفون شد.(۱)

ملاّ عنایت اللّه قهپائی

مولی رکن الدّین عنایت اللّه بن شرف الدّین علی بن محمود بن شرف الدّین علی قهپائی اصفهانی نجفی، [از دانشمندان بزرگ علم رجال در قرن یازدهم هجری.] عالم فاضل محقّق، رجالی کبیر معروف به «زکی نجفی». از شاگردان مقدّس اردبیلی، ملاّ عبداللّه شوشتری و شیخ بهائی و جمعی دیگر بوده و در جمیع علوم متداوله بالاخص رجال و درایه تبحّر و بصیرتی داشته(۲) [است.]

کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله است:

۱. «ترتیب رجال شیخ طوسی» [که در سال ۱۰۱۶ق تألیف شده و نسخه ای از آن به شماره ۲/۱۵۶۹۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)] ۲. «ترتیب اختیار الرّجال» یا «ترتیب رجال کشّی» [که در دوشنبه ۱۷ محرّم ۱۰۱۱ق به اتمام

۱- گلزار فضیلت، صص ۲۸۵ و ۲۸۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۵؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۳۰۲-۳۰۴؛ روضات الجنّات، ج۴، ص۳۹۳؛ الکنی و الالقاب، ج۳، صص ۹۶ و ۹۷؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۳۴۳؛ ریحانه الادب، ج۴، صص ۴۹۷ و ۴۹۸؛ اعیان الشیعه، ج۴۲، ص۲۲۵؛ معجم المؤلفین، ج۸، ص۱۴؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «قهپائی»، ص۵۳۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی) ، ج۱، ص۱۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۴۰۴؛ روضه النضره، صص ۴۲۰ و ۴۲۱؛ مصفی المقال، ص۳۴۳.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۱۵۴.

رسیده و نسخه هایی از آن در کتابخانه علاّمه مفضال آیت اللّه حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۱) همچنین نسخه ای از این کتاب در کتابخانه علاّمه بزرگوار سیّد حسن صدر کاظمی و نسخه دیگر در کتابخانه شیخ عبدالحسین تهرانی در کربلا موجود بوده است.(۲)] ۳. «ترتیب رجال نجاشی» که به خط مؤلف در تاریخ ۱۱ محرم ۱۰۱۸ق و به شماره ۹۷۰۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۳) همچنین نسخه ای از آن در کتابخانه علاّمه سیّد حسن صدر و نسخه دیگر در کتابخانه محدّث نوری در نجف اشرف موجود بوده است.(۴) نسخه ای هم به شماره ۱۳۷۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۵)] ۴. «ترتیب فهرست شیخ طوسی» که نسخه ای از آن به خط مؤلف در کتابخانه ملك و نسخه عکسی آن در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است. نسخه دیگری هم به شماره ۱۵۴۰۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۶) ۵. «حاشیه بر نقد الرّجال» ۶. «مجمع الرّجال» که به همت عالم محقّق مرحوم سیّد ضیاءالدّین علاّمه در ۷ جلد در سال ۱۳۸۸ق به طبع رسیده و تاریخ تألیف آن سال ۱۰۱۶ق بوده است [و نسخه های خطی متعددی از آن موجود است.

فرزندان ملاّ عنایت اللّه (حسن، محمّدمؤمن، نعمت اللّه، عبدالغفور، عبدالحسین) از فضلای قرن یازدهم هجری بوده اند. هرچند در مقام و شهرت به پایه و مایه پدر نرسیدند.]

۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، صص ۱۱۴-۱۱۶.

۲- الذریعه، ج۴، صص ۶۶ و ۶۷.

۳- فهرست مختصر مجلس، ص۱۵۴.

۴- الذریعه، ج۴، صص ۷۰ و ۷۱.

۵- فهرست مرعشی، ج۳۳، ص۷۳۷.

۶- فهرست عکسی احیاء، ج۱، ص۴۱۱؛ فهرست مختصر مجلس، ص۱۵۴.

میرزا عنایت اللّه حکیم شهرضائی*

میرزا عنایت اللّه حکیم معروف به «نجم الاطباء» فرزند فتح اللّه، از اطبّاء حاذق شهرضا در قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۸۶ق در شهرضا متولّد شد و تحصیلات مقدماتی را در آنجا سپری کرد. سپس به اصفهان رفت و نزد جهانگیرخان قشقایی و سایر علمای آن دیار تحصیل کرد. در طب نزد یک طبیب انگلیسی به نام پولاک نمساوی به فراگیری مشغول شد. سپس به تهران رفت و در مدرسه دارالفنون به تحصیلات عالی مشغول شد. او پس از پایان تحصیل به شهرضا مراجعت نموده و به طبابت مشغول بود، تا اینکه در سه شنبه ۲۳ ذی الحجه ۱۳۴۳ق وفات یافت و در مزار امامزاده شهرضا مدفون شد.(۱)

دکتر عنایت اللّه بقراطیان*

دکتر عنایت اللّه بقراطیان فرزند میرزا محمّدکاظم حکیم باشی، طبیب حاذق و عارف سالک در قرن چهاردهم هجری. سال ها در اصفهان به مداوای بیماران مشغول بودو از مریدان مشایخ سلسله گنابادی در اصفهان به شمار می رفت و در روز ۵ ذیقعده سال ۱۳۶۹ق وفات یافته و در تکیه ایزدگشسب (معروف به تکیه گنابادی ها) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲) وی نسخه ای از «مفرّح الرّوح و مفتّح الفتوح» تألیف: میر سیّد فتح اللّه بن محمّدرضا مرعشی شوشتری را در ۴ رمضان ۱۳۲۸ق کتابت کرده که در کتابخانه علاّمه مفضال حاج سیّد محمّدعلی روضاتی در اصفهان وجود دارد.(۳)

۱- تاریخ شهرضا، ج۲، صص ۴۰۶-۴۱۰.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص ۳۸۱ و ۳۸۴.

اجداد او از دوره صفویه تاکنون به طبابت مشغول بوده اند.

میرزا عنایت اللّه اصفهانی

میرزا عنایت اللّه بن محمّدمؤمن بن محمّدباقر اصفهانی، عالم فاضل [از علمای قرن یازدهم هجری.]

مشارٌ الیه دائی صاحب ریاض العلماء (میرزا عبداللّه افندی اصفهانی) بوده و قبل از سال ۱۰۷۴ق یعنی سال وفات پدر صاحب ریاض وفات یافته است.

وی مردی عالم و دانشمند و از شاگردان خلیفه سلطان بوده است. خاندانش اهل دولت و مکنت بوده لکن وی دوستدار علم و دانش گردیده و خدمت جمعی از بزرگان علماء زمان تحصیل کرده و با میرزا عیسی بیگ پدر صاحب ریاض در نزد اساتید همدرس بوده، لکن در جوانی وفات یافته است. وی را کتاب های نفیس و نسخه های زیادی بوده و در کنار برخی از آنها حواشی نوشته است و از آن جمله است «حواشی بر شافیه» ابن حاجب در صرف و غیره.(۱)

دکتر عنایت اللّه تابش

دکتر عنایت اللّه تابش فرزند حاج میرزا هدایت اللّه، از پزشکان حاذق و دانشمند معاصر. در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به دانشکده پزشکی اصفهان راه یافته و موفق به اخذ درجه دکترا شد. در سال ۱۳۳۶ش به آمریکا عزیمت نموده و در رشته قلب ادامه تحصیل داد. در سال ۱۳۴۲ش به ایران بازگشته و ضمن طبابت به تدریس در دانشکده پزشکی اصفهان مشغول شد. کتاب

۱- الذریعه، ج۶، ص۱۰۵؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، صص ۱۷۴ و ۱۷۵.

«فشار خون در اثر ضایعات عروق کلیه» و چندین مقاله در مجلات معتبر علمی از آثار اوست.(۱)

عنایت اللّه حسینی اصفهانی

عنـایت اللّه حسـینی اصـفهانی [از کاتبان اصـفهان در قرن یازدهم هجری.] در سال ۱۰۰۹ق کتابت نسـخه ای از کتاب «توضیح التّذکره» تألیف: نظام الدّین حسن قمی نیشابوری را به خط نسخ به پایان رسانیده است. این نسـخه با نسـخه اصل به خط مؤلف مقابله شده است. در کتابخانه ملی ملک به شماره ۵۷۵۱ موجود است.(۲)

عنایت اللّه طبعی اصفهانی

حکیم عنایت اللّه طبعی اصـفهانی معروف به «حکیم خبّاز»، شاعر ادیب و طبیب حاذق. غزل می سروده و در سال ۹۴۴ق وفات یافته است.(۳) [پسرش ابوعلی نیز از شعرای آن روزگار است.]

از اوست:

از آن نمی کنم اظهار درد پنهانی که عاشقی تو و احوال عشق می دانی

شیخ عنایت اللّه گیلانی

شیـخ عنایت اللّه گیلانی، [عالم فاضل و حکیم ماهر از دانشـمندان قرن دوازدهم هجری. جهت تحصـیل به اصـفهان آمده و در معقول و منقول تحصیل کرده و خصوصا در فلسفه و کلام متبحّر شده و به تدریس در مدارس دینی اصفهان مشغول شد. شیخ

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۱۰۵.

۲- فهرست ملک، ج۱، ص ۱۸۰.

۳- تذکره تحفه سامی، ص۸۶؛ تذکره روز روشن، ص۴۹۸؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۸۵.

محمّدعلی حزین لاهیجی که از خرمن حکمت و معرفت درس او خوشه ها چیده، ضمن شرح حال و ذکر اساتید خود می نویسد:

«در این زمان صیت دانش قدوه الحکماء شیخ عنایت اللّه گیلانی رحمه الله که در اصفهان به افاده مشغول بود و با والد مرحوم دوستی داشت مرا خواهان استفاده ساخت. در خدمت ایشان منطق «تجرید» که از نفایس کتب منطق است با کتاب «نجات» شیخ الرئیس شروع نموده، به انجام رسانیدم و تا آن حکیم دانشمند در اصفهان بود نسبت استفاده در میان بود. پس عازم گیلان شده، در قزوین رحلت کرد.»(۱)

ملّا صدرالدین گیلانی متخلّص به «بینا» نیز در اصفهان نزد او تحصیل کرده است. علیقلی واله داغستانی در ضمن شرح حال این ملّا صدرالدین از ملّا عنایت اللّه با القاب «علاّمه و نادره دوران» و «از اعاظم حکمای عصر یاد کرده است.»(۲)]

در پشت نسخه ای از «الرّساله القشیریّه» به شماره ۴۲۳۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی یادداشتی است که در آنجا نویسنده گوید: شیخ عنایت اللّه گیلانی را در سال ۱۱۳۱ق در قهوه خانه چهارباغ اصفهان دیدار کردم.(۳)

میرزا عوض بیگ اکسیر اصفهانی

میرزا عوض بیگ اصفهانی متخلّص به «اکسیر»، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. در عصر سلطنت شاه جهان پادشاه هندوستان به دهلی رفت و در دارالانشاء شاهی ملازم گردید.

از اوست:

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۶۹.

۲- تذکره ریاض الشعراء، ج۱، ص۴۲۱.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۲۵۲.

تمام عمر نگاهم به بام و در فرسود چو یار جلوه گر آمد نظر ز پا افتاد(۱)

عوض بیگ بن صالح بیگ

عوض بیـگ بن محمّدصالـح بیـگ، از اُمراء و بزرگان اواخر عهـد صـفویه و دوران نادرشاه شاعر ادیب متوفی به سال ۱۱۷۵ق مدفون در گورستان ستّی فاطمه جنب قبر علاّمه میر سیّد علی طباطبائی. صاحب «دیوان اشعار» و «سفینه الشعراء»(۲)

حزین گوید: عوض خان حاکم لار، معدلت شعار و در کمال سنجیدگی و مردمی است. این شعر از اوست:

دلم را بس که چین جبهه زاهد غمین دارد نمی خواهم ببینم روی زلفی را که چین دارد(۳)

عوض علی رضوانی باغبادرانی*

عوض علی رضوانی فرزند کربلائی فتح اللّه لای بیدی، از شـعرای معاصـر ناحیه لنجان اصفهان. در سال ۱۳۰۵ش در قریه «لای بید» میمه متولّد شد و پس از تحصـیل در شـهرهای اصفهان و تهران و روستاهای چهارمحال و بختیاری ساکن بود و علوم ادبی و قرآن را تـدریس می کرد. شـعر نیز می گفت و «رضوانی» تخلّص می کرد. اغلب اشـعارش در مـدح و مرثیه چهارده معصوم علیهـم السـلام است. رضـوانی در جمعه ۱۱ صـفر ۱۴۰۰ق مطـابق با ۲۸ آذر ۱۳۵۹ش در «باغبـادران» لنجـان وفـات یافته و در گلستان شهدای آنجا به خاک سپرده شد. اشعارش با عنوان در دیوان اشعار فرزندش غلامعلی رضوانی به چاپ رسیده

۱- تذکره روز روشن، ص۷۲؛ الذریعه، ج۹، ص۸۹؛ کاروان هند، ج۱، ص۸۲.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۵۳.

۳- تذکره المعاصرین، ص۱۸۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۶.

است.

این رباعی از اوست:

دانی ز چه بی حجاب می خندد صبح افکنده ز رخ نقاب می خندد صبح

این غمکده چون مقام خندیدن نیست بر خنده آفتاب می خندد صبح

عیسی مترجم

عیسی، مترجم مخصوص ظل السّلطان، مترجم «تاریخ پرتغال» که آن را در ربیع الآخر ۱۳۰۲ق به خط نستعلیق نوشته و نسخه آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

استاد عیسی اصفهانی

استاد عیسی اصفهانی، معمار و بنّا در قرن دهم هجری. [او] متصدی ساختمان تاج محل در هندوستان [است که] به دستور شاه جهان در قرن دهم هجری (۱۶۱۲م) [آن را ساخته است.]

دکتر عیسی علاج

سرهنگ دکتر سیّد عیسی علاج فرزند بهاءالدین بن محمّدحسین طباطبائی زواره ای، از پزشکان معروف به حذاقت و استادی مشهور [در قرن چهاردهم هجری.] فوت شب سوّم شعبان ۱۳۶۰ق (مطابق ۳ شهریور ۱۳۲۰ش) مدفون در اطاق حیاط کوچکی در جنوب تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد.(۲)

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۲.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۵.

[از سادات سیّد روح اللّه و از احفاد دختری میر محمّدمهدی حکیم الملک اردستانی بود. در حدود سال ۱۳۰۰ق در محلّه فهره اردستان متولّد شد. در اردستان و اصفهان و تهران به تحصیل پرداخت و در رشته طب در مدرسه دارالفنون به اخذ درجه دکترا نائل شد.

در جنگ جهانی اوّل به استخدام پلیس جنوب (که از طرف دولت انگلستان تأسیس شده بود) درآمد و مدّت ها به طبابت مشغول بود. او جرّاحی را از پزشکان انگلیسی آموخت و در این رشته مهارت یافت. او با انحلال پلیس جنوب، به بهداری ارتش منتقل شد و تا مدّت ها ریاست بهداری لشکر شیراز و اصفهان را عهده دار بود. وی بعدها با درجه سرهنگی بازنشسته شد و در اصفهان مطب دایر کرد.(۱)

شاعر توانا استاد فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) ضمن مرثیه ای در مادّه تاریخ فوت او گوید:

کلک «بُرنا» از پس سال وفات او نوشت: «در علاج و در طبابت ماهری جو چون علاج»(۲)]

عیسی بیگ جیرانی تبریزی

عیسی بیگ بن محمّدصالح بیگ جیرانی تبریزی اصفهانی، از علماء و فضلاء و محقّقین [در قرن یازدهم هجری و ساکن اصفهان] بوده و [در اصفهان از درس محمّد بن علی اصفهانی (شاگرد شیخ بهائی و میرداماد) میرزا علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، مولی محمّدتقی مجلسی، مولی حسنعلی شوشتری، میرزا رفیعای نائینی، آقا حسین خوانساری، علاّمه ملا محمّدباقر مجلسی، علاءالدّین محمّد گلستانه و مولی محمّدصادق کرباسی

۱- اردستان نامه، ج۱، ص۵۹۴.

۲- شرح مجموعه گل، ص۴۸۹.

بهره گرفت. او از مشاغل دنیوی و مناصب دولتی احتراز کرده و عمر خود را به تحقیق و تألیف گذرانیده و به کتابت و تصحیح نسخ خطی مشغول بود و خط زیبائی داشت. او در حدود سال ۱۰۳۳ق متولّد و] در سال ۱۰۷۴ق وفات یافت. فرزندش دانشمند و تراجم نویس مشهور به میرزا عبداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» است. کتب زیر از اوست:

۱. «تفسیر قرآن» ۲. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه»۳. «رساله در طرز قسم دادن اهل کتاب»۴. «رساله در حکم رؤیت هلال قبل از زوال»۵. «شرح دروس» ناتمام [۶. «حواشی بر کتب اربعه»(۱)]

عیسی اصفهانی

ابوموسی عیسی بن عبدالسّلام اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از عبداللّه بن محمّد بن یزداد اصفهانی حدیث شنیده و هشام بن عبیداللّه از او روایت می کند.(۲)

دکتر عیسی صدیق

دکتر عیسی صدیق ملقّب به «صدیق اعلم» فرزند میرزا عبداللّه صدیق التّجار اصفهانی، [نویسنده و دانشمند معاصر.] در سال ۱۲۷۳ش متولّد گردیده [و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در طهران طی نمود. سپس به فرانسه رفت و در رشته ریاضی تحصیل کرد و به ایران بازگشت. مدّتی مدیر داخلی روزنامه «مرد آزاد» بود. در سال ۱۳۰۹ش به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۹۶؛ ریاض العلماء، ج۴، صص ۳۰۶-۳۰۸؛ الذریعه، ج۷، ص۱۰۳؛ ج۱۱، ص۳۰۹؛ ج۱۳، ص۲۴۴ و ج۱۵، ص۷۸؛ الروضه النّضره، ص۴۲۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۶.

آمریکا رفت و در رشته فلسفه در دانشگاه کلمبیا تحصیل کرد و دکترا گرفت و به ایران بازگشت و ریاست دانشسرای عالی را برعهده گرفت. او در تأسیس دانشگاه تهران هم نقش داشت. او در چندین کابینه وزیر فرهنگ بود و نمایندگی مجلس سنا از دیگر فعالیت های او بود.] وی سرانجام در سال ۱۳۹۸ق [مطابق با ۱۶ آذر ۱۳۵۷ش] وفات یافت.

دکتر عیسی صدیق دارای تألیفات عدیده است:

۱. «تاریخ فرهنگ ایران» ۲. «تاریخ مختصر آموزش و پرورش» ۳. «حقوق بین الملل»۴. «روش نوین در تعلیم و تربیت»۵. «سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین»۶. «یادگار عمر» یا «خاطراتی از گذشته»۷. «یکسال در آمریکا»(۱)

عیسی اصفهانی

عیسی بن محمّدعلی اصفهانی، از فضلاء قرن ۱۳ و مولف کتاب «سراج الانوار» به فارسی، در حکایات اخلاقی و مواعظ در بیست باب [است.] تاریخ تألیف ۱۲۱۵ق می باشد. نسخه در کتابخانه سیّد جلال الدّین محدّث ارموی موجود بوده است.(۲)

عیسی مذکر اصفهانی

ابوعقیل عیسی بن محمّد بن عیسی مذکر اصفهانی، [از محدّثین عامّه اصفهان در قرن چهارم هجری.] از عبداللّه بن جعفر و جمعی دیگر روایت نموده است.(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۰۱؛ نادره کاران، ص۳۹۷؛ فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، ص۳۶۸؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۴، ص۶۵۰؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۴، صص ۲۰۰-۲۰۵.

۲- الذریعه، ج۱۲، ص۱۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۶.

میرزا عیسی خان افتخار الحکماء

میرزا عیسی خان افتخار الحکماء فرزند میرزا موسی خان ناظم الاطبّاء طبیب حاذق، ادیب کامل و شاعر فاضل. [از اطباء اواخر دوره قاجاریه.] از خاندان علم و حکمت. در ۲۰ ماه صفر سال ۱۳۲۰ق در طهران وفات یافته و در ایوان مقبره ناصرالدّین شاه [در شهری] مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

پوشید سیه چه «شارق» اندر تاریخ: «سوسن ز عزای میرزا عیسی خان»(۱)

استاد عیسی بهادری*

استاد عیسی بهادری، هنرمند توانای معاصر. در سال ۱۲۸۴ه.ش در یکی از بخش های تابعه اراک به نام «بزچللو» در مزرعه خانوادگی به نام «آقچه کهریز» متولّد شد و پس از تحصیلات معمول به تهران رفت و در مدرسه کمال الملک (مدرسه صنایع مستظرفه) به فراگیری نقاشی طبیعت پرداخت. او از روی عشق و علاقه به اصفهان می آمد و با دقت نقوش و تزئینات هنرمندانه کاشی کاری ها و گچبری های آثار تاریخی اصفهان را می نگریست و درباره آنان تحقیق می کرد.

او پس از اتمام تحصیل به استخدام اداره هنرستان هنرهای زیبای تهران درآمد و ضمن تدریس در آنجا به خلق نقشه های فرش مشغول شد. در سال ۱۳۱۵ش به اصفهان آمده و سرپرستی هنرستان هنرهای زیبای این شهر را به عهده گرفت و برای پی ریزی این هنرستان زحمات بسیار کشید.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۴۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۲.

وی در خلق نقشه هـای ابتکـاری فرش مهارتی استثنائی داشت و در نقاشـی چیره دست بود. از ابتکارات قابل توجّه او اسـتفاده هنرمنـدانه از گـل و برگ و پرنـده به جـای اشـکال هندسـی بر روی میزهـای خاتم است. او در طراحی نقوش متبّت، موزاییک کاشـی، زری، قلمزنی و غیره مهـارت داشت و تمـامی آثارش ابتکاری و خلاقانه هسـتند. او در عمر خود به دریافت نشان های هنری متعددی از نمایشـگاه های دنیا از جمله «دونور» و مدال طلا از نمایشگاه های «بروکسل» و نشان علم و هنر از فرانسه نائل شد.

اسـتاد بهادری معلّمی هنرمنـد و دلسوز بود و آنچه را که می دانست در اختیار شاگردان خود می گـذاشت و شاگردان ارزنـده ای همچون رستم شیرازی، پورصفا و فرشچیان را تربیت کرد که اکنون شهرت آنان از مرزهای کشور به بیرون رفته است.

وی ۳۰ سـال عاشـقانه و صادقانه در مقام ریاست هنرسـتان هنرهای زیبای اصـفهان خـدمت کرد و به اشاعه هنر و تربیت اساتید هنرمنـد اهتمام ورزیـد و آنگاه که از آنجا به عنوان مـدیرکلی صـنایع اصـفهان منصوب شد دو سالی بیشتر در آن مقام نماند و بازنشسته شد.

او پس از اسـتقرار نظام جمهوری اسلامی به فرانسه رفته و در سال ۱۳۶۵ش درگذشت و در قبرستان «پرلاشز» پاریس به خاک سپرده شد.

آقای حسن صدر متخلّص به «سالک» مادّه تاریخ وفات او را طی مرثیه ای چنین گوید:

گذارد پای ادب را به پیش «سالک» و گفت: «در آسمان هنر زنده است و جاویدان»

۳+۱۳۶۲=۱۳۶۵

از آثار هنرمندانه او طرح یک قالی با عنوان «بشریت» و تابلوهای نقاشی «مجلس

ابن سینا» (موجود در موزه «لوور» فرانسه) را می توان نام برد.(۱)

عیسی شعاعی نائینی*

عیسی حسین خانی نائینی متخلّص به «شعاعی» فرزند محمود، از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۷ش در نائین متولّد شد. در کودکی پدر را از دست داد و به این خاطر در ۱۰ سالگی به اصفهان آمد و پس از طی تحصیلات ابتدائی، ابتدا در شهرداری نائین و سپس در شهرداری اصفهان به خدمت پرداخت. وی از سال ۱۳۳۷ش در اغلب انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن های کمال، صائب و سعدی شرکت می کرده و اشعارش در برخی نشریات و مجموعه ها به چاپ رسیده است. مرحوم بقائی در کتاب خود، تخلّص او را «شجاعی» ذکر کرده است. این بیت از اوست:

ساقی بریز باده که آمد بهار گل می خور به یاد سرو قدی در کنار گل(۲)

عیسی قلی سالم اصفهانی

عیسی قلی شیرانی بیدآبادی متخلّص به «سالم» فرزند نوروزعلی، شاعر ادیب معاصر. در سال ۱۳۰۰ش در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد شده و پس از اندکی تحصیل به شغل بافندگی مشغول گردید. از نوجوانی طبع شعر داشته و در انجمن های ادبی همچون کمال و سعدی شرکت می نموده است. در سرودن انواع شعر به ویژه تضمین و اشعار انتقادی و اجتماعی توانایی داشت. [او در ۳۰ مهر ۱۳۷۱ش وفات یافت و در قطعه ۲۴ قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد. شاعر توانا میرزا فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) در

۱- طراحان بزرگ فرش ایران، صص ۲۲۰ و ۲۲۳؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان) ، ص ۳۵۰؛ دائره المعارف هنر، ص۱۰۴؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص ۱۳۱.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص ۴۳۰؛ تذکره سخنوران نائین، ص ۶۶.

ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ او را چنین سروده است:

سال وفات وِرا، خامه «برنا» نوشت: «مکین مینو شود سالم اهل سخن»]

از اوست:

تا گشته ام بر آن بت لیلی صفت اسیر دیوانه وار کوه و بیابانم آرزوست

بی ماه عارض تو شده روز من چو شب نور رخت به کلبه ویرانم آرزوست

از بس که خار هجر خلیده به پای دل از باغ وصل تو گل و ریحانم آرزوست(۱)

عیسی قلی خان بختیاری

عیسی قلی خان [بهادرزاده] متخلّص به «عیسی» [فرزند موسی خان بهادرالسّلطنه بختیاری] در سال ۱۳۳۰ق متولّد شده و در محل تولّد خویش به اندازه مقدور تحصیلات کرد و سپس به زراعت و شکار روزگار گذراند. گاهی شعر می سرود.(۲) [تحصیلات ابتدائی را در مدرسه بختیاری شهرکرد انجام داد. مدتی در اصفهان و تهران بود. زمانی هم در دوران قدرت خوانین در کرمان مصدر خدماتی گردید. اخیرا به کمک سلطان مراد بختیار در کارخانه قند اصفهان به کار مشغول شد.(۳) وی سرانجام در روز ۱۱ ۱۳۶۵ش وفات یافته و در قطعه ۶ قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۴)]

این بیت از اوست:

سخن از لبت شیرین چو بیاید به میان یادی از درد درون دل فرهاد کنید

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۳۴ و ۲۳۵؛ بزم ادب، ص۱۹۶؛ راز دل نصیر، ص۱۶۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم) ، ص۳۶۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۳۷.

۳- شناخت سرزمین بختیاری، ص۵۲۶.

۴- سایت اینترنتی یادبود (آرامستان های اصفهان) .

عین القضات اصفهانی

عین القضات بن محمّد اصـفهانی، خطاط نسخ نویس [در قرن دهم هجری.] از آثارش: کتابت «قواعد الاحکام» علاّمه حلّی که به خط نسخ در سال ۹۰۹ق کتابت نموده و نسخه به شماره ۱۱۴۱۸ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

۱- فهرست وزیری، ج۱، ص۴۰۹.

فهرست

ص: ۹۲۹

ص: ۹۳۰

ص: ۹۳۲

ص: ۹۳۴

ص: ۹۳۵

ص: ۹۳۷

ص: ۹۳۹

ص: ۹۴۲

ص: ۹۴۷

برخی از منشورات کتابخانه عمومی آیه اللّه نجفی

ایران اصفهان مسجد نو بازار

۱. تبصره الفقهاء (۳ جلد) ، تألیف: فقیه محقّق و اصولی مدقّق آیه اللّه العظمی آقای شیخ محمّدتقی رازی نجفی اصفهانی صاحب هدایه المسترشدین فی شرح اصول معالم الدین (متوفی ۱۳۴۸ق) ، تحقیق: سیّد صادق حسینی اشکوری.

۲. رساله صلاتیه، تألیف همو، تحقیق: شیخ مهدی باقری سیانی.

۳. شرح هدایه المسترشدین، تألیف: آیه اللّه العظمی حاج شیخ محمّدباقر نجفی اصفهانی (متوفی ۱۳۰۱ق) ، تحقیق: شیخ مهدی باقری سیانی.

۴. اشارات ایمانیه، تألیف: آیه اللّه حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی اصفهانی (متوفی ۱۳۳۲ق) ، تحقیق: مهدی رضوی، با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران.

۵. مجدالبیان در تفسیر قرآن، تألیف: آیه اللّه العظمی حاج شیخ محمّدحسین نجفی اصفهانی، گزینش و ترجمه: سیّد مهدی حائری قزوینی، با همکاری دارالتفسیر قم.

۶. نقد فلسفه دارون، تألیف: آیه اللّه العظمی ابوالمجد شیخ محمّدرضا نجفی اصفهانی، تحقیق: دکتر حامد ناجی اصفهانی، با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۷. ترجمه ارشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان، تألیف: علاّمه حلّی، ترجمه: آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی اصفهانی، تصحیح و تحقیق: مهدی باقری سیانی و محمود نعمتی، با همکاری انجمن مفاخر فرهنگی ایران.

۸. أساور من ذهب در شرح حال حضرت زینب علیهاالسلام ، تألیف: آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی اصفهانی (متوفی ۱۳۹۳ق) ، تحقیق: جویا جهانبخش.

۹. الأرائک فی علم الاصول، تألیف: آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی اصفهانی، توسط The open school شیکاگوی آمریکا.

۱۰. ترجمه توحید مفضل به انگلیسی، به امر آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی اصفهانی (متوفی ۱۳۹۳ق) ، توسط The open school شیکاگوی آمریکا، و انتشارات انصاریان قم.

۱۱. الآراءُ الفقهیّه قسم المکاسب المحرمه (۳ جلد) و قسم البیع (۱) و (۲) ، جمعا تاکنون ۵ جلد، تألیف: آیه اللّه شیخ هادی نجفی.

۱۲. أجود البیان فی تفسیر القرآن (الجزء الثالث) ، تألیف: آیه اللّه شیخ هادی نجفی.

۱۳. غرقاب، تألیف: علاّمه سیّد محمّدمهدی شفتی (متوفی ۱۳۲۶ق) ، تحقیق: مهدی باقری سیانی و محمود نعمتی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹